

تاریخ منتظم

ناصری

جلد سوم

محمد حسن صنیع الدولہ اعتماد السلطنہ

بہ تصحیح

محمد اسماعیل رضوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ تَقَى

بار خدایا از بیان حمد و ثنائی که سزای درگاه کبریای تو باشد درمانده و قاصریم، و از ادای شکر نعماً و آلاءِ بی‌مُنْتَهَا که عطا فرموده [ای] ناکرده و مُقَصَّر. جهانی که نزدیکان و مقربان حضرت را به عجز و ناتوانی اقرار است، و ضعف بشریت مایهٔ تحبیر و مانع استکمال اطوار، از ما نیاید نه ستایشی که باید نه پرستشی که شاید. کمال عبادت و غبودیت ما اینست که رسولان کریم و پیمبران باتکریم را از روی قلب و لسان به مهر و امتنان پیروی کنیم، و بدین دست درِ دُوشِتی و بندگی زنیم، آل و اولاد ایشان را گرامی داریم، و وسایل و وسایط رستگاری شماریم. پس دست آویز ما درین عالم جهولی و نادانی، و شدت خمولی و توانی، ذیل کرامت و ظلّ حمایت و شفاعت پیغمبر برگزیده، و رسول مُرسل مختار است، و ولای عترت طاهرةٔ بزرگوار علیهم صلوات الله و سلامه مادامت الشمس شارقه فی رابعة النهار

اقا بعد بزرگترین مطلب و مراد نگارنده که به توفیق قادر متعال عزّ اسمه سمت حصول می‌یابد، و امیدوار است که به عزّ قبول ولی نعمت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه، خسرو عادل کار آگاه، السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار آید، الله تعالی بنصره العزیز نیز مقرون شود، نگارش تاریخ سلسلهٔ جلیلهٔ قاجار، و این طبقه از سلاطین باتمکین تاجدار است. چه جملهٔ مؤلفات که به تحریر آن پرداخته، و در سنوات ماضیه مرتّب و مُدوّن ساخته، نسبت به این تألیف مُنیف در حکم مقدماتست، و این مُجلّد که

نام نیک و مآثر معظمه اُروغ بافروغ مشارالیهیم خلدالله مُلکهم را مخلص می سازد به منزله نتیجه می باشد. چونکه چنین است و فایده ترتیب آن صُغری و کُبری، این می توانم گفت که به منتهای آرزو و مأمول خود نایل آمده، و مسئول و مقصود خویش را حاصل کرده لهذا — از بخت شکر دارم و از روزگار هم — و اگر این تاریخ قاجاریه که جلد سیم منتظم ناصری است به وضع مجلدات سابقه سال به سال، ولی مفصل و مبسوط چنانکه شروع نموده بعون الله تعالی به پایان رسد، عنایتی است که از الطاف خفیه خداوندی شامل حال و مورث ازدیاد خوش بختی و اقبال این بی مقدار گشته، و به نحو اختصار و اجمال، ذینی که از سلاطین بزرگوار قاجار به واسطه بذل نعم وافر، و عواطف متکاثره، بر ذمت ورقه این بنده و آباء و اجداد است ادا شده، و ارباب خبر دانند که پدران و نیاکان مؤلف نیز چون خود در این دودمان خلافت نشان همواره با عز و شأن به خدمت مشغول و به احسان و اکرام مشمول بوده اند و در مقابل آن نعمت بی قیاس این خدمت قلیل عرض تشکر و سپاس است.

پوشیده نیست که جلد دوم منتظم ناصری به شرح وقایع سنه هزار و صد و نود و سه که سال انتقال کریمخان زند است ختم شد و این مجلد می باید به حوادث سنه هزار و صد و نود و چهار ابتدا شود، اما اگر قبل از شروع به آن وقایع، تمهید مقدمه ای ننماید چنانکه باید و شاید کتاب جامع نباشد و مرام کامل نگردد. چه ذکر نسب جلیل فرخنده ایل قاجار و بیان سیر و آثار معظمه اسلاف و آباء ملوک کامکار این سلسله علیّه باتمکین و وقار، در این محلّ و مقام از رؤس مسائل و مُعظّمات مطالب و مهام است، تا اهمالی در این باب نشود و اغفالی در فتح ابواب و بسط اسباب بکار نرود بدو به ایراد مقدمه می پردازد تا کار را بر مطالعه کنندگان سهل و آسان سازد این تألیف به درستی و راستی وافر گردد، و فقط همین مجلد برای استدراک کلیّه منظور و مقصد کافی باشد.

همچنین مخفی نماند که درین کتاب نیز همان سبک و طریقه را که در مجلدات سابقه منتظم ناصری اختیار کرده ایم ملحوظ و مرعی خواهیم داشت، یعنی پس از اتمام و تحریر وقایع داخله ممالک محروسه، و نگارش سیر ملوک مُعظّمه،

هر سال حوادث مهمه واقعه در تمام روى زمين و اقطار كره ارض را مسطور خواهيم نمود، و صاحب نظران كه تتبع و تصفح صحايف و كتب اخبار يكي از شئون و افكار پسندیده ايشانست دانند كه اتفاقات و سوانح عظيمه مائه نوزدهم مسيحي يا قرن سيزدهم هجرى چندان اهميت دارد و جاذب نظر دقت و اطلاع است كه شايد آن نيز بر درجه حسن و محسنات اين كتاب بيفزايد. وفي المثل چون ياره و خلخال دست و ساعيد شاهدان بديع الجمال باشد. و من الله التوفيق في كل الاحوال.



مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

مقدمه

مورّخین معتبر و مُصنّفین محترم مائه سیزدهم هجری در اصل اصیل^۱ و نسب باتبجیل ایل جلیل قاجار، و امرای این سلسله باشوکت و اقتدار، هریک بقدر مساعدت کتب و اسباب، و جمع آوری دفاتر و اسناد، و بذل جهد و اجتهاد، استقصائی نموده اند و شرحی نوشته. بنابراین پسندیده و بهتر آنست که ما اولاً بعضی مسطورات ایشان را عیناً، و برخی را بطور خلاصه و تنقیح عبارت ذکر و ایراد کنیم، بعد از آن خود به راه تحقیق و تدقیق بونیم، و آنچه را صواب و مُوشع به تصدیق اولی الالباب است و مطابق با واقع دانسته و سنجیده ایم به زبان قلم آورده و گوئیم. پس شروح مزبوره از قرار ذیل است:

در کتاب ملوک الکلام که مرحوم آقای میرزا تقی علی آبادی از رجال معظم از قول خاقان خلدآشیان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه نوشته چنین مسطور است:

۱. در روضة الصغای ناصری «اصل اثیل» آمده است که منبع الدوله یا همکاران او شاید به قصد تصحیح آن را «اصیل» کرده اند. در حالیکه در بیان مجد و شرف و استواری و استحکام یک خاندان «اثیل» مناسب تر و رساتر است. «الأثال بالفتح: المجد و بالضم: اسم جبل. تقول «له أثال كائنه أثال» ای مجد کائنه تجبل. «مجد مؤنث و اثیل» ای اصیل (اقرّب الموارد) کلمه اثل یکبار در قرآن سوره ۳۴ (سوره سباء) آیه ۱۶ به کار رفته است، مفسرین آن را گز، شورگز، و درخت بزرگ از گز، معنی کرده اند و چون چوب گز استحکام زیادی دارد شاید مجازاً کلمه «اثیل» به معنای محکم و استوار و پایدار آمده است. بهر حال تبدیل «اثیل» به «اصیل» یا سهواست یا تصحیح نادرست.

نخست گوهر پاکم پیش از آرایش آب و خاک، از صلب پاک ترک بن یافت بن نوح تا زمانی که مقتضی ظهور گشت شاناً بشان و حالاً بحال تکمیل ترتیب پذیرفت. تفصیل این اجمال آنکه ایل جلیل قاجار از اروغ میمون آق قوینلوی ترکمانیه، و آن قبیله نبیله از اولاد ترک بن یافت بن نوح که به یافت اغلان مذکور، و به کثرت اولاد و اخفاد مشهور قبایل و عشایر نتیجه یک نسل، و فرع یک اصل از او منشعب گشته، پس از تسخیر ممالک شرق و شمال، در ترکستان و چین و صقلاب و ختا و ختن جای گیر شدند. دو طایفه از آن ملقب به آق قوینلو و قراقوینلو، اکثری از بلاد روم و شامات و دیاربکر را به حیطة تصرف درآورده به عزیمت ایران مُصمّم، و در اندک زمان ایران را مسخر و آن را به سه قسمت کردند، که متون تواریخ و بطون اخبار از آثار و کردار سلاطین بااقتدار آن دو طایفه حاکی و حاوی است. جمعی در گنجه و تبریز و ایروان ساکن، و رأیت سلطنت در ممالک آذربایجان و گرج و عراق و فارس افراختند. آبای کرام و اجداد باعدل و داد ما در استرآباد و گرگان بعد از استیلا بر ترکمانان دشت قبیچاق تمکن و بهره‌ای در مرو شاه‌یجان توطن جسته بر اکثر بلاد خراسان حکمران و فرمان‌روا شدند. شاه‌قلی خان پدر پنجم ما که سرخیل آن انجم بود پس از انقضای مدت حکمرانی ازین جهان فانی درگذشت و زمام اختیار آن حدود به فرزند ارشد خود فتح‌علی خان باز گذاشت، او امیری بود پادشاه‌نشان، به معاضدت شمشیر و مساعدت تدبیرش دولت علیه صفویه را استقامت و استحکام تمام حاصل بود. پس از شهادت او مظهر جلال خداوند قهار نادرشاه افشار چندی به هتک و خرق و خرق، ممالک ایران و ترکستان و هندوستان را برآشوبته ایران را ویران گذاشته درگذشت. برحسب قاعده روزگار که (بنوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای) بنوبت سلطنت موروث به محمدحسن خان فرزند رشید خان سعید رسید. و او پادشاهی مؤدب نفس، مجرب عقل بود. خصایل ملکی با کمال انسانی جمع داشت. به طیب خلق، و زیب خلق، و عقل کافی، و عدل وافی، در اندک مدت

ممالک عراق و فارس و آذربایجان چون قلوب جمهور ناس مسخر و مغلوب ساخت. پس از انصراف مهلت، و انصرام مدت، بر عادت زمانه ناپایدار زمانش بسرآمد، و زمانه پدر به ضمان پسر آمد. و از آن پادشاه هفت پسر خلف ماند. هریک در اقتحام و اصطلام، مقاتل لشکری و مقابل کشوری. پدر نامدارم حسینقلی خان ملقب به جهانسوزشاه، و عم تاجدارم محمدشاه، که در روضه رضوان قرار، و دم بدم رحمت یزدان بر روح پاکشان نثار باد، اختریک برج و گوهر یک درج، در عرصه ممالک شایان تخت و تاج، و از سلاطین زمان ستاننده رخت و باج. مانند یوسف و ابن یامین از یعقوبیان محسود برادران گشتند. بر این اختلاف چندی امور سلطنت و استیلای بر ممالک مهمل، و کار دولت و ملک مختل ماند. اختر ایرانیان تیره و دشمنان چیره. زناده ظلم و عناده زندواری، و چهره عدل و انصاف در پرده متواری ماند. عم تاجدارم در شهر شیراز چون بیژن اسیر چاه، و پدر شمشیرگذارم تا از چاه به جاهش نشاند، مغرور بر تاج زر، کمان و کماند بر حمایل گهر، نطق شمشیر بر کیانی کمر، نمد زین بر خسروانی بستر برگزیده، داستانوار، داستانهای مردی و مردانگی در روزگار به یادگار گذاشت.

به روز و شب پی رزمش نه روز بود و نه شب

ز ماه و خور پی بزمش نه خواب بود و نه خور

به چابکی و دلیری چنوسوار ندید

اگرچه پور پشنگ و اگرچه رستم زر

همیشه تیرش پیش از خیال در دل خصم

به فرق تیغش پیش از نهادن مغر

عاقبت به همان اختلاف به شهادت سعادت یافت. پس از تبدیل چندی از لیل و نهار، و تحویل این دو شباننده بی مدار، (اقبال را به وعده وفا کرد روزگار) کریمخان زند که باعث آن کار ناپسند بود از ادمان شراب، و ایمان خراب، چون نقش بر آب، و موج سراب، از هستی ناچیز ماند. از تخت به تخته رفت، و از گاه به خاک سیاه خفت.

از محاق قضا برون شد ماه وز عری خطر برون شد شاه

عم نامدارم از شهر بند شیراز چون شاهباز به جانب آشیان به پرواز آمد، دواسبه راه مازندران گرفت. انتهى.

مرحوم میرزا ابوالقاسم قایم مقام از وزراء و ارکان دولت خاقان علیین مکان فتحعلی شاه طاب ثراه، در کتاب شمایل خاقان گوید: ایل جلیل قاجار را نسب به ترک بن یافت و اغوزخان می رسد، و شرح مبسوطی در این باب می نگارد که خلاصه آن از قرار ذیل است:

واقعی گوید: ترک بن یافت با کیومرث بن جهان ایران معاصر بوده و هردو در یک عصر واضح رسم سلطنت شده اند، بعد از آن بعضی از اولاد سام و حام در ممالک یمن و هند و حبشه و شام دارای داعیه اقتدار و احتشام گردیدند. بنابر مستطورات تواریخ، ترک بن یافت اول خاندان ملک مشرق است و از نسل او چهار فرزند بوجود آمد بزرگتر از همه فوژک بود که در کودکی در ساحل رود سئلوک صید ماهی نمود لقمه ای چند تناول فرمود، اتفاقاً پاره ای گوشت بریان از دست او در قطعه زمینی شور افتاد چون آنرا برگرفت آلوده به نمک شده بود. ذائقه او را از طعم نمک خوش آمد وقت شام صورت حال را به عرض پدر رسانید و خاص و عام را بعد از آن میل تمام به استعمال نمک حاصل شد و معدن نمک از ترکان پدید آمد. بالجمله رأیت اقتدار ترک در تمامی ملک پدر و املاک برادران چنان افرخته گشت که با آنکه ایشان مانند غز و خلج و چین و سقلاب را مالک بودند و حدود و سنورشان با یورت مخصوص ترک آشکار و معلوم، باز اکنون در تمام رُبع مسکون جملگی را در حکم یک مُلک دانند و بنام ترک خوانند و او مهتر فرزندان خویش را برای ولایت عهد بهتر دید لاجرم مقالید ملک را به او عطا کرده ایلینجه خان لقب داد تا کارهای خطیر کند و برجمله امیر باشد و خود شهریاری قادر قاهر بود که بر عموم ایلات و احشام و اقارب و بنی اعمام از فرط کیاست برتری و ریاست یافت و به نفس خویش در محلّ موسوم به یورسوق و قازقوم و جیال اورتاق و کورتاق بیلاق و قشلاق می کرد، و آن دو کوهی است شامخ و عظیم که از متزهات عالم است. خواجه ادیب فضل الله طیب نام آن شهریار را در جامع رشیدی ابولجه خان ضبط کرده است، و بعضی این لقب را مخصوص ترک بن یافت دانسته قومی دیگر

برآیند که این خود بی واسطه فرزند نوح نبی است. و علی ای حال اختلافی در این نیست که حضرتش واسطه طلوع انوارِ حُسن از ناصیه جمالِ دیب باقوی خان بوده، و این اسم علم مرگب منقول است، چه در اصطلاح اتراک دیب مقام و جاء و تخت باشد، و باقوی خدیو پیروز بخت، و در انتقال جمالِ حُسن از مظهر وجود او به پیکر شهود قراخان اختلاف روایاتست. بنابر مسطورات تاریخ رشیدی قراخان بی واسطه غیر از صلب دیب باقوی خان بوجود آمده، لیکن در تواریخ مشهور چنین مسطور است که بعد از دیب باقوی فرزند مهین او گیوک مهتر ترکان بود و ولایت عهد ملک را به فرزند خود آلهجه خان^۱ تفویض نمود مغول و تاتار ازو بوجود آمدند و هردو را وارث تخت و دیهیم کرد، و ممالک خویش بدیشان تقسیم نمود، از صلب مغول نیز چهار فرزند ذکور موجود گردید، و هر چهار کافر و نابکار بودند. از جمله قراخان بود که در عهد او احدی را مجال اقرار توحید و خیال تقدیس و تمجید ممکن نمی شد. و از قراخان اُغوزخان بوجود آمد، و ترکان را در ولادت او اعتقادی چند است که اسناد آن جز به انبیا و اولیا شایان نیست. از جمله گویند پس از تولد تا سه روز کام و دهان به شیر مادر نیالود و هر شب در عالم خواب به مادر خطاب می کرد که شیر تو وقتی خواهم خورد که مؤمن و حق شناس باشی. و بعد از آنکه مادر او داخل دین حنیف گردید اغوز لب به پستان او گذاشت و شیر نوشید. و آن دین داری پنهان بود تا عمر کودک به یکسال رسید، قراخان به رسم ترکان جشن تشخیص اسم پسر آراست، جمیع حضار از آن بُرز و یال در آن سنّ و سال تعجب کردند، و در تعیین اسم پسر مشورت می کردند که طفل رضیع خود به زبان فصیح گفت اسم من اُغوز است. خلاصه اغوز رَهز بروز در چشم پدر گرامی تر می شد تا به سنّ بلوغ رسید، به حکم پدر دختر عم خویش گورخان را در حباله نکاح درآورد و عرض ایمان به او کرد، او را نهایت منکر دید، برای اینکه عم و پدر و قوم و حشر ازین راز باخبر نشوند ترک او و قطع گفتگو کرده دختر عم دیگر را که اُوزخان نام داشت بغواست، او را نیز به همان عقیده دیده چشم از وصال او پوشید، و به عقیده اتراک

لفظ الله را بی خواندن درس و لغت عرب اغوز ورد زبان کرده و شنوندگان معنی آنرا نمی دانستند. خلاصه چون اغوز مؤمن بود و قوم را مشرک می دید غالباً از خدمت پدر مفارق بود و با اقوام موافق نمی شد. وقتی از شکار به شهر بازمی گشت از حرانی سرای عم خود گذشته اتفاقاً به جوقی از جواری برخورد که بر لب جویی جامه می شستند و دختر عم او یوزخان بر لب جوی ایستاده مشاهده جمال او اغوز را مفتون ساخت، بی اختیار از اسب فرود آمد و با آن محبوب در گوشه ای ابواب گفتگو باز کرد و گفت: از ماجرای من و دختران عم باخبری و می دانی که اکنون جمال تو را عاشقم ولی آنگاه تو را دوست خواهم داشت که دوست خدا شوی، دختر نیز چون دل به اغوز داده بود زبان به اقرار گشود، اغوز او را به زنی بگرفت، و زنان پیشین حسد برده وقتی که قراخان جشنی عظیم داشت او را از ایای اغوز از دین آبا خبر دادند، آتش خشم قراخان مشتعل شده فوراً عازم قتل پسر گشته، چون موکب اغوز در صحرا بود با گروهی از ترکان بی باک از شهر بیرون شد، خاتون اغوز نیز پیکی را به جانب او روان کرده ماجری را اعلام نمود، اغوز چون راه گریز ندید دست ستیز گشوده آن روز تا شام با پدر نبرد کرد و در اثنا تیری بر مقتل قراخان رسید و در حال درگذشت بعدها فوجی از خیل مغول به جیش اغوز پیوسته مدت هفتاد و پنجسال با اعمام و بنی اعمام و سایر طوایف و اقوام جنگ می کرد تا بر ایشان غالب آمد و تاتار و مغول چاکری او را قبول کردند از شهر اینانچ و بحر خلوک^۱ تا حله خوارزم و رود جیحون در قبضه تصرف او آمد. و عقیده ترکان اینست که از آب جیحون نیز گذشته اکثر ربع مسکون را به ضرب شمشیر عرصه تسخیر ساخت، و در مرز توران و ایران و خطه هند و سند و روم و فرنگ هیچ جا مقام نکرده به طرف مسقط الرأس نهضت نموده حدود اورتاق و کرتاق را که یورت آبا و اجداد او بود مقر خلافت^۲ نمود، و به احضار رؤس آلوس، و معارف طوایف فرمان داد تا خلقی کثیر از ترک و تاجیک جمع شده و به اتفاق آغا و آئینی بر

۱. منشآت، ص ۴۲۹ - بحر خلوک.

۲. منشآت، ص ۴۳۰ - مقر جلالت.

تخت خانی نشست، و جشنی عظیم بگرفتند و هرکس از اقارب و خویشان که در روز رزم قراخان^۳ به موکب او پیوسته بود آغوز لقب داد. اقوام قُنْغَلِی و قارلوق و قیپاق و آقاجری^۴ از نسل ایشانند.

بالجمله در تواریخ مغول مسطور است که اغوزخان را شش پسر بود و از هر پسر چهار فرزند بوجود آمد که از نسل هریک در قلیل زمانی جمعی کثیر پدید گشته خیل ایشان از نام پدر نشان یافت که اکنون به همان اسم معروف و مشهوراند، گویند روزی پسران اغوز عزم شکار کرده کمانی زرین با سه چوبه تیر در شکارگاه یافتند و نزد پدر بردند، اغوزخان کمان را سه پاره کرده به پسرهای بزرگ داد و سهام ثلاثه نیز حصه پسران کوچک شد، پس پسران بزرگ را پوزوق لقب داد و پسرهای کوچک را اوجوق خواند، و لشکر دست راست را به مهتران سپرده و دست چپ را به کهتران، و فرمود که چون تیر در حکم سفیر است و کمان به منزله امیر، تخت پادشاهی از پوزوق خواهد بود و بر وفق این وصیت بعد از وفات او گونخان که مهتر پوزوق بود بر تخت پادشاهی نشست و هفتاد سال سلطنت کرد، و اوزیابیسگی نام را از قبیله جُوزْجِه منصب وزارت داد، و [او] خواجه ای عاقل و هوشیار بود، در بدایت جلوس گونخان عرضه داشت که اغوز پادشاهی بزرگ بود و ممالک مسخر نمود خزاین و اموال گذاشت دریغ است که آن مال بیقیاس پامال روزگار گردد، و آن نام نیک به زشتی گویا شود، صواب آنست که این بیست و چهار پسر را خیل و حشر و مال و دواب و پورت و مقام مفروز باشد، و هریک را تمغائی علیحده و آنقونی جداگانه مخصوص گردد تا هیچوقت به خیال خلافت نیفتند. گونخان این رای را پسندیده قسمت هریک از احفاد اغوز را معلوم و مفروز کرد و مهر و نشان ایشان را که تمغا و آنقون گویند معین فرمود، و چون وقت انتقال رسید برادر خود آیخان را قایم مقام نمود، و زان پس بر تخت نشسته فرزند خویش مَنگُلی خان را ولیعهد ساخت، چون او درگذشت

۳. متن — روم فراخان — به استناد منشآت، ص ۴۳۰ تصحیح شد..

۴. منشآت، ص ۴۳۰ — اقوام قُنْغَلِی و قارلوق و قیپاق و آقاجری.

تخت پادشاهی از نسل پوزوق به قوم اوچوق رسید و تنگیزخان که فرزند ششم اغوز بود وارث ملک پدر گشته یکصد و ده سال بر تخت خسروی بود بعد از آن عابد و منزوی شد و اکبر اولاد خود را قایم مقام کرده ایلخان لقب داد و چون نام و نشان اولاد اغوز و طوایف اینوز بر وجه تفصیل در تواریخ مشهور نیست و هر جا که هست به تدریج ایام تصحیف شده لازم آمد که در این محل مذکور و درج شود.

ذکر فرزندان اغوزخان

فرزندان اغوزخان بیست و چهار نفراند و اقوام پوزوق سه طایفه و طایفه گونخان چهار شعبه. پس شعبه اول از طایفه گونخان،^۵ قای است که فرزند مبین گونخان بود و از بس در فیصل امور سختی می نمود او را قای گفتند که در اصل لغت به معنی سختی و شدتست و اکنون بالمجاز کمرهای کوه و سنگهای سخت را بدان نامند. یورت او و اولاد او تا عهد ایلخان در دیار هَیْظَلْ و کنار سیحون بوده، و پس از تسلط تور از یورت و وطن دور مانده اند، و در عهد محمود با آل سلجوق متفق گشته و از آب جیحون گذشته در حدود شبرغان^۶ و مرغاب مقام کردند اکنون نیز ساکن حدود دشت و داخل طوایف ترکمان و در خیل جان نثاران دولت ابدنشان می باشند.

شعبه دویم بای آت که فرزند دویم گونخانست اتاییگی او به اوریابیگی مفوض بوده، و در دار وزارت نشو و نما نموده به سعی وزیر، مهتر برادران و سرور بهادران گردید، و بر ساحل قراقرم یورت گرفت که با موطن اصلی وزیر قرب جوار داشت، و چون در وفور نعمت و علو همت بر همگنان تقدم یافت و نام نیکوبه فضل وجودت برآورد او را بای آت گفتند که آت به معنی اسم است و اکنون آد گویند و بای به معنی بزرگی و شکوه و مال و نعمت انبوه است، و معلوم نیست که

۵. در حاشیه ص ۴۳۶ منشآت آمده: گون به کاف فارسی به ترکی آفتاب را گویند.

۶. در منشآت ص ۴۳۷ شبرغان. اما در حاشیه آمده است: «افْظَلْ و الصَّحیح شَبْرُغَان لَعَلَّه سَبْرُغَان». در مخزن الانشاء نیز «سَبْرُغَان» ضبط شده است. در جامع التواریخ مرجع مؤلف «شبروغان» و «شفورغان» آمده است (جلد سوم، چاپ فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی).

احفاد او در چه عهد به ایران آمده‌اند؛ چه تا عهد تیمور به هیچوجه نام و نشانی از طوایف و امرای ایشان مرئی و مشهود نگردیده. همین قدر مسموع و مشهور است که طایفه‌ای از این قوم بر حسب حکم تیمور به غز و شامات مأمور گشته چندی در آنجا بودند، و چون باز معاودت نمودند در حدود دشت و گرگان نشسته به ایل جلیل قاجار پیوستند که اکنون به شام بیاتی موسوم‌اند و در جمع طوایف قاجار محسوب. ولیکن از عهد دولت صفویه تا زمان این دولت علیه سران سپاه و یلان کارآگاه از این قوم در رکاب پادشاهان بوده و در سفر و حضر خدمتهای نیکو نموده‌اند. این زمان چندین امیر بزرگ از بیات مطلق، و بیات شام، در معسر شاهنشاه اسلام موجود است، یکی از آنجمله امیر کبیر محمد علیخان که در حدّ عراق عرب سالار سپاه است و برادرش اسمعیل خان عاکف حریم درگاه — دیگر امیر دلیر پیر قلبیخان که اکنون در جرگ پیران است و با چنگ شیران، و فرزند ارجمندش محمد باقر خان که در حضرت نیابت سلطنت و ولیعهد دولت چاکر جان‌نثار است و فوج^۱ نظام را سالار بار — و این چهار از قوم بیات شام‌اند و در سلک خوانین و امرای قاجار — و از قوم بیات مطلق نیز در ممالک عراق و فارس و آذربایجان و خراسان امرا و خوانین نامدار و متجذبه^۲ بیشمار موکب اقدس را در ظلّ ریاست، و حضرت اعلی را مشغول خدمات‌اند — اقدم ایشان امیر عظیم الشان ابراهیم خان که در عهد پیش عمر خویش در بندگی خاقان مغفور (آقا محمدشاه) و چاکری دارای منصور صرف کرده و اکنون باقی عمر را به خدمت درگاه ولیعهدی وقف، و برادرش اسمعیل خان که امیر هزاره الوار است و دلیر معارک پیکار — و دیگر مقرب الحضرة علیخان که چندی ثغر اردبیل را مانند زنده پیل حراست می‌کرد و بر اجناد^۳ آن ثغور و ایلات آن حدود ریاست یافت، و برادرش رحمن‌خان که چاکر خاص شهریار است و صاحب عزّ و اعتبار — دیگر از این طایفه بزرگان بسیار در سلک خدام دربار سپهر غلام است که ذکر ایشان موجب اطّباب خواهد بود. و تخصیص

۱. منشآت، ص ۴۳۸، افواج.

۲. متن: برآخیار، به استناد منشآت ص ۴۳۸ تصحیح شد.

این چند نفر از آنست که ذکر ایشان در وقایع دولت روزافزون که من بعد به توفیق خدای بیچون در ذیل این کتاب مسطور خواهد گشت بیشتر ایراد خواهد شد، و بهتر آن بود که نام و نسب ایشان پیشتر معلوم، و به اجمال مرقوم گردد.

شعبه سیم انغزاولی^۳ - نام این شعبه در هیچ تاریخ نیست مگر جامع التواریخ؛ و او را فرزند سیم گون‌خان نوشته‌اند و یورت او در سرحدات ممالک شرق بوده و در سلطنت اروغ چنگیز و سایر سلاطین اتراک امیری معتبر و بزرگی نامور از این قوم در وجود نیامده، اکنون نیز نشانی درست از ایشان در ایلات ممالک محروسه نیست و اگر هست خامل و مطموس است.

شعبه چهارم قرااولی^۴ که پسر چهارم گون‌خانست، یورت او در حدود کوکانا بود که آنسوی شهر اینانچ و چندین مرحله از قراقیرم بالاتر است، هوایش به شدت سرد، و جبالش به غایت سخت، خلق آن موضع در عهد قدیم ایلات دشتی بوده‌اند و در خیمه سیاه می‌نشسته، این پسر را قرااولی نام کردند یعنی صاحب خیمه سیاه. و چون در موکب هلاکو لشکری تمام مأمور شد که بر تمامی طوایف و اقوام حواله رفت، فوجی از این قوم نیز به این ولایت رسیده در کوهسار جغتو که اکنون داخل محال ساوجبلاغ است مسکن گرفتند، و چون ازدحامی چندان در احشام آنها نبود رفته‌رفته به طوایف افشار پیوستند که بالفعل جزو طایفه افشاراند. و فوجی از مردان کار در سواران نظام و سربازان خون‌آشام دارند. در عشایر ترکمان نیز ازین شعبه چندی هست که در خیل سایر شعب داخل گشته، و ذکرشان خامل مانده، بالجمله از این قوم شخص معروفی که نامش قابل ذکر و حالش درخور شرح باشد مسموع نگردیده. بلی هرچه هستند و هرجا نشستند در جرگ رعیت و ایل و خدام این حضرت جلیل می‌باشند. فرزندان آ‌ی‌خان که دویم پسر اغوزخانست چهار نفراند:

۳. در منشآت: آبغر اؤلی، اقا در مخزن الانشاء مطابق با متن و بدون اعراب آمده.

۴. با استناد به منشآت اعراب‌گذاری شد. در آنجا می‌نویسد: «این پسر را قرااولی نام کردند یعنی صاحب خیمه سیاه».

اول — یارز که نامش مشتق از یارشماق و به معنی برآزندگی است. یورت او در حدود بَلاش و قاری صَیْرَم بود. در تاریخ مغول نوشته‌اند که قاری صَیْرَم شهر عظیم قدیم است که چهار دروازه^۱ داشته، و از بدایت تا نهایت آن یکروزه راه بوده. در عهد قُبلاقاآن تعلق به اولاد اوگتای یافته، و مسکن الوس فائِدو، و قونچی گشته، اتراک مسلمان در آنجا می‌نشسته‌اند. و از نسل یارز امیری جلیل، و بزرگی برآزنده که نام او در تواریخ مانده باشد نیست.

دویم — دوکسآر^۲ که به معنی گردآورنده است، یعنی جامع الشتات. یورت الوس او در بیابان ناووز بوده، و تا عهد منکوقاآن نام و نشان ایشان در افواج هزاره و صده هست، و فوجی برحسب قسمت در جرگ سپاه هلاکوبه ایران آمده‌اند و در نواحی اردبیل مسکن گرفته سدی در غایت رضانت تمام نمودند و ناووز کولی نام کرده به مرور ایام خراب و ویران مانده بود تا در این عهد سعید به امر و فرمان حضرت ولیعهد دولت قاهره تجدید عمارت یافت و مزرع آن به مهتر جیش نظام ابراهیم خان سرتیپ تفویض رفت و به خلیل آباد موسوم گشت.

سَیْم — دورغه^۳ که به معنی ملک گیرنده است و یورت قدیم او معلوم نگشته. از نسل او خیلی عظیم در دشت ترکمانان هست و اسبان ایشان را جنسی جداگانه است که اغلب چابک و توانا باشند نه چندان نازک و زیبا.

چهارم — بایرلی که در بادیه باشغز یورت و مقام داشته معنی نام او صحرانشین است و اولاد او تا عهد ایلخان در همان حدود ییلاق و قشلاق می‌نموده‌اند، و اکنون از اعقاب ایشان جمعی فراوان داخل خیل ترکمان است و حکام استرآباد را بنده فرمان.

۱. در منشآت و مخزن الانشاء: چهل دروازه. به طور مسلم چهار دروازه غلط است و سهو کاتب است.
۲. در منشآت: دوکسار. در مخزن الانشاء: دوکسآر. در جامع التواریخ چاپ دکتر کریمی ص ۴۰ و چاپ آکادمی علوم اتحاد شوروی ص ۱۲۰: «دوکر، یعنی به جهت گرد آمدن».
۳. در منشآت و مخزن الانشاء: دودورغه. در جامع التواریخ چاپ دکتر کریمی ص ۴۰ و چاپ شوروی ص ۱۲۰: «دودورغا، یعنی ملک گرفتن و پادشاهی کردن». بنابراین متن مسلم غلط است و سهو کاتب است.

فرزندان یلدوزخان چهار نفراند: اولاً — اوشر که در اصل اشتقاق مأخوذ از اوشماق است به معنی پریدن، ولیکن در اینجا کنایه از چستی و چالاکی و جلدی و بی باکی است. آل و اولاد او در موضع اوین راحت گزین بودند که نزدیک گلوران است و گلوران آنجا است که یورت چنگیزخان بود، و چون کار دولت او در آن مقام بالا گرفت قوم مغول را به فال نیکو آمد. و بعد از آن هر که را بخت سلطانی بود، و بر تخت قاآنی می نشست، بالضروره در همان مقام قوریلتای عام می شد. چنانکه بعد از مرگ کیوک باتو، که مهتر شاهزادگان بود و عارضه درد پای داشت لاجرم برای محفل کنکاج، به استدعای سایر شاهزادگان و استحضار سایر امرا و نوینان ایلچی فرستاده، فرزندان جغتای و اوگتای ابا نمودند که یورت میمون و تختگاه چنگیزخان اوین و گلورانت، و تمهیدات قوریلتای در دشت قبیچاق خلاف یوسون و یاساق. پس منکوقاآن با برادران جانب دشت شتافته حضرت باتورا دریافت. و چون خواست که بر تخت نشیند باز جانب گلوران رفت و چندی آنجا بماند تا اجتماع شهزادگان دست داد و در همان یورت میمون به سعی باتو، قاآن شد. پس به وقتی که برادر خود هلاکوخان را به مرز ایران می فرستاد، اقوام اوشر قسمت خود را از هزاره و صده بیرون کردند، و جمتی غفیر از این قوم بدین ملک رسیده در ممالک آذربایجان که تختگاه هلاکوخان بود توطن گرفتند، و رفته رفته بزرگان نامدار و امیران باوقار از ایشان پیدا شد، و خیل ایشان را چندان ازدیاد و انتشار پدید آمد که در فارس و عراق و خراسان جای جسته به هرجا تمکن گرفتند، پایه تمکین یافتند. و چون به حضرت ملوک به صدق نیت ملوک می کردند گروهی از ایشان در زمان صفویه و سایر ازمان به پایه امارت رسیده بعضی از اوقات در تمامت آذربایجان صاحب امر و فرمان بوده اند، و سالهاست که ولایت ارومی و سُلدوس مسکن ایل و الوس ایشانست، و همواره بیگلربیگیان جلیل الشأن داشته و رأیت جلال می افراشته اند. تا در این عهد فرخنده مهد، لوای اعتلای این قوم به اوج کمال رسیده به عزت قرب، و دولت پیوند بارگاه بلند، و آستان ارجمند خسروانی ممتاز گشتند، و سه شاهزاده باوقار که باغ دولت را بهارند و کاخ شوکت را نگار از بطن بنات افشار در وجود آمدند. اکنون از سِراة این خیل،

سران بافر و جاه چاکر درگاه همایون اند که چندین مثل اغوز و یلدوز را بنده جاه و چاکر درگاه خویش دانند. مهتر ایشان امیرالامراء حسینقلی خان که خال و نیای شهزادگانست، و رأس و رئیس آزادگان — و فخر الکبراء فرج الله خان که یکچند در حضرت خدیو جهان، سالار نسقچیان بود و چندی سردار سپاهیان شد، و برادرش علیخان که در حضرت شهزاده ولیعهد دولت قاهره صاحب اذیال اعتبار است و صاحب یاساق — بار دیگر از کماة این قوم قایدان سپاه و غازیان کین خواه در ظل لوی منصور است که حضن گردون را گشایند و تاج کیوان را ربایند. از آنجمله عالیجاه محمّد ولیخان که در تیپ خاصه همایون داخل امرای هزاره است، و قاید افواج سواره. و عبدالضمد خان که سرهنگ سواران نظام است و ضرغام معارک انتقام — قومی دیگر نیز در سلک سربازان خونریز منسلک می باشند و چون نام این ایل از کثرت استعمال مشهور به افشار است هر جا ذکر می شود به این نام مسطور خواهد گشت.

دویم — بیگدلی و این لفظ از اعلام مرکبه منقوله است اصل آن بیوک دیللی بوده، بیوک به معنی بزرگست، و دیل به معنی زبان — و «لی» از ادوات نسبت می باشد اکنون به حذف و تخفیف از وضع اصلی تحریف یافته به بیگدلی مشهور است چنانکه تازیان عید شمی را عبشمی خوانند، و پارسیان شاهان شاه را شهنشاه گویند. الغرض در اوایل حال یورت این قوم در جبال اولتای بوده که آن سوی قراقوروم است و در عهد چنگیز تا زمان غازان منسوب به اقوام نایمان گشته به وقت تموز پشته های سبز و چشمه های نغز دارد و در فصل شتا چندان باد سرد و برف سخت آید که از جنس شجر و نوع ثمر رسم و اثر نماند. و چون این مقام به موقف جلال ایلخان نزدیک بود، لشکر تور را پایمال ستور آمد و آتش قتل و بیداد در قوم بیگدلی افتاد، هر که از تیغ بیداد رست به قوم تاتار پیوست، و چندی بدین واسطه بی نام و نشان در جرگ ایشان بودند، تا لشکر مغول جهانگیر شد و اکثر اقوام ترک داخل سپاه و خادام درگاه ایشان گشته. در عهد اوکتای فوجی از این قوم نیز در جزو هزاره نایمان به تومان تایجو پیوست، و مصحوب لشکر جورماغون، به ملک ایران رسیده و شعبه ای از آن در طی اوقات به ملک شامات

افتاد که مشهور به شاملو شد. و از روی تحقیق معلوم نیست که در چه هنگام از ایران به شام رفته اند و چه وقت باز معاودت نموده. مجملأً در دولت صفوی و نادری اعیان امرا و اشراف و کبرای این قوم مشهور و معروف بوده و هریک در زنی خویش کسب کمالی نموده اند. از آنجمله مصطفی خان که از جانب نادرشاه به سفارت روم مأمور شد، و حاجی لطفعلی بیگ که در عهد خویش بی مثل و یگانه بود و در فن شعر استاد زمانه، کتابی جامع در ذکر شعرا نگاشته، چون آذر تخلص داشت آتشکده نام نهاد. دیگر خلف الصدق او حسینعلی بیگ مانند شررزاده آذر است و متخلص به شرر، و اکنون در سلک مادحان دربار و چاکران سرکار شاهنشاهی رتبه انخراط دارد و پایه شعر به تارک شغری گذارد. دیگر از ارباب مناصب این قوم احمدخان نایب است که در همین سال از موقف جلال همایون مأمور تفلیس بود و خدمت نیکو نمود. و افواج بسیار از پیاده و سوار در خیل جنود مسعود دارند که بعضی داخل جیش عراق اند و اکثر حافظ ثغر آذر بایجان، و اکنون ایل و الوس ایشان را در دو جا مربع و مقام است، یکی ناحیه مزردقان که نزدیک دارالخلافه طهرانست، و دیگری در نواحی مراغه که از ملک آذر بایجانست، و چون راحت عام در این عهد مقدر بود این قوم نیز، نام گم گشته خود را بازجسته از هرجهت در خصب راحت اند و امن و استراحت. خصوصاً از رهگذر یورت و مقام که گویی در ازای آن تنگی عیش، و سختی حال که اجداد و آبای ایشان را در شعاب اولتای بود، رودبار جغتو و کوهسار مزردقان قسمت و نصیب ایشان شد که از باغ و گلشن و آب روشن و غله و کشت غیرت بهشت است، و چندانکه در یورت قدیم بی غله و میوه به هر دره و به هر کریوه می گشتند اکنون ثمار الوان در وثاق و ایوان چیده به ناز و عزت میل و رغبت نمایند.

سیم — قرق به کسر اول و ثانی و سکون ثالث یعنی قوی حال. یورت او در موضع قالدون بود که در عهد چنگیز داخل مغولستان شده علفزار و منبع رودخانه عظیمی است. اولاد قرق از سایر فرق بیشتر بوده و در عهد ایلخان کثرت بی قیاس داشته اند، و چندی با لشکر تور و تاتار رأیت جنگ و پیکار افراشته بعدها که لشکر تور بر بلاد ترک تسلط یافت از بیم جان تفرقه یافتند و به هر جانب می شتافته،

بعضی داخل او یغوز شده اند که هم حال داخل ترکمانان اند، و هر سال فوجی از سواران جرّار به موکب منصور می فرستند. بعضی که از آب جیحون گذشتند ساکن سنجاب^۱ گشته در اواخر به خراسان افتادند و به قوم اوشیر^۲ پیوسته اکنون از شعب افشار محسوب اند و به قرخلو مشهور، و تا عهد شاه طهماسب ثانی نام و نشانی از معارف این قوم در سیر و تواریخ نیست. ولیکن در آخر دولت صفوی که خزان باغ خسروی بود قهرمانی قادر، مانند نادر، ازین شعبه پیدا شد که از حد موصل تا رود جیحون مسخر کرد و بر هند و سند و روم و روس مظفر گشته احفاد او را ملک و دولت برقرار بود تا طلیعه دولت پایدار پدیدار شد، و باغ خسروی را فصل بهار آمد. پس امیرالامراء حسینخان سردار که آن وقت حارس خراسان بوده به یک رکضت خیل، و نهضت و میل، جملگی را مقهور و مغلوب کرد و ملک منصوب باز گرفت، و جمعی از معارف احفاد، و نتایج اولاد او را به بندگی حضرت فرستاد که هر یک چاکر یک تن از ابنای ملوک گشته، فخر این گونه چاکری در نسل احفاد نادری ماند.

چهارم، قازقین — یعنی دهنده آتش شیلان و خواجة خوان الوان — یورت او در حدود اسپرسین بود، و بعد از تسلط تور معلوم و مذکور نیست که قوم او را چه پیش آمده و در کدام زمین منزل گزین گشته اند.

فرزندان کوک خان که چهارم پسر اغوز است، و اول قوم او چوق چهار نفر بوده اند:

اول باینڈز که در اصل بای اندز بوده. بای به معنی بزرگ باشکوه است و اندز مکان مرتفع مانند پشته و کوه، یعنی بزرگ بلند قدر، جای او در حوالی یورت قای بوده و احوال فرزندان او در فتنه تور فریدون مشخص نگشته و معلوم نیست که در چه عهد به ایران رسیده، لیکن یورت ایشان در این ملک معلوم است و تا

۱. متن مطابق با منشآت است. در مخزن الانشاء سیبجاب آمده، در جامع التواریخ چاپ احمد آتش ص

۱۶ اسپبجاب که همین صحیح است.

۲. منشآت و مخزن الانشاء: اوشیر.

اکنون به بایندرپورتی مشهور، در نواحی سه‌ند مقامی دلپسند است که مرغزار بدیع و کوهسار رفیعش از حضرت طلل و رفعت قلل با گلشن خضرای چرخ و جنت علیای خلد برابر است، و از تارک گردون پیر، و طارم برجیس و تیر فراتر، شعابش لاله‌زار است و سحابش ژاله‌بار، نسیمش عطربیز و زمینش مشک‌خیز. هنگام تموز که از تاب سورت هوا و شدت گرما در سایر اماکن به راحت ساکن نشاید بود، رودهای ژرف از کوههای برف روان دارد که آب زلالش چون شهد وصال روان آرد. و بالجمله در عهد دولت مغول فضای این یورت مقام این ایل بوده در آن جنت عدن نشو و نما می‌نموده‌اند، تا به صروف ایام در حدود قریباغ و نخجوان منتشر گشته روزگاری دراز است که در ملک بردع یورت و مربع گرفته‌اند، و بعضی جانب مرز گروس رفته بالفعل در آن سرزمین ساکن قراء و رباع‌اند و مالک عقار و ضیاع. و در ذکر فخر این قوم و شرح مدح این ایل همین بس باشد که فاضل عهد، فاضل خان و خواجه خلد مکان محمدعلی بیگ، از ایشان برخاسته یکی در عهد خاقان مغفور (آقا محمدشاه) منصب کلانتری داشت، و این یک اینک در حضرت خدیو جهان پایه قرب و رتبه اختصاصی دارد که محسود دور و زمان و مغبوط اوج آسمانست.

دویم، پچنه^۳، که اسم و رسمی از و در ممالک ایران نیست و در تاریخ مغول نیز نامی از خیل و سپاه و ایل و الوس او بنظر نیامد. همینقدر از جامع التواریخ مستفاد گردید که این لقب بر کسی نهند که ساعی در مهمات امور باشد و انجام مهام نزدیک و دور دهد. انتهی.

اینست آنقدریکه از کتاب شمایل خاقان دیده شده و عقیده بعضی اینست که این کتاب را مرحوم قایم مقام به اختتام و انجام نرسانیده است.

میرزا صادق وقایع نگار مروی از اعظام نویسندگان عهد خاقان خلدآشیان (فتحعلی شاه) طاب ثراب در تاریخ جهان‌آرا گوید:

جماعت اتراک عموماً و سلسله سلاطین و خوانین ترکستان خصوصاً منسوب

۳. جامع التواریخ جلد ۱ چاپ فرهنگستان علوم اتحاد شوروی ص ۱۲۲: پچنه یعنی نیکوسمی کند. و چاپ دکتر کریمی ص ۴۱ پچنه یعنی نیکوسمی کند و جد نماید.

به اغوزخان، پسر ششم ترک بن یافت بن نوح علیه السلام اند که در میان اتراک به جمشید ترک اشتهاار داشته است. و بعضی دیگر از مورخین اتراک را منسوب به قائی خان که پسر سیم عیص بن اسحق علیه السلام است دانسته اند. و برخی را نیز اعتقاد اینکه قائی خان همان عیص بن اسحق است. قائلین قول اول را دلیل اینکه بعد از وقوع طوفان نوح علی نبینا و علیه السلام سه پسر که حام و سام و یافت باشد باقی ماند، و هریک از ایشان به تعمیر رکنی از ربع مکون مأمور آمدند. سام به تعمیر اقلیم ثالث و رابع، که مملکت ایران عبارت از آن است همت برگماشت. حام روی به ولایت سودان و هندوستان آورد. یافت عزیمت بلاد شرقی و سمت شمالی را کمر بست. و اولاد و احفاد یافت به مناسبت اسمی ترک بن یافت، مستقی به ترک آمدند. و اول کسی که در آن سلسله صاعد مراتب برتری، و عارج معارج سروری آمد، اغوزخان بود که سلاطین و خوانین ترک منسوب به وی می باشند، و او ابوالملوک سلاطین اتراک است چنانکه در سلاطین عجم کیومرث ابوالملوک بود. جمعی دیگر از مورخین که این طایفه را منسوب به قائی خان دانسته اند چنین گفته اند که: اسحق نبی علی نبینا و علیه السلام را از یک بطن دو پسر توأم متولد گردید، اول عیص بود و ثانی یعقوب، و وجه تسمیه یعقوب اینست که در حین ولادت پاشنه عیص را گرفته قدم در عرصه وجود نهاد، بعد از چندی که برادران به مرتبه کمال و درجه جلال رسیدند، نظر به کثرت اولاد و احفاد و عشایر و قبایل، عیص بن اسحق روی به دیار مشرق و نواحی شمال آورد، و حضرت یعقوب نبی در بلاد عرب توقف نمود، و در آن سلسله اول کسی که رأیت حکمرانی برافراشت قائی خان بود که به زعم بعضی پسر سیم عیص بن اسحق است و به قول جمعی دیگر همان عیص بن اسحق است که در میان اتراک به قائی خان اشتهاار یافت. علی ای تقدیر بعد از تتبع در اقوال، خلاصه مطلب اینست که علم ازلی تعلق براین گرفت که نبوت و سلطنت در آل ابراهیم علیه السلام باشد. بنابراین انبیا و رسل سوای حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله که از نسل حضرت اسمعیل علیه السلام می باشند کلاً از آل یعقوب علیه السلام اند که نسل بعد نسل رأیت رسالت افراشتند، و خوانین از سلسله عیص بن اسحق اند. انبیا را ظهور

رسالت در دیار عرب و ام‌القری بود، و سلاطین را طلوع نیر سلطنت از بلاد مشرق و ترکستان. عرب را بر عجم تسلطی، و ترک را بر عرب استیلائی نبود، تا به مرور دهور و اقتضای گردش ماه و هور، سلاطین عجم را دولت قدیم سپری شده در عهد خلفا عرب را بر ولایت عجم و برخی از بلاد ترکستان سمت سروری و برتری روی داد. عرب با عجم مختلط آمدند و از اختلاط ایشان و توطن عرب در خاک ایران به تدریج بعضی از طوایف دیگر مثل افاغنه که منسوب به بنی خالداوند، و اکراد که مجتمع از پراکنده، و متفرقه عرب و عجم اند نام برآوردند. در آخر سلطنت سلطان محمود غزنوی طایفه سلاجقه که منسوب اند به سلجوق بیگ که وی به قولی از احفاد افراسیاب ترکست، به جهت اختلاف سلاطین ترکستان از آب جیحون عبور نموده در ولایت خراسان به ادعای سروری سر برآوردند، و نظر به شهادت فطری بر مجموع ایران و روم مسلط آمدند. چندی که بر این منوال گذشت کاخ دولت آن طایفه جلیله متزلزل گشت و ارکان سلطنت بی قوام گردید هرکس در قطری از اقطار عالم علم حکمرانی برافراخت، همچون سلاطین خوارزمشاهی و اتابکان عراق و شام و فارس و یزد و کرمان و دیاربکر و آذربایجان. و این اتابکان غلام ترک سلاجقه اند که به منصب اتابکی سرافراز گردیده و هریک در مملکتی به خدمتی مأمور بوده اند و بعد از انقراض آن سلسله خود بنای سروری نهادند. در خلال این احوال فتنه چنگیزی آشکار شد و زمانه را شیوه دیگر پدیدار. در اوانی که هلاکو خان به دیار عراق و حدود روم روی آورد از آنجا که این نواحی به اصطلاح مغول علف خوار سپاه او را معین بود موازی بیست هزار خانه کوچ یا بیشتر از ایلات اتراک و طوایف خود همراه آورده در آن حدود و سامان سکنی داد چون زمان دولت چنگیزخان به سرآمد و اوضاع روزگار از اختلاف و پریشانی به وضعی دیگر، واهب بی منت زمام سلطنت را به کف کفایت امیر تیمور گورکان داد، و آن سلطان کامکار از قراری که در تواریخ مسطور است بر اقطار عالم مسلط آمد. هنگامی که بر ولایت روم ترکناز آورده بود و ایلدرم بایزید خان را گرفتار کرده، ساکنین دیار شام و حلب و سایر بلاد عرب و آذربایجان را نظر به رعایت ایلیت و به ملاحظه آبادی بلاد ترکستان خواست به خطه مشرق کوچانیده از رود جیحون

عبور دهد، چون سالها بود که آن طایفه را در ولایات مزبوره توطن و استقرار دست داده و بنای تمدن در آن مداین نهاده، این حرکت بر ایشان شاق می نمود، و این مرحله تکلیفی مالایطاق. لهذا بعضی الجاء به جانب ترکستان روانه آمدند و پاره ای به بهانه ای چند متوقف. در آن میانه و بعد از چندی که استیلای تیموری به انتها رسید و روزگار راه فتنه جوئی پیش گرفت برادر به تیغ برادر کشته آمد، و پدر به خنجر پسر به خون آغشته. فلک قانون ستم ساز کرد و آسمان ترانه جفا بلندآواز. هر کشوری را لشکری زیر و زبر نمود، و هر بومی را قومی مسخر. طایفه ترکمان آق قویونلو و قراقویونلو در حدود دیار بکر و خلاط و آذربایجان حکمران آمدند، و اوزبکیته ماوراءالنهر در ممالک خراسان و بعضی از عراق. جهانیان حاکم علی الاطلاق را بر عباد پریشان روزگار رأفت آمد و بر بندگان عاجز رحمت. برای رواج اسلام و آرام انام شاه اسمعیل بر سریر سلطنت پرآمد، و زمان آشوب به سر، [به] آب حسام آتش فتنه فرونشاند. نواحی آذربایجان را از رومیته، و حدود خراسان را از اوزبکیته پرداخته، حوزه مملکت را امن ساخت. بعد از چندی او نیز درگذشت و سلطنت را به حکم وراثت به ارشد اولاد وا گذاشت. و در نوبت سلطنت شاه عباس ماضی که صفحه ایران کلیه از وجود اشرار پاک آمد به اقتضای تدبیر صایب جمعی از متشخصین طایفه قاجار را با برخی دیگر از ایلات نامور مأمور به توقف ثغور و سرحدات ایران که عبارت از ایروان و استرآباد و مرو شاهبجان باشد نمود که حوزه آن ولایات از رخنه مخالفین مصون ماند.

و اما نسب سلسله علیه قاجاریه آنچه از تتبع سیر و اخبار معلوم و مستفاد است و دانشوران ترکمانیه ساکن دست قیچاق را نیز خلفاً عن سلف در یاد، اینست که: در نواحی ترکستان قصبه ای بود مستی به ترکستان، این طایفه جلیله با اتباع خود در آنجا سکنی داشته اند، و ایشان پنج برادر بوده و به مقتضای شهامت پیوسته زبان به مضمون این منظوم می گشاده اند:

ما پنج برادری که از یک پشتیم در پنجه روزگار پنج انگشتم
چون فرد شویم در نظرها علمیم چون جمع شویم در دهنها مشتم
برادر مهتر ایشان را که در میان آن قوم رتبه سالاری و سروری بود قاجارخان نام

داشته، و این طایفه در افواه اتراک مشهور به طایفه قاجارخانی شده، و این رسم در طایفه اتراک شایع و مطرّد است که طایفه خود را به اسم بزرگ سلسله مستی سازند، و برای بقای نام جمله را به آن اسم برخوانند. چنانکه طایفه سلاجقه به اسم سلجوق بیگ، و اتراک اغوزخان و قائی خان به اسم قائی خان، و جغتائی به اسم جغتای خان پسر چنگیزخان، و بیگدلی به اسم بیگدلی خان، و افشار به اسم اوشیرخان، پسران یلدوزخان که او پسر چهارم اغوزخانست مستی و مشهور گردیده‌اند. در اوانی که اغوزخان برای تسخیر ولایت ایران از ترکستان سبک عنان آمد، این طایفه جلیله آن سلطان کامکار را در موکب ظفرکوکب پی سپار آمدند، و در دفع مخالفین نیزه گذار. ییلاق و قشلاق ایشان در دیاربکر و خلاط و حدود بردع و ازان بود. بعد از چندی که اغوزخان عازم مراجعت ترکستان گردید نظر به علایقی که در آن حدود بهمرسانیده بودند در همان نواحی متوقف گردیدند، و از خیال معاودت به وطن مألوف متصرف. نسل بعد نسل در ولایات مزبوره به شهامت و دلاوری قراری داشتند و به امارت و استیلا استقراری. در زمان سلطنت سلطان مرادخان پادشاه ممالک روم حسن خان ترکمان آق قوینلو که طایفه قاجاریه عبارت از ایشانند لب به ادعای سروری برگشاد و قدم بر سریر حکمرانی نهاد. از قراری که در کتب مسطور و مذکور است حضرتش را با سلطان مرادخان منازعات و مجادلات بسیار روی نموده، بالاخره حسن خان را بخت یاری کرده صاحب لوای بختیاری و سریر شهریاری آمد، تا اواخر دولت تیموری و اوایل سلطنت شاه اسمعیل صفوی این سلسله جلیله در ولایات خلاط و دیاربکر و آذربایجان و عراق و فارس به استقلال سلطنت می نمودند. به اقتضای انقلاب دوران، دولت ایشان نیز سپری گردید، و سلطنت به شاه اسمعیل صفوی که هم از جانب مادر به آن سلسله جلیله متصل بود رسید. بعد از آنکه چندی رأیت اجلال این پادشاه به ذروه استقلال افراخته می بود، او نیز به حکم اجل درگذشت، و سریر سلطنت به ارشد اولاد بگذاشت. در عهد دولت شاه عباس صفوی به اقتضای تدبیر و امضای احکام تقدیر، هر فرقه‌ای از این طایفه جلیله در یکی از ثغور مملکت ایران حکمران آمد، چنانکه قبل اشاره شد. جمعی به استرآباد، و گروهی به ایروان، و فرقه‌ای به مرو

شاهیجان، و سلسله سلطنت نهاد خاقان گیتی ستان (فتحعلی شاه) منتهی است به قاجاریه قوائلو که در خطه استرآباد از باده سروری خرم و دلشاد می بوده اند. و در اواخر عهد سلطنت شاه سلطان حسین صفوی که افاغنه قندهار به تحریک اشرف و محمود افغان به محاصره اصفهان پرداخته و عرصه را بر شاه و سپاه تنگ ساخته بودند، نواب فتحعلی خان قاجار که اعلیٰ جد این خدیو عدالت شعار است اعانت شاه را با فوجی از دلیران قاجاریه روی به دارالسلطنه اصفهان نهاده، بعد از ورود به آن حدود حملات مردانه به افاغنه برده، سر و زنده بسیاری از ایشان به دست آورد. چون امنای آن دولت را که در حقیقت خاینان آن خاندان سلطنت بنیان بودند ازین قضیه آگاهی حاصل گردید، از سوء تدبیر یا به اقتضای تقدیر، صورت ماجری را به کلک بی فکری بدینگونه بر ورق اظهار مرتسم نمودند که: طایفه قاجار دلیران خونخوارند و شیران بیشه پیکار، و نواب فتحعلی خان نیز دعوی شهریاری را در میدان ادعا پا نهاده و به حسب استعداد پایه سروری و مرتبه خسروی را مهیا و آماده است. هرگاه در ازای این مردانگی نمایان مورد تحسین و احسانی گردند دیگر ضبط عنان ایشان در قبضه اقتدار و سر پنجه اختیار ما نخواهد بود. خلاصه شاه سلطان حسین را که روز دولت مانند شام نکبت سیاه بود، و کوکب اقبال در عین وبال. اقاویل باطله آن غوایت پیشه گانش کالنتش فی الحجر در صفحه ضمیر جای گیر آمده آن طایفه جلادت شعار را که وجود هریک در رفع چنان حادثه عظمی به منزله جنود غیبی و امداد آسمانی بود به احسانی راضی نساخته و به تحسینی نخواست، همان به احیای مراسم نکبت شعاری که مقدرات الهی را اسبابی بود درخور و لایق پرداخت. نواب فتحعلی خان چون نهال اعانت را ثمر این دید، و تدبیر اعیان دولت را فایده چنین، با چین جبین از دارالسلطنه اصفهان روی به ولایت استرآباد نهاده به انتظام مهام خود کوشید — انتهی.

عبدالرزاق بیگ دنبلی که از مورخین عهد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) البسمه الله حلال التور بوده در کتاب مآثر سلطانیه که به اسم حضرت نایب السلطنه رضوان جایگاه (عباس میرزا) طاب ثراه نوشته گوید:

ایل جلیل خسرو نبیل از اعزه و اجله اتراک جلایر و جلایر از نیرون، و

سابانویان از جلایر است، و سرتاق پسر سابا، و قاجار پسر سرتاق نویان است. و در میان غوایف ترک قاجار سه طایفه بوده است: یکی از سلدوس، و یکی از تنکقوت، و یکی از جلایر — آنکه از سلدوس است به ایران نیامده است، و آنکه از تنکقوتست طایفه جزئی بوده به قدر سی چهل خانه و به سایر طوایف مغول پیوسته در میان آنها بی نام و نشان شده و آنکه از جلایر است صاحب دولت و شوکت شده اند و از کنار رود جیحون تا حدود ری در زیر حکم و فرمان سرتاق بوده، و او به فرمان اباقاخان به اتابکی ارغون خان معزز و ارغون خان تربیت شده او است، و مملکت سرتاق که مختصی او بوده از قزل آغاج مغان تا حدود نیشابور است، و او در جرجان می نشست و نسلش در جرجان و مازندران زیاد شد و در عهد غازان خان و سابق بر آن از هزاره خاص از تومان تایجو بوده. بعد از آنکه غازان خان پسر تایجو را به یاسا رسانید تومان تایجو را به قاجار مفوض کرد، و نهایت عزت و اعتبار را پیدا نموده و ولایات پدرش در دست او بود و در قدیم فرزندان جلایر را کویانک می گفته اند، و کویانک به لغت ختاتیان به معنی خان بزرگ و پادشاه باشد و طرف دست چپ لشکر قیامت اثر چنگیزخان را ایشان داشته اند، در قلعه گشائی و خصم افکنی معروف و مشهور بوده اند، و در عهد چنگیزخان بزرگ ایشان موقلی کویانک، و در زمان اوگتای قاآن پسر او بوغول کویانک بر جای پدر بود و آثار شهامت ظاهر می نمود. و در مدت دولت قبلاقاآن هتون نویان از ایشان امیر بزرگ بوده، و ایلوکه پسر بزرگ قدان از قوم جلایر با لشکر بیکران که در ظل رایت او بود به فرمان چنگیزخان به رتبه اتابکی اوگتای قاآن نایل گشته، و اتابیک به معنی لله باشد و امیر ارغون را که از امرای بزرگ بود به راه نوکری و خدمت به ایلوکه داد که تابع امر و نهی وی باشد، چون امیر ارغون مردی فصیح و عاقل و دلاور بود کار او بالا گرفت و از مرتبه اقران بگذشت، و در عهد منکوقاآن منکسار نویان از جلایر بزرگ یارغوچیان که به معنی امیر دیوان باشد بود، و حکم یاسا و سیاست مقصرین به فرمان او می گذشت، و اروق و بوقا پسران کلای با هلاکوخان به ایران آمدند، و ملازم خدمت اباقاخان بودند و به تربیت آن پادشاه هریک امیری بزرگ گشتند، و سرتاق نویان پسر سابانویان که در کودکی

ارغون‌خان در خراسان و مازندران امیرالامراء بود پسری داشت قاجار نام، نسل قاجار از او است. و ابتدای توالد و تناسل این سلسله علیه در مازندران و استرآباد و خراسان از فرزندان قاجار شده. وقتی که مرکیت فرصت یافت و خانه چنگیزخان را غارت کرد خاتون چنگیزخان را که به جوجی آستن بود پیش اونک‌خان فرستاد، چون اونک‌خان با بیسوکا بهادر پدر چنگیزخان از قدیم رابطه دوستی داشت و آنرا فرزند می‌خواند، آن خاتون را چون عروسان پسر خود به نظر مهربانی دیده احترام او را منظور داشته مشمول تفقد کرد. امرا گفتند خاتون را می‌بایست به زنی گرفت. او جواب داد که عروس من است شاید به چشم خیانت به او نظر کرد. چنگیز خان چون این مردمی از و دید و ملاحظه حقوق و بزرگ‌منشی از اونک‌خان مشاهده کرد سبابانویان پدر سرتاق جد قاجاریه را نزد اونک‌خان به طلب خاتون فرستاد اونک‌خان سبابانویان را به نظر جلالت و احترام دیده مقدمش را گرامی شمرد و خاتون چنگیزخان را به او سپرد و او عازم بندگی شد. از اتفاقات خاتون را در راه درد زادن بگرفت و جوجی خان بوجود آمد. چون راه مخوف بود مجال توقف و ترتیب گاهواره و لباس نیافتند قدری آرد خمیر کردند و طفل نورسیده را در خمیر گرفتند و در بغل به احتیاط تمام نزد پدر بردند تا اعضای او به درد نیاید و متالم نشود و نام او را بدان سبب جوجی نهادند، یعنی ناگاه در وجود آمده. چون دولت چنگیزخان و شوکت مغول برآمد شیخ حسن نویان و پسرش سلطان اویس از قوم جلایر که نسبت خویشی با سلطان غازان و سلطان محمد خدابنده داشتند مدتی در ایران سلطنت کردند و مآثر ایشان در تواریخ مسطور است. القصه طایفه قاجار به شهامت و صرامت مشهور شدند و در ایام سلطنت شاه اسمعیل صفوی و شاه طهماسب به جلایل امور سپهسالاری و سرحداری مشغول، و در عرصه جهان به بلندی همت و شوکت اشتہار یافتند. چون نوبت سلطنت به شاه عباس ماضی صفوی رسید از کثرت و عدت آن جماعت اندیشه بر او غالب گشته جمعیت ایشان را متفرق ساخت جمعی را به مرو کوچانیده در برابر اوزبکیت بازداشت، و بعضی را به گنجه و ایروان مأمور کرد، و برخی را در استرآباد که موطن اصلی آنها بود در مقابل ترکمانان متوطن نموده که آن ثغر محروس ماند. فتحعلی خان جد اعلای

خاقان سلیمان مکان جماعتی از طایفه یموت را برداشته بر سر قلعه مبارک آباد رفت و از دروازه اصلمس بک، قاجار پرناک سرکشیکچی باشی که با فتحعلی خان آشنائی تمام داشت داخل قلعه مبارک آباد شده بر سر محمدخان ترکمان و میرزا احمد وزیر او تاخته هردو را به دیار عدم فرستادند. بعد از آن کار آن بلنداقبال بالا گرفته شهر استرآباد را جایگاه امارت خود قرار دادند. در آن اوان شکر بک نام کرد جهان بیگلو که به فندرسک و رامیان استعلا داشت و تعدی و اجحافش بی منتها، و مرتکب اتلاف جمعی از اشراف می شد سران قاجار از مشاهده این حالات به خدمت آن حضرت شتافته استدعای قبول ایالت و امارت از ایشان نمودند. آن حضرت از این امر تحاشی کردند. بالاخره فضلعلی بیگ شامیائی و محمد حسین خان قراموسانلو و محمد تقی بیگ سرکشیک با سایر عظماء و رؤساء آن حضرت را بر مسند امارت نشاندند، و در رکاب نواب فتحعلی خان به دفع شکرکرد راهسپار مراحل نصرت و اقتدار گشتند و بعد از مقاتله و محاربه بسیار او را کشتند. پس از آن فضلعلی بیگ و محمد تقی بیگ در حق نواب فتحعلی خان بد اندیشیده سزای خود را دیدند و رخت به دیار عدم کشیدند. نواب فتحعلی خان بعد از دفع دشمن و استیصال بدخواه متوجه ساختن مهمات استرآباد و حوالی و حواشی آن خطه ارم بنیاد گردید - انتهی.

میرزا حسن زنوزی خوئی از معارف اهل سلوک و عرفان، و دانشمندان عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه در کتاب ریاض البخته گوید:

اصل ایل جلیل قاجار از طایفه مغول و از ترکستانست. در ازمئه استیلای تیموری بنابر پاره ای تقریبات از آن ولایت کوچ کرده به مملکت روم رفتند و مدتها در آن دیار بسر می بردند. بعد از چندی چون زیاده از حد غیور، و باجلادت و رشادت و صاحب حمیت بوده و به آسانی زیر بار اطاعت کسی نمی رفته از روم کوچیده به ولایت گنجه که گنجینه آذربایجان بود ساکن شدند. و به سبب شتافتن به روم به قاجار موسوم گردیدند. و همیشه با جماعت لگزیه در آن دیار جنگ و

جدل می کردند و از آنها بسیار می کشتند و اسیر می کردند. چون نوبت سلطنت به سلاطین صفویه رسید و آن طایفه جلیله را صاحب رشد و زور دیدند متوهم گشته. چه ایشان زیاده از چهل هزار خانوار و همه صاحب جرأت و جرّار بودند. بنابراین قصد کردند که آنها را چند دسته کرده هر دسته را به ثغری و سرحدی مأمور کنند که سرحدات از حمله خارجه محفوظ باشند، و آن جماعت و سلسله علیه هم یکجا و در یک محل ساکن نباشند. پس به تدبیری آنها را به پایتخت احضار کرده کمال مهربانی و ملاطفت را نسبت به ایشان مبذول داشته محافظت ثغور و سرحدات را به ایشان تکلیف کردند. جمعی از ایشان به سرحد گرگان، و بعضی به مرو شاه‌یجان، و برخی به ایروان مأمور گشتند و قلاع و حصون آنجاها را به تصرف ایشان داده مشغول محافظت شدند. و پادشاه نیز خانه کوچ هر سه دسته را از گنجبه نزد ایشان فرستاد که مادام‌العمر در آن سرحدات متوطن و ساکن باشند. اعیان و اشراف آن قوم که از گنجبه به دربار شاهی نرفته بودند در این ولایت به حکم پادشاه به فرمانفرمائی نشستند. خلاصه از آن وقت تفرقه میان آن طوایف افتاد و نتوانستند یکجا جمع شد. ولی از غایت رشادت و جلالت هر سه دسته سرحد و ثغر سپرده به خود را در کمال خوبی حراست کردند، و بدینواسطه نزد سلاطین نهایت عزّت و اعتبار را داشتند، و حکومت ولایات سرحدات پیوسته با امرای قاجار بود، و از هریک از طوایف امیران نامدار و حکام بااقتدار پدیدار آمد، ولی امرای استرآباد زیاده‌تر از سایر طوایف صاحب حشمت و شوکت و برتری بوده‌اند، و اول در سرحد گرگان سکنی داشته‌اند. شاه عباس صفوی ماضی در آن اراضی قلعه‌ای برای ایشان ساخته مبارک‌آباد نام نهاد و به آق‌قلعه شهرت کرد. مدتها در آن قلعه بودند و با ترکمانیه همیشه جنگ و جدل می کردند و چون فیما بین خودشان نزاعی اتفاق افتاد در سنه هزار و صد و چهل هجری همگی از آن قلعه کوچیده به استرآباد آمده در این شهر ساکن شدند و آق‌قلعه رو به خرابی نهاد. و از آن طرف زیاده از بیست سال است که این سلسله جلیله زمام سلطنت ایران را به دست اختیار و اقتدار خود آورده‌اند و با استقلال هرچه تمام‌تر در تمام ولایات و ایالات ایران فرمانفرمائی و حکمرانی می کنند. و اول کسی که از این سلسله جلیله پا بر سریر حکمرانی نهاده

شهریار تاجدار محمدحسن خان بن فتحعلی خان قاجار است که بعد از قتل نادرشاه چندی با شاهرخ شاه نادری بسربرده، چون در وی آثار رشد و سلطنت ندید از وی جدائی نموده به استرآباد آمده بنای فرمانفرمائی گذاشت. و نواب فتحعلی خان پدر شهریار مبرور بعد از استیلاء افغان به اصفهان در نزد شاه طهماسب ثانی در کمال عزت و اعتبار بلکه صاحب اختیار و مدار امور سلطنت بود، و با شاه طهماسب به خراسان رفت و در ارض اقدس به تحریک نادرشاه در ماه صفر هزار و صد و سی و هشت هجری شهید، و در خواجه ربیع مدفون شد. خلاصه نواب محمدحسن خان در سمت آذربایجان با آزادخان افغان جنگ کرده او را شکست داد، ولی آن حضرت نیز به دست یکی از غلامان خود به درجه شهادت رسید، و کریمخان زند بر ایران مستولی شد، و اولاد نواب معظم طاب ثراه را به عراق و فارس کوچانید، و حضرت آقامحمد خان اکبر اولاد نواب محمدحسن خان را در شیراز نزد خود نگاهداشت. اما شهریار خلد مکان حسینقلی خان خلف دیگر نواب محمدحسن خان در استرآباد بنای طغیان را گذاشته به فرمانفرمائی مشغول شد، و از بلندی همت سر به اطاعت زندیه فرود نیاورد، و در آن سرزمین بود تا به دست ترکمانیه شهید شد. پس از چندی در ماه صفر سنه هزار و صد و نود و سه کریمخان در شیراز درگذشت و حضرت آقامحمد خان از شیراز به طرف طهران رانده و خود را به استرآباد رسانیدند، و سرکشان آن ولایت را مطیع ساختند، و علم کشورگشائی برافراشته اکثر بلاد دارالمرز و گیلانات را به تصرف درآورده از آنجا عازم عراق گردیده، مدتی با امرای زند گيرودار نمودند. چون علیمراد خان زند که از سایر زندیه به مزید شوکت اختصاص داشت در سال هزار و صد و نود و نه درگذشت بر تسلط و اقتدار حضرت آقامحمد خان افزود، و مختصر در سال هزار و دویست و شش جمعی ممالک عراق و فارس و کرمان و یزد و بنادر، مخصوص حضرت پادشاهی گردید — انتهی.

سیرژن ملکم که از جانب حکومت هندوستان به سمت سفارت به دربار خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه آمده^۱ در تاریخ ایران که تألیف نموده گوید:

۱. سیرژن ملکم در ظرف پانزده سال سه مرتبه از جانب حکومت هندوستان به سفارت به ایران آمده،

طایفه ترک قاجار که مدتی متمادی در شامات سکنی داشتند و امیر تیمور گورکان آنها را از شامات به ایران آورد یکی از هفت طایفه ای می باشند که باهم متفق شده، شاه اسمعیل اول پادشاه صفوی را به تخت سلطنت ایران جلوس دادند و از آنجا که با وجود کثرت عدد به وصف شجاعت و جلالت موصوف بودند شاه عباس بزرگ آنها را به سه شعبه منشعب نمود. شعبه اول را در گنجه سکنی داد تا جلوتاخت و تاز لگزیها را بگیرند — شعبه دویم را در مرو ساکن ساخت که مانع تجاوز و تخلفی اوزبکها به سرحدات خراسان باشند — شعبه سیم را در استرآباد مقیم کرد تا ترکمنهایی که در امتداد ساحل و دشت طرف مشرق دریای خزر مسکن دارند به واسطه جلوگیری این جماعت اسباب خسارت و اضرار رعایای ایران نشوند؛ چه تراکمه مزبوره به واسطه جلالت ذاتی و به واسطه صحراهای کویر که در اوان مخاطرات بدانها پناه می جستند و کسی نمی توانست آنها را تعاقب کند، همواره نواحی گرگان و استرآباد و آن حدود را غارت می نمودند. خلاصه شعبه اولی که در گنجه سکنی داشتند به نادرشاه پیوسته بدینواسطه آنها را قهر افشار نامیدند، و بعد از قوت نادرشاه این شعبه رو به تنزل و هبوط گذاشتند — شعبه دویم که از هر طرف دشمن آنها را احاطه کرده بود همواره در کار بودند که ولایت مرو را از حمله محروس و در تصرف داشته باشند — شعبه سیم مایل و مستعد بودند که تخت سلطنت ایران را تصاحب نمایند. چیزی که مانع نیل این مرام می شد نفاقی بود که رؤسای آنها با یکدیگر داشتند — این شعبه از قاجاریه نیز به دو طایفه منقسم شد. طایفه ای موسوم به یوخاری باش و طایفه دیگر معروف به اشاقه باش گردیدند. و رؤسای یوخاری باش رئیس کل بودند تا زمان نواب فتحعلی خان که از رؤسای طایفه اشاقه باش بود. نواب فتحعلی خان چون سردار قشون شاه طهماسب شد اقتدار کلی بهمرسانیده ریاست یوخاری باش و اشاقه باش هر دو بر او مقرر آمد. نادرشاه نواب فتحعلی خان را بکشت و چون می خواست نفاق و تفرقه میان این دو طایفه اندازد یکی از بزرگان طایفه اشاقه باش را که زمان بیگ بن

محمد نام داشت حکومت استرآباد داد. نواب محمدحسن خان برای حفظ جان خود در میان ترکمنهایی که در حوالی استرآباد گله‌های خود را می‌چرانیدند رفت و به امداد این طایفه و بعضی دیگر از هواخواهان خود، در ایام حیات نادرشاه بعضی اوقات حمله به بلاد متصرفی نادرشاه می‌نمود، ابتدا چند فقره فتح کرده ولی عاقبت مغلوب گردیده میان طوایف ترکمان رفت و در آنجا می‌زیست.

خلاصه نواب محمدحسن خان تقریباً مدت بیست سال در میان تراکمه بسر بردند تا نادرشاه درگذشت. چون از فوت نادرشاه خبردار شدند از میان تراکمه معاودت فرموده و چند ماهی نگذشت که قشون معتبری زیر رایت خود جمع کردند و لشکر عظیم احمد شاه افغان را که به مازندران آمده بودند شکست دادند. مقارن سال هزار و هفتاد که کریمخان شیراز را مالک شده بود نواب محمدحسن خان در آذربایجان مشغول جنگ با آزادخان افغان بودند بدینواسطه کریمخان وقت و موقع به دست آورده تمام فارس را مسخر کرد و اصفهان را نیز بگرفت و قسمت عمده از ایالت عراق را نیز متصرف شد، ولی بعدها مجبور گشت که بیشتر از این متصرفات را واگذارد، زیرا که نواب محمدحسن خان پس از آنکه آزادخان را شکست دادند و مازندران را ضمیمه بلاد متصرفی خود نمودند لشکری عظیم به طرف اصفهان کشیده و فی الحقیقه بعد از فوت نادرشاه چنین لشکرکشی در ایران نشده بود. کریمخان نهایت کوشش را بعمل آورد که جلو استیلای نواب محمدحسن خان را بگیرد اما تمام کوشش او بی فایده شد و معاودت به شیراز نمود، و نواب محمدحسن خان مصمم شدند که بر اثر او رانده شیراز را محاصره نمایند.

نواب محمدحسن خان بعد از آنکه در اصفهان تهیه و تدارک خود را دیدند هشت هزار نفر از لشکریان خود را در اصفهان گذاشته با سی هزار نفر به طرف شیراز رانده این شهر را محاصره کردند، و این در سال هزار و صد و هفتاد و یک بود. اسباب دفاع این شهر انحصار داشت به یک باروی خاکی و چند برج مدور، که جلو آن برجا خندق عمیق بی‌آبی بود، اما در ایران در این زمان علم حمله و یورش به همان درجه ناقص می‌باشد که علم مدافعه. بنابراین مختصرترین استحکامات به نظر محاصرین که عمده لشکر سواره بودند خیلی مستحکم می‌آمد، و توپچیا که

هیچ مهارتی در توپ اندازی نداشتند هر روزی به زحمت چند تیر از توپهای بسیار سنگین خود می انداختند، مع ذلک هیئت مجموعه اسباب اطمینان محاصرین بود، و حمله در فصلی شروع شد که صحرای اطراف شیراز باصفا و خرم و دشتها پر از حبوبات و اراضی پرحاصل بود، و به محاصرین چنین وانمود می نمود که از آذوقه دست‌تنگی نخواهند کشید و می‌توانند به سهولت ذیل محاصره را امتداد دهند، اما این امیدواری بزودی مبذل به یأس گردید. محاصرین به محض اینکه شروع به کار کردند دچار حمله محصورین شدند، دسته‌های قشون متوالیاً از قلعه بیرون آمده نایره قتال را اشتعال می‌دادند. عساکر نواب محمدحسن خان با این دستجات قشون کریمخان مشغول زد و خورد بودند که یکدسته سواره عمده به سرداری شیخعلی خان سردار رشید زند به اردوی آنها تاخته و به نهب اموال آنها پرداختند، سکنه نواحی مجاور نیز مزارع و حاصل خود را آتش زده اهل و عیال و اموال خود را برداشته به کوههای آن حوالی رفته قتل جبال را ملاذ و مأمن خود ساختند. لهذا آذوقه در اردوی نواب محمدحسن خان کمیاب شد و لشکر بنای شکایت و خودسری را گذاشتند. خستگی و طول محاصره غالباً عساکر منظمه را شاک می‌نماید و به طغیان و نافرمانی وامی‌دارد تا چه رسد به لشکری که تمام نظم و اسباب پیوستگی آن به هم، زور یکنفر از شاهزادگان آسیائی باشد، و بدتر از همه آنکه بسیاری از این قشون را تازه گرفته و از فتون نظامی و جنگ یکباره بیخبر بودند. و عیب دیگر آنکه مابقی که جنگ‌دیده بودند تا زمان فرار آزادخان مذتها با همین شاهزاده به جدال اشتغال داشتند و پس از فرار مشارالیه در زیر رایت این شاهزاده درآمده و متقبل خدمت گردیده. خلاصه کریمخان که عساکر او پیوسته محاصرین را عقب می‌نشانیدند شهر شیراز را در کمال خوبی نگاهداری کرده، به علاوه کمال جهد را می‌کرد که بی‌نظمی و تفرقه در لشکر نواب محمدحسن خان اندازد، چنانکه آخر الامر به این مقصود نایل آمد، و هر روز یکدسته از عساکر نواب محمدحسن خان راه فرار را پیش گرفته و این فقره بر نواب معظم معلوم می‌نمود که باید دست از محاصره کشیده معاودت کنند. بنابراین ترک محاصره گفته به اصفهان بازگشتند، و قشونی که در اصفهان گذاشته بودند از عدم پیشرفت کار

شاهزاده باخبر گشته و متفرق گردیده ناچار راه مازندران پیش گرفتند، و در هنگام ورود به مازندران مجموع عساکر نواب محمدحسن خان دوازده هزار نفر بود. کریم خان بعد از آنکه بر استعداد خود افزود و ایالت فارس را آرام کرد متوجه اصفهان شد و اهالی اصفهان با کمال شغف او را پذیرفتند. بیشتر از شهرهای عراق اقتدا به اهالی اصفهان کرده مقدم کریم خان را گرامی شمردند و کریم خان که این مساعدت مردم را دید بنای حسن سلوک را با ایشان گذاشت.

پوشیده نباشد که حالت نظامی و عسکری کریم خان چندان تعریفی نداشت، از وقتی که سودای سلطنت به سر او افتاده چندان به فتوحات نایل نگردیده، بلکه اغلب طوری شکست می خورد که حالت یأس به او دست می داد، اما چون اهالی ایران همواره او را بر رقباتی که داشت ترجیح می دادند از یک فتح مختصر منفعت کثیره عاید او می شد و تلافی شکست های او را می نمود، و این از بابت خوش رفتاری او بود که از روی کمال بزرگ منشی با مردم می نمود. و از آنجا که از اوایل حسن سلوک را موجب فوزهای عظیم و سبب ازدیاد شوکت و اقتدار خود دید بر خود حتم کرد که همواره به راه عدل و انصاف رود و ازین مسلک عدول ننماید.

همان وقتی که کریمخان در ایالاتی که تازه تصرف کرده بود به برقرار کردن نظم اشتغال داشت شیخعلی خان را با بهترین دستجات قشون خود به مازندران فرستاد که نواب محمدحسن خان را کاملاً منقاد نمایند و اگر طوایف قاجاریه باهم اتفاق داشتند ظناً غالب اینکه این مقصود کریم خان به عمل نمی آمد. پیش از این مذکور شد که قاجاریه منقسم به دو طایفه شدند، یوخاری باش و اشاقه باش — رئیس سلسله یوخاری باش که محمدحسن خان نام داشت با نواب محمدحسن خان که سالها بود ریاست هر دو طایفه را داشتند بنای مخالفت و معاندت را گذاشت، و به عقیده بعضی این خلاف و عناد به تحریک کریم خان و به سبب وعده های او بود، و شاید که به واسطه کینه قدیمی که نواب محمدحسن خان سبب شده که رئیس سلسله یوخاری باش از ریاست خود محروم مانده این مناقضت حاصل شده. به هر حال در چنین حالتی مشارالیه و سایرین نواب

محمدحسن خان را گذاشته به لشکر شیخعلی خان پیوستند. نواب معظم به واسطه این خیانت جمعی از طایفه یوخاری باش را به راه عدم فرستادند و این فقره کینه دیرینه فیما بین یوخاری باش و اشاقه باش را تجدید نمود و شیرازه اتفاق قاجاریه از نو گسسته گشت و نواب محمدحسن خان بدین جهت از غلبه و ظفر مایوس گردیدند، مع ذلک به مقابله و مقاتله دشمن پرداختند، شیخعلی خان و عساکر او می دانستند که نواب محمدحسن خان دلیرانه جنگ خواهند کرد، اما چه ثمر که بعضی دستجات قشون تازه در کار جنگ آمده و از رسوم و آداب حرب بیخبر بودند و به محض شروع به قتال راه هزیمت پیش گرفتند، باقی عساکر نیز آنها را پیروی کرده گریختند و نواب محمدحسن خان شرب شهادت نوشیدند.

گویند اگر اسب نواب غفران مآب به زمین نخورده بود جان خود را به سلامت از میدان جنگ بدرمی بردند، چون اسب افتاد دشمن فرصت یافت، و اول کسی که به آن بزرگوار رسید رئیس سلسله قاجاریه یوخاری باش بود که به واسطه عداوت زیاد و دشمنی سابق الذکر دیگر ایشان را امان نداد، و چون روح نواب معظم راه غرفات بهشت گرفت قاتل، فتح کریم خان و غلبه او را بر شهر یاری که اسباب تزلزل و مانع آرامش او بود اعلام نمود.

سیررژن ملکم در جای دیگر از همین کتاب گوید: وقتی که یک شعبه از قاجاریه در ارمنستان سکنی داشتند مساکن آنها در کنار یکی از رودخانه های این ایالت بود. بعضی در طرف بالا مرتع داشتند و برخی در طرف پائین، آنها که در طرف بالا مرتع داشتند موسوم به یوخاری باش شدند و آنها که مرتعشان در سمت پائین بود اشاقه باش نامیده شدند، و این معنی سبب انقسام آنها شد و علاوه براین باز هر طایفه به چندین شعبه منشعب و منقسم گشتند بعضی از خانواده ها به اسم یکنفر رئیس یا به نام یک دهکده ای که در حوالی آن مرتع داشتند موسوم شدند. مثلاً طایفه دۆلو چون در ایروان مذتها در حوال قریه دۆلو که نزدیک به شهر ایروانست اقامت داشتند معروف به دۆلو گردیدند.

مؤلف گوید: قریه دۆلو هنوز به حال خود برقرار است، چنانکه بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه، در سفرنامه مبارکه سفر دویم فرنگستان در سال

هزار و دویست و نود و پنج می فرمایند: (جمعه هفتم جمادی الاولی باید رفت به ایروان، همه جا رانده تا رسیدیم به دولو، دهکده معتبر است، طایفه قاجار قدیم دولو اینجاها می نشستند، آب این رودخانه از کوه دست راست می آید دهات این حدود باغات و اشجار زیاد دارد).

بعد از آنکه ایل جلیل قاجار به ممالک ایران آمده و پادشاه صفوی آنها را در اماکن مختلفه جای داد شعبه عمده آنها که اشاقه باش و یوخاری باش بودند در استرآباد سکنی گرفتند. تا زمان نواب فتحعلی خان رئیس سلسله یوخاری باش ریاست هردو طایفه را داشت، نواب فتحعلی خان که از سلسله اشاقه باش بود منصب سرداری لشکر شاه طهماسب را یافته بدین واسطه بر اقتدار او افزود و در میان قاجاریه اول شخص و رئیس کل گشت، اما از آنجا که طایفه یوخاری باش قلباً به ریاست نواب معظم راضی نبودند بعد از آنکه آن بزرگوار به دست نادرشاه شهید شد در خرابی کار پسر واحد او نواب محمدحسن خان همدست شدند ناچار نواب معظم به میانه تراکمه که در طرف مشرق دریای خزر سکنی داشتند رفتند و قسمتی از خانواده و اقارب ایشان را همراهی کردند، که از آنجمله یکی علی و پردیخان (اللهوردیخان) پدر نوروزخان، ایشیک آقاسی باشی خاقان خلدآشیان فتحعلی شاه طاب‌ثراه بود. خلاصه نواب محمدحسن خان فی الفور استعدادی بهمرسانیده که بتوانند با دشمن خود یعنی سلسله یوخاری باش به مجادله پردازند و ممکن بود که بر آنها غلبه کنند، اگر نادرشاه و سلاطین بعد از او حمایت از سلسله مزبوره نمی کردند.

عادلشاه برادرزاده نادرشاه و جانشین او وقتی که حکومت مازندران را داشت دو طفل نواب محمدحسن خان را گرفته حبس کرد و پسر بزرگتر را یعنی نواب آقامحمد خان را که آن وقت میانه پنجسالگی و شش سالگی بودند مقطوع النسل نمود، و مقصودی که از اینکار داشت حاصل نشده بلکه برعکس نتیجه داد. پادشاه آتیه ایران که از بسیاری از تمتعات خود بی بهره ماند آنچنان تمتعاتی که در مشرق زمین برای بزرگان بی هیچ مانعی حاصل می باشد، یعنی می توانند زوجات عدیده در حباله نکاح خود درآورند و مباشرت با آنها اسباب وهن و فتور

حواس و قوای آنها گردد. خلاصه این حرمان از تمتعات این شاهزاده را برآن بداشت که حظ و لذایذ خود را از راه دیگر حاصل و تحصیل نماید. این بود که نواب آقامحمد خان از طفولیت به خیال سروری و عظمت و شوکت افتادند و در تمام مدت عمر خود در این اندیشه و قصد بودند و با رسوخ تمام همین منظور را پیروی می نمودند و از همان وقت یعنی از ابتدا معلوم بود که چه قدر استبداد رأی دارند.

بعد از مردن عادلشاه نواب آقامحمد خان از حبس آزاد شده به پدر بزرگوار خود پیوستند و در تمام انقلابات روزگار با ایشان همراهی داشتند. بعد از آنکه نواب محمدحسن خان مغلوب عساکر کریمخان و شهید شدند نواب آقامحمد خان به جنگ کریمخان افتادند ولی کریمخان با ایشان به نحو خوبی رفتار کرده سربوئی از حرمت و احترام فروگذار نمی کرد و در تمام مدتی که در شیراز با کریمخان بودند به تحصیل معارف می پرداختند، از عقلا کسب دانش می کردند، و از مطالعه کتب بر بینش خود می افزودند تا بتوانند شغل خطیری را که باید یکروزی متقلد گردند به درستی از عهده برآیند. بنابراین حسن تدبیر و اصابت رأی ایشان به درجه ای رسید که کریمخان در مهام معظمه دولتی غالباً با ایشان مشورت می نمود و ایشان را پیران ویسه می نامید، زیرا که پیران ویسه وزیر افراسیاب اول وزیر دانشمند قبایل ترک بوده است. خلاصه نواب آقامحمد خان با کمال عداوتی که با تمام زندیه داشتند در مشورتی که کریمخان با ایشان می نمود خیانت نمی کردند و رأی صایب خود را به او اظهار می داشتند.

زحمات اول عمر نواب آقامحمد خان به ایشان حالت تحمل داد، چنانکه در همان زمان که گرفتار کریمخان بودند توانستند دشمنی خود را با او و با زندیه در دل نگاهدارند و طرف اعتماد آن پادشاه گردند، و ازاین راه بود که کریمخان پول زیاد به نواب معظم می داد که به مصارف خود برسانند، و ایشان را مرخص کرده بود که در هر جای شهر شیراز می خواهند به گردش بروند بلکه اذن داده که بر بهترین اسبهای او سوار شده روانه شکار شوند و در صحراهای حوالی شیراز مشغول صید باشند.

گویند طوری نواب آقامحمد خان طرف اعتماد کریم خان شده بودند که وقتی که حسینقلی خان برادر ایشان در مازندران رایت شورش برافراشته بود کریمخان میخواست نواب معظم را مأمور دفع این فتنه کند و به مازندران فرستد، میرزا جعفر وزیر کریم خان او را از این کار مانع آمد و وقتی که نواب آقامحمد خان پادشاه ایران شدند از روی کرامت نفس با کسان میرزا جعفر نیکی نمودند و فرمودند تکلیف میرزا جعفر این بود که به آقای خود خدمت کند بعلاوه مرا هم ضمناً از مهلکه نجات داده، چه اگر من به مازندران می رفتم وضع طوری بود که می باید عَلم سرکشی برافرازم و شوکت کریم خان زیاده از آن بود که من بتوانم او را مغلوب سازم.

پیش از این ذکر شد که پس از فوت کریم خان چگونه حضرت آقامحمد خان خود را از شیراز به اصفهان رسانیدند و با چه عجله به مازندران آمدند، در این وقت سنّ مبارک ایشان سی و یک سال بود و اگرچه ضعیف اندام بودند اما بواسطه کم خوردن و پرکار کردن قوّه ایشان زیاد بود و در کمال خوبی تحمّل امور شاقه را می توانستند نمود چه از بس در شیراز مداومت در سواری و شکار کرده معتاد شده و جوارح و اعضاء حالت سختی بهمرسانیده هیچ چیز ایشان را خسته نمی کرد، و از بس در شیراز در مواقع فرصت مداومت در صید و رکوب فرموده می توان گفت زندگانی ایشان بر پشت اسب بوده. در مدت هیجده سال جنگ که برای تحصیل استیلای کامل نمودند قدری از سختی مایل به نرمی گردیدند و این فقره لازم بود زیرا که در این هنگام می بایست به دوستان خود مهربانی و ملاطفت نمایند نیز صدماتی را که سابق متحمّل شده فراموش کنند و دشمنان خیلی قدیمی خود را مشمول عفو و احسان نمایند هیچ چیز درجه بلند عقل حضرت آقامحمد خان را مثل این ثابت نمی نماید که در وقت قدرت و اقتدار از رؤسای سلسله قاجار که با ایشان دشمن بودند انتقام نکشیدند و از جرایم آنها درگذشتند مخصوصاً کسانی که در خون پدر و اقارب ایشان شرکت داشتند بلکه آنهایی که ایشان را در طفولیت به عادلشاه تسلیم کرده و مبتلا به بعضی بلیات نموده بودند مورد عفو و احسان شدند و این پلیتیک کریمانه آن حضرت اختلاف و کینه دیرینه را از میان طوایف قاجار

که با یکدیگر خونی بودند مرتفع ساخته تاج و تخت سلطنت ایران را به ایشان تسلیم و مخصوص نمود و چون به درستی بر فواید اتفاق و اتحاد واقف شدند همان اشخاصی را که پیش از این به جهت صدمات آنها مبعوض داشتند به نوازش و الطاف خود امیدوار ساخته طرف اعتماد نمودند. خلاصه وقتی که حضرت آقامحمد خان از شیراز حرکت کردند هفده نفر با ایشان بودند و باوجود میل همراهان در اصفهان درنگ ننمودند فقط یکشب در طهران ماندند و از جانب حکومت طهران از ایشان پذیرائی خوبی شد، پس از آن راه مازندران را پیش گرفته و در راه یک مبلغی از مالیات مازندران را که به شیراز می بردند تصاحب نموده در مازندران بسیاری از طوایف ایلات دور آن حضرت جمع شده ریاست ایشان را اسباب نیکیبختی خود دانستند اما فی الفور حضرت آقامحمد خان از جانب طوایف قاجار بلکه از طرف خانواده خود اشکالات در جلوراه خویش دیدند یکی از برادران ایشان بر ضد آن حضرت برخاست، مرتضی قلی خان از اخوان ایشان قشونی برای خود جمع کرده و خود را پادشاه نامید و جنگ مختصری فیما بین حضرت آقامحمد خان و برادر در مدت چهار سال در کار بود گاهی بخت این را یار و زمانی طالع آنرا مددکار - انتهى.

مستر مارخام انگلیسی در کتاب تاریخ ایران که تألیف نموده گوید:
سلسله علیّه قاجار یکی از طوایف ترک توران زمین می باشند که برخی از آنها به همراهی عساکر چنگیزخان به ایران آمده و در این مملکت سکنی گرفتند. امیر تیمور گورکان چون بر مملکت ایران استیلا یافت آنچه از این طایفه جلیله را که در این مملکت ساکن بودند جلای وطن داده به سوریّه فرستاد (سوریّه عبارت از مملکت شام است سور که اسم گئلی است یا سُوری که گل سرخ است چون در شام زیاد می روید این مملکت را سوریّه نامیده اند) پس از مدتی به استدعای مقتدای اردبیلی^۱ که از اکابر امامیه بوده امیر تیمور این طایفه جلیله را رخصت معاودت به ایران داد و این طایفه یکی از طوایف سبعة قزلباش بودند که اتفاق

۱. مقصود از مقتدای اردبیلی میرسلطانعلی صفوی است که از معارف بوده (مؤلف).

کرده اولین پادشاه سلسله صفویه یعنی شاه اسمعیل را به تخت سلطنت ایران نایل نمودند.

از رؤسای ایل جلیل قاجار اول کسی که اسم او در تواریخ ثبت و مسطور است پیربداق خان قاجار است که در زمان سلطنت شاه طهماسب اول حکومت قندهار یافت. چون سلطنت ایران به شاه عباس بزرگ رسید چنان صلاح دید که بعضی از قاجاریه را در مرو و برخی را در ایروان و قسمتی را در قزوین و بقیه را در استرآباد مکان دهد. ایالت و شهر استرآباد در سمت جنوب شرقی بحر خزر واقع است. ایل جلیل قاجار به پنج طایفه منقسم بوده اند: اول یوخاری باش — دویم اشاقه باش — سیم دولو — چهارم شامبیاتی — پنجم قاجار قزوینی — در ایام قدیم رئیس طایفه یوخاری باش رئیس تمام ایل جلیل معظم بوده، تا وقتی که نواب فتحعلی خان رئیس طایفه اشاقه باش که سردار قشون شاه طهماسب ثانی بود رئیس سلسله علیه گردید، و از آن به بعد ریاست تمام طوایف قاجار حق خانواده نواب فتحعلی خان گردید. نادرشاه نواب فتحعلی خان را شربت شهادت چشانید و نواب محمدحسن خان بعد از آنکه مدتی متواری بودند و در میان تراکمه بسر می بردند، در زمان سلطنت نادرشاه با چند هزار سوار ترکمان به شهر استرآباد حمله کردند و آنجا را مستخر نمودند، لکن در ثانی قشون نادرشاه این شهر را مفتوح ساخت و نواب محمدحسن خان به ترکستان رفتند. بعد از قتل نادرشاه نواب معظم به ایران معاودت فرموده و در جنگ با قشون کریمخان زند شربت شهادت چشیدند.

نواب آقامحمدخان ولد ارشد نواب غفران مآب معظم در زمانی که پدر بزرگوار ایشان شهر استرآباد را محاصره کرده بودند به دست لشکر نادرشاه گرفتار گشتند، پس از آنکه نادرشاه را یکی از خدمتگزاران او در حوالی مشهد مقدس به قتل رسانید علیقلی خان برادرزاده نادرشاه که در هرات بود بر تخت سلطنت جلوس کرده و ملقب به عادلشاه گشت به حکم وحشیانه او نواب آقامحمدخان مقطوع النسل گردیدند. بعد از قلیل مدتی نواب معظم از حبس عادلشاه بدررفته به خدمت پدر بزرگوار خود شتافتند. وقتی که نواب محمدحسن خان در جنگ با قشون کریمخان زند شهید شدند نواب آقامحمدخان تمکین عساکر کریمخان نموده و آن

حضرت معظم را به شیراز بردند. کریم خان آن حضرت را زاید الوصف محترم می داشت و از آنجا که ایشان شخص بسیار بزرگ قابل با کفایت و درایتی بود کریم خان ایشان را پیران و یسه می نامید (پیران و یسه وزیر صایب تدبیر افراسیاب است). بعد از فوت کریم خان حضرت آقامحمد خان مُعجلاً به مازندران تشریف فرما شدند و در آنجا قشونی جمع و تجهیز کرده پس از مدت ده سال جنگ و جدال آخر الامر شهر کرمان را مسخر کردند و لطفعلی خان زند را که دعوی رقابت با آن حضرت داشت به راه عدم فرستادند و در سنه هزار و دویست و ده هجری مستقلاً شاهنشاه ایران گردیدند، و چون حاجی ابراهیم کلانتر شهر شیراز خدمت نمایان به آن حضرت کرده و اسباب استقلال و استیلای ایشان شده یعنی دروازه شیراز را در زمان غیبت لطفعلی خان بر روی عساكر حضرت آقامحمد خان باز نموده او را به پاداش این خدمت منصب وزارت دادند.

نیز همین مؤلف گوید: نواب آقامحمد خان قبل از آنکه اقتدار کامل در ایران بهمرسانند بر روسها غلبه نمودند و شرح این گفته در محل خود بیاید.

نیز گوید: در اوانی که حضرت معظم برای حصول استیلای کامل شمشیر می زدند چند سال در ساری اقامت داشتند و در آنجا قصری برای خود بنا فرمودند که عبارت از حیاط های حوض دار، و چندین اطاق عالی قشنگ و معابر تاریک بود. و دیوانخانه آن قصر را از پرده های نقاشی که تصویر فتوحات شاه اسمعیل و نادرشاه در آنها نقش شده بود مزین ساخته بودند. مردم و اهالی ولایات بامکنت گیلان و مازندران و استرآباد مخصوصاً مایل به تبعیت حضرت آقامحمد خان و تقویت ایشان بودند. و بعد از آنکه لطفعلی خان زند مقتول شد و حضرت معظم اقتدار کامل حاصل نمودند طهران را پای تخت خود قرار دادند. و جهت اینکه این شهر را به دارالملکی اختیار کردند نزدیک بودن آن به مازندران و استرآباد بود و بعد از آنکه دشمنان خود را که از طایفه زندیه بودند مقهور و نابود ساختند، بعضی اقارب خود را که به راه سرکشی و طغیان می رفتند و چندان میلی به انقیاد و اطاعت حضرت پادشاهی نداشتند به سزای خود رسانیدند و کلیه قصد و منظور این پادشاه این بود که تخت و تاج سلطنت ایران مسلم برای برادرزاده آن حضرت

(خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب‌ثراه) باشد.

حاجی ابراهیم وزیر حضرت آقامحمد شاه در ضمن محاوره و مفاوضه با سیرژن ملکم گفته بود: روزی حضرت پادشاهی مرا مخاطب ساخته فرمودند آیا شخصی به کفایت و درایت تومی تواند صحنه براین بگذارد که من عساکر و لشکریان خود را با توپها و سپاهیان منظم دولت روس برابر و مقابل نمایم و آنها را در معرض خطر درآورده اسباب خرابی عساکر خود را فراهم آورم؟ البته اینکار بر وفق درایت و دانش نیست و من راه صواب و طریقه حزم را بهتر می دانم و بر مصالح اینکار بدرستی واقف می باشم گلوله قشون روس هرگز به من نخواهد رسید، باوجودیکه آنها غفلت از کار خود نخواهند داشت بگذار بهرجائی که میل دارند بروند من آنها را در میان بیابان محاصره خواهم کرد. — انتهى.

نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله ابن مرحوم ولیعهد رضوان جایگاه نایب السلطنه عباس میرزا طاب‌ثراه در کتاب جام جم می فرمایند:

طایفه قاجار از نسل قراجار نویانست، این سلسله از گنجبه به استرآباد آمده اند و اول کسی که از گنجبه آمد شاهقلی خان بود که در اواخر دولت شاه سلیمان صفوی به استرآباد آمد و در استرآباد دختری یکی از اعیان را گرفت و بدان واسطه در آنجا رحل اقامت افکند. و از او دو پسر شد یکی مستی به فتحعلی خان که جد سلاطین قاجار است و دیگر فضلعلی آقا که جد خوانین کبار است. و پس از وفات شاهقلی خان پسر بزرگ او فتحعلی خان رئیس قوم و بزرگ طایفه گشت و در فتنه افغان هزار نفر سوار از اعیان قاجاریه به اعانت شاه سلطان حسین برد و در اصفهان به خدمت شاه سلطان حسین مشرف شد و زحمات او به واسطه اینکه او را در خدمت شاه متهم کردند که خود داعیه سلطنت دارد مقبول نیفتاد، و ملاباشی و حکیمباشی که در قلب شاه رسوخی داشتند پیوسته از او سعایت داشته می گفتند افغان دشمن خارجی و غریب است می توان چاره او نمود ولی به فتحعلی خان که از خود هزار سوار دارد و بی اذن شاه به اصفهان آمده اطمینان حاصل نمی توان کرد تا شاه ساده لوح را آن کلمات واهی مقبول افتاده شمشیر جهانگشا را به او عنایت کرده اذن انصراف داد، و آن شمشیر در سلسله قاجاریه به شگون و میمنت معروف

است — الفقه رفتن چنان لشکر را افغان از نتایج اقبال خود دانستند و الحق چنان بود. و آخر الامر فتحعلی خان باز از راه اخلاصی که به دودمان صفویه داشت وقتی که شاه طهماسب ثانی به طهران آمد به خدمت او شتافت و خدمتها کرد و در رکاب او به خراسان رفت و در خراسان وجود او را نادرشاه مغل خود می دانست و در نزد شاه طهماسب وسوسه کرد و از آن ملواح^۱ حکم قتل او را صادر نمود، و در چهاردهم صفر سال هزار و صد و سی و نه هجری در دور مشهد مقدس به دست مهدی بیگ قاجار دولو به تحریک نادرشاه و اجازه شاه طهماسب کشته شد، و در مقبره خواجه ربیع مدفونست، و چهل و دو سال از عمر او گذشته بود. و از فتحعلی خان یک پسر باقی ماند مستی به محمدحسن خان، و در استیلای نادرشاه در دشت ترکمان فراری و متواری بود، و هر قدر نادرشاه خواست که او را بدست آورد ممکن نشد. و پس از کشته شدن نادرشاه از دشت ترکمان به استرآباد آمده به خیال سلطنت افتاد، و اکثر ولایات عراق و آذربایجان و اصفهان را مسخر کرد. و آزادخان افغان را که او نیز دلبسته سروری داشت از ارومیه بیرون نمود، و به محاصره شیراز شتافت و کریم خان را محصور نمود، و در آن محاصره قاجاریه یونخاری باش و غیره از حقد قدیم و کینه دیرینه خیانت کرده اردو را شکسته فرار کردند. محمدحسن خان را مجال توقف نماند به استرآباد آمد. و اگر خیانت قاجاریه یونخاری باش و غیره نبود هرآینه قلعه شیراز به زودی مفتوح می شد، چرا که قلعه گیان به جهت آذوقه و علوفه کمال تنگی را داشتند و کریم خان متعاقب او لشکر کشیده روان شد و خود در طهران ماند، و شیخعلی خان زند را به مازندران فرستاد، و در مابین استرآباد و اشرف جنگی فیما بین آن دو سردار واقع گشت. محمدحسن خان شکست خورد و در جرکلباد در شهر جمادی الآخره هزار و صد و

۱. ملواح به کسر میم بر وزن مصباح معانی متعددی دارد. آنچه در این جا مناسب است این است «جغد پای بسته به دام جهت شکار باز و جز آن» (منتهی الارب) «الملواح بالکسر: البومة تُشدُّ رجليها ليُصَادَ بها البازی و ذلک ان يطيرها ساعة بعد ساعة، فاذا رآه الصقرو البازی سقط عليه فاخذهُ الصائد. فالبومة و مايلها تسمى ملواحاً» (اقرّب الموارد).

هشتاد و دو هجری به دست سبزه‌علی بیگ نوکر خودش به تحریک قاجاریه یوخاری‌باش به درجه شهادت رسید، و سر او را در طهران به خدمت کریم‌خان آوردند. و در تاریخ زندیه نوشته است که سر او را با مشک و گلاب شسته سه روز در نزد کریم‌خان بود بعد او را با حرمت به استرآباد فرستاد که به جسد او ملحق ساختند. و قاجاریه گویند سر آن امیر نامدار در بقعه شریفه حضرت عبدالعظیم مدفونست. و از محمدحسن خان نه پسر باقی بود، اکبر و ارشد اولاد آقامحمد خان است، و دیگران حسینقلی خان — و جعفرقلی خان و مصطفی قلی خان — و مرتضی قلی خان — و علیقلی خان — و رضاقلی خان — و مهدیقلی خان — و عباسقلی خان است که در خردسالگی درگذشت — و کریم‌خان زند پس از شهادت محمدحسن خان که مملکت ایران بی مانع او را مسلم شد آقامحمدخان و حسینقلی خان والد خاقان را که از یک مادر بودند به شیراز به رسم نوا برد، و برادران دیگر را به قزوین فرستاد (والده شاه شهید آقامحمد خان و حسینقلی خان دختر اسکندر خان قاجار قوانلو بوده است که خواهر محمدخان و عمه سلیمان خان است) کریمخان آقامحمد خان را حرمت زیاد می کرد و او را پیران و پسه می گفت و در کلیات امور از او مشورت می نمود، و در سال هزار و صد و هشتاد و چهار هجری حسینقلی خان برادر اقی آقامحمد خان را حکومت دامغان داده فرستاد، و حسینقلی خان به دامغان رفت و در سال هزار و صد و هشتاد و پنج هجری خاقان مغفور از آن امیر نامدار به عرصه ظهور آمد. چون سنی جد امجد بود لهذا در عهد آقامحمد خان ایشان را باباخان می گفتند (والده خاقان خلد مکان و نواب حسینقلی خان دختر محمد خان عزالدین لو است) و حسینقلی خان از دامغان به مازندران شتافت و محمدخان دادو، حاکم مازندران را بازه کمان خود خفه کرد و در آن ولایت بنای آشوب گذاشت، و کریمخان به دفع او لشکر فرستاد تا در سال هزار و صد و هشتاد و هشت هجری در حوالی فندرسک سه نفر از طایفه ایکدیریموت از طوایف ترکمان به تحریک کریم‌خان او را کشتند. و در تاریخ میرزا فضل الله شیرازی متخلص به خاوری شهادت حسینقلی خان را در بیستم صفر سال هزار و صد و نود و یک هجری ضبط کرده است — و در تاریخ محمدی که ملامحمد

ساروی نوشته است دوازدهم صفر هزار و صد و نود و دو هجری نوشته است. و ما تاریخ شهادت را از تاریخ زندیه نقل کرده ایم، و اعتبار این قول در نزد من زیادتر است و با آن همه انقلاب و اختلال که از حسینقلی خان در امور ولایت ظاهر شد کریم خان از سباحت^۱ خلق هیچ از آقامحمد خان مؤاخذه نکرد و در وقت شهادت او حسینقلی خان پسرش در بطن مادر بود که پس از ولادت به اسم او خواندند، و کریم خان سالهای سال به ناخوشی سل مبتلا بود و در ماه صفر هزار و صد و نود و سه هجری شدت کرد و عمة آقامحمد خان که زن کریمخان بود برادرزاده را از ناخوشی او اعلام کرد. و بعضی نوشته اند که خالة آقامحمدخان زن کریمخان بود و آقامحمد خان به عزم شکار مهارلو بیرون رفت، و روز سیزدهم صفر هزار و صد و نود و سه هجری که به شهر برگشت دروازه را بسته دید، دانست که کریم خان در گذشته است، و زندیه از تفریق کلمه که در میان خود داشتند به خیال او نیفتادند که صیدی از قید ایشان رها شده است. و آقامحمد خان از همانجا باز را سرداد و باز دولت را به پرواز آورد، دواسبه با دو نفر تا طهران تاخت و در کاشان خزانه کریم خان را که از رشت می بردند و پانزده هزار تومان نقد و جنس می شد غارت نمود، و روز هفدهم صفر به ورامین وارد شد، و در آنجا سران قاجاریه و خوانین ایلات به حلقه اطاعتش درآمده به مازندران رفت و در مازندران مدتی با برادران خود کاوش و سازش داشت. و علیرادخان زند که پس از کریم خان به سلطنت نشست به خیال دفع او افتاده به طهران آمد و لشکر به مازندران با پسر خود ویس مرادخان، و سرداری محمد ظاهر خان فرستاد و ایشان شکست خوردند - انتهی.

نیز نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله در کتاب روزنامه سفر مدینه السلام و بیت الله الحرام خود موصوم به هدایة السبیل و کفایة الدلیل - نسب

۱. سباحت معانی متعددی دارد آن که مناسب است این است: «نرمش، آسان گیری، عفو بزرگوارانه». در لغت نامه دهخدا: «نرم خوی بودن». در «فرائد الال فی مجمع الامثال» ص ۲۴۶ در تفسیر مثلی «مَلِكْتُ فَاسْجَعُ» گفته است: «أَي مَلِكْتُ الْأَمْرَ عَلَى فَأَحْسِنِ الْغَوْعَ عَنِ. وَأَصْلُهُ السَّهْوَةُ وَالرَّفَقُ... يُرْوَى عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ لَعَلِّي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَوْمَ الْجَمَلِ حِينَ ظَهَرَ عَلَى النَّاسِ، فَدَنَا مِنْ هَوْدَجِهَا ثُمَّ كَلَّمَهَا بِكَلَامٍ فَأَجَابَتْ: مَلِكْتُ فَاسْجَعُ أَي قَدَرْتُ فَسَهَّلْتُ وَأَحْسِنُ الْغَفْوَ.»

همایون اعلیحضرت شاهنشاهی را چنین مسطور فرموده‌اند:

السَّلاطین ناصرالدین شاه، ابن السَّلاطین محمدشاه، ابن الولیعهد الاعظم عباس میرزا، ابن السَّلاطین فتحعلی شاه، ابن حسینقلی خان الشهیر به جهانسوز شاه، ابن السَّلاطین محمدحسن خان، ابن الامیر فتحعلی خان، ابن الامیر شاهقلی خان، ابن محمدولی خان، بن مهدیخان بن محمدقلی آقای قاجار — از طایفه اشافه‌باش از تیره قوئللو — و در دولت صفویه از همه امرای بزرگ از طوایف استاجلو و شاملو و تکللو و ذوالقدر و غیره خیانت ظاهر شده، و مورد سخط سلاطین شده‌اند از طایفه قاجاریه که مصدر خدمات بزرگ بوده‌اند و چند بار به سفارت روم و هندوستان رفته‌اند هیچ خلاقی مترزده است — انتهی.

مرحوم رضاقلی خان امیرالشعراء متخلص به هدایت — رَوْحُ اللَّهِ رُوحه — که از معارف و اکابر مصنفین و نویسندگان این زمان مزیت اقتران است در کتاب روضه الصفای ناصری می‌نویسد:

اصل اصیل ایل جلیل قاجار به ترک بن یافت بن نوح علیه السلام می‌پیوندد، و قاجار طایفه‌ای از طوایف ترک‌اند، و گفته‌اند چون این ایل جلیل از اولاد قاجار نویان بن سرتاق نویان بن سبابانویان بن جلایر بن نیرون بوده‌اند، به اسم جد اعلی شهرت نموده، و قاجار منقسم به سه طایفه شده: سلدوس و تنکقوت و جلایر — طایفه سلدوس اصلاً به ایران نیامده‌اند، و طایفه تنکقوت سی چهل خانوار بوده به طوایف مغول پیوسته‌اند، و جلایر در اکثر بلاد توران و ایران مکنت و حشمت یافته‌اند، و مانند قاجار و سایر طوایف معروف شده‌اند. اقا سرتاق نویان پدر قاجار نویان به فرمان آباخاقان مغول به اتاییگی ارغون‌خان معزز و منصوص و مکرم و مخصوص می‌بوده و به وکالت و نیابت آن پادشاه ذیجاه از کنار نهر جیحون تا حدود ری حکمرانی و فرمان‌گذاری می‌نموده، و از قزل‌آقاج مغان تا حدود نیشابور مملکت خاصه او بوده، و کسی در آن تصرف و شرکت نداشته، و غالباً سرتاق نویان در ولایت گرگان می‌زیسته، و اولادش در استرآباد و مازندران زیاد شده. بعد از فوت سرتاق نویان در زمان غازان‌خان ولایت سرتاق به پسرش قاجار نویان مقوض شد، و قاجار نویان امیری باحشمت و شجاعت و لشکرکشی باشهامت و مناعت

بوده، و این قبیله نبیله به نام قاجار نویان معروف شده و اولاد نامدار و احفاد کامکارش در گرگان و ایران ملجاء بزرگان و امیران شده‌اند، و روز بروز در تعدد و زایش، و عدت و فزایش بوده‌اند، تا بساط دولت آل چنگیز پیچیده و برچیده گشت و بعضی از اولاد او در ماوراءالنهر بر مسند خانی بخارا مژگی بودند. و بعد از ضعف دولت گورکانیه و قوت سلاطین ترکمانیه قراقوینلو ابوالنصر حسن بیگ آل قوینلو که در نسب با سلسله جلیله قاجاریه مشارکت داشت لوای کشورستانی برافراشت و با صفویه به ارادت و قرابت اختصاص جست. و شاه اسمعیل صفوی که از طرف پدر موسوی و از جانب مادر آقچه قوینلو بود با قاجاریه به طریق یگانگی و امنیت سلوک می نمود. لهذا بزرگان قاجار در موافقت دولت صفویه کاملاً مساعد بودند، و ولایات بزرگ و مناصب عالی می یافتند. و در سنه نهصد و شصت و نه شاهقلی بیگ قاجار جد اعلای نواب فتحعلی خان قاجار ابن شاهقلی خان، از جانب شاه طهماسب صفوی به سفارت روم رفته با سلطان سلیمان خان قرار عهد مودت و صلح داده مراجعت کرد. بالجمله در تمام دولت صفویه غالباً امیرالامرائی قراباغ و گنجه و حکومت خراسان و مرو و استرآباد با طایفه قاجاریه زیاده‌لو و قوینلو بود. همینکه نوبت سلطنت به شاه عباس ماضی رسید چون مادر او از آن طایفه نبوده از کثرت شوکت و حشمت قاجاریه توکم نموده آنها را سه فرقه کزده، قسمتی را به مرو و خراسان به حکومت فرستاد، و جمعی را در قراباغ گذاشته، فرقه‌ای را به گرگان و استرآباد روانه نمود. و بارها این طایفه شجاعت‌آثار در ثغور و سرحدات ثلاثه ایران جنگها کردند تا زمان غلبه افغانه بر شاه سلطان حسین نواب فتحعلی خان بن شاهقلی خان بن مهدیخان بن محمدولی خان بن شاهقلی خان قاجار قوینلو حاکم گرگان و استرآباد و مازندران به حمایت شاه طهماسب با افغانه رزمها کرد و به نیابت سلطنت و وکالت دولت مخصوص گشته شاه را به تسخیر ارض اقدس و محاصره مشهد مقدس برد و به غدر نادر و قضای صادر شهادت یافت. و نادر به ملاحظه مال، مهدی نام قاجار را که دخیل در خون نواب غفران‌مآب بود و پدرش به دست خان والاشان کشته شده بکشت. همچنین شاه طهماسب را به دست محمدحسین خان قاجار مقتول ساخت تا خود

برئ الذمه باشد و سلسله قاجاریه و صفویه با یکدیگر خونخواهی کنند.

بعضی از ارباب میتر بر این اند که اصل این قبیله جلیله از ترکستان به روم افتاده اند و در آن ولایت می زیسته. در سال ششصد و پنجاه و سه که هلاکوخان از جانب برادر خود منکوقاآن به روم رفت به امر برادر از هر ده خانوار مغول دو خانوار با او برفتند، و براین قرار صد و بیست هزار کس از ایلات ترکستان در رکاب او مأمور آمدند که از سرحد ترکستان الی اقصای مصر و شام به محافظت ثغور پردازند، از آنجمله ایل جلیل قاجار به سرحدات شام متوقف و مأمور شدند، و در ایامی که امیر تیمور گورکان به شام رفت و آن بلاد را مسخر کرد ایلات ترکستان را که قریب به صد هزار نفر بودند مصلحت ندید که در روم باشند، ایشان را کوچانیده مأمور ترکستان کرد. بعضی از آنها به ترکستان شدند و جمعی در آذربایجان ماندند، ایل جلیل قاجار نیز در گنجه و ایروان ساکن گشتند. و برخی گفته اند چون به توسط و تشفع جناب میرسلطان علی صفوی، امیر به اطلاق اسرای روم فرمان داد این طایفه جلیله و جمعی از ایلات روم مانند بیگدلی ملقب به شاملو در آذربایجان و دیاربکر متوقف شدند، و ارادت طوایف شاملو و روملو و تکلو و قاجار و غیرهم به سلسله صفویه و اجتماع ایشان از دیاربکر به دور شاه اسمعیل صفوی به جهت این ملت بود. در هر حال ایل قاجار از ایلات ترکستان و در ایران متوقف بوده اند و شاه عباس صفوی جمعی را در قراباغ و گروهی را در گرگان و خراسان و مرو حکومت و الکای داد. و در سال یک هزار و هشت هجری که شاه عباس به استرآباد رفت و قلعه مبارک آباد بر ساحل گرگان را که از بناهای شاه طهماسب ماضی بود و تراکمه خراب کرده بودند تعمیر کرد حسین خان قاجار زیادهایی را از گنجه کوچانیده با قاجاریه در آن قلعه سکنی داد که ترکمانان صاین خانی به تاخت و تاز استرآباد نیابند و تطاول نتوانند. و طایفه مذکوره قاجار علی الشناوب در آن ولایت به حکومت و سالاری می پرداختند، تا در عهد دولت شاه سلطان حسین صفوی نوبت سروری قاجار و رعیت پروری استرآباد به نواب فتحعلی خان قوینلو رسید — انتهى.

میرزا محمد تقی متخلص به سپهر ملقب به لسان الملک از مورخین معتبر

این عهد ابدمهد در کتاب ناسخ التواریخ یعنی در جلد متعلق به سلسله جلیله قاجار گوید:

در سال ششصد و پنجاه و سه هجری سلطنت ایران به فرمان منکوقاآن بن تولی خان بن چنگیزخان مخصوص هلاکوخان شد، و هنگامی که عازم عراق و برانداختن دودمان خلفای بنی عباس بود از جانب منکوقاآن حکم شد از هر ده خانوار مغول دو خانوار برای حراست و حفظ حدود و ثغور از مکان خود بیرون شده از سرحد ترکستان تا اقصای مصر و شام در اماکن مختلفه اقامت کنند. بنابراین حکم صد هزار خانوار حرکت کردند و در امکنه منظوره جای گرفتند. سرتاق نویان بن سبابانویان بن جلایر بن نیرون، یکی از نوئینان و سرداران هلاکوخان و ملازم رکاب او بود. چون در سال ششصد و شصت و سه هلاکوخان درگذشت و پسرش اباقخان به جای او نشست، سرتاق نویان را مورد مرحمت نموده به اتابیکی پسرش ارغون خان برقرار کرد و از کنار جیحون تا قزل آغاج مقان را به حکومت او واگذار و مفتوح داشت. اباقخان نیز بعد از هفده سال پادشاهی بمرد و بعد از او نکودار خان برادرش دو سال سلطنت نمود، و ارغون خان فرزندش هفت سال، و گیخاتونخان برادر دیگرش سه سال، و بایدوخان هشت ماه. و در سال ششصد و نود و چهار هجری غازان خان بن ارغون خان بر تخت پادشاهی جلوس کرد، و سرتاق نویان نیز در گذشته بود، و پسرش قاجار نویان که سلسله جلیله قاجار بدو می پیوندد کمال رشد را داشت. غازان خان بنابر حقوق اتابک پدر، قاجار نویان را درجه اختصاص داده آنچه در تحت حکمرانی سرتاق نویان بود به او وا گذاشت و قاجار نویان اولاد زیاد بهممرسانید و عشیره او رو به فزونی نهاد، و آن جماعت را به نام جد و پدر قاجار خواندند. و در قدیم الایام رسم و قانون ترکان این بود که هر طایفه ای به جلالت و جلادت مشهور می شدند سایر طوایف، مردمان خود را بدان طایفه ملحق ساخته، به نام آن طایفه معروف می گشتند. بالجمله قبیله قاجار شوکت و عدتی حاصل کرده به شهامت و شجاعت معروف گشتند. و چون سلطنت چنگیزیه در ایران منقرض شد و حکومت سلطان ابوسعید بن الجایتو در سال هفتصد و سی و شش هجری بسر رسید، سلسله قاجار نیز به اقتضای خویشاوندی و ایلیت،

اندک اندک به قبایلی که در حدود شام سکنی داشتند پیوستند و آن اراضی را موطن خود دانستند، تا امیر تیمور گورکان در سنه هشتصد و سه هجری که سال دوازدهم پادشاهی او بود به سفر مصر و شام رفت، حکم کرد طایفه مغول از حدود شام که اراضی بیگانه است کوچ کنند و به ایران آیند و از اینجا به ترکستان که وطن اصلی ایشانست عزیمت نمایند بنابرین، آن قبایل به ایران آمده اکثری راه ترکستان پیش گرفتند و بعضی خاصه طایفه قاجار در آذربایجان و حدود گنجه و ایروان رحل اقامت افکندند. چون دولت گورکانیه ضعیف شد حسن بیگ ابن علی ابن عثمان اول سلطان از طایفه آق قویونلو که نسب به قاجار می‌رساند، در سنه هشتصد و هفتاد و یک به تخت سلطنت نشست و چهل و سه سال پادشاهی در خانواده او بماند. در سال نهصد و نود و پنج که شاه عباس اول به سلطنت رسید حکم کرد قبیله قاجار از گنجه و ایروان به اراضی استرآباد روند و در قلعه مبارک آباد در کنار گرگان که تازه به حکم پادشاه ایران ساخته شده بود ساکن شوند. ایشان بدان محل رفته آنها که بر بالای قلعه جای گرفتند معروف به قاجار یخاری باش شدند، طایفه ای که در پائین قلعه بودند اشاق باش نام یافتند. جماعت دیگر از قاجار نیز به حکم شاه عباس به مرو و شاه‌یجان رفته در آنجا منزل نمودند و مقصود شاه عباس از این فرمان محفوظ ماندن نواحی استرآباد و مازندران از تاخت و تاز تراکمه و محروس بودن اراضی خراسان از مزاحمت قبایل اوزبک بود. نیز نمی‌خواست سلسله جلیله قاجاریه که به جلادت و جلالت موصوف و معروف اند در یکجا جمع باشند. خلاصه این طایفه با اینکه از حیثیت شماره و عدد قلیل بودند به واسطه شجاعت و مبارزت بر تمامی ایران غلبه کردند و حکایات در رشادت و دلیری این جماعت شنیده و دیده شده، و بعد از ورود به استرآباد پیوسته با ترکمانان جنگ می‌کردند، و پدران فتحعلی خان قوآنلو همیشه بزرگ این سلسله بودند و با کمال اقتدار هرگز با سلاطین صفویه به راه مخالفت نرفتند، و حال بر این منوال می‌گذشت تا نوبت فرمان گذاری قاجار به فتحعلی خان رسید — انتهی. ^۱

۱. آنچه از متون مختلف تا این جا نقل شده است همه کم و بیش نقل به معنی شده است و گاهی به

مؤلف گوید: از جمله این منقولات و مسطورات مصنفین مذکورین —
تغمدهم الله بغفرانه و رضوانه — چنین مستفاد و محقق می گردد که نسب سلسله
علیه قاجاریه منتهی به قاجار نویان بن سرتاق نویان از امرای بزرگ غازان خان
مغول می گردد و نسب قاجار نویان به اغوزخان پادشاه خدایپرست بزرگوار ترک
می پیوندد، و آخر الامر به ترک بن یافث بن نوح علیه السلام پیوستگی می یابد، و
کلیه قبایل منشعبه از این اصل در اقطار عالم خاصه در صفحات ترکستان رتبه
خانی و خاقانی داشته، و قدم بر گاه و مسند حکمرانی گذاشته، اقل شوکت ایشان
آنکه ایلخان چندین ایل و امیر و حکمران چندین قبیله بوده اند، و از این سوانح آنچه
تعلق به زمانهای بسیار قدیم دارد چون در طی اقوال مؤلفین مزبورین ذکر شده تکرار
آن را غیر لازم دانستیم اما آنچه متعلق به ازمینه آخره است بعضی را به طور اشاره
ایراد می نمائیم تا ادعا و مدعا ثابت و مدلل باشد.

از سوانح سال نهصد و چهل و سه هجری یکی اینست که شاه طهماسب
بعد از انقضای فصل زمستان به قصد تسخیر قندهار و زمین داور از هرات حرکت
کرده به کنار آب هیرمند و از آنجا به قندهار آمده این ولایت را تصرف نمود و
حکمرانی آن را به عهده بداق خان قاجار موکول داشت.

از حوادث سال نهصد و پنجاه و سه آنکه شاه طهماسب که به عزم
گرجستان انتهاض نموده بود کوچ بر سر کوچ به گنجه آمد و از گنجه حرکت
کرده به موضع پولاق اردوزد، و از اینجا گوکجه سلطان قاجار، و ابراهیم خان
ذوالقدر، و حسین خان سلطان روملو، و شاهوردی سلطان زیاد اوغلی را با پنجهزار
سوار جرّار بطور ایلغار به طرف شماخی که القاس میرزا در آنجا بود روانه کرد، و
یکسال بعد از آن که شیروان در تحت تبعیت شاه طهماسب درآمد حکمرانی آنرا به
پسر خود اسمعیل میرزا داد و گوکجه سلطان قاجار را به پیشکاری او برقرار داشت.
در سال نهصد و پنجاه و نه چند نفر از سرکرده های شاه طهماسب مأمور

قصد تجلیل بازهم بیشتر از خاندان قاجار، عبارات و کلماتی اضافه و کم شده است. محققین دقیق باید
به اصل کتابها مراجعه فرمایند..

جنگ با عساکر عثمانی شده و همه فایق آمدند و از آن جمله بیرام بیگ قاجار و طویقون بیگ قاجار بودند.

در سال نهصد و شصت و دو که ابای ترکمان به خیال طغیان افتاده چند نفر از سرداران شاه طهماسب به اطفای نایره این فتنه مأمور شدند از جمله گوجیه سلطان قاجار بود که پس از حشم^۲ ماده فساد در همین سال درگذشت.

در سال نهصد و شصت و هفت ساروقورغان^۳ با جمعی اوزبک به فرمان علی سلطان والی خوارزم به نیشابور آمدند که این ولایت را غارت کنند بداق سلطان قاجار و ملکن اوغلی ذوالقدر با جمعی به دفع اوزبکان از شهر بیرون آمدند و با ایشان جنگ کردند و ساروقورغان و بسیاری از همراهان او را کشته بقیة السیف فرار کردند.

در سال نهصد و نود و شش اللهقلی بیگ قاجار منصب قورچی باشیگری شاه عباس اول یافت.

در سال هزار و یازده هجری شاه عباس قلعه ایروان را محاصره و فتح کرد و حکومت آنرا به امیرگونه خان قاجار داد.

در سال هزار و پانزده هجری شاه عباس قلعه گنجه را که به تصرف دولت عثمانی بود به قهر و غلبه فتح کرد و حکومت گنجه را به محمد خان زیاد اوغلی قاجار داد.

در سال هزار و صد و بیست و شش هجری که امیرگونه خان قاجار بیگلربیگی و حکمران ایروان بود محمد پاشا وزیر اعظم سلطان احمدخان اول سلطان عثمانی با لشکر زیادی از دیار بکر به ارزن الزوم آمده عازم فتح ایروان گشت، و امیرگونه خان طوری به مدافعه و محارست قلعه ایروان پرداخت که محمد پاشا بعد از کوشش

۲. حشم به معنی از بیخ برکنیدن و از بین بردن «حَشَمَةُ حَشْمًا فَانْحَسَمَ» قطعه مستأصلاً فانقطع (المنجد).

۳. در متن: ساروقورغان بود که به استناد احسن التواریخ چاپ دکتر نوائی ص ۵۲۸ تصحیح شد. چند سطر بعد در همین متن ساروقورغان آمده است.

بسیار و کشته شدن چهل هزار نفر از عساکر عثمانی از فتح ایروان مایوس شده بازگشت.

در سال هزار و سی و یک هجری شاه عباس چلبی بیگ قورچی قاجار را به سفارت به دربار دولت عثمانی فرستاده و در ضمن نامه ای مهر علامه سلطان عثمانی را از فتح قندهار و جزیره هرموز خبرداد.

در سال هزار و سی و دو امیرگونه خان قاجار بیگلربیگی چخور سعد به تسخیر اخسقه و تدمیر گرجیه رفت.

در سال هزار و سی و پنج امیرگونه خان قاجار بیگلربیگی چخور سعد به گرجستان رفته جنگ سختی کرده چند زخم برداشت بعد از آن به ایروان مراجعت کرده مشغول معالجه شد ولی چون زخمها کاری بود درگذشت.

در سال هزار و چهل و دو هجری شاه صفی حکمرانی مرو را به مرتضی قلی خان قاجار ابن معراب خان قاجار داد و محمدقلی خان زیاداوغلی قاجار به امیرالامرائی قراباغ و حکمرانی آن نواحی برقرار گشت.

در سال هزار و چهل و سه اکراد محمودی و کردستان و قارص و دیاربکر باهم اتفاق کرده به تاخت چخور سعد آمدند، طهماسبقلی خان قاجار امیرالامراء و حکمران چخور سعد و ایروان بسیاری از اکراد مزبور را بکشت و باقی را متفرق ساخت.

و در همین سال شاه صفی کلبی خان قاجار دوات دار را با خان احمد اردلانی و سپاه قلمرو عیشکر به جانب موصل و جزیره و عمادیه فرستاد و آن حدود را بتاختند - نیز در این سال مرتضی قلی پاشا بیگلربیگی دیاربکر که داعیه وزارت داشت در قلیل زمانی سپاهی از دیاربکر و کفه و مرعش و آبلستان و اناطولی و قرامان جمع کرده به کمک حاکم وان رفت، خلیل پاشا بیگلربیگی ارزن الروم نیز به او پیوست و با پنجاه هزار نفر حرکت کردند، شاه صفی مطلع شده طهماسبقلی خان قاجار بیگلربیگی را با چند نفر سردار دیگر و جمعی به امداد سپهسالار خود که مأمور به فتح وان بود روانه نمود.

در سال هزار و پنجاه و هفت هجری شاه عباس ثانی مرتضی قلی خان

قاجار ولد محراب خان حاکم مرو و ارض اقدس را منصب سپهسالاری داد.
در سال هزار و پنجاه و هشت شاه عباس ثانی قصد زیارت مشهد مقدس و
تسخیر قندهار نمود و مرتضی قلی خان قاجار سپهسالار از پیش به صوب قندهار
روانه گشت.

در سال هزار و شصت مرتضی قلی خان قاجار سپهسالار قورچی باشی
شد.

در سال هزار و هفتاد و پنج گداغلی خان بن محراب خان قاجار که
حکومت ولایت دورق داشت درگذشت.

در سال هزار و صد و چهارده گرگین خان والی گرجستان از اطاعت شاه
سلطان حسین سر پیچیده شاه سلطان حسین کلبعلی خان قاجار حاکم گنجه را با
لشکر گران به تأدیب او فرستاد، کلبعلی خان بر گرگین خان غالب آمده وارد
تفلیس شد و بزرگان و رعایای آنجا را به انعام و حسن سلوک مستمال و رام نمود.
در سال هزار و صد و بیست و چهار که امرای قزلباش صلاح در این دیدند
که شاهزاده طهماسب میرزا برای چاره کار افغان از اصفهان بیرون رود طهماسب
میرزا با هشت نفر سوار گزیده از طایفه قاجار از اصفهان به طرف قزوین حرکت
کرد.

بالجمله بر این منوال امرای معظم قاجار در هر دوره و عهد ساعد دولت و
مساعد سلطنت بوده و سلاطین باتمکین آنها را متقلد اشغال عمده و مهم بزرگ و
مناصب عالیه می نموده اند. چنانکه در دولت صفویه چندباز به سمت سفارت کبری
به دربار دولت عثمانی و سلاطین هندوستان رفته و خدمات بزرگ و نمایان کرده و
از آنجا که هرگز منشأ خلف و خلافتی نبوده اند و جز طریق صداقت و درستکاری
راهی نپیموده همیشه کمال اعتماد و اطمینان پادشاهان را جالب و تقلد و تکفل
معظمتات مهم و جلال امور را شایان و لایق گشته تا مجدداً سلطنتی که در اصل
ایشان را بود روی توجه به این دودمان نمود. و فی الحقیقه ابتدای این شروق و طلوع
و ضیاء و فروغ از سال هزار و صد و چهار هجری است که در این سال نواب
فتحعلی خان قاجار قوینلو جد سلاطین بزرگوار قاجار در استرآباد متولد شد و بعد از

بلوغ و رشد در آن نواحی استقلالی به کمال یافت، و کوکب اقبال و رایت اجلال نواب معظم میل به اوج و اعتلا کرد بر جلالت اُروغ و فروغ دودمان و سلسله جلیله قاجار افزود و ابواب حکمرانی و کشورستانی را به مقالید بخت سعید و تأیید آسمانی او گشود.

كَمْ مِنْ أَبٍ قَدْ عَلَا بِإِبْنٍ لَهُ شَرًّا كَمَا عَلَا بِرَسُولِ اللَّهِ عَدْنَانُ^۱

در سال هزار و صد و بیست و چهار که افاغنه شاه سلطان حسین را در اصفهان محصور کردند نواب فتحعلی خان با هزار سوار جرّار از طایفه قاجار از استرآباد به امداد شاه سلطان حسین شتافت و جنگهای سخت با لشکر افغان کرد و هر روز سر و غنیمت بسیار از آنها گرفته به نظر شاه می‌رسانید. اما شاه سلطان حسین ساده لوح و امرا و نزدیکان او خاین و بی عقل بودند و امرای مزبور که می‌بایست این امر را از تأییدات آسمانی دانند، از فرط نادانی برخلاف دانسته و فرض کرده و نزد شاه بنای سماعیت را گذاشتند، و به جای تمجید و تحسین و ترحیب و آفرین افساد و تفتین نمودند و گفتند طایفه قاجار به جلادت و شجاعت موصوف و به دلیری و رشادت معروف اند و نواب فتحعلی خان خود داعیه سروری و مملکت‌داری دارد اگرچه او افاغنه را دفع می‌کند ولی بعد از آن دفع خود او خارج از حیز امکان است. آخر الامر ملّاباشی و حکیمباشی که زیاده از دیگران در قلب شاه رسوخ داشتند چندان وسوسه کردند که شاه سلطان حسین را به وسواس انداختند ناچار او شمشیر معروف به جهان‌گشا را به نواب فتحعلی خان عنایت کرده رخصت مراجعت داد. بنابر مسطورات عبدالرزاق بیگ در کتاب مآثر سلطانیّه نواب معظم نیز به واسطه اینکه اقوال امرای شاه سلطان حسین را در حق خود شنیده

۱. بیعتی است از قصیده‌ای که علی بن عباس رومی در مدح ابوالعصر شیبانی سروده و بیت قبلی آن و صحیح بیت بعد این است:

قالوا ابوالعصر من شیبان قلت لهم
كَمْ مِنْ أَبٍ قَدْ عَلَا بِإِبْنٍ ذَرَا شَرِّهِمْ
كَلَّا لِعُمَرَى وَ لِبَكْنٍ مِنْهُ شِيبَان
كَمَا عَلَا بِرَسُولِ اللَّهِ عِدْنَان

(از افادات آقای دکتر مهدوی دامغانی)

بود آزرده خاطر شده سواران خود را برداشت و راه استرآباد پیش گرفت. افغانه بر اصفهان استیلا یافتند و کار به آنجا کشید که جمعی کثیر به اشاره اشرف افغان به طهران و تسخیر این سامان شتافته این بلد را ویران کردند. نواب فتحعلی خان باز با سواران قاجار در ابراهیم آباد و رامین یکروز از ظهر تا شام با سپاه افغان جنگ کرده شام دو لشکر به آرامگاه خود رفتند. در همان شب به نواب خلد مکان خبر دادند که شاه طهماسب را که پیش از تسخیر اصفهان برای چاره کار از این شهر به طرف قزوین فرستاده اند به مازندران آمده و در بلدة اشرف است. نواب فتحعلی خان که ارادتی به خانواده صفویه داشت از ابراهیم آباد راه مازندران پیش گرفت و این در هزار و صد و سی و هفت بود از آنجا که کوکب اقبال صفویه رو به هبوط بود در بین راه مسموع نواب فتحعلی خان شد که امرای شاه طهماسب او را نسبت به نواب معظم بددل کرده اند، لهذا عنان مرکب را از جانب اشرف منعطف و به طرف استرآباد راند و امرای مشارالیه بر اغوا و تحریک افزوده تا فیما بین جنگ در گرفت و شاه طهماسب گرفتار شد. نواب فتحعلی خان باز به راه ارادت رفته شاه طهماسب را از اشرف به استرآباد برد و تجهیز لشکری عظیم نمود و در رکاب شاه طهماسب عازم خراسان گردید و در سال هزار و صد و سی و هشت در دامغان شاه طهماسب نیابت سلطنت و امیرالامرائی ایران را به نواب فتحعلی خان داد و عازم مشهد مقدس شدند — در سال هزار و صد و سی و نه ندرقلی بیگ افشار حاکم نسا و ابیورد به خدمت شاه طهماسب آمده ملقب به طهماسبقلی خان گردید و منصب قورچی باشی یافت و مأمور جنگ ملک محمود سیستانی و تسخیر ارض اقدس گشت و در همین اوان ندرقلی بیگ وجود نواب غفران مآب را اسباب عدم پیشرفت کار خود دانسته در پیش شاه طهماسب به اغوا و تحریک مبالغت نمود و او را به قتل نواب فتحعلی خان راضی کرد. شب سیزدهم ماه صفر در منزل خواجه ربیع ندرقلی بیگ به همدستی شاه طهماسب و موافقت مهدیخان نام قاجار دوالو بطور خدعه و تزویر نواب فتحعلی خان را شربت شهادت چشانیدند و در بقعه خواجه ربیع به خاک سپردند.

از صلب نواب غفران مآب فتحعلی خان دو پسر به عرصه وجود آمدند یکی

نواب محمدحسن خان که در سال هزار و صد و بیست و هفت هجری متولد شد، و دیگری محمدحسین خان که در طفولیت پدرود زندگانی گفت. نواب محمدحسن خان که خلف مهین و فرزند ارشد باتمکین بود بعضی اوقات در استرآباد و گاهی در میان طوایف ترکمان می زیستند. به موجب مسطورات مورخین در ایام جوانی و اوقات کامرانی روزی با محمد زمان بیگ ولد محمدحسین خان قراموسانلو بر سر اسب دوانی منازعه کرده آزرده خاطر و مکدر گشته روی به احشام تراکمه نهادند و جمعی از اتراک و ترکمانان را دور خود جمع کرده بر سر استرآباد رفتند و شهر را بگرفتند. محمد زمان بیگ که از جانب پدر در این شهر حکمرانی می کرد بگریخت و خود را به بهبودخان که در آن اوان از جانب نادرشاه سردار و سرحددار استرآباد و مازندران بود رساند و بهبودخان با شش هفت هزار نفر که با خود داشت به عزم رزم و جدال از کنار رود انک حرکت کرد ولی صرفه ای از جنگ و قتال نبرده منهزم و فراری شد این خبر در موصل به نادرشاه رسید محمدحسین خان قاجار را مأمور استرآباد نمود و او با قشون ابوابجمعی بهبودخان و مردم استرآباد به شهر رفته این بلده را خراب و جمع کشیری را به قتل رسانید و عده ای از قاجاریه نیز در این هنگامه مقتول شدند. نواب محمدحسن خان مجال و امکان تلاقی و تلافی نیافته باز عنان به طرف دشت منعطف ساختند، نادرشاه نهایت سعی بود که نواب معظم را دستگیر کند چنانکه به حسینعلی خان معیرالممالک می گفته است یاقوت چهارده مثقالی دیده ای؟ او در جواب گفته ندیده ام. نادرشاه گفته یاقوت چهارده مثقالی محمدحسن خان است که از چنگ ما بیرون رفته و بر او دست نیافته ایم. خلاصه چون نادرشاه سر را در سودای قهر و خشونت برباد داد نواب محمدحسن خان از دشت ترکمان به استرآباد تشریف نزول ارزانی داشتند و این بلده را مقر دولت و حکمرانی خود قرار دادند و مازندران و گیلان را نیز مسخر ساختند و تقریباً بیست هزار لشکر منظم ترتیب دادند و کار ایشان در کمال قوام و قرین مزیت و انتظام بود تا کریم خان زند با چهل هزار پیاده و سواره از جماعت بختیاری و الوار عزیمت استرآباد نمود. نواب محمدحسن خان در این محل قدرت و شوکت خداداد را ظاهر ساخته چنانکه هر روزی جمعی از لشکریان را بر سر قشون کریم خان فرستاده

فوجی از آنها را اسیر کرده می آوردند و در عرض چهل روز تقریباً بیست و پنج هزار نفر از سپاهیان وکیل مقتول، و دستگیر عساکر فیروزی مآثر حکمران قاجار بیل تاجدار فرخنده آثار گردید، شجاع الدین خان زند طعمه شمشیر غازیان شد و کریم خان قرین یأس و حرمان، ناچار بُنه و آغروق و توپخانه و زنبورکخانه و سایر اسباب سلطنت را رها کرده از ساحت استرآباد به جانب اصفهان عطف عنان کرد و غنایم کشیره به دست ملازمان و لشکریان نواب محمدحسن خان افتاد و نواب معظم مصمم سفر عراق گشته از استرآباد به اشرف مازندران توجه فرمودند اوقاتی که کریم خان لشکر به استرآباد کشیده بود جماعت لاریجانی به اظهار خدمتگزاری به سپاهیان الوار پیوسته بعد از مراجعت کریم خان نیز سر از اطاعت پیچیده طبل یاغیگری می کوفتند، نواب محمدحسن خان محمدولی خان و مقیم خان ساروی را مأمور تنبیه لاریجانیها کردند و فوجی از عساکر منصوره بر سر آمل رفت ولی پیش از آنکه با لاریجانیها تراضی اتفاق افتد محمدولی خان به واسطه شرارت فطری بنای بدسلوکی را نهاده دست به طرف ناموس و عیال اهالی آمل دراز کرد. اهالی مازندران از حرکات محمدولی خان منزجر گشته او را گرفته حبس کردند و جمعیتی فراهم آورده نزد مقیم خان رفتند و او را بر خود امیر کرده راه طفیان پیش گرفتند و در ساری رحل اقامت انداختند و به خودنمایی پرداختند. نواب محمدحسن خان بدون بُنه و احمال از اشرف حرکت کرده بر سر مقیم خان و اهالی مازندران تاختند، مقیم خان به زخم زنبورک از پا درآمده دستگیر و نابود شد و اهل مازندران متفرق گشتند و چند نفر از معارف اهل این ولایت مورد مواخذه و مصادره گردیدند. بعد از آن احمدشاه ابدالی که در قندهار زایت اقتدار برافراشته بود به ارض اقدس آمده این ولایت را مسخر کرد و پانزده هزار نفر از افغانه را به سرداری شاهپسند خان افغان مأمور فتح استرآباد کرد، و آن جماعت به سبزوار آمدند. ابراهیم خان بغایری، و عیسی خان گُرد، و علیخان قلیجی، و جمعی دیگر از خوانین خراسان با اهل و عشیرت خود کوچ کرده به دامغان رسیدند. نواب محمدحسن خان محمدحسن خان دولوی قاجار را که از اعظم امرا بود با خوانین خراسان و چهارده هزار نفر لشکری به دفع شاهپسند خان مأمور فرمودند، و بعد از تلاقی فریقین افغانه

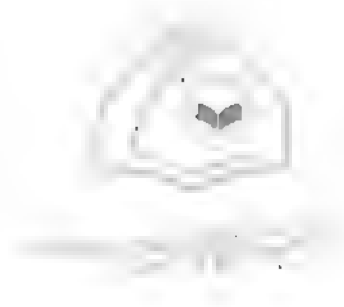
شکست خورده راه هزیمت پیش گرفتند. بعد از این فتح نمایان نواب محمدحسن خان با قشون نصرت نمون به قصد جنگ با کریم خان از مازندران حرکت کرده محمدخان بی کله زند را که بعد از کریم خان در این سلسله کسی از او شجاع تر نبود با هفتاد نفر از امرای زند گرفته به شهر ساری فرستادند، و محمدخان را از آن بی کله می گفتند که مقدار کف دستی از کله او را شمشیر بریده بود. آخر الامر نواب محمدحسن خان اصفهان را متصرف شده در گلون آباد با کریم خان مصاف داده او را نیز منهزم ساختند. پس از آن به عزم تسخیر آذربایجان رأیت انتهاز برافراختند. آزادخان افغان که این مملکت را مسخر کرده و در ارومیه سکنی داشت با بیست هزار نفر از افغانه روی به میدان کارزار و عرصه پیکار نهاد و از آنجا که اهل و عیال این بیست هزار نفر در ارومیه بودند برای حفظ ناموس خود آنها سخت می جنگیدند و از روی غیرت مردانه می کوشیدند، مع ذلک عساکر نصرت مآثر نواب محمدحسن خان ایشان را مقهور و مغلوب نمودند. آزادخان با اهل و عیال و معدودی به صوب تفلیس رفت. نواب معظم به جمع آوری افغانه پرداخته هزار خانوار از افغانه و اوزبک کوچانیده آنها را از راه گیلان به مازندران فرستادند و با لشکری وافر و شوکتی زیاد از عراق به فارس آمده کریم خان زند را در شیراز محاصره کردند. در این هنگام قاجاریه یوخاری باش و غیره به واسطه کینه دیرینه راه طغیان و خیانت پیش گرفتند و اردوی باعظمت معتبری را شکسته فرار کردند و از آنجا که آذوقه محصورین رو به تمامی نهاده بود اگر این طغیان و خیانت از طایفه مزبوره به ظهور نمی رسید به زودی شیراز مسخر عساکر نواب محمدحسن خان می گردید. بالجمله چون نواب معظم حال را بر این منوال دیدند روانه استرآباد شدند و کریم خان از عقب ایشان لشکر کشیده روان شد و خود در طهران مانده شیخعلی خان زند را به مازندران فرستاد و فیما بین استرآباد و اشرف جنگی بین فتنین واقع شده در اینجا نیز کاری از لشکریان نواب محمدحسن خان ساخته نشد، بالاخره در ماه جمادی الآخره هزار و صد و هفتاد و دو هجری در جبرکلباد به تحریک قاجاریه یوخاری باش آن حضرت معظم به دست یکی از ملازمان خود که موسوم به سبزعلی بیگ بود به درجه رفیعۀ شهادت رسید. بعد از آن کریم خان استقلال بهمرسانیده به

مازندران و طبرستان راند و بر استرآباد استیلا یافت و از پسرهای حضرت غفران مآب معظم که نه نفر بودند و پیش ذکر ایشان شده حضرت آقامحمد خان (شاه شهید طاب ثراه) را که اکبر و ارشد اولاد بودند با حسینقلی خان (جهانسوز شاه) والد خاقان مغفور (فتحعلی شاه طیب الله مضجع) به شیراز برد و این دو برادر معظم برادر صلبی و بطنی بودند. سایر برادران را به قزوین فرستاد و احترامات و کیل نسبت به حضرت آقامحمد خان معروف است، و فی الحقیقه قدر آن گوهر پاک را می دانست و در مشکلات امور و معضلات مهم از رأی رزین ایشان استمداد و استعانت می نمود و کمال اطمینان را به وفور عقل و راستی و امانت آن حضرت در مشورت داشت.

در سال هزار و صد و هشتاد و چهار هجری نواب حسینقلی خان معروف به جهانسوز شاه به حکمرانی دامغان رفتند، و از آنجا به مازندران شتافته تبعیت و متابعت کریم خان را برکنار گذاشته محمدخان دادو، حاکم مازندران را با زه کمان خود خفه کردند و این از آن بود که ملک خود را در تحت مالک دیگر نمی توانستند دید. خلاصه کریم خان لشکر به دفع نواب جهانسوز شاه فرستاد ولی حالت احترام او نسبت به حضرت آقامحمد خان مطلقاً تغییری نکرد و هیچ این فقره را به روی ایشان نیاورد. نواب حسینقلی خان جهانسوز شاه دست و کیل را از کار کوتاه می کردند اگر در حوالی فندرسک از دست سه نفر غدار از طایفه ایکدریموت از طوایف ترکمان شربت شهادت نمی نوشیدند و رخت از سرای فانی به جهان جاودانی نمی بردند.

در سال شهادت نواب جهانسوز شاه اختلاف کرده گویا سال هزار و صد و هشتاد و هشت هجری را باید اختیار کرد و صحیح دانست. به هر حال چندان از شهادت حضرت جهانسوز شاه نگذشت که حق به مرکز خود قرار گرفت و نوبت اعتلای لوای دولت جاوید شوکت قاجار در رسید. و اگر چندگاهی ظهور این دولت که مصون از زوال باد به قول مشهور تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد — خلاصه کلام، حضرت آقامحمد خان با کمال عزت و شأن در شیراز انیس و جلیس و کیل بودند تا در ماه صفر هزار و صد و سه کریم خان به ناخوشی سل

درگذشت و حضرت معظم دواسه به طرف طهران شتافته روز هفدهم ماه صفر به ورامین وارد شدند و در اینجا سران قاجار و خوانین ایلات به رکاب فیروزی انتسابش پیوسته عزیمت مازندران کردند.



[سنه ۱۱۹۱ هجری - سنه ۱۷۷۹ مسیحی]

آسیسا (ایران) - در وقایع سال قبل در آخر جلد دویم منتظم ناصری ارتحال کریم خان وکیل و تشریف فرمائی حضرت آقا محمدشاه را از شیراز به مازندران اجمالاً ذکر نموده ایم ولی به سبب کمال پیوستگی حوادث سال قبل با این سال کلام را ضرورتاً اعادت داده گوئیم: حضرت معظم که مدت شانزده سال در شیراز به مصاحبت وکیل اشتغال داشتند در اوان ناخوشی وکیل خاصه اوقاتی که علایم انتقال ظاهر شده بود به راه حزم رفته غالباً در بیرون شهر شیراز به بهانه شکار گردش می نمودند و مستعد بودند که به محض فوت وکیل راه مازندران و استرآباد را که دارالملک نیاکان بزرگوارشان بود پیش گیرند، و سلیمان خان قاجار ابن محمد خان خالوی خود را که در آن زمان ده ساله بود دایماً به حرم وکیل فرستاده پنهانی از عتمة خود که در حباله نکاح کریم خان بود از حال پادشاه زند و ضعف و شدت بیماری او استعلام می فرمودند - به عقیده بعضی خاله حضرت آقا محمد شاه با وکیل سمت ازدواج داشته و از او جویای حالات بوده اند - سیرژن ملکم در تاریخ خود گوید همشیره حضرت آقا محمد شاه در سرای سلطنتی بوده و ساعت به ساعت برادر بزرگوار خود را از حالات وکیل مستحضر می ساخت تا وقتی که خبر انتقال پادشاه زند را به آن حضرت داد - در هر حال شب سیزدهم ماه صفر سال هزار و صد و نود و سه حضرت آقا محمد شاه در بیرون شهر شیراز بسر بردند به این معنی که هنگام غروب نزدیک دروازه آمده که به شهر ورود کنند آقا محمد حسین خان ارجمندی و عبدالله خان دماوندی که در سلک هواخواهان آن حضرت بودند به

اشاره به ایشان معلوم کردند که وکیل محتضر است لهذا آن شهریار معظم بازی را که در دست داشتند عمداً از دست رها کرده و به بهانه اینکه آن را به چنگ آرند از دروازه دور شده و در محله شاه میر علی ابن حمزه که از محلات بیرون شهر شیراز است در خانه رضاخان قاجار شب را صبح کردند و انتظار داشتند که نواب علیقلی خان برادر آن حضرت و محمد امین آقا ولد حاجی فضلعلی بیگ برادر نواب غفران مآب شهید فتحعلی خان و سایر اقارب بدیشان پیوندند. و از آنطرف زندیه ملتفت شدند که امرای قاجار در جناح حرکت اند، بنابراین موسی خان و عیسی خان برادرزاده های حضرت آقامحمد شاه را در میان دروازه گرفته بازگردانیدند سلیمان خان را به واسطه صغر سن نکشتند و موسی خان و عیسی خان به حکم ابوالفتح خان بن وکیل حاکم شیراز به دست محمد طاهر خان زند مقتول شدند — خلاصه چون صبح چهاردهم صفر شد و امرای مزبور به خدمت حضرت آقامحمد شاه نپیوستند حضرت معظم صلاح در توقف ندیده با چهارده نفر از خویشان خود روی به راه نهادند و مرکب آن حضرت در این سفر اسبی بود که نواب جهانسوز شاه پیش ازین برای برادر والا گهر به هدیه ارسال داشته و ظاهراً خاص این سفر بوده، چنانکه در دو شبانه روز با این اسب خود را به اصفهان رسانیدند و در منازل خوانین قلیجی منزل گزین گشتند و خوانین مزبور با برکشاطی و بغایری تعهد کردند که از دنبال آن شهریار روانه استرآباد و مازندران شوند — جهانگیر خان و رشید بیگ پسران فتحعلی خان افشار اظهار موافقت نمودند ولی از التزام رکاب نصرت انتساب تخلف جستند، و رضاقلی خان برادر آن حضرت که در اصفهان بود ایشان را همراهی نمود. روز سه شنبه بیستم شهر صفر که شب عید نوروز بود به زاویه مقبضه حضرت عبدالعظیم (ع) رسیده به زیارت این امامزاده لازم التعظیم فایز آمدند و در عرض راه آنچه مالیات به شیراز می بردند به تصرف ملازمان حضرت درآمد و حاجی صمدای علی آبادی نیز آنچه فراهم آورده بود به میل تحویل کرده و مژده قدوم شهریاری را به مازندران رسانید و عموم اهالی از این بشارت قرین مسرت فوق العاده گردیدند. روز چهارشنبه بیست و یکم صفر را که عید نوروز بود در صحبت برادران و هواخواهان بسر بردند و خان ابدال خان و نقدعلی خان و سایر

خوانین مدائن و جهان بیگلو جبهه اطاعت و عبودیت در آن حضرت بر زمین نهادند. در این اثنا تقی خان زند سردار طهران و مازندران از فوت کریم خان باخیر شده جمعیت او متفرق و خود روانه شیراز شد. حضرت آقامحمد شاه مهدیقلی خان را با یکصد سوار از سواران اکراد و قاجار از عقب او روانه فرموده آنها تقی خان و همراهان او را دستگیر کرده به حضور مبارک آوردند و تقی خان پس از تنبیه و مواخذة مرخص شد و موکب شهریاری به دعوت مجنون خان به ورامین و خوار آمد و خوانین دولوی قاجار به تقدیم هدایا پرداخته مشمول عنایت گردیده به عواطف حضرت پادشاهی مستظهر گشتند، و به توسط جعفرقلی خان برادر آن حضرت داخل در دایرة هواخواهان شدند. موکب منصور دو روز در دولاب طهران توقف کرده و خویشان و بستگان شهریاری که در قزوین اقامت داشتند راه استرآباد پیش گرفتند. و از حوادث غیرمترقبه آنکه مرتضی قلی خان برادر حضرت شهریاری پس از استماع فوت وکیل با سپاهی از استرآباد به بارفروش آمد و اگرچه از استخلاص برادر بزرگوار اظهار شغف می نمود ولی می گفت مازندران را من به شمشیر خود مصفی نموده ام و این مملکت خاص منست و اگر دیگری طمع در آن نماید کار به پیکار خواهد کشید، و جمعی را با مصطفی قلی خان برادر خود به سوادکوه فرستاد که مانع عبور حضرت آقامحمد شاه شوند. مقارن این حال رضاقلی خان برادر دیگر آن حضرت از دولاب طهران به مازندران رفته به مرتضی قلی خان پیوست. حضرت آقامحمد شاه پس از بذل نصایح که سودمند نیامد جعفرقلی خان را مأمور دفع آنها کرده پس از مبادرت به جنگ ابتدا رضاقلی خان مغلوب و مقهور گردیده به بارفروش راند، و مرتضی قلی خان عزیمت استرآباد نمود و مصطفی قلی خان به موکب معلی ملحق شد. حضرت آقامحمد شاه به علی آباد ساری و بارفروش تشریف فرما گردیده خاقان صاحبقران فتحعلی شاه که در آن وقت با عم خود مرتضی قلی خان در مازندران بودند به حضور مبارک آمده مصطفی قلی خان به استمالت مرتضی قلی خان مأمور استرآباد شد و والده خاقان معظم را که در آن وقت سی ماه از ولادت فرزند گرامیش حسینقلی خان ثانی ابن جهانسوز شاه گذشته بود نیز همراه بود. و خان ابدال خان گرد جهان بیگلو به حکومت شهر ساری منصوب

گشت، و رضاخان قاجار قوانلو به حراست آمل و لاریجان محکوم شد.

نیز از وقایع این سال آنکه زکیخان زند برادر اُمّی کریمخان که به دستاويز ابوالفتح خان بن وکیل با سایر خوانین زند مخالفت نموده و بر آنها غلبه کرده همه را مقتول ساخته بود علیمرادخان خواهرزاده خود را به حراست اصفهان فرستاد و از آنجا مأمور نظم اموری و قزوین و دارالمرز کرد. در این اثنا ذوالفقارخان خمسه ای به دعوی سروری از خمسه به قزوین آمد و پس از مقاتله با علیمرادخان شکست فاحش یافته منهزماً معاودت نمود و علیمراد خان مظفر و منصور به طهران بازگشت و محمدقلی خان سیاه و محمدقلی خان سفید از خوانین لاریجان نزد وی آمدند و علیمراد خان آنها را با محمود خان افغان به تسخیر مازندران روانه کرد مشارالیه به تنگه عباس آباد آمده مهتای قتال و مستعد جدال شدند. حضرت آقامحمد شاه برادر خود جعفرقلی خان را با لطفعلی بیگ سرکرده لشکر سوادکوهی به دفع ایشان فرمان داده پس از جنگ سخت در آن کوهستان پردرخت، زندیه منهزم و بسیار از آنها مقتول شدند. علیمراد خان زند غفورخان نامی را در طهران گذاشته خود روانه اصفهان شد و حضرت آقامحمد شاه عزیمت طهران فرمودند، و مجدداً رضاقلی خان و مرتضی قلی خان بنای مخالفت را گذاشته خواستند با خوانین دولوی ورامین همدست شوند. حضرت شهریار جعفرقلی خان را از پیش روانه نموده، بُنه و آغروق را به مهدیقلی خان سپرده بعد از آن نهضت فرما گردیده به سعدآباد ورامین به خانه محمدخان ولد رفیع خان که با آن حضرت نسبتی داشت نزول اجلال فرمودند و میرزا محمد خان و مصطفی خان و رحیم خان و محمدخان و سایر بزرگان دولو مجدداً بر خدمت و سلطنت حضرت پادشاهی اتفاق کرده و عذر رضاقلی خان را خواسته او را روانه نمودند. ناچار سایر خوانین و بزرگان دولو از در معذرت و انقیاد درآمدند و موکب شاهانه به فیروزآباد طهران توجه فرمود — هم در این اوان ذوالفقارخان افشار خمسه ای به تسخیر طهران شتافت و جعفرقلی خان قاجار در قریه قشلاق او را جلوگیری شده به جنگ پرداختند. آخر الامر ذوالفقارخان مغلوب شده به قزوین فرار کرد و جمعی از لشکریان او اسیر و مقتول شدند و ذوالفقارخان بعدها با هدایت الله خان گیلانی درانداخته و به جدال پرداخته این

دفعه نیز مقهور شد و عاقبت به حکم علیمراد خان مقتول و روانه دیار عدم گشت. و موکب پادشاهی در ری توقف داشت و محمدقلی خاتین سیاه و سفید لاریجانی اظهار عبودیت می کردند، ولی رضاقلی خان به اغوای آنها کوشیده بر مخالفت ترغیب نمود، و در هزارجریب به تهیه سروری پرداخت. لهذا موکب منصور به عزم مازندران از ری انتهاز فرمود و در بین راه دسته قشون جعفرقلی خان با سپاهیان مرتضی قلی خان قتال نمودند و جعفرقلی خان به عباس آباد رفت و مرتضی قلی خان در یکی از قرای فیروزکوه بماند و اسرای طرفین را مرخص کردند. بعد از آن جعفرقلی خان در علی آباد به موکب معلی پیوست و مهدیقلی خان ناچار با مرتضی قلی خان روانه استرآباد شدند ولی در ضمن فرصتی به دست آورده فرار نموده و به ملازمان حضرت سلطنت پیوست و عید نوروز سال هزار و صد و نود و چهار را شهریار تاجدار در ساری گرفتند و مهدیقلی خان و محمدقلی خان قوانلو از بند شیراز مستخلص شده به حضور مبارک مشرف شدند و رضاقلی خان با جمعی به منازعه ملازمان حضرت آمد. جعفرقلی خان به مدافعه او مأمور شد و طایفه مدانلو به او پیوستند رضاقلی خان به صفحات نور و کجور رفته بر سپاهیان خود بیفزود و در محل موسوم به خواجک با جعفرقلی خان مصاف داده شکست خورده دستگیر شد، و جعفرقلی خان او را با قاسم خان و اسمعیل خان قوانلو به حضور پادشاهی فرستاد و بنابر شفاعت علیقلی خان او را عفو فرمودند و نور و کجور نیز در تحت تبعیت ملازمان حضرت در آمد و محمدقلی خاتین سیاه و سفید لاریجانی بار دیگر در چمن دریاوک و آن نواحی جنگ سختی کرده از جعفرقلی خان منهزم شدند و جمعی مقتول و گرفتار گشتند. چون جعفرقلی خان با فتح و نصرت به حضور حضرت آقامحمد شاه آمد آن حضرت معظم این شر شاهنامه را در توصیف او بخواندند:

خجسته بروم گرگان که شیر همی پروراند به جای دلیر

هم در این سال در بیست و هشتم رمضان موکب حضرت آقا محمد شاه از ساری عزیمت استرآباد نمود و ابتدا به الکای چارده هزارجریب نزول اجلال فرمود، اما از آنجا که این اوقات هزارجریب از اعمال استرآباد و تعلق به مرتضی قلی خان داشت

و از جانب مشارالیه پذیرائی نشد، آن حضرت از اورنجیده و رضاقلی خان و خان ابدال خان را که مأمور توقف مازندران فرموده بودند احضار کرده که به پیکار مرتضی قلی خان پردازند ولی باز کار به اصلاح گذشت، و رضاقلی خان به استرآباد رفته از رنجش خاطر مبارک پادشاهی شرحی برای مرتضی قلی خان تقریر نمود. مرتضی قلی خان برادر اعیانی خود مصطفی قلی خان را به معذرت فرستاد و موکب منصور از رفتن به استرآباد عطف عنان کرده از اشرف حرکت نموده روز هیجدهم ذیقعدة الحرام به بارفروش تشریف فرما شدند و در عمارات شاه عباسی مشهور به بحر ارم نزول اجلال فرمودند.

اروپا — (روس) — اتحاد دولتین روس و اطریش برضه پروس. (اطریش) — مصالحه قیامین دولتین اطریش و پروس بعد از وقوع منازعه. (ایطالیا) — طغیان و آتش فشانی کوه وزوو و جریان مواد محترقه از آن.

امریکا — (اتائونی) — امداد دولتین اسپانیول و هلاند به اتائونی ینگى دنیا.

[سنه ۱۱۹۵ هجرى = سنه ۱۷۸۰ مسیحى]

آسیا — (ایران) — از وقایع این سال آنکه حاجی جمال فومنی با آنکه خدمات نمایان به حضرت آقا محمد شاه کرده بود پسرش هدایت الله خان متوسل به زندیه شده و بدین واسطه از خدمت حضرت شهریاری روگردان بود و ربهه انقیاد را بر رقبه عبودیت نمی نهاد. لهذا جمفرقلی خان و مصطفی قلی خان مأمور تسخیر گیلان شدند و مهدی خان تنکابنی مأمور امداد ایشان، و رضاقلی خان به استمالت محمدقلی خان سیاه و محمدقلی خان سفید و سایر لاریجانیها روانه گردید اما بعد از ورود به نیشل با مخالفان موافق شده و با هزار نفر به طرف بارفروش راند و حضرت پادشاهی را محصور نمود، خان ابدال خان نیز به آن جماعت پیوسته به واسطه عدت و کثرت آن حضرت معظم را بگرفتند و قصد جان آن یگانه دوران نمودند. حاجی جان خان بندپشی معروف به حلال خور تدبیری اندیشیده آن قصد را

مانع آمد یعنی درخواست کرده گفت او را به من سپارید تا محارمت و نگاهداری نمایم. آنها قبول کردند و شهریار معظم را مقتداً با مهدعلیا و نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) و برادر کهنتر ایشان حسینقلی خان به بندپی روانه نمودند و رضاقلی خان استقلالی یافت. نواب جعفرقلی خان که در لاهیجان بود از این مقدمه باخبر گردیده بر جناح استعجال مراجعت نموده مصطفی قلی خان را به استرآباد فرستاد و به مرتضی قلی خان واقعه را خبرداد و خود به کجور رفت. مرتضی قلی خان به مازندران آمده با خان ابدال خان گرد سردار رشید رضاقلی خان مصاف کرد و بر او غالب آمد و محمدقلی خانین را بگرفت. رضاقلی خان چشم از شهر یاری ساری و بارفروش پوشیده از بیم تیغ مرتضی قلی خان به بندپی در ظل عاطفت حضرت شهر یاری گریخت و قبل از ورود او به این محل میرزا فریدون مشهور به حاجی جان خان و آقاسی خان برادرش که حضرت معظم را حارس و نگاهبان بودند اقدام به تکلیف حقیقی خود نموده آن حضرت را از بند نجات داده بر اریکه جلالت نشانده کمر خدمت و ملازمت این آستانه را بر میان بستند. حضرت شهر یاری رضاقلی خان را به حضور نخوانده و او چون دور مانده قصد خدمت علیراد خان کرده روانه اصفهان شد و در آنجا نیز مقامی ندیده به مشهد مقدس مسافرت کرد و در آنجا به زودی درگذشت. خلاصه بزرگان بندپی حضرت سلطنت را با جمعی روانه بارفروش نمودند و رضاخان قاجار به نواب جعفرقلی خان که در کجور بودند مرثیه فرستاد و خود با برادران و تمامی خوانین مدانلو به آستان معظم پیوست و مرتضی قلی خان محض استرضای خاطر مبارک خان ابدال خان طاغی را بکشت و مصطفی قلی خان را به معذرت و تشکر خلاصی و سلامت مزاج همایون در بار شهر یاری روانه نمود و آن حضرت برای استیناس مرتضی قلی خان تشریف فرمای ساری گردیدند و با او ملاقات فرمودند ولی رفع خیال مرتضی قلی خان نشد. علیقلی خان و مهدیقلی خان ملترم رکاب ظفر نصاب شهریار با اقتدار گردیده و مرتضی قلی خان تخلف جسته و بعدها به راه مخالفت رفته لکن کار از پیش نبرد.

روز شنبه پانزدهم ماه ربیع الاول این سال عید نوروز سلطانی رسید —

هم در این اوان کلبعلی خان دامغانی از قادرخان عرب بسطامی شکایتی به دربار شهریار عرض و انفاذ داشت، حضرت معظم نواب جهانبانی را به تدمیر قادرخان مأمور فرمودند، نواب شوکت مآب با اسمعیل خان قاجار قوئللو و جمعی از سواران جزار به ایلغار بر سر قادرخان عرب تاختند و وقتی رسیدند که قادرخان بر کلبعلی خان غالب شده و دامغان را گرفته تاخت و تاراج می نمود. عساکر نواب جهانبانی لشکر قادرخان را شکستی فاحش داده و او را مقهور ساخته صورت حال را به آستان مبارک معروض داشتند و دامغان به سیورغال نواب جهانبانی مقرر آمد — نیز از وقایع این سال آنکه پس از جنگ و جدل با مرتضی قلی خان و طول محاصره شهر ساری این بلد را عساکر منصوره شهریاری فتح کردند و مرتضی قلی خان به مصالحه و حکومت استرآباد و هزارجریب و گرگان راضی شده بدان ساحت شتافت — وفات حاجی لطفعلی بیگ آذر بیگدلی صاحب تذکره موسوم به آتشکده.

اروپا — (آلمان) — فوت ماری ترژ امپراطریس آلمان و اطیش بعد از چهل سال سلطنت — استقلال پسرش ژوزف دویم در امپراطوری آلمان و اطیش. (انگلیس) — معابد و کلیساهای کاتولیکی که در لندن و سایر شهرهای معتبر انگلیس بود به اغوای لرد گرژن رئیس متعصبین پرستان غارت شد — اختراع اول چرخ بخار در بیرمنگام از شهرهای انگلیس — ایجاد روزنامه مُرتنگ هرالده — اعلان جنگ مابین این دولت و هلاند (فرانسه) — فوت ژیل پر از شعرای معروف. (روس) — در ظرف این سال تقریباً یکصد و سی هزار نفر در ممالک روس به ناخوشی وبا هلاک شدند.

[سنه ۱۲۱۶ هجری = سنه ۱۷۸۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال امیرگونه خان افشار طارمی که علیمراد خان زند هنگام فرست فارس او را مأمور نظم مازندران کرده بود به اغوا و امداد محمدقلی خان سیب و محمدقلی خان سفیدلاریجانی عازم مازندران و مصمم قتال با عساکر منصوره حضرت آقامحمد شاه گردید و با شش هزار نفر به محالات آمل آمد. علیقلی

خان قاجار که در آن حدود بود چون دید از عهده جمعیت امیرگونه خان بر نمی آید مراتب را به عرض آستان شهرباری رسانید. حضرت آقامحمد شاه به نفس مبارک مصمم مقاتله با امیرگونه خان شده روز دوشنبه دوازدهم جمادی الثانیه در جنب باغ شاه آمل جنگ درگرفت. سپاه دارالمرز و لشکریان قاجار بر همراهان امیرافشار حمله کردند ابتدا محمدقلی خان سفید مقتول و بعد محمدقلی خان سیاه اسیر شد و پسر امیرگونه خان به زخمی کاری از اسب افتاد. امیرگونه خان افشار فرار بر قرار اختیار کرد، و در این جنگ سخت بسی سرها بر سر دار فنا رفت. محمدقلی خان سیاه را نیز از بالای عمارت باغ شاه به رودخانه آمل انداختند و همان دم جان بداد، و پسر امیرگونه خان که زخمی شده بود بمرد، و لاریجان را ملازمان حضرت شهرباری متصرف شدند و هزار نفر لاریجانی به شرف الترام رکاب مبارک سرافراز آمدند و امیرگونه خان در حوالی گیلان درگذشت — هم در این اوان امیر محمدحسین خان ارجمندی و عبدالله خان دماوندی که در شیراز بودند به رکاب همایون پیوستند و در دهم ماه رجب موکب معلی عزیمت سمنان فرموده حاجی فاضل سمنانی و سایر معارف این بلد به حضور مبارک تشریف جستند، پس از آن به طرف بسطام توجه فرموده نواب مستطاب جهانبانی (خاقان مغفور) و کلبعلی خان دامغانی به فیض حضور شهربار کامکار مستعد گشتند بعد به جانب چمن نمکه انتهاز نموده جان محمد خان قاجار دولو متعهد خدمات گردید. قادرخان عرب به معاونت تراکمه و بعضی از اهالی سرحدات خراسان به خیال سرکشی افتاد ولی علیقلی خان قاجار جمعیت او را متفرق ساخت و او را محصور نمود، آخر الامر مصحف کریم را شفیع نموده با ضراعت به عتبه علیه آمد و مقرر شد که با اهل و عیال به مازندران رود — هم در این ایام خوانین قلیجی و برکشاطی و افشار با پانصد سوار از عراق آمده به اردوی مبارک پیوستند، و حضرت شهرباری حکومت سمنان را به علیقلی خان، و حکمرانی بسطام را به جعفرقلی خان مفوض داشته در بیستم شعبان به مازندران عطف عنان فرمودند. مرتضی قلی خان نیز به خدمت آمده به حکومت استرآباد منصوب شد و به گیلان مأمور گردید و هدایت الله خان چون خود را مقهور دید به دادن مالیات تمکین کرده لهذا ایالت گیلان را به او واگذار

فرمودند — هم در این اوان علیقلی خان به خوار و ورامین رفته این ناحیه را تصرف نمود و غفورخان حاکم طهران را نیز محاصره کرد ولی کاری از پیش نرفت و حضرت شهریارى امر به معاودت او فرمودند و در استرآباد به حضور آن حضرت مشرف شد و برادران نامدار شهریار کامکار از اطراف رو به استرآباد نموده در این بلد جمع آمدند و در مضجع خلدآشیان محمدحسن خان و رضوان جایگاه جهانسوز شاه انارالله برهانها به مراسم تعزیت قیام نمودند و عمارتی در آنجا بنا کردند — نیز در این اوقات بزرگان و اعیان گگلان و یموت و فندرسک و کبودجامه و کتول در سلک خدام آستان حضرت سلطنت منسلک گردیدند. پس از انتظام امور آن سیامان موکب شاهانه به ساری معاودت فرمود و هدایت الله خان از دریا و خشکی استعدادی فراهم نموده به خیال سرکشی افتاد، حضرت شهریارى نواب جهانبانی را به رسم نیابت در مازندران گذاشته با تمامی برادران متوجه گیلان شدند و هدایت الله خان را مقهور ساختند و گیلان مفتوح شد. پس از فتح گیلان جعفرقلی خان را به مقاتله رمضان خان زند که به امداد غفورخان حاکم طهران آمده بود مأمور فرمودند، و او رمضان خان را منهزم و جمعی از همراهان او را مقتول نموده به قزوین آمد و مولاویردی خان را گرفته مقید کرد، ولی به حکم همایون او را مرخص کرده پسرش را حکومت قزوین داد و به کوران دشت به موکب ظفرکوکب پیوست — هم در این اوان مصطفی خان دولوی قاجار مأمور تنبیه علی خان خمسه ای افشار گشت، علی خان به آذربایجان گریخت و مصطفی خان مظفر و منصور به قزوین آمد — نیز در این ایام نواب سلیمان خان قاجار خالوزاده شهریار کامکار از شیراز به آستان مبارک آمده مشمول عواطف ملوکانه گردید.

هم در این سال صادق خان زند برادر وکیل که بعد از مراجعت از بصره به واسطه استیلای زکی خان در شیراز راهی به این بلد نداشت روانه کرمان شد و از آنجا که علیمرادخان زند در اصفهان رأیت استقلال برافراشته بود زکی خان ابوالفتح خان پسر وکیل را با لشکری جرّار به طرف اصفهان حرکت داده در منزل ایزدخواست خانعلی خان مافی زکی خان را در جامه خواب بکشت — سیرژن ملکم در تاریخ خود گوید زکیخان چون به منزل ایزدخواست رسید تنخواهی معادل

هفتهزار و دویست فرانک از سکنه این محل مطالبه نمود به این عنوان که شما این مبلغ را از وجوه خزانه دزدیده‌اید، سکنه انکار کردند و بعلاوه اظهار داشته که ادای این مبلغ فوق وسع و استطاعت ماست، زکی خان حکم کرد هیجده نفر از اعیان محل را از بالای قلعه ایزدخواست به زیر انداختند، بعلاوه یکی از سادات محترم مقدس را گرفته که نواز این تنخواه با خبری و قسمتی از آن به تورسیده، سید بیچاره آنچه در برائت ذمه خود ابرام و الحاح کرد ثمری نبخشید عاقبت چندین زخم کارد به سید زده او را با هیجده نفر سابق الذکر از بالای قلعه به زیر انداختند بدین هم قناعت نکرده زن و دختر سید مقتول را گرفته به دست بعضی از قراولهای خود که مافی بود داد تا دست اندازی به عصمت آنها نمایند، قراولان با وجود حالت وحشیگری که داشتند از این حرکت زکی خان برآشفته و متقلب گردیدند و بایکدیگر مواضعه نموده زکی خان را بکشتند و سر او را از بدن جدا نمودند — انتهی.

پس از کشته شدن زکی خان ابوالفتح خان مستقلاً به شیراز مراجعت کرد و صادق خان نیز از کرمان به او پیوست ولی ابوالفتح خان به واسطه افراط و ادمان در شرب خمر از رسیدگی به امور ملکی غافل ماند، و هرچه عمش صادق خان او را نصیحت کرد سودمند نیفتاد، ناچار او را خلع کرده خود بر مسند حکمرانی متمکن گردید و فیما بین او و علیمراد خان که در اصفهان بود جنگ در گرفت و صیدمراد خان زند که سردار علیمراد خان بود در خارج شیراز با علینقی خان پسر صادق خان به مقاتله پرداخته شکستی فاحش خورد و صاحبمنصبان او در راه اصفهان گرفتار شدند، علیمراد خان به قلمرو علیشکر کرمانشهان رفته قریب سی هزار جمعیت جمع کرده به اصفهان آمده از اینجا راه شیراز را پیش گرفته صادق خان را در این بلد محصور نمود، جعفر خان پسر صادق خان که برادر مادری علیمرام خان بود و اکبر خان پسر زکی خان زند به علیمراد خان پیوستند و علینقی خان هر روز او شهر بیرون می آمد و با آنها مصاف می داد، آخر الامر پس از نه ماه محاصره چون قلعه گیان گرفتار قحط و غلا شده بودند دروازه شهر را باز کردند و علیمراد خان در دویم محرم وارد شهر شیراز شد، صادق خان و پسران او را مجروح و مقتول ساخته

ابوالفتح خان و پسران وکیل را مکحول نموده در حکمرانی استقلالی بهمرسانید و صیدمراد خان بنی عم خود را که نیابت اصفهان داده بود به شیراز خواسته ایالت این ولایت را بدو تفویض کرد و خود راه اصفهان پیش گرفت و جعفرخان زند را به حکومت کردستان فرستاد.

اروپا — (آلمان) — هرشل منجم معروف هانوری ستاره اورانوس را که یکی از سیاراتیست که دور این آفتاب حرک می نماید انکشاف نمود. (اطریش) — به واسطه مداخله امپراطور ژوزف دویم در امور دینیّه پی ششم پاپ با او در منازعه می باشد. مسافرت این امپراطور به پاریس. (فرانسه) — نیکر وزیر مالیه دخل و خرج دولت را به طبع رسانیده منتشر ساخت و بدین واسطه معزول گردید و فلری نام به جای او منصوب شد. استقلال ملکه فرانسه خواهر امپراطور اطریش در این مملکت، و عدم رضایت مردم از این استقلال.

امریکا — (اتانونی) — منازعه سخت اهالی اتانونی با عساکر انگلیس و فتوحات آنها.

[سنه ۱۱۹۷ هجری = سنه ۱۷۸۲ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در اول فصل تابستان این سال ووانویچ نام روسی با چند فروند کشتی از حاجی طرخان به استرآباد آمد، حضرت آقامحمد شاه آنوقت در نواحی استرآباد تشریف داشتند، ووانویچ از ملازمان آن حضرت درخواست نموده رخصت طلبید که روسها در سواحل استرآباد در محل مناسبی دارالمعامله بنا نمایند که تجار روس در آنجا به سهولت مشغول امور تجارتی باشند. حضرت شهریارى قبول فرموده اذن ساختن دارالمعامله دادند. روسها در عوض دارالمعامله در دوازده فرسنگی شهر استرآباد قلعه بسیار محکمی بنا کردند و هیجده عراده توپ و قورخانه در آنجا گذاردند. بعد از اتمام قلعه حضرت شهریارى به تماشای قلعه روسها تشریف بردند و از وضع باخبر گشتند، چون از قلعه مراجعت فرمودند ووانویچ و صاحبمنصبان

روس را به شام دعوت کردند وقت شب که صاحب‌منصبان و ووانویج به محل دعوت رسیدند حضرت شهریار کامکار حکم به گرفتن آنها کردند و فرمودند که اگر قلعه که ساخته اید فوراً خراب نکنید و توپهای خود را با آنچه در ساحل استرآباد دارید نبرید جان و مال شما در خطر خواهد بود. و ووانویج چون می دانست فرمایشی که حضرت شهریار می فرمایند هرگز تخلف را در آن راهی نیست از همانجا به کارگزاران خود دستورالعملی نوشت که توپخانه و لوازمی که دارند به کشتی حمل کنند و قلعه را خراب و منهدم سازند. خلاصه حضرت آقامحمد شاه چون تهدید زیادی به آن جماعت فرمودند آنها از استرآباد خارج شده به مملکت خود بازگشتند. برخی این واقعه را به سال قبل نسبت داده اند — هم در این سال حضرت شهریار صبیحة فتحعلی خان قاجار دولورا که سابقاً خواستگاری شده بود در عقد ازدواج نواب جهانبائی (فتحعلی شاه) درآوردند و او را در هودج نشانیده به ساری رسانیدند و مراسم جشن و شادی کامل به عمل آمد. پس از آن موکب منصور به عزم تسخیر طهران تشریف فرمای شمیران شد و غفورخان طهرانی به قلعه داری پرداخت و محصور شد، و در این اوان علی خان افشار خمسه ای از آذربایجان مراجعت کرده به موکب معلی پیوست و به حکمرانی خمسه منصوب گشت، و مرادخان زند از جانب علیراد خان سرداری یافته در صفحات همدان استقلال بهمرسانید، حضرت شهریار نواب جعفرقلی خان و میرزا محمدخان قاجار دولو و علی خان افشار خمسه ای را به جنگ مرادخان فرستادند و در حینی که علی خان مقدمه الجیش بود جنگ درگرفت، مرادخان گریزی بر سر علی خان زد و نزدیک شد که علی خان از اسب بیفتد که نواب جعفرقلی خان رسیدند و به ضربت شمشیر مرادخان را دوپاره کردند، لشکر الوار که این بدیدند فرار برقرار اختیار کردند و غنایم و اسیر بسیار به دست عساکر منصوره افتاد، بعد از این فتح به طهران مراجعت نموده در محاصره کوشیدند. به واسطه طول محاصره و ظهور غلا و قحط در طهران غفورخان گرسنه جان بداد و برادرزاده اش محمدخان به جای او علم دعوی برافراشت، و از آنجا که هوای ری مستعد عفونت شده بود وبائی شدید بروز نموده و جمعی از محاصرین و محصورین را تلف کرد و این بلای وخیم مستعقب

به طاعون عظیم شد، ناچار موبک همایون به طرف چشمه علی دامغان نهضت فرما گردید — هم در این سال در ساری خانه ای آتش گرفت و در اطفای آن تعلل کرده به امداد باد آتش به اماکن مجاور رسیده کار به جانی کشید که یک ثلث شهر بسوخت و هفتاد و دو نفر در این حریق در دریای هلاکت غریق شدند، حضرت شهریارى حکم به تجدید آن ابنیه فرمودند و بر عمارات این بلد افزودند — وفات میرزا خرد شاعر نوری مازندرانی. (هندوستان) — فوت پادشاه میسور حیدرعلی خان بهادر و جلوس پسرش تیپو صاحب به جای او، و این پادشاه بعد از جلوس اعلان جنگ به انگلیس نمود.

اروپا — (انگلیس) — عزل لردنرث و نصب مارکی در کنکام به صدارت که بعد از چندی می میرد و پیت به جای او صدراعظم می شود — انتزاع نمودن اسپانیولها جزیره میئرک را از انگلیس. (فرانسه) — انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس برای استقرار مصالحه در تمام دنیا به ترغیب امپراطور اطریش و امپراطریس روس. (اطریش) — مسافرت پاپ به وینه و مراجعت کردن او بی نیل مقصود. (روس) — پُل از شاهزاده های روس که بعد به امپراطوری خواهد رسید به فرانسه سفر می کند — شورش تاتارهای قرم به خان خود که دوست روسها بود.

[سنه ۱۱۹۸ هجری - سنه ۱۷۸۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال علیمیراد خان زند که شیراز را مسخر کرده و به اصفهان آمده بود با چهل هزار نفر عزیمت طهران نمود که بر مازندران و استرآباد استیلا نماید و شیخ ویس خان ولد ارشد خود را با معدودی از پیش روانه ساخت، بنابراین به عرض حضرت شهریارى آقامحمد شاه رسید که محمّدعلی خان خوارى و بعضی از دماوندیها و فیروزکوهیها و نوریها و لاریجانیها شیخ ویس خان را به تسخیر مازندران ترغیب و تحریک کرده اند و او تا صحاری لار آمده و چراغعلی خان زند را با دو هزار سوار به لاریجان فرستاده است. حضرت شهریارى رضاخان قاجار را به مقابله و مقاتله سپاه زند مأمور فرمودند و او جمعی را مقتول و

جماعتی را اسیر کرد، در این اثنا علیمراد خان زند نزدیک شد و پانزده هزار سوار با پسر خود از راه فیروزکوه، و ویس مرادخان زند را با محمدرضا خان نوری از راه نور، و اسمعیل خان بن شجاع الدین خان را با محمدعلی خان خواری از راه خوار و دامغان روانه مازندران نمود. حضرت شهریارى نیز جعفرقلی خان و مهدیقلی خان را با لشکری موفور روانه نور و کجور فرموده و علیقلی خان را با محمود خان و علینقی خان و لطفعلی بیگ داودی سوادکوهی به دواب سوادکوه فرستاده سرداران مذکور به اغوای مهدی خان سوادکوهی به زندیه میل کرده حضرت شهریارى چون از این واقعه خبردار گردیدند خدام حرم جلالت را روانه استرآباد کردند و روزی در ساری اقامت فرموده بعد از ورود برادران خود نیز بدان سامان و دارالملک آبای باجلالت و شأن نهضت فرما گردیدند. شیخ ویس خان و سرداران زند به ساری آمده دست تطاول به طرف اهالی دراز کردند، و شیخ ویس خان محمد ظاهر خان بختیاری را بنا ده هزار لشکر مازندرانی مأمور استرآباد نمود و او به صحرای وسیع کراودین رسید حضرت شهریارى جعفرقلی خان را با حمزه سلطان انزانی به دفع زندیه فرستاده و در این حیص و بیص مرتضی قلی خان و رضاقلی خان برادران حضرت معظم از راه صواب منحرف شده به زندیه پیوستند و نزد شیخ ویس خان پسر علیمراد خان رفتند و علیمراد خان حکم کرد شیخ ویس خان در ساری توقف نماید و محمد ظاهر خان با عساکر فراوان به تسخیر استرآباد رود. محمد ظاهر خان با لشکری جزار راه استرآباد پیش گرفت و از جرکلباد گذشته به ظاهر استرآباد نزول کرد. جرکلباد عبارت از خندق عمیق است یعنی جر به معنی حفره است و چون این خندق در حوالی قریه کلباد است معروف به جرکلباد شده، این خندق را برای قطع راه تراکمه به امر شاه عباس ماضی در مازندران حفر کرده اند و از حوالی کوه متصل به اشرف است تا ساحل دریای خزر که طولاً چهار فرسنگ می باشد و دو طرف خندق را درختهای قوی گرفته و عبور از آن متعذر و راه مازندران به استرآباد منحصر به معبر آن است و چون آن معبر را بگیرند دیگر راه مازندران به استرآباد مقطوع است. خلاصه محمد ظاهر خان استرآباد را محاصره کرد، اما از این طرف حمزه سلطان انزانی و مازندرانیان که دولتخواه حضرت شهریارى بودند با

سپاهی جرّار راه جبرکلباد را مسدود کردند و آذوقه به اردوی محمّد ظاهرخان نرسیده کار به قحطی انجامید، و تراکمه و قاجار و اهالی دارالمرز از اطراف دشت به نهب اردوی الوار و اسیر آنها مشغول شدند و حضرت شهریار نیز با قشون نصرت نمون از شهر بیرون آمده حمله های سخت بر آن سپاه بدبخت می نمودند، در هر حمله جمعی مقتول و جماعتی دستگیر می شدند و قتل و غارت تراکمه نیز بر بدبختی اهالی اردوی الوار می افزود تا محمّدظاهرخان اسیر شد و چون در شیراز باعث قتل موسی خان و عیسی خان قاجار قواندلو ابن اسکندر خان خالوزادگان شهریار عظیم الاقدار شده بود به حکم حضرت شهریار به راه عدم روانه شد و شیخ ویس خان بعد از اطلاع از این واقعه دیگر نتوانست در ساری زیست نماید لهذا با کمال رعب به طرف طهران گریخت و مطرود و هردود پدر گردید. علیمراد خان زند رستم خان زند را مأمور مازندران کرد اما لشکر او نیز بعضی از عرض راه فرار کردند و برخی به مازندران رسیده شکست خوردند و منهزماً نزد علیمرادخان آمدند، او خود نیز جماعتی از آنها را بکشت و حاصل آنکه کار او به پریشانی و اختلال کشید، باقرخان خراسکانی اصفهانی که از جانب علیمراد خان حاکم اصفهان بود نیز بر این پریشانی افزود، یعنی فراریان لشکر علیمراد خان را به اصفهان راه نداده و خود طبل یاغیگری زد. علیمراد خان با شیرازه گسسته راه اصفهان پیش گرفت و به واسطه اکثار و مداومت در شرب خمر به مرض استسقا مبتلا شد. همچنین جعفر خان زند پسر صادق خان برادر اقی علیمراد خان که از جانب او حاکم خمسه و زنجان بود رأیت خودسری برافراشت و با استعداد کامل از طرف همدان متوجه اصفهان شد، چون علیمراد خان به مورچه خورت اصفهان رسید بدرود زندگانی گفت و جعفرخان بی منازعی وارد شهر اصفهان شده به داعیه شهریار برخواست و شیخ ویس خان را دستگیر و کور کرد و مرتضی قلی خان و رضاقلی خان برادران حضرت شهریار که از برادر تاجدار خود روگردان و به زندیه متصل شده بودند کار را زار دیده یأس بر آنها غالب آمد. مرتضی قلی خان به قزوین و گیلان و طالش و قبه و بادکوبه و خاک روس رفته در آن حدود حیات را وداع نمود و رضاقلی خان به صفحات خراسان رفته در آن سامان درگذشت — تولّد حاجی میرزا

عباس مشهور به حاجی میرزا آقاسی ولد مرحوم حاجی میرزا مسلم ایروانی - وفات آقاسید احمد هاتف اصفهانی صاحب ترجیح مشهور.

اروپا - (انگلیس) - جنگهای عساکر انگلیس با تیپو صاحب در هند.
(فرانسه) - ایجاد و روانگی یکدسته کشتی مخصوص از سواحل فرانسه به اتانونی
ینگنی دنیا. اختراع بالن به دست مُنگُل فیه. ابداع کشتی بخار در فرانسه.
(روس) - کاترین دویم امپراطریس روس قرم و گویان را متصرف می شود.
(هلاند) - اغتشاش داخله در این مملکت. (ایتالیا) - زلزله سخت در مسین و
خرابی آنجا. (اطریش) - ژوزف دویم امپراطور اطریش به رُم رفته با پی ششم
پاپ ملاقات می کند. (عثمانی) - ابتدای تنزل شوکت دولت عثمانی در ممالک
خود.

امریکا - (اتانونی) - سیزده ایالت از اتانونی از انگلیس جدا و مفروز شده و
موسوم به ایالات متحده گردیده، به موجب عهدنامه ای که در ورنایل منعقد شد
جمع دول این سیزده ایالت را از انگلیس موضوع و مستقل شناختند.

[سنه ۱۱۹۹ هجری - سنه ۱۷۸۴ مسیحی]

آسیل - (ایران) - در این سال جعفرخان زند که بعد از علیراد خان زند داعیه
سروری داشت نجف خان زند را سرداری داده با لشکری مأمور طهران نمود که با
عساکر منصوره حضرت شهریار که طهران را محاصره کرده بودند مصاف دهد
حضرت شهریار کامکار مجنون خان پاژکی را در طهران گذاشته به طرف زرند
ساوه راندند و از آنجا به جانب قم انتهاز فرموده با لشکریان نجف خان تلاقی
روی داد، پس از کشش و کوشش نجف خان در قلعه قم محصور شد، لشکر
نصرت اثر قلعه را میختر نمودند و نجف خان به اصفهان گریخت و موکب منصور
عازم کاشان گردید. جعفرخان احمدخان ولد آزادخان افغان را با تقی خان زند و ده
هزار سوار به استقبال عساکر شهریار کامکار فرستاد و دو لشکر در حوالی نصرآباد

کاشان به اشتعال نایره قتال پرداختند، بعد از جنگ سختی احمدخان شکست خورده فرار کرد و تقی خان گرفتار و مقتول شد، چون بقیة السیف لشکر جعفر خان منهدماً به اصفهان رسیدند و او از واقعه باخبر شد، ناچار از اصفهان به شیراز گریخت و عساکر نصرت مآثر شهریاری بسیاری از اموال آن جماعت را متصرف شدند و موکب ظفرکوکب حضرت آقامحمد شاه با جنود شوکت و جلال به اصفهان نزول اجلال فرمود و علما و اعیان و اعظم و اشراف بلد به استقبال شتافتند و کمر عبودیت به میان انقیاد و اطاعت بستند و اموال جعفرخان به تصرف ملازمان حضرت درآمد و فتحنامه ها به اطراف نوشتند و چهل روز موکب معلی در اصفهان اقامت نمود. و در این اوان معروض داشتند که ابدالخان و حبیب الله خان بختیاری و بزرگان فراهانی و گلپایگانی با دوازده هزار جزایرچی از توابع زندیه در چمن قهیز جمع و مهتای کارزار شده اند، حضرت شهریاری باقرخان خراسکانی را به ایالت اصفهان منصوب فرموده از اصفهان انتهاز کرده به منزل آتشگاه تشریف فرما شدند و از آنجا با عساکر منصوره به قریه عسکران آمده، این محل معسکر سپاه ظفر همراه شده با معاندین مشغول جنگ و جدال شدند. تابعین زندیه به سنگر گریخته ولی سنگر را به زودی از دست دادند، و ابدالخان گرفتار و مقتول گردید، و حبیب الله خان و سایر سرکردگان بختیاری به شفاعت چراغ خان بختیاری نجات یافتند و متقبل خدمت گشتند. پس از آن اردوی همایون به چمن سنگباران آمد و در اینجا معروض شد که مجنون خان پازکی طهران را فتح کرده است و مهدی خان سوادکوهی و محمدخان حاکم طهران و علینقی خان سوادکوهی گرفتار شدند و به یاسا رسیدند. حضرت شهریاری امر به مرمت ابنیه طهران و بنیاد عمارات عالیّه در این شهر فرمودند. موکب معلی به طرف قلمروعلیشکر و به قصد تسخیر لرستان و کردستان انتهاز نمود، اسمعیل خان و خسروخان ولات این ولایات از در اطاعت درآمده مخلع شدند، و حضرت شهریاری در بیست و هفتم شوال این سال به مقر سلطنت یعنی طهران مراجعت کرده مجنون خان فاتح طهران را مورد مراجع خاصه نمودند و مهدی خان سوادکوهی و محمود خان و علینقی خان سوادکوهی چشم خود را در راه هواخواهی الوار به باد دادند و محمد خان طهرانی

کشته شد و برخی از اعیان طهران که به راه خلاف رفته بودند تنبیه شدند و برحسب امر اعلی نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) و مهدعلیا و رضاخان و حاجی رضاخان قاجار و تمامی عمال مازندران با شعف فراوان به حضور حضرت شهریار کامکار تشرّف جستند، و مصطفی قلی خان که به خیال مخالفت بایکلیک سردار بموت و دیگران سازش کرده و در حدود استرآباد به فتنه و فساد می پرداختند اظهار پشیمانی کرده به شفاعت برادر کاردان خود نواب جعفرقلی خان معفوشده به موجب امر اعلی با اهل و عیال در بارفروش ساکن گردید — هم در این سال جعفر خان زند بیست هزار سوار جمع کرده از فارس رو به اصفهان نهاد و باقرخان اصفهانی در قلعه طبرک متحصّن و آخرالامر مقتول شد، و جعفرخان بر اصفهان استیلا یافت، و حاجی علیقلی خان کازرونی را با سه هزار نفر به قم و کاشان فرستاد و خود روانه قلمرو گلپایگانه گردید. شهریار ایران برای رزم جعفر خان احکام قضا نظام به خسروخان والی کردستان و محمدحسین خان قراگزلو و خوانین گروس و علی خان افشار حمسه ای صادر فرموده سرکردگان خلع و بیات به دفع حاجی علیقلی خان کازرونی مأمور شدند و خسروخان والی و سرکردگان در همدان اجتماع کرده از اینجا به مقاتله جعفرخان شتافتند و جنگ سختی در گرفت و در روز دویتم قتال ابتدا وهنی به سپاه ابوابجمعی محمدحسین خان قراگزلو و علی خان حمسه ای رسیده ولی صفوف خسروخان والی و خوانین گروس غالب آمدند و لشکر جعفرخان را شکست دادند، آنها پناه به سنگر برده سه روز محصور بودند، روز چهارم سنگر را خالی کرده به طرف اصفهان گریختند و صورت این فتح را به آستان مبارک ارسال داشتند. خسروخان والی کردستان مخلع و مفتخر گردیده استقلالی بهمرسانید — خلاصه جعفرخان به فارس رفته در ایلات قشقائی و الوار ممسنی شولستانات پریشان گردش می کرد و حاجی علیقلی خان کازرونی که از قضیة فرار جعفر خان باخبر شده او نیز هزیمت را عزیمت نمود و عبدالرزاق خان از جانب حضرت شهریار عظیم الشان در حکومت کاشان مستقل گردید.

اروپا — (انگلیس) — هفتاد و یک بسته از پنبه امریکا در این سال وارد بندر

انگلیس شد و این اول پنبه ایست که از ینگى دنیا به انگلیس حمل شده است — معاهده دولت انگلیس با تیپو صاحب که بعد از این معاهده تیپو صاحب پادشاه مستقل میسور می گردد — هم در این سال چرخ بخار را وات نام در انگلیس تکمیل می کند. (اطریش) — منازعه این دولت با هلاند — کمک معنوی فرانسه به هلاند. (فرانسه) — در این سال زمستان در فرانسه خیلی سخت شد و جمعیت فرانسه در این سال چهل و هشت کرور بود. (شود) — مسافرت گوستاو سیم پادشاه شود به فرانسه.

[سنه ۱۲۰۰ هجری = سنه ۱۷۸۵ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال در روز عید نوروز فیروز که روز یکشنبه یازدهم جمادی الاولی بود حضرت آقامحمد شاه در دارالخلافه طهران رسماً جلوس بر تخت شهریاری ایران فرموده شاهزادگان و امرا و بزرگان و اعیان همه در پایه سریر سلطنت آن حضرت را تبریک و تهنیت گفتند و به کمرهای زرین و شمشیرهای مرصع و عطیات لایقه مفتخر و نایل گردیدند سگه و خطبه رونقی تازه یافت. رضاخان قاجار قوانلو به ایالت استرآباد و گرگان و حفظ ثغور خراسان مأمور و منصوب گردید. محمدحسین خان قوانلو به حکومت مازندران سرافراز شد. و قاسم خان دولوی قاجار با هزار نفر مازندرانی به کوتوالی طهران برقرار گشت. و میرزا محمد خان قاجار را حکومت قزوین دادند — هم در این سال جعفرخان زند که هنوز طمع از مملکت داری نبریده بود با جمعی پریشان به طرف قصبه قمشه و سمریم آمد، حضرت شهریار نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) را که نیابت سلطنت داشتند در طهران به جای شخص همایون خود گذاشته خود به نفس مبارک با لشکر جزار روز هفدهم ماه رجب از راه فراهان روانه اصفهان شدند. قلعه میغان را خراب کرده به دهق شتافتند. در اینجا معلوم شد که جعفرخان زند به محض اطلاع از توجه موکب منصور از حوالی عراق به فارس گریخته است. حضرت سلطنت وارد اصفهان شده بازماندگان باقرخان خراسکانی را به عواطف و تفقذات سلطانی

مستظهر داشتند. در این اثنا خبر رسید که یکلک سردار تراکمه یموت به کیوسر هزارجریب تاخته بعضی نهب و قتل در آنجا نموده، جان محمد خان قاجار و کاظم خان هزارجریبی در صدد منع و دفع برآمده، ولی از عهده آن خیره سر برنیامده اند. و طوایف گکلان مطلع شده با پنج هزار سوار راه بر سردار یموت بسته یکلک و جمعی را مقتول ساخته و بعضی از چنگ آن طوایف رسته اند. حکم محکم پادشاهی صادر شد که حکام استرآباد و مازندران و هزارجریب به تأدیب طایفه یموت پردازند و بعد از انقضای ماه روزه نواب جعفرقلی خان با لشکر فراوان در اصفهان مانده موکب ظفرکوکب شهریاری به قصد چمن سنگباران انتهاز فرمود، و اسمعیل خان زند که از جانب جعفرخان زند در بروجرد و آن صفحات بعضی دست اندازیه‌ها نموده به محض اینکه دانست عساکره منصوره متوجه و عازم تدمیر او می باشند راه فرار پیش گرفت ولی در حوالی اصفهان او را دستگیر کرده به حضور همایون آوردند و چشم خود را بر سر خودسری گذاشت. پس از آن او را روانه طهران کردند و از آنجا راه دیار عدم پیش گرفت — هم در این اوان نواب سلیمان خان قاجار به تنبیه طوایف بختیاری رفته بسیاری از سرکشان و طاغیان آن طوایف را بکشت و جمعی را اسیر کرده به آستان مبارک آورد — هم در این اوقات علی خان افشار خمسه ای را خیال و داعیه سری و دعوی سروری در دماغ جای گرفته موکب منصور برای دفع هوای او راه خمسه و زنجان پیش گرفت. او از استماع این خبر خائف و هراسان شده وسایل و وسایط برانگیخت و خدمات کرد تا از جرایم خود معفو شد — نیز در این سال در چمن گوران دشت به احضار هدایت الله خان گیلانی حکمی صادر شده او به موجب تسویلات نفسانی اطاعت نکرده نواب مصطفی قلی خان را به دفع او تعیین فرمودند. هدایت الله خان ایوانی خان نام گرجی را در منزل رستم آباد به استقبال لشکر با استعداد مصطفی قلی خان فرستاده آنها در جلو آن سیل هایل زیست نتوانستند کرد لهذا بگریختند و مصطفی قلی خان شهر دارالمرز را بگرفت. هدایت الله خان به پیربازار که عمده استعداد جنگی او در آنجا بود برفت و ده شبانه روز در پیربازار میان هواخواهان او و عساکر شهریار قاجار جنگ و پیکار در کار بود، آخر الامر هدایت الله خان مغلوب شده به

قلعه عالی که در ساحل انزلی داشت رفته با چند فروند کشتی و جمعی سپاه در آنجا پناه جست. مصطفی قلی خان با سفاین خود را بدانجا رسانیده باز نایره قتال بنای استعمال را گذاشت. هدایت الله خان در ثانی مقهور گردید و به وسایل زوارق فرار نمود. اتفاقاً دریا متموج بود و باران می بارید. سفینه ای که خزینه نفایس و جواهر او بود غرق شد و هدایت الله خان نیز به زخم گلوله از پا درآمده در آب افتاد. ملاحان چسبند او را از آب بیرون آوردند و در ساحل انزلی به خاکش سپردند و تفصیل این فتوحات را به عرض آستان شهریار عظیم الشان رسانیدند — هم در این اوان نواب علیقلی خان قاجار و علی خان خمسه ای افشار به تدمیر سرکشان لرستان و اهواز و خوزستان و نظم و تصفیه آن حدود و سامان روانه شدند، و موکب همایون بعد از آنکه نواب مصطفی قلی خان راه گیلان پیش گرفت و نواب علیقلی خان و علی خان خمسه افشار روانه محلّ مأموریت خود شدند به مقرّ سلطنت معاودت فرمود. و سلیمان خان قوانلو بعد از تصفیه گیلان به حکومت این ایالت منصوب گشت. و نواب علیقلی خان نیز مظفر و منصور از لرستان و خوزستان بازگشت — وفات آقاجانی متخلص به سایل — وفات فیضعلی شاه اصفهانی پدر نورعلی شاه از عرفای معروف.

اروپا — (انگلیس) — فرمانفرمای هندوستان به جهت تعدیاتی که در این مملکت نموده مفضوب دولت می شود — جمعیت مملکت انگلیس در این سال بیست و چهار کرور و سیصد و سی و شش هزار و نهصد و سی و دو نفر است. (هلاند) — شورش مردم برضد والی — میانجیگری دولت فرانسه مابین دولت هلاند و اطیش. (ایتالیا) — سفاین جنگی و نیز به سواحل تونس حمله می برند.

[سنه ۱۲۰۱ هجری = سنه ۱۷۸۶ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال بعد از عید سعید نوروز موکب فیروزی کوکب حضرت شهریار از مقرّ سلطنت به جانب اصفهان انتهای فرمود، و در روز عرض لشکر علی خان خمسه ای بنابر جرایم و خلافی که از او به ظهور رسیده بود از حلیه

بصر عاطل گردید و قشون ابوابجمی او را به عبدالله خان اوصانلو محول و مفوض فرمودند و پس از یکماه توقف در حدود عراق نواب جهانبانی (خاقان مغفور) را مأمور خراسان فرموده نواب معظم با سه هزار نفر قشون به فیروزکوه آمدند و اردوی همایون بقیة ایام بهار را در چمن گندمان رحل اقامت افکنده حضرت شهریار کامکار غالباً به تفرج و شکار اشتغال داشتند — هم در این اوان زکریا بیگ نام گرجی که از اشراف و نام آوران این طایفه بود و در دربار ایرکلی خان والی گرجستان به وکالت اشتغال داشت به اردوی همایون آمده عرض تبریک و تهنیت نموده مشمول مراحم ملوکانه گردیده جواب او صادر شد و رخصت انصراف یافت — هم در این ایام نواب جعفرقلی خان مأمور انتظام امور بختیاری شدند و اردوی همایون شهریاری از راه بروجرد به طرف همدان حرکت کرد و خسروخان والی کردستان مالیات دوساله این ولایت را به آستان مبارک انفاذ داشت و یکی از پسرهای جوان خود را به حضور همایون فرستاده که ملتزم رکاب اعلی باشد و لطفعلی خان عم او که مالیات مزبوره و بعضی هدایا و این پسر را آورده بود مورد عواطف گردیده اجازت معاودت یافت — روز بیست و پنجم ماه ذیقعده این سال دارالخلافه طهران به نزول اجلال شهریاری بی همال قری تازه و رونقی بی اندازه گرفت — هم در این اوقات به عرض آستان مبارک رسانیدند که باقر سلطان نوری که از اردوی کیوان شکوه تخلف جسته و به مازندران رفته در بلده آمل به فتنه و فساد و خودسری و عناد می پردازد، حکم همایون صادر شد که نواب جهانبانی که در حدود فیروزکوه بودند درصدد دفع او برآیند، نواب معظم پانصد سوار برای معاونت محمدحسین خان قاجار بیگلربیگی مازندران روا نه کردند و محمدحسین خان بعد از زد و خورد با باقر سلطان نوری بر او غالب آمده مشارالیه به دست عساکر منصوره اسیر و دستگیر شده مغلولا او را به طهران آورده از اینجا به راه عدم فرستادند — هم در این سال جعفرخان زند به کازرون و بهبهان رفته و از آنجا مراجعت نموده بر سر تقی خان یزدی تاخت، تقی خان محصور شده از میرمحمد خان عرب زنگویی استمداد جست، میرمحمد خان با هزار نفر به امداد تقی خان آمده با جعفرخان زند مصاف داده او را منهزم کرد و توپ و توپخانه و تجملات جعفرخان به تصرف

میرمحمد خان طبسی درآمد و خان زند به فارس گریخت. میرمحمد خان بعد از این فتح به هوای سروری و تخیال فرمانروائی افتاد و هوس تسخیر اصفهان کرد، محمدحسین خان و اسمعیل خان عرب عامری که از جانب حضرت شهریار عظیم الشان حاکم نطنز و اردستان بودند خیال میرمحمد خان طبسی را تشویق و تأیید کردند و اطاعت او نمودند و او به بلوک رودشت آمد و در این وقت عدد سپاه میرمحمد خان به هفت هزار رسید. نواب جعفرقلی خان اگرچه در این ایام در شکار از اسب افتاده و درد پا داشتند ناچار با برادر خود مصطفی قلی خان به دفع و حرب میرمحمد خان شتافته چهارده روز علی التوالی نایره قتال فیما بین گرم اشتعال بود، آخر الامر میرمحمد خان مقهور شده به طبس گریخت و پس از قلیل زمانی هوای تسخیر خراسان در سر او جای گرفته به سبزوار راند، و الله یارخان سبزواری را محاصره نمود ولی در این جنگ و یورش روزی از اسب افتاد و جان بداد — هم در این سال مرتضی قلی خان که به صفحات قبه و طالش رفته بود با مصطفی قلی خان طالش و فتحعلی خان حاکم قبه و شیخعلی خان بیگلربیگی با کویه سازش نموده غفلتاً به گیلان تاخت و چپاول درانداخت، نواب سلیمان خان قاجار کس فرستاده واقعه را به عرض نواب جهانبانی که در فیروزکوه بودند رسانید، نواب حشمت نصاب معظم مهدی خان تنکابنی و بعضی از اهالی خلخال و خمسه و طارم را به معاونت و امداد سلیمان خان مأمور فرمودند ولی قبل از وصول آنها به گیلان مرتضی قلی خان مراجعت نمود — هم در این سال جعفر خان زند پسر خود لطفعلی خان را با لشکری به سر عبدالله خان و محمدخان ولدان نصیرخان لاری که از قدیم با زندیه سری نداشتند بلکه از هواخواهان نواب غفران مآب شهید محمدحسن خان طاب‌ثراه بودند فرستاده آن دو برادر لار را به مهرعلی خان نامی سپرده بیرون رفتند و جمعیتی فراهم آورده به جنگ لطفعلی خان مبادرت نمودند اما کاری از پیش ایشان نرفته و قلعه لار را زندیه مسخر ساختند و لطفعلی خان نزد پدر خود جعفر خان آمد.

اروپا — (فرانسه) — لوی شانزدهم پادشاه فرانسه به بندر شیربورگ می رود —

معاهده تجارتي این دولت با انگلیس که صرفه با دولت انگلیس است — لُبَن نام اختراع چراغ گاز می نماید. (پروس) — فوت فردریک کبیر پادشاه پروس و جلوس فردریک گیلیوم برادرزاده او در سنّ چهل و دو سالگی.

[سنه ۱۲۰۲ هجری = سنه ۱۷۸۷ مسیحی]

آسیک (ایران) — در این سال بعد از عید نوروز فیروز در روز بیست و پنجم ماه رجب موکب ظفر کوکب حضرت شهریار از دارالخلافة طهران نهضت فرمای اصفهان گردید و نواب جهانبانی را با پنج هزار سوار جزار مأمور تنبیه تقی خان یزدی و نظم و انتظام آن صفحات فرمودند، بعد از آن اردوی معلی متوجه فارس شد ولی جعفرخان زند حصن شیراز را حصین دانسته از مقابلی با سپاه منصور تقاعد نمود، عساکر ظفر مآثر پادشاه ایران مدت یک هفته در مشهد معروف به امّ النبی که آنرا مرغاب نیز می گویند اقامت نموده چون از جعفرخان جرأت و جسارتی به ظهور نرسیده نواب جعفرقلی خان و علیقلی خان بعضی از بلوکات شیراز را غارت کردند و با غنیمت وافر به اردوی معلی پیوستند و موکب همایون حسب المصلحة به عراق معاودت فرمود و نواب جهانبانی به جانب یزد راندند. تقی خان چون خود را مرد میدان ندید از در ضراعت و استکانت درآمده متقبل دادن خراج گردید و بر وفق تقبل خود رفتار نمود، لهذا نواب شوکت مآب معظم مراجعت کرده با عمال یزدی به حضور مبارک مشرف شدند و منشور حکمرانی یزد به اسم تقی خان یزدی شرف صدور یافت — نواب علیقلی خان با دو هزار نفر از سپاه منصور به توقف اصفهان مأمور شده موکب شهریار تاجدار به دارالخلافة طهران بازگشت — هم در این سال در اوایل ذیحجه باز مرتضی قلی خان با هفت هزار نفر به گیلان رانده در کسکران فرود آمده نواب سلیمان خان قاجار حاکم گیلان تاب مقاومت نیاورده به فروین آمد و مرتضی قلی خان بر گیلان استیلا یافت. حضرت شهریار کامکار چون از واقعه خبردار گردیدند سلیمان خان را احضار فرموده تفصیل ماجری را استفسار فرمودند، پس از تحقیق به احضار قشون حکم همایون شرف صدور یافت و کوچ و

بنه مرتضی قلی خان را از بارفروش به طهران بردند و محمدحسین خان قاجار قواندوی ناظر با دو هزار سوار مأمور گیلان و مقرر شد که بعضی دسته‌جات دیگر قشون به او پیوندند. محمدحسین خان ملاحظه آخر کار را نکرده منتظر سایر دسته‌جات قشون نشده سبقت به جنگ نمود و شکست یافت. پس از آن نواب سلیمان خان قاجار و امیر محمدحسین خان فیروزکوهی و میرزا محمد خان لاریجانی با ده هزار نفر در رسیدند و در چهار فرسخی گیلان قدم در میدان محاربت گذاشتند. مصطفی خان طالش ابتدا پای جلادت پیش گذاشت ولی منهنزماً پس نشست، روز سیم نواب سلیمان خان با افواج به اطراف شهر رفته و مرتضی قلی خان نیز با نه هزار نفر به مقابله او شتافته ابتدا برادر مصطفی خان طالش با صفوف میر محمدحسین خان فیروزکوهی مصاف داده امیر به زخم گلوله از پا درآمد و فیروزکوهیها که بی سردار ماندند کاری از پیش نتوانستند برد، و این فقره اسباب مستی سایرین نیز گردید. میرزا محمد خان لاریجانی و نجفقلی خان نوری بعد از مجادله و مقاتله بطور جنگ و گریز بازگشتند و مصطفی خان و لشکر شیروان بسیاری از این سپاه را بکشتند و نواب سلیمان خان عاجلاً مراجعت کرد و نواب علیقلی خان قاجار نیز از جلو جعفرخان زند عقب نشسته به اصفهان و از آنجا به کاشان آمد، حضرت شهریار با اقتدار چون مطلع گشتند نواب جعفرقلی خان را با قشون استرآباد و بسطام به گیلان فرستادند و دیده برادر خود مصطفی قلی خان را میل کشیدند و نواب جهانبانی را به حراست فرضه و معابر دارالمرز به مازندران مأمور فرمودند و خود به نفس نفیس با سیصد سوار نامدار به طرف اصفهان حرکت کردند که سی هزار نفر سپاه الوار را دفع نمایند. در عرض راه بعضی سپاهیان به لشکر نصرت اثر پیوسته این فئه قلیل کثیر شد. جعفرخان که به هزیمت معتاد بود و با سرعت باد از ورود موکب منصور به یکمنزلی اصفهان خبردار شد به جانب شیراز گریخت و مصطفی خان دولوی قاجار با دو هزار سوار او را تعاقب کرده چون پس از طی دو منزل به جعفرخان رسید بازگشت. اما نواب جعفرقلی خان چون به منزل رستم آباد گیلان رسیدند مرتضی قلی خان به بندر انزلی فرار کرده در آنجا قرار گرفت و از جانبین پیغامها داده شد و در ساحل دریای خزر دو برادر ملاقات و

گفتگوها کردند آخر الامر مرتضی قلی خان در سفاین نشسته راه سارو پشته و سالیان پیش گرفت و جعفرقلی خان وارد شهر رشت شدند و مراتب را تحریراً به عرض حضرت شهریار رسانیدند. حضرت قوی شوکت معظم در جواب ایشان را به مراجعت امر فرمودند و نواب سلیمان خان در گیلان مستقل گردید — هم در این اوان موکب همایون به دارالخلافت طهران معاودت فرمود و پس از ده روز توقف عزیمت سفر طبرستان نمودند و نواب جهانبانی به مراسم پذیرائی مقدم مبارک قیام و اقدام کردند، و نواب جعفرقلی خان به حضور مهرظهور تشریف جسته مورد مرحمت و مخلص گشتند. چندی در بلده ساری به شکار و سواری گذشت و چندگاهی در اشرف به عیش و تدابیر مملکت داری و در این اوان رضاخان قاجار بیگریگی استرآباد با بزرگان یموت و گکلان خراج و هدایای لایقه گذرانیده و موکب اعلی به ساری بازگشته پل مشهور به تیجن را که خان خلدآشیان محمدحسن خان — طیب الله مضجعه — به ساختن آن اقدام کرده و به سبب شهادت ایشان ناتمام مانده بود حکم به ساختن فرمودند و حاجی اسمعیل قولر آقاسی به سرکاری این کار خیر برقرار شده با دوازده هزار تومان مخارج آنرا صورت انجام و اتمام داد — هم در این سال بعضی از امرای زندیه از قبیل صیدمراد خان و ویس مراد خان و شاهمراد خان و دیگران که در حبس و بند جعفرخان زند بودند یکی از خدمه حرم او را فریفته به واسطه او ستمی به جعفرخان چشانیدند و او بدین واسطه مریض شده روز بروز قوت او به ضعف مبدل گردید. شبی محبوسین مزبور به دستیاری بعضی از حبس مستخلص شده بر سر جعفرخان تاختند. جعفرخان به مدافعه برخاسته یکدو نفر را به ضرب شمشیر زخمی کرد، آنها هجوم آورده کار او را با چماق و تیغ و تیر و چوب و سنگ و خشت و جاروب و پاروب بساختند و با همان شمشیری که او در دست داشت سر او را از بدن جدا کردند و به میان ارک انداختند و صید مراد خان به جای او به حکمرانی نشست. لطفعلی خان فرزند ارشد جعفرخان که به طرف بنادر و عمان رفته بعد از استماع این خبر دواصبه به شیراز راند. همینکه به این بلد نزدیک شد شیرازیها صید مراد خان را دست بستند و دروازه را به روی لطفعلی خان بگشادند و او فوراً به قتل قاتلین پدر کمر بست و بر تخت سروری بنشست و

عَلَم استقلال برافراشت. امنای حضرت شهریار چون از واقعه آگاه شدند موکب
فیریزی اقتران از مازندران انتهای فرموده در پنجم جمادی الثانی به دارالخلافه
طهران نزول اجلال فرمود.

اروپا — (انگلیس) — در پارلمنت انگلیس گفتگو از بیع و شرای برده شده مبالغه
و تأکید زیاد در موقوف نمودن این رسم می نمایند — فرستادن مقصرین این دولت
را به سمت استرالی و این اول آبادی است که انگلیسها در استرالی می نمایند.
(فرانسه) — ایجاد مالیات جدید به بعضی اراضی خاصه به املاک کشیشها —
نفاق و کلای ملت با پادشاه و اخراج نمودن آنها را از ورسایل. (اطریش) —
رؤف دویم امپراطور اطریش با کاترین دویم امپراطریس روس در قرم ملاقات
می کند. (روس) — مسافرت کاترین دویم امپراطریس روس به حوالی رود وُلگا و
خِرْژُسن — اعلان جنگ فیما بین عثمانی و روس — دویم هزار قشون از عساکر
اطریش به کمک روس وارد سرحدات عثمانی می شوند — معاهده دولتی فیما بین
دولتین روس و چین. (هلاند) — جنگ داخلی و شورش اهالی آمستردام، معاونت
پروسها به والی.

امریکا — (اتانونی) — واشنگتن به ریاست جمهوری اتانونی منصوب می شود.

[سنه ۱۲۰۳ هجری = سنه ۱۷۸۸ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در اوایل این سال حضرت شهریار کامکار نواب جهانبانی را با
پنجهزار نفر از لشکر نصرت اثر به توقف فیروزکوه و انتظام امور مازندران و خراسان
مأمور فرموده خود به نفس همایون با جمعی از عساکر ظفرنمون از ری به عراق و از
عراق به فارس ایلغار نمودند و منزل بیضا مضرب خیام سپهر احتشام معلی گردیده
اینجا را محل بنه و آغروق ملتزمین رکاب اعلی قرار دادند و علیقلی خان را امر به
توقف در این محل فرمودند و با تمامی لشکریان به ظاهر شیراز نزول اجلال کردند.
لطفعلی خان با بیست هزار سوار لاری و فارسی قدم جلادت در میدان مجادله نهاد،

مصطفی خان قاجار که نگاهدار میمنه سپاه فیروزی شعار بود با فوجی از دلیران شیرشکار دیوار باغی را کمینگاه قرار داده جمعی از لشکریان لطفعلی خان را به خاک هلاک انداخت. لطفعلی خان از فرط تهوّر متعرض آنها نگردیده با دو هزار سوار زبده خود را بر قلب زد و چند تن را از پای درآورده متوجه میسره که در حراست نواب جعفرقلی خان بود شد. نواب جعفرقلی خان قصد او کرده از قضا رودی عمیق در میانه بود نواب معظم رکاب بر اسب کشیده از آن رود گذشتند و بعضی از دلیران نیز به ایشان پیوستند و جنگ در گرفت. بعد از کشتش و کوشش وهنی در سپاه لطفعلی خان پدیدار آمد، در این اثنا جماعتی به کمک سپاهیان لطفعلی خان آمدند و دیگر باره نایره قتال اشتعال یافت و کار جنگ سخت شد. شهریار کامکار محمدولی خان قاجار را با فوجی به معاونت و امداد نواب جعفرقلی خان فرستاده ولی قبل از وصول محمدولی خان نواب جعفرقلی خان جمعیت دشمن را متفرق و آن جماعت را منهزم کردند. لطفعلی خان نیز از قفای رفقای خود به قلعه و شهر شتافت، دو هزار نفر از لشکریان او مقتول و هشت هزار نفر اسیر و دستگیر شدند. علی الصباح رایت ظفرآیت و اردوی کیوان شکوه به یک فرسخی شهر شیراز آمد و دو ماه این بلده را در بند محاصره داشتند و بلوکات حوالی عرصه نهپ و غارت بود و عرصه بر مردم تنگ. حضرت شهریار نصفت آثار صواب در مراجعت دیدند. لهذا روز پنجشنبه سیم شهر ذیحجه عنان یکران دولت را به طرف اصفهان منعطف فرمودند و مصطفی خان قاجار دولوی را با سه هزار نفر در آنجا گذاشتند و زمام حکمرانی اصفهان را در دست محمدحسین خان پسر باقرخان خراسکانی اصفهانی گذاشته موکب معلی از اصفهان به دلرالخلافه طهران تشریف فرما شد — هم در این سال نهال آمال شهریار ایران بارور و بثمر گردیده یعنی حضرت قادر متعال نواب جهانبانی (خاقان خلدآشیان فتحعلی شاه) را پنج پسر والا گهر کرامت فرمود: اول نواب محمدعلی میرزا که از بطن گرجیه تفلیسته متولد شدند در شب هفتم ماه ربیع الثانی — دویم نواب محمدقلی میرزا در بیست و سیم شهر رمضان متولد شدند از بطن صبیّه محمد خان قاجار پدر سلیمان خان قاجار قوانلوی — سیم نواب محمد ولی میرزا که روز غره شوال از بطن مستوره

اصفهانیه متولد شدند — چهارم حضرت نایب السلطنه عباس میرزا که روز چهارشنبه چهارم ذیحجه از بطن صبیته محترمه امیرکبیر فتحعلی خان دولوی قاجار متولد گردیده جهان را از یمن قدوم خود فروغی تازه بخشیدند — پنجم نواب حسینعلی میرزا که در روز عید اضحی از بطن صبیته محمد جعفر خان عرب حاکم بسطام متولد گردیده و مولد این پنج شاهزاده آزاده قصبه نوای از توابع دماوند بود که در آنجا به ییلاق رفته بودند. حضرت شهریار کامکار آقامحمد شاه قاجار از طلوع این ستارگان سعادت آثار زاید الوصف مبهج و سرور گردیده یک هفته در دارالخلافه طهران امر به بسط بساط سور و سرور فرمودند. پس از آن سه نفر از این پنج نفر مولود مسعود را به فرزندى خود قبول فرمودند و آنها نواب عباس میرزا و نواب محمدقلی میرزا و نواب حسینعلی میرزا بودند که در ساعتی سعد آنها را به حرمسرای خاص بردند و به دایگان باختصاص سپردند و به تربیت ایشان پرداختند و هریک را مشمول مرحمت ساختند. هم در این سال خسروخان والی کردستان عزیمت شرف اندوزی حضور حضرت شهریار تاجدار را نموده ولی در حوالی قزوین شنید که دو هزار نفر از طایفه بلباس که غالباً به نهب و غارت و سرقت می پرداختند فرزند ارشد او مهدقلی خان با آنها جنگ درانداخته و به دست آن جماعت مقتول گردیده است. استماع این خبر وحشت اثر اسباب اختلال دماغ او گردیده و این ناخوشی معالجه پذیر نشد. تا آنکه خسروخان مرحوم شد، پس از او لطفعلی خان در کردستان نیابت داشت تا امان الله خان به ولایت کردستان منصوب و برقرار گردید.

اروپا — (انگلیس) — ایجاد روزنامه طیمس. (فرانسه) — اغتشاش در پاریس و بیمیلی عموم مردم نسبت به پادشاه. تقسیم مجلس پارلمنت به سه فرقه نجباء و رؤسای دین، و کسبه — فوت بوفن از علمای معروف — مفقود شدن لاپرورز سیاح معروف که به دریاهاى جنوب رفته بود — جمعیت فرانسه در این سال پنجاه کرور است. (روس) — در حینی که دولت روس مشغول جنگ با عثمانی است قشون شو غفلتاً به مملکت روس حمله نمودند و اگر اختلاف و شورشى در میان

صاحب‌منصبان قشون شوڤ بهم نمی‌رسید و بر پا نمی‌شد و او را مجبور به مراجعت نمی‌کردند یقیناً پادشاه شوڤ بسیاری از بلاد روس را مصصرف می‌شد. پادشاه دانمارک برای امداد به روس به عساکر شوڤ حمله نمود و میانجیگری انگلیس و پروس مانع این منازعه شد — شکست سفاین جنگی روس در سواستاپول. (اطریش) — عساکر اطریش که از رودخانه ساو عبور کرده بودند و داخل خاک عثمانی شده مغلوب گردیده عقب نشستند — ژوزف دویم امپراطور اطریش وحشت از بر پا شدن شورش در مجارستان دارد. شکست سخت عساکر اطریش از عثمانی در تیمسواز. (اسپانیا) — فوت شارل سیّم پادشاه اسپانیا و جلوس شارل چهارم پسرش به جای او. (هلاند) — معاهده این دولت با انگلیس و پروس.

[سنه ۱۲۰۴ هجری = سنه ۱۷۸۹ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در اوایل بهار اینسال حضرت شهریار تاجدار آقامحمد شاه قاجار نواب جهانبانی (خاقان مغفور) را به انتظام بلاد قزوین و سرحدات خمسه و زنجان مأمور فرمودند و مقرر شد که حاجی رضاخان دولوی قاجار با پنج هزار سوار جزار ملتزم رکاب ظفرنصاب نواب معظم باشد و پس از روانگی ایشان از طهران در سیّم ماه رمضان موکب نصرت اقران شهریاری به قصد تسخیر فارس و تدمیر لطفعلی خان زند از دارالخلافه انتهاز فرمود و در منزل کناره کرد معلوم شد که در حوض سلطان که آبش از بارانست آب وجود ندارد. لهذا مقرر فرمودند که در حوض سلطان اردوی معلی توقف ننمایند و دو منزل را یک منزل کرده تا به آب برسند، شباهنگام حرکت کردند و به واسطه تاریکی شب و جمعیت و ازدحام عساکر منصوره راه قم را گم کردند و تا طلوع صبح در شوره‌زار و کویر راه پیمودند و تحتل زحمت عطش نمودند، علی الصّباح تشنه در آن سراب ماندند به حکم شهریار مرحمت شعار سقّیان تشنگان را آب دادند و بعضی روزه‌داران برای حفظ جان روزه گشادند و افطار کردند اما نفس نفیس شهریاری برای پاس اوامر مقدّمه حضرت باری جل ذکره تا شام افطار نفرمود و روزه را بسرسانیدند — خلاصه دو روز در ظاهر بلده قم توقف

اتفاق افتاد بعد از آنجا روانه اصفهان و تشریف فرمای چمن گندمان شدند. در اینجا خبر رسید که لطفعلیخان زند به محض اطلاع از حرکت اردوی کیوان شکوه به بهانه استمداد از مشایخ بندر و انتظام بلاد گرمسیر به جانب دشتی و دشتستان رفته و فی الحقیقه به این بهانه گریزی به هنگام کرده مقارن این حال امراء و رؤسای شیراز پنهانی تحف و هدایای لایقه به آستان همایون انفاذ داشته به زبان عجز و نیاز عرضه داشتند که ما مطیع فرمان و در ربه اطاعت حضرت شهریار عظیم الشانیم ولی محض مصلحت تسخیر بلد را به وقت دیگر باید گذاشت. فرستاده اهالی شیراز به مراجع شامله و خلعت شاهانه مشمول، و به اجوبه شافیه نایل و اذن مراجعت یافت و نواب علیقلی خان با محمدقلی خان قاجار قوئللو و هفت هزار نفر از قشون ظفرنمون مأمور و روانه تسخیر کوهگیلویه شدند. اهل آن حدود از در اطاعت و تمکین درآمده خود را در سلک رعایا منسلک داشتند. و علیقلی خان با منال دیوانی به اردوی سلطانی معاودت نمود — هم در این سال در اوانی که نواب جهانبانی در چمن گوراندشت متوقف بودند محمدحسین خان حاکم خلخال و سران گروس و احمدخان مراغه ای و حسین خان دنبلی بیگلربیگی خوی ربه اطاعت و عبودیت به گردن گرفته پیشکش های شایان فرستادند. موکب حضرت شهریار از چمن گندمان به طرف قزوین حرکت کرد و نواب مستطاب جهانبانی و سلیمان خان قاجار حکمران گیلان با عمال این ولایات به حضور مکرمت ظهور پادشاهی تشریف جستند و نواب سلیمان خان به لقب اعتضادالدوله ملقب و مفتخر گشت و با اردوی معلی به مقر خلافت عظمی آمد — هم در این سال نواب حسنعلی میرزا برادر کهنتر نواب حسینعلی مرزا از بطن صبیّه جعفرخان عرب عامری بسطامی متولد گردید — بنابر مسطورات تاریخ جهان آرا در این سال حضرت آقامحمدشاه نواب مستطاب جهانبانی (فتحعلی شاه) را به ولایتعهد برقرار فرمودند — هم در این سال ضریحی زراندود برای مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین و یعسوب الدین علیه السلام به امر همایون ساختند و بدان ساحت خلد نزهت ارسال داشتند.

اروپا — (انگلیس) — منازعه عساکر انگلیس با تیپو صاحب. (اطریش) —

شورش اهالی بلژیک بر ضد اهالی اطیش که در مملکت بلژیک سلطنت داشتند. (روس و سوئد) — منازعه قشون سوئد با روس — شکست یافتن سفاین جنگی سوئد از عساکر روس — سوارد سردار روس در والاشی جنگ سختی با عثمانی ها می کند و از آن طرف عساکر اطیش به معاونت روس بلغراد را در خاک عثمانی فتح می نماید — پُتامکن سردار دیگر روس بندر را از عثمانی منتزع می سازد. (سوئد) — گوستاو سیم پادشاه قدرت و اقتدار کامل خود را از رعیت طلب می نماید. (فرانسه) — شورش سخت در پاریس — اهالی شهر دکاکین معتبر را غارت می کنند — مارسیل نیز در شورش است — ایجاد وکلای ملت و قسم یاد کردن آنها بر ضد سلطنت که از سلطنت قانون آزادی می طلبند — تشکیل مجلس پارلمنتی در ورسایل به توسط پادشاه مستقل که اجزای آن دویست و نود و یک نفر از علمای دینی و دویست و هفتاد نفر از اعیان مملکت و پانصد و هشتاد و چهار نفر از سایر طبقات رعیت بودند — معاهده شورشیان در تالاری که موسوم به تالار گوبازی می باشد — خطبه های شورش انگیز میراب — عزل نیکیز وزیر معروف — باستیل را که از قلعه جات وسط شهر پاریس و محبس دولت بود اهالی پاریس به غلبه گرفته محبوسین را آزاد کرده قلعه را منهدم و ویران می نمایند — نجبا و اعیان علی الخصوص برادر پادشاه به بلاد خارجه فرار می کند — اهالی پاریس بافته سه رنگ که سفید و آبی و سرخ باشد به کلاه خود می دوزند — انقلاب و شورش مجدد سخت در پاریس — امتیازاتی که نجبا و خانواده سلطنت داشتند از آنها سلب می شود — آزادی مطبعه ها — بروز قحطی و غلا در شهر پاریس و شورش نسوان — ازدحام مردم در ورسایل و شکایت از بی نانی — شاکیان به قصر سلطنتی ورسایل داخل شده جمعی از قراولان این عمارت را به قتل می رسانند — پادشاه مجبوراً از ورسایل به شهر پاریس معاودت می کند که شورشیان را ساکت نماید — مجبور شدن پادشاه به برقرار کردن نیکیز را به وزارت — جمهوری طلبان املاک موقوفه معابد را از دست علمای دین منتزع ساخته خود متصرف می شوند — ایجاد روزنامه مُنیِتور که روزنامه رسمی است. (عثمانی) — فوت سلطان عبدالحمیدخان اول و جلوس سلطان سلیم خان سیم به جای او در سن بیست و هشت سالگی.

امریکا - (اتائونی) - جمعیت اتائونی در این سال هفت کرور و چهارصد و سی هزار نفر است.

[سنه ۱۲۰۵ هجری = سنه ۱۷۹۰ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در این سال نواب جعفرقلی خان که برادر و سپهسالار حضرت شهریار کامکار بود درخواست ایالت اصفهان از آن حضرت معظم نمود و بنابر مصلحت استدعای او به درجه قبول فرسید لهذا به مخالفت و خلاف برخاست و چندی در بسطام مانده به حضور مبارک نیامد. آخر الامر با محمدخان و محمدزمان خان عزالدین لوی قاجار پسران خال خود به دربار شهریار روی نمود و آنها در خلوت از او سعایتی کرده چنین به عرض رسانیدند که داعیه خودسری دارد و با خوانین خراسان معاهده و مواضعه نموده است - خلاصه حضرت شهریار را با برادر رشید خود بددل نموده شبی در هنگام مراجعت از حضور همایون چند نفر از خدام خاص آن سردار با اختصاص را از زاویه معبر به سرای دیگر انتقال دادند ولی بعد از قضای صادر ملازمان حضرت پادشاهی قرین ندامت و افسوس کامل گردیدند و سودی نداشت - هم در این سال مرتضی قلی خان از عمای برادر خود مصطفی قلی خان باخبر گشت، چه مدت یک سال که مصطفی قلی خان محبوس بود این واقعه نیز مستور بود، این اوقات که از حبس خلاص شد این خبر مشهر گردید و مرتضی قلی خان که در پاکویه و طالش و شیروان با استعداد تمام می زیست نیز بشنید و بار دیگر به هیجان آمده به طرف گیلان راند و میرزا بابای رشتی نایب گیلان هراسان شده ماجری را به عرض عاکفان حضور شهریار منصور رسانید. حاجی رضاخان دولوی قاجار خال مرتضی قلی خان و عباس خان و محمدخان دولو که هم از منسوبان او بودند با عبدالله خان اوصانلوی خمسه و میرزا محمدخان لاریجانی و چهار هزار نفر از سپاه ظفرهمراه مأمور گیلان شدند و هرچه مرتضی قلی خان را نصیحت کردند سودمند نیفتاد، ناچار بنای جنگ و خونریزی شد. شبی شاه پلنگ نام طالش بر لشکریان حاجی رضاخان شیخون زده در این

مقدمه سردار با سایر خوانین گرفتار شدند و تفرقه در میان سپاه افتاد و مرتضی قلی خان غلبه کرد ولی بعد از چندی همه گرفتاران را رها و روانه دربار ثعلبی نمود سوای خال خود را که با سوء احوال نگاهداشته با کلاب و ذئاب ردیف و حریف می نمود. میرزا بابای نایب گیلان مراتب را معروض آستان مبارک داشته حضرت شهرباری مصطفی خان دولوی قاجار را مقدمه الجیش قرار داده از پیش روانه کردند، و موکب همایون مستعد انتهاز گردید. مرتضی قلی خان و مصطفی خان طالش از عزیمت شهربار کامکار خبردار گردیده دانستند که در جلو سیل هایل مقام نتوان نمود، ناچار به باکویه رفتند و در آنجا نیز چون کاری نتوانستند کرد مرتضی قلی خان خایب و مأیوس پناه به خاک روس برد و حاجی رضاخان و عباس خان را با مادر خود به طهران فرستاد — هم در این سال لطفعلی خان زند استعدادی فراهم کرده قصد تسخیر اصفهان نمود. حضرت شهرباری تاجدار از عزیمت او مستحضر گردیده نواب مستطاب جهانبانی را به دفع او مأمور فرمودند، نواب معظم با بعضی از دستجات قشون نصرت نمون به چمن گنمان تشریف فرما شدند و موکب همایون به گوران دشت نزول اجلال نموده مصطفی خان قاجار شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات شده مقرر فرمودند با پنج هزار نفر به خدمت نواب جهانبانی روانه شود، و اردوی کیوان شکوه به عزم تسخیر آذربایجان حرکت کرد، و نواب اعتضادالدوله سلیمان خان قاجار را با ده هزار سوار در منزل طارم مأمور تسخیر ماسوله و تنبیه طایفه طالش کردند و او به خوبی این خدمت را انجام داد و محمدحسین خان حاکم خلخال و محمدحسین خان حاکم گروس از در اطاعت و انقیاد درآمدند و صادق خان شقاقی در حوالی قلعه سراب اقدام به جنگ کرده شکست خورده و پناه به ابراهیم خلیل خان ابن پناه خان جوانشیر برد. عساکر منصوره قلعه سراب را خراب کرده به اردبیل شتافتند و این شهر را نیز مسخر نمودند و یک هفته در آنجا اقامت کردند. احمدخان حاکم مراغه با حسینعلی خان افشار برادر محمدقلی خان بیگلربیگی ارومی و جمعی به آستان مبارک آمدند ولی محمدقلی خان را دغدغه و خیال گرفته در قلعه اشو متحصن شد و محمدخان عزالدینلو و حسینقلی خان افشار با دسته قشونی ارومی را بگرفتند و

اموال محمدقلی خان را متصرف شدند — هم در این ایام مصطفی خان قراجه داغی به تقبیل عتبه علیه آمد و جان محمدخان قاجار مأمور تنبیه مصطفی خان طالش گردید و نواب اعتضادالدوله با پیشخانه اردوی معلی به ساحت قراجه داغ توجه نمود و قلعه اهر (اهار) را مسخر ساخته به چمن کلنبر رفت و از آنجا به النگ سبزه آمده رحل اقامت افکندند. در اینجا حسین خان دنبلی بیگلربیگی خوی به حضور مبارک آمده مخلم شد و حکومت اردبیل و تبریز را به او نیز مفوض داشته و او روانه تبریز شد و حضرت شهریار کامکار چند روز در این محل به صید و شکار گذرانیدند — هم در این اوان محمدخان عزالدینلو که بعد از جعفرقلی خان داخل در امرا بود و برادرش محمد زمان خان حکومت بسطام می نمود با محمد ولی آقا و جمعی دیگر اتفاق کرده اندیشه مخالفت با حضرت شهریار نمودند و محمدتقی خان شامیانی پسرزاده محمدعلی خان جوجوق نیز با آنها همدست شد، ملازمان آستان همایون ازین مواضع مستحضر گردیده محمدخان و محمد زمان خان و محمدولی آقا چشم در راه بی بصری گذاشتند، و محمدتقی خان و محمدعلی خان جوجوق نیز به امر اعلی درگذشتند، و محمدقلی خان بیگلربیگی ارومی به شفاعت امرا معفو شده کمر عبودیت پر میان بست و به حکومت ارومی منصوب گردید — هم در این ایام موکب همایون عزیمت تبریز فرموده حسین خان بیگلربیگی و اعظم و اشراف بلد به استقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند، اما لطفعلی خان زند با بیست هزار سوار به سمیرم علیا آمده و نواب مستطاب جهانبانی به طرف قمشه رانده و جنگ درگرفت. لطفعلی خان پناه به سنگر برد و عبدالرحیم خان شیرازی برادر مهتر حاجی ابراهیم خان که وزارت و امارت جمع داشت به جهت ارادت به نواب مستطاب جهانبانی شبی در اردوی لطفعلی خان آشوب درانداخت و اردو را متفرق ساخت. ناچار لطفعلی خان فرار کرد و مصطفی خان قاجار دولو او را تعاقب نمود اما به وی نرسید و نواب مستطاب جهانبانی به اصفهان آمدند. از آن طرف حاجی ابراهیم خان شیرازی دروازه شهر شیراز را بر روی لطفعلی خان بست و او گرفتار سرگردانی شد و مراتب را مسموع نواب مستطاب جهانبانی و معروض آستان پادشاهی داشتند. حضرت همایون شمشیری مرصع و خنجری مکمل برای نواب

مستطاب معظمه اعطا و ارسال داشتند، و میرزا رضاقلی نوائی منشی الممالک متخلص به سلطانی مأمور تصرف اموال لطفعلی خان و نظم آن سامان شد، و حاجی ابراهیم خان شیرازی در ازای خدمتی که کرده بود مخلص گردیده حفظ و حراست شیراز به عهده او موکول گشت، و مصطفی خان قاجار برای امداد او روانه شیراز شد — هم در این اوان ابراهیم خلیل خان جوانشیر از صادق خان شقاقی شفاعت کرده جرایم او را معفو داشتند و موکب اعلی در پنجم ذیحجه به مقر سلطنت معاودت فرمود و میرزا رضاقلی منشی الممالک مصطفی خان قاجار را با سه هزار سوار در آباده گذاشته خود به شیراز شتافت و حاجی ابراهیم خان به خوبی او را پذیرائی و استقبال نمود، در این اثنا لطفعلی خان با زال خان خشتی معاهده نموده با هزار نفر متوجه شیراز شد و در محل موسوم به کویم جای گرفت. حاجی ابراهیم خان مصطفی خان قاجار را از آباده به شهر شیراز بخواند و باغ جهان نما را جایگاه عساکر نصرت مآثر قرار داد. لطفعلی خان به حوالی شیراز آمده در پشته ای که متصل به شارع بود کمین کرد و جمعی را به کازرون فرستاده آنها آن محل را غارت کرده بازگشتند. مصطفی خان قاجار با فوجی از مردان کار پنج فرسخ راه طی کرده با لشکر الوار که از کازرون می آمدند تلافی نموده به پیکار پرداخت به این معنی که جمعی را به دفع آنها فرستاده خود در پناه کوهی بایستاد، ابدال خان عبدالملکی از سرکرده های لطفعلی خان مقتول گردید. در این حال فتحعلی خان با پانصد سوار از کمین بیرون آمده بر سپاه ظفر همراه حمله کرد، مصطفی خان قاجار نیز فوراً از کوه به زیر آمده متوجه قتال و اشتعال نایره جدال گردید، لطفعلی خان تاب مقاومت نیاورده راه گریز پیش گرفت ولی دست از کار نکشیده گاهگاه از طرفی و راهی روی به شیراز می آورد و فتنه و فساد برپا می کرد. برای اینکه مواد شرارت او به کلی مٹحسم^۱ گردد جان محمدخان قاجار نیز با پنج هزار سوار به معاونت و امداد مصطفی خان مأمور شد و در هنگامی که لطفعلی خان استعدادی بهم بسته در مسجد بردی قریب به شهر شیراز بود جان محمدخان به مصطفی خان پیوست و یک هفته

تمام مشغول جنگ و جدل بودند و در این حیص و بیص یکروز بنابر حيله و خدعه رضاعلی خان دولو از لشکر دور افتاده گرفتار گردید آخر الامر لطفعلی خان مغلوب شده به طرف زرقان رفت — هم در این سال حضرت همایون را سکه ای عارض شده به سعی میرزا مسیح طهرانی و میرزا احمد طبیب اصفهانی بعد از سه روز صحت یافتند، و بعضی این واقعه را به سال بعد نسبت داده اند — نیز در این سال قصد تجدید قبة منورة حضرت خامس آل عبا علیه التحية و الشا فرمودند و عبدالرزاق خان حاکم کاشان را با جمعی به تعمیر و توسیع قبة مبارکه آن حضرت و تذهیب آن مأمور کردند و حاجی سلیمان صباحی ماده تاریخ آن را چنین گوید:

(کلک صباحی از پی تاریخ آن نوشت در گنبد حسین علی زیب یافت زر)

هم در این اوان میرزا رضاعلی نوائی منشی الممالک با اموال لطفعلی خان به حضور شهریار عظیم الشأن تشریف جست و از آن جمله مبلغی جواهر و هزار رأس مادیان بود — هم در این سال مصطفی آقای عثمانی از جانب سلیمان پاشا والی بغداد به دربار همایون آمد و از بلاد آذربایجان و عراق و فارس انواع هدایا و تحف حتی چراغها و شنقارها پیشکش دربار سپهرآثار کردند — وفات آقامحمد باقر بهبهانی از اجله علمای امامیه اعلی الله مقامه در سن نود و سه سالگی.

اروپا — (اطریش) — بلژیک آزادی خود را از تحت سلطنت اطریش اعلان می کند، دولت اطریش از پاپ و دول انگلیس و فرانسه و پروس استعانت برای امن کردن بلژیک می طلبد — فوت ژوزف دویم امپراطور اطریش که این کلمات از انشای خود او بر سنگ قبرش نوشته می شود: (اینجاست مقبره ژوزف دویم که در تمام ارادات و مقاصدی که داشته بدبخت بوده است) — برقرار شدن برادرش لئوپلڈ دویم به جای او در سن چهل و سه سالگی. (پروس و روس و سود و عثمانی) — سوءظن پروس بر ضد اطریش و روس او را مجبور به اتحاد با عثمانی می نماید — فتوحات عساکر اطریش در سواحل دانوب — قشون عثمانی که در آرژو بودند چون زلزله در آنجا شد و آن زلزله را از قضاهاى آسمانی دانستند قلعه را تخلیه کرده فرار نمودند — فتوحات و غلبه سفاین جنگی سود بر کشتی های روس

در دریای سُوند — چون انگلیس و روس به دولت اطیش وعده می دهند که اگر ترک منازعه با عثمانی نماید در امن کردن بلژیک او را کمک نمایند نه ماهه فیما بین اطیش و عثمانی متارکه می شود و سُود با روس صلح می نماید — منازعه روس و عثمانی — فتح کردن سُوارف سردار روس شهر اسمعیل عثمانی را و قتل نمودن این شهر را. (فرانسه) — شورش و انقلاب در اکثر بلاد — میزان و مقادیر در تمام فرانسه به یک وزن می شود — موجب پادشاه به پنج کرویر تومان ایران مقرر می شود و زیاده بر این حق تصرف در وجوه دولتی ندارد — اجرای قانونی که شاه و گدا در تحت آن قانون مساوی اند، سلطنت مستقله در فرانسه متروک و سلطنت مشروطه برقرار می گردد، خطابات شاهزادگی و خانی و بیگی از اعیان و نجبا سلب و برداشته می شود، علمای دین از تمامی مداخله های دولتی ممنوع می گردند، نیکر از وزارت استعفا می نماید.

امریکا — (اتانونی) — فوت فرانکلن و عزای عمومی مدت دو ماه.

[سنه ۱۲۰۶ هجری = سنه ۱۷۹۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حضرت شهریار بیهمال نواب مستطاب جهانبانی را مأمور به توقف طهران فرموده و برادر کهنر والا گهر ایشان حسینقلی خان را با پنج هزار نفر از عساکر نصرت مآثر به حراست اصفهان معین و امر کردند و موکب همایون به قصد تدبیر لطفعلی خان زند از چمن گندمان حرکت و انتهای نمودند ابراهیم خان سرکرده دامغانی را مقدمه الجیش قرار دادند، و چون اردوی معلی به چمن آبَرَج (ایرج) رسید معروض شد که لطفعلی خان از زرقان به عزم شبیخون حرکت کرده و به حوالی اردو آمده است. حضرت شهریاری مقرر فرمودند که اگر علایم شبیخون به ظهور رسد قشون ظفرنمون به امر همایون حرکتی نکنند، هنگام شب لطفعلی خان در تنگ ایرج با ابراهیم خان دامغانی تلافی نموده جنگ درگرفت و ابراهیم خان بعد از اظهار جلادت مقتول شد. لطفعلی خان عبدالله خان زند و محمد خان اعمام خود را به اطراف اردو فرستاده و خود با هزار سوار در مقابل

اردو آمد و اقدام به یورش و حمله نمود، عبدالله خان زند نیز قصد سرپرده و خیام گردون احتشام سلطنتی کرده آقاخان کتول قوللر آقاسی و میرزا محمدخان لاریجانی جلو او را گرفتند، و میرزا فتح الله نامی اردلانی مرده فتح به لطفعلی خان داد، لطفعلی خان در خارج اردو قرار گرفت وقت صبح یا به سبب استماع صدای اذان یا به واسطه طبیل جنگ دانست که فتح دوشینه محض وهم و خیال بوده و اردوی شهریاری با کمال نظم برای قتال حاضر است، پشت دست تأسف گزیده و یقین حاصل نمود که مقاومت با عساکر پادشاهی امری محال است لهذا راه گریز پیش گرفت و دوست نفر از همراهان او اسیر شدند، و موکب ظفرکوکب شهریاری متوجه شیراز گردیده حاجی ابراهیم خان شیرازی و سرداران و اعیان فارس به استقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند و حضرت همایون در عمارات وکیل نزول اجلال فرمودند و نواب حسینقلی خان را از اصفهان به شیراز طلبیده و نیابت فارس را به حاجی ابراهیم خان دادند و اهل و عیال لطفعلی خان را با دوازده هزار خانوار از کلهر و مافی و خواجهوند و عبدالملکی کوچانیده به استرآباد فرستادند و موکب معلی به طهران معاودت فرمود و میرزا فتح الله سابق الذکر گرفتار شده زبانش مقطوع گردید — هم در این سال دختری از دوده حسین خان دولوی قاجار در حباله نکاح نواب حسینقلی خان درآمد، و ابراهیم خان بن مهدیقلی خان به شرف ازدواج بزرگترین دختران نواب مستطاب جهانبانی نایل گشت، و والده ابراهیم خان را نیز سابقاً به عقد نواب مستطاب معظم درآورده بودند — اما لطفعلی خان بعد از فرار به طرف کرمان راند، میرزا ابوالحسن خان حاکم کرمان او را از ورود به شهر مانع آمد، ناچار به راور آمد، میرزا محمد خان راوری نیز به منازعت او پرداخت و چندتن از همراهان او را دستگیر ساخت. لطفعلی خان از روی اضطراب و از راه چهل پایه لوط به طبس آمد و امیرحسن خان حاکم طبس سیصد نفر سوار به کمک او مأمور کرد و او با این لشکر قلیل باز به سودای سلطنت از راه یزد عزیمت فارس نمود و با تقی خان یزدی مصاف داده از آنجا به ابرقوه شتافت. حاجی ابراهیم خان مراتب را به عرض حضرت شهریاری رسانده محمدحسین خان قوانلوی کشیکچی باشی خاله زاده حضرت شهریاری با هشت هزار سوار مأمور دفع لطفعلی

خان شد، و محمدآقای قاجار نیز با سه هزار کس از عقب او روان گردید. لطفعلی خان چون از مأموریت و حرکت محمدحسین خان خبردار شد به طرف بوانات رفت. همینکه محمدحسین خان به شیراز رسید لطفعلی خان راه دارابجرد پیش گرفت و این ناحیه را مستقر کرد، محمدحسین خان به طرف او راند او به راه نیریز رفت، محمدحسین خان به نیریز آمد لطفعلی خان از نیریز حرکت کرده و محمدحسین خان او را عقب نموده در پای خرمن کوه بدو رسیده پازده روز یا پانزده روز در اینجا نایره قتال به سختی اشتعال داشت، باوجود کمال جلالت عاقبت لطفعلی خان منهزم شده به طبرستان رفت و محمدحسین خان مظفر و منصور به شیراز بازگشت — هم در این سال نواب محمدتقی میرزا ابن نواب مستطاب جهانبانی از بطن مستوره بختیاریه متولد گردید، و مشتاق علی شاه از عرفا در کرمان مقتول شد.

اروپا — (آلمان) — فوت مُزارث موسیقی دان معروف. (انگلیس) — ایجاد مجلس پارلمنت در کانادای ینگى دنیا. (اطریش و عثمانی) — انعقاد عهد مصالحه مابین دولتین عثمانی و اطریش در زیس ثوا. (فرانسه) — شاهزاده های خانواده سلطنت فرانسه که به خاک آلمان فرار کرده بودند در شهر گِبِلانتر قشونی بر ضد شورشیان تشکیل می دهند — هجوم و حمله اهالی پاریس به قلعه وُتسن^۱ و خراب نمودن آن — موقوف نمودن گمرک دروازه های پاریس — فوت میرابُ معروف — حبس نظری پادشاه — موقوف شدن منصب مہرداری و وزارت درباری — گیلوان طبیب چرخى اختراع می کند که به واسطه آن سُر انسان به سهولت از بدن جدا می شود — فرار پادشاه و ملکه و اولاد آنها از شهر پاریس و گرفتار شدن آنها در بین راه و مراجعت دادن آنها را به پاریس و حبس کردن در قصر سلطنتی — پادشاه پروس به امپراطور اطریش وعده می دهد که کمک به پادشاه فرانسه و شاهزاده هائی که فرار نموده اند بنماید — لقب اعلیحضرت از القاب پادشاه در مملکت فرانسه محذوف می شود — گوستاو سیتم پادشاه سوئد بر ضد شورشیان فرانسه تصمیم عزم می دهد.

۱. کلمه مخدوش نوشته شده باید «قلعه وُتسن» باشد..

[سنه ۱۲۰۷ هجری - سنه ۱۷۹۲ مسیحی]

آسیا (ایران) - در این سال موکب حضرت شهریار کامکار مصتم سفر کرمان و فارس گردیده روز هشتم ماه رمضان اردوی معلی حرکت و انتهای فرموده در چمن آسپاس حاجی ابراهیم خان و عقال فارس به حضور مبارک مشرف شدند، و چون مدم قلعه شیراز مکنون خاطر همایون بود جان محمد خان قاجار را به انجام این قصد روانه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را به تسخیر قلعه کرمان امر نمودند، و مصطفی خان دولوبا ده هزار نفر از عساکر ظفرمآثر و عبدالرحیم خان و جمعی از سپاهیان فارس ملتزم رکاب فیروزی انتساب نواب مستطاب معظم گردیدند. و در این اوان میرزا ابوالحسن خان حاکم کرمان درگذشت و اردوی نواب جهانبانی به شهر بابک رسیده و قلعه کران واقع در سیرجان را فتح کردند، و مصطفی خان و عبدالرحیم خان به تسخیر قلعه بم و نرماشیر مأمور گشتند و این دو ناحیه را مسخر نمودند - نواب مستطاب جهانبانی ملا عبداللّه فقیه را با مرتضی قلی خان ولد شاهرخ خان افشار به دربار همایون فرستادند و مرتضی قلی خان به حکومت کرمان برقرار گردید. پس از آن حضرت جهانبانی نیز در چمن کوشک زرد به اردوی کیوان شکوه پادشاهی پیوستند، و از آن طرف جان محمد خان قاجار نیز قلعه شیراز را خراب کرده و خندق آنرا نیز انباشت و معاودت نمود و موکب منصور شهریار را به اصفهان بازگشت و محمدرضا خان کرابی که فرار کرده بود گرفتار شده به یاسا رسید - هم در این سال نواب امیرکبیر سلیمان خان قاجار مأمور نظم آذربایجان گردید و اردوی همایون از اصفهان به دارالخلافت طهران آمد - هم در این اوان رضاخان قاجار که به حکومت استرآباد و داروغه گی یموت و گکلان برقرار بود درگذشت و طوایف ترکمان باهم اتفاق کرده بنای مخالفت و خودسری را گذاشتند، محمدعلی خان داشلوی قاجار به آن نواحی مأمور شده تراکمه تمکین و اطاعت ننمودند، مهدیقلی خان دولو و محمدولی خان و محمدحسین خان قوانلوبا ده هزار نفر از سپاه ظفرهمراه به تدبیر و تنبیه آن جماعت روانه شده ترکمانان را مقهور و مطیع نموده به آستان معلی بازگشتند و امامقلی خان پسر رضاخان قاجار به

حکمرانی استرآباد و داروغه گی يموت و ٹککلان برقرار شد — هم در این اوان چون نواب سلیمان خان قاجار به تبریز رسید صادق خان شقاقی و احمدخان مراغه ای و حسین خان دنبلی و کلبعلی خان نخجوانی و نصیرخان شاهسون و محمدقلی خان ارومیه ای و عسکرخان افشار از در اطاعت درآمدند و جوادخان و محمدخان قاجار بیگلربیگی گنجه و ایروان و اسحق پاشای حاکم بایزید ربقه انقیاد به گردن گرفتند، و نواب امیرکبیر سلیمان خان فرستاده ای به شوشی فرستاده به ابراهیم خلیل خان نوشته ای نوشتند و او را به اطاعت و خدمت دعوت کردند، مشارالیه پس از مشاورت با خویشان خود عبدالصمد بیگ بنی عم خود را با هدایا و تحف به تبریز فرستاد و نواب سلیمان خان عبدالصمد بیگ را با خود به طهران آورد — هم در این سال والده نواب مستطاب جهانبائی عازم زیارت نجف اشرف گردیدند و عظام سلطان سعید شهید و نواب جهاننور شاه انارالله برهانپما را از قدمگاه خضر که در استرآباد است جداجدا در صندوقها گذاشته به نجف اشرف بردند و در جوار حضرت امام همام امیرالمؤمنین علی علیه السلام مدفون نمودند، و در این مورد سلیمان پاشای وزیر بغداد بعضی خدمات کرده به توجہات پادشاهی مباهی گشت — هم در این سال نواب علینقی میرزا ابن نواب مستطاب جهانبائی متولد گردید — وفات حاجی سلیمان صباحی کاشانی.

اروپا (آلمان) — اتحاد پروس و اطریش بر ضد جمهوری فرانسه — فوت لیوپلڈ دویم امپراطور اطریش و جلوس فرانسوای دویم در سن بیست و چهار سالگی. (انگلیس) — منازعه های سخت عساکر انگلیس در هند با تیپوصاحب و غلبه نمودن بر او — فوت ریئلڈش نقاش معروف. (فرانسه) — قوت شورشیان — عزل وزرا — مجبور شدن پادشاه به تعیین وزرا از شورشیان — غدغن نمودن شورشیان علمای دینی را از ملبس بودن به لباس مذهبی — اعلان جنگ شورشیان به پادشاه اطریش — رُپش پیر و دان تُن و مارات رئیس شورشیان می شوند — هجوم و حمله مردم به قصر سلطنتی و تهدید به قتل پادشاه نمودن — تخطی کردن عساکر پروس که به کمک پادشاه فرانسه حرکت کرده بودند از سرحد فرانسه — حاضر کردن

شورشیان چهارصد و پنجاه هزار نفر قشون برای مدافعه — انشاد تصنیف مارسیلز که از این پس شورشیان و بعد جمهوری طلبان آنرا ورد زبان خود ساخته در وقت جنگ و اوان ضدیت و خصومت با وضع سلطنت می خوانند — امپراطور اطریش و پادشاه پروس به شهر مایانس آمده دوک دُبرونسویک را سردار کل قشون دو دولت نموده به دفع شورشیان فرانسه مأمور می کنند — دوک مشارالیه با عساکر خود تا ساحل رود مُزل می راند و بدینجا ورود می نماید — اهالی پاریس به قصد کشتن پادشاه به قصر سلطنتی حمله می برند — فوج سويس که قراول خاصه پادشاه بودند تماماً مقتول می شوند — پادشاه اضطراراً خود را به مجلس شورشیان می اندازد — لوی شانزدهم و زوجه او را در تامل حبس می نمایند — پادشاه پروس با عساکر خود به طرف پاریس حرکت می کند — قتل جمعی از هواخواهان سلطنت در پاریس — قنادیل طلا و نقره و صلیب های مرصع و تجملات و نفایس معابد را شورشیان به دارالضرب فرستاده آنچه فلز بود مسکوک نموده به قشون تقسیم می نمایند — عساکر پادشاه پروس به ایالت شامپانی ورود کرده در والی دوموریز سردار شورشیان با بیست و چهار هزار قشون هشتاد هزار تن از عساکر پروس را شکست می دهد — مجلس وضع سلطنت را محذوف و متروک می سازد و اعلان جمهوری دولت فرانسه را نموده مسکوکات و مهر دولتی به لفظ جمهوری منقوش می گردد — اعلان جنگ جمهوری فرانسه به پادشاه ساردن که بر ضد جمهوری بود و منتزع ساختن نیس و ساووا را از پادشاه ساردن — مراجعت نمودن عساکر پروس مغلوباً از خاک فرانسه و متصرف شدن سردار فرانسه کوستین نام، میانس و فرانکفور را که از شهرهای آلمان می باشد — فتوحات عساکر دولت جمهوری فرانسه در بلژیک و مسخر نمودن بروگسل پای تخت این مملکت را — خطاب آقا و خانم به رجال و نسوان فرانسه داده نمی شود برای اینکه مساوات کامل معمول شود و در مخاطبات و عناوات همشهری به یکدیگر می گویند و می نویسند — مجلس شورای جمهوری لوی پادشاه فرانسه را به جهت استنطاق به مجلس احضار می کند. (پرتوغال) — ماری ملکه

مملکت پرتوغال دیوانه شده پسرش به نیابت او سلطنت می کند — (روس) — فرانسه و انگلیس و پروس واسطه مصالحه فیما بین دولتین روس و عثمانی شده معاهده موسوم به عهدیاسی بین الطرفين منعقد می گردد و در این معاهده اِدسا و قِرم و کوبان متعلق به روس می شود. (شود) — قتل گوستاوسیم پادشاه سوئد در یکی از مجالس جشن به دست یکی از اعیان — جلوس پسرش گوستاو چهارم به جای او در سن طفولیت.

[سنه ۱۲۰۸ هجری = سنه ۱۷۹۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حضرت شهریار کامکار آقامحمد شاه قاجار عزیمت خراسان فرمودند ولی بعضی اتفاقات مانع تصمیم این عزم شد. تبیین آنکه: اهالی کرمان بر حاکم خود مرتضی قلی خان و محمد ابراهیم آقای قاجار بشوریدند و حاکم را از شهر بیرون کردند و با لطفعلی خان زند که در قاین بود عهد متابعت بستند. لطفعلی خان که قلوب اهالی این ایالت را به خود مایل دهد با جمعی از افغانه به نرماشیر آمده و از آنجا به شهر کرمان راند. مرتضی قلی در ارک تحقن جست ولی در اینجا نیز نتوانست زیست کند بنابراین لطفعلی خان شهر کرمان را متصرف شد و جهانگیر خان سیستانی نیز با هزار سوار به او پیوست، حضرت شهریار چون از این واقعه آگاه گردیدند فسخ عزیمت سفر خراسان فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را با پنج هزار سوار از پیش روانه کرمان نموده، موکب همایون نیز روز چهارم شوال برای دفع لطفعلی خان زند انتهای کرد. نواب مستطاب جهانبانی چون به حدود دارابجرد رسیدند شنیدند که اهالی جیرفت طغیان کرده اند لهذا دسته لشکری به آن ناحیه مأمور نموده آنها پس از زد و خورد جیرفت را مسخر کردند. بعد از آن نواب مستطاب جهانبانی به تسخیر قلعه تهرود توجه فرمودند، و محمد تقی بیگ قوللر آقاسی با جمعی حمله به قلعه نمود از آن طرف دو هزار سوار تهرودی از قلعه خارج شده به مدافعه کوشیدند و در این زد و خورد محمد تقی بیگ به ضرب گلوله مقتول شد و همراهانش شکست خوردند. نواب

مستطاب جهانبانی خود با عساکر ملتزم رکاب ظفرنصاب اقدام به یورش نموده قلعه تهرود را گرفته منهدم نمودند و جمعی را به راه عدم فرستادند. در این اوان موکب منصور شهریاری از راه بوانات به طرف کرمان راند و در یکفرسخی شهر بابک اتراق نمود و نواب علیقلی خان برادر آن حضرت با چند عزاده توپ به تسخیر شهر بابک مأمور شده شهر بابک مفتوح شد. پس از آن علیقلی خان و همراهان او به تسخیر قلاع سیرجان پرداختند، و حضرت همایون به سرقله مشیر تاختند و آن قلعه را به غلبه گرفته اتباع لطفعلی خان را به سرای دیگر روان کردند و راه کرمان را پیش گرفتند، چون نزدیک به شهر شدند لطفعلی خان به مقاتله عساکر نصرت نشان آمد و جنگ سختی در گرفت ولی بعد از کبش و کوشش زیاد مقهور و منهزم شده پناه به قلعه برد و قشون ظفرنمون شهر کرمان را محاصره کردند. در این وقت به عرض حضور حضرت پادشاهی رسانیدند که مقصود لطفعلی خان رسیدن فصل زمستان و تاب نیاوردن لشکر قضا توان در سرما می باشد امر همایون شرف صدور یافت که در خارج کرمان شهری بنا کنند دارای دروازه و بروج و بیوتات و از اطراف آذوقه و لوازم معاش در آن جمع آورند. مأمورین مباشر و مشغول کار شدند، و در این وقت نواب علیقلی خان از تسخیر سیرجان فراغت یافته به اردوی معلی پیوست و دیگر بار به نظم کوهگیلویه او را روانه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی نیز به امر اعلی به بم و نرماشیر و راه بروج و نواحی لار و بنادر تشریف فرما شدند و بعضی قلاع مسخر کرده و آن صفحات را منظم ساختند و به لار راندند عبدالله خان لاری نیز کمر خدمتگزاری بر میان بست. اما کار محاصره کرمان به طول انجامید و بعضی تدابیر قلعه گیری از حفر نقب و غیره بی فایده شد و کار بر محصورین تنگ شده دوچار قحط و غلا گردیدند ناچار ده هزار نفر از فقرا و کسبه و عجزه را از شهر بیرون کردند و پنج ماه دیگر پای ثبات افشردند پس از آن به حکم قضا و فرمان قداقتضا، نوبت غلبه و فتح در رسید. خان احمدخان سوادکوهی با عساکر ابوابجمی خود نردبانها بر دیوار حصار گذاشتند و به بالا صعود نمودند سایر امرا نیز به او اقتفا کرده تمامی بروج را بگرفتند. لطفعلی خان چون علایم خذلان را مشاهده نمود بر اسب غزان سوار شده از روی تهور راه را باز کرده از شهر

بیرون آمد و اسب خود را از خندق جهاننده راه بزم را پیش گرفت و در یک شبانه روز سی فرسنگ راه طی کرده بدین شتاب خود را به بزم رسانید و از آنجا که اهالی کرمان خود به راه خلاف رفته و میل به متابعت لطفعلی خان کرده بودند بعد از ورود جنود نامعدود به شهر به قتل عام اشارت رفت. خلاصه چون لطفعلی خان به بزم رسید و محمدعلی خان برادر جهانگیر خان سیستانی او را مشوش دید و برادر خود را با او ندید گمان کرد که جهانگیر خان دستگیر و دربند ملازمان حضرت شهریار عظیم الشان است قصد کرد لطفعلی خان را گرفته به آستان همایون فرستد تا بدینوسیله برادر او مستخلص شود لطفعلی خان این معنی را تفرس کرده خواست از دروازه بزم بیرون رود و قرار بر قرار اختیار کند سیستانیها دور او را گرفتند و اسب او را پی نمودند و دوزخم به سر و دست او زدند ناچار او تسلیم و مقید گردید مراتب را به عرض حضور مبارک رسانیدند. حضرت پادشاهی محمدولی خان قاجار را به احضار او روانه فرموده مشارالیه لطفعلی خان را به دربار سپهر اقتدار آورد و چشمی که به تخت و تاج ایران دوخته بود از او دوری نمود دو قطعه الماس مشهور و معروف به تاج ماه و دریای نور از جواهرات نواب غفران مآب محمدحسن خان طاب ثراه که نزد لطفعلی خان بود به وارث حقیقی آن یعنی حضرت آقامحمد شاه رسید — پوشیده نباشد که اکثر مورخین فتح کرمان و ورود سپاه نصرت توأمان را به این شهر و گرفتاری لطفعلی خان را از وقایع اوایل سال هزار و دوپست و نه دانسته اند و نگارنده نیز این عقیده را مرجح می شمارد و اینکه در خاتمه این سال نوشته به واسطه پیوستگی حوادث است — خلاصه لطفعلی خان روانه طهران و از اینجا به سرای آخرت روان شد و جسد او را در امامزاده زید دفن کردند و موکب منصور شهریاری از کرمان به شیراز عطف عنان نمود و نواب مستطاب جهانبانی و علیقلی خان نیز از لار معاونت کردند و نیابت حضرت سلطنت عموماً و حکمرانی فارس و یزد و کرمان خصوصاً به کف کفایت نواب مستطاب امجد جهانبانی (اعلیحضرت فتحعلی شاه) مفوض شد و حاجی ابراهیم خان شیرازی به رتبه وزارت حضرت همایون سرافراز و از شیراز ملتزم رکاب ظفرانباز گردیده ملقب به اعتمادالدوله شد. و عبدالصمد بیگ برادرزاده ابراهیم خلیل خان چون از سفر

کرمان فرار کرده بود در حدود طهران دستگیر شده به یاسا رسید و این معنی مجدداً اسباب خوف و خشیت ابراهیم خلیل خان گردیده از شرفیابی آستان مبارک تقاعد ورزیده با امرای آذربایجان در تقبیل عتبه علیه موافقت و همراهی نمود — هم در این سفر خیریت اثر امر اعلی شرف صدور یافت که دو قطعه ستون عمارت وکیل را که از نفایس اعمده است از شیراز به طهران نقل و در دیوانخانه دارالخلافه نصب کنند

مخفی نماند که سلسله زندیه چهل و سه سال در فارس و عراقین و آذربایجان و کرمان حکمرانی کرده اند: اول محمد کریم خان وکیل که سی سال و هشت ماه سلطنت کرده و سایرین یعنی ابوالفتح خان و صادق خان و علیمرادخان و جعفرخان ولد صادق خان و لطفعلی خان ابن جعفر خان در ظرف سیزده سال در بعضی از ایالات و ممالک مزبوره حکومتی متزلزل داشته اند و این حکومت با سال هزار و دویست و هشت چنانکه ذکر شد بسر رسید.

اروپا (آلمان) — ایجاد صنعت چاپ به توسط سیفلیز در مونیخ. (انگلیس) — انکشاف اراضی جدید در شمال آمریکا به توسط وانکوور سیاح انگلیس. (فرانسه) — در مجلس استنطاق پادشاه چهار فقره سؤال می نمایند: اولاً می پرسند آیا لوی نام معروف به لوی شانزدهم نسبت به قاطبه اهالی فرانسه مغل راحت بوده و بر ضد آسایش و رفاهیت رعیت اسباب فتنه و فساد بوده است یا نه؟ تمام وکلا بدون استثناء جواب می دهند بلی بوده است — ثانیاً می گویند کسی که نسبت به دولت و رعیت منشاء چنین خطا و خیانتی شود حد تنبیه و جزای او چیست؟ جمیعاً جواب می دهند جزای چنین شخصی قتل است — ثالثاً اظهار می دارند که در باب قتل این شخص آیا باید با عموم رعیت مشورت کرد یا نه! بالاجماع جواب می دهند که نه — رابعاً سؤال می کنند که آیا باید به او مهلت داد یا نه؟ همگی می گویند نه، باید بعد از بیست و چهار ساعت کشته شود. بنابراین در بیست و یکم ماه ژانویه لوی شانزدهم مقتول شد. اگرچه مجلس استنطاق مزبور لوی شانزدهم را سبب شورش و اختلال کار فرانسه قرار داد ولی حق اینست که او سبب شورش

نبود. چیزی که هست این است که بعد از بروز شورش لوی شانزدهم به واسطه ضعف نفس نتوانست اسباب رفع شورش را فراهم آورد و پس از آنکه وضع سلطنت مستقره مختل و بنای جمهوری شد نیز شخصاً قابلیت نداشت که به ریاست جمهوری برقرار گردد. خلاصه در این وقت پسر پادشاه با مادرش در حبس بود و عیش که با سایر سلطنت طلبان از خاک فرانسه فراری و به مملکت آلمان مهاجرت نموده بودند این پسر را لوی هفدهم نامیده و شاهزاده محبوس در فرانسه را در خارج پادشاه فرانسه خواندند و در بلاد ممالک اروپا اسباب مخاطرات کلی برای دولت جمهوری فرانسه فراهم آمد و ایلچی دولت جمهوری فرانسه را از لندن بیرون کردند — اعلان جنگ دولت جمهوری فرانسه با انگلیس و هلاند و اسپانیول — سیصد هزار نفر قشون داوطلب برای جمهوری فرانسه حاضر می شود — اعلان جنگ اطریش با فرانسه — روس و پروس اگرچه در باطن با دولت متحده بر ضد فرانسه مشارکت دارند لکن در ظاهر به واسطه تقسیم نمودن لهستان را در میان خود اعلان جنگ علنی با جمهوری فرانسه ندارند — انگلیسها جزیره تاباک را در ینگى دنیا و بندر پُندشیری را در هند از تصرف فرانسه منتزع می نمایند — در ایالت وائیده که از ایالات داخله فرانسه است سلطنت طلبان بر ضد جمهوری می جنگند — ژنرال دُموریز سردار فرانسه از دولت جمهوری منتفر شده به اردوی پروسها پناه می برد — در شهر پارینس مابین خود جمهوری طلبان نزاع سخت می شود — مارات که یکی از رؤسای جمهوریست مقتول می گردد — قشون اسپانیول به خاک فرانسه ورود می نماید — پادشاه ناپل با سلاطین متحده بر ضد جمهوری فرانسه اتفاق می نماید — عدد قشون جمهوری به دو کروار می رسد — فتوحات و غلبه عساکر فرانسه بر پروس و انگلیس — اجساد سلاطین قدیم فرانسه را که در سن دنی بودند از قبر بیرون آورده دور می اندازند — ماری آنتوانت ملکه فرانسه را به قتل می رسانند — دین و ایمان و خداپرستی متروک و در معابد رب النوع عقل را ستایش می کنند — تقویم معمول منسوخ شده سال را به سیصد و شصت روز و ماه را به سی روز قرار می دهند و روز بیست و سیم ماه سپتامبر را که روزیست که دولت شروع به جمهوری می نماید روز اول سال می نامند — ناپلیون بناپارت که یکی از

صاحب‌منصبان جزو توپخانه است و در بندر تولن با انگلیسها می‌جنگند قابلیت می‌به
 ظهور می‌رساند. (لهستان) — تقسیم شدن مملکت لهستان مابین روس و پروس.
 ینگه دنیا — (اتائونی) — واشنگتن مجدداً به ریاست جمهوری منتخب می‌شود.

[سنه ۱۲۰۹ هجری = سنه ۱۷۹۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حضرت شهریار کامکار میرزا محمدخان دولوی
 قاجار حاکم قزوین را به دربار گردون آثار احضار فرموده منصب امیرالامرائی و
 بیگلربیگی گری طهران را به او مفوض و مخصوص داشتند و مهدیقلی خان قوئلوی
 قاجار به حکومت قزوین منصوب شد — نیز در ماه شوال این سال موکب همایون
 پادشاهی تشریف‌فرمای چمن سلطانیته گردید و چندی در این ساحت خلد نزهت به
 تفرج و شکار پرداخته بعد به طرف اردبیل توجّه فرمودند و محمدحسین خان قوئلوی
 قاجار را امر فرمودند که پل خداآفرین واقع در شش منزلی شوشی را که بر روی
 رود ارس است حراست و نگاهبانی کند ولی وقتی مشارالیه به این محل رسید که
 آن پل را به گفته ابراهیم خلیل خان جوانشیر حاکم شوشی خراب کرده بودند، لهذا
 نواب اعتضادالدوله سلیمان خان قاجار قوئلو به امر اعلیٰ به مرمت و ساختن پل
 مزبور پرداخته و سنگری محکم نیز برای مستحفظین پل در آن حوالی ساخته و نواب
 علیقلی خان به نظم و حراست حدود و نواحی ایروان مأمور گردید و مصطفی خان
 قاجار به تدمیر و تنبیه مصطفی خان طالش محکوم گشت. پس از آن موکب نصرت
 اقتران از رود قراسوی اردبیل عبور کرده در آدینه بازار اقامت جست و نواب امیرکبیر
 سلیمان خان و محمدحسین خان قوئلو با لشکری جرّار به معاونت مصطفی خان
 قاجار رفتند، جماعت طولش احوال و ائصال خود را به سفاین گذاشته به سالیان
 فرستادند اهل سالیان آنها را راه نداده لهذا آن احوال به تصرف عساکر فیروزی ماک
 درآمد و پس از غلبه بر طولش و مغلوب شدن مصطفی خان و شاه‌پلنگ خان اهل و
 کوچ جماعتی از آن طایفه را به مازندران کوچانیدند و مصطفی خان پس از آنکه
 حصون محکمه آن سامان را با خاک یکسان نمود مظفر و منصور به اردوی همایون

معاودت کرده شاه نواز پسر شاه پلنگ خان طالش را که در جزو سایر اسرا به دربار معلی آورده بود به تقبیل عتبه پادشاهی فایز ساخت و او مورد عنایت گردیده شاه نواز خان لقب یافت — هم در این سال در غره ذیحجه موکب شهریار منصور از پل خداآفرین که مجدداً ساخته و مرمت شده بود عبور نمود و ارامنه قراباغ به حوالی شوشی رفتند. محمدولی خان قوئلو و مصطفی خان قاجار بر سر آنها تاخته جمعی را مقتول و برخی را اسیر کرده به حضور همایون آوردند بعد از آن موکب اعلی از پل ملانصرالدین واقع در سه فرسنگی شوشی عبور کرده قلعه شوشی را در کمال سختی محاصره نمودند مهدیقلی خان برادر حسینقلی خان باکویه ای و جمعی از بزرگان آن سامان از در عبودیت درآمده به آستان مبارک شتافتند اما ابراهیم خلیل خان با ده هزار سوار از قلعه بیرون آمده به مجادله و مقاتله پرداخت و بعد از جد و جهد زیاد منهزم شده باز به قلعه پناه برد، پس از انهزام، ملازمان سپهر احتشام نامه ای به ابراهیم خلیل خان نوشته او را به اطاعت دعوت کردند و ضمناً به او نگاشتند:

(زمنجیق فلک سنگ فتنه می بارد تو ابلهانه گریزی در آبگینه حصا)

ابراهیم خلیل خان که هنوز غروری در سرداشت در جواب نوشت:

(گر نگهدار من آنست که من میدانم شیشه را در بخل سنگ نگه می دارد)

بالجمله محمدبیگ و اسدبیگ برادرزاده های ابراهیم خلیل خان که در بیرون قلعه مأمنی داشتند به دست پیرقلی خان و عبدالله خان از ملازمان حضرت شهریار عظیم الشان اسیر شدند، و این فقره غرور ابراهیم خلیل خان را بکاست و عریضه ضراعتی به درگاه رعیت پناه عرض نموده متقبل عبودیت و خراج شد و تحف و پیشکشی تقدیم نمود و ضعف و پیری را علت تقاعد از شرفیابی قرار داده مستدعی شد که اینک از این مطلب معاف باشد و وقت دیگر به این کار قیام نماید و این مسئول او مقبول گردید — هم در این اوان عریضه سلیمان پاشا والی بغداد را با هدایا به حضور موهبت ظهور پادشاهی آوردند — نیز در این ایام موکب منصور عزیمت تفلیس نمود و فرمانی به والی گرجستان ارکلی خان مرقوم فرموده او را به اطاعت و انقیاد دعوت فرموده ولی او به راه خودسری مایل شده با سپاهی به مقابلی لشکر نصرت اثر شتافته پس از اشتعال نایره جدال و تحمّل مقاساة قتال تاب مقاومت

نیاورده راه گریز پیش گرفت و به تفلیس آمده خواهر و زوجه خود را برداشته به کارتیل رفت و عساکر منصوره تفلیس را متصرف شدند و پانزده هزار نفر را در اینجا اسیر کردند و از تفلیس رایت انتهاز به طرف گنجه افراشتند و از گنجه به مغان آمدند — هم در این اوقات مصطفی خان دولو که مأمور دفع مصطفی خان شیروانی بود شیروان را مسخر نمود و به او امر فرمودند که به محمدحسن خان حاکم شگی که با برادرش سلیم خان کدورت و نزاعی کرده و پناه به حضرت همایون آورده اعانت و امداد نماید و او را در حکومت خود مستقل سازد، و مقارن ورود مصطفی خان به آق داش حاجی سعید و جمعی از اعیان آن نواحی به دربار همایون از دست مصطفی خان قاجار شاکی شدند که به کدخدایان شیروان تعدی نموده و بدون جرم اموال آنها را گرفته لهذا مصطفی خان را معزول و اجضار فرمودند و علیقلی خان را به جای او مأمور نمودند و مصطفی خان را در مراجعت در عرض راه سواران خان چوپان بکشتند، حضرت شهریار در دفع فساد شیروانیان به علیقلی خان تأکید فرمودند و مصطفی خان شیروانی چون چاره جز اطاعت ندید ربه بندگان را به گردن گرفته متقبل خراج و مالیات گردید و علیقلی خان پس از انتظام امور شیروان به اردوی همایون معاودت نمود و موکب ظفر کوکب حضرت شهریار نیز عزیمت بازگشت به طهران فرمود.

(افغانستان) — در این سال تیمورشاه ابن احمدشاه افغان بعد از سی سال سلطنت وفات یافت و شاه زمان پسرش به جای او به امارت نشسته استقلال بهمرسانید.

اروپا — (آلمان) — هاینمان طبیب ساکسی معالجه امراض را به مثل قرار و رواج داد، و فرنگینها این قسم معالجه را لوم آپاٹ هی می نامند. این قسم معالجه شبیه است به دفع فاسد به افسد. (سایر ممالک اروپ) — انگلیسها جزایر مارتینیک را از تصرف فرانسه ها خارج می سازند — جزیره کرس متعلق به فرانسه را نیز پاولی نام برضه فرانسه ها شورانده می خواهد از تصرف آنها منتزع گردد — سفاین انگلیس بعضی بنادر این جزیره را متصرف اند — عساکر اسپانیول که به

خاک فرانسه ورود و تخطی نموده بودند فرانسه ها آنها را می دوانند و از خاک خود بیرون می کنند — ژنرال هُش سردار فرانسه معسکر خود را در کنار رود رِن سمت آلمان قرار می دهد، پیشگیر و سردار دیگر فرانسه بلژیک را متصرف می شود — عساکر فرانسه به سرداری ماسنا به خاک ایتالیا ورود می کند — قشون فرانسه هلاند را می گیرند — در جزایر متعلقه به فرانسه جنس سیاه پوستان که در بند رقیت بودند آزاد می شوند — در ایالت واینده فرانسه فیما بین جمهوری طلبان و هواخواهان سلطنت جنگ سخت در کار است — دان تُن که یکی از رؤسای جمهوریست متهم و مقتول می شود — در مدت سه ماه بر سبیل استمرار در فرانسه از نجبا بلااستثنا هرکس را به چنگ می آورند می کشند و بر صغیر و کبیر و اناث و ذکور و شیخ و شاب نجبا ابقا نمی کنند — الیزابت خواهر لوی شانزدهم در پاریس مقتول می شود — رُپس پیرنیز از رؤسای جمهوری بقتل می رسد و بعد از کشته شدن او قتل نجبا و اعیان و هواخواهان سلطنت به شدت اول نیست — وضع جمهوری تغییر کرده از شدت و حدتی که در خون ریزی داشتند افتاده قدری به ملایمت میل می نماید — قحط و غلای سخت در فرانسه — ایجاد مدرسه پلی تکنیک — ژانفروا سننت هیلر حکیم طبیعی درس علم طبیعی حیوانات به متعلمین می دهد — اختراع تلگرافی در مملکت فرانسه به واسطه علایم نه به واسطه سیم معمول حالیه. (ابطالیا) — ولتا نام اختراع چرخ الماس می کند — طغیان کوه آتش فشان وُزو و شهر تورین را معدوم می سازد. (لهستان) — شورش اهالی لهستان و منازعه آنها در چند نقطه با عساکر روس — کشته شدن جمعی از عساکر روس در ورشو — فتوحات عساکر پروس در لهستان و تصرف نمودن کراکوی را که از شهرهای لهستانست — سووارف سردار روس قتل و نهب زیاد در لهستان می نماید و شهر ورشو را مجدداً متصرف می شود — ایستانیسلاس از خانواده سلطنت لهستان که داعیه سلطنت لهستان را دارد به حکم کاترین امپراطوریس روس از حقوق سلطنت استعفا می نماید — یکسال در باب تقسیم لهستان در میان دول روس و پروس و اطیش گفتگو در کار خواهد بود.

[سنه ۱۲۱۰ هجری = سنه ۱۷۹۵ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال فرخنده فال حضرت همایون شهریار بیهمال به استدعای سران و بزرگان قاجار و علما و اعیان و حکمرانان ارادت شعار قبول تاج گذاری فرمودند و در دارالخلافة طهران تاج کیانی از فرق مبارک سلطانی فزی نو و فروغی تازه یافت، بازو بندهایی که مرصع و مکّال به الماسهای دریای نور و تاج ماه شده بود از بازوی بانیروی پادشاهی بر قدر و قیمت خود فزود. شرایط و لوازم این جشن سعید را ملازمان حضرت و هواخواهان وجود معود مبارک بلکه عموم رعایای ایران کاملاً مرعی و منظور نمودند و در جمیع بلاد و ممالک محروسه بر منابر به نام همایون خطبه را مَطَرَز و سَگَه را مزین داشتند. عالی و دانی به عرض تهنیت و تبریک پرداختند، و عیش و شادمانی را مجامع و محافل ساختند، و بعضی از مورّخین تاج گذاری اعلیحضرت شهریاری آقامحمد شاه را در آخر سال هزار و دویست و نه نوشته اند. بهر حال بعد از تاج گذاری چندی عساکر منصوره را آسوده و راحت گذاشتند تا از مشقت و خستگی اسفار بیرون آیند، چون چند گاهی بر این منوال گذشت امنای حضرت علیه را مسموع شد که نادر سلطان افشار و بعضی از اهالی مشهد مقدس اموال و نفایس از خزینة حضرت رضوی سلام الله علیه بیرون آورده تصاحب می کنند. نیز معروض داشتند که اوزبک های بخارا بر خراسان استیلا یافته و مرو را قتل و غارت نموده اند. لهذا موکب همایون در هفتم ذیقعده این سال از طهران انتهاز فرموده ابتدا تراکمه استرآباد را تنبیهی بسزا نموده پس از آن به طرف جاجرم راندند و از آنجا مصمم مشهد مقدس گردیدند. بزرگان خراسان از قبیل اللهیارخان قلیچی حاکم سبزوار، و ابراهیم خان کرد شادلو حاکم اسفراین، و امیرگونه خان زعفرانلو حاکم خبوشان، و ممش خان زعفرانلو حاکم چناران، و لطفعلی خان حاکم اتک، و جعفرخان بیات حاکم نیشابور، و صفرعلی خان بغایری هریک با فوجی به رکاب اعلی پیوستند. جعفرخان نیشابوری با اهل و عیال مأمور طهران شد — میرزا مهدی مشهدی از اجلّة علما به همراهی شاهرخ میرزای افشار و قهارقلی میرزا پسر شاهرخ میرزا به حضور مبارک تشرّف جسته مشمول

عنایت و احترام موفور گردیدند و شاهرخ میرزا اذن جلوس یافت — نادر میرزا ولد شاهرخ میرزا عریضه‌ای عرض کرده استدعا نمود که او را مرخص فرمایند با متعلقان به هرات رود، مسئول او مقبوله افتاده رخصت یافت — ابراهیم خان شادلو مورد مؤاخذه گشته با کوچ روانه طهران شد. آنگاه اعلیحضرت شهریاری با خضوع و انکساری تمام از دروازه خیابان پیاده به روضه مقدسه رضوی علی ساکنها الف سلام و تحیه آمده به زیارت و ضراعت و مراسم عبادت قیام نمودند. پس از آن به امور و مهمان ملکی پرداختند و تمامی خزینه و جواهر ثمینه و لالی آبدار و دراری شاهوار نادرشاه افشار که در تصرف شاهرخ میرزا پسر نادر بود چون تعلق به سلطنت داشت به ملازمان آستان همایون رسید — بعد از بیست روز توقف در مشهد مقدس شاهرخ میرزا را با اولاد و احفاد امر به رفتن مازندران فرمودند و شاهرخ میرزا در راه درگذشت — شاهمراد بگجان اوزبک که در مرو بود صیت شوکت و توجه ملازمان حضرت شهریاری را به ساحت خراسان استماع نموده از مرو راه بخارا پیش گرفت — خوانین خراسان نیز بعد از اظهار عبودیت هریک به حکومت ایالات و اوطان خود منصوب و مرخص شدند، و بعضی از کسان آنها مأمور طهران گردیدند، و محمدحسن خان قراگوزلو را نزد شاه‌زمان پسر تیمورشاه افغان امیر کابل فرستادند که بلخ را که یکی از بلاد خراسانست و در تصرف گماشتیگان او می‌باشد واگذار و تفویض به ملازمان حضرت شهریار عظیم الاقتدار نماید، و اسمعیل آقای مکرری به رسالت نزد شاهزاده محمود حاکم هرات برادر شاه‌زمان رفته — همچنین رسولی نزد خان بخارا فرستادند که شهر مرو را خراب کردی و اسیر بردی و بیرام علی خان را که با قاجاریه نسبت داشت هلاک کردی یا اسرا را بفرست یا مهتای جنگ باش و او مهتای فرستادن اسرا و هدایا بود که حرکت لشکر روس به طرف آذربایجان و انتهاض اعلیحضرت همایون از خراسان او را از خیال انداخت — هم در این اوان خبر دادند که قشون روس به دربند و مغان آمده و قصد تسخیر آذربایجان دارند، و اهالی باکویه و طالش و سالیان اطاعت آنها نموده، بنابراین محمدولی خان قاجار به سرداری خراسان مأمور شده با ده هزار سوار در این مملکت اقامت کرد، و فتحعلی خان کتول را به حراست قلعه مشهد مقدس و تعمیر روضه مقدسه و

دریافت مالیات فرمان دادند، و موکب ظفراقتران از خراسان عزیمت طهران فرمود — عساکر روس نیز از میان ولایت داغستان گذشته قلعه دربند را محاصره نمودند. و چون در این ایام حکمران دربند پیرمردی صد و بیست ساله بود خودداری و نگهداری قلعه نتوانست نمود، لهذا قلعه دربند را قشون روس متصرف شد — اما در این اوان کاترین امپراطریس روس که سلطنت داشت درگذشت و چون سپاه روس خبر فوت او را شنیدند ممالک شیروان و دربند و آن نواحی را تخلیه کرده به مملکت خود بازگشتند — نگارنده گوید مورخین ایران این واقعه را از حوادث سال هزار و دویست و ده دانسته، اما چون مورخین فرنگ فوت کاترین امپراطریس روس را در سال هزار و دویست و یازده نوشته اند باید این سانحه را به سال بعد نسبت داد — هم در این اوان یعنی در اواخر سال هزار و دویست و ده محمدحسن خان قراگوزلو که نزد شاه زمان به رسالت رفته بود از افغانستان مراجعت کرده سفیری کدوخان نام از جانب شاه زمان با او همراه و عریضه ای داشت مبنی بر تشیید مبانی ارادت و تفویض بلخ از روی کمال میل — هم در این سال حضرت مستطاب جهانبانی را که به حکومت فارس مشغول بودند پسری از بطن صبیّه شیخعلی خان به وجود آمد و موسوم به شیخعلی میرزا گردید.

(چین) — استعفای خیال لونگ خاقان چین از سلطنت بعد از پنجاه و نه سال پادشاهی — برقرار شدن پسرش کیاگن به جای او که بیست و پنج سال سلطنت خواهد کرد — بسط مملکت خیال لونگ تا سرحدات ایران و ساحل جیحون بوده و تمام ترکستان و تاتارستان را مسخر نموده. این پادشاه از دانشمندان بزرگ و مروجین علوم و صنایع شمرده می شود، و تألیفات عدیده از او باقیمانده است.

اروپا — پیشگرو سردار فرانسه مملکت هلاند را کلیتاً متصرف می شود و والی هلاند به خاک انگلیس پناه می جوید — اسپانیول با فرانسه درصدد مصالحه می باشد — مابین پروس و فرانسه در شهر بال عهد مصالحه منعقد می شود اما منازعه اطریش با فرانسه کماکان به حال خود برقرار است — کاترین دویم امپراطریس روس سفاین جنگی خود را با انگلیس بر ضد فرانسه متحد می سازد —

انگلیس در صدد مخاصمه با مملکت هولاند که دوست فرانسه و در زیر حمایت او است می باشد و در رأس امید افریق، و سیلان هند، و سایر جاها حمله به متصرفات هولاند می برد — عساکر اطریش با لشکر جمهوری فرانسه در آلمان مشغول جنگ می باشند — در اواخر این سال مابین اطریش و فرانسه متارکه می شود — لهستان را روس و پروس و اطریش بالتویه قسمت می کنند و سلطنت لهستان را از نوشتجات رسمی و نقشه جغرافیا به وضع استقلال حذف می نمایند و بعدها این مملکت مجزای شده دولت منفرد و سلطنت مستقله نخواهد بود، استانیسلاس پیناتوشکی که آخر پادشاه لهستان بود گوشه گیری و انزوا اختیار کرده موظف به وظایف دول ثلاثه روس و پروس و اطریش خواهد بود. (فرانسه) — فوت لوی هفدهم پسر لوی شانزدهم در سن ده سالگی در محبس تامپل — گویند به زجر او را مقتول نمودند، بهر حال پس از فوت او عم او که در خاک آلمان بود خود را لوی هیجدهم نامیده به سلطنت فرانسه و حقیقت خود در این دعوی معرفی می نماید — ژنرال هتس سردار جمهور در بریتانی با بعضی از سلطنت طلبان فرانسه که انگلیس آنها را مسلح نموده و محرک شده و از خاک انگلیس به خاک فرانسه ورود داده جنگ کرده سلطنت طلبان مذکور را شکست می دهد — وضع دولت فرانسه به دست پنج نفر رئیس خواهد بود که این وضع را دیرک توار می نامند — شورش سخت در پاریس — ناپلیون بناپارت که توپخانه پاریس در تحت ریاست او بود این شورش را رفع می نماید — ایجاد مدرسه مخصوص علم طب که علوم دیگر در آنجا تدریس و تحصیل نمی شود — همچنین مدرسه بیطارى — تعیین مقادیر به وضعی مخصوص که در صحت آن تردیدی نمی باشد به این معنی که از قطب تا خط استوا مسافتی که به خط مستقیم مابین نقطتین است به بیست کرور قسمت متساوی تقسیم می شود و هریک قسمت را متر قرار می دهند. همینطور اوزان را نیز قسمی معین می نمایند که به صحت کامل مقرونست — ایجاد وزیر احتساب در پاریس — دختر لوی شانزدهم که در حبس بود با امرای جمهوری که در آلمان بودند مبادله می شود.

[سنه ۱۲۱۱ هجری = سنه ۱۷۹۶ مسیحی]

آسیا (ایران) - در این سال اعلیحضرت شهریار تاجدار آقامحمد شاه عزم تسخیر ارمنستان و تدمیر ابراهیم خلیل خان حاکم قراباغ که تقاعد از خدمت داشت فرمودند، و قبل از انتهای موکب اعلی نواب مستطاب جهانبانی را از شیراز به دارالخلافه طهران احضار فرموده بیش از پیش به تفقّدات کامله درجه اختصاص داده آن حضرت را در مجلسی خاص خواندند و در حضور مبارک نشانند و به کمال عقل و وفور حزم و لیاقت مملکت داری و رعیت پروری و سایر خصایص شهریاری ستودند و فرمودند: «در تصفیة ممالک و بلاد و کشورستانی و لشکرکشی رنج بسیار دیده و زحمت بیشمار کشیده ام و تو را برای تخت و تاج سلطنت ایران برگزیده، اینک سفری سخت در پیش دارم و چنین می پندارم که این آخرین ملاقات من با تو باشد بدین واسطه تو را احضار کردم که هم دیده به دیدار تو روشن کنم و هم بعضی وصایای خود را به تو اظهار نمایم». حضرت مستطاب جهانبانی از استماع این کلمات منقلب گردیده گریستند و وجود مسعود همایون را دعا و ثنا گفتند. شنیدنیها شنیدند و به مراجعت به مقر حکمرانی و مملکت فارس مأمور گردیدند - نگارنده گوید: بنابر این مقالات است که بعضی از محققین گویند حضرت مستطاب جهانبانی در همین سال به ولایتعهد برقرار گردیده اند. اگرچه به زعم بعضی در هزار و دویست و نه و به عقیده برخی در هزار و دویست و چهار به این مقام منیع نایل شده اند - خلاصه موکب همایون در اول بهار به طرف چمن سلطانیة نهضت فرما شد و از شاهزادگان نواب عباس میرزا و محمدقلی میرزا و حسینعلی میرزا و حسینقلی خان برادر حضرت مستطاب جهانبانی ملتزم رکاب اعلی بودند. میرزا شفیع صدراعظم با میرزا محمدخان قاجار دولو به حراست دارالخلافه طهران مأمور گشتند و حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله نیز با اردوی همایون همراه شده راه کنار رود ارس پیش گرفتند و در سلطانیة به شکار جرگه پرداختند - اما از آن طرف ابراهیم خلیل خان به عزم اینکه راه عبور بر موکب منصور ببندد پل ارس را شکسته بود و آب بر صحاری بسته. اعلیحضرت همایون

اردوی کیوان شکوه را در آدینه بازار گذاشته، و نواب امیرکبیر سلیمان خان و حسینقلی خان و حاجی ابراهیم خان را به محافظت اردو گماشته خود به نفس مبارک با صادق خان شقاقی و جمعی از سپاه ظفرهمراه از آب عبور فرمودند، اگرچه بعضی از سفاین شکسته و برخی از لشکریان غرق شدند از وضع عبور لشکر منصور ابراهیم خلیل خان هراسان شده قلعه محکم پناه آباد را گذاشته به داغستان گریخت و قلعه را عساکر نصرت مآثر پادشاهی متصرف شدند و اموال و ائقال و خزاین و دفاین زیاد از این قلعه به دست آمد، ولی بعد از این فتح و غلبه کوکب حیات شهریار عظیم الاقدار ایران میل به افول و غروب نمود — تبیین این مقال آنکه: سه نفر از ملازمان حضرت و چاکران خلوت مصدر جرم و جنایتی شده اعلیحضرت همایون آنها را به وعید قتل تهدید فرمودند، و چون به تجربه بر آنها معلوم شده بود که آنچه را شهریار تاج دار بیان و اظهار فرمایند لابد به عمل خواهد آمد و شفاعت و ضراعت ثمری نخواهد بخشید، بنابراین زندگانی خود را منحصر به شهادت پادشاه ذیجاء ایران دانستند. لهذا در شب شنبه بیست و یکم ذیحجه هنگام سحر بر سر بالین آن شهریار تاجور آمدند و روانی را که از بزرگی در جهان نمی گنجید روانه غرفات جنان نمودند و تاج و کمر و بازو بندهای مشهور و صندوقچه جواهر را برداشته نزد صادق خان شقاقی بردند — مدت سلطنت شاه شهید آقامحمد شاه طاب ثراه از فوت کریم خان وکیل هیجده سال و دو ماه بود که تقریباً در ظرف یازده سال کمال استقلال را داشتند — نگارنده گوید که: جمیع مورخین ایران و فرنگ شهادت شاه شهید معید را در سال هزار و دویست و یازده نوشته اند مگر لسان الملک که در شب شنبه بیست و یکم ذیحجه هزار و دویست و دوازده نگاشته است — بهر حال از مآثر مشهوره ملوکانه این پادشاه تعمیر بلده طهران، و تذهیب قبه حضرت سیدالشهداء علیه آلاف التحية و الثناء، و ضریح نقره مطلقای نجف اشرف، و مرمت روضه مقدسه رضوی علیه السلام و مسجد جامع قزوین است — مدت عمر شریفش پنجاه و هفت سال و الحق از سلاطین باعزم و حزم و ابهت و مهابت بود و در مدت سلطنت و کشورستانی اقدامات بزرگ فرموده است.

پس از آنکه شهریار معظم آثار به سعادت شهادت فایز گشت و آن شب

بسرآمد، علی الصبح انقلابی در اردو پدیدار شد، محمدحسین خان قاجار سرکنشیکچی باشی و میرزا رضاقلی نوائی منشی الممالک سراسیمه به خوابگاه پادشاه ذیجاء شتافتند و پیکر مبارکش را غرقه به خون یافتند، آنچه از اسباب سلطنت باقی بود برداشتند و از راه نخجوان روانه طهران شدند و اهل آن ولایت بقیه اردو را غارت کردند. و چون این خبر وحشت اثر به اردوی بزرگ رسید لشکر متفرق شدند. حسینقلی خان و نواب سلیمان خان در رکاب شاهزادگان عظام روانه رشت گردیدند و از رشت راه دارالخلافه پیش گرفتند. حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله با جمعی از تفنگچیان مازندرانی از راه اردبیل و زنجان به طرف طهران روان گشت و نجفقلی خان شاهسون در راه با ایشان همراهی نمود. نواب علیقلی خان از راه خوی و مراغه و تبریز به دارالخلافه آمده در چهار فرسخی طهران اقامت کرد. امرا در قزوین به یکدیگر رسیدند و به اتفاق به قریه دولاب طهران شتافته در این محل بماندند. نواب حسینقلی خان ثانی برادر کهنتر حضرت مستطاب جهانبانی خواست به شهر طهران ورود نماید میرزا محمدخان دولوی قاجار بیگلربیگی طهران بنابر وصیت شهریار مغفور نورالله مضجعه، احدی را به شهر راه نداد و منتظر وصول وارث بالاستحقاق تخت و تاج سلطنت ایران گردید، و میرزا محمد شفیع صدراعظم که چندی وزارت اعظم حضرت آقامحمد شاه طاب ثراه را داشت و بعد از آنکه حاجی ابراهیم خان به این مقام رسید، او از این رتبه عاطل و این اوقات در دارالخلافه بود در این باب با امیر معظم همراهی کرد و برج و باره قلعه طهران را به تفنگچیهای مازندرانی سپرده در بر روی تمامی امرا بستند و بر مرصد انتظار نشستند. — هم در این سال نواب عبدالله میرزا و نواب محمدرضا میرزا و نواب امامویردی میرزا فرزندان حضرت مستطاب جهانبانی متولد شدند. — نیز در این سال قبل از شهادت شاه سعید شهید انارالله برهانه فرستاده ای که نزد شاهزاده محمود حاکم هرات فرستاده بودند بازگشت و شاهزاده مشارالیه اظهار خلوص و ارادت نموده و معروض داشته بود که اگر قبول افتد من نیز یکی از حکام پادشاه فلک خرگاه ایرانم، اگر احکام و فرامین شهریاری شرف صدور یابد میان به خدمت خواهم بست و به ملازمان حضرت خواهم پیوست، و بعضی این واقعه را به سال قبل نسبت داده اند.

نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله در جام جم می فرمایند که: در سؤال المکرّم هزار و دویست و ده هجری حضرت آقامحمد شاه به سمت استرآباد و گرگان روان شدند. طوایف ترکمان را تاخت و تاز کرده از دهنه قراشیخ به خراسان روان گردیدند، کلّ سران خراسان به تلثیم عتبه همایون او شتافتند و شاهرخ شاه اعمی را جناب میرزا مهدی مهدی به حضور آورد و در خراسان تشریف داشتند که خبر قزل ایاغ و فتنه گرجستان به سمع شریف ایشان رسید، دفع و رفع آن طایفه را اهم دانسته مراجعت کردند، و فصل زمستان در طهران به تهیه لشکر پرداخته در اواسط ذیقعدة الحرام هزار و دویست و یازده هجری به جانب گرجستان ریات همایون به حرکت آمد. پس از فتح آن حدود در قلعه شوشی در شب شنبه بیست و یکم شهر ذیحجة الحرام هزار و دویست و یازده هجری به دست صادق نام فراش خلوت شهید شدند و لفظ تاریخ تاریخ او است و حاکم قراباغ ابراهیم خلیل خان جوانشیر که از اکابر آن ولایت است از شدت بأس آن پادشاه روگردان شد، و پس از شهادت ایشان خاقان مغفور عنایت کرده وحشت او را به راحت و اطمینان مبدل ساختند و صبیّه او را به عقد ازدواج خود درآوردند، القبه ولادت آن پادشاه قهار در روز یکشنبه بیست و هفتم محرم الحرام هزار و صد و پنجاه و پنج در قصبه استرآباد اتفاق افتاد و از عمرشان پنجاه و شش سال گذشته بود — انتهی.

(ترکستان) — هم در این سال ایلندز بن عوض اینان بن محمد امین اوزبیک قنقرات در خوارزم خروج کرده با تراکمه یموت و غیره جنگ و جدل درانداخت و برآنها غالب آمد — پوشیده نباشد که در این اوان میرمعصوم مکنی به شاهمراد ملقب به بگجان در بخارا حکمران بود، و نیازعلی بی ولایت شهر سبز سمرقند داشت، و امیرعالم بی درخوند و دارالملک فرغانه حکمرانی می کرد و یلدوزخان در اندخود حکومت می نمود. (هندوستان) — تیپو صاحب برضه انگلیسها با فرانسه متحد می گردد.

اروپا — ارلند که وضع جمهوری فرانسه را دیده و پسندیده می خواهد از انگلیس

مجزئی شود و به وضع فرانسه جمهوری باشد — عساکر جمهوری فرانسه به سرداری ناپلیون بناپارت که در این وقت بیست و هفت ساله می باشد در ایتالیا بر ضد عساکر اطریش فتوحات می نماید — ژنرال ماینا نقاط دیگر ایتالیا را متصرف می شود — مُرُ سردار دیگر فرانسه در سواحل رِن قشون اطریش را که به سرداری آرشیدوک شارل بودند شکست می دهد — ژنرال بناپارت در ایتالیا بیست هزار اسیر و پنجاه عراده توپ از اطریش می گیرد و شکستهای سخت به وُورتمبرگ، سردار اطریش می دهد و باساکُ را مسخر کرده فتوحات دیگر نیز می نماید — غالب ایالات ایتالیا که جزو اطریش نبودند و والی و سلطنت مستقلی داشتند، همچنین بعضی از ممالک آلمان یا تبعیت فرانسه را قبول می کنند یا با دولت جمهوری عهد دوستی می بندند. (اسپانیول) — اتحاد ایندولت با جمهوری فرانسه که به واسطه این اتحاد اعلان جنگ به انگلیس می نماید. (فرانسه) — ناپلیون بناپارت که به سرداری عساکر فرانسه مأمور جنگ ایتالیا برقرار شده بود ژوزفین نام را که ثیبه بود در هشتم ماه مارس در حباله نکاح خود درمی آورد، شوهر اول ژوزفین بُهاریه بوده و دو فرزند از او داشته یکی پسر موسوم به اوژن و یکی دختر مستاة به هُرتانس — لاپلاس منجم، کتاب نجومی تصنیف کرده که هیئت عالم را به وضعی غیر از وضع بطلمیوس دانسته و سبک جدید هیئت را انتشار می دهد. (هلاند) — دولت هلاند من بعد موسوم و معروف به جمهوری باتا و خواهد بود، و دولت انگلیس متصرفات هلاند را در هندوستان و افریقا به غلبه می گیرد. (ایتالیا) — ویکتور آمیده سیم بعد از بیست و سه سال سلطنت وفات نمود و پسرش ایمانوئل چهارم به جای او به تخت سلطنت جلوس کرد. (روس) — هراکلیوس پادشاه گرجستان در تحت حمایت روس درمی آید — کاترین دویم امپراطریس روس در سن شصت و هفت سالگی به مرض سکتہ وفات می کند — مدت سلطنت کاترین سی و پنج سال بوده است و پس از فوت او پسرش پُل اول به جای مادر در سن چهل و دو سالگی به امپراطوری روس برقرار می گردد.

[سنه ۱۲۱۲ هجری = سنه ۱۷۹۷ مسیحی]

آسیا (ایران) - روز دویم محرم این سال خبر شهادت شاه شهید سعید آقامحمد شاه طاب ثراه در شیراز به حضرت مستطاب جهانبانی رسید، و حامل خبر بابایوسف شاطر بود که در پیاده روی با باد دعوی همقدمی داشت - جلوس حضرت امجد اعظم بر تخت خاقانی و اریکه سلطنت در روز عید رمضان این سال خیرمال است چنانکه ذکر خواهد شد. ولی به زعم بعضی از مورخین در هیجدهم محرم در شیراز سلطنت خود را اعلام، و جلوسی نه با تمام تشریفات تاج گذاری فرمودند و احکام و فرامین به حکام ولایات و ایالات مرقوم و صادر گردید که در وقت معین به دارالخلافه طهران حاضر شوند. بعد از آن نواب شاهزاده محمدعلی میرزا را نیابت شیراز داده در اواخر ماه محرم موکب مسمود خاقانی از شیراز انتهای نموده روز بیستم ماه صفر به دارالخلافه طهران نزول اجلال فرمودند. بعضی حرکت موکب خاقانی را از شیراز روز بیستم محرم و ورود به دارالخلافه را در چهارم صفر نوشته اند ولی روایت اول طرف اعتماد است چنانکه نواب والا حاجی معتمدالدوله در کتاب جام جم همینطور مرقوم و ضبط فرموده اند - خلاصه در کناره کرد نواب حسینقلی خان و حاجی ابراهیم خان و سایر امرا بار حضور همایون یافتند و نواب حسینقلی خان به آوردن علیقلی خان عمو که سودای سلطنت در سر داشت مأمور شد. و علیقلی خان دو روز بعد از ورود به دارالخلافه از حلیه بصر عاری گردیده او را در بارفروش موقوف داشتند - نیز از اشخاصی که بعد از شهادت شاه سعید شهید به خیال خود سری و سر بلندی افتاد صادق خان شقاقی بود - تبیین آنکه: قاتلین شاه جنت جایگاه پس از ارتکاب این شناعة اول کسی را که از این غایله هایل خبر کردند صادق خان شقاقی بود و او چون این واقعه را باور نمی نمود قاتلان به بالین شهریار رضوان مکان شتافته جواهر گرانبها و لآلی و دراری ثمینة مخصوص شخص سلطنت را برداشته نزد صادق خان آورده به او تسلیم کردند و او یقین بر ماجری نموده و تشعشع جواهر شاهوار و لآلی آبدار در دماغ او سودای سلطنت تولید کرد. لهذا بی تأمل از قلعه پناه آباد بیرون آمد و مصمم عراق شد، یعنی

ابتدا به سراب آمده برادر خود جعفرقلی خان را به حکومت قراجه داغ مأمور و برادر دیگر را که محمدعلی سلطان نام داشت به داروغگی تبریز فرستاد و خود به قزوین رانده این بلده را محاصره نمود. چون این جمله معروض آستان حضرت خاقان شد ابتدا حسین خان قاجار قزوینی قوللر آقاسی را مأمور قزوین کردند، و در این اوان محمدولی خان قاجار که مأمور حراست مشهد مقدس بود به دارالخلافه آمد و موکب منصور شهریار عظیم الشان حضرت خاقان با عساکر فراوان متوجه قزوین شد، صادق خان شقاقی نیز با بیست و پنج هزار قشون آذربایجان در محلّ موسوم به خاک علی از حومه قزوین مهتای جدال شد پس از تلاقی دو لشکر و جنگ سخت صادق خان شکستی فاحش یافت و ده هزار نفر از همراهان او مقتول و مجروح و دستگیر شدند و خود به طرف سراب گریخت و این در اواسط ماه ربیع الاول بود. پس از غلبه عساکر منصوره حضرت خاقان شهر قزوین را به ورود مسعود مزین فرمودند و در اینجا چند تن از غلامان و دو نفر را که در قتل شاه شهید دخالتی داشتند به راه عدم روانه نمودند و چون نواب حسینقلی خان در جنگ با صادق خان جلادتی به کار برده بودند به حکمرانی ایالت فارس نایل گردیدند و رأیات ظفرآیات همایون متعاقب صادق خان روانه آذربایجان گردید، بعد از ورود به زنجان معلوم شد که در آن حدود و سامان طاعون بروز کرده این واقعه اسباب معاودت اردوی معلی به دارالخلافه گردید، و در ماه جمادی الآخره این سال موکب همایون به طهران معاودت فرمود — هم در این اوان محمد خان قوئلوی قاجار ایروانی را که چندی مغضوب بود به ایروان مأمور فرمودند، و اسمعیل خان قاجار شامبیانی را به کوتوالی قلعه مزبور فرستادند، و جعفرقلی خان دنبلی حکومت خوی و تبریز یافت، و صادق خان شقاقی ربقه انقیاد را به گردن گرفته جواهر و اثاثه سلطنت را به حضور موهبت ظهور خاقانی انفاذ داشت و به حکومت سراب و گرمرو نایل گردید، و ابراهیم خلیل خان نیز کمر اطاعت به میان بست و حسینقلی خان عزالدین لوی قاجار به حمل نعش شاه شهید سعید نورالله مضجعه که در شوشی امانت گذاشته شده بود مأمور گردیده جسد مطهر آن شهریار عظیم الاقدار را به دارالخلافه آوردند، و هنگام ورود حضرت خاقان و جمیع شاهزادگان و امرا و

اعیان و علما و معارف با لباس سیاه تا یکم منزلی دارالخلافه نعلش را استقبال کردند و در حضرت عبدالعظیم (ع) امانت گذاشتند و شرایط فاتحه خوانی و خیرات مبرات کامل به عمل آمد. بعد از آن به همراهی محمدعلی خان قوئلوی قاجار، و ابراهیم خان عزالدین لو، و ملا مصطفی قمشه ای، و میرزا موسی منجم باشی گیلانی، و جمعی قرا و سایر لوازم و تهیّه تمام، آن نعلش شریف را به طرف عتبات عرش درجات حرکت دادند و ولایه و حکام عجم و عرب به استقبال شتافته احترامات و تعظیمات لایقه نمودند. خلاصه روز بیستم شهر رجب جسد مطهر شاه شهید در نجف اشرف در محلی خاص مدفون شد — هم در این سال پانصد هزار تومان از بقایای ولایات ممالک محروسه را به تخفیف دادند، و در روز عید رمضان این سال که تحویل آفتاب از برج حوت به حمل نیز در این روز اتفاق می افتاد حضرت خاقان به ساعتی سعد رسماً بر تخت کیانی و سریر جهانبانی جلوس فرمودند و تشریفات تاج گذاری به وجه اکمل به عمل آمد و آن روز فی الحقیقه برای عموم اهالی ایران سه عید سعید بود، عید رمضان و روز نوروز و جلوس خاقان گیتی ستان. و فتحعلی خان ملک الشعراء متخلص به صبا از اعظم اهالی کاشان و فحول شعرای زمان قصیده فریده در تهنیت جلوس همایون به عرض آستان مبارک رسانید که ماده تاریخ جلوس خاقانی را در آخر آن قصیده بدین نحو انشاد کرده (ز تخت آقامحمد خان شد و بنشست بابا خان) و نواب والا حاجی معتمدالدوله نیز لفظ بابا را بطوریکه خود نواب معظم اختراع فرموده اند تاریخ قرار داده اند. به این نحو که کلمه بابا عبارتست از دو بای موخده و دو الف و چون هریکی به ترتیب به این شکل (ب^۱ ا^۲ ب^۱ ا^۲) با ارقام هندسی مطابق شود عدد هزار و دویست و دوازده می شود که سال جلوس حضرت خاقان کشورستانست — هم در این سال تقی خان یزدی در خدمت تعلّل نموده، محمدحسین خان برادر کهنتر حاجی ابراهیم خان شیرازی به سرداری این ولایت سرافراز شده بدانجا شتافت و وجوه مالیات دوساله را با ابوالهادی خان ولد تقی خان گرفته به دارالخلافه آورد و پس از چندی حکومت کرمان نیز به تقی خان مفوض گردید — هم در این سال محمدخان زند که پس از استیصال و انقراض زندیه در اطراف در بدر بود مقارن فتنه صادق خان شقاقی موقعی

به دست آورده با جمعی از الوار به اصفهان آمد و از آنجا که حاجی محمدحسین خان بیگلربیگی اصفهان در دربار همایون بود رمضانعلی خان از عهده دفع کردن محمدخان برنیامد و او بر اصفهان استیلا یافت و میرزا عبدالوهاب مستوفی اصفهانی را ذخیل در امور ولایتی نمود. اعلیحضرت خاقان فتحعلی شاه قاجار حسینقلی خان دولو، و مهرعلی خان داشلو، و اللهوردی خان عزالدین لو، و حسین خان قاجار قزوینی را با لشکری بر سر محمدخان زند فرستادند و عساکر منصوره محمدخان را مقهور و منهزم ساخته میرزا عبدالوهاب مستوفی را نیز از نور بصر محروم و مهجور ساختند، و مقرر بود محمدعلی خان قاجار اصفهان را به جرم اطاعت محمدخان قتل کند ولی به شفاعت علما و سادات اهالی معفو گردیدند و یوسف خان بختیاری نجف خان زند را گرفته به آستان مبارک فرستاد و او به سزای خود رسیده روانه دیار عدم گردید - هم در این سال جعفرقلی خان دنبلی و صادق خان شقاقی با یکدیگر مخالفت کرده صادق خان به مغان و شیروان گریخت و آخر الامر با هم دست موافقت داده محمدقلی خان افشار حاکم ارومی را نیز فریفته بنای خودسری را گذاشتند. حسینقلی خان افشار برادرزاده محمدقلی خان از پیش عم خود گریخته به دربار گردون آثار آمد و واقعه را به عرض رسانید و خود او با محمدعلی خان عرب بسطامی که یوزباشی غلامان بود به اطفای نایره این فساد مأمور گردید و محمدولی خان قاجار به دفع محمدخان زند به سیلانخور و بروجرد رفت، و نواب امیرکبیر سلیمان خان قاجار مأمور آذربایجان شد - هم در این سال محمود میرزا و فیروز میرزا پسران تیمور شاه بن احمد شاه افغان ابدالی حکمران کابل و قندهار از اقامت در افغانستان هراسان شده به آستان اعلیحضرت خاقان آمدند و سبب وحشت آنها این بود که شاه زمان برادر کهنتر شاهزاده همایون که ولیعهد تیمور شاه بود خروج نموده او را بگرفت و کور کرد و در بالا حصار کابل بند نهاد، این معنی سبب خوف و هراس محمود میرزا و فیروز میرزا شده به دربار اعلی روی نهادند، اسمعیل آقای مکرری نایب ایشیک آقاسی باشی به مهمانداری آنها مأمور و روانه یزد شد و آنها را به طهران آورد. چراغعلی خان نواشی که امیری سنجیده و دبیری فهمیده بود به مصاحبت این دو امیرزاده و کامران میرزا ولد محمود میرزا مقرر و

محکوم شد. و بعدها به توقف آنها در کاشان اشارت رفت، و اسدالله خان ولد ابراهیم خان اعتمادالدوله به مهمانداری آنها پرداخت و مشمول الطاف عمیمه خاقانی گردید — هم در این سال موکب اعلیحضرت خاقان گیتی ستان متوجه سلطانیه شد و روز هیجدهم ذیحجه به این ناحیه نزول اجلال فرمود و صادق خان شقاقی نواب امیرکبیر سلیمان خان قاجار را شفیع جرایم خود قرار داده و جعفرقلی خان به اکراد بایزیدی پناه برد، و محمدقلی خان افشار ارومی پس از قلعه داری دستگیر گشت — هم در این سال محمدهادی خان والد رضاقلی خان امیرالشعراء متخلص به هدایت صاحب مؤلفات جلیله که به واسطه تهدید شاه شهید سعید انارالله برهانه به عتبات عالیات رفته بود به حکم اعلیحضرت خاقان کشورستان با اهل و عیال به دارالخلافه معاودت کرد و ریش سفیدی عمله خلوت پادشاهی بر عهده او موکول شد — وفات آقاسید محمد مهدی طباطبائی بروجردی مشهور به بحرالعلوم از اجله فضلاء و مجتهدین در سن پنجاه و هفت سالگی — کشته شدن سید معصوم علی شاه دکنی از مشاهیر عرفا — رحلت نورعلی شاه اصفهانی از عرفای معروف در موصل — وفات ملاحسین رفیق شاعر اصفهانی.

اروپا — اسپانیولی ها که با فرانسه متحد می باشند با انگلیسها [مشغول به جنگ]^۱ هستند — عساکر اطیش با قشون جمهوری فرانسه در ساحل رودخانه رن زد و خورد می کنند — فتوحات ناپلیون بنپارت با جمعیت قلیل در ایتالیا که از آنجمله فتح ریولی و مانتو بود — عساکر اطیش کلیتاً از ایتالیا خارج می شوند — در مدت ده ماه به سرداری ناپلیون بنپارت پنجاه هزار نفر قشون فرانسه علاوه بر غلبه بر عساکر ایتالیای سه اردوی بزرگ معتبر اطیش را شکست دادند و ناپلیون با کمال رشادت به طرف وینه پایتخت اطیش حرکت کرد و تا پانزده فرسخی این

۱. عبارت شکستگی داشت با توجه به علایم بازمانده تصحیح شد. در «تاریخ قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه» تألیف آلبر ماله ترجمه رشید یاسمی ص ۵۰۵ می نویسد: «انگلیسها در این وقت کاملاً سیادت خود را بر دریاها ثابت کرده و بحریه اسپانیا و هلاند را که با فرانسه متفق بودند درهم شکستند» (۱۷۹۷).

شهر تاخت و مقدمات صلح را مابین جمهوری فرانسه و دولت اطریش ترتیب داد، بنابراین بلژیک را دولت اطریش به فرانسه واگذار می کند و ایالت لمباردی را در ایتالیا تخلیه می نماید — جزایر یونین که از جمهوری ونیز بود جزء فرانسه می شود — مراجعت ناپلیون بنپارت مظفر و منصور به فرانسه. (انگلیس) — بانک انگلیس به قدری بی اعتبار می شود که مدت بیست و دو سال وجه مسکوک به برات دار نداده فقط اسکناس می دهد. (فرانسه) — اغتشاش در وضع دولت — تفتین سلطنت طلبان — بائف نام که ایجاد طریقه کمونیست کرده به حکم دولت مقتول می گردد — فوت هشت از سردارهای معروف در سن بیست و نه سالگی. (پروس) — فوت فردریک گیلیوم دویم پادشاه در سن پنجاه و سه سالگی و جلوس فردریک گیلیوم سیم پسرش به جای او. (عثمانی) — عساکر عثمانی به وضع و طرز قشون فرانسه ملتبس شده مشق می کنند — ایجاد مطبعه در اسلامبول — حاکم سرستان به دولت یاغی شده شکست سختی به عساکر عثمانی می دهد و با شرایط مفیده برای سرستان مجدداً اطاعت می نماید.

امریکا (اتائونی) — واشنگتن از ریاست جمهوری خلع و ژن آدامس به جای او منصوب و برقرار می گردد.

[سنه ۱۲۱۳ هجری - سنه ۱۷۹۸ مسیحی]

آسیا (ایران) — در ششم محرم این سال موکب همایون خاقان کشورستان به ظاهر شهر ارومی نزول اجلال فرموده به نظم آن صفحات پرداختند و در هفدهم محرم رایت عزیمت به جانب خوی و سلماس افراشتند و حسین خان برادر جعفرقلی خان دنبلی خدمات نموده مورد مرحمت گردید — هم در این سال حسینقلی خان برادر اعلیحضرت خاقان با وجود رعایت مخصوص که از او فرموده بودند یعنی حکومت فارس را که به شاهزاده محمدعلی میرزا تفویض شده بود به او عنایت کردند باز به راه نفاق می رفت و سودای سلطنت در سرداشت و بدین جهت میرزا نصرالله علی آبادی مازندرانی را که در عهد شاه شهید سعید به وزارت حضرت خاقانی برقرار

بود و در این وقت از جانب اعلیحضرت همایون وزارت و پیشکاری فارس داشت با آقامحمد زمان که کلانتر فارس و برادر حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله بود و میرزا اسمعیل کوتوال قلعه شیراز را گرفته کور کرد و جمعی را به گرفتن جان محمد خان قاجار سردار لار فرستاد و او به طرف کاشان گریخت و حسینقلی خان بر اثر او شتافته اما به او نرسید لهذا در آباده توقف کرده رستم خان بیات را به محافظت شیراز روانه نمود و بنه را به میرزا علی گرایلی سپرد که به ایزدخواست برد و خود به اصفهان راند. حاجی محمدحسین خان بیگلربیگی اصفهان قبل از ورود او، عیال و پسر بزرگش عبدالله خان را به یزد روانه کرد و خود با محمدعلی خان قاجار در خارج اصفهان نشست، و این خبر وقتی به ملازمان حضرت همایون رسید که از ظاهر خوی حرکت کرده عازم شیروان و داغستان بودند. بنابراین نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله را مأمور آذربایجان نموده و موکب معلی به طرف عراق عطف عنان فرمود و در منزل آرتوق تبریز محمدخان زند را مقتداً به حضور مبارک آوردند و به موجب امر اعلی از حلیه بصر عاطل نمودند و او به حالت کوری و گدائی به بصره رفت و در آنجا درگذشت. و در منزل میانج ابوالفتح خان ولد ابراهیم خلیل خان جوانشیر شرفیاب آستان همایون شد و از نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله سعایتی نمود. و در چمن سلطانی به ملاعلی اصغر هزارجریبی ملاباشی حکم فرمودند شاهزادگان عظام نواب عباس میرزا و محمدقلی میرزا و حسینعلی میرزا را در هر منزل از منازل عراق که باشد به استقبال حضور مبارک نایل سازد بنابراین در منزل درجزین شاهزادگان معظم شرف اندوز حضور حضرت خاقان اعظم گردیدند و پس از توجهات شاهانه راه دارالخلافه پیش گرفتند. اما حسینقلی خان به کزاز و فراهان آمد و ولی خان قاجار که در توقف به عراق معتذر به لنگی شده بود به وی پیوست و موکب معلی روزی دو در منزل ساروق فراهان اقامت فرمود. و در این وقت مهدعلیا والدۀ خاقان کشورستان به اصلاح ذات البین در رسیدند اما حاصلی نبخشید و در بیست و هشتم شهر صفر در صحرای کمره مستعد مقاتله شدند. ملازمان حضرت خاقان محض ملاحظه و رعایت برادری میرزا موسی منجم باشی را نزد حسینقلی خان فرستادند که او را نصیحت نماید حسینقلی

خان از نصایح میرزا موسی که فرمایشهای خاقان کشورستان بود شرمنده شده به رکاب اعلی آمد و میدان رزم به ایوان بزم مبدل گردید و ولی خان قاجار که محرک او بود سیامت شد. لشکر حسینی خان به معسکر همایون آمدند و محمدعلی خان قوآنلو سرداری فارس یافت. نوروزخان عزالدین لو ایشیک آقاسی باشی به سالاری کوهگیلویه سرافراز و حسینی خان دولو به سپهرداری کرمان مفتخر گشت، و موکب مسعود خاقانی در ماه ربیع الاول به دارالخلافه باهره نزول اجلال فرمود و نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله که بعضی از نزدیکان او محرک وی شده که اگر در عراق فتنه برپا شود او نیز به تسخیر دارالخلافه آید چون دانست که موکب خاقانی با تأییدات یزدانی وارد دارالخلافه شده ترک هوا و سودا نمود. و علی همت خان کلیائی و پسرش حسین، و خان بابای نانکلی که او را تحریک می کردند خود نواب معظم آنها را گرفته مقتداً به آستان مبارک فرستاد، و خود از راه به اصطبل پادشاهی پناه برده معفو گردید. علی همت خان کلیائی و پسرش به راه عدم رفتند و خان بابای نانکلی و عبدالله خان اوصانلو دیده در راه بی بصری گذاشتند — هم در این سال محمود میرزای افغان که پناه به آستان مبارک آورده و در کاشان می زیست روانه هرات و کابل شد و حکم همایون شرف صدور یافت که امیرحسن خان عرب حاکم طیس، و میرعلم خان حاکم قاینات^۱ به معاونت و امداد او روند — هم در این سال اسحق میرزا ابن حیدر میرزا ابن شاه اسماعیل که از احفاد خلیفه سلطان مازندرانی داماد شاه عباس ثانی که دو سال در دماوند محبوس بود و به توسط اشرف خان دماوندی مستخلص شده به اصفهان رفت. و اسحق میرزا آن کسی است که کریم خان زند به اسم وی مملکت ستانی می نمود

۱. در روضة الصفای ناصری که از مراجع مهم مؤلف است می نویسد: «به میرحسن خان طیبی و مصطفی خان ترشیزی و میرعلی خان عرب خزیمه و اسحق خان تربتی احکام قضایانظام در موافقت و معاونت او شرف اصدار یافت» که البته میرعلی خان صحیح نیست و میرعلم خان صحیح است. این میرعلم خان در سلسله نسب خاندانش به میرعلم خان دوم مشهور است وی پدر میراسدالله خان قاینی و او پدر امیرعلم خان سوم و وی پدر امیر ابراهیم خان شوکت الملک و وی پدر امیر اسدالله علم راجل سیاسی مشهور تاریخ معاصر ایران است. در روضة الصفای نیز صفحه بعد میرعلم خان آمده است.

و در غایله هایلله شاه شهید سعید الوار بختیاری نیز او را دست آویز کرده به این بهانه راهزنی و تاخت و تاراج می کردند و بدین منوال ملعبه جهال بود لهذا او را حبس کرده بودند — هم در این سال جعفرقلی خان دنبلی که در میان اکراد یزیدی بود جمعی را با خود متفق ساخته به خوی و سلماس آمده برادر خود حسین خان را محصور نمود، حضرت همایون ابراهیم خان قاجار دولور را به دفع او مأمور فرموده پس از زد و خورد جعفرقلی خان مغلوب و لشکریان او برخی دستگیر و بعضی مقتول گردیدند و ابراهیم خان به توقف تبریز مأمور شد و چندی نگذشت که حسین خان درگذشت و جعفرقلی خان به خوی آمده به اولیای دولت علیه متوسل شده حکومت خوی و آن نواحی یافت — هم در این سال زیاده از صد هزار تومان نذورات حضرت خاقانی به عتبات عالیات یعنی نجف اشرف و کربلای معلی و کاظمین علیهما السلام و حضرت معصومه و میراحمد بن موسی (ع) مشهور به شاه چراغ اهدی و ارسال داشتند — هم در این سال به امر اعلی شروع به ساختن قصر قاجار در حوالی طهران نمودند و حسینقلی خان به ایالت ولایت سمنان برقرار گشت و چون به این ولایت قناعت نداشت به حکومت کاشان منصوب گردید و شاهزاده محمدتقی میرزا به مصاحبت وی روانه آن ولایت شد و حکومت سمنان به نواب شاهزاده محمدولی میرزا مفوض آمد و حکمرانی قزوین را به نواب شاهزاده محمدعلی میرزا مرحمت فرمودند. و از آنجا که حضرت شاهزاده معظم عباس میرزا به موجب وصایت و امر شاه شهید سعید نورالله مضجع باید به ولایتعهد این دولت جاوید عدت برقرار گردند به خفتان و خنجر و شمشیر مرصع و خلعت آفتاب طلعت همایون مغلغ و با رتبه ولیعهدی و نیابت سلطنت به حکمرانی آذربایجان منصوب گردیدند و به اتابیکی نواب امیرکبیر اعتضادالدوله سلیمان خان قاجار و با پانزده هزار سوار جرّار رو به مقرّ حکمرانی نهادند و میرزا عیسی فراهانی مشهور به میرزا بزرگ از سادات کرام که آبا و اجدادش رتبه وزارت داشته اند به وزارت خاصه حضرت ولیعهد نایب السلطنه اختصاص یافت. و ملازم خدمت ایشان گردید و ابراهیم خان قاجار سردار که در تبریز بود به متابعت و اطاعت حضرت شاهزاده مأمور آمد و بعضی ولایتعهد حضرت شاهزاده معظم و تشریف فرمائی به آذربایجان

را از حوادث اوایل سال هزار و دویست و چهارده دانسته اند — خلاصه مقارن این احوال نواب ابراهیم خان بن مهدیقلی خان بنی عم و داماد اعلیحضرت خاقان کشورستان با جمعی از عساکر ظفرمآثر مأمور به توقف چمن گندمان و حراست عراق و فارس گردید — هم در این اوان محمدآقای دیوان افندی از جانب سلیمان پاشا والی بغداد با هدایا و عرایض به آستان اعلی آمد — هم در این سال موکب همایون به قصد قلع و قمع نادر میرزا ابن شاهرخ میرزا و تصفیة خراسان متوجه آن سامان گردید و مقرر شد حسینقلی خان که در کاشان متوقف بود به رکاب مبارک پیوندد، پس از آن در چمن فیروزکوه اعلیحضرت خاقان سپاه منصور را سان دیدند و حسینقلی خان به سبب عارضه و نقاهتی در ارجمند بماند و جان محمد خان دولو به رسم منقلای به طرف خراسان روان شد و اردوی همایون نیز از راه جاجرم و اسفراین به طرف مقصد انتهاض فرمود و صادق خان شقاقی و حسین خان قوللر آقاسی به تسخیر چناران و تدمیر ممش خان مأمور و روانه گشتند، و موکب معلی به ناحیه نیشابور ورود کرد و علیقلی خان پسر جعفرخان بیات حاکم نیشابور که پدرش ملتزم رکاب مبارک بود به حضور همایون مشرف شد و به جهت انجام خدمات به شهر رفته و چون حکم شد جزایرچیان به برج و باره شهر جای گیرند این فقره اسباب توهم علیقلی خان شده بنای مخالفت را گذاشت. حسینقلی بیگ از بنی اعمام جعفرخان به اردوی پادشاهی آمده مشمول مرحمت گردید، جعفرخان به استمالت پسر خود به شهر رفته ولی او نیز عصیان ورزید بنابراین پسر دیگر جعفرخان که در اردو بود به سیاست دوچار آمد و حکم به یورش و محاصره قلعه دادند، آخر الامر به توسط شفعاء اهالی معفو گردیدند و جعفرخان نیز مجدداً متقلد خدمت گردید و حسینقلی خان عمزاده او نیابت ولایت نیشابور یافت — هم در این اوان صادق خان شقاقی و حسین خان قاجار قزوینی که مأمور تدمیر یا استمالت ممش خان گرد شده بودند صادق خان بر حسین خان سبقت گرفته با ممش خان ملاقات نمود و او را به اطاعت نادر میرزا تحریض کرد چنانکه از مضمون عریضه او این فقره مفهوم می شد. اعلیحضرت خاقان این نکته را تفرس فرموده ولی در قلب مبارک پنهان داشتند و حکم شد صادق خان به جان محمد خان ملحق شود و به

محاصره مشهد مقدس پردازند — نگارنده گوید بعضی از مورّخین توجه موکب خاقانی را به خراسان نیز از وقایع سال هزار و دویست و چهارده شمرده ولی بعد از تصفّح مسطورات مختلفه معلوم می شود که در اواخر این سال رایت ظفرآیت پادشاهی به عزم تصفیّه خراسان به اهتراز درآمده، اما سوانح عمده این سفر و محاصره مشهد مقدس از حوادث سال هزار و دویست و چهارده می باشد — انتهى.

وفات میرزا ابوالقاسم چابلقی مشهور به قمی اعلی الله مقامه از اجله علما — وفات آقا سیدعلی طباطبائی مجتهد و عالم معروف. (ترکستان) — در این سال ایلندزخان خوارزمی، ابن محمد امین ایناق، ابن فاضل ایناق، ابن ابوالغازی بیگ، ابن اسفندیار، ابن عرب محمد سلطان، ابن حاجم خان به بخارا یورش برد و جمعی را اسیر و دستگیر کرد اما در هنگام عبور از رود آمویه یعنی جیحون غرق و هلاک شد. مدت ملکش در خوارزم تقریباً دو سال بوده، بعد از آن پسرش محمد رحیم خان توره به جای او برقرار گشت.

اروپا — در شهر رُم پایتخت ایتالیا مردم بر ضد پاپ شوریده اعلان جمهوری می نمایند — پی ششم پاپ که هشتاد سال داشت از شهر رُم اخراج می شود — شورش در سویس و اعلان جمهوری سویس — مصمم شدن دولت فرانسه برای فرستادن قشون به مصر به قصد خلل رسانیدن به تجارت انگلیس — تالیراند، وزیر خارجه جمهوری به سفارت به اسلامبول روانه می شود — عساکر فرانسه به سرداری ژنرال ناپلیون بناپارت عزیمت مصر می نمایند و ناپلیون جمعی از علما و حکما و نقاشان فرنگ را با خود به مصر می برد و بعد از حرکت از بندر تولُن به طرف مصر جزیره مالت را متصرف می شود — ورود ناپلیون به بندر اسکندریه و حرکت کردن او به سمت قاهره — جنگ معروف به جنگ گنبد هرمان — غلبه ناپلیون بر قشون مصری که در تحت سرداری مرادبیگ بودند و فتح قاهره — یلُسُن امیرالبحر انگلیس سفاین فرانسه را در بندر ابوقیر می شکند — دولت عثمانی به تحریک انگلیس به فرانسه اعلان جنگ می نماید — ژنرال بناپارت تمام مصر را متصرف می شود — اتحاد و اتفاق دول مجدداً بر ضد فرانسه به اغوای انگلیس — ورود عساکر فرانسه

در ثانی به خاک ایتالیا — اتحاد روس و عثمانی بر ضد فرانسه و آمدن یک اردو از عساکر روس به امداد معاندین فرانسه به ایتالیا، (انگلیس) — شورش در ایرلند و اعلان جمهوری در آنجا. (فرانسه) — ایجاد مدرسه جرف و صنایع مستظرفه از قبیل نقاشی و موسیقی و غیره — ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس. (روس) — جلوس آخر پادشاه گرجستان هراکلیوس در زیر حمایت روس.

امریکا (هایتی) — در جزیره هایتی در دریای محیط پاسیفیک توتست نام بر سیاه پوستان ریاست کرده تمام مهاجرین فرانسه را که در آنجا بودند بیرون می کند.

[سنه ۱۲۱۴ هجری = سنه ۱۷۹۹ مسیحی]

آسیا (ایران) — در اوایل این سال اردوی کیوان شکوه خاقانی به دور مشهد مقدس بود و عساکر منصوره شهر را در بند محاصره داشتند و به ملاحظه احترام مشهد و مرقد مطهر حضرت امام ثامن ضامن علیه السلام چندان به خرابی نمی کوشیدند و مع ذلک کار بر محصورین سخت شد و دوچار غلا گردیدند. نادر میرزا اظهار ضراعت و اطاعت نمود و قرار داد یکی از بنات خود را در حباله نکاح یکی از شاهزادگان اولاد امجاد خاقان درآورد و منافرت بدل به موافقت گردد. بنابراین ضراعت و رعایت حرمتی که ذکر نمودیم در پانزدهم ماه ربیع الاول این سال موکب منصور اعلی حضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه از محاصره شهر مشهد دست کشیده به منزل چناران آمد و امیرگونه خان گرد زعفرانلو حاکم خبوشان رخصت معاودت به محل حکمرانی خود یافت و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر با او همراه شد که صبیّه او را که نامزد شاهزاده حسنعلی میرزا بود به دربار معلی آورد و جعفرخان بیات حاکم نیشابور نیز مخلم و روانه نیشابور شد و در چمن بسطام نواب حسینقلی خان که به سبب نقاقت از التزام رکاب معاف شده بود صحیح و سالم به حضور همایون تشرّف جست، بعد از آن عزیمت دامغان فرمودند و بنه و آغروق و اهالی حرم جلالت را با مهدیقلی خان قاجار و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر روانه دارالخلافه نموده موکب معلی در چمن علی بولاغی به

شکار مایل گردید و راه ارجمند و نوا پیش گرفت و در فیروزکوه نیز شکاری شایسته اتفاق افتاد، و در اواسط ربیع الثانی دارالخلافة به قدوم مبارک خاقانی مزین آمد — هم در این سال در ماه محرم حضرت ولیعهد نایب السلطنه عباس میرزا وارد تبریز شدند و بعد از ورود، جعفرقلی خان دنبلی حاکم خوی را احضار کردند مشارالیه به اطاعت مبادرت نمود، لهذا حضرت والا به قصد تدمیر او به سلماس توجه فرمودند او به طرف قارص و بایزید گریخت و پناه به اکراد برد و پانزده هزار نفر فراهم آورد و عزم رزم حضرت شاهزاده معظم کرد ولی ملازمان حضرت قبل از وصول او به قلعه هودر، که جایگاه نفیس و اخایر ذخایر جعفرقلی خان بود یورش برده قلعه را مستخر و اموال او را کلیتاً متصرف گردیدند، مردان قلعه مقتول و نسوان و صبیان دستگیر عساکر نصرت اقتران گردیدند. جعفرقلی خان این خبر را شنیده دیوانه وار به مقابله لشکر شاهزاده کامکار با اقتدار شتافت و در قریه سوغانجوق در هفتم ربیع الثانی فریقین تلافی نمودند، پس از کوشش بسیار جعفرقلی خان چاره جز فرار ندید و آخر الامر با تأسف و پریشانی به خاک عثمانی رفت و در قلعه ماکولا که از قلاع چخور سعد است پناه به اکراد بایزیدی برد و حضرت اسعد والا ولیعهد به خوی ورود فرمودند و برحسب امر اعلی و حکم والا محمودخان دنبلی نواده شهبازخان دنبلی به حکمرانی خوی و سلماس برقرار شد و سرداری این صفحات را به پیرقلی خان شامبیاتی دادند و به تبریز مراجعت فرمودند، و صبیة ابراهیم خلیل خان حاکم قراباغ را که حسب المقرر می بایست داخل در خدام حرم سلطنت گردد از شوشی روانه دارالخلافة کردند — هم در این سال محمود میرزای افغان که با میرحسن خان طبسی و میرعلم خان قاینی متوجه هرات گردیده بود و قصد مقاتله شاه زمان و تسخیر کابل و قندهار داشت قیصر میرزا او را شکست داده منهزماً به هرات بازگشت و در دور هرات نیز افاغنه اردوی او را غارت کردند ناچار باز به یزد آمد و عرض حال را عریضه ای به دربار خاقان بی همال انفاذ داشته مقرر شد به اصفهان آید و معزاً در این شهر اقامت نماید تا موقع تقویت دررسد — هم در این

سال صبیته امیرگونه خان در حباله نکاح نواب شاهزاده حسینعلی میرزا درآمد و در پانزدهم ماه جمادی الآخره به این سور پرداختند و زیاده از صد هزار تومان مخارج این عیش شد — هم در این سال مهدعلی خان ملقب به بهادر جنگ از جانب حکومت هندوستان انگلیس با تحف و هدایا به دربار معلی آمده سلطنت اعلیحضرت خاقان کشورستان را تهنیت و تبریک بگفت — نیز فرستاده تپو صاحب پادشاه دکن با سه زنجیر فیل و چند قفس مرغهای غریب مطبوع، و اکلیلی مکمل به جواهر به دارالخلافه باهره آمده هدایای خود را تقدیم حضور مبارک نموده مورد تفقدات ملوکانه گردیده با جوابی لایق و انعامی شایان مراجعت کرد — هم در این سال حکمرانی مازندران به نواب شاهزاده محمدقلی میرزا مفوض شد و فرمانفرمائی فارس را به نواب شاهزاده حسینعلی میرزا دادند، و میرزا نصرالله علی آبادی که نواب حسینقلی خان او را از نور بصر محروم ساخته بود به وزارت مازندران و پیشکاری نواب شاهزاده محمدقلی میرزا برقرار گردید و چراغعلی خان نوائی مازندرانی نیز به پیشکاری فارس مفتخر گشت — هم در این سال حضرت امجد نایب السلطنه ولیعهد از آذربایجان به دارالخلافه آمده شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان گردیدند و پس از چندی باز به آذربایجان معاودت فرمودند و نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله و رضاقلی خان و ابراهیم خان قاجار به همراهی آن حضرت بامور گردیدند — هم در این سال اللهیار خان قلیجی که به راه خودسری می رفت عریضه ای مشتمل بر اظهار اطاعت و انقیاد به دربار معلی انفاذ داشت و مصمم گردید که صبیته خود را به خدمت خدام حرمت جلالت فرستد و میرزا اسدالله مستوفی نوری به انجام این خدمت منتخب گشت — هم در این سال عساکر منصوره از اطراف رکاب همایون احضار شدند و همه راه اطاعت پیمودند مگر دستجات شقاقی که به تسویلات صادق خان شقاقی تقاعد و تخلف کردند، و چون پیش از این خلاف و نفاق صادق خان معلوم شده بود مغضوب و مورد سخط اعلیحضرت خاقانی گردیده و او را در خانه تنگ موقوف و محبوس داشتند تا از گرسنگی راه دیار عدم پیش گرفت و محمدعلی خان برادرش به سرکردگی شقاقی برقرار آمد و برادر دیگرش ساروخان به ریش سفیدی طایفه مزبوره سرافراز

گشت و پسرش در سلک پساولان حضور منسلک گردید — هم در این سال نواب حیدرقلی میرزا از بطن صبیّه نواب مرتضی قلی خان قاجار عمّ اعلیحضرت خاقان کشورستان متولد گردیدند — هم در این سال نواب محمود میرزا قدم به عرصه عالم نهاد — وفات حاجی عبدالوهاب نائینی از مشایخ و کاملین عرفا در سنّ نود و شش سالگی — وفات آقا محمدعلی اصفهانی متخلص به شیدا — وفات مهدی بیگ شاعر شقاقی. (هندوستان) — تیپو صاحب به واسطه نرسیدن امداد فرانسه به او مغلوب انگلیس می شود و بعد از هفده سال سلطنت مقتول می گردد و مملکت میسور هند را انگلیس تصرف می نماید.

اروپا — عساکر متحدۀ روس و عثمانی جزیره گرتزو از جزایر یونین را از فرانسه منتزع می سازد — اعلان جنگ فرانسه به اطریش بعد از یکسال و نیم صلح — دول انگلیس و اطریش و آلمان و ناپل و پرتوغال و روس و عثمانی بر ضدّ جمهوری فرانسه متحد می باشند — شکست عساکر فرانسه در دوسه نقطه از قشون اطریش — سوارف سردار روس در ایتالیا فرمانده عساکر متحدۀ روس و اطریش است که بر ضدّ فرانسه می باشند — قشون فرانسه چندین مرتبه از لشکر روس شکست می خورند — مایینا سردار دیگر فرانسه در سویس فتوحات می کند و با سوارف سردار روس تلافی نموده او را نیز شکست می دهد بعد از این شکست امپراطور روس عساکر خود را احضار می نماید — در هولاند کشتیهای جنگی روس و انگلیس از سفاین جنگی فرانسه شکست خورده نه هزار نفر از قشون روس به دست سردار فرانسه اسیر می شوند — ناپلیون از مصر به شام حرکت می کند و بندر یافا (یافه) را متصرف می شود و عتکه را محاصره نموده بدون نیل مقصود به مصر مراجعت می نماید. و از آنجا که اخباری که از فرانسه به او می رسد مساعد با خیالات و ترقیانیست که در خاطر دارد ریاست عساکر فرانسه را در مصر به کلیر وا گذاشته خود به سمت فرانسه روانه می شود. (فرانسه) — انقلاب و اغتشاش شدید در پاریس و سایر بلاد فرانسه — ورود ناپلیون بنپارت به خاک فرانسه و پذیرفتن او را با نهایت شرف، و به محض ورود بنپارت به پاریس ریاست قشون پاریس به او تفویض می شود و

اندک اندک در خیال و صدد ریاست کل است — مجلس وکلا بر ضد ناپلیون بناپارت می باشند ولی بناپارت با قشون مسلح ورود به این مجلس می کند و با وجود اینکه او را تهدید به قتل می نمایند غلبه بر وکلا می کند و وضع دولت را تغییر می دهد از این به بعد دولت فرانسه به وضع کنسولا می باشد و ناپلیون بناپارت رئیس دولت است — تبیین آنکه: ریاست دولت به سه نفر کنسول مقرر است، ناپلیون کنسول اول است، و کامبا میرش و لیترون دو کنسول دیگر او را معاون خواهند بود، و در قصر سلطنت توئلرنی منزل خواهد کرد — ایجاد روزنامه دبا. (ایتالیا) — فوت پی ششم پاپ. (روس) — فوت ژرژ یازدهم پادشاه گرجستان که بعد از فوت او گرجستان مستقلاً در تحت تصرف روس درآمد.

امریکا (اتانونی) — فوت واشنگتن معروف.

[سنه ۱۲۱۵ هجری = سنه ۱۸۰۰ مسیحی]

آسیا (ایران) — در این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مصمم تسخیر سبزوار و نیشابور گردید. تبیین آنکه: اللهیارخان سبزواری قلیچی که پیش از این عریضه ضراعتی به دربار گردونمدار عرض کرده و به عرض رسانیده بود که صبیته خود را به خدمت خدام حرم جلالت خواهد فرستاد و میرزا اسدالله مستوفی نوری به انجام این خدمت مأمور گردید. بعد از رسیدن میرزا اسدالله به سبزوار اللهیارخان پشیمان شده بنای مسامحه را گذاشت بنابراین ابراهیم خان قاجار عمزاده خاقان کامکار با مهدیقلی خان دولو و حسین خان قاجار قزوینی و ده هزار سوار و پیاده به محاصره آن قلعه روانه شدند و به امیرگونه خان زعفرانلو حاکم خبوشان و ابراهیم خان شادلو حکمران اسفراین نیز حکم شد که به ابراهیم خان پیوندند و موکب منصور خاقانی نیز انتهاز فرموده در چمن نمکه پنج روز به سان سپاه ظفرهمراه پرداختند، و در پنجم محرم این سال خارج قلعه مزینان مضرب خیام سپهر احتشام گردید و نواب حسینقلی خان برادر کهنتر خاقان به محاصره قلعه سبزوار مأمور آمد، اهالی نیکی قلعه که از مستعدثات اللهیارخان قلیچی بود

خودداری نموده لشکر نصرت اثر یورش بردند، حصاریان مقهور و اموال ایشان منهب شده از در استیمان درآمدند، آقاخان ولد مصطفی خان عمزاده خاقان کشورستان جد امی نگارنده به حراست قلعه محکوم گردید، و موکب همایون خاقانی تشریف فرمای حوالی سبزوار شد و از آنجا که جعفرخان بیات باز به راه خلاف رفته بود حکم همایون شرف صدور یافت که نواب حسینقلی خان به محاصره نیشابور و تنبیه جعفرخان روانه شود اما اللهیارخان قلیجی که موکب ظفر کوکب را نزدیک، و درهای چاره را بسته دید میرزا اسدالله مستوفی را واسطه قرار داده و صبیّه خود را با او به اردوی معلی فرستاد، جعفرخان نیز اظهار ندامت نمود ولی عساکر مزبوره به نهب و تخریب نواحی سبزوار و نیشابور مشغول شدند مقارن این حال طره بازخان فرستاده شاه زمان افغان با نامه و هدایای بی کران به آستان مبارک آمده شاه زمان به شفاعت جعفرخان و اللهیارخان پرداخته معاودت موکب ظفر کوکب خاقانی را درخواست کرده و اظهار داشته که بعد از بازگشت قشون نصرت نمون، جعفرخان و اللهیارخان به حضور همایون مشرف خواهند شد. ملازمان آستان پادشاهی حسب المصلحه تمنیات و مسئولات شاه زمان را قبول فرمودند و محمود میرزا ولد تیمور شاه که در این سفر ملتزم رکاب اعلی بود با برادر و پسر خود فیروز و کامران عازم قندهار و کابل شد و احکام به امرا و حکام خراسان شرف صدور یافت که رعایت جانب او را منظور دارند. و موکب خاقانی به طرف دارالخلافة عطف عنان فرموده نواب حسینقلی خان در اسفراین و ابراهیم خان عمواغلی در نزدیکی آق قلعه به اردوی معلی پیوستند. آقاخان قاجار از نیکی قلعه مزینان احضار شد و ابراهیم خان عرب با دسته عرب و عجم مأمور محافظت آن نواحی و حدود گردیدند و موکب اعلی به چمن کالپوش نزول اجلال فرموده مدت پانزده روز در آنجا اقامت کردند. پس از آنجا به بسطام و دامغان و علی بولاغ^۱ توجه فرموده قشون فارس و عراق مرخص شدند و موکب همایون از راه چشمه علی دامغان به سمنان تشریف فرما گردیدند، مدت پنج شبانه روز در اینجا به عیش و سرور و عروسی نواب محمدولی

۱. علی بولاغ مقصود چشمه علی دامغان است (مؤلف).

میرزا والی سمنان مشغول بودند آنگاه به طرف دارالخلافه نهضت فرموده در چهاردهم ماه ربیع الثانی شهر طهران از مقدم مبارک اعلیحضرت خاقان کشورستان رشک روضه رضوان گردیده بعد از انتظام امور ممالک محروسه عزیمت تمشیت گیلان فرمودند و در قزوین صبیۀ احمدخان مراغه‌ای را در سلک ازدواج نواب شاهزاده محمدعلی میرزا حاکم قزوین درآوردند و نواب ابراهیم خان عمزاده خاقان کشورستان به نظم ولایت گیلان رفته لهذا موکب همایون به دارالخلافه معاودت فرمود — هم در این اوان نواب شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه و ولیعهد دولت علیّه به حضور مبارک آمده مورد توجهات کامله گردید — هم در این سال سیرژن ملکم از جانب حکومت هندوستان انگلیس با نامه مودّت ختامه و هدایای لایقه وارد بندر بوشهر گردید، و فتحعلی خان نوری به مهمانداری او رفت بعد از ورود به دارالخلافه در سرای حاجی ابراهیم خان منزل یافت و لوازم احترامات او به عمل آمد، و قرار اتحاد دولتین ایران و انگلیس به شروطی معین با او داده شد، و حاجی خلیل خان قزوینی با جواب نامه مهر علامه که سیرژن ملکم حامل بود به اتفاق او مأمور به سفارت شد — اما اللهیار خان قلیچی و جعفرخان بیات چون بعد از شفاعت شاه‌زمان باز خلاف قرارداد کردند و به تقبیل عتبه علیّه مبادرت نمودند نواب ظهیرالدوله ابراهیم خان عمزاده خاقان کشورستان با بیست هزار نفر به محاصره سبزوار مأمور و مقرر شد محمدخان و ابراهیم خان دولو و پیرقلی خان شامبیاتی و حسین خان قاجار قزوینی با آن سردار بااقتدار همراهی کنند و نواب امیرکبیر اعتضادالدوله سلیمان خان قاجار با پانزده هزار سوار مأمور نیشابور گردید و به خوانین خراسان احکام قضا نظام شرف صدور یافت که به معاونت و معاضدت نواب ظهیرالدوله و نواب اعتضادالدوله کمر خدمت بر میان بستند و مهدقلی خان دولوی قاجار به سرداری آذربایجان و توقف در قلعه خوی محکوم گشت و محمدصادق خان دنبلی ایالت خوی یافت و محمود خان دنبلی به آستان اعلی آمده به امارت یساولان حضور برقرار آمد — هم در این سال چون برادران و پسران حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله هریک در ناحیه‌ای حکمرانی داشتند و ملازمان حضرت گردون بسطت همایون تفرّس خلاقی از آنها فرموده مقرر شد همه را در روز معین

گرفته تنبیه نمایند و چنین کردند، و خود حاجی ابراهیم خان نیز معزول و چندی در قزوین و طالقان می بود تا درگذشت و میرزا محمد شفیع بندپشی مازندرانی اصفهانی الاصل به وزارت اعظم نایل آمد - ولادت رضاقلی خان معروف به لله باشی که متخلص به هدایت و امیرالشعراء و صاحب مصنفات جلیله مشهوره و از امرای بزرگ می گردد - وفات محمدتقی کرمانی ملقب به مظفرعلی شاه از عرفای مشهور و علمای معروف صاحب دیوان مشتاقیه، و بحرالاسرار، و خلاصة العلوم، و کبریت احمر و رساله جامع البحار در کرمانشهان و مدفون شدن او در بیرون دروازه مشرقی این شهر که موسوم به دروازه اصفهان است.

اروپا - بعد از مراجعت ناپلیون از مصر به فرانسه وضع قشون فرانسه در مصر مختل می گردد، جنگهای کلبر سردار فرانسه در مصر با عساکر عثمانی و تعاقب نمودن آنها را تا سرحد شام - اهالی شهر قاهره که در غیاب کلبر بر فرانسه شوریده بودند پس از مراجعت این سردار این شهر را متصرف می شود - یکی از مسلمانان متعصب کلبر را در قاهره مقتول می سازد - مُرو سردار قشون فرانسه از رودخانه رن عبور کرده با قشون اطریش برابر می شود و آنها را شکست می دهد - میلان سردار اطریش که با صد و سی هزار نفر از ایتالیا گذشته و به پیش آمده که با قشون فرانسه مقابلی کند ناپلیون با چهل هزار لشکر در ظرف چهل روز با او برابری نموده از کوه آلپ گذشته میلان را شکست داده تمام ایتالیا را مسخر می سازد و در مارانگ، نیز شکست سختی به عساکر اطریش می دهد - مراجعت ناپلیون به فرانسه مظفر و منصور - انگلیس بر ضد فرانسه با اطریش تجدید عهد کرده آلات و ادوات جنگ و پول به او می دهد - مُرو از طرف ناپلیون مأمور به سمت وینه می باشد و جنگ سختی با قشون اطریش کرده تا حوالی وینه می رود - اطریش استیصالاً از جمهوری فرانسه طلب صلح می نماید - انگلیسها جزیره مالت را از فرانسه ها می طلبند - ناپلیون این جزیره را به پل اول امپراطور روس می بخشد - انگلیس این بخش را مقبول ندانسته و خود می خواهد مالت را متصرف شود - امپراطور روس چشم از دوستی انگلیس پوشیده، دول شود و

دانمارک و پروس را با خود متفق ساخته، بر ضد انگلیس با فرانسه متحد می شود و ایلچی کبیری به پاریس می فرستد. (انگلیس) - ایرلند پارلمنت مخصوصی ندارد و وکلای خود را به پارلمنت لندن می فرستند - بلاد غربی میسور در هند به تصرف انگلیس درمی آید. (فرانسه) - دولت جمهوری به ریاست ناپلیون بر ضد فتنه انگیزانست - یکی از خواهرهای ناپلیون در حباله نکاح مورات که از سردارهای معتبر ناپلیون است درمی آید - ایجاد بانک در فرانسه - عهد دوستی و تجارتی فرانسه با اتائونی - در ظرف این سال در فرانسه دوسه مرتبه قصد قتل ناپلیون می نمایند. (ایتالیا) - پی هفتم بعد از پی ششم پاپ می شود. (عثمانی) - جزایر سبعه یونین که فرانسه ها از ونیز گرفته اند سفاین روس و عثمانی معاً آنها را از فرانسه منتزع می سازند و به وساطت روس این جزایر وضع جمهوری پیدا کرده از تحت سلطنت عثمانی خارج می شود و لکن در سال یک مبلغی خراج به اسلامبول می فرستد - علی پاشا که هیجده سال بود از طرف دولت عثمانی حکومت آلبانی را داشت و مرکز حکمرانی خود شهر یانینا را قرار داده بالتام اطراف آلبانی را حکمرانی و سلطنت به وضع استقلال قرار می دهد.

امریکا (جزیره هایتی) - تومن رئیس یاغیهای هایتی می شود.

[سنه ۱۲۱۶ هجری = سنه ۱۸۰۱ مسیحی]

آسیا (ایران) - در ششم ماه صفر این سال موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف فرمای قصر قاجار گردیده یکشب در اینجا اقامت کردند بعد روانه شکارگاه جاجرود گردیدند، و از آنجا به چمن مشای دماوند و سایر اماکن متزه آن ساحت خلد مانند رانده چندی تفرج می فرمودند، و در اواخر ماه مزبور شرحی از خیالات حسینقلی خان به عرض حضور موهبت ظهور خاقان رسانیدند و معلوم شد که مشارالیه از کاشان به اصفهان و از اصفهان به عراق رفته تهیه جمعیت و لشکر می نماید و سودای سلطنت در سر دارد. بنابراین به موجب امر اعلی جان محمدخان دولوی قاجار روانه قم و کاشان گردید، و حسینقلی خان بن

فتحعلی خان برادرزاده او به حوالی اصفهان راند و آقاخان قوئلو به سیلاخور رفت و فرمان همایون عزّ نفاذ یافت که هرجا حسینقلی خان را به دست آرند مأخوذ دارند و به آستان مبارک روانه سازند — هم در این اوان ابراهیم خان عمزاده خاقان به دربار جلالت آثار سپهرنشان آمد و نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله از سبزوار و نیشابور با عباس میرزا برادر نادر میرزا ابن شاهرخ بن رضاقلی میرزا به حضور همایون تشرّف جستند و عباس میرزا را نادر میرزا به رسم گروگان فرستاده بود — نیز در این اوان اعلیحضرت خاقان کشورستان حضرت نایب السلطنه ولیعهد عباس میرزا را با میرزا محمد شفیع صدراعظم در دارالخلافة طهران متقلّد مهام ملکی فرموده و موکب اعلی در دویم ربیع الثانی از طهران عزیمت اصفهان فرمود و حاجی محمدحسین خان بیگلربیگی اصفهان از نائین به چاپاری به نظنر آمده در اینجا به تقبیل رکاب معلی فایز گردید — حسینقلی خان چون از حرکت اردوی همایون خبردار شد به جانب کرمانشهان شتافت و اختلالی در امور و اوضاع او بهممرسیده محمّدقاسم نام که محرّک حسینقلی خان بود به بغداد فرار نمود، و حسینقلی خان که راه رفتن عراق عرب را بر او بسته بودند نادم و پشیمان در قم به بقعة مبارکه حضرت معصومه سلام الله علیها پناه برد. اعلیحضرت خاقان کشورستان به جانب قم عطف عنان فرمودند، حسینقلی خان شمشیر به گردن، گریان، در صحن مقتس به حضور مهرظهور خاقان آمد و پس از اظهار ندامت و طلب عفو و استکانت استدعای اقامت و توقّف در قم نمود. اعلیحضرت همایون او را مرخص و مأذون فرمودند و موکب منصور به قصد معاودت به دارالخلافة نهضت فرما گشت — هم در این اوان اعوان و انصار حسینقلی خان را از هر ناحیه و مکان گرفته مغلولاً به آستان جلالت بنیان فرستادند و هریک به قدر جرم و جنایت دوچار عقوبت و سیاست شدند. پس از چندی به شفاعت میرزا ابوالقاسم مجتهد گیلانی از علمای معروف حسینقلی خان به دزاشوب شمیران آمده در اینجا متوقّف گشت و آخر الامر به واسطه خودسری جهان بین خود را بدرود نمود و در دزاشوب به عبادت مشغول بود تا دست اجل نقد حیات او را در ربود — هم در این ایام اللهیار خان قلیجی حاکم سبزوار به ملازمان حضرت نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا متوسّل شده

و با اهل و عیال به دارالخلافه آمده اطمینان یافت و میرزا محمد خان قیاقلوی قاجار به حکومت سبزوار رفت — اقا نادر میرزا با وجود فرستادن عباس میرزا برادر خود را به گروگان در شرفیابی آستان مبارک تعلل و تقاعد نمود لهذا ابراهیم خان عمزاده خاقان کشورستان با ده هزار نفر مأمور خراسان گردید و اعلیحضرت همایون نیز به نفس نفیس مصمم آن صفحات گردیدند و چون در اوایل سال بعد انتهای فرمودند در محل خود شرح آن بیاید — ولادت نواب شاهزاده همایون میرزا — وفات میرزا عبدالله متخلص به شهاب شاعر ترشیزی — وفات میرزا مهدی شهرستانی از فضلای معروف.

اروپا — معاهده بین اطریش و فرانسه که فواید این معاهده کلیتاً برای فرانسه بود — اسپانیولیها به تحریک فرانسه به پرتوگالیها که با انگلیس متحد بودند اعلان جنگ نمودند — پادشاه ناپل مجبوراً با فرانسه متحد گردید — انگلیس به متحدین فرانسه اعلان جنگ می کند و سفاین جنگی او تا پایتخت دانمارک می رود — پل اول امپراطور روس که با فرانسه متحد شده بود به اغوای انگلیس مقتول می گردد و جانشین او الکساندر اول برخلاف سبک پدر با انگلیس متحد می شود — هیجده هزار نفر از عساکر انگلیس به مصر ورود کرده قشون فرانسه را بعد از آنکه سه سال این مملکت را متصرف بودند از مصر می دوانند — عهد صلح مابین فرانسه و عثمانی و روس و گفتگوی مصالحه فرانسه و انگلیس. (انگلیس) — اغتشاش داخله و قلت نقود به واسطه جنگ هشت ساله با فرانسه — قرض دولت انگلیس در این سال از دوازده میلیارد فرانک زیادتر است که هر میلیاردی معادل دویست کروور تومان پول ایرانست — قحطی سخت و شورش مردم که بلاد و قرا را غارت می نمایند — شورش مردم بر ضد پیت صدراعظم، و این صدراعظم به اهالی ارلند وعده رفاهیت می دهد اما از آنجا که اهالی ارلند کاتولیکی مذهب هستند و پادشاه پرتستانی مذهب، و نهایت عصبیت را در این طریقه دارد از دادن رفاهیت به ارلندیها مضایقه می نماید — پیت بعد از هفده سال وزارت از شغل خود استعفا می نماید و آدنگ تَن نامی صدراعظم می شود — بروز جنون سخت پادشاه — مباحه

نمودن کمپانی انگلیس ناحیه آرکات را که در مغرب مدرس واقع است — در مجلس پارلمنت گفتگوی ساختن راه آهنی در میان می باشد — تعداد نفوس جزیره انگلیس به تنهایی در این سال هفده کرویر و سیصد و هفتاد و دو هزار نفر و کسری می باشد، و جمعیت اِگس بیست و دو کرویر است. (فرانسه) — مردم قصد قتل ناپلیون را کرده و صد و سی نفر از جمهوری طلبان به چنگ آمده اخراج بلد می شوند و حکم قتل بعضی صادر می گردد — چند ایالت از ایالات مفتوحه در سواحل رن جزو سایر ایالات فرانسه شده و حکام برای آنها تعیین می شود — آداب و رسوم دینی که جمهوریان حذف نموده بودند مجدداً ناپلیون آن آداب و رسوم را برقرار می نماید — دولت فرانسه با والی الجزایر معاهده تازه منعقد می نماید — ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس — اول اختراع چرخ بخار در فرانسه — تعداد نفوس تمام فرانسه در این سال پنجاه و چهار کرویر و سیصد و چهل و نه هزار نفر است. (روس) — نجبا از قانونی که امپراطور پُل برای نظام ترتیب داده بود رنجیده و متغیراند — امپراطور پُل نهایت دوستی را با ناپلیون دارد، به این واسطه ایلچی انگلیس مقیم دربار دولت روس کنت دوپالین سردار عساکر متوقفه در پترزبورغ را محرک است، و بنا بر این تحریک شب بیست و سیم ماه مارس رؤسای قشون امپراطور پُل را هلاک نموده پسر ارشد او الکساندر اول را به جای او جلوس می دهند — کتب فرانسه که ورود آن به خاک روس ممنوع بود امپراطور جدید آوردن آن را به این مملکت اجازه می دهد و مطبعه های روس را بالنسبه آزاد می نماید — گرجستان کلیتاً ضمیمه مملکت روس می شود — در داغستان جنگ در کار است. (سویس) — دولت سویس که به تحریک ناپلیون جمهوری شده سایر دول این وضع جمهوری را می شناسند.

امریکا (اتانونی) — ژفرسن به ریاست جمهوری معین و برقرار می گردد.

[سنه ۱۲۱۷ هجری = سنه ۱۸۰۲ مسیحی]

آسیا (ایران) — در اول این سال یعنی روز دوشنبه هفدهم ماه محرم موبک منصور

اعلیٰ حضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه به قصد خراسان انتهاض فرمود و تشریف فرمای چمن رادکان گردید — اسحق خان قرائی که تاکنون به افغانه روی داشت این اوان دانشت که جز اطاعت و خدمت خاقان کشورستان هرچه کند زیانست روی دل به جانب این آستان نموده برای اظهار عبودیت و استرضای امنای حضرت به نیشابور آمده به استمالت جعفرخان بیات پرداخت و او را با خود به حضور موهبت ظهور خاقانی مشرف ساخت، و سایر خوانین آن حدود نیز ربه اطاعت و انقیاد حضرت گردون بسطت سلطنت را به گردن گرفتند، و نواب امیرکبیر اعتضادالدوله سلیمان خان قاجار و حسین خان قاجار قزوینی قوللر آقاسی به تسخیر چناران مأمور شدند و نواب شاهزاده محمدعلی میرزا و اسحق خان کردقرائی مقدمه الجیش موکب منصور شده به محاصره مشهد مقدس روانه شدند — روز نهم ربیع الاول رایات ظفرآیات خاقانی از چمن رادکان متوجه مشهد مقدس گردید و دور این شهر را سپاه نصرت همراه احاطه کرده و مدت محاصره به طول انجامید، و قرا و آبادیهای حوالی به غارت رفت و در شهر مشهد آتش قحط و غلا بالا گرفت. میرزا محمد مهدی مشهدی از اجله علما به اردوی معلی آمده به شفاعت پرداخت و معاودت موکب اعلی را استدعا نمود، و امرای خراسان متمهد شدند که پس از عود اردوی همایون شهر را مستخلص کنند و نادر میرزا را گرفته به عتبه علیه آورند. لهذا حسین خان قاجار قزوینی حاکم نیشابور و سردار خراسان به توقف و تسخیر ارض اقدس مأمور شد و موکب ظفرکوکب خاقان کشورستان معاودت را انتهاض فرمود. پس از رسیدن به منزل علی بولاغ دامغان به صید و شکار مشغول شده بدین منوال به سمنان که مقر حکمرانی شاهزاده والا تبار محمدولی میرزا بود نزول اجلال فرمودند — هم در این اوان قیصر میرزا پسر شاه زمان افغان با یک زنجیر فیل به استدراک حضور مبارک شتافت و در هفتم ماه جمادی الاولی موکب منصور به دارالخلافة بازگشت — هم در این سال صبیته مرضیه امیر نامدار میرزا محمد خان بیگلربیگی قاجار در سلک ازدواج حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا منسلک گردید و شاهزادگان و امرا و اشراف از اطراف و اکناف در موقع این جشن بزرگ و سور لازم السرور به دارالخلافة حضور بهم رسانیدند و تا یک هفته به

بهجت و حبور گذرانیدند — اما محمود میرزای افغان که به امداد ملازمان آستان خاقان کشورستان به قندهار و کابل تاخت و این دو ولایت را مسخر ساخت و شاه‌زمان را از حلیه بصر عاری نمود و فیروز میرزا برادر خود را به هرات فرستاد پس از آمدن قیصر میرزا پسر شاه‌زمان به دربار مکرمت آثار خاقان حقوق این آستان را از یاد برده به راه عقوق رفت، افاغنه نیز از وی شاکی و به قیصر میرزا راضی شدند، اعلیحضرت همایون قیصر میرزا را به خنجر مرصع مخّلع و به بند شمشیر مکّتل مباهی فرموده به تسخیر ملک موروثی خود روانه داشتند — هم در این سال پس از جشن نوروز فیروز و عید سعید، خاقان کشورستان به مهمانی حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا تشریف فرما شده، حضرت معظم یکهزار قطعه جواهر الوان و چند رأس اسب و استر و مبلغی وجه نقد و مقداری امتعه و اقمشه به رسم پیشکشی و شکرانه قدوم بهجت لزوم پادشاهی تقدیم حضور مبارک نمودند — هم در این سال به توسط خواجه داود نام از ارامنه و تجار بغداد نامه‌ای از ناپلیون بناپارت کنسول اوّل فرانسه به حضرت خاقانی موصول گردید. خواجه داود لقب خانی یافته حامل جواب آن نامه گردیده به فرانسه روان شد — هم در این سال عبدالعزیز نامی از مشایخ نجد که پیرو طریقه وهابی بود و داعی این طایفه می‌بود، در درعیه قلعه‌ای محکم بساخت و چند بار به حرمین شریفین زادهما الله شرفا و تعظیما و به نجف اشرف آمده به غارت پرداخت و از آنجا که پسرش نیز در عید غدیر در آخر سال گذشته به کربلای معلی تاخته و چندین هزار از نفوس زکّیه و جمعی کثیر از علما و سادات و فضلا و عرفا و محققین را در ظرف هفت ساعت شربت شهادت چشانیده، که از آن جمله عارف کامل و عالم فاضل ملا عبدالصمد همدانی صاحب بحرالمعارف بود که چهل و چهار سال در آن ارض خلدنشان مجاور و به ریاضت اشتغال داشت. خلاصه بعد از سفکِ دماء، آن قوم شقاوت انتماء به اوطان خود بازگشتند، و این خبر مسموع ملازمان حضرت خاقان کشورستان گردیده اسمعیل بیگ بیات را نزد سلیمان پاشا والی بغداد فرستادند و امر فرمودند که به طرد و دفع این جماعت پردازد. سلیمان پاشا قبول کرده ولی چندی نگذشت که درگذشت و این امر برعهده تأخیر ماند ولی

شخصی از عجم عبدالعزیز را به راه عدم روانه نمود — ولادت نواب اسمعیل میرزا — وفات ابراهیم خان متخلص به انور فرزند کریم خان زند.

اروپا — انعقاد عهد مصالحه مابین فرانسه و انگلیس در آمین — در این مصالحه انگلیس آنچه را فرانسه در خاک فرننگ گرفته و متصرف شده حق او می‌داند و جزایر فرانسه را که در دریاها متصرف شده بود به او مسترد می‌سازد و از آنطرف فرانسه جزیره سیلان را که مال هلندیها بود حق انگلیس می‌داند — معاهده مابین فرانسه و عثمانی. (فرانسه) — به واسطه صلح عمومی تجارت و صناعت زواج دارد و طرق و شوارع و سایر لوازم و اسباب سهولت مراوده ساخته و آماده می‌شود — ناپلیون هرتانس ربیبه خود را در سلک مزاجت برادر خود لوئی بناپارت منسلک می‌سازد — گید ناپلیون یعنی قانون فقهی فرانسه که ناپلیون ترتیب داده بود رواج می‌گیرد — نشان لژیون دُنُور ایجاد می‌شود — به تمام مهاجرین فرانسه که در ایام فترت و جمهوری از خاک فرانسه رفته بودند اذن و حکم معاودت می‌دهند — اهالی فرانسه کنسول اول بودن ناپلیون را در تمام مدت حیات او امضاء می‌کنند، بلکه کنسول اول حق تعیین جانشین خود را نیز دارد و قصر توئلری و سن کلورا به جهت منزل ناپلیون تعیین می‌نمایند — مملکت پیه من ایتالیا جزو انفکاک ناپذیر فرانسه می‌شود. (ایتالیا) — شارل ایمانول چهارم پادشاه ساردن از سلطنت استعفا کرده ویکتور ایمانول اول برادرش به جای او منصوب و برقرار می‌گردد. (روس) — تعیین دوایر دولت که هر دایره‌ای به دست وزیر مخصوصی است — ایجاد وزارت داخله و وزارت علوم — طغافرُق در ساحل دریای آزف از بنادر معتبر تجارتی می‌شود.

امریکا (اتانونی) — ایجاد مدرسه نظامی — فولتن نام از تبعه اتانونی در پاریس ایجاد کشتی بخار می‌نماید. (هایتی) — سردار فرانسه لیکلرک^۱ که با بیست هزار نفر وارد این جزیره شده بود توسن رئیس یاغیها را مغلولاً به فرانسه فرستاده و توسن در این مملکت می‌میرد — تب زرد و هوای نامساعد در هاییتی اسباب خسارت و

رحمت قشون فرانسه شده و لکیرک وفات می نماید و مجدداً شورش در این جزیره درمی گیرد.

[سنه ۱۲۱۸ هجری = سنه ۱۸۰۳ مسیحی]

آسیا (ایران) — در این سال بیگلربیگی استرabad از شرارت و فساد تراکمه صاین خانی به دربار حضرت خاقانی شرحی و شکایتی معروض داشت، لهذا در هفتم شهر صفرالمظفر موکب منصور اعلی حضرت خاقان مملکتستان فتحعلی شاه از دارالخلافة طهران به طرف ساری و قراپه حرکت کرد و در موقف قراشیخ متوقف گردید و عساکر منصوره به نهب اموال و آثر طوایف مزبوره دست دراز کردند. ترکمانان چون کار را سخت دیدند از در استیمان و استکانت درآمدند، بنابراین موکب همایون از قراشیخ به چمن کالپوش راند و مشغول تفرج و شکار شدند، و حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا در علی بولاغ به شرف حضور همایون مشرف گردیدند، و بعد از بیست روز موکب اعلی به دارالخلافة طهران معاودت فرمود — هم در این سال در عشر آخر شعبان والده معظمه حضرت خاقان کشورستان راه غرقات جنان گرفت و در نجف اشرف مدفون گردید — هم در این سال حسین خان قاجار سردار خراسان به معاونت نواب محمّدولی میرزا صاحب اختیار سمنان و موافقت خوانین خراسان یعنی اسحق خان قرائی، و محمّدخان هزاره، و امیر قلیچ خان تیموری، و امیرگونه خان زعفرانلو، و لطفعلی خان درجزی، و هفت هزار سوار رکابی قلعه مشهد مقبّس را محاصره کردند. نادر میرزا به جهت فقدان مسکوک و مال به خزاین و اموال حضرت رضوی سلام الله علیه پرداخت و خود را هدف سهام ملامت ساخت. بهر حال کار بر محصورین سخت شد و در شب غرة رمضان شهر مشهد به تصرف عساکر قضااتوان درآمد. نادر میرزا گمان کرد که قلعه داران به اشاره میرزا محمّد مهدی مجتهد مشهدی تقصیر و کوتاهی در قلعه داری کرده و این معنی اسباب غلبه سپاه ظفرهمراه گردیده لهذا بر در روضه مقدسه شتافته برخلاف حرمت در را با تبرزین

شکسته چند زخم کاری بر آن سید عزیز زده و بیرون آمده از شهر خارج شد و فرار کرد. پس از خروج او نواب شاهزاده محمدولی میرزا به شهر ورود نمودند و نادر میرزا را در چهار فرسخی شهر طایفه‌ای از ایلات گرد بگرفتند و خدمت شاهزاده معظم آوردند. و در همین ایام میرزا محمد مهدی مشهدی از اثر زخمهای نادر میرزا به جوار رحمت الهی پیوست و نواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان شدند و نادر میرزا را مغلولاً به دارالخلافه طهران فرستادند و به قصاص سید بزرگوار میرزا محمد مهدی مشهدی مقتول گردید.

نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله در کتاب جام جم می‌فرمایند: در رمضان هزار و دویست و هیجده شهر مشهد مقدس نیز مفتوح گشت و نادر میرزا پسر شاهرخ شاه گرفتار گردید و او را با جمعی از اجفاد نادری در اواخر ذی‌قعدة الحرام این سال به طهران آورده به سیاست رسیدند، و خاقان به لفظ گهربار فرمودند: حمد خداوند را که قصاص به اسم کرد، نادرشاه فتحعلی خان را کشت و فتحعلی شاه نادر میرزا را سیاست نمود — انتهى.

خلاصه پسران و کسان نادر میرزا بعضی از حلیه بصر عاطل و برخی به صدمات عاجل و آجل گرفتار گشتند. چند تن به توقف مازندران مأمور و چند نفر به اقامت فارس محکوم گردیدند — هم در این سال قشون روس^۱ به طرف بردعه و قراباغ آمدند و جوادخان زیادلوی قاجار حاکم گنجه مراتب را به دربار سپهرآثار همایون معروض داشت و سعید خان دامغانی مأمور تحقیق و تبیین مطلب گردیده روانه گنجه شد — هم در این سال چون حسن خان پسر تقی خان یزدی در حکومت کرمان استقلالی نداشت نواب ابراهیم خان داماد و عمزاده اعلیحضرت خاقان به حکومت آن سامان برقرار گردید، و نواب شاهزاده حسینعلی میرزا ایالت و حکمرانی دارالخلافه یافت، و حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه به حکمرانی و انتظام مهام آذربایجان تشریف فرما شدند، و میرزا عیسی فراهانی مشهور به میرزا بزرگ در وزارت قایم مقام صدارت عظمی گردید — هم در این سال

قشون روس که به سرداری سیسیانوف متوجه قفقاز شده بودند بعد از استیلا بر تفلیس به گنجه تاختند و این شهر را مسخر ساختند و پس از تسخیر، سه روز به قتل عام پرداختند و جوادخان گنجه‌ای نیز با یک پسر خود مقتول شد و اهل قراباغ و ایروان نیز خایف شده با سردار روس به طریق مدارا حرکت می کردند (سیسیانوف سردار روس همان است که عوام اتراک او را ایشپخدر می گفته اند) اما محمدخان قوانلوی قاجار والی ایروان به اغوای جعفرقلی خان دنبلی و کلبعلی خان نخجوانی با سردار روس بساخت. چون این وقایع به عرض آستان خاقان عظیم الشان رسید حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه را به آن حدود مأمور فرمودند و کسانی که به التزام رکاب مبارک مقرر و معین گردیدند از این قراراند: میرزا شفیع صدراعظم مازندرانی، نواب امیرکبیر اعتضادالدوله سلیمان خان قوانلوی قاجار، و مهدیقلی خان قوانلو، و رضاقلی خان، و مهدیقلی خان دولو، و ابراهیم خان دولو، و پیرقلی خان شامیاتی قاجار، و از سرکردگان پیاده ولایتی اشخاص مسطور در ذیل ملتزم اردوی حضرت شاهزاده معظم گردیدند:

میرزا محمد خان لاریجانی، اشرف خان دماوندی، عبدالله خان ارجمندی، صادق خان تنکابنی، احمدخان سوادکوهی، علی اصغر خان بندپی، آقا اسمعیل و آقا مهدی بالارستاقی، حسن سلطان کلبادی، باقر سلطان انزانی با بعضی سرکردگان دیگر، و سی هزار نفر پیاده و سوار جرار.

چون این اردو در خارج شهر دارالخلافه تشکیل یافت اعلیحضرت خاقان کشورستان به وداع فرزند دلبد و سان سپاه و سرداران کارآگاه از شهر خارج شده بعد از بازدید معسکر حضرت شاهزاده معظم و القای فرمایش و اوامر مخصوصه به دارالخلافه معاودت فرموده روز دوشنبه بیست و هفتم ذیحجه اردوی حضرت شاهزاده آزاده به طرف آذربایجان روان گردید — ولادت نواب احمدعلی میرزا، و نواب علیرضا میرزا.

پوشیده نباشد که بعد از نادرشاه افشار که تقریباً مدت شانزده سال در بلاد و ممالک ایران سلطنت داشت پنج نفر از امیرزادگان نادری در خراسان تا این سال حکمرانی متزلزل داشتند و اسامی آنها از این قرار است: علیشاه که خود را عادلشاه

می نامید و برادرزاده نادر بود، ابراهیم شاه، شاهرخ شاه، شاه سلیمان ثانی، نادر میرزا، و در این سال حکمرانی این سلسله کلیتاً منقرض گردید — فسیحان الذی لایدوم الا ملکه.

اروپا (انگلیس) — به موجب عهد صلح با فرانسه، انگلیس باید جزیره مالت را تخلیه کند ولی به تعلل و تسامح می گذراند بنابراین فرانسه نقض عهد کرده عساکر خود را به هلند و هانوز ورود می دهد و مصمم منازعه با انگلیس می شود و در بندر بولتی تدارکات دیده می شود — اسپانیولها و پرتوغالیها با فرانسه در ضدیت انگلیس مشارکت دارند — شورش در ایرلند. (پروس) — دولت پروس در منازعه انگلیس و فرانسه بی طرف است. (روس) — عساکر بزرگ و بحری روس رو به تزايد است — ایجاد مدارس در ممالک روس برای تعلیم و تعلم. (عثمانی) — طایفه وهابی بعد از آنکه مکه معظمه را فتح کردند به مصر و قاهره می روند و در مصر کاری از پیش نبرده مراجعت می کنند و به غلبه مدینه طیبه را می گیرند.

امریکا (اتانونی) — ایالت لوئیزیان که متعلق به فرانسه بود به وجهی معادل دوازده کرویر تومان پول ایران ابتیاع شده جزو اتانونی می گردد. (هابتی) — بقیه قشون فرانسه از شورشیان این جزیره شکست خورده فرار می کنند.

[سنه ۱۲۱۹ هجری = سنه ۱۸۰۴ مسیحی]

آسیا (ایران) — در وقایع سال هزار و دویست و پانزده نگاشته شد که حاجی خلیل خان قزوینی به سفارت هندوستان مأمور و روانه شد، ایلچی مشارالیه تا سال گذشته در بندر بمبئی با کمال اعزاز اقامت داشت، سال گذشته در میان قراولان هندی و ملازمان ایرانی حاجی خلیل خان نزاعی درگرفت. سفیر ایران به اصلاح آمد و گلوله ای سهواً به او رسیده کار او را بساخت. لهذا فرمانفرمای هند چهار نفر کاپی تین و دویست نفر سربازی را که منشاء این فتنه بودند گرفته حبس کرد و نامه ای مبسوط بر معذرت و افسوس به دربار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی

شاه نگاشته بالیوز بصره و بعضی از اعیان انگلیس را حامل نامه و مأمور به عذرخواهی کامل از این قتل غیر عمد نمود. و چون در اول این سال موکب خاقانی تشریف فرمای چمن سلطانیه گردیده بود مأمورین حکومت هندوستان در این محل به حضور موهبت ظهور پادشاهی مشرف شدند و مراتب را معروض داشتند و از آنجا که معین و ثابت بود که این قتل عمداً نبوده عذر مأمورین پذیرفته شد و به رهائی محبوسین اشارت فرمودند، و محمد نبی خان خواهرزاده سفیر مقتول را به جای او مأمور کردند و مبالغی خونبها به محمد اسمعیل خان پسر حاجی خلیل خان داده شد، و محمد نبی خان بعد از معاودت از سفارت هندوستان به وزارت نواب حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس مباحی گردید. — هم در این سال محمد خان قوئلوی قاجار بیگلربیگی ایروان که به اغوای جمفرقلی خان دنبلی و کلبدلی خان نخجوانی با سیسیانف سردار روس سازش داشت از حرکت و توجه اردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه به طرف ایروان خبردار شده سردار روس را به ایروان خواند و ایلات حوالی ایروان را کوچانیده بعضی را به قلعه آورد و برخی را روانه قارص و وان و پایزید کرد. حضرت معظم ایلغار کرده در کنار رود زنگی واقع در نیم فرسنگی ایروان نزول فرمودند، و مهدقلی خان دولورا با شش هزار سوار به خاک عثمانی فرستاده که ایلات کوچیده را بازآورد، و مشارالیه ایل کنگرلو و قاجار را بازآورد. و سردار روس که بر وفق دعوت محمدخان با بیست هزار سوار و سی عزاده توپ به ایروان می رفت در عرض راه به مهدقلی خان و ایلات مزبوره برخورد و در این تلافی زد و خوردی کرده مهدقلی خان به اردوی حضرت نایب السلطنه پیوست و سردار روس نیز در چهارشنبه هیجدهم ربیع الاول به حوالی اوچ کلیسا سه فرسنگی ایروان رسیده جمعی از لشکریان روس عزم ورود به شهر نمودند، جزایرچیان قلعه آنها را دفع کردند. روز بعد حضرت مستطاب نایب السلطنه محافظت اردو و سنگر را به عهده میرزا محمد شفیع صدراعظم و احمدخان مقدم موکول داشته و دسته جات لشکر با توپخانه روانه اوچ کلیسا شد، و سه روز در اینجا نایره قتال بین فئتن اشتعال داشت. سردار روس مصمم تسخیر ایروان گردید و در این حال محمدخان بیگلربیگی از معاهده و سازش با سردار روس پشیمان شد

و به توسط میرزا صادق مروزی (وقایع نگار) از میرزا محمد شفیع صدراعظم اطمینان حاصل نمود و حسینعلی خان پسر خود را با پیشکشی فراوان به اردوی خاقانی فرستاد. و در این اوان سردار روس حیلتی بکار برده غفلتاً با افواج و توپخانه خود به جانب اردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه راند و به این وضع خود را به مسجد جامع شهر رسانیده به محاصره قلعه پرداخت — هم در این ایام موکب اعلیحضرت خاقان مملکتستان از چمن سلطانیه انتهای فرموده و در دارالسلطنه تبریز مسموع ملازمان حضرت سلطنت گردید که سردار روس قلعه ایروان را محاصره نموده، لهذا اسمعیل خان دامغانی بطور مقدمه الجیش روانه شده و اردوی همایون نیز به کنار رود ارس آمد و از آب عبور نمود و روز نوزدهم ربیع الثانی یک فرسنگی ایروان مضرب خیام گردون احتشام معلی گردید. سردار روس سنگرهای متعدد در محاصره ایروان بسته بود و خود در جامع شهر نشسته، صبحگاهی از معسکر همایون توپها به شلیک پرداخته و دسته جات قشون یورش برده به سنگرها ریختند و به یکدیگر آویختند، جمعی مقتول و سنگرها خالی شد. سردار روس توپخانه را بر سر تلی بلند برده به جانب عساکر منصوره بنای شلیک را گذاشتند، آنها سنگرها را رها کرده به اردوی معلی بازگشتند. سردار روس افواج خود را مجدداً به سنگر جای داد. وقت شب جعفرقلی خان دنبلی با ده هزار پیاده و سوار مصمم شیخون به اردوی همایون شده حسن خان قاجار قزوینی که آن شب مشغول قراولی اردو بود از قصد جعفرقلی خان آگاه شده مراتب را به عرض ملازمان حضور حضرت پادشاهی رسانید، لهذا مقرر فرمودند لشکریان از اردو بیرون رفته در دامنه کوهی مترقب و مترصد باشند که اگر لشکر روس شیخون آرند از خارج اردو و دامنه کوه بر ایشان حمله نمایند. قشون روس راه را گم کرده وقت صبح به اردو رسیدند و جای را خالی یافتند، به جانب عساکر منصوره و دامنه کوه شتافتند چون قدری صعود کردند حرارت آفتاب و تشنگی بر آنها غالب شد ناچار راه معاودت پیش گرفتند سپاهیان آنها را تعاقب نموده جمعی را از پای درآوردند. همچنین کسانی که از جانب سردار روس به طلب آذوقه به اطراف می رفتند اغلب به دست سرداران ایرانی گرفتار و روانه دیار عدم می گشتند. ناچار سیسیانف سردار روس از دور ایروان

کوچ کرده عازم تفلیس شده و محمدحسین خان قاجار سرکشیکچی باشی او را دنبال نمود و بعضی از همراهان او را مقتول ساخت. پس از بازگشت سردار روس محمدخان ایروانی که در قلعه بود دیگر باره به حکمرانی ایروان منصوب گردید — هم در این اوان ابوالفتح خان جوانشیر به نظم قراباغ مأمور و روانه شد و الکساندر میرزا والی گرجستان رخصت توقف در نخجوان یافت و در اول زمستان موکب خاقان کشورستان به دارالخلافه بازگشت. هم در این سال امیر ناصرالدین توره حاکم مرو به ملازمان حضرت خاقانی توسل جست — پوشیده نباشد که میرمعصوم معروف به شاهمراد، ملقب به بگ جان، ولد دانیال اتالیق ابن رحیم خان اتالیق بن حکیم اتالیق که در بخارا ابوالفیض خان چنگیزی را مقهور کرده و خود سلطنت می نمود در عهد شاه شهید سعید آقامحمد شاه طاب ثراه بر بیرامعلی خان قاجار عزالدین لو که از زمان صفویه تا آن عهد حکومت مرو با آباء و اجداد او بود غالب شده او را بکشت و مرو را خراب کرد. شاه شهید سعید او را تهدید کردند و به خیال تلافی و دفع او بودند که غایله هایله شوشی آن مرام را عایق آید. خلاصه بعد از فوت بگ جان دو پسر از او ماند امیرحیدر توره که حکمرانی بخارا داشت و امیر ناصرالدین توره که در مرو حکومت می کرد. در این سال امیر حیدر توره قصد استیصال برادر نموده لهذا امیر ناصرالدین توره به واسطه گماشتگان نواب شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان به عتبه علیه متوسل گردید. اعلیحضرت همایون او را فرزند خود خوانده افسری مکمل برای او فرستاده و به نواب شاهزاده محمد ولی میرزا حکم شد او را تقویت و اعانت نمایند و فرستاده امیر ناصرالدین توره با کمال خرسندی به مرو معاودت نمود — هم در این سال محمد خان غلیجائی افغان ولد اعظم خان که سالها پدراناش در بم و نرماشیر کرمان بودند و بعد از حکومت نواب ظهیرالدوله ابراهیم خان عمزاده خاقان به کرمان از روی اضطرار به دربار مکرمت آثار آمد و دیگر باره به حکومت بم و نرماشیر و آن حدود برقرار گشت پس از استقلال بنای خودسری را گذاشت. نوروز خان قاجار عزالدین لو که حاجب بزرگ و امیر بار بود به قلع و قمع وی مأمور و روانه آن دیار گردید — وفات میرزا جعفر صافی اصفهانی.

اروپا (انگلیس) — پیت مجدداً به صدارت برقرار می گردد — وِستِر نام آلمانی
 روشنائی چراغ گاز را رواج می دهد. (فرانسه) — کاژودال از معاندین ناپلیون
 بناپارت با پیشگرو و مُرو که هردو از سرداران فرانسه می باشند بر ضد ناپلیون متحد
 شده و هردو محبوس می گردند — دوک دانگن از شاهزاده های خانواده سلطنت
 قدیم به چنگ ناپلیون افتاده مقتول می گردد — پیشگرو در حبس خفه می شود —
 ناپلیون مخاطب به خطاب ناپلیون اول شده و در قصر سن کلو به امپراطوری فرانسه
 برقرار می گردد — در علایم سلطنتی عقاب قیصره روم قدیم را نقش می کنند —
 هیجده نفر مارشال یعنی سپهسالار تعیین می شوند که اسامی آنها از این قرار است:
 (برتیه)، (مورات)، (مُنیشی)، (ژوردان)، (ماینا)، (اُرو)، (برناؤت)،
 (سولت)، (بُرون)، (لان)، (مرتیه)، (ینی)، (داؤوشت)، (بِسین)، (کیلزمان)،
 (لفیور)، (پریئین)، (سِروریه) — مُرو از خاک فرانسه اخراج شده به اتانونی
 می رود — پی هفتم پاپ از رُم به پاریس آمده تاج سلطنت بر سِر ناپلیون می گذارد
 — خرج فرانسه در این سال هفتصد ملیون فرانک و دخل پانصد و شصت ملیون بوده
 است. (سایر ممالک فرنگ) — امپراطور روس جدا شدن بلاد آلمان را که در
 تصرف فرانسه بود، نیز مفروز بودن بعضی از ممالک ایتالیا را که در تصرف این
 دولت بود از فرانسه مطالبه می نماید. بعد از آنکه خطاب امپراطوری به ناپلیون دادند
 امپراطور آلمان که سلاطین اطیش خود را به این لقب ملقب می داشتند لقب
 امپراطوری اطیش را تنها برای خود اختیار می کند — ناپلیون در بُولنی مستعد
 حرکت به طرف مملکت انگلیس است — قطع مراوده دوستی مابین فرانسه و روس
 — اتحاد شوُ با انگلیس — دولت انگلیس سه فروند کشتی اسپانیولی که مملو از
 شمش نقره می باشد و از آمریک برای اسپانیولها می آوردند ضبط می کند — اعلان
 جنگ اسپانیول به انگلیس — احضار نمودن دولت عثمانی سفیر خود را از پاریس.
 (عثمانی) — شورش اهالی سربستان بر عثمانی.

امریکا — در هایتی ژاک نام خود را امپراطور لقب می دهد.

[سنه ۱۲۲۰ هجری = سنه ۱۸۰۵ مسیحی]

آسیا (ایران) — در این سال نوروز خان قاجار عزالدین لو که به تدمیر محمدخان افغان ولد اعظم خان به بم و نرماشیر رفت بعد از رسیدن به آن حدود به دفع محمد خان مبادرت نمود. محمدخان بم را رها کرده به نرماشیر رفت، عساکر منصوره در اینجا او را محاصره کردند، محمد خان قاجار به مجادله پرداخته در اثنای جنگ دو زخم به او زدند، چون بیش از این مقاومت نمی توانست کرد به سیستان و بلوچستان گریخت و آنچه در تحت حکمرانی او بود ضمیمه کرمان شد — هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا با میرزا بزرگ قایم مقام متوجه آذربایجان گردیدند و موکب همایون خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و اسمعیل خان دامغانی با جمعی سوار به رکاب شاهزاده جلالت آثار پیوست و نواب شاهزاده علی خان ظل السلطان که برادر کهتر صلبی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه بود در زنجان توقف نمود و حضرت معظم در منزل میانج مهدیقلی خان و اسمعیل خان قاجار را به ایروان مأمور کردند و اسمعیل خان شامیاتی قاجار حاکم خوی را نیز به همراهی او فرمان دادند. در پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول موکب خاقانی از چمن سلطانیه حرکت کرده به چمن اوجان نزول اجلال فرمود. ابراهیم خلیل خان جواتشیر از توجه عساکر منصوره به این حدود وحشت نموده جعفرقلی خان نبیره خود را نزد سیسیانف سردار روس که در گنجه بود فرستاد و استمداد نمود. سیسیانف محمدحسن خان ابن ابراهیم خلیل خان را که پدر جعفرقلی خان مذکور بود با جمعی از سواران قراباغ و سیصد نفر سرباز روس به محافظت پل خداآفرین فرستاد که راه عبور لشکر منصور را مسدود نمایند. از این طرف اسمعیل خان دامغانی به دفع این جماعت مأمور گشته بعد از کشش و کوشش سواران قراباغی و پیاده های روسی مغلوب شده محمدحسن خان به جنگل فرار کرد و قبل از آنکه بر او دست یابند خود را به قلعه شوشی رسانید. پس از آن موکب خاقانی از چمن اوجان انتهاز فرموده از رود ارس عبور کردند و در منزل معروف به تخت طاوس که در هشت فرسنگی شوشی

است اقامت نمودند و حضرت مستطاب نایب السلطنه نجفقلی خان گروسی را با جمعی به حراست آق اعلان گذاشته خود از راه چناقچی به طرف شوشی راندند. ابراهیم خلیل خان دوچار رعب و هراس شده به سردار روس پیغام داد که من در پناه آباد محصور و عساکر منصوره را مقهورم. سیسیانف یکی از پولکونیکهای روسی را با توپ و سردار و غیره به مدد حاکم شوشی فرستاد (پولکونیک به زبان روسی به معنی سرهنگ است) پولکونیک و همراهانش به منزل عسکران آمدند، حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز بدین ساحت شتافتند و فیما بین دو عسکر در عسکران جنگ در گرفت و جمعی از طرفین مجروح و مقتول شدند و لشکر روس به مقبره‌ای که در آن حوالی بود رفته قلعه بساختند و به شلیک توپ پرداختند، در این اثنا حسینقلی خان دولو یا ذوالفقار خان دامغانی و چهار عراده توپ از اردوی بزرگ خاقانی به امداد لشکریان حضرت شاهزاده معظم آمدند، پس از شش روز جنگ عساکر ایران غلبه کردند و سرکرده روسی دو زخم برداشته خود را به قلعه ترناوت سه منزلی گنجه رسانید، حضرت مستطاب نایب السلطنه او را محاصره کردند مشارالیه عریضه‌ای نوشته شش روز مهلت خواست و نیم شبی به کوه چمق که سقناق ارامنه قراباغ است گریخته مهدیقلی خان قاجار به قلعه ایوان رفته آن قلعه را گرفته تصرف نمود. پس از این مقدمه سیسیانف یک نفر سرکرده روسی را با چند فروند کشتی جنگی روانه گیلان نمود و خاقان کشورستان میرزا یوسف مازندرانی را که اصلاً گرجی بود به معاونت گیلانیان مأمور فرمودند. سرکرده روسی انزلی را بگرفت، میرزا موسی منجم‌باشی گیلانی جمعی را به پیره بازار برده در کمین نشستند، سردار روسی به جانب پیره بازار روانه شد ناگاه تفنگچیهای گیلانی از جنگلها شلیک کردند و جمعی را مجروح و مقتول نمودند بقیة السیف به کشتیها نشسته به جانب بادکوبه گریختند — هم در این اوان موکب خاقانی از منزل تخت طاوس انتهاض فرموده به اصلان‌دوز آمد و اسمعیل خان دامغانی حسب الامر از رود تشر عبور کرد و حضرت مستطاب نایب السلطنه به مقابله سیسیانف از منزل عسکران به گنجه شتافتند و این بلده را متصرف شده جمعی را کوچانیده به شمکور فرستادند، پس از آن متوجه منزل زکم شدند و در بین راه با فوجی از قشون روس

تلاقی کرده آنها را مقهور ساختند، و از منزل زکم بعضی از اهالی گنجه را با پیرقلی خان قاجار روانه تبریز فرمودند و حضرت معظم به اخسقه و از اینجا به ایروان شتافتند. از اخسقه تا ایروان که هیجده فرسخ است همه جا سواران قزاق به قصد دستبرد به اردو خیرگی می کردند تا در حوالی بیشه در وقتی که حضرت مستطاب نایب السلطنه مشغول نماز بودند از درون جنگل تفنگی به طرف ایشان خالی کردند. گلوله آن تفنگ موزه حضرت شاهزاده را خراشید و بنابر حفظ خداوندی گزندى به وجود مبارکشان نرسید. خلاصه بعد از ورود به ایروان شرح زحمات حضرت مستطاب نایب السلطنه به توسط حاجی محمد خان قراگزلوی همدانی که مردی زیرک و دانا بود معروض ملازمان آستان همایون گردید. اعلیحضرت خاقان کشورستان از حد قیلان کوه تا دربند را در تحت فرمانفرمائی حضرت شاهزاده معظم نایب السلطنه قرار دادند و موکب خاقانی از اصلان دوز به چمن اوجان تشریف فرما گردیده راه دارالخلافه را پیش گرفتند. بعد از مراجعت موکب معلی سیسیانف به قلعه شوشی رفت و ابراهیم خلیل خان جوانشیر حاکم شوشی در قلعه را بر روی او بگشاد، سردار روس اتامازری در شوشی گذاشته روانه گنجه شد — نیز از وقایع این اوان آنکه شیخعلی خان بیگلریگی قبه، و دربند، و حسینقلی خان حاکم بادکوبه، و سرخای خان لگزی به احتیاط آنکه مبدا سرکرده روسی که در گیلان شکست خورده قصد محاصره بادکوبه کند از ملازمان آستان خاقانی استمداد نمودند و عسکرخان افشار ارومی به امداد آنها رفت. سرکرده مزبور برای محاربه در برابر بادکوبه لنگر انداخت حسینقلی خان و عسکرخان با او جنگهای سخت کردند، و چون چند فروند کشتی روس در ساحل دریا از توپ اهالی بادکوبه شکست، سرکرده روس از دریا به خشکی آمده در برابر قلعه بادکوبه بنای شلیک را گذاشت، در این حال شیخعلی خان قبه و نوح بیگ ولد سرخای خان لگزی با لشکریان خود به معاونت حسینقلی خان آمدند و سرکرده روس را منهزم ساختند و او به پشت ساری طالش رفت، و سیسیانف به جهت استمالت مصطفی خان شیروانی از گنجه به این ولایت آمد، از این طرف پیرقلی خان شامبیاتی به امداد مصطفی خان شیروانی مأمور شد و در کنار رود گر معلوم نمود

که مصطفی خان را سیسیانف فریفته و مطمئن نموده و او به امداد سرکرده روس به طرف پشت‌ساری رفته، سرکرده مزبور نیز قوت قلبی بهمرسانیده و آماده کارزار گردیده است — بالجمله مصطفی خان ایلات و احشام شیروان را کوچانیده به جبال شامخه فرستاده خود در قلعه‌ای موسوم به کله‌سن (کره‌سن) نشست. حضرت مستطاب نایب السلطنه حسینقلی خان قاجار دولو را به حمایت مصطفی خان و حفظ بادکوبه روان فرمودند و احمدخان مقدم بیگلربیگی تبریز را نیز با توپخانه و بعضی دسته‌جات پیاده از عقب او فرستادند و خود از تبریز به اردبیل تشریف بردند. اعلیحضرت خاقان کشورستان نیز جمعی را از دارالخلافه به امداد روانه آذربایجان فرمودند، سیسیانف چون خود را از هر جهت محاط و محصور سپاه ایران دید با حسینقلی خان بادکوبه‌ای بنای مراوده و مماشات را گذاشت. حسینقلی خان به ظاهر اظهار سازش با او نموده و برای مشورتی سیسیانف را در حوالی قلعه طلبید و مشغول مکالمه شدند در این حال ابراهیم خان بنی‌عم حسینقلی خان از پشت‌سر سیسیانف را هدف گلوله ساخته به عالم دیگر روانه ساخت و عساکر منصوره به اردوی روس تاختند، بقیه لشکر بی‌سردار در سفاین نشسته به راه پشت‌ساری رفتند — از قرار معروف حاجی میرزا محمد اخباری نیشابوری از علمای بزرگ اخباری پیش از وقت از کشته شدن سیسیانف خبر داده بود — خلاصه بعد از کشته شدن سیسیانف سرکرده دیگر روسی با قشون روس به پشت‌ساری رفته به امید موافقت مصطفی خان طالش چندی در آن ناحیه بماند بعد مایوس شده به روسیه بازگشت — هم در این سال چون تراکمه سرخس و طزن و آخال برحسب عادت به شرارت و فساد و راهزنی می‌پرداختند نواب شاهزاده محمدولی میرزا به تدمیر و تنبیه آن جماعت مأمور و بعضی از سرکردگان سپاه منصور نیز به همراهی شاهزاده معظم محکوم گردیدند و در حوالی رود طزن در ماه ربیع الثانی این سال با تراکمه تلاقی دست داد، بسیاری از آنها را بکشتند و اموال زیاد به دست قشون ظفرنمون افتاد — هم در این سال احمد چلبی با عریضه علی پاشا والی بغداد به حضور همایون آمد. تبیین آنکه: قلعه سلیمانیه در خاک ولایت شهرزور که تقریباً یکصد سال قبل سلیمان پاشا وزیر بغداد بنا کرده و اکراد در آن سکنی دارند و چون بر وفق تعیین

حدود که در قدیم شده آن ولایت داخل کردستان و ضمیمه ایران بوده و گاهی دولت عثمانی آن را تصرف می نموده و این معنی اسباب حدوث خلاف فیما بین دولتین می گردید و بالجمله این اوقات عبدالرحمن پاشا ساکن سلیمانیه که بعد از مخالفت و منازعه با علی پاشا والی بغداد به سنندج آمده و پناه یافته علی پاشا احمد چلبی را با عریضه به دربار معلی فرستاده و استرداد عبدالرحمن پاشا را استدعا نمود. بنابراین میرزا محمد صادق وقایع نگار مروزی با جواب علی پاشا مأمور بغداد گردید و مقرر فرمودند که عبدالرحمن پاشا را به حکومت شهرزور برقرار دارند — هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه مهدیقلی خان دولو بیگلربیگی ایروان را به دفع جعفرقلی خان دنبلی مأمور فرمودند، و کلبعلی خان نخجوانی را به تدمیر ابراهیم پاشا حاکم بایزید روانه کردند، و حسینقلی خان افشار و اسمعیل خان قاجار به تاخت و تاراج میانه گنجه و تفلیس رفتند، و همگی با نیل مرام مراجعت کردند — هم در این سال میرزا رضاقلی نوائی منشی الممالک و ناظم امور درب سرای سلطنتی گردیده و اختیار مهر مهر آثار و مقالید انتظام مهام خزانه عامره را به کف کفایت او واگذار فرمودند — وفات نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتمادالدوله قاجار.

اروپا (انگلیس) — استعمال زغال سنگ در این مملکت رواج دارد. (روس) — دولت روس از دولت عثمانی آزادی کشتیرانی در رودخانه فاز را که در حوالی پُتنی منصب دارد می طلبد. (سایر ممالک فرانک) — ناپلیون علاوه بر امپراطوری فرانسه لقب پادشاهی ایتالیا را ضمیمه القاب خود می نماید و در میلان تاج آهن سلاطین ایتالیا را بصرمی گذارد و ربیب خود اُرن را نایب السلطنه ایتالیا می خواند — مراجعت ناپلیون به بُولَنی و در اینجا با صد و سی و دو هزار پیاده و پانزده هزار سوار و دو هزار کشتی مصمم ورود به خاک انگلیس است و متحمل می گوید اگر دوازده ساعت آب دریا با من موافقت کند جزیره انگلیس را معدوم می نمایم — اطریش با انگلیس در ضدیت فرانسه مشارکت دارد و به این واسطه ناپلیون از بندر بُولَنی مراجعت می کند که به منازعه با اطریش پردازد — دولت روس قشون خود

را با عساکر اطریش همراه و متفق می‌نماید — ناپلیون لشکری را که در بولنی برای جنگ با انگلیس حاضر کرده بود به جهت مقابلی با عساکر متحده اطریش و روس به ساحل رن می‌آورد — فتوحات قشون فرانسه در خاک آلمان — شکست سفاین فرانسه در ترافالگار به دست نلسن امیرالبحر انگلیس که مقتول می‌شود ولی فتح می‌کند — ناپلیون بعد از فتح مشهور اولم به سمت وینه پایتخت اطریش حرکت می‌کند و با عساکر متحده روس و اطریش در اُستریلیتز جنگ کرده آنها را شکست می‌دهد — اطریش با فرانسه عهد صلح موسوم به عهد پرشبورگ را می‌بندد — ولات باویر و وُرتنبرگ به ملاحظه خصوصیت با ناپلیون ملقب به پادشاه باویر و پادشاه ورتنبرگ می‌شوند — پادشاه ناپل فردیناند چهارم به حکم ناپلیون از سلطنت خلع می‌شود — تقویم جمهوری طلبان فرانسه محذوف و تقویم قدیم برقرار و روز اول ژانویه روز اول سال می‌گردد.

[سنه ۱۲۲۱ هجری = سنه ۱۸۰۹ مسیحی]

آسیا (ایران) — در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه زمام مهام و امور معظمه دولتی مملکت ایران را به کف کفایت چهار نفر وزیر دادند — یکی میرزا محمد شفیع که به منصب صدارت عظمی نایل بود — دیگری حاجی محمدحسین خان بیگلربیگی اصفهان که از اسخیای زمان بود ملقب به امین الدوله شده و منصب استیفای ممالک محروسه بر عهده او مفوض گردید — و میرزا رضاقلی نوائی متخلص به سلطانی منشی الممالک به وزارت رسایل برقرار گشت — و میرزا هدایت‌الله تفرشی وزارت لشکر یافت — هم در این سال عبدالله خان ولد حاجی محمدحسین خان امین الدوله به حکومت اصفهان منصوب گردید، و حسین خان قاجار قزوینی که سرداری خراسان و حکومت نیشابور داشت به دربار معلی احضار شده به رتبه سرداری و سپهسالاری فایز آمد و محمدخان قاجار دولو حاکم سابق کزاز و ملایر به سرداری خراسان و نیابت آن سامان مباحی گشته به خدمت شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان رفت، و موکب همایون خاقانی از

دارالخلافة طهران انتهاض فرموده روز جمعه بیست و پنجم ماه ربیع الاول به چمن سلطانیه نزول اجلال فرمودند — هم در این سال سفیری از جانب ناپلیون امپراطور فرانسه موسوم به میوژو بر مأمور دربار دولت علیه گردیده پاشای حاکم بایزید و حاکم وان به جهت اتحاد دولتین عثمانی و روس بر ضد فرانسه سفیر مزبور را گرفته حبس کردند و اموالش را ضبط و دو نفر از ملازمانش را مقتول نمودند. حضرت مستطاب نایب السلطنة ولیعهد دولت علیه عباس میرزا از واقعه خبردار گردیده مأموری به طلب سفیر فرستادند سفیر مستخلص شده با پذیرائی و احترام شایان در چمن سلطانیه به حضور همایون تشریف جست و غرض ناپلیون از فرستادن این سفیر دو چیز بود: یکی اتحاد و عهد مودت با دولت ایران، و دیگر تصدیق نمودن به امپراطوری او — خلاصه، جواب نامه امپراطوری را میرزا رضای قزوینی منشی دیوان اعلیٰ حامل و به سفارت مأمور فرانسه شد — هم در این سال ابراهیم خلیل خان که بعد از کشته شدن سیسیانف از خودسری و سازش با سردار روس پشیمان شده بود عریضه ای به خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنة عرض کرده معذرت خواست و برای دفع مآثر روسی که در شوشی اقامت داشت استمداد نمود، لهذا حسین خان سردار و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار حاکم خمسه با لشکری به معاونت او مأمور شدند و قبل از مشارالیه فرج الله خان شاهسون و ابوالفتح خان جواتشیر پسر ابراهیم خان عزیزمت آن صفحات نموده بودند. جعفرقلی خان بن محمدحسین خان که با عم خود ابوالفتح خان عداوتی داشت و وجود او را اسباب اختلال کار خود می پنداشت شبی مآثر روسی را با سیصد نفر سرباز روس از قلعه شوشی بر سر جد خود ابراهیم خلیل خان که در خارج قلعه بود برد و آنها بیخبر بر سر ابراهیم خلیل خان ریختند و او را با سی و یک نفر از اهل و عیال و نسوان او بکشتند و باز نایره فتنه در قراباغ میل به اشتعال نمود — خلاصه بعد از قتل ابراهیم خلیل خان مآثر روسی ضبط و امن کردن قراباغ را به مهدیقلی خان ولد ابراهیم خلیل خان محوّل کرده خود مشغول حراست قلعه شوشی شد. حضرت مستطاب نایب السلطنة چون از اختلال کار قراباغ خبردار شدند از تبریز حرکت فرمودند در منزل آق اغلان معروض ملازمان حضرت معظم داشتند که یکی از

سردارهای روس از تفلیس حرکت کرده و با سپاه گنجه به طرف قراباغ رانده و در منزل عسکران مانده و مهتای جنگ است. نیز در عرض راه عریضه سلیم خان شکی رسید که از سازش با سپاه روس معذرت خواسته و استدعای استمداد و قبول خدمت دولت علیه را نموده، حضرت مستطاب نایب السلطنه فرج الله خان شاهیسون را مأمور به امداد سلیم خان شکی نمودند. و چون اکثری از ایالات قراباغ این اوقات استدعا نموده بودند که از این ناحیه کوچیده در قراجه داغ متوقف شوند عطاء الله خان شاهیسون به انجام این خدمت رفت و حضرت معظم نایب السلطنه از آق اغلان به منزل خانشین تشریف فرما شدند. در اینجا دو لشکر باهم تلافی کرده چند روز جنگ و کارزار سخت در کار بود آخر الامر از گرمی هوا و فقدان آب عساکر روس درمانده دست از جنگ کشیدند و به منازل خود شتافتند، و از آنجا که در اردوی حضرت نایب السلطنه نیز آذوقه وجود نداشت از پل عبور کرده به چشمه حسن و حسین نزول نمودند، و در این وقت حسن خان و حسین خان قاجار قزوینی و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار که از دربار همایون به خدمت حضرت نایب السلطنه مأمور بودند به رکاب حضرت معظم پیوستند و چون مصطفی خان شیروانی با روسیه ساخته بود اسمعیل خان سردار و امان الله خان افشار به تدمیر او روانه شده آن حدود را نهیب کرده و تمام ایلات آنجا را کوچانیده به قراجه داغ و موغان آوردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه به تبریز معاودت فرمودند. — هم در این سال چون علی پاشا والی بغداد نصب عبدالرحمن پاشا را در ولایت شهرزور از میرزا صادق وقایع نگار فرستاده اعلیحضرت خاقان کشورستان پذیرفت امنای حضرت گردون بسطت علیه عبدالرحمن پاشا را به دارالخلافه احضار کرده خلعت و منشور ایالت شهرزور را به او مرحمت فرمودند و به امان الله خان والی کردستان حکم شد عبدالرحمن پاشا را تقویت نماید. لهذا خالده پاشا که در شهرزور بود به بغداد گریخت و عبدالرحمن پاشا در شهرزور استقلال یافت، علی پاشا بدون استیذان از دولت عثمانی به خیال جنگ با عساکر ایران افتاد. و از این طرف نواب شاهزاده محمدعلی میرزا مأمور حدود و ایالات مجاور خاک عثمانی شده از حدود بصره الی خرم آباد و از کرمانشهان تا خاک بغداد به

حکمرانی نواب شاهزاده معظم مقرر گشت و از امرای درباری ابراهیم خان دولوی قاجار و محمدعلی خان شامبیاتی و جمعی دیگر ملتزم رکاب نواب شاهزاده شدند و در دهم جمادی الاولی از چمن سلطانی حرکت کردند. علی پاشا با سی هزار سوار و پیاده به منزل زهاب آمد و سلیمان پاشای کهیا همشیره زاده خود را به دفع عبدالرحمن پاشا فرستاد، عبدالرحمن پاشا تاب مقاومت نیاورده به کردستان رفت و این معنی بر جسارت علی پاشا افزود و از زهاب نیز تخطی نمود. اعلیحضرت همایون نوروزخان قاجار امیر بار را به تاخت بغداد فرمان دادند، عساکر متصوره روانه شده به منزل گیرند رسیدند. علی پاشا به کنار رود سیروان رفت. نوروزخان و محمدعلی خان با دو هزار سوار از زهاب تا مندلیج را تاختند. فتاح پاشا به مقاتله لشکر ایران آمده شکست خورد و به علی پاشا پیوست. فرج الله خان افشار نسقچی باشی، و محمدولی خان افشار قاسملو، و صفی یار خان کردبچه، از دارالخلافه مأمور نصب عبدالرحمن پاشا در شهرزور شدند. سلیمان پاشا و خالد پاشا از جانب علی پاشا به کنار دریاچه مریوان آمده به مقابله و مقاتله پرداختند و بعد از جنگی سخت و کشته شدن سه هزار نفر از عساکر عثمانی منهزم گردیدند و علی پاشا به بغداد گریخت و شیخ جعفر نجفی را که از اجله علما بود واسطه و شفیع قرار داد و اسرای لشکر علی پاشا به توسط شیخ اجل همه مستخلص شدند مگر سلیمان پاشای کهیا که او را مغلولاً به دربار خاقانی آوردند پس از آن او نیز به توسط جناب شیخ جعفر معفو و مرخص شد و موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان از سلطانی به دارالخلافه طهران معاودت فرمود — هم در این سال روسیه اهل بادکوبه را بر حسینقلی خان بادکوبه ای بشوراندند و او با اهل و عیال به تبریز آمد و شیخعلی خان قبه ای در عالم مستی با یکی از سرکرده های روس بنای دوستی را نهاده و او را به قلعه دربند راه داد، آخر الامر سوءسلوک آن جماعت او را متادّی ساخته به محال داغستان رفت و سردار روس به شکی راند و سلیم خان بنابر مخالفت اهالی شکی به تبریز آمد و مصطفی خان شیروانی دانسته شیروان را به روسیه تسلیم نمود که علی خان سالیانی را که با او عداوت داشت از میانه بردارند و بدین وتیره سالیان هم به تصرف عساکر روس درآمد و مصطفی خان

ثمری از این خیانتها ندیده به فت‌داغی رفت — هم در این اوان حسین خان قاجار قزوینی به سرداری ایروان مأمور گردید — ولادت نواب کیقباد میرزا و بهرام میرزا.

اروپا (انگلیس) — فوت پیت در سنّ چهل و هفت سالگی — صدارت گرانویل. (فرانسه) — این سال بهترین سنوات سلطنت ناپلیون است — مزاحمت دختر پادشاه باویر با پرنس اُژن ربیب ناپلیون — بعد از مراجعت ناپلیون با فتح و نصرت به پاریس لقب اعظم بر القاب او افزوده می‌شود — از بلاد مفتوحه کسر عمل خزانة فرانسه جابجا می‌شود — ایجاد بانک در فرانسه — در میدان واندم در پاریس مناری از توپهائی که از دشمن گرفته شده و ذوب نموده‌اند برپا می‌کنند — جمعیت فرانسه امسال پنجاه و هشت کرور و صد و هفت هزار نفر و کسری می‌باشد. (سایر ممالک فرنگ) — تصرف مملکت ناپل به دست ژوزف برادر بزرگ ناپلیون — سلاطین و ولات و دوکهای آلمان و ایتالیا در عداد ملتزمین رکاب ناپلیون اسامی خود را ثبت می‌کنند — ژوزف بناپارت برادر ناپلیون به پادشاهی ناپل برقرار می‌گردد — لوئی بناپارت برادر دیگر ناپلیون پادشاه هلاند می‌شود — امپراطوری آلمان بعد از هزار و ششصد سال استدامت و بقا به دست ناپلیون نابود می‌گردد — منازعه فرانسه با پروس و شکست خوردن پروس — فتح معروف پنا به دست ناپلیون — ورود ناپلیون به برلن و تصرف نمودن او این شهر را — ورود عساکر فرانسه به لهستان — مُورات سردار فرانسه ورشورا می‌گیرد — والی ساکس که با فرانسه متحد بود به حکم ناپلیون به پادشاهی ساکس برقرار می‌شود — ناپلیون به ورشو می‌رود — معایرت مابین روس و عثمانی در باب ایالت افلاق بغداد — ژاسی و بوخارست را قشون روس از عثمانی منتزع می‌کند — شورشیان سربستان بلغراد را از تصرف عثمانی خارج می‌نمایند.

افریقا — محمدعلی پاشا در مصر اقتداری حاصل می‌نماید — پوشیده نباشد که اصل محمدعلی پاشا از روملی خاک عثمانی بوده اما نه از نژاد اعظم بلکه از اهالی سوق و کسبه، در طفولیت کسب علمی ننموده، در سنّ رشد داخل در دزدان دریائی شده، بعد رئیس یک طایفه راهزنی گردیده، آخر الامر به سبب عزم و جرأت

و جلادتی که داشت به ولایت مصر رسید.

[سنه ۱۲۲۲ هجری = سنه ۱۸۰۷ مسیحی]

آسیا (ایران) — در این سال بنابر اینکه جنگ با روس به انتها نرسیده برحسب امر اعلیٰ عساکر منصوره از اطراف و جوانب حرکت کرده راه دارالخلافت را پیش گرفتند و موکب اعلیٰ حضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه عزیمت سلطانیه فرمود. و در اوایل این سال نواب علینقی میرزا به حکمرانی قزوین منصوب شد — هم در این سال چون دولت روس خیال جنگ با عثمانی داشت غراف گداویچ سردار روس که مأمور قفقاز بود استیانتف نامی را با نامه‌ای که امپراطور روس به میرزا محمد شفیع صدراعظم نوشته بودند به دربار دولت علیه فرستاده طلب مصالحه نمود. امنای دولت ایران مصالحه را منوط به استرداد بلاد جزو ایروان و آذربایجان که عساکر روس متصرف شده بودند نمودند و فرستاده را خرمند معاودت دادند. و حسن خان قوللر آقاسی برادر حسین خان قاجار قزوینی را که حاکم و سردار آذربایجان و ایروان بود مأمور همان صفحات کردند که به معاضدت برادر خود پرداخته و اشرف خان دماوندی و جمعی را به محارست حصار ایروان محکوم ساختند — هم در این سال چون یوسف پاشا صدراعظم دولت عثمانی فیضی محمود افندی نامی را به خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد عباس میرزا فرستاده موذت و اتحاد دولت عثمانی را با دولت علیه اظهار داشته و ضمناً استخلاص سلیمان پاشا کهیا را خواهش نموده حضرت مستطاب معظم نیز فتحعلی خان رشتی ولد هدایت الله خان را نزد یوسف پاشا فرستاده موافقت دولت علیه را با دولت عثمانی ابلاغ کردند — هم در این سال فیما بین نواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان و فیروزالدین میرزای افغان والی هرات جنگ درگرفت — تبیین آنکه: در زمانی که حسین خان قاجار قزوینی در خراسان بود ولایت غوریان را که در هشت فرسنگی هرات است متصرف گردید و ولایت مزبوره به اسحق خان قرانی سپرده شد. اسحق خان حکومت غوریان را به یوسف علی خان برادرزاده خود واگذار کرد

و خود در ملازمت رکاب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بسر می برد. یوسف علی خان بنا بر مواعید فیروزالدین میرزا متابعت او را اختیار کرد، و فیروزالدین میرزا حقوق اعلیحضرت خاقان کشورستان را فراموش کرده صوفی اسلام نامی از صوفیه بخارا را که در کرخ من توابع هرات جمعی مرید دور خود جمع کرده بود با پنجاه هزار سوار برداشته به طرف شکیبان که شش فرسخی هرات است حرکت کرد. از این طرف نیز به امر همایون نواب شاهزاده محمد ولی میرزا و محمد خان نایب خراسان و خوانین و عساکر این ایالت به شاهده یک فرسخی شکیبان آمدند و در بیست و دویم ربیع الاول در صحرای شکیبان فریقین تلاقی نمودند. صوفی اسلام که در هودجی زرین و با حشمتی تمام حرکت می کرد در هودج مقتول شد و قشون فیروزالدین میرزا شکست خورده بسیاری از خوانین و آحاد و افراد لشکریان به راه عدم رفته چند تن از سرکردگان و سه هزار از سپاهیان اسیر شده بقیة السیف به هرات گریختند و اموال آنها به تصرف عساکر منصوره درآمد و فیروزالدین میرزا خراج دو ساله را داده و مالیات سنواتی را متقبل گردید، و یوسف علی خان قرائی را دست بسته به اردوی والی خراسان فرستاد، و خراج مزبور با بعضی هدایا و پیشکش ها در چمن سلطانیّه به اردوی خاقانی موصول گردید و موکب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا به ارض اقدس معاودت نمود — هم در این سال میرزا محمد رضای قزوینی که به ایلچی گری به فرانسه رفته بود در نمسه به حضور ناپلیون اول امپراطور فرانسه رسیده مورد التفات زیاد گردیده و ناپلیون ژنرال غاردان را که سردار دوازده هزار قشون فرانسه بود با هفتاد نفر معلم و مهندس نظامی و ارباب صنایع به دربار دولت علیه مأمور نموده فتحعلی خان نوری قوریساوالباشی حضرت مستطاب نایب السلطنه به مهمانداری آنها رفت و ژنرال مشارالیه و همراهان او با میرزا محمد رضای قزوینی به دارالخلافة آمدند و در خانه میرزا محمد شفیع صدراعظم منزل برای آنها معین شد و ژنرال غاردان به حضور اعلیحضرت خاقان مشرف شده نامه مودّت علامه ناپلیون را با هدایا تقدیم نمود و به عواطف خاقانی اختصاص یافته به لقب خانی مباهی گردید و عهد مودّت مابین دولت ایران و دولت فرانسه منعقد گردید و عسکرخان افشار ارومی به سفارت به فرانسه رفت و

حکم همایون شرف صدور یافت که حضرت مستطاب نایب السلطنة به تشکیل سپاه نظام پردازند و افواج پیاده استرآباد و مازندران و عراق وضع نظامی بهمرسانیده مشغول مشق شدند، حتی شاهزادگان به تعلیم معلمین فرانسه به مشق کردن پرداختند و چیزی نگذشت که پنجاه هزار نفر از عساکر آذربایجان و مازندران و عراق و سمنان و دامغان داخل در نظام گردیدند — هم در این سال نواب امام ویردی میرزا ملقب به ایلخانی شده و به منصب سرکشیکچی باشی و ریش سفیدی سپاه ظفرهمراه نایل آمد و یوسف خان گرچی منصب سپهرداری یافت و به حکومت عراق منصوب شد — هم در این سال چون علما و ینگچریان از سلطان سلیم خان سیم سلطان عثمانی راضی نبودند و او را خلع کرده ابن عم او سلطان مصطفی خان بن سلطان عبدالحمید خان را به تخت سلطنت عثمانی جلوس دادند، اعلیحضرت خاقان آقا ابراهیم شیخ الاسلام خوی را که مردی دانا و خیر بود به تهنیت جلوس سلطان مصطفی خان مأمور دربار دولت عثمانی فرمودند — هم در این سال میرزا محمدعلی و میرزا اسمعیل از جانب میرهای سیند و میرغلامعلی و میرکرملی از ولایت حیدرآباد هند با هدایا و تحف به دربار خاقان عظیم الاقدار آمدند و فتحعلی خان خواجه وند با خلعت خسروانه بدان ولایات مأمور شد — هم در این سال غراف گداویچ سردار روس که در تقلیس بود فرستاده‌ای با عریضه به دارالخلافه فرستاد و نامه‌ای به ژنرال غاردان خان سفیر فرانسه که در دربار معلی بود نوشته او را واسطه صلح بین دولتین ایران و روس قرار داد ولی این کار صورت پذیر نشد و بعضی این واقعه را از وقایع سال بعد دانسته‌اند — تولد شاپور میرزا، و ملک قاسم میرزا، و منوچهر میرزا، و ایرج میرزا، و کیکاوس میرزا فرزندان اعلیحضرت خاقان کشورستان — و از سعادت‌های بزرگ آخر این سال آنکه در روز ششم ماه ذیقعدة حضرت مستطاب نایب السلطنة ولیعهد را از بطن حبیة محترمه امیرکبیر میرزا محمدخان بیگلربیگی قاجار دولو فرزند ارجمند متولد شد و به اذن اعلیحضرت خاقان گیتی ستان آن مولود مسعود موسوم به محمد میرزا گردید و این شاهزاده است که بعد از خاقان معظم به سریر سلطنت ایران جلوس می‌نماید.

اروپا — قشلامیشی ناپلیون در سیزی — فتح پرسلو و دانزیک — جنگ ناپلیون با قشون روس در ایلو و شکست فاحش روسها و در این جنگ عساکر ناپلیون پنجاه و چهار هزار نفر، و لشکر روس هفتاد و دو هزار نفر بودند، و این جنگ یکی از جنگهای خونریز دنیا بوده است — جنگ دیگر ناپلیون با سپاه روس در فریڈلاند — ساحل رود نیپه میژ معسکر ناپلیون می شود و در تیلست با پادشاه پروس و امپراطور روس متارکه می کند — ملاقات امپراطور روس با امپراطور فرانسه در میان یک قایقی در وسط رودخانه نیپه، و انعقاد معاهده که موسوم به تیلست می شود — در این معاهده شهر دانزیک شهر آزاد و بیطرف می گردد — ایالات متعدده از پروس منتزع گردیده و سلطنت و ستغالی از این ایالات تشکیل یافته به ژرژم بتاپارت برادر ناپلیون تفویض می شود — لهستان از تصرف روس خارج شده به ایالت وارشوی موسوم و به پادشاه ساکس مفتوح می گردد — آنچه را که ناپلیون در بلاد فرنگ تصرف کرده است الکساندر اول امپراطور روس در این معاهده تصدیق می کند — از آنطرف روس واسطه صلح مابین فرانسه و انگلیس می گردد و فرانسه واسطه مصالحه روس و عثمانی می شود — مملکت هانور جزو سلطنت جدید و ستغالی می گردد — معاهده مخفی مابین عثمانی و انگلیس بر ضد ناپلیون — نقار و کدورت باطنی اهالی فرانسه با ناپلیون — دانمارک با ناپلیون بر ضد انگلیس مشارکت دارد — سفاین جنگی فرانسه بسیار باقوتست — منازعه سخت انگلیس با دانمارک — ورود سفاین جنگی او به دریای سوند — عساکر انگلیس سه روز و سه شب شهر کپنهاک را گلوله باران می کنند، بیشتر از دول فرنگ از این عمل انگلیس ناراضی می باشند و با ناپلیون در ضدیت با انگلیس مشارکت دارند — دولت روس به تحریک ناپلیون فنلاند را از خود منتزع می سازد و وعده ایالات دانوبی عثمانی را ناپلیون به روس می دهد — ژنرال ژونو با بیست و سه هزار قشون مملکت پرتوغال را برای ناپلیون فتح می کند — خانواده براگانس که سالها در پرتوغال سلطنت داشتند فراراً به برزیل که در ینگی دنیای جنوبی و متعلق به آنها بود می رود — اعلان جنگ انگلیس و روس — به حکم ناپلیون تجارت انگلیس در

ممالک وسیعه که مستقیماً به تصرف او می‌باشد یا متحدین و دوستان ناپلیون متصرف‌اند ممنوع می‌گردد. (انگلیس) — کاننگ به صدارت منصوب می‌شود. (اسپانیول) — پادشاه این مملکت ابله، و ملکه زانیه، و صدراعظم ناقابل و خائن، در قُشتن بلو. این دولت به این وضع با ناپلیون عهد مخفی می‌بندد که مملکت پرتوغال را با فرانسه تقسیم کنند — پادشاه ابله ولیعهد خود را محبوس می‌سازد و شئونات سلطنتی از این خانواده سلب می‌گردد. (فرانسه) — ایجاد قانون تجارتی — برقرار شدن القابی که در هنگام جمهوری حذف شده بود — ناپلیون مشوق علما و ارباب صنایع است — تشریفات دربار قدیم سلطنت فرانسه مجدداً معمول می‌گردد — سفر ناپلیون به ایتالیا و دادن به اژن ریبب خود لقب شاهزادگی و نیز را. (عثمانی و انگلیس و روس) — روس و انگلیس بر ضد عثمانی متحد می‌گردند — سه اردوی روس از دنی ایستز عبور کرده به خاک عثمانی ورود می‌نمایند — امیرال انگلیس دوک وُرت با سفاین جنگی به داردانل می‌آید — دربار عثمانی متزلزل است — ایلچی فرانسه سلطان سلیم خان سیم را محارست می‌نماید — قشون انگلیس در مصر اسکندریه را می‌گیرد — یاغیان سربی با روس متحد می‌شوند — سلطان سلیم خان سیم را علما و ینگچریان که از او راضی نبودند خلع و حبس می‌کنند و ابن عم او سلطان مصطفی خان را به جای او نصب می‌کنند — مصریها قشون انگلیس را از اسکندریه می‌دوانند.

امریکا — رواج سفاین بخاری و لزوم و درک فواید آن.

[سنه ۱۲۲۳ هجری = سنه ۱۸۰۸ مسیحی]

آسیا (ایران) — در اوایل این سال نیز موکب اعلیحضرت خاقان مملکتستان فتحعلی شاه تشریف‌فرمای چمن سلطانیته گردید و عساکر منصوره نیز از هر طرف متوجه آن ساحت بانزहत گردیدند — هم در این سال امیر ناصرالدین توره ابن میرمعصوم بگ جان با یکهزار خانوار مروی به ارض اقدس آمد — تبیین آنکه: امیرحیدر توره برادر امیر ناصرالدین توره حکمران بخارا، این اوان به جهت اظهار

توسلی که امیر ناصرالدین توره حکمران مرو به ملازمان حضرت خاقان کشورستان کرده بود از او متوهم شده لشکر به مرو کشید و بند مرو را خراب نمود و زیستن در مرو صعب شد. امیر ناصرالدین مراتب را به نواب شاهزاده محمد ولی میرزا حکمران خراسان عرضه داشت و نواب معظم به آستان همایون، و حکم شد محمد خان نایب خراسان به مرو رود و امیر ناصرالدین توره را با محمدشریف خان مروزی قاجار برادرزاده حاجی محمدحسین خان عزالدین لو با هزار سوار به ارض اقدس آورد. و امیر ناصرالدین توره بعد از آنکه در خراسان سی گرفت با نواب شاهزاده محمدولی میرزا وصلت کرد و بعد از مدتی به سیاحت عثمانی و روس رفت و در ممالک روس درگذشت — هم در این سال فیما بین سلیمان پاشا والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور خلاف در گرفت و عبدالرحمن پاشا مغلوباً به کرمانشهان آمده به اولیای دولت علیه متوسل گردید، لهذا فرج الله خان افشار به نصب عبدالرحمن پاشا و تهدید سلیمان پاشا مأمور شده این خدمت را به انجام رسانیده بازگشت — هم در این سال نوشتجات فیما بین غراف گداویچ و ژنرال غاردان خان سفیر فرانسه ارسال و مرسول شده. گداویچ متعهد شد که امسال عساکر روس را با سپاه ایران بنابر متارکه باشد تا بلکه صلح به انجام رسد. و ژنرال غاردان اظهار داشت که چون ناپلیون با امپراطور روس در کار انعقاد عهد مصالحه می باشد من در عریضه خود به ناپلیون نوشته ام که قرار تخلیه ولایت گرجستان و قراباغ و اران را نیز با دولت روس بدهند — هم در این سال سیرژن ملکم که سابقاً از جانب حکومت هندوستان انگلیس به دربار همایون به سفارت آمده بود مجدداً به ایلچی گری از جانب حکومت مشارالیها به بندر بوشهر آمد، و چون ژنرال غاردان خان به آمدن سفیر انگلیس به دربار همایون مایل نبود، و نیز تعهدات کرده، اسمعیل خان پیشخدمت خاصه به شیراز رفت و به وضع خوش به سیرژن ملکم پیغام فرستاد که تا زمان ظهور تعهدات سفیر فرانسه بنا را به توقف در آنجائی که هست بگذارد. مقارن این حال حکمی از فرمانفرمای هندوستان به سیرژن ملکم رسید که سیر هر فرد ژونس از جانب پادشاه انگلستان مأمور سفارت ایران و وارد بمبئی شده بنابراین مراجعت تو اولی است. لهذا سیرژن ملکم به کلکته مراجعت کرد — هم

در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنة به کنار رود ارس آمده بعضی از سرداران سپاه را مأمور دفع عساکر روس فرمودند و در شب نهم شوال این سال لشکر روس به قلعه ایروان یورش بردند. مستحفظین قلعه یعنی حسن خان برادر حسین خان سردار، و کلبعلی خان سپانلوی قاجار، و اشرفخان دماوندی، و میرزا علیبنقی خان فندرسکی به مدافعه پرداختند و جنگی سخت درگرفت و بسیاری از صاحبمنصبان و عساکر روس مجروح و مقتول شدند. ناچار گداوپیچ با بقیة السیف صرفنظر از یورش و حمله نموده به طرف سنگرهای خود راندند و در بیست و دویم شوال راه گرجستان پیش گرفتند — هم در این اوان علی خان قوانلو و امان الله خان افشار با دو دسته از سپاه روس مقاتله نموده بر آنها غلبه کردند و شیخعلی خان قبه ای نیز در حوالی دربند با دسته جات قشون روس که در آنجا بودند زد و خوردی کرده بر آنها غالب آمد و علی خان قاجار به علت زخمی که در پا داشت درگذشت و این اخبار در زرند و ساوه به سمع مبارک اعلیحضرت خاقان رسید و موکب همایون بعد از شکار در زرند و ساوه به دارالخلافه طهران مراجعت کرد — هم در این اوان سیر هرفرد ژونس سفیر انگلیس وارد بندر بوشهر شده محمدخان حاجیلر استرآبادی یوزباشی به مهمانداری او به شیراز رفت و با سفیر مشارالیه به اصفهان آمد و چون اثری از تعهدات ژنرال غاردان خان ایلچی فرانسه به ظهور نرسید بی اذن امنای دولت و حکم ناپلیون از راه تبریز و قلیس به پاریس شتافت و سفیر دولت انگلیس از اصفهان عزیمت دارالخلافه نموده روز بیست و هشتم ماه ذیحجه این سال وارد طهران شد و در خانه حاجی محمدحسین خان امین الدوله منزل برای او معین کردند — تولد نواب شاهقلی میرزا و محمد مهدی میرزا — وفات میرزا محمد رضی تبریزی صاحب زینة التواریخ.

اروپا — شارل چهارم پادشاه اسپانیول بنابر تحریکات باطنی ناپلیون مصمم فرار به آمریکا است — مورات سردار فرانسه با عساکر زیاد وارد اسپانیول می شود — در فرار پادشاه اسپانیول مردم به او می شورند لهذا پادشاه از سلطنت استعفا کرده پسرش فردیناند هفتم به جای او به تخت سلطنت جلوس می نماید — مورات سردار

پادشاه تازه را نمی شناسد و وارد پایتخت اسپانیول می شود — ناپلیون پدر و پسر را در شهر بائین احضار می نماید که بین الطرفین ثالث و حکم گردد و فیما بین را اصلاح نماید ولی به جای اصلاح تفتین نموده و ژوزف برادر خود را به سلطنت اسپانیول معین و مأمور می کند. اهالی اسپانیا از این رفتار ناپلیون متغیر شده با فرانسه ها بنای ضدیت را می گذارند و پنهان و آشکار از عساکر فرانسه می کشند — انگلیس با اسپانیولها در ضدیت با فرانسه شریک می شود — چون پی هفتم پاپ ناپلیون را لعنت کرده بود عساکر فرانسه شهر رُم را تصرف می نمایند — به مورات سردار فرانسه تاج سلطنت ناپل داده می شود — ولسلی سردار انگلیس سردار فرانسه را در لیزبُن پایتخت پرتوغال شکست می دهد — ملاقات مجدد ناپلیون با امپراطور روس که معاهده مخفی با یکدیگر بسته که فرنگ را بالتویه تقسیم کنند — حرکت ناپلیون به طرف اسپانیول — قشون فرستادن امپراطور روس به سمت سوڈ — فتوحات ناپلیون در خاک اسپانیا — ورود ناپلیون به شهر مادرید پایتخت اسپانیول و رفاهیت و آزادی دادن در اسپانیا به رعیت، و با وجود رفاهیت بسیار که ناپلیون به اسپانیولها داد باز آنها بر ضد فرانسه می باشند. (ایتالیا) — مورات به وضع سلطنت وارد ناپل می شود. (اطریش) — دولت اطریش جمعیت زیادی از عساکر خود را مسلح می نماید. (دانمارک) — فوت کریستیان هفتم پادشاه در سن شصت سالگی بعد از چهل و دو سال سلطنت — جلوس پسرش فردریک ششم به جای او. (فرانسه) — دادن القاب زیاد به سردارها، و وزرا — عده عساکر فرانسه در این وقت به دو کروور می رسد. (پروس) — تنظیمات جدید در قشون این دولت. (روس) — فنلاند کلیتاً از سوڈ منتزع شده به تصرف امپراطور روس درمی آید. (عثمانی) — شورش مردم بر ضد سلطان مصطفی خان چهارم سلطان عثمانی و طلب نمودن سلطان سلیم خان سیم را که در محبس بود. اما اشخاصی که از سلطان سلیم خان تازاضی و شاکی بودند او را در محبس به قتل رسانیدند و سلطان محمود خان دویم به تخت سلطنت عثمانی جلوس نمود — طایفه ینگیچری قتل و غارت زیادی در اسلامبول می نمایند و بسیاری از مواضع اسلامبول را آتش می زنند و سلطان مصطفی خان را نیز به قتل می رسانند.

[سنه ۱۲۲۴ هجری - سنه ۱۸۰۹ مسیحی]

آسیا (ایران) - در وقایع سال قبل مذکور شد که سیر هر فرد ژونس ایلچی انگلیس در بیست و هشتم ذیحجه وارد دارالخلافه طهران شد، ایلچی مشارالیه روز سیم محرم این سال به حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مشرف شده نامه مهر علامه پادشاه انگلستان را با یک قطعه الماس گرانبها که به رسم هدیه، پادشاه انگلستان برای شهریار ایران انفاذ داشته بودند به حضور مکرمت ظهور خاقان تقدیم نمود و آن قطعه الماس را گوهریان به مبلغهای خطیر بها نموده قیمت گذاشتند - خلاصه سفیر انگلیس مشمول تفقدات شاهانه گردیده پس از چندی به آذربایجان رفت و در حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیمهد دولت علیه مقامی منیع بهمرسانید و به واسطه او عهد مودت مابین دولتین ایران و انگلیس منعقد گردید، و ژنرال غاردان خان که بی اذن ناپلیون به فرانسه بازگشته مورد مواخذه شده، و عسکرخان افشار سفیر ایران که مدتی در فرانسه بود ناپلیون او را به حضور خود طلبیده از طول مدت اقامت او و ملاحظه در جواب عذر خواست و با نامه دوستی و مسیواوتره نام، او را به ایران معاودت داد - هم در این اوان سیرژن بلکم نیز از جانب حکومت هندوستان انگلیس به ایران آمده چندی توقف کرد و بازگشت - هم در این اوقات علمای اسلام فتوی دادند که جنگ با روس دفاع و جهاد است و اعلیحضرت خاقان کشورستان مجاهد فی سبیل الله می باشد - هم در این اوان فتحعلی خان خواجهوند از سفارت سند مراجعت کرده میرثابت علی نام فرستاده ولات سند نیز با هدایا به همراهی او به دربار همایون آمد و میرزا مهدی نام اصفهانی به اتفاق میرثابت علی مأمور و روانه سند گردید - در زمستان این سال زلزله عظیم در مازندران شد و ابتدای ظهور آن در عصر روز جمعه اواخر شوال بود و تا یکماه زلازل شدید مردم را متوخش داشت و چند ماه بعد نیز زلزلههای خفیفه در کار بود. خلاصه این زلازل عمارات عالیه را منهدم ساخت و زمین را منشق کرده گل سیاه از آن بیرون آمد و بعضی این زلازل را به سال قبل نسبت داده اند - در

این سال نواب شاهزاده عبدالله میرزا متخلص به دارا که در بیست و چهارم ماه جمادی الاولی سنه هزار و دویست و یازده متولد شده بود به حکمرانی خمسہ منصوب گردید، و میرزا محمدتقی علی آبادی ولد میرزا محمد زکی مستوفی الممالک شاه شهید سعید طاب ثراه ملقب به صاحب‌دیوان به درجه وزارت رسید، و نواب حسام السلطنه محمدتقی میرزا به حکومت بروجرد و سیلاخور و جاپلق برقرار گشت، و میرزا علی گرائیلی به وزارت این شاهزاده نایل آمد، و نواب شیخ‌علی میرزا به حکمرانی ملایر و احشام زندیه منصوب گردید و حاجی میرزا اسمعیل اشرفی ناظر سابق به وزارت شیخ‌علی میرزا مباحی شد. — هم در این سال غراف گداویج به سبب شکست ایروان مغضوب و به دربار امپراطور روس احضار شد و ترومسوف به جای او به سرداری گرجستان آمد. — هم در این سال نواب شاهزاده محمدعلی میرزا به چمن سلطانیه مأمور شد. — و حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی همشیره‌زاده مرحوم حاجی ابراهیم خان وزیر شاه شهید سعید انارالله برهانه به واسطه انتساب با حاجی محمدحسین خان امین الدوله و لیاقت شخصی به سفارت انگلیس منتخب و روانه گردید، و چون از راه اسلامبول می‌رفت نامه‌ای نیز با هدایا به دربار سلطان عثمانی مصحوب او ارسال شد. — و از آنجا که مصطفی قلی خان عرب حاکم ترشیز هفت سال بود به واسطه توهم و وحشتی که عارض او شده از تقبیل عتبه علیه تحاشی داشت نواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان به محاصره ترشیز آمدند و مصطفی قلی خان را مقهور کرده با امیرقلی خان تیموری به دربار معالی روانه کردند و موکب همایون عزیمت چمن سلطانیه فرمود و نواب شاهزاده محمدعلی میرزا با سپاهی آراسته به تقبیل رکاب اعلی آمد و میرزا بزرگ وزیر آذربایجان نیز از تبریز در رسید و چون دانست که موکب خاقانی عازم آذربایجان و توقف در اوجان است به جهت تهیه و انجام بعضی خدمات رخصت انصراف یافت. نواب شاهزاده محمدعلی میرزا دو روز پیشتر حرکت کرد و موکب خاقانی نیز از سلطانیه تشریف‌فرمای چمن اوجان گردید، و هنگام ورود حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد بیست هزار نفر پیاده نظام جدید آذربایجان را با بیست عراده توپ از سان نظر مبارک گذرانیده زیاده از حد مورد تحسین و تمجید

گردیدند — هم در این اوان چون ترومسوف سردار روس در یکفرسنگی تفلیس اقامت کرده و صاحب‌منصبان و قشون ابواب‌جمعی خود را به اطراف مأمور و روانه می‌کرد اعلیحضرت خاقان کشورستان محمدعلی میرزا را با بیست هزار سوار دارالمرزی و قاجار به طرف تفلیس مأمور فرمودند و موکب حضرت نایب السلطنه روانه گنجه گردید و فرج‌الله خان نسقچی باشی به امر اعلی روانه اردبیل شد و موکب خاقانی به جانب سراب توجه فرمود و نواب شاهزاده محمدعلی میرزا در محال همان‌طور سه منزلی ایروان با قشون روس تلاقی نموده بر ایشان غالب آمد و بعضی اسرا از آنها گرفته به اردوی معلی فرستاد و خود به جانب تفلیس رانده ایلات آن صفحات را نهب کردند — حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از راه گوگجه بیلاق به گنجه شتافته ایلات آنجا را کوچانیده روانه ایروان کردند، و پولکونیک روسی که به محارست آن محل و ایلات آمده بود فرار نمود و امیرخان دولوی قاجار تا حوالی گنجه او را تعاقب کرد و بعضی از همراهان او را مقتول و برخی را دستگیر ساخت. ترومسوف سردار روس چون از این وقایع خبردار گردید عریضه‌ای خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه نوشته اظهار داشت که بعد از حرکت رایات نصرت‌آیات از این نواحی گنجه را خالی خواهد نمود و به تفلیس خواهد رفت از آن راه که آذوقه کمیاب بود حضرت مستطاب معظم به ایروان توجه فرمودند و در چمن گوگجه با برادر والاگهر خود شاهزاده محمدعلی میرزا ملاقات نمودند و نواب محمدعلی میرزا به موکب اعلی پیوست و فرج‌الله خان افشار که روانه اردبیل و آن حدود شده بود با مصطفی خان طالشی مقاتله نموده بر او غلبه کرد و قلعه لنکران را متصرف شد. مصطفی خان در قلعه جامیش و آن محصور گردید و ناچار از در عجز درآمد. میرزا بزرگ وزیر آذربایجان به استمالت او رفته وی را اطمینان داد و فرج‌الله خان از محاصره بازگشت — هم در این سال بنابر شرارت تراکمه تگه، نواب محمدولی میرزا والی خراسان در ماه جمادی‌الثانی با سرکردگان خراسان به دشت خاوران یعنی به طرف نسا و ابیورد و رونه و مهنه و آن صفحات رانده ترکمانان شرور را تنبیه و مقهور نمودند و بعضی غنایم نصیب عساکر نواب شاهزاده گردید — هم در این سال میرزا رضاقلی نوائی متخلص به سلطانی

صاحب‌دیوان انشا به وزارت خراسان رفت و منشی الممالکی مخصوص میرزا عبدالوهاب اصفهانی متخلص به نشاط صاحب گنجینه که شایان این منصب بود شد، و محمدحسین خان امین‌الدوله مأمور محاسبه فارس گردید. و ولات اخسقه و پاشاجق، القاص بیگ نامی گرجی را به دربار همایون فرستاده اظهار عبودیت کردند، و تقویت و حمایت آنها برعهده حضرت مستطاب نایب‌السلطنه موکول آمد — هم در این اوان فیما بین عبدالله خان بیگلربیگی لارستان و احمدخان بستکی نزاعی درگرفت و عبدالله خان از نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس استدعای استمداد نمود. نواب معظم صادق خان دولوپسر رضاقلی خان قاجار را با سپاهی به کمک او مأمور کردند. اهالی بستک و جهانگیریه به جماعت و قهاری ساکن بر متوسل شدند، صادق خان با قشون ابوابجمعی خود در جوالی بحرین و قطیف با آنها اقدام به مقابله و مقاتله کرد و در اول کار پس نشست. آنها گمان کردند که شکست خورده و فرار کرده است بنابراین اعراب به محل بنه و اردو آمده مشغول به غارت شدند و در سر تقسیم اموال نزاع فیما بین آنها درگرفت، صادق خان غفلتاً از کمین برآمده بر سر آنها تاخت و همه را روانه دیار عدم ساخت و قلعه بستک و جهانگیریه را مصفی نموده به حاکم لار تفویض کرده به شیراز آمد. هم در این سال ایلچی مند با هدایا به دربار مملى آمد و میرزا عبدالوهاب نشاط ملقب به معتمدالدوله گردید.

اروپا — جنگ بسیار سخت عساکر فرانسه در اسپانیا — اتحاد اسپانیولیا و پرتغالیها بر ضد فرانسه — بروز کدورت فیما بین اطریش و فرانسه — اتحاد دول و ملل به تحریک انگلیس بر ضد فرانسه — حرکت قشون اطریش بر ضد فرانسه و تصرف نمودن مونیخ پایتخت باویر را که با فرانسه متحد بود — منازعه فرانسه با عساکر اطریش و فتوحات قشون فرانسه — در جنگ راتیس‌بُن پای ناپلیون مجروح میشود — ناپلیون به سمت وینه پایتخت اطریش رانده بعد از تصرف این شهر به طرف مُراوی می‌رود و در آسپرن و اسلنگ با عساکر اطریش جنگیده و در این جنگ مارشال لان مقتول می‌گردد — جنگ سخت ناپلیون در واگرام که بعد از

این فتح اطیش طالب صلح می شود — شورش اسپانیول بر ضد فرانسه در کمال سختی است — وُلشلی سردار انگلیس که در پرتوغال فتوحات کرده بود ملقب به وی گُنت وُلنگتُن می گردد — مابین سردارهای فرانسه در پرتوغال و اسپانیول نثار حاصل می شود — ناپلیون از اطیش عزیمت اسپانیول می نماید — عهد دوستی با اطیش در قصر شومبرون حوالی وینه منعقد می گردد. (اسپانیول) — احکام ژوزف بناپارت برادر ناپلیون پادشاه اسپانیول برخلاف میل اهالی است. (فرانسه) — ناپلیون زوجه خود ژوزفین را که از او اولاد نمی شود طلاق می دهد. (روس) — اعلان جنگ روس به عثمانی — عبور عساکر روس از دانونب — قلعه پوطی را که به تصرف عثمانی بود روسها مسخر می نمایند. (سود) — شورش در این مملکت به این معنی که گوستاو چهارم پادشاه چون خیال سازش با انگلیس داشت مردم به او شوریده او را گرفته حبس کردند و او را مجبور به استعفا از سلطنت نمودند و شارل عموی گوستاو به جای او به سلطنت برقرار می گردد. (عثمانی) — شورش سربستان — گرفتن طایفه وهابی دمشق را.

امریکا — برای اثبات بیطرفی مابین فرانسه و انگلیس اتانونی پنگی دنیا سفاین فرانسه و انگلیس را در بنادر خود راه نمی دهد — مادیسُن به ریاست جمهوری اتانونی برقرار می گردد.

[سنه ۱۲۲۵ هجری = سنه ۱۸۱۰ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در اوایل این سال موکب خاقان مملکتستان تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و نواب شاهزاده علی خان برادر صلیبی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه از چمن سلطانیه به دفع روسته پنبک و آباران مأمور شد، و اسمعیل خان دامغانی و برادرانش ذوالفقارخان و مطلب خان با لشکریان سمنانی و سواران مافی و خواجهوند و عبدالملکی ملتزم رکاب نواب شاهزاده گردیدند، و در محال پنبک و آباران با قشون روس تلاقی و کارزار کرده بر آنها غالب آمدند و تا نزدیکی قراباغ و محال گنجه تاخته بسیاری از ایلات آن نواحی را کوچ داده به

ایروان بازآمدند، و هنگامی که چمن اوجان مضرب خیام گردون احتشام معلی بود به شرف حضور همایون مشرف گردیدند — هم در این سال سیرژن ملکم از جانب حکومت هندوستان انگلیس به بندر بوشهر آمد و محراب خان بکشلوی افشار به مهمانداری او رفته سفیر مشارالیه را در چمن سلطانی به حضور مبارک خاقانی مشرف ساخته بعضی هدایا و تحف لایقه را که حامل بود تقدیم ملازمان حضرت نمود. پس از آن عریضه میرزا ابوالحسن خان شیرازی سفیر ایران مقیم لندن به دربار دولت علیه رسید که امنای دولت انگلیس مقرر داشته اند سیر هر فرد ژونس به سفارت مقیم دربار دولت ایران باشد و سیرژن ملکم به هندوستان معاودت نماید لهذا سیرژن ملکم از راه مراغه به بغداد و از بغداد به هندوستان بازگشت — هم در این سال ابراهیم خان قاجار به غارت و تاراج ایلات قزاق که از فرمان همایون سرپیچیده بودند رفته و با غنائیم بازگشت — هم در این اوان اعراب و اکراد بغداد و حوالی به اشاره امنای دولت عثمانی سلیمان پاشای والی بغداد را که رو به آستان همایون داشت مقتول نمودند، و عبداللہ پاشا نامی گرجی به ایالت بغداد برقرار گردیده احمد چلبی را با عریضه و پیشکش به حضور مبارک فرستاد و ایالت او ممضی شد — هم در این سال در اول ماه شوال موکب همایون از چمن اوجان انتهاض فرموده در اواخر ماه مزبور تشریف فرمای دارالخلافه گردید — هم در این سال ترومئوف سردار روس به میانه قفقیس و پاشاجق رفته قصد گرفتن سلیمان خان حاکم پاشاجق نمود، سلیمان خان از امنای دولت علیه کمک خواسته حسین خان سردار ایروان به امداد او رفت و ابتدا پیشرفت کاملی بهم رسانید تا شبی غفلت کرده روسها در اردوی او ریختند و به قتل و غارت پرداختند، سردار از اردو خارج شد و میرزا علینقی خان فندرسکی جنگ سختی با روسها کرده آنها را مقهور و مغلوب نمود و سردار ایروان به تبریز آمده حضرت مستطاب نایب السلطنه جمعی را به امداد و همراهی او مأمور فرمودند و او به طرف کلیسای پنبک شتافت و از همراهان او محمدبیک قاجار افشار، و قاسم خان سرکرده غلام تفنگچیان در این سفر دلیرها نمودند و در یکشنبه روز بیست و هشت فرسنگ راه پیاده در میان برف و یخ و سرما طی کردند و در هشت فرسنگی پنبک بر روسها حمله نمودند و

جنگ عظیمی در گرفت، عساکر منصوره از اطراف به سنگرهای قشون روس یورش برده داخل سنگر شدند و در این یورش و حمله بسیاری از لشکر روس مقتول گشتند. نیز بر سر روسهائی که در قلعه شیخ آویز بودند تاخته جمعی از آنها را بکشتند — هم در این سال میرزا محمدصادق مروزی که در سال هزار و دویست و پانزده رتبه وقایع نگاری یافته تاریخ جهان آرا را به نظر همایون رسانیده و داروغه دفتر معلى گردید — هم در این سال موکب خاقان کشورستان به طرف کاشان و اصفهان انتهاض فرمود و مبلغ یکصد هزار تومان نقد از اصل مالیات به رعایا تخفیف داده شد.

اروپا — دولت شوذ بر ضد انگلیس با ناپلیون مشارکت دارد — فتوحات فرانسه در اسپانیول — پاپ از سلطنت جسمانی و ظاهری خلع شده باید به همان سلطنت روحانی یعنی ریاست دین قناعت نماید — شهر رُم پایتخت ثانوی فرانسه می گردد — مزاجت ناپلیون با ماری لوئیز دختر امپراطور اطریش و این دفعه ثانی است که ناپلیون متأهل می گردد. لوئی برادر ناپلیون که سلطنت هلاند داشت چون پادشاهی خود را غیرمستقل می بیند از سلطنت استعفا می کند و شهر آمستردام پایتخت سیم مملکت فرانسه می شود — بلاد ینگى دنیائی که متعلق به اسپانیا می باشد از قبیل مکزیك و شیلی و بوئنوز و پاراگائی تجزیه خود را از اسپانیا اعلام می نمایند. (فرانسه) — مسافرت ناپلیون با امپراطریس تازه به بلژیک — مملکت فرانسه در این سال مشتمل بر صد و سی ایالت می باشد و جمعیت آن هشتاد و چهار کرویر که این هشتاد و چهار کرویر به چهار زبان تکلم می کنند: زبان فرانسه، زبان هلاند، زبان آلمان، زبان ایتالیا. (پروس) — فوت ملکه لوئیز آمیلی در سنّ سی و چهار سالگی. (روس) — ایجاد دارالشورای دولتی — امپراطور روس با ناپلیون اظهار مخالفت نموده از دایره دوستی او خارج گردیده بنادر خود را برای سفاین انگلیس مفتوح و برای کشتیهای فرانسه مسدود می سازد و عساکر فاتح روس قلعه سیلیستری را در بلغارستان مفتوح می سازند. (شوذ) — پادشاه تازه که شارل هشتم باشد چون اولادی ندارد یکی از بنی اعمام خود را ولیعهد می نماید و بعد از چند روز غفلتاً

می‌میرد، این مرگ ناگهانی مردم را به خیال انداخته تصور می‌کنند که او را مسحوم کرده‌اند — جمعی از اهالی سوژ سردار فرانسه برنادت را به ولیعهدی می‌طلبند، برنادت به رضایت ناپلیون قبول ولیعهدی می‌نماید و از مذهب کاتولیکی خارج شده قبول طریقهٔ پرستان می‌کند — اعلان جنگ سوژ به انگلیس.

[سنهٔ ۱۲۲۶ هجری = سنهٔ ۱۸۱۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در ماه صفر این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی‌شاه که تشریف‌فرمای اصفهان شده به دارالخلافه طهران معاودت فرمود و عسکرخان افشار ارومی که به سفارت به دربار ناپلیون اول امپراطور فرانسه رفته بود، مراجعت کرده هدایائی که ناپلیون برای پادشاه ایران مصحوب او ارسال داشته تقدیم نمود — هم درین سال محمدصادق‌خان قاجار که به حکم نواب شاهزاده حسینعلی میرزا به اعانت و امداد امام مسقط رفته بود طایفهٔ وهابی را در برنجد گوشمالی بسزا داده جمعی کثیر از آن جماعت را به دیار عدم فرستاد — هم در این سال سلطان محمودخان سلطان عثمانی عبدالوهاب افندی و شاکر افندی و حیرت افندی را به سفارت به دربار دولت علیه فرستاده اظهار اتحاد کامل از جانب سلطان معظم با خاقان مملکت‌ستان نمودند و در ضمن از عبدالرحمن‌پاشا حاکم شهرزور شکایت کردند در جواب عرایض آنها مقرر شد که حکمران شهرزور به صوابدید امنای دولت علیه ایران معین گردد. نیز والی بغداد شخصی بی‌غرض باشد که ملاحظهٔ مسافرین و زوار ایرانی را در بغداد و اماکن مشرقه بنماید. و پس از این تقریرات فرستادگان مشارالیه به تبریز و خدمت حضرت مستطاب نایب‌السلطنه مأمور شدند و موکب همایون به جانب سلطانیه نهضت فرما گردید — هم در این اوان صبیحهٔ محترمهٔ میرزا محمدخان دولوی قاجار را به نواب شاهزاده شیخعلی میرزا، و دختر نواب امیرکبیر سلیمان‌خان اعضادالدوله مرحوم را به نواب شاهزاده عبدالله میرزای متخلص به دارا عقد بستند، و در چمن سلطانیه شرایط جشن این دو سور لازم‌السرور به عمل آمد — هم در این ایام چون فیروزالدین میرزا والی هرات در

ادای خراج مقرّره به راه تهاون و مسامحه می رفت نواب شاهزاده محمّد ولی میرزا والی خراسان برحسب امر اعلی از مشهد مقدّس لشکر به هرات کشیدند و در محلّ پل نقره سه فرسخی هرات نزول کردند و دستجات قشون ظفرنمون را به تاخت اطراف فرمان دادند. فیروزالدین میرزا چون استعداد مقابله و مقاتله نداشت خوانین خراسان را که ملتزم رکاب نواب شاهزاده بودند شفیع قرار داده به ادای پیشکش و خراج پرداخت و ملک حسین میرزا پسر خود را به رسم گروی به خدمت نواب معظم فرستاد و اردوی شاهزاده از حوالی هرات معاودت نمود — هم در این سال چون عبدالرحمن پاشای بابان که به حمایت ملازمان حضرت خاقانی حکمرانی شهرزور یافته بود و پس از استقلال در قتل سلیمان پاشا سعی گردیده، این اوقات با امنای این دولت و امان الله خان والی کردستان نیز طریق مخالفت می پیمود، نواب شاهزاده محمدعلی میرزا والی کرمانشهان و لرستان و خوزستان و عربستان ملقب به دولت‌شاه به امر خاقان کشورستان با جمعی از امرا به تدمیر او حرکت کردند، و در غره ماه شعبان این سال وارد زهاب گردیدند. خالدپاشا بنی عمّ عبدالرحمن پاشا از در اطاعت درآمد و اردوی شاهزاده معظم به کنار رود سیروان جای گرفتند. نوروزخان قاجار در سردشت بر احمدپاشا برادر عبدالرحمن پاشا حمله کرد، احمدپاشا بگریخت و عبدالرحمن پاشا نیز فراراً به ولایات کوی و حریر رفت، نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه سلیمانی و شهرزور را تصرف کرده بر سر عبدالرحمن پاشا رفتند و او را در قلعه کوی محصور فرمودند، عبدالرحمن پاشا چاره‌ای جز اطاعت ندید از قلعه به زیر آمده به خدمت حضرت شاهزاده مشرف شد و به ضراعت و استکانت پرداخت و فرزندان خود را به رسم نوا یعنی گروی ملتزم رکاب شاهزاده نمود و پیشکشی لایق بداد و به حکم دولت‌شاه مجدداً به حکومت شهرزور و کوی و حریر منصوب و برقرار گردید و نواب شاهزاده به کرمانشهان معاودت فرمودند — هم در این سال میرزا ابوالحسن خان سفیر ایران مأمور دولت انگلیس به دربار دولت علیه مراجعت کرد و سرگور اوزلی نام از اعظم انگلیس به همراهی او مأمور سفارت ایران و روانه این سامان شده، و از اتفاقات غریبه آنکه: سفینه‌ای که دو سفیر مشارالیهما در آن بودند در دریا دوچار طوفان شده و بی اختیار

آنها را به طرف ینگی دنیا برده به ساحل برزیل رسیدند. پادشاه پرتوغال که این مملکت را متصرف بود و از خوف ناپلیون خود نیز بدینجا آمده از حال دو سفیر آگاه شده ایشان را مهمانی و اکرام زیاد نمود. و در آن ایام در آنجا ماری صید کردند که سیزده ذرع طول آن بود و قریب یکذرع پشت گردن آن عرض داشت. از فرط غرابت مار را به نظر پادشاه رسانیدند و پوست آن را که به ضخامت جلد گاو بود کنده با دو سفیر به ایران فرستادند... خلاصه سفیر انگلیس به اتفاق سفیر ایران به دربار همایون آمد و لوازم پذیرائی را دربارۀ او معمول داشتند و در خانۀ حاجی محمد حسین خان امین الدوله برای او منزل تعیین نمودند و در عمارت گلستان به حضور خاقان کشورستان مشرف شده نامه پادشاه انگلستان را با تحف لایقه یعنی یک قطعه الماس بریلیان که بیست و پنج قیراط وزن داشت تقدیم نمود و آن الماس الآن در موزۀ همایونی موجود است و به عنایات پادشاهی مستظهر گردیده مبلغی وجه نقد و سی هزار قبضه تفنگ انگلیسی و بیست عراده توپ و مقداری قورخانه و سی نفر معلم مهندس که همراه داشت تسلیم کرد - در زمستان این سال با آنکه مزاج حضرت مستطاب نایب السلطنه خالی از علّتی نبود و در نخبوان و ایروان و قراباغ خود را مشغول می فرمودند ایلات قراباغ را کوچانیده به قراجه داغ آوردند و جعفر قلی خان نبیره ابراهیم خلیل خان که اسیر روسها بود و او را به تفلیس می بردند که روانۀ سیبری کنند هنگام عبور از رود ترتر زمام اسب را که در دست سربازی روسی بود بریده به یال اسب متمسک شد و خود را به میان یکی از ایلات مزبوره که در کار کوچ بودند رسانید، و الحق جلادتی بکار برد. حضرت مستطاب نایب السلطنه حکومت قراجه داغ را با چهار هزار تومان موجب به او مرحمت فرمودند - هم در این سال سرداری تازه از روس به جای ترمسوف مأمور شده با سه هزار سرباز و توپخانه و آذوقه به محلّ - سلطان بود - آمده لهذا حضرت مستطاب نایب السلطنه از سه فرسخی بر سر او تاخته امر به یورش و حمله فرمودند، مسترلنسن توپچی باشی انگلیسی که در خدمت دولت علیّه بود توپها را به اطراف سنگر - سلطان بود - بست و اکثر عراده های توپهای روسها را بشکست. افواج آذربایجانی نیز بر سر سنگر تاختند و جمعی سرباز و یکنفر صاحب منصب روسی را

مقتول ساختند. باقی بیرق سپید که علامت امان است برافراشتند و امان یافتند و هشتصد و بیست نفر سرباز و توپ و اسلحه و قورخانه آنها به چنگ سپاه ظفرهمراه افتاده به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنه آوردند و حضرت معظم آنجمله را به دربار همایون ارسال داشتند. اعلیحضرت خاقان کشورستان مبلغ دویست هزار تومان به انعام حضرت مستطاب نایب السلطنه مقرر فرموده و با اسرا نزد حضرت معظم ارسال داشتند و آن فوج قبول اسلام نموده به فوج ینگی مسلمان موسوم گشتند. از غرایب اتفاقات این سال آنکه در ایالت نواب شاهزاده عبدالله میرزا در خمسه چوپانی در دامنه کوه سجاس رود موشی دید که مهره های سفید از سوراخی بیرون می آورد آن محل را شکافتند جیقه و کمری مرصع و دسته خنجری و جام طلائی با چند دانه مروارید به دست آوردند و بعضی چنین حدس زدند که این محل مزار ارغون خان مغول است — ولادت نواب سلیمان میرزا و فتح الله میرزا و ملک منصور میرزا و بهمن میرزا فرزندان خاقان مملکتستان — وفات نظیر زنگنه شاعر.

اروپا — (انگلیس) — جنون پادشاه، و به این واسطه اجزای پارلمنت ولیعهد را به نیابت سلطنت اختیار می کنند — اول کشتی بخار انگلیس در رودخانه کلید به قوت سه اسب به کشتیرانی مشغول می شود — مملکت اسپانیول تنها میدان جنگ فرانسه و انگلیس است. (فرانسه) — تولد پسر از ملکه فرانسه زوجه ناپلیون و ملقب شدن او به پادشاه رُم — مسافرت ناپلیون به سمت شمال فرانسه و هلاند — در هشتاد شهر از بلاد فرانسه مقرر شد روزنامه هرروزه منطبق گردد. (هلاند) — جزایر بتاویه از مملکت هلاند را انگلیس متصرف می شود. (روس) — عساکر روس شهر بلگراد را در سرستان متصرف می شوند — گوتوئسف سردار روس از سردار عثمانی شکست خورده وقتی که عقب می نشیند تمام قلعه جات عثمانی را که در سمت جنوب دانون بود خراب می نماید، اما در سلوئویا صدراعظم عثمانی که سردار قشون بود اسیر روسها می گردد — طلوع ذوزنب در این سال که از ماه سپتامبر تا اکتبر طالع و مشهود بود.

افریقا — (مصر) — محمدعلی پاشا اعیان قدیم مصری را که از طایفه مملوک بودند در قاهره احضار کرده همه را به قتل می‌رساند و املاک آنها را متصرف می‌شود.

امریکا — (بنگی دنیای جنوبی) — پاراگانی از ایالات متصرفی اسپانیول در امریک اعلان جمهوری می‌کند.

[سنه ۱۲۲۷ هجری = سنه ۱۸۱۲ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال برحسب امر همایون قلعه سلیمانیه را در حوالی رود کرج به اسم سلیمان میرزا بنا نمودند و حاجی محمد حسین خان امین الدوله که مأمور این خدمت شده بود میرزا ابوالقاسم اصفهانی نایب کاشان را متصدی این عمل کرد. و سرگور اوزلی سفیر انگلیس به اتفاق میرزا ابوالحسن خان شیرازی به تبریز رفت که با حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا ملاقات نماید و بعضی قرار و مدارها داده شود. پس از آن موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف‌فرمای چمن سلطانیه گردید و در دوازدهم جمادی‌الثانیه این ساحت خلد نزهت مضرب خیام گردون احتشام سلطنت گردید. و در این اوان معروض داشتند که مصطفی خان طالش بار دیگر به سردار روس توسل جسته لهذا اسمعیل خان قاجار شامیاتی و عبدالله خان ارجمندی سرکرده هزاره فیروزکوهی در اواخر رجب مأمور و روانه گیلان شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه در پهلوی قلعه لنکران طالش سنگر محکمی بستند و صادق خان قاجار عزالدینلو و محمدخان سرهنگ ایروانی و جعفرقلی خان ولد میرزا محمدخان لاریجانی با سه عراده توپ و دسته لشکری به حراست آن سنگر محکوم گردیدند، و پیرقلی خان شامیاتی و عسکرخان افشار ارومی و علی خان شاطرباشی نوری و میرزا احمد سرهنگ کاشانی برادرزاده فتحعلی خان ملک الشعراء با دسته‌ای از قشون آذربایجان به حفظ قلعه ارکوان مقرر گشتند — هم در این اوان چون در سه منزلی شهرزور فیما بین

عبدالله پاشا والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور نایره قتال اشتعال یافته بود و عبدالرحمن پاشا مقهور و به کرمانشهان گریخته و والی بغداد ایالت شهرزور را به خالد پاشا داده ظهیرالدوله محمد قاسم خان قوائلو و قرچ الله خان افشار و یوسف خان سپهدار به تدمیر والی بغداد مأمور گشتند و نواب شاهزاده محمد علی میرزای دولتشاه نیز همین عزم را تصمیم دادند و قشون نصرت نمون به زهاب آمد و پس از اتمام حجت به قتل و غارت بعضی اماکن متعلقه به بغداد پرداختند. والی بغداد مشوش شده جناب شیخ جعفر نجفی را شفیع قرار داد و عبدالرحمن پاشا در حکومت شهرزور استقرار یافت و عساکر ظفر مآثر معاودت کردند و در ماه رمضان موکب همایون اعلی حضرت خاقان به دارالخلافت طهران مراجعت فرمود، و نواب شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان و ناصرالدین توره و اسحق خان قرانی به تقبیل عتبه علیه آمدند — نیز از وقایع این سال آنکه چون آلکساندر میرزا والی گرجستان که در ایروان بود به ملاقات سلیم پاشای والی اخسقه رفته و از آنجا به تفلیس شتافته بنای آشوب را گذاشت و ردیچوف سردار روس این واقعه را از تدابیر حضرت مستطاب نایب السلطنه دانسته کتروسکی را که مردی متهور بود در آق اغلان گذاشته خود به تفلیس رفت. و حضرت معظم نایب السلطنه در کنار رود ارس در محل موسوم به اصلان دوز بودند. کتروسکی در پنجم ذیحجه به دلالت مرادخان دلاغارده با سرباز و توپخانه مصمم شبیخون به اردوی حضرت نایب السلطنه گردید، و از معبری عبور کرده به قراولان اردوی حضرت شاهزاده رسیده قراولان را بگرفت و کسی اینخبر را به اردو نرسانید تا قشون روس نزدیک شدند آنوقت عساکر ایران خبردار گردیده حضرت مستطاب نایب السلطنه فوراً سوار شدند به شلیک زنبورک حکم دادند اما چون توپخانه سردار روس بر بلندی و مشرف به اردو بود، اردو را متفرق ساخت و آنچه نواب معظم در آن شب تار کوشش کردند که آن تفرقه را به جمعیت مبدل کنند ثمری نبخشید مخصوصاً چون در هنگام تاخت و تاز، اسب حضرت شاهزاده در حفره ای به زمین خورده اگرچه به زودی رکابداری اسب دیگر به حضرت معظم رسانید و سوار شدند ولی لشکر بیشتر هراسان گشتند. ناچار اردو متفرق شده و حضرت مستطاب شاهزاده به منزل حاجی حمزه لو آمدند و افواج روس به قریباغ

رفتند. حضرت نایب السلطنه روزی به جهت دفن مقتولین در آن ناحیه اقامت فرموده بعد راه مشکین پیش گرفتند و به تبریز راندند و کتلروسکی که قوت قلبی بهم رسانیده بود به جانب ارکوان روان شد و مستحفظین که واقعه اصلان دوز را شنیده بودند بدون جنگ قلعه را از دست دادند و کسی در صدد مقاومت و مدافعه بر نیامد مگر میرزا احمد سرهنگ کاشانی جد میرزا زین العابدین طبیب حضور همایون که سرکرده فوج ینگه مسلمانی بود. این سرهنگ با غیرت در رشادت چندان پایداری نمود که مقتول و فی الحقیقه شهید شد. بعد از این واقعه قشون روس از ارکوان روانه لنکران شدند. هم در این سال نواب سلطان محمد میرزا و سلطان سلیم میرزا و سلطان مصطفی میرزا و سلطان ابراهیم میرزا و سیف الله میرزا پسران خاقان کشورستان متولد شدند.

اروپا — جنگ عساکر فرانسه و انگلیس در اسپانیا — غالب بلاد اسپانیول پادشاه خود را می طلبند — پادشاه سیسیل فردیناند به تحریک انگلیس از سلطنت استعفا می کند — فتوحات ولنگتن سردار انگلیس در اسپانیا و ورود او به شهر مادرید و به عجله خالی کردن مادرید را و رفتن به سمت پرتوغال — دویست و هفتاد هزار قشون فرانسه بیجهت در اسپانیول معطل اند. (فرانسه) — ناپلیون مصمم جنگ با روس می باشد و پروس وعده بیست هزار قشون کمک به او می دهد — امپراطور اطریش هم قشونی به کمک ناپلیون خواهد فرستاد — خیال ناپلیون اینست که سلطنت لهستان را مستقل سازد — اتحاد روس و انگلیس بر ضد فرانسه و اطریش و پروس — حرکت ناپلیون به خاک آلمان و ورود او به درزده — در این شهر چندین نفر از سلاطین به سمت چاکری و سرداری به خدمت ناپلیون کمر می بندند — فیما بین روس و عثمانی عهد صلح در بوخارست بسته می شود — قشون ناپلیون که مصمم ورود به خاک روس است عبارت از پانصد و هفتاد هزار نفر می باشد، بعلاوه هفتاد هزار اسب و صد و هشتاد عراده توپ و این جمعیت به ده اردو قسمت شده است — عبور عساکر ناپلیون از رودخانه نیه من (نیه من رودخانه ایست در سرحد روس و آلمان) شهر ویلنا را ناپلیون متصرف شده هفده روز در اینجا توقف

می نماید — جنگهای متوالی عساکر فرانسه با سردارهای روس در سواحل دنی پترز — فتح دونا یوزگ و اسمولنسک به دست قشون فرانسه — روسها که از جلو لشکر فرانسه فرار می کنند بلاد و قرا را آتش می زنند — عساکر فرانسه به مسکو ورود می نمایند و در اینجا کوتوسف سردار روس جنگ سختی با فرانسه ها می کند و پنجاه هزار نفر از لشکریان کوتوسف مقتول می گردد — مورات سردار فرانسه روز چهاردهم سپتامبر وارد مسکو می شود و روز بعد از آن که روز پانزدهم باشد خود ناپلیون به مسکو ورود می نماید — رشت پشین حاکم مسکو شهر را آتش می زند — ناپلیون بی جهت یکماه در مسکو توقف می کند — زمستان شروع می شود و عساکر فرانسه مجبوراً عقب می نشینند — سرمای سخت صدمه زیادی به لشکریان ناپلیون وارد می آورد — تمام قشون فرانسه در اسمولنسک جمع می شوند — کمی آذوقه بلکه فقدان آن مزید زحمت سرما گردیده جمعیت زیادی از عساکر ناپلیون را هلاک می کند — برودت و شدت سرما شانزده درجه زیر صفر است و فوج فوج مردم از سردی مفرط هوا تلف می شوند — عقب مانده و فراری لشکر فرانسه به دست قزاقها کشته می شوند ناپلیون از روی اضطراب متنگراً به سمت فرانسه حرکت کرده و سرداری قشون را برعهده مورات موکول می نماید — بعد از رفتن ناپلیون لشکریان او دوچار کمال سختی و بدبختی می شوند — درجه سرما به بیست و هشت درجه تحت صفر می رسد — چهل هزار نفر از عساکر فرانسه وارد ویلنا می گردند — عساکر پروس و اطیش چندان وفاداری با فرانسه ندارند — پاپ چون تبعیت و متابعت ناپلیون نمی نماید به امر ناپلیون به قن تئبلو احضار می شود — هنگام غیبت ناپلیون ژنرال مالیه جمعی را در پاریس بر او می شوراند — ناپلیون بعد از ورود دوازده نفر از همدستهای ژنرال مالیه را به قتل می رساند — خلاصه شکست ناپلیون از روس مقدمه و ابتدای خرابی و بدبختی او می باشد و از آنجا که جوانهای مردم مقتول و بسیاری عزادار و به جهت وجه اعانتی که برای مصارف و مخارج جنگ از ملت فوق العاده گرفته می شود خاصه در موقع نارواجی تجارت و صناعت عموم ناس شاکی و مستعد شورش می باشند. (روس و عثمانی) — متارکه موقتی بین روس و عثمانی مبذل به منازعه شده روسها مجدداً از رود دانوب عبور می نمایند،

پس از آن عهد صلحی فیما بین دولتین منعقد می شود — پس آرابی از خاک عثمانی جزو روس می گردد. حاکم مستقلی مستقیماً از اسلامبول به سرستان مأمور نمی شود یعنی از اهالی سرستان حاکمی معین می نمایند که مطیع عثمانی باشد.

امریکا — (اتانونی) — اعلان جنگ اتانونی به انگلیس.

[سنه ۱۲۲۸ هجری = سنه ۱۸۱۲ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در شرح سال گذشته مسطور شد که قشون روس از ارکوان روانه لنکران شدند. در شب نهم ماه محرم این سال آن جماعت به قلعه لنکران یورش بردند و سرکرده تفنگچیان لاهیجانی مقتول، و قلعه لنکران به تصرف عساکر روس درآمد و جمعی از لشکریان ایران مقتول شدند و کتروسکی سه زخم منکر برداشت و بقیه سپاه روس به سمت جامیش وان، و معاونت مصطفی خان طالش رفتند — هم در این سال چهار نفر از ارامنه جلفای اصفهان که در عمارت سلطنتی شیشه بری می کردند از راه بام داخل خزانه شده تقریباً سی هزار اشرفی به سرقت بردند ولی سارقین به دست آمدند — هم در این سال بعد از عید نوروز موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مصمم سفر آذربایجان گردیده به باغ نگارستان نقل مکان فرمودند — هم در این اوان یوسف خواجه کاشغری از اولاد خواجهگان ترکستان که سالها در اقطار و بلدان سیاحت کرده بود به اغوای قریان قلیچ خان ترکمان میان طوایف ککلان و یموت رفته به فریب عوام پرداخت و مثنی ابله را مرید و دور خود جمع کرد و به خیال مملکت ستانی افتاد و قلعه پسرک فندرمک را محاصره نمود و میرزا علینقی خان فندرسکی داروغه ککلان را مزورانه به کنار دشت دعوت کرده به دست پسران بای خان ککلان مقتول گردید و یوسف خواجه کاشغری بی مانعی قلعه پسرک را متصرف شد. چون این خبر به عرض ملازمان حضور همایون رسید به نواب شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان و نواب شاهزاده محمدقلی میرزا حکمران مازندران اشارت فرمودند که بر سر طایفه یموت رفته به تدبیر و تأدیب آنها پردازند. شاهزاده محمد ولی میرزا حرکت کردند و

یوسف خواجه به هزیمت رفت و موکب شاهزاده تا اترک رانده غنایم و اسیر بسیار به دست آوردند و در قراشیخ گوشمالی به تراکمه دادند — هم در این اوقات ابراهیم خان قاجار و اسمعیل خان شامیاتی و ذوالفقارخان سمنانی به چمن کالپوش مأمور شدند و موکب همایون از نگارستان روانه چمن سلطانیه گردید، و نواب شاهزاده محمدتقی میرزا حسام السلطنه از بروجرد به حضور مبارک احضار شد — هم در این اوان اسعدپاشا پسر سلیمان پاشای بزرگ وزیر و والی سابق بغداد با اعراب منتخج ساخته به بغداد تاخته با عبدالله پاشا مصاف داد، عبدالله پاشا مقتول شد و اسعدپاشا بر بغداد استیلا یافت و از جانب دولت عثمانی به خلعت ایالت این ولایت نایل آمد. و چون پدرش با دولت ایران سابقه ارادتی داشت عریضه و فرستاده به آستان خاقان مملکتستان فرستاد و نصرتالله خان نوری از دربار همایون تشریفی برای اسعدپاشا به بغداد برد — هم در این ایام جلال الدین افندی نام از جانب دولت عثمانی مأمور دربار دولت علیه گردید. و نواب شاهزاده محمدتقی میرزا و یوسف خان سپهدار از راه سرچم و نیک پی روانه آذربایجان شدند. پس از آن نواب شاهزاده محمود میرزا و فرج الله خان افشار روانه آن مساحت گشتند. بعد شاهزاده علی خان با مهرعلی خان قوئل و رضاقلی خان روی به راه نهادند و موکب همایون در یازدهم رجب با بسیاری از قشون نصرت نمون روانه چمن اوجان شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با افواج آذربایجانی موکب اعلی را استقبال کردند و روز بیستم رجب چمن اوجان مضرب خاقان کشورستان گردید و روشچوف سردار روس بعد از آنکه از احتشاد جنود خاقانی و توجه به اوجان خبردار شد و داستان جنگ ناپلیون را با سپاه روس بشنید معتمدی نزد سرگور اوزلی ایلچی انگلیس فرستاد و طالب صلح با دولت ایران شد و به توسط و صوابدید میرزا شفیع صدراعظم قرار را بر مصالحه دادند و میرزا ابوالحسن خان شیرازی مأمور قراباغ گردیده در چمن گلستان اجتماع و ملاقات سفرها شد و عهد موسوم به گلستان را منعقد نمودند و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است:

صورت عهدنامه‌ای که در میان دولتین ایران و روس به صلاح و صوابدید میرزا ابوالحسن خان و سردار روسیه مرفوم شده^۱

اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه بالقابه، و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران باوصافه به ملاحظه کمال مهربانی و اشفاق دولتین علیتین که درباره اهالی و رعایای جانبین دارند به دفع و رفع امور عداوت و دشمنی که بر عکس رأی شوکت آرای ایشانست طالب، [و] استقرار مصالحه میمونه، و دوستی جواریت سابقه مؤکده را [در بین الطرفین] راغب می باشند به عالیجاه نیکولای ردیشچوف بالقابه، اختیار کلی عطا شده، و اعلیحضرت شاهنشاه ایران هم امیرالامراء العظام میرزا ابوالحسن خان باوصافه را در این کار مختار بالکل نموده اند حال در معسکر روسیه من محال گلستان متعلقه^۲ به ولایات قراباغ، یعنی رودخانه زیوه ملاقات واقع و جمعیت نموده، بعد از ابراز و مبادله متمسک مأموریت، و اختیار کلی خود بیکدیگر، و ملاحظه و تحقیق امور متعلق به مصالحه مبارکه به نام نامی پادشاهان عظام قرار، و به موجب اختیار نامه جات طرفین قیود و فصول و شروط مرقومه ذیل را الی ابد مقبول و مستصوب و استمرار می داریم.

۱. بدون تردید متن عهدنامه از روی ناسخ التواریخ رونویسی شده است. مؤلف ناسخ نیز سعی کرده متن عهدنامه به خصوص مقدمه آن را خلاصه کند و ما ناچار به کتاب «تاریخ سیاسی و دیپلماتی ایران» جلد اول، تألیف مرحوم دکتر علی اکبر پینا مراجعه کردیم. آن مرحوم متن عهدنامه را از «عهدنامه‌جات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراء و رسایل دولت علیه سنة ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۳۹ نمرة ۳ خطی» متعلق به وزارت امور خارجه در تعلیقات کتاب ص ۲۸۸ نقل کرده که آنها هم خالی از اشتباهات مطبعه‌ای و غیرمطبعه‌ای نیست. متن این کتاب با متن مذکور مطابقت دارد و هر جا کلمه‌ای یا عبارتی از قلم افتاده بود در داخل [] اضافه گردید و هر جا کلمه‌ای اشتباه به نظر رسید تصحیح و ذیل صفحه یادآوری شد. به هر حال، متنی که در این کتاب و در ناسخ وجود دارد متن کامل عهدنامه نیست تنها مبهمات آن به کمک کتاب مرحوم دکتر پینا برطرف شد.

۲. متن: قلمه.

فصل اول — بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا به حال در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بود موقوف، و به موجب این عهدنامه الی ابد متروک، و مراتب مصالحه اکیده در دوستی^۳ و وفاق شدید فیما بین امپراطور و اعلیحضرت شاهنشاهی و وراثت و ولیعهدان عظام میانه دولتین علیتین فخام^۴ پایدار و مسلوک خواهد بود.

فصل دوم — چون پیشتر به موجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول [و] رضا در میان دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اوسطاطوسکوه اوپریزندیم^۵ باشد، یعنی [طرفین] در هر موضع و جایی که الی قرارداد مصالحه الحال بوده است از آن قرار باقی و تمامی اولکاء ولایات^۶ خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هریک از دولتین بوده کماکان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند. لهذا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران برحسب خط مرقومه ذیل سنور و سرحدات مستقر و تعیین گردیده:

از ابتدای اراضی آدینه بازار به خط درست از راه صحرای مغان تا [به] معبر یدی بلوک رود ارس، [و] از بالای کنار رود ارس تا اتصال و الحاق رودخانه کپنک جای به پشت کوه مقری، و از آنجا خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان و ایروان، و نیز رمدی از سنور گنجه جمع و متصل گردیده، و بعد از آن حدود مزبور که به ولایات^۷ ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدین لورا و تا مکان ایشک میدان مشخص و متصل می سازد، و از ایشک میدان تا بالای سر کوههای طرف راست طرق و رودخانه های حمزه چمن، و از سر کوههای پنبک الی گوشه محال شوره گل و از گوشه شوره گل از بالای کوه برف آداگوز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانه حدود قریه سدره به رودخانه آرپه جای ملحق و

۳. متن: و دوستی.

۴. متن: ایشان.

۵. اصل این لغت استاتوک و مأخوذ از لاتین و به معنی حالت حالیه است (مؤلف).

۶. متن: ولایت.

۷. متن: ولایت.

متصل شده معلوم و مشخص می گردد. و چون ولایات خان نشین طالش در هنگام عداوت و دشمنی دست به دست افتاده، لهذا به جهت زیاده صدق و راستی، حدود ولایات طالش مزبور را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلح نامه از پادشاهان عظام، معتمدان و مهندسان مأموره که به موجب قبول و وفاق یکدیگر، و [به] معرفت سرداران جانبین، جبال و رودخانه ها و دریاچه [ها] و امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً تحریر و تمیز و تشخیص می سازند آن [را] نیز معلوم و معین ساخته، آنچه در حال تحریر این صلح نامه درست در تحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده، آنوقت خط حدود ولایات طالش نیز در بنای اوسطاطوسکوه اوپریزندیم مستقر و معین ساخته، هریک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند. و همچنین از سرحدات مزبوره فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هریک طرف موافق اوسطاطوسکوه اوپریزندیم رضا خواهد داد.

فصل سیم - اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران به جهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه^۱ دارند با این صلح نامه [به عوض خود] ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران، ولایات قراباغ و گنجه که الآن مستی به ایلنی سابط پول و اولکاء خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و باکویه، و هرجا از ولایات طالش را [با خاکسای که] الآن در تحت تصرف دولت روسیه است، و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و اچوق باش و کورنه و منگریل و ابخاز و تمامی الکاء و اراضی که در میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحالیه بود و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقازیه و الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق دولت آمپیریته روسیه می دانند.

فصل چهارم - اعلیحضرت امپراطور روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود به اعلیحضرت شاهنشاه ایران و به جهت اثبات این معنی بنابر همجواریت

۱. در ناسخ التواریخ: اروسیه، و نیز در جاهای دیگر از کتاب مذکور و کتاب دکتر پینا روسیه و گاهی لروسیه آمده است که از یادآوری صرف نظر شد.

طالب و راغب است که در ممالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکیده مشاهده و ملاحظه نمایند، لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار می نمایند که هریک از فرزندان عظام ایشان که به ولیعهدی دولت ایران تعیین می گردد هرگاه محتاج به اعانت و امدادی از دولت علیه روسیه باشند مضایقه ننمایند تا از خارج نتواند کسی دخل و تصرف در مملکت ایران نماید و به امداد و اعانت دولت روس دولت ایران محکم و مستقر گردد، و اگر در سر امور داخله مملکت فیما بین شاهزادگان مناقشتی رخ نماید دولت علیه روس را در آن میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید.

فصل پنجم — کشتی های دولت روسیه که بر روی دریای خزر برای معاملات تردد می نمایند به دستور سابق مأذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند، و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران یاری و اعانت دوستانه نسبت به آنها شود، و کشتیهای جانب ایران هم به دستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شده به همین نحو در هنگام طوفان و شکست کشتی از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد. و در خصوص کشتیهای [عسکریه] جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و با در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم [و بیریق] در دریای خزر بوده اند حال نیز محض دوستی اذن داده می شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتی جنگی نداشته باشد.

فصل ششم — تمام اسرائی که در جنگها^۱ گرفتار یا آنکه از اهالی طرفین اسیر شده از گرجستان^۲ و هر مذهب دیگر باشند می باید الی وعده سه ماه هلالی بعد از تصدیق و خط گذاردن در این عهدنامه از طرفین مرخص و رد گردیده هریک

۱. متن: جنگگاه — در ناسخ التواریخ نیز چنین است که مرحوم دکتر قائم مقامی مصحح ناسخ آن را به — جنگ گاه — تصحیح کرده که البته درست نیست. در متن تاریخ دیپلماسی، جنگها آمده است.

۲. متن تاریخ دیپلماسی: از کریستیان یا هر مذهب دیگر باشند.

از جانبین خرج و مایحتاج^۳ به اسرای مزبوره داده به قراکلیسیا رسانند. و کلاه سرحدات طرفین به موجب نشر^۴ اعلامی که در خصوص فرستادن آنها به جای معین به یکدیگر می نمایند اسرای جانبین را بازیافت خواهند کرد. و آنان که به سبب تقصیر یا به خواهش خود از مملکتین فرار نموده اند و^۵ به آن کسانی که به رضا و رغبت خود اراده آمدن داشته باشند [اذن] داده شود که به وطن اصلی خود مراجعت کنند و هریک از هر قومی چه از اسرا، چه فراری که نخواستہ باشند بیایند کسی را با او کاری نیست و عفو تقصیرات از طرفین نسبت به فراریان داده خواهد شد.

فصل هفتم — علاوه از اظهار و اقرار مزبوره بالا، رأی اعلیحضرت

امپراطور ممالک روسیه و اعلیحضرت شاهنشاه ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور و روانه دارالسلطنه جانبین می شوند بر وفق لیاقت رتبه و امور کلیه، مرجوعه ایشان را حاصل و پرداخت و مستجل نمایند، و^۶ به دستور سابق وکلای که از دولتین بخصوص حمایت ارباب معاملات در بلاد مناسبه طرفین تعیین و تمکین گردیده زیاده از ده نفر عمه نخواهند داشت، ایشان با اعزاز شایسته مورد مراعات گردیده به احوال ایشان به هیچگونه زحمت نرسیده بل زحمتی که به رعایای طرفین عاید گردد به موجب عرض و اظهار وکلای رعایای مزبور رضائی به ستم دیدگان جانبین داده شود.

فصل هشتم — در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان

ممالک دولتین علیتین اذن داده می شود که [به] هرکس از اهالی تجار بخصوص ثبوت اینکه دوست^۷ رعایا و ارباب معاملات متعلق [به] دولت علیه روسیه، و یا تجار متعلقه [به] دولت بهیة ایران می باشند از دولت خود یا از سرحداران جانبین تذکره و [یا] کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق بحر و بر به جانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند. و هرکس هر قدر خواهد متوقف گشته به امور تجارت و معامله اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها به اوطان خود از دولتین مانع

۳. متن: و احتیاج.

۴. متن: بیشتر.

۵. متن: اذن.

۶. متن: امور مرجوعه ایشان را برداشته و حاصل و محبت به دستور سابق.... ۷. متن: درست.

ایشان نشوند، آنچه مال و تنخواه از امکنهٔ ممالک روسیه به ولایات ایران و نیز از طرف ایران به ممالک روسیه برند، تنخواه به معرض^۸ بیع رسانیده و یا معاوضه به مال و اشیاء دیگر نمایند، اگر در میانهٔ ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره، شکوه و ادعائی باشد به موجب عادت مألوفه به نزد وکلاء طرفین، یا اگر وکیل نباشد به نزد حاکم آنجا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند تا ایشان از روی صداقت مراتب ادعای آنها را تحقیق و معلوم کرده، خود یا به معرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارند که تعرض و زحمتی به ارباب معاملات عاید واصل شود. و ارباب تجار طرف ممالک روسیه که وارد [به] ممالک ایران می‌شوند مأذون خواهند بود که اگر خواهند با اموال و تنخواه خودشان به جانب ممالک پادشاهانهٔ دیگر که دوست دولت ایران باشند بروند طرف دولت ایران بلامضایقه تذکرات راه به ایشان بدهند. و همچنین از طرف دولت علیه روسیه نیز در مادهٔ اهالی تجار دولت ایران که از خاک ممالک روسیه به جانب سایر ممالک پادشاهان که دوست روسیه باشند می‌روند معمول خواهد شد. وقتی که یکی از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در ممالک ایران فوت شد و اموال و املاک او در ایران بماند چون مایعرف او از مال رعایای متعلقهٔ به دولت است لهذا می‌باید اموال مفوت به موجب قبض الواصل شرعی رد و تسلیم بازماندگان ورثهٔ مفوت گردد و نیز اذن خواهند داد که اموال مفوت را اقوام او بفروشند چنانکه اینمغنی در میان ممالک روسیه [و] نیز در ممالک پادشاهانهٔ دیگر دستور و عادت بوده متعلق به هر دولت که باشد مضایقه نمی‌نمایند.

فصل نهم — باج و گمرک اموال تجار طرف دولت روسیه که به بنادر و بلاد ایران بیاورند از یک تومان مبلغ پانصد دینار در یک بلده گرفته، از آنجا با اموال مذکوره به هر ولایت ایران که بروند چیزی مطالبه نگردد و همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون بیاورند آنقدر [گرفته] زیاده بعنوان خرج و توجیه و تحمیل و اختراعات چیزی از تجار روسیه باشر و شلتاق مطالبه نشود. و به همین

نحوه در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر بلاد ممالک روسیه می برند یا بیرون بیاورند به دستور گرفته اختلافی به هیچوجه نداشته باشد.

فصل دهم — بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد سرحدات طرفین اذن و اختیار به ارباب تجار و معاملات طرفین داده شد که اموال و تنخواه خودشان را فروخته و^۱ اموال دیگر خریده یا معاوضه کرده دیگر از امنای گمرک از مستأجرین طرفین اذن و دستوری نخواسته باشند زیرا که بر ذمه امنای گمرک و مستأجرین لازم آنست که ملاحظه نمایند که معطلی و تأخیر در کار تجارت ارباب معاملات وقوع نیابد. باج خزانه را از بایع یا از میبع هر نحو در میانه خودشان سازش می نمایند حاصل و باز یافت نمایند.

فصل یازدهم — [بعد] از تصدیق و خط گذاشتن در این شرط نامه به وکلای مختار دولتین بلا تأخیر به اطراف جانبین اعلام و اخبار و امر اکید بخصوص بالمرة ترک و قطع امور عداوت و دشمنی به هرجا ارسال خواهند کرد. این شروط نامه الحاله که بخصوص استدامت مصالحه دائمی طرفین مستقر، و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم و محرر و از وکلای مختار مأمورین دولتین مزبورین بالا، تصدیق [با خط] و مهر مختوم گردیده و مبادله به یکدیگر شده است می باید از طرف اعلیحضرت امپراطور روسیه و از جانب اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد. [و] چون این صلحنامه مشروحه مصدقه می باید از هر دو دولت پایدار به وکلای مختار برسد لهذا از دولتین^۲ علیتین در مدت سه ماه هلالی وصول گردد — تحریراً فی معسکر روسیه در رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه به ولایات قراباغ به تاریخ بیست و نهم ماه شوال سنه یکهزار و دویست و بیست و هشت هجری و تاریخ دوازدهم ماه اکتبر^۳ سنه یکهزار و هشتصد و سیزده عیسوی.

پس از عهدنامه مسطور مأمورین معاودت کردند — هم در این سال مجدداً

۱. متن: داده.

۲. متن: به دولتین.

۳. متن: اکدمبر. نامخ التواریخ: اکدمبر. به استناد تاریخ دیپلماسی تصحیح شد.

یوسف خواجه کاشغری با بیست هزار سوار ترکمان به طرف استرآباد آمد و بر لب رود گرگان با نواب شاهزاده محمدقلی میرزا به قتال پرداخت و در اول حمله لشکریان شاهزاده را عقب نشاند، ناگاه مردی از گرایلی یوسف خواجه را که در جلو تراکمه بود بشناخت و سینه او را هدف گلوله ساخت لهذا ترکمانان مضرت شده راه فرار پیش گرفتند — هم در این سال خوانین خراسان در مخالفت با نواب شاهزاده محمد ولی میرزا متفق و معاهد شدند و ایلخیان شاهزاده را که در چناران بود به غارت بردند و قصد نهب حوالی طوس کردند. شاهزاده معظم اسحق خان قرائی را صدیق خود پنداشته به مشهد مقدس احضار فرمودند. اما اسحق خان برخلاف، خوانین را به شهر ورود داد و خود اظهار ایالت و سروری کرد ولی کسی تمکین او ننموده ناچار به اعتذار کوشید و ایالت شاهزاده را با کوس شادیانه اعلام نمود — هم در این سال خوانین خراسان رحیم خان ارگنجی را به تاخت ارض اقدس طلبیدند و او به طرف خراسان رانده دره جز را غارت کرد و بازگشت — هم در این سال حاجی محمدحسین خان امین الدوله به نظم فارس رفت و پسرش عبدالله خان بیگلربیگی اصفهان به دارالخلافه آمده به منصب وزارت استیفای ممالک و لقب امین الدوله مفتخر گشت و حاجی محمدحسین خان نظام الدوله لقب یافت — هم در این سال سی هزار تومان قرض میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله را به امر همایون از خزانه عامره دادند و عمارت فین کاشان را شروع به ساختن کردند و موکب معلی پس از تفرج در کاشان و زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها در قم به دارالخلافه بازگشتند.

[سنه ۱۲۲۹ هجری = سنه ۱۸۱۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا از تبریز به دربار همایون آمدند و اسمعیل خان سردار دامغانی و مطلب خان و ذوالفقارخان برادران او به تنبیه خوانین خراسان که با نواب محمد ولی میرزا والی آن ولایت مخالفت کرده بودند مأمور شدند و در دوازدهم ربیع الاول روانه خراسان گردیدند و

در هفدهم ربیع الآخر در حوالی طوس اردو زدند. خوانین خراسان هریک از ولایت خود با طوایف اکراد و اتراک به طرف طوس رانده بعد از جنگی سخت مغلوب و مقهور گردیدند — هم در این سال میرزا ابوالحسن خان شیرازی مأمور در بار دولت روس شد که عهدنامه گلستان را به امضای امپراطور روس رساند و بعضی هدایا از قبیل دوزنجیر فیل و ده رأس اسب و یکصد طاقه شال کشمیری و چند رشته تسبیح مروارید و بعضی جواهر گرانبها و شمشیرهای خراسانی و زربهای مفتول بافت اصفهانی و قوطیهای مرصع پادزهر و قالبهای ابریشمی هراتی و غیره مصحوب میرزا ابوالحسن خان برای امپراطور روس ارسال فرمودند و سرگور اوزلی سفیر انگلیس نیز با جواب نامه پادشاه انگلستان از راه پترزبورغ مراجعت کرد و موکب همایون به قصر قاجار تشریف فرما شده از آنجا عزیمت چمن کالپوش نمود. و در این اوان خبر طغیان محمدزمان خان قاجار عزالدینلو حاکم استرآباد مسموع امنای حضرت پادشاهی گردیده معلوم شد که با سی هزار سوار ترکمان مصمم حرکت و عازم طهرانست. لهذا فرمان همایون خطاب به سادات و اعظام استرآباد شرف صدور یافت و آنها محمدزمان خان و امیرخان برادر او را بگرفتند و مغلولاً در چمن نمکه به حضور مبارک آورده سیاست شدند و حکمرانی استرآباد برعهده نواب شاهزاده محمدقلی میرزای ملقب به ملک آرا موکول گردید — هم در این اوان ابراهیم خان هزاره با حاجی فیروزالدین میرزا والی هرات بنای مراوده را گذاشته او را به تسخیر غوریان تحریض نمود. حاجی فیروزالدین میرزا پسر و وزیر خود را با سپاهی بر سر غوریان فرستاد و محمدخان ولد اسحق خان در قلعه غوریان محصور شده صلاح در آن دید که یکی را به قندهار فرستد، و کامران میرزا ولد شاه محمود افغان را به ارض اقدس خواند. کامران میرزا به طمع شهر مشهد مقدس به محاصره هرات مصمم شد، و حاجی فیروزالدین میرزا چون این بشنید از کرده خود پشیمان گردید، ملک قاسم میرزا پسر خود را از دور غوریان برداشته و معتمدی نزد اسمعیل خان سردار فرستاد و متوسل به دولت علیه گردیده متقبل پنجاه هزار تومان نقد و خراج همه ساله و سکه و خطبه به نام اعلیحضرت خاقان گردید و استمداد نمود. اسمعیل خان به امداد او مأمور شده به طرف هرات رفت و در پل نقره شنید که

کامران میرزا در منزل روضه باغ، سه منزل آنطرف هرات اقامت دارد. سردار بنه و آغروق خود را در پل نقره گذاشته به جانب کامران میرزا راند، کامران خود را مرد میدان مقاومت ندیده به قندهار رفت و نصیرخان هزاره را به معذرت نزد سردار فرستاد. خلاصه حاجی فیروزالدین میرزا چون به معاونت سردار ایران آسوده شد پیشکشی را که تقبل نموده به توسط ذوالفقارخان ارسال داشت و اسمعیل خان سردار به ارض اقدس معاودت کرد — هم در این اوان شاهزاده محمد ولی میرزا را از خراسان احضار کردند و بنا بود نواب حسنعلی میرزا به حکمرانی خراسان منصوب شود ولی این فقره در نظر همایون منافی با مصالح ملکی آمد لهذا نواب شاهزاده محمد ولی میرزا را با میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و فرج الله خان افشار به ارض اقدس مأمور فرمودند و ایالت یزد و بسطام و نیابت دارالخلافه به نواب حسنعلی میرزا مفوض شد — هم در این سال تدمیر طوایف تراکمه را که سابقاً با یوسف خواجه کاشغری موافقت نموده بودند از مهمات دانسته اللهیارخان دولوی سالاربار، و حاجی رضاقلی خان قاجار، و عیسی خان امیرآخور را با جمعی از پیاده و سوار مأمور دشت گرگان فرمودند و محمدقاسم خان قاجار و فرج الله خان افشار و یوسف خان سپهدار که در کالپوش بودند به آنها ملحق شده در این حال تراکمه از توجه عساکر منصوره خبردار گردیده احوال و ائقال خود را به سقناقات صعب المسلک برده خود فرار برقرار اختیار کردند — و در این سال جشن عروسی و سور شاهزادگان معظم امامویردی میرزای ایلخانی ایل جلیل قاجار و نواب محمدرضا میرزا متخلص به افسر، و نواب حیدرقلی میرزا متخلص به خاور، و محمود میرزا گرفته شد — هم در این سال هانری الس سفیر انگلیس با عهدنامه ای که سرگور اوزلی سفیر سابق انگلیس به لندن برده بود به دربار دولت علیه آمده بعد از تغییر یکدو فصل از فصول عهدنامه مزبوره امضا شد و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است:

صورت عهدنامه دولت علیه ایران

با دولت سنیه انگلیس فی شهر ذیحجه سنه ۱۲۲۹

فصل اول - اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه فیروز، هر شرط و عهده به هریک از دولتهای فرنگ که با دولت بهیه انگلتره در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته [اند] باطل و ساقط دانند. و لشکر سایر طوایف فرنگیان را از حدود متعلقه به خاک ایران راه عبور به طرف هندوستان و سمت بنادر هند ندهند. و احدی از این طوایف را که قصد هندوستان و دشمنی با دولت سنیه انگلتره داشته باشند نگذارند که داخل مملکت ایران شود. و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند و غیره عبور به ملک هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیان و اعیان آن ممالک را مانع شوند، و از راه دادن طوایف مزبوره بازدارند، خواه از راه تهدید و تخویف، و خواه از روی رفق و مدارا.

فصل دوم - چون این عهد خجسته [که در میان دو دولت ابدمدت] به صدق و راستی بسته آمده امید چنانست که انشاءالله از تغیر و تبدیل مصون و روز به روز مقتضیات یگانگی در میانه افزون گردد و پیوند [مواحدت و] موافقت^۱ میان این دو پادشاه جمجاه فلک دستگاه و ولیعهد و فرزندان و احفاد امجاد^۲ ایشان و وزرا و امرا [و ولات] و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالآباد برقرار و استوار باشد. پادشاه والاجاه انگلیس قرارداد می نماید که اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیما بین شاهزادگان با امرا و سرداران مناقشتی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید و احياناً اگر احدی از

۱. متن این عهدنامه به شرحی که در عهدنامه گلستان آمده است تصحیح شد (رجوع شود به حاشیه ص ۱۵۱۰).

۲. متن: موافقت.

۳. متن: احفاد و امجاد.

مشارالیهام ولایتی و جائی از خاک متعلقه به ایران را به آن دولت بهیّه بدهند که به ازاء آن کمک و اعانتی نمایند هرگز امنای دولت بهیّه انگلیس به این امر اقدام نکرده پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و تصرف در ممالک متعلقه به ایران ابداً نخواهند کرد.

فصل سیم — مقصود کلی از این عهدنامه آنست که دو دولت قوی شوکت از جانبین امداد و کمک به یکدیگر نمایند به شرطی که دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور اینست که از امداد جانبین به یکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم گردند. این عهدنامه محض از برای رفع تقدّم و سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه به خود و قصد ملک خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه به هریک از دولتین ایران و روس از قرار است که به استصواب^۱ وکلای دولتین ایران و انگلتره و دولت روس بعد از این مشخص و معین گردد.

فصل چهارم — چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیما بین دولتین علیتین بسته شده قرارداد چنین است که اگر طایفه ای از طوایف فرنگیان به ممالک ایران به عزم دشمنی بیایند و دولت علیّه ایران از دولت بهیّه انگلیس خواهش امداد نمایند فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیّه انگلیس خواهش مذکوره را به عمل بیاورند و لشکر به قدر خواهش با سردار [و اسباب] و اساس جنگ از سمت هندوستان به ایران بفرستند، و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد به عوض آن از جانب دولت بهیّه انگلیس مبلغی نقد که قدر آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیما بین دولتین قریمتین بسته می شود معین^۲ خواهد شد. الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دویست هزار تومان سالیانه خواهد بود. و اگر دولت علیّه ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت با طایفه ای از طوایف فرنگستان نمایند امداد مذکور از جانب دولت بهیّه انگلیس [به هیچ وجه] داده نخواهد شد. و چون وجوه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیّه

انگلیس را لازم است که از رسیدن آن به قشون مستحضر و خاطر جمع شود و بداند که در خدمات مرجوعه صرف می شود.

فصل پنجم — هرگاه امنای دولت علیه ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنگ [معلم] به ایران بیاورند مختارند که از مملکتی از ممالک فرنگ که با دولت بهیة انگلتره نزاع و جدال نداشته باشند معلم بگیرند.

فصل ششم — اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحه با دولت بهیة انگلیس می باشد نزاع و جدال با دولت علیه ایران نمایند پادشاه والاچه انگلستان کمال سعی و دقت می نماید که فیما بین دولت علیه ایران و آن طایفه صلح واقع گردد و اگر این سعی بجا نیفتد پادشاه ذیجاء انگلستان به طریقی که مرقوم شده از مملکت هند عسکر و سپاه به کمک ایران مأمور کند یا آنکه دوست هزار تومان مقرر را به جهت خرج عساکر و سپاه و غیره کارسازی دولت علیه ایران نمایند و این اعانت و امداد را مادام که جنگ فیما بین دولت علیه ایران و آن طایفه باشد و اولیای دولت علیه ایران صلح نمایند مضایقه ننمایند.

فصل هفتم — چون قرارداد مملکت ایران اینست که موجب قشون ششماه به ششماه داده می شود، قرارداد تنخواهی که به عوض عساکر [از] دولت بهیة انگلیس داده می شود چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی آن دولت بهیة هرچه ممکن شود زودتر و پیشتر کارسازی کنند.

فصل هشتم — هرگاه طایفه افاغنه را با دولت بهیة انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران از این طرف لشکر تعیین کرده به قسمی که مصلحت دولتین باشد به دولت بهیة انگلیس امداد و اعانت نمایند، و وجه اخراجات آنرا از دولت بهیة انگلیس بگیرند، از قراری که اولیای دولتین قطع و فصل نمایند.

فصل نهم — اگر جنگ و نزاعی فیما بین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیة انگلیس را در آن میان کاری نیست و به هیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد مگر اینکه به خواهش طرفین واسطه صلح شوند.

فصل دهم — اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار به ولایت انگلیس نماید باید به محض اشارت اولیای دولت ایران آنکس را

از ولایات مزبور بیرون نمایند، و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران کنند^۱. و اگر خبر دهند قبل از ورود او را به ولایت خود راه ندهند و الا گرفته بفرستند. و شرایط این فصل از طرفین استقرار پذیرفته.

فصل یازدهم — اگر در بحر المعجم دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیة انگلیس به شرط امکان و فراغبال در آن وقت کشتی جنگ و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق برآورد آن وقت قطع و فصل کنند و بازیافت نمایند، و کشتیهای مذکور بر آن خورها و لنگرگاهها عبور کند که امنای دولت علیه ایران نشان دهند و از جای دیگر بی رخصت و ضرورت عبور ننمایند.

و این عهدنامه به توسط میرزا شفیع صدراعظم، و نایب الوزاره قایم مقام، و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب منشی الممالک و کلای دولت علیه ایران با مستر موریه نایب سرگور اوزلی بارونت سفیر بزرگ دولت بهیة انگلیس که در این اوقات ایلچی جدید بود نوشته و مقرر، و از طرفین نسخه برداشتند و در خاتمه نوشتند:

ما که وکلای حضرتین علیتین می باشیم این عهدنامه مفصله را که سابقاً فیما بین وکلای دولتین به فصول دوازده گانه نگارش یافته حال به تغییرات چند که منافی دوستی و یکجهتی دولتین علیتین نبود و به صلاح حضرتین انطباق می نمود در فصول یازده گانه تبیین و تقریر و تحریر کرده دستخط و مهر گذاشتیم — به تاریخ بیست و پنجم ماه نوامبر^۲ سنه یکهزار و هشتصد و چهارده عیسوی مطابق دوازدهم

۱. از این جا به بعد عبارات در ناسخ التواریخ ص ۱۵۹ و تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران ص ۲۸۴ به این صورت آمده است: «و در صورتی که پیش از رسیدن آن کس به ولایات مزبور اشارتی از امنای دولت ایران درباره او به حاکم آن حدود رسد آن کس را رخصت فرود آمدن ندهند و بعد از ممانعت اگر آن کس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند و هم چنین از جانب دولتین معلوم است که شرایط این فصل مذکور از طرفین استقرار پذیرفته». متن ناسخ التواریخ و متن تاریخ سیاسی و دیپلماسی با هم مطابقت دارد. مؤلف منتظم ظاهراً این قسمت را خلاصه کرده است.

۲. در متن: بیست و پنجم ماه نوبر، و در ناسخ التواریخ بیست و پنجم ماه یونبر، و در تاریخ سیاسی و دیپلماسی دکتربینا بیست و پنجم ماه نوامبر که به استناد کتاب اخیر تصحیح شد.

ذیحجه الحرام سنه یکهزار و دو یست و بیست و نه هجریه مصطفویه علی هاجرها
الف السلام و التحیه تحریراً فی دار الخلافه طهران صانها الله عن الطوارق والحدثان.

پس از اتمام عهدنامه هانری الس سفیر انگلیس به مراحم شاهانه مستظهر
گردیده معاودت نمود — هم در این سال انجیسوف نامی گرجی از جانب نیکولای
ردیشچوف سردار روس به همراهی میرزا ابوالحسن خان سفیر ایران برای تهنیت
صلح ایران و روس به دربار دولت علیه آمد و نصرالله خان نوری با فرستاده مزبور
به تفلیس رفت و حامل خلعت و نشان مرصع شیر و خورشید که خاصه دولت علیه
است برای سردار روس گردید — وفات آقامحمد کاظم واله اصفهانی.

اروپا — مُورات که در مملکت روس بود از سرداری قشون فرانسه استعفا کرده اُرن
به جای او منصوب می شود — ناپلیون مجدداً سیصد و پنجاه هزار قشون در فرانسه
حاضر می کند و وصیت می نماید که اگر در جنگها کشته شود پسرش پادشاه باشد
و زوجه اش به نیابت او سلطنت کند — پادشاه پروس حکم به احضار قشون زیاد
می دهد — اهالی آلمان بر ضد ناپلیون حرکت می کنند — اطریش در خفا با روس
و انگلیس متحد است — سُوْد نیز با آنها مشارکت دارد — ناپلیون مجبوراً دو یست
هزار قشون در اسپانیا گذاشته خود با یک لشکر تازه به خاک آلمان ورود می نماید
— عساکر ناپلیون تماماً جوانهای بی تجربه جنگ ندیده اند و اسب و سوار و توپخانه
هم کم داشتند — در لوتزن شصت هزار نفر از عساکر روس و چهل و پنجهزار نفر از
قشون پروس به تدبیر ناپلیون شکست خورده منهزم می شوند اما ناپلیون سوار ندارد
که آنها را تعاقب کند — متارکه چهل روزه فیما بین دول — رسیدن اخبار موحش
از اسپانیول به اردوی ناپلیون — ژوزف برادر ناپلیون که او را به پادشاهی اسپانیول
برقرار کرده بود از شهر مادرید فرار می کند — مملکت ورشو که ناپلیون می خواست
در آن سلطنت مستقلی تشکیل دهد مجدداً مابین روس و پروس و اطریش تقسیم
می شود — متارکه چهل روزه به اختتام رسیده فیما بین اطریش و فرانسه مستقیماً
اعلان جنگ می شود — دول روس و پروس و اطریش در مقابل ناپلیون پانصد هزار
نفر حاضر کرده و عساکر متحده خود را به سه اردو تقسیم می نمایند — اردوی اول

در بُهم به سرداری شوارت زنبیرگ سردار اطریش — اردوی دوم در سیلزی به سرداری بلوخر سردار پروس — اردوی سیم به سرداری پرنادت از صاحب منصبهای ناپلیون که ولیعهد شود شده و با معاندین او متفق است — ناپلیون در مقابل این جمعیت سیصد هزار قشون دارد — جنگ سخت ناپلیون با شوارت زنبیرگ در درزُد و از آنجا که ناپلیون لشکر سواره نداشت نتوانست شوارت زنبیرگ را تعاقب کند — شکست ماکدونالا سردار فرانسه از بلوخر در تپلتیز — عهد اتحاد دول ثلاثه اطریش و پروس و روس به امضای سلاطین دول مشارالیه می رسد — ناپلیون بسمت لپزیک می رود و بلوخر و شوارت زنبیرگ در یکروز سه مرتبه به او حمله می نمایند — در این جنگ توپخانه طرفین کشتار زیاد می کند — از عساکر آلمان آنهائی که با فرانسه متحد بودند در بین جنگ از اتحاد فرانسه تبرّا کرده به قشون روس و پروس ملحق می شوند ناپلیون شکست خورده مجبور به فرار شده به سمت رن می آید، بلوخر با سواره زیاد ناپلیون را تعاقب می کند — ناپلیون فراراً به مایانس می رسد — بولو سردار پروس وارد آمستردام پایتخت هلاند شده مملکت هلاند را از طرف سلاطین متفق از تصرف فرانسه خارج و مستقل در تحت سلطنت خانواده اُرانژ که سابق در این مملکت سلطنت داشتند اعلام می نماید — شوارت زنبیرگ سردار اطریش وارد خاک فرانسه می شود — محالک متصرفی فرانسه در ایتالیا به او می شورند — عساکر فرانسه که در اسپانیا بودند عقب می نشینند — ناپلیون مجبوراً اسپانیول را به فردیناند هفتم واگذار می کند — در داخله فرانسه جمعی به وضع سلطنت خانواده سلاطین قدیم فرانسه مایل می شوند — ناپلیون برای مدافعه عساکر خارجه که مستعد حمله به مملکت فرانسه می باشند قشونی حاضر می کند، (هلاند) — گیلوم فردریک از خانواده اُرانژ در سنّ چهل و یکسالگی به سلطنت هلاند منصوب می شود. (عثمانی) — سربیهها مجدداً در تدارک شورش اند و بعد از شکست خوردن از قشون عثمانی اکزرنی ژرژ، رئیس آنها به خاک روس فرار می کند.

[سنه ۱۲۳۰ هجری = سنه ۱۸۱۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حاجی آقاخان وزیر حاجی فیروزالدین میرزا

حکمران هرات و ابراهیم خان هزاره به حضور همایون اعلیٰ حضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مشرف شده از تعدی شاهزاده محمودخان افغان شاکی شد و استدعای استمداد کرد. بنابراین خلعتی به جهت فیروزالدین میرزا والی هرات معین فرموده میرزا محمدصادق وقایع نگار مروزی و داروغه دفترخانه مبارکه را مأمور هرات کردند و ابراهیم خان هزاره به واسطه افسادی که در امر غوریان کرده بود محکوم به توقف دارالخلافه گردید، و امارت طایفه هزاره به آزادخان پسر محمدخان هزاره مرحمت شد — هم در این سال ملا محمد زنجانی که از علمای رسمیه دارالخلافه بود به جهت قبول عامه به تخریب معابد و اماکن عیسویان و شکستن خمهای شراب ایشان پرداخت، نواب حسنعلی میرزا حکمران طهران او را از این شهر اخراج کردند، و محمد مهدی خان مازندرانی متخلص به شحنه از امرا و شعرای این دولت در این باب گفته است:

زاهد بشکست از سر خامی خم می اسباب نشاط می گساران شد طی
گر بهر خدا شکست ای وای به ما و بر بهر ریا شکست پس وای به وی

هم در این سال اهالی زلف آباد فراهان از اعمال قم بر ایمانی خان، حاکم فراهان، شوریده یاغی شدند و به راهزنی پرداختند. عبدالله خان گرجی یوزباشی غلامان به تنبیه آنها مأمور و آنها را مقهور نمود — هم در این سال در ماه رجب موکب اعلیٰ حضرت خاقان مملکتستان متوجه چمن خوش ییلاق و ساحت کبودجامه گردیده در شهر شوال به دارالخلافه معاودت فرمود — هم در این سال اسمعیل خان سردار دامغانی بار دیگر به قلع و قمع اتراک و اکراد خراسان روان شد و خوانین آن جماعت در خبوشان محصور گردیدند آخرالامر خبوشان مفتوح و خوانین مطیع گردیدند — هم در این اوان میرزا صادق وقایع نگار با رشیدخان افغان از هرات بازآمد — و مهدیقلی خان دولو بیگلریگی استرآباد، حسین و قربان نام که پسران یکی از قاتلین نواب جهانسوز شاه طاب ثراه بودند گرفته و آنها به قصاص رسیدند.

اروپا — ورود عساکر دول متحده به خاک فرانسه — آمدن شوارتزنبرگ به طرف

آلزاس و عبور او از رودخانه رِن — ورود عساکر پروس به سرداری بلوخر به ایالت
لُرِن — حرکت برناؤت به سمت هلانده — ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و
اطریش در وِزُول — جلو آمدن وِلنگتُن سردار انگلیس از سمت اسپانیا — در این
وقت تمام قشون ناپلیون زیاده از شصت هزار نیست — مرخص کردن ناپلیون پی
هفتم پاپ را که به رُم معاودت نماید — ناپلیون وِئبری را که مابین اردوی بلوخر و
شوارت زنبِرگ است معسکر خود قرار می دهد و به هر دو اردو حمله می برد و
شکستی به قشون بلوخر می دهد، بلوخر اردوی خود را جمع آوری کرده به سمت
پاریس حرکت می کند، ناپلیون در شان اَبِر شکست سختی به او می دهد بلوخر
مجبوراً به شالِن برمی گردد — شوارت زنبِرگ به طرف پاریس می راند، ناپلیون با او
جنگ کرده او را عقب می نشاند — مارشال سُولت از اسپانیا عقب نشسته به تُولُوز
می آید — اردوی برناؤت به بلوخر ملحق شده عزیمت پاریس می نماید — دول
متحده ثلاثه به ناپلیون تکلیف می کنند که اگر حدودی را که فرانسه در هزار و
هفتصد و هشتاد و نه داشته قبول می کند با او مصالحه کنند چون این تکلیف را
قبول نکرد با او مشغول جنگ می شوند — جنگهای سخت ناپلیون با بلوخر سردار
پروس — شهر رِنس که به تصرف روسها درآمده بود ناپلیون آنرا منتزع می سازد —
شوارت زنبِرگ که به سمت پاریس حرکت می کند ناپلیون پشت سر او را گرفته اقا
تمام قشون دول متحده در شارلِن جمع شده به سمت پاریس عزیمت می نمایند —
خانواده بُوربُن سلاطین سابق فرانسه به آلکساندر اول امپراطور روس ملتجی
می شوند — شهر بُردُو خود را در تحت سلاطین خانواده بُوربُن قرار می دهد — قشون
دول متحده که نزدیک پاریس می شوند امپراطریس فرانسه و ولیعهد به بلوا می روند
و شهر پاریس تسلیم می شود — ناپلیون با قلیل قشونی به فُن تَن بلو می رود — در
سلخ ماه مارس عساکر دول متحده وارد پاریس می شوند — مجلس پارلمنت فرانسه
خلع ناپلیون را اعلام می کند — ناپلیون که از فُن تَن بلو مصمم حرکت به پاریس
است سردارها تبعیت او را نمی نمایند، بنابراین ناپلیون به اسم پسرش استعفا
می کند. چون سلاطین متحده قبول نمی کنند کلیتاً خود و پسر و خانواده اش از
سلطنت فرانسه استعفا می کنند — ملت فرانسه لوی هیجدهم برادر لوی شانزدهم را

به سلطنت قبول می نمایند — به ناپلیون جزیرهٔ اِلب عطا می شود، و به زوجه اش ایالت پارژ و پلزانس در ایتالیا — در این حال ناپلیون مصمم مسموم کردن خود می شود — روز دوازدهم ماه آوریل ناپلیون با سردارهای خود وداع کرده به جزیرهٔ اِلب می رود و همان روز لوی هیجدهم از حوالی لندن به سمت سلطنت به طرف پاریس حرکت می کند — تالیراند وزیر اعظم فرانسه با دول متحده مصالحه می کند و حدود فرانسه را همان حدود سال هزار و هفتصد و هشتاد و نه قرار می دهد — پنجاه و سه قلمه و هزار و دویست عراده توپ و سی و یک فروند کشتی کوچک و دوازده کشتی بزرگ به تصرف قشون دول متحده درمی آید — ژوزفین زوجهٔ اوّل بناپارت امپراطریس سابق فرانسه در پاریس وفات می نماید — لوی هیجدهم پادشاه تازه فرانسه در گمپیی اِین، با سلاطین ثلاثه ملاقات می کند و در سیّم ماه مه به سمت سلطنت به پاریس وارد می شود — همهٔ شاهزاده ها و اعیان دارای القاب قدیم خودشان می گردند — از سردارهای ناپلیون بریته و مارژن، جزو قشون پادشاه تازه می شوند — عهدنامهٔ موسوم به پاریس مابین پادشاه جدید و سلاطین فرنگ منعقد می گردد — نشان اِژ یون دُونور برقرار است ولیکن به جای صورت ناپلیون صورت هانری چهارم در آن نقش می شود — کنگرهٔ وینه برای بقای صلح عمومی فرنگ به ریاست میترنیخ وزیر اعظم اطریش منعقد می گردد — پادشاه پروس مملکت ساکس را می طلبد — تروژ ضمیمهٔ شود می شود — هلگلاند تعلق به انگلیس می یابد — انگلیس خرید و فروش سیاه پوستان را متروک می سازد — مملکت هائور به وساطت انگلیس سلطنت مستقل گردیده و از تحت تصرف پروس خارج می گردد. (انگلیس) — اختراع اِلُکُتریسیته یعنی اسب آتشین که محرک کالسکه های راه آهن است به دست ژرژ استفان سن. (ایتالیا) — ایالت اِلمبازدی ضمیمهٔ اطریش می شود — پاپ وارد رُم می گردد، و تمام بلاد او که قشون فرانسه آنها را مسخر کرده بودند به او ردّ می شود. (اسپانیول) — فردیناند هفتم که ناپلیون به او آزادی داده و تاج سلطنت اسپانیول را عطا کرده در سلطنت مستقل می گردد و نسبت به اشخاصی که سبب شورش شده بودند ظلم و تعدّی می کند — مکزیک تمکین نمی کند که جزو اسپانیا باشد و آزادی طلب می کند — شیلی نیز با وجود

قتلی که سردار اسپانیول در این مملکت می کند ربقه تبعیت را به گردن نمی گیرد ولکن ونیزوولا و نیون گیرناذ به عنف تبعیت اسپانیول می نماید. (فرائسه) — لوی هیجدهم پادشاه مستقل است اما نه به استقلال اجدادی بلکه سلطنت مشروطه و پارلمنت دارد — مارشال سولت وزیر جنگ می شود — آبل دُرْمُوزا، تاریخ چین را به فرانسه ترجمه می کند.

امریکا — (اتانونی) — شهر واشنگتن پایتخت اتانونی را انگلیسها متصرف می شوند و آنجا را خراب می کنند و آتش می زنند، اما بعد اتانونی انگلیس را شکست داده و مصالحه می کنند.

[سنه ۱۲۳۱ هجری = سنه ۱۸۱۵ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در اوایل این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه به شکار مسیله قم تشریف فرما گردید — هم در این سال میرزا فضل الله شیرازی مؤلف تاریخ صاحبقرانی در سلک منشیان حضرت پادشاهی منسلک گردید — هم در این سال چون خوانین خراسان با نواب شاهزاده محمد ولی میرزا والی این ولایت مخالفتی داشتند نواب معظم فرج الله خان افشار نسقچی باشی را از دربار همایون به استعانت خود طلبید و مشارالیه با ده هزار پیاده و سوار روانه خراسان شد. مقارن اینحال محمد رحیم خان خوارزمی به اغوای قربان قلیچ یموت با سی هزار سوار به طرف دشت گرگان و استرآباد آمد و این خبر معروض آستان معلی گردیده حکم همایون شد که فرج الله خان افشار که مأمور خراسان و در بسطام بود با ذوالفقارخان و مطلب خان دامغانی به دفع محمد رحیم خان روانه شوند. مشارالیه هم بدان صوب شتافته در حدود پسرک من اعمال فندرمک با محمد رحیم خان مصاف دادند. محمد رحیم خان بعد از مقاتله شکست خورده به طرف خیمه فرار کرد و اردوی او را عساکر منصوره غارت نمودند. نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بعد از مقهور شدن محمد رحیم خان به خیال تنبیه اکراد افتاده محمدخان قاجار نایب را با امیر قلیچ خان تیموری و عبدالکریم خان عرب بسطامی و جمعی

به محاصره رادکان فرستادند و خود نیز به دره جز راندند و بیگلرخان چاپشلو حاکم دره جز را منهزم ساخته به طرف رادکان شتافتند. خوانین خراسان عریضه به حضور اعلیحضرت خاقان ارسال داشته از قوجه خان کرد، که در رادکان محصور بود شفاعت کردند، و حسب المصلحه این شفاعت پذیرفته شد، و حکم همایون به ترک محاصره شرف صدور یافت، لهذا نواب شاهزاده محمد ولی میرزا به ارض اقدس و خوانین به اماکن خود معاودت کردند — هم در این سال اسحق خان قرائی که ظاهراً با شاهزاده والی خراسان موافق و در معنی نفاق داشت حسنعلی خان پسر خود را به دربار همایون فرستاده در باطن عزل شاهزاده را مستدعی شد و در ظاهر حکومت ترشیز را و اگرچه ابتدا پذیرفته نشد ولی در ثانی حکومت ترشیز را به او مرحمت فرمودند و او به محل حکمرانی رفته به نواب شاهزاده محمد ولی میرزا اعتنائی ننمود، شاهزاده او و پدرش اسحق خان را احضار کرده به سزای خود رسانیدند و محمدخان پسر دیگر اسحق خان که در تربت بود ضبط این ولایت را به حسنعلی خان برادر خود واگذار کرده به قلعه دولت آباد رفت و در آنجا متحصن شد و به فتنه و فساد پرداخت و واقعه اسحق خان و حسنعلی خان مجدداً خیال خوانین خراسان را مشوش ساخت — حاجی فیروزالدین میرزا حاکم هرات به خیال تصرف غوریان افتاد و ملک قاسم میرزا پسر حاجی فیروزالدین میرزا این ناحیه را مسخر نمود، و بنیادخان هزاره به تحریک محمودخان به غارت بعضی ولایات مشغول شد — محمدخان قاجار نایب و فرج الله خان افشار به نهب غوریان و کوسویه و باخرز و هزاره رفته پس از تاخت و تاز به تربت مراجعت کردند و در اینجا قشونی که با محمدخان نایب بودند متفرق شدند و افاغنه و هزاره و قرائی دانستند که محمدخان لشکر عمده ندارد به منازعه او آمدند و او چون از عهده جنگ با آنها بر نمی آمد به مشهد مقدس شتافت و مصطفی خان سدن رستاقی استرآبادی به دست محمدخان قرائی گرفتار شد. بالجمله خوانین خراسان اختلالی در کار مملکت انداخته و حاجی فیروزالدین میرزا را به تسخیر ارض اقدس تحریک می نمودند و این مقدمات سبب شد که اعلیحضرت همایون نواب شاهزاده حسنعلی میرزا را شجاع السلطنه لقب داده به ایالت خراسان منصوب فرمودند — هم در این سال عبدالرشیدخان

فرستاده حاجی فیروزالدین میرزا اذن معاودت به هرات یافت و میرزا محمدصادق وقایع نگار و داروغه دفترخانه مبارکه با او مأمور هرات شد.

اروپا — کنگره وینه هنوز به انتها نرسیده است — انعقاد عهد مخفی مابین فرانسه و اطریش و انگلیس بر ضد روس — حرکت کردن ناپلیون از جزیره الب با هفتصد نفر سرباز پیر که با او بودند به قصد سلطنت فرانسه — ناپلیون در حوالی کان از کشتی بیرون می آید — لوی هیجدهم متزلزل شده قشونی جلو ناپلیون می فرستد — ناپلیون به سمت لیون حرکت می نماید و قشونی که جلو او آمده او را امپراطور خطاب می کنند — مارشال نی که کمال صداقت را با پادشاه تازه دارد وقتی که به ناپلیون بر می خورد خودداری نکرده خود را به پای او می اندازد — لوی هیجدهم متوحش شده از پاریس فرار می کند و ناپلیون در بیستم ماه مارس وارد تُولُری می شود و مجدداً به سلطنت برقرار می گردد، و مدت سلطنت دوباره ناپلیون یکصد روز است که از دهم ماه مارس تا بیست و دویم ژوئن باشد — لوی هیجدهم در هلاند در شهر گاند پناه می جوید — آنچه را از قواعد آزادی لوی هیجدهم از فرانسه سلب کرده بود ناپلیون باز عطا می نماید — اقوام سلطنت از پاریس و فرانسه فرار می کنند — اجزای کنگره وینه ناپلیون را دشمن عالم می خوانند، و انگلیس و پروس و اطریش و روس مصمم می شوند که هریک صد و پنجاه هزار قشون جمع کرده به جنگ ناپلیون روند — سه اردو تشکیل می یابد: اردوی اول به سرداری شوارت زنبزگ؛ اردوی دویم به سرداری بلوخر سردار پروس و ولنگتن سردار انگلیس؛ ریاست اردوی سیم را آلکساندر امپراطور روس خود قبول می کند — با آنکه ناپلیون طلب صلح می کند هیچکس نزدیک او نمی آید — عساکر انگلیس به سرداری ولنگتن در بلژیک جمع می شوند — ناپلیون سیصد هزار قشون جمع می کند — کنگره وینه معاهده خود را به امضای دول اطریش و انگلیس و روس و پروس و ملل فرانسه و اسپانیول و پرتوغال و شوژ می رساند. این معاهده مشتمل بر صد و بیست فصل است — ناپلیون با صد و بیست هزار قشون به طرف بلژیک حرکت

می کند — پروس و انگلیس در بلژیک متحداند — در لیژی^۱ جنگ خونریز سختی بین اُطرفین در می گیرد — در واترلو ناپلیون خود جلو انگلیسها را گرفته به گروشی سردار خود حکم می دهد که جلو بلوخر سردار پروس را بگیرد که دو دسته قشون معاند به یکدیگر نرسند — شب جنگ واترلو از حیثیت بی آذوقه گی و سرما و باران و فقدان آتش برای عساکر فرانسه بدترین شبها بود — در هیجدهم ژون ناپلیون با وُلنگتُن سردار انگلیس مقابل می شود — گروشی سردار ناپلیون خبط یا خیانت کرده جلو سردار پروس را نمی گیرد و لشکریان پروس و انگلیس به هم ملحق می گردند — ناپلیون نزدیک بود قشون انگلیس را شکست دهد که عساکر پروس به کمک انگلیسها رسیدند چون ایندو لشکر بهم پیوستند شکست سختی به ناپلیون دادند — قشون فرانسه و ناپلیون فرار کردند و هرج و مرج غریبی در اردوی آنها افتاد — ناپلیون به پاریس و به قصر الیزه ورود نمود و از امپراطوری استعفا کرده پسر خود را ناپلیون دویم و امپراطور خواند. وکلای ملت اعتنا به حرف و حکم ناپلیون نکردند — عزیمت لوی هیجدهم به پاریس — قشون انگلیس و پروس از واترلو به طرف پاریس راندند و ناپلیون به بندر رُشفرُت رفت — تصرف نمودن عساکر متحدان پاریس را — ورود لوی هیجدهم با بیرق سفید که شعار سلطنت آن خانواده بود در هشتم ماه ژویه به پاریس — قُوشیه و تالران دو نفر وزیر و پرورده نعمت ناپلیون در این مورد به او خیانت می کنند و سبب خلع آخری او این دو نفر می شوند — سلاطین روس و اطریش و پروس در دهم ژویه وارد پاریس می شوند — دو کروور قشون خارجه دهات و بلاد فرانسه [را] غارت می نمایند — ناپلیون در کشتی موسوم به ساآل نشسته به سمت انگلیس می رفت که به یک فروند کشتی انگلیسی که کاپی تن آن میثلاند نام داشت برخورد. ناپلیون از کاپی تن مشارالیه خواهش کرد او را به انگلیس و نزد نایب السلطنه برد. کاپی تن این تکلیف را قبول کرده او را در کشتی موسوم به بلرُوفُن^۲ نشانید و ناپلیون کاغذی به خط خود به نایب السلطنه انگلیس نوشته مضمون آن اینکه: من به تو پناه آورده ام و در خاک تو ایمنی

می خواهم. اما دول فرنگ ناپلیون را محبوس خود دانسته و حراست او را به انگلیس رجوع می کنند. بنابراین دولت انگلیس جزیره سنت هِلن را که در دریای محیط آتلانتیک واقع و یکپارچه سنگ خشک و دارای هوای غیرسالمی است محل حبس ناپلیون قرار می دهد. — اشخاصی که در این مسافرت و اغتراب با او همراهی می کنند برتراند، و مُنتُن، و گورگُند، و لاشکاس از رجال و سردارهای او بودند. — دولت فرانسه هفتصد میلیون فرانک بطور وجه خسارت به قشون متحده می دهد. — صد و پنجاه هزار نفر از قشون متحده مدت پنج سال در بعضی از قطعات فرانسه مقیم خواهند بود. — در این صلح با دول فرنگ و خلع ناپلیون معادل چهارصد کرویر تومان خسارت فرانسه شد. — اما در بیست و سه سال مجادله که با دول فرنگ کرده بود به همه جهت خسارت فرانسه به هشتصد کرویر تومان می رسید. (فرانسه) — لوی هیجدهم پادشاه فرانسه بعد از آنکه در ثانی به مملکت فرانسه ورود نمود بنای تعدی را نسبت به هواخواهان ناپلیون گذاشت. از جمله مارشال برون به تحریک او کشته شد و مارشال نی محبوس و ژنرال رایل نیز مقتول گردید. مارشال نی در مجلس استنطاق حاضر شده بعد از گفتگوی زیاد حکم قتل او صادر شد. — شورش مردم در اغلب ایالات برضد پادشاه جدید. (روس) — الکساندر اول لقب پادشاهی لهستان را به القاب سلطنتی خود الحاق می کند. (ابطالیا) — مُورات پادشاه ناپل که بعد از مراجعت ناپلیون از جزیره اِلَب اظهار خدمت به او کرده بود دول متحده او را از سلطنت خلع می کنند و قشون اطیش با او جنگ کرده مورات به دست آمده مقتول می شود. (آلمان) — مملکت آلمان از این به بعد موسوم به کُنفِدراسیُن ژرمانیک می شود و بعدها مأمورین دول در فرانکفُور جمع خواهند شد و ریاست مأمورین مزبوره با شخصی است که از طرف دولت اطیش معین می گردد.

امریکا — (اتانونی) — ژنرال ژاکسن بر عساکر انگلیس غلبه می نماید.

[سنه ۱۲۳۲ هجری = سنه ۱۸۱۶ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در هفدهم محرم این سال نواب شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السلطنه والی خراسان وارد مشهد مقدس گردید و خوانین خراسان که به فتنه و فساد می پرداختند به جای خود آرام گرفتند — حاجی فیروزالدین میرزا حاکم هرات عبدالرشیدخان افغان را با نامه و هدایا به تهنیت ورود نواب شجاع السلطنه به خراسان فرستاد و از گذشته معذرت خواست و میرزا محمدصادق وقایع نگار را که نه ماه در هرات محبوس داشت رها نموده مشارالیه به خدمت نواب شجاع السلطنه آمد و ملک قاسم میرزا پسر فیروزالدین میرزا غوریان را تخلیه نمود — هم در این سال چون طایفه اکراد بلباس به خاک ارومی رفته و بعضی بی اعتدالیاها نموده بودند و پیش از این حضرت مستطاب نایب السلطنه امیرخان خال خود را با یوسف خان گرجی سرهنگ فوج بهادران ینگلی مسلمان به تأدیپ آنها مأمور فرموده بودند این اوقات مجدداً امیرخان قاجار با جمعیت بوداقخان مکری و سربازان جمعی ابراهیم بیک مرتیپ و جعفرقلی خان مراغه و غیره به تدمیر آن جماعت رفته در محل کرمان در نزدیک شهرزور بر آنها حمله نموده قریب یک هزار نفر از بلباسها را مقتول نمودند و سردار پس از تاخت و تاز و مقهور نمودن آن جماعت معاودت نمود — هم در این سال چون نظم طایفه بختیاری برعهده نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه موکول شده بود و اسدخان بختیاری هفت لنگ به حصانت دزمیران مغرور گردیده از خدمت نواب شاهزاده محمدتقی میرزا حکمران بروجرد تقاعدی داشت، موکب دولتشاه به طرف دزمیران روانه شد و چون نزدیک به دزمیران رسیدند میرزا محمد لواسانی وزیر و پیشکار خود را به استمالت اسدخان فرستادند و عساکر نواب شاهزاده اطراف دز را احاطه نمود. اسدخان چون دید مفتری و چاره ای جز آمدن به حضور شاهزاده نیست نصایح میرزا محمد لواسانی را پذیرفته از قلعه به زیر آمد و با ضراعت و استکانت عذر تقاعد از خدمت را بخواست و معذرت او قبول و معفو گردید و اطمینان کامل حاصل نموده به راه انقیاد و اطاعت رفت و ترک خودسری و راهزنی نمود — هم در این سال نواب شاهزاده علی خان ملقب به

ظلّ السلطان شده ایالت دارالخلافه طهران را به شاهزاده معزی الیه تفویض فرمودند و نواب اسمعیل میرزا به حکومت ترشیز منصوب شد — و میرزا موسی رشتی که از جانب نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه نیابت یزد داشت احضار گردیده به وزارت خراسان برقرار و روانه شد، و حکومت یزد را به محمدزمان خان پسر نظام الدوله اصفهانی مرحمت فرمودند — هم در این سال حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی که به سفارت به دربار دولت روس رفته بود و به واسطه جنگ روس و فرانسه امپراطور روس الکساندر به فرانسه و نمسه رفته بودند و سفیر مشرّالیه در خارج شهر پترزبورغ توقف کرده منتظر قدوم امپراطور معظم بود به حضور ایشان مشرف و مورد الطاف کامله گردیده عهدنامه منعقد بین دولتین ایران و روس به امضای امپراطور روس رسید و الکساندر یرملوف سردار گرجستان به سمت وزیر مختاری از جانب دولت مأمور ایران شد و مقرر گردید که وزیر مختار مشرّالیه در موعدی معین در چمن سلطانیه شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه گردد و عسکرخان افشار ارومی به مهمانداری سفیر رفت و حکم شد میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله به ولایت خمسه رود و پس از ورود سفیر مزبور او را در چمن سامان ارخی یکفرسخی سلطانیه نزول دهد و میرزا فضل الله علی آبادی با معتمدالدوله همراهی کرده مواظب لوازم و مخارج سفیر باشد — هم در این سال نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه از ارض اقدس عزیمت هرات فرموده در اوایل ماه جمادی الاولی به خبوشان رسیدند و رضاقلی خان ولد امیرگونه خان طوعاً و کرهاً به خدمت شاهزاده آمد و روز دیگر خوانین خراسان یعنی نجفقلی خان شادلو حاکم بزنجرده و بیگلرخان چاپشلو حکمران دره جز و سعادتقلی خان بغایرلو حاکم جهان ارغیان و قوجه خان کیوانلو حاکم رادکان نیز به حضور شاهزاده معظم مشرف شدند و ملتزم خدمت گردیدند و دوهزار سوار برای التزام رکاب والا معین کردند پس از چندی اردوی شجاع السلطنه به منزل سنگ بست جام نزول نمود و محمدخان قرائی تربتی در این محل به حضور شاهزاده شرفیاب گردید، و هنگام عبور از حوالی محمودآباد که در تصرف بنیادخان هزاره بود قلعه گیان تفنگی به طرف اردو خالی کردند، شجاع السلطنه به تسخیر قلعه حکم دادند، عبدالله خان ارجمندی فیروزکوهی

و رستم خان قراگوزلو و مطلب خان دامغانی و اسمعیل خان سردار به قلعه یورش بردند و قلعه را مسخر کردند و جمعی کثیر از هزاره مقتول و دستگیر و اموال زیادی از آنها به غارت رفت و در روز ورود به تربت شیخ جام عطا محمدخان افغان از جانب والی هرات به تسلیم قلعه غوریان و اطاعت به دولت ایران آمد، نواب شجاع السلطنه چون اطمینان به اقوال مشارالیه نداشتند از جام به کوسویه رانندند و میرحسن خان عرب زنگوئی حاکم تون و طبس در آن منزل به خدمت ملازمان نواب شاهزاده شتافت و روز دیگر به غوریان رفتند و از آنجا روانه شکیان شدند بعد از ورود به پل نقره معلوم شد شمشالچیان حاجی فیروزالدین میرزا در مصلائی هرات و تل بنگیان مستعد مدافعه می باشند و والی هرات خود در شهر آسوده است. لشکر نصرت اثر بر شمشالچیان مزبور حمله کرده بسیاری از آنها را به راه عدم فرستادند و نواب شاهزاده در کنار رود انجیل سنگری بسته سران سپاه را بتاخت اطراف هرات حکم دادند حاجی فیروزالدین میرزا کلید غوریان را با پتجاه هزار تومان تسلیم کرد و متقبل شد که خطبه و سکه کماکان به اسم اعلیحضرت خاقان باشد لهذا موکب والا عازم بادغیسات و بیشه هزاره گردید و اسمعیل خان سردار در دره بام با بنیادخان هزاره مصاف داد و شکستی فاحش خورد و لشکر او متفرق شدند پس از این واقعه نواب شجاع السلطنه مراجعت کردند ... هم در این سال در دارالخلافه به جشن عروسی و سور نواب شاهزاده علی خان ظل السلطان و نواب اللهویردی میرزا پرداختند و آلکساندر یرملوف وزیر مختار دولت روس که خود را از نبایر جوجی خان بن چنگیزخان می دانست از تفلیس به طرف ایران حرکت کرد و عسکرخان افشار مهماندار او در اوچ کلیسا به وزیر مختار رسید و روانه ایروان شدند و حسن خان برادر حسین خان سردار با پنجهزار سوار او را استقبال کرد و سردار خود در خارج ایروان در خرگاهی وسیع با تشریفات لایقه ایلچی روس را پذیرفت و هنگام ورود به تبریز نیز از جانب حضرت مستطاب نایب السلطنه پذیرائی کامل از مشارالیه به عمل آمد و آخر الامر در چمن سامان ارنی نزول کرد تا روز ورود موکب اعلیحضرت همایون به سلطانیه وزیر مختار روس با شرایط اعزاز درک حضور مکرمت ظهور خاقانی نموده تحف و هدایای خود را تقدیم کرد و از جمله

هدایا فیل و هودجی از زر سرخ بود که با کلید آنرا کوک می کردند و به حرکت در می آمد و سه قطعه آینه بود که هریک دو ذرع و نیم طول داشت، و زیاده از یک ذرع عرض، و کمتر از یک چهار یک ذراع ^۱ یخن، و آن آینه ها مخصوص عمارات سلطنتی دارالخلافه شد — هم در این اوان منجملی خان خلیج به سفارت به دربار عثمانی مأمور و نامه ای مبنی بر موافقت به سلطان محمودخان سلطان عثمانی مرقوم شد — هم در این سال میرزا خلیل الله (شاه خلیل الله) ابن میرزا ابوالحسن مرشد طایفه اسمعیلی در یزد مقتول شد — میرزا خلیل الله مزبور چندی حاکم کرمان و بعد ساکن محلات قم و یزد بود، در این سال میان ملازمان او و اهالی یزد نزاعی در گرفت و او در آن نزاع کشته شد، و از آنجا که از سادات حسینی بود و به واسطه ریاست بر اسماعیلیه در ایران و هندوستان اعتباری داشت به حکم اعلیحضرت همایون اهالی یزد را سیاستی بسزا نمودند و آقاخان ولد اکبر میرزا خلیل الله به شرف مصاهرت پادشاهی و حکومت قم و محلات نایل آمد — هم در این سال نواب شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس محمدزکی خان نوری سردار فارس را مأمور به تأدیب اعراب جواسمی ساکن بندر مغویه فرمودند و سردار مزبور به محل ماموریت خود رفته به قتل و نهب پرداخت — هم در این سال موکب همایون عزیمت مازندران فرموده چندی در عمارت بحرالارم بارفروش به شادمانی گذرانیده پس از آن به دارالخلافه باهره معاودت فرمودند — هم در این سال محمودشاه حکمران کابل و قندهار فتیح خان افغان را که وزارت آن حدود داشت و مردی بی باک بود به عنوان معاونت فیروزالدین میرزا به هرات مأمور نمود و او به ظاهر هرات نزول کرده پس از ملاقات هنگام وداع حاجی فیروزالدین میرزا را بگرفت و به قندهار فرستاد و امرای او را معزول و اهل و اموال او را ضبط و تصرف نمود و حاجی آقاخان وزیر و عبدالرشیدخان افغان را به قتل رسانید و خود به حکومت هرات پرداخت و برادر خود کهندل خان را به تسخیر غوریان فرستاد و امرا و خوانین خراسان را با خود متفق ساخت و رحیم خان خوارزمی را نیز محرک شده رحیم خان

بر سر سرخس آمد — مقتول شدن حاجی میرزا محمد اخباری معروف در کاظمین در غوغای عوام و کرامات زیاد نسبت به این عالم داده اند.

اروپا — (آلمان) — بعد از کنگره وینه مجلس شورای به ریاست دولت اطیش برای تمام دول آلمان در شهر فرانکفورت منعقد نمودند و این شورای موسوم به شورای دیت ژرمانیک گردید — فوت فردریک پادشاه وورتمبرگ و جلوس پسرش گبلیوم اول به جای او. (انگلیس) — منازعه عساکر انگلیس با والی الجزایر و محکم کردن والی مشارالیه قلعه الجزایر را. (فرانسه) — ایجاد کمپانی به جهت سفاین تجاری. (پرتوغال) — فوت ماری ملکه پرتوغال — پسر این ملکه که پادشاه برزیل بود و موسوم به ژان ششم پادشاهی پرتوغال را ضمیمه لقب سلطنتی برزیل می نماید ولی از این مملکت به پرتوغال نیامده و فی الواقع پرتوغال در تحت حکمرانی انگلیسها می باشد. (روس) — شهر مسکورا که آتش زده بودند تعمیر می کنند. (عثمانی) — در سربستان عثمانیها قرا و آبادیها را آتش می زنند و بر جان و ناموس احدی ابقا نمی نمایند — چوپان زاده اُبرُتُویج نام ریاست شورشیان را که بر ضد عثمانی هستند می نماید.

امریکا — (بنگی دنیای جنوبی) — بلیوار نام در مملکت ونیزوئلا بنای یاغیگری را با دولت اسپانیا گذاشته با عساکر این دولت جنگ می کند — مملکت پلاتا نیز آزادی خود را از اسپانیول طلب می نماید.

[سنه ۱۲۳۳ هجری = ۱۸۱۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب اصفهانی را به استمالت امرا و خوانین خراسان مأمور فرمودند، و ذوالفقارخان و مطلبخان را به مدافعه لشکر خوارزم و افغان مثال دادند و حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی به سفارت انگلیس رفت و هدایا به صحابت او برای امپراطور نمسه و لوی هیجدهم پادشاه فرانسه و به جهت پادشاه انگلستان

ارسال نمودند و میرزا عبدالحسین خان همشیره زاده میرزا ابوالحسن خان به سفارت نمسه معین و با مشارالیه به محلّ مأموریت خود رفت، و موکب همایون تشریف فرمای چمن نمکه و ساور گردید — هم در این سال فتح خان افغان با لشکر فراوان عزیمت ارض اقدس نمود و محمدخان قرائی و ابراهیم خان هزاره بدو گرویدند. نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه با لشکر جرّار از ارض اقدس برای دفع فتح خان حرکت کرد و درکال یاقوتی معتمدالدوله و خوانین سمنان و دامغان به نواب معظم پیوستند و فتح خان افغان با سی هزار نفر سوار افغان و هزاره در کوسویه مُستعد جنگ شد. نواب شجاع السلطنه بُنه و آغروق را در کافرقلعه گذاشته در میان رباط کافر و کوسویه با فتح خان به مقاتلت پرداختند پس از جنگی سخت لشکر افغان منهزم شد و گلوله بر دهان فتح خان آمده راه فرار پیش گرفت و در این حیص و بیص معتمدالدوله جمعیت بنیادخان را گمان اردوی شاهزاده کرده به میان آنها رفت و دستگیر شد. نواب شجاع السلطنه رقم حکومت باخرز و کوسویه و غوریان را برای بنیادخان فرستادند و او نیز معتمدالدوله را با تدارکی شایسته به حضور شاهزاده فرستاد — هم در این اوان موکب همایون با لشکری جرّار به بام ورود نمود و به محاصره قلعه بام اشارت فرمودند و بعد از دو روز قلعه به تصرف عساکر منصوره درآمد مرتضی قلی خان برادر سعادتقلی خان بغایری که در قلعه بام بود با قرآن و شمشیر به حضور مبارک آمد و او و برادرش هردو معفو شدند و از اتفاقات آنکه خاقان کشورستان روزی در قلعه بام گردش می کردند گلوله ای از قلعه به طرف اعلیحضرت پادشاهی انداختند، آن گلوله به یکنفر از غلامان که در نزدیکی بود خورد و از اسب درغلطید و باینکه مرتکب به دست آمد او را عفو فرمودند — هم در این اوان رحیم خان خوارزمی که از حرکت و انتهاز موکب خاقانی خبردار گردیده راه فرار پیش گرفته به خبوه شتافت و خوانین خراسان طوعاً و کرهاً مطیع شدند و حکم همایون به محاصره خبوشان شرف صدور یافت و رضاقلی خان به قلعه شیروان گریخت و به میرزا محمدشفیع صدراعظم متوسل شد. صدراعظم با میرزا رضای قزوینی منشی و میرزا فضل الله علی آبادی مازندرانی و مستوفی میرزا فضل الله خاوری شیرازی برای اطمینان او به شیروان رفتند ولی

رضاقلی خان مطمئن نگردیده صدراعظم مراجعت نمود و نواب شجاع السلطنه با خوانین و اکابر و امرای خراسان به اردوی همایون پیوستند و میزبانی خوانین و امرا را که یک هزار و پانصد نفر بودند حاجی محمدحسین خان نظام الدوله اصفهانی برعهده گرفت و طوری اینکار را به انجام رسانید که محلّ تعجب بزرگان گردید. گویند در این اوان در شبی تاریک در گودالی عمیق که فاضل آب مطبخ نظام الدوله بود دو نفر ترکمان افتاده غرق شدند — بالجمله چون کار خوبشان و رضاقلیخان یکسره نشده بود فرمان همایون به محاصره این بلده و تاراج ایلات و احشامات و توابع و لواحق قلعه جات رضاقلی خان زعفران لوصادر گردید، و پس از تاخت و تاز و غلبه، رضاقلی خان وسایل و شفا برانگیخت و کدخدایان و زنان و پسران ایل خود را با توپ و خمپاره و زنبورک و جزایر و شمشال و تفنگ و گروگان به اردوی معلی فرستاد و مورد بخشش و عاطفت خاقانی گردید، و به شاه محمود والی قندهار و کابل حکم شد فتح خان را گرفته مقتداً به حضور مبارک فرستد یا از حلیه بصر عاری سازد، شاه محمود شقّ آخری را اختیار و اطاعت نمود و از پیشگاه همایون خلعتی فاخر و خنجری مرصع به جهت حاکم هرات مرحمت شد و امیرحسن خان عرب زنگونی وکیل خراسان لقب یافت و امرای این ایالت مرخص شده به اوطان خود بازگشتند و اعلیحضرت خاقان کشورستان به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء فایز گردیدند و پس از شش روز توقف در ظاهر شهر مشهد مقدس به دارالخلافة معاودت فرمودند — ولادت نواب سلطان مرادمیرزا (حسام السلطنه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه در ماه ربیع الثانی این سال — ولادت نواب والا فرهادمیرزا (حاجی معتمدالدوله) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه و لبعهد در ماه جمادی الاولی این سال — هم در این سال چاپ حروف که به فرانسه تیگرافی گویند به توجهات حضرت نایب السلطنه در ایران رواج یافت و بعضی شروع و رواج این صنعت را در ایران از وقایع سال قبل دانسته — ولادت نواب شاهزاده یحیی میرزا.

اروپا — (انگلیس) — فتوحات انگلیس در هند — استیلای انگلیس این اوقات تا

سواحل رود پنجاب امتداد دارد. (فرانسه) — در این دو سال که قحطی بروز کرده است دولت فرانسه به مبلغ گزاف از دولت روس گندم ابتیاع می کند — شهر پاریس به واسطه چراغ گاز روشن می شود — مادام استائیل نویسنده معروف وفات می کند. (روس) — مزاجت گراندوک نیکلا برادر امپراطور روس با دختر پادشاه پروس.

[سنه ۱۲۳۴ هجری = سنه ۱۸۱۸ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال خالق داودخان درانی با یک زنجیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و مبلغی زر نقد از جانب شاهزاده کامران به دربار خاقان کشورستان فتحعلی شاه آمده معروض داشت که:

«بعد از فتیح خان و مقتد نمودن برادرش شیردل خان شاه محمود از فراه به قندهار رفت و به فکر کار افتاد. و پردل خان برادر دیگر فتیح خان جمعی را در قلعه نادعلی دور خود جمع کرد و به مخالفت با شاهزاده کامران برخاست و برادران محبوس خود فتیح خان و شیردل خان را خواست. شاهزاده کامران ناچار آنها را به پردل خان تسلیم نمود. و در این حال برادران دیگر فتیح خان که هریک در صوبه ای صوبه دار و حاکم با اقتدار بودند از واقعه آگاه گشته بنای طغیان را گذاشتند. محمد عظیم خان که صوبه دار کشمیر بود دوست محمدخان و یار محمدخان برادران خود را به پیشاور فرستاد و شاهزاده ایوب را به تخت نشانیدند و با شاه محمود جنگ سختی کرده او را منهزم ساختند و شاهزاده ایوب الکای پیشاور را تا حدود جلال آباد به تصرف درآورد. و دیگر باره محمد عظیم خان برادر دیگر خود عبدالجبارخان را با استعدادی شایان به همراهی دوست محمدخان به تسخیر کابل روانه کرد، و محمد زمان خان برادرش را به هندوستان فرستاده شجاع الملک ولد تیمورشاه را که به دولت انگلیس پناه برده بود طلبیده بیاوردند و به تسخیر کابل و سیستان عزیمت کردند و کار افغانستان پریشان شده و جز هرات و قندهار حصاری در دست محمود

و کامران نمانده.»^۱

اعلیحضرت خاقان فرستاده کامران میرزا را مطمئن فرموده معاودت دادند — هم در این سال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس به دارالخلافه احضار شده و با برادر کهنتر خود حسنعلی میرزای ملقب به شجاع السلطنه ملاقات کردند — و امیرکبیر حاجی محمدحسین خان مروزی قاجار عزالدینلو که ملقب به فخرالدوله بود در طهران وفات یافت. و از مآثر خیریه حاجی محمدحسین خان مروزی مدرسه مشهور به مدرسه مرویست در دارالخلافه، که الی الآن به احسن وضع و نظام دایر است — هم در این سال پولکونیک مرزاویج که در تفلیس و به وکالت این دولت منصوب بود به اظهار الکساندر یرملوف سردار گرجستان به آستان ملایک پاسبان همایون آمد و پس از چندی به اتفاق میرزا محمدعلی مستوفی آشتیانی مأمور خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیده در تبریز متوقف شد و نواب شجاع السلطنه حکمران خراسان به ارض اقدس بازگشت و اسمعیل خان دامغانی به ملازمت و خدمت شاهزاده مأمور شد — هم در این سال موکب همایون تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید، و داودپاشا والی بغداد که به اعانت نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه والی کرمانشهان در حکومت بغداد مستقل شده بود در این ایام به راه خلاف رفت نواب شاهزاده دولتشاه از کرمانشهان به کردند رفتند و سپاهی به تاخیت و تاز حوالی و اطراف بغداد فرستادند و عیسی خان امیرآخور نیز با ده هزار نفر از قشون نصرت نمون به رکاب دولتشاه پیوست. داودپاشا کار را سخت دیده آقااحمد کرمانشهانی را که از اجله علما بود شفیع قرار داد و احمد چلبی را با پیشکشی لایق به حضور حضرت شاهزاده معظم فرستاد و از خطرها آسوده گردید — هم در این سال رعایای گیلان از خسروخان گرجی حاکم خود شاکی شدند و نواب شاهزاده محمدرضا میرزا را به حکمرانی خود مستدعی شدند و مسئول ایشان مقبول شد — هم در این سال حضرت مستطاب شاهزاده معظم نایب السلطنه به

۱. این قسمت از روضه الصفای ناصری خلاصه شده به همین سبب گزارشی که خالق داودخان به فتحعلی شاه داده اندکی نامفهوم است. بهتر است محققین به خود روضه الصفا مراجعه فرمایند.

تقبیل عتبه علیه خاقانی آمده پس از ادراک حضور موهبت ظهور پادشاهی و دریافت مکارم موفوره با میرزا بزرگ قایم مقام به تبریز مراجعت فرمودند و اردوی کیوان شکوه خاقانی از سلطانیه به دارالخلافه بازگشت — هم در این سال میرزا محمدشفیع صدراعظم در قزوین وفات یافت و حاجی محمد حسین خان نظام الدوله اصفهانی که ثانی حاتم و از اسخیای عالم بود به منصب صدارت عظمی نایل آمد و وزیر اعظم تاریخ این امر است — هم در این سال خوانین خراسان ربهقه اطاعت نواب شجاع السلطنه را بر ربهقه انقیاد خود نهادند و اسمعیل خان سردار از خدمت شاهزاده معظم به دربار معلی مراجعت کرد — ولادت نواب زکریا میرزا، و محمدامین میرزا، و سلطان حمزه میرزا، و سلطان احمد میرزا، فرزندان خاقان کشورستان.

اروپا — (آلمان) — پسر ناپلیون با مادرش که دختر پادشاه اطریش است و پیش از این به خاک اطریش پناه برده در این سال امپراطور اطریش به پسر ناپلیون که نوّه دختری او است لقب دوک ریشس تاد می دهد. (انگلیس) — سنگاپور را در هند انگلیسها در این سال ابتیاع نمودند. (دانمارک) — ایجاد بانک در این مملکت. (فرانسه) — قشون دول متحده که هنوز در خاک فرانسه بودند مملکت فرانسه را تخلیه کرده خارج می شوند — ملاقات امپراطور روس و امپراطور پروس با لوی هیجدهم پادشاه فرانسه — نقشه مملکت فرانسه امسال رسم می شود. (ایطالیا) — زلزله سخت در میسیل و در بلاد مجاور کوه اتنا. (روس) — در این سال اول تاریخ این مملکت را کارافتنس تألیف می نماید. (سوئد) — فوت شارل سیزدهم پادشاه سوئد و جلوس برنادت سردار فرانسه که ولیعهدی این دولت را داشت به جای او و موسوم نمودن خود را به شارل چهاردهم.

افریقا — (مصر) — محمدعلی پاشا و پسرش ابراهیم پاشا که مدت شش سال با جماعت وهابی می جنگیدند بالاخره آن جماعت را مقهور و مضمحل نموده رئیس آنها عبدالدین نام را محمدعلی پاشا مغلولاً به اسلامبول فرستاد و عبدالدین در اسلامبول مقتول شد — اختتام کار عبدالدین را بعضی از مورخین از وقایع سال هزار

و دویست و سی و شش دانسته چنانکه در سوانح آن سال ذکر خواهد شد.
محمدعلی پاشا قشون خود را به وضع عساکر اروپائی تربیت می کند.

امریکا - (ینگى دنیای جنوبی) - مملکت شیلی خود را از تحت سلطنت
اسپانیول خارج کرده دم از استقلال می زند.

[سنه ۱۲۳۵ هجرى = ۱۸۱۹ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در این سال به امر خاقان کشورستان اعلیحضرت فتحعلی شاه
عقد مزاجت و ازدواج فیما بین نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (اعلیحضرت
محمدشاه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا و صبیّه محترمه نواب
امیرکبیر محمد قاسم خان بن امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله قاجار به میمنت و
مبارکی منعقد گردید و جشنی شایان در دارالخلافت باهره گرفتند و در این ضمن
صبیّه مرحوم میرزا شفیع صدراعظم در حباله نکاح همایون میرزا درآمد - نیز صبیّه
نواب محمدقلی میرزای ملک آرا حکمران مازندران در سلک مزاجت امیر
سلیمان خان فرزند نواب امیرکبیر محمد قاسم خان منسلک گردید. و پس از انجام
این امور خیریت منظور موکب منصور خاقانی به زیارت حضرت معصومه سلام الله
علیها و تفرج فین کاشان انتهاض فرمود و پس از مراجعت سلیمان افندی سفیر
سلطان محمودخان سلطان عثمانی به حضور مبارک مشرف شده و بعد از چندی
اقامت در دربار همایون به خلاع فاخره مخلع گردید و اذن معاودت حاصل نمود -
هم در این سال عبدالصمدخان بارکزائی افغان از جانب شاه محمود و کامران
میرزای افغان با هدایا و تحف به دربار خاقان مملکتستان آمده از تطاول برادران
فتیح خان شکایت و تظلم نمود و حکم همایون به نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا
والی خراسان در امداد شاه محمود و کامران میرزا شرف صدور یافت و عبدالصمدخان
با مسرت خاطر معاودت کرد - هم در این سال سفیری از جانب امپراطور روس
آلکساندر اول به دربار همایون آمده از جمله هدایا که امپراطور معظم برای
اعلیحضرت پادشاهی ارسال داشته حوض بلور معروف و مشهور است که در عمارت

بلور نصب شد — هم در این سال چون بعد از معاودت عبدالصمدخان افغان شاه محمود به اغوای بنیادخان هزاره و اویماقات جمشیدی پرداخت نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه عزیمت هرات فرمود و به تربت حیدریه متوجه شده ولایت باخرز و آن حدود را که بنیادخان متصرف بود مسخر نمود و به امیرقلیچ خان تیموری سپرد و امیرحسن خان طبسی و محمدخان قرائی در این سفر در رکاب شاهزاده معظم بودند و امیرحسن خان شاهزاده را از گرفتن محمدخان قرائی مانع بود از قضایای اتفاقیه امیرحسن خان طبسی این ایام درگذشت و ملازمان نواب شاهزاده محمدخان را گرفته بند نهادند و به تربت حیدریه رفتند برادران محمدخان و مادرش از در اطاعت و ضراعت درآمده قلعه تربت را به تصرف ملازمان نواب شجاع السلطنه دادند و این وقایع را به عرض آستان همایون رسانیده فرمان همایون صادر شد که اگر نواب شاهزاده صلاح می داند تربت را مجدداً به محمدخان واگذار کند. نواب شاهزاده چنین کردند یعنی محمدخان را مخلف و رها نموده به قلعه او تشریف بردند و او نیز خدمت‌های شایان نمود و خواهر خود را در حباله نکاح شاهزاده درآورد. شاه محمود که از این وقایع مستحضر گردید متوختش و پشیمان شد و از اغوا و تحریک دست کشیده هدایا و پیشکشی برای نواب شجاع السلطنه فرستاده بنابراین شاهزاده معظم به ارض اقدس آمدند و وکالت طبیس حسب الوراثة به امیر علینقی خان بن امیرحسن خان تفویض شد — هم در این سال چون نواب شاهزاده محمدرضا میرزا والی گیلان حُسن ظنی به صوفیه سلسله نعمت‌اللهی بهم رسانیده و جمعی تشبه به این طایفه بسته دور شاهزاده را گرفته بودند، این فقره به وجهی شنیع به عرض آستان همایون رسید برای آنکه این ازدحام مورث غایله‌ای نگردد موکب خاقانی به شکار ولایت طارم انتهاض فرمود و حضرت مستطاب نایب السلطنه به حضور مبارک تشریف جستند و پس از تفرج و شکار مراجعت به تبریز نمودند و در قریه لوشان نواب محمدرضا میرزا و اهالی گیلان حسب الامر شرفیاب آستان پادشاهی گردیدند و بعضی سیاست و تنبیه شده و جمع صوفیه به تفرقه مبدل گشت به علاوه فاضل خان گروسی جارچی باشی را مأمور فرمودند که به همدان رفته از حاجی محمدجعفر قراگوزلو از مشاهیر عرفا و آقا سیدحسن همدانی که او نیز از

اعظام سلسله مزبوره بود دوهزار تومان به رسم مصادره دریافت نماید و همانا این عمل به سعایت ارباب اغراض بوده و الا جلالت قدر حاجی محمدجعفر و آقا سیدحسن معلوم و معین است — هم در این سال سرخای خان لگزی و مصطفی خان شیروانی و مهدیقلی خان جوانشیر از تناول گماشتگان دولت روس به ستوه آمده روی توسل به دربار خاقان عظیم الاقتدار نهادند و به الطاف شاهانه نایل گردیدند — هم در این اوان عبدالله خان امین الدوله به جهت تفریغ محاسبات گیلان مأمور رشت شد — وفات میرزا معصوم محیط ولد میرزا بزرگ قایم مقام فراهانی — وفات میرزا صادق ناطق شاعر اصفهانی.

اروپا — (انگلیس) — شورش سخت در شهر منچستر — نیز شورش در ارلند — مسافرت فرانکلن به قطب شمال.

[سنه ۱۲۳۶ هجری = سنه ۱۸۲۰ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال فیما بین ایلات بختیاری و ایلات ترک قشقایی ساکن فارس نزاعی در گرفت و اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه نواب امیر محمد قاسم خان قاجار را به اصلاح امر آنها مأمور فرمودند. و حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی که مدت سه سال بود به سفارت فرنگ و ممالک عثمانی و نمسه و فرانسه و انگلیس رفته با امضای انگلیس در ولایتعهد حضرت مستطاب نایب السلطنه به دربار دولت علیه بازگشت و پادشاه انگلستان یک حلقه انگشتری الماس گرانبها به مبارکی و تهنیت ولیعهدی حضرت مستطاب معظم برای ایشان ارسال داشتند — هم در این سال به جهت تخطی ایلات و بدسلوکی گماشتگان دولت عثمانی با حجاج ایرانی کدورتی فیما بین دولتین ایران و عثمانی در گرفت و چون طایفه وهابی ساکن نجد نیز بدرفتاری با حاج می کردند حاجی حیدرعلی خان برادرزاده حاجی ابراهیم خان شیرازی بر حسب امر اعلی با محمدعلی پاشا والی مصر ملاقات کرده از سوء سلوک طایفه وهابی در نجد شرحی اظهار داشت، محمدعلی پاشا فرزند خود ابراهیم پاشا را به نجد فرستاد شهر درعیه را خراب کرد و

عبدالدين مسعود را گرفته روانه اسلامبول نمود و عبدالدين مسعود در اسلامبول مقتول شد — هم در اين سال خوانين خراسان مجدداً در خيانت و نفاق اتفاق کردند و معتمدالدوله ميرزا عبدالوکاب اصفهانی به خراسان مأمور شد و نواب شجاع السلطنه به موجب احضار به حضور مکرمات ظهور مبارک آمد و با نورمحمدخان قاجار دولو به خراسان معاودت نمود، و موکب همایون به عزم خراسان روانه چمن خوش يلاق گردید. خوانين خراسان چون از انتهاض موکب اعلى خبردار شدند هراسان گشته به اردوی معلى آمدند و روانه طهران گردیدند ولی بنیادخان هزاره با ده هزار پیاده و سواره در قلعه کاريز من اعمال باخرز با عساکر نواب شجاع السلطنه مصاف داده مغلوب و منهزم شد و احمال و اثقال او به تصرف سپاه نصرت همراه درآمد، و نواب شاهزاده تا حوالی هرات رانده ميرزا موسى وزير شاهزاده به هرات ورود نمود و با پیشکشی حاکم هرات بازگشت. و از آنجا که ترکمانان تگه ساکن بام و بورمه در سال قبل در حوالی جوین تاخت و تاز و شرارتی کرده بودند در اين سال برحسب امر قضا مثال خاقانی نواب محمدقلی ميرزای ملک آرا حکمران مازندران لشکری به تدمير آن جماعت فرستاده در اوبه آنها ریختند و به قتل و غارت پرداختند — هم در اين سال خاقان بیهمال دری مرصع که به قیمت ده هزار تومان تمام شده بود مصحوب امین الدوله به روضه مقدسه رضویه علی ساکنها الف سلام و تحیه ارسال داشتند و امین الدوله آن در را نصب کرده مراجعت نمود — هم در اين سال دومرتبه در شیراز زلزله شدید شد و بسیاری از عمارات و ابنیه را منهدم کرد و جمعی هلاک شدند — هم در اين سال ایلات حیدرآندلو و سبکی به خاک عثمانی رفتند و حسن خان سردار به کوچانیدن و معاودت دادن آنها مأمور شد سلیمان پاشا والی بایزید و آن حدود به منازعت و مضایقت پرداخت، بعد از آن چون خسرو محمدپاشا به سرعسکری منصوب شد بر سوءسلوک افزود و ایلات را رد نکرده دعوی چهریق من توابع سلماس را نمود، و حاجی علی بیگ کدخدای تبریز را که به استرداد ایلات رفته گرفته حبس کرد لهذا موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه به امر همایون متوجه حدود ارزنة الروم گردید و حسن خان سردار قاجار قزوینی را از پیش روانه فرمودند. حسن خان در حوالی تپراق قلعه با خسرو محمدپاشای سرعسکر

مصاف داده سرعسکر به حصار تپراق قلعه گریخت، سردار به قلعه یورش برده چهارهزار نفر از عساکر عثمانی را به راه عدم فرستاد سرعسکر فرار کرد و تپراق قلعه را سردار ایران متصرف شد. حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از چالدران به جانب بایزید حرکت فرموده قلعه زنگ زور^۱، و قلعه آق سرای را مسخر فرمودند و بهلول پاشا مطیع شد. حسن خان سردار در جامع بایزید رفته و خطبه به نام خاقان کشورستان خواندند و شانزده عراده توپ از این قلعه جات به چنگ عساکر منصوره افتاد و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه عزیمت ارزنة الروم فرموده، حاجی حسن پاشای چچن^۲ اقلی سرعسکر بایزید به قلعه سنگ رفت و از آنجا به ارزنة الروم گریخت. محمدزمان خان دولوی قاجار و حسن خان قاجار قزوینی فراریان را تعاقب کردند. در این حیص و بیص به عرض حضرت مستطاب نایب السلطنه رسانیدند که سلیم پاشا والی ارمینیه دور محمدخان دولوی قاجار را گرفته، لهذا موکب والا به طرف محمدخان راندند. عساکر عثمانی از جلو قشون و سپاه حضرت مستطاب معظم فرار کردند و محمدزمان خان به آوردن ایل حیدرانلو رفت و از آنجا که آنها فرار کرده بودند قرا و قصبات عرض راه را غارت کرد، و پنجهزار نفر اسیر و هفده عراده توپ و دویست هزار رأس دواب و اغنام از آن نواحی گرفته مراجعت نمود، و اسمعیل خان بیات قلعه ملادگرد را مسخر ساخت و حسین خان به فتح قلعه شیر که معروف به موش است پرداخت، و با آنکه جنگ سختی کرد فتح قلعه میسر نشد. حضرت مستطاب نایب السلطنه از جبال شامخه و جنگل انبوه بر سر قلعه شیر آمده به محاصره مشغول شدند، اهل قلعه مصاحف کریمه را شفیع کرده امان خواستند. محمدحسین خان زنگنه نایب ایشیک آقاسی باشی سلیم پاشا را مطمئن کرده به حضور حضرت معظم آورد و در ازای اینخدمت ایشیک آقاسی باشی شد و میرزا

۱. روضة الصفا: قلعه زنگ و زور را به جنگ و زور مسخر کرد و کوتوال در آن بنشانند... به قلعه آق سرا رفته» چند سطر بعد در همین کتاب قلعه «زنگ زور» آمده است؟ و باز چند سطر بعد نوشته «شانزده عراده توپ از زنگ و زور و آق سرای... به دست عساکر ایران افتاد».

۲. روضة الصفا: حاجی حسن پاشای صحن اوغلی.

ابوالقاسم فراهانی (قایم مقام) به شهر بتلیس رفته خطبه به نام نامی پادشاهی خواند و قلعه جات خنوس و ارجیش نیز به سعی محمد زمان خان و حسن خان مفتوح گردید و سلیم پاشا را خلعت حکومت ارمینیه دادند و ده هزار نفر از ایلات آن حدود ملازم رکاب نصرت انتساب حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیدند و در این رکضت قلاع بایزید و آبشگرد و یادین و ملاذگرد و بتلیس و موش و خلاط و عادلجواز و ارجیش و خنوس سوای تپراق قلعه که حسن خان مفتوح کرده ضمیمه ممالک محروسه گردید و چهل و هشت عراده توپ از توپهای عثمانی مأخوذ شد و موکب حضرت مستطاب معظم مظفر و منصور مراجعت نمود - وفات عالی شاعر شیرازی.

اروپا - (انگلیس) - ژرژ سیم پادشاه انگلیس وفات نموده و ژرژ چهارم پسرش به جای او منصوب می شود و جلوس می نماید، و ملکه زوجه خود را که از شاهزاده خانمهای آلمان است متهم به زنا کرده محاکمه را به مجلس پارلمنت رجوع می نماید، بعد از ششماه ملکه را بی گناه می دانند. (اسپانیول) - شورش در داخله این مملکت و در مملکت ینگه دنیائی متعلقه به اسپانیول. (فرانسه) - دوک دبیری برادرزاده پادشاه را لوول نام مقتول می سازد - تولد ولیعهد دولت فرانسه که پسر دوک دبیری مقتول باشد و این پسر را موسوم به هانری کرده دوک دو بوردو لقب می دهند - ایجاد تلگراف برقی در فرانسه. (هلاند) - منازعه این دولت در جزیره سوماترا با یاغیان. (عثمانی) - علی پاشا حاکم یانینا یاغی می شود و بنای شورش می گذارد - یونانیها با علی پاشا متحد می شوند.

[سنه ۱۲۳۷ هجری - سنه ۱۸۲۱ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در ماه صفر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه وارد تبریز شدند و بنابر فتوحاتی که حضرت معظم نموده و شرح آن در سال گذشته مذکور شد یک قبضه شمشیر مرصع که مکمل به جواهر ثمینه بود اعلیحضرت همایون برای ایشان اعطا و ارسال فرمودند - هم در این سال چون محمود پاشای ولد عبدالرحمن پاشای بابان حاکم شهرزور فیما بین دولتین ایران و عثمانی تفتین می کرد و از

آن طرف اطاعتی هم به داودپاشای والی بغداد نداشت، جمعی از عساکر عثمانی با ده عراده توپ به امداد داودپاشا آمدند که شهرزور را متصرف شوند و محمود آقای کهیا نیز با ده هزار نفر به آنها پیوسته به طرف شهرزور راندند در این موقع محمودپاشا نیز به جانب عثمانی مایل و مصمم خلاف با دولت علیه گردید و عساکر عثمانی در کنار آب سیروان مقام نمودند. لهذا نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه با پانزده هزار پیاده و سوار و ده عراده توپ از کرمانشهان حرکت کردند و حسن خان فیلی نیز با جمعی از الوار لرستان ملحق به اردوی شاهزاده معظم شد و جنگ سختی فیما بین عساکر عثمانی و لشکر ایران در گرفته، آخرالامر قشون عثمانی شکست خورده راه فرار پیش گرفتند، و محمودپاشا نیز از عقب کهیا به خاک عثمانی گریخت و توپخانه و قورخانه و غیره پاشا و کهیا به تصرف سپاه ظفر همراه آمد و نواب شاهزاده دولت‌شاه به سلیمانیه نزول فرمودند و کهیا شمشیر خود را به گردن انداخته به اصطبل شاهزاده پناه جست و معفو شد پس از آن نواب شاهزاده به زیارت سرمن رای رفتند و عزیمت تسخیر بغداد نمودند ولی در منزل دلوعباس، به مرض اسهال مبتلا شده، مع هذا عساکر منصوره به تاخت حوالی بغداد می پرداختند تا ضراعت داودپاشای والی و شفاعت شیخ موسی نجفی اسباب مراجعت نواب شاهزاده گردید و در طاق گری به جهت غلبه ضعف توقف فرموده طبیب انگلیس از بغداد به معالجه آمد و مفید نیفتاد. در این حال اسدخان بختیاری و حسن خان فیلی را مرخص کردند و در شب پنجشنبه بیست و شش شهر صفر وقت سحر راه غرافات بهشت گرفتند و نعمش مرحوم شاهزاده را در تخت روان گذاشته به کرمانشهان آوردند و در ششم ربیع الاول این خبر محنت اثر به دارالخلافه رسید و میرزا تقی علی آبادی صاحب دیوان قصیدای در مرثیه مرحوم شاهزاده انشاد کرده که فرد منتخب آن اینست:

پس از دوران دولتشه یکی بگذر به کرمانشه

چنان ببینی مداین را که بی نوشیروانستی

عمر مرحوم شاهزاده سی و چهار سال و ده نفر اولاد داشتند: نواب محمدحسین میرزای حشمت الدوله، نواب طهماسب میرزای مؤید الدوله، نواب نصرالله میرزا،

نواب اسدالله میرزا، نواب فتح الله میرزا، نواب امامقلی میرزای عمادالدوله، نواب جهانگیر میرزا، و نورالدهر میرزا، و محمدرحیم میرزا، و ابوالحسن میرزا — خلاصه ولایت شاهزاده مرحوم به نواب محمدحسین میرزا مفوض شد و عیسی خان دامغانی امیرآخور به سرپرستی اهل و عیال شاهزاده به کرمانشهان رفت — هم در این سال، وبائی شدید از سمت هندوستان به سواحل عمان و گرمسیرات فارس سرایت کرد و قریب بیست هزار نفر تلف شدند و این ناخوشی وبا که به فرنگستان و سایر اقالیم نیز سرایت کرد و به فرانسه آن را گیلرا می گویند غیر از ناخوشی وبائیست که پیش از این در ممالک و بلاد ظهور و بروز می نموده و در کتب می نوشته اند. پس این اول دفعه ایست که این وبا که در معنی هیضه ردیه باشد در این ممالک دیده شده و پیش از این بروز آن منحصر به هندوستان بوده است — هم در این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید — هم در این سال محمدامین رؤف پاشا و جلال الدین محمدپاشای چیان اوغلی که از سردارهای معتبر عثمانی بودند با هفتاد هزار لشکر و توپخانه و چند نفر پاشایان دیگر از قبیل حافظ علی پاشا و ابراهیم پاشا به سرعسکری ارزنة الروم و جنگ با ایران مأمور شدند و به محض ورود به ارزنة الروم به استرداد قلاعی که پارسال از آنها منتزع شده بود پرداختند. محمدامین رؤف پاشا در ارزنة الروم توقف کرد و جلال الدین محمدپاشا با سایرین به ولایات وان و بایزید راند. حضرت مستطاب نایب السلطنه در اواخر شعبان با افواج و توپخانه از تبریز به خوی آمدند و سعیدآقا نام سیواسی را به نصیحت نزد رؤف پاشا فرستادند ولی ثمری نکرد. از اینطرف اعلیحضرت همایون اللهیارخان دولوی قاجار را با ده هزار پیاده و سوار به امداد حضرت مستطاب نایب السلطنه از سلطانیه روانه فرمودند و حضرت معظم در وسط ماه رمضان از خوی به چالدران رفتند و معلوم شد جلال الدین محمدپاشا و سایر پاشایان به طرف تُپراق قلعه رانده حافظ علی پاشا به فتح قلعه مشغول و جلال الدین محمدپاشا سنگری محکم بسته و در آن سنگر نشسته و ابراهیم پاشا از خارج سنگر او را محارست می نماید. خلاصه دسته جات عساکر منصوره به حرکت آمده و در بعضی مواضع باهم تلاقی زد و خورد می نمودند تا اردوی حضرت شاهزاده به

حوالی تُپراق قلعه رسیده جنگ سختی فیما بین در گرفت و پس از کشتش و کوشش سپاه ظفر همراه غلبه کرده ابراهیم پاشای مستحفظ سنگر بگریخت و جلال الدین محمد پاشای چیان اوغلی نیز از تسخیر تُپراق قلعه صرف نظر کرده به ارزنة الروم فرار کرد. سایر پاشایان نیز هریک به طرفی شتافتند و توپخانه و قورخانه و سایر احوال و ائقال سه اردو به تصرف عساکر منصوره درآمد و حضرت مستطاب نایب السلطنه مظفر و منصور به منزل خالباز نزول کردند و میرزا محمد تقی آشتیانی را به ارزنة الروم نزد محمد امین پاشا فرستادند. پاشای مشارالیه اظهار خلوص کرده و قرار مصالحه و مراجعت لشکر را به اول بهار داد و موکب والا به تبریز بازگشت، و حسن خان قاجار قزوینی که در این جنگ رشادت و جلادتی ظاهر ساخته ملقب به ساری اصلان (سارواصلان) گردید — هم در این سال میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله مأمور خراسان شد و اعلیحضرت خاقان قصد زیارت عتبات عالیات و تسخیر بغداد فرموده اولاً نواب محمد حسین میرزا والی کرمانشاهان را با امیر محمد قاسم خان قوئلوی قاجار و لشکریان دارالمرزی و استرآبادی به طرف عراق عرب مأمور و نواب عبدالله میرزا والی خمسه را با سواران خمسه و پیادگان سمنانی و دامغانی و خوانین سمنان به تسخیر شهرزور فرستادند و فضل علی خان قاجار و امان الله خان والی کردستان را با سواره خود نیز به حرکت امر فرمودند و میرزا فضل الله علی آبادی به نگارش لشکر و دادن علوفه و مواجب قشون محکوم گشت، و موکب همایون در سیم ذیحجه از چمن سلطانیته انتهای فرموده و نواب محمد حسین میرزا مندلیج، وجستان و بدرانی^۱، و زرباطیه را مسخر کرده به بعقوبه آمد — داود پاشا والی بغداد سید عبدالله شبر را واسطه و شفیع قرار داد و نواب عبدالله میرزا نیز در شهرزور و ایل بابان جمعی را به راه عدم فرستاد — در این حال وبا در اردوی شاهزادگان افتاد و جماعتی را هلاک کرد، لشکر متفرق گشتند و مطلب خان دامغانی درگذشت و ناخوشی مزبور به اردوی بزرگ پادشاهی سرایت کرد و میرزا محمد حسین حکیم باشی واقعه را به عرض حضور همایون رسانیده قشون را مرخص کردند و خود

با خواص خدم در بیلاق همدان و دامنه الوند توقف فرمودند، و در اینجا دوستعلی خان بسطامی معیر الممالک والد حسینعلی خان معیر الممالک، و جعفرقلی خان نوائی، و میرزا مقیم مازندرانی به مرض وبا وفات کردند. بالجملة در این سال صد هزار نفر در ایران از ناخوشی وبا بدروود زندگانی نمودند و موکب همایون در آخر سال عزیمت دارالخلافه نمود.

اروپا — (انگلیس) — پادشاه هنگام تاجگذاری زوجه خود را به سمت ملکه بودن معرفی نمی کند بنابراین مشارالیه از شدت غصه هلاک می شود — جمعیت انگلیس غیر از ارلند در این سال بیست و هشت کرور و چهارصد هزار نفر است و جمعیت ارلند سیزده کرور و سیزده هزار نفر. (ایطالیا) — اغتشاش در این مملکت خاصه در ناپل. (پرتوغال) — پادشاه پرتوغال که به برزیل رفته بود برخلاف میل اهالی برزیل با مکنّت و ثروت زیادی که داشت به کشتی نشسته به سمت پرتوغال حرکت می کند و دُن پیدُر پسر خود را در برزیل به جای خود منصوب می سازد. (اسپانیول) — مکزیکی ینگی دنیا که جزو سلطنت اسپانیا بود رأیت آزادی افرشته و آزادی خود را اعلام می کند و به پادشاه اسپانیول تکلیف سلطنت مشروطه با لقب امپراطوری مکزیکی می شود. (فرانسه) — دوک دُبردُو پسر پادشاه موسوم به کنت دُشامُبرد می شود — ناپلیون در سن پنجاه و دو سالگی در جزیره سَنّت هِلِن می میرد و عمده سبب مردن او سختگیری لُوو حاکم انگلیس در منت هلن می باشد — جمعیت فرانسه در این سال شصت کرور و چهارصد هزار نفر است. (عثمانی) — ابتدای شورش یونان آلکساندر ایپسی لانتی که از روس آمده است مهتج فتنه می باشد و ارناودهای وحشی را در زیر رأیت شورش خود جمع می کند — یونانیها که در ناحیه مُر هستند عثمانیها را یا بیرون کرده یا به قتل می رسانند و دیمتری یُوس نامی را رئیس بر خود قرار می دهند — انتقام عثمانی بر ضد شورشیان — کشیش بزرگ یونانیها که در اسلامبول بود با چهار نفر کشیشهای دیگر به حکم سلطان مقتول می شوند و جمعی دیگر از عیسویان نیز در سایر نقاط به تهمت موافقت با یونانیها به قتل می رسند — علی پاشا که در یانینا به عثمانی یاغی شده

خورشیدپاشای سردار او را محاصره می کند — تولد سلطان عبدالمجید خان ابن سلطان محمودخان.

امریکا — (بنگی دنیای جنوبی) — مملکت پرو که جزو سلطنت اسپانیول بود آزاد می شود و اعلان جمهوری می نماید. (اتائونی) — مابین ایالات اتائونی در قسمت شمالی و جنوبی همین مملکت در باب نگاهداشتن برده و آزاد کردن آنها در مجلس پارلمنت گفتگو می شود و این گفتگوئی است که در آتیه نتیجه آن خونریزیهای سخت خواهد بود.

[سنه ۱۲۳۸ هجری = سنه ۱۸۲۲ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال جمعی از اشرار وان با اکراد همدست شده به هلماس آمدند و غفلتاً بر سر اهالی ریخته به قتل و نهب پرداختند. حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا یوسف خان گرجی را با دسته بهادران و فوج ینگلی مسلمان به دفع آنها مأمور فرموده روانه شدند از آن طرف عثمان پیگ و نصیر پیگ ولد مصطفی قلی خان حکاری با سه هزار نفر به مقاتله مأمورین مزبورین آمده پس از اشتعال نایره قتال شکست خوردند و یوسف خان قلعه باشقلان را فتح کرده اهالی قلعه را عرضه شمشیر نمود و ابراهیم خان حاکم باشقلان را به همراهی عسکرخان افشار حاکم ارومی به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند، و مصطفی قلی خان حکاری که از اولاد بنی عباس بود به تبریز آمده ایالت حکاری را به او مفوض فرمودند و پسرش نصیر پیگ که با پدر مخالفت داشت درگذشت و حکمرانی خوی و سرداری آن حدود و اختیار قلعه باشقلان و حکاری و کردستان را به امیرکبیر امیرخان دولوی قاجار خالوی حضرت مستطاب نایب السلطنه دادند — هم در این سال میرزا عیسی قراهنی معروف به میرزا بزرگ ملقب به قایم مقام در تبریز به ناخوشی وبا درگذشت و پسرش میرزا ابوالقاسم به منصب و مقام او نایل گشت و سواد فرمان قایم مقامی میرزا ابوالقاسم از قرار ذیل است: ^۱

۱. متأسفانه به متن این نامه در جای دیگر دسترسی پیدا نکردیم و به نظر می رسد که در نقل آن

که از آنجا که دست اقتدار این دولت ابد آثار در کفایت مهام جهانداری
 قایم مقام مقررات قدس و قوام قدر توأم این شوکت پایدار در منازم اسباب دولتیاری
 نایب مناب دستگاه قضایای مقدر آمده به حسن کفالت کارگذاران دیوان تأیید،
 اسباب تأیید^۲ این همایون سلطنت جاوید از هر جهت مهتد، و از وفور فواید
 تفضلات پروردگار مجید توفیق و قیام خلافت ابد مقرون، مشحون طغرای غرای ادا
 ابد است. ما را در حذای این مواهب عظمی و ازای شکر نعمای بی انتها، ملزوم
 همت گردون اساس، و پیشنهاد مبارک خاطر حق شناس افتاده که از چاکران
 درگاه، و فدوی زادگان دولت جاوید دستگاه، آنان که جراید استعدادشان مشحون
 معدّات کفالت و کفایت، و کفایت^۳ درایتشان معدّ منازم چاکری و خدمت نماید
 به ارتقای مدارج اعتبارشان انظار عنایت گماریم. و به اظهار قبول مساعی مکنونات
 التفتات گوناگون در باره ایشان ظاهر داریم. و خلاصه این اجمال، تفصیل احوال
 عالیجاه رفیع جایگاه، سیادت و سعادت همراه، فخامت و مناعت اکنتاه، نباهت و
 نبالت دستگاه، اخلاص و ارادت آگاه، مقرب الخاقان، فدوی زاده دولت جاوید
 بنیان، سید الوزراء میرزا ابوالقاسم فراهانی است که از خواص خانه زادان دولت به
 مزید کمال آگاهی و درایت، از جمله همگنان ممتاز، و طومار استعداد کاملش به
 تصحیح تربیت شاهنشاهی از نسخ مفاخر امثال و اقران، قرین صیحة اختصاص و
 امتیاز آمده. از بدو فطرت خط خلود خدمت را به خاتم خلوص ارادت مختوم داشته،
 به امتثال اوامر قضا مثال پیوسته قلم وار سر بر خط فرمانبرداری گذاشته، و بدین
 موجبات اسناد استعدادش در اجرای مخارج ارادت به صیغه صحت مقرون، و افراد
 تفاضیل خدمتش در مطابقة قابلیت فطرت به جایزه قبول مشحون آمده. و لهذا در
 هذه السنة یونت ثیل خجسته دلیل و مابعداها میزان مفاخرش را به اضافه منصب
 قایم مقامی دیوان اعلیٰ افزودیم، و منشور منازم اعتبارش را به توفیق تفویض این

سهولتی رخ داده است مثلاً «که» در آغاز فرمان یا اضافه است یا عبارتی وجود داشته که از قلم افتاده
 است.

۲. تأیید: جاودانه کردن (منتهی الأرب).

۳. به نظر می رسد کلمه کفایت تکرار شده.

منصب جلیل به مقررات استقرار و استقلال مقرون فرمودیم. تا دریافت این عارفه را سردفتر دفتر مفاخر کامل داشته، در تحصیل رسوم خدمتگاری جدی جدید افزایش، و در ملزومات خدمت مزبور اقدامی سزاوار کمال کاردانی نماید. مقرر آنکه صدور انجمن وزارت، و امنای دستگاه دولت، معتمدان دیوان درایت، و مستوفیان ایوان امانت، شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود مرقوم و ملزومات منصب مزبور را به عالیجاه مشارالیه مخصوص و موکول دارند و انحراف از حکم قضا مثال اقدس جایز ندانسته در عهده شناسند.

تحریر فی شهر ربیع الاول ۱۲۳۸

هم در این سال میرزا موسی خان برادر میرزا ابوالقاسم قائم مقام به وزارت حضرت مستطاب نایب السلطنه برقرار گردید — هم در این اوان دوهزار نفر از تراکمه تگه ساکن مرو به سالاری مراد سردار به حوالی ارض اقدس آمده به نهب و چپاول پرداختند و چند نفر از اهالی آن نواحی را اسیر ساختند. نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه با هفتصد نفر سوار در چهار فرسخی مشهد مقدس به آن جماعت رسیده آنها را مقهور نمودند، ترکمانان اسرا و اموال را گذاشتند و گریختند — هم در این ایام میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله صیدمخمد خان جلایر حاکم کلات را به حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه آورد، و شیخ موسی نجفی از علمای اعلام به دربار همایون آمده واسطه و شفیع والی بغداد شد که ولایات متصرفی به او واگذار شود — هم در این سال نواب حسینعلی میرزا از فارس و نواب حسنعلی میرزا از خراسان به دارالخلافه آمدند و حسنعلی میرزا از ولایت خراسان معزول شد و نواب شاهزاده محمد ولی میرزا حکومت یزد یافت — هم در این سال سلطان محمودخان سلطان عثمانی محمد امین رؤف پاشا سرعسکر ارزنة الروم را وکیل کرد که قرار صلح با دولت علیه گذارد. لهذا میرزا محمدعلی آشتیانی مستوفی از جانب حضرت مستطاب نایب السلطنه به ارزنة الروم رفت و کار مصالحه به توسط میرزا ابوالقاسم قائم مقام و نجیب افندی ایلچی عثمانی به انجام رسید و شهرزور متعلق به کارگذاران حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیده

ابراهیم خان بادکوبه ای به نظم آن ولایت مأمور گشت و قلعه کوی را نیز مُصفی نمود — هم در این سال داودپاشا قبل از آنکه از دربار همایون جوابی به شیخ موسی شفیع او داده شود مندلیج را متصرف شد و ایمان خان فراهانی که مستحفظ قلعه بود فرار کرده محمدعلی خان کلهر گرفتار شد. چون این خبر به عرض آستان همایون رسید نواب محمدحسین میرزا را به استرداد مندلیج فرمان دادند. نواب معزی الیه با جلاذتی تمام مندلیج را بگرفتند و خسروخان گرجی به توقف در این محل مأمور شد و محمدحسین میرزا در ازای این خدمت حشمت الدوله لقب یافت و داودپاشا عریضه معذرتی به دربار همایون فرستاد و شیخ موسی نیز مجدداً به شفاعت پرداخت لهذا شرایط چند برای استقرار صلح نگاشته شد و میرزا محمدصادق وقایع نگار فرمانی را که حاوی این شرایط بود حامل شده به بغداد رفت و آن شرایط پذیرفته شده داودپاشا وقایع نگار را با یکی از معتمدان خود به دربار همایون معاودت داد — هم در این سال نواب علی نقی میرزا به حکمرانی خراسان منصوب و با همراهی میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله روانه خراسان شد — و ولایت بسطام را به اللهویردی میرزا تفویض نمودند — و نواب امام ویردی میرزا برادر بطنی علی نقی میرزا حکومت قزوین یافت — و میرزا اسدالله نوری ریش سفید لشکر کشیکچی باشی شد و میرزا هدایت پسرش به نیابت او برقرار گشت — و نواب حسینعلی میرزا را اذن معاودت به فارس دادند — هم در این سال موکب خاقانی تشریف فرمای قلعه البرز شد و از آنجا که در تابستان طوری آنجا سرد بود که لوازم زمستانی باید به آن محل حمل نمود پس از یک شبانه روز معاودت فرمودند. قلعه البرز که خاقان مخفور تشریف فرما شده اند و قابل ذکر در تواریخ است به واسطه عمارت سلطنتی ییلاقی که در شهر ستانک بنا شده در این اوان با وجود سختی مسلک چنان تعمیری در آن راه شده که اکنون به جز چند روزی در زمستان به واسطه برف و سرمای زیاد باقی سال و فصول چنان سهل المسلك است که معبر مازندرانیان شده — هم در این سال فتحعلی خان کاشانی ملک الشعرا متخلص به صبا از اجله فصحا و شعرای این عهد وفات نمود و از غرر افکار این شاعر قادر، خداوندنامه و شاهنشاهنامه و دیوان قصایدی باقیست که با جواهر زواهر همسنگ و

برابر می باشد.

اروپا — (انگلیس) — به واسطه بروز قحطی و مداخله دولت در امور مذهبی اهالی ارلند شورش می نمایند. (اسپانیول) — شورش قراولخاصه در شهر مادرید — تغییر و تبدیل وزرا — آزادی طلبیدن اهالی اسپانیول. (فرانسه) — مجالس مخفی بر ضد سلطنت منعقد است — در بعضی از ولایات دیگر فرانسه نیز مردم علی الخصوص قشون بر ضد سلطنت اند — سیل و شیتر دُساسی ایجاد مدرسه السنه شرقیه می نماید. شاتوبریاند نویسنده معروف به وزارت امور خارجه منصوب می شود فرانسه در امورات داخله اسپانیول خیال مداخله دارد. (روس) — گراندوک قسطنطین برادر امپراطور روس به واسطه مزاجت با زوجه ای که کفو خانواده سلطنت نیست از حق ولیعهدی استعفا کرده ولایتعهد حق برادر دیگرش نیکلا می شود. (عثمانی) — غلبه عساکر عثمانی بر علی پاشا حاکم یافینا — خورشیدپاشا علی پاشا را برای گفتگو در امر مصالحه به خارج شهر می طلبد و او را به قتل می رساند — شورش و انقلاب سخت در تمام یونان و فرستادن محمده علی پاشای مصری سفاین زیاد به امداد عثمانی که طوفان دریا این سفاین را در بندر یونان می شکند — امپراطور روس غیرمستقیم به یونانیها اعانت می کند — انگلیس و اطیش هم به دولت عثمانی آزادی یونان را تکلیف می نمایند.

امریکا — (برزیل) — دُن پیدُر که از طرف پدر خود مأمور به توقف برزیل بود به پرتوغال احضار می شود لکن اهالی برزیل او را نگهداشته مملکت برزیل را مجزی از پرتوغال می نمایند و پارلمنت برزیل دُن پیدُر را امپراطور برزیل می خواند و تاج سلطنت بر سر او می گذارند — دُن میگیل پسر دویم پادشاه به تحریک مادرش که خواهر پادشاه اسپانیول است قصد خلع پدر را از سلطنت نموده می خواهد خود پادشاه شود. (مکزیک) — اهالی مجزی بودن خود را از اسپانیول بکلی طلب می نمایند و ایتوربید نامی را به امپراطوری خود منتخب می کنند و از این به بعد مکزیک از تحت سلطنت اسپانیول خارج می باشد.

[سنه ۱۲۳۹ هجری = ۱۸۲۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حاجی محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی از اصفهان به دارالخلافه آمده در اینجا مریض شده به جوار رحمت الهی پیوست و مآثر کریمه این وزیر نیک محضر از بنای مدارس و ابنیه خیریه بسیار است که از آنجمله قلعه دورنجف اشرف می باشد. خلاصه بعد از فوت حاجی محمدحسین خان منصب او را به پسرش عبدالله خان امین الدوله تفویض فرمودند — هم در این سال نجیب افندی سفیر سلطان محمود خان سلطان عثمانی به دربار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه آمد و صورت عهد صلحی آورد که بعضی فقرات آن مرضی خاطر همایون نبود لهذا قاسم خان هزارجریبی سرهنگ بانجیب افندی به دربار دولت عثمانی رفته عهدنامه ای بر وفق رضای اعلیحضرت خاقان به امضای سلطان محمود رسانیده معاودت نمود و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است:

صورت عهدنامه دولتین ایران و عثمانی^۱

غرض از تحریر این کتاب مستطاب آنکه در این چند سال به سبب وقوع بعضی از حوادث میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت و ضوابط دوستی و الفت قدیمه مبدل به نفار و خصومت و مؤذی به حرب و کدورت شده بود به مقتضای جهت جامعیه اسلامیه اسلام، و عدم رضای طرفین به سفک دماء، و وقوع اینگونه حوادث و اوضاع، و اعادت سلم و موذت و تجدید دوستی و محبت از جانبین دولتین اظهار رغبت و موافقت شده و به موجب فرمان همایون اعلیحضرت

۱. متن این عهدنامه از روی ناسخ التواریخ رونویسی شده است. متن دیگری با ترجمه دیگری همراه با متن ترکی در کتاب «مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه» که در سال ۱۳۲۶ ه. ق. ۱۹۰۸ میلادی به کوشش مرحوم مؤتمن الملک به چاپ رسیده در دست بود که وسیله آن بعضی از مبهمات روشن شد.

شاهنشاه ممالک ایران به القابه، فتحعلی شاه قاجار خلدالله ملکه و اقباله، و حکم مأموریت نامه نواب ولیعهد دوران، عباس میرزا به اوصافه، این عبد مملوک و چاکر جاننثار به وکالت نامه مباهی و مخصوص گشته از جانب دولت علیه عثمانی نیز به امر و فرمان اعلیحضرت سلطان غازی سلطان محمودخان بتمجیده، وکالت نامه به جناب والی ولایت ارزن الروم محمدامین رؤف پاشای سرعسکر جانب شرق عنایت شده بود، این عبد مملوک در مدینه ارزن الروم با جناب سرعسکر مشارالیه ملاقات و بعد از مبادله وکالت نامه های مبارکه عقد مجلس مکالمه کرده مصالحه مبارکه به این آئین ترتیب و تعیین یافت:

اساس — از قراری که در تاریخ یکهزار و یکصد و پنجاه و نه به موجب مصالحه و عهدنامه واقعه گشته: حدود و سنور قدیمه، و شرایط سابقه از امر حجاج و تجار، و ردّ فراری، و تخلیه سیل اسرا، و اقامت شخصی معین در دولتین علیتین تماماً و کمالاً بین الدولتین باقی و مرعی و معتبر بوده، به ارکان آن وجهاً من الوجوه خللی عارض نشده، در مابین دولتین علیتین شرایط دوستی و مقتضای الفت و محبت ابدی در کار باشد. بعد از این شمشیر خلاف در غلاف بوده، در میانه دو دولت معامله ای که مؤدی کدورت و برودت، و منافی سلم و صفوت باشد وقوع نیابد. و آنچه داخل حدود قدیمه دولت علیه عثمانیه می باشد و در اثنای حرب و قتال به دست دولت فحیمه ایران آمده، از جمله قری و اراضی و قلاع و فضا و قصبه، حال تحریر از تاریخ این تمسک معتبره الی مدت شصت روز به طرف دولت عثمانی تماماً تسلیم شود، و به مراعات حرمت این مصالحه خیریه گرفتاران طرفین را بلاگرم و اخفا تخلیه سیل کرده، آنچه در اثنای راه محتاج الیه آنها باشد از ماکولات و غیرها عطا شود و به سرحدات طرفین ایصال نمایند.

ماده اولی — دولتین علیتین را در امور داخله یکدیگر مداخله نیست.

فیما بعد از جانب بغداد و کردستان مداخله جایز نداشته، از جمله محالی که از توجیهات و سنجاقات و کردستان داخل در حدودی باشد سبباً من الاسباب و وجهاً من الوجوه از طرف دولت علیه ایران مداخله و تجاوز و تعرض در متصرفین سابق و لاحق تصاحب نشود. و در حوالی مذکوره اگر از اهالی طرفین به بیلاق و قیشلاق

عبور نمایند در باب مرسومات عادیه ییلاقی و قیشلاقی و سایر دعاوی که وقوع یابد مابین وکلای نواب ولیعهد ایران و والی بغداد بخابره شده رفع نمایند که باعث کدورت در میان دو دولت نگردد.

ماده ثانیه — از اهالی ایران کسانی که به کعبه معظمه و مدینه مکرمه و سایر بلاد اسلامیّه آمد و شد می نمایند مثل حجاج و زوّار و متردّین اهالی بلاد اسلام، رومیّه با آن جماعت مثل اهالی خودشان معامله نمایند و از ایشان دورمه و سایر وجوه خلاف قانون شرعیّه اصلاً چیزی مطالبه نشود. و کذلک از زوّار عتبات عالیات مادامی که مال التجاره داشته باشند بر وفق حساب گمرک مطالبه شود و زیاده طلب ننمایند و از طرف دولت علیه ایران نیز با تجار طرف بهیّه عثمانی و اهالی ایشان بر این وجه معامله نمایند، و به مقتضای شرایط سابقه فیما بعد در حقّ حجاج و تجار دولت علیه ایران تنفیذ و اجرای شرایط قدیم از جانب وزرای عظام و امیر حاج و میرمیران کرام و سایر ضابطان و حکام دولت علیه عثمانی کمال دقت و رعایت شود و از شام شریف الی حرّمین محترمین و از آنجا الی شام شریف از جانب امین صرّه همایون به معرفت معتمدی معین که در میان آنها است نظارت نماید. و از مخدّرات حرم شاهنشاهی و حرّمهای شاهزادگان عظام و سایر اکابر دولت بهیّه ایران که به مکه معظمه و عتبات عالیات می روند فراخور مرتبه ایشان حرمت و اعزاز شود. و کذلک در خصوص رسومات گمرک تجار و اهالی دولت بهیّه ایران مانند دولت علیه عثمانی معامله شود و از مال تجارت ایشان یکدفعه به قرار یکصد قروش چهار قروش گمرک گرفته و به دست ایشان تذکره داده مادامی که از دست ایشان به دست دیگری منتقل نشده مکرر از ایشان گمرک نگیرند. تجار ایران لاجل التجاره چوپوق شیراز که به دارالسعاده می آورند

۱. در آن روزگار از شاخه های نهال گیلان وحشی و جنگلی که بسیار محکم و بادوام است و رنگ پوست آن قرمز براق و زیباست نی چق و عصا می ساختند. محل رویش گیلان جنگلی بیشتر جنگل های فارس و کوه گیلویه می باشد که طبعاً چوب آن وسیله مردم فارس بخصوص شیرازها به صورت ساخته یا نساخته به بازار عرضه می شده است به همین علت در آذربایجان به آن چپوق شیراز یعنی چوب شیراز می گفتند و چون چوب شیراز به علت کمیابی گران بها بود تنها اشراف و اعیان

در بیع و شرای آن انحصار نباشد و به هرکس که خواهند بیع نمایند و با تجار و تبعه و اهالی دولتین علیتین که به ممالک جانبین آمد و شد می نمایند به مقتضای جهت جامعه اسلامیّه معامله دوستانه شده از هر ایذا و اضرار محفوظ باشند.

مادّه ثالثه — آنچه از عشیره حیدرانلو و سیبکی متنازع فیها بوده و امروزه در خاک دولت علیّه عثمانی ساکن می باشند مادامی که در سمت آنها است^۱ اگر به حدود ممالک ایران تجاوز کرده خسارت رسانند سرحدداران در منع و تربیت ایشان دقت نمایند. و اگر از تجاوز و خسارت دست برندارند و از جانب سرحددار منع ایشان نشود از تصاحب ایشان دولت علیّه عثمانی کف ید نماید. و اگر ایشان به رضا و اختیار خود به جانب ایران بگذرند دولت عثمانی ایشان را منع و تصاحب نکند و بعد از آنکه به طرف دولت بهیّه ایران گذرند بعد اگر به خاک عثمانی بیایند قطعاً تصاحب و قبول ایشان نشود و در صورتیکه ایشان به طرف ایران نگذرند و آنوقت از حدود دولت عثمانیه تجاوز کرده خسارت بزنند سرحدنشینان دولت علیّه ایران در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند.

مادّه رابعه — به موجب شرط قدیم فراری دولتین از طرفین تصاحب نشود و کذلک از جمله عشایر و ایلات هرکسی که بعد از این تاریخ از دولت علیّه عثمانی به دولت فخیمة ایران و از دولت بهیّه ایران به دولت علیّه عثمانی بگذرد باید آن گذشتگان تصاحب نشوند.

مادّه خامسه — آنچه از دارالسلطنه و سایر ممالک دولت علیّه عثمانی

می توانستند از آن استفاده کنند. در آن زمان که کشیدن چپوق در همه جا رواج داشت و داشتن عصا از چوب شیراز نشانه اعیانیت بود این چوب در ردیف کالاهای مهم تجارتی درآمده بود. ظاهراً اصطلاح چوب شیراز فقط در آذربایجان خودمان معمول بوده است زیرا در متن ترکی عهدنامه «کیراز چپوغنی» یعنی چوب گیلان آمده که مرحوم مؤتمن الملک در حاشیه چنین آورده است: «معلوم نیست که چپوق چوب گیلان است یا فقط چوب. زیرا که در زبان ترکی لفظ چپوق دو معنی دارد یکی به معنی چوب و دیگری به معنی چپوق است.» (از آقای دکتر محمدامین ریاحی که مرا در کسب این اطلاعات یاری فرمودند ممنونم) ..

۱. در مجموعه معاهدات دولت علیّه ایران با دول خارجه ص ۱۹۸: مادامیکه در این طرف هستند.

اموال تجار ایران موافق شرع و دفتر محفوظ نگاه داشته شده است از تاریخ این تمسک در ظرف شصت روز در هر محلی که باشد به موجب دفاتر مرقومه و معرفت شرع و معتمد دولت ایران به صاحبان آنها تسلیم شود، و سوای اموال محفوظه آنچه در اثنای وقوع عداوت از حجاج و تجار و سایر اهالی ایران که در ممالک عثمانی بعضی ضابطان جبراً از بعضی گرفته باشند بعد از افاده و اظهار دولت علیه ایران از دولت عثمانی فرمان برطبق همان افاده به عهده وکیل آنها در هر محل صادر شود و بعد از اثبات شرعی گرفته تسلیم نمایند.

ماده سادسه — در ممالک دولت علیه عثمانی از اهالی ممالک طرفین کسانی که فوت می شود اگر وارث و وصی شرعی نداشته باشند مأمورین بیت المال ترکه همان متوفی را به معرفت شرع دفتری کرده به ثبت و سجل شرعی رسانند و آن مال را بعینه در محل مأمّن تا مدت یکسال حفظ نمایند تا وارث و وکیل شرعی آن آمده به موجب ثبت و سجل شرعی اشیاء متروکه تسلیم شود و رسوم عادیه و کرایه حمل آن اشیاء را گرفته باشد و آن اشیاء اگر در مدت مذکوره حریق و تلف شود ادعای آن نشود، و اگر در مدت مزبوره وارث و وصی نرسد ترکه محفوظ را مأمورین بیت المال به اطلاع معتمد دولت علیه ایران فروخته ثمن آن را حفظ نمایند.

ماده سابعه — به موجب شرط سابقه برای تأیید و تأیید دوستی و مودت در هر سه سال یک نفر از دولتین در طرفین علّیتین معتکف و مقیم باشند و از تبعه دولتین علّیتین که در اثنای حرب به طرفین گذشته اند در حق ایشان بنا به حرمت مصالحه خیریه سیاست این اسانت نشود.^۲

خاتمه — آنچه از اساس و شرایط و مواد که در فوق مذکور شد بر منوال محرره که بالمذاکره قرارداد شده و از طرفین قبول گشته ادعای اموال منهوبه

۲. در همین مجموعه: «و از تبعه دولتین علّیتین که در اثنای محاربه به طرفین گذشته و عمل بدی از آنها بروز کرده باشد محض حرمت این عهدنامه در حق این قبیل اشخاص به واسطه این اسانت سیاست نشود.»

الضیقات، و تضمین مصارف جزئیة از جانبین مضی مامضی گفته صرف نظر شود. و از جانبین دولتین علیتین بر وفق عادت تصدیق نامه‌ها مبادله شده به واسطه سفر از تاریخ این تمسک الی مدت شصت روز در رأس حدود دولتین به یکدیگر ملاقات کرده به آستانه دولتین ایصال و تسلیم شود. و به این وجه عقد و تجدید این مصالحه خیریه به مسالمة حقیقیه از تاریخ تمسک معتبره مرعی و معتبر گشته و از هر جهت نایره کدورت و خصومت منطقی بوده و منافق دوستی و خلاف این عهود و شروط معقوده مربوطه از جانبین وضع و حرکتی و معامله‌ای جایز ندارند و از جانب جناب وکیل مشارالیه نظر به رخصت کامله از جانب دولت عثمانی در این تاریخ یک هزار و دویست و سی و هشت یوم یکشنبه نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام این تمسک مهیور و ممضی شد الخاتمه بالخیر و السعادة و الحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً تحریراً فی اواخر شهر ربیع الثانی سنه یک هزار و دویست و سی و نه.^۱

هم در این سال نواب یحیی میرزا به ایالت گیلان رفت و منوچهرخان گرجی برای استقرار نواب معزی‌الیه با ایشان همراه شد، و نواب علینقی میرزا از ایالت خراسان استعفا کرده، نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه مجدداً حکمرانی خراسان یافت — هم در این سال نواب علینقی میرزا ملقب به رکن الدوله شده به حکمرانی قزوین منصوب گردید، و حضرت مستطاب نایب السلطنه را سوء مزاجی عارض شده میرزا محمد احمدآبادی اصفهانی طبیب ایشان را معالجه نمود — هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه با نواب امیرزاده اعظم ولد اکبر خود شاهزاده محمدمیرزا (محمدشاه) در چمن سلطانیته به حضور همایون مشرف شده

۱. در دنباله مطلب در ناسخ التواریخ چاپ قائم مقامی ص ۲۰۷ چنین آمده: «در دارالخلافة طهران این عهدنامه مبارکه در حضور نجیب افندی سفیر دولت عثمانی تصحیح شد». مؤلف بی جهت این عبارات را حذف کرده زیرا معنای آن این است که عهدنامه در ذیقعدة ۱۲۳۸ امضا شده و در ربیع الثانی ۱۲۳۹ تصحیح شده است. در روضه الصفا چنین آمده: «در کرت ثانی به امر حضرت صاحبقرانی عهدنامه شایسته نوشته و به اسم مصلحین مذکورین (نجیب افندی و میرزا ابوالقاسم قائم مقام) مرقوم و به خاتم مبارک مختوم گردید.»

ایالت محالات طوایف قراگوزلو به شاهزاده معظمه محمد میرزا مفوض شد - زلزله سخت در شیراز که تا هیجده ماه امتداد داشت یعنی تا ششماه زلزله های سخت می شد و بعد از آن زلازل خفیفه تا هیجده ماه در کار بود - وفات میرزا ابوالقاسم معروف به سکوت از اجله عرفا که از خلفای حاجی عبدالوهاب نائینی بود و در شیراز وفات کرده در بقعه میراحمد مشهور به شاه چراغ مدفون گردید - وفات حاجی محمدجعفر قراگوزلوی همدانی از مشاهیر و اجله عرفا.

اروپا - (انگلیس) - در کانادا که از ینگی دنیا برای انگلیس مانده نهصد هزار نفر فرنگی از ملل مختلفه سکنی دارند. (اسپانیول) - اطریش و روس و پروس ایلچیهای خود را از مادرید احضار می کنند - فرانسه اعلام جنگ به اسپانیول می نماید - صد هزار نفر قشون به سرداری دوک دانگولم مأمور به جنگ با اسپانیول می شود - فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول مطیع و منقاد شورشیان می باشد - سردار فرانسه به مادرید ورود می نماید - مجلس پارلمنت پادشاه اسپانیول را به طور حبس با خود می گرداند و آخر الامر اجباراً او را رها کرده و او نزد سردار فرانسه می آید - بعد از آنکه سردار فرانسه پادشاه اسپانیول را در سلطنت مستقل کرد به فرانسه مراجعت می نماید. (ایتالیا) - فوت پی هفتم پاپ و جلوس لئون دوازدهم به پاپی به جای او. (روس) - منع نمودن امپراطور تمام کتبی را که راجع به پلیتیک است و از خارجه به داخله روس می آورند. (عثمانی) - یانقین سخت چندین هزار خانه را در اسلامبول سوزانیده و خراب می کند.

امریکا - در ینگی دنیای جنوبی ایالاتی که برضد اسپانیول شوریده بودند قوت می گیرند، و پرو کلتناً آزاد شده مستقل می گردد. (برزیل) - دُن پیدُر امپراطور تازه پرتوگالیها را از مملکت برزیل اخراج می کند و خود مستقلاً در برزیل سلطنت می نماید.

[سنه ۱۲۴۰ هجری = سنه ۱۸۲۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال موکب اعلی حضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف فرمای اصفهان گردیده روز ورود حاجی هاشم خان ولد حاجی رجبعلی بختیاری ساکن محله لبنان اصفهان را که به شرارت معروف بود میاست و تنبیه فرمودند و امین الدوله از حکومت اصفهان معزول و نواب شاهزاده سلطان محمد میرزا را حکمرانی اصفهان داده و ملقب به سیف الدوله نمودند و یوسف خان سپه دار عراق به وزارت شاهزاده معزی الیه برقرار گردید و دویست هزار تومان بقایای اصفهان را به رعایا تخفیف دادند. پس از مراجعت از اصفهان اللهیارخان قاجار دولو که سالار بار و داماد اعلی حضرت شهریار کامکار بود به منصب وزارت عظمی نایل و آصف الدوله لقب یافت و محمد حسن خان پسر آصف الدوله سالار بار شد — هم در این سال کارگذاران دولت روس اصرار نمودند که محل مشهور به بالغ لو و گونی و گوگچه دنگیز من توابع ایروان داخل در حده تقسیم متعلق به دولت روس است. حسین خان سردار ایروان مراتب را معروض داشت و ژنرال یرملوف سردار گرجستان نیز پولکونیک مرزاویچ وکیل روس را با شاه میرخان ارمنی ترجمان به دربار خاقان کشورستان فرستاد و حضرت مستطاب نایب السلطنه به جهت تحقیق این امر به حضور همایون احضار شدند و حسن خان ساری اصلان از ایروان به آستان مبارک آمده برخلاف ادعای کارگذاران روس تصدیق نمودند، اما وکیل روس این تصدیق را قبول ننمود و میرزا صادق وقایع نگار با پولکونیک مأمور تفلیس شد — هم در این سال میرزا ابوالحسن خان شیرازی به وزارت امور خارجه دولت علیه برقرار گردید، و شصت هزار تومان به رعایای گیلان تخفیف داده شد و مرزاویچ وکیل روس بعد از ورود به تبریز قبل از میرزا صادق به تفلیس شتافت و ژنرال یرملوف را بر نقض عهد با دولت علیه محرک شد. مشارالیه کیناز مستحفظ اوچ کلیسا را به تصرف قلعه بالغ لو حکم داد و خود به بهانه نظم داغستان سفر کرد. کیناز قلعه مزبوره را

متصرف شد و صد نفر مائر و دویست نفر سرباز در آنجا گذاشته به اوج کلیسا بازگشت و میرزا صادق وقایع نگار به تفلیس رفته در آنجا معطل بماند — هم در این سال ابراهیم خان ظهیرالدوله حاکم کرمان و داماد و عم زاده خاقان کشورستان وفات نمود و خلعت ایالت کرمان را به عباس قلی خان ولد اکبر ابراهیم خان که بطناً نبیره خاقان کشورستان بود دادند و میرزا جعفر حمزه کلاشی مازندرانی وزیر ملک آرا حامل آن خلعت و مأمور نظم امور کرمان شد — هم در این سال امان الله خان والی کردستان درگذشت و خسروخان ولد او که به مصاهرت پادشاهی اختصاص داشت ولایت کردستان یافت. و محمدحسین خان قراگوزلو حاکم همدان وفات کرده سرکردگی طایفه به رستم خان پسرش مقرر شد و به خدمت نواب امیرزاده اعظم محمد میرزا که حکمران همدان و محال قراگوزلو بودند رفته مورد التفات شاهزاده معظم شد — هم در این سال یوسفخان گرجی سپه‌دار عراق و وزیر اصفهان درگذشت و فرزندش غلامحسین خان در هفده سالگی به شرف مصاهرت اعلیحضرت خاقان و منصب پدر سرافراز گشت و وزارت نواب سیف الدوله حاکم اصفهان برعهده منوچهرخان گرجی غلام پیشخدمت خاصه مقرر گردید — هم در این سال الله‌قلی خان توره ابن محمد رحیم خان حکمران خوارزم که تازه به جای پدر حکومت خوارزم یافته با سپاهی فراوان عزم تسخیر خراسان نمود. در حومه شهر مشهد مقدس برف و باد شدید اردوی او را متفرق ساخت الله‌قلی خان توره به سرخس گریخت و اردوی او به تاراج رفت. در سرخس جمعی از ترکمانان سالور و ساروق را به تاخت حدود جام و سرجام فرستاد. دسته‌ای از تراکمه در منزل شریف آباد دچار سواران ارغون میرزا پسر نواب حسنعلی میرزا گردیده منهزم و مقتول شدند و دسته دیگر در حدود ولایت جام نیز به دست میرنصیرخان تیموری مقهور و نابود گشتند، الله‌قلی خان توره سه هزار نفر دیگر از اوزبکیه قنقرات و طایفه قراقلیاق و سواران ساروق و سالور را به تاراج ارض اقدس روانه نمود و آنها خارج شهر مشهد مقدس را تاختند. نواب حسنعلی میرزا با لشکر خراسانی از شهر مشهد خارج شده در دامنه اژدرکوه بر اوزبکها و ترکمنها حمله کرده جمعی را مقتول نموده بقیة السیف منهزم شدند — هم در این سال نواب

علیقلی خان عم خاقان مملکتستان در بارفروش مازندران وفات نمود.

اروپا - (انگلیس) - در این سال انگلیسها در افریقا قصد کردند که اراضی متعلقه به طایفه آشانتی را که معادن زیاد دارد متصرف شوند ولی طایفه آشانتی عیناً آنها را از سواحل خود دور کردند - جنگهای سخت انگلیس در هندوستان و در بیرمان در مشرق بنگاله - یکی از مهندمین فرانسه که بُروفل نام دارد از زیر رودخانه تامیز دالاتی می سازد که دو ساحل تامیز را از زیر رودخانه بهم وصل می کند. (فرانسه) - فوت لوی هیجدهم پادشاه و جلوس برادرش شارل دهم به جای او در سن شصت و هفت سالگی. (پرتوغال) - دُن میگیل پسر پادشاه شورش تازه ای بر ضد پدر خود بر پا می نماید - دول فرنگ شاهزاده یاغی را محبوساً به وینه می فرستند. (روس) - ایجاد راه شوسه کالسکه رو مابین پترزبورغ و مسکو - رودخانه نوا طغیان سختی کرده خرابی زیاد به شهر پترزبورغ وارد می آورد. (عثمانی) - مسئله شورش یونان اهمیت بهم رسانیده انگلیس و روس آشکارا از یاغیان یونان حمایت می کنند - عساکر عثمانی قتل و غارت زیاد در بلاد یونان می نمایند.

امریکا - (برزیل) - انکشاف چهار معدن طلای خیلی معتبر در این مملکت.

[سنه ۱۲۴۱ هجری = سنه ۱۸۲۵ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در این سال چون سنین سلطنت اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه به سی می رسد سکه صاحبقرانی زدند و بر روی قران که سی و شش نخود نقره بود این مصرع را نقش کردند: (سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران)، و بر روی اشرفی که هیجده نخود طلای خالص داشت این مصرع را رسم کردند: (سکه فتحعلی شه خسرو کشورستان)، و مقارن این ایام مسکوکات در بلوک ورامین و حدود سمنان و دامغان در زیر خاک پیدا شد که از قرار تشخیص دانایان بعضی سکه شایور ذوالاکشاف بود و برخی سکه خلفا و ملوک و سلاطین چنگیزی و

تیموری و صفوی و آن‌جمله به حسینعلی خان معیرالممالک سپرده شد — هم در این سال علمای اعلام از سوءسلوک کارگزاران روس نسبت به مسلمانان گنجه و قراباغ خبردار شده به وجوب جهاد فتوی نوشتند و آقا سید محمد مجتهد اصفهانی از عتبات عالیات به حضور خاقان صاحبقران آمده در این باب ابرام نمود — هم در این اوان ایلچی کمپانی هندوستان ژن مکدان لدکنیر^۱ به بندر بوشهر رسید و قاسم خان هزارجریبی سرکنگ فوج تبریزی که به جهت آوردن ایلچی به بمبئی رفته بود ورود او را اعلام نمود و میرزا ابوالقاسم مستوفی اصفهانی به مهمانداری ایلچی مشارالیه مأمور گشت — هم در این ایام نواب محمود میرزا به ایالت لرستان فیلی و نواب همایون میرزا به ایالت نهاوند منصوب گردیدند، و امین الدوله به مهمانداری آقاسید محمد مجتهد محکوم و معین گشت و موکب همایون از دارالخلافه به سلیمانیه کرج و از آنجا به سلطانیه تشریف فرما شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه به حضور خاقان صاحبقران مشرف گردیدند — هم در این سال ایلچی روس کیناز^۲ بخشکوف به دربار همایون آمد و چون الکساندر امپراطور روس در این سال وفات کرده و قبل از وفات تختی از بلور برای هدیه خاقان صاحبقران به فرمان او ساخته بودند امپراطور نیکلا که به جای او جلوس کرده بود آن تخت را مصحوب ایلچی مشارالیه به حضور حضرت صاحبقرانی اهدا و ارسال داشت و بعد از وصول ایلچی علمای اعلام و مجتهدین با احترام به اردوی معلی ورود کردند و آنچه از صلح و

۱. نام کامل این دیپلمات که در روضة الصفای ناصری «جان مکدانلد الکثیر» و در ناسخ التواریخ «جان مکدانلد کینز» نوشته شده این است: «سرجان مکدانلد کی نیر» Sir John Macdonald Kinnaird (تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، تألیف ابوالقاسم طاهری، ص ۵۱۴).

۲. در «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر» تألیف سعید نفیسی نام این دیپلمات کیناز بخشکوف آمده است. این همان پرنس منشیکو یا منچیکوف است که نام کامل وی این است: Alexandre Sergueevitch Menshikov. که مرحوم نفیسی «داستان سفارت او را در کتاب مذکور ص ۹ — ۱۰۸ آورده و نوشته است: «در اسناد ایران نمی‌دانم چه شده است که نام منشیکو را کیناز بخشکوف نوشته‌اند.»

مصالحه ایلچی سخن راند علما را مقبول نیفتاد و اعلیحضرت همایون را بر جهاد تحریف کرده از وجوب آن سخن راندند و اصرار کردند. ایلچی مایوس بازگشت و عساکر ایران به اطراف مأمور شدند و با قشون روس به زد و خورد مشغول گشتند و موکب همایون به اردبیل آمد و حاجی محمدخان به محال اوجارود تاخت و حسین خان بر سنگرباش آیاران و سبحانقلی خان بر سنگر بالغ لو و حسن خان بر سر قراکلیسا رفت و تقی خان به طرف اسبان تویخانه کیناز که در حمزه چمنی بودند راند، مصطفی خان شیروانی و آلکساندر میرزا به گرجستان و شیروان و شکی رفتند، و امیرکبیر امیرخان سردار از راه برکشاط روانه شد. نواب اسمعیل میرزا در راه به سالدات محال گروس و خنزیرک و چناقچی برخورد کرده جنگ در پیوست و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز در رسیده آن روز از ظهر تا غروب نایره قتال اشتغال داشت و آخر الامر سالدات روس مقهور و مقتول گردیدند و لنکران مفتوح و سالیان مسخر شد — هم در این اوان اغوزلرخان پسر جوادخان گنجه ای با روسها جنگیده غالب آمده و در گنجه استقلال یافت.

اروپا — (باویر) — لوی اول به جای پدرش ماکسیمیلین ژوزف به سلطنت جلوس می نماید. (فرانسه) — سفاین جنگی این دولت در این سال عبارت از صد و پنجاه و هشت فروند و پانزده هزار نفر قشون بحری است. (ایتالیا) — فوت فردیناند اول پادشاه سیسیل بعد از شصت و پنج سال سلطنت و جلوس پسرش فرانسوای اول به جای او در چهل و شش سالگی. (روس) — فوت آلکساندر امپراطور روس در طغائرق — قسطنطین که از ولایتعهد خلع شده بود سلطنت را به برادر کهنتر خود نیکلا واگذار می کند — شورش و انقلاب سخت در پترزبورغ علی الخصوص در میان قشون. (عثمانی) — بقای شورش یونانیان و آمدن ابراهیم پاشا پسر محمدعلی پاشای مصری با عساکر بری و بحری به کمک سلطان عثمانی.

امریکا — رئیس جمهوری اتانونی ینگلی دنیا آدامس نامی است که پدرش نیز یکوقتی رئیس جمهوری بوده است.

[سنه ۱۲۴۲ هجری = سنه ۱۸۲۶ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال بنا بر میل و تکلیف علما فیما بین دولتین ایران و روس جنگ بسختی در گرفت و بنای لشکر کشی شد و عبدالله خان دماوندی و نوروز علی خان سرکرده دسته قشون سمنانی به حراست و توقف گنجه مأمور شدند و امیر کبیر امیرخان سردار نیز به همین مأموریت روانه گنجه گردید و مصطفی خان شیروانی تا حوالی شیروان تاخت و ابراهیم خان بن جان محمدخان دولو و حاجی محمدخان قاجار به امداد او رفتند و محمدحسین خان شکی تا منزل جواد راند. روسها چون کار را سخت دیدند شیروان و شکی را تخلیه کرده به سقناق محال برمک پناه بردند. کیناز فرا کلیسا نیز در قلعه لری محصور حسن خان ساری اصلان گردید و تقریباً چهار هزار سالدات روس مقتول و دستگیر شدند و تمامی آن حدود مسخر گشت — نواب شیخعلی میرزا به قبه و بادکوبه مأمور شدند و موکب خاقان صاحبقران فتحعلی شاه به عزم فتح شوشی از اردبیل به کنار رودخانه طویله شامی آمد و اللهیارخان آصف الدوله با بیست هزار نفر قشون و ده عزاده توپ به التزام رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه مأمور شد که بعد از فتح شوشی به گرجستان و تفلیس رانند، آصف الدوله در دهم ماه صفر در خارج قلعه شوشی به معسکر حضرت معظم پیوست — هم در این اوان ژون مکدان لدکنیر سفیر کمپانی هندوستان به اردوی معلی آمد و حضرت مستطاب نایب السلطنه قلعه شوشی را محاصره کردند ولی مستحفظین قلعه که منتظر کمک قشون روس بودند از در حيله وعده تسلیم نمودن قلعه را داده بنا بر این محاصرین از سخت گرفتن در گذشتند و حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمدشاه) ولد اکبر افخم خود را با محمدقلی خان قاجار و دسته جات خواجه وند و عبدالملکی و نظرعلی خان مرنندی مأمور حراست شهر و قلعه گنجه فرمودند. از آن طرف مددوف از ژنرالهای معتبر روس با جمعی پیاده و سواره قزاق و بیست عزاده توپ به تسخیر گنجه آمد. امیر کبیر امیرخان سردار حراست گنجه را به نظرعلی خان مرنندی گذاشته در رکاب

امیرزاده اعظم محمدمیرزا به طرف شمکور راند و در خرابه های شمکور با مددوف تلاقی دست داده به اشتعال نایره قتال پرداختند. امیرکبیر امیرخان سردار عز شهادت یافت و پس از شهادت او لشکر دست از جنگ کشیدند. مددوف به جانب گنجه راند و این شهر را متصرف شد. حضرت مستطاب نایب السلطنه مشغول محاصره شوشی بودند که این خبر را شنیدند. فی الفور مهدیقلی خان جوانشیر را به کوچانیدن ایلات قراباغ و آوردن به قراجه داغ مأمور فرمودند و خود از محاصره دست کشیده به دفع مددوف و حفظ گنجه روانه شدند وقتی به حوالی گنجه رسیدند که مددوف این شهر را مسخر کرده بود. حضرت معظم مستعد جنگ مددوف شدند و در این حال ژنرال بسکویچ با چهار هزار سالدات از تفلیس به امداد مددوف آمد و جنگ در گرفت. ابتدا قشون ظفرنمون بر عساکر روس غالب آمدند و از آنجا که امیرزادگان در محل قیصرس بودند حضرت مستطاب نایب السلطنه حکم کردند آنها را به جای دورتری برند چون آنها را بی قاعده حرکت دادند قشون بهم خورد و مغلوب گشتند. حضرت معظم ناچار با ملالت به کنار رود ارس آمدند. اعلیحضرت همایون ایشان را طلبیده برای دفع ملالت فرمایشهای تلطیف آمیز فرمودند و چون در غره ربیع الاول برفی شدید در طویله شامی بارید موکب همایون عزیمت تبریز نمود — نواب شیخعلی میرزا و حاجی محمدخان دولو و ابراهیم خان قاجار نیز از قبه مراجعت کردند و مهدیقلی خان شش هزار خانوار از ایلات قراباغ کوچانیده حضرت مستطاب نایب السلطنه آنها را به حدود مغان و قراجه داغ روانه فرمودند و بعضی از دسته جات قشون را به تاخت ولایت قراباغ حکم دادند — حسن خان ساری اصلان و مصطفی خان شیروانی و محمدحسین خان شگی به غارت اطراف پرداختند و تا دو فرسخی تفلیس را تاختند — دوهزار نفر پیاده هزارجریبی و انزانی با هزار نفر سوادکوهی به محافظت ایروان مأمور شدند و موکب همایون در شب بیست و ششم ربیع الاول از راه مراغه روانه دارالخلافه شد — مددوف به جهت برگردانیدن ایلات قراباغ از آب ارس عبور کرده به حدود کرملو آمد. حضرت مستطاب نایب السلطنه قاسم خان و حسین پاشای یوزباشی و رحمت الله خان سرتیپ را با دو فوج قراجه داغی و محمدرضاخان سرهنگ فوج دویم تبریز به مقاتله او روانه کردند —

نواب عبدالله میرزا نیز با سپاه خمسه روانه اردبیل شد و مددوف را در آن میانه محصور و مستأصل داشتند و چون او تاب مقاومت نیاورد مراجعت کرد و اسبان توپخانه و عراده های آذوقه او به تصرف قشون ظفرنمون درآمد و آقا سید محمد مجاهد مجتهد که مصمم جهاد بود در تبریز مریض شده در راه رحلت نمود — هم در این سال شاه محمود افغان از پسر خود کامران خایف شده از هرات بیرون آمد و با افغانه فراه و سبزار در دفع پسر اتفاق کرد. کامران به نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا متوسل شد، شاهزاده معظم محمدامین خان پازوکی را با پانصد سوار به هرات فرستاده کامران مطمئن شد و محمود به اطراف رفته چهار هزار لشکر ترتیب داده به جانب پسر راند، کامران میرزا جهانگیر میرزا پسر خود را به دفع پدر مأمور ساخت. محمود از سرچشمه بادغیس به خارج هرات تاخت و ابتدا به محمدامین خان که در باغ شاه خارج هرات بود حمله کرده کاری از پیش نبرد بعد بر سر جهانگیر رفته بر او فایق گشت. کامران در قلعه محصور شد و از بیم شورش اهل هرات مراتب را به نواب حسنعلی میرزا عریضه ای عرض کرده نواب معظم حرکت کرده به غوریان آمدند و کامران پدر را شکست و فرار داده نواب شجاع السلطنه در سنگ بست هرات نزول کرده کامران میرزا به خدمت شاهزاده آمده ایشان را به هرات برد و کلید خزاین بدیشان سپرد. نواب شاهزاده از فرط مناعت جز یک حلقه انگشتی هیچ قبول نفرمودند و نواب ارغون میرزا فرزند خود را با پنجهزار سوار و سه عراده توپ در هرات گذاشته خود به ارض اقدس معاودت نمودند — هم در این سال اللهقلی خان توره برادر رحمنقلی خان توره پسر محمد رحیم خان اورگنجی به ولایت جام رانده بنای غارت را گذاشت ولی یکشب در اواخر شب چند رأس اسب در اردوی او زها شده به یکدیگر افتادند و غوغا و هیاهونی در گرفت، خوارزمیها گمان شیخون کرده متفرق شدند. اللهقلی خان به سرخس رفت و اردوی او به دست جامیان افتاد — هم در این سال روسها از طرف دریای خزر در سرحدات مازندران و استرآباد بنای آشوب را گذاشتند و دو فروند کشتی جنگی به فرضه های این دو ولایت آوردند و تراکمه را به نقود تطمیع کردند. قیات نامی از تراکمه جعفر بای فریب خورده ایل را به فساد واداشت، نواب محمدقلی میرزای ملک آرا در دربار همایون بود و پسرش

بدیع الزمان میرزا در استرآباد به حکمرانی اشتغال داشت. پس از استماع این خبر مهدی خان و محمدتقی خان هزارجریبی و میرزا اسمعیل خان فندرسکی و نقدعلی خان کوتول را با خود همراه نموده با سواران و پیادگان استرآباد و مازندران و ککلان شب بر سر اوبه جعفربای ریخته به تدمیر آن جماعت پرداختند، چون تراکمه مقهور شدند سفاین روس هم که به ساحل استرآباد آمده بودند بازگشتند — هم در این اوان منوچهرخان گرجی به حراست بندر انزلی و فرضه گیلان روانه شد و امین الدوله عبدالله خان اصفهانی به وزارت نواب شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا به اصفهان رفت — هم در این ایام آلکساندر یرملوف سردار گرجستان در دولت روس به خیانت منسوب شده معزول گردید و ژنرال بسکویچ به جای او سرداری یافت. کیتاز مددوف حاکم قراباغ و شیروان و شگی نیز عزل و ایخسوف نام به جای او نصب شد و بسکویچ ژنرال دویچ نام را با ده هزار سالدات و بیست عراده توپ به تسخیر ایروان فرستاد و ایخسوف نیز با شش هزار سرباز و ده عراده توپ به طرف قراجه داغ راند ژنرال دویچ وارد اوچ کلیسا شد و ایخسوف در کنار پل خداآفرین اقامت کرد حسین خان سردار در قلعه ایروان و برادرش حسن خان ساری اصلان با پنجهزار سوار و یک فوج سرباز در خارج قلعه ماند — از طرف قراجه داغ نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمدشاه) با شش هزار سوار و چهار فوج سرباز و پنج عراده توپ در کنار رود ارس اردو زدند و ژنرال دویچ با سه باطالیان سرباز و یک هزار نفر سواره قزاق و چهار عراده توپ از اوچ کلیسا به عزم استخلاص قلعه سردارآباد ایروان حرکت کرد. حسن خان سردار در کنار قواسو که میانه سردارآباد و اوچ کلیسا است با ژنرال دویچ مصاف داده چون کاری از قشون روس ساخته نشد روی به قلعه طالین که در شش فرسخی ایروان است نهادند — از آنطرف روسها که در کنار پل خداآفرین بودند خواستند از آب ارس عبور کرده به قراجه داغ رانند نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بر آنها حمله کرده آنها را شکستی فاحش دادند — در این اوان موکب همایون از دارالخلافه متوجه آذربایجان شد و روسهای اوچ کلیسا به عزم شبیخون به اردوی حسن خان ساری اصلان ریختند. مشارالیه که باخبر بود بسیاری را مقتول و بعضی را اسیر کرد نیز پانصد عراده آذوقه

که به قلعه ایروان می بردند به تصرف حسن خان درآمد. موکب همایون در چمن قبله تبریز نزول اجلال فرمود و قشون روس از محاصره ایروان گذشته عزم نخجوان کردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه از خوی حرکت فرموده به چورس آمدند. و احسان خان ولد کلبعلی خان نخجوانی را به حراست قلعه عباس آباد که از مستحادثات حضرت معظم است امر فرمودند، و محمد امین خان قاجار و عباس خان سرکرده بختیاری به معاشرت احسان خان محکوم شدند، احسان خان با بسکویچ سازش کرده او را به محاصره عباس آباد آورد. نواب علینقی میرزای رکن الدوله با پنج هزار پیاده و سوار به چورس آمد، اللهیارخان آصف الدوله نیز با پنج هزار سوار و پیاده به رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه آمده حسن خان ساری اصلان نیز با فوجی از سواران در رسید و با روسها که از رود ارس عبور کرده بودند شروع به جنگ نمودند. چهار نفر از دلاوران روس قصد حضرت مستطاب نایب السلطنه کرده هر چهار به راه عدم رفتند. فضلعلی خان قوانلو ولد حاجی مهدیقلی خان در آنروز جلادتها نموده چون اسبش زخمی شد پیاده به جنگ پرداخت و چند زخم برداشت، او را از معرکه بیرون بردند و پس از آنکه زخمهای او التیام یافت جان نثار دولت به او لقب دادند. عساکر ایران کلاً به چورس برگشتند و بسکویچ علمی را که نشانه دولت ایران داشت برافراشت و به این حيله از رود ارس گذشته به تسخیر عباس آباد شتافت. احسان خان مستحفظین قلعه را حبس کرده در بر روی بسکویچ گشود. بسکویچ محمد امین خان قاجار و عباس خان سرکرده بختیاری و بعضی خوانین این طایفه را گرفته به تفلیس فرستاد و احسان خان در ازای این خدمت به حکومت نخجوان رسید — حاجی محمدخان دولو و اسفندیارخان گرجی داماد سپهدار و طوایف خلیج به حراست خوی مأمور شدند،^۱ و عبدالله خان ارجمندی فیروزکوهی با

۱. این عبارات طوری از روضه الصفا خلاصه شده که مفهوم تغییر کرده است. در روضه الصفا چنین آمده: «چون این اخبار به سمع حضرت شاهنشاه قاجار در رسید حاجی محمدخان دولوی قاجار و اسفندیارخان گرجی داماد و نایب یوسف خان سپهدار را با سربازان ساوه و قم و خلیجستان به محارست قلعه خوی مقرر داشت».

دسته خود به محارست تبریز رفت و موکب همایون به مرند آمد، و نواب شاهزاده اعظم محمدمیرزا به تاخت قراباغ روانه شدند، و نواب رکن الدوله به توقف محال چورس و حضرت مستطاب نایب السلطنه به جانب ایروان مأمور گشتند. بسکویچ چند روزی در عباس آباد مانده بعد به اردوی خود بازگشت، و وبا در قشون روس افتاده جمعی را هلاک نمود، و بسکویچ از تلافی عباس آباد توکم داشت. میرزا کرمایدوف^۲ همشیره زاده خود را به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنه به طلب مصالحه فرستاد و مقبول نیفتاد — شیخعلی خان کنگرلو برادر احسان خان نیز قلعه نظاره اردوباد را به تصرف قشون روس داد و ابراهیم بحان قاجار دولو با دسته لشکر قراگوزلو به جانب اردوباد شتافت و قلعه نظاره را به غلبه گرفت و نواب شاهزاده اعظم محمدمیرزا نیز ولایت قراباغ را زیر و زبر کردند و بازگشتند. و نواب جهانگیر میرزا مستحفظین سالیان را اسیر و تویخانه آنها را به دریای خزر انداختند. (ترکستان) — در این سال امیرحیدر توره ابن امیر معصوم شاهمراد ملقب به بگجان که بیست و دو سال در بخارا امارت داشت در ماه ربیع الاول درگذشت و بعد از او امیرحسین پسرش سه ماه امارت بخارا نموده در جمادی الاولی وفات یافت. و بعد از او عمرخان بن امیرحیدر بر مسند امارت نشست و او نیز بعد از ششماه راه آخرت پیش گرفت. و امیر نصرالدین بن امیرحیدر بن بگجان امارت بخارا یافت و استقلالی بهم رسانید.

اروپا — (انگلیس و روس و عثمانی) — در مسئله یونان مابین انگلیس و روس به واسطه ولنگتن از جانب انگلیس و نیسلرود از جانب روس اتحادی حاصل شده بنای سختگیری را به عثمانی می گذارند — شورش یونانیها سخت تر و تعدیات عثمانی خاصه اجحافات ابراهیم پاشای مصری که سردار کل قشون عثمانی در یونانست به یونانیها بیشتر از پیشتر است — جنگهای سخت یونانیها با ابراهیم پاشا — اتحاد

۲. در روضه الصفا نیز همین طور ضبط شده. در ناسخ التواریخ «میرزا گریبایدوف» آمده که البته صحیح است و چون گریبایدوف از نویسندگان مشهور روسیه بوده است نام میرزا را بر سر اسم وی آورده اند که جالب است. جالب تر اینکه ذیل وقایع سال ۱۲۴۴ او را ژنرال گریبایدوف نوشته اند.

فرانسه با انگلیس و روس در باب یونان — روس که با ایران به سرداری بسکویچ در مجادله است مجال قشون فرستادن به یونان ندارد و به واسطه جنگ با ایران با عثمانی مصالحه می نماید — بنابراین معاهده جز در قلاع سربستان عساکر عثمانی در سایر بلاد سرب نخواهند بود و سفاین روس نیز در دریای سیاه آزاد خواهند بود — در تمام فرنگ برای یاغیهای یونان توجیهات می شود — دولت اتانونی ینگى دنیا یک فروند کشتی جنگی به یونانیها می بخشد. (انگلیس) — این دولت گرفتار بی پولی و قحطی و عدم رواج تجارتست — به تحریک انگلیس مملکت آسام از بیرماه منتزع می شود. (فرانسه) — تعلیم و تعلم زبان پهلوی در این مملکت. (ایطالیا) — شورش و انقلاب بر ضد پاپ در بلاد متصرفی او. (پرتوغال) — فوت ژان ششم پادشاه — اهالی پرتوغال دُن پیدر پتر ارشد ژان را که امپراطور برزیل است به سلطنت منتخب می کنند — پادشاه برزیل از سلطنت پرتوغال استعفا کرده سلطنت را به ماری دختر هفت ساله خود تفویض می کند — شورش انگیزی دُن میگیل برادر پادشاه. (روس) — تاجگذاری امپراطور نیکلای اول در مسکو. (عثمانی) — قتل طایفه ینگیچری و معدوم ساختن این طایفه را کلیتاً.

امریکا — (اتانونی) — فوت ژفرسن معروف.

[سنه ۱۲۴۳ هجری = ۱۸۲۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال در ماه صفر شرح فتوحاتی را که در اواخر سال قبل نگاشتیم به عرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسانیدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا رکن الدوله علینقی میرزا را در چورس گذاشته خود به ایروان تشریف بردند و قاسم خان سرهنگ و جعفرقلی خان مقدم و میرزا محمودخان مقصودلوی استرآبادی را بر سایر مستحفظین آن قلعه افزودند و حسین خان سردار ملتزم رکاب والا گردیده متوجه محاصره اوچ کلیسا شدند، مستحفظین اوچ کلیسا از روسهای ساکن آباران استمداد نمودند و آنها نیز با استعدادی قصد امداد کردند، حضرت مستطاب نایب السلطنه از این معنی خبردار گشته یوسف خان

گرجی سرهنگ توپخانه و سهراب خان غلام پیشخدمت باشی را با چهار هزار نفر به محاصره اوج کلیسا گذاشته خود به راه اباران رفته در اشترک ایروان با قشون روس مصاف دادند روسها مغلوب شده اسلحه خود را ریخته قصد فرار کردند عساکر منصوره بسیاری از آنها را دستگیر نموده و موکب والا به طرف ایروان عطف عنان فرمود. بسکویچ سردار روس چون از واقعه آگاه شد ژنرال ارستوف گرجی را به حراست عباس آباد گذاشت و خود راه ایروان پیش گرفت. رکن الدوله و حسن خان ساری اصلان نیز به جانب ایروان راندند. حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از ملاقات رکن الدوله حرکت فرموده در دامنه آغری داغ اقامت نمودند. بسکویچ به اوج کلیسا رفته پس از چند روز توقف به محاصره سردار آباد آمد. حضرت معظم حسن خان سردار را روانه سردار آباد نموده خود به تاخت حوالی عباس آباد پرداختند. ژنرال ارستوف با استعدادی تمام از عباس آباد بیرون آمده در حوالی قلعه خوک نخب جوان مغلوب عساکر حضرت والا گردید و به عباس آباد بازگشت. موکب والا به منزل چشمه شاهی خوی نزول فرمود و در چمن مهربان این فتوحات به عرض حضور همایون رسیده عبدالله خان ارجمندی و طهماسبقلی خان لاریجانی و ولی خان تنکابنی و حاجی حسن خان دامغانی و علینقی خان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی و عبدالله خان دماوندی را با دستجات آنها و مبلغی وجه نقد به همراهی اللهیارخان آصف الدوله نزد حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند و موکب همایون در ماه ربیع الاول تشریف فرمای دارالخلافه گردید و حضرت معظم والا از آب ارس عبور کرده به محال چورس آمدند و آصف الدوله دستجات مازندرانی را روانه تبریز نمود و به اتفاق میرزا ابوالقاسم قایم مقام از رود ارس گذشته به نظم النجف پرداخت. حضرت مستطاب نایب السلطنه به خوی تشریف آورده آصف الدوله و قایم مقام را به حضور طلبیدند. بسکویچ با اطمینان تمام سردار آباد را محاصره کرد حسن خان ساری اصلان نیم شبی از شکاف دیوار قلعه بیرون آمده به ایروان رفت و ارامنه در قلعه سردار آباد را باز کرده بسکویچ وارد قلعه شد و پس از دریافت آذوقه به ایروان شتافت و پس از دوازده شبانه روز جنگ ایروان را بگرفت و حسن خان گرفتار گردید و او را و میرزا محمدخان مقصودلور و حمزه خان انزلی را به تغلیس فرستاد

و حضرت معظم نایب السلطنه در خوی از ماجری خبردار شدند. رکن الدوله و آصف الدوله به تبریز آمدند. رحمت الله خان فراهانی که به حفظ راه دزگرگر معبر روسها مأمور بود نیز به تبریز شتافت و موکب حضرت معظم والا به محال مرند آمد و در اینجا معلوم شد که مستحفظین دزگرگر غفلت ورزیده و ارستوف گرجی با سالدات و توپخانه از آن معبر گذشته و عزیمت تبریز نموده حضرت مستطاب نایب السلطنه فتحعلی خان رشتی را نزد بسکویچ فرستاده شرحی پیغام دادند و خود به بلده خوی آمده انتظام این نواحی را برعهده نواب امیرزاده بهرام میرزا و حاجی محمدخان قاجار و اسفندیارخان نایب سپهدار محول فرموده خود روانه تبریز شدند و در منزل طسوج به عرض رسید که ژنرال ارستوف به جهت اطمینان از حرکت بسکویچ و جذب قلوب اهالی تبریز در قریه صوفیان متوقف است ولی در همین دو روز به تسخیر شهر می پردازد. لهذا موکب والا عاجلاً به دوفرمنگی تبریز آمد و معلوم شد که از خارج و داخل روسها را به گرفتن تبریز تحریک می کنند و از جمله محرکین میرفتاح ابن حاجی میرزا یوسف تبریزی بود که مردم را به اطاعت روسها اغوا می نمود. ناچار قایم مقام را روانه تبریز نموده خود عزیمت سلماس فرمودند — خلاصه نواب رکن الدوله از تبریز بیرون رفت و آصف الدوله خدام حرم حضرت مستطاب نایب السلطنه را از شهر روانه کرده در قریه باسماج به رکن الدوله رسانید و الواط شهر ممتد شده قشون روس به شهر تبریز وارد شد و آصف الدوله را در ارگ حبس کردند و ژنرال بسکویچ را خبر دادند و طلب نمودند و او به تعجیل به تبریز آمده ایالت را کماکان به عهده فتحعلی خان پسر هدایت الله خان گیلانی واگذار نمود و با آنکه با آصف الدوله از صلح سخن می گفت جمعی را به تسخیر ولایت خوی فرستاد حضرت مستطاب نایب السلطنه در اینموقع مصلحت به جنگ ندیده مستحفظین خوی را با توپخانه و آلات حرب به سلماس احضار فرمودند و آن ولایت را به امیر اصلان خان که در خفا با روسها مواضعه داشت سپردند و لشکر روس بی مانعی خوی را تصرف کردند — بیژن خان گرجی بعضی تهدیدات از جانب حضرت معظم نایب السلطنه برای بسکویچ پیغام برد و جواب ملایمت و مبنی بر صلح آورد و مقرر شد که در دهخارقان ملاقات و گفتگو نمایند حضرت مستطاب

والا پُنه و آغروق را با نواب امیرزاده بهرام میرزا و امرای قاجار از راه ارومی و سلدوز به میان دوآب مراغه که به رحمت آباد معروف است فرستادند و خود به اردوی روسها رفتند. نواب رکن الدوله خدام حرم حضرت معظم را محافظت کرده به زنجان رسانید و از آنجا به اتفاق حاجی علی اصغر مازندرانی خواجه باشی و عبدالله خان دماوندی روانه همدان شدند — اعلیحضرت خاقان صاحبقران نیز از واقعه آگاه شده با حضار شاهزادگان احکام صادر فرمودند و از آنجا که ژنرال رازن از صاحب منصبان روس به فریب ایلات گرمرو و خمسه و شقاقی آمده بود میرزا محمدتقی علی آبادی صاحب دیوان که مدتها به وزارت خمسه مأمور و اهالی آن بلاد را به حسن سلوک خود ممنون داشت محکوم به محارست آن حدود گردید و نواب شیخعلی میرزا حسب الامر در زنجان اقامت گزید و غلام حسین خان سپه دار عراق با ده هزار پیاده و دو عراده توپ در رسید و نواب محمدقلی میرزا با ده هزار قشون مازندرانی حرکت کرد و نواب محمدتقی میرزا با شش هزار سوار و پنج عراده توپ حاضر شد و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا با سپاه خراسان ورود نمود — اما روز ورود حضرت مستطاب نایب السلطنه به دهخارقان بسکویچ و همه صاحب منصبان روس با احترام تمام حضرت معظم را استقبال کرده آصف الدوله را نیز از تبریز آوردند. پس از گفتگو بسکویچ گفت دولت روس در این کشمکش معادل بیست کرور تومان ضرر متحمل شده هرگاه داده شود خلاف مرتفع گردد. فتحعلی خان گیلانی به طهران آمده مراتب را به عرض حضور اعلیحضرت خاقان صاحبقران رسانیدند و این مطلب مقبول نیفتاد. بعد از آمد و شد و سؤال و جواب بسیار به ده کرور قرار گرفت که هشت کرور داده شود و بعدها نیز دو کرور دیگر به مدارا و مهلت ادا گردد. سرژن مکدان بدکنیر وزیر مختار انگلیس با بسکویچ قرار مصالحه را داده و حکیم مکنیل صاحب انگلیس را به دارالخلافه فرستاده خاقان صاحبقران را راضی نمود و منوچهرخان حامل وجه خسارت جنگ گشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه از حدود گروس و میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه از قصبه زنجان و آصف الدوله و بسکویچ از تبریز و قایم مقام از طهران حرکت کرده همه در قریه ترکمانچای من اعمال تبریز جمع شدند و عهد مصالحه

مابین دولتین روس و ایران را که موسوم به عهد ترکمان‌چای می‌باشد منعقد نمودند و شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان این سال عهدنامه مزبوره به انجام رسیده یک نسخه به مهر مبارک حضرت مستطاب نایب السلطنة و میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر امور خارجه مختوم شد و با ژنرال رازن سردار سواره نظام روس و حاجی میرزا ابوالحسن خان آن عهدنامه به حضور همایون خاقان صاحبقران فرستاده شد. و صورت عهدنامه ترکمان‌چای از قرار ذیل است:

صورت عهدنامه ترکمان‌چای^۱

اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه بالقابه و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران باوصافه علی التویه اراده دارند که به نواب جنگی نهایی بگذارند و به سبب همجواریت صلحی بی نفاق به عمل آرند. لهذا امپراطور اعظم جناب ایوان بسکاوویچ جنرال انوتار^۲ را و پادشاه والاجاه مملکت ایران نواب

۱. متن این عهدنامه در ناسخ التواریخ و روضة الصفا نیز آمده که مطابق با این متن است که در هر سه کتاب خلاصه آن آمده. در کتاب «مجموعه معاهدات ایران با دول خارجه» با ترجمه دیگری همراه با متن فرانسوی آن نیز به طور کامل وجود دارد. شادروان سعید نفیسی و دکتر علی اکبر پنا نیز آن را در کتابهای خود آورده‌اند. متنی که دکتر پنا نقل کرده متعلق بر متن مجموعه معاهدات است امّا سعید نفیسی که خود بر زبان فرانسه تسلط کافی داشته ترجمه دیگری کرده است. می‌نویسد: «در آن زمان زبان دیپلماتی اروپا زبان فرانسه بوده و این عهدنامه را نیز روسها به این زبان نوشته‌اند. در همان زمان ظاهراً میرزا مسعود (انصاری) که مترجم زبان فرانسه دربار فتحعلیشاه بوده به فارسی معمول آن زمان ترجمه کرده و تاکنون هرجا آن را چاپ کرده‌اند همان ترجمه ایست که او کرده است و چندان دقیق نیست. ترجمه آن بدین گونه است: ...».

۲. در روضة الصفا و ناسخ التواریخ نیز «جنرال انوتار» آمده است. ظاهراً در اصل «جنرال آدیوتانت» بوده زیرا پاسکویچ در طی مدارج ترقی در سال ۱۸۲۵ به مقام «گنیرال آدیوتانت» رسید که همان جنرال یا ژنرال آجودان باشد (از افادات استاد دکتر عنایت‌الله رضا با استناد به دایرة المعارف روسی) عنوان وی در متن فرانسوی عهدنامه چنین آمده است:

«Le sievr Jean Paskevitch, son aide de camp général»

که مرحوم سعید نفیسی آن را «آقای ژان پاسکویچ آجودان کل خود» ترجمه کرده است.

نایب السلطنه عباس میرزا را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان در محل ترکمان‌چای اختیارنامه‌های خود را بهم سپردند و فصول آتیه را تعیین و قرارداد کردند.

فصل اول: بعدالیهوم مابین اعلیحضرت امپراطور کلّ ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه مودّت و وفاق کامل ابدالآباد واقع خواهد بود.

فصل دوم: از تاریخ حال هر دو پادشاه بااجلال عهدنامه واقعه در محال گلستان قراباغ را متروک و این عهدنامه جدیدۀ میمونه را با عهود و شروط مسلوک داشته‌اند.

فصل سیم: پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان، کلّ الکای نخجوان و ایروان را خواه اینطرف رود ارس خواه آنطرف به دولت روسیه واگذار می‌کند و تعهد می‌نماید که بعد از امضای این عهدنامه در مدّت ششماه همه دفتر و دستورالمعمل که متعلق با دایرۀ این دو ولایت باشد^۳ به تصرف امرای روسیه بدهد.

فصل چهارم: در باب سرحدّ دولتین ایران و روس بدینموجب خط و وضع شده: از نقطۀ سرحد ممالک عثمانی که در خط مستقیم به قله کوه آغری کوچک اقرب است ابتدا کرده و از آنجا تا به سرچشمۀ رودخانه قراسوی پائین که از سرایشب جنوبی آغری کوچک جاریست فرود آمده به متابعت مجرای این رودخانه تا به التقای آن به رود ارس در مقابل شرور ممتد می‌شود. چون این خط به اینجا رسید به متابعت مجرای ارس تا به قلعه عباس آباد می‌آید. و در دور تعمیرات و ابنیه خارجه آن که در کنار راست ارس واقع است به نصف قطری به قدر نیم فرسخ رسم می‌شود و با این نصف قطر در همه اطراف امتداد می‌یابد، همه اراضی و عرصه‌ای که در این نصف قطر محاط و محدود می‌شود بالانفراد تعلق به روسیه خواهد داشت و در مدّت دو ماه مشخص خواهد شد و بعد از آن از جایی که طرف شرقی این نصف قطر متصل به ارس می‌شود خط سرحدّ شروع و متابعت مجرای ارس می‌کند

۳. روضه الصفا: متعلق به اداره این دو ولایت باشد.

تا به معبریدی بلوک و از آنجا خاک ایران به طول مجرای ارس امتداد می‌یابد تا به فاصله و مسافت سه فرسخ. بعد از وصول به این نقطه سرحد به استقامت از صحرای مغان می‌گذرد و تا به مجرای رودخانه بالهارود به محلی که در سه فرسخی واقع است پائین‌تر از ملتقای دو رودخانه کوچک موسوم به آدینه بازار و ساری قمش، و از اینجا این خط به کنار چپ بالهارود تا به ملتقای رودخانه مذکور صعود کرده به طول کنار راست رودخانه آدینه بازار شرقی تا به منبع رودخانه و از آنجا تا به اوج بلندیه‌های جگگیر امتداد می‌یابد به نوعی که جمله آب‌هائی که جاری به بحر خزر می‌شود متعلق به روسیه خواهد بود، و همه آب‌هائی که سرایشب و مجرای آنها به جانب ایران است متعلق به ایران خواهد داشت. چون سرحد دو مملکت اینجا به واسطه قله جبال تعیین می‌یابد لهذا قرارداد شد که پشته‌هائی که از این کوهها به سمت بحر خزر است به روسیه، و طرف دیگر آن به ایران متعلق باشد. از قله بلندیه‌های جگگیر خط سرحد تا به قله کمرفوتی به متابعت کوههائی می‌رود که طالش را از محال ارس منفصل می‌کند چون قله جبال از جانبین مجرای میاه را فرق می‌دهند لهذا در اینجا نیز خط سرحد را همان قسم تعیین می‌کند که در فوق در باب مسافت واقعه مابین آدینه بازار و قله جگگیر گفته شد. بعد از آن خط سرحد از قله کمرفوتی به بلندی کوههائی که محال زوند را از محال ارس فرق می‌دهد متابعت می‌کند تا به سرحد محال ولکیج^۱ همواره برطبق همان ضابطه که در باب مجرای میاه معین شد محال زوند به غیر از آن حصه که در سمت مخالف قله جبال مذکوره واقع است از این قرار حصه روسیه خواهد بود. و از ابتدای سرحد محال ولکیج خط سرحد مابین دو دولت به قله جبال کلوپوتی^۲ و سلسله کوههای عظیم که از ولکیج می‌گذرد و متابعت می‌کند تا به منبع شمالی رودخانه موسوم به

۱. این کلمه در این فصل سه بار آمده که در روضه الصفا هر سه بار «ولکیج» و در این متن نخست «ولکیج» و بعد «ولکیج» نوشته شده، به استناد کتاب مجموعه معاهدات و متن فرانسه آن به «ولکیج» تصحیح شد. املاي فرانسوي آن این است: «Velkidjz»

۲. در متن کلتوتویی: به استناد مجموعه معاهدات و روضه الصفا تصحیح شد، املاي فرانسوي آن این است: «Kolopouti».

آستارا پیوسته به ملاحظه همان ضابطه در باب مجرای میاه و از آنجا خط سرحد متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا به ملتقای دهنه آن بحر خزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد کرد و میل خواهد نمود.

فصل پنجم: اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان، تمامی الکاء و اراضی و جزایر و جمیع قبایل خیمه‌نشین و خانه‌دار را که در میانه خط حدود معینه و قلل برف‌دار کوه قفقاز و دریای خزر است الی الابد متعلق به دولت روسیه می‌داند.

فصل ششم: اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به تلافی خسارت دولت و رعیت روسیه مبلغ ده کرور نقد که عبارت از بیست‌ملیان منای سفید روسی است قرارداد و موعد و ره‌این^۳ وصول اینوجه در قرارداد علیحده که لفظ به لفظ گویا در این عهدنامه مندرج است معین خواهد شد.

فصل هفتم: چون پادشاه ممالک ایران نواب عباس میرزا را ولیعهد دولت قرار داده امپراطور روسیه نیز تصدیق بر این مطلب نموده تعهد کرد که نواب معزی‌الیه را از نتایج جلوس بر تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق آن ملک داند.

فصل هشتم: کشتیهای تجارت دولتین روس و ایران از هر دو طرف اجازه دارند که در بحر خزر و طول سواحل آن به طریق سابق سیر کرده به کناره‌های آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی از هر دو طرف امداد و اعانت خواهد شد. در باب سفاین حربیه که عَلم‌های عسکریه روسیه را دارند مثل سابق اذن تردد در بحر خزر دارند و بغیر از دولت روس دولتهای دیگر این اذن را ندارند.

فصل نهم: وکلا و سفرای طرفین اعم از متوقفین و عابریین باید از دو طرف مورد کمال اعزاز و احترام گردند و در این باب دستورالعمل مخصوص از طرفین مرعی و ملحوظ گردد.

۳. در متن: دره‌این — ناسخ التواریخ: وهاین، به استناد روضة الصفا به «ره‌این» جمع «ره‌ن» تصحیح شد. در مجموعه معاهدات به جای «ره‌این» «تضمین تأدیه» آمده است.

فصل دهم: در باب امر تجارت هردو پادشاه والاجاه موافق معاهده جداگانه که به این عهدنامه ملحق می گردد [و] تصدیق نمودند و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در باب کونسله‌ها و حامیان تجارتی که از دولت روس کما فی السابق در هرجا که مصلحت دولت اقتضا کند معین شود تعهد می کند که این کونسله‌ها و حامیان را که زیاده از ده نفر اتباع نخواهند داشت حمایت و احترام نمایند. امپراطور روسیه نیز در باب کونسله‌ها و حامیان تجارت ایران وعده می کند که به همین نحو مساوات منظور دارد، و هرگاه از دولت ایران محققاً شکایتی از کونسله‌ها و حامیان تجارت روس واقع شود وکیل یا کارگذار دولت روس که در دربار دولت ایران متوقف است و اختیار کونسله‌ها و حامیان تجارت با او است اذن دارد که امر مزبور را به عنوان جاریه به دیگری رجوع نماید.^۱

فصل یازدهم: همه امور و ادعای طرفین که به سبب جنگ به تأخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت به اتمام خواهد رسید و مطالباتی که رعایای جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند به تعجیل و تکمیل وصول پذیر خواهد شد.

فصل دوازدهم: دولتین علیتین معاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعه جانبین قرارداد می کنند که برای آنهایی که مابین خود به سیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند موعده سه ساله مقرر نمایند تا به آزادی در بیع و معاوضه آنها قدرت داشته باشند لکن امپراطور ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در همه آن مقداری که به او متعلق و واگذار می شود سردار سابق ایروان حسین خان و برادر او حسن خان و حاکم سابق نخجوان کریم خان را مستثنی می سازد.

فصل سیزدهم: اسرانی که در جنگ آخر و قبل از آن و تبعه‌ای که از هر مدت به اسیری افتاده‌اند از هردو طرف قرارداد شد که در مدت چهار ماه با

۱. عبارات آخر این فصل مبهم است. در مجموعه معاهدات چنین آمده: «در صورت شکایت حقه دولت ایران از یکی از مأمورین یا قونسولهای روس وزیر مختار یا شارژداری که در دربار دولت علیه ایران اقامت و به این اشخاص ریاست بلافاصله دارد مشارالیه را از مأموریت خود خلع کرده و موقتاً کفالت کار او را به هرکس صلاح داند واگذار خواهد کرد.»

اخراجات راه به عباس آباد فرستاده شوند که وکلای طرفین در آنجا مأمور به اینکار می باشند آنها را گرفته به اوطان خود برسانند و هرگاه در مدت مذکوره تعویقی واقع شود هر وقت از هر طرف مطالبه کنند یا اسرا خود استدعا نمایند بلامضایقه رد کرده آید.

فصل چهاردهم: از دوطرف قرین الشرف تعهد می شود که رعایای جانبین اعم از فراری یا غیرفراری که در حالت جنگ و قبل از آن به مملکت طرفین رفته اند یا بعد از این بروند در صورتیکه وجود ایشان منشأ ضرر و فساد نباشد مطالبه نشود ولکن اشخاص صاحب رتبه و شأن اعم از حکام و خوانین یا رؤسا و ملاهای بزرگ و غیر آنها که وجود ایشان در ممالک دوطرف به سبب مکاتبات و مخابرات خفیه منشأ ضرر و مرارتست در ممالک طرفین نگاه ندارند و از حدود معینه در فصل چهارم اخراج سازند.^۲

فصل پانزدهم: اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باید از تقصیر اهالی آذربایجان از خاصه و عامه که در مدت جنگ و تصرف عساکر روسیه در ولایات استرداد می که مباشر خیانتی شده اند درگذرند و هریک خواسته باشند با عیال از آن ولایت بیرون روند تا مدت یکسال به ایشان مهلت داده شود که اموال و اثقال خود را یا بیع یا نقل به مملکت روسیه نمایند و احدی از حکام به هیچوجه متعرض خسارت آنها نشود، و در باب بیع املاک پنجساله مهلت داده شود هرگاه در مدت یکساله مذکوره از احدی خیانتی تازه به ظهور رسد داخل در عفو و گذشت نیستند.

فصل شانزدهم: بعد از امضای این عهدنامه میمونه فی الفور وکلای مختار جانبین دستورالعمل های لازمه به حدود خود روانه سازند که به ترک خصومت و تعدی پردازند. این مصالحه نامه در دو نسخه به یک مضمون ترتیب یافته و به دستخط وکلای طرفین رسیده و مابین ایشان مبادله گردیده است. باید امضای آن به تصدیق دو پادشاه در مدت چهار ماه و اگر ممکن شود زودتر مابین وکلای مختار

۲. این فصل خیلی خلاصه شده. محققین باید یا به کتاب «مجموعه معاهدات» یا به ترجمه مرحوم سعید نفیسی مراجعه فرمایند.

ایشان مبادله شود - تحریراً در قریه ترکمان چای به تاریخ دهم شهر فورال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه هجری به ملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید و به امضای وزیر امور دولخارجه میرزا ابوالحسن خان نیز رسید.

نیز عهد تجارتی مشتمل بر نه فصل فیما بین دولتین منعقد گردید که صورت آن از قرار ذیل است:^۱

فصل اول: چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جمله منافع و فوایدی که از آزادی و رخصت تجارت حاصل می شود بهره مند دارند لهذا به این تفصیل قرارداد کردند که رعایا و اتباع روس که تذکره متعارفه در دست داشته باشند در همه ممالک ایران می توانند تجارت کرد. و کذلک به ممالک مجاوره دولت مذکوره می توانند رفت. و به همین نسبت اهالی ایران امتعه خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران به مملکت روس می توانند برد. و معاوضه و بیع نمود، و خرید کرده متاع دیگر بیرون برده، و از هرگونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری به اتباع کامله الوداد دولتهای اروپا داده می شود بهره مند خواهند شد در حالتی که یکی از اتباع دولت روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منتقله و غیرمنتقله او چون متعلق به [رعیت] دولت روس است بدون قصور به اقوام یا شرکای او تسلیم خواهد شد که به اختیار تمام به نحوی که شایسته داند معامله نمایند. و در صورتی که اقوام و شرکای او موجود نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال به وکیل یا کارگذار یا کونسلهای روسیه واگذار می شود بدون اینکه هیچگونه ممانعتی از جانب حکام ولایات ظاهر شود.

فصل دوم: حجج و بروات و ضمانت نامه ها و دیگر عهدها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوبها^۲ می گذرد نزد کونسول روسیه و حاکم

۱. این عهدنامه از روی ناسخ التواریخ رونویسی شده است ناچار با متن روضه الصفا مقایسه شد و افتادگی ها در داخل [] اضافه گردید.

۲. «در هر سه نسخه چنین است ولی ظاهراً «مکتوباً» بوده است» (نظر دکتر قائم مقامی در حاشیه

ولایت [و در جایی که گنسل نباشد تنها نزد حاکم ولایت] ثبت می شود تا اینکه هنگام منازعه بین الطرفین برای قطع دعوی برطبق عدالت لحقات^۳ لازمه نتواند کرد، و اگر یکی از طرفین خواهد بدون اینکه به نحو مذکور فوق تمسکات محرره متصدقه که لایق قبول هر محکمه عدالت است در دست نداشته^۴ باشد از دیگری ادعائی ننماید و جز اقامه شهود دلیلی دیگر نیارد این قبیل ادعاها و اینکه مدعی علیه خود تصدیق به حقیقت آن ننماید مقبول نخواهد شد. همه معاملات منعقد که به صورت مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده باشد با دقت تمام مرعی و ملحوظ شد. هرگونه مجانبت که در انجام آن بظهور رسد و باعث ضرر یکی از طرفین گردد مورث تلافی خسارت تناسبه از طرف دیگر خواهد شد. در صورتیکه یکی از تجار روس در ایران مفلس و ورشکست شود حق به ارباب طلب از امتعه و اموال او داده می شود اما اگر از وکیل یا کارگذار یا کونسل استعمال نمایند که مفلس مذکور مال ممکن الصرف که بکار استرضای همان ارباب طلب بیاید در ولایت روسیه گذاشته است یا نه؛ برای تحقیق کردن این مطلب مساعی جمیله خود را مضایقه نخواهند داشت. این قراردادها که در این فصل معین گشته همچنین درباره اهالی ایران که در ولایت روس موافق قوانین ملکیه تجارت می کنند مرعی خواهد شد.

فصل سیم — برای اینکه به تجارت تبعه جانبین منافعی را که علت غائی شروط سابقه الذکر گشته اند محقق و مستحکم نمایند قرارداد شد که از هرگونه متاعی که به توسط تبعه روس به ایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و کذلک از امتعه محصوله ایران که به توسط تبعه آن دولت که به دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران به ولایات روس برده می شود و همچنین از امتعه روس که به رعایای ایران با همان راهها بیرون می برند کمافی السابق در وقت

ص ۲۳۸ ناسخ التواریخ).

۳. «در کلیه نسخ چنین است اما ظاهراً بدین صورت بوده است: برطبق عدالت تحقیقات لازمه بتوانند کرد» (نظر دکتر قائم مقامی در حاشیه همین صفحه).

۴. در هر سه متن: داشته باشد.

بیرون رفتن و داخل شدن هردو یکدفعه پنج از صد گمرک گرفته می شود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک و تعرفه های^۱ مجدد قرارداد کند متعهد می شود که در این حالت نیز گمرک مزبور را که پنج از صد است اضافه ننمایند.

فصل چهارم - اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگر در جنگ باشد تبعه جانبین ممنوع نخواهد شد از اینکه با امتعه خود از خاک دولتیین علیتین معاهدتین عبور کرده به ممالک دولت مزبوره بروند.

فصل پنجم - چون موافق عاداتی که در ایران موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود به اجاره پیدا کنند لهذا به تبعه روس اذن داده می شود که خانه برای سکنا و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت هم اجاره نمایند و هم به ملکیت تحصیل کنند. و متعلقان دولت ایران به آن خانه ها و مکانها و انبارها عنفاً داخل نمی توانند شد. لکن در وقت ضرورت از وکیل و کارگذار و یا کونسول روسیه استرخاص می توانند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمان تعیین کنند که در وقت ملاحظه خانه یا امتعه حضور داشته باشد.

فصل ششم - چون وکیل و کارگذار دولت امپراطوری و صاحبمنصبان مأموره ایشان و کونسلا و ترجمانها در ایران امتعه ای که به کار ملیوس ایشان بیاید و اکثر اشیاء ضروریه معیشت برای اکتیاع پیدا نمی کنند لهذا می توانند بدون باج و خراج هرگونه امتعه و اشیاء که خاصه به مصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورد. و کذلک این امتیازات به تمامه درباره وکیل و کارگذار دولت ایران که مقیم در بار دولت روسیه باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد. و کسانی که از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسلا و حامیان تجارت روس لازم است مادامی که نزد ایشان باشند مانند تبعه روس از حمایت ایشان بهره مند خواهد بود. ولکن

۱. در ناسخ و روضه الصفا و همین متن: «تعریفهای» به استناد مجموعه معاهدات و ترجمه سعید نفیسی تصحیح شد.

اگر شخصی از آنها مرتکب به جرمی شود که موافق به قوانین ملکیت مستحق تنبیه باشد در آن صورت وزیر دولت ایران یا حاکم و در جائی که آنها نباشد بزرگ ولایت مجرم را بیواسطه از ایلچی یا وکیل یا کونسل در نزد هر کدام باشد مطالبه می کند تا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی باشد بر دلایلی که جرم و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا کونسل یا وکیل در دادن او مضایقه نخواهد کرد.

فصل هفتم — همه ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعه روسیه باشد
 بالانحصار به ملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کونسلهای اعلیحضرت امپراطوری برطبق قوانین و عادت دولت روسیه مرجوع می شود و همچنین است منازعات و ادعاهائی که مابین تبعه روس و تبعه دولت دیگر اتفاق بیفتد در حالتی که طرفین به آن راضی شوند — و منازعات و ادعاهائی که مابین تبعه روس و ایران واقع شود به دیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف معروض و محول می گردد و ملحوظ و طی نمی شود مگر در حضور ترجمان وکیل یا کونسلها. چون اینگونه ادعاها که یکدفعه موافق قانون طی شده باشد دوباره استعمال نمی تواند شد هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظه ثانی کند بدون اینکه وکیل یا کارگذار یا کونسل روسیه را سابقاً از آن اخبار شود ملاحظه نمی تواند شد، و در این حالت آن امر استعمال، و محکوم علیه نمی تواند گردید مگر در دفترخانه اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد، کذلک در حضور یک نفر ترجمان وکیل یا کونسل روسیه.

فصل هشتم — کار قتل و امثال آن گناههای بزرگ که در میان خود رعایای روسیه واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کونسل روسیه خواهد بود، بر وفق قوانین شرعیه که به ایشان در باب اهل ملت خود داده شده است. اگر یکی از تبعه روسیه به دعوی جرمی مستلزم السیاسه با دیگران متهم باشد به هیچوجه او را تعاقب و اذیت نباید کرد مگر در صورتیکه شراکت او به جرم ثابت و مدلل شود. در این حالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه بنفسه به جرمی متهم می شد حکام ولایت نمی توانند که به تشخیص حکم [جرم] پردازند مگر در حضور گماشته از طرف وکیل یا کونسل روسیه اگر در اماکن

صدور جرم از کونسلاها یا وکیل کسی نباشد، حکام ولایت مجرم را به جایی که کونسلا یا صاحب منصبی از دایره وکالت روسیه در آنجا باشد روانه می کند و استشهادنامه که در باب برائت و شغل ذمه متهم به واسطه حاکم و مفتی آن مکان از روی صداقت مرتب و به مهر ایشان رسیده باشد. و به این کیفیت عملی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود اینگونه استشهادنامه ها به سند معتبر و مقبول ادعا خواهد شد، مگر اینکه متهم عدم صحت آنرا علانیه ثابت نماید. و در صورتیکه متهم چنانکه باید ملتزم گشته فتوای صریح حاصل شود مجرم را به وکیل یا کونسلا روسیه تسلیم می سازد که برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرر است به مملکت روسیه بفرستد.^۱

فصل نهم - دولتین علیتین معاهدتین اهتمام تمام در باب رعایت و اجرای شروط این معاهده خواهند داشت حکام ولایات و دیوان پیگیان و سایر رؤسای طرفین بیم از مؤاخذه شدید داشته باشند، در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند کرد بل در حالتی که تکرار تخلف چنانکه باید محقق شود موجب مغزولی ایشان خواهد بود - خلاصه؛ ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط نوشته ایم شروطی را که در این معاهده مندرج است و از نتایج فصل دهم عهدنامه است که همان روز در ترکمان چای اختتام یافته است چندان اعتبار و قوت خواهد داشت که گویا لفظ

۱. درک معنا و مفهوم عبارات آخر قدری مشکل است. در کتاب مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه چنین آمده: «اگر در محل وقوع جنحه، سفارت یا قونسولگری وجود ندارد کارگزاران آنجا مجرم را به محلی اعزام خواهند داد که در آنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد. حاکم وقاضی محل استشاداتی را که بر علیه و له شخص مظنون است تحصیل کرده و امضا می نماید. و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و به محل محاکمه فرستاده می شود سند و نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آن را به طور واضح ثابت نماید. پس از آنکه کماهو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسیده و حکم صادر شد مومی الیه به وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شده و در آنجا موافق قوانین سیاست شود.»

به لفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق گشته است منتظم و مقرر داشتیم — لهذا این معاهده جداگانه که مشتمل بر دو نسخه است به توسط ما دستخط گذاشته به مهر ما رسید و مبادله شد — تحریراً در قریه ترکمانچای بتاریخ دهم شهر فیورال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارت از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه هجریه باشد.

پس از انعقاد عهد مودت مابین دولتین ایران و روس بسکوچ تبریز را خالی کرده و حضرت مستطاب نایب السلطنه به این شهر معاودت فرمودند و لشکرها از سرحدات برخاستند — هم در این سال به اغوای محمدقاسم خان دامغانی پیشکار عباسقلی خان کرمانی که خیال سروری داشت اشرار کرمان بنای شرارت و خودسری را گذاشتند و خانلرخان غلام پیشخدمت را که ولد علیمرادخان زند و بطناً نبیره نواب غفران مآب شهید محمدحسن خان طاب‌ثراه و مأمور انتظام کرمان بود هنگام مراجعت در منزل باغین مقتول نمودند. نیز احمدخان برادر محمد مهدی خان متخلص به شحنه را که همشیره او در سلک خدام حرم سلطنت بود به بهانه‌ای در کرمان بکشتند. و محمدقاسم خان با عباسقلی خان به عنوان اینکه به تدمیر عبدالرضاخان یزدی که در اوان جنگ روس و ایران به راه خلاف رفته مصمم شده‌ایم و قریب ۱۰ دوازده هزار جمعیت از حدود کرمان و بم و غیره فراهم آورده عزم تسخیر یزد کردند شاهزاده محمدولی میرزا والی یزد از واقعه خبردار شده به دارالخلافه طهران آمد که مراتب را به عرض حضور خاقان صاحبقران رساند. عبدالرضاخان خلف تقی خان بیگلربیگی قدیم یزد که کارگذار شاهزاده بود اموال متعلقین شاهزاده را متصرف شده آنها را روانه طهران کرد و اهالی کرمان و مازندران در منزل شمس اوضاع عباسقلی خان حاکم کرمان را بهم زدند و او به فارس رفته به خال خود نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس متوسل شد و بعد از چندی به مازندران به خدمت نواب ملک‌آرا رفت و محمدقاسم خان دامغانی به سیستان گریخت و نواب شجاع السلطنه به حکومت کرمان و استرداد اموال

محمودولی میرزا از عبدالرضاخان مأمر شد، عبدالرضاخان از بیم به قلعه داری پرداخت نواب شجاع السلطنه به کرمان رفته اهالی کرمان از خوف به راه عصیان رفتند و در حصار را بر روی شاهزاده نگشودند. بعد از ده دوازده شبانه روز جنگ نواب شجاع السلطنه شهر کرمان را بگرفتند و به انتظام امور آن سامان پرداختند تا بعد از چندی رفع آشوب شد و امنیت حاصل آمد و محمدقاسم خان دامغانی را به لطایف الحیل به کرمان خواندند و مغلولا به طهران فرستادند و در اینجا به سزای خود رسید و عبدالرضاخان را به حال خود وا گذاشتند و نظم امور یزد به نواب ظل السلطان محول شد — هم در این سال عبدالله خان امین الدوله را از اصفهان طلبیده صدارت دادند، و اللهیارخان آصف الدوله به رسم سابق سالار بار شد — هم در این سال بسکویچ در ردۀ لنگران و ایروان کار را منوط به حکم امپراطور روس نمود و مقرر شد حضرت مستطاب نایب السلطنه به حضور امپراطور رفته این کار را فیصل دهند — هم در این سال چون ایالت خراسان برعهده نواب هلاکومیرزا ولد نواب شجاع السلطنه موکول بود و ایالت سبزوار برعهده نواب ارغون میرزا برادر نواب هلاکومیرزا، خوانین خراسان تفتین کرده برادران را بر ضد یکدیگر تحریک کردند و فتنه برخاست، لهذا اعلیحضرت همایون حسن خان و حسین خان سردار ایروانی را به خراسان مأمر فرمودند — وفات عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به مفتون صاحب تاریخ مآثر سلطانیه و عبدالرزاق بیگ ولد نجفقلی خان بیگلربیگی تبریز بود.

اروپا — (آلمان) — فوت پادشاه ساکس و جلوس برادرش آنتوان به جای او. (انگلیس و فرانسه و روس و عثمانی) — صاحبمنصبان بر ضد عثمانی ریاست یاغیان یونانی را می نمایند، بعد از گفتگوی بی فایده زیاد که روس و انگلیس و فرانسه با عثمانی در باب اصلاح با یونان نمودند دولثلاثة مزبوره متفق می شوند که یونان آزاد باشد ولی یک مبلغی خراج به دولت عثمانی بدهد عثمانی قبول این تکلیف را نمی نماید بنابراین سفاین جنگی دولثلاثة یا کشتیهای جنگی عثمانی در ناوارن جنگ سختی کرده در ظرف سه ساعت تمام سفاین عثمانی و مصری را شکسته و غرق می نمایند، سلطان عثمانی در مملکت خود اعلان جهاد

می نماید. (انگلیس) — فوت دوک دوپورک برادر کوچک پادشاه که ولیعهد او بود و رسیدن ولایتعهد به دوک دوکلارانس برادر دیگر پادشاه — ولنگتن علاوه بر سپهسالاری قشون به صدارت نایل می شود. (اسپانیا) — شورش مردم بر ضد فردیناند پادشاه — دُن کارلُس برادر پادشاه را جمعی به سلطنت می طلبند. (فرانسه) — شورش سخت در پاریس و سیه بندی کردن در غالب کوچه ها — ابتدای منازعه فرانسه با حسین پاشا والی الجزایر — ایجاد راه آهن در سنت اِتیِین شهر فرانسه. (پرتوغال) — عساکر انگلیس برای نظم پرتوغال به لیزبن وارد می شوند — دُن میگل بالاخره به سلطنت پرتوغال منصوب می شود.

[سنه ۱۲۴۴ هجری = سنه ۱۸۲۸ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال قزلباشیه کابل از تعدی افغانه و غلبه رنجید مینکه هندو در کشمیر به ستوه آمده حسنعلی خان جوانشیر را از راه بیابان بلوچستان به کرمان فرستادند، و مشارالیه از کرمان به طهران آمده از اجحافات برادران فتیح خان شکایت کرده و شرحی از اظهار ارادت اهالی کابل و قندهار و پشاور به عرض آستان اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسانیده و مستدعی شد که یکی از شاهزادگان عظام را بدان سامان روانه نمایند. اعلیحضرت همایون بنا بر موافقت دولت انگلیس و فراهم نیامدن موجبات آشوب سرحدات هندوستان قبول نمودند و حسنعلی خان جوانشیر از راه فارس و عمان به سند رفت — هم در این سال در اواسط جمادی الاولی موکب همایون به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها توجه فرموده پس از زیارت از قم به سلطان آباد کزاز رفتند و سپهدار در این مورد خدمات نموده به مراجع پادشاهی نایل آمد و در بیست و هفتم جمادی الثانی به دارالخلافه ورود فرمودند — هم در این سال ژنرال گریبایدوف^۱ خواهرزاده مارشال بسکویچ که

۱. ذیل وقایع سال ۱۲۴۲ وی را «میرزا» نوشته اند و در این جا «ژنرال»! در ناسخ و روضه الصفا نیز عنوان «نیارال» به او داده اند که تلفظ روسی جنرال انگلیسی و ژنرال فرانسوی است. در حالیکه وی در تمام عمر بیش از چهار سال خدمت نظام نکرده است (ر.ک. به تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تألیف سعید نفیسی، ص ۱۹۳).

در هنگام انعقاد صلح مابین دولتین ایران و روس حاضر، و در التیام و اصلاح امور مصر بود به دربار امپراطور روس رفته و به وکالت و سفارت مأمور ایران شد که به اتمام شرایط عهدنامه پردازد. مشارالیه با رعایت لوازم و رسوم احترامات به دربار معلى آمده ولی بنای بدسلوکی را گذاشت و ابتداء به استرداد اسرای قدیم و جدید گرجستان و غیره سختگیری در این مطالبه پرداخت و دو نفر گرجیه مُسلمه را که سالها بود در خانه اللهیارخان آصف الدوله بودند به ابرام بازپس خواست و در خانه خود برده نگاهداشت. و آغایمقوب ارمنی از خواجه سرایان که مبلغی خطیر از مال دیوان بر ذمه او بود چون در اصل از ارامنه ایروان و اسرای سپاه ظفرهمراه شمرده می شد متمسک به فصل سیزدهم عهدنامه ترکمانچای که مبتنی بر استرداد اسرا می باشد شده به ژنرال گریبایدوف پناه برده و خود را آزاد ساخت و به فتنه انگیزی پرداخته بعضی از نسوان گرجیه را که مسلمان شده و در حباله نکاح اشخاص و صاحب اولاد بودند اسیر نام برده گریبایدوف را به خواستن آنها محرک آمد و حرکات مشارالیه اسباب رنجش مردم و کدورت علما گردید و چندانکه او را نصیحت کردند نپذیرفت و بر خشونت و لجاج افزود و یعقوب ارمنی و بعضی مفسدین دیگر نیز در تحریک و اغوای گریبایدوف ساهی بودند — علما چون دیدند که پای عیرض و ناموس مسلمین در میان است و گریبایدوف هم در بدگوئی و بدسلوکی مهیّز است و قبول نصیحت نمی کند، در جامع طهران اجماع کرده حاجی میرزا مسیح محتهد را با خود متحد ساخته بر ضد ایلچی همداستان شدند بسیاری از اهالی شهر نیز چون مرید علما بودند دکاکین را بسته دور آنها جمع آمدند. مقصود علما تخویف ایلچی روس و رد کردن زنان مردم بود ولی بعد از آنکه تقریباً صد هزار نفر جمعیت اجتماع کرد کار از دست امتای دولت و علما بیرون رفت و [با] آن ازدحام راه منزل گریبایدوف را گرفتند و به خانه او که در خارج ارک سلطانی و نزدیک قورخانه بود هجوم آوردند و ممانعت اولیای دولت و شاهزادگان را قبول نکردند. همراهان ایلچی که تقریباً دویست نفر بودند چون حال را بر این منوال دیدند در سرای را بستند و با تفنگ و حربه بالای بام آمدند و جوانی چهارده ساله را با گلوله تفنگ مقتول نمودند. عوام که این جسارت دیدند به

یورش پرداختند. ایلچی یعقوب ارمنی را که نسبت به فرستاده مجتهدین سخنهای کفرآمیز گفته بود از خانه بیرون کرد و عوام فوراً او را به راه عدم فرستادند. دو نفر گرجیه مسلم را از خانه بیرون نموده گماشتگان علما آنها را به محلی که باید رسانیدند. الحاصل قریب هشتاد نفر از سکنه دارالخلافه در این هنگامه مقتول شده و جمعیت برنگشته به خانه ایلچی ریختند و او را با سی نفر از همراهان به قتل رسانیدند و اموالی که در آن خانه بود به یغما برده خانه را خراب کرده متفرق گشتند و هیچ معلوم نشد که قاتل و مجرم کیست و ملوف نام که نایب اول ایلچی بود چون در گوشه‌ای مخفی شده نجات یافت و او را به ارک آورده محافظت کردند و او تقصیرات ایلچی را تصدیق نموده به امنای دربار امپراطور روس معروض داشت و خود نیز به تفلیس رفته مراتب را به بسکویچ معلوم کرد و از آنجا به پترزبورگ روانه شده به رفع اشتباه پرداخت و برای استرضای خاطر امنای دولت امپراطوری نواب امیرزاده خسرومیرزا فرزند حضرت مستطاب نایب السلطنه با محمدخان زنگنه امیرنظام و چند نفر دیگر به صوابدید حضرت معظم مأمور پترزبورگ شدند — هم در این سال میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله متخلص به نشاط از افاضل و اکابر رجال این دولت در طهران مرحوم شد.

اروپا — (انگلیس و روس و عثمانی) — یونانیها به حمایت روس وضع دولتی برای خودشان تشکیل می‌دهند. دولت روس که از جنگ با ایران فراغت حاصل نموده اعلان جنگ به عثمانی می‌نماید — عساکر روس از رود دانوب عبور کرده وارنا را محاصره نموده و می‌گیرد — از سمت دیگر بسکویچ به طرف قارص و پوطی رانده بایزید را فتح می‌کند. آنهایی که از ینگچریان باقی مانده بودند با روسها متحد می‌شوند — به وساطت دولتین انگلیس و فرانسه عساکر مصری به حکم سلطان از ایالت مُریونان خارج می‌شوند — پانزده هزار قشون فرانسه به طرف یونان حرکت می‌کنند. (انگلیس) — اُکنیل از اهالی ارلند مردم این ایالت را بر ضد دولت انگلیس می‌شوراند.

[سنه ۱۲۴۵ هجری - سنه ۱۸۲۹ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در سال قبل شرح مقتول شدن گریبایدوف ایلچی روس مسطور شد در این سال ژنرال دالغورکی از جانب دولت روس به سفارت ایران و تحقیق عمل و علت قتل گریبایدوف مأمور شده به تبریز آمد. نواب علینقی میرزا رکن الدوله از مطالب دالغورکی آگاهی حاصل نموده از تبریز به دارالخلافه آمده به حضور اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه مشرف شد و مطالب دالغورکی را معروض داشت و معلوم شد که باید به بعضی اعمال که اسباب استرضای دولت روس شود پردازند لهذا حاجی میرزا مسیح استرآبادی را که در امر اجماع دخالت داشت روانه عتبات عالیات فرمودند و رضاقلی بیگ نام پسر پناه بیگ طالش را که در روز قتل ایلچی با تیغ خون آلود دیده بودند و مصدر قتلی دیگر نیز گردیده در میدان دارالخلافه به قتل رسانیدند و دولت روس به واسطه این دو عمل رضایت حاصل نمود - هم در این سال نواب احمدعلی میرزا به حکمرانی خراسان مأمور گردید - تبیین آنکه حسین خان سردار ایروان که به سرداری خراسان رفته بود خوانین خراسان خاصه رضاقلی خان ایلخانی زعفرانلو حاکم خبوشان که در نساپور و چناران و رادکان تسلطی بهم رسانیده بود از او تمکین نمی نمود و سردار با محمدخان قرائی سازش کرده او را با حسن خان ساری اصلان برادر خود و شش هزار نفر بر سر نیشابور فرستاد ولی کاری از آنها ساخته نشده به مشهد مقدس بازگشتند و مستحفظین ارک را که از اکراد بودند تغییر داده از طایفه قرائی مستحفظ گذاشتند. صیدمحمدخان کلاتی نیز با محمدخان قرائی ساخته به مخالفت سردار مصتیم شدند و فی الحقیقه سردار در ارک مشهد محصور شد اهالی مشهد مقدس مراتب را به حضور همایون معروض داشتند و رضاقلی خان نیز عریضه ای عرض کرده خود را خدمتگذار و محمدخان را خیانتکار قلم داد و استدعا نمود که یکی از شاهزادگان به حکمرانی خراسان منصوب گردد. لهذا نواب احمدعلی میرزا به ایالت ولایت مزبوره برقرار و میرزا موسی نایب رشتی به وزارت شاهزاده مأمور گشت، و مصطفی قلی خان عرب میش مست حاکم سابق ترشیز را که بیست سال در طهران اقامت

داشت شاهزاده با خود همراه نموده حکومت ترشیز یافت و به چناران رفتند. رضاقلی خان زعفرانلو و نجفقلی خان شادلو به حضور آمدند و نیشابور را تخلیه کردند و با بیست هزار نفر و هشت عراده توپ عزم استخلاص مشهد مقدس نمودند خوانین اعراب و تیموری در مزار خواجه ربیع به خدمت شتافتند و صید محمدخان کلاتی نیز دست از همدستی محمدخان قرائی برداشته از شهر خارج شده به خدمت شاهزاده آمد — بهرام خان ولد بنیادخان هزاره بیگلربیگی جام و باخزر به تاخت تربت حیدریه رفت، محمدخان کار را سخت دیده شهر را خالی کرده عازم تربت شد و شاهزاده احمدعلی میرزا در هفتم رجب به مشهد مقدس ورود نمود، اما مصطفی قلی خان عرب میش مست که به حکومت ترشیز رفته بود چون سابقه عداوتی با بعضی از اهالی داشت بنای بدسلوکی را گذاشت لهذا مردم شوریده او را گرفته حبس کردند و برادرش محمدتقی خان را بر خود حاکم نمودند، و حسین خان سردار و حسن خان به دارالخلافه احضار شدند، حسن خان از عرض راه از بیم مؤاخذه به عتبات عالیات رفت و حسین خان در سن نود سالگی به حکومت فریدن و چارمحال و سرداری ایل بختیاری مأمور شده پس از چندی درگذشت — هم در این سال موکب همایون به ییلاق شمیران رفته قریه سوهانک مضرب خیام معلی گردید و ناخوشی وبا در طهران شیوع بهمرسانید و ده هزار نفر در عرض چهل روز به این ناخوشی درگذشتند که از جمله میرزا فریدون ابن حاجی خانجان حلال خوربندپشی مازندرانی بود مشهور به میرزا خانلر و منشی الممالک دولت علیه و چون او وفات کرد میرزا محمدتقی علی آبادی مازندرانی صاحب دیوان ولد میرزا محمد زکی وزیر سابق به منشی الممالکی برقرار گردید و در ماه ربیع الثانی این سال موکب خاقان بیهمال از ییلاق شمیران به طهران معاودت فرمود — نیز از وقایع این سال رسیدن نواب خسرو میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه است به حضور امپراطور روس به جهت معذرت از قتل سفیر روس و در این سفر کارگذاران دولت روس شرایط احترامات این شاهزاده را به وجه اکمل منظور داشته و امپراطور نیز خود کمال ملاطفت را نسبت به شاهزاده مبذول داشته همیشه معزی الیه را در طرف راست خود نشانیده و با خود هم غذا می نمودند و محض مزید ملاطفت از دو کرور

خسارت جنگی که باقی مانده بود یک کرور را بخشیدند و کرور دیگر را پنج سال مهلت دادند و امیرزاده محترماً مراجعت کرده در سیم رمضان به تبریز رسیدند و مدت سفر و سفارت او ده ماه و پانزده روز بود. هم در این سال موکب همایون خاقانی عزیمت فارس و خوزستان و انتظام آن نواحی و سامان که خالی از اختلالی نبود نمود، و میرزا عبدالعظیم خان قزوینی به احضار عبدالرضاخان یزدی مأمور شد و میرزا یوسف لاهیجی به احضار نواب حسنعلی میرزا شجاع السلطنه به کرمان رفت و نواب اللهویردی میرزا با دسته تفنگچی نوائی به سرکردگی عبدالمجیدخان به قمبه و سمیرم روانه شد و غلامحسین خان سپهدار با توپخانه به توقف اصفهان محکوم گشت. و موکب همایون بعد از زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از قم به کاشان تشریف فرما شدند و در دوازدهم جمادی الثانیه عمارت و سرچشمه فین که در یکفرسنگی کاشان است مضرب خیام سلطنتی گردید و میرزا محمدتقی صاحب‌دیوان و منشی الممالک از کاشان روانه اصفهان شد پس از آن اردوی همایون به جانب اصفهان انتهای فرموده در قریه گز سه فرسخی شهر نواب سیف الدوله سلطان محمد میرزا و ملاعلی نوری از اجله حکما با اعیان اصفهان به حضور همایون مشرف شدند و باغ سعادت آباد به ورود مسعود مزین آمد و پس از شش روز توقف به جانب فارس حرکت کردند و نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس تا منزل شولکستان به استقبال اردوی معلی آمد و از اقلید رخصت معاودت یافت و نواب رکن الدوله علینقی میرزا و سهراب خان گرجی روانه شیراز شدند که به تهیه ورود موکب مسعود پادشاهی پردازند. روز سیم رجب موکب همایون به ظاهر شیراز رسیده در باغ فرمانفرما نزول اجلال فرموده و دسته جات پیاده و سواره به بلوکات به قشلامیشی رفتند و کل شاهزادگان و امرا و اعیان که التزام رکاب اعلی داشتند ده روز مهمان نواب حسینعلی میرزا بودند. نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه نیز از کرمان در رسید و محمدزکی خان نوری به وزارت او به کرمان رفت و اهالی فارس عموماً مورد الطاف خاقانی گردیدند، از جمله میرزا محمدعلی شیرازی وزیر فرمانفرما مشیرالملک لقب یافت و میرزا علی اکبر کلانتر ولد حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله ملقب به قوام الملک شد و

رضاقلی خان متخلص به هدایت صاحب مصتفات جلیله که در فارس در خدمت فرمانفرما بود به لقب خانی و خلعت امیرالشعرائی مخلع گردید — بالجمله بعد از نظم فارس و چهل روز توقف در شیراز روز یازدهم شعبان موکب خاقان صاحبقران به عزم خوزستان انتهای فرموده از راه فهلیان و بهبهان به کعب و شوشتر روانه گردیدند و در نهم رمضان به این شهر ورود نموده به ملاحظه بند شاپور پرداختند و روز جمعه شانزدهم عازم حوالی دزفول و رودخانه بلارود گشتند و نواب محمدحسین میرزای حشمت الدوله در منزل حسینیته به حضور مبارک مشرف شد و از آنجا به خرم آباد تشریف فرما گردیدند و جشن نوروز سلطانی در اینجا گرفته شد، بعد از آن حرکت کرده در عشر اول شوال به شهر همدان نزول اجلال فرمودند و ژنرال دالغورکی سفیر دولت روس در این بلده به حضور همایون تشریف جسته مورد مراجع کامله گردید، و نواب امیرزاده خسرومیرزا نیز در این شهر به تقبیل عتبه علیه فایز آمد — حضرت مستطاب نایب السلطنه به جهت نظم ولایت شهرزور در همدان توقف فرموده موکب همایون در هشتم ماه ذیقعد وارد دارالخلافه گردید — هم در این سال اللهقلی خان توره اوزبک از خوارزم به اغوای خوانین خراسان تا حوالی طرُن آمده نواب احمدعلی میرزا به صحرای الاندشت رفته، خان خوارزم خایف گشته مراجعت نمود و صیدمحمد خان کلّاتی در حوالی قلعه محمدآباد به زخم گلوله درگذشت — هم در این سال محمدحسن خان قاجار نسقچی باشی به ناخوشی و با وفات نمود و محمد امین خان ولد او نسقچی باشی شد — هم در این سال میرزا اسدالله خان نوری کشیکچی باشی به منصب لشکرنویسباشی و حکومت نور برقرار گردید.

اروپا — (انگلیس) — تدابیر و لنگتن مانع ترقیات روس در مشرق زمین می باشد — اُگنیل ارلندی پارلمنتی برای ارلند طلب می نماید ولی قبول نمی شود. (انگلیس و روس و عثمانی) — اشتداد طغیان یاغیان یونانی بر ضد عثمانی و فتوحات یاغیان، مابین دول انگلیس و فرانسه و روس در باب تعیین حدود یونان معاهدات بسته می شود — شهر آتن را یاغیان یونانی محاصره می نمایند — عثمانیها که مشغول

جنگ با روس هستند چندان التفاتی به شورش یونان ندارند — رشیدپاشا صدراعظم عثمانی سردار قشون بڑی عثمانی است که با دیه بیچ سردار روس در منازعه می باشد — بسکویچ در آسیا با عساکر عثمانی می جنگد — با وجودیکه ایلچی روس در ایران مقتول شده بسکویچ از وحشت اینکه مبادا ایران مجدداً با روس شروع به جنگ کند کمال تزلزل را دارد — شکست رشیدپاشای صدراعظم از دیه بیچ در سیلیستری — ملاقات امپراطور روس و پادشاه پروس در برلن — دیه بیچ از کوه بالخان عبور کرده به سمت اسلامبول می راند و به ادرنه ورود می نماید — بسکویچ ارزن الروم را فتح می کند و به طرابوزان می شتابد — مداخله دول فرنگ در کار عثمانی و روس و ممانعت کردن روس را از پیش آمدن به طرف اسلامبول — روسها از فتوحات خود چندان فایده نبرده مگر مقصب دانوب را متصرف می شوند — و ملداوی و والاشی (افلاق بغداد) بعد از این از خود حاکم خواهند داشت — در سربستان والی از خود تعیین می کنند و در زیر حمایت روس می باشند — آزادی یونان را عثمانی می شناسد. (فرانسه) — مقدمات منازعه فرانسه با الجزایر. (ایتالیا) — فوت لئون دوازدهم پاپ و جلوس پی هشتم به پای به جای او. (هلاند) — بلژیک که در تحت سلطنت هلاند است بنای شورش و مخالفت را با هلاند می گذارد. (پرتوغال) — دُن میگیل پادشاه تازه بنای تعذی را می گذارد و هزار و صد نفر را پنهان و آشکارا به قتل می رساند و پنجاه هزار نفر را جلای وطن می دهد و بیست و نه هزار نفر را حبس می کند.

[سنه ۱۲۴۶ هجری = سنه ۱۸۳۰ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال فیما بین نواب محمدحسین میرزای حشمت الدوله و نواب محمدتقی میرزای حسام السلطنه جنگ در گرفت — تبیین آنکه حشمت الدوله بعد از آنکه چندی از حکومت کرمانشاهان معزول بود اهالی آن ولایت ایشان را از دربار همایون استدعا نمودند و حشمت الدوله به حکومت کرمانشاهان رفت و از آنجا که ملازمان حسام السلطنه به رعایا تعذی می نمودند اهالی خوزستان و لرستان به حشمت الدوله گرویدند و حشمت الدوله به خرم آباد آمد و تمامی اهالی لرستان از

پشتکوه و پیشکوه و حسنوند و یوسف‌وند او را متابعت نمودند. حسام‌السلطنه با جمعی قصد تسخیر کرمانشهان کرد و نواب شیخعلی میرزا حاکم ملایر و توپسرهاکان به جهت خصوصیتی که با حشمت‌الدوله داشت به فتح بروجرد آمد ولی شکست خورده فرار نمود و حسام‌السلطنه در خارج شهر خرم‌آباد با حشمت‌الدوله مصاف داده منهزم شد و به بروجرد رفت و حشمت‌الدوله در آن صفحات کمال استقلال را بهم رسانید. چون این اخبار معروض حضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه شد غلامحسین خان سپهدار را روانه بروجرد فرمودند و او به اصلاح ذات‌البین کوشید — هم در این سال جماعتی از تراکمه تگه به اغوای اللهقلی خان خوارزمی در عرض راه ارض اقدس جمعی را مقتول و جماعتی را اسیر کردند و از جمله اسیران مهدیقلی خان جلال‌الدوله ولد سعادتقلی خان برادر آصف‌الدوله وزیر لکنهو بود که به زیارت می‌رفت. چون این واقعه به عرض اولیای دولت علیه رسید حاجی اسمعیل خان شامبیاتی به تدبیر تراکمه مأمور و از نواب احمدعلی میرزا مؤاخذه کردند و حکمی به رضاقلی خان زعفرانلو صادر شد که مهدیقلی خان را از تراکمه خریده روانه دارد رضاقلی خان مهدیقلی خان را به ده هزار تومان خریداری کرده ولی بسیاری از جواهر او به غارت رفت، و از این طرف اعلیحضرت همایون لشکرها بر سر ترکمانان فرستاده فوجها از آنها [را] به راه عدم روانه نمودند — هم در این سال بهرام‌خان ولد بنیادخان هزاره که حاکم جام و باخرز بود به سرخس رفته در دست هزاره مقتول و محمدخان قرائی جام و باخرز را متصرف شد — نیز از وقایع این سال آنکه حسنعلی خان جوانشیر که سه سال قبل از جانب قزلباشیه کابل عریضه به حضور همایون آورده بود و از راه سند مراجعت نمود بعد از معاودت او میرمراد علی خان حاکم سند سه زنجیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و عریضه مصحوب میرزا محمدعلی نامی به دربار همایون فرستاد و نظرعلی خان نایب ایشیک آقاسی مأمور سند و حامل خلعت برای مرادعلی خان شد — هم در این سال عبدالرضاخان یزدی با شفیع خان راوری وصلت نمود و شفیع خان با نواب شجاع‌السلطنه حاکم کرمان بنای مخالفت را گذاشت، نواب شجاع‌السلطنه لشکر به یزد کشید و نواب حسام‌الدوله تیمور میرزا فرزند نواب حسینعلی میرزا که مأمور سرحدات فارس و در

آبادیه بوده به امداد عم خود آمده اعلیحضرت خاقان صاحبقران نواب سیف الدوله میرزا ولد نواب ظل السلطان را به حکومت یزد روانه فرمودند با وجود این شجاع السلطنه دست از محاصره نکشید و به منازعه پرداخت و محمد کاظم خان سواد کوهی از مبران سپاه شجاع السلطنه مقتول شد و محمدزکی خان نوری وزیر شاهزاده درگذشت و مدت محاصره به نه ماه رسید. در این حیص و بیص حضرت مستطاب نایب السلطنه از آذربایجان به طهران آمده به حضور همایون مشرف و به نظم یزد و کرمان مأمور شدند و حضرت معظم سابقاً از زنجان شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمدشاه) را از راه ساوه روانه قم فرموده بودند. در این هنگام با وجود شدت سرمای زمستان امر اعلی را امتثال نموده به طرف یزد شتافتند عبدالرضاخان یزدی با جمیع برادران و برادرزادگان و اعیان در منزل عقدا با مُصحف و شمشیر به حضور نایب السلطنه آمده اطمینان یافتند و مورد التفات گشتند. روز عید نوروز حضرت مستطاب معظم وارد یزد گردیدند و نواب شجاع السلطنه قبل از ورود موکب والا دست از محاصره کشیده روانه کرمان شده بود. حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب سیف الدوله میرزا را کماکان به حکومت یزد گذاشته به کرمان راندند. نواب شجاع السلطنه فرزند اکبر خود هلاکومیرزا را تا دومنزلی به استقبال فرستاد و چون موکب والا نزدیک شد خود نیز به حضور آمد حضرت مستطاب معظم در خارج شهر کرمان توقف فرموده به انتظام امور پرداختند و شجاع السلطنه را در معنی معزول ساختند. اعلیحضرت همایون نواب شجاع السلطنه را احضار فرموده و حضرت مستطاب نایب السلطنه به جهت اینکه احتمال می رفت شجاع السلطنه به واسطه محاصره یزد خائف باشد و به اختیار به دارالخلافه نرود یک فوج قراول با محمدزمان خان دولوی قاجار و دو بیست سوار همراه شجاع السلطنه روانه کرده شاهزاده را به احترام وارد دارالخلافه نمودند — همدر این سال میرحسن خان طالش که سابقاً متوسل به روس بود و برحسب شرایط عهدنامه او را رد کردند در هنگام فرصت در ارکوان و لنکران تسلطی بهم رسانیده لهذا به دفع او پرداختند. حسن خان فراراً به طهران آمده در اینجا به مرض استسقا درگذشت — هم در این سال پلنگ توش خان برادر صیدمحمدخان کلانی بعد از برادر با اللهقلی خان توره

خوارزمی ساخته و بعضی نقاط خراسان را تاخته عساکر نواب احمدعلی میرزا او را گرفتار کردند و او از در استکانت و صداقت درآمد و به خدمت پرداخت — هم در این سال موکب خاقان صاحبقران در قم به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها پرداخته پس از آن به چمن کمره تشریف فرما شدند، و شاهزادگان از اطراف به حضور مبارک آمدند بعد از انتظام امور عراق همگی مرخص شده به ولایات خود بازگشتند — وفات ملاعلی نوری از اجله حکما در اصفهان.

اروپا — (انگلیس) — فقر و ناتوانی مردم و قرض زیاد دولت و کشر عمل در جمع و خرج مملکت — فوت ژرژ چهارم پادشاه و جلوس برادرش گیلیم چهارم به جای او در سن شصت و پنج سالگی — داخل شدن پالمیرشتن در خدمت دیوان — کشیدن راه آهن مابین لیورپل و منچستر. (اسپانیا) — تولد دختری از پادشاه که مسماء به ایزابیل می گردد و در حین تولد به ولیعهدی منصوب می شود و کارلیستها به این جهت شورش می نمایند. (فرانسه) — زمستان بسیار سخت طولانی — گرانی ماکولات — معاندت و کلا با وزیرای دولت — شورش مردم بر ضد پادشاه — ابتدای فتوحات در الجزایر — فتح سیدی قرؤش از بنادر الجزایر — فتح شهر الجزایر — مارشال شدن یورژمنت سردار فرانسه به جهت این فتح — فرار کردن حسین پاشا والی الجزایر به سمت ایتالیا — شورش سخت در بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم ماه ژویه در پاریس — منازعه شهرها بر ضد پادشاه — میل مردم به جمهوری — ژنرال لافایت رئیس قشون شورشیانست — استعفای شارل دهم پادشاه و فرار کردن او به طرف بندر شربورک — معین و منصوب شدن دوک دُارلیان موسوم به لوی فلیپ از اقوام پادشاه به سلطنت فرانسه در سن پنجاه و هفت سالگی — فرار کردن شارل دهم از شربورک به انگلیس — (یونان) — دولت انگلیس آزادی یونان را می شناسد — لئوپلڈ از شاهزاده های ساکس به سلطنت یونان معین می شود — شهر سائس از عثمانی خود را منتزع ساخته جزو یونان می شود — (ایتالیا) — فوت فرانسوای اول پادشاه و جلوس فردیناند دوتیم به جای او — فوت پی هشتم پاپ که مدتی طول می کشد تا پاپ تازه منتخب گردد — (هلاند) — شورش در بروکسل از

شهرهای بلژیک - بیرون کردن قشون پادشاه هلاند را از این شهر - گیلیم پتر پادشاه هلاند با عساکر زیاد به جهت دفع شورشیان بلژیک به بروکسل می آید - اجماع اهالی بلژیک بر ضد هلاند - پنجاه هزار نفر قشون فرانسه که در سرحد بلژیک است از شورشیان حمایت می کند و سلطنت مشروطه در بلژیک برقرار می گردد بدون تعیین پادشاه. (روس) - بروز وبای سخت در این مملکت که از ایران به اینجا سرایت کرده است یعنی از تفلیس و از راه قفقاز و حاجی ترخان و سارائوبه مسکو آمده و جمعیت زیادی را هلاک می سازد - شورش در لهستان و خارج شدن گراندوک قسطنطنیه مجبوراً از این مملکت - گلپیک نامی که از صاحب منصبان ناپلیون بوده رئیس شورشیان می شود - صد و پنجاه هزار نفر قشون لهستان بر ضد روس حاضر می گردند. (عثمانی) - میلش نام در سربستان از طرف اهالی به والیگری منصوب می شود.

[سنه ۱۲۴۷ هجری = سنه ۱۸۳۱ مسیحی]

آسیا - (ایران) - موکب اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه در غره محرم این سال به چمن قهیز ورود فرمود و عبدالله خان امین الدوله به تفریح محاسبه فارس روانه شد ولی در قمشه به نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس رسیده لهذا بازگشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا را به ازای خدماتی که کرده بودند به اعطای یک قطعه شمشیر جواهرنشان مباحی و از کرمان احضار فرمودند و موکب همایون به چمن سنگباران تشریف فرما شد و این چمن را گلباران نام دادند و ارغون میرزا ولد نواب حسنعلی میرزا شجاع السلطنه که در سبزوار به خودسری حکومت می کرد و از نواب احمدعلی میرزا تمکین نمی نمود چون اهالی سبزوار بر وی شوریدند از راه بیابان جندق به اردوی همایون آمده به توسط عم خود شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما معفو گردید - هم در این سال در شب شش شهر صفرالمظفر حضرت بخشنده بی منت نواب مستطاب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمدشاه) را فرزندی ارجمند عنایت فرموده نام نامی آن حضرت را ناصرالدین

میرزا نهادند (اعلیحضرت همایون ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه) — هم در این اوان موکب خاقانی به سرچشمه آب زاینده رود و آب گرن تشریف بردند و از آنجا به قریه دهگرد چارمحال نزول اجلال فرمودند. و از آنجا که مقصود ازاحضار حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد از کرمان نظم خراسان بود حضرت معظم خسرومیرزا فرزند خود را با یوسف خان گرجی امیر توپخانه به توقف کرمان مأمور و سلیمان خان سرهنگ را با فوج شقاقی به یزد فرستادند که نزد امیرزاده سیف الدوله میرزا اقامت نماید و خود با مش عراده توپ و سه فوج نظام راه اردوی همایون را پیش گرفتند و در منزل قمشه محمدحسن خان دولو سالار بار به حضور حضرت مستطاب معظم مشرف شده شمشیر جواهرنشان مسطور در فوق را تقدیم نمود، و روز غره ربیع الثانی در قریه دهگرد به حضور همایون تشریف جستند، و پس از بذل عواطف و مکارم شاهانه که از جمله جامی از زر ناب بود فرمان اختیار ممالک شرقی متعلقه به دولت ایران را طولاً تا رود جیحون و عرضاً تا آب اترک به اسم حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد نوشته شد و مقرر گردید که از راه سمنان و دامغان روانه خراسان شوند و ربقه انقیاد کامل بر ربقه خوانین آن سامان نهند و کلیه آن نواحی را نظمی شایان دهند و پنجاه هزار تومان مخارج سفر به حضرت مستطاب معظم مبذول شد و چون نواب امیرزاده فریدون میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه از جانب پدر والا گهر نیابت آذربایجان داشت محمدخان زنگنه امیرنظام به خدمت نواب امیرزاده معزی الیه و امارت آذربایجان مأمور شد، و میرزا اسحق نبیره میرزابزرگ قایم مقام به وزارت آذربایجان برقرار گردید، و ولایت کرمان به سیف الملوک میرزا فرزند نواب ظل السلطان مفوض گشت، و قرار دادند امیرزاده خسرومیرزا با یوسف خان امیر توپخانه از راه بیابان به تون و طیس و قاینات رفته از آنجا به اردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه ملحق شوند، و علی خان پسر عبدالرضاخان یزدی که به رسم گروگان در رکاب حضرت مستطاب معظم بود به آذربایجان فرستاده شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با حصول اجازه از آستان مبارک به اصفهان تشریف آورده بعد از سه روز توقف از راه کاشان به ورامین طهران آمده راه خراسان پیش گرفتند و شرح آن بیاید — هم در این اوان

موکب همایون تشریف فرمای اصفهان شد و عبدالرضاخان یزدی و شفیع خان راوری هنگام حرکت امیرزاده خسرومیرزا به بافق و راور گریختند یوسف خان گرجی و سلیمان خان گیلانی به حکم حضرت مستطاب نایب السلطنه بافق را گرفتند و شفیع خان دستگیر شده او را به اردبیل بردند ولی عبدالرضاخان از بافق به جانب طبرس فرار کرد — هم در این سال دویست هزار تومان به رعایای فارس تخفیف دادند و موکب همایون از راه نطنز و جوشقان و نراق عزیمت طهران فرمود — هم در این سال طاعون شدید در مازندران و گیلان بروز کرده خلقی را بکشت — اما موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه که به طرف خراسان انتهای نموده بود در راه عساکر سمنانی و دامغانی و اوصانلو و مازندرانی به رکاب والا پیوستند و بعد از ورود به سبزوار نواب قهرمان میرزا فرزند خود را حکمرانی این ولایت دادند و محمدرضاخان فراهانی به وزارت او برقرار گردید و چون موکب والا به حوالی سلطان میدان رسید ناچار رضاقلی خان زعفرانلو حاکم خبوشان سلطان میدان را به تصرف داد و قلعه میان ولایت را هم خالی کرده، حضرت مستطاب والا حکومت میان ولایت را بر عهده میرزا موسی نایب گیلانی موکول داشتند و به جانب ارض اقدس حرکت کردند و محمدزمان خان قاجار دولو را به نیابت در نیشابور گذاشتند. پلنگ تنوش خان کلانی جلایر به رکاب والا آمده به سفارت خوارزم مأمور شد و نواب احمدعلی میرزا روانه دارالخلافه گردید و امیرزاده خسرومیرزا از راه بیابان به طبرس آمده با امیر علینقی خان وکیل طبرس مأمور ترشیز و تصرف قلعه سلطان آباد گردید و آن قلعه را به ضرب توپ مستخر کرد و جعفرقلی خان ترشیزی امان یافت و علی اصفرخان بسطامی به حراست قلعه رفت، و حاجی فیروزالدین افغان که بعد از اغتشاش کار خود به ترشیز آمده بود در این ایام مقتول شد، و امیرزاده خسرومیرزا مصطفی قلی خان ترشیزی و برادران او را به ارض اقدس آورده به التفات حضرت مستطاب نایب السلطنه نایل گشتند — هم در این اوان بدیع الزمان میرزا ولد نواب محمدقلی میرزای ملک آرا به خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه مأمور شد و جان مکدان لد کنیر سفیر انگلیس در تبریز در گذشت و مستر کمبل صاحب به جای او مأمور تبریز شد — هم در این اوان شاه مرادبیک

مشهور به میراوندوز از اکراد^۱ کردستان که حکومت کوی و حریر داشت به بلوک ساوجبلاغ مکاری دست اندازی کرده لهذا لشکری به تدمیر او مأمور شد و او را مقهور و منهزم نمودند — هم در این سال باز در میان محمدحسین میرزای حشمت الدوله و محمدتقی میرزای حسام السلطنه خلاف و جنگ در گرفت و حسام السلطنه به منازعه مبادرت نموده به اشتعال نایره قتال پرداختند و لشکر کرمانشهان حسام السلطنه را شکست داده به بروجرد رفت و حشمت الدوله بروجرد را محاصره نمود و غلامحسین خان سپهدار از دربار همایون به رفع این غایله مأمور گردیده حشمت الدوله به کرمانشهان بازگشت و بروجرد را سپهدار ضبط کرده حسام السلطنه با فرزندان خود به حضور همایون آمده چهار ماه التفتانی ندیده بعد از آن معفو و روانه بروجرد گردید — هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب امیرزاده طهماسب میرزا ابن دولتشاه را با چهار هزار پیاده و سوار آذربایجان به خراسان احضار فرمودند — هم در این سال امیر اسدالله خان عرب خزیمه حاکم قاینات در حضرت مستطاب نایب السلطنه از عبدالرضاخان یزدی که از بافق گریخته بود شفاعت کرده و حضرت معظم او را معفو فرمودند و محمدخان قرائی نیز به خدمت حضرت والا آمده مورد التفات شد و موکب والا عزیمت خبوشان فرمود و رضاقلی خان زعفرانلو حاکم خبوشان میرزا ابوالقاسم قایم مقام را در حضرت والا شفیع قرار داد ولی این شفاعت آن عزیمت را مانع نیامد — وفات حاجی محمدحسن نائینی از مشایخ عرفا در نمود و شش سالگی — وفات محمدمهدی خان مازندرانی متخلص به شحنه که در چهارباغ جدید در اصفهان در مقبره ملا محمد سراب که از اجداد اُمّی او بود مدفون گردید.

اروپا — بروز وبا در انگلیس و آلمان. (بلژیک) — در این مملکت سه نفر را برای سلطنت انتخاب می نمایند: یکی دوک دُنْمُور پسر پادشاه فرانسه — دیگری دوک دُلْشْتَن بزرگ پسر اژن ریب ناپلیون — سیمی لئوپلد والی ساکس — از این سه نفر سیمی قبول می شود و موسوم به لئوپلد اول می گردد — هلاندها حمله به

بلژیک می نمایند ولی پنجاه هزار نفر قشون فرانسه به کمک اهالی بلژیک هلاتدیهها را عقب می نشاند. (ایتالیا) - انتخاب گیرگوار شانزدهم به پاپی - شورش و انقلاب در بعضی از شهرهای ایتالیا - جلوس شارل آلبرت در پیمُن. (پرتوغال) - منازعه پرتوغال با فرانسه و انگلیس - امیرال فرانسه سفاین پرتوغال را در دهنه رودخانه تازکه از پایتخت یعنی از لیزبُن می گذرد حبس می کند - دُن پیدُر پادشاه برزیل برادر پادشاه پرتوغال سلطنت برزیل را به اسم پسرش دُن پیدُر دویم نموده خود به داعیه سلطنت پرتوغال به خاک فرنگ می آید - فرانسه و انگلیس با دُن پیدُر مساعد می باشند. (فرانسه) - شورش سخت در لیون - انقلاب و آشوب در پاریس - جمعیت فرانسه در این سال شصت و پنج کرور می باشد. (یونان) - به واسطه عدم تعیین پادشاه رؤسای جمهوری با یکدیگر مخالفت دارند. (روس) - منازعه سخت لهستانی با روس - مأمور شدن دیه بیچ سردار روس به لهستان - بروز وبا در لهستان - دیه بیچ که نزدیک بود به فتح و نصرت نایل گردد از ناخوشی وبا می میرد - گراندوک قسطنطنین هم از همین ناخوشی در لیوانی وفات می نماید - بسکویچ به حکومت و سرداری لهستان مأمور و برقرار می گردد و این مملکت را فتح می نماید - فراریان لهستان به خاک روس پناه می برند. (عثمانی) - قوانین جدید که سلطان محمودخان ایجاد می کند پسند اهالی نیست و بدین واسطه خانه های اسلامبول را در خفا آتش می زنند - در بغداد طاعون و وبا یکمرتبه بروز می کند - محمدعلی پاشای مصری مصمم تصرف شام است.

[سنه ۱۲۴۸ هجری - سنه ۱۸۳۲ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا نواب خسرومیرزا را نیابت ارض اقدس داده به عزم هرات به اولنگ یاقوتی آمده و از آنجا به چناران تشریف بردند و امیرآباد را که حصنی حصین بود و سیصد نفر شمشالچی زعفرانلو آن را حراست می نمود به حکم حضرت معظم عساکر منصوره به قهر و غلبه گرفتند و یوسف خان امیر توپخانه که مردی دلیر بود در این واقعه مقتول شد و

کریم خان زعفرانلو برادرزاده ممش خان کرد چنارانی حکومت امیرآباد یافت و چون این فتح به عرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسید پانزده هزار تومان و پنجاه دست خلعت مصحوب حسن خان سالار بار برای حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند و شاهزاده ملک قاسم میرزا که از آذربایجان به طهران آمده بود نیز به خدمت حضرت مستطاب معظم روانه شد، و پنج هزار نفر قشون نیز روانه خراسان شدند که ممد تسخیر خبوشان باشند. رضاقلی خان ایلخانی زعفرانلو مشوش شده اهالی قلاع را در شهر خبوشان جمع کرد و حسینقلی خان پسر خود را با هزار سوار و شمشالچی در قلعه شیروان ده فرسنگی خبوشان جای داد. نجفقلی خان شادلو در ظاهر به موافقت ایلخانی و در باطن به قصد خدمت دولت جعفرقلی خان پسر خود را که داماد ایلخانی بود با هزار نفر شمشالچی از شادلو به خبوشان آورد و برج و باره و دروازه های شهر را به ایشان سپرد. حضرت مستطاب نایب السلطنه از امیرآباد حرکت کرده با امیرزادگان وارد طامس تپه دو فرسنگی خبوشان گردیدند و نجفقلی خان حسب الوعه به رکاب والا آمد — هم در این اوان عریضه کامران میرزا و یار محمدخان افغان به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنه رسیده مضمون اینکه: اگر منظور ائتلاف رضاقلی خان ایلخانی است ما از او امداد خواهیم کرد و اگر مقصود اصلاح است بدان اقدام نمائیم. حضرت مستطاب معظم جوابی به مقتضای صلاح حال به فرستاده داده و او بازگشت — هم در این اوان پلنگ توش خان جلایر کلاتی از کلات و ریش سفیدان سالور از سرخس به رکاب والا آمده آنها را به مشهد مقدس روانه نمودند و حکمی در نگاهداری آنها به امیرزاده خسرو میرزا صادر شد. بالجمله رضاقلی خان به قلعه داری پرداخت و حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از ترتیب سپاه و تمهید مقدمات قلعه گیری به عساکر منصوره حکم به یورش فرمودند. توپچیان مشغول شلیک گشتند، هنگامه سختی در گرفت و کار به رضاقلی خان تنگ شد، ناچار وسایط برانگیخت، و آخر الامر اطمینان یافته شمشیر به گردن به اردوی والا آمد و قراول برای محافظت او معین شد و خبوشان به تصرف عساکر نصرت نشان درآمد و ذخایر حریته رضاقلی خان را تصاحب نمودند و سام خان پسر رضاقلی خان ایلخانی شد و

نورمحمدخان برادر اللهیارخان آصف الدوله به حکومت آن حدود برقرار گردید و صادقخان نام برادر بگلرخان که در اردو بود و کاغذی به رضاقلی خان نوشته و او را به شیخون به اردو تحریک کرده پس از بروز نوشته مقتول شد و جسد او را به در خیمه رضاقلی خان انداختند و چون حضرت مستطاب نایب السلطنه باطناً قصد تصرف سرخس را داشتند قشون رکابی و افواج آذربایجانی را ظاهراً مرخص فرموده حکم شد از راه نیشابور به ولایت جام رفته در آق در بند جمع باشند و موکب والا در دویم جمادی الاولی به ارض اقدس ورود نمودند و رضاقلی خان در ارک مشهد مقدس محبوس شد و موکب والا در دوازدهم ماه مزبور حرکت کرده در شانزدهم به آق در بند رسیدند و دسته جات لشکر از اطراف به اردوی والا پیوستند و در بیست و دویم جمادی الاولی در سرخس نزول فرمودند و قلعه سرخس را نیز به قهر بگرفتند و بسیاری مقتول شده سه هزار خانوار از تراکمه را به ارض اقدس بردند و غلات قلعه سرخس را به ارض اقدس حمل نمودند و چندین هزار نفر اسرای شیعه مستخلص گردیدند. پس از آن موکب والا در اواخر ماه رجب به محمودآباد جام که در تصرف محمدخان قرائی بود آمد و فوراً این ناحیه را مسخر کردند و حکومت جام و باخزر را به ابراهیمخان حاکم سابق هزاره دادند پس از آن سایر قلاع محمدخان را متصرف شده محمدخان مقتد و برادران او دستگیر آمدند و حکومت ولایات تربت و برشن و کدکن و محولات و سرجام برعهده سهرابخان گرجی موکول شد و زمام اختیار کار ابراهیمخان هزاره را نیز احتیاطاً به دست او دادند. مصطفی خان سمنانی و حسنخان سالاربار روانه دارالخلافه شدند و موکب والا عزیمت ارض اقدس نمود و محمدخان قرائی با رضاقلی خان زعفرانلو در یک محبس محبوس شدند — هم در این اوان حضرت مستطاب نایب السلطنه با یارمحمدخان امین الدوله وزیر کامران میرزای افغان حاکم هرات در باب تبعیت کامران میرزا به دولت علیه و الحاق ایالت هرات به ممالک محروسه گفتگوها فرمودند و فرستاده محمدعلی خان خوقندی که بر کاشغر و ختا استیلا یافته به حضور حضرت معظم آمده مورد تفقذات گردید — هم در این اوان برحسب استدعای حضرت مستطاب نایب السلطنه اعلیحضرت همایون خلعت ایالت خراسان

را برای نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) فرستادند و میرزا موسی نایب رشی به وزارت شاهزاده معظم برقرار و میرزا صادق نبیره میرزا بزرگ قائم مقام به وزارت جزئیات و معاملات مقرر گردید و شش فوج سرباز از مشهد و سبزوار و نیشابور و ترشیز گرفتند و خانداده های خراسان به صاحب منصبی آنها منصوب شدند و چهار هزار سوار از ایلات کرد و ترک خراسان به ملازمت معین گشتند و میرزا موسی خان برادر کهنتر میرزا ابوالقاسم قائم مقام ناظم کل معاملات سرکار فیض آثار حضرت رضوی سلام الله علیه گردید و بدینوضع کل امور خراسان را حضرت مستطاب نایب السلطنه منتظم فرمودند — نیز از وقایع این سال آنکه محمد علی خان ایلخانی ایلات فارس به واسطه سعایتی که میرزا محمد علی مشیرالملک وزیر فارس از او در خدمت نواب حسینعلی میرزای فرمانفرما نموده بود خایف گردیده در هنگامی که نواب شاهزاده به بندر بوشهر رفته بودند ایلخانی ایلات خود را که پنجاه هزار خانوار بودند به جانب کرمان حرکت داد و میرزا محمدحسین وکیل حاکم فسا و دارابجرد نیز با آنها موافقت نمود، نواب فرمانفرما شیخ عبدالرسول خان دریابگی را برداشته به شیراز آمدند که به اصلاح اینسکار پردازند و از آنطرف امیرزاده سیف الملوک میرزا ابن ظل السلطان حاکم کرمان ایلات را به حوالی کرمان منزل و مرتع داد و میرزا محمدحسین وکیل و میرزا قاسم خان خلیج داماد ایلخانی عریضه ای از ایلخانی به خراسان به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بردند و نواب فرمانفرما شیخ عبدالرسول خان را مرخص و روانه بندر بوشهر کردند که خود به جهت برگردانیدن ایلات به جانب کرمان روند و شیخ عبدالرسول خان چون سالم خان حاکم برازجان را در سنوات قبل به قتل رسانیده بود و اهالی دشتستان کمال عداوت را با او داشتند و از خوف فرمانفرما اقدام به خلاف نمی کردند در این موقع که نواب فرمانفرما عزیمت کرمان کرده و مال سفر معلوم نبود وقت به دست آورده شیخ عبدالرسول خان که به دالکی رسید دور او را گرفته به جنگ و زد و خورد مشغول گشتند و او را به ضرب گلوله کشتند و اموال او را غارت کردند. بالجمله نواب فرمانفرما با جمعیتی به طرف کرمان راندند و در ورود به شهر بابک همشیره ایشان که زوجه مرحوم ابراهیم خان عمزاده حاکم سابق کرمان بود و در

شهربابک توقف داشت نواب فرمانفرما را به شهر دعوت کرد و این شهر را متصرف شدند و شیخ الاسلام فارس را به طلب ایلخانی فرستادند. ایلخانی به خدمت فرمانفرما آمد ولی ایلات را سیف الملوک میرزا نگاهداری نموده فرستاد و از آنجا که اهالی کرمان نیز از سوء سلوک سیف الملوک میرزا شاکی بودند یکروز که به شکار رفته بود با تقویت باطنی نواب فرمانفرما عصر که مراجعت نمود او را به شهر کرمان راه ندادند و کار سیف الملوک میرزا منجر به رفتن یزد شد و ایلات فارس متابعت کرده به این مملکت یعنی به فارس رفتند و نواب فرمانفرما به استخلاص قلعه کرمان رفتند. علینقی خان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی از تصرف دادن شهر ابا نمود نواب والا قلعه را محاصره کرده بگرفتند و ارغون میرزا ابن نواب شجاع السلطنة که شاهزاده ای دلیر بود با مصطفی قلی خان برادر ایلخانی فارس در این واقعه مقتول گشتند و پس از آنکه نواب فرمانفرما قلعه کرمان را مفتوح ساختند اصلاً از علینقی خان مؤاخذتی ننموده او را و عیال سیف الملوک میرزا را که صبیته محترمه حضرت مستطاب نایب السلطنة بود با کمال احترام روانه یزد فرمودند و نواب هلاکومیرزا فرزند اکبر نواب شجاع السلطنة را با پیشکاری میرزا حسن نظام العلماء به حکمرانی کرمان گذاشته معاودت به فارس نمودند و حضرت مستطاب نایب السلطنة سیف الملوک میرزا و سیف الدوله میرزا را از یزد و کرمان به طهران مأمور نمودند و نواب قهرمان میرزا فرزند خود را به پیشکاری محمدرضاخان فراهانی به حکومت یزد فرستادند — هم در این اوان میرزا ابراهیم مسیحی برادر مهتر منوچهرخان گرجی از جانب ژنرال بارون رازن حکمران گرجستان به دربار همایون آمد و در مراجعت او میرزا محمد مهدی ابن محمدزکی خان سردار نوری به سفارت تفلیس مأمور شد — نیز گراف سیماناوویچ وزیر مختار روس به دربار معلى آمده بعد از تبلیغ مطالب با اعزاز تمام مراجعت کرد و میرزا الکساندر مترجم او به خراسان رفت که به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنة مشرف شود و هدیه و نامه امپراطور را برساند — هم در این اوان اسرای سرخس را که پنج هزار نفر بودند به توسط اللهقلی خان توره خوارزمی حضرت مستطاب نایب السلطنة مرخص فرمودند و در موقعی که موکب والا عازم هرات بود به دارالخلافة احضار شدند — هم در این سال غلا در اغلب بلاد

ایران اسباب مشقت اهالی بود.

اروپا — دول فرانسه و انگلیس و روس اُنْهَنْ پسر پادشاه باویر را به سلطنت یونان تعیین می کنند. (بلژیک) — مزاجت پادشاه تازه بلژیک با دختر لوی فلیپ پادشاه فرانسه. (انگلیس) — عزل و لنگتن از صدارت و نصب لرد گرئی به جای او. (اسپانیا) — ناخوشی سخت پادشاه و واگذار کردن سلطنت را به زوجه خود. (فرانسه) — طغیان وبا در این مملکت — فوت دوک دُریشاد پسر ناپلیون اول در شومبرون نزدیکی وینه — فتح بعضی بلاد در الجزایر. (پرتوغال) — غلبه دُنْ پیدر بر برادر خود و حمایت کردن انگلیس از دُنْ پیدر — وبای سخت در پرتوغال. (روس) — غلبه کئی روس در ورشو و ملقب شدن بسکوچ به لقب پرنس دُورشو. (عثمانی) — ابراهیم پاشا ابن محمدعلی پاشای مصری شام را فتح کرده عکا را می گیرد و جنم و انطاکیه را نیز متصرف می شود و به قُیه تاخته رشیدپاشای صدراعظم را شکست داده او را اسیر می کند و به طرف اسلامبول می راند.

امریکا — (اتانونی) — وبای سخت که از اروپا به امریکا رفته بود.

[سنه ۱۲۴۹ هجری = سنه ۱۸۳۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد عباس میرزا که به دربار همایون احضار شده بودند نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمدشاه) والی خراسان را در این مملکت گذاشته میرزا موسی نایب رشتی را با پانزده هزار سواره و پیاده به خدمات و اوامر ایشان مأمور و محکوم نموده خود راه دارالخلافه پیش گرفتند. میرزا ابوالقاسم قایم مقام و رضاقلی خان گُرد زعفرانلو و محمدخان قرائی و عبدالرضاخان یزدی و محمدتقی خان حاکم ترشیز و مهدیقلی خان برادر محمدخان قرائی و جعفرقلی خان ولد نجفقلی خان شادلو ملتزم رکاب والا بودند و روز بیست و پنجم محرم به دارالخلافه ورود نمودند و بر حسب امر اعلیحضرت صاحبقران فتحعلی شاه جمیع وزرا و شاهزادگان با توپخانه و زنبورکخانه و غیره تا

دو فرسخی حضرت معظم را استقبال کردند، پس از ادراک حضور خاقانی مرحمتی زیاده از حد درباره حضرت مستطاب نایب السلطنه مبذول شد و چون اعلیحضرت همایون در باغ نگارستان اقامت داشتند برج نوش برای منزل حضرت معظم مقرر گردید و رضاقلی خان و محمدخان را در ارک محفوظ داشتند و عبدالرضاخان یزدی را در فراشخانه خارج ارک متوقف ساختند و چون نسبت به شاهزاده محمدولی میرزا والی سابق یزد خلاف کرده بود به دست کسان شاهزاده به سزای خود رسید و در این اوان باز ایالت یزد با سیف الدوله میرزا شد و نواب قهرمان میرزا و محمد رضاخان فراهانی مأمور خراسان شدند. محمدتقی خان عرب میش مست مریخص و ملتزم رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه شد و رضاقلی خان گرد و محمدخان قرائی را روانه تبریز کردند رضاقلی خان در میانج درگذشت و محمدخان در تبریز محبوس شد. نواب خسرومیرزا از تبریز آمده و با بعضی از افواج به خراسان رفت — محمدحسین خان زنگنه ایشیک آقاسی باشی حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا بابای طبیب تبریزی حکیمباشی خاصه به سفارت روس و انگلیس مأمور و روانه تبریز شده که در آنجا تهیه خود را دیده به محل مأموریت خود روی نمایند — هم در این اوان نواب محمدقلی میرزای ملک آرا و محمدتقی میرزای حسام السلطنه و محمدحسین میرزای حشمت الدوله به واسطه بروز طاعون از ولایات خود به دارالخلافة آمدند و میرزا محمدتقی علی آبادی صاحب دیوان از انشاء ممالک معزول و میرزا محمدتقی نوائی ابن میرزا رضاقلی نوائی وزیر سابق متشی الممالک شد — هم در این ایام حضرت مستطاب نایب السلطنه با اجازه همایون عزم بازگشت خراسان فرموده در نوزدهم ربیع الاول حرکت کردند و خاقان صاحبقران را تب نوبه عارض شده و به استعمال گنه گنه رفع شد — هم در این اوان نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه به کرمان بازگشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه ده روز در چمن کالپوش توقف کرده تا بعضی از عساکر و ملتزمین رکاب والا به اردوی معلی پیوسته آنگاه انتهاض فرمودند و در بسطام مجدداً شاهزاده اعظم محمدمیرزا (محمدشاه) را مأمور هرات نمودند و نواب خسرومیرزا با افواج و توپخانه ملتزم رکاب نواب معظم گردید و نجفقلی خان شادلو

و امیرعلینقی خان عرب و امیر اسدالله خان در عرض راه هرات به اردوی شاهزاده اعظم پیوستند و میرزا موسی نایب رشتی نیز با پانزده هزار قشون در خدمت نواب مستطاب شاهزاده روانه هرات شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از حرکت فرزند اکرم بزرگوار از ارض فیض آثار در اوایل جمادی الاولی از خبوشان به مشهد مقدس آمدند و سواره و پیاده که ملتزم رکاب آن حضرت بودند همراه قایم مقام مأمور شدند که از دنبال نواب شاهزاده با احتشام روانه هرات گردند — کوسویه و غوریان که در دست گماشتگان یارمحمدخان وزیر کامران افغان بود و یارمحمدخان در ارض اقدس دستگیر، چون اردوی شاهزاده معظم بدین نواحی رسید کوسویه را به یورش گرفتند و متوجه غوریان شدند. کامران میرزا والی هرات با پنج هزار نفر به استقبال عساکر منصوره آمد و در پل نقره سه فرسخی هرات فشتین تلافی کرده در اول حمله افغانه مقهور گردیده به هرات گریختند و اردوی والا به نیم فرسخی هرات نزول نمود و قایم مقام در حین عبور دوهزار نفر به محاصره غوریان گذاشته و خود به حضور نواب شاهزاده اعظم آمد، و کامران میرزا بار دیگر لشکری جرّار به مقاتلت و مقابلت سپاه منصور فرستاده این دفعه نیز مغلوب و منکوب شده فرار کردند مقارن این احوال قلوب اهل مملکت گرفتار فزع و احوال گردید — تبیین آنکه سابقاً حضرت مستطاب نایب السلطنه را ورم کلیه ای عارض و رفع شده بود در هنگام حرکت و معاودت به خراسان آن ناخوشی عود کرده و اطبای مخصوص که همیشه ملتزم رکاب آن حضرت بودند در اینوقت عقب مانده بنابراین بیماری اشتداد بهم رسانید و منجر به اسهال کبد شد. حضرت مستطاب شاهزاده مملکتستان نایب السلطنه و ولیعهد دولت علیه ایران عباس میرزا که از بزرگی عرصه جهان بر او تنگ بود پس از وصایا و بیانات متقنه شب پنجشنبه دهم ماه جمادی الثانیه راه غرفات جنان پیش گرفت و در روضه مقدسه حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء مدفون گردید:

دردل خاکش نهان کردند و می گفت آسمان

از سر رشک و حسد یا لیتنی کنت تراب

مدّت عمر شریف حضرت شاهزاده مرحوم طاب ثراه چهل و هفت سال و

اولاد ذکور ایشان بیست و شش نفر و اناث بیست و یک نفر و اسامی پسران باعز و شأن حضرت شاهزاده از این قرار است:

نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمّدشاه) — نواب بهرام میرزا معزالدوله — نواب جهانگیر میرزا — نواب بهمن میرزا — نواب فریدون میرزا — نواب اسکندر میرزا — نواب خسرو میرزا — نواب قهرمان میرزا — نواب اردشیر میرزا رکن الدوله — نواب احمد میرزا — نواب سلطان مراد میرزا (حاجی حسام السلطنة) — نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمدالدوله) — نواب فیروز میرزا (فرمانفرما) — نواب منوچهر میرزا — نواب جعفرقلی میرزا — نواب لطف الله میرزا — نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) — نواب مصطفی قلی میرزا — نواب خانلر میرزا (احتشام الدوله) — نواب عبدالله میرزا — نواب مهدیقلی میرزا — نواب ایلدرم بایزید میرزا — نواب محمد رحیم میرزا (ضیاء الدوله) — نواب بهادر میرزا — نواب محمد کریم میرزا — نواب جعفرخان.

مآثر معظمه حضرت ولیعهد رضوان جایگاه از ابنیه معتبره مثل قلعه عباس آباد در کنار رود ارس و خاک نخجوان، و قلعه اردبیل، و قلعه تبریز، و قلعه خوی، و قلعه کوردشت در کنار ارس و کنار قراجه داغ و غیرها. و عزم و حزم و نشر عدل و انصاف و لشکرکشی و مملکت ستانی و قوانین کشورداری و بزرگی و بزرگواری و ملاطفت با رعایا و برابری و مخصوصاً ترتیب نظام جدید و اشاعه صنایع خاصه صنعت انطباع و غیره چندانست که فی الحقیقه کتابی جداگانه باید تا وفا به نگارش آن نماید و نعم ماقال:

ماهز عطفیه بین البیض و الاسل مثل الخلیفه عباس بن فتحعلی

بالجمله این خبر وحشت اثر را میرزا علینقی رکن ملازم اللهیارخان آصف الدوله به دارالخلافه رساند و کسی را یارا نبود که به عرض حضور همایون رساند تا دو تن از شاهزادگان خورده سال لب به این مقال محنت اشتغال گشودند و انتشار این رزیت نه تنها خاقان کشورستان و خانواده سلطنت را سوگواری کرد بلکه عموم اهل ایران قرین تحسّر و ملال و دوچار تأسف و کلال گردیدند و به تغزیت و فاتحه خوانی پرداختند. و از آن طرف نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا برحسب

مصلحت وقت با کامران میرزای افغان گفتگوی صلحی کرده با قلبی محزون و خاطری اندوهگین از رود هرات حرکت نمودند و در منزل کوسویه دویست خانوار سکنه آنجا را کوچانیده به امیر اسدالله خان عرب حاکم قایمات سپردند و خوانین عرب را مرخص فرموده در رباط کافرقلعه نیز دسته جات سواره رکابی را رخصت دادند و در اواخر جمادی الثانی وارد مشهد مقدس شدند و به عزاداری پرداختند و پس از چندی نجفقلی خان شادلو با فرستاده کامران میرزای افغان به حضور والا مشرف شده پانزده هزار تومان و پنجاه بسته شال کشمیری پیشکشی کامران میرزا را تقدیم نمود — اما اعلیحضرت صاحبقران نظر به پاس خدمات ولیعهد جنت مهد طاب ثراه و لیاقت و بزرگواری نواب شاهزاده اعظم محمدمیرزا ولایت خراسان و ولایت آذربایجان را به نواب مستطاب معظم دادند و یکصد دست خلعت مصحوب محمّدخان قاجار دولوخال حضرت شاهزاده اعظم به خراسان ارسال داشتند و میرزا محمّدخان بیگلربیگی ولد آصف الدوله نیز با یکصد دست خلعت به آذربایجان رفته عزاداران دو ولایت را از لباس سیاه بیرون آوردند — هم در این سال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس آقا باباخان مازندرانی را به گرفتن مرتضی خان ایل بیگی فارس مأمور نموده او را در قلاع فیروزآباد گرفته و چون ایل بیگی زخم گلوله برداشته بود بعد از رسیدن به شیراز درگذشت و محمّدعلی خان ایلخانی برادر مهتر او را با میرزا علی اکبر قوام الملک در شهر شیراز محبوس داشتند — هم در این سال در ایام نوروز بیست و چهار معلم انگلیسی که یک نفر از آنها کلنل یعنی سرهنگ بود از هندوستان برای مشق سپاه ظفر همراه به ایران آمدند — هم در این سال موکب همایون به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها رفته به تعمیر طاق و رواق بقعه مبارکه حکم فرمودند و بعد از مراجعت سور نواب سلطان محمّد میرزای سیف الدوله حاکم اصفهان و جشن عروسی شاهزاده فرخ سیر میرزا و نواب صاحبقران میرزا گرفته شد. و حسینعلی خان معیرالممالک ابن دوستعلی خان بسطامی و سلیمان خان افشار به شرف مصاهرت حضرت خاقان مشرف گشتند — هم در این اوان نواب خسرومیرزا در آق دربند با ترکمانان به منازعه پرداخته و غالب آمد و غروری بهم رسانیده به اغوای بعضی بی اذن نواب شاهزاده اعظم والی

خراسان به دارالخلافه آمد و مورد قهر اعلیحضرت خاقان گردیده در خانه عم خود نواب ظل السلطان اقامت گزید — هم در این سال ارستوف نامی از جانب دولت روس به تعزیت ولیعهد خلد مکان اسکنه الله فی روضات الجنان مأمور شد و در اوایل سال بعد به دارالخلافه آمد.

اروپا — (آلمان) — ملاقات سلاطین روس و پروس و اطریش. (انگلیس) — اُگنل ارلند را بر ضد انگلیس می شوراند. (اسپانیول) — دُنکارلس برادر پادشاه خود را به سلطنت اسپانیول برقرار می سازد — فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول در حالت مرض دختر چهار ساله خود ایزابل را به سلطنت جلوس می دهد و زوجه خود را نایب السلطنه او قرار داده فرانسه و انگلیس ملکه چهار ساله را به سلطنت می شناسد — جمعیت اسپانیا در این سال بیست و چهار کرور و صد هزار نفر است. (فرانسه) — پادشاه مصمم است که به جهت حفظ شهر قلعه جات نظامی مجرد دور شهر پاریس بسازد — در الجزایر امیر عبدالقادر امیر مسقرا اعراب را بر ضد فرانسه می شوراند و پانزده سال مدت شورش الجزایر است. (یونان) — ورود اُتُن پادشاه — بنیان وضع سلطنت — آتن پایتخت دولت می شود — ایجاد نشان سُوژ — قشون فرانسه بعد از پنج سال توقف در یونان آنجا را تخلیه می کنند. (ایتالیا) — مازینی نام جوانان ایتالیا را به شورش اغوا می کند. (پرتوغال) — منازعه میان دو برادر که دُن پیدر و دُن میگل باشد — کمک انگلیس به دُن پیدر. دُن پیدر لیزبن پایتخت پرتوغال را می گیرد و دنا ماریا دختر چهارده ساله خود را ملکه پرتوغال می کند. (روس و عثمانی) — روس به سلطان عثمانی بر ضد ابراهیم پاشا کمک می کند — سفاین روس تا بُسُفر به کمک سلطان می آیند — قشون زیاد روس راه اسلامبول را که ابراهیم پاشا به آنطرف می آید حفظ می کنند — معاهده دوستی مابین دولتین روس و عثمانی — فرانسه و انگلیس که از این مصالحه مکذرانند با محمد علی پاشا اظهار دوستی می کنند و او را بر ضد سلطان محرک می شوند.

امریکا — (مکزیک) — بروز وبا در این مملکت.

[سنه ۱۲۵۰ هجری - سنه ۱۸۳۴ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در اوایل این سال نواب شاهزاده اعظم محمدمیرزا (محمّدشاه) از خراسان به دارالخلافت آمده روز دوازدهم ماه صفر جشنی ملوکانه در نگارستان آراسته بنا بر خدمات و زحمات ولیعهد فردوس مهد انارالله برهانه و آراستگی ذات پسندیده صفات شاهزاده معظم محمدمیرزا ولایتعهد دولت علیه را اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه به ایشان مخصوص داشتند و با وجود اولاد کبار این رتبت و شرافت را خاص حضرت شاهزاده اعظم دانستند و مقرر شد که به سرپرستی و نظم آذربایجان روانه تبریز شوند و پس از انتظام این مملکت متوجه خراسان گردند - نواب خسرومیرزا با ندامت به خدمت آمد و میرزا محمد پسر میرزا ابوالقاسم قایم مقام به وزارت آذربایجان معین شد و روز شانزدهم صفر موکب حضرت شاهزاده اعظم محمدمیرزا (محمّدشاه) به عزم تبریز انتهاز فرمود و نواب سلطان مراد میرزا که به ایالت قراجه داغ و مضافات اختصاص داشت به استقبال موکب والا به اوجان آمده مورد تفقدات گردید - همچنین نواب اردشیر میرزا که مأمور نظم گروس و صاین قلعه بود در قزوین به اردوی حضرت معظم پیوست و بعد از التفات زیاد از زنجان رخصت انصراف یافت - و میرزا ابوالقاسم قایم مقام نیز در بیست و یکم صفر از دنبال اردوی والا راه تبریز پیش گرفت و بنا بر خلاف جهانگیر میرزا و خسرومیرزا آنها را به اردبیل روانه و مقید نمودند - هم در این سال در نهم جمادی الاولی موکب خاقان کشورستان به عزم اصفهان انتهاز فرموده در چهارم جمادی الثانی به در باغ سعادت آباد اصفهان نزول اجلال فرمودند و نواب سلطان محمدمیرزای سیف الدوله با قشونی به سرداری اللهیارخان آصف الدوله به تنبیه بختیاری مأمور شد، و نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس به حضور همایون مشرف آمد و مقرر شد نواب محمدتقی میرزا با نواب فرمانفرما به شیراز رفته محصل مالیات چهار ماله فارس باشد و عبدالله خان امین الدوله نیز با هفت هزار سواره و پیاده بعد از دو سه روز از قفای آنها روانه شده که حساب فارس را بطور دقت

رسیدگی و تفریغ نماید - مقارن این حال مزاج مبارک اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه از طریق استقامت منحرف گردید و عصر پنجشنبه نوزدهم ماه جمادی الآخره این سال در عمارت هفت دست در خارج شهر اصفهان به بهشت جاودان روان شدند. و از سبب این حادثه غم افزا اشک تحسّر از دیده پیر و برنا چون رود زنده رود جاری گشت. شاهزادگان نعش مطهر حضرت خاقان را پس از تغسیل و تکفین در تخت روان گذاشته به قم حمل نمودند و در بقعه ای که یکسال قبل به امر خود خاقان مغفور ساخته شده بود دفن کردند - مدت عمر خاقان مغفور طاب ثراه به روایت اصحّ شصت و شش سال است چه؛ ولادت ایشان را نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله در جام جم در هزار و صد و هشتاد و پنج نوشته اند و مدت سلطنت سی و هشت سال و پنج ماه - و مآثر کریمه و آثار معظمه خاقان مغفور البسه الله تعالی حلال النور از قبیل تذهیب ایوان و قبه حضرت سیدالشهداء علیه السلام که مبلغ پنجاه هزار تومان خرج آن شد و نصب ضریح نقره در آن حرم محترم که به بیست هزار تومان تمام شد و بنای قبه و بارگاه حضرت عباس علیه السلام که چهل هزار تومان صرف آن شده و پنج عدد قندیل طلا که به وزن چهارده من تبریز می باشد برای حرم حضرت رضا علیه السلام و دو ضریح نقره که هر یک ده هزار تومان تمام شده یکی برای حضرت عبدالعظیم و دیگری برای امامزاده سید میراحمد ابن امام موسی کاظم علیه السلام، و بنای قبه حضرت معصومه سلام الله علیها و صحن مقدسه و اتمام درب مینا و ضریح آن حضرت و بنای مدرسه دارالشفاء در طهران و تعمیر سد قم که مخارج جمله به یکصد هزار تومان رسید و بنای صحن جدید در جنب روضه حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء و اهدای قندیل مرصع و قندیل طلا به آن روضه منوره که اینها نیز به چهل هزار تومان تمام شد و بنای جامع دارالخلافه و جامع سمنان و غیرها و بذل عطایای وافر که از جمله عطای سی هزار تومان قرض میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و بذل شش هزار تومان صلّه شش قصیده است به مرحوم فتحعلی خان ملک الشعراء و غیر از اینها بسیار است و از خصایص آن پادشاه رضوان جایگاه کثرت اولاد است که ذکوراً انثاءً دو بیست و شصت نفر از صلب آن شهریار تاجور به عرصه عالم قدم

نهادند و یکصد و پنجاه و نه نفر از ایشان در زمان حیات پدر راه عالم دیگر گرفتند.

اسامی اولاد خاقان مغفور اسکنه الله فی ریاض الشروق

حضرت عباس میرزا نایب السلطنه که روز چهارشنبه چهارم ذیحجه در سال یکهزار و دویست و سه هجری در محال نوای مازندران از بطن دختر فتحعلی خان دولوی قاجار متولد شد — نواب محمدعلی میرزا که متخلص به دولت بود و دولت شاه لقب داشت شب هفتم ربیع الثانی سال یکهزار و دویست و سه هجری در قصبه نوا متولد شد — محمّدقلی میرزا که ملک آرا لقب داشت و در اشعار خسروی تخلص می نمود چهارشنبه بیست و دویم رمضان سال هزار و دویست و سه هجری در قصبه نوا متولد شد — محمّدولی میرزا روز جمعه غره شهر شوال در سال یکهزار و دویست و سه هجری متولد شد — حسینعلی میرزای فرمانفرما در سال یکهزار و دویست و سه هجری روز عید اضحی در قصبه نوا متولد شد — حسنعلی میرزای شجاع السلطنه برادر اعیانی فرمانفرما جمعه غره ذیحجه سنه یکهزار و دویست و چهار هجری متولد شد و در اشعار شکسته تخلص می نمود — محمّدتقی میرزای حسام السلطنه روز شنبه ششم شهر صفر سال هزار و دویست و شش هجری متولد شد و در اشعار شوکت تخلص می کرد — علینقی میرزای رکن الدوله پنجشنبه نوزدهم شهر شوال در سال یکهزار و دویست و هفت هجری متولد شد — شیخعلی میرزا ملقب به شیخ الملوک شب چهارشنبه دهم رجب سال یکهزار و دویست و ده هجری متولد شد — علی شاه ملقب به ظل السلطان سه شنبه شهر شعبان سنه یکهزار و دویست و ده هجری متولد شد و او برادر اعیانی نایب السلطنه است — عبدالله میرزا که دارا تخلص می نمود جمعه بیست و چهارم جمادی الاولی سال یکهزار و دویست و یازده هجری متولد شد — امام ویردی میرزا ملقب به ایلخانی برادر اعیانی رکن الدوله شب چهارشنبه چهاردهم شوال سال هزار و دویست و یازده هجری متولد شد — محمّدرضا میرزا در اشعار افتر تخلص کرده روز دوشنبه سیم ذیقعد سال هزار و دویست و یازده هجری متولد شد — حیدرقلی میرزا جمعه پانزدهم صفر سال هزار و دویست و چهارده هجری متولد شد و در اشعار خاور تخلص نمود —

محمود میرزا دوشنبه دوازدهم صفر سنه هزار و دویست و چهارده متولد شد و در اشعار تخلص به اسم می نمود — همایون میرزا شب جمعه بیست و هشتم جمادی الآخره سال هزار و دویست و شانزده هجری متولد شد و در اشعار حشمت تخلص می نمود — الله و یردی میرزا شب سه شنبه بیست و سیم شهر رمضان از مادر بزاد و سال هجرت هزار و دویست و شانزده بود و در اشعار بیضا تخلص دارد — اسمعیل میرزا شب جمعه چهاردهم شعبان سال هزار و دویست و هفده متولد شد — احمد علی میرزا روز جمعه ششم شوال سال هزار و دویست و هیجده متولد شد و او برادر اعیانی شاهزاده محمود است در اشعار به نام خود تخلص کند — علیرضا میرزا برادر اعیانی شاهزاده محمدرضا میرزا است شب سه شنبه ششم ذی قعدة هزار و دویست و هیجده متولد شد — کیقباد میرزا شب جمعه نوزدهم صفر سنه هزار و دویست و بیست و یک هجری متولد شد — بهرام میرزا شب پنجشنبه پنجم ربیع الاول هزار و دویست و بیست و یک هجری متولد شد — شاپور میرزا شب چهارشنبه سیزدهم صفر هزار و دویست و بیست و دو هجری متولد شد — ملک قاسم میرزا روز چهارشنبه دویتم جمادی الآخره سال یک هزار و دویست و بیست و دو هجری متولد شد — منوچهر میرزا شب جمعه چهارم جمادی الآخره متولد شد در سال هزار و دویست و بیست و دو هجری — هرمز میرزا شب دوشنبه چهاردهم جمادی الاولی سنه هزار و دویست و بیست و دو هجری متولد شد — ایرج میرزا پنجشنبه غره جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و دو هجری متولد شد — کیکاوس میرزا روز جمعه هیجدهم شوال سنه هزار و دویست و بیست و دو متولد شد — شاه قلی میرزا چهارشنبه یازدهم محرم سال هزار و دویست و بیست و سه هجری متولد شد — محمد مهدی میرزا شب یکشنبه غره شوال سنه هزار و دویست و سی و سه هجری متولد شد — کیخسرو میرزا که برادر اعیانی کیکاوس میرزا است — کیومرث میرزای ایلخانی ملقب به ابوالملوک روز سه شنبه بیست و پنجم جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و چهار هجری متولد شد — جهان شاه میرزا او نیز برادر اعیانی شاهزاده محمود است یکشنبه بیست و پنجم رمضان سال یک هزار و دویست و بیست و چهار هجری متولد شد — سلیمان میرزا سه شنبه چهارم

محرم سال هزار و دویست و بیست و پنج هجری متولد شد — فتح الله میرزا چهارشنبه نهم رجب سال هزار و دویست و بیست و شش هجری متولد شد و ملقب به شعاع السلطنه بوده است — ملک منصور میرزا برادر اعیانی ملک قاسم میرزا است سه شنبه بیست و دویم رجب سال یک هزار و دویست و بیست و شش هجری متولد شد — بهمن میرزا ملقب به بهاء الدوله شب یکشنبه بیست و سیم شوال سال هزار و دویست و بیست و شش هجری متولد شد — سلطان محمد میرزا ملقب به سیف الدوله است میلادش روز پنجشنبه بیست و ششم جمادی الاولی سال هزار و دویست و بیست و هشت هجری — سلطان سلیم میرزا شب پنجشنبه بیست و ششم شوال هزار و دویست و بیست و هشت هجری متولد شد — سلطان مصطفی میرزا جمعه یازدهم ذیقعدة هزار و دویست و بیست و هشت هجری متولد شد — سلطان ابراهیم میرزا شنبه نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و هشت هجری متولد شد — سیف الله میرزا برادر اعیانی بهاء الدوله است سه شنبه چهاردهم رجب سنه یک هزار و دویست و بیست و نه متولد شد — یحیی میرزا شب سه شنبه غره محرم سنه هزار و دویست و سی و سه هجری متولد شد — زکریا میرزا شب شنبه بیست و ششم ربیع الاول سنه هزار و دویست و سی و چهار هجری متولد شد برادر اعیانی یحیی میرزا است — محمد امین میرزا روز دوشنبه دهم ربیع الثانی هزار و دویست و سی و چهار متولد شد — سلطان حمزه میرزا شب چهارشنبه بیست و یکم رمضان سال هزار و دویست و سی و چهار متولد شد — فرخ میرزا برادر اعیانی سلطان محمد میرزا و ملقب به نیرالدوله است — سلطان احمد میرزا ملقب به عضدالدوله است جمعه نوزدهم ذیقعدة هزار و دویست و سی و نه متولد شد — صاحبقران میرزا — طهمورث میرزا جمعه هفدهم جمادی الاولی سنه هزار و دویست و سی و پنج متولد شد — حسینقلی خان ملقب به جهانسوز شاه برادر اعیانی یحیی میرزا است — محمد هادی میرزا برادر اعیانی محمد امین میرزا است — پرویز میرزا — علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه — عباسقلی میرزا و او برادر اعیانی علیقلی میرزا است — کامران میرزا — اورنگ زیب میرزا — سلطان جلال الدین میرزا — امان الله میرزا — سلطان حسین میرزا.

اسامی بنات خاقان مغفور البسه الله حلال التور

همایون سلطان مشهور به خانم خانمان ملقب به نواب متعالیه از مادر شاهزاده حسینعلی میرزا است و او ضجیع ظهیرالدوله ابراهیم خان قاجار حکمران کرمان بود — شاهزاده بیگم جان هم از مادر فرمانفرما است در سرای امیر محمّدقاسم خان قوآنلو بود — سیدبیگم که همدم سلطان لقب دارد هم از مادر فرمانفرما است به حباله نکاح محمّدزکی خان نوری سردار فارس درآمد — ام سلمه مشهور به گلین خانم از مادر شاهزاده محمّدعلی میرزا است خط نسخ را نیکو نوشت و چند مجلد قرآن مجید را نگار داده در عتبات ائمه دین علیهم السلام موقوف داشت ضجیع برادرزاده شهریار زین العابدین خان گشت — مرصع خانم^۱ از مادر حسام السلطنه و زن اللهیارخان آصف الدوله بوده است — فخرجهان خانم مشهور به فخرالدوله از مادر شاهزاده شعاع السلطنه است روزی چند در سرای میرزا محمّدخان پسر حسینقلی خان برادر شهریار بود و از وی جدائی جست — شاه بیگم مشهور به ضیاء السلطنه از مادر شاهزاده محمود است بعد از پدر ضجیع میرزا مسعود وزیر دول خارجه شد — سلطان بیگم هم از مادر ضیاء السلطنه است روزی چند با پسر مهدیقلی خان دولو همسر و هم بستر بود و در جوانی وداع جهان گفت — گوهرملک خانم با ولیعهد دولت نایب السلطنه از یک مادر است نخست در سرای محمّدامین خان قاجار نسقی باشی بود و از پس او ضجیع میرزا ابوالقاسم قائم مقام گشت — زینب خانم از مادر محمّدقلی میرزای ملک آرا است و ملقب به حاجی شاه شده ضجیع اسمعیل خان پسر اعتضادالدوله^۲ سلیمان خان قوآنلو بوده است —

۱. در ناسخ التواریخ: مریم خانم — آنچه مسلم است دختری که زن الله یارخان آصف الدوله شده مریم خانم است. مرصع خانم زن محمّدقلی خان آصف الدوله ثانی پسر الله یارخان شده است (ر. ک. تاریخ عضدی، چاپ آقای دکتر نوائی، ص ۲۵۱ توضیحات ایشان). در این فهرست نام مرصع خانم نیامده است.

۲. ناسخ: نظام الدوله — آقای دکتر نوائی نیز در توضیحات خود بر تاریخ عضدی، ص ۲۹۶، نوشته اند: «زینب خانم... در حباله نکاح اسماعیل خان پسر نظام الدوله سلیمان خان قوآنلو امیرکبیر بود». اقا به

خدیدجه خانم هم از مادر ملک آرا است ضجیع محمد باقرخان پسر حسینیقلی خان برادر شهریار بوده است — طیفان خانم^۳ به حباله نکاح موسی خان قوئلو درآمد — عزت نساخانم با برادرزاده شهریار موسی خان پسر حسینیقلی خان هم بستر گشت — شمس بانو خانم ضجیع میرزا موسی خان برادر میرزا ابوالقاسم قایم مقام شد — خدیجه سلطان مشهور به عصمت الدوله ضجیع ابراهیم خان ناظر پسر حاجی محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی بوده است — درخشنده گوهرخانم ضجیع میرزا اسمعیل خان پسر میرزا خانلر حلال خور مازندرانی منشی الممالک با شاهزاده اسمعیل میرزا از یک بطن است — گوهرشاه بیگم در سرای علی محمدخان قاجار دولو بوده است — شاه سلطانخانم ضجیع محمدصادق خان قوئلو پسر مهرعلی خان^۴ و نوه مرتضی قلی خان عم شهریار بوده است — شاه گوهرخانم ضجیع رستم خان پسر ابراهیم خان عم زاده شهریار بوده است — تاجلی بیگم خانم از مادر شعاع السلطنه و زوجه نصرالله خان پسر ظهیرالدوله ابراهیم خان قوئلو بوده است — حسن جهانخانم مشهور به والیه وی نیز از مادر شعاع السلطنه است ضجیع خسروخان والی کردستان شد — ماه بیگم خانم به حباله نکاح غلامحسین خان سپهدار عراق درآمد — سروجهانخانم زوجه آقاخان حاکم محلات بوده است — خورشیدخانم زوجه عباسقلی خان سرکرده جماعت افشار خمسه بوده است — مولود سلطان خانم زوجه رضاقلی خان پسر اسمعیل خان سردار دامغانی بود، از او جدائی جست و به سرای حاجی حسن خان پسر ذوالفقارخان پسرعم شوهر نخستین رفت — عالیه سلطان خانم زوجه علی خان دامغانی میرآخور شهریار شد — زبیدهخانم زوجه علی خان قراگوزلو

نظر می رسد متن صحیح باشد. در شرح حالی که در رجال بامداد، جلد ۲، ص ۱۱۸، از سلیمانخان قاجار قوئلو آمده لقب او همه جا اعتضادالدوله است و مخصوصاً می نویسد: «در سال ۱۲۰۴ ملقب به اعتضادالدوله شد» و در همین تاریخ عضدی، ص ۵۲، سلیمانخان اعتضادالدوله آمده است.

۳. در ناسخ التواریخ: طیفانخانم — اقا به نظر می رسد متن صحیح باشد. در تاریخ عضدی طیفونخانم آمده است.

۴. در ناسخ التواریخ: ضجیع محمد صادق خان قوئلو پسر مرتضی قلی خان — اقا به نظر می رسد متن صحیح باشد. توضیحات آقای نوائی بر تاریخ عضدی، ص ۲۰۵، نیز صحت متن را تأیید می کند.

بوده است — خورشید کلاه از مادر سیف الدوله است ضجیع میرزا علی محمدخان نظام الدوله پسر عبدالله خان امین الدوله گشت — شیرین جان خانم او نیز از مادر سیف الدوله است و در سرای مهدیقلی خان پسر حسین خان سردار بوده است — قیصرخانم از مادر یحیی میرزا است زوجه سلیمان خان افشار قاسملو بوده است — سلطان خانم هم از مادر یحیی میرزا و زوجه جهانگیرخان افشار ارومی بوده است — آغابیگم زوجه میرزا علی هزارجریبی ملاباشی بوده است — شاه جهان خانم مشهور به خان بی بی زوجه میرزا عبدالباقی منجم باشی گیلانی بوده است — فرخ سلطان خانم از مادر شاپور میرزا و زوجه میرزا غلامشاه پیشخدمت باشی بوده است — ماه نوش لب خانم زوجه امیردیوان میرزا نبی خان قزوینی بوده است — حب نبات خانم از مادر محمد مهدی میرزا است برادرزاده شهریار میرزا محمدخان بعد از جدائی از فخرالدوله او را به حباله نکاح درآورد — پاشا خانم هم از مادر محمد مهدی میرزا است و به نکاح سهراب خان گرجی درآمد. فرزانه بیگم هم از مادر محمد مهدی میرزا و زوجه حسینی خان معیرالممالک بوده است — مهرجهان خانم هم از مادر محمد مهدی میرزا است و بعد از فوت شاهنشاه زوجه زین العابدین خان پسر قاسم خان هزارجریبی قوللرآقاسی شد — سلطان خانم از مادر ملک ایرج میرزا و زوجه محمدباقرخان دولو بیگلربیگی بوده است — خاور سلطان بیگم از مادر علیقلی میرزا است و بعد از فوت شهریار به حباله نکاح میرزا نظرعلی حکیمباشی قزوینی درآمد — ملک زاده زن محمودخان رشتی است — رخساره بیگم بعد از فوت پدر زوجه محمدخان ایروانی امیرتومان شد — خرم بهارخانم احترام الدوله از مادر کامران میرزا و زن صاحب دیوان است — بزم آرا خانم او نیز از مادر کامران میرزا عروس حسینی خان شاهسون است — ماه تابان قمرالسلطنه با زوجه میرزا نبی خان از یک مادر است و زن میرزا حسین خان سپهسالار مرحوم — بدرجهان خانم ملقب به ماه باجی و او نیز از مادر یحیی میرزا است و زن محبعلی خان ماکوئی بوده — خلاصه پس از انتقال و ارتحال خاقان بیهمال نوبت سلطنت به شهریار ملکوتی خصال اعلی حضرت محمدشاه رسید.

نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله در کتاب جام جم می فرمایند:

«خبر فوت خاقان مغفور در بیست و هشتم جمادی الآخره به تبریز رسید اعلیحضرت همایون محمدشاه که ولایتعهد داشتند در شب یکشنبه هفتم رجب در تبریز جلوس فرمودند و روز چهاردهم رجب از این شهر حرکت نمودند و کمل صاحب ایلچی دولت انگلیس و غراف سمنوویچ وزیر مختار روس نیز در رکاب اعلی بودند، ولیئزی صاحب با لشکر انبوه و توپخانه مبارکه در مقدمه روان شد و در نوزدهم ماه شعبان به دارالخلافة باهره ورود و نزول اجلال فرمودند و باغ نگارستان از قدم همایون رشک نگارستان چین شد و در مدت چهارماه کل شاهزادگان اطراف طوعاً کرهاً به خاکبای همایون آمدند و نواب ظل السلطان که در ایام فترت بر تخت جلوس کرده بود و انباشته‌ها را آکنده، و گذاشته‌ها را پراکنده ناچار زنان را شفیع نموده به همراهی فخرالدوله عمه مکرمه شاهنشاه و همشیرگان سرکار اقدس که عروسان او بودند در نگارستان به حضور مشرف شد و مشمول مرحام شاهنشاهی گردید و میرزا ابوالقاسم قائم مقام به عرض رسانید — ارحم من رأس ماله الرجاء و سلاحه النساء — و آنچه که به تحقیق پیوست در ظرف چهل روز حکمرانی هفتصد هزار تومان نقد سوای جنس از خزانه عامره درآورده به بیهوده صرف شده بود — و سرکار اقدس اعلی شب جمعه دویم رمضان المبارک نیمساعت به طلوع آفتاب مانده از دروازه قزوین به دارالخلافة مهین نزول اجلال فرمودند و بیشتر مایه تحریض ظل السلطان بر اینکار مرحوم میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه و نواب رکن الدوله بود و الا خودشان خلاف وصیت خاقان خلد مکان نمی کردند.» انتهى.

از حوادث اینسال چنانکه ذکر شد جلوس شاهزاده علی خان است که خود را عادلشاه نامید و بعضی از شاهزادگان و امرای دربار طوعاً کرهاً اطاعت او نمودند و او نواب علینقی میرزای رکن الدوله را برای مصالحه، و اماموردی میرزای ایلخانی را برای محاربه با پانزده هزار نفر پیاده و سواره و توپخانه و قورخانه مأمور آذربایجان کرد — نیز شاهزاده حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس به تحریک برادران و اعیان مملکت در شیراز جلوس کرد و می خواست حسنعلی میرزای شجاع السلطنه را به تسخیر عراق فرستد — اما اعلیحضرت اقدس همایون محمدشاه بعد از جلوس

در تبریز جهانگیر میرزا و خسرو میرزا و احمد میرزا و مصطفی میرزا [را] که آثار خلاف از وجنات حالشان پدیدار بود به قلعه اردبیل فرستاده موقوف داشتند، و محمدخان امیرنظام که در سرحد ولایت ایران و ارزنة الروم با محمداسعدپاشا گفتگوی استرداد اموال منهویه تجار متعلقه به دولت علیه ایران را در میان داشت در این وقت به امر همایون به تبریز بازگشت و با نواب فریدون میرزا نایب الایاله آذربایجان در این شهر بماند و هنگام حرکت موکب اعلی از تبریز جهانگیر میرزا و خسرو میرزا از طریق خلاف به راه بی بصری رفتند، و موکب همایون با شش هزار لشکر پیاده نظام و چهار عزاده توپ و سه هزار سوار جزار از تبریز عزیمت دارالخلافه فرمود، و نواب بهمن میرزا که در اردبیل حکومت داشت با فوج بهادران در منزل میانج به تقبیل رکاب اعلی فایز گشت، و نواب رکن الدوله در نیک پی و سرچم به اردوی اعلی پیوسته اظهار داشت که اعلیحضرت پادشاهی به آذربایجان قناعت کرده باقی ممالک ایران به عادلشاه تفویض شود، بنابراین عرض سخیف از حضور اعلی محروم و در مکان خود موقوف آمد — نیز در عرض راه نواب شعاع السلطنة فتح الله میرزا با سیورسات و پیشکشی به حضور آمد و حکومت خمسه یافت — و در خرم دره منوچهرخان معتمدالدوله با دوهزار سوار و جمعی تفنگچی و چهل هزار تومان پیشکشی به رکاب اعلی پیوسته مورد الطاف ملوکانه گشت — و فضلعلی خان قزباغی با دوهزار سوار و پانصد غلام خاصه و پنج عزاده توپ از زنجان بطور مقدمه الجیش گشته روانه شد و در منزل سیاه دهن به مقدمه سپاه اماموردی میرزای ایلخانی رسیده آنها را مقهور کرد پس از آن سران سپاه همه به رکاب اعلی پیوستند و اماموردی میرزا نیز ناچار روی نیاز به دربار همایون آورده ملتزم خدمت گردید، و آصف الدوله اللهیارخان که در قم بود با میرزا محمدتقی علی آبادی صاحب دیوان در قزوین به حضور اقدس شرفیاب شد — و از اینطرف محمدباقرخان خال اعلیحضرت شهریار که در طهران متوقف بود به اشاره امنای دولت رؤسای عساکر مازندران را با خود متفق ساخت و عادلشاه را از نزدیک شدن موکب همایون اعلیحضرت محمدشاه آگاه کرده از جلوس ممنوع داشت، و محمدجعفرخان کاشانی وزیر او را مأخوذ و اموال او را ضبط کرده مراتب را به عرض رسانید — سرکار اقدس اعلی به

نگارستان نزول اجلال فرمودند و خسروخان گرجی جواهرآلات خاصه پادشاهی را از بازوبند و شمشیر و تمامی اثاثه سلطنت از شهر به نگارستان آورده تقدیم نمود، و عادلشاه چنانکه ذکر شد به حضور مبارک مشرف شده مشمول مراجع گردید و میرزا فضل الله علی آبادی و عباس خان قاجار به آوردن نواب محمّدقلی میرزای ملک آرا از مازندران مأمور شده اینخدمت را به انجام رسانیدند — روز چهاردهم رمضان ذات ملکوتی صفات پادشاهی یعنی اعلیحضرت همایون محمّدشاه در دیوانخانه بزرگ بر سریر سلطنت جلوس فرموده عموم شاهزادگان و امرا و طبقات خدم بار حضور مبارک یافتند — بعد از آن نواب فیروز میرزا و معتمدالدوله منوچهرخان با جمعی از صاحب منصبان به فارس و عراق مأمور گشتند، و نواب قهرمان میرزا را احضار فرموده با آصف الدوله اللهیارخان و حسن خان سالار به حکومت خراسان معین شدند، و غلامحسین خان سپهدار عراق به آستان همایون آمد، و نواب طهماسب میرزا مؤیدالدوله به حکمرانی کاشان رفت، و جهانگیر میرزا برادر نواب معزی الیه حکومت یزد یافت، و هلاکومیرزا ابن شجاع السلطنه که در زمان فترت در یزد اظهار شوکت می کرد به کرمان بازگشت، و نواب بهرام میرزا که از عرض راه دارالخلافة مأمور کردستان و انتزاع کرمانشهان از حشمت الدوله محمدحسین میرزا شده بود به کرمانشهان ورود نمود و حشمت الدوله که دم از استقلال می زد ناچار به آستان مبارک آمد، و محمّدقلی میرزای ملک آرا به توقّف همدان مأمور شد، و چون جمعی از تراکمه و اکراد خراسان دور شاهزاده اسمعیل میرزا حاکم بسطام را گرفته و او به خیال استقلال افتاده بود نواب اردشیر میرزا با اسکندرخان قاجار ابن فتحعلی خان حاکم مراغه و ابراهیم خلیل خان و بعضی دیگر به استیصال او مأمور شده او را مقهور کردند و به آستان مبارک فرستادند و نواب اردشیر میرزا به نظم ترکمان و دشت گرگان رفته آنجا را منظم کرده و معاودت نمود، و نواب فیروزمیرزا با منوچهرخان معتمدالدوله و میرزا محمّدخان قاجار دولو خالوزاده حضرت نایب السلطنه مغفور و مستر لنزی انگلیسی و شیل صاحب و چند نفر صاحب منصب دیگر انگلیس و چند نفر سرتیپ و سرهنگ و بعضی از دستجات قشون ظفرنمون و چند عزّاده توپ از راه اردستان قصد فارس کردند و شجاع السلطنه

با پنجهزار سواره و پیاده قصد تسخیر اصفهان نموده به منزل شولکستان رسید و شنید که عساکر پادشاهی به ایزدخواست رسیده روز دیگر فشتین تلاقی کرده به محاربه پرداختند، شجاع السلطنه با همراهانش منهزم شده به فارس بازگشت و معتمدالدوله و همراهان او به تدبیر خود را به شیراز رسانیده بی جنگ و جدل ارک را تصرف کردند و بعد از دو سه روز فرمانفرما و شجاع السلطنه را با فوج منصورخان فراهانی و شش عراده توپ از شیراز به طهران آوردند و در روز ورود عساکر منصوره به شیراز رضاقلی میرزا و نجفقلی میرزا و تیمورمیرزا از شهر خارج شده به حدود مملکت عثمانی رفتند و نواب شجاع السلطنه حسینعلی میرزا در طهران تنبیه شده در برج نوش موقوف گردید، و نواب حسینعلی میرزای فرمانفرما در ماه ربیع الاول در چهل و هفت سالگی به ناخوشی وبا که در طهران شیوع بهم رسانیده بود درگذشت — هم در این سال نواب فرهادمیرزا (حاجی معتمدالدوله) به حکمرانی عربستان و لرستان منصوب گردیدند.

اروپا — لرد هلبورن به صدارت منصوب می شود. (اسپانیا) — دُن کارلس بر ضد ملکه جدید با نهایت سختی در شورش است — منازعه مابین اهالی اسپانیول و دُن میگیل پادشاه سابق پرتوغال که به دُن کارلس اسپانیولی پناه داده بود — بروز وبای سخت در مادرید — فوت دُن پیدر بعد از استقرار دادن دختر خود را به سلطنت پرتوغال — مزاجت ملکه پرتوغال با دوک دُلشن برگ پسر اوژن ریب ناپلیون اول. (فرانسه) — فوت ژنرال لافایت معروف — شورش در بعضی بلاد. (رومن) — امپراطور روس مانع است که جوانان روسی به جهت تحصیل یا تجارت به فرنگ سفر نمایند — شورش شامل در داغستان. (شود) — بروز وبا در این مملکت. (عثمانی) — شامات که به تصرف محمدعلی پاشا بود بر او می شورند و از آن طرف یمن به عثمانی می شورد — در اغلب نقاط دیگر عثمانی نیز شورش بر پا می شود — یکنوع قشون نظامی موسوم به ردیف منصوره در عثمانی تشکیل می یابد.

[سنه ۱۲۵۱ هجری = سنه ۱۸۳۵ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در این سال چون میرزا ابوالقاسم قایم مقام به اصابت رأی مملکت را نظمی داده بود غرور بر طبع او مستولی گردید و بی استیذان از اعلیحضرت همایون بعضی تصرفات در امور کرد - نواب جهانگیر میرزا در تاریخی که نوشته چنین مستور می دارد که قایم مقام چون مملکت ایران را از همه گردنکشان خالی دید و جمیع اولاد خاقان را در قبضه اختیار و اقتدار خود یافت به انجام خیال محالی که داشت پرداخت از جمله خواست فوج خاصه را که به سرنمایی قاسم خان الان براغوشی از نوکرهای قدیم حضرت نایب السلطنه مرحوم بود و به کشیک در بخانه و سرای سلطنتی مقرر شده بودند تغییر داده کشیک در بخانه را برعهده سرهنگی از دست پروردگان خود موکول دارد و بعضی چیزهای دیگر نیز از او به ظهور رسید لهذا قبل از تغییر قراول خاصه و اقدام به بعضی اعمال او را از باغ لاله زار که منزل او بود به نگارستان احضار کرده سه روز در اینجا محبوس بود تا درگذشت و در بقعه حضرت عبدالعظیم علیه السلام مدفون گشت و این واقعه در شب سلخ صفر اتفاق افتاد. و چون اللهیارخان آصف الدوله از ماجری آگاه شد از خراسان بی حکم احضار به خیال صدارت به دربار معدلتمدار شاهانه آمد و این خیال پسند نیفتاده پس از تهدید او را به خراسان معاودت دادند - هم در این اوان محمدخان امیرنظام را برای انتظام افواج به دارالخلافه احضار فرمودند و او با چند فوج از آذربایجان به طهران آمد و مردم چنین پنداشتند که او را به وزارت خواسته اند ولی گمانی خطا بود، چه پس از تجدید افواج محمدخان برای پیشکاری نواب قهرمان میرزا به آذربایجان بازگشت و نواب فریدون میرزا از آذربایجان به طهران آمد. و در این ایام میرزا نصرالله اردبیلی (صدرالممالک) و محمدحسین خان ایشیک آقاسی در صدور فرامین و احکام دخالت داشتند ولی به زودی حاجی میرزا عباس مشهور به حاجی میرزا آقاسی ابن میرزا مسلم ایروانی را که از آغاز شباب بحسن ظن کاملی به او داشتند به وزارت اختیار فرموده منصب صدارت عظمی دادند

— هم در این اوان وبای سخت در طهران و سایر بلاد ایران شیوع یافت و پنجاه هزار نفر در ممالک محروسه تلف شدند و چون درجه گرمای دارالخلافه بالا رفت و اشتداد بهمرسانید موکب همایون اعلیحضرت محمّدشاه عزیمت امامه و لواسان فرمود، و میرزا مسعود آذربایجانی به وزارت امور خارجه برقرار گشت و شاهزاده ضیاء السلطنه را با او مزاجعت حاصل آمد، و میرزا حسن را مستوفی الممالک ایران فرمودند، و میرزا آقاخان نوری وزارت لشکر یافت، و میرزا نصرالله اردبیلی را وزارت وظایف دادند، و میرزا محمّدحسین عزب‌باشی شد، و بهمن میرزا به حکومت بروجرد و سیلاخور، و نواب منوچهر میرزا به حکومت گلپایگان و خوانسار منصوب شدند، و فضلعلی خان قزاقی که به جلادت معروف بود حکمرانی مازندران یافت، و عباسقلی خان جوانشیر به حکومت کاشان رفت، و نواب خاتلر میرزا به حکمرانی یزد برقرار گردید، و اللهیارخان آصف‌الدوله پس از رفتن به خراسان نجفقلی خان گُردشادلو را به دست آورده اطمینان داده با خوانین خراسان به دارالخلافه فرستاد، و منوچهرخان معتمدالدوله به پیشکاری نواب فیروز میرزا در فارس مستقل گردید، و نواب بهرام میرزا به ایالت کرمانشاهان روان شد، و محمّدباقرخان قاجار بیگلربیگی دارالخلافه شد، و عیسی خان ولد مشارالیه نیابت او یافت، و محمّدقلی خان بن آصف‌الدوله ایشیک آقاسی باشی خاصه شد، و بعضی شاهزادگان که خیال فاسد داشتند به اردبیل و آذربایجان حرکت دادند — هم در این سال نواب شاهزاده اعظم ناصرالدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصرالدین شاه خلدالله ملکه) برحسب امر و اراده ستنیه پادشاهی به ولیعهدی دولت علیه ایران اختصاص یافتند و منشور ولایعهد آن حضرت مرقوم گردید علایم این رتبه و مقام منیع از قبیل افسر و خنجر مرصع و قباى کیانی مکّئل به جواهر شاهوار و لآلی آبدار و بازوبند و نشان شیر و خورشید خاصه و غیرها به ایشان تفویض شد و در طهران و تبریز جشنی بزرگ در این موقع معید که فرخنده عید این ملت و مملکت بود در کمال آراستگی گرفته و عموم مردم شادیها نمودند و ابواب نشاط و انبساط از هر جهت گشودند و وزرای مختار دول متحابه این امر قدر قدر را امضی نموده به سلاطین دول متبوعه خود مطلب را اعلام

و اعلان نمودند و چون محمدخان امیرنظام به امارت آذربایجان مأمور و مقیم شد و آصف الدوله به حکومت خراسان رفت وزارت حاجی میرزا آقاسی استقرار و استحکام یافت.

هم در این سال کمال افندی و اسعد افندی از جانب سلطان محمودخان سلطان عثمانی به دربار دولت علیه مأمور شدند که به تهنیت و تبریک جلوس اعلیحضرت پادشاهی پردازند و مشارالیهما نامه محبت ختامه خود را با تبریکات لایقه تبلیغ نموده بعد از تجدید عهد مودت و اتحاد و استدراک مکارم ملوکانه معاودت کردند — هم در این سال میرزا رضا ولد حاجی فرج الله تبریزی منصب کلانتری تبریز و مضافات یافت و حاجی فرج الله نیز در سال هزار و دویست و سی و نه به موجب رقم حضرت نایب السلطنه مغفور به همین منصب نایل شده بود — هم در این سال نواب ظل السلطان را از دارالخلافه به همدان و از همدان به مراغه و از مراغه به اردبیل بردند و سیف الملوک میرزا پسر نواب معزی الیه را در قزوین اقامت دادند، و نواب فریدون میرزا که از آذربایجان آمده بود به طرف استرآباد و گرگان مأمور شد و حسن خان ساری اصلان و جماعتی از عساکر نصرت مآثر به التزام رکاب نواب معزی الیه مأمور شدند و این جمله مقدمه الجیش لشکر پادشاهی بودند چه موکب همایون در سال آینده عزیمت تنبیه تراکه گرگان خواهد نمود و بنابراین قصد و نیت مقرر شد که در اول فصل بهار افواج پیاده و سوار به رکاب اعلی حاضر و مستعد پیکار باشند — هم در این سال آقاخان محلاتی رئیس اسمعیلیه به حکمرانی کرمان منصوب و روانه مقصد گردید — وفات نواب جهانشاه ابن خاقان مغفور — رحلت میرزا مسلم خوئی از مشاهیر عرفا.

اروپا — (آلمان) — فوت فرانسوای دویم امپراطور اطریش و جلوس فردیناند اول پسرش به جای او. (فرانسه) — ایجاد سفاین بخاری به جهت حمل و نقل مال التجارة و مسافر مابین مارسیل و اسلامبول و اسکندریه. (پرتوغال) — فوت شوهر ملکه و مزاجت ملکه با برادرزاده پادشاه بلژیک. (روس) — ملاقات سلاطین روس و پروس و اطریش. (عثمانی) — ایجاد طرق و شوارع و پست و تماشاخانه و

تنظیمات عسکریه — فرستادن سفرای مقیم به اطیش و فرانسه — بروز طاعون و وبا در مصر — طلوع ستاره ذوذنب موسوم به هالی که هر هفتاد و شش سال طلوع می کند و این دفعه بیست و پنجم است که طلوع نموده.

[سنه ۱۲۵۲ هجری = سنه ۱۸۳۶ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمّدشاه چنانکه در ذیل سال قبل اشاره نمودیم مصمم تنبیه تراکمه گرگان گردید و در سه شنبه بیست و دویم ماه صفر به باغ نگارستان نقل مکان فرمودند و در این سفر نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمدالدوله) همه جا با دو فوج سرباز و هزار سوار چنداول موکب همایون بودند. نواب فریدون میرزا و حسن خان ساری اصلان با پنج فوج سرباز و توپخانه و قورخانه در دهم ربیع الاول از راه سمنان قصد بسطام و کالپوش کردند و روز نوزدهم ماه مزبور اردوی شهریاری از نگارستان به طرف فیروزکوه حرکت کرد و چهل روز در چمن فیروزکوه اقامت فرمودند. متوجه خان معتمدالدوله که از فارس مراجعت کرده بود در این چمن به رکاب اعلی پست، و فرامین به بزرگان ایلات تراکمه صادر شده به محمد صالح خان گرد محله استرآبادی داده او را به گرگان فرستادند و در سیم جمادی الاولی از فیروزکوه انتهای فرموده پس از طی منازل به شاه کوه رسیدند، بزرگان تراکمه به تقبیل عتبه علیه آمده حکم همایون شد که نواب فریدون میرزا با پنج هزار سوار جزا تا قارن قلعه (قاری قلعه) گرگان رفته ترکمانان بیابان گرد را که مصدر خلاف شده بودند گوشمالی بسزا دهد، پس از آن موکب معلی به خرقان بسطام نزول اجلال نمود، روز پنجم جمادی الثانی چمن کالپوش مضرب خیمام با احتشام مبارک گردید — از آنطرف تراکمه چون دانستند نواب فریدون میرزا نزدیک شده ده هزار سوار در قارن قلعه مستعد پیکار گشتند و به محض وصول نواب معظم به آن محال نایره حرب اشتعال یافت تراکمه به واسطه شلیکهای توپ متفرق گشته راه هزیمت پیش گرفتند و به طرف اورگنج و خبوه راندند — قارن قلعه را نواب فریدون میرزا متصرف شده مراتب را به حضور همایون عرضه

داشت و حکم شد آن قلعه را با خاک برابر کنند و پانزده روز آذوقه و علوفه برگرفته بر لب رود گرگان به اردوی پادشاهی پیوندند. نواب معظم برحسب فرموده حرکت کرده و اردوی همایون از قراشیخ و کنار آب گرگان به گنبد قابوس و در میان طوایف ککلان آمد و به موجب امر اقدس عباس خان قاجار بیگلربیگی استرآباد پانصد نفر از معارف تراکمه ککلان را به رسم گروگان به میرسعدالله خان فندرسکی سپرده آنها را به دارالخلافه آوردند — آنگاه موکب منصور به مراتع قبایل یموت توجه فرمود، تراکمه یموت راه جبل ابوالخان^۱ را گرفته و گریختند لکن در عرض راه دوچار نواب فریدون میرزا که از قارن قلعه به اردوی همایون می آمد شدند و جمعی مقتول و برخی اسیر گشته بقیة السیف خود را به ابوالخان رسانیدند و اردوی پادشاهی به صحرای معروف به بی بی شروان توقف نمود — پس از نظم این صفحات شهریار غازی به دولت آباد دامغان تشریف فرما گردیده در اینجا معروض شد که فیما بین فضلعلی خان قراباغی و اهالی مازندران وحشتی حاصل شده و کار به کارزار کشیده مازندرانها فضلعلی خان را در ارک ساری محصور کرده اند. اعلیحضرت همایون قرخ خان کاشی غفاری را که مردی کاردان بود به اصلاح این فساد مأمور فرمودند و او وقتی رسید که کار به جدال کشیده و از اصلاح گذشته، لهذا فضلعلی خان را به دارالخلافه فرستاد و اهالی مازندران را استمالت نموده حاکم دیگری برای این ولایت استدعا نمود، لهذا حکم همایون صادر شد که او خود چندی به رتق و فتق امور مازندران پردازد تا بعد از وصول موکب همایون به دارالخلافه حکم مجددی در این باب شرف صدور یابد — نیز از وقایع عرض این راه آنکه جماعتی از امنای حضرت باهم همدستان شده عریضه ای مشتمل بر سهو و خطای حاجی میرزا آقاسی به حضور مبارک دادند. اعلیحضرت پادشاه کارآگاه برآشفته آن عریضه را به حاجی دادند. حاجی بزرگواری کرده برای آنکه با کسی دل بد نکند عریضه را نخوانده سوزانید و مطلقا چیزی از این مقوله به روی خود نیاورد — هم در این سال نواب بهرام میرزا ایالتین لرستان و عربستان را منظم نموده

یعنی محمدتقی خان بختیاری را که از خدمت دیوان روگردان و در معاقل جبال متواری بود استمالت کرده اطمینان داده و او علینقی خان برادر خود را با جمعی به رسم گروی ملتزم رکاب والا نمود و نواب معظم به نظم صفحات خوزستان رانده شیخ مذکور شیخ اعراب بنی لام را که به راه شرارت و خودسری رفته بود معزول و شیخ نغمه را به جای او منصوب نموده به کرمانشاهان مراجعت کردند و در چهارم شوال حسب الامر از کرمانشاهان حرکت کرده به دارالخلافه آمدند و منوچهرخان معتمدالدوله به حکومت آن صفحات منصوب شد و نظم کامل در آن نواحی داد — هم در این سال اعلیحضرت همایون میرزا حسن طبیب رشتی را به تذهیب و تعمیر روضه کاظمین علیهما السلام مأمور و روانه داشتند و او این خدمت را به انجام رسانید و در این سال نواب شاهزاده محمّدقلی میرزای ملک آرا به توقف همدان مأمور گردید، و نواب اردشیر میرزا به حکومت مازندران رفت و میرزا اسدالله خان نوائی به وزارت او برقرار گشت، و عباسقلی خان جوانشیر حاکم کاشان به آستان مبارک احضار شد و شاهزاده بهمن میرزای بهاءالدوله به جای او حکومت کاشان یافت. سیف الله میرزا به حکومت سمنان، و فتح الله میرزا به حکومت همدان، و محمّدخان ایروانی امیرنومان گردیده به حکومت عراق منصوب شد، و سیف الملوک میرزا به توقف قزوین مجبور گردید — هم در این سال میرزا جعفرخان مشیرالدوله به سفارت اسلامبول و اقامت در دربار دولت عثمانی مأمور و روانه شد — هم در این سال نواب فریدون میرزا به فرمانفرمائی فارس برقرار و میرزا محمدتقی آشتیانی ملقب به قوام الدوله به وزارت این مملکت نایل، و نواب فیروزمیرزا به حکومت کرمان منصوب گشت — هم در این سال میرزا آقاخان نوری به وزارت کل عساکر منصوبه نظام و غیرنظام و نشان سرتیپی اول نایل آمد.

اروپا — (آلمان) — بروز وبا در اطیش. (فرانسه) — آلی بُد نام قصد قتل پادشاه نموده ولی گرفتار شده و مقتول گردیده — طاق نصرت پاریس که اوّل بنای آن را ناپلیون اوّل کرده به اتمام رسیده — لوی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اوّل در اشترازبورگ فتنه برپا کرده گرفتار می شود ولی او را بدون تحقیق آزاد نموده به

اتاثونی جلا می دهند — جمعیت فرانسه در این سال شصت و هفت کرور است. (عثمانی) — برای آنکه طاعون به بلاد عثمانی سرایت نکند ایجاد قرانتین می نمایند و این اول ایجاد قرانتین است در این مملکت.

[سنه ۱۲۵۳ هجری = سنه ۱۸۳۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمدشاه عازم هرات شد و نواب مستطاب والا فرهاد میرزا (حاجی معتمدالدوله) را نایب الایاله و مأمور توقف دارالخلافت فرمودند — نواب مستطاب معظم در کتاب جام جم می فرمایند: روز یکشنبه نوزدهم ربیع الثانی سال هزار و دویست و پنجاه و سه هجری اعلیحضرت شهریار غازی به جانب هرات و ممالک مشرق زمین لشکر کشیده از طهران روانه شدند و در چهاردهم شعبان همین سال غوریان فتح شد، و در بیست و دویم شعبان به دور هرات وارد شدند و ده ماه محاصره طول کشید و به چند علت که عمده اختلاف سران سپاه بود، نیز سرجان مکنیل وزیر مختار دولت انگلیس به جهت مداخله وزیر مختار روس غراف سموویچ در امور افغانستان راضی بر اینکار نبود تسخیر آن شهر ممکن نشد و در نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست و پنجاه و چهار هجری از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان سنه مذکوره به مقر خلافت وارد شدند و مدت شانزده ماه سفر طول کشید — انتهى.

توضیح آنکه کامران میرزا حکمران هرات که پیوسته خود را بسته به دولت ایران می دانست و در اغلب موارد به امداد حگام خراسان امور خود را منظم می ساخت این اوقات برخلاف راه مخالفت پیش گرفت و قصد تسخیر سیستان کرد و حاکم سیستان این فقره را به عرض آستان همایون رسانید — نیز سرداران افغانه که روی دل بدین حضرت داشتند انتهاض موکب اعلی را به جانب خراسان استدعا کردند و هریک به تشریف و منشوری سرافراز شدند، و قنبرعلی خان مافی شمشیری که قبضه آن مکمل به الماس بود به افتخار کهندل خان برد، و موکب همایون به باغ نگارستان نقل مکان فرمود و حاجی میرزا آقاسی و تمامی امرا و

ارکان دولت نیز در خارج شهرخیام گوناگون افراشتند و عساکر ایران از اطراف روی به دارالخلافه نهادند — مقارن این حال فتح محمدخان فرستاده کامران میرزای افغان با پنجاه طاقه شال کشمیری و پانزده رأس اسب تگه و عریضه به حضور همایون آمد و اظهار متابعت نمود ولی در نیت سفر تبدیلی روی نیافت — نواب امیرزاده حمزه میرزا و حسن خان ساری اصلان و سی هزار سواره و پیاده از پیش حرکت کردند که در نیشابور به اردو ملحق شوند — و حبیب الله خان شاهسون امیر توپخانه را حکم دادند که با شصت عراده توپ راه خوار را پیش گرفته مقدمه الجیش باشد و روز یکشنبه نوزدهم ربیع الثانی از نگارستان انتهای فرموده به اشرف آباد نزول اجلال شد — در اینجا نواب سلطان مراد میرزا را با شش هزار نفر به چمن گندمان عراق مأمور فرمودند که به نظم آن صفحات پردازد، و نواب بهرام میرزا را به حکمرانی قزوین منصوب نمودند و طهماسبقلی خان قزوینی وزارت نواب معزی الیه یافت — روز بیست و ششم ربیع الثانی موکب اعلی وارد سمنان شد و سیف الله میرزا حاکم این ولایت به خدمات پرداخت، پس از یک هفته از سمنان حرکت کرده در دهم جمادی الاولی به چمن بسطام رسیدند و چهل روز در اینجا توقف شد، و شنیدند که امپراطور روس نیکلای به طرف تفلیس و اوچ کلیسا عزیمت نموده و نامه به شهریار غازی نوشته که اگر مایل باشند بدینجانب توجه فرموده ملاقات نمایند. چون سفر هرات مانع مرام بود حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ناصرالدین میرزا (اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ناصرالدین شاه) را به ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس مأمور فرمودند و حضرت ولیعهد در این وقت قریب به هفت سال از عمر مبارکشان گذشته بود. خلاصه محمدطاهرخان وکیل قزوینی از چمن بسطام به دارالخلافه مأمور شده از نواب والا فرهاد میرزای نایب الایاله یک زوج شال رضائی کشمیری و پنج رشته تسبیح مروارید و چهارده رأس اسب ترکمانی به جهت هدیه امپراطور گرفته به حضرت ولیعهد گردونمهد به تبریز برده که در رکاب والا متوجه تفلیس گردد. و محمدخان زنگنه امیرنظام و حاجی ملا محمود نظام العلماء و میرزا تقی خان فراهانی وزیر نظام و عیسی خان قاجار خال حضرت ولیعهد بیهمال و میرزا محمد حکیم باشی در رکاب حضرت

مستطاب معظم به کنار رود ارس آمدند و هفت تن از صاحب منصبان روس با کشتی مخصوص به خدمت حضرت مستطاب ولیعهد ایدمهد آمده ایشان را با همراهان از رود ارس عبور دادند و به لوازم تعظیفات و میهمانداری پرداخته در ماه رجب به ایروان رسیدند و یک روز بعد از ورود حضرت معظم به ایروان اعلیحضرت امپراطور با هفت نفر از خواص خود به این شهر ورود کردند و بارون روزن را نزد حضرت ولیعهد فرستاده اظهار موذت و اتحاد و مهربانی کامل نمودند و پس از مقالات مقرر شد فردا سه ساعت از روز گذشته بارون مشارالیه به خدمت حضرت ولیعهد آید که به حضور امپراطور معظم روند. روز دیگر کالسکه مخصوصی آورده حضرت ولیعهد را در آن نشانیده خود با امیرنظام و سایر همراهان به حضور اعلیحضرت امپراطور رفتند و اعلیحضرت معظم زیاده از حد با حضرت ولیعهد مهربانی و ملاطفت نموده و انگشتی الماس گرانبهائی که صورت امپراطور در آن نقش بود به دست خود به انگشت مبارک حضرت معظم نمودند و امیرنظام همراهان حضرت را معرفی کرد پس از محاورات لایقه و سئوالات اعلیحضرت امپراطور، و اجوبه متینة حضرت ولیعهد که همه مستوجب تمجید و موجب تحسین کامل گردید مراجعت فرمودند و هدایا و نامه موذت علامه اعلیحضرت شهریار ایران را تقدیم نمودند و از روز ورود به ایروان تا روز خروج و بازگشت هشت روز طول کشید و اعلیحضرت امپراطور هریک از همراهان حضرت معظم ولیعهد را به عطیة شایان درجه اختصاص دادند و پس از ورود به تبریز جیقه مکمل به الماس بریلیان و نشان عقابی که مخصوص سلاطین است برای حضرت ولیعهد ارسال داشتند و پس از وصول این اخبار موکب همایون شهریار غازی راه هرات پیش گرفتند و اللهیارخان آصف الدوله را از ارض اقدس به رکاب اعلی احضار فرمودند — هم در این اوان اللهقلی خان توره جمی از تراکمه ککلان را به وعد و وعید به خوارزم طلبید و بعضی را به کوچانیدن آنها فرستاد. نجفقلی خان شادلو با دسته ای از سواران جرّار به استرداد تراکمه مزبوره رفته خوارزمیها را شکست داده پانصد خانوار از ککلان را گرفته به بوزنجر برده سکنی داد و آصف الدوله به رکاب مبارک پیوست و به تجهیز لشکر خراسان مأمور شده به ارض اقدس بازگشت و اردوی همایون در بیستم

جمادی‌الثانیه از چمن بسطام حرکت کرده به خیرآباد و مزینان و سبزوار راند و حبیب‌الله‌خان شاه‌یسون امیر توپخانه در اینجا به رکاب اعلی پیوست — ولی‌خان تشکابنی نیز با فوج خمسه و قزوین و تنکابن در رسید و کلیتاً به سرجام آمدند — آصف‌الدوله با چهار عزاده توپ و چهارده هزار نفر به نظم بادغیسات مأمور شد، و در منزل قدمگاه حاجی میرزا آقاسی و جمعی از اعیان رخصت زیارت یافتند و پس از نیل این شرف به اردوی معلی پیوستند و موکب اعلی روز بیست و هشتم رجب به تربت شیخ‌جام رسید و از محمودآباد و کوسویه و کنار هری‌رود به غوریان راندند. روز ورود به غوریان سواران شیرمحمدخان برادر یارمحمدخان که در آنجا سرحددار بود از غوریان بیرون آمده با محمدخان امیرتومان تلاقی کرده شکست خوردند روز هفتم شعبان حوالی غوریان معسکر شهریار قضا‌توان گردید و حکم به تسخیر قلعه دادند و روز چهاردهم ماه مزبور غوریان مفتوح شده شیرمحمدخان با اکابر افغانه به حضور مبارک آمدند و میرزا اسدالله‌خان قاینی^۱ به حراست این قلعه و ناحیه مأمور شد و موکب اعلی در بیست و دویم شعبان به ظاهر هرات نزول فرمود و شروع به محاصره کردند — شمس‌الدین‌خان افغان به رکاب مبارک آمده در سبک ملازمان منسلک گردید — روز پانزدهم رمضان یارمحمدخان افغان بر فراز برج آمده اظهار اطاعت کرد و عزیزخان سرهنگ مگری داخل هرات شده با کامران میرزا گفتگو نمود و عریضه‌ای از او به حضور همایون آورد ولی مبنای سخن بر دروغ و تزویر بود و این معنی معلوم شده باز نایره قتال اشتعال یافت — کامران میرزا پسر خود نادر میرزا را نزد الله‌قلی‌خان خوارزمی فرستاده از او و خوانین میمنه و هزاره استمداد کرد. الله‌قلی‌خان هزار و پانصد سوار به خلیفه عبدالرحمن که مردم آن صفحات به او ارادت داشتند ابواب جمع کرده و او به نزد مضرب‌خان والی میمنه رفته شش‌هزار سوار از میمنه و اندخود و شیرغان فراهم کرده قصد امداد کامران میرزا نمود. شیرمحمدخان هزاره نیز چهارهزار نفر نزد عبدالرحمن فرستاد و او مهابی

۱. روضه‌الصفاء: امیر اسدالله‌خان قاینی و همین صحیح است. اسدالله‌خان عنوان «امیر» و یا دقیق‌تر عنوان «میر» داشته است ذیل وقایع سال ۱۲۵۴ نیز «امیر اسدالله‌خان» آمده.

جنگ شد. آصف الدوله که به طرف بادغیسات رفته بود در آن حدود جنگها کرده در هریک غلبه نمود. و ملا عبدالحق پشتکی در هرات به مسجد رفته پس از وعظ به اسم جهاد مردم را مهتج شد و جمعی جمع شده از دروازه خوش بیرون آمده که به اردوی همایون حمله نمایند قراولان محمّدخان امیرتومان به آنها برخورد به جدال پرداختند و علیمحمّدخان گُردیچه در این واقعه مقتول شد، و محمدصالح خان پسرش به جای او برقرار گردید. بالجمله همه روزه در خارج و داخل هرات جنگ در کار بود و ذیل قضیه طولانی گردیده و چیزی که پیشتر عایق نیل مرام شد این بود که باطناً امرا باهم مخالفت بهم رسانیدند و علی رغم یکدیگر کار می کردند.

هم در این سال خسروخان گرجی حاکم اصفهان چون چند فقره شفاعت علمای شهر را قبول ننمود مردم بر او بشوریدند و او را در عمارت هفت دست محصور کردند. فرخ خان کاشی غفاری به تحقیق ماجری مأمور اصفهان شد و معلوم کرد که فیما بین اهالی و خسروخان اصلاح نمی شود لهذا خسروخان به دربار همایون احضار شد و فرخ خان چهار ماه به امور ولایتی رسیدگی می کرد تا فضلعلی خان قراباغی به حکومت اصفهان منصوب شد و فرخ خان حسب الامر بعضی ظروف و ادوات مرصع تمام نموده روانه هرات شد و در ظاهر هرات به حضور همایون مشرف گشت، و میرزا جواد که در وزارت اصفهان و منال دیوان دخلی داشت و بر ضد حکومت بود فضلعلی خان او را نابود کرد. و نواب مؤیدالدوله و طهماسب میرزا حاکم همدان احضار شده به هرات رفت — هم در این سال فضان آقا یاور توپخانه به سرهنگی توپخانه نایل آمد — هم در این سال شاهزادگان که در قلعه اردبیل مأمور به توقف بودند نقبی از قلعه اردبیل به خندق خارج شهر به واسطه حفاری احداث کرده رکن الدوله علینقی میرزا و پسرش نصرالله میرزا و ظل السلطان و امامزاده میرزا از آن نقب خارج شده خود را به خاک روس رسانیدند ولی از حمایت امپراطور مایوس گشته به اسلامبول رفتند و از آنجا به عتبات عالیات آمده رحل اقامت افکندند — هم در این سال حسین خان مقدم آجودانباشی مأمور به اسلامبول و پاریس شد، و نواب اردشیر میرزای حکمران مازندران بر حسب امر اعلی به تأدیب قیات نام ترکمان از طوایف جعفربای که در

جزیره چرکن در دریای خزر محاذی بادکوبه به فساد و شرارت اشتغال داشت روانه شد و میرمحمد صادق خان دریابگی به نشان مکمل به الماس از درجه اول سرهنگی نایل آمد — هم در این سال بندر محمره را به حکم علیرضاپاشا والی بغداد خراب کردند و بدینواسطه میرزا تقی خان روانه ارزنة الروم شد و شرح آن بیاید — بروز طاعون در آذربایجان.

اروپا — (انگلیس) — فوت گیلیم چهارم پادشاه انگلیس و جلوس برادرزاده اش وینکتوریای اول در سن نوزده سالگی. (آلمان) — بعد از فوت گیلیم چهارم پادشاه انگلیس که سلطنت هانور را در آلمان نیز داشت دوک دُکوفبرلاند پسر ژرژ سیم موسوم به اِرتشت اگوست که اول پادشاهی هانور را می کرد به سلطنت مستقله هانور شناخته شد. (بلژیک) — ایجاد چند شعبه راه آهن. (دانمارک) — شکنجه ای که از طرف دولت به مقصرین می شد موقوف و متروک گشت. (اسپانیول) — شورش دُن کارلس که ادعای سلطنت دارد و قشون کشی او تا حوالی پایتخت و شکست خوردن او. (فرانسه) — فتح شهر قسطنطین در الجزایر — مسافرت دُومنت داُرویل به قطب جنوب — ایجاد تلگراف و قوه برقیه به وضع حالیه. (ایتالیا) — بروز وبای خیلی سخت در سیسیل. (روس) — فوت پوشکین شاعر معروف. (عثمانی) — سیاحت سلطان محمودخان سلطان عثمانی در ایالت داخله خود.

امریکا — (اتانونی) — مارتن وان بُورن به ریاست جمهوری برقرار می گردد.

[سنه ۱۲۵۴ هجری = سنه ۱۸۳۸ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در اوایل این سال هرات در بند محاصره بود و مستر مکنیل وزیر مختار انگلیس که از فتور کار هراتیان خبردار شده و از دارالخلافه حرکت کرده به اردوی همایون رسید و اجازت خواسته داخل هرات شد که کامران میرزا را اطمینان داده به حضور مبارک آورد ولی برعکس نمود و تعهد کرد که اردوی همایون را از

ظاهر هرات حرکت دهد — وزیر مختار روس غراف سمنوویچ نیز ده روز بعد از وزیر مختار انگلیس از دارالخلافه حرکت کرده به اردوی معلی پیوست — و در این ایام چند توپ قلعه کوب از مس در اردو ریختند و بر بالای باستیانها بردند و کار محاصره سخت تر شد و قحط و غلا در هرات مزید بر سایر صدمات گردید و خلقی از شهر خارج شده به اردو آمدند و به امر اعلی آنها را غذا و لباس دادند — هم در این اوان میرزا علینقی منشی فراهانی کاتب اسرار چون بعضی رازهای مخفی را آشکار کرده بود سیاست شد و عریضه ای از کامران میرزا به حضور همایون رسید که در افتتاح آن این بیت نوشته شده بود:

ای باغبان چو باغ ز مرغان نهی کنی کاری به بلبلان کهن آشیان مدار
و در ضمن عریضه اطمینان خواسته حاجی عبدالحمید محلاتی به استمالث او به هرات رفت، اما وزیر مختار انگلیس غلبه بر هرات را اسباب اختلال کار هندوستان دانسته در معاودت موکب منصور به دارالخلافه ابرامی داشت — هم در این سال در پنجم ماه صفر فرستادگان مودودخان و ابراهیم خان فیروزکوهی با عریضه و پیشکشی به حضور مبارک آمده اظهار عبودیت کردند و مورد مراجع پادشاهی گردیدند — هم در این اوان قنبرعلی خان که به قندهار مأمور شده بود بازگشت و شاهپسندخان از طوایف افغان اسحق زائی در قلعه لاش جوین و شاهپسندخان سیستانی برادر علی خان بدو پیوستند و به اردوی همایون آمده مورد الطاف پادشاهی گردیدند، و خدادادخان نیز از جانب کهندل خان با دو زنجیر فیل و عریضه به دربار معلی آمده عرضه داشت که استدعای کهندل خان این است که به امر اعلی لشکر قندهار را کوچ داده به حضور همایون آید، اعلیحضرت اقدس محمدشاه در جواب فرمودند اکنون به لشکر قندهار حاجتی نیست اگر کهندل خان مهتای خدمت است با لشکر بر سر جلال الدین میرزا پسر کامران میرزا که در فراه و اسفزار حکومت دارد برود و او را مقهور سازد — نیز در اواخر صفر این سال محمد عمرخان ابن کهندل خان^۱ با چهار هزار سوار به رکاب اعلی آمد و بعد از

مراجعت از هرات نیز به دارالخلافه آمده سالی بیست هزار تومان مقرری یافت
 بالجمله محمدمرخان حسب الامر به فراه و آسفرار رفته جلال الدین میرزا را مقهور
 ساخت و کار محاصره هرات سخت شد و لشکریان نیز از طول مدت به ستوه آمدند
 و اطراف شهر را تا بیست فرسنگی خراب کردند و وزیر مختار انگلیس در فراهم
 آوردن موجبات تعلل ساعی بود تا خاطر مبارک از او مکدر شده و بدین واسطه راه
 دارالخلافه را پیش گرفت و در عرض راه حکم به او رسید که نایب روانه هرات
 کند و خود به لندن حاضر شود، وزیر مختار استدرت^۲ نایب اول خود را به هرات
 فرستاد و خود روانه لندن شد و عساکر منصوره شهر را گلوله باران کردند — هم در
 این اوان اسکندرخان از سران سپاه زخمی برداشته بعد از دو روز درگذشت و در
 یورش روز هشتم جمادی الاولی که نیمی از دیوار حصار هرات را گلوله توپ خراب
 کرد ولی خان تنکابنی که در این یورش پیشرو بود و علم خود را به شیرجایی ستم
 رسانیده نصب کرد [و] به جهت رسانیدن امداد به سنگر خود بازگشت. چون از
 خندق بگذشت گلوله توپی سر او را ببرد و درجه شهادت یافت و بروسکی صاحب
 از امیرزادگان لهستان که در خدمت دولت علیه بود به زخم گلوله هلاک شد و
 سرخوش خان نیز زخم گلوله یافت و اگر بعضی دسته جات مساهله نمی نمودند در
 این یورش شهر مسخر شده بود — عساکر ظفرمآثر به اشاره علیه مهتای یورش دیگر
 شدند و متقبل گردیدند که در این حمله شهر را مسخر نمایند، اما ابرام امان و
 کارگذاران دولت انگلیس در معاودت موکب اعلی زیاد شد بلکه سفاین جنگی آن
 دولت به سواحل و بنادر عمان آمد و بالقصراحه اظهار نمودند که چون فتح قشون
 ایران هرات را اسباب اختلال حکومت انگلیس در هندوستان است اگر از آن
 درنگزنند مودت مبذل به خصومت می گردد — اعلیحضرت همایون شهریار غازی
 بنابر رهایت دوستی دولت انگلیس حکم به بازگشت اردوی معلی فرمودند و در
 نوزدهم جمادی الآخره از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان وارد
 دارالخلافه شدند — محمدهلی خان ابن آصف الدوله و جعفرقلی خان شادلو با

۲. متن: استدرت یا مطایقه یا ناسخ التواریخ به استدرت (Stodart) تصحیح شد.

شش هزار نفر به ضبط غوریان بماندند و امیر اسدالله خان به قاین و تون و طبس رفت — محمد عمرخان و شمس الدین خان افغان در رکاب اعلی به دارالخلافت آمدند و نواب سلطان مراد میرزا که به توقف عراق مأمور بود و پس از نظم آن حدود از بختیاری و عراق و عربستان به شوشتر و کوهگیلویه و فارس آمده با برادر والا گهر خود فریدون میرزای فرمانفرما ملاقات کرده و از آنجا راه دارالخلافت را پیش گرفته قبل از وصول موکب همایون به دارالخلافت در راه سمنان به اردوی معلی پیوست، و غراف سمنوویچ ایلچی روس مقیم دارالخلافت به مملکت روس بازگشت و حامل صاحب با هدایا به جای او آمد و موکب پادشاهی به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها انتهاز فرمود و شاهزادگان از اطراف به تقبیل عتبه علیه آمدند، و قنبرعلی خان مافی مأمور بغداد شد که خسارت محمره را از پاشای بغداد مطالبه نماید — هم در این سال چون فیما بین اهالی شیراز و توپچیان که در این شهر بودند نزاع درگرفته و ماده فساد غلظت یافت میرزا نبی خان امیردیوان به فارس و رفع آن غایله مأمور شد، و رضاقلی خان امیرالشعراء متخلص به هدایت از شیراز به دربار معلی آمده تربیت شاهزاده عباس میرزا برعهده کفایت و درایت او موکول شد — هم در این اوان نواب منوچهر میرزا وفات نمود و میرزا رضای میزان آقاسی مأمور خوارزم شد و میرزا مسعود وزیر امور خارجه به غوریان رفت و نواب بهمن میرزای بهاءالدوله به حکومت یزد منصوب شد و فرخ سیر میرزا به گلپایگان و خوانسار روانه گشت — هم در این سال چون عبدالله پاشای بابان احکام حکام کردستان را پیروی نمی کرد و کسان او در آن نواحی فتنه و فساد می کردند به رضاقلی خان والی کردستان حکم شد او را گوشمالی دهد و محمودپاشا را که بستگی به این دولت ابدآیت داشت تقویت نموده به جای عبدالله پاشا متمکن سازد. رضاقلی خان با لشکر کردستان به جانب شهرزور حرکت کرد اما از آنجائیکه او جوانی طروب و عیاش بود در هر چمنی انجمنی آراست و جامی خواست از آنطرف عبدالله پاشا که از کار حریف خبردار بود با سپاهی جرار و هشت عزاده توپ به سرعت والی را استقبال کرد و بیخبر در دره ای کمین نمود، شب در هنگامی که والی سرخوش بود و سران سپاهش هریک پیخود در گوشه ای غنوده از کمینگاه بیرون تاخت و جنگ

در انداخت و جمعی را با گلوله توپ هلاک نمود. والی و سپاهش اردو را گذاشته برفتند و اموال آنها را عبدالله پاشا تصاحب کرده به شهرزور بازگشت — هم در این سال اشرار و الواط اصفهان بنای شرارت را گذاشته شبها به خانه متمولین و تجار رفته به تهدید قتل از آنها دریافت وجوه و نقود کرده به مصارف لهو و لعب خود می رسانیدند. بنابراین منوچهرخان معتمدالدوله به حکومت اصفهان منصوب شد که دفع شر اشرار نماید — هم در این سال سلطان عثمانی برای آنکه مسئله محمره اسباب نقرار دولتین ایران و عثمانی نگردد از امپراطور روس خواهش نمود که به اصلاح ذات البین پردازند. امپراطور معظم نامه ای به اعلیحضرت شهریار غازی نگاشته در این باب توسطی کردند و قورت صاحب و خامل صاحب آن نامه را به حضور مبارک ایصال داشته مقرر شد وزرای مختار و سفرای مقیم دارالخلافه مجلسی منعقد ساخته به اتمام این مسئله پردازند — هم در این اوان عریضه امام مسقط با پیشکشی به دربار معلی موصول شد — هم در این سال میرزا ابوالقاسم ابن میرزا محمدتقی منشی الممالک گردید.

اروپا — (آلمان) — کلیسای شهر گلنی که در هزار و چهل و هشت مسیحی بنا شده و ناتمام مانده در این سال مجدداً شروع به ساختن آن می نمایند — ایجاد چند شعبه راه آهن. (انگلیس) — مملکت کانادا از متصرفات انگلیس در ینگی دنیای شمالی شورش می نمایند — تاج گذاری ملکه انگلیس در بیست و هشتم ژوئن — انگلیس در آسیا با روس رقابت و هم چشی می نماید. (اسپانیا) — منازعه مابین عساکر دولت و دُن کارلُس برقرار است. (فرانسه) — فوت تالیراند از اعظم رجال — تولد گُنت دُپاریس پسر ولیعهد — منازعه فرانسه با مکزیک. (پرتوغال) — تولد پسری که ولیعهد دولت خواهد شد. (روس) — ایجاد راه آهن از پترزبورگ به مسکو — مسافرت امپراطور روس به آلمان. (عثمانی) — محمدعلی پاشای مصری ولایت مصر را بطور ارث نسل بعد نسل می طلبد همچنین شامات را چون سلطان عثمانی قبول نمی کند مصمم جنگ می شود ولی به مداخله انگلیس و فرانسه جنگ واقع نشده تبعیت سلطان را می کند — مسافرت رشیدپاشا به لندن.

امریکا - (بنگی دنیای جنوبی) - جنگ فیما بین شیلی و پرو.

[سنه ۱۲۵۵ هجری = سنه ۱۸۳۹ مسیحی]

آسیا - (ایران) - بعضی از مورخین در ذیل شرح سال قبل نوشته اند: موکب همایون اعلیحضرت شهریار غازی محمّدشاه با جماعتی از خواص و لشکریان عزیمت اصفهان فرمود تا ملازمان حضرت به تدمیر اشرار و اجامه این ولایت پردازند و آن نواحی را مصفی سازند و پس از وصول به کاشان الواط این شهر را گرفته به استرآباد فرستادند و روز بیست و پنجم ذیحجه وارد اصفهان شده نصرالله خان کشیکچی باشی را به گرفتن اشرار امر فرمودند و یکصد و پنجاه نفر از مردم شریر گرفتار شده تنبیه شدند و بعضی از آنها را به اردبیل بردند و اهالی اصفهان آسوده شدند - نگارنده گوید در مسافرت اعلیحضرت شهریار به اصفهان به این قصد حرفی نیست ولی نه در سال قبل بلکه سفر همایون در این سال بوده چنانکه نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله فرهادمیرزا در جام جم می فرمایند (در چهاردهم شوال هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری به اصفهان تشریف فرما شدند و در روز جمعه هشتم رجب المرجب سنه هزار و دویست و پنجاه و شش هجری مراجعت فرمودند). بالجمله در این سفر نیز نواب مستطاب والا فرهادمیرزا حاجی معتمدالدوله نایب الایاله و در دارالخلافة طهران به مهمان ملکی اشتغال داشتند - هم در این سال نصرالله خان کشیکچی باشی به حکمرانی فارس منصوب و برادرش میرزا محمّدخان کشیکچی باشی شد و میرزا نبی خان را از فارس احضار فرمودند - هم در این سال حسین خان آجودانباشی که به سفارت پاریس رفته بود با چند نفر از صاحب منصبان فرانسه به حضور مبارک مشرف شد و نامه پادشاه فرانسه را که مشعر بر اظهار مودت و اتحاد بود تقدیم نمود - هم در این سال در بیست و هشت رجب نصرالله خان حکمران فارس درگذشت و نواب والا حاجی معتمدالدوله فرهادمیرزا به حکمرانی فارس منصوب شدند و میرزا فضل الله علی آبادی نصیرالملک لقب یافته به وزارت نواب معظم برقرار گشت - نگارنده

گوید: این واقعه را مورخین در سوانح این سال ثبت نموده‌اند ولی حق اینست فوت نصرالله خان و حکمرانی نواب والا حاجی معتمدالدوله به فارس از وقایع سال هزار و دویست و پنجاه و شش هجری است — خلاصه بعد از آنکه نواب مستطاب معظم به فارس رفتند آن صفحات را نظمی کامل دادند و از آنجا که میرزا قوام‌الدین برادر میرزا منصورخان حاکم کوهگیلویه در حاضر شدن به دربار همایون و ادای منال دیوانی تهاون داشت منصورخان سرتیپ فراهانی را با ده عزاده توپ و دو فوج سرباز به نظم بهبهان فرستادند، میرزا قوام‌الدین فرار کرده نزد منوچهرخان معتمدالدوله رفت و او را شفیع و حامی خود ساخت — هم در این اوان نواب خانلر میرزا از کرمان احضار شده و فضلعلی خان حکومت این ولایت یافت — هم در این سال آقاخان محلاتی ابن شاه خلیل الله رئیس طایفه اسمعیلیه که سابقاً به بم متحصن شده بود اطمینانی یافته به دارالخلافه آمد و در حضرت عبدالعظیم اعتکاف جست و بنابر سیادت عمامه سبز بر سر نهاده، حاجی میرزا آقاسی عبدالحمید محلاتی را به زاویه مقدسه فرستاده که آقاخان را کاملاً اطمینان داده به دارالخلافه آورد. اگرچه آقاخان به جهت اینکه حاجی عبدالحمید سابقاً از رعایا و اجزای او بوده از این معنی استنکاف داشت که به واسطه او به دارالخلافه آید ولی ناچار تمکین نموده با عمامه سبز به حضور حاجی میرزا آقاسی آمد و به شفاعت او معفو و مرخص شد و به خانه خود رفت، پس از چندی از خاکپای مبارک اجازه خواست که با اهل و عیال به زیارت مکه معظمه زاده‌الله تعالی شرفا مشرف شود و پس از حصول اجازه اهل و عیال و احمال و ائقال خود را از راه بغداد به عتبات عالیات روانه داشت و به ابتیاع اسبهای عربی و غیره پرداخت و در مدت دو سه ماه تقریباً پانصد رأس اسب عربی تحصیل کرد و در هر جا سوار دلیری سراغ داشت او را به بذل وجوه فریفته دور خود جمع نمود و در اوایل رجب با ملازمان و برادران خود به جانب کرمان روان شد چه هواخواهان و مریدهای او که از جمله عطاءاللهی بودند که داخل در طریقه اسمعیلیه شده در صفحات شهر بابک و آن حدود بودند — خلاصه برای تسهیل مرام آقاخان فرمانی مجعولی تمام کرد به این مضمون که ما آقاخان را حکومت کرمان دادیم اهل کرمان باید اطاعت او کنند و نوشتجاتی

برطبق آن فرمان به اهالی کرمان نوشته اظهار داشت که من رخصت زیارت مکه خواسته بودم در بین راه حکم حکومت کرمان به من رسید — از آنطرف چون خبر حرکت آقاخان محلاتی به جانب کرمان به امنای دولت علیه معروض شد احکام به بهاءالدوله بهمن میرزا حکمران یزد در دفع و رد او صادر شد. همچنین تفصیل را به فضلعلی خان قزلباشی حاکم کرمان مرقوم داشتند — اما آقاخان چون به خارج شهر یزد رسیده میرزا حبیب الله نویسنده خود را با احکام مجعوله نزد نواب بهاءالدوله فرستاد. نواب معزی الیه چون هنوز بیخبر بود فرمان داد منزلی در شهر برای آقاخان مهیا نمایند و چند نفر را معین کرد که روز پانزدهم رجب به استقبال او روند ولی آقاخان وارد شهر نشد و معتذر شد به اینکه مشغول اخذ زکوة جماعت عطاءاللهی هستم و راه کرمان پیش گرفت و احکام دفع و منع او به بهاءالدوله رسیده نواب معزی الیه با جماعتی آقاخان را تعاقب نمود ولی به او نرسیده به یزد بازگشت و آقاخان به نواحی کرمان رسید و نوشتجات مجعوله خود را به مردم نمود و روز دیگر اخبار صحیحه شیوخ یافت و کارگذاران دولت به فکر اخذ و قید آقاخان افتادند چنانکه شرح آن بیاید — هم در این سال کهندل خان افغان و مهردل خان برادرش که به طهران آمده و به حکم اعلیحضرت شهریار غازی در شهر بابک متوقف بودند و حکومت آن بلده در اختیار آنها بود بنا بر نزاعی که فیما بین آنها و اهالی شهر بابک در گرفت حاجی محمدعلی کدخدای شهر بابک و سه چهار هزار نفر از طایفه عطاءاللهی و مردم شهر و قراء افغانه را محصور نمودند. مقارن این حال آقاخان در رسید و این واقعه را از نتایج اقبال خود دانست و چنان پنداشت که بعد از تسخیر ارک شهر بابک و تصرف اموال و ائقال کهندل خان والی قندهار و کسان او فتح کرمان و جذب قلب اهالی آسانتر خواهد بود. بنابراین در محاصره افغانه تأکیدات نمود و برادر خود محمدباقرخان را به سیرجان فرستاد و در قلعه زیدآباد جای گرفت، و در این اوان اخبار دارالخلافه به فضلعلی خان رسید و با جماعتی قصد آقاخان کرد و ابتدا بر سر محمدباقرخان تاخت، محمدباقرخان از آقاخان استمداد نمود و او با جماعتی به زیدآباد آمد و لدی الوصول به جنگ پرداخت و شکست خورد و به احمدی و لار گریخت فضلعلی خان به شهر بابک آمده آنجا را

منظم ساخت و شنید که آقاخان به طرف اسفندقه و جیرفت تاخته و در آنجا به جمع آذوقه اصراری کامل دارد به محض استحضار فضلعلی خان سواران خود را برداشته بدانطرف شتافت و سه فوج سرباز و دو عراده توپ نیز از کرمان بخواست در اینوقت معلوم شد که آقاخان از اسفندقه به گرمسیر رفته فضلعلی خان مصلحت ندید که شهر را رها و او را تعاقب کند لهذا به کرمان آمد — هم در این اوقات میرزا رضای میزان آقاسی که به خوارزم رفته بود با فرستاده اللهقلی خان اوزبک خیوقی که اتانیاز محرم نام داشت و چند رأس اسب پیشکشی به دربار اعلی آمد و موکب شهریار منصور غازی از راه خوانسار و گلپایگان به نهاوند تشریف فرما گشته از آنجا به همدان نزول اجلال فرمودند و مردم گلپایگان که از حکومت نیرالدوله فرخ سیر میرزا شکایتی داشتند به او تهمت بسته گفتند قصد مخالفت دارد. بنابراین بخشعلی خان به احضار او رفته و او در قزوین به رکاب اعلی پیوست و معلوم شد که آنچه به او نسبت داده اند محض تهمت بوده است پس از ثبوت مطلب نیرالدوله مشمول الطاف پادشاهی گردید ^{۱۳۳۳} هم در این اوان فرخ خان غفاری که از منازل عرض راه اصفهان به تحقیق حال امان الله خان افشار وزیر گیلان رفته بود معلوم نمود که مشارالیه به جهت اظهار قدس و تقوی حرکاتی می کند که اسباب سخریه مردم و عدم پیشرفت عمل وزارت و خدمت دیوانست، مراتب را به واسطه عریضه ای معروض آستان مبارک داشت، اعلیحضرت همایون یحیی میرزا حاکم گیلان را با امان الله خان وزیر به حضور مبارک احضار فرمودند و مقرر شد فرخ خان به رتق و فتق امور گیلان و رسیدگی به عمل مالیات پردازد و یحیی میرزا به وزارت محمّدامین خان نسقچی باشی به گیلان رفت و فرخ خان پس از رسیدگی به امور آن ولایت دستورالعمل به محمّدامین خان داده بعد از هشت ماه به رکاب اعلی پیوست. و بعد از ورود موکب همایون به دارالخلافه باهره جهانگیر میرزا و جلال الدین میرزا پسران کامران میرزا حکمران هرات به قصد ملازمت آستان اقدس به حضور مبارک آمدند و مورد الطاف کامله گردیده منزل و راتبه و انعام لایقه دربارۀ آنها مبذول شد — هم در این اوان سلیمان خان امیر تومان گیلان که حکومت خمسۀ داشت معزول و نواب حمزه میرزا به جای او منصوب گشت، و چون سابقاً از جانب دولت عثمانی

عبدالرزاق افندی با ملا عبدالعزیز کاشانی به جهت گذرانیدن امور سرحدات متصله خاصه قضیه محمره به رکاب همایون آمده بودند در این اوان اذن مراجعت یافته به جانب بغداد رفتند و در باب آمد و شد زوار و تجار و رفع اجحاف عساکر و مأمورین عثمانی به آنها تأکیدات شد — نیز از وقایع این سال آنکه دولت انگلیس شجاع الملک بن تیمورشاه را تقویت کرده با بیست هزار کس از راه پنجاب و پیشاور به طرف جنوب قندهار فرستادند و لُرد سرولیم مکناتن را وزیر او قرار دادند و کهندل خان و برادرانش مهردل خان و رحمدل خان چون دانستند که در قندهار محصور خواهند شد چنانکه پیش اشاره کردیم اهل و عیال خود را با پانصد سوار برداشته به دربار شهریار غازی آمدند و در ماه رمضان این سال وارد طهران شده شهر بابک کرمان و هرات و مَرُوس فارس که متصل به یکدیگر می باشند به سیورغال آنها مرحمت شده سه سال در آنجا بودند تا لشکر انگلیس در افغانستان شکست خورده برگشتند و کهندل خان مرخص شده در ماه ذیقعد هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری به قندهار شتافت — وفات نواب قهرمان میرزا در تبریز.

اروپا — (انگلیس) — به بهانه کمک والی افغانستان قشون انگلیس مملکت سند را متصرف شده و بعد قندهار و کابل و غزنی را مستخر می نماید — مخاصمه با چین که بیست هزار صندوق تریاک را به دریا می ریزد — شهر عدن در عربستان به بهانه غیرموجهی به تصرف انگلیس در می آید. (دانمارک) — فوت فردریک ششم پادشاه و جلوس کریستیان هشتم به جای او. (فرانسه) — زلزله سخت در جزایر مارتینیک — فتوحات در الجزایر — مصالحه با مکزیک — اختراع عکس انداختن در صفحه نقره که مخترع موسوم به داگیر می باشد. (روس) — قشون کشی این دولت در قفقاز بر سر شورشیان — اعلان جنگ به خیوه. (عثمانی) — منازعه عثمانی با مصر. ابراهیم پاشا در نصیبین حافظ پاشا سردار عثمانی را شکست می دهد — وفات سلطان محمودخان و جلوس پسرش سلطان عبدالمجیدخان در شانزده سالگی به جای او.

[سنه ۱۲۵۶ هجری = سنه ۱۸۴۰ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در اوایل این سال فضلعلی خان حاکم کرمان عریضه ای به دربار معلی فرستاده لشکری برای تقویت خود در دفع آقاخان محلاتی استدعا نمود. امنای دولت علیه حبیب الله خان امیرتوپخانه را با پیاده و سواره و توپخانه روانه کرمان نمودند و قبل از ورود او به کرمان آقاخان استعدادی بهم بسته قصد تسخیر کرمان کرد. فضلعلی خان عبدالله خان سرتیپ را با دو فوج ملایر و توپسراکانی و دو عراده توپ جلو آقاخان فرستاد و ولیمحمدخان سرتیپ و تفنگچیان کرمانی نیز از قفای او حرکت کردند. اسفندیارخان برادر فضلعلی خان در دشت آب با آقاخان تلاقی کرده مشغول جنگ شدند، اسفندیارخان مقتول گشته جمعیت او متفرق گردیدند و فوراً آقاخان حمله بر عبدالله خان نمود، عبدالله خان در قلعه بزنجان متحصن شد، آقاخان از او در گذشته به طرف ولیمحمدخان تاخت و در حمله اول همراهان او را شکست داده خود او را دستگیر کرد و در قلعه مشیر هفت فرسنگی کرمان فرود آمد و همه روزه کاغذ و پیغام او به اعیان شهر می رسید و در اغوای آنها جهدی داشت و اصرار می کرد که فضلعلی خان را گرفته نزد من فرستید. مقارن این حال امیرتوپخانه در رسید و بر سر آقاخان رفت و جنگ فیما بین در گرفت و بعد از کشتش و کوشش لشکر آقاخان منهزم گشته باز به قلعه مشیر آمد، امیرتوپخانه وارد شهر کرمان شده با فضلعلی خان مصمم شدند که به قلع ماده فساد آقاخان پردازند. آقاخان دانست که از عهده آنها بر نمی آید و در قلعه مشیر محصور خواهد شد. از قلعه بیرون آمده راه بم و نرماشیر پیش گرفت. فضلعلی خان او را تعاقب کرده در سرحد بلوچستان در منزل موسوم به ریگان به او رسید و نایره قتال باز اشتعال یافت و لشکر آقاخان هزیمت یافته خود او از راه بیابان به قندهار و از آنجا به هندوستان رفت و در آنجا متمکن شد - هم در این سال فیما بین ایلات قشقائی و قبایل الوار و ممسنی در فارس نزاع و آشوب در گرفت نواب والا فرهاد میرزا (حاجی معتمدالدوله) میرزا فضل الله نصیرالملک را در شیراز گذاشته به طرف قبایل ممسنی

رفتند و معاقل و اماکن آنها را با خاک یکسان کردند و قلعه طوس و قلعه نودر را خراب نمودند و از قبایل الوار گروگان بگرفتند و علی و یس خان برادر خانعلی خان رستم را که در فہلیان مرتع و مسکن داشت و مرد مفیدی بود با چند نفر دیگر که آنها نیز از اشرار بودند سیاست کردند. خانعلی خان رستم، بزرگ طایفه خایف و یاغی شده به مہاور مہلاتی کہ متصل بہ حدود کوهگیلویہ و جائی صعب المسلك است رفت نواب معظم شکرالله خان نوری را کہ در آن صفحات معروف بود برای نظم آن حدود در بہبہان، شهر کوهگیلویہ متوقف ساخته از تمام رؤسای ایلات گروگان گرفته بہ او سپردند کہ روانہ شیراز دارد و میرزا کوچک یاور توپخانہ را با توپ و سرباز در ممسنی گذاشته حکومت دادند و خود با جمعیتی از راہ خشت و کمارج بہ طرف بوشہر رفتہ آن صفحات را منظم فرمودہ در ماہ ربیع الاول سنہ ہزار و دوہست و پنجہا و ہفت وارد شهر شیراز گردیدند و در ازای خدماتی کہ در این مملکت نمودند بہ اعطای نشان تماشال اعلیحضرت ہمایون محمّدشاه مفتخر گشتند — ہم در این سال شیرمحمّدخان برادر یارمحمّدخان وزیر ہرات از جانب کامران میرزا با پیشکش و ہدایا بہ دارالخلافہ آمد و معلوم شد کہ افغنہ از سلوک انگلیس کمال کراہت را بہم رسانیدہ و پشیمان گشتہ اند کہ چرا اطاعت شہریار ایران را ننمودہ لہذا سگہ بہ نام ہمایون زدہ اند و خطبہ را نیز بہ اسم مبارک می خوانند و بر خود مختہر نمودہ کہ در طریقہ انقیاد راسخ و ثابت قدم باشند — ہم در این سال فیما بین حاجی خان شگی حاکم کرمانشہان و ایلات آن ولایت خلاف در گرفت و منشأ مخالفت امر مذہبی بود. بہ این معنی کہ حاجی خان بر طریقہ اہل سنت و جماعت بود و ایلات توابع کرمانشہان غالباً از غلاہ می باشند. حاجی خان می خواست رعایای ولایت محکومہ خود را بر طریقہ خود آرد و دارد. و معلوم است غالی چگونہ سنی تواند شد. بدینواسطہ کدورت در کار بود و کم کم ایلات بہ خیال یاغیگری افتادند. حاجی خان شگی بہ کرند رفت کہ ایلات یاغی را مطیع کند. مردم کرند از در اطاعت درآمدند و قبول خدمت کردند و مستعدی شدند کہ کسی را با دین و آئین آنها کاری نباشد. حاجی خان تعہد کرد و کار بہ اصلاح انجامید. ولی بعد از اصلاح میان یکی از اہالی کرند و ملازمی از ملازمان

حاجی خان بر سر دریافت آذوقه نزاع درگرفت و ملازم حاجی خان مقتول شد. حاجی خان متغیر شده حکم کرد تمامی اهل کرند را مقید کرده به دارالخلافه برند. مردم به اشاره حیاتقلی خان بشوریدند و حاجی خان شگی را محصور نمودند. او با تیر تفنگ چند تن را بکشت. کرندیها نیز از پائین و بالا به منزل حاکم درآمدند و او را بکشتند. و بعضی جهت مقتول شدن حاجی خان شگی را چیز دیگر گفته اند. در هر حال پس از سنج این سانحه اهالی از بیم مؤاخذه و سیاست به خاک عثمانی داخل شدند و حکمی به علیرضا پاشا والی بغداد صادر شد که آن جماعت را راه نداده و نگاهداری نکرده معاودت دهد. پاشای مشارالیه اطاعت نمود و آنها بازگشته به تدریج ایمن گشتند و عبدالحسین خان جوانشیر به حکومت آن سامان روانه شد. — هم در این سال میرزا محمدتقی علی آبادی صاحب دیوان که در دانش و بینش و خلق و خوی مثل و ماندی نداشت در جمعه هفدهم ماه ربیع الثانی در دارالخلافه درگذشت. — و شاهزاده فتحعلی میرزا پسر شهریار غازی که چهار ساله بود وفات نمود. — و مستر ریخ حکیم انگلیسی برای استمزاج جدید مصالحه مابین دولتین ایران و انگلیس به دارالخلافه آمده، چون مانعی و اکراهی در امنای دولت علیه ندید برای اعلام به لندن بازگشت و مکنیل صاحب مأمور شده به دارالخلافه آمد و عهدنامه مابین دولتین مجدّد شد.

اروپا — مزاجت ملکه با پرنس آلبرت از شاهزاده های ساکس کبزرگ گتا — نجات یافتن ملکه از یک قتل ناگهانی — فرستادن چند فروند کشتی جنگی به دریای چین — مسئله شرقیه در این سال عنوان می شود و از آن وقت تاکنون این مسئله فیما بین اهالی مغرب و مشرق مطرح است. توضیح آنکه انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس و عثمانی مطالبی را که راجع به مملکت عثمانیست مسئله شرقیه می نامند و دول مشارالیه از این سال تاکنون در مسئله مزبوره مداخله می کنند — لرد پالمرستون وزیر انگلیس با دولت روس اتفاق کرده بر ضد فرانسه در حمایت محمدعلی پاشای مصری اقدامات می نمایند، و انگلیس و روس و پروس و اطریش در لندن مجلس کرده در این مجلس محمدعلی پاشا را والی بالاستقلال

مضر می شناسند، و والیگری را برای اولاد او ارث می دانند، و عثمانی چون قبول این مطلب را نمی نماید ناپیه سردار بحری انگلیس شهر بیروت را گلوله باران می کند. (فرانسه) — میو تیز به وزارت اعظم برقرار می گردد — لوئی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اول در بندر بولنی خروج کرده به حکم دولت گرفتار و حبس ابدی می گردد — پادشاه از قتل نجات می یابد — سفاین جنگی فرانسه در این سال مرکب از دویست و بیست و هشت فروند و سی و پنج هزار عساکر بحری می باشند — جسد ناپلیون اول که در سنت هیلن بود ژوان ویل پسر پادشاه فرانسه آنرا نقل کرده به پاریس می آورد و در انوالید دفن می شود. (هلاند) — استعفای پادشاه و جلوس گیلیوم دویم به جای او. (پروس) — فوت فردریک گیلیوم سیم پادشاه پروس و جلوس فردریک گیلیوم چهارم به جای او.

[سنه ۱۲۵۷ هجری = سنه ۱۸۴۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حبیب الله خان امیرتوپخانه که بعد از فرار آقاخان محلاتی مأمور نظم بلوچستان بود روانه قلعه بمپور شده قلعه بمپور را محاصره و مسخر نمود ولی فیما بین عساکر او و اهالی بمپور لجاجی پیدا شده آشوب درگرفت و بسیاری از اهالی آن صفحات کشته شدند، و امیرتوپخانه تا پنج منزلی قندهار براند و در اینجا حکم معاودت به او رسیده بازگشت، و طپانچه مرصع به افتخار او مرحمت شد، و چون به دارالخلافه رسید فضلعلی خان قزلباغی حاکم کرمان معزول شده عباسقلی خان جوانشیر به حکومت کرمان منصوب گشت، و از آنجا که حبیب الله خان اسباب خونریزی و هلاکت نفوس و پریشانی زیاد در بمپور و آن نواحی شده بود در هنگام اراده عروسی و سور عیش او مبدل به طیش شده بدروند زندگانی گفت — هم در این سال فتحعلی خان مهنی که از سرکشان کرمان بود به اهتمام عباسقلی خان جوانشیر والی کرمان ربقه اطاعت و خدمت برگردن گرفت — هم در این سال هشتصد نفر سوار ترکمان قصد تاخت مشهد مقدس کرده محمّدولی خان برادرزاده اللهیارخان آصف الدوله را که به شکار رفته بود گرفته با

خود ببردند. عساکر خراسان که تراکمه را تعاقب نموده به آنها نرسیدند — امنای دولت علیه چون از ماجری خبردار شدند محمدعلی خان غفور را به خوارزم نزد اللهقلی خان اوزبک به تهدید و استرداد محمدولی خان فرستادند — هم در این سال مخدومقلی خان ترکمان به یکی از نقش بندیه که دعوی تصوف و کرامت می کرد و به زبان ترکی ترکمانی مناجات و اشعار به نظم درمی آورد ارادت ورزیده و اطاعت نموده و جمعی دیگر از ترکمانان ککلان و یموت به او گرویده محضا للتفخیم او را ایشان خواندند و پیر و مرید در نواحی استرآباد به فساد پرداختند. محمدناصرخان قاجار دولو مراتب را به عرض دولت قوی شوکت رسانیده محمدحسن خان سردار ایروانی و محمدخان امیرتومان که به شرف مصاهرت پادشاهی مفتخر بود با ده هزار سوار و پیاده و توپخانه به استرآباد رفت و نواب اردشیر میرزا حکمران مازندران و جعفرقلی خان شادلوی بوزنجردی با سواران گرد و خراسانی نیز بدان طرف رانند، مخدومقلی خان چون دید چاره جز اطاعت نیست پسر خود محمدخان را با مرشد معروف به ایشان روانه گرگان نمود و سایر ریش سفیدان تراکمه نیز پسر و برادر خود را به نوا و گروگان به اردو فرستادند و اظهار داشتند که اگر حکم شود تا خیمه خواهند تاخت. نواب اردشیر میرزا مطلب را به عرض آستان مبارک رساند، رؤسای تراکمه به خلعت و التفات نایل گردیده مقرر شد که توقف کنند تا محمدعلی خان مأمور خیمه مراجعت کند. اگر محمدولی خان را خان خیمه فرستاد کسی را با او کاری نباشد و الا راه خوارزم پیش گیرند. مقارن این حال اللهقلی خان خوارزمی محمدولی خان را با اعزاز فراوان به آستان همایون فرستاد و از خطر لشکرکشی به خوارزم آسوده شد — هم در این سال چون محمدتقی خان بختیاری ده هزار سوار از اشرار دور خود جمع کرده و به معاقل جبال پناه بسته دست اندازی به مال تجار و عابرین می نمود. منوچهرخان معتمدالدوله به نظم آن صفحات و اراضی سرحدات ایران و عثمانی مأمور شد و با شش فوج سرباز و جمعی سوار ابوابجمعی سلیمان خان ارمنی و شش عزاده توپ به خوزستان رفت. علینقی خان برادر محمدتقی خان بختیاری که همراه معتمدالدوله بود برادر را خبردار کرد. محمدتقی خان برادر دیگر خود کریم خان را با عریضه و

هدایا نزد معتمدالدوله فرستاد و خود نیز در مال میر با اشراف قبیله به خدمت معتمدالدوله آمده مخلع و مورد التفات شد. و شبی معتمدالدوله را در قلعه تل مهمانی نمود و درخواست کرد که با قبیله و عشیره در قلعه مزبوره متمکن باشد و بعد از نوروز به خدمت آید. اما چون زمان میعاد در رسید تخلف کرد. علینقی خان و محمدحسین خان قراگوزلو رفته او را اطمینان دادند و او تا پنج فرسنگی شوشتر پیامد و باز توهم نموده برگشت. معتمدالدوله حکم کرد از طوایف چهارلنگ و هفت لنگ سواران جنگی جمع شدند کلبعلی خان و جعفرقلی خان پسرهای اسدخان بختیاری با جماعتی حاضر گشتند و علیرضاخان که پدرش را محمدتقی خان کشته بود نیز با سواران خود مهتای کارزار گردید و معتمدالدوله از شوشتر قصد قلعه تل کرده سلیمان خان سرتیپ برادرزاده خود را از پیش روانه نمود. محمدتقی خان عیال و اموال و بستگان خود را برداشته به شیخ سامرخان حکمران چعب و فلاحیه پناه برد شیخ مشارالیه چون با خاک سرحد عثمانی قرب جوار داشت و همیشه پانزده هزار سوار جنگی با او بودند درجه اطاعت او همین بود که گاهی به فرمانفرمای فارس چیزی می داد. معتمدالدوله قلعه تل را به علیرضاخان سپرده روانه فلاحیه شد و به شیخ سامر پیغام داد که محمدتقی خان را نگاهداری نکنند، شیخ سامر گفت: او به من پناه آورده و در عرب ننگ است که از او حمایت نکنم، شخص معتبری را به اطمینان او بفرستید تا او را به خدمت آرد. معتمدالدوله سلیمان خان را فرستاده، محمدتقی خان و شیخ سامر را مطمئن کرده به اردو آورد و مورد نوازش شدند و شیخ سامر مصمم مراجعت گردیده، معتمدالدوله به شیخ گفت علینقی خان و کسان محمدتقی خان را نیز روانه نماید. شیخ در این کار تعلل نمود و علینقی خان در خفا به جمع کردن سواره و پیاده بختیاری مشغول شد. محمدشفیع خان سامانی درخواست کرد که به فلاحیه رود و علینقی خان را بیاورد، و چون برفت بازنیامد، و علینقی خان و محمدشفیع خان با شیخ سامر اتفاق کرده به فکر استخلاص محمدتقی خان افتادند و شب هنگامی به اردوی معتمدالدوله شبیخون زدند و جنگ درگرفت، درین هنگامه محمدتقی خان خواست فرار کند، میرزا محمدخان دتوسی بر سر او زده حکم کرد او را گرفتند و به خیمه معتمدالدوله برده مقید نمودند تا

وقت صبح تقریبا هشتصد نفر از عرب و بختیاری مقتول گشتند و باقی به هزیمت رفتند و از لشکر معتمدالدوله سی چهل نفر مقتول و مجروح شدند. در این حال جماعتی از مشایخ اعراب که از شیخ سامر شاکی بودند به معتمدالدوله شکایت نمودند و شیخ عبدالرضا از اقارب شیخ سامر که فراری و در بغداد بود احضار شد و به اردو آمده قبیله به او پیوستند. شیخ عجیل و شیخ عقیل و بعضی از مشایخ دیگر مخلع شدند و منصورخان فراهانی که از جانب حکومت فارس به اخذ منال چعب رفته بود و شیخ سامر او را دخالتی نمی داد نیز با فوج خود نزد معتمدالدوله آمد و حکم شد بعضی از نخیلات را قطع کرده بر نهر خزاین پل ببندند. شیخ سامر پشیمان شده جمعی از علما و سادات را شفیع قرار داد و قبول تکالیف نموده گروگان معتبر داد و مهلت خواست و معتمدالدوله مراجعت کرد و محمدتقی خان را مقتید با خود برد و به ازای این خدمات یک قطعه تمثال شهریاری و یک قبضه شمشیر و یک رشته حمایل سبز و سرخ از درجه امیرتومانی با گل مرصع مصحوب آقا اسماعیل پیشخدمت خاصه در عرض راه شوشتر به معتمدالدوله رسید و محبعلی خان ماکوئی سرتیپ با شش عراده توپ و شش فوج سرباز و جمعی سوار بروجدی و کرمانشاهانی به معتمدالدوله پیوستند. شیخ سامر خان زیاده خایف گشت و به علینقی خان اظهار کرد که مرا قدرت نگاهداری تو نیست. علینقی خان با اهل و عیال محمدتقی خان به خانه خلیل خان بهمه ای که با او منسوب بود رفت، خلیل خان نیز عذر او را خواسته ناچار به کوهستان رفتند که در معقلی پنهان شوند در عرض راه به لشکر منصورخان دوچار و تمامی گرفتار شدند مگر علینقی خان که فرار کرده به غارش رفت و بعدها به حکم نواب والا فرهاد میرزا (معتمدالدوله) او را بگرفتند و به دارالخلافه آورده با برادرش محمدتقی خان محبوس نمودند — هم در این اوان حکومت چعب را نیز برعهده معتمدالدوله موکول فرمودند، و چون اثری از تعهدات شیخ سامر به ظهور نرسید معتمدالدوله میرزا محسن خان را به حکومت شوشتر برقرار کرده خود روانه فلاحیه شد و شیخ سامر با عیال و احمال به قلعه کوت شیخ که حصین تر از قلعه فلاحیه بود رفت و شیخ عبدالرضا را حکومت فلاحیه داد و محبعلی خان را به حکومت بختیاری فرستاد که دو فوج سرباز از آن طوایف گرفته و

معامله پنجساله بختیاری را پردازد و صد خانوار از اعاضم این طوایف به گروگان به دارالخلافه بفرستد، و کلبعلی خان و جعفرقلی خان چهارلنگ و محمد مهدی خان و علیرضاخان هفت لنگ را با مجبعلی خان همراه کرده و شیخ سامرخان تصور نمود که چون تابستان شود معتمدالدوله و عساکر او در چعب توقف نتوانند کرد و چون مراجعت کنند او می تواند بر فلاحیه بتازد. چون برخلاف تصور او معتمدالدوله در گرما در چعب بماند شیخ بگوت که از اراضی نجد است گریخت، و از غرایب آنکه شیخ عبدالرضا سالها طالب چعب بود و به این آرزو نایل گردیده بگریخت و برادرش نیز از اردو فرار کرد. فدعم و مرید که شیخ سامر آنها را به گروگان داده بود نیز از شوشتر بگریختند. معتمدالدوله حکومت چعب را نیز به مولی فرج الله والی خوزستان داد و حکم کرد محقره را آباد کند و حاجی محمدعلی حمصی از اعاضم تجار را نزد متسلم بصره فرستاد که یا محقره را چنانکه خراب کرده اید آباد کنید یا بصره را مثل محقره خراب می کنم و به علی پاشا والی بغداد نیز همین پیغام داد. و در این اوان معتمدالدوله محمدتقی خان بختیاری را مغلولاً روانه دارالخلافه نمود و اسبهای عربی بسیار خوب نیز به دربار معلی انفاذ داشت و حکومت دزفول را به حاجی ملااحمد کرمانشاهی داد و احمدخان پسر حسن خان والی فیلی را مرخص کرد که به پشتکوه رود، و حکومت لرستان را برعهده محمدحسن خان خرقانی واگذار نمود، و مولی فرج الله را به حراست فلاحیه تأکید کرد، و مجبعلی خان نزد معتمدالدوله آمده حساب بختیاری را پرداخت، بعد از آن معتمدالدوله مجبعلی خان را به کرمانشهان فرستاد که در نظم این ولایت تقویتی از عبدالحسین خان جوانشیر کند، ولی عبدالحسین خان از راه سوءظن مایل به ورود و وصول مجبعلی خان به کرمانشهان نشده، و چون حکمی نیز از دارالخلافه به مجبعلی خان رسیده بود که قاتلان حاجی خان شگی را فوراً در کرمانشهان گرفته به دارالخلافه فرستد و این حکم به دست عبدالحسین خان افتاده به خوانین کرمانشهان نمود و آنها را برضد مجبعلی خان تحریک کرد و می خواست به اتفاق اهالی با مجبعلی خان جنگ [کند] لهذا عبدالحسین خان معزول و مجبعلی خان به حکومت کرمانشهان منصوب شد و قاتلین حاجی خان شگی را گرفته به دارالخلافه فرستاد — هم در این اوان

عبدالله پاشای بابان قصد سنندج کرد و محبعلی خان با پانزده هزار نفر روانه کردستان گردید. عبدالله پاشا چون خبر حرکت محبعلی خان را بشنید خایف شده بازگشت. محبعلی خان نیز به کرمانشاهان معاودت نمود و در حکومت مستقل شد و به دزفول و خرم آباد رفته آن صفحات را منظم کرد و از بروجرد به اصفهان رفت و با منوچهرخان معتمدالدوله ملاقات نمود — هم در این سال در ماه رمضان محمدرخان امیرتومان درگذشت — هم در این سال میرزا جعفرخان مشیرالدوله مأمور اسلامبول به اجازه امنای دولت عهدی با وکیل دولت بلژیک منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است:

صورت عهدنامه دولتین ایران و بلژیک^۱

بر خردمندان تیزهوش و تیزهوشان سخن نیوش پوشیده نمائاد که جناب رب عباد امور معاش و معاد عباد را به قبضه ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد نهاد، تا کافه برایا در تحصیل مال و حصول آمال و انجام مطالب و اسعاف مآرب طریق مهربانی و وداد سپرند و پیرامون تعاند و خلاف نگردند — تبیان این مقال آنکه اعلیحضرت کیوان رفعت، مشتری سیرت، بهرام سطوت، خورشید شوکت، ناهید بهجت، عطار دقطنت، قمر طلعت، مالک ممالک محروسة ایران، وارث تخت و تاج سلاطین کیان، ظل الله فی الارضین، کھف الاسلام و المسلمین محمدرشاه قاجار خلدالله ایام سلطنته الی آخر الاوان — و اعلیحضرت فلک رفعت، قضا درایت، قدر رتبت، پادشاه تمامی بلجیق - لئوپولد - ادام الله ایام سلطنته الی آخر الزمان — هردو علی السویه چنین مناسب دیدند که به جهت تأسیس قواعد دوستی و محبت و

۱. متن این عهدنامه در «مجموعه معاهدات دولت علیه ایران» چاپ نشده ولی در روضة الصفا و ناسخ التواریخ وجود دارد. اختلاف بین این متن و متن روضة الصفا کم است اما با متن ناسخ آنقدر اختلاف دارد که بیان آن در این جا امکان ندارد. سودی نیز بر آن مترتب نیست. باید متن اصلی عهدنامه های دوره قاجار با همان زبانی که جنبه سندیت به آن داده شده بار دیگر چاپ و ترجمه شود و جز این انجام هرکاری بی فایده است.

تمهید مراسم یگانگی و مودت، و ترفیه حال رعیت، و گشایش ابواب منافع تجارت بر روی عامه برابا، مابین دولتین علیتین معاهده دوستی و تجارت منعقد شود، لهذا دولت علیّه ایران عالیجاه، مقرب الخاقان، میرزا جعفرخان مهندمباشی عساکر منصوره، ایلچی مختار دولت علیّه ایران در دربار عثمانیه، صاحب نشان صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید سرتیپی، و صاحب دو حمایل افتخار سبز و سرخ، و نشان افتخار دولت علیّه عثمانیه را از قرار دستخط اعلیحضرت همایون، و امضای جناب جلالتآب اجل افخم حاجی میرزا آقاسی در این خصوص وکیل و مختار نموده، و اعلیحضرت پادشاه بلجیقا از قرار دستخط همایون، و امضای نامۀ جداگانه، جناب برونفرانو واجان، وزیر بحر و بر، وزیر مختار دولت بهیّه بلجیقا مقیم اسلامبول، صاحب منصب و نشان اعلیحضرت پادشاه تمامی مملکت بلجیق، و صاحب نشان درجه اول آبرو و عزت دولت فخمه فرانس و صاحب نشان افتخار دولت علیّه عثمانیه را در این باب مأذون و مختار ساخته. لهذا مأمورین مذکورین بعد از تبدیل اختیارنامه طرفین قرار معاهده را در ضمن هفت ماده به نهج آتیه داده اند.

ماده اول — فیما بعد مابین دولت علیّه ایران و دولت بهیّه بلجیقا و تبعه ایشان اساس دوستی مؤبد پایدار و برقرار شود.

ماده دوم — تبعه دولتین علیتین آمناً و سالماً به مملکت یکدیگر تردد و گشت و گذار نمایند، و هرکدام خواهند با کرایه به امر تجارت و نشیمن خود منزل و حجره و اسباب را حایره کنند مأذون باشند، و از طرف مباشرین دیوان ممانعت نشود و در حق آحاد رعیت دولتین رعایت و حرمت ملحوظ شود، از اجحاف و ستم محروس و مصون باشند. و اگر یکی از دولتین ذیشوکتین با دولتی دیگر جنگ و محاربه داشته باشد اصلاً به دوستی ابدی این دولت به هیچوجه خلل نخواهد رسید.

ماده سیم — اشخاصی که از تبعه دولتین بهتین به عنوان تجارت یا سیاحت به ممالک یکدیگر می روند تا توقف می نمایند در حق آنها لازمه احترام مرعی شود، از عوارض و تقسیم معاف باشند، و در وقت دخول و خروج تجار دولت بلجیقا از امتعه آنها در یکجا یکدفعه از صد پنچ گمرک زیاده مطالبه نشود، و از

امتعه دولت علیه ایران مثل تبعه دولتين متحابتين فرانسه و انگليس موافق تعرفه رفتار گردد.

ماده چهارم — از تبعه دولت بهيه بلجیقا اگر به طریق سیاحت یا تجارت به ممالک دولت علیه ایران تردد نمایند برای امنیت و سلامتی آنها از طرف دولت علیه ایران احکام و باشبرد عبور مرحمت شود که کسی مزاحم و مانع آنها نشود و حمایت از آنها نمایند.

ماده پنجم — دولت علیه ایران مأذون نمایند هر دو نفر رئیس تجار از دولت بلجیقا در تبریز و دارالخلافه طهران مقیم شوند که به امور تبعه دولت خودداری کنند، و همچنین اگر دولت علیه ایران بخواهند که در شهرهای بروکسل و اسورس مملکت بلجیقا رئیس تجار بگذارند مأذون خواهند بود.

ماده ششم — اگر مابین تبعه جانبین از بابت معامله نزاع و دعوائی اتفاق افتد به استحضار رئیس تجار یا ترجمان آن دولت موافق شریعت و عادت مملکت قطع و فصل آن دعوی شود. و در صورتی که یکی از تبعه دولتين مفلس شود بعد از تشخیص و تحقیق، اموال و اسباب او را قیما بین ارباب طلب بطور غرماسویت و تقسیم نمایند. و همچنین در وقت وفات یکی از تبعه طرفین اموال و متروکات او به رئیس تجار آن دولت تسلیم شود.

ماده هفتم — ایشان را این عهدنامه دوستی و تجارت ابدالدهر با کمال صداقت و دقت از طرفین ملحوظ و مرعی خواهد شد و به هیچوجه خلل و نقصانی به اجزای آن راه نخواهد یافت. این عهدنامه دوستی و تجارت به سیاق واحد در دو نسخه تحریر و املاء شده و از جانب مرتخصین دولتين علیتین ممضی و مهرور گشته و مبادله گردیده. انشاء الله تعالی نسخه مزبوره از طرفین دولتين بهیتین تصدیق گشته در مدت چهار ماه یا کمتر این تصدیق نامه ها به اسلامبول آمده بین المأمورین از سر نو مبادله گردد

به تاریخ روز چهارشنبه بیست و پنجم جمادی الاولی مطابق سال اودئیل یکهزار و دو بیست و پنجاه و هفت مطابق چهاردهم شهر جولای هزار و هشتصد و چهل و یک عیسوی در دارالخلافه اسلامبول سمت انجام پذیرفت.

هم در این سال یارمحمدخان وزیر هرات کامران میرزا را که تقریباً یکسال بود در یکی از قلاع محبوس داشت بکشت و امارت دودمان احمدخان ابدالی در افغانستان منقرض شد — پوشیده نباشد که از سلسله مزبوره پنج نفر در افغانستان امارت کرده اند: اول احمدخان ابدالی — دویم تیمورشاه بن احمدخان — سیم شاه زمان بن تیمورشاه — چهارم شاه محمود ابدالی — پنجم کامران میرزا — و ابتدای امارت این سلسله سال هزار و صد و هفتاد هجری بوده است.

اروپا — (آلمان) — ششصد هزار ذرع راه آهن در این مملکت ساخته شده است. (مسئله شرقیه) — به اهتمام دول انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس مابین محمدعلی پاشای مصری و سلطان عثمانی مصالحه می شود، و سلطان عثمانی والیگری مصر را برای اولاد محمدعلی پاشا نسل بعد نسل می شناسد و ولات مصر از این تاریخ به بعد در دربار عثمانی با رتبه و نشان صدراعظم می باشند. (انگلیس) — تولد پرنس دُگال ولیعهد دولت انگلیس — فتح کانئن بندر چین و چند قلعه دیگر از قلاع این مملکت به واسطه سفاین انگلیسی — هم در این سال در افغانستان دوست محمدخان مغلوب انگلیس می شود، اما بعد از چندی افغانها شوریده در قلعه کابل جمعیتی کثیر از انگلیسها را به قتل می رسانند — فرار عساکر انگلیس از افغانه و تعاقب کردن افغانه آنها را که از پانزده هزار نفر قشون انگلیس به جز سیصد نفر محبوس، بقیه کشته می شوند — جمعیت انگلیس در این سال پنجاه و چهار کرور است. (فرانسه) — قندی که از چغندر ساخته می شود امتیازش محسوس است — جمعیت فرانسه در این سال شصت و هفت کرور است. (عثمانی) — عزل رشیدپاشا وزیر امور خارجه — شورش عیسویان شام و مقدونیه و بلغارستان که در حق آنها ظلم می شود — در لبنان طوایف ذرروز و مارنیت با یکدیگر در نزاع می باشند.

امریکا — (اتانونی) — تیلر نام به ریاست جمهوری برقرار و منصوب می گردد.

[سنه ۱۲۵۸ هجری = سنه ۱۸۴۲ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال کهنبدل خان، و برادران او مهردل خان و رحم دل خان افغان، به اجازه امنای دولت از کرمان روانه قندهار شدند و عباسقلی خان جوانشیر والی کرمان آنها را بطور شایستگی روانه نمود و بعضی را با آنها همراه کرد — هم در این سال حسین خان آجودانباشی حکومت یزد یافت و برحسب امر شهریار غازی اعلیحضرت همایون محمّدشاه از نائین تا عقدا (اغدا) که بیست فرسنگ مسافتی بی آبست دو رشته قنات که از هریک یک سنگ آب جاری می گردد احداث کرد، و در منزل نه گنبد قلعه بساخت، و در میانه نه گنبد و عقدا نیز قناتی به اسم خود جاری کرد و رباطی برای قوافل بنا نمود — هم در این سال میرزا جعفرخان مشیرالدوله در اسلامبول نیز عهدهی با وکیل دولت اسپانیا منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است:

صورت عهدنامه دولّین ایران و اسپانیا

الحمد لله رب العالمین — دولت علیّه ایران و دولت بهیّه اسپانیول به جهت ملاحظه صرفه و صلاح تجار و عموم رعیت مملکتین و ترقی و وسعت دادن به صنّف تجار و تشویق این امر مهم که از مصالح معظم دولت است چنین یافتند که هیچ مقدمه ای مانع انعقاد عهدنامه به این مهم جسیم معین و مقید نخواهد شد. لهذا هر دو علی السویه مناسب دیدند که بعد از این مابین دولّین ذی شوکتین و تبعه آنها اساس دوستی، و اخذ و نقد، موافق عهدنامه مبارکه دوستی و تجارتی که به زیور حقانیت و عدالت آراسته شده است برقرار و پایدار باشد. برای انجام این مرام اعلیحضرت فلک رفعت، شمس برج جلالت، نخبه سلاطین زمان، وارث تخت و تاج کیان، صاحب اختیار ممالک وسیع المسالک ایران، ظلّ الله فی الارضین، کھف الاسلام و المسلمین، السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، محمّدشاه قاجار — ابدالله ایام سلطنته — از طرف قرین

الشرف خود عالیجاه، مقرب الخاقان، میرزا جعفرخان مهندسباشی عساکر منصوره، ایلچی مخصوص دولت علیّه ایران در دربار عثمانیه، صاحب نشان مهر تمثال صورت همایون، و نشان اول شیر و خورشید سرتیپی، و صاحب دو حمایل افتخار سبز و سرخ، و نشان درجه اول افتخار دولت علیّه عثمانی، در ضمن اختیارنامه جداگانه در این خصوص وکیل مطلق و مختار نموده — و همچنین بدر منیر ابهت، و آفتاب درخشان سلطنت، شکوفه نونهال بستان جلالت، دونا ایزابل ثانی که به نام نامی ایشان در ایام صغیر سن، امور سلطنت به لقب ولیمهدی به حضرت - بال دومراصپرترو - صاحب اختیار ممالک دیک تواردمر بلا^۱ محول است از طرف خود - موسیو آن طولی لویض دوکاردو با^۲ - صاحب نشان بسیار مشهور و ممتاز چارلز سیم پادشاه اسپانیول، و صاحب نشان امیرقان سلطان ایزابل کتالیک^۳، و صاحب نشان عیسوی دولت پرتوغال^۴ و صاحب نشان شور دولت یونان، و صاحب نشان میپولگر^۵ مقدس بیت المقدس، و صاحب نشان اول افتخار دولت علیّه عثمانیه، اجزای مشورتخانه حضرت سلطان ایزابل کتالیک، نویسنده خالص پادشاهی^۶ وزیر مختار دولت مشارالیه در آستانه علیّه را از قرار نوشته وکیل مطلق و مختار نام کرده مأمورین مزبورین بعد از نشان دادن و ملاحظه نمودن اختیارنامه یکدیگر همه را موافق رسم و ضابطه یافته قرار عهدنامه مبارکه را در ضمن هفت ماده آتیه بدین نهج

۱. نام این شخصیت ها در کتاب «مجموعه معاهدات دولت علیّه ایران با دول خارجه» متن فرانسوی ان چنین آمده:

Baldoméro Espartero Duc de la victoire et de Morella

Antoine Lopez de Lordora

Antoine Lopez de Lordora .۲

۳ و ۴. در متن فرانسوی:

L'Ordre américain d'Isabelle la Katholique, de ceux du Khriste de Portugal.

بنابراین «امیرقان» ترجمه ای است که از کلمه Américain (آمریکا) شده است.

۵. در متن: صهن کر - در متن فرانسوی: St. Sépulere de Jesusalem

۶. منظور منشی مخصوص است.

دادند:

مادهٔ اوّل — بعد الیوم مابین دولت علیّه ایران و دولت بهیّۀ اسپانیول و تبعه طرفین الی ماشاء الله تعالی اساس دوستی صادق و محبت و موالات دائمه باقی و برقرار باشد.

مادهٔ دوّم — تبعه دولّتين علیّتين مأذون باشند که به آزادی و امنیّت تمام به مملکت یکدیگر آمد و شد نمایند و معامله تجارت و سیاحت کنند، خانه و دکان و حجره و انبار به قدر ضرورت امور خود کرایه سازند، و از طرف مباشرین دیوان به هیچوجه ممانعت نرود بلکه پیوسته احوال ایشان را مراعات نموده دقت کنند که به سیّاحان و تجّار طرفین خوش رفتاری شود و به قدر مقدور به استراحت و آرام آنها بیفزایند، و در وقت ضرورت احکام و باشبرد عبور به آنها مرحمت شود که کسی مانع نشده ممانعت از آنها کند.

مادهٔ سیّم — در حق تبعه دولّتين ذیشوکتین که به عنوان معامله و تجارت و یا به طریق سیاحت به مملکت یکدیگر تردد می نمایند از زمان ورود تا وقت خروج لازمه احترام مرعی شود، و از آنها به هیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نکرده مگر اینکه از امتعه آنها در حین ورود و خروج در مملکت یکدیگر مثال تبعه دولت متحابه گمرک گرفته شود.

مادهٔ چهارم — دولّتين علیّتين به جهت آسایش و اطمینان تبعه خودشان که به خاک یکدیگر آمد و شد خواهند کرد مأذون خواهند نمود که در دو محلّ مناسب و کیل تجارت اقامت کند، دولت علیّه ایران مأذون خواهند ساخت که یکنفر وکیل تجارت از طرف دولت بهیّۀ اسپانیول در دارالخلافه طهران، و یکنفر دیگر در دارالسلطنه تبریز مقیم شود. و همچنین دولت بهیّۀ اسپانیول راضی خواهند گشت که یکنفر وکیل از طرف دولت علیّه ایران در مادرید پایتخت دولت مزبوره، و یکنفر دیگر در بندر برصلون، و یا به عوض محلّ ثانی در بندر دیگر که دولت علیّه ایران مناسب دانند وکیل تجارت نصب نمایند.

مادهٔ پنجم — هر وقت که در خصوص معامله و داد و ستد و غیره مابین تبعه دولّتين متعاهدتین گفتگو و نزاعی اتفاق افتد آن نزاع باید که به استحضار و اطلاع وکیل

تجارت و یا ترجمان آن دولت موافق عادت و شریعت مملکت قطع و فصل شود و اگر کار یک نفر تاجر از تبعه دولتمین ذیشوکتین علیتین معیوب شود و یا آن شخص ادعای افلاس نماید باید بعد از ملاحظه دفتر و ارسال مرسول اموال و مطالبات او به اطلاع وکیل تجار و یا ترجمانان آن دولت قسمت غرما شود، و هر قدر که از قرض آن مفلس باقی می ماند از باب طلب او باید ذمه او را بری نموده تمسکات او را رد نمایند. و همچنین وقتی که یک نفر از تبعه دولتمین وفات کند باید جمیع متروکات و دفتر او به وکیل تجار آن دولت تسلیم شود و قرض و طلب او را به استحضار وکیل تجار موافق شریعت مملکت جاری شود.

ماده ششم — اگر یکی از دولتمین متعاهدتین با دولت دیگر جنگ و محاربه داشته باشد باید از این رهگذر به دوستی ابدی دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول به هیچوجه خلل و قصوری نرسد.

ماده هفتم — این عهدنامه دوستی و تجارت که مابین دولتمین به نهج گذشته در ضمن هفت ماده قرار داده شده است به یاری خداوند یگانه امنای دولتمین متعاهدتین جمیع مواد آنرا دایم مرعی داشته به هیچوجه به ارکان آن خلل نخواهد رسانید و انشاء الله در مدت پنجاه و یا کمتر، عهدنامه مزبوره به امضا و مهر امنای دولتمین علیتین رسیده در اسلامبول مابین وکلای دولتمین مبادله خواهد شد. و خاتمه این هفت ماده که به تصدیق وکلای طرفین در دو نسخه به طریق واحد انجام پذیر گشته بعد از مهر و امضای طرفین در دارالخلافه اسلامبول به تاریخ سیم مرج مطابق بیستم محرم الحرام هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری و سنه هزار و هشتصد و چهل و دو عیسوی عوض و مبادله گردید.

هم در این سال حاجی سید محمد باقر رشتی مجتهد ساکن اصفهان از اجله علما به غرفات جنان رفت اعلی الله مقامه — و آقا سید اسد الله فرزند آن مرحوم از غتبات عالیات به اصفهان آمده بر مسند پیشوائی نشست و محمود ابن شهبازخان دنبلی قور یساولباشی که در اصفهان نایب منوچهرخان معتمدالدوله بود، و صاحب کمال و اخلاق و نظم و نثر، درگذشت و پسرش شهبازخان منصب پدر یافت — وفات سید صدرالدین دزفولی از اکابر علما.

(ترکستان) - فوت اللهقلی خان خوارزمی که هیجده سال در خوارزم حکمرانی داشت و مدفون شدن او در مقبره پهلوان محمود قتالی و برقرار شدن رحیمقلی خان پسرش به جای او به حکمرانی. (افغانستان) - محمد اکبرخان پسر امیر دوست محمدخان والی کابل در کمال جلال به کابل آمده به حکمرانی می پردازد، و امیر دوست محمدخان که در هندوستان محبوس بود رها شده به کابل می آید - کهنندل خان فتح جنگ بن شجاع الملک را شکست داده در قندهار به حکمرانی مشغول می شود - شجاع الملک در کنار چمن دروازه لاهوری مقتول شده و اموال او را نهب می نمایند.

اروپا - (آلمان) - یانقین سخت در شهر هامبورگ که چند روز امتداد دارد. (انگلیس) - بروز قحط و غلا و کمی پول - نجات یافتن ملکه در ثانی از کشته شدن - به جهت انتقام کشیدن از افغانه ژنرال پُلک با عساکر زیاد وارد کابل می شود - بعد از معاهده با افغانه سردار انگلیس به سند معاودت می کند، شهر کابل و جلال آباد را ویران می سازد - قنصل انگلیس در تبریز مقیم خواهد بود. (فرانسه) - ولیعهد دولت از کالکة افتاده می میرد و پسر چهار ساله اش گُنت دُپاریس ولیعهد می شود. (روس) - شامیل در قفقاز غلبه بر عساکر روس می نماید.

اسنة ۱۲۵۹ هجرى = سنه ۱۸۴۳ مسیحی |

آسیا - (ایران) - در این سال ناخوشی نقرس که مزاج مبارک اعلیحضرت همایون شهریار غازی محمدشاه را از طریق اعتدال منحرف داشت اشتداد نمود، اگرچه شدت این مرض بعد از سفر اصفهان بود، چنانکه نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا در کتاب جام جم می فرمایند. پس از سفر اصفهان ناخوشی نقرس که از قدیم نیز این ناخوشی را داشتند غلبه کرد، پس از آن به سلام عام به دیوانخانه مبارکه تا مدت حیات نتوانستند آمد و سلام اعیاد در عمارت باغ که نشیمن سلطانی بود منعقد می شد. خلاصه به واسطه اشتداد نقرس و تجویز اطبا موکب اعلی به طرز چشمه آب گرم که در حوالی قزوین است نهضت فرما

گردیده و بعد از آنکه چندگاهی در آن متنزّهات بسر بردند به چمن دریاوک تشریف فرما شدند و از چمن دریاوک به ولیان نزول اجلال فرمودند و خدام حرم سلطنت و شاهزادگان عظام را به این ییلاق احضار نمودند و پس از انقضای فصل گرما و ییلاق به دارالخلافة باهره معاودت کرد — هم در این سال حاجی سید کاظم رشتی شاگرد شیخ احمد احسائی درگذشت. و سیدعلی محمد شیرازی شاگرد حاجی سید کاظم رشتی دعوی بابیت نمود و این دعوی رفته رفته اسباب فتنه عظیم گشت — تبیین آنکه سیدعلی محمد شیرازی پسر میرزا رضا نام بزّاز در بدایت عمر به تحصیل علوم پرداخت و هنوز بهره‌ای از آن حاصل نکرده به ریاضت مشاقه مشغول شد، و در شدت گرما در بندر بوشهر روزها بالای بام سر برهنه دعوات برای تسخیر آفتاب می خواند و این خیالات باطله او را خشکی مغز که از تابش آفتاب گرم بوشهر حاصل شده بود تکمیل نمود و به عتبات عالیات رفته سالی دو، در حوزه درس حاجی سید کاظم حاضر شد، چون حاجی سید کاظم درگذشت سیدعلی محمد با بعضی از شاگردان حاجی سید کاظم به مسجد کوفه رفته چهل روز ریاضت کشید و یکمرتبه سودا به سرش زده گفت من بایم و باید از ابواب داخل بیوت شد و هرکس جز این کند گمراه است. چیزی نگذشت که بر ادعای خود افزوده دعوی مهدویت نمود و گفت سال دیگر دعوی خود را در مکه ظاهر و خروج خواهم کرد و خونها خواهم ریخت و شما نامه‌ای که به من می نویسد با مرکب و مداد ننویسد بلکه با سرخی بنویسد که این نیز علامتی خاص است. و در اذن و اقامه نماز بگوئید اشهد ان علی محمداً بقیّة الله و اکنون که من پدیدار گشته ظهور حق تمام گشته چه، محمد و علی دو تن بودند و اکنون هردو منم که نام من علی محمد است و این هردو با من بیعت کرده‌اند و کمال معجزه من اینست که روزی هزار بیت کتابت کنم و گاه باشد که هزار بیت به مناجات سخن گویم و استیلای من بر تمام روی زمین خواهد بود و تمام ادیان را امت واحد خواهد نمود — بالجمله خرافات بهم می یافت و اسامی انبیاء و ائمه (ع) را بر پیروان خود می نهاد، و برای یک زن بیشتر از یک شوی تجویز می کرد و به مکه رفت که دعوت خود را ظاهر کند. بعضی او را تخویف نمودند، لهذا به بوشهر آمد و جمعی از مریدان خود را به

شیراز فرستاد که مردم را به او بخوانند و این در وقتی بود که حسین خان آجودانباشی در حکومت فارس استقلال داشت. پس از آنکه حسین خان از واقعه آگاه شد چند تن از پیروان او را به دست آورده پی آنها را برید و کس به بوشهر فرستاده سیدعلی محمد را در نوزدهم رمضان به شیراز آوردند و به دروغی به او اظهار ارادت نمود و گفت که من توپخانه فارس را با تو حرکت دهم و با متکران تو جنگ کنم. سیدعلی محمد گفت چون دنیا را مسخر کردم مملکت روم را به تو خواهم داد. حسین خان آجودانباشی صاحب اختیار گفت بهتر آنست که حجت خود را بر علمای عصر تمام کنی تا تابع تو گردند آن وقت کار عامه سهل است و مجلسی از علما و فقها منعقد نمود و سیدیحیی پسر سیدجعفر دارابی معروف به کشفی که پیروی باب اختیار کرده بود نیز در آن مجلس حاضر شد. سیدعلی محمد به علما گفت شما چگونه از متابعت من سرپیچید و حال آنکه از پیغمبری که به دین او هستید جز قرآنی در میان نیست و قرآن من افصح از آنست و دین من ناسخ دین آن پیغمبر می باشد. علما بنابر مواضعه ای که با حسین خان داشتند ساکت شدند. حسین خان گفت بهتر آنست که احکام خود را در صفحه ای بنویسید تا همه بخوانند و پیروی کنند. سیدعلی محمد چند سطری نوشت چون علما بدیدند همه لجن و غلط بود. حسین خان صاحب اختیار گفت تو با این پایه و مایه چگونه دعوی برتری بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نمائی؟ پس فرمان داد تا او را از مجلس بیرون کشیدند و چوب زیاد زدند. او کلمات عامیانه در اظهار پشیمانی گفت و اظهار توبه نمود. بعد از آن روی او را سیاه کردند و به مسجد شیخ ابوتراب امام جمعه بردند و او پای شیخ را بوسیده خود را لعن کرد و مدت شش ماه حبس بود تا خبر او در عراق منتشر شد و بر منوچهرخان معتمدالدوله مشتبّه کردند که او از نیکان است. معتمدالدوله چند نفر را به شیراز فرستاد. سیدعلی محمد را به اصفهان آوردند و صاحب اختیار سیدیحیی را از توقف در شیراز منع کرد و او به یزد رفت. و معتمدالدوله شبی علما و حکما را جمع کرد و سیدعلی محمد در آن مجلس از عهده سؤال و جواب برنیامد و بطلان اقوال او ظاهر گشت. پس از آن باز معتمدالدوله وی را در منزلی مخفی داشت و شهرت داد که

او از این شهر رفته است. چون در سال هزار و دویست و شصت و سه معتمدالدوله وفات کرد سیدعلی محمد فتنه خود را ظاهر و منتشر ساخت و کارگذاران دولت او را از اصفهان به چهریق آورده در قلعه متوقف ساختند و پس از چندی در تبریز مقتول شد چنانکه بعضی از تفصیلات آن در محل خود مذکور می گردد — هم در این سال که سال هزار و دویست و پنجاه و نه باشد فاضل خان گروسی صاحب تذکره انجمن خاقان درگذشت، و شهر خوی از زلزله خراب شد.

اروپا — (انگلیس) — شورش در ایالت لاهور — تصرف کردن انگلیس تمام پنجاب را. (فرانسه) — مسافرت ملکه انگلیس به پاریس — مجادله امیر عبدالقادر با عساکر فرانسه در الجزایر. (یونان) — شورش در این مملکت به اغوای روس.

[سنه ۱۲۶۰ هجری = سنه ۱۸۴۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — پوشیده نباشد که در سال هزار و دویست و پنجاه و هشت عساکر بغداد به حکم نجیب پاشا کربلای معلی را قتل و نهب کردند، و در این موقع چون اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه در بستر بیماری بودند امنای دولت علیه واقعه را مستور داشته به عرض حضور مبارک نرسانیدند پس از آنکه واقعه معروض و مسموع چاکران حضرت سپهر بسطت معلی گردید رنجشی که از کار محرمه در خاطر مهر مظاهر اقدس بود این غایله صد برابر بر آن افزود و چون چندی بگذشت سفرا و وزرای خارجه به اصلاح ذات البین پرداختند و مقرر شد از دوله اربعه، روس و عثمانی و ایران و انگلیس، چهار نفر وکیل تعیین شود، و وکلای مزبوره در مجلسی جمع شده گفتگو نمایند و به موجبات استرضای خاطر امنای دولت علیه ایران پردازند. بنابراین به اشاره حاجی میرزا آقاسی میرزا جعفرخان مشیرالدوله که از سفارت اسلامبول مراجعت کرده بود به این خدمت مأمور شد و قرار دادند مشارالیه به اتفاق وکلای دیگر در ارزنة الروم توقف کنند و در این امر خوضی نمایند و قراری دهند. چون میرزا جعفرخان مشیرالدوله از طهران به تبریز رسید مریض شد و در بستر ناتوانی افتاد، حاجی میرزا آقاسی میرزا تقی خان

فراهانی وزیر نظام را از تبریز به جای مشیرالدوله تعیین نمود و او نیز دوستانه نفر از معارف اهل نظام را لوازم حرکت و سفر داده با آنها به ارزنة الروم رفت و در عرض راه سرحداران از او استقبال و پذیرائی شایان کردند و از جانب دولت عثمانی انور لکندی نیز به وکالت به ارزنة الروم آمد و مقرر شد هر روزی در منزل یکی از وکلای اربعه حاضر شده گفتگو نمایند و حاصل مقالات خود را بنویسند تا مسئله به انجام رسد هیجده مجلس برای این محاوره منعقد شد و انجام آن سه سال طول کشید - هم در این سال موبک همایون پادشاهی به شکارگاه کرج و سلیمانیه تشریف فرما گردید و در اوان توقف در این ناحیه روزی که از رود کرج عبور فرمودند و آب این رودخانه به دقت ملحوظ گردید معلوم شد که بیشتر آن به امکنه و اودیة ای می رود که قابل زرع و کشت نیست و فایده ای از آن حاصل نمی شود و آب زیاد عبث تلف می گردد. لهذا به خاطر موهبت مظاهر اقدس خطور کرد که اگر نهری از این رود به دارالخلافة طهران جاری کنند اسباب آبادانی و آسایش اهالی شهر خواهد شد و مکنون ضمیر مشیر همایون را به حاجی میرزا آقاسی اظهار فرمودند، حاجی میرزا آقاسی چون از روی طبع و فطرت شوقی به حفرتنات و جاری ساختن انهار و آبادان کردن اراضی بایره و صحاری غیرمزروع داشت جمعی را به سرچشمه رودخانه فرستاد و در مقام تحقیق و تدقیق این کار برآمدند و قرار دادند از رود کرج تا شهر طهران که هفت فرسنگ مسافت و راه است نهری بریده قسمتی از آب کرج را به واسطه آن به دارالخلافة رسانند، بنابر این قرارداد مشغول کار شدند و شانزده هزار تومان خرج کردند و منظور و مقصود حاصل نشد. پس از آن به خیال افتادند که از نهر قریه و سمنارد، که اصل آن از رود کرج است نهری بریده به شهر آورند و چنین کردند اما چون این نهر چندان وسعتی نداشت آب آن کافی نبود، لهذا بار دیگر بر وفق قرارداد حاجی میرزا آقاسی معمار باشی و جمعی مأمور شد که از اصل رودخانه کرج نهری جدا کرده از خاک و سنگ و معابر تنگ گذرانیده به شهر طهران برسانند و جمعی به اجرای این قصد پرداختند و این بار بر قصدی که داشتند فایز گشتند و دو سال در کار بودند و دوازده هزار تومان خرج شد - هم در این سال زلزله به اغلب دهات سراب و گرمرو آذربایجان

خرابی وارد آورد.

اروپا — (عثمانی) — احداث جسر جدید چوبی در اسلامبول.

[سنه ۱۲۶۱ هجری = سنه ۱۸۴۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال به امر اعلیحضرت شهریار غازی محمّدشاه به تهیه جشن سور و عروسی حضرت مستطاب ولیعهد گردونمهد دولت قوی شوکت علیه ناصرالدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه) پرداختند و صبیته مرضیه نواب شاهزاده احمدعلی میرزا را برای ازدواج حضرت مستطاب معظم انتخاب فرمودند و میرزا نبی خان امیر دیوان که از حکمرانی فارس معاودت کرده و مردی کافی و کاردان بود طوی بیگی این سور و سرور گردید و برای اینکه آتشبازی و شلیک توپ و خمپاره به قورخانه و انبار باروط ضرری نرساند مقرر شد در خارج شهر در بالای عمارت و باغ نگارستان محلی را مسطح ساخته بنیانهای مستحکم از سنگ و آجر و چوب بسازند و آنجا را جشن گاه قرار دادند و در موقع این جشن هوای طهران گرم و موکب همایون به ییلاق شمیران بود. از اتفاقات حسنه آنکه در عرض یک هفته که موکب همایون از شمیران با تمامی خدام حرم جلالت و ملتزمین رکاب اقدس به جهت این جشن همایون تشریف فرمای نگارستان شدند بادهای خنک وزیدن گرفت و ذات اقدس پادشاهی و سایرین از حدت و شدت گرما محفوظ ماندند چون به شمیران بازگشتند باز هوا کمال حرارت را بهم رسانید. بالجمله روز شنبه هشتم ماه جمادی الثانیه صبیته محترمه نواب شاهزاده احمدعلی میرزا را برای حضرت شاهزاده اعظم ولیعهد گردونمهد دولت علیه عقد بستند و در شب بیست و هفتم همین ماه شروع به لوازم جشن و سور و شیلان نمودند و شب جمعه پنجم رجب شب عروسی بود و آنچه درخور این جشن بزرگ و سور لازم السرور بود به وجه اکمل به عمل آمد خلقی شادی کردند و بسیاری به نیل مکارم و مواهب سنیه بهره مند گردیدند — هم در این سال در ماه مبارک رمضان مزاج مبارک پادشاهی باز از طریق اعتدال خارج

گشت و ضعف قوت گرفت و وجع نقرس شدت یافت، امنای دولت و کارگذاران متزلزل، و یکباره به خیال ذات همایون بودند. لهذا فتنه جویان و قطاع الطريق موقعی به دست آوردند و راهها مخوف گردید و اطبای ایرانی و روسی و فرنگی به معالجه اعلیحضرت شهرباری آمدند و مزاج مبارک روی به بهبودی نهاد و در عید صیام سلام عام منعقد و قاطبه خدام آستان مبارک به زیارت جمال شهربار غازی فایز و پروردگار عالمیان را حامد و شاکر گردیدند — هم در این سال ژنرال درانسف جانشین قفقاز به حکمرانی گرجستان آمد و میرزا جعفرخان مشیرالدوله برای تهنیت ورود او با یک قطعه نشان تمثال همایون و یک رشته تسبیح مروارید روانه قفلیس شد، و از جانب نواب بهمن میرزا حکمران آذربایجان محمدخان بیگلربیگی ابن فتح علی خان بن هدایت الله خان رشتی با هدایا نیز به همین قصد حرکت کرد و پس از انجام مأموریت هر دو فرستاده بازگشتند — هم در این اوان به سبب ناخوشی و ضعف بنیه اعلیحضرت شهربار غازی خیالات متشتت شده بعضی هواخواهی حضرت مستطاب ولیعهد دولت علیه و برخی به خیال همراهی با نواب بهمن میرزا و جماعتی دور اللهقلی میرزا ابن موسی خان بن حسینقلی خان که دخترزاده خاقان مغفور و ربیب حاجی میرزا آقاسی بود جمع شدند و همه به طور نفاق باهم اختلاطی داشتند چون مزاج همایون رو به بهبودی نهاد اللهقلی میرزای ایلخانی را به حکومت بروجرد و گلپایگان فرستادند و شاهزاده ملک قاسم میرزا ابن خاقان مغفور البسه الله حلل النور که سابقاً حکومت بروجرد داشت از دارالخلافه به آذربایجان مأمور شد که یک هزار تومان از میرزا نظرعلی حکیمباشی قزوینی مصادره گرفته ارسال دارد و حکیمباشی مشارالیه به قم رفته در آنجا اقامت کرد و میرزا آقاخان وزیر لشکر را احضار فرموده در حضور مبارک چند چوب یاساق بر پای او زدند و میرزا رحیم پیشخدمت را بر او گماشته تا ده هزار تومان از او به طور مصادره دریافت نماید و برادر بزرگتر میرزا آقاخان میرزا فضل امیردیوان را به توقف کاشان محکوم ساختند و شعله خیالات فتنه انگیز جماعت رو به انطفا نهاد ولی مقدمه فتنه خراسان که آن نیز از نتایج خیالات متشتت بزرگان دارالخلافه بود شروع کرد — هم در این سال مردم زنجان بر علی اشرف خان ماکوئی بشوریدند و احمدخان

نوائی به احضار او روانه شده چون علی اشرف خان به دارالخلافة امد معزول گشت — هم در این سال میرزا محمدحسن آشتیانی مستوفی الممالک در سنّ شصت و هفت سالگی در دارالخلافة درگذشت و میرزا یوسف پسرش به منصب پدر نایل و مستوفی الممالک گشت — هم در این سال محمدکاظم خان پسر امیرمحمدحسین خان کاشانی شیبانی الاصل به منصب استیفا برقرار گردید و مشارالیه پیش از این در کاشان و همدان در حکومت مرحوم شعاع السلطنه وزارت و پیشکاری داشته و پدر محمدکاظم خان امیرمحمدحسین خان در دولت شاه شهید سعیدآقا محمدشاه طاب ثراه خدمات لایقه نموده و به حکومت کاشان و قم و نظنز و جوشقان برقرار گشته و پسر ارشد محمدکاظم خان فتح الله خان شیبانی تخلص، صاحب مراتب فضل و هنر و دارای فواید سیاحت و سفر است در نظم و نثر ماهر و استاد و از بدو دولت و مقدمه فتح تهرات تاکنون مشغول خدمات دولت ابد بنیاد است — هم در این سال رجبعلی بیگ پسر فضان آقا به منصب یآوری توپخانه و خطاب خانی سرافراز شد و مقرر گردید با ابوابجمعی خود ملتزم رکاب حضرت مستطاب ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران باشد.

اروپا — (آلمان) — ایجاد اکسپوزیسیون در برلن. (فرانسه) — مولوی عبدالرحمن سلطان مارک متصرفات فرانسه را در الجزایر تصرف می نماید — منازعه فرانسه با مارک و مصالحه با آن دولت — مسافرت پادشاه فرانسه به لندن — ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس. (سوئد) — فوت برناردت پادشاه و جلوس پسرش اسکار اول به جای او.

[سنه ۱۲۶۲ هجری = سنه ۱۸۴۵ مسیحی]

آسیا — (ایران) — از وقایع عمده این سال فتنه خراسان است و تبیین این مقال آنکه: اللهیارخان آصف الدوله خال اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه را با حاجی میرزا آقاسی صفائی نبود، و جهت این کدورت آنکه اختیار کل امور دولتی با حاجی میرزا آقاسی و زمام اختیار خراسان را آصف الدوله به دست داشت و

محمدقلی خان پسر آصف الدوله که در حضرت پادشاهی حاجب اعظم بود و مقرب و محرم گاهی مطالب و عرایض پدر را درخفا به عرض حضور مبارک می رسانید، و از آن طرف اللهقلی میرزا ابن موسی خان بن حسینقلی خان که از طرف مادر نبیره خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه و مادرش در حباله ازدواج حاجی میرزا آقاسی بود و بیش از این ایلخانی ایل جلیل قاجار گردیده و در مناصب و اشغال دولتی فیما بین اعلیحضرت همایون و حاجی میرزا آقاسی وساطت داشت و دوستی و دشمنی او برای هرکس نهایت مؤثر بود گاهگاه از محمدقلی خان و منتسبان او در حضرت سلطنت بدی می گفت، این فقره اندک اندک اسبابه نقار کلی فیما بین آصف الدوله و حاجی میرزا آقاسی گردید و چون بر حاجی ظفر نیافت روی دل از آستان مبارک برتافت و اندیشه کرد که اگر نوبت سلطنت به حضرت مستطاب ولیعهد دولت علیه رسد سلسله دولوعزتی نخواهند داشت و اگر کار بهمن میرزا بالا گیرد برای ما اولی خواهد بود. لهذا با بهمن میرزا به رسایل و وسایل بنای مواضعه را گذاشت و این مطالب در عتبه علیه معروض شد و در مقام تحقیق بودند و حسن خان سالار بار، ولد آصف الدوله که نیز نبیره خاقان خلدآشیان بود به خیال های خام افتاد و تصور کرد که با قوتی که در خراسان دارد اگر با بهمن میرزا اتفاق کند و وقتی به طهران راند استیلا بهم رساند و بهمن میرزا را به سریر حکمرانی نشاند و مکرر این بیت می خواند:

مرا عار آید از این زندگی که سالار باشم کنم بندگی
بنابر این خیالات فاسده این اوقات در اجرای اوامر علیه بنای ملاحظه را گذاشت و به عذرهای ناموجه تمسک جست و با جعفرقلی خان شادلوی ایلخانی وصلت کرد و چون جعفرقلی خان به دارالخلافه احضار شد او رفتن مشارالیه را امضاء ننمود و حاضر نشدن جعفرقلی خان مقصود را ظاهر ساخت. برای مزید استحضار سلیمان خان دنبلی را به بهانه حکومت بسطام به آن سرحد مأمور فرمودند و او وقایع خراسان را به واسطه عرایض به دربار پادشاهی ایصال داشت. و چون در همین نزدیکی جعفرقلی خان بر سر محمدحسین خان نردینی که از خدمتگذاران صدیق دیوان بود رفته ولایت و اموال او را تصرف نمود و اهل و عیال او را اسیر کرد و

محمّد حسین خان خود از میان به در رفته به دارالخلافه آمد و معلوم شد قصد حسن خان اینست که از اکابر ایلات گروی گرفته به کلات فرستد و پس از ترتیب مقدمات مافی الضمیر خود را اظهار کند — هم در این سال حاجی میرزا موسی خان برادر مرحوم میرزا ابوالقاسم قایم مقام که متولی باشی روضه رضویه (ع) بود در چهل و دو سالگی درگذشت و آصف الدوله بی اجازه همایون خود متقلّد این خدمت گشت، در صورتی که حاجی میرزا عبدالله خوئی از منشی های خاص از دربار پادشاهی منصب متولی باشی گری یافت. خلاصه روز به روز آثار خلاف ظاهر گردید — هم در این اوان اللهقلی میرزای ایلخانی که به بروجرد به حکومت رفته بود به امر حکومت و نظم ولایت چندان اعتنائی نکرده قدری پیرو هوای نفس شد و محمودخان ملک الشعراء که مردی کامل و عاقل بود هرچه منع او نمود فایده نکرد. دخل او را اجامره بردند و خرج زیاد به گردش ماند و بنابر تحریض او باش راه دارالخلافه پیش گرفت. اما حاجی فرامرز بیگ دستخطی از شهریار غازی برای او برده در منزل حوض سلطان به او رسانید و حسب الامر اللهقلی میرزای ایلخانی روانه عتبات عالیات شد و نواب مهدیقلی میرزا به حکومت بروجرد رفت — هم در این سال اهالی ارزنة الروم به منزل میرزا تقی خان وزیرنظام مأمور دولت علیه ایران حمله نمودند. در شرح سال هزار و دوست و شصت نگاشته شد که میرزا تقی خان وزیرنظام به جهت گفتگوی قتل کر بلای معلی و خرابی محمّره به ارزنة الروم مأمور شد که به اتفاق وکلای روس و انگلیس و عثمانی قراری در این کار دهند که بعدها چنین حوادث سانع نشود و به ترضیه و استرضای دولت علیه اقدام رود. چون این امر به طول انجامید و بعد از هیجده مجلس اجلاس مسئله به انجام نرسید اهالی ارزنة الروم قصد کردند این اجماع را از شهر خود متفرّق و دور سازند و چون سفیر ایران را مایه می دانستند جمعیت کرده به بهانه و تهمتی که نسبت به یکی از ملازمان میرزا تقی خان بسته بودند منزل او را احاطه نمودند و اسعدپاشا والی ولایت نیز در باطن با عوام همراهی داشت. خلاصه کمال وقاحت را نموده یک دو نفر از ملازمان سفیر ایران را بکشتند و چندتن دیگر مجروح شدند و میرزا تقی خان وزیرنظام با وجود کمال خطر به وقار می گذرانید. بحری پاشا که منصب فریقی

یعنی امیرتومانی داشت مضطرب شده از وخامت این عمل اندیشید و با افواج و توپخانه به درِ سرای سفیر ایران آمده به زحمت مردم را متفرق کرده و از سفیر ایران عذر خواست و اسعدپاشا را از نتایج ناگوار این کار و بدنامی دولت خبردار نمود. اسعدپاشا و قاضی و وکلای دول انگلیس و روس و عثمانی به معذرت به منزل میرزا تقی خان آمدند و بحری‌پاشا سفیر ایران و همراهان او را به اردوی نظامی برد و سفیر معزی‌الیه خواست به تبریز مراجعت کند وکلای دول مانع شدند و نوشته سپردند که تا بیست و دو روز دیگر اگر کار به خوبی نگذشت سفیر در مراجعت و غیره مختیر باشد و از آنجا که بسیاری از اموال سفیر ایران را به غارت برده بودند صورت خسارت را مصحوب چاپار به اسلامبول فرستادند در روز بیست و دویم یوسف بیگ یاور حرب (آجودان سلطان) با پانزده هزار تومان غرامت به استرضای سفیر ایران آمد و اسعدپاشا معزول شد و عارف‌پاشای حاجب‌بار بزرگ نیز به عذرخواهی در رسید و حکومت را به بحری‌پاشا واگذاشتند. بعد از چندی یکنفر پاشا و دو فوج از افواج به گرفتن مقصرین آمد و سیصد نفر از آنها را با قاضی و کهای وزیر بگرفتند و به اسلامبول برده سیاست کردند. ولی مقارن این حال بحری‌پاشا با تیر تفنگی مقتول شد و قاتل معلوم نگشت. خلاصه عهدنامه مودتی از اسلامبول آوردند و احترامات فوق‌العاده به سفیر ایران کردند و سفیر از ارزنة الروم به تبریز و از تبریز به دارالخلافه آمده عهدنامه را به حضور همایون موصول داشت و صورت عهدنامه مزبوره از قرار ذیل است:

صورت عهدنامه منعقدہ فیما بین دولتین ایران و عثمانی^۱

غرض از ترقیم و نگارش این کلمات خجسته دلالات آنکه از مدتی به این

۱. متن این عهدنامه در روضة الصفا و ناسخ التواریخ و نیز در «مجموعه معاهدات دولت علیة ایران با دول خارجه» با ترجمه دیگری وجود دارد. این متن ظاهراً از روی روضة الصفا استنساخ شده است. در ناسخ التواریخ علاوه بر اخلاط چاپی افتادگی‌هایی نیز دیده می‌شود. این متن با متن روضة الصفا مطابقت دارد و کلماتی که افتاده به نظر رسید در داخل [] اضافه گردید.

طرف چون فیما بین سلطنت جاوید آیت سنیه و دولت دوران مدت علیه ابدی الدوام با دولت علیه عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته بود بر مقتضای التیام اساس دوستی و الفت و ضوابط سلم و صفوت و جهت جامعه اسلامی که میان دولتین علیتین در کار و افکار سلیمه که طرفین علیتین بدان متصف می باشند بالتسویه اینگونه مواد نزاعیه را بر وجه موافق و مناسب فخامت و شأن دولتین علیتین به تجدید تاکید بنیان صلح و مسالمة و تشدید ارکان موالات و موذت از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده برای تنظیم و مذاکره مواد عارضیه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه بر حسب فرمان همایون اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت مملکت مدار ملک گیر، آرایش تاج و سریر، جمال الاسلام و المسلمین، جلال الدنیا و الدین، غیاث الحق و الیقین، قهرمان الماء و الطین، ظل الله الممدود فی الارضین، حافظ حوزه مسلمانی، دلور جمشید جاه، داراب دستگاه، انجم سپاه، اسلام پناه، زیب بخش تخت کیان، افتخار ملوک جهان، خدیو دریادل کامران، شاهنشاه ممالک ایران، السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، محمد شاه ادام الله تعالی زمام سلطنته فی فلک الاجلال، وزین فلک قدره به مصابیح کواکب الاقبال، بنده درگاه آسمان جاه، میرزا محمد تقی خان وزیر عساکر منصوره نظام که حامل نشان شیر و خورشید مرتبه اول سرتیپی، و حمایل افتخار سبز است به وکالت مخصوص و مباهی گشته، و نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت، شمس فلک تاجداری، بدر افق شهریاری، پادشاه اسلام پناه، سلطان البرین، و خاقان البحرین، خادم الحرمین الشریفین، ذوالشوکه و الشهامة، السلطان بن السلطان بن السلطان عبد المجید خان، جناب مجدد مآب، عزت نصاب، انوری زاده، السید محمد انوری سعد الله افندی، که از اعظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز صنف اول از رتبه اولی و حامل نشان مخصوص به آن رتبه است، مرخص و تعیین شده بر وجه اصول عادیه بعد از نشان دادن و ملاحظه و مبادله وکالت نامه های مبارکه، انعقاد معاهده مبارکه در ضمن نه فقره آیه قرار داده شده که در این کتاب مستطاب بیان، و در مجلس منعقد ارزنة الروم مبادله می شود.

فقره اول — دولتین اسلام قرار [می] دهند که مطلوبات نقدیه طرفین را که

تا به حال از یکدیگر ادعا می کردند کلاً ترک کنند، ولیکن با این قرار به مقاولات تسویه مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خللی راه نیابد.

فقره دوم — دولت ایران تعهد می کنند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی [تمام] اراضی جانب غربی آن را به دولت عثمانی ترک کند و دولت عثمانی نیز تعهد می کند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جبالبه آن را مع درّه کردند به دولت ایران ترک کند و دولت ایران قویاً تعهد می کند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هرگونه ادعا صرف نظر کرده به حق تملک که دولت عثمانیه در ولایت مذکوره دارد وقتاً من الاوقات یکطور دخل و تعرض نمایند و دولت عثمانی نیز قویاً تعهد می کند که شهر و بندر محقره و جزیره الخضیر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد، و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتی های ایران به آزادی تمام از محلی که به بحر منصب می شود تا موضع التحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند.

فقره سیم — طرفین متعاهدین تعاهد می کنند که به این معاهده حاضر[ه] سایر ادعا[ها]شان را در حق اراضی ترک کرده، از دو جانب بلا تأخیر و مهندسین و مأمورین را تعیین نموده، برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نماید.

فقره چهارم — طرفین قرار داده اند که خساراتی که بعد از قبول اختلالات دوستانه دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی الاولی سنه هزار و دویست و شصت و یک تبلیغ و تحریر شده به طرفین واقع شده، و هم رسومات مراعی از سالی که تأخیر افتاده، برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت وصول و احقاق حق شود از دو جانب بلا تأخیر مأمورین را تعیین نمایند.

فقره پنجم — دولت عثمانی وعده می کند که شاهزادگان فراری ایران را در برسا اقامت داده غیبت آنها را از محل مذکوره و مراوده مخفیة آنها را به ایران رخصت ندهد، و از طرف [دولتین] علیتین تعهد می شود که سایر فراری به موجب معاهده سابقه ارزنة الروم عموماً رد شوند.

فقرة ششم — تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و جاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً به وجهی که در عهدنامه منعقدۀ ارزنة الروم در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ماده ششم که دایر به تجارت است مسطور شده ادا کنند، و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود.

فقرة هفتم — دولت عثمانی وعده می کند که به موجب عهدنامه های سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوآر ایرانی اجری دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند به کمال امنیت محل های مبارکه را که کائن در ممالک دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد می کنند که به مزاد استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فیما بین [دو] دولت اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسب ترین مسائل را استحصار نمایند، تا چنانکه زوآر ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه به جمیع امتیازات نایل می باشند سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور بوده خواه در تجارت، خواه در مواد سایر از هر نوع ظلم و تعدی و بی حرمتی محفوظ باشند. و علاوه بر این بالیوزهایی که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار ایرانیه به جمیع محل های ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود، به غیر از مکه مکرمه و مدینه منوره، دولت عثمانیه قبول می نمایند و وعده می کنند که کافۀ امتیازاتی که شایسته منصب [و] مأموریت بالیوزهای مذکوره باشد در حق قونسولهای سایر دول متحابه جاری می شود در حق آنها نیز جاری بشود. و نیز دولت ایران تعهد می کند که بالیوزهایی که از طرف دولت عثمانیه به جمیع محل های ممالک ایرانیه که لازم بیاید نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق تبع و تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد می کنند معامله متقابل را کاملاً اجری دارند.

فقرة هشتم — دولتین علیتین اسلام تعهد می کنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد می باشند تدابیر لازمه اتخاذ و اجری کنند، و به همین خصوص در محل های مناسب عسکر اقامت خواهند داد. دولتین علیتین تعهد می کنند که از عهده هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و

غارت که در اراضی یکدیگر وقوع می یابد برآیند. قرار دادند عشایری که متنازع فيه باشد و صاحب آنها معلوم نیست، بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد از این دائماً اقامت خواهند کرد یکدفعه به اراده اختیار خودشان حواله شود. و عشایری که تبعیت آنها معلوم است جبراً به اراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند.

فقره نهم — جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده ای که در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوصه به این معاهده حاضره القا و تغییر نشده، مثل آنکه کلمه به کلمه در این صفحه مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقا شده است، و فیما بین دو دولت علیه قرارداد شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضا شده تصدیق نامه های آن را مبادله خواهند کرد و کان ذلک فی یوم سادس عشر جمادی الثانیه سنه هزار و دویست و شصت و دو.

هم در این سال ناخوشی وبا در دارالخلافه بروز کرد و اردوی همایون و خدام حرم جلالت و حاجی میرزا آقاسی و بعضی از امنای دولت به بیلاق لواسان رفتند. پس از چندی در اردو نیز وبا افتاد و جمعی از معارف به این ناخوشی درگذشتند و موکب همایون به لواسان بزرگ رفته و پس از چندی توقف در اواخر ماه شعبان به نیاوران معاودت کردند — هم در این اوقات خبر رسید که رحیم قلی خان بن اللهقلی خان خوارزمی بعد از پنج سال حکمرانی درگذشته است و چون رحمن قلی توره یمنی خائزاده منصب ایناقلی داشته و به قانون اوزبک به حانی نمی رسید محمدامین خان برادر کهنتر رحیم قلی خان خان خیره شده است، بنابراین از دربار پادشاهی میرزا رضا به تهنیت و تعزیت به خوارزم رفت — هم در این سال کیناز دالغورکی از جانب دولت روس به وزیر مختاری به دربار دولت علیه آمده مقیم شد، و وزیر مختار سابق معاودت نمود — هم در این سال آب رود کرج که پیش بدان اشاره نمودیم به خارج شهر طهران جاری شد و موکب همایون از قصر قاجار به تماشای این نهر تشریف فرما شده بعضی تشریفات به عمل آمد — هم در این سال محمدحسین میرزای حشمت الدوله که در تبریز اقامت داشت درگذشت، و

میرزا محمدشفیع شیرازی مشهور به میرزا کوچک متخلص به وصال از فحول شعرا و خوشنویس ها و ارباب کمال و حال در شیراز وفات کرد، و نشاطی خان هزارجریبی شاعر نیز در این سال بدرود زندگانی گفت.

اروپا — (انگلیس) — حرکت فرانکلن به طرف قطب شمال. (فرانسه) — شورش سخت در مملکت الجزایر به اغوای امیر عبدالقادر — مخاصمه فرانسه با مکزیک — معاهده با امپراطور مسقط. (عثمانی) — شورش طایفه آرتاوت — طایفه دوروز در لبنان نسبت به طایفه مارونیک که مسلمان [هستند] صدمات زیاد می زنند.

[سنه ۱۲۶۳ هجری = سنه ۱۸۴۶ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حسن خان سالار ولد اللهیارخان آصف الدوله خالوزاده اعلیحضرت شهریار غازي محمدشاه عصیان و خودسری خود را آشکارا کرد و آنچه آصف الدوله او را نصیحت کرد سودی نبخشید. آخر الامر آصف الدوله به سالار گفت من صدهزار تومان برداشته به طهران می روم، اگر در امر سلطنت اختلالی است من نیز مردم را برانگیخته بهمن میرزا را از آذربایجان تحریر می نمایم و تو را خبر می دهم که راه دارالخلافه را پیش گیری و مقصود حاصل شود و اگر اختلالی در کار نباشد با حاجی میرزا آقاسی دوستی کنم و این صدهزار تومان را به ملازمان حضرت سلطنت پیشکش نموده حکومت قوش و استرآباد و سمنان و دامغان را ضمیمه حکمرانی خراسان می نمایم آن وقت بهتر می توانیم خیال خود را به انجام رسانیم — خلاصه آصف الدوله به طهران آمد و باآنکه چندان محل اعتنا نشد فرمانی صادر کرد که سالار متولی باشی باشد، و میرزا محمدخان پسر دیگر آصف الدوله به خراسان رفته به نیابت آصف الدوله حکومت کند، و سلیمان خان حاکم بسطام پانصد نفر تفنگچی و یکصد سوار و دو عراده توپ با میرزا محمدخان تا مرینان بفرستد. بدین منوال میرزا محمدخان از بسطام گذشت و به سالار پیغام داد که توپ و سوار بسطام را به بهانه همراه آورده ام اگر اذن می دهی تصرف کنم، سالار در جواب گفت هنوز زود است. میرزا محمدخان توپ

و سواره و پیاده بسطام را باز پس فرستاد و نزد سالار رفت. سالار و جعفرقلی خان ایلخانی شادلو به خیال افتادند که کلات را تصرف کنند و معقلی در دست داشته باشند و چنین کردند. بعد از آن جمعیت کثیری فراهم آورده عازم تسخیر دارالخلافه شدند. چون آصف الدوله از واقعه باخبر شد اجازه سفر مکه معظمه حاصل نموده روانه گردید و مخارج گزافه‌ای در این سفر نمود و انعامات وافره بداد. و ابراهیم خلیل خان سرتیپ ابن حاجی اسمعیل خان با جمعی از پیاده و سوار از دارالخلافه به دفع سالار روانه شد و در غرة رمضان به بسطام رسید. و از آن طرف سالار با لشکری بجزار تا سبزوار راند و جعفرقلی خان کُرد شادلو را با دوازده هزار نفر مقدمه الجیش ساخته از راه کلاته خبیج به قریه قهیج آمده اتراق کرد، و فیما بین دو لشکر کمتر از دو فرسنگ بود. سلیمان خان حاکم بسطام و ابراهیم خلیل خان مشورت کرده قرار بر این دادند که ابراهیم خلیل خان با جعفرقلی خان روبرو شود، اگر غلبه کرد فبها المطلوب و الا به بسطام آید. بنابراین قرار داد ابراهیم خلیل خان با لشکر جعفرقلی خان دوسه فقره مصاف داده آنها را شکست دادند. بعد از آن حسن خان سالار با بیست و پنج هزار سوار و پیاده خراسانی به مزینان رسید، و محمدخان بغایری و جهانگیرخان گرجی را با هزار سوار به امداد جعفرقلی خان فرستاد. و در این اوان محمدعلی خان از سرداران سپاه ظفرهمراه با ده عزاده توپ و چهار فوج سرباز از دارالخلافه به دامغان، و از اینجا به ده ملا آمد و دوازده هزار سوار خراسانی قصبه شیخون و حمله بر اردوی محمدعلی خان نموده ولی مغلوب و منهزم گشتند و ابراهیم خلیل خان در ده ملا به محمدعلی خان پیوست و یک روز بعد نواب حمزه میرزا (حشمت الدوله) برادر والا گهر شهریار غازی با چهارده عزاده توپ و پنج هزار نفر در رسیدند و ابراهیم خلیل خان و محمدعلی خان به اردوی شاهزاده ملحق گشتند و معلوم شد که سالار با بیست و پنج هزار نفر در میامی اتراق داشته و دوازده هزار سوار منهزم نیز بدو پیوسته مستعد قتال می باشند. نواب حمزه میرزا به طرف میامی راندند و سالار باخبر شده آماده جنگ شد و چون احتمال قوی می داد که مقهور گردد چهارده رأس اسب به خواص خود سپرده آنچه میسر بود وجه نقد بر ترک اسبها بسته که اگر بنای فرار شد دست خالی نماند. پس از این تمهید نایره قتال

اشتعال یافته دسته جات سواره و عساکر خراسانی بعضی متفرق شدند و برخی به رکاب والا آمده از سالار تبری نمودند. سالار پسران خود را با جعفرقلی خان و سلیمان خان دره جزی و شاهرخ خان قاجار کرمانی برداشته به جوین گریخت. سلیمان خان دره جزی نیز نزد نواب حمزه میرزا آمده اظهار عبودیت کرد و معروض داشت که سالار می خواهد در قلعه کلات متحصن شود. نواب معظم او را مأمور دره جز و دفع سالار نمودند. سالار امیراصلان خان پسر خود را با نقود و جواهر به کلات فرستاد که اگر بکلی مقهور گردد خود نیز بدانجا رود. مردم کلات امیراصلان خان را راه ندادند و او در خارج کلات بماند. سالار نیز از جوین به بوزنجرده آمده، بوزنجدیان او را پذیرفتند، لهذا با جعفرقلی خان به طرف آخال راند و چون چهل هزار تومان وجه نقد همراه داشت ترکمانان به طمع زر سالار و همراهان او را پذیرائی کرده قراوغلان آن بیگی آنها را به یورت و آلاچیق خود جای داده و طایفه توقتمش را که تابع وی بودند نزد سالار آورد و اظهار خصوصیت نمود. از آن طرف نواب حمزه میرزا که سالار را تعاقب می کردند به بوزنجرده رسیدند و چون شهر مشهد را نظمی نبود ابراهیم خلیل خان را روانه ارض اقدس کردند و میرزا محمدعلی خان را به حکومت بوزنجرده و آن نواحی برقرار کرده خود نیز به مشهد مقدس رفتند. محمدعلی خان چون در بوزنجرده بدسلوکی کرد مردم به سالار و جعفرقلی خان ایلخانی متوسل شدند. سالار و ایلخانی با قراوغلان و دوهزار سوار به بوزنجرده آمده این شهر را متصرف شدند و محمدعلی خان مقتول شد و قشون ابوابجمعی او در ارک محصور گشته در مدافعه می کوشیدند. نواب حمزه میرزا از ماجری خبردار شده تعلیق به یزدان و پردی خان بن رضاقلی خان زعفرانلو نوشته او را مأمور بوزنجرده نمودند و محمدولی خان قاجار نایب را نیز با لشکری بدان ساحت فرستادند و خود نیز عازم بوزنجرده گردید. ایلخانی و سالار چون دانستند که مرد میدان مقاومت نیستند بعضی از طوایف شادلو را کوچ داده و تراکمه و اکراد اسیر بسیار از سربازان خاصه از طایفه بیات برداشته روانه آخال شدند و نواب حمزه میرزا به بوزنجرده آمدند و با آنکه برف باریده و مسالک را صعب نموده قصد تعاقب سالار و ایلخانی کردند و به مانه که محل سکناى ایلخانی و طوایف شادلو

بود راندند و چهل روز در اینجا رحل اقامت انداختند — هم در این سال عبدالله خان امین الدوله اصفهانی در ماه شعبان در نجف اشرف درگذشت و نواب شیخعلی میرزا ابن خاقان مغفور وفات نمود — هم در این سال خسروخان گرجی به کردستان مأمور شده و بعضی به بهمن میرزا نوشتند که خسروخان به گرفتن تو می آید. لهذا بهمن میرزا به طهران آمد و اطمینان یافت و چون خسروخان به کردستان رسید متعلد امور حکومتی گشته رضاقلی خان والی کردستان را که معزول شده بود به دارالخلافه فرستاد — هم در این سال میرزا جواد غلام پیشخدمت همشیره زاده میرزا محمدعلی خان شیرازی وزیر امور خارجه مأمور اسلامبول شد که عهدنامه ای را که میرزا تقی خان وزیر نظام در ارزنة الروم بسته بود مبادله نماید — هم در این سال بهمن میرزا مجدداً توهم کرده به سفارتخانه دولت روس رفت و به موجب استدعای وزیر مختار روس معفو و روانه تفلیس شده در خاک روس سکنی گرفت — هم در این سال حاجی ملا محمد تقی برقانی که در ششم بابیه مصر بود در سن هشتاد سالگی به تحریک برادرزاده اش قره العین که زنی بود در کمال جمال و پیرو بابیه در مسجد قزوین در محراب کشته شد. و آقامیر محمد مهدی امام جمعه دارالخلافه رحلت نمود و آقا میرزا ابوالقاسم برادرزاده او به امامت به جای او برقرار گشت — هم در این سال حاجی سید اسمعیل مجتهد قمی داعی حق را لبیک اجابت گفت، و حاجی میرزا مسیح طهرانی که در عتبات عالیات ساکن بود در هفتاد سالگی به جوار رحمت ایزدی پیوست — هم در این سال هزار و چهارصد و سی و هشت قریه هائی که حاجی میرزا آقاسی خود آباد کرده بود و تقریباً دو کرور قیمت داشت به شخص همایون شهریار غازی هبه و پیشکش نمود.

اروپا — (انگلیس) — رُیزرت پیل به صدارت منصوب می شود، بعد از چندی رُون روسیل به صدارت برقرار می گردد — شورش در ارلند — فتح مملکت لاهور در هندوستان که بعد از فتح، دو کرور لیره از اهالی لاهور جریمه گرفته می شود. (روس) — شورش در لهستان که به زودی رفع می شود. (اسپانیول) — مزاحجت ملکه با ابن عم خود فرانسوا. (فرانسه) — نجات یافتن پادشاه در ثانی از کشته شدن

— فرار لوی ناپلیون از قلعه هاء — بروز قحط و غلا در این مملکت — طفیان آنها و خرابی شهرها — انقلاب در الجزایر به واسطه امیر عبدالقادر — یوریه منجم معروف ستاره نبطون را انکشاف می نماید — اختراع پنبه باروطی — جمعیت فرانسه در این سال هفتاد و یک کرور است. (ایتالیا) — فوت گرگوار شانزدهم پاپ و جلوس پی نهم به جای او. (روس) — بروز وبا در پترزبورگ که سه سال امتداد می یابد. (عثمانی) — ایجاد مدرسه دارالفنون.

[سنه ۱۲۶۴ هجری = سنه ۱۸۴۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در پنجم محرم این سال جعفرقلی خان ایلخانی قصد دستبرد و شبیخون به اردوی نواب حمزه میرزا (حشمت الدوله) که در مانه بود نمود ولی کاری از پیش نبرده جز اینکه لطفعلی خان بغایری را که مأمور به قلعه خان بود دستگیر کرده به آخال بردند و چون در میان قبایل توقمش و اوتمش در توقف سالار در آخال خلاف درگرفت سالار عازم کلات گردید و پس از آنکه دانست کلات به تصرف پسرش امیراصلان خان درنیامده به سرخس رفته مهمان اراض خان ریش سفید تراکمه سرخس گردید و امیراصلان خان پسرش با اهل و عیال بدو پیوست، و پس از چندی معلوم شد جعفرقلی خان در محلی از گرگان کمین کرده نواب حمزه میرزا عبدالله خان افشار صاین قلعه را با سواران افشار و خراسانی بر سر او فرستاده او را منهزم کردند، و جعفرقلی خان به طرف هرات رانده به یارمحمدخان پیوست، و نواب والا شبی هفده فرسنگ راه طی کرده بر سر تراکمه تاخته جمعی را مقتول و دستگیر نموده آخر الامر به شفاعت میرسعدالله خان فندرسکی سید خانوار گروگان از ترکمانان گرفته آنها را به سملقان بورت دادند و جمعی از سواره آنها ملتزم رکاب والا شدند. پس از آن خبر رسید که سالار با هشت هزار نفر قصد شهر مشهد کرده ابراهیم خلیل خان با جمعی به مدافعه او مأمور شد و در کال یاقوتی جنگ درگرفت، عبدالله خان افشار صاین قلعه و دو برادرش مقتول گشتند ولی سالار منهزم شد و جمعی از تراکمه اسیر گشتند و نواب حمزه میرزا به شهر مشهد رفته به نظم

امور پرداختند و قراول به حراست میرزا محمدخان بیگلربیگی برادر سالار و متعلقین ایلخانی که در روضه مطهره حضرت رضا سلام الله علیه نشسته بودند گذاشته مصطفی قلی خان قراگوزلو سرتیپ همدانی را به حفظ شهر مأمور کرده سام خان ایلخانی ابن رضاقلی خان زعفرانلو را به رکاب والا طلبیده به عزم دفع سالار به قریبقره حوالی سرخس راندند، ریش سفیدان سرخس پیشکشی فرستاده از سالار توسط نمودند. مقارن این حال نواب حمزه میرزا را مرضی شدید عارض شد و سالار و برادران او موقع را مساعد دیده مواضعه در تسخیر مشهد کردند به این معنی که برادران سالار اشرار و اهالی شهر را به طفیان تحریک کرده و سالار را به تصرف شهر خواندند. چون شهر بشورید نواب حمزه میرزا با وجود ناخوشی به طرف شهر مشهد رانده اهالی که یاغی بودند به مدافعه برخاستند و در این اوان سالار نیز با لشکر زیاد به مشهد آمد و تا ده فرسنگ مسافت از اطراف شهر مشهد مردم به حمایت اهالی شهر متفق و با سالار مساعد شده کار سالار قوتی گرفت و همه روزه فیما بین عساکر نواب حمزه میرزا و اهالی شهر و سالار جنگ در کار بود و جمعی از طرفین مقتول می شدند. مقارن همین اوقات ناخوشی و ضعف بر مزاج مبارک اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه غالب آمد و آفتاب عمر این پادشاه که در جود و سخا و علم و حیا و عزم و حزم و لشکرکشی و مملکت ستانی عدیل و مانندی نداشت میل افول نمود. نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا در کتاب جام جم شرحی از این واقعه غم افزا نگاشته و تاریخ ارتحال شهریار مبرور ماضی محمدشاه غازی را چنین نظم فرموده اند:

به سال شصت و چهار از بی هزار و دو بیست شب سه شنبه ششم هم از مه شوال
به قمر نو شه ایران زمین محمد شاه اجل پیاله عمرش نمود مالامال
و مقصود از قمر نو قمر جدید محمدی است که در غربی تجریش در مدت سه ماه
به امر شهریار مبرور اسکنه الله فی ریاض السرور ساخته شد. نیز نواب مستطاب
معظم در کتاب مذکور گویند: ولادت شهریار غازی محمدشاه روز سه شنبه ششم
ذیقعد هزار و دو بیست و دو بوده و مدت عمر مبارکش چهل و یک سال و
یازده ماه تمام قمری، و نعش مطهر ایشان را در باغ لاله زار که خارج شهر

طهرانست به امانت گذاشتند و پس از ورود شاهنشاه جمجاه اعلیحضرت ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطان به دارالخلافه طهران آن جسد مبارک را به قم فرستادند و در شب عید غدیر همین سال در صحن مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها مدفون گردیدند. و این قنبر جدید شباهت کلی به قنبر سبکتکین داشت که قبل از وفات خود بنا نهاده. چنانکه گلیایگانی در ترجمه عتبی گوید: در اواخر ایام و خواتم عمر سبکتکین سرائی بنا فرموده بود او را سهل آباد نام کرده و مالی بسیار در عمارت آن انفاق افتاده و استادان چرب دست در تحسین و تزیین اساس و وضع قواعد آن صنعت های بدیع و تأتق های^۱ غریب نموده به سبب حادثه کارته^۲ او، ناتمام بماند و فرزندان او از آن اعراض کردند و بدان فال بد زدند تا خراب شد و سعی که در تأسیس عمارت آن رفته بود ضایع ماند — خلاصه شهریار مبرور البسه الله حلال النور جامع اوصاف حمیده بودند، خط نستعلیق را خوش می نوشتند، در صنعت نقاشی مهارت داشتند، و مدت ملکشان چهارده سال و سه ماه بوده است — انتهى.

نگارنده گوید: بعد از آنکه دست این مصیبت پیراهن صبر و شکیب اهل مملکت خاصه خانواده سلطنت و رجال و ارکان دولت را قبا نمود اشکها جاری و دلها قرین سوگواری گردید. مرهم این زخم جانسوز و رزیت غم اندوز، جلوس ابد مانوس اعلیحضرت همایون شاهنشاه جمجاه ناصرالدین شاه ایده الله تعالی بود بر سریر گردون مسیر خلافت، و اریکه سلطنت، که این مسرت اجر آن محنت گردید، و دهنها پس از آن همه خون جگر خوردن بخندید (اقبال را به وعده وفا کرد روزگار) جسم مملکت جانی تازه گرفت و انجمن مکرم روحی بی اندازه یافت، جمال ملک را کمالی شایان حاصل گشت، و دست معدلت اوراق تطاول ایام را در نبشت. و از آنجا که ما شرح سلطنت و شهریاری این شهریار عادل باذل متعالی به بقائه را در کتاب مآثر السلطان در ضمن دو جلد مفصلاً نگاشته ایم در این کتاب محتاج به بسط نیستیم و محض اینکه ترتیب از دست نرود خلاصه آن

۱. تأتق: نیک نگرستن در کاری برای نیکو انجام دادن آن.

۲. کارته: غم انگیز و دردناک.

مطالب را خواهیم نوشت — بعون الله تعالى.

هم در این سال چون شهریار ماضی انارالله تعالی برهانه از قصر محمدیه شمیران به ریاض قدس در پیوست، نوبت خسروی به اعلیحضرت همایون خسرو صاحبقران، شاهنشاه کلّ ممالک محروسه ایران، شهریار عادل باذل، ظل الله الممدود، السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار ادام الله تعالی ایام ملکه رسید. ذات ملکوتی صفات مقدّس که تا آنوقت به ولایتعهد سلطنت در دارالسلطنه تبریز تشریف فرما و در انتظام امور مملکت آذربایجان تجشّم می فرمودند بعد از وقوع غایله هایلّه شهریار ماضی طاب الله ثراه مسرعی از طرف نواب مهدعلیا طیب الله تربتها، و امنای دولت اعلام را به آذربایجان شتافت (نواب مهدعلیا دخترزاده خاقان مغفور فتحعلی شاه و فرزند امیرمحمد قاسم خان بن سلیمان خان قاجار قوانلو والدّه اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه بودند) و نواب معظم لها به نظم شهر و توابع دارالخلافه و تمهید مقدمات جلوس پادشاهی دام ملکه رای و تدابیر صایبه فرموده شاهزاده علیقلی میرزا را که به زیور فضل و دانش آراسته بود به وزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند — خلاصه پس از ورود چهر و وصول خبر به آذربایجان و اقدام کارگذاران به انجام شرایط و لوازم کار، و جمع آوری افواج و سوار، شب چهاردهم شوال المکرم ولیعهد کامکار در تبریز به مبارکی جلوس فرمودند و علمای آن بلد و امرا حاضر شده جلوس مبارک را تهنیت گفتند و از شاهزادگان بزرگ حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمدتقی میرزای حسام السلطنه به تقبیل عتبه علیه سر بلند گردیدند و میرزا تقی خان فراهانی وزیرنظام و میرزا جعفرخان مشیرالدوله به تجهیز لشکر و تهیّه سفر و روانگی موکب همایون به دارالخلافه پرداختند و فرمان صادر شد که میرزا جعفرخان متوقف تبریز و مأمور امور دول خارجه باشد و موکب اعلی روز نوزدهم شوال از شهر تبریز نهضت فرمود. و چون مردم تبریز و طهران از طایفه ماکوئی و حاجی میرزا آقاسی رنجیدگی داشتند علی خان ماکوئی را که به سردار آذربایجان معروف بود دخلی در این خدمت ندادند و میرزا فضل الله نصیرالملک به پیشکاری مشغول بود و میرزا تقی خان وزیرنظام به رتق و فتق امور لشکر

می پرداخت. و چون محمدخان زنگنه امیرنظام در این وقت درگذشت میرزا تقی خان منصب امیرنظامی یافت.

و از این طرف حاجی میرزا آقاسی که بزرگان ایران را از خود رنجیده خاطر می دید و از همه مایوس بود به حضرت امامزاده عبدالعظیم علیه السلام پناه برده بستی شد، و امرا و بزرگان همه منتظر مقدم فرخنده شیم مبارک بودند و احیاناً اگر فسادى در داخل و خارج می دیدند به قدر قوه در اصلاح آن می کوشیدند و قطع و فصل احکام به رأی صایب نواب مهدعلیا طابت تربتها بود. منشورها مرقوم فرمودند و ملاحظات منظور شد. حاجی علی خان والد مؤلف را که در این وقت از زیارت بیت الله الحرام مراجعت کرده بود به حکومت و تنظیم گیلان فرستادند، و عباسقلی خان جوانشیر به ضبط قرای خالصه پرداخت، جعفرقلی خان قراجه داغی با صد و پنجاه سوار به حفظ خزانه اصفهان مأمور شد که به سلامت به طهران برساند. بالجمله موکب همایون کوچ بر کوچ به سلطانیه رسید. نواب عبدالله میرزا عم شاهنشاه ایران به وزارت میرزاشفیع تویسرکانی حکومت خمسه یافت. و در این ایام میرزا نصرالله اردبیلی صدرالممالک خود را صدراعظم دولت می شمرد و چنان می پنداشت که به مجرد وصول اردوی معلى این منصب بدو تفویض خواهد شد. سیف الملک میرزا ولد اکبر ظل السلطان که در قزوین متوقف بود به وساوس نفسانی به میان قبایل نواحی قزوین رفته بنای سرکشی گذارده به هوس پادشاهی افتاد و ارقام به اطراف فرستاد. ولی سلیمان خان افشار او را در بقعه امامزاده معروف به گازرسنگ دریافت و دستگیر نموده به دارالخلافه آورد. هم در این ایام میرزا محمدعلی خان شیرازی از سفارت پاریس مراجعت کرده در دارالخلافه بود تا اردوی همایون در قریه یافت آباد که قریب دارالخلافه است قرار گرفت. شاهزادگان و بزرگان درگاه به خاکبوس آستان مبارک سرافراز شدند. در این محل پیشکاری میرزا تقی خان امیرنظام معلوم همه کس گردید و میرزا محمدسعید انصاری (جناب وزیر دول خارجه) کاتب اسرار مکتومه و منشی رسایل خاصه شد.

روز جمعه بیست و یکم شهر ذیقعدة الحرام اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران با فر و شکوهی فراوان دارالخلافه طهران را به قدم

مصادات لزوم مبارک مزین فرمودند و در شب شنبه بیست و دویم در سرای سلطنتی پیش روی کلاه فرنگی هفت ساعت و بیست دقیقه از شب گذشته جلوس بزرگ روی داد و در این جلوس میرزا تقی خان به لقب اتابیکی و منصب صدارت عظمی نایل گردید و به خلعتی فاخر مخلم آمد.

روز شنبه بیست و دویم سلام عام در قالار تخت مزمر انعقاد یافت و هم از آن روز میرزا تقی خان اتابیک اعظم به تدابیر امور ممالک محروسه پرداخت و با میرزا آقاخان وزیر لشکر که در امور عراق و بعضی ممالک دیگر بصیرتی داشت راه اتحاد گرفت. اسکندر میرزا به وزارت میرزا موسی تفرشی مستوفی به حکومت قزوین رفت، شاهرخ میرزا ولد فرمانفرمای مرحوم حاکم کاشان شد، و محمد کاظم خان کاشانی وزارت او یافت. در دوازدهم ذیحجه نعل شهریار میرو و طاب ثراه را به دارالایمان قم نقل و تحویل دادند. حاجی نورمحمدخان سردار و سلیمان خان افشار به امداد نواب حمزه میرزا و نظم و اصلاح امور خراسان و قلع و قمع حسن خان سالار و جعفرقلی خان روانه خراسان شدند. نواب شاهزاده سلطان مراد میرزا که بعد به لقب حسام السلطنه اختصاص یافتند نیز از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مأمور خراسان و مصمم تسخیر بوزنجر و تخریب اسفراین شدند. نورمحمدخان و سلیمان خان هم به اردوی نواب والا حسام السلطنه آمده و جعفرقلی خان که متفق با سالار بود به استمالت سلیمان خان به ربه اطاعت و انقیاد دولت درآمده روانه طهران شد و پس از ورود معفو و مورد مرحمت شاهانه گردید، و نواب حسام السلطنه با لشکر راه خراسان پیش گرفته به سبزوار رسید و لشکر را به محاصره شهر فرمان داد. و در این وقت بسیاری از خوانین خراسان شر اطاعت پیش آورده به اردوی شاهزاده پیوستند و پیوسته نقاط و بلاد دیگر عرض راه خراسان مسخر سپاه منصور گردیده نواب حسام السلطنه پیش می رفتند. در حوالی جوین تلاقی فریقین شده جنگی سخت مابین سپاه منصور و لشکر سالار اتفاق افتاده دویست نفر از قشون سالار مقتول و خود او فراری شده پس نشست، و محمد ابراهیم خان قاجار از جانب نواب والا حسام السلطنه حکومت جوین یافت و شاهزاده قصد تسخیر سبزوار کرد. در این وقت یحیی خان تبریزی از دارالخلافه با

استعدادی مجتهد و خزانه درخور، و نشانهای الثقات برای سام خان و دیگران در رسید. شاهزاده حسام السلطنه اسکندر خان سر تپ قاجار را با استعدادی وافق بر سر تربت و ترشیز فرستاده تربت و ترشیز نیز مسخر سپاه منصور گردید و شهر و حصار سبزوار هم که چندی در محاصره بود مفتوح شد، و شاهزاده از آنجا عزیمت نیشابور کرد، و اماموردی خان بیات که از جانب نواب والا حشمت الدوله حکومت نیشابور داشت و در این مدت به سالار موافقتی نکرده بود در این موقع به استقبال آمده استدعا نمود که جمعی را معین فرمایند تا به نیشابور درآمده شهر را به ایشان سپارم. در این ایام که عید نوروز فیروز بود نیشابور را نیز تصرف کردند.

هم از وقایع این سال مأموریت میرزا محمدصادق وقایع نگار در اوایل سال به وکالت رعایای تمامی آذربایجان و رسیدن به محاسبات آن مملکت و مأموریت میرزا جعفرخان مشیرالدوله به سرحد بغداد بود که به اتفاق وکلای دولت روس و انگلیس و عثمانی از آنجا به محمره رفته سرحد اراضی دولتین را تشخیص دهند. نواب مؤیدالدوله طهماسب میرزا مأمور به حکومت کرمان و فضلعلی خان از آنجا احضار شد. دوستعلی خان حاکم یزد به دارالخلافه آمد و حاجی بیژن خان گرجی که ریش سفید عمده خلوت بود به حکومت یزد رفته به زودی نیز معزول شد. نواب معزالدوله بهرام میرزا به ایالت فارس و نواب رکن الدوله اردشیر میرزا به لرستان و خوزستان و خان خانان سلیمان خان قاجار حاکم اصفهان شد. نواب خانلر میرزا را از مازندران خواسته به بروجرد فرستادند و مازندران را به برادرش نواب مهدقلی میرزا سپردند و در زمان او فتنه طایفه بابیه در مازندران موجب هلاکت جمعی کثیر شد — هم در این سال میرزا تقی خان صدراعظم به مصاهرت اعلیحضرت شاهنشاه سرافراز گردید. بعضی افواج به تحریک برخی امراء حسود بر میرزا تقی خان شوریده دوباره آنها را آرام کردند — حاجی علی خان والد مؤلف منصب فراشبازی گری یافت — فیما بین علمای تبریز اختلافی پدید آمد و نواب ملک قاسم میرزا حکمران تبریز به اصلاح پرداخت — میرزا احمد شاملوی خوشنویس درگذشت — حاجی میرزا آقاسی مرخص شده به عتبات عالیات رفت و میرزا نصرالله صدرالممالک اردبیلی را بعد از شورش افواج مغرضین متهم نموده به قم رفت و از

آنجا او را روانه کرمانشاه کردند. و آغا بهرام قرباغی را نیز مخدولاً به کرمانشاه برده و سپردند و جمعی از امرا که مورث فتنه و شورش بر ضد میرزا تقی خان بودند تنبیه شدند — آقا سید میرزای کاشی به منصب پیشخدمتی حضور نایل گردید — حاجی رجبعلی بیک یاور توپخانه سرهنگ توپخانه شد — مادام کلنار فرانسوی زوجه حاجی عباس شیرازی که به شرف اسلام مشرف شده به شغل مترجمی خادمان حرم جلالت برقرار گردید.

بقیه شرح فتنه بابیه

هم در این سال سیدیحیی پسر آقا سید جعفر معروف به کشفی اصطهباناتی که از خواص مریدهای باب بود به یزد رفت و معتقدین او در بلاد و ممالک محروسه متفرق و بنای دعوت و عوام فریبی نهادند. از جمله ملاحسین بشرویه‌ای که از علما و به امید ریاست تابع او شده بود در مشهد مقدس در میان فتنه سالاری مشغول فریب جمعی بود او را گرفته به اردوی نواب حشمت الدوله آورده حبس کردند بعد از چندی در حرکت اردو فرار کرده به مازندران رفت و سیصد چهارصد نفر از فریب‌خوردگان به او وصل شدند که به آذر بایجان به یاری سیدعلی محمد روند، و سیدعلی محمد که از سال قبل در حضور حضرت اقدس ولیعهد و جمعی از علمای دارالسلطنه تبریز به معرض امتحان و اختبار درآمده و بطلان دعاوی او مشهود خاص و عام گردیده بود به امر اقدس حضرت ولیعهد و فتوای علما تا این زمان در چهاریق محبوس بود و تابعین او در هر جا در پرده بنای فساد و عوام فریبی گذاردند. حاجی محمدعلی نام بارفروشی که او نیز یکی از مشاهیر این طایفه گردیده بود با ملاحسین بشرویه‌ای و جمعی دیگر در خارج شهر بارفروش اقامت کرده در پرده بنای عوام فریبی گذاشتند. سعیدالعلما خبر شده امر به اخراج آنها نمود و کار به منازعه و مقاتله کشید و دوازده نفر از بابیه به قتل رسیدند. و بعد از چندی ملاحسین و حاجی محمدعلی با اتباع خود عزم عراق کردند ولی در محوطه مقبره شیخ طبرسی که از معارف فضلاء محدثین و مشایخ طبرستانست قلعه بنا کرده تحصن جستند و

دست به غارت مأكولات و محصولات رعیت گشودند و جمعیت متابعان به دوهزار نفر رسید. نواب مهدیقلی میرزا با خوانین و سرکردگان مازندران به دفع این غایله مأمور شده و در خارج قلعه مزبور با بابته محاربتی سخت کردند و ملاحسین بشرویه ای در مقام عصیان ثبات قدم به خرج می داد و مدتی خونها به ناحق ریخته شد تا عاقبت سلیمان خان افشار قاسم لو از دربار معدلتمدار مأمور مازندران شده قلعه را گرفته و آن طایفه مطروده را قلع و قمل کردند — نیز از فتنه های این قوم مطرود یکی خروج ملامحمدعلی زنجان در زنجان بود که بعد از مدتی تحصن در زنجان، و گرد آمدن جمعیتی زیاد بر او، و محاربات سخت با قشون دولت، آخر به دست محمدخان بیگلربیگی پسر فتحعلی خان گیلانی، زنجان مسخر و ملامحمدعلی مقتول و سایرین نیز مقتول و متواری گردیدند و معلوم اولیای دولت شد که اصل شعب فساد وجود سیدعلی محمد است لهذا به فتوای علمای اعلام او را با دو نفر از مریدهای او از چهریق به تبریز آوردند و به یک دسته از فوج بهادران نصرانی سپرده او را تیرباران کرده بکشتند و این واقعه در هزار و دویست و شصت و شش رونمود — فتنه دیگر خروج سیدیحیی پسر آقاسیدجعفر اصطهباناتی در نیریز فارس بود و جمعی هم از اهالی به او گرویدند. دیوان بیگی محمدعلی خان بن حاجی شکرالله خان نوری و مصطفی قلی خان قراگوزلوی سرتیپ به حکم نواب نصرت الدوله فیروز میرزا حکمران فارس به دفع سیدیحیی و اتباع او مأمور شدند و بعد از مقاتله بر آنها غلبه کرده سیدیحیی را دستگیر نموده به شیراز آورده به حکم قصاص بکشتند، و حاجی زین العابدین خان حاکم نیریز که به واسطه طفیان سیدیحیی ضعیفی در کار حکومت بهم رسانیده بود دوباره مستقل شده و پس از چندی او را در گرمابه بکشتند.

اروپا — (اسپانیول) — در این سال در داخله اسپانیول اغتشاش و بی نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد. (اطریش) — دخل دولت اطریش در این سال سیصد و سی و پنج کروور و دویست و سی و هشت هزار فلرن، و خرج سیصد و سی و هفت کروور و دویست و نود و هشت فلرن بود (فلرن معادل دوهزار و

پانصد دینار پول ایران است). (آلمان) — در این سال اشرار قسمتی از لهستان که در تصرف پروس است به واسطه شورش که در سال قبل نموده بودند تنبیه شدند.

(انگلیس) — در این سال حیوبات در انگلیس تسعیر بهم رسانید، پنبه از ینگ دنیا نیامد، پول کم شد، اگنل که از معارف ارلند بود وفات نمود — اقتدار انگلیس در افغانستان و لاهور رو به ترقی نهاد — میانه دولت چین و انگلیس مجادله در گرفت و این دولت، چین را به تصرف کانتن که بندر چین است تهدید کرد و بعضی امتیازات از دولت چین به جهت دخول مال التجاره خود حاصل نمود. (ایتالیا) —

ورود اول سفیر دولت عثمانی به دربار پاپ در این سال بود، و همچنین به طبع رسانیدن خرج و دخل دولت پاپ اول دفعه. (پرتوغال) — عجز دولت پرتوغال از نظم و رفع شورش داخله مملکت و استعانت نمودن از دولت انگلیس در این سال بود. (روس) — در این سال قحط و غلا در فرنگستان نمودار شده غلات و حیوبات دولت روس در آن ممالک به قیمت و مبالغ گزاف به فروش رسید و این فقره موجب مکنت و آبادی روس شد — طلای زیادی نیز از معادن کوههای اورال عاید روس گردید. (سوئیس) — در این سال هفت ایالت سوئیس که مذهب کاتولیکی دارند در بعضی مسائل که راجع به مذهب است با وکلای تمام ایالت سوئیس که در برن پایتخت مجتمع شده مخالفت نمودند. دول اطیش و فرانسه هم در باطن، اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب را محرک و تقویت می کنند، لیکن دولت جمهوری سوئیس ژنرال دفورن را با پنجاه هزار نفر به جنگ اهالی آن هفت ایالت مأمور ساخت و در ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منظم نمود. (فرانسه) — در این سال در فرانسه قحطی حیوبات و غلات و شورش در بعضی ایالات آن روی داد، اما گندم روس که از بندر اُدسا حمل به کشتیهای فرانسه شد افاقه کلی به حال اهالی مملکت فرانسه نمود — مارشال سولت از خدمت دولت استعفا نمود — مسیو کثیرو منصب صدارت یافت — پرنس آدلاند خواهر لوی فلیپ پادشاه فرانسه وفات کرد — امیر عبدالقادر به مارک فرار نمود — دوک دومال پسر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر گردید — در مارک امیر عبدالقادر را به حکم سلطان مارک گرفته به سردار فرانسه تسلیم نمودند — دخل دولت فرانسه در این سال دویست و هفتاد و

هفت کرور و بیست و پنج هزار و شصت و هشت تومان و پنجهزار رایج ایران و خرج سیصد و بیست و یک کرور و سی هزار و دویست و شصت و هشت تومان و پنجهزار بوده — افتتاح راه آهن از ایشین به بولن هم در این سال شد.

امریکا — (اتانونی) — در این سال مابین اتانونی و مکزیک جنگی سخت روی داد و قشون اتانونی مکزیکه پایتخت مکزیک را فتح کرد. (هایتی) — در این سال ریشه رئیس جمهوری وفات یافت و سلوک که از جنس سیاهان بود به ریاست برقرار گردید.

[سنه ۱۲۶۵ هجری = سنه ۱۸۴۸ مسیحی]

آسیا — (ایران) — شب چهارشنبه بیست و پنجم شهر ربیع الثانی به مبارکی تحویل شمس به برج حمل شد و شرایط سلام خاص و عام و جشن نوروز در شب و روز به عمل آمد — مطلب اهم این سال باز رفع فتنه خراسان و دفع محمدحسن خان سالار است. نواب حشمت الدوله با اردوی خود متوجه هرات گردیده در دوفرسخی غوریان لشکرگاهی اختیار و از نیمه محرم تا آخر ربیع الثانی در آنجا اتراق نمودند و یارمحمدخان از بابت مالیات هرات نقداً جنساً خدمات نمود. پس از اطلاع نواب حشمت الدوله از مأموریت نواب حسام السلطنه عزیمت نیشابور، و در آنجا دو شاهزاده و برادر یکدیگر را ملاقات کرده و در آن اثنا فرمان احضار نواب حشمت الدوله و ولایت نواب حسام السلطنه شرف وصول یافت و نواب حشمت الدوله پس از ورود به دارالخلافه و شرفیابی حضور همایون به حکومت آذربایجان منصوب، و میرزا محمد مستوفی ولد میرزا تقی قوام الدوله به وزارت ایشان مخصوص گردید. و در این ایام چراغعلی خان زنگنه را برای کشف امور خراسان و استمالت ملالار بدان ساحت روانه نمودند، و او پس از چند روز توقف در مشهد و چند مجلس ملاقات و مقالات با سالار و علمای مشهد آخر بی نیل مرام مراجعت کرد و به لطایف الحیل جان خود را از شر او باش و جهال مشهد به سلامت در برده به اردوی نواب حسام السلطنه پیوست و از آنجا روانه دارالخلافه

شد. بالجمله نواب حسام السلطنه سلیمان خان دره جزی را فرمان داد تا کلات را تصرف نماید و خود از راه سر ولایت نیشابور رو به مشهد مقدس کرد و چون به قلعه شاهان دز که در چمن کوباغ واقع و در تصرف توابع سالار بود رسید فرمان به محاصره و تسخیر داد. پس از قدری مقاتله و لختی خونریزی از طرفین، سکنه قلعه منهزم و قلعه مفتوح شد و قلعه گیان از در استیمان درآمدند و اردوی شاهزاده از آنجا به چمن قهقهه و از چمن قهقهه به خارج مشهد مقدس ورود نمود و در زمان ده هزار نفر از شهر بیرون آمده از طرفین جنگ در پیوست و پس از چهار ساعت محاربه قشون شهری پس نشست و نواب شاهزاده حکم داده محاذی هر دروازه سنگری محکم بستند و همه روزه کار به محاربت می رفت و نایره قتال از طرفین اشتعال داشت ولی شکست و هزیمت وادبار همه روز از طرف لشکر سالار بود و چندی بدین منوال گذشت سالار را دیگر تاب محاربه و مقاتله نمانده به محصوریت تن در داد و برای مخارج سپاه تنگدستی دامنگیر او شد و به خیال تصرف خزانه حرم حضرت رضوی علیه السلام افتاد و با جرأت و جسارت تمام هر چه در خزانه مبارکه و قبه مطهره آن حضرت از قنادیل طلا و نقره و سایر آلات زرینه و سیمینه و اشیاء نفیسه بود به یغما برد که بیست و دو هزار تومان زر مسکوک از اشیاء طلا و نقره به دست وی آمد و حبوبات انبار خاصه حضرت را به جای علوفه به لشکریان پخش کرد و از امام جمعه و علمای مشهد بددل شده آنها را گرفته محبوس داشت، و عجب آنکه از علمای محبوس تمسک پا به مهر اثاث و اسباب منهوبه حضرت را گرفته به خدام آستانه مقدسه می سپرد — خلاصه باز در این ایام از دارالخلافة طهران لشکری به مدد اردوی نواب حسام السلطنه روانه خراسان داشتند که معاون اردو و متابع صمصام خان سرتیپ باشند. و آن لشکر عبارت بود از عباسقلی خان بن ابراهیم خان بادکوبه ای و فوج خوشی، و علی خان قراگوزلو و فوج همدانی، و حسنعلی خان سرتیپ که الحال سالار لشکر است با فوج گروسی، و جمعی از سواران گُرد و ترک آذربایجان، و عبدالعلی خان مراغه ای سرهنگ توپخانه با چهار عراده توپ و برخی دیگر از قشون ظفرنمون — سالار هم از اموال آستانه مقدسه باز نیرو و قوتی گرفته دوباره از طرفین ساز جنگ کردند و ایامی چند بدین منوال بود تا

باز لشکر سالار منهزم و در حصار شهر متحصن شدند به‌طوری که دیگر قدرت بیرون آمدن از شهر و با لشکر حسام السلطنه رزم کردن برای آنها نماند ولی از بالای باره و برج به واسطهٔ توپ و تفنگ معارضتی می‌کردند و گاه‌گاهى انتهاز فرصتی نموده بر سنگرها یورش می‌آوردند و حاصلی جز انهزام نمی‌یافتند. هم از دارالخلافه حاجی یوسف خان سرتیپ فوج قراداغی، و توکل خان با فوج خمسه، و چهارصد نفر سوار کلیائی، و پانصد بار قورخانه و سه عراده توپ به اردو ملحق شد و به حکم والا بر عدد و استحکام سنگرها افزودند و از آن طرف باز سالار جری به جنگ شده همه‌روزه با پسرش امیراصلان خان بیرون آمده با لشکر فیروزی اثر محاربه می‌نمودند و زیاده از دویست نوبت با سپاه منصور کارزار شده بود که امتداد آن از وقت صبح تا هنگام شام می‌بود — در این ایام اسکندر خان قاجار از اردوی خراسان به دارالخلافه احضار و محمدناصر خان دولو (ظهیرالدوله) به سرداری سپاه خراسان مأمور شد — بالجمله در تمام این سال سپاه نصرت‌پناه و غازیان دولت مشغول محاربه با سالار و محاصرهٔ شهر مشهد مقدس بودند تا عرصه بر اهالی شهر تنگ و دلها از طول مدت محاربه و محاصره ملول گردید. و عمده سبب این تراخی و طول زمان این بود که غازیان دولت نمی‌خواستند به واسطهٔ یک نفس شریر سالار و اتباع مخصوص او که از در طغیان و عصیان درآمده و باعث این همه شر و فساد و تباهی حال عباد شده‌اند بیباکانه در تخریب شهر و مملکت و اتلاف نفوس محترمه و اهالی و رعیت که در هر حال باز هر دو مملوک پادشاه و متعلق به دولت بودند بکوشند.

هم در این سال میرزا آقاخان نوری به لقب اعتمادالدوله ملقب گردید، و میرزا کاظم خان ولد معزی‌الیه به منصب استیفا نایل آمد — میرزا محمدحسین ولد میرزا محمدحسین عزب‌باشی به همین منصب نیز سرافراز شد — هم در این سال در شهر تبریز شورشى در میان عوام سکنه و اهالی برخاست و محمدرضاخان فراهانی که در این وقت وزارت آذربایجان داشت به دستیاری چند نفر از علمای شهر آن غوغا را فرونشاند — نیز از وقایع این سال رفتن عزیزخان آجودان‌باشی است به ایروان برای تهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت روس الکساندر دویم پسر مرحوم

امپراطور نیکلا (امپراطور ماضی مرحوم که مقتول شدند پدر همین اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم) که برای نظم حدود قفقاز و مملکت گرجستان به ایروان می آمدند و نامه مودت ختامه با تمثالی مهرمثال، مرصع و مکمل به الماسهای قیمتی با یک رشته حمایل آسمان رنگ به همراهی معزی الیه برای حضرت ولیعهد انفاذ فرمودند و اسمعیل خان خزانه دار نظام نایب اول سفیر دولت شده حامل هدیه و تحف امیر نظام برای فرمانفرمای گرجستان گردید.

هم از سوانح این سال طغیان بعضی از اشرار اصفهانست — چون خان خانان را از حکومت اصفهان به دربار احضار و حکومت اصفهان را به غلامحسین خان سپهدار تفویض داشتند و محمدحسین خان خلیج به نیابت سپهدار از پیش به اصفهان آمد روزی سربازی با یکی از بستگان مرحوم میرزا سید محمد امام جمعه نزاعی کرده و حرمت امام جمعه را منظور نداشتند، امام جمعه بهم برآمد اشرار فتنه جوی اصفهان که سرمنشأ آنها احمد میرزا که از طرف مادر به سلاطین صفویه می پیوست و میرزا عبدالحسین مستوفی و محمدعلی خان و میرزا ابوالقاسم و غیره بودند بی رضای امام جمعه فتنه را بزرگ کردند و محمدحسین خان خلیج نایب الحکومه سپهدار را در مسجد جامع بکشتند. مابین اشرار بلد و سرباز و بستگان حکومت جدال و قتال سخت شد، جمعی از دارالخلافه مأمور رفع غایله شدند. آخر اشرار فراری و متواری و جمعی از آنها مقتول و دستگیر شده احمد میرزا به قم فرار کرد و پسرهای محمدحسین خان خلیج دست به او یافته به خون پدر او را بکشتند و میرزا عبدالحسین مستوفی مدتی در قریه قمصر کاشان متواری بود و آخر الامر در قریه دهنو اصفهان در خانه علی نام ملازم خودش کسان سپهدار او را گرفته به شهر برده به قتل رسانیدند و بعد از رفع این غایله چراغعلی خان به حکومت اصفهان مأمور شد.

هم در این سال نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد خسروخان لک را گرفته مغلولاً به دارالخلافه فرستاد، و عباسقلی خان جوانشیر به حکومت اردبیل و مشکین مأمور شد — و از حادثات این سال وفات شاهنشاهزاده سلطان محمود میرزا بود که به ولیعهدی منصوب می بود و

در صغر سن رحلت کرد، و حاجی میرزا آقاسی که در عتبات عالیات لقامت داشت به عالم باقی روانه شد، و محمدحسن خان سردار ایروانی حکومت یزد یافت، و آقاخان ایروانی از اقارب او نایب الحکومه او شده به یزد رفت و محمد عبدالله که در این وقت باز دم از خودسری می زد و اشرار دور او جمع آمده تمکین از نایب الحکومه نمی کردند. پس از چندی آقاخان از نیابت معزول و شیخعلی خان عم زاده محمدحسن خان سردار به جای او منصوب شد و محمد عبدالله را به استمالت و احتیال به دست آورده مقتول داشت و شهر یزد آسوده و منظم شد — و هم به صوابدید امیرنظام ابراهیم خلیل خان را از دارالخلافه باهره به اردبیل کوچ دادند.

اروپا — (اسپانیول) — در این سال شورشی در مادرید پایتخت اسپانیول برپا نمودند — الوزاقا که یکی از شورشیان بود محبوس شد — میان دولت اسپانیول و دولت انگلیس به جهت تفتین سفیر انگلیس قطع مراوده شد — اول خط راه آهن در اسپانیول به مسافت بیست و پنج هزار ذرع که از بارسلون الی ماتاؤ باشد ایجاد و ابداع شد. (اطریش) — در این سال تعیین وزرای مجارستان شده و معین گردید که از وزرای مملکت اطریش مجزی باشند — در وین پایتخت اطریش شورشی برپا و مسیو مترنیخ وزیر اعظم معزول شد — امپراطور اطریش به سبب شورش اهالی وین و بعضی ولایات دیگر توقف نمودن در شهر انسبروگ را غیرلازم دانسته از آنجا مهاجرت کرد — عساکر اطریش که در خاک ایتالیا بودند شهر مزار [را] که جزو روم و در تصرف پاپ بود به غلبه متصرف شدند — امپراطور اطریش بعد از چندی وارد وین شد — مملکت مجارستان که یکی از ممالک اطریش است به دولت شوریده کونت لامبرک سپهسالار خود را که از طرف دولت اطریش مأمور بود به قتل رسانیدند، و نیز در وین کونت لاتور وزیر جنگ را شورشیان کشتند — امپراطور مجبوراً از وین به اولموتر فرار کرد و سه روز بر سبیل استمرار قشون دولتی به شهر وین گلوله توپ و نارنجک می انداختند تا روز سیم شهر تسلیم شد — امپراطور فردیناند اول از سلطنت استعفا نموده اعلیحضرت فرانسوا ژوزف برادرزاده خود را که در آن وقت هیجده ساله بود به جای خود منصوب نمودند. (انگلیس) —

در این سال در بعضی از شهرهای ارلند شورشی پدیدار آمد — لورد بان تنک که از معارف رجال دولت بود درگذشت. (ایتالیا) — در این سال در جزیره سیسیل همچنین در ولایت ناپل شورشی برپا شد — فیما بین دولت اطریش و ساردین و لمباردی نزاع درگرفت. سفاین جنگی پادشاهان ناپل و ساردین به بندر طریست از بنادر اطریش وارد شد — ایالتین ساردین و لمباردی یکی شده سلطنت شارل آلبر پادشاه پیمن را اختیار کردند — شهر میلان که به تصرف شارل آلبر درآمده بود و از تصرف اطریش خارج گردیده به واسطه نفاق جمهوری طلبان به ریاست مازینی از تصرف شارل آلبر بیرون شد و مجدداً به تصرف اطریش درآمد — شهر ونیز و توابع اعلان جمهوری نمودند — پاپ بعد از قتل مسیوروسی صدراعظم خود از اهالی روم سوءظن حاصل کرده به ناپل رفت. (باویر) — در این سال لوی پادشاه باویر از سلطنت استعفا کرده ولد خود ماکسیمیلین دویم را به جای خود نصب کرد. (پروس) — در این سال در برلن پایتخت پروس مختصر شورشی به ظهور رسید. (دانمارک) — در این سال کریستیان هشتم پادشاه دانمارک درگذشت و سلطنت به فردریک هفتم ولد ارشد او رسید — ایالات اسلشویک و هولستن شورش نمودند — قشون پروس به این ایالات وارد، و راتزل سردار پروس چند شهر از این دو ایالت را تصرف کرد — دول فرانسه و انگلیس و روس در این جنگ مداخله نموده حمایت از دولت دانمارک کردند. (روس) — در این سال در اغلب بلاد ممالک روس وبای شدیدی ظاهر شد و در بعضی نقاط خشکسالی سبب مشقت اهالی گردید. (سوئد) — در این سال سلاطین سوئد و دانمارک با یکدیگر ملاقات کردند و پادشاه دانمارک را در نظم ایالات یاغیه سلطان سوئد امداد نمود. (سوئیس) — در این سال شهر برن پایتخت دولت و مرکز جمهور گردید و مقرر شد موقوفات کلیسا به اطلاع رجال دولت جمهور به مخارج مقرر برسد. (عثمانی) — در این سال رشیدپاشا صدراعظم عثمانی بی مقدمه از صدارت عظمی عزل و صارم پاشا نصب گردید، مجدداً بعد از پنج ماه نصب رشیدپاشا شد — در افلاق بغداد شورش نمودند و قشون روس به بهانه نظم این دو ایالت آمده تا بوکارست پایتخت رفت. (فرانسه) — در این سال لوی فلیپ پادشاه فرانسه به واسطه شورش مردم خود را از

سلطنت خلع نموده پسرزاده خود را به جای خود پادشاه نمود اهالی پاریس تمکین این مطلب نکرده به شورش افزودند لوی فلیپ غفلتاً فرار به مملکت انگلیس نمود، اهالی شهر بهم ریخته خونریزی شدیدی در حوالی عمارت سلطنتی شد و عمارت سلطنتی را که موسوم به توپلری بود غارت کردند، آنگاه اهالی فرانسه چندی دولت موقتی وضع نمودند بعد تمام اهل مملکت جمهوری طلب شدند — لوی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اول که در مملکت انگلیس و فراری بود وارد پاریس شده دو سه ایالت او را به سمت وکالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند — آرشوک پاریسی که اعظم قسّسین آن شهر بود با چند نفر ژنرال در یکی از جنگها که اهالی شهر باهم می کردند کشته شدند — آخر الامر لوی ناپلیون به ریاست چهارمالة جمهوری برقرار شد — راه آهن از پاریس الی بندر دیپ در این سال کشیده شد — شاتوبریاند که شاعر معروف و نویسنده مشهور فرانسه بود به سن هشتاد سالگی در این سال درگذشت. (هلاند) — در این سال در مملکت هلاند قرار آزادی ادیان شد به این معنی که هرکس در هر مذهبی باشد در کمال آسودگی و رفاهیت می تواند در این مملکت زیست و زندگی نماید.

آفریقا — (مضر) — در این سال مرض محمدعلی پاشای مصری اشتداد یافت و ابراهیم پاشا ولد محمدعلی پاشا والی شد، و چیزی نگذشت که درگذشت و عباس پاشا برادرزاده محمدعلی پاشا به والیگری رسید.

امریکا — (اتائونی) — در این سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت مسیحی مهندسی از اهالی ینگگی دنیا معدن طلائی در سواحل رودخانه های سالرمانتو و سان ژوانیک در ایالت کالیفرنیا انکشاف نمود — ژنرال تیلور به ریاست جمهوری منتخب و برقرار گردید — فیما بین اتائونی و مکزیک عهد صلح منعقد گشت — نول کالیفرنیا را مکزیک به مبلغ شانزده کرو و یکصد هزار تومان وجه رایج ایران واگذار کرد به اتائونی.

[سنه ۱۲۶۶ هجری - سنه ۱۸۴۹ مسیحی]

آسیا - (ایران) - تحویل نیر اعظم به حمل در این سال هشت ساعت و یک دقیقه از شب پنجشنبه ششم شهر جمادی الاولی گذشته بود و مراسم جشن تحویل و سلام عید به وجهی شایان به عمل آمد - نظم ممالک در این سال به درجه کمال رسید، عمده اختلالی که در کار کشور به نظر می آمد فتنه سالار و اغتشاش کار خراسان بود که از توجه اولیای دولت جاوید نظام مبذل به انتظام شده صورت اختتام یافت، بدین شرح که موافقان سالار را آخر الامر عجز و بیچارگی طاری شد و رعب غالب آمد و قصد اطاعت و متابعت نواب حسام السلطنه کردند، و در نهم جمادی الاولی این سال شهر مشهد را به شرط ایمنی و سلامت جان و مال خودشان به تصرف عساکر منصوره دادند. سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر به درون صحن مقدس پناه برد و هواخواهان او متفرق شده هریک به طرفی رفتند و چون سالار خود هیچ حرمت آن روضه مقدسه و بقعه مبارکه را نگاه نداشته بود امروزه نتیجه سوء اعمال و وخامت آنهمه جسارتها دامنگیر خود او شده به حکم نواب حسام السلطنه او را با دو پسرش امیراصلاح خان و یزدانبخش میرزا و محمدعلی خان برادرش دستگیر کرده به لشکرگاه بردند و پس از شورای عسکری و ثبوت جرایم و تقصیرات سالار آنها را به سیاست و قتل رسانیدند. بعد از انجام این خدمت نواب حسام السلطنه به نشان تمثال بیمثال همایون و شمشیر مرصع و همین لقب مفتخر و نایل گردید و محمدناصرخان سردار نشان الماس یافت و هریک از چاکران خدمتگذار به اندازه لیاقت و خدمت مورد مرحمت شده دارای خلعت و نشان گردیدند و بعضی از توپها و افواج را روانه دارالخلافه نمودند، و چراغعلی خان بعد از ورود قوللر آقاسی گشت، و نواب حسام السلطنه در خراسان مستقل شد - نیز در این سال فتنه سیدیحیی رفع و به انتها رسید و شرح آن در ذیل وقایع سال اول نگاشته شد - نواب نصرت الدوله حکمران فارس شیخ نصرخان پسر شیخ عبدالرسول خان دریابیکی را از حکومت بندر بوشهر معزول و میرزا حسنعلی خان ولد

حاجی قوام الملک را به جای او حکومت دادند. شیخ حسین خان عم شیخ نصرخان بترسید که این حکومت موروثه از این سلسله بیرون رود به امداد اعراب راه حاکم جدید را ببست و در بندر بوشهر نشست. مصطفی قلی خان قراگوزلوی سرتیپ با افواج خود به معاونت میرزا حسنعلی خان و مدافعت شیخ حسین خان برفت و او را دفع داد و به ازای این خدمت به منصب میر پنجه گی نایل، و میرزا حسنعلی خان سالها در آن ولایت با سبکی پسندیده بماند — هم از وقایع این سال طغیان میرزا قوام الدین بهبهانی برادر میرزا منصورخان طباطبائی است که سالها در کوهگیلویه حکومت داشتند و وی را حکومت بهبهان به جهت بی مبالائی صافی نگشت.. روزگاری نزد منوچهرخان معتمدالدوله و پیش از آن در خدمت امین الدوله عبدالله خان بستمی برد، چون حکمرانی فارس به نواب والا بهرام میرزا (معزالدوله) رسید محمدکریم خان قاجار ایالت کوهگیلویه یافت امور آن صفحات نظامی نگرفت و الوار سکنة آن بلاد خودسری گزیدند، میرزا قوام بدانجا رفته به معاونت اعراب و بعضی دیگر دست تصرف در اموال و ائقال خلایق دراز کرده و قلعه های محکمه گل و گلاب را تعمیر کرده راه خودسری پیش گرفت و به قطع طرق قوافل پرداخت و بر قرابت اعراب افزود و در دفع او کوششها رفت تا آخر الامر در حکومت نواب فیروز میرزای نصرت الدوله به دست عباسقلی خان سردار لاریجانی گرفتار شد و او را به شیراز و از شیراز به دارالخلافه آوردند و حسب الامر محبوس گردید و محمدباقرخان نوئی نیز به دست سردار مزبور افتاده مفلول شد — و نیز در این اوان نواب مؤیدالدوله طهماسب میرزا حکمران کرمان امور و ثغور بلوچستان را منظم کرد، و سام خان ایلخانی و عباسقلی خان میر پنچ و میرزا عبدالباقی متولیباشی حضرت رضوی علیه السلام از دارالخلافه رخصت یافته به مشهد مقدس مراجعت کردند و بر حسب امر همایون شاهنشاهی در آن بلد سی جا قراولخانه ها ساختند و به تسخیر سرخس تصمیم نیت دادند. سلیمان خان دنبلی به حکومت تربت رفت، و محمدتقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید، و محمدرضاخان قاجار به حکومت اردبیل و محمدحسین خان نوری به کارپردازی مشکین نایل شد و قاسم خان قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت و حکومت ارومی به نواب

مصطفی قلی میرزا مفوض شد و محبلی خان ماکوئی منصب میر پنجه گئی یافت. محمدعلی بیگ ناظر شاهنشاه مبرور به سرتیپی ایلات قزوین رفت ولی اجل او را مهلت نداد — نظارت اعلیحضرت اقدس همایون به نصرالله خان ولد امیرکبیر قاسم خان خال شاهنشاه مفوض شد — فوج مصطفی قلی خان به پاشاخان مگری (مظفرالدوله) سپرده آمد — موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی عزیمت قم و بعضی از نواحی عراق فرمودند.

اروپا — (اطریش) — در این سال اهالی مجارستان به دولت اطریش یاغی شدند سردار اطریش از طرف امپراطور این مملکت و اندیسکراتز مأمور به نظم مجارستان و تنبیه اشرار و یاغیان شد و در وسط زمستان قشون به مجارستان کشیده وارد شهر بود پایتخت آن مملکت گردید. عساکر روس که در والاشی بودند به کمک امپراطور اطریش وارد مجارستان شدند ولی اهالی مجارستان بعضی شهرها را که به تصرف قشون دولت بود متصرف شده، کوسوت نام را رئیس جمهور قرار داده اتفاق کرده مجارستان را خارج از مملکت اطریش اعلان نمودند و شهرپست که در حوالی شهر بود پایتخت می باشد به تصرف یاغیان درآمد. اعلیحضرت امپراطور اطریش به شخصه سرداری عساکر خود را متقبل و اردوی خود را در شهر پرسبورگ قرار داد — عساکر روس که در افلاق بغداد بودند به ملاحظه اینکه مبدا شورش اهالی مجارستان امتدادی یافته به سمت لهستان روس سرایت نماید مجدداً مهتم حمایت امپراطور اطریش شده قشون به کمک امپراطور اطریش به مجارستان فرستادند — نیز در این سال لشکر اطریش در ایتالیا فتح نموده و قلعه مدین را متصرف شدند — سردار بزرگ اطریش رادتزکی نام در ونوار پادشاه ساردین را مغلوب کرد و پادشاه ساردین از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را به سلطنت انتخاب و برقرار داشت — سردار مذکور اغلب شهرهای ایتالیا حتی فلورانس و غیره را متصرف شد و مملکت لومباردی را که از ممالک ایتالیا است به علاوه ونیز کلیتاً به تصرف اطریش درآورد — یک دسته از قشون فرانسه وارد بندر سیوتیا ویشیا بندر ایالت روم شد — بعد از فتوحات مذکوره در ایتالیا جرأت عساکر اطریش در مجارستان زیاد

شده در دفع اشرار آنجا ظنّ قریب به یقین حاصل نمودند — یکصد هزار قشون از روس مجدداً وارد مجارستان شده به کمک امپراطور اطریش آمدند، سردار این قشون بسکاویچ بود — اعلیحضرت امپراطور روس نیکلای مرحوم بشخصه به کراکوی به کمک امپراطور اطریش آمد — یاغی های مجارستان مستأصل شده فرار بر قرار اختیار کردند و پناه به خاک عثمانی بردند، بالاخره بعد از یکسال یاغیگری و شورش در مجارستان نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد. (آلمان) — هم در این سال اجزاء پارلمنت که در شهر فرانکفور جلوس می نمودند ریاست دول متعاهده آلمان را که تا آن زمان با دولت اطریش بود مسترد ساخته وکلای پارلمنت متفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول متعاهده آلمان خلع نمودند، این ریاست را به پادشاه پروس که در آن وقت فردریک گتوم بود تسلیم کردند، پادشاه پروس جواب صریح در ردّ یا قبول این شغل نداده اما از آن طرف امپراطور اطریش به مجلس وکلای پارلمنت آلمان اطلاع داد که ایشان از حدود معینه خودشان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را که جزو سایر وکلا در این پارلمنت بودند احضار به وین نمود — دولتین ورتمبروک و باویر که از دول معظمه آلمان می باشند تمکین و قبول نکردند که ریاست ایشان با پادشاه پروس باشد، پادشاه پروس هم بالطبع مایل این کار نبود و قبول نفرمود — به واسطه عدم قبول پادشاه پروس ریاست دول آلمان را که خلل به احکام مجلس فرانکفور وارد آمده بود در مملکت هاننور که نیز از دول آلمان است و در بعضی ممالک دیگر آلمان بنای شورش شد علی الخصوص در مملکت ساکس از دول آلمان شورش سختی کردند، مردم بر ضدّ خانواده سلطنت شدند — قشون پروس تا دیرزد پایتخت آن دولت حمله برده شورشیان را متفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود — در ایالت باد نیز بنای شورش شد — بعد از چندی پادشاه پروس به ریاست دول آلمان راضی شد مشروط که به واسطه عهدنامه، سلاطین ساکس و هاننور قبول این فقره نمایند و برعهده گرفت که داخله آن مملکت آلمان را منتظم سازد و دست دشمن خارجی را از ممالک آلمان کوتاه نماید — سردار پروس ژنرال پوکر با کمال رشادت و سختی در مملکت باد با شورشیان جنگ دارد — در پائیز

این سال سلاطین اطریش و پروس و ساکس باهم ملاقات کردند و مابین سلطان اطریش و پادشاه پروس چنین معاهده شد که از هر طرف دو نفر به جهت ریاست ممالک آلمان تعیین شود که فی الواقع ریاست کلیه از آن به بعد میان دولت اطریش و پروس مشترک باشد. (انگلیس) — هم در این سال بندر عدن در عربستان که متعلق به دولت انگلیس است به جهت تجارت تمام روی زمین باز شد — ایالت گینه را که در افریقا است انگلیس از پرتوغال ابتیاع نمود — نیز جنگ انگلیس با افغانه و هندیهای لاهور مستی به سیک و فتح ملتان و حمله افغانه به پنجاب و فتح پنجاب به دست عساکر انگلیس و تصرف آنجا از وقایع این سال است — هم در این سال به جهت عبور کالسکه راه آهن بر روی دریا در بوغاز منی پل بستند که جزیره انگلیزی وصل به کارتادرون شد — جمعیت انگلیس در این سال پنجاه و هشت کرور بوده. (ایتالیا) — در این سال اعلام جمهوری در شهر روم و ضبط موقوفات کلیسا به دست جمهوریان اتفاق افتاد — جلوس ویکتور امانوئل بر سریر سلطنت ساردین، و شورش اهالی ژن به پادشاه تازه از وقایع این سال است — والی سابق در پارم به اعانت اطریش مستقل گردید — دول اطریش و فرانسه و اسپانیول و ناپل پاپ را اعانت نمودند که از شر جمهوریان روم محروس باشد — چهار هزار قشون اسپانیول به سرداری ژنرال کوردوا به کمک پاپ آمدند و اهالی روم بنای مخاصمه با قشون فرانسه گذاردند، روم محاصره و در اواسط تابستان مفتوح شد — ریاست جمهوریان با گاریبالدی و مازینی بود — سلطنت ظاهری پاپ در مملکت روم به توسط فرانسه استقلال یافت — شارل البرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پرتوغال درگذشت — مابین پادشاه ساردین و ویکتور امانول و امپراطور اطریش در میلان انعقاد مصالحه شد — پاپ از کائیت که آنجا را مأمن خود قرار داده بود به روم مراجعت کرد. (دانمارک) — هم در این سال مابین دانمارک و عساکر آلمان که به کمک شورشیان اسلشویک هولستن آمده بودند شروع به منازعه شد و دو کشتی جنگی دانمارک را غرق کردند — قشون دانمارک عساکر پروس را که به کمک یاغیها آمده بودند شکست دادند و ششماهه مابین یاغیان و دولت دانمارک متارکه اتفاق افتاد — نیز در این سال به وساطت دولت انگلیس مابین

دانمارک و پروس و سایر دول آلمان انعقاد مصالحه شد. (روس) — در این سال دولت روس به اطیش در شورش مجارستان کمک نمود و خرج این امداد شصت کروور منات شد — اعلیحضرت امپراطور روس فرمان دادند که طایفه یهود که در ممالک روس متوقف اند یا باید به لباس روس ملبس شوند یا ملبوس جدید فرانسه را اختیار کنند یا هر سال مبلغی مالیات بدهند — جمعیت چهل و نه ایالت مملکت وسیعۀ روس در این سال یکصد و هشت کروور و نود و دوهزار و سیصد نفر بود — هم از وقایع این سال اینست که جمعی که درصدد قتل اعلیحضرت امپراطور روس بودند به دست می آیند و بیست و یک نفر آنها را که از عدالتخانه حکم قتل آنها صادر شده بود امپراطور از قتل آنها درگذشته حبس مؤبد می کنند. (سوئیس) — هم در این سال در مملکت سوئیس اوزان و مقادیر به طرز فرانسه قبول می شود. (عثمانی) — در این سال دولت عثمانی با دولت روس درخصوص افلاق بغداد معاهده می بندد، در این معاهده قید شده که حکام افلاق بغداد را عثمانی معین خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مدت حکومت هفت سال — پرنس شیکا والی افلاق بغداد گردید — نیز در این سال دولت اطیش و روس با دولت عثمانی کدورت حاصل نموده که چرا فراریهای لهستان و مجارستان را که پناه به خاک او برده بودند پس نمی دهد و دولتین انگلیس و فرانسه رفع این کدورت را توسط نمودند — امیرال انگلیس پارکر با کشتیهای جنگی انگلیس به کمک عثمانی وارد داردانل شد. (فرانسه) — در اوایل این سال لوی ناپلیون برادرزاده ناپلیون بزرگ که در چهارده کروور منتخبین یازده کروور و یکصد هزار نفر او را به ریاست جمهوری منتخب نمودند به این شغل قرار شد و عمارت الیزه را مسکن او قرار دادند — هم در این سال در فرانسه مدت دو ماه وبای شدیدی بروز کرد و مارشال بوژود از این مرض درگذشت — سرداران فرانسه ژنرال اودینو و ژنرال والیان روم را مسخر نمودند — قوت مارشال مولیستور که از سرداران رشید بزرگ فرانسه بود نیز در این سال اتفاق افتاد. (هلاند) — در این سال گیلیوم دویم پادشاه هلاند درگذشت و پسر او گیلیوم سیم در اوایل بهار به جای او جلوس نمود.

افریقا - (مصر) - در این سال محمدعلی پاشای مصری درگذشت.

امریکا - (اتانونی) - در این سال در ممالک اتانونی گفتگو در باب آزادی سیاهان که در بعضی از ایالات این ممالک برده بودند نمودند وصیت انکشاف معادن طلا در کالیفرنیا به اطراف رسیده از هرطرف جمعیتی رو به کالیفرنیا آوردند - اول وقتی که امتعه چین مستقیماً علی الخصوص چای پاناما وارد شد این سال بود و در ایالت کارولین اتانونی شروع به زراعت چای نمودند. (بنگی دنیای جنوبی) - در این سال ژنرال روزادر ریاست جمهور ایالات نبوزر استقلال تام و تمام بهم رسانید و این ایالت با انگلیس به همان قرار که با فرانسه عهد تجارت و دوستی بسته است معاهده نمود.

[سنه ۱۲۶۷ هجری - سنه ۱۸۵۰ مسیحی]

آسیا - (ایران) - تحویل آفتاب به حمل روز جمعه هفدهم جمادی الاولی یک ساعت و پنجاه دقیقه از طلوع آفتاب گذشته بود - نواب حسام السلطنه والی خراسان مسافرت به سرخس و دفع شر تراکمه آن حدود و تأمین و تصفیة آن نواحی را نموده مراجعت به ارض اقدس کردند - چرافعلی خان زنگنه قوللر آقاسی (که بعد لقب سراج الملکی یافت) به حکومت اصفهان نایل شد - محمد امین خان والی خیوق که بعد از برادر خود را خوارزمشاه می خواند آتانیاز محرم^۱ را که از نزدیکان او بود با هدایای لایقه به سفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جمجه روحنا فداء بأمور کرده در ماه ربیع الثانی وارد دارالخلافه شد و شرف اندوز حضور مبارک گردید، و مقرر شد که شخصی از چاکران کافی آستان سپهرنشان به همراهی او به خوارزم سفارت کنند و بعضی مطالب را انجام دهد. برحسب امر همایون مرحوم رضاقلی خان لله باشی را که یکی از اعیان کاردان و خدام دربار معدلت مدار و مردی خبیر و بصیر و نگارنده ای فاضل و بی نظیر بود انتخاب نمودند و او هازم این سفر شده وقایع مسافرت خود را من البدو الی الختم نگاشته و شرح این مسافرت در جلد دویم مرآت البلدان موسوم به مآثر السلطان نگاشته شده است و در اینجا

۱. محرم به اصطلاح اهل خوارزم پیشخدمت است. (مؤلف).

حاجت به اعاده نیست — هم در این سال در این دولت جاوید عذت یعنی دارالخلافة باهره روزنامه دولتی حاوی اخبار داخله و خارجه و بعضی اعلانات تجارتی و غیره ایجاد شد و اول نمره این روزنامه که از طبع خارج گردید مورخ به تاریخ [جمعه پنجم] ربیع الثانی سنه هزار و دویست و شصت و هفت بود — نیز در این سال به واسطه قراولخانه که در هر نقطه شهر دارالخلافة ساخته شده بود به نظم شهر افزود و مقرر شد که در سایر بلاد نیز قراولخانه ها بسازند — مصطفی قلی خان قراگوزلو منصب میرپنجی یافت — آقاخان ماکوئی سرتیپ سواره قزوین گردید — پاشا خان مکرری (حالا مظفرالدوله است) سرتیپ افواج سمنان و دامغان شد — سلیمان خان دنبلی حکومت تربت یافت — یوسف خان افشار را منصب سرهنگی فوج جدید افشار ارومی دادند — رضاقلی خان ولد سلیمان خان افشار صاین قلعه به نیابت حکومت صاین قلعه برقرار آمد — هم در این سال مقرر شد که ماهی دومرتبه یکی روز غره و مرتبه دیگر در پانزدهم ماه چاپار به آذربایجان و فارس و گیلان و مازندران و کرمان و خراسان و استرآباد و کرمانشهان رفته مراجعت کند — محمدتقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید — شفیع خان نایب اول آجودانباشی مأمور مصلحت گذاری و اقامت لندن شد — میرزا حسین خان (مشیرالدوله سپهسالار اعظم مرحوم) ولد میرزا نبی خان امیرتومان مأمور به کار پردازی بمبئی شد — بنای کارخانه چینی سازی در دارالخلافة طهران و کارخانه بلور سازی در قم شد — مفتول دوزی در لباس اهل نظام که تا آن وقت در ایران معمول نبود زنی طهرانیه مستماة به خورشیدخانم نمونه از آن دوخته به نظر اولیای دولت رسانید و حکم شد سردست و یقه صاحب منصبان را مفتول دوزی کنند — شال چونخای مازندران طوری تکمیل شد که برای لباس سرباز بسیار به کار می خورد — حکومت اردبیل به محمدرضاخان قاجار تفویض آمد — محمدحسن خان نوری به حکومت مشکین و ایلات آنجا رفت — قاسم خان قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت — میرزا زین العابدین تبریزی مأمور تعدیل مالیات گیلان و

فومن من اعمال گیلان شد - میرزا هدایت الله مستوفی (جناب وزیر دفتر) به تعدیل مالیات صاین قلعه و رسیدگی به مواجب سوار آنجا رفت - میرزا حسن خان وزیرنظام برادر جناب میرزا تقی خان اتابیک اعظم حکمرانی عراق یافت - محبعلی خان ماکوشی را منصب میرپنجگی دادند، و حسن خان یوزباشی ولد مشارالیه سرهنگ و مأمور شد که از اردبیل و مشکین یک فوج سرباز جدید بگیرد - حسنعلی خان سرهنگ (جناب سالار لشکر) از گروس یک فوج سرباز گرفت - از فراهان و کزاز دوفوج جدید، و از مراغه نیز یک فوج به سرتیپی جعفرقلی خان قاجار و از خلخال یک فوج به سرهنگی محمدعلی خان و از کرمان یک فوج به سرکردگی امامعلی خان گرفتند - اصلان سلطان از طایفه افشار خرقان منصب یاوری یافت - مصطفی قلی میرزا به حکومت ارومی رفت - نواب شاهزاده مؤیدالدوله حکمران کرمان و بلوچستان شد - حکومت یزد به محمدحسن خان سردار و نیابت حکومت معزی الیه به شیخعلی خان ایروانی مقرر شد - کلب حسین خان آجودانباشی مأمور سرپرستی قشون آذربایجان گردید - علیقلی خان شقاقی سرهنگ فوج دامغان شد، و نیز مقرر شد چهارده فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف دارالخلافه باشند - سیورسات گرفتن مأمور دیوان از رعیت چنانکه رسم سابق بود متروک شد - آبله کوییدن اطفال معمول گردید - در بعضی از منازل راه خراسان مثل الهاک و زیدر بنای قلعه گذاشته تفنگچی و مستحفظ قرار دادند - ایجاد تذکره عبور و مرور در جمیع بلاد ایران گردید - کاروانسرای معروف به کاروانسرای امیر در دارالخلافه بنام شد - محمدرحیم خان نسقچی باشی (علاءالدوله امیرنظام مرحوم) به حکومت خوی مأمور شد - امر معدن مس قراجه داغ نظم گرفت - محمدخان نویی را که از خوانین متمرّد پشتکوه فارس بود و در قلعه صعبی متحصّن، عباسقلی خان سردار لاریجانی حاکم بهبهان او را به چنگ آورده به سزای خود رسانید - شال کرمانی به طوری ترقی کرده و خوب شده که مشتبّه به شال کشمیری گردید - شکر مازندران را به طوری تصفیه نمودند که مثل شکر هندوستان شد - نواب ایلدرم میرزا برادر کوچک نواب خانلر میرزا از جانب ایشان نایب الحکومه لرستان شد - عبدالله خان صارم الدوله مأمور بمپور، و آن

حدود را نظم کلی داد — طایفه بلوچ سیستان که شرارت می نمودند یارمحتدخان
ظهیرالدوله به امر اولیای دولت علیه جمعیتی از هرات بر سر آنها فرستاده آنها را
تنبیه کرد — آقا اسمعیل سرهنگ، تحویلدار جیره و ملبوس و غیره نظام شد —
مطلب بیک تفنگدار سرکرده صد نفر سوار و صد نفر پیاده شده به حراست راه
خراسان مأمور شد — هفتاد باب خانه در لنگرود آتش گرفته بسوخت — قطران که
به جهت مصارف توپخانه از روس می آوردند در رحمت آباد گیلان به قدر کفایت
بخوبی ساختند — یک فوج سرباز جدید از نیشابور به سرهنگی محمودخان گرگری
گرفته شد — دهم جمادی الاولی در تبریز زلزله سختی شد — جوادخان بادکوبه ای
سرهنگ فوج جدید بروجرد شد — نصرالله خان (نصرالملک سرتیپ اول) سرهنگ
فوج گلپایگان گردید — هاشم خان قراباغی سرهنگ فوج کمره شد — جبرئیل خان
پسر مصمصام خان سرهنگی فوج جدید نصارای ارومی و سلماس یافت —
حسینعلی خان سرهنگ گروسی را به دارالخلافه احضار فرموده منصب سرتیپی دادند
— محمدتقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام مرحوم، و حسینعلی خان منسوب
او به جای او حکومت یافت — کوچه های شهر تبریز را به حکم نواب
حشمت الدوله سنگ فرش و تنظیف کردند — حکومت گلپایگان و خوانسار از
عربستان و لرستان مجزی و محول به نواب احمد میرزا شد — بهرام خان برادر کهنتر
حسینعلی خان سرتیپ سرهنگ فوج گروسی شد — سیصد چهارصد خانوار مشهدی و
هراتی که در ایام انقلاب آن شهر به هرات رفته به واسطه امنیت این بلد عود نمودند
و کار زراعت خراسان نیز منسق شد — پسران امامویری خان نیشابوری که دم از
خودسری می زدند به دست اللهقلی خان حاکم نیشابور دستگیر و قلاع آنها کوبیده
شد — صد نفر ریش سفیدان و کدخدایان معتبر سرخس به خراسان آمده متعهد
اطاعت شدند — ظهیرالدوله میرزا محمدعلی برادر میرزا نجف خان را از هرات با
عریضه به دربار همایون فرستاد — اهالی لارستان فارس که به واسطه قلاع
مستحکمه و جبال شامخه راه طغیان می سپردند به دست نواب والا نصرت الدوله
حکمران فارس مقهور و مطیع و قلاع آنها کوبیده شد.

هم در این سال موکب همایون اعلی روز سه شنبه نوزدهم جمادی الثانیه به

قصر قاجار نقل مکان کردند که در ماه رجب تشریف فرمای صفحات اصفهان شوند — میرزا حسن خان وزیر نظام که حاکم عراق بود به انتظام امور قشون آذربایجان رفت و بعد از انجام این خدمت مقرر شد که در اصفهان به رکاب اعلی پیوندد — قلعه ارگی تازه به معماری عبدالله خان معمار باشی بنا کردند — عمارات دیوانی اصفهان را برای ورود موکب همایون تعمیر نمودند — محمد تقی خان برادر محمد حسن خان سرتیپ فراهانی سرهنگ فوج جدید فراهان شد — محمدولی خان حاکم نهاوند معزول و مهدقلی خان نایب آجودانباشی به جای او حکومت یافت — قلعه ایرندگان را عبدالله خان صارم الدوله از تصرف محمدعلی خان بلوچ خارج کرده به مددخان سپرد — قلعه نه گنبد و حسین آباد در راه یزد چون دزدگاه و خراب بود شیخعلی خان نایب الحکومه آب آنجا را بیرون آورده بیست خانوار در آنجا مکنی داد که عابرین از آنجا به سلامت بگذرند.

روز شنبه غرة شهر رجب موکب همایون با شوکت و شکوهی تمام از مقر خلافت عظمی روانه یافت آباد شده که تشریف فرمای قزوین و از آنجا از راه سلطان آباد و بروجرد به سمت اصفهان نهضت فرمایند، جمعی از شاهزادگان عظام و وزرای کرام و امرا و ارباب مناصب و قدر معتدی سپاه از سواره و پیاده ملتزم رکاب اعلی بودند — عزیزخان آجودانباشی مأمور توقف دارالخلافة و ارک و نظم قشون شد — سیم رجب در منزل سلیمانیه کرج اطراق ملوگانه نموده روز چهارم به منزل قاسم آباد نزول اجلال فرموده و از اینجا منزل به منزل عازم قزوین شد — میرعلینقی خان پسر میرسعیدالله خان فندرسکی را منصب سرهنگی دادند — هادی خان حاکم ساوجبلاغ و مکرری معزول و عباسقلی خان گروسی به جای او حکومت یافت — عباسقلی خان بادکوبه ای سرتیپ فوج دهم خوشی به میرپنجه گی فوج مزبور و چهار فوج کرمانشاهان نایل گردید — سواره پایروند مأمور خراسان شدند — قشونی معتد با جعفرقلی خان میرپنجه مأمور گریگان گردید — روز نهم رجب وزیر مختار انگلیس و سفیر روم از دارالخلافة روانه اصفهان گردیدند و روز یازدهم وزیر مختار روس نیز به همان صوب عزم کرد — فرج الله خان سرهنگ یک فوج سرباز از ترشیز گرفت — روز هشتم رجب موکب همایون وارد قزوین شد

— کتاب نظام ناصری از مؤلفات نواب بهرام میرزا (میرالدوله) در دارالخلافة طبع و منتشر شد — برج و باره دارالخلافة تعمیر شد — موکب همایون هیجدهم رجب از قزوین تشریف فرمای صفحات عراق شد — حاجی علی خان قرشباشی والد مؤلف را اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه دادند — در مراغه سیدی عراقی صفحه‌ای از آهن ساخت که گلوله بر آن کار نمی‌کرد و مدعی بود که با همین آهن زره می‌سازد که گلوله را در آن اثری نیست نسبت صنایع غریبه نیز به او می‌دادند — در قزوین به جهت منع سیل سدی سدید به امر دولت بستند — سربازان فوج سوادکوهی را که نواب مهدقلی میرزا فرستاده بود در دارالخلافة سان دادند — محمدولی خان بیگلربیگی استرآباد به قصد تدمیر تراکمه با سه هزار نفر از سواره و پیاده از شهر حرکت کرد — موکب همایون دوازدهم شعبان تشریف فرمای سلطان آباد شد و در این سفر در منزل آشتیان مولودی ذکور از صلب مبارک شاهنشاهی روشنی بخش ابصار گردید — جباخانه در همه بلاد ایران خاصه در دارالخلافة طهران دایر و انواع اسلحه ممتاز ساخته شد و همچنین مهتاب به جهت آتش دادن توپ — موکب همایون روز نهم شعبان وارد بروجرد شده باغ شاه به ورود مسعود مزین گردید — حاجی محمدحسین کاشانی پارچه‌ای از پنبه و کج در کاشان ترتیب داده و بافته به ضخامت ماهوت ولی لطیف تر و بادوام تر و دوهزار ثوب کلیجه از آن برای اهل نظام به رسم علی الحساب به ثوبی چهارهزار و پانصد دینار ابتیاع شد — افواج و سواره زیاد در این سال از غالب بلاد و ایلات گرفته و در غالب ولایات قرار ساختلو و مشق افواج شد، و امر قشون ایران خیلی ترقی کرده و منظم شد و قشونی لایق به جهت نظم حدود گرگان و استرآباد و خراسان و دفع تراکمه به همه آن حدود فرستاده شد و تمام حدود شرقی و غیره ایران منظم و امن و مصفا گردید — از اتفاقات غریبه این سال آنکه گاوی در رشت حامله بوده و وضع حملش نمی‌شده صاحب گاو به نوهم اینکه مبادا بمیرد آن را ذبح نموده شکمش را شکافته گوساله بیرون آمده که دو سر داشته یکی بزرگتر و دیگری فی الجمله کوچکتر تا گردن که چسبیده به شانه است دو تا بوده و دست و پا و سینه و شکم موافق قاعده یکی و دم آن باز دو تا بود دکتر شلیمر آن گوساله را گرفت که تشریح

نماید.

موکب همایون روز شنبه بیست و یکم شعبان از بروجرد به عزم اصفهان
انتهاض فرمود — در مشهد مقدس و قوچان و تربت زلزله شدید شد — آقا باباخان
یوزباشی حکومت صاین قلعه یافت — موکب همایون اوایل رمضان را تشریف فرمای
چمن قهیز بود — دوازده هزار تومان به کرمانشاه و چهار هزار تومان به ملایر تخصیف
مرحمت شد — اشرار فوج قهرمانیه که چندی قبل به همراهی فوج دیگر طغیانی
نموده بودند در تبریز هریک به اندازه تقصیر خود تنبیه شدند — سرهنگی فوج جدید
کردستان را به امان الله خان والی کردستان مرحمت فرمودند — سرکردگی سواره
سنجابی و حکومت طایفه مزبوره را به علاوه منصب سرهنگی به اسدالله خان گوران
دادند.

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روز پانزدهم ماه رمضان شهر
اصفهان را به قدم مبارک مزین فرمود این سفر خیریت اثر زاید الوصف مختصن
صلاح حال رعیت بود زیرا که بر نظم بلاد افزود و در هر جا حسب الاستحقاق به قدر
لزوم تخفیفی مرحمت فرمودند، و منزل ذات همایون در عمارت سلطنتی شهر
اصفهان و ارکان و اعیان حضرت در ابنیه، نزدیکی دربار همایون، و سایر اهل اردو
از نظام و غیره در عمارت هفت دست و در کنار رودخانه زاینده رود چادر زده بودند
— میرزا محمدعلی خان به منصب وزارت دول خارجه نایل گردید — سلام عام روز
عید صیام در اصفهان با شکوهی تمام انعقاد یافت — عمارات سلطنتی دارالخلافه
را برای معاودت موکب اعلی تعمیر و بعضی ابنیه تازه بنا کردند — محمدولی خان
بیگلربیگی استرآباد قلعه خواجه نفس را تمام و حمزه خان انزلی را به مستحفظی
آنجا گذاشت و بند گریان را نیز ساخته و به انجام آورد و نواحی گریان و
استرآباد نظامی کامل یافت — میرزا احمد کارپرداز ارزنة الزوم به رکاب اعلی آمده
نیابت دویم وزارت دول خارجه یافت — مقرر شد سه فوج سرباز از توابع اصفهان
بگیرند و جبهه خانه ای در اصفهان بنا نمودند که در هر ماهی سیصد قبضه تفنگ و
هزار دست فانسقه و اسباب سربازی در آن تمام شود، و نظر به رعایت حال صنف
نساج اصفهان امر شد سالی پنجاه هزار دست ملبوس نظامی در اصفهان دوخته شود

— میرزا احمد وکیل دیوانخانه مبارکه را به منصب ناظم دیوانی و لقب خانی سرافراز فرمودند — جانمحمّدخان قاجار به جای نواب مهدی قلی میرزا حاکم مازندران شد — بنای تریاک کاری در حدود دارالخلافة شد — یارمحمّدخان ظهیرالدوله در سبزوار درگذشت و پسرش صیدمحمّدخان به جای او متمکن شد — سیف الدین خان بلوچ از رؤسا و حکام طایفه بلوچ با طایفه خود خدمت نواب مؤیدالدوله حکمران کرمان و بلوچستان متعهد خدمتگذاری گردید — موکب همایون از اصفهان به مقرّ خلافت عظمی معاودت فرموده روز هشتم ماه ذیحجه به دارالخلافة باهره نزول اجلال فرمودند و در همین روز در تالار تخت مرمر سلام عام منعقد گردید، اهل دارالخلافة به زیارت جمال مهرمثال مقدّس شادیاها نمودند — به اذن بندگان همایونی مردم رخصت سواری کالسکه یافته و در دارالخلافة و دارالسلطنة اصفهان کالسکه ها ساختند که به خوبی کالسکه های ممتاز فرنگ بود — مصطفی قلی میرزا که سابق حاکم ارومی بود به حکومت مازندران مأمور شد — میرزا محمّدحسین صدر دیوانخانه به ایلچی گری به روس رفت — حاجی میرزا علی خان خوشی به منصب سرهنگی نایل شد — در انزلی خانه میرزا غفارخان آجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و با شش خانه دیگر در جنب او تمام سوخت، این غایله برای قورخانه موهم خطر بود، ولی توپچیان و قورخانه چیان آتش را خاموش کرده به قورخانه آسیبی نرسید — کوچه های ارک پادشاهی دارالخلافة را شروع به هموار کردن و سنگ فرش نمودن نمودند که راه کالسکه رو صاف باشد — میرزا تقی وزیر سابق عراق به منصب استیفا و مباحثی کل وظایف ممالک محروسه برقرار گردید — ابراهیم آقا سرهنگ فوج نهم خونی به منصب سرتیپی فوج مزبور و فوج جدید افشار بکشلوی قزوین نایل گشت — به محمودخان کلانتر نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت مرحمت شد — در اواخر ذیقعد طوایف ترکمانان دشت گرگان متفق شده با قشون دولتی بنای مجادله گذارده جعفرقلی خان میرپنجه آنها را شکستی فاحش داده متفرّق نمود — محض اشاعه خیر و نفع اهل مملکت امر همایون شرف نفاذ یافته بود که بند کنار پل شوشتر را ببندند و سدی هم در نهر مشهور به هاشم بسته شود. آن بند و سد در این

اوان به اتمام رسید و عربستان به اهتمام نواب خانلر میرزا خیلی منظم شد — هم در این سال در ارک همایون مدرسه مبارکه دارالفنون ساخته شد اگرچه شروع به ساختن و اقدام به بتائی این محل منیف و مکان رفیع فی الحقیقه در سال قبل شد ولی در این سال خجسته مآل ساخته آمد، طرح این بنا را میرزا رضای مهندس باشی کرد و به معماری محمدتقی خان معمار باشی بنا نمودند و سمت شرقی آنرا به اتمام رسانیدند و معلمین از برای تعلیم علوم جدید و انکشافات تازه و السنة مختلفه دول اروپا از فرنگستان طلبیدند — لئزی صاحب که خدمات جلیله به دولت علیه کرده بود و در دولت شهریار مبرور محمدشاه طاب الله ثراه منصب امیرتومانی یافته درگذشته او را به عزت و احترام تمام برداشتند. (چین) — امپراطور چین طاووکوانگ در حیدی درگذشت و پسر چهارم او ایشنگ که نوزده ساله بود به جای پدر بر سریر سلطنت چین جلوس نمود.

اروپا — (اسپانیول) — مرآده و دوستی این دولت با دولت انگلیس بعد از آنکه چندی بود مقطوع شده مجدداً برقرار شد — ژنرال لوپز نام جمعی رجاله و اوباش ینگى دنیا را با خود متفق نموده که جزیره کوبای ینگى دنیا را که در تصرف اسپانیول است تصرف نماید ولی کوشش او بی فایده شده و مضر ثمری نگشت. (آلمان) — در مملکت اطریش ایجاد قانون جدید شد — پادشاه پروس مخالفت امپراطور اطریش را در بعضی مسائل راجعه به آلمان آشکارا جرأت اظهار نمى نمود و از آن طرف دولت اطریش از عظمت دولت پروس وحشت داشت. بیست ایالت از ایالات نمره دویم آلمان با پروس متحد شدند — در شهر فرانکفور در مجلس پارلمنت تمام ممالک آلمان به واسطه کونت دنون مأمور اطریش مفتوح شد — در شهر ورشو لهستان مجلس گفتگوئی منعقد شد که امپراطور نیکلای مرحوم پادشاه ممالک روس و پرنس شواستن برگ وزیر اعظم اطریش و چند نفر از شاهزادگان پروس قراری در اتحاد آلمان و دوستی بین الدول این مملکت بدهند — دولت پروس خیال فرستادن وکیل در مجلس پارلمنت که در شهر فرانکفور منعقد است ندارد — نزاع مابین دولتین پروس و اطریش نزدیک شد که در بگیرد — مسیو

رادویز به وزارت خارجه پروس برقرار شد — ملاقات امپراطور اطریش و پرنس شال پروس و کونت برانلوتورک وزیر اول پروس و مرحوم امپراطور نیکلای در پائیز این سال بود — استعفای مسیورادوویز پولیتیک پروس را تغییر داده از صرافت مخصوصه با اطریش افتاد — وزرای اعظم پروس و اطریش به جهت انعقاد مصالحه در اولموتر ملاقات کردند — به واسطه نزاع مابین دانمارک و ایالت هولستن در برلن مجلس کنفرانسی به خواهش دولت انگلیس منعقد شد — یاغیان هولستن از عساکر دانمارک شکست خوردند — دول انگلیس و فرانسه و اطریش واسطه اصلاح مابین دولت دانمارک و یاغیان هولستن شدند — دولت پروس قبول میانجیگری و اصلاح نمی کند — جمعیت مملکت پروس در این سال به سی و دو کرویر و سیصد هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر رسید — محض قناعت در مخارج دولت در اطریش هشتاد هزار نفر از قشون خود کسر نمودند. (انگلیس) — لورد پالمرستون که در این سال وزارت خارجه این دولت را داشت در بعضی مسائل جزئی به دولت یونان ایراد وارد آورد و یک دسته کشتی جنگی انگلیس تا پیره بندر یونان رفت و آنجا لنگر انداخته دولت یونان را تهدید به جنگ نمود، دولت فرانسه میانجی شده انگلیس قبول وساطت او را ننمود، دولت فرانسه سفیر خود را از لندن احضار کرد ولی زیاده از یکماه نشد که میان فرانسه و انگلیس اصلاح شد — سیرروپرتیل که از معارف انگلیس بود از اسب بر زمین خورده هلاک شد — سیم تلگراف بحری که فرانسه و انگلیس را از کاله بدوور به هم اتصال می دهند ایجاد شد — بنای عمارت بلور به جهت اکسپوزیسیون آینده در انگلیس نیز در این سال شد. (ایتالیا) — در مجلس شورای ملتی تورن قرار گذاردند که در ممالک ایتالیا که متعلق به ویکتور امانول است علمای دین به هیچوجه نباید مداخله به اجرای قانون و صدور احکام نمایند. قانون همان قانون دولتی است و همه مطیع آن هستند، نیز بست در معابد و کلیساها موقوف باشد — کاردینال آن تونی صدراعظم بر ضد این قرارداد احکام از طرف پاپ به کشیشان صادر نمود، کشیش اعظم چون اطاعت این احکام نکرد مغلولاً در قلعه این شهر حبس شد — کونت گاوور که از روزنامه نویسهها بود جزو وزرا شد — شش هزار نفر از عساکر اطریش در ایالت

تسكان به جهت حفظ خانواده والی متوقف هستند — پاپ که فراراً از رُم مهاجرت کرده بود در اوایل بهار وارد رُم شد. (پرتوغال) — دو کشتی جنگی وارد دهنه رودخانه تاج که از وسط لیزبن پایتخت می گذرد شده دولت را تهدید کرد که قراری در چند مسئله که از قدیم در میان اتائونی و پرتوغال مابین النزاع بود بگذارد. پادشاه سوئد و نروژ بین دولتین حکم شد. (دانمارک) — باوجود وساطت فرانسه و انگلیس و اطیش و سوئد و نروژ و حضور سفاین جنگی روس در سواحل دانمارک به جهت کمک این دولت و اثبات حقوق او در دو ایالت اسلشویک و هولستن که با او یاغی هستند باز یاغیگری برجا و اهالی آلمان علی الخصوص پروس محرک یاغیانست و از فرستادن قشون و آنچه لازمه تقویت است برای یاغیان کوتاهی ندارد. (روس) — دولت روس با طایفه چرکس و لکزی که رئیس ایشان شامل است منازعه سختی نمود و اول وهله شامل بر عساکر روس غلبه کرد اما بعد مغلوب به کوههای داغستان فراری شد — شورش رعایا به ارباب خود در بعضی ایالات. (سوئیس) — بعضی آزادی طلبان آلمان و فرانسه در این مملکت پناه یافتند — اول صعود به کوه یزینان که چهار هزار و پنجاه و دو ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد در این سال بود — تمام جمعیت سوئیس در این سال چهار کرور و سیصد و نود و سه هزار و نهصد و سی و یک نفر است. (عثمانی) — وبای شدیدی در تونس و طرابلس بروز کرد. (فرانسه) — ایجاد قانون در تعلیم و تعلم که در هر ایالت باید یک مجمع العلوم باشد — پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه به ایالات شرقی و نورماندی مسافرت کرد. لوی قلیب پادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد و هفت سالگی در قصر کلارسون در انگلیس درگذشت — بالزاک که از نویسندگان معروف بود وفات نمود — ژردم بنپارت که عموی پرنس لوی ناپلیون بود به منصب مارشالی فرانسه مأمور آمد — مواجب رئیس جمهوری در سال به مبلغ دویست و شانزده هزار تومان معین گردید — ورود اول کشتی بخار مستقیماً از نویرک ینگلی دنیا به بندر هاویر فرانسه در پائیز این سال بود.

افریقا — (مضر) — بروز وبای شدید در این مملکت. (سوز) — اول بروز وبا در

این مملکت در این سال بود.

امریکا — (مکزیک) — ژنرال اریسنا به ریاست جمهوری تعیین و منتخب شد، وبای شدید در مکزیک بروز کرد. (اتائونی) — این دولت با دولت انگلیس به جهت ساختن نهر بحری در پاناما نقطه مرکزی ینگی دنیا که دو محیط را به هم وصل می نماید معاهده نمود — مسیو تیلور رئیس جمهوری در اواسط تابستان درگذشت و مسیو فیلمور به جای او ریاست یافت — گلدی نام که یکی از وکلای ملت بود به مجلس اظهار داشت که نگاهداشتن سیاهان به طور بنده و خرید و فروش آنها که در بعضی ایالات اتائونی رسم و معمول است در همان ایالات محدود باشد و این ظلم به سایر ایالات سرایت نکند و دولت مانع باشد، مجلس وکلای دولت قبول این تکلیف ننمودند، و لهذا پرورش و نگاهداری غلام و برده زیاد در اتائونی رواج گرفت و شیوع این عمل در ایالات جنوبی اتائونی مثل ایالت ویریرش و کارولین به درجه ای رسید که تجارتی بزرگ از خرید و فروش سیاهان دایر گردید. تقویت دولت در رواج و انتشار این عمل قبیح به حدی بود که احکام اکید صادر نمودند که اگر از بردگان و سیاهان که بنده بودند از سوءسلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده به ایالتی که این رسم شنیع در آن مرسوم نیست رفته پناه بجویند حتماً باید آن ایالت آنها را به صاحبان خودشان مسترد نمایند — در ایالات شمالی اشخاصی که برضد این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش گذاردند — جمعیت اتائونی در این سال به چهل و شش کرور و دوپست و چهل و شش هزار و سی و یک نفر رسیده که در ظرف ده سال دوازده کرور به واسطه مهاجرین فرنگ بر جمعیت آن مملکت افزوده و علاوه شده بود — ژنرال ارلیستا در مکزیک به ریاست برقرار شد.

بعضی از مطالعه کنندگان که چندان خبیر و بصیر در وقایع و حوادث عالم نیستند و تفصیلی را که ما در باب سیاهان که در ینگی دنیا برده بودند نوشته ایم درست ملتفت نشده شاید از روی عدم بصیرت و اطلاع به ما ایراد کنند که مقصود چه بود، یا اینکه جمعی طالبان علم و اطلاع از تواریخ واقعا بخواهند بصیرتی

حاصل نمایند لهذا لازم بود که قدری از جاده وقایع نگاری تمام عالم در ضمن این سال که هزار و دویست و شصت و هفت هجری است قدم بیرون گذاشته تاریخ بنده گرفتن و خرید و فروش آنرا که در تمام عالم چه وقت رسم شد و چه شد که در اتائونی ینگی دنیا در سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج مسیحی مطابق هزار و دویست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی زیاد این عمل شنیع را موقوف نمودند بنگاریم اما چون این تفصیل را موقعی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد شد.

[سنه ۱۲۶۸ هجری = سنه ۱۸۵۱ مسیحی]

آسیا - (ایران) - ذات ملکوتی صفات مقدس دام ملکه از بدو این سال خیرمال مزید آسایش رعیت ممالک محروسه و نظم بلاد و ترتیب و ترقی عمومی را وجهه همت ملوکانه فرموده به عدل و نصفت متنسک و متقلد اعمال سلطنتی بودند شفیع خان چپرچی باشی التزام داد که مکتوبات بلاد به نظم به صاحبان برسد و چاپاران زیاده از حق خود مطالبه نکنند - میرزا مصطفی مستوفی ملقب به امین الملک آشد - خبر تنبیه و مخدول کردن سپاه منصور طوایف تراکمه یاغیه را در صحرای گرگان و استرآباد به دارالخلافه رسید - در سمنان زنی مولود فکور آورد که دو دهان و دو دماغ و دو گوش و سه چشم داشت ولی آن مولود نماند - در کرمانشاه ناخوشی وبا بروز کرد و بعد از چندی باران آمده نزول رحمت رفع ناخوشی را بکلی نمود - میرزا غفارخان به نیابت دویم وزارت جلیله خارجه برقرار شد - میرزا سعیدخان به لقب مؤتمن الملک نایل و به مراحم مخصوصه مهربلند شد - فوج زنگنه کرمانشاه که تازه گرفته شده وارد دارالخلافه شد - نورالله خان شاطرانلو نایب آجودانباشی را سرهنگ فوج خواجه وند عبدالملکی فرمودند - صیدمحمدخان حاکم هرات پسر ظهیرالدوله که میرزابزرگ را با پیشکش به دربار معذلتمدار فرستاده بود محض بذل عاطفت و تسلیت او در فوت ظهیرالدوله میرزا احمد ناظم دیوان را روانه هرات واسبی یراق طلا و کاردی مکمل به الماس و

خلعتی فاخر برای صید محمدخان عنایت و ارسال فرمودند — از خراسان خبر رسید که پنج شش هزار سوار ترکمان سرخسی به نهب تربت حیدریه آمده نواب حسام السلطنه جمعی را بر سر آنها فرستاده جنگی عظیم در گرفته تراکمه را مقهور و بسیاری از ایشان را مقتول و زیاده از دویست و پنجاه نفر اسیر و سر به دست قشون ظفرنمون افتاده باقی فرار کردند — نواب نصرت الدوله حکمران فارس با محمدقلی خان ایل بیگی برای نظم و سرکشی به طرف کوهگیلویه و بهبهان رفتند — میرزا باقرخان امیرطبس به یزد آمد — یکی از کشیشهای ینگى دنیائی ساکن ارومی تخم پنبه ینگى دنیائی در ارومی کاشته حاصل آن بسیار خوب شد لهذا قرار دادند که از این تخم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند — برای اینکه مردم بی سر رشته خود را طبیب قلم ندهند و به طبابت فوج داخل نشوند مقرر شد اطباء فوج در اداره داکتر کازولانی حکیم باشی نظام باشند و به تصدیق مشارالیه طبیب هر فوج مشخص شوند — محمدخان نایب الحکومه مازندران به حکومت ارومی برقرار گردید — ریش سفیدان تراکمه سرخس در خدمت نواب حسام السلطنه متقبل انقیاد و خدمتگذاری شده با عباسقلی خان بیگلربیگی مشهد که مأمور حکومت سرخس گردیده بود روانه آن محل گردیدند — شب چهارشنبه چهارم محرم دوساعت از شب گذشته در تبریز زلزله شدید شده نزدیک صبح نیز مجدداً زلزله می شود. قبل از زلزله سه چهار روز برف آمده و بعد باران بسیار بارید — روز بیست و پنجم ماه محرم به اقتضای رأی صوابنمای همایون و نظر به مصالح ملکی میرزا تقی خان اتابک اعظم از منصب امارت نظام و وزارت عظمی و لقب اتابکی و سایر مشاغل و مناصب بکلی خلع و معزول شد و میرزا آقاخان اعتمادالدوله به جای او به تفویض منصب صدارت عظمی انتخاب و مفتخر گردید — مساعی جمیله برای نظم راه خراسان و آسایش زوآر نمودند — این اوقات یکشب سیلی عظیم در تبریز آمد ولی خرابی به شهر وارد نیاورد، و چون اکثر اوقات فیما بین جدیدالاسلام ارامنه و یهود و گبرها در باب اموال متوفی گفتگو بود حکم شد رسیدگی به این مراجعه مخصوص به دارالخلافه و دیوانخانه بزرگ پادشاهی باشد و احدی از حکام شرع و عرف ولایات مداخله در این کار ننمایند — سیصد نفر ملازم از اهل اشرف و توابع مأمور

مستحفظی دروازه های شهر دارالخلافه شدند — اعتمادالدوله صدراعظم به عصائی مکّال به الماس و یک ثوب جبّه ترمه شمسۀ مرصع و بند کاغذ شرابه مروارید نشانه صدارت عظمی نایل گردید — محمدحسن خان سردار به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گشت — حاجی بیجن خان را به منصب پیشخدمت باشی گری و ریش سفیدی عملة خلوت و تفنگدار باشی گری مفتخر فرمودند — نواب خاتلر میرزا ملقب به احتشام الدوله شد — عزیزخان آجودانباشی در خدمات مرجوعه مستقل و یک قبضه شمشیر به او عطا فرمودند — خانه نزول که در لرستان رسم بود حسب الامر منسوخ و حکم شد برای حاکم و نوکر عمارت دیوانی بسازند و نهر آبی از سمت بالای شهر به شهر بیاورند و به جهت آسایش قوافل از دزفول تا خاک بروجرد در هر منزل قلعه بسازند — برای تنظیف شهر دارالخلافه قراری مجدداً گذاردند — ساختن تفنگ و چقماق در اصفهان ترقی کرد — نارین قلعه را حسب الامر در شیراز بنا نمودند — اسدالله خان امیرآخور به یک قبضه شمشیر نایل شد — میرزا فتح الله برادرزاده جناب صدراعظم را لشکرنویس باشی فرمودند، و حاجی علی خان والد مؤلف که از اوّل دولت به منصب فراشباشی گری برقرار، و بعد مهمام خیامخانه و تعمیر و بنائی باغات و عمارات دیوانی دارالخلافه و سایر ممالک محروسه و عزل و نصب فراشباشیان عموم ولایات و انتظام امر مهمانخانه دولتی به عهده مشارّالیه محوّل شده بود ملقب به حاجب الدوله شد و یک قبضه قمه مرصع به او مرحمت فرمودند — بسیاری از افواج و سواره مأمور خراسان احضار به دبرالخلافه شده به همه مواجب داده و بذل مراحم نموده مرخص شدند که چندی آسوده باشند — رودخانه کرخه که قدیمأ به ولایت حوزیه می رفت و چند سال شده بود که به ممرّ دیگر افتاده مقرر فرمودند آنرا به واسطه سدّی در مجرای اوّل جاری کنند — عمارت ملکی محمدخان مصلحت گذار اسلامبول واقع در شهر مزبور را مشارّالیه به دولت به ده هزار تومان فروخته و قرار دادند سفارتخانه برای سفرای ایران که مأمور آن پایتخت می شوند باشد — سرتیپی فوج جدید اصفهان را به مصطفی قلی خان قاجار تفویض فرمودند — بعضی قلاع صعبه لرستان و گرمسیرات فارس که مسکن طاغیان بود به اهتمام نواب نصرت الدوله مفتوح و

خراب شد — شیخ حسن عرب که با میرزا حسنعلی خان حاکم بندر بوشهر از درِ
 تَمَرَد برآمده به جزیره خارک رفته بود میرزا حسنعلی خان جزیره را متصرف و
 شیخ حسن فرار به گُشیا که جزو محمره است نمود — استاد حسن نام تبریزی دو
 صندوق خزینه دار بسیار خوب ساخت که مثل صندوقهای بسیار خوب فرنگی بود و
 یکی یک خروار وزن داشت — بعد از آنکه معلمین فرنگی که از دولت آستریه
 خواسته بودند به دارالخلافه رسیدند و طرف شرقی مدرسه مبارکه دارالفنون نیز تمام
 شد روز یکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و
 امرا و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند به
 توسط میرزا محمدعلی خان وزیر دول خارجه شرف اندوز خاکپای مبارک شده بعد از
 آن به مدرسه آمده به میمنت شروع به تحصیل کردند در این روز دارالفنون افتتاح
 یافت و حسب الرسم تشریفات معموله به عمل آمد و ابتدا علمی که شروع شد مشق
 پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام و هندسه و طب و جراحی و علم
 دواسازی و علم معدن بود و مقرر شد هر دسته لباسی علیحده بپوشند که فقط از
 وضع لباس شغل هریک معلوم شود و قرار دادند مترجمین از برای مدرسه تعیین
 کنند و از آن روز علوم جدید و انگشافات نافعه ملل فرنگ که در چند مائه
 به زحمت بسیار و مشقت بیشمار معلوم شده بود در این مملکت شروع به انتشار نمود
 و شرح احوال و اسامی رؤسا و معلمین و متعلمین این مدرسه مبارکه و شرح ترقیات
 و مراتب و شئون و امتیازات و تحصیلات و ماموریتهای هریک از شاگردان از
 ابتدای افتتاح مدرسه تا سنه هزار و دویست و نود و پنج مفضلاً و مشروحاً در جلد
 دویم مرآت البلدان ناصری موسوم به مآثر السلطان نگارش یافته است و در اینجا
 حاجت به تکرار نیست — هم در این سال میرزا احمدخان نایب دویم وزارت
 خارجه به لقب خانی و نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی با حمایل سفید
 نایل گردید — میرزا فضل الله برادر جناب صدراعظم به منصب جلیل وزارت کل
 نظام سرافراز و روانه آذربایجان شد — دو دسته غلام چلبیانلو ابوابجمعی جوادخان و
 محمودخان مأمور نظم طرق شاهرود و بسطام شدند — عباسقلی خان سرتیپ افواج
 قزوین و سایر سرکردگان که در خراسان خدمت کرده بودند هریک به انعام و

خلعت همایون مفتخر گردیدند — اسکندر خان قراپایاق به نیابت اول آجودانباشی برقرار آمد — عبدالحسین خان و میرزا محمدخان و آقارضاخان و نریمان خان و لطفعلی خان که مدتی مشغول مشق نظام بودند هریک به منصب نایب آجودانباشی گری نایل شدند — کاظم خان قراپایاق به سرتیپی سواره قراپایاق و سیصد تومان اضافه موجب سرافراز شد، حسن خان قراپایاق نیز سرکردگی سواره قراپایاق یافت — به حکم نواب نصرت الدوله حکمران فارس پانزده باب چاپارخانه در عرض راه این مملکت ساختند — میرزا نصرالله به لشکرنویسی آذربایجان و میرزا عبدالله برای ضبط و ربط حساب گمرک آنجا و فتحعلی بیک به نیابت آجودانباشی گری رفتند — حکیم کازولانی به حکیمباشی گری کل افواج قاهره سرافراز شد — حکیم داودخان مسیحی که خدمات به دولت کرده بود در ماه ربیع الاول این سال وفات نموده به احترام او را به خاک سپردند — نواب نصرت الدوله حکمران فارس به یک ثوب جبّه ترمه شمشه الماس مفتخر گردید — نظم سرخس به اهتمام عباسقلی خان بیگلربیگی دره جزی درجه کمال یافت — در بلوک نایبج مازندران تصفیه آهن را به درجه کمال رسانیدند که از آهن حاجی ترخان نرم تر و به استعمال نزدیک تر و مثل آهن حاجی ترخان نخته کرده به دارالخلافه آوردند و امر به تشویق و تکمیل این عمل و عاملین شد — راه استرآباد به واسطه قراولخانه های جدیدالبناء و مواظبت مستحفظین کمال امنیت یافت — مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به اعطای یک ثوب جبّه مفتخر گردید — نجفقلی خان پسر محمدطاهرخان وکیل چون خط و ربطی داشت در سلک ارباب قلم منسلک آمد — مسیو جان داود مسیحی مترجم اول دولت علیه جزو اجزای سفارت پطرزبورگ شد — علیقلی خان ولد محمدطاهرخان وکیل نایب آجودانباشی شد — راهزنان ایلات لرستان و پشتکوه به اهتمام نواب خانلر میرزا تنبیه شدند و مخصوصاً نصیرخان جودکی که متعرض قوافل و عابرین دزفول و عربستان می شد به سزای خود رسید و از دزفول تا خرم آباد رباطات ساختند. یک ثوب جبّه ترمه شمشه مریض مصحوب نواب شاهزاده ملک قاسم میرزا به افتخار حشمت الدوله حکمران آذربایجان انفاذ تبریز شد — حکومت سمنان و دامغان را به میرزا

محمدخان کشیکچی باشی واگذار فرمودند و امامقلی خان از جانب معزی الیه نیابت یافت و علی خان قیراط را حکومت جوین دادند و محمدولی خان قاجار به حکومت نهادند برقرار شد — میرزا کوچک دماوندی یاور به لقب خانی و منصب سرهنگی نایل آمد — این اوقات ماهی هزار قبضه تفنگ در جبه خانه دارالخلافه می سازند. پنبه ینگی دنیا که در ارومی کاشته بودند خوب به عمل آمد — کلو صاحب حکیمباشی جمعی را در خانه خود درس جراحی داده و مقدمه تکمیل این علم می باشد — میرزا تقی خان که سابقاً امیرنظام و شخص اول دولت بود در قریه فین کاشان وفات کرد — میرزا هاشم خان حاکم ملایر و توپسراکان به جبه ترمه مخلص گردید — محمدتقی خان قاجار که سابقاً سرکرده سواره خزل بود مجدداً به این منصب برقرار آمد — در خبوشان برق زده چند باب دکان را سوزانیده بعد زلزله شدید شده خرابی زیاد کرد — جناب اعتمادالدوله صدراعظم را به یک ثوب جبه ترمه قرین مفاخرت فرمودند — میرزا محمدعلی خان وزیر دول خارجه نیز به اعطای یک ثوب جبه ترمه کرمانی مفتخر گردید — جناب صدراعظم به بازدید مدرسه مبارکه دارالفنون رفته بعد از امتحان متعلمین و حصول اطمینان به ترقی آنها هریک را تشویق نمودند — یک ثوب جبه ترمه خلعت همایونی برای نواب حسام السلطنه حکمران خراسان فرستادند — عزیزخان آجودانباشی به یک ثوب قبای نظامی زردوز از ملابس خاصه مخلص گردید — نصرالله خان پسر میرزا اسمعیل خان بندپشی به سرهنگی فوج بندپشی سرفراز شد — جوادخان ولد اسکندرخان قاجار حاکم کرمانشاهان را سرهنگ فوج سیم مراغه فرمودند — چرخ منگنه که اقمشه ابریشمی را موج می دهد در یزد مثل کاشان متداول شد — من الغرایب از بلوک رفسنجان کرمان خبر رسید که جوانی است نوزده ساله که بر روی شکم و سینه او به شکل آدم طفلی مستوی الخلقه آفریده شده که دو پای آن در شکم آن جوان و سایر اعضای او بر روی شکم جوان می باشد — در هفدهم ربیع الثانی این سال ولدی ذکور از صلب مقتس شاهنشاهی فروغ بخش ابصار گردیده موسوم به معین الدین میرزا شد — میرزا محمدخان کشیکچی باشی به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید — هیجدهم ربیع الثانی میرزا محمدعلی خان وزیر دول خارجه مرحوم شد —

محمدیوسف خان به منصب سرتیپی و یک ثوب جبّه ترمه اعلی سرافراز گردید — نانکلی کرمانشهان داخل قشون ظفرنمون شدند — قلیچ خان سرتیپ سواره مافی که از خراسان برگشته بود یک ثوب جبّه ترمه به او مرحمت فرمودند — فضلعلی خان سرکرده سواره شاهسواری نیز از خراسان معاودت کرده به اعطای یک طاقه شال سرافراز شد — حسب الحکم قرار شد در معدن آهن ماسوله که آهنش بسیار نرم و خوبست کار کنند — در آذربایجان چند باب قراولخانه علاوه بر قراولخانه های سابق ساختند — محض رعایت رعیت کرمان تقریباً شش هزار تومان نقد و سه هزار خبروار جنس به آنها تخفیف مرحمت فرمودند — عبدالقادرخان شکی به منصب سرتیپی سرافراز و مخّلع گردید — رحمت الله خان نایب آجودانباشی سرهنگ فوج شانزدهم و مخّلع و مأمور آذربایجان شد که عمل فوج مزبور را صورت دهد — استاد علی اکبر تفنگساز که حسب الامر به خراسان رفته بود که تفنگ سربازی بسازد این اوقات پانصد ششصد قبضه تفنگ ممتاز ساخته که همه کس پسند کرده و تشویق او نمودند — در غره جمادی الاولی بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی به مدرسه مبارکه دارالفنون تشریف فرما شده متعلمین را که در اندک وقت زیاد ترقی کرده بودند سرکشی و تشویق فرمودند — میرزا کاظم خان مستوفی ولد جناب صدراعظم را به لقب جلیل نظام الملکی و خلعتی خاص قرین اختصاص فرمودند — محمدناصرخان (ظهیرالدوله) را به منصب ایشیک آقاسی باشی گری دربار همایون و یک قبضه عصای مزّج مفتخر فرمودند — میرزا محمدسمید مؤتمن الملک به لقب خانی و منصب دبیری مهمام خارجه که قایم مقام وزارت دول خارجه است سرافراز و مخّلع گردید — حاجی میرزا جبار رئیس تذکره به لقب ناظم المنهامی ملقب و خدمت رسیدگی به امور معادن و کارخانه های بلورسازی دارالخلافه و غیرها را به او محوّل و به خلعت همایون سرافراز شد — رجبعلی بیگ یاور توپخانه به منصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون نایل شد — این اوقات ماهی یک دستگاه کالسکه به اهتمام معیرالممالک ساخته می شود که کمال امتیاز را دارد — آقامهدی ملک التجار به یک ثوب جبّه ترمه مخّلع گردید — اسدالله خان امیرقاین به یک ثوب جبّه ترمه مفتخر و روانه خراسان شد — جعفرقلی خان میر پنجه که در

استرآباد و گرگان مأمور تنبیه اشرار تراکمه بود طایفه مزبور را به راه انقیاد درآورده و به اجازه امنای دولت آنها را با خود به دربار همایون آورد به عطای یک ثوب جبّه ترمه مفتخر شد. مرتضی قلی خان حاکم شاهرود و بسطام مجدداً به حکومت شاهرود و بسطام و به یک ثوب جبّه ترمه مخلم شد.

هم در این ماه جمادی الاولی محض اظهار عبودیت اشخاص مسطورّه در ذیل با عریضه و پیشکش به تقبیل عتبه علیه سرافراز گردیدند: (محمدحسین خان برادر کریم دادخان بیگلربیگی هزاره با عریضه کریم دادخان)، (سیدعلی خواجه فرستاده حکومت خان والی میمنه با عریضه والی)، (محمدولی خان پسر مرحوم ابراهیم خان بیگلربیگی سابق هزاره)، (اللهیارخان برادرزاده او)، (عبدالحمید بهادر فرستاده حسن سردار هزاره پساکوهی با عریضه او)، (عبدالکریم بیگ فرستاده ابراهیم خان سردار تایمنی با عریضه)، (خان میرزاییک فرستاده ابراهیم خان و اکرم خان فیروزکوهی با عریضه)، (شادمان بیگ فرستاده نصیرخان جمشیدی با عریضه)، (رضابهادر، نفرسی^۱)، (ارباب خالق ریش سفید طایفه ایجگه)، (علی بهادر ریش سفید طایفه قیترستان^۲)، (عظیم بیگ ریش سفید طایفه قهقهه)، (ملاحسین ریش سفید طایفه دَهِ زنگی)،

حکیم کازولانی حکیمباشی نظام وفات کرد. — از قوت صیدمحمدخان حاکم هرات کامسته امیر افضل خان پسر کهندل خان قندهاری با جمعی افغانه بر سرفراه [وسبزواری]^۳ آمده این دو شهر را گرفتند و درحوالی هرات امنیتی نیست. — در عقلی بلوک شوشر تگرگ به قدر گلوله توپ آمده چرخهائی که در صحرا برای تنقیه و مرمت قنوات بوده به کلی خورد کرده است. — نواب شاهزاده بهرام میرزا که در اوقات سفر همایونی به اصفهان از جانب سنی الجوانب در دارالخلافه نیابت داشتند به نشان تمثال بی مثال مبارک قرین اغتخار گردیدند. — میرزا

۱. متأسفانه این کلمه خوانده نشد. در مرآت البلدان، جلد ۲، ص ۱۰۵، نیز همین صورت را دارد.

۲. این کلمه نیز در متن ناخواناست و به صورت «قیترشیان» آمده ناچار ضبط مرآت البلدان اختیار شد.

۳. از متن مرآت البلدان اضافه شد.

عبدالوهاب خان پسر مرحوم میرزا محمدعلی خان وزیر دول خارجه به منصب نیابت دویم وزارت دول خارجه و یک ثوب جبه ترمه مخلم و نایل گردید — از اصفهان تا منزل مقصود بیک در راه فارس همچنین از اصفهان الی کاشان قراولخانه ها در راه ساخته شد — به طایفه ککلان در استرآباد که به قشون مأمور آن نواحی خدمت کرده بودند دوهزار تومان تخفیف مرحمت شد — میرزا محمدولی طیب حکیمباشی کل افواج قاهره گردید — اسمعیل میرزا ولد نواب شاهزاده بهرام میرزا منصب سرهنگی یافت — نواب والا نصرت الدوله حکمران فارس گرمسیرات آن مملکت را نظمی کامل دادند — عبدالله خان صارم الدوله به یک قبضه شمشیر مرصع سرافراز گردیده و نیز مأمور شد که کسری فوج ملایر و توپسرها و قراگوزلور را بگیرد — این اوقات مبلغی از وجوهی که در هرات به اسم همایون سکه زده بودند و عریضه صید محمدخان با جمعی از معارف هرات به دربار همایون رسید — فوج جدید مراغه ابوابجمعی اسکندرخان سرهنگ و فوج خلیج ساوه جیره و علیق گرفته با هزار نفر سواره شاهسون افشار و ایلات قزوین مأمور خراسان شدند — دوهزار و پانصد دست فانسقه و دوهزار قبضه تفنگ طرح انگلیسی که در قورخانه و جبه خانه دارالخلافه ساخته اند به خراسان حمل دادند — نواب حسام السلطنه والی خراسان عباسقلی خان میر پنجه را با سه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانه تربت جام نمودند که مشغول حراست ثغور و نظم آن صفحات باشند — فتحعلی بیک نایب آجودانباشی را نواب والا حشمت الدوله حکمران آذربایجان مأمور نظم امور مراغه نمودند — روز شنبه بیست و هشتم جمادی الاولی هفت ساعت و سی و شش دقیقه از روز گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام عام در تالار تخت مرمر با شکوهی وافر منعقد گردید و قریب سی نفر از اعیان و ریش سفیدان هزاره و تیمینی و جمشیدی در این سلام مخلم گردیدند — شب عید جناب صدراعظم به یک قطعه نشان تمثال بی مثال همایون مکمل به الماس بریلیان مفتخر شدند و یک ثوب جبه ترمه دوره مروارید، روزی که ذات معدلت صفات همایون به عمارت جدید تشریف فرما می شدند به جناب معظم الیه مرحمت فرمودند — در این ایام نواب شاهزاده امامقلی میرزا به حکومت کرمانشهان و خلعت سرافراز گردید — خسروخان

والی را خلعت و حکومت قزوین دادند — از غریب اتفاقیه کرمان اینکه در ارزویه
 بزری چهل روز دیوانه شده و سه بچه زائیده که یکی از آنها شباهت به سگ داشته
 به خصوص دست و پای او که خیلی شبیه به سگ بوده است — حکومت ساوجبلاغ
 آذربایجان را به کریم خان مکرری معول فرمودند — نواب حشمت الدوله به اجازه
 اولیای دولت نجفقلی خان پسر مهدی خان قراپاق را مأمور سرپرستی ایل قراپاق
 نمودند — حکم شد هرکس معدنی در ممالک محروسه پیدا کند به واسطه حاجی
 میرزا جبار ناظم المهام به عرض اولیای دولت برساند اذن کار کردن در آن معدن را
 به او خواهند داد و تا پنج سال هرچه از آن منفعت حاصل نماید مال خود او است
 و هرکس بی اذن در معدنی کار کند منافع آن ضبط دیوان می شود — چون جمعیت
 دارالخلافه زیاد شده حکم شد هرکه بخواهد بیرون دروازه خانه بنا نماید، بنابراین
 دوپست باب خانه تاکنون بنا نموده اند — گرمی مار مانند در شکم مرغها در
 صفحات گرمانشهان و عربستان پیدا شده مرغ دیوانه می شود و خوردن گوشت او
 مضر است — خوانین و اعیان بلوچستان در خدمت نواب مؤیدالدوله حکمران
 کرمان مطیع و منقاد و خدمتگذار شدند — میرزا محمدعلی خان ناظم الملک از
 جانب نواب نصرت الدوله حکمران فارس به گرمسیرات رفته سه قلعه محکم بلوک
 آهرم را که یکی در صحرا و دو در کوه بوده گرفته و خراب کرده حاجی ابوالحسن
 آهرمی را نیز که به واسطه استظهار بر قلاع مزبوره شرارت می نمود به سزای خود
 رسانید — نصرالله خان بیگلربیگی سابق لار و قبادخان شقاقی و احمدخان بهارلو
 که از حگام سابق روگردان بودند استمالت شده به خدمت گرویدند — حکومت
 خوی را به شاهزاده محمدرحیم میرزا و حکومت خلخال را به نواب شاهرخ میرزا
 مرحمت فرمودند — اختیار حکومت عراق به جناب مستوفی الممالک واگذار و
 لطفعلی خان نایب آجودانباشی از جانب معظم الیه به نیابت حکومت عراق معین و
 روانه گردید — عباسقلی خان سرتیپ نوری که در خراسان خدمات کرده بود به
 یک رشته حمایل سرخ از مرتبه سرتیپی اول نایل گردید — سکه قدیم در شوش
 مسکوک به نقش کلمه طیبه لاله الا الله و آیات شریفه قرآنی پیدا کرده به
 دارالخلافه آوردند و شرحی میرزا جعفرخان مشیرالدوله همراه مسکوکات نگارش و

ارسال داشته که از قرار ذیل است:

در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوشتر آثار عمارات عالیّه از زیر خاک نمودار شده از جمله عمارت اردشیر دراز دست است که آن عبارت از سی و شش ستون سنگ یکپارچه و فاصله هر ستون هفت ذرع و بلندی ستونها به علت افتادن و شکستن معلوم نیست لکن از زیر ستون و مرستون که اکثر صورت گوساله و غیره دارد معلوم می شود که ستونها بسیار بلند بوده باوجود اینکه در صحرای عربستان یکپارچه سنگ پیدا نمی شود سی و شش زیرستون هم در پیش روی همین عمارت رو به شمال آن پیدا شده و دلیل است که اینجا جای سلام بوده، این عمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است، در بعضی از ستونها عبارات به خط سریانی و کلدانی منقور است، آجرها به وزن هفت هشت من در اینجا کار کرده اند، در بالای یک عمارت قدری پول سفید مسکوک به خط کوفی بیرون آمده معلوم می شود بعد از غلبه عرب این پولها را دفن کرده اند و این پولها سکه بصره و دمشق و واسط و مرو و هرات و نیشابور و دارابجرد و اصطخر بود، تاریخ سکه پول یکصد و پنج هجری است و تعجب است که چگونه در این مدت مدید پولها به این صفا و تازگی مانده.

شهر خرم آباد را که آب جاری نداشت نواب احتشام الدوله دارای آب جاری کردند — نواب بهادر میرزا مرحوم شد — میرزا محمد مستوفی به لقب قوام الدوله ملقب گردید — از دربار روس نشان سنت آنا از مرتبه دویم دوره الماس به حکیم کلوکه حکیمباشی مرحمت شد — قلعه ننگ و قلعه سرباز بلوچستان مفتوح و مسخر گردید — کهندل خان که لشکر به هرات کشیده بود منهزم شده رفته کمک از کابل و قندهار طلبیده است — در چمن قهقهه سه فرسخی مشهد مقدس شش مرغ به هم رسیده که هریکی از گوسفندی بزرگتر می باشند — عمارات جدید سلطانی در دارالخلافه ساخته مزید بر عمارت قدیم نمودند، و حکم شد مریضخانه مابین قراولخانه های دروازه دولت و دروازه قزوین که جای چهارصد نفر مریض و منزل اطباء و مطبخ و غیره داشته باشد بسازند. وعده توپها چون زیاد شده انباری جدید نیز پهلوی انبار قدیم ساخته شد، و باغات و عمارات بیرون شهر را از قبیل

لاله‌زار و نگارستان و قصر قاجار در کمال خوبی تعمیر کردند و نیز مقرر شد که عمارت جدید سلطانی در قصبه نیاوران بنا نمایند و بازاری مشتمل بر یکصد باب دکان در نیاوران نیز بسازند — نواب شاهزاده نصرت الدوله حکمران فارس به نشان مرتبه اول میر پنجه‌گی و حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه مفتخر گردید — بعضی افواج که کسر نفری داشتند به سرتیپان و سرهنگان آنها مقرر شد معجلاً بگیرند و تکمیل نمایند — خان‌بابا خان پسر عباسقلی خان سرتیپ افواج قزوین به منصب سرهنگی فوج قدیم و خلعت همایون سرافراز شد — به رعایای اصفهان یازده هزار تومان تخفیف مرحمت فرمودند — زلزله شدیدی در شاهرود شد — ابراهیم خان پسر عبدالرضا خان یزدی به حکومت کاشان و خلعت همایون سرافراز گردید — خسروخان کرمانی حکومت قراجه داغ یافته مختلّع شد — میرزا عبدالرحیم پسر مرحوم میرزا محمد تبریزی آجودان وزارت امور خارجه شد — ریش سفیدان تراکمه ککلان و یموت مختلّع و مرخص شدند و برای سایر ریش سفیدان ترکمان خلعت مبذول و انفاذ شد — و حکم همایون شد که کل صاحب‌منصبان قشون کلیجه نظامی و شلوار تنگ بپوشند که در وقت مشق چابک باشند — در شیراز تگرگ غریبی باریده که دانه‌های آن به درشتی نارنج بوده و یک دانه از آنها به سَر یکنفر خورده چشمهای او از حلقه بیرون افتاده و مغز سر او از هم پاشیده، گوسفند و مال و مواشی زیاد در صحراها تلف کرده است — دو رشته قنات در بزم و نرماشیر احداث کرده‌اند که باغات به عمل آرند — بعضی ایلات رودباری و غیره کرمان که مفرق شده بودند استمالت شده قرار دادند به اماکن خود بازگردند و تا چهار سال از مالیات معاف باشند — یک قطعه نشان مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص آن به افتخار میرزا فضل الله وزیر نظام انفاذ تبریز شد — هشت فوج از افواج قاهره را ابوابجمع محمدحسن خان سردار فرمودند و عبدالله خان ولد مشارالیه به منصب میر پنجه‌گی سرافراز شد — به عباسقلی خان پسر بیگلرخان بزچلو منصب سرهنگی مرحمت شد — جناب میرزا آقاخان صدراعظم به نشان تمثال همایون مفتخر گردید و نشان امیرتومانی که شاه مرحوم (محمدشاه) به ایشان اعطا کرده بودند اجازه استعمال آن یافتند — در بلده دزفول بسیاری از بیوت را میل خراب کرد — بند شهر

قزوین ساخته شد — کارخانه بلورسازی در دارالخلافه ترقی کرد — نواب امامقلی میرزا حکمران کرمانشهان پنجاه سوار به حراست طرق و شوارع آن صفحات برقرار نمود — در بندر جز استرآباد باد اغلب خانه‌ها را خراب کرد — تخم پنبه ینگه دنیائی به زارعین دارالخلافه و تبریز داده شد که امتحان در زراعت نمایند — فضلعلی خان میرپنجه و بیگلربیگی را به منصب امیرتومانی سرافراز فرمودند — عبدالله خان جوانشیر به سرهنگی فوج اول خاصه منصوب شد — زنی در خراسان طفلی زائیده به عینه میمون ولی دم نداشت — خوانین سیستان منقاد شدند علیقلی خان میرپنجه و عسکرخان سرتیپ و دو فوج افشار و هزار نفر سوار خمره به انتظام صفحات خراسان مأمور شدند — امیرعلینقی خان وکیل طبس به حکومت طبس و خلعت همایون سرفراز شد — اسکندر خان زند حکومت مرنده و گرگر یافت — میرزا محمدعلی سر رشته دار فوج اول خاصه سر رشته دار کل توپخانه ممالک محروسه شد — امامقلی خان ملقب به بیوک خان برادر عسکرخان سرتیپ به منصب سرهنگی فوج هفتم افشار سرافراز و با فوج مزبور روانه خراسان شد — هرات که چندی بود از تصرف سلاطین ایران خارج شده به میل خاطر منقاد و در تحت تصرف آمد — هزار و دویست تومان بر موجب نواب نصرت الدوله افزودند — ریش سفیدی خلوت و منصب تفنگدار باشیگری در بار همایون را مجدداً به آقامحمدحسن مهرداد مرحمت فرمودند — نواب مسعود میرزا حاکم بافروزش شد — کارخانه شکرسازی ساری در میدان ارک ساری تمام شده در اوایل شعبان قند سفیدی از شکر سرخ آنجا ریختند — حکومت گلپایگان و خوانسار را به آجودانباشی واگذار فرمودند — دور قلعه عنایت آباد و میامی که در سرحد ترکمانست قلعه خندق و شیرحاجی بنا کردند — دور حنظل آباد از دهات پشتکوه بلوک تبادکان را نیز قلعه ساختند.

روز غرة شوال که عید فطر بود در عمارت جدید نیاوران سلام عام منعقد و طبقات خدام به خاکپای مبارک مشرف شدند و در این سلام یک قبضه شمشیر مرصع و یک ثوب جبّه شمس مرصع به جناب صدراعظم مرحمت فرمودند — ساسان میرزا ولد بهاء الدوله به لاله گی نواب شاهزاده معین الدین میرزا اختصاص یافت —

محمدقلی خان ولد مرحوم حسین خان سردار که غلام پیشخدمت بود به یوزباشی گری غلامان مأمور کرمان برقرار شد - خان خیوق که به عزم گرفتن زکات به مرو آمده مرویها تمکین نکرده کار به مدافعه کشید - بروج آق و دربند و قراولخانه های مزدوران و غیره مرقت شد - در سرجام تگرگی بارید به وزن چهارده سیر - میرزا رفیع خان فورگی نظر به حصانت قلعه فورگ که از قلاع محکمه خراسانست دم از خودسری می زد نواب حسام السلطنه والی خراسان قشون به دفع او فرستاده قلعه مزبور را گرفته ساخلو دولتی گذاشتند و میرزا رفیع خان به هرات رفته صیدمحمدخان سردار حاکم هرات را شفیع خود ساخت و در دربار همایون مقبول افتاده معفو شد، اهالی قلعه گزیک و طاقان از قلاع خراسان نیز از در اطاعت درآمدند - محمدحسن خان سردار به حکومت کرمان و بلوچستان و یزد سرافراز و به یک ثوب جبّه نرمة شمس مرصع مغلّغ گردید - قاسم خان غلام پیشخدمت خاصه به جای احمدخان نوائی به کارپردازی تفلیس رفت - نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و یک رشته حمایل سفید نایل گردید - خدمات چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان در امور حکومتی و تمام کردن ملبوس نظام مقبول و مورد مرحمت گردید، میر پنجه گسی پنج فوج از افواج قاهره را به عبدالله خان ولد محمدحسن خان سردار مرحمت فرمودند - محمدباقرخان ولد محمدخان امیرتومان به منصب سرهنگی فوج ششم اقبال تبریزی سرافراز شد - سی نفر زن از قلعه بزق از قلاع خراسان اسیر ترکمان شد و بلافاصله سوار دولت از عقب آنها تاخته اسرا را مسترد و ترکمانان را دستگیر کردند - صیدمحمدخان حاکم هرات قشون به فراه که قندهاری تصرف نموده بودند فرستاده قلعه کاه را که هشت فرسخی فراه است به یورش گرفتند - خان خوارزم به حدود مرو آمده و در این اوان خلیفه عبدالرحمن وفات کرده طوایف سالور و ساروق پسر او را به جای او خلیفه ساخته با خوارزمی به مجادله پرداخته آنها را از حوالی قلعه مرو عقب نشانده اند.

و از وقایع معظمه این سال آنکه جمعی از اتباع سیدعلی محمد باب علیهم اللعنة و العذاب به ریاست ملاشیخعلی نام ترشیزی که خود را ملقب به عظیم

نموده نایب باب می دانست بنای فساد نهاده جمعی در خانه حاجی سلیمان خان تبریزی که خود از معتقدین فرقه ضاله بود جمع، و قصد آسیب وجود مسعود مبارک شاهنشاهی را که بقای آن موجب امن و اشاعه عدل و انصاف و برانداختن رسم ظلم و اعتساف است نمودند و دوازده نفر داوطلب شدند. هریک به سلاحی مسلح گردیده به نیاوران آمده در کمین و منتظر وقت شدند و باقی در خانه سلیمان خان مهیّا بودند که اگر موقع فساد شود بیرون تازند و به نهب اموال و سفک دماء و اضلال مسلمین پردازند روز یکشنبه بیست و هشتم شوال هنگامی که بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله تعالی ملکه از قصر نیاوران به عزم شکار سوار شده بودند سه نفر از فرقه مطروده که در زیر جامه خود به قمه و طپانچه مسلح شده بودند درزی متظلمین و عارضین در محلی که هنوز ملتزمین رکاب اعلی تماماً به هم نپیوسته، جلو اسب سواری همایون و راه آمده چند طپانچه خالی کردند. ولی تیرها خطا کرده مگر یکی از آنها که ساچمه داشت چند ساچمه آن بعضی از قطعات بدن مبارک را خراشید. چاکران از قبیل اسدالله خان میرآخور و نظام الملک و کشیکچی باشی و سایر اعظم و معارف دو نفر از آن سه نفر را گرفته و یکی را در میان هنگامه به ضرب تیغ و سنگ و چوب روانه جهنم نمودند. بعد از آن سرکار اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداء عزیمت شکار را موقوف داشتند، و حسب الامر عزیزخان آجودانباشی و حاجب الدوله والد مؤلف و کلانتر و کدخدایان به تفتحص و جستجوی رؤسای فرقه ضاله پرداختند و اول به خانه حاجی سلیمان خان شتافته او را با دوازده نفر از اشرار دستگیر کردند. و از این دوازده نفر سایر رفقای ایشان را معلوم نمودند و آنها را نیز بگرفتند و همه را به فتوای شرع به قتل رسانیدند و از خدمات بزرگ که در این وقت والد مؤلف نمود به دست آوردن ملاشیخعلی بود که سرمنشاء فتنه بود و مؤدّه سلامتی وجود مسعود مبارک را عاجلاً چاپاران به اصقاع بلاد ممالک محروسه رسانیدند و همه جا به شکرانه جشنها گرفتند و شهر را آئین بسته چراغان نمودند.

بسیاری از سواره و افواج برای سان و رسیدگی اسب و اسلحه آنها حکم شد حاضر رکاب اعلی شوند — محمّدولی خان بیگلربیگی و حکمران استرآباد به یک ثوب جبّه ترمه مخّلم و حمزه خان انزانی به اعطای یک قبضه شمشیر یراق طلا سرافراز شد — مهدی خان صاحب جمع وجوه خارجه، ده عزّاده کالسکه چهاراسبه خوب به جهت کرایه به اتمام رسانیده ساعتی یک قران کرایه می دهد — محمّدخان کلانتر به عطای یک ثوب جبّه سرافراز گردید — زنی در تبریز در محله در سرو مولودی هشت ماهه آورد که چشمهایش در پیشانی بود و ابرو نداشت، دو دندان در زیر، و دو شاخ در پشت گوش، و زبانش مثل زبان گاو و موی سرش مثل موی سرگاو و از کمر به پائین سفید و از سر تا کمر سیاه و دهان بسیار کوچک گردی داشته یک ساعت بعد از تولّد مرده است — میرزا احمدخان ناظم دیوان که در مأموریت هرات خدمت کرده بود به یک ثوب جبّه ترمه مخّلم شد — میرزا محمّدخان کارپرداز حاجی ترخان به یک ثوب جبّه ترمه مخّلم شد — میرزا عبدالوهاب گیلانی به استیفای محاسبه گیلان و خلعت همایون نایل گردید — هم در این سال از شانزدهم رمضان المبارک در محمّره غباری ظاهر و روز به روز در تزیید بود و چنان غلیظ شد که اکثر روزها از صبح تا شام آفتاب پیدا نمی شد و بعضی روزها طوری روشنی کم بود که در ده قدم آدم را ممکن نبود تشخیص بدهند اما دو ساعت از شب گذشته غبار برطرف و در هوا جوهر و اعتدالی نمودار می شد — به جهت اطفال ارامنه تبریز در حیاط کلیسا حکم شد مدرسه بسازند — میرزا فضل الله وزیر نظام که دو عزّاده توپ سه پوند بلندقد بسیار خوب در تبریز ریخته پیشکش کرد به یک ثوب جبّه ترمه مخّلم گردید — حسب الامر مقرر شد تومان بندی کلّ افواج قاهره را نمایند و روی بیرقها اسم و عدد تومان و افواج نقش شود — در کازرون مولودی متولّد شده که سر آن به شکل گربه و بدنش تمام مثل پلنگ منقّش و انگشتان به هم بافته، یکپای او بلند و پای دیگر کوتاه و قد او یک وجب و نیم، دندان هم داشته، گاهی گریه می کرده بعد از یکروز مرده است — انجام امور قورخانه و جنبه خانه و مدرسه در الفنون و ملبوس را به عهده محمّدخان بیگلربیگی و میر پنجه محوّل و موکول فرمودند — حاجی مبارک به لقب خانی و منصب سرتیپی

سواره نانکلی، و هداوند، و کنگرلو نایل گردید — پادری نحی^۱ پیشوای مذهب کاتولیکی عیسوی در جلفای اصفهان درگذشت و چون نهایت آدم خوبی بود آرامه و مسلمانان همه متأسف شدند.

اروپا — (اسپانیول) — وکلای ملت عزل شدند — ناروایز صدراعظم استعفا نموده موریث به جای او نصب شد — ژنرال پلیز که به قصد تسخیر جزیره کوبا از متصرفات ینگی دنیائی اسپانیول به آنجا رفته بود گرفتار شده در هاوان پایتخت جزیره کوبا مقتول شد — شاهزاده خانمی از ملکه اسپانیول متولد شد. (آلمان) — مجسمه فردریک اعظم پادشاه پروس را در برلن برپا کردند — ایالات ههن زلرن به مملکت پروس الحاق شد — طایفه یهود با عیسویان در باویر در حقوق و درجه مساوات بهم رسانیدند و حال آنکه تا آنزمان دارای این امتیاز نبودند — ارنشت اگوست پادشاه هانور در هشتاد و یکسالگی درگذشت و ژرژ پسرش با آنکه کور مادرزاد بود به سن سی و دو سالگی به جای او جلوس نمود. (انگلیس) — قبول کردن از طایفه یهود را به سمت وکالت رعیت مجلس پارلمنت تصدیق کرده بود، ولی مجلس لژدها قبول نکرده رد نمودند — اکسپوزسیون عمومی در لندن در عمارت بلور در هایدپارک که از باغات بزرگ عمومی شهر لندنست افتتاح یافت و مدت پنج ماه این اکسپوزسیون برقرار بود — لرد پالمستان وزیر امور خارجه استعفا نمود — در شمال دماغه امید در افریقا که از متصرفات انگلیس است جنگی سخت فیما بین حاکم آنجا و طایفه کافر اتفاق افتاد — عهدنامه دوستی و تجارتی با جزایر سندویچ بسته شد — معدن طلا در کوهستان شرقی استرالی متکشف گردید — تلگراف بحری از انگلیس به فرانسه از زیر دریای مانس که بندر دور و کاله را به هم وصل می کند امتداد یافت — از اهالی ارلند مهاجرین زیاد به سمت ینگی دنیا رفتند، چنانکه در این سال شصت و پنج هزار خانه آنجا بی سکنه بود و تمام اهالی خانه های مزبوره به ینگی دنیا رفته بودند — لئوکارڈ مورخ فوت شد —

۱. این کلمه خوانده نشد در مرآت البلدان نیز چنین است شاید یحیی باشد.

جمعیت تمام جزایر انگلیس در این سال پنجاه و پنج کرور و دویست و سی و هشت هزار و نهصد و چهار نفر، و جمعیت شهر لندن چهار کرور و سیصد و پنجاه و نه هزار و ششصد و چهل نفر است. (پرتوغال) — مارشال سالدینا که بر ضد وزیرای پرتوغال می بود به زور اسلحه دولت را مجبور کرد که کن تمار صدراعظم را معزول کند و خود به جای او به صدارت منصوب شد. (دانمارک) — ایجاد وکلای رعیت و بنیان قانون جدید ایزلند که متعلق به دانمارک است — ازیشت معلم علم طبیعی درگذشت — مابین دولت دانمارک و ایالتین اسیشویک و هلستن صلح شد. (روس) — دولت روس مصمم است که از دشت قرقیز به سمت خیره قشون کشی کند. (شود و نروج) — در ایالت نروج طایفه یهود را قبول نمودند. (عثمانی) — نقاری مابین دولت عثمانی و اطیش به جهت آزاد کردن گسوت که از اشرار مجارستان بود و پناه به خاک عثمانی برده حاصل شد — امیر بشیر از رؤسای لیسبان فوت شد — در این سال کسوف آفتاب را عثمانیها به فال بد گرفتند و هرچه منجمین خواستند ثابت کنند که آنرا اثری نیست مردم اعتقاد نکردند. (فرانسه) — ژنرال شازکانیه از سرداری قشون پاریس معزول شد — در پاریس و بعضی بلاد دیگر فرانسه شورش بر پا گردید — دور شهر پاریس ایجاد راه آهن نمودند — برای صاحبمنصبان و سربازان که در جنگ ناپلیون اول زخمی شده و از کار افتاده بودند ولی در حال حیات اند مرسومات تعیین نمودند — برای تنبیه طایفه قبیلی که از اعراب الجزایراند قشون فرستادند — مارشال سباستینی و مارشال سولت که از سرداران ناپلیون اول بودند فوت شدند — راه آهن تور و پواتیه برقرار و دایر شد — بنای بازار فروش ماکولات در پاریس نمودند — یکصد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلیون رئیس جمهوری علاوه بر آنچه معمول بود مطالبه کرده وکلای ملت قبول ننموده رد کردند — وکلای ملت را عزل و انتخاب وکلای تازه و تعیین وضع جدید در دولت به میل عامه نمودند — پانزده کرور رعیت فرانسه مدت ریاست لوی ناپلیون رئیس جمهور را ده سال قرار دادند — جمعیت فرانسه در این سال هفتاد و یک کرور و دویست و هشتاد و یک هزار و هشتصد و بیست و یک نفر بود.

افریقا (مضر) — ایالت مضر قبول تنظیمات جدید را نمی نماید — به توسط کمپانی انگلیس راه آهن از اسکندریه به قاهره ایجاد شد.

امریکا (اتانونی) — ایجاد راه آهن مابین کانادا و بُسْتُن شد — کتابخانه دولت در این سال آتش گرفت. (مکزیک) — شورش و انقلاب در اکثر بلاد این مملکت پدیدار آمد — دولت انگلیس با کمال تشدد مطالبه طلب خود را می نماید. (بنگی دنیای جنوبی) — ژنرال ایشنیک در پرو ریاست یافت — عهدنامه مابین مِنتو و یدو و برزیل برقرار گردید.

[سنه ۱۲۶۹ هجری = سنه ۱۸۵۲ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال اراض خان ترکمان با شخصیت نفر از رؤسا و ریش سفیدان تراکمه سرخس برای تعهد خدمتگذاری به مشهد مقدس آمدند که همیشه مقیم مشهد و غیره و نوکر دولت و مشغول خدمت باشند — عمارات مرحوم عبدالله میرزا و دروازه های زنجان که در مقدمه طایفه ضالّه بایه خراب شده بود حسب الامر تعمیر شد — در کارخانه بلورسازی و چینی سازی دارالخلافه خوب کار می کنند — محمد کریم میرزا از جانب علی خاں سیستانی عریضه خدمت نواب حسام السلطنه نوشته که او را به خدمتگذاری دولت علیه قبول و یک بیرق نشان شیر و خورشید برای سواره او مرحمت کنند که معلوم باشد از عساکر منصوره اند و مقبل و متعهد نظم و امنیت هفتاد و دو راه که محل عبور بلوچ است گردید — همچنین کریم دادخان بیگلربیگی هزاره دوهزار خانوار هزاره و باخرزی را با پسر خلیفه مرو و کدخدایان ساروق و سالور روانه به طرف ارض اقدس نمود — در ششم صفر جشن ولادت همایون را در تمام ممالک محروسه کاملاً گرفتند — نواب احمد میرزا به جوار رحمت الهی پیوست — افواجی که تازه از هرجا گرفته شده بود مشغول به مشق شدند — از غرایب آنکه در مزرعه برف آباد از توابع هارون آباد من اعمال کرمانشهان خرمنی که پنجاه خروار گندم پاک کرده داشت و صاحبان آن حاضر

شده که حمل نمایند یک دفعه مانند سنگ آسیا به چرخ افتاده به زمین فرو رفته به طوری که روز دیگر چند ذرع زمین را کردند آثاری فی الجمله از گندم بود، بعد آن آثار هم به کلی محو و معدوم شد و اشخاصی که حاضر بودند و این واقعه را دیدند طوری وحشت و دهشت بر آنها غالب شد که یک نفر از آنها بمرد و باقی مدهوش شدند — بنای چاپارخانه در ساری و اشرف شد — پنج میر تخم پنبه دانه ینگی دنیائی را در بلوک خوار کاشتند و یک خروار و پنجاه من جوزق برداشته و دانه های جوزق را که در بعضی از بته های آن شمرده بودند دویست و پنجاه و دویست و هشتاد بلکه سیصد دانه جوزق داشته — میرزا سعیدخان مؤتمن الملک دبیر مهم خارجه به حمایل و نشان سرتیپی اول مکمل به الماس سرافراز شد — نواب ایلدرم میرزا به پاداش تنبیه اشرار طایفه کاکاوند و خالدوند لرستانی به عطای یک جبه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید — امیرزاده ابراهیم میرزا در ازای خدمت انتظام امور عربستان و ساختن نهر هاشم و بستن سد و غیره به یک ثوب جبه ترمه مخلع گشت — حاجی قوام الملک به عصای مرصع مفتخر گردید — متعلمین دارالفنون را سالی سه مرتبه در حضور همایون امتحان می کنند — نواب امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان را ملقب به عمادالدوله فرمودند — چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با یک رشته حمایل سرخ نایل گردید — محال فریدن به اهتمام چراغعلی خان انتظام یافته و قلعه علی محمدخان را که حصانت آن موجب شرارت مشارالیه می شد کوبیدند — چند نفر از خوانین بلوچ که انقیادی نداشتند به وسایط نزد محمدحسن خان سردار حکمران کرمان و بلوچستان متقبل خدمت و اطاعت شدند — میرزا فرج الله خان آجودان توپخانه حسب الامر برجی جدید در انزلی بنا کرده و نه عراده توپ صاف ممتاز ریخت — محمدناصرخان ایشیک آقاسی باشی (ظهیرالدوله) به یک ثوب جبه ترمه مخلع گردید — میرزا زکی سر رشته دار اصفهان به یک ثوب جبه ترمه کرمانی نایل گردید — چهارصد نفر سرباز فوج بهادران به اتفاق اصلان بیک یاور مأمور بندر بوشهر شدند — نقاره خانه سردرب ارک جدید البنای شیراز را در کمال شکوه ساختند — چند نفر از ریش سفیدان طایفه آخال تراکمه در ارض اقدس خدمت نواب

حسام السلطنة رفته از جانب کل تراکمه مزبوره متعهد خدمت و مستدعی شدند که داخل در عساکر منصوره باشند — میرزا سعیدخان مؤتمن الملک به منصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب جنابیی و خلعت همایون سرافراز شد — محمدخان مصلحت گذار مقیم اسلامبول مرحوم، و حاجی میرزا احمدخان نایب دویم وزارت خارجه به جای او منصوب شد — میرزا بزرگ قزوینی به منصب کارپردازی ارزنة الروم برقرار گردید — جانمحمدخان حاکم ارومی به خلعت همایون سربلند آمد — جناب نظام الملک به اعطای یک ثوب لباده ترمه بطانه خز قرین اعزاز گردید — نواب احتشام الدوله به اعطای یک قطعه نشان مرتبه اول میر پنجه گی و یک رشته حمایل سرخ مفتخر گردید — احمدخان نوائی به یک ثوب جبّه ترمه درجه افتخار یافت — صاحبمنصبان بزرگ نظام حسب الامر روزها بعد از فراغ از مشق به مدرسه دارالفنون آمده علم جنگ می خوانند — شیرخان (اعتضادالدوله) ولد خان خانان به منصب سرتیپی سواره استرآباد و خلعت همایون سرافراز شد — سرکردگی سواره شاهسون مشکین را به بیوک خان ولد قاسم خان مرحمت فرمودند — میرعزیزخان به لقب دریاببیگی ملقب و مخلع شد — چون ایل شاهسون از طهماسبقلی خان ایل بیگی شاکی شدند او معزول و رستم خان به خلعت همایون نایل و به جای او منصوب شد — نصرالله خان پسر مرحوم حاتم خان شهاب الملک به منصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز شد — دختری در کرمان متولد شده که سه سر داشت و پاهای او کج و کف پای او با پشت پا مثل هم و یکساعت زنده بود — در کرمانشهان کره الاغی متولد شد که یکسر و دو تن داشت و تمام اعضای دو تن از هم منفصل بوده دارای چهار دست و چهار پا و دو دم و لکن زنده نمانده است — محمودخان قراگوزلو (جناب ناصرالملک) نایب اول سفیر مخصوص دولت علیه مأمور سنت بطرزی بورغ به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی از درجه اول با حمایل سرخ سرافراز گردید — محمدصدیق خان پسر یارمحمدخان حاکم هرات و جمعی از خوانین افغان و غیره که به دربار همایون آمده بودند به خلاع فاخره مفتخر گردیدند — سلیمان خان سهام الدوله مسیحی مرحوم شد — در گیلان ناخوشی وبا بروز نمود — هفتاد نفر رؤسای تراکمه مرو نوکری و خدمت دولت علیه را به میل خود اختیار

نمودند — میرزا فتحعلی خان مستوفی به یک ثوب جبّه ترمه مخّلع گردید — بارق کومنس صاحب‌منصب دولت آستریه که دوساله به خدمت این دولت آمده و قبل از انقضای مدّت مستدعی مرخصی و معاودت شد لهذا پانصد تومان انعام و شصت تومان قیمت یک طاقه شال علاوه بر سایر مراحم در حق او مبذول و او را مرخص فرمودند — سواره بختیاری و باجلان را ابوابجمع نورمحمدخان سرتیپ نمودند — یک ثوب قبای نظامی میرپنجه‌گی و یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول این منصب با حمایل آن به نواب احتشام‌الدوله خاتلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری مرحمت شد — حاجی علی خان حاجب‌الدوله والد مؤلف به اعطای یک ثوب خرقه ابره ترمه بطانیه پوست مفتخر گردید — محمدتقی خان معمارباشی به یک ثوب جبّه ترمه مباهی گشت — فوج جدید قراگوزلو ابوابجمعی احمدخان ولد محمودخان (ناصرالملک) و سواره‌نظام به سرکردگی امان‌الله خان (بهاءالملک) برادر محمودخان را به معزی‌الیه سپردند — نورمحمدخان قاجار به منصب سرتیپی سرافراز و مخّلع شد — زین‌العابدین خان بیرانوند به سرهنگی و یک طاقه شال خلعت نایل گردید — عبدالحسین خان اشرفی نایب ایشیک آقاسی باشی شده مخّلع گردید — مسیو ستانیو طبیب فرنگی به پنجاه تومان اضافه موجب و صد تومان پول دوا که قرار شده هر ساله به او مرحمت شود و به یک طاقه شال ترمه نایل و مخّلع گردید — یک جعبه تفنگ انگلیسی بسیار ممتاز به سام‌خان ایلخانی خراسان مرحمت کردند — افراسیاب خان نردینی با سواره ترکمان که به تاخت و تاز آن صفحات آمده بودند محاربه کرده بعضی را مقتول و برخی را زنده دستگیر و بقیه را منهزم کرد — مأموریت مأمورین جزو به ولایات موقوف و مقرر شد ارسال و مرسل احکام به توسط چاپاران باشد — میرزا فضل‌الله وزیرنظام از آذربایجان به دربار همایون آمده به مراحم مخصوصه و اعطای یک ثوب جبّه ترمه اعلی سرافراز شده دوباره سریعاً حسب‌الامر معاودت به آذربایجان کرد — ملک‌الکتاب به اعطای یک ثوب جبّه ترمه نایل و مفتخر گردید — چون در ایامی که در ارومی ناخوشی و با بروز کرد اهالی آنجا مورد بعضی خسارات شدند چهارهزار تومان نقد و دویست خروار جنس تخفیف به آنها مرحمت شد — ماهی هزار من شکر سفید

بسیار خوب از مازندران حمل به دارالمخلافه می شود — هم در این سال حاجب الدوله والد مؤلف مأمور ساختن عمارت دوشان تپه گردیده در روی تپه مزبوره عمارتی بسیار عالی باشکوه و خوش منظر بنا نمود و روز تشریف فرمائی موکب همایون به آنجا یک ثوب کلیجه تن پوش به معزی الیه مرحمت فرمودند و از آن اوان الی الآن نیز بر عمارات دوشان تپه افزوده شده است — هم در این روز موکب همایون از دوشان تپه تشریف فرمای قصر قاجار شده قشون حاضر رکاب مشق کاملی کردند — یک ثوب کلیجه تن پوش به آجودانباشی، و معلمین مشق فرنگی را نیز به همه شال های ترمه کشمیری و غیره خلعت مرحمت فرمودند — این اوقات یک روز جناب صدراعظم و جناب نظام الملک و آجودانباشی و جمعی از امرا و صاحب مناصبان بزرگ نظام به مجمع الصنائع که حسب الامر حسینعلی خان معیر الممالک دایر نموده و انواع و اصناف صنعتگران قابل مملکت را در آنجا فراهم آورده بود رفته از باب جرف را تشویق زیاد نموده و خواجه احمد ساعت ساز یزدی را که از مشاهیر صاحب صنعتان ایرانست یکصد تومان اضافه موجب دادند — شب دوشنبه دهم جمادی الثانیه یکساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص و عام در حضور همایون منعقد گردید — اسکندر خان سردار را به حکومت خوی و میرزا هاشم خان را به حکومت نهاوند منصوب فرمودند — و سرکردگی سواره خزل به میر مطلب خان پسر هاشم خان تفویض شد — مرتضی خان قاجار به منصب قوللر آقاسی باشی گری غلامان سرکاری نایل شد — چون در سنه ماضیه در آذربایجان رعایا به واسطه بروز ناخوشی وبا مبتلا به ضرر و خسارت شده بودند محض تفضل در باره آنها ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات سال گذشته و ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس نیز در هذه السنه تخفیف مرحمت شد — نیز یک هزار تومان به اسکندر خان سردار مرحمت فرمودند که عمارت دیوانی خوی را که قریب الانهدام بود تعمیر نمایند — خلیفه عبدالرحمن خلیفه مرو پسر خود را با پنجاه نفر از رؤسا و کدخدایان مروی خدمت نواب حسام السلطنة حکمران خراسان فرستاده اظهار انقیاد می نماید و مستدعی است حاکمی از برای مرو از جانب اولیای دولت علیه تعیین

شود — اردوئی که با عبدالله خان میر پنجه به بلوچستان رفته بود از بمپور و قلعه سرباز و تمامی خاک بلوچستان تجاوز کرده به قلعه سورمیچ حوالی مکران رسیده و در هرجا طایفه بلوچ از بادیه نشین و غیره به تقدیم خدمات پرداخته اند — سردار علی خان سیستانی که همیشه اظهار انقیاد به کارگذاران این دولت جاوید شوکت می نماید این اوقات که امیر علم خان قاینی و حسن خان جلیل وند به سیستان وارد شده اند بیرق دولت علیه را در سر قلعه کوه که از قلاع معظمه سیستان و محل توقف خود سردار علی خان است نصب کرده و پسر خود را با پسران دوست محمد خان و ابراهیم خان سیستانی به اسم گروی به میر علم خان سپرده خود را یکباره در ظل حمایت و ربه اطاعت این دولت ابد آیت کشید.

چون شاهنشاهزاده اعظم معین الدین میرزا به منصب و لقب ولیعهدی اختصاص یافته بود در این اوان رسماً این معنی انتشار یافته در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند — محمد حسن بیک پسر مرحوم محمد خان مصلحت گذار سابق دولت علیه مقیم اسلامبول به منصب نیابت مصلحت گذاری اسلامبول سرافراز شد — حاجی محمد رحیم خان را مأمور بندر عباسی و انتظام آن صفحات فرمودند — نواب مؤید الدوله را حکمرانی ولایت همدان دادند — دولتمراد خان ترکمان که از معتبرین ریش سفیدان طایفه ساروق است با بیست نفر دیگر به ارض اقدس خدمت نواب حسام السلطنه آمده مستدعی است که به خدمتگذاری این دولت علیه قبول شود — میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی به اعطای کلیجه تن پوش مبارک مفتخر گردید — نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به پانصد تومان اضافه مواجب نایل گردید — داود خان به حکومت ارامنه و نصارای سرحدات ارومی و سلماس و خوی سرافراز گردید — سلیمان خان چون خدمات به دولت علیه کرده بود بعد از وفات او ولدان او مورد مرحمت شده جهانگیر خان را به منصب سرتپی و نریمان خان را به نیابت اول آجودانباشی مفتخر فرمودند — حاجی میرزا علینقی باغمیشه به کلانتری تبریز برقرار شد — صدو دوازده نفر از مرضای افواج قاهره این اوقات در مریضخانه دولتی به اهتمام میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام صحت یافتند — قشون ظفر نمون که به طرف مکران رفته بودند قلعه مکران را که از قلاع

صعبه مستحکمه است تصرف نموده و سردار دین محمدخان که مقدم بزرگان بلوچستان است بدون اظهار مخالفت از در اطاعت درآمده است، تاکنون به صفحات مکران کسی قشون نبرده بود، در قلاع و نواحی مکران قریب دویست هزار ایل تمکن دارند — ذوالفقارخان خمه ای به سرکردگی سوار خمه برقرار گردید — منصب سرتیپی فوج نصاری را به حسن خان پسر حاجی بیجن خان مرحمت کردند — مالیات قیان بنده سبزوار را به کلی بخشیدند — نواب اردشیر میرزا را حکومت دارالخلافه باهره دادند به وزارت میرزا موسی — مرض وبا در دارالخلافه بروز کرده است — شب چهارشنبه بیست و پنجم رجب در شیراز زلزله سختی شده و خرابی زیاد رسانیده و تقریباً زیاده از دوازده هزار نفر تلف شدند — صاحب منصبان و آحاد قشونی که به همراهی عبدالله خان میر پنجه در فتح قلاع کیچ و مکران بلوچستان خدمت کرده بودند به نشان و انعام و خلعت همایونی سرافراز شدند — در یزد بادی از سمت شمال وزیده که ابتدا زرد رنگ و بعد سرخ و بعد سیاه گشته است — در خلخال و خمه وبا بروز کرد — آقا اسمعیل تحویلدار عساکر منصوره به خزانه داری کل نظام و لقب خانی سرافراز گردید — چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان مخلع گردید — در آخر سامان دشتی که تا بندر کنگان سه فرسخ است نگرگ غریبی باریده و خرابی زیاد نموده دانه کوچکتز آن ده سیر وزن داشت. یک دانه آن بر سر زنی خورده فی الفور او را هلاک نموده است — علی خان سوادکوهی که قراولی ارک پادشاهی و خزانه و حفظ وجود مبارک به او مقرر بود مرحوم شد خدمات او را کلاً رجوع به میرزا کریم خان سرهنگ فوج سوادکوهی فرمودند — فضان آقای سرتیپ توپخانه با توپچیان متوقف دارالخلافه و فوج فدوی قراگوزلو ابوابجمعی مصطفی قلی خان میر پنجه قراول شهراند — برج شهر کرمان که خرابی داشت تعمیر شد — از غرایب آنکه در کرمان جوجه مرغ خانگی از تخم درآمده که دو سر داشت، در یکسر سه چشم و سه منقار و در سر دیگر نه چشم و نه منقار و سایر اعضای آن مستوی الخلقه و چند روز زنده بوده و دانه می خورده بعد از آن مرده است — در قم و کاشان و اصفهان و مازندران نیز ناخوشی وبا بروز یافت و مخصوصاً در مازندران چندی شدت کرد — میرعزیزخان دریاییگی به اعطای یک قطعه نشان از

مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد — آبادی و ابنیه و عمارات دولتی و غیره دارالخلافه نسبت به چند سال قبل مضاعف شده — هزار نفر سوار از تراکمه به عزم تاخت زقار به طرف شاهرود آمده محمدرحیم خان خبر شده با جمعی سواره و پیاده سرراه بر آنها گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر را زنده دستگیر و باقی را هزیمت داد — مسیو نمیر معلم سواره نظام به عطای یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول یابوری نایل و سه ماهه مرخص شد که به آستریه وطن خود رود — نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به خلعت همایون سرافراز گردید — کالسکه ای که به صحابت شعبانعلی خان به افتخار صید محمدخان ظهیرالدوله مرحمت شده بود چون به یکفرسخی هرات رسید معزی الیه استقبال نموده شرایط تعظیمات و احترامات را نموده در کالسکه نشسته داخل شهر هرات شد — نواب نصرت الدوله حکمران فارس و بعضی اعیان فارس به خلعت همایون مفتخر شدند — نواب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان نیز به خلعت همایون سرافراز گردید — زرگری اسلامبولی در دارالخلافه در کمال خوبی کار می کند و یک قطعه جیقه فرنگی ساز حسب الامر ساخته که نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است — نواب نصرت الدوله از حکمرانی فارس استعفا نموده و نواب مؤیدالدوله به حکمرانی فارس منصوب و مخلع شد — اسدالله خان امیرآخور به حکومت همدان و خلعت همایون سرافراز گردید — جهانسوزخان به منصب میرآخوری مفتخر گشت — زنی در کرمانشاهان با آنکه شوهر نداشته به یک شکم چهار طفل آورده، از پدر اطفال از او سؤال نمودند گفته بود در حمامی که مردانه بود و بعد زنانه شده رفته ام و در آنجا آبتن شده ام — بالجمله آن چهار طفل هیچیک بیش از چهار ساعت زنده نبودند — نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری به خلعت همایون سرافراز و امیرزاده جلال الدین میرزا نایب الحکومه لرستان شد — عزیزخان آجودانباشی را منصب سرداری کل عساکر منصوره عطا فرمودند — موکب همایون اواسط ماه ذیقعد هزیمت چمن سلطانیه فرمود — ناخوشی وبا از همه جا مرتفع شد — میرزا محمدخان بیگلربیگی شیراز ولد حاجی قوام الملک مرحوم شده میرزا علی خان ولد او را به جای او بیگلربیگی و مخلع فرمودند، نیز یک ثوب جبهه ترمه به حاجی

قوام الملک خلعت مرحمت شد — میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه به لقب خانی نایل گردید — خان خویه که بر سر مرو آمده بود شکست خورده علاوه در اردوی او ناخوشی و با افتاده به طرف خویه کوچیده است — اردوی همایون در چمن سلطانیه و عده ملتزمین رکاب اعلی به شصت هفتاد هزار نفر می رسد — روز عید قربان سلام عام با شکوهی تمام منعقد گردید و به جناب صدراعظم در این سلام اظهار مراحم مخصوصه فرمودند — به عزیزخان سردار کل و آجودانباشی یک رأس اسب خاصه مرحمت شد — طامسن صاحب شارژ دافر دولت انگلیس روانه اردوی پادشاهی گردید — سنگ مثانه بیرون آوردن به اهتمام و تعلیم دکتر پولاک شایع شد و در یکسال خود او بیست و سه سنگ درآورد که یکی هلاک شد و باقی به سلامت رستند.

موکب همایون از چمن سلطانیه عزیمت دارالخلافه باهره فرموده روز بیست و هفتم ذیحجه تشریف فرمای طهران شد و در نالار تخت مرمر سلام عام انعقاد یافت — حاجب الدوله والد مؤلف که در این سفر خدمات شایان نموده بود به عطای یک ثوب کلیجه تن پوش مبارک مفتخر گردید — زرگر اسلامبولی آپلیت گرانبهائی که حسب الامر از جواهر خزانه مبارکه ساخته روز عید غدیر در چمن سلطانیه به حضور مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خبره آنرا بیست و پنج هزار تومان قیمت کردند — بر حسب استدعای نواب حشمت الدوله حکمران آذربایجان پانصد تومان به صنف شعر باف تبریز تخفیف مرحمت شد — حاجی میرزا محمدخان نایب اول وزارت دول خارجه به لقب دبیر مهم خارجه و خلعت همایون سرافراز و از قزوین به آذربایجان رفت — قنبرعلی خان که بیگلربیگی و حاکم شهر تبریز بود احضار و احمدخان نوائی که دیوان بیگی اردوی همایون بود به جای او مأمور و روانه شد — کلب حسین خان نایب اول آجودانباشی به لقب امین نظام ملقب و به خلعت همایون سرافراز گردید.

اروپا — (اسپانیول) — شخصی قصد قتل ملکه اسپانیا نموده او را مجروح ساخت — کاستن از معارف اسپانیا درگذشت — غربای اسپانیا که دارای ادیان مختلفه

هستند به موجب حکم سخت دولت به حسب ظاهر جز به طریقه کاتولیکی نمی‌توانند عبادت کنند — وزیرای تازه در اسپانیا به صدارت رن کالی برقرار شدند — در جزیره کوبا و مانیل زلزله سخت شد. (آلمان) — اعلیحضرت امپراطور اطریش به ممالکی که در ایتالیا متصرف بود سفر نمود — پرنس شوآرت زن برگ صدراعظم اطریش در سن پنجاه و دو سالگی به مرگ فجاء درگذشت — نیز اعلیحضرت امپراطور به مجارستان سفر نمود — عهدنامه تجارتنی مابین این دولت و دولت عثمانی بسته شد — صد و شصت کرور فلرن مجدداً در این سال دولت قرض کرد — نیز اعلیحضرت امپراطور اطریش به برلن سفر کرده با اعلیحضرت پادشاهان پروس و هانور و غیره ملاقات نمودند — هم در این سال در لهستان متعلق به پروس و با بروز کرده و از آنجا به مملکت پروس سرایت نمود — پادشاه ایالت باد، شارل لیاو پلڈ فردریک به سن شصت و یک سالگی درگذشت و پسر بزرگ او لوی چون که مبتلا به ناخوشی صرع می‌باشد به شراکت پسر دویم پادشاه مرحوم فردریک بر تخت سلطنت جلوس نمود — گرنڈیوس وواکش‌یز از نقاشهای معروف آلمان وفات نمود — جمعیت پروس در این سال سی و دو کرور و پنجاه و پنج هزار و یازده نفر می‌باشد. (انگلیس) — ژن‌روسیل صدراعظم دولت انگلیس تکلیف کرد که علاوه بر قشون معمول دولت باید صد و بیست هزار لشکر چریک به‌طور ذخیره داشته باشد که هنگام لزوم به آنها اسلحه و لوازم جنگ بدهند و آنها را به خدمت مأمور کنند — وزیرای دسته ویگ استعفا کرده وزیرای توری برقرار گردیدند — لرد دربی منصب صدارت یافت — ولنگ‌تن سردار، و وزیر معروف انگلیس در سن هشتاد و سه سالگی وفات کرد و عزای عام در مملکت انگلیس به جهت فوت او گرفتند — مجلس پارلمنت بر ضد دسته وزیرای جدید است، وزیرای دسته ویگ مجدداً منصوب شدند — جنگ انگلیس با ایالت کافر در افریق. هنوز به اتمام نرسیده است. دولت انگلیس به بیرمان اعلان جنگ نموده و عساکر از کلکته و مدرس به بیرمان فرستاده و فتوحات در آن مملکت نموده است — به جهت انکشاف معدن طلا هشتاد و هفت هزار نفر از انگلیس در مدت یکسال به استرالی مهاجرت کردند — کشتی‌های جنگی انگلیس که در این وقت موجود

می باشد صد و سی و سه فروند است، آنچه در کشتی سازخانه دولتی می سازند بیست و یک فروند است — در این تاریخ در جزایر انگلیس یازده هزار و صد و پنج هزار ذرع یعنی هزار و صد و پنج کیلومتر راه آهن دایر است در ظرف یازده ماه بعد از انکشاف معدن طلا تا این وقت معادل چهل کرویر طلا وارد انگلیس شده — تئاس مَور شاعر معروف ایرلندی در این سال فوت شد. (ایتالیا) — کونت گوُور به وزارت مالیه و بعد به وزارت بحریه و آخر الامر به منصب صدارت پادشاه پیمن برقرار شد — در ساردین و بعضی جاهای دیگر شورش نمودند — مجلس شورای مملکتی در رومه منعقد گردید کوه آتشفشان اتنا طغیان نمود. (پرتوغال) — با یک کمپانی معاهده نمودند که از لیزبن پایتخت مملکت تا سرحد اسپانیا خط راه آهنی ممتد نمایند. (بلژیک) — عهدنامه تجارتي پر ضرری با فرانسه بست — وزرای تازه به صدارت بروکر نام تعیین شدند — روزنامه های بلژیک را سخت ممانعت نمودند که نسبت به شخص سلاطین خارجه الفاظ مستهجن و بد ننویسند و این فقره به خواهش دولت فرانسه بود و ابتدا قبول نمی شد ولی آخر موقع قبول یافت. (دانمارک) — ایالتین اسلشویک و هلستن دارای وزرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند که دخلی به وزرا و پارلمنت دانمارک ندارند. (روس) — اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین و با اعلیحضرت پادشاه پروس برادر زوجه خود در برلن ملاقات نمودند — پرنس دولوشتان برگگ داماد اعلیحضرت امپراطور وفات نمود — در اواخر پائیز در سنت پترزبورغ وبا بروز کرد — راه آهن دولت روس در این سال سیصد و بیست هزار ذرع است. (عثمانی) — رشیدپاشا صدراعظم عثمانی در ظرف سه ماه عزل و نصب شد — در شامات دزدی و راهزنی بی حد است — علی پاشا به جای رشیدپاشا صدراعظم شد — فواد افندی به منصب وزارت خارجه رسید — ابتدای خیال استقراض دولت از خارجه و معادل ده کرویر تومان پول ایران و این فقره به واسطه عدم رضایت روس و اطریش و بعضی از اهالی خود عثمانی انجام نمی یابد — به ایالت مصر اجازه می دهند که مستقلاً از انگلیس قرض کند — شورش طایفه دروز در شامات و شورش اهالی منتگرو و هرزگوین که مالیات

نمی دهند — مأموریت عمر پاشا با بیست و پنج هزار از قشون به تنبیه اهالی منتنگرو و هرزگوین. (فرانسه) — در بیرق های فرانسه علامت و تصویر عقاب را که ناپلیون اول اختراع کرده و مدتی متروک بود برقرار نمودند — مسکوکات به اسم و تصویر پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری منقوش خواهد بود — ریاست ده ساله لوی ناپلیون را عموماً قبول نمودند — مجلس سنا که عبارت از مجلس اعیان و اشراف و نجبای مملکت باشد برقرار گردید — املاک و اموال لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه و اولاد او را حکم به ضبط و فروش نمودند — ریاست مجلس سنا به پرنس ژرم عمومی رئیس جمهوری قرار می گیرد — قانون دولتی موسوم به قانون ناپلیون می گردد — روز پانزدهم ماه او که روز مولود ناپلیون بوده جشن می گیرند — رئیس جمهوری فرانسه به ایالات جنوب بورژلین، بُردو، و تور سفر نموده و مردم او را امپراطور خطاب می کنند — امیر عبدالقادر والی الجزایر که در حبس فرانسه بود رئیس جمهور در عبور از شهر امبواز، او را از حبس بیرون آورده [به] بروما از خاک عثمانی می فرستد — ورود رئیس جمهور به پاریس با کمال شوکت و جلال در عمارت سنت کلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را به حضور او، و تمنا کردن که قبول ریاست جمهور را مادام العمر نماید بالاخره در ماه قوس این سال اغلب اهالی فرانسه جمع شده پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری را ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خواندند و پرنس ژرم عمومی لوی ناپلیون را ولیعهد او قرار دادند — مارشال ژراو، و مارشال اِکزمان^۱ فوت شدند — کشتی های جنگی فرانسه در این سال یکصد و هشت فروند بود. (هلاند) — کشتی های جنگی هلاند در این سال چهل فروند است. (یونان) — اهالی یونان تمکین نمی کنند که متابعت کشیش بزرگی که در اسلامبول است نمایند و به واسطه تکلیفی که دولت به آنها می نماید در بعضی ایالات شورش می شود — در سواحل یونان طوفان سختی شد.

افریقا — بعضی از سیاهان که در امریکا بودند مهاجرت نموده به لی بریا که یکی از نقاط افریقا است آمده در این ناحیه یک جمهوری شبیه به جمهوری ینگی دنیا

تشکیل داده‌اند، ناحیه لی بریا را که در این سال (هزار و سیصد) متجاوز از هفتصد هزار سکنه اصلی دارد که سیاه‌پوستند^۲ و شانزده هزار از آن سیاهانی هستند که از ینگی دنیا مهاجرت نموده به این ساحت آمده‌اند - دول اتائونی و انگلیس و بلژیک و پروس و برزیل و فرانسه به یک ایالت جمهوری افریق شناختند.

امریکا - (اتائونی) - اول کشتی که در ظرف نه روز و سه ربع ساعت از نیکور ینگی دنیا به لیورپُل بندر انگلیس آمد کشتی موسوم به آرتیک بود و این سفر در ماه دلو اتفاق افتاد - جمهوری اتائونی درصدد فرستادن جمعی از دانشمندان به خاک ژاپن می‌باشد و غرض از این مسافرت انکشاف مسائل جدید می‌باشد زیرا که بنادر ژاپن تا آن وقت برای هیچیک از ملل باز نبود - از اهالی چین چند هزار نفر به جهت کار کردن در معدن طلای کالیفرنیا از مملکت خود به اتائونی می‌آیند - کَلِیسنا از معارف اتائونی درگذشت - فرانسه و انگلیس هر قدر خواستند اتائونی را با خود متحد کنند که دولت اسپانیا را در نگاهداشتن جزیره کوبا تقویت کنند قبول نکرد - کشتی‌های جنگی اتائونی در این سال سی و شش فروند بود. (ینگی دنیای جنوبی) - ابتدای خیال مردم در حرکت بر روی شطّ آمازُن با کشتی‌های بخار در این سال بود - خرید و فروش غلام و کنیز در دولت برزیل به وساطت انگلیس موقوف شد - توضیح آنکه شطّ آمازُن از تمام شط‌های روی زمین عظیم‌تر و بزرگتر است حتی از نیل. سرچشمه این شطّ از جبال آند است بعد از طی پنج هزار و چهارصد هزار ذرع مسافت در محاذی خط استوا به محیط اتلانتیک می‌ریزد. در حوالی سرچشمه در جاها که عرض این شطّ خیلی کم است سه الی پنج هزار ذرع است اما نزدیک به دریا عرض این شطّ دویست و هشتاد و شش هزار ذرع می‌باشد و عمقش سیصد و بیست و پنج ذرع، زیادی آب این شطّ به حدیست که وقتی که به محیط می‌ریزد به مسافت صد و سی و پنج هزار ذرع در دریا طعم آب به هیچوجه تغییر نکرده شیرین است و مخلوط به آب دریا نمی‌شود. انکشاف

۲. هزار و سیصد، سال تألیف این کتاب است. در مرآت البلدان عین این عبارات آمده اما به جای هزار و سیصد، هزار و دویست و نود و چهار است که سال تألیف مرآت البلدان است.

این شط در سنه هزار و پانصد عیسوی مطابق نهصد و شش هجری شد.

[سنه ۱۲۷۰ هجری = سنه ۱۸۵۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی به یک ثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید — و این ایام حکم همایون شرف صدور یافت که قلعه مضبوطی در مرو ساخته به قدر ضرورت ساخلو قشونی در آنجا گذارده شود. خلیفه مرو که عریضه ای مشعر بر اظهار عبودیت به دربار معدلتمدار فرستاده بود از جانب سنی الجوانب خسروانه فرمان همایون مبنی بر شمول مراحم ملوکانه خطاب به معزی الیه صادر و یک ثوب جبّه ترمه به رسم خلعت و سیصد تومان انعام نقد به افتخار او مبذول شد و چون خوارزمیها محصول و زراعت آنها را چرانیده و به واسطه کمی غله در صفحات مرو عسرتی حاصل است امر فرمودند هزار خروار غله به آنها بدهند که از این رهگذر آسوده باشند — این اوقات فیما بین دولت روس و عثمانی بنای جنگ است لهذا سردار کل عساکر منصوره مأمور آذربایجان شد که در آن سرحدات اغتشاش و بی نظمی حادث نشود — جناب آتب صاحب، قنصل دولت انگلیس به مرخصی آن دولت چندی به وطن خود رفته بود، این اوقات مجدداً به دارالخلافه معاودت نمود — هادی خان ولد مرحوم عباسقلی خان میر پنجه را به سرتیپی افواج نیشابور و تربت سرافراز فرموده روانه خراسان شد که افواج مزبوره را سرکشی نماید — علی خان سرهنگ فوج چهارم تبریز به منصب سرتیپی و نایب اول آجودانباشی گری سرافراز شد — میرزا زین العابدین سر رشته دار مهاجر و سواره به منصب لشکرنویسی رسید — جبرئیل خان پسر آقاخان گرجی نایب دویم آجودانباشی گردید — علیقلی میرزا پسر نواب عمادالدوله به منصب سرتیپی سرافراز و از جانب نواب عمادالدوله به حکومت کلیائی رفت — نظام الملک به رتبه شخص دویمی و نیابت صدارت عظمی و لقب جنابی و تمثال همایون و حمایل آبی و سبز که مخصوص شخص دویمی است نایل و به وزارت شاهنشاهزاده معین الدین میرزا نیز منصوب گردید — عبدالله خان میر پنجه در ازای خدمات بلوچستان و تسخیر قلعه

بافتان به نشان میر پنجه گئی سرافراز گشت — محمدیوسف خان سرتیپ به پیشکاری میرزا کوچک خان سرهنگ فوج جدید کرمانی از جانب محمدحسن خان سردار به حکومت یزد رفت — سرپرستی ایل شگاک ارومی را به حسنعلی خان پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند — اسدالله خان حاکم همدان به لقب معتمدالملکی ملقب گردید — به قدر پانصد ششصد نفر از طایفه ضالّه بایته در نیریز جمع شده و در کوه نزدیک نیریز سنگرها به جهت خود ساخته بودند. نواب مؤیدالدوله حکمران فارس میرزا نعیم لشکرنویس و حاکم نیریز و لطفعلی خان سرتیپ را با فوج شقاقی و غیره و چند عراده توپ مأمور دفع آنها نموده بعد از جنگی سخت سنگرهای آنها را مستخر، و صدنفر از آنها عرضه شمشیر، و باقی را دستگیر کرده قلع ریشه فساد آنها را از آن حدود نمودند — حاجی یوسف خان سرتیپ ایل بیگی مغان شد — عباسقلی خان هشتروندی حکومت هشتروند یافت — ناخوشی وبا بالمره از جمیع بلاد ممالک محروسه مرتفع شد — میرزا ابوالقاسم تفرشی به سررشته داری دفتر استیفا و دویست تومان اضافه مواجب نایل گردید — میرزا محمدحسین صدر سفیر مخصوص از سفارت سنت پترزبورغ معاودت کرد — قافله بخارا که عازم مرو و مشهد مقدس بود میراحمدخان جمشیدی با هزار نفر سوار اوزبک به جلو آنها رفته و قافله مزبوره در چهارجو ماند. بهادرخان حسن خان سبزواری را با سیصد نفر سوار فرستاده، سواره میراحمدخان را منهزم و برخی را مقتول نمودند، و قافله مزبوره بدون آسیبی به مرو آمد. برحسب استدعای خلیفه مرو و مرویها علاوه بر قشونی که سابق مأمور مرو شد این اوقات نواب حسام السلطنة والی خراسان سه فوج سرباز و پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ و خمپاره با قورخانه روانه مرو نمودند که آنجا را از تعرضات ارگنجی محروس دارند — نواب حسام السلطنة به اعطای یک ثوب کلیجه تن پوش مبارک مباهی گردیدند — دوهزار سوار بخارائی و غیره که در نزدیکی مرو سکنی داشتند و دست اندازی به مال و جان مردم می کردند فرار نمودند — چهارشنبه چهارم ربیع الثانی بنندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره به جهت امتحان متعلمین به مدرسه دارالفنون تشریف فرما شدند — چون ماهین شیرعلی خان پسر امیردوست محمدخان حاکم کابل و سردار کهندل خان سردار قندهار نقاری

حاصل شده بود عبدالله خان سیستانی را با فرامین و احکام مأمور آن صفحات فرمودید که آنها را به راه مودت و اتحاد دلالت کند — سردار سلطانعلی خان پسر سردار کهندل خان که به خاکپای مبارک آمده بود او را به لقب مظفرالدوله ملقب و مخلم فرموده به صحابت او خلایق فاخره و انعامات شاهانه برای سردار کهندل خان و رحمدل خان و مهردل خان و سایر خوانین مبذول داشتند — خسروخان والی حاکم قزوین به عطای یک ثوب کلیجۀ ترمه تنپوش مبارک سرافراز گردید — میرزا محمدحسین صدر دیوانخانه ملقب به عضدالملک گردید — کارمک صاحب حکیمباشی آذربایجان به عطای یک قطعه نشان سرهنگی از درجۀ اول نایل گردید — برجیس صاحب مباشر روزنامه و مترجم دیوان، و میرزا عبدالله روزنامه نویس به خلعت همایون سرافراز گردیدند — حاجی بابا پسر مرحوم آقا حسین ملک التجار بادکوبه ای به عطای یک قطعه نشان درجۀ دوم سرهنگی مفتخر گردید — کبیتان زطی صاحب منصب مهندس از اهل آستریه و مسیو چارنوطا معلم علم معدن که در خدمت دولت ایران بودند وفات کردند — قاسم خان صاحب جمع به یک قطعه نشان سرهنگی از درجۀ اول، و یک رشته حمایل سفید، و یک ثوب جبۀ ترمه کرمانی سرافراز شد — یک ثوب خرقۀ ترمه بطانه خز، تنپوش مبارک به نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما مرحمت فرمودند — امیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب مؤیدالدوله حکمران فارس به خلعت همایون سرافراز شد — عالیجاه ملا اکرم مستوفی هرات چند رأس اسب به رسم پیشکشی از جانب صیدمحمدخان حاکم هرات به خاکپای مبارک آورده مورد تفقدات شاهانه گردید — قشون مأمور مرو را جمعیت کلی از تراکمه سرخس و خوانین آنها استقبال کرده و منتهای خدمتگذاری را از آنها نموده و دویست نفر سوارۀ سرخس تا مرو همراه اردو رفتند — ترکمانان طرّنی نیز خدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده و نواب معظم همه را مستظهر به مرحمت نموده اند — شیرخان ناظر به لقب عین الملکی و یک قطعه گل کمر مرصع مفتخر گردید — جهانسوزخان امیرآخور به یک ثوب کلیجۀ ترمه بطانه خز، تنپوش مبارک سرافراز شد — آقامحمدحسن صندوقدار به عطای یک ثوب لباده ترمه بطانه پوست مباهی گردید — آقامهدی ملک التجار حسب الامر بعضی روزها مجلسی از اعیان

تجّار در سرای امیر تشکیل داده در ترقی امر تجارت مذاکره می نماید — محمدعلی خان بختیاری هفت لنگ که به دزدی و شرارت معروف و در یکی از قلاع صعبه آنجا متحصّن بود به اهتمام نواب احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بختیاری و بروجرد قلع و قمع گردید — قشون مأمور مرو وارد مرو شده مرویها پذیرائی و استقبال از آنها نمودند — نواب مؤید الدوله حکمران فارس به یک قطعه نشان امیرتومانی و حمایل مخصوص این رتبه و یک ثوب جبّه ترمه از جانب ستی الجوانب مباهی گردید — نواب فریدون میرزا فرمانفرما به حکمرانی خراسان نایل شدند، و میرزا فضل الله وزیرنظام را متولیباشی حضرت رضوی سلام الله علیه و پیشکار امور خراسان فرمودند — نواب شاهنشاهزاده اعظم امیرقاسم خان را منصب امارت نظام مرحمت فرمودند — نواب نصرت الدوله به نیابت نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه مأمور به حکومت آذربایجان گردیدند — میرزا صادق مستوفی به لقب قایم مقامی و پیشکاری کل امور آذربایجان سرافراز گردید — سالارمهدی خان و ولد ملوک و سالارالله بلوچستانی نزد محمدحسن خان سردار حکمران کرمان و یزد آمده تعهد خدمتگذاری به دولت علیه می نمایند — شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به یک قطعه نشان سرتیپی از مرتبه اول و حمایل آن سرافراز گردید — شال بافی کرمان خیلی ترقی کرده است — شب سه شنبه بیست و یکم ماه جمادی الثانیه هفت ساعت و هفده دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نموده سلام خاص تحویل و سلام عام روز عید نوروز در پیشگاه حضور مهرظهور اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه منعقد گردید — بندرعباس که از بنادر فارس و حکومت آن از جانب اولیای دولت علیه به عهده شیخ یوسف خان محول بود بعد از شیخ یوسف خان شیخ عبدالرحمن و بعضی از مشایخ دیگر به خیال خودسری افتاده صیدثوینی پسر امام مسقط را به بندر آورده با او عهد و میثاقی کرده و دور بندر خندق حفر و آذوقه و توپ و قورخانه و جمعیت از امام مسقط و صیدثوینی دریافت نموده بنیست و هفت عراده توپ بزرگ در بروج و بدنه داشتند سواي توپهایی که در جهازات متعدده از امام مسقط در روی دریا بود و به سنگر قشون دولت علیه گلوله می انداختند. نواب مؤید الدوله امیرزاده ابوالقاسم خان را با توپخانه

و فوج گلهایگانی ابوابجمعی نصرالله خان و فوج شقاقی لطفعلی خان با مصطفی قلی خان یوزباشی و تفنگچی لاری مأمور به محاصره بندرعباسی نموده ابتدا سنگرها و خانه های شهر را به تصرف درآوردند، از آن طرف هم صیدمحمدخان برادرزاده امام مسقط با چند جهاز و جمعیت، و زیاده از پنجاه عزاده توپ به امداد آنها آمده تا در روز هشتم ماه جمادی الثانیه قشون ظفرنمون یورش برده به قهر و غلبه شهر را مسخر کردند و قشونی که به کمک مشایخ آمده بودند چنان سراسیمه شدند که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را به بغله و جهاز برسانند و به دریا افتاده غرق شدند — همچنین قلعه کهیز که از قلاع صعبه گرمسیرات کرمانست و به هوای بندرعباس اهالی آن نیز دم از خودسری می زدند روز ششم همین ماه به تصرف رضاقلی خان عرب و امامقلی خان که با فوج عرب و فوج کرمانی از جانب محمدحسن خان سردار حاکم یزد و کرمان به گرفتن آن قلعه مأمور بودند درآمد.

جناب صدراعظم به یک قطعه نشان امیرتومانی اعظم و یک رشته حمایل سبز که اول نشان این دولت علیه و مخصوص شخص اول است و تاکنون به هیچیک از وزرای سابق مرحمت نشده و یک رشته شرابه بند کاغذ مکمل به الماس و مروارید نایل و به لقب آلتسی (اشرف امجد) سرافراز آمدند — حاجی جابرخان از حکومت محمره معزول و حکومت آنجا را به شیخ حاکم که محصل مالیات شط العرب است مفوض نمودند — جناب مسیو انچکوف شارژ دافر دولت روس روز شانزدهم رمضان وارد دارالخلافه باهره، و دو روز بعد با اجزای سفارت به حضور همایون مشرف شد — روز عیدفطر سلام عام در نیاوران انعقاد یافت — حاجی محمد تاجر تبریزی که برحسب امر اولیای دولت علیه با چند نفر از ارباب صنایع ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلورسازی و شکرریزی و ریخته گری و آهنگری و چیلانگری به سنت پترزبورگ رفته بود این اوقات مراجعت کرده همگی مورد تفقذات امنای دولت ابدایت شدند و مقرر شد عجالاً برای دو دستگاه چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته و چرخ راه بیندازند و به محمودخان (جناب ناصرالملک) مصلحت گذار مقیم سنت پترزبورگ

نوشتند که دو دستگاه دیگر از همان چرخ کاغذسازی از آنجا خریده ارسال نماید و حاج مشارالیه به مازندران رفت که بنای کارخانه شکرسازی در آنجا بنماید و در این اوان شکرسفید از مازندران آوردند که بهتر از شکر خوب هندی بود — عبائی در کاشان از ابریشم به عمل آوردند که مثل عباهای خوب نجف اشرف و کربلای معلی است و حکم شد از این عباها بیافند — حاجی محمد شریف خان قاجار به حکومت ارومی، و حیدرقلی خان شادلو به حکومت اردبیل و اسدالله خان قاجار به حکومت قراجه داغ و یحیی خان ایلخانی به حکومت مراغه نایل گردیدند — وزارت وظایف و اوقاف را تفویض به میرزا محمدحسین عضدالملک فرمودند — متعلمین دارالفنون از نتیجه علوم خود کتب مفیده علمیه تألیف می کنند — صیدمحمدخان ظهیرالدوله حاکم هرات چند رأس اسب به عنوان پیشکش به اتفاق سردار صالح خان به دربار همایون فرستاد — امیردوست محمدخان حکمران کابل نیز جعفرقلی خان کابلی را چون با عریضه به دربار معدلتمدار فرستاده بود بعد از شمول مراجع کامله و انعامات شامله در حق جعفرقلی خان و همراهان او، او را مرخص و یک ثوب جبّه ترمه پولک دوز شمشه مرصع و یک رأس اسب عربی ممتاز از اصطبل خاصه به انضمام زین و یراق تمام طلا برای امیردوست محمدخان و دو ثوب جبّه ترمه زنجیره دار برای پسران امیر معزی الیه محمدافضل خان که در سمت ترکستانست و غلام حیدرخان به صحابت او انفاذ فرمودند — نواب احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری را به عطای نشان تمثال بی مثال همایون مفتخر فرمودند — این اوقات سالار مهدی خان با عریضه از جانب خوانین بلوچ نزد محمدحسن خان سردار حاکم یزد و کرمان آمده از جانب آنها اظهار انقیاد نمود، ولی از قرار مذکور امیرعلم خان حاکم دژک جتازه سواری نزد ابراهیم خان ضابط و مستحفظ بمپور فرستاده اظهار نموده که آزادخان خارانی جمعیتی جمع کرده به سر دژک بیاید ابراهیم خان نیز خوانین بلوچ را به بمپور خواسته که در صورت صدق مستعد دفاع باشند — بعضی قنوات عرض راه خراسان را جناب صدراعظم امر به تنقیه نمودند — محمدحسن خان پسر سردار علی خان سیستانی و شاه پسندخان و میرکمال خان این اوقات از سیستان به دربار همایون آمده علی قدر مرتبتهم مورد

الطاف ملوکانه شدند — بعضی خوانین و اشخاصی که در قلعه گهیز فارس و قلاع بلوچستان خدمت کرده بودند این اوقات خلعت و نشان در حق ایشان علی قدر مراتبهم مرحمت شد — این اوقات حسب الامر اسلحه خانه مخصوصی برای اسلحه ممتاز و آلات حربیه سلطنتی بنا کرده و تمام اسلحه سلاطین ماضیه و این عهد همایون را که همه ممتاز و مزین به طلا و مرصع به جواهر و کارهای اساتید قدیمه و جدیده بود در آنجا به نظم و ترتیب گذاشتند — و همچنین کتابخانه مخصوصی برای کتب سلطنتی و قطعات خطوط اساتید به وضع بسیار خوش بنا کردند — مبالغی تخفیف مالیاتی به ارامنه ساکن جلغا و بلوک فریدن اصفهان مرحمت فرمودند — و هم این اوقات از طایفه ترکمانیه پانصد نفر سواره به عزم تاخت و تاز به قریه افریزه که یکی از قرای سرحدی قوشخانه است آمده اهالی قلعه آنها را دفع داده پس از یأس ترکمانان از غلبه بر آبادی به سوزانیدن و چرانیدن محصولات پرداختند. یزدان ویردی خان برادر سام خان ایلخانی مخبر شده قدرت الله آقا و غیره و سواره و شمشالچی و غیره را جمع آوری کرده به دفع آنها روانه شد، از آن طرف هم ترکمانان تدبیری اندیشیده قریب سه هزار سوار با بیل و کلنگ و نردبان بر سر قلعه خیرآباد که از قلاع سرحدی قوشخانه است آمده که آنها را تصرف کنند سواره و شمشالچی دولتی جلو آنها را گرفته و با آنکه جمعیت قشون ظفرنمون زیاده از چهارصد نفر نبود آن سه هزار نفر ترکمان را منهزم و متفرق نمودند نظر به این حسن خدمت یزدان ویردی خان یک ثوب جبّه ترمه و یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی با حمایل آن برای معزی الیه انفاذ و مرحمت شد — میرزا حسن خان برادر مرحوم میرزا تقی خان به نیابت حکومت عراق منصوب گردید — حبیب الله خان پسر خسروخان کرمانی که رؤسای اشرار بلوچ را به دارالخلافه آورده بود به عطای یک طاقه شال ترمه و یک ثوب قبای زری مفتخر گردید — یک دست از تراکمه اتک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند. محمدرحیم خان نایب الحکومه بجنورد مستحضر شده بر سر آنها رفته آنها را متفرق ساخته و قلعه که ساخته بودند به کلی خالی ماند — جناب احمد وفق افندی ایلچی کبیر دولت عثمانی از دربار همایون رخصت انصراف حاصل و به یک قطعه

نشان تمثال همایون مکتل به الماس با حمایل آبی از طرف همایون شهریاری نایل شده حیدر افندی مستشار خود را در غیاب خود به مصلحت گذاری برقرار نمود — راه کتل بالای افجه که معبر و راه مازندران ولی بسیار سخت و صعب المسلك بود به حکم جناب صدراعظم به خوبی ساختند — در اوایل ماه ذیقعد باد بسیار شدید و طوفانی تیره در صفحات گرمسیرات فارس اتفاق افتاده تقریباً صد هزار نخل از نخلستانهای قیر و کازرین و لارستان را از ریشه کنده است — فتح کلات و دفع جعفر آقای کلاتی که چندی بود در ظاهر منقاد ولی در باطن مخالف دولت قوی بتیاد بود به امر و اهتمام نواب فرمانفرما حکمران خراسان و میرزا فضل الله وزیر نظام، و به پاداش این خدمت خلایع فاخره برای نواب فرمانفرما و وزیر نظام مرحمت و ارسال شد — دوشنبه دهم ذیحجه که روز عید قربان بود در داودیه جناب صدراعظم سلام عام در حضور همایون شاهنشاهی منعقد گردید — سنگ مرمری در کمال صفا و زینت با خطوط خوش به جهت مزار مزیت آنکر خاقان خلد آشیان (فتحعلی شاه) نور الله مضجعه تمام کرده با تشریفات کامل به صحابت میرزا اسد الله روانه قم داشتند — اسمعیل خان ولد مرحوم بشیرالدوله چاپارچی باشی دربار و مخلف گردیده موجب و جیره مرحوم بشیرالدوله نیز در حق او برقرار و موجب خود اسمعیل خان به سایر اولاد بشیرالدوله مرحمت شد — روز عید غدیر سلام عام نیز در داودیه منعقد و عموم چاکران بار حضور معدلت ظهور شاهانه یافتند — خلیفه طاطاوس که بزرگ ملت ارامنه جلفاست به دربار همایون آمده عرض کرد بعضی از حکام و عمال ولایات نسبت به ارامنه چنانکه باید به رسم عدل و اعتدال حرکت نمی کنند لهذا فرامین و احکام مؤکده به حکام ولایات صادر شد که نسبت به جمیع ملل که رعایای دولت علیه اند رعایت کمال عدل را بنمایند و خلیفه مزبور را مخلف و امیدوار اجازه انصراف دادند. (چین) — شورشیان از جنوب به سمت شمال حرکت کردند شهر نانکن را گرفتند و رأس رئیس یاغیان تین تیه که خود را از طایفه منول و از اولاد قبلای قاآن می داند و سلطنت چین را حق خودش فرض می نماید — کان تئن شهر دیگر را می گیرد، شهر آموی را ضبط می کند تا حوالی پکن می راند.

اروپا — (توضیح: قبل از اقدام به نگارش اخبار اظهار می دارد که بعد از این هرجا
 ذکر از مسئله شرقیه شد مقصود جنگ دولت روس و دولت عثمانی است که در
 سنه هزار و دویست و هفتاد شروع شد و عهدنامه ای که در صلح منعقد شده و
 قراری که دول متحابه عثمانی در حفظ حدود و ثغور و عدم مداخله دول دیگر به کار
 داخله عثمانی داده اند و شروطی که دولت عثمانی نموده است که نسبت به
 رعایای خودش کلیتاً علی الخصوص به عیسویان تبعه خود چه قسم رفتار کند و
 بعضی مسائل و مطالب دیگر که باز راجع به دولت عثمانی است اینها را مسئله
 شرقیه می نامند و از اینجا که بنای نگارش اخبار ممالک بر ترتیب حروف تهجی
 است که در اسم آن ممالک رعایت می شود و بنابر اینکه این مسئله تعلق کامل به
 عثمانی دارد به جای حرف عین نگاشته می شود.) (اسپانیول) — فوت دُن زُگرتس
 از فصحا و علما که در این وقت سمت سفارت کبری را در پاریس داشت —
 نارواوتر که جلای وطن یافته بود اجازه مراجعت یافت — افتتاح راه آهن از آران ژواز
 به تانپلیک. (آلمان) — فوت ژنرال راڈوویدس — اهالی شهر میلان ایتالیا که جزو
 اطریش است به تحریک مازینی بنای یاغیگری می گذارند — یکی از اهل
 مجارستان خیال قتل امپراطور را می کند — به مهاجرین پیمن که در میلان بودند از
 طرف دولت اطریش کمال سختی می رسد — ویکتر امانول پادشاه ساردین و پیمن
 از این فقره به دول فرنگ شکایت می کند — قطع مراوده و دوستی مابین اطریش و
 سویس — تاج سلطنت مجارستان و فرقه سن ایتین که یکی از ائمه عیسویانست
 یاغیهای مجار در سه سال قبل از این سرقت نموده پنهان کرده بودند مکشوف
 می گردد و به دست دولت اطریش می افتد — در مملکت ساکس عروسی پرنس
 آلبر ولیعهد آن دولت — تفصیل قصد قتل امپراطور اطریش از این قرار است و این
 تفصیلی است که از روی روزنامه معروف گارت دوین در بیستم فوریه هزار و
 هشتصد و پنجاه و سه مسیحی نوشته شده است.

اعلیحضرت امپراطور و آجودانش گنت ادیل بالای دیوار شهر وین خم شده
 پائین میان خندق را تماشا می کردند که یک دسته قشون در میان خندق مشغول

مشق بود. بعد از نماشای مشق امپراطور بالای همان دیوار دور قلعه مشغول گردش شد. شخصی از اهل مجار علی الفظه بیرون آمده با کارد ضربتی به پشت گردن امپراطور اطریش زد. امپراطور شمشیر خود را کشید که به قاتل زند. گنت ادیل آجودان، خود را بر روی ضارب انداخته کارد را از دست او گرفته بر زمینش افکند. جمعی رعیت که از آنجا می گذشتند آجودان مزبور را کمک نموده قاتل را گرفتند. امپراطور به دست خودش دهنه زخم را نگاهداشته بود که خون زیاد از او نرود. عمارت ارشیدوک آلبر، که در آن حوالی بود امپراطور خود را به آنجا رسانید. بعد از آنکه قدری آرام گرفت به کالسکه نشسته به قصر سلطنتی رفت و بعد از دو سه روز کلیتاً بهبودی یافت. اسم ضارب لُبنی بوده — دولت اطریش یک دسته قشون به سرحد عثمانی مأمور می کند که حمایت مُنیتیگرو و هرزگوینها را بنماید درحالتی که صرپاشا با منیتیگرو و هرزگوین در جنگ است. (انگلیس) — گنت کِرآلانڈن به وزارت خارجه برقرار شد — امتداد خط تلگرافی از مملکت انگلیس به هلاند و بلژیک از زیر دریا — افتتاح اکسپوزیسیون بزرگی در دُوبُلن — طائفه کافر که در سمت افریقا با دولت انگلیس در جنگ بودند طالب صلح شدند — کشتی جنگی بخاری که صد و سی توپ در آن بود به اسم دوک دِلنگ تُن موسوم شد — جنگ با بیرمان در کمال تشدد و گرمی است — افتتاح راه آهن هندوستان در بمبئی — فوت گنگ بُورن که از طرف دولت انگلیس مأمور به بردن ناپلیون به جزیره سنت هلن بود، و پتی فاتح سند. (ایتالیا) — منفر برادر پادشاه دوک دِژن به پاریس و لندن — جزئی شورشی در تورن پایتخت و در آسِت. (بلژیک) — دوک دِبرابان که الحال لاؤپُلد دویم است به سن بلوغ عرفی که هیجده سال باشد رسیده با پدر خود پادشاه بلژیک سفری به برلن و وین و ساکس نمود — آروشی دوشس ماری دختر یکی از شاهزاده های بزرگ مجارستان را به حباله نکاح آورد — پادشاه بلژیک و پسر و عروسش به انگلیس سفر کردند. (پرتوغال) — دُناماری ملکه پرتوغال در وضع حمل اولاد هشتم می میرد — پسر بزرگ ملکه دُن پِدر پنجم که شانزده سال دارد به جای مادر پادشاه می گردد. (دانمارک) — به واسطه نداشتن اولاد ذکور پادشاه دانمارک ولایتعهد را به برادرزاده خود کِرِتین

می دهد. (روس) — ضبط املاک و بیوتات لهستانیها که بر ضد دولت هستند —
افتتاح راه آهن از سنت پترزبورگ الی ورشو — بسط مملکت و فتوحات در ترکستان
— فتح خیوه و فرار خان خیوه به بخارا — قوت آتین ژر نویسنده معروف (شود و
نروج) — وبای شدید در نروج علی الخصوص در کریس تبانیا، پایتخت آن مملکت.
(سوئیس) — جمهوری سوئیس مضایقه در قبول تکلیف بعضی دول می نماید که
روزنامه نویسان آن مملکت را مانع شوند نسبت به سایر ملل و سلاطین خارجه بد
نویسند روزنامه را آزاد می دانند — از برای هنگام لزوم بیست و هشت هزار قشون
حاضر می کند. (عثمانی) — ابتدای مسئله شرقیه — دولت روس در ایالت
سربستان محرک کشتیهای اسلاواست بر ضد پرنس آلکساندر والی آن مملکت —
استعفای پرنس شیکا، والی افلاق بغداد به واسطه بودن عساکر روس در آن مملکت
— اهالی قراداغ عثمانی در شورش اند بر ضد دولت — دولت اطیش حمایت از
آنها می کند — سفیری مخصوصاً از وین به اسلامبول به جهت تکلیف بعضی
مطالب که راجع به قراداغ است می رود — دولت عثمانی قبول این تکالیف را
می نماید — دولت روس طالب آزادی و رفاهیت تمام عیسویان تبعه دولت عثمانی
است — پرنس منچیکف وزیر بحریه روس مأمور به اسلامبول و حامل نوشته سختی
است برای سلطان عثمانی، دولت انگلیس و فرانسه به محض اطلاع از این نوشته
سخت دولت روس که تهدید به جنگ است سفاین جنگی خود را به خلیج بزرگ
که از آنجا به اسلامبول می و مش ساعت مسافت بیشتر نیست روانه می دارند —
پرنس کرشاکف سردار روس از رودخانه پروت که سرحد روس و عثمانی است
تجاوز کرده تابستان این سال وارد خاک افلاق بغداد می شود — و در وین پایتخت
اطیش مجلس مشاوری دول که عبارت از کنفرانس باشد تشکیل می یابد — سفرای
کبار پروس و اطیش و فرانسه و انگلیس در مسئله شرقیه گفتگو می نمایند —
لایحه ای به طور یادداشت از این مجلس نوشته می شود — تکالیفی که در این لایحه
ضبط بود دولت روس قبول می کند اما دولت عثمانی رد می نماید — کشتی های
جنگی فرانسه و انگلیس که جنگ میانه عثمانی و روس را قریب به یقین دیدند در
پائیز ورود به اسلامبول می کنند — قشون عثمانی به سرداری عمریاشا از دانوب

عبور کرده در حوالی اولینسپزا، و تورکائی با قشون روس مقابلی کرده آنها را شکست می‌دهد، و در همان وقت شروع مخاصمه در اناتولیا می‌شود — در بندر سینپ یک قسمت عمده کشتی‌های جنگی عثمانی را روسها شکسته غرق می‌سازند — رعایت عیسویها که تبعه عثمانی بودند و روس طالب بود، و فی الواقع می‌خواست آنها را به این اسم در تحت حمایت خود درآورد — در این قسمت مملکت فرنگستان عثمانی که سی کرور جمعیت شمرده می‌شدند بیست و دو کرور آنها عیسوی و باقی مسلمان یا ملل دیگراند — پرنس منچیکف وزیر بحریه روس قبل از ورود به اسلامبول در سوستاپل بیست و هفت کشتی جنگی روس را سان دید — و مسئله عمده‌ای که اسباب نقارش و اعلان جنگ از طرفین کردند این بود که دولت عثمانی مُصِرّ بر این بود که قشون روس از افلاق بغداد خارج شوند و دولت روس این فقره را نمی‌خواست — قشون عثمانی در سمت اناتولیا چند شکست خوردند — در سمت ازمیر طایفه پتی قاطرچی بنای دزدی و غارت گذاشتند — عباس‌پاشا والی مصر بر ضد روس و خدمتگذار عثمانی است و غدغن بلیغ نمود که حیوایات از مصر به خارج نبرند. دول فرنگ بطلان این حکم را از عثمانی خواستند که به محض تکلیف به عباس‌پاشا قبول نمود. (فرانسه) — مزاجت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون با اُرنی صبیّه یکی از سرداران و بزرگان اسپانیا — به واسطه بدی حاصل این سال از اطراف به حکم اعلیحضرت ناپلیون غله زیادی به مملکت فرانسه آوردند — سدی که در شیربورک هفتاد سال بود بنا کرده بودند تمام شد — در اُیستانی نول کالِذنی به تصرف فرانسه آمد — فتوحات ژنرال بُسِکِه و ژنرال ماکماهون در الجزایر. (هلاند) — بنادر جزایر ملوک که از مصروفات هلاند است به تجارت جمیع دولت باز می‌شود. (یونان) — زلزله سخت در شهر تِب می‌شود.

امریکا — (اتانونی) — رئیس تازه جمهوری ژنرال پیرش درصدد وسعت مملکت و آبادی است — نقار جمهوری اتانونی با دولت اطیش به جهت حبس یک نفر از تبعه اتانونی — اکسپوزیسیون عمومی در نیورک. (مکزیک) — آریستا رئیس

جمهوری اضطراراً استعفا نموده از مکزیک خارج می شود — سان تا آنا به جای او منصوب و قوانین جدید ایجاد می کند و قشون را منظم می سازد و تمثای این را از ملت دارد که مادام العمر رئیس بوده ولیعهدش که باید بعد از فوتش به جای او باشد خود معین کند.

[سنه ۱۲۷۱ هجری = سنه ۱۸۵۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — چون خاطر همایون پادشاهانه همواره متوجه آسایش عموم اهالی کشور و لشکر است بعد از فتح کلات مقرر فرمودند سیورسات قشون ساخلوی آنجا را درست به آنها برسانند که همیشه آذوقه پنج شش ماهه حاضر داشته باشند و به اهالی کلات نیز کمال مرحمت مبذول افتاد — ریش سفیدان و رؤسای تراکمه سرخسی از طایفه آقتمش و ققتمش که هر طایفه دوازده تیره و هر تیره هزار خانواراند به خدمت نواب فرمانفرما حکمران خراسان آمده اظهار انقیاد و استدعای خدمتگذاری به این دولت علیه را نموده قرار و مداری که باید داده راه اطاعت می پیمایند — قلعه روئین دز نهاوند را تعمیر کردند — نواب سیف الله میرزا به حکمرانی قزوین برقرار گردید — شب عید مولود همایون همه جای ممالک محروسه جشن گرفتند و سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت — نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران مرحوم، و نواب احمد میرزا به حکومت مازندران و خلعت همایون سرافراز شد و میرزا اسدالله مستوفی به وزارت مازندران برقرار و مخلع گردید — مهرعلی خان سرتیپ افواج فارسی را به لقب شجاع الملکی و خلعت همایون مفتخر و جمیع قشون فارسی را ابوابجمع مشارالیه فرمودند — میرزا عبدالرحیم آجودان وزارت خارجه به منصب نیابت اول سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول و لقب خانی سرافراز و مخلع و روانه محل مأموریت شد — میرزا حسین خان (سپهسالار اعظم مرحوم) کارپرداز سابق بمبئی به منصب ژنرال قونسولی مأمور تفلیس و به اعطای جبه ترمه از ملابس خاصه سرافراز شد — سیف الله خان شاهسون مرحوم شد و سرکردگی سواره شاهسون را به برادر او لطف الله خان مرحمت فرمودند و برادر

کوچکتر آن مرحوم هدایت الله خان به منصب ایل بیگی گری طایفه مزبوره برقرار گشت — جناب حاجی ملا اسدالله معروف به حجة الاسلام از علمای معتبر بروجرود به مرض مطبقة به جوار رحمت الهی پیوست — در حوض سلطان که آب کم بود به حکم جناب صدراعظم اسطخرهای آب ساختند — عمارات دیوانی اصفهان را تعمیر نمودند — نواب فریدون میرزا فرمانفرما بعد از نظم سرحدات و حول و حوش کلات به طرف آخال رفته که آن حدود را هم نظم درستی بدهند — حسن خان یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید — حیدرعلی خان سرهنگ که در سفر خراسان خدمات کرده به نیابت اول آجودانباشی سرافراز و مأمور آذربایجان شد — شنبه چهارم ماه ربیع الاول بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه دارالفنون گردیده متعلمین را پس از امتحان مفصلی به فراخور ترقیات، اعطای خلعت و انعام یا موجب و نشان فرمودند. و محمدخان میر پنجه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقبت کرده بود به یک ثوب کلیجة ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید، و رضاقلی خان ناظم مدرسه نیز به خلعت همایون مفتخر گشت — گنبد مطهر حضرت امامزاده عبدالعظیم علیه السلام را حسب الامر تعمیر و طلا کردند — نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که به طرف آخال و نظم آن حدود رفته بودند ترکمانان اتک نشین با بعضی از سپاه منصور دوچار و پس از قدری محاربه منهنجا فرار کرده نواب والا جمیع اماکن و قلاع آنها را که سی و شش قلعه بود منهدم و خراب و تمام آذوقه و اسباب و تر و خشک آنها را نیز به آتش قهر می سوزانند و بنابر اهتمامات نواب معظم در نظم آن صفحات یک ثوب قبای ترمه تن پوش مبارک و یک قبضه کارد دسته مرصع مکمل به المناس از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب معظم انفاذ و ملتزمین خدمت و همراهان فرمانفرما را نیز به عواطف و خلایق فاخته و امتیازات دولتی سرافراز می دارند — جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعه تبریز مرحوم شد — در این اوقات قافله ای که از هرات به مشهد مقدس می آمده گرفتار محمدشیر و اسیر شده اند و خبر به صید محمدخان ظهیرالدوله رسیده جمعیتی را به استخلاص آن قافله فرستاده سواره جامی و خوانی و هزاره به امداد جمعیت هراتی رفته با همراهان شیخ محمد جدال

نموده برخی را مقتول و بسیاری را منهزم و اسرا را خلاص نموده فراریها را تعاقب کردند چون اسرا و گوسفندانی که از تراکمه پس گرفتند متعلق به رعایای دولت علیه بودند نواب فرمانفرما و وزیرنظام به صیدمحمدخان نوشته بودند که غدغن نمایند سواره هراتی اسرا و گوسفندان را رد نمایند و چنین کردند — محمدعلی خان بختیاری چهارلنگ که مدتی بود مصدر شرارت شده و در قلعه دز که از قلاع محکمه است متحصن گردیده امیرزاده ابراهیم میرزا برای دفع او استعدادی فراهم آورده و بر سر قلعه او رفته پس از سه چهار روز کوشش و محاربه قلعه را مسخر کرده و محمدعلی خان نیمه شبی فراری و متواری شد و امیرزاده را به پاداش این خدمت از طرف دولت به یک ثوب جبّه ترمه مخّلع فرمودند — محمدولی خان بیگلربیگی حکمران استرآباد به یک قبضه شمشیر پراق طلا گل مرصع سرافراز شد — جعفرآقای کلاتی که بعد از فتح کلات فرار به خیمه کرده بود به قریاب شتافته و سرتیپ را مطلع نموده معزی الیه دسته سربازی به کمک سربازان مزبور فرستاده بعد از پنج شش ساعت زد و خورد با آنکه شب بوده شکست فاحشی به سواره قریابی داده همه را مقهور و متفرق می نمایند — پل خواجوی اصفهان را تعمیر کردند — شیلات مازندران و استرآباد را به میرعلی اکبرخان دریابیگی و میرعبدالصمدخان سپرده و مشارالیهما را مخّلع فرمودند — میرزا حسن خان نایب الحکومه عراق دیکاکین شهر سلطان آباد و باغات و عمارت دیوانی را مرمت و تعمیر و غرس اشجار کرده و از بلاد دیگر از هر قبیل ارباب صنایع به این شهر آورده سکنی داد — محمدحسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در قلع و قمع و قتل و اسر اشرار بلوچ که به قصد تاخت و تاز و دست برد بعضی از حدود کرمان آمده بودند شرط خدمت به جای آورد — عیسی خان والی حکمران گیلان به یک قبضه کارد دسته مرصع و یک ثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک مخّلع و برای معزی الیه فرستاده شد — منصب تحویلداری قورخانه با یک ثوب جبّه ترمه کرمانی به حاجی میرزا موسی خان مرحمت شد — در ازای خدمات بندرعباس یک قطعه نشان سرتیپی اول با یک رشته حمایل سرخ و یک ثوب جبّه ترمه به امیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب مؤیدالدوله و یک قطعه نشان میرپنجی و یک ثوب جبّه ترمه به عبدالله خان

صارم الدوله مرحمت شد، همچنین به سایر صاحب منصبان بذل مراحم و امتیازات گردید — نظر به خدمات نمایان رضاقلی خان سرهنگ عرب و فوج عرب در فتح بندرعباس، او را به منصب سرتپی سرافراز فرمودند — محمد ابراهیم خان سرتپ افواج اصفهان به خدمت اخذ امیر احمدخان اوزی که از جمله اشرار فارس بود و تخریب قلعه او، به یک ثوب جبّه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید — لطفعلی خان سرتپ قشقائی در ازای دفع شرّ قبادخان قشقائی که از سارقین و اشرار بود نیز به یک ثوب جبّه ترمه مخّلع گردید — نواب جهانسوز میرزا به منصب سرتپی دو فوج عرب و عجم و خلعت همایون نایل گردید — هم در این اوقات محاربه قشون ظفرنمون با محمدامین خان خان خیوه و کشته شدن او اتفاق افتاد به این تفصیل:

خوانین و حکام مملکت خوارزم که شهر معتبر و مشهور حالیه آن خیوه است از عهود سالفه همیشه در سلسله اطاعت و انقیاد سلاطین ایران بودند و اگر وقتی سرکشی و خودسری می نمودند از طرف سلاطین ایران تنبیه و گوشمالی می دیدند. در عهد شاهنشاه مبرور و ماضی محمدشاه غازی انارالله برهانه که حکومت به محمدامین خان رسید به واسطه بی اعتنائی امنای دولت تمرد از خدمت نموده سهل است پس از چندی به خیال تصرف مرو که رعیت مخصوص ایران است افتاد و هر به دو سه سال یکمرتبه به مرو آمده به اسم زکات چیزی می گرفت. تا در اوایل این دولت قوی شوکت باز برای اخذ زکات به مرو لشکر کشید، نواب حسام السلطنه که در این وقت فرمانفرمای خراسان بود افواج قاهره را فرستاده او را شکست فاحش و دفع دادند. این اوقات محمدامین خان با چهل هزار نفر قشون که از اورگنجی و ختیوی و ترکمان جمع کرده برای تسخیر مرو آمد. نواب فرمانفرما هم که بدایه از این واقعه مطلع شده و قشون ساخلو خراسان را مستعد دفاع او فرموده بودند، بعضی از قشون ظفرنمون را از پیش به طرف سرخس حرکت داده خودشان نیز از عقب حرکت کردند. خان خیوه که مطلع شد پیش دستی کرده بر سر سرخس آمد. بعد از چند روز محاربه با سرخسی و سپاه ظفرهمراه، آخر عساکر دولت فایق آمده قشون محمدامین خان خان خیوه را منهزم کرده و با کمال جلادت دست بر خود او یافته او را با سی و دو نفر از بنی اعمام و محارم و خواص

به قتل آوردند و آنچه به تحقیق پیوست دویست و هفتاد نفر از صاحب منصبان خان خیوه کشته شده بودند. شب سیزدهم رجب که شب عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب سلام الله علیه بود خبر قتل خان خیوه به دارالخلافه باهره رسید و شب پانزدهم رضاقلی خان با سرها وارد گردید. روز شنبه نوزدهم در سلام عام به عرض خاکپای همایون رسانیدند. ذات ملکوتی صفات مقدس پاس خدمات اجداد خان خیوه را به سلاطین باتمکین ایران و بزرگ زادگی او را منظور فرموده احضار سر او و کسان او را به حضور همایون اجازه ندادند و امر فرمودند آنها را با کمال احترام تغسیل و تکفین نمایند و در جایی مناسب دفن کنند — نواب احتشام الدوله خانلر میرزا به پاداش خدمت بستن سد ناصری در خویزه به یک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب مفتخر گردیدند — از غرایب اینکه نخیلات شط العرب دومرتبه ثمر آورد — حاجب الدوله والد مؤلف که در تعمیر و طلا کردن گنبد مطهر امامزاده عبدالعظیم علیه السلام مساعی وافیہ نموده بود مورد مراحم مخصوصه گردید — دویست نیزه سر و شصت نفر اسیر و دو عراده توپ و یک عراده خمپاره که نتیجه فتح قشون کرمانی در بندرعباس بود به دارالخلافه آوردند — در این اوان محض مزید نظم و انتظام امور قشون و استقلال سردار کل دستخطی به قلم معجز رقم همایون خطاب به جناب صدراعظم شرف صدور یافت.

چهارشنبه دویم رجب یکساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته تحویل آفتاب به حمل و ابتدای سال خیرمآل توشقان نیل شد و سلام خاص در عمارت کلاه فرنگی و سلام عام در تخت مرمر تشکیل یافت — نواب علیقلی میرزا (اعتضادالسلطنه) به یک قطعه گل کمر مکمل به الماس مفتخر گردیدند — میرزا فضل الله وزیرنظام متولیباشی و پیشکار خراسان چهار زوج در نقره که هریک دو ذرع طول و یک ذرع و سه چارک عرض دارد به جهت اطراف حرم محترم رضوی شرفها الله تعالی مزین به نام همایون تمام و نصب نمود — جناب مسیو اینچکاف شارژدافر دولت روس مقیم دارالخلافه به یک قطعه نشان دوره الماس مصور به تمثال بی مثال همایون سرافراز گردید — در این اوقات که فوت مرحوم امپراطور روس نیکلا و جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم ولیعهد دولت مشاالیها اتفاق افتاد

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به توسط میرزا محمدحسین عضدالملک جناب مسیو اینچکاف شارژدافر دولت روس و صاحب منصبان سفارت را دعوت به حضور مهرظهور مبارک فرموده بعد از اظهار تأسف زیاد از وفات مرحوم اعلیحضرت امپراطور، تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکساندر را بر سریر سلطنت ممالک روس به لفظ گوهرنثار ادا فرموده و پس از تفقدات شاهانه اجزای سفارت را اجازه انصراف دادند — نظر به خدمات میرزا محمدصادق قایم مقام به یک جام آئینه تمثال همایون که بزرگترین اسباب مفاخرتست معزی الیه را مفتخر فرمودند — محمدحسن خان سردار در سمت دروازه ارک و شهر کرمان تازه باغی موسوم به باغ ناصریه احداث نمود — میرزا شفیع توپسراکاتی به وزارت کرمان رفت — پل رودخانه قزل اوزن را که از خاک گروس می گذرد چون خراب بود در کمال استحکام ساختند — دکتر یرتلمی فرانسوی که از فحول اطباست در سلک چاکران دربار منسلک گردید — حاجی محمدحسین جبه دارباشی مرحوم شد و میرزا نصرالله ولد مشارالیه جبه دارباشی و مخلف گردید — فوج جدیدی حسب الامر از شقاقی گرفتند — چهارصد دست اسباب توپ کشی سوای اسباب توپ کشی سابق که در انبار بود حسب الامر دوخته تسلیم انبار قورخانه کردند — جناب چارلس آکیتس مری وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس که مأمور به اقامت در دربار دولت علیّه بود وارد دارالخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد. در اواخر ماه جمادی الثانیه شش جهاز تجارتی و چند بکاره در بندرلنگه به واسطه وزیدن باد قوس و طوفان شدیدی شکسته و غرق شده و تقریباً دویست هزار تومان به تجار خسارت وارد آمد — میرزا محمدصادق قایم مقام به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر و مرخص شده به آذربایجان معاودت کرد — میرزا صادق خان ولد مشیرالدوله به سرهنگی فوج جدید شقاقی و خلعت همایون سرافراز گردید — سرهنگی فوج اردبیل و مشکین به حسنعلی خان پیشخدمت خاصه مرحمت و مرخص شده به آذربایجان رفت — پل آق دربند را در کمال استحکام ساختند — عمارت هزارجریب اصفهان را تعمیر نمودند — به استدعای میرزا محمدصادق قایم مقام بعضی از چاکران به حکومت جزو آذربایجان و مناصب نظامی نایل

گردیدند — میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری ابوابجمعی خود را سان داده به اعطای یک ثوب کلیجه ترمه تن پوش مفتخر گردید — دویست تومان بر موجب محمد اسمعیل خان چپارچی باشی افزودند — نظر به خدمات جناب نظام الملک در اتمام دستورالعمل سال نو حکام و لایات یک رشته شرابه مروارید مرصع آویزه زمرد به معزی الیه مرحمت شد — میرزا رحیم پیشخدمت و محصل کل محاسبات به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت همایون نایل شد — میرزا فتح الله لشکرنویس باشی را به اعطای یک هزار تومان اضافه موجب و کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز فرمودند — گل محمدخان از اشرار و متمرّدین بلوچ دستگیر و قلعه ایرندجان که مأمن و حصن او بود مسخر شد — نواب والا عبدالصمد میرزا (عزالدوله) به حکومت قزوین برقرار، و حاجی حسنعلی خان خوشی آجودانباشی سابق به وزارت نواب معظم منصوب شد — حکومت ملایر و تویسرکان را به نواب سیف الله میرزا مرحمت فرمودند — عیسی خان والی گیلان به یک قطعه نشان تحال همایون و یک ثوب جبه ترمه مفتخر گردید — محمدعلی خان جوانشیر سرتیپ فوج اول خاصه مجاورت عتبات عالیات اختیار کرده محمدقلی خان سرهنگ جوانشیر برادر او به منصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز گردید — خانلرخان ولد کلبعلی خان افشار به منصب سرهنگی فوج اخلاص افشار منصوب گردید — چشم های حیاتقلی خان سرهنگ فوج کردند به سبب امراض مزمنه نابینا شده منصب سرهنگی او را به ملک نیازخان ولد مشارالیه مرحمت فرمودند — محمودخان سرتیپ و مصلحت گذار سنت پترزبورگ (جناب ناصرالملک) به لقب جنابی مفتخر گردید — قشون ظفرنمون که در این سال خیرمال مجدداً در فتح بندرعباس خدمت کرده بودند هریک از سرکرده و صاحب منصب به فراخور استحقاق به منصبی و عطائی نایل شدند — چون ده دوازده هزار خانوار از اشرار تراکمه و اویماقات آن صفحات در قریاب جمع شده و در آن حول و حوش بلکه گاهی در بعضی ولایات خراسان ناخت و تاز می کردند نواب فریدون میرزا فرمانفرما به قصد تنبیه آنها بر سر قریاب که اشرار مزبور آنجا را سقناقی برای خود قرار داده بودند رفته اشرار چون در خود تاب مقابله ندیدند از در استیمان درآمده نواب فرمانفرما آنها را از قتل و نهب

امان داده حکم به تخریب قلعه و کوچانیدن آنها به موطن خود دادند و هشتاد خانوار باخانه و کوچ از معتبرین مرو گروی گرفته خانسوار سلطان هزاره را در آنجا به حکومت منصوب کرده به مشهد مقدس معاودت نمودند و از جانب سنی الجوانب همایون نواب فرمانفرما و هریک از صاحبمنصبان که در رکاب والا بودند علی قدر مراتبهم مورد مرحمت و نشان و منصب و خلعت گردیدند — سیم شعبان در دشتستان تگرگ شدیدی که هر دانه به قدر تخم مرغ بوده آمده و تقریباً بیست نفر از اهالی آنجا و بسیاری از دواب و اغنام را تلف نمود — دویم شعبان در شیراز برق به خانه صفر سلطان فوج شیرازی زده یک نفر جاریه و دو رأس اسب را هلاک نموده خانه را هم خراب کرد — نواب مؤیدالدوله حکمران فارس یک فوج از گرمسیر فارس به سرهنگی باقرخان تنگستانی گرفته به بندرعباس فرستادند که با فوج عرب ابوابجمعی رضاقلی خان سرتیپ ساخلو بندرعباس باشند — جناب ژنرال برسیلف که از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت روس با نامه مودت ختامه اعلان جلوس اعلیحضرت امپراطور به تخت سلطنت مأمور دارالخلافه بود به همراهی بارتولمه پولکونیک که او نیز از طرف جناب مرادیف جانشین ممالک قفقاز با مراسله مخالفت به دارالخلافه باهره و دربار همایون آمده بود به اتفاق اجزای سفارت و نامه مودت ختامه به حضور باهرالنور مبارک مشرف و مورد تفقدات خاصه شاهنشاهی گردیدند — نواب حشمت الدوله به حکمرانی اصفهان و خلعت همایون مفتخر و میرزا زکی گیلانی به پیشکاری اصفهان کمافی السابق برقرار و مخلم گردید — اخذ عرایض سواری به عباس خان سرتیپ که از امنای دیوانخانه و در رکاب مبارک سوار می شود رجوع شد — عباسقلی خان پسیان به حکومت شاهرود و بسطام مأمور گردید — محمدحسن خان پیشخدمت به حکومت کاشان رفت — شیخ فارس خان حاکم محمره مخلم و برادر او شیخ حاکم خان به یک قبضه شمشیر ته غلاف و کرمک طلا نایل گردید — سیف الملک عباسقلی خان بعد از عطای القاب و نشان و حمایل میرپنجگی و خلعت و شمشیر و کمر مرصع و دیگر مرحمت های شایان از جانب سنی الجوانب همایون با نامه مهر علامه برای تعزیت فوت مرحوم امپراطور نیکلا و تبریک و تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم

امپراطور کل ممالک روسیه به سمت ایلچی کبیری به دربار روس رفت، و قاسم خان کارپرداز سابق تفلیس به مستشاری این سفارت کبری نایل گردید — جناب مسیوباره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه که مأمور به سفارت دربار دولت علیه ایران بود به بندر بوشهر وارد و از آنجا به اتفاق مهماندار مخصوص دولتی به دارالخلافه باهره آمده با اجزای سفارت و نامه مودت ختامه اعلیحضرت امپراطوری شرفیاب حضور مهرظهور مقدس گردید — امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندرعباس به منصب سرتیپی و خلعت همایون سرافراز گردید — علیقلی خان میرپنج در ازای خدمات سفر خراسان به اعطای نشان و حمایل از درجه اول میرپنجی و خلعت همایون مفتخر گشت — فوج بندپی جمعی نصرالله خان سرهنگ ساخلو اصفهان و فوج تخته قاپوی قراجه داغی جمعی محمدعلی خان سرتیپ مأمور ساخلو فارس گردیدند — یازده عزاده توپ با قورخانه به بندر بوشهر بردند و چهار عزاده توپ با قورخانه نیز به عربستان مأمور گشت — کلب حسین خان نایب اول آجودانباشی به سرتیپی قورخانه و خلعت همایون سرافراز گردید — محمدقاسم خان که به سمت مستشاری سفارت کبری مأمور سنت پترزبورغ و نیز به رتبه مصلحت گذاری مأمور توقف دز پترزبورغ شده بود به یک قطعه نشان سرتیپی اول با حمایل سرخ سرافراز و عازم محل مأموریت گردید — باباییک افشار و رضاییک لک یاوران توپخانه مبارکه به منصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردیدند — میرزا هاشم خان حاکم سراب و گرمروود حکومت خلخال یافت — جناب ژنرال بروسیلوف ایلچی دولت روس معاودت به روس کرد — فتح علی بیگ نایب آجودانباشی به سرهنگی فوج نیشابور و لقب خانی و کریم خان سرهنگ فوج نصاری نیز به سرهنگی فوج ترشیز و خلعت همایون سرافراز گردیدند — حاجی شکرالله بیگ یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه و خلعت همایون نایل گشت — فرستاده های سردار کهندل خان حکمران قندهار با عریضه و پیشکش به دربار همایون رسیدند — روز عید اضحی در قریه افجه که متعلق به جناب صدراعظم است سلام عام در حضور اقدس همایون شاهنشاهی دام ملکه منعقد شد — میرزا علی اکبر آجودانباشی توپخانه به تحویلداری کل توپخانه و اصطبل توپخانه و صدنومان اضافه موجب نایل گردید — دیوار حصار

بوشهر را که در سمت دریا است با کمال متانت ساختند و جزیره خارک فارس را مرمت کامل نموده و ساخلو معتبر و استعداد حربی کافی در آنجا گذاشتند — محمدحسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در ماه ذیحجه مرحوم شد. (چین) — یاغیها که بر ضد دولت بودند در صدد رسانیدن صدمه به قونسولخانه فرانسه که در شانگائی است می شوند به این واسطه عساکر فرانسه با قشون دولتی شریک شده یاغیها را از شانگائی خارج کرده شهر را به تصرف کارگذاران چینی می دهند، اهالی کان تون که نیز یاغی شده بودند تسلیم دولت چین شدند.

اروپا — (اسپانیا) — تولد دختری از ملکه اسپانیا و فوت او به فاصله سه روز — اخراج بلد نمودن اغلبی از سرداران قشون را — بی پولی دولت به شدت — دوهزار سواری که متوقف پایتخت بودند شوریده به یکی از سردارانی که اخراج بلد شده بودند می پیوندند — شورش در اغلب بلاد — سردارها را که اخراج کرده بودند معاودت دادند — مادر ملکه را شورشیان جلای وطن دادند، روز حرکت او از مادرید پایتخت شورش زیادی در شهر روی داد — بروز وبا در بعضی از شهرها — شورش مختصری در مادرید بر ضد دولت — شدت وبا در جنوب این مملکت — فوت دنکارلس. (آلمان) — ازدواج اعلیحضرت امپراطور اطریش با الیزابت از انجب نجبای باویر — وزیر جنگ مملکت پروس اتحاد دولت خود را با روس مصلحت ندانسته از وزارت معزول می شود — فوت فردریک اگوست چهارم پادشاه ساکس به واسطه زمین خوردن از اسب — سلطنت ژان برادر پادشاه به جای او — افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در مینک پایتخت باویر — در آخر این سال اعلیحضرت امپراطور اطریش را دختری متولد شد — ابتدای راه آهن از مملکت بوهم به مجارستان به توسط کمپانی فرانسوی. (انگلیس) — فرستادن یک دسته کشتی جنگی معتبر به دریای بالتیک به سرداری امیرال پنی — اجزای مجلس پارلمنت قبول نمی کنند که از طایفه یهود جزو وکلای ملت بشوند — مراجعت کابینت ماکلور که راهی به دو محیط در سمت شمال و مغربی ینگو دنیا انکشاف کرده بود — فوت دکتر بارث و وادنک تَن، دو مسافری که در وسط افریقا سفر کرده و انکشاف

تازه نموده بودند. (ایتالیا) — در ایالت پارم والی آنجا را که موسوم به دوک دپارم بود مقتول نمودند و زوجه او که خواهر کنت شامبرد است طفل شش ساله خود را والی نموده و خود نیابت سلطنت را اختیار می کند تا کبیر شدن او — بروز وبا در ژن و مسین. (ساردین از ایتالیا) — فوت مادر و زن پادشاه به فاصله ده روز و دوک دژن برادر پادشاه به فاصله پانزده روز از سایر — فوت ژنرال الکساندر مارمارا سردار درسوستاپول به مرض وبا. (نابل از ایتالیا) — بروز وبا و قحطی و دزدی و شرارت و راهزنی به علاوه تعدی دولت بر رعیت در روم، انطونلی صدراعظم را می خواهند هلاک سازند — اگرچه پادشاه نابل کمال بی طرفی را در جنگ روس و سایر دول متحده منظور کرده اما چون باطناً طرفدار دولت روس است دول فرانسه و انگلیس کمال نارضامندی را دارند. (پرتوغال) — پادشاه جوان این مملکت به سیاحت فرنگ می رود و در مراجعت چون به سن بلوغ رسیده است خود بدون قیم به امور سلطنتی رسیدگی می نماید. (بلژیک) — شورش مردم در تمام مملکت به جهت گرانی ماکولات علی الخصوص گندم — اهالی پایتخت هم در شورش اند — مسافرت ولیعهد و زوجه او به اطیش و بعدها ولیعهد تمام فرنگستان را سیاحت می کند و تا مصر می رود. (دانمارک) — عموی پادشاه پرنس فردیناند که هم ولیعهد دولت است مفضوب می گردد. (روس) — فوت اعلیحضرت امپراطور نیکلا بعد از قلیل مدت مرض در ماه حوت این سال — ولد ارشد مرحوم امپراطور الکساندر دوم که ولیعهد بودند قبل از جلوس بر سریر سلطنت وعده اجرای خیالات پطرکبیر و سلاطین عظیم الشأن روس را الی زمان سلطنت والد ماجد خود می دهد — امر به احضار قشون زیاد از ممالک روس می شود — هزارهزار نفر از نفوس دوازده نفر مرد باید به اردوها بفرستند — تمام راه آهن روس در این سال زیاده از هزار و چهل و پنج هزار ذرع شده بود. (عثمانی) — فرمان اعلیحضرت سلطان عثمانی که باید عیسویها هم جزو قشون و سایر ادارات مشغول خدمت باشند — دولت عثمانی قبول خیال مسیو لیس فرانسیوی را در حفر نهر مجمع البحرین سوئیز نموده و اجازه این کار را می دهد — احمدپاشا والی تونس فوت می شود.

(مسئله شرقیه) — کشتی های جنگی فرانسه و انگلیس در اوایل زمستان وارد قراردنگیز می شود — در سرحد دانبوب عثمانیها به قشون روس حمله می برند — نوشته تهدیدآمیز انگلیس و فرانسه به روس که حتماً افلاق بغداد را خالی نموده به تصرف عثمانی بدهد — اعلان جنگ اعلیحضرت امپراطور روس به جمیع ممالک خود — اظهار بیطرفی دولت ایران و دول سواد و دانمارک در این جنگ — نوشتجات مخفی که مابین روس و انگلیس در باب تقسیم ممالک عثمانی مبادله شده بود انگلیس آن نوشتجات را به طبع رسانیده منتشر می کند — عهدنامه مابین عثمانی از یکطرف و دول فرانسه و انگلیس از یکطرف که دولت عثمانی من بعد نسبت به رعایای عیسوی خود رفاقت منظور دارد و رفع ظلم و تعدی از آنها کند، و ایجاد قانونی در ممالک عثمانی شود که همه تبعه او امن و آسوده باشند — قطع مراوده عثمانی با یونان — ورود یک دسته قشون فرانسه به پیره، بندر یونان — فرستادن مأموری از طرف شامل داغستانی به اسلامبول — قشون روس با کمال تسلط در افلاق بغداد زیست می کنند — در محاصره قلعه سلیستری شکستی به قشون روس وارد می آید — ژنرال بسکویچ سردار روس کاری از پیش نبرده ژنرال کورچاکف در این سمت دانبوب به جای او به سرداری مأمور می شود — قشون فرانسه و انگلیس که در وارنا متوقف بودند و بای سختی در اردوی آنها افتاده آنها را متفرق می نماید — لرڈ لکران سردار انگلیس و مارشال سنت آرژند سردار قشون فرانسه و انگلیس هستند — قشون روس بعد از مهاجرت از افلاق بغداد به میل دول متحابه و امضای دولت عثمانی یک دسته قشون دولت اطریش موقتاً در آنجا متوقف می شوند — شکست عثمانی در بایزید و قارص — تکلیف صلح مابین روس و عثمانی به وساطت دولت اطریش — قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور روس تکالیف صلح را — ورود پنجاه هزار قشون فرانسه و انگلیس در اواخر تابستان به قرم — فتوحات قشون فرانسه در کنار رودخانه الما که با پنجاه هزار قشون روس جنگیده فتح کردند — سردار قشون روس پرنس منچیکف است — فوت مارشال سنت آرژند سردار قشون فرانسه از مرض وبا — نصب ژنرال گانرُیز به جای او —

جنگ در بالاخ لئا — قتل زیاد سواره انگلیس که با قشون عثمانی متفقاً می جنگیدند — دو پتر اعلیحضرت امپراطور روس گراندوک میشل و گراندوک نیکلا با قشون تازه که منچیکف رفته آورده بود در آنگیرمان با عساکر انگلیس و فرانسه در کمال سختی جنگ می کنند — فتح قشون فرانسه و انگلیس و شکست روس — طوفان سخت در دریا و بیم غرق شدن سفاین جنگی فرانسه و انگلیس — دولت پروس هم باطناً با دول فرانسه و انگلیس و اطریش که بر ضد روس اند موافقت می کند — کشتی های جنگی انگلیس قلعه سخت بمارسوند را که متعلق به روس و در جزیره آلاند در دریای بالتیک واقع است با کمال سختی با گلوله توپ و نارنجک ویران می سازد — استحکامات سواستاپل به واسطه تعلیمات تت لوین مهندس روس به قدری سخت است که حمله های پی در پی عساکر فرانسه و انگلیس رد شده بی فایده می گردد — انعقاد مجلس کونفرانس در وین — دولت پروس می خواهد داخل این مجلس شود اما دولت اطریش قبول نکرده می گوید چون عساکر خود را بر ضد روس با ما حاضر نکردی حق ورود را به این مجلس نداری — دولت ساردین بیست هزار نفر از عساکر خود را به جنگ روس و به کمک عساکر فرانسه و انگلیس می فرستد — فوت مرحوم امپراطور نیکلا که در ماه حوت اتفاق افتاده به هیچوجه وضع جنگ را تغییر نمی دهد — عمر پاشا سردار عثمانی از طرف دولت خود به کمک عساکر متحده وارد سواستاپل می گردد — در کونفرانس وین دولت اطریش را که مقصود انعقاد مقدمات صلح مابین دولین روس و عثمانی بود به واسطه عدم قبول دولت روس که در قراردنگیز سفاین جنگی نداشته باشد کونفرانس وین مثرثمری نگردید — دولت اطریش یکصد هزار قشون ذخیره که حاضر کرده بود مرتخص می کند و وضع خود را در انظار طور دیگر جلوه می دهد که در مسئله شرقیه نمی خواهد مداخله بکند — ژنرال پلیسبر سپهسالار کل عساکر فرانسه شده وارد سواستاپل می گردد — چند سفینه جنگی فرانسه و انگلیس به دریای آزوف ورود می کنند و فتوحات نمایان از آنها معروف می شود — در اوایل تابستان کار محاصره سواستاپل در نهایت گرمیست — نقاطی که در تصرف عساکر دول متحده است خیلی نزدیک به قلعه و به جهت یورش مساعد است —

گُرد را گلان سپهسالار انگلیس به مرض وبا که شدت دارد در سواستاپل فوت می شود - فتح قلعه معروف به مالاکوف به واسطه عساکر فرانسه به سرداری ژنرال بوسکه و ژنرال ماکماهون که فی الواقع فتح سواستاپل از همان شد - در اوایل پائیز ژنرال کورچاکف سردار روس بعضی از سفاین جنگی دولت خود را به واسطه اینکه مبادا به تصرف دشمن درآید غرق می سازد - ژنرال پلیسبر سردار فرانسه به منصب مارشالی می رسد - قلعه جات و سنگرها و استحکامات که در سواستاپل بود تماماً معدوم و با زمین مساوی گشت - در کامشاتکا یکی از قلعه جات روس را سفاین جنگی انگلیس و فرانسه خراب می کنند و تا دهنه رود آمو می تازند - در مملکت فنلاند متعلق به روس قلعه را به ضرب نارنجک متصرف می گردند - امپراطور جدید روس اعلیحضرت الکساندر دویم به نی کلایف می آید - زمستان بسیار سخت امسال به جهت عساکر دول متحده اسباب کمال زحمت است - فوت امیرال فرانسه، بروا، در دریا از مرض وبا - موراویف سردار روس قلعه قارص را که مهندسمین انگلیس محکم ساخته اند محاصره نمود - مأموریت عمر پاشا به طرف باش آچق - فتح قارص در اوایل زمستان به دست سردار روس - اتحاد دولت شود و نروژ با دول انگلیس و فرانسه. (فرانسه) - به جهت مصارف جنگ دولت فرانسه معادل پنجاه کرویر تومان پول ایران استقراض می کند، و ملت زیاده از صد کرویر تومان حاضر می کنند، مالیات دولت که عاید خزانه شده است سیصد و بیست کرویر تومان پول ایرانست - و مخارج دولت که وکلا معین کرده اند که باید از آن قبار باشد سیصد و دوازده کرویر و کسری تومان پول ایرانست - هشتصد هزار تومان وجه نقد دولت به مصارف مقرر که در وصیت نامه ناپلیون اول است در جزیره سنت هلن می رساند - شدت وبا در پاریس - اعلیحضرت ناپلیون و امپراطریس به لندن به بازدید پادشاه انگلیس می روند - شخص ایتالیائی که در پاریس در صدد قتل ناپلیون است به جنگ آمده مقتول می شود - پادشاه ساردین با وزیر اعظم خود کونت کاوور به پاریس آمده در عمارت طولیری ناپلیون آن پادشاه را پذیرفتند - افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی در پاریس که پنج ماه امتداد دارد - در پاریس کمیسیونی به جهت حفر نهر مجمع البحرین سوئیز مضر تشکیل یافت.

(هلاند) — منع خرید و فروش غلام و کنیز در جزایر سمت هندوستان که متعلق به این دولت است — عهدنامه تجارتی با دولت ژاپن. (یونان) — دزدی و راهزنی به شدت در این مملکت — وزیر جنگ که با دولت روس عداوت دارد به پادشاه خود که دوست روسهاست کلمات مستهجن می گوید.

افریقا — (مضر) — عباس پاشا والی مضر به جهت قساوت قلب و میلی که به خونریزی داشت دو نفر از غلامهای او او را خفه می کنند — عموی او سمیدپاشا که بزرگترین اولاد محمدعلی پاشا و در فرنگستان تربیت شده بود در آن وقت به جای او والی مضر می شود.

امریکا — (اتائونی) — کدورت مابین این دولت و اسپانیا به جهت حبس یکی از کشتیهای اتائونی در هاوان به دست کارگزاران دولت اسپانیا — عهدنامه تجارتی با ژاپن — دولت اتائونی درصدد است که میان دول متحابه و روس واسطه شود — دولت انگلیس از اهالی اتائونی داوطلب به جهت مأموریت به جنگ مشرق زمین می خواهد — در مجلس شوری گفتگوی سخت به جهت آزاد کردن غلامان می شود — در ایالت ویرجینی تبزرد حالت وبائی بهم رسانیده، معادل شش کرور لنگه (گیسه) پنبه از اتائونی به خارج حمل شده. (مکزیک) — در حوال ماقامور و سان لوی قشون به دولت یاغی شده شورش می نمایند — فرار رئیس جمهور — قرار وضع دولت موقتی. (ینگای جنوبی) — افتتاح راه آهن جدید در برزیل — از جزایر کوچک شنکاس که متعلق به مملکت پرو است که چندین هزار سال بود طپور دریائی آنجا سکنی داشته فضلات خود را آنجا ریخته بودند تا آن زمان فرنگیها این انکشاف را نکرده بودند و تمامی اراضی این جزایر به چندین ذرع قطر از فضولات طپور بحری است از برای رشوه زمین خیلی مشرثمر می باشد در این سال انکشاف کرده کشتی کشتی به بلاد فرنگ و سایر بلاد ینگای دنیا بردند — افتتاح راه آهن از شاگر الی پاتاما بعد از پنج سال از شروع هشتاد هزار ذرع با هفتاد کرور تومان از پول ایران مخارج — شورش شدید در مونت ویدو. (ینگای مرکزی) — در شهر سان سال وادر که در برزیل واقع است زلزله سختی شده خرابی

زیاد وارد می آورد.

[سنه ۱۲۷۲ هجری = سنه ۱۸۵۵ مسیحی]

آسیا — (ایران) — موکب همایون شهریاری در داودیه به مهم دولتی توجه می فرمایند — جعفرقلی خان ایلخانی به حکومت استرآباد و یک ثوب جبه ترمه کشمیری مأمور و مخلع گردید و میرزا اسمعیل خان مباشر مهم خارجه استرآباد به پیشکاری استرآباد نیز نایل و مخلع گشت — عبدالله خان میر پنجه ولد مرحوم محمدحسن خان سردار از کرمان به دربار معدنمدار آمده به خلعت التفات مفتخر گردید — چون صیدمحمدخان ظهیرالدوله حکمران هرات بنای سوءسلوک با اهالی هرات گذاشته اعمالی و ادانی را از خود رنجانیده از جمله کریم دادخان هزاره را بی موجهی به قتل رسانیده بود، اهالی آن ولایت هزاره را به شهر کشیده و صیدمحمدخان را گرفته و در جزو به شاهزاده محمدیوسف که در خراسان مشغول خدمت بود نامه نوشته او را به حکومت خواستار شدند. مشارالیه نیز به محض وصول این خبر فوراً بدون اینکه نواب فرمانفرما حکمران خراسان یا دیگری را مطلع سازد به هرات شتافته و اهالی او را به حکومت خود اختیار کردند — رستم خان سلطان به پاوری توپخانه سرافراز گردیده مأمور ساختن عربستان شد — حاجی ملا محمود نظام العلماء به رحمت ایزدی پیوست — نادرقلی خان مافی از جانب حکومت آذربایجان به حکومت ارونق و انزاب مأمور شد — شب ششم صفر که جشن عید مولود همایون بود در تمام ولایات ممالک محروسه گرفتند و روز عید در داودیه سلام عام در حضور همایون منعقد شد — مهرعلی خان شجاع الملک را به اعطای یک قطعه نشان از مرتبه سیم میر پنجگی سرافراز فرمودند — میرزا اسمعیل خان پیشکار استرآباد و مباشر مهم خارجه آن ولایت به یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز گردید — میرزا نصرالله اردبیلی مشهور به صدرالممالک در کرمانشاهان مرحوم شد — نصرالله خان خالوی اعلیحضرت اقدس شهریاری به منصب نظام العلماء و خلعت همایون سرافراز گردید — میرزا فضل الله وزیرنظام را از

خراسان به دربار همایون احضار و میرزا محمد قوام الدوله را به وزارت خراسان برقرار و مخلع فرمودند — آقاخان سرتیپ ایلات قزوین به منصب میر پنجگی و خلعت همایون مفتخر گردید — میرزا محمدحسین عضدالملک به منصب متولیشاهی گری حضرت رضوی سلام الله علیه نایل و مخلع گردید — عباسقلی خان میر پنجه مأمور گرفتن یک فوج جدید امیریه شد — فرمان همایون که به سرافرازی اراضی خان و سایر ترکمانان سرخس شرف صدور یافته بود نهایت مایه امیدواری آنها گردیده پنج شش هزار خانوار با صداقت در خدمت و اطاعت دولت علیه می باشند — حکیم کلوکه فرانسوی وفات یافته، حکیم پولاک به جای او به منصب حکیمباشی گری حضور همایون برقرار و به یک قطعه کمر الماس و یک طاقه شال کشمیری سرافراز شد — محمدتقی بیک پیشخدمت به لقب خانی نایل گردید — روز یکشنبه چهاردهم ربیع الاول بندگان اعلیحضرت همایون به امتحان شاگردان مدرسه دارالفنون تشریف فرمای مدرسه مبارکه شده تشویقاً به همه بذل انعام و اظهار مرحمت فرمودند — یک طاقه شال هفت رنگ به قیمت صد و پنجاه تومان و طاقه دیگری سفید و آبی به قیمت صد تومان که به دستورالعمل مرحوم محمدحسن خان سردار در کرمان بافته بودند به دارالخلافه آورده با شالهای خوب کشمیری که به همین قیمت است هیچ فرقی ندارد — محمودخان کلانتر به یک رشته حمایل سفید از مرتبه اول سرهنگی و یک ثوب جبه ترمه سرافراز شد — محمدقلی خان نوری غلام پیشخدمت به حکومت تربت حیدریه برقرار گردید — امیرقاین به ازای خدمت دفع تراکمه که به آن حدود آمده بودند مخلع و میرعلم خان پسر مشرالیه به نشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد — غلامحسین خان سپهدار را به حکومت کرمان و مضافات و یک ثوب جبه ترمه دور زنجیره و یک ثوب قبای ترمه از ملابس خاصه مفتخر و میرزا محمد مستوفی سرکارات را به وزارت و پیشکاری کرمان و خلعت همایون سرافراز فرمودند — سواره اوصانلوی خوار ابوابجمع محمدحسین خان پسر میرزا فتحعلی خان مستوفی گردید — عبدالکریم بیک غلام پیشخدمت پسیان برادر عباسقلی خان حاکم شاهرود و بسطام را به سرکردگی سواره و پیاده مزبوره مفتخر فرمودند — امیردوست محمدخان سردار کابل به تحریک همسایگان قشون برتر

قندهار کشیده آنجا را متصرف شده و اراده تصرف هرات را دارد — میرزا عبدالله خان را به منصب استیفای خاصه و خلعت همایون سرافراز فرمودند — میرزا جانی لشکرنویس مرحوم و میرزا باقر برادرزاده او به منصب لشکرنویسی برقرار و مخلع شد — شخصی در فهرج نماشیر ناخوش بود در حالت نزع و صیت کرد که بعد از مردن شکم مرا بشکافید جانوری در آن هست: بعد از قوت او شکم او را شکافتند جانوری به ترکیب چلپاسه که تخمیناً سه چهاریک وزن داشت از شکم او بیرون آمد — میرزا فتح الله لشکرنویسباشی در کرمانشهان مرحوم شد — میرزا محمدعلی آبادی وزیر کرمان به منصب استیفا سرافراز شد — فرخ خان صندوقدار وجوه خاصه به یک قطعه گل کمر مکمل به الماس سرافراز گردید — شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز به رحمت الهی پیوست — بندی از بندهای بلوک کربال فارس که از بناهای عضدالدوله دیلمی و به مرور خرابی بهم رسانیده و چهل پنجاه پارچه دهکده بی آب و لم یزرع مانده بود نواب مؤیدالدوله حکمران فارس در کمال استحکام بستند — نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان در مشهد مقدس داعی حق را لبیک اجابت گفت و ایالت مملکت خراسان به نواب حسام السلطنه مفوض و به یک ثوب خرقه ترمه تن پوش مبارک مخلع گردید — شمس الشعراء میرزا محمدعلی متخلص به سروش به لقب خانی و خلعت همایون مفتخر گردید — میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرتیپی و حمایل سرخ سرافراز گردید — نواب شاهزاده لطف الله میرزا به حکومت مازندران و یک ثوب جبه ترمه دور زنجیره مفتخر گردید — حاجی میرزا محسن از اجزای سفارت کبری مأمور سنت بطرز بورغ به لقب خانی و خلعت همایون سرافراز شد — میرزا عباس (جناب قوام الدوله) منشی اول وزارت خارجه به اعطای لقب خانی و یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات گردید — میرزا عبدالرحیم خان آجودان وزارت خارجه که به نیابت اول سفارت اسلامبول مأمور شده بود به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول یآوری سرافراز گردید — محمدخان میر پنجه به منصب امیرتومانی و ژنرال آجودانی خاصه همایون سرافراز شد — امان الله خان از اجزای سفارت کبری در

مسکو مرحوم شد — امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان به یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی و حمایل و یک ثوب جبّه ترمه سرافراز گردید — ولی خان سرتیپ فوج سیلاخوری مرحوم، و رستم خان پسر او به منصب سرهنگی فوج مزبور نایل گردید — عباسقلی خان پسیان حاکم شاهرود و بسطام را در عرض راه شاهرود و بسطام اشرار غفلتاً مقتول نمودند، لهذا چراغعلی خان نایب الحکومه سابق اصفهان به حکومت شاهرود و بسطام مأمور شد — عمارتی جدید به طرح تازه در جنب عمارت اندرونی سلطنتی دارالخلافه مشتمل بر هشتاد و دو باب اطاق تحتانی و فوقانی در کمال شکوه حسب الامر به اهتمام و مباشرت حاجب الدوله والد مؤلف ساخته شد — میرزا ملکم سرهنگ مهندس اتماژر و مترجم دولت علیه به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباحات آمد — باروط کوب خانه قزوین که سابقاً خرابی بهم رسانیده بود حاجی حسنعلی خان پیشکار قزوین آنرا مرمت کرده و یکصد خروار باروط تاکنون در آن ساخته اند — بعد از رفتن جناب مستر موره وزیر مختار دولت انگلیس از دارالخلافه به تبریز بعضی سوانح در افغانستان اتفاق افتاده که ضرر کلی به جهت داخله خراسان دارد و بر اولیای دولت علیه لازم شد که از برای حفظ و انضباط حکومت قندهار و هرات چنانکه موافق قرارداد سابق خودشان بود تدابیر لازمه به کار برند که هم دفع آن فتنه ها بشود و هم آن دو ولایت به حالت حکومت علیحده برقرار بماند — قاتلین عباسقلی خان پسیان که از اشرار نوکر کوداری بودند دستگیر و میاست شدند — محمدرضاخان سرتیپ به منصب آجودان خاصه گی و یک رشته حمایل قرمز و یک قطعه نشان اول سرتیپی سرافراز شد — عبدالعلی خان سرهنگ توپخانه به منصب سرتیپی توپخانه مفتخر گردید — شغل برات نویسی و عمل کل اصطبل توپخانه مبارکه به میرزا محمدعلی سر رشته دار توپخانه واگذار شد — اصطبل توپخانه را به اصلان بیک یاور اول توپخانه واگذار نمودند — امیراصلان خان به حکومت گیلان مفتخر و به یک ثوب جبّه ترمه دور زنجیره مخّلع گردید — محمد ابراهیم خان سرتیپ به نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز گردید — شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران ابنیه فرح آباد را تعمیر کرده در آنجا استحکامات ساخت — از قرار مذکور

کار اور گنجیها بسیار پریشانست و برادر خان خیره را که به جای او در اور گنج حاکم شده بود طایفه یموت ترکمان مقتول نموده و بالفعل یموت به جماعت اور گنجی فایق و عرصه را به آنها تنگ کرده اند — از اتفاقات حسنه امسال توافق عید نوروز و عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین (ع) است در دار الخلافه جشن گرفته چراغان و آتشبازی نمودند و سلام عیدین سعیدین در کمال شرف و شکوه در حضور همایون شهر یاری ابدالله عیسه انعماد یافت — جناب صدراعظم را به اعطای یک قطعه قلمدان مکمل به الماس بسیار ممتاز که علامت بزرگ صدارت ایران بود شرف اختصاص عنایت فرمودند — میرزا حسنعلی خان دریابگی بندر بوشهر به نشان دویم سرتیپی سرافراز گردید — نواب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردید — حکومت نهاوند را به محمدرحیم خان نسقچی باشی (مرحوم امیر نظام) مرحمت و به یک ثوب جبّه ترمه مخمل فرمودند و سواره خزل را نیز به عبدالله خان ولد ایشان ابوابجمع داشتند — نواب علیقلی میرزا ملقب به اعتضاد السلطنه و مخمل به یک ثوب قبای ترمه تن پوش گردیدند — حاجب الدوله والد مؤلف به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز آمد — محمدقلی خان یوزباشی به پاداش خدمات در بسطام به یک طاقه شال کشمیری و یک ثوب قبای پولک دوز سرافراز آمد — یحیی خان (جناب مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم) به منصب مترجمی وزارت خارجه برقرار گردید — تنبیه طایفه تگه ترکمان به اهتمام جعفرقلی خان ایلخانی حکمران استرآباد — عبدالله خان صارم الدوله به منصب میر پنجگی و یک ثوب کلیجه از ملابس خاصه مفتخر شد — امیر اصلان خان حاکم گیلان به لقب عمیدالملکی ملقب گردید — معادن گدوله ریزی مازندران خوب کار می کنند و اهل این ولایت نیز در کاشتن نیشکر و عمل آوردن شکر اهتمام می نمایند — جان محمدخان قاجار به حکومت شاهرود و بسطام سرافراز گردید — رضاقلی خان ناظم مدرسه دارالفنون که از اجله

۱. در مرآت البلدان (جلد ۲، ص ۱۸۷) چنین آمده: در ماه شعبان این سال نواب والا علیقلی میرزا را

ملقب به اعتضادالدوله فرمودند...».

امرا و فضیلاست حسب الامر همایون تاریخ روضۃ الصفای ناصری را که احوال بعد از هفت جلد روضۃ الصفای تا این عهد همایون است در سه جلد تألیف و تمام ده جلد سابق و لاحق را به طبع رسانید — میرزا ملکم خان سرهنگ اتا مازور و مترجم مخصوص مأمور به سفارتخانه دولت علیّه در اسلامبول گردید — چراغعلی خان از شاهرود و بسطام احضار و به حکومت خمسه مأمور و به نشان سیم میر پنجگی مفتخر شد — خرابی بسیاری از خانه ها در ساوه از سیل و شدت باران — طفلی در دارالخلافة تولّد نمود که سه سر داشت و غرابت زیاد دیگر نیز در خلقت او بود آوازش هم مثل آواز جوجه خروس، بیست و چهار ساعت زنده بود و بعد فوت شد — مرتضی قلی خان ولد محمد اسمعیل خان نوری (مرحوم وکیل الملک) به منصب سرهنگی سرافراز گردید — روز عید فطر سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت — میرزا محمد صادق قایم مقام به یک حلقه انگشتی الماس گرانبها و یک ثوب جبّه ترمه از ملابس خاص و نشان و حمایل امیرتومانی مفتخر و مرخص شد که معاودت به آذربایجان نماید — فرخ خان صندوقدار به لقب جلیل امین الملکی و یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردید — میرزا صادق کاشانی به لقب خانی و درجه سیم سرهنگی و منصب نیابت اول کارپردازخانه بمبئی سرافراز گردید — در زهاب من اعمال کرمانشهان تگرگی باریده که از قرار مذکور هر دانه به قدر نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواشی را تلف نموده — سلطان علی خان مظفرالدوله پسر سردار کهن دل خان حاکم قندهار از تعرضات و سوء سلوک امیر دوست محمد خان با اهل و عیال و جمعی دیگر پناه به دولت علیّه آورده به امر دولت در خراسان ساکن و متوقف شدند — قورخانه شیراز به امر نواب مؤیدالدوله توسیع و تجدید شد — محمود خان قراگوزلو (جناب ناصر الملک) به منصب میر پنجگی و خلعت همایون سرافراز گردید — آخوند ملا کاظم که از جمله فقهاء و مجتهدین دارالخلافة بود به رحمت حق پیوست — نواب اردشیر میرزا حکمران دارالخلافة به یک ثوب جبّه ترمه محشی، و میرزا موسی وزیر دارالخلافة به عصای مرصع مفتخر گردیدند — محض اتحاد و کمال مودت بین دولّین علیتین ایران و فرانسه از جانب اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه نشان درجه اول (لژیون دئر)

مرضع به الماس که اعظم نشانهای آن دولت است باحمایل و لوازم آن به جهت اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری اهدا گردید — روز یازدهم ذیقعدہ موکب همایون از ییلاق نیاوران به سمت دماوند و فیروزکوه تشریف فرما شد — جناب نظام الملک به شرابۀ مکمل به الماس مابین امیرتومانی و امیرنویانی که مختص درجۀ شخص دویمی است مفتخر گردید — جناب امین الملک فرخ خان به سمت ایلچی کبیری از دربار همایون با نامۀ مهر علامہ مأمور دربار دولت فرانسه شده و نیز مقرر شد بعضی مکنونات خاطر همایون را شفاهاً در اسلامبول به حضور اعلیحضرت سلطان تبلیغ نماید — ذوالفقارخان محاکم قم و ساوه به منصب استیفا سرافراز گردید — مهرعلی خان شجاع الملک به یک قطعه نشان اول میرپنجگی مفتخر شد — عیسی خان بیگلربیگی قاجار به حکومت ملایر و تویسرکان نایل گشت — عمارت عالی قاپوی اصفهان را حسب الامر نواب حشمت الدوله حکمران اصفهان تعمیر کردند — عبدالعسین خان برادر مؤلف که از شاگردهای پیاده نظام دارالفنون بود به منصب سرهنگی خارج از فوج و یکصد تومان اضافه موجب سرافراز گردید — جناب سیف الملک سفیرکبیر دولت علیہ با اجزای سفارت از پطرزبورغ با تشریفات کاملہ مراجعت کردند — ظهور روشنی برق مانند در اصفهان در هوای صاف و بعد از سه روز نزول صاعقہ بسیار عظیم و صدای مہیبی در آسمان — میرزا محمدزمان به منصب امارت دیوانخانہ و خلعت همایون سرافراز شد — جعفرقلی خان ایلخانی حکمران استرآباد به پاداش شکست فاحش به تراکمہ نگہ و دفع شرّ آنها به یک قبضہ شمشیر مرضع مفتخر گردید — محمدشاه خان سبی و نادرشاه خان پسرش قلعه محکم سب را در بلوچستان حصن حصین شمرده دم از خودسری می زد، سپہدار حکمران کرمان امامعلی خان سرتیپ افواج کرمانی را با قشون کرمانی به محاصرہ قلعه فرستاد به جلادت قلعه را تسخیر و محمدشاه خان با نادرشاه خان و اتباع آنها دستگیر گردیدند — پاشاخان پیشخدمت به لقب امین صرہ ملقب گردید — میرزا محمدتقی مستوفی متخلص به سپہر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی نگارندہ کتاب ناسخ التواریخ و صاحب تألیفات دیگر است ملقب به لسان الملک گردید — جناب صدراعظم را به اعطای جبۃ شمسہ دار و عصای مرضع

مباهی فرمودند — موکب همایون روز دوشنبه سلخ ذیحجه الحرام از پیلاقات انفجه و لواسان تشریف فرمای نیاوران گردید. (چین) — زلزله شدید در یوچنگ — عمارت سلطنتی واقع در پنج فرسخی پایتخت یکی از اولاد خاقان که در آنجا متوطن بود زیر آوار رفته تلف می شود.

اروپا — (اسپانیول) — شورش در اغلب از نقاط مملکت علی الخصوص در مادرید پایتخت — انتشار کلمات مستهجنه نسبت به مادر ملکه — ضبط املاک مادر ملکه و بعد از چندی رد کردن — بروز شورش در مالاکا. (آلمان) — تولد دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش در بهار — مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس به ایتالیا — در ایالت باد عروسی برادر والی که به واسطه عدم لیاقت برادر بزرگ، ولایت به او تعلق گرفته است با شاهزاده خانم لویز دختر پادشاه پروس که الحال امپراطور آلمان است. (انگلیس) — خبر مصالحه روس و عثمانی را تمام مملکت انگلیس با کمال میل و رغبت پذیرفتند — دوک دکامبریج از منسوبان پادشاه انگلستان که در جنگ سواستاپل حضور داشته به منصب سپهسالاری کل عساکر انگلیس برقرار شد — مسافرت شاهزاده فردریک پروس (همین شاهزاده حالا ولیعهد است) به انگلیس به خواستگاری دختر بزرگ پادشاه انگلستان — در هندوستان پادشاه مملکت اود را دولت انگلیس از سلطنت خلع نموده آنجا را متصرف شده — ژنرال اطرم به حکومت آنجا مأمور گردید، جمعیت این ایالت هشت کرور است — اعلان جنگ با دولت ایران در اول نوامبر پائیز و این مطابق است با اوایل سنه هزار و دویست و هفتاد و سه و شرح آن بیاید — لونگیستن مسافر و سیاح انگلیس بعد از سیاحت کامل در داخله افریقا صحیح و سالم به جزایر موریس معاودت می کند. (ایتالیا) — ساردین شش کرور تومان دولت به جهت مخارجی که در جنگ سواستاپل نموده است استقراض می خواهد — گنت کاوور وزیر اعظم دولت در مجلس کنگره پاریس از برای دولت خود بعضی امتیازات می طلبد و می گیرد. (توضیح آنکه مقصود از کنگره که از زبان لاتین اقتباس شده به معنی انعقاد مجلس به جهت شوری در امورات معظمه است، اجزای چنین مجلسی باید شخص

سلاطین باشند یا سفرای کبار ایشان که اقوال و اعمالشان همان اثر اقوال و اعمال سلاطین را داشته باشد) ایجاد اکسپوزیسیون مختصری در رُم — جمعی قصد قتل پادشاه ایتالیا را نموده رئیس این اشخاص که یکی از اهالی سیسیل بود به دست آمده مقتول شد. (پرتوغال) — شورش و ازدحام سخت در لیزبن پایتخت به جهت گرانی نان — افتتاح راه آهن از لیزبن به کارکاد، طرف سرحد اسپانیا. (روس) — فوت پرنس پسکوویچ معروف در ورشو در زمستان — حکومت پرنس کرچاکف در لهستان به جای پسکوویچ که حاکم بود — کنت ارلف به منصب صدارت برقرار می شود — کنت نیسلرُرد از وزارت خارجه استعفا نموده — پرنس الکساندر کرچاکف به جای او منصوب می شود — جشن تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور در مسکو در ماه عقرب — قرارداد با یک کمپانی معتبر که در چهار نقطه مملکت بنیان راه آهن نماید: اول از ورشوبه بطبر، دویم از مسکو به نیژنی نوگورد، سیم از مسکو به کافا، چهارم از کورسک به سمت کورلاند. (سود و نروج) — افتتاح راه آهن از تُری به اُربُر — آزادی مذهب در این مملکت. (سوس) — گفتگوی سخت مابین ایالت جمهوری سویس با دولت پروس — تهیه جنگ طرفین — دولت وورتنبُرگ و اطیش مایل به این جنگ نیستند. (عثمانی) — انتشار فرمان اعلیحضرت سلطان که مشتمل بر بیست و یک فصل است در آزادی و رفاهیت عیسویان تبعه خود — مسلمان های تبعه عثمانی از این فرمان کمال نارضائی را دارند و در سمت آسیای خاک عثمانی اذیت زیاد عیسویها از مسلمانان می بینند — اهالی ملداوی و والاشی (مقصود افلاق بغداد است) طالبند که یک ایالت شوند — در مضر راه آهن از اسکندریه به قاهره افتتاح می یابد — مهندسین که به جهت حفر نهر مجمع البحرین سویز به مضر آمده بودند اینطور مقرر داشتند که از بندر سویز واقع در ساحل بحرسفید الی پُلُوز که در ساحل بحرا حمر است نهر مستقیمی بدون اعوجاج حفر نمایند — در جزیره قندی زلزله سخت رو نمود.

(مسئله شرقیه) — دولت انگلیس مشغول تدارک زیاد است که از دریا به بندر گورنشتاد روس حمله برد — شورای عسکریه دول متعاهده در عمارت طویلری با حضور اعلیحضرت امپراطور ناپلیون سیم در فقره جنگ با دولت روس — بروز

مرض تیفوس در میان عساکر دول متعاهده — دولت اطریش که ابرام زیاد در مصالحه دارد دولت روس را بر این داشت که مقدمات شروط مصالحه را قبول کند — انعقاد مجلس کنگره در پاریس و صورت اجزای مجلس از این قرار بود: کنت والفسکی وزیر امور خارجه فرانسه که ریاست مجلس هم بر او قرار گرفت — از طرف دولت اطریش کنت بوتول و بارون هونبر — از طرف دولت انگلیس لرد کلاراندون و لرد کولی — از طرف دولت روس بارون برونف و کنت ارلوف — از طرف دولت ساردین و ایتالیا کنت کاوور — از طرف دولت عثمانی عالی پاشا — مأمور دولت پروس بعد از چندی قبول شد ابتدا حضور نداشت — انعقاد مصالحه مابین دول متعاهده و عثمانی از یک طرف و دولت روس از طرف دیگر در اواسط بهار — دولت عثمانی از این به بعد در تحت حمایت دول معظمه فرنگ خواهد بود — قراردنگیز به جهت تجارت جمیع دول آزاد خواهد بود و کشتی جنگی هیچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد — در قباستان قشون متعاهده، سواستاپل را تخلیه کرده به تصرف کارگذاران دولت روس دادند و از آن طرف عساکر روس قارص را به تصرف عثمانی — عزل عالی پاشا و نصب رشیدپاشا — دول انگلیس و فرانسه پادشاه ناپل را تهدید بر این می کنند که اگر آزادی به رعایای خود ندهد سفاین جنگی این دو دولت به زودی ورود به ناپل خواهند نمود — دولت روس در این تهدید متألم شد، (فرانسه) — افتتاح مجلس پارلمنت که در بهار واقع شد و نطق اعلیحضرت امپراطور ناپلیون که امید به صلح می دهد سبب خوشحالی عاقل گردید، با وجود این نطق صلح آمیز یکصد و چهل هزار قشون علاوه بر معمول حاضر رکاب شدند — تولد پسری از امپراطریس فرانسه در بهار — سردارانی که به منصب مارشالی برقرار شدند: ژنرال کان، ژبر، بوشکه دُ آندن، که این آخری حاکم الجزایر بود — انعقاد مصالحه مابین دولت روس و عثمانی به اطلاع و وساطت دول متعاهده در اواسط بهار — کنت اُرف سفیر کبیر روس به اعلیحضرت امپراطور ناپلیون رسماً جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم را به تخت سلطنت روس اظهار می دارد — اتحاد و مراوده دوستی مابین دولت روس و فرانسه — سفارت گنت مُزنی در مملکت روس به جهت تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور روس —

نود و پنجهزار نفر از قشون فرانسه در این جنگ سواستاپل چه از زخم و چه از امراض مختلفه به هلاکت رسیدند — دولت فرانسه معادل بیست کرور تومان پول ایران به اشخاصی وعده می دهد که اراضی باتلاقی که در مملکت فرانسه است و قابل زراعت نیست آنها را خشک کنند و قابل از برای هرنوع زراعت نمایند و هرکس در این فقره اختراعی کرده باشد که به آسانی بتوانند این قبیل اراضی را خشک نمایند علاوه حقی هم داده خواهد شد — کتابچه خرج و دخلی دولت که در مجلس خوانده شد، دخل تقریباً سیصد و سی و نه کرور تومان پول ایران و خرج دولت تقریباً سیصد و چهل کرور — طغیان رودخانه های رُن و لوار در اوایل تابستان و خرابی زیاد ایالاتی که در سواحل این رودخانه ها واقع شده — اعلیحضرت امپراطور ناپلیون به شخصه به سرکشی این ایالات می رود — سفر اعلیحضرت امپراطور به دریای شمال — نیابت سلطنت در غیبت امپراطور ناپلیون با امپراطریس زوجه ایشانست — قشون فرانسه کلیتاً از خاک عثمانی مهاجرت کرده وارد اوطان خود می شوند — قریب سیصد هزار نفر قشون فرانسه در سواستاپل و سایر نقاط خاک عثمانی در این جنگ با روس حاضر بودند — مارشال پلیسیه که قلعه مالاکف سواستاپل را فتح کرد به لقب دوک دُمالاکف برقرار و ده هزار تومان همه ساله موجب خواهد داشت — در الجزایر زلزله سخت علی الخصوص در شهر فلیپ و پُل. (یونان) — کوشش دولت برای دفع راهزنان و اشرار.

افریقا — فوت سلطان مسقط سعید نام که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود در زنگبار، این شخص مملکت عمان را در عربستان از دست تطاول طایفه وهابیه انتزاع داد و با دول انگلیس و فرانسه و اتانونی یتگی دنیا معاهدات تجارتی بست.

امریکا — (اتانونی) — مجادله شدید در مجلس مابین وکلانی که مایل به آزادی غلامها بودند و آنهایی که نبودند — انتخاب بوکامان نام به ریاست جمهوری که طالب عدم آزادی غلامان سیاه اند که در بعضی ایالات اتانونی به طور وحوش و چهارپایان با آنها رفتار می شود و به زخم تازیانه و زجر بی رحمانه آنها را به کارهای پرزحمت و امی دارند، و به وجه مملوک آنها را مبیعه می نمایند برقرار

گردید. (برزیل) — تعداد نفوس پانزده کرور و دوست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر رسیده.

[سنه ۱۲۷۳ هجری = سنه ۱۸۵۶ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حاجی قوام الملک به پاداش نظم بندر بوشهر به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید — نواب مؤیدالدوله حکمران فارس بقاع متبرکه و اماکن مشرقه فارس را مرمت نمود — میرزا رفیع وکیل نواب احتشام الدوله به منصب استیفا نایل گردید — جناب سیف الملک سفیر کبیر مأمور سنت پترزبورغ وارد دارالخلافه شد — محمدخان ولد مرحوم محمدحسن خان سردار به منصب جلیل میرپنجگی و یک هزار و پانصد تومان مواجب سرافراز آمد — و یوسف خان سرتیپ حاکم یزد ولد دیگر مرحوم مشارالیه نیز به هشتصد تومان مواجب، و ایضاً ابوالفتح خان و عبدالحسین خان ولدان مرحوم سردار هریکی به هفتصد و پنجاه تومان مواجب نایل گردیدند (محمدحسن خان سردار همان خانباهاخان سردار معروفست) — سردار سلطانعلی خان مظفردولہ پسر مرحوم سردار کهندل خان با عیال از قندهار به عزم خدمتگذاری به ارض اقدس آمده، محمداکرم خان رئیس آپکزائی را به رکاب مبارک فرستاده مشارالیه به خلعت همایون نایل و خلعتی هم برای مظفردولہ و سایر ریش سفیدان آپکزائی مرحمت و مقرر شد اخراجات آنها را نیز در ارض اقدس بدهند و مشغول خدمتگذاری باشند — میرزا عنایت الله امین لشکر به یک قطعه نشان اول میرپنجگی و حمایل آن مفتخر گردید — صیدسعیدخان امام مسقط که به بندرعباس آمده بود مشمول عنایت اولیای دولت قاهره شده و پس از معاودت به بندر مسقط به شکرانه و مباحات این مراحم امنای دولت علیه عید گرفته و تقدیم بعضی خدمات نمود — جناب سیف الملک به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردید — شکرالله خان نوری به جای معصوم خان برادرش که فوت شد به منصب یوزباشی گری غلامان سرافراز شد — شب عید مولود مسعود همایون در دارالخلافه باهره و تمام ولایات جشن

گرفتند — هم در این سال فتح هرات اتفاق بدین شرح که بعد از خلع شدن صید محمدخان ظهیرالدوله و نصب شاهزاده محمدیوسف به حکومت و امارت هرات امیر دوست محمدخان امیر کابل به هوای فتح هرات افتاد، شاهزاده محمدیوسف به دولت علیه استعانت جست، نواب حسام السلطنه قشونی از خراسان با سامخان ایلخانی به امداد فرستادند، اما اتفاقاً هرات به اغوای امیر دوست محمدخان امیر کابل در صدد مخالفت و منع سامخان ایلخانی از ورود به هرات برآمدند، از اینجا معلوم اولیای دولت علیه شد که امر هرات به اغوای دوست محمدخان امیر کابل قرین بی نظمی و اختلال، و شاهزاده محمدیوسف که مطیع و تابع این دولت قوی شوکت بود نیز جهلاً بر سر خود سری است. لهذا به صلاح اولیای دولت قاهره نواب حسام السلطنه فرمانفرمای خراسان عزیمت تسخیر و تصرف هرات را تصمیم و لشکر بدان صوب کشیده پس از چندی محاصره شاهزاده محمدیوسف دستگیر و مرتب عیسی خان نیز که پس از شاهزاده محمدیوسف به اغوای امیر دوست محمدخان هوای حکومت هرات داشت مطیع و متقاد و شهر هرات با جمیع ولایات و نقاط تابعه قهراً مفتوح و مسخر سپاه منصور شد و در چهارم ربیع الاول مرده این فتح بزرگ به دارالخلافه باهره رسید. و نظر به تدابیر صایه جناب صدراعظم که در کار این جنگ کرده بودند یک ثوب کاتبی سمور ابره رضائی چهل بند بنسب اعلی که بندهای آن مرصع به جواهر ثمینه بود از ملابس خاص همایون به جناب معظم مرحمت فرمودند. یک قبضه عصای مرصع به نواب حاجی محمد ولی میرزا عطا شد و جمعی دیگر از عواطف و انعامات ملوکانه بهره یاب گشتند — میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام نویس نظام به یک ثوب جبّه ترمه کشمیری و یک قطعه نشان اول سرتپی با حمایل آن سرافراز گردید — میرزا عباس خان منشی اول وزارت امور خارجه نیز به خلعت همایون مفتخر گشت — و برای نواب حسام السلطنه والی خراسان یک قطعه گل کمر مرصع به جواهر گرانبها و دشنه با نیام زرین و قبائی زربافت و چهار هزار تومان انعام مبذول داشتند — و میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان و سامخان ایلخانی خراسان را به خلاع قیمتی مفتخر فرمودند، و سامخان ملقب به شجاع الدوله گشت و هزار و

سیصد و پنجاه قطعه نشان طلا و نقره به یاورها و سلطانهای افواج و سربازانی که رشادتی نموده بودند مرحمت شد، و امیرحسین خان برادر سام خان ایلخانی و حسین خان یوزباشی را که به حضرت دارالخلافه آمده بودند مرسوم و مواجب مضاعف گردید و حسین خان یوزباشی به منصب سرتیپی مفتخر گردید. خوانین و سرداران و فضلا و قضاة هرات نیز به خلعتها و نشانها سربلند شدند و هفتاد هزار تومان وجه نقد به جهت مخارج و انعام و مساعدت مردم هرات و سپاه مأمور به هرات انفاذ شد — نیز از وقایع ملالت انگیز این سال که در چهارم ماه صفر اتفاق افتاد این بود که مرغ روح شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت ابدمهد علیه معین الدین میرزا به شاخسار جنان پرواز نمود — جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به یک قطعه نشان تمثال بيمثال همایون مکمل به الماس قرین مفاخرت گردید — حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه نیز به خلعت همایون سرافراز شد — نواب حشمت الدوله حکمران اصفهان به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردیدند — یحیی خان مترجم وزارت امور خارجه (جناب مشیرالدوله) به منصب آجودانی صدارت عظمی نایل گردید — میرزا داودخان ولد جناب صدراعظم به منصب وزارت لشکر و خلعت همایون مفتخر گشت — چون تمثال شمایل مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که در عصر آن حضرت از روی چهره مبارک آن بزرگوار ساخته اند از خزاین ملوک سلف به خزینه این دولت جاوید غدت انتقال یافته برحسب امر همایون میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی که در این صنعت وحید اعصار است از روی آن تمثالی عظیم المثال ساخته به جواهر آبدار ترصیع کردند و نظر به حسن عقیدت و خلوص توسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانی فروآویختند — هم در این سال نظر به کدورتی که فیما بین دولتین ایران و انگلیس حاصل شده در اوایل ماه ربیع الثانی کشتی های جنگی انگلیس به خلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر آمد و چندگاهی قبل از ورود جهازهای جنگی مذکور سفیر و کارگذاران آن دولت از خاک ایران بیرون رفتند و علم دولت خود را خوابانیدند و میرزا محمدخان قاجار کشیکچی باشی با استعداد حربی مأمور بوشهر شد و عساکر دولتین مشغول محاربه گردیدند. چندی نگذشت

که رفع منازعه شد و جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران در پاریس به خواهش اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه با دولت انگلیس عهد مصالحه جدید بست — جناب غراف کینو شارژ دافر دولت فرانسه وارد دارالخلافه گردید — حاجی میرزا احمدخان مصلحت گذار دولت علیه مقیم اسلامبول به منصب وزیر مقیمی دربار دولت عثمانی برقرار گردید — بند نیمور را در عراق میرزا حسن خان حاکم عراق بست — آقارضاخان نایب دوم آجودانباشی به نیابت اول آجودانباشی نایل آمد — حاجی عبدالله گماشته امام مسقط با پیشکش و هدایای لایقه به دربار همایون آمد — شیعی دین محمدخان حاکم مکران وفات یافته شیعی عبدالله خان پسرش را به جای او حکومت دادند — کلنل شندلا کر سفیر دولت آستریه از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت آستریه با هدایای نفیسه به دارالخلافه باهره آمده به شایستگی پذیرفته شد — میرزا شفیع وزیر یزد به منصب استیفا و خلعت همایون مفتخر گردید — مرتضی قلی خان سرحددار انزلی به مرض فالج مبتلا شده برادر مشارالیه جعفر قلی خان به سرحدداری انزلی برقرار گردید — میرزا اسمعیل خان میزان آقاسی شیلان گیلان وفات یافته محمودخان پسر او به مباشری شیلان مقرر شد — آزادخان خاراتی نوکر این دولت جاوید شوکت به یک ثوب جبّه ترمه تمام زنجیره و یک قبضه شمشیر تمام اسباب طلا سرافراز گردید — به میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی غفاری یک جعبه رنگ نقاشی طلا که در وسط آن گل الماس گرانبهای ثمنین است مرحمت فرمودند — میرزا محمدرضای متولی باشی حضرت معصومه سلام الله علیها مرحوم و جناب میرزا سیدحسین ولد آن مرحوم به جای پدر منصوب شد — میرزا محمدصادق قایم مقام از آذربایجان احضار و میرزا فضل الله وزیرنظام که سابقاً در آذربایجان بود مجدداً مأمور آن مملکت گردید — نواب محسن میرزا امیرآخور به خلعت همایون سرافراز گردید — جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران شب دوشنبه بیست و چهارم جمادی الاولی با اتباع سفارت کبری و هدایای لایقه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به جهت اعلیحضرت ناپلیون سیم وارد پاریس شده در کمال شأن و شایستگی پذیرفته شد — شب شنبه بیست و چهارم رجب چهل و دو دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت

به حمل تحویل کرده سلام خاص تحویل و سلام عام عید در پیشگاه همایون شرف انعقاد یافت — امیراصلان خان عمیدالملک حکمران گیلان به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز شد — جناب کیناز باراتنگی که تازه از جانب اعلیحضرت امپراطور روس به جانشینی مملکت قفقاز منصوب گردیده ژنرال کیناز ملیکوف را به دربار دول علیّه روانه نمود که مأموریت خود را اظهار دارد و مشارالیه به شایستگی در دارالخلافه پذیرفته شد — مهرعلی خان شجاع الملک به نشان امیرتومانی و حمایل آن و یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید — محمدقلی خان ایلخانی فارس به نشان از مرتبه سیم میرپنجگی و خلعت همایون سرافراز شد — علی خان سرتیپ قراگوزلو به نشان از مرتبه سیم میرپنجگی نائل آمد — نواب غفران مآب والده حضرت شهریار مبرور ماضی (محمدشاه) انارالله برهانه روز پنجشنبه بیست و پنجم شوال المکرم این سال به غرفات جنان انتقال نمود — نواب رکن الدوله به حکمرانی آذربایجان سرافراز، و نواب والا محمدتقی میرزا به حکمرانی دارالخلافه برقرار گردیدند — نواب والا عبدالصمد میرزا حکمران قزوین شدند — جناب مسترمره وزیرمختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز روز بیست و یکم ذیقعدّه با اجزای سفارت خود به دارالخلافه آمد — احمدخان نواهی حاکم بندربوشهر به لقب دریابگی گری بحر فارس و نشان و حمایل درجه اول سرتیپی سرافراز شد — محمدخان امیرتومان به یک قبضه شمشیر مرصع و اسباب طلا و هزار تومان انعام نایل گردید — حکم سخت مؤکد در تأمین و آسایش ملل مختلفه که رعیت این دولت هستند شد — جناب حیدرافندی شارژدافر دولت عثمانی که مراجعت به دربار عثمانی می کرد یک قطعه نشان تمثال همایون از درجه دویم مکمل به الماس به معزی الیه مرخصت شد و جناب توفیق افندی به جای مشارالیه مقیم گردید — مستشارالملک خراسانی به پانصد تومان اضافه مواجب و استصوابی به علاوه استیفای خراسان و سررشته داری کل مالیات خراسان سرافراز شد — جناب مسیولاغوفسکی شارژدافر دولت روس را به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول و حمایل آن اختصاص دادند — فرستادگان ولایات و سرداران کابل و قندهار و غیره با عرایض ارادت آمیز خدمت نواب حسام السلطنه

آمدند — عسکرخان سرتیپ ارومی مرحوم و یوسف خان برادرش به جای او به منصب سرتیپی رسید — نریمان خان نایب آجودانباشی حامل عهدنامه مصالحه دولتین ایران و انگلیس به درجه سرتیپی رسید — کیناز ملیکوف به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول مفتخر و سایر صاحبمنصبان روس که همراه معزی الیه بودند به هریک علی قدر مراتبهم نشان مرحمت شد و مراجعت کردند — میرزا عباس خان منشی اول وزارت امور خارجه به منصب نیابت وزارت امور خارجه سرافراز گردید — روضه مطهره حضرت معصومه سلام الله علیها و منازل و پلهای راه قم همه مرمت شد — اللهوردی خان یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید — آقامحمدحسن مهردار به یک قطعه نشان تصویر مبارک مکمل به الماس مفتخر گردید — محمدابراهیم خان سرتیپ افواج ثلاثه اصفهان به لقب سهامالملکی و خلعت همایون مفتخر شد — خسروخان والی، پنجم ذیحجه مرحوم شد — میرزا حسن برادر میرزا حسین سررشته دار قورخانه مبارکه به منصب جتبه دارباشی گری سرافراز شد — سردار علی خان سیستانی به مصاهرت نواب بهرام میرزا (مغزالدوله) مباحی گردید — هم در این سال بر آبادی شهر دارالخلافه خیلی افزوده شد. (چین) — کشتی های جنگی این دولت با وجود عدم استحکام بعد از استقامت درمقابل سفاین جنگی انگلیس و خسارت کلی به آنها رسانیدن بالاخره شکست یافتند — جزیره هوتان را در محاذی کانتن مأمورین فرانسه و انگلیس متصرف شدند و به شهر کانتن حملات پی در پی برده بعضی از سنگرهای خارج شهر را متصرف شدند.

اروپا — (اسپانیا) — شورش سختی در مالاگا — به دست آوردن جمعی از شورشیان در مادرید پایتخت — در ایالت سویل ایضاً شورش — عزل نارواثز صدراعظم و نصب امیرال اُدیز — تولد پسر از ملکه موسوم به الفنس — رودخانه ابر را دولت درصدد است که به عرض و عمقش بیفزاید تا کشتی های بزرگ به آسانی در آنجا سیر نمایند — جمعیت تمام اسپانیا در این سال سی و دو کرو و سیصد و چهل هزار نفر می باشد. (آلمان) — ایجاد قانون تجارتی به جهت تمام

ممالک آلمان — هنگام سفر اعلیحضرت امپراطور اطریش به ممالک ایتالیای متصرفی خود ژنرال رادتسکی سردار پیر که فی الواقع فتوحات این ایالات به دست او شده بود از منصب حکمرانی استعفا نمود و حکومت ایالات مذکوره منتقل به ماکسی میلیتن برادر امپراطور می گردد — در مملکت پروس طایفه یهود را منع می کنند که قانون دولت تحصیل نمایند — افتتاح راه آهن از میلان به ونیز — اعلیحضرت پادشاه پروس که به شدت ناخوش اند اختیار سلطنت را موقتاً سه ماهه به برادر کهنتر خود که سنّ دو سال کوچکتر است و ولیعهد می باشد واگذار می کنند و این سه ماه چندین مرتبه تجدید یافت. (انگلیس) — عزل وکلای ملت به واسطه اختلافی که با رجال دولت داشتند — تعیین وکلای جدید که اغلب با لرد پالمرستون صدراعظم خیالشان مطابق است — فرمان اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس قرائت شد که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه بعد از این مخاطب به پرنس شوهر خواهد بود — گفتگوی مصالحه مابین جناب امین الملک فرخ خان و لرد کولی سفرای کبار دولتین ایران و انگلیس در پاریس — شورش عسکر انگلیس در بنگاله به واسطه دخالت دولت در طریقه ملتی و مذهبی آنها، این شورش به اغلب نقاط هندوستان سرایت نموده قتل و غارت زیاد بیحد و حساب نسبت به اهالی انگلیس می شود — در دهلی باغیها یکی از اولاد سلاطین گورکانیه خودشان را به پادشاهی برمی دارند — افواج انگلیس را در کلکته یراق چینی می کنند — قشون مملکت انگلیس عود و گولپور به دولت انگلیس می شورند — در ناحیه گاؤن پُر علی الخصوص نه نه صاحب رئیس آنها کمال وحشیگری را نسبت به اهالی انگلیس می نمایند — جنگ سخت باغیها در حوالی اگره — در بمبئی طایفه سیک از طوایف هند نسبت به انگلیسها نمی شورند — شهر دهلی بعد از رحمت زیاد و خونریزی بسیار مفتوح گردید و در این جنگ خیلی از قشون انگلیس تلف شد — پادشاه دهلی که نود ساله بود در حین فرار دستگیر شده دو پسرش اسیر و مقتول گردیده و اغلب شاهزاده های خانواده سلطنت را در دهلی هلاک ساختند — تصرف دولت انگلیس جزیره پرین را در دریای احمر مابین عدن و مخا — موافق عهدنامه ای که با دولت مارک بسته شده این دولت حق دارد بعد از این در بنادر داخله مملکت

انگلیس قونسول روانه کند — کشتی های جنگی انگلیس در این سال هشتاد و چهار فروند بوده است. (ایطالیا) — قشون اطریش بعد از هشت سال توقف در ایالت پارم بیرون رفتند — در شهر لیورمردم بنای شورش دارند — محرک جمیع شورشیان مازینی است — مسافرت حضرت پاپ به فلورانس — شروع به کنال دالانی از عرض کوه منسینی به جهت راه آهن از خاک فرانسه به ایتالیا — در افتتاح این کار بزرگ پادشاه ساردین، وکتور امانول، و پرنس ناپلیون برادرزاده امپراطور فرانسه حضور داشتند. (پرتوغال) — پادشاه پیدرو پنجم به شخصه افتتاح مجلس پارلمنت می کند — در لیزبن پایتخت حتای زرد و حصه و باتت بهم رسانیده جمعیت زیادی را می کشد. (بلژیک) — عروسی دختر پادشاه شاهزاده خانم شارلت با برادر امپراطور اطریش ماکسی میلین. (دانمارک) — طایفه اسکاندیناو که بیشتر اهالی شود و نروج و دانمارک از این طایفه هستند میل به اتحاد دول ثلاثه در تحت سلطنت یک پادشاه دارند و پادشاه شود را به جهت این کار انتخاب نمودند — وحشت پادشاه دانمارک از این فقره و نوشتجات رسمی به دربار دول فرنگ فرستادن، و اظهار وحشت نمودن — اجزای مجلس شورای ایالت اسلشویک وضع قانون ایالت خود را به سبک آلمان طالبند و مضایقه در دادن مالیات به دولت دانمارک می نمایند — بهم زدن حاکم اسلشویک به حکم پادشاه دانمارک مجلس شورای این ایالت را — مطالبه مالیات از رعیت به زور — دول اطریش و پروس از این عمل ناراضی اند — دولت روس با پادشاه دانمارک مساعد و حامی است. (روس) — امپراطور روس درصدد آزاد کردن رعایای روس است که نسبت به نجبا و ملاکین و اربابان خود حالت عبودیت داشتند — بایدر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین که سمت امارت بحری دارد به بنادر نظامی دول فرنگ به سیاحت رفت علی الخصوص در تولن و شیربورگ بنادر جنگی نظامی فرانسه — ملاقات شاهزاده معزی الیه با اعلیحضرت پادشاه انگلستان — عهدنامه تجارتنی با ژاپن — عروسی گراندوک میشل برادر کهنتر اعلیحضرت امپراطور با شاهزاده خانم سیسیل دختر والی باد — افتتاح راه آهن از پطر به ورشو. (شود) — پادشاه این مملکت به واسطه سوء مزاج قدرت به سلطنت نداشت پسر خود را که ولیعهد بود به

نیابت سلطنت مقرر داشت. (سویس) — جنگ با پروس به واسطه میانجیگری فرانسه مبدل به صلح شد — پادشاه پروس از داعیه سلطنت شهر نُفْشَاتیل که متعلق به سویس است دست کشیده حتی تنخواهی را که از سویس مطالبه می نمود از آن تنخواه هم صرف نظر نمود — عهدنامه به امضای طرفین و به امضای جمیع دول فرنگ در پاریس منعقد گردید. (عثمانی) — در مضر تغییر وضع وصول مالیات — سفر والی مضر به سمت سودان — تعیین مخارج معین برای شخص والی، والی به این راضی نشد که یک دسته از علمای انگلیس و فرانسه و آلمان که به جهت انکشاف سرچشمه نیل به مضر آمده بودند خیالات خود را در اجرای این عمل به انجام رسانند — در تونس قتل یک نفر یهودی که به دین اسلام پی احترامی کرده بود — والی قدیم ملداوی شیکا که در این وقت در پاریس بود خود را می کشد — عیسویان هرزگوین و بُسنی و آلبانی که از طرف مسلمانها به آنها صدمه می رسد می شورند.

(بقیه مسئله شرقیه) — الحاق به ایالت ملداوی بولگراد را — و گذاشتن به دولت عثمانی جزیره ماران را و اختیار مصب رود دانوب را به قراردنگیز نیز به دولت عثمانی — تخلیه قشون اطیش ایالات افلاق بغداد را موافق عهدنامه که موسوم به عهدنامه پاریس است — حذ روس و عثمانی در سمت اروپا پس غربی خواهد بود — سفیر بلژیک مقیم در دربار عثمانی متهم به این شد که اهالی افلاق بغداد را معرک شده که پسر کهتر پادشاه بلژیک را به سلطنت خود اختیار نمایند — عزل رشیدپاشای صدراعظم — صدارت عالی پاشا — قطع مراوده ایلچی های فرانسه و انگلیس و اطیش و روس با وزارت خارجه عثمانی به طور کدورت — دول انگلیس و اطیش عهدنامه مخفی می بندند — مسافرت ناپلیون امپراطور فرانسه به انگلیس و ملاقات او با پادشاه انگلستان در قصر اُزبُرُن — تجدید مراوده سفرای مذکوره به فاصله چهارده روز با وزارت خارجه عثمانی — ملاقات ناپلیون و امپراطور روس در اِشْت گارد پایتخت مملکت وُورْتِبرگ در عمارت سلطنتی پادشاه آنجا و ملاقات امپراطور روس و اطیش در وِیمَار. (فرانسه) — قتل کشیش بزرگ پاریس سیبُور نام به دست یکی از کشیش های درجه پست وِرژر هنگام

عبادت در کلیسای سین اتین — ایجاد قانون جدید نظامی — صد هزار نفر قشون ذخیره فرانسه هنگام صلح حاضر خواهد بود — هر سی و پنج نفر از رعایای فرانسه حق فرستادن یک وکیل به دارالشوری دارند — در لندن مازینی نام ایتالیائی محرک جمعی است که ناپلیون امپراطور فرانسه را به قتل رسانند — دولت فرانسه مابین دول پروس و سويس میانجی شده پرنس ناپلیون به سمت میانجیگری به برلن پایتخت پروس می رود — آمدن برادر امپراطور روس قسطنطین و پادشاه باویر به پاریس — فوت ژنرال کاونیاک فجائاً — مأموریت بیست و پنج هزار قشون به سرداری ماکماهون به جنگ طوایف صحرائین قبیلی — امتداد سیم تلگرافی بحری از مارسیل به الجزایر — جمعیت فرنگی که در الجزایر است صد و شصت و هفت هزار و ششصد و هفتاد نفر قلمداد شده است — در جزیره ماداگاسکر فرانسه ها را از پایتخت آن جزیره اخراج می کنند — عهدنامه تجارتی و دوستی با دولت سیام — خیال ساختن راهی از زیر دریای مانش مابین فرانسه و انگلیس — فوت شاعر معروف الفردموس — تعداد نفوس جمعیت فرانسه به هفتاد و دو کرور و سی و نه هزار و سیصد و شصت و چهار نفر رسیده.

امریکا — (اتانونی) — قحط و غلای سخت در ایالت مشیگان — در شهر نیورک منازعه سخت و خونریزی مابین قشون دولت و احتساب شهری — کمی پول به حذی که بانک نیورک و بستن از دادن پول به برات دار مضایقه نمودند. (مکزیک) — شورش سخت در این ایالت علی الخصوص در وراکرس. (ینگلی دنیاى جنوبی) — شدت مرض تب زرد در مونت ویدو.

[سنه ۱۲۷۴ هجری = سنه ۱۸۵۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال کمافی السابق کلیه توجه خاطر خطیر همایون به انتظام به امور کشور و لشکر و اشاعه عدل است — میرزا محمد به منشی گری مهام خارجه استرآباد و به اعطای یک قطعه نشان از درجه دویم سرهنگی سرفراز شد — علیقلی خان به منصب بیگلربیگی گری تبریز مفتخر گردید — قلعه خرم آباد و باغ

علی آباد دوباره آباد شد — حسن خان سرکرده سواره قراپایاق به یک قطعه نشان اول سرهنگی و حمایل آن سرافراز گردید — حرم مطهر حضرت رضوی علیه السلام را آینه کاری کردند — یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس از درجه اول با حمایل آبی برای جناب کیناز الکسندر باراتنگی جانشین مملکت فققاز اهدا و انفاذ شد — در شب ششم شهر صفر المظفر جشن مولود همایونی در همه جا به شایستگی گرفته شد — حاجی جابر خان حاکم محترمه به منصب میر پنجگی و پانصد تومان اضافه موجب و خلعت همایون سرافراز گردید — راه خیابان مازندران را حسب الامر تعمیر نمودند — میرزا فضل الله وزیر نظام پیشکار آذربایجان به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید — غلامحسین خان سپهدار حکمران کرمان نیز به یک قطعه نشان تمثال بیمثال مفتخر شد — علیقلی خان میر پنجه به منصب آجودانباشی کل عساکر نظام برقرار آمد — محمد اسمعیل خان چاپارچی باشی ملقب به بشیرالدوله شد — میرزا سید محمد پسر میرزا صادق لشکرنویس به منصب لشکرنویسی سرافراز شد — در اوایل عشر دوم ربیع الاول نواب مستطاب شاهنشاهزاده امجد اعظم امیر محمد قاسم خان را ولایتعهد این دولت ابدمهد عنایت فرمودند — میرزا حسن خان حاکم عراق به یک قطعه نشان اول میر پنجگی با حمایل آن مفتخر گردید — یک قطعه نشان اول سرتیپی با حمایل به نواب محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس مرحمت فرمودند — آقا محمد حسن مهردار در بیست و یکم ربیع الثانی مرحوم و مناصب او به آقا عبدالله رختدار باشی پسرش مرحمت و رختدار باشی گری به آقا ابراهیم برادرزاده آن مرحوم اعطا شد — حسینقلی خان سرهنگ فوج عجم مرحوم و محمدعلی خان ولد فرزند آن مرحوم به سرهنگی فوج مزبور سرافراز شد — میرزا علی پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام به منصب اکتیفا مفتخر گردید — ریاست کل مدرسه مبارکه دارالفنون را در ماه ربیع الاولی به نواب اعتضاد السلطنه واگذار و نواب معظم الیه را به خلعت همایون مفتخر نمودند — علی خان سرتیپ افواج قراگوزلو به منصب میر پنجگی و خلعت ابدی فرمودند — جعفرقلی خان ایلخانی بیگلربیگی استرآباد به یک قبضه مکمل به الماس سرافراز شد — یک قطعه نشان تمثال همایون به افتخار

صیدثوینی امام مسقط اعطا و ارسال مسقط گردید — جناب مسیو دنیسون وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مأمور به اقامت در دربار دولت علیه وارد دارالخلافت شد و مسیو قنبوشارژدافر فرانسه که مرخص و روانه بود به یک قطعه نشان از درجه اول خارجه با حمایل سبز و یک طاقه شال رضائی نایل گردید — جبه خانه اصفهان در صنعت تفنگ سازی خیلی ترقی کرد — میرزا عبدالوهاب خان شیرازی (جناب نصیرالدوله) به نیابت وزارت امور خارجه و خلعت همایونی نایل گردید — میرزا سیدرضی سررشته دار گمرک به نیابت کل گمرک خانه های ممالک محروسه برقرار گردید — رکن الدین میرزا امیرتوپخانه در ماه رجب مرحوم شد — در این اوقات حسب الاشارة علیه حکمی نظامی جناب صدراعظم به جهت تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل نظام ترقیم نموده صدر آن موشح به دستخط جهانمطاع همایون گردید — نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مفسدین ترکمانان سرخس و مرو را تنبیه نمودند.

شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت و سی دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نموده مراسم جشن عید از سلام و غیره با کمال شکوه به عمل آمد — شب پانزدهم شعبان که مولود مسعود حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه می باشد به امر همایون مقرر و مرسوم شد این روز را عید و جشن دولتی بگیرند — محمدرضا بیک پسر مرحوم محمدرضا بیک یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید — عیسی خان والی به حکمرانی اصفهان مأمور شد — نواب نصرت الدوله را به حکمرانی عراق مفتخر فرمودند — میرزا ذوالفقارخان حاکم قم به یک قطعه نشان اول میر پنجگی با حمایل آن سرافراز گردید و میرزا ابوالقاسم خان ولد معزی الیه به انشاء دیوان اعلی برقرار شد — نواب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان به اعطای یک قطعه گل کمر مکمل به الماس مفتخر گردید — عمل چاپارخانه های ممالک محروسه به حسین خان سرتیپ محول گردید — نمونه ای از تلگراف از عمارت سلطنتی شهر الی باغ لاله زار به مراقبت مسیو کریش معلّم توپخانه ایجاد شد و معلّم مشارالیه به یک رشته حمایل سفید سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید — حسینقلی خان بختیاری به یک ثوب

جبهه ترمه و یک قبضه شمشیر ته غلاف طلا میباهی شد — حسینعلی خان معیرالممالک وفات نمود و منصب خزانهداری و معیرالممالکی را به دوستعلی خان ولد آن مرحوم مرحمت فرمودند — امیرزاده علیقلی میرزای سرتیپ و حاکم سنقر و کلیائی به یک قطعه نشان اول سرتیپی و یک رشته حمایل آن سرافراز شد — جناب نظام الملک به وزارت و پیشکاری شاهنشاهزاده اعظم امیرقاسم خان ولیعهد دولت علیه مفتخر گردید — آقا عبدالله ولد مرحوم آقا محمدحسن صندوقدار را حسب الامر به اسم پدر نامیدند — اشرار تراکمه سرخس که دم از خودسری می زدند نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با عساکر نصرت مآثر آنها را تنبیه و تهدید نموده بر سر اطاعت آورد — نواب رکن الدوله اردشیر میرزا حکمران آذربایجان به یک قطعه نشان اول امیرتومانی با حمایل آن و یک هزار تومان اضافه موجب سرافراز شد — میرزا فضل الله وزیرنظام وزیر آذربایجان نیز به یک قطعه نشان اول امیرتومانی و حمایل آن و یک ثوب جبهه ترمه شمشه مرصع مفتخر گردید — میرزا مصطفی قلی مستوفی و پیشکار محاسبات آذربایجان به یک قطعه نشان اول سرتیپی و حمایل قرمز و خلعت همایون نایل گردید — صنف خباز آذربایجان را از مالیات معاف فرمودند — میرزا فضل الله نایب ایشیک آقاسی باشی به منصب بیگلربیگی گری تبریز و لقب خانی و خلعت همایون مفتخر گشت — میرزا نصیر کدخداباشی سابق تبریز به منصب مستوفی گری آذربایجان برقرار شد — مسیو کیرشش معلم و سرهنگ توپخانه به منصب سرتیپی نایل گردید — میرزا محمدعلی مباشر امور خارجه گیلان به یک قطعه نشان دویم سرهنگی و خلعت همایون سرافراز شد — روز هیجدهم ذیقعدة الحرام طایر روح شاهنشاهزاده اعظم امیرقاسم خان ولیعهد دولت علیه پرواز به خلد برین نمود و در زاویه مقدسه حضرت امامزاده عبدالعظیم علیه السلام بقعه مخصوص بنا کرده مدفون نمودند — جناب فرخ خان امین الملک ایلچی کبیر دولت علیه مأمور به اقامت دربار اسلامبول شد — یک رأس اسب عربی خاصه با یراق مکئل به جواهر به جناب صدراعظم مرحمت فرمودند — حاجی حسین خان بروجرودی به نیابت اول ایشیک آقاسی باشی سرافراز شد. (چین) — حاکم ایالت کانتون په نام و سپهسالار چین از طایفه تاتار به دست

عساکر انگلیس محبوس گردید. حاکم مزبور که به کلکته به حبس فرستاده می‌شود معترف به این است که در این چهار سال که از طرف دولت چین مأمور به حکومت این ولایت است شصت هزار نفر آدم از یاغیها را به قتل رسانیده است — مأمورین فرانسه و انگلیس به امید اینکه بتوانند با دربار پکن گفتگو نمایند تا کیانگ سو می‌روند — گفتگوی بیفایده در مصالحه بعد از ناامیدی از مصالحه عساکر فرانسه و انگلیس در خلیج پت شلی وارد می‌شوند — در این خلیج رودخانه پیهو که یک شعبه اش از میان شهر پکن پایتخت می‌گذرد چینی‌ها در ساحل این خلیج و دهنه این رودخانه قلعه جات خیلی سخت محکم دارند — بعضی از قلعه جات آنها را که صد و سی و هشت توپ زیاده یا کم داشتند عساکر متفقہ گرفتند — دهنه رودخانه بدست آمده بالا رفته شهر تین سین را هم متصرف شدند — مأمورین روس در این مقدمه عهدنامه دومی با دولت چین منعقد کرده جمیع بنادر چین را از برای سفاین روس باز و آزاد دانسته در سمت رود امور تقریباً پانصد میل مسافت از سرحد سیر ضمیمه مملکت روس شده بعد عهدنامه چینی‌ها در تین سین با فرانسه و انگلیس بستند — سفرای انگلیس و فرانسه در پکن و سفرای چین در لندن و پاریس متوقف خواهند بود — ده کروور تومان پول ایران خسارت دولت چین به دولت انگلیس خواهد داد و سه کروور به فرانسه — مسافرین و سیاحان فرنگ در چین آزاد خواهند بود که در جمیع ممالک چین گردش کنند — مذهب عیسوی در تمام ممالک چین محترم خواهد بود — تجارت تریاک حق فرنگیها خواهد بود. (ژاپن) — عهدنامه تجارتی با اتانونی و انگلیس و روس و فرانسه.

اروپا — (اسپانیول) — اختلاف آرا مابین وزرا — پادشاه انگلستان با کمال سختی با دولت اسپانیا در خرید و فروش سیاهان گفتگو دارد — افتتاح راه آهن از مادرید به آلی کانت. (آلمان) — فوت مارشال رادیسکی — قرض دولت اطریش در این سال معادل هزار و دویست کروور تومان پول ایرانست — تولد پسری از امپراطور اطریش — در میلان ایتالیا متصرفی دولت اطریش اهالی بنای شورش گذاشته آشکارا سلطنت ویکتر امانول پادشاه ساردین را طالبند — پسر پادشاه پروس دختر

بزرگ پادشاه انگلیس را به ازدواج خود درآورد — افتتاح راه آهن از گنیزبرگ شهر پروس الی سرحد روس — پرنس گتیوم برادر پادشاه پروس مستقلاً بدون تردید و بدون تعیین وقت به نیابت سلطنت به واسطه سوء مزاج پادشاه که برادر بزرگست برقرار می شود. (انگلیس) — عزل وزراء و یک و نصب وزرای طایفه توری به ریاست لرد دربی — پادشاه گورکانی دهلی را حبساً به جزیره آندمان می فرستد — حکومت و فرمانفرمائی هندوستان که تا آن زمان به تصرف کمپانی بوده نه به اختیار دولت لرد پالمستن در اواخر صدارت و لرد دربی در اوایل صدارت در ظرف این سال تکلیف به دولت می کنند که این وضع کمپانی را موقوف داشته هندوستان را یکی از ایالات معتبره معظمه انگلیس تصور نمایند و یک وزیری به سمت وزارت هندوستان در دسته وزرا مقرر شود — سیر کامپل به امداد راجه نپال با پنجاه هزار قشود شهر لکهنوی هندوستان را به تصرف درآورد، بیست و پنج هزار نفر از یاغبها به سمت بنارس فرار کردند — به جهت فتوحات نمایان کامپل سپهسالاری هند و لقب لرد کلیدی از طرف دولت انگلیس به او داده می شود — لرد استلی گانک که از طرف کمپانی حکومت هند داشت به سمت فرمانفرمائی و نیابت سلطنت در هندوستان برقرار شد — در جزیره نون کالدونی متعلق به انگلیس معادن منادی خیلی بامکتت منکشف شد — مجلس لردها بعد از هفت سال گفتگو بالاخره قبول کردند که از طایفه یهود در مجلس پارلمنت به سمت وکالت رعیت حضور بهم رسانند — رچل صراف معروف یهودی در مجلس قبول شد — رتیر نام از اهالی آلمان ایجاد روزنامه تلگرافی عمومی نمود. (ایتالیا) — کاوورا صدراعظم ساردینیا مصر بر اینست که باید با فرانسه اتحادی داشت. (پرتوغال) — ازدواج پادشاه با یکی از شاهزاده خانم های پروس. (بلژیک) — دولت در صدد ساختن قلعه محکمی در بندر آنورس برآمد. (روس) — انعقاد مجلسی به حکم اعلیحضرت امپراطور به جهت آزاد نمودن رعایا — در مملکت روس آنچه به تعداد آمده صد و نه هزار اربابست از این عدد هزار و چهارصد نفر از هزار الی ده هزار

رعیت دارند که این رعایا به منزله مملوک هستند و خرید و فروش می شوند و فی الواقع اعلیحضرت امپراطور روس جمعیتی که مشتمل بر چهل و یک کرور و دویست و پنجاه هزار نفر بود آزاد کرد که درحقیقت رعایای مملوک به حکم امپراطور آزاد شدند. (سول) — به واسطه یانقین سختی قسمت عمده از پایتخت می سوزد. (سویس) — افتتاح راه آهن از ژنو^۲ به نوآن. (عثمانی) — خیال اتحاد ایالتین والاشی و ملداوی (افلاق بغداد) در تحت یک حکومت چون از برای اقتدار روس در این نواحی بیشتر مفید بود دولت عثمانی قبول ننمود به این واسطه باز مابین روس و عثمانی نزدیک به ترک مراوده شد — لهذا مجلس شورای مجتدی در پاریس از مأمورین جمیع دول منعقد گردید بعضی قرارهای جدید در عمل اتحاد افلاق بغداد و قراداغ عثمانی و بعضی جاها گذاشته شد — سیر هانری بلور^۳ به سفارت انگلیس در دربار عثمانی به جای لرد ریکلیف برقرار شد — فوت رشیدپاشا فجائاً — شورش سخت در ایالت هرزگوین و منتنگرو در بوسنی — فتوحات عمر پاشا با اعراب بدوی در حوالی بغداد — باریدن باران سخت در شامات و خرابی رسانیدن — در جزیره کاندی به جهت زیادی مالیات اهالی شوریدند مسلمانها عیسوی زیادی در این جزیره به قتل رسانیدند — در بندر جده فرنگی زیاد به قتل رسید من جمله قونسولهای انگلیس و فرانسه بودند — کشتیهای جنگی دولتین فرانسه و انگلیس به ضرب گلوله نارنجک خرابی زیادی به جده وارد می آورند — دولت عثمانی جمعی را به جهت تحقیق این فقره مأمور به جده نموده ده نفر از مقصرین را که محرک مردم بودند در این قتل و نهب به دست آورده می کشند — ایجاد مجلس وکلای ملت در بلغراد و سروستان — وکلای ملت این ایالت عزل قارازاش ژویش را طالبند که از طرف دولت عثمانی والی بوده و نصب ابرنویچ — ولیعهد مصر احمدپاشا پسر ابراهیم پاشا در نیل غرق شده هلاک می شود — در تونس ایجاد یک بانک — ایجاد اول راه آهن در خاک عثمانی از ازمیر به آیدن. (فرانسه) — جمعی از اهالی ایتالیا که رئیس آنها ارسینی نام بود

قصد قتل ناپلیون امپراطور فرانسه کردند و شبی در مدخل تماشاخانه بزرگ سه نارنجک به سمت امپراطور انداخته شد صد و پنجاه و شش نفر مجروح و هشت نفر مقتول و به امپراطور نیز زخمی وارد آمد — موافق فرمان امپراطور ناپلیون در زمان غیبت اعلیحضرت ایشان از فرانسه نیابت سلطنت با امپراطریس خواهد بود — ژنرال شان کازنیه و ژنرال پد که از خاک فرانسه اخراج شده بودند اجازه یافتند که وارد شوند — سفارت کبرای دُوک دُمالا کف به انگلیس — از برای زینت شهر پاریس در ظرف ده سال مقرر است سی و شش کرویر تومان ایران خرج شود که از این مبلغ ده کرویر دولت کمک خواهد کرد مابقی را اهل شهر — فوت مادر کنت دپاریس نوۀ لوی فلیپ پادشاه فرانسه و ولیعهد او در انگلیس — وزارت الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در خارج از مملکت فرانسه مالک است به پرنس ناپلیون عموزاده امپراطور مقرر شد — حکومت ژنرال ماکماهون به الجزایر — مملکت سیام قبول قونسول فرانسه را ننمود — جزئی کدورتی با دولت پرتوغال — ترضیه خواستن دولت پرتوغال و عفو دولت فرانسه به جهت حفر مجمع البحرین سوئیز — کمپانی این عمل در پاریس افتتاح استقرض کرد — آمدن پادشاه انگلستان به شربُرخ به بندر فرانسه و ملاقات نمودن با امپراطور فرانسه — فوت ژاشل بازیگر معروف. (یونان) — ایجاد موزه در آتن پایتخت این دولت — بروز زلزله در آتیک — خرابی شهر کرنٹ به واسطۀ زلزله — جزیرۀ گُرفُورا انگلیس مایل به تصرف است لیکن اهالی جزیره زیادتر میل دارند که جزو یونان باشند.

(افریقا) — در شمال دماغه امید چندین سال قبل از ملل مختلفه فرنگ علی الخصوص هلاندیها در سواحل رودخانه ترانس وال سکنی گرفتند و بیست و دو سال بود، دولت انگلیس لایتقطع با آنها در منازعه بود، بلکه آنها را جزء رعایای خود که در افریقا دارد نماید ممکن نشد تا در این سال دولت انگلیس اینجمهوری مختصر را شناخت به جمهوری ترانس وال — بُشُف نام هلاندی به انتخاب عامه اهالی ترانس وال مدت هفت سال ریاست یافت.

امریکا — (اتائونی) — اختراع وضع تلگراف جدید به توسط دکتر مُرس از اهل

اتانونی که به اسم همان شخص این تلگراف الحال موسومست. دولت انگلیس
چهل هزار تومان انعام و حق السعی به این شخص می دهد. (ینگى دنیای
جنوبی) - شورش سختی در جمهوری پرو و رفع آن. (برزیل) - ابتدای راه آهن
جدید موسوم به راه دُن پیدرُ. (ینگى دنیای شمالی) - بعد از دومرتبه تلاش بیهوده
در مرتبه ثالث مابین والان تیا شهر ارلند انگلیس و سنت ژان شهر ینگى دنیائی
امداد سیم تلگراف بحری شد، اول مخابره تلگراف تهیت آمیز مابین رئیس
جمهوری اتانونی و پادشاه انگلستان بود. وقتی که در ساعت شهر والان تیا دو
ساعت و چهل و پنج دقیقه از ظهر گذشته بود و در شهر سنت ژان انگلیس ظهر و
اختلاف افق به این قدر - اما به زودی این سیم بحری پاره و قطع مراوه مابین
اروپ و ینگى دنیا گردید.

[سنه ۱۲۷۵ هجری - سنه ۱۸۵۸ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در این سال خیرمال ذات اقدس همایون به نفس نفیس مبارک
غور و تعمقی در کلیه امور دولتی و ملکی می فرمایند - ریاست دفترخانه وزارت
امور خارجه را به میرزا محمد از اجزای وزارت خارجه داده و به اعطای نشان شیر و
خورشید از درجه اول سرهنگی با حمایل آن مفتخر گردید - متعلمین مدرسه
دارالفنون ترقی کئی کرده اند - جناب مسیو انچکوف وزیر مختار و ایلچی
مخصوص دولت روس مأمور به اقامت در بار دولت علیه وارد دارالخلافه شده پذیرائی
رسمی از معزی الیه به عمل آمد - میرزا زکی معلم و یاور توپخانه به منصب
سرهنگی توپخانه مفتخر گردید - بیستم شهر محرم الحرام به موجب دستخط مبارک
جناب صدراعظم از صدارت عظمی و نظام الملک و وزیر لشکر از مناصب خودشان
معزول شدند - و بعد از عزل صدراعظم شش وزارتخانه در دربار دولت علیه ترتیب
و تشکیل یافت - اول وزارت داخله، دویم وزارت خارجه، سیم وزارت جنگ،
چهارم وزارت مالیه، پنجم وزارت عدلیه، ششم وزارت وظایف - و اسامی وزرا و
القاب هریک از این قرار است: جناب میرزا محمدصادق قائم مقام به لقب

امین الدوله و وزارت داخله سرافراز شد — وزارت خارجه کماکان به عهده جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان است — جناب میرزا محمدخان کشیکچی باشی به لقب جلیل سپهسالاری و وزارت جنگ مفتخر گردید — وزارت مالیه برعهده کفایت جناب اجل آقامیرزا یوسف مستوفی الممالک مفوض آمد — جناب عباسقلی خان والی جوانشیر ملقب به معتمدالدوله شده وزارت عدلیه به عهده ایشان محول گشت — وزارت وظایف و اوقاف تعلق به میرزا فضل الله نصیرالملک یافت — و میرزا عنایت الله امین لشکر کماکان مشغول ضبط و ربط دفتر لشکر خواهد بود — در امور مهمه قرار به شوری افتاد و امضای کلیه امور خاص به نفس نفیس همایون گردید، و بدون استیذان و اجازه از جانب سنی الجوانب حکمی نفاذ نمی یابد — حاجی محمدخان پیشخدمت خاصه به جای والد مؤلف منصب فراشباشیگری و لقب حاجب الدولگی یافت — منصب ریاست مجلس شوری را به میرزا جعفرخان مشیرالدوله مرحمت فرمودند — میرزا باقر برادرزاده میرزا جانی به لشکرنویسی فارس مأمور شد — حساب یزد و بروجرد برعهده میرزا رفیع مستوفی مفوض گردید — یحیی خان (جناب مشیرالدوله) به منصب آجودان مخصوص و مترجمی حضور باهرالنور و خلعت همایون سرافراز گردید — جشن مولود همایونی در ششم صفر به مبارکی گرفته شد — هم در این سال ارتفاع قله دماوند را گرفتند و معلوم شد از سطح طهران پنج هزار و پانصد و نود ذرع و از سطح دریا شش هزار و ششصد و سیزده ذرع است — حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک با بعضی وابستگان خود به دربار همایون آمده بعد از رخصت انصراف به حمایل میرپنجگی و خلعت همایون نایل و همراهانش نیز به مناصب و خلایع همایونی سرافراز شدند — سفیری به سمت شارژدافری دولت بلجیک به دارالخلافه باهره آمد — میرزا ابراهیم خان به منصب سرتیپی اول و حمایل و نشان آن سرافراز شد — میرزا حسن لله باشی به منصب ریش سفیدی درب حرمخانه و خلعت همایونی سرافراز شد — مصطفی قلی خان حاکم سبزوار به خلعت همایون و یک قبضه شمشیر ته غلاف طلا نایل گردید — یک ثوب عبای ترمه به جهت جناب شیخ عبدالحسین مجتهد ارسال عتبات شد — برای جناب حاجی سیدجواد امام جمعه کرمان نیز یک قبضه عصای

مرضع ارسال کردند — جان محمدخان سرهنگ فوج خلع ساوه به منصب سرتیپی
سیم سرافراز شد — حسین خان نظام الدوله به منصب امیرتومانی منصوب شد —
جناب فرخ خان امین الملک سفارت کبری و مأموریت خود را به پایان رسانده در
ماه ربیع الاول وارد دارالخلافه و شرفیاب حضور همایون شده به یک قطعه گل کمر
مرضع ممتاز و یک ثوب جبّه ترمه کشمیری حاشیه دار از ملابس خاصه مخلع و
سرافراز گردید — میرزا شفیع شیرازی به منصب استیفا سرافراز شد — دیوانخانه های
عدلیه در تمام ولایات برقرار فرمودند — یحیی خان آجودان مخصوص و مترجم حضور
همایون به یک رشته حمایل سفید از مرتبه سرهنگی سرافراز شد — میرزا ملکم خان
سرهنگ اتاماژر که به منصب مستشاری در سفارت جناب امین الملک به اروپا
مأمور شد به منصب سرتیپی و نشان و حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید —
نواب شاهزاده بهرام میرزا را به لقب معزالدوله مفتخر و به صاحب اختیاری مملکت
آذربایجان و یک قطعه نشان مکمل به الماس از مرتبه امیرتومانی با حمایل آن
سرافراز فرمودند — و عزیزخان سردار کل را به نشان و حمایل و خطابات که سابقاً
داشت مجدداً برقرار و ریاست کلیه و نظم امور مملکت و قشونی آذربایجان را به
عهده معزی الیه موکول فرمودند — میرزا ابوالقاسم مستوفی به لقب معین الملکی
ملقب گردید — میرزا عباس خان نایب وزارت خارجه به منصب نیابت اول و لقب
معاون وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز و مأمور به کارگذاری
بالاستقلال مهمام خارجه آذربایجان شد — عیسی خان والی حاکم اصفهان به
اعطای لقب اعتمادالدوله گی سرافراز گردید و محمودخان میرپنجه به لقب نبیل
ناصرالملکی مفتخر گشت و انتظام مهمام سواره نظام ملتزم رکاب به معزی الیه
تفویض شد — نواب حشمت الدوله را به حکمرانی خراسان و یک ثوب قباي
مفتول دوز نظامی تن پوش مبارک و یک رشته حمایل سبز و آبی که مخصوص
منصب سرداری است سرافراز فرمودند — میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان به
یک رشته حمایل سبز و قرمز از مرتبه امیرتومانی نایل گردید — میرزا جعفرخان
مشیرالدوله را به یک قبضه عصای مرصع قرین اعزاز فرمودند — فوج خلخال را به
عبدالحسین خان برادر مؤلف مرحمت فرمودند — جناب میرزا فتحعلی خان

صاحب دیوان به حکومت یزد مفتخر آمد — هنگام مراجعت جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بعضی هدایا و تحف لایقه از جانب ناپلیون امپراطور فرانسه و دول متحدۀ امریکا و ساردین و بلجیک برای حضور باهرالنور مبارک اهدا نموده بودند که در این اوان عزّ وصول یافت — محمدولی خان قاجار بیگلربیگی سابق استرآباد به منصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید — میرزا احمدخان پسر مرحوم میرزا تقی خان امیرکبیر به منصب سرتیپی سرافراز شد — جناب فرّخ خان امین الملک به وزارت حضور و مہرداری مہر مبارک و ریش سفیدی و ریاست عملہ خلوت برقرار گردید — میرزا علی خان ولد میرزا مصطفی خان افشار به منصب سرہنگی سرافراز شد — نظر به موالات و اتحاد دولتین ایران و روس اعلیحضرت امپراطور روس یک قبضہ شمشیر مرصع برای اعلیحضرت همایون اهدا نمودند — میرزا هدایت الله پسر نصیرالملک به منصب استیفای وظایف ممالک محروسہ برقرار گردید — حاجی میرزا عبداللہ خان ولد مرحوم میرزا نبی خان امیردیوان به منصب استیفای دیوان اعلی سرافراز شد — ایجاد و امتداد سیم تلگراف از دارالخلافہ باہرہ الی عمارت سلطانیہ و از آنجا تا تبریز بہ مباشرت نواب اعتضادالسلطنہ — چہل و دو نفر از جوانان قابل ایران بہ ریاست عبدالرسول خان نوادہ مرحوم صدر اصفہانی انتخاب شدند کہ در مدارس علمیہ پاریس مشغول تحصیل فنون مختلفہ شوند — حسنعلی خان سرتیپ ژنرال آجودان حضور همایون بہ منصب وزیر مختاری و ایلچیگری مخصوص دولت علیہ ایران مأمور بہ اقامت دربار دولتین انگلیس و فرانسه گردیدہ بہ خلعت همایونی سرافراز شد و حاجی محسن خان سرہنگ بہ نیابت اول، و میرزا صادق خان بہ نیابت دویم، و نظراًقا بہ مترجمی اول سفارت مزبورہ برقرار گردیدند — شاگردان نیز سپردہ بہ جناب حسنعلی خان وزیر مختار هستند — میرزا عبدالرحیم خان بہ منصب کارپردازی اول دولت علیہ منصوب و بہ اقامت تفلیس مأمور گردیدہ بہ اعطای یک قطعہ نشان سرتیپی و حمایل و خلعت همایون سرافراز شد — و میرزا عبدالوہاب خان بہ منصب نیابت اول کارپردازخانہ تفلیس برقرار گردید — نصرالله خان سرتیپ بہ یک قطعہ نشان از درجہ سیم سرتیپی سرافراز شد — حکومت کرمان را بہ نواب کیومرث میرزا و وزارت کرمان را بہ

محمد اسمعیل خان مفوض فرمودند — جناب میرزا حسین خان (سپهسالار اعظم مرحوم) به منصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول و خلعت همایون سرافراز گردید و اجزای این سفارت از این قرار است:

(نریمان خان سرتیپ مستشار سفارت)، (میرزا سلیمان خان پسر جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه نایب اول)، (میرزا حسن نایب دویم)، (میرزا زمان خان به سمت قنصل ژنرالی مأمور به اقامت مصر)، (میرزا مهدی مأمور به کارپردازی ارزنة الروم)، (میرزا حسین به منصب کارپردازی مأمور به اقامت طرابلس)، (حاجی میر بهاء الدین به منصب کارپردازی شام).

یحیی خان پسر جناب حسنعلی خان وزیر مختار به سرهنگی فوج اول گروس سرافراز شد — نواب عمادالدوله به یک قطعه نشان امیرتومانی و حمایل آن سرافراز گردید — قوام الدوله وزیر خراسان نیز به یک قطعه نشان امیرتومانی مفتخر گردید — اللهویردی خان سرهنگ توپخانه به منصب سرتیپی مسم توپخانه برقرار شد — حسنعلی خان سرتیپ افشار به یک قطعه نشان دویم سرتیپی و حمایل آن نایل گشت — محمدباقرخان سرهنگ فوج ششم به یک قطعه نشان اول سرهنگی و حمایل سفید مباحی شد — علیرادخان پسر اسمدالله خان سرتیپ فوج گوران چون این اوقات اشرار آن سامان پدرش را غفلتاً به قتل رسانیدند و قاتلین او را گرفتند خود او به منصب سرهنگی فوج مزبور برقرار شد — شاهزاده احمد میرزا به حکومت گلپایگان و خوانسار رفت — حاجی حسن خان قاجار به وزارت قزوین منصوب گردید — کاظم خان سرهنگ فوج ناصریه به منصب سرتیپی سرافراز گشته ایل حاجی علیلوی قراجه داغ را هم به معزی الیه واگذار فرموده مقرر شد پنجاه سوار رشید خوب هم از ایلات قراجه داغ بگیرد و ابواب جمع او باشد — روز دوشنبه شانزدهم شعبان قلیلی از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود سلام خاص تحویل در کلاه فرنگی و سلام عام نوروزی در تالار تخت مرمر اتفاق افتاد — نواب والا نصرت الدوله را به حکومت دارالخلافه سرافراز فرمودند — چون موکب همایون عازم سلطانیه است در ایام غیبت اردوی معلی ریاست قشون متوقف دارالخلافه و قورخانه و جبه خانه را به جناب ناصرالملک تفویض فرمودند — میران

آذربایجان را به میرزا عبدالرحیم میزان آقاسی واگذار فرمودند — روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان نواب اشرف والا شاهنشاهزاده افخم کامران میرزا را (نایب السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ) به نیابت سلطنت کبری و خلافت عظمی سربلند فرمودند — حکمرانی فارس را به نواب حسام السلطنه تفویض داشتند — روز بیست و نهم شعبان موکب مسعود همایون از مقر خلافت عظمی به عزم زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تشریف فرمائی به سلطانیه انتهاض فرموده یافت آباد محل نزول اردوی معلی گردید — جمعه چهارم رمضان قریه آدران مخیم اردوی همایون شد — حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه نایب اول وزارت امور خارجه به جهت انجام خدمات مقرر و تسویه قراردادهائی که فیما بین ایلچی کبیر دولت علیه و اولیای دولت عثمانی در اسلامبول سمت اتمام یافته به سمت مأموریت مخصوصه مأمور بغداد و مخلم گردید و میرزا علی خان (جناب امین الدوله) پسر معزی الیه به منصب منشیگری وزارت امور خارجه و اعطای مواجب سربلند و به اتفاق مشارالیه روانه عراق عرب شد — میرزا محمدصادق امین الدوله وزیر داخله به واسطه علت مزاج از منصب و خدمت معاف شد — نواب والا فرهاد میرزای نایب الایاله به نشان و حمایل میر پنجی نایل گردیدند — امان الله خان والی کردستان به نشان دویم سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردید — شب چهارشنبه نهم رمضان منزل حوض سلطان مقر موکب همایون بود — نواب حسام السلطنه به یک قطعه نشان مکمل به الماس از درجه دویم امیرنویانی و یک رشته حمایل سبز و آبی و خلعت همایون سرافراز گردیدند — جناب فتح خان امین الملک را به لقب امین الدوله ملقب و علاوه بر مناصب سابقه مقرر فرمودند که عرایض و مطالب علما و شاهزادگان عظام را جناب معزی الیه معروض حضور مبارک دارد و عزل و نصب حکام ولایات ممالک محروسه هم به مشاورت و صوابدید ایشان باشد — روز پنجشنبه دهم رمضان موکب همایون وارد قم گردیده از راه همدان عزیمت سلطانیه فرمودند — میرزا زمان خان کارپرداز مضر به نشان اول سرهنگی سرافراز شد — و محمدباقرخان ولد محمدخان امیرتومان نیز به نشان اول سرهنگی مفتخر گردید — بیست و سیم رمضان محلات محل نزول اجلال موکب معلی بود — امیرزاده سلطان

حمید میرزا ولد نواب نصرت الدوله به منصب سرهنگی خارج از فوج برقرار گردید — مدرسه نظام تبریز به اهتمام محمدصادق خان سرهنگ رونق کامل یافت — امیرزاده ساسان میرزا به منصب سرهنگی نایل و بیگلربیگی تبریز شد — موکب همایون از راه همدان تشریف فرمای سندج شده سه روز در آنجا توقف فرمودند و چون از عهود سالفه در این ولایت معمول ولات بود که صاحبان املاک تصرف مالکانه در ملک و مایملک خود چنانکه باید نداشتند حکم همایون بر منع این رسم شنیع صادر و مقرر شد عموم رعایا نسلأ بعد نسل مالک قاهر اموال موروث و مکتسب خود باشند — موکب معلی از سندج انتهای فرموده به ساحات گروس نزول اجلال فرمود و بعد از دو روز توقف عازم سلطانیه شده روز دویتم ذیحجه سلطانیه مخیم اردوی کیوان شکوه گشت — نواب اعتماد السلطنه را به پاداش خدمت کشیدن سیم تلگراف تا سلطانیه به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الحاس و یک هزار تومان انعام مفتخر و به منصب و لقب وزارت علوم منصوب و ملقب فرمودند — سلام عید اضحی در عمارت سلطانیه شرف انعقاد یافت و در این سلام چهل هزار از عساکر نظام و غیرنظام حاضر بودند — قاسم خان وزیر مقیم دولت علیّه متوقف سنت پترزبورغ به منصب ایلچی مخصوص و وزیر مختاری سرافراز گردید — نواب احتشام الدوله خاتر میرزا به حکومت اصفهان و نواب عضدالدوله سلطان احمد میرزا به حکومت بروجرد سرافراز شدند — حکومت لرستان را ضمیمه حکومت کرمانشاهان نموده به نواب عمادالدوله مرحمت فرمودند — والد مؤلف حاجی علی خان را به لقب ضیاءالملک ملقب و به حکومت ایالت عربستان سرافراز داشتند — حکومت مازندران و استرآباد را به نواب حاجی کیومرث میرزا ایلخانی ایل جلیل قاجار مرحمت فرموده نواب معزی الیه را ملقب به ملک آرا نمودند و نیابت این ایالت به امیرزاده هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد — محمد مهدی خان پسر جناب سپهسالار به منصب کشیکچی باشیگری مفتخر گردید — امیراصلان خان عمیدالملک حکمران گیلان به لقب مجدالدوله ملقب شد — پاشاخان سرتیپ اول شجاعالملک لقب یافت — نواب حشمت الدوله حکمران خراسان در سرخس به اجازه علیّه قلعه جدیدی محکم و بزرگ که عبارت از

شهریست به قاعده هندسه بنا نموده و بقدر سه چهار هزار خانوار از ایلات داخله خراسان برای سکناي آن قلعه معین و چهار فوج سرباز و پانصد سوار در آنجا ساخلو گذاشته محمّدولی خان سردار خراسان را به ریاست آنجا برقرار کردند. (چین) — فوت حاکم کانتُن یه که اسیر انگلیسها بود در کلکته — خفت دادن به سفرای انگلیس و فرانسه و ینگگی دنیا در این مملکت، و پذیرفتن خاقان چین ایشان را در حضور خود. (ژاپن) — جز بندر یوکوهوما از برای ورود سفاین ملل فرنگ باز نبود هنوز به ید پایتخت ورود نکردند. (هاچین) — قشون دولت فرانسه اسپانیا سواحل رودخانه توران را متصرف شده حورا نیز تصرف کردند.

اروپا — (اسپانیول) — افتتاح راه آهن از مادرید به ساراگس — میل عامه مردم به جنگ با دولت مرقش — سرداری اُدُنل در این جنگ — جنگ سخت مابین قشون اسپانیا و مرقش — اتلاف قشون اسپانیائی به واسطه امراض وبائی — فتح قشون اسپانیا و شکست فاحش قشون مرقش در اوایل زمستان — هنگام منازعه اسپانیا با مرقش دولت انگلیس با اسپانیا شرط می نماید که بندر تان ژر را بعد از فتح آنقدر نگاهدارد که امضای عهدنامه صلح بشود. (آلمان) — تزلزل دولت اطریش از بروز جنگ در اوایل این سال مابین این دولت و ایتالیا و فرانسه — فرستادن اطریش یک دسته قشون به سربستان خاک عثمانی — ابتدای کدورت مابین دولت فرانسه و اطریش و کلمات سخت ناپلیون امپراطور فرانسه به دولت اطریش در اوّل ژانویه به توسط سفیر اطریش — دولت اطریش تهیه جنگی در ایالات متصرفی خود در ایتالیا می نماید — گفتگوی سخت مابین دولت اطریش و ایتالیا — دولت روس از برای رفع غایله به دول فرنگ تکلیف انعقاد مجلس کنگره می نماید و قبول نمی شود — دولت اطریش ویکتر امانول پادشاه ساردین را تهدید می کند که به طور حتم تهیه جنگی که دیده متفرق نماید و عساکر خود را مرخص کند و سه روز مهلت به او می دهد — دولت فرانسه از این تهدید متألم شده سرداران خود را به حمایت ساردین به سرحدات ایتالیا مأمور می سازد — شروع منازعه مابین فرانسه و اطریش در مملکت ایتالیا — کمک بعضی ایالات کوچک ایتالیا به دولت

اطریش و بیطرفی بعضی — بیطرفی حضرت پاپ در این جنگ — روس و پروس
تهیه جنگ می بینند بدون مداخله در جنگ — میانجیگری دولت انگلیس که
بی ثمر شد — نطق ناپلیون امپراطور فرانسه که مقصود از جنگ اتحاد و آزادی
ایطالیاست — حرکت ناپلیون از پاریس در اواسط بهار به سمت میدان جنگ و
ورود ایشان به ژن شهر ایطالیا و قبول کردن سرداری کل عساکر فرانسه و ایطالیا را
— ویکتر امانول پادشاه ساردین به نیابت ناپلیون در این جنگ مقرر است —
گاری بالدی در این جنگ دخالت دارد — شکست قشون اطریش در والان — توپی
که از فرانسه آورده بودند و گلوله او هزار و ششصد ذرع می رفت سبب فتح شد —
جنگ سخت چیمال دینی سردار ویکتر امانول در مورتوا، فتح مازانتا، و شکست
سخت قشون اطریش به دست قشون فرانسه — رشادت ژنرال ماکماهون در این
جنگ — بیست هزار مقتول و هفت هزار اسیر و چهار توپ و دو بیرق در این جنگ
نصیب قشون فرانسه شد — در همین جنگ ژنرال ماکماهون به منصب مارشالی و
لقب دماژانتا برقرار گردید — ورود امپراطور ویکتر امانول به میلان در اوایل تابستان
— شکست سردار اطریش میندگ — شکست قشون اطریش از هر نقطه — ورود
امپراطور اطریش به اردوی خود در ودا — تهیه جنگ پروس که دویت و
پنجاه هزار قشون حاضر می کند — شکست یافتن قشون فرانسه و ایطالیا به دست
امپراطور اطریش — جنگ سخت بزرگ در سلفرین — قشون امپراطور اطریش صد و
هفتاد هزار و قشون ناپلیون فرانسه و پادشاه ساردین صد و چهل و پنج هزار، و در
گرمای سخت شانزده ساعت این جنگ طول کشید و قشون فرانسه فتح کرد و سه
بیرق و سه توپ و شش هزار اسیر به دست قشون فرانسه افتاد — از عساکر
فرانسه در این جنگ پانزده هزار و از عساکر ساردین پنجهزار و پانصد نفر
تلف شدند — ژنرال پینل سردار قشون فرانسه به منصب مارشالی برقرار
شد — فرستادن چند کشتی جنگی به سمت ونیز — اهالی آلمان از این
فتوحات فرانسه چندان مشعوف نیستند — شورش در مجارستان بر ضد دولت
اطریش — دولت پروس انگلیس و روس را به میانجیگری میان فرانسه
و اطریش می طلبد — متارکه قشون فرانسه و اطریش — ملاقات

امپراطور فرانسه و امپراطور اطریش در ویلافرانکا و گفتگوی مصالحه — عمده شروط مصالحه این بوده است که دولت اطریش حق سلطنتی که در ایالت لمباردی ایتالیا دارد به امپراطور فرانسه واگذار نماید، و ناپلیون نیز سلطنت لمباردی را به ویکتر امانول پادشاه ساردین تقویض نماید — جمیع دول فرنگ خاصه اهالی فرانسه تعجب از این داشتند که با وجود فتوحات پی در پی، امپراطور فرانسه را چه براین داشت که تعجیل مصالحه نماید. خود امپراطور به این عذر معتذر شدند که به واسطه حرارت هوا و امراض و بائی و بعضی جهات دیگر من جمله شراکت کردن جمهوری طلبان ایتالیا با ما در این جنگ بود، من نخواستم امتدادی در این جنگ بدهم. علاوه براین چون جمیع دول فرنگ در ابتدای جنگ به وجه غیر عادلانه با ما حرکت کردند و بعضی مضامین گفتند خواستم بعد از ظاهر نمودن شوکت و قدرت ملت فرانسه را بر اطریش بدون دخالت دول دیگر مصالحه نمایم — اضطراب دولت انگلیس از اینکه مبدا این مصالحه فوری فرانسه با اطریش سبب منازعه مابین فرانسه و انگلیس گردد — پنجاه هزار عساکر فرانسه با مارشال واتان سردار متوقف ایتالیا خواهند بود — صلح مابین فرانسه و اطریش و ایتالیا (ساردین) در روژیک منعقد شد — عزل کنت دِبوآ و نصب ریشبرک به جای او — بی پولی شدید در مملکت اطریش — استقراض سی کرویر تومان پول ایران — فوت وزیر بزرگ مِترنیخ در تابستان به سن پیری — تولد پسری در پروس از پسر نایب السلطنه — فوت الکساندر جُنبُل عالم متبحر در برلن — فوت کال، رئیس جغرافی دان معروف (انگلیس) مسافرت ولیعهد دولت انگلیس در اقطاع فرنگ الی جزیره مالت — تعیین پنجاب به چهارم ایالت هندوستان — در این ایالت چهارم هندوستان که پنجاب و دهلی در جزو این ایالت شمرده می شود چهل و چهار کرویر رعیت انگلیس دارد — عزل وزرای توری، نصب وزرای ویگ، و صدارت لُرد پالمرستون — شورش عمهجات در لندن — منسوخ نمودن دولت انگلیس تنبیه سربازان مقصر را با شلاق — نقار جزئی با اتائونی ینگ دنیا — مسافرت ماگلثن به قطب شمال و انکشاف دریای قطبی و یقین برفوت فرانکلن — سیاح قطبی که در سنه هزار و دویست و شصت و پنج به قطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود و تاکنون دولت

انگلیس در جستجوی او بود تا اینوقت که یقین به فوت او و همراهان او نمود — فوت هلام مورخ و برؤنل مهندس — اهالی جزیره گُرفو با وجود اصرار یکه دولت انگلیس در الحاق آن جزیره به مملکت خود دارد قبول ننموده تبعیت یونان را اختیار کردند. (ابطالیا) — قبول نمودن اعلیحضرت ویکتر امانول سرداری قشون خود را در جنگ اطریش — جمهوری طلبان ایتالیا گاری بالدی را به ریاست و سرداری خود اختیار کردند — ملکه پارم پسر خود را برداشته به سمت سویس فرار می کند — والی مُدِن نیز مملکت خود را گذاشته فرار می نماید و از جانب ویکتر امانول حاکم آنجا تعیین می شود — ایالت تُسکان نیز جزء مملکت ساردین شد — فوت پادشاه ناپل فردیناند دویم در سنّ چهل و نه سالگی که مدتها مریض بود و جلوس پسر این پادشاه فرانسوای دویم که یکی از خواهرهای ملکه اطریش را در حبالة نکاح دارد — استعفای گنت دکاوور از صدارت و نصب گنت دآرز که یکی از دوستان ناپلیون امپراطور فرانسه است — ورود فتح آمیز پادشاه ویکتر امانول به شهر میلان — نظم پسر والی تُسکان در دربار فرانسه و قبول نکردن امپراطور ناپلیون نظم او را — اهالی ایتالیا عموماً سلطنت جسمانی حضرت پاپ را مانع اند — جمیع ایالات ایتالیا سگه و بیرق پادشاه ساردین ویکتر امانول را قبول کردند — اخراج نمودن پاپ ایلچی ویکتر امانول را از رُم — اغتشاش سخت در ایالت رُم — ازدواج شاهزاده خانم کِلْتیلد با پرنس ناپلیون عموزاده امپراطور فرانسه — ده کرور تومان ایران دولت ساردین استقراض نموده برای تهیه جنگ با اطریش — احضار گنت دکاوور صدراعظم اعلیحضرت ویکتر امانول را به پاریس و گفتگو و دستورالعمل ناپلیون امپراطور فرانسه با او در اوایل بهار. (پروس) — امپراطور روس از شهر ورشو به شهر برِسلُ آمده با نایب السلطنه پروس خالوی خود ملاقات کرده عهده مخفی بین دولّتين با کمال سختی منعقد می گردد. (برنوغال) — فوت ملکه در تابستان. (بلژیک) — تولّد پُتری از ولیعهد این مملکت موسوم به گنت دِهِن — گفتگو در مجلس شوری در استحکام بندر آن ورُس. (روس) — عهدنامه جدید دولت روس با چین — حبس شامیل با چهارصد نفر از مریدها به دست پرنس بادباسکی. (شود) — فوت اُسکاد پادشاه این

مملکت، جلوس شارل پانزدهم ولد اکبر او در سن سی و سه سالگی. (عثمانی) — ایالات افلاق بغداد معاً پرنس کوزا را به ریاست خود منتخب کردند، مشارالیه وعده می دهد که از روی قانون حکومت کند — دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضا نمود — در سرستان میشل پسر میلش به ولایت منصوب و برقرار شد — فوت والی تونس سید محمد و ولایت سید صادق به جای او — قانون جدید عثمانی که حکم به قتل در حق مقصرین پولیتیکی نخواهد شد و به جلای وطن تنها اکتفا می شود — اول شخصی که به جلای وطن رفت عمر پاشای معروف است — عزل قبرس لی پاشا صدراعظم که مداخله در مخارج حرمخانه و دربار می خواهد نماید و از وجه معینی که سلطان ماخوذ می دارد میل دارد کم و کسر کند — در مجلس کنفرانس پاریس که به جهت گفتگوی افلاق بغداد منعقد شده بود ایلچی عثمانی صراحتاً گفت که دولت عثمانی موقتاً پرنس کوزا را به والیگری دو ایالت می شناسد. (فرانسه) — بعد از ازدواج پرنس ناپلیون عموزاده ناپلیون امپراطور فرانسه با دختر پادشاه ایتالیا دویست و بیست هزار تومان موجب در حق او برقرار می شود — عزل پرنس ناپلیون از وزارت الجزایر و نصب شاصلوب لوبا — دولت یکصد کروور تومان پول ایران از رعیت استقراض نمود — همینکه ملت میل دولت را در استقراض دید متجاوز از پانصد کروور وجه نقد به جهت دولت حاضر شد — در زمان غیبت امپراطور ناپلیون از فرانسه که مشغول جنگ ایتالیا بود امپراطریس زوجه ایشان به نیابت سلطنت مقرر و پرنس ژرژ عمومی اعلیحضرت ناپلیون به مستشاری امپراطریس برقرار گردید — جشن اهالی پاریس در مراجعت ناپلیون امپراطور از جنگ ایتالیا — توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریب است — در نوون کالدونی از متصرفات فرانسه به اغوای سه نفر انگلیسی اهالی به دولت فرانسه شوریدند — معاهده دوستی و تجارت با ژاپن — مأموریت پرنس میترنیخ نزد امپراطور فرانسه در آب های معدنی پیرنه — پادشاه بلجیک به واسطه نسبتی که با خانواده سلطنت اطریش دارد در بندر بیاراتیس با اعلیحضرت ناپلیون ملاقات نموده در استحکام مودت دولتین فرانسه و اطریش گفتگو می نمایند.

افریقا — فوت مولوی عبدالرحمن سلطان مرقدش در سن هشتاد سالگی و بعد از سی و هفت سال سلطنت، پس از این سلطان چهار نفر از کسان او داعیه سلطنت مرقدش را دارند — جنگ داخله.

امریکا — (اتانویی) — شورش سیاه‌های برده در ایالت وِژزینی که تقریباً بیست و پنج فرسخ تا پایتخت مسافت دارد — اختلاف سخت مابین رجال دولت و وکلای ملت که بعضی طالب آزادی غلام‌ها بودند و بعضی بر ضد — شورش سیاه‌ها در ایالت سنت لوی — رئیس جمهوری مساعد طرفی است که آزادی برده‌ها را طالب نیستند. (برزیل) — مسافرت ششماهه امپراطور به داخله مملکت برزیل. (مکزیک) — ژوآرژ رئیس جمهوری تمام موقوفات کلیسا را ضبط می‌کند — جنگ و اغتشاش سخت در داخله. (ینگه دنیای جنوبی) — خرابی شهر کیت به یک زلزله سخت — شورش در ونه زوآلآ و در شیلی — منازعه اهالی پلائا و آرژانتین.

[سنه ۱۲۷۶ هجری - سنه ۱۸۵۹ مسیحی]

آسیا — (ایران) — موکب همایون در اول محرم در سلطانیه اقامت دارد — روز چهاردهم محرم به عزم تشریف‌فرمائی آذربایجان انتهای فرموده روز پنجشنبه بیست و پنجم وارد چمن اوجان شدند — چراغعلی خان حاکم خمسه به لقب سراج‌الملکی مفتخر گردید — حسنعلی خان شاهسون که در سیستان خدمت کرده بود به یک قطعه نشان دویم سرتپی و یکرشته حمایل سرخ و یکقبضه شمشیر یراق طلا مفتخر گردید — محمد صالح خان گردبچه که نیز به سیستان رفته بود به منصب سرتپی و خلعت همایون نایل شد — جناب مستوفی الممالک به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز شدند — موکب همایون روز سیم صفر تشریف‌فرمای تبریز گردید — شب ششم صفر جشن ولادت همایون مفضلاً در همه جا گرفته شد — رضاقلی خان ناظم مدرسه دارالفنون به نیابت وزارت علوم برقرار

گردید و علیقلی خان پسر رضاقلی خان (جناب مخبرالدوله) به منصب سرهنگی تلگراف سرافراز شد، و جعفرقلی خان پسر دیگر معزی الیه به منصب کتابداری مدرسه دارالفنون نایل گردید — دوستعلی خان معیرالممالک به اعطای یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز شد — درب طلائی حسب الامر برای روضه مقدسه رضوی علیه السلام عضدالملک متولیاشی تمام نموده نصب کرد — سردار کل عساکر منصوره به یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید — و میرزا احمدخان سرتیپ اول توپخانه مبارکه به لقب ساعدالملکی ملقب و مخلم شد — موکب اعلی از تبریز تشریف فرمای مراغه گردید — میرزا عباس خان (جناب قوام الدوله) معاون وزارت امور خارجه به یک قطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ سرافراز آمد — مهمانخانه به جهت زوار در مشهد مقدس حسب الامر با کمال وسعت و عظمت بنا شد — میرزا نصرالله لشکرنویس به منصب لشکرنویسباشیگری آذربایجان و خلعت همایون سرافراز شد — روز دویم ربیع الاول موکب همایون از مراغه نهضت فرموده از راه هشتروند تشریف فرما گردیده روز بیست و دویم دارالخلافه باهره به مقدم مبارک مزین گردید — نواب والا نصره الدوله حکمران دارالخلافه به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس و یک ثوب قباى ترمه نظامی دور گلابتون تکمه طلا سرافراز گردیدند — مجلس شورای دولتی برقرار و اجزای مجلس از قرار ذیل است: (نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم)، (نواب والا نصره الدوله حکمران دارالخلافه و عراق و ملایر و نویسندگان)، (جناب سپهسالار)، (جناب آقای مستوفی الممالک)، (جناب معتمدالدوله عباسقلی خان جوانشیر وزیر عدلیه)، (جناب امین الدوله)، (جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه)، (سپهدار)، (مشیرالدوله)، (جناب ناصرالملک وزیر تجارت و صنایع)، (جناب دبیرالملک) — یک رشته قنات معتبر برای شهر قم به امر همایون به جهت رفاهیت اهالی آنجا احداث و اجرا گردید — حسین خان سرتیپ که چاپارخانه های ممالک محروسه سپرده به او می باشد به لقب شهابالملکی ملقب گردید — هم در این سال علاوه بر دارالشورای دولتی مصلحتخانه ای مرکب از جمعی رجال دانشمند مجرب دولت به ریاست

عیسی خان اعتمادالدوله برقرار شد که همه زوزه در مصالح ملک و ترقی مملکت گفتگو نمایند — نواب والا فرهاد میرزا نایب الایاله به یک قطعه نشان میرپنجگی و یک رشته حمایل مخصوص آن سرافراز شدند — محمودخان احتساب آقاسی به لقب احتساب الملکی و خلعت همایون سرافراز شد — میرزا علی اکبر آجودانباشی به لقب خانی و خلعت همایون نایل گردید — میرزا عنایت الله امین لشکر به یک قطعه نشان از مرتبه اول امیرتومانی و یک رشته حمایل مخصوص آن سرافراز شد — جناب محمودخان ناصرالملک وزیر تجارت و صنایع به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس از مرتبه دویم مفتخر گردید — پاشاخان پیشخدمت خاصه و امین صره به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یک رشته حمایل زرد و قرمز که در غیرنظام مخصوص به آن مرتبه است نایل آمد — میرزا عبدالرحیم منشی باشی دیوانخانه مبارکه به منصب مستوفی گری دیوان اعلی و خلعت همایون سرافراز شد — مسیو جان داودخان سرتیپ و مترجم اول دولت علیه که سال سابق حامل نشان تمثال همایون به جهت اعلیحضرت امپراطور نمسه شده بود و در این ایام مراجعت کرده یک قطعه نشان اول فرانسوا ژوزف از طرف اعلیحضرت امپراطور معظم الیه به جهت بندگان اعلیحضرت همایونی هدیه آورد — محمدباقرخان سرهنگ فوج ششم تبریزی به نشان سرتیپی سیم و یک رشته حمایل قرمز و سفید نایل شد — محمدخان پسر قاسم خان وزیر مختار دولت علیه مقیم پترزبورغ به نیابت سفارت مزبوره برقرار گردید — به پاداش بنای شهر جدید سرخس، برای نواب حشمت الدوله حکمران خراسان قمه مرصع و جبهه ترمه پولک دوز تن پوش مبارک، و قوام الدوله وزیر خراسان خرقه ترمه تن پوش مبارک، و محمدولی خان سردار خراسان شمشیر گل مرصع و خلعت همایون، و جعفرقلی خان سرتیپ اول مراغه لقب نصرت الملکی، و شمشیر گل مرصع و خلعت همایون مرحمت و ارسال گردید، و سایر ارباب مناصب به انواع عطایا و مواهب سرافرازی یافتند — جناب سپهسالار به یک قطعه نشان امیرنویانی از مرتبه اول و یک رشته حمایل سبز سرافراز شدند — عبدالعلی خان پیشخدمت خاصه برادر مؤلف به لقب ادب الملکی و خلعت همایون مفتخر گردید — جناب ژنرال رُئیسُتُ وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس

با نامه مهر علامه اعلی حضرت پادشاه انگلستان وارد دارالخلافه گردید — نواب شاهزاده احمد میرزا حاکم گلپایگان ملقب به معین الدوله گردید — میرزا محمد ابراهیم بدایع نگار که مشغول نگارش وقایع این عهد همایون و مردی عالم و فاضل است به منصب نیابت اول وزارت علوم و خلعت همایون سرافراز گردید — میرزا اسدالله نوائی ولد مرحوم میرزا مهدی لشکرنویس منشی مخصوص وزارت امور خارجه به منصب منشیگری اول وزارت امور خارجه و اعطای یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد — هم در این سال به امر همایون در نقطه بسیار خوبی از صفحه شمیران باغ و عمارتی بسیار عالی و مفصل احداث و بنا شده موسوم به سلطنت آباد گردید — جان محمدخان سرتیپ به یک رشته حمایل سرخ و نشان سرتیپی دویم سرافراز شد — عزیزخان سردار کل از اجزای شورای وزرا گردید — میرزا یوسف خان کارپرداز مقیم حاجی ترخان به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی سیم با حمایل آن مفتخر گردید — چندین دسته قشون معتبر با صاحب منصبان در این ایام مأمور خراسان گردیدند — مستشارالملک خراسانی به ریاست دفتر خراسان نایل گشت — اللهیارخان حاکم دره جز معزول و بهادرخان دره جزی که از همان سلسله است به جای او منصوب گردید — حریر بافی کارخانه های کاشان ترقی و رونقی دارد — علیقلی خان ماکوئی که سالهاست در مدرسه دارالفنون مشغول تحصیل بوده به سرهنگی فوج فریدن برقرار شد — زین العابدین خان حاکم گروس به یک قطعه نشان سرتیپی و یک رشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید — حاجی محمدخان حاجب الدوله به یک قطعه نشان درجه اول سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد — میرزا محمدعلی خان نایب آجودانباشی پسر مرحوم میرزا ابراهیم خان کارپرداز سابق بغداد به منصب کارپردازی بندر بمبئی و یک قطعه نشان سرهنگی اول و یک رشته حمایل سفید مفتخر گردید — در این اوان چون ضیاءالملک والد مؤلف به حکومت عربستان مشغول بود بنده مؤلف نیابت حکومت شوستر را داشت — عمارت اسب دوانی که سابقاً محقر بوده امسال حسب الامر عمارتی عالی و جدید در کمال استحکام در این محل بنا نمودند — نواب رکن الدوله اردشیر میرزا به حکومت گیلان مفتخر گردید و میرزا زکی مستوفی

رشتی نیز به وزارت برقرار شد — اعتمادالدوله عیسی خان والی به حکومت یزد نایل و به خلعت همایون مباحی گشت — مجدالدوله امیراصلان خان را حکومت ولایت خمره مرحمت فرمودند — کارخانه برای ساختن تفنگ خاندان در طهران حسب الامر بنا شده، از ماه ذیقعده مقرر است که ماهی یک هزار قبضه تفنگ خاندان دنگی در کارخانه مزبوره بسازند و تفنگ جمیع افواج خاندان باشد — عمل باروسازی تیر تکمیل شده قرار شد باروط هائی که از سابق در قورخانه است دوباره به سبک جدید بگویند — حکومت مملکت لرستان را نیز ضمیمه حکومت عربستان نموده جزو حکمرانی ضیاءالملک والد مؤلف نمودند — نواب جهانسوز میرزا سرتیپ افواج عرب و عجم به یک قطعه نشان دویم سرتیپی با حمایل مخصوص آن سرافراز گردید — میرزا بزرگ خان به کارپردازی اول مأمور اقامت بغداد گردید — یک قطعه نشان اول دولت علیه که مخصوص شخص سلطنت است از طرف بندگان اعلیحضرت همایونی به جهت اعلیحضرت سلطان عثمانی، و یک قطعه نشان شیر و خورشید مکمل به الماس از درجه اول با حمایل سبز برای جناب فؤادپاشا ناظر امور خارجه به صحابت یحیی خان آجودان حضور مبارک اهدا و انفاذ شد — اسدالله خان معتمدالملک حاکم همدان مرحوم و محمدحسین خان پسر آن مرحوم را به حکومت همدان برقرار فرمودند — جناب مسیو بارون وزیر مقیم دولت پروس با هدایای نفیسه اعلیحضرت پادشاه پروس به جهت حضور همایون روز پانزدهم شوال وارد دارالخلافه شد — میرزا احمدخان نایب وزارت امور خارجه به نیابت اول وزارت خارجه و نشان دویم سرتیپی و حمایل آن سرافراز گردید — شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا به منصب جلیل سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر شد — حکومت بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده به نواب احتشام الدوله مرحمت فرمودند — و نواب عضدالدوله را به حکومت ملایر و توپسرکان مأمور فرمودند — میرزا محمدعلی خان حاکم لاهیجان به لقب امین دیوانی و یک قبضه قمه مرصع مفتخر گردید — یک قطعه نشان امیرنویانی مکمل به الماس با حمایل آن به افتخار عزیزخان سردار کل انفاذ آذربایجان فرمودند — رستم خان و فرضی خان ایل بینگیان ایل شاهسون اردبیل و مشکین به موجب و نشان و حمایل

سرتیپی سیم نایل شدند — میرزا ابوالقاسم معین الملک پیشکار محاسبات آذربایجان به یک قطعه نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز شد — محمد اسماعیل خان وزیر کرمان به لقب وکیل الملکی ملقب آمد — هم در این سال نواب حشمت الدوله حکمران خراسان به امر دولت برای تنبیه تراکمه مرو شاه جهان لشکر به مرو کشیده و با قوام الدوله وزیر خراسان بدان صوب رفته بعد از محاربات و فتح بعضی قلاع و فرار تراکمه مراجعت کردند — (چین) — منازعه مابین چین و دول انگلیس و فرانسه — دوازده هزار قشون انگلیس به سرداری امیرال هپ و ژنرال گران و یک دسته قشون فرانسه به سرداری ژنرال منت در بهار این سال شروع به جنگ می نمایند و در همین بین یاغیهای تی پنگ بعضی ایالات چین را قتل و غارت می نمودند و تا حوالی شانگای راندند — فتح قلعه پتانگ به دست قشون متفق — یورش به قلعه جات پیهو و فتح قلعه جات پیهو و به دست آوردن توپخانه زیاد — فتح شهر تین سین که سیصد هزار جمعیت دارد — حرکت قشون متفق به سمت پکن پایتخت — شکست دادن سردار چینی که از طایفه تاتار و موسوم به سان گولن بود — فتح پالی کاوو در یک فرسخی پکن — شکست چهل هزار چینی در این نقطه — فرار خاقان چین به سمت مکیدن — ورود قشون فرانسه به شهر تنگ چو که چهارصد هزار جمعیت دارد — غارت نمودن یکی از عمارات ییلاقی سلطنتی را — ورود قشون متفق به حوالی پکن — مصالحه مابین دولت چین و دول فرانسه و انگلیس در پکن — در این مصالحه تین سین مفتوح از برای تجارت دول مزبوره خواهد بود و از این تاریخ به بعد دول فرانسه و انگلیس حق داشتن ایلچی در شهر پکن خواهند داشت — مطالبه خسارت جنگ گراف دول متفق از چین — ژنرال گناتیف مأمور روس از پرنس گنگ برادر خاقان که سمت صدارت داشت بعضی امتیازات از برای دولت خود گرفت. (ژاپن) — قتل یکی از مترجمین سفارت انگلیس — در یک روز هفده نفر به نایب السلطنه حمله برده بدن او را مجروح می سازند.

اروپا — (اسپانیول) — منازعه سخت این دولت با مرقش — سردار قشون اسپانیول

اُذیل است — فتح شهر تیتوان از شهرهای مرقش به دست سردار مذکور — ملاقات بی فایده سردار مذکور با برادر پادشاه مرقش برای صلح — حرکت قشون اسپانیا به سمت تان ژر — اضطراب اهالی مرقش و عجله در صلح و قبول ادای بیست کرویر تومان ایران و قبول پذیرائی یک نفر ایلچی اسپانیائی در فیژ پایتخت مرقش — فتنه و شورش اشخاصی که طالب سلطنت دُن کارلُس که یکی از بنی اعمام ملکه است می باشند — حبس بعضی از معارف که باطناً با دُن کارلُس مراوده داشتند — محبوس نمودن پنج نفر از کشیش های پرتستانی که در صدد رواج این مذهب در اسپانیول هستند — مسافرت ملکه به ایالات شرقی — افتتاح راه آهن از والا دلید به یورقش — طغیان آب در بعضی نقاط و خرابی زیاد رسانیدن. (آلمان) — نایب السلطنه پروس در افتتاح راه آهن ساربورگ حضور بهم رسانیده در مجلس جشنی که برای این کار منعقد شده صراحتاً اظهار داشت که ملت آلمان متفقاً و تماماً راضی بر این نمی شوند که به قدر یک بند انگشت از دولت آلمان به تصرف خارجی درآید — ناپلیون امپراطور فرانسه به مملکت باد رفته با نایب السلطنه پروس و سلاطین باویر، وورتمبرگ، و باد، و ساکس، و هائور ملاقات می نماید و اظهار دوستی می کند — ملاقات امپراطور پروس و امپراطور روس و امپراطور اطریش با یکدیگر و ملاقات نایب السلطنه پروس با پادشاه انگلستان در اکس لاشاپل — ایضاً ملاقات سلاطین ثلاثة روس و پروس و اطریش در ورشو — اظهار عداوت نمودن پادشاه باویر با ویکتر امانول — وحشت پروس از اتحادی که روس و فرانسه در نظر دارند — در مجلس وکلا بعضی تکالیف که راجع به قشون است می نمایند و تمام این تکالیف قبول می شود — ملاقات پادشاه باویر با بعضی از سلاطین آلمان و گفتگوی اتحاد در میان آوردن — ملاقات امپراطور اطریش با نایب السلطنه پروس — وحشت اهالی آلمان از دولت فرانسه و تدارک جنگ دیدن — اتحاد مابین دولت اطریش و باویر — افتتاح راه آهن از وینه پایتخت اطریش به مونیخ پایتخت باویر. (انگلیس) — اتهام ایلچی انگلیس لرد کوئی که مأمور در دربار فرانسه بود به دوستی با دولت فرانسه و مکتوم داشتن بعضی اسرار دولتی را که تکلیف او اظهار آنها به دولت متبوعه خود بود — محض دوستی با دولت فرانسه احضار او به لندن و

جواب دادن در مجلس و کلاً به لُرد نُرماندی که او را متهَم ساخته بود، و مجاب نمودن لُرد نُرماندی را و مجدداً معاودت به دولت فرانسه نمودن به همان سمت سفارت — هفتاد هزار نفر داوطلب حاضر خدمت دولت انگلیس می شود — اختراع توپ جدید دورزن در مملکت انگلیس موسوم به وِیت وُرت — سان دیدن پادشاه انگلستان داوطلبان جدید را در یکی از باغات لندن — از این حاضر شدن داوطلبان و گفتگوهای در مجلس قدری استشمام کدورت مابین دولتین انگلیس و فرانسه می شود — اهالی منچستر نقار دولت انگلیس را با فرانسه صلاح نمی دانند — مسافرت ولیمهد انگلیس به بحر سفید و مراجعت نمودن به انگلیس و مجدداً در ظرف همین سال سفر کردن به کانادای ینگی دنیا و اتائونی — مالیات بستن به تنباکو و نمک در هندوستان — سفر اول کشتی بزرگ معروف به نیر اعظم از سُوْت هائِتن بندر انگلیس به نیورک ینگی دنیا در تابستان. (ایتالیا) — مسیو کاوور صدراعظم وکلای ملت پیمن و لمباردی را در یک مجلس جمع می نماید — نجبای رُم با پاپ متفق اند و استقلال جسمانی او را طالب — اهالی تُسکان تبعیت پادشاه ایتالیا را طالب اند — حکومت پرنس گاری نیا از اقوام پادشاه به ایالت تُسکان — اغتشاش در مملکت ناپل — لعنت نمودن حضرت پاپ اشخاصی را که در صدد گرفتن مملکت روم از او هستند — گاری بالدی از اعلیحضرت ویکتر امانول به واسطه وا گذاشتن نیس و ساوا به فرانسه رنجید — ورود پادشاه ساردین به فلرانس در بهار — ژنرال لایر میسیر از سرداران فرانسه که در جلوس اعلیحضرت ناپلیون به سلطنت مملکت فرانسه اخراج بلد شده بود قبول سرداری عساکر پاپ را می کند — پادشاه ناپل ویکتر امانول را متهَم بر این می سازد که گاری بالدی به تحریک او بنای اغتشاش در سرحد مملکت ناپل گذاشته — پادشاه ناپل از دول فرنگ طلب رعایت و حمایت می کند ولی اضطراراً به توسط دولت فرانسه قبول تبعیت ویکتر امانول را می نماید و رنگ بیرق این پادشاه را قبول نموده بالای عمارت سلطنتی ناپل بیرق سه رنگ ویکتور امانول افراشته شد — تهدید نمودن عساکر ایتالیا حضرت پاپ را که قشون ملل خارجه را از رُم اخراج نماید — گاری بالدی اعلان می کند مادامی که پادشاه ایتالیا در عمارت کری نال که یکی از عمارات حضرت

پاپ است در شهر رُم جلوس ننماید حل و عقد مطالب و مسائلی که راجع به اتحاد مملکت ایتالیا است نخواهد شد و از اینکلام چنین معلوم می شود که گاری بالدی میل به تصرف رم دارد و از هیچ چیز متألم نیست مگر از سلطنت جسمانی پاپ و الحاق نیس و ساوا به مملکت فرانسه — فرستادن دو فوج جدید از مملکت فرانسه به جهت حفظ حضرت پاپ به رم — رنجش دولت فرانسه از این کلمات و احضار سفیری که در ایتالیا داشت — پناه جستن پادشاه ناپل در شهر گانت — مغلوب شدن عساکر پاپ به سرداری ژنرال لایرسیر سردار فرانسوی و اسیر شدن ژنرال مزبور به دست سردار ایتالیا — در یکی از جنگهای با پادشاه ناپل شخص پادشاه با بیست هزار مرد با گاری بالدی جنگید — سفرای دول خارجه که در دربار ناپل بودند پادشاه ناپل را در گانت گذاشته در رم نزد مادر پادشاه رفتند — ورود فتح آمیز ویکتور امانول به شهر ناپل — پادشاه ناپل به جمیع سلاطین فرنگ اظهار تظلم می نماید ولیکن این تظلم بی فایده می شود — محاصره شهر گانت به توسط چال دینی سردار ایتالیا — ورود گاری بالدی و قشون داوطلبی که مطیع او بودند به میسیل — حرکت گاری بالدی به سمت ناپل — قشون فرستادن در رُم به جهت حفظ حضرت پاپ — احضار دولت روس ایلچی خود را از ایتالیا (بلژیک) — رضایت مردم از پادشاه خود وعید جلوس او را با کمال شکوه برپا داشتند. (دانمارک) — جمعیت این مملکت در این سال سه کرور و صد و پنج هزار نفر است. (روس) — افتتاح راه آهن از پتر به دونابورگ هفتصد هزار ذرع — فوت مادر امپراطور روس در سن شصت و دو سالگی — دولت روس پنجاه هزار قشون به ساحل پروت سرحد عثمانی روانه می کند — عمر پاشا از طرف دولت عثمانی او را استقبال می نماید — دولت فرانسه دولت عثمانی را تهدید می کند که قوانین جدید در رفاهیت عیسویان تبعه خود ایجاد سازد. (سود و نروج) — جلوس شارل پانزدهم به سلطنت. (عثمانی) — انعقاد مجلس به ریاست محمدپاشا صدراعظم به جهت قرارداد لازمه که عیسویان تبعه عثمانی در رفاهیت و آسودگی باشند — در کوه لیان شام منازعه سخت مابین طایفه درُوز و مارُونیت — دروزها که مسلمان هستند دهات مارونیتها را که عیسوی هستند می سوزانند و اهالی را قتل می نمایند و قشون

دولتی نیز در این عمل شنیع با آنها شریک است در صعیدا، و بیروت، و دمشق، و دیرالقمیر نسبت به عیسویها قتل و غارت سختی واقع می شود — نسبت به قنسولهای دول فرنگ نیز بی احترامی سخت وارد می آید — در شهر دمشق مدت پنج روز متوالیاً مسلمانها هرکجا عیسویان را گیر می آورند به قتل می رسانند حتی قنسول هلاند مقتول، و قنسول ینگه دنیا مجروح گردید، قشون دولت عثمانی رفع غایله نکرده بلکه کمک می نمایند — امیر عبدالقادر الجزایری که در دمشق سکنی داشت جمعی از عیسویان را از قتل نجات داده در تحت حمایت خود نگاه می دارد — اعلیحضرت سلطان محض شنیدن این اخبار وزیر امور خارجه خود فؤادپاشا را مأمور دمشق می نماید — دولت فرانسه جداً در صدد تحقیق این عمل است و دول فرنگ را با خود شریک می سازد — ورود فؤادپاشا در بیروت و حبس جمعی از اشرار و قتل بعضی از آنها، علی الخصوص خورشیدپاشا والی شام که متهم به این عمل است محبوس می شود — بعضی از سردارهای بزرگ معتبر که تقریباً هفتاد نفر می شدند به حکم فؤادپاشا به سیامت می رسند — ورود عساکر فرانسه از راه دریا به بیروت — مأمورین دول فرنگ از برای تحقیق این مقدمه در تمام ایالت شام گردش می کنند — بالاخره بعد از تنبیه اشرار خسارتی که به طایفه مارونیت وارد آمده است علی التخمین به شش کرور تومان ایران مقرر می دارند که چهار کرور دولت عثمانی از خزانه و دو کرور طایفه دُرُوز بدهند — از سی هزار نفر دروز که مرتکب این اعمال شنیعه شدند هزار و دویست نفر بیشتر سبب شرارت و قتل بودند این مبلغ را این هزار و دویست نفر باید بدهند — شورش در ایالت آلبانی — قتل والی منتنگر و دانیل — نصب برادرزاده او در سن نوزده سالگی به جای او — فوت والی سربی میلش و ولایت پسرش میشل به جای او — ایجاد قانون در مملکت تونس — افتتاح راه آهن به فُشتنجه — کسوف شمس بالتمام در هیجدهم ژولیه اوایل تابستان که عثمانیها این را دلیل شومی دانستند. (فرانسه) — استعفای مسیو والفسکی از وزارت خارجه و نصب ثوؤنیل که سابقاً در اسلامبول سفیر کبیر بود به جای او — ورود آخر دسته قشون فرانسه به پاریس از ایتالیا به اتفاق مارشال وایان — فوت کران دوشیش استفانی از اقوام مادری ناپلیون سیم امپراطور فرانسه

که دخترخوانده ناپلیون اول بود — فوت پرنس ژرژ برادر ناپلیون اول و عموی ناپلیون سیم در سن هفتاد و شش سالگی — مسافرت امپراطور به نیس، و ساوا، و به گرس، و به الجزایر — ملاقات والی تونس در الجزایر با امپراطور — ایجاد قانون ملّمع در الجزایر که هم ملّت اسلام الجزایر مطیع آن قانون هستند و هم عیسویان — در مینگال که پادشاه آنجا به دست برادرزادگان خود مقتول می شود و پسر آن پادشاه منصوب شده قاتلین پدر را به دست آورده به سزا می رساند — این قتل و این اغتشاش از شوکت و اقتدار فرانسه در آن سمت نمی کاهد — فوت خواهر امپراطریس دوشس دالب — عهدنامه تجارتي با بیرمان — فتوحات در ماچین — موقوف داشتن تذکرة عبور مابین انگلیس و فرانسه — منافع و مداخل شهر پاریس به تنهایی در این سال بیست کرور و سیصد هزار تومان ایرانست.

افریقا — اغتشاش داخله در مملکت حبش مابین نقوسیه پادشاه واقعی و تادرس شخص اجنبی که داعیه سلطنت دارد — ورود دوویل نام از صاحب منصبان بحری فرانسه به داخله حبشه و صحیح و سالم مراجعت کردن.

امریکا — (اتائونی) — ورود سفیر ژاپن به واشنگتن — نصب ابراهیم لنکلن به ریاست جمهور و عزل بوکانان که مدت ریاست او به انتها رسیده بود — رئیس جمهوری تازه آزادی غلامان را طالب است — بعضی ایالات که غلامان سیاه داشتند از انتخاب رئیس تازه خوشحالی ندارند و طالب این هستند که از جرگه متحده اتائونی خود را خارج کنند — از ایالاتی که ابتدا سوا شدند و مجتد بر این هستند که نگاهداشتن غلام از واجباتست کارلیئ جنوبست، اهالی این ایالت بعضی از امکنه که مخصوص دولت بود از جبه خانه و چاپارخانه و قورخانه و گمرکخانه متصرف شدند و بنای شورش گذاشتند. (ینگى دنیای جنوبی) — سلطنت یکی از تبعه فرانسه آنتوان نام در ایالت لروگانی که خود را به آنتوان اول موسوم کرده بود.

[سنه ۱۲۷۷ هجری = سنه ۱۸۶۰ مسیحی]

آسیا — (ایران) — این سال تمزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه نیاورانست — حاجی رجبعلی خان سرهنگ توپخانه پسر فضا آقا به منصب سرتیپی سیم توپخانه سرافراز شد — حسب الامر نواب ملک آرا حکمران مازندران و استرآباد با بعضی قشون استرآباد تراکمه داز را تنبیه سختی نمود — سید میرزای کاشانی سرهنگ فوج کوهپایه به جهت انتظام قلعه ناصری و حفظ و حراست سرخس مأمور آن سامان شده که در دایره محمّدولی خان سردار حاکم سرخس مشغول خدمت باشد — محض رسیدگی کامل به عرایض ملهوفین و متظلمین روزهای یکشنبه را ذات ملکوتی صفات مقدّس قرار دادند سفرأ و حضرأ در جائی مخصوص به دیوان مظالم به نفس نفیس همایون جلوس فرمایند و بارعام به عارضین از هر صنف و ملت دهند — در موقع جشن مولود همایون سلام عام در قصر نیاوران منعقد گردید — ریاست دارالطباعه دولتی و طبع روزنامهجات را به میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی غفاری که در این صنعت یگانه زمانست تفویض فرمودند و روزنامه دولتی مصوّر شد — صفرعلی خان سرتیپ سواره اینانلو را نیز با هفتصد نفر سواره ابوابجمعی خود و یک عراده توپ و تنخواهی به جهت عساکر اردوی مرو از دارالخلافه می برد و مشارالیه به سرتیپی اول سواره و خلعت همایون سرافراز گردید — عباسقلی خان معتمدالدوله به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر شد — شاهزاده جلال الدین میرزا به منصب آجودانی مخصوص حضور مبارک سرافراز گردید — کارخانه چاشنی سازی ممتاز و تفنگ شش خان بسیار اعلی و طرّقه برای توپ به توسط مسیوروس در دارالخلافه ایجاد و ساخته شد — نواب حشمت الدوله و قوام الدوله را از خراسان احضار و نواب حسام السلطنه را به حکمرانی خراسان مأمور فرمودند — و محمدناصرخان ایشیک آقاسی باشی را به لقب ظهیرالدوله ملقب و به سمت پیشکاری و سرداری خراسان مقرر فرمودند — و محمدابراهیم خان ولد جناب ظهیرالدوله را نیابت اول ایشیک آقاسی باشی دادند — نواب مؤیدالدوله به حکمرانی فارس منصوب گردید —

محمد ابراهیم خان سرتیپ اول افواج خمس به لقب مظفرالدوله سرافراز شد — نواب کیومرث میرزا حکمران کرمان ملقب به عمیدالدوله گردید — بتائی و تعمیرات کلیه از وجوه دولت در اماکن مشرفه کربلای معلی به توسط جناب شیخ عبدالحسین مجتهد شد — میرزا غفارخان صدیق الملک نایب اول وزارت خارجه به منصب وزیر مختاری و ایلچی مخصوص مأمور اقامت سنت پترزبورغ گردیده به یک قبضه شمشیر مرصع و خلعت همایون نایل گشت و میرزا جوادخان ولد مشارالیه مأمور رسیدگی امور تجارتی دول خارجه که محول به صدیق الملک بود شد — جناب میرزا محمدحسین دبیرالملک به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردید — یحیی خان آجودان مخصوص که از اسلامبول مراجعت نموده از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان از درجه اول مجیدیه برای شاهزادگان و امنای این دولت علیه ابلاغ نمود — نواب اعتمادالسلطنه وزیر علوم در ازای خدمت کشیدن سیم تلگراف الی تبریز به اعطای یک ثوب خرقه زری تن پوش مبارک و یک قبضه قمه مرصع مفتخر گردید — علیقلی خان رئیس کل تلگرافخانه ممالک محروسه و نایب دویم وزیر علوم به نشان و حمایل سرهنگی از درجه اول و خلعت همایون سرافراز شد — والد مؤلف ضیاءالملک حکمران عربستان و لرستان به اعطای یک قطعه نشان و یک رشته حمایل امیرتومانی و یک ثوب کلچه ترمه تن پوش مباهمی گردید — روز هشتم رمضان وقت غروب آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود — حضرت اشرف امجد شاهنشاهزاده والا سلطان مسعود میرزا را به لقب یمین الدوله ملقب و به حکمرانی ایالت مازندران و استرآباد منصوب فرمودند — عین الملک خوانسالار به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید — میرزا زکی رشتی به منصب مستوفی گری دیوان اعلی و وزارت خمس سرافراز شد — دوستعلی خان معیرالممالک به یک قطعه نشان تمثال همایون قرین مفاخرت آمد — میرزا ابوالقاسم معین الملک به منصب لشکرنویسباشیگری برقرار گردید — محض منع و رفع سیل از دارالخلافه طهران مقرر شد در بالای شهر سدئی ببندند که مانع سیل باشد — میرزا مصطفی خان افشار به وزارت مازندران و استرآباد برقرار گردید — امان الله خان والی سابق کردستان مجدداً به ایالت کردستان و یک قطعه نشان

تمثال همایون سرافراز گردید — حسین خان شهاب الملک به منصب سرتیپی اول و یک قبضه قمه دسته مرصع مفتخر آمد — حضرت اشرف امجد اعظم والا شاهنشاهزاده کامکار مظفرالدین میرزا به ایالت آذربایجان منصوب و عزیزخان سردار کل به پیشکاری حضرت معظم الیه برقرار شد — حضرت اشرف امجد افخم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه را به حکمرانی دارالخلافه باهره مأمور فرمودند — حسب الامر سیم تلگراف از شهر دارالخلافه به شمیران کشیدند، وزارت تجارت و صنایع و معادن را علاوه بر وزارت علوم و سایر مشاغل تفویض به نواب اعتضادالسلطنه فرمودند — موکب همایون در این سال به طرف دماوند ییلامیشی فرمود. (چین) — بعد از فرار از پکن هنوز خاقان وارد پایتخت نشده است تفویض وزارت خارجه به پرنس گنگ برادر خاقان — ورود سفرای کبار فرانسه و انگلیس به پکن در بهار — انگلیسها در صدد این هستند که از تبت راهی به هند بازکنند لیکن تلاش آنها بی فایده می شود — فتوحات قشون دولتی در بعضی نقاطی که یاغیها بودند بخصوص در ایالت پچلی — شورش و یاغیگری در ایالت جنوبی چین زیاد است در حوالی تبت بخصوص — فوت خاقان در شهر ژهل — جلوس پسر هفت ساله او بر تخت سلطنتی چین — به جهت طفولیت خاقان هشت نفر از اعیان و معتبرین چین متفقاً سلطنت چین می کنند — پرنس گنگ اگرچه جزو این هشت نفر نیست ولی مادر خاقان جدید او را به سمت مستشاری خود اختیار نموده باز اقوال او در امورات دولتی سند است. (ژاپن) — قتل یک نفر از هلاندی که مترجم و واسطه انعقاد مصالحه باین دولت ژاپن و ینگکی دنیا و انگلیس و پروس بود به دست بعضی از اشرار دریڈ — بعضی اشرار در صدد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند. (هاچین) — جنگ سخت قشون فرانسه با عساکر دولت آنام — فتوحات بعضی از نقاط مملکت آنام علی الخصوص سیقون — هنوز عدد قشون فرانسه و اسپانیول در این نقطه به درجه ای نرسیده است که به هوه پایتخت یورش برند.

اروپا — (اسپانیول) — فوت دو نفر از اولاد دُن کارلس در مدت کم و فوت زوجه اش بلافاصله — فوت یکی از صبیای ملکه در طفولیت — ورود سفیر کبیر

مرقش به مادرید پایتخت — این سفیر برادر سلطان مرقش بود و ورود رئیس سابق مکزیک میراُن به مادرید — افتتاح راه آهن از مادرید به اِسکور بال. (آلمان) — فوت پادشاه پروس فردریگیم چهارم در سن شصت و پنج سالگی در زمستان — جلوس برادر او گیم اول — بعضی از وکلای ملت پروس در صدد اتحاد ممالک آلمان و سلطنت یک امپراطوری در آلمان هستند که به همه جهت از اهل آلمان باشد — یکی از طلاب یزیک که طالب اتحاد آلمان بود در مملکت باد، طپانچه به پادشاه پروس خالی می کند چون گلوله به پادشاه نمی خورد عدالتخانه حکم به بیست سال حبس او صادر می کند — تاجگذاری پادشاه پروس در شهر کینزبرگ — اهالی مجارستان طالب این هستند که امپراطور اطریش تاج سلطنت مجار را بر سر گذاشته به القاب خود پادشاهی مجارستان را الحاق نماید — داک نام از اهالی مجار راضی بر این نیست که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین جلوس نمایند — شورشی در پراگ — افتتاح مجلس پارلمنت در وین در بهار — مجلس پارلمنت آلمان پانصد و بیست عَراده توپ به قیمت یازده کروور فلرن اِبتیاع نموده که از برای حدود و ثغور مملکت آلمان لازم می دانند — قشون آلمان بر روی هم چهارصد و پنجاه و دوهزار خواهد بود — فرستادن ایلچی از طرف پادشاه پروس به ایران — مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر بعضی مأموریت های رسمی تحقیقات بعضی مسائل علمی است. (انگلیس) — بی تابی و پریشانی عملیات کارخانه های ریسمان ریزی که به واسطه نیامدن پنبه از ینگی دنیا در تعطیل و بی اجرت مانده اند — روزنامه های انگلیس بعضی طرف دار رئیس جمهوری و بعضی بر ضد او هستند — تهیه دیدن انگلیس از برای جنگ بحری — فوت پرنس البرت شوهر پادشاه انگلستان — تعداد نفوسی که در این سال شده است تمام جمعیت جزایر انگلیس پنجاه و هشت کروور و سی و یک هزار و صد و شصت و چهار نفر است — ایجاد نشان موسوم به ستاره هند — از راجه های هند به کسی که این نشان داده شد نظام حیدرآباد مهر اجه کوالیر، مهر اجه کشمیر، نواب رامپور — گفتگوی سخت لرد پالمرستُن در مجلس وکلا بر ضد دولت اسپانیا که خرید و فروش غلام و کنیز را در کوبا منع نکرده است — دولت انگلیس خطاب پادشاهی تمام مملکت ایتالیا را

که به ویکتر امانول پادشاه پیمن داده بودند می شناسد — اضطراب در مملکت انگلیس که مبادا جزیره ساردین را دولت فرانسه از پادشاه ایتالیا بگیرد. (ایتالیا) — حکومت پرنس گاری نیان از اقوام سلطنت در ناپل به وزارت نیگرا — قصداً تصرف گاری بالدی و مازنی ونیز را — محاصره گائت که پادشاه ناپل در او بود به توسط امپراطور فرانسه مدت شش روز به تعویق افتاد — چون پادشاه ناپل از آن شهر خارج نشد و تسلیم نگردید مجدداً بعد از شش روز ژنرال چپال دینی حکم به یورش داد — سفاین جنگی فرانسه که در سمت دریا به حمایت و رعایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین نمودن او به نصایح دولت فرانسه شراع کشیده رفتند — امیرال پرسان امیر بحری ایتالیا با کشتیهای جنگی ایتالیا از سمت دریا نیز گائت را محاصره نمودند — شهر گائت بعد از نوزده روز مقاومت تسلیم شد — قشونی که در این شهر بود و مرکب از پانزده هزار نفر تسلیم گردیدند — قلعه مسین که یکی از قلاع مستحکمه بود نیز تسلیم شد و این آخر قلعه بود از قلاع پادشاه ناپل که به تصرف سرداران ایتالیا درآمد — اول دولتی که قطع مراوده با دولت ناپل کرد دولت انگلیس بود — تفتین و اغتشاش سخت در ناپل و در بعضی ایالات مفتوحه — گاری بالدی که به جزیره کاپرا رفته بود و میل به مداخله کارهای دولت ندارد پادشاه ایتالیا را به بیحقوقی نسبت به خود متهم می سازد — فوت مسیو کاوور صدراعظم در تابستان — بعد از فوت کاوور بارن دیکارلی که از معارف و متمولین ایتالیا بود به منصب صدارت برقرار می شود — افتتاح راه آهن از میلان به پلزانس — طغیان کوه آتشفشان وزوو در اوایل پائیز. (پرتوغال) — فوت پادشاه در سن بیست و چهار سالگی — جلوس برادرش لوی اول به جای او. (بلژیک) — ملاقات پادشاه بلژیک با پادشاه هلاند در لیژ — اهالی بلژیک در شناختن دولت ویکتر امانول را به پادشاهی ایتالیا شکایت دارند. (دانمارک) — دولت به هیچ وجه راضی نیست که قانون مملکت آلمان در اسلشویک و هلیشتن چنانکه اهالی آلمان شایق بر این هستند رواج بگیرد — دول فرانسه و انگلیس و روس به دولت دانمارک تکلیف می کنند که به اهالی ایالتین مهربانی کند. (روس) — انقلاب و اغتشاش سخنی در ورشو لهستان — حکمران لهستان میشل کرچاکف عاجز از نظم مملکتی

است — تغیر اعلیحضرت امپراطور نسبت به اهالی ورشو لهستان — فرستادن قشون به جهت نظم لهستان در ورشو — منازعه رهیت با قشون دولتی و قتل معدودی از طرفین — قشون مأمور به ورشو به هشتاد و پنج هزار رسید و مخارج این قشون را مدت توقف مجبوراً اهالی ورشو باید متقبل بشوند — مختصر شورش در ایالت قازان — فوت میشل کرچاکف حاکم ورشو و نصب ژنرال سوخوزایت به جای او — حبس هزار و شصت و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که مؤسس شورش بودند در لهستان — بعضی را به سبیر و بعضی را به قلاع دیگر به حبس فرستادند — افتتاح راه آهن از مسکو به ولادیمیر (عثمانی) — انقلاب و اغتشاش سخت خونریز در ایالت هرزگوین — کمک اهالی قراداغ آنها را — تهدید عمر پاشا سردار عثمانی یاغیان را — منازعه مابین اهالی قراداغ و عثمانی در کنار دریاچه اُسکوتاری در سربستان — شورش مردم به دولت به واسطه سکنی دادن طایفه تاتار قرم در بلغارستان که نزدیک به آنهاست — والی تونس سیدصادق ایجاد قانون جدید که در مملکت نمود من جمله جزیکزن در حرم خود نخواهد داشت — مأمورین دول فرنگ در بیروت بندر شام اجماع کرده بودند و سعیدبیک رئیس طایفه دروز را که حبس نموده بودند در محبس مرد — در دیرالقمربعد از این یک حاکم عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود — حکومت داود افندی که از عیسویان کاتولیکی مذهب است به لیبنان — فوت سلطان عبدالمجید در سن سی و هشت سالگی و جلوس سلطان عبدالعزیز برادرش به جای او — وزارت خارجه فوادپاشا — صدارت عالی پاشا — وزارت علمیه کیامیل پاشا — در مصر تنبیه سرباز با چوب موقوف گردید — طغیان آب نیل و خراب نمودن اغلب ایالات را، (فرانسه) — حکم ناپلیون که یک دسته از قشون فرانسه به جهت حفظ پاپ می باید همیشه در شهر رُم متوقف باشد — نصب مسیو دُمرنی به ریاست مجلس پارلمنت فرانسه — شناختن ناپلیون امپراطور فرانسه ویکتر امانول را به سلطنت ایتالیا — معاهده تجارتنی با بلژیک — به واسطه عمل نیامدن حاصل به قدر کفایت مملکت فرانسه ابتیاع حیوانات از خارج می نماید — ورود سفرای سیام به فرانسه و پذیرفتن امپراطور آنها را در عمارت فونتن بل — تقریباً دوپست سال بود که ایلچی سیام به مملکت فرانسه نیامده بود — فوت مارشال

بُسیکه در سن پنجاه سالگی — فوت ایشکریپ شاعر معروف — تعداد نفوس در این سال شصت و چهار کرور و سیصد و هشتاد و دوهزار و دویست و بیست و پنج نفر که از این عدد ششصد و شصت و نه هزار و پنجاه و نه نفر اهالی نیس و ساوا هستند که تازه الحاق به مملکت فرانسه شده است — جمعیت پاریس به تنهایی سه کرور و صد و شصت و هفت هزار و هشتصد و چهل و یک نفر است — انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس — در آن مجلس مقرر شد که قشون فرانسه از برای حفظ عیسویان شامات مدتی هم باید در شام توقف کنند. (یونان) — شورش بعضی از صاحبمنصبان نظامی — یکی از طلاب قصد قتل ملکه نمود در زمانی که پادشاه به آلمان سفر کرده بود — اهالی گُرفو و جزایر یونان مایل به ملحق شدن یونان هستند و با عساکر انگلیس در جزیره زانت نزاع سخت خونخواری نمودند.

افریقا — یادژس یاغی در حبشه نقوسیه پادشاه جوان را مقتول و خود به جای او به سلطنت حبشه جلوس کرد — فوت ملکه خونخوار جزیره ماداگاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت — جلوس پسرش راگت که به راماداما دویم موسوم گردید که دوست فرانسه ها و عیسویها بود — در مرقش پاشای تانژر سید محمد الخیب که از طرف پادشاه مرقش مأمور به مراوده با دول عیسوی مذهب بود و با فرانسه ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست و شصت و هشت هجری عداوت ورزید و در سنه هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و هفتاد و هفت هجری با اسپانیولی معزول شد.

امریکا — (اتائونی) — هفده ایالت از ایالات اتائونی که جمعیت ایشان بر روی هم سی و هفت کرور می شد و از این سی و هفت کرور هشت کرور غلام و کنیز سیاه بودند بعد از اطلاع از حکم رئیس جدید اتائونی که باید غلام و کنیزها آزاد باشند در مملکت، این هفت ایالت از سایر ایالات خود را مجزای کردند و ایجاد دولتی موقتی از برای خود به ریاست یکرئیس که مدت ریاست او شش سال باشد نمودند رئیس این هفده ایالت ژفرسن داویس است که از سردارهای باعلم مجرب اتائونی می باشد — رئیس تازه اتائونی را که ابراهیم لنگلن باشد بعضی از معاندین

در شهر ماریلان می خواستند به قتل رسانند — ایالات اتانونی دو قسمت شدند جنوبی و شمالی — جنوبی آنها که میل به بندگی غلام و کنیز دارند — شمالی آنهایی که میل به آزادی غلام و کنیز دارند — هفتاد و پنج هزار قشون ایالات شمال از برای منازعه ایالات جنوب تهیه می بینند. (مکزیک) — فرار رئیس سابق میرآمن به سمت هاوان، نصب ژوآرس به ریاست — طمع ژوآرس رئیس تازه در موقوفات معابد و منع نمودن که مدت دو سال اهالی مکزیک منافع تنخواه استقراضی از دول فرنگ را ندهند — در پایتخت مکزیک اشرار در صدد قتل سفیر فرانسه و بعضی از اعیان انگلیس هستند — اخراج نمودن با کمال بی احترامی سفیر اسپانیول را از مکزیک — چون در مملکت مکزیک جمعیت زیادی از تبعه فرانسه و اسپانیول هستند این حرکات بی ادبانه رئیس تازه مکزیک سبب انعقاد عهدنامه لندن مابین دول فرانسه و انگلیس و اسپانیا بر ضد دولت مکزیک گردید — تهدید جنگ نمودن فرانسه و انگلیس به توسط سفرای خود به ژوآرس — ورود قشون اسپانیول به سرداری ژنرال پرین در وراکروز و تصرف شهر و قلعه سنت ژانت.

[سنه ۱۲۷۸ هجری = سنه ۱۸۶۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — امسال در دهه عاشورا مختصر تعزیه داری در بیلاق شهرستانک و در عشر دوم ماه صفر در تکیه جدید البنای سلطنت آباد به مثل هر سال تعزیه خوانی کردند — نواب والا فرهاد میرزا به اعطای نشان تمثال همایون مباحی و ملقب به معتمد الدوله گردیدند — میرزا هاشم خان تحویلدار صرف جیب مبارک به لقب امین خلوت ملقب گردید — روز عید مولود همایونی در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد گردید — نواب مؤید الدوله حکمران فارس پل بسیار معتبری محکم بر روی رودخانه سنوید در هشت فرسخی شهر شیراز کشیدند — حاجی محمد شریف خان سرتیپ به لقب مستشار لشکری سرافراز شد — نواب احمد میرزای معین الدوله را به حکومت ولایت استرآباد سرافراز فرمودند که در اطاعت حضرت والا یمین الدوله بوده باشد — نواب حسام السلطنه حکمران خراسان متمردين و اشرار

تراکمه را تنبیه کردند — میرزا سلطان محمدخان بهبهانی که خیال خودسری داشت نواب مؤیدالدوله حکمران فارس او را گرفتار نمودند — چون بعضی عمارات دیوانی فارس در ایام زلزله خرابی بهم رسانیده بود شش هزار تومان به توسط نواب مؤیدالدوله صرف تعمیر عمارات فارس شد — چون اعلیحضرت سلطان عبدالمجیدخان سلطان عثمانی در هفدهم ذیحجه هزار و دویست و هفتاد و هفت رحلت نموده و اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان بر سریر سلطنت جلوس فرمود در این ایام اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری محمدرحیم خان نسقچی باشی دربار را برای تعزیت و تهنیت به سمت سفارت کبری مأمور دربار دولت عثمانی فرموده و معزی الیه را در این موقع به لقب علاءالدولگی ملقب و به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع و یک قطعه نشان درجه اول سرتیپی با حمایل آن سرافراز فرمودند — انکشاف معدن زغال سنگ و گوگرد و مس و زرنیخ در قریه جوشقان شد — قورخانه و توپخانه محتره را که مذآب خراب کرده بود حسب الامر ضیاءالملک حکمران عربستان والد مؤلف به خوبی مجدداً بنا کرد — یک رشته قنات در صحرای دوشان تپه دارالخلافه احداث و جاری شد — یک نفر باغبان ماهر برای تربیت بعضی ریاحین و نباتات از پاریس احضار فرمودند — انبار غله دیوانی ابوابجمع رحمت الله خان غلام پیشخدمت خاصه شد — جناب ناصرالملک را مأمور به اتمام ساختن راه گیلان فرمودند — ضیاءالملک والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان به شدت مریض و سلیمان خان سرتیپ افشار را مأمور این دو ایالت فرمودند که معاون ضیاءالملک باشد — نهم ربیع الثانی شاگردان دارالفنون را امتحان کاملی فرموده نظر به رونق و ترقی کامل مدرسه نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم را به یک قطعه نشان از مرتبه اول امیرتومانی با یک رشته حمایل مخصوص آن از داخل نظام و اعطای یک هزار تومان انعام نایل و مفتخر فرمودند — و نواب والا فرهاد میرزای معتمدالدوله را که در امتحان مدرسه حاضر بودند به اعطای یک قطعه نشان طلا از مرتبه اول مدرسه و یک رشته حمایل امیرتومانی خارج از نظام سرافراز داشتند — رضاقلی خان رئیس مدرسه به خلعت همایون و جعفرقلی خان ولد رضاقلی خان به اعطای یک قطعه نشان سرهنگی و یک رشته حمایل خارج از نظام

و خلعت همایون و پنجاه تومان انعام سرافراز شد — محمدحسین خان اصفهانی به منصب آجودانی مدرسه و اعطای نشان طلا و هفتاد تومان اضافه موجب و بیست تومان انعام مفتخر گردید — و سایر اجزای مدرسه از معلمین و متعلمین و غیرهم نیز هریک به قدر ترقی و استحقاق به انعام و نشان و خلعت همایون سرافراز شدند — هم در این اوقات نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با ترکمانان تگه مروی که معادل هزار سوار بودند جنگ صعبی کرده تمام هزار نفر را مقتول و اسیر نمودند — تفنگ بسیاری از فرانسه ابتیاع شد — قلعه شهر طهران را از داخل و خارج مرمت کامل کردند — عباسقلی خان جوانشیر معتمدالدوله وزیر دیوانخانه مرحوم و برادر او محمدابراهیم خان به ریاست دیوانخانه مبارکه و لقب امیردیوانی سرافراز گردید — پاشاخان امین شوری به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر شد — امان الله خان والی کردستان به یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و حمایل آن نایل آمد — حسین خان حاکم همدان را احضار فرموده محمدحسن خان پیشخدمت خاصه به حکومت آن نواحی سرافراز شد — میرزا علینقی طبیب پسر آقا اسماعیل پیشخدمت باشی سلام که برای تکمیل علوم خود به پاریس رفته بود معاودت نمود — جبه خانه و قورخانه دارالخلافه به اهتمام مسیوروس رونقی دارد و در کارخانه چاشنی سازی طهران نیز سالی ده کرور چاشنی ساخته می شود — نواب رکن الدوله حکمران گیلان به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز و نواب معین الدوله حاکم استرآباد به یک قطعه نشان از درجه اول سرتیپی با حمایل آن مفتخر گردید — در غیاب جناب علاءالدوله مشاغل و خدمات مرجوعه به معزی الیه را به غلامعلی خان نایب نسقچی باشی واگذار فرمودند — از شهر رشت تا منجیل را که همیشه به شدت گل و لجن بود به امر دولت ساختند — محاربه سپاه نصرت همراه خراسانی با تراکمه که به قصد تاخت جلگه مشهد مقدس آمده بودند و کشته شدن شیخ محمد که سرخیل اشرار تراکمه بود با جمعی دیگر از تراکمه و انهزام باقی آنها نیز در این اوقات اتفاق افتاد و سرداران همه به پاداش این خدمت به انعامات و مناصب و خلایع ملوکانه سربلند شدند — عیسی خان اعتمادالدوله مرحوم شد و حسینقلی خان پسر آن مرحوم که نایب الحکومه یزد بود به حکومت یزد مفتخر گردید — چنانکه در

سایر دول رسم است مقرر شد کلیه احکام و اسناد دولتی که به امضای همایون مقرون می گردد روی ورقه دولتی نوشته شود و نشان مخصوص ورقه دولتی سپرده به امین شوری شد — اصطبل توپخانه را به میرزا علی اکبرخان آجودانباشی توپخانه سپردند — کاغذگرخانه دارالخلافه کاغذهای بسیار خوش قلم ممتاز می سازد — پل شوشتر را که از طغیان آب خراب شده بود ضیاءالملک والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان بخوبی تعمیر نمود — حسب الامر در انزلی مناره سرحد (فانوس بحری) ساخته شد — معینالملک لشکرنویسباشی به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون از مرتبه سیم سرافراز شد — میرزا محمدعلی کارگذار مهم خارجه فارس به لقب خانی سرافراز گردید — میرزا مهدی همدانی منشی مهم خارجه به لقب خانی و ناظمی مهم خارجه بندر بوشهر و سایر جزایر بحرالعجم و خلعت همایون نایل گشت — زین العابدین خان حاکم گروس که با سرکردگی افواج گروس مأمور ساختن کلات بود مرحوم شد و علیرضاخان پسر او به حکومت گروس و خلعت همایون مباحی گردید — آقامحمدحسن صندوقدار به لقب اعتمادالملکی و خلعت همایون سرافراز شد — میرزا مصطفی لشکرنویس به لقب وکیل لشکری مفتخر گردید — این اوقات محض مزید انتظام امور دیوانخانه عدلیه دستخطی مبارک خطاب به محمدابراهیم خان امیردیوان شرف صدور یافت — جناب میرزا جعفرخان مشیرالدوله که در سال قبل به سمت سفارت کبری مأمور دولت انگلیس گردید و به پاریس پایتخت فرانسه و اسلامبول و آتن پایتخت یونان و بسیاری از جاهای دیگر نیز رفته و سیاحت کامل نموده در این اوقات مراجعت کرده به حضور همایون شہریاری مشرف و به اعطای یک قطعه نشان امیرنویانی با حمایل آن مفتخر گردید — و علی خان تائب دویم سفارت کبری به منصب نیابت اول سفارت برقرار گردید — و میرزا اسحق خان منشی به منصب کارپردازی مهم خارجه استرآباد مأمور و به یک قطعه نشان اول سرهنگی با حمایل آن نایل گشت — حسنعلی خان سرتیپ افشار به منصب ژنرال آجودانی حضور مبارک و خلعت همایون سرافراز شد — راه پیوژن و راه شریف آباد به مشهد مقدس که هردو بسیار صعب و دشوار و اسباب زحمت عابرین بود به امر همایون ساخته و هموار کردند — نواب والا فرهادمیرزا

معمدالدوله به حکومت عربستان و لرستان مأمور گردیدند — میرعطاءالله خان تیموری به منصب سرتیپی سرافراز آمد — جناب علاءالدوله ایلچی کبیر که مأمور دربار دولت عثمانی بود مأموریت خود را به انجام رسانیده روز ششم رمضان المبارک وارد دارالخلافه شد — در ماه شعبان این سال موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده پلنگی بسیار بزرگ شکار شست مبارک شد — قنبرعلی خان سعدالملک به منصب سرتیپی اول و خلعت همایون سرافراز گردید — میرزا سید تقی تفرشی سر رشته دار سابق آذربایجان به منصب لشکرنویسی و خلعت همایون نایل آمد — حاجی میرعلی اصغر شیخ الاسلام تبریز به رحمت ایزدی پیوسته میرزا ابوالقاسم پسر آن مرحوم به منصب شیخ الاسلامی منصوب و مخلع گردید — جناب مسیو گوینو که به سمت وزیر مختاری از جانب دولت فرانسه مأمور دربار دولت علیه بود به دارالخلافه باهره وارد و به حضور همایون نایل گردید — میرزاعلی خان پسر دبیر مهم خارجه (جناب امین الدوله) که با حوادث سن در اکثر علوم از فرط ذکاوت باربط شده و خط را در در کمال خوشی می نویسد به خلعت همایون سرافراز و مقرر شد سفرأ حضراً در رکاب اعلی ملتزم خدمت باشد — شب بیستم رمضان قریب شش ساعت از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل نموده سلام خاص تحویل در پیشگاه حضور مهرظهور خسروانه منعقد گردید — حاجی میرزا محمدرضای مستوفی خراسان به منصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد — میرزا جعفرخان مشیرالدوله و رئیس دارالشوری را با ابقای ریاست دارالشوری به منصب متولیباشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز فرمودند — نواب احتشام الدوله مرحوم گردید — جناب ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی به حکومت استرآباد سرافراز شد — میرزا عبدالوهاب خان نایب اول وزارت خارجه (جناب نصیرالدوله وزیر تجارت) مأمور اداره انتظام مهم خارجه آذربایجان و به خلعت همایون و نشان و حمایل سرافراز گردید — میرزا هاشم خان امین خلوت به یک قطعه نشان سرتیپی اول سرافراز شد — نواب حاجی سیف الدوله میرزا به حکومت ترشیز برقرار گردید — محمدقاسم خان وزیر مختار سابق سنت پترزبورغ به حکومت گیلان و لقب والیگری ملقب و سرافراز گردید —

نصرالله میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا به نیابت دویم وزارت علوم و خلعت همایون سرافراز و به همراهی نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مأمور آن مملکت گردید — نواب والا شاهنشاهزاده اجل امجد سلطان حسین میرزا را به لقب جلال الدوله ملقب و به حکمرانی اصفهان منصوب فرمودند و قوام الدوله به وزارت و پیشکاری شاهنشاهزاده معظم الیه سرافراز شد — علی خان قراگوزلو سرتیپ اول به لقب نصرت الملکی مفتخر گردید — یک قطعه نشان تمثال بیمثال همایون برای حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم مظفرالدین میرزا حکمران آذربایجان انفاذ آن مملکت فرمودند — شرحی در قواعد نشان شیر و خورشید به اشاره علیه همایونی نگاشته شد که صورت آن در جلد دویم مرآت البلدان موسوم به مآثر السلطان ثبت افتاده است — نواب والا عبدالصمد میرزا به لقب عزالدوله ملقب و به حکومت همدان منصوب گردیدند — و حاجی میرزا عبدالله خان به وزارت و پیشکاری آن ولایت سرافراز شد — نواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا در سلک اجزای دارالشوری منسلک و مخلم گردید — نواب حشمت الدوله به حکمرانی یزد و خلعت همایون سرافراز شدند — ضیاءالملک والد مؤلف که از عربستان به دربار معدلتمدار آمده در سلک وزرای عظام و اجزای دارالشوری داخل و به خلعت همایون نایل آمد و بعد از آن به وزارت عدلیه اعظم منصوب گردید — و محمدابراهیم خان امیردیوان به لقب معتمدالملکی سرافراز شد — محمدمهدی خان کشیکچی باشی به یک قطعه نشان سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر گردید — نواب والا نصرت الدوله حکمران عراق و ملایر به سرداری افواج و قشون عراق برقرار گردیدند — مرتضی قلی خان وکیل الملک سرهنگ فوج ملایری به یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد — بیوک خان پسر محمدخان امیرتومان به منصب سرهنگی فوج ششم تبریز سرافراز و فوج مزبور ملقب به فوج اقبال گردید — اواخر ماه ذی الحجه الحرام حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهزاده کامکار مظفرالدین میرزا حکمران آذربایجان را به ولیعهدی این دولت جاویدشوکت سرافراز و به یک قطعه نشان تمثال بیمثال اقدس نشانه ولایت عهد و یک ثوب جبه ترمه کشمیری دور مروارید موشح به لآلی و جواهر گرانبها قرین افتخار و اختصاص فرمودند و وزارت

مخصوصه حضرت مستطاب معظم الیه را به عزیزخان سردار کل تفویض و واگذار کردند و یحیی خان آجودان مخصوص حضور همایون حامل این نشان و خلعت مبارک گردیده روانه آذربایجان شد. (چین) — در حوالی شانگای جنگ مابین یاغیهای تایلند و عساکر فرانسه و انگلیس — شکست یاغیها، زخمی شدن امیرال پرنس سردار فرانسه که به همان زخم هلاک گردید و عقب نشاندن یاغیها را تقریباً سی فرسخ. (ژاپن) — تعدی نسبت به انگلیسها، خروج سفرای خارجه از پید پایتخت — ورود شان به یگهاما و ترضیه خواستن از دولت ژاپن.

اروپا — (اسپانیا) — در مجلس شورای این دولت و کلا رجال دولت را متهم بر این می کنند که در فقره مکزیکی اتحادی که با دولت فرانسه داشتند به چه جهت بهم زدند. (آلمان) — عهدنامه تجارتی پروس با فرانسه — شناختن دولت پروس ویکتر امانول را به سلطنت تمام ایتالیا — استقراض دولت از برای تهیه جنگ — و کلای ملت در این مسئله مساعد با دولت نیستند — نقار مابین پادشاه و وکلای ملت — ورود مسیو بیزمارک سفیر پروس در این وقت که مأمور فرانسه بود و قبل از این به همین سمت در پترزبورگ بود در جرگه وزرای دولت — وزیر مالیه و وزیر خارجه هر دو بعد از ورود بیزمارک به جمع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مدت چند روز مسیو بیزمارک به منصب صدارت برقرار گردید — ایجاد وزیر بحری در مملکت اطریش — تمام سفاین جنگی اطریش از شرعی و بخاری عبارت از صد و بیست و نه کشتی است که دارای نهصد و نود و شش توپ و هیجده هزار و صد و هشتاد و پنج عمده کشتی و قشون بحری است — ایجاد پلی در روی رودخانه رن در حوالی نانسی به جهت عبور راه آهن. (انگلیس) — در این سال به همه جهات پارچه های پنبه که صد و هشتاد و سه کرور لیره قیمت داشت زیاده از مملکت انگلیس به خارج برده نشده در صورتی که سنوات سابقه معادل سیصد و پنجاه و شش کرور لیره کارخانه جات انگلیس پارچه پنبه به خارج می فروخت و این نبود مگر به واسطه جنگی که در ینگی دنیا واقع شده بود که به قدر لزوم حمل پنبه از ینگی دنیا به انگلیس نمی شد — مخارج زیاد دولت در این سال به جهت اداره

قشون — لُرد اِلژُن به فرمانفرمائی هند منصوب شد — عدد قشون هندوستان که در سال قبل سیصد و پنجاه هزار قشون بومی بود به صد و بیست و پنج هزار قرار دادند و عدد قشون انگلیسی که از انگلیس فرستاده می شد و نود هزار بود به هفتاد هزار قرار دادند — فوت پادشاه دهلی در انگون — مسافرت ولیعهد انگلیس به اسلامبول و یونان — عروسی دختر دویم پادشاه انگلستان شاهزاده خانم آلیس با شاهزاده جِس — فوت سیرجم رُز مسافری که در قطب شمال چندین دفعه سفر کرده بود. (ایتالیا) — اصلاح بیهوده دولت فرانسه مابین پاپ و پادشاه ایتالیا — فوت پرنس کائو بکی از اعمام پادشاه سابق ناپل — ملاقات والی مصر با پادشاه ایتالیا در ناپل — ایجاد بندر تازه در ناپل با حضور پادشاه — خیال راه آهن به ناپل — استقراض دولت مبلغی به جهت مخارج این کار از صرافان رُچیل — شورش در بعضی نقاط به جهت هواخواهان گاری بالدی — نقار گاری بالدی با پادشاه — خطبه حضرت پاپ بر ضد پادشاه ایتالیا — شناختن دولت روس و یکتا امانول را به سلطنت تمام ایتالیا — گاری بالدی آشکارا می گوید یا مرگ یا رُم و این کلام گاری بالدی بر ضد دولت فرانسه و بر ضد پادشاه جدید ایتالیاست که اولی محارست رُم را در عهده گرفته و ثانی عهد کرده است که در رُم مداخله ننماید — عروسی دختر دویم پادشاه ایتالیا با پادشاه پرتوغال — افتتاح راه آهن از ناپل به رُم. (پرتوغال) — شورش در بعضی نقاط به جهت گرانی حبوبات. (دانمارک) — دولت دانمارک مسلح شده تهیّه جنگ می بیند — وحشتی دارد از بعضی ادعاهای پروس به ایالتین ایشلشویک و هِلِسْتِن و به دول فرانسه و انگلیس و روس و سُوڈ شکایت می نماید از وضع و طرزی که دولت پروس پیش گرفته است. (روس) — فوت صدراعظم کنت یشلرُود — امتداد سیم تلگراف از لندن به سبیر — در ظرف چهل و دو ساعت از پترزبورغ به برلن پایتخت پروس به توسط راه آهن می شود رفت — تسلیم حکومت لهستان به گراندوک قسطنطین برادر امپراطور — در ظرف یک سال چهارده هزار و هشتصد و سی و سه نفر از متمرّدین لهستان محبوس شدند — حکومت گراندوک میشل برادر کهنتر امپراطور به مملکت قفقاز. (سُوڈ) — ملاقات سلاطین سُوڈ و دانمارک. (عثمانی) — صدارت فؤادپاشا — وزارت خارجه

عالی پاشا — شورش در حلب — رئیس طایفه دروز در حران، خالد اریبیک از اداء مالیات مضایقه دارد و دزدی و شرارت را تا به دروازه امتداد می دهد — افتتاح مجلس ایالتین ملداوی و والاشی به دست پرنس کوزای والی — جنگ عمر پاشا با اهالی قراداغ — مجلس کنفرانس از دول در اسلامبول تشکیل می شود و اصلاح میان عثمانی و سرببی می کند — معاهده تجارتنی عثمانی با روس و با اغلب دول فرنگ — والی مصر سعید پاشا به سیاحت فرنگ می رود — در حفر نهر مجمع البحرین اهتمامی کامل به عمل می آورند و عملیات جدأ مشغول کار هستند. (فرانسه) — موجب ژنرال مُنتبان سردار فرانسه که در چین فتوحات کرده بود به پنج هزار تومان مقرر شد که نسلأ بعد نسل به اولاد ذکور او داده شود — ایجاد مالیات جدید علاوه بر معمول بر کالسکه و اسب و نمک — غدغن اکید به وزرا که علاوه بر موجب و مرسوم که هنگامی وزارت مقرر است خرج نکنند — در مجلس وکلا از قشون کشی به سمت مکزیک گفتگو شد، وکلای دولت جواب دادند که مقصود از قشون فرستادن بقای نام و حفظ آبروی فرانسه است و قراری در تنخواهی که اهالی مکزیک استقراض از اهالی فرانسه نمودند — ملقب شدن مسیو دُمِرِنی به لقب دوک (دوک به منزله امیرالامر است) — نصب دُروان دُلُوس به وزارت خارجه. (یونان) — شورش در پُنلی که قورخانه دولت آنجا واقع شده است — جنگ قشون دولتی با یاغیان — شورش در اغلب نقاط مملکت بر ضد سلطنت — شورش بر ضد خانواده سلطنت — اجتماع مردم بر عزل پادشاه که از شاهزاده های باویر بود — اتحاد قشون با شورشیان — استعفای پادشاه اُتُن از سلطنت — ایجاد دولت موقتی — خزانه دولت خالی است — انقلاب و اغتشاش در جمیع نقاط قشون بی نظم و بی سردار.

افریقا — در سودان مرکزی حاجی عمر که در سینگال فرانسه ها او را دوانیده بودند مالک تُنبُگُتوکارتا، و تمام سواحل رود نیژر گردید — جنگ سخت مابین پادشاه دَهَمَه و پادشاه اَبُوکوتاه.

امریکا — (اتائونی) — جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب در کمال تشدد بود —

در ایالات کارلین و ورژینی علی الخصوص بعضی از ایالاتی که داشتن برده در آنها رسم بود لیکن نشوریده با ایالات جنوبی بر ضد ابراهیم لنگلن رئیس نایستاده بودند رئیس مزبور غلامهای آنها را آزاد و یک مبلغی به اسم خسارت به آنها عوض داد — جنگ سختی که معروفست به جنگ پرس بورگ در حوالی شط می سی سی پی — فتح شمالی در این جنگ — فتوحات بعضی قلعه جات شمالی به دست جنوبی — شکست یافتن عساکر شمالی در نول ازلان — نسبت به تبعه هلاند و انگلیس و فرانسه کمال بی احترامی و صدمه از عساکر جنوبی وارد می آید و تا آن زمان که یکسال از ابتدای جنگ گذشته بود شمالی به تنها سیصد و پنجاه کروور تومان ایران مخارج کرده بود — ایجاد راه آهن از سان فرانسیسکو به کالی فورنی. (برزیل) — نقار با دولت انگلیس که بعد مبدل به صلح می شود. (مکزیک) — عساکر انگلیس و اسپانیا و فرانسه که باهم متفق بودند در مسئله تغییر وضع دولت مکزیک تباینی مابین سردارهای دول ثلاثه پیدا شد با اینکه ژواریز رئیس جمهوری مکزیک در همان وقتی که قشون اسپانیول در خاک مکزیک آمده بودند بالنسبه به رعایای اسپانیولی کمال تعدی را نموده دو کروور تومان از آنها جریمه گرفته و به اتهام جزئی جمعی از آنها را به قتل رسانید با وجود این سردار اسپانیول ژنرال پیرین اتفاق با سردار فرانسه را مصلحت ندیده تنها قشون فرانسه را در مخمصه انداخته دوچار مجادله با ژواریز به تنهایی نموده سرداران اسپانیول و انگلیس به کشتی نشسته به اوطان خود مراجعت نمودند و از آن به بعد دولت فرانسه مصمم بر این شد که جمهوری مکزیک را دولت امپراطوری نموده ماکسی میلین برادر امپراطور اطریش را بر تخت سلطنت مکزیک جلوس دهد.

[سنه ۱۲۷۹ هجری = سنه ۱۸۶۲ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال تعزیه داری دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد — جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به اعطای یک رشته شرابه مرصع به جواهر ثمینه نایل گردیدند — خالصه جات ورامین به رحمت الله خان ساری اصلان

واگذار شد — یکصد باب کارخانه شال بافی در شیراز و شصت باب در یزد دایر گردید — ضیاءالملک وزیر عدلیه اعظم والد مؤلف به لقب جنابی سربلند گردید — جناب ظهیرالدوله محمدرضاخان ایشیک آقامی باشی حاکم استرآباد و شاهرود و بسطام و غیره به یک قبضه قمه مرصع نباهی آمد — حکومت بندر بوشهر به احمدخان نوائی مفوض شد — میرزا حسین وزیر سابق دارالخلافه به منصب استیفا نایل گردید — میرزا محمد ولد مرحوم میرزا بابای حکیمباشی به منصب استیفا و میرزا علی برادر معزی الیه به منصب لشکرنویسی برقرار گردیدند — بعضی از ریش سفیدان تراکمه ساروق و سالور به ارض اقدس خدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده برحسب استدعای خودشان داخل در نوکر و سواره خراسانی شدند — موکب همایون عزیمت کجور فرموده و از کجور به سیاحت کنار دریای مازندران روانه شده از راه بلده نور و لار معاودت به قصبه نیاوران فرمودند — جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار مقیم دربار عثمانی به یک قطعه نشان تمثال مبارک مکمل به الماس مفتخر گردید — ضیاءالملک والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی به لقب نبیل اعتماد السلطنه ملقب آمد — حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه به وزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزا علی خان ولد معزی الیه (جناب امین الدوله) به نیابت اول وزارت امور خارجه برقرار گردید — خط تلگراف از دارالخلافه تا گیلان امتداد یافت — روز بیست و یکم محرم در استرآباد از سمت قبله ابری ظاهر شده به زمین می آید بعد به هوا صعود می کند و در بین صعود صدائی مهیب از آن به سمعها می رسد و پس از یک ساعت از هم پاشیده آتشی از آن نمایان می گردد و آن روز هوای استرآباد به طوری گرم می شود که اغلب از گرما بی حال می شوند — جناب مسیو جردتی وزیر مختار دولت ایتالیا با نشان درجه اول سلطنتی آن دولت برای اهدای حضور همایون این اوقات وارد دارالخلافه شد — میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان به یک قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و ریاست دفتر لشکر آذربایجان سرافراز شد — محمدرحیم خان سرتیپ سواره ایلات قزوین به منصب سرتیپی اول مفتخر گردید — حاجی قوام الملک شیرازی به یک قطعه نشان از درجه اول امیرتومانی با حمایل آن سرافراز شد —

آقامحمدابراهیم معمارباشی به یک قبضه کاردر مرصع و لقب خانی نایل گردید —
 محمداسماعیل خان وکیل الملک در معابر کرمان و شهر و بلوک رباط و حمامهای
 خوب و کاروانسرا و بازار بنا کرد — این اوقات ایام هفته را تقسیم کرده و در هر
 روزی ذات ملکوتی صفات مقدس به عرایض یکی از وزرا رسیدگی می فرمایند —
 میرزا هدایت پسر مرحوم نصیرالملک به منصب مستوفیگری سرافراز شد — میرزا
 اسدالله از اجزای وزارت علوم به نیابت حکومت ملایر و تویسرکان و لقب خانی
 سرافراز شد — میرزا محمدابراهیم پسر مرحوم میرزا احمد استرآبادی به منصب
 لشکرنویسی و دویست تومان موجب نایل آمد — محمداسماعیل خان وکیل الملک به
 اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید — حاجی میرزاعلی پیشخدمت
 به لقب مشکوةالملک ملقب شد — جهانگیرخان سرتیپ و ژنرال آجودان مخصوص
 به ریاست قورخانه مبارکه سرافراز گردید — علیقلی خان نایب اول آجودانباشی به
 یک قطعه نشان از مرتبه سرتیپی و حمایل آن مفتخر گردید — علیقلی خان سرهنگ
 (جناب مخبرالدوله) که در امتداد سیم تلگراف گیلان خدمت کرده به منصب
 سرتیپی سیم و دویست تومان اضافه موجب سرافراز شد — نواب حاجی محمد
 ولی میرزا به منصب وزارت دارالشورای کبری سرافراز گردید — بنده مؤلف به
 منصب ژنرال آجودانی و تشریف همایون سربلند آمد — جناب ناصرالملک مشیر
 خاص حضور همایون به رسم وزیر مختاری مأمور به اقامت دربار دولت انگلیس
 شد — امان الله خان سرتیپ به مستشاری سفارت مزبوره و یک قطعه نشان از درجه
 سیم سرتیپی با حمایل آن قرین افتخار آمد — محمدمهدی خان سرکشیکچی باشی
 به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز شد — عبدالعلی خان ادیب الملک
 پیشخدمت خاصه به حکومت قم مفتخر گردید — سواره مقدم مراغه سپرده به
 حسام الدوله شدند — ابوالفتح خان پسر مرحوم عبدالحسین خان جوانشیر به منصب
 سرهنگی فوج اول خاصه سرافراز گردید — محمدباقرخان ولد محمدخان امیرتومان
 به سرتیپی سیم دو فوج جدید و قدیم قزوین برقرار شد — باقرخان که در کارخانه
 شماعی خدمات کرده بود به منصب سرهنگی مفتخر شد — نواب علیقلی میرزا ولد
 نواب عمادالدوله ملقب به صارم الدوله گشت و به اعطای یک قبضه شمشیر

گل مرصع او را مفتخر فرمودند — جناب میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان به یک قطعه نشان امیرتومانی و یک رشته حمایل آن سرافراز شد — میرزا احمدخان ساعدالملک ولد مرحوم امیر اتابیک اعظم به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز گردید — در کارخانه شمعی دارالخلافه چند قسم شمع در کمال خوبی به سبک شمعهای فرنگی می ریزند — این اوقات کتابچه دستورالعملی به حکم همایون برای تعیین تکالیف و انتظامات و ترتیبات امور دیوانخانه عدلیه عظمی نوشته و صدر آن موشع به دستخط همایون شد — حاجی رجبعلی خان سرتیپ سیم توپخانه به منصب سرتیپی دویم توپخانه برقرار گردید — حاجی آقابابای حکیمباشی به لقب ملک الاطیائی و یک قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردید — میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد — معدن فیروزجی در زرنند و ساوه به اهتمام حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که فیروزه آن در کمال صفا است — کلیه عمارات مبارکات دولتی را به حاجی محمدخان حاجب الدوله سپردند — محض مزید نظم و انتظام امور قشون دستخطی مبارک به افتخار جناب سپهسالار شرف صدور یافت — جناب سپهسالار را به اعطای یک قطعه گل کمر مکمل به الماس مفتخر فرمودند — صبح شنبه غره شهر شوال المکرم نیمساعت به طلوع آفتاب مانده نیر اعظم از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص و عام در پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید — پاشاخان امین شوری به یک قطعه نشان از درجه امیرتومانی مفتخر گردید — حاجی میرزا عبدالله خان مستوفی به یک قطعه نشان سرتیپی سرافراز شده و حکومت همدان را نیز بمعزی الیه واگذار فرمودند — تراکمه متمرده استرآباد تنبیه کامل شدند — کلب حسین خان امین نظام به ریاست قشون خراسان و سرتیپی اول سرافراز شد — محمدباقرخان سرهنگ به منصب سرتیپی سیم نایل گردید — میرزا عبدالرحیم خان کارپرداز اول مقیم تفلیس به منصب شارژدافری و اقامت دربار دولت روس مفتخر گردید — برای مراکب بحرته تبعه دولت علیه وضع علم مخصوص نمودند که اسباب امتیاز و تشخیص آنها باشد — حکومت استرآباد و مازندران را به عهده کفایت عین الملک خوانسالار واگذار

فرمودند و محمدعلی خان برادر معزی الیه به نیابت حکومت و میرزا مصطفی خان بهاءالملک به مباشری امور مازندران سرافراز شدند — دوستعلی خان معیرالممالک را به اعطای یک قطعه نشان از درجه امیرنومانی قرین مفاخرت فرمودند — میرزا رضای مستوفی خاصه پسر معینالملک به یک قطعه نشان سرتیپی با حمایل آن سربلند آمد — نواب حسام السلطنه حکمران خراسان که به جهت بعضی عرایض لازمه به دارالخلافت آمده به محل حکمرانی خود معاودت نمود — حضرت شاهنشاهزاده امجد والا یمین الدوله (ظل السلطان) دام اقباله به حکمرانی مملکت فارس منصوب و ظهیرالدوله به وزارت حضرت معظم الیه مفتخر گردید — حیدرقلی خان ایلخانی و حکمران بجنورد به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز آمد — امیرحسین خان ایلخانی زعفرانلو به سبب خدمت و تنبیه و تدمیر اشرار تراکمه خراسان به یک قطعه شمشیر گل و کرمک مرصع مباهی شد — محمدعلی خان ایلخانی فارس به یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سربلند گشت — حاجی قوامالملک به منصب متولیباشی گری آستانه حضرت ثامن الائمه علیه السلام و لقب جنابی مفتخر گردید — میرزا عبدالله خان مستوفی حاکم همدان ملقب به علاءالملک شد — نواب والا معتمدالدوله حکمران عربستان و لرستان به یک قطعه نشان تمثال همایون مباهی گردید و سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه رئیس دیوان نظامی لرستان به یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی نایل آمد — جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشامالدوله ملقب به احتشامالملک شد — ولایات ملایر و تویسرکان را به نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم واگذار و مالیات آنجا را از بابت مخارج و مصارف مدرسه دارالفنون مقرر فرمودند — چراغعلی خان سراجالملک به منصب بیگلربیگی گری و ریاست دیوان نظامی اصفهان برقرار گردید. (افغانستان) — فوت امیردوست محمدخان در بهار — نصب امیر شیرعلی خان ولد آن مرحوم به جای پدر — نقار مابین امیر شیرعلی خان و برادر او محمدشریفخان — جنگ داخله و شورش در هرات و کابل. (چین) — شانیانو سردار چینی که با یاغیها در جنگ بود متهم به این شد که شکستی که یافته است از راه خیانت بوده و با وجود خدمات چندین ساله که به دولت کرده بود

او را محبوس نمودند و حکمی به او صادر شد که در حبس خود را بکشد و بعد از صدور این حکم او خود را به دست خود کشت — بنیاد یک کلیسای کاتولیکی در شهر کانتُر. (ژاپن) — تهدیدنامه انگلیس به این دولت به جهت استرضای قتل جمعی از انگلیسها در ژاپن بی فایده می ماند — امیرال انگلیس کپریکی از شهرهای ساحل کاگزیم را به ضرب گلوله توپ منهدم می سازد. (ماچین) — ویای سخت در هونته.

اروپا — (اسپانیول) — ژان پتر دُن کارلس ایزابل ملکه اسپانیول را به سلطنت اسپانیا شناخته و حقوقی که پدرش و طایفه اش در سلطنت اسپانیول داشته ژان دست از آن حقوق می کشد — زلزله سخت مانیل که مورث خرابی زیاد شد — نزاع مابین سیاهها و سفیدها در هایتی — یاغیها پرتپ لاتا را در هایتی سوزانیدند. (آلمان) — اتفاق آرا در ایجاد مجلس پارلمنت واحد در تمام مملکت — ملاقات امپراطور اطریش و پادشاه پروس در گاستُن در سرحد اطریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش پادشاه پروس را که یک مجلس شورای مرگب از سلاطین و ولات آلمان در فرانک فر منعقد شود که در این مجلس حل و عقد امورات کلیه آلمان بشود. پادشاه پروس قبول حضور آن مجلس را نمی کند، لیکن مجلس مزبور در اواخر تابستان این سال منعقد شده سلاطین جزو با وزرای خارجه که دارند حضور بهم می رسانند. این مجلس آن طوری که مقصود بود فایده نبخشید — افتتاح مجلس پارلمنت پروس که در تابستان این سال شد و از مضمون خطبه ای که در افتتاح این مجلس مسیو بیژمارک صدراعظم قرائت کرد معنی صلح و سلامت مفهوم نمی گردد — در پروس به واسطه تباین رأی که مابین مسیو بیژمارک و وزرا و وکلای ملت است مجلس وکلا عزل شده وکلای جدید منصوب می شوند — افتتاح مجلس جدید را اعلیحضرت پادشاه پروس به شخصه نمود — استقراض وجه معتدبه برای تهیه جنگ در مملکت پروس بر ضد دانمارک. (انگلیس) — از مخارج وزارت جنگ ده کرویر لیره کسر می شود — توپ جدیدی که آرم اس ترنگ نام اختراع کرده بود دولت قبول می کند — جنگ در نول زلاند با طایفه ماوری —

مالیات دولت به واسطه تریاک و نمک در هندوستان زیاده از سال قبل است — در هندوستان نیشکر و پنبه را آفت ملخ خوارگی ضرر زیاد رسانیده است. این ملخ ها از سمت سند آمده و بیشتر از زراعت های سواحل رودخانه گنگ را خراب کرده اند — جنگ دولت با طایفه کوهستان لاهور — نصب سیرژان لاورانس به فرمانفرمائی هندوستان — فوت حاکم سابق لردالژن — ایجاد راه آهن زیرزمینی در شهر لندن. (پرتوغال) — ترک قتل مقصرین، یعنی دولت از این به بعد اشخاصی را که واجب القتل هستند به قتل نمی رساند بلکه به جای قتل حبس مؤبد می کند. (دانمارک) — در دانمارک ولیعهد آن دولت فردریک فردیناند عموی پادشاه بدون وارث فوت می کند و به فاصله چندی پادشاه دانمارک فردریک هفتم به سن پنجاه و پنج سالگی نیز وفات می نماید — کرستیان نهم که از اقوام دور پادشاه مزبور بود به جای او جلوس می کند، پادشاه تازه چهل و پنج سال داشت یکی از صبا یای ایشان زوجه ولیعهد دولت انگلیس است و پسر بزرگ ایشان ژرژ اول پادشاه یونان می شود — شورشی در ایالت هلستن که مجزی از دانمارک بشود — دولتین پروس و اطیش هفت روز به دانمارک مهلت می دهند که عساکری که به جهت تنبیه یاغیان هلستن فرستاده احضار نماید و الا شروع به جنگ خواهد شد. (روس) — شورش در لهستان نه تنها در ورشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز — قطع سیم تلگراف و خط راه آهن — شورشیان ریاست خود را به می میرالفسکی واگذار می کنند — دولتین پروس و روس معاهده می کنند که یاغیهای لهستانی اگر به خاک پروس پناه بجویند عساکر روس تخطی نموده در خاک پروس آنها را تعاقب نمایند — نوشتجات سختی که دولت فرانسه به دولتین روس و پروس در این فقره می نویسند بی فایده می ماند — صدور فرمان امپراطور روس که هرکس در ظرف بیست روز از یاغیان اسلحه خود را زمین گذاشته قبول خدمت کند دولت روس از جریمه و جرم او خواهد گذشت — فراریهای لهستان که به ایتالیا و فرانسه رفته بودند به وطن مراجعت نموده با یاغیان شریک و همدست می شوند فی الواقع جمیع لهستان در شورش است — ژنرال برک سردار روس مأمور تنبیه اشرار است، و همچنین ژنرال تراویف و جمعیت زیادی که از نجبا و کشیشها و کسبه و غیره که

در زمرهٔ یاغیان بودند و سرداران مزبور آنها را به چنگ آوردند یا فی المجلس کشتند یا به سیبری به حبس فرستادند — حکم امپراطور روس به احضار قشون زیاد که تقریباً سیصد هزار باشد برای دفع یاغیان — زمستان قطع جنگ نکرد — گراندوک قسطنطنین برادر اعلیحضرت امپراطور روس که نیابت سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف می دارد — ژنرال برک مستقلاً از طرف اعلیحضرت امپراطور روس فرمانفرمای لهستان می گردد — در قفقاز مختصر شورش در میان طایفه لزگی — سفاین جنگی روس در این سال صد و بیست و دو فروند است که در آن کشتیها دوهزار و دویست و چهل و شش توپ و بیست هزار و پانصد نفر قشون بحری بودند. (عثمانی) — اعلیحضرت سلطان از وزرای خود در مسائلی که راجع به سربستان و قراباغ بود نارضائی حاصل نموده تغییر و تبدیل کلی در دایرهٔ وزرا داده شد — فوادپاشا از صدارت عزل و رئیس مجلس شورى و وزیر مالیه گردید ولیکن بعد از دوماه باز به صدارت منصوب شد — فوت سعیدپاشا والی مصر در زمستان و نصب اسمعیل پاشا برادرش به جای او — سفر سلطان به مصر در بهار — اول تحریر کتابچهٔ جمع و خرج دولت در این سال که مالیات دولت را غیر از فروعات شصت و نه کرویر و صد هزار تومان معین کرده اند و مخارج را شصت و هشت کرویر و دویست و شصت هزار تومان. (فرانسه) — ورود سفرای انام ماچین به پاریس — افتتاح مجلس دارالشورى در فرانسه — جنگ عساکر فرانسه در حوالی شهر فوابلای مکزیک با هواخواهان ژوآرز رئیس جمهوری مکزیک و فتح این شهر به دست ژنرال بازن — ورود سردار فرانسه به مکزیکو پایتخت مکزیک و فرار ژوآرز با شش هزار قشون به سانلوی — مجلس شورای مکزیک که تازه در مکزیکو پایتخت تشکیل یافته است بالا اتفاق آرشیدوک ماکسی میلین برادر امپراطور اطریش را به امپراطوری خود منتخب می نمایند و در این مجلس ذکر می شود که چنانکه مشارالیه قبول سلطنت ایشان را ننماید هر که را امپراطور فرانسه انتخاب کند آنها به اتفاق او را قبول خواهند نمود. (یونان) — دول فرنگ درصدد تعیین پادشاهی از برای یونان هستند و به چند نفر از شاهزادگان آلمان که تکلیف کردند آنها رد نمودند، بالاخره ژرژ پسر ولیعهد دانمارک که در این وقت هفده ساله بود قبول نمود

و سلطنت یونان به اسم ژرژ اول برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریقه و مذهب یونانی را اختیار کنند با وجود تعیین پادشاه باز در آتن فرق مختلفه در شورش و باهم مشغول منازعه می باشند در این مورد دولت انگلیس وعده می دهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت به دولت جدید یونان رد کند — پادشاه تازه یونان به لندن و از آنجا به پاریس و از آنجا به وینه بعد به آتن پایتخت یونان ورود می کند.

افریقا — (ماداگاسکار) — شورش اهالی بر ضد وزرا و خواص پادشاه و بعد از چندی قتل پادشاه و نصب زوجه اش به جای او.

امریکا — (اتائونی) — جنگ ایالات جنوبی با شمالی در کمال سختی است، اگرچه فتح غالباً با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه که فایده ای از آن بردارند حاصل نشده — ژنرال گران سردار شمالی دو سه قلعه معتبر از جنوبیها به زور اسلحه گرفته و متصرف شده است — لنگن رئیس جمهوری اتائونی که حالا به واسطه این اختلاف که در میان شمالی و جنوبی است فقط ریاست ایالت شمالی را دارد حکم به احضار صد و بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمولی خود می کند، دولت فرانسه در صدد میانجیگری است که در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت این دولت بی فایده می ماند. (برزیل) — بروز وبای سخت در اغلب ممالک برزیل.

[سنه ۱۲۸۰ هجری = سنه ۱۸۶۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال امور ملک و مملکت به توجهات خاطر خطیر همایون قرین انتظام کامل است — حکومت لرستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشهان و نهاوند فرموده به نواب عمادالدوله واگذار فرمودند — حکمرانی عربستان را به نواب حشمت الدوله تفویض داشتند — عبدالعلی خان ادیب الملک حاکم قم به یک قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با حمایل آن سرافراز شد —

آقاخان پسر مرحوم عبدالصمدخان افشار به منصب سرتیپی سیم و ریاست دیوانخانه نظامی مازندران نایل گردید — عسکرخان سرهنگ سرپرست ارامنه ارومی و سلماس به منصب سرتیپی سیم سرافراز شد — نظر به اتحاد دولتین ایران و عثمانی از جانب دولت علیّه به اسمعیل افندی نایب اول سفارت عثمانی نشان دویم از درجه شیر و خورشید مرحمت شد — تنبیه و تدمیر تراکمه سالور و ساروق که به قصد دستبرد به حدود خراسان آمده بودند — موکب همایون شهریار در ماه صفر تشریف فرمای نور و کجور شد — میرزا هاشم خان امین خلوت به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز و میرزا محمدخان پسر مشارالیه به منصب نیابت ریاست خلوت برقرار آمد — ریاست امور نظامی عربستان به عهده عبدالله میرزا ژنرال آجودان واگذار شد — حاجی محمدبیک قهوهچی باشی به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرهنگی سرافراز آمد — حبیب الله خان تنکابنی (ساعداالدوله) به منصب سرتیپی اول مفتخر گردید — عمارات مبارکات سلطنتی دارالخلافه را حسب الامر مرمت نموده بر فسحت و نزهت آنها افزودند — میرزا احمدخان ساعداالملک سرتیپ اول به رتبه امیرتومانی سرافراز گردید — آقاخان سرتیپ اول به سرتیپی دو فوج مراغه مباحی آمد — محمدحسین خان صدرالدوله ایشیک آقاسی باشی حضرت اعظم والا ولیعهد دولت علیّه ایران به یک قطعه نشان و حمایل سرتیپی سرافراز شد — محمدعلی خان برادر عین الملک به منصب بیگلربیگی گری استرآباد قرین افتخار گردید — حضرت اکرم والا نایب السلطنه العلیّه چون در قواعد نظامی درجه کمال را یافته اند در نظام دارای منصب سرهنگی از درجه اول گردیدند — محمد مهدی خان کشیکچی باشی به اعطای یک قطعه نشان امیرتومانی و یک رشته حمایل آن مفتخر گردید — امیرزاده انوشیروان میرزای ژنرال آجودان خاصه به سرتیپی فوج سربند عراق سرافراز شد — نواب والا محتمدالدوله را در جزو اجزای محترم دارالشورای کبری منسلک فرمودند — محمدقلی خان شاطر باشی به یک قطعه نشان از درجه سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد — محمدقاسم خان والی گیلان به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون قرین افتخار آمد — جعفرقلی خان سرتیپ اول به منصب امیرتومانی

نایل گشت — در دارالخلافة باهره در خارج دروازه دولت در جنب میدان مشق جبهه خانه بسیار خوبی بنا نمودند — میرزا طاهر سر رشته دار کاشانی به منصب استیفای دفتر نایل گردید — از ولایات ممالک محروسه به اشاره علیه سواره ردیف اخذ و انتخاب شده و می شود — جمشیدخان را به منصب سرتیپی توپخانه سرافراز کردند — سیم تلگراف از سرحد ارس تا بندر بوشهر امتداد می یابد — حاجی محسن خان سرهنگ مستشار سفارت دولت علیه مقیم پاریس به منصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل این رتبه سرافراز شد و روز دهم جمادی الثانیه این سال به اتفاق بنده مؤلف که در این وقت به نیابت دویم سفارت برقرار شده روانه پاریس گردیدیم — نواب عمادالدوله به یک ثوب جبهه ترمه شمشه مرصع مخمّل و امیرزاده صارم الدوله ولد نواب معظم الیه به پاداش تنبیه طایفه سکوند لرستانی به یک قبضه شمشیر یراق مرصع نایل آمد — آقارضای پیشخدمت حضور همایون به لقب عکاسباشیگری سرافراز گردید و صنعت عکاسی در این عهد همایون در ایران خیلی رواج و ترقی یافت — هم در این سال جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار عثمانی با میرزا حسن نایب دویم سفارت از اسلامبول به دارالخلافة طهران آمده مورد مراحم خاصه ملوکانه گردیده در سلک اجزای دارالشورای کبری منسلک گردید و میرزا حسن نایب دویم سفارت به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه سیم و لقب خانی و نیابت اول سفارت و دوپست تومان اضافه موجب سرافراز شد و میرزا حسین کارپرداز طرابزون به لقب خانی و به ژنرال قونسولی سرافراز آمد هم در این سال نظر به کمال و داد و اتحاد بین دولتین علیتینی ایران و عثمانی از جانب اعلیحضرت همایون یک قطعه نشان شیر و خورشید مکمل به الماس گرانبها با حمایل آبی که از علایم اولیه خاصه سلطنتی است برای اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان سلطان عثمانی هدیه و انفاذ فرمودند و برای جناب فؤادپاشا وزیر جنگ و صدراعظم عثمانی و جناب عالی پاشا وزیر امور خارجه آن دولت نیز نشان تمثال همایون مکمل به الماس ارسال داشتند — و جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار مجدداً با اجزای سفارت کبری روانه اسلامبول شدند — میرزا محمدعلی سر رشته دار توپخانه به منصب لشکرنویسی سرافراز گردید — میرزا نصرالله مستوفی

پیشکار اصفهان به اعطای یک قطعه نشان اول سرتیپی و یک رشته حمایل آن مفتخر شد — میرزا مصطفی بهاء الملک وزیر مازندران و استرآباد به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد — وزارت مالیه را مستقلاً به عهده جناب اجل آقای مستوفی الممالک واگذار و ایشان را مخاطب به وزیر مالیه فرموده در مجلس شورای دولتی قلمدانی که محبره آن مکمل به الماس بود از جانب منی الجوانب به جناب معزی الیه مرحمت شد — عین الملک خوانسالار و حکمران مازندران و استرآباد به منصب ایلخانی گری و ریاست ایل جلیل قاجار سرافراز گردید — از خط سرحه خانقین تا دارالخلافه نیز شروع به کشیدن سیم تلگراف شدند — غلامحسین خان پسر علیقلی خان نایب اول آجودانباشی به منصب نیابت آجودانباشی سرافراز آمد — جناب فرخ خان امین الدوله به اعطای یک قطعه نشان امیرنویانی قرین مفاخرت گردید — جناب میرزا زین العابدین ولد مرحوم میرزا ابوالقاسم امام جمعه دارالخلافه به منصب امام جمعه گری دارالخلافه برقرار شده به اعطای یک قبضه عصای مرصع قرین مباهات آمدند و جناب میرزا مرتضی عموی جناب معزی الیه ملقب به صدراالعلماء گردیدند — چون جناب محمدناصرخان ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی اغلب در ایالات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی بزرگ می باشد ایشیک آقاسی باشی گری را به امیراصلاحان خان مجدالدوله مرحمت و به یک قبضه عصای مرصع و خلعت همایون ایشان را سربلند فرمودند — جناب مسیو کرس که به سمت وزیر مختاری و ایلچیگری از جانب دولت روس مأمور اقامت دربار دولت ایران شده بود روز چهاردهم رجب وارد دارالخلافه گردید — میرزا محمدعلی خان کارگذار خارجه فارس به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی با حمایل آن میاهی شد — محمدعلی خان بیگریگی و حاکم استرآباد به پاداش تنبیه اشرار تراکمه پموت به یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد و بعدها جعفرقلی خان امیرتومان مأمور شد که به وجه اکمل طوایف طاغیه را تدمیر نماید — نواب حشمت الدوله حکمران عربستان و بختیاری به یک طوق کمر مکمل به الماس بسیار ممتاز قرین مفاخرت آمد — اعتماد السلطنه وزیر عدلیه عظمی والد مؤلف به یک قبضه عصای مرصع سربلند شد — حاجی رحیم خان پیشخدمت

خاصه به منصب جلیل صندوقداری و رختداری ملبوس مبارک برقرار و به یک قطعه گل کمر الماس و یک ثوب جبّه ترمه سرافراز گشت — آقا علی پیشخدمت خاصه حاکم ولایات ساوه و ایل شاهسون بغدادی به یک طوق کمر مکمل به الماس مباهی گردید — مجدالدوله به پیشکاری اصفهان و میرزا محمد قوام الدوله به پیشکاری فارس مأمور شدند — میرزا صادق خان کارگذار خارجه سابق گیلان به کارگذاری خارجه استرآباد مأمور شد — برای نظم کلیّه سرحد استرآباد اردوئی به سرکردگی جناب میرزا محمدخان سپهسالار کلّ عساکر منصوره نظام و غیرنظام مأمور آن سامان گردید و جناب معظم الیه را به اعطای یک رأس اسب از اصطبل مبارک با زین و یراق مرصع مفتخر فرمودند و جعفرقلی خان امیرتومان که مأمور تنبیه تراکمه طاغیه آن صفحات بود تدمیر کاملی از اشرار آن نواحی نمود — در غیاب جناب سپهسالار پاشاخان امین شوری و محمدخان امیرتومان به امور قشون رسیدگی می نمایند — میرزا محمدحسین دبیرالملک به اعطای یک رشته شرابه بند کاغذ مرصع سرافراز گردید — اقرب طرق از دارالخلافه تا کنار بحرخرر که از کوه البرز به کجور و از آنجا به کنار دریاست که سی و دو فرسخ مسافت دارد چون راهش خیلی سخت و صعب بود به امر دولت مسیو کاستیکر مهندس نمساوی در کمال خوبی شروع به ساختن نمود — صادق خان یوزباشی برادر شهابالملک به اعطای منصب سرتیپی از درجه سیم سرافراز شد. (چین) — غدغن سخت در بنادر چین که کشتیهای اتاثونی ینگگی دنیا عبور نکنند — چینی ها به عساکر فرانسه ملتجی شده یاغیهای نایبیک را شکست دادند — شهر نانکن را که مرکز یاغیها بود قشون زیاد چینی فتح کرد. (ژاپن) — عهدنامه های دوستی و تجارتی این دولت با دول فرنگ و ینگگی دنیا به امضای میکاؤ که پادشاه روحانیست و حقیقت سلطنت با او است اما مرئی نمی شود و طیقون پادشاه جسمانی که فی الواقع صدراعظم مستقلی است بدون امضای میکاؤ نمی تواند عهدنامه را امضا نماید — منازعه سفاین جنگی انگلیس و فرانسه در جزیره نیفن که متعلق به ژاپن است و بعد از جنگ و شکست دادن شاهزاده که والی آن جزیره بود — دول متحده معادل سه کروور و سیصد هزار تومان پول ایران به طور ترضیه و خسارت از دولت ژاپن مطالبه می کند.

اروپا — (اسپانیول) — چهل و چهار هزار ذرع راه آهن که وصل می کند راه آهن اسپانیا را به راه آهن فرانسه از دره های کوه پیریه امسال به اتمام رسید و مسافر می تواند از پاریس به مادرید پایتخت اسپانیا مستقلاً سفر نماید. (آلمان) — فوت پادشاه باویر ماکسیمیلیان دویم در سن پنجاه و دو سالگی و جلوس پسرش لوی دویم در سن هیجده سالگی — فوت پادشاه وورتنبِرگ گیم اول و جلوس پسرش شارل به جای او — ایجاد تفنگ سوزنی جدید در مملکت پروس معروف به تفنگ دِرتز که به واسطه اختراع این تفنگ اول امید به فتح و غلبه بر دشمن می دهد — شورش و بی نظمی در مجارستان و در اغلب نقاط ممالک اطریش — مسافرت امپراطور اطریش و شاهزاده های خانواده سلطنت به مجار و نظم دادن آنجا را بشخصه — وکلای ملت اطریش به دولت، بی وفائی دولت پروس را اثبات می کنند که چون خیال دولت پروس بزرگ شدنست لهذا به دوستی او نباید اعتماد نمود. (انگلیس) — تولد پسر ولیعهد در زمستان — ورود گاری بالدی به مملکت انگلیس با تشریفات کاملی که برای او فراهم آوردند به طوری که ولیعهد انگلیس به منزل او رفته او را ملاقات نمود — ملت انگلیس ایرادهای سخت به وزرا گرفته اند که چرا در فقره دانمارک به سکوت گذرانیده اند — صد و پنجاه هزار نفر از عمده جات انگلیس به واسطه نرسیدن پنبه از ینگن دنیا بیکار مانده اند — از مهاجرین انگلیس در ظرف این سال تنها نود و چهار هزار و صد و چهل و هفت نفر به اتانونی ینگن دنیا رفته اند — انعقاد مجلس دربار در لاهور به توسط سِر لورنس فرمانفرمای هند که ششصد نفر از سلاطین هند و راجه و نواب و ولایه هند و افغانستان حتی از خوقند حضور بهم رسانیدند — افتتاح راه آهن از بمبئی به داخله هند — ابتدای تلگراف بحری از خلیج فارس که سواحل هندوستان و عربستان را به هم وصل می کند — چیت و پنبه که از کارخانه جات انگلیس در ظرف این سال به خارج برده اند معادل نود و یک کرویر و دوپست و شصت هزار لیبره انگلیسی است و هر لیبره معادل دو تومان و پنج هزار ایران می باشد. (ایتالیا) — مسافرت گاری بالدی با دو پسر خود به انگلیس — خیال تغییر پایتخت و نقل آن از تورن به

فلورانس — نقار آشکار مابین پاپ و دولت — معاهده مابین پادشاه ایتالیا و امپراطور فرانسه که دولت فرانسه عساکر خود را که به جهت حفظ سلطنت ظاهری پاپ در رومه گذاشته بود از این تاریخ تا بعد از انقضای دو سال بردارد، و پادشاه ایتالیا متعهد است که به هیچ وجه درصدد تصرف رومه و حدود معینه سلطنت ظاهری پاپ برنیاید — شورش و تغیر اهالی تورن که چرا باید پایتخت از آنجا عوض شود — دو روز و دو شب قتل و غارت و جنگ در تورن — تغیر اغلبی از وکلای ملت ایتالیا به دولت فرانسه که به چه جهت مانع است که رومه جزو ایتالیا بشود. (بلژیک) — معادل یک کرویر تومان پول ایران دولت بلژیک از اهالی مملکت خود مأخوذ داشته که بندر آنورس را محکوم نموده قلعه جات در آنجا بنا نمایند. (دانمارک) — نامزد نمودن پرنسس داگمار دختر پادشاه دانمارک را برای گراندوک نیکلا پسر امپراطور روس و ولیعهد این دولت. (روس) — شورش سخت و خونریزی زیاد در لهستان — پناه ندادن دول پروس و اطیش یاغیهای لهستان را — کدورت مابین دولتین روس و فرانسه که اهالی فرانسه یاغیهای لهستان را اغوا می کنند — جلا دادن اغلب یاغیهای لهستان را به سیبری و سیاست سخت به آنها نمودن — پاپ در خطبه ها و موعظه ها نسبت به دولت روس بسیار بد می گوید به واسطه بیرحمی که به لهستانیها می شود — رعایای لهستان کمال رضایت را از اعمال دولت روس دارند که دفع شر ملاکین و نجبا و بی اعتدالی که به آنها می شده شده — در ایالت قازان بعضی طلاب مدارس نسبت به دولت بنای شورش را گذاشته مقصرین قتل و تنبیه شدند — طایفه نیهیلیست که طبقه تازه ای هستند و بر ضد دین و دولت و نظم و عقیده دارند مسبب حرق شهر سامبریسک شدند — طایفه چراکسه به واسطه قحط و غلائی که میان آنها بروز کرده و روی داده هزارهزار دسته شده با ایل و الوس به خاک عثمانی پناه می برند و در بین راه جمعیت زیادی از آنها تلف می شود — فتوحات قشون روس در خوقند و فتح شهر تجن از شهرهای خوقند — نامزد نمودن دختر پادشاه دانمارک را برای ولیعهد دولت روس — اعانت باطنی دولت روس به دولت دانمارک. (سوئیس) — ایجاد مجلس معظمی در ژنو و حضور مأمورین اغلب دول فرنگ در آن مجلس — مقصود از انعقاد

این مجلس ایجاد بعضی از قوانین و قواعد لازمه است به جهت پرستاری و رعایت زخم‌داران و مرضای قشون دول فرنگ که از هر طایفه و هر ملتی باشند که باهم درصدد مخاصمه و مقاتله برمی‌آیند. (عثمانی) — در افلاق بغداد علاوه بر حق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا قشون می‌گیرد — شورش و انقلاب در ایالت تونس — نارضائی رعیت از والی به واسطه ایجاد بعضی مالیات فوق‌العاده — برقرار داشتن دوازده هزار قشون همیشه زیر بیرق و به جهت نرسیدن مواجب یاغیگری همین دوازده هزار قشون بر ضد والی — شورش و انقلاب به حدی است که کشتی‌های جنگی انگلیس و فرانسه و ایتالیا به جهت حفظ تبعه خود از شر اعراب در سواحل تونس لنگر انداخته‌اند — طغیان رود نیل در مصر و خسارت زیاد به زراعت — امتداد خط تلگراف از مصر به بیروت — نیز امتداد خط تلگراف از بغداد به بمبئی و از بغداد به اسلامبول — تغییر اهالی بلغارستان از ورود طوایف چراکس به ایالت آنها و سکنی دادن دولت عثمانی این طوایف را در این ایالت — شورش اعراب در بغداد و شامات — قحطی پول در اسلامبول. (فرانسه) — حبس چهار نفر از اهالی ایتالیا که قصد قتل امپراطور فرانسه را داشتند — دو فقره فرستادن قشون به مکزیک — در مجلس پارلمنت فرانسه ایرادات سختی به دولت وارد آورده‌اند — ملاقات ولیعهد هلند و ولیعهد بلژیک با امپراطور فرانسه در قصر فونتن‌بلو و ملاقات پادشاه بلژیک در ویشی — آمدن وزیر جنگ پروس رون در اردوی شالن نزد امپراطور فرانسه — حکومت مارشال ماکماهون به الجزایر — شورش و یاغیگری بعضی شهرهای الجزایر بخصوص در میان قبایل عرب — قحطی و گاوگیری سخت در ماچین متصرفی فرانسه — ورود سفرای ژاپن به پاریس — فوت مارشال پلی سیه ملقب به دوک دمالاکف — برقرار شدن ژنرال بازن سردار فرانسه که در مکزیک بود به منصب مارشالی — فوت میثربیز معلم معروف علم موسیقی و فوت هاس فیلوس^۱ — جنگ مابین عساکر فرانسه و ملت مکزیک بانهایت تشدد برقرار است. (هلند) — در جزایر سوماترا و بُرنه نُوزراعت نیشکر و تنباکو و قهوه

زایدالوصف بد شده است — بروز وبای شدید در بتاویه، (یونان) — شورش در اغلب شهرها علی‌الخصوص در پایتخت — نافرمانی اغلب افواج قشون به صاحبمنصبان که در بعضی شهرها ساخلو بودند — انهدام قلعه جزیره گُرفو — رفتن عساکر انگلیس از آنجا و ورود عساکر یونان و تصرف نمودن آن جزیره را — دول پروس و اطیش دولت جدید یونان را به سلطنت ژرژ اول شناختند — راهزنی و شرارت قاطعان طریق در اغلب نقاط — بی‌پولی خزانه.

افریقا — (مرفش) — قتل و نهب طایفه بنی اسرائیل در اغلب شهرهای مرفش — مراوده تجارتی این دولت با تمام دول فرنگ.

امریکا — (اتانونی) — رئیس جمهوری لنگلن یک کرور قشون از برای جنگ با ایالات جنوبی حاضر می‌نماید — جنگ سخت مابین ایالات شمالی و جنوبی — جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دویست و بیست هزار قشون درمقابل هم داشتند — سردار شمالی، ژنرال گراند و سردار جنوبی، ژنرال لی با یکدیگر مخاصمه نمودند و جمعیت زیادی به کشتن دادند بدون اینکه ثمری ببخشند مگر در مواحل رودخانه جُئس مختصر شکستی به عساکر جنوبی داده شد — چون موعد پنج سال ریاست لنگلن منقضی شده بود در انتخاب رئیس تازه مجدداً او را برقرار کردند. (ینگلی دنیای جنوبی) — در مملکت شیلی شهر گُپیپا به واسطه زلزله سختی معدوم می‌شود — بروز کوه آتشفشان جدید مابین شیلی و بولیوی — منازعه مابین دولت برزیل و اروگای.

[سنه ۱۲۸۱ هجری = سنه ۱۸۶۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال خاطر خطیر همایون متوجه کلیه امور و ترقی جمهور و آبادی ولایات و ترفیه رعایا بود — تعزیه‌داری دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد می‌شود — محمدولی خان سردار که مأمور سرداری قشون خراسان بوده به حکمرانی استرآباد سرافراز گردید — میرزا محمدعلی خان وکیل فارس پسر حاجی قوام‌الملک

به یک قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی با حمایل آن مباحی آمد - اهالی قلعه ابرافشان از قلاع بلوچستان نظر به استحکامی که آن قلعه داشت دم از خودسری می زدند محمد اسمعیل خان وکیل الملک ابراهیم خان سرهنگ بلوچ را با قشون مأمور کرده قلعه مزبوره را تصرف و خراب نمودند - پاشا خان امین شوری ملقب به امین الملک شد - شب ششم ماه صفر عید مولود همایون را در تمام بلاد ممالک محروسه با شکوهی تمام گرفتند - رؤسای تراکمه ککلان و یموت از بیم عقوبت و بآس سپاه منصور به چمن کالیپوش نزد جناب سپهسالار آمده طلب عفو و تقبل ادای مالیات پس افتاده خود را نمودند - صندوق عدالت حسب الامر وضع، و در میدان ارک آن را قرار دادند که هرکس عریضه ای به حضور همایون دارد در آن صندوق بیندازد - خانعلی خان سرتیپ به حکومت درجزین و سرتیپی فوج مخبران قراگوزلو سرافراز شد - در تبریز بقاع متبرکه را مرمت نمودند - میرزا احمد ابن مرحوم میرزا عبدالکریم شیخ الاسلام به شیخ الاسلامی دارالخلافه منصوب گشت - محمدحسن خان پیشخدمت خاصه به حکومت گلپایگان و خوانسار برقرار آمد - جناب سپهسالار با سرداران و سپاه ظفرهمراه مشغول نظم حدود استرآباد و تنبیه تراکمه هستند و فتوحات نمایان کرده اند - آقارجب به منصب رخت داری البسه خاصه سرافراز گردید - عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه به نیابت وزارت عدلیه عظمی مفتخر آمد - راه مازندران را که مسیو کاسترک مهندس نمساوی مشغول ساختن آن بود به اتمام رسید - موکب همایون در ماه ربیع الثانی تشریف فرمای صفحات کجور و سواحل بحر خزر شدند و در مراجعت از راه کلاردشت که راه مسیو کاسترک به آنجا تقاطع می نماید قطع منازل نموده در هشتم ماه جمادی الاولی به سلطنت آباد نزول اجلال فرمودند - دریاچه ای در میدان توپخانه قدیم حسب الامر ساختند که همیشه چند سنگ آب از عمارات سلطنتی خارج و داخل دریاچه شده به سایر محلات شهر می رود و تمام فضای این میدان حسب الامر غرس اشجار و گلکاری می شود - یک حلقه انگشتی الماس بریلیان بسیار گرانبها برای جناب سپهسالار انفاذ استرآباد فرمودند - میرزا مصطفی خان بهاءالملک به وزارت دیوان عدالت منصوب گردید - میرزا مصطفی وکیل لشکر به

یک قطعه نشان از درجه سرتیپی سرافراز گردید — جناب محمودخان ناصرالملک وزیر مختار مقیم لندن موقتاً اجازه شرفیابی به دربار همایون حاصل نموده — میرزا سلیمانخان مستشار سفارت پاریس به رسم شارژدافری مقیم پاریس و بنده مؤلف به منصب نیابت دویم سفارتخانه دولت علیه مقیم دربار دولت فرانسه خواهد بود — سیم تلگراف از طهران به استرآباد کشیده شد — نواب ملک آرا به حکومت بروجرد و هوشنگ میرزا پسر نواب معزی الیه به نیابت حکومت رفت — میرزا یوسفخان کارپرداز دولت علیه در حاجی ترخان به یک قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد — عزیزخان سردار کل پیشکار آذربایجان در چمن کاوکان که از بلوکات مراغه است اردوئی مرکب از شش هزار نفر سرباز تشکیل داده که همه روزه مشغول تعلیم و مشق هستند — حضرت شاهنشاهزاده والا ولیعهد ادام الله اقباله العالی هم در اردوی مزبور تشریف فرما هستند — یک ثوب قبای نظامی سردست و یقه مروارید از ملابس تن پوش مبارک به افتخار سردار کل انفاذ شد — بعد از آنکه تمام حدود استرآباد مصفا گردید جناب سپهسالار به دارالخلافه باهره معاودت نموده شرف اندوز خاکپای مبارک گشته به اعطای یک قطعه نشان اقدس مکمل به الماس با حمایل آن سربلند و مخاطب به خطاب سپهسالار اعظم گردیدند — چون اغلب خطوط تلگرافی ممتد شده از بندر بوشهر الی سرحد خانقین به معیت و استادی مهجر شامپین و سایر صاحبمنصبان انگلیسی به اتمام رسیده و به هم وصل شده قراردادنامه ای مشتمل به چهارفصل به تاریخ شهر جمادی الثانیه به امضای وزارت علوم و سفارت انگلیس بین الطرفین مبادله شده که صورت آن در ذیل جلد سیم مرآت البلدان موسوم به مآثر السلطان نگارش یافته است — حضرت شاهنشاهزاده افخم والا یمین الدوله حکمران فارس به یک قطعه گل کمر مرصع به الماس بریلیان مفتخر و در نظام به منصب و نشان سرهنگی مخصوص و میرزا محمد قوام الدوله پیشکار حضرت اسعد معظم الیه به خطاب و لقب جنابی سرافراز آمد — میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان به منصب استیفای دیوان همایون برقرار آمد — میرزا مسیح وزیر مازندران به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی با حمایل آن مباهی گشت — قنات سابق بهبهان که شهر را مشروب

می داشت و چندی بایر و خراب شده بود به تنخواه دولت دایر و جاری شد — به تاریخ بیست و چهارم شوال رای صوابنمای ملوکانه بعضی تغییرات در امورات دولتی داده که حاصل آن استحکام وزارتخانه های ثلاثه عسکریه و مالیه و خارجه و بعلاوه تفویض مشاغل دولتی که راجع به نفس نفیس همایون بود به عهده کفالت و کفایت جناب سپهسالار اعظم بود و دستخطی آفتاب نمط که حاوی این مطالب بود شرف صدور یافت و یکشوب جبّه ترمه دوز مروارید شمشه مرصع به جناب میرزا محمدخان سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند، و جناب مستوفی الممالک و جناب وزیر امور خارجه نیز هریک به اعطای یکشوب جبّه ترمه شمشه مرصع و یک رشته شرابه مکمل به الماس اختصاص یافتند — حضرت شاهنشاهزاده اجل والا جلال الدوله را از حکومت اصفهان احضار و به حکمرانی مملکت خراسان برقرار فرمودند — و نواب مؤیدالدوله به کارگذاری مملکت خراسان مأمور گردید — حاجی رحیم خان صندوقدار به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید — میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان که از اجله پیاکران این دولت جاوید اقترانست به حکومت عربستان برقرار گردید — چراغعلی خان سراج الملک به ریاست احتساب دارالخلافه مأمور آمد — میرزا حسن لشکرنویس به مستوفی گری نظام سرافراز شد — سر رشته داری کلّ معاملات خراسان را به عهده کفایت حاجی میرزا محمدرضای مستوفی دیوان اعلی و اگذار فرمودند — میرزا اسحق از اجزای وزارت خارجه به اعطای لقب خانی و منصب کارپردازی حاجی ترخان سرافراز شد — میرزا اسدالله خان نایب الحکومه ملایر و تویسرکان به نیابت دویم وزارت علوم و خطاب مقرب الخاقانی مخاطب گشت. (چین) — پرنس کنگ از اقوام سلطنت که سمت صدارت داشت در مدت ششماه مفضوب می گردد — یاغیگری سخت در سمت شمال چین — قلعه تاکو که عساکر انگلیس و فرانسه گرو خسارت جنگ نگاهداشته بودند تخلیه می کنند. (ژاپن) — سفرای انگلیس و فرانسه و هلاند و اتائونی به طیقون اصراری می نمایند که امضای عهدنامه که ده سال قبل از این دول مذکوره با ژاپن بسته اند از میکاؤ پادشاه حقیقی و روحانی مطالبه نماید و چون تهدید ثمری نبخشید سفرای مزبوره با سفاین جنگی خودشان بندر آزاکا را معسکر

قرار داده به زور اسلحه امضای عهدنامه مذکوره را مطالبه نمودند. طبقون جمعی از نجیبای اهل بلد را که از محارم میکاؤ و مانع امضای عهدنامه بودند گرفته حبس نمود تا امضای عهدنامه مزبوره را گرفت و بعد از گرفتن آن سفرای دول مراجعت به سفارتخانه های خود نمودند.

اروپا — (اسپانیول) — بی پولی دولت در نهایت شدت — استقراض اجباری از رعیت که سبب کدورت رعایا شده است — ملکه سه قسمت از چهار قسمت املاک خالصه خود را به ملت واگذار می کند که به فروش برساند و حاصل آنرا به قرض عمومی بدهند — شورش در مادرید و در ایالت والانس — جلای وطن دادن ژنرال پرین و دوباره او را احضار کردن — مسافرت ملکه در ایالات شمالی و خوب نپذیرفتن رعیت او را — وبای سخت در جزیره مادرید. (آلمان) — دولتین اطریش و پروس به واسطه تصرف ایالتین اسلشویک و هلستن که تازه از دانمارک به زور گرفته اند با یکدیگر در مقام منازعه هستند، پروس خیال دارد که تماماً را خود متصرف شود، اطریش به واسطه بُعد مسافت از مملکت خود چون نمی تواند تصرف کند به این خیال است که ایالتین مذکورین را یکی از دول مستقلة آلمان محسوب دارد — پرنس فردریک شارل و ژنرال ملگ از طرف دولت پروس برای قرار و مدار این فقره به وین پایتخت اطریش می روند — گیل که یکی از بنادر ایالتین مذکورین است بنادر نظامی پروس می شود — مسیو بیژمارک و ژنرال رون در مجلس شورای پروس به طور صراحت می گویند باید گیل در تصرف دولت پروس باشد و حفظ حدود و ثغور آلمان را دولت پروس از این سمت بنماید و دولت پروس را قصد این است حاصلی که از دانمارک بالشرکه با اطریش برده به تمامه را خود متصرف شود و چون دولت اطریش تمکین به این مسئله نمی کند پروس تهیه می بیند که با او جنگ کند، بعد از وساطت و میانجیگری دول ساکس و باویر و غیرهما عهدنامه کاستن منعقد می شود و در سالس بورگ سلاطین اطریش و پروس با یکدیگر ملاقات نموده مقرر داشتند که ایالتین را به این قسم تقسیم کنند — ایالت اسلشویک تمام از پروس و هلستن از اطریش باشد فی الواقع بعد از این

تقسیم منافع کلیه را دولت پروس برد — مسیو بیژمارک ملقب به گنت شد (گنت به منزله خان است) و به فرانسه سفر کرده با ناپلیون سیم ملاقات نمود. (انگلیس) — در مجلس پارلمنت به دولت تکلیف می کنند که مداخله در امور فرنگ و ینگ دنیا به هیچ وجه نکند — ازدیاد عدد سفاین جنگی انگلیس — مختصر شورش در ارلند — مال مرگی در انگلیس به طور سخت که از سمت روسیه و مجارستان سرایت کرده است — بدی زراعت در اغلب نقاط — بروز طایفه فینان در ارلند که به منزله کمونیستها و بابیها باشد — حبس اکثری از ایشان و قتل بعضی — فوت لرد پالمرستن صدراعظم در سن هشتاد سالگی — صدارت لرد روسل به سن هفتاد و سه سالگی — وزارت امور خارجه لرد کلارندون — وحشت دوند انگلیس که مبادا کانادا که از متصرفات او است در ینگ دنیا بر او بشورند — شورش سیاه پوستان در ژمانیک متصرفی انگلیس — حبس و قتل اغلب از سیاهها — ایجاد چراغ گاز در کوچه های بمبئی — جنگ در ایالت بوتان هند — شورش مردم در نول زلاند — اما ملکه جزایر ساندویچ مسافرت به انگلیس می نماید. (ایتالیا) — تغییر پایتخت و نقل از تورن به فلورانس خیلی سبب کدورت اهالی تورن شده است — افتتاح راه آهن که از تورن مستقیماً به بندر برندیزی می روند — بروز وبا در طرف شرقی و جنوبی ایتالیا. (پرتوغال) — ایجاد اکسپوزیسیون عمومی در آپرت یکی از شهرها. (بلژیک) — مابین وزیر جنگ و یکی از وکلای بر سر مسئله ای اختلاف شده کنار به جنگ طیانچه رسیده و دولت هردو را به حبس و قید و جریمه تنبیه می نماید — ناخوشی سخت لئوپلِت پادشاه و فوت او در سن هفتاد و پنج سالگی، جلوس لئوپلِت دویم پسرش در سن سی سالگی — بروز ناخوشی طیفوس به طور وبائی و شیوع در این مملکت و سرایتش از هلاند. (دانمارک) — ملاقات سلاطین دانمارک و شوی با یکدیگر — اهالی دانمارک به پادشاه شوذ آنطور که باید و شاید مهربانی نمی کنند و جهت کمک نکردن در جنگ اطیش و پروس است. (روس) — شورش لهستان مبدل به نظم گردیده و از آن به بعد جمیع امورات که راجع به لهستان است از مالیه و غیره به جای اینکه مثل سابق در ورشو مجلس معینی از برای تحقیق و اجرای آن مطالب باشد در بطرز بورخ مرکز

دولت روس خواهد بود — مسافرت امپراطریس به نیس بندر فرانسه و فوت گراندوک نیکلا پسر امپراطور که سمت ولیعهدی دولت را داشت در سن بیست و سه سالگی در این بندر — فتوحات عساکر روس در سمت خوقند که جز پایتخت خان خوقند سایر ایالات او را به حیطة تصرف درآورده اند — فتح تاشکند و سمرقند — منازعه عساکر روس با امیر بخارا — مرآده تلگرافی از تفلیس به ایران و نخجوان — بروز تپی به هیئت وبائی در سمت سبیر، و بروز وبا در سمت جنوب قفقاز. (عثمانی) — شورای خاصی از وزرا که در هر هفته یکبار اجزای این شوری در حضور سلطان حاضر شوند — بروز وبا به واسطه ورود زوار مکه در تمام ممالک عثمانی و سرایتش از راه بغداد به ایران، فقط در اسلامبول در ظرف هفتاد روز سی و پنج هزار نفر تلف می شوند، و به واسطه یانقین دوهزار و پانصد خانه طعمه آتش می شود — والی منتنگرو به وین سفر نموده دوستی دولت اطریش را برای خود می طلبد. (فرانسه) — طبع جلد اول از تاریخ ژول سزار قیصر روم از تألیفات ناپلیون امپراطور فرانسه — امیل اولیویه که یکی از وکلای دست چپ و برضد دولت بود مایل به طرفداری دولت می شود — گفتگوی سخت مسیوطیر در مجلس پارلمنت برضد دولت که چرا حمایت از ایتالیا نمود — فروش قسمت زیادی از جنگل‌های فرانسه که متعلق به دولت بود — خیال دولت در ایجاد یک اکسپوزیسیون برای دو سال بعد — مسافرت امپراطور به الجزایر و نیابت سلطنت امپراطریس زوجه او — ورود امیر عبدالقادر والی سابق الجزایر که در شامات مسکن داشت به مملکت فرانسه — مسافرت امپراطور به الجزایر چهل روز طول کشید — مسافرت امپراطور و امپراطریس به سویس — ملاقات خانواده سلاطین فرانسه و اسپانیا در سنت سباستین — ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امپراطور در بیارتیس. (یونان) — یکی از اعمام پادشاه پرنس ژول به واسطه بدرفتاری که به ملک کرده بود دولت او را از پایتخت جلای وطن می دهد — تغییر و تبدیل وزرا به حدی که دول فرنگ یونان را تهدید کردند که اگر این فقره را ترک نکند در امور داخله او مداخله خواهند کرد — ایجاد اول کلیسای کاتولیکی در پایتخت.

افریقا — صدمه و اذیت نسبت به طایفه یهود در مملکت مرقش — شورش سخت در ماداگاسکار — تأذرس پادشاه حبشه کاپیتن کامرن قونسول انگلیس و جمعی از تبعه انگلیس را که در حبشه بودند محبوس و مغلول می نماید.

امریکا — (اتائونی) — برقرار بودن جنگ مابین ایالتین جنوبی و شمالی — بیم نثار و جنگ با دولت انگلیس — فتوحات ژنرال گراند سردار ایالات شمال و تسخیر اغلب از ایالات و قلعه جات جنوبی — لئکلن رئیس جمهوری در چهاردهم ماه آوریل که تقریباً بیست و دو روز از عید نوروز گذشته باشد در یکی از تماشاخانه های واشنگتن پایتخت به دست یک نفر از بازیگرهای سابق تماشاخانه کشته شد — همدستان او نیز می بایست در همین حین ژنرال گراند سردار کل را به قتل رسانند ولی مجال نکردند — تألم و افسوس جمیع مردمان آبرومند چه در ینگی دنیا چه در فرنگستان از این فقره — ژنس که در عنفوان جوانی به صنعت خیاطت مشهور بود رئیس جدید شد — جنگ سخت بین الطرفین — به دست آوردن ژفرسندویس رئیس ایالات جنوبی که یاغی بر ایالات شمالی شده بودند — نشناختن دولت اتائونی ماکسی میلین برادر امپراطور اطریش را به امپراطوری مکزیک — اتمام جنگ بین ایالات جنوبی و شمالی — مرخص کردن لشکر بری و بحری — ایالات شمالی در این مدت جنگ چه از صدمه جنگ و چه از امراض مختلفه سیصد و بیست و پنج هزار نفر آدم به کشتن داده بودند — منازعه مابین سیاهها و سفیدها در اغلب از نقاط به اغوای بعضی اشرار — حبس و قید شدید ژفرسندویس رئیس ایالات جنوبی — نثار دولت اتائونی با انگلیس به واسطه اعانتیهائی که به ایالات جنوبی شده است. (برزیل) — اتحاد دولت برزیل و جمهوری اوروگای، برضه لویز رئیس جمهوری پاراگای که این ضدیت ابتدای جنگ پنجساله است — جنگ سخت بین الطرفین — امپراطور برزیل داماد خود کنت دُ نوئه لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه را سردار کل می نماید — شورش اهالی مملکت پرو بر رئیس خود و عزل او — جنگ این دولت با اسپانیا — اتحاد اغلبی از اهالی ینگی دنیای جنوبی بر ضد اسپانیول. (مکزیک) — ایجاد نشانی موسوم به

عقاب مکزیکی — ایجاد یک دسته قشون داوطلب اطریشی و یک دسته قشون داوطلب بلژیکی در مکزیکی — جنگ هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیکی با امپراطور مکزیکی در اغلب نقاط — ژوارس اعلان رسمی می کند و خود را همیشه رئیس جمهوری می داند و وضع سلطنتی مکزیکی را قبول ندارد تا آنکه تمام ملت بدون استثناء تصدیق وضع سلطنتی او را بنمایند — مالیات مکزیکی در این سال صد و دوازده ملیان فرانک که معادل بیست و دو کروور و دویست هزار تومان پول ایران باشد بود و مخارج دویست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل و پنج کروور تومان ایران باشد — دولت اتائونی وساطت فرانسه را به هیچ وجه قبول نمی کند که وضع سلطنتی را در مکزیکی بشناسد. (ینگی دنیای مرکزی) — شورش سخت در سانسال و اڈن و هندوراس.

[سنه ۱۲۸۲ هجری = سنه ۱۸۶۵ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال نیز تغزیه خوانی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد — چون بازار اکسپوزیسیونی در بندر بمبئی افتتاح می یابد از دولت علیه در این باب استمداد می نمایند — ولیعهد دولت روس انتقال نموده و به واسطه تلگراف اعلیحضرت همایون اعلیحضرت امپراطور روس را تسلیت گفته و از جانب اعلیحضرت امپراطوری جوابهای مودت آمیز اظهار شد — بر قفسهای طیور و وحوش که برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی در باغ لاله زار ساخته بودند افزوده و رونقی دارد — پانصد نفر سوار تراکمه مروی به عزم دستبرد حدود خراسان آمده قشون ظفرنمون ساخلوی آن حدود، آنها را تا کنار رود هرات تعاقب کرده تراکمه از بیم جان به آب ریخته غرق شده آنچه غارت کرده بودند و از خود نیز داشتند به تصرف عساکر منصوره درآمد — در نصرت آباد کرمان زلزله شدیدی شده قلعه قدیم آنجا را منهدم ساخته ولی قلعه جدید بنا بر رزانتی که دارد محفوظ مانده است — موکب همایون روز بیست و پنجم محرم چون هوای این صفحات گرم شده بود به طرف لار و فیروزکوه انتهای فرمود — نواب عضدالدوله را به حکومت قزوین مأمور فرمودند —

میرزا موسی وزیر دارالخلافه در سنّ هشتاد و چهار سالگی مرحوم شد — این اوقات دستخطی به افتخار جناب سپهسالار اعظم میرزا محمدخان مبنی بر تفویض نظم دارالخلافه و توابع به جناب معظم الیه شرفصدور یافت — چون حاجی قوام‌الملک متولیباشی مشهد مقدس رضوی در این اوقات مرحوم شد میرزا محمدحسین عضدالملک که به این خدمت مسبوق بود به منصب متولیباشیگری آن آستانه متبرکه مفتخر گردید — جناب میرزا حسین خان وزیر مختار مقیم دربار عثمانی را بلقب نبیل مشیرالدوله ملقب فرمودند — تحویل‌داری وجوه صرف جیب مبارک به یحیی خان آجودان مخصوص ریش سفیدی و ریاست خلوت به علاوه منصب مهرداری به اعتمادالملک آقامحمدحسن صندوقدار سابق اختصاص یافت — اسلحه‌خانه و کتابخانه مبارکه به حاجی رحیم خان صندوقدار جالیه سپرده شد — تحویل‌داری ورقه دولتی مخصوص آقاعلی (امین حضور) پیشخدمت خاصه گردید — موکب همایون از فیروزکوه معاودت به نیاوران فرمود — اعتماد السلطنه وزیر علوم به یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید — حکومت خوی را به اسکندر خان سردار مرحمت فرمودند — نواب حسام السلطنه مأمور حکمرانی مملکت فارس گردید و حضرت اشرف افخم شاهنشاهزاده والا یمین‌الدوله به جهت عروسی و انجام امر خیر ایشان احضار به دارالخلافه شدند — حاجی محمدقلی خان قاجار به منادمت حضور همایون مباهی گردید — ریش سفیدی عمله خلوت همایون به حاجی محمدخان حاجب‌الدوله اختصاص یافت — منصب امام جمعه‌گی مشهد مقدس را به میرزا هدایت‌الله ولد مرحوم حاجی میرزا عسکری امام جمعه مرحمت فرمودند — جناب سپهسالار اعظم حسب الامر قانونات جدید در امر نظام مقرر داشت — حکومت ارومی را به نواب شاهزاده معین‌الدوله واگذار نمودند — محمد اسمعیل خان وکیل‌الملک وزیر کرمان به لقب جلیل‌سرداری ملقب گردید — یحیی خان آجودان مخصوص حضور به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول سرتیپی سرافراز آمد — میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان به لقب مشیر لشکری مفتخر گردید — ملخ زیادی به کرمان آمده اوراق اشجار را به کلی خوردند ولی عجب آنکه درختهای عریان دوباره برگ و شکوفه آوردند — بعد از وضع میدان ارک و طرح حوضی وسیع در آن و غرس دو

باغ در دو طرف حوض و نصب ستونهای سنگی به فاصله چهار ذرع جلو باغها، و محجر چوبی در فواصل ستونها محض اینکه ساحت چنین میدانی از آمد و شد دواب که حمل اجناس می کنند مهون باشد حکم شد در جانب شرقی ارک همایون دروازه ای از خارج صحرا به شهر قرار دهند و خندق شرقی ارک را انباشته با سطح زمین برابر کنند و خیابانی عریض تا دهنه بازار تشکیل دهند و این اوقات این جمله صورت انجام یافته است — جناب خیرالله افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی وارد دارالخلافه باهره گردید — مصطفی خان سرتیپ اول که در سفر گرگان خدمت کرده بود به منصب امیرتومانی سرافراز شد — نواب شاهزاده عضدالدوله حکمران قزوین به یک قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی نایل گردید — محمد صالح خان سرتیپ سیم به سرتیپی دویم سواره برقرار آمد — علی خان پسر نظام الدوله به منصب سرتیپی سیم مفتخر گردید — احداث قنات و آب جاری در شهر رشت شد — میرزا بزرگ خان به کارپردازی بغداد مأمور گردید — اعتماد السلطنه حاجی علی خان را به وزارت موقوفات و وظائف سرافراز و منصوب فرمودند — محمد ابراهیم خان سهام الملک به سرتیپی اول مفتخر گردید — یوسف خان سرتیپ اول که در سفر گرگان خدمت کرده بود ملقب به شجاع الدوله شده به اعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی آمد — محمد حسن خان سرهنگ فوج کلهر به منصب سرتیپی سیم نایل شد — احمد میرزا پسر تیمور میرزا به منصب نایب آجودانی مرتبه دویم مفتخر گشت — در طوایف اکراد در عراق زنی مولودی آورد که دارای دو سر و چهار دست و سایر غرایب خلقتی بود — جناب مسیو لکونت دماسیناک وزیر مختار دولت فرانسه مأمور اقامت دربار ایران وارد دارالخلافه گردید — مجلس تحقیق دیوان نظام به ریاست نواب معزالدوله بهرام میرزا برقرار شد — عسکرخان که در لوازم مهمانداری سفرای دول پیوسته مراقبت نموده به اعطای نشان سرتیپی از درجه سیم با حمایل آن سرافراز شد — میرزا صادق خان کارگذار خارجه استرآباد به یک قطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و حمایل آن نایل گردید — حسین خان پسر جناب سپهسالار اعظم به نیابت جناب معظم به ریاست توپخانه مبارکه مفتخر آمد — حاجی میرزا یحیی خان نایب الحکومه بلده نور و کجور

به اعطای یک قطعه نشان سیم سرتیپی مباحی گردید — میرزا علی خان پسر مرحوم میرزا حسن خان به منصب سرهنگی توپخانه مبارکه برقرار آمد — در ماه شعبان از متعلمین مدرسه دارالفنون امتحانی مفصل نموده به هریک از رؤسا و معلمین و شاگردان بذل مناصب و امتیازات سرتیپی و سرهنگی و خلعت و نشان و اضافه مواجب فرمودند — عین الملک خوانسالار به منصب سرداری قشون مازندران و استرآباد و گیلان سرافراز شد — حسین خان شهاب الملک به منصب امیرتومانی قرین افتخار آمد — میرزا عبدالله منشی اول و نایب دویم سفارت پاریس به اعطای یک قطعه نشان سرهنگی از درجه دویم سرافراز شد — مصطفی قلی خان عرب غلام پیشخدمت به نیابت اردستان برقرار گشت — در راه کرمان بنای رباطات جدید و تعمیر رباطات قدیمه را کردند — مساجد و مدارس و سایر ابنیه همدان و شوشتر و غیره را مرمت کامل نمودند — نواب والا عبدالصمد میرزا (عزالدوله) را به حکومت همدان منصوب فرمودند و میرزا زکی مستوفی به وزارت این ولایت برقرار آمد — جناب حسنعلی خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص مقیم دربار فرانسه به اعطای یک قبضه قمه مرقع سرافراز شده به پاریس مراجعت کرد — نصرالله خان زنبورکچی باشی به سرتیپی سیم برقرار گشت و میرزاتقی لشکرنویس تفرشی به منصب لشکرنویسباشیگری خراسان مأمور آمد — اللهویردیخان به منصب سرتیپی اول توپخانه مبارکه نایل گردید — محمدخان حاکم یزد به یک قطعه نشان از درجه سرتیپی با حمایل آن سرافراز شد — اکبرخان سرهنگ فوج نهاوندی به منصب سرتیپی از درجه سیم مفتخر گردید — میرزا علی تفرشی به منصب لشکرنویسی نایل گشت — شب چهارشنبه سیم ذیقعدة الحرام پنج ساعت از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نموده مراسم جشن و سلام عید در حضور همایون به عمل آمد — چون حضرت اشرف افخم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه در تحصیل فنون نظامی به کمال رسیدند به یک قطعه نشان از درجه سرتیپی اول و حمایل مخصوص آن اختصاص یافتند — منصب جلیل کشیکچی باشی گری را به محمد میرزا پسر محمد مهدی خان مفوض فرمودند — و مصطفی خان امیرتومان به نیابت کشیکخانه مبارکه مقرر گردید — میرزاتقی پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر به منصب

لشکرنویسی سرافراز شد — ایوان طلای ناصری که در روضه مقدسه رضوی سلام الله علیه حسب الامر بنا کرده و به اهتمام عضدالملک متولیباشی زیور اتمام یافته معزی الیه را به ازای این خدمت بزرگ به اعطای یک قبضه عصای مرصع مفتخر فرمودند — محمودخان پسر میرزا فضل الله وزیر نظام به منصب سرتیپی از درجه سیم سرافراز شد — محمدباقرخان سرتیپ سیم ولد محمدخان امیرتومان به سرتیپی دویم سرافراز گردید — حسینقلی خان سرتیپ قورت بیگلر به نشان و حمایل سرتیپی دویم نایل آمد — موکب همایون در اواخر شهر ذیقعده الحرام عزیمت سفر مازندران نموده روز عید اضحیٰ در شهر ساری نزول اجلال فرمود و از آنجا به سایر ساحات و نقاط مازندران تشریف فرما شده بعد به فرج آباد و بندر میانکاله و کناردریا تشریف برده سفاین و مأمورین دولت روس که از طرف آن دولت محض احترام و تعظیم ذات همایون پادشاهانه در کناردریا حاضر شده بودند به حضور همایونی مشرف شده درباره هریک از آنها بذل مرحمت و اعطای نشان علی قدر مراتبهم فرمودند و اعتمادالسلطنه از طرف دولت ضیافت شایانی از آنها نمود — بالجمله موکب همایون تا آخر این سال تشریف فرمای ساحات مازندران بود. (چین) — جنگ سخت با یاغیان نیان فنی — عزل فرمانفرمای نان کن که با فرنگیها عداوت داشت — بنای معبد کاتولیکی به توسط فرانسه ها در پکن پایتخت. (ژاپن) — باز شدن بنادر اساکا، و هیگ برای اهالی خارجه به موجب عهدنامه ها — مأمورین دولت فرانسه را در پید پایتخت در کمال احترام پذیرفتند — قرارنامه این دولت با دول انگلیس و فرانسه و اتانونی و پشی با^۱ در باب دریافت صد پنچ از قیمت اجناس وارده آنها به ژاپن و در باب تعیین نرخ مسکوکات دول مزبوره و تعیین حقوق اهالی ژاپن. در دول خارجه — معاهده تجارتی با ایتالیا — جنگ داخله — نقار مابین دایموسها که عبارت از اعیان و نجبای مملکت باشد — جنگ مابین طیقون پادشاه جسمانی و شاهزاده شواچو — فوت طیقون و برقرار شدن شاهزاده متباشی به جای او — زلزله و یانقین در یوکوهوما.

اروپا — (اسپانیول) — شورش در اغلب افواج نظامی علی الخصوص در افواج سواره ساخلو آران ژواژ — پناه بردن ژنرال پریم که محرک شورشیانست فراراً به مملکت پرتوغال — شورش سخت در مادرید پایتخت این دولت در تابستان — زخم برداشتن ناردائز از رجال دولت که در مقام اطفاء نایره شرارت اشرار بود — شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیره کوبا — افتتاح راه آهن از شهر مادرید به شهر کردو امتداد خط راه آهن از مادرید به لیزبن پایتخت پرتوغال — حبس مارشال سرنو (آلمان) — بنابر عهدنامه گاستین دولت پروس حکمرانی ایالت اسلشویک و دولت اطریش حکمرانی ایالت هلستن را برعهده می گیرد — ابتدای نقار مابین دولتین اطریش و پروس — در همین فقره در شورای خاصه مملکت پروس حکم به تدارک و تهیة جنگ می شود بالاخره دولت پروس بالصراحه میل خود را در تصرف ایالتین بدون شراکت اطریش آشکارا می سازد دولت اطریش هم آشکارا تهیة جنگ می بیند — دولتین باویر و ساکس نمی خواهند طرف دولت پروس را منظور دارند — اتحاد مخفی دولت ایتالیا با دولت پروس برضه اطریش — شورش و انقلاب در ونیز که آن وقت متعلق به دولت اطریش بود — میل اهالی ونیز اینست که جزو ایتالیا شوند — دولت ایتالیا نیز معجلأ تهیة جنگ می بیند — ورود ژنرال مانوفل سردار پروس با عساکر آن دولت به ایالت هلستن که متعلق به اطریش بود — ابتدای جنگ دولت پروس با دول ساکس و هانور و دولت اطریش — ورود قشون پروس به پایتخت هانور و ساکس — در تابستان دولت اطریش به سرداری بیندک سیصد و شصت هزار قشون درمقابل پروس دارد — دول باویر و ورتنبرگ که متعهد کمک به اطریش شده بودند از جای خود حرکت نمی کنند — ورود قشون پروس به سرداری ولیعهد و پرنس فردریک شارل برادرزاده پادشاه پروس به بوهم خاک اطریش — سرداری کل قشون را پادشاه پروس گلیوم بشخصه قبول می نماید — از طرف دیگر دولت ایتالیا به سرداری خود پادشاه ایتالیا در سرحدات شمال شرقی ایتالیا اردوئی می زنند — منازعه قشون ایتالیا با ارشدوک آلبرت سردار اطریش و شکست قشون ایتالیا لیکن سردار اطریش بعد از این فتح به واسطه جنگی که

پروس در بوهم می کند جرأت ورود به خاک ایتالیا را نمی نماید — جنگ سخت مابین عساکر پروس و اطریش در بوهم — مقتول شدن جمعیت زیادی از قشون اطریش به واسطه تفنگ سوزنی جدیدی که عساکر پروس بدان مسلح و در استعمال آن مسلط بودند — فتح نمایان قشون پروس بعد از جنگ سخت در سادوا، در این جنگ از طرفین دویست هزار نفر مقتول می شوند — قشون اطریش فراراً به طرف وینه پایتخت می رود — در این بین به توسط ناپلیون سیم امپراطور فرانسه ایالت وینز را اطریش از خود مجزئ نموده جزو دولت ایتالیا می شناسد و دولت فرانسه مابین دولتین پروس و اطریش میانجی می شود. (انگلیس) — اشتداد مال میری در مملکت انگلیس به درجه ای که در ظرف مدت یک ماه صد و بیست هزار و هفتصد و چهل رأس گاو و گوسفند تلف می شود — شورش و انقلاب طایفه فینان در ارلند — افتتاح مجلس پارلمنت انگلیس — بعد از فوت پرنس آلبرت شوهر پادشاه انگلستان پادشاه معظم الیها تا افتتاح این مجلس در افتتاح مجالس بشخصه حضور بهم رسانیده بودند — صدارت و وزارت طایفه توری و ریاست لرد دربی — تفویض امور خارجه به لرد استانلی پتر لرد دربی — شورش و انقلاب در شهر لندن و اغلب از نقاط — ابتیاع صد و پنجاه هزار قبضه تفنگ ته پر معروف به تفنگ شیندر — وبای سخت در لیورپُل و در لندن — شورش اهالی فینان در ارلند سبب حبس چندین هزار نفر می شود. (ایتالیا و رومه) — قرارداد دولت فرانسه با ایتالیا در باب وجود دو دولت مستقله در آن مملکت که یکی سلطنت پاپ در رومه باشد با حدود معینه و دیگری سلطنت ایتالیا — معاهده مخفی ایتالیا با پروس به جهت جنگ با اطریش — جنگ در کوستزا با اطریش و شکست ایتالیا در این جنگ — جنگ بحری دیگر ایضاً با دولت اطریش در لیساً که در این جنگ نیز برای عساکر ایتالیا پیشرفتی نمی باشد و به همین جهت با وجود فتوحات پروس در سادوا، دولت اطریش مضایقه دارد که وینز را به تصرف ایتالیا دهد — عهدنامه وینه مابین پروس و ایتالیا و اطریش در پائیز این سال منعقد شده به موجب این عهدنامه وینز با جمیع قلاع آن واگذار به ایتالیا می شود به مال المصلحه دویست و پنجاه ملیان فرانک که معادل پنجاه کروور تومان ایران باشد. (بلژیک) — اهالی

بلژیک کمال وحشت را از عظمت و شوکت پروس دارند و از این می ترسند که فرانسه نیز به واسطه همچشمی با پروس در مقام توسعه مملکت خود برآید و بلژیک را ملحق به مملکت خود نماید. (دانمارک) — ازدواج پرنس داگمار شاهزاده خانم این مملکت با ولیعهد دولت روس در پائیز این سال. (روس) — تأدیب کردن دولت روس کشیش های کاتولیکی را در لهستان و حرفهای سخت پاپ در این موقع نسبت به وزیر مختار دولت روس و قطع نمودن وزیر مختار مراوده را با پاپ و عزیمت او از رومه — یکی از نجیب زادگان روسی موسوم به کاراگوزف به سن بیست و پنج سالگی در شهر سنت پترزبورگ در بهار قصد قتل امپراطور را می نماید ولی به مقصود خود نرسید — مجلسی برای تحقیق این عمل به ریاست ژنرال موراویف منعقد و گفتگوهای طولانی می شود و حدس کلی می زنند در شراکت لهستانیها در این عمل، اما همدستان و رفقای بسیار از این مقصر به دست می آیند که همه کمونیستهای روسی می باشند — پرنس گاگاریم به ریاست مجلس آخری این تحقیق برقرار شده حکم قتل این مقصر صادر و در پانزدهم ماه سپتامبر به قتل می رسد — حرکت ناگهانی چراکسه و تصرف نمودن آنها سخوم قلعه را — جنگ روس با امیر بخارا به بهانه اینکه یکی از سفرای این دولت را نگاهداشته و غلبه دولت روس. (سوئیس) — در ژنو از جانب یکصد و شصت هزار نفر عمه مجلسی از وکلا برای بعضی مذاکرات منعقد شده و اغلب اجزای این مجلس اهالی فرانسه و انگلیس هستند و کمتر آلمان و ایتالیائی — این وکلا شکایت از زنها از بابت کارگر شدن آنها در کارخانه ها و مدعیگری آنها با مردها در این باب دارند. (عثمانی) — شورش طایفه مارنیت در محال اذین در سمت جنوب شرقی تریپلی به سرداری یوسف کارام — داودپاشا حاکم عیسوی لیان لشکر امدادی زیاد از بیروت گرفته با وجود این نمی تواند این طغیان را رفع نماید — یوسف کارام فرار می نماید ولی باز طغیان را محرک است و امتداد می دهد و ابتدا پناه به حاکم شام که با داودپاشا عداوتی دارد می برد ولی بی ثمر است بعد ملتجی به قنصلهای اروپائی می شود آنها هم مفید فایده نمی گردد آخر الامر به الجزایر می رود و مدتی در آنجا اقامت می کند — در تونس علی بن غدا هم رئیس شورش و طغیان آخری گرفتار و

محبوس می شود و مالیات پس افتاده را به زور اسلحه دریافت می نماید — خدیو مصر از سلطان عثمانی اجازه حاصل می کند که بعد از او پسرش مستقیماً وارث و جانشین او باشد چونکه در دولت عثمانی و خانواده ولای مصر سلطنت و ولایت به ارشد طایفه می رسد نه مستقیماً به اولاد — برقرار شدن مجلس وکلای ملت در مصر — تصدیق اعلیحضرت سلطان عثمانی قرارداد آخری خدیو مصر را با کمپانی نهر مجمع البحرین سوئیز — انعقاد مجالس متعدده در کل ممالک یونان به جهت معاونت به هم وطنان و برادران دینی خود که تبعه عثمانی هستند — تکلیف نمودن به ژنرال کالرزیس که در کیرت متولد شده است ریاست قشون را و منع کردن پادشاه یونان او را از قبول این ریاست — به چنگ آوردن یاغیان اسلحه متفرقه از راه شامات جزایر قبرس و شیو، و مملکت پیژ در تزلزل و اضطرابست — دولت عثمانی قشون زیادی که اکثر آنها مصری می باشند جمع آوری می نمایند — نفاق سردار سهیم پاشای مصری با اسمعیل پاشا حکمران جزیره — سفارت بی ثمر مصطفی پاشا حاکم قدیم کاندی از اسلامبول به جهت دلالت یاغیان به صلح و مأمور شدن همین سفیر به سرکردگی قشون — حمایت سفرای مختار فرانسه و انگلیس از سفیر عثمانی — در آتن پایتخت یونان وزیر مختار روس مقیم آتن فی الجمله از سفیر مزبور حمایت می نماید — سفیر فرانسه موسوم به مارکی دموسیه مقیم در اسلامبول که بعدها وزیر امور خارجه شد مانع اتفاق یونانیهاست و از اول ماه سپتامبر همه روز در بالادستها کانه جنگها و خونریزها می شود، چندین هزار خانواده های یونانی به واسطه سفاین روسی و انگلیسی از اوطان خود که خاک عثمانی است مهاجرت کرده به جزایر و بلاد یونان می روند و در آنجاها با کمال عسرت تحصیل معاش خود را می نمایند بسیاری نیز به انتظار کشتیها متحمل گرسنگی و سرمای سخت می شوند — جنگ پاس امیر یونانیهای کیرت با عثمانی — دول انگلیس و فرانسه مایل به حرکات و رفتار یاغیان نیستند بلکه بر ضد آنها می باشند — کشتی بخار یونانی موسوم به پانهلین دفعه هفتم است که از میان سفاین عثمانی که دور جزیره را گرفته گذشته آذوقه و مأكولات به یونانیها می رساند — اتفاق دولت فرانسه و دولت روس در تعمیر و بر پا نمودن گنبد موسوم به مقبره حضرت عیسی در اورشلیم

— بی پولی خزانه عثمانی که بدین واسطه منافع قروض ششماهه را که باید در ماه ژویه ادا کند از عهده برنیامدند — صدارت محمد رشیدی پاشا به جای فؤادپاشا — منعقد شدن مجلس حفظ الصلحه در اسلامبول که اجزای این مجلس از دول خارجه می باشند — یکی از تدابیر و قراردادهای این مجلس اینست که حاج در صورتیکه وبا در میان آنها باشد مراجعت از راه دریا ننمایند — بروز وبا در آسیای عثمانی و سرایت آن به اروپا — در تمام مرکز و شمال این اقلیم تا هلند و بلژیک و فرانسه و انگلیس و رسیدن آن به اتانونی و جزایر آنتیل. (فرانسه) — در افتتاح مجلس شورای امپراطور وعده می دهد که به جهت رفع مغایرت مابین فرانسه و اتانونی عساکر خود را از مکزیک کلیتاً احضار نماید — در مجلس وکلای دولت، پرمنی که یکی از وزراست بالقصر احه تکلیف می کند از طرف امپراطور که از برای نظم و آسودگی ملت اقتدار کامل رئیس دولت لازم است — اشتها اتحاد باطنی پروس و ایتالیا با فرانسه برضد دولت اطیش که در عوض دولت پروس از سرحدات آلمان که طرف رودخانه رن است به تصرف دولت فرانسه دهد یا اگر دولت فرانسه بلژیک را بخواهد متصرف گردد دولت پروس و ایتالیا بیطرف بوده سکوت کنند — بنه دتی که سفیر کبیر فرانسه است در برلن با مسیویزمارک صدراعظم ملاقات نموده برای دولت فرانسه حقی مطالبه می کند و جواب یأس به او می دهند — استعفای دوران دلونیس از وزارت خارجه و نصب مارکید موتیه سفیر کبیر دولت فرانسه در اسلامبول به وزارت امور خارجه — ناخوشی سخت امپراطور که سه ماه متوالیاً بستری بود — مسلح نمودن قشون فرانسه را به تفنگ جدیدی که مستی به تفنگ شامپو است — عدد قشون فرانسه را اسماً آنچه اعلان نموده اند دو کروور و دویست و سی و دوهزار و دویست و پنجاه نفر بوده — در جنگ مکزیک غیر از قورخانه موجودی که دولت در جبّه خانه های متعدده داشت وجه نقدی که به مصارف این قشون رسید معادل شش کروور تومان پول ایران بود — جمعیت فرانسه به موجب تعداد نفوس این سال هفتاد و شش کروور و شصت و هفت هزار و نود چهار نفر بود — بروز وبای سخت در پاریس و در نقاط دیگر — طغیان اغلب رودخانه ها در داخله مملکت و خرابی رسانیدن آنها — ورود سفرای مارک به پاریس —

شورش سید لؤلؤ در الجزایر — ملخ خوارگی سخت در الجزایر — فوت ماری املی
 زوجة لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه در انگلیس — فوت تونل از معارف رجال
 دولت — صدور فرمان به واسطه فرانسه و انگلیس در باب علایم مخصوصه از الوان
 بیرقها به جهت تکلم در دریا و قبول فوری دول آنها — سیم تلگراف بحری خط
 مخابره مابین ارلند و ترنورا معتبر می نماید — بنابر این افتتاح سیم تلگرافی بحری
 از دنیای عتیق به دنیای جدید که از نیورک پایتخت اتانونی در ظرف هشت ساعت
 مخابره به پاریس می رسد. (هلاند) — شورش اهالی شهر آمستردام نسبت به اجزای
 حکومتی در اوقات شیوع ناخوشی وبا — مال میری شدید در مرکز اروپا و هلاند و
 سویس. (یونان) — اجماع قشون یونان در سرحدات اپیروتسالی سرحدات دولت
 عثمانی و پرتست دولت عثمانی این مطلب را.

امریکا — (اتانونی) — تفویض سپهسالاری کلّ عساکر این دولت به ژنرال گران
 — برقراری ژنرال شرمان به منصب سرداری کل — این دو نفر سردار در جنگ
 شمالی و جنوبی خدمات نمایان کردند — رئیس ایالات جنوبی ژفرسندویس که
 عدالتخانه حکم قتل او را صادر نموده رئیس جمهوری اتانونی از حبس و قتل او
 گذشته فقط به حبس نظر و بیرون نرفتن او از شهر مَن رُء اکتفا نمودند — قرض
 دولت در این سال معادل دوهزار و ششصد و چهل کرویر پول ایران است — مراوده
 و دوستی این دولت با انگلیس نیز با فرانسه نهایت متزلزل است برخلاف اتحاد
 اتانونی با دولت روس — طغیان سیلها و رودخانه ها. (مکزیک) — در ریکران که
 سرحد اتانونی و مکزیک است سرداران جمهوری طلب که هواخواهان ژوارس
 رئیس جمهوری سابق مکزیک می باشند اجماعی کرده از عساکر اتانونی با خود
 شریک نموده بر ضدّ ماکی میلین امپراطور جدید اردوئی دارند — وزیر امور خارجه
 فرانسه در وین به توسط سفیر اتانونی از دولت مشارالیها تمنا می کند که دولت
 اتانونی بیطرف بماند و مداخله در امور مکزیک نکند. این تمنا بی جواب مانده
 دولت اتانونی تمکین نمی کند، بنابراین نوشته رسمی از طرف وزارت امور خارجه
 فرانسه به سفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده می شود که از این به بعد وجهاً

من الوجوه صرفه خودمان را در حمایت ظاهری دولت مکزیک نمی دانیم و مجبوریم که عساکری را که به کمک امپراطور ماکسی میلین فرستاده بودیم احضار کنیم. بعد از انتشار این خبر در مکزیک سردارهای جمهوری طلب قوی دل شده بیشتر از پیشتر در صدد بهم زدن دولت امپراطور ماکسی میلین می باشند و ایالات شمال بلکه بعضی از ایالات مرکزی را به تصرف در می آورند — ژنرال دُو سردار فرانسه نیز در سمت شمال حمله به آنها می آورد — دولت اتائونی یادداشت رسمی به پاریس می فرستد که اگر فرانسه عساکر خود را کلیتاً از مکزیک احضار نماید او نیز بیطرف خواهد بود و کمک ظاهری به جمهوری طلبان مکزیک نخواهد نمود — قشون شخصی ماکسی میلین که مرگب از اهالی بلژیک و اطریش بودند و عده‌ا چندان زیاد نشده در این مدت خواستند که بعد از رفتن قشون فرانسه بلکه کاری از پیش ببرند اما جنگ و حملات ایشان بی نتیجه و فایده ماند — امپراطور ماکسی میلین از هر جهت خود را بدبخت دیده چنانکه دوستان و هواخواهان او او را می کشند و کمک فرانسه به امپراطور مکزیک از هر جهت بی ثمر بود، و در تمام مکزیک یک مرتبه بنای شورش و بی نظمی شد، حتی از محارم و نوکرهای شخصی امپراطور به او شوریدند. (هایتی) — دولت جمهوری سنت دمینیک که سابقاً جزو هایتی بود و در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار از هایتی جدا شده دولت اتائونی تاکنون او را نشناخته در این سال شناخت — یک قسمت از شهر گنایثو را یاغیان آتش زدند — یانقین های شدید در پرت پرنس. (برزیل) — جنگ مابین برزیل و لوپز رئیس جمهوری پاراگای با کمال شدتست — با وجود زیادی قشون برزیل ژنرال لوپز با نهایت رشادت جنگ کرده جمعیت زیادی از آنها را هلاک می سازد — در ریورنیرو پایتخت برزیل افتتاح اکسپوزیسیون صنایع — اتحاد شیلی با پرو بر ضد اسپانیا و میانجی شدن دول فرانسه و انگلیس در این فقره.

[سنه ۱۲۸۳ هجری = سنه ۱۸۹۶ مسیحی]

آسیا — (ایران) — موکب همایون پس از تفرج و سیر ساحات مازندران از طرف

کلاردشت و راه هزارچم عزیمت معاودت فرموده روز بیست و هشتم محرم تشریف فرمای سلطنت آباد گردید — نظر به ترقی و تکمیل اداره تلگراف ممالک محروسه به هریک از صاحب منصبان که دخیل این خدمت بودند از قرار مسطور در ذیل بذل عنایت فرمودند — علیقلی خان سرتیپ تلگراف منصب و نشان و حمایل سرتیپی اول — میرزا جعفر خان منصب سرهنگی و نشان و حمایل از این درجه — میرزا جواد خان نشان و حمایل سرهنگی — میرزا حیدر علی یاور تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی — میرزا فضل الله خان یاور منصب و نشان و حمایل سرهنگی — میرزا حسن حکیم سامانی ولد مرحوم حکیم قآنی نشان و حمایل و منصب سرهنگی — نصرالله خان یاور منصب و نشان و حمایل سرهنگی — محمد ابراهیم خان ناظم تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی — برحسب اراده سنیه در هذه السنة پارس ثیل سعادت دلیل قرار تقسیم کارها و طرز اداره مهام دولتی را به وزارتخانه های متعدده داده و کفالت هر شعبه از امور را به ملاحظه لیاقت اشخاص به عهده یکی از چاکران مجرب درباری از قرار تفصیل ذیل محول و مرجوع فرمودند:

تقسیم وزارتخانه ها و خدمات و ولایات از این قرار است:

(وزارت جنگ و ریاست قشون کما فی السابق)، (اداره والیگری و حکومت این ولایات: (خراسان)، (سیستان)، (استرآباد)، (شاهرود و بسطام)، (دماوند)، (فیروزکوه)، (کمره)، (جاجرم)، (نردین)، (خوار)، (سمنان)، (دامغان)، (خدمات مرقومه و حکومت ولایات مفصله) به عهده سپهسالار اعظم میرزا محمدخان محول و مفوض است.

(وزارتخانه مالیات و رتق و فتق محاسبات و معاملات دیوانی)، (اداره امور آذربایجان و کردستان و قم و ساوه و زرند)، (حساب ورقه دولتی)، (اداره رختدارخانه و صندوقخانه و اصطبل خاصه و سایر بیوتات دولتی و دواب دیوانی) به عهده جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک مقرر است.

(وزارت علوم و صنایع و تجارت)، (مدرسه دارالفنون و تلگرافخانه ها)،

(معادن)، (روزنامه دولتی و علمی)، (باسمه خانه های دارالخلافه و ولایات)، (کارخانه جات)، (حکومت ملایر و تویسرکان) برعهده اعتضادالسلطنه علیقلی میرزا مفوض و موکول خواهد بود.

(وزارت امور خارجه)، (اداره حکومت (کرمانشهان)، (لرستان)، (نهاوند)، (خرقان))، (تذکره سرحدات)، (راه سازی)، (حفظ و آسایش ملل مختلفه که رعایای این دولت علیه هستند) به عهده وزیر دول خارجه میرزا سعیدخان است. (وزارت حضور همایون)، (اداره حکومت ولایات مفصله (کاشان)، (اصفهان)، (فارس)، (نطنز))، (اداره گمرکخانه های ولایات ممالک محروسه)، محول به امین الدوله فرخ خان خواهد بود.

(وزارت عدلیه) به عهده حاجی محمدقلی خان محول و مفوض است. (وزارت دربار به علاوه ایشیک آقاسی باشیگری)، (شاهزادگان درباری و ولایات)، (علما و سادات دارالخلافه و ولایات)، (اعیان و اشراف دارالخلافه و ولایات)، (غربا و مهمانان ولایات در دربار)، (انتظام امور خادمان حرم و خواجه سرایان)، (عمل بنائی)، (چار پارخانه ها)، (مواظبت رساندن غله دیوانی دارالخلافه)، (حکومت جوشقان)، (حکومت گلپایگان و خوانسار) به عهده محمدناصرخان ظهیرالدوله خواهد بود.

(ایلخانی گری خوانین و آقایان قاجار)، (دارالنظاره)، (حکومت و سرداری قشون مازندران)، (اداره حکومت قزوین و عربستان)، (حکومت محلات) به عهده اعتضادالدوله انوشیروان خان که تازه به این لقب سرافراز و ملقب شده است خواهد بود.

(طهران و توابع و خالصجات و ایلات و اجارات و غیره)، (حکومت کرمان و عراق و درجزین)، (چاپارخانه های راه آذربایجان) را به علاوه (وزارت دارالانشاء) به عهده دبیرالملک میرزا محمدحسین محول و مفوض فرمودند. (وزارت وظائف و اوقاف)، (اداره حکومت همدان) برعهده اعتمادالسلطنه حاجی علی خان است.

(نظم خزانه و مالیات عایدی خزانه)، (جمع آوری وجوه مخصوص خزانه)

اندرون)، (وصول مالیات و اقساط)، رسانیدن وجوه برات داران از قرار حواله دیوان)، (ضرابخانه های ممالک محروسه)، (کالسکه خانه)، (زنبورکخانه)، (حکومت گیلان و یزد) به عهده دوستعلی خان معیرالممالک محول است.

(مهرداری مهر مبارک)، (اداره حکومت بروجرد و خمسه)، به علاوه (احضار وزرا و رساندن اخبار از جانب سنی الجوانب همایون) به عهده امین الملک پاشاخان محول است.

(ریش سفیدی خلوت)، (ریاست تفنگداران سرکاری) کمافی السابق به عهده میرزا هاشم خان امین خلوت مرجوع گردید.

به پاداش خدمات در راه مازندران محمّدعلی خان برادر اعتضادالدوله به منصب بیگلربیگی گری و میرزا مسیح به منصب استیفا از درجه چهارم و خلعت همایون نایل گردیدند — حبیب الله خان سرتیپ تنکابنی به نشان و حمایل از مرتبه اول سرتیپی مفتخر آمد — محمّدقلی خان شاطرباشی به نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی نایل شد — تنبیه و تفریق طوایف تراکمه تگه و تخریب محکمه و مساکن آنها که در حدود خراسان مایه فتنه و شر و بی نظمی بودند به مأموریت شهاب الملک امیرتومان سردار قشون خراسان — نواب حشمت الدوله به حکمرانی بروجرد و عربستان منصوب شدند — عزیزخان سردار کلّ به سرداری کل قشون ظفرنمون و وزارت جنگ برقرار گردید — منصب کشیکچی باشی گری مجدداً به محمدمهدی خان واگذار و مرحمت شد — حکومت مملکت خراسان را به علاوه حکمرانی خوار و سمنان و دامغان و شاهرود و بسطام و استرآباد و سیستان به عهده کفایت جناب سپهسالار موکوله فرمودند و بعد از چند روزی جناب معزی الیه روانه به محل مأموریت خود گردید — به واسطه بروز ناخوشی وبا در تبریز حضرت مستطاب اجل اعظم مظفرالدین میرزا ولیعهد دولت علیه به اردبیل تشریف بردند — دهم جمادی الثانیه موکب همایون از ییلاق تشریف فرمای دارالخلافه گردید — مراقبت کلیه امور دارالخلافه را برعهده جناب آقای مستوفی الممالک موکول فرمودند و به صوابدید جناب معظم جناب علاءالدوله را به بیگلربیگی گری طهران و میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا موسی را به متصدی گری کل خالصه جات طهران انتخاب

نمودند — محض ترفیه خلق و مراعات تجار گمرک بسیاری از اجناس را معاف کردند — بعضی نشانها از جانب دولت روس به رجال و اکابر این دولت موهبت شد و به اجازه اعلیحضرت همایون قبول و زیور پیکر خود نمودند —

محمّد اسمعیل خان وکیل الملک سردار به اعطای عصای مرصع سرافراز و مستقلاً به حکومت کرمان و بلوچستان مفتخر آمد و مرتضی قلی خان سرهنگ فوج ملایر ولد معزی الیه به سرتیپی دو فوج کرمان نایل گردید — حاجی رشیدخان بیگدلی به منصب استیفا از درجه سیم قرین مفاخرت گشت — نظر به کثرت مخابرات تلگرافی داخله و خارجه به نواب اعتضاد السلطنة وزیر علوم حکم فرمودند یک خط سیم دیگر از سرحد بوشهر الی سرحد جلفا بر همان تیرهای سابق امتداد دهند —

فوجی مرکب از دو یست و پنجاه نفر به توسط نواب اعتضاد السلطنة از ملایر گرفته و به ذوالفقارخان سرهنگ مهندس سپرده شد که آنها را مشق دهد — در این ایام سیم تلگراف ایران با سیم تلگرافی دولت روس و انگلیس اتصال یافت — نظر به اتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی اعلیحضرت سلطان عثمانی این اوقات نشان سلطنتی دولت خودشان را که مکّال به الماس می باشد به رسم هدیه مصحوب حاجی عصمت افندی مین باشی برای اعلیحضرت شاهنشاهی یادگار فرستادند —

بنده مؤلف به منصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز شد — حکومت استرآباد را به نواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا مرحمت فرمودند — چون میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله سرتیپ اول در سیستان خدمت کرده بود او را به منصب امیرتومانی مفتخر فرمودند — شب پنجشنبه چهاردهم ذیقعدة الحرام ده ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل کرد و سلام خاص و عام تحویل و عید در حضور همایون منعقد شد — خشتهای طلا که برای گنبد امامین همامین عسکریین علیهما السلام حسب الامر همایون ساخته اند در ماه ذیقعدة با مأموریت علی رضاخان پیشخدمت خاصه (جناب عضدالملک) حمل به عراق عرب شد — نواب والا محمّد تقی میرزا حکمران ولایت خمسه را به لقب رکن الدوله ملقب فرمودند — میرزا زکی مستوفی به پیشکاری خمسه سرافراز شد — روز پانزدهم ذیحجة الحرام موکب همایون به عزم سفر سعادت اثر خراسان و زیارت ارض

اقدس و سرکشی آن مملکت از دارالخلافه باهره به قصر دوشان تپه نقل مکان فرموده روز بیست و سیم روانه مقصد شدند — میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا موسی به وزارت دارالخلافه و پیشکاری حضرت اجل افخم والا نایب السلطنه مفتخر گردید — وزارت گمرکخانه های ممالک محروسه به میرزا محمد قوام الدوله تفویض شد — علیقلی خان نایب اول آجودانباشی به منصب سرتیپی دویم مباحی گردید — غلامعلی خان سربندی به نشان و حمایل سرتیپی قرین افتخار گشت — حاجی حسین خان شهاب الملک امیرتومان به یک قطعه نشان امیرتومانی و حمایل آن سربلند گردید — میرزا ابراهیم خان نایب دویم وزارت خارجه به اعطای نیابت اول و نشان و حمایل سرتیپی دویم و کفالت مهام خارجه آذربایجان سرافراز و مأمور شد — میرزا محمدعلی خان کارپرداز اول دولت علیه مقیم بمبئی به اعطای منصب سرتیپی دویم و نشان و حمایل قرین مباحات آمد — میرزا معصوم خان کارپرداز مخصوص دولت علیه مقیم حاجی ترخان به اعطای نشان سرتیپی سیم و حمایل آن مفتخر گشت — سیدسلطان محمد ملقب به شاهزاده جهان برادر حکمران جزیره کمرو که جزیره ایست نزدیک به مادگاسکر واقع در جنب افریقیه به دربار همایون آمده مقارن انتهای موکب معلی به سفر خراسان شرفیاب حضور مبارک و مورد تفقدات گردیده از جانب دولت علیه برای مشارالیه منزل و مخارج منزل معین شد — حسنعلی خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص مقیم پاریس و میرزا سلیمان خان شارژدافر و سایر اجزای سفارت احضار به دربار همایون شده میرزا یوسف خان سرتیپ به سمت شارژدافری مأمور سفارت پاریس گردید، و علی خان سرتیپ پسر مرحوم حسین خان نظام الدوله به رسم کارپردازی اول مأمور اقامت تفلیس شد — حاجی محسن خان سرتیپ اول به سمت شارژدافری مأمور سفارت لندن گردید. (چین) — با وجود ضدیت علمای مذهبی ایجاد مدرسه به جهت تعلیم و تعلم السنه فرنگ در پکن پایتخت. (ژاپن) — فرستادن برادر طیقون را به سن پترزده سالگی با جمعی از معارف به سمت سفارت در دربار دول فرنگ — انعقاد مجلس شوری در آن مملکت.

اروپا — (اسپانیول) — شورش ایالت کاتالان و ساراگوس — ملاقات پادشاه پرتوغال با ملکه. (اطریش) — ملاقات امپراطور فرانسه با امپراطور اطریش در سالس بورگ که نتیجه ملاقات اسباب خیال و سوء ظن غربی برای دولت پروس گردید — صدارت مسیو بُست — شنیدن امپراطور در اوایل تابستان خبر فوت برادر خود ماکسی میلین امپراطور مکزیک را که به دست جمهوری‌ان در گرتز مکزیک به قتل رسید — ملاقات امپراطور با پادشاه باویر — ملاقات امپراطور با پادشاه پروس در مملکت باویر و مسافرتش به پاریس و لندن. (آلمان) — دول جنوبی خصوصاً باویر مایل بر این اند که وضع قشون خود را به سبک عساکر پروس نمایند و اتحاد معنوی با او پیدا کنند — ساکس و ورتنبرگ هم با باویر در این مسئله متحداند و پادشاه پروس را به سمت سردار اعظمی کل عساکر آلمان اعم از دول شمالی و جنوبی می شناسند — ملاقات پادشاه پروس با پادشاه ساکس در درژد پایتخت پادشاه ساکس — افتتاح مجلس پارلمنت — کنفدرامیون شمالی به دست پادشاه پروس بشخصه با حضور جمیع شاهزادگان و بعضی سلاطین و وزرای تمام آلمان — قرن‌ها بود که چنین تجملی از برای هیچیک از سلاطین آلمان دست نداده بود — دول آلمان به وحشت اینکه مبدا لوکسانبورگ به دست فرانسه بیفتد بالا تفاق با پروس سازش باطنی نمودند و این سازش و دوستی باطنی که سالها مخفی بود آشکارا گردید و برای جنگ آتیه با فرانسه که قریب الظهور می دیدند — مدیر و مدبر عساکر پروس ژنرال ملک و ژنرال رون وزیر جنگ بعضی قواعد و قوانین جدید ایجاد می کنند — عدد نفوس دول شمالی که خود را در تحت سلطنت پادشاه پروس قرار داده بودند به شصت کرور رسیده است و در هنگام صلح این شصت کرور نفس باید سیصد هزار نفر قشون مستعد آماده داشته باشند. (انگلیس) — بروز قحط و غلا در اغلب شهرهای این مملکت — بیتیابی و اضطراب اهالی لندن در این فقره — تدارک جنگ دیدن دولت انگلیس بر ضد پادشاه حبشه تادروس، که با وجود شورش داخله این مملکت مصمم مقاتله با عساکر انگلیس است — برای تدارک این جنگ معادل ده کرور تومان ایران استقراض می کند، سیر و برنیر مپهسالار

این قشون است، تدارکات این جنگ از هر حیثیت کمال اشکال را دارد زیرا که حمل و نقل آذوقه و قورخانه را به واسطه چهار پایان باید به داخله حبشه نمود — ورود عبدالعزیزخان سلطان عثمانی و والی مصر به انگلیس در تابستان. (ابطالیا) — عروسی دوک داوست پسر دویم پادشاه در سن بیست و دو سالگی و ازدواج او با یکی از نجبای اهل مملکت. (روس) — استعفای پرنس دادیان از والی گری ایالت منگرلی و دادن حقوق خود را به اعلیحضرت امپراطور روس — پرنس کرچاکف به لقب صدارت عظمی ملقب گردید — ازدواج دختر گراندوک قسطنطین الکا به پادشاه یونان — بعضی فتوحات در بخارا. (عثمانی) — بعضی جوانها که از نجبای مملکت بودند در خیال آزادی افتادند که اغلب آنها را دولت محبوس کرد و جلای وطن داد — صدارت عالی پاشا وزارت خارجه فوادپاشا — مدت غیبت اعلیحضرت سلطان که به فرنگستان رفته بود چهل روز شد — شورش سخت اهالی قندی و حمایت آشکارای دولت یونان از آنها — مسافرت عالی پاشای صدراعظم به قندی برای استمالت یاغیان — سرداری عمر پاشا به جهت تدمیر یاغیان — تفویض لقب خدیوی به والی مصر — عبور سفاین تجارتنی از نهر سوئیز — شورش اهالی بلغارستان و آرام گردیدن آنها — برداشتن دولت عثمانی قشون خود را از قلعه بلغراد سربستان. (فرانسه) — اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از برای جذب قلوب اهالی فرانسه به واسطه خطبی که از رجال دولت در مسئله مکزیک به ظهور رسیده بود مسیو امیل الیوی به را که یکی از وکلای دست چپ بود به سمت خود استمالت داده وعده وزارت به او می دهد — آزادی روزنامه ها در افتتاح مجلس پارلمنت — امپراطور در خطبه خود استعداد قشون از وکلای ملت برای حفظ و حراست حدود و ثغور مملکت فرانسه می طلبد — به احتیاط اینکه مبدا دولت مجبور به منازعه با پروس شود هفتاد هزار قشون علاوه بر معمول حاضر نمودند و بعد از چندی که اطمینانی حاصل شد مرخص خانه شدند — نقار و ضدیت کثنی رعیت و وکلای ملت با دولت در فقره مکزیک — در مدت شش سال که دولت قشون به مکزیک فرستاد سیصد و شصت ملیان فرانک که معادل هفتاد و دو کرویر تومان ایرانست مخارج بیفایده برای دولت بهم رسید — مسیو طیر مخصوصاً با کمال تشدد

قباحت اعمال دولت را آشکارا می نماید — افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در پاریس — ورود اغلب از سلاطین اروپا حتی سلطان عثمانی به پاریس از برای تماشای اکسپوزیسیون — از سلاطین که به پاریس و تماشای این اکسپوزیسیون نیامدند پادشاه انگلستان و پادشاه اسپانیا و پادشاه ایتالیا بودند — هنگام بودن امپراطور روس در پاریس در سان قشون که ناپلیون امپراطور فرانسه به جهت تشریفات سلاطین حاضر در پاریس که از جمله پادشاه پروس بود در حوالی پاریس می داد قبل از وصول به میدان مشق شخصی لهستانی طپانچه به طرف امپراطور روس خالی می کند بدون اینکه گلوله به اعلیحضرت معظم بخورد — رفتن امپراطور ناپلیون به تغزیت به مملکت اطیش — علت مزاج امپراطور ناپلیون و رفتن ایشان به پارئیس یکی از بنادر فرانسه به معالجه — شهرت اتحاد باطنی دولت ایتالیا با پروس — غلا و تسعیر نان در پاریس و سایر بلاد دیگر و شکایت و نارضائی مردم از دولت در اغلب نقاط — دولت فرانسه به واسطه عظمت پروس کمال تحسیر را دارد و درصدد این است که ایالت لوکسانبورگ را که جزو ایالات آلمان محسوب شده ولیکن سلطنت آنجا با پادشاه هلاند است متصرف گردد و اجرای این عمل را به رضایت پادشاه هلاند طالب است — پادشاه هلاند به حسب ظاهر تمکین نموده اما باطناً پادشاه پروس را از این ماجرا اطلاع می دهد — تغیر سخت پادشاه پروس از این مقدمه و اتحاد دول جنوبی و شمالی آلمان به یکدیگر برخیزد فرانسه — تهیه جنگ چه از طرف دولت فرانسه و چه از طرف دول آلمان علی الخصوص پروس. (هلاند) — وبای سخت در اغلب بلاد. (یونان) — تحریک دولت مخفیاً و آشکارا اهالی جزیره قندی را به شورش نسبت به دولت عثمانی — مسافرت پادشاه به فرنگ و ازدواجش با یکی از شاهزاده خانم های روس.

امریکا — (اتائونی) — ابتیاع دولت اتائونی بعضی اراضی را که در حوالی این مملکت دولت روس متصرف بود — کسر عدد قشون بتری و بحری — نقار و کدورت ظاهری و باطنی با انگلیس به واسطه حمایت از ایالت جنوبی که یاغی بودند — امتداد سیم تلگراف بحری از فلرید به جزیره کوبا.

[سنه ۱۲۸۴ هجری = سنه ۱۸۶۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — چنانکه در اواخر سال قبل اشارت شد موکب همایون روز بیست و سیم ذیحجه از دوشان تپه به منزل خاتون آباد تشریف فرما شدند — حضرت شاهنشاهزاده امجد والا نایب السلطنه حکمران دارالخلافه را در غیاب موکب همایون به نیابت سلطنت کبری مخصوص فرموده جناب آقای مستوفی الممالک به وزارت مالیه و انتظام خزانه و وصول و ایصال مالیات برقرارند و سایر وزارتخانه های جلیله نیز به ترتیبات سابقه است — از همراهان این سفر خیریت اثر نواب مستطاب مهدعلیا و جمعی از خادمان حرم جلالت — و از شاهزادگان فخام ملک منصور میرزا و سلطان احمد میرزای عضدالدوله و غیرهما — و از وزرا و چاکران بزرگ ملتزم رکاب اعلیٰ جناب فرخ خان امین الدوله و انوشیروان خان اعتضادالدوله و حاجی علی خان اعتمادالسلطنه و محمدناصرخان ظهیرالدوله و میرزا محمدحسین دبیرالملک و پاشاخان امینالملک و جمعی از مستوفیان عظام و امراء کرام و صاحبمنصبان عسکریه و ارباب مناصب خلوت همایون مثل میرزا هاشم خان امین خلوت و یحیی خان آجودان مخصوص و غیرهم هستند — بالجمله روز بیست و پنجم ذیحجه از خاتون آباد به شریف آباد و از آنجا به ایوان کیف و از ایوان کیف به قشلاق و از قشلاق به منزل پاده نهضت ملوکانه فرمودند، در این منزل میرزا علینقی طبیب و پیشخدمت خاصه ملقب به حکیم الممالک گردید، روز بیست و نهم به دهنمک نزول اجلال فرمودند — دوشنبه غره ماه محرم موکب همایون تشریف فرمای لاسجرد گردید — دویم محرم به شهر سمنان شرف ورود ارزانی فرمودند، روز پنجم از سمنان انتهاز فرموده تشریف فرمای آهوان شدند — روز ششم از آهوان نهضت فرموده به قوشه نزول اجلال نمودند، روز هفتم امیرآباد منزلگاه موکب همایون گردید — روز هشتم شهر دامغان به مقدم مبارک مزین آمد — روز دوازدهم محرم تشریف فرمای قریه مهمان دوست شدند — روز سیزدهم قریه ده ملا مضرب خیام سلطنتی گردید — روز چهاردهم ساحت بسطام منزلگاه موکب همایون آمد — در این وقت جهانسوز میرزا به حکومت شاهرود و بسطام منصوبست

— میرزا سید کاظم مشرف اصطبل خاصه در بسطام به منصب مستوفی گری سرافراز شد — روز هفدهم از بسطام به خیرآباد تشریف فرما گردیدند — روز هیجدهم قریه ارمیا منزلگاه موکب اعلی بود — روز نوزدهم تشریف فرمای منزل میامی شدند — روز بیستم منزل میان دشت مضرب خیام معلی گردید — روز بیست و یکم از میان دشت به منزل عباس آباد تشریف فرما شدند — روز بیست و دویم آشتربند مضرب خیام اردوی همایون شد — روز بیست و سیم به منزل داورزن نزول اجلال فرمودند — روز بیست و پنجم از داورزن به منزل مهر توجّه فرمودند — روز بیست و ششم قریه رسید منزلگاه موکب همایون گردید — روز بیست و هفتم سبزوار به یمن قدوم ملوکانه مزین آمد — جناب سپهسالار حکمران مملکت خراسان از مشهد مقدس تا اینجا موکب اعلی را استقبال کرد، چون ارک شهر سبزوار به مرور دهور خرابی بهم رسانیده بود به جناب سپهسالار امر فرمودند که آنرا مرمت نماید — روز غره ماه صفر موکب همایون از سبزوار به رباط زعفرانی تشریف فرما گردید، دویم صفر از زعفرانی به زمان آباد توجّه فرمودند — روز سیم صفر نیشابور به ورود موکب منصور مزین شد — روز هشتم از نیشابور به قدمگاه تشریف فرما گردیدند — روز یازدهم تشریف فرمای دیزآباد شدند — روز دوازدهم به شریف آباد نزول اجلال فرمودند — روز سیزدهم به جانب طرق نهضت فرما شدند در بین راه در محلّ موسوم به تپه سلام حضرت شاهنشاهزاده اجل والا جلال الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و حاجی بهاء الدوله و سایر چاکران و اعیان خراسان به رسم استقبال به تقبیل رکاب اعلی نایل گردیدند — روز چهاردهم موکب مسعود به مشهد مقدس ورود فرمود و لدی الورود ذات اقدس همایون به زیارت روضه مقدسه رضوی سلام الله علیه تشریف جسته جیقه مبارک را که علامت خاصه سلطنتی است محض احترام پیشکش آستانه مشرفه حضرت فرمودند — منزل خاص وجود مبارک در ارک مشهد بود و اردوی معلی در خارج ارک سکنی گرفت و شرح جغرافیا و ابنیه و آثار ارض اقدس مفصلاً در جلد دویم^۱ مرآت البلدان موسوم به مآثر السلطان نگارش یافته

۱. این شرح در جلد سیم است نه در جلد دویم.

است — روز شانزدهم خوانین و سرکردگان و صاحبمنصبان خراسانی به توسط جناب سپهسالار شرفیاب خاکپای فرقدسا گردیدند — نیز میرزا مسیح و سایر صاحبمنصبان و سرکردگان مازندرانی به توسط اعتضادالدوله شرفیابی حاصل نمودند — روز هفدهم وقت نماز صبح جناب سپهسالار داعی حق را لبیک اجابت گفت و خاطر مهر مظاهر از این جهت متألم گردید — از استرآباد خبر رسید که مراد ملقب به ایشان به سمت آق قلعه تاخته و با نواب ملک آرا جنگ در انداخته و جناب حاجی ملارضای رئیس العلماء در این جنگ به درجه شهادت فایز گردیده و خود ملک آرا با معدودی در خانه آدینه خان که از خدمتگذاران دولت است متحصن گردیده محمدمیرزا پسر نواب معزی الیه زخم گلوله و شمشیر برداشته و چون جمعیت نواب ملک آرا کم و تراکم چندین هزار نفراند پیشرفتی برای او نشده است — دو ساعت از شب رفته چاباری از دارالخلافه رسیده مرده داد که نواب ملک آرا غالب و تراکم منهنزم و «ایشان» به تیر خود نواب معظم کشته شده است — امیر شاهنوازخان پسر مرحوم سلطان احمدخان حاکم هرات با عبدالله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علی کذائی و خزرائی و دیگر طوایف افغان که از راه سیستان به همراهی مظفرالدوله به جهت شرفیابی آستان همایون آمده بودند نیز به تفقدات خسروانه مباهی گردیدند، و مبلغی در این روز به اهل استحقاق مشهد سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بذل و انعام فرمودند و جمعی را به وظیفه و مستمری داخل در جرگه دعاگویان و آسوده نمودند — سردار یعقوبخان والی هرات پسر سردار امیر شیرعلی خان که به عزم شرفیابی آستان مبارک آمده بود با تمام بزرگان و اعیان هرات و افغانستان به توسط ظهیرالدوله بار حضور همایون یافت و عرض پیشکشها نمود — حاجی متیرزا رضای مستوفی خراسان به لقب مستشارالملکی و حمایل و نشان از درجه دویم سرتیپی سرافراز شد — حاجی محمداقرخان وکیل طبس عمادالملک لقب یافت و محمّدحسین خان ولد مشارالیه به منصب سرهنگی نایل گردید — روز هیجدهم ربیع الثانی آستان عرش نشان حضرت رضوی علیه السلام را وداع فرموده موکب معلی تشریف فرمای چمن قهقهه گردید — روز نوزدهم به چشمه گیلان نزول اجلال فرمودند — نواب پرویز میرزا حاکم سبزوار ملقب به تیرالدوله

شده از خاکپای مبارک اجازه انصراف به محل حکمرانی خود یافت — روز بیستم
 چمن کوباغ منزلگاه موکب معلی گردید — روز بیست و یکم به بلده رادکان
 تشریف فرما گردیدند — روز بیست و سیم از رادکان به منزل سوهان نزول اجلال
 فرمودند — روز بیست و چهارم به علی آباد که اول خاک قوچانست تشریف فرما
 گردیدند — روز بیست و پنجم قوچان به ورود مسعود خسروانه مزین آمد —
 امیرحسین خان ایلخانی را شجاع الدوله لقب دادند و به ابوالحسن خان پسر مشارالیه
 شمشیر گل مرصع مرحمت شد — بیست و نهم موکب همایون تشریف فرمای چمن
 لیلی گردید — روز غرة ربیع الثانی به منزل فیض آباد نزول اجلال فرمودند — روز
 دویم ربیع الثانی شهر شیروان به ورود مسعود شاهانه مزین گردید — روز سیم
 منزل عبدالآباد مضرب خیام شد — روز چهارم به قریه نوده تشریف فرما شدند — روز
 پنجم ربیع الثانی بلده بجنورد به مقدم مبارک مزین آمد — چون تنبیه و تدبیر
 تراکمه طاغیه يموت و ککلان مکنون خاطر همایون بود از اینجا جعفرقلی خان
 سهام الدوله ایلخانی را با جمعی قشون ظفرنمون و سواره خراسانی و غیره را مأمور
 این خدمت فرمودند و شب هشتم وقت سحر از صحرای شوغان به سمت مقصود
 روانه گردیده بعد از نماز صبح روز چهاردهم به آلاچیق های تراکمه تاخته زیاده از
 هزار اسیر و دویت نیزه سر و ألجه زیاد به دست آوردند — روز هشتم موکب فیروز
 از بجنورد تشریف فرمای فیروزه گردید — روز نهم از فیروزه به چهاربید نزول
 اجلال فرمودند — روز دهم چهاربید سنخاص مضرب خیام معلی گردید — در غالب
 نقاط خط این راه مقرر شد قراولخانه ها و قلعه جات بنا نمایند — روز یازدهم موکب
 معلی به جاجرم تشریف فرما گردید — روز سیزدهم از جاجرم به قریه ایور و دره
 تشریف فرما شدند — روز چهاردهم نردین به مقدم مبارک مزین آمد — روز
 شانزدهم موکب همایون از نردین به کاشی دار نهفت فرما گردید — در این منزل
 اعتضادالدوله را به حکومت استرآباد سرافراز فرمودند و نواب جهانسوز میرزا به نیابت
 جناب ایشان معجلاً به استرآباد رفت و خود اعتضادالدوله از منزل خوش ییلاق از
 حضور همایون مرخص و روانه مقر حکومت شد — روز هفدهم تیلاور منزلگاه
 اردوی همایون گردید — روز هیجدهم از تیلاور به خوش ییلاق انتهاض فرمودند —

امیرحسین خان شجاع الدوله به خلعت همایون سرافراز و اجازه انصراف به محل حکمرانی خود یافت — روز نوزدهم از خوش ییلاق به کلاته خیج بسطام تشریف فرما شدند — حیدرقلی خان سهام الدوله به خلعت همایون و نشان امیرتومانی سرافراز و رخصت معاودت به بجنورد یافت — روز بیستم از کلاته خیج به کرمه و قلعه نو نهضت فرما شدند — روز بیست و سیم به قریه ابرمیج بسطام نزول اجلال فرمودند — روز بیست و چهارم به تاش تشریف فرما شدند — روز بیست و پنجم شاهکوه مضرب خیام معلی گردید — روز بیست و ششم چهارده کلاته منزلگاه اردوی همایون بود — روز بیست و هشتم به چشمه علی دامغان تشریف فرما گردیدند — غره جمادی الاولی تشریف فرمای سرخه ده شدند — روز دویم فولادمحله مضرب خیام مبارک گردید — روز سیم به منزل خرنه توجه فرمودند — روز چهارم تشریف فرمای اسران شدند، در این منزل از دارالخلافت خبر رسید که ناخوشی وبا در ماه ربیع الاول اشتداد داشته و تا روزی هفتصد نفر تلف می کرده است و اینک تخفیف کلی یافته و اسمعیل خان خزانه دار نظام به این مرض درگذشته — بالجمله روز پنجم به چمن گورسفید نزول اجلال فرمودند — روز ششم اردوی همایون به سمت شورستان و جلگه فیروزکوه انتهاض فرمود — روز هفتم تنگه واشی مقر اردوی معلی گردید — یحیی خان ژنرال آجودان مخصوص حضور همایون به یک قطعه نشان و حمایل از درجه امیرتومانی سرافراز شد — آقا علی آشتیانی پیشخدمت خاصه به لقب امین حضور ملقب گردید — علیرضاخان قاجار پیشخدمت خاصه که حامل خشتهای طلای گنبد مطهر امامین همامین عسکرین علیهما السلام بود بعد از انجام این مأموریت بزرگ مراجعت کرده در این محل به خاکپای مبارک مشرف شد — روز یازدهم به قریه لزوز تشریف فرما گردیدند و دوازدهم به منزل ارجمند، و در این منزل میرزا علی خان پیشخدمت و منشی حضور همایون مخلف گردیده مرتخص و روانه دارالخلافت شد — روز سیزدهم به زرنا تشریف فرما شدند — روز چهاردهم به سرچشمه انکمار، و روز پانزدهم به خاک لاریجان توجه فرمودند — روز شانزدهم چشمه لای دماوند به قدوم مبارک مزین گردید — روز نوزدهم به سمت مبارک آباد دماوند حرکت فرمودند — از قرار عریضه محمد اسمعیل خان وکیل الملک حکمران

کرمان و میر علم خان حشمت الملک امیر قاین و سیستان، قلعه نادعلی را که آن سمت رود هیرمند و از قلاع محکمه است قشون ظفرنمون بعد از محاصره و محاربه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و متصرف شده اند — روز بیستم به رستان مین محال لواسان نزول اجلال فرمودند — روز بیست و یکم لتیان و کنار رود جاجرود محل اردوی همایون بود — یکشنبه بیست و دویم جمادی الاولی باليمن و السعاده وارد سلطنت آباد گردیدند — روز دهم جمادی الثانیه تشریف فرمای قصر دوشان تپه گردیدند — روز پانزدهم شهر دارالخلافه به مقدم بهجت شیم مقدس مزین گردید — جناب آقای مستوفی الممالک در این روز به ریاست وزرا سرافراز و به اعطای قلمدان مرصع و جبهه شمس الماس که از علامات این منصب جلیل است مفتخر گردیدند — حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران فرمانفرمای آذربایجان و حضرت شاهنشاهزاده اعظم یمین الدوله حکمران اصفهان را به دربار همایون احضار فرمودند — هم در این سال سیلی عظیم در دارالخلافه آمده بعضی ابنیه و بیوتات را خراب کرد — میرزا قهرمان مشیر لشکر لقب امین لشکری یافت و به نشان سرتیپی از درجه اول با حمایل آن سرافراز آمد — میرزا علی اکبرخان آجودانباشی توپخانه به نشان و حمایل سرهنگی مفتخر گردید — میرزا حبیب الله لشکرنویس ملقب به مشیر لشکر شد — چون در عراق عرب ناخوشی طاعون بروز کرده حکم شد در سرحدات قرانتین بگذارند — وزارت خراسان را به عهده جناب ظهیرالدوله واگذار و وکالت آن ایالت را به پاشاخان امین الملک مفوض فرمودند — حاجی میرزا محمدخان به لقب مجدالملکی ملقب و به منصب جلیل متولباشیگری حضرت امام ثامن علیه السلام سرافراز گردید — حکومت بلوک خوار به جناب دبیرالملک و مهام فیروزکوه و دماوند به میرزا هاشم خان امین خلوت واگذار شد — پیشکاری حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه و کارگذاری مملکت آذربایجان را به نواب والا نصرت الدوله واگذار فرمودند — امین لشکر به جهت رتق و فتق امور مالیاتی و رسیدگی به کارهای نظام مأمور آذربایجان گردید — در ماه جمادی الآخره در تبریز هفت شبانه روز به جشن عروسی حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه با صیته مرحوم میرزا تقی خان اتابیک اعظم از نواب علیه

عالیه عزت الدوله اشتغال نمودند — میرزا عیسی وزیر دارالخلافه به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد — محاسبه دارالخلافه طهران و توابع را به عهده میرزا عباس خان معاون الملک واگذار فرمودند — مدرسه دارالفنون ترقی کلی کرده و کتب مفیده علمیه زیاده معلّمین و متعلّمین ترجمه و تألیف کرده اند — محمد اسمعیل خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان داعی حق را لیبیک اجابت گفت و حسین خان شهاب الملک امیر تومان به حکومت کرمان منصوب گردید — جناب مسیو دوبونیر، وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مأمور به اقامت دربار دولت علیه با تشریفات وارد دارالخلافه شد — نصرالله خان سرتیپ زنبورکخانه به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد — نواب حشمت الدوله را به حکومت عربستان و بروجرد منصوب فرمودند — میرزا سید حسین سر رشته دار چاپارخانه به پیشکاری کرمان برقرار گردید — چون جمعیت و آبادی دارالخلافه نهایت رو به ازدیاد نهاده و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد مقرر فرمودند که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران یک هزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یک هزار ذرع وسعت دهند و کفالت این امر را به عهده جناب آقای مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه موکول فرمودند و روز یکشنبه یازدهم شعبان شروع به این امر نموده محض تیتمن سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی کلنگی از نقره به دست مبارک بر زمین زده و حضرت امجد شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه نیز اقتدا به وجود مسعود همایون کرده کلنگی بر زمین زدند از آن پس مأمورین به حفر خندق مشغول گردیدند. دور این شهر تخمیناً سه فرسنگ و نیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود و از این روز شهر طهران موسوم به دارالخلافه ناصری گردید — نواب والا معتمد الدوله فرهاد میرزا به نشان امیرنویانی سرافراز شدند — آقاخان محلاتی که چندین سال است که در صفحات هندوستان متوقف می باشد سه زنجر فیل و یک کرگدن به دربار معدلتمدار فرستاد — هم در این سال بنای عمارت مبارکه شمس العماره که به پنج مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستانست صورت اتمام یافت — دروازه مبارکه ناصری در انتهای خیابان ناصریه نیز زیور اتمام پذیرفت — میرزا محمد صادق قایم مقام به

پیشکاری حضرت امجد شاهنشاهزاده والا ولیعهد دولت علیه و وزارت آذربایجان برقرار گردید که حین مراجعت حضرت شاهنشاهزاده اعظم والا در ملازمت ایشان روانه آذربایجان گردد، و نواب نصرت الدوله را به حکمرانی قزوین منصوب فرمودند — در این اوان ایام هفته به اشاره علیه به نحو مخصوصی به مشاغل دولتی تقسیم شد — محمود آقای سرهنگ و معلم پیاده نظام به سرهنگی فوج خلیج قم سرافراز گردید — میرزا اسحق خان به منصب کارپردازی ارزنة الروم مأمور شد — روز چهارم شوال موکب همایون عزیمت شکارگاه مسیله و زیارت بقعه منوره حضرت معصومه فرمود — حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران را اجازه انصراف به محل حکمرانی خود داده روانه آذربایجان شدند و قایم مقام که به ریاست و پیشکاری آذربایجان برقرار شده بود در خدمت حضرت معظم روانه گردید — نواب والا معتمد الدوله را به حکمرانی کردستان منصوب و مأمور فرمودند در بهبهان این اوقات تگرگی باریده که دانه های آن به بزرگی نارنج بوده — روز بیست و دویم شوال موکب همایون از شکارگاه مسیله و قم معاودت فرمودند — اعتضاد الدوله حکمران و سردار استرآباد بعد از نظم آن حدود و سرکشی به مازندران به خاکپای مبارک مشرف شده به نشان امیرتومانی سرافراز گردید — میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان به وزارت حضرت امجد شاهنشاهزاده والا یمین الدوله برقرار و در خدمت حضرت معظم روانه اصفهان شد — میرزا کاظم خان لله باشی مرحوم جلاله الدوله به نشان و حمایل از درجه اول سرهنگی نایل آمد — حاجی محمدخان پسر مرحوم وکیل الملک به منصب پیشخدمتی مفتخر شد — میرزا سید کاظم سر رشته دار صندوقخانه به منصب استیفا سرافراز گشت — علیقلی میرزا صبارم الدوله ولد نواب عماد الدوله به نشان و حمایل امیرتومانی سرافراز گردید — علیقلی خان نایب آجودانباشی به یک قطعه نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل آن میاهی آمد — میرزا محمدحسین ولد میرزا محمدباقر لشکرنویس به منصب لشکرنویسی برقرار گردید — روز بیست و پنجم ذیقعدة الحرام چهار ساعت و دو دقیقه از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص در تالار جدید شمس العماره در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید —

یحیی خان آجودان مخصوص به لقب نبیل معتمدالملکی ملقب گردید — میرزا زمان به منصب کلانتری شهر دارالخلافه سرافراز شد — عبدالرزاق خان سرهنگ فوج خرقانی به منصب سرتیپی فوج مزبور نایل آمد — چون میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله مرحوم شد منصب سرتیپی فوج خمس را به آقاخان پسر آن مرحوم مرحمت فرمودند — اسبان اصطبل توپخانه مبارکه را به مراقبت محمدتقی خان افشار واگذار نمودند — روز آخر ماه ذیحجه یک ثوب جبه ترمه کشمیری شمسه دار مکل به یاقوت و الماس که مخصوص وزیر اعظم و شخص اول است به جناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند — پاشاخان شجاع الملک ملقب به مظفرالدوله گردید، دو فوج خمس و پانصد سوار آنجا را ابوابجمع حاجی مهرعلی خان شجاع الملک فرمودند — استرآباد و مازندران و شاهرود و بسطام که به حکمرانی اعتضادالدوله مقرر است از قرار ذیل نواب برای آن ولایات تعیین شد: (حکومت مازندران به اعتمادالدوله پسر اعتضادالدوله به پیشکاری حاجی میرزا یحیی خان سرتیپ نوری)، (نیابت حکومت استرآباد به محمدعلی خان بیگلربیگی واگذار شد)، (نیابت حکومت شاهرود و بسطام به محمدحسین خان پسر شریف خان واگذار آمد.

(افغانستان) — منازعه بخارا با امیر شیرعلی خان و فتح بلغ به دست امیر شیرعلی خان. (چین) — فرستادن یک دسته از رجال دولت به سمت سفارت به اغلب بلاد فرنگ به ریاست شخصی ینگی دنیائی. (ژاپن) — جنگ و شورش در داخله — خیال عامه اینست که میکاؤ که پادشاه حقیقی است بدون مداخله طبقون مستقلاً به امور سلطنت برسد — دو دسته شدن دیئوسها (یعنی نجبای مملکت) — غلبه هواخواهان میکاؤ بر هواخواهان طبقون.

اروپا — (اسپانیول) — شورش در ایالت گرناد — نارضائی مردم از دولت — اخراج بلد نمودن ایزابل ملکه همشیره خود و شوهر او را به اتهام سازش با یاغیان — ضدیت سردارهای قشون با ملکه — بروز کینه و عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثنا با ملکه — ایجاد و تشکیل دولت موقتی به ریاست سررائه — اهالی اسپانیا

درصدد این هستند که وضع دولت را جمهوری قرار بدهند — خروج دُن کارلس که یکی از اقوام ملکه سابق بود — جمعی از اهالی اسپانیا در خیال این هستند که پادشاهی از خارج برای خود انتخاب کنند و وضع جمهوری را قبول ندارند — شناختن دولت اتانونی جمهوری اسپانیول را و بعد از آن شناختن تمام دول متدرجاً این جمهوری را — بروز شورش در جزیره کوبا متعلق به اسپانیا که همین شورش مقدمه یک جنگ طولانی خونریزی شد که در آتیه ذکر خواهیم نمود — فرار ملکه ایزابل به مملکت فرانسه و پناه یافتن در آن مملکت. (اطریش) — عدد قشون تمام ممالک اطریش در حال صلح به ششصد هزار مقرر شد. (آلمان) — کوشش پادشاه پروس و مسیو بیسمارک صدراعظم در اتحاد و اتفاق دول آلمان و شناختن آنها پادشاه پروس را به ریاست خود — افراشتن مجسمه لوتر رئیس مذهب پروتستانی آلمان در حجت با حضور پادشاه پروس — تهیه جنگ پروس و فرانسه با کمال دقت و سختی در آلمان دیده شده است — خیال میانجیگری دولت انگلیس را مابین پروس و فرانسه که بلکه احترازی از این جنگ قریب الظهور بشود، اغلب روزنامه های آلمان نمی پسندند. (انگلیس) — صدارت دیسرایلی — شورش و انقلاب سخت در ارلند — استعفای دیسرایلی بعد از چند ماه و صدارت گلاستون رئیس طایفه ویگ — فتوحات قشون انگلیس به سرداری نپیه در حبشه با وجود مخاطرات و موانع طبیعی در این نقطه — جنگ سخت در حوالی ماگدلای پایتخت حبشه — بیشتر عساکر انگلیس از بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند تا بالاخره در اواسط حمل یورش به پایتخت برده آنجا را تصرف نموده تأدیس پادشاه در بین جنگ خود را به دست خود گشت — نپیه سردار بعد از این فتح به لقب لردی نامیده شد — اختراع تفنگ مارتینی و توپ هانری در مملکت انگلیس و قبول کردن دولت این اسلحه را و تقسیم نمودن آنرا به قشون خود. (ایتالیا) — ازدواج ولیعهد با صبیبه دوک دُرُن موسوم به مارگریت — طغیان کوه آتشفشان اتنا. (پرتوغال) — ضدیت مردم با یکدیگر در مسئله اتحاد اسپانیول و پرتوغال و تفویض سلطنت اسپانیا به پادشاه پرتوغال. (دانمارک) — ازدواج ولیعهد این دولت با دختر پادشاه سوئد. (روس) — دوچار شدن ایالات شمال به قحط و غلا و بروز ناخوشی طیفوس در

فلاند — تقسیم تفنگ ته پر به عساکر روس — فتوحات در ترکستان بخارا — فتح سمرقند به دست ژنرال گفمان. (سویس) — طغیان رودخانه ها که از کوه آلپ جریان دارد — و طغیان آب دریاچه ها — خرابی اغلب آبادیها — اتلاف مال و آدم زیاد و رسیدن خسارت به مردم زیاد از سه کرور. (عثمانی) — قتل والی سرب میشل در گردشگاه خارج شهر بلغراد و نصب میلان برادرزاده او به سن چهارده سالگی — شورش سخت در جزیره قندی — حرکت یونانیها بر ضد عثمانی — دخالت دول فرنگ در کار یونان و عثمانی — صدور فرمان اعلیحضرت سلطان که ولایتعهد حق پسر خدیو است برخلاف قانونی که رسم بوده که ارشد اولاد به خلافت می رسیده است. (فرانسه) — شورش آشکار بعضی از شهرها به دولت بعد از پانزده سال امنیت و آسودگی اغوا نمودن شورشیان مردم را به واسطه روزنامه و غیره — نطق های سخت و خطبه های خشن در مجلس و کلا از جانب مسیو طیرو ژولفاور — تقسیم تفنگ موسوم به شاسپو به قشون فرانسه با کمال عجله — فوت والفسکی از معارف — درگذشتن رسینی معلم معروف علم موسیقی — فوت بارون مبرزچل در سن هفتاد و شش سالگی در عالمی که اول شخص بامکنت مردم دنیا بود.

افریقا — (مرغش) — بی اقتداری سلطان سید مولا محمد — یاغیگری بعضی ایلات عرب خاصه طایفه ظهیر و غارت اطراف شهرها — بروز وبای سخت در میان این طایفه و پراکنده کردن این طایفه را.

امریکا — (مکزیک) — شناختن دولت اتانونی دولت جمهوری مکزیک را به ریاست ژوارن. (ینگى دنیای جنوبی) — بروز وبای سخت در این مملکت — منازعه سخت برزیل با پاداگای — بروز حمای زرد در مملکت پرو — زلزله سخت در پائیز این سال در اغلب نقاط روی زمین، و به واسطه این زلزله در حوالی کالیفرنیا و شیلی طغیان آب دریا سبب خرابی اغلب آبادیها و هلاکت مردم گردید.

[سنه ۱۲۸۵ هجری = سنه ۱۸۶۸ مسیحی]

آسیا - (ایران) - از ابتدای این سال ذات بیهمال همایون به تعمیم مکارم و
مراحم شاهانه درباره خاص و عام متوجه بود - علیرضاخان پیشخدمت خاقانه
حضور همایون ملقب به عضدالملک گردید - نواب مؤیدالدوله به پیشکاری و
کارگذاری مملکت آذربایجان مأمور و به اعطای جبه شمسه دار مفتخر گردیدند -
سردار کل عزیزخان وزیر جنگ به اعطای یک رسته حمایل آبی از درجه اول
امیرنویانی سرافراز آمد - نواب شاهزاده محمدامین میرزا برحسب استدعای نواب
اعتمادالسلطنه وزیر علوم به نیابت ملایر و توپسرکان مفتخر گردید - جناب
رضابیک وزیر مختار دولت عثمانی مأمور اقامت دربار دولت علیه وارد دارالخلافه
شد - نواب حسام السلطنه فرمانفرمای مملکت فارس به یک رأس اسب خاقانه با
یراق مرقع جواهرنشان مفتخر گردیدند - کاظم خان سرتیپ به منصب
فراشباشپگری سرافراز آمد - مرتضی قلی خان قوللر آقاسی باشی به منصب
کشیکچی باشیگری مباحی شد - حیدرقلی خان پسر مرحوم محمّدولی خان قاجار از
اجزای دیوانخانه گردیده و به خلعت همایون سرافراز گشت - حاجی بهاءالدوله به
بیگلربیگی گری تبریز برقرار گردید - موکب همایون از مقر خلافت عزیمت
بیلاقات لار و غیره فرمود - مسیو کاستکر مهندس نمساوی به پاداش ساختن راه
هزارچم مازندران به لقب خانی سرافراز آمد - هم در این اوقات شاهنشاهزاده
معظم جلال الدوله حکمران خراسان داعی حق را لیک اجابت گفتند - در
یازدهم جمادی الاولی موکب معلی از بیلاقات به قصر سلطنت آباد مراجعت فرمود
- شب یازدهم جمادی الاولی تقریباً پنج ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در
طهران و کاشان و قم و فیروزکوه شد - حاجی علی خان اعتمادالسلطنه والد مؤلف
در سلخ ربیع الاول داعی حق را لیک اجابت گفت و شرح احوال آن مرحوم مفصلاً
در جلد دویم^۱ مرآت البلدان موسوم به مآثر السلطان نگارش یافته است -

مجدالدوله امیراصلان خان به حکومت گیلان منصوب آمد — ناصرقلی خان نایب الحکومه خمس به لقب عمیدالملکی سرافراز شد — نظر به مراتب ترقیات و مراسم قابلیت حضرت شاهنشاهزاده امجد افخم والا نایب السلطنه ایشان را به منصب جلیل و لقب نبیل سرداری کلّ قشون سرافراز و به اعطای یک ثوب سرداری دور مروارید شمس مرصع و یک قبضه شمشیر مکّلل به الماس و قبای زری مباهی فرمودند، و نواب حشمت الدوله به نیابت اوّل وزارت جنگ و مراقبت در انتساق و انتظام امور لشکر مأمور و به یک ثوب سرداری شمس مرصع مفتخر گردیدند — امارت و ریاست توپخانه مبارکه را مزید سایر مشاغل انوشیروان خان اعتضادالدوله فرموده به یک ثوب سرداری شمس مرصع معزی الیه قرین افتخار آمد و خان خانان پسر اعتضادالدوله به منصب نظارت و خوانسالاری و خلعت همایون درجه اختصاص یافت — جناب میرزا محمدحسین دبیرالملک به منصب متولیباشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز آمد — علیرضاخان عضدالملک به منصب خازنی مهرآثار درجه افتخار یافت — عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه به منصب جلیل وزارت وظایف و اوقاف مفتخر گردید — حاجب الدوله حاجی محمدخان به حکومت خرقانین و خلعت همایون سرافراز شد — مسجد ملک در بلده کرمان که از بناهای قاورد بن چغریک بن میکائیل بن سلجوق است حسب الامر به اهتمام شهاب الملک حکمران کرمان تعمیر شد — مدرسه ای نیز به امر اعلی در کرمان به جهت تلامذه جناب حاجی سیدجواد مجتهد کرمانی از نو ساخته اند — میرزا سیدحسین وزیر کرمان به منصب استیفا و خلعت همایون نایل شد — روز هشتم رجب شاگردان مدرسه مبارکه دارالفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات هریک مشهود و به انعامات شاهانه سرافراز گردیدند — این اوقات قرار و ترتیب جدیدی در امر قشون ظفرنمون دادند که مبتنی بر انتظامات کلیه و منتج ترقیات آنیه بود — میرزا کاظم خان لله باشی مرحوم جلال الدوله به منصب استیفا از درجه چهارم نایل گردید — آقاسید ابوطالب روضه خوان ملقب به صدرالذاکرین شد — میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه به نشان شیر و خورشید از درجه اوّل سرتیپی و حمایل آن مفتخر آمد — حاجی رجبعلی خان سرتیپ توپخانه به ریاست کلّ

توپخانه آذربایجان برقرار گردید — جناب میرزا حسین خان مشیرالدوله را از درجه وزیر مختاری و ایلچی گری مخصوص ارتقاء و به تفویض رتبه سفارت کبری اعتلاء داده به یک ثوب جبهه ترمه شمشه مرصع مخلم فرمودند — جناب علاء الدوله رئیس قورخانه را به اعطای نشان تمثال بی مثال همایون سرافراز داشتند — حیدرقلی خان ایلخانی سهام الدوله بر سر ترکمانان طاغیه حدود خراسان ایلغار و بعد از جنگی سخت آنها را تدمیر و تنبیه کامل نمود — نواب مؤیدالدوله پیشکار آذربایجان به یک قطعه نشان امیرنویانی قرین افتخار آمدند — غلامحسین خان پسر مرحوم علیقلی خان نایب آجودانباشی به همین منصب سرافراز گردید — این اوقات اعتضادالدوله داعی حق را لبیک اجابت گفته حکومت استرآباد را به عهده اعتمادالدوله پسر آن مرحوم واگذار فرمودند و محمدعلی خان بیگلربیگی به نیابت حکومت استرآباد برقرار گردید و عین الملوک پسر دیگر مرحوم اعتضادالدوله به منصب نظارت و خوانسالاری و لقب عین الملکی سرافراز شد، و حاجی میرزا یحیی خان کمافی السابق به نیابت حکومت مازندران مباهی می باشد — نواب بهرام میرزا معزالدوله به حکمرانی ولایت عربستان و بروجرد و اعطای یک ثوب جبهه شمشه مرصع سر بلند آمدند و میرزا زکی مستوفی به وزارت نواب معزی الیه و خلعت همایون نایل آمد — نواب والا فرهاد میرزا معتمدالدوله حکمران کردستان به یک قطعه نشان امیرتومانی مکمل به الماس قرین اختصاص گردیدند — علی خان پیشخدمت خاصه به منصب تحویلداری وجوه نظام سرافراز آمد — محمد مهدی خان که به منصب کشیکچی باشی گری مسبوق بود مجدداً به این منصب مفتخر گشت — این اوقات مجدداً شجاع الدوله امیرحسین خان شادلو و حیدرقلی خان سهام الدوله ایلخانی زعفران لو در صحرای اتک آخال بر طایفه تگه مروی آخال نشین تاخته به کلی این طایفه طاغیه را مقهور بلکه نابود نمودند — احتشام الملک پسر مرحوم احتشام الدوله به حکومت کاشان سرافراز آمد — سلیمان خان سرتیپ اول افشار به حکومت و سرداری استرآباد سرافراز گردید — میرزا علی اکبرخان از اداره وزیر علوم به نیابت حکومت ملایر و تویسرکان و لقب مقرب الخاقانی مفتخر گشت — نواب حشمت الدوله نایب وزیر جنگ به لقب جلیل امیرجنگی درجه اختصاص یافتند —

میرزا عبدالرحیم خان وزیر مختار دولت علیه که مقیم پترزبورغ بود ملقب به ساعدالملک شد — حاجی میرزا علی مشکوةالملک به حکومت همدان منصوب گردید — محمدتقی خان افشار پیشخدمت خاصه و امیرآخور اصطبل توپخانه به یک قطعه نشان دویم سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد — روز شنبه ششم ذیحجه ده ساعت و سی دقیقه و چهل و سه ثانیه از روز گذشته نثر اعظم از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص در تالار شمس العماره انعقاد یافت — حضرت شاهنشاهزاده افخم اکرم والا نایب السلطنه را به منصب جلیل و لقب نبیل امیرکبیری درجه امتیاز عنایت و به اعطای یک ثوب سرداری شمس مرصع و یک قطعه گل کمر مکمل به الماس مباهی فرمودند — نواب حشمت الدوله به حکمرانی مملکت خراسان منصوب و عزیزخان سردار کل کمافی السابق به سرداری کل نظام و غیرنظام سرافراز گردید — محمدآقای سرهنگ نایب اول سفارت دولت علیه در بار دولت انگلیس به اعطای منصب سرتیپی از درجه سیم و حمایل مخصوص آن سربلند آمده که به محل مأموریت خود روانه گردد — میرزا محمدعلی خان اصفهانی شمس الشعراء مرحوم شد. (ژاپن) — اجرای قواعد و قوانین جدید — اجازه دخول فرنگیها در اغلب بنادر — قرار دادن شهر یڈ را رسماً پایتخت دولت — سفرای فرانسه و انگلیس و ایتالیا و هلاند و پروس و اتائونی در این پایتخت من بعد سفارتخانه خواهند داشت — ایجاد مجلس شورای دولتی که اجزای آن تمام دیپلوسها (یعنی نجبا و اعیان) هستند.

اروپا — (اسپانیول) — نیابت سلطنت و اختیار کلّ دولت را رعیت به مارشال سرّانه گذاشتند — شورش اهالی کوبا با کمال شدت — وبا و تب زرد نیز در این جزیره شایع است. (انگلیس) — مخارج جنگ حبشه که به مجلس وکلای ملّت عرضه داشتند به هیچده گرور لیره که هر لیره عبارت از بیست و پنج هزار است رسیده است — فوت لرد دربی رئیس طایفه توریها در سنّ هفتاد سالگی. (ایتالیا) — تولّد پسر ولیعهد در شهر ناپل و ملقب نمودن او را به شاهزاده ناپل. (بلژیک) — فوت ولیعهد پسر واحد پادشاه در سنّ نه سالگی. (روس) — شورش

طایفه قالموق و قرقیز و تصرف نمودن آنها شهر اولارکس را در حوالی دشت و بعد از تعاقب نمودن قشون روس آنها را پناه بردن آنها به خان خیوه — فرستادن امیر بخارا سفیر و پسر خود را به طور گروی به پترزبورغ و کاستن شوکت امیر بخارا به واسطه تصرف روس تقریباً نصف مملکت او را و هرسال نیز مجبور است به جهت مخارج جنگ مبلغی به کارگذاران روس تسلیم نماید و پسر بزرگش نیز با او یاغی است — بخشش اعلیحضرت امپراطور تقصیرات شمیسل را.

امریکا — (اثاثونی) — انتخاب رعیت ژنرال گران را به ریاست.

[سنه ۱۲۸۶ هجری = سنه ۱۸۶۹ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال امور ملک و دولت را از پرتو نظر عنایت سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری رونقی به کمال است — حکومت اصفهان را مستقلاً به میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان مفوض و معزی الیه را به خطاب جنایی و اعطای یک ثوب جبه ترمه پولک دوز شمس مرصع سرافراز فرمودند — نظر به خدمات مرحوم محمد اسمعیل خان وکیل الملک مرتضی قلی خان پسر آن مرحوم را به لقب وکیل الملکی و حکمرانی کرمان و بلوچستان مفتخر داشتند — مستشار الملک خراسانی به نشان و حمایل از درجه اول سرتیپی و پیشکاری کل خراسان سرافراز آمد — میرزا خاندان منشی وزارت امور خارجه به کارگذاری مهام خارجه گیلان و نشان و حمایل از درجه سرهنگی سرافراز شد — شاهزاده سام میرزا که از مدحت سرایان این دولت است به لقب شمس الشعرائی سرافراز گردید — نواب والا نصرت الدوله که به انتظام امور قورخانه برقرار بودند به منصب نیابت وزارت جنگ سرافراز شدند — لقب و منصب معیر الممالکی را بر حسب استدعای امیر دوستعلی خان معیر الممالک به امیر دوست محمد خان ولد مشاڑ الیه مرحمت فرمودند — علی خان پیشخدمت خاصه ملقب به امین صره گردید — آقاخان سرتیپ را ملقب به صمصام الدوله فرمودند — حبیب الله خان سرتیپ اول تنکابنی به لقب ساعد الدوله سرافراز آمد — علیقلی خان سرتیپ و رئیس تلگرافخانه های ممالک محروسه ملقب

به مخبرالدوله گردید — میرزا حسین خان پسر مرحوم میرزا مسعود وزیر دولخارجه سابق نیابت امور خارجه یافت — موکب همایون تشریف فرمای شهرستانک و قریه دونا و گچسّر می باشد — میرزا زکی خان سرهنگ قورخانه مبارکه به منصب سرتیپی سرافراز شد — علی خان سرتیپ کارپرداز اول دولت علیه مقیم تفلیس به نشان و حمایل سرتیپی سرافراز گردید — میرزا مهدی خان منشی وزارت امور خارجه به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرتیپی با حمایل آن مباحی آمد — موکب همایون روز هشتم جمادی الثانی از شهرستانک به سلطنت آباد نزول اجلال فرمود — جناب مسیوبکر که به سمت وزیر مختاری از جانب دولت روس مأمور اقامت دربار دولت علیه بود وارد دارالخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد — آقاابراهیم آبدارباشی خاصه به لقب امین السلطانی و خلعت همایون سرافراز گردید — علینقی خان پسر کاظم خان فراشباشی به سرهنگی فوج قهرمانیه شقاقی برقرار آمد — هم در این سال فتح اورامان کردستان به اهتمام نواب والا معتمدالدوله حکمران کردستان اتفاق افتاد و طوایف طاغیه اکراد که روزگاری در سرحد مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی به قطع طرق و نهب اموال و بی اطاعتی ولات کردستان عادت کرده بودند تنبیهی بسزا دیده مخدول و مندفع الشّر شدند — مرتضی قلی خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید با حمایل از درجه اول سرتیپی قرین مفاخرت آمد — جناب حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیرکبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول به اعطای یک رشته حمایل آبی و یک رشته بند کاغذ مرصع قرین اختصاص آمد — نواب ضیاءالدوله به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید — حاجی میرزا یحیی خان نایب الحکومه مازندران به یک قطعه نشان شیر و خورشید و یک رشته حمایل از درجه سرتیپی مفتخر شد — روز بیست و سیم رجب متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات آنها مشهود افتاد — نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم را به یک ثوب سرداری شمس مرصع سرافراز فرمودند — چون محمدابراهیم خان معمارباشی عمارتی جدید حسب الامر در جاجرود بنا نموده که پسند خاطر اقدس ملوکانه افتاد مشارالیه به اعطای یک قطعه گل کمر و نشان و

حمایل از درجه سرتیپی سرافراز شد — نصرالله خان سرتیپ فوج فراهانی به لقب نصرالملکی مفتخر گردید — میرزا محمدعلی مستوفی ولد مرحوم میرزا محمدحسین عضدالملک ملقب به صدر دیوانخانه شد — حاجی شریف خان مستشار لشکر حاکم ترشیز و تربت برحسب استدعای نواب حشمت الدوله حکمران خراسان به لقب مستشارالدوله گئی مباحی آمد — حاجی محسن خان شارژدافر دولت علیه ایران مقیم لندن به اعطای منصب وزیر مقیم دربار دولت انگلیس برقرار گردید — محمدآقای سرتیپ که نایب اول سفارت دولت علیه و مقیم لندن بود و به دارالخلافه باهره احضار شده به منصب مستشاری سفارت مزبوره و خلعت همایون سرافراز و روانه محلّ مأموریت خود گردید — نواب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان و لرستان و نهاوند را احضار به دارالخلافه نمودند و روز عید فطر نواب معظم الیه را به نشان از درجه سیم امیرنویانی سرافراز نمودند — کاظم خان فراشباشی ملقب به حاجب الدوله گردید — حاجی میرزا علی مشکوةالملک به منصب وکیل الرعایائی کل ممالک محروسه برقرار گشت — دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون به یک قطعه نشان تمثال بی مثال مبارک قرین افتخار گردید — امین حضور پیشخدمت خاصه را مأمور تنظیفات و انتظامات شهر دارالخلافه و حوالی فرمودند — نواب حشمت الدوله حکمران خراسان در تدمیر طوایف تراکه اهتمام نموده و قاری قلعه و طژن و قلعه ای موسوم به قوشه که از قلاع بزرگ طایفه طاغینه است فتح نموده اند — غلامحسین خان سپهدار به وزارت عدلیه برقرار و منصوب گردید — چون به جهت برخی مواد سرحدیه دایره مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی باید کمیسیون از طرفین مأمور و روانه سرحد شود میرزا محبعلی ناظم دفترخانه وزارت خارجه به اعطای خلعت همایون سرافراز و به جهت مقصود مزبور مأمور سرحد شد — نظراً که به منصب شارژدافری و اقامت دربار دولت فرانسه و خلعت همایون و نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرتیپی با حمایل آن سرافراز شد — میرزا عبدالله نایب اول سفارت به لقب خانی و مستشاری سفارت برقرار گردید — میرزا احمدخان نایب دویم سفارت به نیابت اول نایل آمد — بعضی بتائیه ای عمده در حدود و قلاع سرحدیه استرآباد به امر دولت کردند — میرزا زکی پیشکار عربستان و

بروجرد ملقب به ضیاءالملک شد — نواب شجاع السلطنه فتح الله میرزا ابن خاقان مغفور داعی حق را لیبیک اجابت گفت — جناب شیخ عبدالحسین مجتهد نیز در عتبات عالیات به جوار رحمت الهی پیوست — موکب همایون روز یکشنبه بیستم شهر شوال از دارالخلافة به عزم سفر خیریت اثر گیلان انتهاض فرمود در غیاب موکب مسعود شاهانه حضرت شاهنشاهزاده امجد اکرم نایب السلطنه امیرکبیر و جناب اجل آقای مستوفی الممالک به مهام ملکی می پردازند — از وزرای عظام نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم و وزیر امور خارجه و ظهیرالدوله ملتزم رکاب اعلی می باشند — موکب مقدس دو روز در کن و دو روز در عمارت سلطانی کرج اقامت فرمود — روز بیست و پنجم شوال سنقرآباد مضرب خیماء اجلال گردید — روز بیست و هفتم به قشلاق و روز بیست و هشتم به عبدلآباد و روز بیست و نهم ساحت هزارجریب را تشریف قدوم ارزانی فرمودند — سلخ شوال به قزوین و غره ذیقعه از قزوین به قریه آقابابا و دویم به قریه کندی و روز چهارم به دره ملاعلی توجه فرمودند — روز ششم پل لوشان که اول خاک گیلان است محل اردوی همایون بود و روز هفتم ماه به منجیل و روز نهم به رستم آباد تشریف فرما شدند — پل منجیل به توسط جناب حاجی ملارفیع مجتهد در کمال استحکام ساخته شده است — روز دهم جنگل امامزاده هاشم و کنار رودخانه سفیدرود به ورود مسعود شاهانه زینت یافت — روز یکشنبه یازدهم شهر دارالمرز رشت را به قدوم بهجت لزوم مبارک آراستند و در این روز ژنرال قولی بکین حاکم بادکوبه و توابع که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس با جمعی از حکام و صاحب منصبان قفقاز به تهنیت ورود موکب اقدس آمده بود بار حضور مبارک یافت و قونسولهای دول متحابه فرانسه و انگلیس که متوقف رشت بودند شرفیابی حاصل نمودند و علماء و معارف گیلان و لاهیجان در روز دیگر به حضور مبارک نایل شدند — روز شانزدهم موکب همایون عزیمت انزلی فرمود — مجدالدوله از حکمرانی گیلان استعفا نموده زمام حکومت این ایالت را به کف کفایت جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه واگذار فرمودند — علما و اعیان انزلی و اردبیل و غیره که در انزلی شرفیاب شده بودند به خلایع همایون سرافراز گردیدند — ژنرال قولی بکین به نشان

تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز و سایر صاحبمنصبان روسی نیز هریک به نشان و حمایل از درجه ای که درخور بود مفتخر گردیده مرخص شدند — سیف الملک حاکم طوالش به نشان شیر و خورشید و خلعت همایون مباهی آمد — میرعلی اکبرخان دریابییگی به نشان سرهنگی و خلعت همایون نایل گردید — لطف الله میرزا سرهنگ توپخانه به نشان و حمایل سرهنگی سرافراز شد — نصرالله خان سرهنگ خارج از فوج به نشان و حمایل سرهنگی و شمشیر گل و ته طلا و حکومت گرگان رود مفتخر گشت — امان الله خان به حکومت طالش دولاب و غیره و اعطای شمشیر ته طلا، سر بلند شد — رحیم خان به حکومت شاندرمین و شمشیر ته طلا، سرافراز آمد — سایر اعیان و بزرگان و صاحبمنصبان نظام و غیره نیز به عوطف شاهنشاهی مباهی گردیدند — روز بیست و ششم از راه منکوده که کنار رودخانه مبارک آباد واقع است و به راه پیربازار وصل می شود موکب همایون عازم رشت گردید، و روز بیست و هفتم علما و اعیان رشت و غیرهم را به عوطف و خلاع و انعامات ملوکانه قرین اختصاص و مباحات فرمودند — روز سلخ قونسولهای خارجه را به خلاع فاخره و اشیاء نفیسه مفتخر داشتند — روز غره شهر ذیحجه باليمن والسعادة از شهر دارالمرز انتهاض و عزیمت صوب دارالخلافة فرمودند — روز پانزدهم مقر سلطنت کبری و دارالخلافة ناصری به قر قدم بهجت لزوم شاهنشاهی دام ملکه مزین گردید — شب دوشنبه هیجدهم که شب عید غدیر بود بعد از گذشتن چهار ساعت و بیست دقیقه و سی ثانیه نیز اعظم از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص در پیشگاه حضور اقدس انعقاد یافت — هم در این سال حضرت اجل اکرم شاهنشاهزاده کامکار یمین الدوله حکمران فارس به لقب جلیل ظل السلطان ملقب گردیدند — میرزا رضا پسر مرحوم میرزا زین العابدین البرز به منصب مستوفی گری مباهی گشت — میرزا شفیع منشی وزارت خارجه به لقب خانی سرافراز آمد — محمد کاظم خان ولد مرتضی خان قاجار به سرهنگی فوج دویم خاصه برقرار گردید — محمد صادق خان سرتیپ برادر شهاب الملک که به مکه معظمه مشرف شده بود در عرض راه به رحمت ایزدی پیوست — آقاسید محمدباقر مجتهد قزوینی داعی حق را لبیک اجابت گفت.

اروپا - (اطریش) - مسافرت امپراطور اطریش به سمت مشرق زمین که از راه رسجق و وارنا به اسلامبول و از آنجا به یونان و از یونان به ژافا و از آنجا به بیت المقدس و از این شهر به مصر آمده و در افتتاح نهر مجمع البحرین سوئیز حضور بهم رسانیده بعد مراجعت به فرنگ نمودند - انعقاد معاهده تجارتنی با پادشاه سیام و خاقان چین. (عثمانی) - خشنودی اعلیحضرت سلطان از اینکه دول فرنگ رفع مخاصمه او را با یونان نمودند - فوت فؤادپاشا وزیر امور خارجه در نیس از بنادر فرانسه - تفویض وزارت جنگ به حسین عونى پاشا که حاکم جزیره قندى بود به توسط عالی پاشا صدراعظم - مسافرت والى مُنتینگرو بدون اجازه اعلیحضرت سلطان به تمام فرنگستان و به روسیه و مراجعت نمودن به ولایت خود با پرنس دالکروکی که یکی از آجودانهای خاصه امپراطور روس است - مسافرت والى افلاق بغداد نیز به فرنگستان و مزاجت با پرنس الیزابت در سویس - خدیو مصر که مغرور به الطاف اعلیحضرت سلطان شده بود بدون اجازه و اذن باب عالی در قاهره افتتاح مجلس شورائی می نماید، نیز بی رخصت به فرنگستان سفر نموده سلاطین عظیم الشان را دعوت به افتتاح نهر مجمع البحرین سوئیز می کند (هشتاد کروور و دویست هزار و هفتصد و هشتاد تومان و دو قران مخارج این بوغاز شده و طول بوغاز بیست و هشت فرسخ و یکصد ذرع عرض و هشت ذرع عمق دارد) و در این مورد حلیم پاشا عموی خدیو و مصطفی پاشای برادرش که از خواص اعلیحضرت سلطان هستند سعایت از خدیو می کنند، بنابراین صدراعظم عثمانی تهدیدنامه به خدیو مصر می نویسد که اولاً عدد قشون خود را کم کند، ثانیاً بر عدد سفاین جنگی نیفزاید، ثالثاً هر سال کتابچه خرج و دخل خود را به باب عالی اسلامبول انفاذ دارد، رابعاً بدون اجازه اعلیحضرت سلطان نه مراوده تجارتنی و نه پولیتیکی با هیچ دولتی از دول فرنگ نداشته باشد، خامساً بدون اذن اعلیحضرت سلطان استقراضی ننماید - بالجمله بعد از ده سال کار به ریاست فردیناند دُلش پس فرانسوی در هفدهم نوامبر این سال افتتاح نهر مجمع البحرین سوئیز گردید - حضور اغلب از سلاطین و شاهزاده های بزرگ فرنگ در جشن افتتاح نهر مزبور به جز شاهزاده های خانواده

انگلیس. (فرانسه) - فوت لامارتین شاعر معروف در اواسط زمستان - فوت مارشال نیل - وزارت جنگ ژنرال بولوف - چون این سال سال صدم تولد ناپلیون اول بود برای تبرک و جشن در این خانواده ملکه و ولیعهد به جزیره گرس که موطن و مولد ناپلیون اول می باشد سفر می کنند - شدت مرض امپراطور ناپلیون سیم و به این واسطه هرج و مرج امورات - خطبه های شورش انگیز خواندن پرنس ناپلیون ابن عم اعلیحضرت ناپلیون - بروز وبا در کمال شدت در متصرفات فرانسه در مآچین - مسافرت امپراطریس به مشرق زمین و حضور ایشان در مصر به موقع افتتاح نهر مجمع البحرین. (یونان) - مخاصمه مابین این دولت و دولت عثمانی که بدو از ابتدای شورش اهالی قندی بود و تا این زمان امتداد داشت و به واسطه یک مجلس کنفرانس که در پاریس منعقد گردید مأمورین دول فرنگ که در آن مجلس جلوس نمودند رفع مخاصمه شد - معدوم شدن شهر سنت مر به واسطه زلزله.

[سنه ۱۲۸۷ هجری = سنه ۱۸۷۰ مسیحی]

آسیا - (ایران) - جناب مؤتمن الملک که حسب الامر چند روزی در گیلان اقامت داشت زمام انتظام آن ولایت را بر عهده میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره (جناب نصیرالدوله) واگذار نموده خود به خاکپای مبارک مشرف آمد - حکمرانی یزد را به نواب حسام السلطنه تفویض فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤیدالدوله) ولد نواب معظم الیه به وزارت میرزا محمدحسین مستوفی به نیابت حکومت آن ولایت رفت - عزیزخان سردار کلّ به وزارت و پیشکاری آذربایجان سرافراز گشت - میرزا ابوالقاسم معین الملک به منصب متولیباشی گری حضرت رضوی علیه السلام سربلند آمد - محمدقلی خان شاطرباشی ملقب به صارم الملک شد - سرایدارباشی به درجه سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن نایل گردید - نقشه اراضی شهر جدید دارالخلافة ناصری را جعفرقلی خان رئیس مدرسه مبارکه دارالفنون و میرزا عبدالغفار معلم کلّ علوم ریاضی با بیست نفر مهندس کشیده به توسط نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم به حضور مبارک برده به سه هزار تومان انعام سرافراز شدند

— مجدالدوله به منصب امیرآخوری اصطبل مبارک سرافراز گردید — علیرضاخان عضدالملک به اعطای نشان تمثال همایون درجه اختصاص یافت — حکومت همدان را ضمیمه حکومت کردستان فرموده به نواب والا معتمدالدوله واگذار فرمودند و امیرزاده سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه از جانب ایشان به حکومت همدان رفت — آقامهدی ملک التجار مرحوم شد — آقامحمدکاظم ولد آن مرحوم به منصب ملک التجاری ایران مفتخر گشت — علینقی خان سرتیپ فوج کرازی ملقب به صمصامالملک شد — محمدحسین خان قراگوزلو پسر مرحوم علی خان نصرتالملک به لقب حسامالملکی مباحی گردید — میرزا محمدحسین خان نایبالحکومه اصفهان ولد صاحبدیوان به نشان و حمایل سرتیپی سرافراز آمد — حاجی محمدقلی خان آصف الدوله وزیر فارس به یک قطعه نشان تمثال همایون مباحی گردید — امیرزاده اسمعیل میرزا ولد نواب معزالدوله به نشان و حمایل سرتیپی سرافرازی حاصل نمود — میرزا ابوطالب خان نائینی نایبالحکومه لرستان مرحوم شد — محمدحسین خان حاکم سمنان و دامغان به لقب اعتضادالملکی مفتخر گردید — یوسف خان شجاع الدوله حاکم خوی و سلماس و ارومی به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول امیرتومانی با حمایل آن قرین مفاخرت آمد و فوج خوی را نیز علاوه بر سه فوج افشار ابوابجمع مشارالیه فرمودند — نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم به یک قطعه نشان امیرنویانی مکمل به الماس با حمایل آن درجه اختصاص یافتند — میرزا سیداحمد مستوفی به حکومت ولایت عراق منصوب آمد — میرزا علی خان منشی حضور و نایب اول وزارت خارجه (جناب امین الدوله) به نشان از درجه ثانیه خارجه مباحی گردیدند — بنده مؤلف به اعطای یک قطعه گل کمر مکمل به الماس سربلند شد — میرزا سیدابراهیم سررشته دار مالیات خراسان به منصب استیفا از درجه چهارم نائل آمد و میرزا محمدحسین پیشکار خمس نیز به همین منصب سرافراز شد — مستشارالملک خراسان در ازای راه انداختن تدارکات اردوی قاری قلعه و التزام خدمت نواب حشمت الدوله حمزه میرزا به نشان تمثال همایون مفتخر گردید — امان الله خان سرتیپ بهاءالملک لقب یافت — علی خان پسر سلیمان خان صاحب اختیار حکمران استرآباد به منصب

سرهنگی فوج اخلاص افشار اسدآبادی مباحی گردید — میرزا حسن خان پسر ارشد مرحوم میرزا مسعود وزیر امور خارجه سابق به نیابت اول وزارت خارجه نایل آمد — میرزا اسدالله خان نایب اول سفارت دولت علیه مقیم پترزبورغ به کارپردازی اول تفلیس مأمور شد — میرزا عبدالله به مأموریت مخصوص بندرعباس سرافراز و به نشان و حمایل اول سرهنگی نایل گشت — جناب صاحب دیوان حکمران اصفهان به یک رشته حمایل آبی سیر قرین امتیاز آمد — از وقایع معظمه این سال مسافرت بندگان اعلی حضرت شهر یاری به ساحت عراق عرب و زیارت عتبات عالیات است چنانکه در سفرنامه مخصوص همایونی به شرح رفته است — روز بیستم ماه جمادی الثانی از دارالخلافه الباهره حرکت فرمودند، ریاست و حراست اردوی معلی با نواب حسام السلطنة است — در غیاب موکب همایون حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنة و جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اول به مهمان ملکی رسیدگی می نمایند — اغلب از رجال دولت و خواص عملة خلوت ملتزم رکاب اعلی می باشند — ناظم افندی شارژدافر عثمانی و مسیو کرپل نایب اول سفارت روس نیز همراه هستند — روز سیزدهم رجب که عید مولود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود شهر همدان به قدوم بهجت لزوم مبارک مزین آمد — روز غرة شعبان عمارت عمادیه در یک فرسنگی کرمانشاهان واقع در کنار رود قراسوبه قدوم مبارک مزین گردید — روز بیست و یکم تشریف فرمای خانقین شدند — از طرف دولت عثمانی اردوئی مفصل با تشریفات شایان و مدحت پاشا والی بغداد و کمال پاشا و غیره در سرحد حاضر بودند — روز بیست و هشتم شعبان در حالتی که طبقات ملتزمین رکاب اعلی با البسة رسمیه حاضر شده بودند به دارالسلام بغداد نهضت فرما شدند — تلگرام اخبار ورود همایونی و جواب تبریک ورود مسعود با کمال گرمی میانه اعلی حضرت همایونی و اعلی حضرت سلطان عثمانی در همان ساعت گفته شد — روز بیست و نهم شعبان عزیمت زیارت کاظمین علیهما السلام فرمودند و همه جا از طرف قرین الشرف همایون ملوکانه بذل انعامات شایان می شد — روز هفتم رمضان المبارک وارد کربلای معلی گردیدند و لدی الورود به زیارت خامس آل عبا حضرت سیدالشهداء

ارواح العالمین له الفداء و بعد به زیارت حضرت عباس و سایر شهداء علیهم السلام استسعاد فرمودند — روز سیزدهم برای تلثیم درگاه عرش اشتباه حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه عزیمت نجف اشرف فرمودند — هنگامی که به روضه مطهره علوی فایز شدند جیقه الماس بریلیان که به تارک مبارک داشتند پیشکش آستان ملایک پاسبان حضرت کردند — روز بیستم معاودت به کربلای معلی نمودند — روز بیست و چهارم رمضان عزیمت معاودت به صوب ایران فرمودند و همه جا انعامات و عطایای وافره و خلایق فاخره به طبقات خدام و دعاگویان و غیرهم مبذول داشتند — روز دویتم شوال به عزم سرزمین رای انتهاز فرموده روز ششم وارد آن شهر مینوبهر شده به زیارت عسکرتین علیهما السلام و مقام غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه فایز گردیدند — و روز هشتم شوال عزیمت معاودت فرمودند — روز پانزدهم به خانقین نزول اجلال نمودند در این روز برای پاشایان و مأمورین که از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی آمده بودند و متصدی خدمات شده انفیه دان مرصع و انگشتری و شال و وجه نقد به قدری که شایسته بود ارسال داشتند — روز بیست و ششم عمادیه کرمانشهان به مقدم مبارک مزین گردید — روز بیست و سیم ذیقعدة شهر قم به مقدم مبارک مزین آمد — روز سه شنبه غره ذیحجه با میامن سعادت و اقبال به دارالخلافه باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند — هم در این اوقات وزارت عدلیه اعظم و وزارت اوقاف و وظایف را به عهده کفایت و کفالت جناب مشیرالدوله میرزا حسین خان مفوض و مرحمت فرموده مفضل الیه را به اعطای یک ثوب جبّه شمشه دار و یک حلقه انگشتری الماس سرافراز داشتند — هم در این سال نواب والا معتمدالدوله حکمران کردستان را به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع مکمل به الماس قرین اختصاص فرمودند — حاجی رحیم خان صندوقدار خاصه ملقب به خازن الملک گردید — جان محمدخان سرتیپ فوج خلجستان به لقب سیف السلطنه ملقب آمد — هم در این سال شاهنشاهزاده امجد اعظم ظل السلطان را باریتعالی ولدی ذکور عطا فرموده به لقب جلیل جلال الدوله و اسم گرامی سلطان محمود میرزا موسوم و ملقب گردید — سلیمان خان صاحب اختیار به نشان و حمایل امیرتومانی مفتخر گشت —

میرزا محمدحسین مستوفی وزیر امیرزاده ابوالفتح میرزا حکمران یزد به لقب ناظم الملکی مباحی آمد — میرزا جعفر نایب الحکومه ملایر و میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه توپسرکان به لقب خانی و خطاب مقرب الخاقانی سرافراز آمدند — میرزا عبدالوهاب خان ولد مرحوم میرزا محمدعلی خان وزیر امور خارجه سابق نیابت اول وزارت علوم یافت — جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به یک قطعه دوات مرقع به الماس نایل گشت — میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره حکمران گیلان (جناب نصیرالدوله) به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر گردید — میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان به نشان سرتیپی دویم و حمایل آن مباحی آمد — میرزا زکی ضیاءالملک به نشان و حمایل از درجه سرتیپی دویم سرافراز و روانه عربستان شد و میرزا زین العابدین پسر مشارالیه به منصب لشکرنویسی قاجاریه برقرار گردید — میرزا هدایت پسر بزرگ لسان الملک به منصب استیفا سرافراز آمد و میرزا عباسقلی پسر دیگر مشارالیه به منصب انشای مخصوص مباحی گشت — نصرالله خان پسر امین الدوله مرحوم شد — میرزا اسدالله مستوفی پسر مرحوم میرزا موسی نایب به مرض سکتہ وفات کرد — لطف الله میرزا حاکم سبزوار ملقب به شعاع الدوله گردید — حکومت کمره را به نواب محمدامین میرزا مرحمت فرمودند — هم در این سال قبل از حرکت موکب همایون به صوب عراق عرب راه از دارالخلافه تا خانتقین به توسط مسیو کاستیکر خان مهندس نساوی در کمال خوبی ساخته و همه جا کالسکه رو شد.

اروپا — (اسپانیا) — استعفای ملکه ایزابل از حقوق سلطنتی خود به اسم پسرش دُن آلفونس در پاریس — شاهزاده هوهن زلیرن به واسطه ضدیت فرانسه که نتیجه جنگ پروس و فرانسه شد به سلطنت نرسید — بروز هواخواهان دُن کارلس که داعیه سلطنت داشت در ایالت نوار — داوطلب شدن دوک داوشت پسر دویم پادشاه ایتالیا برای سلطنت اسپانیا — تصدیق نمودن دولت اطیش و پروس این خیال او را و پادشاه شدن او به این مملکت — قبل از ورود به پایتخت ژنرال پریم که دوک داوشت به حمایت او پادشاه شده بود به دست چند نفر اجنبی مقتول می گردد و

بعد از ورود به پایتخت و گذاشتن تاج سلطنت بر سر موسوم به آید دویم می گردد. (اطریش) — تعداد نفوس تمام ممالک اطریش در این سال به هفتاد و یک کرور و چهارصد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و دو نفر رسیده است. (آلمان و فرانسه) — اضطراب دولت فرانسه از انتخاب ملت اسپانیا پرنس لاو پلت هوهن زلرن بنی عم پادشاه پروس را به سلطنت خود با وجود یک نسبتی که مابین خانواده سلطنت فرانسه و این شاهزاده برقرار است به خیال اینکه مبادا از یک سمت هم با یکی از شاهزاده های خانواده سلطنت پروس هم سرحد بشوند که بالمال از برای فرانسه مضر است دولت فرانسه با کمال سختی و تشدد به دولت پروس تکلیف می کند که شاهزاده مزبور را مانع از قبول این سلطنت شود، از ابتدای گفتگو معلوم بود که کار بین دولین پروس و فرانسه به منازعه خواهد کشید در این موقع انگلیس و ایتالیا و اطریش میانجیگری می کنند ولی بی ثمر می شود باوجودی که شاهزاده مزبور به طیب خاطر استعفا از این عمل می نماید — مسیو بنه دتی سفیر کبیر فرانسه مقیم دربار پروس در شهر امس در گردشگاه خاصه پادشاه پروس را ملاقات نموده مستقیماً به ایشان تکلیف می کند که اولاً به خط خودشان عذرخواهی از دولت فرانسه بکنند، و ثانیاً ضمانت که شاهزاده هوهن زلرن نه حال و نه در آتیه وجهاً من الوجوه به خیال سلطنت اسپانیا نباشد — اعلیحضرت پادشاه پروس اعتنائی به سفیر فرانسه نکرده بلکه او را غدغن می کنند که به حضور پادشاه نیاید و مطالب خود را مستقیماً معروض ندارد — بعد از فرستادن این خبر به پاریس چه در دربار و چه در مجالس دولتی و ملتی جز گفتگوی جنگ نیست — وکلای سمت چپ خاصه مسیو طیر هر قدر به دولت فرانسه تکلیف می کنند که اسناد صحیح که سبب این جنگ است بما بنمائید بعد اقدام به جنگ کنید دولت اعتنائی به این حرفها نکرده قشون بری و بحری خود را حاضر می کند و بعضی جهال در پاریس به خیال رفتن به سفارتخانه پروس و غارت نمودن آنجا هستند و به مسیو طیر که بر ضد این جنگ است بد می گویند، ده کرور وجه مسکوک برای مخارج قشون بری و سه کرور و صد هزار تومان به جهت مخارج عساکر بحری در ظرف سه روز برای دولت حاضر می شود و از آن طرف پادشاه

پروس به سلاطین دول شمالی و جنوبی آلمان مقاصد و منظورات دولت فرانسه را تلقین می کند که غرض این دولت اینست که بی حق و جهت از ما بهانه بگیرد و با ما جنگ کند و تفرقه در میان جمعیت ما پندازد و شوکت و قدرت ما را بکاهد بنابراین دول جنوبی از قبیل باویر و ورتنبرگ و باد که تا آن زمان اتحادی با پروس نداشتند با این دولت متفق شده فی الواقع یک آلمان به تمامی برضت فرانسه برخاستند و تمام دول بدون استثناء سرداری قشون خود را به پادشاه پروس واگذار کردند، دولت انگلیس مجدداً وساطت و میانجیگری کرده ولی مثمرتر نشد و از آن طرف ناپلیون امپراطور فرانسه سرداری عساکر فرانسه را قبول نموده با پسر خود ولیعهد وُلُف و زیر جنگ به سرحد پروس حرکت می کند دول فرنگ تماماً بدون استثناء بی طرفی اختیار می کنند، ناپلیون امپراطور فرانسه چنین تصور می نماید که اگر با یک دسته قشون منتخب زنده خود را مبعلاً به سرحد رسانیده همین قدر تخطی نموده دو سه شهر کوچک از ممالک آلمان متصرف شود و از طرف دیگر دولت انگلیس و سایر دول معظمه را میانجی قرار دهد هم شکستی به آلمان علی الخصوص به پروس وارد آورده و هم اعتبار دولت فرانسه را زیاد کرده است، نیز بعضی شهرها را از این طرف به مملکت خود افزوده است ولی غافل از اینکه در مقابل سیصد و پنجاه هزار نفر قشون فرانسه یک مرتبه دولت پروس پانصد و هفتاد هزار لشکر و هزار و پانصد عراده توپ حاضر کرده است با سردارهای معتبر از قبیل فردریک شارل بنی عم پادشاه پروس و ولیعهد خود پروس و سایر سردارهای مجرب از قبیل اِشتِن، میس و مُلک و غیرهم. علاوه بر قشون معمول پنجاه هزار سواره اوهلان جلو قشون آلمان به طور پیش قراولی حرکت می کردند. ساربروک از شهرهای پروس در اول حمله با حضور امپراطور به تصرف قشون فرانسه درآمد و از آن طرف در ویسنبورگ یک دسته قشون عمده فرانسه به سرداری مارشال ماکماهون شکست خورده معدوم و متفرق شد. سرداری قشون پروس با ولیعهد پروس بود. و روز دیگر مارشال ماکماهون با مختصر قشونی که داشت و زیاده از سی و پنج هزار نمی شد با یکصد هزار قشون پروس به سرداری ولیعهد پروس مقابلی کرده و تفصیل جنگ و خونریزی و زُرت چون زیاد معروف است ما به نگارش آن نمی پردازیم مجعلاً بعد از

این شکست راه مملکت فرانسه برای قشون پروس باز شد. پادشاه پروس که تا آن وقت ورود به خاک فرانسه نکرده بود وارد شد و شهر استرازبورگ را که از قلعه جات سرحدی معظمه فرانسه است قشون باد محاصره نمود و بعد از چندی شهر متس که یکی از قلعه جات معظمه است به سرداری فردریک شارل محصور شد — مارشال بازن سردار فرانسه با صد و بیست هزار قشون در متس متحصن شد و اغلب قلاع فرانسه نیز محصور گردید — امپراطور ناپلیون از حوالی متس به طرف شالین به عقب نشست و عساکر پروس امپراطور را تعاقب می کنند — از ابتدای جنگ تا این وقت از قشون آلمان صد و پنجاه هزار مقتول شده و از کار افتاده است لیکن علی الا اتصال از ممالک آلمان کمک می رسد — تعاقب ولیعهد پروس اردوی مارشال ماکماهون و اعلیحضرت ناپلیون را از طرف دیگر — مأمور کردن یک دسته از قشون پروس به محاصره پاریس — مارشال ماکماهون هر قدر می خواهد به مارشال بازن وصل شده کاری از پیش ببرند نمی شود — عقب نشستن یک دسته از قشون فرانسه با ناپلیون به طرف سدان — در مقابل این قشون که امپراطور ناپلیون در آنست شخصاً پادشاه پروس حرکت می کند — جنگ سخت و خونریزی زیاد در حوالی سدان — زخم منکر برداشتن مارشال ماکماهون — قشون فرانسه تسلیم و زیاده از پنجاه هزار نفر اسیر شدند — اعلیحضرت ناپلیون نیز تسلیم گردید — با قشون متوقف قلعه سدان هشتاد و پنج هزار قشون و چهارصد عراده توپ اردویی و صد و پنجاه توپ قلعه و ده هزار اسب به چنگ پادشاه پروس افتاد — حبس و اسر ناپلیون سیم امپراطور فرانسه و فرستادن او را به یکی از قلعه جات در حوالی کاسیل — فرار ولیعهد پسر ناپلیون به خاک بلژیک — حرکت دو اردوی معتبر از قشون پروس به محاصره پاریس — خلع اهالی پاریس ناپلیون و خانواده او را از سلطنت و ایجاد دولت موقتی نمودن — فرار ملکه امپراطریس از پاریس — اعلان دولت جمهوری در پاریس به ریاست ژنرال تروشو — عزل وزرای سابق و نصب وزرای جمهوری طلب — مسافرت مسیو طیر به لندن و وینه و پترزبورگ و ملتجی شدن به دول مذکوره به جهت میانجیگری میانه فرانسه و پروس و مراجعت او بی نیل مقصد — شهر ورسایل که در حوالی پاریس است معسکر مخصوص پادشاه پروس گردید — محاصره

پاریس از هر سمت — تغییر دادن فرانسه ها مرکز دولت را از پاریس به شهر تور —
 آتش گرفتن عمارت سلطنتی من کلو در حوالی پاریس — تسلیم شدن مارشال بازن
 با تمام قشون و قورخانه خود و وا گذاشتن قلعه متس را به پروسها — تصرف قشون
 پروس اغلب قلاع و شهرهای شمالی فرانسه را — کمال سختی زمستان و سخت
 گذشتن به محصورین و نبودن آذوقه در پاریس — تاجگذاری پادشاه پروس در
 ورسایل که امپراطوری تمام مملکت آلمان باشد و اتمام این سال در حالتی که
 پاریس هنوز در بند محاصره است — دولت روس میل باطنی خود را در فتوحات
 پروس ظاهر می سازد و نشان سنت ژرژ که نشان جنگی دولت روس است از برای
 سردارهای قشون پروس انفاذ می دارد و با رضایت و اتفاق پروس بعضی از فصول
 عهدنامه هزار و هشتصد^۱ و پنجاه و شش را که در مجلس کنگره پاریس منعقد
 نمودند به هم می زند — دیگر فرانسه نیست که حامی و حارس عثمانی و ضامن آن
 عهدنامه باشد، و در نقاطی که در سواحل قرادنگیز ممنوع بود قلعه بسازد بعد از این
 خواهد ساخت و مستحکم خواهد نمود چون دولت پروس و اطیش تمکین این
 خیال روس را کردند دولت انگلیس هم لابد تمکین نمود — مراوده رجال دولت
 جمهوری که در شهر تور متوقف بودند با اهالی پاریس به واسطه بالون و کبوتر جلد
 — کار از کمی آذوقه طوری به محصورین پاریس سخت شده بود که زیاده از سه
 میر گوشت یا نان در یک شبانه روز قسمت یک نفر نمی شد — رفتن اجزای دولت
 جمهوری موقتی از شهر تور به شهر بردو — مصمم شدن اهالی فرانسه برای جهاد.
 (انگلیس) — فوت لرد کلاراندن وزیر امور خارجه در سن هفتاد سالگی — نصب
 لرد گرانویل به جای او — دولت انگلیس جد کامل برای منع منازعه مابین فرانسه و
 پروس نموده ولی متمرثمر نشد — یکی از کشتیهای دولتی در سمت غربی اسپانیا
 با پانصد نفر آدم که در آن بود غرق شد. (ایتالیا) — به محض اینکه اعلان جنگ
 مابین فرانسه و پروس می شود باوجود اینکه پاپ در مجلس شورای بزرگ و کشیوها
 و قسّسین اثبات معصومیت خود را نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت

فرانسه خارج شد و این دولت به واسطه جنگ با پروس به خود مشغول گردید و عساکر خود را از رومه طلبید پادشاه ایتالیا رومه را بدون مخاصمه زیادی از طرف عساکر پاپ متصرف گردید — کوه معروف به مُسینی که حد و سد مابین فرانسه و مملکت ایتالیا است و سیزده سال تمام بود که آن کوه را سوراخ می کردند در اوایل زمستان این سال به اتمام رسیده کالسکه های راه آهن از دو مملکت از این سوراخ کوه عبور و مرور می کند. (دانمارک) — تعداد نفوس تمام این مملکت در این سال به سه کروار و دویست و هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنج نفر رسیده است. (عثمانی) — اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنگام شب کشتی از هر دولتی باشد بدون ممانعت وارد دو بغاز بُشُفر و داردانل شود — یانقین سخت در اسلامبول در محله آرامنه و فرنگیها که هزار و دویست نفر تلف شدند و شصت هزار نفر بی خانه ماندند — شورش اعراب در حوالی نجد. (یونان) — تعداد نفوس این مملکت در این سال دو کروار و چهارصد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد و نود و چهار نفر می باشد.

امریکا — (اتائونی) — تعداد نفوس اهالی اتائونی هفتاد و هفت کروار و چهل و شش هزار نفر می باشد — چهارده شهر در اتائونی هست که هر شهری علاوه بر صد هزار سکنه دارد.

[سنه ۱۲۸۸ هجری = سنه ۱۸۷۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در اوایل این سال خیرمال رأی صوابنمای ملوکانه بر این علاقه یافت که شاهزادگان عظام و وزرای کرام مسطور در ذیل هفته ای دو روز که روز شنبه و سه شنبه باشد در دارالشورای کبری حضور بهم رسانیده در مهمای ملکی مشاوره نمایند: (نواب مؤیدالدوله)، (نواب ملک آرا)، (نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم)، (نواب والا نصرت الدوله وزیر جنگ)، (مجدالدوله)، (جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه)، (جناب میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر عدلیه و وظایف و اوقاف)، (جناب نظام الملک)، (جناب قوام الدوله)، (غلامحسین خان

سپهدار)، (جناب دبیرالملک)، (دوستعلی خان معیرالممالک)، (جناب علاءالدوله)، (پاشاخان امینالملک)، (جناب ناصرالملک)، (جناب حسنعلی خان وزیر مختار) — جناب علاءالدوله نسقچی باشی به منصب جلیل فراشباشیگری سرافراز شد — اداره روزنامه جات دولت علیه و دارالطباعة های ممالک محروسه و دارالترجمة دولتی را به بنده مؤلف واگذار و روزنامه دولتی را به اسم ایران موسوم فرمودند — حکمرانی خراسان را علاوه بر حکومت یزد برعهده کفایت نواب حسام السلطنه موکول داشتند — امیرزاده محسن میرزا به منصب میرآخوری سرافراز گردید — غلامحسین خان سپهدار حکومت قزوین یافت — حکومت مازندران را به جناب عضدالملک مرحمت فرمودند — حکومت عراق و کمره به جناب معتمدالملک تفویض شد — حکومت شاهرود و بسطام و نردین را به امین خلوت میرزا هاشم خان واگذار فرمودند — پاشاخان امینالملک به منصب وزارت حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه و پیشکاری دارالخلافه برقرار گردید — اداره چاپارخانه های کل ممالک محروسه را به میرزا علی خان منشی حضور (جناب امینالدوله) سپردند — دفتر لشکر که مجزی از اداره وزارت جنگ بود به این اداره ملحق گردید — جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک از وزارت اول و وزارت مالیه استعفا نمود — محاسبات کل ممالک محروسه را به عهده جناب نظام الملک میرزا کاظم خان موکول و معزی الیه را مخّلع فرمودند و میرزا داودخان برادر معزی الیه به نیابت ایشان برقرار گردید — حکیم الممالک پیشخدمت خاصه ناظم دفترخانه مبارکه شد — جناب دبیرالملک به وزارت رسایل مخصوصه همایونی که مسبوق به آن بود سرافراز گردید — عمل جنس ممالک محروسه را به کفالت حاجی میرزا محمدخان مجدالملک واگذار فرمودند — مملکت آذربایجان را بعد از فوت عزیزخان سردار کل به همان حکمرانی حضرت اجل اعظم ولیعهد دولت ایران و پیشکاری امین لشکر میرزا قهرمان ابقا فرمودند — امیرزاده عبدالحمید میرزا مأمور خدمات نظامی آذربایجان شد — محمدعلی خان زین دارباشی به لقب امین السلطنه سرافراز آمد — جناب حاجی میرزا جواد مجتهد تبریزی که چندی در نجف اشرف متوقف بود از اقرار دستخط همایونی امام جمعه آذربایجان گردید — محمدقاسم خان

والی به وزارت حضرت شاهنشاهزاده اکرم افخم ظلّ السلطان حکمران فارس سرافراز شد — میرزا هاشم خان امین خلوت از اجزای دارالشورای کبری گردید — جناب حسنعلی خان وزیر مختار سابق فرانسه مأمور به وزیر مختاری اسلامبول شد — منصب خوانسالاری به عهده کفالت عضدالملک مهردار و حکمران مازندران واگذار گردید — امین السلطان به منصب صاحبجمعی سرافراز شد — میرزا علی خان سرهنگ به حمایل و نشان از درجه سیم سرتیپی نایل آمد — حکومت کاشان را علاوه مشاغل و مناصب میرزا هاشم خان امین خلوت فرمودند — مجلس شورای نظامی مجدداً برقرار شد — میرزا مهدی خان ولد مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار اعظم به لقب اعتضادالدوله ملقب و برحسب استدعای معزی الیه منصب کشیکچی باشیگری را به محمد میرزا ولد معزی الیه مرحمت فرمودند — امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب عمادالدوله به حکومت لرستان و نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی سرافراز شد — میرزا محمدخان پیشخدمت خاصه ولد امین خلوت به منصب تفنگدار باشیگری برقرار گردید — روز دوشنبه سیم ماه صفر امیراصلان خان مجدالدوله به جوار رحمت الهی پیوست — حکومت عربستان و بروجرد را علاوه بر عراق و کمره به جناب معتمدالملک مرحمت فرمودند — حاجی میرزا محمدخان مجدالملک در سلک وزرای دارالشوری منسلک گردید — عبدالعلی خان ادیبالملک پیشخدمت خاصه به حکومت گلپایگان و خوانسار سرافراز شد — حکومت اصفهان را علاوه بر حکمرانی خراسان به نواب حسام السلطنه واگذار فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤیدالدوله) با پیشکاری میرزا محمدحسین ناظمالملک روانه اصفهان گردید — حاجی میرزا رضای کدخدا منصب وکیل الرعایائی یافت — بعد از فوت مرحوم فرخ خان امینالدوله میرزا هاشم خان امین خلوت ملقب به امینالدوله گردید و میرزا محمدخان تفنگدار باشی ولد میرزا هاشم خان امین خلوت لقب یافت — حکومت یزد را به امیر دوست محمدخان ولد معیرالممالک واگذار فرمودند — میرزا محمدعلی خان سرتیپ که مدتی کار پرداز بمبئی بود به لقب معینالوزاره و نیابت حکومت گیلان سرافراز شد — میرزا هاشم خان امینالدوله منصب وزارت حضور یافت — دری از چودن برای دروازه

خیابان باب‌همایون ریخته‌اند که کمال امتیاز و تعریف را دارد و این اول نتیجه چرخ بخاریست که در کارخانه دارالخلافه دایر گردیده — میرزا اسدالله خان کارپرداز تغلیس به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرتیپی دویم و حمایل آن سرافراز شد — میرزا اسحق خان کارپرداز سابق ارزنة الروم به منصب کارپردازی اول مأمور اقامت بغداد گردید و به اعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی سرافراز شد — حیدرقلی خان سهام الدوله ایلخانی و سردار کل خراسان «ایشان» سردار ترکمان را با هفتصد نفر سواره ترکمان خیه که به عزم دستبرد حدود خراسان آمده بودند مقتول نموده معدودی از آنها فرار کردند — نواب صارم الدوله علیقلی میرزا که به دربار همایون احضار شده بود به حکومت نهاوند و مضافات برقرار گردید — محمدعلی خان سرتیپ ژنرال آجودان به سرتیپی فوج نظمیه دارالخلافه که به منزله پلیس است سرافراز شد — نواب ملک آرا به منصب کشیکچی باشیگری برقرار آمد — جناب معتمدالملک به منصب وزارت مخصوص مفتخر گردید — در خراسان کار تسعیر غله بالا گرفته است — بنده مؤلف به لقب صنیع الدوله و صدور دستخط همایون سرافراز گردید — میرزا زکی ضیاءالملک به حکومت عربستان و بختیاری سرافراز آمد — رضاقلی خان الله‌باشی امیرالشعراء متخلص به هدایت در اواسط ربیع الثانی به رحمت ایزدی پیوست — میرزا زمان مستوفی نوری به درجه اول منصب استیفا مفتخر آمد — دیوانخانه عدلیه عظمی به وزارت مشیرالدوله کمال نفوذ را یافته و حکمی در این اداره معطل و غیرمجری نمی‌ماند — ابوالحسن خان ولد امیرحسین خان شجاع الدوله زعفرانلو حاکم قوچان تدمیری بسزا از تراکمه که قصد تاخت و تاز ایزبان و آن حدود را داشته‌اند نمود — میرزا عبدالوهاب خان نایب‌الوزاره که در مأموریت خارجه آذربایجان و حکومت گیلان خدمات نمایان نموده به لقب جلیل نصیرالدوله ملقب گردید — دارالترجمه‌ای مرگب از مترجمین السنه خارجه برقرار و بنده مؤلف به ریاست این مجلس مأمور و مباهی آمد — امیرخان ولد محمدصالح خان کردبچه سرتیپ به سرکردگی سواره کردبچه برقرار گردید — حکومت همدان را علاوه سایر مشاغل و مناصب جناب علاءالدوله فرمودند — بعد از فوت مرحوم میرزا محمدحسین

ناظم الملک حسینقلی خان مافی به پیشکاری اصفهان سرافراز شد — میرزا حبیب الله ولد مرحوم میرزا شکرالله لشکرنویس به منصب لشکرنویسی مفتخر گردید — جناب میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان به پیشکاری آذربایجان و وزارت حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران میاهی شد — امیرزاده ابراهیم میرزا حاکم بروجرده احتشام السلطنه لقب یافت — محمدباقرخان سرتیپ ملقب به شجاع السلطنه گردید — مرتضی قلی خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان به عطای نشان تمثال همایون مفتخر گردید — چون اعلیحضرت امپراطور روس به سمت تفلیس تصمیم عزم داده اند اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه برای تبریک وصول اعلیحضرت امپراطوری به آن حدود نواب حشمت الدوله امیرجنگ را جمعی از صاحبمنصبان بزرگ و نامه مهر علامه روانه تفلیس فرمودند — این اوان دومرتبه در تبریز سیل آمده است مبلغ چهارهزار تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس در هذه السنه به رعیت و فقرای قم تخفیف دادند — همچنین شش هزار و هفتصد تومان به بعضی از منالهای دارالخلافه تخفیف مبذول فرمودند — میرزا فتح الله خان سرهنگ از متعلمین مدرسه دارالفنون به معلمی کل افواج توپخانه قاهره برقرار گردید — میرزا یوسف خان مستشار وزارت عدلیه به رتبه سرتیپی اول خارج از قشون و حمایل و نشان شیر و خورشید از آن رتبه سرافراز آمد — در خراسان تنبیه و تدمیر طایفه ترکمانیه به اهتمام سهام الدوله ایلخانی و قتل و اسراکثری از ترکمان را — روز سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب سلام الله علیه است سلام عام منعقد و ذات ملکوتی صفات همایون در تالار تخت مرمر به سریر خسروانی جلوس فرموده و در همین موقع سلام جناب مشیرالدوله حاجی میرزا حسین خان را ملقب به سپهسالار اعظم و به منصب وزارت اعظم عسکریه سرافراز فرمودند و هم در این روز مبارک معیرالممالک وزیر خزانه عامره را به لقب نظام الدوله و به منصب وزارت مالیه ممالک محروسه ایران مفتخر فرمودند — حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس که احضار به دربار همایون شده بودند روز پانزدهم رجب وارد دارالخلافه شدند — در راه عربستان حسب الامر بعضی قلعه ها و استحکامات ساختند — مسیوبل شارژدافر فرانسه مأمور

اقامت دربار دولت علیه وارد دارالخلافه و به حضور همایون مشرف شد — حاجی ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی به وزارت عدلیه سرافراز گردید — فقرای اطراف که به واسطه خشکسالی به دارالخلافه آمده بودند همه را در قلعه نصرت آباد جمع کرده قوت یومیه برای آنها مقرر داشتند — همچنین اطفال فقرا که بی معین و پرستار بودند به جهت هریک لباس نظامی ترتیب داده و در مدرسه مخصوص به جهت ایشان اخراجات معین کرده به ریاست و مراقبت میرزا حسین خان کارپرداز مشغول تحصیل آداب و علوم هستند — جشن عروسی حضرت اجل اعظم والا نایب السلطنه امیرکبیر که صیته نواب حسام السلطنه عم اعلیحضرت همایون شهرباری را به عقد مزاجت حضرت معظم درمی آوردند در ماه شعبان این سال بود — یک قبضه شمشیر مکمل به الماس که ده هزار تومان قیمت داشت به جناب سپهسالار اعظم مبدول و مرحمت فرمودند — حاجی سعدالدوله قنبرعلی خان به منصب امیرتومانی سرافراز گردید — روزیست و نهم شعبان این سال جناب حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم را به منصب بزرگ صدارت اعظمی دولت علیه برقرار و منصوب فرموده یک ثوب جبهه ترمه شمشه مرقع که از لباسهای خاص همایون بود با دستخط مبارک که حاوی شرح دستورالعمل صدارت عظمی بود به توسط جناب معتمدالملک وزیر مخصوص به افتخار جناب معظم اعطا و ارسال نمودند — محتمدهدی خان اعتضادالدوله به ایلخانی گری ایل جلیل قاجار سرافراز شد — امین حضور پیشخدمت خاصه خازن صرف جیب همایون گردید — حکومت سمنان و دامغان را به عهده ادیب الملک پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند — جناب مسیو الیسون وزیر مختار دولت انگلیس مسیوانیله را که از طرف دولت انگلیس به سمت قنصلگری مأمور توقف دربار همایون است به حضور مبارک آورده معرفی نمود — عبدالحسین خان سرهنگ پسر مرحوم اعتمادالسلطنه در سن سی و هفت سالگی به مرض مطبقة و محرقه به رحمت ایزدی پیوست — نواب حشمت الدوله امیرجنگ که به جهت تهنیت مقدم اعلیحضرت امپراطور روس روانه تفلیس شده بود سلخ ماه شعبان مراجعت به دارالخلافه نمود — حاجی محسن خان وزیر مقیم دولت علیه مأمور اقامت دربار دولت انگلیس به اعطای لقب و منصب وزیر

مختاری سربلند گردید — این اوقات امتحانی از متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون نموده هریک از معلمین و متعلمین و مباشرین را به عطای منصب و اضافه موجب و انعام و خلعتی که لایق شناختند سرافراز فرمودند — شخص اعتضادالسلطنه وزیر علوم را یک قطعه گل کمر الماس و جعفرقلی خان رئیس مدرسه را نشان و حمایل سرتیپی اول و مسیوریشار معلم را لقب خانی و میرزا علی اکبر کاشانی را لقب نقاشباشیگری اعطا فرمودند — حاجی محمد کریم خان کرمانی از اجله علمای شیخیه در راه عتبات عالیات به رحمت الهی رفت — برحسب استدعای نواب محسن میرزای امیرآخور محمدحسین میرزای ولد معزی الیه به منصب میرآخوری منصوب شد — ماهی چندین هزار تومان از دولت به فقرا و ضعفائی که به واسطه قحطی از اطراف ممالک محروسه پناه به دارالخلافه آورده اند مرحمت می شود، و مجلس اعانه ای برقرار شده است. رجال دولت نیز به قدرالامکان دستگیری و احیای نفوس فقرا را می نمایند — فوج نظمیه را به اللهیارخان سرتیپ فوج و سواره خرقانی واگذار فرمودند — میرزا حسن خان منشی تبریزی از اجزای سابق سفارت کبرای اسلامبول به منصب منشی اسراری صدارت عظمی نایل آمد — حکمرانی دارالخلافه طهران را مستقلاً به عهده کفایت حضرت شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه امیرکبیر عوض فرمودند و پیشکاری حضرت معظم و وزارت دارالخلافه منقول به میرزا عیسی وزیر گردید — حکومت سوادکوه را ضمیمه حکومت مازندران نموده به جناب عبدالملک مرحمت فرمودند — ریاست قراولی وجود مسعود همایون که با فوج سوادکوهی است خاص جناب مستطاب صدراعظم گردید — محمودخان سرتیپ قومنی به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه ثالثه خارجه سرافراز و به مهمانداری سفر که از سمت گیلان به دربار معدلتمدار می آیند برقرار گردید — میرزا ابوالقاسم معین الملک متولیشی حضرت رضوی سلام الله علیه در رمضان این سال مرحوم شد — حاجی سلطان محمد میرزای سیف الدوله به تولیت آستانه مقدسه حضرت رضوی علیه السلام سرافراز گردید — از ابنیه معتبره دولتی یکی خیابان الماسیه موسوم به باب همایونست که به توسط جناب علاء الدوله و دیگری آسیای بخار است که به توسط جهانگیرخان سرتیپ آجودانباشی قورخانه

تمام اسباب آنرا در قورخانه دولتی ساخته اند در این سال به اتمام رسیده است — اداره باغات مبارکات سلطنتی را تماماً به امین حضور پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند — نواب الله قلی خان ایلخانی که سالها در خارجه بسر می برد برحسب استدعای جناب مستطاب صدراعظم احضار به دارالخلافه شده در ماه ذیقعد به آستان مبارک آمد — عبدالرسول خان سرتیپ به حکومت ملایر و نویسکان سرافراز شد — محمدحسن خان پیشخدمت خاصه تحویلدار نظام گردید — جناب معتمدالملک به منصب جلیل سرکشیکچی باشیگری مباحی آمد — نواب جهانسوز میرزا سرتیپ اول به حکومت شاهرود و بسطام مفتخر گشت — پاشاخان امینالملک به وزارت جلیله عدلیه عظمی منصوب گردید — حاجی میرزا علی مشکوةالملک به حکومت همدان سرافراز شد. (چین) — معاهده مابین چین و ژاپن در الفت و دوستی. (ژاپن) — ایجاد مدرسه دارالفنون برای تعلیمات علوم فرنگی در پایتخت.

اروپا — (اطریش) — تفویض وزارت خارجه به کنت اندراسی که یکی از اهالی مجارستانست. (آلمان و فرانسه) — پذیرائی رسمی پادشاه پروس در قصر سلطنتی ورسایل حوالی پاریس در اول عید فرنگیان که مقارن اواسط زمستانست — محاصره پاریس و قلعه جات اطراف آن با کمال شدت — بیست و یک روز تمام نارنجک توپخانه پروس به شهر پاریس می بارید — تفویض امپراطوری تمام ممالک آلمان به میل اهالی آن مملکت به پادشاه پروس و تاجگذاری ایشان — اهالی شهر پاریس یعنی جمهوری طلبان سخت درصدد انهدام و خرق دارالحکومه شهر پاریس هستند — مراوده مسیو ژولفاور با مسیو بیزمارک در ورسایل و خواهش متارکه نمودن از مسیو بیزمارک و قبول او به شرط اینکه اهالی فرانسه وضع دولت معینی اختیار کنند — انتخاب وکلای ملت در ولایات فرانسه — پراق چینی قشون در پاریس به توسط عساکر آلمان و جریمه نمودن امپراطور آلمان اهل شهر پاریس را به چهل کروور تومان ایران — عده عساکری که در این وقت دول آلمان در خاک فرانسه حاقیر کرده بودند به نهصد و شصت هزار مرد و دویست هزار اسب رسیده بود، و از

ابتدای جنگ تاکنون صد و هفده هزار و بیست و نه نفر از قشون آلمان تلف شده بودند، هفتاد و نه بیرق و پنجهزار و هشتصد و هفده توپ و صد و هفتاد و یک عراده توپ میترای یُر و چهارصد هزار امیر از قشون فرانسه به تصرف عساکر آلمان درآمده بود — تعیین وضع دولت جمهوری در مملکت فرانسه به ریاست مسیو طیر — نصب مسیو ژولفساور به وزارت خارجه و گفتگوی او با مسیو بیزمارک به جهت عمل مصالحه — بالاخره در بیست و ششم فوریه امضای عهد مصالحه از طرفین در ورسایل شد به شروط مفصله ذیل: اولاً، واگذاشتن ایالتین الساس و لرن به امپراطور آلمان — ثانیاً معادل هزار کرور تومان ایران خسارت جنگ دادن — ثالثاً قلمه جات متس و استرازبورگ را ملک طلق دولت آلمان دانستن — بعد از انعقاد مصالحه جمیع سلاطین کوچک آلمان از خاک فرانسه معاودت به اوطان خود نمودند — امپراطور آلمان نیز در بهار بعد از اینهمه فتوحات نمایان به برلن پایتخت خود وارد گردید و ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه را از حبس خلاصی داده به سمت انگلیس روانه گردید و در قصر اسلیش هورن حوالی لندن اقامت جست — افتتاح مجلس پارلمنت آلمان به توسط امپراطور بشخصه — دادن لقب شاهزادگی به مسیو بیزمارک از طرف اعلیحضرت امپراطور آلمان — واگذاشتن دول آلمان اختیار عساکر بری و بحری خود را به امپراطور جدید گیلیوم پادشاه پروس — جمعیت تمام ممالک آلمان در این سال هشتاد و دو کرور و صد و هفت هزار و هشتصد و چهل و نه نفر است. (انگلیس) — در مجلس وکلای دولت لرد گرنویل وزیر امور خارجه چندان اهمیتی برای خیالات دولت روس در اینکه دریای سیاه برای عبور و مرور کشتیه‌های او آزاد شود قرار نداده که فی الواقع یکی از فصول عهدنامه موسوم به پاریس که بعد از جنگ قرم منعقد شده بود دولت روس باطل می‌سازد — ناخوشی سخت ولیعهد دولت انگلیس در زمستان این سال — تعداد نفوس سه جزیره انگلیس در این سال به شصت و سه کرور و سیصد و هفده هزار و صد و هشت نفر رسیده است. (ایتالیا) — ورود ولیعهد این دولت و زوجه او به شهر رومه و توطن نمودن در این شهر — تعهد نمودن پادشاه ایتالیا که مداخله در اقتدار روحانی پاپ ننماید، و در سال سیصد و بیست و دو هزار و پانصد تومان از خزانه دولت مواجب در حق

پاپ برقرار گردید لیکن پاپ قبول ننمود — ورود پادشاه ایتالیا به شهر رومه در تابستان و این شهر را پایتخت دولت ایتالیا نمودن و در قصر کیرنیال که از پاپها بود منزل گزیدن — افتتاح راه آهن منسینی که یک شعبه از کوه آلپ را سوراخ نموده به طور دالان و راه آهن مملکت فرانسه را به راه آهن مملکت ایتالیا اتصال دادند — طول دالان مزبور دوازده هزار و دویست و بیست متر است و عرض آن به قدری که یک کالسکه می رود و یکی می آید. (روس) — مراوده تلگرافی این دولت با ژاپن — از ژاپن تا پطرزبورغ یازده هزار هزار ذرع مسافت است و اول مخابره ای که از ژاپن به پطرزبورغ رسید در مدت ده ساعت و پنج دقیقه بود — جمعیت مملکت روس در این سال به صد و شصت و چهار کرور نفس رسیده است. (عثمانی) — فوت عمر پاشا سردار اکرم — فوت عالی پاشای صدراعظم — اقتدار کامل سفیر روس ژنرال اکناتیف در اسلامبول — اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان خیال دارد که برخلاف قانونی که در سلسله جلیله سلاطین عثمانیست که ولایتمهد به ارشد اولاد می رسد مراد افندی ولد عبدالمجیدخان مرحوم را که ولایتمهد دارد خلع نماید و پسر سیزده ساله خود عزالدین افندی را ولیمهد سازد. (فرانسه) — بعد از معاودت قشون آلمان از اطراف پاریس و ورود وکلای ملت و رئیس جمهوری جدید به ورسایل جمعی از جمهوری طلبان سخت در پاریس اسم خود را کمونیست گذاشته بر ضد این دولت جمهوری به ریاست مسیو طیر که در ورسایل است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب ابنیه عالیه شهر را مثل عمارت سلطنتی توپلری دارالحکومه، و عمارت وزارت مالیه، و دارالشورای خاصه، و عمارت وزارت عدلیه و غیرها را آتش زده و چند نفر از معارف را که یکی از آنها کبشیش بزرگ پاریس بوده به قتل رسانیدند — تفویض سپهسالاری کل عساکر فرانسه به مارشال ماکماهون — خراب کردن کمونیستها خانه مسیو طیر را در شهر — جنگ سخت کمونیستهای شهری با قشون دولتی — غلبه قشون دولتی بر یاغیان و گرفتن سی هزار نفر اسیر از آنها — وکیل نمودن جمعی از رعایا دونفر از شاهزاده های اولاد لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه را — فوت الکساندر دوما نویسنده و شاعر معروف در سن شصت و هشت سالگی — زمستان سخت این سال در

پاریس که نود سال بود زمستانی به این سختی ندیده بودند — نود و دوهزار نفر از اهالی فرانسه در جنگ پروس کشته شدند و تقریباً همینقدر در ایام اسیری از گرسنگی و بیچارگی تلف شدند — علاوه بر یک هزار کرور وجه نقدی که دولت فرانسه منتقل شد که به دولت آلمان تسلیم کند معادل هزار کرور تومان ایران نیز مخارج جنگ و خسارات دیگر برآورد شد — سه کرور و نود و هفت هزار و دویست و بیست و هشت نفر سکنه الساس و لرن از تبعیت فرانسه خارج شده جزو دولت آلمان شدند.

آمریکا — (اتانونی) — شهر شیکاگو که سیصد و ده هزار سکنه داشت در مدت پنج شبانه روز علی الا اتصال مشتمل و به واسطه یانقین سختی محترق می شود — پانصد نفر آدم تلف شده و زیاده از صد کرور تومان ایران خسارت به مردم وارد می آید. (برزیل) — مسافرت امپراطور و امپراطریس به ممالک فرنگ و تفویض نیابت سلطنت در زمان غیبت ایشان به دختر امپراطور. (پرو) — در مملکت پرو یک شهری موسوم به هوپ به واسطه طغیان آب معدوم گردید — مصالحه مابین پرو و اسپانیا به وساطت دولت برزیل.

[سنه ۱۲۸۹ هجری = سنه ۱۸۷۲ مسیحی]

آسیا — (ایران) — از بدو این سال خیرمال به میامن اقبال بی زوال همایونی اسباب مزید ترقی و انتظام در کار دولت فراهم است — حکومت خمسه را به نواب والا محمدتقی میرزا رکن الدوله مرحمت فرمودند — حکومت قزوین را به نواب الله قلی میرزای ایلخانی مفوض داشتند — پل حاجی واقع مابین استرآباد و آق قلعه را با کمال استحکام ساختند — اداره ورقه دولتی را به این چاکر سپرده و به اعطای یک قطعه گل کمر سرافراز فرمودند — محمد کاظم خان ولد مرتضی خان قاجار منصب سرتیپی سیم یافت — قاسم خان والی حکمران فارس شب یازدهم محرم به مرض حصه درگذشت — جلال الدین میرزا ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) مرحوم شد — علیقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب عماد الدوله وفات نمود — جناب آقا عبد الله

مجنهد کرمانشاهانی به رحمت الهی پیوست — کلب حسین خان امین نظام داعی حق را لبیک اجابت گفت — حکومت کرمانشهان و توابع را به عهده نواب مؤیدالدوله واگذار فرمودند — حکمرانی خوزستان و لرستان را به نواب حشمت الدوله حمزه میرزا امیرجنگ مرحمت فرمودند — چون جناب مستطاب صدراعظم جشن مولود همایون را در دوشب و یک روز زایداً ماکان با جلوه و شکوه گرفتند و مبلغ پانزده هزار تومان به مخارج این جشن سعید رسانیدند پاس خدمات جناب معظم را یک عدد قلمدان طلا مکمل به الماس بریلیان به جناب معظم مرحمت فرمودند — حکومت بروجرد و توابع به عهده نواب اعتماد السلطنه وزیر علوم مرحمت شد — حکومت ایالت گیلان را به دوستعلی خان نظام الدوله وزیر مالیه تفویض فرمودند — قوجه سردار ترکمان که با دوهزار سوار تراکمه به عزم تاخت و تاز به سرحدات خراسان آمده بود خود او و اکثری از همراهانش مقتول و اسیر سپاه منصور شدند — مستر الیسون وزیر مختار دولت انگلیس در دارالخلافة طهران وفات نمود — رکیب خانه مبارکه را به عهده غلامحسین خان پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند — امر کشیکخانه مبارکه و منصب جلیل کشیکچی باشیگری را به جناب علاءالدوله واگذار نمودند — میرزا صادق قایم مقام که چند سال بود به ناخوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در این اوان به رحمت الهی پیوست — در ماه ربیع الاول این سال راپورتی جناب مستطاب صدراعظم به جهت بعضی تغییرات و ابداع رسوم جدید نوشته موشح و ممضی به امضای همایونی داشتند — منصب ایلخانی گری ایل جلیل قاجار را به نواب والا عزالدوله عبدالصمد میرزا مرحمت فرمودند — محمدتقی خان افشار پیشخدمت خاصه که اصطبل توپخانه مبارکه نیز به عهده معزی الیه است به لقب حاجب الدوله و منصب فراشباشیگری برقرار و به اعطای یک قبضه عصای مرفع سرافراز گردید — نواب ملک آرا ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) به رحمت الهی رفت — حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس به اعطای یک قطعه نشان امیرنویانی از درجه اول مباهی گردیده مراجعت به مقر حکمرانی فرمودند — محمدصالح خان سرتیپ کردبچه مرحوم شد — میرزا مصطفی قلی خان مستوفی نوری درگذشت — میرزا سیداممعلیل کلانتر سابق که

زیاده از هفتاد سال داشت وفات نمود — جناب ناصرالملک محمودخان رئیس مجلس شورای عسکریه به منصب امیرتومانی سرافراز شد — میرزا فضل الله نوری وزیر نظام سابق که تقریباً هشتاد سال داشت مرحوم شد — میرزا رضای نجم الماک نیز به رحمت ایزدی پیوست — مرحومین این سال اغلب به مرض حصه که بعد از غلا بروز کرده بود مبتلا بوده اند — حکومت اردبیل را به محمدرحیم خان سرتیپ شامبیاتی محول فرمودند — جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی مأمور اقامت دربار دولت علیه در عشر آخر ربیع الثانی وارد دارالخلافه شده به حضور مبارک تشریف جست — روز غرة جمادی الاولی موکب همایون عزیمت ییلاق لار فرمود — جناب آخوند ملازین العابدین مجتهد گلپایگانی که هشتاد سال از سنشان گذشته بود به جوار رحمت الهی پیوستند — حاجی میرزا رحیم پیشخدمت و ناظم دفترخانه مبارکه مرحوم شد — امسال برخلاف سال قبل آبها زیاد، زراعتها خوب، محصولات وافر، انواع نعمتها و ارزاق فراوان و ارزان، و قاطبه مردم مرقه و شاکر هستند — قتل و اسر و تنبیه طایفه تراکمه طاغیه در حدود خراسان — راه از آمل به دارالخلافه را به امر همایون می سازند — میرزا ملکم خان ناظم الملک لقب یافت — بشیرخان آغاباشی مرحوم شد و حاجی آغا جوهر به منصب خواجه باشیگری سرافراز شد — موکب همایون از لار تشریف فرمای ساحت نور و کجور و ساحل دریای خزر شده مراجعت به شهرستانک فرمودند — محمدحسین خان ولد محمدتقی خان حاجب الدوله به منصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز و محمدخان ولد دیگر حاجب الدوله به نیابت معزی الیه به ریاست اصطبل توپخانه مبارکه برقرار آمد — بیوک خان سرتیپ اول افشار به لقب اقبال الملکی ملقب شد — نواب نیرالدوله مجدداً به حکمرانی ترشیز برقرار گردید — عبدالباقی خان افشار مجدداً به حکومت جام و باخرز نایل آمد — عبدالله خان ولد جناب علاء الدوله به منصب قوللر آقاسی باشیگری مفتخر گردید — محمدحسن خان ولد کهتر جناب علاء الدوله به منصب نسقچی باشیگری سرافراز شد — میرزا کاظم گیلانی که از فحول حکما و اطبّا است به لقب ملک الاطبیائی سربلند آمد — حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیمهد دولت علیه ایران سلطان مظفرالدین میرزا ادام الله

اقباله العالی که احضار به دارالخلافة شده بودند روز هشتم شعبان وارد شدند — موکب همایون روز چهاردهم شعبان تشریف فرمای عمارات سلطنتی دارالخلافة گردید، و در این روز یک ثوب جبّة ترمه، دور مروارید شمسۀ مرقع به جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم مرحمت و اعطا فرمودند — میرزا ملکم خان ناظم الملک مستشار صدارت عظمی به نشان تمثال همایون درجۀ افتخار یافت — مکتب مجانی از برای تحصیل السنة خارجه و علوم متنوّعه به اهتمام مؤلف دایر شد — ناظم الملک میرزا ملکم خان به وزارت مختار و مأموریت به اقامت لندن، و اعلان عزیمت موکب اعلا در سال آتی به فرنگستان، در نیمۀ رمضان روانۀ فرنگستان شد — دکتر طولوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون که موقتاً رخصت مسافرت به فرانسه یافته بود این اوقات معاودت کرده به خاکپای همایون مشرف و به یک قوطی انفیه دان مرقع به الماس سرافرازی حاصل نمود — جناب حسنعلی خان که سابقاً از جانب دولت علیّه در فرانسه و بعد در اسلامبول وزیر مختار بودند به وزارت فواید عامه منصوب گردیدند — حضرت شاهنشاهزادۀ اجل اعظم کامکار ولیعهد دولت ابدآیت را به یک قطعه نشان از درجۀ اوّل امیرنویانی مکّلل به الماس بریلیان قرین اعزاز فرموده و پس از رخصت ملوکانه معاودت به مقر حکومت آذربایجان فرمودند — جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی به باب عالی احضار و جناب منیف افندی به جای او برقرار گردید و حین روانگی اشرف پاشا جناب معزی الیه را به نشان اوّل شیر و خورشید و حمایل سبز و عطای یک قطعه قوطی انفیه مکّلل به الماس با طفرای ملوکانه مباهی فرمودند و قوطی مزبور صله قصیده غزائی بود که در مدح اعلیحضرت همایون انشاد کرده بود — حاجی شهاب الملک امیر توپخانه مبارکه به حکومت خراسان سرافرازی حاصل نمود — در اوایل ماه ذیقعدة الحرام لایحه جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته به عرض همایون رسانیدند و صدر آن لایحه به دستخط مبارک موشح گردید، و در آن لایحه ترتیب و تعداد وزارتخانه های دربار دولت از این قرار بود: (وزارت داخله)، (وزارت خارجه)، (وزارت جنگ)، (وزارت مالیات)، (وزارت عدلیه)، (وزارت علوم)، (وزارت فواید)، (وزارت

تجارت و زراعت)، (وزارت دربار)، (صدارت عظمی) که مسئولیت کلّ وزارت و ادارات دولتی برعهده صدر اعظم است — نواب معزالدوله به حکمرانی ولایت مازندران منصوب گردیدند — ایجاد سالنامه در دولت علیه شد — ایجاد چراغهای پایه چودن برای خیابان ناصریه و غیره نیز از مخترعات این سال است — جناب کنت دویسکی وزیر مختار دولت آستریه که علاوه بر مأموریت و اقامت دربار همایون مأمور به دعوت اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی به مملکت آستریه و تماشای بازار اکسپوزسیون وینه بود بیستم ذیقعد وارد دارالخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردید و نامه اعلیحضرت امپراطور را با بعضی هدایا تبلیغ کرد — میرزا یوسف خان مستشار سابق دیوان عدالت به نیابت وزارت خارجه و مباشرت مهم خارجه آذربایجان برقرار گردید — میرزا نصرالله خان منشی خاصه وزارت خارجه به نیابت وزارت خارجه نایل آمد — میرزا محمودخان وکیل به کارپردازی حاجی ترخان مأمور گردید — نزدیک آخر این سال خیرمال حقوق دیوانی عموم طبقات نوکر از جیره و مواجب و علیق الدواب به اهتمام جناب صدر اعظم پرداخته شد — در ماه ذیحجه این سال امتحانی از متعلمین مکتب مجانی که به اهتمام بنده مؤلف دایر است به عمل آمده بعد از تمجیدات شایسته جناب صدر اعظم مکتب مزبور را به لقب خود موسوم و مکتب مشیریه نامیدند و بسیاری از متعلمین را به مدال و نشان نقره و مس و انعامات مفتخر داشتند — یک قطعه نشان اقدس که اول نشان این دولت ابدایت است به جناب مستطاب صدر اعظم اعطا و مرحمت شد — پاشاخان امین الملک وزیر عدلیه در بین راه حضرت شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام روز هیجدهم ذیحجه از درشکه پرت شده و به همان صدمه روز نوزدهم مرحوم شد — نواب والا معتمدالدوله حکمران کردستان را موقتاً از محل حکمرانی خود به دارالخلافه احضار فرمودند که در غیاب موکب همایون و اوان تشریف فرمائی به فرنگستان به معاونت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیرکبیر به مهمام کشوری و لشکری رسیدگی نمایند، (ژاپن) — یانقین سخت در شهر یکه پایتخت — فوت سیصد و پنجاه نفر و بی مسکن و مأوی ماندن سی هزار نفر — اقتدار سلطنت جسمانی و روحانی میکاؤ و فرستادن جمعی از جوانان به مملکت فرنگ

به جهت تحصیل.

اروپا — (اسپانیا) — در ایالات بیسکاری و ناوان، دُن کارلُس نامی از شاهزاده‌های اسپانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را به دور خود جمع می‌نماید — در یکی از شبهای تابستان جمعی قصد قتل پادشاه و ملکه را می‌نمایند ولی صدمه و آسیبی به آنها وارد نمی‌آید. (آلمان) — در دویم ماه مارس که مقارن با روز امضای عهدنامه صلح مابین آلمان و فرانسه منعقد در سال قبل بود جشنی در برلن و سایر ممالک و بلاد آلمان گرفتند — به بیست نفر از سرداران بزرگ که در آن معرکه جلادت و رشادتی بروز داده بودند از طرف امپراطور علی‌قدر مراتبهم انعامات بذل و اعطا شد، از جمله به پرنس فردریک شارل، و کنت دملک، و ژنرال رون، و ژنرال مُنتفیل، معادل چهارصد هزار تومان پول ایران که هر نفری صد هزار تومان باشد انعام داده شد — مسافرت امپراطور آلمان به ممالک جنوبی آلمان به جهت سرکشی قشون آن ممالک — ملاقات امپراطور روس و امپراطور اطریش با امپراطور آلمان در برلن و مستحکم نمودن مبانی دوستی فیما بین را. (انگلیس) — نزاع عساکر هندوستان با طایفه یاغی در طرف شمال شرقی آن مملکت — قتل ارمایو فرمانفرمای هند به دست شخصی از مسلمانان — نصب لرد نرتبروک به فرمانفرمائی هند — جشن اهالی انگلیس به جهت سلامتی مزاج ولیعهد — طپانچه انداختن به سمت پادشاه انگلستان و محفوظ ماندن اعلیحضرت معظم‌الیها از آن — ابتیاع نمودن دولت انگلیس بعضی از متصرفات هلاند را در افریقا — مراجعت اِسْتِلی و خبر دادن از سلامتی لونگستُن مسافر معروف — دولت انگلیس شش کرور و دوست و پنجاه هزار لیبره به دولت اتانونی ینگِی دنیا خسارت کشتی موسوم به آلاباما که در بنادر انگلیس ساخته شده و در جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب اتانونی اهالی جنوب آن کشتی را ابتیاع نموده و به معاونت آن خسارات کلی به ایالات شمال رسانیدند می‌دهد. (ایطالیا) — فوت مازینی از معارف — طغیان کوه آتش‌فشان وزوو. (روس) — افتتاح راه آهن تفلیس به بندر پوطی — انعقاد عهد الفت و دوستی با خان کاشغر — تزلزل و اندیشه خان خیره از عساکر روس — بروز وبا در ایالات

جنوب و مرکز مملکت. (شود و نروج) — فوت شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکاو دویم برادر او به جای او. (عثمانی) — عزل و نصب کلی در این مملکت — تغییر صدور و وزرای جنگ به تواتر — صدارت مدحت پاشا — اتهام محمودپاشای صدراعظم سابق به اخذ پول زیاد از صرافان فرنگ — فتح عساکر عثمانی قلعه سخت صناعا را در عربستان — اختیار تام دادن در جمیع امور از طرف اعلیحضرت سلطان به خدیو مصر — منازعه عساکر مصری با امپراطور حبشه. (فرانسه) — فوت مارشال وایان از سرداران — خیالات رئیس جمهوری در انتظامات داخله و دادن وجه مقرر خسارت جنگ را به دولت آلمان که زودتر ممالک فرانسه را تخلیه نمایند.

امریکا — (اتائونی) — در ظرف مدت سیزده سال نهصد و ده هزار و چهارصد و بیست و پنج نفر از اهالی آلمان و یک کرویر و شصت هزار و هشتصد و سی و یک نفر از مردم ارلند و هفتصد و پنجاه و یک هزار و هفتصد و شصت و نه نفر انگلیس به خاک اتائونی مهاجرت نموده در آنجا سکنی و جا گرفتند — خشکسالی و بارندگی نشدن در ایالات نیورک — هلاک جمع کثیری از حدت حرارت آفتاب — در این سال شصت هزار و هشتصد و پنجاه و دو میل امتداد راههای آهن اتائونی است. (مکزیک) — فوت ژوارز رئیس جمهوری و نصب لردترازا به جای او.

[سنه ۱۲۹۰ هجری = سنه ۱۸۷۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — کلیه امور دولتی در این سال خیرمال به توجهات خاطر خطیر همایون منتظم است — حاجی محمدقلی خان آصف الدوله به وزارت عدلیه عظمی منصوب گردید — میرزا محمد قوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد، و جناب میرزا هدایت الله وزیر لشکر سابق به وزارت دفتر برقرار آمد — جناب میرزا محمدحسین دبیرالملک علاوه بر وزارت رسایل به وزارت داخله مباحی و نایل گشت — امور چاپارخانه های ممالک محروسه را به امیرزاده مهدی قلی میرزا ولد مرحوم حاجی محمد ولیمیرزا واگذار فرمودند — جناب مسیوطامسن وزیر مختار

دولت انگلیس مأمور اقامت دربار دولت علیه وارد دارالخلافه گردید — جشن عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی را جناب مستطاب صدراعظم با کمال شکوه مانند سال قبل گرفتند — بنده مؤلف به اعطای یک قطعه نشان از درجه ثانیة شیر و خورشید سرافراز شد — جناب میرزا کاظم خان نظام الملک به حکومت یزد منصوب گردید — دوستعلی خان نظام الدوله در سن پنجاه و چهار سالگی به مرض محرقه مرحوم شد — محمد قاسم خان پسر مرحوم فتحعلی خان ملک الشعرا به رحمت ایزدی پیوست — این اوقات که زمان عزیمت سفر فرنگستان نزدیک شده قشون ظفرنمون حاضر رکاب اعلی تماماً یک روز به امر همایون در بیرون دروازه دولت حاضر شده سان دادند و مورد تملظفات و تفقدات و عنایات ملوکانه گردیدند — حاجی شهاب الملک والی خراسان بعضی از اشرار تراکمه را تنبیه نموده است — میرزا رضاخان آجودان صدارت به منصب سرتیپی سیم مفتخر گردید — محمد آقای سرتیپ شارژدافر سابق دولت علیه مقیم لندن به نیابت اول وزارت فواید برقرار گردید — از وقایع معظمه این سال سفر خیریت اثر اعلیحضرت همایونست به فرنگستان که سابقاً نیز بدان اشاره نموده ایم و شرح این سفر سعادت اثر نیز چون سایر اسفار ملوکانه به قلم معجز رقم خسروانه مرقوم شده است ولی ما باز خلاصه این سفر عظیم را مسطور می داریم:

روز بیست و یکم صفر المظفر این سال از دارالخلافه باهره انتهای فرموده تشریف فرمای قریه کن گردیدند — شنبه دوازدهم ربیع الاول شهر رشت به ورود مسعود همایون مزین گردید — امروز پرنس منچیکوف و کلنل بیزاک که از جانب دولت روس مأمور مهمانداری موکب معلی هستند و از پطرزبورغ با میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک سفیر دولت علیه مقیم پطرزبورغ قبل از ورود به رشت به اردوی همایونی پیوستند — روز یکشنبه سیزدهم به عزم انزلی انتهای فرموده دوشنبه چهاردهم به کشتی مخصوص دولت روس نشسته به طرف حاجی ترخان و روسیه حرکت فرمودند — ملتزمین رکاب اعلی در سفر خیر اثر فرنگستان از این قرار هستند:

در گشتی مخصوص همایونی

(جناب مستطاب صدراعظم حاجی میرزا حسین خان)، (جناب معتمدالملک)، (جناب عضدالملک)، (منشی حضور)، (امین السلطان)، (امین السلطنه)، (مهدی قلی خان پیشخدمت خاصه)، (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص)، (عکاسباشی)، (غلامحسین خان زین دارباشی)، (محمدحسن خان محقق)، (امین خلوت)، (فرخ خان)، (امیرزاده وجیه الله میرزا)، (جعفرقلی خان)، (حاجی محمدخان قهوه چای باشی)، (آقارضای ده باشی)، (میرزا عبدالله فراشخلوت)، (میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک)، (سلطان حسین میرزا)، (آقامحمدعلی)، (آقاحسینعلی آبدار)، (آقاباقر)، (جتار قهوه چای)، (بنده مؤلف).

در گشتی دیگر

(نواب والا عزالدوله عبدالقصد میرزا)، (نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم)، (نواب حسام السلطنه)، (نواب والا نصرت الدوله)، (نواب عمادالدوله)، (جناب علاء الدوله)، (جناب حسنعلی خان وزیر فواید)، (جناب الله قلی خان ایلخانی)، (میرزا قهرمان امین لشکر)، (امیرزاده احتشام الدوله سلطان اوپس میرزا)، (حکیم المسالک)، (نصیرالملک سرتیپ اول)، (جناب مخبرالدوله)، (محمدباقرخان شجاع السلطنه)، (حسنعلی خان ژنرال آجودان)، (میرزا رضاخان سرتیپ آجودان صدارت)، (ابراهیم خان نایب)، (میرزا احمدخان ولد جناب علاء الدوله).

از فرنگیها که در گشتی ثانی بودند

(جناب مسیو دبسکی وزیر مختار نمسه)، (جناب مسیو طومسن نایب سفارت انگلیس)، (مسیو دیکسن حکیم انگلیسی).

روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول حاجی ترخان به ورود مسعود خسروی مزین آمد و شرایط تشریفات قدوم همایونی را کاملاً فراهم آورده بودند — پرنس

منچیکوف و کلنل بیزاک به اتفاق جناب صدراعظم از حاجی ترخان به اجازه همایونی از جلو به مسکو رفتند — روز پنجشنبه هفدهم پس از سیر و تماشای اماکن متنزه و آثار قدیمه حاجی ترخان از روی رود ولگا به واسطه کشتی عزیمت ساریتسین فرموده عصر روز هیجدهم به شهر ساریتسین نزول اجلال فرمودند در اینجا نیز تشریفات مقررہ قدوم سلطنت به عمل آمده بود. از اینجا به کالسکه بخار نشسته روانه مسکو شدند — پرنس دالقوریکی حاکم شهر مسکو به استقبال موکب همایون آمد و با تشریفات تمام به شهر مسکو ورود فرمودند. منزل اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب در عمارت کرملین بود که مزین به انواع اسباب گرانهای نفیس و از ابنیه عالیه سلطنتی و مقر سلاطین قدیم روسیه است — یک شب هم در خانه پرنس دالقوریکی به بال تشریف فرما شدند و روز بیست و سیم عزیمت پطرزبورغ فرموده، روز بیست و چهارم به شهر پطرزبورغ نزول فرمودند — اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روس آلکساندر دویم با نواب ولیعهد و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت درگاہ به استقبال حاضر بودند، و اعلیحضرت شاهنشاه ایران را با کمال گرمی پذیرفته با تشریفات تمام به عمارت سلطنتی ورود دادند و نشان سنت آندره که اعظم نشانهای دولت روس و مکمل به الماس است با حمایل آبی از جانب اعلیحضرت امپراطور آورده به اعلیحضرت شاهنشاه ایران اهدا و تقدیم نمودند و از پذیرائی قدوم مبارک نکته ای فروگذار نکردند — بندگان همایون یک روز به میدان مشق، و یک روز به تماشای موزه ارمی تاج، و یک روز به تماشای مشق سواره نظام، و بعد به بانک و ضراب خانه دولتی، و یک روز به تماشای پطرهوف و گرنیشاد، و یک شب در شهر سارسکوسلو به دعوت شام تشریف فرما شده و در این شب اعلیحضرت امپراطور به جمیع ملتزمین رکاب اعلیحضرت شاهنشاهی اعطای نشان و انگشتی و ساعت و غیره فرموده، روز دویم ربیع الثانی اعلیحضرت همایونی بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطوری از راه ویتلن که شهر روس و کونیکس بورخ که شهر پروس است عزیمت آلمان و پروس فرموده و روز چهارم عازم برلن گردیدند، عصر وارد گار برلن شده اعلیحضرت امپراطور گلیوم و نواب ولیعهد پسر ایشان و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت و وزرا و ارکان دولت

همه سرراه حاضر بودند. اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه سربازی نشسته به قصر سلطنتی تشریف فرما گردیدند — روز پنجم به سیاحت شهر پتسدام که خارج برلن است نهضت فرما گردیده، و روز ششم به سیاحت باغ وحش برلن و بعضی اماکن دیگر شهر، و روز هفتم به سیر آگوارיום یعنی جایی که حیوانات و نباتات دریائی را به جهت تماشا نگاه می دارند، و روز هشتم به تماشای میدان مشق و مشق افواج و سواره و بازدید جبهه خانه تشریف فرما شده، و روز نهم نشان اِگل نوار مکئل به الماس با حمایل زرد از جانب اعلیحضرت امپراطور به اعلیحضرت شاهنشاهی تقدیم شد — آنگاه با کالسکه بخار تشریف فرمای شهر پتسدام شدند — روز دهم به پارلمنت تشریف برده و بعد از آن با اعلیحضرت امپراطور وداع فرموده روز یازدهم عازم شهر کلون و ویسباد شدند. یک ساعت به غروب مانده به کارخانه گروپ رسیدند. مسیو گروپ صاحب کارخانه یک عراده توپ ته پرشش پوند بسیار اعلی پیشکش قدم مبارک نمود — شب شهر کلون منزل موکب همایون بود — روز دوازدهم بعد از تماشای باغ نباتات و باغ وحش کلون حرکت فرموده تا به شهر بُن رسیدند، از آن گذشته به شهر کوبلنس، و از آنجا عبور کرده بعد از طی مسافت زیاد به شهر ویسباد ورود فرمودند — روز سیزدهم قصبه شی اِرس تین، و قصبه ایریش به مقدم همایون مزین آمد — روز چهاردهم عزیمت شهر فرانکفر فرمودند و بعد از سیاحت و بازدید این شهر به ویزباد مراجعت نموده شب در این شهر بستر بردند — روز پانزدهم به عزم بادن باد انتهاز فرمودند، و از شهر مایانس و فرانکفر و دارمستاد عبور نموده به شهر هیدنبرگ که اول خاک گراندوک و باد است رسیدند پس از آن به شهر کارلسروه که پایتخت گراندوک باد است ورود فرمودند. گراندوک با جمعی بزرگان مملکت در گار حاضر بودند، در اینجا صرف غذا و قدری گردش فرموده آنگاه با راه آهن به بادن باد تشریف بردند — روز شانزدهم گراندوک به بادن باد آمده و در اینجا مهمانی بسیار خوبی نمود و از آنجا به ویزباد معاودت فرمودند — روز هفدهم با کشتی بخار از روی رود رن عزیمت مملکت بلژیک فرموده اول به شهر کوبلانز و بعد به شهر بون رسیده از کشتی بیرون آمده تا به شهر گولن راندند، و از آنجا رو

به سرحد بلژیک نموده از شهر دورن و بعد از شهر اکسلاشاپل که تا اینجا از شهرهای آلمان است گذشته رسیدند به رودخانه کوچکی که سرحد بلژیک و آلمان است از آنجا نیز تجاوز نموده وارد شهر اسپا که اول خاک بلژیک است گردیده بعد از دو روز توقف، روز سیم عزیمت بروکسل پایتخت بلژیک فرمودند، بعد از ساعتی به شهر لیژ که کارخانه های تفنگ سازی و کالسکه بخار سازی معتبر دارد رسیدند — از آنجا گذشته بعد از دو سه ساعت به شهر بروکسل ورود فرمودند — اعلیحضرت پادشاه و برادر ایشان کنت دفلاند و غیرهما حاضر بودند — اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت لئوپلد در کالسکه نشسته به عمارت دولتی رفته بعد از ساعتی اعلیحضرت همایون نشان صورت خسروانه را برای پادشاه بلژیک فرستادند — کمال تشریفات از مقدم همایونی به عمل آمد — لارنس صاحب، و کامبل صاحب، و طمسون صاحب و چند نفر دیگر از اعیان انگلیس که برای مهمانداری آمده بودند در بروکسل به حضور همایون مشرف شدند، بعد از دو سه روز توقف و تماشای همه جا و اهدای نشان آفتاب با حمایل به ملکه بلژیک — روز بیست و دویم با اعلیحضرت پادشاه وداع فرموده از راه بندر اُستاند هازم انگلیس شدند و در بندر مملکت فلاندر از کالسکه پیاده و به کشتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان داخل شده راندند — از بند اُستاند تا دُوور که اول خاک انگلیس است پنج ساعت راه بود — پسرهای اعلیحضرت پادشاه انگلستان با وزرای دولت و اشراف لندن و تشریفات دولتی زیاد تا بندر دُوور به استقبال آمده بودند — پسر وسطی اعلیحضرت پادشاه دوک دادیمبورغ و پسر سیمی پرنس آرتور نام دارد — بعد از ورود به اسکله به کالسکه بخار نشسته عزیمت لندن نمودند — در حوالی شهر لندن نواب ولیعهد دولت انگلیس پرنس دوگال با جمعیتی زیاده از حد از اهل نظام و غیره حاضر شده بودند. اعلیحضرت همایون پیاده شده با نواب ولیعهد در کالسکه روبرازی نشسته روانه عمارت بوکنگام که عمارت مخصوص پادشاهی است شدند — اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قصر ویندزور که در شش فرسخی شهر است بودند — روز بیست و چهارم که سیم روز ورود بود با جمیع ملتزمین رکاب اعلی به قصر ویندزور به دیدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان تشریف بردند

— اعلیحضرت پادشاه تا پای پله قصر اعلیحضرت همایون را استقبال کردند و جمیع شرایط مودت و اعزاز ملحوظ شد — بعدها لردن امیرلاند وزیر دربار پادشاهی نشان ژارتیر مکمل به الماس را که به زانو بند معروف و سوای اعلیحضرت پادشاه انگلستان که رئیس اداره این نشان اند و شاهزادگان انگلیس و سلاطین خارجه کسی دارای آن نیست برای اعلیحضرت شاهنشاهی آورده، اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان برخاسته به دست خودشان نشان را به پیکر انور ملوکانه زدند و حمایلش را انداختند — اعلیحضرت همایون هم نشان و حمایل آفتاب مکمل به الماس را با نشان تصویر بی نظیر مقدس همایون به اعلیحضرت پادشاه انگلستان دادند — بعد از صرف نهار و تفرج مراجعت به شهر شد — روز بیست و پنجم به تماشای کارخانه جات وُلُوِیج که جیه خانه و توپخانه و آهنگرخانه دولت انگلیس است و به تماشای مشق توپخانه تشریف فرما شدند — یک توپ نه پوند پیشکش حضور مبارک کردند — روز بیست و ششم به سیاحت باغ وحش گذشت، روز بیست و هفتم برای سان کشتیهای جنگی عزیمت بندر پرتسموت فرمودند و شب را به مجلس گنیر یعنی ساز و آواز که در عمارت آلبرهال است تشریف بردند — روز بیست و هشتم به جهت سان قشون که اعلیحضرت پادشاه انگلستان خواستند بدهند عازم قصر ویندزور شدند — روز بیست و نهم به کرن وِیج به جهت تماشای مدرسه بحری انگلیس تشریف برده، روز سلخ ربیع الثانی به سیاحت شهر لیورپول و قصر ترنتام، و روز غره جمادی الاولی عازم شهر منچستر که کارخانجات پارچه بافی و غیره است شدند — روز دویم تشریف فرمای لندن شده باز هر روز و شبی به تماشای محلی و دعوت مخصوصی اوقات همایونی گذشته، روز ششم برای وداع با اعلیحضرت پادشاه انگلستان به ویندزور تشریف بردند — روز هفتم به عمارت بلور، و روز هشتم به تماشای مریضخانه و غیره تشریف فرما شده، روز نهم جمادی الاولی عزیمت بندر شربورغ فرانسه نموده در گار ویکتوریا با نواب ولیعهد وداع کرده با کالسکه بخار حرکت فرمودند و بعد از سه ساعت وارد بندر پورتسموت شده و از اینجا با کشتی فرانسه به بندر شربورغ تشریف بردند — روز دهم به کالسکه بخار نشسته از مملکت نورماندی عبور و نیم ساعت در شهر

کان پایتخت نورماندی توقف کرده یک ساعت به غروب مانده به پاریس رسیدند — دم گار با مارشال ماکماهون رئیس دولت جمهوری و دوک دو بروکلی که تازه وزیر امور خارجه شده تعارف فرمودند — عمارت گرژیسلا تیف منزلگاه اعلیحضرت همایونست — تا روز بیست و سیم موکب معلی در پاریس اقامت داشت — روزی به تماشای عمارت و باغ و رسایل، و روزی به انوالید که مقبره ناپلیون اول و غیره است، و روزی به لونشان برای سان قشون، و روزی نیز برای اسب دوانی به لونشان، و شبی به تماشای سیرک رفتند. و هکذا هرشب و روزی به تماشای محلی و دعوت گاهی تشریف فرما شده، روز بیست و سیم جمادی الاولی از پاریس عازم دیژن که یکی از شهرهای فرانسه است شده با کالسکه بخار به آنجا تشریف بردند — روز بیست و چهارم از دیژن حرکت فرموده غروبی به شهر ژنو که از شهرهای سویس است رسیدند — روز بیست و پنجم و بیست و ششم به سیر دور دریاچه ژنو گذشت — روز بیست و هفتم در مهمانخانه هتل دلایه به نهار موعود دولت سویس بودند — روز بیست و هشتم از ژنو به شهر تورن پایتخت قدیم مملکت ساردن و پیه مون تشریف فرما گردیدند — اعلیحضرت و یکتور امانول ثانی پادشاه ایتالیا و نواب پرنس لمبر ولیعهد دولت، و سایر شاهزادگان و رجال دولت ایتالیا دم گار موکب معلی را پذیرفتند و اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت پادشاه ایتالیا در کالسکه روبازی نشسته به عمارت دولتی که برای منزلگاه اعلیحضرت همایون است و اعلیحضرت پادشاه ایتالیا در همین عمارت منزل دارند تشریف بردند — روز بیست و نهم و روز سلخ جمادی الاولی در تورن اقامت شد و به تماشای ابنیه و اماکن و نزهتگاهها گذشت — روز غره جمادی الثانی از تورن بعد از وداع اعلیحضرت پادشاه ایتالیا عازم شهر میلان شدند — روز دویم از میلان عزیمت شهر سالیس بورخ که جزء مملکت اطریش است فرمودند — در استامیون آلا که سرحد دولتین ایتالیا و اطریش است مهمانداران آستریه حاضر بودند، از آنجا رانده روز سیم نزدیک غروب آفتاب به استامیون پانزنک که در دو فرسخی شهر وینه بود رسیده کالسکه ایستاد — اعلیحضرت امپراطور نمسه فرانسوا ژوزف با نواب ولیعهد و شاهزادگان آن مملکت تا آنجا به استقبال آمده منتظر بودند پائین آمده با

اعلیحضرت امپراطور شرایط مودت بجا آورده با کالسکه بخار روانه منزل که قصر لاکسانبورگ است شدند - روز چهارم به قصر شونیرون به بازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف برده مراجعت فرمودند - روز هفتم به تماشای شهر وینه و بازار اکسپوزیسیون پرداختند و تا روز دوازدهم خاطر مبارک به تفرج و تماشای محلی مشغول بود و کمال پذیرائی و تشریفات از قدم همایون منظور داشتند - روز سیزدهم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور به شهر سالسبورگ تشریف فرما گردیدند - روز چهاردهم شهر انسبروک به ورود مسعود همایون شاهانه مزین شد - روز پانزدهم عزیمت شهر بولون ایتالیا فرمودند - روز شانزدهم در بولون توقف شد و به گردش این شهر و نواحی پرداختند - روز هفدهم عازم برندیزی که آخر بندر ایتالیاست شده، روز هیجدهم به بندر مزبور ورود فرمودند - دو کشتی از دولت عثمانی با اشرف پاشا مهماندار حاضر بودند - روز نوزدهم عازم اسلامبول گردیده، روز بیست و دویم به بغاز دارانل رسیدند - محمد رشیدی پاشای صدراعظم با رجال و صاحبمنصبان بزرگ دولت عثمانی از اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان به چناق قلعه به استقبال موکب همایون آمده بودند، روز بیست و سیم کشتی آمد تا محاذی عمارت مشهور به بیگلربیگی که برای منزل اعلیحضرت همایون تعیین شده بود. اعلیحضرت سلطان که در عمارت بیگلربیگی بودند سوار قایق مخصوص که برای اعلیحضرت همایون حاضر کرده بودند شده به کشتی سلطانیه آمده از اعلیحضرت شاهنشاهی پذیرائی شایان نموده و متفقاً در قایق نشسته به اسکله تشریف فرما شده به عمارت صعود فرمودند و مراسم تشریفات مقدم مبارک کاملاً به عمل آمد، و تا روز بیست و نهم اعلیحضرت همایون شهریاری در شهر اسلامبول اقامت و هر روز و شبی به تماشای محلی تشریف فرما شده و در هر موقعی از ذات همایونی پذیرائی شایان نموده، روز غرة رجب بعد از وداع اعلیحضرت سلطان در کشتی سلطانیه نشسته عزیمت پوطی نمودند - روز چهارم به بندر پوطی رسیده پرنس منچیکوف و کلنل بیزاک مهمانداران سابق دولت روس باز اینجا آمده مشغول پذیرائی مقدم مبارک شدند و از کشتی سلطانیه به کشتی بخار کوچکی که از طرف پوطی آمده نقل مکان کردند - نواب گراندوک میشل برادر

اعلیحضرت امپراطور روس که جانشین و فرمانفرمای قفقاز است با صاحبمنصبان دم اسکله حاضر بودند بعد از تعارفات با کالسکه بخار به راه افتادند و فردا صبح به تفلیس رسیدند در اینجا نیز تشریفات کامله به عمل آمد — روز هفتم از تفلیس عزیمت بادکوبه فرمودند — روز هشتم تشریف فرمای گنجه و روز نهم به طرف توریانچای، و روز یازدهم دو ساعت از شب گذشته به شهر بادکوبه ورود فرموده و به کشتی نشسته به طرف انزلی حرکت فرمودند — روز چهاردهم رجب به انزلی شرف ورود ارزانی فرموده عموم اهالی ممالک محروسه از سلامت و معاودت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی قرین تشکر کامل گردیدند، و روز سلخ رجب المرجب دارالخلافة باهرة طهران به مقدم مبارک مزین و مشرف شد.

هم از وقایع حزن انگیز این سال رحلت نواب علیة عالیہ مهدعلیا والدۀ محترمة اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که روز ششم ربیع الثانی در دارالخلافة طهران به جوار رحمت الهی پیوستند — عباسقلی خان سردار لاریجانی بیست و هفتم ربیع الاول مرحوم شد — نواب فخرالدوله عمۀ محترمة اعلیحضرت همایون شب بیستم شهر جمادی الاولی به رحمت ایزدی پیوست — جناب حاجی سیداسدالله مجتهد اصفهانی ولد مرحوم حاجی سیدمحمدباقر از اجلۀ علمای اصفهان داعی حق را لبیک اجابت گفت — جناب حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم بعد از ورود موکب مسعود به خاک ایران از این منصب استعفا کرده در رشت متوقف گردید — وزارت جنگ و امارت توپخانه مبارکه و قورخانه کمافی السابق به عهده کفایت نواب والا نصرت الدوله موکول آمد — مجلس دربار با اجزای مسطورة در ذیل تشکیل یافت: (جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر داخله و رئیس کل دفاتر و محاسبات و خزانه و غیره و رئیس دارالشوری و ناظم دارالخلافة و خالصه جات)، (نواب والا نصرت الدوله وزیر جنگ)، (نواب اعتماد السلطنة وزیر علوم)، (نواب عمادالدوله وزیر عدلیه اعظم که تازه به این منصب نبیل نایل شده)، (جناب میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه)، (جناب نصیرالدوله وزیر تجارت)، (جناب مجدالملک وزیر وظایف)، (جناب میرزا علی خان منشی حضور و وزیر رسایل) — جناب اجل آقای

مستوفی الممالک به اعطای قلمدانی مرقع به جواهر مباهی گردیدند — جناب علاءالدوله که علاوه بر منصب کشیکچی باشیگری در سفر فرنگستان موقتاً به سمت ایشیک آقامی باشیگری معرفی شدند در این اوان اداره فراشخانه مبارکه و باغات و عمارات دولتی را مزید سایر مشاغل جناب معزی الیه نموده به اعطای یک قبضه عصای مکمل به الماس بریلیان مباهی آمدند — آقارضای عکاسباشی و پیشخدمت مخصوص خازن صرف جیب و آجودان مخصوص حضور همایون گردید — بنده مؤلف به منصب معاونت دیوانخانه عدلیه اعظم مفتخر و سرافراز آمد — برای هریک از ولایات ممالک محروسه نیز مقرر شد عدالتخانه موضوع و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عدلیه دارالخلافه معین گردد — روز هیجدهم شعبان موکب معلی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون و مریضخانه دولتی شده وضع انتظام این دو دایره جلیله پسند خاطر مبارک افتاده نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم را به یک ثوب سرداری ملبوس مبارک مفتخر فرمودند — حکمرانی عراق را به جناب دبیرالملک واگذار فرمودند — جناب میرزا علی خان وزیر رسایل به لقب جلیل امین الملک ملقب گردید — حسنعلی خان ژنرال آجودان را به حکومت ولایات اردبیل و مشکین و ایلات شاهسون آنجا منصوب فرمودند — جناب عضدالملک را علاوه بر منصب جلیل خوانسالاری و خازنی مهرآثار به منصب ایلخانی گری ایل جلیل قاجار سرافراز فرمودند — جناب کنت دبسکی وزیر مختار دولت نمسه به دربار دولت علیه عود کرده روز پنجم رمضان وارد دارالخلافه گردید — محض مرحمت مخصوص از جانب منی الجوانب همایون درباره حضرت مستطاب اجل شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی یک قبضه شمشیر مکمل به الماس گرانها به افتخار حضرت معظم مرحمت فرمودند — جناب صاحب‌دیوان به منصب و لقب جلیل وزیر نظامی و یک ثوب جبه شمسه مرقع خلعت سرافراز گردیده معاودت به آذربایجان کرد — ابلاغ اوامر علیه به مجلس شورای کبری و عرض عرایض وزرای فخام به خاکپای مبارک برعهده امین السلطنه پیشخدمت خاصه مقرر آمد — جناب مسیو ملینه که از جانب دولت فرانسه به سمت وزیر مختاری مأمور دربار دولت علیه بود وارد دارالخلافه گردید — نواب شعاع الدوله به حکومت همدان سرافراز آمد

— نواب محمّد امین میرزا به حکومت گلپایگان و خوانسار مباحی گردید — انجام خدمات مسطوره در ذیل به عهده میرزا قهرمان امین لشکر موکول گشت: (وصول وجوه نظام از ولایات ممالک محروسه)، (تصدی امر ملبوس کل قشون)، (رسیدگی به امور خیام خانه نظام، و رسیدگی به امور محاسبه قورخانه ممالک محروسه) — حاجی میرزا یحیی خان نایب نور را یکی از نوکرهای او به زخم چار پاره از پا درآورد — امیر علم خان حشمت الملک امیر تومان که در سیستان خدمت کرده بود به یک قبضه شمشیر مرصع مکّال به الماس مفتخر گردید — فوج بهادران تبریز را علاوه بر فوج ششم اقبال جمعی محمّد باقر خان شجاع السلطنه به معزی الیه ابواب جمع فرمودند — وزارت عسکریه به اهتمام حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی، و نواب حسام السلطنه، و نواب معین الدوله، و جناب ناصر الملک، و میرزا موسی رئیس دفتر لشکر نهایت منظم است — وزارت امور خارجه را بر عهده کفایت جناب حاجی میرزا حسین خان مشیر الدوله مفوض فرمودند — امیرزاده هوشنگ میرزا ولد مرحوم ملک آرا را به ایلخانی گری یک هزار سوار افشار و دوبرن و غیره و لقب ایلخانی سرافراز فرمودند — نصر الله خان حاکم گرگان رود به منصب مرتبیبی و اللهیاران حاکم اسالم به منصب سرهنگی مباحی آمد — خدمت تولیت آستان ملایک پاسبان حضرت رضوی سلام الله علیه را به جناب میرزا سعیدخان مؤتمن الملک رجوع فرمودند — میرزا عبدالغفار معلّم کل علوم ریاضی به منصب منجم باشیگری و لقب نجم الملکی و خلعت همایون سرافراز شد — عبدالحسین خان ولد مرحوم خانباباخان سردار به لقب و منصب ژنرال آجودانی و اعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجه دویم مرتبیبی مباحی گردید — بنده مؤلف به لقب و منصب مقدم السفرائی سرافراز آمد — اداره عمارات و باغات مبارکات را با عمله احتساب نیز به چاکر واگذار فرمودند — حاجی میرزا محسن خان وزیر مختار اسلامبول به لقب نبیل معین الملکی سرافراز آمد. (چین) — خاقان چین که طفل بود و به سن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت می شود. (ژاپن) — مسافرت نواب گراندوک الکسی پتر اعلیحضرت امپراطور روس به این مملکت — میکادو عید نوروز فرنگیها را جشن گرفته سفرائی

را که در دربار او هستند پذیرائی می کند.

اروپا — (اسپانیا) — شورش هواخواهان دُن کارلُس قوت و امتدادی بهم رسانیده و دولت تهیه زیادی به جهت دفع یاغیان می بیند — همچنین شورش اهالی جزیره کوبا استعفای آمیده دویم پادشاه جدید از سلطنت و رفتن پادشاه با خانواده خود به پرتوغال — تجدید وضع جمهوری نمودن — فتوحات دُن کارلُس در اغلب نقاط. (اطریش) — فوت امپراطریس کارولین اگوستا از اقوام امپراطور — مقرر داشتن قشون دولت اطریش را به هشتصد هزار — افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در اول ماه مه در وین — ورود اعلیحضرت امپراطور روس و ولیعهد این دولت به تماشای اکسپوزیسیون در اول ماه ژون — ورود امپراطریس آلمان در اواخر همین ماه — ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران به وین در سی و یکم ژولیه — ملاقات امپراطور ایتالیا و امپراطور اطریش در وین — اختتام اکسپوزیسیون در دویم نوامبر — جشن سال بیست و پنجم جلوس اعلیحضرت امپراطور را در اغلب نقاط گرفتند. (آلمان) — ورود سفرای ژاپن در برلن — شورش در فرانکفر که استعمال حربه برای دفع شورشیان لازم شد — مسافرت اعلیحضرت امپراطور به پترزبورگ — ازدواج شاهزاده لاپلند باویر با پرنسس ژیزل دختر امپراطور اطریش — ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در برلن در سلخ ماه مه — چون قسط آخر خسارت جنگ فرانسه داده شد قلعه پلفُر را که آخر نقاط متصرفی بود و به طور گروگان نگاهداشته بودند عساکر پروس خالی کرده رفتند — ملاقات پادشاه ایتالیا و امپراطور آلمان در برلن، و ملاقات امپراطور آلمان با امپراطور اطریش در وین — فوت ژان پادشاه ساکس. (انگلیس) — بعضی از رجال دولت از ترقیات و پیشرفت قشون روس و فتوحات آنها در سمت خبوق متغیرند، بنابراین دولت روس ژنرال شوالف آجودان مخصوص امپراطور را به جهت اطمینان دولت انگلیس به لندن می فرستد — فوت ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه در قصر ایلشهورشت من توابع لندن در نهم ژانویه یک ساعت و نیم قبل از ظهر — در افتتاح مجلس پارلمنت لرد گرانویل وزیر امور خارجه وکلای ملت را اطمینان می دهد که دولت روس به هیچ وجه در خیال نگاهداشتن

خیوق نیست — اعلیحضرت پادشاه انگلستان به تعزیت و تسلیت به قصر اسایشه‌ورشت به دیدن امپراطریس اژنی رفتند — ابتدای منازعه مابین پادشاه آشناتی که یکی از سلاطین افریقا است با دولت انگلیس — ژنرال وُلْسِنی مأمور به منازعه با پادشاه آشناتی است — فتوحات سردار مذکور در آن مملکت. (ایطالیا) — طغیان رودخانه پُرو و خرابی رسانیدن به اغلب نقاط — تأسف اغلب مردم از فوت ناپلیون سیم — توجیه کردن مردم در میان خود تنخواهی برای ساختن مجسمه ناپلیون سیم — ورود اعلیحضرت شهریار ایران در بیست و پنجم ژولیه به ایطالیا. (روس) — فوت عمه امپراطور گران‌دوشس هِلِن — ورود جمعی از معارف قریز به پترزبورغ و تظلم نمودن از تعدیات خان خیوق، بنابراین ژنرال کفمان با دوازده هزار قشون به تنبیه خان خیوق مأمور شد — ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در شانزدهم ماه مه به حاجی‌ترخان، نیز ورود اعلیحضرت شاهنشاه معظم در بیست و یکم همین ماه به پترزبورغ — عساکر روس در اول تابستان از دو نقطه وارد خیوق شده شهر خبوه را متصرف شدند. بعد از تصرف شهر خیوق در بیست و پنجم ژولیه انعقاد مصالحه مابین سردار روس و خان خبوه شد مشروط بر اینکه یک قسمت از مملکت خود را به تصرف سردار روس و یک قسمت را به تصرف سردار بخارا دهد و خود را مثل سایر خوانین ترکستان در تحت سلطنت روس بشناسد — بعد از انعقاد این صلح طایفه یموت خیوقی به خان خیوق شوریدند و خان مجبور شد که از سرداران روس استعانت جوید — انعقاد عهدنامه مابین دولت روس و امیر بخارا — گشتیرانی در رود آمو آزاد خواهد بود — کاروان تجار روس با کمال آزادی در تمام خاک بخارا می‌توانند تجارت کنند، غربا بدون اینکه دارای باش‌برت از روس باشند حق توقف در بخارا ندارند، خرید و فروش برده و بنده ممنوع است. (سوئیس) — فوت دوک دبرنزویک در شهر ژنیو، و بخشیدن معادل چهار کرویر ایران املاک خود را به اهالی شهر. (عثمانی) — نصب اسم‌پاشا به صدارت و عزل محمد رشدی‌پاشا — ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در هیجدهم ماه او به اسلامبول. (فرانسه) — ایجاد مجلس وکلای دولت که در زمان سلطنت رسم بوده موسوم به مجلس سنا — استعفای مسیو طیراز ریاست جمهوری و وزرائی که تبعه او بودند در اواخر آوریل و

نصب مارشال ماکماهون به ریاست — ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در دهم ماه ژولیه به پاریس — مدت ریاست مارشال ماکماهون به هفت سال مقرر شد — مارشال بازن که در قلعه میس محصور بود و آن قلعه را به تصرف عساکر پروس داده بود حکم عزل او از سرداری با حکم قتل او از شورای عسکریه صادر شد — مارشال ماکماهون به واسطه حق عفو که دارد از قتل او درگذشت لیکن مقرر شد مدت بیست سال تمام در جزیره سن مارگریت که نزدیک به سواحل فرانسه است محبوس باشد. (هلاند) — ابتدای منازعه مابین این دولت و سلطان آتچین که در یک قسمت از جزایر سوماترا سلطنت دارد اهالی مذهب اسلام دارند — شکست هلاندی از قشون آتچین به واسطه زخم خوردن ژنرال گلهر سردار عساکر هلاندی.

آمریکا — (مکزیک) — لردیژادا رئیس جمهوری در افتتاح مجلس درصدد اینست که بلکه بتواند رشته الفت و دوستی را که سابقاً با فرانسه داشتند محکم کند — اهالی ملت رُوز فوت ژوآرز رئیس سابق را روز عزا و روز تولد او را مقرر داشتند روز عیش برای تمام ملت باشد و برای اولاد و اقربای او وظیفه قرار دادند.

[سنه ۱۲۹۱ هجری = سنه ۱۸۷۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — کلیه امور و مهم دولتی از توجهات خاصه همایون در این سال قرین انتظام کامل است — میرزا ابراهیم خان سهام الملک ملقب به سهام الدوله گردید — میرزا سیدرضی برادر مرحوم میرزا سیدعبدالله ناظم میزان به منصب استیفا از درجه سیم نایل آمد — حکمرانی دارالعباد یزد را به جناب معتمدالملک وزیر مخصوص مرحمت فرمودند و حسینقلی خان مافی از جانب جناب معظم به نیابت حکومت رفت — حاجی حسین خان شهاب الملک به لقب جلیل نظام الدوله و خطاب جنابی سرافراز آمد — میرزا جوادخان مرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان به منصب سرتیپی مفتخر گشت — والیگری ایالت کردستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشهان فرموده به نواب مؤیدالدوله مرحمت کردند — حکمرانی عراق و بروجرد را به عهده کفالت نواب والا نصرت الدوله واگذار فرمودند —

مستشارالملک خراسانی به منصب استیفای اول دیوان اعلی و عصای مرصع سرافراز شد — مهام و امور دولتی کلیتاً راجع به وزرای سته ذیل گردیده و معظم الیهم را وزرای مختار دربار اعظم لقب دادند: (جناب آقای مستوفی الممالک)، (جناب مشیرالدوله)، (نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم)، (نواب عمادالدوله وزیر عدلیه)، (جناب علاءالدوله وزیر جنگ)، (جناب عضدالملک ایلخانی و خازن مهر مبارک) — رسم تنظیمات حسنه در ولایات محروسه معمول و اجرای آن به عهده نواب اعتضادالسلطنه موکول آمد — جناب علاءالدوله محمدرحیم خان چنانکه اشارت شد به وزارت جنگ سرافراز آمد — میرزا ابوالقاسم خان سرهنگ پسر میرمحمد صادق خان دریابگی نیابت دریابگی یافت — نواب تیمور میرزا حسامالدوله که زیاده از هشتاد سال زندگانی کرده بود به رحمت الهی پیوست — تراکمه مرو و غیره که عزیمت تاخت و تاز خراسان داشتند شجاع الدوله امیرحسین خان حاکم قوچان و غیره آنها را تنبیهی بسزا نمودند — آقارضا آجودان مخصوص به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم و پانصد تومان اضافه موجب سرافراز آمد — اعلیحضرت پادشاه انگلستان یک قطعه عکس شمایل خود را به رسم یادگاری برای اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه فرستادند — مرتضی خان قاجار ملقب به شهاب الدوله شد — میرزا موسی خان سرهنگ فوج سوادکوهی به یک قطعه نشان شیر و خورشید با حمایل سرهنگی نایل آمد — از جانب دولت بیرمان سفارت با نامه و هدایا به دربار معدلتمدار آمد — حکمرانی کرمانشهان و کردستان را به نواب عمادالدوله مرحمت فرمودند — جناب میرزا کاظم خان نظامالملک به وزارت عدلیه اعظم منصوب و مباهی شد — حاجی رجبعلی خان سرتیپ دویم به منصب سرتیپی اول توپخانه سرافراز آمد — جناب میرزا علی خان امینالملک وزیر رسایل خاصه به اعطای نشان تمثال همایون مکمل به الماس سرافراز شد — میرزا موسی رئیس دفتر لشکر به منصب جلیل وزیر لشکری مفتخر آمد — حسینقلی خان سرتیپ سواره شاهسون قورت بیگلر به منصب سرتیپی اول مباهی گشت — نواب بدیعالملک میرزا ولد نواب عمادالدوله به لقب جلیل حشمتالسلطنه ملقب و از جانب نواب معظم الیه به حکومت کردستان منصوب شد

— جناب آقامیر سید محمد امام جمعه اصفهان ملقب به سلطان العلماء مرحوم شد — اداره تلگرافخانه را بلا واسطه به مخبرالدوله واگذار فرمودند — عبدالرسول خان نایب الحکومه گیلان به منصب سرتیپی اول سرافراز آمد — حسینقلی خان مافی وزیر یزد به لقب سعدالملکی مباحی گردید — آقارضای دهباشی به لقب ناظم خلوت و اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرافراز آمد — میرزا علی اکبر پسر میرزا محمد حسن عزب باشی دفترخانه مبارکه منصب عزب باشی یافت — حاجی میرزا صفا از اجله عرفا در دارالخلافت مرحوم و نزدیک چشمه علی طهران مدفون شد — پنجاه هزار قبضه تفنگ ابتیاعی از دولت آلمان به مرور به دارالخلافت می رسد — در ماه شوال این سال امور مالیه و مهمام کشوری مستقلاً به جناب آقای مستوفی الممالک و امور عسکری و وزارت جنگ با لقب سپهسالاری اعظم به جناب مشیرالدوله واگذار و مرحمت شد — روز بیست و هشتم شوال چون این سال طرح باغ عشرت آباد ریخته شده و دیوار دور ساخته بنای مشجر نمودن آنست بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه تشریف فرمای این باغ که در میان قصر قاجار و نگارستان واقع است شدند و چهار اصله درخت به دست مبارک خسروانه غرس فرمودند — میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی که منشی روزنامه دولتی و در صحبت مؤلف است قطعه ای در تاریخ این درختکاری عرض کرده به انعامات و مراحم ملوکانه سرافراز شد و سواد آن قطعه که عیناً در ذیل ثبت می شود به امر همایون کتیبه شده به دیوار قصر عشرت آباد نصب کردند:

با دست خویش خسرو در قصر عشرت آباد	فرمود از عنایت رای درخت کاری
ای باغبان فردوس نام خوش تو رضوان	کوشر بیمار کاینک شد وقت آبیاری
اصلش بود عدالت فرعش بود کرامت	شاخی که شه نشاند با دست شهریاری
تا برفلک کشد سر اینشاخ عدل امسال	یکچند زودتر باش ای ابر نوبهاری
شاخ ملک نشان را صدبار به توان گفت	از دوحه بهشتی از سرو جوی باری
از این شجر ثمرها بیند اهل عالم	برتر ز بختیاری بهتر ز کامکاری
زودا که عشرت آباد همچون سپهر گردد	هم مشرق کواکب هم مطلع دراری

برجای میوه خورشید آرند این درختان
تا اصله کرامت بار آورد فتوت
اصلست ذات اقدس فرع اند جمله عالم
در باغ عشرت آباد از یمن دست خسرو
شعر ادیب باشد در مدح شاه شاهان
شاخ نشاط کی گشت تاریخ غرس خسرو
سعی صنیع دولت امر خدیو اعظم
از فرّ شهریاری از فرط بختیاری
دست ملک نشانند شاخ بزرگواری
از اصل فرع را باد پیوسته استواری
بادا شکفته دایم گلهای تاجداری
چون آفتاب روشن مانند آب جاری
کی خسروا نشاندی شاخ امیدواری
بخشید این بنا را آئین استواری

میرزا محمدحسین ادیب اصفهانی را ملقب به فروغی فرمودند — حضرت اجل اعظم والا ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات به عزم تقبیل آستان معلی به دارالخلافة آمدند — اداره صندوقهای عدالت ولایات را به جناب عضدالملک تفویض فرمودند و دستخط همایون مبنی بر دستورالعمل و تعیین تکالیف این اداره خطیره شرف صدور یافت.

(چین) — نقار و کدورت سخت مابین این دولت و ژاپن به جهت فرستادن ژاپنی ها چند فروند کشتی جنگی به تسخیر جزیره فرمز — به واسطه طوفانهای سخت که در دریا واقع شده بود در اوایل پائیز این سال در سواحل جنوبی چین و سواحل ژاپن ابیه بسیار و کشتی زیاد حتی کشتیهای آتشی زره دار غرق شد — در مسئله جزیره فرمز بین دولتین چین و ژاپن کار به مصالحه انجامید و غساکر ژاپنی جزیره را تخلیه کرده رفتند. (ژاپن) — پذیرائی امپراطریس زوجات سفرای کبار را که در این دولت بودند — فرستادن یک دسته قشون به سرداری سائی گو و تصرف جزیره فرمز که جزء مملکت چین است.

اروپا — (اسپانیا) — تفویض ریاست دولت جمهوری اسپانیول را به مارشال یترائه — فتوحات کارلس در بیلباتو — قتل مارشال گُنساد یکی از سرداران معتبر که به دفع دُن کارلس رفته بود به ضرب گلوله — قبول نمودن مارشال یترائه رئیس جمهوری سرداری قشون را به جهت دفع دُن کارلس — جمعی از معارف و بزرگان مملکت طالب سلطنت دُن آلفنس پتر ایزابل ملکه سابق می باشند — تغییر وضع جمهوری و

مسافرت مارشال میرآنه به فرانسه — تمام قشون بدون استثنا دُن الفنس را به پادشاهی می خواهند. (اطریش) — مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش به پطرزبورغ و ملاقات ایشان با اعلیحضرت امپراطور روس. (آلمان) — آمدن ولیعهد دولت انگلیس و زوجه ایشان به برلن — خطبه پرنس بیزمارک در افتتاح مجلس و بر ضد جمعی از وکلای ملت حرف زدن و ختم کردن نطق خود را به این مطلب که یکی از شرافات من اینست که اول شخصی که طرف نفرت تمام اهالی اروپا هست به واسطه حب وطن و خدمتگذاری به دولت خود منم — مسافرت امپراطریس اطریش به پایتخت باویر — مسافرت امپراطور اطریش نیز به باویر به ملاقات صبیئه خود — عدد قشون آلمان در وقت صلح از صاحبمنصب و تابین به چهارصد و یک هزار و ششصد و پنجاه و نه نفر مقرر گردید — مارشال مُلک در مجلس اظهار می کند که فتوحات ما در مملکت فرانسه اسباب جذب قلوب سایر دول نسبت به ما نشده بلکه کینه و عداوت آنها زیاده‌تر گردید، اقلاً پنجاه سال دیگر آنچه را حالا به زور اسلحه تحصیل کردیم باید به اعانت اسلحه حفظ کنیم — امپراطور روس که به مملکت انگلیس سفر می کردند در برلن با امپراطور آلمان ملاقات نمودند — ایضاً ملاقات دو امپراطور در شهر اِمس — شخصی موسوم به کولمان به سمت مسیو بیزمارک طپانچه خالی کرد که جزئی نآلمی به دست او وارد آمد — ملاقات امپراطور اطریش و امپراطور آلمان در ایشل — حبس کنت دارنیم سفیر سابق دولت آلمان در پاریس به اتهام اینکه بعضی نوشتجات دولتی رسمی که در سفارتخانه پاریس بوده مخفی داشته است — استعفاى موقتى پرنس بیزمارک و قبول نشدن آن. (انگلیس) — حرکت عساکر انگلیس به سمت کوماسی پایتخت طایفه آشانتی که پادشاه آنجا اعلان جنگ با انگلیس کرده بود در افریقا — ازدواج نواب دوکِ ادینبورگ پسر دویم پادشاه انگلستان با گران دوشس ماری صبیئه امپراطور روس — قحط و غلای سخت در بنگاله هند و فوت چندین کروور نفس — سردار قشون انگلیس شهر کوماسی را که پایتخت آشانتی بود فتح نموده قسمتی از آن شهر را آتش زده که کار به مصالحه انجامید — عزل وزرای ویک و نصب وزرای توری به ریاست دیسرایلی — ورود امپراطور روس به لندن — در ابالت بنگاله سی کروور نفس که دوچار قحط بودند به اعانت دولت انگلیس از

هلاکت خلاص شدند — یادداشت فرستادن دولت عثمانی به دول آلمان و اطریش و روس که وجهاً من الوجوه حق انعقاد عهد تجارتنی با ایالاتی که در تصرف عثمانی است از قبیل افلاق بغداد و سربیی و مُنتیگرو ندارند — فتح دارفور از ممالک افریق به دست قشون مصری — جمعیت دارفور که به تصرف مصری آمده ده کرور نفس است. (ایطالیا) — جشن بزرگ گرفتن مردم به جهت سال بیست و پنجم جلوس پادشاه. (بلژیک) — پذیرائی نمودن پادشاه بلژیک از امپراطور روس با تشریفات لازمه وقتی که امپراطور معظم از انگلیس مراجعت می کردند. (دانمارک) — استعفای تمام وزرای این دولت — مسافرت پادشاه به جزیره ایرلند که جشن سال هزارم الحاق این جزیره به مملکت دانمارک گرفته شد. (روس) — ایجاد قانون نظامی ممالک اروپا را در وضع گرفتن آحاد قشون و اجبار خدمت نظامی به تمام رعیت بدون استثنا در این مملکت — ورود ولیعهد انگلیس و زوجه ایشان به پطرزبورغ — مسافرت اعلیحضرت امپراطور به آلمان و بعد به انگلیس — یکی از برادرهای خان خیسوق در جزو قشون روس قبول خدمت می کند. (عثمانی) — عزل رشدی پاشا صدراعظم و نصب حسین عونی پاشا وزیر جنگ به جای او — ورود پرنس میلان والی سربیی به اسلامبول. (فرانسه) — مدت ریاست مارشال ماکماهون بدون تردید به هفت سال مقرر شد — فرار مارشال بازن از جزیره سن مارگریت. (هلاند) — فتح کیرائن یکی از قلعه جات آتچین به دست سردار هلاندی — جشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و پنجم جلوس پادشاه.

آمریکا — (اتائونی) — عدد قشون دولت را به همه جهت به بیست هزار نفر مقرر داشتند. (برزیل) — صلح حقیقی دائمی مابین این دولت و پاراگای.

[سنه ۱۲۹۲ هجری = سنه ۱۸۷۵ مسیحی]

آسیا — (ایران) — جناب ظهیرالدوله محمدناصرخان مأمور حکمرانی و والیگری خراسان و میستان گردید — حاجی سلیمان خان نایب ایشیک آقاسی باشی مأمور حکومت قراجه داغ شد — بعضی ولایات که سیم تلگراف ندارد مقرر شد تلگراف

کشیده شود — احتشام الملک به منصب سرتیپی سیم سرافراز شد — حیدرقلی خان ولد حاجی آصف الدوله به منصب سرتیپی سیم نایل آمد — ریاست مدرسه جدید نظامی و صاحبمنصبان اتاماثر به عهده میرزا عباس خان سرتیپ و مهندس واگذار گردید — میرزا موسی وزیر لشکر به اعطای نشان تمثال همایون از درجه دوم سرافراز شد — حاجی حسین خان نظام الدوله روز بیست و سیم محرم مرحوم شد — حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ظل السلطان حکمران اصفهان و توابع ادام الله اقباله العالی به یک قطعه نشان اقدس مکمل به الماس درجه اختصاص یافته از آستان همایون به محل حکمرانی خود معاودت فرمودند — وزارت دربار اعظم را به عهده جناب علاء الدوله مفوض داشتند — وزارت عدلیه اعظم را به جناب عضدالملک موکول فرمودند — حکمرانی عربستان و لرستان را به نواب معزالدوله بهرام میرزا واگذار نمودند — حکمرانی فارس را به عهده کفایت جناب معتمدالملک موکول داشتند — حکمرانی گیلان برعهده جناب ناصرالملک مقرر آمد — والیگری یزد را به محمدخان والی سرتیپ اول مرحمت فرمودند — نواب عمادالدوله در نیمه رجب داعی حق را لبیک اجابت گفت و نواب حشمت السلطنه بدیع الملک میرزا ولد آن مرحوم به حکومت کرمانشاهان و کردستان سرافراز شد — وزارت گمرکخانه ممالک محروسه را به میرزا قهرمان امین لشکر مفوض فرمودند — روز هفتم شهر شعبان به جهت امتحان قشون ظفرنمون و ترقیات اداره جنگ در صحرای دوشان تپه در حضور همایون مشق بزرگ عمده شد و یک قبضه شمشیر مرصع به جناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند — میرزا قهرمان امین لشکر به اعطای نشان تمثال همایون و لقب جلیل جنابی سرافراز آمد — موکب فرخنده کوکب مبارک عزیمت سفر خیریت اثر مازندران فرموده روز بیست و چهارم شعبان از اقدسیه به قریه اوشان تشریف فرما شدند و از آنجا به شهرستانک و از شهرستانک به طرف قلعه کجور و دشت نظیر و اماکن متزه و نقاط و اماکن ییلاقی مازندران الی فرح آباد، و اواخر رمضان المبارک و اوایل شوال المکرم را در مشهد و فرح آباد و سواحل بحر خزر تشریف فرما بودند — روز سیزدهم شوال به شهر ساری عز و رود ارزانی فرموده تا هیجدهم در آنجا متوقف بودند — روز نوزدهم به شهر بارفروش

نزول اجلال فرموده و تا بیست و دویم در آنجا اقامت شد — روز بیست و سیم به آمل و از آمل به طرف بلوک لاریجان و از آنجا نهضت فرمای دماوند شده چهارشنبه دویم ذیقعدة الحرام از چشمه لای دماوند به صوب دارالخلافة حرکت فرموده شنبه پنجم مقر خلافت عظمی را به مقدم مبارک آراستند — جناب عضدالملک حکمران مازندران را به پاداش خدمات لایقه در بلوک لاریجان به یک ثوب سرداری ترمه شمس مرصع مفتخر فرمودند — دارالشورای کبری و مجلس وزرا مجدداً افتتاح شده و به نفس نفیس همایون در مجلس افتتاح تشریف فرما گردیده و نطقی مفصل فرمودند، و نیز دستخطی مبارک مشعر بر حدود و حقوق این مجلس خطاب به جناب امین الملک وزیر رسایل خاصه شرفصدور یافت — میرزا عبدالوهاب خان پسر جناب نظام الملک به منصب استیفا از درجه دویم نایل آمد — پستخانه ممالک محروسه ایران در این سال به وضع پستخانه های فرنگستان گردید — خوجه قه سردار تراکمه که با جمعیت زیاد به تاخت سرحدات خراسان آمده بود خود با جمعی از همراهان او به دست سپاه منصور مقتول و بقیه السیف متفرق شدند — جناب الله قلی خان ایلخانی را به حکومت همدان سر بلند فرمودند.

(چین) — فوت خاقان چین در دوازدهم ژانویه.

اروپا — (اسپانیا) — در جزیره کوبا ژنرال کوزا مردم را دعوت به تبعیت پادشاه جدید الفنس می نماید — ورود پادشاه جدید در نهم ژانویه به بندر باریسلن از بنادر اسپانیا — منازعه سخت هواخواهان دن کارلس با عساکر پادشاه — نفاق مابین کارلیستها و تفرقه میان آنها — فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلیستها متصرف بودند. (اطریش) — مسافرت امپراطور به مملکت دالماسی — ملاقات اعلیحضرت امپراطور با پادشاه ایتالیا در شهر ونیز — ملاقات والی مونیخ با اعلیحضرت امپراطور در کاتار — افتتاح کشتیرانی در شعبه ای از دانوب که به حکم امپراطور تازه حفر نموده از وسط شهر وینه عبور داده اند — ملاقات امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور روس در اژز — فوت امپراطور فردیناند عموی امپراطور حالیه که از سلطنت استعفا نموده و سلطنت را به این امپراطور تسلیم کرده در بیست و

نهم ژون در شهر پراگ — پناه جستن یاغیان مملکت عثمانی به خاک اطریش.
 (آلمان) — مخالفت آشکار پاپ بر ضد این دولت — صدور احکام از رُم به
 کشیشهای کاتولیکی مذهب که تمکین و اطاعت قوانین جدیدی که دولت
 می خواهد در مذهب ایجاد نماید نمایند — غدغن دولت در بیرون نبردن اسب از
 مملکت — پرنس بیزمارک بالصراحه در مجلس شوری می گوید که در مسئله
 مذهب بهتر این است که شخص به خالق معتقد باشد نه به مخلوق و مقصود از این
 حرف کنایه به پاپ است — ملاقات ولیعهد آلمان و پادشاه ایتالیا در شهر ناپل —
 در هفتم ماه مه کشتی موسوم به سیلر که از هانبورگ عادتاً به ینگگی دنیا می رفته و
 مراجعت می کرده است و سیصد و پنجاه نفر را حامل بوده غرق می شود و از این
 جمعیت سیصد و دوازده نفر هلاک می شوند — ملاقات امپراطور آلمان و امپراطور
 روس در برلن — ملاقات پادشاه سِود و ملکه این مملکت با امپراطور آلمان در برلن
 — ملاقات آرشیدوک آلبرت سپهسالار عساکر اطریش با امپراطور آلمان در اِمس —
 مسافرت ولیعهد دولت آلمان به مملکت اطریش — ملاقات امپراطور آلمان با
 امپراطور اطریش در ایشل — کشیش شهر کلن که برخلاف حکم دولت رفتار نموده
 بود اخراج بلد می شود — ملاقات امپراطور آلمان با پادشاه ایتالیا در میلان.
 (انگلیس) — صد و بیست هزار نفر عمه جاتی که در معدن زغال سنگ گال کار
 می کردند یک مرتبه شورش نموده تعطیل از کار می کنند — الحاق جزایر فیجی به
 مملکت انگلیس — وزیر امور خارجه در مجلس به وکلا اطلاع می دهد که دول
 روس و آلمان و اطریش باهم متحد شده اند که با ایالات صربی و افلاق بغداد که
 جزو مملکت عثمانی هستند بدون استیذان و اطلاع دولت عثمانی معاهده تجارتنی
 ببندند — مأموریت یک دسته از علما به ریاست کننل برون برای تحقیق و
 انکشاف علمی به مملکت چین مغربی و به مقصود نرسیدن و در اوایل ورود به
 خاک چین صدمه کَلّی دیدن و کشته شدن جمعی از آنها و مراجعت نمودن به
 خاک بیرمان — نقار مابین دولت انگلیس و دولت بیرمان — عزل والی بارودا از
 ایالات هند به حکم دولت انگلیس — ریاست ولیعهد انگلیس به مجمع
 فراموشخانه های آن دولت — مسافرت جمعی از علما و دانشمندان به قطب شمالی

— در هیجدهم ماه او کشتی موسوم به البرتا که پادشاه انگلستان در آن کشتی بود و از اُزیرن به پرتسموت می آمد در عرض راه علی الففله به کشتی میتس لئو برخورد کرده قسمتی از آن کشتی را شکسته سه نفر را غرق می کند — کاپیتن وِب از بندر دُووژ انگلیس به بندر کاله فرانسه با شنا از دریا عبور کرده بیست و چهار ساعت تمام در روی آب می ماند — در یازدهم اکتبر ولیعهد انگلیس به قصد مسافرت هندوستان از بندر دُووژ حرکت کرده در هشتم نوامبر وارد بندر بمبئی می شود — ابتیاع دولت انگلیس سهامی را که خدیو مصر در نهر مجمع البحرین سوئز داشت به هشت کرور لیره انگلیسی — در اول دسامبر ولیعهد انگلیس به سیلان می رسد و در پانزدهم همین ماه به مدرس و در بیست و سیم به کلکته. (ایطالیا) — گاری بلدی در مجلس وکلا به دولت تکلیف می کند که رودخانه قیبر را که از وسط شهر رُم گذشته مصبش دریاست قابل کشتیرانی نمایند — بروز طبقه از فراموشخانه ها در رُم. (روس) — نقار دولت با خان خوقند — ورود عساکر روس به سرداری ژنرال کفمان به خوقند — ناصرالدین خان والی خوقند مطیع می گردد لیکن عبدالرحمن نامی بر ضد روسها برخاسته حکم به جهاد می کند، ژنرال اسکلف مأمور به تدمیر میرعبدالرحمن شده تمام خوقند را متصرف می شود — اگرچه روزنامه ها طرف صلح را دارند و از جنگ حرف نمی زنند ولیکن دولت روس شورش بعضی ایالات عثمانی را به دیده حقارت نمی نگرد و سهل نگرفته مخفیاً به تهیه و تدارک جنگ می پردازد و آشکارا اعانت و رعایت زیادی به یاغیان عثمانی می نماید. (عثمانی) — یاغیهای هرزگوین جداً با قشون دولت در مجادله هستند — اهالی ایالات منینگرو و سربیی به آنها اعانت می کنند — یاغیان شهر تیرنیژ را محاصره کرده اند — استعفای اسعدپاشا از صدارت و نصب محمودپاشا — مأموریت کمیسیونیی از طرف دولت عثمانی با معیت قونسولهای دول فرنگ نزد یاغیان هرزگوین برای تحقیق شکایات آنها از دولت — مأمورین بعد از ورود به شهر مُستار هر قدر رؤسای یاغیان را می طلبند که حاضر شده گفتگو نمایند آنها قبول نمی کنند و مأمورین بی نیل مقصود مراجعت می نمایند — در سربیی وکلای ملت به والی تکلیف می کنند که باید رعایت و اعانت یاغیهای سربیی را نموده به آنها حمایت

کرد — دولت عثمانی اعلان به طلبکاران خود می نماید که نصف طلبی که از دولت عثمانی دارند از بابت فرع تنخواه دولت نخواهد داد — ازدواج والی سرب با پرنسس ناتالی کوشک — ورود عساکر مصری به حبشه و شکست یافتن از حبشه و مراجعت کردن آنها به مصر — شورش اهالی هرزگوین و بسنی به نهایت است و روز به روز رو به تزاید می باشد — عزل حسین عونی پاشای صدراعظم و نصب اسعد پاشا به جای او — زلزله سخت در ازبیر و حوالی آنجا در دوازدهم ماه مه که بیشتر از دوهزار نفر به هلاکت می رسند. (فرانسه) — فوت کنت درنوزا از وزرا و از رجال معتبر فرانسه — طغیان آب رودخانه های جنوب فرانسه و خرابی رسانیدن به اغلب اماکن — دویست هزار تومان دولت از خزانه به اشخاصی که اموال و املاکشان تلف شده است مجاناً بخشش می کند. (هلند) — فتوحات قشون این دولت در آتچین.

آمریکا — (اتانونی) — فوت ژنرال رئیس سابق. (ینگلی دنیاوی جنوبی) — شهر البانه به واسطه زلزله کلیتاً خراب می شود.

سنه ۱۲۹۳ هجری = سنه ۱۸۷۶ مسیحی

آسیا — (ایران) — در این سال امور مملکت خراسان را از هر جهت به جناب مشیرالدوله سپهسالار اعظم واگذار فرمودند — جناب حاجی ظهیرالدوله به امر اعلی عمارتی بسیار عالی به جهت محل سکنای ولات و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بنا نموده اند — جشن میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب سپهسالار اعظم به اعلی درجه کمال گرفتند، در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن مفصل گرفته شد — جناب اگوستین محترم آرشیوک هراکله از طرف حضرت پاپ با هدایا و نامه به حضور مبارک تشریف جسته جواب آن نامه از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مبنی بر کمال موذت ترقیم و تبلیغ شد — حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی احضار به دارالخلافه شده روز بیست و دویم صفر وارد دارالخلافه گردیده در باغ دولتی

موسوم به باغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل معظم معین گردید — علیقلی خان مخبرالدوله رئیس اداره تلگرافخانه به وزارت تلگراف و اعطای لقب جنابی سرافراز شد — روز دوشنبه بیست و سیم شهر صفر سه ساعت و سی و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشته آفتاب عالم تاب از برج حوت به حمل تحویل نمود — حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام به حکومت بروجرد منصوب گردید — نواب والا رکن الدوله به حکمرانی ایالات خراسان و سیستان مفتخر گردیدند — ادیب الملک پیشخدمت خاصه به حکومت قم و ساوه سرافراز شد — حاجی میرزا تقی وکیل الرعایا به منصب کلانتری دارالخلافه برقرار گردید و میرزا محمدحسین پسر معزی الیه به کدخدائی محله عودلاجان مباهی آمد — محض ظهور عواطف خاصه خسروانه دربار حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده امجد اکرم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی یک قبضه شمشیر مرصع به جواهر ثمینه و فیروزه از شمشیرهای خاصه سلطنتی به دست مبارک همایونی به حضرت مستطاب معظم مرحمت فرموده و پس از رخصت ملوکانه معاودت به آذربایجان فرمودند — حکمرانی ایالت عربستان و لرستان را به نواب حشمت الدوله مفوض داشتند — امین حضور پیشخدمت خاصه به حکومت کاشان سرافراز شد — میرزا اسدالله مستوفی اول به پیشکاری مازندران مفتخر آمد — نواب والا معتمدالدوله فرهادمیرزا که به مکه معظمه مشرف شده بودند غره ربیع الثانی به دارالخلافه ورود نموده به خاکپای مبارک شرفیاب و مورد مرحمت مخصوص گردیدند — حاجی میرزا محمدرضای مستشارالملک پیشکار خراسان به یک قلمدان دوات مرصع و خلعت همایون سرافراز آمد — حاجی میرزا عبدالله خان علاءالملک به یک قطعه نشان تمثال مبارک مفتخر گردید — جمعیتی از تراکمه با عاشورلنگ که یکی از سرداران تراکمه است و ادنه نفس که او نیز از رؤسای ترکمانان می باشد به تاخت و تاز سرحدات خراسان آمده مصطفی قلی خان میر پنج رئیس اردوی خراسان با قشون ظفرنمون سرراه بر آنها گرفته جمعی را مقتول و عاشورلنگ را کشته و ادنه نفس را با ده نفر سوار دستگیر کرده باقی متفرق گردیدند — حکمرانی و فرمانفرمائی مملکت فارس را مزید سایر مشاغل جناب سپهسالار اعظم فرمودند —

وزارت معادن ممالک محروسه را مجدداً بر عهده نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم موکول داشتند — ریاست اصطبل توپخانه مبارکه را به نواب جهانسوز میرزا مرحمت فرمودند — یارمحمدخان ایلخانی شادلو تنبیهی در سرحدات بجنورد از تراکمه نموده است — محمدخان والی حکمران یزد به خطاب جنابی سرافراز آمد — لشکرنویسی افواج اصفهان به میرزا محمدحسین لشکرنویس ولد میرزاباقر لشکرنویس راجع شد — میرزا حسینعلی طبیب از اطبای حضور همایون به لقب شیخالطباطبائی ملقب گردید — موکب همایون در ماه جمادی الثانیه عزیمت ییلاق لار فرمود — حکومت و فرمانفرمائی فارس را به نواب والا معتمدالدوله واگذار فرمودند — محمدحسن خان ولد جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم به منصب فراشباشیگری سرافراز شد — سیم تلگراف خراسان به مشهد مقدس وصل آمد — اداره ملبوس و خیامخانه نظام را به عهده مراقبت حاجی میرزا عبدالله خان علاءالملک موکول داشتند — جناب سپهسالار اعظم را به یک ثوب سرداری مفتول دوز نظامی شمس مرصع از ملابس خاصه سرافراز فرمودند — مجلس تحقیق علاوه بر مجلس شورای کبری و مجلس خاص وزرا برقرار و دایر گردیده و اجزای این مجلس از قرار ذیل است:

(نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم)، (نواب حسامالسلطنه)، (نواب والا نصرتالدوله)، (جناب حاجی ظهیرالدوله)، (جناب ناصرالملک)، (جناب حاجی دبیرالملک)، (جناب حسنعلی خان)، (جناب نصیرالدوله)، (جناب امین لشکر)، (جناب مخبرالدوله)، (جناب امینالملک وزیر رسائل خاصه مدیر مجلس)، (میرزا محمودخان منشی اسرار و کاتب مجلس).

بعضی بناهای بدیع رفیع بر ابنیه سلطنتی دارالخلافه افزوده شد — نواب والا نصرتالدوله به حکومت ایالت مرکزی که عبارت از عراق و همدان و ملایر و تویسرکان و گلپایگان و خوانسار و نهاوند و بروجرد باشد منصوب و به لقب فرمانفرمائی ملقب گردیدند — حکمرانی ایالتین کرمانشهان و کردستان را به عهده نواب حسامالسلطنه مفوض داشتند — روز نوزدهم ماه شوال جناب منیف افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که حامل اعلاننامه رسمی جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان بر تخت سلطنت عثمانی بود به حضور مهرظهور

مبارک مشرف شد — ایالات قم و کاشان و ساوه و زرند را ضمیمه و مزید مشاغل و حکمرانی حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دارالخلافه ادام الله اقباله العالی فرمودند — وزارت عدلیه اعظم را به جناب میرزا کاظم خان نظام الملک که مسبوق به این امر بود تفویض فرمودند — بنده مؤلف به یک رشته حمایل سرخ و نشان سرتپی سرافراز آمد — چون اوایل عشر سیم ذیقعده الحرام این سال اول سال سی ام سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه بود و این قرن سعید با قرن صدساله سلطنت سلسله ابدپیوند قاجاریه اقتران داشت جناب سپهسالار اعظم جشن این قرن همایون را در چند روز و چند شب به وجه اکمل گرفتند — جناب مسیوزینویف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مأمور به اقامت دربار دولت علیه با تشریفات معموله در شانزدهم ذیحجه وارد دارالخلافه گردید.

(چین) — فتوحات عساکر چینی در کاشغر — گرفتن شهر اُرمُت سی را از یعقوب بیک امیر کاشغر. (ژاپن) — مسافرت میکاؤ پادشاه این مملکت با سفاین جنگی به اطراف جزیره خود — موقوف داشتن شکنجه را نسبت به مقصرین در این مملکت — شورش ایالات مغربی — قتل یاغیان.

اروپا — (اسپانیول) — تمام نقاطی که عساکر یاغی دُن کارلُس گرفته بودند قشون دولتی به حیطه تصرف درآورد — شانزده هزار از قشون یاغی کارلیست اسلحه خود را زمین گذاشته مطیع پادشاه اسپانیا شدند — فرار دُن کارلُس به مملکت فرانسه — ورود پادشاه اسپانیا با فتح و نصرت به مادرید. (اطریش) — مسافرت امپراطریس به انگلیس — ملاقات پادشاه یونان و ملکه این مملکت با امپراطور اطریش در وینه — ملاقات امپراطور روس با امپراطور اطریش در رشتاد درحالتی که صدراعظم دولت روس و صدراعظم دولت اطریش حضور داشتند — ملاقات امپراطور اطریش در وینه با پادشاه ساکس — ورود پادشاه یونان به وینه. (آلمان) — منع دولت فروش اسب را به کسانی که می خواهند آنها را به خارج ببرند — فوت ژنرال پوکر از معارف در برلن — طغیان اغلب رودخانه ها علی الخصوص در شهر فرانکفر و دِرزد

— مسافرت پادشاه انگلستان به شهر باد — ملاقات پادشاه انگلستان و امپراطور آلمان در شهر گوبورگ — ملاقات امپراطور روس و امپراطور آلمان در برلن — ملاقات وزرای دول ثلاثه روس و آلمان و اطریش: (پرنس کرچاکف)، (پرنس بیژمارک)، (کنت اندراسی) — ملاقات آرشیدوک البرت سپهسالار اعظم دولت اطریش با امپراطور آلمان و امپراطور اطریش در شهر امس — مسافرت ولیعهد دولت ایتالیا با زوجه خود به برلن — ملاقات امپراطور اطریش و امپراطور آلمان در سالزبورگ — ورود امپراطور برزیل و امپراطریس برزیل به آلمان. (انگلیس) — لرد دربی وزیر امور خارجه مذمت از وضع سلطنت و حکمرانی دولت عثمانی می کند — ملقب شدن دیسرایلی صدراعظم به لقب کنت دبوگونس فلد — تعدی و ظلم عثمانیها نسبت به اهالی بلغارستان با کمال نفرت در انگلیس دیده می شود — مسیو گلاستون کتابچه ای در مذمت دولت عثمانی انشا می کند — سان دادن قشون هند در دهلی با حضور ولیعهد — افتتاح پارلمنت با حضور شخص پادشاه انگلستان — تکلیف دیسرایلی صدراعظم به وکلا که به القاب اعلیحضرت پادشاه انگلستان امپراطریس هندوستان افزوده شود — ابتیاع بقیه سهام خدیو مصر از شراکت حفر نهر مجمع البحرین موثر به واسطه دولت انگلیس — مسافرت پادشاه انگلستان به آلمان و مراجعت به انگلیس — معاودت کایزن سیاح معروف از افریقا به انگلیس — مراجعت ولیعهد از هندوستان به انگلیس — فرستادن کشتی های جنگی انگلیسی به اسلامبول به جهت رعایت دولت عثمانی. (ایتالیا) — مسافرت ولیعهد با زوجه خود به پترزبورگ — ورود سفرای مرغش به تورن و به حضور پادشاه رفتن — اهالی ایتالیا از صدماتی که از طرف دولت عثمانی به اهالی بلغارستان می رسد متألم می باشند — فوت کاردینال ان تونلی معروف صدراعظم پاپ و برقراری کاردینال سیمونی به جای او — زوجه دوک دائوت پسر دویم پادشاه ایتالیا فوت می نماید — مسافرت اُرنی امپراطریس سابق فرانسه به شهر رُم. (بلژیک) — ورود پادشاه یونان و ملکه به این مملکت، نیز ورود امپراطور برزیل و امپراطریس به بلژیک — ملاقات پادشاه بلژیک و ملکه در شهر ویسباد — شورش مردم در شهر بروکسیل پایتخت و در آنورس. (دانمارک) — مسافرت پادشاه با

زوجه خود به پترزبورغ. (روس) — در دهم نوامبر این سال که مطابق است با جمعه بیست و دویم شوال خطبه اعلیحضرت امپراطور در مسکو با حضور رجال دولت و اعیان و اشراف مملکت قرائت کرده آشکارا بیان می نماید که اگر اجماع دول فرنگ نتوانستند قراری در رفاهیت عیسویان رعیت عثمانی بدهند من مسلماً بشخصه حاضر هستم که کمال رعایت را به آنها بنمایم، و سه روز بعد عساکر اردوهای جنوبی مأمور توقف در ایالت ادسا گردیدند — نواب گراندوک نیکلا برادر امپراطور سردار این اردو گردید — اردوی مذکور عبارتست از دویست و شانزده هزار پیاده و چهل و نه هزار و دویست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عراده توپ و دویست کرور منات عجبالتاً از برای تدارک جنگ دولت از داخله مملکت استقراض نمودند و مقرر شد که از آن به بعد وجه گمرک زر مسکوک باشد نه پول دیگر — تمام اهالی روس از هر مملکت و هر نقطه عریضه ها به امپراطور روس نوشته دعای خیر به اعلیحضرت معظم می نمایند که به خیال آزادی عیسویهای عثمانیست — در اول دسامبر که مطابق با جمعه چهارم ذیقعد است نواب گراندوک نیکلای سپهسالار برادر اعلیحضرت امپراطور که سردار عساکر جنوب بود به سمت کشین یف که معسکر اردوی روس بود حرکت کرد — فوت امیرال کراب وزیر بحریه در زمستان — فوت گراندوک دوشس ماری خواهر اعلیحضرت امپراطور — الحاق مملکت خوقند به متصرفات روس در ترکستان و موسوم نمودن این ایالت را به ایالت فرغانه — فتوحات و غلبه ژنرال اسکلف سردار بر طایفه قراقریز. (شود و نروج) — فوت مادر پادشاه در تابستان. (سویس) — دخل این مملکت در این سال هشت کرور و دویست و چهل و یک هزار و پانصد و پنجاه و دو تومان و شش هزار دینار است و خرج هشت کرور و چهارصد و بیست و هفت هزار و شصت تومان. (عثمانی) — جنگ سخت دولت با یاغیان هرزگوین و بسنی — کنت اندراسی صدراعظم اطیش دستورالعمل و یادداشتی برای استمالت یاغیان هرزگوین و بسنی که به امضای دول روس و آلمان و انگلیس رسیده است به اسلامبول روانه می سازد و اصول این دستورالعمل و یادداشت مبنی بر این بود: (آزادی تام و تمام اهالی در مذهبی که پیروی می کنند)، (قانون در وضع اخذ

مالیات که تعدی به آنها نشود)، (تشویق زارعین و ملاحان)، (یک قسمتی از مالیات معینه که این دو ایالت یاغیه به دولت عثمانی می دهند همه ساله خرج خود آن ایالت شود یعنی به مصرف ساختن مدارس و راه ها و مریضخانه ها و غیره برسد)، (ایجاد مجلسی در این دو ایالت مرکب از عیسوی و مسلمانان که معاً در آن مجلس نشسته و قرارهای لازم برای رفاهیت رعیت بدهند). دولت عثمانی قبول این تکالیف را می نماید و چهار هفته به یاغیان مهلت می دهد که اگر در ظرف این مدت اسلحه به زمین گذاشته ایلّیت اختیار کنند آنها را عفو کرده نیز سلطان برای خرابی که به اهالی رسیده مقرر می دارد که در ظرف دو سال تخفیف کلی در مالیات آنها داده شود — ملاقات ژنرال بردیچ حاکم دالماسی من ایالات اطیش با عالی پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر راگوز — یاغیهای بُسنی با نهایت شدت بر ضد دولت هستند — مختار پاشا با هفده هزار قشون با یاغیهای هرزگوین و بسنی در جنگ است — ابتدای شورش در بلغارستان — استعفای محمودپاشای صدراعظم و نصب محمد رشدی پاشا به جای او — به دست آوردن قاتلین قونسولهای فرانسه و آلمان که در سالونیک بندر عثمانی مقتول شده بودند و به قتل رسانیدن آنها را در اسلامبول — خلع سلطان عبدالعزیزخان از سلطنت در سی ام مه که سه شنبه ششم جمادی الاولی باشد و نصب سلطان مراد پنجم به جای او — در چهارم ماه ژون که یکشنبه یازدهم جمادی الاولی باشد عبدالعزیزخان شریان خود را با مقرض دریده خود را هلاک می سازد — در شانزدهم ژون که شنبه بیست و چهارم جمادی الاولی باشد حسین غونی پاشای وزیر جنگ و رشیدپاشای وزیر امور خارجه را حسن نام چرکس در خانه مدحت پاشای صدراعظم به قتل می رساند — در حینی که در بلغارستان و هرزگوین و بستی قشون دولتی به اطفاء نایره شرارت یاغیان مشغول بودند و آن ایالات را منظم کرده ایالت سربی به بهانه اینکه می خواهند حدود و سنور خود را محفوظ از دستبرد و تخطی یاغیان یا قشون منظم دولت عثمانی نمایند عساکر زیادی حاضر می کنند و پرنس میلان والی سربی سرداری این قشون را بشخصه قبول می کند، در اول ژویه که شنبه نهم جمادی الاخری باشد منتنگرو و سربی به عثمانی اعلان جنگ می کنند — سردار

عساکر سربى ژنرال چرنایف می باشد — فتوحات مختار پاشا در منتنگرو، و از طرف دیگر شکست دادن قشون منتنگرو عساکر عثمانی را و حبس کردن عثمان پاشا را — عساکر عثمانی به سرداری سردار اکرم عبدالکریم پاشا ورود به خاک سربستان می نمایند — فتوحات عبدالکریم پاشا در سربستان — میانجی گری دولت انگلیس که اسباب اصلاح میان سربى و عثمانی را فراهم آورد — در بیست و یکم ماه او که دوشنبه نهم رجب باشد به فتوای شیخ الاسلام که سلطان مرادخان پنجم مریض و مجنونست و قابل سلطنت نیست از سلطنت خلع شده برادر کهنتر او عبدالحمیدخان به جای او منصوب گردید — در هفتم سپتامبر که پنجشنبه هیجدهم شعبان باشد سلطان عبدالحمیدخان رسماً جلوس به تخت سلطنت می کند — تکلیف صلح نمودن دولت انگلیس دولت عثمانی را با سربى و منتنگرو با شراکت سایر دول فرنگ و جواب مبهم دادن دولت عثمانی — ورود امپراطور برزیل به اسلامبول — ایجاد پارلمان عثمانی مرکب از صد و بیست نفر — فتوحات عبدالکریم پاشا در سربى و استمداد نمودن سربى از دولت روس — ورود صاحب منصب و سرباز زیادى به اسم داوطلب به مملکت سربى — بیطرفی اختیار کردن افلاق بغداد — قبول کردن دولت عثمانی یک مجلس کنفرانسى که اجزای این مجلس سفرای کبار دولت فرنگ باشند به جهت قراردادهای جدید در داخله عثمانی — استعفای ژنرال چرنایف از سرداری عساکر سربى — دولت روس به تنهایی مطالبه یک ضمانتی از طرف دولت عثمانی می کند که به وعده تنها اکتفا ننموده باید ضامن شود که قرارهای جدیدی که مأمورین دول فرنگ خواهند گذاشت از عهده برآید، و مأمور باوجود اینکه این مجلس برای او منعقد است حق حضور در این مجلس را نداشته باشد — دولت عثمانی جداً مدحت پاشا و ادهم پاشا را از طرف خود مأمور نموده به این مجلس می فرستد — افتتاح مجلس کنفرانس در دوازدهم دسامبر که سه شنبه بیست و پنجم ذیقعد باشد بدون قبول حضور مأمورین عثمانی به ریاست ژنرال اکناتیف سفیر کبیر روس — عزل رشدی پاشای صدراعظم و نصب مدحت پاشا به جای او — دولت عثمانی پنج تکلیف از تکالیف مجلس کنفرانس را قبول نمی کند. (فرانسه) — ریاست مسیوگروی به مجلس پارلمان —

ورود پادشاه انگلستان به بندر شربورگ و ورود به پاریس و ملاقات با مارشال
ماکماهون — ورود سفرای مرغش به پاریس. (هلاند) — آزاد کردن غلام و کنیز
را دولت هلاندی در جزیره سوماترا. (یونان) — ورود امپراطور برزیل در این
مملکت — مراجعت پادشاه یونان بعد از گردش و سیاحت تمام فرنگستان به
مملکت خود — استقراض دولت برای تدارک قشون — فرستادن چند کشتی جنگی
به بندر سالونیک.

آمریکا — (اتانونی) — در چهارم ژویه که سه شنبه دوازدهم جمادی الثانیه باشد
جشن سال صدم آزادی اتانونی را در تمام آن مملکت گرفتند (مخفی نماناد که قبل
از صد سال ممالک فسیح المسالک اتانونی جزو مملکت انگلیس بوده و از آن
تاریخ به بعد آزاد شده دولت مستقل بزرگی گردیده است) — ورود امپراطور برزیل
در بهار این سال به نیورک پایتخت — مخارجی که به شخص رئیس اتانونی
می دادند از طرف دولت آن مخارج را ژنرال کران رئیس تنصیف نمود — افتتاح
اکسپوزیسیون صنایع عمومی برای جمیع دول و ملل روی زمین در شهر فیلادلفی
در اواخر بهار. (برزیل) — مسافرت امپراطور به ینگئی دنیای شمالی. (شیلی) — به
نسوان حق داده شده که مثل رجال آنها نیز در مجلس پارلمنت حق تعیین وکیل
دارند. (مکزیک) — شورش اهالی ریوگرانده به تحریک ژنرال دیاز و شکست یافتن
یاغیان از قشون دولت. (ینگئی دنیای جنوبی) — ژنرال پراڈ به ریاست جمهوری
منتخب گردید.

[سنه ۱۲۹۴ هجری - سنه ۱۸۷۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — ابتدای این سال خیرمال محض مزید نظم و انتظام امور دولت و
رفاه و آسایش حال رعیت جناب سپهسالار اعظم به اشاره علیه ملوکانه قانونی برای
تعیین حدود و تکالیف حکام و رؤسای قشون که در ولایات ممالک محروسه هستند
نوشته به امضای ملوکانه موشع داشتند — میرزا سنگلاخ که تقریباً یکصد و ده سال

عمر کرده شب جمعه هفدهم صفر در تبریز داعی حق را لبیک اجابت گفت — عید مولود مسعود شاهنشاهی دام ملکه را جناب سپهسالار اعظم باشکوهی و زینتی تمام گرفتند در تمام ممالک محروسه جشن کامل گرفته شد — بعضی استخوانهای ماموت را در اصفهان میرزا تقی خان حکیمباشی حضرت اجل اعظم شاهشاهزاده والا ظلّ السلطن حکمران اصفهان و مضافات انکشاف کرده است (ماموت حیوانیست که قبل از طوفان آخری در کره ارض وجود داشته شبیه به فیل ولی بزرگتر، بعد از طوفان دیگر این جنس حیوان وجود نیافته است) — روز سه شنبه چهارم ربیع الاول بعد از نه ساعت و سی و هفت دقیقه و سی و شش ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت به حمل تحویل کرد. سلام خاص در عمارت عاج در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید و سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت — حکمرانی مازندران را به عهده جناب معتمدالملک وزیر مخصوص موکول داشتند — میرزاعلی دکتربعد از مراجعت از سفر فرنگستان که برای تحصیل رفته بود از اطبای حضور همایون و به منصب معلمی علم طب مدرسه مبارکه دارالفنون سرافراز آمد — رسیدگی به امور عربستان و لرستان را به عهده کفایت جناب علاءالدوله وزیر مالیه و دربار اعظم موکول داشتند — نیز اداره گیلان را مزید سایر مشاغل جناب معظم فرمودند و ضیاءالملک به حکومت گیلان منصوب شد — حکمرانی خیمه را به نواب والا عزالدوله عبدالصمد میرزا واگذار فرمودند — میرزا محمدحسین پسر میرزاجعفر وقایع نگار به منصب استیفا سرافراز آمد — موکب همایون پانزدهم جمادی الاولی تشریف فرمای ییلاق لار و نمارستان گردید — چرخ سکه و ضرابخانه دولتی در محلی که مشهور به کارخانه ریسمانریسی است به ریاست جناب میرزاعلی خان امینالملک وزیر رسایل خاصه و مباشری مسیوپغن نمساوی تکمیل و دایر شد — آقامحمدابراهیم امین السلطان به لقب جنابیی ملقب و از اجزای دارالشورای کبری گردید — مهام و امور دولتی را در تحت دو وزارتخانه قرار داده جناب اجل آقای مستوفی الممالک را وزیر امور کشور و جناب سپهسالار اعظم را وزیر امور لشکر خواندند — میرزا زکی رشتی وزیر درب حرم جلالت به خطاب جنابی مفتخر آمد — در سلخ رجب شهرستانک مضربخیام معلی گردید — بعد از معاونت سفرای بیرمان از دارالخلافه به آن مملکت میرزا

فضل الله خان کارپرداز بمبئی را مأمور به ایلچی گری و سفیر بیرمان قرار دادند. مشارالیه این مأموریت را از روی کفایت به انجام رسانیده معاودت کرده این اوقات عریضه ای از مسافرت و شرح سفارت خود به خاکپای همایون ارسال داشت — میرزا هاشم خان امین الدوله مرحوم شد — میرزا محمدخان امین خلوت ولد مرحوم میرزا هاشم خان علاوه بر ریاست تفنگداران خاصه بر ریاست خلوت همایون سرافراز گردید — میونیکلا از جانب میویندرر رئیس کل پستخانه هانیابت کلیه یافت — میرزا اسحق خان به کارپردازی مهم خارجه استرآباد برقرار گردید — در ماه رمضان این سال تکیه دولتی محل و جایگاه تعزیه داری و استماع مواعظست و در غرفات آن جواهر فروشان دارالخلافت و تجار و ارباب صناعت و محترقه منزل نموده به کسب و حرفه خود مشغولند — نصرالله خان نصرالملک سرتیپ اول به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید — میرزا شیخعلی جناب منصب نیابت نظام العلماء یافت — نواب والا جهانسوز میرزای امیرتومان حکمران استرآباد به اعطای نشان تمثال همایون مفتخر آمد — حسینعلی خان ولد جناب علاءالدوله به منصب غلام پیشخدمتباشیگری مباحی گردید — میرزا جوادخان که مأمور حمل امتعه و اجناس ایران به اکسپوزسیون پاریس می باشد به منصب سرتیپی دویم مباحی آمد — میرزا محمدعلی ناظم پستخانه به عطای یک رشته حمایل و نشان از درجه سرهنگی نایل گشت — بعضی از تراکمه ساروق که به خاک خراسان به تاخت و تاز آمده بودند مصطفی قلی خان میر پنج رئیس نظام خراسان آنها را تدمیری بسزا نموده است — محمدعلی خان امین السلطنه جامه دار خاص به عطای یک قطعه نشان و حمایل سرخ از درجه دویم سرتیپی سرافراز آمد — میرزا اسدالله خان ژنرال قنصل دولتی علیه مقیم تفلیس به اعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباحی گشت.

(چین) — فوت ولیعهد در سن بیست و هشت سالگی. (ژاپن) — ایجاد راه آهن و افتتاح آن با حضور پادشاه از اُراکا به کیئو.

اروپا — (اسپانیا) — هواخواهان دُن کارلس که به خارجه فرار کرده بودند به حکم پادشاه به اوطان خود برمی گردند — تمام یاغیهای جزیره کوبا مطیع و منقاد دولت

شدند. (اطریش) — ملاقات پرنس بیژمارک صدراعظم آلمان و کنت اندراسی صدراعظم اطریش در شهر سالسبورگ. (آلمان) — گرفتن امپراطور جشنی در موقع سال هفتم، داخل شدن ایشان به خدمت قشونی و سال هشتم عمر اعلیحضرت معظم — پرنس بیژمارک به واسطه علت مزاج موقتاً چندی از کار کناره می جوید — ملاقات امپراطور آلمان با امپراطور اطریش در شهر ایشل. (انگلیس) — ورود سفرای چین به لندن — گفتگوی سخت در مجلس پارلمنت در مسائلی که راجع به عثمانیست — الحاق جمهوری ترانس وال افریق قریب به رأس امید به متصرفات انگلیس در آن ناحیه — سفاین جنگی انگلیس ورود به خلیج بزرگ نزدیک اسلامبول می کنند. (ایتالیا) — پی نهم پاپ جشن سال پنجاهم سلطنت روحانی و جسمانی خود را می گیرد. (پرتوغال) — بیطرفی این دولت در جنگ روس و عثمانی. (روس) — صدراعظم این دولت پرنس کرچاکف به دول آلمان و اطریش و فرانسه و ایتالیا یادداشتی می فرستد که دولت عثمانی به هیچوجه تکالیف دولت روس را در مسائلی که راجع به رفاهیت عیسویان آن مملکت است قبول ننموده و به این جهت دولت روس در تهیه قشون است — آمدن اعلیحضرت امپراطور به کشینو به اتفاق ولیعهد و سان دیدن قشون و در آنجا اعلان جنگ کردن به عثمانی — شارژدافر عثمانی با تمام اجزای سفارت خود از پطر به سمت مملکت خود حرکت می کند — امپراطور با ولیعهد بشخصه در عساکر روس که به خاک عثمانی ورود می کنند حاضر هستند. (عثمانی) — سرداری سلیمان پاشا به جای مختار پاشا در هرزگوین — صفوت پاشا در مجلس وکلا از طرف سلطان اظهار می دارد که تکالیف مجلس کنفرانس دول را که در اسلامبول منعقد شده بود چون به شأن و شوکت عثمانی خلل وارد می آورد سلطان قبول نکرده رد نموده اند — مجلس وکلای دولت عثمانی تماماً تکالیف مجلس کنفرانس دول فرانک را رد کردند — رفتن مأمورین دول که در مجلس کنفرانس حاضر شده بودند از اسلامبول — عزل مدحت پاشا از صدارت و نصب ادهم پاشا به جای او — انعقاد مصالحه مابین سربستان و عثمانی — سرداری کل سفاین جنگی عثمانی به هبژ پاشا نام که اصلاً انگلیسی است تفویض شد — شارژدافر روس با اتباع سفارت بیرق خود را خوابانیده از اسلامبول خارج شدند — در

بیست و چهارم آوریل مطابق سه شنبه دهم ربیع الثانی عساکر روس ورود به سرحد عثمانی نمودند — ایالت افلاق بغداد به قشون روس اجازه می دهد که از مملکت او عبور نموده به خاک عثمانی بروند و والی افلاق بغداد پرنس شارل سرداری عساکر خود را قبول کرده بر ضد عثمانی برمی خیزد — تصرف عساکر عثمانی سُخِم قلعه را از بنادر روس در هفدهم مه مطابق پنجشنبه سیم جمادی الاولی — شهر اردهان را روس متصرف شد — شیخ الاسلام فتوای جهاد می دهد — در چهارم ژون مطابق دوشنبه بیست و یکم جمادی الاولی عساکر روس شهر قارص را محاصره می کنند — در بیست و دویم همان ماه عساکر روس از رود دانونب عبور می نماید — ورود عساکر روس در سمت اروپ به تیرنوا خاک عثمانی — پیش قراول قشون روس به سرداری ژنرال گورگو از کوه بالخان عبور می کند، شهر بنگپُلی به تصرف عساکر روس درمی آید — شکست اردوی نهم روس به دست عثمان پاشا سردار عثمانی — محمدعلی پاشا به جای عبدالکریم پاشا سپهسالاری کل عساکر عثمانی در سمت اروپ می شود — عثمان پاشا در پلونا محصور شده در حمله اول عساکر روس به آن نقطه ده هزار نفر قشون روس کشته می شود — شکستی به ژنرال گورگو در حوالی قازان لق رو می دهد — سلیمان پاشا در یک حمله با روسها به جهت به چنگ آوردن دره شپکا دوهزار نفر به کشتن می دهد — عساکر افلاق بغداد با عساکر روس متفق شده در محاصره پلونا جداً مشغولند و سرداری این دسته قشون با پرنس شارل حاکم افلاق بغداد است — لف چا به تصرف روس درآمد — در حمله دویم عساکر روس و افلاق بغداد به پلونا بیست هزار نفر از عساکر روس کشته می شود — شکست مختار پاشا در آلیشگُ و خود را به قلعه قارصی انداختن — در هیجدهم نوامبر مطابق یکشنبه یازدهم ذیقعدة الحرام قلعه قارص به تصرف قشون روس درآمد و عساکر روس به سمت ارزنة الروم حرکت کردند — در دهم دسامبر مطابق دوشنبه چهارم ذیحجه عثمان پاشا با قشون ابوابجمعی خود در پلونا تسلیم عساکر روس می شود — و در همان وقت ایالت سرب با وجود عقد مصالحه با دولت عثمانی نقض عهد نموده با قشون روس متفق می شود — با وجود سرمای سخت و برف زیاد عساکر روس از چند نقطه کوه بالخان عبور می کند. (فرانسه) — ریاست مسیو کیریدی به مجلس وکلای ملت —

فوت ژنرال شان کارینه از سردارهای معروف — در سیم سپتامبر که دوشنبه بیست و چهارم شعبان باشد مسیو طیر رئیس سابق دولت جمهوری فرانسه وفات می کند. (هلاند) — فتوحات عساکر دولت در آتچین — فوت ملکه این مملکت در تابستان. (یونان) — با کمال عجله دولت در تهیه حاضر کردن قشون است و کارخانه جات اسلحه سازی ایجاد می شود — بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمول حاضر می کنند — ورود نواب ولیعهد دولت انگلیس به آتین پایتخت یونان.

آمریکا — (اتانونی) — در بهار این سال ریشارد های به ریاست جمهوری برقرار و ژنرال گران از این عمل خلع گردید — سالی پنجاه هزار دلار به رئیس جدید موجب و مرسوم داده می شود (هر یک دلار معادلست با پنج قران پول ایران) — پیغمبر طایفه مُرْمُن که مذهبی است جدیدالاحداث و ژهن نام پیغمبر مزبور است به حکم دولت به قتل می رسد — تمام قشون اتانونی بوی و بحری بیست و پنج هزار است — مسافرت رئیس سابق ژنرال گران به سمت فرنگ و رود او به لیور پول بندر انگلیس — شکست عساکر دولتی از طایفه سیوکس که از وحشی های قدیم ینگی دنیا می باشند. (برزیل) — به واسطه خشکسالی و نیامدن باران در ایالات شمال مردم به بلیه قحطی مبتلا می شوند. (مکزیک) — ریاست دیاز نام در مکزیک.

[سنه ۱۲۹۵ هجری = سنه ۱۸۷۸ مسیحی]

آسیا — (ایران) — کلیه امور دولتی در این سال فرخنده فال از توجهات کامله بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه زایدآ ماکان قرین انتظام است — جشن میلاد همایون را جناب سپهسالار اعظم به وجه اکمل گرفتند — کتاب مستطاب منتخب مثنوی که به قلم معجز رقم مبارک انتخاب شده به اهتمام محمّدحسن خان محقق به طبع رسیده است — حکومت کرمان و بلوچستان را به حاجی غلامرضاخان شهاب الملک مفوض فرمودند — میرزا محمّد مستوفی ولد مرحوم حاجی میرزا بابای حکیمباشی به منصب استیفای نظام سرافراز شد — شب پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول بعد از گذشتن سه ساعت و پانزده دقیقه و دو ثانیه از شب آفتاب از برج حوت به

حمل تحویل نموده سلام خاص در عمارت عاج و سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید — اداره امور بتائی دارالخلافة باهره و سایر ممالک محروسه را برعهده نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم موکول فرمودند — حکمرانی گلپایگان و خوانسار و بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده به حضرت اعظم اجل شاهنشاهزاده والا ظل السلطان واگذار فرمودند — نواب والا عباس میرزا که چندین سال در عتبات عالیات و عراق عرب بسر می برد عواطف و مراحم ملوکانه ایشان را به دربار همایون احضار فرموده مبلغ شش هزار تومان وجه نقد از خزانه عامره به رسم سیورغال و مواجب در حق نواب معظم و یک هزار و پانصد تومان در حق نواب محمدمیرزا ولد ایشان برقرار و نواب معظم را به لقب جلیل ملک آرائی و حکومت خمسه مباهی فرمودند — نواب معزالدوله بهرام میرزا را به وزارت عدلیه عظمی مفتخر فرمودند — حکمرانی ملایر و نهاوند و تویسرکان را برعهده کفالت نواب مؤیدالدوله موکول داشتند — جناب الله قلی خان ایلخانی به حکومت همدان مباهی گشت — حاجی محمد رحیم خان قاجار شامبیاتی به ریاست مجلس مظالم عامه برقرار آمد — امیر دوست محمدخان معیرالممالک به اعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید — میرزا حسن نوری ولد میرزا ابراهیم به منصب استیفا از درجه سیم نایل آمد — حاجی میرزا علینقی منشی باشی نظام به لقب مشیر لشکری سرافراز گردید — حاجی آغا جوهر خواجه باشی به لقب معتمدالحرم مفتخر گردید — کل قراولخانه های دارالخلافة را به عهده کفایت امیرزاده وجیه الله میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه دار کل وجوه نظام واگذار فرمودند — آقارضای آجودان مخصوص حضور همایون و خازن وجوه صرف جیب مبارک به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز مفتخر آمد — اسفندیارخان سرتیپ به یک قطعه نشان شیر و خورشید و یک رشته حمایل مخصوص آن مباهی شد — از وقایع عمده این سال خیرمال مسافرت اعلیحضرت همایون به فرنگستانست که شرح آن در سفرنامه مبارکه به قلم معجز رقم مبارک مرقوم است — و در اینجا نیز بر سبیل اجمال نگارش می یابد و مقدماً اظهار می داریم که چون مقصود و خیال حقایق تمثال خسروانه از این سفر خیراثر استدراک دقایق و نکات عمده علوم و فنون و صنایع و بدایع اقلیم اروپا می بود این سفر مبارک را بدون سمت رسمیت

قرار دادند تا تشریفات سلاطین و وزرا و بزرگان دول و رؤسای ملل مانع نیل مقصد اعلی و مطلب و منظور اهم نگردد.

هنگام عزیمت این سفر خیر اثر نیابت مخصوص وجود مسعود شاهانه را در مدت غیبت ذات ملکوتی صفات اقدس به حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده افخم والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی مفوض و جناب اجل آقای مستوفی الممالک را در کلیه کارهای کشوری مشارک رای و خیالات حضرت اشرف معظم قرار دادند — و جناب معتمد الملک وزیر مخصوص نیز از جانب سپهسالار اعظم مشغول رسیدگی به کار لشکری و نظامی و امور دایره وزارت خارجه گردید — و بعد از وضع این ترتیبات روز پنجشنبه سلخ ربیع الاول که پانزده روز از عید نوروز گذشته بود موکب همایون از دارالخلافه باهره انتهای فرموده دوشنبه چهارم ربیع الثانی به ظاهر قزوین نزول اجلال فرمودند و پس از سه روز توقف عزیمت آذربایجان نموده ضیاء الملک حکمران گیلان در عرض راه به نشان تمثال همایون مفتخر آمد، روز یازدهم به سلطانیه نزول اجلال فرمودند، دوازدهم ظاهر شهر زنجان مضرب خیام معلی گردید و روز چهاردهم نهضت فرموده، هیجدهم میانج مضرب اردوی کیوان شکوه گردید، بین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان و جناب صاحب دیوان وزیر نظام و پیشکار آذربایجان به خاکپای مبارک مشرف شدند، دوشنبه بیست و پنجم شهر تبریز به ورود مسعود خسروانه مزین گردیده در باغ شمال نزول اجلال فرمودند، و پس از ورود مسعود سلام عام منعقد گردید — نواب والا حسنعلی میرزا ولد ارجمند حضرت مستطاب ولیعهد دولت علیه که تا این روز به حضور مهر ظهور مبارک مشرف نشده از تقبیل آستان اعلی مستسعد و مباهی آمد — بیست و ششم جناب فخری بیک سفیر کبیر عثمانی که از راه حلب و دیار بکر و وان به تبریز آمده و سه روز پیشتر به این شهر رسیده به حضور باهرالنور مقدس مشرف گردید — روز بیست و نهم از شهر تبریز انتهای فرموده، روز سیم جمادی الاولی به کنار رود ارس تشریف فرما گردیدند — روز سه شنبه چهارم از رود ارس عبور فرموده عازم قفقاز شدند — پرنس منچیکوف که از جانب دولت روس مهماندار بود با صاحب منصبان زیادی لب رودخانه حاضر و به

شرف حضور همایون نایل شدند.

اسامی ملتزمین رکاب اعلی در این سفر فرنگستان از قرار ذیل است:

(جناب سپهسالار اعظم)، (جناب عضدالملک)، (جناب ناصرالملک)،
(جناب امین السلطان)، (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون)،
(حکیم الممالک)، (مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه)، (آقارضا آجودان مخصوص و
خازن صرف جیب همایون)، (محمدعلی خان امین السلطنه)، (امیرزاده سلطان
حسین میرزا)، (غلامحسین خان زیندارباشی)، (محمدحسن خان محقق)، (قرخ خان
پیشخدمت)، (جعفرقلی خان غلامبچهباشی)، (آقارضای ناظم خلوت)،
(آقامحمدعلی آبدارباشی)، (آقامیرزا محمد)، (حاجی حسن آبدار)، (حاجی
حیدر)، (بنده مؤلف نیز به شرف التزام رکاب مبارک سرافراز بود).

جمعه هفتم تشریف فرمای ایروان شدند — روز نهم بعد از آنکه به جمیع
صاحبمنصبان نظامی و قلمی و حاکم شهر ایروان علی قدر مراتبهم نشانها مرحمت
فرمودند و همگی مشمول عوارف ملوکانه گردیدند از این شهر عزیمت تفلیس
فرمودند — سه شنبه یازدهم شهر تفلیس را به قدوم مبارک مشرف ساختند در بین راه
جناب امین الملک که چند ماه قبل مأمور فرنگستان شده بود با ژنرال قنصل ایران
میرزا محمودخان مقیم تفلیس به تقبیل رکاب اعلی فایز گردیدند، تشریفات زیاد در
ورود مسعود شاهانه به شهر تفلیس به عمل آوردند — پرنس میرسکی نایب
(جانشین) جمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی تفلیس را در حضور باهرالنور اقدس
معرفی کرد — نواب گراندوک میشل جانشین قفقاز اینجا نبودند ولی دو پسر ایشان
که در این شهر توقف داشتند به حضور مهرظهور مقدس مشرف جستند — روز
سیزدهم بعد از آنکه به شاهزادگان پسرهای جانشین نشان و حمایل ایران عطا
فرمودند و سایر اعیان و صاحبمنصبان را نیز به قدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه
داشتند از تفلیس انتهای فرموده به منزل ملیت تشریف فرما گردیدند — روز

چهاردهم تشریف فرمای شهر ولاد قفقاز شده از وسط شهر عبور فرموده دم گار پیاده شده به کالسکه بخار نشستند — نظراً وزیر مختار ایران مقیم پاریس هم از پاریس آمده به حضور مبارک مشرف شد تا سه شبانه روز از کالسکه بیرون نیامده متصل در حرکت بودند عصر روز هفدهم جمادی الاولی به شهر مسکو ورود فرمودند، در این روز قامازوف مترجم خاص اعلیحضرت امپراطور که از پطر مأمور شده بود و میرزا ملکم خان ناظم الملک ایلچی مقیم لندن به حضور همایون مشرف شدند — در ورود به گار پرنس دالکورکی حاکم مسکو با همه صاحب منصبان و ژنرالها به استقبال آمده بودند منزلگاه همایون در مسکو قصر کرملین است، تا غروب روز چهارشنبه نوزدهم در مسکو توقف فرموده بعد از صرف شام به راه آهن تشریف فرما شده عازم پترزبورغ گردیدند — روز دیگر چون به گار پترزبورغ ورود فرمودند اعلیحضرت امپراطور و همه شاهزادگان خانواده سلطنت و جمیع صاحب منصبان تا گار به استقبال آمده بودند. در این محل بعد از ادای مراسم مودت اعلیحضرت امپراطور اولاً تمام شاهزادگان خانواده خودشان را معرفی کردند، آنگاه با اعلیحضرت شاهنشاهی در یک درشکه سربازی نشسته به عمارت زمستانی اِزْمی تاج که منزل اعلیحضرت همایون است ورود فرمودند و زیاده از آنچه به تصور بیاید اعلیحضرت امپراطور اسباب احترام و پذیرائی موکب همایون را فراهم آورده اند — جمعه بیست و یکم در پطر اقامت شد — در این روز از اعلیحضرت امپراطور و نوابان برادران اعلیحضرت معظم بازدید نمودند، شام را امشب مخصوصاً در منزل اعلیحضرت امپراطور موعود بودند — شنبه بیست و دویم در میدان شان دومارس سان بسیار خوبی از قشون متوقف در پترزبورغ داده شد و در این سان جمیع فرمان را خود اعلیحضرت امپراطور می دادند — امشب را نیز در منزل مخصوص اعلیحضرت امپراطور به شام رسمی دعوت شدند — یکشنبه بیست و سیم یک زوج گلدان چینی بسیار ممتاز اعلیحضرت امپراطور برای اعلیحضرت همایون فرستادند — شب این روز در خانه نواب ولیعهد دولت روس به شام رسمی مهمان بودند و در این شب نشان تمثال همایون مکمل به الماس را برای نواب گراندوک الکسی اهدا فرمودند — دوشنبه بیست و چهارم تشریف فرمای پترهوف که بیلاق بسیار باصفائی است شدند —

روز بیست و پنجم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور و جمیع خانواده امپراطوری با کالسکه بخار عزیمت ورشاو فرمودند — روز بیست و ششم یکساعت و نیم به غروب مانده وارد شهر شدند. منزل اعلیحضرت همایون در این شهر قصر لازنسکی است — خاکم و صاحبمنصبان متوقف این بلد و اعیان در پذیرائی موکب اعلی کمال اهتمام را به عمل آوردند — شب چهارشنبه بیست و ششم و پنجشنبه بیست و هفتم در ورشاو اقامت شد و موزه و سیرک و بعضی مواضع دیگر این شهر را تماشا فرمودند — جمعه بیست و هشتم عازم برلن شدند، و شب یکشنبه سلخ جمادی الاولی وارد برلن گردیدند و تشریفات کامله از مقدم مبارک به عمل آمد — روز سلخ اعلیحضرت امپراطور گلیوم به دیدن اعلیحضرت همایون آمدند و اظهار مخالفت و وداد کامل از جانبین شد — منزل اعلیحضرت همایون همان عمارت دولتی است که در سفر سابق فرنگستان در آن منزل داشتند — بعد از نیمساعت اعلیحضرت همایون به بازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند — عصر این روز درحالتی که اعلیحضرت امپراطور در کالسکه روبازی نشسته گردش می کردند شخصی دکتر شارل بُیلینگ نام از خاندان معروفی از طبقه موسوم به شسیالیست دُمکرات با تفنگی که چهارپاره زیادی پر کرده بود دو تیر به طرف اعلیحضرت معظم خالی نموده چون کلاه خود به سر داشتند سر ایشان محفوظ مانده ولی حوالی شانه و گردن ایشان مجروح گردید و این سانحه زیاد مایه تألم اعلیحضرت همایون و جمیع ناس شد — سه هفته پیش از این هم یک نفر از طبقه مذکوره طپانچه ششلوله به اعلیحضرت امپراطور انداخته اما آسیبی به ایشان نرسانده — شنبه غره جمادی الثانیه دوساعت به غروب مانده به عزم دادن باد انتهاز فرمودند، روز دویم به این شهر وارد گردیدند، و پس از پنج روز توقف در آنجا و سیر و تفرج و شکار و تماشای اماکن متزه روز یکشنبه هفتم یک ساعت به ظهر مانده با کالسکه بخار عازم پاریس شده و در بین راه شهر استرازابورخ را تماشا فرمودند — دوشنبه هشتم صبح بسیار زود وارد دارالملک پاریس گردیدند، در گراند هتل یعنی مهمانخانه بزرگ منازل و اطاقهای خوب برای اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی اجاره و معین شده بود. همه پادشاهان که به پاریس می آیند در همین مهمانخانه

منزل می کنند — جناب مارشال ماکماهون رئیس جمهوری به دیدن اعلیحضرت همایون آمد، بعد از آن به بازدید اکسپوزیسیون تشریف فرما شدند — روز دوشنبه ورود مسعود به عمارت الیزه به بازدید جناب مارشال ماکماهون رفتند، بعد رسماً به اکسپوزیسیون تشریف ورود بخشیدند و همه جا را گردش و بازدید فرموده از جمله بنائی که به حکم همایون به سبک ایران در نهایت خوبی ساخته اند با امتعه ممتازه ایران که در این عمارت گذاشته بودند ملحوظ نظر انور گردید — خلاصه یک روز به بواؤبولن، یک روز به اکسپوزیسیون، روزی به بوت دشومون که تفرج گاه بسیار خوب است، روزی به آن گن که قصبه بزرگ است تشریف فرما گردیدند — از سوانح این ایام آنکه پادشاه سابق هانور که مملکت آنرا دول آلمان تعریف کرده و عموی تنی اعلیحضرت پادشاه انگلستانست و مدتی در پاریس بوده غفلتاً وفات می نماید — روز شنبه سیزدهم نواب ولیعهد دولت انگلیس از اعلیحضرت همایون دیدن نمود — روز چهاردهم در لُنْ شان اسب دوانی بود و اعلیحضرت همایون با جناب مارشال ماکماهون به تماشای اسب دوانی تشریف فرما گردیدند — شب شانزدهم را برای شام مهمان مارشال ماکماهون بودند — بالجمله بیست و دو روز موکب همایون در دارالملک پاریس اقامت داشت و ذات همایون هر روزی به تماشا و تفرج و بازدید محلی اهتزاز خاطر فرموده، روز دوشنبه بیست و نهم جمادی الثانیه تشریف فرمای الیزه شده جناب مارشال ماکماهون را وداع فرمودند بعد از آن به اکسپوزیسیون توجه نموده قدری گردش کردند — روز سه شنبه فَرّه رجب باليمن و السعاده عازم ایران شدند — مارشال ماکماهون و اعظام آن مملکت موکب اعلی را بدرقه کردند وقت شب از استرازبورغ عبور شد، فردا عصر به شهر مالسبورغ ورود فرمودند — نواب آرشیدوک ویکتور برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش که از جانب اعلیحضرت امپراطور به استقبال آمده بود در اینجا به حضور مبارک تشریف جست و تشریفات کامله از قدوم بهجت لزوم مقدس به عمل آمد — روز سیم در اینجا توقف شد، امشب در عمارت یبلاقی خارج از شهر مهمان نواب آرشیدوک ویکتور بودند — روز جمعه چهارم عزیمت وینه فرمودند و چون به گار وینه رسیدند اعلیحضرت امپراطور و همه صاحب منصبان و غیره دم گار با لباس رسمی حاضر بودند —

اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور با کمال خصوصیت و مهربانی و مودت دست دادند و بعد از تقدیم رسوم و تشریفات با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه روبازی نشستند به عمارت دولتی موسوم به پاله دبورق تشریف فرما شدند — منزل اعلیحضرت امپراطور هم در همین عمارتست، بعد از دقیقه ای اعلیحضرت همایون به بازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند — روز پنجم به تماشای همین عمارت از خزانه و موزه و غیره گذشت، شام را مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند — روز ششم به تماشای بعضی ابنیه و عکس و پرده های نقاشی و غیره مشغول گردیدند — روز هفتم بعضی از وزرای مختار و بزرگان وینه به حضور مهرظهور مشرف شدند — بالجمله تا روز دوازدهم رجب بندگان اعلیحضرت همایون در وینه متوقف و مشغول ملاقاتهای دوستانه با اعلیحضرت امپراطور و تفرج و تماشای اماکن متنزه بودند — روز مزبور اعلیحضرت امپراطور را وداع فرموده بعد به قصر شونبرون تشریف فرما گردیدند و پس از تماشای باغ وحش آنجا، روز سیزدهم که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است از وینه به طرف ایران حرکت فرمودند و اعلیحضرت امپراطور به منزل اعلیحضرت همایون آمده بعد از قدری صحبت به اتفاق در کالسکه نشسته به طرف گار مشرق راندند، و در گار مجدداً اعلیحضرت امپراطور را وداع کرده روانه شدند و فردا قبل از ظهر وارد سرحد روس گردیده در استاسیون روسها مهمانداران و صاحبمنصبان روس حاضر بودند و از آنجا به کالسکه های مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس داخل و روانه راه گردیده، روز پنجشنبه هفدهم رجب به ولاد قفقاز شرف ورود ارزانی داشتند — دو شب در ولاد قفقاز توقف شد و تشریفات کامله از چراغانی و غیره به عمل آمد — شنبه نوزدهم از ولاد قفقاز حرکت فرمودند بیستم به کروزنوای، و بیست و یکم از اینجا انتهاض فرموده با کالسکه تا بندر پتروفسکی طی راه شد از اینجا در کشتی موسوم به الکسندر سزاریویچ ورود فرموده، روز چهارشنبه بیست و پنجم رجب انزلی به مقدم فرخنده شیم مبارک مزین آمد و این سفر خیراثر به میامن اقبال خسروانه به سعادت اختتام یافت — روز نهم شهر شعبان المعظم به دارالخلافه باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم اهالی به زیارت جمال مهرمثال مقدس سر بلند

آمدند و سه شب در دارالخلافة چراغانی و جشن بود.

هم در این سال میرزا عباس خان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان به منصب سرتیپی سرافراز شد — حاجی آغا جوهر معتمد الحرم به منصب سرتیپی دویم و نشان و حمایل مخصوص آن مباهی گردید — توپچیان همدانی و نهاوندی و شرابی و کرمانشهرانی را به میرزا علی اکبرخان آجودانباشی توپخانه مبارکه ابواب جمع نمودند — چون خط تلگراف عربستان کشیده شد جناب مخبرالدوله وزیر تلگراف را به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز که مخصوص آنست مفتخر فرمودند، و حسینقلی خان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه ولد جناب معزی الیه به منصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن مباهی گردید — روز پنجشنبه چهارم جمادی الثانیه جناب فخری بیگ سفیر کبیر عثمانی مأمور اقامت دربار دولت علیه با شرایط تشریفات معموله وارد دارالخلافة گردید — امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول به اعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید — الله ویردیخان سرتیپ اول توپخانه به اعطای نشان همایون مفتخر آمد — موسی خان سرهنگ فوج سوادکوهی به منصب سرتیپی سیم مباهی گشت — باقرخان سرهنگ افشار قراول مخصوص به منصب سرتیپی سیم نایل شد — اسمعیل خان سرهنگ فوج فیروزکوهی را به منصب سرتیپی سیم سربلند فرمودند — هنگام اقامت موکب همایون در پطرزبورغ یک قطعه نشان سنت اتسالاس نیس از درجه دویم با ستاره و پلاک از جانب دولت روس به بنده مؤلف اعطا شد — دو قطعه نشان طفرای غرای نام نامی مبارک مکمل به الماس که از بزرگترین نشانهای این دولت جاوید شوکت است به جناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند — مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه به نشان تمثال همایون سرافراز شد — عمیدالملک ولد مرحوم مجدالدوله به حکومت خمسه سرافراز آمد — یک قطعه نشان قدس مکمل به الماس که از برترین نشانهای دولت علیه است به جناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند — عمارت سلطنتی که در ییلاق شهرستانک نهایت عالی و مزین به امر همایون جناب امین السلطان بنا نموده زیور اتمام یافت — حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیرکبیر ادام الله اقباله العالی به یک قبضه شمشیر مکمل به الماس از

شمشیرهای خاصه سلطنتی مباحی گردیدند — میرزا محمود مستوفی وزیر دارالخلافه به لقب جنابی سرافراز شد — محمدحسین خان رئیس عمله جات حکومت دارالخلافه به نشان سرتیپی از درجه سیم نایل آمد — این اوقات اراده علیه همایونی اقتضا فرمود که ترتیبات سابقه ادارات دولتی را تکمیل فرمایند و تکالیف هر دایره مستقلاً محدود باشد و در این حسن ترتیب نتایج و فوایدی که همیشه مقصود خاطر خطیر همایونست به سهلترین وجه حاصل شود، نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر ادام الله اقباله العالی و جناب اجل آقای مستوفی الممالک و جناب اشرف سپهسالار اعظم را به حضور مهرظهور مبارک احضار و بدینگونه خطاب فرمودند که:

(انتظام مهم مملکت اگرچه به مراقبت و دولتخواهی وزرا و کارگذاران و دولت قصوری ندارد لیکن هنوز خاطر ما راضی و قانع نیست که معاذیر و بطنی اقدامات شما اصلاحات فوریه امور را تأخیر کرده و منظورات بلند ما را به مقام انجام نیاورده است. چون نایب السلطنه را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی به رجوع خدمات امتحان کرده ایم و می بینیم به غیرت و دانش فطری چه قدر به خدمت دولت مایل است در رتبه شاهدادگی پایه وزارت هم داده و در این خطاب با شما شریک می کنیم و اداره امور مملکت چنانکه بود با چندین مراتب استیلا و استقلال به شما تفویض می شود به شرایط و حدودی که خواهیم نوشت و شما سه نفر را به اجرای این تکالیف مأمور و مسئول قرار می دهیم. باید وزرای ما متفق و متحد باشند. باید در کارها به طرز و اسلوب کهنه قانع نشوند. باید از دستگاه وزرا اسباب تفرقه حواس و مفسده و سواس منسوخ شود. کذلک در حضور ما وسایل و وسایط مختلف انتظام احکام و عرایض را مختل نکنند. تمام نوشتجات از هر قبیل و هر قسم به امین الملک برسد و او به حضور آورده عرض کند و جواب هر اداره را او بفرستد. دستورالعمل و تکالیف شماها را می نویسم و باید خود را به تمام آنچه معین و مقرر کرده ایم مکلف بدانید.)

پس از رخصت وزرای فخام جناب امین الملک را به حضور همایون خواسته و از روی یادداشتی که مشروحاً به دستخط همایون مرقوم شده بود حدود و تکالیف ادارات مستقله را تقریر فرمودند. جناب معزی الیه منصوبات اوامر علیه را

ثبت و به امضای ملوکانه توشیح داد و خطاب به هریک از وزرای مسئول سه گانه دستخط مخصوص دایر به شرح اداره و توضیح تکالیف معظم الیهم صادر نمود و مقرر گردید که روز دیگر تمام چاکران و رجال دولت و شاهزادگان و اعظام در تالار تخت مرمر حاضر شده دستورالعمل و تکالیف وزراء مسئول در مجمع عام قرائت و دستخط های مطاعه که به افتخار هریک شرف صدور یافته در همان مجلس ابلاغ شود — روز سه شنبه هفدهم شوال حسب الامر الاعلی مجلسی مشحون به تمام شاهزادگان و وزرا و رجال و اعظام ترتیب شده دستورالعلم ادارات مستقله را لسان الملک قرائت نمود — چون بعضی از تألیفات بنده مؤلف در پاریس به مطالعه جناب مسیو شفر مترجم باشی دولت جمهوری فرانسه و رئیس مدرسه السنه شرقیه و سایر علماء و دانشمندان خبیر و بصیر آن مملکت که وقوفی کامل و مهارتی تام به زبان فارسی و عربی دارند رسیده زاید الوصف تمجید نمودند و جناب امیرال لارونسیه دنوری، رئیس مجلس جغرافیای فرانسه این بنده را جزو اجزاء آن مجلس محترم شمرد جناب مسیو باردو وزیر علوم و صنایع و مذاهب آن دولت فخمیه پس از اظهار به رجال دولت جمهوری فرانسه نشانی از مرتبه اول مجمع العلوم که بالاترین علایم و نشان فضل و دانش است با فرمان مخصوص آن از طرف وزارت علوم دولت جمهوری فرانسه برای این بنده ایصال داشتند و از خاکپای همایون اجازه استعمال آن را یافت — میرزا محمّد رئیس دفتر وزارت خارجه ملقب به صدیق الملک گردید — محمّدعلی خان امین السلطنه جامه دار خاصه شریفه و خازن مخزن تدارکات عسکریه به منصب صندوقداری صندوقخانه مبارکه سرافراز شد.

(افغانستان) — قبول نکردن امیر شیرعلی خان امیر افغانستان مأمورین انگلیس را در ماه رمضان و قبول نمودن مأمورین روس را در کابل — انتشار این خبر در لندن سبب اضطراب گردید — رفتن امیر شیرعلی خان از کابل به سمت ترکستان و زمام اختیار سلطنت را به پسر خود سردار یعقوب خان دادن در دوازدهم ذیحجه.

اروپا — (اسپانیا) — عروسی پادشاه با پرنسس مرسیده دختر دوک دهنوت پانسیه

که خاله زاده اعلیحضرت معظم بود — شورش اهالی کوبا بر ضد این دولت رفع شده آن جزیره به کلی مطیع می شود — فوت ملکه جدید زوجه پادشاه در بیست و سیتم ژون، این ملکه که پنج ماه و اندی بود عروسی کرده در هزار و هشتصد و شصت مسیحی متولد شده بود، جمعه بیست و هفتم شوال شخص چلیک سازی طپانچه به طرف پادشاه خالی کرد ولی به ایشان نخورد. (اطریش) — کنت اندراسی وزیر اعظم اطریش به دول آلمان و انگلیس و فرانسه و ایتالیا اعلان رسمی می فرستد که مأمورین در مجلس کنگره که از برای قرار مسائل شرقیه منعقد خواهد شد به وینه پایتخت اطریش روانه دارند و دولت آلمان تکلیف می کند که محل انعقاد این مجلس در برلن باشد — فصول عهدنامه در سان استفان مابین روس و عثمانی را کنت اندراسی قبول نمی کند — ورود عساکر اطریش به هرزگوین و بسنی ایالات عثمانی به جهت تصرف نمودن این دولت و راضی نبودن اهالی — در هشتم رمضان این سال عساکر اطریش شهر یرین را در هرزگوین و بسنی تصرف نمود و به این واسطه دولت اطریش از تصرف کردن این دو ایالت و جنگ با اهالی آسوده گردید — سفارت کبرای مسیو دُبُست از طرف دولت اطریش به فرانسه — آتش گرفتن کشتی موسوم به اِسْفَنکس در محیط و تلف شدن پانصد نفر — استقراض دولت معادل دوازده کرور ایران به جهت مخارج لازمه قشون — متصرف شدن عساکر اطریش شهر سیراجُورا که شورشیان هرزگوین و بسنی در آنجا جمع بودند. (آلمان) — در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور بشخصه خطبه خوانده و کوشش خود را در انعقاد مصالحه بین روس و عثمانی و حفظ صلح در تمام دول فرنگ اظهار می دارند — در یکی از کوچه های برلن معروف به تُیل در هشتم جمادی الاولی امپراطور با صبیّه خود والیه باد در کالسکه روبازی از گردش مراجعت می کرده هُیدک نام دو تیر طپانچه به سمت اعلیحضرت معظم خالی می کند ولی هیچکدام به ایشان نمی خورد — کشتی جنگی زره دار بزرگ آلمان موسوم به گِرُس گورفورشت در حوالی انگلیس به کشتی جنگی موسوم به کینگ ویل هلم برخورد کرده با سیصد نفر عمده که در آن کشتی بودند غرق می شود — در سلخ جمادی الاولی نیز در کوچه تُیل برلن هنگام رفتن امپراطور به گردش دو تیر تفنگ

به سمت اعلیحضرت معظم خالی می شود و چند چارپاره به بازو و شانه های
امپراطور می خورد — ضارب که موسوم به تُبَلَنگ است با طپانچه قصد هلاکت خود
را کرده لیکن زخم شدیدی به او نرسیده و نمی میرد — به واسطه جراحات سختی
که به بدن امپراطور رسیده زمام اختیار سلطنت را موقتاً به ولیعهد می دهند — مجلس
کنگره دول در برلن افتتاح شده و مأمورین دول آلمان و اطریش و فرانسه و انگلیس
و روس و عثمانی و ایتالیا در مجلس جلوس کرده و ریاست مجلس به پرنس
بیزمارک داده می شود — مأمورین دول عهدنامه برلن را امضا می نمایند — اختتام
مجلس کنگره — دهم ذیحجه امپراطور سالماً از بیلاقات و شهرهای آب معدنی که
چندی در آنجاها سفر کرده بودند به برلن مراجعت و ورود نموده بشخصه مشغول
رسیدگی به امور سلطنت شدند — فوت ژرژ پادشاه هانور در پاریس، (انگلیس) —
مابین این دولت و دولت روس آثار کدورت پدیدار است — در اغلب بلاد انگلیس
اهالی با دولت موافق در جنگ با روس نیستند — ورود عساکر روس در حوالی
اسلامبول اسباب کمال وحشت رجال دولت انگلیس است و به این جهت
کشتیهای جنگی انگلیس از سمت دریا به حوالی اسلامبول می آید — استعفای لرد
دربی از وزارت خارجه که به تهیة قشون انگلیس راضی نبود — از خطبه ای که
پادشاه انگلستان در افتتاح مجلس پارلمنت می خوانند و نوشتجاتی که لرد
سالیس بوری که تازه به وزارت امور خارجه انگلیس منصوب شده چنین معلوم
می شود که دولت انگلیس به هیچ وجه راضی به فصول عهدنامه منعقدۀ سان استفان
مابین دولت روس و عثمانی نیست و با کمال شدت دولت انگلیس تهیة جنگ
می بیند — استقراض دولت دوازده کرور لیره برای حاضر کردن عساکر بزی و
بحری — وزرای عثمانی اظهار کمال امتنان را از رعایت و حمایت انگلیس دارند
— نامزد نمودن پرنس آرتور پسر پادشاه انگلستان پرنس مارگریت صبیۀ فردریک
شارل بنی عم امپراطور آلمان را — در مجلس کنگره برلن گنت بوگینست فلد
صدراعظم اظهار می دارد که بنابر این عهدنامه مخفی مخصوصی که مابین دولت
انگلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر انگلیس جزیره قبرس من جزایر عثمانی
را متصرف می گردند — لزد سالیس بوری بعد از مراجعت از مجلس کنگره برلن

تمجیدات زیاد از نتایج این مجلس می کند به جهت اینکه عهدنامه سان استفان را برهم زد — مرتخص نمودن دولت انگلیس عساکری که تازه جمع کرده بود — کشتی موسوم به پرنس آلیس در چهارم رمضان با کشتی دیگر روی رود طمس که از وسط شهر لندن می گذرد برخورد کرده کشتی پرنس آلیس در آن واحد غرق شده ششصد نفر مسافر هلاک می شوند — فرستادن تهدیدنامه از طرف فرمانفرمای هند به امیرشیرعلی خان امیر کابل در ماه ذیقعده — پنجشنبه بیست و پنجم ذیقعده عساکر انگلیس از چند نقطه وارد به خاک افغانستان شد و فردای آن روز قلعه علی مسجد را که در دهنه تنگه خیبر است متصرف شدند — فتح قلعه و دره پیوار افغانستان به دست ژنرال رُبیژ سردار انگلیس — فوت کنت روسل از معارف. (ایتالیا) — فوت ویکتور امانول دویم پادشاه این مملکت و جیلوس هومبر اول ولد ارشد آن پادشاه به تخت سلطنت ایتالیا — فوت پی نهم پاپ اعظم — انعقاد مجلس گنگلاو یعنی شورای بزرگ کشیشان به جهت انتخاب نمودن پاپ تازه و انتخاب نمودن کشیشان کاردینال پچی را به پاپی و ریاست کاتولیکی و او را ملقب به لئون سیزدهم نمودن — صدارت مسیو کیسولی در ایتالیا — در شهر ناپل شخصی باسانانت نام با کارد حمله به پادشاه کرده ولی به ایشان نمی خورد، اما کیسولی صدراعظم که در صندلی جلو کالسکه نشسته بود رانش از آن ضربت مجروح می گردد، بعد از این مقدمه در چند شهر از بلاد ایتالیا مردم شورش می کنند. (بلژیک) — اهالی بلژیک جشن سال بیست و پنجم عروسی پادشاه و ملکه را گرفتند. (روس) — دولت روس اعلان می کند که اگر کشتی های جنگی انگلیس در حوالی اسلامبول بماند او نیز شهر اسلامبول را متصرف می گردد، لهذا قسمتی از سفاین جنگی انگلیس به حوالی کالی پولی رفتند — شهر صوفیا از ممالک اروپائی عثمانی به تصرف عساکر روس درآمد — سرمای شدید را که بلانهایت بود قشون روس ممد خود ساخته از تنگه شپکای کوه بالخان که قسمت عمده قشون عثمانی به واسطه برودت هوا تخلیه کرده بودند گذشتند — مراجعت امپراطور بعد از فتوحات نمایان در خاک عثمانی به پترزبورغ — ورود عساکر روس به شهر ادرنه — نواب گراندوک نیکلا سردار عساکر روس در قریه سان استفان نیم فرسخی اسلامبول

اردو زد — نواب گراندوک نیکلا به شهر اسلامبول رفته و با اعلیحضرت سلطان ملاقات می نماید — ژنرال اکتاتیف که از طرف دولت روس مأمور به بعضی گفتگوها مابین دولت روس و اطیش بود به وینه رفته بی نیل مقصود مراجعت می کند — معاودت گراندوک نیکلا از خاک عثمانی و تعیین نمودن ژنرال تئیلین را به جای خود — تصرف نمودن عساکر روس بندر و شهر باطوم را — تصرف قشون روس شهر عثمان بازار و رُشچُک و ارزنة الروم را — رفتن قشون روس از سان استفان حوالی اسلامبول — مجروح ساختن ژنرال تیریف حاکم شهر پترزبورگ را شخصی از طایفه نیهیلیست — ژنرال میزنٹ زور رئیس احتساب مخفی روس را در یکی از کوچه‌های پترزبورگ در روز روشن به قتل رسانیدند و قاتل مخفی گردید — سان دادن قشون در پترزبورگ با حضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران. (عثمانی) — اضطراب اهالی اسلامبول و عریضه دادن به اعلیحضرت سلطان — قرار دادن بعضی از اصول مصالحه را در شهر ادرنه — فتوحات منتنگرو و عساکر سرببی در نیش — فتح شهر فلیپ پُلی قشون افلاق بغدادی و دین را متصرف می گردد — انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استفان و این عهدنامه مبنی بر بیست و نه فصل است — موقوف داشتن منصب صدارت در مملکت عثمانی — سفرای عثمانی در لندن و وینه به دول انگلیس و اطیش رسماً اطلاع می دهند که اصول عهدنامه صلح بین عثمانی و روس ممضی شد — سفاین جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر یونان لنگر انداخته دولت یونان را تهدید می کند که اگر عساکر خود را که در خاک عثمانی تخطی نموده اند نطلبند آن بندر را به ضرب گلوله معدوم سازند — جمیع دول انعقاد مجلس کنگره را به جهت حل مسائل شرقیه در وینه قبول می نمایند مگر دولت روس و آلمان که در محل انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس در وینه منعقد شود — تعیین خسارت جنگی که دولت عثمانی بر عهده گرفته که موافق عهدنامه سان استفان به دولت روس بدهد دوهزار و هشتصد و بیست کرور منات است — و ایالات بلغارستان و دُبُرچای را از مملکت اروپا خود مجزی دانسته و در سمت آسیا قارص و باطوم و اردهان را ملک طلق دولت روس می داند — جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان مراد را

مجدداً بر تخت سلطنت جلوس داده و سلطان عبدالحمیدخان را خلع نمایند حتی جرأت نموده خواستند این قصد را به موقع اجرا رسانند، مقصرین گرفتار شده مورد تنبیهاست سخت گردیدند — مسلمانهای یاغی روملی در ظرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخت با عساکر روس نموده در اغلب فتح و ظفر با یاغیان بود و ثلث بلغارستان که به موجب عهدنامه سان استفان از خاک عثمانی مجزی شده بود به این دولت برگشت و قراردنگیز از برای عبور و مرور سفاین جمیع دول آزاد شد و بایزید به دولت عثمانی مسترد گردید و به این جهت راه تجارت با ایران آزاد و باز شد — یانقین سخت در باب عالی. (فرانسه) — افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع با تشریفات زیاد در اول ماه مه — در تمام ممالک فرانسه علی الخصوص در پاریس در سی ام ماه ژون به اسم عید و جشن جمهوری جشن بزرگی گرفتند — قیمت مخابرات تلگرافی در فرانسه کلمه ای پنج سانتیم مقرر شد (یک فرانک صد سانتیم است) — ادارات تلگراف و چاپارخانه را در فرانسه یکی نموده در تحت وزارت مالیه قرار دادند — شورش اهالی فول کالدونی استرالی بر ضد دولت فرانسه و کشتن جمعی از اهالی فرانسه را در آن جزیره — سفارت کبرای مسیو فورینه از طرف دولت فرانسه به اقامت اسلامبول — انتخاب وکلای ملت در دولت فرانسه مساعد وضع جمهوری بود — اغلب وکلای ملت جمهوری طلبند نه سلطنت [طلب]. (هلاند) — مزاجت ولیعهد این دولت با یکی از شاهزاده خانمهای پروس. (یونان) — یاغیهای ایالت مقدونیه که بر ضد عثمانی هستند میل به تبعیت یونان دارند — دولت یونان به دولت عثمانی اطلاع می دهد که الجاء عساکر خود را به ایالات اپیر و تسالی و مقدونیه من ایالات عثمانی خواهد فرستاد — صورت ترجمه عهدنامه مفضله منعقد در مجلس کنگره برلن که در این سال سمت اختتام یافته بود و در اینجا موقع درج آنست چون در جلد سیم کتاب مستطاب مرآت البلدان مسمی به مآثر السلطان بعینها مندرج شده است لهذا در اینجا اعاده و تکرار نشد.

افریکا — (اتانونی) — بروز تب زرد با نهایت شدت در بعضی ایالات اتانونی.

[سنه ۱۲۹۶ هجری = سنه ۱۸۷۹ مسیحی]

آسیا — (ایران) — امور دولت در این سال به یمن توجهات اعلیحضرت همایون شهرباری قرین انتظام و آراستگی تمام است — در ماه محرم این سال به امر همایون و از وجوه خاصه دولت و به مباشری جناب امین السلطان شروع به ساختن راه شوسه (کالسکه رو) و منازل و اقامتگاهها از دارالخلافه طهران الی آذربایجان و سرحد ارس شد که بعدها نیز تدریجاً بر سایر راههای ایران الی سرحدات به همین طور ساخته شود — دسته ای از قشون سواره ایران را به وضع سواره قزاق روس و به ریاست و معلمی کلنل دمنت ویچ صاحب منصب روسی ترتیب و برقرار کردند، و نیز هفت فوج از قشون عراقی را با ششصد نفر توپچی عجلتاً به طور نمونه انتخاب و به سبک و وضع قشون اطیش مرتب کرده یک دسته صاحب منصب به ریاست کلنل شیونووسکی و شیونووتیس برای تعلیم و ریاست افواج مزبوره از دولت اطیش استخدام نمودند — جشن ولادت همایون را در ششم صفر المظفر به رسم معمول همه ساله جناب سپهسالار اعظم با شکوهی تمام گرفته به اعطای یک حلقه انگشتی الماس بریلین از طرف اعلیحضرت همایون مفتخر شدند — تولیت دریای نور و نوشتجات و اسناد و نامه های عظیم الشان دولتی به عهده جناب حاجی محمد رحیم خان خازن الملک که از خدمت صندوقداری استعفا نموده بود مفوض شد — مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه به منصب میرآخوری اصطبل مبارک سرافراز گردید — حکومت عراق و مضافات به عهده حکیم الممالک پیشخدمتباشی سلام موکول آمد — در صفحه خراسان بکنج سردار ترکمان با جمعی سواره و پیاده از اوبه خود که به عزم تاخت و دستبرد حدود خراسان آمده سپاه منصور ساخلو سرحد آنها را تنبیه و کیفری بسزا دادند — رحمت الله خان ساری اصلان به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر آمد — جناب میرزا عباس خان معاون الملک به یک حلقه انگشتی الماس سرافراز گردید — جناب امین لشکر وزیر گمرک به اعطای یک ثوب خرقه از ملابس مخصوصه مباهی شد — ساعدالدوله حبیب الله خان سرتیپ اول

به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید — سهام الدوله سرتیپ اول نیز به یک قطعه نشان تمثال مبارک و شجاع الملک عبدالقادرخان به منصب سرتیپی اول سرافراز شدند — حاجی ملا محمد جعفر چالمیدانی از اجله علمای دارالخلافه شب بیستم صفر به رحمت ایزدی پیوست — حاجی محمدقلی خان صارم الملک شاطر باشی در سلخ همین ماه نیز داعی حق را لبیک اجابت گفت — اسواق و خانوات و مدارس و بقاع دارالخلافه طهران را عموماً مرمت و تعمیر کردند — در روز بیست و هفتم صفر در تیمچه جناب امین الملک شصت صندوق و سی پوت خالی از نفت بغتة آتش در آنها افتاده می سوزد، و نیز در شب بیست و هشتم دکان نفت فروشی ستار نام در چهارسوق بزرگ دارالخلافه آتش گرفته قریب پانزده شانزده دکان دیگر نیز آتش گرفته تمام متاعش می سوزد و به چهارسوق نیز خرابی وارد می آورد — عید مولود مسعود حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم را در هفدهم ربیع الثانی جشن کامل گرفتند — نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد جاویدمهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی از محل حکومت آذربایجان موفتاً احضار به دربار همایون و وارد دارالخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردیدند — یازده ساعت و سی و نه دقیقه از شب جمعه بیست و هفتم ربیع الاول گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل کرده مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه همایون کاملاً به عمل آمد — نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی به یک قطعه نشان تمثال اقدس که از اختراعات جدید ذات همایون است معزز و مخصوص گردیدند — امین خلوت در موقع سان تفنگداران خاصه به اعطای یک ثوب سرداری خلعت همایون مباحی شد — ضرابخانه جدیدالبنائی دولتی به امر دولت و به توسط جناب امین السلطان دایر شده مسکوکات ایران عیار صحیحی بهم رسانده مصون از غل و غش گردید و عیار قران نقره در بیست و چهار نخود که یک مثقال تمام باشد و تومانی طلا به همین نسبت در پانزده نخود قرار گرفت — بر حسب استدعای نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران حکومت ملایر و تویسرکان و نهاوند مستقلاً به نواب والا عزالدوله، و حکومت مازندران به امیرزاده نورالدهر میرزا مرحمت شد — محمدباقرخان

شجاع السلطنه به نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز گردید — فضل الله خان پسر مرحوم حاجی صادم الملك به منصب شاطرباشی گری که بدان مسبوق بود سرافراز گردید، فتح الله خان پسر دیگر آن مرحوم به منصب ناظمی دیوان عدالت میاهی آمد — بر حسب اراده علیه همایونی اداره پلیس به جهت امنیت شهر به توسط نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی و به ریاست مسیول کنت دمنست فرت در دارالخلافة طهران برقرار گردید — در اردیبل و بعضی بلاد دیگر آذربایجان چند روز متوالی زلزله شد — نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی به اعطای یک قطعه نشان ذی شأن اقدس مکمل به الماس قرین اعزاز آمده پس از رخصت ملوکانه رجعت به آذربایجان فرمودند — بنده مؤلف پس از تقدیم جلد ثانی مآثر السلطان به خاکپای همایون و نایل شدن آن به شرف قبول به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول این دولت با یک رشته حمایل سبز سرافراز گردید — محمدرحیم خان از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ایران ادام اقباله العالی به حکومت بروجرد منصوب شد — علی خان از جانب جناب اعتضادالدوله حکمران قم و کاشان به نیابت حکومت کاشان برقرار گردید — نواب والا نصرت الدوله فرمانفرما به حکومت ایالتین کرمان و بلوچستان و اعطای یک ثوب سرداری ترمه شمسه مرصع منصوب و مخلع گردیدند — انتظام دفترخانه مبارکه استیفا علاوه بر خدمت محضی بقایا به عهده آقاعلی امین حضور محول شد — ایام شنبه و سه شنبه حسب المقرر جمیع وزرای عظام در مجلس شورای کبری که در عمارت دولتی موسوم به خلوت کریمخانی است حاضر شده در امور دولتی مشاوره نموده پس از انقضای مجلس دو ساعت بعد از ظهر به حضور همایون شرفیاب می شوند — در آذربایجان چون به واسطه اختلاف رواج امپریال و خمس منات اختلالی در امر معاملات بهم رسیده بود مقرر شد در دارالخلافة امپریال از قرار دوتومان و دوهزار و خمس منات روسی پانزده عدد یکتومان رواج خزانه و غیره باشد و اهالی آذربایجان هم از همین قرار داد و ستد نمایند — از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه دو قطعه نشان سنت آندره مکمل به الماس یکی به جهت نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه

و دیگری برای نواب اشرف والا نایب السلطنه دولت علیه امیر کبیر ادام الله اقبالهما العالی انفاذ گردید - نواب پرویز میرزا نیرالدوله به علاوه حکومت سبزوار به حکومت نیشابور و یک قطعه نشان سرتیپی اول با حمایل آن نایل شد - متعلمین دارالفنون را امتحان نمودند - جناب میرزا قهرمان امین لشکر به وزارت و پیشکاری آذربایجان، و مصطفی قلی خان اعتماد السلطنه به ریاست قشون آذربایجان، و جناب میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک به اداره مهمام خارجه آذربایجان، و حاجی علیقلی خان پازکی به تحویل داری و تحصیل داری وجوه نظام آن مملکت مأمور شدند - نواب والا احمد میرزا معین الدوله به حکومت ارومیه، و نواب حاجی سیف الدوله میرزا به حکومت اردبیل و مشکین، و حاجی محمودخان به حکومت ساوجبلاغ، و علی خان پسر مرحوم والی پیشخدمت حضور همایون به حکومت مراغه، و مهدیقلی خان سرتیپ دنبلی به حکومت مرند، و آقاخان سرتیپ افشار به سرحد داری و حکومت قراجه داغ منصوب گردیدند - نواب والا عضدالدوله حکمران قزوین به اعطای یک قطعه نشان و یک رشته حمایل امیرنومانی مباهی آمد - حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام حکمران عراق به یک قطعه نشان و یک رشته حمایل سرتیپی اول سربلند گردید - جناب آقا شیخعلی نایب نظام العلماء به لقب ناظم العلمائی ملقب شد - محاسبه انبار دارالخلافة و غله دیوانی کل ممالک محروسه و برات نویسی اداره نظمیه و احتساب و حساب گروس و خوار و برات نویسی و محاسبه عمل راه سازی از هرجهت به میرزا عبدالله خان مستوفی نوری محول گردید - میرزا محمدعلی لشکر نویس توپخانه به اعطای نشان و حمایل سرتیپی سیم سرافراز شد - مهدی خان با فوج هفتم افشار ارومی از مأموریت فارس مراجعت کرده به نشان و منصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز، و محمدعلی خان ولد مشارالیه به منصب سلطانی نایل گردید - برات نویسی کل اتباع وزارت خارجه به عهده میرزا محمدحسین مستوفی آشتیانی محول شد - ریاست کل قشون خراسان به سلیمان خان صاحب اختیار مفوض آمد - گمرکخانه بوشهر از طرف دولت تعمیر کامل شد - یک قطعه تمثال همایون به اعزاز نواب والا جهانسوز میرزا امیرنومان حکمران استرآباد مرحمت گردید - امان الله خان بهاءالملک قراگوزلو به رحمت

ایزدی پیوست — مرتضی قلی خان وکیل الملک مرتباً اول داعی حق را اجابت گفت — از غرة شهر رجب به موجب اعلان دولتی اعطای نشان تصویر همایون غدغن و متروک شد — موکب همایون عزیمت ییلاق لار و فیروزکوه فرمود — میرزا حسین پسر جناب وزیر دفتر به نیابت وزارت دفتر و خلعت همایون نایل و مخلع گردید — کنت دمنت فرت رئیس اداره نظمیه و احتسایه شهر دارالخلافه به یک قطعه نشان و یک رشته حمایل مرتبیه اول سرافراز شد — حاجی میرزا علینقلی مشیر لشکر به اعطای نشان و حمایل از رتبه مرتبیه اول مفتخر گردید — نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد ادام الله اقباله العالی حکومت شهر تبریز را به نواب شعاع الدوله مفوض داشتند — عمارات دیوانی ساری مرمت شد — نوزان گیلان ترقی و امتیاز یافت — روز بیست و هشتم رجب کسوف اتفاق افتاده ثلث قطر آفتاب منکسف شد — محمدتقی خان حاجب الدوله به میرآخوری اصطبل توپخانه برقرار گردید — جناب میرزا موسی وزیر لشکر به نشان و حمایل امیرتومانی سرافراز آمد — اللهیارخان آجودانباشی به یک هزار تومان اضافه موجب نایل شد — اعطای لقب جنابی برحسب اعلان دولتی موقوف و متروک گردید مگر در حق کسی که رتبه وزارت داشته باشد — آقا زین العابدین اشرف الکتاب نسخ نویس اصفهانی در سن یکصد سالگی به رحمت ایزدی پیوست — نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی محمدرحیم خان را از حکومت بروجرد معزول و محمدعلی خان را به جای او منصوب نمودند — موکب همایون ملوکانه شنبه هشتم رمضان از ییلاق شهرستانک تشریف فرمای قصر نیاوران شد — جناب مستر رانلد طامسن به وزارت مختار و ایلچی مخصوصی دولت بهیة انگلیس مأمور به اقامت در دربار دولت ایران شد و شنبه یازدهم رمضان در سلطنت آباد به حضور همایون شهریاری نایل و مورد مرحمت گردید — موزه قدیم که چندان عالی و وسیع نبود با سایر عماراتی که در روال آن و مابین دو حیاط باغ همایونی واقع بود خراب و جای آن را دو دریاچه بسیار طویل عریض ساخته و موزه بسیار وسیع عالی مثل موزه های معتبر دول اروپا در یک ضلع سمت شمالی عمارت باغ مبارک بنا کردند — سبزی میدان و امامزاده زید و مسجد جامع سلطانی و بازارهای دارالخلافه را مرمت

کامل کردند — ایجاد و افتتاح کارخانه چراغ الکتریسیته در مجمع الصنائع جنب خیابان باب همایون به توسط مسیو فابیوس معلم در هفدهم رمضان همین سال شد — کارخانه چراغ گاز نیز که اسباب آنرا جناب سپهسالار اعظم از فرنگستان خواسته و آورده اند به توسط همین مسیو فابیوس دایر می شود — از غریب اینکه سگی در شیراز به یک شکم پانزده بیچه آورده است و نیز بیچه گربه ایست که دو دست ندارد و جای دستها صاف و حرکت او شبیه به جست و خیز است.

سلام عید فطر در باغ لاله زار منعقد شد — نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران به اعطای یک حلقه انگشتری الماس بریلیان اختصاص یافتند — سیم تلگراف به یزد و کرمان اتصال یافت — نواب الله قلی میرزای ابلخانی در سلک وزرای شورای کبری منسلک گردید — در ضرابخانه دولتی که سپرده به جناب امین السلطان است در ظرف مدت هفت ماه و بیست روز یک کرور و هفتاد و دوهزار و صد تومان پول طلا و نقره و مس با چرخ بخار به سکه جدید مسکوک شد — قوام الملک در سه فرسنگی شیراز فغانی به جهت شرب اهالی شهر احداث کرد که دو سنگ تمام آب دارد — محال قطور که از نقاط سرحدی ایران و از محالات مخصوصه خوی است و در زمان فتنه سالار در حدود خراسان سرحدداران دولت عثمانی فرصت غنیمت شمرده آنجا را غصباً تصرف کرده بودند و تا به حال در رد و استرداد آن از طرف دولتین علّیتین ایران و عثمانی مسموحه شده بود در این اوقات که مجلس کنگره برلن منعقد شد موافق فصل شصتم عهدنامه کنگره برلن به دولت ایران مسترد و واگذار شد و محمدصادق خان امین نظام از طرف دولت علیه ایران برای قبض و تصرف محال قطور مأمور آنجا شده نوزده قریه را تصرف کرد — یک حلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز دربار نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی مرحمت شد — میرزا محمدعلی خان معین الوزاره کار پرداز اول دولت علیه مقیم بغداد به اعطای نشان و حمایل مرتیبه اول نایل گردید — روزنامه اصفهان موسوم به فرهنگ به توجه نواب اشرف والا ظل السلطان ایجاد شد — عمارتی عالی به جهت دفترخانه مبارکه دولتی در جنب باغ ارک قدیم ساخته و تمام گردید — در حوالی

قریبه کاوند از قرای خمسہ دوسہ سال قبل یاری نام قطعہ سنگ طلائی پیدا کردہ بود معدن چیان مشغول کاوش و کار هستند و باز خاک طلائی از حوالی کوه آنجا بہ دست آورده اند۔ علاوہ بر این معدن نیز کوه دیگر منکشف شدہ است کہ دارای معدن طلا است۔ اعلیحضرت ملکہ اسپانیول یک قبضہ شمشیر مکمل بہ العاس گرانبہا برای اعلیحضرت ہمایون صاحبقرانی اہدا و ارسال داشتند۔ موکب ہمایون یکبارہ از زیلاقات تشریف فرمای شہر شد۔ این بندہ مؤلف بہ اعطای یک قبضہ قمہ مرضع مباحی گردید۔ شجاع السلطنہ محمد باقرخان سرتیپ اول بہ اعطای یک ثوب سرداری ترمہ سرافراز گردید۔ میرزا تقی خان پیشخدمت خاصہ ولد جناب مجد الملک بہ منصب منشی حضوری و نیابت جناب امین الملک سرانراز شد۔ در دہم ذیحجۃ الحرام مراسم تبریک عید اضحیٰ و انعقاد سلام در حضور مبارک بہ عمل آمد۔ ہفدہم این ماہ ہندگان اعلیحضرت ہمایون بہ جہت امتحان متعلمین مدرسۃ دارالفنون تشریف فرمای مدرسۃ مبارکہ شدند و روز ہجدهم مراسم جشن و تبریک عید غدیر بہ عمل آمد۔ روزنامۃ تبریز موسوم بہ تبریز بہ توجہ و امر نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیہ ایران حکمران مملکت آذربایجان ادامہ اللہ اقبالہ العالی دایر و طبع شد.

(چین)۔ شورش عام و انقلاب عظیمی در شہر پکن و شہر شان کائی حادث شدہ است.

اروپا۔ (اسپانیول)۔ ملاقات پادشاہ اسپانیول با پادشاہ پرتوگال در شہر السامن۔ مجمع وزرا استعفا از عمل کردہ و در نزد پادشاہ قبول افتاد۔ مجلس شورای کورتیس (وکلائی ملتی) استعفا از عمل کردند۔ پرنس رودلف ولیعهد دولت نمسہ وارد مادرید گشت۔ کنتس دمن تیژ، و مادر امپراطریس قدیم فرانسہ وفات کرد۔ عروسی اعلیحضرت الفونس با شاہزادہ خانم ماری کریستین. (اطریش)۔ قرارداد مستحفظین و قرائتین بہ جہت حفظ مملکت نمسہ از طاعونی کہ در روسیہ بروز کردہ است۔ پرنس اُورنبرگ رئیس وزرا و وزرای مجارستان از عمل استعفا نمودند، استری مایر بہ جای او رئیس وزرا گشت۔ کنت تاآف بہ

وزارت داخله نایل آمد — اعلیحضرت امپراطور به شهر شردم که از میل بالمره خراب شده بود رفتند — جشنهای باشکوه در این موقع سال بیست و پنجم از مزاجت امپراطور و امپراطریس که عید بزرگی شمرده اند بر پا گشت — عقد معاها، و قرارداد اتحاد مابین این دولت و دولت آلمان — پارلمنت اطریش و مجار بر استعداد حربی افزوده عدد قشون را به هشتصد هزار نفر قرار داد. (آلمان) — مزاجت پادشاه هلاند با والی زاده والدک پرنس اما از شاهزاده خانمهای آلمان — افتتاح مجلس پارلمنت در برلن با حضور امپراطور گلیوم که خطبه افتتاح را امپراطور بشخصه قرائت نمودند — پسر ولیعهد آلمان پرنس هانری که جزو عساکر بحرست و در کشتی آدالب مشغول تعلیم و تعلم است به بندر یوکوها ما خاک ژاپن رسیده و از طرف میکاؤ پادشاه ژاپن نهایت احترام درباره او مرعی شد — جشن مفصل باشکوه در برلن و اغلب مملکت آلمان به جهت تبریک و تهنیت امپراطور اطریش که سال پنجاهم مزاجت ایشان بوده است^۱ — ملاقات امپراطور نمسه امپراطور آلمان را در شهر کاستن — بروز خصومت و مشاجره سخت در میان روزنامه های روسیه و آلمان — پرنس کرچاکف وزیر اعظم روس وارد برلن شد. (انگلیس) — رفتن قشون انگلیس رو به قندهار — ورود ژنرال روبر به ماتن، و روز بعد از ورود شکست دادن و متفرق ساختن طایفه مالیک را که بر دور او احاطه کرده بودند — خان گنار برای اظهار عقیدت و تمکین به انگلیس وارد جلال آباد گشت — دولت انگلیس در کار جنگ با پادشاه زولوس (سیتواتو) است — یک اردوی انگلیس را که مرگب از نهصد و پنج نفر تابین و هفتاد و دو نفر صاحب منصب بوده دراهاند و لازولوسها بالمره معدوم و مقتول کرده اند — از دولت انگلیس کمک به حمایت قشون کاپ فرستادند — در مجلس ملتی در مسئله پولیتیک افغانستان مشاوره دادند — لرد ناپیه ماگدالا، رئیس اینست که جلال آباد و قندهار را از افغانستان منتزع و جزو ولایات

۲. در مرآت البلدان این خبر چنین آمده: جشن مفصل بانهایت شان و شکون در برلن و اغلب مملکت آلمان به جهت تبریک و تهنیت امپراطور و امپراطریس که سال پنجاهم مزاجت ایشان بوده است. (جلد ۴، ص ۳۶۶). که البته صحیح همین است.

مختصه به انگلیس گردد — قرار مصالحه با امیر یعقوب خان امیر افغانستان داده شد و قشون انگلیس مأمور به تخلیه کابل گردید — پادشاه انگلستان از سفر ایتالیا که من غیر رسم رفته بودند مراجعت نمودند — دوک دارژیل جداً مذمت پلنیک دولت انگلیس را می کند — معاهده صلح افغانستان به مهر و امضا رسید و نقاطی که در تصرف قشون انگلیس بود به امیر مسترد داشتند به استثنای معابر تنگه خیبر و خرم و پیشن و سیبی که در تصرف قشون انگلیس ماند — سالی یکصد و بیست هزار لیره انگلیسی از دولت انگلیس برای امیر استمراراً مقرر شد و یک سفارتخانه انگلیس هم در کابل مقیم و برقرار گردید — پرنس ناپلیون پسر ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه که بعد از مهاجرت به انگلستان جزو عساکر آن دولت شده بود با قشون انگلیس به جنگ زولوسها رفته و در مقدمه الجیش بود مقتول شد و کفن و دفن و عزای او به عمل آمد — غلبه ژنرال نودکا از نقاط عدیده به زولوسها و تصرف قلعه شلمسفر را — ماژور کاوانیاری سفیر انگلیس در دربار امیر افغانستان بار یافته و مجللاً پذیرائی شد — سیتواتیو پادشاه زولوس چند نفر واسطه به اردوی انگلیس فرستاده که در صورت امکان صلح کند و اگر نشد تسلیم شود — ماژور مارتز سیتواتیو پادشاه زولوس را اسیر و دستگیر کرد — ایلچی انگلیس را با همه اجزاء سفارت در کابل افغانستان به قتل رسانیدند — ژنرال روبر سردار انگلیس که هنوز از سرحد افغانستان نرفته بود بعد از مقدمه قتل سفیر از طرف دولت حکم به او صادر شد که مجللاً به جهت تدمیر امیر افغانستان وارد کابل شود — قشون انگلیس مجدداً قندهار را مسخر کردند، جلال آباد را نیز به حیطه تصرف درآوردند — قشون انگلیس فاتحانه وارد کابل شد ژنرال روبر در ملاعام به اهل کابل و دیگران این فقرات را اعلان کرده بود: (قلعه بالاحصار که ارک کابل بود خراب خواهد شد و علاوه بر قصاص قتل سفارت سایر سکنه کابل باید از عهده خسارت قشون کشی انگلیس برآیند — امیر یعقوب خان از والیگری افغانستان استعفا نمود — انبار باروط زیادی در بالاحصار آتش گرفته است — یک قشون پشت بندی برای مواقع اتمه داخله و خارجه خود دولت انگلیس در کانادا تجهیز و ترتیب داده است — جنگهای سخت عظیم مابین قشون انگلیس و افغان در کار است. (ایتالیا) —

معاهده تجارتنی با دولت نمسه را امضا نموده مبادله کردند — پادشاه و ملکه ایتالیا به دیدن پادشاه انگلستان که در مُنزا از شهرهای ایتالیا آمده بودند رفتند — مجمع وزرای دولت استعفا نموده وزرای جدید مرکب و مقرر گشت. (بلغاری) — مجلس شورای ملّتی متروک و به کلی موقوف شد. (هلاند) — عروسی پادشاه با شاهزاده خانم اِمادو والیدک — کلنل ترسیژ حصن حصین آتچین را که موسوم به گلنگ است به حیطة تصرف درآورد — پادشاه استعفای وزارتخانه و دارالشوری را قبول نکرده از این فقره تحاشی دارد. (دانمارک) — وزارت جنگ و بحریه که به دست یک نفر بود از یکدیگر مجزّی گردیده دو وزارت خاصه شد. (روس) — در قریه وتلیانکا من اعمال حاجی ترخان رسماً خبر دادند که یکصد و چهل و شش نفر از طاعون تلف شده اند — اهالی روس از امپراطور مستدعی شده اند که آنچه از شرایط حفظ و منع است از قرائتین و غیره معمول فرموده نگذارند مرض طاعون در تمام مملکت نشر کند — مصالحه نامه و عهدنامه ختم عمل با عثمانی که مدّتی بود نوشته و تمام شده بود از جانبین به امضا و مهر هر دو پادشاه رسیده و مبادله گردید — طایفه نیهیلیست سرتیپ سواره پطرزبورغ وُن دران تلن را مصتم قتل شدند — به موجب دستخط اعلیحضرت امپراطور حکام مقتدر موقّتی چندی به جهت پطرزبورغ و خرکف و اُیسا و مسکو و کیف و وارشو معین شده است که با کمال تسلّط و اختیار طایفه یاغیه نیهیلیست را دفع دهند — اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس از پطر به لیوادی رفتند — یک قسمت بزرگ شهر اُرانبورغ به واسطه آتشی که طایفه نیهیلیست به آنجا زده بودند سوخت — خبر رسمی دولتی از حاجی ترخان رسید که مرض طاعون در آنجا تمام شده است — آتش زدن طایفه نیهیلیست در شهر اُرالسک — آتش زدن طایفه نیهیلیست شهر ایربیت را به طوری که تمام آن شهر خراب و ویرانه شد — آتش زدن طایفه مزبوره در دفعه ثانیه شهر اُرانبورغ را — شهر نیچ نورالسکی را نیز آتش عظیمی زدند — شهر پترپافلوفسکی را آتش بزرگ درانداختند که خرابی و خسران زیادی بارآورد — در چندین نقطه و موضع از شهر پام به فاصله آتش زدند — ژنرال گُفمان به محلّ مأموریت خود که حکومت ترکستان باشد مجدداً معاودت نمود — اخبار چندی انتشار یافته است که

بین دولتین انگلیس و روس در مسئله آسیای مرکزی مخالفت و مخالفتی بروز کرده است — دولت روسیه استعداد خود را در ترکستان زیاد کرده است — روزنامه گولوس تا مدت پنج ماه ممنوع از طبع و انتشار شد — طایفه نیپلیست نقبی به زیر خط راه آهن نزدیک به مسکو در سر راه عبور امپراطور زده و آن حفره را به دینامیت که یک قسم باروط بسیار تندیسست انباشته بودند که هنگام عبور محترق شده به وجود آن اعلیحضرت آسیبی رساند از قضا به مجرد عبور ایشان نترکیده و همینکه اندکی از آن دام بلا به سلامت دور شده بودند احتراق دست داده بود. (سویس) — انقلاب و اغتشاش زیادی در هر نقطه از این مملکت روی داد. (عثمانی) — بابعالی قرانتین در سرحد طرف روس گذاشته است که طاعون سرایت به داخله خاک عثمانی نکند — میانه بابعالی و نمسه و روس و یونان خیلی گفتگوهای دولتی مربوط به اصلاح امور ولایات سرحدیه و نظم و قرار آنها و تعیین حدود و غیره رد و بدل شده است — مهر و امضای عهدنامه ورده و بدل آن با دولت روس — بابعالی به همه مأمورین خود که در خارجه می باشند اعلان نمود که ولایاتی که می بایستی واگذار به منتنگرو شود از ما تخلیه و به آنها تسلیم شد — اجتماع عمال و اعیان بلغار در خدمت شاهزاده دندوگف گرازگف^۱ مأمور روس برای تعیین والی به جهت بلغارستان — اعلیحضرت سلطان به دولت انگلیس قول صریح دادند که برای عزل خدیو مصر که رفتارش مرضی خاطر فرانسه و انگلیس نبوده و عمل مالیات را نیز خوب اداره و ادا ننموده است آماده و حاضرند و حلیم پاشا را به جای او خدیو خواهند نمود — عمال و رجال بلغاری پرنس آلکساندر باتمیرغ را به ولایت خود انتخاب و قبول نمودند — اسمعیل پاشا خدیو مصر بنا به خواست دول معظمه فرنگستان و خصوصاً به حکم آلمان از خدیوی استعفا نموده و توفیق پاشای پسرش در عوض به خدیوی مصر منصوب شد — خیرالدین پاشا از صدارت معاف و معزول و عارفی پاشا به جای او منصوب شد — انقلاب و اغتشاش زیادی در بلغاری و روملی شرقی فراهم آمده است — روسها روملی را بالمره تخلیه

کرده‌اند — کشتی جنگی انگلیس محض اظهار مخالفت و نقار با عثمانی در خلیج وورلا نمایشی ورود کرد — روزنامه‌های روس اظهار کرده‌اند که هرگاه کشتی جنگی انگلیس در خلیج وورلا لنگر انداخته و توقف نماید کشتیهای روس نیز داخل در بحر مارمارا خواهند شد — روزنامه‌های انگلیس اظهار کرده‌اند که کشتی جنگی انگلیس را حکم و امری به دخول و ورود در خلیج مزبور نشده است — اعلیحضرت سلطان بکر پاشا را برای آبادی و قرارداد جدید آناتولی مأموریت داده‌اند قسمتی را که از آلبانی به منتگرو واگذار نموده‌اند تمکین به تبعیت و رعیتی منتگرو ندارند والی منتگرو مکرر به سر آن قسمت سرکش طاغی قشون فرستاده و آنها را مجبور به تمکین می‌دارد. (فرانسه) — دوهزار و دویست و پنج نفر از مقصرین فرانسه را که به طرف نولیکالذونی جلای وطن داده بودند و مدت‌ها در آنجا اقامت داشتند مرخص کردند که به اوطان خودشان مراجعت نمایند — مارشال ماکماهون رئیس جمهوری فرانسه از ریاست استعفا نمود و جهت استعفا بعضی تغییرات در اداره قشونی بوده که به شرف و شأن قشون خلل وارد می‌آورده است و کلاً برخلاف رأی و میل مارشال اصراری در اجرای آنها داشته‌اند. مارشال ماکماهون از ریاست استعفا نمود که به دست او این شکست به افتخار قشون وارد نیاید و ژول گروی به ریاست جمهوری فرانسه و گامبتا به ریاست مجلس شوری منتخب و برقرار شدند — به واسطه طوفان شدید کشتی جنگی دولتی آوزگانت در دریای سفید غرق شد — ملاقات رئیس جمهوری فرانسه با پادشاه انگلستان در سفارتخانه انگلیس در پاریس هنگام عبور پادشاه معظم‌الیه از پاریس به قصد مسافرت به ایتالیا — سی هزار تومان وکلای مجلس سنا به جهت مخارج مراجعت مقصرین از نولیکالذونی به دولت می‌دهند — چنانکه در طی وقایع انگلیس نیز ذکر شد پرنس ناپلیون ولد ناپلیون سیم پادشاه سابق فرانسه که قبل از اعلان جمهوری ولیعهد آن دولت بود و بعد به مملکت انگلیس رفته در آنجا سکنی و اقامت جست در اوقات جنگ انگلیس با طایفه زولوس با عساکر انگلیس به دماغه امید رفته در مأموریت پیش‌قراولی اردوی انگلیسها به دست طایفه زولوس مقتول گردید — مقدمه شورش میان مسلمین الجزایر که دولت مجبور به تدارک حرب و اسلحه

گرددید — الجزایر شورش و بلوای عامی کرده‌اند — در شهر نانسی مجسمه مسیو طیر رئیس سابق فرانسه را بر پا نمودند — جمعی از معقون کمونها و مقصرین از کالدونی جدید که محبس آنها بود مراجعت کرده به بندر وارد شدند — افتتاح مجلس وکلا را گامبتا رئیس دارالشوری نمود — شدت و کثرت سرما و برف و یخ در فرانسه به حدیست که در هیچ قرنی بدین درجه برف و سرما کسی در آن مملکت خاطر نداشته است. (مجارستان) — در کنکاش و مشاوره جدیدی که برای قرارداد مجلس وکلا کرده‌اند طرف آزادی طلب بیشتر استنباط ظفرمندی نموده و به عبارت اخیری طرف قوی واقع شده‌اند — به واسطه طغیان آب خرابی عمده و خسارت کثلی در این مملک روی داده است. (یونان) — مأمورین که برای تعیین حدود سرحدی یونان و عثمانی انتخاب شده بودند حرکت کرده به شهر یانیه که میعادگاه همه اجزاء کمیسیون است وارد شدند — پادشاه یونان در جواب عریضه اهل اپیر نگاشته بود که امیدواریم دول معظمه حمایتی از ما فرموده در اجرای قرارداد معاهده ایستادگی و به وعده واگذار نمودن اپیر به یونان وفا نمایند و همچنین تسالی و ژانینارا — تلاقی شورشیان و طاغیان گیریک با یک فوج قشون عثمانی در فاناری.

افریقا — (مصر) — مخالفت و مناقضت بین مصر و حبشه مبذل به سلم و صفا شد — قشون مصر شهر ماسورا مسخر کردند.

آمریکا — (اتانونی) — دولت اتانونی در صدد تجدید عهدنامه با چین است — در مجلس شوری عدد قشون حاضر رکاب زیر بیرق اتانونی به بیست و پنج هزار نفر مقرر شد. (پرو) — اعلان جنگ مابین دولتین پرو و شیلی. (شیلی) — استعداد نظامی و بحری جمهوری شیلی به استعدادات دولتین متفقین پرو و بولیوی غلبه نموده آنها را در ایکیک شکست داد و کشتی جنگی پروها را که موسوم به پیلکوما یو است اسیر نموده و قشون شیلی فاتحانه داخل ایکیک شد. (هائیتی) — بلوای عام و شورش تمامی در شهر هائیتی برخاسته، در مجلس وکلا و امنای دولت یکی از اهل شورش و طغیان طپانچه شش لوله از بغل کشیده و رو به برادر رئیس

جمهوری خالی کرده بود.

[سنه ۱۲۹۷ هجری = سنه ۱۸۸۰ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در این سال کلیه امور دولت قوشوکت از توجهات نظر انور همایون شهریار قرین کمال نظم و آراستگی است - انباری به جهت غله دیوانی به توسط جناب امین السلطان نزدیک دروازه شاهزاده عبدالعظیم بنا شد که گنجایش صدهزار خروار غله دارد - میرزا علی ولد جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر به منصب لشکرنویسی و خلعت همایون مفتخر شد - نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار مملکت آذربایجان ادام الله اقباله العالی را به اعطای یک حلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز معزز فرمودند - جناب مسیوتریکو از جانب دولت فخیمه فرانسه به سمت وزیر مختاری مأمور به اقامت دربار دولت علیه شد - توپچیان جدید که به معلمی کابیتن واکزاطریشی مشق می کنند با توپهای ته پر جدیدالابتیاع در حضور همایون امتحان دادند - نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ایران حکمران ولایات اصفهان و یزد و غیرها ادام الله اقباله العالی موقتاً به دربار همایون احضار و روز بیست و هشتم محرم وارد دارالخلافه شدند - جناب اجل آقای مستوفی الممالک میرزا یوسف وزیر اعظم داخله به اعطای یک ثوب خرقة ترمه شمشه مرصع بطانه خز مباحی گردیدند - حاجی میرزا محمدحسین دبیرالملک فراهانی در سن هفتاد و دو سالگی به رحمت الهی پیوست - حاجی ملا محمد مجتهد نراقی پسر مرحوم فاضل نراقی اعلى الله مقامهما در ولایت کاشان به جوار رحمت حق شتافت - جشن مولود مسعود همایون در ششم ماه صفر در تمام ممالک محروسه خاصه در دارالخلافه باهره به توسط جناب سپهسالار اعظم گرفته شد - حکومت ایالات عربستان و لرستان و عراق علاوه بر حکومت ولایات اصفهان و یزد و بروجرد و گلپایگان و خوانسار برعهده کفایت نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ادام الله اقباله العالی مفوض شد - موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده در عرض راه

پلنگی شکار شست مبارک اعلیحضرت همایون صاحبقرانی گردید — هفدهم ربیع الاول مراسم جشن و تبریک عید مولود مسعود حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله کاملاً به عمل آمد — نواب اشرف والا ظل السلطان را به یک قبضه شمشیر مرصع بسیار ممتاز و نواب والا جلال الدوله ولد ارشد نواب اشرف معظم دام اجلاله را به یک قطعه گل کمر گرانبها معزز فرمودند — فضل الله خان شاطر باشی به نشان و حمایل از درجه سیم مرتبگی نایل آمد — برحسب استدعای نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنة دولت علیه ادام الله اقباله العالی عباسقلی خان نایب کل اداره جلیله نظمی به نشان و حمایل مرتبگی سیم و عبدالعسین خان مستشار اداره مزبوره به نشان و حمایل سرهنگی مفتخر شدند — جناب حاجی رحیم خان خازن الملک در ملک اجزای محترم دارالشورای دولتی منسلک گردید — حسینقلی خان مرتب قورت بیگلر پسر مرحوم امیرخان سرنیپ را برادرهای غیربطنی او مرتضی قلی خان و مصطفی قلی خان به ذخیره خصومنی که در مزارثیه با او داشتند زخم زده به قتل رسانیدند. مرتضی قلی خان که در حقیقت قاتل بود گرفتار و به امر دولت قصاص شد و اسم و منصب و موجب و مرسوم آن مرحوم را در حق پاشاخان پسرش مرحمت فرمودند — روز هشتم ربیع الثانی دوساعت و نیم و کسری از طلوع شمس گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل کرد و مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه حضور همایون به عمل آمد — نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و بروجرد و عراق و عربستان و لرستان ادام الله اقباله العالی را پس از اعطای یک قطعه نشان ذیشان اقدس که برترین نشان این دولت ابد اقتدرانست مرخص فرموده نواب اشرف معظم از قصبه طیبیه حضرت عبدالعظیم علیه السلام روز غرة جمادی الاولی عزیمت اصفهان و مقر حکومت فرمودند — جناب میرزا قهرمان امین لشکر از آذربایجان مراجعت کرده کمافی السابق به منصب وزارت گمرکخانه های ممالک محروسه برقرار گردید — میرعلم خان حشمت الملک به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع سرافراز شد — وزرات بنائی دیوانی کل ممالک محروسه را به جناب معتمد الملک وزیر مخصوص اعطا فرمودند — نواب حشمت السلطنة بدیع الملک میرزا را به حکمرانی کرمانشهان منصوب

فرمودند — امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول و خزانه دار وجوه نظام به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید — میرزا رضای مهندسباشی را به یک هزار تومان انعام و یک حلقه انگشتری الماس مباهی فرمودند و میرزا حسین خان ولد معزی الیه را به درجه سیم استیفا سرافراز ساختند — نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران آذربایجان ادام الله اقباله العالی را به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع مکمل به الماس از شمشیرهای خاصه قرین مباهات فرمودند — پس از فراغ از امتحان متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون روز چهاردهم جمادی الاولی سلام عام در دارالفنون منعقد و صورتمساعی معلمین و ترقیات متعلمین ملحوظ نظر اقدس گردیده نواب والا اعتضادالسلطنه را به اعطای یک ثوب سرداری ترمه شمشه مرصع و یک هزار تومان انعام مباهی فرمودند و محمدحسن میرزا ولد نواب وزیر علوم به منصب سرتیپی سیم و نشان مطلقاً و سی تومان انعام نایل شد، سایرین نیز از این قرار مورد مراحم و امتیازات گردیدند.

جناب میرزا موسی وزیر لشکر که کتابچه درجات تحصیل و اندازه استحقاق اهالی مدرسه را به عرض حضور مبارک می رسانید خرقه ترمه ایرانی بطانه سنجاب — دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون که در مجالس امتحان حاضر بود یک طاقه شال بسیار ممتاز — جعفرقلی خان رئیس مدرسه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل آن و دوست تومان انعام — محمدحسین خان ناظم منصب سرتیپی دویم و حمایل و نشان مخصوص آن و دوست تومان اضافه موجب و پنجاه تومان انعام — محمدتقی میرزای آجودان نشان و حمایل سرتیپی سیم و شصت و پنج تومان اضافه موجب و بیست تومان انعام — حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم کل علوم ریاضی نشان و حمایل سرتیپی دویم و پنجاه تومان اضافه موجب و چهل تومان انعام — میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی جبه ترمه حاشیه دار ثوب، انعام سی تومان — میرزا علی دکتر معلم طب فرنگی جبه ترمه حاشیه دار ثوب، انعام سی تومان — میرزا کاظم معلم شیمی و فیزیک نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضافه موجب و بیست و پنج تومان انعام — میرزا علی اکبرخان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان

اضافه موجب — میرزا علی خان معلم طب مجانی نشان و حمایل سرهنگی —
 میرزا ابوالحسن معلم طب مرتبه دویم لقب خانی و سی تومان اضافه موجب و
 بیست تومان انعام — علی خان معلم توپخانه منصب سرهنگی خارج از فوج و صد
 تومان اضافه موجب — مسیوریشارخان معلم زبان فرانسه و انگلیسی نشان و
 حمایل سرتیپی دویم و سی تومان انعام — مستر طر نشان شیر و خورشید از درجه
 سیم شال ترمه ایرانی طاقه — مسیوروسکی سرتیپ معلم زبان فرانسه و علم
 جغرافی شال ترمه ایرانی و لقب خانی — مسیو ویله شال ترمه کشمیری و نشان
 طلای علمی — مسیولمر شال ترمه ایرانی و نشان طلای علمی و صد تومان اضافه
 موجب — مادر و سخا معلم زبان روسی و مترجم زبان روسی و فرانسه نشان شیر
 و خورشید از درجه چهارم و شال ترمه ایرانی — میرزا اسحق مستوفی مدرسه منصب
 استیفا از درجه دویم و دویست تومان اضافه موجب و جبه ترمه ایرانی حاشیه دار
 — محمدابراهیم خان سرهنگ تحویلدار مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم انعام
 چهل تومان، اضافه موجب هشتاد تومان — میرزا محمدعلی خان منشی باشی وزارت
 علوم یکصد تومان اضافه موجب و خطاب مقرب الخاقانی و جبه ترمه ایرانی
 حاشیه دار — و متعلمین نیز هریک به قدر رتبه خود به اضافه موجب و انعام نایل
 شدند.

میرزا جعفر وقایع نگار پسر مرحوم میرزا صادق وقایع نگار در بیست و پنجم
 جمادی الاولی مرحوم شد — میرزا عباس خان رئیس مدرسه دولتی تبریز به اعطای
 یک قطعه نشان با حمایل از درجه سرتیپی سیم سرافراز شد — وصول خبر تدمیر و
 قلع شیخ مذکور خان حاکم گله دار و گاو بندی با اتباع او از فاس که متمرّد و
 منشاء شرارت و فساد در حدود فارس شده بود به اهتمام نواب والا معتمد الدوله
 فرمانفرما و حکمران فارس — نزول تگرگ درشت در قرای نطنز که نیم ذرع تگرگ
 در روی بامها نشست و هر دانه تگرگی به درشتی فندق بود — میرزا محمدعلی خان
 پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر به منصب استیفا از درجه سیم نایل گردید — نواب
 اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه حکمران دارالخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی
 را به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع از شمشیرهای خاصه سلطنتی قرین مفاخرت

فرمودند — به موجب دستخط همایون خطاب به نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم در باب آبله کوبی اطفال به تمام ممالک محروسه غدغن و تأکید اکید شد — اداره تنظیمیه و احتسابیه دارالخلافه را به موجب دستخط همایون به بنده مؤلف واگذار فرمودند — محض اشاعه و تعمیم عدل و انصاف ملوکانه دستخطی مبارک به نواب معزالدوله وزیر عدلیه اعظم مبنی بر تأکید نظم دیوانخانه و رسیدگی به عرایض متظالمین و ملهوفین و اجرای احکام حقّه شرفصدور یافت — حاجی محمدحسین خان ولد مرحوم احمدخان عمیدالملک به منصب نیابت اول دیوانخانه عدلیه عظمی برقرار گردید — روز یکشنبه هیجدهم رجب موکب مسعود همایونی از سلطنت آباد انتهای فرموده به سمت کلاردشت و ساحات ییلاقیه مازندران تشریف فرما گردیدند — نواب حاجی بهاءالدوله سرتیپ اول به یک قبضه شمشیر مکمل به جواهر از درجه دویم سرافراز شد — چندی قبل مابین اشتهاورد و بوغین در نزدیکی قشلاق شاهیسون بغدادی سنگی به زمین افتاده که تقریباً پانزده من تبریز وزن آن می باشد، این اوقات سنگ مزبور را امتحان کردند و معلوم شد چهار عشر آهن در صورت خالص بودن داشته و علاوه بر آهن فلز موسوم به نیکل در آن یافت می شده و ازین جهت سنگ روشن و با ذرات نقره نما به نظر می آمد، دانه های آهن خالص آن مخلوط با سنگ سیاهی بوده که آنرا آلومینیوم سیلیکات می نامند. کریستلهای سبز نیز در آن مشاهده نموده اند که نظیر آن در اغلب سنگهای آسمانی دیده می شود — سرکردگان و صاحبمنصبان و یوزباشیان کشیکخانه خاصه سپرده به جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم بعد از سان دادن در حضور مبارک و ثبوت استحقاق آنها علی قدر مراتبهم به عواطف و مراحم و خلاع و امتیازات ملوکانه مباهی گردیدند — موکب همایون شاهنشاهی عزنصره از کلاردشت معاودت فرموده روز بیست و پنجم شعبان به ییلاق شهرستانک شرف نزول ارزانی داشت — نواب والا عضدالدوله حکمران قزوین به اعطای یک حلقه انگشتری الماس بریلیان سرافراز گردید — موکب همایونی سه شنبه هفدهم رمضان المبارک به قصر سلطنت آباد نزول اجلال فرمود — نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله اقباله العالی که این اوقات از

اصفهان به قصد سرکشی عربستان و لرستان حرکت فرمود، مورد مراجع ملوکانه گردیده یک ثوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه به افتخار ایشان ارسال فرمودند — جناب حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم را در اوایل شوال از اداره امور عسکریه و وزارت امور خارجه معاف داشته به حکمرانی قزوین برقرار نمودند — زلزله شدیدی در کروال اتفاق افتاد — ترتیب مهم مملکت آذربایجان را علاوه مشاغل جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اعظم داخله فرمودند — هم در این اوقات دولت ژاپن که از دول مشرق زمینی و در قسمتی از اقلیم آسیا واقع است محض فتح باب مراوده و دوستی و استحکام روابط مودت با دولت علیه ایران مأمور مخصوصی موسوم به (یوشیدا مسخر) به همراهی (یوکویاما کوئی جی رو) مترجم و (فوکاروانو لوئیس) سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاپنی به دربار دولت علیه فرستاده در ماه شوال وارد دارالخلافه شدند و به حضور همایون شهریاری نایل گردیده تقدیم نامه و تبلیغ پیام مودت آمیز اعلیحضرت امپراطور ژاپن را نموده اصفای جواب از طرف قرین الشرف همایون ملوکانه نمودند — ریاست اداره جلیله عسکریه و قشون ظفرنمون را که عبارت از وزارت جنگ باشد به عهده کفایت و کفالت نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی تفویض فرموده یک ثوب سرداری ترمه مفتول دوز از ملابس خاصه سلطنتی به نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند — جناب میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه سابق که چندی در آستانه مقدسه حضرت رضا سلام الله علیه به منصب متولیباشیگری مستعد بودند به دربار همایون احضار شده مجدداً به منصب جلیل وزارت امور خارجه برقرار گردیده و به یک ثوب جبّه ترمه شمسه مرصع مخّلع و مفتخر شدند — جناب مشیرالدوله سپهسالار اعظم را که حکمرانی قزوین داشتند به پیشکاری تمام مملکت آذربایجان برقرار فرمودند — جناب کنت زالوسکی وزیر مختار دولت اطیش مأمور به اقامت دربار دولت علیه که موقتاً به وطن خود رفته بود این اوقات به دارالخلافه معاودت نمود — میرزا رضای صدیق الدوله به وزارت دارالخلافه برقرار گردید — محیو کنت دمنت فرت رئیس پلیس شهر دارالخلافه به منصب سرتیپی دویم سرافراز شد — جناب حاجی میرزا محمدخان مجدالملک وزیر وظایف و

اوقاف مرحوم شد و وزارت وظایف و اوقاف به موجب دستخط جهانمطاع مبارک برعهده جناب میرزا علی خان امین الملک موکول آمد — هم در این سال فتنه شیخ عبیدالله کرد روی داد و دفع شر او گردید. تبیین آنکه: شیخ عبیدالله که از قدیم در سلک تصوف به شیوه عوامفریبی بستر می برد و در ناحیه هکاری میان اکراد تبعه دولت عثمانی مطاعیتی داشت، در اوقات جنگ دولتین روس و عثمانی بعضی تفنگ و اسلحه جنگ به دست آورد و به خیال واهی افتاده که اکراد سرحدنشین دولتین ایران و عثمانی را در تحت ریاست خود درآورد در اواخر این سال حمزه آقای منگور از حکومت ساوجبلاغ گریزان شده به شیخ عبیدالله پیوست و خیالات او را تأیید و تحریک نمود، لهذا در حدود کردستان دولت علیه بنای قتل و نهب و حرکات وحشیانه که ناشی از فطرت ناپاک می باشد گذاشت. اولیای دولت علیه که از غایله باخبر شدند در عرض بیست روز بیست و پنج هزار نفر از عساکر موجوده را به ریاست نواب حشمت الدوله حمزه میرزا برای دفع این شر در نقاط مهمه حاضر ساختند و قبل از وصول اردوی بزرگ دولت به ساوجبلاغ و ارومی و آن صفحات، اعتماد السلطنه مصطفی قلی خان که ریاست قشون آذربایجان داشت با سایر سرکردگان و عساکر منصوره در حدود مراغه و بناب دوهزار نفر از یاغیان را طعمه توپ و تفنگ نموده شکستهای فاحش به آنها دادند و شصدهفتصد نفر را که جسارت استیلا به شهر ارومی کرده بودند به قتل رسانیدند، و در سه فرسنگی ارومی نیز جمعی از اکراد که با شیخ صدیق پسر شیخ عبیدالله بودند به راه عدم فرستاده و باقیماندهگان را هزیمت داده تا دو فرسنگ تعاقب نمودند، و علیخان پیشخدمت حضور پسر مرحوم محمد قاسم خان والی که در این وقت به حکومت مراغه منصوب بود نیز از روی کمال غیرت و همت و شجاعت در دفع اکراد کوششها کرد و حدود حوزه حکومت خود را از تطاول و شورش اشرار به خوبی حفظ نمود. در این اثنا نواب حشمت الدوله رئیس اردوی بزرگ در حوالی صاین قلعه به مرض طبیعی مبتلا شده مرحوم شد و نعش مرحوم شاهزاده را معاودت دادند و مقرر شد که موقتاً محمد قلی خان حسام الدوله رئیس اردو باشد تا جناب سپهسالار اعظم به اردو ملحق شوند و عبدالقادر خان شجاع الملک برای ابلاغ احکام

لازمه به سرکردگان اردو روانه شد. خلاصه از آن طرف شیخ قادر و حمزه آقا با بعضی اعوان خود که فراراً به طرف ساوجبلاغ می رفته باز به هر قریه که می رسیدند آنرا به آتش بی رحمی می سوختند تا جناب حسنعلی خان وزیر فوائد با فوج گروس و سوار شاهسون دویرن به اردوی اعتمادالسلطنه پیوسته و با یکدیگر به طرف ساوجبلاغ حرکت کردند و بدین واسطه شیخ قادر و حمزه آقا مجال زیست ندیده به سمت اشنویه گریختند، شیخ عیدالله نیز در حدود ارومی از عساکر منصوره شکست خورده با اعوان خود به قلعه اسمعیل آقا در دو فرسخی شهر ارومی که جای محکمی است گریخت. روز شانزدهم ذیحجه جناب سپهسالار اعظم وارد ساوجبلاغ شدند و مستوحشین اکراد را تأمین کرده عساکر و توپخانه برای گرفتن شیخ عیدالله و تبعه او در بیست و یکم ذیحجه به طرف سرحد و محال مرگوز فرستادند. به موجب خبر تلگرافی که در سلخ ذیحجه رسید عرصه ساوجبلاغ و ارومی به کلی از وجود اشرار پاک و امنیت و آسایش دایر شد و محمداًقا رئیس طایفه مامش بلباس از بزرگان کرد به اصطبل توپخانه پناه برده معفو گردید و شیخ قادر پسر شیخ عیدالله با معدودی از تبعه خود به نوجه که مسکن شیخ عیدالله و در خاک دولت عثمانیست گریختند.

(افغانستان) — شورش مابین عساکر عبدالرحمن خان — شورش سخت در هرات — قتل حاکم هرات ایوب خان که در زمین داور بود خود را به عجله به هرات می رساند. (چین) — مراوده پلیتیکی این دولت و دولت روس نزدیک به انقطاع است.

اروپا — (آلمان) — اعلیحضرت امپراطور در وقت انعقاد پارلمنت آلمان در یکی از نطقهای سلطنتی ازدیاد استعداد قشونی خود را به ملاحظه استعدادات حربیه همجوار لازم و اهمّ شمرده و در این مسئله اصرار و مبالغت فرموده اند — اختتام مجلس پارلمنت — ملاقات امپراطور آلمان و امپراطور اتریش در شهر ایشل — وزارت تجارت علاوه بر سایر مشاغل بیزمارک گردید. (انگلیس) — لرد والسلی پس از ایمن کردن زولوسها و فراغ از کار آنها به انگلیس مراجعت نمود —

انگلیسها همینکه افغانه را خیره دیده و در کار خصومت و خلاف و دشمنی و نفاق ثابت و راسخ یافتند مجدداً در مقام تنبیه و تهدید آنها برآمده ثانیاً کابل و بالاحصار را تصرف کردند. ژنرال بریخ فتح آباد افغانستان را که واقع در جلگه لقمانست فتح نمود. قشون انگلیس در افغانستان هستند و افغانها با کمال سختی خودمیری می کنند — مابین دولت انگلیس و آلمان در باب منع آوردن برده و غدغن بیع و شرای غلام و کنیز در طرف مشرق زمین معاهده متیقنی شده است — چندین مجلس عاقله برای اصلاح امور ارلند دایر نموده اند. لرد دربی آخرین عقیده و نیت و مکتون ضمیر خود را که میل و علاقه به طرف آزادی طلبان باشد تصریحاً بروز داده و توضیحاً اعلان نموده است — معادل مبلغ پنجاه هزار لیره انگلیسی الماس از پستخانه کاپ به سرقت برده اند — ژنرال رُبرت که در افغانستان بود کاغذی از موسی خان و سایر امرای افغان که در غزنین جمع شده بودند به او رسیده در این کاغذ خوانین مشارالیه تبعیت خودشان را به دولت انگلیس اظهار می کنند — بسته شدن مجلس پارلمنت انگلیس با یک خطبه از پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان — مسافرت اعلیحضرت معظم لها به سمت آلمان — جنگهای سخت متوالی افغانه با قشون انگلیس در افغانستان — مقاتلات شدید و یورشهای بسیار سخت مابین شهر کابل و گندمک — ورود عبدالرحمن خان از ترکستان به افغانستان — انتخاب وکلای تازه برای مجلس پارلمنت مساعد پلیتیک وزرای ویک و گلدستون می باشد — اجزای مجلس پارلمنت مرگبند از سیصد و چهل و نه نفر هواخواهان وزرای ویک و دوئیست و سی و پنج نفر هواخواه وزرای توری و شصت و سه نفر ارلندی — تغییر وزرا در انگلیس و صدارت گلدستون — قشون ابوابجمعی ژنرال اشتوارد در حوالی غزنین به سه هزار نفر سواره افغان برخورد و جنگ سختی فیما بین فتنین واقع می شود — دولت در مجلس پارلمنت اظهار می کند که احکام سخت برای فرمانفرمای هندوستان صادر شده است که عساکر انگلیس را از افغانستان احضار کند — تخلیه قشون انگلیس کابل را و شناختن دولت انگلیس عبدالرحمن خان را به سمت امیری افغانستان — عبور کردن ایوب خان از رود هیرمند و حرکت کردن او به طرف قندهار — قشون انگلیس به

سرداری ژنرال بورو که در قندهار بود اغلب مقتول شدند و بقیه السیف آنها به ارک قندهار پناه بردند — قشون ایوب خان که این شکست سخت را به عساکر انگلیس مقیم در قندهار داد مرگب بود از دوازده هزار مرد و بیست و شش عزاده توپ — زلزله سخت در قنیل که جمع کثیری را هلاک و مجروح کرد و بیوت بسیاری منهدم نمود — ابتدای شورش در باسوتولاند در افریقای جنوبی بر ضد دولت انگلیس — ژنرال رُبرت سردار کل قشون انگلیس در افغانستان با ده هزار مرد زنده به کمک قشون انگلیس که در قندهار محصور بودند حرکت نمود — مسلمانهای هندوستان در ضد شورش بر ضد دولت انگلیس می باشند — اهالی ارلند نیز بر ضد دولت مشارالیه علم شورش افراختند — فوت لُرد رد کلیمف از معارف — محاصره نمودن ایوب خان قندهار را — ورود ژنرال رُبرت به قندهار — عقب نشستن ایوب خان از حوالی قندهار و ارغنداب و شکست یافتن او از ژنرال رُبرت — جنگ باستس با عساکر انگلیس و شکست باستسها، اما اخباری که از رأس امید می رسد دلیل بر ضعف قشون انگلیس است — تمام طوایف بابورها بر ضد دولت انگلیس اتفاق نمودند — شورش ارلندیها روز بروز در تزايد است. (ایطالیا) — یکی از توپهای صد پوند کشتی زره پوش موسوم به دوپلا در بندر مپزیا ترکیده است — محاجه و نقار بین پاپ و آلمان تمام شد — عزل وکلای ملت به حکم پادشاه ایتالیا و نصب وکلای جدید — کوه آتش فشان وزووبا نهایت شدت آتش فشانی می کند. (اطرش) — طغیان آب رودخانه در ایالت مراوی که ضرر کلی به زراعت رسانید — جشن سال پنجاهم تولد اعلیحضرت امپراطور — زلزله سخت در وینه و در اکرام و رسیدن خسارت زیادی به مردم. (اسپانیول) — یکی از پلهائی که بر روی رود ایل بود در موقع حرکت قشون از روی آن شکسته و صد نفر غرق می شود — تولد دختری از پادشاه که مستأه به میرسیده می گردد و ولایتمهد او راست — در مالاگا طغیان آبها خسارت و خرابی زیاد وارد می آورد. (بلژیک) — افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در شهر بروکسل — به واسطه کدورتی که مابین دولت بلژیک و پاپ روداد دولت بلژیک ایلچی خود را از دربار پاپ احضار نمود. (روس) — کارگذاران نظامی روس اسلحه و آلات حربیه بسیاری خریداری می نمایند و در

سرحد آلمان و اطیش قشون جمع آوری می کنند — یک زد و خورد و غایله عظیمه مابین طلاب طایفه نیهیلیست و پلیس در پترزبورغ روی داد، طایفه نیهیلیست مدرسه زراعات و جنگلها را در مسکو آتش زدند — ژنرال ملیکف به جای ژنرال گورکوبه ریاست اداره امنیت برقرار گشت — برای قلع و قمع طایفه نیهیلیست اسباب نظم و نسق فراهم آورده و اهمیتی تمام دارند — روسها کمال احتیاط و تشویش را دارند که مبادا در روز سیم ماه مارس که سال بیست و پنج تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور و روز عید و جشن و تبریک است طایفه نیهیلیست فرصت یافته غفله مرتکب فتنه و شرارتی شوند و عیش را بر مردم منقص کنند — طایفه نیهیلیست تیری برای ژنرال ملیکف خالی کرده ولی خطا شده بود — اعلان آشکارائی از طایفه مزبوره در تمام ولایات روسیه منتشر شده و یک مجلس عامه و اجتماع ملتیی در شهر ورشو طایفه مزبوره منعقد کرده اند — پرنس آدلف ایلچی روس مقیم فرانسه به واسطه اینکه فرانسه ها در رد آرتمان نام که نقب در راه آهن مسکوزده و از نیهیلیستها بود تمکین نکرده بودند از دولت فرانسه رنجش دارد — کاغذی که از طرف امپراطور آلمان به امپراطور روس رسیده و مضامین آن مشعر بر دوستی و موافقت مابین دولتین آلمان و روس بود در تمام مملکت روس انتشار می یابد — ژنرال لُریس ملیکف از اعظام وزرای این مملکت که زندگانی او به دست طایفه نیهیلیست در معرض خطر بود بدون صدمه نجات یافت — قوت امپراطریس این مملکت — عساکر چینی خوفند را فتح نموده اند — پیش رفتن ژنرال اسکِیلف به سمت گوکاتپه — شروع به ساختن راه آهن از تفلیس به بادکوبه — ژنرال لُریس ملیکف وزیر داخله می شود — پادشاه و ملکه یونان وارد پترزبورغ می گردند — رسیدگی به اعمال طایفه نیهیلیست که در زیر عمارت مخصوص اعلیحضرت امپراطور نقبی کنده و آتش زده بودند و جمعی مقتول و مجروح شده جداً می شود — نیز نقبی در راه آهن که محل عبور کالسکه اعلیحضرت امپراطور بوده مشکشف می شود — اعلیحضرت امپراطور پرنس دُلغورکی را متعه می نمایند — منازعه سخت فیما بین اهالی پلیس و طلاب مدارس در مسکو (فرانسه) — مجلس امناء و وکلاء قرار داده است که هر مطلب و مسئله که راجع و متعلق به

امور معقون باشد به هیچوجه مسموع ندارند و معتابه نشمارند — مجلس و کلاه قانون جدیدی از برای قشون ایجاد کرده و جرگه اتامازر را منظم می کنند — انتشار حکم رئیس جمهوری در اخراج نمودن سلسله ژزوئیت که یکی از شعب مذهب کاتولیکی می باشد از مملکت فرانسه و شروع کردن به این عمل — بخشیدن تقصیرات هشتاد و سه نفر از اهالی کمون را که محبوس بودند — ملحق شدن جزایر تائیتی به مملکت فرانسه — نصب مسیو بارطلمی سنت هیلر به وزارت خارجه. (سود و نروژ) — پارلمنت این مملکت خدمت نظامی را برای تمام افراد و آحاد رعیت این دولت تا سن چهل سالگی حتم و واجب می داند — استعفای وزرای این مملکت — نرئسگزلد از علماء راه وصول به حوالی قطب شمالی را از نقطه غربی مفتوح می سازد. (عثمانی) — شدت و شیوع قحط و غلا در بلاد عثمانی خصوصاً در ارمنیه که از همه جا اشتداد و امتدادش بیشتر است — دول معظمه فرنگستان هریک رسماً مأموری از جانب خود برای تعیین حدود یونان و عثمانی مشخص کرده خواهند فرستاد — شریف اعظم مکه را در جده به قتل می رسانند — این دولت مضایقه دارد که بندر دولسینیو را به منتنگرو واگذار کند — حسنی پاشا به جای عثمان پاشای غازی وزیر جنگ می شود — مصلحت گذار منتنگرو مقیم اسلامبول به طور قهر از این شهر خارج می شود — زلزله سخت در ازمیر — از طرف اعلیحضرت سلطان حکم مأموریتی به وزیر جنگ صادر شد که معجله به دولسینیورفته و آن شهر را تسلیم منتنگرو نماید — دول فرنگ دولت عثمانی را تهدید میکنند که اگر دولسینیو را معجله به منتنگرو واگذار نکند با سفاین جنگی با او منازعه خواهند کرد — سفیر کبیر دولت آلمان که اقدام بر سایر سفراء است از طرف تمام دول فرنگ یادداشتی به بابعالی اظهار داشته و عده ای را که در کنگره برلن در ترضیه یونان داده بود به خاطر دولت مشارالیه می آورد — اهالی آلبانی با دولت عثمانی در منازعه هستند که چرا دولسینیو را به منتنگرو واگذار نمی نماید — تغییر وزراء — صدارت سعید پاشا — وزارت خارجه عاصم پاشا — سفاین جنگی دول فرنگ برای تهدید عثمانی در بندر را کوز جمع می شود — تسلیم نمودن دولت عثمانی دولسینیو را به والی منتنگرو. (افلاق بغداد) — مسافرت والی افلاق بغداد و زوجه ایشان

به اطریش به شهر ایشل و ملاقات با اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس اطریش — پرنس شارل آنتوان پسر لئوپلڈ ههن زلرن که برادرزاده والی حالیه است به واسطه نداشتن اولاد از طرف عم خود به ولایتعهد افلاق بغداد منصوب می شود. (بلغارستان) — افتتاح مجلس پارلمنت این ایالت. (هلاند) — تولد یک دختر از پادشاه مسماء به ویل هل مینا. (یونان) — دولت یونان درصدد اینست که مراوده پلیتیکه را با دولت عثمانی در باب تعیین حدود بهم بزند و روابط مسالمت را قطع کند و این عزم را گوشزد همه دول معظمه کرده است — پادشاه سفری به فرنگ می نماید.

آمریکا — (ینگی دنیای جنوبی) — سفاین جنگی شیلی بندر گالاتورا به ضرب توپ منهدم می نماید — جنگ تاگنا — فتح قشون شیلی و غلبه این قشون بر عساکر متفقہ پرو و بلیوی — قشون شیلی شهر آریکا را فتح نمودند — بروز شورش در بُنزر — گفتگوی مصالحه مابین پرو و شیلی — شیلی و پرو قبول میانجیگری اتانونی را می کنند — در حوالی لیما جنگ سختی مابین شیلی و پرو رومی دهد و قریب پنجاه هزار نفر در این جنگ از طرفین مشغول مقاتله می باشند — افتتاح مجلس پارلمنت دولت برزیل با خطبه مفصل امپراطور و ایجاد قانون و آزادی انتخاب وکلا — دکتر تانر نام که شرط کرده و نذر بسته بود مدت چهل روز غذا نخورد در هفتم ماه او وعده او منقضی شده و وجهی که نذر بسته بود برد.

آیانی — افتتاح اکسپوزسیون عمومی در شهر ملیبورن استرالی.

[سنه ۱۲۹۸ هجری = سنه ۱۸۸۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — از میامن اقبال بی زوال اعلیحضرت همایون شهریاری خلدالله ملکه کلیه امور دولتی نظم و انتظام کامل دارد — جناب حسنعلی خان وزیر قواید به سمت حکمرانی ساوجبلاغ و میان قلعہ برقرار گردید — اسرائی که از آن نواحی و غیره نزد طغاة اکراد بود کلیه مستخلص شدند — اردوی مأمور به تنبیه عشیره منگور

به سرداری عزیزالله خان سرتیپ به محلّ خود اصابت کرده یعنی به خاک منگور رسیده حمزه آقا خود را آماده جنگ نموده سنگر خود را استحکام داده با طایفه خود که به رشادت معروفند در مقابل عساکر منصوره خیلی ایستادگی می نماید و زیاده از شش ساعت جنگ طول می کشد و خونریزی زیاد می شود و هزار نفر از اشرار مقتول شده حمزه آقا دیگر مجال زیست ندیده به طرف حدود دولت عثمانی که بیش از دو فرسخ فاصله نیست گریخت — حسینعلی بیگ یاور فوج پنجم و دسته جمعی او قلعه نعلین و عمارت جدیدالبنای حمزه آقا را که مأمن و بنگاه فساد آن حدود بود با خاک یکسان کردند — شب غره محرم زائره کرمانیه مستاقه به نبات خانم که زیاده از پانزده سال زمینگیر و افلیج بود در روضه مقدسه حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء به حسن توکل شفا یافت — تعزیه داری دهه عاشورا در تکیه دولتی با کمال شکوه به عمل آمد — جناب عضدالملک خوانسالار و خازن مهر مهرآثار مبارک به یک ثوب خرقة ترمه از ملابس خاص درجه اختصاص یافتند، و محمدقلی خان نایب النظاره به اعطای یک قبضه قمه مرصع مفتخر آمد — نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم شب عاشورا به رحمت الهی پیوست و ریاست مدرسه مبارکه دارالفنون دولتی و مریضخانه را به جناب مخیرالدوله علیقلی خان وزیر کل تلگرافخانه های ممالک محروسه واگذار فرمودند — مجلس تألیف کتاب نامه دانشوران ناصری را به مراقبت مؤلف مفوض داشتند — جناب میرزا قهرمان امین لشکر به موجب دستخط همایون مقرر شد همه روزه در مجلس وزرا حضور یافته معلومات و تجارب خود را در شعب امور دولت اظهار دارد — جشن عید مولود اعلیحضرت همایون خلدالله ملکه را نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی در کمال شکوه به اعلی درجه خوبی گرفتند — در موقع این عید سعید اشخاصی که به نشان و حمایل سرافراز شدند از این قرار است: (رحیم خان سرتیپ فوج دویم نصرت نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی)، (میرزا زکی خان سرتیپ اردبیل و مشکین نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی)، (گلنل شمل اطریشی رئیس مأمورین اطریش نشان و حمایل از درجه اول سرتیپی)، (بارون نرمان مترجم دارالترجمه همایونی نشان و حمایل سرهنگی)،

(میرزا عباسعلی خان پیشخدمتباشی نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دامت شوکته نشان و حمایل سرهنگی)، (میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی نشان و حمایل از درجه سیم مرتبپی)، (هم در این اوقات دستخطی مبارک مبنی بر حسن ترتیب و تکمیل امور دولت از قرار شرح ذیل شرفصدور یافت:

سواد دستخط همایون

چون اعظم و مهم امور دولت نظم مملکت و سرحه و آسودگی رعایا و رفع ظلم و ستم شریکی در میان آنها و انتظام مهام قشون و قورخانه و مهمات عسکریه و سایر شعب و اداراتست و ایجاد و انتظام این مهام در خارج و تشکیل قوانین و تدبیرات لازمه آن منوط به اجرای سریع و نافذ احکام مفیده و تشبثات صحیحه دولت است و آن اجرای احکام و استحکام مبانی افکار صایبه هم منوط به وجود وزرا و نوکرهای صاحب تجربه دولتخواه عاقل کامل باغیرتست لهذا به موجب این دستخط که خودمان می نویسیم اختیار و اقتدار کامل می دهیم به وزرای منتخبین حالیه دولت که در مجلس دربار اعظم حکم به جلوس فرموده ایم که از این تاریخ به بعد در هر قسم از امور دولت از جزئی و کلی مختار و مجاز و قادر خواهند بود که قرارداتی که متضمن خیر و صلاح دولت و ملت باشد بگذارند و آنچه را که آنها صلاح دانسته و به عرض برسانند قبول فرموده و رد نخواهیم کرد و نفاذ امر و قدرت سلطنت را به هیئت این مجلس اعطا می فرمائیم که انشاء الله تعالی آنچه منظورات و مقصودات دولت در ترقی امور ملک و ملت متصور است در اجرای احکام به عرصه ظهور و بروز آورده خاطر ما را از حسن خدمات و خیراندیشیهای خودشان خرمند و مسرور نمایند و حسن ظن و التفات ما را نسبت به خودشان روز بروز زیادتیر کرده اعمال نیک خود را بر همه ظاهر نمایند. تحریر ۹۸.

اداره معادن ممالک محروسه را به میرزا علینقی حکیم الممالک واگذار فرمودند — نواب اشرف والا ولیعهد ابدمهد دولت علیه ایران حکمران آذربایجان و

مضافات ادام الله اقباله العالی را که در تنسيق امور عسکرية و اردوهای آذربایجان مساعی جمیله مبذول داشته بودند به اعطای یک ثوب سرداری مفتول دوز شصه مرقع تن پوش مبارک قرین اختصاص و اعزاز فرمودند — در شکارگاه جاجرود پلنگی شکار شست مبارک گردید — محمّد تقی خان حاجب الدوله مرحوم شد — محمّد حسن خان قزاقباشی ولد جناب علاء الدوله به لقب جلیل حاجب الدوله ملقب گردید — آقامحمّد علی آبدارباشی ولد جناب امین السلطان به لقب امین حضرتی مفتخر آمد — امیرزاده محمّد حسن میرزا ولد مرحوم اعتماد السلطنه به منصب جلیل پیشخدمتی حضور مبارک برقرار شد — عبدالله خان حکمران گیلان به موجب استدعای نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی به لقب والیگری سرافراز آمد — نصرت الله خان سرتیپ حاکم گرگان رود به سرتیپی دویم مباهی گردید — هم در این اوقات رأی جهان آرای صوابنمای بندگان اعلی حضرت همایون صاحبقرانی خلد الله سلطانه بر این علاقه گرفت که احدی از اشخاصی که در سلک هر طبقه از طبقات نوکر منسلک هستند در صورت صحت بدن و سلامت مزاج بیکار نباشند و عاری از خدمت و شغل نگردند و سوای طبقه دعاگویان و اهل شریعت و ارباب علم که محض توقیر شریعت یا دعاگوئی دولت به آنها وظیفه و مستمری مرحمت می شود دیگر هرکس زیاده از پنجاه تومان مواجب و مرسوم داشته باشد به شغل و خدمتی مناسب حال مأمور و مشغول و متقلّد شود و رسیدگی به این امر و ریاست این اشخاص را هم به عهده مراقبت جناب عضدالملک خوانسار و خازن شهر مهرآثار و ایلخانی ایل جلیل قاجار موکول فرمودند — جناب نریمان خان وزیر مختار دولت علیه مقیم وینه که موقتاً به دربار معذلشمار همایون احضار شده بود به دارالخلافة باهره وارد گردید — نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله اقباله العالی که موقتاً به حضور مبارک احضار شده بودند روز دهم ربیع الاول وارد دارالخلافة گردیدند — جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم و سرکشیکچی باشی را با لقب امیرنظامی و اختیارات تامه با اجزای لازمه مرکب از نوکرهای کاردیده کافی مأمور آذربایجان فرمودند که معجلاً به این مملکت رفته

مشغول انتظام امور گردد — نواب والا عباس میرزا ملک آرا به حکومت قزوین و مضافات منصوب گردیدند و امیرزاده محمد میرزا ولد نواب معظم له به اعطای منصب سرتیپی سیم سرافراز شد — نواب اللهقلی میرزای ایلخانی به حکومت ولایات خمسة برقرار گردید — چون میرزا رضای صدیق الدوله وزیر دارالخلافه به همراهی امیرنظام مأمور آذربایجان شد خالصه جات طهران که اعظم املاک دولتی است به میرزا محمدباقر پسر صدیق الدوله سپرده شد که به نیابت صدیق الدوله متصدی امر خالصه جات مزبوره باشد و داد و ستد مالیاتی و اربابی و سایر مستغلات طهران و بلوکات متعلقه آن برعهده محمد ابراهیم خان که از مجربین و پیرمردان دربخانه نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی می باشد موکول شد — روز دهم ربیع الثانی تلگرامی از جناب معین الملک سفیرکبیر دولت علیه مقیم اسلامبول رسید بدین مضمون که اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان اطمینان داده بودند که دیگر شیخ عبیدالله و اکراد طاغی جسارتی نخواهند نمود و اسباب امنیت حدود را دولت عثمانی به اتفاق دولت ایران فراهم خواهند آورد — نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان و مضافات که به دربار معدلتعداد همایون احضار شده بودند به دارالخلافه باهره ورود فرمودند — روز یکشنبه نوزدهم ماه ربیع الثانی بعد از گذشتن هشت ساعت و هفده دقیقه و کسری از طلوع آفتاب، آفتاب جهانتاب به نقطه اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت به حمل تحویل کرد و مراسم جشن عید و سال نو در پیشگاه حضور همایون معمول افتاد — به قدر دوهزار نوکر سواره جدید از عراقی و آذربایجانی به امر همایونی جناب علاءالدوله امیرنظام گرفته و مرتب داشته به اسم غلام منصور موسوم و در این ایام به توسط میرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و سرتیپ اول ولد جناب امیرنظام از سان حضور همایون گذشته و مقرر گشت تا ده هزار نفر به همین اسم و وضع و هیئت نوکر سواره گرفته شود — عبدالحسین خان ولد مرحوم خانباباخان سردار به نشان و حمایل سرتیپی اول نایل گردید — در سمنان طفلی متولد شد که چهارچشم و دودهن و دوشاخ داشت و باقی اعضایش درست بود و پس از تولد بمرد — به موجب تلگراف جناب

معین الملک سفیر کبیر دولت علیّه مقیم اسلامبول اعلیحضرت سلطان و عدّه صریح تبعید شیخ عبیدالله و پسر او را از سرحد کردستان و احضار به اسلامبول فرمودند — اردوی نظامی مرکب از پنج فوج و یک هزار سواره و دوازده عرّاده توپ که ده عرّاده از آن از توپهای جدید اختراعی است نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی به ریاست امیرزاده ناصرالدوله سرتیپ اول تجهیز نموده علاوه بر اردوهای سابق روانه آذربایجان داشتند — حکومت و فرمانفرمائی مملکت فارس از ابتدای این سال مزید حکومت ایالات و ولایات اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و خوانسار و گلپایگان به کف کفایت نواب اشرف والا شاهنشاهزاده ظل السلطان ادام الله اقباله العالی تفویض گردید و برحسب استدعای خود نواب اشرف معظم له نیابت این ایالت به نواب والا جلال الدوله فرزند ارشد ایشان و کارگذاری امور آن مملکت به جناب میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان مرجوع شد و نواب والا جلال الدوله به یک ثوب سرداری ترمه شمشه مرصع از ملابس خاصه و جناب صاحب دیوان به یک ثوب جبّه ترمه دوز مفتول دوز شمشه مرصع از ملابس خاصه مخّلع شدند — میرزا محمّد خان امین خلوت و تفنگدار باشی ولد مرحوم میرزا هاشم خان امین الدوله به خطاب جنابی مخاطب آمد — جناب سپهسالار اعظم از طرف شخص همایون سلطنت برای تعزیت قتل امپراطور الکساندر دویم و تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیّم بر تخت سلطنت رومیّه به سفارت دربار آن دولت مأمور و با هدایای لایقه برای اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس روانه گردید و خود سپهسالار اعظم به یک ثوب سرداری مفتول دوز شمشه مرصع ممتاز مخّلع گردید و اجزای ملتزمه سفارت (امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول)، (عزیز الله خان صارم الملک سرتیپ اول)، (میرزا رضاخان مترجم سرتیپ دویم)، (میرزا حسن خان سرتیپ و منشی اسرار) بودند — وزارت علوم به جناب علیقلی خان مخبرالدوله مرحمت شد — صنیع الدوله به خطاب نبیل جنابی مخاطب و سرافراز آمد — میرزا محمّد حسین ولد وزیر لشکر به منصب استیفای دیوان اعلی برقرار گردید — یحیی میرزای نایب الایاله در خدمات دیوانی گیلان و ریاست تجارت آن سامان مراقبت نموده به نشان و حمایل سرهنگی سرافراز

شد و در همین سال نیز نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم سرتیپی به او مرحمت فرمودند — میرزا کاظم خان لله باشی مرحوم جلال الدوله به پیشکاری شاهرود و بسطام برقرار گردید — نواب ابوالفتح میرزای مؤیدالدوله حکمران کردستان به نشان و حمایل سرتیپی اول نایل آمد و در همین سال چون در فتنهٔ شیخ عبیدالله ولایت کردستان را خوب نگاهداری نموده بود به لقب مؤیدالدوله ملقب گردید — میرزا هدایت الله مستوفی ولد مرحوم میرزا محمدتقی لسانالملک بعد از فوت پدر به لقب لسانالملکی نایل شد — محمدحسن خان پیشخدمت حضور به حکومت ولایت کاشان مأمور و به خلعت همایونی مخلع گردید — عمل تذکره وارد و صادر ممالک محروسه که از قدیم مقرر و معمول بود به توسط وزارت جلیلهٔ خارجه مستحکم و منضبط شد — نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی با تشریف خاصهٔ سلطنت از حضور همایون مرخص شده به اصفهان که مقر حکومت و فرمانفرمائی ایشانست معاودت فرمودند — فرار اشرار طایفهٔ احمدوند چلبی از حدود خاک کرمانشاهان به حدود خاک عثمانی و عراق عرب به واسطهٔ حرکت اردوی نظامی حاجی شهابالملک حکمران کرمانشهان به طرف سرحد — یک قبضه عصای مرصع از درجهٔ اول محض مزید تکریم و اعزاز جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاجی ملاعلی سلمه الله تعالی از طرف همایون ملوکانه اهدا شد — جناب میرزا کاظم خان نظامالملک بعد از فوت میرزا موسی وزیر لشکر برحسب انتخاب نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی به وزارت لشکر که از مشاغل موروثی اجدادی جناب معزی الیه بود سرافراز و به یک ثوب جبّه ترمهٔ شمسهٔ مرصع مخلع گردید — نامهٔ مودت ختامة اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک رومیّه الکساندر سیم مبنی بر اعلام حادثهٔ حزن انگیز اعلیحضرت امپراطور مرحوم و جلوس خودشان به تخت امپراطوری به اعلیحضرت همایون شاهنشاه کل ممالک محروسه به توسط جناب مسیوزیناویوف وزیر مختار دولت روس مقیم دربار دولت علیه به حضور همایون موصول گشت — مهدیقلی خان امیرآخور به یک قبضه شمشیر مرصع از درجهٔ سیم مفتخر گردید — یک قطعه انفیه دان مکمل به الماس که روی آن مزین به تمثال همایون بود در حق کنت دومنت فرت رئیس

اداره پلیس دارالخلافة اعطا شد — فضل الله خان شاطر باشی به لقب بشیرالملکی ملقب و سرافراز گشت — روز بیست و چهارم جمادی الاخری در دربار اعظم که نواب اشرف والا ولیعهد جاویدمهد دولت علیه و نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنة وزیر جنگ ادام الله اقبالهما العالی و جمیع وزرا و وکلای عظام دولت احضار و حاضر شده بودند دستخط همایون اعلیحضرت اقدس شهرباری دام سلطانه در ترتیب جدید و انتظام اداره دولت قرائت و گوشزد اولیای دولت شد — جناب کیناز ترویسکوی که از طرف دولت بهیة روس رسماً برای انهای امر سلطنت بالوراثه اعلیحضرت امپراطور آلکساندر سیم به سمت سفارت با نامه مودت علامه مأمور دربار دولت علیه بود روز بیست و سیم جمادی الاخری با کمال احترام و تشریفات معموله دولتی وارد و شرفیاب حضور همایون شد و هنگام معاودت درباره جناب معزی الیه و همراهان او از طرف دولت علیه بذل امتیازات و نشان و حمایل شد (به جناب کیناز ترویسکوی یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس) و به سایر همراهان علی قدر مراتبهم از نشان درجه دویم شیر و خورشید تا درجه پنجم و بعضی که رتبه نازل تر بودند مدال طلا و نقره بذل و مرحمت گردید — جناب سلیمان پاشا مأمور مخصوص دولت علیه عثمانی هم که از طرف اعلیحضرت سلطان با نامه مودت ختامه برای ازدیاد مراسم دوستی و انهای بعضی مقاصد دولتی به اتفاق نواب حاجی حسام السلطنة روانه دربار دولت علیه ایران بود روز بیست و چهارم همین ماه با تشریفات شایسته دولتی وارد و به حضور همایون ملوکانه نایل و شش رجب معزی الیه را رخصت معاودت حاصل شد و خود جناب معزی الیه به نشان شیر و خورشید از درجه اول خارجه با حمایل سبز مخصوص آن و همراهان معزی الیه نیز به نشانهای امتیاز از طرف دولت علیه اختصاص یافتند — ساعدالدوله سرتیپ اول به حکومت استرآباد مأمور و به سرداری ترمه خلعت ملوکانه مخم و مباحی گردید — میرزا اسدالله خان شارژدافر دولت علیه مقیم پطرزبورغ به وزیر مختاری و اقامت همان دربار اختصاص یافت — امیرزاده سلطان محمد میرزا ولد نواب عضدالدوله به نشان و حمایل سرتیپی دویم و منصب ژنرال آجودانی خاصه حضور مبارک نایل گردید — میرزا محمدتقی لشکرنویس پسر مرحوم میرزا مصطفی وکیل

لشکر به لقب وکیل لشکری و تقلد مشاغل پدر و خلعت همایون امتیاز یافت — نظر به وفور کفایت نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و لرستان و عربستان و غیرها حکومت ایالت کرمانشهان و مرحداری عراقین نیز به نواب اشرف معظم له تفویض شد — محض مزید توقیر و احترام جناب حجة الاسلام آقا سیدصادق سلمه الله تعالی یک حلقه انگشتری الماس بریلیان از طرف ملوکانه برای ایشان اهدا شد — منع اعطای القاب دولتی در حق عموم چاکران مگر به تحقیق و تصدیق جناب اجل آقا و جمیع وزرای دربار — جناب سپهسالار اعظم بعد از مراجعت از سفارت روس به فرمانفرمائی مملکت خراسان و سیستان به علاوه امر تولیت آستانه مقدسه حضرت رضا علیه السلام منصوب و به یک قبضه شمشیر مرصع از درجه اول مباحی و روانه خراسان شدند — نواب عضدالدوله، و جناب حاجی خازن الملک، و امیرزاده وجیه الله میرزا سیف الملک، و صارم الملک عزیزالله خان مرتبپ شاهیسون، و محمدصادق خان امین نظام، و حاجی میرزا علینقی مشیر لشکر، و نصرالله خان نایب الوزاره هم در معیت جناب سپهسالار اعظم مأمور و روانه شدند — یک ثوب سرداری ترمه به نواب عضدالدوله و یک قبضه سرعصای مرصع به جناب حاجی خازن الملک نیز اعطا شد — معاودت نواب والا حاجی معتمدالدوله از فارس که پنج سال مستقلاً به فرمانفرمائی آن مملکت منصوب بودند — منع اعطای القاب و مناصب و نشان و حمایل و امتیازات نظامی مگر به تحقیق لیاقت کامل و تصدیق شخص نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ و جناب وزیر لشکر و بیست نفر از امرای عسکریه — فوت آقامیر محمدحسین در اصفهان که از اجله علما و آقایان محترم سلسله امام جمعه و خود نیز چندی به منصب امام جمعهگی منصوب بودند — جناب آقا سید آقای پیشنهاد ارومیه به توسط جناب امیرنظام علاءالدوله به شیخ الاسلامی ارومیه منصوب شد — مدرسه موسوم به مدرسه همایونی که در اصفهان به امر نواب اشرف والا ظل السلطان با مصارف گزاف بنا شده در این سال به اتمام رسیده دایر گردید — اتمام عمارت اندرونی سلطنتی شهرستانک و اعطای یک ثوب سرداری ترمه کشمیری از ملابص خاصه به جناب معتمدالملک وزیر مخصوص و وزیر بتائی و

برقراری یکصد تومان اضافه موجب در حق حاجی ابوالحسن رئیس معماران — قتل حمزه آقای بلیاس منگور و سوار آقا و خضر آقا و علی آقا که از معتبرین اقوام حمزه آقا و همه سرخیل اشرار اکراد و خادمان دولت بودند در ساوجبلاغ به حُسن تدبیر و اهتمام جناب حسنعلی خان وزیر فواید — میرزا اسمعیل ولد جناب امین السلطان که از جانب جناب معزی الیه ریاست خزانه عامره دارد به منصب پیشخدمتی حضور مبارک و یک ثوب سرداری خلعت همایون سرافراز شد — بروز و شدت ناخوشی قی و اسهال در حدود کرمان و تخفیف یافتن — نواب عبدالله میرزا را که از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی به حکومت کرمانشهان منصوب است به تصدیق شاهنشاهزاده معظم له به لقب جلیل حشمت الدوله ملقب و سرافراز داشتند — نواب انوشیروان میرزا بیگلربیگی شهر تبریز ملقب به لقب ضیاء الدوله شد — فوج مخبران و فوج پنجم شقاقی علاوه بر فوج بهادران و فوج ششم اقبال قراول مخصوص سپرده به محمد باقر خان شجاع السلطنه سرتیپ اول و خلعت همایون نیز در حق معزی الیه اعطا گردید — تأیید و تأکید ملوکانه در اخذ و استیفا و ادای حقوق و مواجب اهل نظام و قشون ظفرنمون به موجب دستخط مبارک خطاب به نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی شرفصدور یافت — استحکام و استقرار وزارت وظایف و اوقاف به جناب امین الملک به موجب دستخط همایون — فوت مصطفی قلی خان قراگوزلو ملقب به اعتماد السلطنه امیرتومان که مصدر خدمات عمده شده و در پایان عمر به حکومت ارومی منصوب بود به مرض حصه — افتتاح روشنی چراغ گاز در شهر دارالخلافه طهران که مدتی بود به عملیات آن مشغول بودند با جشن دولتی — جناب صنیع الدوله به یک ثوب سرداری ترمه کشمیری از ملابس خاصه مخلص گردید — نصرالله خان نصرالملک سرتیپ اول به اعطای نشان و حمایل امیرتومانی سربلند آمد — حسام الملک نیز به نشان و حمایل امیرتومانی مفتخر گردید — میرزا احمدخان پیشخدمت مخصوص ولد جناب امیرنظام علاء الدوله چون در گرفتن و نگاهداری و سواره غلامان منصور منتهای حُسن خدمت به جای آورده بود در موقع سان دادن غلامان مزبور به نشان و حمایل سرتیپی اول نایل گردید — ترتیب و تقسیم ایام هفته برای رسیدگی ذات

همایون ملوکانه به مشاغل و مهام ادارات دولتی — یک قبضه شمشیر مرصع مکمل به جواهر گرانبها از شمشیرهای خاصه سلطنتی به جهت نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی اعطا و ارسال اصفهان شد — یک ثوب سرداری ترمه نظامی که علامت نشان مرصع در سردوشهای آن داشت و از خلایع خاصه ملوکانه بود به افتخار جناب وزیر نظام علاء الدوله مرحمت و ایصال آذربایجان فرمودند — حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم والی مملکت خراسان روز بیست و یکم ماه ذیحجه در مشهد مقدس در سن پنجاه و هفت سالگی دعوت حق را لبیک اجابت گفت.

(افغانستان) — جنگ سخت مابین امیر عبدالرحمن خان و سردار ایوب خان در حوالی قندهار در می گیرد — سردار ایوب خان غلبه بر قشون عبدالرحمن خان کرده سی عراده توپ از امیر عبدالرحمن خان گرفته شهنشاه قندهار را متصرف می شود — عساکر سردار ایوب خان از او روگردان شده به طرف عبدالرحمن خان می روند — عبدالرحمن خان به طرف قندهار حرکت کرده سردار ایوب خان از قندهار به جلو او بیرون می آید در بیست و هشتم شوال سردار ایوب خان از امیر عبدالرحمن خان شکست سختی خورده به طرف هرات می رود و توپها و آغروق او به دست امیر عبدالرحمن خان می افتد.

اروپا — (آستریه) — مسافرت نواب ولیعهد اطریش به مشرق زمین — مراجعت نواب معزی الیه به وینه از سفر مشرق زمین — آمدن والی بلغارستان به وینه — فوت ژنرال پندیک — عهد تجارتنی با سربستان — پادشاه و ملکه بلژیک با پرنسس استفانی صبیته خود که نامزد نواب ولیعهد اطریش است وارد وینه می شوند — در دهم ماه مه عروسی و زفاف نواب ولیعهد و شاهزاده خانم بلژیک اتفاق می افتد — پادشاه جزایر سن دویج به وینه می رود — فوت بارن هیمرلی وزیر امور خارجه به طور فجاءه — اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و ملکه به جهت ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش به وینه می آیند — کنت کالنکی به وزارت امور خارجه منصوب

می شود. (اسپانیا) — افتتاح مجلس شوری — ملاقات سلاطین اسپانیول و پرتوغال. (افلاق بغداد) — اهالی این مملکت والی خود را پادشاه و مملکت خود را دولت و سلطنت اعلان داشتند — در بیست و دویم ماه مه پادشاه و زوجه اش تاج سلطنت افلاق بغداد را به سر می گذارند. (آلمان) — مزاجت پسر نواب ولیعهد آلمان با یکی از شاهزاده خانم های اسلشویک هلستن — اعلیحضرت امپراطور آلمان و اعلیحضرت امپراطور اطریش در شهر گشتن ملاقات می نمایند — ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان و اعلیحضرت امپراطور روس در داننریک. (انگلیس) — شکست عساکر انگلیس در باستس از طایفه بور که در جنوب افریق سکنت دارند — فرستادن کمک از انگلیس به جهت متقاعد نمودن بورها — وکلای ارلندی از مجلس پارلمنت اخراج می شوند — ایضاً شکست عساکر انگلیس در حوالی رأس امید از طایفه بور و قتل ژنرال کولی سردار انگلیس به دست طایفه بور — مأموریت ژنرال رُیزت از انگلیس به رأس امید با قشون زیاد به جهت تدمیر طایفه بور — انعقاد مصالحه مابین انگلیس و طایفه بور و در این عهدنامه انگلیس آزادی تام و تمام جمهوری ترانسوال را می شناسد — لرد بیکنسفیلد صدراعظم سابق انگلیس در پانزدهم آوریل وفات می کند — عساکر انگلیس قندهار را تخلیه می کنند — سی هزار نفر از عساکر انگلیس به جهت دفع اغتشاش و تأمین ارلند به آنجا می روند — کالا کو پادشاه جزایر سن دویج وارد ارلند می شود — شورش و انقلاب سخت در ارلند. (ایتالیا) — اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و ملکه به جزایر سیسیل سفر می نمایند — در سیسیل از طرف بیک تونس جمعی از اعیان تونس به جهت تبریک ورود اعلیحضرت پادشاه ایتالیا می آیند — زلزله شدید در شهر ناپل و خرابی و خسارت زیاد — در مجلس پارلمنت گفتگوهای بسیار سخت بر ضد دولت می نمایند که چرا در مسئله تونس دولت ایتالیا سکوت کرده اقدام به جنگی بر ضد فرانسه نمی کند. (دانمارک) — فوت ملکه مادر اعلیحضرت پادشاه — فوت پرنس کالین زوجه ولیعهد سابق. (روس) — انکشاف نقبی در راه آهن به جهت قتل اعلیحضرت امپراطور روس — انعقاد مصالحه مابین روس و چین — فتح گوک تپه به دست ژنرال اسکبلف در بیست و چهارم ژانویه — کشته شدن اعلیحضرت

امپراطور روس آلكساندر دویم به دست نیهیلیستها در پترزبورغ در سیزدهم مارس و جلوس اعلیحضرت آلكساندر سیّم ولیعهد به امپراطوری تمام مملکت روس — تحقیق در اعمال قاتلین امپراطور مرحوم — روساکف و چهار نفر از همدستان او که قتل امپراطور مرحوم را سبب بودند به دار آویخته شدند — در شهر کیو طایفه یهود را به قتل می‌رسانند — فوت پرنس دُالْدنُورگ — استعفای ژنرال میلوتین از وزارت جنگ — یانقین بسیار سخت در مسکو — نواب گراندوک قسطنطنین از ریاست شورای دولتی و از وزارت بحریّه معزول می‌شود — اعلیحضرتین امپراطور و امپراطریس به سمت مگاره سفر می‌کنند — پادشاه و ملکه دانمارک به جهت ملاقات صبیّه خود که امپراطریس روس است به پترزبورغ می‌آیند، اعلیحضرت امپراطور قصر کچنای را برای سکنای خودشان انتخاب می‌کنند — جمعی که قصد قتل اعلیحضرت امپراطور را داشتند و به واسطه دینامیت می‌خواستند عمارت سلطنتی را خراب کنند گرفتار شدند و عجب اینست که بعد از استنطاق از مقصرین معلوم شد که رئیس پلیس پترزبورغ با مقصرین همدست و شریک بوده است. (سویس) — کوه سن گتار که سالها مشغول سوراخ کردن آن بودند سوراخ شده و راه آهن از این سوراخ عبور می‌کند. (عثمانی) — دولت عثمانی قبول حکمیت دول فرنگ را در مسئله خود یونان نمی‌نماید — عثمان پاشای غازی به وزارت جنگ برقرار می‌شود — بروز طاعون یا مرضی شبیه به طاعون در عراق عرب — اجماع سفرای کبار در اسلامبول برای رفع منازعه مابین عثمانی و یونان — جزیره شیو (کیو) (سقز) به واسطه زلزله تماماً زیر و زبر شد — دول مابین دولت عثمانی و یونان میانجی شده تعیین حدود طرفین را می‌کنند و دولت عثمانی را در این مسئله مجبور می‌نمایند — درویش پاشا سردار عثمانی با یاغیهای آلبانی تصادف کرده چهارهزار نفر از آنها را مقتول می‌نماید — استنطاق مدحت پاشا و سایر اعظام که متهم به قتل مرحوم سلطان عبدالعزیزخان بودند و مدحت پاشا و هشت نفر از همدستهای او را حکم به قتل و دو نفر را به حبس مؤبد دادند — تمام سفرائی که در عثمانی هستند شکایت خودشان را به بابعالی در باب حکم قتل مدحت پاشا اظهار می‌کنند و به توسط سفرا اعلیحضرت سلطان از قتل او و سایرین

گذشته حکم به حبس ابدی او می نمایند — اصطبل سلطانی تماماً آتش می گیرد — شورش طوایف اعراب در حجاز — زلزله سخت در سانجی که بسیاری از مردم تلف شدند — بروز وبا در مکه معظمه و جدّه. (فرانسه) — فوت زوجه مسیو طیر — فوت بلانکی جمهوری طلب مشهور — فوت دروین و لوئیس — طایفه کرومیر از طوایف اعراب تونس در سرحد الجزایر با قشون فرانسه در جنگ اند — دولت فرانسه تهیّه قشونی دیده عساکر زیادی به سرحدات تونس مأمور می کند و از آن طرف والی تونس را دولت فرانسه متهم می نماید که با طایفه کرومیر همدست است، و عساکر فرانسه جزیره تاباکا را از تونس متصرف می شود — دولت عثمانی حق سلطنت خود را در تونس اظهار می کند و یادداشتی در این باب به وزارت خارجه فرانسه می فرستد — وزیر جنگ فرانسه سه کروور تومان دیگر از برای امداد قشون کشی در تونس می طلبد — زلزله در شهر لیون — فوت رُچیلد صراف معروف — فتح قبروان از شهرهای تونس به دست عساکر فرانسه — هانری بریسن به ریاست مجلس وکلای پارلمنت برقرار می شود — وزرای فرانسه معزول و مسیو گامبتا به صدارت منصوب و مأمور تشکیل وزارتخانه ها است. (یونان) — منازعه مابین یونان و عثمانی قریب به ظهور است — سفرای دول خارجه که در یونان هستند این دولت را مانع از جنگ با عثمانی می باشند — عساکر یونان به قصد تصرف نقاطی که از دولت عثمانی به آنها واگذار شده به سرحد می روند و تمام نقاطی که عثمانی می بایست موافق عهدنامه به یونان واگذارد تفویض نمود — بروز مطبقة وبائی در این مملکت با نهایت شدت.

افریقا — (تونس) — عساکر فرانسه شهر صفاقس را گلوله باران می کنند — جنگ سخت در حمامه مابین دوازده هزار عرب و قشون فرانسه و فتوحات قشون فرانسه در تونس. (مارک) — بروز طاعون در این مملکت. (مصر) — بروز اغتشاش در این مملکت و شورش قشون مصر بر ضد خدیو و محاصره نمودن آنها قصر خدیو را — خدیو در صدد تشکیل مجلس وکلا است.

آمریکا — طفیان رودخانه ها در این اقلیم که موجب خرابی ابنیه و هلاک بسیاری

از نفوس می گردد. (اتائونی) — انعقاد عهد تجارتنی و دوستی فیما بین اتائونی و چین — در دویم ماه ژویه کیتونام طپانچه به طرف مسیو گارفی ئلد رئیس جمهوری اتائونی خالی می کند و زخم مهلکی به او وارد آمده اطباء از معالجه مأیوس می شوند و پس از چندی وفات می نماید — آرتور به ریاست جمهوری برقرار می گردد — در ششم اکتبر جشن بزرگی در اتائونی در موقع سال صدم آزادی حتمی این مملکت از تبعیت و تصرف انگلیس می گیرند — یانقین بسیار سخت در شهر نویرک. (پرو) — رئیس جمهوری این مملکت و وزیر امور خارجه او را عساکر شیلی محبوس کرده به مملکت خود می فرستد. (مکسیک) — طوفان سختی که در این مملکت شده باعث خرابی چندین هزار خانه و هلاکت چندین هزار نفس می شود.

[سنه ۱۲۹۹ هجری (الی دهم جمادی الاولی سنه ۱۳۰۰ هجری) =

سنه ۱۸۸۲ مسیحی (الی بیست و یکم مارس ۱۸۸۳ مسیحی)]

آسیا — (ایران) — امور دولت در این سال میمون به یمن اقبال همایون شهریارى نظم و ترتیب و شکوه و شوکتی تمام دارد — نواب والا شاهزاده رکن الدوله که مسبوق به ولایت مملکت خراسان و سیستان بودند بعد از فوت مرحوم سپهسالار اعظم دوباره به حکومت خراسان و سیستان به علاوه اختیار امر تولیت منصوب و به خلعت تن پوش مبارک مخلم شدند — مهدیقلی خان امیرآخور را به اعطای یک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه سلطنتی مفتخر فرمودند — عبدالله خان قوللر آقاسی باشی ولد جناب امیرنظام علاءالدوله را به منصب کشیکچی باشی گری و خلعت مهرطلعت مباحی داشتند — مأموریت حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلّم کل علوم ریاضی و دیگر مهندسمین برای برآورد مخارج بستن سدّ اهواز به امر دولت — اعطای یک قبضه شمشیر مرصع بسیار ممتاز از شمشیرهای خاصه سلطنتی درباره نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی محض کمال انتظام وزارت جنگ — دکتر طولوزان حکیمباشی حضور همایون به

خطاب جنابی مخاطب و سرافراز شد — نشان مجیدی از طرف دولت علیه عثمانی برای اشخاص مفضله ذیل اعطا و ارسال گردید: (کنت دومنت فرت رئیس پلیس دارالخلافه نشان درجه سیم مجیدی)، (عباسقلی خان سرتیپ و مترجم درجه چهارم)، (میرزا علیمحمدخان سرهنگ منشی و ناظم دارالطباعة دولتی و عبدالحسین خان سرهنگ مستشار اداره پلیس نشان درجه پنجم مجیدی) — تأیید و تقریب دیوانخانه عدلیه عظمی به موجب دستخط اکید همایونی — اعطای یک حلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز در موقع عید مولود همایونی و عرض قشون در حق نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنة وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی — محمدابراهیم خان وزیر دارالخلافه به خطاب جنابی مخاطب و میاهی گردید — میرزا کاظم ملک الاطباء حکیمباشی حضور همایون به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مکمل به الماس مفتخر شد — وزارت گمرک به اقتضای حسن اداره جناب امین السلطان باز به خود ایشان استقرار و اختصاص یافت — امین حضور به محضلی محاسبات و نظم و ترتیب امور دفترخانه استیفا که مسبوق به آن بود منصوب گردیده به یک ثوب سرداری ترمه تنپوش مخلف گردید — جناب صنیع الدوله برحسب اراده علیه و دستخط همایونی جزو وزرا و اعضای مجلس شورای کبرای دولتی شد — باغ و عمارت دوشان تپه و باغ وحش آنجا مستقلاً به امیرزاده سلطان حسین میرزا پیشخدمت حضور واگذار و یک ثوب سرداری ترمه درباره معزی الیه مرحمت گردید — شاهزاده سام میرزا شمس الشعراء به یک ثوب جبّه ترمه خلعت همایون مخلف شد — میرزا عباس خان سرتیپ مهندس مخصوص حضور همایون به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم خارجه امتیاز یافت — میرزا رضاقلی خان ایروانی گماشته نواب اشرف والا ظل السلطان به لقب سراج الملکی و منصب استیفا از درجه سیم سرافراز شد — میرزا علیرضای مستوفی به یک ثوب جبّه ترمه حاشیه دار مخلف گردید — میرزا حسن خان ولد مرحوم میرزا مصطفی وکیل لشکر به منصب لشکرنویسی نایل آمد — حاجی میرزا حسین ممیز به یک ثوب جبّه ترمه ایرانی سربلند شد — میرزا محمدحسین ادیب ملقب به فروغی منشی روزنامه در صله مدیحه مولود همایون به یک طاقه شال ترمه مخلف گردید —

بندگان اعلیٰ حضرت اقدس همایون شهر یاری خلد الله ملکه یک هزار تومان از وجوه صرف جیب مبارک به رسم اعانت برای بازماندگان و ایتام محروقین تماشاخانه وینه موسوم به رینگ اعطا فرمودند — به امیرزاده وجیه الله میرزا سیف الملک مقرر گردید هزار نفر سوار جدید از بیک زاده ها و خانه زاده های معتبر گرفته با سلاح و لباس ممتاز از سان حضور مبارک گذرانده و ابواب جمع خود معزی الیه و موسوم به سواران ناصری باشند — حاجی مصطفی قلی خان میرشکار به یک ثوب کلجه بطانه سنجاب مخلع گردید — جناب میرزا حسن ثانی فرزند جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و مالیه به منصب جلیل و شغل نبیل مستوفی الممالکی که منصب و شغل موروثی ایشان بود با جمیع مواجب و مرسومات این منصب نایل و به یک ثوب جبهه ترمه دوره مفتول دوز شمشه مرصع مخلع گردیدند — نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ممالک و ولایات فارس و اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی به رسم همه ساله برای شرفیابی حضور همایون از مقر حکومت موقتاً اخضار به دربار همایون و هشتم ربیع الاول وارد دارالخلافه و فوراً شرفیاب حضور همایون شدند — اعلان دولتی در باب صحت عیار مسکوکات جدید و ترقی ضرابخانه دولتی که الحال پنج دستگاه چرخ سکه دایر است و روزی یکصد هزار عدد پول طلا و نقره به سهولت می تواند سکه نماید و حکم صریح به جمیع ولایات ممالک محروسه که جمیع سکه های قدیم را از اشرفی و قران به ضرابخانه دولتی فرستاده به فاصله ده روز پول جدید الضرب بگیرند و هرکس از تاریخ ماه ربیع الاول این سال لغایت ششماه دیگر پول کهنه از طلا و نقره داشته باشد و مبدل به پول جدید الضرب نکرده باشد خزانه عامره دیگر آن را در عوض پول رواج قبول نخواهد کرد و به قیمت جنس گرفته خواهد شد — مدالهای دولت از طلا و نقره و مس که به مصارف امتیازات دولتی می رسد تمام در ضرابخانه مبارکه ضرب و اخراج می شود — بندگان اعلیٰ حضرت اقدس همایون صاحبقرانی خلد الله ملکه یک روز به جهت تشویق اهالی مدرسه دارالفنون تشریف فرمای مدرسه شده جناب مخبرالدوله وزیر علوم بعضی کتب و نقشه جاتی که در این اوقات در مدرسه تألیف و ترجمه و بعضی از آنها هم منطبع

شده بود از لحاظ نظر همایون گذراندند — ورود مسیو دبالوا وزیر مختار دولت فخیمة جمهوری فرانسه مأمور به اقامت دربار دولت علیه به دارالخلافة باهره با تشریفات لازمة دولتی و شرفیاب شدن به حضور مبارک — میرزا محمد صدیق الملک رئیس دفتر وزارت جلیلة خارجه به یک ثوب جبّة ترمه حاشیه دار مخلم گردید — امیرزاده سلطان ابراهیم میرزا ولد مرحوم عمادالدوله به منصب ژنرال آجودانی حضور مبارک سرافراز آمد — از طرف دولت جمهوری فرانسه به جهت اشخاص مفصلة ذیل نشان علی حسب درجاتهم داده شد: (صدیق الملک میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه نشان کوماندرو درجه سیم لژیون دُنور)، (میرزا مصطفی خان نایب الوزاره اوفیسیه از درجه چهارم)، (میرزا عبدالله خان سرتیپ مستشار الوزاره اوفیسیه از درجه چهارم)، (میرزا مهدی خان حامل پیغامات وزارت خارجه به سفارتخانه ها اوفیسیه از درجه پنجم)، (میرزا نصرالله خان منشی و میرزا شکرالله نامه نگار اوفیسیه از درجه پنجم) — فوت آقامحمد ابراهیم نواب بدایع نگار دولت علیه در نیمه ماه ربیع الاول به مرض سکتہ — نواب اشرف والا ظلّ السلطان فرمانفرما و حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی لباسی زمستانی و تابستانی از برای سرباز تحت ریاست خودشان تعبیه فرمودند از اقمشه و منسوجات خود ایران در کمال نفاست و خوبی و دوام و مرغوبی که از نظر مبارک نیز گذشته و مطبوع افتاده مقرر فرمودند مروراً برای کلیّة قشون ظفرنمون دولت علیه از همین جنس و نوع لباس ترتیب داده شود — حکومت ایالت کردستان ایران و کلیّة افواج و قشون ولایات محکومه نواب اشرف والا ظلّ السلطان ادام الله اقباله العالی را با تمام مهمّات عسکریّه و لوازم حربیّة آن به اداره و ریاست خود نواب اشرف معظم له واگذار و ضمیمه حکومت سایر ولایات و ممالک محکومه ایشان فرمودند — نظر به کمال توجه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقرانی دام ملکه به اداره قشون و انتظام این وزارت معظمه دستخطی مبارک برای مزید اقتدار و اختیار نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنة وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی و انحصار جمیع شعبات این وزارت جلیله به اداره شخص خود نواب معظم له صادر و مرحمت فرمودند

— نواب امیرزاده مؤیدالدوله ولد نواب حاجی حسام السلطنه از ولایت کردستان به حکومت ولایت خیمه منصوب و روانه شد — محمدحسن خان پیشخدمت حاکم کاشان به یک ثوب سرداری ترمه ایرانی خلعت همایونی که ارسال کاشان فرمودند مفتخر گردید — نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی جناب ناصرالملک محمودخان را که از وزرا و چاکران بزرگ دولت است برای حکومت ایالتین کرمانشهان و کردستان انتخاب و پس از تحصیل اجازت از خاکپای همایون به صوب ایالتین مزبورین روانه فرمودند — فوج مسعود طهران بر حسب استدعای نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی کما فی السابق به امیرزاده سیف الملک وجیه الله میرزا سرتیپ ابوابجمع شد — محمدحسین خان پیشخدمت خاصه و امیرآخور اصطبل توپخانه مبارکه به یک ثوب سرداری ترمه ایرانی مخمّل گردید — شب سه شنبه غرة جمادی الاولی بعد از گذشتن دو ساعت و چهار دقیقه و کسری از غروب آفتاب، آفتاب به نقطه اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت به حمل تحویل کرد — سلام تحویل در عمارت جدیدالبنا رفیع البنیان موزه شرف تشکیل یافت، مراسم سلام و جشن عید نوروز نیز کاملاً به عمل آمد — نواب اشرف والا ولیعهد ابدمهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی حکمران و صاحب اختیار مملکت آذربایجان که سال قبل به جهت اصغای بعضی فرمایشات شفاهی ملوکانه در باب اعمال و مهام حکمرانی آذربایجان احضار به دربار همایون شده بودند در این اوقات القای آن مقاصد و فرمایشات به انجام رسیده معززاً و مکرمّاً از حضور همایون رخصت انصراف حاصل و رجعت به مقر حکومت آذربایجان فرمودند و هنگام روانگی از دارالخلافه محض تکمیل ظهور الطاف خفیه ملوکانه و مزید توقیر و اعزاز جانب شاهنشاهزاده اعظم یک قبضه شمشیر مرصع مکمل به الماس بریلیان از شمشیرهای گرانها و یک ثوب سرداری مفتول دوز شمس مرصع از ملابس خاصه ملوکانه درباره نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند و نواب والا محمدعلی میرزا ولد نواب اشرف معظم له را به لقب نبیل اعتضاد السلطنه ملقب و به یک قطعه نشان تمثال همایون مباهی داشتند و محض تکمیل و تتمیم مراسم ملوکانه درباره نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم له که در قریه طرشت

نقل مکان کرده بودند ذات همایونی به قدوم مبارک منزل ایشان را مشرف فرمودند — جناب امیرنظام علاءالدوله نیز مقرر است که کماکان در آذربایجان به رتق و فتق مهام و اشغال شاغله خود مشغول باشند — علی خان ایشیک آقاسی باشی به اعطای نشان تمثال مهرمثال همایون مکّال به الماس اختصاص یافت — نواب والا جلال الدوله ولد نواب اشرف والا ظلّ السلطان ادام الله اقباله العالی را مشمول مرحمت خاص فرموده به یک قطعه نشان تمثال بیمثال اقدس مکّال به الماس سرافراز فرمودند — میرزا علی قائم مقام و حاجی میرزا عباسقلی را حسب الیاقه در ملک اجزای مجلس محترم دارالشورای دولتی منسلک داشتند — جناب میرزا محمدخان امین خلوت به اعطای نشان تمثال مبارک مکّال به الماس مفتخر گردید — حکیم الممالک پیشخدمتباشی سلام به خدمت وساطت ابلاغ احکام همایونی به دیوانخانه عدلیه عظمی و مراقبت ختم اعمال دیوانخانه مبارکه مأمور شد — حاجی غلامرضاخان شهابالملک از جانب نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی به حکومت مازندران و اعطای یک قطعه نشان تمثال خورشید مثال همایون نایل گردید — عبدالله خان والی گیلان به استدعای نواب والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ به اعطای یک قطعه نشان از درجه اول خارجه و یک رشته حمایل سبز مفتخر شد — ذوالفقارخان سرهنگ فوج مهندس به منصب سرتیپی سیم مباهی گشت — جناب حاجی شیخ علی مجتهد مرنده به مرض سکنه مرحوم شد — برآورد جمع و خرج هذه السنة دولت علیه شده بعد از وضع جمیع مخارج مبلغ هشتصد و شصت و سه هزار و نهصد و نود و یک تومان نقداً و جنساً فاضل دخل بر خرج آمده بعد از آنکه جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و مالیه کتابچه جمع و خرج را به لحاظ نظر انور همایون رساندند امر و مقرر شد این فاضل به مصرف ابتیاع اسلحه و انتظامات فوق العاده قورخانه و قشون برسد — روز پنجشنبه پانزدهم جمادی الاولی به رسم معمول اسب دوانی شد — جناب نظامالملک وزیر لشکر که اسامی اسبهای سوختنی را معروض حضور مبارک می داشتند به یک ثوب جبّه ترمه حاشیه دار مخّلع گردیدند — مهدیقلی خان میرآخور اصطبل خاصه را به یک ثوب سرداری ترمه خلعت همایونی مخّلع فرمودند — از طرف اعلیحضرت

امپراطور کل ممالک روسیه یک قطعه نشان سنت استانیسلاس با حمایل آن برای جناب صنیع الدوله اعطا و ارسال گردید — میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و معلم علم طب و تشریح فرنگی مدرسه مبارکه دارالفنون به اقتضای مراتب علم و حذاقت به لقب معتمدالطبائی ملقب شد — جمیع کوچه های شهر تبریز به اهتمام جناب امیرنظام سنگفرش می شود — نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان از مشهد مقدس به جهت مهم سرحدیه عزیمت سفر سرخس و کلات نمودند — نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی از حضور همایون شهرباری با استدراک مراحم مخصوصه رخصت انصراف به مقر حکومت حاصل نموده روز دوشنبه بیست و هشتم جمادی الاولی از دارالخلافه باهره عزیمت اصفهان و به حضرت عبدالعظیم علیه السلام نقل مکان فرمودند و محض مزید اعزاز و تکریم جانب نواب اشرف معظم له بندگان اعلیحضرت همایون یک روز در حضرت عبدالعظیم تشریف فرمای منزل شاهنشاهزاده معظم له شدند و روز چهارم جمادی الثانیه از زاویه مقدسه روانه مقر حکومت گردیدند — جناب اعتضادالدوله حکمران قم و شاهسون بغدادی به استدعای خودشان شرفیاب خاکپای مبارک شده به اقتضای کفایت جناب معزی الیه و استدعای نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی حکومت ساوه را ضمیمه حکومت جناب اعتضادالدوله فرموده و معزی الیه را به اعطای یک ثوب سرداری ترمه شمسه مرصع مخلع و مباهی داشتند — میرزا محمدعلی خان مستوفی ولد جناب معاون الملک به منصب استیفای خاصه از درجه اول نایل شد — از طرف دولت روس چند قطعه نشان به جهت اشخاص مفصله اعطا گردید: (میرزا جوادخان سرتیپ نشان سنت آنا از درجه دویم)، (میرزا نصرالله خان صاحبمنصب مخصوص وزارت خارجه و میرزا شکرالله نامه نگار نشان سنت آنا از درجه سیم) — کوچه های شهر شیراز را عموماً به اهتمام جناب صاحب دیوان شروع به ساختن و سنگفرش کردند — از جانب نواب والا رکن الدوله حکمران خراسان و سیستان حکومت تربت از حاجی میرزا

محمودخان منتزع و به حاجی محمدمیرزا واگذار و حکومت جوین و اسفراین از نواب تیرالدوله موضوع شده جوین به موسی خان و اسفراین به حسینعلی خان تحویلدار سابق تفویض گردید و حکومت پشتکوه را نیز از محمدابراهیم خان قاجار گرفته به سهامالملک دادند — بارندگی زیاد در جمیع ولایات خاصه در فارس — شب سه شنبه چهاردهم جمادی الثانیه خداوند تعالی به میمنت و مبارکی فرزندی به بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری از بطن نواب علیه زینة السلطنة کرامت فرموده به نام نامی نصرت الدین میرزا موسوم داشتند و به شکرانه این موهبت عظمی جشنی بزرگ گرفتند و علی الرسم نامه ها به سلاطین دول معظمه متحابه نوشته تولد شاهنشاهزاده نصرت الدین میرزا را اعلام نمودند — جناب معتمدالملک به لقب نبیل مشیرالدوله و وزارت عدلیه اعظم که از مهام خطیره است ملقب و منصوب و به یک ثوب سرداری شمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع گردیدند — و میرزا حسین خان ولد جناب معزی الیه را به لقب معتمدالملکی و یک ثوب سرداری ترمه خلعت همایونی مفتخر فرمودند — نواب والا عزالدوله به حکومت ولایت همدان منصوب و به اعطای یک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه مخلع شدند — میرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و سرتیپ اول ولد جناب امیرنظام علاءالدوله غلامان مهدیه و منصور ابوابجمعی خود را که به سبک سواره قزاق مشق می کنند با کمال آراستگی در حضور همایون سان داده به یک ثوب سرداری ترمه خلعت همایونی سرافراز شد — در قریه بیدگل کاشان زنی به یک شکم سه دختر آورد — محمده علی خان پسر خاتلرخان از جانب احتساب الملک حکمران ملایر و توپسرکان و نهاوند به نیابت حکومت نهاوند برقرار شد — روز بیستم جمادی الثانیه که عید ولادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها است نواب علیه عالیه منیرالسلطنة والده نواب اشرف والا نایب السلطنة امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی به رسم معمول جشن بزرگ گرفته و ضیافت عام از نسوان محترمه و غیرها کردند، و عصر این روز ذات همایون شهریاری ابدالله عیشه نیز تشریف فرمای منزل نواب اشرف والا نایب السلطنة امیرکبیر وزیر جنگ شدند — مدرسه مجمع الصنائع واقع در جنب خیابان باب همایون را نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنة وزیر

جنگ و حکمران دارالخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی حسب الامر همایون به ارباب حرف و صنایع متنوعه دایر فرموده و همه صنعتگران را بدءاً محض تشویق از خودشان دست مایه دارند و پس از ترتیب و تکمیل مجمع الصنایع یک روز بندگان اعلی حضرت همایونی محض افتخار و تشویق اهل صنعت تشریف فرمای آنجا شده همه را به تحسینات و انعامات و تشویقات ملوکانه نایل و سربلند فرمودند — امیر ایوب خان پسر مرحوم امیر شیرعلی خان امیر افغانستان با همراهان از خراسان به دارالخلافه آمده به حضور همایون مشرف و به اعطای یک ثوب سرداری گلابتون دوز از ملابس خاصه سرافراز شد — جناب میرزا محمدخان امین خلوت در موقع سان دادن تفنگداران سرکاری به یک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه سلطنتی مخلم و حاجی میرزا شفیع مستوفی نیز در این موقع به یک ثوب جبّه ترمه خلعت همایونی مباهی آمد — محمدحسن خان پیشخدمت حضور پس از مراجعت از حکومت همدان به حکومت کاشان سرافراز و به خلعت مهرطلعت مخلم گردید — میرزا یوسف خان مستشار وزارت خارجه به انتخاب و استدعای جناب مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم به مستشاری وزارت عدلیه برقرار شد — میرزا علیرضای مستوفی سیم به منصب استیفا از درجه دویم و یک ثوب جبّه ترمه ایرانی حاشیه دار منصوب و مخلم گشت — میرزا احمد سر رشته دار کل وزارت دربار اعظم به منصب استیفا از درجه سیم و اعطای یک ثوب جبّه ترمه ایرانی نایل گردید — روز چهارشنبه بیست و نهم ماه جمادی الثانیه تمام جرم آفتاب در عقده ذنب منکسف شد — نواب اشرف والا ولیعهد جاویدمهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی روز نهم جمادی الثانیه با تشریفات تمام وارد شهر تبریز و مقر حکومت آذربایجان شده و روز دیگر در سلام زمام کلیه امور و مهام ولایتی را به جناب امیرنظام علاءالدوله واگذار و شمشیر تمام فیروزه مکمل به جواهری محض تکمیل التفات از کمر خودشان باز کرده به جناب امیرنظام مرحمت فرمودند — روز سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود در تالار عمارت بادگیر تشکیل سلام در حضور همایون شد و مراسم جشن عید کاملاً به عمل آمد — دختر اصفهانیه که هم کر و هم لال بود در قم متوسل به حضرت معصومه سلام الله علیها شده شفا

یافت — رساله عملیه فارسی از جناب حجة الاسلام حاجی ملا محمد حسین مجتهد کاشانی به طبع رسیده مخاناً منتشر گردید — موکب همایون صاحبقرانی روز هیجدهم رجب **تشریف فرمای** ییلاق صاحبقرانیه شمیران گردید — نیابت ایالت خراسان و **نظم امور شهر مشهد** مقدس در غیاب نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و **سیستان** که به سرکشی و ترتیب امور سرحدات خراسان رفته اند با نواب معین الدوله احمد میرزا است — جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک وزیر مختار و سفیر دولت علیه مقیم دربار انگلیس که به جهت بعضی مشاغل و مهام شخصیّه خود استدعای شرفیابی خاکپای مبارک را کرده و این اوقات به دارالخلافه و دربار همایون آمد علاوه بر سفارت دربار دولت انگلیس سفارت دربار دولتین آلمان و هلند را نیز به عهده کفایت جناب معزی الیه موکول و معزی الیه را به لقب نبیل ناظم الدولگی ملقب فرموده و هنگام مرخصی و حرکت از دارالخلافه نیز معزی الیه را به یک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه مخّلع و مباهی فرمودند — میرزا یوسف خان مستشارالوزاره به لقب مستشارالدولگی نایل و ملقب گردید — جناب امین السلطان چون در زمان رجوع وزارت گمرک به معزی الیه دو خدمت بزرگ کرده یکی آنکه مبالغی به حُسن مراقبت بر وجوه مالیات گمرک افزوده و دیگر تعیین امتعه وارده از خارجه به داخله ایران و مال التجاره داخله ایران را به ممالک خارجه که در ظرف یکسال چند و چه قدر است از روی دقّت و صحت نموده و صورت آن را به عرض خاکپای همایون رساند به یک ثوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه مخّلع و مباهی گردید — نجفقلی خان قاجار رئیس طایفه حاجی مهدیقلی خانی به نشان و حمایل از درجه سیم سرتپی سرافراز شد — محمودخان ولد محمد ابراهیم خان قاجار که در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج به ریاست طایفه شاه بود اعلو برقرار گردیده بود در این سال به نشان و حمایل سزهنگی نایل آمد — میرزا ولیقلی سر رشته دار قورخانه مبارکه به منصب لشکر نویسی قورخانه مفتخر شد — از طرف نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان حکومت بوشهر هم جزو بهبهان و به حاجی نصیرالملک تفویض گردید — در کازرون فارس زلزله شد — یک انبار نفت در شهر رشت طرف پیر بازار آتش

گرفت — در استرآباد زلزله شد — موکب همایون شهریاری از صاحبقرانیه شمیران روز سه شنبه دهم شعبان عزیمت ییلاق لار فرمود — جناب میرزا علی خان امین الملک وزیر وظایف و اوقاف و پستخانه های ممالک محروسه و مدیر دارالشورای دولتی به لقب جلیل امین الدوله ملقب و مباهی شدند — جناب جلال التماآب عضد الملک خوانسالار و ایلخانی ایل جلیل قاجار و خازن مهر مهرآثار مبارک جمیع طوایف و خوانین و امیرزادگان ایل جلیل قاجار را با کمال نظم در حضور مبارک سان داده مورد مرحمت گردیدند — غلامان کشیکخانه مبارکه را عبدالله خان سرکشیکچی باشی، و غلامان مهدیه و منصور را میرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و سرتیپ اول نیز یک روز با کمال آراستگی با یراقهای طلا و نقره و لباسهای ماهوت تازه ممتاز سان داده مورد تحسینات و الطاف ملوکانه آمدند — نواب والا عضد الدوله به ریاست دربخانه نواب اشرف والا ولیعهد گردونمهد ادام الله اقباله العالی منصوب و میرزا فضل الله خان منشی به منشی باشیگری حضرت والا ولیعهد مباهی گردیدند — میرزا ابوالقاسم خان مستوفی نوری حاکم سابق خلخال به حکومت مراغه و خاناباخان پیشخدمت خاصه حضرت ولایتعهد به حکومت دهخوارقان از طرف نواب اشرف معظم له انتخاب شدند — در خوی زلزله شدیدی شد — حسینقلی خان ایلخانی بختیاری در اصفهان بدرود جهان کرد — در چهارباغ اصفهان به حکم نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی سربازخانه بسیار بزرگی بنا کردند — در نیمه شعبان که عید مولود مسعود حضرت صاحب الامر و امام عصر عجل الله تعالی فرجه است در اردوی همایون در ساحت لار جشنی بزرگ گرفتند — میرزا یوسف خان مستشارالدوله مستشار وزارت عدلیه عظمی به یک ثوب سرداری ترمه ایرانی خلعت همایونی مخلع گردید — حاجی میرزا مرتضی طبیب به لقب شریف الاطباء ملقب شد — تمام بازارهای شهر شیراز را مثل بازار وکیل با سقف آجری باشکوه می سازند — نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان دارالسیاده حضرت رضوی علیه الصلوٰه والسلام را آیینہ کاری می کنند و سه هزار تومان مخارج آن را معین و از منافع موقوفات حضرت دادند — در کرمان به امر دولت و دستورالعمل نواب ناصرالدوله حکمران

کرمان و بلوچستان اقمشه خوب مناسب برای لباس تمام افواج می یافتند و از جنس نمد کرکی پالتوهای نظامی بسیار نفیس خوب مثل ماهوت درست می کنند — در بقعه امامزاده جعفر یزد دختر فالجی شفا یافت — موکب اعلاى شهریارى از لار به ساحت نمازستانق مازندران و حدود بلده و نور تشریف فرما گردید — جناب حاجى سیدحسین ترک از اجلة علماء در عتبات عالیات به جوار رحمت حق ارتحال نمود — خداوند واهب العطایا روز جمعه دوازدهم رمضان مولودى مسعود به اعلىحضرت اقدس همایون شهریارى کرامت فرموده موسوم به منصورالدین میرزا گردید — جناب امین السلطان پانصد نفر سواره خواجه وند را که ساکن کجور هستند در حدود نور به آراستگى از سان حضور مبارک گذرانید — جناب جهانگیرخان آجودانباشى سرتیپ اول و رئیس قورخانه مبارکه در سلک وزرای دولت منسلک و به وزارت صنایع منصوب گردید — میرزا محمدخان نوری حاکم بلوک از رود به یک ثوب جبه ترمه ایرانی حاشیه دار مخلع شد — میرزا عبدالله خان پیشخدمت خاصه به یک ثوب سردارى از جامه خانه خاص خلعت یافت — حاجى شهاب الملک حکمران مازندران که در اردوى ییلاقى شرفیاب خاکپای مبارک شده به یک ثوب سردارى ترمه خلعت مهر طلعت مخلع گردید — موکب همایون روز سه شنبه سلخ رمضان به شهرستانک نزول اجلال فرمود — جناب امین السلطان را به اعطای یک حلقه انگشترى الماس بریلین ممتاز مباحی فرمودند — آقا علی اصغر خان صاحبجمع ولد جناب امین السلطان به لقب امین الملکى و آقا محمدقاسم ولد کهتر جناب معزى الیه به لقب خانى نایل و سرافراز شدند — محمدحسن خان حاجب الدوله فراشباشى و نسقچى باشى به اعطای یک قطعه نشان تمثال بى مثال همایون مفتخر گردید — حاجى مصطفى قلى خان میرشکار را به یک ثوب کلیجه ترمه بطانه منجانب مخلع فرمودند — جناب من سینور گلوزل که از علما و قسّسین بزرگ مذهب کاتولیکى مسیحى و اصلاً فرانسوى و سالها ساکن در خسروآباد ارومى بود فوت شد — اعلان دولتى در منع نگارش القاب در روزنامه دولتى مگر از برای شاهنشاهزادگان عظام نواب والا و نواده ها و اخوان و اعمام بزرگ سلطنت نواب به تنهائى خواهد شد — الله قلى میرزا ایلخانى به اعطای یک ثوب سردارى از

جامه‌خانه خاص مخلع گردید — یک ثوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه به افتخار اعتضادالملک حکمران سمنان و دامغان اعطا و ارسال سمنان فرمودند — دوشنبه بیستم شوال موکب همایون از شهرستانک تشریف‌فرمای قصر صاحب‌قرائیه شد — اوقات تابستان را به رسم هر سال اردوی نظامی مرتب از تمام قشون ساخلو دارالخلافة طهران در بالای قصر قاجار نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ با کمال نظم و آراستگی تشکیل و ترتیب داده بودند — بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری ایدالله جیشه بعد از مراجعت از سفر بیلاق یک روز به اردوی مزبور تشریف‌فرما شده به اقتضای کمال خرسندی از نظم اردو و ترقی مشق افواج و سواره یک قبضه قداره مکمل به الماس از دست مبارک به نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند — میرزا یوسف نوری لشکرنویس ولد مرحوم میرزا محمدحسین که آن مرحوم در اوایل دولت خاقان مغفور تا اواسط دولت شاهنشاه مبرور به وزارت و حکومت ولایات مأمور می‌شد و در اواخر عمرش سه چهار سال در جزو مستوفیان دیوان اعلی منسلک بود بعد از فوت او منصب استیفا موافق فرمان شاهنشاه ماضی محمدشاه غازی طاب الله ثراه به میرزا یوسف مرحمت شد تا در اوایل این دولت روزافزون که مدرسه مبارکه دارالفنون ایجاد گردید مرحوم میرزا آقاخان صدراعظم خواست یکی از ارباب قلم که از اهل کمال باشد رتق و فتق عمل مدرسه دارالفنون را کفیل شود میرزا یوسف را انتخاب کرده امور مدرسه را به او رجوع نمود و چون مدرسه دارالفنون مدرسه نظامی بود موافق فرمان مبارک منصب لشکرنویسی دیوان اعلی به او مرحمت شد و تا بیست سال با صدق و راست قلمی به امور مدرسه رسیدگی می‌نمود تا در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج از عمل مدرسه استعفا کرده در عوض عمل چند فوج و چند دسته سوار به او رجوع شد به علاوه مقرر گردید در مجلس شورای عسکریه حاضر شده به امور آنجا رسیدگی کند و دو سال قبل مقرر شد که نیز از اجزای مجلس ترقیات قشونی باشد و در هذ السنه بعلاوه آنها جزء اجزاء امتیازات قشونی گردید — تنبیه کردن ساعدالدوله حکمران استرآباد کسان قلیچ‌خان ترکمان را که دست به شرارت و هرزگی دراز کرده بودند در حوالی آق‌قلعه استرآباد — فرار شیخ عبیدالله گُرد از اسلامبول و آمدن

به خانه خود برای تجدید فتنه و اغتشاش در سرحدات آذربایجان و دوباره مأمور شدن مأمورین دولت عثمانی برای اخذ و تبعید او از سرحد و فرستادن به اقصی بلاد عثمانی — شیوع و شدت درد گلو و مرض نوبه در مرتد آذربایجان و رفع آن — میرزا احمدخان سرتیپ اول ولد امیرنظام حامل یک زوج سردوشی مرصع از طرف قرین الشرف همایون به افتخار نواب والا ولیعهد گردونمهد دولت علیه و نشان مرصع امیرنویانی اعظم با حمایل آن به جهت امیرنظام وزیر دربار اعظم شده روانه آذربایجان گردید — سلیمان پاشا مأمور مخصوص دولت علیه عثمانی که حامل هدیه گرانبھائی و نامه مخصوصی از قبل اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان بود در ماه ذیقعدہ وارد دارالخلافه شده و شرفیاب حضور مبارک گردید منزل معزی الیه مثل سفر سابق در باغ لاله زار و مهماندار او نیز بنده مؤلف بود — مسجد رفیع البناى حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم مرحوم را که معروف به مسجد سلطانی و در جنب باغ آن مرحوم بنا شده است به امر همایون ملوکانه مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم از وجوه خود آن مرحوم سریعاً مشغول اتمام است — زمین وسیع وسط میدان اسب دوانی را که به طور تدویر و نیم فرسخ تمام محیط آن است و سابقاً از اراضی خشک لم یزرع بود به امر دولت و مراقبت امین السلطان وزیر خزانہ و گمرک و غیره قناتی که متجاوز از چهارسنگ آب دارد برای شرب آنجا جاری و احداث و در ظرف ششماه آنجا را مشجر و آباد و باغی در کمال حضرت و صفا نموده موسوم به باغ شاه کردند و عمارتی عالی در طرف شمالی این باغ واقع است که منظر به باغ دارد — موکب همایون از صاحبقرانیه تشریف فرمای سلطنت آباد شد — شب شنبه سلخ ذی القعدہ علاءالدوله امیرنظام در ارومی به مرض سکتہ مرحوم شد — میرزا احمدخان ولد آن مرحوم را به لقب علاءالدوله ملقب فرمودند — حسنعلی خان وزیر فواید به ریاست قشون آذربایجان و میرزا رضای صدیق الدوله به رسیدگی امور مالیاتی و داخله آن مملکت منصوب و مأمور شده و خود نواب والا ولیعهد گردونمهد من بعد جمیع امور آن مملکت را مستقلاً اداره می نمایند — هم در این سال به مباشرت امین السلطان وزیر خزانہ و گمرک و غیره عمارات و بیوت متعدده اندرونی سلطنتی را که کهنه و قدیم شده بود در ظرف شش هفت ماه تماماً از بنیاد

خراب کرده و به جای آنها عمارت و حیاطی بسیار عالی و وسیع و باشکوه که حیاط آن یکصد و بیست ذرع طول و یکصد و دو ذرع عرض و چهار سمت آن دومرتبه عمارت و مشتمل بر حوضها و جداول متعدده است و زوایای آن نیز خلوتها و حیاطهای کوچک خوش وضع متعدد دارد تماماً با آجر و صابون و گچ و سنگ بنا کرده و به اتمام رساندند — تلگرافخانه عالی خوبی نیز در جنب خیابان ناصریه در جوار مدرسه مبارکه دارالفنون که مشتمل بر منازل متعدده فوقانی و تحتانی است از وجوه دولت به مباشرت مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف ممالک محروسه بنا شد — خیابانی وسیع و عالی نیز از طرف شرقی باب همایون به خیابان ناصریه ساخته و مفتوح گردید — حکومت دهخوارقان از طرف نواب والا ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان به حاجی حسامالدوله مفوض شد — صاحبمنصبان جدیدی که به ریاست کلنل چارکووسکوی به جهت مشق سواره سبک قزاق از دولت بهیة روس خواسته بودند وارد دارالخلافه شده به توسط نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ به حضور همایون مشرف و معرفی شدند — سلیمان پاشا مأمور مخصوص دولت علیه عثمانی هنگام مرخصی و مراجعت به اسلامبول به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول مکمل به الماس و همراهان معزی الیه نیز به نشانهای امتیاز سرافراز شدند — حسنعلی خان وزیر فواید به لقب سالار عسکری و یک قبضه شمشیر مرصع و ریاست قشون مملکت آذربایجان منصوب و مفتخر گردید — میرزا رضای صدیق الدوله به یک ثوب جبّه شمس مرصع و خطاب جنابی و وزارت مالیه و داخله آذربایجان سرافراز شد — امین لشکر به منصب وزارت فواید عاقله مفتخر گردید — معزالدوله بهرام میرزا از اعمام عظام سلطنت شب یکشنبه هشتم ذیحجه الحرام به مرض فجأة به رحمت الهی پیوست — برحسب امر و اراده علیه همایونی مجلس امتیازی به جهت ترقیات و ترفیع مناصب و اعطای امتیازات به افراد عساکر منصوره نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ مرکب از وزیر لشکر و امرای تومان و صاحبمنصبان بزرگ عسکریه و غیرهم ترتیب و تشکیل دادند — روزنامه موسوم به ایران که از ابتدای ریاست این بنده مؤلف تا این سال در زیر سایه سلطنت سئیه همایونی به نمره پانصد رسیده بود برحسب رسم میمون اروپا

پانصد نمره را در یک مجلد جلد کرده تقدیم خاکهای مبارک داشته دستخطی مبنی بر اظهار کمال مرحمت و رضایت به افتخار این بنده شرفصدور یافت — ابنیه دیوانی و دولتی شهر کرمانشاهان را ناصرالملک حکمران کرمانشهان و کردستان به امر دولت و اجازت مخصوص نواب والا ظلّ السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها مرمت و تعمیر کامل کرد — موکب همایون در این اوان مقیم و تشریف فرمای عشرت آباد است — از ترتیبات جدیده که با تأکیدات اکیده ملوکانه در امور دولت مرتب و مؤکد شده این است که وزرای مشغول را از قرار تفصیل ذیل در مشاغل و اعمال خودشان مسئولیت کلیه داده و حدود تکالیف آنها را معین فرموده ایشان را وزرای مسئول خواندند: (نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ)، (جناب آقا رئیس وزرا وزیر داخله و مالیه)، (مؤمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه)، (مشیرالدوله وزیر عدلیه عظمی)، (امین السلطان وزیر دربار اعظم و خزانه و گمرک)، (امین الدوله مدیر مجلس وزراء و وزیر وظایف و اوقاف و پست)، (نظام الملک وزیر دفتر لشکر)، (نصیرالدوله وزیر فلاح و تجارت)، (مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف و معادن)، (میرزا قهرمان امین لشکر وزیر فواید عاقله)، (امین حضور وزیر بقایا)، (جهانگیرخان وزیر صنایع)، (صنیع الدوله (بنده مؤلف) وزیر انطباعات و دارالترجمه خاصه) — به جهت مزید ترویج کارخانه های شال ترمه بافی ایران از غره محرم سنه هزار و سیصد غدغن دولتی شد که تمام خلاعی که از صندوقخانه مبارکه مرحمت می شود بلااستثنا شال کرمانی باشد — موکب همایون صاحبقرانی یکباره از عشرت آباد تشریف فرمای عمارت زمستانی سلطنتی شهر شد — تکیه دولت را با کمال شکوه بسته در دهه عاشورا شب و روز مشغول روضه و تعزیه حضرت خامس آل عبا صلوات الله علیه هستند — ایام هفته به ترتیب ذیل برای رسیدگی ذات همایون ملوکانه به مشاغل و امور دولتی تقسیم شد — شنبه مطالب وزارت عدلیه و علوم و معادن و تلگراف و تجارت و فلاح — یکشنبه مطالب وزارت جنگ و دفتر لشکر و وزارت صنایع — دوشنبه تعطیل — سه شنبه مطالب وزارت داخله و مالیه و دفتر استیفا و وزارت بقایا و وزارت خزانه و دربار و

گمرک و غیره — چهارشنبه وزارت خارجه و وزارت وظایف و اوقاف و غیره و وزارت انطباعات و وزارت فواید — پنجشنبه مخصوص به احضار وزراء و شاهزادگان است — جمعه تعطیل — نواب والا ظلّ السلطان حکمران اصفهان و فارس ریزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها به رسم معمول همه ساله برای شرف اندوزی حضور همایون از مقرّ حکومت عزیمت دارالخلافه فرموده در ماه محرم وارد و شرفیاب حضور مبارک شدند و جمعی از اعیان حوزه حکومت و فرمانفرمائی خودشان را نیز شرفیاب خاکپای مبارک نموده معرفی کردند — اجزای جمیع وزارتخانه های جلیله نیز حسب الامر هر روزی دسته ای به توسط مدیر و وزیر آن اداره و وزارتخانه به حضور همایون شاهنشاهی مشرف و معرفی شدند — غدغن و منع رواج و داد و ستد اسکناس در تمام ممالک محروسه از طرف وزارت تجارت — و نیز منع طرح و نقش و رنگ فرنگی در قالی ایران که موجب نارواچی آن شده است از جانب وزارت مزبوره — ایجاد روزنامه مصور موسوم به شرف از اوّل محرم سنه هزار و سیصد به توسط بنده مؤلف — جشن عید مولود مسعود همایونی را در شب و روز ششم صفرالمظفر نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ کاملاً گرفتند و در پیشگاه حضور مبارک انعقاد سلام خاص و عام شد جمیع سلاطین دول معظمه متحابه تلگرامهای تبریک و تهنیت گفتند و از طرف همایون ملوکانه جوابهای مقتضی داده شد در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن کامل گرفتند — بندگان همایون به شکارگاه جاجرود تشریف فرما شده پس از ده شبانه روز اقامت رجعت به مقر سلطنت فرمودند پلنگی قوی نیز در این سفر صید شست مبارک شد — شدت و شیوع مرض درد گلو و آبله در کرمان و بلوچستان — حاجی ابوالحسن رئیس معماران به توسط و استدعای امین السلطان وزیر دربار اعظم به منصب معمارباشیگری سرافراز گردید — شنبه هفدهم ربیع الاول که عید ولادت باسعادت حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اجمعین است مراسم انعقاد سلام در تالار بلور و جشن و تبریک کاملاً مرعی شد — از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی یک قطعه نشان درجه اوّل عثمانیه مکمل به الماس با حمایل مخصوص آن محض مزید اعزاز نواب والا

ظلّ السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها واصل دربار همایون گردید — اللهقلی خان ایلیخانی به اعطای یک قبضه عصای مرقع مفتخر شد — میرزا یوسف خان مستشارالدوله به یک ثوب سرداری ترمه ایزانی مخّلع گشت — دکتر میرزا حسین خان ولد میرزا یوسف خان مستشارالدوله که فارغ التحصیل از لندن مراجعت کرده بود در سلک اطباء حضور مبارک منسلک گردید — میرزا ابراهیم خان سهام الدوله سرتیپ اول برحسب استدعای نواب والا نایب السلطنة امیرکبیر وزیر جنگ به حکومت ایالت مازندران منصوب شد و نیز برحسب استدعای نواب والا شاهنشاهزاده معظم له عبدالله خان والی حکمران ایالت گیلان و طوالش به خطاب جنابی نایل گردید — در ترتیب اطاق موزه همایونی شمشیری از عبدالله بن زبیر ملاحظه شد که چند کتیبه داشت: کتیبه اول (امیر عبدالله بن زبیر)، کتیبه دوم (عمل بهادر)، کتیبه سیم (مختار بن ابی عبید ثقفی)، کتیبه چهارم (امیر تیمور گورکانی)، کتیبه پنجم (بنده شاه ولایت صفی)، کتیبه ششم (هلال یکشبه مهر ذوالفقار علی به دست شاه سلیمان چو ذوالفقار علی)، و این شمشیر را که از نفایس عالم است مرحوم طهماسب میرزای مؤیدالدوله در زمانی تقدیم حضور مبارک شهریار داشت است — نواب حاجی حسام السلطنة سلطان مراد میرزا به حکومت ایالتین خراسان و سیستان منصوب گردیدند — میرزا محمدعلی خان مستوفی ولد قوام الدوله به لقب معاون الملکی ملقب شد — عبدالحسین خان سرتیپ ولد مرحوم خانبا باخان سردار ملقب به فخرالملک گردید — شنبه شانزدهم ربیع الثانی آقا سیدصادق مجتهد از اجله علمای اثنی عشریه داعی حق را لبیک اجابت گفته به جوار رحمت حق شتافت — روز بیست و سیم ربیع الثانی بندگان اعلیحضرت همایون صاحبقرانی تشریف فرمای منزل نواب والا ظلّ السلطان شدند — روز دوم جمادی الاولی شاهزاده حاجی حسام السلطنة به رحمت الهی پیوست — حکومت و فرمانفرمائی ایالتین خراسان و سیستان دوباره به نواب رکن الدوله تفویض شد — کتابی مشتمل بر لغت همیم فرانسه یعنی الفاظ متشابهه با ترجمه فارسی این بنده نگارنده جمع و تألیف نموده به طبع رسانید.

(چین) — شورش سخنی در مملکت کره روی می دهد و ملکه و اولاد او کشته می شوند پادشاه فرار می کند و جمعی مقتول می گردند — دولت ژاپن سفاین جنگی و قشون به این مملکت می فرستد.

اروپا — (آستریه) — مابین اطریش و افلاق بغداد و سرببی کدورتست — دولت انگلیس میان اطریش و افلاق بغداد میانجی است — در هشتم ماه دسامبر حرق در تماشاخانه رینگ در وینه زیاده از هزار نفر را تلف نمود — بروز شورش در ایالات هرسک و بسنی و شکست دادن یاغیان عساکر اطریش را — سخت شدن شورش ایالتین مزبورترین — عساکر اطریش از یاغیان شکستهای سخت می خورند — یاغیهای هرسک مایل به اصلاح هستند — برای رفع شورش اهالی کریسوسی دولت بیست و چهار ملیون فلرن استقراض می نماید — دولت اطریش در هرزگوین و بسنی قشون می گیرد — در شهر ایشل اعلیحضرت امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور آلمان ملاقات می نمایند — از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان امتیاز از برای اعلیحضرت امپراطور اطریش ارسال می شود — مسافرت اعلیحضرت امپراطور به تریست برای تماشای اکسپوزیسیون — نواب ولیمهد اطریش به ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان به برلن می رود وزیر خارجه روس در ماه ژانویه وارد این مملکت می شود. (اسپانیا) — مطبوعات این مملکت چند روز بسته شد به قسمی که در این چند روز در تمام مملکت اسپانیول نشر روزنامه نشد — انعقاد عهد تجارت فیما بین این دولت و دولت فرانسه — تولد دختری از ملکه اسپانیا. (آلمان) — به جهت دوستی این دولت با دولت عثمانی ژنرال رادریویل حامل نشان از طرف اعلیحضرت امپراطور آلمان برای اعلیحضرت سلطان عثمانی شد — سفیری از جانب دولت آلمان به رم پایتخت ایتالیا رفته مراوداتی که سابقاً با پاپ در کار بود و چندگاهی مقطوع گردیده مجدداً برقرار می نماید و التیامی فیما بین حاصل می شود — افتتاح مجلس پارلمنت آلمان — مجادله وکلای ملت با وزرا در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که می خواهد بیع و شرای دخانیات را خاصه دولت کند — با وجود خطبه پرنس بیزمارک در مسئله دخانیات وکلای ملت قبول

نمی کنند که بیع و شرای آن مخصوص دولت باشد — مسافرت اعلیحضرت امپراطور به امس — رفتن آن اعلیحضرت به پرسلو — جمعیت آلمان در این سال از این قرار است: پنجاه و شش کرور و سیصد و چهل هزار پرتستان، و سی و دو کرور و دویست و سی و چهار هزار کاتولیک، و یک کرور و شصت هزار یهود، و سی هزار نفر از ادیان مختله، و هفتاد و سه هزار نفر بی مذهب — پرنس شارل برادر اعلیحضرت امپراطور فوت می شود. (انگلیس) — شورش سخت در ارلند و سوزانیدن یاغیها اکثر ابنیه دولتی را — موافق توجیهی که اعیان پیش خود نمودند معادل شش کرور تومان وجه نقد حاضر کرده به رسم اعانت برای یهودیهائی که در مملکت روس طرف صدمه شده بودند می فرستند — در ارلند شورش بر ضد دولت رو به تزايد است و هر روز چند قتل نفس اتفاق می افتد — دیوانه ای به طرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان طپانچه خالی می کند بدون اینکه گلوله به اعلیحضرت معظم لها بخورد — مسافرت اعلیحضرت معظم لها به فرنگ و مراجعت به انگلیس — منصوب شدن لرد اسپانسر به فرمانفرمائی ارلند — لرد گوندیش فرمانفرمای ارلند و بورک وزیرش در شهر دُوبلن پایتخ ارلند به دست طاغیان مقتول می گردد — سفاین جنگی انگلیس به همراهی کشتیهای جنگی فرانسه به طرف مصر حرکت می کنند که خدیو را از شرّ عراقی پاشا حفظ نمایند — امیرال سیمور سردار سفاین جنگی انگلیس مصریها را تهدید می کند که اگر دست از ساختن استحکامات نکشند شهر اسکندریه را گلوله باران خواهد کرد — سیتوائو پادشاه سابق زلوس وارد انگلیس می شود و با تشریفات زیاد او را می پذیرند — انقلاب ارلند و شورش اشرار برقرار است — شورش مردم بر ضدّ نجبا و ملاکین — پلیس که مأمور به حفظ مردم و گرفتن مقصرین بوده بیشتر مردم را به جنایت جسور می نماید — مجلس کنفرانس دول معظمه راجع به کشتیرانی در رودخانه دانوب در لندن منعقد می شود — امیرال سیمور از مصر به انگلیس معاودت می نماید — یکی از ابنیه سلطنتی را در نزدیکی پارلمنت معاندین دولت آتش می زنند. (ایطالیا) — فوت گاریبالدی معروف — جمعیت ایطالیا در این سال پنجاه و هفت کرور و چهارصد و پنجاه و دوهزار نفر و کسری است — طغیان آب و خرابی زیاد و

خسارت کلی مردم در ورن و ایالت ونیز. (افلاق بغداد) — پادشاه افلاق بغداد از اعلیحضرت امپراطور اطریش ترضیه می خواهد. (بلژیک) — افتتاح مجلس پارلمنت. (پرتوغال) — جمعی از خدمه عمارت سلطنتی به تهمت اینکه درصدد مسموم کردن پادشاه هستند محبوس می شوند — اعلیحضرت پادشاه اسپانیول و ملکه وارد لیزبن پایتخت پرتوغال می شوند. (روس) — پانزده نفر از نیهیلیستها خود را به لباس قشونی ملبس کرده خواستند به عمارت سلطنتی ورود نموده اعلیحضرت امپراطور را به قتل رسانند آنها را گرفته حبس نمودند — یک نفر ژنرال و چند نفر صاحب منصب که متهم به نیهیلیستی هستند محبوس شدند — شهر گرنشتاد بندر نظامی روس را نیهیلیستها آتش می زنند — ژنرال اسکبلف سردار روس که در پاریس است خطبه بر ضد دولت آلمان می خواند و این خطبه به آلمان خیلی مؤثر می شود و اسباب تغیر زیاد در آلمان و اطریش بر ضد روس می شود — انکشاف حال جمعی از نیهیلیستها که مصمم قتل اعلیحضرت امپراطور هستند — حکم به قتل پانزده نفر از نیهیلیستها صادر می شود — هشتصد نفر از اشخاصی که سوءظن در حق آنها داشتند از مسکو اخراج شدند — تماشاخانه لیوادیاد را آتش خراب می کند — مسیو دگیرس به جای پرنس کرچاکف که از وزارت خارجه استعفا کرده بود برقرار و وزیر امور خارجه می شود — اذیت کردن اهالی روس به عموم طایفه یهود که در این مملکت سکنی داشتند — فوت ژنرال گفمان حکمران ترکستان — افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در مسکو — گت تلتسوا به جای کنت اگناتیف به وزارت داخله منصوب می گردد — جمعیت زیادی از نیهیلیست محبوس می شوند — فوت ژنرال اسکبلف سردار معروف — اعلیحضرت امپراطور روس لقب پادشاهی ترکستان را به القاب سلطنتی خود الحاق می کنند — وزیر امور خارجه روس سفری به آلمان می نماید و مقصود از این مسافرت اتحاد بین دولتین است — پرنس کرچاکف صدراعظم این دولت در شهر باذن باد وفات نمود. (سربی) — این ایالت خود را سلطنت و والی خود را پادشاه می خواند — اعلیحضرت پادشاه سرب به وینه می رود — زوجه یکی از مقصرین که شوهر او را به حکم دولت مقتول نموده اند در کلیسا طپانچه ای به اعلیحضرت پادشاه خالی می کند ولی به ایشان نمی خورد —

پرنس میلان پادشاه سربستان افتتاح مجلس پارلمنت می نماید. (شود و ثروز) — دختر اعلیحضرت پادشاه که ولیعهد است پسری می زاید که موسوم به اُسکار می شود. (سوس) — افتتاح رسمی معبرتن گتارشد. (عثمانی) — شورش سخت در سودان — بروز زلزله شدید در اناطولی — شورش اعراب در یمن بر ضد دولت عثمانی — اتباع کردن دولت عثمانی اسلحه زیادی از آمریکا — عبدالرحمن پاشا به جای سعیدپاشا صدراعظم می شود — سعیدپاشا به وزارت خارجه برقرار می گردد — انقلابات سخت در شامات خاصه در بیروت — اعلیحضرت سلطان یاغیگری عربی پاشا را اعلان می کنند — انگلیس به بهانه اینکه این اعلان دیر شده است قبول فرستادن قشون عثمانی را به مصر نمی نماید — روز سیزدهم ماه نوامبر که مقارن غرة محرم است عیدی که روز اول سال اول مائه چهاردهم هجری است با تشریفات زیاد گرفته می شود — صدارت سعیدپاشا و وزارت خارجه عارفی پاشا. (فرانسه) — مسیو گامبتا صدراعظم و وزرای دایره او معزول و فریسینه به صدارت منصوب شد — فریسینه از وزارت امور خارجه معزول می شود — وزرای تازه به ریاست مسیو دوکلیر تعیین می شوند — قطع مراوده سفرای ماداگاسکر — فوت گامبتا از رجال معروف دولت فرانسه — کنت ولغان سفیر کبیر اطیش مقیم فرانسه خود را می کشد — ژنرال شانزی از سردارهای معروف فرانسه فوت می شود — پرنس ناپلیون اعلانی در حقوق سلطنت خود طبع و منتشر نموده لهذا به حکم دولت محبوس می گردد — ژول فری صدراعظم می شود — در یکی از میدانهای شهر پاریس شورش عظیمی شده و شورشیان مصمم می شوند که به عمارت رئیس خزانه وارد شوند ولی به زور اسلحه متفرق می گردند. (منتنگرو) — والی منتنگرو به پطرزبورغ و وینه می رود. (هلاند) — طغیان آب که اسباب خرابی می شود — وزراء استعفا می کنند. (یونان) — تلاقی عساکر عثمانی و یونان در سرحد تسالی — معاهده سرحدی این دولت با دولت عثمانی — راه آهن یونان وصل به راه آهن عثمانی می شود — عساکر یونان عبارت از بیست و یک هزار و سیصد و هشتاد و نه نفر پیاده، و هشت هزار و شصت و هشت نفر توپچی، و سه هزار و سیصد و نوزده نفر مخبران، و چهار هزار و صد و پنجاه و چهار نفر احتساب، و هزار و ششصد و شصت

و پنج نفر صاحب منصب است — مسیو کمانروس صدراعظم یونان وفات می نماید.

افریقا — (تونس) — شهر قفسه به تصرف عساکر فرانسه در می آید — طیب بیک برادر محمدصادق بیک والی تونس به حکم والی محبوس می شود — فوت محمدصادق بیک والی تونس در بیست و هشتم اکتبر و جلوس برادرش علی بیک به جای او. (زولولاند) — سیتوایو که در لندن سیاحت می کرد مستقلاً به سلطنت زلوس معاودت می کند. (مصر) — بروز وبا در مصر — تجدید شورش اهالی قشون بر ضد خدیو — شورای نظامی سیزده نفر از صاحبمنصبان قشون را که بر ضد احمد عربی پاشا بودند اخراج بلد می کند — وزرا و کلای ملت را بدون استحضار خدیو احضار می نمایند و به فرنگیها اعلان می کنند که جان و مال آنها در امانست — و اگر از دول خارجه دولتی بخواهد در امور داخله مصر مداخله کند اهالی مصر بر ضد آن دولت اقدامات خواهد نمود — سفاین جنگی فرانسه و انگلیس به محاذی اسکندریه ورود کرده و عربی پاشا حکم به ساختن استحکامات در ساحل می دهد — قونسولهای فرانسه و انگلیس جلای وطن عربی پاشا را از مصر می طلبند — ورود درویش پاشا از جانب اعلیحضرت سلطان به قاهره برای استمزاج وضع مصریها — اظهار خدیو به درویش پاشا که سازش مابین او و عربی پاشا غیرممکن است — شورش مردم در اسکندریه و قتل جمعی از فرنگیها — اجماع سفرا در مجلس مخصوصی در اسلامبول برای قرارداد امور مصر — درویش پاشا صاحبمنصبان یاغی مصر را جمع کرده به آنها تبعیت سلطان را تکلیف می کند — قونسولهای فرنگ مصمم بیرون رفتن از مصر می باشند — در دهم ژویه سفاین جنگی انگلیس بنای گلوله ریزی را به شهر اسکندریه می گذارند و بعد از دوازده ساعت تمام قلعه جات اسکندریه به تصرف عساکر انگلیس درآمده در اغلب نقاط شهر یانقین بروز می کند — خدیو مصر به قصر رأس الطین پناه برده برای حفظ خود از عساکر انگلیس کمک می طلبد — عربی پاشا در حوالی اسکندریه اردوی خود را متحصن می سازد و پس از چند روز با قشون زیاد به تل الکبیر رفته متحصن می گردد — دولت عثمانی به جهت تنظیمات مصمم فرستادن قشون به مصر می باشد — اما انگلیس

جداً این مطلب را رد کرده می گوید مادامی که عثمانی عربی پاشا را یاغی نشناسد قشون عثمانی به مصر راه نخواهد داشت — انگلیسها ابوقیر را گلوله باران کرده متصرف می شوند — شریف پاشا به صدارت منصوب می شود — سفاین جنگی انگلیس بغاز سوئز را تصرف می نمایند — جنگ عساکر انگلیس در کاساسن و فتوحات انگلیس — ژنرال وُلشلی با قشون زیاد به طرف تَلّ الکبیر حرکت می کند، و روز سیزدهم سپتامبر با عساکر عربی پاشا تلاقی می نماید و شکست سختی به او می دهد — عربی پاشا به زقازیق می گریزد — روز چهاردهم و پانزدهم عساکر انگلیس بی زحمت و مانعی وارد قاهره می شوند — عربی پاشا که فرار کرده بود محبوس می شود — بیست و سیم خدیو وارد قاهره می گردد و عساکر انگلیس به اوطان خود معاودت می نمایند — در جنگ انگلیسها با عربی پاشا استعداد عساکر عربی پاشا چهل و چهار هزار پیاده، و هیجده هزار سواره، و چهل هزار عرب بدوی، و صد و چهل و سه عرّاده توپ بوده و قشون انگلیس تقریباً چهل هزار نفر می شدند — ژنرال وُلشلی با صاحب منصبان دایره خود از مصر به انگلیس می رود — شکست عساکر مصری از متهمدی — ورود لرد دوفرن ایلچی کبیر انگلیس به مصر — حکم قتل عربی پاشا از مجلس استنطاق صادر می شود و به توسط انگلیس خدیو از قتل او گذشته او را تحت الحفظ به جزیره سیلان می برند.

آمریکا — (اتانونی) — از اتانونی سفیری به ایران مأمور می شود — ظغیان آب در شهر سنسیناتی جمعیتی کثیر را غرق و شهر را خراب می کند. (برزیل) — افتتاح مجلس پارلمنت. (پرو) — منازعه مابین جمهوری پرو و جمهوری شیلی مجدداً شروع می شود. (شیلی) — عهد مصالحه مابین شیلی و بلیوی. (کستاریکا) — در ناحیه کستاریکا زلزله هشت شهر را خراب کرده چندین هزار نفس تلف شدند.

اعلان به عموم مطالعه کنندگان این کتاب

از ابتدای نگارش و تألیف این کتاب که تقریباً از هفده هیجده ماه قبل باشد به واسطه روزنامه جات به عموم چاکران آستان همایون و رجال و ارکان دولت

قوشوکت روزافزون اعلاء و اعلان نمودیم که شرح مناصب و امتیازات و القاب و شئوناتی که از دربار مقدس به آنها اعطا شده صورت صحیح آن را به دارالطباعه مبارکه ایصال دارند تا در کتاب درج و اسباب نشر مفاخر آنها گردد نیز امتیازاتی که آبا و اجداد آنها از سلاطین تاجدار سلسله علیّه قاجار به واسطه خدمات صادقانه دریافت نموده و به اعطای آن مباحی گردیده اند و نشر و انتشار آن وسیله افتخار اعقابست شرح و صورت آنرا داده تا در کتاب منطبع و اسباب مزیت اعتبار ایشان شود بعضی صورت دادند و ثبت شد. پس اگر برخی اهمال یا استنکاف نموده باشند و امتیازی از امتیازات آنها ترک و حذف و مسکوت عنه مانده باشد حق شکایت و گله نخواهند داشت. با آنکه نگارنده از فرط تصفّح کتب و روزنامه جات و اسناد و اوراق تاریخی و حکایات و روایات دقیقه ای فروگذار ننمود و جهد وافی مبذول داشت تا کتاب حاوی و جامع تمامی سیر و کاشف کلیّه اخبار این دولت جاوید آثار ادام الله بقائها باشد و در هر صورت هرگونه لغزشی که از حذف و سهو و غیره رفته باشد از مطالعه کنندگان طلب عفو و اغماض می نماید چه انسان از سهو و نسیان مصون نیست و ستر زلات از مکارم اخلاق و اوصاف و شیوه مرضیه صاحبان درایت و انصافست. والسلام علی من اتبع الهدی.

جلد سوّم کتاب مستطاب منتظم ناصری مشتمل بر تاریخ سلطنت و جهانبنانی سلسله علیّه قاجاریه — ابقی الله ملکهم و دولتهم بقاء الدهر — از بدایت ظهور این دولت خورشید آیت و زمان تمکّن و جلوس این سلسله علیّه بر سریر سلطنت بالاستحقاق که سال یک هزار و صد و نود و چهار از هجرت مقدسه بوده با خلاصه و منتخب وقایع و حوادث عظیمه تمام اقطار عالم که سال به سال اتفاق افتاده است الی یومنا هذا، یعنی تا دهم ماه جمادی الاولی سال یک هزار و سیصد هجری که ختم السنه یونت [نیل] سعادت دلیل ترکی و از سنین میمنت قرین قرن ثانی سلطنت و جهانبنانی بندگان اعلیحضرت قدر قدرت قوشوکت اقدس همایونی صاحبقرانی — شید الله تعالی دعائم ملکه و سلطنته — است. از مؤلفات شریفه جناب جلالت نصاب محمّد حسن خان صنیع الدوله وزیر انطباعات دولت علیّه و مترجم مخصوص حضور آفتاب ظهور همایون شهر یاری و رئیس دارالترجمه خاصه

دولتی به اتمام رسید و به زیور طبع متحلی گردید — بعون الله تعالی و حسن توفیقه.

بحمد الله تعالی

و حسن توفیقه تمام شد جلد سیم

کتاب مستطاب منتظم ناصری در روز غرة شوال المکرم

سنه هزار و سیصد هجری و از قلم شکسته غریق بحر گنه و معاصی

و آرزومند بخشش و الطاف شبحانی ابن مرحوم میرزا

سید محمدرضا احمد الطباطبائی الاردستانی

تحریر یافت فی سنه ۱۳۰۰

عن عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم
 قال: من كان له دين عليه فليؤدبه، ومن كان عليه دين
 فليؤدبه، ومن كان له دين عليه فليؤدبه، ومن كان عليه دين
 فليؤدبه.

[illegible]

[illegible]

سلطنت عظمیٰ

جلوس مبارک بر تختگاه سلطنت
در دارالخلافت ناصری

در شب شنبه بیست و دویم شهر ذیقعدة
الحرام سنه هزار و دویت و شصت و
چهار که الحال سی و شش سال تمام
است بالاستقلال مع الشوكة و العظمة و
الاجلال سلطنت و جهانبانی
می فرمایند.

ابناء سلطنت

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم
ولیعهد دولت جاوید مهد مظفرالذین میرزا
ادام الله اقباله العالی.

تولد: روز جمعه چهاردهم شهر
جمادی الثانی سنه یک هزار و دویت و
شصت و نه من الهجرة المقدسة.

نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه
سلطان مسعود میرزا ادام الله اقباله

السلطان بن السلطان بن السلطان و
الخاقان بن الخاقان بن الخاقان
ناصرالدین شاه صاحبقران بن محمد شاه
بن ولیعهد عباس میرزا بن خاقان
فتحعلی شاه بن حسینقلی شاه بن سلطان
محمد حسن شاه بن سلطان فتحعلی خان
بن امیر شاه قلی خان بن محمد ولی خان
بن مهدی خان بن محمد قلی خان قاجار
خلد الله ملکه و دولته.

تولد همایون

شب سه شنبه ششم صفر المظفر سنه
یک هزار و دویت و چهل و هفت من
الهجرة المقدسة النبویة (ص).

جلوس همایون بر تخت سلطنت

روز یکشنبه هیجدهم شهر شوال المکرم
سنه یک هزار و دویت و شصت و چهار
در دارالسلطنة تبریز.

العالی.

نواب والا سلطان محمود میرزا.

تولد: یوم بیستم شهر صفر المظفر سنه
یکهزار و دویست و شصت و شش
من الهجرة.

تولد در سنه ۱۲۹۹.

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر
وزیر جنگ دولت علیّه کامران میرزا
ادام الله اقباله العالی.

نواب والا مهدیقلی میرزا

بنات سلطنت

تولد: روز نوزدهم شهر ذیقعده الحرام سنه
یکهزار و دویست و هفتاد و دو
من الهجرة.

نواب علیّه عالیّه فخرالملوک

تولد در سنه ۱۲۶۳

نواب اشرف والا نصرت الدین میرزا.

نواب علیّه عالیّه عصمت الدوله

تولد در سنه ۱۲۷۲

تولد: روز دوشنبه سیزدهم جمادی الثانیه
سنه ۱۲۹۹

نواب علیّه عالیّه افسرالدوله

تولد در سنه ۱۲۷۵

نواب علیّه عالیّه والیه

تولد در سنه ۱۲۷۵

نواده های سلطنت

نواب علیّه عالیّه ضیاء السلطنه

تولد در سنه ۱۲۷۲

اولاد نواب اشرف والا ولیعهد

نواب والا اعتضاد السلطنه محمد علی
میرزا.

نواب علیّه عالیّه افتخارالدوله

تولد در سنه ۱۲۷۳

تولد: یوم چهاردهم ربیع الثانی سنه
۱۲۸۹.

نواب علیّه عالیّه فخرالدوله

تولد در سنه ۱۲۷۸

نواب والا ملک منصور میرزا.

نواب علیّه عالیّه فروغ الدوله.

تولد در سنه ۱۲۷۹

نواب والا ابوالفتح میرزا.

نواب علیّه عالیّه ایران الملوک

تولد در سنه ۱۲۹۸

اولاد نواب اشرف والا ظل السلطان

نواب والا جلال الدوله سلطان حسین
میرزا.

نواب علیّه عالیّه اخترالدوله

تولد در سنه ۱۲۹۸

تولد: در سنه ۱۲۹۵.

نواب حشمت السلطنة بديع الملك ميرزا —
 نواب مؤيد الدولة ابوالفتح ميرزا —
 نواب ناصر الدولة سلطان حميد ميرزا —
 نواب حشمت الدولة عبدالله ميرزا —
 نواب حاجي بهاء الدولة ساسان ميرزا —
 نواب عميد الدولة كيومرث ميرزا —
 احتشام السلطنة ابراهيم ميرزا —
 معز الدولة اسمعيل ميرزا —
 شعاع السلطنة ذبيح الله ميرزا —
 حاجي حسام السلطنة ابوالنصر ميرزا —
 ضياء الدولة انوشيروان ميرزا —
 سهام الملك مهديقلي ميرزا —
 شعاع الدولة حاجي سليمان ميرزا —
 سيف الدولة سلطان محمد ميرزا ژنرال
 آجودان مخصوص حضور مبارك —
 سيف الملك وجيه الله ميرزا —
 احتشام الملك عبدالعلي ميرزا —
 نصرت الدولة عبدالعسين ميرزا —
 حسين ميرزا ولد نيرالدولة — ابراهيم
 ميرزا ولد مرحوم معزالدولة — اسحق
 ميرزا ولد مرحوم معزالدولة — محمد حسين
 ميرزا ولد مرحوم محسن ميرزا اميرآخور —
 مرتضى قلي ميرزا ولد مرحوم عمادالدولة
 — سلطان محمد ميرزا ولد مرحوم ايضاً —
 سلطان ابراهيم ميرزا ولد مرحوم ايضاً —
 باقر ميرزا ولد مرحوم معزالدولة —

اخوان سلطنت

نواب والا عباس ميرزا ملك آرا —
 نواب والا عزالدولة عبدالصمد ميرزا —
 والا ركن الدولة محمدتقي ميرزا

اخوات سلطنت

نواب عليّه عاليه عزت الدولة —
 عليّه عزيزالدولة —
 عفت الدولة.

اعمام سلطنت

نواب والا بهمن ميرزا —
 حاجي معتمدالدولة فرهاد ميرزا —
 والا معين الدولة احمد ميرزا —
 فرمانفرما فيروز ميرزا.

اولاد خاقان مغفور

نواب محمد امين ميرزا —
 عضدالدولة سلطان احمد ميرزا —
 محمد هادي ميرزا —
 نواب امان الله ميرزا —
 نواب جهانسوز ميرزا اميرتومان —
 نواب نيرالدولة پرويز ميرزا.

ساير اميرزادگان كرام

نواب حاجي سيف الدولة ميرزا ولد
 مرحوم ظل السلطان —
 احتشام الدولة سلطان اويس ميرزا —

فضل الله میرزا ولد مرحوم ایضاً —
 محمد کاظم میرزا ولد ایضاً — محمد
 جعفر میرزا ولد ایضاً — قربانعلی میرزا
 ولد ایضاً — محمد صادق میرزا ولد ایضاً
 — عبدالحسین میرزا ولد ایضاً — حاجی
 محمد طاهر میرزا — اکبر میرزا —
 حاجی فریدون میرزا — محمد حسن
 میرزا پیشخدمت ولد مرحوم
 اعتضاد السلطنه — محمد حسن میرزا ولد
 مرحوم اسدالله میرزا — حاجی محمد
 حسین میرزا ولد مرحوم جهانگیر میرزا
 — حاجی مسعود میرزا ولد مرحوم ایضاً
 — محمد علی میرزا ولد مرحوم خسرو
 میرزا — نورالذهر میرزا — سام میرزا
 شمس الشعراء — کامران میرزا —
 لطفعلی خان پسر مرحوم مؤیدالدوله —
 حاجی محمد مهدی میرزا ولد مرحوم
 ایضاً — محمد کریم میرزا ولد مرحوم
 ایضاً — محمد باقر میرزا — داراب میرزا
 ولد مرحوم ضیاء الدوله — احمد میرزا —
 عالمشاه میرزا — سلطان محمود میرزا
 ولد نواب بهمن میرزا — محمد علی میرزا
 ولد ایضاً — نصرالله میرزا پسر حاجی
 سیف الدوله میرزا — اسدالله میرزا —
 محمد صادق میرزا — حاجی نصرالله
 میرزا امیرآخور حضرت نایب السلطنه —

جمشید میرزا ولد مرحوم بهاء الدوله —
 شاهمراد میرزا ولد مرحوم حاجی
 عباسقلی میرزا — حاجی محمد میرزا

خوانین و آقایان قاجار و غیرهم
 به ایلخانسی گری جناب جلالتآب
 عضدالملک وزیر حضور همایون
 خوانسالار و خازن مهر مهرآثار —
 عمده الامراء العظام میرزا محمدخان ولد
 جناب عضدالملک — میرزا حبیب الله
 خان مجدالاشراف لشکر نویس قاجار.

امراء و رؤساء

طایفه قوانلو

امیرزادگان و غیره که در جزو طایفه و
 خوانین قاجار منظوراند: ادریس میرزا —
 محمد شریف میرزا سرتیپ — محمد علی
 میرزا ولد مرحوم مؤیدالدوله — محمد
 صادق میرزا — حبیب الله میرزا — احمد
 میرزا — شاهرخ میرزا — اکبر میرزا —
 محمد حسین میرزا — عبدالرحیم میرزا —
 حاجی سیف الله میرزا — محمد یوسف
 میرزا — محمد رضی خان — حیدرخان
 — محمد تقی خان — حسن خان —
 اکبرخان — محمودخان — محمد
 ابراهیم خان — عباس خان — علی خان.

بنی اعمام

محمد رحیم خان رئیس و سرتیپ —
غلامحسین خان — حاجی شکرالله خان
— محمد اسمعیل خان — محمد
ابراهیم خان.

حاجی مهدیقلی خانی

حسینقلی خان سرتیپ — نجفقلی خان
رئیس و سرتیپ — نجفقلی خان ولد
مرحوم حاجی مهرعلی خان — حیدر
قلی خان قاضی — علی خان سرهنگ —
محمد قلی خان — محمد ناصر خان.

قزل اباغ

محمد حسین خان رئیس و سرتیپ —
نورالله خان — نصرالله خان — رفیع خان
— غلامحسین خان — احمدخان —
محمد صادق خان — احمدخان.

طایفه دولو

حاجی محمد حسین خان رئیس و
سرتیپ — حاجی محمد تقی خان
سرتیپ — حاجی قلی خان — حاجی
حسینعلی خان — محمدعلی خان — محمد
صادق خان.

طایفه عزالدینلو

آقاخان رئیس و سرتیپ — محمد

جعفرخان — محمد ولی خان — محمد
قاسم خان — حبیب الله خان — محمد
تقی خان — محمد رضاخان.

طایفه شامبیاتی

حاجی محمد رحیم خان رئیس و سرتیپ
— محمد حسین خان — محمد قاسم خان
— اللهویردی خان — امامقلی خان —
محمد حسن خان — محسن خان —
محمودخان

طایفه سپانلو

حاجی مهدی

محمد تقی خان رئیس و سرهنگ —
محمد رحیم خان — اسدالله خان —
حسینقلی خان — محمد طاهرخان —
میرزا باقرخان — علی خان

شاه بوداغلو

محمودخان سرهنگ و رئیس — حاجی
محمد زمان خان — علیمحمدخان —
احمدخان — اسمعیل خان

طایفه قباخلو و غیره

محمد صادق خان سرهنگ و رئیس —
محمد رضاخان — محمد قلی خان
سرهنگ و رئیس خزینه دارلو —
بهرام خان سرهنگ و رئیس کهنه لو —

یساولباشی و یاور — سایر یساولان پنج نفر.

محمدخان سرهنگ و رثسی کرلو

سایر یساولان و غیره

میرزا سید یوسف سر رشته دار —

سایر خوانین

فرج الله خان یاور و تحویلدار — امیرخان

دویست و پنجاه و شش نفر

اداره دولت

ارکان و اعضای فخام مجلس دربار اعظم و دارالشورای کبرای دولتی

از شاهنشاهزادگان عظام و شاهزادگان

و وزراء کرام و غیرهم

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرمای
ممالک و ایالات فارس و اصفهان و یزد
و عربستان و لرستان و عراق و
کرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله
اقباله العالی.

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرمای
ممالک و ایالات فارس و اصفهان و یزد
و عربستان و لرستان و عراق و
کرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله
اقباله العالی

جناب مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم

جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه
مؤمن الملک

جناب نصیرالدوله وزیر تجارت و
فلاحه

جناب امین السلطان وزیر دربار اعظم و
خزانه عامره و گمرک

جناب ناصرالملک مأمور به حکومت
کرمانشاهان

جناب صاحب‌دیوان مأمور به مملکت
فارس

جناب حاجی میرزا عباسقلی

جناب میرزا علی قائم مقام

جناب اجل آقا وزير اعظم داخله و ماليه
 جناب اجلا والا حاجي معتمد الدوله
 جناب عضد الملك وزير حضور همايون
 جناب نظام الملك وزير لشكر
 و خوانسalar و خازن شهر مهرآثار و
 ايلخاني ايل جليل قاجار
 جناب وزير دفتر ميرزا هدايت الله
 جناب مخبر الدوله وزير علوم و معادن و
 غيره

جناب قوام الدوله وزير رسايل
 جناب امين لشكر وزير فوايد
 ميرزا ابوالحسن خان پسر مرحوم قائم مقام

نواب والا فرمانفرما
 جناب امين الدوله مدير دارالشورى
 كبرى و وزير وظائف و اوقاف و غيره
 نواب اللهقلى ميرزا ايلخاني
 جناب صنيع الدوله وزير انطباعات و
 دارالترجمة دولتى

ميرزا هاشم خان مستوفى اسرارنگار
 مجلس دربار اعظم

وزارت جلیله جنگ

نواب اشرف والا امير كبير نايب السلطنة
 وزير جنگ و رئيس كل قشون ظفر نمون
 از توپخانه و قورخانه و زنبورخانه و
 افواج قاهره و سواره و پیاده نظام و
 خارج نظام — جناب جلالتمآب
 نظام الملك وزير لشكر و رئيس دفتر
 لشكر — امير الامراء العظام اللهيارخان
 امير تومان آجودانباشى كل.

ارباب قلم دفتر لشکر
ملتزمین رکاب مبارک و غیره
لشکرنویسان

معتمد السلطان میرزا عبدالوهاب خان
لشکرنویس باشی و نایب وزارت جلیله
لشکر - حاجی میرزا شفیع - میرزا
یوسف - میرزا محمدتقی وکیل لشکر
- میرزا سید محمد - میرزا علی ولد مرحوم
حکیمباشی - میرزا زین العابدین
مستوفی نظام - میرزا علی داماد
معین الملک - میرزا حبیب الله -
میرزا علی ولد جناب وزیر دفتر -
میرزا علی ولد مرحوم میرزا موسی وزیر
لشکر - میرزا زینل - میرزا محمد علی
توپخانه - میرزا محمد علی - میرزا
رفیع خان - میرزا محسن لشکرنویس -
حاجی میرزا اشرف خمه ای - میرزا
عبدالحمید - میرزا مهدی نوری - میرزا
ابوالقاسم - میرزا عبدالله خان - میرزا
حبیب الله خان مجد الاشراف - میرزا
حسینعلی - میرزا اشرف - میرزا
تقی خان لشکرنویس - میرزا حسینعلی
گروسی - میرزا رضا - میرزا محمدقلی
- میرزا حسن خان ولد مرحوم وکیل
لشکر - میرزا نصرالله ولد میرزا اسمعیل

لشکرنویس - میرزا مقیم - میرزا
علی اصغر - میرزا عبدالحسین - میرزا
حبیب الله نوری - میرزا ابوالقاسم
تفرشی - میرزا اسدالله - میرزا مهدی
- میرزا محمد حسین مازندرانی - میرزا
سیدتقی تفرشی - میرزا علینقی
کردستانی.

سرشته داران دفتر لشکر و غیره
دفتر لشکر از بابت سرشته داران
و محقرین

میرزا ابوالقاسم - میرزا نبی - میرزا
حسین - میرزا سید محمد علی - میرزا
امامقلی - میرزا آقا مأمور خمه -
میرزا احمد - میرزا احمد ایضاً - میرزا
سید ابراهیم - میرزا شفیع - میرزا هادی
- میرزا اسمعیل کتابچه نویس - میرزا
محمد علی نوری - میرزا ابوتراب -
میرزا عبدالکریم - میرزا علینقی -
میرزا بزرگ - میرزا عنایت - میرزا
اسحق - میرزا صادق - میرزا
ابوالقاسم - میرزا حسن خان - میرزا
هدایت طهرانی - میرزا هدایت
روزنامه نویس - میرزا سید حسین -
میرزا زمان کردستانی - میرزا اسمعیل
- میرزا جعفر نوری - میرزا حسن

تفرشی — میرزا حسین خان ولد میرزا
زینل لشکرنویس — میرزا عبدالحسین —
میرزا سید احمد — میرزا محمد — میرزا
سید محمدعلی — میرزا شفیق محرر —
میرزا اسمعیل علی آبادی — میرزا رجب
ایضاً — حاجی میرزا محمد — میرزا سید
یوسف — حاجی میرزا کاظم — میرزا
ابراهیم محرر — میرزا عبدالحسین.

سررشته داران توبخانه و قورخانه

توبخانه و اصطبل

میرزا محمدعلی علوی — میرزا اسدالله —
میرزا علی اکبر سررشته دار اصطبل —
میرزا نصرالله — میرزا اسمعیل — میرزا
عباس سررشته دار

قورخانه

میرزا ولیقلی لشکرنویس — میرزا
رضاقلی — میرزا اسدالله — میرزا آقا —
میرزا نصرالله پسر مرحوم میرزا شکرالله
لشکرنویس — میرزا حسن — میرزا
آقاخان — میرزا اشرف.

زنبورکخانه

میرزا هادی سررشته دار

مهاجر

میرزا لطفعلی سررشته دار

میخزن

میرزا سیدحسن سررشته دار

منشیان

میرزا محمدخان منشی باشی مخصوص
— میرزا کلبعلی — میرزا عبدالکریم —
میرزا ابوالحسن — میرزا عبدالرحیم —
میرزا داود — میرزا عبدالحسین — میرزا
محمدعلی نزد جناب صاحب دیوان —
میرزا علی خان — میرزا احمد — میرزا
محمود — میرزا علیرضا

عزب باشی و عزبان دفتر لشکر

میرزا محمدعلی عزب باشی — میرزا
علی اکبر — میرزا اسمعیل — میرزا
اسمعیل ایضاً — میرزا جعفر — میرزا
حسن ایضاً — میرزا جعفر — میرزا حسین

مأمورین ولایات

آذربایجان

لشکرنویسان

میرزا محمودخان — میرزا محمدتقی
لشکرنویس باشی آذربایجان — میرزا
غلامعلی ناظم لشکر — میرزا سید
مرتضی — میرزا علی آشتیانی — حاجی
میرزا کاظم خان — میرزا علی رضا —
میرزا علی اشرف — حاجی میرزا محسن

— میرزا احمد — میرزا محمد — میرزا
احمد آشتیانی — حاجی میرزا ابوالحسن
لشکرنویس.

سمنان و دامغان

میرزا طاهر سر رشته دار دفتر لشکر

عراق

میرزا سید باقر سر رشته دار دفتر لشکر

مازندران

میرزا فرج الله خان لشکرنویس

استرآباد

میرزا غلامحسین لشکرنویس

کرمان

میرزا محمد علی لشکرنویس — میرزا
عبدالله سر رشته دار

کرمانشاهان

میرزا سید علی لشکرنویس

همدان

میرزا محمد لشکرنویس

اطباء و جراحان نظام

عالیجناب میرزا سید رضی حکیمباشی
— عالیجناب میرزا سید محمد
حکیمباشی توپخانه — عالیجناب میرزا
سید علی نایب حکیمباشی — میرزا
رضاقلی جراح باشی — اطباء و جراحان
حاخیر رکاب و مأمورین ولایات شصت

سر رشته داران

میرزا رحیم — میرزا عبدالعلی — میرزا
علی — میرزا قربانعلی — میرزا محمد —
میرزا ابراهیم ولد حاجی میرزا یوسف —
میرزا حسین — میرزا تقی — میرزا
اسکندر.

منشیان

میرزا محمد خان — میرزا سید رضا —
میرزا احمد — میرزا اسمعیل

خراسان

ارض اقدس

میرزا اسمعیل لشکرنویس باشی خراسان

سر رشته داران

میرزا یوسف — میرزا رضا

فارس

میرزا لطفعلی خان لشکرنویس باشی
فارس — میرزا مصطفی لشکرنویس

اصفهان

میرزا محمد علی لشکرنویس — میرزا
محمد سر رشته دار

و پنج نفر.

صاحب منصبان

امراء تومان

نواب جهانسوز میرزا — نواب ناصرالدوله
 — جناب ناصرالملک — جناب
 حسنعلی خان سالارلشکر — جناب
 حاجی محسن خان معین الملک سفیر
 کبیر و وزیر مختار مقیم اسلامبول —
 امیرالامراء العظام مصطفی خان —
 امیرالامراء العظام سلیمان خان
 صاحب اختیار — امیرالامراء العظام
 صارم الدوله — امیرالامراء العظام
 ساعد الدوله — عمدة الامراء العظام
 میر علم خان حشمت الملک.

سرتیپان اول

سواى آنهائى که در جزو افواج و سواره
 نوشته شده اند: احتشام الدوله —
 انوشیروان میرزا ضیاء الدوله — وجیه الله
 میرزا سیف الملک — نصرالله خان
 نصرالملک — حاجی حسام الملک —
 حاجی بهاء الدوله — حشمت السلطنه —
 حشمت الدوله — سلطان محمد میرزا
 سیف الدوله ژنرال حضور همایون —
 شهاب الدوله — جناب اعتضادالملک —
 سهام الدوله — عبدالحسین خان

فخرالملک — ساری اصلان — جناب
 محمدخان والی — مصطفی قلی خان
 جهان بیگلر — علی خان مشیرالوزاره
 — شجاع السلطنه — میرزا علی خان
 ولد مرحوم صدراعظم —
 شجاع الملک — میرزا یوسف خان
 مستشارالدوله — حسینقلی خان افشار
 برادر ساری اصلان — جناب
 نریمان خان وزیر مختار مقیم وینه —
 حاجی عطاءالله خان —
 محمدحسین خان فراشباشی نواب اشرف
 والا نایب السلطنه — جمشیدخان.

سرتیپان دویم

سواى آنهائى که جزو افواج و سواره
 نوشته شده اند: عبدالعلی میرزا
 نایب الایاله احتشام الملک — عالمشاه
 میرزا — سلطان محمود میرزا ولد نواب
 والا بهمن میرزا — میرزا عبدالله خان
 مستشارالوزاره خارجه — محمدعلی میرزا
 — حسینقلی خان والی پشتکوه — حاجی
 آغا جوهر معتمد الحرم — عبدالله خان ولد
 مرحوم اعتماد السلطنه.

سرتیپان سیم

سواى آنهائى که در جزو افواج و سواره
 نوشته شده اند: داراب میرزا — سلیمان

میرزا — شعاع الدوله — کامران میرزا —
مرتضی قلی میرزا ژنرال آجودان حضور
همایون — محمدعلی خان اردلباشی
نواب اشرف والا نایب السلطنه —
حسینقلی خان سرتیپ سابق خواجه وند
— مهدیقلی خان دنبلی — حاجی
هادی خان جهان بیگلو — عباسقلی خان
سرتیپ و مترجم — محمدعلی خان
نظمیه — محمدعلی خان ژنرال آجودان
مخصوص — عزیزالله میرزا —
ابوطالب خان — علیقلی خان سرتیپ
خارج از فوج ایلات — خانباخان پسر
صاحب اختیار — میرزا کریم خان
فیروزکوهی — محمدصادق خان قراباغی
— میرزا علی خان افشار — علی خان
کمره ای — حمیدقلی خان هراتی —
عباسقلی خان ایضاً — عباسقلی خان
پشتکوهی — محمد کاظم خان پسر
شهاب الدوله — قاسم خان مراغه ای —
مهدی خان قاجار — حاجی اسمعیل
پاشا خان ماکوئی — باقرخان افشار —
سیف الله خان لاریجانی — میرزا
نصرالله خان مهندس — محمودخان
گیلانی — محمد میرزا — علیرضاخان
ژنرال آجودان.

سرهنگان خارج از فوج

کلب رضاخان ولد مرحوم امین نظام —
عبدالعلی خان ولد مرحوم ایضاً —
علی اکبرخان کنگراو —
مرتضی قلی خان سمنانی — نصرالله خان
دماوندی — آقاخان خلف مرحوم
سلیمان خان امیرتومان — میرزا سید
علی اصغر — حسنعلی میرزا — حاجی
محمدعلی خان زند — آقا سید میرزای
کاشانی — ابوتراب میرزا — موسی خان
نواده مستشارالدوله — محمدتقی خان —
محمودخان سرهنگ سابق فوج حشمت
— جمشیدخان پسر حاجی اردشیرخان
— نجفقلی خان قزوینی — محمد
حسین خان ولد امیرتومان — باباخان
گرجی — میرزا آقای کاشانی —
حسین خان پسر آجودانباشی — میرزا
محمدخان پسر مرحوم صدراعظم —
حاجی علی خان ولد مرحوم اکبرخان
سرتیپ — حمیدرخان پسر حاجی
سعدالدوله — میرزا بزرگ خان پسر میرزا
علی قائم مقام — میرزا غلامعلی خان پسر
میرزا محمود وزیر — محمدحسین خان
ولد محمدخان امیرتومان — علی خان ولد
مرحوم نظام الدوله — کلبعلی خان نواده

علیقلی خان کمره ای — آقا جان خان —
 علینقی خان گروسی — غلامرضا خان
 مافی — علیقلی خان ولد مرحوم حاجی
 بهاء الملک — حسینقلی خان ولد ایضاً
 — مرتضی قلی خان ولد ایضاً — جعفر
 قلی خان — سلیمان خان — اسدالله خان
 پسر مرحوم حاجی سعدالدوله —
 بیوک خان ولد مرحوم محمدخان
 امیرتومان — فتح الله خان قراگوزلو —
 حسن خان نواده جناب صاحب دیوان.

نایبان آجودانباشی

جلال الدین میرزا — مصطفی خان قاجار
 — علیرضا میرزا — قزل ارسلان میرزا —
 احمد میرزا خلف مرحوم تیمور میرزا —
 احمد میرزا خلف مرحوم کیقباد میرزا —
 ارسلان میرزا — امیراصلان میرزا —
 سلطان مجید میرزا — میرزا بزرگ خان
 — اسدالله خان — مصطفی قلی خان
 خلف مرحوم منوچهرخان — نصیرخان
 قزوینی — میرزا علی — اسدالله خان
 دهبلی — حسینقلی خان افشار —
 ناصرقلی خان — حسن خان افشار —
 میرزا یوسف خان — میرزا محمودخان
 فیروزکوهی — حسین خان نوری —
 میرزا فضل الله خان — مجیدخان

مرحوم نظام الدوله — محمد آقا ولد مرحوم
 حاجی بیژن خان — کریم خان
 خدا بنده لموئی — حاجی محمد
 حسین خان زند — آغا حسن خواجه —
 آقا محمدخان — غلامرضا خان ولد مرحوم
 زین العابدین خان — رحمت الله خان
 شقاقی — محمودخان کرکری —
 علیقلی خان جوانشیر — علیقلی خان
 شقاقی — حسن خان ولد شیخعلی خان
 — آقاخان ماکوئی — حاجی
 فضلعلی خان — عبدالله خان شیروانی —
 کاظم خان شقاقی — اسدالله خان
 ماکوئی — علینقی خان — علی اکبرخان
 برادر مشارالیه — زین العابدین خان —
 احمدخان — جعفرخان سرهنگ سابق
 فوج تخته قاپو — ابوالحسن خان —
 محمدخان یزدی — امان الله خان ولد
 ابراهیم آقای ماکوئی — فرج الله خان
 ایضاً — حسینقلی خان سرهنگ سابق
 فوج پنج شقاقی — مهدی خان افشار —
 عبدالعلی خان — حسنعلی خان هراتی —
 حسینعلی خان ولد مرحوم فضلعلی خان
 — ابراهیم خان لاریجانی — خانباخان
 لاریجانی — حسن خان افشار اسدآبادی
 — رضاخان گودرزی — پاشاخان
 خمسه ای — محمد حسن خان دویرن —

کردستانی — یوسف خان شقاقی —
 میرزا هدایت خان — غلامحسین خان —
 رحمت الله خان نواده مرحوم سیف الملک
 — رستم خان گرجی — سلطان احمد
 میرزا — علی اکبرخان نواده مرحوم
 فضلعلی خان — حاجی شکرالله خان
 شقاقی — محمدحسین خان پسر
 جمشیدخان — یشموت خان —
 هادی خان زرندی — حسین خان خلف
 مرحوم جارجی باشی — میرزا
 عبدالله خان نائینی — کیناز میرزا —
 یوسف خان — محمدآقا — مصطفی
 قلی خان ولد مرحوم مصمصام الدوله —
 باقرخان نواده حاجی محمدعلی خان —
 محمدعلی خان نواده مرحوم رضا
 قلی خان ایشیک آقاسی باشی —
 حسن خان ولد نصرالله خان سرتیپ
 زنبورکخانه — محمدعلی خان ولد
 امیرالامراء — غلامرضاخان یزدی —
 قهرمان خان — سید حسن خان
 فیروزکوهی — سید حسین خان ایضاً —
 حسن خان ولد مرحوم علیقلی خان —
 میرزا عیسی خان ولد مرحوم
 عبدالرسول خان — خانباخان خلف
 مرحوم حاجی سعدالدوله —
 محمدصادق خان قراباغی — بیوک خان
 افشار — مهدی خان ایضاً —
 محمدعلی خان ولد هاشم خان —
 سیف الله خان ولد ایضاً — میرزا
 احمدخان ولد مرحوم حاجی
 شجاع الملک — نجف قلی خان —
 عبدالعلی خان افشار — جلال الدین میرزا
 ولد مرحوم عمادالدوله — میرزا
 حسن خان — امیرخان — محمدخان
 قاجار — آقاالرخان پسر جبرئیل خان
 مسیحی — علی اکبرخان ولد مرحوم
 حاجی محمدعلی خان سرهنگ —
 اسکندرخان — رحمت الله خان —
 حسین خان ولد شکرالله خان —
 علی بیگ افشار — محمدعلی خان ولد
 عبدالرزاق خان سرتیپ — ابوالفتح خان
 ولد حیدرعلی خان — محمود آقای مأمور
 خراسان — اسمعیل خان بسطامی —
 مرتضی قلی خان کمره ای —
 رحمت الله خان برادر مرحوم دبیرالملک
 — مصطفی قلی خان قاجار — محمد
 علی خان کرندی — غلامحسین خان ولد
 محمد علی خان سقزی — قاسم خان
 ملایری — محمد حسین خان —
 علی خان — یارمحمدخان — میرزا
 حسین خان ولد مرحوم میرزا زکی —
 غلامحسین میرزا — اسدالله خان نفرشی —

عباسعلی بیگ خلف مرحوم جعفر
قلی بیگ — لطفعلی خان —
اسمعیل خان.

معلمین

معلمین ایرانی

عبدالحسین میرزا — محمد آقای
جدیدالاسلام — کریم خان — میرزا
عبد الوهاب — علی خان قاجار — محمد
علی خان — مصطفی بیگ — میرزا
شکراالله — میرزا محمدعلی.

معلمین فرنگی

معلمین قدیم

مسیو بهلر سرتیپ اول — اندرزی صاحب
— مسیو لمر موزیکانچی باشی — مسیو
اسشی — مسیو انجیلہ طبالباشی.

معلمین که تازه آمده اند

صاحب منصب

مسیو اسملاک سلطان سواره نظام —
مسیو دپروشینیک سلطان توپخانه — مسیو
کارپساز سلطان پیاده نظام — مسیو
دودن نایب اول شاسر

سوزافیسیه

دگومنیکی سواره — گدیز نوپچی —
پیری بی شاسر — پاتزلنیتز شاسر — مُت

صادق خان منسوب مرحوم وکیل الملک
— تقی خان کرمانی — حاجی
حبیب الله خان کرمانشاهانی —
عباسقلی خان — حسین آقا مأمور
آذر بایجان — حسن آقا ولد علی بیگ
افشار.

یاوران خارج از فوج

مرتضی قلی خان — یوسف خان — حسن
رضا خان کرمانی — اسکندر خان پسر
جبرئیل خان — قهرمان بیگ —
احمدخان ولد علی رضاخان —
حسین بیگ ولد ایضاً — علی اکبر خان
یاور سابق فوج طهران — رضا قلی خان
باغمیشه — حسین بیگ قراباغی —
حسین خان مرندی — محسن بیگ
کرکری — اسمعیل خان بادکوبه ای —
علی خان مرندی — عباس آقا ولد مرحوم
بهاء الدین آقا — جعفر قلی بیگ مرندی
— محمد یوسف خان هراتی — عزیز
محمدخان ایضاً — جعفر قلی خان هراتی
— محمدخان — نصرالله خان فومنی —
رجب خان گودرزی — حسینقلی خان
خمسه ای — شکراالله خان ایضاً —
عبدالعفار خان قزوینی — اسمعیل خان
ولد مرحوم محمدخان امیرتومان —

پیاده نظام.

سرتیپ فوج سیم گروسی —
ذوالفقارخان سرتیپ — عسکرخان
شقایق.

نمیندسین و مترجمین

منهدسین

احمدخان قاجار — محمد حسن میرزا —
حاجی محمد میرزا.

مترجمین

عباسقلی خان سرتیپ و مترجم — میرزا
محمدعلی.

توبخانه مبارکه

سرتیپان

اللهویردی خان سرتیپ اول — آقا
رضاخان ژنرال آجودان مخصوص حضور
همایون مدیر اداره کل توپها و قسها و
خمپاره ها و لوازم آن — حاجی
غلامرضاخان شهاب الملک — حاجی
غلامحسین خان سرتیپ اول — میرزا
اسمعیل خان آجودانباشی توبخانه —
صفرعلی خان سرتیپ بهارلو — حاجی
شکورخان سرتیپ فوج دویم تبریزی و
اردبیلی — جلیل خان سرتیپ فوج هفتم
شقایق — میرزا فتح الله خان سرتیپ فوج
هشتم خلخالی — محمد صادق خان
امین نظام سرتیپ فوج مخبران مقدم —
حاجی عبدالحسین خان سرتیپ —
اصلان خان سرتیپ — علیرضاخان

سرهنگان

محمدتقی خان سرهنگ فوج بهادران
بهارلو — حاجی محمدخان سرهنگ فوج
بهادران بهارلو — صادق خان سرهنگ
فوج بهادران افشار — عبدالرحیم خان
سرهنگ فوج اول افشار — محمد
رضاخان سرهنگ فوج چهارم مرندي —
محمودخان سرهنگ فوج پنجم خوشی —
بیوک خان سرهنگ فوج مخبران مقدم
— میرزا زین العابدین خان اردبیلی —
حاجی باقرخان سرهنگ افشار بکشلو —
میرزا محمدخان سرهنگ کرمانشاهانی
— حسینقلی خان سرهنگ ایضا — میرزا
ابراهیم خان ولد مرحوم آجودانباشی —
مصطفی قلی خان — رستم خان سرهنگ
سیلاخوری — میرزا محمدخان پسر
ملک الاطباء — میرزا رحیم خان
سرهنگ تبریزی — میرزا صالح خان
سرهنگ — محمدعلی خان سرهنگ —
حسین خان سرهنگ نهاوندی —
فتح الله خان طالش.

نایبان آجودانباشی

احمدخان — میرزا نجاب الله خان ایضاً
— بیوک خان نایب دویم آجودانباشی —
حسینعلی خان نایب سیم آجودانباشی —
میرزا حسین خان.

یاوران اول

محمد صادق خان جزو قراولان انبار —
حبیب الله خان ایضاً — اسدالله میرزا یاور
فرج ارونقی — حیدرقلی خان ارونقی —
حاجی حضرتقلی خان لک —
فرج الله خان طالش — سلیمان خان مقدم
— صادق خان قزوینی —
غلامحسین خان قزوینی —
عبدالباقی خان ایضاً — مظفرخان
گروسی — فرج الله خان کرمانشاهانی
— ابوالقاسم خان تبریزی جزو قراولان
انبار — محمدعلی میرزا — رضاخان —
فرج الله خان شیرازی — حسین خان
بهارلو — هاشم خان بهارلو —
محبعلی خان افشار — سید ولی بیگ
مرندی.

یاوران دویم

حسین خان ارونقی — حسین بیگ
خوئی — بیوک خان شقاقی —

صادق خان مقدم — عبدالله خان گروسی
— غلامحسین خان بهارلو — عبادالله خان
شقاقی — شریف خان خمسه ای —
عباس میرزای بسطامی — جهانشاه
میرزای سیلاخوری — ابوالفتح خان ایضاً
— حاجی فرج بیگ خرقانی — محمدآقا
ایضاً — میرزا رضاقلی جزو قراولان انبار
— حاجی میرزا فرج تبریزی جزو قراولان
انبار — نادر میرزا جزو قراولان انبار —
محمد طاهر میرزا ایضاً — آقا غلامحسین
جزو قراولان انبار — آقاببیگ ارونقی
جزو قراولان انبار — میرزا حسین خان —
جهانگیرخان — فتحعلی خان خوئی —
علی عسکرآقا بیگ لک — میرزا
حسین خان قزوینی — ذوالفقارخان
همدانی — برزوخان همدانی — حسن
رضاخان کرمانی — میرزا مهدی خان.

اداره اصطبل توپخانه

به ریاست محمد حسین خان پیشخدمت
مخصوص حضور همایون.

حاضر رکاب

محمد حسین خان رئیس اصطبل —
میرزا علی اکبر سر رشته دار کل و
برات نویس — میرزا محمود مشرف —
حاجی قربانعلی نایب اول — نایب

دویم دو نفر — اخته چی دو نفر —
نعلبند باشی و نعلبند شش نفر.

اصفهان
نایب اول نفر — نایب دویم نفر.

ولایات

خمسه

نایب اول سه نفر — نایب دویم چهارده
نفر.

استرآباد

نایب دوم نفر

بسطام

نایب اول نفر

ملایر و غیره

میرآخور و نایب اول دو نفر — نایب
دویم چهار نفر.

خرم آباد

نایب دویم نفر

نهایند

نایب اول دو نفر — نایب دویم سه نفر.

عربستان

نایب دویم نفر

عراق

افراسیاب خان میرآخور — نایب دویم
چهار نفر.

کرمانشاهان

عبدالعظیم بیگ نایب اول

کرمان

نایب دویم نفر

ساوه

نایب اول نفر — نایب دویم دو نفر.

یزد

نایب دویم نفر

آذربایجان

محمّد رحیم خان میرآخور — جلیل بیگ
— نایب اول نفر — نایب دویم سه نفر.

فارس

مشرف نفر — نایب دو نفر

خراسان و فارس و سیستان

عیسی خان میرآخور — نایب دویم سه
نفر.

کردستان

نایب دویم نفر

اداره کل نویها و قبسها

و خمپاره ها و لوازم آن

به ریاست آقارضاخان ژنرال آجودان
مخصوص حضور همایون سیصد و بیست
و چهار نفر

حاضر رکاب

از صاحب منصب و توپچیان و تحویلداران
و قراولان و اصناف توپخانه و غیره:
حاجی باقرخان سرهنگ با فوج افشار
بکشلو — محمد علی خان سرهنگ —
محمد علی میرزا یاور اول — سیف الدین
میرزا — سلطان میرزا محمد علی علوی
سر رشته دار — میرزا سید تقی ایضاً —
میرزا علیخان نایب — نایب نفر بیکزاده
نفر — وکیل و سر جوخه سه نفر — مباشر
نفر

سایر اجزاء کارخانه جات و توپخانه

آقا غلامحسین رئیس کارخانه جات —
میرزا عبدالله نویسنده — میرزا تحویلدار
— نجار باشی و حذاد باشی و غیره
پنج نفر — فوج افشار بکشلو و سرای داران
انباره ها و اصناف و غیرهم دویست و
هیجده نفر.

مأمورین

به جهت تحویل داری توپخانه های
سرحذات و ولایات هشتاد و شش نفر

آذربایجان

هفت نفر

شهر تبریز

حسینخان یاور

خوی و ارومی

اردبیل و ساوجبلاغ و لاهیجان و قنطر
شش نفر

سایر ولایات

هفتاد و نه نفر

اصفهان

میرزا مهدیخان یاور

شیراز

بندر بوشهر

عربستان

عباسقلی سلطان

کرمان

عبدالعلیخان سلطان

خراسان و سرحذات

میرزا هاشم سر رشته دار

سایر

از توپچیان و غیرہم کہ ہمراہ
صاحب منصبان و مخصوص تحویل داری
توپہا ہستند بیست نفر۔

قورخانہ مبارکہ

جناب جہانگیرخان وزیر صنایع و رئیس
قورخانہ مبارکہ

سرہنگان

زین العابدین خان سرہنگ —
غلام حسین خان سرہنگ — باقرخان
سرہنگ — میرزا محسن سرہنگ —
عبدالله خان سرہنگ — عباسقلی خان
سرہنگ پسر میرزا علی اکبرخان —
حسین خان سرہنگ — حکیم بیکمز
حکیمباشی توپخانہ و قورخانہ۔

یاوران

بیست و پنج نفر

زنبورکخانہ

نصرالله خان سرتیپ — عبدالحسین خان
سرہنگ — علی محمد بیگ یاور اول —
اسمعیل خان یاور دویم — رستم خان
یاور موزیکانچی زنبورکخانہ۔

قاین و سیستان

فریدون بیک نایب اول

کرمانشاہان

میرزا آقا سررشته دار

کردستان

لطف اللہ سلطان

استرآباد

میرزا محمدعلی آجودان سلطان

بسطام

علی کرم بیک وکیل

میان کالہ

عباس میرزا یاور

بروجرد

ہادیخان نایب

لرستان

محمود بیک وکیل

یزد

محمد بیگ وکیل

انزلی و رشت

زنجان

اسمعیل بیگ مرجوقہ

موزیکانچیان

صاحبمنصبان

شکرالله خان سرھنگ موزیکانچی باشی
— محمد حسن خان سرھنگ نوادہ
مرحوم خان بابا خان سردار کل —
صفر علی خان یاور — غلامحسین بیگ
یاور.

دستہ جات موزیکانچی

دستہ

موزیکانچیان توپخانہ

دستہ

ارنگہ و رودباری

دستہ

لورائی و شہرستانکی

دستہ

مخصوص نواب اشرف والا نایب السلطنہ

دستہ

موزیکانچیان زنبورکخانہ

دستہ

ساوہ

دستہ

سیلاخوری

افواج قاہرہ

تومان اول

فوج بہادران

شجاع السلطنہ سرتیپ اول — سید
محمدخان سرھنگ

فوج اول خاصہ

حاجی حسام الدولہ سرتیپ اول —
حاجی نقد علی خان سرھنگ

فوج دوئم خاصہ

ابوابعامی حاجی حسام الدولہ — بہ
سرھنگی حاجی میرزا علی خان

فوج دوئم نصرت

رحیم خان سرتیپ — احمدخان سرھنگ

فوج مظفر مراغہ

عبدالحمین خان سرتیپ — فرج خان
سرھنگ

فوج چہارم تبریزی

آقاخان سرتیپ — جعفرخان سرھنگ

فوج پنجم ایلات

ابوابعامی حاجی حسام الدولہ — بہ
سرھنگی رحیم دل خان

فوج ششم اقبال

ابوابجمعی شجاع السلطنه — به سرهنگی
یوسف خان

فوج پنجم شقافی

ابوابجمعی شجاع السلطنه — به سرهنگی
مرتضی قلی آقا

فوج هفتم افشار

ابوابجمعی خسروخان سرتیپ

فوج ششم شقافی

ابوابجمعی شجاع السلطنه —
محمد باقرخان سرتیپ

فوج هشتم افشار

ابوابجمعی لطفعلی خان سرتیپ

فوج هفتم خلخالی

میرزا علی خان سرتیپ

فوج مخبران

ابوابجمعی شجاع السلطنه — به سرهنگی
میرزا مسعودخان

فوج مخبران ما کوئی

بهلول پاشاخان سرتیپ — محمد
پاشاخان سرهنگ

تومان دویم

فوج بهادران خوئی

شیخعلی خان سرتیپ — ابوالحسن خان
سرهنگ افشار

تومان سیم

فوج قهرمانیه

حسنعلی خان ژنرال آجودان — علی خان
سرهنگ

فوج اول ایضاً

ابوابجمعی آقاخان سرتیپ — به
سرهنگی علی خان

فوج امیریه

احمدخان سرتیپ — لطفعلی خان
سرهنگ

فوج سیم مراغه

ابوابجمعی فتح الله خان سرتیپ

فوج اردبیل و مشکین

ابوابجمعی میرزا علی خان مشیرالوزاره

فوج تخته قاپو

به سرهنگی قلی خان

فوج هفتم شقافی

ابوابجمعی حسنعلی خان ژنرال — به

سرهنگی خلیل خان

فوج دویم خلیج ساوه
سیف السلطنه سرتیپ اول

فوج بزچلو
جمعی محمّدخان سرتیپ

فوج سیلاخوری
به سرهنگی رضاخان

فوج هفتم سوادکوه
ابوابجمعی جناب امین السلطان — به
سرتیپی امین الملک

فوج ششم سربندی
جمعی حاجی صمصام الملک

فوج مخبران کزازی
صمصام الملک سرتیپ اول — حاجی
ذوالفقارخان سرهنگ

تومان پنجم
فوج بهادران حشمت
ابوابجمعی حاجی اسحق خان سرتیپ

فوج دویم ملایری
ابوابجمعی عسکرخان سرتیپ

فوج سیم لاریجانی
ابوابجمعی خاناباخان سرتیپ — به
سرهنگی ابراهیم خان

فوج گروس

ابوابجمعی جناب سالار لشکر — به
سرهنگی خسروخان

فوج جدید افشار
ابوابجمعی میرزا علی خان سرتیپ افشار

فوج چهارم جدید مراغه
ابوابجمعی فضلعلی خان سرتیپ

فوج ششم قراگوزلو
ابوابجمعی حاجی حسام الملک سرتیپ
اول — به سرهنگی فضل الله خان

فوج منصور قراگوزلو
حسام الملک سرتیپ اول —
علی اکبرخان سرهنگ

فوج مخبران
ابوابجمعی جناب ناصرالملک — به
سرهنگی مهدی خان

تومان چهارم
فوج بهادران فراهان
محمّد طاهرخان سرهنگ

فوج اول طهران
ابوابجمعی وجیه الله میرزا سیف الملک

فوج چهارم کمره

به سرهنگی رحمت الله خان

فوج پنجم گلپایگان

به سرهنگی محمد باقر خان

فوج ششم قدیم خمسه

ابوابجمعی مظفرالدوله

فوج هفتم جدید خمسه

ابوابجمعی علینقی خان سرتیپ

فوج مخبران زرندی

جمعی محمد حسن خان سرهنگ

تومان ششم

فوج اول قدیم قزوین

نصرالملک سرتیپ اول —

هدایت الله خان سرهنگ

فوج دویم جدید ایضا

جمعی نصرالملک سرتیپ اول — به

سرهنگی مصطفی خان

فوج سیم افشار بکشلو

ابوابجمعی اللهیارخان آجودانباشی — به

سرهنگی حاجی اسدالله خان

فوج چهارم فریدنی

به سرهنگی حاجی مصطفی قلی خان

فوج ششم چهارمحالی

به سرهنگی میرزا عبدالحسین خان

فوج هفتم عرب و عجم

ابوابجمعی حاجی بهاءالدوله —

عباسقلی خان سرهنگ

فوج مخبران فیروزکوهی

ابوابجمعی اسمعیل خان سرتیپ

تومان هفتم

فوج بهادران دماوندی

علینقی خان سرتیپ — محمد حسین خان

سرهنگ

فوج دویم خلیج قم

به سرهنگی علی اکبرخان

فوج سیم بندپی

به سرهنگی مصطفی خان

فوج ششم خرقانی

ابوابجمعی آجودانباشی — به سرهنگی

علی محمدخان

فوج هفتم قدیم کرمانی

ابوابجمعی میرزا فتحعلی خان سرتیپ —

به سرهنگی تقی خان

فوج هشتم شوکت کرمانی

ابوابجمعی سلیمان خان سرتیپ عرب
بسطام

فوج نهم جدید گرمسیری کرمان

ابوابجمعی ابراهیم خان سرتیپ و
سعدالدوله

فوج مخبران درجزینی

ابوابجمعی سیف السلطنه — به سرتیپی
احمدخان — به سرهنگی فضل الله خان

تومان هشتم

فوج بهادران قلعه زنجیری

به سرهنگی حسین خان

فوج اول کردی

علیمرادخان سرتیپ — نصرالله خان
سرهنگ

فوج سیم کلهر

مهدی خان یاور اول

فوج چهارم زنګنه

ظهیرالملک سرتیپ دویم — به
سرهنگی حسین خان

فوج مخبران کردستان

جمعی محمدعلی خان سرتیپ

تومان نهم

فوج بهادران فدوی

ابوابجمعی عبدالله خان سرتیپ

فوج پشتکوهی لرستان

ابوابجمعی باقرخان سرهنگ

فوج ششم سدهی

نواب جلال الدوله سرتیپ

فوج مخبران ترشیزی

به سرتیپی محمد جعفرخان قاجار

تومان دهم

فوج بهادران قرائی

ابوابجمعی عباسعلی خان سرتیپ

فوج اول قائبینی

ابوابجمعی حشمت الملک — به
سرهنگی حاجی پرو یزخان

فوج جدید ایضاً

جمعی حشمت الملک — به سرهنگی
میرزا اسمعیل خان

فوج سیم تنکابنی

ساعددالدوله امیرتومان — ولی خان
سرتیپ سیم

فوج مخصوص نواب اشرف والا

نایب السلطنه

به سرتیپی میرزا عبدالکریم خان — و
سرهنگی تقی خان و میرزا محمد
علی خان

دسته

خوئی: عباسعلی بیگ — امین بیگ

دسته

شقاقی: جمعی محمدخان

دسته

شاطرانلو: جمعی علی خان سرکرده

دسته

اینانلو: جمعی حسنعلی خان یوزباشی

دسته

قراپاق: جمعی نجفقلی خان سرتیپ

دسته

حاجی علیلو: به سرکردگی رستم خان

دسته

قراسوران راه قراجهداغ: جمعی
عباسعلی بیگ

دسته

قراسوران: جمعی غفارخان سرکرده

دسته

قراسوران درشق و آستارا: جمعی
امین الوزاره

سواره

آذربایجان

دسته

افشار صابین قلعه: به سرکردگی
عباسقلی خان

دسته

افشار ارومسی: ابوابجمعی
عبدالحسین خان سرتیپ اول — به
سرتیپی باقرخان

دسته

اردبیل و مشکین: جمعی باقرخان
سرکرده — علیقلی خان سرکرده

دسته

چهاردولی: نوروزخان سرتیپ —
حسینقلی خان سرهنگ

دسته

چلبیانلو: محمودخان سرکرده —
رحیم خان سرکرده

سرہنگ ایروانی — فرج اللہ خان —
 نجفقلی خان — علی خان ولد
 عبد اللہ خان — خلیل خان ایرنلو —
 نعمت اللہ بیگ — صمد آقا — محمد خان
 یاور ایرنلو — حاجی خان یاور ایرنلو —
 شیخعلی خان شگی — محمد خان ولد
 لطفعلی خان — غلامحسین خان —
 علی اکبر آقا — عباس آقا ولد غفار خان

سرکردگان غلام نصرت

میسر ہدایت خان — میرزا
 زین العابدین خان — علیقلی خان —
 حسین خان — ابراہیم آقا سرہنگ —
 اسکندر خان — سلیمان خان

خراسانی

ارض اقدس

جماعت ہزارہ

یوسف خان سرتیپ — اسمعیل خان
 سرہنگ

جماعت تیموری

جمعی علیمردان خان سرتیپ

جماعت مروی

جمعی عطاء اللہ خان

جماعت درہ جزی

جمعی نورعلی خان و محمد ناصر خان

دستہ

قراسوران راہ مرند: جمعی لطف اللہ خان

دستہ

یکانی: جمعی اسفندیار خان

دستہ

کلیری: بہ سرکردگی محمد باقر خان

دستہ

ماکوئی: بہ سرکردگی نصر اللہ خان

دستہ

مقدم: جمعی محمد صادق خان
 سرہنگ

دستہ

مکری: بہ سرہنگی حاجی آقابیگ

دستہ

قوجہ بیگلر: ابوابجمعی حسینقلی خان
 سرکردہ

سوارہ مهاجر

ابوابجمعی عبدالقادر خان

شجاع الملک

شجاع الملک سرتیپ اول — حسن خان

سرتیپ قبہ — اسکندر خان سرہنگ —

کریم خان سرہنگ — علی محمد خان

غلامان مشهدی	سرکرده
جمعی ابوالفتح خان افشار	جماعت جمشیدی
غلامان سبزواری	جمعی ذوالفقارخان و حاجی
جمعی میرزا فضل الله خان	محمد امین خان
جماعت افشار	جماعت جامی
جمعی مرتضی قلی خان	جمعی نصرالله خان جامی
ساکنین سرخس	جماعت باخرزی
دسته یایاخان — دسته محمد امیرخان	جمعی یوسف خان سرتیپ هزاره
جماعت دزدبگیر	جماعت باخرزی و جامی
دسته حسین خان نیشابوری — دسته	علیرضاخان قراونباشی — حسن خان
رمضان بیگ — دسته غلامرضاخان	سرکرده — محمد رضاخان سرکرده —
هراتی	گلزارخان سرکرده
جماعت بجنوردی	جماعت همت آبادی
جمعی یارمحمدخان ایلخانی	جمعی نادرقلی بیگ
جماعت قوچانی	جماعت قرائی
جمعی امیرحسین خان شجاع الدوله	جمعی محمدخان سرکرده
جماعت فردوزانی	جماعت سبزواری
جمعی علیمردان خان سرتیپ تیموری	دسته محمد رضاخان — دسته محمدخان
دزدابی	— دسته سعادتقلی خان — دسته
جمعی محمد عظیم خان هزاره	عباسقلی خان
جماعت سرجامی	جماعت نیشابوری و جزایرچی
جمعی حسین خان و حسن خان	ابوابجمعی باقرخان

جماعت چولابی و ماروشک
جمعی سلیمان آقا

جماعت قائینی
جمعی علی اکبرخان سرکرده

جماعت عنایت آبادی
جمعی صیدمحمدخان

جماعت جاجرمی
جمعی یارمحمدخان ایلخانی و
سهام الدوله

جماعت سیستانی
جمعی گل محمدخان

استرآبادی و غیره
استرآبادی
دسته

جماعت خوافی
جمعی لطفعلی خان

غلامان استرآبادی: جمعی علی خان
آقای قاجار

جماعت بیزکی
جمعی فتح الله خان سرکرده

دسته

گلدی خان: ریش سفید طایفه جعفربای

جماعت میامی
جمعی صیدمحمدخان

دسته

ایل گلدی نظر: ریش سفید آتابای

جماعت پشتکوهی
جمعی سعادتقلی خان

دسته

قلی خان آتابای

جماعت خورده ایماق
دسته یارمحمدخان سه دسته حیدرخان

دسته

قوشیه خان آتابای

جماعت اردلان
جمعی آناخان و حسینقلی خان سرکرده

دسته

امیرخان آقا آتابای

جماعت قرشیزی
جمعی محمدحسین خان

دسته

ایضاً نظر ریش سفید طایفه آتابای

دسته

قلیچ خان سرهنگ جعفر بای

نردینی

جمعی افراسیاب خان سرکرده

گودرزی و بسطامی

ابوابجمعی علیمحمدخان سرهنگ -

محمدعلی خان نایب سرکرده

کرمانی

افشار کرمانی

میرزا محمود سرکرده

شمخالچیان بمی

ابوابجمعی سعدالدوله

سواره و جمازه سوار

بمی و نرماشیری

اسدالله خان سرکرده عرب بسطام

سواره و جمازه سوار

نرماشیری و ریسکانی

زین العابدین خان سرکرده

سواره میستانی

اسدالله خان سرکرده

سواره و جمازه سوار خبیصی

صادق خان سرکرده

مازندرانی

میرزا ابوالحسن مشرف

سرکردگان

عبدالله خان مدانلو - فتح الله خان ایضاً

- صفی خان ایضاً - موسی خان

جهان بیگلو - اسدالله خان ایضاً -

محمدخان ایضاً - حسین خان گرایلی

- ذوالفقار ایضاً - حسن خان اوسانلو -

محمدخان افغان

جماعت خواجه وند

ابوابجمعی جناب امین السلطان -

علی اکبرخان سرهنگ - یزدان

قلی خان سرکرده - نعمت الله خان -

حسن خان - فتح الله خان

سواره عبدالملکی

ابوابجمعی فضل الله خان - به

سرکردگی جعفرخان

عراقی

جماعت زرین کمر

ابوابجمعی ساری اصلان - علیقلی خان

یوز باشی - مهدی خان نایب اول

جماعت شاهسون افشار

ابوابجمعی جناب امین السلطان -

جهان شاه خان

سر کرده - ولی محمد خان ایضاً

جماعت بختیاری

جماعت شاهسون قورت بیگلو

جمعی اسفندیار خان سرتیپ

ابوابجمعی حسینیقلی خان سرتیپ ولد

مرحوم حسینیقلی خان

جماعت عرب اردستان

جماعت باجلان

مصطفی قلی خان سرتیپ سهام السلطنة

ابوابجمعی احمد خان سرهنگ

- میرزا حسین خان سر کرده - میرزا

حسن خان ایضاً *

جماعت خرقانی

جماعت افشار اسدآبادی

ابوابجمعی اللهیارخان آجودانباشی کل

جماعت بیرانوند

جمعی صاحب اختیار - به سرکردگی

جمعی حسن خان سر کرده

محمد کریم خان

جماعت اصائلو

جماعت خمسه ای

ابوابجمعی جناب امین السلطان - به

جمعی ذوالفقارخان سرتیپ

سرهنگی حاجی جعفر قلی خان

جماعت شاهسون اینانلو

جماعت قراچورلوی خوار

عزیزالله خان صارم الملک سرتیپ دویم

ابوابجمعی جناب امین السلطان - به

- حاجی لطف الله خان سرتیپ سیم

سرکردگی صفرعلی خان

جماعت شاهسون بغدادی

جماعت افشار ساوجبلاغ

جمعی شیخعلی خان سرهنگ -

جمعی حسن خان سرهنگ

امیرعلی خان سر کرده - اکبرخان

سر کرده

جماعت گردبچه

جماعت شاهسون دوبرن

جمعی نصرالله خان سرتیپ - به

سرکردگی خانباباخان

ابوابجمعی جناب امین السلطان -

غلامعلی خان سرهنگ - محمد

حسین خان ایضاً - غلامرضاخان

جماعت هداوند

ابوابجمعی جناب امین السلطان — به
سرکردگی رحیم خان

جماعت شاهسواری

جمعی نصرالله خان سرتیپ زنبورکخانه

جماعت ایلات قزوین

ابوابجمعی نصرالملک

جماعت افشاربکشلو

ابوابجمعی آجودانباشی — به سرهنگی
کاظم خان

جماعت چگینی

جمعی نصرالملک امیرنومان — به
سرهنگی صادق خان

جماعت احمدوند و بهتونی

به سرهنگی کریم خان

جماعت کلپائی

به سرکردگی جلال الدین میرزا

جماعت نانکلی کرمانشاهان

به سرکردگی سید خسروخان

جماعت باراحمدی

به سرهنگی حاجی احمدخان

جماعت سنجابی

جمعی فرج الله خان سرکرده

جماعت فیلی

جمعی کریم خان سرکرده

جماعت بختیاری

داراب خان سرکرده

جماعت عرب و باصری

جمعی محمد حسن خان سرهنگ

پیماده

خراسانی

شمخالچیان

ابوابجمعی حیدرقلی خان سرتیپ

جزایر چیان سرخسی

غلام محمدخان سرکرده — عزیز

محمدخان پسر عباس خان سرتیپ —

یوسف بیگ

استرآبادی

دسته فندرسکی

جمعی میرزا علیشقی خان سرتیپ

دسته کتول

جمعی علی محمدخان سرکرده

دسته مقصودلو

جمعی عبدالله خان سرکرده

دسته استرآباد رستاقی

جمعی فتحعلی خان ایضاً

دسته بالاشاهکوشی

جمعی آقا عبدالرحمن سرکرده

دسته پائین شاهکوشی

جمعی محمدعلی خان سرکرده

دسته سدن رستاقی

جمعی محمد قلی خان سرکرده

دسته انزانی

جمعی محمد علی خان سرکرده

دسته تمسکینی

جمعی محمد قاسم خان سرکرده

دسته ساوری

دسته جمعی جعفر قلی خان — دسته

جمعی حاجی آقارضا

دسته لیوانی و سیل سپر

جمعی اسدالله خان سرکرده

دسته بلوچ

علی اکبر بیگ

دسته جات گیلانی

دسته سالیانی

جمعی میر یوسف خان سرکرده

سوار گران رودی

ابواب جمعی نصرت الله خان مرتب اول

سوار اسالمی

ابواب جمعی نصرت الله خان مرتب — به

سرهنگی اللهیارخان

دسته انزانی

جمعی جبار قلی خان سرکرده

دسته شفتی

جمعی نعمت الله خان ایضاً

مازندرانی

جماعت کلبادی و غیره

جمعی میرزا محمد خان مرتب —

لطفعلی خان سرکرده — محمد

مهدی خان سرکرده طایفه عمرانلو —

جماعت طالش به سرکردگی علی

اکبرخان — بخکشی به سرکردگی

علی اکبرخان

جماعت اشرفی

به سرکردگی عباسقلی خان

کرمانی

تفنگچیان اناری

حسینقلی خان سرکرده

شابسوی

که عبارت از فوج مخبران باشد

ژنی

که عبارت از فوج مهندس باشد

تفنگچیان نخعی وراوری

اسمعیل بیگ سرکرده

توپچیان توپهای ته پُراطریشی

فوج

تفنگچیان عرب بسطام

ابوابجمعی سلیمان خان سرتیپ — به

سرکردگی کریم خان

موزیکانچیان

اداره مزبوره

تفنگچیان ربکاری

دژان خان سرکرده

اداره قزاقیه

فوج اول

به سرتیپی حسن خان سرتیپ

تفنگچیان کوهک و چاهبار و اسفنده

ملک بهادر سرکرده

فوج دوتم

به سرتیپی کریم خان سرتیپ

عراقی ازبابت پیاده بلوچ

جمعی شیخ محمدخان سرهنگ

موزیکانچیان

اداره مزبوره

اداره افواج طرح اطریش و سواره طرح

قزاق

قشون حاضر رکاب

از پیاده نظام و سواره و توپخانه و غیره

یکصد و پنجاه هزار نفر

افواج طرح اطریشی

ازبابت صاحبمنصبان که برقرار هستند

رژیمان اول

ازبابت پیاده نظام

ذخیره

پنجاه هزار نفر

رژیمان دوتم

ازبابت پیاده نظام

میرزا جعفر منشی تفرشی — میرزا شفیع
سررشته دار — صراف چهار نفر

اجزای خزانہ نظام
به ریاست جناب وزیر نظام
حاجی میرزا عبدالرحیم تحویلدار —

دارالخلافة طهران

علماء اعلام دارالخلافة

جناب میرزا زین العابدین امام جمعه —
جناب صدرالعلماء — جناب حاجی
ملأعلی — جناب آقا میرزا صالح عرب
— جناب آقا میرزا حسن آشتیانی —
جناب حاجی آقا محمد — جناب آقا
جمال الدین مجتهد بروجردی — جناب
آقا میرزا عبدالرحیم نهاوندی — جناب
ملأ محمد تقی مجتهد کاشانی — جناب
آقا سید محمدرضا پسر مرحوم آقا
سید صادق — جناب آقا سید عبدالله —
جناب شیخ الاسلام دارالخلافة — جناب
آقا شیخ جعفر پسر مرحوم حاجی شیخ
محمد — جناب آقا سید مصطفی پسر
مرحوم حاجی سید حسین — جناب
حاجی ملأ آقا بزرگ — جناب حاجی
سید جعفر — جناب شیخ محمد حسن
استرآبادی — جناب آقا شیخ موسی

نواب اشرف والا نایب السلطنة امیرکبیر
وزیر جنگ حکمران دارالخلافة باهره و
غیرها ادام الله اقباله العالی

اجزای حکومت جلیلة دارالخلافة
جناب محمد ابراهیم خان وزیر نظام و
وزیر دارالخلافة

اجزای مجلس حکومت
زکی خان — شیر محمد خان — میرزا
حسن

منشی و سررشته دار
میرزا جعفر تفرشی منشی — میرزا حسن
قزوینی ایضاً — میرزا شفیع تفرشی
سررشته دار

نواب و مباشرین محال دارالخلافة
میرزا ابوالقاسم نایب ورامین — میرزا
علیمحمد نایب ساوجبلاغ — میرزا
مهدی نایب شهریار — حاجی ابوطالب
نایب غار و فشافویه و امین وظایف

— حسین خان — هدایت الله خان —
 علی اکبر خان — نجفقلی خان — محمد
 باقر خان — امان الله خان — دولتمراد خان
 حاکم سابق درگز

اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتساب

گنت دومنت فرت سرتیپ و رئیس کل
 ادارات پلیس و احتساب —
 عباسقلی خان سرتیپ نایب کل اداره —
 میرزا ابوتراب خان سرهنگ نایب اول و
 مترجم و منشی آجودان و تحویلدار کل
 اداره پلیس و احتساب — میرزا سید
 یوسف سرهنگ مستشار اول رئیس محله
 سنگلج — حسن خان مستشار داروغه
 بازار — میرزا محمد حسین مستشار
 رئیس محله دولت — عباس قلی خان
 رئیس محله عودلاجان — میرزا
 سید احمد رئیس محله بازار — میرزا
 عبدالرحیم خان مستشار محاکمات
 کلانتر اداره نظمی — میرزا حسن خان
 مستشار منشی مدیر استنطاق و خازن
 ملبوس اجزای پلیس — آقاالرخان
 سرهنگ متصدی امور مسروقات شهر —
 سلطان قلی خان صفوی مستشار عمل
 مسروقات — میرزا آقا یاور نظام جدید

اعیان و امراء و خوانین و معارف دارالخلافه

از ارباب مناصب دولتی و غیرهم سوی
 آنهایی که در دوایر دولتی هستند: میرزا
 محمدخان نظام العلماء — اعتمادالدوله
 — حیدرقلی خان ولد مرحوم آصف الدوله
 — آقا سردار ولد مرحوم سپهدار —
 عین الملوک — میرزا حسین خان
 معتمدالملک ولد جناب مشیرالدوله —
 امیرزاده محمد میرزا ولد جناب
 اعتضادالدوله — عباس میرزا ولد ایضاً —
 فتحعلی خان ولد ایضاً — خان خانان پسر
 ظهیرالدوله — محمودخان ملک الشعراء
 — حکیم الهی ولد مرحوم حکیم الهی
 — سلیمان خان ولد مرحوم حاجب الدوله
 — اسمعیل خان بشیرالدوله — میرزا
 محمدخان — غلامحسین خان —
 والی خان پیشخدمت ولد سهراب خان —
 حاجی محمد حسین خان — محمودخان
 — محمدخان ولد مرحوم احمدخان نوائی
 — محمد حسن خان ولد ایضاً — حاجی
 محمد حسین خان ولد ایضاً — حاجی
 محمد ولی خان — عباسقلی خان ولد
 مرحوم بیگلربیگی — هادی خان ولد
 ایضاً — محمدخان — محمد جعفرخان

اجزای احتسابیه دویست و شصت نفر —
نواب محلات پنج نفر.

اسامی کارگذاران و عمله جات

مخصوص دربخانه

نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه
وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی
جناب حاجی ملاباشی — محمد
حسین خان سرتیپ پیشخدمت حضور
همایون قراشباشی حضرت والا — میرزا
علی دکتر معتمد الاطباء طبیب حضور
همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا
— امیرزاده حاجی نصرالله میرزا میرآخور
— امیرزاده جمشید میرزا صاحبجمع —
عبدالله خان تفنگدارباشی —
اسمعیل خان کشیکچی باشی — میرزا
عباسعلی خان سرتیپ رئیس خلوت —
عباسقلی خان سرتیپ مترجم — میرزا
علی مستوفی — اکبرخان ناظر — میرزا
محمد منشی باشی — کاتب السلطان —
میرزا ابوالقاسم خان منشی مخصوص —
میرزا هادی مستوفی — میرزا محمدخان
پیشخدمت — هدایت خان شاطر باشی.

طرح اطریشی مأمور به مشاکی کل اداره
مترجم و خازن استنطاقهای اداره —
میرزا سید محمد رئیس محبس — میرزا
بابا نایب رئیس محبس و رئیس محبس
زنانه — احمد میرزا نایب سرهنگ مأمور
خدمت حضرت والا نایب السلطنه —
قهرمان میرزا صاحبمنصب مخصوص
اداره — یحیی میرزا صاحبمنصب
مخصوص اداره — ذوالفقار میرزا رئیس
پیشخدمتهای اداره — میرزا محمد
علی خان رئیس روزنامه جات و حافظ
راپورتهای شهر — میرزا تقی
صاحبمنصب مأمور خدمت حضرت والا
امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ —
میرزا ربیع مستنطق کل اداره پلیس و
سررشته دار محبس — میرزا مهدی منشی
اطاق دعاوی — میرزا ابراهیم منشی
اطاق دعاوی — میرزا امرالله منشی اطاق
جنایات — میرزا علی قلی منشی اطاق
محاکمات — عدد کل اجزای پلیس
چهارصد و شصت نفر.

اجزای احتسابیه

نایب قاسم نایب کل خیابانهای دولتی
— نایب قلی نایب کل محلات — نایب
رحیم رئیس دواب احتسابیه — عدد کل

وزارت اعظم داخله و مالیه

جناب مستطاب اجل آقا میرزا یوسف وزیر اعظم داخله و مالیه

وزارت دفتر استیفا

جناب میرزا حسن مستوفی الممالک

مستوفیان عظام که حساب ولایات و
غیرها مرجوع به آنها می باشد

جناب حاجی میرزا نصرالله نایب
مستوفی الممالک و مستوفی حساب
اصفهان و کردستان و عراق و ساوه و
خرقان و محلات و درجزین و ساپیر
البلوک و حساب خزانه عامره — جناب
آقا میرزا علی قائم مقام مستوفی خراسان
— جناب میرزا اسدالله مستوفی کاشان
— حاجی میرزا شفیع مستوفی فارس و
برات نویس ارباب قلم و تفنگداران
سرکاری — علاءالملک مستوفی بنائی
— میرزا محمد علی خان معاون الملک
مستوفی حساب طهران و یزد و
رختدارخانه و صرف جیب مبارک و
فراشخانه و گمرک و باغات و چاپارخانه
و ختام خانه — میرزا محمد ولی مستوفی
مازندران و دارالنظاره و برات نویس تکیه

دولت و حتمات سرکاری — میرزا
حسین مستوفی گیلان و آبدارخانه و
قهوه خانه و صندوقخانه و خوار و بار — میرزا
ابراهیم مستوفی آذربایجان — میرزا
حسن نایب و وزیر درب حرم مستوفی
حساب کرمان و گلپایگان — میرزا
محمود مستوفی ولد مرحوم صاحب دیوان
مستوفی همدان و دماوند — میرزا سید
کاظم مستوفی اصطبل خاصه و کلیه
دواب دیوانی و زین خانه و کالسکه خانه
و ایلخی چیان — میرزا حسن ولد مرحوم
میرزا موسی وزیر لشکر مستوفی قزوین
— میرزا علی اکبر مستوفی اطاق موزه و
زرگرخانه مبارکه — میرزا محمد حسین
مستوفی حساب خزانه نظام و نطنز و
جوشقان و کنگاور و استرآباد — میرزا
سید کاظم مستوفی گروس — میرزا سید
محمد مستوفی لرستان و طالقان — میرزا
عبدالله مستوفی حساب خمسه و
برات نویس عملة خلوت — میرزا ربیع
مستوفی برات نویس شاهزادگان و

خادمان حرم جلالت و آغا‌یان سرکاری
 — میرزا زکی نوری برات نویسن
 کشیکخانه و عملة حضور — میرزا باقر
 مستوفی شاهرود و بسطام — میرزا علی
 نوری مستوفی بروجرد — میرزا مسیح
 مستوفی عربستان — میرزا طاهر کاشی
 مستوفی سمنان و دامغان — میرزا محمد
 مستوفی قم و فیروزکوه — میرزا علی ولد
 مرحوم قوام الدوله مستوفی حساب جنس
 انبار — میرزا محمدرضای مستوفی ملایر
 و نویسندگان — میرزا حسینعلی مستوفی
 نهاوند — میرزا زکی خان مستوفی ولد
 مرحوم میسرزا عبیدالله خان نوری
 برات نویسن اداره نظمیه و احتساب —
 میرزا رفیع مستوفی کمره — میرزا
 اسحق مستوفی برات نویسن تلگرافخانه
 مبارکه و معلمخانه و مریضخانه — میرزا
 عبدالرحیم خلخالی مستوفی که بعضی
 برات نویسیها با او است.

مستوفیانی که حساب ندارند و غیرهم
 جناب ضیاءالملک — جناب میرزا
 محمود وزیر — میرزا عیسی وزیر سابق
 دارالخلافه — میرزا رضا ولد مرحوم
 معینالملک — میرزا هدایت الله
 لسانالملک — منشی الممالک — میرزا

رضاقلی خان سراجالملک — میرزا سید
 احمد مستوفی وزیر حاجی میرزا محمد
 ولد حاجی میرزا نصرالله — حاجی میرزا
 حسینقلی خان مستوفی — میرزا محمد
 علی خان ولد مرحوم وکیل لشکر — میرزا
 محمودخان نواده مرحوم قائم مقام —
 میرزا محمد ولد مرحوم وزیر لشکر —
 میرزا محمد پسر حاجی میرزا عباسقلی
 — میرزا رضاقلی مستوفی — میرزا رضای
 البرز — میرزا فضل الله خان — میرزا سید
 ابراهیم — حاجی میرزا سید حسین —
 میرزا محمد حسین داروغه دفتر ولد
 مرحوم وقایع نگار — میرزا علیمحمدخان
 ولد آقا میرزا علی قائم مقام — میرزا
 علیرضا — میرزا نصرالله برادر مرحوم
 دبیرالملک — میرزا کاظم خان — میرزا
 مهدی مستوفی رشتی منشی مخصوص
 رسایل دولتی — میرزا سید رضی —
 میرزا حسن — میرزا سید محسن — میرزا
 شکرالله ولد مرحوم نصیرالملک — میرزا
 عبدالعلی — میرزا احمد — میرزا آقا
 پیشکار نواب فرمانفرما — میرزا
 حسینعلی خان ولد مرحوم حکیمباشی —
 میرزا عبدالحسین ولد میرزا عبدالرحیم
 خلخالی — میرزا علی ولد مرحوم وکیل
 لشکر — میرزا محمد ولد مرحوم میرزا

محمد حسین خزانہ — میرزا جعفر —
 میرزا حسین خان ولد مرحوم مهندسباشی
 — میرزا زین العابدین خان — میرزا
 محسن پیشکار حسام السلطنہ — میرزا
 علی اکبر عزب باشی

مستوفیانی کہ مأمور ولایات هستند

جناب حاجی منشارالملک مستوفی
 اول و پیشکار مملکت خراسان — میرزا
 تقی پیشکار نواب رکن الدولہ — میرزا
 احمدخان مأمور فارس — میرزا
 حسین خان ولد جناب صاحب دیوان در
 فارس — میرزا حبیب الله خان مستوفی
 حضرت والا ظل السلطان مأمور اصفهان
 — میرزا شفیع خان گرکانی در خدمت
 حضرت والا ولیعهد دولت علیہ در
 آذربایجان کہ الآن حاضر دارالخلافہ
 است — میرزا ابوالقاسم خان نوری در
 آذربایجان — میرزا داود وقایع نگار در
 آذربایجان — میرزا سید حسن خان
 نائینی در نائین.

وزارت رسایل خاصہ

جناب جلالتماب قوام الدولہ وزیر رسائل
 خاصہ

منشیان دولتی

میرزا مهدی گیلانی مستوفی و منشی
 مخصوص رسایل دولتی — حاجی میرزا
 عبدالله منشی — میرزا علی خان نائینی
 ایضاً — حاجی میرزا یوسف خان ایضاً —
 میرزا شفیع پسرزادہ مرحوم میرزا شفیع
 صاحب دیوان — میرزا حسن گیلانی —
 میرزا رضای توپسرکانی — میرزا
 تقی خان فراہانی — میرزا ابراہیم
 گیلانی — میرزا علی — میرزا قاسم

منشیانی کہ در خدمت جناب اجل اعظم آقا هستند

حاجی میرزا رضا — میرزا حسن مستوفی

اجزای مجلس وزارت بقایا

جناب امین حضور وزیر بقایا —
 نصرالله خان پسر امین حضور رئیس
 مجلس — میرزا حسن سررشته دار —
 میرزا ابوالقاسم خان منشی — میرزا
 زین العابدین کہ کتابچہ راپورت عرایض
 وزارت بقایا را می نویسد و بہ حضور
 همایون فرستادہ می شود.

وزارت عدلیه اعظم

جناب جلالتمآب مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم

مجلس مخصوص وزیر عدلیه عظمی و اجزای آن

میرزا حسین خان منشی — حاجی
عباسقلی خان قاجار که مأمور به
حکومت کاشانست — حاجی
حسین خان پسر مرحوم عمیدالملک —
میرزا اسمعیل منشی باشی برادر مرحوم
ملک الکتاب — شریف خان — میرزا
باقر منشی — میرزا یوسف منشی

مجلس صدر دیوانخانه که اغلب امورات ملکی و شرعیات به آنجا رجوع می شود

میرزا شفیع پسر صدر دیوانخانه —
فتح الله خان ناظم اداره عدلیه عظمی که
عرایض سواری به عهده او مرجوع است
— میرزا ابوالقاسم منشی — میرزا
ابراهیم خان منشی — میرزا محمدعلی
منشی — میرزا سیدحسین محرر — میرزا
سید مهدی ایضاً — میرزا عبدالغنی ثبات
دفتر — میرزا اسدالله ایضاً

مجلس تحقیق و دعاوی و نقود

حاجی میرزا حسین خان گرانمایه —
میرزا محمد حسین منشی تفرشی —
میرزا حسن منشی گیلانی — میرزا
حسن شیرازی عزب دفتر

مجلس تحقیقات که بعضی دعاوی نقدی

و متفرقه هم به آنجا رجوع می شود
اعتمادالملک — حاجی علیقلی خان
پازکی — میرزا مجتهد حسین نوائی

مجلس جنایات و تجارت

حاجی میرزا علی رئیس — محمد حسن
میرزا پسر مرحوم سیامک میرزا — میرزا
منصورخان — میرزا رضا منشی آهی —
میرزا محمدعلی منشی تبریزی — میرزا
شفیع منشی پسر مرحوم میرزا
زین العابدین منشی تفرشی — میرزا
عبدالحسین ثبات

محمد رضا خان برای ممیزی —

نور محمد خان — هدایت الله خان

متفرقه

حاجی میرزا زین العابدین داروغه —

میرزا عبدالکریم عریضه نگار — میرزا

علی مستوفی هفته ای یک روز حاضر

می شود — میرزا عبدالحسین مستوفی در

دفترخانه است هر وقت لازم شود حاضر است.

مجلس تحقیق که بعضی امورات

به آنجا رجوع می شود

حاجی محمد رحیم خان قاجار — میرزا

محمد علی منشی

مجلس اجراء

محمد رحیم خان برادر مرحوم محمد

تقی خان حاجب الدوله — میرزا

اسمعیل خان منشی باشی — حاجی

وزارت جلیله خارجه

جناب جلال التماآب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه.

حسینقلی خان نایب اول وزارت خارجه

— میرزا شکرالله نامه نگار نایب دویم —

میرزا علی خان منشی اول — میرزا

عبدالرحیم خوشنویس عنوان نگار —

حاجی میرزا محمدعلی منشی اول —

میرزا عباسقلی خان منشی اول — میرزا

سید امین منشی دویم — اسمعیل خان

فراشباشی — محمد حسین خان آجودان

اول — فیروزخان آجودان اول — محمد

رحیم بیگ غلام باشی —

غلامحسین خان نویسنده و آتشه — محرر

اسامی اجزای مرکزیه وزارت جلیله

خارجه برطبق ترتیبات جدید:

ادارات خمسہ

دایره مخصوص وزارت که در تحت

ریاست شخص جلیل وزیر امور خارجه

می باشد: جناب صنیع الدوله وزیر

انطباعات و دارالترجمه دولتی

مقدم السفراء — صدیق الملک — میرزا

نصرالله خان نایب اول وزارت خارجه —

میرزا مهدی خان نایب اول — حاجی

و آتش سه نفر

اداره دول غير همجوار

ميرزا عبدالله خان مدير — حاجي ميرزا
رضا خان مترجم و منشی دويم — ميرزا
سيد رضا منشی دويم — محرر و آتش دو
نفر

دفتر خمسة

دفتر ثبت و ضبط

ميرزا مصطفى خان نايب اول و رئيس —
ميرزا رضی خان منشی اول — ميرزا
محمد حسين خان دفتر دار — ميرزا
عليخانی منشی سيم — ميرزا محسن
منشی سيم — مترجم نفر — محرر و آتش
سه نفر

دفتر تجارت

ميرزا جواد خان نايب اول و رئيس —
ميرزا مهدي منشی اول — ميرزا
عبدالرحيم منشی سيم — محرر و آتش
دو نفر

دفتر رسوم و تشریفات

محمد تقی خان نايب اول و رئيس —
ميرزا ابوالقاسم خان پسر ميرزا رضی خان
منشی سيم — منشی ايضاً نفر — ميرزا
اسماعيل لاريجانی نويسنده و آتش —
محرر و آتش ايضاً نفر — جواد بيک

اداره انگليس

ميرزا علي اکبر خان نايب دويم و مدير —
ميرزا حسين خان پسر مرحوم وزير لشکر
منشی اول — ميرزا عبدالمطلب منشی
دويم — ميرزا حسين خان پسر ميرزا
شفيع خان منشی سيم — ميرزا حسين
انجذانی نويسنده و آتش — نويسنده و
آتش ايضاً نفر

اداره روس

ميرزا نصر الله خان نايب دويم و مدير —
ميرزا حسن خان منشی دويم — ميرزا
حسين خان پسر مرحوم ميرزا اسماعيل
خان منشی سيم — ميرزا ابوالقاسم
نويسنده و آتش — ميرزا اسماعيل نويسنده
و آتش

اداره عثمانی

ميرزا محبعلی خان ناظم الملک نايب
اول و مدير — ميرزا کاظم پسر مرحوم
ميرزا زين العابدين مستوفی منشی اول —
ميرزا اسدالله منشی دويم — ميرزا
آقاخان نويسنده و آتش — نويسنده و
آتش ايضاً نفر

آجودان دویم

دفتر ترجمه و خطوط رمز

میرزا محمودخان مفتاح الملک نایب
 دویم و رئیس — بارون نرمان مترجم
 اول — میرزا علی خان مترجم اول —
 منشی دو نفر — حاجی میرزا مهدی خان
 مترجم ترکی — غلامحسین خان نویسنده
 و آتشه — میرزا مسعودخان نویسنده و
 آتشه

دفتر محاسبه

میرزا عبدالوهاب خان نایب دویم و
 رئیس — میرزا محمد حسین سررشته دار
 و منشی دویم (چون در این ایام مریض
 است میرزا ابوالقاسم خان به جای او
 خواهد بود) — علی پاشاخان خزانه دار
 آجودان — میرزا صادق نویسنده و آتشه
 — میرزا علی اکبر عزب دفتر — محرر،
 سیاق دان و آتشه دو نفر

صاحب منصبانی که بالفعل در دایرة
 مرکزیه وزارت خارجه مشغله ندارند و
 در معرض مأموریت هستند

میرزا جوادخان سرتیپ نایب اول —
 میرزا خاندلرخان — میرزا ابوالقاسم خان
 نایب دویم — میرزا موسی خان منشی

اول — میرزا عیسی خان — میرزا
 علی اشرف خان سرهنگ مهندس —
 اسدالله خان مهندس مترجم دویم —
 محمد حسن خان غلام پیشخدمت

اسامی مأمورین کارگذاریهای داخله
 کارگذاری اول در آذربایجان و سایر

کارگذاری اول

جناب ساعدالملک کارگذار اول —
 حاجی میرزا صادق خان سرتیپ نایب
 اول — قلی خان سرتیپ و مستشار
 مهماندار — حاجی میرزا معصوم خان
 نایب و منشی اول — میرزا مهدی خان
 سرهنگ نایب اول — میرزا حسن خان
 سرهنگ و نایب و مهماندار — میرزا
 حسین خان سرهنگ و نایب — میرزا
 محمدخان ناظم دفتر و سرهنگ —
 ساطورخان سرهنگ و مترجم اول —
 میرزا رحیم یاور کارگذاری — میرزا
 هاشم منشی — میرزا محمد آجودان —
 عیسی خان آجودان و مهماندار — میرزا
 هاشم خان کارگذار ارومی

اداره تذکره آذربایجان

عباسقلی خان امین الوزاره رئیس امنای
 تذکره آنجا — حاجی میرزا حسین نایب

و منشی اول

کارگذاریهای ولایات دیگر
ارض اقدس کارگذاری دوتم
میرزا معصوم خان سرتیپ کارگذار—
میرزا فتح الله خان منشی

استرآباد کارگذاری دوتم
میرزا جوادخان کارگذار— میرزا اسدالله
منشی — میرزا علی اکبرخان وقایع نگار
جزه

فارس

بوشهر و بندرعباس: حاجی میرزا
عبدالله خان کارگذار شیراز

گیلان

نجفقلی خان کارگذار— میرزا
عبدالرسول نایب — میرزا حبیب الله خان
امین تذکره گیلان

سایر ولایات

میرزا محمد قلی خان کارگذار قوچان و
بجنورد — میرزا مهدی خان کارگذار
مازندران — میرزا حسین خان کارگذار
کاشان — محمد جعفرخان کارگذار
خارجة اصفهان — میرزا آقاخان
کارگذار خارجة کرمانشاهان —
سلیمان خان کارگذار خارجة کردستان

اسامی سفرا و کارپردازان دولت علیه
در ممالک خارجة
ولایات دولت عثمانی
اسلامبول

جناب معین الملک امیرتومان سفیرکبیر
— میرزا احمدخان مستشار — میرزا
جوادخان نایب — میرزا رضاخان
ترجمان اول — حاجی محمدخان ژنرال
قونسول — حاجی میرزا نجفعلی خان
نایب — میرزا آقا منشی اول — دکتر
پامادوکا حکیم سفارت — حاجی
آقاخان ترجمان ضبطیه — جورجکی
ترجمان تجارت — یوسف بیگ ترجمان
سفارت پسر مرحوم اسدآقا — مسیو
بارونستی قانون دان سفارت

ارزنة الزوم

میرزا حسن خان کار پرداز

طرابزون

حاجی میرزا حسین خان کار پرداز

مصر

حاجی محمد صادق خان کار پرداز

شام

میرزا حسن خان کار پرداز

وان

میرزا موسی خان کار پرداز

حلب

میرزا شکرالله کار پرداز

عراق عرب و غیره

بغداد

میرزا محمودخان کار پرداز اول — میرزا
طهماسبقلی نایب — حسن افندی کاتب
ترکی — حاجی میرزا ابوالقاسم ترجمان
ترکی

بصره

حاجی میرزا صادق خان کار پرداز —
میرزا محمدخان نایب

کربلای معلی

محمد حسن خان

نجف اشرف

میرزا عبدالوهاب خان

خانقین

محمد اسمعیل بیگ

سلیمانیه

میرزا علی خان کار پرداز

سایر خاکه عثمانی

کرکوک: عباس بیگ — کاظمین:
کریم بیگ — مندلیج: میرزا ابوطالب —
دیاربکر: میرزا حسین — مسیب:
نصرالله بیگ — عماره: علی بیگ —
سماوات: حسین بیگ — بیت المقدس:
میرزا هادی — جده: حاجی میرزا علی
قونسول — ازمیر: محمدخان — یعقوبیه:
یوسف خان — حله: حاجی عباسقلی —
قزلر باطو شهر وان: شیرخان بیگ —
انطاکیه: موسی بیگ

دولت انگلستان و غیره

سفارتخانه لندن و پروس و هلاند
جناب ناظم الدوله میرزا ملکم خان
سفیر کبیر — اجزای سفارت را صورت
نداده اند.

هندوستان و غیره

بمبئی و هندوستان: میرزا سلیمان خان
کار پرداز — کلکته: رستمچی قونسول
— بیرمان: حاجی احمد قونسول

دولت روسیه

سفارتخانه پترزبورغ و غیره
جناب میرزا اسدالله خان وزیر مختار و
ایلچی مخصوص — میرزا محمودخان

مستشار — میرزا علینقی نایب و منشی
— مترجم نفر — آقامیرزا جعفر قونسول
مسکو

تفلیس و سایر خاک قفقازیه

میرزا محمّد علی خان معین الوزاره
کار پرداز مقیم تفلیس — میرزا رضاخان
دانشی نایب اول — میرزا معصوم خان
ویس قونسول بادکوبه — میرزا بهرام
ویس قونسول لنکران و سالیان — میرزا
محمّد دفتردار — میرزا جبارخان ویس
قونسول ایروان

حاجی ترخان

میرزا عباس خان کار پرداز — منشی نفر
— مترجم نفر

سفارتخانه پاریس و غیره

جناب نظرآقا وزیر مختار و ایلچی
مخصوص — میرزا احمدخان مستشار و
نایب — مسیو موزلیه حکیم سفارت —
مسیو منیه ژنرال قونسول — مسیو هرمان
ویس قونسول — مسیو ریشار قونسول
مارسیل — مسیو کرولو قونسول بردو —
مسیو ادونیه قونسول هاور

سفارتخانه وینه

جناب نریمان خان وزیر مختار و ایلچی

مخصوص — میرزا حسن خان نایب اول
سفراء دول متحابه و صاحب منصبان
مقیمین

در دربار همایون و سایر ولایات

سفارت دولت عثمانی

در طهران

جناب فخری بیگ افتدی سفیر کبیر —
رفیقی بیگ نایب اول — سرکر افتدی
نایب دویم — میرزا حسن خان منشی
اول

سایر ولایات

تبریز

علی بهجت بیگ افتدی باش شهبندر —
میرزا حاجی آقا منشی — منصور آقا
وکیل شهبندر ارومیه — عبدالاحد آقا
وکیل شهبندر ساوجبلاغ

کرمانشاهان

محمّد رفیق بیگ شهبندر — حاجی
ملا احمد منشی

کردستان

آقا سید جابر عرب وکیل شهبندر —
میرزا بشیر منشی

شیراز

حاجی سید ابراهیم وکیل شهبندر —

میرزا سید محمد منشی

همدان

حاجی محمد سعید وکیل شهبندر — آقا
محمد حسین منشی

سفارت دولت روس

در طهران

جناب مسیو ملینکوف وزیر مختار و
ایلچی مخصوص — مسیو ارغیزو پولو
نایب اول — مسیو غریغرویچ مترجم اول
— مسیو فیلی پیف مترجم دویم — مسیو
اغنائیف آتشی — مسیو چرپ نین
حکیمباشی — میرزا مهدی خان منشی
اول — میرزا ابوالقاسم خان منشی دویم

قونسولگری تبریز

مسیو بطرف ژنرال قونسول — مسیو
اشچلکونف مترجم — کیناز دایژا آتشی
— مسیو پنافیدین نایب — میرزا علی
اشرف خان منشی

قونسولگری رشت

مسیو دلاصوف قونسول — مسیو
پاخیطونف نایب و مترجم — مسیو والری
آتشی — میرزا عبدالله منشی اول

قونسولگری استرآباد

مسیو کاخانوفسکی قونسول — مسیو
لوتیسکی آتشی

سفارت دولت استریه و مجارستان

جناب مسیو کوسیمک وزیر مختار و
ایلچی مخصوص — مسیو شفر نایب اول

سفارت دولت انگلیس

در طهران

جناب رانلد طامسن وزیر مختار و ایلچی
مخصوص و قونسول ژنرال — دالتررینک
مستشار اول — ولیم هکرست مستشار دویم
— دیکسن صاحب السنه شرقی —
ارثرلارکم صاحب اسکندرفین ویس
قونسول — هنری جرجیل دفتردار —
سرجوسف دیکسن طبیب — میرزا
زین العابدین منشی اول — میرزا
شیخعلی منشی دویم — میرزا حسن
منشی چهارم

سایر ولایات

تبریز

دیلیم جارج آبت قونسول ژنرال

گیلان و مازندران و استرآباد

کلنل لوت

بوشهر

کلنل راس بالهوز و قونسول ژنرال —
کبیتان مکور نایب اول — منشی دو نفر
— کاتب دو نفر

مشهد مقدس

میرزا عباس خان

اصفهان

مستر آقانور

شیراز

حیدر علی خان وکیل موّتی

همدان

آقا سید حسین

کرمانشهان

حاجی آقا حسن

سفارت دولت فرانسه

در طهران

جناب مسیو دبالوا وزیر مختار و ایلچی
مخصوص — مسیو سوهار نایب اول —
مسیو لیر مترجم اول — مسیو کلمب
مترجم و دفتر دار سفارت — میرزا ابراهیم
منشی

تبریز

مسیو امیل برنه ژنرال قونسول — مسیو
اودی برشانسیسه — میرزا حسن منشی

دولتین هلاند و رومانی

شوالیه لشار شارل کیون ژنرال قونسول
دولتین هلاند و رومانی

ادارات جناب جلالتمآب امین السلطان وزیر دربار اعظم

و خزانه عامره و گمرک و غیره

نایب کلّ ادارات میرزا علی اصغر خان امین الملک ولد جناب معزی الیه

کارها و امتیازات مخصوص

وزارت دربار اعظم — ریاست خزانه

مبارک اندرون — ریاست قراولان

مخصوص وجود همایون — ریاست

اردوی همایون

حضور — امیرزاده آقا مسیح — علی
اکبرخان پسر محمدخان — امیرزاده
تیمور میرزا

خلوت همایون

از باب مناصب

جناب اقبال الدوله رئیس خلوت
همایونی — حکیم الممالک
پیشخدمتباشی سلام — غلامحسین خان
خازن رکیب خانه — مجدالملک میرزا
تقی خان منشی حضور و رئیس اداره
وزارت وظایف — غلامحسین خان
امین خلوت و تفنگدارباشی

سایر

ادیب الممالک — محمد حسن خان
محقق — جعفر قلی خان ولد مرحوم
اعتمادالدوله — امیرزاده سلطان حسین
میرزا — محمد حسین خان پیشخدمت و
فراشباشی حضرت والا نایب السلطنه
امیرکبیر وزیر جنگ — محمد
ابراهیم خان ولد مرحوم امین الدوله — نور
محمدخان امین دیوان — آقارضا
ناظم خلوت — میرزا عبدالله خان —
جبارخان — آقا میرزا محمد گروسی —
حاجی حبیب الله خان — محمد
حسن خان — میرزا سید عبدالکریم خان
— حسین خان محلاتی — امیرزاده
سلطان ابراهیم میرزا ژنرال آجودان

صندوقخانه و رختدارخانه

امین السلطنه صندوقدار و جامه دار خاصه
و خازن مخزن تدارکات عسکریه دولت
علیه

اطباء خاصه

ایرانی

ملک الاطباء میرزا کاظم — میرزا سید
رضی حکیمباشی نظام — شیخ الاطباء
میرزا حسینعلی — معتمد الاطباء میرزا
علی دکتر و حکیمباشی حضرت والا
نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ —
میرزا نصرالله تنکابنی — میرزا لقمان ولد
ملک الاطباء — میرزا سیدعلی — حاجی
میرزا حبیب الله تنکابنی — میرزا اسدالله
کاشانی

فرنگی

جناب دکتر طولوزان حکیمباشی —
میرزا زین العابدین خان کاشانی نایب
حکیمباشی طولوزان — مسیوهیدنه
دندان ساز

باقی تفنگداران خاصه هشتاد نفر

خواجه سرايان

معمد الحرم حاجی آغا جوهر خواجه باشی
و سرتیپ — آغا محراب — حاجی آغا
سرور خان — حاجی آغا فیروز —
آغا حسن — حاجی آغا غلامعلی — آغا
سید اسمعیل — آغا بهرام — آغا فتح الله
— آغا میرزا احمد اردستانی — آغانوری
— آغا فرج

اطاق موزه مبارکه

آقا میرزا علی اکبر مستوفی — میرزا علی
نایب ایضاً — آقا باقر — آقا محمد نایب
— آقا مهدی ساعت ساز

اداره خزانه مبارکه مالیه

به ریاست میرزا اسمعیل خان ولد جناب
امین السلطان — میرزا فضل الله خان
مستوفی — میرزا احمد منشی — میرزا
جعفر ایضاً — شیخ مرتضی تحصیل دار
— میرزا سید جعفر دفتر دار — میرزا
محمود مشرف وجوهات خزانه مبارکه
اندرون — آقا محمد علی تحویلدار
کل خزانه — آقا هدایت تحویلدار وجوه
گمرک و غلات — میرزا هادی خان
سر رشته دار — میرزا محمود سر رشته دار

فراش خلوتان همایونی و غیره

میرزا کریم تحویلدار عمله خلوت
همایونی — میرزا محمد خان نقاش باشی
حضور — محمد صادق خان فراش خلوت
— آقا سید ابوالقاسم — آقا سلیمان
ده باشی خلوت — میرزا هدایت — آقا
سید محمد — آقا صادق و غیره

قهوه خانه مبارکه

غلامعلی خان قهوه چی باشی — آقا جبار
قهوه چی

تفنگداران خاصه

در اداره جناب اقبال الدوله

غلامحسین خان امین خلوت رئیس
تفنگداران خاصه — رضاقلی خان —
محمد زمان خان — رستم خان —
مصطفی قلی خان — آقا خان — فرج خان
— میرزا باقر خان — علی اکبر خان —
میرزا محمد خان — قهرمان خان —
حیدر خان — محمد کریم خان —
حسن خان پسیان — اسد الله خان —
اسمعیل خان — محمد خان گرجی —
نصر الله خان نوری — رضا خان —
نادر بیگ — میرزا ابوالفتح خان —
حاجی تقی خان — حاجی عیسی خان —

— میرزا عباس فهرست نویس — میرزا لطیف سر رشته دار خزانه — آقاقلی صراف — آقا زین العابدین صراف — فراش ده نفر

اداره آبدارخانه و سقاخانه

به ریاست آقا محمدعلی امین الحضره ولد جناب امین السلطان — آقا یوسف سقاباشی — آقا حسینعلی — آقاباقر — آقاداتی — میرزا ابوالقاسم نایب — میرزا غلامحسین سر رشته دار — آقا فتحعلی — عمله آبدارخانه پانزده نفر — سقا سی و هفت نفر

اداره صرف جیب مبارک

آقا حسینعلی تحویلدار — میرزا رضاقلی سر رشته دار کل

اداره ضرابخانه

حاجی محمد حسن امین دارالضرب — آقاباقر رئیس — میرزا سید عبدالله سر رشته دار — حاجی محمد تحویلدار — سایر اجزاء هفتاد نفر

فوج سواد کوه قراول مخصوص

امین الملک سرتیپ اول — نصرالله خان سرهنگ — میرزا سید یوسف سر رشته دار

اداره چراغ گاز و الکتریسته

میرزا نظام مهندس الممالک رئیس — میرزا حسین پسر میرزا علی اکبر مستوفی سر رشته دار — استاد یوسف استاد کارخانه — عمله جات شصت نفر

اداره گمرکخانه های ممالک

محروسه

مسئو کتابچی قانون نویس — میرزا علی سر رشته دار — میرزا علی اصغر مترجم — محمد تقی خان ناظم میزان آذربایجان — آقاباقر مدیر گمرک گیلان و مازندران و بنادر دریای خزر — غلامرضاخان ناظم میزان یزد و کرمان و کاشان — محمد حسین میرزا مدیر گمرک قزوین و خمسه و همدان — سنجبر میرزا مدیر گمرک کرمانشاهان — عباسعلی بیگ مدیر گمرک طهران — محمد حسن میرزا مدیر گمرک خراسان — میرزا نصرالله مدیر گمرک اصفهان — محمد حسین خان مدیر گمرک فارس و بنادر — حیدرخان مدیر گمرک نهاوند و ملایر و تویسرکان — محمودبیگ مدیر گمرک گروس و کردستان

اداره غلات ممالک محروسه

به ریاست میرزا اسمعیل خان ولد جناب
امین السلطان — میرزا رضا قلی خان
سررشته دار — میرزا ولی — محمّد خان
مأمور نقد و جنس ادارات حضرت والا
ظلّ السلطان — محمّد تقی خان مأمور
غلات آذربایجان — آقا رضاخان مأمور
خمس و گروس — آقاباقر مأمور غلات
قزوین — یوسف خان مأمور ملایر و
تویسرکان و همدان و نهاوند —
ابراهیم خان مأمور سمنان و دامغان و
شاهرود و بسطام — محمود بیگ مأمور قم
و ساوه

اداره حکومت و تولیت زاویه مقدسه

حضرت عبدالعظیم علیه السلام

جناب آقامیرزا هدایت الله ناظم التولیه —
حسین قلی خان ناظم التولیه و
نایب الحکومه — حاجی سید علی
فراشباشی — میرزا اسمعیل مهرداد —
حاجی میرزا عبدالکریم صدر الحفاظ —
میرزا یحیی ناظر — میرزا حبیب الله
کلیددار — آقا شیخ احمد واعظ — میرزا
عبدالحسین سرکشیک — آقا میرزا باقر
سرکشیک — میرزا بزرگ فراش ضریح
مطهر — میرزا کاظم مستوفی — میرزا

ولی منشی باشی — حاجی آقا محمّد
تحویلدار نقد و جنس — میرزا حسین
سررشته دار — خدام بیست و پنج نفر —
قرآء بیست نفر — گلابدار پانزده نفر —
مؤذن و چراغچی پانزده نفر

اداره حکومت های مخصوصه

سمنان و دامغان و چهارده کلاته به
حکومت ضیاء الدوله — طارم به حکومت
آقاباقر — سواد کوه به حکومت حاجی
ولی خان نایب الحکومه — لشته نشا و
املاک مجدالدوله در گیلان به حکومت
اکبرخان بیگلربیگی — تجریش
شمیران: محمّد اسمعیل بیگ
نایب الحکومه — خوار: محمّد جعفرخان
نایب الحکومه

اداره شترخانه و قاطرخانه و

شترکلائی و تخت خانه

به ریاست محمّد قاسم خان صاحب جمع
ولد جناب امین السلطان — میرزا
علیمحمّد مشرف شترخانه — حاجی
میرزا محمّد علی مشرف تخت خانه —
میرزا علینقی مشرف قاطرخانه —
جوادی بیگ نایب اول شترباری —
نصیر بیگ نایب دویم شترباری —
موسی خان نایب تخت خانه — حاجی

حسن نایب قاطرخانه — بابا حاجی نایب
دویم — بابا اکبر تحویلدار جنسی —
عمله جات از بابت ده باشی و داروغه و
قاطرچی و ساربان یک هزار و پانصد نفر

اداره سواره دیوانی

دو هزار و یکصد و بیست نفر

سواره دویرن

آقا جان خان سرهنگ — کریم خان
ایل بیگی — میرزا رحمت الله مشرف —
صاحب منصب و سوار پانصد نفر

سواره افشار

جهانشاه خان سرتیپ و رئیس کل —
میرزا محمد علی سر رشته دار — میرزا
موسی مشرف — صاحب منصب و سوار
پانصد نفر

خواجه وند

علی اکبر خان سرتیپ — حسن خان
ایل بیگی — میرزا شکر الله مشرف —
صاحب منصب و سوار پانصد نفر

اوصانلو

سیف الله خان سر کرده — میرزا حسن
مشرف — صاحب منصب و سوار دویست
نفر

سواره هداوند

رحیم خان سر کرده — میرزا ابوالقاسم
مشرف — صاحب منصب و سوار صد و
پنجاه نفر

قراچورلو

صفر علی خان سر کرده — میرزا اسحق
مشرف — صاحب منصب و سوار یکصد
نفر

سواره قراسوران زاه قزوین

جمعی آقا باقر — بیوک خان سر کرده —
میرزا علی اصغر مشرف — صاحب منصب
و سوار یکصد و هفتاد نفر

اداره انبار غله دارالخلافه

به ریاست آقا یوسف سقا باشی —
میرزا علی سر رشته دار — میرزا حسن
سر رشته دار — فرخ آقا تحویلدار — میرزا
حسن علی روزنامه نویس — میرزا ربیع
مشرف — مباشر و عمله جات از قیّاندار
و قزاق و غیره ده نفر

اداره ایلات دارالخلافه

ابو اجمعی امین الملک ولد جناب
امین السلطان: عرب ورامین — عرب
میش مست — عرب سمنانی — ایل

بتائیهای نظام — حاجی محمد حسن
کدخدای فخرخانه — نایب و فرائش
بیست نفر

راه افجه و نور و فیروزکوه و آمل

سپرده به میرزا تقی و میرزا نظام
مهندس الممالک

اداره راههای شوسه

راه شوسه قزوین سپرده به آقاباقر
عمله جات یکصد و هشتاد نفر — راه
شوسه قم سپرده به میرزا نظام
مهندس الممالک — عمله جات دائمی
پنجاه نفر

هداوند — ایل اوصانلو — ایل قراچورلو —
ایل الیکائی — ایل گاو باز — ایل
بختیاری — ایل قشقائی — ایل اوریات
— ایلات متفرقه عرب و کلکو

اداره بتاخانه و فخرخانه

علاءالملک مستوفی بتائی — حاجی
ابوالحسن معمار باشی — میرزا حسین
سررشته دار — میرزا مصطفی قلی
سررشته دار — میرزا غلامحسین
سررشته دار — حاجی میرزا سید ابوطالب
سررشته دار — میرزا مصطفی مدیر
فخرخانه — حاجی حسینعلی معمار
باغات دیوانی — استاد حسنعلی معمار
عمارات همایونی — استاد حسین معمار

• • •

نایب النظاره — میرزا علینقی
منشی باشی — میرزا صادق سررشته دار
— میرزا علی اکبر شربتدار باشی —
حاجی میرزا محمدرضای شربت دار —
میرزا محمد نایب شربتخانه مبارکه —
آقا محمد حسن چورکچی باشی — استاد
زین العابدین آشپز باشی — حاجی
نصرالله طبّاح خاصه دویم — آقا
محمد باقر تحویلدار جنسی — استاد

اداره دارالنظاره مبارکه و اداره

مقدسه

مهر مهرآثار همایون به ریاست جناب
جلالتمآب عضدالملک وزیر حضور
همایون و خوانسالار و خازن مهر مهرآثار
و ایلخانی ایل جلیل قاجار

اجزای دارالنظاره

محمدقلی خان پیشخدمت حضور

میرزای خاصه پز — کربلائی ربیع
اباغچی باشی

اجزای اداره مُهر مهر آثار همایون
میرزا زین العابدین حافظ مهر مهر آثار
مبارک — محمد کریم بیگ حامل مهر
همایون شفرأ و حضراً — قراول و
مستحفظ شش نفر

• • •

ایشیک خانه مبارکه

امیرالامراء العظام ظهیرالدوله ایشیک
آقاسی باشی

نایبان ایشیک آقاسی باشی و یساولان

محمد امین خان — محمدخان قور
یساولباشی — امیرزاده حسینقلی خان —
تقی خان — جعفرقلی خان —
اسدالله خان — ابوالفتح خان —
حسین خان — محمدعلی خان برادر
شهر بازخان — ابوالفتح خان —
عباسقلی خان — اکبرخان — عیسی خان
— موسی خان — علی آقای قاجار —
حاجی حسین خان — غلامحسین خان —
سلیمان خان — علی خان — مصطفی
قلی خان — امان الله خان — آقاخان —

محمدعلی خان نوائی — محمدخان نوائی
— مهدیقلی خان — مرتضی قلی خان —
میرزا سیدهاشم — میرزا حسینقلی —
سلیمان آقا — محمدعلی خان گروسی —
میرزا مهدی خان — حسین بیگ — میرزا
عبدالحسین — عباسقلی خان — حاجی
علیمحمدخان — آقا محمد رحیم خان
دائی — غلامعلی خان اشرفی —
امامقلی خان نوائی — کریم خان زنگنه
— محمودخان نوری — غلامحسین خان
ایروانی — میرزا محمدتقی نوری —
میرزا محمد حمین — محمد حسین خان
زنگنه — عباسقلی خان — حاجی عبدالله
— سلیمان خان — عبدالرزاق بیگ —
فرج الله خان — میرزا عبدالکریم —
عباسقلی بیگ — حاجی محمد تقی خان
— محمد آقای ایروانی — یساولان پنجاه
نفر

• • •

کشیکخانه مبارکه

امیرالامراء العظام عبدالله خان
کشیکچی باشی — میرزا محمد تقی
وکیل لشکر مباشر کل محاسبات
کشیکخانه مبارکه — محمودخان قولر
آقاسی باشی

غلام پیشخدمتان

درجه اول چهارده نفر — درجه دویم بیست و چهار نفر — درجه سیم بیست و هشت نفر — درجه چهارم هشتاد و هفت نفر

یوزباشیان

رستم خان قاجار سرتیپ — عباسقلی خان گرجی سرتیپ — حیدرقلی خان مافی سرتیپ — محمد قلی خان بیات سرتیپ — عزت الله خان مافی سرتیپ — کلبدلی خان قبه ای سرتیپ — طهماسبقلی خان یوزباشی مأمور آذربایجان — سعدالله خان یوزباشی ایضاً — علی اصغر خان یوزباشی — موسی خان قبه یوزباشی — عبدالله خان یوزباشی — باباخان ایضاً — محمد حسن خان ایضاً — محمد اسمعیل خان ایضاً

• • •

فرآشخانه و مرابدارخانه و

نسقی خانۀ مبارکه

محمد حسن خان حاجب الدوله
فرآشباشی و نسقی باشی

فرآشخانه

حسینقلی خان فایب کل — میرزا آقا سررشته دار

نایبان

درجه اول یازده نفر: آقا شیرمحمد قزوینی
تحویلدار انبار — آقا محمد جعفر تبریزی
— ابوالقاسم خان — میرزا سید جعفر —
جعفرخان بیگ قراجه داغی —
محمدتقی بیگ ابری — میرزا ابراهیم
مازندرانی — محمدتقی بیگ شمیرانی
— آقا علی اکبر هرسینی — محمد
ابراهیم خان کاشانی — رحیم خان

درجه دویم هیجده نفر: میرزا محمدتقی
— میرزا عباسقلی — آقارضاقلی — میرزا
حبیب الله — میرزا عبدالحمید — میرزا
اسدالله — میرزا محمد — آقارجب —
آقامهدی — میرزا عباس — مهدی خان
— احمدآقا — کر بلائی کاظم — محمد
مهدی بیگ — میرزا آقا ولد
ابوالقاسم خان — میرزا جبار — آقا
سیدرضای خیام باشی — محمد حسنین
بیگ چراغچی باشی

درجه سیم چهارده نفر: میرزا فتح الله خان
— آقا محمدعلی — علی آقا بیگ —
غلامحسین خان — رضاخان کاشی —

میرزا احمد — محمد حسین بیگ —
 ابوالقاسم خان ولد مهدی خان —
 ابراهیم خان ولد ابوالقاسم خان
 نصرالله بیگ — حاجی میرزا — محمد آقا
 بیگ — حسین آقا — حبیب الله بیگ
 قراجه داغی

مشرف — یوسف خان قاجار — میرزا
 محمود نوری — محمد رضا خان قزوینی
 — یحیی بیگ طهرانی

• • •

غلامان مهدیه و منصور

ابوابجمع علاءالدوله میرزا احمدخان
 مرتب اول و پیشخدمت مخصوص
 حضور همایون

سواره مهدیه

سیصد و هشتاد و چهار نفر

ارباب مناصب

بیست و دو نفر: محمودخان مرتب ولد
 مرحوم سپهدار — حاجی حسین خان
 مرتب نواده مرحوم رفیع خان قاجار —
 میرزا تقی خان سرهنگ — فتح الله خان
 سرهنگ — رحمت الله خان یوز باشی —
 غلام نویس دو نفر — نایب پنج نفر —
 پنجاه باشی ده نفر

سایر

سیصد و شصت و دو نفر

سواره منصور

هزار و دو بیست و پنجاه و هشت نفر

قاپوچی باشی و قاپوچیان

محمد آقای قاپوچی باشی —
 احمدخان نایب ولد قاپوچی باشی —
 کر بلائی رمضان — پهلوان ابراهیم یزدی

سرایدارخانه

محمد ابراهیم خان سرایدار باشی —
 حسینقلی خان نایب ولد سرایدار باشی
 — رضاخان نایب ولد ایضاً — آقاییوسف
 نایب — آقا نجف نایب — آقا محمد
 نایب — علی مددخان نایب — میرزا
 ابراهیم نایب

نسقخانه مبارکه

محمد رحیم خان نسقچی باشی ولد
 حاجب الدوله

نایبان

عباس خان قاجار — هادی خان قاجار —
 محمد زمان خان — ابوالقاسم خان قاجار
 — خانباخان سربندی — میرزا حسین

ارباب مناصب

پنجاه و دو نفر: عباسقلی خان سرتیپ
 ولد حاجی صمصام الملک —
 زین العابدین خان سرتیپ ولد
 حسام الملک — امیرزاده فریدون میرزا
 ولد مرحوم سالار — محبعلی خان
 یوزباشی غلامان خلیج — خیرالله خان
 یوزباشی غلامان مافی — لطفعلی خان
 یوزباشی غلامان گروسی — حاجی
 محمد ولی خان یوزباشی غلامان

سپیل سپر — علیمرادخان سرکرده غلامان
 تکلو — اسمعیل خان سرکرده ولد
 قاسم خان سرتیپ — آقاسی خان سرکرده
 ولد ایضاً — میرزا رضاقلی خان سرکرده
 — اسکندرخان سرکرده غلامان خلیج —
 میرزا موسی مشرف — نایب نوزده نفر —
 پنجاه باشی بیست نفر

سایر

یکهزار و دو بیست و شش نفر

ادارات خاصه جناب جلالتمآب امین الدوله مدیر و مرتب

دارالشورای کبری و واسطه عرایض و صدور احکام

وزارت وظایف کل ممالک محروسه

جناب جلالتمآب امین الدوله وزیر وظایف

دفتر ثبت و حساب

رئیس میرزا سید مصطفی مستوفی و
 نایب الوزارة وظایف — میرزا نصرالله
 سر رشته دار — میرزا سید حسین
 سر رشته دار — میرزا محمد سر رشته دار —
 میرزا علی اصغر سر رشته دار

دفتر خاصه وزارت

رئیس کل مجد الملک منشی حضور
 همایون — منشی مخصوص میرزا
 مصطفی خان — میرزا محمدعلی منشی
 — میرزا محمد حسین محرر و ثبات

دفتر انشاء

رئیس میرزا مهدی منشی باشی
نایب الوزاره — نویسنده میرزا محمد —
ثبات دو نفر

دفتر تحقیق و تصحیح

به ریاست کل راجع است

اعضاء

میرزا سید مصطفی مستوفی و
نایب الوزاره — میرزا مهدی منشی باشی
— میرزا نصرالله سررشته دار

دفتر اسناد

رئیس میرزا سید حسین — محرر و ضابط
میرزا سید یوسف

اجزای مجلس وزارت اوقاف

آقامیرزا حسن مستوفی رئیس — آقا سید
محمد باقر جمارانی ناظم مجلس — میرزا
محمد منشی مجلس اوقاف — میرزا
حسن کتابچه نویس — میرزا سید حسین
سررشته دار — میرزا یوسف ثبات

اداره پستخانه مبارکه

به وزارت جناب جلالتمآب امین الدوله

اجزاء پستخانه دارالخلافه طهران

میرزا محمد علی خان مستشار نایب اول

ورئیس اطاق مرکزیه — میو نیکلا
نایب اول و دفتر دار و منشی مکاتبات
خارجه — میرزا اسمعیل منشی باشی
نایب اول وزارت پست — میرزا ابراهیم
سررشته دار و محاسبه نویس کل
پستخانه ها — میرزا مطلب نقاشباشی و
تحویلدار کل پستخانه ها — میرزا هادی
تحویلدار امانات — میرزا اسدالله منشی
اول — میرزا علی منشی دویم — میرزا
ابوثراب دفتر دار ایستاتستیک — میرزا
علی خان گیرنده نوشتجات — میرزا
اسدالله تحویلدار امانات خارج —
میرزا علی معین ایضاً — آقا علی و
اسمعیل خان مجزا کننده نوشته داخله و
خارجه — میرزا ابراهیم ممیز نوشتجات و
بارنامه ها — میرزا ابراهیم معین میرزا
هادی تحویلدار امانات — میرزا علی
دفتر دار ملتسمه — میرزا اوانس بزرگ و
میرزا اوانس کوچک دفتر دار ملتسمه و
نوشتجات سفارشی و مترجم — میرزا
نیکلا رئیس پستخانه خیابان و مترجم
زبان روسی — نادعلی خان غلامباشی
— محمدخان نایب اول مأمور خط
مازندران — حسینقلی بیگ یساول اول
— طهماسب بیگ یساول دویم —
غلامان کل ولایات هشتاد نفر — فراشان

پستخانه مرکزی طهران ده نفر

خط آذربایجان

پستخانه مرکزی تبریز

میرزا حسن خان سرهنگ و رئیس
پستخانه های آذربایجان — میرزا
حاجی آقا تحویلدار امانات و نوشتجات
— میرزا رضا سر رشته دار و تحویلدار
ورود و خروج — میرزا محمود تحویلدار
و دفتردار ایستاتستیک و ملتسمه ها —
میرزا مهدی تحویلدار نوشتجات سفارشی
و متفرقه داخله — حسن آقا کنترل نویس
— غلامان خط طهران پنج نفر — غلامان
خط جلفا دو نفر — غلامان خط خوی دو
نفر — فراش پستخانه تبریز شش نفر

پستخانه های ولایات جزو آذربایجان

میانیج

میرزا مهدی مباشر — فراش نفر

ساوجبلاغ

میرزا تقی مباشر — نویسنده نفر —
غلام نفر — فراش نفر

ارومیه

میرزا نیکلا مباشر — غلام نفر — فراش
نفر

خلخال

میرزا اسمعیل مباشر — نویسنده نفر —
غلام نفر

خوی

میرزا مهدی مباشر — نویسنده نفر —
فراش نفر

مراغه

میرزا آقا بالا — نویسنده نفر — فراش نفر
— غلام نفر

اردبیل

میرزا علینقی مباشر — نویسنده نفر —
غلام نفر — فراش نفر

سلماس

میرزا غلام مباشر — غلام نفر — فراش
نفر

جلفا

امیرخان رئیس — نویسنده نفر — فراش
نفر

قزوین

میرزا زین العابدین رئیس — میرزا
حاجی آقا نویسنده — فراش سه نفر

زنجان

میرزا محمدعلی رئیس — نویسنده نفر
— قرّاش سه نفر

جلفا

یوسف خان رئیس — نویسنده نفر —
قرّاش نفر

رشت

میرزا سرکیس خان رئیس — میرزا تقی
نویسنده — تحویلدار نفر — قرّاش سه نفر

آباده

میرزا جعفر رئیس — قرّاش نفر

شیراز

نظرعلی خان رئیس — میرزا باقر نویسنده
— قرّاش سه نفر — قاصد شش نفر

انزلی

میرزا جبّار — قرّاش نفر

کازرون

میرزا آقا رئیس — قرّاش نفر

خط فارس

قم

میرزا فضل الله رئیس — نویسنده نفر
— قرّاش دو نفر

بندر ابوشهر

مسیوزیتون رئیس — میرزا محمود
نویسنده — میرزا محمدعلی گیرنده
نوشتجات — قرّاش دو نفر — قاصد شش
نفر

سلطان آباد

میرزا نصرالله رئیس — نویسنده نفر —
قرّاش دو نفر

خط یزد و کرمان

نائین

میرزا محمد رئیس — قرّاش نفر

کاشان

میرزا هاشم خان رئیس — میرزا
ابراهیم خان نویسنده — قرّاش سه نفر

یزد

میرزا ابوالقاسم رئیس — نویسنده نفر
— قرّاش سه نفر — قاصد شش نفر

اصفهان

میرزا گرگین رئیس — میرزا نصرالله
نویسنده — قرّاش سه نفر

کرمان

میرزا علیرضاخان رئیس — میرزا جواد
نویسنده — قرآش سه نفر

سیرجان

مرتضی قلی خان رئیس — قرآش نفر

رفسنجان

میرزا آقا رئیس — قرآش نفر

بندرعباس

میرزا عبدالوهاب رئیس — قرآش نفر —
قاصد هشت نفر

لار

رئیس نفر — قرآش نفر

خط خانقین

نوران

میرزا علینقی مباشر — قرآش نفر

همدان

میرزا یحیی رئیس — میرزا محمد
نویسنده — قرآش سه نفر

تویسرکان

میرزا احمد مباشر — قرآش نفر

کنگاور

میرزا محمد مباشر — قرآش نفر

کرمانشاهان

حاجی میرزا ابراهیم رئیس — میرزا تقی
نویسنده — قرآش سه نفر

خانقین

میرزا محمود رئیس — قرآش دو نفر

خط خراسان

سمنان

میرزا علی رئیس — قرآش دو نفر

شاهرود

میرزا سید نصرالله رئیس — نویسنده نفر
— قرآش دو نفر

سبزوار

میرزا اسمعیل رئیس — نویسنده نفر
— قرآش دو نفر

نیشابور

میرزا محمد حسین رئیس — قرآش دو
نفر

ارض اقدس

حاجی میرزا ابوالقاسم رئیس — میرزا
محمد حسین نویسنده — قرآش چهار نفر

خط مازندران

آمل

میرزا اللهیار رئیس — قرّاش نفر

بارفروش

حیدرخان رئیس — قرّاش نفر

ساری

حسن خان رئیس — نویسنده نفر —
قرّاش دو نفر

استرآباد

میرزا اوانس رئیس — نویسنده نفر —
قرّاش دو نفر

خط کردستان

دولت آباد

اسدالله خان رئیس — نویسنده نفر —

قرّاش دو نفر

نهایند

میرزا فتح الله رئیس — قرّاش نفر

بروجرد

میرزا عبدالغنی رئیس — قرّاش نفر

گروس

میرزا فرج الله رئیس — غلام راه
ساوجبلاغ دو نفر — غلام راه گروس از
ده کلان الی بیجار دو نفر — قرّاش نفر

سنندج

ابوالقاسم خان رئیس — نویسنده نفر —
قرّاش دو نفر

اداره وزارت تجارت و فلاحه به وزارت جناب جلالتمآب

نصیرالدوله وزیر تجارت و فلاحه

صاحبمنصبان مجلس محاکمات

مشیر لشکر رئیس مجلس و نایب وزارت

تجارت — حاجی میرزا یوسف خان

نایب مشیر لشکر — میرزا ابوتراب خان

مستشار وزارت تجارت — میرزا

حسن خان منشی — حاتم خان آجودان

سایر اجزای مجلس محاکمات

حاجی میر تقی آقا — حاجی علی اکبر

شیرازی — حاجی احمد آقای اردبیلی
— آقا محمد ابراهیم ارباب طهرانی —
آقا محمد امین ارباب طهرانی — حاجی
ملاحسن تاجر طهرانی — آقا سید
عبدالرحیم معین التجار

مجلس محترم محاسبات

شاهزاده نصرالله میرزا رئیس مجلس و
نایب وزارت — حاجی میرزا نقی آقا —
آقا سید آقای تاجر کاشانی — آقا میرزا
ابراهیم شیرازی — حاجی محمد ابراهیم
ارباب طهرانی — حاجی محمد حسین
تاجر کاشانی — میرزا یعقوب محاسب
— حبیب الله خان آجودان

مجلس محترم ترویج

شاهزاده حاجی محمد طاهر میرزا رئیس
مجلس — میرزا ابوثراب خان مستشار
وزارت تجارت — آقامیرزا محمد صادق
منشی باشی — میرزا مهدی منشی — آقا
عبدالباقی ارباب طهرانی — حاجی
محمد حسن امین دارالفهرس — حاجی
علی اکبر تاجر ده دشتی — آقا میرزا
کاظم منشی — آقا میرزا محمود منشی
— حاجی شیخ ابوالفتح — رضاخان
آجودان

تجار معروف متوقف طهران

حاجی محمد کاظم ملک التجار ممالک
محروسه — حاجی آقا موسی اصفهانی
— حاجی میرزا عبدالرحیم شیرازی
صراف خزانه نظام — حاجی علینقی
تاجر کاشانی — حاجی ابوطالب تاجر
طهرانی — حاجی محمد حسین تاجر
تبریزی — آقا شیخ محمود تاجر تبریزی
— حاجی میرمحمد آقا تاجر تبریزی —
حاجی عبداللطیف تاجر ده دشتی — آقا
سید کاظم معین التجار گیلانی —
حاجی عبدالحسین تاجر شیرازی —
آقاعیسی پسر حاجی علی اصفهانی —
حاجی علی اصغر امین معادن — حاجی
محمد صادق تاجر کاشانی — حاجی
علی تاجر یزدی — حاجی میرزا
محمد علی تاجر شیرازی — حاجی محمد
حسین تاجر کاشانی — حاجی غفار
تاجر تبریزی — آقا علی محمد تاجر
تبریزی — حاجی حسن تاجر نخجوانی
— حاجی محمدتقی تاجر کاشانی —
حاجی محمد مهدی تاجر کاشانی —
حاجی محمد حسین ملک التجار
کاشانی — آقا میرزا حبیب الله تاجر
کاشانی — آقا علی محمد کاشانی —

حسین ملک التجار — حاجی محمد
صادق مشیرالتجار — حاجی آقاهاشم
معمدالتجار — حاجی عبدالحمید —
حاجی سید حسین تاجر اصفهانی —
حاجی سید مرتضی

زنجان

رئیس حاجی میرزا محمد حسین وزیر

اجزاء

حاجی میر بهاء الدین — آقا هدایت
ملک التجار — حاجی یوسف

قزوین

شاهزاده یعقوب میرزا رئیس

اجزاء

حاجی محمدرضای ارباب — حاجی
میرزا مهدی ارباب — حاجی محمد
صادق ارباب

گیلان

رئیس محمد خان سرهنگ

اجزاء

حاجی محمد معین التجار — حاجی
محمد آقای ملک التجار — حاجی
حبیب الله — حاجی سید رضی
مشیرالتجار — حاجی کاظم قزوینی

آقامیرزا احمد تاجر کاشانی — حاجی
شکرالله تاجر طهرانی — میرزا ابوالقاسم
تاجر اصفهانی — حاجی علی احمد تاجر
طهرانی — آقا محمد اسمعیل تاجر
جهرمی — حاجی محمد آقای تاجر
همدانی — مشهدی محمود تاجر تبریزی
— حاجی میرزا احمد تاجر شیرازی —
حاجی ابراهیم تاجر اسکوئی — حاجی
آقا کوچک تاجر قزوینی — حاجی
عبدالرزاق تاجر اسکوئی — آقا محمد
حسین تاجر تبریزی — حاجی ابوالقاسم
تاجر جهرمی — آقا محمد حسین تاجر
مازندرانی — حاجی عباس تاجر قزوینی
— آقا علی مقدم تاجر قزوینی — حاجی
محمدرضا تاجر شیرازی — حاجی محمد
جعفر تاجر خراسانی

مجالس تحقیق سایر ولایات

ممالک محروسه که از جانب

وزارت تجارت معین شده است

تبریز

حسینقلی خان بیگلربیگی مملکت
آذربایجان رئیس

اجزاء

حاجی سید تقی آقا ناظم التجار —
حاجی شیخ جعفر — حاجی محمد

شیرازی — حاجی محمدتقی شیرازی —
 حاجی محمدتقی عرب — آقا محمد
 جواد ولد حاجی ملا محمدتقی
 معین التجار

بوشهر

رئیس حاجی مهدی ملک التجار

اجزاء

حاجی علی اکبر تاجر کازرونی —
 حاجی ابوالقاسم تاجر کازرونی — آقا
 محمد تاجر ده دشتی — حاجی محمد
 حسین تاجر کازرونی — حاجی
 غلامحسین — حاجی محمد حسن تاجر
 بوشهری — حاجی محمد ابراهیم تاجر
 نیل فروش

کردستان

رئیس: میرزا علینقی

اجزاء

حاجی میر ابراهیم امین التجار — آقا سید
 فرج الله — حاجی سید محمد —
 آقا باباخان — آقا حبیب الله — آقا فتحعلی
 همدانی

کاشان

رئیس: حاجی عباسقلی خان حاکم

اصفهان

رئیس: جعفرقلی خان قاجار

اجزاء

حاجی آقا محمد ملک التجار — حاجی
 محمد کاظم قزوینی — حاجی
 عبدالباقی — حاجی سید ابراهیم —
 حاجی عبدالغفار — آقا محمد مهدی
 ارباب

شیراز

رئیس: محمدرضاخان بیگلربیگی

اجزاء

حاجی شیخ زین العابدین — حاجی
 محمد صادق — حاجی سید ابراهیم
 تاجر اصفهانی — حاجی میرزا ابوالقاسم
 — حاجی محمد مهدی حجاب —
 حاجی میرزا جواد کشمیری — حاجی
 محمد حسین تاجر کازرونی — آقا میرزا
 بزرگ تاجر شیرازی

یزد

رئیس: ابراهیم خلیل خان حاکم

اجزاء

آقا کوچک ملک التجار — حاجی محمد
 صادق ناظم التجار — آقا علی آقا تاجر

اجزاء

حاجی محمد حسن امین التجار —
 حاجی سید ابراهیم — حاجی سید جعفر
 — حاجی میر عبد الرحیم — حاجی
 علینقی — حاجی لطفعلی

همدان

رئیس: میرزا احمد پیشکار

اجزاء

حاجی محمد سعید عرب — حاجی
 میر عباس دزفولی — حاجی ابوالقاسم
 مشهور به رشتی — حاجی محمد رضای
 نراقی — حاجی درویش همدانی

مازندران

رئیس: سهام الدوله سرتیپ اول حکمران

اجزاء

میرزا علینقی ملک التجار — حاجی
 محمد اسمعیل — آقا سید حسن —
 حاجی سید حسین — آقا خلیل —
 حاجی ملا آقا جان

مشهد مقدس

رئیس حاجی ابوالقاسم ملک التجار

اجزاء

حاجی محمود تاجر کابلی — حاجی

محمد تقی تاجر میلابی — حاجی محمد
 جعفر تاجر کاشانی — حاجی ابوالقاسم
 تاجر کابلی — حاجی مهدی تاجر
 اصفهانی — حاجی محمد حسین تاجر
 مشهدی مشهور به قاضی

کرمان

رئیس: آقا محمد علی امین الرعایا

اجزاء

آقا سید مهدی تاجر اصفهانی — حاجی
 محمد جعفر تاجر هزندی — حاجی
 غلامرضا تاجر خراسانی — حاجی
 اسدالله تاجر یزدی — شیخ محسن تاجر
 کرمانی

عراق

به ریاست میرزا علی اکبرخان
 نایب الحکومه

کرمانشاهان

به ریاست حاجی آقا حسن وکیل التجاره
 دولت انگلیس

سمنان و دامغان

به ریاست آقا محمد باقر تاجر یزدی

شاهرود و بسطام

به ریاست محمدخان قوریسا ولباشی

حاکم

اجزاء

حاجی ابوالقاسم تاجر بسطامی — آقا
 محمد هاشم تاجر اصفهانی — میرزا بابا
 تاجر شیرازی — حاجی محمد علی تاجر
 اصفهانی — حاجی میرحسین تاجر
 شاهرودی

گروس

به ریاست آقا اسدالله تاجر همدانی

سبزوار

به ریاست میرزا اسمعیل رئیس پستخانه

ملایر

به ریاست حاجی محمد جعفر
 امین التجار ملایر

وزارت علوم و غیره

جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف و معادن ممالک محروسه

وزارت علوم

مدرسه مبارکه دارالفنون

معلمین

ایرانی

حاجی نجم الملک سرتیپ دویم و معلم
 کل علوم ریاضی و منجم باشی — میرزا
 ابوالقاسم حکیمباشی معلم طب ایرانی
 — میرزا کاظم معلم حکمت طبیعی —
 میرزا علی دکتر معتمدالاطباء طبیب
 حضور همایون و حکیمباشی حضرت
 والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ
 معلم طب فرنگی — میرزا محمد دکتر
 رئیس مریضخانه مبارکه معلم طب
 فرنگی — میرزا علی اکبرخان نقاشباشی
 سرهنگ معلم زبان فرانسه و نقاشی —

رؤساء و صاحبمنصبان

جناب جعفرقلی خان سرتیپ اول و
 رئیس مدرسه — محمد حسین خان
 سرتیپ دویم و ناظم مدرسه — میرزا
 اسدالله خان نایب اول وزارت علوم —
 محمدتقی میرزا سرتیپ سیم و آجودان
 مدرسه — میرزا محمد حسین
 رئیس الکتاب احکام نویس مدرسه —
 میرزا محمدتقی سر رشته دار مدرسه —
 اسدالله خان کتابدار — محمد حسین
 میرزا روزنامه نویس

میرزا علی خان قاجار معلم طب مجانی
— ملا محمد صادق معلم فارسی و عربی

فرنگی

مسئور یشاردخان معلم زبان فرانسه
دارای درجه دویم سرتیپی — مسیو
پرومکی خان معلم زبان فرانسه دارای
درجه دویم سرتیپی — مسیولر معلم
موزیک دارای نشان درجه سیم شیر و
خورشید و نشان طلای علمی — متر
طمر معلم زبان انگلیسی دارای نشان
درجه سیم شیر و خورشید —
مادروس خان سرهنگ معلم زبان
روسی و دارای نشان درجه چهارم شیر و
خورشید — دکتر ابو معلم طب — مسیو
فلمر معلم توپخانه — مسیو وت معلم
پیاده نظام — مسترها و کستس معلم معدن

مترجمین

محمد باقرخان سرهنگ — مهدیقلی خان
پسر جناب وزیر علوم

خلفاء و غیره

خلفاء

از ریاضی و غیره: نه نفر

شاگردان فارغ التحصیل

دوازده نفر

اطباء

شش نفر

مهندسی

شش نفر

شاگردان

دویست و شصت و دو نفر

سایر معارف مدرسه

میرزا جعفرخان ناظر مدرسه — میرزا
نصیر مدیر دواخانه دولتی — میرزا
آقابزرگ مدیر عکاسخانه — میرزا عباس
نقاش و مدیر باسمه خانه مدرسه —
غلامحسین بیگ نایب مدرسه

اجزای مجلس حافظ الصّحة

جناب جلالتآب مخبرالدوله وزیر علوم
— جناب جعفرقلی خان رئیس مدرسه

اطبای ایرانی

ملک الاطباء حکیمباشی حضور همایون
— آقامیرزا سیدرضی حکیمباشی نظام
— شیخ الاطباء طبیب مخصوص حضور
— میرزا ابوالقاسم حکیمباشی و معلم
مدرسه — میرزا کاظم معلم حکمت
طبیعی — میرزا علی دکتر معتمد الاطباء
طبیب حضور مبارک و حکیمباشی

آبله کوبی طهران — آقامید ابوتراب مقیم
شب و روز مریضخانه — میرزا قوام الدین
طیب میرزا ابراهیم ایضاً — میرزا فرهاد
شاگرد دواساز

سایر اجزاء

میرزا سید علی تفرشی مشرف مریضخانه
— مشهدی حسین تحویلدار — شیخ
محمّد مؤذن — ناظر و طبّاخ و ایامچی
سه نفر — سایر عمله جات نوزده نفر

اجزاء مدرسه دولتی تبریز

از قرار سنه ماضیه است

اداره تلگرافیه ممالک محروسه

به وزارت جناب جلالتمآب مخبرالدوله
وزیر علوم: چهارصد و هشتاد و پنج نفر

دارالخلافة باهره و حضرت

عبدالعظیم (ع)

ارباب مناصب داخله

حسینقلی خان سرتیپ و رئیس کل —
نصراالله خان سرتیپ قاجار تلگرافچی
عمارت مبارکه — محمدرضاخان
سرهنگ تحویلدار — محمدرضا میرزا
سرهنگ — محمودخان سرهنگ رشتی
— جلیل میرزا — تلگرافچی سی و دو نفر

حضرت والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر
جنگ — میرزا محمّد دکتر رئیس
مریضخانه مبارکه — حاجی میرزا
حبیب الله حکیم حضور — میرزا نصرالله
طیب حضور — میرزا عبدالکریم —
میرزا عبدالله — میرزا علی اکبرخان —
حسن خان — میرزا محمّد تقی
سررشته دار — میرزا نصرت طیب
مخصوص مدرسه و طیب مریضخانه و
رئیس آبله کوبی طهران — محمّد حسین
میرزا روزنامه نویس

فرنگی و غیره

جناب دکتر طولوزان حکیمباشی
مخصوص حضور همایون — میرزا
زین العابدین خان حکیم حضور نایب
دکتر طولوزان — دیکسن صاحب
حکیمباشی سفارت انگلیس — دکتر
چرب بین طیب سفارت روس — دکتر
بکمز

اجزاء مریضخانه مبارکه دولتی

رئیس و اطباء

میرزا محمّد دکتر رئیس مریضخانه
مبارکه — حسن خان طیب و دواساز —
میرزا نصرت طیب مخصوص مدرسه
دارالفنون و طیب حافظ الصنعه و رئیس

ارباب قلم

میرزا سلیم خان سر رشته دار کل — میرزا
عبدالوهاب منشی باشی — فنشیان
دوازده نفر — محررین دوازده نفر

اجزای خارجه

مسیو شارل سرتیپ دفتر دار خارجه —
مسیو باطنا میکانکچی — مسیولانین
ناظم — خلیل میرزا سرهنگ — آقا
نرسس تلگرافچی

سایر عمله جات

از غلام سواره و پیاده و فراش و غیره
بیست و نه نفر

سایر ولایات

خط فارس و کرمان

قم

محمد میرزا رئیس — تلگرافچی سه نفر
— نویسنده نفر — فراش دو نفر

کاشان

عیسی خان سرهنگ و رئیس —
تلگرافچی دو نفر — نویسنده نفر —
فراش دو نفر

اصفهان

وتوابع و کویا و نائین

میرزا ابوالقاسم خان سرتیپ و رئیس —
تلگرافچی هفت نفر — نویسنده سه نفر
— غلامان چهار نفر — فراشان چهار نفر

شیراز

وابوشهر و آباده و کازرون

علی اصغر خان سرهنگ و رئیس —
تلگرافچی هشت نفر — نویسنده نفر —
فراش هشت نفر

یزد

وتوابع و عقدا و کرمانشاه

محمد جعفر میرزا سرهنگ و رئیس —
تلگرافچی چهار نفر — غلامان شش نفر
— فراشان دو نفر

کرمان

وتوابع و بهرام آباد و انار

عباسعلی خان سرهنگ و رئیس —
تلگرافچی سه نفر — نویسنده نفر — غلام
شش نفر — فراش سه نفر

خط آذربایجان و گیلان

قزوین

محمد مهدی میرزا رئیس — تلگرافچی

سه نفر — نویسنده نفر — قراش سه نفر

زنجان

جعفرخان رئیس — تلگرافچی نفر —
قراش دو نفر

میاندوآب

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر — قراش
نفر

آذربایجان

شهر تبریز

میرزا حیدر علی خان سرتیب و رئیس —
تلگرافچی یازده نفر — نویسنده چهار نفر
— غلام دو نفر — قراش پنج نفر

کوکان

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

مراغه

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر — قراش
نفر

ولایات جزء

میانج

تلگرافچی نفر — قراش نفر

ساوجبلاغ

تلگرافچی نفر — غلام نفر — قراش نفر

ارومئ

تلگرافچی نفر — نویسنده نفر — غلام دو
نفر — قراش دو نفر

خوی

تلگرافچی نفر — قراش نفر — غلام دو
نفر

گیلان

رشت

شاهمراد میرزا رئیس — تلگرافچی سه
نفر — نویسنده نفر — غلام چهار نفر —
قراش دو نفر

سلماس

حسین آقا یاور و رئیس — تلگرافچی دو
نفر — غلام پنج نفر — قراش نفر

هرند

تلگرافچی نفر — غلام نفر

نقاط تابعه

منجیل

تلگرافچی نفر — غلام شش نفر — قراش
نفر

جلفا

تلگرافچی نفر — قراش نفر

انزلی

تلگرافچی نفر — غلام نفر

خط خانقین و عربستان

خان آباد

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

نوربان

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

زره

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

همدان

نصرت الله خان سرهنگ رئیس — میرزا

طاهر خان سرهنگ — تلگرافچی پنج نفر

— نویسنده نفر — ناطال صاحب

تلگرافچی خارجه — غلام چهار نفر —

قزاش چهار نفر

کنگاور

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

کرمانشاهان و سرحدات

کرمانشاهان

محمّد صفی میرزا سرتیپ و رئیس —

میرزا حسین سرهنگ — تلگرافچی شش

نفر: (داخله سه نفر)، (خارجه سه نفر)

— غلام سه نفر — قزاش سه نفر

سرحدات

قصر شیرین

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

کرد

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

سرپل

تلگرافچی نفر — غلام نفر

کردستان

میرزا اسمعیل خان سرهنگ و رئیس —

تلگرافچی نفر — نویسنده نفر — غلام و

قزاش چهار نفر

قروه

تلگرافچی نفر — غلام سه نفر — قزاش

نفر

بیجار

تلگرافچی نفر — غلام نفر — قزاش نفر

ملایر

میرزا محمد یاور و رئیس — تلگرافچی

نفر — نویسنده نفر — غلام دو نفر —

قزاش نفر

عراق

سیف الملوک میرزا رئیس — تلگرافچی

نفر — نویسنده نفر — غلام دو نفر —
فراش نفر

نفر — نویسنده نفر — فراش و غلام چهار
نفر

نہاوند

میرزا حسین یاور و رئیس — تلگرافچی
نفر — غلام دو نفر — فراش دو نفر

فیروزکوه

تلگرافچی نفر — غلام سوار و پیاده دو
نفر

بروجرد و رازان

میرزا حسین سرهنگ و رئیس تلگرافچی
چهار نفر — نویسنده نفر — غلام پنج نفر
— فراش سه نفر

دامغان

حاجی آقا رئیس — تلگرافچی نفر —
نویسنده نفر — غلام سه نفر

خرم آباد

میرزا موسی خان سرهنگ و رئیس —
تلگرافچی نفر — غلام دو نفر — فراش
دو نفر

شاهرود و نقاط تابعه

آقاخان سرهنگ و رئیس — تلگرافچی
چهار نفر — نویسنده نفر — غلام ده نفر
— فراش یک نفر

عربستان

میرزا جواد رئیس — تلگرافچی نفر —
غلام دو نفر — فراش دو نفر

سبزوار و نقاط تابعه

حبیب الله میرزا سرهنگ و رئیس —
تلگرافچی سه نفر — غلام هفت نفر —
فراش سه نفر

خط خراسان و مازندران

ایوانکیف

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

نیشابور

محمد حسین میرزا رئیس — شیندلر
صاحب سرتیپ — تلگرافچی نفر —
فراش و غلام پنج نفر

خوار

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

مشهد مقدس

میرزا فضل الله خان سرتیپ و رئیس —
تلگرافچی سه نفر — نویسنده نفر — غلام

سمنان

حاجی باباخان رئیس — تلگرافچی دو

دو نفر — فراش پنج نفر

نفر

استرآباد

مشهد سر

سید حسین خان سرهنگ و رئیس —
تلگرافچی دو نفر — غلام چهار نفر —
فراش دو نفر

تلگرافچی نفر — غلام نفر — فراش نفر

اشرف

تلگرافچی نفر — غلام سه نفر — فراش
نفر

مازندران

ساری

میرزا هدایت الله خان رئیس مازندران —
تلگرافچی نفر — نویسنده نفر — غلام
چهار نفر — فراش دو نفر

وزارت معادن

جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم
و معادن — مسو شیندلر سرتیپ مهندس
— مرتضی قلی خان سرهنگ ولد جناب
وزیر علوم — عباس قلی خان سرهنگ
مهندس — میرزا عبدالکریم منشی —
حاجبی علی اصغر امین معادن — میرزا
ظاهر سرهنگ — معلم معدن پرسی و
غیره دو نفر — سایر اجزاء دو نفر

بارفروش

تلگرافچی نفر — غلام دو نفر — فراش
دو نفر

بندر جز

تلگرافچی نفر — غلام سه نفر — فراش

وزارت فواید عامه

جناب جلالتمآب امین لشکر وزیر فواید عامه — اجزای وزارت فواید عامه هنوز
معین نشده است.

سایر ادارات

اصطبل خاصه مبارک

مهدیقلی خان امیرآخور اصطبل مبارک
— میرزا سید کباظم مستوفی اصطبل

امیرالامراء العظام مجدالدوله

خاصه و ساير دواب دينوانى — ميرزا
رضاقلی سر رشته دار — حاجی میرزا رضا
مشرف — حاجی میرزا مهدی ايضاً —
میرزا نصير ايضاً

شاطران

به رياست بشير الملك فضل الله خان
شاطر باشی

نایبان اصطبل

بيست و چهار نفر: رشید خان میرزا —
ابراهيم خان — ولی خان — حاجی نایب
— محمد بیگ — ساير نایبان نوزده نفر.
ساير عمله اصطبل از جلودار و غيره:
دويست و پنجاه نفر

جارچيان

محمد هاشم خان جارچی باشی —
حسن خان نایب — يحيی خان ايضاً —
ابراهيم خان ايضاً — غلامحسين خان
ايضاً

قوشخانه مبارکه

ابراهيم خان قوشچی باشی — میرزا
علی خان قورقچی باشی

کالسکه خانه مبارکه

به رياست اميرالامراء العظام امير دوست
محمد خان معير الممالك

ميرشکار و اتباع

حاجی مصطفى قلی خان ميرشکار —
علی خان ولد ميرشکار نایب —
غلامحسين خان ولد ايضاً —
حبيب الله خان — ساير اتباع معروف: نه
نفر

صاحبمنصبان و نایبان

پنج نفر: حاجی حسينعلی باشی که کلیه
امورات کالسکه خانه با مشارالیه است
— ابوطالب بیگ نایب — میرزا یعقوب
مشرف — میرزا علی رضا — جعفر قلی
بیگ. ساير عمله: نود و شش نفر

وزارت انطباعات و

دارالترجمة خاصه دولتي

و مدیر کل باغات و قنات دولتی

جناب صنیع الدوله وزیر انطباعات دولت
علیه و رئیس دارالترجمة خاصه همایونی

مادروس خان مترجم زبان فرانسه و
روسی مأمور به خدمت ترجمانی اداره
سواره قزاق روسی — عارف بیگ مترجم
ترکی عثمانی و غیره

اجزای وزارت انطباعات و اداره روزنامه جات

میرزا سیدحسن مستوفی روزنامه جات و
دارالطباعة دولتی — میرزا محمد حسین
ادیب ملقب به فروغی رئیس دارالطباعة
دولتی — میرزا علیمحمدخان سرهنگ
نایب اول وزارت انطباعات — میرزا
ابوتراب نقاش مخصوص و نقاشباشی
وزارت انطباعات — میرزا سیداحمد
کاتب روزنامه ایران و سالنامه و غیره —
میرزا سید ولی مرتب حروف روزنامه
اطلاع و غیره و مترجم علم جغرافی — آقا
میرمحمدعلی کاتب — میرزا عباس
نقاش و استاد طبع مأمور به خدمت طبع
منطباعات مدرسه دارالفنون — میرزا
عباس کاتب و محرر دارالطباعة دولتی
— میرزا یوسف مباشر چاپخانه های
دارالخلافة طهران — استاد حبیب الله
استاد مخصوص طبع دارالطباعة دولتی
— استاد محمد ابراهیم استاد طبع
دستگاه سفری — ملاغلامحسین مذهب

دارالترجمة مبارکه دولتی

مترجمین ایرانی ازبابت

زبان فرانسه و انگلیسی و غیره

میرزا رحیم پیشخدمت پسر
حکیم الممالک مترجم زبان انگلیسی
— میرزا عیسی خان سرهنگ مترجم
زبان فرانسه و غیره — میرزا علی خان
مترجم زبان انگلیسی و فرانسه

ایضاً مترجمین ایرانی

ازبابت زبان عربی و غیره

میرزا محمد حسین ادیب ملقب به
فروغی رئیس دارالطباعة دولتی مترجم
زبان فرانسه و عربی — میرزا علی
محمدخان سرهنگ نایب اول وزارت
انطباعات مترجم زبان عربی — میرزا
سید مرتضی مترجم — میرزا سید ولی
مترجم علم جغرافیا

مترجمین فرنگی و غیره

مسیوریشاردخان سرتیپ معلم و مترجم
زبان فرانسه و انگلیسی و غیره — مسیو
پروسکی خان سرتیپ دویم معلم و
مترجم زبان فرانسه و جغرافی و آجودان
مخصوص وزارت جنگ — بارون نرمان
مترجم زبان فرانسه و آلمان —

دارالطباعة دولتی — استاد محمّد اسمعیل صحاف دارالطباعة — سایر عملہ جات بیست و پنج نفر — امیرزادہ عباسقلی میرزا پیشخدمت مخصوص حضرت والا ولیعهد رئیس عمل روزنامہ و باسمہ خانہ های آذربایجان — مباشرین روزنامہ سایر ولایات معتبرہ ہشت نفر

ادارہ روزنامہ فرهنگ منطبعہ اصفہان میرزا تقی خان سرتیپ دویم حکیمباشی حضرت والا ظل السلطان رئیس و نگارندہ روزنامہ فرهنگ — میرزا عبدالرحیم خوشنویس متخلص بہ افسر محرر روزنامہ

مؤلفین و اجزاء

مجلس تألیف نامہ دانشوران ناصری حاجی میرزا ابوالفضل ساوجی — آقا شیخ مهدی عبدالرب آبادی مترجم مخصوص مؤلفات — آخوند ملاآقای قزوینی مترجم — میرزا میتہ مرتضی

مترجم — میرزا طاہر خوشنویس کاتب کتاب — میرزا عبدالحسین مسودہ نویس — کتابدار نفر

ادارہ باغات و عمارات و قنات مبارکہ دولتی رؤساء

حاجی میرزا حسین ممیز — محمّد باقر بیگ باغبان باشی — استاد اسمعیل مقتنی باشی — حاجی حسینعلی معمار مخصوص — میرزا عبدالمجیدخان نایب سراینداران سلطنت آباد و نایب کلّ دوشان تپہ

سررشتہ دار و غیرہ

میرزا مهدی سررشتہ دار کلّ قنات و باغات دولتی — میرزا محمّدعلی مشرف دوشان تپہ

باغبان و سرایدار کلّ باغات مبارکہ دولتی

پانصد نفر

ولایات ممالک محروسہ سوای دارالخلافتہ طهران کہ

در جزو ادارات درباری نوشته شدہ است

ولیعہد جاوید مہد دولت علیہ فرمانفرما و حکمران مملکت آذربایجان ادام اللہ

مملکت آذربایجان و غیرہ نواب اشرف والا شاہنشاہزادہ اعظم

حسین خان بختیاری قوللر
آقاسی باشی — پاشا خان یوز باشی —
محمد خان سرهنگ یزدی —
حبیب الله خان صاحب جمع ولد مرحوم
فتح الله خان — کلبعلی خان میرشکار

منشیان و مستوفیان

میرزا فضل الله خان منشی باشی — میرزا
سلیمانعلی مستوفی — میرزا محمد
مستوفی سواد کوهی — میرزا صادق خان
سر رشته دار مخصوص — میرزا محمدعلی
منشی ولد جناب میرزا علی محمد
ملا باشی — میرزا آقا منشی گرمرودی

عمله خلوت

خان بابا خان نایب پیشخدمت باشی —
امیرزاده علی بخش میرزا پیشخدمت —
امیرزاده عباسقلی میرزا پیشخدمت و
رئیس عمل روزنامه آذر بایجان —
حاجی رضا قلسی خان — میرزا
عیسی خان پیشخدمت و کتابدار —
مرتضی خان ولد جناب مخبرالدوله —
میرزا علی اکبر خان ولد فخرالاطباء —
میرزا محمد علی خان کاشی — حاجی
میرمحبان ولد حاجی میرزا علی
وکیل الرعایا — حاجی محمد تقی خان
ولد قلعه بیگی تبریزی — میرزا جواد نواده

اقباله العالی — نواب والا
اعتضاد السلطنه — جناب حسنعلی خان
مالارلشکر — نواب حاجی سیف الدوله
رئیس دیوان خانه عدلیه — نواب حاجی
بهاء الدوله رئیس قشون آذر بایجان —
جناب صدیق الدوله کارگذار و وزیر
مالیه و داخله مملکت آذر بایجان —
عمید الدوله حکمران مراغه — امیرزاده
اکبر میرزا حکمران اردبیل و مشکین —
سایر حکام و کارگذاران جزء آذر بایجان
هر یک در طبقه خود نوشته شده اند در
اینجا حاجت به تکرار نیست.

کارگذاران و عمله جات مخصوص

در بخانه نواب اشرف والا ولیعهد

امیرزادگان و ارباب مناصب و باشیان
نواب شعاع السلطنه ناظر و مهرداد —
نواب اسحق میرزا امیرآخور — نواب
لطفعلی خان کشیکچی باشی — حاجی
محمد حسین خان صدرالدوله ایشیک
آقاسی باشی — میرزا محمد فخرالاطباء
— میرزا ابوالحسن حکیمباشی — میرزا
شفیع مستوفی خاصه — محمد
اسمعیل خان صندوقدار — حاجی
احمد خان شاطر باشی — محمد
صادق خان آجودان باشی محمد

فرمانفرما ادام الله اقباله العالی

ابراهیم خان مستوفی — میرزا حسنعلی خان

منشی — میرزا تقی خان منشی

اجزای حکومت

امیرالامراء المعظام صارم الدوله امیرتومان
رئیس کل — جناب مولوی ملاباشی — میرزا
سلیمان خان منشی باشی نایب الحکومه
اصفهان — مظفرالملک حاجی میرزا
محسن خان سرتیپ — محمد اسمعیل خان
میرآخور — سراج الملک میرزا رضا
قلی خان مستوفی پیشکار — میرزا تقی خان
سرتیپ دویم حکیمباشی — علی خان
رئیس مدرسه همایونی — میرزا موسی خان
ناظم الاطباء.

ارباب قلم

مستوفیان و اهل دفترخانه

میرزا حبیب الله خان مستوفی بنان الملک
— میرزا حسین خان سر رشته دار — میرزا
محمد حسن مستوفی — میرزا علی مستوفی
— میرزا زین العابدین — میرزا رضای
صاحب جنت خزانه — میرزا جعفر مستوفی
مخصوص

ارباب قلم

مخصوص در بخانه حضرت والا

میرزا نصرالله خان مستوفی — میرزا رضا
حکیم منشی مخصوص — حاجی میرزا

مملکت فارس

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرمای
مملکت فارس ادام الله اقباله العالی —
نواب والا جلال الدوله نایب الایاله مملکت
فارس — جناب صاحب دیوان کارگذار کل
مملکت فارس — جناب قوام المذک —
حاجی نصیرالملک — مؤیدالملک —
میرزا حسین خان — محمد رضاخان
بیگلربیگی — حاجی میرزا آقاخان وکیل
— بیان الملک — جناب میرزا علی محمد
ملاباشی — میرزا محمد حسین لله باشی —
میرزا علی محمد خان منشی باشی — حاجی
میرزا جعفر حکیمباشی

کرمانشهان و کردستان

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرما
ادام الله اقباله العالی — جناب ناصرالملک
حکمران کرمانشهان و کردستان — جناب
میرزا محمد اقبال الملک نایب الایاله
کردستان — مصطفی قلی خان
نایب الحکومه کرمانشهان

عربستان

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران

جناب وزیر دفتر — امیرزاده محمدقلی
 میرزا — احمدخان برادر حاجی
 خازن المملک — میرزا حسینعلی ولد
 مرحوم حاجی میرزا رحیم — حسن خان
 نواده جناب صاحب دیوان — سلطان
 علی خان — فراشخوستان چهار نفر

عمله صندوقخانه

میرزا مهدی سررشته دار — عزیزالله خان
 — گرک یراق و غیره پنج نفر

قهوه خانه و آبدارخانه

کربلائى حسین سقاباشی —
 اسدالله خان قهوه چى باشی — سایر اجزاء
 پنج نفر

عمله اصطبل

عبدالمجید میرزا نایب — سایر سی نفر

عمله فراشخانه

حسین خان نایب — فراشان و غیره سی
 نفر

عمله کارخانه

امیرزاده مغرور میرزا نایب ناظر — میرزا
 تقی خان نایب ناظر — سایر عمله جات
 بیست نفر

تفنگداران

اسدالله خان نایب تفنگدار باشی — سایر
 تفنگداران ده نفر

نایب آجودانها

مهدیقلی خان آجودان حضور والا —
 حمزه خان پسیان — میرزا محمدخان

ممالک و ولایات مفصله ذیل به حکومت و فرمانفرمائی و صاحب
 اختیاری نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان ادام الله اقباله العالی
 بعلاوه ریاست قشون و افواج ولایات مفصله ذیل:

عراق — گلپایگان — خوانسار — کمره —
 محلات

اصفهان

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران و

ولایت اصفهان — مملکت فارس — ایالت
 کرمانشهان — ایالت کردستان : ایالت
 عربستان — ایالت لرستان — ولایت
 بروجرد و بختیاری — ولایت یزد — ایالت

ادام الله اقباله العالی — اميرزاده
احتشام السلطنة نايب الايالة عربستان —
شيخ مرغشی خان نايب الحكومة محمرة —
آقارضای مستوفی و سررشته دار

لرستان و بروجرد

نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله
العالی حکمران

لرستان

اميرزاده حشمت الدوله نايب الايالة لرستان
— شاهرخ ميرزا نايب الحكومة خرم آباد —
ميرزا عبدالله منشی — ميرزا جعفرقلی —
ميرزا سيدرصای مستوفی و سررشته دار

بروجرد

اميرزاده حشمت الدوله نايب الايالة بروجرد
— ميرزا سيد ابراهيم سررشته دار

يسزد

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران
ادام الله اقباله العالی — ابراهيم خليل خان
نايب الحكومة — محمودآقا — ميرزا محمد
مستوفی — ميرزا ابوالقاسم منشی

عراق و غيره

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران
ادام الله اقباله العالی — ميرزا علي اکبرخان
نايب الحكومة — ميرزا سيد رضای

سررشته دار — محمدصادق خان

گلپایگان و خوانسار و کمره

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران
ادام الله اقباله العالی — نايب الحكومة
گلپایگان — نايب الحكومة خوانسار —
نايب الحكومة کمره

قشون و افواج جمعی نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی

افواج

افواج ثلثة اصفهان — افواج خمسة عراق —
افواج اربعة کرمانشهان — فوج کمره —
فوج سيلاخور — فوج گلپایگان — فوج
امرائی — فوج پشتکوهی

سواره

دو هزار و پانصد نفر: سواره بختیاری
اصفهان پانصد نفر — سواره ایلات فارس
پانصد نفر — سواره ایلات بروجرد پانصد
نفر — سواره ایلات کرمانشاهان پانصد نفر
— سواره لرستانی و غيره پانصد نفر.

صاحب منصبان افواج

افواج ثلثة اصفهان

فوج جلالی

حاجی میرزا عبدالوهاب خان سرتیپ —
نواب والا جلال الدوله سرهنگ — حاجی
میرزا محمدعلی مشرف

فوج فریدن

حاجی مصطفی قلی خان سرتیپ — میرزا
احمدخان سرهنگ — میرزا سلیمان مشرف

فوج چهارمحالی

میرزا عبدالحسین خان سرهنگ — میرزا
محسن مشرف

افواج خمسة عراق

فوج بزچلو

محمدخان سرتیپ — میرزا محمدعلی
مشرف

فوج خلیج قم

میرزا محمد حسین مشرف

فوج کزازی

حاجی صمصام الملک سرتیپ —
ذوالفقارخان سرهنگ — میرزا تقی
مشرف

فوج سربندی

مصطفی خان سرهنگ — میرزا فتح الله
مشرف

فوج فراهان

نواب ناصرالدوله سرتیپ — محمد
طاهرخان سرهنگ — میرزا اسمعیل
مشرف

افواج اربعة کرمانشهان

جزء آن معین نشده است

افواج کمره و غیره

فوج کمره

جزء ندارد

فوج گلپایگان

باقرخان سرهنگ — میرزا آقاخان
مشرف

فوج سیلاخوری

رضاخان سرهنگ — میرزا فضل الله
مشرف

افواج لرستانی

فوج امرائی — فوج پشتکوهی

ولایات و ایالاتی که حکومت

آنها در اداره نواب اشرف والا

نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ

ادام الله اقباله العالی است

ایالت گیلان

جناب عبدالله خان والی حکمران گیلان
و طولاش — میرزا سید تقی لشکر نویس
پیشکار گیلان

ایالت دارالمرزمازندران

امیرالامراء العظام محمد ابراهیم خان
سهام الدوله سر تیب اول حکمران
مازندران

استرآباد و گرگان و ترکمان

امیرالامراء العظام ساعد الدوله امیر تومان
حکمران استرآباد و گرگان و غیره

قم و ساوه و شاهسون بغدادی

جناب اعتضاد الدوله حکمران قم و ساوه
و شاهسون بغدادی

اجزای حکومت و معارف قم

امیرزاده عباس میرزا نایب الایاله —
نصرالله خان پیشکار جناب متولیباشی —
جناب حاجی سید جواد مجتهد

اداره ساوه

علی خان نایب الحکومه — حاجی میرزا
احمد مجتهد

اداره شاهسون بغدادی

میرزا محمد حسین نایب الحکومه

ملایر و تو سرکان و نهاوند

نواب والا عضد الدوله حکمران ملایر و
تو سرکان و نهاوند — اسدالله خان
نایب الحکومه نهاوند

دماوند

حاجی میرزا یحیی خان حکمران دماوند

فیروزکوه

میرزا فضل الله خان حاکم فیروزکوه

سایر ممالک و ولایات محروسه ایران

مملکت خراسان و سیستان

نواب والا رکن الدوله فرمانفرمای
مملکت خراسان و سیستان — نواب
معین الدوله نایب التولیه — نواب نیرالدوله
پرویز میرزا — امیرزاده علینقی میرزا
نایب الحکومه — جناب حاجی
مستشارالملک مستوفی اول و پیشکار
مملکت خراسان

مملکت کرمان و بلوچستان

نواب ناصرالدوله حکمران کرمان و
بلوچستان — میرزا سید کاظم مستوفی و
پیشکار مالیاتی

قزوین

نواب والا ملک آرا حکمران قزوین و

توابع

ولایات خمسہ

نواب مؤیدالدولہ حکمران ولایات خمسہ
— میرزا محمد حسین مستوفی و پیشکار

همدان

نواب والا عزالدولہ حکمران ہمدان —
امیرزادہ حسینقلی میرزا نایب الحکومہ
— میرزا احمد پیشکار ہمدان

کاشان

حاجی عباسقلی خان قاجار حکمران
ولایت کاشان — میرزا سید حسن
پیشکار کاشان — میرزا حسن
سررشتہ دار

سمنان و دامغان

امیرزادہ انوشیروان میرزا ضیاء الدولہ
حکمران سمنان و دامغان

شاهرود و بسطام

محمدخان نایب ایشیک آقاسی باشی
حکمران شاهرود و بسطام

گروس

جناب حسنعلی خان سالار لشکر حاکم
ارومی و سلماس و گروس و غیرہ —
لطفعلی خان نایب الحکومہ گروس

خرقانی

بہ حکومت امیرالامراء العظام اللہیارخان
آجودانباشی امیرتومان

کنگاور

بہ حکومت رحمت اللہ خان ساری اصلان

اسدآباد

بہ حکومت خانباہاخان سرتیپ پسر
امیرالامراء العظام سلیمانخان
صاحب اختیار

نطنز

در جزو حکومت نواب مؤیدالدولہ و
حاجی حسام السلطنہ — میرزا محمد
تقی حکمران نطنز

جوشقان

بہ حکومت گماشتگان امیرزادہ
مغزالدولہ

طارم

آقاباقر نایب الحکومہ طارم از جانب
جناب امین السلطان

سوادکوه

حاجی ولی خان نایب الحکومہ سوادکوه
از جانب جناب امین السلطان

ممالک خارجه

اروپ

دولت آستریه و مجارستان

امپراطور: فرانسوا شارل ژوزف در سنه ۱۲۴۶ هجری متولد شده — ولیعهد: آرشیدوک رودلف فرانسوا شارل ژوزف — پایتخت: وینه — صدراعظم و وزیر دول خارجه: کنت کالنکی — مذهب: دولتی: کاتولیک و پروتستان هم دارد — جمعیت: هفتاد کرور

دولت اسپانیا

پادشاه آلفونس دوازدهم — سنش: بیست و شش سال — وزیر اعظم: گانواس دل گاستیلو — مذهب دولتی: کاتولیک — جمعیت: سی و سه کرور و سیصد و سی و پنج هزار نفر — پایتخت: مادرید

دول معتبره آلمان

جمعیت کلیه: هشتاد و چهار کرور — مذهب دولتی: پروتستان و بعضی کاتولیکی هستند

اولآباد

فرمانفرما: فردریک گیلیوم لوی —

سنش: پنجاه و هفت سال — ولیعهد: فردریک گیلیوم لوی پلد اگوست — سنش: بیست و شش سال — پایتخت: کارل سرو — مذهب: پروتستان

باویر

شاه: لوی دویم اتن فردریک گیلیوم — سنش: سی و هشت سال — پایتخت: مونیخ — مذهب: کاتولیک

پروس

امپراطور آلمان و پادشاه پروس: فردریک گیلیوم اول در سنه ۱۲۱۲ هجری متولد شده و در سنه ۱۲۸۸ به امپراطوری آلمان برقرار گردیده و سنش هشتاد و شش سال است — ولیعهد: فردریک گیلیوم نیکلا شارل — سنش: پنجاه و دو سال — وزیر اعظم: پرنس بیژمارک — مذهب دولتی: پروتستان و بعضی هم کاتولیک هستند — پایتخت: برلن

دولت ساکس

شاه: آلبر فردریک آگوست آنشوان

فردینان ژرف شارل ماری باتیست
پنوموس گیلیوم کزاویه ژورزفیدل —
سنش: پنجاه و پنج سال — پایتخت:
درزد — مذهب دولتی: پروتستان و
قدری کاتولیک

ورتمبرغ

شاه: شار اول فردریک الکساندر —
سنش: شصت سال — پایتخت:
استوت گارت — مذهب دولتی:
پروتستان و قدری کاتولیک

دولت انگلستان و ارلند و اسکاتلند

پادشاه: ملکه ویکتوریا الکساندرین —
سنش: شصت و سه سال — ولیعهد:
پرنس آلبرت ملقب به پرنس دوگال —
سنش: چهل و دو سال — وزیر اعظم:
مسیو گلاستون — پایتخت: لندن —
جمعیت تمام این مملکت از انگلیس و
ارلند و اسکاتلند از قرار سنه ماضیه:
شصت و هفت کرویر و سیصد هزار نفر و
جمعیت تمام ممالک متصرفی انگلیس
از هندوستان و غیره: چهارصد و هفتاد و
شش کرویر — مذهب دولتی: پروتستان
و مذهب مملکت ارلند: کاتولیک —
فرمانفرمای هندوستان: لرد اسپنسر

دولت ایتالیا

پادشاه: هومبر اول — سنش: سی و
هشت سال — ولیعهد: ویکتور امانوئل
پرنس ناپل — سنش: چهارده سال —
وزیر اعظم: مسیو دپرتیس — مذهب:
کاتولیک — جمعیت: پنجاه و چهار
کرویر و چهارصد و هشتاد و دو هزار نفر
— پایتخت: رم

دولت بلژیک

پادشاه: لئوپلد دویم — سنش: چهل و
هشت سال — پایتخت: بروکسل —
جمعیت: ده کرویر و سیصد و سی و
شش هزار نفر — مذهب دولتی:
کاتولیک

دولت پرتوغال

پادشاه: لوی فیلیپ ماری فردیناند پیدز
— سنش: چهل و پنج سال — ولیعهد:
شارل فردیناند لوی ماری — وزیر اعظم:
ژدریکس سامپای — پایتخت: لیزبن —
جمعیت در اروپ: نه کرویر و یکصد و
هفتاد و دو هزار نفر، خارج از اروپ:
شش کرویر و دویست و هشتاد و یک
هزار نفر.

مستفرقہ ہم دارد — پایتخت:
سنت پطرز بورغ

دولت رومانی

پادشاہ: شارل اول — سٹش چہل و چہار
سال — پایتخت: بوکارست — وزیر
اعظم: استاتسنگ — جمعیت: دہ کروڑ
و سیصد و ہفتاد و شش ہزار نفر —
مذہب: اورتودکس یونانی

دولت سربی

پادشاہ: میلان اول — پایتخت: بلگراد
— ولیعهد کہ بہ سن ہشت سال است:
پرنس الکساندر — وزیر اعظم: پیرت
شاناتس — جمعیت: سہ کروڑ و یکصد
و ہشتاد و دو ہزار و پانصد نفر —
مذہب: کاتولیک و یونانی

دولت سویس

رئیس جمہوری: مسیو کاپلز — وزیر
اول: شیس — پایتخت: برن — مذہب:
نصف پروتستان و نصف کاتولیک —
جمعیت: پنج کروڑ و سیصد ہزار نفر

دولت عثمانی

سلطان عبدالحمید خان — سٹش: چہل
سال — وزیر اول: سعید پاشا —
پایتخت: اسلامبول — مذہب دولتی:

دولت پی با (کہ ہلاند نیز نامند)

پادشاہ: گیلیوم سیم الکساندریک
فردریک لوی — سٹش: شصت و شش
سال — ولیعهد: گیلیوم الکساندر شارل
فردریک — سٹش: سی و پنج سال —
پایتخت: لاہ — جمعیت: ہفت کروڑ
و سیصد و نہ ہزار نفر — مذہب دولتی:
پروتستان

دولت دانمارک

پادشاہ: کریستیان نہم — سٹش: شصت
و پنج سال — ولیعهد: کریستیان
فردریک گیلیوم شارل — سٹش: سی و
ہشت سال — وزیر اعظم یعنی رئیس
وزراء: استروپ — پایتخت:
گپن جاگ — مذہب دولتی:
پروتستان — جمعیت: سہ کروڑ و
چہارصد و سہ ہزار نفر

دولت روس

امپراطور روس: الکساندر سیم —
سٹشان: سی و ہشت سال — ولیعهد:
گرانڈوک نیکلا الکساندر ویچ —
سٹش: پانزدہ سال — وزیر خارجہ: مسیو
دوکیرس — جمعیت صد و ہفتاد و
ہفت کروڑ و دویمت ہزار نفر —
مذہب: اورتودکس یونانی مذاہب

نوزده سال — وزیر اول: پترویچ —
پایتخت سٹین — جمعیت: یک کروڑ و
سی و شش هزار نفر — مذهب:
اورتودکس یونانی، کمی هم کاتولیک
و مسلمان هم دارد

دولت یونان

پادشاه: ژرژ اول — سٹش: سی و ہشت
سال — ولیعهد: قسطنطین — پایتخت:
آٹین — جمعیت: تقریباً ۴ کروڑ و
چهار صد و شصت هزار نفر — مذهب:
عیسوی یونانیست.

مسلمان سٹی، عیسوی و غیرہ نیز دارد —
جمعیت از قرار سنہ ماضیہ است و
تحقیقاً معلوم نیست.

دولت فرانسه

رئیس جمہوری: ژول گروی — وزیر
اعظم و وزیر امور خارجه: مسیو فرئی —
پایتخت: پاریس — مذهب دولتی:
کاتولیک — جمعیت: ہفتاد و دو کروڑ
و صد و دو ہزار نفر

ایالت مُتینگرو

پرنس نیکلای اول — سٹش: چہل و دو
سال — ولیعهد: پرنس زورکا — سٹش:

آسیا

دولت ژاپن

امپراطور (میکادو): موتس حیٹ —
سٹش: سی و یک سال — ولیعهد:
چکاشی فوشیمی نُمیا — وزیر اعظم:
سانجو — پایتخت: یُدو — مذهب: بودا
مذهب — جمعیت: شصت و شش کروڑ
و صد و دو ہزار نفر

دولت سیام

پادشاه: بتان — وزیر اول: تیایو

دولت چین

امپراطور: کوانگ سو — سٹش: دوازده
سال — وزیر اعظم: شاہزادہ گنگ —
پایتخت: پکن — مذهب دولتی: بودا
مذهب ہستند مسلمان و غیرہ هم دارد —
جمعیت کلیہ: ہشتصد و شصت و ہفت
کروڑ — جمعیت رعیت: ہشتصد و نہ
کروڑ و چہار صد و چہل و شش ہزار و
صد و چہار نفر — جمعیتی کہ زیر
حمایت ہستند پنجاہ و ہفت کروڑ

فرایاسوریونگ سی — پایتخت: جمعیت: دوازده کروڑ و سیصد هزار نفر
بان گک — مذهب: بودا مذهب —

افریقہ

جزیرہ ماداگاسکار

پادشاہ: ملکہ راناوالہ دویم — پایتخت:
نانانان — جمعیت: پنج کروڑ

دولت ماری

سلطان ملاحسن — پایتخت: طانجہ —
جمعیت: دوازده کروڑ — مذهب:
مسلمان

ایالت مصر

کہ جزو سلطنت عثمانی است

خدیو: توفیق پاشا — پایتخت: قاہرہ —
مذهب: اسلام سنی — جمعیت تمام
مصر: سی و شش کروڑ

ایالت تونس

والی: سیدی علی بیگ — پایتخت:
تونس — جمعیت: چہار کروڑ

دولت حبشستان

امپراطور کہ نگوس می نامند اسمش ژان
— پایتخت: گندار — جمعیت: دوازده
کروڑ — مذهب دولتی: کاتولیک،
مسلمان وغیرہ ہم دارد

دولت زنگبار

سلطان سید برکش بن سعید — پایتخت:
بندر زنگبار — جمعیت جزیرہ زنگبار:
صدہزار نفر اما تمام جمعیت آن مملکت
مشخص نیست — مذهب: مسلمان

امریکا

غیرہ — جمعیت: ہفتاد و ہفت کروڑ و
سیصد هزار نفر

جمہوری مکسیک

رئیس جمہوری: اسمش پوریو دیاس —

ہنگی دنیای شمالی

جمہوری اتانونی

رئیس جمہوری: آرٹور — پایتخت:
واشین تون — مذهب: اغلب پروتستان و

پایتخت: مکزیک — مذهب: کاتولیک
— جمعیت: هیجده کرور و دو بیست و
هفتاد و شش هزار نفر

ینگى دنیای مرکزی

جمعیت کل: پنج کرور و صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادور

رئیس جمهوری: پایتخت:
سان سالوادور — جمعیت: چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهوری: گواردیا — پایتخت:
سان ژوزه — جمعیت: بیست و پنج هزار
نفر

جمهوری گواتمالا

رئیس جمهوری: ژزه روفینوباریس —
پایتخت: گواتمالا — جمعیت: سه کرور
و صد هزار نفر — مذهب: کاتولیک

جمهوری نیکاراگوا

رئیس جمهوری: دن پدرو شامرو —
پایتخت: ماناگا

جمهوری اوندورا

رئیس جمهوری: مرکواریل پوستو —
پایتخت: کوما یایکا

ینگى دنیای جنوبی

جمهوری آرژانتین

رئیس جمهوری: نیکلا آولاندا —
پایتخت: بینوزر — جمعیت: دو کرور و
سیصد هزار نفر

جمهوری اکواتر

رئیس جمهوری: این سیورانتیل لا —
پایتخت: کی تو — جمعیت: دو کرور و
چهل هزار و سیصد و هفتاد و یک نفر

جمهوری اوروگی

رئیس جمهوری: دون لوتزولاژ —
پایتخت: مُنی ویدئو — جمعیت:
چهار صد هزار نفر

برزیل

امپراطور: پدرو دویم — پایتخت:
ریوژانیرو — جمعیت: بیست کرور و صد
و هشت هزار نفر

جمهوری بولیوی

رئیس جمهوری: دون تومافریاس —
پایتخت: چوکی ساکا — جمعیت: چهار
کرور

جمهوری پاراگی

رئیس جمهوری: اوژینوا وریارت —

پایتخت: استمسیون — جمعیت از قرار
سنوات ماضیه: دو کروور نفر

جمهوری پرو

رئیس جمهوری: مسیو گارسپا کالدرن
— پایتخت: لیما — جمعیت: پنج کروور
— مذهب: کاتولیک

جمهوری شیلی

(از قرار سنه ماضیه)

رئیس جمهوری: باآنیبال پنتو —
پایتخت: سان تیاگو — جمعیت: چهار
کروور نفر — چون جنگ جمهوری شیلی
با جمهوری پرو تمام نگردیده و هنوز کار
شیلی یکطرفی نشده است وضع و هیئت
دولتی درستی ندارد و نتیجه حالش معلوم
نیست

جمهوری دول متحده کولمبی

رئیس جمهوری: تونس — پایتخت:

بگنّا — جمعیت کلّ دول متحده
کولمبی: دوازده کروور

جمهوری ونزولا

رئیس جمهوری: گوسمان بلانگ —
پایتخت: کاراکاس

جزایر

جزیره ساندوچ

پادشاه: لت کامحاما (خامس) (پنجم)
— پایتخت: اتولو

جزیره سن دومنک

رئیس جمهوری: گونزالس — پایتخت:
سن دومنک — جمعیت: چهارده هزار
نفر

فہرست اعلام جغرافیائی



ج ۲ ص ۶۱۸، ۶۷۰.

آمریک ——— آمریکا.

آمریکا: ج ۱ ص ۳۷۵، ۵۶۴؛ ج ۲ ص ۷۳۲.

■ ۷۳۶، ۷۷۱، ۷۹۰، ۷۹۶، ۸۶۷.

۹۰۲، ۱۲۰۸، ۱۳۰۸؛ ج ۳ ص ۱۳۹۷.

۱۶۱۲، ۱۵۰۲، ۱۳۹۱، ۱۳۷۲، ۱۳۲۶.

۱۶۶۶، ۱۷۵۲، ۱۸۸۲، ۲۰۵۱.

آمریکای شمالی: ج ۲ ص ۱۱۷۹.

آمریک جنوبی ——— آمریکا = هندالغرب.

آمریک مرکزی ——— آمریکا.

آستردام: ج ۳ ص ۱۲۰۶، ۱۳۹۹، ۱۵۲۵.

۱۸۸۲.

آمل: ج ۱ ص ۲۰۸، ۲۸۶، ۵۵۲؛ ج ۲ ص

۶۳۷، ۶۶۰، ۸۸۱، ۸۹۳، ۹۱۱، ۹۶۲.

۱۱۵۵، ۱۲۷۲، ۱۲۹۰؛ ج ۳ ص ۱۳۷۲.

۱۳۸۲، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۰۱، ۱۹۳۲.

۱۹۵۹، ۲۰۹۸، ۲۱۰۰، ۲۱۱۵، ۲۱۲۲.

آمل (رودخانه): ج ۳ ص ۱۳۸۷.

آمو ——— آمل.

آمو (کوف): ج ۲ ص ۱۱۰۲.

آموهکن (شهر): ج ۲ ص ۱۷۶۱.

آموه (رود): = آمون: ج ۲ ص ۷۹۲.

۷۹۲، ۸۱۰، ۸۵۱، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲.

تا ۱۱۲۵؛ ج ۳ ص ۱۲۵۱.

آموه (شهر): ج ۲ ص ۸۹۲.

آناطولی = آسی صغیر = آسیای صغیر: ج ۱

ص ۲۲، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۶، ۳۲۵.

ج ۲ ص ۶۲۳، ۶۲۲، ۶۲۸، ۶۲۸.

۶۴۰، ۶۴۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۶.

۶۶۹، ۹۳۱، ۹۵۵، ۹۸۱، ۱۱۲۳.

۱۱۳۵، ۱۲۰۷؛ ج ۳ ص ۱۳۶۹.

۲۰۰۲، ۲۰۵۱.

آنام: ج ۳ ص ۱۸۳۲.

آند (جبال): ج ۲ ص ۱۷۵۲.

آندو (ایالت): ج ۱ ص ۳۲۵.

آندره: ج ۱ ص ۱۵۰، ۱۶۲.

آنکل (نواحی): ج ۱ ص ۲۲۲.

آنکن (قصبه): ج ۳ ص ۱۹۸.

آنورین: ج ۳ ص ۱۹۶۶.

آوردگانت (گشتی): ج ۳ ص ۲۰۰۲.

آوینین (شهر): ج ۲ ص ۶۱۲، ۶۱۶.

۶۵۱، ۶۶۲، ۶۷۲.

آهوان: ج ۲ ص ۱۸۹۲.

آهینه خانه (عمارت): = اندرون اشرف (در)

افغان: ج ۲ ص ۱۰۱۱.

الف

افکار: ج ۲ ص ۶۶۸؛ ج ۳ ص ۱۵۱۲.

ابراهیم آباد: ج ۲ ص ۱۰۱۶.

ابراهیم آباد ورامین: ج ۳ ص ۱۳۷۲.

ابرسج بسلام (قریه): ج ۳ ص ۱۸۹۶.

ابرقوه فارس: ج ۲ ص ۶۲۵، ۶۳۷، ۷۲۲.

۱۱۲۰؛ ج ۳ ص ۱۶۱۸.

ابرهش (قصبه): ج ۳ ص ۱۹۲۲.

ابلسین: ج ۲ ص ۵۹۲.

ابلق (قصر): ج ۲ ص ۵۹۲.

ابله: ج ۱ ص ۲۹، ۳۲، ۲۰۶، ۲۰۶، ۲۰۶.

ابوشهر = بوشهر: ج ۲ ص ۱۲۵۵؛ ج ۳ ص

۲۱۲۲.

ابوقبیس (کوف): ج ۱ ص ۸۵.

ابوقیر: ج ۳ ص ۲۰۵۲.

ابوکناه: ج ۳ ص ۱۸۲۷.

ابهر: ج ۱ ص ۵۱، ۲۲۷، ۲۳۱؛ ج ۳ ص

۱۰۲۳، ۱۰۲۸.

ابهرود (در دشت خاوران): ج ۱ ص ۵۷.

۱۲۹، ۲۸۶؛ ج ۲ ص ۶۷۷، ۷۰۷.

۷۹۰، ۷۹۶، ۱۳۹۱، ۸۵۰، ۱۹۲۳.

۱۰۲۳، ۱۱۲۵؛ ج ۳ ص ۱۳۲۲، ۱۳۹۵.

ابرت (شهر): ج ۳ ص ۱۸۶۹.

ابهر (ایالت): ج ۳ ص ۱۸۸۲، ۱۹۹۰.

۲۰۰۲.

اگاثونی (نگی دنیا): ج ۱ ص ۲۸۹، ۳۹۱.

۵۶۲؛ ج ۲ ص ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۲.

۱۲۰۲ تا ۱۲۰۶، ۱۳۰۸؛ ج ۳ ص

۱۳۸۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵، ۱۴۰۶، ۱۴۱۲.

۱۳۶۰، ۱۳۶۶، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۹۷.

۱۵۰۸، ۱۵۲۹، ۱۵۵۳، ۱۵۷۰، ۱۵۷۷.

۱۶۲۸، ۱۶۹۱، ۱۷۰۳، ۱۷۱۱، ۱۷۲۱.

تا ۱۷۲۳، ۱۷۵۳، ۱۷۶۵، ۱۷۸۰، ۱۷۹۱.

۱۸۰۵، ۱۸۰۹، ۱۸۱۸، ۱۸۲۸، ۱۸۳۱.

۱۸۲۸، ۱۸۳۹، ۱۸۵۶، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱.

۱۸۶۷، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۶، ۱۸۸۱.

تا ۱۸۸۳، ۱۸۹۱، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲.

۱۹۰۶، ۱۹۲۲، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۷۰.

۱۹۷۵، ۱۹۹۰، ۲۰۰۳، ۲۰۱۶، ۲۰۳۰.

۲۰۵۲، ۲۱۵۱.

اگاثنی (جزایر) = درمبیط کبیر: ج ۲ ص ۹۰۸.

۱۱۶۹.

انوار: ج ۲ ص ۶۶۹.

انراس: ج ۱ ص ۲۲۸؛ ج ۲ ص ۶۸۲.

انرک: ج ۲ ص ۱۵۰۹، ۱۶۰۶.

انک (رود): ج ۲ ص ۱۳۷۲، ۱۴۲۲.

انکاخال (صحرا): ج ۳ ص ۱۹۰۵.

اندا (کوه آتشفشان): ج ۳ ص ۱۵۴۳.

۱۷۵۱، ۱۹۰۱.

انولو (پایتخت جزیره ساندویچ): ج ۳ ص

۲۱۵۳.

انویانه (شهر) = در ایتالیا: ج ۲ ص ۱۱۸۲.

اتهن: ج ۳ ص ۱۸۴۷.

اتیللا: ج ۱ ص ۶۶۲.

اثلرب (قصبه) = نزدیک حلب: ج ۱ ص ۳۶۰.

۳۶۲، ۳۶۷، ۳۷۰.

آهوق باش: ج ۳ ص ۱۵۱۲.

احد: ج ۱ ص ۲۳.

احسا (از بلاد بحرین) ج ۱ ص ۳۲، ۸۲.

۲۰۵، ۲۳۲، ۲۷۲؛ ج ۲ ص ۱۱۱۸.

احمدآباد (بیدرهند): ج ۲ ص ۹۰۷.

احمدآباد (تجرات هند): ج ۲ ص ۷۰۳، ۸۵۹.

احمدانگر: ج ۲ ص ۸۵۰، ۸۸۹، ۸۹۷.

احمدی: ج ۲ ص ۶۵۰.

اختیارالدین (قصبه): ج ۲ ص ۶۷۷، ۶۷۹.

۶۹۹.

احرم (قصبه): ج ۱ ص ۹۸.

احسقه: ج ۳ ص ۱۳۶۹، ۱۳۷۷، ۱۴۹۶.

۱۵۰۵.

احاق: ج ۲ ص ۷۰۹، ۷۱۱.

ادرنه (شهر): ج ۱ ص ۲۳۲، ۲۳۵؛ ج ۲

ص ۶۴۳، ۶۴۶، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۷.

۶۷۹، ۶۸۲، ۶۹۲، ۶۹۴، ۸۵۳.

۹۵۵، ۱۰۱۲، ۱۰۳۲؛ ج ۳ ص ۱۶۰۸.

۱۹۸۸، ۱۹۸۹.

ادرنه (مسجد جامع): ج ۲ ص ۶۹۲.

ادرنه (شهر): ج ۲ ص ۹۸۸.

ادس (شهر): ج ۱ ص ۳۷۹.

ادسا (ایالت): ج ۳ ص ۱۴۲۳، ۱۶۹۷.

۱۹۶۷، ۲۰۰۰.

ادقلی فرات (ج): بادهقلی: ج ۱ ص ۳۸.

ادنبرگ: ج ۲ ص ۱۰۰۶.

ادهن: ج ۳ ص ۱۸۷۹.

انرج: ج ۱ ص ۲۹.

اذنه: ج ۱ ص ۲۶۳.

ارال (کوف): ج ۱ ص ۳۰۹.
 ارالسک (شهر): ج ۳ ص ۲۰۰۰.
 اوان: ج ۱ ص ۳۸۸، ۴۰۸، ۴۳۱؛ ج ۲ ص ۶۲۱، ۶۶۶، ۶۶۸، ۶۷۵؛ ج ۳ ص ۱۳۴۰، ۱۴۹۰.
 اویاض قوطیه: ج ۱ ص ۱۷۳.
 اوبار: ج ۳ ص ۱۷۸۹.
 اویل: ج ۱ ص ۳۱۸، ۳۳۷، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۲۱، ۴۳۸، ۴۴۳؛ ج ۲ ص ۵۹۸.
 اورتاج: ج ۱ ص ۲۹۸، ۳۸۱.
 ارجان: ج ۱ ص ۵۲، ۲۲۷، ۲۹۸، ۳۲۲.
 ارجمند (منزل): ج ۳ ص ۱۲۵۳، ۱۸۹۶.
 ارجیس: ج ۲ ص ۶۸۱، ۸۲۰ تا ۸۲۲.
 ارجیش (از اعمال خلاط): ج ۱ ص ۳۵۶.
 اودبیل: ج ۱ ص ۹۷، ۱۱۲، ۲۴۵، ۲۸۰.
 ۵۲۲: ج ۲ ص ۶۷۳، ۷۱۶، ۷۳۷.
 نا: ۷۴۰، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸۶۲، ۸۷۵، ۸۷۸، ۸۸۰، ۸۹۹، ۹۰۲، ۹۰۹، ۹۲۳، ۹۳۶، ۹۳۷.
 ۱۰۱۵، ۱۱۱۳، ۱۲۲۲، ۱۲۳۸، ۱۲۴۲، ۱۲۷۲؛ ج ۳ ص ۱۳۲۹، ۱۳۳۱.
 ۱۲۱۳، ۱۲۱۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۸، ۱۲۷۸.
 ۱۴۹۵، ۱۵۱۲، ۱۵۲۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۳، ۱۶۰۷، ۱۶۲۰، ۱۶۲۹، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۴۲، ۱۶۴۸، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۶، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۵۹، ۱۷۷۱، ۱۸۲۵، ۱۸۸۶، ۱۹۱۰، ۱۹۳۴، ۱۹۳۸، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۲۰۱۷، ۲۰۷۹، ۲۰۸۲، ۲۰۸۶، ۲۱۳۱، ۲۱۴۱.
 اردستان: ج ۳ ص ۱۲۴۶، ۱۴۰۲، ۱۶۳۰، ۱۸۷۵، ۲۰۹۱.
 اردلان: ج ۲ ص ۹۸۹، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳.
 اردلان (قلم): ج ۲ ص ۹۲۶.
 اردن: ج ۱ ص ۱۰، ۳۸، ۴۲، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۸؛ ج ۲ ص ۹۸۹.
 ازدوبک: ج ۳ ص ۱۵۷۶.
 اردهان (شهر): ج ۲ ص ۹۳۰؛ ج ۳ ص ۱۹۷۴، ۱۹۸۹.
 اوزاس (قلم):
 اوزاس بموشما: ملوش (قلم): ج ۱ ص ۲۱۳.
 اوزن: ج ۱ ص ۴۶، ۲۸۵، ۴۱۷، ۴۲۲.
 اوزن (ازدیاریکو): ج ۱ ص ۴۴۲.
 اوزن، اوزنالمروم: ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۲۸.

۲۴۲، ۵۳۲؛ ج ۲ ص ۵۹۲، ۶۶۶.
 ۶۸۶، ۷۹۹، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۳۵.
 ۸۶۷، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۲۱، ۹۳۰.
 ۹۳۱، ۹۳۳، ۱۲۶۱؛ ج ۳ ص ۱۳۶۸.
 ۱۳۶۹، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲.
 ۱۵۵۶، ۱۵۶۰، ۱۶۰۱، ۱۶۲۹، ۱۶۳۳.
 ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۸ تا ۱۶۸۳، ۱۶۸۷.
 ۱۷۱۷، ۱۷۴۳، ۱۸۱۳، ۱۸۹۹، ۱۹۲۵.
 ۱۹۷۴، ۱۹۸۹، ۲۱۰۵.
 اوزنجان: ج ۲ ص ۸۲۰.
 اوزنگان: ج ۲ ص ۵۹۲، ۸۲۰.
 اوزنیه کرمان: ج ۳ ص ۱۷۳۲.
 اوس (رود): ج ۱ ص ۱۱۲؛ ج ۲ ص ۶۸۱.
 ۸۱۸، ۸۲۰؛ ج ۳ ص ۱۴۳۶، ۱۴۷۲.
 ۱۴۷۵، ۱۴۹۱، ۱۵۰۵، ۱۵۱۱، ۱۵۵۸.
 ۱۹۷۷، ۱۹۹۱.
 ارسوا: ج ۳ ص ۱۴۱۶.
 ارسوف: ج ۱ ص ۳۵۲.
 ارضافنس = مشهد مقدس: ج ۱ ص ۵۰۶.
 ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۴؛ ج ۲ ص ۸۷۷، ۹۵۲، ۹۶۹، ۹۸۳، ۹۸۴.
 ۱۰۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۲، ۱۱۳۱ تا ۱۱۳۳، ۱۱۴۵، ۱۱۴۵، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۳، ۱۲۶۳، ۱۲۶۵، ۱۲۷۲، ۱۲۷۹؛ ج ۳ ص ۱۳۳۶، ۱۳۶۳، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۸۶، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۵۱۷ تا ۱۵۱۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۵، ۱۵۳۹، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۵۶، ۱۵۶۷، ۱۵۷۳، ۱۶۰۲، ۱۶۰۷، ۱۶۰۹، ۱۶۱۱، ۱۶۱۶، ۱۶۴۰، ۱۶۸۶، ۱۷۱۱، ۱۷۱۱، ۱۷۲۱، ۱۷۲۱، ۱۷۴۲، ۱۷۶۴، ۱۷۹۲، ۱۸۲۹، ۱۸۸۷، ۱۸۹۳، ۲۰۶۹ تا ۲۰۶۶، ۲۰۸۷، ۲۱۰۵، ۲۱۲۳.
 ارض میضا: ج ۱ ص ۴۶.
 ارض تومان — تومان.
 ارض روم (شاید: ارزروم): ج ۱ ص ۵۰.
 ارض سواد: ج ۱ ص ۱۶۲.
 ارغنداب: ج ۱ ص ۷۸۸؛ ج ۳ ص ۲۰۱۲.
 ارغیان: ج ۱ ص ۵۷.
 ارک (قلم): ج ۱ ص ۲۷۱.
 ارکان ارمیه: ج ۲ ص ۱۱۱۶.
 ارک پادشاهی دارالخلافه: ج ۳ ص ۱۷۱۸.
 ارک ساری: ج ۳ ص ۱۶۳۶.
 ارک سلطانی (در طهران): ج ۳ ص ۱۵۹۵ تا ۱۵۹۷.

ارال (کوف): ج ۱ ص ۳۰۹.
 ارالسک (شهر): ج ۳ ص ۲۰۰۰.
 اوان: ج ۱ ص ۳۸۸، ۴۰۸، ۴۳۱؛ ج ۲ ص ۶۲۱، ۶۶۶، ۶۶۸، ۶۷۵؛ ج ۳ ص ۱۳۴۰، ۱۴۹۰.
 اویاض قوطیه: ج ۱ ص ۱۷۳.
 اوبار: ج ۳ ص ۱۷۸۹.
 اویل: ج ۱ ص ۳۱۸، ۳۳۷، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۲۱، ۴۳۸، ۴۴۳؛ ج ۲ ص ۵۹۸.
 اورتاج: ج ۱ ص ۲۹۸، ۳۸۱.
 ارجان: ج ۱ ص ۵۲، ۲۲۷، ۲۹۸، ۳۲۲.
 ارجمند (منزل): ج ۳ ص ۱۲۵۳، ۱۸۹۶.
 ارجیس: ج ۲ ص ۶۸۱، ۸۲۰ تا ۸۲۲.
 ارجیش (از اعمال خلاط): ج ۱ ص ۳۵۶.
 اودبیل: ج ۱ ص ۹۷، ۱۱۲، ۲۴۵، ۲۸۰.
 ۵۲۲: ج ۲ ص ۶۷۳، ۷۱۶، ۷۳۷.
 نا: ۷۴۰، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸۶۲، ۸۷۵، ۸۷۸، ۸۸۰، ۸۹۹، ۹۰۲، ۹۰۹، ۹۲۳، ۹۳۶، ۹۳۷.
 ۱۰۱۵، ۱۱۱۳، ۱۲۲۲، ۱۲۳۸، ۱۲۴۲، ۱۲۷۲؛ ج ۳ ص ۱۳۲۹، ۱۳۳۱.
 ۱۲۱۳، ۱۲۱۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۸، ۱۲۷۸.
 ۱۴۹۵، ۱۵۱۲، ۱۵۲۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۳، ۱۶۰۷، ۱۶۲۰، ۱۶۲۹، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۴۲، ۱۶۴۸، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۶، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۵۹، ۱۷۷۱، ۱۸۲۵، ۱۸۸۶، ۱۹۱۰، ۱۹۳۴، ۱۹۳۸، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۲۰۱۷، ۲۰۷۹، ۲۰۸۲، ۲۰۸۶، ۲۱۳۱، ۲۱۴۱.
 اردستان: ج ۳ ص ۱۲۴۶، ۱۴۰۲، ۱۶۳۰، ۱۸۷۵، ۲۰۹۱.
 اردلان: ج ۲ ص ۹۸۹، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳.
 اردلان (قلم): ج ۲ ص ۹۲۶.
 اردن: ج ۱ ص ۱۰، ۳۸، ۴۲، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۸؛ ج ۲ ص ۹۸۹.
 ازدوبک: ج ۳ ص ۱۵۷۶.
 اردهان (شهر): ج ۲ ص ۹۳۰؛ ج ۳ ص ۱۹۷۴، ۱۹۸۹.
 اوزاس (قلم):
 اوزاس بموشما: ملوش (قلم): ج ۱ ص ۲۱۳.
 اوزن: ج ۱ ص ۴۶، ۲۸۵، ۴۱۷، ۴۲۲.
 اوزن (ازدیاریکو): ج ۱ ص ۴۴۲.
 اوزن، اوزنالمروم: ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۲۸.

۲۰۵۲۰۲۰۲۲۰۲۰۲۲۰۲۰۲۸۰۲۰۲۱
 ۰۲۱۲۹۰۲۱۰۵۰۲۰۷۱
 اسلامیه (صالح) : ج ۲ ص ۸۲۸
 اخلاص : ج ۲ ص ۱۷۶۲
 اسطوبک هلتن (الالت) : ج ۱ ص ۲۹۱
 ج ۲ ص ۹۶۲ : ج ۳ ص ۱۷۰۹۰۱۷۰۳
 ۱۸۲۶۰۱۷۹۹۰۱۷۵۱۰۱۷۴۰۰۱۷۲۱
 ۰۲۰۲۷۰۱۸۷۷۰۱۸۶۸۰۱۸۴۶
 اسنگ : ج ۲ ص ۱۲۹۶
 اسمعیل آقا (قلعہ) : ج ۱ ص ۴۷۷
 اسمعیل عثمانی (شہر) : ج ۲ ص ۱۲۱۷
 اسمین (پایتخت پاراکی) : ج ۱ ص ۵۶۵
 ج ۲ ص ۱۳۰۹ : ج ۳ ص ۲۱۵۳
 اسٹنگ (شہر) : ج ۲ ص ۷۶۱ : ۹۶۱
 ج ۳ ص ۱۵۰۷
 اسنا (شہرگی در صید مصر) : ج ۱ ص ۴۵۲
 اسوس (شہر) : ج ۳ ص ۱۶۶۳
 اسین : ج ۳ ص ۱۶۹۸
 اشبوند (ازبلاد اندلس) : ج ۱ ص ۳۸۰
 اشبلیہ : ج ۱ ص ۱۲۸۰۱۳۲ : ج ۱ ص ۱۹۸۰۱۹۰۰
 ۰۴۵۳۰۳۳۹۰۳۳۳۰۳۰۱
 اشترک پروان : ج ۲ ص ۱۵۷۸
 اشوت گارت (پایتخت و تیسرغ) : ج ۱ ص ۵۶۱
 اشترلرد : ج ۱ ص ۱۰۰۸۰۲۷۱
 اشرف (یا : اشرف البلاد) ولایت پنجہزار :
 ج ۱ ص ۵۵۰ : ج ۲ ص ۹۰۹۰۹۰۸
 ۰۹۷۱۰۹۶۸۰۹۶۲۰۹۵۷۰۹۵۶۰۹۱۴
 ۰۱۲۸۶۰۱۱۵۹۰۱۱۵۵۰۱۱۵۳۰۱۱۵۲
 ج ۳ ص ۱۷۳۲ : ج ۳ ص ۲۱۳۶
 اشرف آباد : ج ۲ ص ۱۶۳۹
 اشرفیہ (صالح) : ج ۱ ص ۴۶۸
 اشروسہ : ج ۱ ص ۱۷۹
 اشکنبر : ج ۲ ص ۸۰۶
 اشنو (قلعہ) : ج ۲ ص ۱۲۱۳
 اشوبہ : ج ۱ ص ۲۷۷ : ج ۳ ص ۲۰۱۱
 اشیر : ج ۱ ص ۲۸۹
 اسطوخارنس : ج ۱ ص ۵۵۰۵۲۰۵۲۰۴۷
 ۰۲۶۰۰۲۱۳ : ج ۲ ص ۷۳۸۰۶۳۱
 ج ۲ ص ۱۷۳۳
 اسطغان - اسطغان : ج ۲ ص ۱۰۵۵
 اسطون (نزدیک صید مصر) : ج ۱ ص ۴۵۸
 اسطغان (شہر) : ج ۱ ص ۵۱۰۵۰۰۲۳
 ۰۱۵۳۰۱۳۷۰۱۳۰۰۱۲۷۰۱۲۳۰۸۸

اسفندہ : ج ۳ ص ۱۶۵۱
 اسفندہ : ج ۳ ص ۲۰۹۴
 اسکندند : ج ۱ ص ۵۶۲ : ج ۲ ص ۱۳۰۴
 ج ۳ ص ۲۱۲۸
 اسکلاونی : ج ۲ ص ۹۹۲
 اسکندرون : ج ۱ ص ۵۳۴ : ج ۳ ص ۱۲۶۲
 اسکندریہ (بندر و شہر) : ج ۱ ص ۲۹۰۲۲
 ۲۳۵۰۲۳۳۰۲۳۲۰۱۸۱۰۵۷۰۵۴۰۵۰
 ۰۲۵۲۰۴۰۵۰۴۰۴۰۳۹۵۰۲۷۳۰۲۶۲
 ۰۷۱۲۰۶۱۸۰۵۸۶ : ج ۲ ص ۴۶۰
 ۱۲۸۹۰۱۲۵۱ : ج ۳ ص ۷۳۷۰۷۲۵
 ۰۲۰۵۲۰۲۰۲۹۰۱۷۸۹۰۱۷۴۱۰۱۶۳۲
 اسکورتاری (دریاجہ) : ج ۲ ص ۹۳۹ : ج ۳ ص ۱۸۳۷
 اسکوریال (قصر) : ج ۲ ص ۸۴۹ : ج ۳ ص ۱۸۳۵
 اسکری (عسارت) در اسلامبول : ج ۲ ص ۷۰۵
 اسلامبول : ج ۱ ص ۲۸۷۰۴۸۴۰۴۴۷۰۳۵۱
 ۰۶۳۰۵۶۴۰۵۶۳۰۴۹۱ : ج ۳ ص ۶۳۰
 ۰۷۵۱۰۷۲۳۰۷۱۸۰۷۱۴۰۷۰۵۰۷۰۲
 ۰۸۵۶۰۸۳۳۰۸۱۱۰۸۰۵۰۷۸۳۰۷۶۲
 ۰۹۲۷۰۹۲۵۰۹۱۴۰۹۱۲۰۹۰۵۰۸۷۹
 ۰۹۳۱ : ج ۱ ص ۹۳۸۰۹۳۶۰۹۳۳
 ۰۹۵۵۰۹۵۲۰۹۴۶۰۹۳۵۰۹۳۳۰۹۳۰
 ۰۱۰۰۰۰۰۹۹۸۰۰۹۹۵۰۰۹۸۸۰۰۹۵۹
 ۰۱۰۲۵۰۱۰۲۴۱۰۱۰۱۹۰۱۰۱۷۰۱۰۰۴
 ۰۱۰۹۶۰۱۰۲۵۰۱۰۲۳۱۰۱۰۲۹۰۱۰۲۷۵
 ۰۱۱۲۳۰۱۱۲۱۰۱۱۲۶ : ج ۱ ص ۱۱۱۷
 ۰۱۱۸۳۰۱۱۵۳۰۱۱۵۱۰۱۱۲۶۰۱۱۲۴
 ۰۱۲۲۷۰۱۲۶۰۰۱۲۶۰۰۱۲۶۰۰۱۲۲۷ : ج ۳ ص ۱۲۴۶
 ۰۱۲۵۱۰۱۲۹۲۰۱۲۹۲۰۱۲۶۰۰۱۲۵۱
 ۰۱۵۲۳۰۱۵۳۰۱۵۳۰۱۵۳۰۱۵۲۳
 ۰۱۶۱۴۰۱۶۱۹۰۱۶۲۴۰۱۶۲۴۰۱۶۲۴ : ج ۳ ص ۱۶۲۲
 ۰۱۶۶۱ : ج ۱ ص ۱۶۶۳۰۱۶۶۵۰۱۶۶۵
 ۰۱۶۷۲۰۱۶۷۹۰۱۶۸۷۰۱۶۸۷ : ج ۳ ص ۱۶۷۲
 ۰۱۷۳۶ : ج ۱ ص ۱۷۷۷۰۱۷۶۶
 ۰۱۷۸۳۰۱۷۸۶۰۱۷۸۷۰۱۷۹۵۰۱۸۰۳
 ۰۱۸۱۳۰۱۸۱۴۰۱۸۲۰۱۸۲۳۰۱۸۲۲
 ۰۱۸۴۶۰۱۸۴۷۰۱۸۵۸۰۱۸۶۳۰۱۸۷۰۰
 ۰۱۸۸۰۰۱۸۸۱۰۱۸۸۸۰۱۸۹۲۰۱۹۱۲
 ۰۱۹۲۳۰۱۹۲۳۰۱۹۲۳۰۱۹۲۳ : ج ۳ ص ۱۹۲۳
 ۰۱۹۵۷۰۱۹۵۷۰۱۹۵۷ : ج ۳ ص ۱۹۵۷
 ۰۱۹۸۷۰۱۹۸۷ : ج ۳ ص ۱۹۸۷
 ۰۲۰۲۰۲۰۱۵۰۱۹۹۰۰۲۰۲۰۲۰۲۰

۱۲۷۴۰۱۲۶۶۰۱۲۶۴۰۱۲۳۵۰۱۲۳۶
 ۱۲۷۶ : ج ۳ ص ۱۳۰۰۰۱۳۹۱۰۱۳۸۵
 ۱۳۲۲ : ج ۱ ص ۱۳۳۹۰۱۳۳۱
 ۱۳۳۳ : ج ۱ ص ۱۳۵۶۰۱۳۵۲۰۱۳۴۸
 ۱۳۶۰۰۱۳۶۲ : ج ۱ ص ۱۳۶۶
 ۱۳۷۰ : ج ۱ ص ۱۳۷۹۰۱۳۷۶
 ۱۳۸۲ : ج ۱ ص ۱۳۸۸
 ۱۳۹۷ : ج ۱ ص ۱۳۹۹
 ۱۴۱۸ : ج ۱ ص ۱۴۲۱۰۱۴۲۱
 ۱۴۶۷ : ج ۱ ص ۱۴۸۷۰۱۴۸۷
 ۱۵۲۹ : ج ۱ ص ۱۵۲۹
 ۱۶۲۸ : ج ۱ ص ۱۶۲۸
 ۱۷۱۷ : ج ۱ ص ۱۷۱۷
 ۱۷۳۸ : ج ۱ ص ۱۷۳۸
 ۱۷۸۷ : ج ۱ ص ۱۷۸۷
 ۱۸۲۲ : ج ۱ ص ۱۸۲۲
 ۱۸۴۲ : ج ۱ ص ۱۸۴۲
 ۱۸۶۰ : ج ۱ ص ۱۸۶۰
 ۱۸۸۴ : ج ۱ ص ۱۸۸۴
 ۱۸۹۹ : ج ۱ ص ۱۸۹۹
 ۱۹۳۲ : ج ۱ ص ۱۹۳۲
 ۲۰۴۲ : ج ۱ ص ۲۰۴۲
 ۲۰۹۸ : ج ۱ ص ۲۰۹۸
 ۲۱۴۵ : ج ۱ ص ۲۱۴۵
 استراز بورگ — استراز بورگ
 استراز بورگ (شہر) : ج ۳ ص ۱۶۳۷
 ۰۱۹۸۱۰۱۹۸۰۰۱۹۳۰۰۱۹۲۰
 اسرائالی : ج ۱ ص ۴۸۹ : ج ۲ ص ۹۰۲
 ج ۳ ص ۱۲۲۹۰۱۲۲۹۰۱۲۲۹
 استرید : ج ۲ ص ۱۸۹۳
 استرلیتو : ج ۳ ص ۱۴۸۰
 استرود : ج ۱ ص ۳۷۹
 استکلیم : ج ۲ ص ۵۸۷
 استوت گارت (پایتخت و تیسرغ) : ج ۲ ص ۱۲۰۴ : ج ۳ ص ۲۱۲۸
 استآباد (مندان) : ج ۱ ص ۵۵۹ : ج ۲ ص ۱۳۰۰ : ج ۳ ص ۲۱۴۶
 اسوان (منزل) : ج ۳ ص ۱۸۹۶
 اسفرائین : ج ۱ ص ۴۸۸۰۵۷ : ج ۲ ص ۶۲۹
 ۰۸۲۰۰۷۷۲۰۷۶۸۰۷۶۰۰۷۰۰۰۶۵۴
 ۰۸۹۰۰۸۸۵ : ج ۳ ص ۱۴۵۰
 ۰۱۶۹۳۰۱۶۵۷۰۱۶۵۶
 اسفزار : ج ۲ ص ۶۵۲ : ج ۳ ص ۱۶۴۳
 ۲۰۳۷۰۱۶۴۵

۰۲۰۲۹۰۱۹۶۶۰۱۹۶۰
 امیشیا: ج ۱ ص ۴۲
 ام القرى: ج ۱ ص ۲۶ ج ۲ ص ۱۳۳۸
 ام القرية: ج ۱ ص ۲۶
 ام الكبي = مشهد برقاب: ج ۲ ص ۱۲۰۲
 امير (قلم): ج ۲ ص ۸۹۵
 اميرآباد (حصن) - در چناران: ج ۲ ص ۱۸۹۲۰۱۶۱۰۰۱۶۰۹
 اميريه: ج ۲ ص ۱۷۸۲
 امير: ج ۱ ص ۲۲۷
 امين: ج ۲ ص ۱۲۶۶
 اناتوليا (از خاک عثمانی): ج ۲ ص ۱۷۶۵
 انار: ج ۱ ص ۵۲۸ ج ۲ ص ۱۲۸۱ ج ۲ ص ۲۱۲۲
 انبار (شهر): ج ۱ ص ۱۰۷۰۶۹۰۴۰۰۲۵
 ۰۱۷۸۰۱۷۰۰۱۶۷۰۱۳۷۰۱۳۶۰۱۳۴
 ۰۲۲۱۰۲۲۰۰۲۹۵۰۲۹۰
 انبار عتيق: ج ۱ ص ۱۳۶
 اندجان: ج ۲ ص ۷۸۲۰۷۵۲۰۷۴۴۰۷۱۸
 اندخود: ج ۲ ص ۸۵۸۰۸۵۶۰۷۵۵۰۷۱۷
 ۰۱۳۹۰۱۱۲۵۰۱۱۲۱۰۱۱۱۷
 ۰۱۶۴۱
 اندرون اشرف = آيينه خانه: ج ۲ ص ۱۰۱۱
 اندلس: ج ۱ ص ۱۱۱۰۱۰۴۰۱۰۱۰۹۱۰۵۷
 ۰۱۳۴۰۱۳۳۰۱۳۲۰۱۳۱۰۱۳۰
 ۰۱۵۲۰۱۲۵۰۱۲۳۰۱۲۰۰۱۳۹۰۱۳۸
 ۰۱۷۹۰۱۷۵۰۱۶۸۰۱۶۶۰۱۶۲۰۱۵۸
 ۰۱۹۷۰۱۹۳۰۱۹۱۰۱۸۹۰۱۸۶۰۱۸۲
 ۰۲۶۴۰۲۵۵۰۲۴۹۰۲۳۶۰۲۱۲۰۲۰۸
 ۰۳۳۱۰۳۱۸۰۳۱۰۰۳۰۵۰۲۹۲۰۲۷۳
 ۰۳۴۶۰۳۳۴۰۳۳۲۰۳۳۰۳۲۷۰۳۲۳
 ۰۳۹۳۰۳۸۹۰۳۸۱۰۳۸۰۰۳۷۴۰۳۶۹
 ۰۴۲۳۰۴۲۰۰۴۱۸۰۴۱۵۰۴۰۶۰۴۰۰
 ۰۶۱۲۰۶۱۳ ج ۲ ص ۲۵۴۰۲۳۹
 ۰۶۱۹۰۶۱۸
 اندوليه: ج ۱ ص ۹۱
 انزاب: ج ۲ ص ۱۷۸۱
 انزان (بلوک): ج ۲ ص ۱۱۷۲۰۱۱۷۰
 انزلی: ج ۱ ص ۵۲۸۰۵۲۲ ج ۲ ص ۱۲۳۵
 ۰۱۲۷۲۰۱۲۷۱ ج ۲ ص ۱۴۰۴۰۱۴۰۰
 ۰۱۲۷۲۰۱۲۷۱۰۱۵۷۳۰۱۵۱۲۰۱۴۷۶
 ۰۱۲۷۲۰۱۲۷۱۰۱۵۱۰۰۱۸۳۲۰۱۷۹۵
 ۰۲۰۸۰
 انشروک (شهر): ج ۲ ص ۱۷۰۲

الان دشت (صحرای): ج ۲ ص ۱۶۰۰
 الیاباد (قلم): ج ۲ ص ۸۷۱
 الی (جزیر): ج ۲ ص ۱۵۲۱۰۱۵۲۸
 ۰۱۵۳۲
 الی (رود): ج ۱ ص ۲۸۸
 الیاب (شهر) - دربکنی دنیای شمالی: ج ۲ ص ۱۹۶۲
 الیرتا (کشتی): ج ۲ ص ۱۹۶۱
 الیرزکوه: ج ۲ ص ۱۱۲۶۰۱۱۲۲
 الیاس (ایالت): ج ۲ ص ۱۹۳۰
 الیاسن (شهر): ج ۲ ص ۱۹۹۲
 الشک: ج ۲ ص ۱۹۷۴
 الکندر سزارویچ (کشتی): ج ۲ ص ۱۹۸۲
 الکک: ج ۲ ص ۸۶۹
 الی (رودخانه): ج ۲ ص ۱۷۷۷
 الیوت (قلم): ج ۱ ص ۲۷۰
 الیوت قزوین: ج ۱ ص ۲۵۴۰۲۴۲۰۲۴۹
 ۰۲۶۱۰۲۳۵۰۲۲۸۰۲۹۲۰۲۷۰۰۲۶۸
 ج ۲ ص ۸۳۶۰۸۳۱
 الیجق (قلم): ج ۲ ص ۸۰۸۰۶۹۱۰۶۸۶
 ج ۲ ص ۱۵۷۸
 الیگیاخاکی: ج ۲ ص ۷۵۹
 الیگراکان: ج ۲ ص ۷۵۰
 الیگسوزه: ج ۳ ص ۱۲۹۴
 الیواس (سلکت): ج ۱ ص ۲۲۳
 الیوی اوزیک: ج ۲ ص ۶۶۵
 الیوی بهارلو (در شهرزور): ج ۲ ص ۸۹۱
 الیوی جته: ج ۲ ص ۶۵۸
 الیوی جفتای: ج ۲ ص ۵۹۰۰۵۸۵۰۵۸۲
 ۰۶۵۸۰۶۳۴۰۶۲۳۰۶۱۱۰۶۱۰۰۵۹۳
 الیوند (داشمن): ج ۲ ص ۹۲۶ ج ۲ ص ۱۵۵۳
 الیهاک (بند): در راه خراسان: ج ۲ ص ۱۹۸۱۰۱۷۱۰
 الییزه (عمارت): ج ۲ ص ۳۹۰۳۴
 الییس قرات: ج ۲ ص ۱۸۰۵
 الییکانت: ج ۲ ص ۵۳۴۰۱۱۴ ج ۲ ص ۱۲۶۲۰۷۶۰۰۶۸۰
 الیامازادیزید (دورالخلافت): ج ۳ ص ۱۲۲۵
 ۰۱۹۹۵
 الیامازادیمشتم (جنگل): ج ۱ ص ۱۹۱۰
 الیامنه: ج ۲ ص ۱۶۳۳
 الیامواز (شهر): ج ۲ ص ۱۷۵۲
 الیاس (شهر): ج ۲ ص ۱۹۵۶۰۱۹۱۸

۰۳۰۱۰۲۸۹۰۲۸۸۰۲۸۲۰۲۷۸۰۲۷۶
 ۰۳۲۸۰۳۲۴۰۳۲۰۰۳۱۷۰۳۱۵۰۳۰۳
 ۰۳۸۲۰۳۷۲۰۳۶۶۰۳۶۳۰۳۵۹۰۳۴۲
 ۰۴۲۳۰۴۲۱۰۴۰۰۰۴۹۳۰۴۹۰۰۴۸۵
 ۱۳۰۷۰۷۸۸ ج ۲ ص ۵۶۴۰۴۵۹۰۴۵۸
 ج ۲ ص ۲۱۵۱۰۱۸۸۸
 افسوس (شهر اصحاب کهنه): ج ۱ ص ۱۶۴
 افشینه، افشینیه (قریه): ج ۱ ص ۳۱۱۰۱۱۲
 افغان (دولت): ج ۲ ص ۱۵۲۲
 افغانستان: ج ۱ ص ۳۸۹۰۳۸۷۰۳۸۵ ج ۲ ص ۱۲۰۲۰۱۱۲۳۰۹۶۱۰۸۸۹
 ۰۱۵۲۱۰۱۲۲۴۰۱۲۲۴۰۱۲۲۴۰۱۶۲۸
 ۰۱۷۸۴۰۱۶۹۷۰۱۶۶۴۰۱۶۵۲۰۱۶۳۸
 ۰۱۹۹۹۰۱۹۹۸۰۱۹۸۸۰۱۹۸۵۰۱۹۸۲
 ۰۲۰۳۸۰۲۰۱۳۰۲۰۱۲
 افلاک بندان: ج ۱ ص ۲۸۹۰۲۸۸ ج ۲ ص ۱۲۰۲۰۱۲۰۲۰۱۱۷۰۰۶۷۸۰۶۶۰
 ۰۱۲۰۶ ج ۲ ص ۱۷۰۷۰۱۷۰۳۰۱۶۸۲
 ۰۱۷۸۹۰۱۷۷۷۰۱۷۶۵۰۱۷۶۴۰۱۷۱۰
 ۰۱۹۱۲۰۱۸۶۳۰۱۸۲۰۰۱۸۰۷۰۱۸۰۰
 ۰۲۰۴۸۰۲۰۲۷۰۲۰۱۶۰۲۰۱۵۰۱۹۷۲
 ۰۲۰۵۰
 افرغ (کوم): ج ۱ ص ۱۹۸
 افرا (افرا): ج ۱ ص ۲۴۰۰۲۳۰
 اقمیره (قمیره): ج ۱ ص ۳۳۰
 اقصی - مسجد اقصی
 اقلید: ج ۲ ص ۱۵۹۹
 اکراد حمیدیه (قلم): ج ۱ ص ۳۷۳
 اکراد هکاریه (قلم): ج ۱ ص ۳۷۸
 اکراکای (قلم): ج ۲ ص ۱۱۷۲۰۱۱۷۱
 اکراک (شهر): ج ۲ ص ۱۱۲۴۰۱۱۲۱
 اکس (شهر): ج ۱ ص ۳۴۶ ج ۲ ص ۸۴۶۰۸۴۴۰۸۰۸۰۷۲۵۰۶۵۲۰۶۲۸
 ۰۸۸۸۰۸۸۱۰۸۷۹۰۸۵۵۰۸۵۳۰۸۵۱
 ۰۹۹۱۰۹۶۶۰۹۵۶۰۹۵۵۰۸۹۹۰۸۹۸
 ۰۱۲۶۲۰۱۰۰۶
 اکلا شاپل (شهر): ج ۱ ص ۱۷۴۰۱۶۳
 ۰۲۳۱ ج ۲ ص ۱۱۲۷۰۷۶۸ ج ۲ ص ۱۸۳۷
 اکسن (سلکت): ج ۲ ص ۶۰۶
 اکوانور، اکوانر (جبهه): ج ۱ ص ۵۶۵
 ج ۲ ص ۱۳۰۸ ج ۲ ص ۲۱۵۲
 اکوه: ج ۲ ص ۷۸۸۰۷۸۴۰۷۸۳۰۷۷۲ ج ۲ ص ۱۷۹۸

۱۹۸۵-۱۹۸۱-۱۹۷۵-۱۹۷۳-۱۹۷۰
 ۱۹۹۹-۱۹۹۸-۱۹۹۵-۱۹۸۹ تا
 ۲۰۲۷-۲۰۱۳ تا ۱۱-۲۰۰۲-۲۰۰۱
 ۲۰۵۱-۲۰۲۹-۲۰۲۸-۲۰۲۹-۲۰۲۰
 تا ۲۱۲۸-۲۱۰۸-۲۱۰۳-۲۰۵۳
 انگوری، انگوریه: ج ۱ ص ۳۹۴-۶۶۰-۴۲
 ۵۳۴-۲۲۸: ج ۲ ص ۶۶۰-۶۶۳
 ۱۲۶۲-۶۶۶: ج ۳ ص ۲۱۳۲-۲۱۳۲
 انگون: ج ۲ ص ۱۸۴۶
 انوالید: ج ۳ ص ۱۶۵۶
 انورس(بندر): ج ۲ ص ۱۱۳۲
 اویه: ج ۲ ص ۹۶۱
 اوطارون(مجال): ج ۲ ص ۱۵۷۰
 اوجان: ج ۲ ص ۶۹۰: ج ۳ ص ۱۴۹۲
 ۱۶۲۰
 اوج کلبا(به فرسنگی ایروان): ج ۲ ص ۸۰۷
 ۱۵۶۶-۱۵۳۶-۱۳۷۱: ج ۳ ص ۱۵۶۷
 ۱۶۳۹-۱۵۷۸-۱۵۷۷-۱۵۷۲-۱۵۶۷
 اوجوق: ج ۳ ص ۱۲۳۵
 اود(مطکت): ج ۳ ص ۱۷۸۸
 اودیه: ج ۲ ص ۸۵۲
 اوزال(کوههای): ج ۲ ص ۱۶۹۷
 اورامان کردستان: ج ۳ ص ۱۹۰۸
 اوران(شهر): از بنادر الجزایر: ج ۲ ص ۱۰۳۳
 اورانبورغ: ج ۳ ص ۲۰۰۰
 اورنای(جبال): ج ۲ ص ۱۳۲۶-۱۳۲۲
 اورنلیم: ج ۳ ص ۱۸۸۰
 اوفد(بلد): ج ۲ ص ۷۶۲
 اوره(مدینه): ج ۱ ص ۲۸
 اوزگج: ج ۲ ص ۱۷۸۵-۱۶۲۵
 اولتان(ارلطان): ج ۲ ص ۶۸۷
 اوروگای(جمهوری): ج ۳ ص ۱۸۷۱
 اوروگای(جمهوری): ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص ۲۱۵۲
 اوزکند: ج ۱ ص ۲۹۵
 اوشیر: ج ۳ ص ۱۳۳۵
 اوق: ج ۲ ص ۹۸۵
 اولاباد: ج ۱ ص ۵۶۱: ج ۲ ص ۱۳۰۳
 ج ۳ ص ۲۱۴۷
 اولاد(قلعه): ج ۲ ص ۸۸۱
 اولارکس(شهر): ج ۲ ص ۱۹۰۲
 اولنای(جبال): ج ۲ ص ۱۳۳۲-۱۳۳۲

۹۸۵ تا ۹۸۳-۹۸۰-۹۷۹-۹۷۱-۹۶۹
 ۹۹۲-۹۸۹ تا ۹۹۹-۹۹۹ تا ۱۰۰۲
 ۱۰۲۴-۱۰۱۶-۱۰۱۳-۱۰۱۰ تا ۱۰۰۶
 ۱۱۳۳-۱۱۳۱-۱۱۲۹-۱۱۲۱-۱۰۷۶
 ۱۱۵۴-۱۱۵۲-۱۱۵۰-۱۱۴۸-۱۱۳۲
 تا ۱۱۶۴-۱۱۶۱-۱۱۶۰-۱۱۵۸
 ۱۱۸۱ تا ۱۱۷۸-۱۱۷۵-۱۱۷۳-۱۱۷۰
 ۱۲۶۶-۱۲۶۲-۱۲۵۸-۱۲۰۸ تا ۱۲۰۲
 ۱۳۹۰-۱۳۸۶: ج ۳ ص ۱۳۷۸
 ۱۷۰۳-۱۷۰۰-۱۳۹۸-۱۳۹۵-۱۳۹۲
 ۱۲۱۷-۱۲۱۶-۱۲۱۰-۱۲۰۹-۱۲۰۶
 ۱۲۳۰-۱۲۲۷-۱۲۲۶-۱۲۲۳-۱۲۲۱
 ۱۲۲۶-۱۲۲۰-۱۲۲۹-۱۲۲۵-۱۲۲۳
 ۱۲۵۸-۱۲۵۵-۱۲۵۲-۱۲۵۱
 ۱۲۷۰-۱۲۶۶-۱۲۶۲-۱۲۶۱-۱۲۶۰
 ۱۴۸۸-۱۴۸۰-۱۴۷۹-۱۴۷۴-۱۴۷۱
 تا ۱۴۹۶-۱۴۹۳ تا ۱۵۰۳-۱۵۰۱
 ۱۵۱۸-۱۵۰۹-۱۵۰۸-۱۵۰۶-۱۵۰۲
 تا ۱۵۳۱-۱۵۲۹ تا ۱۵۲۷-۱۵۲۳
 ۱۵۲۶-۱۵۲۱-۱۵۲۰-۱۵۲۸-۱۵۲۳
 ۱۵۶۵-۱۵۵۸-۱۵۵۳-۱۵۵۰-۱۵۴۹
 ۱۵۹۳-۱۵۸۰-۱۵۷۷-۱۵۷۶-۱۵۶۸
 ۱۶۰۷-۱۶۰۳-۱۶۰۰-۱۵۹۶-۱۵۹۳
 تا ۱۶۲۸-۱۶۱۹-۱۶۱۵-۱۶۱۲-۱۶۰۹
 ۱۶۲۷-۱۶۲۵ تا ۱۶۲۳-۱۶۲۸-۱۶۲۰
 ۱۶۶۴-۱۶۶۳-۱۶۵۶ تا ۱۶۵۲-۱۶۵۲
 ۱۶۹۴-۱۶۹۳-۱۶۷۸-۱۶۷۲-۱۶۶۹
 تا ۱۷۰۹-۱۷۰۴ تا ۱۷۰۲-۱۶۹۷
 ۱۷۳۹-۱۷۳۲ تا ۱۷۱۹-۱۷۱۵-۱۷۱۱
 تا ۱۷۲۹-۱۷۲۱ تا ۱۷۵۳-۱۷۵۱
 ۱۷۷۶-۱۷۷۱-۱۷۶۲-۱۷۶۳-۱۷۵۴
 تا ۱۷۹۱-۱۷۸۸-۱۷۸۲-۱۷۷۹ تا ۱۷۹۱
 تا ۱۷۹۳ تا ۱۸۰۵-۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹
 ۱۸۲۶-۱۸۲۳-۱۸۱۹ تا ۱۸۱۶-۱۸۱۲
 تا ۱۸۳۶-۱۸۳۳-۱۸۳۱-۱۸۲۸ تا ۱۸۳۶
 ۱۸۳۸-۱۸۳۶-۱۸۳۵-۱۸۳۲-۱۸۳۹
 ۱۸۶۰-۱۸۵۶-۱۸۵۲-۱۸۵۳-۱۸۵۰
 ۱۸۶۷-۱۸۶۶-۱۸۶۲-۱۸۶۳-۱۸۶۱
 ۱۸۸۳ تا ۱۸۷۸-۱۸۷۶-۱۸۷۱-۱۸۶۹
 ۱۸۹۹-۱۸۹۶-۱۸۹۱ تا ۱۸۸۹-۱۸۸۷
 ۱۹۲۷-۱۹۲۱-۱۹۱۹-۱۹۱۸-۱۹۱۰
 ۱۹۲۳-۱۹۲۰ تا ۱۹۲۷-۱۹۲۳-۱۹۲۰
 ۱۹۵۲-۱۹۵۰-۱۹۵۱-۱۹۵۰-۱۹۲۴
 ۱۹۶۹-۱۹۶۷ تا ۱۹۶۵-۱۹۶۱-۱۹۶۰

انطاکیه: ج ۱ ص ۹۴۰۷۵۰۵۳۰۲۶۰۲۲
 ۲۱۲۰-۲۱۰۰-۱۹۹۰-۱۹۸۰-۱۱۲۰-۱۰۲
 ۲۳۲۰-۲۳۰۰-۲۱۶۰-۲۷۱۰-۲۶۹۰-۲۶۸
 ۳۶۰-۳۵۲۰-۳۵۱۰-۳۳۹۰-۳۳۸-۳۳۶
 تا ۵۳۴-۳۸۲-۳۸۲-۳۶۴: ج ۲ ص
 ۵۸۷-۶۸۲-۱۲۶۲: ج ۳ ص ۱۶۱۳
 ۲۱۰۶
 انطالیه(از بلاد رومیه الصغری): ج ۱ ص
 ۹۲۵
 انطوطوس(بلد): نزدیک حمص: ج ۱ ص
 ۳۵۵-۴۲: ج ۲ ص ۶۰۸
 انکروس: ج ۲ ص ۷۱۲
 انگومان: ج ۳ ص ۱۷۷۸
 انگستان: ج ۱ ص ۵۶۲-۲۸۵-۲۲۹: ج ۲
 ص ۱۳۰۸-۱۳۰۲-۱۳۰۸-۵۹۲: ج ۳
 ص ۱۵۱۸-۱۵۰۲-۱۴۹۳-۱۴۹۰
 ۱۷۹۸-۱۷۸۸-۱۵۲۶-۱۵۳۸-۱۵۲۲
 تا ۱۸۲۲-۱۸۰۹-۱۸۰۸-۱۸۰۵-۱۸۰۰
 ۱۸۷۸-۱۸۶۶-۱۸۳۵-۱۸۲۸-۱۸۲۷
 ۱۹۵۱-۱۹۲۲-۱۹۲۲-۱۹۳۲-۱۸۹۱
 ۱۹۷۰-۱۹۶۶-۱۹۶۱-۱۹۵۶-۱۹۵۲
 ۲۰۰۲-۲۰۰۰-۱۹۹۹-۱۹۸۷-۱۹۸۱
 ۲۱۲۸-۲۱۰۶-۲۰۲۹-۲۰۱۲
 انگلیس: ج ۱ ص ۲۲۲-۲۱۱-۸۲-۷۰-۲۹
 ۳۰۸-۳۰۵-۳۰۲-۲۹۲-۲۹۱-۲۳۹
 ۳۵۱-۳۳۶-۳۳۲-۳۲۰-۳۲۱-۳۱۰
 ۳۱۹-۳۱۷-۳۱۱-۳۹۹-۳۷۹-۳۵۵
 تا ۲۸۵-۳۶۰-۴۳۰-۳۲۹-۳۲۵
 ۵۴۶-۵۳۸-۵۳۴-۵۳۲-۴۹۱-۲۸۷
 ۵۶۲: ج ۲ ص ۵۸۹-۵۸۷-۵۸۵
 ۶۰۵-۶۰۳-۵۹۹-۵۹۲-۵۹۰
 ۶۲۵-۶۲۳-۶۲۲-۶۱۱-۶۰۹-۶۰۶
 ۶۲۲ تا ۶۲۱-۶۲۸ تا ۶۲۲-۶۲۰-۶۲۹
 ۶۶۳-۶۵۵-۶۵۲-۶۵۱-۶۲۸-۶۲۶
 ۶۸۷-۶۸۳ تا ۶۸۰-۶۷۸-۶۷۵-۶۶۵
 ۷۱۴-۷۰۶-۷۰۴-۷۰۰-۶۹۰-۶۸۸
 ۷۳۷-۷۳۵-۷۲۹-۷۲۸-۷۲۵-۷۲۱
 ۸۱۱-۸۰۶-۷۸۸-۷۷۰ تا ۷۶۸-۷۵۱
 ۸۵۵-۸۴۷-۸۴۶-۸۳۸-۸۲۵-۸۲۳
 ۸۹۳-۸۸۸-۸۸۱-۸۷۹-۸۷۵-۸۶۷
 ۹۰۹-۹۰۵-۹۰۳-۹۰۲-۸۹۹ تا ۸۹۶
 ۹۲۱-۹۲۰-۹۱۸-۹۱۶-۹۱۴-۹۱۳
 ۹۵۵-۹۵۱ تا ۹۴۸-۹۴۵-۹۳۰-۹۲۲
 تا ۹۹۶-۹۶۲-۹۶۱-۹۵۹-۹۵۸-۹۵۶

اولتنبز: ج ۳ ص ۱۷۶۵.

اولسونز: ج ۳ ص ۱۷۷۰، ۱۷۷۲.

اولنگماقونی: ج ۳ ص ۱۶۰۹.

اوندورا (جمهوری): ج ۲ ص ۲۱۵۲.

اوین (نزدیک گلوران): ج ۲ ص ۱۳۳۲.

اوارسکین: ج ۲ ص ۷۳۹.

اھر (قلعہ) یا: اھار: ج ۲ ص ۹۳۶، ج

۲ ص ۱۴۱۴.

اھرام مصر: ج ۲ ص ۶۲۳.

اھواز: ج ۱ ص ۹۳، ۷۴، ۶۸، ۵۵، ۵۲، ۲۷.

۱۷۲، ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۱، ۱۳۳.

۲۱۱، ۲۰۹، ۲۰۷، ۲۰۶، ۱۸۷، ۱۷۳.

۲۷۶، ۲۶۲، ۲۵۸، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۱۲.

۲۴۹، ۲۳۱، ۲۰۵، ۲۰۳، ۲۸۹، ۲۸۲.

ج ۲ ص ۱۱۹۳، ج ۲ ص ۱۲۰۰.

اھاس (ازملا دھیس): ج ۲ ص ۶۲۸، ۶۲۰.

۶۳۱.

ایالات متحدہ: ج ۳ ص ۱۳۹۵.

ایالت جنوبی: ج ۳ ص ۱۸۹۱.

ایالت مرکزی: ج ۳ ص ۱۹۶۴.

ایدن (در خاک عثمانی): ج ۳ ص ۱۸۰۷.

ایران: ۱۰۰۷، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۳۰، ۲۱۰، ۲۰۲.

۴۶۵، ۴۶۲، ۴۶۱، ۴۵۶، ۴۳۷، ۴۳۳.

۴۷۷، ۴۶۹، ۴۶۷، ۴۶۵، ۴۶۲، ۴۶۱.

۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۹۳، ۴۹۲.

۵۳۲: ج ۲ ص ۵۷۷، ۵۷۶، ۵۷۸.

۶۶۱، ۶۶۰، ۶۵۵، ۶۵۰، ۶۳۵، ۶۳۳.

۷۵۱، ۷۴۲، ۷۳۶، ۶۷۴، ۶۶۵، ۶۶۵.

۸۳۳، ۸۱۵، ۸۱۰، ۸۰۰، ۷۶۶، ۷۶۱.

۸۶۲، ۸۵۲، ۸۴۹، ۸۲۵، ۸۲۴، ۸۲۳.

۸۷۵، ۸۷۳، ۸۶۹، ۸۶۸، ۸۶۶، ۸۶۲.

۹۰۵، ۹۰۳، ۸۹۸، ۸۸۸، ۸۷۹، ۸۷۶.

۹۱۹، ۹۱۷، ۹۱۵، ۹۱۲، ۹۰۹، ۹۰۸.

۹۲۲، ۹۲۱، ۹۲۰، ۹۱۹، ۹۱۸، ۹۱۷.

۹۳۳، ۹۳۲، ۹۳۱، ۹۳۰، ۹۲۹، ۹۲۸.

۹۴۳، ۹۴۲، ۹۴۱، ۹۴۰، ۹۳۹، ۹۳۸.

۹۵۵، ۹۵۴، ۹۵۱، ۹۵۰، ۹۴۹، ۹۴۸.

۹۷۱، ۹۷۰، ۹۶۹، ۹۶۸، ۹۶۷، ۹۶۶.

۹۹۵، ۹۹۳، ۹۹۱، ۹۸۱، ۹۷۹، ۹۷۷.

۱۰۱۲، ۱۰۰۸، ۱۰۰۵، ۱۰۰۰، ۹۹۸.

۱۰۲۳، ۱۰۲۰، ۱۰۱۸، ۱۰۱۷، ۱۰۱۳.

۱۰۲۱، ۱۰۲۷، ۱۰۳۴، ۱۰۳۱، ۱۰۲۵.

۱۰۷۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۰، ۱۰۴۸، ۱۰۴۲.

۱۰۹۳، ۱۰۸۳، ۱۰۷۹، ۱۰۷۸، ۱۰۷۳.

۱۱۲۰، ۱۱۱۸، ۱۱۱۶، ۱۰۹۶، ۱۰۹۲.

۱۱۲۱، ۱۱۲۰، ۱۱۲۸، ۱۱۲۳، ۱۱۲۲.

۱۱۲۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۰، ۱۱۲۸، ۱۱۲۳.

۱۱۸۷، ۱۱۲۹، ۱۱۶۶، ۱۱۵۴، ۱۱۵۱.

۱۲۰۹، ۱۲۰۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۷، ۱۱۹۲.

۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۰۱، ۱۲۵۸، ۱۲۱۰.

۱۲۳۲، ۱۲۳۲، ۱۲۳۱، ۱۲۲۹، ۱۲۲۶.

۱۲۴۸، ۱۲۴۵، ۱۲۳۳، ۱۲۳۲، ۱۲۳۰.

۱۲۶۰، ۱۲۵۷، ۱۲۵۴، ۱۲۵۲، ۱۲۵۰.

۱۲۹۷، ۱۲۷۹، ۱۲۷۲، ۱۲۶۶، ۱۲۶۲.

۱۳۲۲، ۱۳۲۵، ۱۳۱۷، ۱۳۰۷، ۱۳۰۳.

۱۳۴۳، ۱۳۴۸، ۱۳۴۶، ۱۳۴۶، ۱۳۴۴.

ج ۱۴۶۹، ۱۴۶۲، ۱۴۵۸، ۱۴۴۸.

۱۴۷۰، ۱۴۷۸، ۱۴۷۶، ۱۴۷۰، ۱۴۶۳.

۱۴۹۸، ۱۴۹۳، ۱۴۹۰، ۱۴۸۷، ۱۴۸۶.

۱۵۰۸، ۱۵۰۵، ۱۵۰۲، ۱۵۰۰، ۱۵۰۰.

۱۵۲۵، ۱۵۲۴، ۱۵۱۹، ۱۵۱۶، ۱۵۱۵.

۱۵۲۸، ۱۵۲۶، ۱۵۲۰، ۱۵۲۷، ۱۵۲۷.

۱۵۲۰، ۱۵۲۳، ۱۵۵۹، ۱۵۵۳، ۱۵۵۱.

۱۵۹۲، ۱۵۸۱، ۱۵۷۷، ۱۵۷۵، ۱۵۷۱.

۱۶۰۶، ۱۶۰۵، ۱۶۰۱، ۱۵۹۷، ۱۵۹۵.

۱۶۲۲، ۱۶۲۹، ۱۶۱۸، ۱۶۱۶، ۱۶۱۴.

۱۶۲۷، ۱۶۲۵، ۱۶۲۰، ۱۶۲۸، ۱۶۲۳.

۱۶۶۵، ۱۶۶۳، ۱۶۶۱، ۱۶۵۵، ۱۶۵۴.

۱۶۷۸، ۱۶۷۶، ۱۶۷۲، ۱۶۶۸، ۱۶۶۳.

۱۶۹۷، ۱۶۹۳، ۱۶۹۱، ۱۶۸۹، ۱۶۸۲.

۱۷۱۳، ۱۷۱۱، ۱۷۰۲، ۱۶۹۸، ۱۶۹۸.

۱۷۵۱، ۱۷۴۵، ۱۷۳۵، ۱۷۳۵، ۱۷۱۶.

۱۷۷۴، ۱۷۷۰، ۱۷۶۹، ۱۷۵۸، ۱۷۵۶.

۱۷۸۶، ۱۷۸۵، ۱۷۸۰، ۱۷۷۹، ۱۷۷۷.

۱۷۹۷، ۱۷۹۵، ۱۷۹۴، ۱۷۹۱، ۱۷۸۸.

۱۸۱۲، ۱۸۱۱، ۱۸۰۸، ۱۸۰۵، ۱۷۹۸.

۱۸۱۸، ۱۸۲۷، ۱۸۲۰، ۱۸۱۸، ۱۸۱۸.

۱۸۵۷، ۱۸۴۸، ۱۸۳۵، ۱۸۳۱، ۱۸۳۱.

۱۸۷۳، ۱۸۷۲، ۱۸۷۰، ۱۸۶۲، ۱۸۶۲.

۱۸۸۹، ۱۸۸۷، ۱۸۸۲، ۱۸۸۱، ۱۸۷۸.

۱۹۰۹، ۱۹۰۸، ۱۸۹۹، ۱۸۹۷، ۱۸۹۰.

۱۹۲۹، ۱۹۲۶، ۱۹۲۳، ۱۹۱۶، ۱۹۱۴.

۱۹۳۱، ۱۹۳۷، ۱۹۳۴، ۱۹۳۲، ۱۹۳۰.

۱۹۶۲، ۱۹۵۹، ۱۹۵۲، ۱۹۵۰، ۱۹۴۷.

۱۹۷۹، ۱۹۷۷، ۱۹۷۵، ۱۹۷۲، ۱۹۶۳.

۱۹۹۳، ۱۹۸۹، ۱۹۸۶، ۱۹۸۲، ۱۹۸۱.

۲۰۰۹، ۲۰۰۶، ۲۰۰۴، ۱۹۹۷، ۱۹۹۵.

۲۰۲۳، ۲۰۲۳، ۲۰۲۰، ۲۰۱۸، ۲۰۱۰.

۲۰۴۶، ۲۰۴۵، ۲۰۴۹، ۲۰۳۸، ۲۰۳۴.

۲۰۲۵، ۲۰۵۲.

ایریت (شہر): ج ۲ ص ۲۰۰۰.

ایرلند (جزیرہ): ایرلند.

ایروان: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۸۰۹، ۸۳۵.

۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۱، ۹۱۴، ۹۱۳، ۹۲۰.

۹۲۷، ۹۳۰، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۶.

۹۲۵، ۹۶۸، ۱۰۱۵، ۱۰۲۰، ۱۰۲۲.

۱۰۲۳، ۱۰۲۳، ۱۰۲۵، ۱۰۲۹، ۱۰۵۱.

۱۱۱۲، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۲، ۱۱۲۶.

ج ۲ ص ۱۲۲۲، ۱۲۲۶، ۱۲۳۴، ۱۲۳۴.

۱۲۲۳، ۱۲۲۵، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۳۵۱.

۱۳۵۲، ۱۳۵۶، ۱۳۶۰، ۱۳۶۲، ۱۳۶۴.

۱۳۶۶، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۶۸، ۱۳۶۱.

۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۶۲، ۱۳۶۱، ۱۳۶۳.

۱۳۶۵، ۱۳۶۷، ۱۳۶۹، ۱۳۶۸، ۱۳۶۱.

۱۳۶۹، ۱۳۶۵، ۱۳۶۵، ۱۳۶۴، ۱۳۶۱.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۶، ۱۳۶۱، ۱۳۶۵.

بارین (قلعه) : ج ۱ ص ۴۲۳، ۴۰۱ ج ۲
 ص ۶۱۵، ۶۱۳، ۵۸۱
 بازار (محل) طهران : ج ۱ ص ۵۵۶، ۵۲۶
 ج ۲ ص ۱۲۵۲
 بازار جالی (بیلاق) : ج ۲ ص ۸۲۲
 بازار زنان در قسطنطنیه : ج ۱ ص ۱۱۹
 بازار صنایع موصی : ج ۲ ص ۵۹۸
 بازار وکیل (در شیراز) : ج ۲ ص ۱۱۸۱
 ج ۲ ص ۲۰۴۰
 بازیدی (از احوال جزیره ابن عمر) : ج ۱
 ص ۱۵۹
 باسان : ج ۲ ص ۱۴۴۰
 باستی : ج ۱ ص ۲۸۸، ۴۹۰ ج ۳ ص ۲۰۲۷
 باستیل (قلعه و محبس) - در پاریس : ج ۲
 ص ۶۸۱ ج ۳ ص ۱۴۱۱
 باسج (غریب) : ج ۲ ص ۱۵۷۹
 باسوتولاند (در افریقای جنوبی) : ج ۱ ص
 ۴۸۷ ج ۲ ص ۲۰۱۳
 باش اچوق : ج ۲ ص ۹۵۸، ۹۱۱، ۹۲۹ ج
 ۳ ص ۱۷۷۹
 بانیت (منزل) : ج ۲ ص ۱۰۲۶
 باشفر (ماده) : ج ۳ ص ۱۴۳۱
 باطنیکبی : ج ۲ ص ۷۸۵ تا ۷۹۱
 باطوم : ج ۳ ص ۱۹۸۹
 باغ ارک : ج ۳ ص ۱۹۹۶
 باغ ابلخانی : ج ۱ ص ۴۷۲ ج ۲ ص ۱۹۶۳
 باغ چهارنقا : (در شیراز) : ج ۳ ص ۱۴۱۵
 باغچه سرای (شهر) : ج ۱ ص ۴۵۷
 باغ دلگشای شیراز : ج ۲ ص ۱۱۵۸
 باغ دولتی لالهزار : ج ۲ ص ۱۱۸۷
 باغ دولتی ننگرستان (در طهران) : ج ۲ ص
 ۱۱۸۶ ج ۳ ص ۱۵۸، ۱۶۱۵، ۱۶۲۸
 ۱۶۳۸
 باغ زاهدان (در هرات) : ج ۲ ص ۶۸۱
 باغ سعادت آباد امشهان : ج ۲ ص ۹۵۱
 ج ۳ ص ۱۶۲۰، ۱۵۹۹
 باغ شاه (در طهران) : ج ۳ ص ۲۰۴۳
 باغ شاه آمل : ج ۳ ص ۱۳۸۷
 باغ شاه بروجرد : ج ۲ ص ۱۷۱۶، ۱۷۱۷
 باغ شاه هرات : ج ۳ ص ۱۵۷۳
 باغ شمال : ج ۲ ص ۸۲۳ ج ۳ ص ۱۹۷۷
 باغ علی آباد : ج ۳ ص ۱۸۰۱
 باغ فرمانفرما (در شیراز) : ج ۳ ص ۱۵۹۹
 باغ لالهزار : ج ۲ ص ۱۶۲۳، ۱۶۸۹، ۱۸۳۰

باب الطال (در بغداد) : ج ۱ ص ۲۲۵
 باب عالی (در بار سلطان عثمانی در
 استانبول) : ج ۱ ص ۴۸۸ ج ۲ ص
 ۱۰۲۱، ۱۰۲۳، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴
 ج ۲ ص ۱۹۱۲، ۱۹۲۵، ۱۹۹۰، ۲۰۰۱
 ۲۰۱۵، ۲۰۲۸
 باب الفردیس (در دمشق) : ج ۱ ص ۸۳
 بابک (شهر) : ج ۲ ص ۱۰۰۹ ج ۳ ص
 ۱۶۲۰، ۱۶۲۲، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۲۹
 ۱۶۵۰، ۱۶۵۲
 بابل : ج ۱ ص ۴۲
 باب نوی : ج ۱ ص ۲۲۶
 باب صایون (در اصفهان) : ج ۳ ص ۲۰۴۳
 باخرز (ولایت) : ج ۱ ص ۵۶ ج ۲ ص
 ۸۰۸، ۸۷۶، ۱۰۱۹ ج ۳ ص ۱۵۳۰
 ۱۵۳۹، ۱۵۴۵، ۱۵۴۷، ۱۵۹۸، ۱۶۰۲
 ۱۶۱۱، ۱۹۳۴
 باخیرا (۱۶ فرسخی کوه) : ج ۱ ص ۱۳۱
 باد (ایالت یا : مملکت) : ج ۱ ص ۳۶
 ج ۳ ص ۱۷۹۹، ۱۷۸۸، ۱۷۵۰، ۱۷۰۸
 ۱۸۲۷، ۱۸۳۵، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۳
 ۱۹۶۶
 بادغیس : ج ۱ ص ۱۴۲، ۹۸ تا ۹۶، ۷۲، ۵۷
 ۳۸۵ ج ۲ ص ۱۰۰۵، ۸۷۶، ۶۸۰
 ۱۰۲۴ ج ۳ ص ۱۵۷۳
 بادغیسات : ج ۳ ص ۱۵۳۶، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲
 بادقلی (کنار فرات) : ج ۱ ص ۲۴
 بادکوبه : ج ۱ ص ۲۸۲، ۵۳۵ ج ۲ ص ۹۲۹
 ۱۰۱۵، ۱۱۱۲، ۱۱۱۵، ۱۲۳۶ ج ۳
 ۱۲۹۲، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸
 ۱۲۸۳، ۱۵۲۱، ۱۶۲۳، ۱۹۱۰، ۱۹۷۷
 ۲۰۱۴، ۲۰۷۰، ۲۱۰۴
 بادن باد (شهر) : ج ۲ ص ۱۹۸۰، ۱۹۴۲
 ۲۰۵۰
 بلرید (شهر) از بلاد هند : ج ۱ ص ۱۵۱
 بارسلن (قصر) : ج ۱ ص ۱۶۶ ج ۲ ص
 ۷۲۳ ج ۳ ص ۱۷۰۲
 بارفروش : ج ۱ ص ۵۵۰، ۵۲۲ ج ۲ ص
 ۸۸۱، ۹۵۷، ۱۱۵۳، ۱۱۷۳
 ۱۱۷۶، ۱۲۷۲، ۱۲۸۶ ج ۳ ص ۱۳۸۱
 ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۹۷، ۱۴۰۴، ۱۴۴۱
 ۱۵۳۷، ۱۵۶۸، ۱۶۹۵، ۱۷۳۵، ۱۹۵۸
 ۲۱۲۴، ۲۱۳۶
 بارود (ایالت) : ج ۳ ص ۱۹۶۰

۱۱۶۰، ۱۱۶۲، ۱۱۷۰ تا ۱۱۷۴، ۱۱۷۵
 ۱۱۷۸ تا ۱۱۸۰، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵، ۱۲۰۴، ۱۳۰۴
 ج ۳ ص ۱۳۳۱، ۱۳۴۰، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶
 ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۵، ۱۳۵۹، ۱۳۶۶
 ۱۳۷۲، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲، ۱۳۸۹، ۱۳۹۹
 ۱۴۲۵، ۱۴۲۸، ۱۴۰۹، ۱۶۰۲، ۱۶۱۹
 ۱۶۲۵، ۱۶۲۸، ۱۷۰۷، ۱۷۲۰، ۱۷۵۰، ۱۷۸۸
 ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۷، ۱۷۹۹، ۱۸۰۷
 ۱۸۱۶ تا ۱۸۲۰، ۱۸۲۸ تا ۱۸۳۰
 ۱۸۳۵ تا ۱۸۳۷، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۹
 ۱۸۵۲، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۷۰، ۱۸۷۶
 ۱۸۷۸ تا ۱۸۷۸، ۱۸۸۱، ۱۸۹۱، ۱۹۰۶، ۱۹۱۷
 ۱۹۱۸، ۱۹۲۲، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۵
 ۱۹۳۶، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰
 ۱۹۶۶، ۱۹۷۳، ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸
 ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۱۴، ۲۰۲۶
 ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۲۸
 ایغور (بلاد) : ج ۲ ص ۵۸۰ ج ۳ ص ۱۳۳۵
 ایگری حرت : ج ۲ ص ۵۸۰
 ایکنیم (از بلاد آسیای صغیر) : ج ۱ ص ۳۳۹
 ایکیک : ج ۲ ص ۲۰۰۳
 ایلو : ج ۳ ص ۱۲۸۸
 ایله : ج ۱ ص ۲۰۶
 ایلیا : ج ۱ ص ۲۳، ۲۲
 ایلی سابط پول = قرا باغ و گنجه : ج ۳ ص ۱۵۱۲
 اینانج (شهر) : ج ۳ ص ۱۳۲۶، ۱۳۳۰
 ایوان (شهر) : ج ۱ ص ۳۹۵
 ایوان طلا (روضه رضوی) : ج ۲ ص ۱۸۷۶
 ایوان کسری = طاق کسری : ج ۱ ص ۳۹۰، ۳۵
 ۴۲، ۴۴
 ایوان کیف : ج ۱ ص ۵۵۰ ج ۲ ص ۱۲۸۲
 ج ۳ ص ۱۸۹۲، ۲۱۳۵
 ایوان مدامن — ایوان کسری
 ایور (غریب) : ج ۳ ص ۱۸۹۵



بابا اللهی (منزل) : ج ۲ ص ۷۴۷
 باب الابواب (در خارج افغانستان) : ج ۱ ص
 ۵۱، ۵۶، ۵۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۱
 ۱۶۵ ج ۲ ص ۱۰۳۸
 بابان : ج ۲ ص ۱۱۷۸
 باب التین بغداد : ج ۱ ص ۲۶۹
 باب شمسبه (در ترکیه) : ج ۱ ص ۲۴۲

۱۸۷۷، ۱۹۹۶، ۲۰۴۳.
 باغ محراب خان قاجار (جنب زاینده رود):
 ج ۲ ص ۹۶۱.
 باغ مختار هرات: ج ۲ ص ۷۰۶.
 باغ مراد هرات: ج ۲ ص ۸۷۶.
 باغ ناصریه: ج ۳ ص ۱۷۷۱.
 باغ نگارستان — باغ دولتی نگارستان.
 باغ وحش پهلن: ج ۳ ص ۱۹۲۲.
 باغ وحش دوشان تپه: ج ۲ ص ۱۱۹۵.
 باغ همایونی: ج ۲ ص ۱۹۹۵.
 باغبین (منزل): ج ۳ ص ۱۵۹۲.
 بافق: ج ۳ ص ۱۶۰۷، ۱۶۰۸.
 باقشنانا: ج ۱ ص ۳۸.
 باکو: ج ۲ ص ۷۲۱، ۷۲۲.
 باکویه: ج ۳ ص ۱۲۱۲، ۱۲۱۳.
 ۱۳۳۲، ۱۵۱۲.
 بال (شهر) — درسویس: ج ۲ ص ۷۹۸، ج ۳ ص ۱۳۲۲.
 بالاحصار کابل: ج ۳ ص ۱۴۴۲.
 بالاخ لوا: ج ۲ ص ۱۷۷۸.
 بالا دسها گانه: ج ۳ ص ۱۸۸۰.
 بالنگ: ج ۱ ص ۲۰۲.
 بالخان (کوه): ج ۲ ص ۱۶۰۱، ۱۹۸۸.
 بالخلو (از توابع ایروان): ج ۳ ص ۱۵۶۶، ۱۵۷۰.
 بالکنه: ج ۱ ص ۵۳۲، ج ۲ ص ۱۲۶۲.
 بالکار (جزایر): ج ۱ ص ۳۲۹، ۱۶۵.
 بالهارود: ج ۳ ص ۱۵۸۳.
 بام (قلعه): ج ۳ ص ۱۵۲۹، ۱۵۲۷.
 بامیان: ج ۱ ص ۴۴۲، ۴۴۳، ج ۲ ص ۶۰۸، ۶۱۲.
 بارنگ (پایبخت سیام): ج ۱ ص ۵۶۲، ج ۳ ص ۲۱۵۱.
 بانین (مزد): ج ۱ ص ۱۰۱.
 باویر (مملکت): ج ۱ ص ۱۱۱، ۱۵۹، ۵۶۱.
 ج ۲ ص ۱۱۲۷، ۱۲۰۳، ج ۳ ص ۱۲۸۰، ۱۲۸۲، ۱۲۹۶، ۱۶۱۴، ۱۷۰۳، ۱۷۰۸، ۱۷۷۵، ۱۷۳۹، ۱۸۰۱، ۱۸۲۷، ۱۸۶۱، ۱۸۶۸، ۱۸۸۹، ۱۹۱۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۶، ۲۱۲۷.
 بایزید (قلعه): ج ۲ ص ۶۸۱، ج ۳ ص ۱۴۲۱، ۱۴۲۷، ۱۴۷۱، ۱۴۶۹، ۱۴۸۱، ۱۵۲۷ تا ۱۵۲۹، ۱۵۹۶، ۱۵۵۱، ۱۷۷۷، ۱۹۹۰.
 ۱۹۹۰.

بایگ: ج ۱ ص ۵۶۴.
 باین (شهر): ج ۲ ص ۶۰۳، ج ۳ ص ۱۲۹۲.
 بایناس (قلعه): ج ۱ ص ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۲، ۳۹۳، ۴۰۲، ج ۳ ص ۱۲۹۲.
 بایندریونی: ج ۲ ص ۱۳۳۶.
 بتاویه: ج ۲ ص ۷۶۲.
 بجایه: ج ۱ ص ۲۶۵، ۲۸۵، ۲۲۳، ۲۵۹.
 بجنورد: ج ۳ ص ۱۲۶۰، ۱۸۵۲، ۱۸۹۵.
 ۱۸۹۶، ۱۹۶۴، ۱۹۶۴، ۲۱۰۵.
 بحر احمر: ج ۱ ص ۵۲، ج ۳ ص ۱۷۸۹.
 بحر ارم (یا: عمارات شاه عباسی در بشار فروش مارندران): ج ۲ ص ۱۳۸۲.
 بحر خزر: ج ۲ ص ۱۹۲۸، ۱۰۱۸، ۱۰۲۰.
 ۱۰۳۸، ۱۰۵۰، ۱۱۳۱، ج ۳ ص ۱۸۶۹.
 ۱۹۵۸.
 بحر روم: ج ۱ ص ۱۰۱، ۲۳۵، ۲۵۳، ج ۲ ص ۶۰۸.
 بحر سفید: ج ۲ ص ۷۶۶، ج ۳ ص ۱۷۸۹، ۱۸۲۸.
 بحر الحجم: ج ۱ ص ۵۳۲، ج ۲ ص ۱۲۵۹، ج ۳ ص ۱۵۲۲.
 بحر فارس: ج ۲ ص ۱۰۸۵، ج ۳ ص ۱۷۹۶.
 بحر قزاق: ج ۲ ص ۷۲۲.
 بحر مارمالا: ج ۳ ص ۲۰۰۲.
 بحر محیط: ج ۱ ص ۲۶۴.
 بحرین (جزیره): ج ۱ ص ۳۲۰، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶،

۰۹۲ ۰۲۳۳ ۰۲۵۵ ۰۲۹۳ ۰۲۹۹ ۰۴۸۶
 ج ۲ ص ۶۶۲ ۰۶۶۳ ۰۱۲۰۲ ۰۱۲۰۳ ج ۱
 ۰۱۸۶۳ ۰۱۸۳۷ ۰۱۶۶۲ ۰۱۲۹۹ ص ۲
 ۰۱۹۹۰ ۰۱۹۸۹ ۰۱۹۶۸ ۰۱۹۶۶ ۰۱۸۹۰
 ۰۲۰۲۶ ۰۲۰۰۱
 بلخ، بلخه، بلخه شام: ج ۱ ص ۱۲۸۰۳۱
 بلگراد = سربستان (پایتخت سربس): ج ۱ ص
 ۰۵۶۳ ج ۲ ص ۷۰۷ ۰۷۶۹ ۰۹۹۰ ۰۹۹۳
 ۰۱۳۰۵ ۰۹۹۵ ج ۲ ص ۱۴۱۱ ۰۱۴۸۴
 ۰۱۵۰۳ ۰۱۸۰۷ ۰۱۸۹۰ ۰۱۸۹۲ ۰۲۱۴۹
 بلنجر: ج ۱ ص ۵۸۰۵۲ ۰۱۱۰ ۰۱۱۴ ۰۱۱۹
 بلنسیه: ج ۱ ص ۱۷۹
 بلوا: ج ۳ ص ۱۵۲۷
 بلوچستان: ج ۱ ص ۵۵۸ ۰۵۲۷ ج ۳ ص ۱۱۲
 ۰۱۱۲۱ ۰۱۲۰۱ ج ۲ ص ۱۴۷۵ ۰۱۵۹۴
 ۰۱۶۵۴ ۰۱۶۵۶ ۰۱۷۰۶ ۰۱۷۱۳ ۰۱۷۱۸
 ۰۱۷۳۲ ۰۱۷۳۳ ۰۱۷۳۴ ۰۱۷۴۲ ۰۱۷۴۶
 ۰۱۷۴۷ ۰۱۷۵۲ ۰۱۷۵۵ ۰۱۷۶۰ ۰۱۷۸۷
 ۰۱۸۶۵ ۰۱۸۸۷ ۰۱۸۹۸ ۰۱۹۰۷ ۰۱۹۰۸
 ۰۱۹۲۶ ۰۱۹۷۵ ۰۱۹۹۳ ۰۲۰۴۱ ۰۲۰۴۶
 ۰۲۱۴۲
 بلوک اهرم: ج ۳ ص ۱۷۳۲
 بلوک گاویندی: ج ۱ ص ۳۶۷
 بلیوی، بولیوی: ج ۱ ص ۴۸۵ ۰۵۶۵ ج ۲ ص
 ۰۱۲۰۷ ۰۱۳۰۹ ج ۲ ص ۱۸۴۴ ۰۲۰۰۳
 ۰۲۰۱۶ ۰۲۰۵۳ ۰۲۰۱۵۲
 بم (کرمان): ج ۲ ص ۶۳۱ ۰۶۳۲ ۰۶۳۵ ج ۲
 ص ۱۲۲۰ ۰۱۲۲۴ ۰۱۲۲۵ ۰۱۲۷۳
 ۰۱۴۷۵ ۰۱۵۹۲ ۰۱۶۲۹ ۰۱۶۵۳ ۰۱۷۳۴
 بمبلی (بندر بمبلی): ج ۱ ص ۵۳۵ ج ۲ ص
 ۰۹۶۸ ۰۱۲۶۲ ج ۲ ص ۱۴۲۰ ۰۱۴۹۰
 ۰۱۵۶۹ ۰۱۷۱۲ ۰۱۷۶۳ ۰۱۷۶۶ ۰۱۷۸۶
 ۰۱۷۹۸ ۰۱۸۲۳ ۰۱۸۶۱ ۰۱۸۶۳ ۰۱۸۶۹
 ۰۱۸۷۲ ۰۱۸۸۸ ۰۱۹۲۲ ۰۱۹۶۱ ۰۱۹۷۲
 ۰۲۱۰۶
 بمپور (ولایت - قطعه) = کج = مکران: ج ۲ ص
 ۰۹۰۸ ج ۲ ص ۱۶۵۶ ۰۱۷۱۳ ۰۱۷۴۶
 ۰۱۷۵۹
 من (شهر): ج ۲ ص ۱۹۴۲
 مناب: ج ۱ ص ۴۷۷ ج ۲ ص ۲۰۱۰
 منادر: ج ۲ ص ۱۲۸۸ ج ۲ ص ۱۳۴۶ ۰۱۴۰۵
 ۰۱۴۲۴
 مناروس (در هند): ج ۲ ص ۱۱۷۸ ج ۳ ص
 ۰۱۸۰۶

بکر: ج ۲ ص ۸۷۲
 بکنا (پایتخت کولمبی): ج ۱ ص ۵۶۶ ج ۲
 ص ۱۲۰۷ ۰۱۳۰۹ ج ۳ ص ۲۱۵۲
 بلاداریک: ج ۲ ص ۶۳۵
 بلاداسلامیه: ج ۲ ص ۱۱۴۰
 بلاداسمیلیه: ج ۲ ص ۵۸۸ ۰۵۸۹
 بلاداو: ج ۱ ص ۱۲۱
 بلاد ترک: ج ۱ ص ۱۷۱
 بلاد ساحلیه: ج ۲ ص ۶۰۲
 بلاد سرحدیه: ج ۱ ص ۱۹۸
 بلاد شرقیه: ج ۱ ص ۴۲۸ ۰۴۴۰ ۰۴۱۳
 بلاد فراتیبه: ج ۱ ص ۲۴۰
 بلاس: ج ۳ ص ۱۳۳۱
 بلاصاعون: ج ۱ ص ۲۸۶ ۰۲۰۲ ۰۳۱۷
 بلاطیس: ج ۲ ص ۵۸۸ ۰۵۹۶
 بلیمین: ج ۱ ص ۲۸۸
 بلحیق — بلزیک
 بلجیک = بلزیک: ج ۲ ص ۱۸۱۰ ۰۱۸۱۳
 ۰۱۸۲۰
 بلخ: ج ۱ ص ۵۵۷ ۰۵۷۲ ۰۷۲۰ ۰۹۳۰ ۰۱۱۰
 ۰۱۱۱ ۰۱۱۲ ۰۱۱۳ ۰۱۱۶ ۰۱۱۸ ۰۱۲۰ تا ۰۱۳۴
 ۰۱۵۱ ۰۱۷۷ ۰۱۹۹ ۰۲۰۶ ۰۲۲۲ ۰۲۹۳
 ۰۳۱۱ ۰۳۱۵ ۰۳۱۵ ۰۳۱۵ ۰۳۱۵ ۰۳۱۵
 ج ۲ ص ۶۴۷ ۰۶۷۰ ۰۶۹۴ ۰۷۰۱ ۰۷۰۲
 ۰۷۰۸ ۰۷۱۹ ۰۷۲۱ ۰۷۲۶ ۰۷۳۵ ۰۷۴۰
 ۰۷۴۲ ۰۷۴۵ ۰۷۴۷ ۰۷۵۵ ۰۷۵۶ ۰۷۵۹
 ۰۷۶۳ ۰۷۶۴ ۰۷۶۷ ۰۷۷۲ ۰۷۷۳ ۰۷۸۲ ۰۷۸۶
 ۰۷۹۰ ۰۷۹۱ ۰۷۹۷ ۰۸۱۰ ۰۸۱۱ ۰۸۳۰
 ۰۸۴۷ ۰۸۴۸ ۰۸۵۲ ۰۸۵۸ ۰۸۷۰ ۰۸۸۵
 ۰۸۸۶ ۰۸۹۷ ۰۹۰۵ ۰۹۴۹ ۰۹۵۰ ۰۹۸۲
 ۰۱۱۲۱ ۰۱۱۲۴ ۰۱۱۲۵ ۰۱۲۲۳ ۰۱۲۳۳
 بلده طیهه = قسطنطنیه: ج ۲ ص ۷۰۲
 بلوم (شهر) از مقلبه: ج ۱ ص ۱۸۹ ۰۲۱۴
 بلزیک: ج ۱ ص ۲۸۶ ۰۵۶۲ ج ۲ ص ۷۶۴
 ۰۷۸۲ ۰۸۵۶ ۰۱۱۲۲ ۰۱۲۰۳ ۰۱۳۰۴ ج
 ۲ ص ۱۴۱۱ ۰۱۴۱۶ ۰۱۴۱۷ ۰۱۴۲۲
 ۰۱۴۳۱ ۰۱۴۴۶ ۰۱۴۹۹ ۰۱۵۳۱ ۰۱۵۳۲
 ۰۱۶۰۱ ۰۱۶۰۵ ۰۱۶۰۹ ۰۱۶۱۴ ۰۱۶۳۴
 ۰۱۶۶۱ ۰۱۶۶۳ ۰۱۷۵۱ ۰۱۷۵۳ ۰۱۷۶۳
 ۰۱۸۰۰ ۰۱۸۳۶ ۰۱۸۳۷ ۰۱۸۶۲ ۰۱۸۷۹
 ۰۱۸۸۱ ۰۱۸۸۳ ۰۱۹۲۰ ۰۱۹۳۲ ۰۱۹۴۳
 ۰۱۹۵۲ ۰۱۹۶۶ ۰۱۹۸۸ ۰۲۰۱۵ ۰۲۰۴۶
 ۰۲۰۵۰ ۰۲۱۴۸
 بلغار، بلغارستان (البالت): ج ۱ ص ۸۲

۰۳۵۹ ۰۳۵۹ ۰۳۵۹ ۰۳۵۹ ۰۳۵۹ ۰۳۵۹
 ۰۳۶۶ ۰۳۶۶ ۰۳۶۶ ۰۳۶۶ ۰۳۶۶ ۰۳۶۶
 ۰۳۸۷ ۰۳۸۷ ۰۳۸۷ ۰۳۸۷ ۰۳۸۷ ۰۳۸۷
 ۰۴۰۱ ۰۴۰۱ ۰۴۰۱ ۰۴۰۱ ۰۴۰۱ ۰۴۰۱
 ۰۴۳۸ ۰۴۳۸ ۰۴۳۸ ۰۴۳۸ ۰۴۳۸ ۰۴۳۸
 ۰۵۲۳ ج ۲ ص ۵۷۹ ۰۵۸۲ ۰۵۸۳ ۰۵۹۱
 ۰۵۹۳ ۰۵۹۷ ۰۶۰۶ ۰۶۱۰ ۰۶۱۱ ۰۶۱۹
 ۰۶۳۱ ۰۶۳۱ ۰۶۳۱ ۰۶۳۱ ۰۶۳۱ ۰۶۳۱
 ۰۶۶۱ ۰۶۶۱ ۰۶۶۱ ۰۶۶۱ ۰۶۶۱ ۰۶۶۱
 ۰۶۸۸ ۰۶۸۸ ۰۶۸۸ ۰۶۸۸ ۰۶۸۸ ۰۶۸۸
 ۰۷۷۴ ۰۷۷۴ ۰۷۷۴ ۰۷۷۴ ۰۷۷۴ ۰۷۷۴
 ۰۸۲۶ ۰۸۲۶ ۰۸۲۶ ۰۸۲۶ ۰۸۲۶ ۰۸۲۶
 ۰۹۳۲ ۰۹۳۲ ۰۹۳۲ ۰۹۳۲ ۰۹۳۲ ۰۹۳۲
 ۰۱۰۲۸ ۰۱۰۲۸ ۰۱۰۲۸ ۰۱۰۲۸ ۰۱۰۲۸ ۰۱۰۲۸
 ۰۱۱۲۱ ۰۱۱۲۱ ۰۱۱۲۱ ۰۱۱۲۱ ۰۱۱۲۱ ۰۱۱۲۱
 ۰۱۱۵۱ ۰۱۱۵۱ ۰۱۱۵۱ ۰۱۱۵۱ ۰۱۱۵۱ ۰۱۱۵۱
 ۰۱۲۰۹ ۰۱۲۰۹ ۰۱۲۰۹ ۰۱۲۰۹ ۰۱۲۰۹ ۰۱۲۰۹
 ۰۱۲۲۹ ۰۱۲۲۹ ۰۱۲۲۹ ۰۱۲۲۹ ۰۱۲۲۹ ۰۱۲۲۹
 ۰۱۴۷۹ ۰۱۴۷۹ ۰۱۴۷۹ ۰۱۴۷۹ ۰۱۴۷۹ ۰۱۴۷۹
 ۰۱۵۰۰ ۰۱۵۰۰ ۰۱۵۰۰ ۰۱۵۰۰ ۰۱۵۰۰ ۰۱۵۰۰
 ۰۱۵۵۲ ۰۱۵۵۲ ۰۱۵۵۲ ۰۱۵۵۲ ۰۱۵۵۲ ۰۱۵۵۲
 ۰۱۶۲۲ ۰۱۶۲۲ ۰۱۶۲۲ ۰۱۶۲۲ ۰۱۶۲۲ ۰۱۶۲۲
 ۰۱۶۵۹ ۰۱۶۵۹ ۰۱۶۵۹ ۰۱۶۵۹ ۰۱۶۵۹ ۰۱۶۵۹
 ۰۱۸۱۴ ۰۱۸۱۴ ۰۱۸۱۴ ۰۱۸۱۴ ۰۱۸۱۴ ۰۱۸۱۴
 ۰۱۹۱۵ ۰۱۹۱۵ ۰۱۹۱۵ ۰۱۹۱۵ ۰۱۹۱۵ ۰۱۹۱۵
 نفراس (قلعه): ج ۲ ص ۵۸۷
 بغه امامزاده جعفر سرد: ج ۳ ص ۲۰۷۱
 بغه امامزاده گازر سنگ: ج ۳ ص ۱۶۹۲
 بغه حضرت رضا (ع): ج ۳ ص ۱۷۰۵
 بغه حضرت عبدالعظیم: ج ۳ ص ۱۳۶۰
 ۰۱۶۳۲
 بغه حضرت معصومه: ج ۲ ص ۱۰۱۲ ۰۹۷۱
 ج ۳ ص ۱۲۶۱ ۰۱۲۶۱ ۰۱۸۹۹
 بغه سند میراحمد شاهبیراغ (دورخیزان): ج ۲
 ص ۱۰۲۶ ۰۱۱۷۶ ج ۳ ص ۱۵۶۵
 بغه شاه رضای صفه: ج ۲ ص ۱۱۶۶
 بغه شاهزاده حبیب (در جزوین): ج ۲ ص
 ۰۸۶۳
 بغه سمح صبی (در اردبیل): ج ۲ ص ۷۳۸
 بغلان: ج ۲ ص ۷۵۲ ۰۷۵۵ ۰۸۰۵
 بغیم (قبرستان): ج ۱ ص ۷۵ ۰۱۲۳ ۰۱۶۲
 بغیمه: ج ۱ ص ۳۹۳
 بکاس: ج ۲ ص ۵۹۶
 بکلی (فریب): ج ۲ ص ۱۰۹۷

بندپی: ج ۲ ص ۱۳۸۵
 بندر (شاید بندرانزلی): ج ۱ ص ۵۵۰ ج ۲ ص ۱۲۱۱-۱۲۱۰
 بندران روس: ج ۳ ص ۱۸۱۹
 بندر آنوروش: ج ۲ ص ۱۸۶۲-۱۸۰۶
 بندر ابوقیر = ابوقیر: ج ۳ ص ۱۳۵۱
 بندر ازاگا: ج ۲ ص ۱۸۶۷
 بندر استاند: ج ۳ ص ۱۹۴۳
 بندر بارسلن: ج ۳ ص ۱۹۵۹
 بندر برعلین (= بارسلن): ج ۳ ص ۱۶۶۷
 بندر بوندیزی (در ایتالیا): ج ۲ ص ۸۶۹ ج ۳ ص ۱۹۴۶
 بندر بکرد: ج ۲ ص ۹۱۷
 بندر بمبلی — بمبلی
 بندر بوشهر — بوشهر
 بندر بیاراتینس: ج ۳ ص ۱۸۲۰
 بندر پرتسموت: ج ۲ ص ۱۹۴۴
 بندر پطروفسکی: ج ۳ ص ۱۹۸۲
 بندر پندشیری: ج ۲ ص ۱۴۳۷
 بندر تان ژد: ج ۲ ص ۱۸۱۶
 بندر تولن: ج ۳ ص ۱۴۲۸
 بندر جد: ج ۲ ص ۱۸۰۷
 بندر جزائری آباد: ج ۲ ص ۱۲۶۴-۱۲۸۶
 ج ۳ ص ۱۷۳۵-۲۱۳۶
 بندر دور: ج ۳ ص ۱۷۳۹
 بندر دولسنینو: ج ۱ ص ۲۸۷ ج ۲ ص ۲۰۱۵
 بندر دپ (در فرانسه): ج ۲ ص ۱۷۰۴
 بندر راکیز: ج ۱ ص ۲۸۹ ج ۲ ص ۲۰۱۵
 بندر رشوت: ج ۳ ص ۱۵۳۳
 بندر ریک: ج ۲ ص ۱۱۶۸
 بندر زنگبار: ج ۱ ص ۵۶۴ ج ۲ ص ۱۳۰۷
 ج ۲ ص ۲۱۵۱
 بندر سالونیک: ج ۳ ص ۱۹۷۰
 بندر سوت: ج ۲ ص ۹۱۵
 بندر سویز: ج ۳ ص ۱۷۸۹
 بندر سینب: ج ۳ ص ۱۷۶۵
 بندر سیوتیا ویشار بندر ایالت روم: ج ۳ ص ۱۷۰۷
 بندر شاپور: ج ۳ ص ۱۶۰۰
 بندر شوروغ (در فرانسه): ج ۳ ص ۱۹۴۴
 ۱۹۷۰
 بندر تنوع: ج ۱ ص ۴۶۷
 بندر طریست: ج ۳ ص ۱۷۰۴
 بندر عباسی یا عباسی = جری: ج ۱ ص ۵۳۶

ج ۲ ص ۹۶۸-۹۴۲-۹۱۷-۹۰۹-۹۰۸
 ۱۲۶۴-۱۱۶۸-۱۰۸۵-۱۰۵۸-۹۷۱
 ج ۳ ص ۱۷۶۸-۱۷۵۸-۱۷۵۷-۱۷۴۶
 نا ۱۷۷۰-۱۷۷۲-۱۷۷۴-۱۷۹۲-۱۹۱۵
 ۲۱۲۳
 بندر عدن (در عربستان): ج ۳ ص ۱۷۰۹
 بندر لریقان: ج ۲ ص ۸۸۱
 بندر کاله (در فرانسه): ج ۲ ص ۸۳۸ ج ۳ ص ۱۹۶۱-۱۸۷۶-۱۷۳۹
 بندر کنگان: ج ۲ ص ۱۷۳۷
 بندر کالائو: ج ۱ ص ۴۸۵
 بندر گرگان: ج ۲ ص ۱۷۱۷
 بندر گورنشادروس: ج ۳ ص ۱۷۸۹
 بندر لنگه: ج ۳ ص ۱۷۷۱
 بندر محصره: ج ۳ ص ۱۶۴۳
 بندر مقویه: ج ۲ ص ۱۵۳۷
 بندر میان کاله — بندر کاله
 بندر نیمور (در عراق): ج ۳ ص ۱۷۹۴
 بندر هاور: ج ۲ ص ۱۷۲۱
 بندر هرموز ایران: ج ۳ ص ۱۷۲۱
 بندر هرموز ایران: ج ۲ ص ۷۳۶
 بندر یافا: ج ۲ ص ۱۴۵۵
 بندر یوکوهاما: ج ۳ ص ۱۸۱۶-۱۹۹۸
 بندر گان: ج ۱ ص ۵۲
 بندر نیمور (در عراق): ج ۳ ص ۱۷۹۳
 بنزد: ج ۱ ص ۲۸۶ ج ۲ ص ۲۰۱۶
 بنگیلی (شهر): ج ۳ ص ۱۹۷۴
 بنگاله هند: ج ۲ ص ۵۹۷-۵۹۹-۶۳۱-۶۳۰
 ۶۳۳-۷۲۹-۷۲۶-۷۶۱-۷۶۶-۷۶۹
 ۷۹۱-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۹-۸۲۱-۸۲۵
 ۸۳۲-۸۵۳-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۷-۸۶۹
 ۸۷۱-۸۹۹-۹۰۲-۹۶۰-۹۶۵-۹۶۷
 ج ۳ ص ۱۵۶۸-۱۷۹۸-۱۹۵۶
 بنی اسفهان (یک فرسخی اسفهان): ج ۲ ص ۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۸۴
 بوله (وادی): ج ۱ ص ۲۱
 بوادبولن: ج ۳ ص ۱۹۸۱
 بوانات: ج ۳ ص ۱۴۲۴-۱۴۱۹
 بونان هند: ج ۳ ص ۱۸۶۹
 بوت دشومون (تفرجگاه): ج ۳ ص ۱۹۸۱
 بوخارست = بوکارست: ج ۳ ص ۱۲۸۴-۱۵۰۶
 بود (شهر) پایتخت مجارستان: ج ۲ ص ۷۷۳-۷۸۳-۷۹۷
 ج ۳ ص ۱۷۰۷
 بوزین (حزیرف): ج ۲ ص ۹۵۸

بوزلین: ج ۳ ص ۱۷۵۲
 بوسان: ج ۲ ص ۶۰۷
 بوسه: ج ۲ ص ۶۲۸
 بوفس: ج ۳ ص ۱۸۲۷
 بورگن (ایالت): ج ۲ ص ۷۷۳-۶۷۷
 بورگونی (از ایالات فرنگ): ج ۱ ص ۱۱۱
 بورمه: ج ۳ ص ۱۵۴۷
 بوزجان (شهر): در خراسان: ج ۱ ص ۲۸۹
 بوزگند: ج ۱ ص ۴۳۳
 بوزنجر: ج ۳ ص ۱۶۹۳-۱۶۸۶-۱۶۷۰
 بوزی (شهر): ج ۲ ص ۷۵۴
 بوسنه: ج ۱ ص ۲۹۹
 بوشج: ج ۱ ص ۲۸۵-۲۰۴-۷۲-۵۷
 بوشهر (بندر): ج ۱ ص ۵۲۶-۵۲۹-۴۷۳
 ۵۲۸-۵۴۳-۵۴۸: ج ۲ ص ۱۱۶۸
 ۱۲۳۴-۱۲۶۴-۱۲۶۶-۱۲۷۳-۱۲۷۹
 ۱۲۸۱-۱۲۹۷: ج ۲ ص ۱۴۹۰-۱۴۹۱
 ۱۴۹۸-۱۵۶۹-۱۶۱۲-۱۶۵۲-۱۶۷۰
 ۱۶۷۲-۱۷۰۵-۱۷۰۶-۱۷۲۶-۱۷۴۲
 ۱۷۷۴-۱۷۷۵-۱۷۸۵-۱۷۹۲-۱۷۹۴
 ۱۷۹۶-۱۸۶۶-۱۸۸۷-۱۹۹۴-۲۰۳۹
 ۲۰۹۷-۲۱۲۲-۲۱۲۷
 بوشج: ج ۱ ص ۲۸۵-۲۰۴-۷۲-۵۷
 بوسیر (نکبست): ج ۱ ص ۱۳۲
 بوغاز برینگ: ج ۲ ص ۱۰۲۱
 بوغازمنی: ج ۳ ص ۱۷۰۹
 بوشین: ج ۱ ص ۲۷۱ ج ۲ ص ۲۰۱۸
 بوک: ج ۲ ص ۶۰۷
 بوکارست = بوخارست (پایتخت رومانی): ج ۱ ص ۵۶۳ ج ۲ ص ۱۳۰۵ ج ۳ ص ۲۱۴۹-۱۷۰۳
 بوکنگام (عمارت): ج ۳ ص ۱۹۴۳
 بوکودی (شهر): ج ۱ ص ۱۲۲
 بولس: ج ۱ ص ۹۸
 بولی: ج ۱ ص ۹۸
 بولگراد: ج ۳ ص ۱۸۰۰
 بولن و بولنی — بولن
 بولون ایتالیا: ج ۳ ص ۱۴۷۰-۱۴۷۴
 ۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۶۵۶-۱۶۹۸
 ۱۹۴۶
 بولوی — بلوی
 بوهم (خاک اطروش): ج ۳ ص ۱۷۷۵-۱۸۷۷
 ۱۸۷۸
 بوشنر: ج ۳ ص ۱۴۹۹

1434

1A1F, 1A2F, 1A3F, 1A4F, 1A5A
1A6F, 1A7F, 1A8F, 1A9F, 1A10F

بولاق (بولاق): ج ۲ ص ۸۰۲؛ ج ۳ ص ۱۳۶۷.

بی‌با = هلند: ج ۱ ص ۵۶۲: ج ۲ ص ۱۳۰۵:
ج ۲ ص ۲۱۴۹.
پور (ملکیت): ج ۳ ص ۱۸۸۰.
پورمازار: ج ۳ ص ۱۳۹۹، ۱۳۷۶، ۱۹۱۱، ۲۰۳۹.
پورسورغ (ارشیهای محارسان): ج ۲ ص ۹۶۹.
پورنه (کوم): ج ۱ ص ۲۳۷: ج ۳ ص ۱۸۲۰.
۱۸۶۱.
پیره بندریونان: ج ۳ ص ۱۷۲۰، ۱۷۷۷، ۱۹۸۹.
پیر (سهر): ج ۱ ص ۶۷۲، ۴۲۲.
پیسار: ج ۲ ص ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۷: ج ۳ ص ۱۵۲۱، ۱۵۹۲، ۱۵۵۲.
پیشکوه: ج ۳ ص ۱۶۰۲.
پیشی (از افغانستان): ج ۳ ص ۱۹۹۹.
پیلکومایو: ج ۳ ص ۲۰۰۲.
پهوزن (راف): ج ۳ ص ۱۸۲۲.
پهمن، پهمن، پهن (ملکیت): در ایطالیا:
ج ۳ ص ۱۶۶۶، ۱۶۰۹، ۱۷۰۳، ۱۷۵۱.
۱۹۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۸، ۱۷۶۲.
پشی‌با: ج ۳ ص ۱۸۷۶.

ت

تابارکا (جزیرم): از نویسی: ج ۳ ص ۱۲۰۲.
تانار: ج ۲ ص ۱۰۵۹۷، ۱۰۶۱۲.
تاروستان: ج ۲ ص ۵۸۲، ۹۱۹، ۱۱۳۱: ج ۳ ص ۱۵۲۰.
تانار شمالی: ج ۲ ص ۵۸۸، ۶۱۴.
تاج ماه: ج ۲ ص ۱۱۵۲.
تاجر: ج ۱ ص ۳۸۰.
تار (رودخانه): تر لیزس: ج ۳ ص ۱۶۰۹.
تاش: ج ۲ ص ۱۲۸۵: ج ۳ ص ۱۸۹۶.
تاشکند: ج ۲ ص ۷۵۳، ۷۸۲، ۷۹۳، ۸۱۱.
۸۳۰، ۸۳۱، ۸۹۳، ۹۳۹، ۹۵۰: ج ۳ ص ۱۸۷۰.
تاکرتا (روسی): در ایطالیا: ج ۱ ص ۱۶۲.
تالار بلور: ج ۳ ص ۲۰۴۶.
تالار تخت مرمر: ج ۳ ص ۱۶۹۲، ۱۷۱۸.
۱۷۳۱، ۱۷۴۹، ۱۷۶۶، ۱۷۸۶، ۱۸۱۳.
۱۹۲۶، ۱۹۷۱، ۱۹۷۶، ۱۹۸۵.
تالار طوبله (عمارت): ج ۲ ص ۹۷۸.
تالار گوبازی (در فرانسه): ج ۳ ص ۱۴۱۱.
تاهیل: ج ۳ ص ۱۴۲۲، ۱۴۳۵.
تاتاریو (پایتخت جزیره ماداگاسکار): ج ۱ ص ۵۶۲، ج ۲ ص ۱۲۰۷.

تاتاریان (پایتخت ماداگاسکار): ج ۳ ص ۲۱۵۱.
تاتلیک: ج ۳ ص ۱۷۶۲.
تاندژ: ج ۳ ص ۱۸۲۷.
تاهوت: ج ۱ ص ۲۲۹، ۲۴۱، ۲۶۴.
تای پنگ: ج ۳ ص ۱۸۲۵.
تائینی (جزایر): ج ۱ ص ۲۸۶: ج ۳ ص ۲۰۱۵.
تب (شهر): ج ۲ ص ۱۷۶۵.
تبادگان (بلوک): ج ۳ ص ۱۷۳۵.
تبت: ج ۱ ص ۱۷۲، ۲۵۶: ج ۳ ص ۱۸۳۲.
تبر (قلعه): ج ۱ ص ۲۶۷.
تبرسران: ج ۲ ص ۷۳۸، ۸۲۲.
تبریز (دارالسلطنه): ج ۱ ص ۲۲، ۲۷، ۱۹۸.
۲۰۱، ۲۱۵، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۲۸، ۳۵۶.
۲۰۱، ۲۷۱، ۵۰۰، ۵۳۵، ۵۳۸، ۵۴۱.
۵۴۲، ۵۴۹: ج ۲ ص ۵۹۰، ۶۰۶، ۶۱۳.
۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۴۷، ۶۵۲، ۶۵۵.
۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۶، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۳.
۶۸۶، ۶۹۱، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۱۹، ۷۳۶.
۷۳۸، ۷۴۲، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۳، ۷۶۵.
۷۶۸، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۸، ۷۸۵، ۷۸۷.
۷۸۹، ۷۹۱، ۷۹۳، ۷۹۵، ۷۹۷، ۸۰۱.
۸۰۳، ۸۰۵، ۸۰۸، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۳، ۸۳۱.
۸۳۲، ۸۳۷، ۸۴۲، ۸۴۵، ۸۴۹، ۸۵۹.
۸۶۳، ۸۶۷، ۸۷۳، ۸۷۵، ۸۸۸، ۹۰۲.
۹۰۷، ۹۱۲، ۹۱۷، ۹۲۶، ۹۳۰، ۹۳۲.
۹۳۴، ۹۶۹، ۱۰۱۱، ۱۰۱۵، ۱۰۱۷.
۱۰۲۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷.
۱۰۲۹، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۸۱.
۱۰۸۸، ۱۰۹۰، ۱۱۳۲، ۱۱۳۴، ۱۱۹۰.
۱۲۳۴، ۱۲۶۳، ۱۲۶۷، ۱۲۷۱، ۱۲۷۹.
۱۲۸۰، ۱۲۸۲، ۱۲۹۴، ۱۲۹۶: ج ۳ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۸، ۱۳۲۱، ۱۳۱۲.
۱۳۴۷، ۱۳۴۹، ۱۳۵۳، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸.
۱۳۷۸، ۱۴۸۱، ۱۴۸۳، ۱۴۹۱، ۱۴۹۴.
۱۴۹۸، ۱۵۰۰، ۱۵۰۲، ۱۵۰۶، ۱۵۱۷.
۱۵۳۶، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۵، ۱۵۴۷.
۱۵۴۹، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۶۶.
۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۸.
۱۵۸۰، ۱۵۹۰، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۷.
۱۵۹۹، ۱۶۰۷، ۱۶۱۵، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱.
۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۲، ۱۶۳۴، ۱۶۳۹.
۱۶۴۰، ۱۶۵۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۷، ۱۶۶۹.
۱۶۷۷، ۱۶۷۷، ۱۶۷۹، ۱۶۸۳، ۱۶۹۱.

۱۶۹۴ تا ۱۶۹۶، ۱۷۰۰، ۱۷۱۴، ۱۷۱۷.
۱۷۲۲، ۱۷۲۷، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۸.
۱۷۴۶، ۱۷۴۹، ۱۷۵۴، ۱۷۶۷، ۱۷۸۴.
۱۸۰۱، ۱۸۰۴، ۱۸۱۲، ۱۸۱۵، ۱۸۲۱.
۱۸۲۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۴۲، ۱۸۶۵.
۱۸۸۶، ۱۸۹۷، ۱۹۰۲، ۱۹۲۶، ۱۹۳۹.
۱۹۷۱، ۱۹۷۷، ۱۹۹۵، ۲۰۰۸، ۲۰۲۵.
۲۰۳۶، ۲۰۳۸، ۲۰۶۱، ۲۰۷۹، ۲۱۰۷.
تا ۲۱۱۱، ۲۱۰۹.
تپوشکان (قلعه): ج ۱ ص ۱۱۸.
تپوک: ج ۱ ص ۲۹.
تهراق قلعه: ج ۲ ص ۱۵۴۷ تا ۱۵۵۱، ۱۵۵۳.
تهزی (کوم): در پرو: ج ۲ ص ۸۰۲.
تهلتیز: ج ۳ ص ۱۵۲۵.
تهه سلام: ج ۳ ص ۱۸۹۳.
تهه (ارغون): ج ۲ ص ۷۶۸، ۸۶۵، ۸۶۰.
۸۶۷.
تهرش شیران: ج ۱ ص ۵۵۳: ج ۲ ص ۱۲۸۹.
ج ۳ ص ۱۶۸۹، ۲۱۱۳.
تهن (شهر): از شهرهای غوغند: ج ۳ ص ۱۸۶۲.
تخت جمشید: ج ۳ ص ۱۷۳۳.
تخت شروان: ج ۲ ص ۷۴۱.
تخت طاقوس (منزل): ج ۳ ص ۱۴۷۵، ۱۴۷۶.
تخت مرمر: ج ۳ ص ۱۷۷۰.
تخت دبارگاه نادری: ج ۲ ص ۱۱۲۲.
تخته قاپو: ج ۳ ص ۲۰۸۱.
تدل (شهر): = طلیطله: ج ۱ ص ۲۱۵، ۲۳۰.
تدلیس (بدلیس): ج ۱ ص ۲۶.
تدمر: ج ۱ ص ۱۲۷، ۳۷۵، ۲۱۳، ۲۵۲.
تدراگاز: ج ۲ ص ۱۴۸۰.
ترانسوال افریق (جمهوری): ج ۲ ص ۱۲۰۲.
ج ۳ ص ۱۸۰۸، ۱۹۷۳، ۲۰۲۷.
تربت (ولایت): ج ۲ ص ۸۵۱، ۸۷۰، ۸۷۴.
۸۷۷، ج ۲ ص ۱۵۳۰، ۱۶۱۱، ۱۶۹۴.
۱۷۰۶، ۱۷۱۲، ۱۷۱۷، ۱۷۵۴، ۱۹۰۹.
۲۰۳۶.
تربت جام: ج ۳ ص ۱۵۳۶، ۱۶۲۱، ۱۷۳۱.
تربت حیلریه: ج ۳ ص ۱۵۴۵، ۱۵۹۸، ۱۷۷۲.
۱۷۸۲.
تربت شیخ اکبر: ج ۲ ص ۷۶۶.
تربین (شهر): ج ۲ ص ۱۹۸۶.
تروخویه: ج ۲ ص ۱۰۰۲.

نرسيز: ج ۳ ص ۱۲۹۲-۱۵۳۰-۱۵۲۵-۱۵۹۷
 ۱۵۹۸-۱۶۰۷-۱۶۱۲-۱۶۱۴-۱۶۹۲
 ۱۷۱۵-۱۷۲۲-۱۸۲۳-۱۹۰۹-۱۹۳۲
 تركستان (قسمت): ج ۳ ص ۱۳۲۹
 تركستان بخارا:
 تركستان بخارا: ج ۱ ص ۸۲-۱۰۳-۱۰۹-۱۱۰
 ۱۹۶-۲۲۷-۲۸۷-۲۹۲-۳۰۹-۳۰۲
 ۳۱۳-۳۱۷-۳۸۵: ج ۲ ص ۶۱۴-۶۳۲
 ۶۵۲-۶۵۸-۶۸۴-۶۸۵-۷۱۷-۷۵۰
 ۷۵۲-۷۵۵-۷۷۵-۷۸۲-۸۲۸-۸۷۸
 ۸۸۰-۸۸۳-۸۹۰-۹۲۴-۹۵۰-۹۵۱
 ۹۶۰-۹۶۱-۹۷۹-۹۹۳-۱۱۲۳
 ۱۱۲۵: ج ۳ ص ۱۳۲۲-۱۳۲۶-۱۳۲۸
 ۱۳۴۰-۱۳۴۲-۱۳۵۶-۱۳۶۲ تا
 ۱۳۶۷-۱۵۰۸-۱۷۵۹-۱۷۶۴-۱۹۰۲
 ۱۹۵۱-۱۹۶۷-۱۹۸۵-۲۰۰۰-۲۰۰۱
 ۲۰۱۲-۲۰۵۰-۲۰۵۱
 تركمان: ج ۳ ص ۲۱۲۵
 تركمان جای (قریه): ج ۱ ص ۵۵۹-۵۵۹ ج ۳
 ۷۰۳-۱۳۰۰: ج ۲ ص ۱۵۸۰-۱۵۸۲
 ۱۵۸۷-۱۵۹۱-۱۵۹۲-۱۶۳۰
 توکیر: ج ۲ ص ۸۱۱
 ترمذ (ترمذ): ج ۱ ص ۱۱۷-۱۱۷-۲۱۹-۳۸۸
 ۲۲۵: ج ۲ ص ۶۷۱
 ترمیز (شهر): ج ۳ ص ۱۹۶۱
 ترمیز (جزیرہ): ج ۲ ص ۷۲۲-۷۲۵: ج ۳
 ۱۸۸۲
 تربلی: ج ۳ ص ۱۸۷۹
 تربلہ (جزیرہ) درینگی دنیا: ج ۲ ص ۷۳۶
 تسالی (ایالت): از ایالات عثمانی: ج ۱ ص
 ۱۸۳: ج ۲ ص ۶۸۳: ج ۳ ص ۱۸۸۲
 ۱۹۹۰-۲۰۰۲-۲۰۵۱
 تملر: ج ۱ ص ۶۸
 تسکان (ایالت): ج ۱ ص ۵۱-۵۱: ج ۳ ص ۱۱۲
 ج ۳ ص ۱۷۲۱-۱۸۱۹-۱۸۲۸
 تطلہ (شهر): ج ۱ ص ۱۶۷-۱۸۹
 تملر (حصہ): ج ۱ ص ۳۲۹: ج ۲ ص ۶۰۲
 ۶۲۱
 تفلان: ج ۲ ص ۶۲۰
 تفلیس: ج ۱ ص ۵۲-۱۱۴-۱۹۳-۳۶۵
 ۳۲۸-۳۸۷-۵۳۵: ج ۲ ص ۷۲۲-۷۹۵
 ۸۲۶-۸۵۴-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۹-۹۱۱
 ۹۱۲-۹۲۱-۹۱۹-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۳
 ۱۰۲۳-۱۱۱۳-۱۱۲۰-۱۱۱۵

۱۱۶۲: ج ۲ ص ۱۳۲۲-۱۳۷۰-۱۳۷۵
 ۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۶۹-۱۴۷۳-۱۴۷۹
 ۱۴۸۲-۱۴۸۷-۱۴۹۱-۱۴۹۵-۱۴۹۸
 ۱۵۰۲-۱۵۰۵-۱۵۲۴-۱۵۳۶-۱۵۴۲
 ۱۵۶۶-۱۵۶۷-۱۵۷۱-۱۵۷۲-۱۵۷۵
 ۱۵۷۸-۱۵۸۶-۱۵۹۰-۱۶۰۵-۱۶۱۲-۱۶۲۹
 ۱۶۷۵-۱۶۸۷-۱۷۳۶-۱۷۶۶-۱۷۷۲
 ۱۸۱۲-۱۸۵۱-۱۸۷۰-۱۸۸۸-۱۹۰۸
 ۱۹۱۵-۱۹۲۵-۱۹۲۷-۱۹۳۷-۱۹۴۷
 ۱۹۷۲-۱۹۷۸-۲۰۱۲-۲۰۱۷
 نکاباد: ج ۱ ص ۲۲۲
 نکیرت: ج ۱ ص ۲۵-۲۲۲-۲۵۴-۲۵۶
 ۲۷۸-۲۸۱-۲۸۲-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۸-۳۵۷
 ۲۶۲-۲۷۲-۲۸۰-۳۸۶-۳۹۷-۴۱۲
 ج ۲ ص ۶۶۱
 نکیه دولت: ج ۳ ص ۲۰۴۵
 نکیه دولتی: ج ۱ ص ۴۷۹: ج ۲ ص ۱۹۷۲
 ۲۰۱۷
 نکیه فیض (در اصل خان): ج ۲ ص ۹۶۱
 نکیه مبارکه سلطنت آباد: ج ۲ ص ۱۸۲۸
 ۱۸۶۴-۱۸۷۲
 نکیه نیاوران: ج ۲ ص ۱۸۳۲
 تل باشو: ج ۱ ص ۲۸۷-۴۱۳-۴۵۴: ج ۲
 ص ۵۸۱
 تل بیضا: ج ۲ ص ۱۱۵۷
 تلر (قلم): ج ۱ ص ۲۳۲
 تل توبه (از نیموی نزدیک موصل): ج ۱ ص
 ۳۲۱
 تل حمدون: ج ۲ ص ۶۰۶-۶۰۹-۶۲۳
 تل خالد (از اعمال حلب): ج ۱ ص ۴۰۶
 تل سلطان (نزدیک حلب): ج ۱ ص ۳۴۶
 ۴۰۱
 تل عراز: ج ۱ ص ۲۲
 تل عروقوف: ج ۱ ص ۳۶
 تل الکبیر: ج ۳ ص ۲۰۵۲-۲۰۵۳
 تلصان: ج ۱ ص ۱۳۶-۲۳۹-۴۵۸: ج ۲ ص
 ۶۱۰-۶۲۲-۶۶۱-۷۵۴-۷۶۶
 تل موزون: ج ۱ ص ۲۶
 تلنگ: ج ۲ ص ۶۶۲
 تماشخانه لیوادیار: ج ۳ ص ۲۰۵۵
 تماشخانه لیوز: ج ۲ ص ۱۲۰۸
 تماشخانه وینه = رینگ: ج ۲ ص ۱۱۹۶
 ۱۲۰۶: ج ۳ ص ۲۰۲۲-۲۰۲۸
 تمسوار: ج ۳ ص ۱۲۰۹

تمیشه: ج ۱ ص ۵۶
 تنبیه — نته
 تندیس: ج ۲ ص ۱۰۱۸
 تنکابن: ج ۲ ص ۱۱۵۲-۱۲۶۱
 ۱۲۷۹: ج ۲
 ص ۱۶۶۱
 تنگ ابرج: ج ۲ ص ۱۴۱۷
 تنگ جو: ج ۳ ص ۱۸۲۶
 تنگن: ج ۲ ص ۵۹۷
 تنگه پاناما: ج ۲ ص ۷۵۸
 تنگه خیر: ج ۳ ص ۱۹۸۸-۱۹۹۹
 تنگه سیپکای کوه بالخان: ج ۳ ص ۱۹۸۸
 تنگه مارلان: ج ۲ ص ۸۶۷
 تنگه واشو: ج ۲ ص ۱۸۹۶
 تنگه هردسن: ج ۲ ص ۹۰۶
 تنیس (از دیار مصر): ج ۱ ص ۳۱۶
 نوچ: ج ۱ ص ۵۲
 نوک (طعم): ج ۲ ص ۸۱۹
 نور (شهر): ج ۱ ص ۱۱۵: ج ۲ ص ۸۸۸
 ج ۲ ص ۱۷۴۰-۱۷۵۲-۱۹۲۱
 نوران: ج ۲ ص ۶۶۷-۷۷۵-۷۷۶-۸۱۰
 ۸۹۳-۱۱۲۳-۱۱۲۵-۱۱۳۳-۱۱۴۰
 ۱۲۵۵-۱۳۶۲
 نورکاشی: ج ۳ ص ۱۷۶۵
 نورن (بایستخت): ج ۱ ص ۴۲۵: ج ۳ ص
 ۱۷۲۰-۱۷۶۳-۱۸۶۱-۱۸۶۲-۱۸۶۹
 ۱۹۶۶
 نوریان جای: ج ۲ ص ۱۹۲۷
 نورین (شهر) در ایتالیا: ج ۳ ص ۱۴۳۱
 نول (شهر) در آلمان: ج ۱ ص ۲۲۲
 نولوز (شهر): ج ۱ ص ۱۰۸-۲۳۷-۲۴۱
 ج ۲ ص ۱۵۲۷
 تومان (ارض): ج ۱ ص ۱۲۱
 تومان نامجو: ج ۳ ص ۱۳۲۲
 تومانس (قلم): ج ۲ ص ۹۵۰
 تومان مشکین: ج ۲ ص ۷۲۰
 تون: ج ۲ ص ۷۰۰-۱۰۰۸-۱۵۳۶: ج ۳ ص
 ۱۶۰۶-۱۶۳۶
 تونس: ج ۱ ص ۱۰-۱۶۶-۱۷۱-۲۸۲-۲۵۷
 ۳۸۵-۴۵۸-۴۶۰-۴۹۰-۵۶۴: ج ۲ ص
 ۵۸۹-۵۸۹-۶۱۴-۶۱۸-۶۸۹-۷۵۴-۸۶۱
 ۹۷۱-۹۹۷-۱۰۲۰-۱۰۷۱-۱۲۰۷: ج ۳ ص
 ۱۴۰۰-۱۷۰۳-۱۷۲۱-۱۷۷۶-۱۷۹۹
 ۱۸۰۰-۱۸۰۷-۱۸۲۰-۱۸۳۰-۱۸۳۱

۱۸۲۷، ۱۸۶۳، ۱۸۷۹، ۲۰۲۷، ۲۰۲۹
۲۰۵۲، ۲۱۵۱
توسرکان: ج ۱ ص ۴۰۵، ۵۵۱، ۵۵۹
ج ۲ ص ۱۲۵۵، ۱۲۷۴، ۱۲۸۷، ۱۳۰۱
ج ۳ ص ۱۶۰۲، ۱۷۲۸، ۱۷۳۱، ۱۷۷۲
۱۷۸۷، ۱۸۲۵، ۱۸۲۵، ۱۸۵۰، ۱۸۵۲
۱۸۶۷، ۱۸۸۵، ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، ۱۹۱۷
۱۹۲۹، ۱۹۶۴، ۱۹۷۶، ۱۹۹۲، ۲۰۲۷
۲۰۹۹، ۲۱۱۳، ۲۱۱۳، ۲۱۲۳، ۲۱۲۵
تولیری (عمارت سلطنتی): در فرانسه: ج ۳
ص ۱۵۳۱، ۱۷۰۲، ۱۹۳۱
نهامه: ج ۱ ص ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۸
توبر (رودخانه): ج ۲ ص ۱۹۶۱
تهدوان (شهر): ج ۲ ص ۱۸۲۷
تجن (بل): ج ۳ ص ۱۴۰۵
نیر (شهر): ج ۱ ص ۳۶۸
نیرنو (در خاک عثمانی): ج ۳ ص ۱۹۷۴
نیری (شهر): ج ۱ ص ۴۷
تیز: ج ۱ ص ۳۰۸
تیزیل (از نواصع هرات): ج ۲ ص ۸۷۱
تیل (کوچمای در برلن): ج ۳ ص ۱۹۸۶
تیلور: ج ۳ ص ۱۸۹۵
تیلیست: ج ۳ ص ۱۴۸۸
تیما: ج ۱ ص ۶۹
تمیجه امین الملک: ج ۳ ص ۱۹۹۲
تین سین (شهر): ج ۳ ص ۱۸۰۵، ۱۸۲۶
تئون وول (شهر): ج ۱ ص ۱۶۹
تیمنی اسرائیل: ج ۲ ص ۵۸۰، ۱۰۸۸



تلمبه: ج ۱ ص ۸۱
تغور (عواصم و سرحدات): ج ۱ ص ۱۶۸
۱۷۰، ۱۸۲، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۵۶
تشیکتوکارنا: ج ۳ ص ۱۸۷۷
تشی رصافه (در جزیره): ج ۱ ص ۳۶
تشیما العقاب: ج ۱ ص ۱۲۵
تور (غار): ج ۱ ص ۲۱



حایبه: ج ۱ ص ۴۲
جایلی: ج ۲ ص ۱۱۱۶، ج ۳ ص ۱۹۹۴
جاجرم: ج ۲ ص ۱۱۷۱، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ج ۳

ص ۱۲۳۲، ۱۲۵۰، ۱۸۸۲، ۱۸۹۵
جاجرد: ج ۱ ص ۴۸۲، ج ۳ ص ۱۴۶۰، ۱۸۲۲
۱۸۹۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۴، ۱۹۰۶، ۲۰۲۶
جام (قصیه): ج ۲ ص ۶۸۹، ۷۲۰، ۷۷۵
۸۵۵
جام خراسان: ج ۲ ص ۸۸۵، ۸۷۷، ج ۳ ص
۱۵۳۵، ۱۵۶۷، ۱۵۷۳، ۱۵۹۸، ۱۶۰۲
۱۶۱۱، ۱۹۴۴
جامع آمد: ج ۱ ص ۳۱۸
جامع ابن طولون: ج ۱ ص ۲۱۲، ج ۲ ص ۶۲۵
جامع اهر: ج ۱ ص ۲۷۳
جامع اصطهان: ج ۲ ص ۹۲۲
جامع ایوان: ج ۲ ص ۹۳۶
جامع دارالخلافة طهران
جامع دمشق: ج ۱ ص ۹۹، ۸۲، ج ۲ ص ۳۳۲
۳۵۲، ۳۶۱، ج ۲ ص ۵۹۴
جامع سلطان (در بغداد): ج ۱ ص ۳۴۲
۳۴۵
جامع سلطان محمد فاتح (در اسلامبول): ج
۲ ص ۷۱۲
جامع سلیمانیه (در اسلامبول): ج ۲ ص ۸۱
جامع سمنان: ج ۳ ص ۱۶۲۱
جامع طرابلس: ج ۲ ص ۶۳۶
جامع طهران: ج ۴ ص ۱۵۹۵، ۱۶۲۱
جامع عظیم مصر: ج ۲ ص ۶۲۲
جامع عمر و بن عباس: ج ۱ ص ۳۳۷
جامع قاهره: ج ۲ ص ۶۲۵
جامع کوفه: ج ۱ ص ۱۱۹
جامع مرادیه (در آدرنه): ج ۲ ص ۶۹۲
جامع منصور بغداد: ج ۱ ص ۳۲۷
جامع موصل: ج ۱ ص ۳۶۸
جامع سیافارین: ج ۱ ص ۳۱۸
جامش وان: ج ۲ ص ۱۵۰۸
جاره: ج ۲ ص ۹۰۶
جبال: ج ۱ ص ۱۲۷، ۱۲۳، ۱۷۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۰
۲۴۴، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۴۵، ۳۷۰، ۳۷۳
۴۲۴، ۴۲۹
جبال احراز: ج ۱ ص ۳۲۸
جبال یمن: ج ۱ ص ۳۲۹
جبل (بلاد): ج ۱ ص ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۴
۲۴۲، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۴، ۲۷۶، ۲۸۸
۳۱۶، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۵۶، ۳۷۳، ۳۸۷
۴۰۸، ۴۲۳
جبل ابوالخان: ج ۲ ص ۱۶۳۶

جبل جور: ج ۱ ص ۴۰۸
جبل السوس: ج ۱ ص ۳۶۵
جبل السوق: ج ۱ ص ۳۶۵
جبل الطارق: ج ۱ ص ۱۰۲، ۳۹۱، ج ۲ ص
۱۰۵۳، ۱۰۱۲، ۱۰۲۴
جبل الفتح (شهر): ج ۱ ص ۳۹۱
جبل الکام مدینه جرجه: ج ۱ ص ۴۲
جبویه (ارض): ج ۱ ص ۱۱۸
جبل: ج ۱ ص ۲۵۶، ۲۸۸
جده (بندر): ج ۱ ص ۵۳۴، ج ۲ ص ۶۹۴
۹۸۲، ۱۲۰۶، ۱۲۶۲، ج ۳ ص ۱۸۰۷
۲۰۱۵، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۱۰۶
جوابا (جرجایا): ج ۱ ص ۶۸، ۲۱۱
جربا: ج ۱ ص ۲۹
جرجان به گرگان: ج ۱ ص ۱۰۵، ۱۰۵۱، ۱۲۹
۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۷۲، ۲۰۶، ۲۱۷
۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۵۴
۲۶۷، ۲۷۷، ۲۸۰، ۳۱۵، ۳۵۳، ج ۲ ص
۶۲۹، ۶۳۳، ۶۴۸، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۷۲
۶۷۵، ۶۸۷، ۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۹
۷۱۱، ۷۱۹، ۷۱۹، ۹۸۴
جرجانیه (گرگنج): ج ۱ ص ۳۱۱، ۳۳۱
جرجایا
جرجه (مدینه): ج ۱ ص ۴۲
جرجایا = جرجا: ج ۱ ص ۶۸
جرجنت (از مصلیه): ج ۱ ص ۲۵۰
جوش (مدینه): ج ۱ ص ۴۰
جرجکیاد: ج ۲ ص ۱۱۷۳، ج ۳ ص ۱۲۵۹
۱۳۷۵، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴
جورگان: ج ۲ ص ۶۷۷
جرون = بندر عباس
جرید (بلاد): ج ۱ ص ۴۵۸
الجزایر = آلر: ج ۱ ص ۲۸۳، ج ۲ ص
۷۵۴، ۷۶۶، ۸۶۵، ۹۷۱، ۹۸۹، ۹۹۰
۹۹۷، ۱۰۳۳، ۱۰۵۲، ۱۲۰۳، ج ۲ ص
۱۲۶۳، ۱۵۲۸، ۱۵۹۴، ۱۶۰۱، ۱۶۰۴
۱۶۱۲، ۱۶۱۹، ۱۶۴۳، ۱۶۵۲، ۱۶۷۲
۱۶۷۶، ۱۶۸۴، ۱۶۸۸، ۱۶۹۷، ۱۷۴۰
۱۷۵۲، ۱۷۶۵، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۸۰۱
۱۸۰۸، ۱۸۲۰، ۱۸۳۱، ۱۸۶۳، ۱۸۷۰
۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۲۹
جزایر آنتیل: ج ۳ ص ۱۸۸۱
جزایر بتاویه (از سلطنت هلند): ج ۳ ص ۱۵۰۳
جزائر تاشینی: ج ۱ ص ۲۸۶

چونلوق: ج ۲ ص ۹۵۷
چونقان (قرب) : ج ۱ ص ۵۲۷ : ۵۶۰ ج ۲
ص ۱۳۰۲ : ج ۳ ص ۱۶۰۷ : ۱۶۷۶
۱۸۲۰ : ۱۸۸۵ : ۲۰۹۸ : ۲۱۲۶
چولاب : ج ۲ ص ۹۳۹
چونبور : ج ۲ ص ۷۲۹ : ۷۰۳ : ۶۶۱
چونکو (درهند) : ج ۲ ص ۸۸۹
چوبن : ج ۱ ص ۵۶ : ج ۲ ص ۱۵۲۷ : ۱۶۲۳
۱۶۸۶ : ۱۷۲۸ : ۱۶۹۳ : ۲۰۳۷
چهاربک : ج ۲ ص ۷۲۵
جهان ارغیان : ج ۲ ص ۱۵۳۵
جهانگیریه (قلم) : ج ۳ ص ۱۲۹۶
چهرم : ج ۱ ص ۵۲
جی اسفهان : ج ۱ ص ۳۸۶
جیان (کورم) : ج ۱ ص ۱۲۲
جیتون : ج ۲ ص ۷۸۸
جیحان (نهر) : ج ۱ ص ۱۳۹ : ۱۵۲ : ۱۵۳
ج ۲ ص ۶۰۶ : ۶۰۷ : ۶۲۹
جیحون (رود) = آمویه : ج ۱ ص ۷۸ : ۵۵
۷۹ : ۹۴ : ۹۸ : ۹۹ : ۱۰۸ : ۱۱۱ : ۲۴۷
۲۸۶ : ۳۱۵ : ۳۲۰ : ۳۲۴ : ۳۸۸
ج ۲ ص ۷۱۷ : ۶۷۱ : ۶۶۹ : ۶۶۵ : ۵۸۲
۷۵۲ : ۷۵۶ : ۷۵۷ : ۷۶۱ : ۷۷۵ : ۱۱۲۳
ج ۳ ص ۱۳۳۸ : ۱۳۳۵ : ۱۳۲۸ : ۱۳۲۶
۱۳۲۲ : ۱۳۲۴ : ۱۳۶۵ : ۱۳۶۲ : ۱۳۵۱
۱۶۰۶
جبرفت : ج ۱ ص ۹۲ : ۵۷ : ج ۳ ص ۲۲۳ : ۱۶۵۱
جیزه : ج ۱ ص ۳۹۵
جیکان کشمیر : ج ۲ ص ۸۲۷
جیلان : ج ۲ ص ۸۸۵
جبله (نهر) : ج ۱ ص ۳۵۲

چ

چاج = شاش : ج ۱ ص ۱۰۲
چارد کلانه : ج ۲ ص ۱۱۷۱ : ۱۱۷۲
چاشت خوار (صحرای) : ج ۲ ص ۶۲۷
چالدران : ج ۲ ص ۷۵۹ : ۷۶۰ : ۸۰۷ : ۸۹۸
۹۲۶ : ج ۳ ص ۱۵۴۸ : ۱۵۵۱
چالمدان : ج ۱ ص ۵۵۶ : ۵۲۶ : ۱۰۲
چاهبار : ج ۳ ص ۲۰۹۲
چنوز (نهر) : ج ۲ ص ۶۲۴ : ۶۱۰
چخورسند : ج ۲ ص ۷۴۲ : ۸۰۹ : ۸۱۹ : ۹۱۸

۹۲۰ : ۹۲۷ : ۹۳۰ : ۹۵۲ : ج ۳ ص ۱۲۶۹ : ۱۲۵۲
چرکس (دیبار) : ج ۲ ص ۸۰۵ : ۱۱۱۳
چرنداب تبریز : ج ۲ ص ۸۰۷
چشمه آب گرم قرین : ج ۲ ص ۱۶۶۹
چشمه آب ملخ (حوالی کومندا) : ج ۲ ص ۹۵۸
چشمه حسن و حسین : ج ۲ ص ۱۲۸۲
چشمه شاهي خوی : ج ۳ ص ۱۵۷۸
چشمه علی دامغان : ج ۲ ص ۱۳۹۲ : ۱۴۵۷ : ۱۸۹۶
چشمه علی طهران : ج ۳ ص ۱۹۵۴
چشمه گیلان : ج ۲ ص ۱۸۹۴
چشمه لای دماوند : ج ۲ ص ۱۸۹۶ : ۱۹۵۹
چسپ : ج ۳ ص ۱۶۵۸ : ۱۶۶۰
چکچی (بلاق) : ج ۲ ص ۸۷۵
چمن آسپاس : ج ۳ ص ۱۲۲۰
چمن ابرج : ج ۲ ص ۱۶۱۷
چمن اوجان : ج ۳ ص ۱۲۴۵ : ۱۲۷۷ : ۱۲۹۲
۱۲۹۸ : ۱۵۰۹ : ۱۸۲۱
چمن بگرام : ج ۲ ص ۸۷۹ : ۹۵۲ : ۹۵۷ : ج ۳
ص ۱۲۵۲ : ۱۶۲۹ : ۱۶۴۱
چمن خوش بیلاق کیود جامه : ج ۲ ص ۱۵۲۶ : ۱۵۲۷
چمن دروازه لاهوری : ج ۳ ص ۱۶۶۹
چمن فریاوک : ج ۲ ص ۱۶۷۰ : ۱۲۸۲
چمن وادگان : ج ۲ ص ۱۲۶۲
چمن سامان ارضی : ج ۳ ص ۱۵۳۶ : ۱۵۳۵
چمن سلطانیه : ج ۳ ص ۱۲۲۸ : ۱۲۳۶ : ۱۲۲۷
۱۲۷۱ : ۱۲۷۲ : ۱۲۷۵ : ۱۲۸۱ : ۱۲۸۳
۱۲۸۶ : ۱۲۸۹ : ۱۲۹۴ : ۱۲۹۷ : ۱۲۹۸
۱۵۰۰ : ۱۵۰۴ : ۱۵۰۹ : ۱۵۳۵ : ۱۵۴۲
۱۵۵۱ : ۱۵۵۲ : ۱۵۶۴ : ۱۲۴۸ : ۱۷۲۹
چمن سنگاران = چمن گلباران : ج ۳ ص ۱۳۹۶ : ۱۳۹۹ : ۱۶۰۵
چمن علی بولاغی : ج ۳ ص ۱۲۵۲
چمن فیروز کوه : ج ۳ ص ۱۲۵۰ : ۱۶۳۵
چمن قله تبریز : ج ۲ ص ۱۵۷۵
چمن قوده (قروه) : ج ۲ ص ۸۰۰ : ۸۰۱
چمن قهقهه (سه فرسخی مشهد) : ج ۳ ص ۱۶۹۹ : ۱۷۳۳ : ۱۸۹۴
چمن قهیز : ج ۳ ص ۱۳۹۶ : ۱۶۰۵ : ۱۷۱۷
چمن کالیوش یا کالیوش : ج ۳ ص ۱۲۵۲
۱۲۶۷ : ۱۵۰۹ : ۱۵۱۸ : ۱۶۱۵ : ۱۶۲۵ : ۱۸۶۵

جهنم (از توابع سلطنت) : ج ۲ ص ۱۵۲۷
 ۱۶۷۲، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶
 چهل پایه لوط : ج ۲ ص ۱۴۱۸
 چهل ستون اصفهان : ج ۲ ص ۹۹۲، ۹۷۹
 ۱۰۱۱، ۱۰۱۲
 چهل ستون قرین : ج ۲ ص ۸۶۲، ۸۷۹، ۹۵۲
 چین : ج ۱ ص ۲۹، ۳۷، ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۳۴
 ۱۹۲، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۸۶، ۳۰۰، ۳۰۲
 ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۵۲، ۲۸۷
 ۲۹۰، ۵۶۲ : ج ۲ ص ۵۸۲، ۵۹۰، ۶۰۱
 ۶۱۲، ۶۲۶، ۷۲۹، ۷۶۱، ۷۶۵، ۸۰۸
 ۸۱۲، ۹۲۹، ۹۵۰، ۹۹۴، ۱۰۲۰، ۱۳۰۶
 ج ۲ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۴، ۱۳۰۶، ۱۳۲۲
 ۱۶۵۲، ۱۶۵۵، ۱۶۶۲، ۱۶۹۷، ۱۷۱۱
 ۱۷۱۹، ۱۷۵۳، ۱۷۶۱، ۱۷۷۵، ۱۸۰۲
 ۱۸۰۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۹، ۱۸۲۶، ۱۸۳۲
 ۱۸۳۷، ۱۸۶۰، ۱۸۶۷، ۱۹۱۲، ۱۹۲۹
 ۱۹۲۹، ۱۹۵۵، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۷۳
 ۲۰۰۲، ۲۰۲۷، ۲۰۳۰، ۲۰۴۸
 چین مغربی : ج ۳ ص ۱۹۶۰

ح

حاجی ترخان : ج ۱ ص ۵۳۵ : ج ۲ ص ۶۵۶
 ۸۲۵، ۹۲۹، ۹۸۱، ۱۰۱۹، ۱۲۶۲ : ج ۲
 ص ۱۳۹۰، ۱۶۰۵، ۱۷۲۷، ۱۷۳۸
 ۱۸۲۲، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۸۸، ۱۹۳۶
 ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱، ۱۹۵۱، ۲۰۰۰، ۲۱۰۷
 حاجی حمزelo (منزل) : ج ۳ ص ۱۵۰۵
 حاجی طرخان : ج ۱ ص ۲۹۸، ۳۹۳
 ۴۰۶ : ج ۲ ص ۵۹۳، ۵۹۴
 حاشمتان : ج ۱ ص ۵۶۲ : ج ۲ ص ۱۳۰۷
 ج ۲ ص ۲۱۵۱
 حبشه : ج ۱ ص ۳۰۶، ۱۱۵، ۱۳۲ : ج ۲ ص
 ۷۶۹ : ج ۳ ص ۱۳۲۲، ۱۸۳۱، ۱۸۳۸
 ۱۸۷۱، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۶
 ۱۹۳۸، ۱۹۶۲، ۲۰۰۲
 حبل (ناحیه) = حرمینان زیاد در کوفه : ج ۱
 ص ۱۱۹
 حبل (ولایت) : ج ۱ ص ۱۶۵
 حبله رود : ج ۲ ص ۸۸۱
 حبله منولستان : ج ۳ ص ۶۲۳، ۶۲۴
 حجاز : ج ۱ ص ۲۸، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۴

۱۰۱، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۹۱، ۲۰۲
 ۲۱۲، ۲۶۶، ۳۰۵، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۶۶
 ج ۲ ص ۶۰۸، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۹۲، ۶۹۶
 ۷۵۳، ۷۶۳، ۱۰۲۸، ۱۰۵۳، ۱۰۹۹
 ۱۱۱۸، ۱۲۰۵ : ج ۳ ص ۲۰۲۹
 حجرات ازواج رسول الله (ص) : ج ۱ ص ۹۸
 حجر الاسود : ج ۱ ص ۹۱، ۲۲۳، ۲۶۰
 حجر شفلان : ج ۲ ص ۶۰۶
 حجره حاجی محمد حسن امین دارالضرب :
 ج ۲ ص ۱۱۹۸
 حدیثه (شهر) : ج ۱ ص ۲۵۶، ۴۱۰
 حوا : ج ۱ ص ۲۶۵
 حران : ج ۱ ص ۲۶، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲
 ۲۵۲، ۲۶۰، ۲۷۱، ۲۹۸، ۳۰۳، ۳۱۳
 ۳۲۱، ۳۲۷، ۳۶۹، ۳۶۹، ۴۰۸، ۴۲۰
 ۴۳۲، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۴ : ج ۲ ص
 ۵۷۹ : ج ۳ ص ۱۸۳۷
 حرم حضرت رضا (ع) : ج ۲ ص ۱۶۲۱، ۱۶۹۹
 ۱۷۷۰، ۱۸۰۲
 حرمین شرقین : ج ۱ ص ۱۷۸، ۱۷۸، ۱۹۲
 ۲۰۰، ۲۷۲، ۳۵۶، ۴۰۰ : ج ۲ ص ۸۰۲
 ۸۱۲، ۸۵۲، ۹۶۱، ۱۰۲۲، ۱۱۱۶
 ۱۱۲۸ : ج ۳ ص ۱۳۶۵، ۱۵۶۱، ۱۶۸۰
 حریری — عتقان
 حره (بیرون مدینه) : ج ۱ ص ۸۵
 حره لیلی (بیرون مدینه) : ج ۱ ص ۸۲، ۲۹
 ۸۵
 حریر (کوی) : ج ۲ ص ۱۵۰۱، ۱۶۰۸
 حص : ج ۲ ص ۱۹۰۱
 حصی : ج ۱ ص ۲۶
 حسن آباد (ما بین زور و همدان) : ج ۲ ص ۹۲۶
 حسنوند : ج ۲ ص ۱۶۰۲
 حسویه کردی : ج ۱ ص ۲۷۹
 حسویه (منزل) : ج ۳ ص ۱۶۰۰
 حصار خادمان : ج ۲ ص ۷۵۲، ۷۵۶
 حصن اکراد : ج ۱ ص ۲۹۳، ۳۲۲ : ج ۲ ص
 ۵۸۹
 حصن باتاس : ج ۱ ص ۳۷۹
 حصن برامکه : ج ۱ ص ۳۷۲
 حصن بزیه : ج ۱ ص ۴۱۳
 حصن بحرین : ج ۱ ص ۳۷۵
 حصن تخر : ج ۲ ص ۶۲۱
 حصن الحدث : ج ۱ ص ۴۲
 حصن الحدید (در منطقه) : ج ۱ ص ۱۰۲

حصن ذی القرنین : ج ۱ ص ۳۷۹
 حصن الریق : ج ۱ ص ۳۷۹
 حصن زوطه (زوطه) : ج ۱ ص ۳۷۲
 حصن زیاد = خرت برت : ج ۱ ص ۲۷۸
 حصن سلمان : ج ۱ ص ۲۲
 حصن شقیق : ج ۱ ص ۳۷۲
 حصن طالب : ج ۱ ص ۳۹۲
 حصن عکار : ج ۲ ص ۵۸۹
 حصن قطیف : ج ۱ ص ۳۷۹
 حصن قدموس : ج ۱ ص ۳۷۲، ۳۷۰
 حصن قرین : ج ۲ ص ۵۸۹
 حصن الککت (الکاکت) : ج ۱ ص ۴۲۸
 حصن کرید : ج ۱ ص ۵۹
 حصن کنخ : ج ۱ ص ۸۰
 حصن کیکا (کیک) : ج ۱ ص ۲۵۷، ۳۹۲، ۴۰۶
 ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۲۵، ۴۵۲ : ج ۲ ص ۶۲۲،
 ۶۷۰
 حصن ماردین : ج ۱ ص ۳۵۷
 حصن المراءه : ج ۱ ص ۱۰۵
 حصن مرقب : ج ۲ ص ۵۹۹
 حصن مصیاف : ج ۱ ص ۳۷۸
 حصن المنتظره : ج ۱ ص ۳۹۵
 حصن منصور : ج ۱ ص ۲۲۲، ۴۲۸
 حصون ثلاثه : ج ۱ ص ۱۰۱
 حصون شختان : ج ۱ ص ۳۷۹
 حصید : ج ۱ ص ۲۵
 حضرت عبدالعظیم : ج ۱ ص ۳۹۹، ۵۲۷
 ۵۵۲ : ج ۲ ص ۱۱۶۶، ۱۲۸۸، ۱۲۸۰
 ج ۲ ص ۱۶۲۹، ۱۶۹۲، ۲۰۳۶، ۲۱۳۱
 حضرت معصومه : ج ۳ ص ۱۲۲۹
 حضرموت : ج ۱ ص ۳۲، ۳۲ : ج ۲ ص ۲۲۳
 حکاری (آبالت) : ج ۲ ص ۱۵۵۲
 حلب : ج ۱ ص ۲۲، ۲۹، ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۷
 ۱۵۱ تا ۱۵۳، ۱۷۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۵۵
 ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۶ تا ۲۶۸، ۲۷۰
 ۲۷۲، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۲
 ۲۹۶ تا ۲۹۸، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۳۶ تا ۳۳۸
 ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۹ تا ۳۵۰
 ۳۶۲، ۳۶۷ تا ۳۶۹، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۹۸
 ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۱
 ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۱۸ تا ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۶
 ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳ تا ۴۳۵، ۴۵۲
 ۴۵۶، ۴۶۳، ۵۳۲ : ج ۲ ص ۵۸۲، ۵۸۷
 ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۶

۶۱۰۰۶۰۷، ۶۰۶، ۶۰۳، ۶۰۲، ۵۹۷
 ۶۳۲، ۶۳۰ تا ۶۲۵، ۶۲۱، ۶۱۸ تا ۶۱۲
 ۶۶۸، ۶۶۶، ۶۶۵، ۶۵۲، ۶۴۶، ۶۳۶ تا
 ۸۲۲، ۷۶۳، ۷۴۹، ۷۲۳، ۶۹۲، ۶۷۰
 ج: ۱۲۶۲، ۱۱۳۳، ۱۰۲۵، ۹۲۸، ۹۳۲
 ۲۱۰۶، ۱۹۷۷، ۱۸۴۷، ۱۳۳۸ ص ۲
 عنوان: ج ۱ ص ۴۴، ۲۵، ۱۲۷، ۱۳۷، ۱۶۲
 ۲۸۱، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۴، ۱۹۶، ۱۷۲
 عنوان آباد: ج ۲ ص ۱۱۵۲
 حله (شهر): ج ۱ ص ۳۲۱، ۲۵۵ تا ۲۵۷
 ۳۹۳، ۳۸۳، ۳۸۰، ۳۶۵، ۳۶۲، ۳۵۹
 ۹۲۵، ۷۸۷، ۶۸۸ ص ۲، ۵۳۴، ۴۰۱
 ۲۱۰۶ تا ۱۲۶۲، ۱۱۲۹، ۹۲۸ ج ۳ ص ۲۱۰۶
 حمام امین: ج ۱ ص ۱۳۱
 حمام: ج ۲ ص ۱۲۰۴، ج ۳ ص ۲۰۲۹
 حماملو (سد منولی اروان): ج ۳ ص ۱۴۹۵
 حمام: ج ۱ ص ۴۲، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۹۷، ۲۶۰
 ۳۹۸، ۳۷۳، ۳۷۰، ۳۶۷، ۳۶۳، ۳۶۲
 ۲۱۳، ۲۱۱، ۴۱۰، ۴۰۸، ۴۰۴ تا ۴۰۱
 ۲۳۶ تا ۲۳۳، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۱۷، ۲۱۲
 ۴۵۸، ۴۵۱ تا ۲۲۶، ۲۲۴ تا ۲۲۲، ۲۲۰
 ۴۶۱، ۴۶۲، ج ۲ ص ۵۷۹ تا ۵۸۱
 ۵۸۴ تا ۵۸۶، ۵۸۹، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۵، ۵۹۹
 ۶۰۶ تا ۶۰۹، ۶۱۳، ۱۵۰ تا ۶۱۹، ۶۲۶
 ۶۲۹، ۶۲۲
 محدود (تل): ج ۲ ص ۶۰۶
 حمرا الاسد (۷ فرسخی مدینه): ج ۱ ص ۲۴
 حمزه جمی: ج ۳ ص ۱۵۱۱، ۱۵۷۰
 حمزین (دیار): ج ۱ ص ۱۱۵، ۱۲۱
 حصص: ج ۱ ص ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۴۹، ۵۱
 ۵۸، ۷۴، ۸۶، ۱۰۹، ۱۲۵ تا ۱۲۷، ۱۳۲
 ۱۷۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۱۰
 ۲۱۱، ۲۲۲، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۸
 ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۶، ۳۴۴، ۳۴۷
 ۳۳۹، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۶۲، ۳۷۵، ۳۷۶
 ۳۸۲، ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۸
 ۴۱۲، ۴۱۲، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۷ تا
 ۴۵۲، ۴۵۶، ۴۵۷، ج ۲ ص ۵۸۰ تا ۵۸۲
 ۵۸۷، ۵۸۶، ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۷
 ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۲، ۷۲۲، ج ۳ ص ۱۶۱۲
 حمیمه (قریف) بین دمشق و مدینه: ج ۱ ص
 ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۳۱
 حنظل آباد: ج ۳ ص ۱۷۳۵
 حنین: ج ۱ ص ۲۸

خانه هانی : ج ۱ ص ۸۱.
 طاورمیانه : ج ۱ ص ۱۰.
 خاور نزدیک : ج ۱ ص ۱۰.
 خیوشان (قلعه) : ج ۲ ص ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳

۱۵۲۹. ۱۳۴۰. ۱۳۳۹ ج ۳ ص ۹۳۱
 خدیجه: ج ۲ ص ۵۸۸
 خلیجستان: ج ۳ ص ۱۵۷۵. ۱۹۱۶
 خلیج قم: ج ۲ ص ۱۲۹۹. ج ۳ ص ۲۱۲۴
 خلیج: ج ۳ ص ۱۳۲۴
 خلخال: ج ۱ ص ۵۵۷. ج ۲ ص ۷۳۰. ۶۷۲
 ۹۲۳. ۱۰۱۴. ۱۰۳۲. ج ۳ ص ۱۳۰۲
 ۱۲۱۰. ۱۲۱۳. ۱۷۱۳. ۱۷۲۲. ۱۷۲۳
 ۱۷۷۴. ۱۸۱۱. ۲۰۴۰. ۲۱۲۱
 خلد (قصر): ج ۱ ص ۱۴۸
 خلوت کریمخانی: ج ۳ ص ۱۹۹۳
 خلوک (بحر): ج ۳ ص ۱۳۲۶
 خلیج اسلامبول: ج ۲ ص ۷۴۸. ۹۱۵
 خلیج بزرگ (نزدیک اسلامبول): ج ۳ ص ۱۷۶۴
 ۱۹۷۳
 خلیج بنگاله: ج ۲ ص ۸۹۹
 خلیج پت تلی: ج ۱ ص ۱۸۰۵
 خلیج فارس: ج ۲ ص ۷۴۸. ۹۷۹. ج ۳ ص ۱۸۶۱. ۱۷۹۴
 خلیج قسطنطنیه: ج ۱ ص ۱۲۴. ۹
 خلیج ویرلا: ج ۳ ص ۲۰۰۲
 خلیج هودسن: ج ۲ ص ۹۰۶
 خلیل آباد (اردبیل): ج ۳ ص ۱۳۳۱
 خمسه (ولایات): ج ۱ ص ۴۸۴. ۵۵۱. ۵۵۲
 ۵۵۹. ج ۲ ص ۷۵۱. ۷۵۲. ۷۵۹. ۹۲۰
 ۱۰۱۲. ۱۰۱۳. ۱۲۵۰. ۱۲۳۹. ۱۲۵۵
 ۱۲۷۹. ۱۲۸۸. ۱۲۹۱. ۱۳۰۱
 ج ۳ ص ۱۳۸۲. ۱۳۹۱. ۱۳۹۴
 ۱۴۰۲. ۱۴۰۹. ۱۴۸۱. ۱۴۹۴. ۱۵۰۳
 ۱۵۲۵. ۱۵۲۳. ۱۵۸۰. ۱۶۲۶. ۱۶۲۹
 ۱۶۲۹. ۱۶۲۹. ۱۶۵۱. ۱۶۷۱. ۱۶۷۲
 ۱۷۴۲. ۱۷۴۵. ۱۸۲۱. ۱۷۸۵. ۱۷۴۲
 ۱۸۸۶. ۱۸۸۷. ۱۹۰۰. ۱۹۰۴. ۱۹۱۴
 ۱۹۳۳. ۱۹۷۱. ۱۹۷۶. ۱۹۸۳. ۲۰۲۰
 ۲۰۳۴. ۲۰۷۸. ۲۰۸۴. ۲۰۹۸. ۲۱۱۲
 ۲۱۱۳. ۲۱۴۴. ۲۱۴۶
 خناصر (شهر) در شام: ج ۱ ص ۱۰۷
 خناصر: ج ۱ ص ۳۵۰. ۲۹
 خنجره: ج ۱ ص ۱۰۲
 خندق (در مدینه): ج ۱ ص ۲۵
 خندق (حوالی قنطره): ج ۱ ص ۴۰
 خنزیرک: ج ۳ ص ۱۵۷۰
 حواجک: ج ۳ ص ۱۳۸۳
 خواجه خیران (قریم): ج ۲ ص ۷۲۶. ۷۲۷

۱۸۹۲. ۱۸۹۷. ۱۹۰۳. ۱۹۰۵. ۱۹۰۷
 ۱۹۰۹. ۱۹۱۲. ۱۹۲۳. ۱۹۲۶. ۱۹۳۳
 ۱۹۳۵. ۱۹۳۹. ۱۹۵۲. ۱۹۵۹. ۱۹۵۹
 ۱۹۶۲. ۱۹۶۴. ۱۹۷۲. ۱۹۹۱. ۱۹۹۴
 ۱۹۹۶. ۲۰۲۴. ۲۰۲۶. ۲۰۳۰. ۲۰۳۶
 ۲۰۳۸. ۲۰۴۰. ۲۰۴۷. ۲۰۷۸. ۲۰۸۰
 ۲۰۹۸. ۲۱۱۲. ۲۱۲۳. ۲۱۲۵. ۲۱۳۵
 خربه اللصوص: ج ۲ ص ۵۸۸
 خربت برت = حصن زیاد: ج ۱ ص ۲۷۸. ۳۱۸
 ۳۳۷
 خرمن: ج ۳ ص ۱۲۰۶
 خرنک: ج ۱ ص ۲۰۶. ج ۲ ص ۱۲۰۶
 خرنش = امامیه: ج ۱ ص ۱۱۲. ۲۶۵
 خرقان: ج ۳ ص ۱۷۱۳. ۱۸۸۵. ۲۰۹۸
 خرقان بسلام: ج ۳ ص ۱۶۳۵
 خرقانین: ج ۱ ص ۵۵۹. ج ۲ ص ۱۲۰۲. ج ۳ ص ۲۱۲۶. ۱۹۰۴
 خرنک: ج ۳ ص ۲۰۰۰
 خرم (تنگ): ج ۳ ص ۱۹۹۹
 خرم آباد: ج ۱ ص ۵۵۰. ج ۲ ص ۲۹۶. ۱۰۲۳
 ۱۰۲۲. ۱۱۵۱. ۱۱۵۲. ۱۲۷۷. ۱۲۸۴
 ج ۳ ص ۱۴۸۲. ۱۶۰۲. ۱۶۲۷. ۱۷۲۷
 ۱۷۳۳. ۱۸۰۱. ۲۰۷۸. ۲۱۳۵. ۲۱۴۳
 خرماتو (قلع): ج ۲ ص ۶۶۱
 خرم دره: ج ۳ ص ۱۶۲۹
 خرم کوه (ببرون نهریز): ج ۳ ص ۱۴۱۹
 خرن (منزل): ج ۳ ص ۱۸۹۶
 خرویه: ج ۱ ص ۴۱۰
 خرویه (در بصره): ج ۱ ص ۶۱
 خزر (دریای): ج ۱ ص ۱۱۲. ۱۱۵. ۱۰۹
 ۱۱۷. ۱۱۹. ۱۶۴. ج ۲ ص ۷۱۰. ۹۰۶
 ۹۱۱. ۹۲۸. ج ۳ ص ۱۳۲۷. ۱۳۵۲
 ۱۳۵۶. ۱۳۹۳. ۱۴۰۴. ۱۵۱۳. ۱۵۱۳
 ۱۵۷۳. ۱۵۷۶. ۱۵۸۳. ۱۵۸۴. ۱۵۸۷
 ۱۵۸۸. ۲۱۱۲
 خسرو آباد ارومی: ج ۳ ص ۲۰۲۱
 خسرو آباد دامغان: ج ۲ ص ۹۷۱. ۹۷۲. ۹۷۴
 ۹۷۸
 خشت: ج ۲ ص ۱۱۵۲. ج ۳ ص ۱۶۵۴
 خلاط: ج ۱ ص ۳۶. ۱۶۲. ۱۹۸. ۲۴۱. ۳۱۸
 ۳۲۷. ۳۵۴. ۳۶۱. ۴۰۶. ۴۰۷
 ۴۱۰. ۴۱۳. ۴۱۶. ۴۱۷. ۴۲۵. ۴۲۷
 ۴۳۴. ۴۳۷. ۴۳۸. ۴۴۰. ۴۵۰
 ج ۲ ص ۶۸۱. ۷۱۸. ۷۱۹. ۸۲۰. ۹۲۷

۷۵۱. ۷۴۸. ۷۴۳. ۷۴۳. ۷۴۰. ۷۱۹
 ۷۵۲. ۷۵۶. ۷۵۷. ۷۵۹. ۷۶۱. ۷۶۷
 ۷۷۲. ۷۷۵. ۷۷۷. ۷۸۵. ۷۸۳
 ۷۸۶. ۷۹۰. ۷۹۱. ۷۹۵. ۸۱۰. ۸۳۶
 ۸۴۸. ۸۵۰. ۸۵۰. ۸۵۱. ۸۵۵
 ۸۶۳. ۸۶۵. ۸۷۰. ۸۷۲. ۸۷۶. ۸۷۸
 ۸۷۹. ۸۸۲. ۸۸۴. ۸۸۷. ۸۹۰. ۸۹۳
 ۸۹۴. ۹۰۲. ۹۱۴. ۹۱۶. ۹۲۲. ۹۲۴
 ۹۲۹. ۹۳۱. ۹۳۲. ۹۳۴. ۹۳۶. ۹۵۷
 ۹۵۹. ۹۶۰. ۹۶۹. ۹۷۱. ۹۸۳. ۹۹۱
 ۱۰۰۵. ۱۰۰۹. ۱۰۲۶. ۱۰۲۹. ۱۰۴۱. ۱۰۴۹
 ۱۰۳۱. ۱۰۳۵. ۱۱۱۳. ۱۱۱۷. ۱۱۲۳
 ۱۱۲۵. ۱۱۳۰. ۱۱۳۴. ۱۱۳۸. ۱۱۴۲
 ۱۱۴۳. ۱۱۴۵. ۱۱۴۷. ۱۱۵۲. ۱۱۸۸
 ۱۱۹۲. ۱۱۹۳. ۱۲۲۵. ۱۲۲۶. ۱۲۳۳
 ۱۲۸۴. ۱۲۸۸. ۱۲۹۱. ۱۳۰۱. ج ۳ ص ۱۳۳۸. ۱۳۳۵. ۱۳۳۷. ۱۳۳۹. ۱۳۴۲
 ۱۳۳۹. ۱۳۴۲. ۱۳۴۶. ۱۳۴۷. ۱۳۵۹
 ۱۳۶۳. ۱۳۶۴. ۱۳۶۶. ۱۳۷۲. ۱۳۷۴
 ۱۳۸۷. ۱۳۹۲. ۱۳۹۸. ۱۴۰۱. ۱۴۰۲
 ۱۴۰۶. ۱۴۱۲. ۱۴۲۳. ۱۴۲۴. ۱۴۳۳
 ۱۴۳۹. ۱۴۵۰. ۱۴۵۱. ۱۴۵۷. ۱۴۵۸
 ۱۴۶۲. ۱۴۶۴. ۱۴۶۷. ۱۴۶۹. ۱۴۷۳
 ۱۴۸۰. ۱۴۸۵. ۱۴۸۶. ۱۴۹۰. ۱۴۹۲
 ۱۴۹۶. ۱۵۰۱. ۱۵۰۵. ۱۵۰۸. ۱۵۱۷
 ۱۵۱۹. ۱۵۲۶. ۱۵۲۹. ۱۵۳۰. ۱۵۳۸
 ۱۵۳۵. ۱۵۳۷. ۱۵۴۰. ۱۵۴۲. ۱۵۴۳
 ۱۵۴۷. ۱۵۵۲. ۱۵۵۶. ۱۵۵۷. ۱۵۶۴
 ۱۵۶۷. ۱۵۸۰. ۱۵۹۳. ۱۵۹۷. ۱۶۰۰
 ۱۶۰۴. ۱۶۰۶. ۱۶۰۸. ۱۶۱۰. ۱۶۱۶
 ۱۶۱۸. ۱۶۲۰. ۱۶۲۰. ۱۶۳۰. ۱۶۳۳
 ۱۶۳۸. ۱۶۴۰. ۱۶۴۷. ۱۶۷۵. ۱۶۷۷
 ۱۶۸۲. ۱۶۹۳. ۱۶۹۸. ۱۷۰۰. ۱۷۰۵
 ۱۷۱۱. ۱۷۱۶. ۱۷۲۴. ۱۷۲۶. ۱۷۲۸
 ۱۷۲۹. ۱۷۳۱. ۱۷۳۲. ۱۷۳۵. ۱۷۳۶
 ۱۷۴۲. ۱۷۴۵. ۱۷۵۴. ۱۷۵۶. ۱۷۵۷
 ۱۷۵۹. ۱۷۶۱. ۱۷۶۶. ۱۷۶۷
 ۱۷۶۹. ۱۷۷۰. ۱۷۷۲. ۱۷۷۴. ۱۷۸۱
 ۱۷۸۳. ۱۷۸۶. ۱۷۹۳. ۱۷۹۶. ۱۸۰۴
 ۱۸۱۱. ۱۸۱۳. ۱۸۱۵. ۱۸۱۶. ۱۸۲۳
 ۱۸۲۳. ۱۸۲۶. ۱۸۳۲. ۱۸۳۹. ۱۸۴۱
 ۱۸۴۳. ۱۸۴۹. ۱۸۵۱. ۱۸۵۲
 ۱۸۵۷. ۱۸۶۲. ۱۸۶۷. ۱۸۷۲
 ۱۸۷۵. ۱۸۸۴. ۱۸۸۶. ۱۸۸۸. ۱۸۹۳

خواجہ ربیع: ج ۱ ص ۲۹۹: ج ۲ ص ۹۰۷
 ۱۲۱۶۰۱۰۲۲: ج ۳ ص ۱۳۴۶، ۱۳۵۹
 ۱۵۹۸۰۱۳۷۲
 خوار ری: یا: خوار وراسین (بلوک): ج ۱
 ص ۵۵۳، ۵۵۰: ج ۲ ص ۶۹۸، ۷۲۳
 ۱۰۳۷۰۱۰۲۴۰۹۶۲۰۹۱۵۰۸۹۸
 ۱۲۸۹۰۱۲۸۴۰۱۱۸۴۰۱۱۵۵: ج ۳ ص
 ۱۷۲۲۰۱۶۳۹۰۱۳۹۳۰۱۳۸۸۰۱۳۸۱
 ۱۹۹۳۰۱۸۹۷۰۱۸۸۶۰۱۸۸۲۰۱۷۸۲
 ۲۱۳۵۰۲۱۱۳
 خوارزم = هزار اسب: ج ۱ ص ۵۲، ۱۰۱، ۱۰۵
 ۲۰۳۱۶۰۳۱۶۰۳۰۰۰۲۸۸۰۲۲۱۰۲۱۹
 ۲۰۰۰۰۲۸۶۰۳۷۹۰۳۷۷۰۳۷۶۰۳۵۰
 ۴۳۴۰۴۳۲۰۴۳۱۰۴۲۲۰۴۱۹۰۴۱۲
 ۶۵۲۰۶۵۰۰۶۴۸: ج ۲ ص ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۲
 ۶۸۴۰۶۸۱۰۶۸۰۰۶۷۵۰۶۷۲۰۶۵۸
 ۸۲۰۰۷۹۲۰۷۹۲۰۷۵۴۰۷۵۳۰۶۹۰
 ۸۵۱۰۸۳۶۰۸۳۸۰۸۳۳۰۸۳۲۰۸۲۲
 ۰۹۲۳۰۹۱۶۰۸۹۴۰۸۸۷۰۸۸۳۰۸۶۱
 ۱۱۲۲۰۱۱۲۱۰۰۹۶۰۰۹۵۲۰۹۵۰۰۹۲۹
 تا ۱۲۸۸: ۱۱۳۰: ج ۳ ص ۱۳۲۶، ۱۳۶۸
 ۱۵۶۷۰۱۵۳۸۰۱۵۲۰۰۰۱۴۵۱۰۱۳۳۹
 ۱۶۵۱۰۱۶۴۶۰۱۶۴۰۰۱۶۰۷۰۱۶۰۰
 ۱۷۳۶۰۱۷۱۱۰۱۶۸۳۰۱۶۶۹۰۱۶۵۷
 ۱۷۶۹
 خوارقان (دم): یا: خارقان: ج ۲ ص ۱۰۲۶
 خواف (از اعمال نیشابور): ج ۱ ص ۵۷: ج ۲
 ص ۸۷۶
 خوان (از اعمال نیشابور): ج ۱ ص ۵۷
 خوانسار: ج ۱ ص ۵۵۸، ۵۵۷: ج ۲ ص ۱۱۸۳
 ۱۶۴۶۰۱۶۳۳: ج ۳ ص ۱۶۴۶، ۱۶۴۶
 ۱۸۶۵۰۱۸۱۳۰۱۷۳۵۰۱۷۱۴۰۱۶۵۱
 ۱۹۷۶۰۱۹۶۳۰۱۹۴۹۰۱۹۲۴۰۱۸۸۵
 ۲۱۲۲۰۲۱۲۲۰۲۰۲۱۰۲۰۰۲
 خورنق نغانی: ج ۲ ص ۹۲۸
 خوزان اصفهان: ج ۲ ص ۷۵۱
 خوزستان: ج ۱ ص ۳۷، ۲۴۹، ۲۹۳، ۳۱۹
 ۲۰۱۰۳۸۹۰۳۸۶۰۳۵۴۰۳۴۰۰۳۲۲
 ۸۲۷۰۷۹۷۰۶۹۱۰۵۸۵۰۵۲۴۰۴۱۴
 ۱۱۶۷۰۱۰۳۵۰۱۰۱۴۰۸۸۷: ج ۳ ص
 ۱۶۳۷۰۱۶۰۱۰۱۵۹۹۰۱۵۰۱۰۱۴۰۰
 ۱۶۵۷۰۱۶۶۰۰۱۶۶۴۰۱۶۳۳
 خوش بیلای (منزل): ج ۳ ص ۱۸۹۵
 ۱۸۹۶

خوقند: ج ۱ ص ۷۸۷: ج ۳ ص ۱۲۳۹، ۱۸۶۱
 ۱۸۶۲: ۱۸۷۰، ۱۹۶۷، ۱۹۶۱، ۲۰۱۴
 خونگرنه: ج ۲ ص ۹۲۲
 خوی: ج ۱ ص ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۷۲، ۳۳۸، ۵۲۲
 ۵۴۹: ج ۲ ص ۶۸۱، ۷۴۷، ۷۵۹، ۸۰۶
 نا ۱۰۲۳۰۹۳۲۰۸۶۷۰۸۱۹۰۸۰۸
 ۱۱۶۳۰۱۲۳۴۰۱۲۷۲۰۱۲۸۲: ج ۳ ص
 ۱۴۱۰۱۴۱۴۰۱۲۳۸۰۱۲۳۲۰۱۲۲۶
 ۱۲۷۷۰۱۲۲۹۰۱۲۵۳۰۱۲۵۸۰۱۲۲۵
 ۱۲۸۷۰۱۵۵۱۰۱۵۵۴۰۱۵۷۵۰۱۵۷۸
 ۱۵۷۹۰۱۶۷۲۰۱۷۱۳۰۱۷۳۲۰۱۷۳۵
 ۱۷۲۶۰۱۸۰۲۰۱۸۷۳۰۱۹۱۴۰۱۹۱۶
 ۲۰۳۰۲۰۷۹۰۲۰۲۱۰۲۱۳۳
 خیابان: ج ۲ ص ۱۱۵۹
 خیابان ارک: ج ۱ ص ۵۵۶
 خیابان السیه — خیابان باب همایون
 خیابان بلب همایون: ج ۳ ص ۱۹۲۵، ۱۹۲۸
 ۱۹۹۶، ۲۰۳۷
 خیابان شمیران: ج ۱ ص ۵۵۶: ج ۳ ص ۱۲۹۲
 خیابان مازندران: ج ۲ ص ۲۸۰۲
 خیابان ناصریه: ج ۳ ص ۱۸۹۸، ۱۹۳۶، ۲۰۲۴
 خیبر: ج ۱ ص ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۷۲۱
 خیرآباد: ج ۳ ص ۱۶۲۱، ۱۸۹۳
 خیزج (قلعہ): ج ۱ ص ۱۲۱
 خیری (قلعہ): ج ۲ ص ۷۹۴: ج ۳ ص ۱۷۱۱
 ۱۷۳۶، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۷
 خیره (دارالشک خوارزم): ج ۲ ص ۷۹۴
 ۱۱۲۲ تا ۱۱۲۶: ج ۳ ص ۱۵۲۹، ۱۵۳۹
 ۱۶۳۵، ۱۶۵۲، ۱۶۵۷، ۱۶۸۲، ۱۷۲۰
 ۱۷۴۹، ۱۷۶۴، ۱۷۶۸ تا ۱۷۷۰، ۱۷۸۵
 ۱۹۰۷، ۱۹۲۵، ۱۹۳۷، ۱۹۵۱
 خیره آباد: ج ۲ ص ۱۱۲۵
 دابق (در قنصرین): ج ۱ ص ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۵۲
 داراجرد فارس: ج ۱ ص ۵۲، ۵۵، ۷۲: ج ۲ ص
 ۹۰۹: ج ۳ ص ۱۶۱۹، ۱۶۲۳، ۱۶۱۲
 ۱۷۳۳
 دارالاماره بعمره (قصر): ج ۱ ص ۱۴۱
 دارالاماره (کوفه): ج ۱ ص ۸۱، ۸۸، ۱۳۱
 دارالاماره مرو: ج ۱ ص ۱۲۸، ۱۲۹
 دارالامان (شهر): ج ۲ ص ۶۴۰
 دارالتنزیل در بایسن: ج ۲ ص ۱۱۶۹



دارالخلافت الاسلامیول: ج ۳ ص ۱۶۶۸
 دارالخلافت باهره — دارالخلافتطهران
 دارالخلافت طهران: ج ۱ ص ۱۳۲، ۲۴۲
 ۲۴۵، ۳۹۲، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۶
 ۲۸۴، ۲۸۵، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۵۱
 ۵۲۶، ۵۳۷، ۵۵۶، ۵۵۳، ۵۳۷، ۵۳۶، ۱۱۸۵
 ۱۱۸۶، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲
 ۱۱۹۶، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲
 ۱۲۳۹ تا ۱۲۵۳، ۱۲۶۱، ۱۲۷۰، ۱۲۷۸
 ۱۲۸۰، ۱۲۸۹، ۱۲۹۲: ج ۳ ص ۱۲۴۸
 ۱۲۳۸، ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳، ۱۲۴۵، ۱۲۴۷
 ۱۲۳۸، ۱۲۵۲ تا ۱۲۵۴، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸
 ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶ تا ۱۲۶۹
 ۱۲۶۲، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۳
 ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷، ۱۲۹۱، ۱۲۹۳، ۱۲۹۸
 ۱۵۰۰، ۱۵۰۵، ۱۵۱۷، ۱۵۱۹، ۱۵۲۴
 ۱۵۲۶، ۱۵۳۵ تا ۱۵۳۷، ۱۵۳۹، ۱۵۴۲
 ۱۵۴۴ تا ۱۵۴۶، ۱۵۵۰، ۱۵۵۳، ۱۵۵۶، ۱۵۵۹
 ۱۵۶۲، ۱۵۶۹، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۸
 ۱۵۸۰، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۶ تا
 ۱۵۹۸، ۱۶۰۰، ۱۶۰۳، ۱۶۰۷
 ۱۶۱۱، ۱۶۱۳ تا ۱۶۱۵، ۱۶۱۷، ۱۶۱۹
 ۱۶۲۰، ۱۶۲۸ تا ۱۶۳۰، ۱۶۳۲
 ۱۶۳۳ تا ۱۶۳۶، ۱۶۳۹ تا ۱۶۴۱، ۱۶۴۳
 ۱۶۵۲ تا ۱۶۵۶، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۳
 ۱۶۶۷، ۱۶۷۰، ۱۶۷۳، ۱۶۷۵ تا ۱۶۷۹
 ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵، ۱۶۸۷، ۱۶۹۰ تا ۱۶۹۲
 ۱۶۹۸ تا ۱۷۰۲، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۱۱
 ۱۷۱۸ تا ۱۷۲۳، ۱۷۲۳ تا ۱۷۲۵، ۱۷۲۴
 ۱۷۲۵، ۱۷۲۷ تا ۱۷۲۹، ۱۷۵۲، ۱۷۵۸
 ۱۷۶۰، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴
 ۱۷۸۲ تا ۱۷۸۶، ۱۷۹۲، ۱۷۹۷
 ۱۸۰۱ تا ۱۸۱۳، ۱۸۱۳ تا ۱۸۲۳
 ۱۸۲۵، ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۴، ۱۸۴۱
 ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۹، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۷
 ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۵، ۱۸۶۷ تا ۱۸۷۳، ۱۸۷۴
 ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۸، ۱۸۹۲، ۱۸۹۴
 ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۸، ۱۹۰۰، ۱۹۰۳، ۱۹۰۸
 ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۵، ۱۹۱۳، ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳
 ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۶
 ۱۹۳۹، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۵۲، ۱۹۵۹
 ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۶
 ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۲، ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱
 ۱۹۹۵، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷ تا ۱۹۹۴، ۲۰۱۹

[illegible]

۱۱۲۷، ۱۱۲۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۳، ۱۰۲۸
ج ۱: ۱۱۲۷، ۱۱۲۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۰
۱۲۸۲، ۱۲۶۲، ۱۲۷۷، ۱۲۳۷، ۱۲۳۲
۱۷۲۱، ۱۶۳۱، ۱۵۶۶، ۱۵۱۲
داغستان: ج ۲، ۱۰۷۳.

دانیله (شرق اندلس) : ج ۱ ص ۳۳۱ -
 دالوایی : ج ۲ ص ۸۱۹، ۸۲۰ -
 داودیہ : ج ۳ ص ۱۷۶۱، ۱۷۸۱ -
 داهزن (منزل) : ج ۳ ص ۱۸۹۳ -
 داهیری (گوم) : ج ۲ ص ۹۸۹ -
 دیرچای (ایالت) : ج ۳ ص ۱۹۸۹ -
 دجلہ : ج ۱ ص ۳۵، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۶۹، ۱۳۳،
 ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۶۹،
 ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۴۰، ۲۵۵،
 ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۵، ۳۷۲، ۳۷۳، ۴۲۱،
 ج ۲ ص ۶۲۱، ۶۲۹، ۶۳۷، ۹۳۲ -
 دجیل : ج ۱ ص ۹۶، ۲۷ -
 دجیل (نہر) : ج ۱ ص ۸۹ -
 دربار ہاپ = واتنگان ج (ص ۲۸۶) ج ۲ ص
 ۱۶۹۷ -

دروازه دولاب: ج ۱ ص ۵۵۶.
 دروازه دولت: ج ۳ ص ۱۹۳۹، ۱۸۵۸، ۱۷۳۳.
 دروازه شامیه: ج ۱ ص ۲۲۲.
 دروازه شیران: ج ۱ ص ۵۵۶، ج ۳ ص ۱۸۹۸.
 دروازه شهر شیراز: ج ۳ ص ۱۳۵۷.
 دروازه صیبر دمشق: ج ۱ ص ۲۶۱، ۱۰۳.
 دروازه قزوین: ج ۳ ص ۱۶۲۸، ۱۷۳۳.
 دروازه مبارکه ناصری: ج ۳ ص ۱۸۹۸.
 دره (فریب): ج ۳ ص ۱۸۹۵.
 دره بام: ج ۲ ص ۱۵۳۶.
 دره بیل چراغ: ج ۲ ص ۷۳۵.
 دره تنگ: ج ۲ ص ۱۰۲۹.
 دره جز: ج ۳ ص ۱۵۱۷، ۱۵۳۰، ۱۵۳۵.
 ۱۸۲۴، ۱۶۸۶.
 دره شیکا: ج ۲ ص ۱۹۷۲.
 دره ملاعلی: ج ۳ ص ۱۹۱۰.
 دریای آذربایک: ج ۱ ص ۲۰۳.
 دریای آرف: ج ۳ ص ۱۶۶۶، ۱۷۷۸.
 دریای احمر: ج ۲ ص ۲۶۲، ج ۳ ص ۱۷۹۸.
 دریای بالینک: ج ۳ ص ۱۷۷۵، ۱۷۷۸.
 دریای چین: ج ۱ ص ۱۹۴، ج ۲ ص ۷۹۸.
 دریای خزر: ج ۲ ص ۱۰۱۲، ۹۶۲، ۱۱۵۴.
 ۱۲۸۸: ج ۳ ص ۱۶۲۲، ۱۹۲۴.
 دریای دیلم: ج ۱ ص ۱۷۲.
 دریای سفید: ج ۱ ص ۱۰۰، ج ۲ ص ۹۹۵.
 ج ۲ ص ۲۰۰۲.
 دریای سوند: ج ۲ ص ۱۲۸۸.
 دریای سیاه: ج ۲ ص ۱۱۲۱، ۹۹۲، ۱۲۷۶، ج ۳ ص ۱۵۷۷.
 دریای شمال: ج ۳ ص ۱۷۹۱.
 دریای عمان: ج ۱ ص ۱۷۲، ج ۲ ص ۹۹۳.
 دریای فارس: ج ۱ ص ۲۶۲.
 دریای قطیف: ج ۲ ص ۱۸۱۸.
 دریای مازندران: ج ۲ ص ۸۲۹.
 دریای مانس: ج ۲ ص ۱۷۳۹، ۱۸۰۱.
 دریای محیط اتلانتيک: ج ۲ ص ۷۳۴، ۷۲۹.
 ۱۰۲۲: ج ۳ ص ۱۵۳۲.
 دریای محیط منجمد شمالی: ج ۲ ص ۸۹۵.
 دریای نجف اشرف: ج ۲ ص ۹۲۸.
 دریای نور (گوهر): ج ۳ ص ۱۹۹۱.
 دریایوک (بولاق): ج ۲ ص ۸۳۰.
 درازشوب شیران: ج ۳ ص ۱۲۶۱.
 درالوالید (هتل): ج ۲ ص ۹۸۲.
 دزفول: ج ۱ ص ۵۵۰، ج ۲ ص ۷۹۶.

۷۹۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۱۰۲۶، ۱۲۸۲: ج ۳ ص ۱۷۲۷، ۱۷۲۵، ۱۶۶۱، ۱۶۶۰، ۱۶۰۰.
 ۱۷۳۲.
 درگ: ج ۳ ص ۱۷۵۹.
 درگور: ج ۳ ص ۱۵۷۹.
 درمیران: ج ۳ ص ۱۵۳۲.
 دزهای ونیز: ج ۱ ص ۲۰۲.
 دستی: ج ۱ ص ۱۲۰.
 دسکره: ج ۱ ص ۱۲۰، ۶۹.
 دشت آب: ج ۲ ص ۱۶۵۳.
 دشت بحرین: ج ۲ ص ۹۰۷.
 دشت ترکمان (وترکمانان): ج ۲ ص ۱۱۷۳.
 ج ۳ ص ۱۲۳۱، ۱۲۵۹، ۱۳۲۴، ۱۳۹۴.
 دشت خاوران: ج ۲ ص ۱۲۹۵.
 دشتستان: ج ۳ ص ۱۶۱۰، ۱۶۱۲، ۱۷۷۳.
 دشت قبیاق: ج ۲ ص ۵۸۶، ۵۸۲، ۵۸۰.
 ۶۱۲، ۶۲۵، ۹۵۹، ۱۱۶۱، ۱۱۷۲: ج ۳ ص ۱۲۲۲، ۱۲۳۱، ۱۳۲۱.
 دشت قرغیز: ج ۳ ص ۱۷۴۰.
 دشت کافری: ج ۲ ص ۱۱۲۷.
 دشت گرگان: ج ۳ ص ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۵۱۹.
 ۱۵۲۹، ۱۶۳۰، ۱۷۱۸.
 دشت نظیر: ج ۳ ص ۱۹۵۸.
 دشتی: ج ۳ ص ۱۴۱.
 دقوفا: ج ۱ ص ۲۳۶، ۳۸۷، ۳۴۰.
 دگر (بلاد): ج ۱ ص ۲۰۲.
 دکن (شهر): ج ۲ ص ۶۱۲، ۶۶۲، ۶۶۳.
 ۷۱۱، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۵۷.
 ۷۵۸، ۷۷۲، ۷۸۳، ۸۰۶، ۸۱۰، ۸۲۳.
 ۸۲۹، ۸۶۵، ۸۷۳، ۸۸۹، ۹۲۰، ۹۲۱.
 ۹۲۲، ۹۳۰، ۹۵۲، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۲.
 ۹۹۲، ۹۹۸: ج ۳ ص ۱۲۵۴.
 دلب: ج ۱ ص ۲۷.
 دلت آباد: ج ۱ ص ۵۴۲.
 الدلیوت: ج ۱ ص ۲۷.
 دلونباس: ج ۳ ص ۱۵۵۰.
 دلوک (ظعم): ج ۱ ص ۲۶۷، ۲۸۴.
 دماغه امید (در آفریقا): ج ۲ ص ۷۳۷، ج ۳ ص ۱۷۳۹، ۱۸۰۸، ۲۰۰۲.
 دماغه جنوبی آمریکا (کاپ ارن): ج ۲ ص ۸۶۶.
 دماوند: ج ۱ ص ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۶۸.
 ۱۷۹، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۶: ج ۲ ص ۶۶۸، ۸۸۲.
 ۹۵۷، ۹۶۸، ۹۷۰، ۹۸۲، ۱۳۰۱: ج ۳ ص ۲.

۱۴۰۸، ۱۴۴۸، ۱۴۶۰، ۱۷۸۷: ص ۱۸۳۴، ۱۸۸۲، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۹۵۹.
 ۲۰۹۸، ۲۱۳۵.
 دمدم (قلاع پنجگانه): ج ۲ ص ۹۰۴.
 دمشق: ج ۱ ص ۲۸، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۹، ۷۸.
 ۸۲، ۸۵، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۲۲.
 ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۵۸، ۱۶۰.
 ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۱۰.
 ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۵۵، ۲۵۷.
 ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵.
 ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۲، ۳۲۲.
 ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۵.
 ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۳.
 ۳۶۷، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۷.
 ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۸.
 ۴۱۲، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۲۷.
 ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۴۱.
 ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۹.
 ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۶.
 ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸.
 ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۶۱.
 ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۶۷.
 ۵۶۳، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۳: ج ۴ ص ۱۷۳۳.
 ۱۸۳۰.
 الدبلوه: ج ۲ ص ۶۲۱.
 دیسایط (شهر): ج ۱ ص ۲۹۸، ۳۲۲، ۳۳۵.
 ۳۵۲، ۳۵۶.
 دمل (منزل): ج ۱ ص ۴۲۲.
 دن (رود): ج ۱ ص ۳۲۷، ج ۲ ص ۶۵۳.
 ۹۲۹، ۹۹۹.
 دنی اختر: ج ۲ ص ۱۲۸۹.
 دنیای جدید: ج ۳ ص ۱۸۸۲.
 دنیای قدیم: ج ۲ ص ۱۸۸۲.
 دنیای کتاب (کتابفروشی): ج ۱ ص ۷.
 دوآب (از توابع سلاخورد): ج ۲ ص ۱۱۵۲.
 دوآب سوادکوه: ج ۳ ص ۱۳۹۳.
 دوپلن (شهر): پایتخت ارگنه: ج ۳ ص ۱۷۶۳.
 ۲۰۴۹.
 دودانیه: ج ۱ ص ۱۱۵.
 دورق (قصبه یا: ولایت): از حویزه: ج ۲ ص ۱۱۱۲، ۹۶۸، ۹۷۰، ۹۷۶.
 دورق (ولایت): ج ۳ ص ۱۳۷۰.
 دوزن (شهر): ج ۳ ص ۱۹۲۳.
 دوشان تپه دارالخلافة: ج ۲ ص ۱۱۹۵.

۱۲۵۶: ج ۳ ص ۱۷۲۵-۱۸۲۰-۱۸۹۲
 ۱۹۵۸-۲۰۲۱
 دولاب طهران: ج ۳ ص ۱۳۸۱-۱۳۳۸
 دولت (معلم): ج ۱ ص ۵۳۶: ج ۲ ص ۱۲۵۲
 دولت آباد اصفهان: ج ۲ ص ۸۹۶
 دولت آباد دامغان: ج ۳ ص ۱۶۳۶
 دولت آباد کردستان: ج ۲ ص ۱۲۷۲: ج ۳ ص ۲۱۲۴
 دولت آباد هند: ج ۲ ص ۸۹۷-۹۲۲
 دولنخانه: ج ۲ ص ۱۰۷۵-۱۰۷۹-۱۰۸۹
 دولت نظام شاه: ج ۲ ص ۹۰۳
 دولسمینو (بندر): ج ۱ ص ۴۸۹ تا ۴۸۷
 دول متحدہ گلشنی: ج ۱ ص ۵۶۶
 دولسو (فریب): ج ۳ ص ۱۳۵۱-۱۳۵۲
 دومه الجندل (بین شام و عراق): ج ۱ ص ۲۶-۲۹-۳۵-۶۶-۷۰
 دونا (فریب): ج ۳ ص ۱۹۰۸
 دونابورگ: ج ۲ ص ۱۸۲۹
 دوشکرک (بندر): در فرانسه: ج ۲ ص ۹۹۷
 دورور (انگلیس): ج ۳ ص ۱۹۴۳-۱۹۶۱
 دورین (شهر): ج ۱ ص ۲۹۲-۲۹۷-۳۲۲
 دهنخارقان (دهخوارقان): ج ۲ ص ۱۰۱۶
 ۱۰۲۶: ج ۳ ص ۲۰۴۰-۲۰۴۲
 دھشت: ج ۲ ص ۸۷۲
 دهستان: ج ۱ ص ۳۸۶
 دهق: ج ۳ ص ۱۳۹۸
 ده گلا: ج ۲ ص ۲۱۲۴
 دهکرد چهارمحال (فریب): ج ۳ ص ۱۶۰۶
 دهلی (= شاه جهان آباد): ج ۱ ص ۳۸۵
 ج ۲ ص ۵۹۹-۶۰۰-۶۰۵-۶۰۹-۶۱۷
 ۶۱۸-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۸-۶۲۲-۶۵۶
 ۶۶۲-۶۶۹-۶۷۵-۶۸۰-۶۸۲-۶۸۹
 ۶۹۷-۷۰۳-۷۲۲-۷۶۰-۷۶۵-۷۷۲
 ۷۸۴-۸۲۲-۹۰۴-۹۳۰-۹۳۲-۱۱۲۲
 ۱۱۲۳: ج ۳ ص ۱۷۹۸-۱۸۰۶-۱۸۱۸
 ۱۸۲۶-۱۹۶۶
 ده ملا: ج ۲ ص ۱۶۸۵-۱۸۹۲
 دهه: ج ۳ ص ۱۸۲۷
 ده نمک: ج ۳ ص ۱۸۹۲
 ده نو اصفهان (فریب): ج ۳ ص ۱۷۰۱
 دیار بکر: ج ۱ ص ۲۱۳-۲۲۹-۲۷۸-۲۸۴
 ۲۸۵-۳۱۷-۳۱۸-۳۲۳-۳۲۷-۳۳۰
 ۳۳۲-۳۳۸-۳۴۴-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸
 ۳۵۲-۳۵۶-۳۷۶-۳۷۹-۳۲۲-۳۲۳

۴۵۷-۵۳۲: ج ۲ ص ۵۸۵-۶۱۴-۶۳۱
 ۶۴۰-۶۴۱-۶۶۱-۶۷۰-۶۹۶-۷۰۲
 ۷۱۲-۷۱۶-۷۱۸-۷۳۷-۷۴۲
 ۷۴۶-۷۴۸-۷۵۰-۷۵۹-۷۶۳-۸۰۷
 ۹۱۲-۹۱۹-۹۲۷-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۴
 ۹۳۹-۱۱۱۲-۱۱۳۰-۱۱۳۲-۱۱۳۶
 ۱۲۶۲: ج ۲ ص ۱۳۳۸-۱۳۴۰
 ۱۳۶۲-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۹۷۷-۲۱۰۶
 دیار دیمه: ج ۱ ص ۱۵۵-۱۵۸-۲۴۳
 دیار مغربیه: ج ۱ ص ۴۲۱
 دیر: ج ۱ ص ۲۲
 دیر جالینق: ج ۱ ص ۸۹
 دیر جمجم: ج ۱ ص ۲۲-۲۳-۹۶
 دیر حبیب: ج ۱ ص ۴۲
 دیر سلطان: ج ۱ ص ۲۲-۱۰۷
 دیر عاقول: ج ۱ ص ۲۰۹-۲۶۸-۲۷۴
 دیر قوه: ج ۱ ص ۹۵
 دیر القمر: ج ۲ ص ۱۸۳۷-۱۸۳۰
 دیر مزان: ج ۱ ص ۱۰۲
 دیر مضر: ج ۱ ص ۲۷۸
 دیرین (شهر): از فرانسه: ج ۳ ص ۱۹۴۵
 دیر آباد: ج ۳ ص ۱۸۹۳
 دیک تواردمیرلا (مالکس): ج ۳ ص ۱۶۶۶
 دیلم: ج ۱ ص ۵۱-۹۵-۱۲۰-۱۶۰-۱۶۸
 ۱۷۵-۲۰۲-۲۰۵-۲۴۶
 دیلم (دریای): ج ۱ ص ۱۷۲
 دیلمان: ج ۲ ص ۷۲۰
 دیناری: ج ۱ ص ۲۰۵
 دینور: ج ۱ ص ۵۰-۲۴۶-۲۴۱-۲۷۲-۲۹۴
 ۲۹۹-۳۰۲-۳۱۷-۳۱۸-۳۵۸
 دیوانخانه (عمارت): در اصفهان: ج ۲ ص ۹۶۱-۱۰۷۹-۱۰۸۹
 دیوانخانه بزرگ (در طهران): ج ۳ ص ۱۶۳
 دیوانخانه مبارکه: ج ۳ ص ۱۶۶۹
 دیوانخانه همدان: ج ۱ ص ۲۶۳
 دیوانیه: ج ۱ ص ۵۳۲: ج ۲ ص ۱۲۶۱
 ذات الاطلاق: ج ۱ ص ۲۷
 ذات السلاسل: ج ۱ ص ۲۲-۲۳
 ذات الصوری: ج ۱ ص ۵۷
 ذوالخطمه: ج ۱ ص ۳۱
 ذوالفقار: ج ۲ ص ۱۱۰۳
 ذوالنصه: ج ۱ ص ۲۶
 ذی قار: ج ۱ ص ۶۱

راجکده: ج ۲ ص ۹۸۳
 رادگان (بلد): ج ۲ ص ۶۹۰-۱۱۷۱
 ۱۱۷۵: ج ۳ ص ۱۵۳۰-۱۵۳۵-۱۵۹۷
 ۱۸۹۵
 راذان: ج ۱ ص ۱۲۲
 رازان: ج ۱ ص ۵۵۰: ج ۲ ص ۱۲۸۲: ج ۳ ص ۲۱۲۵
 راس امید (دماغ) در جنوب افریقا = لکاب
 دین اسیرانی: ج ۱ ص ۲۸۹ تا ۲۹۱
 ۲ ص ۶۸۸-۷۲۹-۷۳۷-۹۵۵: ج ۳ ص ۱۴۲۵-۱۹۷۳-۲۰۱۴-۲۰۲۷
 راس طوفان = لکاب دماغیت — راس امید
 راس عین: ج ۱ ص ۲۴۳
 راس مشارف: ج ۱ ص ۳۲۸
 راشده: ج ۱ ص ۲۲۵
 رافقه (شهر): کنار فوات: ج ۱ ص ۱۴۷
 راکوز (بندر و شهر): ج ۱ ص ۴۸۹: ج ۳ ص ۱۹۶۸
 رالن گویان: ج ۲ ص ۸۹۳
 رامپور: ج ۲ ص ۱۸۳۵
 راسنی: ج ۱ ص ۷۸
 رامهریز: ج ۱ ص ۴۷-۴۸-۶۹-۹۱-۱۲۱
 راجان: ج ۲ ص ۱۱۷۱-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۷
 ج ۲ ص ۱۳۴۴
 راور: ج ۲ ص ۱۴۱۸-۱۶۰۷
 راون (شهر): ج ۱ ص ۹۸
 راوندان (قلعه): ج ۲ ص ۶۳۳
 راه بر: ج ۳ ص ۱۲۲۴
 راه دن پدر (راه آهن): ج ۳ ص ۱۸۰۹
 رای لکن: ج ۲ ص ۶۶۲
 رباط زعفرانی: ج ۳ ص ۱۸۹۲
 رباط زینبی: ج ۱ ص ۳۲۷
 رباط شاه طک: ج ۲ ص ۷۰۶
 رباط کافر (قلعه): ج ۳ ص ۱۵۳۹-۱۶۱۸
 رباط نیک بی: ج ۲ ص ۷۸۵
 ربنده: ج ۱ ص ۵۶-۵۸-۱۹۷-۲۹۴
 رهبر (ج: زریب): ج ۱ ص ۳۱۸
 رجال (فریب): در نفازان: ج ۲ ص ۶۲۰
 رجیل: ج ۳ ص ۱۸۲۶
 رحبه شام: ج ۱ ص ۲۰۸-۲۴۱-۲۷۸-۲۹۴
 ۲۹۷-۲۹۸-۳۴۱-۳۵۶-۳۵۹-۳۶۳
 ۳۶۹-۳۷۷-۴۱۳-۴۵۴-۵۹۶-۶۱۵
 ۶۲۶-۶۳۰

رحیبه مالک: ج ۱ ص ۲۰۸.
رحمت آباد گیلان: ج ۲ ص ۱۷۱۲.
دخج: ج ۱ ص ۲۱۱.
ردس (جزیرہ) = بردس: ج ۱ ص ۷۸۰۵۷.
۸۲: ج ۲ ص ۷۸۲۰۷۷۰۰۶۹۲۰۶۱۲.
رود: ج ۱ ص ۵۵۰.
رستانی دجله: ج ۱ ص ۱۷۸.
رستم آباد گیلان: ج ۲ ص ۱۳۹۹، ۱۳۰۴.
۱۹۱۰.
رسفندار: ج ۲ ص ۶۷۷۰۶۷۲۰۶۵۶۰۶۳۳.
۶۹۴۰۷۹۸۰۷۹۶۰۷۴۴۰۷۴۲۰۷۲۳۰۶۹۴.
۸۹۳۰۸۸۱.
رسحق (رسحق، روسحق): ج ۱ ص ۵۳۴، ج ۲ ص ۱۹۱۲، ۱۹۸۹.
رسان (الواسان): ج ۳ ص ۱۸۹۷.
رشت (دارالمرز): ج ۱ ص ۵۴۸۰۵۴۲۰۵۳۷.
ج ۲ ص ۷۷۲۰۷۶۵۰۷۴۷۰۷۴۰۰۷۳۹.
۸۵۲۰۷۸۹: ج ۳ ص ۱۱۸۱، ۱۲۳۵.
۱۲۸۲۰۱۲۷۹۰۱۲۷۵۰۱۲۷۲۰۱۲۶۵.
ج ۳ ص ۱۲۶۱، ۱۲۵۰، ۱۲۳۸، ۱۷۱۶.
۱۸۳۱، ۱۸۷۲، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۳۹.
۱۹۴۷، ۲۰۲۹، ۲۰۸۰، ۲۱۰۸، ۲۱۲۲.
۲۱۳۳.
رشتاد: ج ۳ ص ۱۹۶۵.
رصفه (محل) در بغداد: ج ۱ ص ۳۶.
۱۵۰۰، ۱۲۴.
رصفه (از شهرهای شام): ج ۱ ص ۱۲۴.
رصدخانه پاریس: ج ۲ ص ۹۸۰.
رعیان: ج ۲ ص ۵۸۲.
رفسنجان کرمان: ج ۱ ص ۵۴۳، ج ۲ ص ۱۲۷۳.
ج ۲ ص ۱۷۲۸، ۲۱۲۳.
رفنیه: ج ۱ ص ۳۶۸.
رقاده (شهر): ج ۱ ص ۲۲۹، ۲۱۰.
رقه (شهر): ج ۱ ص ۱۶۸۰۱۳۸۰۶۳۰۴۶.
۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۰، ۲۲۳ تا ۲۲۵.
۲۲۸، ۲۲۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۷۳، ۲۸۵.
۲۸۶، ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۱۴، ۳۳۱، ۳۳۹.
۳۵۶، ۳۸۱، ۳۸۵، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۶.
۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۷: ج ۲ ص ۱۱۳۳.
رکن کعبه: ج ۱ ص ۲۴۳، ۹۲: ج ۲ ص ۱۱۲۲.
۱۱۲۷، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶.
رکن بمانی: ج ۱ ص ۳۶۶.
رم (پایتخت ایتالیا): ج ۱ ص ۱۰۴۰۸۲.
۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۵۸، ۱۶۳.

۱۶۵، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۱۱.
۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۹، ۳۴۹، ۳۶۴، ۳۷۶.
۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۹۰، ۴۱۷، ۴۳۱.
۵۶۲: ج ۲ ص ۵۹۲، ۶۰۰، ۶۵۱، ۶۵۲.
۶۵۵، ۶۷۲، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۴۸، ۷۵۰.
۷۵۱، ۷۵۳، ۱۱۶۳، ۱۳۰۴: ج ۳ ص ۱۳۹۵.
۱۲۵۱، ۱۲۷۴، ۱۲۹۲، ۱۲۹۹، ۱۵۰۳.
۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۷۲۱، ۱۷۸۹، ۱۸۱۹.
۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۷، ۱۸۳۶، ۱۹۵۰.
۱۹۶۱، ۱۹۶۶، ۲۰۴۸، ۲۱۲۸.
رطه: ج ۱ ص ۱۲۵۰۲۲، ۲۰۳، ۲۱۵، ۲۲۹.
۲۲۹، ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۹۷.
۲۳۵، ۲۳۲، ۲۳۳: ج ۲ ص ۶۲۶.
رن (رود): ج ۱ ص ۱۰۱، ۱۱۱، ۳۸۱: ج ۲ ص ۹۸۲، ۹۸۷، ۱۰۰۳، ۱۰۰۵، ۱۱۲۶.
۱۱۵۸: ج ۳ ص ۱۲۴۰، ۱۲۴۵، ۱۲۵۹.
۱۲۶۳، ۱۴۸۰، ۱۵۲۵، ۱۵۲۷.
رئیس (شهر): ج ۲ ص ۶۸۲: ج ۳ ص ۱۵۲۷.
روال (شهر): ج ۱ ص ۵۳۵: ج ۲ ص ۱۲۶۲.
روان (شهر) در فرانسه: ج ۲ ص ۶۸۸، ۶۸۰.
۸۶۸.
روح: ج ۲ ص ۵۸۹.
روحاء: ج ۲ ص ۵۹۶.
رودآمو: ج ۲ ص ۱۹۵۱.
رودآمو: ج ۳ ص ۱۷۷۹، ۱۸۰۵.
رودارس: ج ۲ ص ۹۲۳، ۱۰۲۹: ج ۳ ص ۱۴۲۸.
۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۵، ۱۵۷۸، ۱۵۸۲.
۱۵۸۳، ۱۵۸۵، ۱۶۱۷، ۱۶۲۰، ۱۶۲۷.
رودالب (بالب رود): ج ۱ ص ۴۸۸: ج ۳ ص ۲۰۱۳.
رود انجول: ج ۳ ص ۱۵۳۶.
رود پنجاب: ج ۳ ص ۱۵۴۱.
رود حق: ج ۳ ص ۱۲۷۶.
رود تریو: ج ۳ ص ۱۵۰۲.
رودخانه آنچای: ج ۳ ص ۱۵۱۱.
رودخانه ابر: ج ۲ ص ۱۲۹۷.
رودخانه بلارود: ج ۲ ص ۱۷۹۷.
رودخانه بروت: ج ۲ ص ۱۷۶۴.
رودخانه بو: ج ۲ ص ۱۹۵۱.
رودخانه بیجو: ج ۳ ص ۱۸۰۵.
رودخانه تاج: ج ۲ ص ۱۷۲۱.
رودخانه تامیز: ج ۳ ص ۱۵۶۸.
رودخانه ترانس وال: ج ۳ ص ۱۸۰۸.
رودخانه تیزان: ج ۳ ص ۱۸۱۶.

رودخانه تبر: ج ۳ ص ۱۹۶۱.
رودخانه جمس: ج ۳ ص ۱۸۶۴.
رودخانه زاد: ج ۲ ص ۹۲۶.
رودخانه زابنده رود: ج ۲ ص ۹۵۸، ۹۶۱: ج ۳ ص ۱۷۱۷.
رودخانه زبوه: ج ۳ ص ۱۵۱۰، ۱۵۱۶.
رودخانه سالرمانتو (در گالیفرن): ج ۳ ص ۱۷۰۴.
رودخانه سان زوانیک (در گالیفرن): ج ۲ ص ۱۷۰۴.
رودخانه سفید: ج ۳ ص ۱۹۱۰.
رودخانه سنهد (فرسختی شیراز): ج ۳ ص ۱۸۴۹.
رودخانه طویل: شامی: ج ۳ ص ۱۵۷۱.
رودخانه فار (در عثمانی): ج ۲ ص ۱۲۷۹.
رودخانه فراسوی اردبیل: ج ۲ ص ۱۲۲۸.
رودخانه فراسوی پاشین: ج ۳ ص ۱۵۸۲.
رودخانه قزل آوزن: ج ۳ ص ۱۷۷۱.
رودخانه قم: ج ۲ ص ۹۵۸.
رودخانه کینک جای: ج ۳ ص ۱۵۱۱.
رودخانه کرخه: ج ۳ ص ۱۷۲۱.
رودخانه کلید (در انگلیس): ج ۳ ص ۱۵۰۳.
رودخانه گنگ: ج ۲ ص ۷۸۲: ج ۳ ص ۱۸۵۴.
رودخانه لوار: ج ۳ ص ۱۷۹۱.
رودخانه مبارک آباد: ج ۳ ص ۱۹۱۱.
رودخانه نوا: ج ۲ ص ۱۰۰۲: ج ۳ ص ۱۵۶۸.
رودخانه نیه من (سرحد روس و آلمان): ج ۲ ص ۱۲۸۸، ۱۵۰۶.
رود دانوب: ج ۳ ص ۱۷۶۲، ۱۸۰۰.
رود درینو.
رود دنی بر (دنی پیر) در لیختن: ج ۱ ص ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۹: ج ۳ ص ۱۵۰۷.
رود دن (دن) در فرانسه: ج ۳ ص ۱۲۳۱.
۱۷۹۱، ۱۸۲۵، ۱۸۸۱، ۱۹۲۲.
رود رنگی: ج ۳ ص ۱۴۷۱.
رود سیروان: ج ۳ ص ۱۲۸۲، ۱۵۰۱.
رودشت (بلوکس): ج ۳ ص ۱۴۰۲.
رود طمس: ج ۳ ص ۱۹۸۸، ۱۸۰۰.
رود قراصو: ج ۳ ص ۱۹۱۵.
رودگارون (کرن): ج ۲ ص ۹۱۲.
رودگر: ج ۳ ص ۱۱۱۴، ۸۰۳، ۷۴۱: ج ۲ ص ۱۲۷۷.
رود کرج: ج ۲ ص ۱۵۰۴.
رود گرگان: ج ۲ ص ۱۱۲۶، ۹۸۶.

رود نيز: ج ۳ ص ۱۸۲۷
رود هيرمند: ج ۱ ص ۲۸۷: ج ۳ ص ۱۸۹۷
۲۰۱۲

رود يک: ج ۳ ص ۱۸۱۸
رود اير: ج ۱ ص ۲۵۵
رود آباد جام خراسان: ج ۲ ص ۷۷۵
روس = روسيه: ج ۱ ص ۲۰۲: ج ۲ ص ۲۳۱

۲۳۲: ۲۳۷: ۲۴۶: ۲۵۸: ۲۵۹
۲۶۳: ۲۶۹: ۲۷۱: ۲۷۲: ۲۷۳: ۲۸۰
۲۸۲: ۲۸۵: ۳۰۰: ۳۰۸: ۳۰۹: ۳۱۸
۳۲۱: ۳۲۳: ۳۲۴: ۳۲۵: ۳۲۶
۳۶۱: ۳۷۹: ۳۷۷: ۴۰۷: ۴۲۱: ۴۲۹
۴۳۵: ۴۳۷: ۴۴۵: ۴۴۶: ۴۴۹: ۴۵۳
۴۷۷: ۴۸۵: ۴۹۱: ۴۹۲: ۴۹۳: ۵۳۳
۵۳۷: ۵۵۵: ۵۵۶: ۵۶۲: ج ۲ ص ۵۸۵: ۶۱۰
۶۱۹: ۶۲۱: ۶۲۲: ۶۲۳: ۶۲۴: ۶۳۹
۶۴۲: ۶۵۳: ۶۵۴: ۶۵۹: ۶۶۲: ۶۸۲
۶۹۳: ۷۲۱: ۷۲۷: ۷۳۰: ۷۳۷: ۷۳۸
۷۶۹: ۷۸۷: ۸۰۲: ۸۲۲: ۸۲۵: ۸۳۹
۸۴۹: ۸۵۵: ۸۵۷: ۸۵۸: ۸۶۹: ۸۷۱
۸۷۴: ۸۷۹: ۸۹۵: ۹۰۰: ۹۰۲: ۹۰۹
۹۱۴: ۹۲۸: ۹۳۶: ۹۳۹: ۹۴۹: ۹۵۶
۹۵۸: ۹۶۱: ۹۶۲: ۹۶۶: ۹۶۹: ۹۷۱
۹۷۹: ۹۸۷: ۹۸۹: ۹۹۲: ۹۹۴: ۹۹۵
۹۹۷: ۹۹۹: ۱۰۰۰: ۱۰۰۳: ۱۰۰۵
۱۰۰۹: ۱۰۱۳: ۱۰۱۶: ۱۰۱۸: ۱۰۲۱
۱۰۲۳: ۱۰۲۴: ۱۰۲۸: ۱۰۲۹: ۱۰۵۲
۱۱۱۲: ۱۱۱۵: ۱۱۱۸: ۱۱۲۰: ۱۱۲۵
۱۱۲۷: ۱۱۲۹: ۱۱۳۱: ۱۱۳۶: ۱۱۶۰
۱۱۶۲: ۱۱۶۴: ۱۱۶۵: ۱۱۶۶: ۱۱۶۶
۱۱۸۰: ۱۱۸۱: ۱۱۸۵: ۱۱۸۶: ۱۱۸۸
۱۲۰۲: ۱۲۰۸: ۱۲۶۰: ۱۲۶۱: ۱۲۶۵
۱۳۰۵: ج ۳ ص ۱۳۳۵: ۱۳۸۲: ۱۳۸۶
۱۳۹۰: ۱۳۹۲: ۱۳۹۴: ۱۳۹۵: ۱۴۰۶
۱۴۰۸: ۱۴۰۹: ۱۴۱۱: ۱۴۱۳: ۱۴۱۶
۱۴۱۷: ۱۴۲۳: ۱۴۲۷: ۱۴۳۱: ۱۴۳۳
۱۴۳۵: ۱۴۴۰: ۱۴۴۰: ۱۴۵۲: ۱۴۵۵
۱۴۵۶: ۱۴۵۹: ۱۴۶۰: ۱۴۶۲: ۱۴۶۳
۱۴۶۸: ۱۴۸۵: ۱۴۸۷: ۱۴۸۸: ۱۴۹۵
۱۴۹۹: ۱۵۰۲: ۱۵۰۳: ۱۵۰۴: ۱۵۱۰
۱۵۲۱: ۱۵۲۴: ۱۵۲۵: ۱۵۲۷: ۱۵۳۱
۱۵۳۲: ۱۵۳۵: ۱۵۳۶: ۱۵۴۱: ۱۵۴۳
۱۵۴۴: ۱۵۵۳: ۱۵۵۳: ۱۵۵۳: ۱۵۵۸
۱۵۶۶: ۱۵۶۸: ۱۵۷۲: ۱۵۷۲: ۱۵۸۲

۱۵۸۲: ۱۵۸۵: ۱۵۸۷: ۱۵۹۳: ۱۵۹۵
۱۵۹۸: ۱۶۰۰: ۱۶۰۱: ۱۶۰۳
۱۶۰۵: ۱۶۰۹: ۱۶۱۲: ۱۶۱۵: ۱۶۱۹
۱۶۲۸: ۱۶۳۱: ۱۶۳۲: ۱۶۳۹: ۱۶۴۲
۱۶۴۴: ۱۶۴۶: ۱۶۴۷: ۱۶۵۵: ۱۶۶۲
۱۶۶۹: ۱۶۷۲: ۱۶۷۸: ۱۶۷۹: ۱۶۸۲
۱۶۸۷: ۱۶۹۲: ۱۶۹۷: ۱۷۰۰
۱۷۰۳: ۱۷۰۷: ۱۷۰۸: ۱۷۱۰: ۱۷۱۲
۱۷۱۵: ۱۷۱۸: ۱۷۱۹: ۱۷۲۱: ۱۷۳۳
۱۷۴۰: ۱۷۵۱: ۱۷۵۴: ۱۷۵۸: ۱۷۶۲
۱۷۶۶: ۱۷۶۵: ۱۷۷۰: ۱۷۷۱: ۱۷۷۳
۱۷۸۰: ۱۷۸۸: ۱۷۹۱: ۱۷۹۶: ۱۷۹۷
۱۷۹۹: ۱۸۰۱: ۱۸۰۵: ۱۸۰۷: ۱۸۰۹
۱۸۱۲: ۱۸۱۶: ۱۸۱۷: ۱۸۱۹: ۱۸۲۶
۱۸۲۷: ۱۸۲۹: ۱۸۳۶: ۱۸۳۶: ۱۸۴۷
۱۸۵۱: ۱۸۵۴: ۱۸۵۵: ۱۸۵۹: ۱۸۶۲
۱۸۷۰: ۱۸۷۲: ۱۸۷۶: ۱۸۷۹: ۱۸۸۰
۱۸۸۲: ۱۸۸۷: ۱۸۹۰: ۱۸۹۲: ۱۸۹۷
۱۸۹۸: ۱۹۱۰: ۱۹۱۲: ۱۹۱۵: ۱۹۲۱
۱۹۲۶: ۱۹۲۷: ۱۹۳۰: ۱۹۳۱: ۱۹۳۷
۱۹۳۹: ۱۹۴۱: ۱۹۴۶: ۱۹۴۷: ۱۹۴۹
۱۹۵۱: ۱۹۵۶: ۱۹۵۷
۱۹۵۹: ۱۹۶۱: ۱۹۶۵: ۱۹۶۷
۱۹۶۹: ۱۹۷۳: ۱۹۷۴: ۱۹۷۷: ۱۹۷۹
۱۹۸۲: ۱۹۸۳: ۱۹۸۵: ۱۹۹۱: ۱۹۹۸
۲۰۰۰: ۲۰۰۷: ۲۰۱۰: ۲۰۱۱: ۲۰۱۲
۲۰۲۲: ۲۰۲۴: ۲۰۲۷: ۲۰۲۸: ۲۰۳۶
۲۰۳۳: ۲۰۴۸: ۲۰۵۵: ۲۱۰۳: ۲۱۰۸
۲۱۲۷: ج ۱ ص ۵۳۴: ج ۲ ص ۸۹۵: ۱۲۶۲
روس = روس: ج ۱ ص ۲۸۵: ۲۷۷: ۲۸۷: ۲۸۸
۲۹۰: ۲۹۱: ۲۹۲: ۲۹۵: ۵۳۵
۵۳۷: ۵۴۲: ج ۳ ص ۱۴۷۸: ۱۴۸۲
۱۴۸۳: ۱۵۱۰: ۱۵۱۶: ۱۵۱۶: ۱۵۷۶: ۱۵۸۱
۱۵۹۱: ۱۵۹۴: ۱۵۹۹: ۱۶۰۹: ۱۶۱۲
۱۶۴۱: ۱۶۹۳: ۱۶۹۷: ۱۶۹۸: ۲۰۰۱
۲۰۱۴: ۲۰۲۱: ۲۰۲۶: ۲۰۲۶: ۲۰۲۶
روسيه: پتريک و آباران: ج ۳ ص ۱۳۹۷
روضات مقدسات: ج ۲ ص ۹۱۸
روضه باغ (سزل): ج ۳ ص ۱۵۱۹
روضه حضرت رضا (روضه مقدسه رضوي): ج ۱
ص ۴۷۹: ج ۲ ص ۲۰۷: ۲۰۷: ۸۶۲
۸۷۲: ۸۸۲: ۸۹۷: ۹۰۲: ۹۶۸: ۱۱۲۵
۱۱۴۵: ج ۳ ص ۱۲۳۳: ۱۲۳۷: ۱۲۶۷
۱۲۶۸: ۱۲۶۸: ۱۵۲۷: ۱۶۸۹: ۱۷۰۵

۱۸۲۲: ۱۸۲۶: ۱۸۹۳: ۲۰۱۲
روضه علوي: ج ۳ ص ۱۹۱۶
روضه کاظمين: ج ۳ ص ۱۶۳۷
روضه مطهره: حضرت معصومه: ج ۳ ص ۱۷۹۷
روضه مقدسه: حضرت عبدالعظيم: ج ۳ ص
۹۲۵: ج ۳ ص ۱۶۴۹: ۲۱۱۳
روم: ج ۱ ص ۲۲: ۲۵: ۲۷: ۲۹: ۳۰: ۳۶
۲۸: ۲۹: ۳۱: ۴۲: ۵۰: ۵۲: ۵۳: ۵۵: ۵۹
۷۳: ۷۸: ۸۰: ۹۱: ۹۸: ۱۰۴: ج ۱ ص ۱۰۵
۱۱۲: ۱۱۵: ۱۱۷: ۱۱۸: ۱۲۱: ۱۲۲
۱۲۷: ۱۵۳: ج ۱ ص ۱۵۴: ۱۵۶: ۱۶۲: ۲۳۴
۲۳۹: ۲۵۵: ۲۶۲: ۲۶۳: ۲۷۸: ۳۰۸
۳۲۸: ۳۳۳: ۳۳۳: ج ۲ ص ۶۰۱: ۶۰۲
۶۱۴: ۶۳۷: ۶۳۸: ۶۷۳: ۶۷۴: ۷۴۰
۸۱۴: ۸۵۸: ۱۰۲۹: ۱۰۶۴: ۱۰۷۲
۱۰۹۶: ۱۱۱۸: ۱۱۳۴: ۱۱۳۶: ۱۱۳۸
۱۱۴۰: ۱۱۴۱: ج ۲ ص ۱۲۲۲: ۱۲۲۶
۱۲۳۴: ۱۲۳۵: ۱۲۳۸: ۱۲۴۰: ۱۲۴۲
۱۲۶۲: ۱۲۶۶: ۱۴۷۳: ۱۶۷۱: ۱۷۰۳
۱۷۰۷: ۱۷۰۹: ۱۷۱۰: ۱۷۱۵: ۱۷۷۶
۱۸۲۸: ۱۸۷۰
روماني: (دولت): ج ۱ ص ۵۶۳: ج ۲ ص
۱۲۶۷: ۱۳۰۵: ج ۳ ص ۲۱۰۹: ۲۱۴۹
روماني شرقي: ج ۳ ص ۲۰۰۱
روم ايلي: ج ۲ ص ۶۵۶: ۶۷۰: ۶۷۴
روملي (از خاک عثمانی): ج ۲ ص ۹۵۵: ج
۳ ص ۱۴۸۲: ۱۹۹۰
رويه: ج ۳ ص ۱۷۵۱: ۱۸۶۲: ۱۸۷۸: ۱۸۷۹
۱۹۲۲: ۱۹۲۰: ۱۹۳۱
رويه الصغرى: ج ۱ ص ۱۴۲: ۱۴۲: ۱۴۵
۱۴۸: ۱۵۰: ۱۵۰: ۱۵۲: ۱۵۶: ۱۶۵: ۱۶۹
۱۸۳: ۱۸۴: ۱۸۶: ۱۹۱: ۱۹۷: ۲۰۰
۲۱۴: ۲۱۶: ۲۱۸: ۲۲۰: ۲۲۲: ۲۲۷: ۲۲۷
۲۲۸: ۲۳۰: ۲۳۱: ۲۳۲: ۲۳۵: ۲۳۸
۲۴۰: ۲۴۴: ۲۴۴: ۲۵۵: ۲۶۰: ۲۶۱
۲۶۵: ۲۶۷: ۲۶۹: ۲۷۱: ۲۷۳: ۲۷۶
۲۸۰: ۲۸۶: ۳۰۸: ۳۱۲: ۳۲۲: ۳۳۳
۳۴۵: ۳۴۹: ۳۹۲: ۴۳۵: ۵۳۵: ج ۲ ص
۶۴۳: ۶۵۰: ۶۵۴: ۶۵۶: ۶۵۹: ۷۷۳
۸۹۷: ۹۳۵: ۹۸۸: ۱۰۷۲: ۱۱۳۱
۱۱۴۰: ۱۱۴۱: ۱۱۴۶: ۱۱۵۸: ۱۱۷۰
۱۱۷۱: ۱۱۸۳: ۱۱۸۵: ۱۱۸۶: ۱۱۸۸
۱۳۰۵: ج ۳ ص ۱۳۵۹: ۱۵۶۱
رويه الكبرى: ج ۱ ص ۱۹۰

زولاند : ج ۳ ص ۲۰۵۲ .
 زوند (محال) : ج ۳ ص ۱۵۸۳ .
 زهاب (ولایت) : ج ۷ ص ۱۰۳۲ : ج ۳ ص
 ۱۷۸۳-۱۰۱۵-۵۰۱۵-۱۶۸۱-۱۷۸۶ .
 زهرا (شهر) نزدیک قرطبه : ج ۱ ص ۲۵۱ .
 زی جست (در ساجستان) : ج ۲ ص ۸۵۲ .
 زیدر (منزل) در راه خراسان :
 زیدون کهگیلویه : ج ۲ ص ۹۲۴ .
 زیزا (برگ) : ج ۲ ص ۵۷۹-۵۵۵ .
 زینس نوا : ج ۳ ص ۱۴۱۹ .



100



زات (پلد) : ج ۱ ص ۱۲۱، ۴۵۸.
 وابلستان : ج ۲ ص ۱۰۳۵.
 زاخو : ج ۲ ص ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳

ساباط: ج ۱ ص ۴۳۰۲۰
 سادوا: ج ۳ ص ۱۸۷۸
 سار: ج ۳ ص ۱۴۰۵
 ساراتو: ج ۳ ص ۱۶۰۵
 ساراگس (شهر): ج ۱ ص ۱۷۱: ج ۳ ص ۱۸۸۹، ۱۸۱۶
 ساربروک (شهر): یا: ساربروک: ج ۳ ص ۱۸۲۷: ۱۹۱۹
 ساردن (ساردین): ج ۲ ص ۱۰۶، ۱۰۲۸
 ۱۰۹۹: ج ۳ ص ۱۴۶۶، ۱۴۲۲، ۱۷۰۲
 ۱۷۰۷، ۱۷۶۲، ۱۷۵۱، ۱۷۰۹، ۱۷۷۸
 ۱۷۷۹، ۱۷۸۸، ۱۷۹۰، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶
 ۱۸۱۲، ۱۸۱۶، ۱۸۱۹، ۱۸۲۸، ۱۸۳۶
 ۱۹۲۵
 ساوسکولم (شهر): ج ۳ ص ۱۹۲۱
 ساروق فراهان: ج ۳ ص ۱۷۲۱، ۱۷۲۷
 ساری: ج ۱ ص ۲۰۸، ۵۴۲، ۵۵۰: ج ۲ ص ۱۲۵۹، ۱۲۵۸، ۱۲۶۲، ۱۹۱۱، ۱۹۰۶
 ۲۱۷۲، ۲۱۷۳، ۲۱۷۶، ۲۱۷۷، ۲۱۸۶
 ۱۳۰۴: ج ۳ ص ۱۳۰۹، ۱۳۵۷، ۱۳۷۴
 ۱۳۷۵، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶
 ۱۳۸۸، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۴۰۵، ۱۴۶۲
 ۱۶۳۶، ۱۷۳۵، ۱۷۳۷، ۱۷۷۶، ۱۹۵۸
 ۱۹۹۵، ۲۱۲۴، ۲۱۳۶
 ساریتمین (شهر): ج ۲ ص ۱۹۲۱
 ساریفتش: ج ۲ ص ۵۸۳
 سالار آباد: ج ۲ ص ۱۲۲۲
 سالبروک: ج ۲ ص ۶۶۶
 ساگی (دولت): ج ۱ ص ۲۰۹، ۵۶۱: ج ۲ ص ۷۶۴، ۱۱۶۶، ۱۲۷۴، ۱۲۸۶، ۱۳۰۴
 ج ۲ ص ۱۲۸۲، ۱۲۸۸، ۱۵۲۸، ۱۵۹۳
 ۱۶۰۴، ۱۶۰۸، ۱۶۵۵، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹
 ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۷۵، ۱۸۲۷، ۱۸۶۸
 ۱۸۷۷، ۱۸۸۹، ۱۹۵۰، ۱۹۶۵، ۲۱۲۷
 سالیسبورگ = سالزبورگ (شهر): ج ۳ ص ۱۸۶۶، ۱۸۶۸، ۱۸۸۹، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶
 ۱۹۶۶، ۱۹۷۳، ۱۹۸۱
 سالم (قلمب): از خیبر: ج ۱ ص ۲۶
 سالمن (جزایر): ج ۲ ص ۸۵۵
 سالبروک: ج ۳ ص ۱۷۲۴
 سالونیک (بندر عثمانی): ج ۳ ص ۱۹۶۸
 سالیان: ج ۲ ص ۷۹۲، ۱۰۱۵: ج ۳ ص ۱۴۰۵

۱۲۲۸، ۱۲۳۲، ۱۲۸۳، ۱۵۲۰، ۱۵۷۶
 سامرا، سامره (سومن رای): ج ۱ ص ۱۸۵ تا ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰ تا ۲۰۲، ۲۰۴ تا ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۴۸
 ۵۳۲: ج ۲ ص ۹۱۸، ۱۰۳۲، ۱۰۴۳
 ۱۱۲۹، ۱۲۶۱: ج ۲ ص ۱۵۵۰، ۱۹۱۶
 سالیس (شهر): از عثمانی: ج ۲ ص ۱۶۰۴
 سامان دشتی (شهر): ج ۲ ص ۱۷۲۷
 سان استنان (فریب): ج ۳ ص ۱۹۸۶
 ۱۹۸۸، ۱۹۸۹
 سامبریک (شهر): ج ۳ ص ۱۸۶۲
 سان تیاگو (پایتخت شیلی): ج ۱ ص ۵۶۶
 ج ۲ ص ۱۲۰۹: ج ۳ ص ۲۱۵۳
 سانجی: ج ۲ ص ۱۲۰۵: ج ۳ ص ۲۰۲۹
 ساندوچ (جزیره): ج ۱ ص ۵۶۶: ج ۲ ص ۱۲۰۴، ۱۲۱۰: ج ۳ ص ۲۱۵۳
 سان ژوز: ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص ۱۳۰۸: ج ۳ ص ۲۱۵۱، ۱۸۰۵
 سان سالوادور (جزیره): ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص ۷۳۳، ۱۲۸۸، ۱۸۷۲، ۲۱۵۲
 سان فرانسیسکو: ج ۳ ص ۱۸۲۸
 سان لوی: ج ۳ ص ۱۷۸۰، ۱۸۵۵
 سانمار: ج ۱ ص ۱۵۸
 ساو (رود): ج ۲ ص ۱۱۲۴: ج ۳ ص ۱۲۰۹
 ساوا: ج ۳ ص ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۱، ۱۸۳۸
 ساوجیلاخ: ج ۱ ص ۲۷۷، ۲۷۸، ۵۲۵، ۵۴۶
 ۵۴۲، ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۹۵، ۱۰۲۶
 ۱۱۳۳، ۱۱۳۷، ۱۱۴۹، ۱۱۹۰، ۱۲۲۲
 ۱۲۵۰، ۱۲۶۵، ۱۲۷۲، ۱۲۷۹، ۱۲۸۲
 ۱۲۹۵، ۱۳۰۲: ج ۲ ص ۱۹۹۴، ۲۰۱۰
 ۲۰۱۱، ۲۰۱۶، ۲۰۲۵، ۲۰۹۱، ۲۰۹۵
 ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۷، ۲۱۲۱، ۲۱۲۴
 ۲۱۳۳: ج ۳ ص ۱۳۳۰، ۱۶۰۸، ۱۷۱۵
 ۱۷۳۳
 سار: ج ۲ ص ۱۱۲۵: ج ۳ ص ۱۵۳۹
 ساو: ج ۱ ص ۱۰۱۶، ۱۰۳۰، ۱۰۳۰: ج ۳ ص ۱۲۲۲
 ساوه: ج ۱ ص ۷۰، ۱۳۰، ۲۵۹، ۳۴۲
 ۴۳۰، ۴۳۱، ۵۰۴، ۵۲۶، ۵۵۲، ۵۵۹
 ج ۲ ص ۶۷۶، ۷۰۲، ۱۲۳۹، ۱۲۶۹
 ۱۲۷۹، ۱۲۸۸، ۱۲۹۱، ۱۳۰۰: ج ۳ ص ۱۳۹۵، ۱۴۹۱، ۱۵۷۵، ۱۷۳۱، ۱۷۸۶
 ۱۳۹۵، ۱۴۹۱، ۱۵۷۵، ۱۷۳۱، ۱۷۸۶
 ۱۷۸۷، ۱۸۱۱، ۱۸۵۱، ۱۸۶۰، ۱۸۸۳

۱۹۶۳، ۱۹۶۵، ۲۰۳۶، ۲۰۷۸، ۲۰۸۱
 ۲۰۸۳، ۲۱۱۳، ۲۱۴۵
 ساوجیلاخ مکری — ساوجیلاخ
 سایر: ج ۳ ص ۱۷۷۶
 سیاخ (در بصره): ج ۱ ص ۲۰۵
 سیقه (بلد): ج ۱ ص ۳۲۴: ج ۲ ص ۵۹۱، ۹۵۲
 سیره: ج ۱ ص ۱۵، ۵۲
 سیز (شهر): ج ۲ ص ۷۵۲، ۸۳۰
 سیزار (فریب): ج ۲ ص ۶۷۹: ج ۳ ص ۱۵۷۳
 سیز سوقند (شهر): ج ۳ ص ۱۲۲۹
 سیزوار: ج ۱ ص ۵۴۳، ۵۴۶، ۵۵۰: ج ۲ ص ۶۲۹، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۶، ۷۰۹
 ۷۵۳، ۷۹۴، ۸۸۲، ۸۹۰، ۱۰۸۸، ۱۲۷۴
 ۱۲۷۷، ۱۲۷۹، ۱۲۸۵: ج ۳ ص ۱۲۷۴
 ۱۴۰۲، ۱۴۱۲، ۱۴۵۷
 ۱۲۵۸، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۵۹۳، ۱۶۰۵
 ۱۶۰۷، ۱۶۱۲، ۱۶۴۱، ۱۶۸۵، ۱۶۹۳
 ۱۶۹۴، ۱۷۱۸، ۱۷۳۰، ۱۷۳۷، ۱۸۱۰
 ۱۸۹۲، ۱۸۹۴، ۱۹۹۴، ۲۱۲۳، ۲۱۲۸
 ۲۱۳۵
 سیزی میدان: ج ۳ ص ۱۹۹۵
 سبطیه: ج ۱ ص ۱۰۴۲
 سبطیه (شهر): ج ۱ ص ۵۴
 سینجاب: ج ۲ ص ۱۳۲۵
 ستاره (قلمب): ج ۲ ص ۹۹۸
 شین (پایتخت متنگرو): ج ۱ ص ۵۶۳: ج ۲ ص ۱۳۰۶
 جستان: ج ۱ ص ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۶۱، ۶۲، ۶۷
 ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۸۳، ۹۱، ۹۶، ۱۰۱
 ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۷۰
 ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۳۰، ۲۳۱
 ۲۶۸، ۲۹۱، ۳۹۴: ج ۲ ص ۱۰۲۱
 سلطانیه (شهر): ج ۱ ص ۱۲۷، ۱۵۶، ۱۸۰
 ۲۲۹، ۲۲۴
 سخوم (قلمب): ج ۳ ص ۱۸۷۹
 سدان: ج ۳ ص ۱۹۲۰
 سدقم: ج ۳ ص ۱۶۲۱
 سد ناصری در حویزه: ۱۷۷۰
 سواب (قلمب): ج ۳ ص ۱۴۱۳، ۱۴۴۲، ۱۴۹۵
 ۱۶۷۳، ۱۷۷۲
 سراجو (شهر): ج ۲ ص ۱۹۸۶
 سراف: ج ۱ ص ۸۲
 سواکوس یا: سواکوس (شهر): ج ۱ ص ۱۶۲

۰۲۱۳۰۱۸۲

سرای امیر: ج ۳ ص ۱۷۵۷

سرای دولت: ج ۲ ص ۱۱۹۸، ۱۱۹۷

سرای سلطنتی: ج ۳ ص ۱۶۹۳

سرای عشق: ج ۲ ص ۷۰۵

سرای ماهی: ج ۲ ص ۱۰۹۳

سرب — سرب

سربستان = یلگراذ: ج ۲ ص ۹۹۰، ۹۹۳، ۱۰۱۴

سرای: ج ۳ ص ۱۲۴۶، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲

سرای: ج ۳ ص ۱۴۷۴، ۱۴۸۴، ۱۴۹۷، ۱۵۰۳، ۱۵۰۸

سرای: ج ۳ ص ۱۵۷۷، ۱۶۰۱، ۱۶۰۵

سرای: ج ۳ ص ۱۷۶۳، ۱۸۱۶، ۱۸۲۰، ۱۸۳۷، ۱۸۵۵

سرای: ج ۳ ص ۱۸۹۰، ۱۸۹۶، ۱۹۷۳، ۲۰۲۶، ۲۰۵۱

سربند عراقی: ج ۳ ص ۱۸۵۷

سربنده (بیلاهی): ج ۲ ص ۷۹۸

سربی (ایالت): ج ۱ ص ۵۶۳، ج ۲ ص ۶۹۱

سربی: ج ۱ ص ۱۰۱۵، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۳۰۵، ج ۳ ص

سربی: ج ۳ ص ۱۵۷۷، ۱۸۳۰، ۱۸۴۷، ۱۹۰۲، ۱۹۵۷

سربی: ج ۳ ص ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳

سربی: ج ۳ ص ۲۰۴۸، ۲۰۵۰، ۲۱۴۹

سربل: ج ۱ ص ۵۴۹، ج ۲ ص ۱۲۸۳، ج ۳ ص

۰۲۱۳۲

سرجام: ج ۳ ص ۱۵۶۷، ۱۶۱۱، ۱۶۴۱، ۱۷۳۶

سرجنده، انکار: ج ۳ ص ۱۸۹۶

سرجم: ج ۳ ص ۱۵۰۹، ۱۶۲۹

سرخ (قلع): ج ۱ ص ۴۶۷

سرحاب (قلع): ج ۲ ص ۸۱۰، ۷۷۰

سرخ دشت: ج ۲ ص ۱۱۷۶

سرحس: ج ۱ ص ۱۷۶، ۱۷۶، ۱۹۶، ۲۲۰، ج ۲ ص

ص ۸۸۰، ۷۱۱، ۷۰۹، ۶۹۶، ۶۵۳

سرای: ج ۳ ص ۱۴۷۸، ۱۵۲۸، ۱۵۶۷

سرای: ج ۳ ص ۱۵۷۳، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۳

سرای: ج ۳ ص ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۷۰۶، ۱۷۱۱، ۱۷۱۳

سرای: ج ۳ ص ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۴۱، ۱۷۵۶، ۱۷۶۹

سرای: ج ۳ ص ۱۷۸۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۱۵، ۱۸۲۳

سرای: ج ۳ ص ۱۸۲۲، ۲۰۳۶، ۲۰۸۸

سرخه ده: ج ۳ ص ۱۸۹۶

سرخه سنان: ج ۲ ص ۱۱۴۶

سرخه شهر: ج ۲ ص ۱۱۲۰

سودارآباد: ج ۳ ص ۱۵۷۸

سردانیه (جزیره) در بحر روم: ج ۱ ص ۱۰۱

۰۲۴۹

سردشت (صحرای): ج ۲ ص ۱۱۶۳، ج ۳ ص

۰۱۵۰۱

سرسی (قلع): در هند: ج ۱ ص ۳۰۹

سرقندکار: ج ۲ ص ۶۰۶

سرقوسه (شهر): ج ۱ ص ۲۱۰

سرمیاج (قلع): ج ۱ ص ۳۱۹

سرمین رای — حصار

سرمیدان زیاد — جبل

سرمین: ج ۲ ص ۶۲۸

سرو (بلد): ج ۱ ص ۳۷۸

سروان: ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۵

سروج: ج ۱ ص ۲۶۱، ۲۱۳، ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۵۲

سروج: ج ۱ ص ۳۷۹، ۴۰۶، ۴۲۵، ۴۳۴

سروستان: ج ۲ ص ۱۸۰۷

سروایت نیشابور: ج ۳ ص ۱۶۹۹

سروی: ج ۲ ص ۱۲۰۶

سعدآباد (قصر): در اسلامبول: ج ۲ ص ۱۰۱۹

سعدآباد ورامین: ج ۳ ص ۱۳۸۳

سعدان: ج ۱ ص ۱۱۵

سعد سمرقند: ج ۱ ص ۷۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۸

سعد: ج ۱ ص ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۴۹

سقاطیه کسکر: ج ۱ ص ۳۸

سکز = شیوکیو (جزیره): ج ۲ ص ۱۲۰۲

سفتاق (معال برک): ج ۲ ص ۱۵۷۱

سکر: ج ۱ ص ۵۴

سکه الدهاقین (کوچه‌ای در بلخ): ج ۱ ص

۰۱۹۹

سلا (شهر): ج ۱ ص ۴۱۸، ۲۲۴

سلمیس (جزیره): ج ۲ ص ۷۶۱، ۷۷۱

سلموز: ج ۱ ص ۳۷۸، ج ۲ ص ۱۵۸۰

سلمدوس (ولایت): ج ۲ ص ۱۳۳۲

سلطان آباد: ج ۱ ص ۵۴۲، ج ۲ ص ۱۲۷۲

ج ۳ ص ۱۵۹۲، ۱۶۰۷، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶

۰۲۱۲۲، ۱۷۶۸

سلطان بود: ج ۲ ص ۱۵۰۲

سلطان سیر: ج ۱ ص ۱۱۵

سلطان میدان: ج ۲ ص ۱۶۰۷

سلطانیه (عمارت): ج ۲ ص ۶۱۲، ۶۱۳

۰۶۱۷، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۶

۰۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۹۵، ۷۱۵، ۷۸۷

۰۸۰۱، ۸۱۰، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۷۹، ۱۰۲۳

۰۱۱۴۴، ۱۱۶۰، ج ۳ ص ۱۲۳۶، ۱۲۴۵

۰۱۴۸۳، ۱۴۸۵، ۱۴۹۲، ۱۵۰۰، ۱۵۳۶

۰۱۵۴۳، ۱۵۵۱، ۱۵۶۹، ۱۶۹۲، ۱۸۱۳

تا ۱۸۱۵، ۱۸۲۱

سلطانیه (کشتی): ج ۳ ص ۱۹۳۶، ۱۹۷۷

سلطنت آباد: ج ۱ ص ۲۷۰، ۲۷۲، ۵۵۶، ج ۲

ص ۱۲۹۲، ج ۳ ص ۱۸۲۴، ۱۸۳۹، ۱۸۶۴

۰۱۸۶۵، ۱۸۸۷، ۱۸۹۷، ۱۹۰۸، ۱۹۹۵

۰۲۰۰۸، ۲۰۴۲

سلفورین: ج ۲ ص ۱۸۱۷

سلطاس: ج ۱ ص ۲۳۸، ۵۲۵، ۵۴۲، ج ۲ ص

۰۶۸۶، ۸۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۱۱۶۳، ۱۲۷۲، ۱۳۱۱

۰۹۱۲، ۹۱۳، ۱۱۶۳، ۱۲۷۲، ج ۳ ص ۱۲۳۶

۰۱۲۴۹، ۱۲۵۳، ۱۲۵۷، ۱۵۵۴، ۱۵۷۹

۰۱۷۱۳، ۱۷۲۶، ۱۸۰۲، ۱۸۵۷، ۱۹۱۴

۰۲۱۲۱، ۲۱۲۳، ۲۱۴۶

سلطان: ج ۲ ص ۶۷۷

سلطه: ج ۲ ص ۶۲۸

سلمیه (بلد): نزدیک حمص: ج ۱ ص ۴۲

۰۲۲۲، ۲۱۳، ۲۲۵، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۱

۰۲۵۱

سلموبیا: ج ۲ ص ۱۵۰۳

سلمی: ج ۱ ص ۱۸۲

سلمیانه (شهر): ج ۱ ص ۵۳۲، ج ۲ ص

۰۹۸۷، ۱۲۶۲، ج ۳ ص ۱۴۷۸، ۱۴۷۹

۰۱۵۰۱، ۱۵۰۴، ۱۵۵۰، ۱۵۶۹، ۱۶۷۳

۰۱۶۸۱، ۱۷۱۵، ۲۱۰۶

سلمیه: ج ۱ ص ۴۱۱

سماوه (ارض): ج ۱ ص ۲۶۸

سمرقند: ج ۱ ص ۷۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۰۹

۰۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۵۰۰، ۱۶۷۰، ۱۷۰۰

۰۲۰۶، ۲۲۷، ۲۸۵، ۲۹۵، ۳۱۷، ۳۱۹

۰۳۴۳، ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۲، ج ۲ ص ۶۵۷

۰۶۵۸، ۶۶۲، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۸۲

۰۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۸ تا ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۰۶

۰۷۰۹ تا ۷۱۲، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۳۲، ۷۳۳

۰۷۳۶، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۵۲، ۷۵۵ تا

۰۷۵۷، ۷۵۹، ۷۸۲ تا ۷۸۴، ۷۸۶، ۷۹۸

۰۸۲۰، ۸۳۱، ۸۴۷، ۸۹۱، ۸۹۴، ۱۱۲۴

ج ۲ ص ۱۴۳۹، ۱۵۲۰، ۱۸۷۰، ۱۹۰۲

سلطان: ج ۳ ص ۱۶۸۸

سنان: ج ۱ ص ۱۳، ۵۰۷، ۵۲۳، ۵۳۶، ۵۵۰

۰۵۵۲، ۵۵۹، ج ۲ ص ۶۷۲، ۶۹۸، ۷۲۳

۰۷۶۱، ۸۷۲، ۸۸۲، ۹۱۵، ۹۵۹، ۹۸۴

۰۱۰۳۵، ۱۱۳۷، ۱۱۴۹، ۱۱۸۲، ۱۲۲۵

۰۱۲۴۶، ۱۲۷۴، ۱۲۷۹، ۱۲۸۵، ۱۲۸۷

۰۱۳۰۱، ج ۳ ص ۱۳۸۷، ۱۴۴۹، ۱۴۵۷

۰۱۴۵۸، ۱۴۶۴، ۱۴۶۷، ۱۴۸۷، ۱۵۳۹

۱۲۹۹، ۱۲۹۲، ۱۲۸۸، ۱۲۷۲، ۱۲۵۹
 ۱۵۳۱، ۱۵۲۸، ۱۵۲۵، ۱۵۲۲، ۱۵۰۰
 ۱۷۷۹، ۱۷۷۷، ۱۷۲۱، ۱۷۰۳، ۱۵۲۳
 ۱۹۶۰، ۱۹۰۱، ۱۸۹۶، ۱۸۴۶، ۱۷۹۹
 ۲۰۵۱
 سولان: ج ۱ ص ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۹۴، ۲۰۰، ج ۲
 ص ۱۲۰، ج ۳ ص ۱۳۳، ۱۸۰۱، ۱۸۰۰
 ۲۰۵۱
 سولان مرکزی: ج ۳ ص ۱۸۲۷
 سور: ج ۲ ص ۷۸۲
 سورت (بندر): ج ۲ ص ۹۹۱
 سورالروم: ج ۱ ص ۶۲
 سوریه: ج ۱ ص ۵۵، ۸۲، ۱۰۰، ۱۰۲، ج ۳
 ۱۲۵۵
 سوس و شوش: ج ۱ ص ۲۸، ۲۲۴، ۲۲۲
 سوستاپل: ج ۳ ص ۱۷۶۵، ۱۷۷۶
 سوسنه (از مصیبه): ج ۱ ص ۹۸، ۱۰۰
 سوغانبوق (قریبه): ج ۲ ص ۱۲۵۲
 سوق الاهواز: ج ۱ ص ۴۷
 سوق بغداد: ج ۱ ص ۲۶، ۲۹
 سوق الخفاف: ج ۱ ص ۲۹
 سوق عسکر (بیتام): ج ۱ ص ۲۳
 سوبانرا (جزیره): ج ۲ ص ۷۵۲، ج ۳
 ۱۹۷۰
 سومات: ج ۱ ص ۲۰۵
 سوند (دریای): ج ۳ ص ۱۲۱۷
 سونگر (در چین): ج ۲ ص ۹۲۹
 سوهان (منزل): ج ۳ ص ۱۸۹۵
 سوهانک (قریبه): ج ۳ ص ۱۵۹۸
 سوبده: ج ۱ ص ۲۱۰
 سوتز (مجمع البحرین): ج ۳ ص ۱۸۰۸
 سوس: ج ۱ ص ۵۲۴، ۵۲۲، ج ۲ ص ۷۶۲
 ۱۰۱۱، ۸۵۰، ۸۲۳، ۸۲۰، ۷۹۸، ۷۹۷
 ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۶۲، ۱۲۰۶، ج ۳
 ۱۶۹۷، ۱۶۶۳، ۱۶۵۵، ۱۶۵۱، ۱۶۲۲
 ۱۷۸۹، ۱۷۶۲، ۱۷۶۲، ۱۷۲۱، ۱۷۱۰
 ۱۹۴۵، ۱۹۱۲، ۱۸۸۲، ۱۸۷۰، ۱۸۱۹
 ۲۱۲۹، ۲۰۵۱
 سوبل (شهر): از اسپانیول: ج ۱ ص ۱۲۰
 سهل آباد: ج ۳ ص ۱۶۹۰
 سهند: ج ۳ ص ۱۳۳۶
 سیا (بندر): ج ۲ ص ۱۱۶۲
 سیالکوت: ج ۲ ص ۷۶۷
 سیام: ج ۱ ص ۱۴۹، ۱۵۱، ۵۶۴، ج ۲ ص

سند هند: ج ۱ ص ۷۰، ۷۲، ۹۱، ۹۹، ۱۰۷
 ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰
 ۱۵۰ تا ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۸، ۱۸۱
 ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۲۱۱، ۲۷۸، ۲۳۴
 ج ۲ ص ۶۲۷، ۶۲۳، ۶۶۳، ۷۲۸، ۷۵۹
 ۷۷۱، ۸۲۵، ۸۷۳، ۸۸۹، ۹۰۸، ۱۱۲۲
 ۱۱۲۳، ج ۲ ص ۱۲۳۶، ۱۳۳۵، ۱۳۸۷
 ۱۴۹۲، ۱۴۹۶، ۱۵۹۴، ۱۶۰۲، ۱۶۵۲
 ۱۶۶۹، ۱۷۶۳، ۱۸۵۲
 سلمینانی: ج ۳ ص ۲۰۵۲
 سنده (قریبه): ج ۱ ص ۲۷۸، ۲۵۷
 سنقر: ج ۳ ص ۱۸۰۴
 سنقرآباد: ج ۳ ص ۱۹۱۰
 سنقراسقر: ج ۲ ص ۵۹۷، ج ۳ ص ۱۹۱۰
 سن کنار: ج ۳ ص ۲۰۵۱
 سن گنا (کوف): ج ۲ ص ۱۲۰۶، ۱۲۰۷
 سنگاپور: ج ۲ ص ۱۵۲۳
 سنگال: ج ۳ ص ۱۸۲۱، ۱۸۲۷
 سنگمت جام (منزل): ج ۳ ص ۱۵۳۵
 سنگ بست هرات: ج ۳ ص ۱۵۷۳
 سنگرباش بازاران: ج ۳ ص ۱۵۷۰
 سنگج (مطعم): ج ۱ ص ۵۲۶، ۵۵۶، ج ۲ ص
 ۱۲۵۲
 سنلوک (رود): ج ۳ ص ۱۳۲۶، ۱۳۲۴
 ۲۰۹۶
 سندج گردستان: ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۲ ص ۹۸۹
 ۱۰۲۳، ۱۱۱۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ج ۳ ص
 ۱۲۷۹، ۱۶۶۱، ۱۸۱۵، ۲۱۲۴
 سواحل: ج ۱ ص ۲۲۰
 سوادلی (شهر): = قیاق: ج ۱ ص ۲۳۵
 سواد کوه: ج ۱ ص ۵۵۲، ۵۶۰، ج ۲ ص ۸۸۱
 ۹۰۶، ۹۵۷، ۹۶۲، ۱۲۳۹، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹
 ۱۳۰۲، ج ۳ ص ۱۲۸۱، ۱۳۹۳
 سواستاپول: ج ۳ ص ۱۴۰۹، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹
 ۱۷۸۸، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱
 سوانهره: ج ۱ ص ۵۷
 سوت هامتن (بندر انگلیس): ج ۳ ص ۱۸۲۸
 سود: ج ۱ ص ۲۹۱، ۳۷۵، ۳۸۳، ۴۸۶، ج ۲ ص
 ۵۸۷، ۷۲۸، ۷۷۳، ۸۵۵، ۸۹۰، ۹۰۲
 ۹۰۷، ۹۵۵، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۶، ۹۹۰
 ۹۹۲، ۹۹۹، ۱۰۰۳، ۱۰۰۷، ۱۰۱۲
 ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۱۲۷، ۱۱۵۰، ۱۱۵۸
 ۱۱۷۲، ج ۳ ص ۱۳۹۸، ۱۳۰۸، ۱۴۰۹
 ۱۴۱۱، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳

۱۵۵۲، ۱۵۶۸، ۱۶۰۶، ۱۶۲۵، ۱۶۳۷
 ۱۶۳۹، ۱۶۴۶، ۱۶۸۲، ۱۷۱۲، ۱۷۲۳
 ۱۷۲۷، ۱۸۸۴، ۱۸۸۶، ۱۸۹۲، ۱۹۱۴
 ۱۹۲۷، ۲۰۲۰، ۲۰۲۲، ۲۰۷۰، ۲۱۱۳
 ۲۱۲۲، ۲۱۲۸، ۲۱۳۵، ۲۱۴۶
 سندره: ج ۱ ص ۱۱۹
 سندریه (بایستخت سری): ج ۲ ص ۶۹۱
 سموات: ج ۱ ص ۵۲۴، ج ۲ ص ۱۲۴۲، ج ۳
 ص ۲۱۰۶
 سموم: ج ۲ ص ۹۵۸، ۹۵۴، ج ۳ ص ۱۳۹۸
 سموم علیا: ج ۳ ص ۱۴۱۴، ۱۵۹۹
 سمیاط: ج ۱ ص ۱۹۷، ۲۶، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۳۷
 سن اتمین (کلیسا): ج ۲ ص ۱۸۰۱
 سنت آتیه: ج ۳ ص ۱۵۹۴، ۱۶۵۶
 سنت بارطلمی: ج ۲ ص ۸۵۸
 سنت بطروربورغ: ج ۱ ص ۵۶۳، ج ۲ ص ۱۳۰۵
 ج ۳ ص ۱۷۵۱، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵
 ۱۷۵۸، ۱۷۶۴، ۱۷۷۲، ۱۷۷۴، ۱۷۸۳
 ۱۷۸۴، ۱۷۷۴، ۱۷۷۲، ۱۷۶۴، ۱۷۵۸
 ۱۷۹۲، ۱۸۱۵، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۷۹
 ۲۱۲۹
 سنت پل (کلیسا): در انگلستان: ج ۲ ص
 ۹۸۵
 سنت دوینگ (جزیره): ج ۲ ص ۵۶۰، ۵۶۶
 ۹۷۰، ۱۳۱۰، ج ۳ ص ۱۸۸۲
 سنت زان (درینگی دنیا): ج ۲ ص ۸۰۹
 ج ۳ ص ۱۸۳۹
 سنت ژرمین (قصر): ج ۲ ص ۹۹۴، ۱۰۰۲
 سنت سیاستین: ج ۲ ص ۱۸۲۰
 سنت سیر (مدرسه): در فرانسه: ج ۲ ص ۹۹۲
 سنت گلو (عمارت سلطنتی): ج ۲ ص ۸۸۸
 ج ۳ ص ۱۹۲۱
 سنت لوی (آبالت): ج ۳ ص ۱۸۲۱
 سنت مر: ج ۳ ص ۱۹۱۳
 سنت ملین (جزیره): ج ۲ ص ۷۴۳، ۹۵۶
 سنجان: ج ۱ ص ۲۳۱، ۲۴۳، ۳۴۰، ۳۶۳
 ۳۶۶، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۶
 ۶۲۲، ۶۲۶، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۷، ۶۴۸
 ۶۵۲، ج ۲ ص ۵۷۹
 منجر (کلیسا): ج ۱ ص ۱۳۹
 من دنی (کلیسا): ج ۱ ص ۴۲، ج ۳ ص
 ۱۲۲۷
 مندره (شهر): ج ۱ ص ۱۲۰
 من دوینگ: سنت دوینگ

سیلان هند (جزیرہ) : ج ۲ ص ۷۲۹-۹۶۱
 سیلاب : ج ۲ ص ۹۸۶
 سیامہوتان : ج ۲ ص ۶۶۲
 سیامہنلو (قریم) : از استرآباد : ج ۲ ص ۱۱۷۵
 سیاه دهن (منزل) : ج ۲ ص ۱۶۲۹
 سیاه کوه : ج ۲ ص ۱۱۵۵
 سہری : ج ۲ ص ۸۶۹-۹۹۸ : ج ۳ ص ۱۵۰۲
 ۱۸۲۷، ۱۸۲۶، ۱۸۵۵، ۱۸۶۲، ۱۸۷۰
 ۱۹۵۵
 سہمی (از افغانستان) : ج ۳ ص ۱۹۹۹
 سیحون : ج ۱ ص ۲۱۵ : ج ۳ ص ۷۵۲ : ج ۳ ص ۱۲۲۸
 سیدی فروش (بندو الجزایر) : ج ۳ ص ۱۶۰۲
 سیراب (در فارس) : ج ۱ ص ۲۸۸-۲۹۲
 سیرجان : ج ۱ ص ۵۷ : ج ۲ ص ۶۷۸ : ج ۳ ص ۱۲۲۰-۱۲۲۲، ۱۶۵۰-۲۱۲۳
 سیروان (آب) : ج ۱ ص ۴۵-۳۱۸، ۵۰۰ : ج ۲ ص ۱۵۵۰
 سیزر : ج ۱ ص ۳۴۲-۳۵۹، ۳۷۸-۳۸۸
 سین (بلاد) : در ارمنستان : ج ۱ ص ۲۶ : ج ۲ ص ۵۸۷ تا ۵۸۹، ۵۹۲-۵۹۵، ۵۹۶ تا ۶۱۱، ۶۱۳-۶۱۹، ۶۲۰-۶۲۲، ۶۲۸
 سیستان : ج ۱ ص ۶۷-۱۱۱، ۵۵۸ : ج ۲ ص ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۷۰-۷۰۵، ۷۰۹
 ۷۱۰-۷۷۵، ۸۰۰-۹۰۳، ۹۰۲
 ۹۶۷-۹۸۲، ۹۸۵-۱۰۰۴، ۱۰۰۶
 ۱۰۰۷-۱۰۰۹، ۱۱۱۳-۱۱۳۵، ۱۱۴۲
 ۱۱۸۸-۱۱۹۲، ۱۱۹۳-۱۲۳۵، ۱۳۰۱
 ج ۲ ص ۱۶۲۵-۱۶۴۱، ۱۶۴۵-۱۶۲۸، ۱۷۳۶-۱۷۵۹، ۱۸۱۱-۱۸۸۲، ۱۸۸۶
 ۱۸۸۸-۱۸۹۲، ۱۸۹۷-۱۹۲۹، ۱۹۵۷
 ۱۹۶۲-۲۰۲۲، ۲۰۳۰-۲۰۳۶، ۲۰۳۹
 ۲۰۴۰-۲۰۴۴، ۲۰۴۷-۲۰۷۸، ۲۰۸۰
 ۳۱۲۵
 سیسلی (جزیرہ) : ج ۱ ص ۱۸۲-۲۱۳-۲۳۰
 ۲۳۲-۲۸۱، ۳۸۶-۴۹۰ : ج ۲ ص ۷۸۲
 ۹۹۶-۱۰۱۲، ۱۰۱۶-۱۱۶۳ : ج ۳ ص ۱۵۰۶-۱۵۲۳، ۱۵۷۰-۱۷۰۳
 ۱۷۸۹-۱۷۹۹، ۱۸۲۹-۲۰۶۹
 سیقون : ج ۲ ص ۱۸۳۲
 سیلاخور : ج ۳ ص ۱۲۲۴، ۱۲۶۱، ۱۴۹۲
 ۱۶۳۴-۲۰۸۱-۲۱۲۳

سیلان ہند (جزیرہ) : ج ۲ ص ۷۲۹-۹۶۱
 ۱۱۵۲-۱۱۵۶، ۱۲۹۹-۱۳۰۰ : ج ۳ ص ۱۲۳۵-۱۲۶۶، ۱۹۶۱-۲۰۵۳
 سیل ہیر : ج ۲ ص ۸۹۸
 سیل عرم : ج ۲ ص ۸۲۸
 سہلزی (ایالت) : ج ۲ ص ۱۱۲۷-۱۱۲۹
 ج ۳ ص ۱۲۸۸-۱۵۲۵
 سیلستری : ج ۳ ص ۱۶۰۱
 سینیز : ج ۱ ص ۵۲
 سیواس : ج ۱ ص ۱۱۹-۲۰۰، ۲۲۸-۵۳۴ : ج ۲ ص ۵۹۲، ۵۹۷-۶۶۰، ۶۶۵-۶۶۶
 ۹۳۷-۱۰۲۶۲
 سہوی تاویک (بندر) : ج ۲ ص ۱۱۶۳



شیران : ج ۲ ص ۸۶۵
 شاپور : ج ۱ ص ۵۲
 شاپور خواست : ج ۱ ص ۳۰۴
 شانان (قلعہ) : ج ۱ ص ۳۹۲
 شادباغ (شادباغ) : ج ۱ ص ۳۹۱
 شادلو : ج ۳ ص ۱۶۱۰
 شادمان (حصار) : ج ۳ ص ۷۵۷ تا ۷۸۲
 شادہ (از شکیبان ہوات) : ج ۳ ص ۱۲۸۶
 شارلین : ج ۲ ص ۷۹۸
 شارلین : ج ۳ ص ۱۵۲۷
 شاسان : ج ۱ ص ۶۷۷
 شاش = چاق : ج ۱ ص ۱۰۲-۱۳۴
 شاطیہ (شہر) : در اندلس : ج ۱ ص ۳۳۳
 شافلان : ج ۲ ص ۹۶۱
 شالن : ج ۳ ص ۱۵۲۷-۱۹۲۰
 شاکر : ج ۲ ص ۱۷۸۰
 شام : ج ۱ ص ۱۰-۲۲، ۲۷-۲۹، ۳۱ تا ۳۳
 ۳۶ تا ۴۸، ۴۰-۴۲، ۴۶-۵۶ تا
 ۵۸-۶۵، ۶۲-۶۶، ۶۹-۷۶
 ۷۷-۸۳، ۸۵-۸۶، ۸۹-۹۲، ۹۶-۹۹
 ۱۰۲-۱۰۷، ۱۱۲-۱۱۶، ۱۱۸-۱۲۲
 ۱۲۲-۱۲۶، ۱۲۸-۱۳۲، ۱۳۷-۱۳۹
 ۱۴۰-۱۴۲، ۱۴۶-۱۴۹
 ۱۷۲-۱۸۲، ۱۸۴-۱۹۸، ۲۰۲-۲۰۶
 ۲۱۰-۲۱۲، ۲۱۴-۲۱۹، ۲۲۲-۲۲۴
 ۲۴۸-۲۴۹، ۲۵۲ تا ۲۵۹، ۲۶۲
 ۲۶۸-۲۶۹، ۲۷۲-۲۷۷، ۲۸۶-۳۱۰
 ۳۰۴-۳۰۸، ۳۹۲-۳۸۷، ۳۸۶

۳۲۲-۳۲۴، ۳۲۶-۳۲۸، ۳۳۴ تا
 ۳۳۷-۳۵۷، ۳۶۰-۳۶۲، ۳۶۷-۳۶۸
 ۳۷۰-۳۷۲، ۳۷۵-۳۷۷، ۳۷۸-۳۸۲
 ۳۸۲-۳۸۷، ۳۸۸-۳۹۳، ۳۹۵ تا
 ۴۰۰-۴۰۲، ۴۰۵-۴۱۲، ۴۱۵
 ۴۱۸ تا ۴۲۲، ۴۲۵-۴۲۸، ۴۳۰-۴۳۲
 ۴۳۲-۴۳۵، ۴۳۹-۴۴۱، ۴۴۳
 ۴۴۶-۴۴۸، ۴۵۲ تا ۴۵۴، ۴۵۶
 ۴۵۸-۴۶۱، ۴۶۳-۴۶۴، ۴۶۶ : ج ۳ ص ۵۷۹-۵۹۱، ۵۹۳ تا ۵۹۷
 ۶۰۱-۶۰۲، ۶۰۵-۶۰۶، ۶۰۸-۶۱۰، ۶۱۲ تا ۶۱۶
 ۶۱۸-۶۲۳، ۶۲۵-۶۲۸، ۶۳۶-۶۴۰
 ۶۵۲-۶۵۹، ۶۶۰-۶۶۶، ۶۶۸-۶۶۹
 ۶۷۲-۶۸۵، ۶۷۶-۶۷۸، ۶۷۹-۶۸۳
 ۶۹۰-۶۹۲، ۷۷۸-۷۷۹، ۷۶۵-۷۶۶
 ۱۱۱۶-۱۱۴۰، ۱۱۶۰-۱۲۴۰، ۱۲۶۱-۱۸۱۳
 ج ۳ ص ۱۲۲۲-۱۲۲۹، ۱۲۳۲-۱۲۳۸
 ۱۳۵۵-۱۳۶۶ تا ۱۳۶۲، ۱۳۵۵-۱۵۶۱
 ۱۶۰۹-۱۶۱۴، ۱۶۶۴-۱۸۳۰، ۱۸۳۷
 ۱۸۳۸-۲۱۰۵
 شامات : ج ۱ ص ۴۱-۴۸، ۸۸-۲۷۹
 ۳۳۶-۳۹۸ : ج ۲ ص ۹۰۸-۹۳۱ : ج ۳ ص ۱۲۲۲-۱۲۲۹، ۱۲۳۳-۱۲۴۷، ۱۶۳۱
 ۱۶۴۷-۱۷۵۱، ۱۸۰۷-۱۸۲۸، ۱۸۶۳
 ۱۸۷۰-۲۰۵۱
 شامیانی (ایالت) : ج ۳ ص ۱۲۲۲
 شان ایر : ج ۳ ص ۱۵۲۷
 شاندرمن : ج ۳ ص ۱۹۱۱
 شان گاشی : ج ۳ ص ۱۷۷۵-۱۹۹۷
 شانگی : ج ۳ ص ۱۸۲۶-۱۸۲۵
 شاہ جهان آباد دہلی : ج ۲ ص ۹۳۰-۹۵۲
 ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۲
 شاہجراخ (بلعمہ) : ج ۲ ص ۱۰۲۶-۱۱۷۶
 شامز (ظعمہ) : ج ۱ ص ۳۵۸
 شاعر حید (ظعمہ) : ج ۲ ص ۷۱۰-۷۱۲
 شاہ رضا (بقعہ) : در قندہ : ج ۲ ص ۱۱۱۶
 شامزود : ج ۱ ص ۵۲۳-۵۲۶، ۵۵۰-۵۵۲
 ۵۵۹ : ج ۲ ص ۱۲۵۵-۱۲۷۴، ۱۲۸۵
 ۱۲۸۷-۱۳۰۲ : ج ۳ ص ۱۲۰۶-۱۲۱۲
 ۱۲۱۴-۱۲۲۶، ۱۲۳۰-۱۲۳۴، ۱۲۴۸-۱۲۴۹
 ۱۲۷۲-۱۲۸۲، ۱۲۸۴-۱۲۸۶، ۱۲۸۹
 ۱۳۸۲-۱۳۸۶، ۱۳۹۲-۱۳۹۳، ۱۳۹۹
 ۱۳۹۹-۱۴۰۰، ۱۴۰۰-۱۴۰۱، ۱۴۰۱-۱۴۰۲
 ۱۴۰۲-۱۴۰۳، ۱۴۰۳-۱۴۰۴، ۱۴۰۴-۱۴۰۵
 ۱۴۰۵-۱۴۰۶، ۱۴۰۶-۱۴۰۷، ۱۴۰۷-۱۴۰۸
 ۱۴۰۸-۱۴۰۹، ۱۴۰۹-۱۴۱۰، ۱۴۱۰-۱۴۱۱
 ۱۴۱۱-۱۴۱۲، ۱۴۱۲-۱۴۱۳، ۱۴۱۳-۱۴۱۴
 ۱۴۱۴-۱۴۱۵، ۱۴۱۵-۱۴۱۶، ۱۴۱۶-۱۴۱۷
 ۱۴۱۷-۱۴۱۸، ۱۴۱۸-۱۴۱۹، ۱۴۱۹-۱۴۲۰
 ۱۴۲۰-۱۴۲۱، ۱۴۲۱-۱۴۲۲، ۱۴۲۲-۱۴۲۳
 ۱۴۲۳-۱۴۲۴، ۱۴۲۴-۱۴۲۵

شاهزاده حسین قزوین (بقعه) : ج ۲ ص ۸۶۳
 شاهزاده عبدالعظیم : ج ۳ ص ۱۹۳۶ تا ۲۰۰۴
 ۲۰۰۵
 شاهکوه : ج ۳ ص ۱۶۲۵، ۱۸۹۶
 شاه میرعلی (قلعه) : ج ۲ ص ۱۳۸۰
 شاهسون بغدادی : ج ۱ ص ۱۳۰۰، ۵۰۴، ۳۷۱
 ج ۲ ص ۲۱۲۵، ۲۰۳۶، ۲۰۰۸
 شاهسون دیرین : ج ۱ ص ۲۲۹، ج ۲ ص ۲۰۱
 شاهکاره (قلعه) : ج ۲ ص ۶۲۰، ۵۸۰
 شیرقان (شیرخان) : ج ۲ ص ۷۵۵، ۷۸۲، ۸۵۶
 ۱۸۵۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۱، ۱۳۲۸، ۱۶۲۱
 شیرزان : ج ۱ ص ۲۸۵
 شهره سمره : ج ۱ ص ۲۶
 شهر : ج ۲ ص ۶۰۲
 شغنان (حصون) : ج ۱ ص ۳۲۹
 شواف (سراف) : ج ۱ ص ۴۰، ج ۸۲
 شواه (بین دمشق و مدینه) : ۱۰۶، ۱۲۸، شواه
 خام
 شویوگ (بندر) : ج ۱ ص ۱۶۰۲، ۱۶۰۴، ۱۷۶۵
 ۱۸۰۸، ۱۷۹۹
 شویاب کردی : ج ۱ ص ۳۳۷، ۳۶۰، ۳۷۸، ۲۸۸
 ۲۲۳، ۲۱۲
 شودم (شهر) : ج ۳ ص ۱۹۹۸
 شرقسه : ج ۲ ص ۱۲۰۷
 شوره (موقع) : از چغورسده : ج ۲ ص ۷۲۲، ج ۳
 ص ۱۵۸۲
 شریعه فرات : ج ۱ ص ۶۲
 شریک آباد : ج ۳ ص ۱۵۶۷، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳
 خط آماز : ج ۳ ص ۱۷۵۲
 خط العرب : ج ۱ ص ۳۳، ج ۲ ص ۱۱۷۹، ج ۳ ص
 ۱۶۸۱، ۱۷۵۸، ۱۷۷۰
 خط فرات : ج ۱ ص ۱۷۲، ۲۲۲، ۲۵۵، ج ۲ ص
 ۹۲۵
 خط می می سویی : ج ۲ ص ۱۸۴۸
 شفر : ج ۲ ص ۵۹۶
 شقیف : ج ۱ ص ۲۰۵
 شکی (ولایت) : ج ۲ ص ۷۷۰، ۷۷۰، ۸۰۷، ۸۱۹
 ۱۰۶۲، ۱۱۲۲، ۱۲۳۰، ۱۲۳۰، ۱۲۸۴، ۱۵۱۲
 ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲
 شکیان (از هرات) : ج ۳ ص ۱۲۸۶، ۱۵۳۶
 شلابین (حصن) در اندلس : ج ۱ ص ۲۵۲
 شلسفر (قلعه) : ج ۲ ص ۱۹۹۹
 شلطان (قریف) در واسط : ج ۱ ص ۳۲۸
 شماخی (بلد) : ج ۲ ص ۷۷۱، ۷۹۲، ۸۰۳

۸۰۲، ۸۶۸، ۹۰۰ تا ۹۰۲، ۹۸۰، ۱۰۵۰
 ۱۰۶۲، ۱۱۱۲، ۱۱۱۵، ج ۳ ص ۱۳۶۷
 شامیه (درواز) : ج ۱ ص ۲۲۲، ۲۲۳
 شخال : ج ۲ ص ۱۱۲۷
 شمس (منزل) : ج ۲ ص ۱۵۹۲
 شمس الدین لو : ج ۲ ص ۱۵۱۱
 شمس الطاهر (عمارت) : ج ۱ ص ۲۷۲، ج ۲
 ص ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۶
 شکور : ج ۱ ص ۵۲، ج ۲ ص ۶۶۶، ج ۳ ص
 ۱۲۷۶، ۱۵۷۲
 شمیران طهران : ج ۱ ص ۵۵۶، ج ۲ ص ۹۶
 ۹۶، ۱۱۶۰، ۱۱۶۰، ج ۳ ص ۱۳۹۱، ۱۵۹۸
 ۱۶۷۲، ۱۶۸۹، ۱۶۹۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۲
 شمیرانات : ج ۱ ص ۵۲۵
 شمش : ج ۱ ص ۲۲۱، ۲۵۲
 شنب غازان : ج ۲ ص ۶۰۶، ۸۰۶، ۹۳۲
 شندون : ج ۱ ص ۲۵۲، ۳۸۰
 شنیتریه اندلس : ج ۱ ص ۳۳۹
 شوک : ج ۱ ص ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۵۵
 شورستان قم : ج ۲ ص ۱۳۲، ج ۳ ص ۱۸۹۶
 شوره گل : ج ۲ ص ۸۶۲، ج ۳ ص ۱۵۱۱
 ۱۵۱۲
 شوش (قلعه) : ج ۱ ص ۳۷۲، ۳۷۲، ۴۳۲، ج
 ۲ ص ۱۱۵۶، ج ۳ ص ۱۷۲۲، ۱۷۲۳
 شوشتر : ج ۱ ص ۵۵۰، ۵۵۰، ۵۵۰، ج ۲ ص
 ۶۵۲، ۷۵۰، ۷۹۱، ۷۹۵، ۸۰۸، ۱۰۱۶
 ۱۰۲۳، ۱۰۲۶، ۱۱۶۶، ۱۲۸۴
 ج ۳ ص ۱۶۰۰، ۱۶۲۶، ۱۶۵۸ تا ۱۶۶۰
 ۱۷۱۸، ۱۷۳۰، ۱۷۳۲، ۱۸۲۲، ۱۸۲۲
 شوشی : ج ۱ ص ۱۲۲۸، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۹
 ۱۳۲۲، ۱۳۲۲، ۱۳۷۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷
 ۱۲۸۱، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲
 شویان (صحرا) : ج ۲ ص ۱۸۹۵
 شویستانات : ج ۲ ص ۱۳۹۷، ۱۳۷۲
 شویکستان : ج ۳ ص ۱۵۹۹، ۱۶۲۱
 شویان : ج ۱ ص ۱۰۰
 شویرون (نزدیک وینه) : ج ۳ ص ۱۶۱۳
 ۱۹۲۶
 شهندر : ج ۱ ص ۵۲۶
 شهرپ : ج ۲ ص ۸۲۳
 شهرستان شهرپ و شهر زور (ولایت) : ج ۱
 ص ۱۳۰، ۱۳۰، ۱۳۱، ۲۶۲، ۳۱۵، ۳۲۰
 ۳۵۸، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۷، ۴۰۷، ۴۱۰
 ج ۲ ص ۸۱۰، ۸۲۲، ۸۲۳، ۷۹۱، ۷۹۵ تا

۹۲۷، ۹۲۷، ۹۲۷، ۹۸۸، ۱۱۲۹، ج ۲
 ص ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۴۸۲، ۱۴۸۲
 ۱۲۹۰، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۵
 ۱۵۳۲، ۱۵۵۲، ۱۵۵۰، ۱۵۲۹، ۱۵۵۶
 ۱۶۰۰، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷
 شهرستان : ج ۱ ص ۳۸۶
 شهرستان جی املجان : ج ۱ ص ۳۷۶، ۳۸۶
 شهرستان خراسان : ج ۱ ص ۳۸۶
 شهرستان فارس : ج ۱ ص ۳۸۶
 شهرستانک (عمارت سلطنتی) : ج ۱ ص ۲۷۲
 ۵۵۲، ج ۲ ص ۱۱۸۹، ۱۲۹۰، ج ۳ ص
 ۱۵۵۷، ۱۸۲۸، ۱۹۰۸، ۱۹۳۲، ۱۹۵۸
 ۱۹۷۱، ۱۹۸۲، ۱۹۹۵، ۲۰۰۸، ۲۰۲۴
 ۲۰۴۱، ۲۰۴۲
 شهر سرائی : ج ۲ ص ۶۵۶
 شهرک (قلعه) : ج ۲ ص ۹۳۱
 شهریار : ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۹۵۷، ۱۲۷۷
 ۱۲۵۰، ج ۳ ص ۲۰۹۵
 شیرازمین (قلعه) : ج ۲ ص ۱۹۲۲
 شویالحدید : ج ۲ ص ۵۸۷
 شیخ صفی (بقعه) در اردبیل : ج ۲ ص ۷۲۸
 شیراز : ج ۱ ص ۵۲، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۲۵، ۲۲۷
 ۲۵۱، ۲۶۰، ۲۶۰، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۱۹
 ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۶۸، ۳۷۲، ۵۳۸، ۵۳۸
 ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۸، ج ۲ ص ۶۱۲، ۶۲۱
 ۶۳۲، ۶۳۲، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۴۵
 ۶۴۷، ۶۵۰، ۶۵۷، ۶۶۰، ۶۶۷، ۶۷۱
 ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۸، ۶۹۷
 ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۲۲، ۷۵۰، ۷۶۰، ۷۷۱
 ۷۷۵، ۷۹۰، ۷۹۶، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۶۶
 ۸۷۶، ۸۸۸، ۹۰۸، ۹۵۲، ۹۵۷، ۱۰۰۶
 ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۳۳
 ۱۰۵۹، ۱۰۶۱، ۱۰۷۳، ۱۰۸۴ تا ۱۰۸۶
 ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۷، ۱۱۲۷، ۱۱۲۹، ۱۱۵۲
 ۱۱۵۲، ۱۱۵۵، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۹
 ۱۱۷۱، ۱۱۷۳، ۱۱۷۳ تا ۱۱۷۸، ۱۱۸۰
 ۱۱۸۱، ۱۲۳۲، ۱۲۶۵، ۱۲۶۷، ۱۲۷۲
 ۱۲۷۵، ۱۲۷۹، ۱۲۸۱، ج ۳ ص ۱۳۲۳
 ۱۳۲۲، ۱۳۲۶، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۵۲
 تا ۱۳۵۵، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۷۵
 ۱۳۷۶، ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۷
 تا ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷
 تا ۱۴۰۷، ۱۴۱۰، ۱۴۱۰، ۱۴۱۲، ۱۴۱۸
 تا ۱۴۲۰، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۳۶، ۱۴۳۶

صرد (شهر) : ج ۱ ص ۳۶۰، ۳۶۸، ۳۶۹
 صوفیان (قلعہ) : ج ۳ ص ۱۵۷۹، ۱۹۸۸
 صہیون : ج ۱ ص ۲۱۳، ج ۲ ص ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۶
 صیدا (مدینہ) : ج ۱ ص ۲۸، ۲۹۶، ۳۶۰
 صہبہ : ج ۱ ص ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ج ۲ ص ۶۰۲، ۱۲۶۲
 صہرہ : ج ۱ ص ۵۰، ۷۰، ۲۰۷، ۲۱۷، ج ۲ ص ۱۱۵۱
 صون (ایالات جنوبی چین) : ج ۱ ص ۱۹۲

ض

ضرابخانہ مبارکہ دولت : ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۲ ص ۱۱۹۷ تا ۱۲۸۷
 ضریح حضرت موسیٰ بن جعفر (ع) : ج ۱ ص ۳۲۰

ط

طابخہ : ج ۲ ص ۱۳۰۷، ج ۳ ص ۲۱۵۱
 طارم : ج ۱ ص ۵۵۳، ۵۵۴، ج ۲ ص ۷۴۰
 طارمین سطلی : ج ۲ ص ۹۲۳
 طارمین علیا : ج ۲ ص ۹۲۳
 طاس تہہ (۲ فرسنگی خیموشان) : ج ۳ ص ۱۶۱
 طابغہ : ج ۱ ص ۲۹
 طاق کسری : ج ۱ ص ۲۵، ۳۹، ۴۲، ج ۲ ص ۶۳۴
 طاق گری : ج ۳ ص ۱۵۵۰
 طاق و سلاطین کرمانشاہان : ج ۲ ص ۹۴۰
 طالش : ج ۲ ص ۹۲۲، ج ۳ ص ۱۳۹۴، ۱۴۰۲
 طاس : ج ۱ ص ۱۲۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۳۳، ۱۵۱۲، ۱۵۸۳، ۱۹۱۱
 طالقان : ج ۱ ص ۵۷، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۷۷
 طاس : ج ۲ ص ۱۸۵، ۲۶۵، ج ۳ ص ۱۱۵۴
 طاس : ج ۱ ص ۱۲۵۹، ۲۰۹۸
 طاس : ج ۱ ص ۲۷
 طاس خانہ (عمارت) در اصفہان : ج ۲ ص ۹۶۱
 طاهان = فرج آباد : ج ۲ ص ۹۰۶، ۹۰۹، ۹۱۱
 طائف : ج ۱ ص ۲۸، ۲۲، ۶۷، ۹۰، ۱۱۱، ۱۲۱

طابخہ : ج ۲ ص ۲۰۲۲، ۲۰۲۳
 طابغہ : ج ۱ ص ۳۹۵
 طابغہ : ج ۲ ص ۵۸۱
 طاسوم : ج ۱ ص ۵۳۴، ج ۲ ص ۱۲۶۶
 طامغان : ج ۱ ص ۳۲۰، ۳۵۲
 طان : ج ۲ ص ۷۴۵
 طابن قلعہ : ج ۱ ص ۲۷۷، ۲۷۸، ج ۳ ص ۱۶۲۰، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳
 طابن : ج ۱ ص ۲۰۱۱
 طابن گروکی : ج ۲ ص ۷۷۰
 طبران : ج ۱ ص ۳۲۰
 طبرای فیروز اشرف : ج ۲ ص ۱۱۵۹
 طبرای قہیز : ج ۲ ص ۱۱۴۹
 طبرای گرگان : ج ۲ ص ۱۷۴۳
 طبرای موش : ج ۲ ص ۶۸۶، ۷۱۴
 طحن جدید : ج ۲ ص ۱۶۲۱
 طحن مقدس حضرت معصومہ : ج ۳ ص ۱۶۹۰
 طخرہ قدس : ج ۱ ص ۸۹
 طرخند : ج ۱ ص ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸
 طرا : ج ۲ ص ۶۰۵
 طرصر : ج ۱ ص ۱۷۲
 طصب (قلعہ) از خیر : ج ۱ ص ۲۶
 طسینصر : ج ۱ ص ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹
 طسینان : ج ۱ ص ۳۴۰
 طس : ج ۱ ص ۲۳۲، ۲۸۸
 طساقس (شہر) : ج ۲ ص ۱۲۰۴، ج ۳ ص ۲۰۲۹
 طس : ج ۲ ص ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۳۶
 طساق (قلعہ) : ج ۱ ص ۱۶۲
 طسیر (جسر) : ج ۱ ص ۲۱
 طسین : ج ۱ ص ۵۹، ۶۲، ۶۷
 طسلاط (سقلاب) : ج ۳ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۳
 طسلیہ (جزیرہ) : ج ۱ ص ۵۷، ۹۰، ۹۱، ۹۱۰، ۹۱۱
 طس : ج ۱ ص ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳

۱۵۹۲۰ ۱۵۹۰۰ ۱۵۸۰۰ ۱۵۷۰۰ ۱۵۶۲
 ۱۵۹۳ تا ۱۵۹۶ ۱۵۹۸ ۱۶۰۳ ۱۶۰۶
 ۱۶۰۷ ۱۶۱۰ ۱۶۱۳ ۱۶۲۱ ۱۶۲۹
 ۱۶۳۱ تا ۱۶۳۸ ۱۶۴۰ ۱۶۵۰ ۱۶۵۲
 ۱۶۷۲ تا ۱۶۷۷ ۱۶۷۷ ۱۶۸۲ ۱۶۸۳
 ۱۶۸۷ ۱۶۹۰ تا ۱۶۹۳ ۱۶۹۹ ۱۷۰۰
 ۱۸۲۵ ۱۸۲۱ ۱۸۶۶ ۱۸۸۵ ۱۸۸۶
 ۱۸۹۸ ۱۹۰۳ ۱۹۵۴ ۲۰۲۰ ۲۰۳۴
 ۲۰۷۵ ۲۰۸۳ ۲۰۹۸ ۲۱۰۹ ۲۱۱۲
 ۲۱۲۱ ۲۱۲۵ ۲۱۳۱ ۲۱۳۸
 طبریه (قلعه) در روم: ج ۱ ص ۱۱۲
 طبلخان: ج ۱ ص ۵۱

ظ

ظفار: ج ۱ ص ۴۲۳

ع

عادلجوار: ج ۲ ص ۱۶۸۱ ۸۲۰ ۸۲۲ ۹۳۷
 عالفین: ج ۱ ص ۴۳۲
 عالی قاپوی امپهان: ج ۲ ص ۱۷۸۷
 عانه (از اعیان قزاق): ج ۱ ص ۲۹۶ ۳۵۶
 ۳۷۹ ۴۲۷
 عبادان: ج ۱ ص ۲۰۶
 عباس آباد: ج ۱ ص ۵۵۰ ۱۲۸۵
 عباس آباد (در قندهار): ج ۲ ص ۹۵۴
 عباس آباد (منزل): ج ۳ ص ۱۸۹۳
 عبد آباد (منزل): ج ۲ ص ۱۸۹۵
 عبد آباد: ج ۳ ص ۱۹۱۰
 عبد القیس (ناحیه): ج ۱ ص ۱۶۸
 عفتات عالیات: ج ۲ ص ۹۱۸ ۹۲۶ ۹۲۷
 ۹۷۰ ۹۸۱ ۹۸۱ ۱۱۷۹ ۱۱۷۹: ج ۳ ص
 ۱۲۴۳ ۱۲۴۵ ۱۲۴۹ ۱۵۵۲ ۱۵۶۱
 ۱۵۶۹ ۱۵۹۷ ۱۵۹۸ ۱۶۲۵ ۱۶۷۲
 ۱۶۶۸ ۱۶۶۸ ۱۶۷۰ ۱۶۸۷ ۱۶۹۴
 ۱۹۱۵ ۱۹۱۵ ۱۹۲۸ ۱۹۷۶
 عشیق قادسیه (عقیق): ج ۱ ص ۴۰ ۴۴ ۷۶
 عثمان بازار (شهر): ج ۳ ص ۱۹۸۹
 عثمانی (امپراطوری): ج ۱ ص ۱۰ ۲۹۶
 ۲۵۸ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۸۲ ۳۸۷ تا ۴۹۱
 ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۶ ۵۴۳ ۵۴۴: ج ۲ ص
 ۶۰۱ ۶۰۷ ۶۲۴ ۶۲۴ ۶۲۴ ۶۲۴ ۶۲۴

طریق (منزل): ج ۲ ص ۸۸۰ ۸۲۸: ج ۳ ص
 ۱۸۹۳
 طزن (رود): ج ۳ ص ۱۲۷۸ ۱۶۰۰ ۱۹۰۹
 طسوج (منزل): ج ۲ ص ۸۲۹: ج ۳ ص ۱۵۷۹
 طنائیق (بندر): ج ۳ ص ۱۲۶۶ ۱۵۷۰
 طلیطه (شهر): (تلد بتدل): ج ۱ ص ۹
 ۱۶۱ ۱۶۹ ۱۸۶: ج ۳ ص ۲۴۰ ۲۴۰ ۲۴۰
 ۲۷۲ ۲۸۳ ۲۹۹: ج ۲ ص ۸۴۴
 طنبجه مارک: ج ۱ ص ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۵۷
 ۱۸۳ ۲۲۴ ۵۶۲: ج ۲ ص ۶۱۱ ۶۲۲
 ۸۶۸ ۹۶۸
 طنزه: ج ۲ ص ۳۷۹
 طوائف: ج ۱ ص ۵۵۹: ج ۲ ص ۱۳۰۰ ۲
 ۱۹۱۱ ۲۰۲۷ ۲۱۴۵
 طوانه (شهر): ج ۱ ص ۱۸۴ ۹۹
 طوز (قلعه): ج ۱ ص ۴۲۸
 طوز عیدین: ج ۱ ص ۲۶
 طوس: ج ۱ ص ۵۵ ۵۷ ۱۷۰ ۱۷۷ ۲۲۱
 ۲۸۷ ۳۴۴ ۳۸۶ ۴۲۰ ۴۲۲: ج ۲ ص
 ۶۷۷ ۷۲۰ ۷۷۲: ج ۳ ص ۱۵۱۸ ۱۵۱۸
 طوقچی (در امپهان): ج ۲ ص ۸۹۶
 طونه ——— رود دانونب
 طویلری (قصر): ج ۲ ص ۸۵۰
 طهران: ج ۱ ص ۴۶۹ ۴۸۴ ۴۹۹ ۵۰۲
 ۵۲۱ ۵۳۶ تا ۵۳۸ ۵۴۱ ۵۵۳ ۵۵۳
 ۵۵۶ ۵۵۷: ج ۲ ص ۷۸۲ ۷۹۱ ۸۶۴
 ۸۸۲ ۹۲۶ ۹۵۷ ۹۶۲ ۹۶۸ ۹۶۹
 ۱۰۰۵ ۱۰۰۹ ۱۰۱۳ ۱۰۱۵ ۱۰۲۴
 ۱۰۲۵ ۱۰۲۹ ۱۰۳۲ ۱۰۵۹ ۱۰۶۲
 ۱۰۸۶ ۱۰۹۴ ۱۰۹۵ ۱۱۲۶ ۱۱۲۲
 ۱۱۲۲ ۱۱۵۰ ۱۱۶۰ ۱۱۶۱ ۱۱۶۵
 ۱۱۶۶ ۱۱۸۱ ۱۲۰۱ ۱۲۰۷ ۱۲۰۸
 ۱۲۲۲ ۱۲۳۹ ۱۲۳۹ ۱۲۵۸ ۱۲۶۲
 ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۱ ۱۲۷۵ ۱۲۷۹ ۱۲۸۸
 ۱۲۸۹ ۱۲۹۲: ج ۳ ص ۱۳۳۴ ۱۳۳۶
 ۱۳۵۵ ۱۳۵۷ ۱۳۵۹ ۱۳۶۰ ۱۳۶۱
 ۱۳۷۲ ۱۳۷۵ ۱۳۷۶ ۱۳۸۱ ۱۳۸۲
 ۱۳۸۸ ۱۳۹۱ ۱۳۹۲ ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹
 ۱۴۰۱ ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ ۱۴۰۶ ۱۴۰۹
 ۱۴۱۳ ۱۴۱۷ ۱۴۱۸ ۱۴۲۰ ۱۴۲۱
 ۱۴۲۵ ۱۴۲۶ ۱۴۲۸ ۱۴۳۰ ۱۴۳۲
 ۱۴۳۴ تا ۱۴۳۸ ۱۴۳۸ ۱۴۴۰ ۱۴۴۲
 ۱۴۴۲ ۱۴۴۹ ۱۴۵۸ ۱۴۶۱ ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸ ۱۴۸۱ ۱۴۹۱ ۱۵۱۸ ۱۵۲۶

۱۲۴ ۱۳۵ ۱۳۹ ۱۵۷ ۲۲۸
 طبرستان: ج ۱ ص ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۱۰۵۰ ۱۲۱۰
 ۱۲۰ ۱۲۵ ۱۲۹ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۵
 ۱۶۲ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۸ ۱۷۵ ۱۷۹
 ۱۸۱ ۱۸۷ ۱۸۹ ۲۰۱ ۲۰۵ ۲۰۶
 ۲۰۸ ۲۱۲ ۲۱۹ ۲۲۳ ۲۲۳ ۲۲۴
 ۲۲۱ ۲۲۶ ۲۲۹ ۲۵۳ ۲۵۹ ۲۶۷
 ۲۷۷ ۲۸۰ ۳۰۷ ۳۱۵ ۳۲۳ ۳۲۷
 ۳۵۶: ج ۲ ص ۶۲۷ ۶۲۷ ۶۹۲ ۷۱۹
 ج ۳ ص ۱۲۷۶ ۱۲۵۰ ۱۶۹۵
 طبرستان: ج ۱ ص ۱۲۱: ج ۲ ص ۱۱۲۷
 ۱۱۳۱
 طبرک (قلعه) در امپهان: ج ۱ ص ۲۸۹: ج
 ۲ ص ۹۲۳: ج ۳ ص ۱۳۹۷
 طبرمین (قلعه): ج ۱ ص ۲۶۷
 طبرمین معزیه: ج ۱ ص ۲۶۷
 طبریه: ج ۱ ص ۲۸ ۱۲۵ ۲۲۶ ۲۷۸ ۲۷۲
 ۲۷۹ ۲۹۷ ۳۵۲ ۳۶۱ ۴۰۸ ۴۵۰
 ۲۵۳
 طیس: ج ۳ ص ۱۲۰۲ ۱۲۱۸ ۱۲۱۹ ۱۲۲۸
 ۱۵۳۶ ۱۵۳۶ ۱۶۰۶ ۱۶۰۷ ۱۶۲۶
 ۱۷۲۲ ۱۷۳۵ ۱۸۹۴
 طیسین: ج ۱ ص ۵۶
 طخارستان: ج ۱ ص ۵۷ ۱۱۴ ۱۱۸ ۱۱۹
 ج ۲ ص ۷۵۵ ۸۰۵
 طخارستان علیا: ج ۱ ص ۱۱۸
 طرابلس: ج ۱ ص ۵۴ ۱۲۸ ۲۳۰ ۳۳۰
 ۳۵۴ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۶۲ ۳۷۲ ۳۷۶
 ۴۲۲ ۴۴۰: ج ۲ ص ۵۸۵ ۶۲۵
 ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۳۰ ۶۳۳ ۶۳۶ ۶۳۶
 ۶۳۹
 طرابلس شام: ج ۱ ص ۵۳۴: ج ۲ ص ۶۰۱
 ۱۲۶۲
 طرابلس شرق: ج ۱ ص ۳۶۰
 طرابلس غرب: ج ۱ ص ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۱۶۸
 ۱۷۲ ۲۷۲ ۳۷۹ ۴۰۰ ۴۵۹: ج ۳ ص
 ۶۲۱ ۶۲۷ ۷۸۴: ج ۳ ص ۱۷۲۱
 طرابوزان (طرابزون): ج ۱ ص ۳۳۹ ۳۳۹
 ۵۳۴: ج ۲ ص ۱۲۶۱ ۱۸۱۳
 ۱۸۵۸ ۲۰۸۵
 طرسوس: ج ۱ ص ۱۰۱ ۱۰۳ ۱۵۷ ۱۸۲
 ۲۱۰ ۲۱۶ ۲۲۰ ۲۲۳ ۲۲۵ ۲۳۲
 ۲۵۵ ۲۶۰ ۲۶۲ ۲۶۸ ۲۶۹ ۳۳۸
 طرشت (قریه): ج ۳ ص ۲۰۳۲

۱۰۲۹، ۱۰۲۰، ۹۶۹، ۹۵۸، ۹۱۶
 ۱۱۲۳، ۱۰۹۹، ۱۰۲۱، ۱۰۳۵، ۱۰۲۰
 ۱۱۲۸، ۱۱۲۷، ۱۱۲۵، ۱۱۲۳
 ۱۳۲۲، ۱۳۲۲، ۱۳۲۹، ۱۳۲۳، ۱۳۲۲
 ۱۳۲۸، ۱۳۲۶، ۱۳۲۰، ۱۳۲۸
 ۱۳۹۸، ۱۳۸۷، ۱۳۷۵، ۱۳۷۲
 ۱۳۲۱، ۱۳۱۶، ۱۳۰۶، ۱۳۰۳، ۱۳۰۱
 ۱۳۶۰، ۱۳۵۷، ۱۳۵۰، ۱۳۴۸، ۱۳۲۷
 ۱۵۸۰، ۱۵۶۷، ۱۵۶۶، ۱۴۸۷، ۱۳۶۱
 ۱۶۳۷، ۱۶۳۰، ۱۶۲۸، ۱۶۲۶، ۱۶۰۴
 ۱۷۰۷، ۱۶۹۳، ۱۶۷۱، ۱۶۴۶، ۱۶۳۹
 ۱۷۱۳

عراق عرب: ج ۱ ص ۳۶، ۳۶، ۳۶، ۳۶

۸۸، ۸۶، ۸۵، ۸۱، ۷۲، ۷۰، ۶۷، ۶۶
 ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۲، ۹۵، ۹۱، ۸۹
 ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۶، ۱۱۲
 ۱۷۶، ۱۷۳، ۱۶۱، ۱۳۷، ۱۳۰، ۱۲۸
 ۲۰۶، ۲۰۳، ۲۰۰، ۱۹۸، ۱۹۱، ۱۹۰
 ۲۲۶، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۲۷، ۲۲۵، ۲۱۲
 ۲۸۲، ۲۸۰، ۲۷۸، ۲۷۶، ۲۷۲، ۲۶۲
 ۳۰۰، ۲۹۸، ۲۹۲، ۲۹۲، ۲۸۷، ۲۸۴
 ۳۱۸، ۳۱۶، ۳۱۱، ۳۰۶، ۳۰۲، ۳۰۳
 ۳۲۹، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۳، ۳۱۹
 ۳۶۲، ۳۵۹، ۳۵۳، ۳۴۸، ۳۴۶، ۳۴۱
 ۳۶۲، ۳۷۱، ۳۶۹، ۳۶۹
 ۳۶۲، ۳۷۷، ۳۷۳، ۳۶۷، ۳۸۲، ۳۸۰
 ۵۸۵، ۵۳۴، ۵۰۶، ۴۹۱، ۴۶۰
 ۶۵۲، ۶۲۱، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۲۱، ۶۲۹
 ۷۲۳، ۷۰۴، ۶۹۶، ۶۷۵، ۶۷۳، ۶۶۷
 ۹۱۷، ۸۲۹، ۸۱۹، ۷۷۶، ۷۷۴، ۷۳۹
 ۱۰۳۳، ۹۷۰، ۹۳۲، ۹۲۸، ۹۲۷، ۹۲۵
 ۱۵۵۲، ۱۳۶۵، ۱۳۲۹، ۱۳۲۰، ۱۱۸۲
 ۱۶۹۵

عراقین: ج ۱ ص ۸۹، ۹۱، ۹۱، ۵۵۸، ج ۲

ص ۶۱۴، ۱۱۸۷، ۷۳۸، ج ۲ ص ۱۲۲۶، ۲۰۲۳

عربان: ج ۱ ص ۴۰۵

عربستان (حجاز): ج ۱ ص ۱۰۵، ۱۲۹، ۱۹۱

ج ۲ ص ۷۶۱، ۷۶۳، ۹۱۱، ۹۱۹، ۹۲۹، ۱۲۹۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۳، ۱۱۶۳، ۱۰۰۹
 ۱۲۹۸

عربستان (از شهرهای مرکزی ایران): ج ۱ ص

۵۵۸، ۵۳۳، ۵۰۶، ۴۸۲، ۴۷۲، ۳۶۲
 ج ۲ ص ۹۳۲، ۱۱۶۲، ۱۱۶۲، ۱۱۶۷، ۱۱۶۷

۱۸۶۳، ۱۸۶۲، ۱۸۵۸، ۱۸۵۷، ۱۸۴۹
 ۱۸۸۲، ۱۸۸۰، ۱۸۷۴، ۱۸۷۲، ۱۸۷۰
 ۱۸۹۹، ۱۸۹۸، ۱۸۹۳، ۱۸۹۰، ۱۸۸۷
 ۱۹۲۱، ۱۹۱۶، ۱۹۱۵، ۱۹۱۳، ۱۹۱۲
 ۱۹۴۶، ۱۹۳۸، ۱۹۳۵، ۱۹۳۳، ۱۹۳۱
 ۱۹۶۶، ۱۹۶۴، ۱۹۶۲، ۱۹۶۰، ۱۹۵۷
 ۱۹۸۳، ۱۹۷۷، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۶۹
 ۱۹۸۶، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰
 ۲۰۱۷، ۲۰۱۵، ۲۰۱۱، ۲۰۱۰، ۲۰۰۴
 ۲۰۲۹، ۲۰۲۸، ۲۰۲۳، ۲۰۲۲، ۲۰۲۰
 ۲۱۰۵، ۲۱۰۳، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۱
 ۲۱۰۷

عجوان (قلعه): ج ۲ ص ۷۵۷

عجلون: ج ۲ ص ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۵۲، ج ۲ ص ۵۸۱

عدن: ج ۱ ص ۱۸۲، ۲۲۹، ۲۵۷، ۲۷۷

ج ۲ ص ۶۰۴، ۷۶۲، ۷۶۲، ج ۲ ص ۱۶۵۲، ۱۷۹۸

عذیب: ج ۱ ص ۴۰

عراق (= اراک): ج ۱ ص ۲۶۲، ۲۷۲، ۴۸۴

۵۵۸، ۵۵۲، ۵۲۹، ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۲۷

ج ۲ ص ۶۶۶، ۶۶۶، ۸۸۷، ج ۲ ص ۱۱۸۲

۱۲۲۰، ۱۲۰۰، ۱۱۹۶، ۱۱۹۲، ۱۱۸۷

۱۲۹۶، ۱۲۹۱، ۱۲۷۹، ۱۲۳۶، ۱۲۲۲

۱۷۱۶، ۱۷۱۵، ۱۷۱۴، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸

۱۷۹۵، ۱۷۶۸، ۱۷۶۰، ۱۷۳۲، ۱۷۱۸

۱۸۲۲، ۱۸۲۲، ۱۸۱۶، ۱۸۰۳، ۱۸۰۲

۱۹۱۴، ۱۸۹۷، ۱۸۸۷، ۱۸۸۵، ۱۸۷۳

۱۹۶۸، ۱۹۲۴، ۱۹۲۳، ۱۹۱۷، ۱۹۱۵

۱۹۹۴، ۱۹۹۱، ۱۹۷۶، ۱۹۶۴، ۱۹۵۲

۲۰۲۲، ۲۰۲۱، ۲۰۰۸، ۲۰۰۵، ۲۰۰۴

۲۰۳۳، ۲۰۳۲، ۲۰۲۸، ۲۰۲۶، ۲۰۲۲

۲۰۷۰، ۲۰۶۶، ۲۰۶۷، ۲۰۶۵، ۲۰۳۶

۲۱۳۳، ۲۱۳۲، ۲۱۲۸، ۲۱۰۶، ۲۰۷۸

عراق عجم: ج ۱ ص ۲۶۲، ۲۷۹، ۳۱۱، ۳۴۲

۵۸۵، ۴۳۶، ۴۱۵، ۳۸۷، ۳۶۲

۶۶۹، ۶۶۸، ۶۵۷، ۶۵۵، ۶۱۲، ۵۹۷

۷۰۱، ۶۹۷، ۶۹۵، ۶۸۹، ۶۷۴، ۶۷۲

۷۰۲، ۷۱۹، ۷۱۵، ۷۰۷، ۷۰۴

۷۳۷، ۷۳۵، ۷۳۱، ۷۲۵، ۷۲۱

۷۵۵، ۷۵۳، ۷۴۶، ۷۴۴، ۷۴۳، ۷۳۹

۸۴۷، ۸۰۲، ۷۸۳، ۷۶۷، ۷۵۸، ۷۵۶

۸۸۱، ۸۸۰، ۸۷۸، ۸۷۶، ۸۷۱، ۸۶۸

۹۰۶، ۸۹۲، ۸۸۷، ۸۸۵، ۸۸۲، ۸۸۲

۶۶۰، ۶۵۹، ۶۵۷، ۶۵۴، ۶۵۰، ۶۴۶
 ۶۶۷، ۶۶۵، ۶۶۳، ۶۲۲
 ۶۸۳، ۶۸۲، ۶۸۰، ۶۷۸، ۶۷۵، ۶۷۲
 ۶۹۹، ۶۹۷، ۶۹۴، ۶۹۰، ۶۸۸، ۶۸۷
 ۷۱۱، ۷۰۹، ۷۰۷، ۷۰۵، ۷۰۳، ۷۰۱
 ۷۲۷، ۷۲۵، ۷۲۴، ۷۲۲، ۷۲۱، ۷۱۴
 ۷۴۶، ۷۴۳، ۷۴۰، ۷۳۶، ۷۳۳، ۷۳۲
 ۷۶۵، ۷۶۳، ۷۵۷، ۷۵۵، ۷۵۲، ۷۵۱
 ۷۸۵، ۷۸۳، ۷۷۳، ۷۷۰، ۷۶۸، ۷۶۶
 ۷۸۰، ۷۹۹، ۷۹۷، ۷۹۴، ۷۸۹، ۷۸۷
 ۸۲۹، ۸۲۳، ۸۲۵، ۸۲۳، ۸۱۹، ۸۱۱
 ۸۵۳، ۸۵۰، ۸۴۸، ۸۴۶، ۸۴۴، ۸۴۰
 ۸۶۶، ۸۶۳، ۸۶۱، ۸۶۰، ۸۵۷، ۸۵۶
 ۸۹۰، ۸۸۸، ۸۸۱، ۸۷۵، ۸۷۳، ۸۷۰
 ۹۰۵، ۹۰۳، ۹۰۲، ۹۰۰، ۸۹۸، ۸۹۳
 ۹۱۹، ۹۱۳، ۹۱۵، ۹۱۱، ۹۰۹، ۹۰۷
 ۹۲۳، ۹۲۲، ۹۲۰، ۹۲۸، ۹۲۵، ۹۲۱
 ۹۳۳، ۹۳۲، ۹۳۰، ۹۲۸، ۹۲۵، ۹۲۱
 ۹۵۳، ۹۴۹، ۹۴۶، ۹۴۴، ۹۴۰، ۹۳۸
 ۹۸۱، ۹۶۹، ۹۶۷، ۹۵۹، ۹۵۶، ۹۵۵
 ۱۰۰۳، ۱۰۰۰، ۹۹۸، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۸۴
 ۱۰۱۵، ۱۰۱۲، ۱۰۱۰، ۱۰۰۷، ۱۰۰۴
 ۱۱۱۲، ۱۰۹۴، ۱۰۵۹، ۱۰۵۳، ۱۰۱۷
 ۱۱۲۹، ۱۱۲۷، ۱۱۲۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۳
 ۱۱۲۴، ۱۱۲۳، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۰
 ۱۱۶۶، ۱۱۵۸، ۱۱۵۴، ۱۱۵۳، ۱۱۴۶
 ۱۱۷۶، ۱۱۷۵، ۱۱۷۲، ۱۱۷۰، ۱۱۶۸
 ۱۱۹۴، ۱۱۸۶، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۷۸
 ۱۳۰۶، ۱۲۶۰، ۱۲۵۸، ۱۲۰۸، ۱۲۰۲
 ۱۳۰۷، ۱۳۰۶، ۱۲۷۷، ۱۲۶۲
 ۱۴۰۹، ۱۴۰۸، ۱۳۹۵، ۱۳۷۰، ۱۳۶۸
 ۱۴۵۱، ۱۴۲۳، ۱۴۱۹، ۱۴۱۶، ۱۴۱۱
 ۱۴۸۷، ۱۴۵۸، ۱۴۴۲، ۱۴۷۴، ۱۴۶۰
 ۱۵۰۸، ۱۵۰۷، ۱۴۹۷، ۱۴۹۲، ۱۴۸۹
 ۱۵۴۹، ۱۵۴۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۵، ۱۵۰۹
 ۱۵۶۰، ۱۵۵۸، ۱۵۵۶، ۱۵۵۳، ۱۵۵۰
 ۱۵۷۰، ۱۵۶۸، ۱۵۶۵، ۱۵۶۳، ۱۵۶۲
 ۱۶۳۱، ۱۶۰۰، ۱۵۹۶، ۱۵۹۳، ۱۵۷۶
 ۱۷۰۳، ۱۶۹۷، ۱۶۹۴، ۱۶۸۲، ۱۶۷۸
 ۱۷۵۲، ۱۷۵۰، ۱۷۴۰، ۱۷۱۰، ۱۷۰۸
 ۱۷۷۶، ۱۷۶۵، ۱۷۶۲، ۱۷۶۰، ۱۷۵۲
 ۱۷۹۱، ۱۷۸۹، ۱۷۸۸، ۱۷۷۸، ۱۷۷۱
 ۱۸۱۴، ۱۸۰۷، ۱۸۰۰، ۱۷۹۶، ۱۷۹۵
 ۱۸۳۰، ۱۸۲۹، ۱۸۲۵، ۱۸۲۰، ۱۸۱۶
 ۱۸۳۷، ۱۸۳۳، ۱۸۳۰، ۱۸۲۷، ۱۸۲۳

عنان: ج ۱ ص ۲۷، ۲۳، ۲۷، ۲۳، ۱۳۴، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۷۲، ۲۶۱، ۲۸۲، ۳۱۱ تا
 ۳۱۳، ۳۱۵-ج ۲ ص ۱۱۳۷، ۱۱۴۱، ۱۱۷۸
 ۱۵۹۳، ۱۵۵۱، ۱۴۰۵-ج ۳ ص ۱۶۶۵، ۱۷۹۰، ۱۶۶۵

عنان (دریای): ج ۱ ص ۱۷۲،
 عمره (قریب): از بلاد صنهاجه: ج ۱ ص ۲۵۷،
 عموریه = انگوریه: ج ۱ ص ۱۸۶، ۲۴۴، ۳۹۲،
 صنبیره (قریب): ج ۱ ص ۳۹۰،
 صنبوه (بلد نزدیک حصن): ج ۱ ص ۴۲،
 عوجا (شهر): ج ۲ ص ۶۰۵،
 عودلجان (مطبخ): ج ۱ ص ۵۵۶، ۵۲۶، ۱۲۵۲

عذاب: ج ۱ ص ۴۰۶،
 عیش آباد (باغ): ج ۲ ص ۸۰۷،
 عیناب: ج ۲ ص ۵۸۹،
 عین تات: ج ۱ ص ۴۰۶،
 عین التمر: ج ۱ ص ۶۹۰، ۲۵،
 عین العالوت: ج ۲ ص ۵۸۱،
 عین الحافضه: ج ۱ ص ۴۶،
 عین زریه (نزدیک ممبیه): ج ۱ ص ۱۶۳، ۲۶۶

عین شمس (عین الشمس): ج ۱ ص ۲۷۲، ۵۰،
 عین وردیه (عین البرده) از شهرهای جزیره:
 ج ۱ ص ۸۶، ۴۶

غ

غابه: ج ۱ ص ۲۸، ج ۲ ص ۶۱۳،
 غار: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۵۰، ج ۳ ص ۲۰۹۵

غارثور: ج ۱ ص ۲۱،
 غراس: ج ۱ ص ۴۲،
 غروب: ج ۱ ص ۱۳،
 غرب اوسط: ج ۱ ص ۴۵۸،
 غریبه (عربیه یا: عربیه): ج ۱ ص ۳۹۵،
 غرجهستان: ج ۲ ص ۷۵۲، ۶۵۲، ۷۶۰، ۷۶۶، ۷۸۶، ۸۰۸، ۸۱۵، ۷۸۸

غرجهستان: ج ۱ ص ۱۱۱،
 غرناطه (= گرناد): ج ۱ ص ۳۴۱، ۳۴۳،
 ۲۸۹، ۲۵۳-ج ۲ ص ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۹،
 ۷۳۲

غزاله: ج ۱ ص ۱۰۲،
 غزان (شهر): ج ۲ ص ۷۲۱، ۷۲۸، ۸۲۲

علی آباد: ج ۲ ص ۹۵۷، ۱۱۵۵، ۱۱۵۸،
 علی آباد ساری: ج ۳ ص ۱۳۸۱، ۱۳۸۲،
 علی آباد قوچان: ج ۲ ص ۱۸۹۵،
 علی بلاغ: ج ۱ ص ۱۱۷۵، ج ۲ ص ۱۲۵۷، ۱۳۶۴

علی بولاغ = چشمه علی دامنجان: ج ۳ ص ۱۳۶۷، ۱۳۶۴، ۱۳۵۷

علی بیگ (قلعه): ج ۲ ص ۱۰۳۲،
 علی شنان: ج ۲ ص ۸۰۴،

علیشکر کرمانشهان: ج ۲ ص ۱۱۱۲، ۹۳۰،
 ۱۱۱۵، ۱۱۴۹-ج ۳ ص ۱۳۶۹، ۱۳۸۹،
 ۱۳۹۶

علیهقه (قلعه): ج ۲ ص ۵۸۹،
 عماد (قلعه): ج ۲ ص ۷۰۹،
 عمادیه کرمانشهان (قلعه): ج ۱ ص ۳۷۸،
 ج ۲ ص ۹۳۰-ج ۳ ص ۱۳۶۹، ۱۹۱۵،
 ۱۹۱۶

عمارات بهرام الارم بار فروش: ج ۳ ص ۱۵۳۷،
 عمارات وکیل: ج ۳ ص ۱۴۱۸، ۱۲۲۲،
 عمارت ارشدوگ الکبر: ج ۳ ص ۱۷۶۳،
 عمارت اردشیر دراز دست: ج ۳ ص ۱۷۳۳،
 عمارت باغ: ج ۳ ص ۱۶۶۹،
 عمارت تلپور (در انگلیس): ج ۳ ص ۱۵۴۴،
 ۱۷۲۰، ۱۷۳۹، ۱۷۴۴

عمارت حمزه آقا: ج ۳ ص ۲۰۱۷،
 عمارت داود پاشا: ج ۲ ص ۹۳۸،
 عمارت سلطنتی افغانستان: ج ۲ ص ۹۷۸، ج ۳ ص ۱۷۱۷

عمارت سلطنتی توپلری (در فرانسه): ج ۲ ص ۱۹۳۱

عمارت سنت کلو: ج ۳ ص ۱۷۵۲،
 عمارت شنب: ج ۲ ص ۶۰۶،
 عمارت طویلری: ج ۳ ص ۱۷۷۹، ۱۷۸۹،
 عمارت علی: ج ۳ ص ۱۹۷۱، ۱۹۷۶،
 عمارت کر: ج ۳ ص ۱۸۲۸

عمارت کلاه فرنگی: ج ۳ ص ۱۷۷۰،
 عمارت گلستان: ج ۲ ص ۱۵۰۲، ۱۶۲۴،
 عمارت لیور فرانسه: ج ۲ ص ۶۸۱،
 عمارت نور: ج ۳ ص ۲۰۳۴

عمارت هزار حرمب افغان: ج ۳ ص ۱۷۷۱،
 عمارت هفت دست افغان: ج ۳ ص ۱۶۲۱،
 ۱۶۴۲، ۱۷۱۷

عماره: ج ۱ ص ۱۸۳، ۵۲۴-ج ۲ ص ۱۷۶۲،
 ج ۳ ص ۲۱۰۷

۱۱۸۳، ۱۱۸۷، ۱۱۹۲، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰،
 ۱۲۲۲، ۱۲۲۵، ۱۲۳۴، ۱۲۷۹، ۱۲۸۷،
 ۱۲۹۸-ج ۳ ص ۱۶۳۱، ۱۵۰۱،
 ۱۶۳۶، ۱۶۴۶، ۱۶۵۲، ۱۷۰۱، ۱۷۰۹،
 ۱۷۱۲، ۱۷۱۹، ۱۷۲۷، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳

۱۷۳۰، ۱۷۴۴، ۱۷۴۸، ۱۷۵۷، ۱۷۵۹،
 ۱۷۷۲، ۱۷۸۱، ۱۷۸۴، ۱۷۹۰، ۱۸۱۵،

۱۸۲۲، ۱۸۲۵، ۱۸۳۳، ۱۸۴۰،
 ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۴، ۱۸۵۲، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷،

۱۸۵۹، ۱۸۶۱، ۱۸۶۷، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶،
 ۱۸۹۸، ۱۹۰۵، ۱۹۰۹، ۱۹۱۷، ۱۹۲۴،

۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸، ۱۹۳۸، ۱۹۵۸، ۱۹۶۳، ۱۹۷۱،
 ۱۹۸۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹

۲۰۱۹، ۲۰۲۱، ۲۰۲۴، ۲۰۲۶، ۲۰۳۲،
 ۲۰۳۳، ۲۰۳۶، ۲۰۴۵، ۲۰۴۷ تا ۲۰۴۸،

۲۰۷۸، ۲۰۹۹، ۲۰۹۹، ۲۱۲۳، ۲۱۲۵،
 ۲۱۴۱ تا ۲۱۴۳

عرفات: ج ۱ ص ۳۹۲، ۸۸،
 عرفه: ج ۱ ص ۳۴۴

عرم: ج ۲ ص ۸۲۸، ۸۲۲،
 عریش: ج ۱ ص ۲۵۲، ۱۶۲،

عراز: ج ۱ ص ۳۶۸،
 عسکران (قریب): ج ۳ ص ۱۳۹۶، ۱۴۷۶،

۱۳۸۲،
 عسکریین: ج ۳ ص ۱۹۱۶

عسلان: ج ۱ ص ۱۹۲، ۸۳، ۶۸، ۶۲، ۵۳،
 ۲۵۳، ۲۵۳، ۲۵۳، ۲۵۳، ۲۵۳، ۲۵۳

عشرت آباد: ج ۳ ص ۱۹۵۲، ۱۹۵۵، ۲۰۴۵،
 عصرینیه حلب (مدرسه): ج ۲ ص ۶۳۳

عقب دیوچانه: ج ۲ ص ۸۲۱،
 عقبه: ج ۲ ص ۷۱۴

عقبه ابلق: ج ۱ ص ۲۲۰،
 عقدای بزد: ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص ۱۲۸۱

ج ۳ ص ۱۶۰۳، ۱۶۶۵، ۲۱۳۲،
 عقر (قلعه): ج ۱ ص ۴۳۳، ۴۳۳، ۴۳۳

عقلی (ملوک نوشتر): ج ۳ ص ۱۷۳۰،
 عقیق (در موصل): ج ۱ ص ۹۲

عکا (بندرس): ج ۱ ص ۳۵۴، ۳۵۴، ۴۰۹ تا
 ۴۱۱، ۴۳۱-ج ۲ ص ۶۰۲، ۶۰۱، ج ۳ ص ۱۶۱۴

عکار: ج ۲ ص ۵۹۶، ۵۸۹،
 عکبرا: ج ۱ ص ۲۵۱، ۲۳۶، ۳۰۹

عکه: ج ۱ ص ۵۳۳، ج ۲ ص ۱۲۶۲، ج ۳ ص ۱۲۵۵

غزنه: ج ۲ ص ۸۰۰-۶۰۸.

غزنی: ج ۳ ص ۱۶۵۲.

غزیه (شهر): ج ۱ ص ۴۳۹-۴۴۰: ج ۲ ص

۵۸۰-۵۹۶-۶۰۷.

غزنین: ج ۱ ص ۲۷۷-۲۸۷-۲۸۹-۲۹۱-۲۹۹.

۳۰۰-۳۰۲-۳۰۵-۳۱۴-۳۱۵-۳۲۰.

۳۲۱-۳۲۶-۳۳۸-۳۴۲-۳۸۴.

۳۸۵-۴۱۵-۴۲۲-۴۲۴-۴۲۵-۴۳۰.

۴۳۲-۴۳۵-۴۴۲-۴۸۶: ج ۲ ص

۶۱۲-۶۷۹-۷۱۷-۷۱۸-۷۲۶-۷۲۹.

۸۰۱-۸۳۱-۱۱۲۲: ج ۳ ص ۲۰۱۲.

غمر: ج ۱ ص ۲۶.

غمنی: ج ۱ ص ۹۲.

غور: ج ۱ ص ۱۱۰-۱۱۱-۲۸۴-۳۸۵-۴۱۷.

۴۱۹-۴۲۶-۴۳۲: ج ۲ ص ۶۲۶-۶۵۳.

۶۶۲-۷۰۸-۷۲۶-۷۵۲-۱۱۲۲.

غوریان (ولایت): ج ۲ ص ۷۷۳-۱۰۰۵: ج

۳ ص ۱۴۸۵-۱۵۱۸-۱۵۲۶-۱۵۳۰.

۱۵۳۲-۱۵۳۶-۱۵۳۷-۱۵۳۹-۱۵۷۳.

۱۶۱۶-۱۶۳۸-۱۶۴۱-۱۶۴۶-۱۶۹۸.

غوریه: ج ۱ ص ۳۸۴.

عوطه دمشق: ج ۱ ص ۱۲۶-۱۲۷-۳۷۱.

غویک: ج ۱ ص ۱۲۱.

۶۹۲-۶۹۴-۶۹۶-۷۰۰-۷۰۴-۷۱۱.

۷۲۱-۷۲۳-۷۲۷-۷۲۸-۷۳۳-۷۳۶.

۷۴۰-۷۴۵-۷۴۸-۷۵۴-۷۵۸-۷۶۴.

۷۶۳-۷۶۸-۷۷۳-۷۷۶-۷۸۸-۷۹۰.

۷۹۸-۸۰۶-۸۰۸-۸۱۰-۸۱۱-۸۲۳.

۸۲۱-۸۲۸-۸۳۹-۸۴۴-۸۴۶-۸۵۰.

۸۵۲-۸۵۳-۸۵۶-۸۵۸-۸۶۵-۸۶۵.

۸۶۸-۸۷۲-۸۷۵-۸۸۱-۸۸۸-۸۹۰.

۸۹۲-۸۹۴-۸۹۶-۹۰۰-۹۰۲-۹۰۶.

۹۱۱-۹۱۲-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۴-۹۲۷.

۹۳۶-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۸.

۹۵۱-۹۵۳-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۸-۹۵۹.

۹۶۱-۹۶۶-۹۶۸-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۹.

۹۸۲-۹۸۷-۱۰۱۱-۱۰۱۳-۱۰۱۶.

۱۰۱۸-۱۰۲۱-۱۰۲۴-۱۰۲۶-۱۰۲۸.

۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۹-۱۰۵۰-۱۰۷۶.

۱۱۱۲-۱۱۱۵-۱۱۱۷-۱۱۲۷-۱۱۳۲.

۱۱۳۴-۱۱۳۶-۱۱۳۹-۱۱۴۲-۱۱۵۴.

۱۱۵۸-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۴-۱۱۶۵.

۱۱۶۷-۱۱۷۱-۱۱۷۵-۱۱۷۸-۱۱۸۰.

۱۱۹۹-۱۲۰۲-۱۲۰۷-۱۲۵۶-۱۲۶۷.

۱۲۰۶: ج ۳ ص ۱۲۹۰-۱۲۹۲-۱۲۹۵.

۱۲۹۸-۱۳۰۰-۱۳۰۲-۱۳۰۸-۱۳۱۶.

۱۳۱۷-۱۳۱۹-۱۳۲۱-۱۳۲۳-۱۳۲۶.

۱۳۲۷-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۵.

۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۶-۱۳۵۱.

۱۳۵۲-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۹-۱۳۶۰.

۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۵-۱۳۶۷-۱۳۷۰.

۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۹-۱۳۸۱-۱۳۸۲.

۱۳۸۶-۱۳۹۳-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۹.

۱۵۰۰-۱۵۰۳-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۲۴.

۱۵۲۸-۱۵۳۱-۱۵۳۳-۱۵۳۵-۱۵۳۸.

۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۶-۱۵۳۹.

۱۵۵۱-۱۵۵۳-۱۵۵۸-۱۵۶۵-۱۵۶۸.

۱۵۷۷-۱۵۸۱-۱۵۹۳-۱۵۹۴-۱۵۹۶.

۱۶۰۰-۱۶۰۱-۱۶۰۲-۱۶۰۵-۱۶۰۸.

۱۶۰۹-۱۶۱۴-۱۶۱۹-۱۶۳۵-۱۶۳۸.

۱۶۴۷-۱۶۴۸-۱۶۵۵-۱۶۵۶-۱۶۶۷.

۱۶۶۴-۱۶۷۲-۱۶۷۶-۱۶۸۲-۱۶۸۸.

۱۶۹۷-۱۷۰۲-۱۷۰۳-۱۷۰۷-۱۷۰۹.

۱۷۱۱-۱۷۲۰-۱۷۲۱-۱۷۲۹-۱۷۳۰.

۱۷۵۱-۱۷۵۳-۱۷۶۵-۱۷۷۴-۱۷۷۹.

۱۷۸۶-۱۷۸۷-۱۷۹۰-۱۷۹۱-۱۷۹۵.

۱۷۹۷-۱۷۹۹-۱۸۰۲-۱۸۰۵-۱۸۰۸.

۱۸۱۲-۱۸۱۶-۱۸۲۰-۱۸۲۶-۱۸۳۱.

۱۸۳۲-۱۸۳۶-۱۸۳۹-۱۸۴۱-۱۸۴۳.

۱۸۴۵-۱۸۴۸-۱۸۵۲-۱۸۵۶-۱۸۶۰.

۱۸۶۲-۱۸۶۶-۱۸۶۷-۱۸۶۹-۱۸۶۹.

۱۸۷۲-۱۸۷۴-۱۸۷۶-۱۸۷۸-۱۸۸۳.

۱۸۸۹-۱۸۹۱-۱۸۹۸-۱۹۰۱-۱۹۰۲.

۱۹۰۶-۱۹۰۹-۱۹۱۰-۱۹۱۲-۱۹۱۳.

۱۹۱۷-۱۹۲۲-۱۹۲۳-۱۹۲۶-۱۹۲۹.

۱۹۳۲-۱۹۳۵-۱۹۳۷-۱۹۳۸-۱۹۴۴.

۱۹۴۵-۱۹۴۸-۱۹۵۰-۱۹۵۲-۱۹۵۶.

۱۹۶۱-۱۹۶۲-۱۹۶۵-۱۹۶۶-۱۹۶۸.

۱۹۷۳-۱۹۷۵-۱۹۸۵-۱۹۸۷-۱۹۹۰.

۱۹۹۷-۱۹۹۹-۲۰۰۱-۲۰۰۴-۲۰۱۳.

۲۰۱۵-۲۰۲۸-۲۰۲۹-۲۰۳۳-۲۰۴۸.

۲۰۵۲-۲۰۵۹-۲۱۵۰.

فرانک: ج ۱ ص ۲۷-۳۰-۳۳-۸۸.

فرانکفورت (شهر): ج ۳ ص ۱۴۲۲-۱۵۳۳.

۱۵۳۸-۱۵۳۹-۱۵۸۰-۱۵۸۳-۱۶۴۲.

۱۹۵۰-۱۹۶۵.

فراه: ج ۲ ص ۶۵۴-۶۷۶-۹۱۶-۹۶۹-۱۰۰۵.

۱۰۲۰-۱۰۲۴-۱۰۲۹: ج ۳ ص ۱۵۲۱.

۱۵۷۳-۱۶۲۴-۱۶۲۵-۱۷۳۰-۱۷۳۶.

فراهان: ج ۲ ص ۱۱۵۳-۱۱۵۶-۱۲۹۹: ج ۳

ص ۱۲۹۸-۱۳۲۷-۱۵۲۶-۱۷۱۳.

۱۷۱۵-۱۷۸۲-۲۰۸۲-۲۱۴۴.

فرور (قریعت) در بخارا: ج ۱ ص ۲۴۷.

فرج آباد: ج ۳ ص ۱۷۸۴.

فرج آباد = طاهان: ج ۲ ص ۹۰۹-۹۱۱.

فرج آباد اصفهان: ج ۲ ص ۹۵۶-۹۵۷-۹۶۲.

۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۶۷-۱۰۶۹.

۱۰۹۵.

فرج آباد مازندران: ج ۲ ص ۹۵۶-۹۶۲: ج

۳ ص ۱۸۷۶-۱۹۵۸.

فردوس: ج ۳ ص ۱۹۵۲.

فرده — چمن فرده

فولیه: ج ۳ ص ۱۷۰۴.

فرغانه (آبالت): ج ۱ ص ۵۵۰-۵۵۲.

۱۱۲-۱۱۲۲-۱۲۲۰-۳۱۷: ج ۳ ص ۷۳۳.

۷۸۲-۸۲۰: ج ۳ ص ۱۲۲۹-۱۲۶۷.

فوتانین: ج ۲ ص ۱۳۰۴.

فوما (شهر): ج ۱ ص ۳۶۰.

فوره: ج ۱ ص ۵۴۹.

فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی: ج ۳

ج ۱۳۲۸-۱۳۳۶.

فریمان: ج ۲ ص ۱۱۹۹.

فریدن اصفهان: ج ۲ ص ۱۲۹۹: ج ۳ ص

۱۵۹۸-۱۷۴۲-۱۸۲۴-۲۱۴۴.

فرولاند: ج ۳ ص ۱۲۸۸.

فر (فاس) پایتخت موقت: ج ۱ ص ۱۶۹-۱۸۳.

۲۲۷: ج ۳ ص ۱۸۲۷.

فسا (= بسا) در فارس: ج ۱ ص ۵۲-۷۲-۲۲۶.

ج ۲ ص ۶۲۵-۶۲۶-۱۱۶۶: ج ۳ ص

۱۶۱۲.

فسطاط: ج ۱ ص ۲۲۹.

فشافویه (ری (فشافویه)): ج ۱ ص ۵۲۵: ج ۲

ف

فاراب ترکستان = اطوار: ج ۱ ص ۲۹۲: ج ۲

ص ۷۴۷.

فاران ترکستان: ج ۱ ص ۲۶۰.

فارس: ج ۱ ص ۴۷-۴۸-۵۱-۵۲-۵۵-۷۰.

۷۲-۷۳-۸۸-۹۵-۱۲۸-۱۳۶-۱۴۷.

۱۴۹ تا ۱۵۱-۱۵۲-۱۷۳-۱۹۰-۱۹۱.

۱۹۷-۲۰۴-۲۱۳-۲۱۵-۲۱۶-۲۴۹.

۱۵۱۲۵۱۵۰۹۰۱۵۰۵۰۱۵۰۲۰۱۴۹۸
۱۵۷۶۰۱۵۷۴۰۱۵۷۲۰۱۵۶۹۰۱۵۱۶
۰۱۸۵۵

قراقرغه (حوالی مرغی): ج ۳ ص ۱۶۸۹
قراغلی (ولایت-): ج ۱ ص ۲۰۸
قراغه: ج ۲ ص ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ج ۳ ص ۱۴۶۷
قراچنداغ، قراچه داغ: ج ۲ ص ۱۱۴۵، ۷۲۰
۱۴۴۲: ج ۲ ص ۱۴۴۲، ۱۴۴۱، ۱۴۴۰
۱۶۲۰، ۱۶۱۷، ۱۵۷۴، ۱۵۷۲، ۱۵۰۲
۱۷۵۹، ۱۷۳۴، ۱۷۱۲، ۱۷۱۲، ۱۷۰۶
۲۰۸۶، ۱۹۹۵، ۱۹۹۴، ۱۸۱۳، ۱۷۶۴
قراحصار: ج ۲ ص ۶۰۱
قرا داغ عثمانی: ج ۳ ص ۱۸۲۷، ۱۸۰۷
۰۱۹۹۴، ۱۹۲۷
قرا دنگیز: ج ۱ ص ۲۶۹، ۲۲۶، ج ۲ ص ۷۲۲
۱۸۰۰، ۱۷۹۰، ۱۷۷۸، ۱۷۷۷، ۱۷۷۶
۰۱۹۹۰، ۱۹۲۱
قرا سو: ج ۳ ص ۱۵۷۴
قرا شیخ (دهنه-): ج ۳ ص ۱۴۳۹، ۱۴۳۷
۰۱۶۳۶، ۱۵۰۹
قراغه: ج ۱ ص ۲۰۲
قراقرم، قراقرورم (پایتخت منولستان): ج ۱
ص ۲۸۷، ج ۲ ص ۱۲۳۰، ۱۲۳۲
قرا طغان (مضیق-): ج ۲ ص ۹۲۰
قرا قیطاق: ج ۲ ص ۱۱۲۷
قرا کلیسا: ج ۲ ص ۱۵۷۱، ۱۵۷۰، ۱۵۱۴
قرا مان (بلاد-): ج ۲ ص ۶۶۶، ۶۵۷، ۶۹۰
۰۱۳۶۹، ۱۳۶۸، ۱۳۶۷، ۱۳۶۶، ۱۳۶۵، ۱۳۶۴
قرا موزان: ج ۳ ص ۱۲۳۸
قرا باب: ج ۳ ص ۱۷۷۲، ۱۷۶۸
قردی (از اعطال جزیره ابن عمر): ج ۱ ص
۱۵۹
قوش (شهر-): ج ۲ ص ۷۵۶، ۸۳۰
قو طاجنه: ج ۱ ص ۹۱
قو طبه = کردو (پایتخت اسپانیا): ج ۱ ص ۹
ج ۱ ص ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۴
۰۲۸۳، ۲۳۹، ۲۰۱، ۲۹۵، ۲۵۱، ۱۷۲
۰۲۴۶، ۲۱۹، ۲۰۶، ۲۸۶
قوی: ج ۲ ص ۸۶۰
قو سونه (شهر-): ج ۱ ص ۱۱۲
قو قیز: ج ۳ ص ۱۹۵۱
قو قیسیا: ج ۱ ص ۲۵، ۸۶، ۱۲۷، ۲۰۵
قو م: ج ۲ ص ۶۲۵، ۷۲۵، ۸۵۷، ۹۹۲، ۱۱۸۰
ج ۲ ص ۱۲۸۷، ۱۲۹۰، ۱۲۹۵، ۱۳۰۱

۰۸۸۲، ۸۲۷، ۸۰۲، ۷۷۱، ۷۵۳، ۷۵۱
۰۹۵۹، ۸۸۳

قبر حضرت ابراهیم: ج ۱ ص ۲۶۴
قبر رسول (حضرت-): ج ۱ ص ۷۵
قبر زبیده: ج ۱ ص ۳۲۱
قبوس (جزیرم-): ج ۱ ص ۱۶۹، ۵۸، ۵۵
۰۶۳۵، ۵۸۹، ۴۵۲، ۴۳۲، ۳۵۷، ۲۷۰
۰۸۵۷، ۶۸۵
۰۱۸۸۰
قبرستان مشرکین (در مدینه): ج ۱ ص ۲۱
قبر سید الشهدا (ع): ج ۱ ص ۲۰۰، ۱۹۳
قبر شارلین (در شهرکس): ج ۱ ص ۲۹۱
قبر مطویه: ج ۱ ص ۲۱۳
قبله: ج ۱ ص ۲۲
قبر امه (ع): ج ۲ ص ۱۰۳۷
قبر ملوک بنی بویه: ج ۱ ص ۳۲۱
شبه: ج ۲ ص ۱۵۱۲، ۱۴۷۷، ۱۴۰۲، ۱۴۹۲
۰۱۶۹۹، ۱۵۷۱
شبه حضرت سید الشهدا: ج ۲ ص ۱۴۱۱
۰۱۶۲۱، ۱۵۷۲، ۱۴۳۷، ۱۴۱۶
شبه حضرت عباس: ج ۲ ص ۱۶۲۱
شبه حضرت مصومه: ج ۳ ص ۱۶۲۱
شبه صخره: ج ۱ ص ۲۰۹
شیرازی کوه: ج ۲ ص ۱۴۷۷
شیر امه: ج ۲ ص ۱۰۳۷
شیر ملوک بنی بویه: ج ۱ ص ۳۲۱
شمس (کوم-): ج ۱ ص ۸۵
شیران قرا باغ: ج ۲ ص ۲۰۹
شیر (فعل در اردن): ج ۱ ص ۴۱، ۳۸
قدس شریف: ج ۱ ص ۲۱۱، ۲۲۹، ۲۲۴، ۲۲۹
۰۶۳۷
شیرگاه خضر (در استر آباد): ج ۳ ص ۱۴۲۱
۰۱۶۴۱
شمس (حصن-): ج ۱ ص ۲۷۳، ۳۷، ج ۲
ص ۵۹۰
شمس: ج ۱ ص ۲۰
شیران اران (ولایت-): ج ۲ ص ۶۶۶، ۶۶۵
۰۷۱۵، ۶۹۰، ۶۸۶، ۶۸۱، ۶۸۰، ۶۶۸
۰۸۲۹، ۸۲۳، ۸۱۹، ۸۱۱، ۷۲۰، ۷۱۶
۰۹۰۸، ۸۹۹، ۸۸۸، ۸۶۹، ۸۳۲، ۸۲۱
۰۱۰۲۳، ۱۰۱۵، ۹۶۹، ۹۲۹، ۹۰۹
۱۳۶۳، ۱۳۳۶، ج ۳ ص ۱۱۵۶، ۱۰۳۸
۱۳۲۹، ۱۳۳۶، ۱۳۲۹، ۱۳۶۹، ۱۳۶۴
۱۳۲۵، ۱۳۲۳، ۱۳۶۹، ۱۳۶۸، ۱۳۵۲
۱۳۹۷، ۱۳۹۰، ۱۳۸۲، ۱۳۸۱، ۱۳۷۶

شیروز: ج ۳ ص ۱۸۹۵
شیر آباد (منزل-): ج ۳ ص ۱۸۹۵
شیرادلی: ج ۳ ص ۱۹۲۰
شیران: ج ۳ ص ۱۸۲۸

ق

قاس (ولایت-): ج ۱ ص ۴۵۸
قارا (بین مشل و حصن): ج ۲ ص ۵۸۶
قارص (شهر-): ج ۲ ص ۸۹۸، ۸۰۲، ۶۶۷
۱۱۱۵، ۹۲۲، ۹۳۲، ۹۳۱، ۹۳۰، ۹۰۲
۱۱۲۰، ۱۱۳۲، ۱۱۳۷، ج ۳ ص ۱۳۶۹
۰۱۷۷۹، ۱۷۷۷، ۱۵۹۶، ۱۳۷۱، ۱۳۵۳
۰۱۹۸۹، ۱۹۷۴، ۱۷۹۰
قارقوم: ج ۳ ص ۱۳۲۴
قارن (قلعه-): ج ۲ ص ۱۶۳۶، ۱۶۳۵
قاری صوم = شهر چهار دروازه (ج: جهل
دروازه): ج ۲ ص ۱۳۳۱
قاری قلعه: ج ۲ ص ۱۹۰۹، ۱۹۱۴
قازان لق (ایالت-): ج ۳ ص ۱۸۶۲، ۱۸۳۷
قاسم آباد (منزل-): ج ۳ ص ۱۷۱۵
قاصرین: ج ۱ ص ۴۲
قاسطول: ج ۱ ص ۲۰۳
قالدین: ج ۳ ص ۱۳۳۴
قالبیلا: ج ۱ ص ۱۵۲، ۹۵
قالیلا: ج ۱ ص ۱۴۴
قانلو حصن: ج ۲ ص ۸۳۷
قاهره: ج ۱ ص ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۵۹، ۲۱۴، ۸۲
۰۲۴۳، ۲۳۵، ۲۳۰، ۲۰۲، ۲۹۶، ۲۰۵
۰۲۴۳، ۲۳۵، ۲۳۰، ۲۰۲، ۲۹۶، ۲۰۵
۰۶۳۴، ۶۲۹، ۶۲۷، ۶۲۵، ۶۱۳، ۵۸۸
۰۱۴۵۱، ۱۴۵۰، ۱۳۰۲، ۷۶۵، ۷۲۲
۱۷۸۹، ۱۷۴۱، ۱۵۰۴، ۱۴۷۰، ۱۴۵۹
۰۲۱۵۱، ۲۰۵۴، ۲۰۵۲، ۱۹۱۲
قاین: ج ۲ ص ۱۲۳۵، ۸۵۸، ۷۲۳، ج ۳ ص
۱۸۹۷، ۱۷۸۲، ۱۷۲۹، ۱۶۴۶، ۱۴۲۳
۰۲۰۸۰
قاینات: ج ۳ ص ۱۴۲۸، ۱۶۰۶، ۱۶۰۸
۰۱۶۱۸
قبا: ج ۱ ص ۲۱
قباچاق (شهر - دشت-): ج ۱ ص ۲۶۰، ۲۳۵
ج ۲ ص ۵۸۶، ۵۸۴، ۵۸۰، ۵۸۰، ۵۸۰
۰۶۴۴، ۶۲۱، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۲۲، ۶۲۲
۰۶۷۱، ۶۶۲، ۶۵۹، ۶۵۷، ۶۵۶، ۶۵۰
۰۷۲۷، ۷۲۵، ۷۱۹، ۷۰۸، ۶۹۰، ۶۸۴

۱۷۷۷-۱۲۱۸

قرومبین: ج ۱ ص ۳۱۸

قروه: ج ۱ ص ۵۲۹، ج ۲ ص ۱۲۸۳، ج ۳ ص ۲۱۳۲

قروه آغا: ج ۱ ص ۷۸۷

قربلیس (قروم): ج ۱ ص ۱۹۷-۱۹۹

قزیر (شهر): حوالی جیحون: ج ۱ ص ۳۲۲

قزیه بگان: ج ۲ ص ۱۰۹۷

قزیه سدره: ج ۲ ص ۱۵۱۱

قزیه محسودی (در مرو): ج ۲ ص ۷۵۲

قزاق (در چین): ج ۲ ص ۱۱۲۵-۱۱۲۶

قزل آغا: مکان: ج ۲ ص ۸۸۰-۹۳۷-۱۱۵۵

ج ۳ ص ۱۲۴۲-۱۲۶۲-۱۲۶۵-۱۲۳۹

قزل ابلاغ: ج ۱ ص ۵۰۲

قزلو باط: ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۲ ص ۱۲۶۲، ج ۳ ص ۲۱۰۶

قزوين: ج ۱ ص ۱۰۶۵-۱۰۶۲-۱۰۵۱-۱۰۳۷

۲۴۱-۲۴۹-۲۳۹-۲۳۱-۲۵۰-۲۷۲

۲۷۶-۲۸۲-۲۸۸-۲۹۴-۳۰۰-۳۵۲

۳۵۲-۳۵۹-۳۶۵-۳۷۱-۳۷۶-۳۸۱-۳۸۶-۳۹۱-۳۹۵

۳۷۲-۳۷۳-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹

۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵

۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱

۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷

۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳

۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹

۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵

۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱

۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷

۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳

۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹

۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵

۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱

۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷

۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳

۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹

۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵

۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱

۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷

۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳

۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹

۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵

۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱

۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷

۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳

۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹

۱۷۸۲-۱۷۹۶-۱۸۱۳-۱۸۲۹-۱۸۵۰

۱۸۶۸-۱۸۷۲-۱۸۷۲-۱۸۸۵-۱۸۹۹

۱۹۱۰-۱۹۲۳-۱۹۳۲-۱۹۵۰-۱۹۷۷

۱۹۹۲-۲۰۲۰-۲۰۸۲-۲۰۹۲-۲۰۹۸

۲۱۱۲-۲۱۱۳-۲۱۱۵-۲۱۲۱-۲۱۲۳

۲۱۲۶-۲۱۳۲-۲۱۳۵

فلسطين (شهر): در الجزایر: ج ۳ ص

۱۶۲۳

فلسطين (فلسطينيه): ج ۱ ص ۲۳ تا ۲۴

۵۵۰-۵۵۸-۵۶۰-۵۶۶-۵۷۰-۵۷۳-۵۷۵

۵۷۸-۵۸۲-۵۸۸-۵۹۲-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۲

۶۰۴-۶۱۰-۶۱۶-۶۱۹-۶۲۲-۶۲۳

۶۲۴-۶۲۷-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲

۶۴۰-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶

۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱

۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶

۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱

۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶

۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱

۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶

۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱

۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶

۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱

۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶

۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱

۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶

۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱

۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶

۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱

۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶

۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱

۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶

۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱

۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶

۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱

۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶

۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱

۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶

۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱

۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶

۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱

۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶

۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱

۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶

۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱

۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶

۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱

قصر راس الطین: ج ۳ ص ۲۰۵۲

قصر سبکتکین: ج ۳ ص ۱۶۹۰

قصر سلطنت آباد: ج ۱ ص ۲۲۲، ج ۳ ص

۱۸۳۹-۲۰۰۸-۱۹۰۲

قصر سلطنتی شیراز: ج ۲ ص ۹۳۴

قصر من کلو: ج ۳ ص ۱۲۶۶-۱۲۷۲

قصر نویرون: ج ۳ ص ۱۲۹۷-۱۲۸۲

قصر نویرون: ج ۱ ص ۵۲۲-۲۵، ج ۳ ص

۱۲۶۲

القصر عبدالرحمن: ج ۱ ص ۲۵۱

قصر عشق آباد: ج ۲ ص ۱۹۵۴

قصر فرانسه: ج ۲ ص ۹۸۴

قصر فونتن بل: ج ۲ ص ۱۸۶۲

قصر فیروزان: ج ۱ ص ۱۳۷

قصر قاجار: ج ۲ ص ۱۲۲۹-۱۲۶۰-۱۵۱۸

۱۶۸۲-۱۷۱۵-۱۷۲۴-۱۷۴۵-۱۹۵۲

۲۰۴۲

قصر کبوتر: ج ۲ ص ۸۶۸

قصر کرطین: ج ۳ ص ۱۹۷۹

قصر کرنیال: ج ۳ ص ۱۹۳۱

قصر گلارسون: ج ۲ ص ۱۷۲۱

قصر گجینا: ج ۳ ص ۲۰۲۸

قصر لازنسکی: ج ۲ ص ۱۹۸۰

قصر محمدی (محمدیه): ج ۲ ص ۱۶۸۹-۱۶۹۱

قصر نیایران: ج ۲ ص ۱۸۲۲-۱۹۹۵

قصر ورسایل: ج ۲ ص ۹۸۹-۱۰۱۳-۹۹۲

ج ۳ ص ۱۲۰۶-۱۲۱۱

قصر یزد: ج ۲ ص ۱۹۲۳-۱۹۲۴

قصر یانه (شهر): ج ۱ ص ۱۹۴

قصر حیره: ج ۱ ص ۳۵۰۲۴

قصر (از صالحیه): ج ۱ ص ۲۴۱، ج ۲ ص

۵۸۱

قطر: ج ۲ ص ۱۲۳۴

قطر بل: ج ۱ ص ۲۴

قطر: ج ۱ ص ۲۴

قطر (قلعه): ج ۱ ص ۹۳، ج ۲ ص ۹۹۶

قطر: ج ۱ ص ۹۲، ج ۲ ص ۱۹۹۶

قطیف (از بحرین): ج ۱ ص ۲۲۲-۲۳۲

۲۷۲: ج ۲ ص ۱۲۹۶

قطیف: ج ۱ ص ۱۰۹

قلعه (شهر): ج ۲ ص ۲۰۵۲

قنطار، قنطاریه: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص

۱۰۱۸-۱۲۶۲: ج ۳ ص ۱۲۸۵-۱۲۶۹

۱۵۸۲-۱۶۵۵-۱۶۵۷-۱۶۶۹-۱۶۷۵

۱۸۲۶، ۱۸۰۲، ۱۷۹۶، ۱۷۷۲، ۱۷۰۱
 ۱۹۷۷، ۱۹۴۷، ۱۹۱۰، ۱۸۷۰، ۱۸۵۵
 ۱۹۷۸، ۱۹۰۷، ۲۱۰۷
 قلات سرخ: ج ۱ ص ۶۶۷
 قلاع اسماعیلیه: ج ۱ ص ۴۲۸، ج ۲ ص ۵۸۸ تا ۵۹۰
 قلاع خصه خوارزم: ج ۲ ص ۱۱۲۴، ۱۱۲۵
 قلاع خیبر: ج ۱ ص ۲۶
 قلاع شبانکاره: ج ۲ ص ۵۸۰
 قلزم (دیوار): ج ۱ ص ۴۸
 قلعه آبی سرای: ج ۲ ص ۱۵۴۸
 قلعه اختیار الدین: ج ۲ ص ۶۷۷، ۶۸۵
 ۶۹۹، ۹۸۱، ۲۰۳، ۷۱۱، ۷۱۲
 قلعه ارجیش: ج ۲ ص ۱۵۴۹
 قلعه ارزاس: ج ۱ ص ۲۱۲
 قلعه ارکوان: ج ۲ ص ۱۵۰۲
 قلعه ارگی: ج ۲ ص ۱۷۱۵
 قلعه اسب: ج ۱ ص ۳۷۸
 قلعه اسمیل آقا: ج ۱ ص ۲۷۷، ج ۲ ص ۲۰۱۱
 قلعه التخیل: ج ۲ ص ۶۸۶، ۶۹۱، ۷۹۱
 قلعه ایر افشان: ج ۲ ص ۱۸۶۵
 قلعه ایرندگان، ایرندگان: ج ۲ ص ۱۷۱۵، ۱۷۷۲
 قلعه بارگیری: ج ۲ ص ۸۰۹، ۸۲۱
 قلعه بارین: ج ۲ ص ۸۰۹، ۸۲۱
 قلعه بالا حصار کابل: ج ۲ ص ۱۹۹۹
 قلعه بولس: ج ۱ ص ۶۹۸
 قلعه باخطلان: ج ۲ ص ۱۵۵۴
 قلعه بایزید: ج ۲ ص ۶۸۱
 قلعه بتلیس: ج ۲ ص ۱۵۲۹
 قلعه بزی: ج ۲ ص ۱۷۳۶
 قلعه بزنجان: ج ۳ ص ۱۶۵۲
 قلعه بخراس: ج ۲ ص ۵۸۷
 قلعه بلغو: ج ۲ ص ۱۹۵۰
 قلعه بم: ج ۲ ص ۱۲۲۰
 قلعه بنارسوند: ج ۲ ص ۱۷۷۸
 قلعه بفرود: ج ۲ ص ۷۹۳
 قلعه پتانک: ج ۳ ص ۱۸۲۶
 قلعه پسرک اندرسک: ج ۲ ص ۱۵۰۸
 قلعه بوطی: ج ۳ ص ۱۴۹۷
 قلعه بولق: ج ۱ ص ۹۸
 قلعه بهوار افغانستان: ج ۲ ص ۱۹۸۸
 قلعه بههر: ج ۳ ص ۱۸۲۶

قلعه تبر: ج ۱ ص ۴۶۷
 قلعه تپوشکان از طخارستان: ج ۱ ص ۱۱۸
 قلعه ترناوت: ج ۲ ص ۱۴۲۶
 قلعه نگیو: ج ۲ ص ۲۹۶، ۲۹۳
 قلعه تل: ج ۲ ص ۱۶۵۵
 قلعه تهرود: ج ۲ ص ۱۴۲۲، ۱۴۲۳
 قلعه جامیش وان: ج ۳ ص ۱۴۹۵
 قلعه جبل: ج ۲ ص ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۹۵
 قلعه جراجیه: ج ۱ ص ۳۲۱
 قلعه چنار: ج ۲ ص ۷۹۲
 قلعه حسین آباد: ج ۲ ص ۱۷۱۵
 قلعه حلب: ج ۱ ص ۲۱۱
 قلعه خان: ج ۲ ص ۱۶۸۸
 قلعه ختوس: ج ۲ ص ۱۵۲۹
 قلعه خلاط: ج ۲ ص ۸۲۰
 قلعه خندق: ج ۲ ص ۱۷۳۵
 قلعه خواجه نفس: ج ۲ ص ۱۷۱۷
 قلعه خوک نخجوان: ج ۲ ص ۱۵۷۸
 قلعه خوی: ج ۲ ص ۱۴۵۸
 قلعه خیبر آباد: ج ۲ ص ۱۷۶۰
 قلعه خیزج: ج ۱ ص ۱۲۱
 قلعه دماوند: ج ۲ ص ۱۸۱۰
 قلعه دولت آباد: ج ۲ ص ۱۵۳۰
 قلعه الروم: ج ۲ ص ۶۰۲
 قلعه رولین دوز: ج ۲ ص ۱۷۶۶، ۱۷۶۸
 قلعه رنگ زرد: ج ۲ ص ۱۵۴۸
 قلعه زید آباد: ج ۲ ص ۱۶۵۰
 قلعه سب: ج ۲ ص ۱۷۸۷
 قلعه سرباز: ج ۲ ص ۱۷۳۳، ۱۷۳۶
 قلعه سردار آباد: ج ۲ ص ۱۵۷۴
 قلعه سنگ: ج ۲ ص ۱۵۴۸
 قلعه سورمچ: ج ۲ ص ۱۷۴۶
 قلعه سلیستری: ج ۲ ص ۱۶۹۹، ۱۷۷۲
 قلعه شاقان: ج ۱ ص ۲۹۲
 قلعه شاهان: ج ۲ ص ۱۶۹۹
 قلعه شیخ آویر: ج ۲ ص ۱۴۹۹
 قلعه شیر (= قلعه موش): ج ۲ ص ۱۵۴۸، ۱۵۲۹
 قلعه شیراز: ج ۲ ص ۱۴۲۰
 قلعه شیر حاجی: ج ۲ ص ۱۷۳۵
 قلعه صعی: ج ۲ ص ۱۷۱۴
 قلعه صهبین: ج ۲ ص ۶۰۰
 قلعه طاقان: ج ۲ ص ۱۷۳۶
 قلعه طالین: ج ۲ ص ۱۵۷۴

قلعه طوس: ج ۲ ص ۱۶۵۲
 قلعه عادلجواز: ج ۲ ص ۱۵۲۹
 قلعه عباس آباد: ج ۲ ص ۱۳۸۲، ۱۳۸۳
 ۱۵۸۶، ۱۵۸۲، ۱۵۷۸، ۱۵۷۶، ۱۵۷۵
 ۱۶۱۷
 قلعه علییه: ج ۲ ص ۵۸۹
 قلعه علی محمد خان: ج ۳ ص ۱۷۲۲
 قلعه علی مسجد: ج ۳ ص ۱۹۸۸
 قلعه عنایت آباد: ج ۲ ص ۱۷۲۵
 قلعه فورک: ج ۲ ص ۱۷۳۶
 قلعه قشم: ج ۲ ص ۶۹۸
 قلعه قوشه: ج ۲ ص ۱۸۹۲، ۱۹۰۹
 قلعه کابل: ج ۲ ص ۱۶۶۲
 قلعه کاریز: ج ۲ ص ۱۵۴۷
 قلعه گله بین: ج ۲ ص ۱۴۷۸
 قلعه کبرقوشی: ج ۲ ص ۱۵۸۲
 قلعه کوت شیخ: ج ۲ ص ۱۶۵۹
 قلعه کوی: ج ۲ ص ۱۵۵۷
 قلعه کوهه: ج ۲ ص ۱۷۴۶
 قلعه کهیز فارس: ج ۲ ص ۱۷۵۸، ۱۷۶۰
 قلعه کچ: ج ۲ ص ۱۷۴۷
 قلعه کهران: ج ۲ ص ۱۴۲۰
 قلعه گاه: ج ۲ ص ۱۷۳۶
 قلعه کزیک: ج ۲ ص ۱۷۳۶
 قلعه کل کلاب: ج ۲ ص ۱۷۰۶
 قلعه گنج: ج ۲ ص ۷۵۲
 قلعه لاش جوین: ج ۲ ص ۱۶۲۲
 قلعه لری: ج ۲ ص ۱۵۷۱
 قلعه ماکولا: ج ۲ ص ۱۴۵۲
 قلعه مالاکوف: ج ۲ ص ۱۷۲۹، ۱۷۹۰
 قلعه محمد آباد: ج ۲ ص ۱۶۰۰
 قلعه مدن: ج ۲ ص ۱۷۰۷
 قلعه مریان: ج ۳ ص ۱۴۵۶، ۱۴۵۷
 قلعه مشیر: ج ۲ ص ۱۴۲۴، ۱۶۵۲
 قلعه مکران بلوچستان: ج ۳ ص ۱۷۴۷
 قلعه نادعلی: ج ۲ ص ۱۵۲۱، ۱۸۹۷
 قلعه ناصری: ج ۲ ص ۱۸۳۲
 قلعه نرمانشیر: ج ۲ ص ۱۴۲۰، ۱۶۵۳
 قلعه نسکن: ج ۲ ص ۱۷۳۳
 قلعه نصر: ج ۱ ص ۵۵۰
 قلعه نظاره اردوباد: ج ۲ ص ۱۵۷۶
 قلعه نظین: ج ۱ ص ۲۷۸، ج ۳ ص ۲۰۱۷
 قلعه نو: ج ۲ ص ۱۸۹۶
 قلعه نورد: ج ۲ ص ۱۶۵۴

7701

کلرنیل: ج ۲ ص ۹۰۱-۹۰۸-۹۱۱-۹۱۲
 ۱۱۲۸-۱۰۰۱-۹۶۸-۹۳۴-۹۲۹-۹۲۱
 ۱۱۳۵-۱۱۳۱: ج ۳ ص ۱۳۳۰
 کارخانجات ولوج: ج ۳ ص ۱۹۴۲
 کارخانه: ج ۲ ص ۱۲۹۶
 کارخانه الکتریسته: ج ۳ ص ۱۹۹۶
 کارخانه چراغ گاز: ج ۳ ص ۱۹۹۶
 کارخانه کرب: ج ۳ ص ۱۹۴۲
 کارگاسون (شهر فرانک): ج ۱ ص ۱۶۱
 کارگاد: ج ۳ ص ۱۷۸۹
 کارلسرو: ج ۱ ص ۵۶۱: ج ۲ ص ۱۳۰۳: ج ۳ ص ۲۱۲۷
 کارلسروه: ج ۳ ص ۱۹۴۲
 کارلین جنوب: ج ۳ ص ۱۸۸۲-۱۸۳۱
 کاروانسرای امیر: ج ۳ ص ۱۷۱۳
 کارولین اناتونی: ج ۳ ص ۱۷۲۲-۱۷۱۱
 کاندون هارس: ج ۱ ص ۵۲۸-۵۴۳-۲۲۷-۵۲
 ج ۲ ص ۱۲۸۱-۱۲۷۳-۱۱۵۲-۶۳۱: ج ۳ ص ۲۰۳۹-۱۷۳۸-۱۴۱۵-۱۴۰۱
 ۲۱۲۲-۲۱۲۲
 کازرین: ج ۳ ص ۱۷۶۱
 کاسین: ج ۳ ص ۲۰۵۳
 کاستارکا: ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص ۱۳۰۸: ج ۳ ص ۲۱۵۲
 کاستن (سود اطریش): ج ۳ ص ۱۸۵۳
 ۱۹۹۸
 کاستیل (از مالک اسپانیا): ج ۱ ص ۲۴۶
 ۴۴۲: ج ۲ ص ۷۴۶-۶۳۸-۶۳۳
 کاسل: ج ۳ ص ۱۹۲۰
 کاشاپوگا: ج ۳ ص ۱۷۷۹
 کاتان: ج ۱ ص ۵۲۷-۴۳۱-۳۸۹-۲۴۹-۲۴۱
 ۶۷۷: ج ۲ ص ۵۵۹-۵۴۷-۵۴۶-۵۴۲
 ۹۴۵-۹۳۷-۸۲۵-۸۰۷-۷۹۵-۷۴۲
 ۱۱۸۱-۱۱۵۶-۱۰۸۶-۱۰۲۸-۱۰۱۳
 ۱۲۸۱-۱۲۷۹-۱۲۷۳-۱۲۰۱-۱۱۸۲
 ۱۲۸۸-۱۲۰۱: ج ۳ ص ۱۳۶۱
 ۱۲۳۱-۱۲۲۹-۱۲۲۳-۱۲۰۱-۱۱۸۲
 ۱۲۴۲-۱۲۱۶-۱۴۰۴-۱۳۹۷-۱۳۹۵
 ۱۴۹۹-۱۳۶۰-۱۴۵۰-۱۳۴۷-۱۴۲۵
 ۱۶۳۰-۱۶۰۶-۱۵۹۹-۱۵۱۷-۱۵۰۲
 ۱۶۷۶-۱۶۷۵-۱۶۴۸-۱۶۲۷-۱۶۲۳
 ۱۷۲۱-۱۷۳۸-۱۷۱۶-۱۷۰۱-۱۶۹۳
 ۱۸۲۴-۱۷۷۳-۱۷۵۹-۱۷۴۶-۱۷۳۴
 ۱۹۶۳-۱۹۲۴-۱۹۰۵-۱۹۰۳-۱۸۸۵
 ۲۰۲۶-۲۰۲۲-۲۰۰۴-۱۹۹۳-۱۹۶۵

۲۱۰۵-۲۱۰۱-۲۰۹۸-۲۰۳۸-۲۰۳۴
 ۲۱۲۲-۲۱۲۶-۲۱۲۲-۲۱۱۲
 کاتان شهر فرغانه: ج ۱ ص ۱۰۲
 کاشفر: ج ۱ ص ۲۸۶-۱۰۳-۲۳۲-۳۱۷-۲۰۲
 ج ۲ ص ۸۸۳-۸۲۸-۷۷۵-۷۵۳-۷۳۷
 ج ۳ ص ۱۹۶۵-۱۹۳۷-۱۶۱۱
 کاشی دار (منزل): ج ۳ ص ۱۸۹۵
 کاشمیر (روشد): ج ۱ ص ۵۳۲: ج ۲ ص ۱۲۳۹-۱۰۲۳-۵۹۱
 ۲۱۰۶-۱۹۱۵-۱۵۳۸
 کاس: ج ۲ ص ۷۲۴: ج ۳ ص ۱۷۸۹
 کافورمه (ایالت): ج ۳ ص ۱۵۳۹-۱۵۳۸
 ۱۷۵۰
 کاکریا: ج ۳ ص ۱۸۵۳
 کال: ج ۳ ص ۱۶۸۸
 کالانی: ج ۲ ص ۱۱۷۴
 کالپوش: ج ۳ ص ۱۶۳۵-۱۵۱۹
 کالدنی: ج ۳ ص ۱۷۶۵
 کالدونی جدید: ج ۳ ص ۲۰۰۳
 کالنجیر (قلعه): ج ۲ ص ۸۵۶
 کالبدور (بندر): ج ۲ ص ۷۰۴: ج ۳ ص ۱۷۲۰
 کال باقوسی: ج ۳ ص ۱۵۳۹
 کالی بولی: ج ۲ ص ۶۴۲: ج ۳ ص ۱۹۸۸
 کالیمار (قلعه): ج ۱ ص ۲۹۳
 کالنی فرنی (ایالت): ج ۳ ص ۱۷۱۱-۱۷۰۲
 ۱۹۰۲-۱۸۴۸-۱۷۵۳
 کالین: ج ۱ ص ۲۸۵
 کامپانکا: کامپانکا (جزیره): ج ۲ ص ۹۹۸
 کان (پایتخت نروماندی): ج ۲ ص ۱۵۳۱
 ۱۹۴۵
 کاندای ینگی دنیا: ج ۲ ص ۹۹۴-۹۰۲-۷۸۸
 ۱۵۶۵-۱۱۶۵-۱۱۶۰: ج ۳ ص ۱۴۱۹
 ۱۹۹۹-۱۸۶۹-۱۸۲۸-۱۷۴۱-۱۶۴۲
 کانارو: ج ۲ ص ۱۳۰۷
 کانت: ج ۳ ص ۱۷۰۹
 کانتین چین (بندر): ج ۱ ص ۱۹۲-۱۰۳
 ج ۲ ص ۷۶۵: ج ۳ ص ۱۶۹۷-۱۶۶۲
 ۱۷۹۷-۱۷۷۵-۱۷۶۱
 کانتین به: ج ۳ ص ۱۸۵۳-۱۸۱۶
 کاندی (شهر): ج ۱ ص ۱۸۰
 کاندولی (قلعه): ج ۲ ص ۹۰۵
 کاوند (فریب) از خسته: ج ۳ ص ۱۹۹۷
 کانت (شهر): ج ۳ ص ۱۸۳۶-۱۸۲۹

کبک (شهر): پایتخت کانادا: ج ۲ ص ۹۰۲
 کیلانتز (شهر): ج ۱ ص ۱۴۱۹
 کود جامه: ج ۱ ص ۵۲۶: ج ۲ ص ۱۱۷۱-۷۷۷
 کینهاک، کین هاگ (شهر): ج ۱ ص ۲۰۶
 ۵۶۲: ج ۲ ص ۱۰۲۵-۹۶۲-۱۰۲۵: ج ۳ ص ۱۳۸۸
 کتا (شهر): ج ۲ ص ۱۱۶۷
 کتابخانه دولتی پاریس: ج ۲ ص ۶۵۲
 کتابخانه سلاطین: ج ۱ ص ۵۰
 کتابخانه صنایع الدوله: ج ۱ ص ۹
 کنامه (قلعه): ج ۱ ص ۲۴۱-۲۵۷
 کتل لیل شکن: ج ۲ ص ۱۱۵۰
 کتمبه (قلعه): ج ۲ ص ۶۰۸
 ک بهاب به (شهر): ج ۲ ص ۱۸۶۲
 کجور: ج ۲ ص ۱۸۷۴-۱۴۹۲-۱۳۸۵-۱۲۸۴
 ۲۰۲۱-۱۹۵۸-۱۹۳۲
 کچینا (قصر) در روسیه: ج ۲ ص ۱۲۰۵
 کدکن: ج ۳ ص ۱۶۱۱
 کر (شهر): ج ۱ ص ۲۵۶: ج ۲ ص ۷۳۱-۷۲۸
 کواب: ج ۲ ص ۶۵۶
 کواتن: (قلعه): ج ۲ ص ۱۹۵۷
 کوانی (مملکت): ج ۱ ص ۳۴۲
 کراکوی (شهر) لهستان: ج ۳ ص ۱۷۰۸-۱۴۳۱
 کران (قلعه): ج ۲ ص ۱۴۲۰
 کراودین (صحرا): ج ۲ ص ۱۳۹۳
 کربایک: ج ۲ ص ۶۱۸
 کربال فارس (بلوک): ج ۲ ص ۱۷۸۲
 کربلاوی مطی: ج ۱ ص ۸۲-۸۳-۴۶۰-۵۳۲
 ج ۲ ص ۱۰۳۲-۱۰۰۰-۹۲۹-۹۲۶-۹۱۸
 ۱۰۳۲-۱۱۲۹-۱۱۲۰-۱۰۳۲: ج ۳ ص ۱۷۵۹-۱۶۷۸-۱۶۷۲-۱۴۶۵-۱۴۴۹
 ۲۱۰۶-۱۹۱۶-۱۹۱۵-۱۸۳۲
 کربو: ج ۲ ص ۱۰۱۲
 کروت (دولت): ج ۱ ص ۴۵۳: ج ۳ ص ۱۸۸۰
 کوتاز: ج ۱ ص ۹۴-۷۶
 کورومکریک: ج ۲ ص ۱۸۸۹
 کوتین (حصار): ج ۲ ص ۶۶۸
 کوج (عمارت سلطانی): ج ۱ ص ۲۴۶-۲۰۳
 ۲۴۹: ج ۲ ص ۱۲۰۲: ج ۳ ص ۱۲۲۲
 ۱۹۱۰-۱۶۸۲-۱۶۷۲
 کرخ (محله شیعیان بناد): ج ۱ ص ۱۲۸
 ۴۶۲-۳۲۱۱-۳۲۰-۳۲۵
 کرخ هرات: ج ۳ ص ۱۲۸۶
 کرد: ج ۱ ص ۲۷۸: ج ۲ ص ۸۲۰

۱۲۶۷. ۱۲۶۵. ۱۲۶۳. ۱۲۶۲. ۱۲۶۵
 ۱۲۸۱. ۱۲۷۹. ۱۲۷۷. ۱۲۷۵. ۱۲۷۴
 ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۰. ۱۲۸۸. ۱۲۸۷. ۱۲۸۳
 ۱۳۵۹. ۱۳۸۹ ج ۲ ص ۱۲۰
 ۱۵۰۵. ۱۵۰۱. ۱۴۹۰. ۱۴۸۲. ۱۴۶۱
 ۱۶۰۱. ۱۵۵۲ تا ۱۵۵۰. ۱۵۳۲. ۱۵۳۳
 ۱۶۳۷. ۱۶۳۲. ۱۶۳۰. ۱۶۰۸. ۱۶۰۲
 ۱۷۱۲. ۱۶۹۵. ۱۶۶۱. ۱۶۶۰. ۱۶۵۲
 ۱۷۲۹. ۱۷۲۸. ۱۷۲۳. ۱۷۱۷. ۱۷۱۵
 ۱۷۳۳ تا ۱۷۳۱. ۱۷۳۵. ۱۷۳۲. ۱۷۳۱
 ۱۷۸۶. ۱۷۸۵. ۱۷۸۳. ۱۷۸۱. ۱۷۴۸
 ۱۹۰۹. ۱۸۸۵. ۱۸۱۶. ۱۸۱۵. ۱۸۰۳
 ۱۹۵۸. ۱۹۵۳. ۱۹۵۲. ۱۹۳۳. ۱۹۱۵
 ۲۰۲۵. ۲۰۲۲. ۲۰۲۲. ۲۰۰۵. ۱۹۶۴
 ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶. ۲۰۲۴. ۲۰۲۵
 ۲۰۷۸. ۲۰۷۰. ۲۰۶۶. ۲۰۶۷ تا
 ۲۱۲۳. ۲۱۰۹. ۲۱۰۵. ۲۰۸۰
 ۲۱۲۸. ۲۱۲۲. ۲۱۲۲. ۲۱۲۸

کرملین (قلعه) : ج ۲ ص ۶۵۹
 کرملو : ج ۲ ص ۱۵۷۲
 کرمیان (نزدیک شهر زور) : ج ۳ ص ۱۵۳۲
 کرفال : ج ۲ ص ۱۱۲۲
 کون (آب-) : ج ۳ ص ۱۱۵۰
 کونت : ج ۲ ص ۱۸۰۸
 کوند : ج ۱ ص ۵۳۹
 ۱۲۸۲ ج ۳ ص ۱۶۸۱. ۱۶۵۵. ۱۶۵۴. ۱۶۵۲. ۱۶۸۳
 ۲۱۳۲
 کرنتناد (قلعه) : ج ۲ ص ۱۲۰۷. ۱۰۰۳ ج ۲
 ۱۹۴۱
 کرنو : ج ۲ ص ۱۸۳۸
 کرنه : ج ۲ ص ۱۹۲۲
 کراسی : ج ۲ ص ۸۹۰
 کروان : ج ۲ ص ۲۰۰۹
 کروز : ج ۲ ص ۱۹۸۲
 کروس فارس : ج ۲ ص ۱۶۵۲
 کوه : ج ۲ ص ۲۰۴۸
 کوبد (جزیره) : ج ۱ ص ۵۹. ۱۸۰. ۲۶۳
 ۲۶۶ ج ۲ ص ۹۸۱
 کویس تپانیا (پایتخت نورو) : ج ۳ ص ۱۷۶۴
 کویسی (کریسوس) : ج ۳ ص ۲۰۲۸
 کزار : ج ۲ ص ۱۱۵۳
 ۱۲۸۰. ۱۲۳۷ ج ۳ ص ۱۷۱۳
 کسبا (جزیره) : ج ۲ ص ۱۷۲۶

۲۱۱۰. ۲۰۲. ۱۸۹. ۱۸۱. ۱۵۲. ۱۰۷
 ۲۷۶. ۲۷۲. ۲۷۰. ۲۴۹. ۲۴۳. ۲۱۶
 ۳۳۸. ۳۱۹. ۳۰۷. ۳۰۵. ۳۰۴. ۲۸۱
 ۳۲۲. ۳۰۹. ۳۹۸. ۳۸۵. ۳۸۱. ۳۳۹
 ۵۲۷. ۵۰۷. ۴۲۲. ۴۲۷. ۴۲۶. ۴۲۰
 ۵۵۸. ۵۴۸. ۵۴۶. ۵۴۳. ۵۳۷. ۵۳۶
 ۶۴۰. ۶۳۴. ۶۳۱. ۶۱۲. ۶۱۰. ۵۹۲
 ۶۷۸. ۶۷۷. ۶۷۰. ۶۶۱. ۶۵۵. ۶۲۵
 ۸۰۷. ۷۷۵. ۷۵۱. ۷۴۳. ۷۳۶. ۷۱۵
 ۹۵۷. ۹۲۰. ۹۰۸. ۸۸۷. ۸۷۶. ۸۵۵
 ۱۰۳۵. ۱۰۲۶. ۱۰۱۵. ۱۰۰۹. ۱۰۰۶
 ۱۰۶۷ تا ۱۰۶۵. ۱۰۶۳. ۱۰۵۹. ۱۰۵۸
 ۱۱۶۰. ۱۱۴۱. ۱۱۳۸. ۱۱۲۱. ۱۱۲۰
 ۱۲۳۲. ۱۲۲۶. ۱۱۹۰. ۱۱۶۷. ۱۱۶۵
 ۱۲۶۴. ۱۲۲۹. ۱۲۲۱. ۱۲۲۰. ۱۲۲۷
 ۱۲۸۸. ۱۲۸۱. ۱۲۷۹. ۱۲۷۵. ۱۲۷۳
 ۱۳۲۶. ۱۳۲۸ ج ۲ ص ۱۳۰۱. ۱۳۹۱
 ۱۳۲۰ تا ۱۳۱۸. ۱۳۸۹. ۱۳۸۸. ۱۳۵۷
 ۱۴۶۸. ۱۴۴۸. ۱۴۴۳. ۱۴۲۶ تا ۱۴۲۳
 ۱۵۹۲. ۱۵۶۷. ۱۵۳۷. ۱۴۷۵. ۱۴۷۲
 ۱۶۰۲. ۱۶۰۲. ۱۵۹۹. ۱۵۹۲ تا
 ۱۶۱۵. ۱۶۱۳. ۱۶۱۲. ۱۶۰۶. ۱۶۰۵
 ۱۶۴۹. ۱۶۳۷. ۱۶۳۴. ۱۶۳۰. ۱۶۲۵
 ۱۷۱۲ تا ۱۷۰۶. ۱۶۶۵. ۱۶۵۶. ۱۶۵۳ تا
 ۱۷۳۲. ۱۷۳۲. ۱۷۲۹. ۱۷۲۸. ۱۷۱۳
 ۱۷۵۷. ۱۷۲۷. ۱۷۲۳. ۱۷۲۲. ۱۷۲۶
 ۱۷۷۵. ۱۷۷۱. ۱۷۶۸. ۱۷۵۹ تا
 ۱۷۸۱. ۱۷۸۷. ۱۷۸۳. ۱۷۸۰
 ۱۸۵۰. ۱۸۳۳. ۱۸۲۶. ۱۸۱۲. ۱۸۱۰
 ۱۸۹۷. ۱۸۸۷. ۱۸۸۵. ۱۸۷۵. ۱۸۷۳
 ۱۹۲۶. ۱۹۰۸. ۱۹۰۷. ۱۹۰۴. ۱۸۹۸
 ۲۰۴۰. ۲۰۲۵. ۱۹۹۶. ۱۹۹۳. ۱۹۷۵
 ۲۰۷۹. ۲۰۷۸. ۲۰۷۰. ۲۰۴۶. ۲۰۴۱
 ۲۱۲۳. ۲۱۲۲. ۲۱۱۲. ۲۰۹۸. ۲۰۸۵
 ۲۱۴۵. ۲۱۳۲
 کرملین (عمارت) : ج ۲ ص ۱۹۴۱
 کروت : ج ۲ ص ۱۸۹۶
 کرمانشاهان : ج ۱ ص ۴۶۴. ۵۰۷. ۵۳۲. ۵۳۷
 ۵۵۲. ۵۵۱. ۵۴۹. ۵۴۸. ۵۳۲. ۵۳۸. ۵۳۶
 ۵۵۸ ج ۳ ص ۹۴۰. ۹۴۰. ۹۵۷. ۱۰۲۰. ۱۰۲۲
 ۱۰۷۳. ۱۰۳۴ تا ۱۰۳۱. ۱۰۲۷. ۱۰۲۳
 ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۰. ۱۱۴۲. ۱۱۲۹. ۱۱۰۷
 ۱۱۹۶. ۱۱۹۲. ۱۱۹۰. ۱۱۸۷. ۱۱۸۴
 ۱۲۲۶. ۱۲۲۲. ۱۲۰۷. ۱۲۰۱. ۱۲۰۰

کودر : ج ۱ ص ۱۱۲
 کورستان : ج ۱ ص ۲۷۷. ۵۲۷. ۵۲۶. ۵۲۳
 ۶۶۷. ۶۶۱ ج ۲ ص ۵۵۸. ۵۲۹. ۵۲۶
 ۸۲۰. ۸۰۹. ۸۰۷. ۸۰۵. ۷۹۵. ۷۶۷
 ۹۳۶. ۹۳۰. ۹۲۵. ۸۷۹. ۸۷۴. ۸۷۲ تا
 ۱۱۲۹. ۱۱۲۹. ۱۰۱۴. ۹۸۷. ۹۵۹
 ۱۲۰۰. ۱۱۹۲. ۱۱۹۰. ۱۱۸۳. ۱۱۶۰
 ۱۲۲۵. ۱۲۲۰. ۱۲۲۴. ۱۲۲۲. ۱۲۰۲. ۱۲۰۱
 ۱۲۷۵. ۱۲۷۴. ۱۲۶۵. ۱۲۶۴. ۱۲۵۱. ۱۲۴۱
 ۱۲۷۹. ۱۲۷۷. ۱۲۷۹. ۱۲۷۹. ۱۲۷۷
 ۱۳۶۹ ج ۲ ص ۱۲۹۸ تا ۱۲۹۶. ۱۲۹۲
 ۱۴۰۸. ۱۴۰۱. ۱۳۹۷. ۱۳۹۶. ۱۳۹۰
 ۱۵۵۲. ۱۵۰۱. ۱۴۸۳. ۱۴۸۲. ۱۴۷۹
 ۱۶۲۶. ۱۶۰۸. ۱۵۶۷. ۱۵۶۰. ۱۵۵۴
 ۱۷۱۷. ۱۶۸۷. ۱۶۶۱. ۱۶۲۶. ۱۶۲۰
 ۱۸۹۹. ۱۸۸۴. ۱۸۴۱. ۱۸۳۲. ۱۸۱۴
 ۱۹۳۶. ۱۹۱۶. ۱۹۱۳. ۱۹۰۸. ۱۹۰۵
 ۲۰۱۰. ۱۹۶۴. ۱۹۵۸. ۱۹۵۲. ۱۹۵۲
 ۲۰۳۲ تا ۲۰۳۲. ۲۰۲۶. ۲۰۲۲. ۲۰۲۱
 ۲۰۸۰. ۲۰۶۶. ۲۰۴۷ تا ۲۰۴۵. ۲۰۳۶
 ۲۱۲۲. ۲۱۰۷. ۲۱۰۵. ۲۰۹۸. ۲۰۸۵
 ۲۱۲۲. ۲۱۲۱. ۲۱۲۲. ۲۱۲۶
 کورستان عثمانی : ج ۲ ص ۱۱۲۹
 کورکوک : ج ۱ ص ۵۲۳
 ۹۳۷. ۹۱۸ ج ۲ ص ۱۲۶۲. ۱۱۲۹. ۱۰۷۳. ۱۰۳۲. ۹۸۷
 کورکوک : ج ۱ ص ۳۵۵. ۳۴۵
 کورکوک (شهر) - قرطبه : ج ۱ ص ۴۴۶. ۴۰۶
 ۱۸۷۷ ج ۲ ص
 کرس (جزیره) : ج ۱ ص ۱۶۹
 ۱۱۲۰. ۱۱۲۲. ۱۱۲۰. ۱۱۱۷. ۱۰۲۸
 ۱۸۳۱ ج ۲ ص
 کرسکا (جزیره) : ج ۲ ص ۱۱۶۹
 کورتک (قلعه) : ج ۲ ص ۱۱۲۰
 کوفو (شهر) : ج ۱ ص ۳۸۲
 کوک : ج ۱ ص ۴۰۵. ۴۰۷. ۴۰۹. ۴۱۲. ۴۲۸
 ۴۴۰. ۴۴۷. ۴۴۸. ۴۴۵. ۴۵۷ ج ۲ ص
 ۵۷۹. ۵۸۲. ۵۸۵. ۵۹۵. ۵۹۶. ۶۰۰
 ۶۰۶. ۶۱۲. ۶۲۴. ۶۲۵. ۶۲۷. ۶۲۲
 ۲۰۰۴ ج ۲ ص
 کورکر (قلعه) : ج ۱ ص ۲۰۹
 کورکوک : ج ۱ ص ۵۲۳
 ۲۱۰۶ ج ۲ ص
 کورنر. بیلانیک (عمارت) - دربار : ج ۳ ص
 ۱۹۳۵
 کورمان : ج ۱ ص ۵۲۰. ۵۵۷. ۵۷۰. ۶۳۰. ۹۷۰

کستاریک (ناحیه) : ج ۲ ص ۱۲۰۸ : ج ۳ ص ۲۰۵۳
کسکر : ج ۱ ص ۱۵۲۰۲۸۰۲۴ : ج ۲ ص ۱۶۰۳
کسکران : ج ۳ ص ۱۶۰۳
کش (از بلاد ترکستان) : ج ۱ ص ۱۰۰۰۹۵
کش : ج ۱ ص ۱۶۹۰۱۳۲۰۱۰۹ : ج ۲ ص ۶۶۹۰۶۵۲
۷۹۵
کنمبر : ج ۱ ص ۲۰۰۰ : ج ۲ ص ۷۸۶۰۶۳۲
۰۸۶۹۰۸۵۷۰۸۴۸۰۸۲۷۰۸۱۰۰۷۹۷
۰۸۷۸۰۹۲۴۰۹۲۵۰۹۲۶۰۹۲۷ : ج ۳ ص ۱۱۲۲
۰۱۸۳۵۰۱۵۹۲۰۱۵۹۳
کنیمو : ج ۳ ص ۱۹۷۳
کب : ج ۳ ص ۱۶۰۰
کعبه مطهره : ج ۰۲۳۳۰۹۱۰۸۵۰۷۹۰۲۸
۰۶۹۵۰۶۲۲ : ج ۲ ص ۲۵۲۰۲۸۸۰۲۷۷
۰۹۸۸۰۹۴۶۰۹۲۷۰۹۲۴۰۷۵۲۰۶۹۶
۱۱۲۶۰۱۱۱۶۰۱۱۰۳۰۱۰۳۷۰۱۰۱۸
۰۱۵۶۱ : ج ۳ ص ۱۱۴۰۰۱۱۳۶۰۱۱۳۲
کفرطاب : ج ۱ ص ۰۴۱۳۰۲۰۸۰۲۶۸۰۲۶۲
۰۴۱۹
کفرلانا : ج ۱ ص ۰۲۸۱
کف (ولایت) : ج ۲ ص ۰۹۳۱۰۸۵۷ : ج ۳ ص ۰۱۳۶۹
ککلان : ج ۳ ص ۰۱۵۷۴۰۱۴۲۱۰۱۴۲۰
کلایوتی (بیلان) : ج ۲ ص ۰۷۵۹
کلات : ج ۲ ص ۱۱۲۵۰۱۱۲۷۰۱۱۲۳۰۱۱۲۱
۰۱۱۲۲ : ج ۲ ص ۱۵۵۶۰۱۶۱۰۱۶۷۸
۱۶۸۵۰۱۶۸۶۰۱۶۸۸۰۱۶۹۹۰۱۷۶۱
۰۱۷۶۶ تا ۱۷۶۸۰۱۸۲۲۰۲۰۳۶
کلاتیخ یا خوج بسطام : ج ۲ ص ۱۶۸۵
۰۱۸۹۶
کلاردشت (فریب) : ج ۱ ص ۴۷۰ تا
۰۲۷۲ : ج ۳ ص ۱۸۶۵۰۱۸۸۳۰۲۰۰۸
کلاه فرنگی (عمارت) : ج ۳ ص ۱۸۱۲
کلیاد (فریب) : ج ۲ ص ۱۱۵۸۰۱۱۶۰ : ج ۳ ص ۰۱۳۹۳
کمبرک : دکن : ج ۲ ص ۶۳۵
کلخندان (قلعه) : ج ۲ ص ۷۴۴
کلکته : ج ۲ ص ۱۱۵۹۰۹۹۴۰۱۱۵۶ : ج ۳ ص ۱۸۰۳۰۱۷۹۸۰۱۷۵۰۰۱۴۱۹
۰۱۹۶۱۰۱۸۱۶
کلن (شهر) : ج ۲ ص ۹۵۶۰۹۲۸ : ج ۳ ص ۰۱۹۶۰۰۱۶۶۷
کلنگه : ج ۲ ص ۰۹۹۲

کلپوتی (جبال) : ج ۳ ص ۱۵۸۲
کلون : کلن (شهر) : ج ۳ ص ۰۱۹۲۲
کلهر : ج ۲ ص ۰۱۲۴۱۰۷۷۲
کلپاشی : ج ۲ ص ۰۱۸۰۲۰۱۷۵۲
کلید فرنگ=کالی پلی
کلیمای رم : ج ۱ ص ۰۲۲۲ : ج ۲ ص ۰۲۱۲۴
کلیمای سنت پیر : ج ۲ ص ۰۷۴۸
کلیمای سنت صوفی : ج ۲ ص ۰۷۰۴
کلیمای قسطنطنیه : ج ۱ ص ۰۴۲۲
کلیمای مریم : ج ۲ ص ۰۵۸۱
کلیمای نتردام : ج ۱ ص ۰۲۹۲ : ج ۲ ص ۰۶۸۸
کلاخ (قلعه) : ج ۲ ص ۰۷۶۱
کمارج : ج ۳ ص ۰۱۶۵۴
کمبرون : ج ۲ ص ۰۹۱۷
کپاشی هند : ج ۲ ص ۰۸۹۶
کمپین (کپی این) : ج ۲ ص ۰۶۸۷ : ج ۳ ص ۰۱۵۲۸
کبخ (حصن) : ج ۱ ص ۰۸۰
کمرجه (از بلاد خراسان) : ج ۱ ص ۰۱۱۳
کمره : ج ۱ ص ۰۵۵۸۰۵۲۷ : ج ۲ ص ۰۱۲۳۹
۰۱۲۹۶ تا ۰۱۳۰۰۵۱۲۹۸۰۱۲۹۶
۰۱۷۱۴ تا ۰۱۹۱۷۰۱۸۸۴۰۱۹۲۲
۰۰۸۴ تا ۰۰۹۹۰۲۰۱۲۳۲
کس : ج ۳ ص ۰۱۹۳۹۰۱۹۱۰
کنار دشت : ج ۳ ص ۰۱۵۰۸
کناره کورد (منزل) : ج ۲ ص ۰۱۴۰۹۰۱۴۴۱
کناسه (در کوفه) : ج ۱ ص ۰۱۴۲
کندار : ج ۲ ص ۰۱۳۰۷
کندانا (حصار) : ج ۲ ص ۰۱۰۰۱
کندوانه : ج ۲ ص ۰۸۷۳
کنده (محل) در کوفه : ج ۱ ص ۰۲۳۰۲۶۸۰۴۰
کندی (فریب) : ج ۲ ص ۰۱۹۱۰
کنگ : ج ۳ ص ۰۱۳۲۲
کنگام : ج ۳ ص ۰۱۳۹۲ : ج ۳ ص ۰۲۱۴۶۰۲۱۴۴
کنگ (در افریقا) : ج ۲ ص ۰۷۴۳
کنگان : ج ۲ ص ۰۱۱۶۸
کنگاور : ج ۱ ص ۰۵۵۹۰۵۴۹۰۵۲۲۰۵۲۷ : ج ۲ ص ۰۱۴۰۲۰۱۲۸۳۰۱۲۷۲
کنگورکان : ج ۲ ص ۰۹۳۷
کنگور : ج ۱ ص ۰۲۴۱۰۲۴۹
کنگرو وینه : ج ۳ ص ۰۱۵۲۸۰۱۵۲۱۰۱۵۲۸
کنگرو برگ : کنیس برگ (شهر) : ج ۱ ص ۰۲۶۰
ج ۲ ص ۰۱۱۶۰۰۹۶۹
کواشی (قلعه) : ج ۱ ص ۰۳۷۸۰۳۷۲

کوالیار : ج ۲ ص ۰۸۲۰۰۸۲۱۰۸۲۵
کوالیر : ج ۳ ص ۰۱۸۲۵
کوبا (جزیره) : ج ۲ ص ۰۷۵۸۰۷۷۲ : ج ۳ ص ۰۱۷۱۹۰۱۷۳۹۰۱۷۵۰۰۱۷۵۲۰۱۸۳۵
۰۱۸۷۳ تا ۰۱۸۹۱۰۱۹۰۱۰۱۹۰۶۰۱۹۵۰
۰۱۹۵۹ تا ۰۱۹۷۲۰۱۹۸۶
کوبان : ج ۳ ص ۰۱۴۲۳
کوبلانو : کوبلنس (شهر) : ج ۳ ص ۰۱۹۲۲
کوبورگ (شهر) : ج ۲ ص ۰۱۹۶۶
کوبا : ج ۳ ص ۰۲۱۴۲
کوتاهیه : ج ۲ ص ۰۶۵۴
کوت الاطاره : ج ۱ ص ۰۵۲۲ : ج ۲ ص ۰۱۲۶۲
کوشی : ج ۱ ص ۰۲۲
کور : ج ۲ ص ۰۸۲۲
کوران دشت : ج ۳ ص ۰۱۳۸۸
کورناق (جبال) : ج ۳ ص ۰۱۳۲۴۰۱۳۲۶
کورسک : ج ۳ ص ۰۱۷۸۹
کورلاند : ج ۳ ص ۰۱۷۸۹
کورنه : ج ۳ ص ۰۱۵۱۲
کوره جیان : ج ۱ ص ۰۱۴۲
کوری (شهر) : ج ۲ ص ۰۹۰۰
کوتل : ج ۲ ص ۰۷۷۲
کوستز : ج ۲ ص ۰۷۸۱
کوسیه (قصیه) : ج ۲ ص ۰۷۰۶۰۸۷۶۰۱۰۰۵
ج ۳ ص ۰۱۵۳۰۰۱۵۳۴۰۱۵۳۹۰۱۶۱۶
۰۱۶۱۸ تا ۰۱۶۲۱
کوشک سلطان احمد : ج ۲ ص ۰۹۲۷
کوفه : ج ۱ ص ۰۲۵۰۴۱ تا ۰۳۹۰۴۷ تا ۰۵۳۰۵۱
۰۵۶ تا ۰۵۸۰۵۶ تا ۰۶۶۰۶۲ تا ۰۷۱۰۶۹ تا ۰۷۳
۰۷۶ تا ۰۷۹۰۷۶ تا ۰۸۶۰۸۲ تا ۰۹۵۰۹۲۰۹۱
۰۱۰۶ تا ۰۱۱۰۰۱۱۱۰۱۱۲۰۱۱۳۰۱۱۳۳۰۱۲۳۰۱۲۳۵
۰۱۲۷ تا ۰۱۳۱۰۱۳۲۰۱۳۳۰۱۳۴۰۱۳۸
۰۱۴۰ تا ۰۱۴۱۰۱۴۶۰۱۴۷۰۱۴۹۰۱۵۰۰
۰۱۵۲ تا ۰۱۶۱۰۱۷۴۰۱۷۶۰۱۷۸۰۱۷۹۰
۰۲۰۱ تا ۰۲۰۲۰۲۱۸۰۲۲۴۰۲۲۶۰۲۳۰۰
۰۲۴۱ تا ۰۲۴۹۰۲۶۲۰۲۶۸۰۲۸۲
۰۲۹۰ تا ۰۲۹۹۰۳۱۰۰۳۲۵
کوکانا : ج ۳ ص ۰۱۳۳۰
کوکب (قلعه) : ج ۱ ص ۰۲۲۸۰۲۱۲
کوکن : ج ۲ ص ۰۶۸۷
کوکان : ج ۲ ص ۰۱۲۸۲ : ج ۳ ص ۰۲۱۳۳
کولسی : ج ۱ ص ۰۵۶۶ : ج ۲ ص ۰۱۳۰۹ : ج ۳ ص ۰۲۱۵۲
کوبابایکا (پایتخت هندو) : ج ۱ ص ۰۵۶۵

۲ ص ۱۲۰۸: ج ۲ ص ۲۱۵۲
 کوماسی (شهر): ج ۲ ص ۱۹۵۶
 کونیکس (وزیر): ج ۲ ص ۱۹۲۱
 کوه البرز: ج ۲ ص ۱۸۶۰
 کوه بالخان: ج ۲ ص ۱۹۷۲
 کوه برف (داکوت): ج ۲ ص ۱۵۱۱
 کوهپایه: ج ۱ ص ۵۲۸
 کوه چمری: ج ۲ ص ۱۲۷۶
 کوه دریاپر: ج ۲ ص ۷۶۱
 کوه دنا: ج ۲ ص ۹۵۸
 کوه ساجی: ج ۲ ص ۱۵۰۲
 کوه سن کنار: ج ۲ ص ۲۰۲۸
 کوه سنگین: ج ۲ ص ۸۷۷
 کوهک: ج ۲ ص ۲۰۹۲
 کوه کلبه: جبل الطارق
 کوهکلیویه: ج ۲ ص ۱۸۷۲، ۱۹۳۰، ۱۹۵۷، ۱۹۸۰
 ۱۰۸۸، ۱۰۹۳، ۱۰۹۶، ۱۰۹۶۹
 ۱۱۶۷، ۱۱۶۰، ۱۱۵۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۱
 ج ۲ ص ۱۲۴۸، ۱۲۲۲، ۱۲۱۰، ۱۵۶۱
 ۱۷۲۲، ۱۷۰۶، ۱۶۵۲، ۱۶۲۹، ۱۶۲۶
 کوه لیبیان نام: ج ۲ ص ۱۸۲۹
 کوه نور: ج ۲ ص ۱۱۵۲
 کوه یزیدیان: ج ۲ ص ۱۷۲۱
 کوی (ولایت): ج ۲ ص ۱۶۰۸، ۱۵۰۱
 کوبت: ج ۲ ص
 کوبور: ج ۲ ص ۱۳۲۷
 کوبرا: ج ۲ ص ۶۰۶
 کوسم (از توابع شیراز): ج ۲ ص ۱۳۱۵
 کهرواله = نهرواله: ج ۱ ص ۲۲۰
 کیف: ج ۲ ص ۵۹۰
 کهنه لو: ج ۲ ص ۲۰۶۵
 کهیلنا (قلعه): ج ۲ ص ۱۰۰۰
 کپانکسو: ج ۲ ص ۱۸۰۵
 کیت (شهر): ج ۲ ص ۱۸۲۱
 کی تو (پایتخت آکواتر): ج ۱ ص ۵۶۵، ج ۲
 ص ۱۲۰۹: ج ۲ ص ۱۹۷۲، ۲۱۵۲
 کینه (قلعه): ج ۲ ص ۶۰۸
 کینج و مکران = بمبور: ج ۲ ص ۹۰۸
 کیدی (قلعه): ج ۱ ص ۳۱۵
 کیران: ج ۱ ص ۱۲۱
 کیرج (از بلاد هند): ج ۱ ص ۱۰۳
 کوسوم (از توابع جلب): ج ۱ ص ۱۷۳، ۱۸۰۰
 کیش: ج ۱ ص ۲۲۲

کیف (شهر): ج ۱ ص ۲۲۶، ۲۶۱: ج ۲ ص
 ۲۰۰۰
 کیفا (حصن): ج ۱ ص ۲۸۲، ۲۵۷، ۳۹۲
 ۲۵۲، ۲۴۵، ۲۲۰، ۲۰۶، ۲۹۵
 کیل: ج ۲ ص ۱۸۶۸
 کنیزبرگ: ج ۲ ص ۱۸۳۲، ۱۸۲۵
 کیر (شهر) - پایتخت روسیه: ج ۱ ص ۲۸۲
 ج ۲ ص ۱۲۰۲، ۱۲۰۳: ج ۲ ص ۲۰۲۸
 کیوسره زار جریب: ج ۲ ص ۱۱۷۲: ج ۲ ص
 ۱۳۹۹

ک

کال (معدن): ج ۲ ص ۵۹۲، ۵۹۹: ج ۲ ص
 ۱۹۶۰
 کالالو (بندر): ج ۱ ص ۲۸۵
 ۱۲۵ م
 کانا هانی (جزیره): ج ۲ ص ۷۲۲
 کانه (شهر): ج ۲ ص ۱۵۲۱
 کاندی: ج ۲ ص ۱۸۸۰
 کاپندی (بلوک): ج ۱ ص ۲۶۷: ج ۲ ص
 ۲۰۰۷
 گارود (قلعه): ج ۲ ص ۶۸۰
 گارنر: ج ۲ ص ۲۷۹۸
 گیلن (کارخانه) - در فرانسه: ج ۲ ص ۹۶۸
 گجرات: ج ۲ ص ۶۵۹، ۶۶۸، ۶۸۸، ۷۲۳
 ۷۶۸، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۸۲۲، ۸۲۳
 ۸۲۶، ۸۵۹، ۸۷۲، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۲
 ۹۶۰
 گچسر: ج ۲ ص ۱۹۰۸
 گران استان = باسینیک: ج ۲ ص ۲۵۸
 گراند هتل: ج ۲ ص ۱۹۸۰
 گرایلی: ج ۲ ص ۹۵۹
 گرجستان: ج ۱ ص ۲۲۲، ۲۲۳: ج ۲ ص ۶۵۷
 ۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۶۸، ۷۱۹، ۷۲۳
 ۷۶۲، ۷۶۵، ۷۶۷، ۷۷۰، ۷۹۵، ۷۹۹
 ۸۰۳، ۸۰۹، ۸۱۸، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۸
 ۸۲۹، ۸۳۶، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۷۰
 ۸۹۸، ۹۰۱، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۳
 ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶
 ۹۲۷، ۹۲۹، ۹۵۹، ۹۶۱، ۹۶۵
 ۹۹۷، ۱۰۰۱، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۲۳

۱۰۲۵، ۱۰۲۲، ۱۰۲۵، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸
 ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۵، ۱۱۳، ۱۱۵۵
 ۱۱۲۲، ۱۱۲۸، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۲۲
 ۱۱۲۷، ۱۱۲۹: ج ۲ ص ۱۲۶۷، ۱۲۶۹
 ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴
 ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹
 ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴
 ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹
 ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴
 ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹
 ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴
 ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹
 ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴
 ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹
 ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴
 ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹
 ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴
 ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹
 ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴
 ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹
 ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴
 ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹
 ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴
 ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹
 ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴
 ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹
 ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴
 ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹
 ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴
 ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹
 ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴
 ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹
 ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴
 ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹
 ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴
 ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹
 ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴
 ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹
 ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴
 ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴
 ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹
 ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴
 ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹
 ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴
 ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹
 ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴
 ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹
 ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴
 ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹
 ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴
 ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹
 ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴
 ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹
 ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴
 ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹
 ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴
 ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹
 ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴
 ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹
 ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴
 ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹
 ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴
 ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹
 ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴
 ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹
 ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴
 ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹
 ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴
 ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹
 ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴
 ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹
 ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴
 ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹
 ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴
 ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹
 ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴
 ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹
 ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴
 ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹
 ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴
 ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹
 ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴
 ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹
 ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴
 ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹
 ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴
 ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹
 ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴
 ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹
 ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴
 ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹
 ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴
 ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹
 ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴
 ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹
 ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴
 ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹
 ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴
 ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹
 ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴
 ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹
 ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴
 ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹
 ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴
 ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹
 ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴
 ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹
 ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴
 ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹
 ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴
 ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹
 ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴
 ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹
 ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴
 ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹
 ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴
 ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹
 ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴
 ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹
 ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴
 ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹
 ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴
 ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹
 ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴
 ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹
 ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴
 ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹
 ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴
 ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹
 ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴
 ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹
 ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴
 ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹
 ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴
 ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹
 ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴
 ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹
 ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴
 ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹
 ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴
 ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹
 ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴
 ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹
 ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴
 ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹
 ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴
 ۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹
 ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴
 ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹
 ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴
 ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹
 ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴
 ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹
 ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴
 ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹
 ۲۰۳۰، ۲۰۳۱، ۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴
 ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹
 ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۴
 ۲۰۴۵، ۲۰۴۶، ۲۰۴۷، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹
 ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۵۴
 ۲۰۵۵، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹
 ۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۴
 ۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹
 ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴
 ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹
 ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴
 ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹
 ۲۰۹۰، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴
 ۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۹
 ۲۱۰۰، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۰۴
 ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۰۹
 ۲۱۱۰، ۲۱۱۱، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴
 ۲۱۱۵، ۲۱۱۶، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۱۹
 ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴
 ۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹
 ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴
 ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹
 ۲۱۴۰، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴
 ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸، ۲۱۴۹
 ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴
 ۲۱۵۵، ۲۱۵۶، ۲۱۵۷، ۲۱۵۸، ۲۱۵۹
 ۲۱۶۰، ۲۱۶۱، ۲۱۶۲، ۲۱۶۳، ۲۱۶۴
 ۲۱۶۵، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸، ۲۱۶۹
 ۲۱۷۰، ۲۱۷۱، ۲۱۷۲، ۲۱۷۳،

ل

لاهور (آرامش) : ج ۲ ص ۷۲۲
 لاجه (= لاهه) : ج ۱ ص ۵۶۲ ج ۲ ص ۲۱۲
 لار (غیر از لار فارس) : ج ۲ ص ۱۳۹۲
 ۱۶۵۰۰ ۱۲۹۶۰ ۱۲۲۷۰ ۱۲۲۵۰ ۱۲۲۲
 ۰۱۷۳۲
 لار (ولایت) : ج ۲ ص ۲۹۸۰ ۶۴۹۰ ۶۰۲
 ۰۲۹۸۰ ۶۴۹۰ ۶۰۲ ج ۲ ص
 ۱۹۶۲۰ ۱۹۳۲۰ ۱۹۰۲۰ ۱۸۷۲۰ ۱۸۴۹
 ۰۲۱۲۳۰ ۲۰۲۱۰ ۲۰۲۰۰ ۱۹۹۵۰ ۱۹۷۱
 لاریجان (قلعہ) : ج ۲ ص ۷۹۶
 لارستان فارس : ج ۲ ص ۱۱۵۳۰ ۹۳۰۰ ۸۹۵
 ۱۷۲۵۰ ۱۷۱۲۰ ۱۶۹۶۰ ج ۲ ص
 ۰۱۲۶۱
 لاریجان : ج ۲ ص ۱۱۵۲۰ ۸۹۴۰ ۸۹۳۰ ۸۸۱۰
 ج ۲ ص ۱۹۵۹۰ ۱۸۹۶۰ ۱۲۸۷۰ ۱۲۸۲۰
 لاسجرد : ج ۲ ص ۱۸۹۲
 لاکواری : ج ۲ ص ۱۷۳۲
 لاهور ہند : ج ۱ ص ۹۹ ج ۲ ص ۷۷۲ ۶۶۲
 ۰۱۱۲۲۰ ۹۶۷۰ ۹۶۰۰ ۸۰۰۰ ۷۹۰۰ ۷۷۲
 ج ۲ ص ۱۷۰۹۰ ۱۶۹۷۰ ۱۶۸۷۰ ۱۶۷۲۰
 ۰۱۸۶۱۰ ۱۸۵۴
 لاهیجان : ج ۲ ص ۹۲۳۰ ۸۵۶۰ ۷۷۲۰ ۷۲۰
 ۰۱۸۲۵۰ ۱۲۳۴۰ ۹۵۲
 ۰۲۰۲۹۰ ۱۹۱۰
 لایجان : ج ۱ ص ۲۷۸
 لایجن : ج ۱ ص ۲۷۸
 لبنان : ج ۲ ص ۱۶۸۲ ۱۶۶۴
 لوزیک : ج ۲ ص ۱۸۳۵ ۱۵۲۵
 لبنان : ج ۳ ص ۱۸۹۷
 لرستان : ج ۱ ص ۲۷۲ ۲۶۲ ۲۸۲ ۲۶۹
 ۶۵۲۰ ۶۰۲ ج ۲ ص ۵۵۸۰ ۵۲۷۰ ۴۸۲
 ۰۸۹۲۰ ۸۸۹۰ ۷۷۲۰ ۷۱۹۰ ۶۸۲۰ ۶۷۶
 ۱۰۷۳۰ ۱۰۳۵۰ ۱۰۳۱۰ ۱۰۲۳۰ ۱۰۱۴
 ۱۱۹۲۰ ۱۱۸۷۰ ۱۱۷۹۰ ۱۱۶۲۰ ۱۰۸۸
 ۰۱۲۴۱۰ ۱۲۳۵۰ ۱۲۰۰۰ ۱۱۹۶
 ۱۲۹۸۰ ۱۲۹۶۰ ۱۲۹۱۰ ۱۲۸۱۰ ۱۲۷۹
 ۱۵۰۱۰ ۱۴۰۰۰ ۱۳۹۶۰ ج ۲ ص
 ۱۶۶۰۰ ۱۶۳۶۰ ۱۶۲۱۰ ۱۶۰۱۰ ۱۵۵۰
 ۱۷۳۷۰ ۱۷۲۵۰ ۱۷۱۴۰ ۱۷۱۲۰ ۱۷۰۱
 ۱۸۲۵۰ ۱۸۱۵۰ ۱۷۵۹۰ ۱۷۵۲۰ ۱۷۲۸

ص ۲۱۵۲
 گوادلوپ (جزیرہ) : ج ۲ ص ۹۳۰
 گوران دشت : ج ۲ ص ۱۸۱۳ ۱۶۱۳
 گورلاند : ج ۲ ص ۸۳۹
 گوگ نہد : ج ۱ ص ۲۹۰۰ ۲۸۷ ج ۲ ص ۲۰۱۲
 ۰۲۰۲۸
 گوگچہ تگیز (ساحل) : ج ۲ ص ۹۰۱
 ۰۹۱۲ ج ۳ ص ۱۵۶۶
 گوگچہ بلاق : ج ۳ ص ۱۲۹۵
 گولہو : ج ۳ ص ۱۷۹۸
 گونی (از توابع ایران) : ج ۳ ص ۱۵۶۶
 گوہان : ج ۲ ص ۹۱۴ ج ۳ ص ۱۳۹۵
 گیلان (گیلانات) : ج ۱ ص ۴۸۲۰ ۵۸۰ ۵۱۰
 ۰۵۴۶۰ ۵۳۸۰ ۵۳۶۰ ۵۲۹۰ ۵۲۶۰ ۵۰۴
 ۰۶۶۸۰ ۶۳۵۰ ۶۱۰۰ ج ۳ ص ۵۵۱۰ ۵۵۸۰ ۵۵۱
 ۰۷۳۷۰ ۷۲۵۰ ۶۹۹۰ ۶۸۹۰ ۶۸۲۰ ۶۷۷
 ۸۵۶۰ ۸۵۲۰ ۸۵۲۰ ۷۶۶۰ ۷۷۲۰ ۷۲۵۰ ۷۲۲
 ۰۹۰۷۰ ۸۸۹۰ ۸۸۷۰ ۸۸۱۰ ۸۶۷
 ۰۹۵۴۰ ۹۲۳۰ ۹۲۲۰ ۹۲۳۰ ۹۱۴۰ ۹۰۹
 ۰۱۱۱۲۰ ۱۰۳۹۰ ۱۰۳۵۰ ۱۰۱۶۰ ۱۰۱۵
 ۱۱۶۴۰ ۱۱۶۲۰ ۱۱۵۵۰ ۱۱۵۲۰ ۱۱۵۰
 ۰۱۲۸۸۰ ۱۲۶۶۰ ۱۲۶۴۰ ۱۲۵۵۰ ۱۲۲۲
 ۱۳۷۲۰ ۱۳۵۷۰ ۱۳۴۶۰ ج ۳ ص
 ۱۴۰۰۰ ۱۳۲۴۰ ۱۳۸۸۰ ۱۳۸۷۰ ۱۳۸۴۰ ۱۳۷۵
 ۱۴۱۳۰ ۱۴۱۲۰ ۱۴۱۰۰ ۱۴۰۵۱۲۰ ۱۴۰۲
 ۱۵۲۲۰ ۱۵۰۴۰ ۱۴۷۷۰ ۱۴۷۶۰ ۱۴۵۸
 ۱۵۷۲۰ ۱۵۶۶۰ ۱۵۶۴۰ ۱۵۲۶۰ ۱۵۲۵
 ۱۶۷۱۲۰ ۱۷۰۹۰ ۱۶۹۲۰ ۱۶۵۱۰ ۱۶۰۷
 ۱۷۸۲۰ ۱۷۷۲۰ ۱۷۶۸۰ ۱۷۳۸۰ ۱۷۱۴
 ۱۸۱۵۰ ۱۸۰۴۰ ۱۷۹۶۰ ۱۷۹۵۰ ۱۷۸۵
 ۱۸۲۹۰ ۱۸۴۳۰ ۱۸۴۱۰ ۱۸۲۰۰ ۱۸۲۴
 ۱۸۷۵۰ ۱۸۶۶۰ ۱۸۶۰۰ ۱۸۵۷۰ ۱۸۵۰
 ۱۹۱۳۰ ۱۹۱۰۰ ۱۹۰۷۰ ۱۹۰۲۰ ۱۸۸۶
 ۱۹۲۳۰ ۱۹۲۸۰ ۱۹۲۵۰ ۱۹۲۲۰ ۱۹۱۷
 ۱۹۹۵۰ ۱۹۷۷۰ ۱۹۷۱۰ ۱۹۵۸۰ ۱۹۵۲
 ۲۰۷۷۰ ۲۰۶۶۰ ۲۰۶۵۰ ۲۰۲۱۰ ۲۰۱۹
 ۲۱۱۳۰ ۲۱۱۲۰ ۲۱۰۷۰ ۲۱۰۵۰ ۲۰۹۸
 ۲۱۳۵۰ ۲۱۳۴۰ ۲۱۳۳۰ ۲۱۳۲۰ ۲۱۲۶
 ۰۲۰۶۶۰ ۲۰۲۵۰ ۲۰۲۱۰ ۲۰۱۹
 گینہ (ایالت) : ج ۲ ص ۹۰۵ ۹۰۲

گنن (شہر) : ج ۲ ص ۱۲۰۴ ج ۳ ص ۲۰۲۷
 گسکر : ج ۲ ص ۹۲۳ ۸۵۶ ۸۵۲
 گل آباد (قبر) : ج ۲ ص ۱۰۶۴ ۱۰۶۳
 ۰۱۰۹۴
 گلانی (ایالت) : ج ۲ ص ۱۱۲۹
 گلہایگان : ج ۱ ص ۵۵۸۰ ۵۲۷۰ ۲۴۱ ج ۲ ص
 ۰۱۱۸۳۰ ۱۰۸۶۰ ۱۰۳۱۰ ۱۰۱۳۰ ۹۳۲
 ۱۲۳۹۰ ۱۲۲۹۰ ۱۲۱۸۰ ۱۲۱۶۰ ۱۲۱۲
 ج ۲ ص ۱۶۵۱۰ ۱۶۲۶۰ ۱۶۲۳۰ ۱۶۰۲۰
 ۱۹۲۳۰ ۱۸۸۵۰ ۱۷۳۵۰ ۱۷۱۴۰ ۱۶۷۵
 ۰۲۱۲۴۰ ۲۱۲۲۰ ۱۹۷۶۰ ۱۹۶۴۰ ۱۹۴۹
 گسٹان قرا باغ : ج ۲ ص ۸۰۴ ۷۹۳ ۷۲۲
 ج ۲ ص ۱۵۸۲ ۱۵۱۶ ۱۵۱۰
 گوران : ج ۱ ص ۱۳۳۲
 گلون آباد ماضفان : ج ۲ ص ۱۰۱۰ ج ۳ ص
 ۰۱۲۷۵
 گناہو (شہر) : ج ۲ ص ۱۸۸۲
 گنبد حسن علی (ع) : ج ۲ ص ۱۲۱۶
 گنبد عبدالمطلب (ع) : ج ۳ ص ۱۷۷۰ ۱۷۶۷
 گنبد عسکریں : ج ۳ ص ۱۸۹۶ ۱۸۸۷
 گنبد قابوس : ج ۳ ص ۱۶۲۶
 گنبد مطہر امام رضا (ع) : ج ۲ ص ۸۸۰
 گنبد مطہر امیرالمومنین (ع) : ج ۲ ص ۱۱۲۹
 گنبد ہرمان : ج ۲ ص ۱۲۵۱
 گنبد : ج ۱ ص ۴۳۷۰ ۳۷۷۰ ۱۶۵ ج ۲ ص
 ۰۸۸۸۰ ۸۳۹۰ ۸۲۲۰ ۸۰۳۰ ۷۴۰۰ ۷۲۳
 ۱۰۲۰۰ ۱۰۱۵۰ ۹۶۹۰ ۹۲۹۰ ۹۱۱۰ ۹۰۰
 ۱۰۳۹۰ ۱۰۳۳۰ ۱۰۲۸۰ ۱۰۲۴۰ ۱۰۲۲
 ۱۳۲۲ ج ۲ ص ۱۱۱۵۰ ۱۱۱۳۰ ۱۰۴۳
 ۱۳۶۳۰ ۱۳۵۸۰ ۱۳۲۷۰ ۱۳۲۵۰ ۱۳۲۲
 ۱۴۲۱۰ ۱۳۷۰۰ ۱۳۶۸۰ ۱۳۶۶۰ ۱۳۶۴
 ۱۳۷۷۰ ۱۳۷۵۰ ۱۳۶۹۰ ۱۳۶۸۰ ۱۳۴۰
 ۱۵۱۱۰ ۱۴۹۷۰ ۱۴۹۵۰ ۱۴۸۲۰ ۱۴۹۰
 ۱۹۴۷۰ ۱۵۷۲۰ ۱۵۷۰۰ ۱۵۶۹۰ ۱۵۱۲
 گندار : ج ۱ ص ۵۶۲ ج ۲ ص ۱۳۰۷ ج ۳ ص
 ۰۲۱۵۰
 گندمان (منزل) : ج ۲ ص ۹۶۵۰ ۹۵۸۰ ۹۶۸
 ۰۹۶۷
 گندمک : ج ۱ ص ۲۸۵ ج ۳ ص ۲۰۲۱ ۲۰۱۲
 ۰۲۰۸۲
 گنگ (رود) : ج ۱ ص ۲۰۰ ج ۲ ص ۸۵۰
 گوا (شہر) : ج ۱ ص ۷۶۲ ۷۵۴
 گوانالا : ج ۱ ص ۵۶۵ ج ۲ ص ۱۳۰۸ ج ۳ ص

۱۸۵۳، ۱۸۲۲، ۱۸۴۲، ۱۸۴۰، ۱۸۳۳
 ۱۹۲۲، ۱۹۱۲، ۱۹۰۹، ۱۸۸۵، ۱۸۵۶
 ۲۰۰۴، ۱۹۷۱، ۱۹۶۳، ۱۹۵۸، ۱۹۳۳
 ۲۰۲۰، ۲۰۱۹، ۲۰۰۹، ۲۰۰۸، ۲۰۰۵
 ۲۱۲۲، ۲۰۹۸، ۲۰۴۷، ۲۰۲۶، ۲۰۲۴
 ۲۱۴۳
 لرستان فیلی: ج ۲ ص ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۸۳
 ۱۱۸۷، ۱۱۹۲، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰، ۱۲۲۲
 ج ۳ ص ۱۵۶۹، ۱۶۹۴
 لوکوپک: ج ۲ ص ۷۵۰، ۷۵۰، ۷۹۶، ۸۹۱
 لرن فرانسه (ایالت): ج ۱ ص ۲۲، ج ۲ ص
 ۱۶۸۷، ۱۱۱۷، ج ۳ ص ۱۵۲۷، ۱۹۳۰
 ۱۹۳۲
 لوز (فریم): ج ۳ ص ۱۸۹۶
 لشنه نشا: ج ۱ ص ۵۵۳، ج ۲ ص ۱۲۸۹، ج
 ۲ ص ۲۱۱۳
 لک جا: ج ۳ ص ۱۹۷۲
 لکاپ رین: ج ۲ ص ۷۲۰
 لکاپ ونامیت: ج ۲ ص ۷۳۰
 لکامبورغ: لوکزامبورگ
 لکسبو (هند): ج ۳ ص ۱۶۰۲، ۱۸۰۶
 لمباردی (ایالت): در ایتالیا: ج ۳ ص ۱۴۲۶
 ۱۵۲۸، ۱۷۰۳، ۱۷۰۷، ۱۸۱۸، ۱۸۲۸
 لبنان اصفهان: ج ۳ ص ۱۵۶۶
 لندن: ج ۱ ص ۴۳۷، ۴۱۰، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۶۲
 ج ۲ ص ۶۲۶، ۶۲۸، ۷۲۱، ۹۲۸، ۹۶۶
 ۱۷۱، ۱۷۹، ۹۹۳، ۹۹۹، ۱۱۳۳، ۱۱۶۸
 ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۳۰۲، ج ۳ ص ۱۳۸۶
 ۱۴۲۷، ۱۴۶۰، ۱۴۹۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۸
 ۱۵۴۵، ۱۶۴۷، ۱۶۵۵، ۱۶۷۶، ۱۷۱۲
 ۱۷۲۰، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۶۳، ۱۷۷۹
 ۱۸۰۱، ۱۸۰۵، ۱۸۱۸، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸
 ۱۸۳۹، ۱۸۳۶، ۱۸۵۲، ۱۸۵۶، ۱۸۶۶
 ۱۸۷۸، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۹۰۹، ۱۹۲۰
 ۱۹۳۰، ۱۹۳۵، ۱۹۳۹، ۱۹۴۲، ۱۹۴۴
 ۱۹۵۰، ۱۹۵۶، ۱۹۷۳، ۱۹۷۹، ۱۹۸۵
 ۱۹۸۸، ۲۰۲۹، ۲۰۴۷، ۱۹۸۹، ۲۰۵۲
 ۲۱۰۶، ۲۱۲۸
 لن شان: ج ۳ ص ۱۹۸۱
 لنکاها نطنان (شهر): ج ۲ ص ۶۹۷
 لنکران (قلمب): ج ۳ ص ۱۴۹۵، ۱۵۰۴
 ۱۵۰۶، ۱۵۰۸، ۱۵۲۰، ۱۵۹۲، ۱۶۰۳
 ۲۱۰۷

لنگرود: ج ۲ ص ۱۷۱۴
 لواسان: ج ۲ ص ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۸۱، ج ۳ ص
 ۱۶۳۳، ۱۶۸۳، ۱۷۸۸، ۱۸۹۷
 لوتزن: ج ۲ ص ۱۵۲۲
 لوتیان: ج ۳ ص ۱۵۴۵، ۱۹۱۰، ۱۹۳۵
 لوط (= لوت): ج ۲ ص ۱۳۱۳
 لوکامبورغ (فصر): در پاریس: ج ۲ ص ۷۹۸
 ۹۱۲، ۹۹۱، ج ۳ ص ۱۸۸۹، ۱۸۹۱
 ۱۹۲۶
 لوز (عمارت): ج ۲ ص ۶۸۱
 لوفزبان (ایالت): ج ۳ ص ۱۴۷۰، ۱۸۸۳
 لهار هند: ج ۱ ص ۳۸۵، ۴۲۴، ۴۳۰
 لهستان، له (ملکت): ج ۱ ص ۱۸۸، ۳۱۶
 ۳۴۵، ۳۷۵، ۴۳۷، ۴۴۹، ج ۲ ص ۷۲۸
 ۷۶۱، ۷۹۸، ۸۴۹، ۸۶۰، ۹۲۰، ۹۵۳
 ۹۵۸، ۹۶۵، ۹۶۷، ۹۸۱، ۹۸۳
 ۹۸۴، ۹۸۶، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۸، ۱۰۰۳
 ۱۰۰۴، ۱۰۰۶، ۱۰۲۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۵
 ۱۱۳۳، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۷۲، ۱۱۷۴
 ۱۱۷۵، ج ۳ ص ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۳۱
 ۱۴۳۵، ۱۴۸۲، ۱۴۸۸، ۱۵۰۶، ۱۵۳۴
 ۱۶۰۵، ۱۶۰۹، ۱۶۴۵، ۱۶۸۷، ۱۶۹۷
 ۱۷۰۷، ۱۷۱۰، ۱۷۱۹، ۱۷۵۰، ۱۷۸۹
 ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۴۶، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵
 ۱۸۶۲، ۱۸۶۹، ۱۸۷۹
 لهانت (خلیج): ج ۲ ص ۸۵۷
 لهیان: ج ۲ ص ۱۸۷۹
 لهریا (از افریقا): ج ۲ ص ۱۷۵۲، ۱۷۵۳
 لهیتی: ج ۱ ص ۶۰، ج ۲ ص ۷۲۷
 لهیوانی: ج ۳ ص ۱۶۰۹
 لیز (شهر): ج ۲ ص ۱۹۴۳
 لیزین، لیسبان (شهر): پایتخت پرتوغال
 ج ۱ ص ۲۶۲، ۵۶۲، ج ۲ ص ۶۰۱
 ۹۴۵، ۱۱۵۵، ۱۲۰۶، ۱۳۵۰، ج ۳ ص
 ۱۴۹۲، ۱۵۹۴، ۱۶۰۹، ۱۶۱۹، ۱۷۲۱
 ۱۷۴۰، ۱۷۵۱، ۱۷۸۹، ۱۷۹۹، ۱۸۷۷
 ۲۰۵۰، ۲۱۲۸
 لیس: ج ۱ ص ۶۰، ج ۳ ص ۱۸۷۸
 لیما (پایتخت پرو): ج ۱ ص ۴۸۹، ۴۹۰
 ۵۶۵، ج ۲ ص ۷۹۰، ۱۱۳۲، ۱۳۰۹
 ۲۰۱۶، ۲۱۵۳
 لینی: ج ۲ ص ۱۵۳۲
 لیوادی: ج ۳ ص ۲۰۰۰

م

لیوبولد: ج ۳ ص ۱۶۶۱
 لیورپول، لیورپول (بندر انگلیس): ج ۳ ص
 ۱۶۰۴، ۱۷۵۲، ۱۷۹۹، ۱۸۷۸، ۱۹۲۲
 ۱۹۷۵
 لیون، لیون (شهر): در فرانسه: ج ۱ ص ۳۰۱
 ۳۰۶، ۳۲۰، ج ۲ ص ۶۱۰، ج ۳ ص ۱۲۰۴
 ۱۵۳۱، ۱۶۰۹، ۲۰۲۹
 لیون ارمنی: ج ۱ ص ۲۵۱
 لیونی: ج ۱ ص ۳۰۸، ۴۲۱، ج ۲ ص ۶۱۰
 ۷۲۷، ۹۹۹
 لیونیم (مطای دروم): ج ۱ ص ۱۹۵
 ماناو: ج ۳ ص ۱۷۰۲
 مانت: ج ۳ ص ۱۹۹۸
 ماجین: ج ۲ ص ۵۹۷، ۶۸۰، ۹۲۵، ج ۳ ص
 ۱۸۳۱، ۱۸۵۵، ۱۸۶۳، ۱۹۱۳
 ماحوره: ج ۱ ص ۱۹۸
 ماداکاسکار، ماداکاسکار (جزیره): ج ۱ ص
 ۵۶۴، ج ۲ ص ۷۴۹، ۷۴۹، ۱۳۰۷، ج
 ۳ ص ۱۸۲۸، ۱۸۷۱، ۱۸۸۸، ۲۰۵۱
 ۲۱۵۱
 مادرید (پایتخت اسپانیا): ج ۱ ص ۲۲۷
 ۵۶۱، ج ۲ ص ۷۷۲، ۷۷۳، ۸۲۴، ۸۴۹
 ۱۰۰۸، ۱۱۶۸، ۱۳۰۲، ج ۳ ص ۱۴۹۲
 ۱۵۰۶، ۱۵۲۴، ۱۵۵۸، ۱۵۶۵، ۱۶۳۱
 ۱۶۶۷، ۱۷۰۲، ۱۷۷۵، ۱۷۸۸، ۱۸۰۵
 ۱۸۱۶، ۱۸۳۵، ۱۸۶۱، ۱۸۶۸، ۱۸۷۷
 ۱۹۶۵، ۱۹۹۷، ۲۱۴۷
 مارانگ: ج ۲ ص ۱۴۵۹
 مارچ: ج ۲ ص ۸۹۴
 مارتینگ (جزیره): ج ۲ ص ۷۴۴، ۱۰۱۶
 ماردین (قلمب): ج ۱ ص ۴۶، ۲۲۰، ۲۷۲
 ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۷۶
 ۳۷۹، ۳۸۲، ۴۰۷، ۴۱۸، ۴۲۲
 ۴۴۸، ج ۲ ص ۶۰۷، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۳۷
 ۶۶۷، ۹۲۷
 مارده (از بلاد اندلس): ج ۱ ص ۳۸۰
 مارسیل: ج ۱ ص ۵۳۵، ج ۲ ص ۱۰۱۶
 ۱۲۶۸، ج ۳ ص ۱۴۱۱، ۱۶۳۳، ۱۸۰۱
 ۲۱۰۷
 ماری: ج ۱ ص ۵۶۴، ج ۲ ص ۱۳۰۷، ج ۳ ص

مایانسن (شهر) : ج ۲ ص ۷۰۲ : ج ۳ ص ۱۲۲۲
 ۱۵۲۵-۱۹۲۲
 مبارک آباد، ماوند، آبی قلعه : ج ۲ ص ۱۳۴۲
 ۱۳۶۲-۱۳۶۶-۱۸۹۶-۱۹۱۱
 منس (شهر) : درالمان : ج ۲ ص ۸۲۲ : ج ۳
 ص ۱۹۲۰-۱۹۲۱-۱۹۲۰-۱۹۵۲
 مجار و مجارستان : ج ۱ ص ۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲
 ۲۵۱-۲۸۱-۲۹۹-۳۶۱ : ج ۲ ص ۷۷۲
 ۷۷۲-۷۷۲-۸۸۱-۸۹۳-۹۱۱
 ۹۶۷-۹۶۹-۹۷۰-۱۲۰۳ : ج ۲ ص ۱۲۰۹
 ۱۷۰۲-۱۷۰۷-۱۷۰۸-۱۷۱۰-۱۷۲۰
 ۱۷۵۰-۱۷۶۲-۱۷۶۳-۱۷۷۵
 ۱۸۱۷-۱۸۲۵-۱۸۶۱-۱۸۶۹-۱۹۲۹
 ۱۹۹۸-۱۹۹۸-۲۱۰۸-۲۱۴۷
 مجدآباد : ج ۱ ص ۵۵۰
 مجمع العروج : ج ۲ ص ۶۰۷
 مجلات قم : ج ۱ ص ۵۲۷-۵۶۰ : ج ۳ ص ۱۱۴۲
 ۱۵۳۷-۱۶۲۶ : ج ۲ ص ۱۲۹۶ : ج ۳ ص
 ۱۸۱۴-۱۸۸۵-۲۰۹۸
 محمدیه (شهر) : ج ۱ ص ۲۲۱
 محمره : ج ۲ ص ۱۲۸۸-۱۲۹۴-۱۲۹۸
 ج ۳ ص ۱۶۶۹-۱۶۶۹-۱۶۵۱-۱۶۶۲-۱۶۷۲
 ۱۶۷۸-۱۶۸۱-۱۶۹۴-۱۷۲۶-۱۷۲۸
 ۱۷۵۸-۱۷۷۲-۱۸۰۲-۱۸۴۰-۲۱۴۲
 محمودآباد : ج ۲ ص ۲۱۶ : ج ۳ ص ۱۵۳۵
 ۱۶۲۱
 محمودآباد، جام : ج ۳ ص ۱۶۱۱
 محمودی : ج ۲ ص ۸۲۱
 محولات : ج ۳ ص ۱۶۱۱
 محیط : ج ۲ ص ۷۵۸ : ج ۳ ص ۱۷۵۲
 محیط شمال : ج ۲ ص ۹۰۳
 محیط کبیر : ج ۲ ص ۷۵۸-۷۵۹
 مخاضه الاحزان (الاجران) : ج ۱ ص ۴۰۲
 مضاره (شهر) : شهر ج ۱ ص ۲۱۲
 مدائن : ج ۱ ص ۴۰۳-۴۰۴-۴۴-۴۹-۵۱
 ۶۲-۸۸-۱۲۷-۱۳۱-۱۳۴-۱۳۷-۱۷۲
 ۱۷۶-۲۹۵ : ج ۳ ص ۱۵۵۰
 مدائن شرقی ————— مدائن
 مدائن غربی ————— مدائن
 مدرس (درهند) : ج ۲ ص ۹۶۸ : ج ۳ ص ۱۱۳۴
 ج ۳ ص ۱۶۲-۱۷۵۰-۱۹۶۱
 مدرسه چهارباغ : ج ۱ ص ۱۰۱۴
 مدرسه حنفيه (در کاهره) : ج ۲ ص ۶۲۵

مالابا (جزایر) : ج ۱ ص ۱۰۰ : ج ۲ ص ۲۳۷
 ۸۹۷
 مالاکا : ج ۲ ص ۱۷۸۸-۱۷۹۷-۲۰۱۳
 مالاکا : ج ۲ ص ۷۶۱-۹۴۵
 مالاکا : ج ۱ ص ۴۹۰
 مال امیر : ج ۱ ص ۱۱۶۴
 مالت (جزیر) : ج ۲ ص ۸۵۱ : ج ۳ ص
 ۱۲۵۱-۱۲۵۹-۱۲۷۰-۱۸۱۸
 مالمبو (جزیر) : ج ۲ ص ۷۲۹
 مالومهند : ج ۲ ص ۶۵۹-۶۶۹-۶۹۰-۷۴۱
 ۷۸۲-۷۸۸-۷۹۱-۷۹۸-۸۲۳-۸۲۴
 ۸۷۲-۹۰۲
 ماموله : ج ۱ ص ۲۸۱
 مامویه : ج ۱ ص ۲۱۷
 ماناکا : ج ۱ ص ۵۶۵ : ج ۲ ص ۱۳۰۸ : ج ۳ ص
 ۲۱۵۲
 ماننو : ج ۳ ص ۱۲۲۵
 مانه : ج ۳ ص ۱۶۸۶-۱۶۸۸
 مانیل (جزایر) : ج ۱ ص ۴۸۷ : ج ۲ ص ۸۵۱
 ج ۳ ص ۱۲۵۰-۱۸۵۳-۲۰۱۳
 ماروا الزاب : ج ۱ ص ۴۰۸
 ماروا الشهر : ج ۱ ص ۹۶-۹۵-۹۷-۹۹-۱۱۳
 ۱۲۱-۱۲۶-۱۶۸-۱۷۹-۱۷۹
 ۲۰۸-۲۱۹-۲۲۲-۲۲۷-۲۲۹
 ۲۵۶-۲۷۳-۲۷۶-۲۷۷-۳۰۲-۳۱۵
 ۳۲۵-۳۲۴-۳۲۴-۳۲۴-۳۵۷
 ۳۷۸-۴۰۲-۴۲۶-۴۳۲ : ج ۲ ص ۵۸۲
 ۵۸۹-۶۱۴-۶۲۰-۶۲۳-۶۲۴-۶۳۵
 ۶۴۱-۶۴۴-۶۴۴-۶۴۷-۶۵۹
 ۶۶۰-۶۶۹-۶۷۱-۶۸۴-۷۰۱
 ۷۰۳-۷۰۷-۷۱۰-۷۱۱-۷۳۴
 ۷۴۱-۷۴۷-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۵
 ۷۷۵-۷۷۶-۷۸۴-۷۸۶-۷۹۴
 ۷۹۵-۸۲۷-۸۵۱-۸۵۵-۸۸۳
 ۹۰۰-۹۰۵-۹۱۶-۹۲۴-۹۲۹-۹۴۲
 ۹۴۶-۹۶۰-۹۸۲-۹۹۳-۹۵۳
 ۱۰۵۲-۱۱۳۱-۱۱۳۶ : ج ۳ ص ۱۳۳۹
 ۱۳۶۳
 ماهانه (قلم) : ج ۲ ص ۶۶۰
 ماه سند : ج ۱ ص ۳۸۵
 ماه کوفه : ج ۱ ص ۲۲۰
 ماهورسلانی : ج ۳ ص ۱۶۵۴
 ماهی دست : ج ۲ ص ۱۱۲۹

۲۱۵۱
 مارک : ج ۱ ص ۲۵۸-۲۸۱-۲۹۳-۲۱۹ : ج ۲
 ص ۷۶۶-۱۲۰۶ : ج ۳ ص ۱۶۷۶-۱۶۹۷
 ۱۷۹۸
 مارکیر (جزیر) : ج ۲ ص ۷۴۴-۱۰۱۶
 ماریلان (شهر) : ج ۳ ص ۱۸۳۹
 مارینیان ایتالیا (دشت) : ج ۲ ص ۷۶۳
 ماوندان : ج ۱ ص ۲۹۲-۲۹۲-۲۹۲-۲۹۲-۵۰۴
 ۵۰۶-۵۲۶-۵۲۸-۵۲۴-۵۵۱
 ۵۵۹ : ج ۲ ص ۶۱۵-۶۱۶-۶۲۲-۶۲۲
 ۶۳۶-۶۳۷-۶۴۲-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۲
 ۶۶۰-۶۶۸-۶۷۰-۶۷۰-۶۷۲-۷۲۲
 ۷۴۲-۷۶۵-۷۶۷-۸۰۶-۸۴۸-۸۶۸
 ۸۸۱-۸۸۵-۸۸۷-۸۹۰-۹۰۰-۹۰۶
 ۹۰۹-۹۱۲-۹۱۲-۹۲۱-۹۲۲-۹۳۲-۹۴۱
 ۹۴۳-۹۵۵-۹۵۶-۹۶۲-۹۶۸-۹۷۰
 ۹۷۳-۹۷۶-۱۰۱۶-۱۰۲۶-۱۰۳۵-۱۰۹۲
 ۱۰۹۵-۱۱۲۰-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۳۱
 ۱۱۳۲-۱۱۳۲-۱۱۵۰-۱۱۵۲-۱۱۵۳
 ۱۱۵۵-۱۱۶۰-۱۱۷۱-۱۱۷۱-۱۱۷۶
 ۱۱۸۱-۱۲۰۶-۱۲۲۲-۱۲۲۵-۱۲۲۶
 ۱۲۵۹-۱۲۶۴-۱۲۶۶-۱۲۶۶-۱۲۷۶
 ۱۲۷۹-۱۲۸۲-۱۲۸۸-۱۳۰۰
 ج ۲ ص ۱۳۲۲-۱۳۲۲-۱۳۴۲-۱۳۴۸
 ۱۳۵۰-۱۳۵۲-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۷
 ۱۳۵۹-۱۳۶۲-۱۳۶۶-۱۳۷۷
 ۱۳۷۹-۱۳۸۸-۱۳۹۲-۱۳۹۴-۱۳۹۷
 ۱۳۹۹-۱۴۰۱-۱۴۰۴-۱۴۰۶-۱۴۲۸
 ۱۴۳۳-۱۴۵۴-۱۴۶۸-۱۴۸۷-۱۴۹۳
 ۱۵۰۸-۱۵۲۷-۱۵۲۴-۱۵۴۷-۱۵۷۳
 ۱۵۷۴-۱۵۹۲-۱۶۰۷-۱۶۲۲-۱۶۲۹
 ۱۶۳۱-۱۶۳۶-۱۶۳۷-۱۶۴۲-۱۶۵۷
 ۱۶۹۴-۱۶۹۶-۱۷۱۲-۱۷۱۳-۱۷۱۸
 مازانتا : ج ۳ ص ۱۸۱۷
 مازلان (تنگ) : ج ۳ ص ۸۶۷
 ماسبدان : ج ۱ ص ۴۵-۶۹-۱۵۶-۱۸۴
 ماسو (شهر) : ج ۳ ص ۲۰۰۳
 ماسوله : ج ۳ ص ۱۴۱۳-۱۴۲۹
 ماسیه : ج ۱ ص ۱۰۲
 ماقامور : ج ۳ ص ۱۷۸۰
 ماکسین : ج ۱ ص ۲۰۵
 ماکو : ج ۲ ص ۹۲۲
 ماگدلای (پایتخت حبشه) : ج ۳ ص ۱۹۰۱

مدرسه خوانثونیه: ج ۲ ص ۶۰۹.
 مدرسه دارالانتفا (در طهران): ج ۳ ص ۱۶۲.
 مدرسه دارالفنون = دارالفنون: ج ۱ ص ۲۳۶.
 ۴۶۲: ج ۲ ص ۱۲۷۶.
 مدرسه دولتی تبریز: ج ۱ ص ۵۲۷، ۲۶۷.
 ج ۲ ص ۱۲۸۰، ۶۲۷: ج ۳ ص ۲۰۰۷.
 ۲۱۳۱.
 مدرسه سالرن: ج ۱ ص ۳۵۵.
 مدرسه منصوریه حلب: ج ۲ ص ۶۳۳.
 مدرسه فلکیه: ج ۱ ص ۲۲۱.
 مدرسه کردو: ج ۱ ص ۳۸۶.
 مدرسه گوهرشاد آغا (در هرات): ج ۲ ص ۷۱۰.
 مدرسه مروی: ج ۳ ص ۱۵۴۲.
 مدرسه مستنصریه: ج ۱ ص ۴۲۴.
 مدرسه مظفریه: ج ۲ ص ۶۲۵.
 مدرسه نظام تبریز: ج ۲ ص ۱۲۹۴: ج ۳ ص ۱۸۱۵.
 مدرسه نظامیه (بنداد): ج ۱ ص ۳۳۱، ۳۶۰، ۳۷۰.
 مدرسه و خانقاه سلطان حسین: ج ۲ ص ۷۷۹.
 مدرسه همایونی اصفهان: ج ۲ ص ۱۱۸۹.
 ۱۲۹۷: ج ۳ ص ۲۰۲۴، ۲۱۴۱.
 مدرسه هندیه: ج ۲ ص ۱۰۰۳.
 مدینه ابن هبیره: ج ۱ ص ۱۲۲.
 مدینه جریر: ج ۱ ص ۴۲.
 مدینه طیبه: ج ۱ ص ۲۱ تا ۲۹، ۲۱ تا ۲۹.
 ۲۸، ۲۶، ۲۳ تا ۲۱، ۲۹، ۳۷، ۲۶، ۲۳.
 ۶۷، ۶۲ تا ۵۹، ۵۶، ۵۵، ۵۲، ۵۱، ۴۹.
 ۷۲ تا ۷۸، ۷۵ تا ۸۳، ۸۱ تا ۸۷، ۸۵.
 ۱۰۱۰، ۱۰۰۰، ۹۸، ۹۶، ۹۲، ۹۱، ۸۹.
 ۱۲۹، ۱۲۵ تا ۱۲۱، ۱۱۷، ۱۱۱، ۱۰۶.
 ۱۲۷، ۱۲۴، ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۳۹، ۱۳۲.
 ۱۷۲، ۱۶۲، ۱۵۷ تا ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰.
 ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۷۹، ۳۷۲، ۲۱۲، ۱۸۹.
 ۴۱۵، ۴۰۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۸۳، ۳۵۹.
 ۶۲۷، ۶۱۰، ۶۰۳، ۴۶۱، ۴۶۰، ۴۲۳.
 ۱۰۲۲، ۹۸۲، ۸۱۶، ۷۲۹، ۷۲۸، ۷۰۳.
 ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۴۰: ج ۳ ص ۱۳۷۰.
 ۱۶۸۲، ۱۵۶۱.
 مدینه موصیه: ج ۱ ص ۱۳۸.
 مدینه منوره: ج ۱ ص ۱۷۲.
 مر (ایالت =) در یونان: ج ۲ ص ۱۰۱۵: ج ۳

ص ۱۵۵۳.
 مرادیه: ج ۲ ص ۱۱۲۲.
 مراد (حسن): ج ۱ ص ۵۹.
 مرانجه: ج ۱ ص ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۵۶، ۳۷۲، ۳۳۲.
 ۷۹۷، ۵۹۱، ۵۸۵، ۵۴۲، ۴۷۷، ۴۴۲.
 ۱۰۲۹، ۱۰۲۶، ۱۰۲۳، ۹۰۵، ۸۷۹.
 ۱۱۶۱، ۱۱۴۵، ۱۱۱۴، ۱۱۱۳، ۱۰۳۲.
 ۱۲۸۲، ۱۲۷۲، ۱۲۳۸، ۱۲۳۷، ۱۱۶۲.
 ج ۲ ص ۱۲۳۸، ۱۲۱۴، ۱۲۳۴، ۱۲۹۸.
 ۱۶۳۴، ۱۶۳۰، ۱۵۸۰، ۱۵۷۲، ۱۵۳۴.
 ۱۷۵۹، ۱۷۴۱، ۱۷۳۸، ۱۷۱۶، ۱۷۱۲.
 ۱۸۶۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۰، ۱۸۲۳، ۱۸۲۲.
 ۲۰۸۳ تا ۸۱، ۲۰۴۰، ۲۰۱۰، ۱۹۹۲.
 ۲۱۴۰، ۲۱۳۲، ۲۱۲۱.
 مراکش: ج ۱ ص ۱۰، ۹۲، ۳۷۸، ۳۶۵، ۳۲۴، ۳۸۰.
 ۴۳۹، ۴۳۶، ۴۲۹، ۳۸۰: ج ۲ ص ۵۹۲.
 مروی (ایالت): ج ۱ ص ۲۸۸: ج ۳ ص ۲۰۱۳، ۱۴۹۶.
 مربوط: ج ۱ ص ۴۲۳.
 مرید بهره: ج ۱ ص ۲۲۳.
 مرتوا: ج ۳ ص ۱۸۱۷.
 مرج الاسف: ج ۱ ص ۴۰۱.
 مرج الحجاره: ج ۱ ص ۱۰۹.
 مرج ذابق: ج ۱ ص ۱۰۴، ۳۵۲.
 مرج راهط (از غرطه دمشق): ج ۱ ص ۸۵.
 ۸۸.
 مرج در روم: ج ۱ ص ۴۱.
 مرج الصفو: ج ۱ ص ۴۲۲.
 مردانقوب: ج ۲ ص ۹۱۲.
 مرزبان: ج ۲ ص ۵۸۷.
 مرغش (مرغش): ج ۱ ص ۱۱۵، ۹۲، ۱۵۲.
 ۲۶۰، ۲۲۵: ج ۲ ص ۶۵۹، ۶۰۶، ۷۶۱.
 ۹۲۱، ۸۳۹، ۷۶۲: ج ۳ ص ۱۲۶۹، ۱۲۶۰.
 ۱۹۷۰.
 مرقاب: ج ۳ ص ۱۳۲۸، ۱۴۰۲.
 مرغابیه: ج ۲ ص ۸۸۳.
 مرقب (حسن): ج ۲ ص ۵۹۹، ۵۹۶.
 مرقدا ابویوب انصاری: ج ۲ ص ۷۰۵.
 مرقدا حضرت علی (ع): ج ۲ ص ۷۲۶.
 مرقدا سید الشهدا (ع): ج ۱ ص ۱۹۳، ۲۰۰.
 مرقدا علی بن موسی الرضا (ع): ج ۲ ص ۶۷۹.
 ۷۵۳.
 مرقش: ج ۳ ص ۱۸۱۶، ۱۸۲۱، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷.

۱۸۷۱، ۱۸۶۴، ۱۸۳۸، ۱۸۲۵.
 مرگور: ج ۱ ص ۲۷۸: ج ۲ ص ۸۱۱: ج ۳ ص ۲۰۱۱.
 مرنجاب: ج ۲ ص ۱۱۵۵.
 مرند آذربایجان (شهر): ج ۱ ص ۱۹۲، ۳۵۲.
 ۵۲۹: ج ۲ ص ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۴، ۹۳۴.
 ۱۲۸۲، ۱۲۴۲: ج ۳ ص ۱۵۷۶، ۱۵۷۹.
 ۱۹۹۲، ۱۹۷۳، ۲۰۳۵، ۲۰۲۳، ۲۰۲۲.
 مرند: ج ۱ ص ۳۲، ۵۵۵، ۵۷، ۶۲، ۷۶، ۹۰، ۹۳.
 ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۱۵، ۱۱۳، ۱۰۲، ۹۹، ۹۵.
 ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۲۰، ۱۷۲، ۱۷۰، ۳۳۱، ۳۳۴.
 ۳۷۹، ۳۸۸، ۴۱۳، ۴۲۰: ج ۲ ص ۶۸۰.
 ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۲۱.
 ۷۴۹، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۲.
 ۸۸۹، ۹۰۲، ۹۱۸، ۹۲۹، ۹۲۲، ۹۵۰.
 ۹۵۲، ۱۱۲۵، ۱۱۲۷، ۱۱۲۳: ج ۳ ص ۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۵۶، ۱۲۶۷، ۱۲۳۲، ۱۲۲۰.
 ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۹۰.
 ۱۵۵۶، ۱۷۳۳، ۱۷۳۶، ۱۷۴۱، ۱۷۴۳.
 ۱۷۴۵، ۱۷۴۹، ۱۷۵۲، ۱۷۵۵ تا ۱۷۵۷.
 ۱۷۶۱، ۱۷۶۹، ۱۷۷۳، ۱۸۰۳، ۱۸۲۶.
 ۱۸۳۲.
 مورود: ج ۱ ص ۵۷، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۳۹.
 ۲۳۰.
 مروتا هیجان: ج ۱ ص ۱۳۲: ج ۲ ص ۹۱۸.
 ۹۲۲: ج ۳ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۹، ۱۳۴۰.
 ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۳، ۱۸۲۶.
 مروه: ج ۱ ص ۲۲۳.
 مروین: ج ۱ ص ۵۸.
 مرین (جزیره): ج ۲ ص ۱۰۱۶.
 مروان: ج ۲ ص ۸۰۹، ۸۲۳، ۹۲۵: ج ۳ ص ۱۴۸۳.
 مروان: ج ۳ ص ۱۵۹۶.
 مریه: ج ۱ ص ۲۶۲، ۳۰۱، ۳۸۹.
 مزانه (درافریقا): ج ۱ ص ۷۲.
 مزار (شهر): ج ۲ ص ۱۷۰۲.
 مزار جامع: ج ۲ ص ۹۸۲.
 مزار خواجه ربیع: ج ۲ ص ۹۰۷.
 مزار داود نبی: ج ۲ ص ۷۶۴.
 مزار شیخ صلی: ج ۲ ص ۸۶۲.
 مزار نعمان (ابوحنیفه): ج ۲ ص ۹۱۷.
 مزدقان (ناحیه): ج ۳ ص ۱۳۳۴، ۱۳۳۶.
 مزل (رود): ج ۲ ص ۱۴۲۲.

۱۶۲۹-۱۶۱۵-۱۳۷۵ ج ۳ ص ۱۲۸۲
 ۰۲۱۳۳-۱۲۸۲-۱۲۷۲-۱۹۷۷
 میاندشت: ج ۱ ص ۵۵۰ ج ۲ ص ۱۲۸۵ ج ۳ ص ۱۸۹۲
 میاندواب مراغه: رحمت آباد: ج ۲ ص ۱۲۸۲
 ۰۲۱۳۳-۱۵۸۰ ج ۳ ص ۱۲۰۲
 میانی آلمان (شهر): ج ۳ ص ۱۲۲۲
 میان قلعه: ج ۳ ص ۲۰۱۶
 میان کاله: ج ۳ ص ۱۲۳۵ ج ۲ ص ۲۰۸۰
 میان ولایت: ج ۲ ص ۱۶۰۷
 میبد: ج ۲ ص ۶۲۵-۶۱۵
 میدان اخضر (در دمشق): ج ۱ ص ۳۸۲
 میدان ارک: ج ۲ ص ۱۸۶۵
 میدان ارک ساری: ج ۳ ص ۱۸۷۲-۱۷۳۵
 میدان نوپخانه: ج ۳ ص ۱۸۶۵
 میدان سنت مارک ونیز: ج ۲ ص ۸۹۰
 میدان شان دوطارس: ج ۳ ص ۱۹۲۹
 میدان نقش جهان اصفهان: ج ۲ ص ۸۸۹
 ۰۱۱۴۲-۹۷۸-۹۳۲-۸۹۸
 میدان واندیم (در پاریس): ج ۳ ص ۱۴۸۲
 میوان آدریاچان: ج ۳ ص ۱۸۱۲
 میسورهند (مملکت): ج ۲ ص ۱۴۵۵-۱۲۹۸
 ۰۱۲۶۰
 میان (قلعه): ج ۳ ص ۱۲۹۸
 میلان ایتالیا (شهر): ج ۱ ص ۲۹۲ ج ۲ ص ۱۷۰۳-۱۳۷۹ ج ۳ ص ۷۶۳-۷۲۰-۶۶۲
 ۰۱۸۱۷-۱۸۰۵-۱۷۹۸-۱۷۶۲-۱۷۰۹
 ۰۱۹۶۰-۱۹۴۵-۱۸۳۶-۱۸۱۹
 میلورن استرالی: ج ۱ ص ۴۸۹ ج ۳ ص ۲۰۱۶
 میمند: ج ۲ ص ۷۶۶-۷۵۲-۷۲۷
 میمنه: ج ۳ ص ۱۷۳۰-۱۶۴۱
 مون: ج ۱ ص ۲۲۵
 میمر (جزایر): ج ۲ ص ۱۰۱۲
 میترک (جزیره): ج ۳ ص ۱۳۹۲
 مینک: ج ۳ ص ۱۷۷۵
 مینویهر (شهر): ج ۳ ص ۱۹۱۶
 میوزقه: ج ۱ ص ۳۸۹-۳۲۹



نابلس: ج ۱ ص ۲۲۷-۲۲۲-۲۱۱-۲۲
 نابل (شهر): ج ۱ ص ۴۹۱-۳۹۸ ج ۲ ص ۱۱۶۳-۱۰۱۳-۷۲۵-۷۲۲-۶۵۲ ج ۳

۰۱۶۱-۱۵۹۵-۱۵۷۰-۱۵۵۱-۱۴۹
 ۰۱۹۱-۱۸۷-۱۸۲-۱۸۱-۱۶۵-۱۶۲
 ۰۲۲۶-۲۱۳-۲۱۲-۲۰۸-۲۰۵-۱۹۷
 ۰۲۲۴-۲۲۳-۲۲۰-۲۲۹-۲۲۶-۲۲۷
 ۰۲۶۰-۲۵۸-۲۵۶-۲۵۲-۲۵۱-۲۴۹
 ۰۲۷۹-۲۷۸-۲۷۱-۲۶۸-۲۶۷-۲۶۲
 ۰۲۹۸-۲۹۵-۲۹۰-۲۸۸-۲۸۵-۲۸۲
 ۰۳۳۱-۳۲۷-۳۲۵-۳۲۱-۳۲۰-۳۱۸
 ۰۳۵۲-۳۴۹-۳۴۶-۳۴۳-۳۴۰-۳۳۸
 ۰۳۶۸-۳۶۶-۳۶۵-۳۶۳-۳۵۸-۳۵۵
 ۰۳۸۹-۳۸۷-۳۸۲-۳۸۱-۳۷۲-۳۶۹
 ۰۴۰۱-۳۹۸-۳۹۶-۳۹۳-۳۹۲-۳۹۰
 ۰۴۲۸-۴۲۶-۴۱۷-۴۱۳-۴۰۸-۴۰۲
 ۰۴۲۸-۴۲۴-۴۲۸-۴۲۷-۴۲۵-۴۲۲
 ۵۸۳-۵۸۱-۵۷۹ ج ۲ ص ۴۵۵-۴۴۹
 ۰۹۲۷-۹۱۸-۹۱۵-۹۱۱-۹۰۶-۹۰۸
 ۱۰۱۳-۹۸۸-۹۸۷-۹۲۹-۹۳۷-۹۳۰
 ۱۳۶۹-۱۳۴۵ ج ۳ ص ۱۱۲۹-۱۰۸۲
 ۰۱۲۴۵-۱۲۷۲
 موغان: ج ۳ ص ۱۲۸۲
 موله (مطمع): ج ۲ ص ۸۵۷
 مونیک (پایتخت باویر): ج ۱ ص ۵۶۱ ج ۲ ص ۱۳۰۳-۱۲۹۶ ج ۳ ص ۱۸۲۷-۲۱۴۷
 مپارلو: ج ۳ ص ۱۳۶۱
 مهدیه (میه) (شهر): ج ۱ ص ۲۲۴-۲۲۳
 ۰۲۷۶-۲۶۳-۲۵۸-۲۵۷-۲۴۸-۲۴۰
 ۰۱۲۶۹-۲۶۰-۲۳۹-۲۸۲-۲۸۱
 مهر (منزل): ج ۳ ص ۱۸۹۲
 مهربان (قلعه): ج ۲ ص ۹۳۷-۹۲۶
 مهرجانندق: ج ۱ ص ۱۳۲
 مهره: ج ۱ ص ۲۲
 مهماندوست (فریه): ج ۲ ص ۱۰۲۲ ج ۳ ص ۱۸۹۲
 مهنه (در دشت خاوران): ج ۳ ص ۱۴۹۵
 میافارقین: ج ۱ ص ۲۷۲-۲۷۰-۲۶۸-۲۶۶
 ۰۴۴۰-۴۳۷-۴۱۸-۴۸۵-۴۸۲-۴۷۸
 ۰۴۰۸-۴۰۷-۴۸۹-۴۸۴-۴۶۷-۴۶۶
 ۰۴۶۲-۴۴۹-۴۴۲-۴۳۷-۴۳۴-۴۲۸
 ج ۲ ص ۵۸۱
 میامی: ج ۱ ص ۵۵۰ ج ۲ ص ۱۲۸۵ ج ۳ ص ۱۸۹۳-۱۷۳۵-۱۶۸۵
 میانج: ج ۱ ص ۵۲۸-۵۲۲ ج ۲ ص ۱۲۷۲

مطیس: ج ۱ ص ۲۹
 مملکت اکبرشاهی: ج ۲ ص ۹۰۰
 منارجه (شهر): ج ۱ ص ۳۱۸
 منازکرها (ار اعمال خلاط): ج ۱ ص ۳۱۸
 منیج (قلعه): ج ۱ ص ۲۶۷-۲۲۱-۱۸۷-۲۶
 ۰۲۰۸-۴۰۱-۳۹۵-۳۶۹-۳۶۸-۲۷۰
 ۰۶۳۳-۴۲۰-۴۱۹-۴۱۳-۴۱۱
 منتکورو: ج ۱ ص ۵۶۳-۴۸۹-۴۸۷ ج ۲ ص ۱۲۰۶
 ۱۷۶۲-۱۷۵۲-۱۷۵۱ ج ۳ ص ۱۹۵۹-۱۹۵۷-۱۹۱۲-۱۸۷۰-۱۸۰۷
 ۲۰۰۱-۱۹۸۹-۱۹۶۹-۱۹۶۸-۱۹۶۱
 ۰۲۰۵۱-۲۱۵۰-۲۰۱۳-۲۰۰۲-۲۰۰۱
 منتورداو (پایتخت اوروکی): ج ۱ ص ۵۶۵
 ج ۲ ص ۱۲۰۹ ج ۳ ص ۱۷۸۰-۱۷۲۱
 ۰۲۱۵۲-۱۸۰۱
 منج (سر): ج ۱ ص ۲۶
 منجمل: ج ۱ ص ۵۴۸ ج ۲ ص ۱۲۸۲ ج ۳ ص ۲۱۳۳-۱۹۱۰-۱۸۲۱
 منچسفر (شهر): ج ۳ ص ۱۶۰۲-۱۵۴۶
 ۰۱۹۴۴-۱۸۲۸
 مندال: ج ۱ ص ۱۰۳
 مندلیج: ج ۱ ص ۵۳۲ ج ۲ ص ۱۰۳۲-۱۲۶۲ ج ۳ ص ۲۱۰۶-۱۵۵۷-۱۵۵۲-۱۴۸۲
 من دیبیتیه: ج ۲ ص ۱۱۸۰
 منرد (شهر): ج ۳ ص ۱۸۸۲
 منستری (شهر): در افریقا: ج ۱ ص ۴۲۱
 منسینی (کوف): ج ۳ ص ۱۹۳۱-۱۹۲۲
 منصوره (ار بلاد مصر): ج ۱ ص ۲۵۵-۲۳۰
 ج ۲ ص ۱۲۶۹
 منصوریه (شهر): ج ۱ ص ۲۶۱
 منکوده: ج ۲ ص ۲۰۱۷-۱۹۱۱
 منگرلی (ایالت): ج ۳ ص ۱۸۹۰
 منگویل: ج ۳ ص ۱۵۱۲
 منیه: (ار فلاح اسطاعلیه) ج ۲ ص ۵۹۰
 منهل: ج ۱ ص ۴۸۷
 مونه: ج ۱ ص ۲۸
 مورچهخورتا میهان: ج ۲ ص ۱۰۲۵-۸۹۶
 ج ۲ ص ۱۲۹۴
 موری نانی: ج ۱ ص ۱۰۳
 مورد (نل): ج ۱ ص ۳۷۹
 مومل: ج ۱ ص ۸۷۰-۶۹۰-۶۳۰-۵۲۰-۴۵۰
 ۰۱۳۵۰-۱۳۳۰-۱۳۲۰-۱۲۱۰-۱۱۹۰-۱۱۱
 ۰۱۲۵۰-۱۲۳۰-۱۲۱۰-۱۲۰۰-۱۳۷۰-۱۳۶

۱۲۸۲، ۱۲۸۰، ۱۲۶۲، ۱۲۵۵، ۱۲۳۷ ص
 ۰۱۷۰۹، ۰۱۷۰۳، ۱۵۵۲، ۱۵۳۳، ۱۲۹۲
 ۰۱۸۳۶، ۰۱۸۲۹، ۰۱۸۲۸، ۰۱۷۹۰، ۰۱۷۷۶
 ۰۲۰۲۹، ۰۱۹۸۸، ۰۱۹۶۰، ۰۱۹۰۶
 نادریان (قلم) در قندهار: ج ۲ ص ۲۲۲، ۰۱۰۴۸
 ۰۱۱۲۲، ۰۱۱۲۳، ۰۱۱۲۱، ۰۱۱۲۰
 نارین (قلم) در خیبر: ج ۲ ص ۲۲۵، ج ۲
 ص ۱۷۲۵
 ناصیه: ج ۲ ص ۷۲۲
 ناصم (قلم): ج ۱ ص ۲۶
 نانت (شهر) در فرانسه: ج ۱ ص ۲۲۲
 نانس: ج ۲ ص ۲۰۰
 نانکی (شهر): ج ۱ ص ۱۷۶، ۰۱۸۶۰، ۰۱۸۷۶
 نانی: ج ۲ ص ۱۸۲۵
 ناوار (ایالت): ج ۱ ص ۲۲۰، ج ۲ ص ۸۲۷
 ۰۸۷۲، ۰۸۶۵، ۰۸۵۹، ۰۸۵۸، ۰۸۵۶، ۰۸۲۸
 ۰۸۷۵، ۰۸۸۱، ۰۸۸۸، ج ۲ ص ۱۹۳۷
 ناوارین: ج ۲ ص ۱۵۹۲
 ناوایه افری: ج ۱ ص ۴۲۰
 ناوور (بایان): ج ۲ ص ۱۳۳۱
 ناوور کولی (سد) نزدیک اردبیل: ج ۲ ص
 ۰۱۳۲۸
 نالین: ج ۱ ص ۵۴۸، ۵۴۳، ج ۲ ص ۱۱۷۲
 ۰۱۲۸۱، ج ۲ ص ۱۶۶۱، ۱۶۶۵، ۲۱۰۰۰
 ۰۲۱۳۲، ۰۲۱۳۲
 نایب مازندران: ج ۱ ص ۱۷۲۷
 نه: ج ۱ ص ۷۴
 نتردام (کلیسای): ج ۱ ص ۳۹۲، ج ۲ ص
 ۰۶۸۸
 نجد: ج ۲ ص ۱۲۶۵، ۱۵۰۰۰، ۱۵۲۶، ۱۶۶۰
 ۰۱۹۲۲
 نجران: ج ۱ ص ۲۲، ۲۰، ۲۲، ج ۲ ص ۱۰۲۲
 ۰۱۰۳۰، ۰۱۰۳۲، ۰۱۰۲۹
 نجف اشرف: ج ۱ ص ۱۱، ۰۲۸۰، ۰۲۸۴، ۰۲۹۴
 ۰۵۳۳، ۰۴۹۹، ج ۲ ص ۶۷۲، ۰۷۲۹، ۰۹۱۸
 ۰۱۰۰۰، ۰۹۳۹، ۰۹۲۸، ۰۹۲۶، ۰۹۲۲، ۰۹۱۹
 ۰۱۱۲۹، ۰۱۱۲۰، ۰۱۱۱۸، ۰۱۰۳۳، ۰۱۰۳۲
 ۰۱۱۷۸، ۰۱۲۱۶، ۰۱۲۶۱، ج ۳ ص ۱۴۲۱
 ۰۱۲۳۷، ۰۱۲۳۲، ۰۱۲۲۹، ۰۱۲۶۵، ۰۱۲۶۷
 ۰۱۵۵۹، ۰۱۶۸۷، ۰۱۷۵۹، ۰۱۹۱۶، ۰۱۹۲۳
 ۰۲۱۰۶
 نجم (قلم): ج ۱ ص ۴۱۱، ۴۱۳، ج ۲ ص
 ۰۴۲۰، ۰۴۱۹

نخجوان: ج ۱ ص ۲۳۸، ج ۲ ص ۶۶۶، ۶۶۲
 ۰۷۶۲، ۰۷۶۴، ۰۷۶۷، ۰۸۱۱، ۰۸۱۳، ۰۸۱۲
 ۰۸۳۶، ۰۸۸۸، ۰۹۰۱، ۰۱۰۱۵، ۰۱۰۲۲
 ۰۱۰۲۹، ج ۲ ص ۱۲۳۶، ۰۱۲۳۸، ۰۱۲۷۲
 ۰۱۵۰۲، ۰۱۵۱۱، ۰۱۵۲۵، ۰۱۵۷۸، ۰۱۵۸۲
 ۰۱۵۸۵، ۰۱۸۲۰
 نخلستان بنی نهار: ج ۱ ص ۲۱
 نراق کاشان: ج ۲ ص ۱۶۰۷
 نردین: ج ۲ ص ۱۸۸۲، ۰۱۸۹۵، ۰۱۹۲۳
 نورامیر: ج ۲ ص ۱۲۲۰، ۰۱۲۲۳، ۰۱۲۲۲
 ۰۱۲۷۲، ۰۱۲۷۵، ۰۱۲۷۲
 نورماندی: ج ۱ ص ۳۲۲، ۳۵۱، ۳۲۲، ج ۲ ص
 ۰۶۲۸، ۰۷۰۰، ج ۲ ص ۱۷۲۱، ۰۱۹۲۳
 ۰۱۹۲۵
 نوروز (نورج): ج ۱ ص ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۲۵
 ۰۲۲۲، ۰۲۸۶، ج ۲ ص ۱۰۱۵، ۱۰۱۵، ج ۲
 ص ۱۵۲۸، ۰۱۷۲۰، ۰۱۷۲۰، ۰۱۷۶۴
 ۰۱۷۷۹، ۰۲۰۵۰
 نسا (در دشت خاوران): ج ۱ ص ۱۸۵، ۵۷
 ۰۲۵۶، ۰۳۸۶، ۰۶۲۰، ۰۶۷۲، ۰۷۰۷، ۰۷۹۰
 ۰۷۹۲، ۰۹۲۲، ۰۱۰۲۲، ج ۲ ص ۱۳۷۲
 نصف: ج ۱ ص ۱۰۰، ۱۰۹، ۰۱۱۳
 نضل: ج ۲ ص ۱۲۸۲
 نصر (قلم): ج ۱ ص ۵۵۰
 نصرآباد کاشان: ج ۳ ص ۱۳۹۵
 نصرانده (فریب): ج ۱ ص ۲۱۸
 نصرت آباد: ج ۲ ص ۱۹۲۷
 نصرت آباد کرمان: ج ۲ ص ۱۸۷۲
 نصیبین: ج ۱ ص ۰۶۸، ۰۷۰، ۰۱۳۷، ۰۱۶۱
 ۰۲۴۳، ۰۲۵۹، ۰۲۶۷، ۰۲۶۹، ۰۲۷۱، ۰۲۷۲
 ۰۳۰۹، ۰۳۲۱، ۰۳۲۲، ۰۳۳۲، ۰۳۴۶، ۰۳۴۹
 ۰۳۶۹، ۰۴۰۵، ۰۴۰۶، ۰۴۲۳، ۰۴۲۶، ۰۴۵۵
 ج ۲ ص ۱۶۵۲
 نصارت: ج ۱ ص ۲۲۱
 نظیر: ج ۲ ص ۱۸۸۵
 نظام شاهی: ج ۲ ص ۰۸۹۲، ۰۸۹۷
 نظیر کاشان: ج ۱ ص ۲۶۸، ۰۵۲۷، ۰۵۶۰، ج ۲
 ص ۱۳۰۲، ج ۳ ص ۱۲۰۲، ۰۱۲۶۱، ۰۱۶۰۷
 ۰۱۶۷۶، ۰۲۰۰۷، ۰۲۰۹۸، ۰۲۱۳۶
 نعل شکن (کتل): ج ۲ ص ۱۱۵۰
 نطین (قلم): ج ۱ ص ۳۷۸
 نصانبه (در بغداد): ج ۱ ص ۲۶۸، ۲۱۱
 نهر: ج ۱ ص ۶۸

نفشانی: ج ۲ ص ۱۸۰۰
 نفیر: ج ۲ ص ۶۰۶
 نکودری: ج ۲ ص ۷۵۲
 نگارستان: ج ۲ ص ۱۵۰۹، ۰۱۶۲۰، ۰۱۶۳۰
 ۰۱۶۲۲، ۰۱۶۲۹، ۰۱۶۳۴، ۰۱۶۳۴
 ۰۱۹۵۴
 نسا (روستای): ج ۲ ص ۲۰۲۱
 نهار: ج ۱ ص ۲۸
 نمدیری: ج ۱ ص ۲۷
 نمساری: ج ۲ ص ۱۹۰۳
 نمسه: ج ۱ ص ۵۳۵، ۵۳۲، ج ۲ ص ۱۰۴۹
 ۰۱۰۵۰، ۰۱۲۶۲، ج ۲ ص ۱۴۸۶، ۱۵۳۵
 ۱۵۳۸، ۱۵۲۹، ۱۵۲۶، ۱۵۲۳، ۱۸۲۸
 ۰۱۹۲۰، ۰۱۹۲۵، ۰۱۹۲۸، ۰۱۹۹۷، ۰۱۹۹۸
 ۰۲۰۰۱
 نمکه (قلم): ج ۲ ص ۱۱۷۰
 نوا (رود): ج ۲ ص ۱۰۰۳
 نوار (ایالت): ج ۲ ص ۱۹۱۱
 نواکت (قلم): ج ۱ ص ۱۲۹
 نواکینه (جزیره): ج ۲ ص ۷۶۱
 نوان: ج ۲ ص ۱۸۰۷
 نوای (قلم): ج ۲ ص ۱۲۵۳، ۱۵۶۸
 ۰۱۶۲۲
 ۰۱۶۲۲
 نوهران: ج ۱ ص ۵۳۲، ۵۲۹، ج ۲ ص ۱۱۷۲
 ۰۱۲۳۲، ۰۱۲۸۲، ج ۳ ص ۲۱۲۲، ۲۱۲۲
 نویندگان: ج ۱ ص ۰۲۳۷، ۰۵۲۴، ۰۵۲۹
 نویه: ج ۱ ص ۵۰، ج ۲ ص ۵۹۳، ۰۶۰۰
 نویهار بلخ: ج ۱ ص ۷۲
 نوچه: ج ۱ ص ۲۷۸، ج ۲ ص ۲۰۱۱
 نوچه (قریه): ج ۲ ص ۱۸۹۵
 نورسی: ج ۲ ص ۹۰۲
 نورمازندران: ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۲ ص ۶۷۲
 ۰۸۵۲، ۰۸۸۱، ۰۸۹۲، ۰۱۲۹۰، ج ۲ ص
 ۰۱۲۸۲، ۰۱۲۹۳، ۰۱۶۰۰، ۰۱۸۴۹، ۰۱۸۵۷
 ۰۱۸۷۲، ۰۱۹۳۴، ۰۱۹۴۹، ۰۲۱۱۵
 نوگرد (شهر): ج ۱ ص ۲۰۲، ۰۳۰۹
 نوگنده (فریب): ج ۲ ص ۱۱۷۰
 نول ارلان: ج ۳ ص ۱۸۲۸
 نول دورتانی (درینگی دنیا): ج ۲ ص ۱۰۰۰
 نول ولاند: ج ۲ ص ۱۸۵۲، ۰۱۸۶۹
 نولکادوسی: ج ۲ ص ۱۸۲۰، ۰۲۰۰۲
 نول گرناد: ج ۲ ص ۱۵۲۹، ۰۱۷۰۲

بول گينه: ج ۲ ص ۹۰۲
 بول ول ولاند: ج ۲ ص ۹۷۱
 نهر کينگي دنيا: (جزاير) ج ۲ ص ۹۰۲
 ۱۲۰۶: ج ۳ ص ۱۷۲۱
 نوشيان: ج ۳ ص ۱۲۶۵
 نهاج (قلم) در ديوارنگر: ج ۱ ص ۳۷۶
 نهاليتي (ايات) ج ۲ ص ۶۲۸
 نهاوند: ج ۱ ص ۵۰۲
 ۵۰۲ ۳۴۴ ۱۳۰ ۵۱۰ ۵۰
 ۵۲۹ ۵۲۹ ۵۵۹ ۵۵۹: ج ۲ ص ۶۶۸
 ۱۲۵۵ ۱۰۳۳ ۸۹۱ ۸۸۷ ۶۷۷ ۶۷۶
 ۱۲۹۱ ۱۲۸۸ ۱۲۸۷ ۱۲۸۶ ۱۲۷۵
 ۱۷۱۵ ۱۶۵۱ ۱۶۵۹: ج ۳ ص ۱۷۱۵
 ۱۷۲۸ ۱۷۴۵ ۱۷۸۵ ۱۸۵۶
 ۱۸۸۵ ۱۸۹۰ ۱۹۲۵ ۱۹۲۶ ۱۹۶۲
 ۱۹۹۲ ۲۰۲۷ ۲۰۷۸ ۲۰۹۸ ۲۱۱۲
 ۲۱۲۴ ۲۱۳۵ ۲۱۴۵
 نهر اوزق: ج ۲ ص ۵۹۳
 نهر تيري: ج ۱ ص ۴۷
 نهر جور (جور): ج ۱ ص ۲۵۲
 نهر خزان: ج ۲ ص ۱۶۵۹
 نهر ساچور: ج ۲ ص ۶۲۵
 نهر سمين: ج ۱ ص ۳۴۶
 نهر سونيز: ج ۳ ص ۱۷۷۶
 ۱۷۷۹ ۱۷۸۹ ۱۸۲۷ ۱۸۸۰ ۱۸۹۰ ۱۹۱۲ ۱۹۱۳
 ۱۹۶۱ ۱۹۶۶
 نهر شاهي: ج ۲ ص ۷۲۶
 نهر عيسى: ج ۱ ص ۲۲۸
 نهر قوس: ج ۲ ص ۶۲۵
 نهر واله (کهر واله) از بلاد هند: ج ۱ ص ۴۲۰
 نهر وان: ج ۱ ص ۱۶۶۴
 ۱۶۶۴ ۱۶۹۰ ۱۷۴۰
 نهر هاشم (در خوشتر): ج ۳ ص ۱۷۱۵
 نه گند (مزل): ج ۳ ص ۱۶۶۵
 نهار آباد: ج ۲ ص ۱۰۵۰
 نهار کاله: ج ۲ ص ۱۲۳۵
 نهار وان (فصيف): ج ۳ ص ۱۷۳۴
 ۱۷۳۵ ۱۷۳۷ ۱۷۵۸ ۱۷۸۷ ۱۷۸۸
 ۱۸۳۲ ۱۸۴۹ ۱۸۷۳
 نهر نورالکي (شهر): ج ۳ ص ۲۰۰۰
 نهر ون: ج ۳ ص ۱۳۴۱
 نهر متو (قلم): ج ۲ ص ۷۰۹
 نهر مزارق: ج ۲ ص ۱۴۱۹
 ۱۶۹۶ ۱۷۵۵
 نيزک (قلم) در باد غيس: ج ۱ ص ۹۸
 نيزتي نوگرد: ج ۳ ص ۱۷۸۹

نيس (بندر رانحه): ج ۳ ص ۱۴۲۲
 ۱۸۲۸ ۱۸۲۹ ۱۸۳۱ ۱۸۳۸ ۱۸۷۰ ۱۹۱۲
 ۱۹۸۹
 نيمه (شهر): ج ۱ ص ۳۳۵
 ۲۵۱: ج ۲ ص ۶۳۸
 نيشابور (نشابور): ج ۱ ص ۵۵
 ۶۷۰ ۵۷ ۲۲۶ ۲۲۱ ۲۰۷ ۱۹۶ ۱۸۹ ۱۲۹
 ۲۶۴ ۲۸۱ ۲۸۹ ۳۱۲ ۳۱۲ ۳۵۸
 ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۹۱ ۴۱۶ ۴۲۰ ۴۲۶
 ۵۲۳ ۵۵۰: ج ۲ ص ۶۶۹
 ۶۵۶ ۶۵۲ ۶۶۹ ۶۷۵ ۶۹۳ ۶۹۹ ۸۰۲ ۸۲۸ ۸۷۰
 ۸۷۶ ۸۸۲ ۸۸۵ ۹۸۲ ۹۲۶ ۱۲۷۴
 ۱۲۸۵ ۱۲۹۰: ج ۳ ص ۱۳۶۲
 ۱۳۶۸ ۱۳۷۲ ۱۴۵۰ ۱۴۵۲ ۱۴۵۶
 ۱۴۵۸ ۱۴۶۱ ۱۴۶۲ ۱۴۸۰
 ۱۵۹۷ ۱۵۹۸ ۱۶۰۷ ۱۶۱۱ ۱۶۱۲
 ۱۶۳۹ ۱۶۹۲ ۱۶۹۸ ۱۶۹۹ ۱۷۱۴
 ۱۷۲۲ ۱۷۵۲ ۱۷۷۲ ۱۸۹۳ ۱۹۹۲
 ۲۱۲۲ ۲۱۳۵
 نيكاراگوا: ج ۱ ص ۵۶۵
 ۱۳۰۸: ج ۲ ص ۲۱۵۲
 نيك هي: ج ۲ ص ۱۵۰۹
 ۱۶۲۹
 ني کلاف: ج ۳ ص ۱۷۷۹
 نيکويولي (شهر): ج ۲ ص ۶۶۲
 نيکوي (درينگي دنيا): ج ۳ ص ۱۷۵۲
 نيکي شهر: ج ۲ ص ۶۵۴
 نيکي قلعه: ج ۳ ص ۱۲۵۶
 نيل (رود): ج ۱ ص ۳۲۲
 ۲۶۱ ۲۴۱ ۴۱۹ ۴۲۰: ج ۲ ص ۶۲۷
 ۶۰۵ ۱۷۵۲ ۱۸۰۰ ۱۸۰۷ ۱۸۳۷ ۱۸۶۳
 نيمروز: ج ۲ ص ۷۱۰
 نينوا، نيموي (شهر): ج ۱ ص ۱۲۲
 ۳۵ ۳۲۱
 نيورک: ج ۳ ص ۱۷۶۵
 ۱۸۲۸ ۱۸۸۲ ۱۹۳۸ ۱۹۷۰
 نيور (ايات): ج ۲ ص ۱۷۱۱
 نيه: ج ۱ ص ۷۲
 ۵

وادي بوا: ج ۱ ص ۲۱
 وادي بيم: ج ۱ ص ۳۷۲
 وادي جاع: ج ۱ ص ۶۱
 وادي القري: ج ۱ ص ۲۶
 ۲۷ ۴۹۰
 وارا: ج ۲ ص ۷۵۶
 وارثوي ليسان = ورشو (ايات): ج ۳ ص ۱۸۸۸
 ۱۸۱۹ ۱۸۲۶ ۱۸۲۷ ۱۸۳۷
 ۱۸۵۲ ۱۸۶۹ ۲۰۰۰
 واران: ج ۳ ص ۱۷۷۷
 ۱۹۱۲
 وازيني آمريکا: ج ۲ ص ۹۰۲
 واسط (شهر): ج ۱ ص ۱۰۶
 ۱۰۷ ۱۱۵ ۱۲۷ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۱ ۱۷۲ ۱۷۴
 ۲۰۲ ۲۰۷ ۲۰۹ ۲۱۵ ۲۳۹ ۲۴۰
 ۲۴۲ ۲۴۴ ۲۴۸ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۵
 ۲۶۹ ۲۷۴ ۲۷۶ ۲۸۱ ۲۸۲ ۳۰۰
 ۳۰۲ ۳۰۴ ۳۱۶ ۳۲۴ ۳۳۶ ۳۵۴
 ۳۵۶ ۳۶۷ ۳۶۹ ۴۰۶: ج ۲ ص ۶۶۷
 ۶۸۷ ۷۰۵: ج ۳ ص ۱۷۴۲
 وانين تون، وانين تون (واشنگتن): ج ۱ ص ۵۶۲
 ۱۳۰۸: ج ۲ ص ۱۵۲۹
 ۱۸۳۱ ۱۸۷۱ ۲۱۵۱
 واگرام: ج ۳ ص ۱۲۹۶
 والاديه: ج ۲ ص ۱۸۲۷
 والاس: ج ۲ ص ۱۷۶۸
 والاسي در اطلاق بغداد: ج ۳ ص ۱۴۱
 ۱۰۶۱ ۱۷۰۷ ۱۷۸۹ ۱۸۰۷ ۱۸۲۷
 والانتيا (شهر): ج ۳ ص ۱۸۰۹
 ۱۸۱۷
 والفرانکويان (درينگي دنيا): ج ۲ ص ۸۹۲
 وال دگراس (مريضخانه): ج ۲ ص ۹۵۱
 والسي دو موريز: ج ۳ ص ۱۴۲۲
 والوا: ج ۲ ص ۶۲۴
 وان (شهر): ج ۱ ص ۱۲۶
 ۵۲۴: ج ۲ ص ۷۸۷ ۷۸۸ ۷۸۸ ۸۰۳ ۸۰۹ ۸۲۰
 ۸۲۲ ۸۲۴ ۸۲۴ ۹۱۳ ۹۳۰ ۹۳۱ ۹۴۲
 ۹۴۶ ۹۴۹ ۹۵۱ ۱۰۱۳
 ۱۰۱۵ ۱۰۲۶ ۱۰۳۲ ۱۰۶۱ ۱۱۲۹
 ۱۲۶۱ ۱۲۶۲: ج ۳ ص ۱۲۶۹
 ۱۳۷۱ ۱۲۸۱ ۱۵۵۱ ۱۵۵۲ ۲۱۰۶
 وانده (ايات): ج ۳ ص ۱۴۲۷
 ۱۴۳۱
 ونيري: ج ۳ ص ۱۵۲۷
 ونليانکا (قريب): ج ۲ ص ۲۰۰۰
 ودان: ج ۳ ص ۱۸۱۷
 ودين: ج ۳ ص ۱۹۸۹

وراکرس. وراکروز: ج ۲ ص ۱۸۰۱-۱۸۲۹.
 وراسن: ج ۱ ص ۵۲۵. ج ۲ ص ۱۰۲۴-۱۱۷۵.
 ۱۱۸۱-۱۲۵۰-۱۲۸۹: ج ۲ ص ۱۲۶۱.
 ۱۲۷۲-۱۳۷۷-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۸.
 ۱۵۶۸-۱۶۰۶-۱۶۴۸-۱۷۰۹-۲۱۱۲.
 ورتسبرگ. ورتسبرخ: ج ۱ ص ۵۶۱. ج ۲ ص
 ۱۲۰۴. ج ۲ ص ۱۲۸۰-۱۷۰۸-۱۸۲۷.
 ۱۸۶۱-۱۸۷۷-۱۸۸۹-۱۹۱۹-۲۱۴۸.
 وردن (شهر)- در آلمان: ج ۲ ص ۸۲۲.
 ووزیر: ج ۲ ص ۱۸۰۰.
 ورسایل (شهر)-: ج ۲ ص ۹۶۷-۱۰۱۲. ج ۲
 ص ۱۳۹۵-۱۴۰۶-۱۴۱۱-۱۹۲۰.
 ۱۹۲۱-۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱-۱۹۳۵.
 ورسار: ج ۲ ص ۱۹۸۰.
 ورسو: ج ۲ ص ۱۰۰۲.
 ورتسلیهستان (شهر)-= ورسو: ج ۲ ص ۱۰۰۲.
 ج ۲ ص ۱۴۳۱-۱۴۸۶-۱۵۲۳-۱۶۱۴.
 ۱۷۱۹-۱۷۶۴-۱۷۸۹-۱۷۹۹-۲۰۱۴.
 ورن: ج ۲ ص ۲۰۵۰.
 وریول: ج ۲ ص ۱۵۲۷.
 وریو (کوه آتشفشان): ج ۱ ص ۲۸۹. ج ۲ ص
 ۱۰۱۲-۱۱۵۵-۱۱۸۱. ج ۲ ص ۱۳۸۲.
 ۱۴۲۱-۱۸۳۵-۱۸۳۶-۱۸۳۷-۲۰۱۳.
 وستفالی: ج ۲ ص ۱۲۸۸.
 وستان: ج ۲ ص ۸۲۲.
 وستنارد (قریه)-: ج ۲ ص ۱۶۷۳.
 وطیح (قلعه)-از قلاع خهیر: ج ۱ ص ۲۶.
 وکیل (حمام، کاروانسرا، مسجد)-در شیراز:
 ج ۲ ص ۱۱۸۱.
 ولادقفاز (شهر)-: ج ۲ ص ۱۹۷۲-۱۹۷۹.
 ولادیمیر (شهر)-در روسیه: ج ۱ ص ۲۸۵.
 ج ۲ ص ۱۸۲۷.
 ولایک: ج ۲ ص ۷۰۱.
 ولایت بن فعل: ج ۲ ص ۹۰۸.
 ولایت پنجهزار = انرف: ج ۲ ص ۹۰۸.
 ولیجه: ج ۱ ص ۳۲.
 ولکیج (مخال)-: ج ۲ ص ۱۵۸۲.
 ولگا (رود)-: ج ۱ ص ۲۲۶-۲۶۹-۲۷۰-۲۲۶.
 ۲۲۹: ج ۲ ص ۹۹۹. ج ۲ ص ۱۲۰۶.
 -۱۹۴۱.
 ولبان: ج ۲ ص ۱۶۷۰.
 ویزوللا: ج ۱ ص ۵۶۶. ج ۲ ص ۱۲۰۹. ج ۲
 ص ۱۵۲۸-۱۵۳۸-۱۸۲۱-۲۱۵۲.

۱۶۱۶، ۱۶۱۵، ۱۶۱۳، ۱۶۱۱، ۱۶۰۹
 ۱۶۵۲، ۱۶۵۱، ۱۶۴۵ تا ۱۶۳۸، ۱۶۱۸
 ۱۶۹۸، ۱۶۸۸، ۱۶۷۶، ۱۶۶۴، ۱۶۵۲
 ۱۷۲۳، ۱۷۲۱، ۱۷۲۰، ۱۷۱۳، ۱۷۱۲
 ۱۷۲۸، ۱۷۲۳، ۱۷۲۸، ۱۷۲۶، ۱۷۲۵
 ۱۷۸۳، ۱۷۸۱، ۱۷۷۶، ۱۷۵۹، ۱۷۵۶
 ۱۸۹۴، ۱۸۵۲، ۱۷۹۴، ۱۷۹۲، ۱۷۸۲
 ۲۰۲۶، ۲۰۱۱
 هرگهین (ایالت-) : ج ۲ ص ۱۷۵۲، ۱۷۵۱
 ۱۹۶۷، ۱۹۶۲، ۱۹۶۱، ۱۸۳۷، ۱۸۰۷
 ۲۰۲۸، ۱۹۸۶، ۱۹۷۳، ۱۹۶۸
 هرک (ایالت-) : در اطریش : ج ۲ ص ۷۳۰
 ۱۲۰۷
 هرقلیه : ج ۱ ص ۹۶ : ج ۲ ص ۷۳۱
 هرکولانم (شهر-) : ج ۲ ص ۱۰۱۲
 هرمز، هرمز (جزیره-) : ج ۲ ص ۷۳۶، ۵۹۰
 ۱۰۸۵، ۹۴۴، ۹۱۸ تا ۹۱۶، ۸۱۹، ۷۲۸
 ۱۱۷۸ : ج ۲ ص ۱۳۶۹
 هری رود : ج ۲ ص ۱۶۲۱
 هزاراسب (از شهرهای خوارزم) : ج ۱ ص ۱۰۱
 ج ۲ ص ۷۹۴، ۱۱۲۲، ۱۱۲۵
 هزار جریب (در مازندران) : ج ۲ ص ۸۰۶
 ۱۱۵۸، ۱۱۵۷، ۱۰۳۱، ۱۰۳۰، ۸۸۲
 ۱۱۷۱، ۱۱۷۷ : ج ۲ ص ۱۳۷۸، ۱۳۸۳
 ۱۲۸۶، ۱۲۹۹، ۱۲۹۱
 هزارچم مازندران : ج ۲ ص ۱۸۸۲، ۱۹۰۳
 هزاره (ولایت-) : ج ۲ ص ۸۲۶، ۱۰۲۲
 ۱۰۲۲، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴ : ج ۲ ص ۱۵۳۰
 ۱۶۱۱
 هزاره جات : ج ۲ ص ۱۱۲۰
 هشت بهشت اصفهان : ج ۲ ص ۹۹۴
 هشتگرد : ج ۲ ص ۱۷۵۵، ۱۸۲۲
 هکاری، هکاریه (بلد، قلاع-) : از اعمال موصل :
 ج ۱ ص ۳۷۷، ۳۹۳، ۳۷۸، ۳۷۲ : ج ۲
 ص ۹۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۱۰
 هلاند، هولاند جمهوری باتاوا : ج ۱ ص ۴۸۸
 ۵۶۲ : ج ۲ ص ۷۶۸، ۷۶۲، ۷۳۸، ۷۳۶
 ۸۷۲، ۸۶۸، ۸۶۵، ۸۵۵، ۸۵۲، ۷۸۲
 ۹۰۶، ۹۰۴، ۹۰۲، ۸۹۹، ۸۹۴، ۸۹۲
 ۹۵۵، ۹۵۳، ۹۵۲، ۹۲۹، ۹۲۵، ۹۰۷
 ۹۸۳، ۹۸۰، ۹۶۱، ۹۶۰، ۹۵۸، ۹۵۶
 ۹۸۴، ۹۹۳، ۹۹۲، ۹۹۷ تا ۹۹۹، ۱۰۰۲
 ۱۰۰۳، ۱۰۱۰، ۱۰۱۳، ۱۰۱۲، ۱۰۱۸

۱۱۵۶، ۱۱۶۲، ۱۱۳۷، ۱۱۲۳، ۱۰۲۲
 ۱۳۸۲ : ج ۳ ص ۱۳۰۵، ۱۳۶۷، ۱۱۸۲
 ۱۳۲۷، ۱۳۰۰، ۱۳۹۸، ۱۳۸۶
 ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۵، ۱۳۲۰
 ج ۱۳۹۹، ۱۳۸۴، ۱۳۷۰، ۱۳۵۵، ۱۳۲۵
 ۱۵۰۳، ۱۵۲۵، ۱۵۲۷، ۱۵۳۱، ۱۶۰۱
 ۱۶۰۵، ۱۷۰۲، ۱۷۱۰، ۱۷۵۲، ۱۷۶۳
 ۱۷۶۵، ۱۸۲۰، ۱۸۳۶، ۱۸۲۸، ۱۸۶۲
 ۱۸۶۷، ۱۸۶۹، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۹۱
 ۱۹۰۶، ۱۹۳۷، ۱۹۵۷، ۱۹۹۸، ۲۰۲۹
 ۲۰۵۱، ۲۱۰۶، ۲۱۰۹، ۲۱۰۲
 هلستن : ج ۲ ص ۹۶۲، ۱۰۲۱ : ج ۳ ص ۱۷۲۰
 ۱۲۵۱، ۱۲۶۶، ۱۸۲۶، ۱۸۵۴، ۱۸۶۸
 ۲۰۲۷
 هلگاند : ج ۲ ص ۱۵۲۸
 هلیون تپه در اشرف : ج ۲ ص ۹۵۷
 همدان : ج ۱ ص ۵۰، ۶۲، ۱۲۷، ۱۶۸
 ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۹۶، ۲۴۱، ۲۴۲
 ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۷۶، ۲۷۹، ۳۰۴، ۳۱۱
 ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۵۳
 ۳۵۵، ۳۷۱، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۰۰
 ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲
 ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۱، ۵۰۷، ۵۲۷
 ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۲
 ۵۵۹ : ج ۲ ص ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۰۶، ۴۱۰
 ۶۶۱، ۶۶۸، ۶۷۷، ۶۸۷، ۷۲۲، ۷۵۷
 ۷۵۹، ۷۷۰، ۸۹۱، ۹۱۹، ۹۲۶
 ۱۰۱۸، ۱۰۲۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۶
 ۱۰۲۹، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۸۳، ۱۱۱۳
 ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷
 ۱۲۶۵، ۱۲۶۷، ۱۲۷۳، ۱۲۷۵، ۱۲۷۹
 ۱۲۸۲، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۳۰۱ : ج ۳ ص
 ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷، ۱۴۰۱، ۱۵۲۵
 ۱۵۵۳، ۱۵۶۷، ۱۵۸۰، ۱۶۰۰، ۱۶۳۰
 ۱۶۳۲، ۱۶۳۷، ۱۶۴۲، ۱۶۵۱، ۱۶۷۶
 ۱۷۲۶، ۱۷۲۸، ۱۷۵۵، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵
 ۱۸۲۵، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲
 ۱۸۷۵، ۱۸۸۵، ۱۹۰۶، ۱۹۱۲، ۱۹۱۵
 ۱۹۲۵، ۱۹۲۹، ۱۹۲۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۲
 ۱۹۷۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۴۰، ۲۰۹۸
 ۲۱۰۸، ۲۱۰۹، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۲۳
 ۲۱۲۸، ۲۱۲۶
 هند، هندوستان : ج ۱ ص ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۷۴

۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۵۱، ۱۷۸
 ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۹۱ تا ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰
 ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۱
 ۳۲۶، ۳۳۸، ۳۵۷، ۳۶۲، ۳۸۵، ۴۰۹
 ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۰، ۴۲۵
 ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۴۲، ۴۵۵، ۴۸۷
 ۲۸۸ : ج ۲ ص ۶۰۲، ۶۰۶، ۶۰۸
 ۶۰۹، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۳۳، ۶۶۲
 ۶۶۴، ۶۸۰، ۷۲۹، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۳۶
 ۷۳۶، ۷۴۹، ۷۵۲، ۷۵۷، ۷۶۰، ۷۶۶
 ۷۶۴، ۷۷۰، ۷۷۲، ۷۸۲ تا ۷۸۸
 ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۹، ۸۱۰، ۸۲۵
 ۸۳۰، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۷، ۸۷۸، ۸۸۷
 ۸۸۹، ۸۹۳، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۷، ۹۱۳
 ۹۱۵، ۹۲۱، ۹۲۷، ۹۳۹، ۹۴۳، ۹۴۵
 ۹۲۶، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۵، ۹۵۷
 ۹۵۹، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۸، ۹۷۰، ۹۷۸
 ۹۷۹، ۹۸۱، ۹۸۳، ۹۹۰، ۹۹۷، ۹۹۸
 ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۵، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲
 ۱۰۲۲، ۱۰۲۸، ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸، ۱۰۵۱
 ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۸۴، ۱۰۸۶، ۱۰۸۸
 ۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۹
 ۱۱۳۲، ۱۱۳۵، ۱۱۳۷، ۱۱۳۲، ۱۱۵۲
 ۱۱۵۸، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۲، ۱۱۶۵
 ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۷۵، ۱۱۷۸، ۱۲۰۸
 ۱۲۰۲ : ج ۲ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۴، ۱۳۲۶
 ۱۳۳۵، ۱۳۳۷، ۱۳۴۰، ۱۳۴۶، ۱۳۶۲
 ۱۳۷۰، ۱۳۹۵، ۱۴۰۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۷
 ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۶۰، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱
 ۱۴۹۰، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۸، ۱۵۲۰
 ۱۵۲۲ تا ۱۵۲۷، ۱۵۳۷، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱
 ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۱، ۱۵۹۲، ۱۶۱۸
 ۱۶۳۲، ۱۶۳۵، ۱۶۵۳، ۱۶۶۹، ۱۶۸۷
 ۱۷۱۳، ۱۷۶۳، ۱۷۸۰، ۱۷۸۸، ۱۸۰۶
 ۱۸۱۵، ۱۸۲۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۴، ۱۸۵۲
 ۱۸۶۱، ۱۸۹۸، ۱۹۲۷، ۱۹۳۲، ۱۹۶۰
 ۱۹۶۱، ۱۹۶۶، ۱۹۸۸، ۲۰۱۲، ۲۰۲۹
 ۲۱۰۳، ۲۱۰۶، ۲۱۰۹، ۲۱۲۸
 هندوچین : ج ۲ ص ۷۳۷، ۷۴۲
 هندورا : ج ۱ ص ۵۶۵ : ج ۲ ص ۱۳۰۸
 هندوراس : ج ۲ ص ۱۸۷۲
 هنگ : ج ۲ ص ۹۶۵
 هنگر (قلمب) : ج ۱ ص ۴۱۵

هنگری: ج ۲ ص ۱۰۶۵۲.

هواره: ج ۱ ص ۱۸۲.

هویمن: ج ۱ ص ۲۰۹.

هوب (شهر) - در بر: ج ۲ ص ۱۹۳۲.

هوتل (لايه): ج ۲ ص ۱۹۲۵.

هوندسن (رودخانه): ج ۲ ص ۹۰۴۰۷۲۲.

هولستن (ایالت): ج ۲ ص ۱۷۰۹۰۱۷۰۲.

۱۸۷۷۰۱۷۲۱۰۱۷۲۵.

هولولو (پایتخت جزیره ساندوچ): ج ۱ ص

۵۶۶: ج ۲ ص ۱۲۸۱۰۱۳۱۰.

هوه: ج ۲ ص ۱۸۳۲.

هوشه: ج ۲ ص ۱۸۵۲.

هین زلین (ایالت): ج ۲ ص ۱۷۳۹.

هیت (شهر): میان موصل و شام: ج ۱ ص

۶۹۱۲۵۰۶۹۱۲۵۰۲۵۸۰۲۵۷۰۲۵۷۰۲۵۷۰۲۵۵.

هیدنبرگ (شهر): ج ۲ ص ۱۹۴۲.

هیرمند: ج ۱ ص ۲۸۷: ج ۲ ص ۲۹۰۰۶۷۹.

۱۱۲۰.

هیمل (دیوار): ج ۲ ص ۱۳۶۷۰۱۳۲۸.

هیگ (بندر): ج ۲ ص ۱۸۷۶.

هیمالایا: ج ۲ ص ۸۹۹.

ی

یانس: ج ۱ ص ۲۲.

یاتوسولاند: ج ۱ ص ۲۸۷.

یازاکی: ج ۲ ص ۱۲۰۹.

یازوفیه (قلعه): ج ۱ ص ۲۹۶.

یاقا (قلعه): ج ۱ ص ۲۰۹۰۲۱۲: ج ۲ ص

۵۸۷.

یاخت آباد (قریه): ج ۲ ص ۱۷۱۵۰۱۶۹۲.

۱۸۱۲.

یانیئا، یانینده (شهر) از بلاد آلبانی: ج ۲

ص ۶۸۸: ج ۳ ص ۱۲۶۰۱۵۴۹۰۱۵۵۲.

۱۵۵۸۰۲۰۰۳.

یدو، ید (پایتخت ژاپن): ج ۱ ص ۵۶۲: ج

۲ ص ۱۳۰۷: ج ۲ ص ۱۸۱۶.

۱۹۳۶۰۱۹۰۶۰۱۸۲۶۰۱۸۲۵۰۱۸۳۲.

۲۱۵۰.

یدی بلوکرو د لرس: ج ۲ ص ۱۵۸۳۰۱۵۱۱.

یرمد: ج ۱ ص ۷۹.

یرموک: ج ۱ ص ۷۶۰۴۱۰۳۷۰۳۶.

یرونو (جزیره): ج ۲ ص ۷۲۲.

یزد (دارالصلوات): ج ۱ ص ۲۸۴۰۳۷۲۰۲۶۲.

۵۵۸۰۵۴۸۰۵۲۶۰۵۲۲۰۵۲۶۰۵۲۷.

ج ۲ ص ۶۲۵۰۶۲۲۰۶۱۵۰۶۱۲۰۵۹۲.

۶۷۲۲۰۷۲۶۰۶۹۶۰۶۷۶۰۶۶۱۰۶۵۰.

۱۰۲۶۰۱۰۰۹۰۸۹۲۰۸۸۸۰۸۸۰۰۷۲۶.

۱۱۸۷۰۱۱۲۸۰۱۱۳۷۰۱۱۳۲۰۱۰۳۱.

۱۲۳۲۰۱۲۲۲۰۱۲۰۰۰۰۱۱۹۶۰۱۱۹۲.

۱۲۷۹۰۱۲۷۵۰۱۲۷۳۰۱۲۶۲۰۱۲۳۵.

۱۲۹۸۰۱۲۹۶۰۱۲۹۱۰۱۲۸۸۰۱۲۸۱.

ج ۲ ص ۱۲۱۸۰۱۲۰۳۰۱۲۳۶۰۱۲۳۸.

۱۵۳۵۰۱۵۱۹۰۱۲۳۷۰۱۲۳۲۰۱۲۳۵.

۱۶۰۳۰۱۵۹۳۰۱۵۸۲۰۱۵۵۶۰۱۵۳۷.

۱۶۲۳۰۱۶۲۰۰۰۱۶۱۵۰۱۶۱۳۰۱۶۰۶.

۱۶۲۶۰۱۶۷۱۰۱۶۶۵۰۱۶۵۰۰۰۱۶۲۶.

۱۷۳۶۰۱۷۲۸۰۱۷۲۲۰۱۷۱۵۰۱۷۱۳.

۱۷۶۸۰۱۷۵۹۵۱۷۵۷۰۱۷۵۵۰۱۷۲۷.

۱۸۱۱۰۱۸۱۰۰۰۱۷۹۵۰۱۷۹۲۰۱۷۷۵.

۱۸۷۵۰۱۸۴۹۰۱۸۴۲۰۱۸۴۱۰۱۸۲۵.

۱۹۲۴۰۱۹۲۳۰۱۹۱۷۰۱۹۱۴۰۱۸۸۶.

۱۹۶۲۰۱۹۵۸۰۱۹۵۲۰۱۹۵۲۰۱۹۳۹.

۲۰۱۱۰۲۰۰۸۰۲۰۰۵۰۲۰۰۴۰۲۰۹۶.

۲۰۳۷۰۲۰۲۶۰۲۰۲۶۰۲۰۲۲۰۲۰۲۱.

۲۱۱۲۰۲۰۹۸۰۲۰۸۰۰۲۰۷۸۰۲۰۶۶.

۲۱۳۲۰۲۱۲۲۰۲۱۲۶۰۲۱۲۲.

یغویه: ج ۲ ص ۱۵۵۲.

یغویه: ج ۱ ص ۵۲۴: ج ۲ ص ۱۷۶۲: ج ۲

ص ۲۱۰۶.

یغری (ارغی): ج ۱ ص ۲۸۲.

یغاده: ج ۱ ص ۱۲۲۰۸۷۰۲۹۰۲۲۰۳۱.

۱۳۲۰۱۱۲۰۸۷۰۲۹۰۲۲۰۳۱.

۲۲۹۰۱۹۱۰۱۷۸۰۱۵۰۰۱۳۵.

یمن: ج ۱ ص ۲۷۰۲۷۰۲۳۱۰۲۳۰۲۳۰۲۳۰.

۱۲۹۰۱۲۰۰۰۱۰۵۰۹۸۰۹۰۰۸۵۰۲۵.

۱۲۳۰۱۲۳۰۱۵۲۰۱۵۲۰۱۲۳۰۱۲۳.

۱۹۰۰۱۸۹۰۱۸۷۰۱۸۲۰۱۷۷۰۱۷۲.

۲۰۴۰۲۷۹۰۲۶۲۰۲۱۷۰۱۹۷۰۱۹۱.

۲۳۹۰۲۳۵۰۲۳۹۰۲۳۸۰۲۳۲۰۲۰۵.

۲۳۰۰۲۲۱۰۲۱۶۰۲۰۵۰۲۰۲۲۰۲۰۰.

ج ۲ ص ۲۳۵۰۲۳۲۰۲۳۰۲۳۰۲۳۰.

۶۲۱۰۶۲۰۰۰۶۱۴۰۶۰۹۰۶۰۴۰۵۹۶.

۷۶۶۰۷۰۵۰۷۰۴۰۶۹۲۰۶۷۸۰۶۷۷.

۱۳۲۲: ج ۲ ص ۱۲۰۸۰۸۵۶۰۷۹۲.

۲۰۵۱۰۱۶۳۱.

یغوسوس (النگراف): ج ۲ ص ۵۸۹.

یغوس: ج ۲ ص ۱۰۱۸.

یغی دنیا: ج ۱ ص ۲۸۵۰۲۸۷۰۲۸۹۰۲۹۱.

۵۶۲: ۵۶۵: ج ۲ ص ۷۲۲۰۷۲۲۰۷۲۲.

۷۲۱: ۷۲۸۰۷۲۸۰۷۲۶۰۷۲۲۰۷۲۲.

۸۷۵۰۸۵۲۰۸۰۲۰۷۸۲۰۷۷۲۰۷۶۸.

۹۶۹۰۹۱۲۰۹۰۶۰۹۰۲۰۸۹۳۰۸۸۸.

۱۱۲۸۰۱۱۲۲۰۱۰۲۱۰۱۰۰۰۰۰۹۸۹.

۱۱۶۱۰۱۱۶۰۰۰۱۱۵۷۰۱۱۵۵۰۱۱۵۲.

۱۱۸۰۱۱۷۸۰۱۱۷۵۰۱۱۶۹۰۱۱۶۵.

ج ۲ ص ۱۲۰۸۰۱۲۰۸۰۱۲۰۸۰۱۲۰۸.

۱۲۲۷۰۱۲۱۹۰۱۲۱۸۰۱۲۱۵۰۱۲۸۲.

۱۵۶۵۰۱۵۲۹۰۱۵۰۲۰۰۰۱۲۹۹۰۱۲۸۸.

۱۷۱۹۰۱۷۰۲۰۰۰۱۶۹۷۰۱۵۷۷۰۱۵۷۰.

۱۷۵۲۰۱۷۵۲۰۱۷۳۹۰۱۷۲۸۰۱۷۲۲.

۱۸۳۰۰۱۸۱۶۰۱۸۰۹۰۱۷۸۰۰۱۷۷۰.

۱۸۶۱۰۱۸۶۰۰۰۱۸۲۵۰۱۸۲۵۰۱۸۲۲.

۲۱۵۱۰۱۹۷۵۰۱۹۶۰۰۰۱۸۷۷۰۱۸۶۶.

۲۱۵۲.

یغی دنیا: جنوبی: ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص

۱۳۰۸.

یغی دنیا: شمالی: ج ۱ ص ۵۶۲: ج ۲ ص

۱۳۰۸: ج ۲ ص ۱۹۷۰.

یغی دنیا: مرکزی: ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص

۱۳۰۸.

یغی شهر: ج ۲ ص ۶۵۴.

یغل (بلد) - میان بغداد و کوفه: ج ۱ ص ۲۹۰.

یغن (بلد) - در فارس: ج ۲ ص ۸۶۸.

یوجنگ: ج ۲ ص ۱۲۸۸.

یورنچی: ج ۱ ص ۲۷۹۰۳۷۸.

یورت قای: ج ۲ ص ۱۳۳۵.

یورسوق: ج ۲ ص ۱۳۳۴.

یوسفوند: ج ۲ ص ۱۶۰۲.

یوکوهاما، یوکولما: ج ۲ ص ۱۸۷۶۰۱۸۲۵.

یونان: ج ۱ ص ۲۸۸۰۲۸۷۰۲۸۲۰۲۰۸۰۷۷.

۸۱۰۰۷۰۹۰۲ ص ۵۶۲۰۲۹۱۰۲۹۰.

۱۳۰۶۰۱۲۰۵۰۱۲۰۲۰۱۰۱۵۰۱۰۱۲.

ج ۲ ص ۱۵۷۶۰۱۵۶۸۰۱۵۵۸۰۱۵۵۲.

۱۶۰۱۰۱۶۰۰۰۰۱۵۹۶۰۱۵۹۳۰۱۵۷۷.

۱۷۲۰۰۱۶۶۶۰۱۶۱۸۰۱۶۱۴۰۱۶۰۴.

۱۸۲۸۰۱۸۱۹۰۱۸۰۸۰۱۷۷۷۰۱۷۵۲.

۱۸۷۰۰۱۸۶۲۰۱۸۵۶۰۱۸۵۴۰۱۸۴۶.

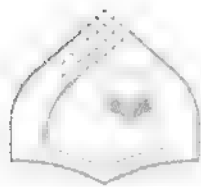
۱۹۱۲۰۱۸۹۲۰۱۸۹۰۰۰۱۸۸۲۰۱۸۸۰.

۱۹۸۹۰۱۹۷۵۰۱۹۷۰۰۰۱۹۶۶۰۱۹۶۵.

۲۰۱۶۲۰۱۴۰۲۰۰۳۰۲۰۰۱۰۱۹۹۰.

۲۰۱۵۰۰۲۰۵۲۰۲۰۵۱۰۰۲۰۲۹.

یونین (جزایر سمب): ج ۲ ص ۱۳۵۵۰۱۳۶۰.



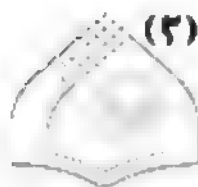
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تهیه و تنظیم فهرست اعلام
از آقای قمی نژاد

کتاب منتظم ناصری

جلدهای

(۱)



(۲)

(۳)

مؤسسه انتشارات و چاپ

فهرست نام القاب کسان (اشخاص)

آباخان مغول: ج ۳ ص ۱۲۶۲.
آبای ترکمان: ج ۲ ص ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶.
آبدارباشی — محمدعلی آبدارباشی امین حضرت.
آبش خوانون (ملکه فارس): ج ۲ ص ۵۹۷.
آمل درموزا (منجم تاریخ چین فرانسه): ج ۲ ص ۱۵۲۹.
آمنین (پادشاه ارمن): ج ۱ ص ۲۵۲.
آجودان باشی: ج ۲ ص ۱۷۲۵، ۱۷۲۹.
آجودان باشی — اللهیارخان امیرتومان.
آجودان باشی — جهانگیرخان.
آجودان باشی — حسین خان.
آجودان باشی — علی اکبرخان.
آجودان باشی توپخانه — اسمعیل خان (میرزا).
آجودان حضور والا — مهدیقلی خان.
آجودان مدارت — رضاخان.
آجودان مخصوص — رضا (آقا) — آجودان مخصوص.
آجودان مخصوص — یحیی خان.
آخوند ملا آقا قزوینی (مترجم برای نامه دانشوران ناصری): ج ۱ ص ۵۵۵، ج ۲ ص ۱۲۹۳، ج ۳ ص ۲۱۳۹.
آخوند ملاکظم — کاکم....
آدامس (رئیس جمهور اتانونی): ج ۳ ص ۱۵۷۰.
آدرین اول (پاپ): ج ۱ ص ۱۶۳.
آدرین چهارم (پاپ): ج ۱ ص ۶۹۰.
آدلاد، پرنس: ج ۳ ص ۱۶۹۷.
آدلف، پرنس: ج ۳ ص ۲۰۱۴.
آدم (ابوالمتر): ج ۲ ص ۱۲۹، ۱۲۹، ۲۱۸، ۲۲۳.
آدم ساسانی (الباس) عقیلانی: ج ۱ ص ۱۸۵.
آدنکتن (صدر اعظم انگلیس): ج ۳ ص ۱۶۶۲.
آدین سلطان ساسانی: ج ۲ ص ۹۸۴، ۹۸۶.
آزادخان افغان: ج ۳ ص ۱۲۴۲، ۱۲۴۵، ۱۲۴۸.
آذربیکدلی — لطفعلی بیگ.
آذربیدخت (آزرمی دخت) شاه ساسانی: ج ۱ ص ۳۷، ۳۲.

آذری طوسی (شیخ): ج ۳ ص ۷۱۱.
آذین بن هرمزان: ج ۱ ص ۲۵.
آرتاکی بیگ (وابسته سفارت روم): ج ۱ ص ۵۲۵.
آرتور، پرنس (پسر شاه انگلیس): ج ۲ ص ۱۹۹۲، ۱۹۸۷.
آرتور (رئیس جمهور اتانونی): ج ۳ ص ۲۰۳.
آردوغدی (خلیفه ننگو): ج ۲ ص ۸۶۵.
آرزیز (امپراطور قسطنطنیه): ج ۱ ص ۳۰۷.
آرشی دوشی: ج ۳ ص ۱۷۶۲.
آرشیدوک الکبریت: ج ۳ ص ۱۶۶۰، ۱۶۶۶.
آرشیدوک رودلف فرانساشارل ژوف (ولیمهد آستریه و مجارستان): ج ۱ ص ۵۶۲، ج ۲ ص ۲۱۲۷.
آرشیدوک شارل (شارل ششم) امپراطور اتریش: ج ۲ ص ۱۰۹، ج ۳ ص ۱۲۲۰.
آرشیدوک، ماکسی میلین: ج ۳ ص ۱۸۵۵.
آرشیدوک ویکتور (برادر امپراطور اتریش): ج ۲ ص ۱۹۸۱.
آرینسا: ج ۲ ص ۱۷۶۵.
آزادبه (مرزبان عیره): ج ۱ ص ۲۴.
آزادخان (حاجی) — سرکوده جماعت میامی: ج ۱ ص ۵۲۷.
آزادخان افغان: ج ۲ ص ۱۱۵۱ تا ۱۱۵۶، ج ۳ ص ۱۱۶۴.
آزادخان طارانی: ج ۳ ص ۱۷۹۵.
آزادخان هزاره: ج ۲ ص ۱۵۲۶.
آستانیسلاوگوست (پادشاه لهستان): ج ۲ ص ۱۱۱۲، ۱۱۶۲.
آشانتی (ازسلاطین افریقا): ج ۳ ص ۱۹۵۱.
آشهباشی — زین العابدین (استاد) — آشتیانی — حسن آشتیانی.
آشتیانی — علی (میرزا) — لشکرتوپی.
آشتیانی — محمد حسن آشتیانی (میرزا) — مستوفی المالک.
آشتیانی — محمد حسن مستوفی (میرزا) — آصف بیگ: ج ۲ ص ۱۱۸۷.
آصف الدوله — اللهیارخان.
آصف الدوله — محمدقلی خان (حاجی) — آصفی شاعر (خواجسته): ج ۲ ص ۷۶۲، ۷۶۵.
آغامیرزا احمد اردستانی (خواجسته): ج ۲

ص ۲۱۱۱.
آغامید اسمعیل (خواجسته): ج ۳ ص ۱۲۵۷، ج ۲ ص ۲۱۱۱.
آغاباشی — بشیرخان.
آغابهرام قراباغی (خواجسته): ج ۱ ص ۵۳۱.
آغابگم (دختر قسطنطنیه): ج ۳ ص ۱۶۲۷، ۲۱۱۱، ۱۶۹۵.
آغاجوهر مستند الحرم: ج ۱ ص ۵۰۷، ۵۲۱، ج ۲ ص ۱۹۲۴، ۱۹۷۶، ۱۹۸۳، ۲۰۷۱، ۲۱۱۱.
آغاجسن (خواجسته) سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸، ۵۲۱، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۰۷۲، ۲۱۱۱.
آغاخان ارمنی (از خواجسته ایران): ج ۳ ص ۱۵۹۵.
آغاسرورخان (خواجسته): ج ۳ ص ۲۱۱۱.
آغا غلامقلی (حاجی) — خواجسته: ج ۳ ص ۲۱۱۱.
آغا فتح الله (خواجسته) — ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
آغا فرج (خواجسته) — ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۱۲۱۱.
آغا فیروز (حاجی) — خواجسته: ج ۳ ص ۲۱۵۷، ج ۲ ص ۲۱۱۱.
آغا گلخور (خواجسته) شاه عباس دوم: ج ۲ ص ۹۷۴.
آغا محبوب (خواجسته): ج ۳ ص ۲۱۱۱.
آغانظر، خواجسته حرمسرا: ج ۲ ص ۹۷۲، ۹۷۸.
آغانوری (خواجسته): ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
آفرین (شاعر اصفهانی): ج ۲ ص ۱۰۱۳.
آقا ابراهیم امین السلطان — محمد ابراهیم امین السلطان.
آقاباباخان: ج ۳ ص ۲۱۲۷.
آقاباباخان ملزندرانی: ج ۳ ص ۱۶۱۸.
آقاباباخان میرباشی: ج ۳ ص ۱۷۱۷.
آقا میرخودار: ج ۲ ص ۱۱۷۵.
آقابزرگ (حاجی ملا) — از علما طهران: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۳ ص ۲۰۹۵.
آقابیک ارونقی (باورد دوم): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۷۷.
آقاجان (میرزا) — منشی اول و مترجم: ج ۱

ص ۵۲۸

آقاخان: ج ۱ ص ۵۲۵؛ ج ۲ ص ۱۲۵۱
 آقاجانخان، سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۵؛ ج ۲ ص ۲۰۷۲
 آقاجانی (متخلص به سایل): ج ۱ ص ۱۴۰۰
 آقاخان (از جماعت اردلان): ج ۳ ص ۲۰۸
 آقاخان (تنگدارخانه): ج ۱ ص ۵۲۰؛ ج ۲ ص ۱۲۵۷
 آقاخان ابروئی: ج ۲ ص ۱۷۰۲
 آقاخان (رئیس طایفه عزالدین لو): ج ۱ ص ۵۰۲؛ ج ۲ ص ۱۲۲۱
 آقاخان سرهنگ (رئیس تلگرافخانه) پسر سلیمان خان امیرنومان: ج ۱ ص ۵۰۸؛ ج ۲ ص ۵۵۶، ۵۲۹، ۵۲۱
 آقاخان (حاجی -) نوجوان فسطیه: ج ۱ ص ۵۳۳
 آقاخان (رئیس دیوانخانه مازندران) پسر عبدالصمدخان افشار: ج ۳ ص ۱۸۵۷
 آقاخان سرهنگ، ناظم و معلم زبان فرانسه: ج ۱ ص ۵۲۷؛ ج ۲ ص ۱۲۸۰
 آقاخان، پسر شیراز میرزا: ج ۲ ص ۱۲۷۸
 آقاخان مصمص الدوله سرتیپ اول: ج ۱ ص ۵۱۲؛ ج ۲ ص ۱۲۲۲، ۱۲۸۲
 آقاخان قاجار: ج ۳ ص ۱۲۵۷
 آقاخان فوائلو: ج ۲ ص ۱۲۶۱
 آقاخان (میرزا -) کارپردازان: ج ۱ ص ۵۳۴
 آقاخان کنول قولتر آقاسی: ج ۲ ص ۱۴۱۸
 آقاخان ماکوشی، سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸؛ ج ۲ ص ۱۲۲۹
 آقاخان محلاتی (حاکم محلات) ولد میرزا خلیل الله (رئیس اساعلمه): ج ۲ ص ۱۵۲۷، ۱۶۲۶، ۱۶۳۴، ۱۶۴۹
 آقاخان ولد مصطفی خان (عمزاده سلطان فتحعلی شاه): ج ۳ ص ۱۲۵۷
 آقاخان مقدم جوانشیری: ج ۲ ص ۹۲۷
 آقاخان (نایب ایشیک آقاسی باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶
 آقاخان نوری (صدراعظم): ج ۲ ص ۱۶۳۳
 آقاخان (حاجی -) وزیر حاجی فیروزالدین:

ج ۳ ص ۱۵۲۵، ۱۵۲۷

آقادلانی (اداره اخبارخانه): ج ۱ ص ۵۵۱
 آقاسی خان شاملو: ج ۱ ص ۵۳۹؛ ج ۲ ص ۱۲۶۹
 آقاسی خان (برادر میرزا فریدون بندپی): ج ۳ ص ۱۲۸۵
 آقاسید میرزا کاشانی، سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸
 آقاکوچک ملکه التیجار: ج ۳ ص ۲۱۲۷
 آقارخان، پسر جبرئیل خان مسیحی (نایب آجودان باشی): ج ۲ ص ۱۲۳۰؛ ج ۳ ص ۲۰۷۲
 آقارخان سرهنگ، ولد قاسمخان سرتیپ: ج ۱ ص ۵۰۸؛ ج ۲ ص ۱۲۲۹؛ ج ۳ ص ۲۰۹۶
 آقا محمد شاه قاجار (آغا محمد خان): ج ۱ ص ۴۹۹؛ ج ۲ ص ۱۱۶۲، ۱۱۲۸
 آقا میرزا بزرگ، تاجر شیرازی: ج ۳ ص ۲۱۲۷
 آقاجف (نایب سرایدار باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۸
 آقازرسی، تلگرافچی: ج ۲ ص ۲۱۳۲، ۲۱۰۹
 آقانیر (سنیر): ج ۱ ص ۵۲۸
 آقسنقر احمدلی: ج ۱ ص ۳۲۱، ۳۸۹
 آقسنقر برسفی، قسیم الدوله: ج ۱ ص ۳۶۲ تا ۳۶۴
 آقسنقر فارغانی: ج ۲ ص ۵۹۳
 آقسنقر قسیم الدوله (پدر عمادالدین زنگی): ج ۱ ص ۳۳۹ تا ۳۴۲
 آکلیوهارا، رئیس جمهوری کولمبی: ج ۱ ص ۵۶۶
 آکهی قایی، شاعر: ج ۲ ص ۷۶۷
 آلبارسلان ملجوفی: ج ۲ ص ۶۷۰
 آلبرت (ارطافه براونبورگ): ج ۲ ص ۷۷۳

آلمرت، پرنس دوگال (ولیمهد انگلیس): ج ۱

ص ۵۶۲؛ ج ۳ ص ۱۶۵۵، ۱۷۹۸، ۱۸۳۵
 آلبرفردریک آگوست آنتوان (شامپاکس): ج ۲ ص ۲۱۴۷
 آلبرماله، صاحب تاریخ قرن ۱۸ و ۱۹: ج ۳ ص ۱۲۴۵، ۱۲۶۶
 آلبورک: ج ۲ ص ۷۲۵، ۷۲۹
 آلفرد اعظم (پادشاه انگلیس): ج ۱ ص ۲۱۱
 آلکساندر، پرنس (ولیمهد سربس): ج ۲ ص ۱۷۶۲، ۲۱۲۹
 آلکساندر اول (امپراطور روس): ج ۳ ص ۱۵۳۳، ۱۵۳۵، ۱۵۴۲، ۱۵۷۰
 آلکساندر دوم (تزاروس): ج ۳ ص ۱۷۷۳، ۱۷۷۶، ۲۰۲۸
 آلکساندر سوم (امپراطور روس): ج ۳ ص ۲۰۲۸، ۲۱۲۹
 آلکساندر برطوف (سردار کرهستان و وزیر مختار روس در ایران): ج ۳ ص ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳
 آکوارد کابریال: ج ۲ ص ۷۴۱
 آلهجه خان (النجف خان): ج ۳ ص ۱۳۲۵
 آلفونسو دواردهم (شاه اسپانیا): ج ۳ ص ۲۱۲۷
 آلی بد: ج ۲ ص ۱۶۲۷
 آلیس (شاهزاده خانم): ج ۳ ص ۱۸۴۶
 آمبروازیار: ج ۲ ص ۸۲۲
 آمد دوم (دوک داوست) شاه اسپانیا: ج ۳ ص ۱۹۱۸
 آمر با حکام الله، ابوعلی منصور خلیفه علوی مصر: ج ۱ ص ۳۲۹، ۳۵۶، ۳۶۶، ۳۷۰
 آمریک و سوس: ج ۲ ص ۷۲۶، ۷۴۳
 آن (خواهر امپراطور مسططنیه): ج ۱ ص ۲۸۲
 آن، ملکه روس (دخترایوان): ج ۱ ص ۳۲۱
 آن، ملکه انگلیس: ج ۲ ص ۱۱۲۵، ۱۰۲۸
 آن استوار (ملکه انگلیس): ج ۲ ص ۱۰۰۲، ۱۰۰۳
 آنتوان (پادشاه اسپانیا): ج ۳ ص ۱۵۹۳
 آنتوان (خلیفه کرهستان): ج ۲ ص ۱۱۳
 آنتوان (میرزا -) مترجم مسیحی: ج ۱ ص ۵۵۸
 آنتوان اول: ج ۳ ص ۱۸۴۱

آنتوان دناوار: ج ۲ ص ۸۲۷.
آن د اطریش: ج ۲ ص ۹۵۵، ۹۷۹.
آندره دوریا: ج ۲ ص ۸۲۲.
آن طولی لویسی دوگارد دوبا (سیور -):
ج ۲ ص ۱۶۶۶.
آی خان (پسر اغور خان): ج ۳ ص ۱۳۲۷،
۱۳۳۰.

الف

ارمنت: ج ۳ ص ۱۰۹۰.
ایانیت (حاکم طرسوس): ج ۱ ص ۲۲۲.
ایادو: ج ۱ ص ۵۶.
اباشیخ بن عبدالله (والی ارمینیه): ج ۱
ص ۹۶.
اباصالح عبدالله بن یزداد (وزیرالمستعین):
ج ۱ ص ۶۰۱.
اباعبیدالله، مغایر بن عبیدالله (مکتول
دیوان رسائل منصور عباسی): ج ۱ ص
۱۵۵.
اباقان: ج ۲ ص ۵۹۲، ۵۹۳، ۶۲۷.
اباقاخان (پسر هلاکو خان): ج ۲ ص ۵۸۴.
۵۸۵، ۵۸۸، ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۷،
۶۳۷: ج ۲ ص ۱۳۴۲، ۱۳۶۱.
ابان بن قطب (قاری): ج ۱ ص ۱۳۹.
ابان بن عثمان بن عفان: ج ۱ ص ۹۲، ۹۶.
اندال خان عبدالطکی (سرکرده): ج ۲
ص ۱۳۹۶، ۱۴۱۵.
ابراز (میرزا بن مرد): ج ۱ ص ۶۲.
ابراهیم: ج ۱ ص ۲۲۸.
ابراهیم (حاجی سید -): ج ۲ ص ۲۱۲۷،
۲۱۲۸.
ابراهیم (حاجی میرزا -): ج ۳ ص ۱۲۷۲.
ابراهیم (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۲۵.
ابراهیم (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۶۸.
ابراهیم (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۷۱.
ابراهیم (حاجی میرزا -) از اجزای پستخانه:
ج ۳ ص ۲۱۲۲.
ابراهیم آقا سرهنگ: (از سرکردگان غلام
نصرت): ج ۱ ص ۵۱۸، ج ۳ ص ۱۷۱۸،
۲۰۸۷.
ابراهیم آقا ماکوئی: ج ۳ ص ۲۰۷۳.
ابراهیم بن ابوالحسن (از آل مرین): ج ۲
ص ۷۳۰.

ابراهیم بن احمد ... ابن اغلب (حاکم
افریقیه): ج ۱ ص ۱۲۲، ۱۶۶، ۱۷۱،
۱۷۲، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۲۳،
۲۲۴.
ابراهیم لدیم (میرزا -): ج ۲ ص ۹۵۵.
ابراهیم بن ادیم بن منصور (زاهد): ج ۱
ص ۱۵۱، ۱۲۹.
ابراهیم بن اسحاق (محدث): ج ۱ ص ۲۲۲.
ابراهیم (سید -) برادر شاماسطعیل: ج ۲
ص ۷۳۸.
ابراهیم اشتیاردی (میرزا -): ج ۲ ص ۹۷۹.
ابراهیم امام ابن محمد بن علی - ابراهیم
ابن محمد بن علی.
ابراهیم امام هبیل المبرکتانی: ج ۲ ص ۶۲۷.
ابراهیم امین التجار (حاجی میر -): ج ۲
ص ۲۱۲۷.
ابراهیم بریدشاه: ج ۲ ص ۸۹۵.
ابراهیم بیگ (ولد کجلیک): ج ۲ ص ۷۹۶.
ابراهیم بیگ (برادر مرشد قلیخان): ج ۲
ص ۸۸۰.
ابراهیم بیگ التاوت: ج ۲ ص ۸۵۲.
ابراهیم بیگ سربش: ج ۳ ص ۱۵۳۲.
ابراهیم بیگ قرامانی (حکمران فرامان): ج ۲
ص ۷۱۲.
ابراهیم پاشا (ابن محمد علی پاشای مصری):
ج ۲ ص ۷۸۶، ۹۳۱، ۹۳۲، ۱۰۲۵،
۱۰۲۸، ۱۲۷۹، ۱۵۴۳، ۱۵۴۶،
۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۷۰، ۱۵۷۶، ۱۶۱۴،
۱۶۱۹، ۱۶۵۲، ۱۷۰۴، ۱۸۰۷.
ابراهیم پاشا (داماد صدراعظم عثمانی): ج ۲
ص ۱۰۲۶.
ابراهیم (حاجی -) تاجر اسکوشی: ج ۲ ص
۲۱۲۶.
ابراهیم تاجر اصفهانی (حاجی سید -):
ج ۳ ص ۲۱۲۷.
ابراهیم الحضرمی: ج ۱ ص ۲۷.
ابراهیم (حکمران موصل): ج ۱ ص ۳۴۶.
ابراهیم بن حمدان: ج ۱ ص ۲۳۶.
ابراهیم حموی (شیخ -): ج ۲ ص ۶۰۴.
ابراهیم بن خازم بن خزیمه: ج ۱ ص ۱۶۱.
ابراهیم خان: ج ۲ ص ۸۰۹، ۹۳۱.
ابراهیم خان: ج ۲ ص ۱۱۳۶، ۱۱۳۷.
ابراهیم خان (حاجی -): ج ۲ ص ۱۳۲۷،

۱۳۴۱، ۱۳۵۸.
ابراهیم خان (میرزا -): ج ۳ ص ۱۸۱، ۱۸۲۴.
ابراهیم خان (میرزا -) از اجرای پستخانه:
ج ۳ ص ۲۱۲۲.
ابراهیم خان (اداره غلات): ج ۳ ص ۲۱۱۳.
ابراهیم خان (پسر ابوالقاسم خان) نائب
فرانخانه: ج ۳ ص ۲۱۱۸.
ابراهیم خان اعتماد الدوله گلانتو (حاجی -):
ج ۳ ص ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۴۱۳، ۱۴۱۵،
۱۴۱۵، ۱۴۲۵، ۱۴۳۶، ۱۴۱۰،
نا ۱۴۲۸، ۱۴۳۱، ۱۴۴۷، ۱۴۵۸،
۱۴۵۹.
ابراهیم خان، مخلص به اسیر (فرزند
کریخان): ج ۳ ص ۱۴۶۶.
ابراهیم خان انکرمی: ج ۲ ص ۹۴۲.
ابراهیم خان بلدکوبای: ج ۳ ص ۱۵۵۷.
ابراهیم خان (حاکم باسقان): ج ۳ ص ۱۵۵۲.
ابراهیم خان بغایری: ج ۲ ص ۱۱۵۴، ۱۱۵۷،
۱۱۵۸، ۱۱۶۲: ج ۲ ص ۱۳۷۴.
ابراهیم خان بلوچ: ج ۳ ص ۱۸۹۷.
ابراهیم خان ناتار: ج ۲ ص ۷۲۱.
ابراهیم خان نخلدار ملایر: ج ۱ ص ۵۵۱.
ابراهیم خان حبهان بیگلر: ج ۱ ص ۵۳۰.
ابراهیم خان (عموده) حاکم کرمان: ج ۲
ص ۱۶۱۲.
ابراهیم خان (حاکم هزاره): ج ۳ ص ۱۶۱۱.
ابراهیم خان (بسی عم حسنقلی خان): ج ۲
ص ۱۴۷۸.
ابراهیم خان (عموده خاقان فتحعلی شاه):
ج ۳ ص ۱۲۵۶، ۱۲۵۸، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲،
۱۶۲۶.
ابراهیم خان دامغانی (سرکرده): ج ۳ ص ۱۲۷۲.
ابراهیم خان دولو - ابراهیم خان قاجار
ابراهیم خان دولو (ابن جان محمد خان):
ج ۳ ص ۱۵۷۱.
ابراهیم خان ذوالقدر: ج ۲ ص ۸۰۳، ۸۱۹.
۸۲۲، ۸۳۲: ج ۳ ص ۱۳۶۷.
ابراهیم خان سرتیب: ج ۱ ص ۵۱۶، ج ۲ ص
۱۲۴۰، ج ۳ ص ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۲۰۸۵.
ابراهیم خان، سردار تاجیکی: ج ۳ ص ۱۷۳۰.
ابراهیم خان سرهنگ (میرزا -): ج ۱ ص
۵۱۲، ج ۲ ص ۱۲۳۹، ج ۳ ص ۱۲۳۲،
۱۲۳۶، ج ۳ ص ۲۰۷۶، ۲۰۸۲.

ابراهيم خان سرهنگ بلوچ: ج ۲ ص ۱۸۶۵.
 ابراهيم خان سهام الملک (ميرزا -): ج ۲ ص ۱۹۵۲.
 ابراهيم خان سيستاني: ج ۳ ص ۱۷۲۶.
 ابراهيم خان شادلو کرد (حکمران اسفراين): ج ۳ ص ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۵۶.
 ابراهيم خان شوکت الملک (امير -): ج ۲ ص ۱۲۴۸.
 ابراهيم خان شیرازی کلانتر اعتماد الدوله — ابراهيم خان اعتماد الدوله.
 ابراهيم خان (خايط بمبور): ج ۳ ص ۱۷۵۹.
 ابراهيم خان ظهير الدوله (عمزاده خاقان فتحعلي شاه): حاکم کرمان: ج ۲ ص ۱۱۲۱.
 نا ۱۱۲۲، ۱۱۲۵: ج ۳ ص ۱۲۵۸.
 ۱۲۷۲، ۱۵۶۷.
 ابراهيم خان ظهير الدوله (برادر نادر شاه): ج ۲ ص ۱۰۲۹، ج ۱۱۱۷.
 ابراهيم خان (برادر عادل شاه): ج ۳ ص ۱۱۴۳.
 ابراهيم خان (پسر عبدالرضا خان) يزدي: ج ۳ ص ۱۲۲۴.
 ابراهيم خان عرب: ج ۳ ص ۱۲۵۷.
 ابراهيم خان عزالدین بلو: ج ۳ ص ۱۴۲۳.
 ابراهيم خان (برادر علي شاه): ج ۲ ص ۱۱۴۴.
 ابراهيم خان عمواو علی: ج ۳ ص ۱۴۵۷.
 ابراهيم خان فيروز کوهی: ج ۳ ص ۱۶۲۴.
 ۱۷۳۰.
 ابراهيم خان قاجار دولو: ج ۲ ص ۱۴۲۹.
 ۱۴۵۸، ۱۴۶۹، ۱۴۸۳، ۱۴۹۸، ۱۵۰۹، ۱۵۷۲، ۱۵۷۶.
 ابراهيم خان قاجار سردار: ج ۳ ص ۱۲۲۹.
 ابراهيم خان قوشجي باشي: ج ۱ ص ۵۵۲.
 ج ۳ ص ۲۱۳۷.
 ابراهيم خان لاریجانی سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸.
 ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 ابراهيم خان، مستوفي: ج ۳ ص ۲۱۴۱.
 ابراهيم خان، مستوفي (حاجي ميرزا -): ج ۲ ص ۱۲۹۷.
 ابراهيم خان مظفر الدوله (ميرزا -): ج ۲ ص ۱۸۸۷، ۱۹۰۰.
 ابراهيم خان، منشي: ج ۱ ص ۵۲۹: ج ۲ ص ۱۲۵۵: ج ۳ ص ۲۱۰۱.
 ابراهيم خان بن مهدعلي خان (دانا و عمزاده فتحعلي شاه): ج ۳ ص ۱۲۱۸، ۱۲۵۰.

۱۲۶۸.

ابراهيم خان ناظر: ج ۳ ص ۱۶۲۶.
 ابراهيم خان نايب اسفيل: ج ۱ ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۱۳۷، ۱۹۲۰.
 ابراهيم خان، نايب چارچی باشي: ج ۲ ص ۲۱۳۷.
 ابراهيم خان (ميرزا -) نايب دوم آجودان باشي: ج ۱ ص ۵۱۱.
 ابراهيم خان (ميرزا -) نايب دوم وزارت خارجه: ج ۲ ص ۱۸۸۸.
 ابراهيم خان (والي بخدا): ج ۲ ص ۷۷۴.
 ابراهيم خان هزاره: ج ۳ ص ۱۵۱۸، ۱۵۲۶، ۱۵۳۹.
 ابراهيم خليل الله (ع): ج ۱ ص ۲۱۸، ۲۶۲.
 ابراهيم خليل خان جوانشیر، حاکم خوشي و قراباغ: ج ۳ ص ۱۴۱۳، ۱۴۱۵، ۱۴۲۱.
 ۱۴۲۰، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۸.
 ۱۲۲۹، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۹، ۱۴۴۲.
 ۱۲۵۳، ۱۴۲۵، ۱۴۲۷، ۱۴۸۱.
 ۱۶۲۰، ۱۶۸۶، ۱۶۸۸، ۱۷۰۲، ۲۱۲۷.
 ابراهيم خليل خان، سرنيسب (ابن حاجي اسمعيل خان): ج ۳ ص ۱۶۸۵.
 ابراهيم خليل خان، نايب الحکومه ميرزا: ج ۳ ص ۲۱۲۳.
 ابراهيم رخنه رباشي (قا -): ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 ابراهيم (ميرزا -) سرشتمدار: ج ۱ ص ۵۰۵.
 ۵۴۱: ج ۲ ص ۱۴۲۲، ۱۴۸۰.
 ابراهيم (ميرزا -) سرشتمدار (از اجزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰.
 ابراهيم (ميرزا -) سرشتمدار کل: ج ۱ ص ۵۴۱، ۵۴۲: ج ۳ ص ۱۲۷۱.
 ابراهيم (ميرزا سيد -) سرشتمدار و مستوفي: ج ۲ ص ۱۲۲۴: ج ۳ ص ۱۹۱۹، ۲۰۶۸.
 ۲۱۴۳.
 ابراهيم بن سري الزجاج (نحوی) صاحب کتاب معانی القرآن: ج ۱ ص ۲۳۸.
 ۲۶۱.
 ابراهيم بن صفان: ج ۱ ص ۳۵۷.
 ابراهيم سلطان (صاحب بلخ): ج ۳ ص ۸۹۷.
 ابراهيم سلطان اميني: ج ۲ ص ۷۸۸.
 ابراهيم سلطان ابن ميرزا شاهرخ: ج ۳ ص ۶۷۷.
 ۶۸۱، ۶۸۳، ۶۸۲، ۶۸۸، ۶۸۹.
 ابراهيم سلطان موصو: ج ۲ ص ۷۶۶.

ابراهيم بن عبدالله بن زياد: ج ۱ ص ۱۷۷.
 ابراهيم بن عبدالله بن عبدالمنعم، شهاب الدين الشافعي، ابن ابی الدم عوالف تاريخ كبير مظري: ج ۱ ص ۴۵۱.
 ابراهيم بن عبداللبن علي: ج ۱ ص ۱۲۷.
 ابراهيم بن ابی عبده: ج ۱ ص ۱۲۵.
 ابراهيم بن عثمان بن بشار — ابو مسلم خراساني.
 ابراهيم بن عثمان بن محمد الفري (شاعر): ج ۱ ص ۲۷۰.
 ابراهيم بن عثمان بن نهيك: ج ۱ ص ۱۶۷.
 ابراهيم عسقلاني: ج ۲ ص ۶۰۳.
 ابراهيم عمار حماری: ج ۲ ص ۶۰۰.
 ابراهيم بن علي واسطي: ج ۲ ص ۶۳۳.
 ابراهيم بن عيسى بن عبدالسلام: ج ۲ ص ۶۳۰.
 ابراهيم (قاتل اشرف افغان): ج ۲ ص ۱۰۲۶.
 ابراهيم بن قريش (برادر شرف الدوله): ج ۱ ص ۳۴۰.
 ابراهيم قطب شاه: ج ۲ ص ۸۵۰، ۸۶۹.
 ابراهيم قلی خان قاجار: ج ۳ ص ۱۲۵۲.
 ابراهيم (ميرزا -) گبرنده نوشتجات: ج ۱ ص ۵۴۱.
 ابراهيم گلایي (ميرزا -) منشي: ج ۳ ص ۲۱۰۰.
 ابراهيم لنکن: ج ۳ ص ۱۸۳۱، ۱۸۳۸، ۱۸۴۸.
 ابراهيم مازندراني (ميرزا -) نايب فرانشاه: ج ۲ ص ۲۱۱۷.
 ابراهيم بن مالکاشتر: ج ۱ ص ۸۷.
 ابراهيم (مترجم عبرت نامه به ترکی): ج ۲ ص ۱۰۳۵.
 ابراهيم مجبور (ميرزا -) سرشتمدار دفتر لشکر: ج ۲ ص ۲۰۶۹.
 ابراهيم بن محمد بن دانشمند: ج ۱ ص ۳۹۲.
 ابراهيم بن محمد الشافعي: ج ۱ ص ۱۹۳.
 ابراهيم بن محمد بن عبدالوهاب بن ابراهيم امام ابن عايشه: ج ۱ ص ۱۸۰.
 ابراهيم بن محمد بن عرفه واسطي نطنويه (نحوی): ج ۱ ص ۲۴۹.
 ابراهيم بن محمد بن علي، ابراهيم امام: ج ۱ ص ۱۲۳، ۱۲۶ تا ۱۲۹۱.
 ابراهيم بن محمد بن مصعب (والي فارس): ج ۱ ص ۱۹۱.

ابن ابراهیم (میرزا) - مستشار و رئیس مجلس ج ۱: ۵۲۶ ص ۵۲۶. لا	ابراهیم شاه: ج ۲ ص ۱۱۲۶ تا ۱۱۲۸: ج ۳ ص ۱۴۷۰.	ابن ابی لیلی — محمد بن عبد الرحمن بن ابی لیلی
ابراهیم (میرزا) - مستوفی (حاضر رکاب) نیر ج ۱ ص ۵۲۸. لا	ابراهیم بن شمس الملک: ج ۲ ص ۶۹۰.	ابن ابی طلیح: ج ۱ ص ۱۱۷.
ابراهیم (میرزا سید) - مستوفی: ج ۳ ص ۲ ۲۰۹۹. لا	ج ۱ ص ۲۱۳.	ابن اثال نصرانی: ج ۱ ص ۷۵.
ابراهیم (میرزا) - مستوفی آذربایجان: ج ۳ ص ۲۰۹۸. لا	ابراهیم (آقا) - شیخ الاسلام غوی: ج ۳ ۱۴۸۷.	ابن اثیر جزیری، عزالدین علی، صاحب تاریخ کامل: ج ۱ ص ۲۷۰۹، ۲۲۰۴۲، ۵۳۰۴۷، ۲۳۶۰۶۱، ۲۴۲۰۲۴۲، ۲۵۹۰۳۸۵، ۲۹۷۰۳۸۵، ۲۰۹۰۴۱۲، ۴۲۷.
ابراهیم بن صعود غزنوی (شاه غزنین) نیر ملک البواید: ج ۱ ص ۲۳۸، ۲۲۶. لا	ابراهیم شیرازی (آقا میرزا) - ج ۲ ص ۲۱۲۵.	ابن احنید (حاکم طبرستان): ج ۱ ص ۲۲۲.
ابراهیم (میرزا) - مسیحی (برادر مهر منوچهر) خان گرجی: ج ۳ ص ۱۶۱۳. لا	ابراهیم الصابی، ابی اسحاق: ج ۱ ص ۲۸۰.	ابن اسباط مصری: ج ۱ ص ۱۹۲.
ابراهیم معین (میرزا) - از اجزای پستخانه: ج ۳ ص ۲۱۲۰.	ابراهیم (شیخ) - صاحب شیراز: ج ۲ ص ۶۷۲.	ابن اهرابی کوفی، محمد بن زیاد (صاحب کتاب لغت): ج ۱ ص ۱۹۰.
ابراهیم بن المقدر بالله، ابی الفضل جعفر المتقی بالله (خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۲۵۲ تا ۲۵۷، ۲۷۱.	ابراهیم بن صالح (حاکم دمشق): ج ۱ ص ۱۶۰.	ابن ام حکیم — عبدالرحمن بن عبدالله ابن عثمان التفتی.
ابراهیم (میرزا) - اوزان نوشتجات اطاق: ج ۱ ص ۵۴۱، ج ۲ ص ۱۲۷۱: ج ۳ ص ۲۱۲۰.	ابراهیم بن طهمان نیشابوری (از علما): ج ۱ ص ۱۵۳.	ابن ام کلثوم: ج ۱ ص ۲۲.
ابراهیم (میرزا) - منشی: ج ۲ ص ۲۰۹۷.	ابراهیم عادل شاه: ج ۲ ص ۸۶۹، ۹۰۷، ۹۲۱.	امن انباری، ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد (فقیه و نحوی): ج ۱ ص ۲۵۰، ۳۲۸.
ابراهیم بن موسی علوی، جزو: ج ۱ ص ۱۷۴.	ابراهیم بن عباس صوفی (ادیب و شاعر): ج ۱ ص ۱۹۲، ۱۹۷.	ابن انباری، سدیدالدین محمد: ج ۱ ص ۳۲۸.
ابراهیم موصلی کوفی (منشی): ج ۱ ص ۱۸۲.	ابراهیم بن عبدالله بن حسن (برادر نفس زکوه): ج ۱ ص ۱۲۰، ۱۴۱.	ابن بابک (شاعر): ج ۱ ص ۸۴.
ابراهیم بن مهدی (خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۱۷۵ تا ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۷.	ابراهیم بن هارون الحمرانی (طبيب): ج ۱ ص ۲۳۷.	ابن باقلاسی — ابوبکر محمد بن طبیب اشعری ابن بطوطه: ج ۱ ص ۸۲: ج ۲ ص ۶۲۱، ۶۲۲.
ابراهیم میرزا (امیرزاده) - ج ۲ ص ۸۲۲.	ابراهیم بن هانی بن اسحق نیشابوری: ج ۱ ص ۲۱۱.	ابن بقله: ج ۱ ص ۲۱.
ج ۳ ص ۱۷۴۲، ۱۷۶۸، ۱۷۸۲.	ابراهیم بن همام (میرزا) - ج ۲ ص ۶۲۵.	ابن بویه (وزیر عزالدین بهتیار): ج ۱ ص ۲۷۷.
ابراهیم میرزا احتشام السلطنه: ج ۱ ص ۵۰۱.	ابراهیم بن همام (حاکم ملک): ج ۱ ص ۱۱۱، ۱۱۲.	ابن التناویدی — محمد بن عبدالله کاتب، ابن التناویدی.
ابراهیم بن میرزا رکن الدین علاء الدوله (میرزا) - ج ۲ ص ۷۰۶، ۷۰۹، ۷۰۹.	ابراهیم همدانی (میرزا) - ج ۲ ص ۹۰۸.	ابن تیموت: ج ۱ ص ۲۵۸، ۲۵۹.
ابراهیم (میرزا) - پسر میرزا دوله: ج ۳ ص ۲۰۶۲.	ابراهیم بن محیی (حاکم مدینه): ج ۱ ص ۱۵۴.	ابن ثمان (والی حلب): ج ۱ ص ۲۹۶.
ابراهیم (میرزا) - نایب سرایدار یانی: ج ۳ ص ۲۱۱۸.	۱۵۵.	ابن جارود عبیدی: ج ۱ ص ۸۳.
ابراهیم (نایب محله عودلاجان): ج ۱ ص ۵۵۶.	ابراهیم بن خیال بن میگل: ج ۱ ص ۳۱۷، ۳۱۹.	ابن جریر: ج ۱ ص ۱۲.
ابراهیم بن نصرایک خان، طغاج خان نسس - الطکابو اسحاق (پادشاه صومالیه): ج ۱ ص ۳۳۲، ۳۱۹.	ابراهیم (میرزا) - پسر حاجی میرزا یوسف: سرشمار آذربایجان: ج ۱ ص ۵۰۶.	ابن جمهور حساوی شیمی: ج ۲ ص ۷۲۲.
ابراهیم (حاجی سید) - وکیل شهید شیراز: ج ۱ ص ۵۳۷، ج ۲ ص ۲۱۰۷.	ج ۳ ص ۲۰۷۰.	ابن جوزی، ابوالفرج — ابو عمر عثمان بن عمر، ابن حاجب — ابو عمر عثمان بن عمر.
ابراهیم بن ولید بن عبد الملک: ج ۱ ص ۱۲۶. لا	ابرنویج، رئیس شورشیان سرستان: ج ۳ ص ۱۵۳۸، ۱۸۰۷.	ابن حبیبی عباسی (بزرگ حلب): ج ۱ ص ۳۴۱.
	ابن ابی الدم — ابراهیم بن عبدالله بن عبد المنعم.	ابن حمام خوافی: ج ۲ ص ۶۲۹.
	ابن ابی السلاج، محمد: ج ۱ ص ۲۱۷.	ابن حمام قهستانی: ج ۱ ص ۲۲۱.
	ابن ابی العوجاء: ج ۱ ص ۲۷. لا	ابن حفصون: ج ۱ ص ۲۱۲.
		ابن حمدان — ابراهیم بن حمدان.
		ابن حازم: ج ۱ ص ۹۰.
		ابن خازن — ابوالفضل احمد بن محمد ابن خازن.
		ابن خضاب — ابو محمد عبدالله....
		ابن خلکان، شمس الدین احمد: ج ۱ ص ۱۰.

۱. ۲۲۶: ج ۲ ص ۵۹۸.
 ابن درستی: ج ۱ ص ۲۶۴.
 ابن دقیق: ج ۲ ص ۵۸۸.
 ابن دمنه: ج ۱ ص ۲۸۲.
 ابن ریمین مروانقاری: ج ۱ ص ۵۶.
 ابن رحبان (حیان) بستی — محمد بن حیان ... بستی.
 ابن رشد — محمد ...
 ابن الرنجلی: ج ۲ ص ۵۹۱.
 ابن زید: ج ۱ ص ۱۷۲.
 ابن زیدون اندلسی قرطبی (شاعر) — ابوالولید احمد ...
 ابن سعادت (شاعر): ج ۱ ص ۴۲۶.
 ابن سائب کلیبی: ج ۱ ص ۱۴۲.
 ابن مریح: ج ۱ ص ۲۶۱.
 ابن سکت، ابویوسف یعقوب (نحوی لغوی): ج ۱ ص ۱۹۸.
 ابن الساک (قاضی): ج ۱ ص ۳۰۹.
 ابن سماک، محمد بن صبیح (واعظ): ج ۱ ص ۱۶۵.
 ابن سنان (حکیم و مورخ): ج ۱ ص ۲۷۲.
 ابن سهلان: ج ۱ ص ۳۰۲.
 ابن عبدالناس (صاحب عیون الاثر): ج ۲ ص ۶۲۷.
 ابن سید المرسی — ابواسحق علی بن اسمعیل.
 ابن سینا — ابوعلی حسین ...
 ابن خاذان (واعظ بغدادی): ج ۱ ص ۲۹۹.
 ابن شبل (شاعر): ج ۱ ص ۳۳۸.
 ابن شداد حلبی: ج ۲ ص ۵۹۹.
 ابن شمشق (دمشق): ج ۱ ص ۲۶۷.
 ابن شهاب: ج ۱ ص ۲۳.
 ابن شهاب زهري: ج ۱ ص ۱۲۵.
 ابن شهید (شاعر اندلسی): ج ۱ ص ۳۱۰.
 ابن شیراز: ج ۱ ص ۲۵۸، ۲۵۶.
 ابن طباطبا الطوسی، محمد بن اسمعیل: ج ۱ ص ۱۷۳، ۱۷۲.
 ابن عامر (حاکم بصره): ج ۱ ص ۷۲.
 ابن عایشه — ابراهیم بن محمد بن هب — الوهاب.
 ابن عبدالبر — ابوعمر یوسف بن عبدالبر.
 ابن عبد ربه — ابوعمر احمد بن عبد ربه.
 ابن مدیم، کمال الدین عمر (صاحب تاریخ)

۲. حلب: ج ۱ ص ۳۳۶.
 ابن عساکر — ابوالقاسم.
 ابن عطیه: ج ۱ ص ۳۱۰.
 ابن عماد شیرازی: ج ۲ ص ۶۹۰.
 ابن عمر، عبدالعزیز (اهل موصِل): ج ۱ ص ۴۲۲.
 ابن عمرو (صاحب حصن قدوس): ج ۱ ص ۳۷۳.
 ابن السید، ابوالفضل: ج ۱ ص ۲۸۷، ۲۸۸.
 ابن فارس: ج ۲ ص ۶۵۶، ۷۲۱.
 ابن قفلان (رئیس سفراء مقتدر/نزد ترک بلغار) تاریخ روس را بر بی نوشت: ج ۱ ص ۲۳۷.
 ابن فلاج (جغرافیه): ج ۱ ص ۲۷۲.
 ابن قیوس (شاعر شام): ج ۱ ص ۳۳۸.
 ابن قطاع — علی بن جعفر.
 ابن قفال — ابوعبدالله.
 ابن کاکویه، علاءالدولایو جعفر بن شهریار: ج ۱ ص ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۲۰.
 ابن کثامه (خواهر زاده ابراهیم بن ادهم) — محمد بن عبدالله.
 ابن لیان (مقری و فقیه مصری): ج ۱ ص ۲۹۸.
 ابن ماکولا — ابونصر علی ...
 ابن محلب: ج ۱ ص ۲۴۳.
 ابن مخنف: ج ۱ ص ۹۱.
 ابن مدینی، علی بن عبدالله (حافظ): ج ۱ ص ۱۹۲.
 ابن مرشد: ج ۱ ص ۳۱۷.
 ابن مروان: ج ۱ ص ۲۲۳، ۲۲۸.
 ابن مسعود: ج ۱ ص ۸۳.
 ابن مشغوب، سواد الدین: ج ۱ ص ۲۳۴.
 ابن منقر: ج ۱ ص ۲۴۲.
 ابن معروف: ج ۱ ص ۴۹۳.
 ابن منده — ابوعمر و عبدالوهاب.
 ابن الموازین (شاعر حلب): ج ۱ ص ۲۲۷.
 ابن نباله — ابویحیی ...
 ابن نحوی — محمد بن عباس.
 ابن نهوج شیرازی: ج ۲ ص ۶۲۹.
 ابن وثاب: ج ۱ ص ۳۱۰.
 ابن هشام — ابومحمد ...
 ابن هبیره، یحیی — یحیی بن محمد بن مظفر

۳. ابن یاقوت، ابن یکر (حاکم اصفهان): ج ۱ ص ۲۲۶، ۲۲۷.
 ابن هلال (امیر قشون): ج ۱ ص ۳۱۲.
 ابن یامین: ج ۲ ص ۱۲۲۳.
 ابن یحیی (شاعر): ج ۲ ص ۶۲۶.
 ابن یونس (مورخ مصر): ج ۱ ص ۲۶۲.
 ابوابراهم، احمد بن محمد بن اغلب (امیر افریقیه): ج ۱ ص ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱.
 ابوابراهم اسحاق (برادر ابراهیم یحیی): ج ۱ ص ۲۵۸، ۲۵۹.
 ابوابراهم الرزنی (صاحب شافعی): ج ۱ ص ۲۱۰.
 ابوابراهم، محمد بن ربیع.
 ابواحمد سگری (صاحب کتاب الامثال): ج ۱ ص ۲۸۶.
 ابواحمد، عدنان (پسر شریف رفسی و نقیب علویین): ج ۱ ص ۳۱۷، ۳۲۵.
 ابواحمد بن المکفی: ج ۱ ص ۲۲۵.
 ابواحمد موسی شریف، الطاهر بن العنایه (پدر شریف رفسی): ج ۱ ص ۲۹۲، ۲۹۳.
 ابواحمد بن خولانی (فقیه شام و حلب): ج ۱ ص ۹۲.
 ابواستوک، فارس بن محمد: ج ۱ ص ۳۱۷.
 ابواسحاق، ابراهیم بن احمد مروزی (فقیه شافعی در مصر): ج ۱ ص ۲۶۱.
 ابواسحاق، ابراهیم بن ابوزکریا یحیی، امیر بجا: ج ۱ ص ۴۵۹.
 ابواسحاق، ابراهیم بن علی قرشی (نحوی): ج ۱ ص ۳۳۸.
 ابواسحاق، ابراهیم بن محمد (فقیه بخاری): ج ۱ ص ۲۶۲.
 ابواسحاق (استاد) — ابراهیم بن محمد اسفرائینی، رکن الدین (فقیه شافعی و متکلم اصولی): ج ۱ ص ۳۰۶.
 ابواسحاق، ابراهیم بن الیلال (کاتب العباسی) منشی مفرالدوله (صاحب کتاب ناجی): ج ۱ ص ۲۸۷.
 ابواسحاق احمد بن محمد الطنبی (الثعالبی) صاحب مرایس در قصص النبیا: ج ۱ ص ۳۱۰.
 ابواسحق اطعمه شیرازی: ج ۲ ص ۶۸۹.
 ابواسحاق بن البتکین: ج ۱ ص ۲۷۷.
 ابواسحق انجو (امیر شمش) — ج ۲ ص ۶۲۳

۰۶۲۵

ابواسحاق سنانی: ج ۱ ص ۲۸۳.
 ابواسحاق شیرازی (شیخ -) مدرس نظامیه
 بغداد: ج ۱ ص ۳۳۱.
 ابواسحاق شیرازی فیروزآبادی (شیخ -) .
 ابراهیم بن علی (ازاجله علما): ج ۱
 ص ۳۳۱، ۳۳۹.
 ابوالاسود محمد بن یوسف فهری: ج ۱ ص ۱۵۶.
 ابوالاسود دولتی (قاضی بصره و واضع علم
 نحو): ج ۱ ص ۸۹، ۱۲۹، ۳۶۶.
 ابواسید الساعدی: ج ۱ ص ۵۷، ۸۱.
 ابوالاشهب جهر بن طیان: ج ۱ ص ۱۵۳.
 ابوالاعور سلمی (امیر سیاهویه در صفین):
 ج ۱ ص ۴۲، ۶۲، ۶۵.
 ابوامامه اسعد بن زراره ناماری — اسعد بن
 زراره.
 ابوامامه الباطنی: ج ۱ ص ۹۶.
 ابواسمه عمرو بن حارث (از موالی): ج ۱ ص ۱۲۳.
 ابواوائل: ج ۱ ص ۹۶.
 ابویایوب انصاری (امیر سیاه علی (ع) در صفین)
 ج ۱ ص ۶۴، ۶۷، ۷۵، ۷۵.
 ابویایوب سلیمان بن داود (مقری بصری):
 ج ۱ ص ۱۹۲.
 ابویایوب مویانی (وزیر منصور): ج ۱ ص ۱۴۶.
 ابویحیی الضحاک بن قیس — احمد بن قیس.
 ابویحیی، عبد الله بن قیس: ج ۱ ص ۵۰.
 ابویزید بن ابوموسی اشعری (قاضی کوفه): ج ۱
 ص ۹۴، ۱۰۹.
 ابویزید شاهلی: ج ۱ ص ۸۶.
 ابوالبرکات، عبد الرحمن بن محمد، ابن انباری
 ابوالفضل عبد الله بن حسین العکبری (اعلی
 نحوی): ج ۱ ص ۲۳۳.
 ابوبکر (از آل مرین مغرب): ج ۲ ص ۷۳۰.
 ابوبکر (میرزا -) بنوه شاهرخ: ج ۲ ص ۶۷۰،
 ۶۹۶.
 ابوبکر (امیرزاده -) حاکم عراق عرب: ج ۲
 ص ۶۶۸.
 ابوبکر بن ابی جعفر (خلیفه اول): ج ۱ ص ۲۱.
 ۱۳۰ تا ۲۸، ۲۹.
 ابوبکر احمد بن ابراهیم اساعیلی (فقیه شافعی
 جرجانی): ج ۱ ص ۲۸۰.
 ابوبکر احمد بن الحسن بن علی البیهقی
 الخضر و جردی (محدث و فقیه شافعی):

ج ۱ ص ۳۳۱

ابوبکر احمد بن علی بن ثابت بغدادی (صاحب
 تاریخ بغداد): ج ۱ ص ۳۳۳.
 ابوبکر الباقلائی، محمد بن طیب (قاضی):
 ج ۱ ص ۲۹۸، ۲۹۹.
 ابوبکر بستی (از حفاظ): ج ۱ ص ۲۷۵.
 ابوبکر بن پهلوان (امیر -): ج ۱ ص ۴۲۲.
 ۴۲۴، ۴۲۵.
 ابوبکر حسن بن علی ... ابن علاف ضریر
 نهروانی: ج ۱ ص ۲۴۲.
 ابوبکر خیاط (مقری): ج ۱ ص ۳۳۵.
 ابوبکر بن ابوزکریا یحیی: ج ۱ ص ۴۵۹.
 ابوبکر بن سعد (اتابک -): ج ۱ ص ۵۸۰.
 ابوبکر سگومی: ج ۲ ص ۶۳۱.
 ابوبکر بن سلطان ابوسعید گورکانی (میرزا -):
 ج ۲ ص ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۵.
 ابوبکر بن سلیمان النجاد (فقیه حنفی): ج ۱
 ص ۲۶۴.
 ابوبکر سحمانی (از حفاظ): ج ۱ ص ۲۶۲.
 ابوبکر سنهروی: ج ۱ ص ۲۸۳.
 ابوبکر شاذان صوفی: ج ۱ ص ۲۸۳.
 ابوبکر الشبلی (صوفی، مالکی مذهب و صاحب
 الموفق): ج ۱ ص ۲۵۸.
 ابوبکر الصولسی (عالم ادب و اخبار): ج ۱ ص
 ۲۵۹.
 ابوبکر عادل (برادر صلاح الدین ایوبی): ج ۱
 ص ۴۰۶، ۴۰۸.
 ابوبکر عبد الله بن احمد فطال (فقیه شافعی):
 ج ۱ ص ۳۰۶.
 ابوبکر بن عبد الحق المرینی: ج ۲ ص ۵۹۲.
 ابوبکر بن عبد الرحمن بن ابی بکر: ج ۱ ص ۴۵۹.
 ابوبکر بن عبد الرحمن بن حارث: ج ۱ ص ۱۰۲.
 ابوبکر قطان: ج ۲ ص ۶۳۰.
 ابوبکر قناری: ج ۲ ص ۶۲۷.
 ابوبکر (میرزا -) پسر میرزا احمد جوکی: ج ۲
 ص ۶۸۵.
 ابوبکر محمد بن حسن الدقش (مقری و صاحب
 شفاء العمدی): ج ۱ ص ۲۶۲.
 ابوبکر محمد بن حسین فرید (مقری، صاحب
 قصیده مقصوده): ج ۱ ص ۲۲۷.
 ابوبکر محمد بن داود بن علی الاصفهانی (فقیه
 ظاهری): ج ۱ ص ۲۳۰.
 ابوبکر محمد بن سربین سهل نحوی، ابن سراج:

ج ۱ ص ۲۲۷

ابوبکر محمد بن طیب اشعری، ابن باقلانی:
 ج ۱ ص ۲۸۰.
 ابوبکر محمد بن عبد الله الصعفی (فقیه شافعی)
 ج ۱ ص ۲۵۵.
 ابوبکر محمد بن علی بن اسمعیل القتال الشافعی
 (صاحب کتاب عمده و مستظهری): ج ۱ ص
 ۲۷۶، ۳۰۶.
 ابوبکر محمد بن قاسم، ابن الانباری (نحوی):
 ج ۱ ص ۲۵۲.
 ابوبکر محمد بن محمد بن جعفر بن دقاق (فقیه
 شافعی): ج ۱ ص ۲۹۱.
 ابوبکر محمودی حمیدی (قاضی و صاحب
 مقامات حمیدی): ج ۱ ص ۳۹۲.
 ابوبکر بن منتخب: ج ۱ ص ۴۶۰.
 ابوبکر منصور بن جلال الدوله (شاعر): ج ۱
 ص ۳۲۰.
 ابوبکر بن میرزا امیر انشا بن امیر تیمور (میرزا -)
 ج ۲ ص ۶۶۹، ۷۱۹.
 ابوبکر، یحیی بن عبد الرحمن اندلسی قرطبی
 (شاعر، صاحب موشحات): ج ۱ ص
 ۳۸۰.
 ابوتراب = علی بن ابی طالب (ع): ج ۱ ص ۲۱.
 ابوتراب (میرزا -) از اجزای پستخانه: ج ۲
 ص ۲۱۲۰.
 ابوتراب امام جمعه شیراز (شیخ -): ج ۳
 ص ۱۶۷۱، ۱۷۸۳.
 ابوتراب (میرزا -) دفتر دارمخمس: ج ۱
 ص ۵۴۱.
 ابوتراب (میرزا -) سر رشته دار: ج ۱ ص ۵۰۵.
 ج ۲ ص ۱۱۲۹، ۱۱۵۰، ۱۲۲۴، ۱۲۷۱.
 ج ۳ ص ۱۶۷۱، ۲۰۶۸.
 ابوتراب خان (میرزا -) سرهنگ (تحویلدار
 کل اداره پلیس): ج ۲ ص ۲۰۹۶.
 ابوتراب خان (میرزا -) مستشار وزارت تجارت.
 ج ۳ ص ۲۱۲۲.
 ابوتراب خان (میرزا -) نایب اولو منشی
 و مترجم: ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۵۲.
 ابوتراب (سید -) طبیب: ج ۱ ص ۵۲۷.
 ابوتراب مقیم (آقا سید -): ج ۳ ص ۲۱۳۱.
 ابوتراب میرزا سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 ابوتراب نخعی صوفی: ج ۱ ص ۱۹۸.
 ابوتراب نقاش شافعی (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۹۳.

ابوتراب (میرزا -) نقاش و الطباعه : ج ۱ ص ۵۵۵
 ابوتراب (میرزا -) نقاش مخصوص : ج ۲ ص ۲۱۳۸
 ابوظلم بن ناصرالدوله ، عدالد و طبع و نشر : ج ۱ ص ۲۷۰ ، ۲۷۱ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ ، ۲۷۸ ، ۲۷۹
 ابوظام ، حبیب بن اسطغانی (شاعر) : ج ۱ ص ۱۸۹
 ابونعم محمد بن الظاهر لامرالله ابوالحسن علی المستنصر بالله علوی : ج ۱ ص ۲۹۷ ، ۳۱۰ تا ۳۱۲ ، ۳۲۰
 ابونور ، ابراهیم بن خالد بن ابی الیمان الکلبی (فقیه دناوی ، صاحب امام شافعی) : ج ۱ ص ۱۹۶
 ابوجعفر (فقیه در بخارا) : ج ۱ ص ۲۶۱
 ابوجعفر : ج ۱ ص ۲۳۷
 ابوجعفر ، ... شریف هاشمی عباسی بیاضی : ج ۱ ص ۳۳۶
 ابوجعفر بن شتریار (شهریار) ابن کاکویه : ج ۱ ص ۲۹۲
 ابوجعفر احمد بن ابی عمران (فقیه حنفی) : ج ۱ ص ۱۲۰
 ابوجعفر احمد بن محمد بن سلام طرزی بخاری (فقیه حنفی) : ج ۱ ص ۲۴۷
 ابوجعفر محمد بن احمد بن نصر الترمذی (فقیه شافعی محدث) : ج ۱ ص ۲۲۷
 ابوجعفر محمد بن جریر طبری : ج ۱ ص ۲۳۷
 ابوجعفر بن محمد البخاری (حکیم) : ج ۱ ص ۳۸۸
 ابوجعفر محمد بن عبداللہ الاسکافی (از ائمه متکلمین معتزله) : ج ۱ ص ۱۳۹
 ابوجعفر محمد بن عثمان العسكري ، سمان رئیس امامیه ، معروف به عمری و نایب امام منتظر : ج ۱ ص ۲۳۴
 ابوجعفر محمد بن قاسم (وزیر القاهر بالله) : ج ۱ ص ۲۴۶
 ابوجعفر نحاس نحوی : ج ۱ ص ۲۶۰
 ابوجعفر یزید بن قفطاع القاری : ج ۱ ص ۱۲۹
 ابوجندل بن سهیل بن عمرو : ج ۱ ص ۵۲
 ابوالجوزاء ، اوس بن عبداللہ الربیع : ج ۱ ص ۹۶
 ابوجهل : ج ۱ ص ۲۲

ابوحاتم رازی ، محمد بن ادريس : ج ۱ ص ۲۱۷
 ابو حامد احمد بن محمد بن احمد الاسفراہنی (پیشوای اصحاب شافعی) : ج ۱ ص ۳۰۰
 ابو حامد محمد بن محمد ، حاکم نیشابوری : ج ۱ ص ۲۸۳
 ابو حامد محمد بن محمد الفزائی ، حیدر الاسلام زین الدین الطوسی : ج ۱ ص ۳۶۸ ، ۳۶۹
 ابو حامد ، محمد بن یونس (فقیه شافعی) : ج ۱ ص ۲۲۸
 ابوالحاج بن یوسف بن طیبان الا علم الشمری (از ائمه ادب و شاعر حسنه) : ج ۱ ص ۳۳۹
 ابوالحسن (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۲۵
 ابوالحسن احراری (ادیب خوانساری) : ج ۱ ص ۳۳۵
 ابوالحسن ، ولد احمد اناری دی : ج ۲ ص ۸۳۷
 ابوالحسن احمد بن علی بن قائل : ج ۱ ص ۲۵۴
 ابوالحسن اشعری : ج ۱ ص ۲۹۸
 ابوالحسن انطاکی : ج ۱ ص ۲۸۴
 ابوالحسن اهرمی (حاجی -) : ج ۳ ص ۱۷۳۲
 ابوالحسن بصری : ج ۱ ص ۳۲
 ابوالحسن نیشابوری : ج ۱ ص ۲۶۵
 ابوالحسن بن الحسن الرضوی (مؤید الملک) : ج ۱ ص ۲۰۳
 ابوالحسن حکیم باغی (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۵۷
 ابوالحسن حساسی (شری عراق) : ج ۱ ص ۳۰۶
 ابوالحسن خان (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۶۶
 ابوالحسن خان (حاجی -) : ج ۲ ص ۱۵۸۱
 ابوالحسن خان ، پسر امیر حسن خان شجاع الدوله : ج ۲ ص ۱۸۹۵ ، ۱۹۲۵
 ابوالحسن خان (میرزا -) حاکم کرمان : ج ۲ ص ۱۳۱۸ ، ۱۳۲۰
 ابوالحسن خان ، سرهنگ (خازنار فوج) : ج ۱ ص ۵۰۸
 ابوالحسن خان ، سرهنگ افشار (تومان دریم ، فوج بهادران) : ج ۲ ص ۱۲۳۷
 ابوالحسن خان (میرزا -) سفیر ایران : ج ۲ ص ۱۵۲۴ ، ۱۵۰۱ ، ۱۶۹۸
 ابوالحسن خان شیرازی (حاجی میرزا -) :

ج ۳ ص ۱۲۹۲ ، ۱۵۲۵ ، ۱۵۲۸ ، ۱۵۴۶
 ابوالحسن خان شیرازی (میرزا -) وزیر امور خارجه : ج ۳ ص ۱۵۰۲ ، ۱۵۰۹ ، ۱۵۱۸
 ابوالحسن خان صنیع الملک (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۸۵۱
 ابوالحسن خان (میرزا -) پسر قائم مقام : ج ۲ ص ۲۰۶۲
 ابوالحسن خان (میرزا -) نظم طب : ج ۱ ص ۲۶۶
 ابوالحسن خان ، نقاشی غفری (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۷۹۲ ، ۱۷۹۵ ، ۱۸۳۲
 ابوالحسن بن خل (شیخ شافعی) : ج ۱ ص ۳۸۸
 ابوالحسن (امام عبداللہ قطب شاه) : ج ۲ ص ۹۸۳
 ابوالحسن نامانی (قاضی) : ج ۱ ص ۲۶۴
 ابوالحسن عبدالرحمن قدوری (صاحب تکرله و تحریر) : ج ۱ ص ۳۱۹
 ابوالحسن علی بن ابی سعید طبری (از آل مرین مغرب) : ج ۲ ص ۵۹۲ ، ۷۳۰
 ابوالحسن علی بن ابی الهیجا ، سیف الدوله : ج ۱ ص ۲۵۵ تا ۲۵۷ ، ۲۵۹ ، ۲۶۳
 ابوالحسن علی بن احمد بن متوکل الواحدی نیشابوری (مفسر ، صاحب وسط ، بیضا و جز) : ج ۱ ص ۳۳۶
 ابوالحسن علی بن اسمعیل اشعری : ج ۱ ص ۲۵۵
 ابوالحسن علی بن اسمعیل ، ابن سیده العریض (حافظ و امام لغت) : ج ۱ ص ۳۳۱
 ابوالحسن علی بن ابیوشنجی : ج ۱ ص ۲۶۴
 ابوالحسن علی بن سعید الاصفهانی (معتزلی) : ج ۱ ص ۲۹۹
 ابوالحسن علی الطبری : ج ۱ ص ۳۲۰
 ابوالحسن (حسین) علی بن عمر بن احمد دار قطنی (فقیه شافعی) : ج ۱ ص ۲۸۸
 ابوالحسن علی بن عیسی زبانی (نحوی ، صاحب تفسیر) : ج ۱ ص ۲۸۷
 ابوالحسن علی بن محمد السمری (آخرین سفرای اربعه) : ج ۱ ص ۲۵۲
 ابوالحسن علی بن نصر ، مذهب الدوله (حاکم بطیحه) : ج ۱ ص ۲۸۳
 ابوالحسن فراغانی (میر -) : ج ۲ ص ۹۲۲

ابوالحسن القاسم بن عبید الله (وزير المعتضد) :
 ج ۱ ص ۲۲۲ -
 ابوالحسن قطب شاه (والی گلکنده) : ج ۲ ص ۹۹۲ -
 ابوالحسن (حاجی میرزا -) لشکرتوس
 آذربایجان : ج ۳ ص ۲۰۷۰ -
 ابوالحسن المازدی : ج ۱ ص ۳۰۸ -
 ابوالحسن محمد (از اولاد ابی الشوارب) : ج ۱ ص ۲۶۴ -
 ابوالحسن محمد بن عبد الله السلاوی (شاعر بغدادی) : ج ۱ ص ۲۹۱ -
 ابوالحسن بن مسلم ، کوکبی (وزیر بها الدولة) : ج ۱ ص ۲۸۶ -
 ابوالحسن میرزا ، پسر محمد علی میرزا و پناه : ج ۲ ص ۱۵۵۱ -
 ابوالحسن مشرف (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۴۵ -
 ج ۲ ص ۲۰۹۰ -
 ابوالحسن معمار باغی عهد ناصری (حاجی -) : ج ۲ ص ۱۱۹۰ - ج ۳ ص ۲۰۲۵ ، ۲۰۴۶ ، ۲۱۱۵ -
 ابوالحسن (میرزا -) منشی : ج ۱ ص ۵۰۶ -
 ج ۲ ص ۲۰۶۹ -
 ابوالحسن واسطی : ج ۲ ص ۶۲۷ -
 ابوالحسن هب الله بن صاعد (امین الدولة بن تلمیذ ، صاحب هرابادین) : ج ۱ ص ۲۹۴ -
 ابوالحسن احمد بن فارس زکریا الرازی اللغوی (استاد دبیح الزمان همدانی) : ج ۱ ص ۲۹۰ -
 ابوالحسن احمد بن محمد الفدوی الحنفی (صاحب کتاب قدیر) : ج ۱ ص ۳۱۱ -
 ابوالحسن جوهر رومی (ملازم المعز علوی) : ج ۱ ص ۲۶۲ ، ۲۷۱ ، ۲۷۳ ، ۲۷۵ ، ۲۸۶ -
 ابوالحسن بن صالح (علیه شافعی از عباد) : ج ۱ ص ۲۲۵ -
 ابوالحسن بن علی فرائ (وزیر المقتدر) : ج ۱ ص ۲۲۰ ، ۲۲۲ ، ۲۲۵ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ -
 ابوالحسن محمد بن علی (بصری معتزلی) : ج ۱ ص ۳۱۷ -
 ابوحسن یحیی بن سلیم الرازی (محدث) : ج ۱ ص ۱۹۲ -
 ابوحسن دمشقی : ج ۲ ص ۶۳۰ -
 ابوحسن عمر بن یحیی الهبتانی ، المستنصر بالله : ج ۱ ص ۲۵۸ ، ۲۵۹ -

ابوهزه (صاحب ابن عباس) : ج ۱ ص ۱۲۶ -
 ابوعمود : ج ۲ ص ۶۲۲ -
 ابوحنیفه ، احمد بن داود دینوری (صاحب النبات) : ج ۱ ص ۲۲۰ -
 ابوحنیفه ، نعمان بن ثابت (امام اعظم) : ج ۱ ص ۹۲ ، ۱۲۲ ، ۱۵۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۸ ، ۱۷۸ ، ۲۲۷ ، ۳۱۷ ، ۳۲۵ - ج ۲ ص ۵۸۲ -
 ابوحنیان توحیدی : ج ۱ ص ۲۸۵ -
 ابوحنیمه زهر المحدث (ابو حنیمه زهیر بن حوب) : ج ۱ ص ۱۹۲ -
 ابو حازم اعرج : ج ۱ ص ۱۳۶ -
 ابو خالد ، حارث بن قیس بن خالد : ج ۱ ص ۵۳ -
 ابو خالد ، یزید بن الیاس : ج ۱ ص ۱۶۷ -
 ابوالفان ازبک : ج ۱ ص ۸۵۰ ، ۸۶۵ -
 ابوغراش هذلی (شاعر) : ج ۱ ص ۵۳ -
 ابوالخطاب شبلی (شاعر) : ج ۱ ص ۳۱۸ -
 ابوالخطار ، حسام بن ضراگلی (امیر اندلس) : ج ۱ ص ۱۲۲ ، ۱۲۸ -
 ابوالخیر سمرقندی : ج ۲ ص ۸۱۱ -
 ابوالخیر خان شهبانی : ج ۲ ص ۶۹۰ -
 ابوالخیر خان ، ولای فزاق : ج ۲ ص ۱۱۲۵ -
 ابوداود خالد بن ابراهیم الهذلی : ج ۱ ص ۱۳۲ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۴۸ -
 ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی (صاحب سنن) : ج ۱ ص ۱۷۸ ، ۲۱۵ -
 ابودبوس (آخرین ملوک بنی عبدالعزیز) : ج ۲ ص ۵۸۸ ، ۵۹۱ ، ۵۹۲ ، ۶۲۶ -
 ابودرداء انصاری : ج ۱ ص ۵۷ -
 ابودلامه : ج ۱ ص ۱۴۶ -
 ابودلف شریح بن کبشرو (صاحب ساوه) : ج ۱ ص ۲۵۹ -
 ابودلف عجمی ، قاسم بن عیسی (صاحب امین) : ج ۱ ص ۱۸۲ ، ۱۸۷ ، ۲۲۱ -
 ابوزرجمهر : ج ۱ ص ۱۲۲ -
 ابوزر غفاری : ج ۱ ص ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۸ -
 ابوالذواد محمد بن مسیب (امیر موصل) : ج ۱ ص ۲۸۵ ، ۲۸۸ -
 ابوزویب هذلی (شاعر) : ج ۱ ص ۵۴ -
 ابوزافع (صحابی) : ج ۱ ص ۷۲ -
 ابوزافع بی ابی الحقیق یهودی : ج ۱ ص ۲۲ -
 ابوالزبیر بن خثیم (از زهاد ثمانیه) : ج ۱ ص ۱۶۲ ، ۸۵ -

ابوالربیع سلیمان المستنقی بالله (خلیفه) : ج ۲ ص ۶۲۹ ، ۶۳۱ -
 ابورکوه (از اولاد هشام بن عبدالملک) : ج ۱ ص ۲۹۳ -
 ابوزاکی : ج ۱ ص ۲۲۹ -
 ابوزریه احمد الرازی ، ابوالقاسم وارکی (شیخ شافعی) : ج ۱ ص ۲۸۲ -
 ابوزکریا یحیی ، امیر مرتضی : ج ۱ ص ۲۵۸ ، ۲۵۹ -
 ابوزکریا ، یحیی بن زیاد فراء الدیمو الکرمی : ج ۱ ص ۱۷۹ -
 ابو زکریا ، یحیی بن عبدالوهاب بن منده اصفهانی (محدث) : ج ۱ ص ۳۶۴ -
 ابوزکریا ، یحیی بن علی التبریزی (خطیب و امام لغت) : ج ۱ ص ۳۶۰ -
 ابوزکریا ، یحیی بن معین بن یزید بغدادی (صاحب احمد بن حنبل) : ج ۱ ص ۱۹۲ -
 ابوالصرايا المری بن منصور : ج ۱ ص ۱۷۴ -
 ابوسعید عبدالرحیم بن عبدالکریم بن هوازن البخسیری : ج ۱ ص ۳۶۵ -
 ابوالسعود بن زویع : ج ۱ ص ۳۲۹ -
 ابوالسعود بن قمران بن محمد بن سباء : ج ۱ ص ۳۲۹ -
 ابوسعید (دریا پیمای عرب) : ج ۱ ص ۱۹۴ -
 ابوسعید بن ابوالکلیجار : ج ۱ ص ۲۲۲ -
 ابوسعید احمد بصری : ج ۱ ص ۲۶۸ -
 ابوسعید اصمعی لغوی بصری (امام لغت) : ج ۱ ص ۱۸۳ -
 ابوسعید بن الجایتو (سلطان -) : ج ۱ ص ۱۳۶۵ -
 ابوسعید ، حسن بن بهرام جنابی (بزرگ قرامطه) : ج ۱ ص ۲۲۲ ، ۲۲۳ -
 ابوسعید حسن بن عبد الله سیرافی (قاضی صاحب شرح الکتاب سبویه) : ج ۱ ص ۲۲۷ ، ۲۷۸ -
 ابوسعید ، حسن بن حسن بن عبد الله البکری (نحوی لغوی) : ج ۱ ص ۲۱۷ -
 ابوسعید خان : ج ۲ ص ۸۳۰ -
 ابوسعید خثیم البلالی الثامی : ج ۱ ص ۶۲ -
 ابوسعید سرخسی (مدرس حنفیه) : ج ۱ ص ۲۲۱ -
 ابوسعید سلطان بن کوجم خان : ج ۲ ص ۷۵۷ ، ۷۸۳ ، ۷۸۶ -

ابوسعید سیرافى: ج ۱ ص ۱۳۷.
 ابوسعید بن عبدالعزیز: ج ۱ ص ۲۸۹.
 ابوسعید قاطمی (رئیس فرامنه): ج ۱ ص ۲۳۲.
 ابوسعید بن قراویس (امیر -): ج ۲ ص ۶۸۶، ۶۸۷.
 ابوسعید کازرونی: ج ۲ ص ۶۹۸.
 ابوسعید محمد بن یوسف مروزی (حاکم ارمنیه و آذربایجان): ج ۱ ص ۱۹۲.
 ابوسعید بن علی الانصاری: ج ۱ ص ۹۱.
 ابوسعید النحوی القفوی: ج ۱ ص ۱۸۳.
 ابوسعید هاشمی (حافظ حدیث): ج ۱ ص ۲۲۲.
 ابوسعید بن یعقوب (از آل مرین): ج ۲ ص ۷۳۰.
 ابوسلمان بن حرب بن امیه: ج ۱ ص ۲۲ تا ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۵۷، ۷۴، ۲۲۱.
 ابوسلمه بن حفص بن سلیمان (داعی عباسیین): ج ۱ ص ۱۲۷.
 ابوسلمه الخلال، وزیر آل محمد: ج ۱ ص ۱۳۳، ۱۳۴.
 ابوسلیمان، امام (صاحب معالم): ج ۱ ص ۲۸۹.
 ابوسلیمان الدارانی (زاهد): ج ۱ ص ۱۸۳.
 ابوسلیمان داود اشقرالسمار (محدث): ج ۱ ص ۱۸۹.
 ابوشامه دمشقی: ج ۲ ص ۵۸۷.
 ابوشجاع دیلمی (از حفاظ): ج ۱ ص ۳۶۲.
 ابوشجاع فاتک رومی: ج ۱ ص ۲۶۶.
 ابوشجاع، محمد بن الحسین (وزیر خلیفه): ج ۱ ص ۳۳۹.
 ابوشریح خراسی = غیلان بن عمرو: ج ۱ ص ۸۸.
 ابوالشعنا، جابر بن زید: ج ۱ ص ۱۰۱.
 ابوالشوک: ج ۱ ص ۳۱۷، ۳۱۸.
 ابوالصباح بن یحیی (حاکم اشبیلیه): ج ۱ ص ۱۴۲.
 ابوالضر شیرازی: ج ۳ ص ۱۳۷۱.
 ابوالصلت اندلیسی: ج ۱ ص ۳۷۲.
 ابوالعبید صالح بن طریف (بزرگ بنی قبیله): ج ۱ ص ۱۱۳.
 ابوضره، محمد بن سلیمان (والی مصر): ج ۱ ص ۱۵۰.

ابوطالب بیک (نایب کالعه خانه): ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۲ ص ۲۱۳۷.
 ابوطالب بن تنش: ج ۱ ص ۲۲۸.
 ابوطالب خان (میرزا -) اعتماد الدوله حاکم بیک اردوبادی: ج ۲ ص ۹۳۲.
 ابوطالب خان (سرکوب سوم): ج ۱ ص ۵۰۸.
 ج ۲ ص ۲۲۸، ج ۳ ص ۲۰۷۸.
 ابوطالب خان تنشی مخصوص: ج ۱ ص ۵۲۲.
 ابوطالب خان (میرزا -) ظالمی (نایب الحکومه لرستان): ج ۲ ص ۱۹۱۴.
 ابوطالب (حاجی میرزا سید -) سرشته دار اداره بنا خانه: ج ۲ ص ۲۱۱۵.
 ابوطالب (آقا سید -) صدر الذکرین: ج ۲ ص ۱۹۰۲.
 ابوطالب (باز -) صراف: ج ۱ ص ۵۵۱.
 ابوطالب طهرانی تاجر (حاجی -): ج ۲ ص ۲۱۲۵.
 ابوطالب عبدالجبار العثی الاندلیسی (صاحب ارجوزه): ج ۱ ص ۳۰۱.
 ابوطالب بن عمار (قاضی و حاکم طرابلس): ج ۱ ص ۲۳۲.
 ابوطالب (میرزا -) قونسل مندلیج: ج ۱ ص ۵۳۲، ج ۳ ص ۲۱۰۶.
 ابوطالب محمد بن علی بن عطیه المکی (صاحب قوت القلوب): ج ۱ ص ۲۸۸.
 ابوطالب (برادر للمفتی لایم الله): ج ۱ ص ۳۸۰.
 ابوطالب میرزا (صفوی): ج ۲ ص ۸۷۸.
 ابوطالب (حاجی -) نایب غاروشافویه: ج ۲ ص ۸۵۰، ج ۳ ص ۲۰۹۵.
 ابوطاهر، ابراهیم بن ناصر الدوله بن حمدان: ج ۱ ص ۲۸۵، ۲۸۶.
 ابوطاهر، سلیمان بن ابوسعید جنبی قرطبی: ج ۱ ص ۲۳۲، ۲۳۸ تا ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۵۶.
 ابوطریف علیان بن شمال الخفاجی (امیر کوفه): ج ۱ ص ۲۸۲.
 ابوظفیل، عامر بن واثقه: ج ۱ ص ۱۰۷.
 ابوظحله انصاری: ج ۱ ص ۵۷.
 ابوظحطیب طبری (نقیه شافعی): ج ۱ ص ۳۲۶.
 ابوظحطیب متنبی کندی جملی: ج ۱ ص ۲۶۸.

ابوعاصم بن مخلد شیبانی (محدث): ج ۱ ص ۱۸۲.
 ابوالعالمیه ریاضی: ج ۱ ص ۱۰۰.
 ابوعامر راهب: ج ۱ ص ۳۰.
 ابوعامر عبدالله (از آل مرین مغرب): ج ۲ ص ۷۳۰.
 ابوعامر محمد بن ابی عامر: ج ۱ ص ۲۹۵.
 ابوعامر محمد بن عبداللهمطاری القحطانی: ج ۱ ص ۲۷۷.
 ابوعامر محمد، منصور (حاکم اندلسین): ج ۱ ص ۲۹۲.
 ابوالعباس (شاعر): ج ۱ ص ۲۹۴، ۲۰۰.
 ابوالعباس: ج ۱ ص ۲۲۹، ۲۳۰.
 ابوالعباس بن ابراهیم بن احمد بن اغلب: ج ۱ ص ۲۲۴.
 ابوالعباس احمد (از آل مرین): ج ۲ ص ۷۳۰، ۷۶۴.
 ابوالعباس احمد بن الامیر اصحاق بن المقتدر: ج ۱ ص ۲۸۲، ۲۸۵.
 ابوالعباس احمد بن سروج، باز اشهب (نقیه شافعی): ج ۱ ص ۲۳۵.
 ابوالعباس احمد بن علی رفاعی: ج ۱ ص ۲۰۶.
 ابوالعباس احمد بن محمد بن سهل بن عطاء (صفوی): ج ۱ ص ۲۳۷.
 ابوالعباس احمد بن المستنکی بالله: ج ۲ ص ۶۳۲.
 ابوالعباس احمد بن المقتدر، الرازی بالله عباسی: ج ۱ ص ۲۲۵، ۲۲۸ تا ۲۵۱، ۲۵۲.
 ابوالعباس احمد بن الموفق، المصنف: ج ۱ ص ۲۱۲، ۲۱۳ تا ۲۱۶، ۲۲۳.
 ابوالعباس احمد نسوی (صفوی): ج ۱ ص ۲۹۳.
 ابوالعباس احمد بن یحیی، طبیب: ج ۱ ص ۲۲۵.
 ابوالعباس الخصمی (وزیر المقتدر): ج ۱ ص ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۶.
 ابوالعباس سراج، عبدالله بن محمد (اولین خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۱۰۹، ۸۴.
 ۱۳۱ تا ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۵۵، ۱۶۶.
 ابوالعباس عبدالله بن حسن بن ابی

الشوارب (قاضي القضاة بغداد) : ج ۱
ص ۲۶۶ ، ۲۶۷ .
ابوالعباس بن كيش المتوكل : ج ۱ ص ۲۱۶ .
ابوالعباس محمد بن ابراهيم بن اغلب
(والی افریقه) : ج ۱ ص ۱۸۸ ، ۲۲۳ .
ابوالعباس محمد میرد : ج ۱ ص ۲۳۷ ، ۲۴۲ .
۲۶۱ .
ابوالعباس ، محمد بن یعقوب الاسوی
النیشابوری اسم (محدث) : ج ۱ ص
۲۶۴ .
ابوالعباس مصری : ج ۲ ص ۶۰۱ .
ابوالعباس نقشبندی : ج ۲ ص ۶۷۹ .
ابوالعباس بن واصل (حاكم بطیحه) : ج ۱
ص ۲۹۲ ، ۲۹۳ .
ابوعبدالله حسین بن حجاج (شاعر شيعه) :
ج ۱ ص ۲۹۰ .
ابوعبدالله الحسین الضمیری (فناصی ،
صاحب ابوحنیفه) : ج ۱ ص ۳۱۷ .
ابوعبدالله بن الحسین علی البغدادي ،
ابن فعال (از اصحاب شافعی) : ج ۱
ص ۳۳۰ .
ابوعبدالله الحسین ناصر الدوله بن حمدان :
ج ۱ ص ۲۸۴ .
ابوعبدالله خراسانی : ج ۲ ص ۵۸۲ .
ابوعبدالله شهید : ج ۲ ص ۶۵۶ .
ابوعبدالله علوی : ج ۱ ص ۲۳۰ .
ابوعبدالله کوفی (کاتب حکم) : ج ۱ ص
۲۵۳ .
ابوعبدالله محمد بن ابوزکریا یحیی ،
المستنصر بالله : ج ۱ ص ۴۵۹ .
ابوعبدالله محمد بن ابی نصر حسینی
اندلسی (از فضلا) : ج ۱ ص ۲۴۹ .
ابوعبدالله محمد بن احمد (امیر افریقه) :
ج ۱ ص ۲۰۲ .
ابوعبدالله محمد بن سالم (صاحب سهل
ابن عبدالله تستری) : ج ۱ ص ۲۳۰ .
ابوعبدالله الناطلی : ج ۱ ص ۳۱۱ .
ابوعبد الرحمن (عالم به اخبار) : ج ۱ ص
۱۸۹ .
ابوعبد الرحمن (مقری ، محدث) : ج ۱ ص
۱۸۲ .
ابوعبد الرحمن احمد بن علی بن شعیب
النسائی (صاحب کتاب سنن) : ج ۱

ص ۲۲۲ .
ابوعبد الرحمن محمد بن الحسین السلمی
(الصوفی ، صاحب طبقات الصوفیه) :
ج ۱ ص ۳۰۲ .
ابوعیسی عبد الرحمن بن جبر الانصاری : ج
۱ ص ۵۹ .
ابوعبید القاسم بن سلام (لفوی) : ج ۱ ص
۱۸۷ .
ابوعبید هروی (لفوی) : ج ۱ ص ۲۹۵ .
ابوعبیدالله (وزیر مهدی عباسی) : ج ۱
ص ۱۵۰ .
ابوعبیده نقفی : ج ۱ ص ۳۸ ، ۳۹ .
ابوعبیده خواجه : ج ۱ ص ۲۲ ، ۲۴ ، ۲۷ ، ۲۸
۳۸ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۶ ، ۴۸ .
ابوعبیده عامر (صاحبی) : ج ۱ ص ۲۲ .
ابوعبیده ، معمر بن مثنی (لفوی) : ج ۱
ص ۱۸۰ .
ابوعتاب کوفی ، منصور بن معمر السلمی : ج
۱ ص ۱۳۰ .
ابوالعناهیة (شاعر) : ج ۱ ص ۱۸۱ .
ابوعثمان اسمعیل بن عبد الرحمن الصابی
(مقدم اصحاب حدیث) : ج ۱ ص ۳۲۵ .
ابوعثمان بکر بن محمد العازنی (عالم
بزرگ نحو) : ج ۱ ص ۱۹۹ .
ابوعثمان قاری : ج ۱ ص ۲۸۱ .
ابوعثمان النهدی ، عبد الرحمن بن مل :
ج ۱ ص ۱۰۳ .
ابوالعرفای خوارزمی (خواجہ) عارف : ج ۲
ص ۶۸۸ .
ابوعزه جمعی (ابومره عبدالله حجتی) :
ج ۱ ص ۲۴ .
ابوالعنایر : ج ۱ ص ۲۲۵ .
ابوعصیده بن محمد الوثائق بالله ، المستنصر
بالله (المستنصر سوم) : ج ۱ ص ۲۵۹ .
ابوعقل الاغلب بن ابراهيم بن الاغلب
(والی افریقه) : ج ۱ ص ۱۸۷ ، ۱۸۸ .
ابوالعلاء (از بنی عبدالمؤمن) : ج ۱ ص
۲۵۸ .
ابوالعلاء احمد بن سلیمان المعری (شاعر) :
ج ۱ ص ۳۲۵ .
ابوالعلاء بن حمدان : ج ۱ ص ۲۴۹ .
ابوالعلاء معارب بن محمد (قاضي ، فقیه
شافعی) : ج ۱ ص ۲۷۲ .

ابوعلوان شمال ، معزالدوله : ج ۱ ص ۲۹۲ .
ابوعلی (تایبی) : ج ۱ ص ۱۴۲ .
ابوعلی احمد بن الفضل بن بدر جمالسی
(وزیر الحافظ لدين الله) : ج ۱ ص
۲۷۱ تا ۲۷۲ .
ابوعلی اسماعیل بن محمد المطار (نحوی
و محدث) : ج ۱ ص ۲۶۱ .
ابوعلی بن تال الخفاجی (حاكم رحبه) :
ج ۱ ص ۲۹۴ .
ابوعلی حسن بن احمد بن عبدالمطار الفارسی
النحوی (صاحب ایضاح) : ج ۱ ص ۲۸۳ .
ابوعلی حسین رخجی : ج ۱ ص ۳۱۲ .
ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا بخاری
(شیخ الرئیس) : ج ۱ ص ۳۱۱ .
ابوعلی حسین بن علی النیشابوری : ج ۱
ص ۲۶۴ .
ابوعلی بن سیجور (سردار خراسان) : ج
۱ ص ۲۸۶ ، ۲۸۷ .
ابوعلی بن المحتاج (سردار لشکر خراسان) :
ج ۱ ص ۲۶۲ .
ابوعلی محمد بن الیاس : ج ۱ ص ۲۴۹ .
ابوعلی محمد الرود باری (صوفی) : ج ۱
ص ۲۴۸ .
ابوعلی محمد بن عبد الوهاب الجعانی
(معتزلی) : ج ۱ ص ۲۳۳ .
ابوعلی بن محمد بن عمار (صاحب طرابلس) :
ج ۱ ص ۳۵۲ ، ۳۵۸ .
ابوعلی بن محمد بن مظفر بن محتاج
(سرکردہ سامانی) : ج ۱ ص ۲۵۳ .
ابوعلی محمد بن یحیی بن عبد الله بن
خاقان (وزیر المعتدر) : ج ۱ ص ۲۳۰ .
ابوعلی بن مروان : ج ۱ ص ۲۸۲ ، ۲۸۵ .
ابوعلی بن مقله (بانی خط نسخ و وزیر
المعتدر بالله واحد بن المعتدر) : ج
۱ ص ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۵ تا ۲۵۱ .
ابوعلی منصور بن آبر با حکام الله
ابوعلی نحوی فارسی (فناصی) : ج ۱ ص
۳۲۶ .
ابوعلی هراس (مقری واسط) : ج ۱ ص ۳۳۶ .
ابوعلی بن استاد هرمز ، عمید الجیش
(= سپهسالار) : ج ۱ ص ۲۹۲ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ .
ابوعلی هوازی (مقری شام) : ج ۱ ص ۳۲۲ .
ابوعلی ، یحیی بن عیسی بن حذله (طیب

و صاحب منهاج در ادویه و تقویم
الابدان): ج ۱ ص ۲۰۲۵۲-۲
ابوعمر، احمد بن عبدربه قرطی (از موالی
هشام بن عبدالرحمان داخل) صاحب
عقد الفرید: ج ۱ ص ۲۵۲
ابوعمر، اسحق الشیبانی القفوی: ج ۱ ص
۱۷۹
ابوعمر، محمد بن عبدالواحد المطریز (زاهد):
ج ۱ ص ۲۶۳
ابوعمران، عمرو بن بحر جاحظ (صاحب
نماینه): ج ۱ ص ۲۰۵
ابوعمر، بشر بن عمرو بن محمد الانصاری:
ج ۱ ص ۶۳
ابوعمر، عبدالوهاب بن محمد بن اسحاق
ابن مرند، اصفهانی (حافظ): ج ۱ ص
۲۳۹
ابوعمر و عثمان بن عمر، جمال الدین ابن
حاجب (صاحب کافیه): ج ۱ ص
۴۵۲
ابوعمر و محمد بن یوسف (قاضی): ج ۱ ص
۲۴۵
ابوعمر و یوسف بن عبدالبر (صاحب
الاستیعاب): ج ۱ ص ۳۳۲
ابوعثمان بن ابوالحسن (از آل مرین): ج ۲
ص ۷۳۰
ابوعون بن یزید (والی مصر): ج ۱ ص
۱۳۳-۱۳۲
ابوعون عبدالملک بن یزید اردی: ج ۱ ص
۱۳۱
ابوعون عبدالملک بن یزید الخراسانی
(والی خراسان): ج ۱ ص ۱۳۰-۱۳۱
۱۲۹ تا ۱۵۱
ابوعیسی جدولی: ج ۲ ص ۵۹۴
ابوعیسی محمد بن عیسی ترمذی سلمی:
ج ۱ ص ۲۱۹
ابوعیسی بن هارون (برادر طایفون، والی
کوفه): ج ۱ ص ۱۷۸
ابوالعینا، محمد بن القاسم (راوی اصمعی
صاحب نوادر و اشعار): ج ۱ ص ۲۲۰
ابوالفوارات بن مسعود: ج ۱ ص ۳۲۹
ابوالغازی خان اورگنجی: ج ۲ ص ۹۳۷
ابوالغازی سلطان (برادر اسفندیار خان)
والی خوارزم: ج ۲ ص ۹۱۶-۹۲۳

۱۹۶۰

ابوفارس (از آل مرین مغرب): ج ۲ ص
۷۳۰
ابوالفاحل (وزیر اکبر شاه و صاحب تاریخ
سلطنت اکبر شاه): ج ۲ ص ۸۹۹
ابوالفتح (امیر -): ج ۲ ص ۸۵۲
ابوالفتح (حاجی شیخ -) وزارت تجارت:
ج ۲ ص ۲۱۲۵
ابوالفتح اسعد بن ابونصر (فقیه فلسفی و
مدرس نظامیه): ج ۱ ص ۳۷۰
ابوالفتح بایندر: ج ۲ ص ۷۲۳
ابوالفتح خان: ج ۲ ص ۱۱۲۹-۱۱۲۸
۱۷۹۲
ابوالفتح خان، ولد ابراهیم خلیل خان
جوانشیر: ج ۳ ص ۱۲۴۷-۱۲۴۳
۱۲۸۱
ابوالفتح خان افشار (سرگرد و غلامان
شاهی): ج ۲ ص ۲۰۸۸
ابوالفتح خان بختیاری: ج ۲ ص ۱۰۳۱
۱۱۲۸
ابوالفتح خان (میرزا -) تنگدار خاصه:
ج ۲ ص ۱۲۵۷-۱۲۵۶
ابوالفتح خان جوانشیر ولد ابراهیم خلیل
خان: ج ۲ ص ۱۴۷۳
ابوالفتح خان، پسر حیدر علیخان (نایب
آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹-۵۰۸
۲۰۷۴
ابوالفتح خان دنبلی: ج ۱ ص ۵۶۰
ابوالفتح خان زند: ج ۲ ص ۱۴۲۶
ابوالفتح خان سیلاخوری (باور دوم): ج
۱ ص ۵۱۱
ابوالفتح خان مارم الدوله (پیشکار در خانه)
ظل السلطان): ج ۱ ص ۵۵۸
ابوالفتح خان پسر عبدالحمید خان جوانشیر:
ج ۲ ص ۱۸۵۰
ابوالفتح خان قاجار: ج ۲ ص ۱۲۷۰
ابوالفتح خان فرزند کریمخان زند: ج ۲
ص ۱۱۷۷-۱۱۷۶
۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰-۱۳۲۶
ابوالفتح خان (نایب آجودان باشی): ج
۲ ص ۱۲۳۰
ابوالفتح خان (نایب امیرک آقاسی باشی):
ج ۳ ص ۲۱۱۶

ابوالفتح خان (باور دوم): ج ۳ ص ۱۲۳۳
ج ۲ ص ۲۰۷۷
ابوالفتح، سلیم بن ابوب وازی (مفسر):
ج ۱ ص ۲۲۲
ابوالفتح علی بن حسین طبرانی (وزیر
سلطان سنجر): ج ۱ ص ۲۵۰
ابوالفتح علی بن محمد البیسی (کاتب و
شاعر): ج ۱ ص ۲۲۹
ابوالفتح ابن الحمید (وزیر مکن الدوله) ابن الحمید
ابوالفتح بن ابی اللیث (بزرگ و عمید
عراق): ج ۱ ص ۳۳۹
ابوالفتح، محمد بن الحسن الموصلسی
(حافظ): ج ۱ ص ۲۸۲
ابوالفتح محمد بن عبدالکریب بن احمد
الشیرستانی (متکلم اشعری، صاحب
بل و نحل): ج ۱ ص ۳۸۶
ابوالفتح میرزا، ولد حاجی حسام الملطنه:
ج ۱ ص ۵۰۱
ابوالفتح میرزا (امیر زاده -) حکمران
یزد: ج ۱ ص ۵۵۸-۵۵۷
ابوالفتح میرزا سرهنگ (رئیس): ج ۱ ص ۵۴۸
ابوالفتح میرزا (پسر مظفرالدین شاه): ج ۲
ص ۱۲۱۸-۱۲۱۷
۲۰۶۲
ابوالفتح میرزا مؤید الدوله (امیر زاده -):
ج ۲ ص ۱۱۹۰-۱۱۸۹
۱۹۲۲-۲۰۲۲
ابوالفتح یحیی بن حنی بن امیرک شهاب
الدین سورودی (فیلسوف): ج ۱
ص ۴۱۱
ابوالفتح احمد بن محمد الفزالی (واعظ،
صاحب لباب الاحیاء): ج ۱ ص
۳۶۸
ابوالفتح حسن بن جعفر علوی (امیر مکه):
ج ۱ ص ۳۱۲
ابوالفتیان محمد بن سلطان بن جیوش
(شاعر): ج ۱ ص ۳۳۸
ابوالفخار طکالموید عماد الدین اسمعیل
ابن علی (صاحب تاریخ و تقویم
البلدان): ج ۱ ص ۳۳۴-۳۳۳
۲۵۱-۲۵۲-۲۵۹-۳۸۵-۴۰۷
۲۴۷-۲۶۲-۵۸۱-۵۸۰-۵۸۳
۵۸۲-۵۸۸-۵۹۱-۶۰۴
ابوفارس حارث بن سعد بن حمدان (حاکم

منبع) : ج ۱ ص ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱.
 ابوالفرج بیهقی (شاعر) : ج ۱ ص ۲۹۳.
 ابوالفرج علی بن حسین ... اموی اصفهانی
 (کاتب و صاحب امانی) : ج ۱ ص ۲۷۰.
 ابوالفرج، محمد بن عمران بن شاهین :
 ج ۱ ص ۲۸۱.
 ابوالفرج نهریانی (مطری) : ج ۱ ص ۲۹۹.
 ابوالفضل، پسر سعد الدوله شریف : ج ۱
 ص ۲۸۶، ۲۹۶.
 ابوالفضل (شیخ -) : ج ۲ ص ۸۹۸.
 ابوالفضل احمد بن محمد بن خازن (ادیب
 و شاعر) : ج ۱ ص ۳۶۲.
 ابوالفضل احمد المیدانی (صاحب مجمع
 الامثال) : ج ۱ ص ۳۶۸.
 ابوالفضل الحارثی : ج ۱ ص ۳۰۲.
 ابوالفضل جرجانی : ج ۱ ص ۳۰۲.
 ابوالفضل ساجی (حاجی میرزا -) مولف :
 ج ۱ ص ۵۵۵، ج ۲ ص ۱۲۹۲، ج ۳
 ص ۲۱۳۹.
 ابوالفضل بن شمس الملوك (از ملوك
 رستمدر) : ج ۲ ص ۷۲۲.
 ابوالفضل (امیر شیخ -) پسر علاء الدوله
 علیگمکونگش : ج ۲ ص ۶۹۳، ۶۹۷.
 ابوقلیفه بن قاسم علوی حسینی (امیرمکه) :
 ج ۱ ص ۳۶۷، ۳۷۳.
 ابوالقوارس احمد بن علی بن احمد : ج ۱
 ص ۲۷۰.
 ابوالقوارس عبدالعزیز (از ملوك بنی هاشم
 تونس) : ج ۲ ص ۶۸۹.
 ابوالفیض خان (پادشاه تركستان) : ج ۲ ص
 ۱۱۲۱، ۱۱۲۲ تا ۱۱۲۵.
 ابوالفیض خان جنگیزی : ج ۲ ص ۱۴۷۳.
 ابوالقاسم : ج ۲ ص ۱۲۷۵، ج ۳ ص ۱۷۵۷.
 ابوالقاسم (حاجی میرزا -) از اجزای
 پستخانه : ج ۳ ص ۲۱۲۳.
 ابوالقاسم (میرزا -) از ارباب قاسم :
 ج ۲ ص ۱۲۲۳، ج ۳ ص ۱۷۰۱، ۲۰۶۸.
 ابوالقاسم (میرزا -) از اجزای پستخانه :
 ج ۳ ص ۲۱۲۲.
 ابوالقاسم (آقا سید -) : ج ۱ ص ۵۳۰.
 ابوالقاسم (حاجی میرزا -) : ج ۳ ص
 ۳۱۲۲.
 ابوالقاسم (میرزا -) بزد : ج ۱ ص ۵۲۳.

۵۴۶.
 ابوالقاسم (حاکم عمان) : ج ۱ ص ۲۱۲.
 ۲۱۳.
 ابوالقاسم احمد المستطی بالله (پسر المستنصر
 بالله، خلیفه غامی مصر) : ج ۱ ص
 ۳۴۸.
 ابوالقاسم اصفهانی (میرزا -) : نایب کاشان
 ج ۳ ص ۱۵۰۲.
 ابوالقاسم (آقا میرزا -) امام جمعه
 طهران : ج ۲ ص ۱۶۸۷، ۱۸۵۹.
 ابوالقاسم (امیر مکه) : ج ۱ ص ۳۷۲.
 ابوالقاسم انصاری : ج ۱ ص ۳۲۰.
 ابوالقاسم انوجور محمود، پسر احمد (حاکم
 مصر و شام) : ج ۱ ص ۲۵۹.
 ابوالقاسم بابر (میرزا -) : ج ۲ ص
 ۶۹۸ تا ۷۰۶، ۷۱۰.
 ابوالقاسم (شیخ -) پشنگار : ج ۱ ص
 ۵۲۷.
 ابوالقاسم ناجر اصفهانی (میرزا -) : ج
 ۲ ص ۲۱۲۶.
 ابوالقاسم ناجر بسطامی (حاجی -) : ج
 ۲ ص ۲۱۲۹.
 ابوالقاسم ناجر جهرمی (حاجی -) : ج ۲
 ص ۲۱۲۶.
 ابوالقاسم ناجر کابلی (حاجی -) : ج ۲
 ص ۲۱۲۸.
 ابوالقاسم ناجر گزونی (حاجی -) : ج ۲
 ص ۲۱۲۷.
 ابوالقاسم (حاجی میرزا -) ترجمان : ج ۱
 ص ۵۳۲، ج ۲ ص ۲۱۰۶.
 ابوالقاسم تفرشی (میرزا -) از ارباب
 قلم : ج ۲ ص ۱۷۵۵، ۲۰۶۸.
 ابوالقاسم جابلقی قبی (میرزا -) از اجله
 علما : ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 ابوالقاسم حسن بن احمد عنبری (شاعر) :
 ج ۱ ص ۲۱۲.
 ابوالقاسم حسن بن علی خوارزمی (وزیر
 دقای در دمشق) : ج ۱ ص ۲۲۸.
 ۳۲۹.
 ابوالقاسم حسین بن مکرم (حاکم عمان) :
 ج ۱ ص ۳۱۱.
 ابوالقاسم حکیمبانی (میرزا -) معلم
 طب : ج ۱ ص ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۶.

ج ۲ ص ۲۱۲۹، ۲۱۳۰.
 ابوالقاسم خلایقی (وزیر مقتدر) : ج ۱ ص
 ۲۳۹ تا ۲۴۱.
 ابوالقاسم خان : ج ۲ ص ۱۲۶۸، ۱۲۷۵.
 ابوالقاسم خان (میرزا -) : ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 ۲۱۰۲.
 ابوالقاسم خان (از اجزای پستخانه) : ج ۳
 ص ۲۱۰۲۲.
 ابوالقاسم خان ابنیک آقاسی : ج ۲ ص ۹۲۲.
 ابوالقاسم خان تبریزی (بابر اول) : ج ۱ ص
 ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۳، ج ۳ ص ۲۰۷۷.
 ابوالقاسم خان (میرزا -) پسر میرزای
 خان (منشی سهم دفتر سوم) : ج ۳ ص
 ۲۱۰۳.
 ابوالقاسم خان (میرزا -) رئیس : ج ۱ ص
 ۵۳۷.
 ابوالقاسم خان (رئیس سندج) : ج ۱ ص
 ۵۳۲.
 ابوالقاسم خان (میرزا -) سرنپ (رئیس
 تلگرافخانه اصفهان) : ج ۳ ص ۲۱۳۲.
 ۱۲۰۲، ۱۲۱۰، ج ۳ ص ۲۱۵۳.
 ابوالقاسم خان (میرزا -) سوهنگ (نایب
 دریابگی) : ج ۳ ص ۱۹۵۳.
 ابوالقاسم خان طاجار : ج ۱ ص ۵۴۰، ج
 ۲ ص ۱۲۶۸، ج ۳ ص ۲۱۱۸.
 ابوالقاسم خان (میرزا -) منشی دوم :
 ج ۱ ص ۵۳۷، ج ۲ ص ۱۲۶۵، ج ۳
 ص ۲۱۰۸.
 ابوالقاسم خان (میرزا -) منشی خصوصی :
 ج ۱ ص ۵۳۷، ج ۲ ص ۱۱۵۳، ج ۳
 ص ۲۰۹۷.
 ابوالقاسم خان (پسر مهدی خان) نایب
 فراشخانه : ج ۲ ص ۲۱۱۸.
 ابوالقاسم خان (میرزا -) نایب الحکومه
 تبریزگان : ج ۳ ص ۱۹۱۷.
 ابوالقاسم خان (نایب فراشخانه) : ج ۳ ص
 ۲۱۱۷.
 ابوالقاسم خان (نایب محله بازار) : ج ۱
 ص ۵۵۶.
 ابوالقاسم خان نوری (میرزا -) مستوفی
 در آذربایجان و حاکم مراغه : ج ۱ ص
 ۵۲۸، ج ۲ ص ۱۲۵۵، ج ۳ ص ۲۱۰۰.
 ابوالقاسم رشتی (حاجی -) : ج ۳ ص

۲۱۲۸.

ابوالقاسم (حاجی -) رئیس ارض اقدس:
ج ۱ ص ۵۴۴.

ابوالقاسم (میرزا -) سرشته دار دختر
لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۲ ص ۱۲۲۴.
ج ۲ ص ۲۰۶۸.

ابوالقاسم خان (سرهنک): ج ۱ ص ۵۱۵.
ج ۲ ص ۱۲۴۰.

ابوالقاسم سکوت (میرزا -) از اجله علما
وار خلفای مبدلوهاب ثانی: ج ۲
ص ۱۵۶۵.

ابوالقاسم، طبیبان بن ایوب طبرانی
(صاحب المطامع الثلاثة): ج ۱ ص
۲۷۳.

ابوالقاسم سکو بن واصل المکناسی (امیر
خوارج صغریه): ج ۱ ص ۱۲۷.

ابوالقاسم (میرزا -) شیخ الاسلام تبریز:
ج ۲ ص ۱۸۴۳.

ابوالقاسم صاحب بن عباد (وزیر موبد
الدوله): ج ۱ ص ۲۷۲.

ابوالقاسم بن طباطبائی الشریف، احمد بن
محمد (نقیب طالبین مصر): ج ۱ ص
۳۰۶.

ابوالقاسم، عبدالله بن احمد بن محمود
بلخی (متکلم معتزلی): ج ۱ ص ۲۲۲.

ابوالقاسم عبدالرحمان بن محمد الفرائسی
(فقیه شافعی): ج ۱ ص ۳۳۳.

ابوالقاسم، عبدالکریم بن هوزن القشیری
النیشابوری (فقیه و مفسر و شاعر):
ج ۱ ص ۳۳۲.

ابوالقاسم بن عبیدالله... مهدی علوی:
ج ۱ ص ۲۲۲، ۲۴۰، ۲۴۱.

ابوالقاسم علی بن برهان الاسدی (نحوی
و متکلم معتزلی): ج ۱ ص ۳۳۰.

ابوالقاسم علی بن حسن (حاکم صقلیه):
ج ۱ ص ۲۷۳، ۲۷۶.

ابوالقاسم، علی بن حسن، ابن عساکر نور
الدین دمشق (صاحب تاریخ دمشق):
ج ۱ ص ۲۰۲.

ابوالقاسم عمر بن عکرمه بن البرزلی (فقیه
شافعی): ج ۱ ص ۲۹۲.

ابوالقاسم (آقا سید -) فرائض خلوت:
ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.

ابوالقاسم فراهانی (میرزا -): ج ۲ ص
۱۵۲۹.

ابوالقاسم فردوسی (حکیم، صاحب
شاهنامه): ج ۱ ص ۲۹۰.

ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (میرزا -)
سید الوزراء: ج ۲ ص ۹۹۸، ۵۷۶.

ج ۲ ص ۱۲۲۸، ۱۲۳۶، ۱۵۵۲، ۱۵۵۶،
۱۵۶۲، ۱۶۵۸، ۱۶۰۸، ۱۶۱۴، ۱۶۲۰.

۱۶۲۵، ۱۶۲۸، ۱۶۲۲.
ابوالقاسم الکلودانی (وزیر المقدر): ج ۱
ص ۲۲۲.

ابوالقاسم (میرزا -) لشکر نویس: ج ۱ ص
۵۰۵.

ابوالقاسم (میرزا -) مجتهد گیلانی (از
علما): ج ۲ ص ۱۶۶۱.

ابوالقاسم بن میرزا محمد نقی (میرزا -)
ج ۲ ص ۱۶۲۷.

ابوالقاسم محمد بن الوزير الازدی الفروغی
(وزیر): ج ۲ ص ۶۲۵.

ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری، جار
الله (نحوی، صاحب کتاب الوصل):
ج ۱ ص ۳۷۹.

ابوالقاسم (میرزا -) مستوفی اصفهانی،
معین الملک: ج ۳ ص ۱۸۱۱، ۱۵۶۹.

۱۸۲۶، ۱۸۳۳، ۱۹۱۳، ۱۹۲۸.
ابوالقاسم مشرف (میرزا -) سواره دواند:

ج ۱ ص ۵۵۲، ۵۵۶، ج ۳ ص ۲۱۱۹.

ابوالقاسم (میرزا -) مضم طبع: ج ۱ ص
۲۶۵، ج ۳ ص ۲۰۰۶.

ابوالقاسم مغربی، حسین (وزیر قرواش)
ج ۱ ص ۳۰۲، ۳۰۶.

ابوالقاسم (حاجی -) طبع الدجل: ج ۲
ص ۱۲۲۸.

ابوالقاسم (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۲۹.
ج ۳ ص ۲۱۰۱.

ابوالقاسم (میرزا -) منشی دیوانخانه
عدلیه: ج ۲ ص ۱۲۵۵.

ابوالقاسم (میرزا -) منشی بزد: ج ۳ ص
۲۱۴۳.

ابوالقاسم (میرزا -) نايب اداره ایدار -
خانه: ج ۱ ص ۵۵۱، ج ۳ ص ۲۱۱۲.

ابوالقاسم (میرزا -) نايب ورامین: ج ۲
ص ۲۰۹۵.

ابوالقاسم نجم الدین حلی شیعی: ج ۲ ص
۵۹۶.

ابوالقاسم النسابی (وزیر سلطان محمود):
ج ۱ ص ۲۷۱.

ابوالقاسم (میرزا -) نویسنده: ج ۲ ص
۲۱۰۳.

ابوالقاسم بن واصل (سرکرده) غوارج
صغریه: ج ۱ ص ۱۵۶.

ابوالقاسم یوسف بن احمد بن کج (فقیه و
قاضی شافعی): ج ۱ ص ۲۹۹.

ابوقاتاده انصاری: ج ۱ ص ۷۸، ۶۷، ۲۸.

ابوکیلیجار بن سلطان الدوله (شاه فارسین
بها، الدوله بن عضدالدوله): ج ۱
ص ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳.

۳۱۵ تا ۳۱۹.
ابوکیلی، زمیم الدوله (برادر قرواش): ج
۱ ص ۳۲۰.

ابوکیلی، نصر بن صالح، شیل الدوله:
ج ۱ ص ۲۹۷.

ابوکیلیه (غلام حضرت رسول ص): ج ۱ ص
۲۹.

ابوکیلی منصوری (بناظر بنای قریه حله):
ج ۱ ص ۳۵۵.

ابولجه خان (ایلیمسنجه):
ابولولوه (غلام مغیره بن شمه): ج ۱
ص ۵۳.

ابولهب (عم پنهان ص): ج ۱ ص ۲۲.

ابولیلی (پادشاه دیلم): ج ۱ ص ۱۷۵.

ابومحذوره جمعی (مؤذن حضرت رسول ص
در مکه): ج ۱ ص ۸۰.

ابومحمد (پسر خواهر مذهب الدوله): ج
۱ ص ۳۰۲.

ابومحمد بن ابوالقاسم بن مکرم (حاکم
عمان): ج ۱ ص ۳۱۲، ۳۱۳.

ابومحمد، احمد بن محمد... جسریری
(صوفی): ج ۱ ص ۲۳۸.

ابومحمد اسود (حاکم دمشق): ج ۱ ص
۲۹۲.

ابوالمحمد (ولد ابیمارس): ج ۲ ص ۱۱۲۸.

ابومحمد برهان الدین قطب عالم بخاری:
ج ۲ ص ۲۰۲.

ابومحمد، حسن بن سهلان (وزیر سلطان
الدوله): ج ۱ ص ۲۹۲، ۳۰۰.

ابومحمد، حسن بن محمود رابنوی (صاحب تصانیف): ج ۱ ص ۳۶۲.
 ابوالمحمد خان اوزیک: ج ۲ ص ۹۰۸.
 ابومحمد، عبدالله بن احمد، ابن خشاب بغدادی (ادیب، مفسر و محدث): ج ۱ ص ۳۶۹.
 ابومحمد عبدالله الفارسی (نحوی، شاکرد مرید): ج ۱ ص ۲۶۲.
 ابومحمد، عبدالله بن ابی الوحش المصری (امام نحو): ج ۱ ص ۲۰۸.
 ابومحمد علی بن الیاس (پادشاه کرمان): ج ۱ ص ۲۷۰.
 ابومحمد القاسم بصری (صاحب مقامات حریری): ج ۱ ص ۳۶۶.
 ابومحمد المرتضی (صوفی): ج ۱ ص ۲۵۳.
 ابومحمد بن معروف بالحکم (قاضی بغداد): ج ۱ ص ۲۷۹.
 ابومحمد موسوی (پدر شریف رضی): ج ۱ ص ۲۷۲.
 ابومحمد بن هشام بن ایوب الحمیری (مؤلف سیره): ج ۱ ص ۱۸۲.
 ابومحمد یزیدی، یحیی بن مبارک (مطری، صاحب ابن علامتری): ج ۱ ص ۱۷۶.
 ابومحمد یوسف بن حسن بن عبدالله بن مرزبان (سرافی نحوی): ج ۱ ص ۲۸۸.
 ابو مرشد المنوی: ج ۳ ص ۳۶.
 ابومروان عبدالملک بن منصور، المظفر (حاکم اندلس): ج ۱ ص ۲۹۲.
 ابومریام (الاسقف): ج ۱ ص ۵۰.
 ابومریم، عبدالله بن عبدالرحمن (جاثلیق مصر): ج ۱ ص ۵۰.
 ابومسعود انصاری (حاکم کوفه): ج ۱ ص ۶۶.
 ابومسلم خراسانی، ابواسحاق ابراهیم: ج ۱ ص ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۸ تا ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۹.
 ابومسلم خولاسی (از کبار تابعین): ج ۱ ص ۸۲.
 ابومسلم فراخ نحوی (استاد کاشانی): ج ۱ ص ۱۶۷.
 ابوالمظفر اسفراینی: ج ۱ ص ۳۳۵.

ابوالمظفر سمانی: ج ۱ ص ۳۳۹.
 ابوالمظفر بن طنج (والی دمشق): ج ۱ ص ۲۵۹.
 ابوالمظفر عبدالله بن یونس، حلال‌الدین (وزیر الناصر عباسی): ج ۱ ص ۴۰۹.
 ابوالمظفر یحیی بن هبیره (وزیر المقنضی عباسی): ج ۱ ص ۲۸۲.
 ابوالمعالی: ج ۲ ص ۹۱۷.
 ابوالمعالی بن حسن بن عمران (حاکم بطحیه): ج ۱ ص ۲۸۱.
 ابوالمعالی شریف بن سیف الدوله بن حمدان، سعد الدوله: ج ۱ ص ۲۷۰ تا ۲۷۲، ۲۷۷، ۲۹۶.
 ابوالمعدیث، موسی بن ابراهیم الرافعی: ج ۱ ص ۱۹۵.
 ابوالمکارم شافعی: ج ۲ ص ۶۳۴.
 ابومنصور (پسر ابراهیم الحنفی لله): ج ۱ ص ۲۵۲، ۲۵۶.
 ابومنصور بهرام، عادل (وزیر ابوالکلیجار): ج ۱ ص ۴۱۵.
 ابومنصور دبلی: ج ۱ ص ۶۲۰.
 ابومنصور عبدالملک بن محمد اسمعیل الشعلانی السیثابوری (مؤلف یتیمه الدهر): ج ۱ ص ۴۱۲.
 ابومنصور بن علاء الدوله بن تاکویه (حاکم اصفهان): ج ۱ ص ۲۲۰.
 ابومنصور فلاستون بن ابوالکلیجار: ج ۱ ص ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲.
 ابومنصور، مروه بن احمد الجوالیقی (لقبی): ج ۱ ص ۳۸۰.
 ابومنصور (وزیر الربیب): ج ۱ ص ۳۶۴.
 ابوموسی اشعری (صحابی وائی کوفه): ج ۱ ص ۲۷، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۶، ۷۲، ۷۶.
 ابوالمهاججه: ج ۱ ص ۷۶.
 ابوالنجیب سهروردی (از مشایخ): ج ۱ ص ۳۹۶.
 ابونزار، حسن بن ابوالحسن (ملک النعمان): ج ۱ ص ۴۰۰.
 ابونصر احمد (برادر سعاد الدوله): ج ۱ ص ۲۸۵.
 ابونصر احمد بن اسماعیل سامانی (شسبانه

خراسان): ج ۱ ص ۲۲۷، ۲۳۰ تا ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۳۹.
 ابونصر، احمد بن مروان کوردی (حاکم دیار بکر): ج ۱ ص ۳۱۸.
 ابونصر، اسماعیل بن احمد (حمدان جوهری صاحب صحاح): ج ۱ ص ۲۹۴.
 ابونصر، امیر حسن بیگ آق قویونلو (اوزن حسن): ج ۲ ص ۷۱۹ تا ۷۲۵، ۷۲۳.
 ابونصر، یحیی الدوله بن عضد الدوله: ج ۱ ص ۲۸۲.
 ابونصر یاراسا (خواجه -) (عارف نقشبندی): ج ۲ ص ۷۱۱.
 ابوالنصر حسن بیگ آق قویونلو: ج ۳ ص ۱۳۶۳.
 ابونصر زینبی، عباس (محدث و نقیب هاشمیین): ج ۱ ص ۳۴۱.
 ابونصر، شیرزاد بن حسن بن مروان (امیر بطحیه): ج ۱ ص ۳۰۴.
 ابونصر، عبداللید بن ... الصباغ (فقیه شافعی): ج ۱ ص ۳۴۰.
 ابونصر، عبدالملک بن یوسف: ج ۱ ص ۳۳۲.
 ابونصر، علی بن وزیر ابوالقاسم هبه الله ابن ماکولا: ج ۱ ص ۳۳۹.
 ابونصر بن لؤلؤ، مرتضی الدوله: ج ۱ ص ۲۹۶.
 ابونصر، محمد بن طرخان الفارابی (فیلسوف، معلم ثانی): ج ۱ ص ۲۶۰.
 ابونصر موسکان (کاتب محمود و مسعود غزنوی): ج ۱ ص ۳۱۳.
 ابوالنصر میرزا (حاجی -) پسر حاجی حسام السلطنه سلطانمراد میرزا: ج ۱ ص ۵۰۱، ۱۲۱۹.
 ابونصر بن البهیم: ج ۱ ص ۳۱۸.
 ابونعمان: ج ۱ ص ۱۹۹.
 ابونعمان، احمد بن عبدالله الاصفهانی: ج ۱ ص ۴۱۲.
 ابونعمان، عبدالملک جرجانی اشتراک‌آبادی (فقیه شافعی): ج ۱ ص ۲۴۵، ۲۴۸.
 ابونعمان فضل تميمی (از مشایخ بخاری و مسلم): ج ۱ ص ۱۸۵.
 ابونواس، حسن بن هانی: ج ۱ ص ۱۷۱.
 ابووائل، شقیق بن سلمه الاسد الکوفی: ج ۱ ص ۹۶.

ابوالورد بن کوثر (از اصحاب مروان حمار):
 ج ۱ ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳.
 ابوالوطا (سردار لشکر عهد الدوله): ج ۱
 ص ۲۷۸.
 ابوالوطا محمد بن محمد الموزجانی (المهندس
 المحاسب): ج ۱ ص ۲۸۹.
 ابوالولی شعری (میرزا - وزارت دیوان
 اعلیٰ): ج ۲ ص ۸۸۲، ۸۷۸.
 ابوالولی قاضی مسکر: ج ۲ ص ۸۷۵.
 ابوالولید احمد بن عبدالله الاندلسی
 القرطبی (شاعر و وزیر المعتضد حاکم
 اشبیلیه): ج ۱ ص ۳۳۲.
 ابوالولید بن عبدالطک بن قطن النحوی
 القیروانی: ج ۱ ص ۲۰۴.
 ابوالولید الناصر (عالم اندلس): ج ۱ ص
 ۳۳۸.
 ابوالهادی خان (ولد نقی خان): ج ۳ ص
 ۱۴۲۲.
 ابوهاشم بن ابی علی الجبائی (متکلم
 معتزلی): ج ۱ ص ۲۴۷.
 ابوهدیل محمد بن هذیل الطلاف البصری
 (شیخ معتزله): ج ۱ ص ۱۸۸.
 ابوهریره (از صحابه): ج ۱ ص ۵۱، ۸۰.
 ابوالهثیم (ابوالهثیم بن الضیهان)
 (نقیب رسول الله واز امیران سپاه
 علی ع): ج ۱ ص ۶۲، ۶۵.
 ابوالهیجه، عبدالله بن حمدان: ج ۱ ص
 ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۶.
 ابویحیی، عبدالرحیم بن اسماعیل بن نباته
 (خطیب): ج ۱ ص ۲۸۲.
 ابویحیی بن قایس هوزی: ج ۱ ص ۱۴۸.
 ابویزید (خارجی): ج ۱ ص ۲۵۷، ۲۵۸،
 ۲۶۲.
 ابویزید بسطامی (طغفور بن عیسی): ج ۱
 ص ۲۰۹.
 ابوالیسر، کعب بن عمرو نامری: ج ۱ ص
 ۲۹.
 ابویحیوب، اسحاق بن اسماعیل نوبختی:
 ج ۱ ص ۲۲۵.
 ابویحیوب بن عبدالنور: ج ۱ ص ۴۰۰.
 ابویحیوب بن یحیوب (از آل مرین): ج ۱
 ص ۲۳۰.
 ابویحیوب، یوسف بن یحیی یحیی دلفیه):

ج ۱ ص ۱۹۰.
 ابویحی محمد بن الحسن الفراء: ج ۱ ص
 ۴۳۱.
 ابویوسف قاضی، یحیوب بن ابراهیم (صاحب
 ابوحنیفه): ج ۱ ص ۱۵۴، ۱۶۴.
 ابویوسف، یحیوب بن اسحق بن سکیست
 (نحوی لغوی): ج ۱ ص ۱۹۸.
 ابی: ج ۱ ص ۲۲.
 ابی بکر دقاق: ج ۱ ص ۲۵۶.
 ابی بکر بن عمر (رفیق لموتنه): ج ۱ ص
 ۲۲۲.
 ابی بکر: ج ۱ ص ۴۹.
 ابی بلال، مرداس بن جندب الحنظلی (از
 خوارج): ج ۱ ص ۸۵، ۸۴.
 ابی تبسم، سعد بن منصور اسماعیل الممیز
 الدین الله: ج ۱ ص ۲۶۲.
 ابی ثور (صاحب شافعی): ج ۱ ص ۲۳۰.
 ابی حمزه خارجی، مختار بن عوف ازدی
 سلمی بصری: ج ۱ ص ۱۲۸، ۱۲۹.
 ابی حیا (حکیم نصرانی، استاد فارابی):
 ج ۱ ص ۲۶۰.
 ابی سیره بن رهم: ج ۱ ص ۱۴۲، ۴۸.
 ابی سفیان بن حارث بن عبدالملک بن
 هاشم: ج ۱ ص ۴۹، ۵۲.
 ابی سلمه: ج ۱ ص ۲۴.
 ابی الشواب (قاضی بغداد): ج ۱ ص
 ۲۶۲.
 ابی العاص بن الربیع: ج ۱ ص ۳۶۰، ۲۷.
 ابی عبدالله شیبی: ج ۱ ص ۲۲۸ تا ۲۳۰.
 ابی عمرو (قاضی): ج ۱ ص ۲۳۲.
 ابی عمرو بن العلاء، عری: ج ۱ ص ۱۷۶.
 ابی فریک (فدیک خارجی): ج ۱ ص ۹۰.
 ابی فحافه (پدر ابی بکر): ج ۱ ص ۴۱.
 ابی بن کعب: ج ۱ ص ۴۹.
 ابی لیلی فدکی: ج ۱ ص ۳۵، ۷۲، ۳۶.
 ابی مریم: ج ۱ ص ۷۲.
 ابی هریره، محمد بن فروخ (حاکم جزیره):
 ج ۱ ص ۱۵۸.
 ابشخدر سیسانوف
 اتابک، ابوبکر بن سعد: ج ۲ ص ۵۸۰.
 اتابک، ابوطاهر (از اتابکان لرستان): ج ۲
 ص ۶۵۷.
 اتابک اعظم، میرزا نقی خان امیرکبیر:

ج ۲ ص ۱۸۹۷.
 اتابک، افراسیاب (از اتابکان لرستان):
 ج ۲ ص ۶۵۷.
 اتابک، افراسیاب بن یوسف شاه (آخرین
 اتابکان لرستان): ج ۲ ص ۶۵۷.
 ۶۸۳.
 اتابک، الب ارغون (از اتابکان لرستان):
 ج ۲ ص ۶۵۷.
 اتابک، تکه از اتابکان لرستان: ج ۲ ص
 ۶۵۷.
 اتابک، سعد زنگی: ج ۲ ص ۶۲۰.
 اتابک نصرالدین احمد (از اتابکان لرستان):
 ج ۲ ص ۶۵۷.
 اتابک، هزار اسب (از اتابکان لرستان):
 ج ۲ ص ۶۵۷.
 اتابک، یوسف شاه (از اتابکان لرستان):
 ج ۲ ص ۹۸۲.
 اتابک اعظم - تقی خان (میرزا - امیرکبیر
 تاتاری ترکمنی): ج ۱ ص ۲۰۱.
 تاتاری ناصری، سیف الدین: ج ۲ ص ۶۲۰،
 ۶۲۲.
 اتانلیز محرم: ج ۲ ص ۱۶۵۱، ۱۷۱۱.
 اتاب: ج ۲ ص ۱۷۵۴.
 اتیز (حکمران دمشق): ج ۱ ص ۳۳۶،
 ۳۳۷.
 اتیز بن محمد بن انوشکین خوارزم شاه:
 ج ۱ ص ۲۵۰، ۲۷۶ تا ۲۸۷، ۳۷۹.
 اتیز زید: ج ۲ ص ۱۷۶۴.
 اتین سیم و امیر طاهر آلمان: ج ۱ ص ۲۹۱.
 اتین (پادشاه یونان): ج ۲ ص ۱۶۱۲.
 ۱۸۲۷، ۱۶۱۹.
 اتیلهستان (پادشاه انگلستان): ج ۱ ص
 ۲۳۹.
 اتی بن (پادشاه مجارستان): ج ۱ ص ۲۹۱.
 اثیرالدین ابوحیان محمد: ج ۲ ص ۶۳۴.
 اثیر الدین ابهری: ج ۲ ص ۵۹۰.
 احتساب الملک (حاکم ملایرو... استوفی):
 ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص ۱۲۵۵، ج ۲
 ص ۲۰۳۷.
 احتشام الدوله: ج ۲ ص ۱۷۳۳، ۱۷۳۲.
 ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷،
 ۱۸۲۵، ۱۸۴۳، ۲۰۷۱.

احتشام الدوله . خانلر ميرزا : ج ۳ ص ۱۷۰۱ ، ۱۷۷۰ ، ۱۸۱۵ .
احتشام الدوله . مرتب اول : ج ۱ ص ۵۰۷ .
ج ۲ ص ۱۲۲۷ .
احتشام الدوله . سلطان اويس ميرزا : ج ۲ ص ۱۲۱۹ ، ج ۳ ص ۱۹۴۰ ، ۲۰۶۲ .
احتشام السلطنه ، ابراهيم ميرزا (اميرزاده) : ج ۲ ص ۱۲۱۹ ، ج ۳ ص ۱۹۲۶ ، ۲۰۶۲ ، ۲۱۲۳ .
احتشام الملک . عبدالطی میرزا ، پراحتشام الدوله (حاکم کاشان) : ج ۳ ص ۱۹۰۵ ، ۱۹۵۸ ، ۲۰۶۲ ، ۲۰۷۱ .
احدب . مژور شبیه نویس : ج ۱ ص ۲۷۹ .
احسان خان . ولد کبعلی خان نجفوانی : ج ۳ ص ۱۵۷۵ ، ۱۵۷۶ .
احمد (آقا میرزا سید - کاتب) : ج ۱ ص ۱۲۹۳ .
احمد : ج ۱ ص ۳۳۵ .
احمد (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۲۵ ، ۱۲۲۶ ، ۱۲۷۸ .
احمد آشتیانی (میرزا -) : لشکر نویس : ج ۱ ص ۵۰۶ ، ج ۲ ص ۱۲۲۵ ، ج ۳ ص ۲۰۷۰ .
احمد آقا : ج ۲ ص ۱۰۷۶ ، ۱۲۶۸ .
احمد آقا (غلام) : ج ۲ ص ۱۰۲۵ .
احمد آقا اردبیلی (وزارت تجارت) : ج ۳ ص ۲۱۲۵ .
احمد آقا فولر آقاسی : ج ۲ ص ۱۰۶۹ ، ۱۰۷۰ .
احمد آقا (فونسل برسا) : ج ۱ ص ۵۳۲ .
احمد آقا (نایب قراشخانه) : ج ۳ ص ۲۱۱۷ ، ۲۱۱۸ .
احمد (حاجی -) فونسل برمان : ج ۳ ص ۲۱۰۶ .
احمد ابوردی : ج ۲ ص ۷۶۳ .
احمد احسانی : ج ۲ ص ۱۶۷۰ .
احمد اردبیلی (ملا -) مقدس اردبیلی : ج ۲ ص ۹۰۸ .
احمد بن اسمعیل بن علی (حاکم موصل) : ج ۱ ص ۱۵۴ .
احمد بن اغلب : ج ۱ ص ۱۹۱ .
احمد الحندی (فونسل عک) : ج ۱ ص ۵۳۲ .
احمد افندی کریمی : ج ۲ ص ۱۱۳۳ ، ۱۱۳۷ .

احمد بن امام موسی کاظم (سید میر -) : ج ۲ ص ۱۰۲۶ ، ج ۳ ص ۱۶۲۱ .
احمد بدوی (سید -) : ج ۲ ص ۵۹۳ .
احمد بن ابی بکر علی المستنصر بالله ابوالقاسم عباسی : ج ۳ ص ۵۸۲ ، ۵۸۳ .
احمد بن بکر (حاکم فاس) : ج ۱ ص ۲۶۴ .
احمد بیگ س اغلو : ج ۲ ص ۷۳۶ ، ۷۳۷ .
احمد بیگ ترکمان : ج ۲ ص ۷۸۵ ، ۷۹۶ .
احمد بیگ دنبلی : ج ۲ ص ۱۱۶۲ .
احمد بیگ صوفی اوغلی : ج ۲ ص ۷۵۰ ، ۷۵۵ ، ۷۵۸ .
احمد بیگ . پسر علا الدوله ذوالقدر : ج ۲ ص ۷۵۰ .
احمد بیگ . ولد علیرضا خان یاور : ج ۱ ص ۵۱۰ .
احمد بیگ (نایب محله دروازه شمیران) : ج ۱ ص ۵۵۶ .
احمد بیگ (از یاوران خراج فوج) : ج ۲ ص ۱۲۳۱ .
احمد (حاجی میرزا -) تاجر شیرازی : ج ۳ ص ۲۱۲۶ .
احمد (آقا میرزا -) تاجر کاشانی : ج ۳ ص ۲۱۲۶ .
احمد پاشا : ج ۳ ص ۱۸۰۷ ، ۱۸۰۹ ، ج ۲ ص ۱۸۰۹ ، ج ۳ ص ۱۸۰۷ .
احمد پاشا (ار شمرای عثمانی) : ج ۲ ص ۷۳۶ .
احمد پاشا امیرالامرا : ج ۲ ص ۸۲۲ .
احمد پاشا بیگلربیگی موصل : ج ۲ ص ۹۳۷ .
احمد پاشا باج آلان : ج ۲ ص ۱۰۳۲ .
احمد پاشا جمال اوغلی (سرعسکر عثمانی) : ج ۲ ص ۱۱۲۰ .
احمد پاشا (حاکم بغداد) : ج ۳ ص ۱۰۱۳ ، ۱۰۳۸ ، ۱۰۳۲ ، ۱۰۳۳ ، ۱۱۲۹ .
احمد پاشا (سردار عثمانی) : ج ۲ ص ۷۳۰ ، ۹۳۷ .
احمد پاشا (برادر عبدالرحمان پاشا) : ج ۲ ص ۱۵۰۱ .
احمد پاشا (والی تونس) : ج ۳ ص ۱۷۲۶ .
احمد (میرزا -) پیشکار همدان : ج ۳ ص ۲۱۲۸ ، ۲۱۲۹ .
احمد تنوی (ملا -) : ج ۲ ص ۸۷۳ .
احمد (میرزا سید -) نجات : ج ۲ ص

۱۲۵۶ .
احمد الثوری (مورخ) : ج ۲ ص ۶۲۷ .
احمد چلبی : ج ۳ ص ۱۳۷۸ ، ۱۳۷۹ ، ۱۳۹۸ .
۱۵۴۲ .
احمد بن حسن بن ابی بکر :
احمد بن الحسین المیمندی (وزیر محمود و مسعود غزنوی) : ج ۱ ص ۲۰۹ .
احمد بن حمر بن طغاج (پادشاه مسار) :
المهر : ج ۱ ص ۳۳۲ .
احمد بن حنبل بن هلال (صاحب مستند) : ج ۱ ص ۱۸۱ ، ۱۸۵ ، ۱۹۲ ، ۱۹۶ ، ۳۳۱ .
احمد بن ابوالخالد (پیشکار طحطحین طاهر ذوالیمینین) : ج ۱ ص ۱۷۹ .
احمد خان (حاجی میرزا -) : ج ۳ ص ۱۷۳۳ ، ۱۷۳۵ .
احمد خان (میر -) : ج ۳ ص ۱۷۵۵ .
احمدخان (متوفی فارسی) : ج ۱ ص ۵۲۹ .
احمد خان (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۰ ، ۵۲۵ .
احمدخان (ولد آزاد خان افغان) : ج ۳ ص ۱۳۹۵ ، ۱۳۹۶ .
احمد خان (پادشاه سمرقند) : ج ۱ ص ۳۴۳ ، ۳۴۸ .
احمد خان (پسر میرزا نقی خان امیرکبیر) : ج ۲ ص ۱۸۱۲ .
احمد خان (پسر خستخان فیلی) : ج ۲ ص ۱۶۶ .
احمد خان (از طائفه شاه بوداغلو) : ج ۱ ص ۵۰۳ .
احمد خان (از خوانین سیجاق) : ج ۲ ص ۷۲۷ .
احمد خان آجودانیاشی : ج ۱ ص ۵۱۱ .
احمد خان ابدالی (احمد شاه) : ج ۲ ص ۱۱۴۲ ، ۱۱۴۳ ، ۱۱۵۶ ، ۱۱۶۲ ، ۱۱۶۸ .
احمد خان (النجه خان) : ج ۲ ص ۶۲۹ .
احمد خان اوزی (امیر -) : ج ۳ ص ۱۷۶۹ .
احمد خان بستکی : ج ۲ ص ۱۴۹۶ .
احمد خان بهارلو : ج ۲ ص ۱۷۲۲ .
احمد خان (میرزا -) پسر امیر نظام علا الدوله (پیشخدمت خاصه و سرتیب اول) : ج ۱ ص ۲۷۱ ، ج ۲ ص ۱۱۸۲ ، ۱۱۹۱ ، ج ۳ ص ۲۰۲۵ ، ۲۰۲۰ ، ۲۰۲۵ .

۲۰۳۷، ۲۰۴۰، ۲۰۴۲
 احمد خان (ولد بیگلر بیگی): ج ۱ ص ۵۲۶
 احمد خان (پیشخدمت مخصوص): ج ۱ ص ۵۳۹
 احمد خان تنگچی آقاسی: ج ۲ ص ۱۰۱۵
 احمدخان جمشیدی (میر): ج ۲ ص ۱۷۵۵
 احمدخان (حاکم بختیاری): ج ۲ ص ۱۰۳۱
 احمدخان (برادر حاجی خازن الملک): ج ۲ ص ۱۲۹۶
 احمدخان (میرزا) رئیس توپسراگان: ج ۱ ص ۵۴۳
 احمدخان (میرزا) ساعد الملک امیر توطان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۸۵۲، ۱۸۵۱، ۱۸۵۷
 احمدخان سرتیپ: ج ۲ ص ۱۲۳۸، ج ۳ ص ۲۰۸۲
 احمدخان، سرتیپ اول (سولران مهدیه): ج ۲ ص ۱۲۵۶، ج ۳ ص ۲-۸۵
 احمدخان (میرزا) سرتیپ کارپرداز: ج ۱ ص ۵۳۵
 احمدخان (حاجی) سرهنگ: ج ۲ ص ۲۰۹۲
 احمدخان، سرهنگ جماعت با جلان: ج ۱ ص ۵۲۱
 احمدخان (سرهنگ خواجه فوج): ج ۲ ص ۱۲۲۹
 احمدخان (میرزا) سرهنگ، صاحب منصب فوج: ج ۲ ص ۲۱۲۴
 احمدخان سرهنگ (تومان، فوج ۲ نصر): ج ۱ ص ۵۱۶، ۵۱۳، ۵۱۲، ۵۰۸
 ج ۲ ص ۱۲۳۲، ۱۲۳۱، ج ۳ ص ۲۰۷۳، ۲۰۸۲، ۲۰۹۱
 احمدخان سوادکوهی، سرکرده: ج ۱ ص ۴۶۹
 احمدخان سور: ج ۲ ص ۸۷۱
 احمدخان (حاجی) ناظر بانی: ج ۱ ص ۵۵۲
 ج ۲ ص ۱۲۹۵، ج ۳ ص ۲۱۲۰
 احمدخان (ازطافه شاه بوداغلو): ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵
 احمدخان (میرزا) پسر حاجی شجاع الملک نایب آجودانباشی: ج ۱ ص ۵۰۹
 ج ۲ ص ۱۲۳۰، ج ۳ ص ۲۰۷۳
 احمدخان، متخلص به شعله (برادر محمد مهدی خان): ج ۲ ص ۱۵۹۲
 احمدخان (پسر علی رضا خان) بابور: ج ۲ ص ۲۰۷۵
 احمدخان عبدالملک: ج ۱ ص ۴۲۰

احمدخان قاجار: سرهنگ مهندس: ج ۱ ص ۵۱۰، ج ۲ ص ۱۲۷۷، ج ۳ ص ۲۰۷۶
 احمدخان قاجاردینو (میرزا): ج ۳ ص ۱۶۲۰
 احمدخان قزل باغ: ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵
 احمدخان (میرزا) گنبد ازبک: ج ۱ ص ۵۳۲
 احمدخان مراغهای (صبیه): ج ۲ ص ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲
 احمدخان (میرزا) مستشار: ج ۱ ص ۵۳۵
 احمدخان (مستشار طرارت ایران در ریاس): ج ۲ ص ۱۱۸۷، ج ۳ ص ۲۱۰۷، ۲۱۰۵
 احمدخان (میرزا) مستوفی (مأمور غرضی): ج ۲ ص ۲۱۰۰
 احمدخان مقدم، بیگلربیگی تبریز: ج ۳ ص ۱۲۷۸، ۱۲۷۱
 احمدخان (پسر ملک الشیراز) مهندس: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۷۷
 احمدخان (میرزا) ناظم دیوان: ج ۳ ص ۱۷۴۸
 احمدخان (نایب): ج ۲ ص ۱۲۶۸، ج ۳ ص ۱۲۳۲
 احمدخان، نایب آجودانباشی: ج ۲ ص ۱۲۳۳، ج ۳ ص ۲۰۷۷
 احمدخان (نایب اول صاف و شیراز در فرانسه): ج ۳ ص ۱۱۰۹
 احمدخان (نایب قاپوچی بانی): ج ۳ ص ۲۱۱۸
 احمدخان (میرزا) نایب وزارت امور خارجه: ج ۳ ص ۱۸۲۶، ۱۸۲۵
 احمدخان (میرزا) نایب و منشی کردستان: ج ۱ ص ۵۳۶
 احمدخان نوالی: ج ۲ ص ۱۶۷۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۳، ۱۷۲۹، ۱۷۹۶، ۱۸۴۹
 احمدخان (والی اردلان): ج ۲ ص ۹۲۶
 احمد بن امیر داود: ج ۱ ص ۱۹۲
 احمد بن دایم: ج ۲ ص ۵۸۸
 احمد بن رشید (عموی وائل عباسی): ج ۱ ص ۲۰۲
 احمد رئیس اندجار (حاجی میرزا) ناظم امور تجارت: ج ۱ ص ۵۲۶
 احمد (میرزا سید) رئیس محله بازار: ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۰۹۶، ۱۲۵۲

احمد (میرزا) سررشته دار دفتر لشکر: ج ۱ ص ۵۵۲، ۵۵۵، ج ۲ ص ۱۲۲۴، ج ۳ ص ۲۰۶۸
 احمد (میرزا سید) سررشته دار دفتر لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۲ ص ۱۲۲۴، ج ۳ ص ۲۰۶۹
 احمد (میرزا) سررشته دار دفتر لشکر سلطان: ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۶
 احمد (میرزا) سررشته دار کشیکخانه: ج ۱ ص ۲۷۱
 احمد (میرزا) سررشته دار گل: ج ۲ ص ۱۲۶۷
 احمد (میرزا) سررشته دار وزارت دربار: ج ۱ ص ۵۲۹
 احمد (میرزا) سررشته دار، مستوفی: ج ۲ ص ۲۰۳۸
 احمد (میرزا) سرهنگ، ضابطی: ج ۳ ص ۱۵۰۴، ۱۵۰۶
 احمد بن سعد گلانی (نایب اختیار): ج ۱ ص ۲۷۰
 احمد بن سگهان (حاکم خلاط): ج ۱ ص ۲۶۱
 احمد سلطان: ج ۲ ص ۷۵۳
 احمد سلطان خاتون: ج ۳ ص ۷۸۸
 احمد سلطان صوفی ارغلی: ج ۲ ص ۸۰۰
 احمد سیوطی: ج ۱ ص ۱۶۶
 احمد شاپور خوشنویس (میرزا): ج ۳ ص ۱۶۹۲
 احمد شاه ابدالی: ج ۲ ص ۱۳۲۰
 احمد شاه افغان: ج ۲ ص ۱۱۵۲، ۱۱۲۳
 ج ۳ ص ۱۳۲۸
 احمد شاه بهمنی: ج ۲ ص ۶۸۲، ۶۸۶، ۶۹۶
 ج ۳ ص ۷۷۵
 احمد شاه گجراتی (والی گجرات): ج ۲ ص ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۶
 احمد شاهین محمد شاه اسدی: ج ۲ ص ۱۱۵۶
 احمد شاه ابن محمد شاه مابری: ج ۲ ص ۱۱۵۶
 احمد شیخ الاسلام (میرزا) پسر میرزا عبدالکریم: ج ۳ ص ۱۸۶۵
 احمد بن طاهر بن ناصر عباسی: ج ۲ ص ۲۶۲
 احمد الطباطبائی الاردستانی الاصفهانی ابن سید محمد رضا: ج ۱ ص ۲۹۲

احمد طبیب اصفهانی (میرزا) : ج ۳ ص ۱۲۱۶
 احمد بن طولون (والی مصر) : ج ۱ ص ۲۰۳
 ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲ تا ۲۱۳
 احمد بن عبدالعزیز بن ابی دلف : ج ۱ ص ۲۲۱، ۲۱۹، ۲۱۵
 احمد بن عبدالملک بن عطاش (بزرگ باطنیه) : ج ۱ ص ۳۵۸
 احمد الحمینی : ج ۱ ص ۲۱۸
 احمد عراقی پاشا : ج ۳ ص ۲۰۵۳، ۲۰۵۲
 احمد عرب شاه (ادیب) : ج ۲ ص ۷۰۲
 احمد علیخان، سرهنگ : ج ۱ ص ۵۲۲
 احمد علی صلیبی، ملک مکرم : ج ۱ ص ۲۲۸، ۳۲۹
 احمد علی میرزا (پسر فتح علی شاه) والی خراسان : ج ۳ ص ۱۶۰۰، ۱۵۹۸، ۱۵۹۷، ۱۶۶۹، ۱۶۰۲، ۱۶۰۱، ۱۶۰۵، ۱۶۰۷، ۱۶۲۳، ۱۶۷۴
 احمد غزالی — ابو الفتح ...
 احمد غفاری (قاضی) : ج ۲ ص ۸۵۳
 احمد بن فارسی، ابو عبد الله محمد (حافظ اصفهانی) : ج ۱ ص ۲۹۲
 احمد بن فصیح طبری کوفی : ج ۲ ص ۶۳۹
 احمد فتاحی خلخالی (شیخ) — شاعر : ج ۲ ص ۸۵۲
 احمد (آقا میرزا سید) — کاتب روزنامه اطلاع : ج ۱ ص ۵۵۵، ج ۳ ص ۲۱۳۸
 احمد کردار دلانی : ج ۲ ص ۹۸۷
 احمد کرمانشاهی (حاجی ملا) — از اجلاس علما : ج ۳ ص ۱۵۴۲، ۱۶۶۰
 احمد بن کلیب (شاعر) : ج ۱ ص ۳۱۰
 احمد کهنو (شیخ) : ج ۲ ص ۶۹۷
 احمد بن کوطنج (والی دمشق و مصر) : ج ۱ ص ۲۲۹، ۲۲۷، ۲۲۶
 احمدلر (مرید فضل الله استرآبادی) : ج ۲ ص ۶۸۵، ۶۸۴
 احمد (میرزا) — لشکر نویس : ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۲۰۲۰
 احمد، لشکر نویس آذربایجان : ج ۱ ص ۵۰۶
 احمد (میرزا) — مباشر توپرگان، از اجزای پستخانه : ج ۲ ص ۱۲۷۴، ج ۳ ص ۲۱۲۳
 احمد بن متوکل، المستند علی الله (خلیفه

عباسی) : ج ۱ ص ۲۰۹، ۲۰۷، ۲۰۶
 احمد (حاجی میرزا) — مجتهد : ج ۲ ص ۱۳۰۰
 ج ۳ ص ۲۱۲۵
 احمد بن میرزا (قاضی قزوین) : ج ۱ ص ۱۸۶
 احمد بن محمد بن حنفیه : ج ۱ ص ۲۱۸
 احمد بن محمد بن علی، ابن خیاط (شاعر) : ج ۱ ص ۲۶۷، ۲۲۲
 احمد بن محمد الصری، احمد العین : ج ۱ ص ۱۸۲
 احمد بن محمد بن فرات : ج ۱ ص ۲۲۲
 احمد بن محمد بن محمود بن سبکتگین : ج ۱ ص ۳۱۵
 احمد مدنی (شیخ) : ج ۲ ص ۱۱۱۲
 احمد بن مرتد : ج ۱ ص ۱۷۱
 احمد (میرزا) — مستوفی : ج ۳ ص ۲۰۹۹
 احمد (میرزا سید) — مستوفی حکومت عراق : ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۳ ص ۲۰۹۹، ۱۹۱۲
 احمد (میرزا) — منشی : ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۲۰۶۹
 احمد (میرزا) — منشی آذربایجان : ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۲۰۷۰
 احمد (میرزا) — منشی اداره خزانه : ج ۳ ص ۲۱۱۱
 احمد (میرزا) — منشی باشی مستوفی : ج ۱ ص ۵۵۷
 احمد (حاجی ملا) — منشی مغارت عثمانی در کرمانشاهان : ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۳ ص ۲۱۰۷
 احمد (میرزا) — منشی مخصوص تحریر ولایات : ج ۱ ص ۵۵۲
 احمد، پسر مهدب الدوله : ج ۱ ص ۳۰۲
 احمد بن مهنا : ج ۲ ص ۶۳۶، ۶۳۴
 احمد میرزا : ج ۳ ص ۱۷۴۱، ۱۷۶۶، ۲۰۶۲
 احمد میرزا (پسر تیمور میرزا) — نایب آجودان پاشا : ج ۱ ص ۵۱۹، ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۹
 ج ۳ ص ۱۸۷۲، ۲۰۷۳
 احمد میرزا (شاهزاده قاجار) حاکم گهاپگان : ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۳ ص ۱۸۱۲
 احمد میرزا (صاحب منصب اداره) : ج ۲ ص ۱۲۵۲
 احمد میرزا صفوی : ج ۲ ص ۱۷۰۱
 احمد میرزا (پسر عباس میرزا) : ج ۳ ص ۱۶۱۷

۱۷۱۳، ۱۶۲۹
 احمد میرزا (از امراء قواقلو) : ج ۱ ص ۵۰۲
 ج ۲ ص ۱۲۳۰
 احمد میرزا، پسر کیهان میرزا (نایب آجودان پاشا) : ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۹
 احمد میرزا مدین الدوله (عموی ناصرالدین شاه) : ج ۱ ص ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۱۹
 ج ۳ ص ۱۸۲۹، ۱۸۳۹، ۱۹۹۲، ۲۰۳۹، ۲۰۶۲
 احمد میرزا (نایب سرهنگ) : ج ۳ ص ۲۰۹۷
 احمد میرزا (نایب دوم وزارت خارجه) : ج ۲ ص ۱۲۱۷
 احمد بن نصر بن ملک خزاعی : ج ۱ ص ۱۹۰
 احمد بن نصر : ج ۱ ص ۱۳۵
 احمد (میرزا) — ناظم دیوان : ج ۳ ص ۱۷۲۲
 احمد نظام شاه : ج ۲ ص ۷۵۰
 احمد نظام الملک (والی خیبر) : ج ۲ ص ۷۴۱
 احمد (آقا شیخ) — واعظ : ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۲ ص ۲۱۱۲
 احمد (میرزا) — وزیر محمد خان ترکمان : ج ۳ ص ۱۲۲۴
 احمد وفق اخندی : ج ۳ ص ۱۷۶۰
 احمد (میرزا) — وکیل دیوانخانه : ج ۳ ص ۱۷۱۸
 احمد هانیف اصفهانی (آقا سید) — صاحب ترجیع بند : ج ۳ ص ۱۲۹۵
 احمد هندی (تاریخ کافیه) : ج ۲ ص ۷۸۶
 احمد بن یحیی بن اسحاق زسندیقی ابن راوندی : ج ۱ ص ۲۲۶
 احمد بن یعقوب (حاکم مقلبه) : ج ۱ ص ۲۰۶
 احمد بنی بن آلسفر : ج ۱ ص ۲۰۱
 احمد بن یحیی بن علی : ج ۲ ص ۶۳۹
 احمد بن یوسف کراچی : ج ۲ ص ۵۹۷
 احمد بن یوسف المازنی (عالم و شاعر) : وزیر ابونصر کردی : ج ۱ ص ۳۱۸
 احنف بن عبدالله : ج ۱ ص ۵۸
 احنف بن قیس، ابو جهر الضحاک (اسرار اسلام) : ج ۱ ص ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۸۰، ۶۴۰
 اختر الدوله (دختر ناصرالدین شاه) : ج ۳ ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۲۰۶۲

اهرید (پادشاه گش): ج ۱ ص ۱۳۲.
 اعشید محمد بن خلیجین جف (والی مصر):
 ج ۱ ص ۱۲۹، ۱۲۵، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴.
 ۱۲۷۰، ۱۲۶۶، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰.
 اخیش نهوی بهری: ج ۱ ص ۱۸۱.
 اخیش شجاع الدین: ج ۲ ص ۶۲۲.
 ادریس (میرزا) رئیس پستخانه استرآباد:
 ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۲ ص ۱۲۷۱، ۱۲۷۲.
 ادریس بن ادریس (علوی): ج ۱ ص ۱۵۷، ۱۶۰.
 ادریس بن عبدالله بن حسن (علوی مصر):
 ج ۱ ص ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۸۳.
 ادریس بن عبدالله بن یحیی (الوانی):
 ابوالعلاء ادریس
 ادریس (از اولاد محمد بن قاسم بن ادریس):
 ج ۱ ص ۲۲۶.
 ادریس میرزا (از امراء طائفه لوانلو): ج ۱
 ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۲ ص ۲۰۶۲.
 ادریس بن یحیی، مامون (از بنی عبدالمومن):
 ج ۱ ص ۲۳۹.
 ادریس هشتم (باب): ج ۲ ص ۹۱۹.
 ادنل: ج ۲ ص ۱۸۱۶، ۱۸۲۷.
 ادولرد (پسر پادشاه انگلیس و ولیعهد):
 ج ۲ ص ۵۸۹، ۵۸۶.
 ادولرد اول (پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۵۹۰، ۵۹۲.
 ادولرد پنجم (شاه انگلیس): ج ۲ ص ۷۲۸.
 ادولرد جنر (طبيب): ج ۲ ص ۱۱۷۹.
 ادولرد چهارم (شاه انگلیس): ج ۲ ص ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۸.
 ادولرد دوم (شاه انگلیس): ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۲۳.
 ادولرد سیم (شاه انگلیس): ج ۲ ص ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۰، ۶۵۱.
 ادولرد ششم: ج ۲ ص ۸۰۶.
 ادولف قمریک (پادشاه سوئد): ج ۲ ص ۱۱۵۰.
 ادهم بیک رولو: ج ۲ ص ۸۱۹، ۸۰۶.
 ادهم پاشا: ج ۲ ص ۱۹۶۹، ۱۹۷۳.
 ادهم خان: ج ۲ ص ۸۲۲.
 ادیب اصفهانی، میرزا محمد حسن درویش:
 ج ۲ ص ۱۹۵۲، ۱۹۵۵، ۲۱۲۸.

ادیب حایر (شاعر): ج ۱ ص ۲۸۲.
 ادیب عبدالله (صاحب تاریخ معجم): ج ۲ ص ۶۵۷.
 ادیب الملک، عبدالطی خان (حاکم قم):
 ج ۱ ص ۵۳۰، ج ۲ ص ۱۲۵۶، ج ۳
 ص ۱۸۵۶، ۱۸۵۵، ۱۹۰۲، ۱۹۲۴.
 ۱۹۲۷، ۱۹۶۳.
 ادیب الصالح: ج ۲ ص ۲۱۱۰.
 الرست: ج ۲ ص ۱۷۳۰.
 اوانس خان: ج ۲ ص ۱۶۸۸، ۱۷۲۱، ۱۷۸۲.
 ارباب، آقا عبدالحق: ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 ارباب، آقا محمد ابراهیم: ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 ارباب، آقا محمد امین (تاجر طهرانی): ج ۲
 ص ۱۲۵۱.
 ارباب خانی: ج ۲ ص ۱۷۲۰.
 اربابخان (جانشین سلطان ابوسعید): ج ۲
 ص ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۷۳.
 ارتق (قاتل جهاننور شاه): ج ۲ ص ۱۱۷۷.
 ارتق بن اکیم ترکمانی (جد ملوکماردین)
 و ملک لدی شریف): ج ۱ ص ۲۳۹.
 ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۰، ۲۵۳.
 ارتور (رئیس جمهور آتلونوی آمریکا): ج ۲
 ص ۲۱۵۱.
 ارتوراکم (صاحب اسکندرنین): ج ۱ ص ۵۳۸.
 ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 ارجوان (رضیه، مادر مقتدی بامر السلطه
 عباسی): ج ۱ ص ۳۴۶.
 ارجوان (خادم العزیز بالله طاطمی): ج ۱ ص ۲۸۸.
 اردشیر بابکان: ج ۱ ص ۲۲۶، ج ۲ ص ۶۴۰.
 اردشیرخان (حاجی): ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 اردشیرخان مرتیب (نویان اول لوح هشتم
 لشار): ج ۲ ص ۵۱۲، ج ۲ ص ۱۲۳۷.
 اردشیرازدست: ج ۲ ص ۱۷۳۲.
 اردشیرین شیرویه: ج ۱ ص ۲۲ تا ۲۵.
 اردشیرمیرزا (کنالدوله (پسر عباس میرزا): ج ۲
 ص ۱۶۱۷، ۱۶۲۰، ۱۶۳۰، ۱۶۳۷.
 ۱۶۴۲، ۱۶۵۷، ۱۶۷۰، ۱۷۸۶.
 اردوغدوی نوالقدر: ج ۲ ص ۸۶۹.
 ارس بیک رولو: ج ۲ ص ۸۴۹.
 ارستوف: ج ۲ ص ۱۶۱۹.

ارستوف گرجی (ژنرال): ج ۲ ص ۱۵۷۸، ۱۵۷۹.
 ارس خان (ارزادجوجی خان): ج ۲ ص ۶۲۲.
 ارس خان (صاحب دشت قیجاق): ج ۲ ص ۶۵۰.
 ارس سلطان: ج ۲ ص ۸۶۲، ۸۶۵.
 ارسطو (معلم اول): ج ۱ ص ۲۶۰، ۳۱۱، ۳۱۹، ۳۲۲.
 ارسطو (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۷۹.
 ارسلان بن اتیز بن محمد بن انوشکیس
 خوارزمشاه: ج ۱ ص ۲۸۸، ۳۹۹، ۴۰۰.
 ارسلان ارغو (ارغون برادر ملکشاه
 سلجوقی): ج ۱ ص ۲۲۲، ۳۵۰.
 ارسلان خان، ابوالنظر بن طناخان: ج ۱
 ص ۳۰۲.
 ارسلان بن سلجوق: ج ۱ ص ۳۱۳، ۳۱۴.
 ارسلان شاه ابن طغرل بیک بن قاسم:
 ج ۱ ص ۳۹۸.
 ارسلان بن طغرل بیک ابن محمد (ملک -):
 ج ۱ ص ۳۸۸ تا ۳۹۲.
 ارسلان شاه ابن عز الدین مسعود... زنگی
 نورالدین: ج ۱ ص ۴۱۳، ۴۲۲.
 ۴۲۷.
 ارسلان شاهین ملک قاهر عزالدین (حکمران
 موصل): ج ۱ ص ۳۲۲، ۳۲۳.
 ارسلان بن مسعود غزنوی (حکمران غزنین):
 ج ۱ ص ۳۶۲.
 ارسلان میرزا (نایب آجودانباشی): ج ۱
 ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 ارسینی: ج ۲ ص ۱۸۰۷.
 ارشدوک آلبرت (سردار اطروش): ج ۲ ص ۱۸۷۷.
 ارطوبن: ج ۱ ص ۲۲.
 ارغش نظامی: ج ۱ ص ۳۵۱.
 ارغون خان ابن اباقاخان: ج ۲ ص ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۲، ۱۲۴۲، ۱۲۴۶.
 ۱۳۶۵، ۱۳۶۸، ۱۵۰۳.
 ارغون میرزا (پسر نواب حسنطی میرزا):
 ج ۲ ص ۱۵۶۷، ۱۵۷۴، ۱۶۰۵، ۱۶۱۲.
 ارغون میرزا (برادر نواب هلاکو میرزا):

ج ۳ ص ۱۵۹۲
ارقم بن ابی الارقم الصخری: ج ۱ ص ۲۹
۰۷۹
ارکلی خان (والی گرجستان): ج ۲ ص ۱۱۶۶
ج ۳ ص ۱۲۰۱-۱۲۲۹
ارکج اوغلی: ج ۲ ص ۸۰۲
ارمانوس (امپراتور قسطنطنیه): ج ۱ ص ۳۳۳
ارمابو (امپراتورهای هند): ج ۳ ص ۱۹۳۷
ارنسٹ آگوست: ج ۲ ص ۱۶۲۳-۱۶۲۹
ارنو (دکتر -) حکیم حافظ الصحة: ج ۱ ص ۵۲۶-۵۲۶
اریق (پسر گلای): ج ۲ ص ۱۳۲۲
اریک چهارم: ج ۲ ص ۸۵۵
اریک سوم: ج ۱ ص ۲۵۷
اریک بن پهلوان، مظفرالدین: ج ۱ ص ۲۱۴-۲۲۹-۲۲۱
ارلاغ شاه، قطب الدین (پسر علاء الدین محمد خواجی‌شاه): ج ۱ ص ۲۲۲
ازهری، ابومنصور محمد بن احمد بن الازهر (الفوی و فقیه، صاحب تہذیب): ج ۱ ص ۲۸۰
ازرو (ژنرال -): ج ۳ ص ۱۲۷۲
ازن: ج ۲ ص ۱۵۲۲
اژن (رستم نایلدون): ج ۳ ص ۱۲۷۹
۰۱۴۸۲-۱۴۸۹
اژن دوم (باب، خلیفہ عیسویان): ج ۱ ص ۱۸۱
اژن سوم (باب): ج ۱ ص ۲۸۱
اژنی: ج ۳ ص ۱۷۹۵
اژنی (عسکرناہلین سوم): ج ۲ ص ۱۹۵۱
۰۱۹۶۶
اسامہ بن زید بن حارثہ: ج ۱ ص ۲۱
۰۲۸-۱۳۲
اسامہ، عزالدین: ج ۱ ص ۲۱۲
اسفند، پسر قریبوسف توکان (میرزا -): ج ۲ ص ۶۸۱-۶۹۶
اسپہبد، حمام الدین زین کبرین فرامرز بن شہریار (از طوک رستمدار): ج ۲ ص ۷۲۲
اسپہبد طبرستان: ج ۱ ص ۱۳۰-۱۳۵
۰۱۳۹
اسپہبرک: ج ۲ ص ۸۹۵

استانی (مادام -) نویسنده فرانسه: ج ۲ ص ۱۵۶۱
استادیس: ج ۱ ص ۱۲۲
استانک (وزیر اعظم رومانی): ج ۲ ص ۲۱۲۹
استانیلاس بیناتوشکی (پادشاه لهستان): ج ۲ ص ۱۱۱۵-۱۱۱۵-۱۱۱۵
۰۱۳۳۵
استدرت: ج ۳ ص ۱۶۲۵
استرخان خوارزمی: ج ۱ ص ۱۲۲
استروپ، رئیس وزرا: ج ۱ ص ۵۶۲
استری طبر: ج ۲ ص ۱۹۹۷
استزیلتس (سردار روسی): ج ۲ ص ۹۹۱
استن (سردار روسی): ج ۳ ص ۱۹۱۹
استنداج (ملایر) نایب رئیس اداره اطریشی: ج ۱ ص ۵۴۵
استنلی: ج ۲ ص ۱۹۳۷
استهاتف: ج ۲ ص ۱۲۸۵
اسحق (میرزا -): ج ۱ ص ۲۶۶-۵۰۲
ج ۲ ص ۱۲۲۲-۱۸۲۲
اسحق بن ابراهیم حنظلی، راهبره: ج ۱ ص ۳۶۵
اسحق بن ابراهیم خطیل: ج ۱ ص ۱۸۲
تا ۱۸۶-۱۹۰
اسحق بن ابراهیم موصلی (طنی): ج ۱ ص ۱۹۳
اسحق بن اسماعیل (بزرگ بنی امیہ): ج ۱ ص ۱۹۵
اسحق بن اسماعیل نویسنده: ج ۱ ص ۲۲۷
اسحق بیک (پسر ابراهیم بیک قوامانی): ج ۲ ص ۷۱۲
اسحق پاشا (حاکم بایزید): ج ۳ ص ۱۲۲۱
اسحق بن حبیب (طیب): ج ۱ ص ۲۲۱
اسحق خان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۹۷۲
اسحق خان تربتی: ج ۳ ص ۱۴۲۸
اسحق خان سرتیب: ج ۲ ص ۱۲۳۹
اسحق خان (حاجی -) سرتیب: ج ۱ ص ۵۱۲
ج ۳ ص ۲۰۸۳
اسحق خان (میرزا -) سرتیب دوم (کار -) بردار بغداد: ج ۲ ص ۱۹۲۵
اسحق خان (میرزا -) کارپرداز ازنسہ الروم: ج ۳ ص ۱۸۹۹
اسحق خان کرد قرانی: ج ۲ ص ۱۴۶۶

۰ ۱۵۱۷-۱۵۰۵-۱۴۸۵-۱۴۶۷
۰۱۵۳۰
اسحق خان (میرزا -) از اجزای وزارت خارجه: ج ۲ ص ۱۸۶۷
اسحق (میرزا -) سرشته دار: ج ۱ ص ۵۰۵
اسحق (میرزا -) سرشته دار دفترشکر: ج ۲ ص ۲۰۶۸
اسحق (سلطان قسطنطنیه): ج ۱ ص ۳۲۵
اسحق بن سلیمان (حاکم مدینہ و...): ج ۱ ص ۱۵۷-۱۵۹-۱۶۱-۱۶۲-۱۷۰
اسحق بن صباح کندی اشعی (والی کوفہ): ج ۱ ص ۱۵۰
اسحق بن علی بن یوسف: ج ۱ ص ۲۶۵
۰۲۸۰
اسحاق بن عیسی بن علی (حاکم مدینہ): ج ۱ ص ۱۵۵
اسحق (میرزا -) شہرہ میرزا بزرگ قائم مقام: ج ۲ ص ۱۶۰۶
اسحق قوامان: ج ۲ ص ۷۷۲
اسحاق بن کداج (عامل موصل): ج ۱ ص ۲۱۲
اسحق بن محمد (حاکم موصل): ج ۱ ص ۱۵۸
اسحق مستوفی (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۸
۰۵۲۲: ج ۲ ص ۲۰۹۹
اسحق (میرزا -) مستوفی و مدیر دار - الفنون: ج ۲ ص ۲۰۰۷
اسحق (میرزا -) مشرف قراچولو: ج ۲ ص ۲۱۱۲
اسحاق بن موسی الاصفہانی (فقیہ شافعی): ج ۱ ص ۲۲۱
اسحق بن موسی بن عیسی: ج ۱ ص ۱۷۲
اسحق میرزا امیر آخوند: ج ۱ ص ۵۵۷
ج ۲ ص ۱۲۹۵-۲۱۴۰
اسحق میرزا بن حیدر میرزا ابن شاماسعیل: ج ۲ ص ۱۴۴۸
اسحق میرزا (از شاهزادگان عصر ناصر): ج ۲ ص ۱۲۲۰
اسحق میرزا (پسر معز الدولہ): ج ۳ ص ۲۰۶۲
اسحق نبی (ع): ج ۲ ص ۱۳۳۷
اسحق بن هادی: ج ۱ ص ۱۷۶

اسد بیگ (برادر زاده ابراهیم خلیل خان جوانشیر): ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 اسد خان: ج ۲ ص ۱۰۰۵، ۱۲۲۵.
 اسد خان بختیاری هفت تنگ: ج ۳ ص ۱۵۳۲، ۱۵۵۰، ۱۶۵۸.
 اسد خان (رئیس دولت آباد کردستان): ج ۱ ص ۵۲۲.
 اسد خان کاکوند: ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 اسد بن عبداللہ قسری: ج ۱ ص ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۰.
 اسد بن عمرو بن عامر الکوفی (مصاحب ابوحنبله): ج ۱ ص ۱۶۸.
 اسد بن یزید: ج ۱ ص ۱۶۶.
 اسدالله (میرزا): ج ۲ ص ۱۲۲۴، ۱۲۲۵.
 اسدالله: ج ۳ ص ۱۲۶۱، ۱۸۵۰.
 اسدالله (آقا سید -): ج ۳ ص ۱۶۶۸.
 اسدالله (میر -): ج ۲ ص ۱۰۵۷.
 اسدالله (میرزا -) از ارباب ظم و لشکر نویسان: ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 اسدالله (آقا -) تاجر همدانی: ج ۳ ص ۲۱۲۹.
 اسدالله (حاجی -) تاجر یزدی: ج ۳ ص ۲۱۲۸.
 اسدالله (میرزا -) تحویلدار امانات خارجه: ج ۱ ص ۵۶۱، ج ۲ ص ۱۲۷۱، ج ۳ ص ۲۱۲۰.
 اسداللهیات (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۵۶.
 اسدالله (میرزا -) ثبات دفتر: ج ۳ ص ۲۱۰۱.
 اسدالله (حاجی ملا -) حجه الاسلام بروجرودی: ج ۲ ص ۱۲۶۷.
 اسدالله خان (امیر -): ج ۳ ص ۱۶۱۶.
 اسدالله خان ابدالی: ج ۲ ص ۱۰۰۵، ۱۰۰۶.
 اسدالله خان (ولد ابراهیم خان اعتماد - الدوله): ج ۳ ص ۱۲۲۵.
 اسدالله خان، امیر قاین: ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 اسدالله خان (میرزا -) ایلچی مخصوص نیریزبورخ: ج ۳ ص ۲۱۰۶.
 اسدالله خان (از اجزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۴.
 اسدالله خان قهرقی (نایب آجودانیاشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰، ج ۳ ص ۲۰۲۲.

اسداللهخان تفنگدار باشی: ج ۲ ص ۲۱۲۲.
 اسدالله خان (تفنگدار خاصه): ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 اسدالله خان جهان بگللو: ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۲۰۹۰.
 اسداللهخان دنبلی (نایب آجودانیاشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 اسداللهخان (رئیس پستخانه دولت آباد): ج ۲ ص ۱۲۷۲.
 اسدالله (میرزا -) خان (وزیرال لسنول ایران در تلهس): ج ۲ ص ۱۹۷۲.
 اسداللهخان (طالعه سیاطو حاجی شهدی): ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۷۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵.
 اسدالله خان (میرزا -) سرتیپ دوم (نگر بردار نظیمی): ج ۲ ص ۱۹۲۵.
 اسدالله خان (سرکرده عرب بسطام): ج ۲ ص ۲۰۹۰.
 اسدالله خان (سرکرده دسته لیسوانسی و...): ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۳ ص ۲۰۹۲.
 اسدالله خان سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 اسدالله خان (حاجی -) سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۳۰، ج ۳ ص ۲۰۸۴.
 اسدالله خان سرهنگ (پسر حاجی سعد - الدوله): ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 اسدالله (میرزا -) خان (شارژ دافتر): ج ۳ ص ۲۰۲۴.
 اسدالله خان (پسر عبدالله خان ولد محبت سلطان ابدالی): ج ۲ ص ۱۰۰۲.
 اسدالله خان عرب خزیمه (امیر -): ج ۳ ص ۱۶۱۸، ۱۶۰۸.
 اسدالله خان قاجار: ج ۲ ص ۱۲۷۰، ج ۳ ص ۱۲۵۹.
 اسدالله خان قاپنی (امیر -): ج ۳ ص ۱۶۲۶، ۱۲۲۸.
 اسدالله خان قهرچی: ج ۱ ص ۵۵۸، ج ۲ ص ۲۱۲۲.
 اسدالله (میرزا -) خان (کان سردار اول نظمی): ج ۳ ص ۱۹۱۵.
 اسدالله خان کتابدار: ج ۱ ص ۵۴۲، ج ۲ ص ۱۲۷۶، ج ۳ ص ۲۱۲۹.

اسدالله خان گوران: ج ۲ ص ۱۷۱۷.
 اسدالله خان ماکونی (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 اسدالله خان، مستند الطک: ج ۳ ص ۱۷۵۵، ۱۸۲۵.
 اسدالله خان مهندس: ج ۱ ص ۵۳۲، ج ۲ ص ۲۱۰۴.
 اسدالله خان میرزاخوهر: ج ۳ ص ۱۷۲۵، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸.
 اسدالله خان (نایب آجودانیاشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 اسدالله (میرزا -) خان (نایب اولوزارت علوم): ج ۲ ص ۱۲۷۶، ج ۳ ص ۲۱۲۹.
 اسدالله خان (نایب ایشیک آقاسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶.
 اسدالله (میرزا -) خان (نایب الحکومه قازم): ج ۱ ص ۵۵۲، ۵۵۰، ج ۲ ص ۱۳۰۲.
 اسدالله (میرزا -) خان (نایب الحکومه ملایر): ج ۳ ص ۱۸۶۷.
 اسدالله خان (نایب الحکومه نهاوند): ج ۲ ص ۲۱۲۵.
 اسدالله خان نوانی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۶۳۷.
 اسداللهخان (ولد نورمحمدخان سرتیپ): ج ۱ ص ۵۲۰.
 اسدالله خان نوری مستوفی (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۳ ص ۱۶۰۰.
 اسدالله خان (میرزا -) وزیر مختار سفارتخانه نیریزبورخ: ج ۱ ص ۵۲۵.
 اسدالله (میرزا -) سرورشته دار تپخانه: ج ۱ ص ۵۰۵.
 اسدالله (میرزا -) سرورشته دار قهرخانه: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۳ ص ۲۰۶۹.
 اسدالله (میرزا -) شارژ دافتر ایران در نیریزبورخ: ج ۲ ص ۱۱۸۷.
 اسدالله علم (امیر -): ج ۲ ص ۱۲۴۸.
 اسدالله قاپنی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۶۴۱.
 اسدالله کاشانی (میرزا -) طبیب: ج ۳ ص ۱۲۵۷، ج ۲ ص ۲۱۱۰.
 اسدالله (میرزا -) لشکر نویسی: ج ۱ ص

۵۰۵.

اسدالله (میرزا -) مجتهد اصفهانی: ج ۲ ص ۱۹۳۷.

اسدالله مستوفی (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۸؛ ج ۲ ص ۱۲۵۷، ۱۷۶۶، ۲۰۹۸.

اسدالله (میرزا -) مستوفی (پیشکار تازندران): ج ۲ ص ۱۹۶۳.

اسدالله (میرزا -) مستوفی (پسر میرزا موسی شایب): ج ۲ ص ۱۹۱۷.

اسدالله (میرزا -) مستوفی نویی: ج ۳ ص ۱۲۵۴، ۱۲۵۶.

اسدالله (میرزا -) معلم عربی: ج ۱ ص ۵۴۵.

اسدالله (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۳۲.

اسدالله (میرزا -) منشی (از اجزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰.

اسدالله (میرزا -) منشی دومم اداره عثمانی: ج ۲ ص ۲۱۰۳.

اسدالله (میرزا -) منشی باشی: ج ۱ ص ۵۴۱، ج ۲ ص ۱۲۷۱.

اسدالله (میرزا -) منشی کارگزاری استر آباد: ج ۳ ص ۲۱۰۵.

اسدالله میرزا: ج ۲ ص ۲۰۶۶.

اسدالله میرزا (از شاهزادگان قاجار): ج ۲ ص ۱۲۲۰.

اسدالله میرزا (نواب) پسر محمد علی میرزا دولتشاه: ج ۳ ص ۱۵۵۱.

اسدالله میرزا (پسر هوشنگ میرزا قاجار): ج ۲ ص ۱۲۲۰.

اسدالله میرزا (پادشاه اول): ج ۲ ص ۲۰۷۷.

اسدالله میرزا (پاور فوج ابرق): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۳.

اسدالله (میرزا -) نایب فراشخانه: ج ۲ ص ۲۱۱۷.

اسدالله نوائی (میرزا -): ج ۲ ص ۱۸۲۴.

اسدالله نوری (میرزا -) کشیکچی باشی: ج ۳ ص ۱۵۵۷.

اسدالدین بن شیکوه بن شادی: ج ۱ ص ۳۹۱، ۳۹۲ تا ۳۹۷.

اسدالدین بن ملک زاهد بن صلاح الدین: ج ۲ ص ۵۸۰.

اسرائیل: ج ۲ ص ۱۰۲۹، ۱۰۵۱.

اسد افندی: ج ۳ ص ۱۶۳۴.

اسعد پاشا پسر طبعان پاشا (والی بغداد): ج ۳ ص ۱۵۰۹، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۱، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲.

اسعد بن زلزله انصاری، ابوالامه: ج ۱ ص ۹۲، ۲۱.

اسعد بن شهاب (والی زبید): ج ۱ ص ۳۲۸.

اسفار بن شیرویه: ج ۱ ص ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۶.

اسفندیار بیگ (از امرا): ج ۲ ص ۹۲۰.

اسفندیارخان: ج ۱ ص ۵۱۸، ج ۳ ص ۱۶۵۲، ۲۰۸۷.

اسفندیار خان (برادر ابوالقازی): ج ۲ ص ۹۲۳، ۹۲۲.

اسفندیار خان (نوه حاجم خان): ج ۲ ص ۹۱۶.

اسفندیارخان مرتب (از جماعت بهمنیاری): ج ۱ ص ۲۷۸، ۵۲۱، ج ۳ ص ۱۹۷۶، ۲۰۹۱.

اسفندیارخان (سرکرده دسته سواره گانی): ج ۲ ص ۱۲۲۲.

اسفندیار خان (ولد عرب سلطان): ج ۲ ص ۹۵۰.

اسفندیار خان گرچی (داماد سپهدار): ج ۳ ص ۱۵۲۵.

اسفندیارخان (نایب سپهدار): ج ۳ ص ۱۵۷۹.

اسکد: ج ۳ ص ۱۸۱۹.

اسکارول (پادشاه سوئد): ج ۳ ص ۱۶۷۶.

اسکرپ: ج ۳ ص ۱۸۲۸.

اسکندر بیگ افشار: ج ۲ ص ۸۵۳.

اسکندر بیگ (قونسول بیروت): ج ۱ ص ۵۳۴.

اسکندر پاشا (حاکم وان): ج ۲ ص ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۸ تا ۸۲۰، ۸۲۵.

اسکندر خان: ج ۲ ص ۸۷۲، ۸۷۳، ج ۳ ص ۱۶۴۵، ۱۷۳۱.

اسکندر خان (از ارباب مناصب): ج ۳ ص ۲۱۱۹.

اسکندر خان اوزبک: ج ۲ ص ۸۷۰.

اسکندر خان (پادشاه بخارا): ج ۲ ص ۸۵۱.

اسکندرخان (پسر جبرئیل خان) پاور: ج ۲ ص ۲۰۷۵.

اسکندر خان خلیج صابو: ج ۲ ص ۱۲۶۹.

اسکندر خان (حاکم دهلی): ج ۳ ص ۸۲۲.

اسکندر خان زند: ج ۳ ص ۱۷۳۵.

اسکندر خان مرتب: ج ۲ ص ۱۶۹۲.

اسکندر خان سردار: ج ۳ ص ۱۷۲۵، ۱۸۷۲.

اسکندرخان ((از سرکردگان غلام نصرت)): ج ۱ ص ۵۱۸، ج ۲ ص ۲۰۸۷.

اسکندرخان سوهنگ: ج ۱ ص ۵۱۸، ج ۳ ص ۲۰۸۷.

اسکندرخان قاجار: ج ۳ ص ۱۶۳۰، ۱۷۰۰.

اسکندرخان قاجار قواشلو (دختر -) مادر آقا محمدشاه قاجار: ج ۳ ص ۱۳۶۰.

اسکندر خان فرایپاتی: ج ۳ ص ۱۷۲۷.

اسکندر خان (برادر مادری کریمخان): ج ۲ ص ۱۱۵۱.

اسکندر خان (نایب آجودانیاشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰، ج ۳ ص ۲۰۷۴.

اسکندرخان (از پادشاهان خارج از قوج): ج ۲ ص ۱۲۳۱.

اسکندر (میرزا -) سرشنه دار: ج ۱ ص ۵۰۶.

اسکندر (میرزا -) سرشنه دار آذربایجان: ج ۲ ص ۲۰۲۰.

اسکندر بن سلطان بهلول لودی: ج ۲ ص ۷۳۱.

اسکندر شیخی (ولد افراسیاب جلالی): ج ۲ ص ۶۵۱.

اسکندر شیخی (والی فیروزکوه) داوند درمهد تیمورگورگانی: ج ۲ ص ۶۶۸.

اسکندر (میرزا -) ابن میرزا عمر شیخ ابن امیر تیمور: ج ۲ ص ۶۶۵، ۶۶۰، ۶۶۸.

۶۶۷ تا ۶۷۶، ۶۹۲.

اسکندرفین وین (فونسول انگلیس): ج ۱ ص ۵۳۸.

اسکندر (میرزا -) از ملوک قزاقوینلو (پسر امیر قزاقوین بن قزاقوین ترکان): ج ۲ ص ۶۸۰ تا ۶۸۵، ۶۸۷ تا ۶۸۹.

تا ۶۹۱، ۷۱۹.

اسکندر (مقدونی): ج ۲ ص ۱۰۳۹، ۱۰۴۲.

اسکندر میرزا: ج ۳ ص ۱۶۹۲.

اسکندر میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۳ ص ۱۶۱۷.

اسکندر میرزا (والی قلعه بلنگان): ج ۲ ص ۸۶۵.

اسلام خان (صوبه دار دکن): ج ۳ ص ۹۵۱.

اسلام شاه: ج ۲ ص ۸۰۲، ۸۲۱.
اسلم بن احمد بن سید: ج ۱ ص ۳۱۰.
اسلم بن زهده الکلابی (والی خراسان از سوی ابن زیاد): ج ۱ ص ۷۸.
اسلم بن بیک: ج ۲ ص ۷۲۲.
اسلم بن خان (سردار تغلب): ج ۳ ص ۱۱۱۳، ۱۱۱۵، ۱۱۲۰.
اسلمی (صحابی): ج ۱ ص ۸۵.
اسمعیل: ج ۳ ص ۱۲۲۸.
اسمعیل (آغاسید -): ج ۱ ص ۵۳۱.
اسماعیل (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۲، ۵۲۶.
ج ۲ ص ۱۲۸۷.
اسمعیل (میرزا -) سزوار: ج ۲ ص ۱۲۷۹.
اسمعیل (میرزا -) کرمانشاهان: ج ۲ ص ۱۲۷۹.
اسمعیل آقا (ایلچی شاه عباس دوم): ج ۲ ص ۹۵۹.
اسمعیل آقا مکری (نایب پیشکافاسی پاشی): ج ۲ ص ۱۲۳۲، ۱۲۳۴.
اسمعیل بن ابراهیم خلیل الرحمن: ج ۳ ص ۱۲۳۷.
اسمعیل بن احمد بن اسدین سامان (امیر سامانی): ج ۱ ص ۲۰۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۲۲.
اسمعیل بن احمد الحسینی البیهقی: ج ۱ ص ۳۶۱.
اسمعیل (از اسماعیل): ج ۱ ص ۳۷۰.
اسمعیل اثرقی (حاجی میرزا -) وزیر شیطانی: ج ۳ ص ۱۲۹۹.
اسمعیل (میرزا -) در اصطبل: ج ۲ ص ۱۲۲۵.
اسمعیل افندی (نایب اول سفارت عثمانی): ج ۲ ص ۱۸۵۷.
اسمعیل اول (شاه -) صفوی شاه اسماعیل: ج ۱ ص ۵۵۳.
اسمعیل (حاجی -) ایل بیگی: ج ۱ ص ۵۵۳.
اسمعیل (آقا -) بالا رسفانی (سرکرده): ج ۲ ص ۱۲۶۹.
اسمعیل دوم (ثانی) - شاه اسمعیل دوم: ج ۲ ص ۱۰۱۵.
اسمعیل بیک افندی (نایب اول): ج ۱ ص ۵۲۶.
اسماعیل بیک انسی: ج ۲ ص ۹۱۳.
اسمعیل بیک بیات: ج ۳ ص ۱۲۶۵.
اسمعیل بیک (سرجوئه): ج ۲ ص ۱۲۵۳.
ج ۲ ص ۲۰۸۰.
اسمعیل بیک (سرکرده تلنگریان نهمی): ج ۲

ج ۲ ص ۲۰۹۲.
اسمعیل بیک، یاور: ج ۱ ص ۵۱۰.
اسمعیل بیک (از یاوران خارج فوج): ج ۲ ص ۱۲۳۱.
اسمعیل پاشا: ج ۲ ص ۱۸۵۵، ۲۰۰۱.
اسمعیل پاشا (حکمران جزیره): ج ۲ ص ۱۸۸۰.
اسمعیل (حاجی -) پاشا خان ماکونی (مرتیب سوم): ج ۱ ص ۵۰۸، ۲۰۷۲.
اسمعیل (میرزا -) از اجزای پستخانه: ج ۲ ص ۲۱۲۲.
اسمعیل (آقا -) پیشخدمت: ج ۳ ص ۱۶۵۹.
اسمعیل (میرزا -) ترجمان: ج ۱ ص ۵۲۳.
اسمعیل (آقا -) تحصیلدار: ج ۲ ص ۱۷۲۲.
اسمعیل بن توری بن خنتکین، شمس الملوک (ماحب دمشق): ج ۱ ص ۳۷۲، ۳۷۳.
اسمعیل بن امام جعفر صادق (ع): ج ۱ ص ۱۴۱.
اسمعیل بن ابی حکیم (کاتب عمر بن عبدالعزیز): ج ۱ ص ۱۲۹.
اسمعیل حمیری (سید -) شاعر شعی: ج ۱ ص ۱۶۲.
اسمعیل بن خالد قسری (حاکم موصل): ج ۱ ص ۱۲۵.
اسمعیل خان: ج ۲ ص ۱۲۷۱.
اسمعیل خان (میرزا -) خان (نایب آجودان پاشی توپخانه): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۲.
ج ۲ ص ۲۰۷۶.
اسمعیل خان (میرزا -) پسر آقا محمد ابراهیم امین السلطان (پیشخدمت حضور رئیس خزانه): ج ۱ ص ۵۵۱، ج ۲ ص ۱۱۹۰.
ج ۳ ص ۲۰۲۵، ۲۱۱۱، ۲۱۱۲.
اسمعیل خان (از ارباب مناصب): ج ۳ ص ۲۱۱۹.
اسمعیل خان (پسر اعظم الدوله و سلطان خان قوآنلو): ج ۳ ص ۱۶۲۵.
اسمعیل خان (امیر هزاره الوار) عاکف حریم: ج ۲ ص ۱۲۲۹.
اسمعیل خان بادکوبه ای، یاور: ج ۱ ص ۵۱۰.
ج ۲ ص ۱۲۳۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵.
اسمعیل خان بطلانی (نایب آجودان پاشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
اسمعیل خان بشیرالدوله: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۵۱، ج ۳ ص ۲۰۹۶.

اسمعیل خان ولد بشیرالدوله: ج ۳ ص ۱۲۶۱.
اسمعیل خان بیات: ج ۳ ص ۱۵۲۸.
اسمعیل خان (بیات مطلق): ج ۳ ص ۱۲۲۹.
اسمعیل خان (ولد بیگلربیگی): ج ۱ ص ۵۲۹.
اسمعیل خان (از اجزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰.
اسمعیل خان (پیشخدمت خاصه): ج ۳ ص ۱۲۹۰.
اسمعیل (میرزا -) خان (پیشکار استرآباد): ج ۲ ص ۱۷۸۱.
اسمعیل خان (تلنگران خاصه): ج ۱ ص ۵۲۰.
ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
اسمعیل (میرزا -) خان (تومان دهم فوج قالیچی): ج ۲ ص ۱۲۴۱.
اسماعیل خان (خزانه دار نظام): ج ۲ ص ۱۷۰۱، ۱۸۹۶.
اسمعیل خان خستای (یاور دوم): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۲.
اسمعیل (میرزا -) خان (داماد فتحعلیشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۶.
اسمعیل خان (ریش سفید فوآخان وزارت خارجه): ج ۱ ص ۵۳۲.
اسمعیل خان (میرزا -) رئیس: ج ۱ ص ۵۳۹.
اسمعیل (میرزا -) (رئیس پستخانه سزوار): ج ۲ ص ۱۲۷۲.
اسمعیل خان زند: ج ۲ ص ۱۳۹۹.
اسمعیل خان سرتیب: ج ۱ ص ۵۱۵، ج ۲ ص ۱۲۴۰، ج ۳ ص ۲۰۸۲.
اسمعیل خان سردار دامغانی: ج ۳ ص ۱۲۷۲، ۱۲۷۵، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۹۷.
۱۵۱۹ تا ۱۵۲۶، ۱۵۲۶، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۳.
اسمعیل خان، سرکرده: ج ۱ ص ۵۲۹.
اسمعیل خان سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۳۳، ۱۲۳۵.
اسمعیل (میرزا -) سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۶، ج ۲ ص ۲۰۸۵.
اسمعیل خان سرهنگ (از جماعت هزاره): ج ۱ ص ۵۱۸، ج ۳ ص ۲۰۸۷.
اسمعیل خان سرهنگ (رئیس تلگرافخانه کردستان): ج ۳ ص ۲۱۲۲.
اسمعیل خان سرهنگ (فوج فیروزکوهی): ج ۲ ص ۱۹۸۳.

اسمعیل خان (حاجی -) غلامیانی قاجار
(حاکم خوی) : ج ۲ ص ۱۲۲۲-۱۲۷۵
۱۶۰۲-۱۵۰۹-۱۵۰۲
اسمعیل خان شاطو : ج ۲ ص ۱۲۶۹
اسمعیل خان (از طایفه قاضی‌میرزاغلو) : ج ۲
ص ۲۰۶۵
اسمعیل خان بن شجاع‌الدین خان : ج ۲ ص
۱۳۹۳
اسمعیل خان عرب‌نماری (حاکم اردستان) :
ج ۲ ص ۱۰۲۲
اسمعیل (میرزا -) خان فراشبادی : ج ۲ ص
۲۱۰۲
اسمعیل خان قندرسکی (میرزا -) : ج ۲ ص
۱۵۷۲
اسمعیل خان قاجار : ج ۲ ص ۱۲۲۹
اسمعیل خان قاجار (نواده آصف‌الدوله ،
نایب‌الحکومه کرمانشاهان) : ج ۱
ص ۵۳۲ ، ج ۲ ص ۱۲۷۵
اسمعیل خان قاجار قزوینی : ج ۲ ص ۱۳۸۶
اسمعیل خان قزوینی : ج ۲ ص ۱۳۸۳
اسمعیل خان کشمیری بانی : ج ۲ ص ۱۲۵۲
ج ۳ ص ۲۰۹۷
اسمعیل خان منشی بانی : ج ۲ ص ۲۱۰۲
اسمعیل خان (میرزا -) میزان آقایی : ج ۳ ص
۱۷۹۵
اسمعیل خان (نایب‌امفیان) : ج ۱ ص ۵۲۶
اسمعیل خان (نویسنده قبوضات) : ج ۱ ص
۵۲۱
اسمعیل خان (والی لرستان) : ج ۲ ص ۱۳۹۶
اسمعیل خان بایز : ج ۱ ص ۵۱۰ ، ج ۳ ص
۲۰۷۵
اسمعیل خان (از بایران خارج فوج) : ج ۲
ص ۱۲۳۱
اسمعیل خان (بایز دوم وزیرکفخانه) :
ج ۱ ص ۵۱۲ ، ج ۲ ص ۱۲۳۶ ، ج ۳
ص ۲۰۸۰
اسمعیل بن خلف ، ابوطاهر (مغربی) : ج ۱
ص ۳۳۰
اسمعیل (رئیس پستخانه) : ج ۲ ص ۲۱۲۹
اسمعیل بن زیاد دولابی (قاضی‌موصل) :
ج ۱ ص ۱۵۹
اسمعیل (پسر سبکتگین مغزونی) : ج ۱ ص
۲۸۹

اسمعیل (حاجی -) سرتیپ سوم : ج ۲
ص ۱۲۲۸
اسمعیل (میرزا -) (از سرشنه‌داران
دفتر لشکر) : ج ۲ ص ۱۲۲۲ ، ج ۲
ص ۲۰۶۸
اسمعیل (میرزا -) سرشنه دار توپخانه
واصفیل : ج ۱ ص ۵۰۵ ، ج ۲ ص
۲۰۶۹
اسمعیل (آقا -) سرهنگ : ج ۳ ص ۱۷۱۲
اسمعیل (میرزا -) سرهنگ : ج ۱ ص ۵۱۶
ج ۲ ص ۲۰۸۵
اسماعیل (ملک -) طوقی ، قطب‌الدین
(صاحب بوند) : ج ۱ ص ۲۵۲
اسماعیل بن سید الاسلام ، المیز (حاکم
بن) : ج ۱ ص ۲۲۱
اسمعیل بن صبیح (ملازم رشید) : ج ۱ ص
۱۷۰
اسماعیل بن طوقش (حاکم خوارزم) :
ج ۱ ص ۲۱۶
اسمعیل عادلشاه : ج ۲ ص ۷۵۲
اسمعیل بن عبدالله (والی افریقه) : ج ۱
ص ۱۰۲ ، ۱۰۷
اسمعیل بن عبدالله حجاب (حاکم طنجه) :
ج ۱ ص ۱۱۲
اسمعیل عرب دفتر : ج ۲ ص ۱۲۲۵
اسمعیل عرب دفتر : ج ۲ ص ۱۲۲۵
اسمعیل عرب دفتر لشکر : ج ۱ ص ۵۰۶
ج ۲ ص ۲۰۶۹
اسمعیل (میرزا -) علی آبادی (سرشنه
دار دفتر لشکر) : ج ۱ ص ۵۰۵ ، ج
۲ ص ۱۲۲۲ ، ج ۲ ص ۲۰۶۹
اسمعیل بن علی (عم سلاج و حاکم اهواز) :
ج ۱ ص ۱۳۳ تا ۱۳۵
اسمعیل قولفر آقایی (حاجی -) : ج ۲
ص ۱۲۰۵
اسمعیل (میرزا -) کتابچه نویسنده (سر-
رشته دار دفتر لشکر) : ج ۱ ص ۵۰۵
ج ۲ ص ۱۲۲۲ ، ج ۲ ص ۲۰۶۸
اسمعیل (میرزا سید -) گلانتی : ج ۳ ص
۱۹۳۳
اسمعیل کمال : ج ۲ ص ۱۱۷۱
اسمعیل (میرزا -) کوتوال قلعه شیراز :
ج ۲ ص ۱۲۲۷

اسمعیل (میرزا -) لاریجانی (نویسنده
و آهنگ) : ج ۲ ص ۲۱۰۳
اسمعیل (میرزا -) لشکر نویسنده : ج ۱ ص
۵۰۵
اسمعیل (میرزا -) لشکر نویسنده
خراسان : ج ۲ ص ۱۲۲۶ ، ج ۲ ص
۲۰۷۰
اسمعیل (میرزا -) مبارز (از اجزای
پستخانه) : ج ۳ ص ۲۱۲۱
اسمعیل (میرزا -) مبارز سوزوار : ج ۱ ص
۵۲۲
اسمعیل (حاجی سید -) مجتهد قمی :
ج ۲ ص ۱۶۸۷
اسمعیل خان (پسر محمد خان امیرنویان)
بایز : ج ۱ ص ۵۱۰ ، ج ۲ ص ۲۰۷۵
اسمعیل (میرزا سید -) مشرف (صاحب
منصب فوج) : ج ۱ ص ۵۵۶ ، ج ۳ ص
۲۱۲۲
اسمعیل بن مظفر القاضی : ج ۲ ص ۹۸۲
اسمعیل (استاد -) منشی بانی : ج ۳ ص
۲۱۳۹
اسمعیل (میرزا -) منشی : ج ۱ ص ۵۰۶
۵۲۹ ، ج ۲ ص ۱۲۲۶
اسمعیل (میرزا -) منشی آذربایجان :
ج ۱ ص ۵۰۶ ، ج ۲ ص ۲۰۷۰
اسمعیل (میرزا -) منشی بانی (برادر
ملک الکتاب) : ج ۳ ص ۲۱۰۱
اسمعیل (میرزا -) منشی بانشی (از
اجزای پستخانه) : ج ۳ ص ۲۱۲۰
اسمعیل (میرزا -) منشی دیوانه‌اندلیه :
ج ۲ ص ۱۲۵۵
اسمعیل منصور (پسر القلم علوی) : ج ۱ ص
۲۵۷-۲۵۸
اسمعیل (میرزا -) مهردار : ج ۱ ص ۵۵۲
اسمعیل (میرزا -) مهردار حضرت سید -
الطیغ : ج ۲ ص ۲۱۱۲
اسمعیل میرزا (نواب -) : ج ۱ ص ۵۰۲
ص ۱۵۷۰-۱۵۲۵-۱۴۶۶-۱۳۶۷
اسمعیل میرزا (ولد بهرام میرزا) : ج ۳ ص
۱۷۳۱
اسماعیل میرزا (شاهزاده) : ج ۲ ص ۸۰۵
تا ۸۰۷ ، ۸۲۰ تا ۸۲۲ ، ۸۳۰ ، ج ۲

۱۶۲۶ - ۱۶۳۰
 اسمعیل میرزا (از شاهزادگان عصر ناصر -
 الدینشاه): ج ۲ ص ۱۲۱۹
 اسمعیل میرزا (شاهزاده مجمل): ج ۲ ص
 ۱۰۱۵
 اسمعیل میرزا (پسر شاه طهماسب): ج ۲
 ص ۸۶۲
 اسمعیل میرزا معز الدوله، سرتمپ: ج ۳
 ۱۹۱۲ - ۲۰۶۲
 اسمعیل میهنی (مفسر لعل کوفه): ج ۱ ص
 ۱۲۷
 اسمعیل نظام شاه: ج ۲ ص ۸۸۲
 اسمعیل (میرزا -) نویسنده و آهنگ: ج ۲
 ص ۲۱۰۲
 اسمعیل (والی کوفه): ج ۱ ص ۱۵۰
 اسمعیل بن یحیی (تابعی): ج ۱ ص ۱۳۱
 اسماء بن حارثه الاسلامی (از اصحاب صفه):
 ج ۱ ص ۸۷
 اسماء ذات الشکاتین (دختر ابوبکر و مادر
 عبدالله بن زبیر): ج ۱ ص ۹۰
 اسماء (زوجه علی بن قاضی محمد صلیحی):
 ج ۱ ص ۲۲۸
 اسطوخ: ج ۲ ص ۲۰۷۵
 اسمی خان: ج ۲ ص ۸۷۸ - ۸۷۹
 اسمی خان الشار: ج ۲ ص ۸۷۵
 اسود عنسی، ذوالخمار عیله: ج ۱ ص ۳۲
 اسود بخاری: ج ۱ ص ۲۲
 اسویا تسلو (پادشاه روس): ج ۱ ص ۲۵۸
 ۲۶۹ - ۲۷۱
 اسویا تپولک دوم (سلطان روس): ج ۱ ص
 ۲۶۱
 اسود بن حمیر: ج ۱ ص ۲۹
 اسود بن عبدالله (امیر خراسان): ج ۱ ص
 ۱۲۵
 اشرف بن حسان بکری: ج ۱ ص ۶۹
 اشرف بن عبدالله، کامل (والی خراسان
 از جانب همام بن عبدالطک): ج ۱
 ص ۱۱۲ - ۱۱۳
 اشرف بن عوف شیبانی: ج ۱ ص ۶۹
 اشرف (میرزا -) از ارباب قلم و لشکر
 نویسان: ج ۲ ص ۱۲۲۵ - ج ۲ ص
 ۲۰۶۸

اشرف (سید -) از مفاخر: ج ۳ ص ۵۵۱
 اشرف اسمعیل (صاحب بن): ج ۲ ص
 ۶۹۳
 اشرف افغان: ج ۲ ص ۱۰۱۲ - ۱۰۱۵
 ۱۰۲۱ - ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۶ - ۱۰۴۰
 ۱۰۲۲ - ۱۰۹۱ تا ۱۰۹۵: ج ۲ ص
 ۱۲۲۶ - ۱۲۲۵
 اشرف پاشا (وزیر مختار عثمانی): ج ۳
 ۱۹۳۲ - ۱۹۳۵ - ۱۹۳۶
 اشرف خان مایندی: ج ۳ ص ۱۲۶۹ - ۱۲۸۵
 ۱۲۹۱ - ۱۲۸۵
 اشرف (حاجی میرزا -) خسته ای (از
 ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۲ ص
 ۲۰۶۸
 اشرف (میرزا -) سر رشته دار قورخانه:
 ج ۳ ص ۲۰۶۹
 اشرف شعیان (سلطان مصر): ج ۳ ص ۶۲۲
 اشرف (میرزا -) ولد قاضی جهان: ج ۲
 ص ۸۳۲
 اشرف (میرزا -) قورخانه: ج ۱ ص ۵۰۵
 اشرف الکتاب، آقا زین العابدین: ج ۳
 ۱۹۹۵
 اشرف (حاجی میرزا -) لشکر نویسنده: ج ۱
 ص ۵۰۵
 اصعب طاع: ج ۱ ص ۱۲۶
 اشعث بن سوار: ج ۱ ص ۱۲۵
 اشعث بن ابی الشفاء، سلیم بن اسود
 البخاری: ج ۱ ص ۲۲
 اشعث بن عبدالله جارود: ج ۱ ص ۱۱۰
 اشعث بن عبدالطک الحمرانی البصری: ج
 ۱ ص ۱۲۲
 اشعث بن قیس کنفی (امیر مینة سیاه
 علی (ع) در سلیمان): ج ۱ ص ۲۱
 ۶۲ - ۶۳ - ۶۵ - ۷۲ - ۷۵
 اشکری میخائیل (میشل) (پادشاه
 قسطنطنیه): ج ۲ ص ۵۸۲ - ۵۸۵
 ۵۸۸ - ۵۹۸
 اشنان ترکی: ج ۱ ص ۱۸۸ - ۱۹۰
 اصغر (حاجی میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۷۵
 اصغر مهدی: ج ۱ ص ۸
 اصفهانی (زوجه فتحعلیشاه): ج ۲ ص
 ۱۴۰۸

اعلان بیک (امیر -): ج ۲ ص ۷۶۲
 اعلان بیک یاور: ج ۲ ص ۱۷۲۲ - ۱۷۸۲
 اعلان خان (امیر -) ولد بیکر بگی:
 ج ۱ ص ۵۲۶
 اعلان خان: ج ۲ ص ۱۰۹۵
 اعلان خان (امیر -): ج ۲ ص ۱۶۸۸
 اعلان خان سرتمپ نویسنده پسر سالار:
 ج ۱ ص ۵۱۰ - ج ۲ ص ۱۱۲۲ - ج ۲
 ص ۲۰۷۶
 اعلان سلطان: ج ۲ ص ۱۷۱۲
 اعلانشاه: ج ۲ ص ۱۱۲۲
 اعلان میرزا (نایب آجودان باشی): ج ۱
 ص ۵۰۹
 امیل الدین دشتکی (سید -): ج ۲
 ص ۷۲۵
 امینی، ابوسعید: ج ۱ ص ۲۲۰
 انطوش ملوی، حسن بن علی الناصری:
 ج ۱ ص ۲۲۲ - ۲۲۶
 اعتماد الدوله: ج ۲ ص ۱۸۸۶ - ۱۸۹۲
 ۱۸۹۹ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۵ - ۲۰۹۶
 اعتماد الدوله - امیرکبیر...
 اعتماد الدوله، انوشیروان خان: ج ۳ ص
 ۱۸۸۵ - ۱۸۹۲ - ۱۹۰۲
 اعتماد الدوله (حاکم استرآباد): ج ۳
 ص ۱۸۹۵
 اعتماد الدوله (حاکم قم و ساوه و شاهسون
 بلخانی): ج ۱ ص ۵۵۹ - ج ۲ ص
 ۱۳۰۰ - ج ۳ ص ۱۹۹۳ - ۲۰۲۶
 ۲۱۲۵
 اعتماد الدوله، سلیمان خان کاجارفرانکو:
 ج ۲ ص ۱۲۱۲ تا ۱۲۲۸ - ۱۲۵۸
 اعتماد الدوله، شیرخان: ج ۳ ص ۱۲۲۲
 اعتماد الدوله (ولد محمد مهدیخان):
 ج ۱ ص ۵۰۱ - ج ۲ ص ۱۹۲۷
 اعتماد الدوله، میرزا مهدی خان کشمیری
 باشی: ج ۲ ص ۱۹۲۲
 اعتماد السلطنه: ج ۲ ص ۱۸۱۵ - ۱۸۲۲
 ۱۸۲۳ - ۱۸۲۴ - ۱۸۲۵ - ۱۸۲۶
 ۱۹۲۳ - ۱۹۲۷ - ۱۹۲۸ - ۱۹۵۳ - ۱۹۶۲
 ۱۹۷۶ - ۲۰۰۶ - ۲۰۰۸ - ۲۱۲۰
 اعتماد السلطنه (علی قلی میرزا خان):
 وزیر علوم: ج ۱ ص ۲۶۵ - ۲۶۸

۲۷۹-۲۸۱ ج ۳ ص ۱۸۰۲-۱۸۱۲
 ۱۸۷۳-۱۸۸۵-۱۸۸۷-۱۹۰۲-۱۹۰۸
 ۱۹۱۵-۱۹۱۳-۱۹۱۲-۱۹۲۸-۱۹۳۰
 ۲۰۱۷
 اعتقاد السلطنه (محمد علی میرزا = محمد
 علی شاه): ج ۲ ص ۱۲۱۸ ج ۳ ص
 ۲۰۳۲، ۲۰۶۲
 اعتقاد الملک، محمد حسین خان (حاکم
 سمنان و دامغان): ج ۱ ص ۵۵۹-۵۰۷
 ج ۲ ص ۱۲۲۷-۱۲۰۱ ج ۳ ص ۱۹۱۴
 ۲۰۲۲، ۲۰۷۱
 اعتقاد خان (امیرالامرای کجرات): ج ۲
 ص ۸۴۶
 اعتماد الدوله: ج ۱ ص ۵۲۵ ج ۲ ص
 ۱۲۵۰ ج ۳ ص ۲۰۹۶
 اعتماد الدوله - ابراهیم خان اعتماد -
 الدوله شیرازی، کلانتر
 اعتماد الدوله، پسر اعتماد الدوله: ج ۳
 ص ۱۹۰۵، ۱۹۰۵
 اعتماد الدوله، طالب خان (صدر اعظم
 شاه صفی): ج ۲ ص ۹۳۸
 اعتماد الدوله، عیسی خان، والی: ج ۳
 ص ۱۸۲۵، ۱۸۴۱
 اعتماد الدوله، لطفعلی خان: ج ۲ ص ۱۰۶۱
 ۱۰۶۳
 اعتماد الدوله، میرزا آقا خان نوری (صدر
 اعظم): ج ۲ ص ۱۷۲۸
 اعتماد السلطنه: ج ۱ ص ۳۷۷، ۵۱۶ ج
 ۲ ص ۱۲۲۷
 اعتماد السلطنه، حاجی علی خان حاجب
 الدوله (وزیر موقوفات و وظائف): ج
 ۲ ص ۱۸۲۹، ۱۸۷۲، ۱۸۷۶، ۱۸۸۵
 ۱۸۹۲، ۱۹۰۳، ۱۹۲۷، ۲۰۷۱
 اعتماد السلطنه - حسن خان صنیع الدوله
 اعتماد السلطنه، مصطفی قلی خان فراگوز-
 لو: ج ۱ ص ۴۷۷ ج ۲ ص ۱۱۹۱
 ج ۳ ص ۱۹۹۴، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۲۵
 اعتماد السلطنه (وزیر عدلیه): ج ۲ ص
 ۱۸۵۹
 اعتماد الملک (اجرای مجلس تحقیقات
 دعاوی نقضی): ج ۱ ص ۱۴۲، ۵۲۹
 ج ۲ ص ۱۲۵۵ ج ۳ ص ۲۱۰۱
 اعظم همایون ظفرخان (حاکم کجرات):

ج ۲ ص ۶۵۹
 اعظم الدین منجر معروری، خیاط: ج ۲
 ص ۶۰۰
 امور: ج ۱ ص ۲۸
 امین بن ضبیعه (طیبه) المجاشعی (ازامیران
 سیاه علی (ع)): ج ۱ ص ۶۲
 ۶۸
 اغلب بن سالم تمیمی (والی افریغیه):
 ج ۱ ص ۱۲۳
 اغلبی (از مالیک پهلوانه): ج ۱ ص
 ۲۳۰
 اغوزار: ج ۲ ص ۷۸۸
 اغوزار خان شاطو: ج ۲ ص ۷۸۶
 اغوزلوپیگ: ج ۲ ص ۹۶۹
 اغوز لوخان: ج ۲ ص ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۶۸
 ۹۷۰
 اغوز لو خان (پسر جوانخان گنجه‌ای): ج ۲
 ص ۱۵۲۰
 اغوز: ج ۲ ص ۸۹۲
 اغوزخان: ج ۳ ص ۱۲۳۵ تا ۱۲۳۷، ۱۲۳۷
 ۱۲۳۹ تا ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۷
 افتخار الدوله (دختر ناصر الدین شاه):
 ج ۱ ص ۵۰۱ ج ۲ ص ۱۲۱۸ ج ۳
 ص ۲۰۶۲
 افکنین (سرکرده ترک): ج ۱ ص ۲۷۴
 ۲۷۵، ۲۷۸
 افراسیاب: ج ۱ ص ۲۸۵
 افراسیاب ترک (تورانی): ج ۲ ص ۱۳۳۸
 ۱۳۳۹، ۱۳۵۲، ۱۳۵۷
 افراسیاب چلاوی: ج ۲ ص ۶۳۶، ۶۳۷
 ۶۴۲، ۶۵۱
 افراسیاب خان (سرکرده جماعت نردینی):
 ج ۱ ص ۵۲۰ ج ۲ ص ۱۲۲۵ ج ۳
 ص ۱۷۳۲، ۲۰۹۰
 افراسیاب خان (میراخور در عراق): ج ۳
 ص ۲۰۷۸
 افریدون بن قارن بن سهراب (از ملوک
 رستم‌دار): ج ۲ ص ۷۲۴
 افسر الدوله (دختر ناصر الدین شاه): ج
 ۱ ص ۵۰۱ ج ۲ ص ۱۲۱۸ ج ۳ ص
 ۲۰۶۲
 افشین خیزدین کاوسی (حاکم سند): ج ۱
 ص ۱۸۵ تا ۱۸۷

افش بن بدر جمالی (امیرالجمیون): ج ۱
 ص ۳۶۶
 افضل بن بدر جمالی: ج ۱ ص ۳۶۵
 افضل (سپهسالار مصر): ج ۱ ص ۳۲۲
 الاثن (پاپ): ج ۱ ص ۸۲
 اقامیم ثلاثه: ج ۱ ص ۲۵
 اقبال الدوله (سرتیپ اول، رئیس خلوت
 همایونی): ج ۱ ص ۵۱۲ ج ۲ ص
 ۲۱۱۰
 اقبال الملک: ج ۲ ص ۲۱۴۱
 اقبش سلطان: ج ۲ ص ۷۹۲
 اقبش (سردار مغول): ج ۲ ص ۵۹۲
 اقبیس: ج ۱ ص ۲۰۸، ۳۱۱
 اقوش شمس: ج ۲ ص ۵۹۶
 اقوش کرکی (حاکم طرابلس): ج ۲ ص
 ۶۲۸
 اکبر خان (از ارباب مناصب): ج ۲ ص
 ۱۲۵۶
 اکبر خان (از امرا قاجار): ج ۳ ص ۲۰۶۴
 اکبرخان (اولاد بهگربگی): ج ۱ ص ۵۲۶
 اکبرخان (پسرکی خان): ج ۳ ص ۱۲۸۴
 اکبرخان، سرتیپ سیم: ج ۱ ص ۵۱۴ ج
 ۳ ص ۱۸۷۵، ۲۰۷۲
 اکبرخان (از طالق‌قوانلو): ج ۲ ص ۱۵۰۲
 اکبرخان مجد الدوله بهگربگی (نایب
 الحکومه لسته نشا): ج ۱ ص ۵۵۳
 ج ۲ ص ۲۱۱۳
 اکبر خان ناظر: ج ۱ ص ۵۲۷ ج ۲ ص
 ۱۲۵۲ ج ۳ ص ۲۰۹۷
 اکبر خان (نایب امیرک آقاسی باشی):
 ج ۲ ص ۸۸۹، ۸۹۰ ج ۳ ص ۲۱۱۶
 اکبر شاه، جلال الدین: ج ۲ ص ۸۵۰
 ۸۵۲، ۸۵۶، ۸۶۷، ۸۶۹، ۸۷۱ تا
 ۸۷۳، ۸۷۸، ۹۰۲، ۹۰۵، ۹۹۹
 اکبرمیرزا: ج ۱ ص ۵۰۲ ج ۳ ص ۲۰۶۴
 اکبر میرزا (از امرا طائفه فوانلو): ج ۲
 ص ۱۲۲۰
 اکبر میرزا (حکمران اردبیل): ج ۳ ص
 ۲۱۴۰
 اکبر میرزا (از شاهزادگان عصر ناصری):
 ج ۲ ص ۱۲۲۰ ج ۳ ص ۲۰۶۴
 اکرم خان فیروزکوهی: ج ۲ ص ۱۷۳۰
 اکرونی لید (رئیس شورشیان سرب): ج ۲

ص ۱۵۲۵

اکمل الدین محمود الحرمی (علامه شیخ):

ج ۲ ص ۶۵۶

اکمل (رئیس فروش ارلند علیه انگلیس):

ج ۳ ص ۱۵۹۶، ۱۶۰۰، ۱۶۱۹، ۱۶۹۷

اکبر عیدالملک (صاحب دومه الجندل):

ج ۱ ص ۲۹، ۳۵

اکزایه: ج ۲ ص ۷۹۸

اکوست (پادشاه فرانسه): ج ۱ ص ۴۳۶

اکوست (قهر رومیان مصری): ج ۱ ص ۱۶۵

اکوستین: ج ۳ ص ۱۹۶۲

الاف (پادشاه سود): ج ۱ ص ۲۹۱

الاندلی بیگ، ابیک اوغلی: ج ۲ ص ۸۱۹

الله قلی بیگ قاجار: ج ۲ ص ۸۸۰

اللملی بیگ قاجار قورچی باشی شاه عباس

اول: ج ۲ ص ۹۰۲، ۱۳۶۶

الله قلی خان استاجلو: ج ۲ ص ۸۵۳

۸۵۶

اللملی خان لوزیک خیروفی: ج ۳ ص ۱۶۵۱

۱۶۵۷

اللملی خان ایلخانی (حاکم همدان): ج

۳ ص ۱۵۷۳، ۱۹۲۹، ۱۹۴۰، ۱۹۵۹

۱۹۷۶، ۲۰۲۷

اللملیخان (ولاد بیکریگی): ج ۱ ص ۵۲۶

الله قلی خان (برهان علیخان): ج ۳ ص

۱۱۷۳

اللملی خان تورپ اوزیک ابن مصد رحیم

(حکمران خوارزم): ج ۳ ص ۱۵۶۷

۱۵۷۳، ۱۵۹۵، ۱۶۰۳، ۱۶۱۳، ۱۶۲۰

اللملی خان (حاکم نیشابور): ج ۳ ص

۱۷۱۲

اللملی خان خوارزمی: ج ۲ ص ۱۶۰۲

۱۶۶۹، ۱۶۲۱

اللملی خان (از طائفه شامیانی): ج ۱

ص ۵۰۳، ج ۲ ص ۱۲۲۱

اللملی میرزا ایلخانی: ج ۱ ص ۲۸۲

۵۵۹، ج ۳ ص ۱۲۵۰، ج ۳ ص ۱۶۷۵

۱۶۷۸، ۱۹۳۲، ۱۹۹۶، ۲۰۲۰، ۲۰۳۱

اللملی میرزا ابن موسی خان ابن حسین قلی

خان: ج ۳ ص ۱۶۷۵، ۱۶۷۷

الله وردیخان: ج ۲ ص ۸۹۰، ۸۹۹، ۹۰۱

ج ۳ ص ۱۷۹۷

الله وردیخان (حاکم جاجرم): ج ۲ ص

۱۱۷۷

الله وردیخان (سرهنگ نیکخانه): ج ۳ ص

۱۸۱۳

الله وردیخان مرزاالدین لوز: ج ۳ ص ۱۲۲۲

الله وردیخان قوئلر آقاسی: ج ۲ ص ۹۵۷

۹۶۸

الله وردیخان (علی وردیخان) پدر نوروز

خان ایشیک آقاسی باشی: ج ۳ ص

۱۲۴۸، ۱۲۵۲

الله وردیخان (والی استرآباد زمان شاه

عباسی قلی): ج ۲ ص ۹۵۲

الله وردی بیگ لک (باور لول): ج ۱ ص

۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۳

الله وردیخان: ج ۱ ص ۸۹۸

الله وردیخان (سرتیب اول نیکخانه): ج

۱ ص ۵۱۰، ج ۲ ص ۱۲۳۲، ج ۳ ص

۱۸۷۵، ۲۰۲۶

الله وردیخان (از طائفه شامیانی): ج ۱

ص ۵۰۳، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص

۲۰۶۵

الله وردیخان گرایلی: ج ۲ ص ۱۱۷۱

۱۱۷۶

الله وردی (حاجی -) قونول قلیبه:

ج ۱ ص ۵۲۲

الله وردی میرزا (پسر فتحشاه): ج ۳

ص ۱۵۲۶، ۱۵۵۷، ۱۵۹۹، ۱۶۲۳

الله وردی خان آصف الدوله: ج ۳ ص ۱۵۷۱

۱۵۷۵، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۹۳، ۱۵۹۵

۱۶۱۱، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۲۱، ۱۶۲۵

۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴

۱۶۳۷، ۱۶۷۸، ۱۶۸۴

۱۶۸۵، ۱۹۵۸، ۲۰۹۶

الله وردیخان (برادر زاده ابراهیم خان):

ج ۳ ص ۱۷۳۰

الله وردیخان افغان: ج ۲ ص ۱۰۱۹، ۱۰۲۰

الله وردی خان امیر تویان آجودانیانی:

ج ۱ ص ۵۰۲، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۵۹

ج ۲ ص ۱۲۲۳، ۱۲۴۰، ۱۳۰۲

ج ۳ ص ۱۹۹۵، ۲۰۶۷، ۲۰۸۲، ۲۰۹۱

۲۱۲۶

الله وردی خان (از اجزای پستخانه): ج ۳ ص

۲۱۲۳

الله وردی خان (حاکم دره جز): ج ۳ ص

۱۸۳۲

الله وردی خان دولوی قاجار (سالاربار): ج ۳

ص ۱۵۱۹، ۱۵۵۱، ۱۵۶۶

الله وردی خان (حاجی -) رئیس فوج نایب

السلطنه: ج ۱ ص ۵۱۷

الله وردی خان سیزوری: ج ۳ ص ۱۲۹۷

الله وردی خان (سرتیب فوج خرقانی): ج ۳

ص ۱۹۲۸

الله وردی خان سرهنگ (حاکم اسلام): ج ۳

ص ۱۹۲۹، ۲۰۹۳

الله وردی خان قلیچی (حاکم سیزور): ج ۲

ص ۱۱۷۷، ج ۳ ص ۱۲۳۲، ۱۲۵۲

۱۲۵۶ تا ۱۲۵۸، ۱۲۶۱

الب ارسلان بن تنش، تاج الدوله (صاحب

حلب): ج ۱ ص ۳۶۱، ۳۶۲

الب ارسلان بن داود بن میکائیل طنجوق

(حکمران خراسان): ج ۱ ص ۳۲۶

۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۱

۳۴۲

الب ارسلان بن محمود بن سلطان محمد

طنجوقی: ج ۱ ص ۲۸۱

البرز سوزا (میرزا) البرز، مستوفی

البرفرمیک اکوست آن توان فردیدان (شاه

ساکس): ج ۱ ص ۵۶۱

البو (دکتر -) مسلم طب: ج ۳ ص ۲۱۳۰

البو کرک: ج ۲ ص ۷۵۲، ۷۶۰، ۷۶۲

البی بن تیرتاش بن ایلغازی بن لوتی: ج ۱

ص ۴۰۷

البتون (امیر دریائی انگلیس): ج ۲ ص

۱۱۳۱

الجامینو: ج ۲ ص ۶۳۷

الغازی خان اوزیک: ج ۲ ص ۹۵۲

الغ (پادشاه روس): ج ۱ ص ۲۲۶، ۲۳۱

۲۳۲

الغ بیگ (میرزا -): ج ۲ ص ۶۸۰ تا

۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۹۸ تا ۷۰۱

۷۲۲، ۷۲۳

الغ بیگ = (کنار ایوان) پادشاه روس:

الغ بیگ (میرزا -) والی استرآباد: ج ۲

ص ۶۷۱

الغ بیگ (میرزا -) ابن سلطان ابوسعید

کوکانی: ج ۲ ص ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۳۱

۷۶۲

الخ بیک بن شاهرخ (میرزا -) : ج ۲ ص ۶۶۱
 الخ خان (شاه هند) : ج ۲ ص ۶۳۳
 الخ خان بیک صد لو : ج ۲ ص ۸۱۹
 الخ خان بیک بن خلفشاه (سلطاننطق) : ج ۲ ص ۶۲۱
 الخ بن بایندو بن جفتای بن چنگیز (سلطان مایرا) : ج ۲ ص ۵۸۲
 الخ (صاحب القوس جفتای) : ج ۲ ص ۵۸۴
 الخت (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۷
 الخردموس : ج ۳ ص ۱۸۰
 الخس : ج ۲ ص ۱۷۹۲
 الخس (پادشاه کاستیل) : ج ۲ ص ۶۲۸
 الخس پنجم (پادشاه لئون) : ج ۱ ص ۳۰۱
 ۳۰۶ ، ۳۲۰ ، ۳۲۱ ، ۳۸۳
 الخس ششم : ج ۱ ص ۳۲۲
 الخونس دوازدهم (شاه اسپانیا) : ج ۱ ص ۵۶۱
 الخونس میرزا : ج ۲ ص ۸۰۲ تا ۸۰۶
 ۸۰۹ ، ۸۱۱ ، ۸۹۳ : ج ۲ ص ۱۳۶۳
 الخا (دختر گراندوک قسطنطین) : ج ۲ ص ۱۸۹۰
 الخاندان (نزار روس) : ج ۲ ص ۵۸۵
 ۳ ص ۱۵۲۱ ، ۱۵۶۹ ، ۱۷۲۰ ، ۱۷۲۱
 الخاندان (میرزا -) (مترجم گراسیما - ناویچ) : ج ۲ ص ۱۶۱۳
 الخاندان اول (امپراطور روس) : ج ۲ ص ۱۲۶۲ ، ۱۲۶۳ ، ۱۲۸۸ ، ۱۵۲۷
 الخاندان پنجم (پاپ) : ج ۲ ص ۶۷۲
 الخاندان جنیل : ج ۲ ص ۱۸۱۸
 الخاندان چهارم (پاپ) : ج ۱ ص ۲۶۰
 ۲ ص ۷۳۲
 الخاندان دوما : ج ۲ ص ۱۹۲۱
 الخاندان دهم (امپراطور روس) : ج ۱ ص ۲۹۱
 ۲ ص ۱۱۸۳ : ج ۲ ص ۱۷۰۰
 ۱۹۲۹ ، ۱۹۶۰ ، ۱۹۶۱
 الخاندان سیم (امپراطور روس) : ج ۱ ص ۲۹۰
 ۵۶۲ : ج ۲ ص ۱۱۸۵ ، ۱۱۸۶
 ۱۱۸۶ : ج ۳ ص ۱۷۰۱ ، ۲۰۲۱ ، ۲۰۲۲
 الخاندان شارل فردریک (گلیو) ولیمهد هلاند : ج ۱ ص ۵۶۲
 الخاندان خوب (مترجم) : ج ۲ ص ۱۱۸۶

الخاندان کرجاکف (برنی -) : ج ۲ ص ۱۷۸۹
 الخاندان میرزا (والی گرجستان) : ج ۲ ص ۱۲۷۳ ، ۱۵۰۵
 الخاندان (برنی -) (وزیر اعظم سربى) : ج ۱ ص ۵۶۳
 الخاندان هفتم (پاپ) : ج ۲ ص ۹۵۹
 الخاندان خان (والی گرجستان) : ج ۲ ص ۸۷۰ ، ۹۰۸ ، ۹۶۲
 الخاندان بن لوند : ج ۲ ص ۸۶۰
 الخانی (امپراطور اسلامبول) : ج ۱ ص ۳۵۱
 الخانی (پسر پطر کبیر) : ج ۲ ص ۱۰۱۵
 الخانی ، پسر میشل رومانو (نزار روس) : ج ۲ ص ۹۸۷ ، ۹۵۱
 الخا (ملکه روس) : ج ۱ ص ۲۵۹ ، ۲۶۳ ، ۳۲۲
 الخا (خولهر شارل دوازدهم) : ج ۲ ص ۱۰۱۶
 الخا خان (حکمران مایرا) : ج ۲ ص ۶۲۰
 الخا : ج ۲ ص ۱۲۰۲
 الخوند بیک : ج ۲ ص ۷۳۶ ، ۷۳۱
 الخوند دیو : ج ۲ ص ۸۸۱
 الخوند سلطان افشار : ج ۲ ص ۷۸۸
 الخوند میرزا : ج ۲ ص ۷۳۷ ، ۷۳۲ ، ۷۳۳
 الخونس بن ابوالقاسم (واسول سلطان سوسر - کورد) : ج ۱ ص ۱۵۶
 الخونس بیک (صاحب سیستان) : ج ۲ ص ۸۲۶
 ۹۸۵
 الخونس خواجه بهادر (میرزا -) : ج ۲ ص ۶۷۲
 الخیزات : ج ۲ ص ۸۵۵
 الخیزات (امپراطور روس) (دختر پطر کبیر) : ج ۲ ص ۱۱۲۷ ، ۱۱۶۵
 الخیزات (عیاض لوی شانزدهم) : ج ۲ ص ۱۲۳۱
 الخیزات (دختر هانری دوم) : ج ۲ ص ۸۳۹
 الخیزات (ملکه اتریش) : ج ۲ ص ۱۷۷۵
 الخیزات (ملکه انگلیس) : ج ۲ ص ۸۲۶
 ۸۹۸
 الخیج بن ابوالقاسم (حاکم سلطان -) : ج ۱ ص ۲۲۹ ، ۱۸۰

اما (ملکه جزایر ساندویچ) : ج ۳ ص ۱۸۶۹
 اما دو والدک (شاهزاده خانم آلمانی) : ج ۳ ص ۱۹۹۸ ، ۲۰۰۰
 اما ابیها (دختر موسی بن جفر (ع)) : ج ۱ ص ۱۹۰
 اماجور (والی شام) : ج ۱ ص ۲۰۶ ، ۲۱۰
 امام جمعه اصفهان ، آقا میر سید محمد ، سلطان الطاهر : ج ۲ ص ۱۹۵۲
 امام جمعه طهران ، آقا میرزا ابوالقاسم ابوالقاسم
 امام جمعه طهران ، میرزا زین العابدین زین العابدین
 امام جمعه مشهد ، میرزا هدایت الله : ج ۲ ص ۱۸۷۳
 الیزابت (امپراطور روس) (دختر پطر امام الحرمین ، ابوالقاسم جونی صاحب تصانیف) : ج ۱ ص ۳۲۹ ، ۳۳۰ ، ۳۳۱
 امام علی خان : ج ۳ ص ۱۷۱۲ ، ۱۷۸۷
 امام فخر رازی - محمد بن عمر ، امام علی بیک (حاکم بست) : ج ۲ ص ۹۵۷
 امام علی خان : ج ۲ ص ۹۱۶ ، ۹۲۲ ، ۱۲۲۱
 ج ۲ ص ۱۷۲۸ ، ۱۷۵۸
 امام علی خان (امیرالامرای فارس) : ج ۲ ص ۹۱۶
 امام علی خان (ملقب به بیوک خان) : ج ۲ ص ۱۷۲۵
 امام علی خان (پادشاه مایرا) : ج ۲ ص ۹۱۶ ، ۹۳۶
 امام علیخان (حاکم فارس) : ج ۲ ص ۹۲۱ ، ۹۲۲
 امام علی خان (لا طائفه شامیانی) : ج ۱ ص ۵۰۳ ، ۲۰۶۵
 امام علی خان (پسر رضا خان قاجار) : ج ۲ ص ۱۲۱۵
 امام علیخان ماکوشی (مرتیب سوم) : ج ۱ ص ۵۰۸ ، ۱۲۲۸
 امام علی خان نوائی (نایب انشیک آلمانی باشی) : ج ۲ ص ۲۱۱۶
 امام علی خان (برادر زاده ولی محمدخان ازبک) : ج ۲ ص ۹۰۵
 امام علی (میرزا -) (سرشته دار دفتر لشکر)

ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج ۲ ص ۲۰۶۸.
 امامقلی میرزا: ج ۳ ص ۱۷۳۱، ۱۷۳۵.
 امامقلی میرزا (پسر شاه عباس): ج ۲ ص ۹۲۲.
 امامقلی میرزا (پسر نادر): ج ۳ ص ۱۱۲۲، ۱۱۲۶.
 امامقلی میرزا اعتماد الدوله، پسر محمد علی میرزا دولتشاه: ج ۲ ص ۱۵۵۱، ۱۷۲۲.
 امام محمد غزالی، ابو حامد: ج ۱ ص ۳۳۹.
 امام مستط: ج ۳ ص ۱۷۵۲.
 امام منتظر: ج ۱ ص ۲۳۲.
 اماموردی آقا یوخلری باش: ج ۲ ص ۱۱۷۵.
 اماموردیخان بیات: ج ۳ ص ۱۶۹۲.
 اماموردی خان نیشابوری: ج ۳ ص ۱۷۱۲.
 اماموردی میرزا: ج ۳ ص ۱۶۲۲.
 اماموردی میرزا ایلخانی: ج ۳ ص ۱۶۲۲، ۱۶۲۸.
 اماموردی بیک میرشکار: ج ۲ ص ۹۶۸.
 امام وردی (میرزا -) سرشته دار: ج ۱ ص ۵۰۵.
 اماموردی میرزا ایلخانی، ایل طاجار: ج ۳ ص ۱۵۱۹.
 امام وردی میرزا، ایلخانی سرکشکی باشی: ج ۲ ص ۱۴۸۲.
 اماموردی میرزا (فرزند فتحعلیشاه): ج ۲ ص ۱۵۵۲، ۱۲۳۸.
 امامی هروی: ج ۲ ص ۵۹۱.
 امان الله افغان: ج ۲ ص ۱۰۱۱.
 امان الله خان: ج ۱ ص ۵۱۹، ج ۲ ص ۱۰۶۲، ۱۰۷۹، ۱۰۸۱، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۱۰۹۵، ۱۰۹۵، ۱۲۷۸: ج ۳ ص ۱۶۵۱، ۱۷۸۳، ۱۸۱۴.
 امان الله خان (از اعیان طهران): ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 امان الله خان (ارامو): ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 امان الله خان - پسر ابراهیم آقا ماکوئی (سرهنگ خارج فوج): ج ۱ ص ۵۰۸.
 ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۲۲.
 امان الله خان افشار (حاکم خرمه): ج ۲ ص ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۹۱، ۱۶۵۱.

امان اللهخان بهاء الملک فراگیزلو: ج ۳ ص ۱۷۴۴، ۱۸۵۰، ۱۹۱۴، ۱۹۹۴.
 امان الله خان (الولاد بیکر بیگی): ج ۱ ص ۵۲۶.
 امان الله خان (حاکم طالش): ج ۳ ص ۱۹۱۱.
 امان الله خان دیرین: ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 امان الله خان (طبيب دارالشفی): ج ۱ ص ۵۲۵.
 امان الله خان طاجار: ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۷۰.
 امان الله خان (والی کردستان): ج ۳ ص ۱۲۰۳، ۱۲۸۲، ۱۵۰۱، ۱۵۵۲، ۱۵۶۷.
 ۱۷۱۲، ۱۸۲۲، ۱۸۴۱.
 امان الله میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۱ ص ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۱۶۲۲، ۲۰۶۲.
 امانول (پادشاه برنوقال): ج ۲ ص ۷۶۹.
 امانول (پسر ویکتور، سلطان ایتالیا): ج ۳ ص ۱۲۲۰.
 امپراطور قسطنطین (روم): ج ۱ ص ۸۲، ۱۲۷، ۱۲۷، ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۷۲، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۱۲، ۳۲۷، ۳۳۳، ۳۷۶، ۳۹۰.
 امت بیک استاجلو: ج ۲ ص ۸۸۱.
 ام نسیم (زوجه مالک بن نویره): ج ۱ ص ۳۳.
 ام حبیبه (دختر امی سفیان زوجه رسول الله (ص)): ج ۱ ص ۷۲.
 ام حرام بنت ملحان: ج ۱ ص ۵۵.
 امیرالله (میرزا -) منشی: ج ۳ ص ۲۰۹۷.
 امیر القیس: ج ۱ ص ۱۲.
 ام رمل (بنت ام قرقه): ج ۱ ص ۳۲.
 ام سلمه (زوجه رسول الله (ص)): ج ۳ ص ۶۱، ۲۴، ۸۳، ۷۹.
 ام سلمه (گنیم خانم) دختر فتحعلیشاه: ج ۳ ص ۱۶۲۵.
 ام الفضل (بنت الحارث): ج ۱ ص ۶۱.
 ام قرقه: ج ۱ ص ۳۳.
 ام کلثوم (بنت رسول الله (ص)): ج ۱ ص ۲۰، ۲۲، ۲۴.
 ام کلثوم (بنت طلوع): ج ۱ ص ۴۶.
 ام ولد: ج ۱ ص ۱۶۲.
 امیدی (شاعر طهرانی): ج ۲ ص ۷۶۹.

امیر آخویر، محسن میرزا: ج ۳ ص ۱۹۲۸.
 امیر آخویر اصطلیل، محمد حسین عثمان (پیشخدمت خاصه): ج ۳ ص ۲۰۳۲.
 امیر آخویر اصطلیل خاصه، مهدی قلی خان: ج ۳ ص ۲۰۲۲، ۲۰۲۵، ۲۰۲۵، ۲۱۲۶.
 امیر آخویر، حاجی نصرالله میرزا: ج ۳ ص ۲۰۶۲.
 امیر ابن احمد (حاکم طوس): ج ۱ ص ۵۵.
 امیر ارتق: (از ارتقیه): ج ۲ ص ۶۷۰.
 امیر ارتقا: ج ۲ ص ۶۲۸، ۶۷۲.
 امیر اسفندی بن قرايوسف: ج ۳ ص ۶۸۸.
 امیر اسدالله خان (امیرالین): ج ۳ ص ۱۷۸۲.
 امیر اسدالله مرعشی: ج ۳ ص ۲۹۱، ۸۲۷.
 امیر اسمعیل بن زکریا: ج ۳ ص ۶۵۲.
 امیر اسمعیل بن شهاب غازی: ج ۳ ص ۲۵۹.
 امیر اسلان بیک افشار: ج ۲ ص ۸۲۹.
 امیر اسلان بیک ذوالقدر: ج ۲ ص ۷۱۲.
 امیر اسلان خان: ج ۳ ص ۱۵۲۹.
 امیر اسلان خان (پسر سلار): ج ۲ ص ۱۶۸۶، ۱۷۰۰، ۱۷۰۵.
 امیر اسلان خان عمید الملک: ج ۳ ص ۱۷۸۲، ۱۷۸۵، ۱۷۹۶، ۱۸۱۵.
 امیر اسلان خان قرقلی افشار: ج ۳ ص ۱۱۲۲، ۱۱۲۲.
 امیر اسلان خان مجد الدوله: ج ۳ ص ۱۸۵۹، ۱۹۰۲، ۱۹۲۲.
 امیر اسلان میرزا (نایب آجودانباشی): ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 امیر افضل خان (پسر کهنبدل خان): ج ۳ ص ۱۷۲۰.
 امیر الفغانی، موسی خان: ج ۳ ص ۲۰۱۲.
 امیرال ادم: ج ۲ ص ۱۷۹۷.
 امیرال برتر: ج ۳ ص ۱۸۲۵.
 امیرال برهان: ج ۳ ص ۱۸۲۶.
 امیرال پروا: ج ۳ ص ۱۷۷۹.
 امیرال پخی: ج ۳ ص ۱۷۷۵.
 امیرال رک: ج ۲ ص ۱۰۰۲.
 امیرال سیمور (سردار انگلیس): ج ۳ ص ۲۰۴۹.
 امیرال کراب (وزیر بحریه روس): ج ۲ ص ۱۹۶۷.
 امیرال لاریوشیه دنوی: ج ۳ ص ۱۹۸۵.
 امیرال هب: ج ۳ ص ۱۸۲۶.
 امیر الباسی خواجه: ج ۲ ص ۶۷۲، ۶۹۰.

امیر الامراء — الشهباز خان. امیر تومان
آجودانباشی
امیر الامراء العظام — سلیمان خان صاحب
اختیار.
امیر الامراء العظام — مصطفی خان...
امیرایوب خان (امیر افغانستان): ج ۲ ص ۲۰۳۸.
امیر بابا حسن: ج ۲ ص ۷۰۷.
امیر برید شاه: ج ۲ ص ۷۶۶، ۸۰۸.
امیر بشیر: ج ۲ ص ۱۷۲۰.
امیر بهمن سلدوز: ج ۲ ص ۶۲۲.
امیر تومان — الشهباز خان.
امیر تومان — جعفر قلی خان.
امیر تومان — جهانسوز میرزا.
امیر تومان — ساعد الدوله.
امیر تومان گیلان — سلیمان خان.
امیر تومان — محمد خان.
امیر تومان — مصطفی خان.
امیر تومان — نصر الملک.
امیر تیمور تاش ونهره هلاکو خان: ج ۲
ص ۶۲۱.
امیر تیمور گورگانی: ج ۲ ص ۶۳۰، ۶۴۵
تا ۶۲۸، ۶۵۰ تا ۶۶۹، ۶۷۲ تا
۶۷۴، ۶۷۷، ۶۸۳، ۷۱۸، ۷۳۰،
۱۰۳۶، ۱۰۳۸، ۱۰۴۲: ج ۲ ص
۱۳۲۹، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱،
۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۵۱، ۱۳۵۵، ۱۳۵۹، ۱۳۶۲،
۱۳۶۶، ۲۰۴۷، ۱۳۶۶.
امیر جعفر ساوجی: ج ۲ ص ۷۷۱.
امیر جمال الدین محمد استر آبادی: ج ۲
ص ۷۷۱، ۷۷۰.
امیر جنگ — حشمت الدوله.
امیر جهانشاه بن امیر فرایوسف ترکمان:
ج ۲ ص ۶۹۰ تا ۶۹۲، ۶۹۸، ۷۰۲،
۷۰۳، ۷۰۵، ۷۵۸.
امیر چلمی (شاعر عثمانی): ج ۲ ص ۸۶۱.
امیر چوبان: ج ۲ ص ۶۲۱ تا ۶۲۳.
امیر حسام (پادشاه رشت): ج ۲ ص ۷۲۷.
امیر حسن جمال الدین بن ملک الامراء
علاء الدین طینتا: ج ۲ ص ۶۲۹.
امیر حسین بن امیر سلاوی بن امیر قرغین
(حاکم ماوراءالنهر): ج ۲ ص ۶۴۴
تا ۶۴۷.

امیر حسین چوبانی: ج ۲ ص ۶۴۱.
امیر حسین خان ایلخانی (غفرانلو): ج ۲
ص ۱۷۹۲، ۱۸۵۲.
امیر حسین خان شجاع الدوله: ج ۱ ص ۵۱۹.
ج ۲ ص ۱۹۰۵، ۱۹۲۵.
امیر خان آقا آتایی: ج ۲ ص ۱۲۴۵.
ج ۳ ص ۲۰۸۹.
امیر خان بیک: ج ۲ ص ۹۲۹.
امیرخان (از اجزای پستخانه): ج ۲ ص
۲۱۲۱.
امیر خان ترکمان لله: ج ۲ ص ۷۶۷، ۷۶۹.
۷۶۹، ۸۲۹.
امیر خان (حاکم قلعه روم): ج ۲ ص
۹۰۴.
امیر خان دولوی قاجار: ج ۲ ص ۱۲۹۵.
امیرخان سوگنی (حاکم غواروسنجان): ج ۲
ص ۹۱۵.
امیر خان قاجار (خال نایب السلطنه):
ج ۲ ص ۱۵۲۴.
امیر خان بن کلاهی بیک: ج ۲ ص ۷۶۸.
امیر خان (برادر محمد زمان خان): ج ۲
ص ۱۵۱۸.
امیر خان (پسر محمد صالح خان): ج ۲
ص ۱۹۲۵.
امیر خان (نایب آجودانباشی): ج ۲ ص
۱۲۳۰: ج ۲ ص ۲۰۷۲.
امیر خان یساول باشی: ج ۱ ص ۵۰۳: ج
۲ ص ۱۲۲۲: ج ۲ ص ۲۰۶۶.
امیر خسرو دهلوی: ج ۲ ص ۶۲۱.
امیر خسرو شاه (سلطان قندز): ج ۲ ص
۷۴۶.
امیر خلیل الله شیروانی: ج ۲ ص ۶۸۹.
امیر خلیل هندوکه: ج ۲ ص ۷۰۹ تا ۷۱۱.
امیر خواجه سعدالدین، عتابت الله
خوارانی: ج ۲ ص ۷۹۰.
امیر دادای حبشی: ج ۱ ص ۳۵۰.
امیر دوست محمد خان (حاکم کابل):
ج ۲ ص ۱۸۵۲.
امیر ذوالنون ارغون (از امراء سلطان
ابوسعید گورگانی): ج ۲ ص ۷۲۶،
۷۳۳.
امیر رحیم داد (پسر حسام الدین
مبارکشاه): ج ۲ ص ۶۹۲.

امیر رضی، نوح بن منصور سامانی: ج ۱ ص
۲۸۶، ۲۸۸.
امیر رضی الدین سید رضا کیا (حاکم
گیلان): ج ۲ ص ۶۸۲.
امیر رمیله بن ابی سمی الحسین: ج ۲ ص
۶۲۶.
امیر زبیری بن مناد صنهاجی (جد ملوک)
بنی بادیس): ج ۱ ص ۲۵۷، ۲۶۵.
امیر زین الدین علی: ج ۲ ص ۸۴۷.
امیر زین الدین کنیتا: ج ۲ ص ۶۱۲.
امیر صفیان (پسر امیر ارغی از اوتقیه):
ج ۲ ص ۶۷۰.
امیر سلطان: ج ۲ ص ۸۳۰.
امیر سلطان ارغون: ج ۲ ص ۷۲۹.
امیر سلطان یوللو: ج ۲ ص ۷۸۶، ۷۹۵.
امیر سلیمان خان بن ایلدرم بایزیدخان:
ج ۲ ص ۶۷۰.
امیر سید شریف شیرازی: ج ۲ ص ۷۵۵.
امیر سند علی فرخان: ج ۲ ص ۶۷۲.
امیر سیف الدین، فلان صالحی: ج ۲ ص
۵۹۵.
امیر سیف الدین، فوضون الناصری: ج ۲
ص ۶۲۵.
امیر سیف الدین مططای الناصری: ج ۲ ص
۶۲۵.
امیر شاه جهان ابن امیر فرایوسف: ج ۲
ص ۶۸۹.
امیر شاهرخ (حاکم هزار جریب): ج ۲ ص
۸۸۲.
امیر شاه قلی خان قاجار (پدر فتحعلی
خان): ج ۲ ص ۱۲۱۷.
امیر ناصر محمد سیف الملوک: ج ۲ ص ۷۶۶.
امیر ناصک (سردار میرزا شاهرخ تیموری):
ج ۲ ص ۶۷۲، ۶۷۴، ۶۷۵.
امیر شاهنوازخان (پسر سلطان احمدخان،
حاکم هرات): ج ۲ ص ۱۸۹۴.
امیر شجاع بیک: ج ۲ ص ۷۴۹.
امیر شروخاب بن بدر گردی، ابوالغوارس:
ج ۱ ص ۳۴۷.
امیر شمس الدین سنقر اشقر: ج ۲ ص ۶۰۰.
امیر شیخ (ابواسحق انجو بن شاه محمود
(از انجوه شیراز): ج ۲ ص ۸، ۶۳،
۶۳۹، ۶۴۶.

امیر شیخ حسن بن امیر حسین جلاسر:
ج ۲ ص ۶۷۲.
امیر شیرعلی خان افغانی (امیر افغانستان):
ج ۲ ص ۱۸۵۲، ۱۸۹۲، ۱۹۰۰، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸، ۲۰۳۸.
امیر صلاح الدین یوسف بن ملک اوجند:
ج ۲ ص ۶۳۱.
امیر طغان: ج ۲ ص ۶۲۱.
امیر مالم بی: ج ۲ ص ۱۳۳۹.
امیر عبداللہ بن امیر فرخ: ج ۲ ص ۶۲۱، ۶۲۲.
امیر عبدالباقی: ج ۲ ص ۷۶۰.
امیر عبدالباقی بزد: ج ۲ ص ۲۵۵.
امیر عبدالرحمن خان: ج ۳ ص ۲۰۳۶.
امیر عبدالقادر (والی الجزائر): ج ۳ ص ۱۶۹۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۲، ۱۶۷۲، ۱۶۱۹، ۱۷۵۲، ۱۸۳۰، ۱۸۷۰.
امیر عبدالکریم: ج ۲ ص ۷۶۷.
امیر علاء الدین اید غدی الزاری: ج ۲ ص ۶۳۴.
امیر علاء الدین الطنطا: ج ۲ ص ۶۲۶.
امیر علاء الدین ظہری: ج ۲ ص ۶۲۵.
امیر علاء الدین مظطای غزی: ج ۲ ص ۶۳۱.
امیر علم خان، حشت الملک فابنس:
ج ۳ ص ۱۷۲۶، ۱۹۲۹.
امیر علیشکر بہارلو: ج ۲ ص ۸۹۶.
امیر علی شہر نوائی: ج ۲ ص ۷۲۱.
امیر علیک کوکلتاش: ج ۲ ص ۶۷۴.
امیر علی بن الناصر (خلیفہ عباسی): ج ۱ ص ۳۳۰.
امیر عم: ج ۲ ص ۸۲۹.
امیر غیاث الدین شاہ ملک: ج ۳ ص ۶۸۱، ۶۸۲.
امیر غیاث الدین منصور بن امیر صدرالدین محمد شیرازی: ج ۲ ص ۷۹۷، ۸۲۷ تا ۸۶۲.
امیر شیب بیک استاجلو: ج ۲ ص ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۳۷، ۸۵۰، ۸۵۶.
امیر فخرالدین شامی: ج ۲ ص ۹۰۸.
امیر فخرالدین، یوسف بن شیخ (بردار):
ج ۱ ص ۲۵۲، ۲۵۳ تا ۲۵۵.
امیر فرخ تہروانی: ج ۱ ص ۲۹۰.

امیر قراوسف ترکمان: ج ۲ ص ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۹، ۷۵۹.
امیر فرخ: ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۲۱.
امیر قلی بیک: ج ۲ ص ۱۲۷۵.
امیر قوام الدین جطر ساجی: ج ۲ ص ۷۸۵.
امیر قوام الدین نوربخش: ج ۲ ص ۷۹۱.
امیرک (کاتب بھٹی): ج ۱ ص ۳۲۲.
امیرکبر، اعتضاد الدولہ، سلطان خان قواطلوی قاجار: ج ۲ ص ۱۲۳۷، ۱۲۳۲، ۱۲۲۵، ۱۲۲۷ تا ۱۲۲۹، ۱۲۵۲، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۹، ۱۲۷۹، ۱۵۰۰.
امیر کبر، امیرخان دولوی قاجار (خالہ):
نایب السلطنہ: ج ۲ ص ۱۵۵۲، ۱۵۷۰ تا ۱۵۷۲.
امیر کبر — تھی خان (میرزا) — امیرکبر.
امیر کبر، شہاب الدین طغان بن مقدم الجیوش سنقر الاشراف: ج ۳ ص ۶۲۵.
امیر کبر، میرزا محمد خان بیکر بیکسی قاجار دولو: ج ۳ ص ۱۴۸۷.
امیر کبر، حاجی محمد حسین خان مروزی قاجار مرز الدینلو، فخر الدولہ: ج ۳ ص ۱۵۲۲.
امیر کبر، محمد قاسم خان ابن امیرکبر سلطان خان اعتضاد الدولہ قاجار: ج ۳ ص ۱۵۲۲.
امیر کبر، نایب السلطنہ، کامران میرزا وزیر جنگ: ج ۱ ص ۲۶۷ تا ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۲، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۲۶، ۵۲۷.
ج ۲ ص ۱۱۸۹.
امیر کمال الدین حسین رشیدی: ج ۲ ص ۶۴۲.
امیر کونہ خان: ج ۲ ص ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۲۰، ۹۲۲.
امیرکونہ خان (صبہ —): ج ۳ ص ۱۲۵۴.
امیر کونہ خان افشار: ج ۲ ص ۱۱۵۵، ۱۱۶۵.
امیر کونہ خان افشار طارمی: ج ۳ ص ۱۲۸۱، ۱۲۸۲.
امیر کونہ خان (حاکم ایروان): ج ۳ ص ۱۲۶۲، ۱۲۶۵.
امیرکونہ خان ساری اصلان: ج ۲ ص ۹۲۰.

امیرکونہ خان زعفرانلو (حاکم خیونان):
ج ۲ ص ۱۲۳۲، ۱۴۵۲، ۱۴۵۶، ۱۴۶۷.
امیر کونہ خان قاجار: ج ۲ ص ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۸.
امیر لشکر، میرزا عنایت اللہ: ج ۳ ص ۱۷۹۲، ۱۸۱۰، ۱۸۲۲.
امیر مبارز الدین اقوش المنصوری: ج ۲ ص ۵۹۱.
امیر مبارز الدین بن حسنوبہ: ج ۲ ص ۶۲۰.
امیر مبارز الدین محمد مظفر (جد آل مظفر): ج ۲ ص ۶۲۸، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۵، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۶۱.
امیر مجاہد — ابواسحاق ابراہیم بن ابو زکریا.
امیر مراد خان، ج ۲ ص ۸۴۸.
امیر مسعود شاہ: ج ۲ ص ۶۲۶.
امیر مظفر (از آل مظفر): ج ۲ ص ۶۶۱.
امیر مہر الدین محمد اصفہانی: ج ۲ ص ۷۸۵، ۷۹۲، ۸۰۲.
امیر ملک: ج ۱ ص ۲۲۶.
امیر موسی کار: ج ۲ ص ۶۷۴.
امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (ع):
ج ۱ ص ۶۰ تا ۷۲، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۱، ۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴، ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۴، ۲۰۴۵، ۲۰۴۶، ۲۰۴۷، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۴، ۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴، ۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۱، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۱۹، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹، ۲۱۴۰، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸، ۲۱۴۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴، ۲۱۵۵، ۲۱۵۶، ۲۱۵۷، ۲۱۵۸، ۲۱۵۹، ۲۱۶۰، ۲۱۶۱، ۲۱۶۲، ۲۱۶۳، ۲۱۶۴، ۲۱۶۵، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸، ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۷۱، ۲۱۷۲، ۲۱۷۳، ۲۱۷۴، ۲۱۷۵، ۲۱۷۶، ۲۱۷۷، ۲۱۷۸، ۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۱۸۱، ۲۱۸۲، ۲۱۸۳، ۲۱۸۴، ۲۱۸۵، ۲۱۸۶، ۲۱۸۷، ۲۱۸۸، ۲۱۸۹، ۲۱۹۰، ۲۱۹۱، ۲۱۹۲، ۲۱۹۳، ۲۱۹۴، ۲۱۹۵، ۲۱۹۶، ۲۱۹۷، ۲۱۹۸، ۲۱۹۹، ۲۲۰۰، ۲۲۰۱، ۲۲۰۲، ۲۲۰۳، ۲۲۰۴، ۲۲۰۵، ۲۲۰۶، ۲۲۰۷، ۲۲۰۸، ۲۲۰۹، ۲۲۱۰، ۲۲۱۱، ۲۲۱۲، ۲۲۱۳، ۲۲۱۴، ۲۲۱۵، ۲۲۱۶، ۲۲۱۷، ۲۲۱۸، ۲۲۱۹، ۲۲۲۰، ۲۲۲۱، ۲۲۲۲، ۲۲۲۳، ۲۲۲۴، ۲۲۲۵، ۲۲۲۶، ۲۲۲۷، ۲۲۲۸، ۲۲۲۹، ۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۲، ۲۲۳۳، ۲۲۳۴، ۲۲۳۵، ۲۲۳۶، ۲۲۳۷، ۲۲۳۸، ۲۲۳۹، ۲۲۴۰، ۲۲۴۱، ۲۲۴۲، ۲۲۴۳، ۲۲۴۴، ۲۲۴۵، ۲۲۴۶، ۲۲۴۷، ۲۲۴۸، ۲۲۴۹، ۲۲۵۰، ۲۲۵۱، ۲۲۵۲، ۲۲۵۳، ۲۲۵۴، ۲۲۵۵، ۲۲۵۶، ۲۲۵۷، ۲۲۵۸، ۲۲۵۹، ۲۲۶۰، ۲۲۶۱، ۲۲۶۲، ۲۲۶۳، ۲۲۶۴، ۲۲۶۵، ۲۲۶۶، ۲۲۶۷، ۲۲۶۸، ۲۲۶۹، ۲۲۷۰، ۲۲۷۱، ۲۲۷۲، ۲۲۷۳،

امير هندو: ج ۲ ص ۶۹۹ تا ۷۰۱.
 امير يار احمد خوراني (نجم ثاني): ج ۲ ص ۷۵۱.
 امير يعقوب خان (امير افغانستان): ج ۳ ص ۱۹۹۹.
 امير يوسف: ج ۲ ص ۸۱۸.
 امير حاتم: ج ۲ ص ۷۸۹.
 امير دباچ: ج ۲ ص ۷۶۵.
 امير ساسان: ج ۲ ص ۸۵۲، ۸۵۶.
 امير قباد: ج ۲ ص ۷۹۲، ۷۹۵.
 اميل اولياويه (وكيل مجلس فرانسه): ج ۳ ص ۱۸۷۰، ۱۸۹۰.
 امين بيك: ج ۱ ص ۵۱۷، ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 ج ۲ ص ۲۰۸۶.
 امين التجار — ابراهيم امين التجار..
 امين التجار، حاجي محمد حسن: ج ۳ ص ۲۱۲۸.
 امين التجار كردستان، حاجي ميرزا ابراهيم:
 ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 امين التجار ملاير، حاجي محمد جعفر:
 ج ۲ ص ۲۱۲۹.
 امين حسين خان ايلخاني، شجاع الدوله:
 ج ۲ ص ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۹۵۳.
 امين حضرت (امين الحضرة) آقا محمد
 علي آبدار باشي: ج ۱ ص ۷۸۲.
 ج ۳ ص ۱۹۷۸، ۲۱۱۲.
 امين حمور، آقا علي آشتياني (وزير
 باقيا): ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۱۹۵.
 ۱۲۵۲: ج ۲ ص ۱۸۷۳، ۱۸۹۶.
 ۱۹۰۹، ۱۹۲۷، ۱۹۲۹، ۱۹۶۳، ۱۹۹۳،
 ۲۰۲۱، ۲۰۲۵، ۲۱۰۰.
 امير خان تركمان: ج ۲ ص ۸۷۳، ۸۷۴.
 امين خلوت، غلامحسين خان: ج ۳ ص
 ۱۹۹۲ تا ۲۱۰۹، ۲۱۱۱.
 امين خلوت، ميرزا محمد خان (تنگدار
 باشي و رئيس ممله خلوت): ج ۱ ص
 ۵۳۰، ج ۲ ص ۱۱۸۲، ۱۱۹۲.
 ۱۲۵۶: ج ۲ ص ۱۹۲۴، ۱۹۲۰، ۱۹۷۲،
 ۲۰۲۱، ۲۰۲۵، ۲۰۳۸.
 امين خلوت، ميرزا هاشم خان: ج ۲ ص
 ۱۱۸۲، ج ۳ ص ۱۸۵۷، ۱۸۸۶.
 ۱۸۹۲، ۱۸۹۷، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۷۲،
 ۲۰۲۱.

امين دارالضرب، حاجي محمد حسين:
 ج ۲ ص ۱۱۹۸، ۱۲۵۱، ج ۳ ص ۲۱۱۲.
 امين الدوله، ابوسعدي حسن بن موسلا يا
 (الزفصا): ج ۱ ص ۳۵۶.
 امين الدوله بن تلميذ ابراهيم هبالله
 امين الدوله (وزير ملك صالح): ج ۱ ص
 ۲۵۲.
 امين الدوله، عبدالله خان اصفهاني: ج ۳
 ص ۱۵۷۲، ۱۷۰۶.
 امين الدوله، ميرزا علي خان: ج ۲ ص
 ۱۹۱۲، ۱۹۲۳.
 امين الدوله، فرخ خان: ج ۲ ص ۱۸۵۹،
 ۱۸۸۵، ۱۸۹۲، ۱۹۲۴.
 امين الدوله، حاجي محمد حسين خسان
 بيگلر بيگي اصفهان: ج ۳ ص ۱۵۲۷،
 ۱۵۶۶، ۱۵۶۹، ۱۸۲۲، ۲۰۲۵، ۲۰۶۰،
 ۲۱۱۹، ۲۱۲۰.
 امين الدوله، ميرزا هاشم خان — امين
 خلوت..
 امين الدين كازووني (شيخ -): ج ۲ ص
 ۶۳۳.
 امين ديوان، نور محمد خان: ج ۳ ص ۱۲۵۶.
 ج ۲ ص ۲۱۱۰.
 امين السلطان: ج ۱ ص ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۴،
 ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۵۱، ۵۵۲، ج ۲ ص
 ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۷، ۱۲۳۹، ۱۳۰۲،
 امين السلطان، آقا محمد ابراهيم: ج ۳ ص
 ۲۸۲، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۱۹۰۸،
 ۱۹۲۴، ۱۹۴۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۸، ۱۹۸۲،
 ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶، ۲۰۰۲، ۲۰۱۹،
 ۲۰۲۱، ۲۰۲۹، ۲۰۴۱، ۲۰۴۳، ۲۰۴۵،
 ۲۰۴۶، ۲۰۶۶، ۲۰۸۳، ۲۰۹۰، ۲۰۹۲،
 ۲۱۱۱ تا ۲۱۱۴، ۲۱۲۶.
 امين السلطنة، محمد علي ميرزا خان (زين
 دارباشي): ج ۱ ص ۵۳۰، ج ۲ ص
 ۱۱۹۲، ۱۲۵۶، ج ۳ ص ۱۹۲۳،
 ۱۹۴۰، ۱۹۴۸، ۱۹۷۲، ۱۹۷۸، ۱۹۸۵،
 ۲۱۱۰.
 امين صره، علي خان (پيشخدمت خاصه):
 ج ۳ ص ۱۹۰۷.
 امين صره هابيون: ج ۳ ص ۱۵۶۱.
 امين لشكر، قهرمان ميرزا (وزير كسرك و
 فوائد عامه): ج ۱ ص ۴۶۲، ۴۷۹.

۵۰۳، ۵۰۴: ج ۲ ص ۱۲۲۳، ۱۲۳۶.
 ۱۸۹۷، ۱۹۲۳، ۱۹۳۰، ۱۹۳۹،
 ۱۹۵۸، ۱۹۶۴، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۲۰۰۵،
 ۲۰۱۷، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۶۷.
 امين، محمد بن رشيد (خليفه عباسي):
 ج ۱ ص ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۹ تا
 ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۴.
 امين معادن، حاجي علي اصغر: ج ۳ ص
 ۲۱۲۵، ۲۱۲۶.
 امين الملك: ج ۲ ص ۱۲۰۹، ج ۳ ص ۱۸۱۱،
 ۱۹۶۴، ۱۹۷۸، ۱۹۸۲، ۱۹۹۲، ۱۹۹۷،
 ۲۰۲۵، ۲۱۱۲.
 امين الملك (پسر آقا ابراهيم امين السلطان):
 ج ۲ ص ۲۱۱۴.
 امين الملك، پاشا خان (امين شوري): ج ۳
 ص ۱۷۹۵، ۱۸۶۵، ۱۸۸۶، ۱۸۹۲،
 ۱۸۹۷، ۱۹۲۳، ۱۹۲۹، ۱۹۳۶.
 امين الملك (سرتيب): ج ۳ ص ۲۰۸۲.
 امين الملك (علي اصغر خان امين السلطان):
 ج ۳ ص ۲۰۴۱.
 امين الملك، ميرزا علي خان امين الدوله
 (وزير رسائل): ج ۲ ص ۱۹۴۸،
 ۱۹۵۲، ۱۹۵۹، ۱۹۷۱، ۲۰۱۰،
 ۲۰۴۰.
 امين الملك، فرخ خان: ج ۲ ص ۱۷۸۷،
 ۱۷۹۸، ۱۸۰۴، ۱۸۱۲.
 امين الملك (مدير مجلس شوراي كبري و
 وزير وظائف و اوقاف): ج ۱ ص ۵۰۲،
 ۵۴۱، ۵۴۲، ج ۲ ص ۱۱۹۱، ۱۱۹۲،
 ۱۲۱۸، ۱۲۲۲.
 امين نظام، محمد تقی خان: ج ۳ ص ۱۱۸۸.
 امين نظام، محمد صادق خان (سرتيب
 فوج نهران مقدم): ج ۱ ص ۵۱۰،
 ج ۲ ص ۱۹۹۶، ۲۰۷۲، ۲۰۷۶.
 امين الوزاره، عباسعلي خان: ج ۱ ص ۵۱۷،
 ج ۲ ص ۱۹۹۲، ۲۰۸۶، ۲۱۰۴.
 اميه بن اسحاق: ج ۱ ص ۲۵۲.
 اميه بن صلت: ج ۱ ص ۲۳، ۲۴.
 اميه بن عبدالله بن اسيد: ج ۱ ص ۹۵،
 ۹۸.
 اميه بن عبدالله بن خالد (والي خراسان):
 ج ۱ ص ۹۱، ۹۳.
 اناته سلطان: ج ۲ ص ۹۶۹.

انجیسوف گرجی: ج ۳ ص ۱۵۲۲.
اندروز نر (سردار مجم): ج ۱ ص ۲۲.
اندز نی صاحب (معلم فرنگی): ج ۱ ص ۵۱۰.
ج ۲ ص ۱۲۳۱: ج ۳ ص ۲۰۷۵.
اندرونکی روسی: ج ۱ ص ۲۲۵.
انسان گلدی: ج ۲ ص ۹۶۰.
انس بن مالک انصاری — مالک بن انس
انسی جنابدی (شاعر): ج ۲ ص ۷۲۲.
انس (غلام نجم الدین رومی صالحی):
ج ۲ ص ۵۸۱.
انطاق: ج ۱ ص ۲۵.
ان طوننسی: ج ۳ ص ۱۷۷۶.
انوجور اخنید (حاکم مصر): ج ۱ ص ۲۶۵.
۲۷۰.
انور افندی: ج ۳ ص ۱۶۷۲.
انوش تگین دریری: ج ۱ ص ۳۱۵-۲۹۷.
انوشنگین غرشه (پدر محمد خوارزم شاه و
ملوک غرشتانی): ج ۱ ص ۳۵۰.
انوشجان (سردار مجم): ج ۱ ص ۲۲.
انوشه (والی اورنگ): ج ۲ ص ۹۸۲.
انوشیروان بن خالد بن محمد (وزیر
سلطان محمود طغرل): ج ۱ ص ۳۶۶.
انوشیروان عادل: ج ۲ ص ۷۲۱.
انوشیروان بن منوچهر (شاه طبرستان): ج
۱ ص ۳۰۷.
انوشیروان میرزا، سرتهب اول: ج ۱ ص ۵۰۲.
۵۰۷: ج ۲ ص ۱۸۵۷.
انوشیروان میرزا، ضیاءالدوله: ج ۲ ص ۱۱۹۰.
۱۲۱۹، ۱۲۲۷: ج ۳ ص ۲۰۲۵.
۲۰۶۲، ۲۰۷۱، ۲۱۲۶.
انیسی شاطو (شاعر): ج ۲ ص ۸۹۹.
انیسی بن مرشد بن ابی مرشد الفزوی: ج ۱
ص ۴۹.
اویزدف کابین: ج ۱ ص ۵۲۷.
اونارخان (غلام گرجی): ج ۱ ص ۹۵۱.
۹۵۲.
اوجد الدین انوری (شاعر): ج ۱ ص ۲۸۵.
اوجد الدین بلجانی: ج ۲ ص ۶۰۰.
اوجدی اصفهانی (شیخ —): ج ۲ ص ۶۲۹.
اود (از نجای فرانسه): ج ۱ ص ۱۰۸.
اورین دوم (پاپ): ج ۱ ص ۳۲۹.
اورین سوم (پاپ): ج ۲ ص ۴۰۹.
اورین ششم (پاپ): ج ۲ ص ۶۵۵، ۶۵۲.

اورخان بن عثمان خان (سلطان —): ج ۲
ص ۶۲۲ ب ۶۲۲، ۶۲۸، ۶۲۲، ۶۲۲-۶۲۲.
اورنگ زیب عالمگیر: ج ۲ ص ۹۵۵-۹۵۲.
۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲ ب ۹۷۱، ۹۷۸.
۹۸۱، ۹۸۲، ۹۹۲، ۹۹۷، ۹۹۸.
۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۵.
اورنگ زیب میرزا (پسر فتحعلیشاه): ج ۲
ص ۱۶۲۲.
اورناینگی (وزیرگون خان مغول): ج ۲ ص
۱۲۲۷، ۱۲۲۸.
اوزاعی، عبدالرحمن بن عمر و (طبیعه
نام): ج ۱ ص ۱۲۸.
اوزبک خان، پسر طغرل خان (صاحب
دشت قباچاق): ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۲۵.
اوزبک سلطان بن رستم سلطان: ج ۲ ص
۸۵۵، ۸۵۸.
اوزخان (دختر عم اوزخان): ج ۳ ص
۱۳۲۵.
اوزولد (پسر سوا توپلوک دوم): ج ۱ ص
۳۶۱.
اوژن (پسر ژولین): ج ۳ ص ۱۲۴۰.
۱۶۳۱.
اوزینو اوربارت (رئیس جمهر پاراکی):
ج ۱ ص ۵۶۵، ج ۲ ص ۱۳۰۹، ج ۳
ص ۲۱۵۲.
اوسمی سرخای: ج ۲ ص ۱۱۱۶.
اوسن بن ضمع الکوفی: ج ۱ ص ۹۱.
اوشیرخان، پسر یلدوزخان: ج ۳ ص ۱۳۲۲.
۱۳۲۶، ۱۳۴۰.
اوشین بوداق چکی: ج ۲ ص ۸۸۰.
اوشورلو سلطان: ج ۲ ص ۹۲۲.
اوکنای قا آن پسر چنگیز: ج ۱ ص ۲۲۹.
۲۲۶، ۲۲۷، ۲۵۱، ۲۵۲: ج ۲ ص
۵۸۰، ۵۸۸: ج ۳ ص ۱۳۲۹ ب ۱۳۳۳.
۱۳۳۸، ۱۳۴۲.
اولمه تگلو: ج ۲ ص ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۸۶.
۸۰۶.
اولمویه کرمل: ج ۲ ص ۹۲۹.
اونک خان: ج ۲ ص ۱۴۷۲.
اوهس (سلطان —) پسر شیخ حسن مویان:
ج ۲ ص ۱۳۲۲.
اوهس بیگ: ج ۲ ص ۷۰۲.
اوهس قرنی: ج ۱ ص ۶۵.

اوهس میرزا احتشام الدوله (سلطان —)
احتشام الدوله: ج ۱ ص ۵۰۱.
اظمی شیرازی: ج ۲ ص ۷۹۰.
اهاز (اتابک ملکشاه): ج ۱ ص ۳۵۷.
اهاز (غلام سلطان محمود غزنوی): ج ۱ ص
۳۲۵.
اهاز پاشا: ج ۲ ص ۸۲۵.
ایلیس بن مطویه بن قره (قاضی بصره):
ج ۱ ص ۱۲۲.
ایبک (ملوک شهاب الدین غوری): ج ۱ ص
۲۱۲، ۲۲۵.
ایبک اسمر (سردار): ج ۱ ص ۴۲۸.
ایبک ابی شکر الصالحی ترکمانی، ملک
المز: ج ۱ ص ۲۵۶ ب ۲۵۸، ۲۶۰.
۲۶۱.
ایبک، عزالدین معظی (ملوک طبرست)
معظم: ج ۱ ص ۲۲۸، ۲۲۸، ۲۲۰.
۲۴۲ ب.
ایبه سلطان (حاکم کرمان): ج ۲ ص ۷۳۶.
ایبه، المومید (ملوک سنجر): ج ۱ ص ۳۸۶.
۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۲-۳۹۲، ۴۰۰.
ایتوربید (امیراطورمگزیک): ج ۳ ص ۱۵۵۸.
ایجل (میرزا —) ابن میرانشاه: ج ۲ ص
۶۲۶.
ایضوف: ج ۳ ص ۱۵۷۴.
ایدهش: ج ۱ ص ۲۲۲، ۲۲۹.
ایدمر (امیر حاج مصر): ج ۲ ص ۶۲۵.
ایران الطوک (دختر ناصر الدین شاه):
ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۲۰۶۲.
ایرج میرزا (ملک —) پسر فتحعلیشاه:
ج ۳ ص ۱۲۸۷، ۱۶۲۲، ۱۶۲۷.
ایرن (مادر قسطنطین پنجم): ج ۱ ص ۱۵۲.
۱۶۲، ۱۶۶.
ایزاب (ملکه فرانسه): ج ۲ ص ۶۹۰.
ایزابیل (خواهر پادشاه فرانسه): ج ۲ ص
۶۲۲.
ایزابیل (خواهر ماری ملکه انگلیس): ج ۲
ص ۸۲۸.
ایزابیل (ملکه اسپانیول): ج ۲ ص ۷۲۶.
ج ۲ ص ۱۶۰۲، ۱۶۱۹، ۱۹۰۰.
۱۹۰۲، ۱۹۱۷، ۱۹۵۵.
ایستوباقخان: ج ۲ ص ۶۲۹.
ایشان (سردار ترکان): ج ۳ ص ۱۶۵۷.

۱۸۹۲-۱۹۲۵

ایش سلطان: ج ۲ ص ۷۹۳

ایشنگ: ج ۲ ص ۱۷۱۹

ایشیک آقاسی باشی، رضا قلی خان: ج ۲ ص ۲۰۷۲

ایشیک آقاسی باشی، حاجی سلیمان خان: ج ۲ ص ۱۹۵۷

ایشیک آقاسی باشی، ظهیر الدوله (وزیر عدلیه): ج ۱ ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۱۹۳۷

ایشیک آقاسی باشی و کشیکچی باشی، علا الدوله: ج ۲ ص ۱۹۴۸

ایشیک آقاسی باشی، علی خان: ج ۲ ص ۲۰۳۵

ایشیلو: ج ۲ ص ۹۲۱

ایمز (شاه روس): ج ۱ ص ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۵۸

ایکچلداغی خان: ج ۲ ص ۶۴۹

ایلبارس (والی خوارزم): ج ۲ ص ۷۵۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲

ایلخان (اکبر اولاد تنگیزخان): ج ۲ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۶، ۱۳۲۸، ۱۳۳۰

ایلدار خان (شمخال دربند): ج ۲ ص ۱۱۱۶

ایلدورم بایزید خان (سلطان عثمانی): ج ۲ ص ۶۵۵، ۶۵۹، ۶۶۲، ۶۶۳

۶۶۵ تا ۶۶۸: ج ۲ ص ۱۳۳۸

ایلدورم بایزید میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۲ ص ۶۶۰: ج ۳ ص ۱۶۱۷

ایلدورم خان: ج ۲ ص ۱۰۸۵

ایلدورم میرزا: ج ۲ ص ۱۷۱۳، ۱۷۴۲

ایلتاری (پسر ارتق خان بن اکسخرکانی (صاحب ماردین): ج ۱ ص ۳۴۲، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۲ تا ۳۶۷

ایلیک خان ارسلان (پادشاه ترک): ج ۱ ص ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۸

ایل گندی نظر (ریش سفید آتابای): ج ۱ ص ۵۲۰: ج ۲ ص ۱۲۲۵

ایلندرز بن عویش اوزبک: ج ۲ ص ۱۲۳۹

ایلندرز خان خوارزمی ابن محمد امین-ایناق (پادشاه خوارزم): ج ۲ ص ۱۲۵۱

ایلنکه (پسر قدان جلایر): ج ۳ ص ۱۳۲۸

ایلینجه خان: ج ۲ ص ۱۳۲۲

اینان خان فراغانی: ج ۲ ص ۱۵۵۷

اینانی خان (حاکم فراغان): ج ۳ ص ۱۵۲۶

اینال خان: ج ۲ ص ۱۱۲۸

اینانچخواتون (زوجه سکان حاکم خلاط): ج ۱ ص ۳۶۱

اینانچ، هادی الملوک (ملوک سنجسر و حاکم ری): ج ۱ ص ۳۸۶، ۳۹۶، ۴۱۲

اینایک دلچلا: ج ۲ ص ۷۸۸

این سیرانتیل لا (رئیس جمهور اکواتر): ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص ۱۳۰۸: ج ۲ ص ۲۱۵۲

این نشان چهارم (پاپ -): ج ۱ ص ۴۶۰

این نشان دوم (پاپ): ج ۱ ص ۴۳۱

این نشان سوم (پاپ): ج ۱ ص ۴۱۷

اینسان هشتم (پاپ): ج ۲ ص ۷۳۲

ایلی: ج ۲ ص ۱۳۲۶

ایوان: ج ۲ ص ۹۹۰

ایوان (شاه روس): ج ۲ ص ۶۳۲

ایوان اول (شاه روس): ج ۲ ص ۶۲۴

ایوان چهارم (مخوفه): ج ۲ ص ۷۸۷، ۸۰۲، ۸۵۵، ۸۷۲

ایوان دوم (شاه روس): ج ۲ ص ۶۳۹

ایوان سیم (شاه روس): ج ۲ ص ۷۲۹، ۷۳۷

ایوان ششم (نزار روس): ج ۲ ص ۱۱۳۷

ایوانی خان گرجی: ج ۲ ص ۱۴۹۲

ایوب (ناهراده): ج ۲ ص ۱۵۴۱

ایوبخان: ج ۱ ص ۲۸۷، ۲۸۸

ایوبخان (حاکم هرات): ج ۲ ص ۲۰۱۱

ایوبخان (سردار افغان): ج ۲ ص ۱۲۰۲

۱۲۰۲: ج ۳ ص ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۲۶

ایوب بن شادی (پدر صلاح الدین ایوبی): ج ۱ ص ۲۹۷، ۳۰۰

ایوب بن ملک عادل، ملک اوجد: ج ۱ ص ۲۱۷



با آنیبال بنتو (رئیس جمهور شیلی): ج ۱

ص ۵۶۶: ج ۲ ص ۱۳۰۹: ج ۳ ص ۲۱۵۲

بابا (میرزا -): ج ۱ ص ۵۴۶

بابا افضل الدین گاشی: ج ۲ ص ۵۸۸

بابا اکبر (تحویلدار اداره شتر خاندان): ج ۲ ص ۲۱۱۲

بابا اکبر (نایب -) تحویلدار جنسی: ج ۱ ص ۵۵۲

بابا بهادر: ج ۲ ص ۶۷۲

بابا بیگ (میرزا -) دسته بلوچ: ج ۱ ص ۵۲۲

بابا بیگ افشار: ج ۲ ص ۱۷۷۲

بابا حاجی (نایب دوم قاطر خانه): ج ۱ ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۱۱۲

بابا حسین (قاتل میرزا عبداللطیف): ج ۲ ص ۷۰۱

بابا خان: ج ۱ ص ۵۱۹

باباخان (حاجی -) رئیس: ج ۱ ص ۵۵۰

بابا خان آقا (از طائفه شامبیاتی): ج ۱ ص ۵۰۳

بابا خان چابوتلو: ج ۲ ص ۱۱۱۷

بابا خان (سرکرده جماعت عرب): ج ۱ ص ۵۱۹

بابا خان (سرکرده ساکنین سرخس): ج ۲ ص ۲۰۸۸

بابا خان سلطان (حاکم بهرین): ج ۲ ص ۹۶۷

بابا خان سول سیر: ج ۲ ص ۱۲۶۸

بابا خان = فتحعلی شاه: ج ۲ ص ۱۱۷۷

ج ۲ ص ۱۲۵۶

بابا خان گرجی، سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸

ج ۲ ص ۱۳۲۸: ج ۳ ص ۲۰۷۲

بابا خان یورباشی: ج ۱ ص ۳۷۱، ۵۳۹

ج ۲ ص ۲۱۱۷

بابا سلطان: ج ۲ ص ۸۳۰

باباعلیشاههروی (شاعر): ج ۲ ص ۷۳۷

بابا فغانی شیرازی: ج ۲ ص ۷۶۶

بابا شیرازی (شاعر): ج ۲ ص ۷۸۸

بابا نصیبی (شاعر): ج ۲ ص ۷۲۷

بابا یوسف شاطر: ج ۳ ص ۱۲۴۱

بابر: ۷۴۶، ۷۴۹، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۶۲، ۷۶۷، ۷۷۱ تا ۷۷۳، ۷۷۵، ۷۸۲

بابر، ابوالقاسم (پسر میرزا بایسنقر بن

شاهرخ): ج ۲ ص ۶۸۲.
 بابر (پادشاه فرغانه): ج ۲ ص ۷۳۳.
 بایق (ایجاد کننده طریقه کونیت در فرانسه): ج ۲ ص ۱۲۲۶.
 بلوک خرمی: ج ۱ ص ۱۷۵ تا ۱۸۲ تا ۱۸۲.
 باتو (حضرت -): ج ۲ ص ۱۲۳۲.
 باتوخان پسر تولیخان مغول: ج ۱ ص ۲۲۵ تا ۲۲۹.
 باد (حکمران دیار بکر): ج ۱ ص ۲۸۲.
 بادونجان بیک روملو: ج ۱ ص ۷۵۵.
 بادوسبان بن افریدون (هشتمین ملوک رستمدر): ج ۲ ص ۷۲۲.
 بادوسبان بن خوزاد بن بادوسبان بن گیل: (از ملوک رستمدر): ج ۲ ص ۷۲۲.
 بادوسبان بن گیل بن گیلان شاه (از ملوک رستمدر): ج ۲ ص ۷۲۲.
 بادیس بن منصورالصنهاجی (اصوافریقیم): ج ۱ ص ۲۸۸ تا ۲۸۹.
 باذان (حاکم یمن): ج ۱ ص ۳۱.
 باربروس: ج ۲ ص ۷۶۶.
 بارت (دکتر -): ج ۲ ص ۱۷۷۵.
 بارطمی دیار: ج ۲ ص ۷۲۹.
 بارنومه پولکونیک: ج ۲ ص ۱۷۷۳.
 بارق کهنس: ج ۲ ص ۱۷۲۲.
 بارن دیگاری: ج ۲ ص ۱۸۲۶.
 بارن همیرلی: ج ۲ ص ۲۰۲۶.
 باروک (نازوک): ج ۱ ص ۲۴۲.
 بارون پرونده: ج ۲ ص ۱۷۹۰.
 بارون روتن: ج ۳ ص ۱۶۲۰.
 بارون لیونرو، کاپتن مهندس: ج ۱ ص ۵۳۷.
 بارون میر رچل (ثروتمند فرانسوی): ج ۲ ص ۱۹۰۲.
 بارون نرمان (مترجم فرانسه): ج ۱ ص ۲۱۰۲ تا ۲۰۱۲ و ۵۵۵ تا ۲۸۰.
 ۲۱۲۸.
 بارون هابیر له (صدر اعظم آستریه): ج ۱ ص ۵۶۱.
 بارون هونبر: ج ۲ ص ۱۷۹۰.
 بارون همیرلی: ج ۲ ص ۱۲۰۵.
 باروک بیک پرنایک: ج ۲ ص ۷۲۹ تا ۷۲۲.
 بارنکاه بن بهلول لودی: ج ۲ ص ۷۲۰.

باز بهادر شاه: ج ۲ ص ۸۲۲.
 بلزار: ج ۱ ص ۲۱۶ تا ۲۱۸.
 بازوری، حسن: ج ۱ ص ۳۲۵.
 باسانت (شارب شاه ایتالیا): ج ۲ ص ۱۹۸۸.
 باش اچولی: ج ۲ ص ۸۰۳.
 باطل: ج ۱ ص ۵۲۷.
 باغر ترکی: ج ۱ ص ۲۰۲.
 باشی ارسلان بن دانشمند: ج ۱ ص ۳۹۲.
 بافی میان بن محمد ترکان (حکمران انطاکیه): ج ۱ ص ۲۴۶ تا ۲۴۸.
 ۲۴۹ تا ۲۵۱ تا ۲۵۲ تا ۲۶۱.
 باقر (آ -): ج ۱ ص ۵۵۱ تا ۵۵۲.
 باقر (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۵.
 باقر (آ -) اداره آبدارخانه: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 باقر (آ -) اداره غسلات: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 باقر (آ -) اطاق موزه: ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 باقر (میرزا -) از اجزای پستخانه: ج ۲ ص ۲۱۲۲.
 باقر (آ -) تحصیلدار قزوین: ج ۱ ص ۵۵۱.
 باقر (میرزا -) حاکم شاهرود و بسطام: ج ۲ ص ۱۲۵۵.
 باقر (آقا -) حاکم طارم: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 باقر خان: ج ۱ ص ۵۱۹ تا ۵۲۰ و ۱۸۵۰.
 باقر خان افشار، مرتب سیم: ج ۱ ص ۵۰۸ تا ۵۰۹ و ۱۲۲۸ تا ۲۰۷۲.
 باقر خان (میرزا -) امیر طیس: ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 باقر خان (میرزا -) ننگدار خاصه: ج ۱ ص ۵۲۰ تا ۵۲۱ و ۱۲۵۲ تا ۲ ص ۲۱۱۱.
 باقر خان تنگستانی: ج ۲ ص ۱۷۷۳.
 باقر خان خراسانی اصفهانی (حاکم اصفهان): ج ۲ ص ۱۲۸۹ تا ۱۳۹۱ تا ۱۲۹۳.
 باقرخان (میرزا -) از طایفه سبانیلو: ج ۱ ص ۵۰۲ تا ۵۰۳ و ۱۲۲۱ تا ۲ ص ۲۰۶۵.
 باقر خان مرتب: ج ۲ ص ۲۰۸۶.
 باقر خان (سید -) سر رشته دار: ج ۱

ص ۵۰۵.
 باقر خان (سرکرده نیشابوری و جزایر -): ج ۳ ص ۲۰۸۸.
 باقرخان سرهنگ (صاحب منصب فوج): ج ۱ ص ۵۱۱ تا ۵۱۷ و ۱۲۲۵ تا ۱۲۲۱ و ۱۲۲۲ تا ۲۰۸۰ و ۲۰۸۵ تا ۲۱۲۲.
 باقر خان (حاجی -) سرهنگ فوج انصار بکتلو: ج ۱ ص ۵۱۱ تا ۵۱۲ و ۱۲۳۲ تا ۱۲۳۳ و ۲ ص ۲۰۷۶ تا ۲۰۷۹.
 باقر خان سرهنگ افشار، مرتب سیم: ج ۲ ص ۱۹۸۳.
 باقر خان سرهنگ (فوج گلهایگان): ج ۳ ص ۱۳۰۰.
 باقرخان، سرهنگ فوج لرستان: ج ۱ ص ۵۱۶.
 باقر خان (طبيب): ج ۱ ص ۵۲۵.
 باقرخان (نوه حاجی محمد علی خان) خایب آجودانهای: ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 باقر (آ -) رئیس اداره فرایخانه: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 باقر (آ -) رئیس سواره قواسوران: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 باقر (میرزا سید -) سر رشته دار دفتر لشکر: ج ۲ ص ۲۰۲۰.
 باقر (آقا میرزا -) سرکتیک: ج ۱ ص ۵۵۲.
 باقر (آقا میرزا -) سرکتیک حضرتعبد المظیم: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 باقر سلطان انزلی (سرکرده): ج ۲ ص ۱۳۶۹.
 باقر سلطان نوری: ج ۳ ص ۱۳۹۶.
 باقر (میرزا -) پسر صدیق الدوله (بایق خالصه جات): ج ۱ ص ۵۲۵.
 باقر (میرزا -) لشکر نویس: ج ۳ ص ۱۷۸۲ تا ۱۹۶۴.
 باقر (میرزا سید -) لشکر نویس عراق: ج ۲ ص ۱۲۲۶.
 باقر (میرزا سید -) مأمور عراق: ج ۱۲۲۲.
 باقر (حاجی میرزا -) مجتهد (امام جمعه تبریز): ج ۲ ص ۱۷۶۲.
 باقر (آقا -) مدیر راه شوه دولتی: ج ۲ ص ۱۷۷۵.

باقر (آقا -) مدیر گمرک گیلان: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 باقر (میرزا -) مستوفی: ج ۱ ص ۵۲۸.
 ج ۳ ص ۲۰۹۹.
 باقر (میرزا -) منشی: ج ۲ ص ۲۱۰۱.
 باقر (میرزا -) منشی (از اجزای مجلس دیوان مظالم): ج ۲ ص ۱۲۵۵.
 باقر منشی تبریزی: ج ۱ ص ۵۲۹.
 باقر (میرزا -) برادر زاده میرزاجانی: ج ۲ ص ۱۸۱۰.
 باقر میرزا (امیر زاده) ولد عبدالفاضل میرزا: ج ۱ ص ۵۵۸.
 باقر میرزا، پسر میرزا الدوله: ج ۳ ص ۲۰۶۳.
 باقر (آقا -) نایب آبدارخانه مبارکه: ج ۱ ص ۵۵۱.
 باقر (آقا -) نایب الحکومه قازم: ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 باقر (آقا -) (از همراهان شاه در سفر اول به اروپا): ج ۳ ص ۱۹۲۰.
 باقتضایان: ج ۱ ص ۳۸.
 باقلانی - ابوبکر الباقلانی.
 باقی پور (از امراء اوزبک): ج ۲ ص ۹۵۰.
 باقی (حاکم قندهار): ج ۲ ص ۷۶۲.
 باقی خان: ج ۲ ص ۸۹۲، ۸۹۷.
 باقی خان (صاحب باورک النهر): ج ۲ ص ۹۰۰.
 باکن (فیلسوف): ج ۲ ص ۹۲۱.
 بال دو مرا صورترو: ج ۳ ص ۱۶۶۶.
 بالفتاحی (صدر اعظم عثمانی): ج ۲ ص ۱۰۱۰.
 بالزاک: ج ۲ ص ۹۵۹، ۹۲۰: ج ۳ ص ۱۷۲۱.
 بالینو خان: ج ۲ ص ۶۲۹.
 بابار (سردار فرانسه): ج ۲ ص ۷۷۹.
 بایدو (چلشنین گیخاتو خان): ج ۳ ص ۶۰۳.
 ۶۰۴.
 بایدو خان: ج ۳ ص ۱۲۶۱.
 بایزید، الدرم خان (شاهزاده): ج ۳ ص ۱۲۲۸.
 بایزید بسطامی (عارف): ج ۱ ص ۲۰۷.
 ج ۳ ص ۷۲۶.
 بایزید چلبی: ج ۲ ص ۶۶۷.
 بایزید بن سلطان سلیمان خان: ج ۲ ص

۸۲۲، ۸۲۰.
 بایزید (برادر سلطان مواد خان، امیراطور عثمانی): ج ۲ ص ۹۳۲.
 بایسنقر: ج ۲ ص ۷۳۹.
 بایسنقر (میرزا -) : ج ۲ ص ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۸۲، ۶۸۷، ۷۳۲.
 بایسنقر (میرزا -) نوه اوزن حسن آق قویونلو: ج ۲ ص ۷۳۱.
 بایسنقر (میرزا -) پسر سلطان ابوسمید: ... ابن میرانشاه: ج ۲ ص ۷۱۳.
 بایسنقر ابن میرزا شاهرخ (میرزا -) : ج ۲ ص ۶۸۸، ۶۸۰.
 بایسنقر میرزا (ولد یعقوب بیگ آق قویونلو): ج ۲ ص ۷۲۲، ۷۲۸.
 بایقرا (میرزا -) : ج ۲ ص ۶۷۷.
 بایقرا بن عمرشوخ بن امیر تیمور (میرزا -) : ج ۲ ص ۶۷۶، ۶۹۲.
 بایقرا میرزا (برادر سلطان حسین میرزا بایقرا): ج ۲ ص ۷۲۶.
 بایکمال (از بزرگان ترک): ج ۱ ص ۲۰۵.
 ۲۰۶.
 بایندر خان: ج ۲ ص ۲۹۵، ۱۳۲۵.
 بتان (شام میام): ج ۳ ص ۲۱۵۰.
 بحبکم (بحکم): ج ۱ ص ۲۵۴، ۲۵۵.
 بختی (ولید بن صباه) (شاعر): ج ۱ ص ۲۲۱.
 بحر الطوم - محمد مهدی ... بحر الطوم بحری پاشا: ج ۲ ص ۱۶۷۸، ۱۶۷۹.
 بحری خان عاموتی: ج ۲ ص ۹۳۲.
 بحیرین زهیر (برادر کعب): ج ۱ ص ۲۹۹.
 بحیر بن ورقه الصریعی: ج ۱ ص ۹۵.
 بخاری، جعفر محمد بن اسمعیل (صاحب صحیح): ج ۱ ص ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۶.
 ۲۱۷، ۲۸۰.
 بختری بن درهم: ج ۱ ص ۱۱۰.
 بختری صاحب الاشهب (از خوارج): ج ۱ ص ۱۱۹.
 بختمار بن معز الدوله: ج ۱ ص ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲ تا ۲۸۰، ۲۸۷.
 بختماریه (همسر قحطیشاه): ج ۳ ص ۱۴۱۲.
 بختمشوع بن یحیی (طبیب): ج ۱ ص

۱۹۸، ۲۵۲.
 بخشکی خان: ج ۳ ص ۱۶۵۱.
 بدای خان قاجار: ج ۲ ص ۲۹۱، ۲۹۲: ج ۳ ص ۱۲۶۲.
 بدای سلطان چوله: ج ۲ ص ۹۶۲.
 بدای سلطان قاجار: ج ۲ ص ۸۲۸، ۸۲۹: ج ۳ ص ۱۲۶۲.
 بدایع نگار، آقا محمد ابراهیم: ج ۳ ص ۲۰۳۲.
 بدر (غلام عبدالرحمن اموی حکمران اسپانیا): ج ۱ ص ۱۲۲.
 بدراحتیدی (والی دمشق): ج ۱ ص ۲۵۹.
 بدران بن مقد (حاکم نصیبین): ج ۱ ص ۳۰۹، ۳۲۱.
 بدرجهانی (امیر الجمیون): ج ۱ ص ۳۲۵.
 تا ۳۲۷، ۳۲۲.
 بدرجهان خانم (ماه باجی) دختر قحطیشاه: ج ۲ ص ۱۶۲۷.
 بدرخان: ج ۲ ص ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۲، ۸۲۳.
 بدرخان اساجلو: ج ۲ ص ۸۲۲.
 بدرالدین: ج ۲ ص ۶۸۰.
 بدرالدین آفسنقر هزار دیناری: ج ۱ ص ۲۱۶.
 بدرالدین البیهری: ج ۲ ص ۵۸۹.
 بدرالدین ایدمری: ج ۲ ص ۵۹۶.
 بدرالدین بگاش: ج ۲ ص ۵۹۶.
 بدرالدین بهدرا: ج ۲ ص ۶۰۲.
 بدرالدین فلیک الایدمری: ج ۲ ص ۶۰۰.
 بدر الدین دلدوم: ج ۱ ص ۴۱۲.
 بدرالدین حلاشی (پسر ملک ظاهر بیهرس): ج ۲ ص ۶۰۰.
 بدرالدین الصوابی الصالحی: ج ۱ ص ۲۵۵.
 بدرالدین لولوا: ج ۱ ص ۴۲۲، ۴۲۳ تا ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۵۵.
 بدرالدین لولوا (صاحب مومل، ملک به ملک رحیم): ج ۱ ص ۵۲۹، ۵۲۲.
 ۴۲۲ تا ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۵۵: ج ۳ ص ۵۷۹.
 بدرالدین لولوا القندی (امیر -) امیر حلب: ج ۲ ص ۶۲۷.
 بدرالدین محمد (از نحات): ج ۲ ص ۶۸۴.
 بدرالدین محمد بن قاضی جلال الدین فیروزی: ج ۲ ص ۶۲۲.
 بدرالدین محمد بن جماعه الکنانی الحموی

بسطام (خارجی): ج ۱ ص ۱۲۸
 بسطام خان زند: ج ۲ ص ۱۱۶۵
 بسطام، شوب (از بنی بکتر): ج ۱ ص ۱۵۶
 بسطام بن عمرو (کارگزار سند): ج ۱ ص ۱۵۱
 بسطام بن عمرو التلمی (حاکم آذربایجان): ج ۱ ص ۱۵۲
 بستکویج: ج ۳ ص ۱۷۰۸
 بستکویج (ژنرال -): سردار روس: ج ۳ ص ۱۵۷۲-۱۵۷۳ تا ۱۵۹۲-۱۵۹۳
 ۱۵۹۳-۱۵۹۶-۱۶۰۳-۱۶۰۹-۱۶۱۳
 ۱۷۷۷
 بسف: ج ۳ ص ۱۸۰۸
 بسیر (ژنرال -): ج ۳ ص ۱۲۷۴
 بسول ارضی (صاحب بلاد ارمن): ج ۱ ص ۳۶۱
 بشار بن بود (شاعر اعمی): ج ۱ ص ۱۵۵
 بشاره (خادم سف الدوله): ج ۱ ص ۲۶۸
 بشر افشینی (خادم): ج ۱ ص ۲۲۶-۲۲۵
 بشر بن حارث (زاهد) - بشرحافی
 بشر حافی ابن حارث (زاهد): ج ۱ ص ۱۸۸
 بشر بن صفوان (عامل افریقیه): ج ۱ ص ۱۱۲
 بشر بن غیاث المریمی: ج ۱ ص ۱۸۴
 بشر بن مروان (برادر عبدالملک و والی عراقین): ج ۱ ص ۸۹ تا ۹۱
 بشر بن منذر البجلی (حاکم بعلبک): ج ۱ ص ۱۵۰
 بشیر خان آقاباتی: ج ۳ ص ۱۹۲۲
 بشیر بن داود (والی سند): ج ۱ ص ۱۷۸
 بشیر (برادر رافع بن لیث): ج ۱ ص ۱۷۰
 بشیر بن سعد الانصاری: ج ۱ ص ۲۷-۳۵
 بشیر بن عمرو - ابوعمیر بشیر
 بشیر الطکفیل الله شاطر باشی: ج ۱ ص ۵۵۲
 ج ۲ ص ۱۱۸۵
 ۲۰۲۲-۲۱۳۷
 بشیر (میرزا -) منشی سفارت عثمانی در کردستان: ج ۱ ص ۵۲۶
 ج ۲ ص ۲۱۰۲
 بصیرا (بزرگ عجم): ج ۱ ص ۲۳
 بطل، عبدالله ابوالحسن الانطاسی:

ج ۱ ص ۱۲۲
 بطمیوس: ج ۱ ص ۲۰۸۰-۲۰۸۱
 ج ۳ ص ۱۲۲۰
 بن الشرایب: ج ۱ ص ۱۹۷-۲۰۴-۲۰۳
 بقاء صفر: ج ۱ ص ۲۰۲-۲۰۰
 بقاء کبیر (سردار): ج ۱ ص ۱۸۵-۱۸۹
 ۱۹۱-۱۹۲-۱۹۵-۲۰۰-۱۹۸
 بنایری - ابراهیم خان بنایری
 بنراخان (حاکم فاریاب): ج ۱ ص ۳۱۷
 بنراخان، محمد بن قدرخان یوسف: ج ۱ ص ۳۱۸
 بنراخان، هارون بن سلیمان ایلک خان (سلطان ترکستان): ج ۱ ص ۲۸۶
 ۲۸۷-۳۱۲-۳۱۳
 بنری (پادشاه بلغار): ج ۱ ص ۱۹۰
 بنراخان (پسر سلطان غیاث الدین صاحب دهل): ج ۲ ص ۵۹۹
 بقراط: ج ۱ ص ۳۱۱
 بکاربن شریح (قاضی موصل): ج ۱ ص ۱۵۳
 بگاشی (بکش) خان (حاکم مرو): ج ۲ ص ۸۸۲-۹۲۰-۹۲۲-۹۰۳
 بکتکین: ج ۱ ص ۲۸۱
 بکتور (والی حمص): ج ۱ ص ۲۰۸
 بکتور (از دتالیک شاهر بن سکان): ج ۱ ص ۲۰۶-۲۱۰-۲۱۳
 بکتور: ج ۱ ص ۲۸۹-۲۹۰
 بکهور (غلام فرغیده): ج ۱ ص ۲۸۱
 ۲۸۵-۲۸۶
 بکرات خان (حاکم گرجستان): ج ۲ ص ۹۲۲
 بکرات میرزا: ج ۲ ص ۹۱۱
 بکریاشا: ج ۲ ص ۲۰۰۲
 بکر بن عمران (نائل مسلم بن عقیل): ج ۱ ص ۸۱
 بکسو (حاکم بغداد): ج ۲ ص ۹۱۲
 بکر بن عبدالله (مطوین سراقه در فتح باب الابواب): ج ۱ ص ۵۱
 بکر بن عبدالله المزنی: ج ۱ ص ۱۱۱
 بکمر (دکتر -): ج ۱ ص ۵۲۶
 ج ۳ ص ۲۱۳۱
 بکر بن عبدالله (سردار اسلام در فتح آذربایجان): ج ۱ ص ۵۱
 بکر بن ماهان: ج ۱ ص ۱۱۰-۱۱۱-۱۱۸

۱۲۶-۱۲۷
 بکر بن وساج (حاکم مرو): ج ۱ ص ۹۰-۹۱
 ۹۱-۹۲-۹۵
 بگجان سیرمصوص شاهزاد: ج ۳ ص ۱۲۲۹
 بگه اردلان: ج ۲ ص ۸۱۰-۸۲۱
 بلال بن ابی بکره (ریاست قضاوت): ج ۱ ص ۱۱۳
 بلال بن ابی دردرد انصاری (قاضی دمشق): ج ۱ ص ۱۰۱
 بلال بن رباح (مؤلف حضرت رسول ص): ج ۱ ص ۲۹
 بلانسی کاستیل (پادشاه و نایب السلطنه فرانسه): ج ۱ ص ۲۵۲
 بلانکی (جمهوری طلب فرانسه): ج ۱ ص ۲۹۰
 ج ۲ ص ۲۰۲۹
 بلج (امیر اندلس): ج ۱ ص ۱۲۲
 بلج بن بشر الهمی: ج ۱ ص ۱۲۲
 بلکابل (امیر سلجوقی): ج ۱ ص ۲۵۰
 بلک بن بهرام بن ارتق: ج ۱ ص ۳۵۶
 ۳۶۲
 بلوخر (سردار پروس): ج ۳ ص ۱۵۲۵
 ۱۵۲۷-۱۵۲۱-۱۵۲۲
 بلیق (حاجب): ج ۱ ص ۲۲۵ تا ۲۲۷
 بلیق (ابن -): ج ۱ ص ۲۴۵ تا ۲۴۲
 بلیوار (باغی ونزولا): ج ۳ ص ۱۵۲۸
 بنان الملک - حبیب الله خان سنوفی
 بنوای سیزدهم (باب): ج ۲ ص ۶۶۲
 بنمونی (سفیر کبیر فرانسه در برلن): ج ۲ ص ۱۸۸۱
 بنیاد خان هزاره: ج ۲ ص ۱۵۲۵-۱۵۲۶
 ۱۵۲۶-۱۵۲۹-۱۵۲۵-۱۵۲۷
 بوزار: ج ۱ ص ۲۴۷
 بودا (پیشوای بودائیون): ج ۱ ص ۲۹
 بوداقاغلن چکنی: ج ۲ ص ۸۷۷
 بوداق خان: ج ۲ ص ۱۱۲۸
 بوداقخان مکی: ج ۳ ص ۱۵۲۴
 بوداق سلطان بن قلندر سلطان چوله: ج ۲ ص ۹۶۷
 بودون (زوج پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۱۵۵۳
 بودون (پادشاه مجاهدین عیسوی): ج ۱ ص ۲۵۵-۲۵۶-۲۶۰
 بورس (پادشاه روس): ج ۲ ص ۸۹۵

۹۰۰

بوزهار (طبيب هندی): ج ۲ ص ۱۱۲۲.
 بوسند عثمان (از آل مرین مغرب): ج ۲ ص ۷۳۰.
 بوسکه داندن: ج ۲ ص ۱۷۹۰.
 بوسو: ج ۲ ص ۹۸۲، ۱۰۰۲.
 بوعبداللہ بلیمانی کازرونی: ج ۲ ص ۵۹۸.
 بوعبدیل (شاه اسپانیا): ج ۲ ص ۷۳۲.
 بوعلی، احمد بن محمد (شارح عماد): ج ۱ ص ۳۰۸.
 بوغول کویانک (پسر اوگتای قاآن): ج ۳ ص ۱۳۲۲.
 بوفر: ج ۲ ص ۹۷۱.
 بوفن (از علمای فرانسه): ج ۲ ص ۱۱۲۸.
 ج ۲ ص ۱۲۰۳.
 بولا (پسر گلای): ج ۲ ص ۱۳۳۸.
 بولاقمورخان: ج ۲ ص ۶۲۹.
 بولکان: ج ۳ ص ۱۷۹۱.
 بولکن تیل (مسافر دور دنیا): ج ۲ ص ۱۵۲۵.
 بولو، سردار پروس: ج ۲ ص ۱۵۲۵.
 بویهدیلیم، ابی شعاع بن فناخسرو...: ج ۱ ص ۲۲۶.
 بهادرخان: ج ۲ ص ۸۷۲.
 بهادر خان بیگلر بیگی: ج ۲ ص ۱۲۲۳.
 بهادر خان، بیگلر بیگی جماعت درجزنی: ج ۱ ص ۵۱۸.
 بهادر خان، حسن خان سیزوی: ج ۳ ص ۱۷۵۵.
 بهادرخان دره جزی: ج ۳ ص ۱۸۲۲.
 بهادر شاه (جلنشین اوزبک زب): ج ۳ ص ۱۰۰۵.
 بهادر شاه: ج ۲ ص ۸۹۲، ۸۹۵.
 بهادرگهرانی: ج ۲ ص ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۹۰.
 ۷۹۱.
 بهادر میرزا: ج ۲ ص ۱۷۲۲.
 بهادر میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۳ ص ۱۶۱۷.
 بهادر نظام شاه: ج ۲ ص ۸۹۷.
 بهارنه (شهر لوزین): ج ۲ ص ۱۲۲۰.
 بهازهرودوا (کاتب ملک صالح): ج ۱ ص ۲۴۸.
 بهاء الدوله: ج ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳ ص ۱۸۹۲، ۱۹۰۳، ۲۰۰۸، ۲۰۶۲.

بهاء الدوله (حاجی -): ج ۱ ص ۵۰۲.
 ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۳ ص ۲۰۲۱.
 ۲۱۲۰، ۲۰۸۲.
 بهاء الدوله، ابوکامل منصور الاسدی (صاحب حله): ج ۱ ص ۳۲۱.
 بهاء الدوله، ابونصر خاندین عصفه الدوله: ج ۱ ص ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۱ تا ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۸.
 بهاء الدوله، ارسلان: ج ۱ ص ۳۲۶.
 بهاء الدوله، بهمن میرزا: ج ۳ ص ۱۶۵۰.
 بهاء الدوله، ساسان میرزا: ج ۱ ص ۲۰۶۲، ج ۲ ص ۱۲۱۹.
 بهاء الدوله (حاجی -) سرتیپ اول: ج ۱ ص ۲۷۰، ۵۰۲.
 بهاء الدین اسمعیل (از حکام شهبانگاره): ج ۲ ص ۶۲۰.
 بهاء الدین بن تاج: ج ۱ ص ۲۵۱.
 بهاء الدین زکریای طناتی: ج ۲ ص ۶۹۵.
 بهاء الدین، سام بن شمس: ج ۱ ص ۲۲۲.
 بهاء الدین شداد (قاضی عسکر سلطان صلاح الدین): ج ۱ ص ۲۲۲.
 بهاء الدین، ظهیر الدین محمد المصلی (منشی رسائل ملک صالح): ج ۱ ص ۴۶۲.
 بهاء الدین عطی (شیخ -): ج ۲ ص ۹۰۲، ۹۱۵.
 بهاء الدین عبداللہ بن شہول: ج ۲ ص ۶۲۶.
 بهاء الدین عمر ابوهی: ج ۲ ص ۷۰۳.
 بهاء الدین عمر فراهی (شاعر): ج ۲ ص ۷۰۳.
 بهاء الدین، محمد بن الخطیب نقی: ج ۲ ص ۶۲۶.
 بهاء الدین (شیخ -) پدر جلال الدین مولوی: ج ۱ ص ۴۲۲.
 بهاء الدین نقشبند (خواجہ -): ج ۳ ص ۶۵۸.
 بهاء الملک (حاجی -): ج ۳ ص ۲۰۲۲.
 بهاء الملک، میرزا مصطفی خان: ج ۲ ص ۱۸۵۹، ۱۸۶۵.
 بهاء الملک والدین (شیخ -): ج ۲ ص ۸۹۲.
 بهبود خان: ج ۲ ص ۹۲۲، ج ۳ ص ۲۲۵۹.

۱۲۶۹

بهرام بن ارتق (صاحب حلب): ج ۱ ص ۲۶۷، ۲۶۸.
 بهرام بیگ (پسر فرخ یسار): ج ۲ ص ۷۲۱.
 بهرام ولد بنیاد خان هزاره، بیگلربیگی جام: ج ۲ ص ۱۵۹۸، ۱۶۰۲.
 بهرام بن تنش: ج ۱ ص ۳۲۸.
 بهرام چوبی: ج ۱ ص ۲۰۸.
 بهرام خان (برادر کبیر حسینی خان) سرتیپ: ج ۳ ص ۱۷۱۲.
 بهرامخان سوهنگ (ولیس کهنه لو): ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵.
 بهرام دلیمی (حاکم کرمان): ج ۱ ص ۳۱۹.
 بهرامشاه بن طفول بیگ بن قورق بیگ: ج ۱ ص ۲۹۸.
 بهرامشاه بن فرخشاه مرالدین: ج ۱ ص ۴۰۶، ۴۱۳.
 بهرامشاه بن مسعود غزنوی: ج ۱ ص ۳۶۲، ۳۸۶ تا ۳۸۲.
 بهرام (مقدم سلطان): ج ۱ ص ۳۲۲.
 بهرام میرزا (امیر زاده): ج ۲ ص ۷۸۳، ۷۹۵، ۸۰۹، ۸۶۲، ۱۱۳۰، ج ۳ ص ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۶۳۳، ۱۶۳۶، ۱۶۳۹، ۱۷۳۰.
 بهرام میرزا (پسر فتحشاه): ج ۲ ص ۱۲۸۲، ۱۶۲۲.
 بهرام میرزا مکر الدوله (پسر عباس میرزا و عموی ناصر الدین شاه): ج ۱ ص ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۱۶۱۷، ۱۷۰۶، ۱۷۱۶، ۱۷۲۷، ۱۸۱۱، ۱۸۷۲، ۱۹۰۵، ۱۹۵۸، ۱۹۷۶، ۲۰۲۲.
 بهرام نمرانی: ج ۱ ص ۳۷۵.
 بهرام (میرزا -) ابیس قنصول لنگران و سلطان: ج ۲ ص ۲۱۰۷.
 بهرنگ (کاشف بختان بنگ): ج ۲ ص ۱۰۲۱.
 بهروز: ج ۱ ص ۲۹۷.
 بهزاد مصور: ج ۲ ص ۷۸۷.
 بهلول بن بشر شهبانی موصی (کتابه): ج ۱ ص ۱۱۹.
 بهلول پاشا خان، سرتیپ: ج ۱ ص ۵۱۳.

ج ۲ ص ۱۲۳۸: ج ۳ ص ۱۵۲۸
 ۲۰۸۲
 بهلول لودی افغان (سلطان -) : ج ۲ ص ۷۰۳، ۷۲۲، ۷۲۵
 بهلول مجنون: ج ۱ ص ۱۷۰
 بهمن جادویه (سردار عجم): ج ۱ ص ۳۴، ۳۸، ۳۹
 بهمن میرزا: ج ۳ ص ۱۶۲۹، ۱۶۳۳، ۱۶۷۵
 ۱۶۷۷، ۱۶۸۲، ۱۶۸۷
 بهمن میرزا بهاء الدوله: ج ۲ ص ۱۲۲۰
 ج ۲ ص ۱۶۲۴، ۱۶۳۷، ۱۶۴۶
 بهمن میرزا (پسر عباس میرزا و عموی ناصر الدین شاه): ج ۱ ص ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۱۹
 ۱۶۱۷، ۲۰۶۲، ۲۰۶۴، ۲۰۷۱
 بهمن میرزا (پسر فتحعلشاه): ج ۲ ص ۱۵۰۳
 بهمن قلی خان: ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۲۹
 بهمن الملک: ج ۲ ص ۲۱۴۱
 بهمن الملک، میرزا رضا: ج ۳ ص ۱۲۵۵
 بهمن الملک (ماه‌مهر): ج ۱ ص ۵۲۹
 بهمن‌الملک، منشی باشی: ج ۲ ص ۱۲۹۷
 بهمن‌پسندنداری صالحی، ملک ظاهر و ملک قاهر (سلطان مصر): ج ۲ ص ۵۸۱ تا ۵۸۲
 بهمن خان: ج ۲ ص ۱۱۱۰
 بهمن‌خان (حاجی -): ج ۲ ص ۱۷۲۵
 بهدا (پادشاه هند): ج ۱ ص ۲۹۳
 بهدل دهلوی: ج ۲ ص ۹۱۹
 بهرام اغلن ازبک: ج ۲ ص ۸۰۸
 بهرام اوغلان: ج ۲ ص ۷۸۸
 بهرام اوقلی: ج ۲ ص ۸۱۰
 بهرام بیک: ج ۲ ص ۷۵۵، ۷۵۷
 بهرام بیک قاجار: ج ۲ ص ۸۱۹، ۸۲۰
 ج ۲ ص ۱۳۶۴
 بهرام بیک فرامانی: ج ۲ ص ۷۵۶، ۷۵۷
 بهرام پاشا (صدر اعظم عثمانی): ج ۲ ص ۹۳۹
 بهرام خان بهارلو: ج ۲ ص ۸۲۲
 بهرام خان، خان خانان: ج ۲ ص ۸۴۲
 بهرام‌قلی خان: ج ۲ ص ۱۳۳۳
 بهرام‌قلی قاجار عزالدین لوز: ج ۲ ص ۱۳۷۲
 بهرام اوغلان: ج ۲ ص ۷۸۸

بیزی (گردنده دور دنیا): ج ۲ ص ۱۱۶۷
 البیرونی (صدر اعظم اسپهانول): ج ۲ ص ۱۰۱۳
 بیزمارک: ج ۲ ص ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۸۱، ۱۹۰۱، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۵۶، ۱۹۶۰
 ۲۰۱۱، ۲۰۲۷، ۲۰۴۸
 بیزمارک (پرس -) : ج ۱ ص ۲۸۸
 بیزمارک (پرس -) وزیر اعظم: ج ۱ ص ۵۶۱
 بیزن: ج ۲ ص ۱۲۱۹
 بیزن خان گرجی (حاجی -): ج ۲ ص ۱۵۷۹
 ۱۶۹۴
 بیزن بن گنو: ج ۲ ص ۶۶۸
 بیستون (از ملوک رستم‌دار): ج ۲ ص ۷۲۴
 بیستون (پسر وشمگیر بن زیار): ج ۱ ص ۲۷۰
 بیسوهان (از فرزندان هلاکوخان): ج ۲ ص ۶۴۹
 بیسوتا بهادر (پدر چنگیزخان): ج ۳ ص ۱۳۴۲
 بیسوتگان بن جغتای خان بن هلاکوخان: ج ۲ ص ۶۴۹
 بیضاری (قاضی -): ج ۲ ص ۵۹۹
 بیغو (پادشاه ترکستان): ج ۱ ص ۳۱۲، ۳۱۴
 بیخوبن میکائیل بن سلجوق: ج ۱ ص ۳۳۰
 بیکرخان ذوالقدر: ج ۲ ص ۸۶۸
 بیکرز (حکیم باشی نون‌خانه و نورخانه): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۳۲۶، ج ۳ ص ۲۰۸۰
 بیکدلی (فرزند یلدوز): ج ۲ ص ۱۳۲۰، ۱۳۳۶
 بیکدلی‌خان: ج ۲ ص ۱۳۲۰
 بیکرخان: ج ۲ ص ۹۳۱
 بیکرخان چاشلو (حکمران دره‌بیز): ج ۲ ص ۱۵۳۰، ۱۵۳۵
 بیگم‌جان (دختر فتحعلی‌شاه): ج ۲ ص ۱۶۲۵
 بینا (دکتر -): ج ۲ ص ۱۵۲۳
 بیج صاحب: ج ۱ ص ۵۲۷
 بیوک خان: ج ۱ ص ۲۲۹، ج ۳ ص ۱۸۲۲
 بیوک خان‌افشار (نایب آجودانباشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰، ج ۳ ص ۲۰۷۴
 بیوک خان اقبال‌الملک (مرتیب اول‌افشار): ج ۲ ص ۱۹۲۴
 بیوک خان (سرکرده سواره قراقرز): ج ۲ ص ۷۸۸

ج ۲ ص ۲۱۱۲
 بیوک خان، سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۴، ج ۳ ص ۲۰۷۶
 بیوکخان (سرهنگ فوج سپهران مقدم): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۲
 بیوکخان شقاقی (یاور دریم): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۲، ج ۳ ص ۲۰۷۷
 بیوک خان (ولد قاسم‌خان): ج ۳ ص ۱۲۳۲
 بیوکخان (پسر محمد خان امیرتومان): ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۴
 بیوک خان (نایب دوم آجودانباشی): ج ۲ ص ۱۲۳۳، ج ۳ ص ۲۰۷۷



بالولی: ج ۳ ص ۱۲۳
 بالولینا: ج ۲ ص ۱۱۱۷
 باب: ج ۱ ص ۱۱۶، ۸۴، ۱۲۳۳
 باب — گروار سیم
 باب، بل دوم: ج ۲ ص ۷۱۳
 باب، بی نیم: ج ۳ ص ۱۹۷۳، ۱۹۸۸
 باب کشیشهای کاتولیکی: ج ۱ ص ۳۲۰
 باترلسنر (شاعر): ج ۳ ص ۲۰۷۵
 باترلسنر (شاعر): ج ۲ ص ۱۲۴۱
 پادری، یحیی: ج ۲ ص ۱۷۲۹
 پاراسلس (شمیست): ج ۲ ص ۷۹۷
 پارکر: ج ۳ ص ۱۷۱۰
 پازکی، حاجی علیقلی خان: ج ۲ ص ۱۹۹۲
 پاسکال: ج ۲ ص ۶۸۸
 پاسکال دوم (باب): ج ۱ ص ۳۶۴
 پاشاخان امین خوری: ج ۲ ص ۱۸۴۱، ۱۸۵۱، ۱۸۶۰
 پاشاخان امین صره: ج ۳ ص ۱۷۸۷
 پاشا خان امین‌الملک — امین‌الملک، پاشا خان
 پاشاخان، پیشخدمت خاصه: ج ۳ ص ۱۸۲۳
 پاشا خان خلخالی، یاور اول: ج ۱ ص ۵۱۱
 ج ۲ ص ۱۲۳۳
 پاشا خان خمسای، سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸
 ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۴
 پاشا خان سرنمیب (پسر حسینقلی خان سرنیب): ج ۲ ص ۲۰۰۵
 پاشا خان ضجاع‌الملک: ج ۲ ص ۱۸۱۵
 پاشاخانم (دختر فتحعلی‌شاه): ج ۳ ص ۱۶۲۷

پاشا خان ماکوتی: ج ۲ ص ۱۲۲۸.
 پاشا خان مکری (مظفرالدوله): ج ۲ ص ۱۷۰۷.
 ۱۷۱۲.
 پاشا خان میرزاشی: ج ۱ ص ۵۵۷، ج ۲ ص ۱۲۹۵.
 ۱۲۹۵: ج ۲ ص ۲۱۲۰.
 پاشا مشرف (میرزا): ج ۱ ص ۵۵۲.
 پامادوکا (دکتر -) حکیم سفارت: ج ۱ ص ۵۳۳، ج ۲ ص ۲۱۰۵.
 پاینده بهیم (شاهزاده -) (عمه میرزا)
 پادگار محمد بن میرزا سلطان محمد بن
 میرزا بایستقر: ج ۲ ص ۷۲۰.
 پاینده خان افغان: ج ۲ ص ۱۱۷۳.
 پاینده میرزا ازبک: ج ۲ ص ۹۱۶.
 پاپ (اتابک دیکر): ج ۱ ص ۱۲۵۰، ۸۸۰، ۲۲.
 پاپ (پسر شارلین): ج ۱ ص ۱۷۳، ۱۶۹.
 پاتمان (سرلار روس): ج ۲ ص ۱۲۰۶.
 پتروف به (وزیر اول مننگرو): ج ۱ ص ۵۶۲.
 ج ۲ ص ۱۲۰۶.
 پتی: ج ۲ ص ۱۲۶۲.
 پیچنه (فرزند بلدیز): ج ۲ ص ۱۲۳۲.
 پدر پنجم: ج ۲ ص ۱۲۹۹.
 پدر دوم (امپراطور بزیل): ج ۱ ص ۵۶۵، ج ۲ ص ۱۳۰۹، ج ۳ ص ۲۱۵۲.
 پردل خان (برادر فتح خان): ج ۱ ص ۱۵۲۱.
 پرنس (صاحب کرک): ج ۱ ص ۴۰۶، ۴۰۵.
 ۲۰۰۹، ۲۰۰۸.
 پرنس استغاثی: ج ۲ ص ۱۲۰۲.
 پرنس الکساندر مانتیبرغ (والی بلغارستان):
 ج ۲ ص ۲۰۰۱.
 پرنس اورسبرگ: ج ۲ ص ۱۹۹۲.
 پرنس اوژن: ج ۲ ص ۱۱۲۰.
 پرنس بیزمارک: ج ۲ ص ۱۹۷۳، ۱۹۶۶.
 پرنس بیکوچ: ج ۲ ص ۱۲۸۹.
 پرنس دادیان: ج ۲ ص ۱۸۹۰.
 پرنس دالدنبرگ: ج ۲ ص ۱۲۰۲، ج ۳ ص ۲۰۲۸.
 پرنس دالغورکی: ج ۲ ص ۱۹۱۲، ۱۹۴۱.
 ج ۲ ص ۱۹۲۹.
 پرنس درانز: ج ۲ ص ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۶۵.
 ۸۷۲، ۸۶۸.
 پرنس دکنده: ج ۲ ص ۸۲۲، ۸۵۶، ۹۹۲.
 پرنس دوگال: ج ۲ ص ۱۶۶۲، ۱۹۳۲.
 پرنس دولوشانی: ج ۲ ص ۱۷۵۱.

پرنس رودلف (ولیمهد نسبه): ج ۲ ص ۱۹۹۷.
 پرنس زورکا (ولیمهد مننگرو): ج ۲ ص ۲۱۵۰.
 پرنس ژزم: ج ۳ ص ۱۷۵۲، ۱۸۲۰.
 پرنس ژول (یونان): ج ۳ ص ۱۸۷۰.
 پرنس استغاثی (دختر شافستره): ج ۲ ص ۲۰۲۶.
 پرنس الیزابت (سوئیس): ج ۳ ص ۱۹۱۲.
 پرنس داکار (دختر پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۱۸۶۲، ۱۸۲۹.
 پرنس دلفورکی: ج ۲ ص ۲۰۱۴.
 پرنس زویل (دختر امپراطور اتریش): ج ۲ ص ۱۹۵۰.
 پرنس مرشد (دختر دوک دمونت هانیه):
 ج ۲ ص ۱۹۸۵.
 پرنس سوارت، زن برگ: ج ۳ ص ۱۷۵۰.
 پرنس مارگیت: ج ۳ ص ۱۹۸۷.
 پرنس شارل (برادر امپراطور آلمان): ج ۳ ص ۲۰۲۹.
 پرنس شارل (پروس): ج ۳ ص ۱۲۲۰.
 پرنس شارل (والی اطلاق بغداد): ج ۲ ص ۱۹۷۲.
 پرنس شارل آنتوان: ج ۲ ص ۲۰۱۶.
 پرنس شواستن برگه: ج ۲ ص ۱۲۱۹.
 پرنس شیکا: ج ۳ ص ۱۷۱۰، ۱۷۶۴.
 پرنس فردریش شارل (برادر زیاد شاه پروس):
 ج ۲ ص ۱۸۶۸، ۱۸۷۷، ۱۹۳۷.
 پرنس کارلین: ج ۲ ص ۱۲۰۲.
 پرنس کالین: ج ۲ ص ۲۰۲۷.
 پرنس کچاکف: ج ۲ ص ۱۲۸۹، ۱۸۹۰.
 ۱۹۶۶، ۱۹۷۳، ۲۰۵۰.
 پرنس کنگ (صدر اعظم چین): ج ۲ ص ۱۸۴۳، ۱۸۶۷.
 پرنس گار: ج ۲ ص ۱۸۷۹.
 پرنس گوم: ج ۲ ص ۱۸۰۶.
 پرنس لاجلت، هوئن زلین: ج ۳ ص ۱۹۱۸.
 پرنس منچیکوف: ج ۲ ص ۱۹۲۹، ۱۹۲۶.
 ۱۹۷۷.
 پرنس میرسکی: ج ۲ ص ۱۹۷۸.
 پرنس میلان (پادشاه سرستان): ج ۲ ص ۲۰۵۱.
 پرنس ناپلیون (پسر عموی ناپلیون بسم):
 ج ۲ ص ۱۷۹۹، ۱۸۰۱، ۱۸۰۸.

۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۹۱۲، ۱۹۹۹، ۲۰۰۲.
 ۲۰۵۱.
 پرنس نیکلای اول (پادشاه مننگرو): ج ۲ ص ۲۱۵۰.
 پرنس واپیزا آتشد: ج ۲ ص ۱۲۶۵.
 پرنس هانری (پسر ولیمهد آلمان): ج ۲ ص ۱۹۹۸.
 پرنس (از وزرای فرانسه): ج ۳ ص ۱۸۸۱.
 پروسکی خان (مطم زبان فرانسه): ج ۱ ص ۵۴۵.
 پرویز خان (حاجی -) سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۶، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۸۵.
 پرویز میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۱۶۲۲.
 پرویز میرزا نیرالدوله (نواب -): ج ۱ ص ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۰۱، ج ۳ ص ۱۸۹۲، ۱۹۹۲، ۲۰۶۲، ۲۱۲۵.
 پری بی (شاسر): ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵.
 پریخان خانم: ج ۲ ص ۷۲۶، ۸۶۷.
 پریمن (ژنرال -): ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 پطر دهم: ج ۲ ص ۱۰۲۲، ۱۰۲۸.
 پطر سوم (نزار روس): ج ۲ ص ۱۱۶۵.
 پطر (کمبر): ج ۲ ص ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۵.
 ۹۹۲، ۹۹۹، ۱۰۰۵، ۱۰۰۹، ۱۰۱۳ تا ۱۰۱۵، ۱۰۱۸ تا ۱۰۲۱، ج ۳ ص ۱۲۷۶.
 پل (امپراطور روس): ج ۳ ص ۱۲۸۷، ۱۲۶۲.
 پل اول، پسر کاترین (امپراطور روس): ج ۲ ص ۱۲۴۰، ۱۲۵۱، ۱۲۶۲.
 پل پنجم (پاپ): ج ۲ ص ۹۱۷.
 پلنگ نوش خان جلایر: ج ۲ ص ۱۶۰۲، ۱۶۱۰.
 پنامخان جوانشیر: ج ۲ ص ۱۱۵۶، ۱۱۶۳.
 پوران دخت (دختر خسرو پرویز): ج ۱ ص ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۲۲.
 پوران (دختر حسن بن سهل): ج ۱ ص ۱۷۶، ۱۸۰.
 پوریشنگ: ج ۲ ص ۱۲۱۹.
 پوربای ولی — پهلوی محمود خوارزمی
 پویوداس (رئیس جمهور مکزیک): ج ۱ ص ۵۶۲، ج ۲ ص ۲۱۵۱.
 پوشکین: ج ۳ ص ۱۶۲۳.

بولاک (دکتر) : ج ۳ ص ۱۷۲۹-۱۷۸۲.
 بولکونیک پترگوشن : ج ۲ ص ۱۱۸۶.
 بولکونیک مرزاویچ (وکیل روس) : ج ۳ ص ۱۵۲۲-۱۵۶۶.
 پهلوان ابراهیم یزدی : ج ۲ ص ۲۱۱۸.
 پهلوان حاجی خوانی : ج ۲ ص ۶۶۱.
 پهلوان حسن دامغانی (از سرداران) : ج ۲ ص ۶۵۶.
 پهلوان حیدر فطاب (از سرداران) : ج ۲ ص ۶۵۶.
 پهلوان قلی سلطان اوزبک : ج ۲ ص ۲۹۳-۸۲۰-۸۲۲.
 پهلوان قمری : ج ۲ ص ۸۴۹.
 پهلوان کاتبی (شاعر) : ج ۲ ص ۶۹۰.
 پهلوان محمد بن دکر : ج ۱ ص ۲۹۰-۴۰۰.
 پهلوان محمود خواندگی (فتالی) : پوریای ولی : ج ۲ ص ۶۲۰-۱۶۶۹.
 پی‌با : ج ۱ ص ۵۶۲.
 پی‌باب پنجم : ج ۲ ص ۸۵۹.
 بیت (صدر اعظم انگلستان) : ج ۳ ص ۱۳۸۷-۱۳۸۲-۱۳۶۲.
 بیت، کنت دکاتام (سیاستمدار انگلیسی) : ج ۲ ص ۱۱۲۹-۱۱۶۸.
 پی‌دوم (باب) : ج ۲ ص ۷۱۰.
 پیر ارمیت (فلسفی میسوی) : ج ۱ ص ۳۳۷-۲۵۱.
 پیر آن رید : ج ۳ ص ۱۳۳۹-۱۳۵۶-۱۳۵۷.
 پیر بدای (میرزا - پسر میرزا جهان‌شاه ترکان) : ج ۲ ص ۲۱۳-۲۱۴.
 پیر بدافغان (بودافغان) - پسرناک : ج ۲ ص ۹۱۲-۹۱۴-۹۲۰.
 پیر بدای خان قاجار (حاکم قندهار) : ج ۳ ص ۱۳۵۶.
 پیر بودای خان ترکان : ج ۲ ص ۹۶۹.
 پیرت شانانی (وزیر اعظم سری) : ج ۳ ص ۲۱۲۹.
 پیر جمالی اردستانی (از عرفا) : ج ۲ ص ۷۲۲.
 پیر حسین جوانی (امیر -) : ج ۲ ص ۶۳۲.
 پیر دوم (پادشاه پرتغال) : ج ۲ ص ۹۹۰.

۱۰۰۵.
 پیر سلطان خلیفه روطو : ج ۲ ص ۷۹۶.
 پیر سوم : ج ۲ ص ۱۱۷۵.
 پیر علی تار : ج ۲ ص ۶۷۰.
 پیر قلیخان : ج ۳ ص ۱۲۲۹-۱۲۲۹.
 پیر قلی خان شامیانی قاجار : ج ۳ ص ۱۲۵۳-۱۲۵۸-۱۲۶۹-۱۲۷۷.
 ۱۵۰۴.
 پیر محمد جهانگیر (میرزا -) حکسوران بلخ : ج ۲ ص ۶۷۰.
 پیر محمدخان : ج ۲ ص ۸۳۷-۸۳۰-۸۱۰-۸۹۳.
 پیر محمدخان بن جانی‌بیک : ج ۲ ص ۸۴۸.
 پیر محمد خان (حاجب بلخ) : ج ۲ ص ۸۵۲.
 پیر محمد خان علی سلطان اوزبک : ج ۲ ص ۸۲۸.
 پیر محمد عمر شیخ (میرزا -) امیر زاده و حاکم خیراز : ج ۲ ص ۶۶۷.
 پیر محمد عمر شیخ (میرزا -) : ج ۲ ص ۶۶۹.
 پیری بیک قاجار : ج ۲ ص ۲۵۵.
 پیرزا (شاه لیستان) : ج ۱ ص ۱۸۸.
 پیرزار : ج ۲ ص ۷۸۳-۷۸۷.
 پی ششم (باب) : ج ۲ ص ۸۲۸-۸۵۱.
 ۱۱۷۵ : ج ۲ ص ۱۲۸۵-۱۲۵۱.
 ۱۲۵۶-۱۲۶۰-۱۲۶۰-۱۲۶۰ : ج ۲ ص ۱۶۰۴.
 پیشگرو (سردار فرانسه) : ج ۲ ص ۱۲۲۱-۱۲۲۴-۱۲۲۴.
 پی‌نمبر : ج ۱ ص ۲۱-۲۲.
 پی‌نو بن میکائیل سلجوقی : ج ۱ ص ۳۱۲-۲۳۰-۲۱۲.
 پی هفتم (باب) : ج ۲ ص ۱۲۶۰-۱۲۷۲-۱۲۹۲-۱۵۲۷-۱۵۵۵.
 ۱۰۰۵.



فاتار خان بن مظفر خان : ج ۲ ص ۸۹۰.
 تاج : ج ۲ ص ۸۲۲.
 تاج بیک زاده (از کتاب) : ج ۲ ص ۸۸۱.
 تاج الدوله (از ملوک رستم‌دار) : ج ۲ ص ۷۲۲-۸۹۲.
 تاج الدوله، الب ارسلان اخرس (صاحب

حلب) : ج ۱ ص ۲۶۲.
 تاج الدوله، بهرام نصرانی (وزیر الحافظ علوی) : ج ۱ ص ۳۷۵.
 تاج الدوله، قشیرین الب ارسلان سلجوقی : ج ۱ ص ۲۳۷-۲۳۸-۲۴۱-۲۴۲.
 ۲۶۹-۲۵۳-۲۶۹.
 تاج الدوله، یزدگرد بن شهرسار (ارآل باوند) : ج ۲ ص ۶۳۷.
 تاج الدین شیبکی : ج ۱ ص ۶۴۲.
 تاج الدین شاه : ج ۲ ص ۸۹۱.
 تاج الدین عبدالباقی البیاضی (شیخ -) : ج ۲ ص ۶۳۳.
 تاج الدین، علی بن حبیب : ج ۲ ص ۵۹۳.
 تاج الدین علی شاه : ج ۲ ص ۶۲۱.
 تاج الدین فراری : ج ۲ ص ۶۰۲.
 تاج الدین فیروز شاه : ج ۲ ص ۷۷۴.
 تاج الدین قسطلانی : ج ۲ ص ۵۸۶.
 تاج الدین یلدوز (حاکم غزنین) : ج ۱ ص ۲۲۴-۲۲۵-۲۳۰.
 تاجلی بیگم (دختر فتح‌الیشاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۶.
 تاج الطک (در خدمت نورگان خوانسون بود) : ج ۱ ص ۲۲۵.
 تاج الطوکوری بن ایرب : ج ۱ ص ۲۰۶.
 تادر (زوجه) تنویر امیراوردی (روم) : ج ۱ ص ۱۸۸-۱۹۱.
 تادری (شاه حبشه) : ج ۳ ص ۱۸۳۱-۱۸۳۸-۱۸۸۹-۱۸۷۱.
 تاشفین بن علی (حاکم مغرب) : ج ۱ ص ۲۸۰-۲۶۵.
 تالران (تالیراند) وزیر ناپلین : ج ۲ ص ۱۵۲۲-۱۵۲۸.
 تالیراند (وزیر خارجه جمهوری) : ج ۳ ص ۱۶۲۷-۱۲۵۱.
 تانز (دکتر) : ج ۱ ص ۷۸۷-۲۰۱۶.
 تانجو (پسر) : ج ۳ ص ۱۳۳۸.
 تیان (پادشاه سیام) : ج ۱ ص ۵۶۲.
 تبت آقای ذوالقدر : ج ۲ ص ۸۳۲.
 تتلوین : ج ۳ ص ۱۷۲۸.
 تطیک (خواننده‌دار) : ج ۲ ص ۵۹۲.
 تخت‌مغان : ج ۱ ص ۹۱۵.
 تخماق سلطان : ج ۲ ص ۸۶۲.
 تدران‌مکونین طغان (برادر مکونیمور) : ج ۲

ص ۵۹۷

ندویلمیرزا آقاخان (سلطان قسطنطنیه از اسبانی)

ج ۱ ص ۱۲۹

نظارق (برادر هرقل) : ج ۱ ص ۳۷

تراب خان چکنی : ج ۲ ص ۱۱۶۵

ترجمان الهجیمی (عامل فارس) : ج ۱ ص

۵۵

ترکان خوانون (زوجه طکناه سلجوقی) : ج ۱

ص ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۷

توکمن یافت بن نوح : ج ۲ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۳

۱۳۲۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۳

تورمندی ————— ابو جعفر محمد ..

تورمدرین خان : ج ۲ ص ۶۲۰، ۶۲۳، ۶۲۹

تویسوف (سردار روس) : ج ۳ ص ۱۴۹۲

۱۴۹۵، ۱۴۹۸، ۱۵۰۲

تظلق نیمروز خان جلفائی : ج ۲ ص ۶۳۳

۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۹

تغلقشاه، غیاث الدین محمد : ج ۲ ص ۶۲۱

تغلقشاه بن فتح خان فیروز شاه : ج ۲ ص

۶۵۸

تغلقزانی (علامه) : ج ۲ ص ۶۲۱

تقاروس (فونسول روس) : ج ۱ ص ۵۳۳

تقی (میرزا) : ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۲ ص

۱۲۲۶

تقی (میرزا سید) از اجزای حاضر رکاب : ج

۲ ص ۱۲۳۴

تقی آقا (حاجی میرزا) تاجر تبریزی : ج ۱ ص

۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۵۱

تقی آقا (حاجی میرزا) وزارت تجارت : ج ۲

ص ۲۱۲۲، ۲۱۲۵

تقی اعتماد الدوله (میرزا) وزیر مازندران :

ج ۲ ص ۹۵۶، ۹۶۲، ۹۵۰

تقی (میرزا) از اجزای پستخانه : ج ۲ ص

۲۱۲۳

تقی (میرزا سید) تفرشی (از ارباب قلمرو

لشکر نوپان) : ج ۳ ص ۱۸۲۲، ۲۰۶۸

تقی خان : ج ۲ ص ۱۲۲۵، ج ۳ ص ۱۵۷

تقی خان (حاجی) : ج ۱ ص ۵۲۰

تقی خان (میرزا) : ج ۲ ص ۱۲۶۹

تقی خان (میرزا) امیر کبیر : ج ۳ ص ۱۶۳۹

۱۶۴۳، ۱۶۷۲، ۱۶۷۸، ۱۶۸۷، ۱۶۹۱

۱۶۹۵، ۱۷۱۳، ۱۷۱۸، ۱۷۲۴، ۱۷۲۸

تقی خان بیگلربیگی فارس : ج ۲ ص ۱۱۲۹

تقی خان (میرزا) پسر مجدالدینک (پیشخدمت

خاصو منشی حضور) : ج ۳ ص ۱۹۹۷

تقی خان (حاجی) تفلکدار خاصه : ج ۲ ص

۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱

تقی خان (میرزا) حکیم باشی (مرتبه دوم) :

ج ۲ ص ۱۹۷۱، ۲۱۲۹

تقی خان درانی : ج ۲ ص ۱۱۶۵، ۱۱۶۷

تقی خان (میرزا) رئیس اداره وظائف و اوقاف :

ج ۲ ص ۱۲۷۰

تقی خان زند : ج ۳ ص ۱۳۷۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱

تقی خان (میرزا) مرتب حکیم باشی قبل

السلطان : ج ۱ ص ۵۵۶

تقی خان (میرزا) مرتب دوم : ج ۲ ص

۱۲۹۲، ۱۲۹۳

تقی خان (مرتب فوج) پنجم خولی : ج ۱

ص ۵۱۰، ج ۲ ص ۱۲۳۲

تقی خان سرهنگ : ج ۱ ص ۵۱۶، ج ۲ ص

۱۲۴۰، ج ۳ ص ۲۰۸۲، ۲۰۸۶

تقی خان (میرزا -) سرهنگ (از ارباب

مناصب) : ج ۳ ص ۲۱۱۸

تقی خان شیرازی : ج ۲ ص ۱۱۴۱

تقی خان قراغانی (میرزا -) منشی : ج ۲

ص ۲۱۰۰

تقی خان قراغانی (میرزا -) کتابدار اعظم،

امیر کبیر، وزیر نظام ————— تقی خان

امیر کبیر

تقی خان کرمانی (نایب آجودان باشی) : ج ۱

ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰، ۲۰۷۵

تقی خان (میرزا -) لشکر نویس : ج ۳ ص

۲۰۶۸

تقی خان (میرزا -) مجد الطک : ج ۳ ص ۲۱۱۱

تقی خان (میرزا -) منشی : ج ۲ ص ۱۲۹۲

ج ۳ ص ۱۲۲۱

تقی خان (میرزا -) نایب : ج ۱ ص ۵۲۸

تقی خان (نایب ایشیک آقا سی باشی) : ج ۲

ص ۲۱۱۶

تقی خان (میرزا) نایب کل وزارت وظائف :

ج ۲ ص ۱۲۵۶

تقی خان (میرزا) نایب ناظر عمده کارخانه :

ج ۳ ص ۲۱۴۲

تقی خان یزدی : ج ۲ ص ۱۳۹۶، ۱۳۹۸

۱۳۹۳، ۱۳۹۴

تقی خان (میرزا) یوزباشی : ج ۱ ص ۴۷۱

۵۲۹

تقی الدین بن نیمه : ج ۲ ص ۶۲۳

تقی الدین سبکی مسری : ج ۲ ص ۶۳۳

تقی الدین، عثمان (شیخ) ابن عبدالرحمن

(طایفه و محدث) : ج ۱ ص ۴۰۴

تقی الدین علی (علامه) : ج ۲ ص ۶۳۹

تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب طک

الطغفر (برادر صلاح الدین ابوبی) : ج

۱ ص ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲

ج ۲ ص ۵۷۹

تقی الدین محمد (امیر) : ج ۲ ص ۸۴۷

تقی الدین (شیخ) محمد فارسی : ج ۲ ص

۶۸۶

تقی الدین محمود بن علی الدقوی : ج ۲

ص ۶۲۷

تقی الدین منصور بن فلاح یمنی : ج ۲ ص

۵۹۶

تقی الدین همدانی : ج ۲ ص ۶۲۰

تقی (میرزا) سر رشتدار : ج ۱ ص ۵۰۶

تقی (میرزا سید) : سر رشتدار

تقی (میرزا) سر رشتدار آذربایجان : ج ۱ ص

۵۰۶، ج ۲ ص ۲۰۷۰

تقی (میرزا) شیرازی : ج ۲ ص ۱۱۱۲

تقی (میرزا) صاحب منصب اداره پلیس : ج

۲ ص ۱۲۵۲، ج ۲ ص ۲۰۹۷

تقی (میرزا) علی آبادی صاحب دیوان : ج

۳ ص ۱۳۲۱، ۱۵۵۰

تقی (میرزا) عنوان نگار (مامور خراسان) :

ج ۱ ص ۵۲۸

تقی (میرزا) لشکر نویس (پسر میرزا مصطفی

وکیل لشکر) : ج ۲ ص ۱۸۷۵

تقی (میرزا سید) لشکر نویس (پیشکار گیلان) :

ج ۳ ص ۲۱۲۵

تقی (میرزا) لشکر نویس تفرشی : ج ۲ ص

۱۸۷۵

تقی (میرزا) مازندرانی : ج ۲ ص ۹۲۸

تقی (میرزا) مباحث (از اجزای پستخانه) : ج

۳ ص ۲۱۲۱

تقی (میرزا) مستوفی (پیشکار رکن الدوله) :

ج ۱ ص ۵۲۷، ج ۳ ص ۲۱۰۰

تقی (میرزا) مشرف (صاحب منصب) : ج ۳

ص ۲۱۲۴

تکشی (برادر طکشاه) : ج ۱ ص ۳۲۸

نکشین ارسلان بن اتسوزوارزشاه: ج ۱ ص ۲۱۹، ۲۱۶، ۲۱۲.
 نکش، علاءالدین غوارزشاه: ج ۱ ص ۲۲۰.
 تکین (حاکم بخارا و سمرقند): ج ۱ ص ۳۱۷.
 تکین (خادم): ج ۱ ص ۲۳.
 تماس مور: ج ۲ ص ۱۶۵۱.
 تهر: ج ۱ ص ۹۲.
 تراج (راجه بیجانگر): ج ۲ ص ۷۷۵.
 ترفاشین بلخاری بن ارتق، حسام‌الدین (صاحب‌مردین): ج ۱ ص ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۷۶.
 ترفاشین چوپان (پسر امیر چوپان): ج ۲ ص ۶۲۳، ۶۲۱، ۶۲۰.
 ترموچین (چنگیزخان مغول): ج ۱ ص ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۱، ۴۲۰.
 ۴۸۲.
 تهرخان: ج ۲ ص ۸۸۲.
 تمیم بن سعید بن دطج (حاکم بحرین): ج ۱ ص ۱۵۴، ۱۲۸.
 تمیم بن حمز (حکمران افریقیه و شاعر): ج ۱ ص ۳۵۹، ۳۲۸.
 تمیم بن نصر بن سار: ج ۱ ص ۱۲۹.
 تئان (سردار مغول): ج ۲ ص ۵۹۲.
 تندیسک: ج ۲ ص ۷۵۲.
 تنشیرین الب ارسلان، تاج‌الدوله سلجوقی — تاج‌الدوله.
 تنکز (نایب‌السلطنه شام): ج ۲ ص ۶۳۱.
 تنگوزخان مغول (فرزند ششم افروز): ج ۲ ص ۱۳۲۸، ۸۵۸.
 تنیم خان (پسر محمدخان حاکم بلخ): ج ۲ ص ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۵۲.
 توذ: ج ۱ ص ۲۱.
 توران‌آغا (دختر ناصرالدین شاه): ج ۲ ص ۱۲۱۹.
 توران تهرخان: ج ۲ ص ۶۲۹.
 توران شاه بن ایوب، نصرالدوله (برادر صلاح‌الدین): ج ۱ ص ۲۰۱، ۲۹۰ تا ۲۰۵.
 توران شاه صلاح‌الدین (سردار): ج ۱ ص ۲۲۶.
 توران شاه بن سلطان صلاح‌الدین، ملک‌مظلم ج ۲ ص ۵۸۰، ۵۷۹.
 توران شاه بن ملک صالح: ج ۱ ص ۲۵۲.

۲۵۵، ج ۲ ص ۶۲۲.
 تورین طغس، تاج‌الطوق (صاحب دمشق): ج ۱ ص ۳۶۹ تا ۳۷۲.
 توروی: ج ۱ ص ۲۵۵ تا ۲۵۸.
 توسن: ج ۲ ص ۱۲۶۶.
 توسن (رئیس باغیهای هایتی): ج ۲ ص ۱۲۶۰.
 توسنت (رئیس سیاه بوستان جزیره هایتی): ج ۳ ص ۱۲۵۲.
 توفیق افندی: ج ۲ ص ۱۷۹۶.
 توفیق پاشا: ج ۲ ص ۲۰۰۱.
 توفیق پاشا (خدایمصر): ج ۱ ص ۵۶۲، ج ۲ ص ۲۱۵۱.
 توفیق‌خان: ج ۲ ص ۶۵۹، ۶۵۷، ۶۵۰، ۶۶۵، ۶۶۲.
 توفیق‌مورخان: ج ۲ ص ۵۹۰.
 توفیق‌مورخان (صاحب‌الوس جغتای): ج ۲ ص ۵۹۲.
 توکل‌خان: ج ۲ ص ۱۷۰۰.
 تولک‌بهادر: ج ۲ ص ۸۴۸.
 تومان‌آغا (دختر ناصرالدین شاه قاجار): ج ۱ ص ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۱۸.
 تومان تاجو: ج ۲ ص ۱۲۳۰.
 تومان شاه: ج ۱ ص ۱۱۷.
 تومنی‌بک: ج ۲ ص ۷۶۵.
 توتل (از رجال فرانسوی): ج ۲ ص ۱۸۸۲.
 تونیس (رئیس جمهور کولمبی): ج ۲ ص ۱۳۰۹، ج ۲ ص ۲۱۵۲.
 توونل (وزیر خارجه فرانسه): ج ۳ ص ۱۸۳۰.
 تعدادور (امپراطور قسطنطنیه): ج ۱ ص ۳۲۲.
 تهابور فراباسور ونگسی (وزیر اول سام): ج ۱ ص ۵۶۲، ج ۲ ص ۲۱۵۱.
 تهبو صاحب (پادشاه دکن): ج ۲ ص ۱۲۵۲، ۱۲۵۵.
 تهبو صاحب (پسر حیدر علی خان بهادر، پادشاه سیور): ج ۳ ص ۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۳، ۱۴۰۵، ۱۴۱۶.
 تهبو شاه، غیاث‌الدین (پسر علاءالدین محمد غوارزشاه): ج ۱ ص ۴۴۲.
 تهلر: ج ۲ ص ۱۶۶۴.
 تهمور (پسر احمدخان ابدالی): ج ۲ ص ۱۱۵۶.
 تهمور بهادرخان: ج ۲ ص ۷۵۲.
 تهمور پاشا: ج ۲ ص ۱۰۳۳.

تهمور پاشا (حاکم وان): ج ۲ ص ۱۰۳۶، ۱۰۳۲.
 تهمور پاشا خان: ج ۱ ص ۵۱۳.
 تهمور پاشا پاشا: ج ۲ ص ۶۵۰.
 تهمور سلطان: ج ۲ ص ۷۵۹، ۷۵۷، ۷۶۴.
 تهمور شاه: ج ۲ ص ۶۲۹.
 تهمور شاه بن احمدخان: ج ۳ ص ۱۶۶۲.
 تهمور شاه بن احمد شاه افغان: ج ۲ ص ۱۱۶۸، ج ۳ ص ۱۲۳۰.
 تهمور فغان (نمبره فیلای فغان): ج ۲ ص ۶۰۱.
 تهمور قتلخ و فغان: ج ۲ ص ۶۶۵.
 تهمور ملک‌خان (پسر ارس‌خان): ج ۲ ص ۶۵۰.
 تهمور میرزا (ار ارباب ماصب): ج ۲ ص ۱۲۵۶، ج ۳ ص ۲۱۱۰، ۱۸۷۲.
 تهمور میرزا احسام‌الدوله — حسام‌الدوله تهمور میرزا.
 تین‌به: ج ۲ ص ۱۷۶۱.
 تنوذر (پادشاه جزیره کرس): ج ۲ ص ۱۱۲۰، ۱۱۲۳.
 نشوئل (امپراطور قسطنطنیه): ج ۱ ص ۱۸۶، ۱۸۸.



نابینین ابراهیم حرانی صابی (منظیب): ج ۱ ص ۲۲۹.
 ثابت‌العمانی (تابعی): ج ۱ ص ۱۲۲.
 ثابت بن ضحاک بن خلیفه الکلابی (اراضحاب شجره): ج ۱ ص ۷۴.
 ثابت بن علی (میر): ج ۲ ص ۱۴۹۲.
 ثابت بن قوه برسان العابی (طبيب): ج ۱ ص ۲۲۴.
 ثابت بن قرق‌العابی (صاحب تاریخ کامل): ج ۱ ص ۲۷۶، ۲۷۴.
 ثابت بن قیس: ج ۱ ص ۵۸.
 ثابت بن موسی (وزیر مالیه هارون): ج ۱ ص ۱۵۲، ۱۵۰.
 ثابت بن نصر بن مالک (حاکم ثغور): ج ۱ ص ۱۷۰.
 ثعلبی، ابومنصور — ابومنصور...
 ثعلب: ج ۱ ص ۲۶۲.

نظمه بن سلامه عجلي (والی اندلس): ج ۱ ص ۱۲۳.

نظمی (نظامی) — ابواسحاق.
نحال (نعل خادم): ج ۱ ص ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۲.

نحال بن صالح بن مرداس: ج ۱ ص ۲۹۸، ۲۹۷.
نعمین ولید: ج ۱ ص ۱۵۲.
نوابین سلطه الدانی (امیر اندلس): ج ۱ ص ۱۲۹، ۱۲۸.

نوبان (غلام رسول الله (ص)): ج ۱ ص ۷۸.
نور بن مزید: ج ۱ ص ۱۲۶.

ج

جایان (سردار عجم): ج ۱ ص ۳۹.
جابر بن اسود بن موف (حاکم مدینه از جانب عبدالله بن زبیر): ج ۱ ص ۸۹.
جابر جلی: ج ۱ ص ۷۲.
جابر بن تویه کلابی (حاکم بصره): ج ۱ ص ۱۴۵.

جابر خان (حاجی): ج ۲ ص ۱۲۲۷، ۲ ج ص ۱۸۰۲.
جابر خان (حاجی شیخ): ج ۳ ص ۱۷۵۸.
جابر خان نصرالملک (حاجی): ج ۳ ص ۵۰۷.
جابر بن عبدالله انصاری: ج ۱ ص ۹۳، ۷۰.
جابر بن عتیکه الانصاری: ج ۱ ص ۸۲.
جابر عرب (آقا سید) وکیل شهید کردستان: ج ۱ ص ۵۳۶، ۲ ص ۲۱۰۷.
جابر بن یزید الجعفی (از غلات شیعه): ج ۱ ص ۱۲۸.

جاجم خان: ج ۲ ص ۸۵۱.
جاخط — ابو عمران...
جارد بن مطی، ابوالمنذر: ج ۱ ص ۳۷.
جاریه بن رفاعه (امیر سپاه علی (ع)): ج ۱ ص ۶۲.

جاریه بن قدامه: ج ۱ ص ۷۰، ۶۸.
جاشه ه هاشه: ج ۱ ص ۲۳۳.
جالتنوس (سردار عجم): ج ۱ ص ۲۰، ۲۸، ۲۱.

جلانرا (اول ملوک جامی مدرسد): ج ۲ ص ۶۲۷.

جان خان بندپی (حاجی) — حلال خور: ج ۳ ص ۱۳۷۹، ۱۳۸۰.

جان محمد بیگ: ج ۲ ص ۹۵۹.

جان محمد خان: ج ۲ ص ۱۱۷۶، ج ۳ ص ۱۸۱۱.

جان محمد خان (حاکم اروم): ج ۳ ص ۱۷۲۲.
جان محمد خان دولوقجار: ج ۲ ص ۱۱۷۰.
ج ۲ ص ۱۲۸۲، ۱۲۹۲، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۶۰.

جان محمد خان (سرتیپ): ج ۳ ص ۱۸۲۲.
جان محمد خان سید السلطنه (سرتیپ لوح خلیستان): ج ۲ ص ۱۹۱۶.
جان محمد خان قاجار: ج ۲ ص ۱۲۳۷، ۱۷۱۸، ۱۷۸۵.

جان مکنان لد (سخیر انگلیس): ج ۲ ص ۱۶۰۷.

جانی بیگ خان: ج ۲ ص ۶۲۱.
جانی بیگ خان (پسر از بیگ خان، حاکم دشت قباچ): ج ۲ ص ۶۲۵، ۶۲۰.
جانی بیگ سلطان: ج ۲ ص ۷۵۷، ۸۳۰.
جاولی سقاوه (حاکم موصل): ج ۱ ص ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۹.

جبار (میرزا): ج ۲ ص ۱۲۶۸.
جبار (میرزا) از اجزای پستخانه: ج ۲ ص ۲۱۲۲.

جبار (میرزا) دعویدار: ج ۲ ص ۱۲۷۲.
جبار خان: ج ۲ ص ۵۳۰، ج ۲ ص ۱۲۷۵.
جبار خان (از ارباب مناصب): ج ۲ ص ۱۲۵۶.

ج ۲ ص ۲۱۱۰.
جبار خان (میرزا) رئیس فونسل ایروان: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۲۱۰۷.
جبار (حاجی میرزا) رئیس تذکره: ج ۳ ص ۱۷۲۹.

جبار قهوجی (آقا): ج ۱ ص ۵۳۰، ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۲ ص ۱۱۱۰، ۱۹۴۰.
جبار بن مهنا (از آل افضل): ج ۳ ص ۷۲۳.
جبار ناظم المہام (حاجی میرزا): ج ۲ ص ۱۷۳۲.

جبار (میرزا) نایب فرشتخانه: ج ۳ ص ۲۱۱۲.
جبارقلی خان (سر کرده دسته انزلی): ج ۱ ص ۵۲۳، ج ۲ ص ۲۰۹۳.
جبرائیل بن یحیی (والی سمرقند): ج ۱ ص ۱۳۸، ۱۳۲۰، ۱۵۰۰.

جبرئیل (فرشته): ج ۱ ص ۲۱۸.
جبرئیل خان (پسر آقا لرخان گرچی): ج ۲ ص ۱۷۵۲.

جبرئیل خان (پسر مصمم خان): ج ۳ ص ۱۷۱۲.

جبرئیل خان (نایب آجودان): ج ۱ ص ۵۰، ۹۰.
جبرین معظم بن نوفل القرشی: ج ۱ ص ۷۲، ۷۹.

جبرین نفیر بن مالک الحطرمی: ج ۱ ص ۹۲.
جسطه برمکی (از اولاد یحیی برمکی): ج ۱ ص ۲۵۰.

جدیع کرمانی (مأمور به قلعه تبوشکان): ج ۱ ص ۱۱۸.

جراح بن عبدالله الحکمی (حاکم ارمینیه): ج ۱ ص ۱۰۹ تا ۱۱۱، ۱۱۲.
جرجه (سردار روم): ج ۱ ص ۳۷.

جرجیر (ملک افرطیه): ج ۱ ص ۵۲.
جرجی افندی (فونسل طرابلس شام): ج ۱ ص ۵۲۲.

جرهه لاسلمی: ج ۱ ص ۸۱.
جریر خطفی (شاعر): ج ۱ ص ۱۱۲.
جریر بن عبدالله جلی (حاکم همدان): ج ۱ ص ۷۲، ۵۱، ۶۲، ۷۷.

جزار — ابراهیم بن موسی...
جسار بن مریم دهلین شبان: ج ۱ ص ۲۰۳.

جستان (حاکم دیلم): ج ۱ ص ۲۰۲.
جده (دختر اثنت بن قیس الکندی زوجه امام حسن مجتبی (ع)): ج ۱ ص ۷۵.
جده بن هبیره الحفرومی (مأمور علی ع بر خراسان): ج ۱ ص ۶۷.

جعفر (میرزا): ج ۲ ص ۱۲۲۳، ۱۲۲۵.
جعفر (میرزا سید): ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۶۸.

جعفر (حاجی سید): ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۲۱۲۸.

جعفر (حاجی سید) از طایفه طهرانی: ج ۲ ص ۲۰۹۵.

جعفر آذکلای: ج ۲ ص ۱۷۶۸، ۱۷۶۹.
جعفر اصغر، ابوشیبه: ج ۱ ص ۱۵۵.

جعفر بن اباس: ج ۱ ص ۱۲۲.
جعفر برمکی: ج ۲ ص ۶۳۱.

جعفر بیگ استاجلو: ج ۲ ص ۸۳۹.
جعفر (میرزا) از اجزای پستخانه: ج ۲ ص ۲۱۲۲.

جعفر قرشی (میرزا) منشی: ج ۲ ص ۱۲۵۰.

جعفر بن ابی جعفر منصور: ج ۱ ص ۱۲۱
 ۱۲۲
 جعفر جالمیدانی (حاجی ملا): ج ۳ ص
 ۱۹۹۲
 جعفر حکیمباشی (حاجی میرزا): ج ۲ ص
 ۲۱۴۱
 جعفر حکیمباشی (میرزا سید): رشت: ج ۲ ص
 ۱۲۷۹
 جعفر حمزه کلانی مارندران (میرزا): ج
 ۲ ص ۱۵۶۷
 جعفر بن حنظل بن بهرائی (والی خراسان):
 ج ۱ ص ۱۲۰، ۱۲۱
 جعفرخان: ج ۳ ص ۱۲۵۷
 جعفرخان (میرزا): ج ۱ ص ۵۲۵
 جعفرخان استاجلو: ج ۲ ص ۱۰۰۵
 جعفرخان امیرتومان: ج ۳ ص ۱۸۵۹
 جعفرخان بیات (حاکم نیشابور): ج ۳ ص ۱۳۳۲
 ۱۲۶۲، ۱۲۵۸، ۱۲۵۷
 جعفرخان بیگ قراجه‌داغی (نایب فراشخانه):
 ج ۳ ص ۲۱۱۷
 جعفرخان بیگ قراغه‌ای: ج ۲ ص ۱۲۶۸
 جعفرخان (حاکم نیشابور): ج ۳ ص ۱۲۵۲
 جعفرخان رئیس تلگرافخانه زنجان: ج ۲
 ص ۲۱۲۳
 جعفرخان زند (ولد صادقخان): ج ۲ ص
 ۱۳۹۸، ۱۳۹۵، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۸۹
 ۱۲۲۶، ۱۲۰۵ تا ۱۲۰۱
 جعفرخان (سرکردہ جماعت عبدالملکی): ج
 ۱ ص ۵۲۱
 جعفرخان (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۳
 ص ۲۰۸۱
 جعفرخان سرهنگ (تومان اول فوج ۲ تبریزی):
 ج ۲ ص ۱۲۲۷
 جعفرخان (سرهنگ خارج فوج): ج ۱ ص ۱۲۲۹
 جعفرخان سرهنگ (فوج تخته قابو): ج ۱ ص
 ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲
 جعفرخان (میرزا) سرهنگ: ج ۳ ص ۱۸۸۲
 جعفرخان (پسر عباس میرزا): ج ۲ ص ۱۶۱۷
 جعفرخان عرب عامری بسطامی: ج ۲ ص
 ۱۲۱۰
 جعفر (میرزا) عزب دفتر: ج ۱ ص ۵۰
 جعفر (میرزا) عزب دفتر: ج ۱ ص ۵۰۶
 جعفرخان (برادر فتحعلی خان) حکمران

سیستان: ج ۲ ص ۱۰۰۶
 جعفرخان مشیرالدوله (میرزا): ج ۳ ص
 ۱۶۳۷، ۱۶۶۱، ۱۶۶۵، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳
 ۱۶۷۵، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۷۳۲، ۱۸۱۰
 ۱۸۱۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳
 جعفرخان مهندس باشی (میرزا) منبر:
 الدوله: ج ۳ ص ۱۶۶۲، ۱۶۶۶
 جعفرخان (میرزا) ج ۲ ص ۱۷۲۹
 جعفرخان (میرزا) ناظر مدرسه دارالفنون:
 ج ۱ ص ۵۲۴، ج ۳ ص ۲۱۳۰
 جعفرخان (میرزا) نایب الحکومه ملایر:
 ج ۲ ص ۱۹۱۷
 جعفرخان نقاش (میرزا): ج ۲ ص ۱۲۷۸
 جعفرخان نیشابوری: ج ۳ ص ۱۲۳۲
 جعفر خیاط: ج ۱ ص ۱۸۶
 جعفر (میرزا سید) دفتر اداره خزانہ:
 ج ۳ ص ۲۱۱۱
 جعفر بن دینار (والی یمن): ج ۱ ص ۱۸۷
 ۱۹۰
 جعفر (میرزا) روزنامه نویسنده: ج ۱ ص ۵۵۲
 جعفر بن سلیمان (والی مدینه): ج ۱ ص ۱۲۲
 ۱۲۲
 جعفر صادق (ع) (امام): ج ۱ ص ۱۲۳، ۹۶
 ج ۲ ص ۱۱۱۶
 جعفر صافی اصفهانی (میرزا): ج ۳ ص
 ۱۴۷۲
 جعفر بن آسی طالب: ج ۱ ص ۲۸
 جعفر الطباطبائی (محدث): ج ۱ ص ۱۶۴
 جعفر بن عبد الواحد (قاضی القضاة): ج ۱
 ص ۱۹۶
 جعفر (میرزا) عزب دفتر: ج ۳ ص ۲۰۶۹
 جعفر بن عمرو بن امیه ضمری: ج ۱ ص ۱۰۳
 جعفر (آقا میرزا) فونسل مسکو: ج ۳ ص
 ۲۱۰۷
 جعفر (آقا شیخ) پسر حاجی شیخ محمد (از
 علماء طهران): ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۳
 ص ۲۰۹۵
 جعفر (غلام محمد بن ابراهیم): ج ۱ ص
 ۱۷۷
 جعفر بن محمد بن اسمت (حاکم خراسان): ج ۱
 ص ۱۵۸، ۱۵۹
 جعفر بن محمد خلدی (صوفی از اصحاب چند):
 ج ۱ ص ۲۶۲

جعفر مستوفی (میرزا): ج ۱ ص ۵۲۹، ج ۳
 ص ۲۱۰۰
 جعفر مستوفی مخصوص (میرزا): ج ۲ ص
 ۱۲۹۷، ج ۲ ص ۲۱۲۱
 جعفر (میرزا) متوفی: ج ۱ ص ۵۵۲
 جعفر بن المعتضد، المقتدر بالله (خلیفه)
 عباسی: ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۷
 ۲۲۸، ۲۳۰ تا ۲۴۵، ۲۷۲
 جعفر (میرزا) معنی اداره خزانہ: ج ۱
 ص ۵۲۵، ج ۳ ص ۲۱۱۱
 جعفر (میرزا) منشی نغری: ج ۳ ص ۲۰۹۵
 جعفر (میرزا سید) نایب فراشخانه: ج ۳
 ص ۲۱۱۷
 جعفر نجفی (شیخ) از اجداد علما: ج ۳
 ۱۲۸۳، ۱۵۰۵
 جعفر نور (میرزا) سر رشتندار دفتر لشکر:
 ج ۲ ص ۱۲۲۴، ج ۳ ص ۲۰۶۸
 جعفر (میرزا) وزیر کریمخان زند: ج ۳ ص
 ۱۲۵۴
 جعفر (وزیر هشام اموی): ج ۱ ص ۳۰۸
 جعفر و قایم نگار (میرزا): ج ۱ ص ۲۶۷
 ج ۲ ص ۱۹۷۱، ۲۰۰۷
 جعفر بن یحیی بن خالد برمکی: ج ۱ ص
 ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸
 جعفر قلی بیگ (از اعضای کالسکه خانه):
 ج ۳ ص ۲۱۲۷
 جعفر قلی بیگ مرندی، یاور: ج ۱ ص ۵۱۰
 ج ۲ ص ۱۲۳۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵
 جعفر قلیخان: ج ۳ ص ۱۲۴۵، ۱۶۸۶، ۱۶۹۳
 جعفر قلیخان (نمبره ابراهیم خلیل خان
 جوانشیر): ج ۲ ص ۱۲۷۵، ۱۵۰۲
 جعفر قلیخان (پسر اعتماد الدوله): ج ۱ ص
 ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۵۶، ج ۳ ص ۲۱۱۰
 جعفر قلیخان (نواده امام قلیخان): ج ۲ ص
 ۹۷۰
 جعفر قلیخان امیرنومان: ج ۲ ص ۱۸۶۰
 جعفر قلیخان (بخاری): ج ۳ ص ۱۶۶۰
 جعفر قلیخان (پوشخدمت حضور): ج ۲ ص
 ۱۱۹۲
 جعفر قلیخان ترشیزی: ج ۳ ص ۱۶۰۷
 جعفر قلی (میرزا) از اعضای حکومتی لرستان:
 ج ۳ ص ۲۱۲۲
 جعفر قلیخان دلبلی: ج ۳ ص ۱۲۴۲، ۱۲۴۳

۱۲۷۲، ۱۲۷۱، ۱۲۶۹، ۱۲۵۲، ۱۲۲۹
 ۱۲۷۹
 جعفرقلی خان (پسر رضاقلی خان هدایت):
 ج ۳ ص ۱۸۲۰
 جعفرقلی خان (ولیس دارالفنون): ج ۳ ص
 ۱۹۱۳، ۱۹۱۲، ۱۹۰۶، ۱۹۰۵، ۱۹۰۴، ۱۹۰۳، ۱۹۰۲
 جعفرقلی خان (ولد حاجی سعدالدوله): ج ۱ ص
 ۵۰۹
 جعفرقلی خان (دستار ساری): ج ۱ ص
 ۵۲۲، ج ۲ ص ۲۰۹۲
 جعفرقلی خان (مرتیب اول و رئیس مدرسه
 دارالفنون): ج ۱ ص ۵۶۵، ۵۶۲
 ج ۲ ص ۱۲۷۶، ج ۲ ص ۱۸۵۷
 جعفرقلی خان (سرحد دارانزلی): ج ۳ ص
 ۱۷۹۵
 جعفرقلی خان سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۷۲
 جعفرقلی خان (حاجی-سرهنگ): ج ۱ ص
 ۵۵۲، ج ۲ ص ۲۰۹۱
 جعفرقلی خان (حاجی-سرهنگ جماعت
 اصائل): ج ۱ ص ۵۲۲
 جعفرقلی خان (از سرهنگان خارج فوج):
 ج ۲ ص ۱۲۲۹
 جعفرقلی خان، سهام الدوله: ج ۳ ص ۱۸۹۵
 جعفرقلی خان شادلو ایلخانی: ج ۳ ص
 ۱۶۲۵، ۱۶۵۷، ۱۶۷۷، ۱۶۸۵، ۱۶۸۸
 ۱۷۸۱، ۱۷۸۵، ۱۷۸۷، ۱۸۰۲
 جعفرقلی خان شقاقی: ج ۳ ص ۱۲۲۲
 جعفرقلی خان (غلام محمد باشی): ج ۲ ص
 ۱۹۷۸
 جعفرقلی خان (برادر آقا محمدخان قاجار):
 ج ۲ ص ۱۲۶۰ تا ۱۳۸۱، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷
 ۱۳۸۸، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹
 ۱۴۰۱، ۱۴۰۵، ۱۴۰۷، ۱۴۱۲، ۱۴۱۴
 جعفرقلی خان قاجار: ج ۳ ص ۱۷۱۲، ۲۱۲۷
 جعفرقلی خان قزاق: ج ۲ ص ۱۶۹۲
 جعفرقلی خان کابلی: ج ۳ ص ۱۷۵۹
 جعفرقلی خان (ولد میرزا محمد خان لاریجانی):
 ج ۳ ص ۱۵۰۴
 جعفرقلی خان بن محمد حسین خان: ج ۲ ص
 ۱۲۸۱
 جعفرقلی خان (پسر مخبرالدوله): ج ۳ ص
 ۱۸۲۲
 جعفرقلی خان عراقی: ج ۳ ص ۱۵۲۴

جعفرقلی خان مقدم: ج ۳ ص ۱۵۷۷
 جعفرقلی خان میرنده: ج ۳ ص ۱۷۱۵
 ۱۷۱۸
 جعفرقلی خان (نایب ایشیک باشی): ج ۳ ص
 ۲۱۱۶
 جعفرقلی خان (ولد جعفرقلی خان شادلو): ج ۲ ص
 ۱۶۱۰، ۱۶۱۳
 جعفرقلی خان صرت الملک: ج ۳ ص ۱۸۲۳
 جعفرقلی خان نوائی: ج ۲ ص ۱۵۵۳
 جعفرقلی خان (پسر نور محمد خان سرتمپ): ج
 ۱ ص ۵۴۰، ج ۲ ص ۱۲۷۰
 جعفرقلی خان (از همراگان شاه در سفر اول به
 اروپا): ج ۲ ص ۱۹۲۰
 جعفرقلی خان هراتی، یاور: ج ۱ ص ۵۱۰
 ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵
 جغتای بهادر: ج ۲ ص ۷۷۲
 جغتای خان بن چندگزخان: ج ۱ ص ۲۴۹
 ج ۲ ص ۱۲۳۲، ۱۲۳۶، ۱۲۳۹
 جغتای خان بن هلاکو خان: ج ۲ ص ۵۲۹
 جگوش: ج ۱ ص ۲۵۸
 جلال بخاری (سید-بخاری): ج ۲ ص ۵۲۹
 جلال الدوله: ج ۳ ص ۱۸۹۹، ۲۰۲۲، ۲۱۴۱
 جلال الدوله (شاهزاده) (حاکم خراسان): ج ۱ ص
 ۵۵۸، ج ۲ ص ۱۸۶۷، ۱۸۹۳
 ۱۹۰۳، ۱۹۰۴
 جلال الدوله (از ملوک استمدار): ج ۲ ص
 ۷۲۴
 جلال الدوله، ابوظاهر بهاء الدوله بن محمد
 الدوله: ج ۱ ص ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۰
 ۳۱۶
 جلال الدوله، سلطان حسین میرزا پسر غل
 السلطان (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۱۶، ج
 ۲ ص ۱۱۸۲، ۱۲۱۸، ۱۲۴۱، ۱۲۹۷
 ۲۰۰۵، ۲۰۲۱، ۲۰۳۵، ۲۰۶۲
 ۲۰۸۵، ۲۱۲۲
 جلال الدین (شیخ): ج ۲ ص ۷۱۰
 جلال الدین ابوسعید بخرانی: ج ۲ ص ۷۶۲
 جلال الدین ابوزید بخرانی: ج ۲ ص ۷۰۸
 جلال الدین احمد شاه گلانی: ج ۲ ص
 ۸۸۲
 جلال الدین افندی: ج ۲ ص ۱۵۰۹
 جلال الدین اکبر: ج ۲ ص ۸۲۴، ۸۲۵
 ۸۲۲، ۸۵۹، ۸۶۱ تا ۸۸۹

جلال الدین بن بهاء الدین سام: ج ۱ ص
 ۲۲۲
 جلال الدین بیانی: ج ۲ ص ۶۲۸
 جلال الدین (حاکم بار فروش): ج ۲ ص
 ۸۸۱
 جلال الدین حسن (صاحب الموت، بزرگ
 اسماعیلیه): ج ۱ ص ۲۳۵
 جلال الدین خلجی: ج ۲ ص ۶۰۲
 جلال الدین شاه شجاع: ج ۲ ص ۶۶۱
 جلال الدین (از حکام شیانکاره): ج ۲ ص
 ۶۲۰
 جلال الدین عبداللہ: ج ۱ ص ۲۰۹
 جلال الدین علامه دوانی (ملا): ج ۲ ص
 ۷۲۲
 جلال الدین فرودشاه (خایسته خان): ج ۲ ص
 ۶۰۰، ۶۹۵، ۶۹۶
 جلال الدین غروینی: ج ۲ ص ۷۲۱
 جلال الدین (از ملوک گلان): ج ۱ ص
 ۶۲۵
 جلال الدین محمد: ج ۲ ص ۷۷۰
 جلال الدین محمد استرآبادی: ج ۲ ص ۷۶۰
 جلال الدین محمد بلخی رومی (مولوی):
 ج ۲ ص ۵۹۱، ج ۲ ص ۸۲۰
 جلال الدین محمد پاشا حیان اوقلی: ج ۲ ص
 ۱۵۵۱
 جلال الدین محمد بن عبدالرحمن (قاضی
 القضاة دمشق): ج ۳ ص ۶۲۹، ۶۳۰
 جلال الدین محمود: ج ۲ ص ۸۲۲
 جلال الدین محمود قنبر: ج ۲ ص ۶۶۸
 جلال الدین میرزا: ج ۲ ص ۱۶۵، ۱۷۲۸
 ۱۸۲۲
 جلال الدین میرزا احتشام الملک: ج ۳ ص
 ۱۸۵۲
 جلال الدین میرزا (سرکرده جماعت کلانی):
 ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۲ ص ۲۰۹۲
 جلال الدین میرزا، پسر عماد الدوله نایب
 آجودانباشی: ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص
 ۱۲۲۹، ۱۲۴۰، ج ۳ ص ۲۰۷۲
 ۲۰۷۲
 جلال الدین میرزا (پسر فتحعلشاه): ج ۲ ص
 ۱۹۲۲
 جلال الدین میرزا (پسر گلزمان میرزا افغان):
 ج ۲ ص ۱۶۲۳، ۱۶۲۵

جلال‌الدین منگبرانی (سلطان) - پسر علاء
الدین محمد غورانشاه: ج ۱ ص
۲۳۶، ۲۳۷ E ۲۳۸، ۲۴۰ تا ۲۴۲
۲۴۵
جلال‌الدین نسوی (صاحب تاریخ مفول):
ج ۱ ص ۲۴۲
جلال‌الدین یوسف اردبیلی: ج ۲ ص ۶۶۹
جلال‌الدین یوسف اوبهی: ج ۲ ص ۶۸۷
جلال‌الملک باباوالحسن عمار (حاکم طرابلس):
ج ۱ ص ۲۴۲
جلیمان (خاقان، خادم رشید): ج ۱ ص
۱۸۲
جلندی (پدر جعفر و میا): ج ۱ ص ۲۷
جلندی (از رهبران خوارج): ج ۱ ص ۱۳۲
جلیقی: ج ۱ ص ۲۰۹، ۲۱۰
جلیل‌الله میرزا حسامی (پارو اول): ج ۱
ص ۵۱۱
جلیل‌خان (سررتیب فرجه‌مستم شقایق): ج ۱ ص
۵۱۰، ج ۲ ص ۱۲۳ تا ۱۲۴، ج ۳ ص
۲۰۷۶
جلیل‌میرزا (از ارباب مناصب عبدالعظیم):
ج ۳ ص ۲۱۳۱
جلیل میرزا (رئیس): ج ۱ ص ۵۵۰
جم (برادر سلطان یا بزیه خان دوم):
ج ۲ ص ۷۲۷ تا ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۲
جمال فومنی (حاجی): ج ۲ ص ۱۱۵۲
جمال بیگ: ج ۲ ص ۱۱۳۱
جمال الدوله، اقبال الخاقونی (پیشکار
ملک ناصر یوسف): ج ۱ ص ۲۴۵
جمال‌الدین ابو جعفر محمد بن علی صفهانی
(وزیر قطب‌الدین مودود زنگی): ج ۱ ص
۳۹۳
جمال‌الدین ابو عبد الله محمد الجیسانی
النسوی (شیخ): ج ۲ ص ۵۹۱
جمال‌الدین احمد جوزقانی: ج ۲ ص ۵۸۹
جمال‌الدین احمد یعنی (قاضی): ج ۲ ص
۶۲۰
جمال‌الدین اقبال (پیشکار ناصر): ج ۱ ص
۲۴۹
جمال‌الدین افش نسبی (نایب کرک): ج
۲ ص ۵۸۹، ۶۲۲
جمال‌الدین غفر (پسر ملک ظاهر بهرس):
ج ۲ ص ۶۰۰

جمال‌الدین زری: ج ۲ ص ۶۲۱
جمال‌الدین علاء‌الله (میر) - محدث: ج
۷۲۸
جمال‌الدین مالکی: ج ۲ ص ۵۹۹
جمال‌الدین (آقا) - مجتهد برزجی: ج ۱
۵۲۵، ج ۲ ص ۲۰۹۵
جمال‌الدین محمد بن توری: ج ۱ ص ۳۷۷
جمال‌الدین محمد بن عبداللین قاسم شهرزوری
(قاضی دمشق): ج ۱ ص ۲۲۰
جمال‌الدین محمود شیرازی: ج ۲ ص ۸۰۷
جمال‌الدین محمود مرغابی: ج ۲ ص ۶۵۱
جمال‌الدین مطهر (علامه حلی) نسبی:
ج ۲ ص ۲۴۲، ۲۴۳
جمال‌فومنی (حاجی): ج ۲ ص ۱۲۸۲
جمال‌الملک منصور بن نظام الملک: ج ۱
ص ۳۳۹
جمالی‌دهلوی (شاعر): ج ۲ ص ۷۶۶
جمشید ترک = اغوزخان (پسر ششم ترک
بن یاقوت بن نوح): ج ۲ ص ۱۲۳۷
جمشیدخان: ج ۲ ص ۱۲۳۷
جمشیدخان (حاکم بسطام): ج ۲ ص ۹۸۶
جمشیدخان (سررتیب اول): ج ۲ ص ۲۰۷۱
جمشیدخان (سررتیب نیوخانه): ج ۳ ص
۱۸۵۸
جمشیدخان (سررتیب دوم): ج ۱ ص ۵۰۷
جمشیدخان، پسر حاجی اردشیرخان (سرهنگ)
J ۲ ص ۲۰۶۲
جمشید سلطان کرچی: ج ۲ ص ۹۲۲
جمشید میرزا (پسر بهمن میرزا بهاء‌الدوله):
ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۲
ص ۲۰۶۲
جمشید میرزا (صاحب جمع): ج ۱ ص ۵۲۷
ج ۲ ص ۱۲۵۲، ج ۲ ص ۲۰۹۷
جمهورین مرار الحلی: ج ۱ ص ۱۳۲
جناب‌الدوله: ج ۱ ص ۲۵۲، ۲۳۸
جناب‌الدین ابی‌اسیه ازدی (فاتح جزیره روس):
ج ۱ ص ۹۲۰، ۸۲۰، ۸۰۰، ۷۸
جنگسوخان (صاحب ماوراءالنهر): ج ۲ ص
۶۲۲
جنگی‌خان: ج ۲ ص ۶۲۹
جنید: ج ۱ ص ۲۶۵، ۲۴۸، ۱۲۹
جنید بن زهره (امیر سپاه علی (ع) در صفین):
ج ۱ ص ۶۲

جنید بن عبدالرحمن مری والی خراسان از
جانب همام اموی: ج ۱ ص
۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳ تا ۱۱۶
جنید بن محمد، ابوالقاسم (صوفی بغدادی):
ج ۱ ص ۲۴۰
جنی صفوانی: ج ۱ ص ۲۲۵
جواد (میرزا): ج ۲ ص ۱۲۹۶
جواد (حاجی سید) - امام جمعه کرمان:
ج ۲ ص ۱۸۱۰
جواد (میرزا) - از اجزای پشخانه: ج ۳
ص ۲۱۲۲
جواد (میرزا) - (رئیس بلگرامی خاندان در عربستان):
ج ۲ ص ۲۱۲۵
جوادیبک، آجودان دوم (دفعه رسوم):
ج ۲ ص ۲۱۰۳
جوادیبک (نایب اول شهر باری): ج ۱ ص
۵۵۲، ج ۲ ص ۲۱۱۲
جوادیخان: ج ۲ ص ۱۷۲۶
جوادیخان (میرزا): ج ۲ ص ۱۸۳۳
جوادیخان (ولد اسکندر خان قاجار): ج ۲
ص ۱۷۲۸
جوادیخان بادکوبه‌ای: ج ۲ ص ۱۷۱۲
جوادیخان زیاده‌لوطی قاجار (حاکم گنجه): ج ۲
ص ۱۲۶۸
جوادیخان (میرزا) - سررتیب: ج ۳ ص ۲۰۳۶
۲۱۰۲
جوادی (میرزا) - خان سررتیب (رئیس تلگرامخانه
آذربایجان): ج ۲ ص ۱۹۵۲
جوادیخان (میرزا) - سرهنگ: ج ۲ ص ۱۸۸۲
جوادیخان قاجار (بیگلربیگی گنجه): ج ۲
ص ۱۲۲۱
جوادی (میرزا) - خان (کارگذار استرآباد):
ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۳ ص ۲۱۰۵
جوادیخان گنجه‌ای: ج ۲ ص ۱۲۶۹
جوادی (میرزا) - خان (ملا مورحعلی استغی ایران
به پارس): ج ۲ ص ۱۹۷۲
جوادیخان (میرزا) - مستشار: ج ۱ ص ۵۲۳
جوادی (میرزا) - خان (نایب اول دفتر تجارت):
ج ۲ ص ۲۱۰۲
جوادی (میرزا) - خان (نایب اول وزارت خارجه):
ج ۱ ص ۵۲۱، ج ۲ ص ۱۲۵۸
جوادی (میرزا) - خان (نایب کارپرداز): ج ۲
ص ۲۱۰۵

جواد (میرزا) - غلام پیشخدمت: ج ۲ ص ۱۶۸۷
 جواد (میرزا) - نواد فرمانفرما (از مصلحت خلوت): ج ۲ ص ۲۱۲۰
 جواد کشمیری (حاجی میرزا): ج ۲ ص ۲۱۲۷
 جواد (حاجی سید) - مجتهد (قم): ج ۲ ص ۲۱۳۰
 جواد (حاجی میرزا) - مجتهد تبریزی: ج ۲ ص ۱۹۲۲
 جواد (حاجی سید) - مجتهد کرمانی: ج ۲ ص ۱۹۰۲
 جواد (میرزا) - وزیر اصفهان: ج ۲ ص ۱۶۴۲
 جوانشیر - ابراهیم خلیل خان جوانیقی - ابومنصور موهرب
 جوجی (پسر چنگیز خان): ج ۲ ص ۷۷۱
 ج ۲ ص ۱۲۲۲
 جوجی خان: ج ۲ ص ۶۴۴، ۵۸۶
 جوجی خان: ج ۱ ص ۵۳۶، ۲۵۷
 جورجکی خان (ترجمان تجارت): ج ۲ ص ۲۱۰۵
 جورماقون: ج ۲ ص ۱۲۲۰
 جوزف ویکس (سر) - طبیب انگلیسی: ج ۱ ص ۵۳۸
 جوسلین (از رؤسای مهاجرین مسیحی): ج ۱ ص ۳۸۲
 جوتب بن دی ظلم (امیر سها و پسر در صفین): ج ۱ ص ۶۶، ۶۵
 جوشن قاف: ج ۲ ص ۸۱۸
 جوهر (امیر عسکر سلطان سنجر): ج ۱ ص ۳۷۷
 جوهر (از قبیلته جلالة): ج ۱ ص ۲۲۴
 جوهر (مردار علویین): ج ۱ ص ۲۸۶
 جوهر (غلام منصور علوی): ج ۱ ص ۲۷۲
 ج ۱ ص ۲۷۵، ۲۷۳
 جوهر روسی (غلام پسر المولود بن الله): ج ۱ ص ۲۷۱
 جوهر سلطان ننگو: ج ۲ ص ۷۶۷
 جوهری - ابومنصور اسماعیل
 جویریہ بن اسامہ بن عبدالمصری: ج ۱ ص ۱۵۹
 جویریہ بنت حارث بن ابی ضرار (زوجه رسول الله ص): ج ۱ ص ۷۹۰، ۲۵

جونی - عبدالله بن یوسف
 جهان بنگلو: ج ۲ ص ۱۲۲۲
 جهانسوز خان: ج ۲ ص ۱۷۲۸
 جهانسوز خان امیر آخوند: ج ۲ ص ۱۷۵۶
 جهانسوز شاه (حسینقلی خان): ج ۲ ص ۱۱۷۲
 تا ۱۱۷۶: ج ۲ ص ۱۲۲۱
 جهانسوز میرزا: ج ۱ ص ۵۰۷، ج ۲ ص ۱۷۶
 ۱۸۲۵، ۱۸۹۵، ۱۹۶۲
 جهانسوز میرزا، امیر تومان (پسر فتحعلی شاه): ج ۱ ص ۵۰۷، ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۱۹
 ۱۲۲۷: ج ۲ ص ۱۹۹۲، ۲۰۶۳، ۲۰۷۱
 جهانسوز میرزا، سرتیپ اول (حاکم شاهرود و بسطام): ج ۲ ص ۱۸۹۲، ۱۹۲۹
 جهانشاه ترکمان (میرزا مظفرالدین -): ج ۲ ص ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۳ تا ۷۱۵
 جهانشاه خان (از جماعت شاهسون افشار): ج ۲ ص ۲۰۹۱
 جهانشاه خان (سرتیپ سواره افشار): ج ۲ ص ۲۱۱۴
 جهانشاه (میرزا -) ابن فرایوسف (از ملوک قزاقینلو): ج ۲ ص ۷۱۹
 جهانشاه میرزا سیلاخوری (پاور دوم): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۲ ص ۴۰۷۲
 جهانشاه میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۲ ص ۱۶۲۲، ۱۶۲۴
 جهانگیر: ج ۲ ص ۸۹۲
 جهانگیر (میرزا) - پسر میرزا ابوالقاسم ناهم: ج ۱ ص ۵۳۲
 جهانگیر بایندی: ج ۲ ص ۶۹۶
 جهانگیر (پادشاه بنگاله): ج ۲ ص ۹۰۴
 ۹۲۰
 جهانگیر خان: ج ۲ ص ۱۷۴۶
 جهانگیر خان آجودان باشی (سرتیپ اول و رئیس قورخانه) = آجودان باشی: ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۵، ج ۲ ص ۱۹۲۸، ۲۰۲۱
 جهانگیر خان افشار ارومی: ج ۲ ص ۱۶۲۷
 جهانگیر خان (حاکم لار کوچک): ج ۲ ص ۷۹۶
 جهانگیر خان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۸۵۰
 جهانگیر خان سیمانی: ج ۲ ص ۱۲۲۲
 ۱۶۲۵
 جهانگیر خان (پسر فتحعلی خان افشار): ج ۲

ص ۱۲۸۰
 جهانگیر خان گرجی: ج ۲ ص ۱۶۸۵
 جهانگیر خان (وزیر صنایع): ج ۲ ص ۲۰۴۵
 ۲۰۸۰
 جهانگیر خان (پاور دوم): ج ۲ ص ۲۰۷۲
 جهانگیر خان (پاور سوم): ج ۲ ص ۱۲۲۳
 جهانگیر شاه (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۹۰۲
 جهانگیر بن میرزا محمد سلطان بن میرزا امیر جهانگیر بن امیر تیمور: ج ۲ ص ۶۸۸
 جهانگیر میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۲ ص ۱۶۱۷، ۱۶۲۰، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰
 ۱۶۳۲
 جهانگیر میرزا (شاهزاده قاجار): ج ۲ ص ۱۹۲۰، ج ۲ ص ۱۵۷۶، ۱۶۵۱، ۲۰۶۲
 جهانگیر میرزا (پسر گلران میرزا افغان): ج ۲ ص ۱۵۷۲
 جهانگیر میرزا (نواب) - پسر محمد علی میرزا دولتشاه: ج ۲ ص ۱۵۵۱
 چنجه (از مولای عمر یا سان): ج ۱ ص ۲۵
 چباش بن نجاش: ج ۱ ص ۳۲۹
 چچکروفا: ج ۲ ص ۶۹۲
 چیش (پسر بخارویه) (حاکم مصر): ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۲۱
 چینه بن زاهر (ملکسند): ج ۱ ص ۱۰۶
 ۱۱۱
 چیر (پسر چندی): ج ۱ ص ۲۷
 چیکسوخان: ج ۲ ص ۶۲۳
 چیلیانز: ج ۲ ص ۶۸۸
 چوشیمک (امور): ج ۱ ص ۲۶۲، ۲۶۶

چ

چارلس آگس می: ج ۲ ص ۱۷۷۱
 چارلیس (روس): ج ۲ ص ۱۰۴۹
 چال دینی: ج ۲ ص ۱۸۲۹
 چارلسیم (پادشاه اسپانول): ج ۲ ص ۱۶۶۶
 چاروش سلطان عثمانی: ج ۲ ص ۸۶۲
 چراغ خان بختیاری: ج ۳ ص ۱۳۹۶
 چراغ سلطان: ج ۲ ص ۸۱۹، ۸۲۸
 چراغعلی خان: ج ۳ ص ۱۷۰۱، ۱۷۰۵، ۱۷۳۱
 ۱۷۳۲، ۱۷۳۷، ۱۷۴۲، ۱۷۸۶
 چراغعلی خان زند: ج ۳ ص ۱۳۹۲
 چراغعلی خان رنگنه فولاد آقاسی: ج ۳ ص

۱۷۱۱-۱۶۹۸

چراغی خان سراج الملک: ج ۳ ص ۱۸۲۱-۱۸۵۲

چراغی خان نوائی مازندرانی (پیشکار فارس): ج ۲ ص ۱۳۵۲-۱۳۵۴

چرب بین (دکتر-طبيب): ج ۳ ص ۲۱۳۱

چرانداب سلطان شاملو: ج ۲ ص ۸۲۲

چره: ج ۲ ص ۷۹۷

چمال وقلی: ج ۳ ص ۸۹۸-۸۹۹

چمال پاشا: ج ۲ ص ۸۷۲-۸۷۴

چغاق بیگ: ج ۲ ص ۶۹۲

چگاشی خوشی نیا (ولیمهدزاین): ج ۱ ص ۵۶۲

چلبی بیگ خورچی پاشی: ج ۲ ص ۸۹۸-۹۱۷

چ ۲ ص ۱۳۶۹

چندرای (پادشاه بیجانگر): ج ۱ ص ۸۴۹

۸۵۰

چنگیزخان: ج ۱ ص ۲۸۷-۲۹۱-۲۹۲

چ ۳ ص ۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲

چ ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲

۱۳۵۵-۱۳۵۹

چورجکی (ترجمان تجارت): ج ۱ ص ۵۳۳

چوهه سلطان: ج ۲ ص ۷۸۴-۷۷۲

چمال دینی: ج ۳ ص ۱۸۱۷-۱۸۲۶

حاتم بن اسم بلخی (زاهد): ج ۱ ص ۱۹۴

حاتم بیگ (وزیر اعظم شاه عباس بزرگ): ج ۲ ص ۸۸۸-۹۰۳-۹۰۴

حاتم خان (آجودان وزارت تجارت): ج ۲ ص ۲۱۲۴

حاتم طائی (دکتر-): ج ۱ ص ۲۵

حاتم طائی (از اصحاب علی بن عیسی ابن ماهان): ج ۱ ص ۱۷۱

حاتم بن نسیان باطنی: ج ۱ ص ۱۵۰

حاجب الدوله، حاجی علی خان —

اعتماد السلطنه، حاجی علی خان

حاجب الدوله، کاظم خان فرانشاهی: ج ۲ ص ۱۹۰۹

حاجب الدوله، حاجی محمدخان: ج ۳ ص ۱۸۷۲-۱۹۰۲

حاجب الدوله، محمدنقی خان میرآخور: ج ۳ ص ۱۹۹۵-۲۰۱۹

حاجب الدوله، محمدحسن خان فرانشاهی ونصیری پاشی: ج ۱ ص ۵۲۰-۲

۲۰۴۱-۲۰۱۹

حاجب بن صالح (والی سند): ج ۱ ص ۱۸۱

حاجب علی موصلی (حاکم خلاط): ج ۱ ص ۲۲۰

حاجم خان: ج ۲ ص ۸۶۱-۸۸۷-۸۹۴

۹۵۴-۹۱۶

حاجی (نایب اصطبل): ج ۱ ص ۵۵۴

حاجی آقا (میرزا-تحويلدار خارجه): ج ۱ ص ۵۴۱-۵۴۱

حاجی آقا (رئیس تلگرافخانه داسان): ج ۲ ص ۲۱۳۵

حاجی آقا (میرزا-منشی سفارت عثمانی در تبریز): ج ۳ ص ۲۱۰۷

حاجی آقا (میرزا-منشی تبریز): ج ۱ ص ۵۳۶

حاجی آقا پاشا حکیم پاشی (ملک الاطباء): ج ۲ ص ۱۸۵۱

حاجی آقا بیگ: ج ۲ ص ۱۲۲۳

حاجی آقا بیگ سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۸۷

حاجی آقاخان (ترجمان ضابطه و املا مبیل): ج ۲ ص ۲۱۰۵

حاجی بابا (پسر آقا حسین ملک التجار): ج ۳ ص ۱۷۵۶

حاجی باباخان (رئیس تلگرافخانه سمنان): ج ۲ ص ۲۱۳۵

حاجی باباخان بختیاری: ج ۲ ص ۱۱۲۹

حاجی بیگ دهلوی: ج ۲ ص ۸۰۸-۸۱۹

حاجی حضرت علی خان لک، یاور اول: ج ۳ ص ۲۰۷۷

حاجی خان: ج ۱ ص ۵۴۵-۵۴۵

حاجی خان شکی: ج ۳ ص ۱۶۵۴-۱۶۵۵

۱۶۶۰

حاجی خان (یاور اولو): ج ۳ ص ۲۰۸۷

حاجی درویش همدانی: ج ۳ ص ۲۱۲۸

حاجی صدای علی آبادی: ج ۳ ص ۱۳۸۰

حاجی مبارک: ج ۳ ص ۱۷۲۸

حاجی ملا آقاخان: ج ۳ ص ۲۱۲۸

حاجی ملا پاشی (از کارگزاران): ج ۲ ص ۱۲۵۲

حاجی میرزا (نایب خزانخانه): ج ۳ ص ۲۱۱۸

حاجی میرزا آقاسی (عباس، ولد حاجی میرزا مسلم ایروانی): ج ۳ ص ۱۳۹۵

۱۶۲۴-۱۶۲۸-۱۶۳۱-۱۶۳۹

۱۶۶۲-۱۶۷۲-۱۶۷۳-۱۶۷۵ تا ۱۶۷۷

۱۶۸۲-۱۶۸۷-۱۶۹۱-۱۶۹۲

۱۶۹۴-۱۷۰۲

حاجی میرزا اشرف خنده (از ارباب قلم): ج ۲ ص ۱۲۲۴

حاجی میرزا بابا حکیم پاشی: ج ۳ ص ۱۹۷۵

حاجی میرزا عسکری (امام جمعه مشهد): ج ۳ ص ۱۸۷۳

حاجی میرزا ابی اسامه: ج ۱ ص ۲۲۰

حاجی میرزا اسدالحاسبی (زاهد): ج ۱ ص ۱۹۷

حاجی بن بزیج (سردار لشکر موسی بن موسی): ج ۱ ص ۱۸۹

حاجی بن خالد (از امیران سیاه و پندر صفین): ج ۱ ص ۶۵

حاجی بن سروج: ج ۱ ص ۱۱۶ تا ۱۱۹

حاجی بن ابی نصر غسانی: ج ۱ ص ۲۶

حاجی بن ابی ضرار: ج ۱ ص ۲۵

حاجی بن عبداللاری (والی بصره): ج ۱ ص ۷۲

حاجی بن عمروالطائی، حرب: ج ۱ ص ۱۱۱

حاجی بن عمیر بن ذی المنار (فرمانده سپاه حجاج): ج ۱ ص ۹۲

حاجی بن قیس بن خالد، ابو خالد: ج ۱ ص ۵۲

حاجی بن کده ثقفی: ج ۱ ص ۱۵۰

حاجی بن مالک، واقطالینی

حاجی بن مره القیدی (امیر سپاه علی): ج ۱ ص ۶۲

حاجی بن موفل (از امیران سیاه و صفین): ج ۱ ص ۶۲

حاجی بن هشام: ج ۱ ص ۲۸

حاجی بن یزید عامری: ج ۱ ص ۴۵

حاجی بن سراقه انصاری: ج ۱ ص ۲۲

حاجی بن اسود: ج ۱ ص ۱۸۰

حاجی بن ابی بلتمه الخمی: ج ۱ ص ۲۶

۵۶-۲۷

حافظ الدین (از آل کرت): ج ۲ ص ۶۵۵

حافظ خیرازی — خواجه حافظ

حافظ علی پاشا (سرعسکران زنه الروم): ج ۳ ص ۱۵۵۱

الحافظ لدين الله علوي، عبدالمجيد بن
ابوالقاسم بن المستنصر: ج ۱ ص
۳۷۱ تا ۳۸۳.
حافظ نورالدين لطيف الله (حافظ ابرو): ج
۲ ص ۶۸۷.
الحاکم بالله علوي (خليفة مصر): ج ۱
ص ۲۹۲ تا ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۴.
الحاکم بامرالله علوي، ابوعلی منصور بن
العزيز بالله علوي: ج ۱ ص ۳۱۲، ۳۱۶.
حاکم بن سليمان (حاکم موصل): ج ۱ ص
۱۶۱.
حاکم نيشابوري — ابو حامد محمد...
حام (ابن نوح): ج ۲ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۷.
حامد بن العباس: ج ۱ ص ۲۳۷، ۲۳۵.
حب نبات خانم (دختر فتحعليشاه): ج ۲
ص ۱۶۲۷.
حبیب: ج ۱ ص ۱۱۷.
حبیب الله (آقا): ج ۲ ص ۲۱۲۷.
حبیب الله (استاد) — استاد مخصوص طبع:
ج ۲ ص ۱۲۹۳، ج ۳ ص ۲۱۳۸.
حبیب الله (میرزا): ج ۲ ص ۱۲۲۴، ۱۲۶۸، ج ۳ ص ۱۶۵۰.
حبیب الله (میرزا) — از ارباب قلم و لشکر
نویسان: ج ۲ ص ۲۰۶۸.
حبیب الله (میرزا) — امین تذکره گیلان:
ج ۱ ص ۵۳۶.
حبیب الله بیگ قراچیدانی (نایب فرانشاه):
ج ۲ ص ۲۱۱۸.
حبیب الله (حاجی) — تاجر: ج ۳ ص ۲۱۲۶.
حبیب الله (آقا میرزا) — تاجر گزانشی:
ج ۲ ص ۲۱۲۵.
حبیب الله (میرزا) — تنگابنی (دکتر): ج ۲
ص ۱۲۵۲.
حبیب الله (حاجی میرزا) — حکیم حضور
شاهین: ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۳ ص
۲۱۳۱.
حبیب الله (میرزا) — رئیس: ج ۱ ص ۵۲۸.
حبیب الله خان: ج ۱ ص ۵۵۲.
حبیب الله خان (آجودان وزارت تجارت):
ج ۳ ص ۲۱۲۵.
حبیب الله (میرزا) — خان (از ارباب قلم و

مستوفیان دفترخانه ظل السلطان):
ج ۲ ص ۱۲۲۲، ۱۲۹۲.
حبیب الله (حاجی) — خان (از ارباب مناصب
خلوت): ج ۲ ص ۱۲۵۶، ج ۳ ص
۲۱۱۰.
حبیب الله خان (امیر توپخانه): ج ۲ ص
۱۶۵۲، ۱۶۵۶.
حبیب الله (میرزا) — خان (امین تذکره
گیلان): ج ۳ ص ۲۱۰۵.
حبیب الله خان بختیاری: ج ۳ ص ۱۳۹۶.
حبیب الله خان (پسر خسروخان کرمانی): ج ۳
ص ۱۲۶۰.
حبیب الله خان (پسر حاجی میرزا ماندخان):
ج ۱ ص ۵۳۲.
حبیب الله خان ساعدالدوله: ج ۲ ص
۱۹۹۱، ۱۹۰۷.
حبیب الله خان (سرتیپ تنگابنی): ج ۳
ص ۱۸۸۶.
حبیب الله خان شاهسون: ج ۲ ص ۱۶۳۹.
حبیب الله خان صاحب جمع: (پسر فتح الله
خان): ج ۱ ص ۵۵۷، ج ۲ ص ۱۲۹۵.
ج ۳ ص ۲۱۲۰.
حبیب الله خان (از طایفه عزالدینلو): ج ۱
ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص
۲۰۶۵.
حبیب الله خان (حاجی) — گروانشاهانی (نایب
آجودانباشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲
ص ۱۲۳۰، ج ۳ ص ۲۰۷۵.
حبیب الله (میرزا) — لشکرنویس: ج ۱ ص ۵۰۵.
حبیب الله (میرزا) — لشکرنویس: ج ۱ ص
۵۰۵.
حبیب الله (میرزا) — لشکرنویس (پسر میرزا
شکرالله): ج ۲ ص ۱۹۲۶.
حبیب الله خان (میرزا) — مجد الاشراف: ج ۲
ص ۲۰۶۲، ۲۰۶۸.
حبیب الله (میرزا) — خان مستوفی: ج ۳
ص ۲۱۰۰.
حبیب الله (میرزا) — خان مستوفی (بنیان
الطک): ج ۲ ص ۲۱۴۱.
حبیب الله خان (نایب مرشکار): ج ۳ ص
۲۱۳۷.
حبیب الله خان (باور اول): ج ۱ ص ۵۱۱.

ج ۲ ص ۱۲۳۳.
حبیب الله کلانتر (میرزا): ج ۲ ص ۱۰۹۹.
حبیب الله (میرزا) — کلیددار: ج ۱ ص ۵۵۲.
حبیب الله (میرزا) — کلیددار حضرت
عبدالمظفر: ج ۳ ص ۲۱۱۲.
حبیب الله میرزا: ج ۲ ص ۲۰۶۲.
حبیب الله میرزا (رئیس اداره تلگرافیه
ملایر): ج ۱ ص ۵۲۹.
حبیب الله میرزا سرهنگ (رئیس تلگرافخانه
سبزوار): ج ۳ ص ۲۱۳۵.
حبیب الله میرزا (از طایفه قوئللو): ج ۱
ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۰.
حبیب الله (میرزا) — نایب فرانشاه: ج ۲
ص ۲۱۱۷.
حبیب الله (میرزا) — نوری (از ارباب قلم و
لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۳ ص
۲۰۶۸.
حبیب الله خان (باور اول): ج ۲ ص ۲۰۷۷.
حبیب بن ابی نایت (فقیه): ج ۱ ص ۱۱۹.
حبیب بن ابی عبیده بن عبیده: ج ۱ ص
۱۱۷.
حبیب بن عبیده (سرदार جنگم احشده):
ج ۱ ص ۱۱۵.
حبیب بن قره الیبروسی (حاکم بلخ): ج ۱
ص ۵۵.
حبیب بن مسلمة الفهری (امیر سیاهپوشه
در صفین): ج ۱ ص ۵۵۰، ۲۶۰، ۲۲۰.
۷۲، ۶۵، ۵۶.
حبیب بن مظاہر (با: مصر): ج ۱ ص ۱۲.
۸۱.
حبیب بن مهلب (حاکم کرمان): ج ۱ ص
۱۰۷، ۹۷.
حبیب بیگ (حاجی): ج ۱ ص ۵۲۵.
حبیب شاه کشمیری: ج ۲ ص ۸۲۷.
حبیب عودی: ج ۲ ص ۶۶۵.
حجاب (شاعر اصفهانی): ج ۲ ص ۱۱۳.
حجاج بن سعید بن جبر: ج ۱ ص ۱۰۲.
حجاج بن یوسف ثقفی (والی عراق): ج ۱
ص ۱۰۲، ۱۰۲۵، ۹۹، ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۲.
۱۰۷.
حجارین ابرو: ج ۱ ص ۸۱.
حجر بن عدی کندی از امیران سپاه علی
در صفین: ج ۱ ص ۶۹، ۶۷، ۶۵.

- حجریه: ج ۱ ص ۲۴۹-۲۵۰.
- حذیفه بن اسید الفزاری: ج ۱ ص ۵۱.
- حذیفه بن یمان: ج ۱ ص ۶۴-۵۶-۲۶.
- حر (ابن یزید ریاحی): ج ۱ ص ۸۲.
- حربینوسف (حاکم موصل): ج ۱ ص ۱۱۱.
- حرب بن سالم بن احور: ج ۱ ص ۱۳۰.
- حرب بن عبدالله (از سرداران منصور): ج ۱ ص ۱۲۱-۱۲۲.
- حرب بن عمرو الطائی: ج ۱ ص ۱۱۲.
- حرقوس بن زهیر السندی: ج ۱ ص ۲۷.
- ۶۷
- حرمطه بن مریطه: ج ۱ ص ۲۷.
- حریری: ج ۱ ص ۲۹۲.
- حسام الدوله: ج ۲ ص ۲۰۴۴.
- حسام الدوله (حاجی-) (نومان اول فوج پنجم ایلات): ج ۲ ص ۱۲۳۷.
- حسام الدوله اردشیر (از آل باوند): ج ۲ ص ۶۳۷.
- حسام الدوله تیمور میرزا: ج ۳ ص ۱۶۰۲.
- ۱۹۵۳
- حسام الدوله (حاجی-) (مرتیب اول): ج ۱ ص ۵۱۲: ج ۲ ص ۱۲۳۶: ج ۳ ص ۲۰۸۱.
- حسام الدوله کردی شوی (صاحب فنک): ج ۱ ص ۳۸۰.
- حسام الدوله — محمد قلیخان
- حسامالدین (میرزا): ج ۱ ص ۵۲۶.
- حسامالدین (میرزا-) شیراز: ج ۲ ص ۱۲۷۹.
- حسامالدین ابوعلی الهمدانی (نایب ملک مظفر): ج ۱ ص ۲۳۶-۲۵۱-۲۵۲.
- ۲۵۷-۲۵۲
- حسامالدین برکمان: ج ۱ ص ۲۵۲.
- حسامالدین بولاقارسلان (حاکم هاردين): ج ۱ ص ۲۰۷.
- حسامالدین توتاش بن ایلغازی: ج ۱ ص ۳۶۲-۳۶۳.
- حسامالدین تیمورتاش (از ارتقیه): ج ۲ ص ۶۷۰.
- حسامالدین حاجب = لولوی: ج ۱ ص ۲۰۶.
- حسامالدین (حکمران ایزن): ج ۱ ص ۲۴۲.
- حسامالدین خلیل: ج ۲ ص ۸۹۱.
- حسامالدین طرنگای: ج ۲ ص ۶۰۲.

- حسامالدین علی الموصلی الحاجب: ج ۱ ص ۲۳۸-۲۴۰-۲۴۲.
- حسامالدین عمر: ج ۲ ص ۸۹۱.
- حسامالدین عوض (از ملوک خلج): ج ۲ ص ۶۶۲.
- حسامالدین لاجین (نایب سلطنت در شام): ج ۲ ص ۶۰۵-۹۵۶.
- حسامالدین مبارکشاہ پروانچی: ج ۲ ص ۶۹۳.
- حسامالدین محمد بن عمر بن لاجین: ج ۱ ص ۲۱۰.
- حسامسلطان (خلف ذوالفقار خان قرامانلو): ج ۲ ص ۹۳۷.
- حسام السلطنه: ج ۲ ص ۱۲۰۱-۱۲۲۲.
- ج ۳ ص ۱۷۲۱-۱۷۲۲-۱۷۲۵.
- ۱۷۲۶-۱۷۵۵-۱۷۵۶-۱۷۶۹.
- ۱۷۸۳-۱۷۹۳-۱۷۹۶-۱۸۰۳.
- ۱۸۰۴-۱۸۱۲-۱۸۲۲-۱۸۳۹.
- ۱۸۴۱-۱۸۴۲-۱۸۴۹-۱۸۵۰-۱۸۵۲.
- ۱۹۲۲-۱۹۲۹-۱۹۶۲.
- حسام السلطنه، ابوالنصر میرزا: ج ۲ ص ۲۰۶۳.
- حسام السلطنه، سلطان مراد میرزا عموی ناصرالدین شاه: ج ۱ ص ۵۲۸-۵۵۸-۵۶۰: ج ۲ ص ۱۱۸۷-۱۱۹۰.
- ۱۲۱۹-۱۲۰۲: ج ۳ ص ۱۶۲۵-۱۶۹۴.
- ۱۶۹۸ تا ۱۷۰۰-۱۷۰۵-۱۷۱۱.
- ۱۷۲۲-۱۷۲۸-۱۷۳۱-۱۷۳۶.
- ۱۸۷۳-۱۹۰۳-۱۹۱۳-۱۹۱۵.
- ۱۹۲۲-۱۹۲۷-۱۹۴۰-۲۰۲۳.
- ۲۰۲۲-۲۰۲۷-۲۱۰۰-۲۱۴۶.
- حسام السلطنه، محمد علی میرزا (حاکم بروجرد): ج ۳ ص ۱۲۹۴-۱۶۰۲.
- حسام الملک: ج ۲ ص ۱۱۹۱: ج ۳ ص ۲۰۲۵.
- ۲۱۱۹
- حسام الملک (حاجی-) (مرتیب اول): ج ۱ ص ۵۱۲: ج ۲ ص ۱۲۳۸: ج ۳ ص ۲۰۷۱-۲۰۸۲.
- حسامالملک، محمد حسین خان قراقرزلو: ج ۲ ص ۱۹۱۲.
- حسان (از بنی طی): ج ۱ ص ۲۹۷.
- حسان بن بجدل (امیر سیاه مطویه در فلسطين): ج ۱ ص ۶۵.

- حسان بن تمیم بن نصر بن سبار: ج ۱ ص ۱۲۹.
- حسان بن ثابت (صحابی و شاعر): ج ۱ ص ۷۲-۸۶.
- حسان (پسر سلاز مرزبان حاکم آذربایجان): ج ۱ ص ۲۶۲-۲۶۵.
- حسان الشوری (حاکم مصر): ج ۱ ص ۱۵۲.
- حسان بن مجالد الهمدانی (از علمای خوارج): ج ۱ ص ۱۲۲.
- حسان بن مخرج بن دغفل بدوی طائی: ج ۱ ص ۳۰۵-۳۰۸.
- حسان بن نعمان (والی افریقا): ج ۱ ص ۹۱-۹۲-۹۳.
- حسکه بن عتاب الحبطی (از خوارج): ج ۱ ص ۶۱-۶۳.
- حسن (آقا سید -): ج ۳ ص ۲۱۲۸.
- حسن (میرزا -): ج ۳ ص ۱۸۱۳.
- حسن (میرزا -): ج ۳ ص ۲۰۶۹.
- حسن (میرزا -) از اجزای مجلس حکومت: ج ۲ ص ۲۰۹۵.
- حسن (میرزا -) از اجزای مورخانه: ج ۲ ص ۱۲۲۵.
- حسن (حاجی آقا -) کرمانشاه: ج ۲ ص ۲۱۰۹.
- حسن (میرزا -) همدان: ج ۱ ص ۵۲۶.
- ج ۲ ص ۱۲۷۹.
- حسن آبدار (حاجی-): ج ۳ ص ۱۹۷۸.
- حسن آشتیانی (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۵.
- ج ۳ ص ۲۰۹۵.
- حسن آغاعلی بیگافشار (نایب آجودانسی): ج ۲ ص ۲۰۷۵.
- حسن آقا (فونسول سیواس): ج ۱ ص ۵۳۲.
- حسن آقاکنترل سوس (از اجزای پهنخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۱.
- حسن آقا وکیل (فونسول امامیه): ج ۱ ص ۵۳۲.
- حسن بن ابراهیم بن الحسین: ج ۱ ص ۲۸۹.
- حسن (میرزا -) پسر میرزا ابراهیم منوچی: ج ۱ ص ۵۲۸.
- حسن احتساب الطک (میرزا -) کارگذار امور حکومت: ج ۱ ص ۵۲۵: ج ۲ ص ۱۳۰۱.
- حسن بن احمد بن ابی خضر: ج ۱ ص ۲۲۹.

حسن بن احمد بن بهرام (بسزرگ قرامطه): ج ۱ ص ۲۷۲.
 حسن بن احمد گوگبی: ج ۱ ص ۲۰۳.
 حسن المندی، کاتب ترکی: ج ۱ ص ۵۳۲.
 ج ۲ ص ۲۱۰۶.
 حسن (امیر شیخ -) ایلکانی (شیخ حسن بزرگ): ج ۲ ص ۶۳۰-۶۳۸-۶۴۰.
 ۶۲۱.
 حسن (شیخ -) بزرگ ایلخانی: ج ۲ ص ۶۳۲.
 حسن برلاس: ج ۲ ص ۶۶۲.
 حسن بصری: ج ۱ ص ۱۱۳، ۱۳۰.
 حسن بیک: ج ۲ ص ۸۲۱.
 حسن بیکآق قویونلو: ج ۲ ص ۷۱۲-۷۱۴ تا ۷۱۷.
 حسن بیک جلایری: ج ۲ ص ۷۴۳.
 حسن بیک حلواجی اوقلی: ج ۲ ص ۸۶۶.
 حسن بیک ابن علی (سلطان -) از آق قویونلو: ج ۲ ص ۱۳۶۶.
 حسن بیک (ولد علیرضا خان) یارو: ج ۱ ص ۵۱۰.
 حسن بیک قوریچی باشی: ج ۲ ص ۸۸۰.
 حسن بیک، قونسل سموات: ج ۱ ص ۵۳۴.
 حسن بیک، قونسل سموات: ج ۱ ص ۵۳۴.
 حسن بیک، قونسل کرکوک: ج ۱ ص ۵۳۴.
 حسن بیک لله: ج ۲ ص ۷۵۶، ۷۶۰.
 حسن بیک (والی کرجمستان): ج ۲ ص ۷۷۰.
 حسن بیک وکیل شاهرخ: ج ۲ ص ۷۹۳.
 حسن بیک یوزچی: ج ۲ ص ۸۱۰.
 حسن پاشا بیکر بیگی اوزن الروم: ج ۲ ص ۹۱۳.
 حسن پاشا (حاجی -) چچن اقلی (سر عسکر بایزید): ج ۲ ص ۱۵۲۸.
 حسن پاشا (حاکم جدّه): ج ۲ ص ۹۸۲.
 حسن پاشا (حاکم شام): ج ۲ ص ۹۸۲.
 حسن (میرزا سید -) پیکار کاشان: ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 حسن (حاجی ملا -) تاجر طهرانی: ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 حسن (حاجی -) تاجر نخجوانی: ج ۲ ص ۲۱۲۵.
 حسن تبریزی (استاد -): ج ۳ ص ۱۷۲۶.

حسن (میرزا -) تفرشی (سرشتندار دفتر لشکر): ج ۲ ص ۲۰۶۸.
 حسن (میرزا -) پسر حاجی میرزا تقی کلانتر: ج ۱ ص ۵۲۵.
 حسن ثانی (میرزا -) مستوفی الممالک پسر میرزا یوسف: ج ۲ ص ۱۱۹۶.
 ج ۲ ص ۲۰۳۲.
 حسن جویری (شیخ -): ج ۲ ص ۶۵۱.
 حسن جهان خانم (والیه) دختر فتحعلیشاه: ج ۲ ص ۱۶۲۶.
 حسن چرکس: ج ۲ ص ۱۹۶۸.
 حسن بن الحافظ لدین الله علوی: ج ۱ ص ۳۷۴.
 حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب: ج ۱ ص ۱۲۱.
 حسن (برادر میرزا حسین سرشتندار): ج ۲ ص ۱۷۹۷.
 حسن (میرزا -) حکیم سامانی (پسرآنی): ج ۲ ص ۱۸۸۲.
 حسنخان: ج ۱ ص ۵۱۹.
 حسنخان: ج ۱ ص ۵۲۵.
 حسنخان: ج ۲ ص ۱۲۹۱.
 حسنخان: ج ۲ ص ۱۵۴۹.
 حسنخان: ج ۲ ص ۱۵۷۰.
 حسنخان: ج ۲ ص ۱۵۹۸.
 حسنخان (حاجی -): ج ۲ ص ۱۶۲۶.
 حسنخان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 حسنخان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۷۶۸.
 حسنخان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۷۹۵.
 حسنخان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۸۷۵.
 حسن خان افشار (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۲ ص ۲۰۷۳.
 حسن خان افشار ابدآبادی (سرهنگ -): ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۲ ص ۲۰۷۳.
 حسنخان اوسانلو (سرکرده): ج ۱ ص ۵۲۰.
 ج ۲ ص ۲۰۹۰.
 حسن خان ایل بیگی (خواجه زند): ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 حسن خان (پسر باقر خان) مهندس: ج ۲ ص ۱۲۷۷.
 حسن خان، پسر حاجی بیچن خان: ج ۲ ص

۱۷۲۷.
 حسن خان (از اجزای پستخانه): ج ۲ ص ۲۱۲۲.
 حسن خان پسیان (تفنگدار خاصه): ج ۱ ص ۵۳۰، ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۲ ص ۲۱۱۱.
 حسن خان ترکمان آق قویونلو: ج ۳ ص ۱۳۴۰.
 حسن (میرزا -) خان (برادر مرحوم میرزا تقی خان): ج ۲ ص ۱۷۶۰.
 حسن خان، پسر تقی خان یزدی: ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 حسن خان چلبوند: ج ۲ ص ۱۷۲۶.
 حسن (میرزا -) خان (حاکم عراق): ج ۲ ص ۱۸۰۲.
 حسن خان (برادر حسین خان، سردار ایروان): ج ۲ ص ۱۵۳۶، ۱۵۸۵.
 حسن خان (جماعت خواجه وند): ج ۱ ص ۵۲۱.
 حسن خان (داروغه بازار): ج ۲ ص ۱۲۵۲.
 حسن خان (داروغه شهر): ج ۱ ص ۵۲۶.
 حسن خان دامغانی (حاجی -): ج ۳ ص ۱۵۷۸.
 حسن خان دولو: ج ۲ ص ۱۱۶۹، ۱۱۷۰.
 ۱۱۷۲.
 حسن خان (رئیس ساری): ج ۱ ص ۵۲۲.
 حسن خان (میرزا -) رئیس مجلس: ج ۲ ص ۱۲۵۲.
 حسن خان ساری اصلان: ج ۳ ص ۱۵۶۶.
 ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۶۲۹، ۱۵۷۸.
 حسن خان سالار: ج ۲ ص ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۳۰، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۸۲، ۱۶۸۶.
 ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۳، ۱۷۰۵.
 حسنخان، سرتیب فوج اول اداره قزاقیه: ج ۱ ص ۵۲۴.
 حسنخان، سرتیب قبه: ج ۱ ص ۵۱۸.
 حسنخان (میرزا -) سرتیب و منشی اصرار: ج ۲ ص ۱۱۸۲، ج ۲ ص ۲۰۲۱.
 حسن خان سردار: ج ۲ ص ۱۵۷۲، ۱۵۷۸.
 حسن خان، سردار ایروانی: ج ۳ ص ۱۵۹۲.
 حسن خان، سردار تاجار قزوینی: ج ۲ ص ۱۵۴۷ تا ۱۵۴۹.
 حسن خان، سردار هزاره پساکوهی: ج ۲

ص ۱۷۳۰.

حسن خان (میرزا -) سر رشته دار: ج ۱

ص ۵۰۵؛ ج ۲ ص ۲۰۶۸.

حسنخان سرکرده: ج ۱ ص ۵۵۲.

حسن خان (سرکرده) جماعت باختری: ج ۱

ص ۲۰۸۸.

حسنخان (سرکرده) جماعت پیرانوند: ج ۱

ص ۵۲۱.

حسن خان (سرکرده) جماعت سرجامی: ج ۲

ص ۲۰۸۸.

حسن خان (سرکرده) سواره قزاقان: ج ۲

ص ۱۸۰۲.

حسن خان (میرزا -) سرهنگ (نایب و

مهنددار): ج ۱ ص ۵۲۵؛ ج ۲ ص

۲۱۰۴.

حسنخان (سرهنگ) جماعت افشار ساوجبلاغ: ج ۱

ص ۵۲۲.

حسن خان (میرزا -) سرهنگ (از اجزای

پستخانه): ج ۲ ص ۲۱۲۱.

حسن خان سرهنگ (پسر شهبختی خان): ج ۲

ص ۲۰۷۲.

حسن خان سرهنگ (نوه صاحبدهوان): ج ۲

ص ۱۲۲۹، ۱۲۹۶؛ ج ۲ ص ۲۰۷۲.

ص ۲۱۴۲.

حسن خان شاملو: ج ۲ ص ۸۹۲.

حسن خان شوکت (میرزا -) منشی اول: ج ۱

ص ۵۲۶.

حسن خان صنع الدوله اعتماد السلطنه: ج ۱

ص ۱۱۱۹۰۸.

حسن خان (میر -) طالب: ج ۲ ص ۱۶۰۳.

حسن خان طبیبی (میر -): ج ۳ ص ۱۴۴۸.

ص ۱۵۵۲، ۱۵۶۵.

حسن خان طبیب: ج ۱ ص ۵۴۷؛ ج ۳ ص

۲۱۳۱.

حسن (میرزا -) خان (جماعت عرب

اردستان): ج ۱ ص ۵۲۱.

حسن خان عرب (امیر -) حاکم طبرستان: ج ۲

ص ۱۲۱۸، ۱۲۲۸.

حسن (میر -) خان عرب زنگویی (حاکم

توز و طبرستان): ج ۳ ص ۱۵۳۶، ۱۵۴۰.

حسنخان، ولد علی قلی خان (نایب

آجودانباشی): ج ۱ ص ۵۰۹؛ ج ۲

ص ۲۰۷۲.

حسن خان (سید -) فیروزکوهی (نایب

آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹؛ ج ۲ ص

۱۲۳۰؛ ج ۲ ص ۲۰۷۲.

حسن خان قلی: ج ۲ ص ۱۵۵۰.

حسن خان قاجار (حاجی -): ج ۲ ص

۱۸۱۳.

حسن خان (از امراء قاجار): ج ۲ ص

۲۰۶۴.

حسن خان قاجار قزوینی، سالار اعلان: ج ۳

ص ۱۲۷۲، ۱۲۸۲، ۱۵۲۸، ۱۵۵۲.

حسن خان قاجار قزوینی قوللر آقاسی: ج ۲

ص ۱۴۶۲.

حسن خان (از امراء قوئللو): ج ۱ ص ۵۰۲.

ج ۲ ص ۱۲۲۰.

حسنخان (قونسل قمر شیرین): ج ۱ ص

۵۳۴.

حسن (میرزا -) خان (کارپرداز اوزنسه

الروم): ج ۳ ص ۲۱۰۵.

حسن (میرزا -) خان (کارپرداز شام): ج ۲

ص ۲۱۰۵.

حسن (میرزا -) خان لشکر نویسی: ج ۲

ص ۱۱۹۶.

حسن خان مستشار (داروغه بارار): ج ۳

ص ۲۰۹۶.

حسن (میرزا -) خان مستشار منشی مدیر

استنطاق): ج ۲ ص ۲۰۹۶.

حسن (میرزا -) خان (پسر میرزا، محمود

وزیر خارجه): ج ۳ ص ۱۹۱۵.

حسن (میرزا -) خان، پسر میرزا، مطلق

وکیل لشکر): ج ۳ ص ۱۰۳۱.

حسن خان (میرزا -) منشی تبریزی: ج ۲

ص ۱۹۲۸.

حسن (میرزا -) خان (منشی دوم اداره

روس): ج ۳ ص ۲۱۰۳.

حسن (میرزا -) خان (منشی سفارت

عثمانی، در طهران): ج ۲ ص ۲۱۰۷.

حسن (میرزا -) خان (منشی وزارت

نجارت): ج ۲ ص ۲۱۲۴.

حسن (میرزا -) خان (پسر میرزا مهدی

پیشخدمت): ج ۱ ص ۵۳۲.

حسنخان نایب: ج ۱ ص ۵۵۲.

حسن خان (نایب آجودان باشی): ج ۲

ص ۱۲۳۰.

حسن (میرزا -) خان (نایب آجودانباشی): ج ۲

ص ۱۲۳۰؛ ج ۳ ص ۲۰۷۲.

حسنخان (میرزا -) نایب وزارت خارجه: ج ۱

ص ۵۲۲.

حسن (میرزا -) خان (نایب اول سفارت

در وینه): ج ۲ ص ۲۱۰۷.

حسن خان (نایب جارچی باشی): ج ۲

ص ۲۱۳۷.

حسن خان (میرزا مهد -) نالین (مستوی

در نالین): ج ۳ ص ۲۱۰۰.

حسن خان، پسر نصر الله خان سرتیپ

زنبرکخانه (نایب آجودان باشی): ج ۱

ص ۵۰۹؛ ج ۲ ص ۱۲۳۰؛ ج ۳

ص ۲۰۷۲.

حسن خان وزیر نظام (میرزا -): ج ۳ ص

۱۷۱۳، ۱۷۱۵.

حسن (میرزا -) خان، پسر وکیل لشکر

(از ارباب قلم و لشکر نویسی): ج ۳ ص

۲۰۶۸.

حسن خان باور: ج ۳ ص ۱۷۶۷.

حسن خان یوزباشی: ج ۳ ص ۱۷۱۳.

حسن رضا خان کرمانی (باور دوم): ج ۱

ص ۵۱۰؛ ج ۲ ص ۱۲۳۱، ۱۲۳۲.

ج ۳ ص ۲۰۷۵، ۲۰۷۷.

حسن رفیق (ملا -) شاعر اصفهانی: ج ۳

ص ۱۴۲۵.

حسن (میرزا -) رئیس پستخانه آمل: ج ۲

ص ۱۲۷۴.

حسن (میرزا -) رئیس رشت و مازم: ج ۱

ص ۵۲۲.

حسن زنجیری خوشی (میرزا -) صاحب

ریاض الجنه: ج ۲ ص ۱۳۴۴.

حسن بن زیاد اللؤلؤی (علیه واز اصحاب

ابوحنیفه): ج ۱ ص ۱۷۸.

حسن بن زید بن حسن ع (والی مدینه): ج ۱

ص ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۵۵.

حسن بن زید علوی، داعی کبیر (حکمران

طبرستان): ج ۱ ص ۲۰۱، ۲۰۲.

ص ۲۰۳، ۲۰۵ تا ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۵۰.

حسن (میرزا -) سر رشته دار: ج ۳ ص

۲۱۰۰.

حسن (میرزا -) سر رشته دار: ج ۳ ص

۲۱۴۶.

حسن (میرزا -) سر رشته دار انبار غلظت
 ج ۱ ص ۵۵۳: ج ۳ ص ۲۱۱۴
 حسن (میرزا سید -) سر رشته دار دفتر
 لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵
 حسن (میرزا -) سر رشته دار گاشان: ج ۱
 ص ۵۵۹: ج ۲ ص ۱۳۰۱
 حسن (میرزا سید -) سر رشته دار مخزن:
 ج ۳ ص ۲۰۶۹
 حسن (میرزا -) سر رشته دار و منشی:
 ج ۱ ص ۵۲۷
 حسن (میرزا -) سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۷۱
 حسن (میرزا -) سرهنگ (رئیس پستخانه های
 آذربایجان): ج ۲ ص ۲۱۲۱
 حسن سلطان بن ابوالحسن: ج ۲ ص ۷۹۶
 حسن سلطان گلبادی (سرکرده): ج ۳ ص
 ۱۲۶۹
 حسن (ملا -) سلطان طارق: ج ۱ ص ۵۶۴
 حسن سلمی تونی: ج ۲ ص ۷۰۲
 حسن بن سهل (وزیر مالیه مأمون عباسی):
 ج ۱ ص ۱۷۲ تا ۱۷۷: ۱۸۱۰۱۸۰
 ۱۹۳
 حسن شاه خاوری: ج ۲ ص ۷۳۷
 حسن شاه هروی (شاعر): ج ۲ ص ۷۲۸
 حسن شریف مکی (سید -): ج ۲ ص ۷۳۶
 حسن بن صالح حبیب: ج ۱ ص ۱۵۵-۱۴۵
 حسن بن صباح اسماعیلی (پیغمبر اسماعیلیه)
 ج ۱ ص ۳۱۱: ۳۲۹: ۳۲۲: ۳۶۸
 ۳۲۸
 حسن بن صباح زعفرانی (از اصحاب
 شافعی): ج ۱ ص ۲۰۸
 حسن صوری (شاعر): ج ۱ ص ۳۰۷
 حسن صیقلی: ج ۲ ص ۵۹۰
 حسن (میرزا -) طبیب رشتی: ج ۲ ص
 ۱۶۳۷
 حسن طهرانی (حاجی ملا -): ج ۱ ص
 ۵۲۶
 حسن بن عباس (والی صقلیه): ج ۱ ص
 ۲۱۲
 حسن بن عبدالله بن سیدالمنکری، ابو
 احمد: ج ۱ ص ۲۸۹
 حسن (شیخ -) عبدالصمد جبل عاملی
 (برادر شیخ بهائی): ج ۲ ص ۹۳۶
 حسن بن عبدالملک بن ابی الشوارب

(قاضی القضاة): ج ۱ ص ۲۰۸
 حسن عرب (شیخ -): ج ۱ ص ۱۷۲۶
 حسن عرب دفتر (میرزا -): ج ۱ ص ۵۰۶
 حسن عرب دفتر (میرزا -): ج ۱ ص
 ۵۰۶
 حسن عرب دفتر (میرزا -): ج ۱ ص
 ۵۰۶
 حسن (میرزا -) عرب دفتر لشکر: ج ۲
 ص ۲۰۶۹
 حسن قطار (خواجہ -): ج ۲ ص ۶۸۳
 حسن بن علی (ع) (امام دوم): ج ۱ ص
 ۲۲: ۲۴: ۳۰: ۵۶: ۶۱: ۷۱: ۷۲
 ۷۵
 حسن بن علی اطروش، الناصر للحق (حاکم
 طبرستان): ج ۱ ص ۲۲۲: ۲۲۳
 ۲۲۶: ۲۳۲
 حسن بن علی بن ابی الحسن الکلبی
 (والی جزیره): ج ۱ ص ۲۵۹
 حسن بن علی (عامل صقلیه از جانب الممیز
 علوی): ج ۱ ص ۲۶۲
 حسن بن علی عسکری ع (امام یازدهم):
 ج ۱ ص ۲۰۸
 حسن بن علی بن ملهم، مکن اندوله: ج
 ۱ ص ۲۱۷
 حسن بن علیقلی خان (امیر -) ابن امیر
 حسن: ج ۲ ص ۱۵۲۵
 حسن بن علی بن یحیی (حکمران افریقیه):
 ج ۱ ص ۳۶۶
 حسن بن عماره: ج ۱ ص ۱۴۶
 حسن بن عمران بن شاهین (حاکم بطیمه):
 ج ۱ ص ۲۷۹: ۲۸۱
 حسن بن یحیی میرالمالک: ج ۲ ص ۱۰۲۶
 حسن بن خان: ج ۳ ص ۱۵۳۰-۱۹۶۴
 حسن بن خان (میرزا -): ج ۳ ص ۱۷۲۶
 حسن بن خان، پسر اسحق خان قرائی: ج ۲
 ص ۱۵۳۰
 حسن بن خان پیشخدمت خاصه: ج ۳ ص
 ۱۷۷۱-۱۷۵۵
 حسن بن خان (حاجی -) پیشکار خزانه:
 ج ۳ ص ۱۷۸۲
 حسن بن خان جوانشیر: ج ۲ ص ۱۵۹۴
 ۱۶۰۲
 حسن بن خان غوثی (حاجی -): ج ۳ ص

۱۷۷۲
 حسن بن خان زرنال آجودانی: ج ۱ ص ۵۱۳
 ج ۲ ص ۱۲۳۸: ج ۳ ص ۱۹۲۰
 ۱۹۲۸: ۲۰۸۲
 حسن بن خان سالار لشکر: ج ۳ ص ۲۰۷۱
 ۲۱۲۰: ۲۱۲۶
 حسن بن خان سرتمپ: ج ۳ ص ۱۸۱۲-۱۶۹۹
 حسن بن خان سرتمپ افشار: ج ۳ ص ۱۸۱۲
 ۱۸۲۲
 حسن بن خان سرهنگ گروسی (سالار لشکر):
 ج ۳ ص ۱۷۱۲: ۱۷۱۴
 حسن بن خان شاهسون: ج ۳ ص ۱۶۳۷
 ۱۸۲۱
 حسن بن خان، ولد فضل طیف خان (سرهنگ
 خارج فوج): ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۳ ص
 ۱۲۲۹
 حسن بن خان (میرزا -) خان ولد حاجی قوام
 الملک: ج ۲ ص ۱۷۰۵
 حسن بن خان کردار دلانی: ج ۲ ص ۱۱۲۹
 حسن بن خان (میرزا -) منشی: ج ۳ ص
 ۱۲۹۷: ج ۳ ص ۲۱۴۱
 حسن بن خان نایب: ج ۲ ص ۱۲۶۸
 حسن بن خان (نایب سم آجودانی):
 ج ۲ ص ۱۲۳۲: ج ۳ ص ۲۰۷۷
 حسن بن خان وزیر فؤاد (سالار لشکر): ج ۱
 ص ۵۵۷-۵۵۹: ج ۳ ص ۱۱۹۰-۱۳۰۲
 ج ۳ ص ۱۹۳۵: ۱۹۲۰: ۲۰۱۱
 ۲۰۱۶: ۲۰۲۵: ۲۰۳۳
 حسن بن خان وزیر مختار (مقیم پاریس):
 ج ۲ ص ۱۸۷۵: ۱۸۸۸: ۱۹۲۳
 ۱۹۲۲
 حسن بن خان هراتی: ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲
 ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۳
 حسن خان (قاسم سید -) همدانی (ار
 اعظم مرزا): ج ۳ ص ۱۵۲۵-۱۵۲۶
 حسن بن خان یوزباشی: ج ۱ ص ۵۱۷: ج ۲
 ص ۱۲۲۲: ج ۳ ص ۲۰۸۶
 حسن بن خان (میرزا) دریاپیگی: ج ۳ ص ۱۷۸۵
 حسن بن خان (میرزا -) روزنامه نویس انبار
 خله: ج ۳ ص ۲۱۱۴
 حسن بن خان (حاجی -) گاشته میرالمالک:
 ج ۱ ص ۵۵۲
 حسن بن خان (استاد -) مسافر عمارات همدانی:

ج ۲ ص ۲۱۱۵
 حسینی میرزا (برادر حسینی میرزا):
 ج ۲ ص ۱۴۱۰
 حسینی میرزا سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۷۲
 حسینی میرزا شجاع السلطنه: ج ۳ ص
 ۱۵۲۴-۱۵۳۰-۱۵۲۶-۱۵۱۹-۱۲۵۲
 ۱۵۵۶-۱۵۳۵-۱۵۴۲-۱۵۲۹-۱۵۳۵
 ۱۵۶۲-۱۵۶۷-۱۵۸۰-۱۵۹۹-۱۶۰۵
 ۱۶۱۵-۱۶۲۲-۱۶۲۸-۱۶۹۱
 حسینی میرزا (نواب -) فرمانفرمای
 فارس: ج ۳ ص ۱۲۷۱
 حسینی میرزا (پسر مظفرالدین میرزا
 ولیمهد): ج ۱ ص ۱۹۷۷
 حسن فگار (حاجی -) مباشر فگارخانه
 طهران: ج ۱ ص ۵۵۲
 حسن بن قاسم الطوی، داعی (حاکم
 طبرستان): ج ۱ ص ۲۳۴-۲۳۷-۲۴۱
 حسن بن قتاده بن ادیس الطوی الحسینی
 (امیر مکه): ج ۱ ص ۲۳۵-۴۴۶
 حسن بن قحطبه بن نهیب: ج ۱ ص ۱۲۰
 ۱۴۱-۱۴۸-۱۴۹-۱۲۲
 حسن (میرزا -) قورخانه: ج ۱ ص ۵۰۵
 حسن (میرزا -) قونسول جده: ج ۱ ص
 ۵۳۲
 حسن (میرزا -) کتابچه نویسی: ج ۲ ص
 ۲۱۲۰
 حسن (شیخ -) کوچک چوبانی: ج ۲ ص
 ۶۳۲
 حسن (میرزا -) گیلانی (منشی): ج ۳ ص
 ۲۱۰۰
 حسن (میرزا -) لشکر نویسی: ج ۳ ص ۸۶۷
 حسن (میرزا -) لکه باشی: ج ۳ ص ۱۸۱۰
 حسن (حاجی -) مأمور همدان: ج ۱ ص
 ۵۵۲
 حسن متکلم: ج ۲ ص ۶۲۷
 حسن بن محمد ... اندیس: ج ۱ ص ۲۳۶
 حسن بن محمد بن حسن: ج ۱ ص ۱۵۶
 حسن بن محمد، ابومحمد مهلبی (وزیر
 معزالدوله): ج ۱ ص ۲۵۸-۲۶۱
 ۲۶۷-۲۷۸
 حسن مستوفی (میرزا -): ج ۳ ص ۲۰۹۹
 حسن (آقا میرزا -) مستوفی دیوان اعلی:
 ج ۱ ص ۵۲۹

حسن (میرزا سید -) مستوفی (اجرا -)
 دارالطباعة دولتی: ج ۱ ص ۵۵۵
 ج ۲ ص ۱۲۹۲: ج ۳ ص ۲۱۲۸
 حسن (آقا میرزا -) مستوفی (رئیس مجلس
 وزارت وظائف): ج ۳ ص ۲۱۲۰
 حسن (آقا میرزا -) مستوفی (کرمان و
 گلپایگان): ج ۲ ص ۲۰۹۸
 حسن (میرزا -) مستوفی السالک: ج ۳ ص
 ۱۶۲۲-۲۰۹۸
 حسن مستوفی (میرزا -) منشی: ج ۳ ص
 ۲۱۰۰
 حسن (میرزا -) مشرف اوصاف (نایب):
 ج ۱ ص ۵۲۰-۵۲۲: ج ۳ ص ۲۱۱۲
 حسن (آقا میرزا -) معلم و مترجم: ج
 ۱ ص ۵۵۵
 حسن ملا باشی (آقا شیخ -): ج ۲ ص
 ۱۲۹۷
 حسن (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۲۵
 ۵۳۸
 حسن (حاجی میرزا -) منشی: ج ۱ ص
 ۵۳۲-۵۳۸
 حسن (میرزا -) منشی سفارت انگلیس در
 طهران: ج ۳ ص ۲۱۰۸
 حسن (میرزا -) منشی شیرازی: ج ۱ ص
 ۵۲۹: ج ۲ ص ۱۲۵۵
 حسن (میرزا -) منشی گیلانی (ازاجرای
 مجلس دیوان مظالم): ج ۱ ص
 ۵۲۹: ج ۲ ص ۱۲۵۵: ج ۳ ص ۲۱۰۱
 حسن (میرزا -) منشی مخصوص: ج ۱ ص
 ۵۲۸: ج ۲ ص ۱۲۵۲
 حسن (میرزا -) ولد میرزا موسی وزیر لشکر:
 ج ۱ ص ۵۲۸
 حسن (حاجی -) نایب: ج ۱ ص ۵۵۱
 حسن (میرزا -) نایب دوم سفارت ایران
 در اسلامبول: ج ۳ ص ۱۸۵۸
 حسن (حاجی -) نایب قاطر خانه: ج ۲
 ص ۲۱۱۲
 حسن (میرزا -) نایب محله چالمیدان:
 ج ۱ ص ۵۵۶
 حسن (آقا میرزا -) نایب وزیر دفتر:
 ج ۱ ص ۵۲۸
 حسن نظام الطما (میرزا -): ج ۳ ص
 ۱۶۱۲

حسن نوری مستوفی (میرزا -): ج ۲ ص
 ۱۹۷۶
 حسن نوبان (شیخ -): ج ۳ ص ۱۲۲۲
 حسن (میرزا -) (نویسنده بندر بوشهر):
 ج ۲ ص ۱۲۲۲
 حسن (میرزا -) وزیر درب حرم جلالت:
 ج ۱ ص ۵۲۸: ج ۲ ص ۱۲۵۲
 حسن وکیل: ج ۱ ص ۱۵۰
 حسن (حاجی آقا -) وکیل النجار: ج
 ۲ ص ۲۱۲۸
 حسن (حاجی آقا -) وکیل شهید: ج ۱
 ص ۵۲۶
 حسنین: ج ۱ ص ۵۹-۱۹۸
 حسین (ملام رشید): ج ۱ ص ۱۷۰
 حسین (پسر یکی از فائزین حسینی خان
 جهانسوز): ج ۳ ص ۱۵۲۶
 حسین (آقا سید -) (همدان): ج ۱ ص
 ۵۲۱: ج ۳ ص ۲۱۰۹
 حسین (حاجی سید -): ج ۳ ص ۲۱۲۸
 حسین (سید -): ج ۲ ص ۸۵۶
 حسین (ملا -): ج ۲ ص ۱۷۳۰
 حسین (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۲۵-۱۲۲۶
 حسین (میرزا -): ج ۳ ص ۱۸۱۲
 حسین (میرزا -) (از اجرا وزارت دفتر
 استیفا): ج ۲ ص ۱۲۵۲
 حسین (میرزا سید -): ج ۲ ص ۱۲۲۲
 حسین (میرزا سید -): ج ۲ ص ۱۷۹۵
 حسین (میرزا سید -) (عربستان): ج ۲
 ص ۱۲۷۹
 حسین آقا افشار (نزد امیر نظام): ج ۱ ص
 ۵۰۹
 حسین آقا افشار (نایب آجودان باشی):
 ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۳ ص ۲۰۷۵
 حسین آقا (پسر علی بیگ افشار، نایب
 آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲
 ص ۱۲۳۰
 حسین آقا (نایب فراشخانه): ج ۳ ص ۲۱۱۸
 حسین آقا یارور (رئیس نلگرافخانه سلطنتی):
 ج ۳ ص ۲۱۲۲
 حسین بن اسحق (طبيب عبادی): ج ۱
 ص ۲۰۸
 حمید اشتیاردی (میرزا -): ج ۲ ص
 ۱۰۱۰

حسین (میرزا -) اصلهانی (شکرنویس):
 ج ۱ ص ۵۰۵.
 حسین افندی (نونسول مور): ج ۱ ص ۵۳۲.
 حسین (امیر -) پسر امیر حیدر نوره (امیر بخارا): ج ۳ ص ۱۵۷۶.
 حسین (میرزا -) انجدانی (نوسنده و آتش): ج ۲ ص ۲۱۰۲.
 حسین بشری پای (ملا -): ج ۳ ص ۱۶۹۵.
 ۱۶۹۶.
 حسین بن بکر شرایب (حاکم بطیمه): ج ۱ ص ۳۰۲.
 حسین بیگ (برادر ابراهیم خان): ج ۲ ص ۱۱۲۵.
 حسین بیگ ارونقی (پاور دوم): ج ۱ ص ۵۱۱.
 حسین بیگ استاجلو: ج ۲ ص ۸۶۲.
 حسین بیگ خوشی (پاور دوم): ج ۱ ص ۵۱۱.
 ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 ۲۰۷۷.
 حسین بیگ ناملو: ج ۲ ص ۸۷۱.
 حسین بیگ و پسر علی رضا خان (پاور: ج ۲ ص ۲۰۷۵).
 حسین بیگ کفراباشی (پاور): ج ۱ ص ۵۱۰.
 ج ۲ ص ۱۲۲۱.
 ۲۰۷۵.
 حسین بیگ (کارپرداز ساوات): ج ۲ ص ۲۱۰۶.
 حسین بیگ لله: ج ۲ ص ۷۵۸.
 حسین بیگ موندی (پاور): ج ۱ ص ۵۱۰.
 ج ۲ ص ۱۲۲۱.
 حسین بیگ (ناظر بیوتات شاه صفی): ج ۲ ص ۹۴۲.
 حسین بیگ (نایب ایشیک آغاسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶.
 حسین بیگ (پاور): ج ۲ ص ۱۲۲۱.
 حسین بیگ پساؤل باشی: ج ۲ ص ۸۲۸.
 حسین پاشا (والی الجزایر): ج ۲ ص ۱۶۰۴.
 ۱۵۹۲.
 حسین پاشا بیوزباشی: ج ۳ ص ۱۵۷۲.
 حسین (حاجی سید -) تاجر اصلهانی: ج ۳ ص ۲۱۲۶.
 حسین (حاجی میر -) تاجر شاهرودی: ج ۳ ص ۲۱۲۹.

حسین ترک (حاجی سید -): ج ۳ ص ۲۰۴۱.
 حسین تهرانداد (شهیدی -): ج ۲ ص ۲۱۲۱.
 حسین جان سلطان: ج ۲ ص ۵۰۹.
 حسین حسنی پاشا: (وزیر جنگ عثمانی): ج ۱ ص ۲۸۷.
 ۲۰۱۵.
 حسین بن حمدان: ج ۱ ص ۲۳۲.
 حسین خان: ج ۱ ص ۵۱۹.
 حسین خان: ج ۲ ص ۲۸۶.
 حسین خان: ج ۲ ص ۱۲۷۲.
 حسین خان: ج ۲ ص ۱۵۷۰.
 حسین خان (حاجی -): ج ۱ ص ۵۲۹.
 حسین خان (از امرا): ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 حسین خان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۹۷.
 حسین خان (میرزا -) از اعضای حکومت فارس: ج ۳ ص ۲۱۲۱.
 حسین خان آجودان باشی = آجودان باشی: ج ۳ ص ۱۶۷۱، ۱۶۶۵، ۱۶۲۸.
 حسین خان، پسر آجودان باشی: ج ۱ ص ۵۰۸.
 ج ۲ ص ۱۲۲۸.
 حسین خان ارونقی (پاور دوم): ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 ج ۲ ص ۲۰۷۷.
 حسین خان ارونقی (حاجی -): ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 حسین خان (میرزا -) پسر میرزا اسمعیل خان (منشی): ج ۱ ص ۵۳۲.
 ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 حسین خان افغان: ج ۲ ص ۸۲۲.
 حسین خان (برادر زاده ابوشهنا حکمران هرات): ج ۲ ص ۷۷۱.
 حسین خان، پسر التیبار خان فرائی: ج ۱ ص ۵۳۲.
 حسین خان (حاجی -) بروجردی: ج ۱ ص ۵۲۰.
 ج ۲ ص ۱۲۷۰.
 ۱۸۰۲.
 حسین خان بهارلو (پاور اول): ج ۲ ص ۲۰۷۷.
 حسین خان بیگ بیگی (الکای شیروان): ج ۲ ص ۱۰۰۸.
 حسین خان بیگلر بیگی هرات: ج ۲ ص ۹۱۳.
 حسین خان (میرزا -) تهرانداد سلطنت خراسان: ج ۱ ص ۵۵۱.

حسین خان، پسر جارجی باشی (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹.
 ج ۲ ص ۲۰۷۴.
 حسین خان (برادر جعفر لکیم خان دینلی): ج ۳ ص ۱۲۶۶.
 حسین خان، حاکم سرخس: ج ۲ ص ۸۸۰.
 حسین خان، حاکم همدان: ج ۲ ص ۱۸۲.
 حسین خان (میرزا -) دفتر دار: ج ۱ ص ۵۳۱.
 حسین خان دینلی: (بیگلربیگی خوی): ج ۳ ص ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۲۱، ۱۲۲۹.
 حسین خان دولو قاجار: ج ۲ ص ۱۱۵۷.
 ۱۱۵۸، ۱۱۷۱.
 ج ۲ ص ۱۲۱۸.
 حسین خان (حاجی -) از طایفه دولو: ج ۱ ص ۵۰۲.
 ج ۲ ص ۱۲۲۱.
 حسین خان (میرزا -) ولد میرزا رضا مهندس باشی: ج ۱ ص ۵۲۹، ۴۶۴.
 حسین خان (حاجی -) نوه رفیع خان قاجار (از ارباب مناصب): ج ۲ ص ۲۱۱۸.
 حسین خان (میرزا -) ولد میرزا زکسی (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹.
 ج ۲ ص ۲۰۷۴.
 حسین خان (میرزا -) پسر میرزا زینل لشکر نویس (سرشته دار دفتر لشکر): ج ۲ ص ۲۰۶۹.
 حسین خان (حاجی میرزا -) سپهسالار اعظم، شیر الدوله: ج ۱ ص ۲۷۲.
 ۲۷۷، ۲۷۸.
 ج ۲ ص ۱۲۰۱.
 ج ۲ ص ۱۸۱۳، ۱۷۶۶، ۱۷۱۲، ۱۶۲۷.
 ۱۸۲۹، ۱۸۵۸، ۱۸۷۲، ۱۹۰۵، ۱۹۰۸، ۱۹۱۶، ۱۹۲۲، ۱۹۲۵، ۱۹۲۷، ۱۹۲۷.
 ۱۹۵۳، ۱۹۵۸.
 حسین خان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 حسین خان (سرتیپ قبه): ج ۳ ص ۲۰۸۷.
 حسین خان سرتار: ج ۲ ص ۱۲۸۱، ۱۲۹۱.
 ۱۵۳۶، ۱۵۷۲، ۱۵۷۷، ۱۵۹۸.
 حسینخان سردار (امیرالامرا): ج ۲ ص ۱۳۳۵.
 حسین خان (سردار ایروان): ج ۲ ص ۱۵۷۷، ۱۵۹۴، ۱۵۸۵، ۱۵۶۶، ۱۴۹۸.
 حسین خان (میرزا -) سرشته دار: ج ۲ ص ۱۲۹۷.
 ج ۳ ص ۲۱۲۱.

حسین خان (سرکردہ) سوارہ، مہاجر
جماعت باغریزی و جامی: ج ۱ ص
۵۱۸: ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج ۳ ص ۲۰۸۸
حسین خان (میرزا -) سرکردہ جماعت
عرب اردستان: ج ۱ ص ۵۲۱: ج ۲
ص ۲۰۹۱
حسین خان (سرکردہ غلام نصرت): ج ۱
ص ۵۱۸: ج ۲ ص ۲۰۸۷
حسینخان سرھنگ: ج ۱ ص ۵۱۶: ج ۲
ص ۱۲۲۱: ج ۳ ص ۲۰۸۵، ۲۰۸۰
حسین خان (میرزا -) سرھنگ: ج ۲ ص
۲۱۰۲
حسین خان سرھنگ (پسر آجودانباشی): ج
۲ ص ۲۰۷۲
حسین خان (سید -) سرھنگ (رئیس
تلگرافخانہ استرآباد): ج ۳ ص ۲۱۳۶
حسینخان، سرھنگ (فوج چہارم رنگہ):
ج ۱ ص ۵۱۶
حسین خان سرھنگ نہاوندی: ج ۳ ص ۲۰۷۶
حسین خان سلطان روملو: ج ۲ ص ۷۹۶
۸۰۰، ۸۰۳: ج ۲ ص ۱۲۶۷
حسین خان (میرزا -) پسر میرزا شمس
خان (منشی سیم): ج ۲ ص ۲۱۰۲
حسینخان، ولد شکراللہ خان (نایب
آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲
ص ۲۰۷۲
حسین خان شہاب الملک، نظام الدولہ:
ج ۲ ص ۱۸۲۲، ۱۸۲۴، ۱۹۵۲
حسین خان صاحب اختیار: ج ۳ ص ۱۶۷۱
حسین خان (میرزا -) پسر صاحبیوان:
ج ۱ ص ۵۲۹: ج ۲ ص ۱۲۵۵
حسین خان (حاجی -) پسر عمیدالملک:
ج ۱ ص ۵۲۵: ج ۲ ص ۱۲۵۵: ج ۳
ص ۲۱۰۱
حسینخان، ولد عیسی خان بیگلر بیگی:
ج ۱ ص ۵۲۶
حسین خان (سید -) فیروز کوہی (نایب
آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲
ص ۲۰۷۲
حسین خان (حاجی -) قاجار: ج ۲ ص
۱۲۶۹
حسین خان قاجار دولو: ج ۲ ص ۱۱۵۵
۱۱۵۷

حسین خان قاجار قزوینی فوللبر آقاسی
(سردار ایروان و خراسان): ج ۲
ص ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶
۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۸۲، ۱۲۵۸
۱۲۸۴، ۱۲۸۵
حسین خان قراچہ داعی: ج ۲ ص ۱۲۶۹
حسین خان (میرزا -) قزوینی (یاور):
ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج ۳ ص ۲۰۷۷
حسین خان فوللبر آقاسی: ج ۲ ص ۱۲۵۰
۱۲۸۵
حسین خان (میرزا -) کارپرداز: ج ۲ ص
۱۱۲۲
حسین خان (میرزا -) (کارگذار کسان):
ج ۲ ص ۲۱۰۵
حسین خان گوابلی: ج ۱ ص ۵۲۰: ج ۲
ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص ۲۰۹۰
حسین خان (حاجی میرزا -) گرانامہ: ج ۲
ص ۱۲۵۵: ج ۳ ص ۲۱۰۱
حسینخان (مأمور نہاوند): ج ۳ ص ۵۵۲
حسین خان محلاتی (از ارباب مناصب):
ج ۲ ص ۱۲۵۶: ج ۳ ص ۲۱۱۰
حسین خان (پسر میرزا محمد خان سپہسالار):
ج ۲ ص ۱۸۷۲
حسین خان (پسر محمد ولی خان قاجار
بوخاری باشی): ج ۲ ص ۱۱۵۲
حسین خان (میرزا -) پسر میرزا محمود
خان: ج ۱ ص ۵۲۲
حسین خان مرندی (یاور): ج ۱ ص ۵۱۰
ج ۲ ص ۱۲۳۱: ج ۳ ص ۲۰۷۵
حسین خان (میرزا -) مستوفی (پسر
میرزا رضا مهندس باشی): ج ۲ ص
۲۰۰۶
حسین خان (میرزا -) مستوفی (پسر
صاحبیوان): ج ۲ ص ۲۱۰۰
حسین خان (میرزا -) معتمد الملک (پسر
معتمد الملک مشیر الدولہ): ج ۲ ص
۲۵۰: ج ۳ ص ۲۰۲۷، ۲۰۹۶
حسین خان مقدم آجودانباشی: ج ۲ ص
۱۶۴۲
حسین خان (میرزا -) منشی (اجزای
مجلس مخصوص وزیر عدلیہ): ج ۳
ص ۲۱۰۱
حسینخان (میرزا -) منشی و نایب: ج ۱

ص ۵۲۵
حسین خان (میرزا -) نایب آجودان
باشی: ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص ۱۲۲
ج ۳ ص ۲۰۷۷
حسین خان (سید -) نایب آجودان
باشی: ج ۲ ص ۱۲۲۰
حسین خان (میرزا -) نایب امور خارجه
(پسر میرزا مسعود لایر خارجه): ج ۲
ص ۱۹۰۸
حسین خان (حاجی -) نایب اسپیک
آقاسی باشی: ج ۲ ص ۲۱۱۶
حسین خان (نایب اسپیک باشی): ج ۲
ص ۲۱۱۶
حسین خان (نایب عملہ فراخانہ): ج ۲
ص ۲۱۲۲
حسین خان (شیخ -) عم شیخ نمرحان
ج ۳ ص ۱۲۰۶
حسین خان نوری (نایب آجودان باشی):
ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳
ص ۲۰۷۲
حسین خان نظام الدولہ (حاجی -) ج ۲
ص ۱۸۱۱، ۱۸۸۸، ۱۹۵۸
حسینخان نہاوندی (یاور اول): ج ۱ ص
۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۲۲
حسینخان نیشابوری: ج ۱ ص ۵۱۹: ج ۲
ص ۲۰۸۸
حسین خان (میرزا -) پسر وزیر لشکر
(منشی اول): ج ۲ ص ۲۱۰۲
حسین خان یاور (در تبریز): ج ۲ ص
۱۲۲۲
حسین خان (میرزا -) یاور دوم: ج ۲
ص ۲۰۷۷
حسین خان (میرزا -) یاور سیم: ج ۲
ص ۱۲۲۲
حسین خان (حاجی -) ہوزباشی: ج ۱
ص ۵۲۹، ۲۷۱: ج ۳ ص ۱۲۹۴
حسین خان (دکتر میرزا -) پسر میرزا
یوسف خان مستشار الدولہ: ج ۲ ص
۲۰۴۷
حسین خوارزمی، (شیخ -) کمال الدین:
ج ۲ ص ۲۶۶
حسین خولساری (آقا -): ج ۲ ص ۹۷۹

حسین بن داود بن یعقوب الطوسی: ج ۲ ص ۶۲۰.
 حسین (میرزا سید -) رئیس دفتر استاد وزارت وظایف: ج ۲ ص ۲۱۲۰.
 حسین (میرزا -) رئیس مغان: ج ۱ ص ۵۲۲.
 حسین بن زکریا (نوی و صاحب المجلد): ج ۱ ص ۲۷۹.
 حسین (میرزا -) سرورنده دار: ج ۱ ص ۵۵۲.
 حسین (میرزا -) سرورنده دار: ج ۱ ص ۵۰۵، ۵۰۶: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 حسین (میرزا -) سرورنده دار آذربایجان: ج ۱ ص ۵۰۶: ج ۲ ص ۲۰۷۰.
 حسین (میرزا -) سرورنده دار اداره بنا خانه: ج ۲ ص ۲۱۱۵.
 حسین (میرزا -) سرورنده دار دفتر لشکر: ج ۲ ص ۱۲۲۴: ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 حسین (میرزا سید -) سرورنده دار دفتر لشکر: ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 حسین (میرزا سید -) سرورنده دار (وزارت وظایف): ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۸۹۸، ۲۱۱۹.
 حسین (میرزا -) سرورنده دار: ج ۱ ص ۵۳۷: ج ۲ ص ۲۱۲۴.
 حسین (میرزا -) سرورنده دار (رئیس دلگراف خانه): ج ۲ ص ۲۱۲۵.
 حسین بن سید بن حمدان (عساکر قنبرین و حصن): ج ۱ ص ۲۵۶.
 حسین (کرمانشاهی -) سقا باشی: ج ۲ ص ۲۱۴۲.
 حسین شاه (صاحب بنگال): ج ۲ ص ۷۶۹.
 حسین شاه (صاحب کتیمیر): ج ۲ ص ۸۲۸.
 حسین (میرزا -) شیرازی (عزب دفتر): ج ۲ ص ۲۱۰۱.
 حسین صفوی (شاه سلطان -): ج ۳ ص ۱۲۲۵، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴.
 حسین بن عبدالله جوهری ابن جصاص: ج ۱ ص ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲.
 حسین بن عبدالله النجاشی (صفوی): ج ۱ ص ۲۲۸.

حسین (میرزا -) عزب دفتر لشکر: ج ۲ ص ۲۰۶۹.
 حسین بن علی بن الحسن: ج ۱ ص ۱۵۶، ۱۵۷.
 حسین بن علی بن ابی طالب (امام سوم): ج ۱ ص ۲۲، ۲۰، ۵۶، ۷۹، ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۹۲، ۲۰۰.
 حسین بن علی بن عیسی بن ماهان: ج ۱ ص ۱۷۲.
 حسین (میرزا -) پسر میرزا علی اکبر مستوفی (سرورنده دار اداره چراغ گاز): ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 حسین، پسر علی هبته خان گلجانی: ج ۲ ص ۱۲۲۸.
 حسین موسی پاشا (وزیر جنگ عثمانی): ج ۲ ص ۱۹۱۲، ۱۹۵۷، ۱۹۶۲.
 حسین (سید -) فراهانی: ج ۲ ص ۸۵۹.
 حسین بن قاسم (وزیر المقنن): ج ۱ ص ۲۲۲.
 حسین (میرزا -) خزینتی (منشی): ج ۲ ص ۱۲۵۰.
 حسین (میرزا -) قونسول دیار بکر: ج ۱ ص ۵۲۴.
 حسین (حاجی میرزا -) کارپرداز طرابزون: ج ۳ ص ۱۸۰۸، ۲۱۰۵.
 حسین (میرزا -) کارپرداز دیار بکر: ج ۲ ص ۲۱۰۶.
 حسین مازندرانی (میرزا -) لشکر نویس: ج ۱ ص ۵۰۵.
 حسین (میرزا سید -) محدث: ج ۲ ص ۲۱۰۹.
 حسین میرزی (قاضی شافعی): ج ۱ ص ۲۳۲.
 حسین (حاجی میرزا سید -) مستوفی: ج ۱ ص ۵۲۸: ج ۲ ص ۲۰۹۹.
 حسین (میرزا -) مستوفی گلان: ج ۳ ص ۲۰۹۸.
 حسین (میرزا -) مشرف (نایب نسفخانه): ج ۲ ص ۱۲۶۹: ج ۳ ص ۲۱۱۸.
 حسین بن مصعب (پدر ظاهر ذوالیمینین): ج ۱ ص ۱۲۴.

حسین (استاد -) معمار: ج ۳ ص ۲۱۱۵.
 حسین (میرزا سید -) منشی: ج ۲ ص ۱۲۷۱.
 حسین (حاجی میرزا -) مستوفی: ج ۱ ص ۵۵۶: ج ۲ ص ۱۱۹۶، ۱۲۹۲: ج ۳ ص ۲۱۲۹، ۲۰۴۱.
 حسین (میرزا سید -) منشی: ج ۱ ص ۵۴۱.
 حسین بن منصور خلج (صفوی): ج ۱ ص ۲۲۷.
 حسین میرزا (ملک -): ج ۲ ص ۱۵۰۲.
 حسین میرزا (حاجی -) ولد جهانگیر میرزا: ج ۱ ص ۵۰۲.
 حسین قرطبی (شیخ -) برادر حبیبی (رئیس قوامیه): ج ۱ ص ۲۲۲.
 حسین (قا میرزا -) نایب وزیر دفتر: ج ۱ ص ۵۲۸.
 حسین (حاجی میرزا -) نایب و منشی اول (اداره تذکره آذربایجان): ج ۲ ص ۲۱۰۴.
 حسین نظام شاه (پادشاه دکن): ج ۲ ص ۸۸۲، ۸۸۱، ۸۵۰، ۸۲۲.
 حسین نقاش (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۲.
 حسین نوری (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۹.
 حسین (میرزا -) وزیر دارالخلافه: ج ۱ ص ۱۸۴۹.
 حسین (میرزا -) پسر وزیر دفتر (نایب وزیر دفتر): ج ۳ ص ۱۹۹۵.
 حسین (میرزا سید -) وزیر کرمان و مستوفی: ج ۳ ص ۱۹۰۴.
 حسین (میرزا -) یاور (رئیس تلکرافخانه نهاوند): ج ۲ ص ۲۱۲۵.
 حسینطی (قا -): ج ۱ ص ۵۵۱.
 حسینطی (قا -) (اداره آبدارخانه): ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 حسینطی (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۹۶.
 حسینطی (میرزا -) (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۲ ص ۱۲۲۴: ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 حسینطی (قا -) (آبدار: ج ۲ ص ۱۹۲۰.
 حسینطی بیگ: ج ۱ ص ۴۷۸.
 حسینطی بیگ (متخلص به شری): ج ۳ ص ۱۲۲۲.

حسینعلی بیگ فیضانی: ج ۲ ص ۸۰۴.
 حسینعلی بیگسمیر الممالک: ج ۲ ص ۱۱۳۳.
 حسینعلی بیگ (باور فوج پنجم): ج ۳ ص ۲۰۱۷.
 حسینعلی (۵۱ -) تحصیلدار اداره صرف حبس: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 حسینعلی (۵۲ -) تحصیلدار ملکست آذربایجان: ج ۱ ص ۵۵۱.
 حسینعلی (امیر زاده -) پسر میرزا جهانشاه توکمان: ج ۲ ص ۷۰۸.
 حسینعلی خان آجودان باشی: ج ۲ ص ۲۰۹۲.
 حسینعلی خان، پسر اسحق خان قرانی: ج ۲ ص ۱۵۳۰.
 حسینعلی خان افشار (برادر محمد قلسی خان بیگلربیگی اروسی): ج ۲ ص ۱۲۱۲.
 حسینعلی خان (حاجی -) باشی کالمکه خانه: ج ۲ ص ۲۱۳۷.
 حسینعلی خان تحصیلدار (نایب الحکومه اسفراين): ج ۲ ص ۲۰۳۷.
 حسینعلی خان جوانشیر: ج ۲ ص ۱۷۱۴.
 حسینعلی (حاجی -) خان (از طائفه دولو): ج ۲ ص ۲۰۶۵.
 حسینعلی خان (زوال آجودان): ج ۱ ص ۵۱۲، ۲۷۸.
 حسینعلی خان سرهنگ: ج ۱ ص ۲۷۹.
 حسینعلی خان سرهنگ (پسر فضلعلی خان): ج ۲ ص ۲۰۷۳.
 حسینعلی خان، پسر علاء الدوله (پیشخدمت باشی): ج ۲ ص ۱۹۷۲.
 حسینعلی خان (غلام پیشخدمت باشی): ج ۱ ص ۵۳۹، ج ۲ ص ۱۲۶۷.
 حسینعلی خان (پسر محمد خان بیگلربیگی): ج ۲ ص ۱۲۷۲.
 حسینعلی خان (میرزا -) مستوفی: ج ۲ ص ۲۰۹۹.
 حسینعلی خان معیر الممالک: ج ۳ ص ۱۶۲۷، ۱۶۱۸، ۱۵۶۹، ۱۲۷۲، ۱۸۰۴، ۱۷۲۵.
 حسینعلی خان، پسر میرزا نظرعلی (مستوفی): ج ۱ ص ۵۲۸.
 حسینعلی خان لایز فواکه: ج ۱ ص ۲۷۷.

۲۷۸.
 حسینعلی (میرزا -) پسر حاجی میرزا رحیم: ج ۳ ص ۲۱۲۲.
 حسینعلی (میرزا -) روزنامه نویسنده: ج ۱ ص ۵۵۳.
 حسینعلی (میرزا -) ولد میرزا زمان: ج ۱ ص ۵۲۸.
 حسینعلی شاه بن جهانشاه (امیرزاده -): ج ۲ ص ۷۱۸.
 حسینعلی (میرزا -) شاه (از ملوک فراه قوینلو): ج ۲ ص ۷۱۹.
 حسینعلی شیخ الاطباء: ج ۱ ص ۵۳۰.
 حسینعلی (میرزا -) طبیب (شیخ الاطباء): ج ۲ ص ۱۹۶۴.
 حسینعلی (میرزا -) عکاس حضور مبارک و مدیر عکاسخانه هاپونی: ج ۱ ص ۵۳۰.
 حسینعلی (حاجی میرزا -) گارودازطرا - بزبان: ج ۱ ص ۵۳۴.
 حسینعلی گروسی (میرزا -) لشکرپوش: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 حسینعلی (میرزا -) مصوفی: ج ۳ ص ۲۰۹۹.
 حسینعلی (حاجی -) معمار مخصوص: ج ۱ ص ۵۵۶، ج ۲ ص ۱۲۹۲، ج ۳ ص ۲۱۱۵، ۲۱۲۹.
 حسینعلی میرزا فرمانفرما، پسر فتحعلی شاه (حاکم دارالخلافه): ج ۲ ص ۷۱۵.
 ج ۲ ص ۱۲۵۴، ۱۲۴۷، ۱۲۳۶، ۱۲۰۸، ۱۲۵۴، ۱۵۳۷، ۱۵۱۰، ۱۵۰۰، ۱۴۹۶، ۱۲۶۸، ۱۵۹۲، ۱۵۵۷، ۱۵۵۶، ۱۵۲۲، ۱۵۹۹، ۱۶۰۲، ۱۶۰۵، ۱۶۱۲، ۱۶۱۸، ۱۶۲۰، ۱۶۲۲، ۱۶۲۵، ۱۶۲۸.
 حسینعلی: ج ۲ ص ۸۴۶.
 حسینعلی بیگ (پسر عم جعفر خان بیات): ج ۳ ص ۱۲۵۰.
 حسینعلی بیگ، پسر اول (از اجزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰.
 حسینعلی خان: ج ۱ ص ۵۴۵، ج ۲ ص ۱۱۷۷، ۱۲۶۸، ج ۳ ص ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۴۴۱، ۱۴۴۷، ۱۴۵۰، ۱۴۵۲، ۱۴۵۷، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۸۰۲.
 حسینعلی خان (لقب محمود افغان): ج ۲

ص ۱۰۰۶.
 حسینعلی خان (برادر ...): ج ۳ ص ۱۳۸۵.
 حسینعلی خان (نواب): ج ۳ ص ۱۲۵۴.
 حسینعلی خان (لقب: عبداللهمان (ابدالی): ج ۲ ص ۱۰۰۶.
 حسینعلی خان، ولد اعتمادالدوله: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 حسینعلی خان افشار (برادر ساری اعلان): ج ۱ ص ۵۰۷، ج ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳ ص ۱۴۱۳، ۱۴۷۹، ۲۰۷۱.
 حسینعلی خان افشار (برادرزاده محمد علی خان): ج ۳ ص ۱۴۴۴.
 حسینعلی خان افشار (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 حسینعلی خان نانی (امین جهانسوز شاه، برادر فتحعلیشاه و حاکم فارس): ج ۳ ص ۱۲۸۱، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۳۸، ۱۴۴۶.
 حسینعلی خان ابلحاسی بخنداری: ج ۳ ص ۱۸۰۳، ۲۰۴۰.
 حسینعلی خان بادکوبه ای حاکم بادکوبه: ج ۲ ص ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۸۳.
 حسینعلی خان (پسر حاجی بهاءالملک (از سرهنگان خارج فوج): ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 حسینعلی خان بیگلربیگی آذربایجان: ج ۳ ص ۲۱۲۶.
 حسینعلی خان (عمزاده جعفر خان بیات): ج ۳ ص ۱۴۵۰.
 حسینعلی خان جهان: ج ۲ ص ۸۶۱.
 حسینعلی خان جهانسوز شاه (فرزند محمد حسن خان قاجار): ج ۱ ص ۵۹۹، ج ۲ ص ۱۱۳۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۲، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۹، ۱۱۷۳، ۱۱۷۸، ۱۲۱۷، ۱۲۳۴، ۱۳۳۷، ۱۳۴۶، ۱۳۵۰، ۱۳۵۴، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۲، ۱۳۶۵، ۱۳۷۶، ۱۳۸۰، ۱۳۸۸، ۱۶۱۱، ۲۰۶۱.
 حسینعلی خان جهانسوز شاه (پسر فتحعلیشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۴.
 حسینعلی خان (نواب -) حاکم فارس: ج ۳ ص ۱۴۴۲.

حسینقلی خان (برادر خاقان فتحعلیشاه) :
 ج ۲ ص ۱۲۳۶ ، ۱۲۵۶ ، ۱۶۲۶ .
 حسینقلی خان خمسای (از یاوران خارج
 فوج) : ج ۱ ص ۵۱۰ ، ج ۲ ص ۱۲۳۱ .
 ج ۳ ص ۲۰۷۵ .
 حسینقلی خان دولو (سپهدار کرمان) : ج ۳
 ص ۱۴۲۴ ، ۱۴۲۸ ، ۱۴۲۶ .
 حسینقلی خان (پسر رضاقلی خان ایلخانی
 زعفرانیلو) : ج ۳ ص ۱۶۱۰ .
 حسینقلی خان (از طائفه سیانلو حاجی
 مهدی) : ج ۱ ص ۵۰۳ ، ج ۲ ص ۱۲۲۱ .
 ج ۳ ص ۲۰۶۵ .
 حسینقلی خان سرتیپ : ج ۳ ص ۲۱۳۱ ، ۲۰۹۱ .
 حسینقلی خان (سرتیپ اول سواره شاهسون) :
 ج ۳ ص ۱۹۵۲ .
 حسینقلی خان (سرتیپ دوم) : ج ۳ ص
 ۱۸۲۶ .
 حسینقلی خان (سرتیپ سابق خواجهموند) :
 ج ۱ ص ۵۰۷ ، ج ۲ ص ۱۲۲۸ ، ج ۳ ص
 ۲۰۷۲ .
 حسینقلی خان (سرتیپ ، رئیس گل) : ج ۱ ص
 ۵۴۷ .
 حسینقلی خان ، سرتیپ قورت بیگلو (پسر
 امیرخان) : ج ۱ ص ۵۲۱ ، ج ۳ ص ۲۰۰۵ .
 حسینقلی خان ، سرتیپ (حاجی مهدیقلی
 خانی) : ج ۱ ص ۵۰۲ ، ج ۲ ص ۱۲۲۱ .
 ج ۳ ص ۲۰۶۵ .
 حسینقلی خان (سرکرده جماعت اردلان) :
 ج ۲ ص ۲۰۸۹ .
 حسینقلی خان (سرکرده تفنگچیان ناری) :
 ج ۳ ص ۲۰۹۲ .
 حسینقلی خان (سرکرده دسته سواره قوجه
 بیگلو) : ج ۱ ص ۵۱۸ ، ج ۲ ص ۱۲۲۳ .
 ج ۳ ص ۲۰۸۷ .
 حسینقلی خان (سرکرده جماعت نانگی) :
 ج ۱ ص ۵۲۲ .
 حسینقلی خان سرهنگ : ج ۱ ص ۵۱۷ ، ج ۲
 ص ۱۲۲۲ ، ج ۳ ص ۲۰۷۲ ، ۲۰۸۶ .
 حسینقلی خان سرهنگ (پسر بهاءالملک) :
 ج ۳ ص ۲۰۷۳ .
 حسینقلی خان سرهنگ (پسر علیقلی خان
 مخبرالدوله) : ج ۳ ص ۱۹۸۲ .
 حسینقلی خان (سرهنگ سابق فوج پنجم

شقایق) : ج ۱ ص ۵۰۸ ، ج ۲ ص ۱۲۲۹ .
 حسینقلی خان (سرهنگ کرمانشاهانی) : ج ۱
 ص ۵۱۱ ، ج ۲ ص ۱۲۳۲ ، ج ۳ ص ۲۰۷۶ .
 حسینقلی خان سعدالملکحاجی (رئیس غلات) :
 ج ۱ ص ۵۵۲ ، ج ۲ ص ۱۹۲۶ ، ۱۹۵۲ .
 ۱۹۵۲ .
 حسینقلی خان (ولد صاحبقران) : ج ۱ ص
 ۵۲۰ .
 حسینقلی (حاجی -) خان (پسر صدراعظم) :
 ج ۱ ص ۵۳۱ .
 حسینقلی خان مرادالدین لوی قاجار : ج ۳ ص
 ۱۲۲۲ .
 حسینقلی خان (پسر عیسی خان اعتماد -
 الدوله) : ج ۳ ص ۱۸۲۱ .
 حسینقلی خان ابن فتحعلی خان : ج ۱ ص
 ۴۶۰ .
 حسینقلی خان قاجار (مهندس) : ج ۱ ص ۵۵۲ .
 ج ۲ ص ۱۲۷۷ .
 حسینقلی خان قاجار دولو : ج ۳ ص ۱۴۷۸ .
 حسینقلی خان (لقب : محمودخان) : ج ۳ ص
 ۱۰۰۶ .
 حسینقلی (حاجی میرزا -) خان ستوفی :
 ج ۱ ص ۵۲۸ ، ج ۳ ص ۲۰۹۹ .
 حسینقلی خان ناظم الدوله (امیرآذربایجان) :
 ج ۱ ص ۵۵۲ .
 حسینقلی خان (ناظم الدوله حضرت مهد
 العظیم) : ج ۱ ص ۵۵۲ ، ج ۳ ص ۲۱۱۳ .
 حسینقلی خان (نایب اول وزارت خارجه) :
 ج ۳ ص ۲۱۰۲ .
 حسینقلی (امیرزاد -) خان (نایب ایشیک
 آقاسی باشی) : ج ۳ ص ۲۱۱۶ .
 حسینقلی خان (نایب سرایدارباشی) : ج ۳
 ص ۲۱۱۸ .
 حسینقلی خان (نایب کل فراشخانه) : ج ۳
 ص ۲۱۱۷ .
 حسینقلی خان (والی پشتکوه) سرتیپ دوم :
 ج ۱ ص ۵۰۷ ، ج ۲ ص ۱۲۲۷ ، ج ۳ ص
 ۲۰۷۱ .
 حسینقلی (میرزا -) سرشتهدار : ج ۲ ص
 ۱۲۷۰ .
 حسینقلی سلطان شاملو : ج ۲ ص ۸۶۶ .
 حسینقلی شاه جهان سوز قاجار :
 حسینقلی خان جهانسوز

حسینقلی میرزا محور (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۴۱ .
 حسینقلی (میرزا) منشی اول : ج ۲ ص ۱۲۷۱ .
 حسینقلی (میرزا -) نایب ایشیک آقاسی
 باشی : ج ۳ ص ۲۱۱۶ .
 حسینقلی (میرزا -) نایب الحکومه همدان .
 حشمت الدوله : ج ۱ ص ۲۷۶ ، ج ۳ ص ۱۶۲۹ .
 ۱۶۵۱ ، ۱۶۸۱ ، ۱۶۸۵ ، ۱۶۸۹ .
 ۱۶۹۲ ، ۱۶۹۴ ، ۱۷۲۷ ، ۱۷۳۱ .
 ۱۷۳۲ ، ۱۷۳۹ ، ۱۷۷۲ ، ۱۷۸۷ .
 ۱۷۹۲ ، ۱۸۱۱ ، ۱۸۱۵ ، ۱۸۲۳ .
 ۱۸۲۶ ، ۱۸۳۲ ، ۱۸۳۴ ، ۱۸۶۳ .
 ۲۰۷۱ ، ۲۱۲۳ .
 حشمت الدوله ، حمز میرزا (امیر جنگ و حاکم
 خراسان و عربستان) : ج ۳ ص ۱۶۸۸ .
 ۱۶۹۸ ، ۱۷۱۲ ، ۱۸۵۶ ، ۱۸۵۹ .
 ۱۸۸۶ ، ۱۸۹۸ ، ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۶ .
 ۱۹۰۹ ، ۱۹۲۶ ، ۱۹۲۷ ، ۱۹۳۳ .
 ۲۰۱۰ .
 حشمت الدوله ، عبداللہ میرزا (حاکم
 کرمانشاهان) : ج ۳ ص ۱۱۹۰ ، ۱۲۱۹ .
 ج ۳ ص ۲۰۲۵ ، ۲۰۶۲ .
 حشمت الدوله (محمد حسین میرزا) : ج ۳ ص
 ۱۶۰۲ ، ۱۶۳۰ .
 حشمت السلطنه ، بدیع الملک میرزا (سرتیپ
 اول ، ولد عماد الدوله) : ج ۱ ص ۲۶۴ .
 ۵۰۱ ، ۵۰۷ ، ج ۲ ص ۱۲۲۷ ، ۱۲۹۵ .
 ج ۳ ص ۲۰۷۱ .
 حشمت الملک ، علمخان (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۱۶ .
 ج ۲ ص ۱۲۲۷ ، ۱۲۳۱ ، ج ۳ ص ۱۸۹۷ .
 ۲۰۰۵ ، ۲۰۷۱ ، ۲۰۸۵ .
 حمزه خان بن طغاج خان (پادشاه سائرا
 النهر) : ج ۱ ص ۳۳۲ .
 حمزه بن نغیر (از امیران سپاه علی ع) :
 ج ۱ ص ۶۵ .
 حمزه ، سعد بن محمد بن سعد (شاعر) :
 ج ۱ ص ۲۰۲ .
 حسین القیمی المازنی البصری : ج ۱ ص ۱۲۶ .
 حمزه بن حارث بن عبدالملک بن هاشم :
 ج ۱ ص ۵۹ .
 حسین بن ابی الحر عنبری : ج ۱ ص ۶۲ .
 حسین خارجی : ج ۱ ص ۱۶۰ .
 حسین بن المنذر (امیر سپاه علی ع در
 صفین) : ج ۱ ص ۶۴ .

حسین بن نمیر سکونی: ج ۱ ص ۸۵، ۸۷.
 حفص بن طهمان بن مغیره: ج ۱ ص ۱۲۹.
 حفص (پسر عمرو بن سعد): ج ۱ ص ۸۷.
 حفصه، بنت عمر بن خطاب: ج ۱ ص ۲۳، ۵۴، ۵۶.
 حق نظرخان (حاکم قباقلان): ج ۲ ص ۷۷۱.
 حکم دوم المستنصر (پسر عبدالرحمن سوم اموی سلطان اسپانیا):
 ج ۱ ص ۲۶۹، ۲۶۹، ۲۷۷.
 حکم بن حمید (حاکم اصفهان): ج ۱ ص ۱۵۳.
 حکم بن صلت (حاکم کوفه): ج ۱ ص ۱۲۱، ۱۲۲.
 حکم بن عمرو القنطلی (سوداز عرب): ج ۱ ص ۵۲، ۷۵.
 حکم بن عمرو الطنزی: ج ۱ ص ۷۶.
 حکم بن عوانه کلمی (والی خراسان): ج ۱ ص ۱۱۲.
 حکم بن قیس بن مخرمه (حاکم شام و مصر):
 ج ۱ ص ۱۱۴.
 حکم بن سعید ثقفی: ج ۱ ص ۳۹.
 حکم بن ولید (اموی): ج ۱ ص ۱۲۴.
 حکم بن هشام بن عبدالرحمن اموی منتظر.
 ج ۱ ص ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸.
 ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۹.
 حکم، ابوالفتح گیلانی: ج ۲ ص ۸۸۲.
 حکم الهی: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۵۰.
 ج ۲ ص ۲۰۹۶.
 حکم باشی، ملک الاطبا: ج ۲ ص ۲۱۳۰.
 حکیمباشی (دربار شاه سلطان حسین صفوی):
 ج ۲ ص ۱۳۵۸، ۱۳۷۱.
 حکیمباشی نظام — رضی (آقا میرزا سید):
 حکیم بن هرام: ج ۱ ص ۸۱.
 حکیم شغائی: ج ۲ ص ۹۲۱.
 حکیم فنطور لاهیجی: ج ۲ ص ۹۱۴.
 حکیم کازولانی (کرد): ج ۳ ص ۱۷۳۰.
 حکیم کلوک: ج ۲ ص ۱۷۳۲.
 حکیم المصالح، علی نقی میرزا (پیشخدمت
 باشی، مدیر و وزیر مطابن، صدر
 دیوانخانه، حاکم عراق): ج ۱ ص ۵۵۱.
 ج ۲ ص ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ج ۳ ص ۱۸۹۲،
 ۱۹۲۳، ۱۹۴۰، ۱۹۶۳، ۱۹۷۸، ۱۹۹۱،
 ۱۹۹۲، ۲۰۱۸، ۲۰۳۵، ۲۰۳۵، ۲۱۱۰، ۲۱۳۸.
 حکیم باشا (عموی خدیو مصر): ج ۲ ص

۱۹۱۲، ۲۰۰۱.
 حماد بربری (والی یمن و مکه): ج ۱ ص ۱۶۵.
 حماد بن بلکن: ج ۱ ص ۲۸۹.
 حماد بن عمرو (فاتح دماوند از طرف منصور
 عباسی): ج ۱ ص ۱۴۰.
 حماد کندغونی: ج ۱ ص ۱۷۲.
 حماد بن مسلم البرحبی الریاشی (راهد): ج ۱ ص ۳۷۱.
 حماد الله خطاط (شیخ): ج ۲ ص ۲۶۶.
 حماد الله بن نصرالدین (شیخ): ج ۲ ص ۷۲۵.
 حماد الله مستوفی قزوینی: ج ۲ ص ۶۴۵.
 حمدان (حاکم ماردین): ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۷۳.
 حمدان بن ناصر الدوله: ج ۱ ص ۲۷۸.
 حمدویه بن علی بن فضل سعدی (والی آذر-
 بایجان): ج ۱ ص ۱۹۲.
 حمزه آقا: ج ۳ ص ۱۱، ۱۷، ۲۰، ۲۵، ۲۰۲۵.
 حمزه آقای پلباس منگور (از اکراد): ج ۱ ص ۲۷۷، ۲۷۵، ج ۲ ص ۱۱۱۹.
 حمزه بن ترک سجستانی: ج ۱ ص ۱۶۲، ۱۶۳.
 حمزه بهادرخان: ج ۲ ص ۷۵۳.
 حمزه بیک تجرأوی: ج ۲ ص ۸۵۵.
 حمزه بیک طالش: ج ۱ ص ۵۵۳، ج ۲ ص ۸۱۹.
 حمزه بن حذیف الزیاتی (از قرا سببه): ج ۱ ص ۱۴۷.
 حمزه خارجی: ج ۱ ص ۱۷۰.
 حمزه خان انزلی: ج ۳ ص ۱۵۷۸، ۱۷۱۷، ۱۷۳۸.
 حمزه خان پیمان: ج ۳ ص ۲۱۴۲.
 حمزه سلطان: ج ۲ ص ۸۵۵، ۸۲۹.
 حمزه سلطان انزلی: ج ۲ ص ۱۴۹۳.
 حمزه بن عبدالله (والی عراق): ج ۱ ص ۸۸.
 حمزه بن عبدالعظیم (عم رسول الله ص):
 ج ۱ ص ۲۱، ۲۳.
 حمزه بن عمراسلمی (عمرو): ج ۱ ص ۸۲.
 حمزه بن مالک (از امیران سپاه معاویه در
 مدین): ج ۱ ص ۶۵.
 حمزه بن مالک (حاکم خراسان): ج ۱ ص ۱۶۱.
 حمزه میرزا (پسر شاه عباس دوم): ج ۲ ص ۹۷۲ تا ۹۷۷.
 حمزه میرزا — حشمه الدوله.
 حمزه بن هبالبصر الطوی الخسینی النیشابوری

(شریف): ج ۱ ص ۳۷۰.
 حمزه بن یحیی (والی سجستان): ج ۱ ص ۱۵۰.
 حموی (شیخ) — ابراهیم حموی.
 حمویه بن علی (سردار امیر نصر سامانی):
 ج ۱ ص ۲۳۷.
 حمید خان خمسای (جزو قزولان اتمار):
 ج ۱ ص ۵۱۱.
 حمید طویل بصری: ج ۱ ص ۱۳۵.
 حمید بن فطحه بن شیب (والی خراسان):
 ج ۱ ص ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۵، ۱۵۰.
 حمید بن معروف (حاکم مصر): ج ۱ ص ۱۶۹.
 حمیدالدین غریب (امام): ج ۲ ص ۵۸۷.
 حنان بن خلف (مورخان فلسطین): ج ۱ ص ۳۳۷.
 حنظله بن ابی سفیان جمعی (صحابی): ج ۱ ص ۱۲۵.
 حنظله بن صفوان الکلبی (حاکم اسپانیول):
 ج ۱ ص ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۴.
 حنظله بن ابی عامر (غیر الملائکه): ج ۱ ص ۲۲.
 حویطب بن عبدالعزی: ج ۱ ص ۷۸.
 حیان بن طهمان السلمی (از حوارج): ج ۱ ص ۷۳، ۷۹.
 حیاطقلی خان: ج ۳ ص ۱۶۵۵.
 حیاطقلی خان: ج ۳ ص ۱۷۷۲.
 حیدر (میرزا) صاحب کشمیر: ج ۲ ص ۸۱۹.
 حیدر (حاجی) (از همراهان شاه در سفر
 دوم): ج ۲ ص ۱۹۷۸.
 حیدر آقندی: ج ۳ ص ۱۷۶۱، ۱۷۹۶.
 حیدر بیک: ج ۲ ص ۱۲۷۵.
 حیدر بیک اتیش: ج ۲ ص ۸۳۱.
 حیدر بیک ترکمان: ج ۲ ص ۸۲۹.
 حیدر نوره (امیر) (ابن امیر معصوم شاهیراد
 (امیر بخارا): ج ۳ ص ۱۴۷۳، ۱۴۸۹،
 ۱۵۷۶.
 حیدرخان: ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۷۲.
 حیدرخان افشار: ج ۲ ص ۱۱۴۱.
 حیدرخان (از اجزای پشخانه): ج ۲ ص ۱۱۲۴.
 حیدرخان (نفتنگدار خاصه): ج ۱ ص ۵۳۰،
 ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 حیدرخان (از جماعت خورده اعیان): ج ۳ ص ۲۰۸۹.

حیدر خان، سرتیب جماعت اہلات قزوین) :
 ج ۱ ص ۵۲۲.
 حیدر خان سرھنگ (پسر حاجی سعدالدوله) :
 ج ۱ ص ۵۰۹؛ ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 حیدر خان (ضابط) : ج ۲ ص ۹۸۵.
 حیدر خان (از طائفہ عزالدین لو) : ج ۱ ص ۵۰۲.
 حیدر خان (از امراء قاجار) : ج ۲ ص ۲۰۶۲.
 حیدر خان (از امراء طائفہ قواقلو) : ج ۱ ص ۵۰۲؛ ج ۲ ص ۱۲۲۰.
 حیدر خان (مدیر گمرک نهاوند) : ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 حیدر دیوغلان (میرزا -) : ج ۲ ص ۷۹۷.
 حیدر علی خان (حاجی -) (برادرزادہ خاص ابراہیم خان شیرازی) : ج ۳ ص ۱۵۴۶.
 حیدر علی خان بہادر (پادشاہ میسور) : ج ۳ ص ۱۳۹۲.
 حیدر علی خان (میرزا -) (سرتیب رئیس تلگرافخانہ تبریز) : ج ۱ ص ۵۲۷؛ ج ۲ ص ۲۱۳۲.
 حیدر علی خان سرھنگ : ج ۳ ص ۱۷۶۷.
 حیدر علی خان (نایب آجودان بانی) : ج ۲ ص ۱۲۳۰.
 حیدر علی خان (وکیل موقت شمران) : ج ۱ ص ۵۳۸؛ ج ۲ ص ۲۱۰۹۹.
 حیدر علی (میرزا -) (بازر تلگراف) : ج ۳ ص ۱۸۸۲.
 حیدر قلی خان، پسر آصفالدوله (سرتیب سوم) : ج ۱ ص ۵۲۵؛ ج ۲ ص ۱۲۵۰؛ ج ۳ ص ۱۹۵۸ - ۲۰۹۶.
 حیدر قلی خان اروغی (بازر اول) : ج ۱ ص ۵۱۱؛ ج ۲ ص ۱۲۳۲۲؛ ج ۳ ص ۲۰۷۷.
 حیدر قلی خان ایلخانی (سیام الدولہ) : ج ۲ ص ۱۸۵۲ - ۱۸۹۶ - ۱۹۰۵ - ۱۹۲۲.
 حیدر قلی خان سرتیب : ج ۳ ص ۲۰۹۲.
 حیدر قلی خان (سرتیب شمالیہ) : ج ۱ ص ۵۲۲.
 حیدر قلی خان شادلو : ج ۳ ص ۱۷۵۹.
 حیدر قلی خان قاضی (از حاجی مہدی قلی خانی) : ج ۱ ص ۵۰۲؛ ج ۲ ص ۱۲۲۱؛ ج ۳ ص ۲۰۶۵.
 حیدر قلی خان مافی یوزبانی : ج ۲ ص ۱۲۶۸.

ج ۳ ص ۲۱۱۲.
 حیدر قلی خان، پسر محمد ولی خان قاجار (از امراء دیوانخانہ) : ج ۳ ص ۱۹۰۳.
 حیدر قلی خان مستشار : ج ۱ ص ۵۲۹.
 حیدر قلی خان ہراتی (سرتیب سوم) : ج ۱ ص ۵۰۸؛ ج ۲ ص ۱۲۲۸؛ ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 حیدر قلی خان یوزبانی : ج ۱ ص ۵۲۹ - ۲۷۷۱.
 حیدر قلی سلطان : ج ۲ ص ۷۹۷ - ۷۹۵.
 حیدر قلی میرزا (مواب -) (مقتضی بہادر) : ج ۲ ص ۱۵۱۹ - ۱۶۲۲.
 حیدر قلی میرزا (پسر فتحعلی شاہ) : ج ۳ ص ۱۴۵۵.
 حیدر میرزا : ج ۱ ص ۵۲۶؛ ج ۲ ص ۷۳۸.
 حیدر میرزا (پدر شاہ اسمعیل اول صفوی) : ج ۲ ص ۷۳۰.
 حبیب افندی : ج ۳ ص ۱۵۰۰.
 حبیبی (شاعر) : ج ۲ ص ۸۲۲.
 حبکان — ابرو سلم خراسانی.
 حبوہ بن شریح بن مسلم الحضرمی المصري : ج ۱ ص ۱۲۹.
 حبوہ بن ملاس : ج ۱ ص ۱۲۸.
 حبیب بن اخطب — صفیہ.

خ

خاتون افروز : ج ۳ ص ۱۳۲۶.
 خاتون چنگیز خان : ج ۳ ص ۱۳۳۳.
 خادم بیگ : ج ۲ ص ۷۲۹.
 خازن بن خزیمہ : ج ۱ ص ۱۳۲ - ۱۳۷ - ۱۳۹.
 ۱۲۴.
 خازم بن عبداللہ (از اولاد -) : ج ۱ ص ۱۱۶.
 خازن الطغ، حاجی رحیم خان (صندوقدار) : ج ۱ ص ۵۰۲؛ ج ۲ ص ۱۱۸۸؛ ج ۳ ص ۱۹۱۶ - ۱۹۹۱ - ۲۰۰۵ - ۲۰۲۴.
 خانانہ — ابو نصر بہاء الدولہ بن محمد - الدولہ.
 خاص بیگ (امیر -) (پسر ترکمانی) : ج ۱ ص ۳۸۴.
 خاقان ترک : ج ۱ ص ۱۱۰ - ۱۱۲ تا ۱۱۹ - ۱۱۴.
 ۲۸۵.
 خاقان چین : ج ۱ ص ۱۰۳ - ۲۱۰.
 خاقان معظم = فتحعلی شاہ (والدہ -) : ج ۱ ص ۱۳۸۱.
 خاقان میرزا : ج ۲ ص ۷۵۵.

خاقانی (شاعر) : ج ۱ ص ۲۰۸.
 خالد بن احمد السدوسی : ج ۱ ص ۲۱۵ - ۲۱۶.
 خالد اربیک : ج ۲ ص ۱۸۲۷.
 خالد بن برمک (وزیر مالیہ صفاح) : ج ۱ ص ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۲۹.
 خالد پاشا، بنی عم عبدالرحمن پاشا : ج ۳ ص ۱۲۸۲ - ۱۲۸۳ - ۱۵۰۱ - ۱۵۰۵.
 خالد بن البریوس : ج ۱ ص ۱۲۵.
 خالد بن سنان (لقبہ) (حصی) : ج ۱ ص ۱۰۹.
 خالد بن عامر بن ہاشم (والی مکہ از طرف معاویہ) : ج ۱ ص ۷۳.
 خالد بن عبداللہ (والی بصرہ) : ج ۱ ص ۸۹ - ۹۰ - ۱۱۲ - ۱۱۹.
 خالد بن عبداللہ (حاکم مکہ) : ج ۱ ص ۱۰۱.
 خالد بن عبداللہ بن خالد بن ولید : ج ۱ ص ۷۵.
 خالد بن عبداللہ بن زہیر (حاکم ہرات از سوی عثمان) : ج ۱ ص ۸۸.
 خالد بن عبداللہ قسری (والی خراسان) : ج ۱ ص ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۳ - ۱۱۷ - ۱۲۰ - ۱۲۵.
 خالد بن عرفطہ اللبشی : ج ۱ ص ۸۲.
 خالد الخطریف بن عطاء (حاکم خراسان) : ج ۱ ص ۱۶۰.
 خالد بن کبسان (صاحب بصرہ) : ج ۱ ص ۱۰۰.
 خالد بن مصر (امیر سپاہ علی قرصغین) : ج ۱ ص ۶۲.
 خالد بن ولید : ج ۱ ص ۲۷ تا ۳۰ - ۳۳ - ۳۹.
 ۴۱ - ۴۲ - ۴۶ - ۵۱.
 خالد بن یحیی المتخبط : ج ۱ ص ۲۵۹.
 خالد بن یزید (حاضر -) (زوجہ مروان بن حکم) : ج ۱ ص ۸۶.
 خالد بن یزید بن معاویہ : ج ۱ ص ۹۶.
 خانی داود خان درانی : ج ۳ ص ۱۵۲۱.
 خامس آل عبا = حسین بن علی ع : ج ۱ ص ۸۲.
 ۸۲ - ۲۶۷؛ ج ۳ ص ۱۲۹۶.
 خامل صاحب : ج ۲ ص ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷.
 خان ابدال خان کرد، جهان بیگو (حاکم ساری) : ج ۲ ص ۱۱۷۱؛ ج ۳ ص ۱۳۸۰ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۲.
 خان احمد خان اردلانی : ج ۲ ص ۹۱۸ - ۹۲۷.
 ۹۳۰ - ۹۳۶ - ۹۳۷؛ ج ۳ ص ۱۳۶۹.
 خان احمد خان بواد کوہی : ج ۳ ص ۱۳۲۲.
 خان احمد خان (پادشاہ جبلان) : ج ۲ ص ۸۸.
 خان احمد گیلانی : ج ۲ ص ۲۹۱.

خان اعظم : ج ۲ ص ۸۸۹، ۸۷۱.
 خانباخان (پیشخدمت خاصه و حاکم دهخوارقان) : ج ۳ ص ۲۰۴۰.
 خانباخان سرنودی (نایب نسفخانه) : ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 خانباخان مرتیب ، پسر سلیمان خان صاحب اختیار (حاکم امدآباد) : ج ۱ ص ۵۵۹، ۵۱۵.
 ج ۲ ص ۱۲۳۹، ۱۳۰۲.
 خانباخان سردار (ژنرال آجودان) : ج ۳ ص ۱۹۶۹، ۲۰۷۲، ۲۰۸۳، ۲۱۲۶.
 خانباخان سردار (محمد حسن خان) : ج ۳ ص ۱۷۹۲، ۲۰۴۷.
 خانباخان (سرکرده جماعت کردیجه) : ج ۱ ص ۵۲۲.
 خانباخان ، پسر سعدالدوله (نایب آجودان بانی) : ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰.
 ج ۳ ص ۲۰۷۴.
 خان باباخان (پسر عباسقلی خان سرتیب) : ج ۲ ص ۱۷۳۴.
 خانباخان قاجار ، نایب (پیشخدمت بانی) : ج ۱ ص ۵۵۸.
 خان باباخان لاریجانی ، سرهنگ : ج ۱ ص ۵۰۸.
 ج ۳ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۳.
 خان بابا نانگی : ج ۳ ص ۱۴۴۸.
 خان باباخان (نایب پیشخدمت بانی) : ج ۳ ص ۱۲۹۵، ج ۳ ص ۲۱۴۰.
 خان بیگی خانم : ج ۲ ص ۸۰۲، ۸۰۴.
 خان ترک (در طهارستان) : ج ۱ ص ۱۱۴.
 خان جهان (حکمران سنگال) : ج ۳ ص ۸۶۷.
 خان جانان (سردار لسکر اورنگزیب) : ج ۲ ص ۹۶۷.
 خان خانان ، سلیمان خان قاجار : ج ۲ ص ۱۶۹۲.
 خان خانان ، پسر طهیرالدوله : ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 خان خانان ، میرزاخان عبدالرحیم بن بهرام خان : ج ۲ ص ۹۹۲۱.
 خان زمان : ج ۲ ص ۸۵۲.
 خان سلطان (دختر امیر مسعودشاه و زوجه شاه محمود مظفری) : ج ۲ ص ۶۲۶.
 خانسوار سلطان هزاره : ج ۳ ص ۱۷۷۳.
 خانش خانم (همشیره طاهیهاسب) : ج ۲ ص ۸۲۸.
 خانقلی خان رستم : ج ۲ ص ۱۶۵۲.
 خانقلی خان سرتیب : ج ۳ ص ۱۸۶۵.
 خانقلی خان مالی : ج ۳ ص ۱۲۸۸.

خانلر (میرزا -) حلال خور مازندرانی (منشی الممالک) : ج ۳ ص ۱۶۲۶.
 خانلرخان : ج ۲ ص ۱۰۵۶، ج ۳ ص ۲۰۳۷.
 خانلرخان (میرزا -) صاحب منصب : ج ۱ ص ۵۳۲.
 خانلرخان ، ولد علیمرادخان زند (غلام پیشخدمت) : ج ۲ ص ۱۵۹۲.
 خانلرخان ، ولد کدعلی خان افشار : ج ۳ ص ۱۷۷۲.
 خانلر مازندرانی (میرزا -) مستوفی : ج ۱ ص ۵۲۹.
 جانلر (میرزا -) منشی وزارت خارجه : ج ۲ ص ۱۹۰۷، ۲۱۰۴.
 خانلرمیرزا : ج ۳ ص ۱۶۲۳، ۱۶۲۹، ۱۶۹۲.
 ج ۱ ص ۱۷۱۳.
 خانلرمیرزا احتشام الدوله : ج ۳ ص ۱۶۱۷.
 ج ۱ ص ۱۷۱۹، ۱۷۲۵، ۱۷۲۷.
 خان محمد استاجلو : ج ۲ ص ۷۵۰، ۷۵۹، ۷۶۰.
 خان میرزا : ج ۱ ص ۷۵۶.
 خان میرزا بیگ : ج ۳ ص ۱۷۳۰.
 خاور سلطان بیگم (دختر فتحعلیشاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۷.
 خاوری — فضل الله شیرازی (میرزا -)
 خطاب بن الارت (او صحابه) : ج ۱ ص ۶۷.
 خداداد خان : ج ۳ ص ۱۶۲۴.
 خدا مراد خان (حاکم کرمان) : ج ۲ ص ۱۱۶۰، ۱۱۶۵.
 خداوردی : ج ۲ ص ۷۹۷.
 خداوردی دلاک (قاتل سلطان حمزه) : ج ۲ ص ۸۷۵.
 خدایداد حسینی : ج ۳ ص ۶۷۱، ۶۷۲.
 خدیجه سلطان عصمت الدوله (دختر فتحعلیشاه) : ج ۳ ص ۱۶۲۶.
 خدیو جهان — ناصرالدین شاه خدینه — سعید بن عبدالعزیز.
 خربنده (خداینده) برادر قازان خان : ج ۲ ص ۵۹۸، ۶۰۴.
 خرخر (سلول اعمال هند) : ج ۱ ص ۳۲۱.
 خرد (میرزا -) شاعر توری مازندرانی : ج ۲ ص ۱۳۹۲.
 خرم بهار خانم (احترام الدوله) دختر فتحعلیشاه : ج ۲ ص ۱۶۲۷.
 خربت بن راشد الناجسی (عامل بلاد

فارس) : ج ۱ ص ۶۸۰، ۶۹۰.
 خزانه دار نظام — اسمعیل خان
 خزیمن ثابت ذوالنهادین : ج ۱ ص ۶۵.
 خزیمن بن جابر (از امیران سپاه علی ع در طین) : ج ۱ ص ۶۵.
 خزیمن خازم (حاکم جزیره) : ج ۱ ص ۱۶۵، ۱۷۰.
 خسروپاشا (حاکم وان) : ج ۳ ص ۸۲۲.
 خسروپاشا (سر عسکر دولت عثمانی) : ج ۲ ص ۹۲۷ تا ۹۲۷.
 خسروپرویز (ناماسانی) : ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۱.
 ج ۲ ص ۲۶، ۲۷، ۳۲.
 خسروخان (ایجادکننده خسروآباد اصفهان) : ج ۲ ص ۹۷۱.
 خسروخان افشار (باور اول) : ج ۱ ص ۵۱۱.
 ج ۲ ص ۱۲۳۳.
 خسروخان ، فرزند امان الله خان (والی کردستان) : ج ۳ ص ۱۵۶۷.
 خسروخان بیگلربیگی نهروان : ج ۳ ص ۹۵۶.
 خسروخان (حاکم لار و سمنان) : ج ۲ ص ۹۱۵.
 خسروخان (حاکم شبروان) : ج ۳ ص ۹۵۷.
 خسروخان سرتیب : ج ۳ ص ۲۰۸۲.
 خسروخان (سرکرده جماعت نانگی) : ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۳ ص ۲۰۹۲.
 خسروخان سرهنگ : ج ۱ ص ۵۱۳، ج ۲ ص ۱۲۳۷، ۱۲۳۸.
 خسروخان (غلام مبارکگاه) : ج ۳ ص ۶۲۰.
 خسروخان کرمانی : ج ۳ ص ۱۷۳۴.
 خسروخان گرجی : ج ۳ ص ۱۵۴۲، ۱۵۵۷.
 ج ۱ ص ۱۶۳۰، ۱۶۴۲، ۱۶۸۷.
 خسروخان (برادرزاده گرگین خان) : ج ۲ ص ۱۰۴۵، ۱۰۵۲، ۱۰۵۵.
 خسروخان لک : ج ۳ ص ۱۷۰۱.
 خسروخان (والی کردستان) : ج ۳ ص ۱۲۹۶.
 ج ۱ ص ۱۶۲۶، ۱۶۰۸، ۱۶۰۱، ۱۶۹۷.
 ج ۱ ص ۱۷۲۱، ۱۷۵۶، ۱۷۹۷.
 خسروسلطان یازوکی : ج ۲ ص ۹۱۶.
 خسروخوم (شوم الهمدانی) : ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۵.
 خسروشاه ، پسر بهرامشاه بن مسعود غزنوی : ج ۱ ص ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۱.
 خسرو محمد پاشا (سر عسکر) : ج ۳ ص ۱۵۴۷، ۱۵۴۸.
 خسرومیرزا (امیرزاده) : ج ۱ ص ۵۱۹، ج ۲

ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۱۶۰۰.
 خسرو میرزا (بادرکرات خان): ج ۲ ص ۹۲۲.
 ۹۲۹.
 خسرو میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۲ ص ۱۵۹۶.
 ۱۵۹۸، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۹.
 ۱۶۱۵، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸.
 ۱۶۲۰، ۱۶۲۹.
 خشادشاه ابدغش (ملوک بهلوان): ج ۱
 ص ۲۲۳، ۲۲۹.
 خشادشاه قتلغ (ملوک ارمنی): ج ۱ ص
 ۲۱۶، ۲۲۳.
 خضر (شیخ -): ج ۲ ص ۵۹۰.
 خضر آقا (از اکراد): ج ۲ ص ۱۱۹۰: ج ۲
 ص ۲۰۲۵.
 خضر پاشای ذوالقدر: ج ۲ ص ۸۲۰.
 خضر جلبی: ج ۲ ص ۷۸۹.
 خضر خان: ج ۲ ص ۸۹۳.
 خضر خان (حاکم دهلی): ج ۲ ص ۶۷۵.
 ۶۸۰، ۶۸۲.
 خضر خواجه اعلان: ج ۲ ص ۶۲۹، ۶۳۲.
 ۶۶۴، ۶۶۹، ۶۹۴.
 خطیب بغدادی — ابوبکر.
 خطیم: ج ۱ ص ۷۵.
 خفاجه بن سفیان (حاکم مقلبه): ج ۱ ص
 ۲۰۰، ۲۰۵.
 خفاجه بن الظاهر بامرالله عباسی: ج ۲ ص
 ۲۳۸.
 خلف بن احمد جغتانی (مالک بختستان و
 صاحب تفسیر): ج ۱ ص ۲۶۸، ۲۹۱.
 خلف بن عبدالله (حاکم ری): ج ۱ ص ۱۵۲.
 خلف بن عبدالطک الخوارجی الانصاری (عالم
 اندلس): ج ۱ ص ۴۰۶.
 خلف بن هشام البرزاق المقرئ: ج ۱ ص ۱۸۹.
 خلف بن ملاعب: ج ۱ ص ۳۲۴.
 خلف بیک (سردار خراسان): ج ۲ ص ۹۳۱.
 خلفچی: ج ۱ ص ۲۲۶، ۲۲۷.
 خلوب، ام ولد (مادر المتقی ابراهیم بن
 المقدر): ج ۱ ص ۲۵۷.
 خلید بن فرمالیربوعی (مامور نظم خراسان
 از جانب علی ع): ج ۱ ص ۶۲، ۶۷.
 خلید بن منذر السامی: ج ۱ ص ۳۷.
 خلیع، حسین بن ضحاک (شاعر): ج ۱ ص
 ۲۰۲.
 خلیفه انصار: ج ۲ ص ۸۱۹.

خلیفه روملو: ج ۲ ص ۷۸۷.
 خلیفه سلطان، سلطان الطوط: ج ۲ ص ۹۰۲.
 ۹۱۹، ۹۲۲، ۹۲۸، ۹۵۰.
 خلیفه سلطان شاملو: ج ۲ ص ۷۸۸.
 خلیفه سلطان مارندران: ج ۲ ص ۱۲۴۸.
 خلیفه عبدالرحمن: ج ۲ ص ۱۶۴۱، ۱۷۲۶.
 ۱۷۴۵.
 خلیل (آقا -): ج ۲ ص ۲۱۲۸.
 خلیل (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۶.
 خلیل (میرزا -) (ساجیلاخ): ج ۲ ص
 ۱۲۷۹.
 خلیل بن احمد بصری (نحوی، استاد سنجیه):
 ج ۱ ص ۱۴۳، ۱۵۱.
 خلیل آقندی (امین دفتر): ج ۲ ص ۱۱۲۳.
 خلیل الله میرزا حساسی (پاراول): ج ۲
 ص ۱۲۳۳.
 خلیل بیک ذوالقدر: ج ۲ ص ۶۵۷.
 خلیل بیک کرد: ج ۲ ص ۸۲۹.
 خلیل بیک (ولد محمد خان زاخوری): ج ۲
 ص ۹۲۷، ۹۲۸.
 خلیل پاشا (بیکر بگی ایزن البروم): ج ۲
 ص ۹۱۳، ۹۳۱: ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 خلیل پاشا (حاکم حلب): ج ۲ ص ۹۲۱، ۹۲۸:
 ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 خلیل خان: ج ۲ ص ۸۷۲.
 خلیل خان افشار: ج ۲ ص ۸۷۲.
 خلیل خان ابرملو: ج ۲ ص ۲۰۸۷.
 خلیل خان بستانی: ج ۲ ص ۱۶۵۹.
 خلیل خان سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۳۸: ج ۳ ص
 ۲۰۸۲.
 خلیل خان قزوینی (حاجی -): ج ۲ ص
 ۱۲۷۰، ۱۲۵۸.
 خلیل سلطان (میرزا -) تیموری (حاکم
 سمرقند): ج ۲ ص ۶۶۹، ۶۹۸.
 خلیل سلطان ذوالقدر: ج ۲ ص ۶۷۲، ۷۶۰.
 خلیل شاه (برادر شیرانشاه): ج ۲ ص ۷۱۷.
 خلیل (میرزا -) = شاه خلیل الله.
 ابن میرزا ابوالحسن (رئیس اساعلیه):
 ج ۳ ص ۱۵۳۷.
 خلیل قزوینی (مولانا علامه -): ج ۲ ص
 ۹۵۸.
 خلیل میرزا سرهنگ: ج ۳ ص ۲۱۳۲.
 خسارویه بن احمد بن طولون: ج ۱ ص ۲۱۲
 تا ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳.

زخواجوی کرمانی: ج ۲ ص ۶۳۲، ۶۳۸.
 خواجه احمد ساعت ساز یزدی: ج ۳ ص ۱۷۲۵.
 خواجه احمد قنطراط: ج ۲ ص ۷۵۳، ۷۵۰.
 خواجه افضل ترک: ج ۲ ص ۶۹۸.
 خواجه امیر بیک: ج ۲ ص ۸۱۹.
 خواجه بهرام (حاکم موصل): ج ۲ ص ۶۵۰.
 خواجه پیر احمد خوانی، غیاث الدین: ج ۲
 ص ۶۷۸، ۷۰۴.
 خواجه تاج الدین حسن عطار: ج ۲ ص ۶۷۹.
 خواجه جمال الدین علی تبریزی: ج ۲ ص
 ۸۵۹.
 خواجه جهان کوان (وزیر دکی): ج ۲ ص
 ۸۲۷.
 خواجه حافظ شیرازی (شمس الدین محمد):
 ج ۲ ص ۶۵۸، ۱۰۲۶.
 خواجه حبیب الله (وزیر): ج ۲ ص ۷۷۲.
 خواجه حسن دهلی: ج ۲ ص ۴۰۷.
 خواجه حنا (قنصل اسکندرون): ج ۱
 ج ۵۲۲.
 خواجه داود ارمنی: ج ۳ ص ۱۲۶۵.
 خواجه دمشق: ج ۲ ص ۶۲۴.
 خواجه ریح: ج ۲ ص ۹۰۷، ۱۰۲۳.
 خواجه شمس الدین اسد: ج ۲ ص ۷۰۹.
 خواجه شمس الدین عبدالله مروارید: ج ۲ ص
 ۷۶۳.
 خواجه شمس الدین محمد بختیاری: ج ۲ ص ۶۹۵.
 خواجه شمس الدین محمد جوینی: ج ۲ ص ۵۹۹.
 خواجه شمس الدین محمد حافظ — خواجه
 حافظ.
 خواجه صابن الدین ترک کافغانی: ج ۲ ص
 ۶۸۸.
 خواجه عبدالله انصاری: ج ۲ ص ۶۳۹.
 خواجه عبدالقادر مراغی: ج ۲ ص ۶۸۹.
 خواجه علاء الدین عطار: ج ۲ ص ۶۶۵.
 خواجه علی موید (از سرداران): ج ۲ ص
 ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۶.
 خواجه عماد: ج ۲ ص ۵۹۲.
 خواجه غیاث الدین وزیر: ج ۲ ص ۶۲۸.
 خواجه قاسم نطنزی: ج ۲ ص ۸۲۳.
 خواجه قطب الدین طوسی: ج ۲ ص ۷۱۴.
 خواجه قوام الدین: ج ۲ ص ۶۴۴.
 خواجه کلان (ولد خواجه ملک خان): ج ۲
 ص ۷۹۱.
 خواجه کلان غوریانی: ج ۲ ص ۷۹۱.

خواجه محمد پارسا: ج ۲ ص ۶۸۰.
 خواجه محمد (ولد خواجه مظفر بتکچی):
 ج ۲ ص ۸۳۲.
 خواجه محمد دهدار فانی: ج ۲ ص ۹۰۳.
 خواجه شیخ محمد (گلانتر کرمان): ج ۲ ص ۷۵۱.
 خواجه محمد صالح بتکچی (ولد خواجه مظفر بتکچی): ج ۲ ص ۷۹۱، ۷۹۲.
 خواجه محمود برمه (شاعر): ج ۲ ص ۷۱۴.
 خواجه مسعود بخاری: ج ۲ ص ۶۹۳.
 خواجه مظفر بتکچی: ج ۲ ص ۷۶۰.
 خواجه میرالدین (وزیر سلطان ابوسعید):
 ج ۲ ص ۷۱۱.
 خواجه مولانا اصفهانی: ج ۲ ص ۷۶۸.
 خواجه ناصرالدین عبدالعزیز جامی: ج ۲ ص ۷۳۵.
 خواجه ناصرالدین عبیدالله احوار: ج ۲ ص ۷۳۱.
 خواجه نصیرالدین طوسی: ج ۲ ص ۵۹۱.
 خواجه نعمت‌الله فیضانی: ج ۲ ص ۷۶۲.
 خواجه یحیی کراچی (از سرداران): ج ۲ ص ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۶.
 خوارزمشاه، هارون بن طبطبائی: ج ۱ ص ۳۱۴.
 خوارزمشاه: ج ۱ ص ۱۰۱، ۳۹۹، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۲۶.
 خوارزمشاه، ارسلان بن اتغر: ج ۱ ص ۳۹۹.
 خوارزمشاه سلطان: ج ۲ ص ۸۳۰.
 خوجه قد (سردار تراکه): ج ۳ ص ۱۹۵۹.
 خویزاد بن بادوسبان بن گیل (از ملوک رستم‌دار): ج ۲ ص ۷۲۲.
 خورشید پاشا (سردار): ج ۳ ص ۱۵۵۴، ۱۵۵۸، ۱۸۳۰.
 خورشید خانم (دختر فتح‌علیشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۶، ۱۷۱۲.
 خورشید گلاه (دختر فتح‌علیشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۷.
 خولان: ج ۱ ص ۲۱.
 خولی اصبحی: ج ۱ ص ۸۷.
 خویلد بن عمرو — ایشوخی خراعی.
 خیام باشی: ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 خیاب لونگ، خاقان چین: ج ۳ ص ۱۴۲۴.
 خیبری (از خوارج): ج ۱ ص ۱۲۸.
 خیرم مروزی (سردار منصور هبتم): ج ۱

ص ۱۲۴.
 خیرالله افندی (وزیر مختار عثمانی): ج ۲ ص ۱۸۷۴.
 خیراللمعان مافی یوزباشی: ج ۱ ص ۵۴۹.
 ج ۲ ص ۱۲۶۹، ج ۳ ص ۲۱۱۹.
 خیر بیگ: ج ۲ ص ۷۶۳.
 خیریانشاه بن خیرالدین بن پاشا: ج ۲ ص ۸۴۶.
 ج ۲ ص ۲۰۰۱.
 خیزران (ام ولد، مادر هارون الرشید): ج ۱ ص ۱۵۹، ۱۵۷.
 دابویه (برادر بادوسبان بن گیل بن گیلان شاه): ج ۲ ص ۷۲۳.
 داذای حبشی (امیر) — امیر لشکر خراسان: ج ۱ ص ۲۵۴، ۲۵۰.
 دارابخان (سرکرده جماعت بختیاری): ج ۲ ص ۲۰۶۲.
 داراب خان (سرکرده جماعت فلی): ج ۱ ص ۵۲۲.
 داراب میرزا (مونسپ مهم): ج ۱ ص ۵۰۷.
 ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۳ ص ۲۰۷۱.
 داراب میرزا (سرخیاء الدوله): ج ۱ ص ۵۰۲.
 ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۳ ص ۲۰۶۴.
 داراشکوه: ج ۲ ص ۹۵۷، ۹۶۱.
 داعی تفرشی: ج ۲ ص ۱۱۵۲.
 داعی الحق — حسن بن زید.
 داعی صبر: ج ۲ ص ۷۲۴.
 داعی کبیر: ج ۲ ص ۷۲۲.
 دآک: ج ۲ ص ۱۸۳۵.
 دالتونینک (مستشار اول انگلیس): ج ۱ ص ۵۳۸، ج ۲ ص ۲۱۰۸.
 دالفرکی (ژنرال —): ج ۲ ص ۱۵۹۷، ۱۶۰۰.
 دامیه: ج ۲ ص ۱۰۰۰.
 دان تن (رئیس جمهور): ج ۳ ص ۱۲۲۱.
 دانستند چه (از شاهان ترکستان): ج ۲ ص ۶۵۸.
 دانیال بن اکبرشاه: ج ۲ ص ۸۹۷.
 دانیال نبی: ج ۱ ص ۲۸.
 داود (میرزا —): ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 داود بن ادريس (حاکم هواره): ج ۱ ص



ص ۱۸۲.
 داود افندی: ج ۲ ص ۱۸۳۷.
 داود بیگ: ج ۲ ص ۸۴۶.
 داود بیگ گرجی: ج ۲ ص ۸۵۲.
 داود پاشا (حاکم لبنان): ج ۳ ص ۱۸۷۹.
 داود پاشا (والی بغداد): ج ۲ ص ۷۲۵.
 ج ۳ ص ۱۵۴۲، ۱۵۵۰، ۱۵۵۲، ۱۵۵۷.
 داود خان: ج ۲ ص ۱۷۴۶.
 داود خان (میرزا —): ج ۲ ص ۱۷۹۲.
 داود خان (ولد الممور دیخان): ج ۲ ص ۹۲۱.
 داود (میرزا) — خان (برادر میرزا کاظم خان نظام الملک): ج ۳ ص ۱۹۲۳.
 داودخان مسیحی (حکیم —): ج ۳ ص ۱۷۲۷.
 داود بن سقان: ج ۱ ص ۲۵۷.
 داود بن سلطان مسعود: ج ۱ ص ۳۷۵.
 داود بن سلیمان: ج ۱ ص ۱۰۵.
 داود بن سلیمان بن عبدالملک: ج ۱ ص ۱۰۴.
 داود شاه: ج ۲ ص ۷۷۴.
 داود ظکلی، زاهد (از اصحاب ابوحنیفه): ج ۱ ص ۱۵۱.
 داود بن علی (عم سلاج و والی کوفه): ج ۱ ص ۱۴۱، ۱۴۳.
 داود بن علی الاصفهانی (پیشوای اصحاب ظاهر): ج ۱ ص ۲۱۴.
 داود بن علی بن عباس: ج ۱ ص ۱۲۰.
 داود بن عیسی: ج ۱ ص ۲۰۲.
 داود بن عیسی (امیر —) امیر مکه: ج ۱ ص ۲۱۲.
 داود بن عیسی بن موسی (حاکم مکه و مدینه): ج ۱ ص ۱۶۹، ۱۷۲.
 داود کرانی: ج ۱ ص ۸۶۰، ۸۶۱.
 داود لیشی: ج ۱ ص ۲۸.
 داود بن ماسحور (والی بصره): ج ۱ ص ۱۲۸.
 داود بن محمود بن محمد بن دلکش اسلجوقی: ج ۱ ص ۳۷۱ تا ۳۷۳، ۳۷۹.
 داود بن ملک‌شاه: ج ۱ ص ۳۳۸.
 داود (میرزا —) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶.
 ج ۲ ص ۲۰۶۹.
 داود بن میکائیل بن سلجوق، چهر بیگ: ج ۱ ص ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۲۶.
 داود وقایع نگار (میرزا —) مستوفی آذربایجان: ج ۱ ص ۵۲۸، ۵۵۷، ج ۳ ص ۲۱۰۰.
 داود بن یزید بن خانم مصلی (والی

افریقہ (ج ۱ ص ۱۵۸-۱۶۵-۱۷۸)
 داود بن یزید بن ہبیرہ: ج ۱ ص ۱۳۰
 داویس (دریانورد و کاشف جغرافیائی): ج ۲ ص ۹۰۲
 دبیری، دوک (برادرزادہ پادشاہ فرانسه): ج ۳ ص ۱۵۲۹
 دہرالملک فراہانی، میرزا محمدحسین خان (وزیر رسائل): ج ۳ ص ۱۸۲۲-۱۸۶۰
 ۱۸۸۵-۱۸۹۲-۱۹۰۲-۱۹۲۳
 ۱۹۲۸-۱۹۳۸-۱۹۴۲-۲۰۰۴-۲۰۹۹
 دیبزن (مارشال -): ج ۲ ص ۸۹۸
 دیبیس بن صدقہ بن منصور: ج ۱ ص ۳۹۵
 ۳۶۴-۳۶۵-۳۶۷ تا ۳۷۲-۳۷۴
 دیبیس بن علی بن یزید (حاکم بطیحہ): ج ۱ ص ۴۰۲-۴۰۳
 دیبیس بن مرثدہ: ج ۱ ص ۳۲۲
 دیروشنک: ج ۲ ص ۲۰۷۵
 دحبہ بن خلیفہ الکلبی (صحابی): ج ۱ ص ۵۶-۲۶
 دختان خان گرجی: ج ۲ ص ۱۰۷۲
 ددہ بیک: ج ۲ ص ۷۵۲
 دران خان (سرگرد و تفتکچیان): ج ۲ ص ۲۰۹۲
 دربلو (مؤلف): ج ۲ ص ۹۹۹
 درخشندہ گوہر خانم (دختر فتح علیشاہ): ج ۳ ص ۱۶۲۶
 دروان دلویس (وزیر خارجہ فرانسه): ج ۳ ص ۱۸۲۷
 درویش خاں (سردار عثمانی): ج ۲ ص ۱۲۰۲
 ج ۲ ص ۲۰۲۸-۲۰۵۲
 درویش خان (ولد براق خان): ج ۲ ص ۸۳۱
 درویش رکن الدین (مرید شیخ حسن جویری): ج ۲ ص ۶۵۱-۶۵۲
 درویش سلطان: ج ۲ ص ۸۱۰
 درویش عبدالحمید طالقانی: ج ۲ ص ۱۱۷۲
 درویش علی مغول: ج ۲ ص ۷۸۷
 درویش محمد خان: ج ۲ ص ۷۷۰-۸۱۸
 دروین ولویس فرانسوی: ج ۱ ص ۲۹۱-۲۹۲
 ۲۰۲۹
 درہم بن حسن: ج ۱ ص ۱۹۲
 دریا بیک میر علی اکبر خان سرہنگ: ج ۳ ص ۱۹۱۱
 دریا محمد شاہ (صاحب ہزار): ج ۲ ص ۸۳۷

دستان (لقب رستم زال): ج ۳ ص ۱۳۲۲
 دعبل بن علی خراسی (شاعر شعی): ج ۲ ص ۱۹۹
 دغفل بن فرج طائی، فضل (سرگرد و مزیر ملوی): ج ۲ ص ۲۷۹
 دغفس، پسر دادلو (وزیر اعظم ہوتو فال): ج ۱ ص ۵۶۲
 دقاق: ج ۱ ص ۴۱۲
 دقاق بن خشرین الب ارسلان (صاحب دمشق): ج ۱ ص ۲۳۸ تا ۲۵۰-۲۵۲-۲۵۶
 دکر (شاہ فرانک): ج ۱ ص ۲۲-۲۷-۳۰
 ۲۱-۲۲-۲۸
 دکر (سردار بزرگ ترک در مصر): ج ۱ ص ۳۳۵
 دکر، شمس الدین (صاحب بلاداران): ج ۱ ص ۲۸۸ تا ۳۹۲-۳۹۶-۴۰۰-۴۰۲
 دکر عبدالسلام بن عبدالوہاب جبلی (والی بغداد): ج ۱ ص ۲۳۰
 دکومینکی (سوارہ): ج ۲ ص ۱۲۳۱-۲۳۲
 ۲۰۷۵
 دلاور خان غوری (حاکم مالوہ): ج ۲ ص ۶۵۹
 ۶۶۹-۷۸۲
 دلاور باغی: ج ۲ ص ۱۱۲۶
 دلپ: ج ۱ ص ۲۷
 دلدرم بن بہاء الدین یاروق، بدرالدین: ج ۱ ص ۲۱۳
 دلدل (قاطر): ج ۱ ص ۲۷
 دلشاد خواتون (دختر دمشق خواجہ ابن امیرچہان): ج ۲ ص ۶۷۲
 دلشن برگ: ج ۲ ص ۱۶۰۸
 دلغورکی: ج ۲ ص ۱۰۲۴
 دمشق: ج ۱ ص ۲۲۰ تا ۲۲۲-۲۶۶-۲۶۷
 ۲۷۲ تا ۲۷۲
 دمشق خواجہ ابن امیرچہان: ج ۲ ص ۶۷۲
 دموریز (ژنرال -) سردار فرانسه: ج ۳ ص ۱۲۲۷
 دہتری یوس: ج ۳ ص ۱۵۵۲
 دمیریت سیم، دنسک (شاہ روس): ج ۲ ص ۶۵۲-۶۵۹
 درالفنس (پسر ملکہ اسپانیا): ج ۳ ص ۱۹۱۷-۱۹۵۵-۱۹۵۶
 دناماری: ج ۲ ص ۱۷۶۳
 دناماریا: ج ۲ ص ۱۶۱۹
 دن پدر: ج ۳ ص ۱۵۵۲-۱۵۶۵-۱۸۰۹

دن پدر پسر ارشد زان (پادشاہ بیزیل): ج ۲ ص ۱۵۵۸-۱۵۷۷-۱۶۰۹-۱۶۱۲
 ۱۶۱۹-۱۶۲۱
 دن پدر پنجم (پادشاہ پرتو فال): ج ۳ ص ۱۷۶۳
 دن پدر شامو (رئیس جمہوری نیکاراگوا): ج ۱ ص ۵۶۵-۲۱۵۲
 دندوکف گرازک (شاہزادہ مجاری): ج ۲ ص ۲۰۰۱
 دن زکریا: ج ۲ ص ۱۷۶۲
 دن ژوان (پسر فیثوئوس شارلکن): ج ۲ ص ۸۵۷
 دن کارلس (پادشاہ اسپانیول): ج ۲ ص ۱۱۶۱
 دن کارلس (برادر پادشاہ اسپانیا): ج ۲ ص ۱۵۹۲
 دن کارلس: ج ۲ ص ۱۶۲۱-۱۶۲۲-۱۶۲۷
 ۱۷۷۵
 دن کارلس: ج ۲ ص ۱۸۲۷-۱۸۳۲-۱۹۰۱
 ۱۹۱۷-۱۹۲۷-۱۹۵۰-۱۹۵۵
 ۱۹۵۹-۱۹۶۵-۱۹۷۲
 دن میگال (پادشاہ پرتو فال): ج ۳ ص ۱۵۵۸
 ۱۵۶۸-۱۵۷۷-۱۵۹۲-۱۶۰۱-۱۶۱۹
 ۱۶۳۱
 دوایمور: ج ۲ ص ۶۲۹
 دوایمور خان: ج ۲ ص ۶۲۲
 دوایخان: ج ۲ ص ۶۲۹
 دوچور (سردار اعظم فرانسه): ج ۲ ص ۱۰۱۹
 دوہالین (سردار): ج ۳ ص ۱۲۶۲
 دودبراگاس: ج ۲ ص ۹۲۵
 دوران دلویس: ج ۲ ص ۱۸۸۱
 دورغہ (دودورغہ): ج ۲ ص ۱۳۳۱
 دوریش خان بن عبیدی بیک شاطو: ج ۲ ص ۲۶۵-۲۶۷-۲۶۸-۲۷۱-۲۷۹
 ۲۸۰
 دوست خان: ج ۲ ص ۸۲۲
 دوستطی خان بطلانی میرالمالک (والد حسینطی خان میرالمالک): ج ۲ ص ۱۵۵۲-۱۶۱۸
 دوستطی خان میرالمالک: ج ۲ ص ۱۶۹۲
 ۱۸۰۲-۱۸۲۲-۱۸۵۲
 ۱۸۸۶-۱۹۰۷-۱۹۲۲
 دوستطی خان نظام الدولہ: ج ۲ ص ۱۹۳۲
 ۱۹۳۹

دوست محمد خان، سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۴.
دوست محمد خان: ج ۳ ص ۱۶۶۲، ۱۷۳۶.
دوست محمد خان (برادر محمد عظیم خان
سویندار کتمیر): ج ۲ ص ۱۵۲۱.
دوست محمد خان معبر الممالک (امیر): ج ۱
ص ۵۵۲، ج ۲ ص ۱۶۶۹، ۱۷۸۲،
۱۷۸۶، ۱۷۹۳، ۱۹۰۷، ۱۹۲۴، ۱۹۷۶.
دوست: ج ۳ ص ۱۸۳۱.
دوئس دالب: ج ۲ ص ۱۸۳۱.
دوک دادیمبورگ (دادیمبورگ) پسر شاه
انگلیس: ج ۳ ص ۱۹۲۲، ۱۹۵۶.
دوک دارنیل: ج ۲ ص ۱۹۹۹.
دوک داولگان: ج ۲ ص ۱۰۱۹، ۱۱۵۲، ج ۳
ص ۱۶۰۲.
دوک دآلپ: ج ۲ ص ۸۵۴، ۸۶۹.
دوک دانگن (شاهزاده): ج ۳ ص ۱۲۷۲.
دوک دانگولم: ج ۲ ص ۱۵۶۵.
دوک دانوت: ج ۳ ص ۱۹۶۶.
دوک داوست (پسر شاه ایتالیا): ج ۳ ص
۱۸۹۰، ۱۹۱۷.
دوک دبرایان (لاویلد دوم): ج ۳ ص ۱۷۶۳.
دوک دبر دو، گنت دشامیر: ج ۳ ص ۱۵۵۳.
دوک دبرونسوگ (سردار گل): ج ۳ ص ۱۲۲۳،
۱۹۵۱.
دوک دپارم: ج ۳ ص ۱۷۲۶.
دوک دپشتاد (پسر ناپلئون اول): ج ۳ ص
۱۶۱۲.
دوک دژن (ایطالیائی): ج ۳ ص ۱۷۶۰.
دوک دشوازن (وزیر جنگ فرانسه):
ج ۳ ص
دوک دکامبرج: ج ۳ ص ۱۷۸۸.
دوک دکومبرلاند: ج ۳ ص ۱۶۴۳.
دوک دلنتن برگ: ج ۳ ص ۱۶۳۱.
دوک دلنگخن: ج ۳ ص ۱۷۶۳.
دوک دمالاک: ج ۳ ص ۱۷۹۱، ۱۸۰۸.
دوک دمونت پانسیه: ج ۳ ص ۱۹۸۵.
دوک دنمور (پسر پادشاه فرانسه): ج ۳ ص
۱۶۰۸.
دوک دپروکلی: ج ۳ ص ۱۹۲۵.
دوک دوکلارانس (ولیمهد انگلیس): ج ۳ ص
۱۵۹۲.
دوک دوکیز: ج ۲ ص ۸۲۹.
دوک دووال (پسر پادشاه فرانسه): ج ۳ ص

۱۶۹۷.
دوک دومن مرنسی: ج ۲ ص ۸۵۴.
دوک دوهرک (ولیمهد انگلیس): ج ۳ ص
۱۵۹۲.
دوک رانترو: ج ۲ ص ۸۷۲.
دوکمار (فغوزند آی خان): ج ۳ ص ۱۳۳۵.
دوکمن (سردار فرانسه): ج ۲ ص ۹۹۰.
دوکمن (سردار فرانسه): ج ۲ ص ۶۴۸،
۶۵۲.
دوکمن: ج ۲ ص ۹۸۹.
دوک دوت، امیرال انگلیسی: ج ۳ ص ۱۲۸۹.
دولت خان: ج ۲ ص ۸۹۱.
دولت شاه (والی بلخ): ج ۱ ص ۳۵۲.
دولت شاه (حاکم کرمان): ج ۲ ص ۶۴۵.
دولت گرای خان تاتار: ج ۳ ص ۸۵۸، ۸۵۷.
دولت مراد خان ترکمان: ج ۳ ص ۱۷۲۶.
دولت مواد خان (حاکم درگز): ج ۳ ص ۲۰۹۶.
دولت یار (حاکم کردستان): ج ۳ ص ۸۷۹.
دومنت داوویل: ج ۳ ص ۱۶۴۳.
دوموزیز (سردار شورشیان): ج ۳ ص ۱۴۲.
دومولس (قاضی فرانسه): ج ۳ ص ۸۵۲.
دونایزابل شانی: ج ۳ ص ۱۶۶۶.
دون نوامیراس (رئیس جمهور بولیوی):
ج ۱ ص ۵۶۵، ج ۲ ص ۱۳۰۹، ج ۳ ص
۲۱۵۲.
دون لوتزیلاز (رئیس جمهوری آرژانتین): ج ۱
ص ۵۶۵، ج ۲ ص ۱۴۰۹، ج ۳ ص ۲۱۵۲.
دون لیئارس آلکنفارا (رئیس جمهوری ونزوئلا):
ج ۱ ص ۵۶۶.
دویج (ژنرال -): ج ۳ ص ۱۵۷۲.
دویله: ج ۱ ص ۲۶۶.
دپاز (رئیس جمهور مکزیک): ج ۳ ص ۱۹۷۵.
دیب با فوی خان: ج ۳ ص ۱۳۲۵.
دیسرانیلی: ج ۳ ص ۱۹۵۶، ۱۹۶۶.
دیسان بن سعید: ج ۱ ص ۲۹۸.
دیگالجن، عبدالسلام بن رغبان: ج ۱ ص ۱۹۳.
دیگن صاحب (حکیم باشی): ج ۱ ص ۵۳۸.
دیگن: ج ۳ ص ۲۱۳۱، ۲۱۰۸.
دیلم جارجیت (ژنرال -) فونمول انگلیس
دو تیریز: ج ۱ ص ۵۳۸، ج ۳ ص ۲۱۰۸.
دیتمری (پادشاه روس): ج ۲ ص ۹۰۰.
دین محمد سلطان اوزبک: ج ۲ ص ۷۹۲.
۷۹۸، ۸۰۱، ۸۱۹.
دیپوری — ابوحنیفه احمد

دیو جمال الدین (حاکم قلعه اولاد): ج ۲
ص ۸۸۱.
دیوجن (امیر اطروفسطنیه): ج ۱ ص ۲۳۳.
دیو سلطان روملو: ج ۲ ص ۷۵۹، ۷۶۳، ۷۶۵.
۷۶۷، ۷۷۰، ۷۷۲، ۸۰۶.
دیو فیاس: ج ۲ ص ۸۰۲.
دیه بیج (سردار روس): ج ۲ ص ۱۶۰۱،
۱۶۰۹.

ذ

ذات النطاقین — اساء ذات النطاقین
ذاهر (پادشاه سند): ج ۱ ص ۹۹.
ذبیح الله میرزا شجاع السلطنه: ج ۱ ص ۵۰۲.
ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۳
ص ۲۰۶۲.
ذری محمدالله: ج ۱ ص ۲۸.
ذریه دویین (زرعه): ج ۱ ص ۳۰.
ذکران انصاری (دکان بن عبد قیس الخزرجی):
ج ۱ ص ۲۳.
ذکریه (بزرگ فرامغه): ج ۱ ص ۲۳۷.
ذوالخمار — اسود غنسی
ذوالرمه (شاعر): ج ۱ ص ۱۱۸.
ذوالریاستین (حکمران ولایت همدان):
ج ۱ ص ۵۵۹.
ذوالفقار بیگ (برادر رستم خان): ج ۲ ص
۹۲۷.
ذوالفقار پاشا: ج ۲ ص ۹۲۸.
ذوالفقار بن خود سلطان ترکمان: ج ۲ ص
۷۷۴.
ذوالفقار (حکم ان عراقی): ج ۲ ص ۷۷۶.
ذوالفقار خان: ج ۲ ص ۹۶۸.
ذوالفقار خان: ج ۳ ص ۱۵۱۷ تا ۱۵۱۹،
۱۵۲۸، ۱۵۲۹.
ذوالفقار خان: ج ۳ ص ۱۶۲۶، ۱۷۸۷.
ذوالفقار خان (میرزا -): ج ۳ ص ۱۸۰۳.
ذوالفقار خان افشار خستای: ج ۱ ص ۵۲۱.
ج ۲ ص ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ج ۳ ص ۱۲۸۲،
۱۷۲۷.
ذوالفقار خان افغان: ج ۲ ص ۱۰۱۰، ۱۰۲۰.
ذوالفقار خان (حاکم قندهار): ج ۲ ص ۹۶۷.
ذوالفقار خان دامنای (برادر اسمعیل خان):
ج ۳ ص ۱۲۷۶، ۱۴۹۷.
ذوالفقار خان (مرتبط تپخانه): ج ۳ ص

۲۰۷۶، ۲۰۹۱

ذوالفقارخان (سرتیپ سیم فوج مهندسی) :

ج ۲ ص ۲۰۲۵

ذوالفقارخان (سرکرده سواره مهاجر جماعت

جمشیدی) : ج ۲ ص ۱۲۴۲، ج ۳ ص ۲۰۸۸

ذوالفقارخان سرهنگ : ج ۲ ص ۱۲۴۲، ج ۳ ص

۲۰۸۲

ذوالفقارخان (حاجی -) سرهنگ : ج ۱ ص

۵۱۴، ج ۲ ص ۱۲۳۹

ذوالفقارخان سرهنگ (صاحب منصب فوج

کرای) : ج ۲ ص ۲۱۴۴

ذوالفقارخان (سرهنگ هوج مهندسی ملایری) :

ج ۱ ص ۵۱۷، ج ۳ ص ۱۸۸۷

ذوالفقارخان سنانی : ج ۳ ص ۱۵۰۹

ذوالفقارخان قرامانلو : ج ۲ ص ۹۰۲

ذوالفقارخان گرابلی (سرکرده) : ج ۱ ص ۵۲۰،

ج ۲ ص ۲۰۹۰

ذوالفقارخان (میرزا -) مستوفی : ج ۱ ص

۵۲۸

ذوالفقارخان، مهندس : ج ۱ ص ۵۱۰

ذوالفقارخان همدانی (پاور سیم) : ج ۲ ص

۱۲۳۳

ذوالفقارخان (پاور دوم) : ج ۳ ص ۲۰۷۷

ذوالفقار میرزا (رئیس پیشخدمتهای اداره

پلیس) : ج ۲ ص ۲۰۹۷

ذوالقدر : ج ۲ ص ۷۵۹

ذوالکلاع حمیری (از امیران معاویه در صفین) :

ج ۱ ص ۶۵

ذوالنور — سرافقه بن عمرو

ذوالنور — عبدالرحمن بن ربیع

ذوالنون بیک : ج ۲ ص ۷۷۱

ذوالنون ارفون (امیر -) : ج ۲ ص ۷۲۸

ذوالنون بن محمد بن دانشمند : ج ۱ ص ۳۹۲،

۴۰۰

ذوالنون مصری : ج ۱ ص ۱۹۸، ۲۲۴

دی الاصبح (جد مالک بن انس اصبحی) : ج ۱

ص ۱۶۲

ر

راجه علیخان فاروقی (صاحب خاندیس) :

ج ۲ ص ۸۹۲، ۸۸۹، ۸۶۵

رادنوزکی : ج ۳ ص ۱۷۰۷

رازا : ج ۲ ص ۷۷۳

راسین : ج ۲ ص ۱۰۰۰

راشد (از موالی عیسی بن عبدالله) : ج ۱

ص ۱۶۶

الراشد بالله، ابوجعفر المنصور بن المسترشد :

ج ۱ ص ۳۷۴ تا ۳۷۶

راشد الدین سنان بن سلیمان (اسماعیلی) :

ج ۱ ص ۴۱۲

الراشد بالله — ابوالعباس احمد ...

رافاکیل (نقاش معروف) : ج ۲ ص ۷۵۰

۷۶۹

رافع بن حسین بن معن : ج ۱ ص ۳۱۰

رافع بن خدیج انصاری : ج ۱ ص ۹۰

رافع بن لیث بن نصر بن سبار (حاکم ماوراء

النهر) : ج ۱ ص ۱۶۸ تا ۱۷۰

رافع بن هرشه : ج ۱ ص ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱

۲۲۲

راگت : ج ۲ ص ۱۸۳۸

راماد اعدویم : ج ۲ ص ۱۸۳۸

رام راجای هندو : ج ۲ ص ۹۹۸

رانزل : ج ۳ ص ۱۷۰۳

رانلد طامسن (وزیر مختار انگلیس) : ج ۱

ص ۵۳۸، ج ۳ ص ۲۱۰۸

راولپاک (قائل هانری چهارم پادشاه فرانسه) :

ج ۲ ص ۹۰۶

راهب اصفهانی (شاعر) : ج ۲ ص ۱۱۵۲

راهویه، اسحق بن ابراهیم خطیبی (عالم

بزرگ) : ج ۱ ص ۱۹۵

راہق الجزوی : ج ۱ ص ۲۲۶

رباج رنگی (ملقب بشیر رنگی) : ج ۱ ص ۹۲

ربیر (پسر گیلوم فاتح) : ج ۱ ص ۳۳۷

۳۴۰، ۳۴۲، ۳۵۵

ربیر، پسر هوق کاپه (پادشاه فرانسه) : ج ۱

ص ۲۸۸، ۳۰۸

ربورت پل : ج ۲ ص ۱۶۸۷

ربس پیر (رئیس جمهور) : ج ۱ ص ۱۴۳۱

۱۴۳۱

ربعی بن الافکل المنزی : ج ۱ ص ۴۵

ربعی بن کاس عنبری : ج ۱ ص ۶۲

ربیع (دیوان رسائل منصور خلیفه عباسی) :

ج ۱ ص ۱۵۵، ۱۵۶

ربیع ابیاعجبی باشی (کرمانی -) : ج ۲ ص

۲۱۱۶

ربیع بن حراس (زاهد) : ج ۱ ص ۱۰۷

ربیع بن خیم (سردار) : ج ۱ ص ۶۲

ربیع بن زیاد حارثی (حاکم خراسان) : ج ۱

ص ۲۵۰، ۲۵۷، ۷۷

ربیع بن عمران تمیمی : ج ۱ ص ۱۱۳

ربیع (میرزا -) مستوفی اداره پلیس : ج ۲

ص ۲۰۹۷

ربیع (میرزا -) مستوفی : ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲

ص ۲۰۹۸

ربیع (میرزا -) مشرف (انبار غله) : ج ۱

ص ۵۵۴، ج ۲ ص ۲۱۱۴

ربیع (میرزا -) (نویسنده استنظافات) :

ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۵۲

ربیع بن یونس (از موالی منصور) : ج ۱ ص

۱۵۷

ربیع بن محارب : ج ۱ ص ۸۷

ربیع (دختر -) : ج ۱ ص ۳۶

ربیع بن بجیر النظمی : ج ۱ ص ۲۶

ربیع خواتون (خواهر سلطان صلاح الدین) :

ج ۱ ص ۲۵۱

ربعی فوشنجی : ج ۲ ص ۶۴۱

ربیع اعظم : ج ۱ ص ۹۲، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۹۷

رجاء بن ایوب : ج ۱ ص ۱۸۸

رجاء بن حیات کنندی : ج ۱ ص ۱۱۲

رجب (آقا -) : ج ۲ ص ۱۲۶۸

رجب حنبلی (از حفاظ) : ج ۲ ص ۶۶۰

رجب خان گودزی (پاور) : ج ۱ ص ۵۱۰

ج ۲ ص ۱۲۴۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵

رجب (آقا -) رختدار حاصه : ج ۳ ص ۱۸۶۵

رجبیطی خان (حاجی -) سرتیپ اول توپخانه :

ج ۲ ص ۱۱۵۲

رجب (میرزا -) سرشتمند دفتر لشکر : ج ۱

ص ۵۰۵، ج ۲ ص ۱۲۲۴، ج ۳ ص ۲۰۶۹

رجب (آقا -) نایب فرسخانه : ج ۳ ص ۲۱۱۷

رجبیطی بیک (حاجی -) پاور توپخانه :

ج ۳ ص ۱۶۹۵، ۱۷۲۹

رجبیطی بیک سرهنگ (پسر قسان خان) :

ج ۲ ص ۱۶۷۶، ۱۸۲۲

رجبیطی خان (حاجی -) : ج ۳ ص ۱۸۵۱

رجبیطی خان (حاجی -) (رئیس کل

توپخانه آذربایجان) : ج ۳ ص ۱۹۰۲

رجبیطی خان (حاجی -) سرهنگ (پسر قسان

خان) : ج ۲ ص

رجبیطی (آقا -) دبایشی خلوت : ج ۱ ص

۵۲۷

رجیم (میرزا -) رئیس اداره رسائل خاصه :

ج ۱ ص ۵۴۱

رجل: ج ۳ ص ۱۸۰۶
 وچلد (مراد فوانسوی) : ج ۲ ص ۱۲۰۵
 ج ۲ ص ۲۰۲۹
 رحیم خان: ج ۲ ص ۱۲۲۹
 رحیم خان افغان: ج ۲ ص ۱۰۱۹
 رحیم قلی خان نوره (پسر محمد رحیم خان اورگنجی) : ج ۳ ص ۱۵۷۲، ۱۶۸۲
 رحیم قلی فریاشی: ج ۲ ص ۹۲۲
 رحمت الله خان، برادر دیرالملک (نایب آجودانباشی) : ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰
 رحمت الله خان ساری اعلان (حاکم کنگاور) : ج ۱ ص ۵۵۹، ج ۲ ص ۱۳۰۲، ج ۳ ص ۱۸۲۸، ۱۹۹۱، ۲۰۲۶
 رحمت الله خان سرتیب: ج ۳ ص ۱۵۷۲
 رحمت الله خان سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۸۲
 رحمت الله خان، نواده سیف الملک (نایب آجودانباشی) : ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰
 رحمت الله خان شافعی: ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲
 رحمت الله خان فرامانی: ج ۳ ص ۱۵۷۹
 رحمت الله خان قورت بیگلر: ج ۲ ص ۱۲۶۹
 رحمت الله (میرزا -) مشرف سواره دهرن: ج ۲ ص ۲۱۱۲
 رحمت الله خان یوزباشی: ج ۱ ص ۵۳۹، ۴۷۱
 ج ۲ ص ۲۱۱۸
 رحمت دل خان (افغان) : ج ۳ ص ۱۶۵۲، ۱۶۶۵، ۱۷۵۶
 رحیم (میرزا -) پیشخدمت دارالترجمه: ج ۲ ص ۱۶۷۵، ۱۷۷۲، ۲۱۲۸
 رحیم (حاجی میرزا -) پیشخدمت و ناظم دفترخانه: ج ۳ ص ۱۹۲۴
 رحیم (میرزا -) پسر حکیم الممالک (پیشخدمت) : ج ۱ ص ۵۵۵
 رحیم خان: ج ۲ ص ۱۲۶۸
 رحیم خان ارگنجی: ج ۲ ص ۱۵۱۷
 رحیم خان (حاجی -) پیشخدمت خاصه: ج ۲ ص ۱۸۵۹
 رحیم خان (میرزا -) تبریزی (یاور دوم) : ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۲۲
 رحیم خان (حاکم شاندرمین) : ج ۳ ص ۱۹۱۱
 رحیم خان (حاجی -) خازن الملک -

خازن الملک، حاجی رحیم خان
 رحیم خان خوارزمی: ج ۲ ص ۱۵۳۷، ۱۵۳۹
 رحیم خان دولو: ج ۳ ص ۱۲۸۲
 رحیم خان (حاجی -) رئیس دیوان مظالم: ج ۱ ص ۵۲۹
 رحیم خان سرتیب: ج ۱ ص ۴۸۰، ۵۱۲
 ج ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳ ص ۲۰۸۱، ۲۰۱۷
 رحیم خان (سرکرده دسته چلبیانلو) : ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۸۶
 رحیم خان (سرکرده خوی) : ج ۱ ص ۵۱۷
 رحیم خان (سرکرده سواره خداوند) : ج ۱ ص ۵۲۲، ۵۵۳، ج ۳ ص ۲۰۹۲، ۲۱۱۴
 رحیم (میرزا -) خان (سرهنگ تبریزی) : ج ۳ ص ۲۰۷۶
 رحیم خان (حاجی -) صندوقدار: ج ۳ ص ۱۸۶۷، ۱۸۷۲
 رحیم خان (حاجی -) قاجار (رئیس مجلس دیوان مظالم) : ج ۲ ص ۱۲۵۵
 رحیم خان (نایب فراشخانه) : ج ۲ ص ۲۱۱۷
 رحیم (میرزا -) رئیس کل اداره پستخانه: ج ۲ ص ۱۲۷۱
 رحیم (میرزا -) سرشنه دار آذربایجان: ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۱۲۲۵، ج ۳ ص ۲۰۲۰
 رحیم (نایب -) نایب دواب احتسابیه: ج ۱ ص ۵۵۶
 رحیم (میرزا -) یاور کارگزاری: ج ۱ ص ۵۳۵
 ج ۲ ص ۲۱۰۴
 رحیم دل خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۲، ج ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳ ص ۲۰۸۱
 رحیم قلی خان (ابن السیقلی خان خوارزمی) : ج ۳ ص ۱۶۶۹، ۱۶۸۳
 رخساره بیگم (دختر فتحعلیشاه) : ج ۳ ص ۱۶۲۷
 ردریکس سامبای (وزیر اعظم پرتوغال) : ج ۲ ص ۲۱۲۸
 ردلف دوم (امپراطور آلمان) : ج ۲ ص ۹۰۸
 ردیشوف (سردار روس) : ج ۳ ص ۱۵۰۵
 رز: ج ۱ ص ۳۸۶
 رزق بن سلطان غسانی: ج ۱ ص ۱۳۰
 رزیک بن صالح بن رزیک (عادل -) : ج ۱ ص ۲۹۲، ۲۹۳
 رز (خانج جزیره سبیل) : ج ۱ ص ۲۲۴

رز (پادشاه) : ج ۱ ص ۳۸۶
 رستم شین (حاکم سکو) : ج ۳ ص ۱۵۰۷
 رستم (میرزا -) حاکم اصفهان: ج ۲ ص ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۲، ۶۷۶، ۶۸۱
 ۱۰۸۲، ۱۰۶۱
 رستم بن بودو (حاکم سرحدات) : ج ۱ ص ۲۲۵، ۲۳۱
 رستم بیک افشار: ج ۲ ص ۸۱۰
 رستم بیک (دیوان بیگی) : ج ۲ ص ۹۲۹
 رستم بیک بن مقصود بیک بن اوزن حسن آق قویونلو: ج ۲ ص ۷۲۲
 رستم بیک (ولد مقصود بیک، برادرزاده علم شاه بیگم) : ج ۲ ص ۷۲۸
 رستم بیک بساول: ج ۲ ص ۹۲۶، ۹۲۵
 رستم پاشا (وزیر اعظم سلطان سلیمان خان) : ج ۲ ص ۸۰۷، ۸۲۲، ۸۲۴، ۸۲۶، ۱۰۹۸
 رستمچی (فونسل کلکته) : ج ۲ ص ۲۱۰۶
 رستم خان (ایل بیگی ایل شاهسون) : ج ۲ ص ۱۸۲۵، ۱۷۲۲
 رستم خان (= بگرات خان) : ج ۲ ص ۹۲۲
 رستم خان بهات: ج ۳ ص ۱۲۲۷
 رستم خان (تفنگدار خاصه) : ج ۱ ص ۵۳۰
 ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱
 رستم خان (داماد فتحعلیشاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۶
 رستم خان زند: ج ۳ ص ۱۲۹۲
 رستم خان سبسالار (حاکم تبریز) : ج ۲ ص ۹۳۲، ۹۳۶، ۹۸۸، ۹۸۹
 رستم خان (سردار آبروان) : ج ۲ ص ۹۳۷
 رستم خان (سرکرده دسته حاجی علیلو) : ج ۱ ص ۵۱۷، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۸۶
 رستم خان (سرهنگ سیلاخوری) : ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۷۶
 رستم خان سلطان: ج ۳ ص ۱۷۸۱
 رستم خان قاجار (سرتیب یوزباشی) : ج ۲ ص ۱۲۶۷، ج ۳ ص ۲۱۱۷
 رستم خان قراقرزو (پسر محمد حسین خان) : ج ۲ ص ۱۵۲۶، ۱۵۶۷
 رستم خان فولر آقاسی: ج ۲ ص ۱۰۰۹
 ۱۰۶۲، ۱۰۶۵
 رستم خان گرجی (نایب آجودان باشی) : ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰، ۱۲۳۱
 ج ۳ ص ۲۰۷۲

رضا (آقا -) ده باغی (ناظم خلوت):
 ج ۲ ص ۱۲۵۶: ج ۳ ص ۱۹۲۰
 ۱۹۵۲، ۲۱۱۰
 رضا (آقا -) (نزال آجودان مخصوص): ج ۱
 ص ۵۳۰
 رضا (آقا -) دستا ساروی: ج ۱ ص ۵۲۲
 ج ۳ ص ۲۰۹۲
 رضا (میرزا -) سر رشته دار: ج ۱ ص ۲۷۱
 ج ۲ ص ۱۲۶۷، ۱۲۷۱
 رضا (میرزا -) سر رشته دار آذربایجان: ج ۱ ص ۵۲۹، ۵۴۱
 رضا (میرزا -) سر رشته دار (از اجسزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۱
 رضا (میرزا -) سر رشته دار خراسان: ج ۱ ص ۵۰۶
 ج ۲ ص ۱۲۲۶: ج ۳ ص ۲۰۷۰
 رضا (میرزا سید -) سر رشته دار عراق: ج ۳ ص ۲۱۲۲
 رضا (میرزا -) صاحب جمع: ج ۲ ص ۱۲۹۷
 ج ۳ ص ۲۱۴۱
 رضا (میرزا -) صدیق الدوله (مستوفی آذربایجان و وزیر دارالخلافه): ج ۱ ص ۲۷۶، ۲۸۲، ۵۵۷: ج ۳ ص ۲۰۰۹
 ۲۰۲۲، ۲۰۲۳
 رضا (آقا -) عکاسانی (پیشخدمت حضور): ج ۳ ص ۱۸۵۸، ۱۹۲۸
 رضا، علی بن موسی ع (امام هشتم): ج ۱ ص ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۴۲، ۱۴۳
 ۱۷۴: ج ۳ ص ۱۶۲۱
 رضا (میرزا -) قزوینی (منشی دیوان اعلی): ج ۳ ص ۱۴۸۱، ۱۵۳۹
 رضا (حاجی ملا -) کارپرداز: ج ۱ ص ۵۳۳
 رضا (میرزا -) کلانتر تبریز: ج ۳ ص ۱۶۳۳
 رضا (میرزا -) لشکر نویس: ج ۱ ص ۵۰۵
 رضا (میرزا -) لشکر نویس عربستان: ج ۱ ص ۵۰۶
 رضا (میرزا -) ماهور فارس: ج ۱ ص ۵۲۹
 رضا (حاجی میرزا -) مستشار الملک: ج ۲ ص ۱۸۹۲
 رضا مستوفی (آقا -): ج ۲ ص ۲۱۲۲
 رضا (میرزا سید -) مستوفی: ج ۳ ص

۲۱۲۲
 رضا مستوفی (میرزا -) پسر معین الملک: ج ۱ ص ۵۲۸: ج ۲ ص ۲۰۹۹، ۱۸۵۲
 رضا منیر (حاجی میرزا -): ج ۱ ص ۵۵۲: ج ۳ ص ۲۱۲۷
 رضا (حاجی میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۲۷: ج ۲ ص ۱۲۵۲: ج ۳ ص ۲۱۰۰
 رضا (میرزا سید -) منشی (آذربایجان): ج ۱ ص ۵۰۶: ج ۳ ص ۲۰۷۰
 رضا (میرزا -) منشی (از احزای مجلس دیوان مظالم): ج ۲ ص ۱۲۵۵
 رضا (میرزا -) منشی آهی: ج ۱ ص ۵۲۹: ج ۳ ص ۲۱۰۱
 رضا (میرزا سید -) منشی دوم (اداره دول عمیر همجوار): ج ۳ ص ۲۱۰۲
 رضا (میرزا -) مهندس باغی: ج ۱ ص ۲۶۲، ۵۲۸: ج ۳ ص ۱۷۱۹، ۲۰۰۶
 رضا (میرزا -) میزان آقاسی: ج ۳ ص ۱۶۲۶، ۱۶۵۱
 رضا ناظم خلوت - رضا ده باغی
 رضا (میرزا -) نایب الحکومه ساوجبلاغ: ج ۱ ص ۵۲۵
 رضا (میرزا -) نجم الملک: ج ۳ ص ۱۹۲۴
 رضا قلی (آقا -): ج ۲ ص ۱۲۶۸
 رضا قلی (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۲۵
 رضا قلی بیگ (پسر پناه بیگ طالش): ج ۲ ص ۱۵۹۷
 رضا قلی بیگ (نایب دوم شهرباری): ج ۱ ص ۵۵۳
 رضا قلی (میرزا -) جراح باغی: ج ۱ ص ۵۰۷: ج ۲ ص ۱۲۲۷: ج ۳ ص ۲۰۷۰
 رضا قلی خان: ج ۲ ص ۱۷۲۰
 رضا قلی خان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۶۹
 رضا قلی (میرزا -) خیابان (از ارباب مناصب): ج ۳ ص ۲۱۱۹
 رضا قلیخان (از معارف دارالخلافه): ج ۱ ص ۵۲۵
 رضا قلی خان (پسر اسمعیل خان سردار دامغانی): ج ۳ ص ۱۶۲۶
 رضا قلی خان (ولد امیر گونه خان): ج ۲ ص ۱۵۳۵
 رضا قلی خان (امینک آقاسی): ج ۲ ص ۱۰۰۹

رضا قلی خان باغمیشه (بار): ج ۱ ص ۵۱۰: ج ۲ ص ۱۲۲۱: ج ۳ ص ۲۰۷۵
 رضا قلی خان (تفنگدار خاصه): ج ۱ ص ۵۳۰: ج ۲ ص ۱۲۵۷: ج ۳ ص ۲۱۱۱
 رضا قلی خان دولو: ج ۳ ص ۱۴۱۶
 رضا قلی خان زمفرانلو (الپخانن و عمرانلو جاکم خیرخان): ج ۳ ص ۱۵۳۹
 ۱۵۲۰، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۶۰۲، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵
 رضا قلی خان (میرزا -) سراج الملک آبروانی: ج ۲ ص ۱۲۹۷: ج ۳ ص ۱۲۹۷
 رضا قلی خان (سرتیب بندر عباس): ج ۳ ص ۱۷۲۳
 رضا (میرزا -) قلی خان (سررشتدار غلات): ج ۳ ص ۲۱۱۴
 رضا قلی خان، سرگرد: ج ۱ ص ۵۳۹
 رضا قلی خان، سرهنگ عرب: ج ۲ ص ۱۷۶۹
 رضا قلی خان (ولد سلیمان خان انتشار ماهین قلعه): ج ۳ ص ۱۷۱۲
 رضا قلی خان شاطیو: ج ۲ ص ۱۰۲۵، ۱۰۲۶
 رضا قلی خان عرب (سرتیب سیم): ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص ۱۷۵۸
 رضا قلی خان (حاجی -) عطفا خلوت: ج ۲ ص ۱۲۹۵: ج ۳ ص ۲۱۴۰
 رضا قلی خان قاجار (حاجی -): ج ۳ ص ۱۵۱۹
 رضا قلی خان قاجار: ج ۳ ص ۱۲۶۹، ۱۲۵۲
 ۱۵۰۹
 رضا قلی خان قاجار (پسر محمد حسن خان): ج ۲ ص ۱۱۲۷، ۱۱۶۵: ج ۳ ص ۱۲۶۰، ۱۲۶۲، ۱۲۸۰، ۱۲۸۵
 ۱۲۹۲، ۱۲۹۳
 رضا قلی (میرزا -) خان (ماه مور حکومت عراق): ج ۱ ص ۵۵۲
 رضا قلی خان مخبر الدوله: ج ۳ ص ۱۸۲۲
 رضا قلی خان (منشی مخصوص ویرولایات): ج ۱ ص ۵۲۲
 رضا قلی خان (والی کردستان): ج ۲ ص ۱۶۲۶، ۱۶۸۲
 رضا قلی خان هدایت، امیرالشعرا (لله

باشی، صاحب روضه العالی ناصری) :
 ج ۲ ص ۱۱۷۸-۱۱۷۹ : ج ۳ ص ۱۳۶۲
 ۱۷۱۱-۱۶۲۶-۱۶۰۰-۱۷۵۹-۱۶۷۵
 ۱۹۲۵-۱۸۴۰-۱۸۲۱-۱۷۸۵-۱۷۶۷
 رضا قلی (میرزا -) سرشته دار اصطبل
 خاصه: ج ۱ ص ۵۵۲ : ج ۳ ص ۲۱۳۷
 رضا قلی (میرزا -) سرشته دار قورخانه:
 ج ۲ ص ۲۰۶۹
 رضا (میرزا -) قلی (سرشته دار کسل
 اداره صرف جنب): ج ۲ ص ۲۱۱۲
 رضا قلی (میرزا -) قراول انبار: ج ۱ ص
 ۵۱۱
 رضا قلی (میرزا -) قورخانه: ج ۱ ص
 ۵۰۵
 رضا قلی (میرزا -) مستوفی: ج ۳ ص
 ۲۰۹۹
 رضا قلی میرزا (پسر نادر شاه افشار): ج ۲
 ص ۱۱۲۲-۱۱۲۱-۱۱۱۷-۱۰۳۱ : ج ۳
 ۱۱۲۳-۱۱۲۱-۱۱۲۲
 رضا قلی (قا -) نایب مراضخانه: ج ۳
 ص ۲۱۱۷
 رضا قلی نوافی (میرزا -) صاحب دیوان،
 منشی الممالک، متخلص بسلطانی:
 ج ۲ ص ۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۲۸ : ج ۳
 ۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۹۵
 رضا قلی (میرزا -) یاور دوم: ج ۲ ص
 ۱۹۳۳ : ج ۳ ص ۲۰۷۷
 رضا قلی (میرزا -) یاور سوم: ج ۲ ص
 ۱۲۳۳
 رضوان (ملک -) پسر قش بن الب ارسلان:
 ج ۱ ص ۲۴۸ تا ۲۵۰، ۲۵۲-۲۶۰ : ج ۳
 ۲۶۱
 رضوان بن الوکشی، ملک افضل (روبر
 الحافظ علوی): ج ۱ ص ۳۷۶
 رضی (میرزا -) اردبانی همدانی (شاعر):
 ج ۲ ص ۹۲۱
 رضی (میرزا سید -) حکیم باشی: ج ۱
 ص ۵۰۷، ۵۴۶ : ج ۲ ص ۱۲۲۶ : ج ۳
 ۱۲۵۶ : ج ۳ ص ۲۰۷۰-۲۱۱۰-۲۱۳۰
 رضی خان (میرزا -) دفتر دار: ج ۱ ص
 ۵۳۱
 رضی (حاجی میرزا سید -) کارگذار
 گیلان: ج ۱ ص ۵۳۶
 رضی (میرزا سید -) مستوفی: ج ۳ ص

۱۹۵۲، ۲۰۹۹

رضی (میرزا -) خان (منشی دفتر ثبت
 و ضبط): ج ۲ ص ۲۱۰۲
 رضی الدین ابراهیم طبری: ج ۲ ص ۶۲۰
 رضی الدین استرآبادی: ج ۲ ص ۶۰۰
 رضی الدین علی لالا (شیخ -): ج ۱ ص
 ۲۵۰
 رضی الدین مؤید بن محمد بن علی الطوسی
 (عالم بزرگ): ج ۱ ص ۲۳۵
 رعنا افندی، مترجم: ج ۱ ص ۵۳۳
 رطبه بن شداد: ج ۱ ص ۸۱
 رطبه عدوی بصری: ج ۱ ص ۷۲
 رفیع (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۷۹۲
 رفیع جواد بیگ (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۳۳
 رفیع (میرزا -) خان (از ارباب قلم و لشکر
 نبیسان): ج ۲ ص ۱۲۲۴ : ج ۳ ص
 ۲۰۶۸
 رفیع خان (برادر حسین خان): ج ۲ ص
 ۱۱۷۵
 رفیع صدر (میرزا -) : ج ۲ ص ۹۲۸
 رفیع خان غوری (میرزا -) : ج ۳ ص
 ۱۷۳۶
 رفیع خان (از قول ابلاغ): ج ۱ ص ۵۰۲
 ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۳ ص ۲۰۶۵
 رفیع خان (میرزا -) لشکر نویس: ج ۱
 ص ۵۰۵
 رفیع (حاجی ملا -) مجتهد: ج ۳ ص
 ۱۹۱۰
 رفیع (میرزا -) مستوفی: ج ۱ ص
 ۵۲۸ : ج ۳ ص ۱۸۱۰-۲۰۹۹
 رفیقی بیگ: ج ۲ ص ۲۱۰۷
 رفیه (دختر رسول الله ص): ج ۱ ص ۱۲۳
 ۲۶۰۲۲
 رفیه (دختر علی ع): ج ۱ ص ۳۶
 رفیه سلطان (دختر میرزا وکن الدین علا
 الدوله): ج ۲ ص ۷۰۹
 رکن (میرزا -) علا الدوله: ج ۲ ص
 ۶۹۷
 رکن الدوله (نواب -) فرمانفرمای خراسان
 و...: ج ۱ ص ۵۵۸ : ج ۳ ص ۱۱۹۲
 ۱۱۹۳-۱۲۹۹-۱۳۰۱ : ج ۳ ص ۱۵۷۶
 ۱۵۷۸ تا ۱۵۸۰-۱۷۹۶-۱۸۲۱
 ۱۹۶۳-۲۰۳۰-۲۰۳۶-۲۰۴۹-۲۰۴۰
 ۲۰۴۷-۲۱۰۰-۲۱۲۵

رکن الدوله، اردشیر میرزا: ج ۳ ص ۱۶۹۲
 ۱۸۰۲، ۱۸۲۲
 رکن الدوله، حسن بن بهمن: ج ۱ ص ۲۴۶
 ۲۲۷-۲۲۹-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۲-۲۶۷
 ۲۲۲، ۲۷۵، ۲۷۶
 رکن الدوله شاه کبکسرو بن یزدگرد (از آل
 باوند و حکمران مازندران): ج ۲
 ص ۶۲۳-۶۲۷
 رکن الدوله، علی نقی میرزا: ج ۳ ص ۱۵۷۲
 ۱۵۹۹-۱۶۲۸-۱۶۲۹-۱۶۲۲
 رکن الدوله - محمد میرزا...
 رکن الدوله، محمد قلی میرزا (برادر ناصر
 الدین شاه): ج ۲ ص ۱۲۱۹ : ج ۳
 ص ۱۸۸۷-۱۹۳۲-۲۰۶۳
 رکن الدین باجی (حاجی): ج ۲ ص ۶۰۰
 رکن الدین استرآبادی (مجد -): ج ۲ ص
 ۶۲۱
 رکن الدین افغانی - ابوالساحل
 رکن الدین بیهس (سلطان مصر): ج ۱ ص
 ۴۵۵
 رکن الدین خوافی: ج ۲ ص ۶۸۷
 رکن الدین سلیمان بن قلیچ ارسلان طاجویی:
 ج ۱ ص ۲۱۲-۲۲۰-۲۲۲-۲۲۳
 رکن الدین شمرازی: ج ۲ ص ۷۹۵
 رکن الدین ماین اصفهانی: ج ۳ ص ۶۲۵
 رکن الدین عبدالعظیم (از ائمه حدیث در
 مصر): ج ۱ ص ۲۶۲
 رکن الدین علا الدوله بایسنقر (میرزا -):
 ج ۲ ص ۶۲۸-۶۹۸-۶۹۹ تا ۷۰۲
 ۷۱۰ تا ۷۰۸
 رکن الدین غور شاه: ج ۱ ص ۲۲۲
 رکن الدین غوری (حاکم قندهار): ج ۲
 ص ۵۹۷
 رکن الدین بن غیاث الدین کبکسرو: ج
 ۱ ص ۴۱۲
 رکن الدین قلیچ ارسلان بن غیاث الدین
 کبکسرو: ج ۱ ص ۲۶۱-۵۷۹
 ۵۸۲، ۵۸۷
 رکن الدین مسعود گاشی: ج ۲ ص ۷۹۲
 ۷۹۵
 رکن الدین میرزا: ج ۳ ص ۱۸۰۲
 رمضان بیگ (از جماعت نود بگور): ج ۱
 ص ۵۱۹ : ج ۲ ص ۲۰۸۸
 رمضان خان زند: ج ۳ ص ۱۳۸۸

رمضان قابوچی باشی (کربلائی -) : ج ۲
 ص ۲۱۱۸
 رمضانعلی خان: ج ۳ ص ۱۴۴۴
 رنصار: ج ۲ ص ۸۱۰
 رسارد (نویسنده بزرگ): ج ۲ ص ۸۷۵
 رن کالی: ج ۲ ص ۱۷۵۰
 روبن: ج ۳ ص ۱۷۹۰
 روبراستوار: ج ۲ ص ۶۲۸
 روبروکی (قسیم): ج ۲ ص ۳۵۷
 روتر: ج ۲ ص ۱۸۰۶
 روح الله میرزا (امیر زاده -) پیشخدمت
 باشی: ج ۱ ص ۵۵۷
 روح بن حاتم (حاکم سند، برادر یزید بن
 حاتم مہلبی): ج ۱ ص ۱۵۱، ۱۵۰
 ۱۵۸، ۱۵۹
 روح (روح القدس): ج ۱ ص ۲۵، ۲۱۸
 رودریک (روریک): ج ۱ ص ۲۰۲
 رودریک (ذریق) شاه اسپانیول: ج ۱ ص
 ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۲
 روزبه (سردار محم): ج ۱ ص ۲۵
 روزبهان بقلی (شیخ -): ج ۱ ص ۲۳۶
 روساکف (امپراطور روس): ج ۲ ص ۱۲۰۲
 ج ۲ ص ۲۰۲۸
 روسو (رسو، عالم معروف): ج ۲ ص ۱۱۸۱
 روشچوف: ج ۳ ص ۱۵۰۹
 رولاند: ج ۱ ص ۱۵۲
 رومان بن سرهان: ج ۱ ص ۶۰
 رومانوف (ژنرال روس): ج ۲ ص ۱۰۲۰
 ۱۰۲۲
 رومن (امپراطور قسطنطین): ج ۱ ص
 ۲۶۵
 رومه بن حجاج: ج ۱ ص ۱۲۱
 رون (فرمر جنگ پروس): ج ۳ ص ۱۸۶۳
 رون روسل (صدر اعظم انگلیس): ج ۳ ص
 ۱۶۸۷
 رونقی بخاری (شاعر): ج ۲ ص ۸۳۲
 رویم بن البشیر (از امیران سپاه علی
 ع در صفین): ج ۱ ص ۶۵
 رویم (پیشرو طایفه مرمن): ج ۲ ص ۱۹۷۵
 ریاح بن عثمان المری (حاکم مدینه): ج ۱
 ص ۱۴۰
 ریاضی ساوجی (صاحب تاریخ): ج ۲ ص
 ۷۶۲
 ریان خادم: ج ۱ ص ۲۷۵

ریان سلمه الانی (الارانی): ج ۱ ص
 ۱۲۱
 ریحانه بنت عمرو بن خنانه: ج ۱ ص
 ۲۵
 ریشارد (پادشاه انگلیس): ج ۱ ص ۲۱۱
 ۲۱۹
 ریشارد دوم (شاه انگلیس): ج ۲ ص
 ۶۶۲، ۶۵۱
 ریشارد سیم (شاه انگلیس): ج ۳ ص ۷۲۸
 ریشارد (پسر کرمول): ج ۲ ص ۹۶۲
 ریشارد های (رئیس جمهور اتانوی): ج ۳
 ص ۱۹۷۵
 ریشلیو (صدر اعظم فرانسه): ج ۲ ص
 ۹۴۸
 ریبطه (دختر سلاج): ج ۱ ص ۱۲۰
 ریئدلی (نقاش انگلیس): ج ۳ ص ۱۴۲۱
 ریومور (مخترع میزان الحرارة): ج ۲ ص
 ۱۰۲۸
 رئیس بهادر: ج ۲ ص ۲۴۸
 رئیس التجار، میرزا احمد: ج ۲ ص ۱۲۵۱
 رئیس الطما، حاجی ملارضا: ج ۳ ص ۱۸۹۴
 رئیس محمد کره: ج ۲ ص ۷۴۳

ز

زاهدان: ج ۱ ص ۹۶
 زاشری: ج ۱ ص ۱۲۲
 زال ارطاشی گرجی: ج ۲ ص ۹۲۸، ۹۲۹
 ۹۶۶
 زال خان خشتی: ج ۲ ص ۱۴۱۵
 زال خان گرجی: ج ۲ ص ۸۶۴
 زاصاور: ج ۲ ص ۵۸۳
 زانس (سلطان روم): ج ۲ ص ۸۵۸
 زبردست خان: ج ۲ ص ۱۰۸۵، ۱۰۸۴
 ۱۰۹۶
 زبورقان بن بدر: ج ۱ ص ۳۵
 زبیده ام جعفر (همسر هارون الرشید و
 ۲۶
 دختر جعفر): ج ۱ ص ۱۴۱، ۱۴۸
 ۱۵۷، ۱۷۰، ۳۲۰
 زبیده خانم (دختر فتحعلیشاه): ج ۳ ص
 ۱۶۲۶
 زبور بن بکار: ج ۱ ص ۱۴۸

زبور بن عوام: ج ۱ ص ۲۲، ۵۰، ۶۱
 زجاج - ابراهیم بن سری الزجاج
 زجاجی، ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحاق:
 ج ۱ ص ۲۶۱
 زحاف طائی (از خوارج): ج ۱ ص ۷۶
 زین حبیب: ج ۱ ص ۹۶
 زرمهر (سردار محم): ج ۱ ص ۳۹، ۳۵
 زریح بن عباس بن سکرم: ج ۱ ص ۳۲۹
 زریق بن علی بن عده ازادی موصلی: ج ۱ ص
 ۱۸۱، ۱۸۲
 زربن کمر (از ملوک رستمدر): ج ۲ ص ۷۲۴
 زعیم الدوله برکه بن مقلد بن مسیب: ج ۱ ص
 ۳۲۱
 زعفران عاصم طائی (حاکم مدینه): ج ۱ ص
 ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۵۱، ۱۵۲
 زعفران حارث (از امیران سپاه مطویه در
 صفین): ج ۱ ص ۶۵، ۸۶
 زکریا بن ابی زئده: ج ۱ ص ۱۲۳
 زکریا الانصاری (شیخ الاسلام قاضی -): ج ۲
 ص ۷۶۶
 زکریا بیگ گرجی: ج ۲ ص ۱۲۰۱
 زکریا خان (ناظم لاهور): ج ۲ ص ۱۱۲۲
 زکریا (خلیفه گرجستان): ج ۲ ص ۹۲۷
 زکریا میرزا (پسر فتحعلیشاه): ج ۳ ص ۱۵۴۳
 ۱۶۲۴
 زکریا بن یحیی بن احمد حلبی: ج ۱ ص ۴۶۰
 زکی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۷۲۲، ۱۸۰۹
 زکیخان: ج ۲ ص ۱۱۶۶، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲
 ۱۱۷۶، ۱۱۷۸
 زکیخان (از اجزای مجلس حکمت): ج ۲
 ص ۲۰۹۵
 زکیخان دودانگای (حاجی -): ج ۲ ص ۱۱۷۷
 زکیخان رند (برادر امی کریمخان زند): ج ۲
 ص ۱۱۶۲، ۱۱۶۸، ۱۱۷۶
 ج ۲ ص ۱۳۸۲، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹
 زکی (میرزا -) خان سرشیپارد بیل و شکس:
 ج ۱ ص ۴۸۰، ۵۱۲
 ج ۲ ص ۱۲۳۸
 ج ۳ ص ۱۹۰۸، ۲۰۱۷
 زکیخان نوری، کارگذار امیر حکومت: ج ۱ ص
 ۵۲۵
 زکی رشتی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۸۲۴
 ۱۸۳۳، ۱۹۷۱
 زکی (میرزا -) غیاث الملک (پیشکار عربستان
 و بروجرد): ج ۲ ص ۱۹۱۰

زکی گیلانی (میرزا -) : ج ۳ ص ۱۷۷۷ -
 زکی مستوفی (میرزا -) : ج ۳ ص ۱۸۷۵ -
 ۱۸۸۷ ، ۱۹۰۵ -
 زکی نوری (میرزا -) مستوفی (براث نهیج)
 کشیکخانه) : ج ۱ ص ۵۲۸ ، ج ۳ ص ۲۰۹۹ -
 زلیخا (دختر الب ارسلان ، خواهر ملکشاه) :
 ج ۱ ص ۳۴۱ -
 زما (سردار عرب) : ج ۱ ص ۱۰۸ -
 زمان بیگ (سردار خراسان) : ج ۲ ص ۹۲۲ ،
 ۹۲۴ -
 زمان بیگ بن محمد (از بزرگان طایفه اشاده
 باش) : ج ۳ ص ۱۳۵۲ -
 زمان بیگ ناظر : ج ۲ ص ۹۲۳ -
 زمان خان : ج ۲ ص ۱۰۱۷ -
 زمانخان (حاجی میرزا -) : ج ۱ ص ۵۳۲ -
 زمان خان (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۸۱۳ -
 زمان خان (پسر ابدالله خان مدوزانی) :
 ج ۲ ص ۱۰۱۶ -
 زمان خان (افغان) : ج ۲ ص ۱۰۱۹ -
 زمان (میرزا -) خان (کارپرداز مصر) : ج ۲
 ص ۱۸۱۳ -
 زمان (میرزا -) کردستانی (سرشته دار
 دفتر لشکر) : ج ۲ ص ۱۲۲۴ ، ج ۳ ص
 ۲۰۶۸ -
 زمان (میرزا -) کلانتر دارالخلافه : ج ۲ ص
 ۱۹۰۰ -
 زمان (میرزا -) لشکر نویس : ج ۱ ص ۵۰۵ -
 زمان (میرزا -) مستوفی نوری : ج ۳ ص
 ۱۹۲۵ -
 زمخشری جارالله — ابوالقاسم محمود
 زمر (مادر الناصر خلیفه عباسی) : ج ۱
 ص ۲۲۲ -
 زنگی جاندار : ج ۱ ص ۲۸۴ -
 زنیستی (البنتان پیاده نظام) : ج ۱ ص ۵۳۷ -
 زنیش خان : ج ۲ ص ۷۷۵ -
 زهره : ج ۱ ص ۳۲ -
 زهره بن الحوی التمیمی : ج ۱ ص ۴۰ ، ۴۲ -
 زهیر بن قیس : ج ۱ ص ۸۲ ، ۸۹ -
 زهیر بن مسیب ضبی : ج ۱ ص ۱۷۲ -
 زهیر بن مکحول عامری : ج ۱ ص ۷۰ -
 زهیر ، امیرا طبریس (زوجه آرزیر امیرا طبر
 قسطنطنیه) : ج ۱ ص ۲۰۷ ، ۲۲۳ -
 زیاده بن ابیهمه زیاده بن سمیه (کارگذار بصره) :
 ج ۱ ص ۲۱ ، ۶۸ ، ۱۵۱ -

زیاده اعلی : ج ۳ ص ۱۳۶۴ -
 زیاده بن حفص البکری : ج ۱ ص ۶۸ -
 زیاده بن خورش عجلی : ج ۱ ص ۷۷ -
 زیاده بن سمیه = زیاده بن ابیه (والی بصره) :
 ج ۱ ص ۶۸ ، ۷۰ ، ۷۲ تا ۷۷ -
 زیاده بن صالح : ج ۱ ص ۱۳۲ ، ۱۳۶ -
 زیاده بن صلوح (والی سمرقند) : ج ۱ ص ۱۳۲ -
 زیاده بن طریف باطلی : ج ۱ ص ۱۱۰ -
 زیاده بن عبدالله حارثی (والی مدینه) : ج ۱
 ص ۱۳۲ ، ۱۳۹ -
 زیاده بن نصر حارثی : ج ۱ ص ۶۲ ، ۶۴ -
 زیاده النهدی (انباران زیاده بن علی) : ج ۱ ص
 ۱۲۲ -
 زیاده بن ابراهیم بن اغلب (والی افریقه) :
 ج ۱ ص ۱۷۶ ، ۱۸۰ ، ۱۸۷ -
 زیاده بالله بن عبدالله بن ابراهیم اغلب ، ابو
 نصر (سلطان افریقه) : ج ۱ ص ۲۲۸ -
 ۲۲۹ -
 زیاده بالله بن محمد ابومحمد (والی افریقه) :
 ج ۱ ص ۱۸۰ ، ۲۰۱ ، ۲۰۲ -
 زینون (میرزا -) رئیس بندر بوشهر : ج ۱ ص
 ۵۴۲ ، ج ۲ ص ۱۲۷۳ -
 زید : ج ۱ ص ۳۶ -
 زید بن ثابت الانصاری (صحابی) : ج ۱ ص
 ۱۵ ، ۲۲ ، ۴۶ ، ۵۱ ، ۷۴ -
 زید بن حارث بنی : ج ۱ ص ۱۲۲ -
 زید بن حارث : ج ۱ ص ۲۲ تا ۲۸ ، ۲۶ -
 زید بن الحصین کندی بغدادی ، ناج الدین (امام
 نحو و لغت) : ج ۱ ص ۲۳۱ -
 زید بن خالد الجهنی : ج ۱ ص ۹۳ -
 زید الخلیل (زید الخیر) : ج ۱ ص ۳۱ -
 زید بن شجره الزهراء : ج ۱ ص ۷۸ -
 زید (شریف مکه) : ج ۲ ص ۹۷۸ -
 زید بن صفه بن صوحان (از امیران سپاه
 علی ع در صفین) : ج ۱ ص ۵۵ ، ۶۲ -
 زید بن علی بن الحصین ع : ج ۱ ص ۱۲۰ تا
 ۱۲۲ ، ۱۳۲ -
 زید بن محمد بن زید علوی : ج ۱ ص ۲۲۳ -
 زیور ترکی : ج ۱ ص ۱۹۵ -
 زینب بنت جحش (زوجه رسول الله) : ج ۱
 ص ۲۲ ، ۲۹ -
 زینب (دختر حارث بن زوجه سلام بن مشکم) :
 ج ۱ ص ۲۶ -
 زینب خانم (دختر فتحعلشاه) : ج ۲ ص

۱۶۲۵ -
 زینب بنت خزیمه (زوجه رسول الله ص) :
 ج ۱ ص ۲۴ -
 زینب (دختر رسول الله ص) : ج ۱ ص ۲۷ -
 ۳۶ -
 زینب ، دختر سلطان بن علی (زینب بن علی
 صابر) : ج ۱ ص ۱۳۱ -
 زینبی (دهقان طولان) : ج ۱ ص ۲۵ -
 زینت السلطنه (زن ناصرالدین شاه) : ج ۲
 ص ۲۰۲۷ -
 زین الدین (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۷۲ -
 زین الدین جلی ماطی (شیخ -) : ج ۳ ص
 ۸۲۲ -
 زین الدین خوافی ابوبکر (شیخ -) : ج ۲ ص
 ۶۸۷ ، ۶۹۰ -
 زین الدین سلطان : ج ۱ ص ۷۶۸ -
 زین الدین شاملو : ج ۲ ص ۷۷۲ -
 زین الدین عبدالرحمن بن عبداللطیف
 شیخ صالح (امام زجاجه) : ج ۲ ص
 ۶۲۶ -
 زین الدین علی نایبادی (شیخ -) : ج ۳ ص
 ۶۵۸ -
 زین الدین علی شیرازی (شیخ -) : ج ۲ ص
 ۶۵۲ -
 زین الدین علی کجک بن بکتکین : ج ۱ ص
 ۲۸۷ ، ۲۹۰ ، ۲۹۶ -
 زین الدین عمر بلخستانی (قاضی -) : ج ۲
 ص ۶۳۶ -
 زین الدین فرج (وزیر ملک منصور) : ج ۱ ص
 ۴۳۲ -
 زین الدین محمد بن الککائی (علامه شیخ
 الاحلام -) : ج ۲ ص ۶۳۰ -
 زین الدین ناعمی : ج ۲ ص ۶۲۲ -
 زین الدین یوسف بن علی کوچک (صاحب
 اربل) : ج ۱ ص ۴۱۰ -
 زین العابدین ع (امام چهارم) : ج ۱ ص ۱۰۲ -
 زین العابدین (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۹ ، ج
 ۲ ص ۱۲۹۷ -
 زین العابدین (حاجی شیخ -) : ج ۳ ص
 ۲۱۲۷ -
 زین العابدین آشتی زانی (استاد -) : ج ۱
 ص ۵۲۰ ، ج ۲ ص ۲۱۱۵ -
 زین العابدین (میرزا -) از ارباب قلم و
 ستونان : ج ۲ ص ۱۲۲۲ ، ج ۳ ص

۲۱۲۱

زین‌العابدین (میرزا -) امام‌جمعه دار -
الخلافه: ج ۱ ص ۵۲۵؛ ج ۲ ص ۱۸۵۹ -
۲۰۹۵

زین‌العابدین بیگ صفوی: ج ۲ ص ۷۵۵ -
زین‌العابدین (میرزا -) از اجزای پست‌خانه:

ج ۳ ص ۲۱۲۱

زین‌العابدین تبریزی (میرزا -): ج ۳ ص
۱۷۱۲

زین‌العابدین (میرزا -) حافظ مهر: ج ۱
ص ۵۲۰؛ ج ۲ ص ۲۱۱۶ -

زین‌العابدین (میرزا -) حکیم حضور هابون:
ج ۱ ص ۵۲۶ -

زین‌العابدین خان: ج ۳ ص ۱۶۲۲ -
زین‌العابدین خان (حاجی -): ج ۲ ص
۱۶۹۶

زین‌العابدین خان اردبیلی (میرزا -):
سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۱؛ ج ۲ ص ۱۲۳۲ -
ج ۲ ص ۲۰۲۶ -

زین‌العابدین خان بیرانوند، سرهنگ: ج ۲
ص ۱۷۲۲ -

زین‌العابدین خان (نحوی‌لدار اصفهان): ج ۱
ص ۵۵۱ -

زین‌العابدین خان (حاکم کروس): ج ۲ ص
۱۸۲۲، ۱۸۲۲ -

زین‌العابدین خان سرتیپ (پسر حسام‌الملک):
ج ۳ ص ۲۱۱۹ -

زین‌العابدین خان (میر -) سرکرد غلام
نصرت: ج ۱ ص ۵۱۸؛ ج ۳ ص ۲۰۸۷ -

زین‌العابدین خان (سرکرد نرمانیری):
ج ۲ ص ۲۰۹۰ -

زین‌العابدین خان (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸؛
ج ۲ ص ۱۲۲۹، ۱۲۳۵؛ ج ۳ ص ۲۰۷۲،
۲۰۸۰ -

زین‌العابدین خان سرهنگ (پسر حسام‌الملک):
ج ۲ ص ۱۲۶۹ -

زین‌العابدین (میرزا -) خان (طبيب):
ج ۳ ص ۲۱۳۱ -

زین‌العابدین خان (ولد عیسی خان بیگلر
بگی): ج ۱ ص ۵۲۶ -

زین‌العابدین خان (برادرزاده فتح‌علی‌شاه):
ج ۲ ص ۱۶۲۵ -

زین‌العابدین خان (میرزا -) کاشانسی:

(طبيب): ج ۱ ص ۵۳۰؛ ج ۲ ص

۱۲۵۶؛ ج ۳ ص ۲۱۱۰ -
زین‌العابدین خان (مستشار و رئیس اسحاق
محاکمات): ج ۱ ص ۵۲۶ -

زین‌العابدین خان (میرزا -) مستوفی:
ج ۱ ص ۵۲۸؛ ج ۲ ص ۲۱۰۰ -

زین‌العابدین خان مشکینی: ج ۲ ص ۱۲۶۹ -
زین‌العابدین داروغه (حاجی میرزا -):
ج ۳ ص ۲۱۰۲ -

زین‌العابدین (میرزا -) (راهبر نویسنده):
ج ۳ ص ۲۱۰۰ -

زین‌العابدین (میرزا -) رئیس: ج ۱ ص ۵۲۱ -
زین‌العابدین (میرزا -) سرشنه‌دار: ج ۲
ص ۱۷۵۲ -

زین‌العابدین مراد (آقا -): ج ۱ ص ۵۵۲؛
ج ۲ ص ۲۱۱۲ -

زین‌العابدین (میرزا -) لشکرنویس (پسر
میرزا زکی‌ضیه‌الملک): ج ۱ ص ۵۰۵؛
ج ۲ ص ۱۹۱۷ -

زین‌العابدین (آخوند ملا -) مجتهد
گلپایگانی: ج ۳ ص ۱۹۳۲ -

زین‌العابدین (میرزا -) مستوفی: ج ۳ ص
۲۱۰۳ -

زین‌العابدین (میرزا -) مستوفی نظام: ج ۲
ص ۲۰۶۸ -

زین‌العابدین (حاجی میرزا -) منشی: ج ۱
ص ۵۲۹ -

زین‌العابدین (میرزا -) منشی اول سلاطین
انگلیس: ج ۲ ص ۲۱۰۸ -

زین‌العابدین (میرزا -) منشی تفرشی: ج ۲
ص ۲۱۰۱ -

زین‌العابدین (میرزا -) منشی اول سلاطین
انگلیس: ج ۲ ص ۲۱۰۸ -

زین‌العابدین (میرزا -) منشی دیوانخانه
عدلیه: ج ۲ ص ۱۲۵۵ -

زین‌العابدین میرزا، مهندس: ج ۲ ص ۱۲۷۷ -
زین‌العابدین (میرزا -) از ارباب قلم و لشکرنویسان:
ج ۲ ص ۲۰۶۹، ۲۰۶۸؛ ج ۳ ص ۲۰۶۹، ۲۰۶۸ -

زین‌العابدین (میرزا -) لشکرنویس: ج ۱ ص ۵۰۵؛
زین‌العابدین بیگ: ج ۲ ص ۸۵۵، ۹۱۸ -

زین‌العابدین بیگ اکراد: ج ۲ ص ۸۲۹ -
زین‌العابدین بیگ ذوالقدر، ولد ابراهیم: ج ۲ ص
۸۵۵ -

زین‌العابدین بیگ شاملو: ج ۲ ص ۹۱۸ -

زین‌خان: ج ۲ ص ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳ -

زین‌خان اینشیک‌قاسی: ج ۲ ص ۹۲۲ -
زین‌خان شاملو: ج ۲ ص ۷۵۹، ۹۰۵ -



زین‌خان (بازیرگر معروف): ج ۳ ص ۱۸۰۸ -
زین‌خان دیوبندی (شاعر): ج ۲ ص ۸۲۲ -

زین‌خان دوازدهم (پاپ): ج ۱ ص ۲۶۶ -
زین‌خان دوازدهم (حکیم طبیبی): ج ۳ ص
۱۲۲۱ -

زین‌خان (قاتل هانری سیم): ج ۳ ص ۸۸۸ -
زین‌خان (مدعی امپراطوری هانزی): ج ۳ ص ۱۲۷۲ -

زین‌خان (پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۸۹۹، ۹۲۱ -
زین‌خان چهارم: ج ۲ ص ۷۲۵، ۸۸۸ -

زین‌خان دوم (پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۹۹۱ -
زین‌خان (پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۹۹۸، ۱۰۰۲، ۱۰۰۶ -

زین‌خان سیم: ج ۲ ص ۱۰۰۶ -
زین‌خان ششم: ج ۲ ص ۸۹۸ -

زین‌خان (اولین ساعست‌ساز ایتالیائی):
ج ۲ ص ۶۳۲ -

زین‌خان (امپراطور حبشستان): ج ۳ ص ۲۱۵۱ -
زین‌خان (امپراطور قسطنطنیه): ج ۲ ص ۶۶۶ -

زین‌خان (پادشاه انگلیس): ج ۱ ص ۲۱۹ -
زین‌خان (پادشاه ماکس): ج ۲ ص ۱۷۷۵، ۱۹۵۰ -

زین‌خان (شاه فرانسه): ج ۲ ص ۶۳۸، ۶۳۹ -
زین‌خان پنجم (پادشاه نروغال): ج ۲ ص ۱۰۰۵ -

زین‌خان (پادشاه نروغال): ج ۲ ص ۱۱۲۹ -
زین‌خان چهارم (پادشاه نروغال): ج ۲ ص ۹۶۱ -

زین‌خان دالبر (ملکه ناور): ج ۲ ص ۸۹۸ -
زین‌خان (پسر دین کارلس): ج ۳ ص ۱۸۵۲ -

زین‌خان دوم (شاه پرتغال): ج ۲ ص ۷۲۹ -
زین‌خان سومی (سکی): ج ۲ ص ۹۸۶ -

زین‌خان سول ویرا: ج ۲ ص ۷۲۶ -
زین‌خان سیم (پادشاه سود): ج ۲ ص ۸۵۵ -

زین‌خان ششم (پادشاه نروغال): ج ۳ ص ۱۵۲، ۸ -
زین‌خان (ملکه هولاند): ج ۲ ص ۷۲۶، ۷۲۸ -

زین‌خان هشتم (پاپ): ج ۱ ص ۲۱۱ -
زین‌خان (پاپ): ج ۲ ص ۶۸۷، ۶۸۸ -

زین‌خان (پادشاه لهستان): ج ۲ ص
۹۵۳، ۹۸۱ -

زین‌خان (حجاز): ج ۲ ص ۸۵۹ -
زین‌خان (ملکه هولاند): ج ۲ ص ۷۲۶، ۷۲۸ -

زین‌خان (پاپ): ج ۱ ص ۲۱۱ -
زین‌خان (پاپ): ج ۲ ص ۶۸۷، ۶۸۸ -

ژانې گنا: ج ۲ ص ۷۲۲.

ژدی کر: ج ۲ ص ۸۵۵.

ژدازېکاتو: ج ۲ ص ۸۵۶.

ژدم بېنهارت: ج ۲ ص ۱۷۲۱.

ژدژان بوار: ج ۲ ص ۷۵۲.

ژدژ (پسر وليعهد دانمارک): ج ۲ ص ۱۸۵۵.

ژدژ (شاه هانوي): ج ۲ ص ۱۹۸۲، ۱۷۳۹.

ژدژ استلفان سن (مخترع لکتيو): ج ۲ ص

۱۵۲۸.

ژدژ اول (پادشاه انگليس): ج ۲ ص ۱۰۲۲.

ژدژ اول (پادشاه يونان): ج ۲ ص ۲۱۵۰.

۱۸۵۲، ۱۸۵۶، ۱۸۶۲، ۲۱۵۰.

ژدژ چهارم (پادشاه انگليس): ج ۲ ص ۱۵۴۹.

۱۶۰۴.

ژدژ دېم (پادشاه انگليس): ج ۲ ص ۱۰۲۲.

۱۱۶۱.

ژدژ سيم (پادشاه انگليس): ج ۲ ص ۱۱۶۱.

ج ۲ ص ۱۵۲۹، ۱۶۴۲.

ژدژ يازدهم (پادشاه گرجستان): ج ۲ ص

۱۲۵۶.

ژدژ لوی (والي هانوي): ج ۲ ص ۱۰۱۲.

ژدم: ج ۲ ص ۱۸۳۱.

ژدم بېنهارت (برادر ناپلئون): ج ۲ ص ۱۲۸۸.

ژده دوفينو باريس (رئيس جمهور گواتمالا):

ج ۱ ص ۵۶۵، ج ۲ ص ۲۱۵۲.

ژغوال = ژنرال: ج ۲ ص ۱۸۸۰.

ژغوسن (رئيس جمهوري اتالوني): ج ۲ ص

۱۲۶۲، ۱۵۷۷، ۱۸۲۸.

ژغوسندويس (امريکائي): ج ۲ ص ۱۸۷۱.

۱۸۸۲.

ژن آدلس (رئيس جمهور اتالوني): ج ۲ ص

۱۲۴۶.

ژنرال استوارد: ج ۲ ص ۲۰۱۲.

ژنرال اسکلېف (سردار روس): ج ۱ ص ۲۸۷.

۲۹۰، ج ۲ ص ۱۲۰۸، ج ۳ ص ۱۹۶۱.

۱۹۶۷، ۲۰۱۲، ۲۰۲۷، ۲۰۵۰.

ژنرال اشېک: ج ۲ ص ۱۷۲۱.

ژنرال اطوم: ج ۲ ص ۱۷۸۸.

ژنرال اکتانېف: ج ۲ ص ۱۸۲۶، ۱۹۳۱.

۱۹۶۹، ۱۹۸۹.

ژنرال الکساندر مارمارا: ج ۲ ص ۱۷۷۶.

ژنرال اوپينو: ج ۲ ص ۱۷۱۰.

ژنرال اوليېستا: ج ۲ ص ۱۷۲۲.

ژنرال بادون رازن: ج ۲ ص ۱۶۱۳.

ژنرال بازن: ج ۳ ص ۱۸۵۵، ۱۸۶۲.

ژنرال بد: ج ۲ ص ۱۸۰۸.

ژنرال بريدېچ: ج ۲ ص ۱۹۶۸.

ژنرال برگ: ج ۲ ص ۱۸۵۲، ۱۸۵۵.

ژنرال بروسلوف: ج ۲ ص ۱۷۷۲، ۱۷۷۲.

ژنرال بربېخ: ج ۲ ص ۲۰۱۲.

ژنرال بندک: ج ۲ ص ۱۲۰۲، ج ۳ ص ۲۰۲۶.

ژنرال بېرو: ج ۲ ص ۲۰۱۲.

ژنرال بوسکه: ج ۳ ص ۱۷۶۵، ۱۷۷۹.

ژنرال بولوف فرانسوي: ج ۳ ص ۱۹۱۲.

ژنرال بواد: ج ۲ ص ۱۹۷۰.

ژنرال بېرم: ج ۲ ص ۱۸۷۷، ۱۹۱۲.

ژنرال بېرين (اسپانيول): ج ۲ ص ۱۸۳۹.

۱۸۲۸، ۱۸۶۸.

ژنرال پلک: ج ۲ ص ۱۶۶۹.

ژنرال پليز: ج ۲ ص ۱۷۳۹.

ژنرال پلمسېر: ج ۳ ص ۱۷۷۸، ۱۷۷۹.

ژنرال پوگر: ج ۲ ص ۱۹۶۵.

ژنرال پېرس: ج ۲ ص ۱۷۶۵.

ژنرال پتليېن: ج ۲ ص ۱۹۸۹.

ژنرال تروشو: ج ۲ ص ۱۹۲۰.

ژنرال تريف: ج ۳ ص ۱۹۸۹.

ژنرال تيلور: ج ۳ ص ۱۷۰۲.

ژنرال چونايف: ج ۳ ص ۱۹۶۹.

ژنرال داوېست: ج ۲ ص ۱۲۷۴.

ژنرال دوانسوف: ج ۲ ص ۱۶۷۵.

ژنرال دغېون: ج ۲ ص ۱۶۹۷.

ژنرال دو (سردار فرانسه): ج ۳ ص ۱۸۸۳.

ژنرال رادسکي: ج ۳ ص ۱۷۹۸.

ژنرال رادويېدس: ج ۳ ص ۱۷۶۲.

ژنرال رادروېل: ج ۲ ص ۱۲۰۲، ج ۳ ص

۲۰۲۸.

ژنرال وارن (صاحب منصب روس): ج ۳ ص

۱۵۸۰، ۱۵۸۱.

ژنرال رامل: ج ۲ ص ۱۵۳۲.

ژنرال رېور: ج ۳ ص ۱۹۸۸، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹.

ژنرال روبرت (سردار قسئون انگليس در

افغانستان): ج ۱ ص ۲۸۷، ۲۸۸.

۲۹۱، ج ۳ ص ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۲۷.

ژنرال رولسټن: ج ۲ ص ۱۸۲۳.

ژنرال روزا: ج ۲ ص ۱۷۱۱.

ژنرال رېن: ج ۲ ص ۱۸۶۸، ۱۸۸۹، ۱۹۳۷.

ژنرال راکسن: ج ۲ ص ۱۵۲۳.

ژنرال ژورديان: ج ۲ ص ۱۲۷۲.

ژنرال ژونو (سردار فرانسه): ج ۲ ص ۱۲۸۸.

ژنرال سرويېه: ج ۲ ص ۱۲۷۲.

ژنرال سندويس (امريکائي): ج ۳ ص ۱۸۷۱.

ژنرال سوخوزانت: ج ۲ ص ۱۸۲۷.

ژنرال سولت: ج ۲ ص ۱۲۷۲.

ژنرال شارکانيه: ج ۲ ص ۱۷۲۰.

ژنرال شانزې: ج ۲ ص ۲۰۵۱.

ژنرال شان کارنيه: ج ۳ ص ۱۸۰۸، ۱۹۷۵.

ژنرال شرمان: ج ۲ ص ۱۸۸۲.

ژنرال شوالف: ج ۲ ص ۱۹۵۰.

ژنرال فرمر (سردار روس): ج ۲ ص ۱۱۶۰.

ژنرال فولي بکېن (حاکم بادکوبه): ج ۳ ص

۱۹۱۰.

ژنرال کالېس: ج ۲ ص ۱۸۸۰.

ژنرال کان: ج ۲ ص ۱۷۹۰.

ژنرال کاونياک: ج ۲ ص ۱۸۰۱.

ژنرال کوان: ج ۲ ص ۱۹۷۰.

ژنرال کھان: ج ۳ ص ۱۹۰۲، ۱۹۵۱، ۱۹۶۱.

۲۰۵۰، ۲۰۵۰.

ژنرال کھومان: ج ۲ ص ۱۷۷۲.

ژنرال کھېر: ج ۲ ص ۱۹۵۲.

ژنرال کورچاک: ج ۲ ص ۱۷۷۷، ۱۷۷۹.

ژنرال کورديوا: ج ۲ ص ۱۲۰۹.

ژنرال کورکوي: ج ۲ ص ۱۹۷۲.

ژنرال کوزا: ج ۲ ص ۱۹۵۹.

ژنرال کولي: ج ۲ ص ۲۰۲۷.

ژنرال کيتاز مليکوف: ج ۲ ص ۱۷۹۶.

ژنرال گران (امريکائي): ج ۲ ص ۱۸۲۶.

۱۸۸۲، ۱۹۰۲، ۱۹۲۵.

ژنرال گواند: ج ۲ ص ۱۸۶۲، ۱۸۷۱.

ژنرال لاطيت (فرانسوي): ج ۲ ص ۱۱۸۰.

ج ۲ ص ۱۶۰۲، ۱۶۲۱.

ژنرال لاموسير: ج ۲ ص ۱۸۲۸، ۱۸۲۹.

ژنرال لان: ج ۲ ص ۱۲۷۲.

ژنرال لېفېو: ج ۲ ص ۱۲۷۲.

ژنرال لېور: ج ۲ ص ۱۲۱۹.

ژنرال مانديوفل (سردار روسي): ج ۲ ص

۱۸۷۷.

ژنرال ماسنا (سردار فرانسه): ج ۲ ص ۱۲۳۱.

۱۲۲۰، ۲۲۲۲.

ژنرال مرقيه: ج ۲ ص ۱۲۷۴.

ژنرال مزيټزو: ج ۳ ص ۱۹۸۹.

ژنرال منت: ج ۲ ص ۱۸۲۶.

ژنرال منتيان: ج ۲ ص ۱۸۴۷.

ژنرال منخل: ج ۲ ص ۱۹۳۷.

ژنرال مراهېف: ج ۲ ص ۱۸۵۲، ۱۸۷۹.

ژنرال ملک (مامور دولت روس): ج ۲ ص

۱۸۸۹، ۱۸۶۸

ژنرال منک: ج ۲ ص ۹۶۶

ژنرال مبلکف لریس: ج ۳ ص ۲۰۱۲

ژنرال مبلوتین: ج ۲ ص ۱۲۰۲، ج ۳ ص ۲۰۲۸

ژنرال نویدکا: ج ۲ ص ۱۶۹۹

ژنرال نی: ج ۳ ص ۱۴۲۴

ژنرال والیان: ج ۳ ص ۱۷۱۰

ژنرال ویلسی: ج ۳ ص ۲۰۵۲

ژنرال ویلسی: ج ۳ ص ۱۹۵۱

ژن روسل: ج ۳ ص ۱۷۵۰

ژنی (آمریکائی): ج ۲ ص ۱۸۷۱

ژن سن (رئیس جمهور آمریکا): ج ۲ ص ۱۹۶۲

ژن مکان لدکینز: ج ۳ ص ۱۵۶۹، ۱۵۷۱

ژوآرد (رئیس جمهور مکزیک): ج ۳ ص ۱۸۲۸

۱۸۵۵، ۱۹۳۸، ۱۹۵۲

ژوآرس (رئیس جمهور مکزیک): ج ۳ ص ۱۸۳۹

۱۸۷۲

ژوآرس (رئیس جمهور مکزیک): ج ۳ ص ۱۹۰۲

ژوآرمونس: ج ۲ ص ۷۵۸

ژوان ویل: ج ۳ ص ۱۶۵۶

ژوری دوم، پسر ولادیمیر (پادشاه روس):

ج ۱ ص ۲۲۹

ژوری سیم (شاه روس): ج ۲ ص ۶۲۲

ژوزف (امپراطور اتریش): ج ۲ ص ۱۰۰۴

۱۰۰۹

ژوزف اول (پادشاه بوهیم): ج ۲ ص ۱۱۴۹

۱۱۸۰

ژوزف بناپارت (برادر ناپلیون، پادشاه

ناپل): ج ۳ ص ۱۴۸۴، ۱۴۹۲، ۱۴۹۷

۱۵۲۲

ژوزف دوم (امپراطور آلمان و اتریش): ج ۳

ص ۱۳۸۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵، ۱۴۰۵

۱۴۰۹، ۱۴۱۶

ژوزفین (همسر ناپلیون، امپراطریس فرانسه):

ج ۳ ص ۱۴۴۰، ۱۴۹۷، ۱۵۲۸

ژوسنین دوم (امپراطور قسطنطنیه): ج ۱

ص ۸۸، ۹۲، ۹۸، ۱۰۲

ژوستینیان قیصر: ج ۱ ص ۳۷۶

ژول دوم (پاپ): ج ۲ ص ۷۵۸

ژول سزار (قیصر روم): ج ۳ ص ۱۸۲۰

ژولفایور (وکیل مجلس فرانسه): ج ۳ ص ۱۹۰۲

ژول فری (وزیر اعظم فرانسه): ج ۱ ص

۵۶۲: ج ۳ ص ۲۰۵۱

ژول گری (رئیس جمهور فرانسه): ج ۱ ص ۵۶۳

ج ۳ ص ۲۰۰۲، ۲۱۵۰

ژیل بر (از شعری فرانسه): ج ۳ ص ۱۳۸۶

س

ساباط: ج ۱ ص ۲۲

سابانویان (از جلایر وجد قاجاریه): ج ۳

ص ۱۳۲۳، ۱۳۲۷

سابق قراقلیخان: ج ۲ ص ۹۶۸، ۱۰۰۱

سابق بن محمود بن شیل الدوله گلای (حاکم

حلب): ج ۱ ص ۳۳۷، ۳۳۸

سابق بن محمود بن نصر: ج ۱ ص ۲۹۸

سابق الدین، پسر سیف الدین احمد (صاحب

صهیون): ج ۲ ص ۵۹۰

سابق الدین عثمان بن الدایه: ج ۱ ص ۲۱۳

سایورین ابی طاهر القرمطی: ج ۱ ص ۲۷۱

ساردو قیماش: ج ۳ ص ۸۰۴

سارقمین عمرو: ج ۱ ص ۵۱

سارویبره قورچی: ج ۲ ص ۷۶۰

ساروخان: ج ۲ ص ۱۱۲۵

ساروخان (ریش سفید طایفه شاقی): ج ۲

ص ۱۲۵۴

ساروخان طالش: ج ۲ ص ۹۲۲

ساروخواجه: ج ۲ ص ۹۱۵

ساروقورخان: ج ۲ ص ۸۲۸، ج ۳ ص ۱۳۶۸

ساری اصلان (از جماعت زیر کمر): ج ۱

ص ۵۰۷، ۵۲۱: ج ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳

ص ۲۰۷۱، ۲۰۹۰

ساریه بن زینم الدثلی: ج ۱ ص ۵۲

ساسان میرزا بهاء الدوله (حاجی -): ج ۱

ص ۵۰۱

ساسان میرزا بهاء الدوله (امیرزاده) ولسد

بهاء الدوله: ج ۳ ص ۱۷۳۵، ۱۸۱۵

ساطورخان، سرهنگ و مترجم اول: ج ۱ ص ۵۲۵

ج ۳ ص ۲۱۰۲

ساعدا الدوله، حبیب اللهمخان تنگابنی (سرتهب

اول، حاکم استرآباد و گرگان): ج ۱

ص ۵۱۷: ج ۲ ص ۱۱۸۷، ۱۲۲۱

۱۳۰۰: ج ۳ ص ۱۸۵۷، ۲۰۲۳، ۲۰۴۲

۲۰۷۱، ۲۰۸۵، ۲۱۲۵

ساعدا الطک، میرزا عبدالرحیم خان وزیر مختار

ایران در پطرزبورگ): ج ۳ ص ۱۹۰۶

۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۹۴، ۲۱۰۴

ساقی بیگ (دختر سلطان محمد خدا بنده):

ج ۲ ص ۶۴۱

سالار (حسن خان): ج ۳ ص ۱۶۹۹، ۱۷۰۰

سالار لشکر حسنی خان سرهنگ گروسی: ج ۳

ص ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۲۰۸۳

سالار مهدی خان: ج ۳ ص ۱۷۵۹

سالار الله بلوچستانی: ج ۳ ص ۱۷۵۷

سالم بن ابی الجعد: ج ۱ ص ۱۰۴

سالم بن اخوز: ج ۱ ص ۱۲۴

سالم خان (حاکم برازجان): ج ۳ ص ۱۶۱۲

سالم بن راشد: ج ۱ ص ۲۳۹، ۲۵۰

سالم بن قاسم الحسینی (امیر مدینه): ج ۱

ص ۴۲۳

سالم بن مالک بن بکران بن المقتدر عقیلی:

ج ۱ ص ۲۵۶، ۲۶۸

سالن دکس (مهندس): ج ۲ ص ۹۲۱

سالمون (رئیس جمهور هائیتی): ج ۱ ص ۵۶۶

سام بن نصر الدین محمد، بهاء الدین بن

مسعود: ج ۱ ص ۴۲۴

سام بن نوح: ج ۳ ص ۱۳۲۴، ۱۳۴۱

سام خان ایلخانی ابن رضا قلی خان زعفرانلو،

شجاع الدوله: ج ۳ ص ۱۶۱۰، ۱۶۸۹

۱۶۹۴، ۱۷۰۶، ۱۷۴۴، ۱۷۹۳

۱۷۹۴

سام میرزا = شاه صفی: ج ۲ ص ۷۸۶، ۷۸۸

۷۹۰، ۹۲۲

سام میرزا نصیر الشیرازی (شاهزاده قاجار):

ج ۱ ص ۵۰۲: ج ۲ ص ۱۱۹۵، ۱۲۲۰

ج ۳ ص ۱۹۰۷، ۲۰۳۱، ۲۰۶۴

سام میرزا (مدعی پسر شاه سلطان حسین):

ج ۲ ص ۱۱۳۰، ۱۱۴۱

سامیات (پادشاه ارمن): ج ۱ ص ۲۵۶

سان تآنا: ج ۳ ص ۱۷۶۶

سانجو (وزیر اعظم ژاپن): ج ۱ ص ۵۶۴: ج ۳

ص ۲۱۵۰

سانز هفتم (پادشاه ناواریا): ج ۱ ص ۴۲۰

سان کولن: ج ۳ ص ۱۸۲۶

ساوتیکس (والی دمشق): ج ۱ ص ۳۴۸، ۳۴۹

سائب بن افرع: ج ۱ ص ۵۰

سائب بن یزید: ج ۱ ص ۹۲

سایل، آقاجانی (شاعر)

سایس احمد بن مظفر الطیخی، ابو حمیر (حاکم

صفطی): ج ۱ ص ۳۲۹

سپاهین السعد بن زیدج : ج ۲ ص ۲۲۹ .
 سپاسین (پادشاه پرتغال) : ج ۳ ص ۸۶۸ .
 سپاسین کامبو : ج ۲ ص ۷۳۵ .
 سبحانظی خان (پسرند محمدخان ، پادشاه
 ترکستان) : ج ۲ ص ۹۵۱ .
 سبحانظی خان : ج ۲ ص ۱۵۷۰ .
 سبحانظی خان اوزبک : ج ۲ ص ۹۹۱ .
 سبحانی استرآبادی : ج ۲ ص ۹۰۸ .
 سبزیلی بیگ (نوکر و قاتل محمدحسن خان
 قاجار) : ج ۳ ص ۱۱۵۶ ، ج ۳ ص ۱۳۶۲ ، ۱۳۷۵ .
 سبزیلی خان زند : ج ۲ ص ۱۱۶۳ .
 سبزیلی خان شامیانی : ج ۲ ص ۱۱۵۹ .
 سبزیلی کرد استرآبادی : ج ۲ ص ۱۱۵۹ .
 سبط ابن المصمی (از علمای طب) : ج ۲ ص
 ۶۹۲ .
 سبیری (سلطان زونج) : ج ۱ ص ۱۰۹ .
 سبکتکین : ج ۲ ص ۱۶۹۰ .
 سبکتکین ترکی : ج ۲ ص ۲۶۲ ، ۲۷۲ ، ۲۷۷ .
 ۲۸۷ .
 سبکتکین (غلام ابواسحاق بن البتکین) : ج ۱
 ص ۲۷۷ ، ۲۸۷ تا ۲۸۹ .
 سپهدار (حکمران کرمان) : ج ۲ ص ۱۷۸۷ .
 ۱۸۲۲ .
 سپهر ————— مصدق سبیر لسان الملک
 سپهسالار اعظم ، حاجی میرزا حسین خان
 مشیرالدوله : ج ۱ ص ۵۰۴ ، ج ۲ ص
 ۱۱۸۳ ، ۱۱۸۸ ، ج ۳ ص ۱۸۲۲ ، ۱۸۲۳ .
 ۱۸۹۳ ، ۱۸۹۴ ، ۱۹۲۶ ، ۱۹۴۰ .
 ۱۹۵۲ ، ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰ ، ۱۹۷۱ ، ۱۹۷۵ ، ۱۹۷۷ ، ۱۹۷۸ ، ۱۹۸۳ .
 ۱۹۸۲ ، ۱۹۹۶ ، ۲۰۰۲ ، ۲۰۰۹ .
 ۲۰۱۰ ، ۲۰۲۱ ، ۲۰۲۲ ، ۲۰۲۶ .
 ۲۰۳۰ ، ۲۰۳۳ .
 سپهسالار سعید : ج ۲ ص ۸۵۲ .
 سپهسالار ، میرزا محمدخان : ج ۳ ص ۱۸۶۵ تا
 ۱۸۶۷ ، ۱۸۷۳ ، ۱۸۸۶ .
 ستادیسکی (گاهن پیاد منظم) : ج ۱ ص ۵۳۷ .
 سجاج (دختر حارث بن غطفان التمیمیه) :
 ج ۱ ص ۳۳ .
 سدیدالدوله محمد بن عبدالکریم ، ابن انباری
 (کاتب) : ج ۱ ص ۳۹۳ .
 سراج الدین (امام —) مخفی مصر : ج ۲ ص
 ۶۶۸ .

سراج الدین قمری (شاعر) : ج ۳ ص ۶۲۸ .
 سراج الدین وراق (ادیب) : ج ۳ ص ۶۰۵ .
 سراج الملک ، چراغعلی خان : ج ۳ ص ۱۸۶۷ .
 سراج الملک ، میرزا رضاقلی خان آبروانی : ج ۲
 ص ۱۱۹۶ ، ج ۳ ص ۲۱۴۱ .
 سراقه بن عمرو (سردار فتح باب الابواب) :
 ج ۱ ص ۵۱ .
 سراقه بن مالک بن جشم الملحجی : ج ۱ ص
 ۵۳ .
 سرنای نهبان (پدر قاجارنهبان) : ج ۲ ص
 ۱۳۲۶ ، ۱۳۲۷ ، ۱۳۶۲ ، ۱۳۶۵ .
 سرجان مکیمل (وزیر مختار انگلیس) : ج ۲
 ص ۱۶۳۸ .
 سرجوف دیکنس : ج ۲ ص ۲۱۰۸ .
 سرخاب کرد : ج ۲ ص ۸۰۹ ، ۸۱۰ ، ۸۲۲ .
 ۸۲۳ .
 سرخاب بن محمد بن عنان : ج ۱ ص ۳۲۰ .
 سرخای بیگ : ج ۲ ص ۹۲۹ .
 سرخای خان لکری : ج ۲ ص ۹۵۶ ، ۱۱۱۳ .
 ج ۲ ص ۱۲۷۷ ، ۱۵۲۶ .
 سرخوش خان : ج ۲ ص ۱۶۴۵ .
 سردار دین ، محمدخان : ج ۳ ص ۱۷۲۷ .
 سردار (آقا —) ولد سپهدار : ج ۱ ص ۵۲۵ .
 سردار جان خان : ج ۳ ص ۱۷۵۹ .
 سردار سلطانظی خان مظفرالدوله : ج ۳ ص
 ۱۷۹۲ .
 سردار گل (عزیزخان) ————— عزیز خان
 سردار گل .
 سردار کهندل خان : ج ۲ ص ۸۷۶ ، ۱۷۹۲ .
 سوزن مکان لدکینز (وزیر مختار انگلیس) :
 ج ۳ ص ۱۵۸۰ .
 سرویس : ج ۱ ص ۲۵ .
 سرگز افندی : ج ۲ ص ۲۱۰۷ .
 سرکیش خان (میرزا —) از اجزای پستخانه :
 ج ۲ ص ۲۱۲۲ .
 سرگورازلی (سفیر انگلیس) : ج ۲ ص ۱۵۰۱ .
 ۱۵۰۲ ، ۱۵۰۹ ، ۱۵۱۸ ، ۱۵۱۹ .
 سروانتس (مؤلف کتاب دن کیشوت) : ج ۲
 ص ۸۹۹ ، ۹۱۳ .
 سروبیان (نبای پایزید بظامی) : ج ۱ ص
 ۲۰۹ .
 سروج : ج ۱ ص ۳۴۸ .
 سروجان خانم (دختر فتحعلشاه) : ج ۲

ص
 سرورخان (حاجی —) خواجه سرا : ج ۱ ص
 ۵۳۱ ، ج ۲ ص ۱۲۵۲ .
 سری الرضا (شاعر مولف) : ج ۱ ص ۲۷۲ .
 سری سقایی (زاهد عارف) : ج ۱ ص ۲۰۲ .
 ۲۳۰ .
 سری بن عبدالله بن حارث (حاکم بلمه و
 ۱۰۰) : ج ۱ ص ۱۲۲ .
 سری بن معاذ الشیبانی (والی ری) : ج ۱
 ص ۱۹۹ .
 سعادت خان برهان الملک : ج ۳ ص ۱۱۲۲ .
 سعادتظی خان : ج ۱ ص ۵۱۹ .
 سعادتظی خان (برادر آصف الدوله) : ج ۲
 ص ۱۶۰۲ .
 سعادتظی خان بغایرلو (حاکم جهان ارغیان) :
 ج ۲ ص ۱۵۲۵ ، ۱۵۴۹ .
 سعادتظی خان (سرکرد جماعت شکوهی) :
 ج ۱ ص ۵۲ ، ج ۳ ص ۲۰۸۹ .
 سعادتظی خان (از جماعت سبزواری) : ج ۳
 ص ۲۰۸۸ .
 سعدین ابی وقاص : ج ۱ ص ۲۹ ، ۳۰ ، ۴۰ .
 ۴۱ ، ۴۲ تا ۴۹ ، ۵۳ ، ۷۶ .
 ۷۹ .
 سعد تغتازانی (ملا —) : ج ۲ ص ۶۵۹ ، ۶۶۲ .
 سعدین حدیفه : ج ۱ ص ۷۷ .
 سعدین دکلا (اتابک ، حکمران فارس) : ج ۱
 ص ۴۳۷ .
 سعدین زیدالاشعری (صحابی) : ج ۱ ص ۲۸ .
 سعدین سعید : ج ۱ ص ۱۲۹ .
 سعدین عامرین حذیم الجمحی : ج ۱ ص ۴۹ .
 سعدین عباده الانصاری : ج ۱ ص ۴۱ .
 سعدین عمر بن سلیمان الزرقی : ج ۱ ص ۱۳۶ .
 سعدین مسعود (هم مختار ثقفی) : ج ۱ ص ۶۲ .
 ۶۴ .
 سعدین معاذ : ج ۱ ص ۲۵ .
 سعدالله خان : ج ۲ ص ۱۲۶۸ .
 سعدالله خان (داماد آذربایجان) : ج ۱ ص
 ۵۳۹ .
 سعدالله خان فدریسکی (میر —) : ج ۲ ص
 ۱۶۳۶ ، ۱۶۸۸ .
 سعدالله خان یوزباشی : ج ۲ ص ۲۱۱۷ .
 سعدالدوله (حاجی —) : ج ۲ ص ۲۰۷۲ .
 ۲۰۸۵ ، ۲۰۹۰ .

سعد الدوله بن سيف الدوله بن حمدان : ج ۱ ص ۲۷۰-۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۱، ۲۸۶.
 سعد الدوله يهودی : ج ۲ ص ۶۰۲.
 سعد الدين تفتازانی (علامه) : ——— تفتازانی.
 سعد الدين قنلخ خواجہ قزوینی : ج ۳ ص ۶۲۳.
 سعد الدين کاشغری : ج ۲ ص ۷۰۶.
 سعد الدين گشتکین (صاحب خطب) : ج ۱ ص ۴۰۴.
 سعدوقاس (میرزا) : ج ۲ ص ۶۷۶، ۶۷۹.
 سعدی شیرازی، شیخ سلجوقی : ج ۱ ص ۲۶۱، ۲۶۳، ج ۲ ص ۶۰۲.
 سعد (عموی ناصر الدوله بن حمدان) : ج ۱ ص ۲۲۳.
 سعد آقا سیواسی : ج ۲ ص ۱۵۵۱.
 سعید بن ابی سعید المقبری، کیان : ج ۱ ص ۱۲۲.
 سعید بن اسلم بن زرعہ الکلابی (والسی خراسان) : ج ۱ ص ۹۱، ۹۰.
 سعید الاکبر، جنابی : ج ۱ ص ۲۳۲.
 سعید بن یاس، ابو عمرو الشیبانی : ج ۱ ص ۱۰۳، ۱۰۲.
 سعید بن بدرالدین بن لؤلؤ (ملک -) صاحب موصل : ج ۲ ص ۵۸۱.
 سعید بیگ (رئیس طائفه درویش) : ج ۲ ص ۱۸۳۷.
 سعید بن یسار : ج ۱ ص ۱۱۷.
 سعید پاشا (وزیر اول عثمانی) : ج ۱ ص ۴۸۹، ۵۶۳، ج ۲ ص ۱۷۸۰، ۱۸۳۷، ۱۸۵۵، ۲۰۵۱، ۲۱۴۹.
 سعید بن جبیر : ج ۱ ص ۱۰۲.
 سعید بن جهان الاسلمی : ج ۱ ص ۱۳۷.
 سعید حرشی : ج ۱ ص ۱۱۴، ۱۵۱، ۱۵۵.
 سعید خان : دامغانی : ج ۳ ص ۱۳۶۸.
 سعید خان (میرزا -) مؤتمن الملک (وزیر امور خارجه) : ج ۱ ص ۲۷۵، ج ۲ ص ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۸، ۱۷۹۲، ۱۸۲۲، ۱۸۸۵، ۱۹۱۷، ۱۹۲۲، ۱۹۲۷، ۱۹۲۹، ۲۰۴۵، ۲۰۶۶.
 سعید بن دعلج (حاکم بحرین و بصره) : ج ۱ ص ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳.
 سعید بن زید (از عشره مبشره) : ج ۱ ص ۷۷.
 سعید (سلطان سلف) : ج ۳ ص ۱۷۹۱.

سعید بن سلم (حاکم جزیره) : ج ۱ ص ۱۶۲.
 سعید بن سلم باهلی (حاکم موصل) : ج ۱ ص ۱۵۸.
 سعید بن سنان الملک، هبائله السعدی (شاعر مصری) : ج ۱ ص ۴۲۸، ۴۲۸.
 سعید بن صالح (حاجب) : ج ۱ ص ۲۰۲.
 سعید بن عامر بن امیه (حاکم کوفه) : ج ۱ ص ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۷۵، ۷۸، ۸۰.
 سعید بن عبدالعزیز (والی خراسان) : ج ۱ ص ۱۰۸، ۱۰۹.
 سعید بن عبدالملک : ج ۱ ص ۱۱۰.
 سعید بن عثمان بن عفان (والی خراسان) : ج ۱ ص ۲۹.
 سعید الطما : ج ۳ ص ۱۶۹۵.
 سعید بن عمرو الحرشی (والی خراسان) : ج ۱ ص ۱۰۹، ۱۱۴.
 سعید بن قیس همدانی : ج ۱ ص ۶۲، ۶۳.
 سعید بن مسیب (محدث و فقیه) : ج ۱ ص ۱۰۲.
 سعید بن نجاش : ج ۱ ص ۳۲۹.
 سعید بن نصر الدوله، احمد بن مروان : ج ۱ ص ۳۲۷، ۳۳۰.
 سعید نفیسی : ج ۲ ص ۱۵۶۹، ج ۱ ص ۱۵۸۱.
 سعید حرشی (شاعر) : ج ۲ ص ۶۴۵.
 سعید بن هشام : ج ۱ ص ۱۱۴.
 سعید یحیی (معروف به: مطری) : ج ۱ ص ۱۲۳.
 سعید بن یزید بن عنکبه : ج ۱ ص ۷۸.
 سفاخ، ابوالعباس عبداللہ : ج ۱ ص ۱۶۶.
 سفزن یوس (کشیش بزرگ بیت المقدس) : ج ۱ ص ۴۸.
 سفیان ثوری : ج ۱ ص ۱۵۱.
 سفیان بن عمرو (از امیران سباه معاویه در صفین) : ج ۱ ص ۶۵.
 سفیان بن عوف ازدی (فرمانده لشکر) : ج ۱ ص ۶۹، ۷۵، ۷۶.
 سفیان بن عوف اسدی : ج ۱ ص ۷۷، ۷۵.
 سفیان بن معاویه (حاکم بصره) : ج ۱ ص ۱۳۸، ۱۴۱.
 سفلار (رئیس فعل) : ج ۱ ص ۳۸.
 سقان بن ارتق ترکمانی : ج ۱ ص ۳۳۲، ۳۳۸، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۵۷.
 سقان (سکان) (نظمی) (موسس ملوک خلافت) :

ج ۱ ص ۲۵۴، ۲۶۱.
 سقان بن نورالدین محمد بن فرارسلان .
 سقاب الدین : ج ۱ ص ۲۰۷، ۲۲۰.
 سکاکی (صاحب کتاب مفتاح) : ج ۱ ص ۲۲۲.
 سکنت بجم (پاپ) : ج ۳ ص ۸۷۵.
 سکان بن ابراهیم بن سکان : ج ۱ ص ۳۶۱.
 سکندر شاه (پسر سلطان محمد بن فیروز شاه) : ج ۲ ص ۶۶۱.
 سکندر، پسر علی عادل شاه : ج ۲ ص ۹۸۳.
 سگنده (بخت سید الشهدا ع) زوجة مصعب بن زبیر : ج ۱ ص ۸۹، ۱۱۷.
 سلاز موزیان (حاکم آذربایجان) : ج ۱ ص ۲۶۳، ۲۶۵.
 سلازین موسی همدانی : ج ۱ ص ۳۱۸.
 سلامان : ج ۱ ص ۳۰.
 سلام بن اسی مطیع : ج ۱ ص ۱۵۹.
 سلام بن مشکم یهودی : ج ۱ ص ۲۶.
 سلامش (ملک عادل) پسر ملک ظاهر : ج ۲ ص ۵۹۵.
 سلام الطولونی (حاجب المتقی للمعاصی) : ج ۱ ص ۲۵۳، ۲۵۹.
 سلجوق بن دقاق : ج ۱ ص ۳۱۳.
 سلجوق بن سلطان محمد (حکمران قازان) : ج ۱ ص ۳۷۲.
 سلجوق بن فراجا (اتابک سلجوق) : ج ۱ ص ۳۷۲.
 سلجوق بیگ (از احفاد افراسیاب ترک) : ج ۲ ص ۱۳۴۰، ۱۳۴۲.
 سلستین (پاپ) : ج ۱ ص ۴۱۷.
 سلطان ابراهیم : ج ۱ ص ۵۲۹، ج ۲ ص ۲۶۵.
 سلطان ابراهیم (حاکم شیراز) : ج ۲ ص ۶۸۰.
 سلطان ابراهیم حسین میرزا : ج ۲ ص ۷۳۵.
 سلطان ابراهیم خان (سلطان عثمانی) : ج ۲ ص ۹۴۲، ۹۴۹، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۹۲.
 سلطان ابراهیم شرقی : ج ۳ ص ۶۸۵.
 سلطان ابراهیم (صاحب هند) : ج ۲ ص ۷۷۲.
 سلطان ابراهیم (پسر موزاعلاء الدوله) : ج ۲ ص ۶۹۳.
 سلطان ابراهیم میرزا (پسر بهرام میرزا) : ج ۲ ص ۸۱۰، ۸۲۸، ۸۴۹.
 سلطان ابراهیم میرزا (زوزال آجودان حضور) : ج ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳ ص ۲۱۱۰.
 سلطان ابراهیم میرزا (پسر شامطهاسب) :

ج ۲ ص ۸۶۲

سلطان ابراهیم میرزا (پسر عمادالدوله) : ج ۲ ص ۱۱۹۹ ، ۱۲۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۳۳ ، ۲۰۶۳

سلطان ابراهیم میرزا (پسر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۱۵۰۶ ، ۱۶۲۲

سلطان ابوسعید (پسر میر محمد درویش) : داروغه هرات : ج ۲ ص ۶۸۸

سلطان احمد : ج ۲ ص ۸۰۲ ، ۸۹۹

سلطان احمد (پسر ابراهیم خان) : احمدیه کار : ج ۲ ص ۵۹۸ ، ۵۹۹

سلطان احمد ایلکانی : ج ۲ ص ۶۶۱ ، ۶۷۳

سلطان احمد حاکم بغداد : ج ۲ ص ۶۶۲

سلطان احمد خان : ج ۲ ص ۹۱۴

سلطان احمد خان اول (سلطان عثمانی) : ج ۳ ص ۱۳۶۸

سلطان احمد خان ثانی (سلطان عثمانی) : ج ۲ ص ۹۰۷ ، ۹۹۲ تا ۹۹۷

سلطان احمد خان (حاکم هرات) : ج ۲ ص ۱۸۹۲

سلطان احمد خان سیم (ثالث) : ج ۲ ص ۱۰۰۳ ، ۱۰۰۴ ، ۱۰۱۳ ، ۱۰۱۷

سلطان احمد خان (صاحب آقسو) : ج ۲ ص ۷۲۵

سلطان احمد خان (صاحب مغلستان) : ج ۲ ص ۷۳۷

سلطان احمد بن سلطان اویس : ج ۲ ص ۶۱۴ ، ۶۵۴ ، ۶۷۳

سلطان احمد شاه : ج ۲ ص ۸۹۰ ، ۷۷۴

سلطان احمد بن شاه شجاع : ج ۲ ص ۶۵۵

سلطان احمد (معروف به : مظفر گجراتی) : ج ۲ ص ۸۹۱

سلطان احمد میرزا ابن سلطان ابوسعید گورگانی : ج ۲ ص ۷۳۲

سلطان احمد میرزا عمادالدوله (پسر فتحعلی شاه) : ج ۱ ص ۵۰۱ : ج ۳ ص ۱۵۳۲ ، ۱۶۲۲ ، ۱۸۱۵ ، ۲۰۶۳

سلطان احمد میرزا ، پسر گیتیاب میرزا (نایب آجودانباشی) : ج ۲ ص ۱۲۳۰ : ج ۳ ص ۲۰۷۲ ، ۲۰۷۳

سلطان اسکندر بن بهلول لودی : ج ۲ ص ۷۶۰

سلطان اسکندر (گجراتی) : ج ۲ ص ۸۹۰

سلطان اویس بن ابداکوبرلاس : ج ۲ ص ۶۷۸

سلطان اویس بن شیخ حسن ایلکانی : ج ۲ ص ۶۲۰ ، ۶۲۶ تا ۶۲۹ ، ۶۷۳

سلطان اویس میرزا (حاکم همدان) : ج ۲ ص ۱۸۵۲ ، ۱۹۱۴

سلطان بایزید خان دوم : ج ۲ ص ۶۹۹

سلطان بهادر گجراتی (پادشاه گجرات) : ج ۲ ص ۷۲۸ ، ۷۲۹ ، ۷۳۱ ، ۷۳۲ ، ۷۳۵

سلطان بهلول لودی : ج ۲ ص ۷۳۱ ، ۷۳۹

سلطان بیگم (دختر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۵

سلطان پرویز بن جهانگیر : ج ۲ ص ۹۲۱

سلطان تغلقشاه بن علاءالدین مبارکشاه (از ملوک خلج) : ج ۲ ص ۶۶۴

سلطان جلال الدین خلج : ج ۲ ص ۶۰۵

سلطان جلال الدین میرزا (پسر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۲

سلطان حسین (امیرزاده) : ج ۲ ص ۶۶۹

سلطان حسین بن سلطان اویس ایلکانی : ج ۲ ص ۶۵۲ ، ۶۵۳ تا ۶۵۴ ، ۶۷۳ ، ۶۸۸

سلطان حسین (پسر سلطان محمود لنگه) : ج ۲ ص ۷۴۱ ، ۷۴۲

سلطان حسین بن شاه رستم : ج ۲ ص ۸۹۲

سلطان حسین شرقی : ج ۲ ص ۷۲۲ ، ۷۲۵

سلطان حسین میرزا (شاهزاده صفوی) : ج ۲ ص ۸۶۵

سلطان حسین میرزا بایقرا : ج ۲ ص ۷۱۷

سلطان حسین میرزا ، پسر بهرام میرزا (حاکم قندهار) : ج ۲ ص ۸۱۰ ، ۸۲۲ ، ۸۳۳

سلطان حسین میرزا جلال الدوله (حاکم اصفهان) : ج ۱ ص ۵۳۰ : ج ۳ ص ۱۸۲۲ ، ۱۹۴۰ ، ۱۹۷۸ ، ۲۱۱۰

سلطان حسین میرزا ابن سلطان غیاث الدین منصور بن بایقرا : ج ۲ ص ۷۱۱ ، ۷۰۹

سلطان حسین میرزا ، پسر گیتیاب میرزا (نایب آجودانباشی) : ج ۲ ص ۷۲۶ ، ۷۲۵ ، ۷۲۳ ، ۷۲۱

سلطان حسین میرزا (پسر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۷۳۱ ، ۷۳۲ ، ۷۳۳ ، ۷۳۴ ، ۷۳۵ ، ۷۳۶ ، ۷۳۷ ، ۷۳۸ ، ۷۳۹

ص ۱۶۲۲

سلطان حسین میرزا (مدیر عمارات دوشان تپه) : ج ۲ ص ۱۱۹۵

سلطان حسین میرزا (پسر نورالدوله) : ج ۱ ص ۵۲۶ : ج ۳ ص ۱۲۱۹

سلطان حمزه میرزا (پسر شاه طهماسب صفوی) : ج ۲ ص ۸۷۸ ، ۸۷۹ تا ۸۷۰ ، ۸۶۸

سلطان حمزه میرزا (پسر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۱۶۱۷ ، ۱۶۲۲ ، ۱۶۱۵

سلطان حمید میرزا ناصر الدوله (ولد نصرت الدوله) : ج ۱ ص ۵۰۱ : ج ۲ ص ۱۲۱۹

سلطان حیدر : ج ۳ ص ۸۶۲ ، ۸۶۳ ، ۸۶۴

سلطان خانم (دختر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۷

سلطان خلیل (حاکم سرحد) : ج ۲ ص ۶۷۱

سلطان خلیل بن حسن بیگ آق قویونلو : ج ۲ ص ۷۲۵

سلطان خلیل (پسر شیخ شاه بن فرخسار ، پادشاه شیروان) : ج ۲ ص ۷۷۱ ، ۷۸۹

سلطان الدوله ، ابو شجاع : ج ۱ ص ۲۹۸ ، ۳۰۰

سلطان ذوالقدر : ج ۲ ص ۸۰۵

سلطان زین العابدین (پسر شاه شجاع از آل مظفر) : ج ۲ ص ۶۵۰ ، ۶۵۱ ، ۶۵۵

سلطان سرور : ج ۱ ص ۱۱۵

سلطان سعید بن ابوسعید خان بن کوجم خان (حاکم سمرقند) : ج ۲ ص ۸۳۱ ، ۸۳۲

سلطان سکندر لودی : ج ۲ ص ۷۶۵

سلطان سلیم (پسر سلطان سلیمان عثمانی) : ج ۲ ص ۸۳۲ ، ۸۳۸

سلطان سلیم خان : ج ۲ ص ۷۵۸ ، ۷۵۹ ، ۷۶۱

سلطان سلیم خان دوم : ج ۲ ص ۸۴۵ ، ۸۵۲

سلطان سلیم خان سیم (سلطان عثمانی) : ج ۲ ص ۱۲۸۷ ، ۱۲۸۹ ، ۱۲۹۲

سلطان سلیم میرزا (پسر فتحعلی شاه) : ج ۱ ص ۵۰۱ : ج ۲ ص ۱۵۰۶ ، ۱۶۲۲

سلطان سلیمان خان (سلطان عثمانی) : ج ۲

۷۶۸ • ۷۷۰ • ۷۸۳ • ۷۸۶ • ۷۸۷
 ۷۹۷ • ۷۹۹ • ۸۰۴ تا ۸۰۷ • ۸۰۹
 ۸۱۹ • ۸۲۲ • ۸۲۵ • ۸۳۲ • ۸۳۷
 ۸۳۸ • ۸۴۲ • ۸۵۲ • ۹۱۷ ج ۳ ص
 ۱۳۶۲
 سلطان سلیمان خان ثالث: ج ۲ ص ۹۹۳
 ۹۹۴
 سلطان سلیمان بن سلطان حیدر: ج ۲ ص ۷۵۹
 ۸۴۶
 سلطان سلیمان شاه: ج ۲ ص ۸۱۲
 سلطان سنجربین ملکشاه سلجوقی: ج ۲ ص
 ۶۵۲ • ۷۲۶
 سلطان سید برکت بن سید (سلطان زنگبار):
 ج ۲ ص ۲۱۵۱
 سلطان سید مولا محمد (سلطان مرغش):
 ج ۲ ص ۱۹۰۲
 سلطان شاه بن ارسلان بن اتمش: ج ۱ ص ۲۱۲
 سلطان شاه بن رضوان: ج ۱ ص ۳۶۲
 سلطان شجاع (پسر شاه جهان): ج ۲ ص ۹۶۰
 سلطان شرف الدین اوغلی: ج ۲ ص ۷۷۶
 سلطان شهاب الدین کنشیری: ج ۲ ص ۶۴۲
 سلطان عبدالصمد خان (امیر طور عثمانی):
 ج ۲ ص ۱۱۷۶ • ۱۱۷۹ • ج ۳ ص ۱۹۶۴
 ۱۹۹۰ • ۲۰۲۰ • ۲۰۲۳ • ۲۱۴۹
 سلطان عبدالعزیز خان (سلطان عثمانی):
 ج ۲ ص ۱۲۰۲ • ج ۳ ص ۱۸۳۷ • ۱۸۴۰
 ۱۸۵۸ • ۱۸۹۰ • ۱۹۳۱ • ۱۹۶۸
 ۲۰۲۸
 سلطان عبداللطیف (پادشاه گجراتی): ج ۲
 ص ۸۹۰
 سلطان عبدالحمید خان عثمانی: ج ۳ ص ۱۶۵۲
 ۱۶۸۰ • ۱۸۳۷
 سلطان عثمان بیگ (حد سلاطین عثمانی):
 ج ۲ ص ۶۲۲
 سلطان عثمان بن عبدالحق مرینی (حکمران
 مغرب): ج ۲ ص ۷۳۰
 سلطان عثمان خان دوم: ج ۲ ص ۹۱۴
 سلطان عثمان خان ثالث (سیم): ج ۲ ص ۱۱۵۴
 ۱۱۵۸
 سلطان علاء الدین حسن شاه: ج ۲ ص ۷۷۴
 سلطان علاء الدین کبکباد (شاه دهلی):
 ج ۲ ص ۶۰۰
 سلطان الطما (خلیفه سلطان): ج ۲ ص ۹۵۷

سلطان الطما (آقا میرسید محمد)
 امام جمعه اصفهان
 سلطان علی بیگ چاکرلو (حاکم اردبیل):
 ج ۲ ص ۷۲۰
 سلطانعلی (پسر امیرزاده حسینعلی میرزا
 حاکم مرند): ج ۲ ص ۷۱۵
 سلطان علی خان: ج ۲ ص ۱۲۹۶ • ج ۳ ص
 ۲۱۴۲
 سلطان علی خان مظفرالدوله: ج ۳ ص ۱۷۸۶
 سلطانعلی (میرزا - پادشاه بخارا): ج ۲ ص
 ۷۳۶
 سلطان علی (از قناتیمو به): ج ۳ ص ۶۷۲
 سلطان علی (پسر سردار کهنل خان):
 ج ۳ ص ۱۷۵۶
 سلطانعلی مشهدی: ج ۲ ص ۷۵۹
 سلطانعلی میرزا (برادر بزرگ شاه اسماعیل):
 ج ۲ ص ۷۲۹ • ۷۳۸
 سلطان غازی (والی خوارزم): ج ۲ ص ۷۹۲
 ۷۹۳
 سلطان غیاث الدین بلبن (صاحب دهلی):
 ج ۲ ص ۵۹۹
 سلطان فرخ (پسر ملک ظاهر برلوق): ج ۲
 ص ۶۶۸
 سلطان فیاض مشغی: ج ۲ ص ۷۵۰
 سلطان فیروز شاه (نوه تغلقشاه): ج ۲ ص
 ۶۶۲
 سلطان فیروزشاه دهلی: ج ۲ ص ۶۳۲ • ۶۴۲
 ۶۵۶ • ۶۷۲
 سلطان قانباد: ج ۲ ص ۷۶۱ • ۷۶۲ • ۷۶۵
 سلطان قطب الدین (پادشاه گجراتی): ج ۲
 ص ۸۹۰
 سلطان قطب الدین (رای شهرو سالار لنکا -
 هانی): ج ۲ ص ۶۹۷
 سلطان قلی (امیرزاده): ج ۲ ص ۷۵۸
 سلطان قلی خان صفوی (مستشار اداره):
 ج ۲ ص ۱۲۵۲ • ج ۳ ص ۲۰۹۶
 سلطان مبارکشاه دهلی: ج ۲ ص ۶۸۵
 سلطان مجاهد شاه: ج ۲ ص ۷۷۴
 سلطان مجید میرزا (نایب آجودان بانی):
 ج ۲ ص ۱۲۲۹ • ج ۳ ص ۲۰۷۳
 سلطان محمد (صاحب دهلی): ج ۲ ص ۶۹۷
 سلطان محمد اول (پسر سلطان ایلدزم بایزید)

سلطان عثمانی: ج ۳ ص ۶۷۲ • ۶۷۵
 ۶۷۸ تا ۶۸۰ • ۶۸۲
 سلطان محمد بن میرزا بایسنقر: ج ۳ ص ۶۹۵
 سلطان محمدنقلشاه (شاه هندوستان): ج ۲
 ۶۲۳ • ۶۳۸ • ۸۹۰
 سلطان محمد جونہ (پسر مبارکشاه، صاحب
 دهلی): ج ۲ ص ۶۸۸
 سلطان محمدخان چهارم (رایج پادشاه
 عثمانی): ج ۲ ص ۹۵۳ • ۹۵۴ • ۹۵۹
 ۹۸۳ • ۹۸۸ • ۹۹۲ • ۹۹۵ • ۱۰۰۳
 ۱۰۱۳
 سلطان محمدخان سیم (سلطان عثمانی):
 ج ۲ ص ۸۹۳ • ۸۹۹
 سلطان محمدخداپنده (پسر شاه طهماسب):
 ج ۲ ص ۶۲۸ • ۶۴۱ • ۶۷۲ • ۸۳۰
 ۸۳۱ • ۸۵۱ • ۸۶۶ تا ۸۶۸ • ۸۷۶
 ۹۲۲
 سلطان محمد بن سلطان فیروز شاه دهلی:
 ج ۲ ص ۶۵۶ • ۶۵۸ • ۶۵۹ • ۶۶۱
 ۸۹۰
 سلطان محمد شاه (پادشاه گجراتی): ج ۲
 ص ۷۲۵ • ۸۹۰
 سلطان محمد بن شیخ شاه: ج ۲ ص ۷۹۲
 سلطان محمد صدقی استرآبادی: ج ۲ ص ۸۰۲
 سلطان محمد عادل (عدلی): ج ۲ ص ۸۲۱
 ۸۲۵
 سلطان محمد فاتح (ابن مراد خان دوم):
 ج ۲ ص ۶۸۷ • ۶۹۳ • ۶۹۷ • ۷۰۲
 ۷۰۴ • ۷۰۷ • ۷۰۹ • ۷۱۱ تا ۷۱۴
 ۷۲۱ • ۷۲۲ • ۷۲۵ • ۷۲۷
 سلطان محمد لشکری: ج ۲ ص ۷۵۷
 سلطان محمد مؤمن میرزا: ج ۲ ص ۷۳۵
 سلطان محمد مرزا: ج ۲ ص ۷۸۹
 سلطان محمد میرزا (آجودان حضور): ج ۲
 ص ۱۲۱۹ • ۱۲۲۷
 سلطان محمد میرزا سبب الدوله (حاجی):
 ج ۳ ص ۱۶۱۸ • ۱۶۲۰ • ۱۶۲۸ • ۲۰۷۱
 سلطان محمد میرزا (ابن شاه صفی) = شهاب
 عباسی ثانی: ج ۲ ص ۹۳۰
 سلطان محمد میرزا، پسر عضد الدوله (زیرال
 آجودان خاصه حضور): ج ۲ ص ۱۱۸۷
 ج ۲ ص ۲۰۲۴

سلطان محمد میرزا (پسر عمادالدوله) : ج ۲
 ص ۱۲۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۶۳
 سلطان محمد میرزا (نایب آجودا نباشی) :
 ج ۱ ص ۵۰۹
 سلطان محمود (والی گجرات) : ج ۲ ص ۷۹۷
 ۸۷۳
 سلطان محمود اعلان : ج ۲ ص ۶۸۶
 سلطان محمود بکری (والی بکر) : ج ۲ ص
 ۸۷۲
 سلطان محمود بکری (حاکم بکری) : ج ۲
 ص ۸۷۵
 سلطان محمود بکر گجراتی (حاکم گجرات) :
 ج ۲ ص ۷۵۶ ۷۰۹
 سلطان محمود (پادشاه گجراتی) : ج ۲ ص
 ۸۹۰
 سلطان محمود خان : ج ۲ ص ۶۲۹
 سلطان محمود خان : ج ۲ ص ۱۱۳۹
 سلطان محمود خان اول : ج ۲ ص ۱۰۲۸
 ۱۱۵۲
 سلطان محمود خان (سلطان عثمانی) : ج ۲
 ص ۱۰۲۷ ۱۱۳۳ : ج ۳ ص ۱۵۳۷
 ۱۵۲۲ ۱۵۵۶ ۱۵۶۰ ۱۶۰۹
 ۱۶۲۲ ۱۶۲۳ ۱۶۵۲
 سلطان محمود خان (پسر سیورغتمش خان) :
 ج ۲ ص ۶۵۸
 سلطان محمود خان (صاحب منولستان) : ج
 ۲ ص ۷۵۰
 سلطان محمود خان بن یونس خان (حکمران
 منولستان) : ج ۲ ص ۷۳۰
 سلطان محمود خلجی : ج ۲ ص ۷۱۱ ۶۹۰
 ۷۸۲ ۷۱۹
 سلطان محمود دهلوی : ج ۲ ص ۶۶۳
 ۶۶۲ ۶۷۲
 سلطان محمود شاه : ج ۲ ص ۷۷۵
 سلطان محمود شرقی چونیوری : ج ۲ ص
 ۷۰۳
 سلطان محمود (صاحب بنگاله) : ج ۲ ص
 ۷۹۱ ۷۲۲
 سلطان محمود غزنوی : ج ۲ ص ۱۳۲۸
 ۱۳۳۸
 سلطان محمود میرزا : ج ۲ ص ۱۲۲۰ : ج ۳
 ص ۲۰۶۲
 سلطان محمود میرزا (پسر بهمن میرزا) : ج

۳ ص ۲۰۷۱
 سلطان محمود میرزا (پادشاه ماوراء النهر) :
 ج ۲ ص ۷۳۳
 سلطان محمود میرزا جلال الدوله (پسر
 ظل السلطان) : ج ۲ ص ۱۲۱۸ : ج
 ۳ ص ۱۹۱۶ ۲۰۶۲
 سلطان محمود میرزا (سلطان محمود
 غازي) : ج ۲ ص ۷۱۷ ۷۱۱ ۷۰۹
 ۷۲۳ ۷۱۷
 سلطان محمود میرزا (ولیعهد اول ناصر-
 الدین شاه) : ج ۲ ص ۱۷۰۱
 سلطان مراد : ج ۲ ص ۷۲۲
 سلطان مراد آق قویونلو : ج ۲ ص ۷۳۷
 سلطان مراد بخش (پسر شاه جهان) : ج ۲
 ص ۹۵۰
 سلطان مولد (حاکم حبله رود) : ج ۲ ص
 ۸۸۱
 سلطان مراد خان (سلطان عثمانی) : ج ۲
 ص ۸۶۸ ۹۲۷ ۹۳۱ ۹۳۸ ۹۳۶
 ۹۹۳
 سلطان مراد خان پنجم : ج ۳ ص ۱۹۶۹
 سلطان مراد خان چهارم (زابع) : ج ۲ ص
 ۹۱۹ ۹۳۱ ۹۳۲ ۹۳۳ ۹۳۴ ۹۳۵ ۹۳۶ ۹۳۷ ۹۳۸ ۹۳۹
 ۹۱۳۹ ۹۱۴۰
 سلطان مراد خان دویم (سلطان عثمانی) :
 ج ۲ ص ۶۸۲ ۶۸۳ ۶۸۸ ۶۹۰ تا
 ۶۹۲ ۶۹۳ ۶۹۴ ۶۹۵ ۶۹۶ ۶۹۷ ۶۹۸ ۶۹۹ ۷۰۰ ۷۰۱ ۷۰۲
 سلطان مراد خان سیم (سلطان عثمانی) :
 ج ۲ ص ۸۶۱ ۸۶۲ ۸۶۳
 سلطان مراد خان عثمانی : ج ۲ ص ۶۴۶
 سلطان مراد غازي، پسر اورخان (عثمانی) :
 ج ۲ ص ۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳ ۶۵۴ ۶۵۵ ۶۵۶ تا
 ۶۵۹
 سلطان مراد میرزا : ج ۳ ص ۱۶۲۰ ۱۶۲۶
 سلطان مراد میرزا (حاجی حمام السلطنه) :
 ج ۱ ص ۵۰۱ : ج ۳ ص ۱۶۱۷
 ۱۶۳۹
 سلطان مراد بن یعقوب بیگ : ج ۲ ص
 ۷۳۶ ۷۳۳ ۷۳۴
 سلطان مرتضی (پسر شاه سلیمان) : ج ۲
 ص ۹۶۵
 سلطان محمود : ج ۱ ص ۳۶۹ ۳۷۰
 سلطان محمود میرزا پسرین الدوله (فلسل

السلطان) : ج ۲ ص ۱۸۳۳
 سلطان مصطفی خان (امیراطور عثمانی) :
 ج ۲ ص ۹۱۸ ۹۱۹
 سلطان مصطفی خان ثانی (درویش) : ج ۲
 ص ۹۹۵ ۹۹۷ ۱۰۰۰ ۱۰۰۳
 سلطان مصطفی خان ثالث (سوم) سلطان
 عثمانی : ج ۲ ص ۱۱۵۸ ۱۱۷۶
 سلطان مصطفی میرزا : ج ۳ ص ۸۶۳
 سلطان مصطفی میرزا (پسر فاضلی شاه) :
 ج ۳ ص ۱۶۲۴
 سلطان مظفر (پادشاه گجراتی) : ج ۲ ص
 ۷۵۶ ۸۹۰
 سلطان متهم بن سلطان زین العابدین : ج
 ۲ ص ۶۶۰
 سلطان ملا حسن (سلطان مارلی) : ج ۲ ص
 ۲۱۵۱
 سلطان ملک صالح احمد بن ملک محمد بن
 قلاوون (سلطان مصر) : ج ۲ ص
 ۶۳۳
 سلطان ملک مظفر (امیر حاج - ابن
 ملک ناصر بن قلاوون) : ج ۲ ص ۶۳۵
 سلطان ملک ناصر حسن (برادر مسسلک
 مظفر) : ج ۲ ص ۶۳۵
 سلطان میرزا سیف الدوله : ج ۲ ص ۱۶۲۲
 سلطان ناصر احمد بن ملک ناصر : ج ۳
 ص ۶۳۳ ۶۳۲
 سلطان نظام شاه : ج ۲ ص ۷۷۵
 سلطان همایون شاه : ج ۲ ص ۷۷۵
 سلطان هوتنگ شاه : ج ۲ ص ۶۶۹
 سلطانیه — رضا قلی نوالی، منشی
 الممالک
 سلطان شاه بن تورانشاه : ج ۲ ص ۷۲۸
 سلم بن زیاد (والی خراسان) : ج ۱ ص
 ۸۲ ۸۶
 سلم بن قتیبه (حاکم بصره) : ج ۱ ص
 ۱۲۲
 سلمان (میرزا -) وزیر شاهزاده سلطان
 حمزه : ج ۲ ص ۸۶۵ ۸۶۹ تا ۸۷۱
 ۸۷۶
 سلمان خان استاجلو : ج ۲ ص ۹۱۵
 سلمان بن ربیع الباطنی : ج ۱ ص ۵۱
 ۵۲
 سلمان ساوجی : ج ۲ ص ۶۵۰ ۶۷۳

سلطان فارسی: ج ۱ ص ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۶۴.
 سلمه بن رجا (حاکم مصر): ج ۱ ص ۱۵۲.
 سلمین سلمه بن واثق الانصاری: ج ۱ ص ۲۳.
 سلمه بن سهیل: ج ۱ ص ۱۲۱.
 سلمه بن قیس الاشجعی: ج ۱ ص ۵۲.
 سلمه بن محمد بن عبدالله الطائی: ج ۱ ص ۱۳۱.
 السطی — ابو عبدالله...
 سلمی بن القین: ج ۱ ص ۳۷.
 سلمی (زوجه منی بن حارثه): ج ۱ ص ۴۰.
 سلوک: ج ۳ ص ۱۶۹۸.
 سلیم (میرزا) — سر رشته دار کل (از ارباب قلم): ج ۳ ص ۲۱۳۲.
 سلیم پاشا (والی اخسته): ج ۲ ص ۱۵۰۵.
 سلیم پاشا (والی ارمینیه): ج ۳ ص ۱۵۲۸، ۱۵۴۹.
 سلیم خان: ج ۳ ص ۱۲۸۲، ۱۲۳۰.
 سلیم خان ذوالقدر: ج ۲ ص ۹۲۸.
 سلیم خان (میرزا) — سر رشته دار: ج ۱ ص ۵۲۷.
 سلیم خان شکی: ج ۳ ص ۱۲۸۲.
 سلیم خان شمس الدین لو: ج ۳ ص ۹۳۲.
 سلیم راضی (ماحب کتاب تغریب): ج ۱ ص ۲۷۶.
 سلیم شاه بن شیر خان افغان: ج ۲ ص ۸۲۳، ۸۲۴.
 سلیمان آقا (حاکم بصره): ج ۳ ص ۱۱۷۹.
 سلیمان آقا (نایب ایشک آقاسی باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶.
 سلیمان (نسی ع): ج ۳ ص ۱۳۴۵.
 سلیمان (میرزا) — (ج ۲ ص ۸۷۲، ۸۷۸).
 سلیمان: ج ۱ ص ۲۷۲.
 سلیمان آقا (از جماعت چولاسی): ج ۱ ص ۵۱۹، ج ۳ ص ۲۰۸۹.
 سلیمان بن ابی جعفر منصور: ج ۱ ص ۱۵۷.
 سلیمان بن ابی السری: ج ۱ ص ۱۰۹.
 سلیمان بن اندق: ج ۱ ص ۱۱۹.
 سلیمان افندی (سفیر سلطان محمود عثمانی): ج ۲ ص ۱۵۴۲.
 سلیمان بن ایلتازی بن ارتق: ج ۱ ص ۳۶۷.
 سلیمان پاشا: ج ۲ ص ۱۰۲۶.

سلیمان بابان (حاکم کردستان): ج ۲ ص ۹۸۷ تا ۹۸۹.
 سلیمان بنی کتب (تبع) — ج ۲ ص ۱۱۶۶.
 سلیمان بیگ ذوالقدر: ج ۲ ص ۷۶۱، ۷۶۲.
 سلیمان بیگ کرد: ج ۲ ص ۸۰۹.
 سلیمان پاشا: ج ۲ ص ۷۲۵، ۷۹۴.
 سلیمان پاشا (سردار): ج ۲ ص ۱۹۲۳، ۱۹۷۲.
 سلیمان پاشا کبیا: ج ۳ ص ۱۲۸۲، ۱۲۸۵.
 سلیمان پاشا (مأمور دولت عثمانی): ج ۲ ص ۱۱۸۷، ج ۳ ص ۲۰۲۳، ۲۰۲۴.
 سلیمان پاشا (والی بفسداد): ج ۲ ص ۱۲۱۶، ۱۲۲۱، ۱۲۲۹، ۱۲۵۰.
 سلیمان پاشا (۱۲۶۵، ۱۲۷۸، ۱۲۹۰، ۱۲۹۸): ج ۱ ص ۱۵۳۷، ۱۵۰۱.
 سلیمان پادشاه بن سلطان اموی: ج ۲ ص ۸۶۷.
 سلیمان چلبی: ج ۲ ص ۸۰۴.
 سلیمان (میرزا) — حاکم بدخشان: ج ۲ ص ۷۷۵، ۸۰۵.
 سلیمان بن حسن (وزیر الراعی): ج ۱ ص ۲۵۳.
 سلیمان بن حسین (وزیر المقدر): ج ۱ ص ۲۲۳، ۲۲۴.
 سلیمان بن حکم، المستعین بالله (شاه اسماعیل): ج ۱ ص ۲۹۵.
 سلیمان بن حکیم عیدی: ج ۱ ص ۱۲۵.
 سلیمان خان: ج ۱ ص ۵۲۵.
 سلیمان خان ارمنی: ج ۳ ص ۱۶۵۷.
 سلیمان خان افشار قاسمی: ج ۳ ص ۱۶۱۸، ۱۶۲۲، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۶.
 سلیمان خان امیر توطان گیلان: ج ۲ ص ۱۶۵۱.
 سلیمان خان امیر کبیر اعتقاد الدوله: ج ۳ ص ۱۳۲۸، ۱۵۲۴.
 سلیمان خان بن ایلدزم بایزید خان: ج ۲ ص ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۵.
 سلیمان خان (از اولاد بیگوبیگی): ج ۱ ص ۵۲۶.
 سلیمان خان تبریزی (حاجی) — ج ۳ ص ۱۲۳۷.

سلیمان خان (پسر حاجب الدوله): ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۵۱، ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 سلیمان خان (حاکم بظام): ج ۳ ص ۱۶۸۲، ۱۶۸۵.
 سلیمان خان (حاکم پاشا جق): ج ۲ ص ۱۲۹۸.
 سلیمان خان (حاکم کردستان): ج ۲ ص ۹۵۹.
 سلیمان خان (حاکم مشهد): ج ۲ ص ۸۷۲.
 سلیمان خان خدابندطو: ج ۲ ص ۱۲۲۷.
 سلیمان خان (پسر خدا داد خان): ج ۲ ص ۱۲۷۸.
 سلیمان خان خرقانی (بایر سوم): ج ۲ ص ۱۲۳۲.
 سلیمان خان دره جزی: ج ۲ ص ۱۶۸۶.
 سلیمان خان دنبلی: ج ۲ ص ۱۶۷۷، ۱۷۱۲، ۱۷۰۶.
 سلیمان خان، سرتیب اول افشار (حاکم استرآباد): ج ۲ ص ۱۹۴۰، ۱۹۵۰، ۲۰۹۴.
 سلیمان خان (سرتیب عرب بظام): ج ۲ ص ۱۶۵۸، ۲۰۸۵.
 سلیمان خان (سردار سلطان سلیمان خان عثمانی): ج ۲ ص ۷۹۴.
 سلیمان خان (از سرکردگان غلامنصرت): ج ۱ ص ۵۱۸، ج ۳ ص ۲۰۸۷.
 سلیمان خان سرهنگ، پسر حکیم دادخان (مهندس): ج ۱ ص ۵۱۶، ج ۲ ص ۱۲۷۷، ج ۳ ص ۱۶۰۶، ۲۰۷۳.
 سلیمان خان (از سرهنگان خارج از قوچ): ج ۲ ص ۱۲۴۹.
 سلیمان خان سهام الدوله: ج ۳ ص ۱۷۳۳.
 سلیمان خان (میرزا) — شاز در ایران در فوانه: ج ۳ ص ۱۸۸۸.
 سلیمان خان صاحب اختیار (امیرالاسراء العظام): ج ۱ ص ۵۰۷، ج ۲ ص ۱۹۱۲، ۲۰۷۱، ۲۱۳۶.
 سلیمان خان قاجار قواطر (اعتقاد الدوله): ج ۲ ص ۱۱۶۵، ج ۳ ص ۱۳۶۰.

۱۳۷۸، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۹۹
 ۱۴۰۰، ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵، ۱۴۰۷
 ۱۴۱۰، ۱۴۱۳، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱
 ۱۴۳۸، ۱۴۴۶، ۱۴۹۳، ۱۷۳۶
 سلیمان خان قتلوی افشار: ج ۲ ص ۱۱۲۹، ۱۱۵۰
 سلیمان خان قره‌کوی: ج ۲ ص ۱۱۵۰
 سلیمان خان (کارگذار خارجه، کردستان): ج ۲ ص ۲۱۰۵
 سلیمان خان (میرزا - کارپرداز هندوستان بمبئی): ج ۲ ص ۲۱۰۶
 سلیمان خان گرسیری: ج ۲ ص ۱۲۴۰
 سلیمان خان گیلانی: ج ۳ ص ۱۶۰۷
 سلیمان خان (میرزا -) مستشار سفارت پاریس: ج ۳ ص ۱۸۶۶
 سلیمان خان مقدم (بازر اول): ج ۳ ص ۲۰۷۷
 سلیمان خان (میرزا -) منشی پساچی (نایب الحکومه، اصفهان): ج ۲ ص ۱۲۹۷، ج ۳ ص ۲۱۲۱
 سلیمان خان (میرزا -) پسر موتمن الملک: ج ۲ ص ۱۸۱۲
 سلیمان (میرزا -) خان (نایب اول وزارت امور خارجه): ج ۱ ص ۵۳۱
 ج ۲ ص ۱۲۵۸
 سلیمان خان (نایب ایشیک آقاسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶
 سلیمان خان (از نواد هلاکوخان): ج ۲ ص ۶۴۱
 سلیمان خلیفه: ج ۲ ص ۸۷۷
 سلیمان بن خلیل عسقلانی: ج ۲ ص ۵۸۴
 سلیمان بن داود الطیالسی: ج ۱ ص ۱۷۸
 سلیمان (آ -) ده باشی خلوت: ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱
 سلیمان بن زولای: ج ۱ ص ۲۸۹
 سلیمان بن سعد ... ابن ایوب: ج ۱ ص ۴۲۱
 سلیمان (برادر سلطان بایزید خان امراطور عثمانی): ج ۲ ص ۹۳۲
 سلیمان شاه بن سلطان محمد سلجوقی: ج ۱ ص ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰
 سلیمان شکوه: ج ۲ ص ۱۶۰
 سلیمان (صاحب یمن): ج ۱ ص ۴۳۰

سلیمان (حاجی -) صباغی کاشانی (شاعر): ج ۲ ص ۱۴۱۶، ۱۴۲۱
 سلیمان بن مرد الخزازعی (امیر سیاه‌علی (ع)): ج ۱ ص ۸۱۰۶۲، ۸۶۰
 سلیمان مغوی (شاه -): ج ۲ ص ۱۰۷۳، ۱۰۷۳
 ج ۳ ص ۱۲۵۸
 سلیمان بن طرخان تمیمی: ج ۱ ص ۱۳۵
 سلیمان بن عبدالله البکائی: ج ۱ ص ۱۵۵
 سلیمان بن عبدالله بن ظاهر (والی یمننام): ج ۱ ص ۲۰۵
 سلیمان بن عبدالجبار (حاکم حلب): ج ۱ ص ۳۶۷
 سلیمان بن عبدالرحمن اموی: ج ۱ ص ۱۵۹
 ۱۶۰، ۱۶۳
 سلیمان بن عبدالملک بن مروان (خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۱۰۳ تا ۱۰۶
 سلیمان بن عذرا (از آل افضل): ج ۲ ص ۷۲۲
 سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس (عم صفاح): ج ۱ ص ۱۳۲، ۱۳۳
 ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸
 سلیمانطی (میرزا -) متوفی: ج ۲ ص ۱۲۹۵، ج ۳ ص ۲۱۲۰
 سلیمان (آ -) فراشی خلوت: ج ۱ ص ۵۳۰
 سلیمان بن قتلش سلجوقی (ملک اوتیه): ج ۱ ص ۳۲۵، ۳۲۹ تا ۳۳۱
 سلیمان قلی خان (سرهنگ مهندسی): ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۷۷
 سلیمان بن کثیر: ج ۱ ص ۱۲۰، ۱۲۳
 ۱۳۳
 سلیمان کرانی: ج ۲ ص ۸۵۳، ۸۶۰
 سلیمان (میرزا -) مشرف (صاحب منصب فوج): ج ۳ ص ۲۱۳۲
 سلیمان بن مهران (اصنی تابعی): ج ۱ ص ۱۲۲
 سلیمان بن مهنا (امیر عرب): ج ۳ ص ۶۳۲
 سلیمان میرزا (سرئیب سوم): ج ۱ ص ۵۰۷، ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۳ ص ۱۵۰۴
 ۲۰۷۱
 سلیمان میرزا (حاجی -) شجاع الدوله: ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۲۰۶۴

سلیمان میرزا حفوی: ج ۲ ص ۸۶۳
 سلیمان میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۳ ص ۱۶۳۲، ۱۵۰۳
 سلیمان بن نصر الدوله (حاکم جزیره): ج ۱ ص ۳۲۲
 سلیمان بن وهب (وزیر المتمدن): ج ۱ ص ۲۰۹
 سلیمان بن هشام بن عبدالطک: ج ۱ ص ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۳
 ۱۲۵ تا ۱۲۷، ۱۳۲
 سلیمان بن یسار: (از فلهای سیمه مدینه): ج ۱ ص ۱۱۱
 سحاک بن حرب: ج ۱ ص ۱۲۴
 سحاک بن غرثه الانصاری: ج ۱ ص ۵۱
 سعاد الدوله، ابوالحسن بن شمس الدوله (از آل بویه): ج ۱ ص ۳۰۴
 سمره بن جندب: ج ۱ ص ۸۰
 سمرانی - عبدالکریم ... سمرانی، سننور: ج ۱ ص ۱۱۹
 سموت (پسر هلاکوخان مغول): ج ۲ ص ۵۲۹
 سنان (رئیس اسماعیلیه): ج ۱ ص ۴۰۲
 سنان (قاتل حسین بن علی (ع)): ج ۱ ص ۸۳
 سنان بیک: ج ۲ ص ۸۳۷
 سنان پاشا: ج ۲ ص ۶۸۸، ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۸۷، ۸۵۶
 سنان بن ثابت الطائی (طبيب، صاحب التاريخ): ج ۱ ص ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۷۶
 سنان الجهنی الانصاری: ج ۱ ص ۲۵
 سنائی (حکیم و شاعر): ج ۱ ص ۴۰۴
 سنیاد مجهول: ج ۱ ص ۱۳۷
 سنت بارگشی: ج ۲ ص ۸۵۸، ۸۵۹
 سنت بومی فاس (از ائمه عیسوی در مملکت ژرمن): ج ۱ ص ۱۳۸
 سنت لوی (پادشاه فرانسه): ج ۱ ص ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۷، ج ۳ ص ۵۸۹
 ۵۹۰
 سنجر طمی (امیر علم الدین) سلطان دمشق: ج ۲ ص ۵۸۱، ۵۸۲
 سنجر بن ملکشاه (سلطان -): ج ۱ ص ۳۳۰، ۳۳۸، ۳۵۰، ۳۵۲ تا ۳۵۲
 ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۹
 ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۶ تا ۳۷۹، ۳۸۶

- شهر شاه بن سید الدین قازی رنگی :
 ج ۱ ص ۲۰۲، ۲۲۶.
 شهر میرزا (شهر گورگ کرمانشاهان) :
 ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 سندیمن زیاد بن ابی کبشه : ج ۱ ص ۱۲۵.
 سندی بن شاهک : ج ۱ ص ۱۶۵.
 سنطردرمونیک (موسی صحت چاپ) :
 ج ۲ ص ۱۲۲۶.
 سنقرانظر (ملک کامل شمس الدین) : ج ۲
 ص ۵۹۵، ۵۹۶.
 سنقر روسی : ج ۲ ص ۵۸۵.
 سنقر طویل (شهنه خطیفه) : ج ۱ ص
 ۲۱۵.
 سنگلاخ (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۹۲۰.
 سن مالو : ج ۲ ص ۷۸۸.
 سواد بن رفاعة القرطبي : ج ۱ ص ۱۳۷.
 سوار آقا (ار اکراد) : ج ۲ ص ۱۱۹۰، ج
 ۲ ص ۲۰۲۵.
 سوار بن عبدالله (قاضی بهره) : ج ۱ ص
 ۱۲۷، ۱۲۸.
 سوار بن هیا (هام) : ج ۱ ص ۳۷.
 سوارد (سردار روس) : ج ۲ ص ۱۲۱۱.
 سوارف (سردار روس) : ج ۲ ص ۱۲۵۵.
 سوان نیلا : ج ۱ ص ۲۳.
 سوابی یسکی (پادشاه لهستان) : ج ۱ ص
 ۹۹۱، ۹۹۸.
 سونیک کیناز پطریازسکی : ج ۲ ص
 ۱۱۸۹.
 سوندان بن حران : ج ۱ ص ۶۰.
 سوندانی ابوردی : ج ۱ ص ۶۹۲.
 سودی (سوری) : ج ۱ ص ۲۸۲.
 سورگا (برنس -) ولیمهد ژابن : ج ۱ ص
 ۵۶۲.
 سوره بن حر (والی سورقند) : ج ۱ ص
 ۱۱۲.
 سولاق حسین تکلو : ج ۲ ص ۸۶۵.
 سولت (مارشال -) وزیر جنگ فرانسه :
 ج ۲ ص ۱۱۲۰، ج ۲ ص ۱۵۲۷.
 ۱۵۲۹، ۱۶۹۷.
 سونج (پسر تاج الملوك توری) : ج ۱ ص
 ۳۷۱، ۳۷۰.
 سونجک بهادر خان : ج ۲ ص ۷۵۲.

- سوند بیگ قورچی باشی : ج ۲ ص ۸۰۳.
 ۸۲۸.
 سوندک (برادر مهدیقلی) : ج ۲ ص ۷۹۵.
 سوندک بیگ قورچی باشی : ج ۲ ص ۸۱۰.
 سوندک سلطان : ج ۲ ص ۹۳۰.
 سووارف (سردار روس) : ج ۲ ص ۱۲۱۷.
 ۱۲۳۱.
 سويد بن غفله : ج ۱ ص ۹۲.
 سويد بن مرقن : ج ۱ ص ۵۱.
 سهام الدوله (مرتب اول) : ج ۱ ص ۵۰۷.
 ۵۱۶، ج ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳ ص ۱۹۹۲.
 ۲۰۷۱، ۲۰۸۹، ۲۱۲۸.
 سهام الدوله ، محمد ابراهيم خان : ج ۲
 ص ۲۱۲۵.
 سهام الدوله ايلقانی، حيدر قلی خان : ج
 ۲ ص ۱۹۲۲، ۱۹۲۶.
 سهام السلطنة، مصطفى قلی خان : ج ۲
 ص ۲۰۹۱.
 سهام الملک، محمد ابراهيم خان : ج ۲
 ص ۱۸۷۲، ۲۰۳۲.
 سهام الملک، مهدیقلی میرزا : ج ۲ ص
 ۱۲۱۹، ج ۲ ص ۲۰۶۳.
 سهراب (آقا -) : ج ۲ ص ۸۰۶.
 سهراب خان (غلام پوشهفت باشی) : ج
 ۲ ص ۱۵۷۸.
 سهراب خان گرچی : ج ۲ ص ۱۵۹۹،
 ۱۶۱۱.
 سهراب (غلام عادلشاه) : ج ۲ ص ۱۱۲۲،
 ۱۱۲۳.
 سهل بن حنیف انصاری : ج ۱ ص ۶۷۰۶۰.
 سهل بن سعد ساعدي : ج ۱ ص ۹۹.
 سهل بن سلامه انصاری : ج ۱ ص ۱۷۵،
 ۱۷۶.
 سهل بن عبدالله تسری : ج ۱ ص ۲۲۰.
 سهم : ج ۱ ص ۷۵.
 سهم بن غالب التهجی : ج ۱ ص ۷۲.
 سه مان (شاعر) : ج ۱ ص ۸۲.
 سهند : ج ۲ ص ۱۲۳۶.
 سهیل بن حنیف انصاری (والی شامودینه) :
 ج ۱ ص ۶۰، ۶۷.
 سهیل خان دکلی : ج ۱ ص ۸۹۲.
 سهیل بن رافع الانصاری : ج ۱ ص ۵۲.
 سهیل بن عدی : ج ۱ ص ۵۲، ۴۶.

- سهیل بن عمر : ج ۱ ص ۴۸.
 سهامک میرزا : ج ۲ ص ۲۱۰۱.
 سهاوش بیگ گرچی (فولکر آقاسی) : ج ۲
 ص ۹۳۱، ۹۳۶، ۹۵۲.
 سهاوش پاشا : ج ۲ ص ۹۵۵.
 سهاوشی (سردار لشکر محمود غزنوی) : ج ۱
 ص ۲۱۴.
 سهاء خوانین : ج ۱ ص ۲۲۹.
 سهویه، عمرو بن عثمان بن قنبر (عالم
 بزرگ نحر) : ج ۱ ص ۱۵۹، ۱۶۳.
 ۱۷۹، ۲۷۸، ۲۲۹.
 سینواو (پادشاه زولوس) : ج ۲ ص ۱۹۸۸.
 ۱۹۹۹، ۲۰۴۹، ۲۰۵۲.
 السید (رئیس شمارای بجران) : ج ۱ ص
 ۲۰.
 سید آقا (آقا -) پیشمار اروسه : ج ۲
 ص ۲۰۲۲.
 سید آقا (آقا -) تاجر کاشانی : ج ۲ ص
 ۲۱۲۵.
 سیدال افغان : ج ۲ ص ۱۰۲۹.
 سید بن ابی انیسیه الجزی (فقیه هابد) :
 ج ۱ ص ۱۲۲.
 سید بن انس ازدی (امیر موصل) : ج ۱
 ص ۱۸۱.
 سید بیگ کونه : ج ۲ ص ۸۰۳، ۸۲۸.
 سید بیگم (دختر فتحشاه) : ج ۲ ص
 ۱۶۲۵.
 سید رسی (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۸۰۳.
 سید سجاد بن پدران مشعشعی : ج ۲ ص
 ۷۹۷.
 سید شاه جهانگیر هاشمی : ج ۲ ص ۷۹۸.
 سید شریف شیرازی (امیر -) : ج ۲ ص
 ۷۵۱.
 سیدشریف علامه (امیر -) : ج ۲ ص ۷۵۱.
 سیدالشهداء = حسین بن علی (ع) : ج ۱
 ص ۲۰۰، ۱۳۲، ۸۹، ۸۶، ۸۳، ۷۹.
 ج ۲ ص ۱۶۲۱.
 سید عالم = محمد (ص) : ج ۱ ص ۱۹.
 سید علی خان : ج ۱ ص ۱۰۹۰.
 سید علی کیا : ج ۲ ص ۸۵۲.
 سید لولوی (الجزایری) : ج ۲ ص ۱۸۸۲.
 سید محمد خان (ولد سید مبارک) : ج ۲
 ص ۹۱۹.

سید منصور خان: ج ۲ ص ۹۲۹.
 سید میرزای کاشانی: ج ۳ ص ۱۸۳۲.
 سید نظام الدین محمود، شفاء دافعی
 شیرازی: ج ۴ ص ۶۲۲، ۶۲۵.
 سید نور الله مرعشی: ج ۲ ص ۹۰۵.
 سید ولی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۲۹۲.
 سیده، حوہ (ملکہ صفی): ج ۱ ص ۳۲۹.
 سیدی احمد: ج ۲ ص ۸۹۱.
 سیدی رئیس: ج ۲ ص ۸۲۲، ۸۲۵.
 سیدی شہل حبشی: ج ۴ ص ۹۹۰، ۹۹۲.
 ۹۹۳.
 سیدی علی (ولیمہ تونس): ج ۱ ص ۵۶۲.
 سیدی علی بیگ (والی تونس): ج ۳ ص ۲۱۵۱.
 سیدی باقوت خان حبشی: ج ۲ ص ۹۹۳، ۹۹۷.
 سید یوسف (امیر -): ج ۲ ص ۷۶۰.
 سیرانی — ابوسعید حسن بن عبداللہ...
 سیرجال: ج ۱ ص ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴.
 سیرجم رز: ج ۲ ص ۱۸۴۶.
 سیر روبریل: ج ۲ ص ۱۷۲۰.
 سیرزان لاورانس: ج ۲ ص ۱۸۵۲.
 سیر زن ملک (صاحب تاریخ ایران): ج ۲
 ص ۱۳۲۶، ۱۳۵۵، ۱۳۶۲، ۱۳۷۲.
 ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۴۵۸، ۱۴۹۰.
 ۱۴۹۳، ۱۴۹۸.
 سیرکاسیل: ج ۲ ص ۱۸۰۶.
 سیرلورنس (فرمانفرمای ہند): ج ۳ ص ۱۸۶۱.
 سیرہائیتی بلور: ج ۲ ص ۱۸۰۷.
 سیمیانوف، ایشخدر (سردار روس): ج ۲
 ص ۱۲۶۹، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۵.
 ۱۲۷۸، ۱۲۸۱.
 سید بن فضل بن عیسی: ج ۲ ص ۶۳۲.
 سید الاسلام، طفتکین بن ایوب: ج ۱ ص ۴۰۱.
 سید اللہ = خالد بن ولید: ج ۱ ص ۲۸.
 سید اللہ خان (سرکردہ اوسانلو): ج ۲
 ص ۲۱۱۲.
 سید اللہ خان شامیون: ج ۳ ص ۱۷۶۶.
 سید اللہ خان لازیبانی (مرتیب سوم):
 ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۲
 ص ۲۰۷۲.

سید اللہ خان (نایب آجودانیاشی):
 ج ۲ ص ۱۲۲۰.
 سید اللہ خان، پسر حاتم خان (نایب
 آجودانیاشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲
 ص ۲۰۷۲.
 سید اللہ میرزا (پسر فتحعلی شاہ): ج ۲
 ص ۱۵۰۶، ۱۶۲۲، ۱۶۳۲، ۱۶۳۹، ۱۶۴۲،
 ۱۷۶۶، ۱۷۷۲.
 سید اللہ میرزا (حاجی -) ازامرا طاشک
 قوآنلو: ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۰،
 ج ۳ ص ۲۰۶۲.
 سید بن بکیر (خارجی): ج ۱ ص ۱۶۸.
 سید الدولہ، ابوالحسن علی بن حسدان
 نظمی: ج ۱ ص ۲۵۵ تا ۲۵۹، ۲۶۳
 تا ۲۶۵، ۲۷۱، ۲۰۲.
 سید الدولہ، سلطان محمد میرزا: ج ۲ ص
 ۱۵۷۲، ۱۵۹۹، ۱۸۲۵، ۲۰۶۲.
 سید الدولہ میرزا (حاجی -) پسر ظل
 السلطان (رئیس دیوانخانہ و حاکم
 چند شہر): ج ۱ ص ۵۰۱.
 سید الدولہ، عشقہ بن منصور: ج ۱ ص
 ۲۵۹.
 سید الدولہ میرزا (حاجی -) پسر ظل
 السلطان (رئیس دیوانخانہ عدلیہ و
 حاکم چند شہر): ج ۱ ص ۵۰۱، ج ۲
 ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۱۵۶۷، ۱۶۰۲،
 ۱۶۰۶، ۱۶۱۲، ۱۶۱۵، ۱۶۲۷،
 ۱۸۳۲، ۱۹۹۲، ۲۰۶۲، ۲۱۴۰.
 سید الدین (امیر -) ابوبکر البانی: ج ۲
 ص ۶۲۸، ۶۳۰.
 سید الدین ابوبکر محمد بن صلاح الدین:
 ج ۲ ص ۶۲۵.
 سید الدین احمد بن مظفر الدین عثمان
 (صاحب صہبون): ج ۲ ص ۵۸۹.
 سید الدین ارسلان: ج ۲ ص ۵۹۳.
 سید الدین ارغون ناصری: ج ۲ ص ۶۲۶.
 سید الدین باغوزی (شیخ الطلم): ج ۲
 ص ۵۸۲.
 سید الدین بلہان، طباعی: ج ۲ ص
 ۶۰۲.
 سید الدین خان بلوچ: ج ۲ ص ۱۷۱۸.
 سید الدین رستم: ج ۲ ص ۸۹۱.
 سید الدین شام بن حسین غوری: ج ۱ ص

۲۸۵، ۲۸۲.
 سید الدین سطر: ج ۱ ص ۲۲۱.
 سید الدین طرشی الناصری (امیر -):
 ج ۲ ص ۶۲۶.
 سید الدین طرغای (امیر -): ج ۲ ص
 ۶۳۰.
 سید الدین ظہیر (غلام): ج ۱ ص ۹۱۵،
 ۹۶۱.
 سید الدین ظہیر الناصری (حاکم طرابلس):
 ج ۲ ص ۶۲۸.
 سید الدین مزلو: ج ۲ ص ۶۰۵.
 سید الدین علی بن ابی علی شطیپ آمدی
 (حکیم): ج ۱ ص ۲۳۲.
 سید الدین علی بن احمد شطوب (امیر -):
 ج ۱ ص ۴۱۱.
 سید الدین قازی بن مہاد الدین زنگی
 (صاحب بوسل): ج ۱ ص ۲۸۱، ۲۸۲.
 ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۵.
 سید الدین فتح منصور (نایب السلطنہ
 شام): ج ۲ ص ۶۰۵.
 سید الدین فتحی: ج ۲ ص ۵۹۳.
 سید الدین قدور: ج ۲ ص ۷۳۲.
 سید الدین قلاون صالحی (امیر -) ج ۱
 ص ۲۵۲، ج ۲ ص ۵۹۳.
 سید الدین قلیج (صاحب صہبون): ج ۱
 ص ۴۵۲.
 سید الدین میرزا: ج ۲ ص ۱۲۲۴، ج ۲
 ص ۲۰۷۹.
 سید الدین نصرت (صاحب لار): ج ۲ ص
 ۶۲۹.
 سید السلطنہ (مرتیب اول): ج ۱ ص
 ۵۱۲، ۵۱۶، ج ۲ ص ۱۲۳۹، ۱۲۴۱.
 ج ۲ ص ۲۰۸۲، ۲۰۸۵.
 سید الطک: ج ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳ ص
 ۱۷۸۷، ۱۷۹۲، ۱۹۱۱، ۲۰۲۲.
 سید الطک، عباسقلی خان: ج ۳ ص ۱۷۷۲.
 سید الطک، وجہ اللہ میرزا: ج ۲ ص
 ۱۱۸۸، ۱۱۹۵، ۱۲۰۱، ۱۲۱۹.
 ۱۲۲۹، ج ۲ ص ۲۰۲۴، ۲۰۲۲،
 ۲۰۳۲، ۲۰۷۱، ۲۰۸۳.
 سید الطک میرزا — سید الطوک میرزا
 سید الطوک میرزا (ابن ظل السلطان):
 ج ۲ ص ۱۶۱۲، ۱۶۱۲، ۱۶۰۶، ۱۶۱۲.

۱۶۲۲، ۱۶۲۷، ۱۶۹۲، ۲۱۲۳
 سیکست چهارم (پاپ): ج ۲ ص ۷۲۹
 سول وینتر دسائی (مؤسس مدرسه سالسنه)
 شرقیه در فرانسه: ج ۳ ص ۱۵۵۸
 سیمای (سرکردہ) طاقت: ساجہ: ج ۱ ص ۲۲۷، ۲۲۸
 سیماء الطویل (امیر انطاکیہ): ج ۱ ص ۲۱۰
 سیمانگاس را میر دوم: ج ۱ ص ۲۵۲
 سیمن (شامروں) پسر ایوان: ج ۲ ص ۱۶۳۲
 سیمی بندادی (شاعر): ج ۲ ص ۶۸۵
 سیمکن (پادشاه بلغار): ج ۱ ص ۲۳۳
 سینور (کشیش): ج ۲ ص ۱۸۰۰
 سیورغمنش خان (صاحب الوسیجفتای): ج ۲ ص ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۵۸، ۶۷۸، ۶۷۹
 ۶۹۲

(ش)

شاپور ذوالاکتاف: ج ۳ ص ۱۵۶۸
 شاپور بن شهریار بن شروین (حاکم جبال طبرستان): ج ۱ ص ۱۸۱
 شاپور بن شهریزان: ج ۱ ص ۳۷
 شاپور میرزا (پسر فتحعلیشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۷، ۱۶۲۸
 شاتوپریان (برہاند): ج ۲ ص ۱۱۷۰، ج ۳ ص ۱۵۵۸، ۱۷۰۴
 شادلو کرد — ابراهیم خان شادلو
 شادمان بیک: ج ۳ ص ۱۷۳۰
 شارل اول، فردریک آلکساندر (شامور تیسر): ج ۳ ص ۲۱۲۸
 شارح رمی: ج ۲ ص ۵۹۹
 شاردن: ج ۲ ص ۹۷۱
 شارل (پادشاه اسپانیول): ج ۲ ص ۷۶۲
 شارل (پسر شارلمن): ج ۱ ص ۱۶۹
 شارل (شاه فرانسه): ج ۲ ص ۶۲۱، ۷۲۱
 شارل (عموی گوستاو چهارم، سلطان سود): ج ۲ ص ۱۲۹۷
 شارل (پسر گیم اول (پادشاه دورتن برگ آلمان): ج ۳ ص ۱۸۶۱
 شارل (نوه ماکسی میلین): ج ۲ ص ۷۶۷
 شارل آلبر (پرنس —): ج ۳ ص ۱۷۰۳

۱۷۶۲
 شارل آلبرت (پادشاه بیه مونت): ج ۳ ص ۱۶۰۹، ۱۷۰۹
 شارل آنتوان (پرنس —) پسر لئوپولدھین زلرن: ج ۱ ص ۲۸۹
 شارل امانول (پادشاه ایتالیا): ج ۱ ص ۱۱۷۵
 شارل امانول (پادشاه ساردن): ج ۲ ص ۱۰۲۸
 شارل امانول چهارم: ج ۲ ص ۱۲۶۶
 شارل اول (پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۹۲۱، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۴
 شارل اول (دولت رومانی): ج ۱ ص ۵۶۳
 ج ۳ ص ۲۱۲۹
 شارل اول (پادشاه فرانسه): ج ۳ ص ۹۵۹
 شارل بنلنگ: ج ۳ ص ۱۹۸۰
 شارل پانزدهم (پادشاه سود): ج ۲ ص ۱۸۲۰، ۱۸۲۹
 شارل پانزدهم (شامودو نروژ): ج ۳ ص ۱۹۳۸
 شارل پنجم (شاه فرانسه و پسر ژان): ج ۲ ص ۶۳۶، ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۶۱
 شارل پیر (دوک دوپلین): ج ۲ ص ۱۱۲۹
 شارل چهاردهم (امپراطور آلمان): ج ۳ ص ۶۵۲
 شارل چهارم (پادشاه اسپانیا): ج ۳ ص ۱۲۰۹، ۱۲۹۱
 شارل چهارم (شاه فرانسه): ج ۲ ص ۶۲۱
 شارل دوازدهم (پادشاه سود): ج ۲ ص ۱۰۱۲، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶
 شارل دوم (پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۸
 ۹۹۱
 شارل دوم (پادشاه اسپانیول): ج ۲ ص ۹۷۱، ۱۰۰۱
 شارل دهم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۱۶۰۴، ۱۵۶۸
 شارل سیزدهم (پادشاه سود): ج ۳ ص ۱۵۲۲
 شارل سم (پادشاه اسپانیا): ج ۳ ص

۱۲۰۹
 شارل ششم (امپراطور اطرویش): ج ۲ ص ۱۱۲۵
 شارل ششم (شاه فرانسه): ج ۲ ص ۶۵۲
 شارل فردیناند ویجاری (ولیمهدیروتوغال): ج ۲ ص ۲۱۲۸
 شارلکن (پادشاه لمباردی): ج ۲ ص ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۸، ۷۶۸، ۷۶۹
 ۷۷۱ تا ۷۷۳، ۷۸۲، ۷۹۸
 شارل گوستاو (پادشاه سود): ج ۲ ص ۹۵۵
 شارل اویلک فردریک: ج ۳ ص ۱۲۵۰
 شارل مارسل: ج ۱ ص ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۲۳
 ۱۲۵، ۱۲۷
 شارلمن (امپراطور بزرگ فرانک): ج ۱ ص ۱۲۲، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۵۹
 ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳
 ۱۷۴، ۲۹۱
 شارل نهم (پادشاه سود): ج ۲ ص ۹۰۲، ۹۰۷
 شارل نهم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۸۶۴، ۸۶۰
 شارل هشتم (پادشاه سود): ج ۳ ص ۱۲۹۹
 شارل هشتم (پادشاه فرانسه): ج ۳ ص ۷۲۸
 ۷۳۲، ۷۳۶
 شارل هشتم (شاه فرانسه): ج ۲ ص ۶۸۷
 ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۱۱
 شارل یازدهم (پادشاه سود): ج ۲ ص ۹۹۹
 شاملوب لوبا: ج ۲ ص ۱۸۲۰
 شاطبی: ج ۲ ص ۶۰۲
 شاطر باشی، محمد قلی خان: ج ۳ ص ۱۸۸۵
 شافعی، محمد بن ابریس (امام —): ج ۱ ص ۱۶۲، ۱۷۸، ۱۹۶، ۲۰۸
 ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۸۰
 ۲۸۲، ۲۰۰، ۲۰۲
 شاکرافندی: ج ۱ ص ۱۵۰۰
 شاکن: ج ۲ ص ۱۸۶۳
 شامیل داغستانی: ج ۳ ص ۱۶۶۹، ۱۶۶۱
 ۱۷۲۱، ۱۷۷۷
 شامیانو: ج ۳ ص ۱۸۵۲
 شانی تگلو (شاعر): ج ۲ ص ۹۰۸
 شاور، امیرالجهوش (وزیر الماعدعلوی): ج

۱ من ۲۹۳ تا ۳۹۶.

شاه اسماعیل اول صفوی (ابن حیدر میرزا):

ج ۲ من ۷۲۰، ۷۳۷، ۷۴۲ تا ۷۴۴،
۷۵۸، ۷۵۵ تا ۷۵۱، ۷۴۹، ۷۴۸

۷۶۳ تا ۷۶۶، ۷۶۸، ۷۷۰، ۸۶۸،
۸۹۲، ۱۰۱۷، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۱۳۸،

۱۱۳۹: ج ۲ من ۱۳۳۹، ۱۳۴۰،
۱۳۴۳، ۱۳۴۷، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۶،

۱۳۵۷، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰.

شاه اسماعیل دوم (ثانی): ج ۲ من ۸۶۳،

۸۶۵، ۸۶۶، ۸۷۲، ۸۷۶.

شاه اسماعیل سوم: ج ۲ من ۱۱۲۹، ۱۱۵۰.

شاهان شاه بن محمود (برادر قلیچ ارسلان):

ج ۱ من ۳۹۴.

شاه بنده: ج ۲ من ۷۶۲.

شاه بنده خان: ج ۲ من ۹۱۴، ۹۲۰.

شاه بودای بیگ ذوالقدر: ج ۱ من ۷۲۲،

۷۲۷.

شاه بیگ ارغون (پسر امیر ذوالنون): ج ۲

من ۷۶۸، ۷۵۹، ۷۶۸، ۷۷۰.

شاه بیگم ضیاء السلطنه (دختر فتحعلیشاه):

ج ۳ من ۱۶۲۵.

شاه پست خان افغان: ج ۲ من ۱۱۵۲:

ج ۳ من ۱۳۷۲، ۱۶۴۴، ۱۷۵۹.

شاه پست خان سیستانی: ج ۳ من ۱۶۴۲.

شاه پلنگ خان: ج ۳ من ۱۶۲۸.

شاه جهان (پادشاه هند): ج ۲ من ۹۲۱،

۹۲۴، ۹۲۵، ۹۳۱، ۹۳۸، ۹۳۳.

۹۵۵، ۹۵۲، ۹۵۱، ۹۶۶، ۹۵۵،

۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۸.

شاه جهان خانم (خان بی بی) دختر

فتحعلیشاه: ج ۲ من ۱۶۲۷.

شاه حسین (میرزا -) (دروازت دیوان

شاه اسماعیل صفوی): ج ۲ من ۷۶۹.

شاه حسین (پسر شاه بیگ ارغون، صاحب

هند): ج ۲ من ۷۷۱، ۸۷۵.

شاه حسین بن ملک عز الدین عباس (حاکم

لرکوچک): ج ۲ من ۸۹۱.

شاه حسین، ولد ملک اُلمی (حکمران

سیستان): ج ۲ من ۷۰۵.

شاه خان: ج ۲ من ۸۰۲.

شاهرخ (میرزا -) تیموری، پسر امیر تیمور:

ج ۲ من ۶۶۲، ۶۶۹ تا ۶۷۵، ۶۷۲ تا

۶۹۹، ۷۱۹، ۷۹۲.

شاهرخ (میرزا -) ابن میرزا ابراهیم

(حاکم بدخشان): ج ۲ من ۸۶۱، ۸۷۳،
۹۰۲.

شاهرخ (میرزا -) پسر سلطان ابوسعید

گورکانی: ج ۲ من ۷۱۷، ۷۱۸.

شاهرخ (میرزا -) نوه میرزا رکن الدین

علاء الدوله: ج ۲ من ۶۹۲، ۷۰۹.

شاهرخ بیگ افشار: ج ۲ من ۷۵۵.

شاهرخ بیگ زنکده: ج ۲ من ۹۳۳.

شاهرخ خان افشار (حاکم کرمان): ج ۲ من

۱۱۶۰.

شاهرخ خان قاجار کرمانی: ۱۶۸۶ من ۱۱۶۰.

شاهرخین سلطان فرخ بن شیخ شاه (پادشاه

شیراز): ج ۲ من ۷۸۹، ۷۹۳.

۷۹۵.

شاهرخ شاه (شاهرخ میرزا) پسر نادرشاه

ج ۲ من ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۹.

۱۱۴۱، ۱۱۴۳، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶.

۱۱۴۸، ۱۱۴۹: ج ۲ من ۱۲۳۲، ۱۲۳۳،

۱۲۵۰، ۱۲۷۰.

شاهرخ شاه اصفی: ج ۳ من ۱۲۳۹.

شاهرخ میرزا: ج ۲ من ۱۱۲۷.

شاهرخ میرزا (از نسل قلیچار): ج ۳ من

۲۰۶۴.

شاهرخ میرزا (ولد رضا قلی میرزا): ج ۲

من ۱۱۱۲.

شاهرخ میرزا قاجار (ولد فرمانفرما): ج ۳

من ۱۶۹۳، ۱۷۲۲.

شاهرخ میرزا (نایب الحکومه خرم آباد):

ج ۳ من ۲۱۲۳.

شاه رستم بن جهانگیر: ج ۲ من ۸۹۲.

شاهرمین سکنان القبطی: ج ۱ من ۳۶۱.

۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۳، ۴۱۷.

شاهزاده جهان، سید سلطان محمد (حکمران

جزیره کبر): ج ۲ من ۱۸۸۸.

شاهزاده حسن: ج ۳ من ۱۸۴۶.

شاهزاده حسین: ج ۲ من ۸۶۳.

شاهزاده خانم شاولت: ج ۳ من ۱۷۹۹.

شاهزاده خاندن لویز: ج ۲ من ۱۷۸۸.

شاهزاده سلطان (دختر شاه اسماعیل): ج

۲ من ۸۲۶.

شاهزاده گنگ (وزیر اعظم دولت چین):

ج ۳ من ۲۱۵۰.

شاه زمان (پسر تیمور شاه افغان) امیرکابل:

ج ۳ من ۱۲۲۰، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴،
۱۲۴۲، ۱۲۵۲، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸.

۱۲۶۵، ۱۲۶۶.

شاه سلطان حسین صفوی: ج ۲ من ۹۹۶

تا ۱۰۰۶، ۱۰۰۸ تا ۱۰۱۱، ۱۰۱۳

تا ۱۰۱۵، ۱۰۳۵ تا ۱۰۳۷، ۱۰۴۳

۱۰۴۴، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۷، ۱۰۷۲،

۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۹ تا ۱۰۹۱، ۱۰۹۳

۱۰۹۶.

شاه سلطان حسین ثانی: ج ۲ من ۱۱۵۱.

شاه سلطان غاتم (دختر فتحعلیشاه): ج ۳

من ۱۶۲۶.

شاه سلطان محمد خدا بنده: ج ۲ من ۸۶۹.

۸۷۰، ۸۷۹، ۸۹۱.

شاه سلیمان صفوی: ج ۲ من ۹۷۸ تا ۹۸۲،

۹۸۶، ۹۸۸، ۹۹۱، ۹۹۳ تا ۹۹۵.

۱۰۲۶، ۱۱۲۸، ۱۱۸۹، ۲۰۳۷.

شاه سلیمان ثانی: ج ۲ من ۱۱۲۸، ج ۳

من ۱۶۷۰.

شاه شاهان سیستانی: ج ۲ من ۶۵۲، ۶۹۸.

شاه شجاع (پسر امیر مبارز الدین): ج ۲

من ۶۲۲، ۶۲۳ تا ۶۲۷، ۶۲۹ تا

۶۵۵، ۶۵۲.

شاه شجاع (برادر اورنگ زیب): ج ۲ من

۹۶۵.

شاه صفی: ج ۲ من ۹۲۶ تا ۹۳۲، ۹۳۰

۹۳۳ تا ۹۳۶، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۵.

۹۷۲.

شاه ضیاء الدین کرمانی: ج ۲ من ۸۶۹.

شاه طهماسب: ج ۲ من ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۲.

۸۰۵، ۸۰۶، ۸۲۰، ۸۳۱، ۸۳۵ تا

۸۲۹، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۹، ۸۶۱

۸۶۴، ۸۷۶، ۱۰۸۶، ۱۰۹۰، ۱۱۹۲:

ج ۳ من ۱۲۴۲، ۱۲۴۷، ۱۲۵۲.

۱۲۵۶، ۱۲۶۳، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸.

شاه طهماسب دوم (ثانی): ج ۲ من ۱۰۱۱.

۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱

۱۰۲۳، ۱۰۲۵، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰

۱۰۳۱، ۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۷۲، ۱۰۸۱

۱۰۸۴، ۱۰۸۷، ۱۰۹۰، ۱۰۹۲، ۱۰۹۵

۱۰۹۵، ۱۱۱۶، ۱۱۲۰: ج ۳ من

۱۳۶۰ - ۱۳۶۲ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۷
 ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۶ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰
 ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۲
 شاه عالم ابن قطب الدین عالم (حاکم
 گجرات) : ج ۲ ص ۷۲۳
 شاه عباس اول صفوی : ج ۲ ص ۸۷۰
 ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۸ - ۸۹۰
 ۸۹۲ تا ۸۹۹ - ۹۰۲ تا ۹۰۶ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۲ - ۹۱۷ - ۹۱۹ تا
 ۹۲۲ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۲ - ۹۱۷ - ۹۱۹ تا
 ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۳۳۳ - ۱۳۳۵
 ۱۳۲۷ - ۱۳۳۱ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۶ - ۱۳۶۰
 ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ - ۱۳۶۶ - ۱۳۶۸ - ۱۳۶۹
 ۱۳۹۳
 شاه عباس دوم (ثانی) : ج ۲ ص ۹۲۵
 ۹۲۷ - ۹۲۹ - ۹۵۱ تا ۹۵۸ - ۹۶۰ تا
 ۹۶۲ - ۹۶۶ تا ۹۶۸ - ۹۷۱ - ۹۷۳
 ۹۷۸ : ج ۲ ص ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۸
 شاه علی سلطان استاجلو : ج ۲ ص ۷۹۶
 ۷۹۸ - ۸۰۸
 شاه عنایت الله : ج ۲ ص ۸۶۵
 شاه فتح الله شیرازی : ج ۲ ص ۸۸۷
 شاه قاسم انوار (از مرغا) : ج ۲ ص ۶۸۹
 ۷۵۹
 شاه قاسم کاهی : ج ۲ ص ۸۶۸
 شاه قاضی (از سادات قلندر) : ج ۲ ص
 ۸۶۲
 شاه قلندر : ج ۲ ص ۸۷۲
 شاه قلی بیگ قاجار (جد اعلای فتحعلی
 خان) : ج ۲ ص ۱۳۶۲
 شاهقلی خان : ج ۲ ص ۱۳۲۶ - ۱۳۳۰
 ۱۳۵۸ - ۱۳۶۳
 شاهقلی خان (ولد شیخ علیخان زنگنه) :
 ج ۲ ص ۹۹۶ - ۱۰۱۲
 شاه قلی خان مقدم : ج ۲ ص ۱۰۱۵
 شاه قلی ، خلیفه (مهر ناز) : ج ۲ ص
 ۸۰۲ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۲ - ۸۲۲
 ۸۳۲
 شاه قلی سلطان استاجلو : ج ۲ ص ۸۰۱
 ۸۰۶ - ۸۱۸ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۵۳
 ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۷۶
 شاه قلی سلطان افشار : ج ۲ ص ۸۲۹
 شاه قلی سلطان بیات : ج ۲ ص ۸۹۲

شاهقلی میرزا (پسر فتحعلی شاه) : ج ۲
 ص ۱۲۹۱ - ۱۶۲۳
 شاهک (خادم مخصوص المستعین) : ج ۱ ص
 ۲۰۱
 شاه کلیم الله بهمنی : ج ۲ ص ۷۷۴
 ۷۷۵
 شاه گلشن (شاعر دهلوی) : ج ۲ ص ۱۰۲۲
 شاه گوهر خانم (دختر فتحعلیناه) : ج ۲
 ص ۱۶۲۶
 شاه محمد سلطان (از خوارزم اوزبک) :
 ج ۲ ص ۸۱۰
 شاه محمد سیف الملوک : ج ۲ ص ۷۸۶
 شاه محمد بن قربانوسف : ج ۲ ص ۶۸۸
 شاه محمد قلانی : ج ۲ ص ۸۲۰ - ۸۲۳
 شاه محمود (والی قندهار) : ج ۳ ص ۱۵۲۰
 ۱۵۲۵
 شاه محمود ابدالی : ج ۲ ص ۱۶۶۲
 شاه محمود افغان : ج ۳ ص ۱۵۲۲
 شاه محمود (پسر امیر مبارز الدین محمد
 مظفر) : ج ۲ ص ۶۲۲ تا ۶۲۷
 ۶۶۱
 شاه محمود سیستانی : ج ۲ ص ۶۸۰
 شاه محمود بن محمد مظفر : ج ۲ ص ۶۲۰
 شاهمراد بگجان اوزبک : ج ۲ ص ۱۲۳۳
 شاهمراد بیگ (از اکراد کردستان) : ج ۲
 ص ۱۶۰۸
 شاهمراد خان : ج ۲ ص ۱۲۰۵
 شاه مراد میرزا (ولد حاجی عباسقلی
 میرزا) : ج ۱ ص ۵۰۲ تا ۵۰۳
 ج ۲ ص ۲۰۶۴ - ۲۱۲۲
 شاه مظفر (پسر امیر مبارز الدین) : ج ۲
 ص ۶۲۸
 شاه ملک (حاکم خوارزم) : ج ۲ ص ۶۸۰
 شاه منصور مظفری (از آل مظفر) : ج ۲ ص
 ۶۶۰ - ۶۶۱
 شاهمیرخان ارمینی (توچمان) : ج ۲ ص
 ۱۵۶۶
 شاهمنظر بیگ قورچی : ج ۲ ص ۹۲۶
 شاه نعمت الله ولی کرمانی : ج ۲ ص ۶۷۷
 ۷۵۵ - ۸۲۸
 شاه نلی الدین محمد (نصایه شیرازی) :
 ج ۲ ص ۹۰۵
 شاه نواز (پسر شاه پلنگ) : ج ۳ ص ۱۲۲۹

شاهنواز خان کرجی : ج ۲ ص ۹۶۱
 شاه وردی بیگ : ج ۲ ص ۷۹۲
 شاه وردی بیگ کچل : ج ۲ ص ۸۱۱ - ۸۰۱
 شاه وردی سلطان بیات : ج ۲ ص ۸۲۱
 شاه وردی : ج ۲ ص ۸۹۲
 شاهوردی خان (صاحب لارکوچک) : ج ۲ ص
 ۸۹۱
 شاه ویردیطان (حاکم کردستان) : ج ۲ ص
 ۹۳۶
 شاهوردی سلطان زیاد اوغلی : ج ۲ ص
 ۸۰۲ - ۸۱۹ - ۸۲۲ - ۸۲۹ : ج ۳ ص
 ۱۳۶۷
 شاهوی بیگ خان (صاحب دشت قیجاق) :
 ج ۲ ص ۶۷۱
 شاه یحیی پسر امیر مبارز الدین (از آل
 مظفر) : ج ۲ ص ۶۲۲ - ۶۲۵ - ۶۵۰
 ۶۶۱
 شاه یحیی (از شاهزادگان سیستانی و
 حکمران سیستان) : ج ۳ ص ۷۱۰
 شاهین گزای خان : ج ۲ ص ۹۱۹
 شهبان بن ربیع نمینی ریاحی : ج ۱ ص ۶۳
 ۶۲ - ۶۷ - ۸۱
 شیل بن عبدالله (از موالی بنی هاشم) :
 ج ۱ ص ۱۲۲
 شیل الدوله : ج ۱ ص ۲۹۷
 شیبب بن بجره (هندست ابن ملجم) :
 ج ۱ ص ۷۱
 شیبب بن عامر : ج ۱ ص ۷۰
 شیبب بن وثاب النمیری (حاکم رقه و
 حران) : ج ۱ ص ۳۰۳ - ۳۱۳
 شیبب بن یزید بن نعم التیسانی (خارجی) :
 ج ۱ ص ۹۲ - ۹۳
 شجاع بن وهب الاسدی : ج ۱ ص ۲۶ - ۲۷
 شجاع بیگ : ج ۲ ص ۷۲۹ - ۷۶۷
 شجاع خان (حاکم مالوه) : ج ۲ ص ۷۹۸
 ۸۲۲
 شجاع الدوله ، امیر حسین خان : ج ۳ ص
 ۲۰۸۸
 شجاع الدوله ، یوسف خان ، سرشپ اول
 (حاکم خوی و سلماس) : ج ۳ ص
 ۱۸۷۲ - ۱۹۱۴
 شجاع الدین جلدک تاقوی (امیر -) : ج
 ۱ ص ۲۳۵

۲۷۲، ۲۹۲ تا ۲۹۴، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۲۵
 شریف خان: ۳ ص ۲۱۰۱
 شریف خان (پدر محمد حسین خان نایب حکومت شاهرود): ج ۳ ص ۱۹۰۰
 شریف خان خضای (پایه دوم): ج ۲ ص ۲۰۷۷
 شریف سعد (شریف مک): ج ۲ ص ۹۲۸، ۹۸۲
 شریف عبدالله: ج ۲ ص ۸۶۰
 شریف علی (از شرفای حجاز): ج ۲ ص ۶۹۲
 شریف (میرزا -) نایب الحکومه غار و لشافویه: ج ۱ ص ۵۲۵
 شریف هاشمی عباسی، ابوجعفر مسعود بیاضی (شاعر): ج ۱ ص ۳۳۶
 شریک بن امور الطارقی: ج ۱ ص ۸۱
 شریک بن عبدالله بن ابی شریک، ابو - عبدالله (قاضی): ج ۱ ص ۱۶۱
 شریک بن عبدالله النخعی (قاضی کوفه): ج ۱ ص ۱۲۶
 شجاع الدوله، لطف الله میرزا (حاکم سبزوار ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۸، ۱۹۹۵ تا ۲۰۷۲)
 شجاع السلطنه - ذبیح الله میرزا
 شجاع السلطنه (امیر زاده) فتح اللهمیرزا: ج ۱ ص ۵۵۷، ج ۲ ص ۱۲۹
 ج ۳ ص ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۹، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷
 شمانطی آقا قاجار قزوین: ج ۲ ص ۱۷۶۹
 شمانطی خان: ج ۳ ص ۱۷۲۸
 شعبان طیفهان (سرکرده): ج ۱ ص ۵۳۹
 شعبه بن ظهیر نهشلی (والی سمرقند): ج ۱ ص ۱۰۸
 شعبی: ج ۱ ص ۱۰۹
 شعب (مادر المعتفد بالله): ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۲۵
 شعیب (حاجی میرزا -) (از امراء وزارت دفتر استیفا): ج ۲ ص ۱۲۵۳
 شعیب (حاجی میرزا -) (از ارباب قلم): ج ۲ ص ۱۲۲۲، ۱۲۷۲، ج ۳ ص ۲۰۶۸
 شعیب (میرزا -) (تفری (مروسته غار):

شرف الدین: ج ۲ ص ۸۹۱
 شرف الدین ابوالقاسم عبه الله الحسینی الشافعی (ولای القضاة): ج ۳ ص ۶۳۰
 شرف الدین، احمد منیری (شیخ -) ج ۲ ص ۶۵۳
 شرف الدین شاه محمود (از انجویه شیراز): ج ۲ ص ۶۳۹
 شرف الدین صمیمی: ج ۲ ص ۵۹۹
 شرف الدین عبدالله وصال شیرازی: ج ۲ ص ۶۱۸
 شرف الدین عبدالعزیز بن محمد (شیخ الشیوخ): ج ۱ ص ۲۵۱
 شرف الدین علی باغی: ج ۱ ص ۸۲۰
 شرف الدین علی سینکی: ج ۲ ص ۷۳۲
 شرف الدین علی یزدی (صاحب ظفرنامه): ج ۲ ص ۶۸۹، ۷۰۱
 شرف الدین محمد بن نمر الزرقعی (شاعر): ج ۱ ص ۲۶۵
 شرف الطوک ابن رکن الدوله (از آل باوند و حکمران مازندران): ج ۲ ص ۶۲۳، ۶۲۷، ۶۲۷
 شروانشاه: ج ۲ ص ۷۳۰، ۷۳۸
 شروه (از بزرگان سپاه مهد الدوله): ج ۱ ص ۲۸۵
 شروین (حکمران خیرستان): ج ۱ ص ۱۵۵
 شریح (قاضی کوفه): ج ۱ ص ۹۲
 شریح بن ابی اویس العبسی (از خوارج): ج ۱ ص ۶۷
 شریح بن هانی (از امیران سپاه علوی) در صفین: ج ۱ ص ۶۶، ۶۳
 شریف، ابونصر زینبی علوی (محدث): ج ۱ ص ۳۴۱
 شریف الادریسی (صاحب کتاب جغرافی): ج ۱ ص ۳۸۶
 شریف الاطباء (حاج میرزا مرتضی طبیب): ج ۲ ص ۲۰۴۰
 شریف بركات (از شرفای حجاز): ج ۲ ص ۶۹۴
 شریف پاشا: ج ۲ ص ۸۹۹، ج ۳ ص ۲۰۵۳
 شریف تبریزی (شاعر): ج ۲ ص ۷۹۰، ۸۰۸
 شریف الحمینی رضی، محمد بن حسین (جامع نهج البلاغه): ج ۱ ص ۲۲۹،

شجاع الدین حمزه بیک: ج ۲ ص ۹۰۳
 شجاع الدین خان زند: ج ۳ ص ۱۳۷۳
 شجاع الدین خورشید: ج ۲ ص ۸۹۱
 شجاع الدین قلیق قیجانی: ج ۱ ص ۲۱۷
 شجاع الدین محمد: ج ۱ ص ۸۶۶
 شجاع الدین محمود: ج ۲ ص ۸۹۱
 شجاع السلطنه، حسنطی میرزا (والی سیستان): ج ۲ ص ۱۵۳۹، ۱۵۳۶، ۱۵۳۰، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۱، ۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴، ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۴، ۲۰۴۵، ۲۰۴۶، ۲۰۴۷، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۴، ۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴، ۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۱، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۱۹، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹، ۲۱۴۰، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸، ۲۱۴۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴، ۲۱۵۵، ۲۱۵۶، ۲۱۵۷، ۲۱۵۸، ۲۱۵۹، ۲۱۶۰، ۲۱۶۱، ۲۱۶۲، ۲۱۶۳، ۲۱۶۴، ۲۱۶۵، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸، ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۷۱، ۲۱۷۲، ۲۱۷۳، ۲۱۷۴، ۲۱۷۵، ۲۱۷۶، ۲۱۷۷، ۲۱۷۸، ۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۱۸۱، ۲۱۸۲، ۲۱۸۳، ۲۱۸۴، ۲۱۸۵، ۲۱۸۶، ۲۱۸۷، ۲۱۸۸، ۲۱۸۹، ۲۱۹۰، ۲۱۹۱، ۲۱۹۲، ۲۱۹۳، ۲۱۹۴، ۲۱۹۵، ۲۱۹۶، ۲۱۹۷، ۲۱۹۸، ۲۱۹۹، ۲۲۰۰، ۲۲۰۱، ۲۲۰۲، ۲۲۰۳، ۲۲۰۴، ۲۲۰۵، ۲۲۰۶، ۲۲۰۷، ۲۲۰۸، ۲۲۰۹، ۲۲۱۰، ۲۲۱۱، ۲۲۱۲، ۲۲۱۳، ۲۲۱۴، ۲۲۱۵، ۲۲۱۶، ۲۲۱۷، ۲۲۱۸، ۲۲۱۹، ۲۲۲۰، ۲۲۲۱، ۲۲۲۲، ۲۲۲۳، ۲۲۲۴، ۲۲۲۵، ۲۲۲۶، ۲۲۲۷، ۲۲۲۸، ۲۲۲۹، ۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۲، ۲۲۳۳، ۲۲۳۴، ۲۲۳۵، ۲۲۳۶، ۲۲۳۷، ۲۲۳۸، ۲۲۳۹، ۲۲۴۰، ۲۲۴۱، ۲۲۴۲، ۲۲۴۳، ۲۲۴۴، ۲۲۴۵، ۲۲۴۶، ۲۲۴۷، ۲۲۴۸، ۲۲۴۹، ۲۲۵۰، ۲۲۵۱، ۲۲۵۲، ۲۲۵۳، ۲۲۵۴، ۲۲۵۵، ۲۲۵۶، ۲۲۵۷، ۲۲۵۸، ۲۲۵۹، ۲۲۶۰، ۲۲۶۱، ۲۲۶۲، ۲۲۶۳، ۲۲۶۴، ۲۲۶۵، ۲۲۶۶، ۲۲۶۷، ۲۲۶۸، ۲۲۶۹، ۲۲۷۰، ۲۲۷۱، ۲۲۷۲، ۲۲۷۳، ۲۲۷۴، ۲۲۷۵، ۲۲۷۶، ۲۲۷۷، ۲۲۷۸، ۲۲۷۹، ۲۲۸۰، ۲۲۸۱، ۲۲۸۲، ۲۲۸۳، ۲۲۸۴، ۲۲۸۵، ۲۲۸۶، ۲۲۸۷، ۲۲۸۸، ۲۲۸۹، ۲۲۹۰، ۲۲۹۱، ۲۲۹۲، ۲۲۹۳، ۲۲۹۴، ۲۲۹۵، ۲۲۹۶، ۲۲۹۷، ۲۲۹۸، ۲۲۹۹، ۲۳۰۰، ۲۳۰۱، ۲۳۰۲، ۲۳۰۳، ۲۳۰۴، ۲۳۰۵، ۲۳۰۶، ۲۳۰۷، ۲۳۰۸، ۲۳۰۹، ۲۳۱۰، ۲۳۱۱، ۲۳۱۲، ۲۳۱۳، ۲۳۱۴، ۲۳۱۵، ۲۳۱۶، ۲۳۱۷، ۲۳۱۸، ۲۳۱۹، ۲۳۲۰، ۲۳۲۱، ۲۳۲۲، ۲۳۲۳، ۲۳۲۴، ۲۳۲۵، ۲۳۲۶، ۲۳۲۷، ۲۳۲۸، ۲۳۲۹، ۲۳۳۰، ۲۳۳۱، ۲۳۳۲، ۲۳۳۳، ۲۳۳۴، ۲۳۳۵، ۲۳۳۶، ۲۳۳۷، ۲۳۳۸، ۲۳۳۹، ۲۳۴۰، ۲۳۴۱، ۲۳۴۲، ۲۳۴۳، ۲۳۴۴، ۲۳۴۵، ۲۳۴۶، ۲۳۴۷، ۲۳۴۸، ۲۳۴۹، ۲۳۵۰، ۲۳۵۱، ۲۳۵۲، ۲۳۵۳، ۲۳۵۴، ۲۳۵۵، ۲۳۵۶، ۲۳۵۷، ۲۳۵۸، ۲۳۵۹، ۲۳۶۰، ۲۳۶۱، ۲۳۶۲، ۲۳۶۳، ۲۳۶۴، ۲۳۶۵، ۲۳۶۶، ۲۳۶۷، ۲۳۶۸، ۲۳۶۹، ۲۳۷۰، ۲۳۷۱، ۲۳۷۲، ۲۳۷۳، ۲۳۷۴، ۲۳۷۵، ۲۳۷۶، ۲۳۷۷، ۲۳۷۸، ۲۳۷۹، ۲۳۸۰، ۲۳۸۱، ۲۳۸۲، ۲۳۸۳، ۲۳۸۴، ۲۳۸۵، ۲۳۸۶، ۲۳۸۷، ۲۳۸۸، ۲۳۸۹، ۲۳۹۰، ۲۳۹۱، ۲۳۹۲، ۲۳۹۳، ۲۳۹۴، ۲۳۹۵، ۲۳۹۶، ۲۳۹۷، ۲۳۹۸، ۲۳۹۹، ۲۴۰۰، ۲۴۰۱، ۲۴۰۲، ۲۴۰۳، ۲۴۰۴، ۲۴۰۵، ۲۴۰۶، ۲۴۰۷، ۲۴۰۸، ۲۴۰۹، ۲۴۱۰، ۲۴۱۱، ۲۴۱۲، ۲۴۱۳، ۲۴۱۴، ۲۴۱۵، ۲۴۱۶، ۲۴۱۷، ۲۴۱۸، ۲۴۱۹، ۲۴۲۰، ۲۴۲۱، ۲۴۲۲، ۲۴۲۳، ۲۴۲۴، ۲۴۲۵، ۲۴۲۶، ۲۴۲۷، ۲۴۲۸، ۲۴۲۹، ۲۴۳۰، ۲۴۳۱، ۲۴۳۲، ۲۴۳۳، ۲۴۳۴، ۲۴۳۵، ۲۴۳۶، ۲۴۳۷، ۲۴۳۸، ۲۴۳۹، ۲۴۴۰، ۲۴۴۱، ۲۴۴۲، ۲۴۴۳، ۲۴۴۴، ۲۴۴۵، ۲۴۴۶، ۲۴۴۷، ۲۴۴۸، ۲۴۴۹، ۲۴۵۰، ۲۴۵۱، ۲۴۵۲، ۲۴۵۳، ۲۴۵۴، ۲۴۵۵، ۲۴۵۶، ۲۴۵۷، ۲۴۵۸، ۲۴۵۹، ۲۴۶۰، ۲۴۶۱، ۲۴۶۲، ۲۴۶۳، ۲۴۶۴، ۲۴۶۵، ۲۴۶۶، ۲۴۶۷، ۲۴۶۸، ۲۴۶۹، ۲۴۷۰، ۲۴۷۱، ۲۴۷۲، ۲۴۷۳، ۲۴۷۴، ۲۴۷۵، ۲۴۷۶، ۲۴۷۷، ۲۴۷۸، ۲۴۷۹، ۲۴۸۰، ۲۴۸۱، ۲۴۸۲، ۲۴۸۳، ۲۴۸۴، ۲۴۸۵، ۲۴۸۶، ۲۴۸۷، ۲۴۸۸، ۲۴۸۹، ۲۴۹۰، ۲۴۹۱، ۲۴۹۲، ۲۴۹۳، ۲۴۹۴، ۲۴۹۵، ۲۴۹۶، ۲۴۹۷، ۲۴۹۸، ۲۴۹۹، ۲۵۰۰، ۲۵۰۱، ۲۵۰۲، ۲۵۰۳، ۲۵۰۴، ۲۵۰۵، ۲۵۰۶، ۲۵۰۷، ۲۵۰۸، ۲۵۰۹، ۲۵۱۰، ۲۵۱۱، ۲۵۱۲، ۲۵۱۳، ۲۵۱۴، ۲۵۱۵، ۲۵۱۶، ۲۵۱۷، ۲۵۱۸، ۲۵۱۹، ۲۵۲۰، ۲۵۲۱، ۲۵۲۲، ۲۵۲۳، ۲۵۲۴، ۲۵۲۵، ۲۵۲۶، ۲۵۲۷، ۲۵۲۸، ۲۵۲۹، ۲۵۳۰، ۲۵۳۱، ۲۵۳۲، ۲۵۳۳، ۲۵۳۴، ۲۵۳۵، ۲۵۳۶، ۲۵۳۷، ۲۵۳۸، ۲۵۳۹، ۲۵۴۰، ۲۵۴۱، ۲۵۴۲، ۲۵۴۳، ۲۵۴۴، ۲۵۴۵، ۲۵۴۶، ۲۵۴۷، ۲۵۴۸، ۲۵۴۹، ۲۵۵۰، ۲۵۵۱، ۲۵۵۲، ۲۵۵۳، ۲۵۵۴، ۲۵۵۵، ۲۵۵۶، ۲۵۵۷، ۲۵۵۸، ۲۵۵۹، ۲۵۶۰، ۲۵۶۱، ۲۵۶۲، ۲۵۶۳، ۲۵۶۴، ۲۵۶۵، ۲۵۶۶، ۲۵۶۷، ۲۵۶۸، ۲۵۶۹، ۲۵۷۰، ۲۵۷۱، ۲۵۷۲، ۲۵۷۳، ۲۵۷۴، ۲۵۷۵، ۲۵

ج ۲ ص ۱۲۵۰
 شمع خان نیرگانی (میرزا -) : ج ۳
 ص ۱۶۹۲ - ۱۷۷۱
 شمع خان چیرچی باشی : ج ۳ ص ۱۷۲۳
 شمع خان رازی : ج ۲ ص ۱۶۰۲ - ۱۶۰۷
 شمع (میرزا -) خان (سرهنگ فوج
 قزوین) : ج ۱ ص ۵۱۱ : ج ۲ ص
 ۱۲۳۳
 شمع خان گرگانی (میرزا -) مستوفی و
 مأمور آذربایجان : ج ۱ ص ۵۲۸ :
 ج ۲ ص ۲۱۰۰
 شمع (میرزا -) خان (منشی وزارت
 خارجه) : ج ۳ ص ۹۱۱
 شمع خان (نایب اول آجودانباشی) : ج ۲
 ص ۱۷۱۲
 شمع (میرزا -) سر رشته دار : ج ۱ ص
 ۵۰۵ : ج ۲ ص ۱۲۲۲ : ج ۳ ص ۲۰۶۱
 ۲۰۶۸ - ۲۰۹۵
 شمع شیرازی (میرزا -) : ج ۳ ص ۱۸۱۱
 شمع (میرزا -) صدراعظم : ج ۳ ص ۱۲۳۶
 ۱۲۶۹ - ۱۵۰۹ - ۱۵۲۳
 شمع (میرزا -) پسر صدر دیوانخانه :
 ج ۳ ص ۲۱۰۱
 شمع (میرزا -) لشکر نویس : ج ۱ ص
 ۵۰۲
 شمع (حاجی میرزا -) مستوفی : ج ۱ ص
 ۵۲۸ : ج ۲ ص ۲۰۳۸
 شمع (میرزا -) مستوفی خاصه (پسر
 ابراهیم نوری) : ج ۱ ص ۵۵۷ - ۵۵۸
 ج ۲ ص ۱۲۹۵ : ج ۳ ص ۲۰۹۸ -
 ۲۱۲۰
 شمع (میرزا -) ۲ منشی (پسر میرزا زین
 العابدین منشی تبریزی) : ج ۳ ص
 ۲۱۰۰ - ۲۱۰۱
 شمع (میرزا -) نویسنده : ج ۱ ص ۵۲۱
 شمع (میرزا -) وزیر بزرگ : ج ۳ ص
 ۱۷۹۵
 شقران بن طلی (زاهد) : ج ۱ ص ۱۶۶
 شقنا بن عبدالواحد (بربری) : ج ۱ ص
 ۱۲۹ - ۱۲۵
 شفیق و لطفی (زاهد) : ج ۱ ص ۱۷۱
 شفیق بن تیر السدوسی : ج ۱ ص ۸۶
 شکرالله : ج ۲ ص ۸۶۲

شکر الله اصفهانی (میرزا -) : ج ۲ ص
 ۸۰۹
 شکرالله بیک (حاجی -) : ج ۲ ص
 ۱۷۷۲
 شکرالله (حاجی -) تاجر طهرانی : ج ۲
 ص ۲۱۲۶
 شکر الله خان خسه ای (باور) : ج ۱ ص
 ۵۱۰ : ج ۲ ص ۲۰۷۵
 شکر الله خان (سرهنگ موزیکانچی باشی) :
 ج ۱ ص ۵۱۲ : ج ۲ ص ۱۲۳۶ : ج ۲
 ص ۲۰۸۱
 شکر الله خان (حاجی -) شقایق (نایب
 آجودانباشی) : ج ۳ ص ۲۰۷۲
 شکرالله (حاجی -) خان (زینی اعصاب
 قاجار) : ج ۱ ص ۵۰۲ : ج ۲ ص ۱۲۲۰ :
 ج ۳ ص ۲۰۶۵
 شکرالله خان نوری : ج ۳ ص ۱۶۵۲ - ۱۷۹۲
 شکرالله خان (الیاوران خارج از فوج) : ج ۲
 ص ۱۲۳۱
 شکرالله (میرزا -) فونسل حلب : ج ۱ ص
 ۵۲۲
 شکرالله (میرزا -) گاریزداز حلب : ج ۲ ص
 ۲۱۰۶
 شکرالله (میرزا -) لشکر نویس : ج ۲ ص ۸۶۵
 ج ۳ ص ۲۰۶۹
 شکرالله (میرزا -) مستوفی (پسر نصرالطک) :
 ج ۱ ص ۵۲۹ : ج ۲ ص ۲۰۹۹
 شکرالله (میرزا -) مشرف (خواجه وند) :
 ج ۱ ص ۵۵۲ : ج ۲ ص ۲۱۱۴
 شکرالله (میرزا -) معلم : ج ۱ ص ۵۱۰ : ج ۲
 ص ۱۲۳۱ : ج ۳ ص ۲۰۷۵
 شکرالله (میرزا -) نامنکر (نایب دویم
 وزارت خارجه) : ج ۲ ص ۱۲۰۰ : ج ۲
 ص ۲۰۳۲ - ۲۰۳۳ - ۲۰۳۶ - ۲۱۰۲
 شکر بیک کرد جهان بیگو : ج ۲ ص ۱۲۲۹
 شکر علوی حسینی (شاعر، امیر مکه) : ج ۱
 ص ۲۲۷
 شکسیر : ج ۲ ص ۹۱۲
 شکور (حاجی -) خان (سرتیپ فوج دویم
 تبریزی) : ج ۱ ص ۵۱۰ : ج ۲ ص ۱۲۳۳ :
 ج ۳ ص ۲۰۷۶
 شکیمی اصفهانی (شاعر) : ج ۲ ص ۸۹۱
 شلمیر (دکتر -) : ج ۳ ص ۱۷۱۶

شماخ : ج ۱ ص ۱۵۲
 شماخ : ج ۲ ص ۱۰۰۲
 شماخ بیک چرکس : ج ۲ ص ۸۵۲
 شماخ سلطان : ج ۲ ص ۸۶۷
 شمازی الجوشن : ج ۱ ص ۸۲ - ۸۳ - ۸۷
 شمازاده عبدالعزیز بن احمد الطولانی : ج ۱
 ص ۳۲۳
 شمازاده محمد بن عبدالسیار : ج ۱ ص ۲۵۱
 شمازاده خانم (دختر فتحعلشاه) : ج ۲ ص
 ۱۶۲۶
 شمازاده بن ایلنازی (از ارتقه) : ج ۲ ص
 ۶۷۰
 شمازاده، پسر تاج الملوك توری (حاکم
 بطیک) : ج ۱ ص ۳۷۲
 شمازاده جگوش (حاکم جزیره) : ج ۱ ص
 ۲۵۵ - ۲۵۸
 شمازاده (از آل کورت) : ج ۲ ص ۶۵۵
 شمازاده ابراهیم — ابراهیم بن هبه
 الله
 شمازاده احمد بن محمد بن ابوبکر : ج ۲ ص
 ۵۹۷
 شمازاده (میر -) اسدالله مرعشی : ج ۲
 ص ۸۳۰
 شمازاده (قاضی -) ابن البازری (قاضی
 القضاء حماه) : ج ۲ ص ۵۸۹
 شمازاده بخاری : ج ۲ ص ۶۲۷
 شمازاده بهمنی : ج ۲ ص ۶۶۲ - ۶۶۳
 ۷۷۲
 شمازاده بهتکه : ج ۲ ص ۶۲۲
 شمازاده حبیبی : ج ۲ ص ۶۲۲
 شمازاده خاکی : ج ۲ ص ۷۳۵
 شمازاده خان (ولد شرفخان کرد) : ج ۲
 ص ۸۱۹
 شمازاده خان افغان : ج ۲ ص ۱۶۳۶ - ۱۶۳۷
 شمازاده بن خلکان (قاضی شام) : ج ۱
 ص ۳۱۱ : ج ۲ ص ۵۸۲
 شمازاده خوری : ج ۲ ص ۶۳۰
 شمازاده بیک دهلجانی : ج ۲ ص ۸۲۱ - ۸۲۲
 شمازاده صواب عادل (بیشکار طکسالج
 ایوب بن ملککامل) : ج ۱ ص ۴۴۳
 شمازاده بن عبدالطک : ج ۱ ص ۴۱۹
 شمازاده (امیر -) علی (از سرداران) :
 ج ۲ ص ۶۵۶

شمس‌الدین فارغانی: ج ۲ ص ۵۹۲.
شمس‌الدین فخری: ج ۲ ص ۷۷۵.
شمس‌الدین بن فضل‌الله (از سرمداران):
ج ۲ ص ۶۵۶.
شمس‌الدین قاری (شارح بخاری): ج ۲ ص ۶۸۵.
شمس‌الدین کرت: ج ۲ ص ۶۲۲.
شمس‌الدین کرمانی: ج ۲ ص ۶۲۸.
شمس‌الدین لؤلؤ ارمنی (پیشکار ملک‌خاوه‌رین
ملک‌عزیز): ج ۱ ص ۲۴۵، ۲۵۲.
شمس‌الدین محمد (از اخلاف بایزید بسطامی):
ج ۲ ص ۷۲۶.
شمس‌الدین محمد ابهری: ج ۲ ص ۶۹۶.
شمس‌الدین (سید -) محمد اندجانی (معروف
به: مور سربرهنه): ج ۲ ص ۷۲۲.
شمس‌الدین محمد ببادگانی: ج ۲ ص ۷۲۹.
شمس‌الدین محمد تفتازانی: ج ۲ ص ۶۸۹.
شمس‌الدین محمد جزیری (امام -): ج ۲ ص ۶۸۶.
شمس‌الدین محمد بن السلطوس: ج ۲ ص ۶۰۲.
شمس‌الدین محمد شوشتری: ج ۲ ص ۸۷۵.
شمس‌الدین محمد بن عثمان الاصفهانی (معروف
به: ابن عجمی الحنفی): ج ۲ ص ۶۲۸.
شمس‌الدین محمد کوسوی: ج ۲ ص ۷۰۹.
شمس‌الدین محمد بن المجد عیسی البطلی: ج ۲
ص ۶۲۵.
شمس‌الدین محمد بن محمود اصفهانی: ج ۲
ص ۵۹۵.
شمس‌الدین محمد بن نقیب: ج ۲ ص ۶۲۵.
شمس‌الدین محمد نوربخشی: ج ۲ ص ۷۱۶.
شمس‌الدین محمد بن هادی: ج ۲ ص ۶۲۲.
شمس‌الدین محمود (از حکام لر کوچک): ج
ص ۸۹۱.
شمس‌الدین محمود اصفهانی: ج ۲ ص ۶۲۶.
شمس‌الدین (میر -) مختاری سبزوری: ج ۲
ص ۸۰۶.
شمس‌الدین (ولد ملک‌دینار): ج ۲ ص ۹۰۸.
شمس‌الدین (میر -) ابن میر سید شریف
جرجانی: ج ۲ ص ۶۹۰.
شمس‌الدین یوسف (شیخ -) از اولاد جمال
الدین ابن الجوزی (صاحب کتاب مراث
الزمان): ج ۱ ص ۲۶۲.
شمس سهروردی: ج ۲ ص ۶۲۲.

شمس‌الشعرا، سروش، موزا محمد علی خان
اصفهانی: ج ۲ ص ۱۷۸۲، ۱۹۰۶.
شمس‌الملک طغاج خان، ابواسحق ابراهیم بن
نصرا ملک خان: ج ۱ ص ۴۱۹.
شمس‌الملک نصربن طغاج خان (پادشاه ماوراء
النهر): ج ۱ ص ۲۲۲.
شمس‌الملوک محمد بن حسام‌الدوله (پسر حسام
الدوله باوندی): ج ۲ ص ۶۲۷.
شمس‌الملوک (از طوکه‌باوند): ج ۲ ص ۷۲۲.
شمس‌خان قزاقور: ج ۲ ص ۹۲۸.
شمس‌بن مسلم بطلی (فرمانده): ج ۱ ص ۱۱۹.
شمس جهان خان: ج ۲ ص ۶۲۹.
شمس جهان خان (برادر محمد خان شاه
مغولستان): ج ۲ ص ۶۷۲.
شمس ترکمانی (حاکم خیزستان): ج ۱ ص
۲۸۹، ۲۰۱، ۴۱۲.
شمس (لیکنان بیاد نظام): ج ۱ ص ۵۲۷.
شمس اطروش (کنتل -): ج ۱ ص ۲۸۰.
شمس روسی: ج ۲ ص ۱۹۰۷.
شمس شیرازی: ج ۲ ص ۱۱۲۰.
شمس (سردار مجم): ج ۱ ص ۲۱.
شواجو (شاهزاده زاپنی): ج ۳ ص ۱۸۷۶.
شوارت زنیوک (سردار اطروش): ج ۳ ص
۱۵۲۵ تا ۱۵۲۷، ۱۵۳۱.
شوارل (وزیر اعظم فرانسه): ج ۲ ص ۱۱۷.
شوالیه لشکرشارل کوهن: ج ۲ ص ۲۱۰۹.
شودب (خارجی) بسطام (از بنی یثکر):
ج ۱ ص ۱۰۶، ۱۰۷.
شوکت‌الملک — ابراهیم شوکت‌الملک.
شولترفسکی (مسیو -) نایب: ج ۱ ص ۵۳۲.
شولکونوف (قبیل امور لئوسلگری): ج ۱ ص
۵۳۷.
شویبسکی: ج ۲ ص ۹۰۲.
شهاب بن مخلوق (مطونت حکم بن عمرو
نظمی): ج ۱ ص ۵۲.
شهاب‌الدوله: ج ۱ ص ۵۰۷، ج ۲ ص ۱۲۲۷.
ج ۳ ص ۲۰۷۱، ۲۰۷۲.
شهاب‌الدوله ابوالفوارس، منصور بن حسین
اسدی (حاکم جزیره): ج ۱ ص ۲۲۵.
شهاب‌الدوله مرتضی خان فاجار: ج ۳ ص ۱۹۵۲.
شهاب‌الدین (قاضی): ج ۱ ص ۲۶۶.
شهاب‌الدین (در هندوستان): ج ۲ ص ۶۶۲.
شهاب‌الدین ابراهیم بن عبدالله الشافعی،
ابن ابی‌الدم (مؤلف تاریخ کبیر مغربی

و قاضی حماه): ج ۱ ص ۲۵۱.
شهاب‌الدین احمد بن ابی طالب الطحی
الحجازی: ج ۲ ص ۶۲۵.
شهاب‌الدین (امیر -) احمد بن بدرالدین
حسن المروانی (حاکم بطیک): ج ۲
ص ۶۲۷.
شهاب‌الدین احمد بن البرهان ابراهیم بن دلود:
ج ۲ ص ۶۲۹.
شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب الشافعی:
ج ۲ ص ۶۲۷.
شهاب‌الدین (قاضی -) احمد بن فضل‌الله
العسری: ج ۲ ص ۶۲۶.
شهاب‌الدین احمد فیروانی: ج ۲ ص ۵۹۹.
شهاب‌الدین احمد بن محمد... سبط السلطوس
البایلسی‌الدشغلی: ج ۲ ص ۶۲۶.
شهاب‌الدین (شیخ -) احمد بن مرغل: ج ۲
ص ۶۲۲.
شهاب‌الدین البیانی: ج ۲ ص ۷۶۲.
شهاب‌الدین (قاضی -) جونوری: ج ۲ ص
۶۹۲.
شهاب‌الدین الحارصی (صاحب حماه): ج ۱
ص ۲۰۲، ۲۰۳.
شهاب‌الدین بن سام: ج ۱ ص ۲۸۵.
شهاب‌الدین سهروردی، ابوالفتح حمصی: ج ۱
ص ۲۲۶.
شهاب‌الدین سیواسی (مفسر): ج ۲ ص ۶۶۶.
شهاب‌الدین طغرل (خادم): ج ۱ ص ۲۲۱.
ج ۲ ص ۲۲۲.
شهاب‌الدین فیروی (پادشاه غزنین): ج ۱
ص ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۹.
۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۰.
شهاب‌الدین قرقای المنصور (امیر -) حاکم
طرابلس: ج ۱ ص ۶۲۷.
شهاب‌الدین قیصری: ج ۲ ص ۵۸۰.
شهاب‌الدین مالک بن علی... عقلی: ج ۱
ص ۲۹۶.
شهاب‌الدین بن محمد (از مشاهیر): ج ۲ ص
۶۵۵.
شهاب‌الدین محمد بن المجد عبدالله (قاضی
القضاء دمشق): ج ۲ ص ۶۲۹.
شهاب‌الدین محمود بن تهری: ج ۱ ص ۲۷۲.
ج ۲ ص ۲۷۷، ۲۷۵.
شهاب‌الدین یوسف بن مسعود: ج ۱ ص ۲۲۲.
شهاب محمد بن یوسف بن زاید التظفیری:

ج ۲ ص ۵۹۲
 شهاب الملک، حاجی حسین خان : ج ۲ ص
 ۱۸۷۵ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۸
 شهاب الملک، غلامرضا خان : ج ۲ ص ۱۲۳۱
 ج ۲ ص ۱۸۶۰ - ۱۸۸۶ - ۱۹۰۴ - ۱۹۲۵
 ۱۹۲۹ - ۲۰۳۵ - ۲۰۴۱ - ۲۰۷۶
 شهباز خان : ج ۲ ص ۱۶۶۸
 شهباز خان بکلی : ج ۲ ص ۱۶۲
 شهباز خان دہلی : ج ۲ ص ۱۱۵۶ - ۱۱۵۷
 ۱۱۶۲
 شہد، بنت احمد بن مرثا ابوی (عالم) :
 ج ۱ ص ۲۰۳
 شہرین باذان : ج ۱ ص ۲۲
 شہرذی الجناح حمیری (خالوی مهدی عباسی) :
 ج ۱ ص ۱۵۲
 شہزاد (از سرداران ایران) : ج ۱ ص ۳۲
 شہرستانی — ابوالفتح محمد بن
 عبدالکریم شہرک (ملک زادہ عجم) :
 ج ۱ ص ۵۲
 شہرنوش (از ملوک رستمدر) : ج ۲ ص ۷۲۲
 شہریار (سردار عجم) : ج ۱ ص ۲۲
 شہریار اکیم (از ملوک رستمدر) : ج ۲ ص ۷۲۲
 شہریار بن بادوسیان (نہمین از ملوک رستمدر) :
 ج ۲ ص ۷۲۲
 شہریار بن جمنید (از ملوک رستمدر) : ج ۲
 ص ۷۲۲
 شہریار بن زیاد طبرستان : ج ۱ ص ۳۳۵
 شہریار بن شروین (حاکم جبال طبرستان) :
 ج ۱ ص ۱۷۵ - ۱۸۱
 شہرپوش (حاکم قم و ساوه) : ج ۱ ص ۳۰
 شہسوار بیک ذوالقدر : ج ۲ ص ۷۲۲ - ۷۶۲
 شہسیر (حاکم کشمیر) : ج ۲ ص ۶۳۲
 شہین (پسر قبلائی قان) : ج ۲ ص ۶۰۱
 شہید بن محبی الاندلسی (از علمای اندلس) :
 ج ۱ ص ۱۶۸ - ۱۹۷
 شہیدی قبی (شاعر) : ج ۲ ص ۷۹۲
 شہیم پاشا (سردار مصری) : ج ۳ ص ۱۸۸۰
 شہیان بن جرجس خان : ج ۲ ص ۷۵۲
 شہیان عربی (از خواج) : ج ۱ ص ۱۲۸
 ۱۲۹
 شہیان بن عبدالرحمن، ابومعاریہ التمیمی
 الدہری : ج ۱ ص ۱۵۲

شہیان بن عبدالعزیز : ج ۱ ص ۱۳۲
 شہیان (عم هارون بن خسارویہ) : ج ۱ ص ۲۲۵
 شہبک خان اوزبک : ج ۲ ص ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۵
 ۷۲۷ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۷۷
 شہید بن ربیعہ : ج ۱ ص ۲۲
 شہناب بن فہد علی : ج ۲ ص ۲۲۱
 شہخ الاسلام دارالخلاہ : ج ۱ ص ۵۲۵ - ج ۲
 ص ۲۰۹۵
 شہخ الاطیہ، میرزا حسینی : ج ۲ ص ۱۲۵۶
 ج ۲ ص ۲۱۱۰ - ۲۱۳۰
 شہخ اکبر : ج ۲ ص ۲۶۶
 شہخ جهان (شاہ غولستان) : ج ۲ ص ۶۷۲
 شہخ حاکم خان : ج ۲ ص ۱۷۵۸ - ۱۷۷۳
 شہخ حسن بزرگ جلابری (امیر -) : ج ۲ ص ۶۲۹
 شہخ حسن (امیر -) چہانسی (شہخ حسن
 کوچک) : ج ۲ ص ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۹
 ۶۴۰ - ۶۴۳
 شہخ راستگو : ج ۲ ص ۶۲۷
 شہخ الرئیس — ابوعلی حسین ...
 شہخ زین الدین علی گلا شہرازی : ج ۲ ص ۶۶۱
 شہخ سامر خان : ج ۲ ص ۱۶۵۸ - ۱۶۶۰
 شہخ سلیم فتح پوری : ج ۲ ص ۸۵۰
 شہخ شامین فرخ بیمار : ج ۲ ص ۷۶۵ - ۷۶۹
 ۷۷۱
 شہخ شرف الدین عبدالعزیز ابن محمد بن
 عبدالرحمن الانصاری، معروف بشہخ
 الشیوخ) : ج ۲ ص ۵۸۲
 شہخ صدر الدین قونوی : ج ۲ ص ۵۹۲
 شہخ صدیق (پسر شہخ عبداللہ کرد) : ج ۲
 ص ۲۰۱۰
 شہخ صفی الدین اسحاق اردبیلی : ج ۲ ص ۶۲۸
 ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۸۶۲
 شہخ عبداللہ کرد : ج ۲ ص ۱۱۸۲ - ج ۳ ص
 ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ - ۲۰۲۰ - ۲۰۲۱ - ۲۰۲۲
 شہخ عجل : ج ۲ ص ۱۶۵۹
 شہخ علمخان زندگنہ : ج ۲ ص ۹۹۳
 شہخ علویان : ج ۲ ص ۱۱۶۳
 شہخ علی بیک زندگنہ (میرزا خوریاشی) : ج ۲
 ص ۹۳۳
 شہخطی بیک خمساتی (باور دوم) : ج ۱
 ص ۵۱۱
 شہخطی ترشیزی (ملا -) : ج ۲ ص ۱۷۳۶

۱۷۳۷
 شہخطی خان : ج ۲ ص ۱۲۳۲
 شہخطی خان ایروانی : ج ۲ ص ۱۷۱۳
 شہخطی خان (بیکگریگی باکویہ) : ج ۲ ص
 شہخطی خایزند (سردارزند) : ج ۲ ص ۱۱۲
 ۱۱۵۰ - ۱۱۵۲ - ۱۱۵۵ - ۱۱۵۶
 ۱۱۵۸ - ۱۱۵۹ - ۱۱۶۲ - ۱۱۶۳
 ج ۳ ص ۱۲۳۲ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۹ - ۱۲۷۵
 شہخ علمخان زندگنہ : ج ۲ ص ۹۸۰
 شہخطی خان سرتیب : ج ۲ ص ۱۲۳۷ - ج ۳
 ص ۲۰۸۲
 شہخطی خان شکی : ج ۲ ص ۲۰۸۷
 شہخطی خان قضاہی (بیکگریگی) : ج ۲ ص
 ۱۲۷۷ - ۱۲۸۲ - ۱۲۹۱
 شہخطی خان کنگرلو :
 ج ۲ ص ۱۵۷۶
 شہخطی خان (نایب الحکومہ) : ج ۲ ص ۱۷۱۵
 شہخطی بن سلطان اویسی (شہزادہ -)
 ج ۲ ص ۶۵۲
 شہخطی (منشی دوم سفارت انگلیس در
 طهران) : ج ۲ ص ۲۱۰۸
 شہخطی (میرزا - منشی سیم) : ج ۱ ص ۵۳۸
 شہخطی میرزا : ج ۲ ص ۱۶۸۷
 شہخطی میرزا (حکمران جلابری) : ج ۲ ص ۱۶۹۲
 ۱۵۰۰ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۲
 شہخطی میرزا شہخ الطوک : ج ۲ ص ۱۵۸۰
 ۱۶۰۲ - ۱۶۲۲
 شہخ عماد الدین، فضل اللہ نوربخش : ج ۲ ص
 ۷۵۰
 شہخ فارس خان : ج ۲ ص ۱۷۷۳
 شہخ فخر الدین عراقی : ج ۲ ص ۶۰۱
 شہخ قادر (پسر شہخ عبداللہ کرد) : ج ۲
 ص ۲۰۱۱
 شہخ کمال الدین عمر بن النیاس المراقی : ج ۲
 ص ۶۲۷
 شہخ لطف اللہ : ج ۲ ص ۹۱۷
 شہخ مبارک ناگوی : ج ۲ ص ۸۹۰
 شہخ محمد خلوتی : ج ۲ ص ۶۵۲
 شہخ محمد شاہ جونیوی : ج ۲ ص ۹۱۸
 شہخ محبی الدین غزالی طوسی (شاعر) : ج ۲
 ص ۶۸۵
 شہخ مذکور : ج ۲ ص ۱۶۳۷

شیخ منصور ترمذی: ج ۲ ص ۶۹۳.

شیخ میرزا: ج ۲ ص ۷۵۶.

شیخ نجم الدین اصفهانی: ج ۲ ص ۶۲.

شیخ نجیب الدین رضای عارف: ج ۲ ص ۹۷.

شیخ نصیر الدین طوسی (جواجمنصور): ج ۲ ص ۲۹۷.

شیخ نظام اولیا: ج ۲ ص ۶۲۱.

شیخ نظام: ج ۲ ص ۸۱۱.

شیخ نعمه: ج ۲ ص ۱۶۲۷.

شیخ نورالدین محمد مرشدی: ج ۲ ص ۶۹۱.

شیخ نورقطب عالم: ج ۲ ص ۶۷۷.

شیخ وجه الدین گجراتی: ج ۲ ص ۸۸۸.

شیخین: ج ۱ ص ۵۷.

شیخ دین محمد خان: ج ۲ ص ۱۷۹۵.

شیرپاسان (والی بن): ج ۱ ص ۱۸۹.

شیرخان: ج ۲ ص ۲۹۸.

شیرخان افغان: ج ۲ ص ۷۹۲، ۷۹۵، ۷۹۹.

شیرخان بیک (کارپرداز قول رباط): ج ۱ ص ۸۰۰، ۸۰۲، ۹۲۷.

شیرخان سیر: ج ۲ ص ۷۹۶.

شیردل خان (برادر فتح خان): ج ۲ ص ۱۵۶۱.

شیرزاد (سایط): ج ۱ ص ۴۳.

شیرزاد (صاحب طاق کسری): ج ۱ ص ۲۵.

شیرزنگی — رواج زنگی.

شیرعلی خان، پسر دوست محمد خان: ج ۲ ص ۱۷۵۵.

شیرکوه، اسدالدین بن شادی (وزیر المعاهد): ج ۱ ص ۳۹۶.

شیرکوه، ملک مجاهد (صاحب حصص): ج ۱ ص ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۹.

شیرکوه بن محمد: بن کوه بن شادی (صاحب حصص): ج ۱ ص ۴۲۰، ۴۱۳، ۴۰۸.

شیرمحمد (قا): ج ۲ ص ۱۲۶۸.

شیرمحمد الحلان: ج ۲ ص ۶۸۱، ۶۸۲.

شیرمحمد خان: ج ۲ ص ۱۶۵۲، ۱۶۴۱.

شیرمحمد خان (از اجزای مجلس حکومت): ج ۲ ص ۶۴۹.

شیرمحمد (قا): قزوینی (نعمت‌لدارانبار): ج ۲ ص ۲۱۱۷.

شیرنانشاه (حاکم شیروان): ج ۲ ص ۷۱۲.

۷۱۶-

شیریه (پسر خسرو میرزا): ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۲۸.

شیرین (خواهر مارینه قبطیه): ج ۱ ص ۲۷.

شیرین جان خانم (دختر فتحعلیشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۷.

شیرین (وزیر اول سوس): ج ۳ ص ۲۱۲۹.

شیرین عبداللہ خان: ج ۲ ص ۱۷۹۵.

شیرکا: ج ۲ ص ۱۸۰۰.

شیرل صاحب: ج ۲ ص ۱۶۲۰.

شیردلر صاحب: ج ۲ ص ۲۱۲۵.

شیرنویس (اطرش): ج ۳ ص ۱۹۹۱.

ص

صاحب اختیار، سلیمان خان (امیرالامراہ): ج ۱ ص ۵۲۱.

صاحب الامر (حضرت مهدی عج): ج ۱ ص ۲۰۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶.

صاحب جمع، امین السلطان (دوم): ج ۱ ص ۲۵۲، ۲۰۲.

صاحب الخطوبه، ملک ظاهر: ج ۲ ص ۶۲۱.

صاحب دیوان، میرزا فتحعلی خان (فرینظام): ج ۱ ص ۵۵۸، ۵۲۹، ۵۰۲، ۵۰۴.

صاحب الدین، علی بن محمد بن عبدالرحیم (از طائفه عبدالقیس): ج ۱ ص ۲۰۵.

صاحب بن عباد، ابوالقاسم اسماعیل (وزیر موبدالدوله و خیرالدوله): ج ۱ ص ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۳.

صاحب فزات: ج ۱ ص ۴۱.

صاحبقران میرزا: ج ۲ ص ۱۶۱۸.

صاحب محیی الدین بن مطروح (مقرب ملک صالح سلطان صلاح الدین): ج ۱ ص ۲۵۶.

صادق (قا سید): ج ۱ ص ۵۲۵.

صادق (ملا): ج ۲ ص ۱۲۲۸.

صادق (میرزا): ج ۲ ص ۱۲۲۲.

صادق بیک خولی (بازوردم): ج ۱ ص ۵۱۱.

صادق (آقامید): ج ۱ ص ۲۰۲۲.

صادق خان: ج ۲ ص ۱۱۷۹ تا ۱۱۸۱.

صادق خان (حاجی میرزا): ج ۱ ص ۵۲۲.

صادق خان (میرزا): ج ۱ ص ۱۸۱۲.

صادق خان (برادر بگلرخان): ج ۲ ص ۱۶۱۱.

صادق خان تنگبندی (سرکرده): ج ۳ ص ۱۲۶۹.

صادق خان (میرزا): ج ۱ ص ۵۲۵.

صادق خان دلو (پدر رضاقلی خان قاجار): ج ۲ ص ۱۲۹۶.

صادق خان زند (برادر کریمخان): ج ۲ ص ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۲۶.

صادق خان سرکوب (حاجی): ج ۲ ص ۲۱۰۴.

صادق (میرزا): ج ۱ ص ۱۲۳۸.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

صادق (سرکوبه): ج ۱ ص ۲۱۰۴.

ج ۱ ص ۵۲۵.

مادق خان (منسوب وکیل الملک) : ج ۱ ص ۵۰۹.
مادق خان مقدم (پاور دوم) : ج ۱ ص ۵۱۱.
ج ۲ ص ۱۲۲۲ : ج ۳ ص ۲۰۲۷.

مادق خان پوغاری باش : ج ۲ ص ۱۱۵۸.
مادق خان پوزباشی : ج ۲ ص ۱۸۶۰.
مادق (میرزا -) سرشته دار : ج ۱ ص ۵۰۵.
۵۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۶۸ - ۲۱۱۵.
مادق (آقا -) توش خلوت : ج ۱ ص ۵۳۰.
ج ۲ ص ۱۲۵۷ : ج ۳ ص ۱۲۳۹.

مادق مجتهد (آقاسید -) : ج ۲ ص ۲۰۲۷.
مادق (میرزا -) (نمبره میرزا بزرگ قلتم مقام) : ج ۲ ص ۱۶۱۲.
مادق کاشانی (میرزا -) : ج ۳ ص ۱۷۸۶.
مادق مستوفی (میرزا -) (قلتم مقام) : ج ۲ ص ۱۷۵۷.

مادق (میرزا -) ناطق (شاعر اصفهانی) :
ج ۳ ص ۱۵۲۶.
مادق (میرزا -) نهشته و آتش : ج ۳ ص ۲۱۰۲.

مادق (نشد -) والی تونس : ج ۳ ص ۱۸۲۰.
۱۸۲۷.
مادق وفایع نگار روزی (میرزا -) (صاحب تاریخ جهان آرا) : ج ۱ ص ۲۶۲ : ج ۲ ص ۱۵۶۶ - ۱۳۸۲ - ۱۳۷۲ - ۱۳۳۶ - ۲۰۰۷ - ۱۵۶۷.

مارم پاشا (صدر اعظم عثمانی) : ج ۳ ص ۱۷۰۲.
مارم الدوله، علیقلی میرزا : ج ۲ ص ۱۲۲۷.
۱۲۹۷ : ج ۳ ص ۱۸۵۸ - ۱۸۹۹ - ۱۹۲۵.
۱۹۳۲ - ۲۰۷۱ - ۲۱۴۱.

مارم الملک، عزیز الملکان : ج ۲ ص ۱۱۸۳.
۱۱۸۸ : ج ۳ ص ۲۰۲۴ - ۲۰۹۱.
مارم الملک (حاجی محمد قلی خان شاهر باشی) : ج ۳ ص ۱۹۱۳ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳.

ماعدین مهملد : ج ۱ ص ۲۱۵.
مافی قلی خلیفه روملو : ج ۲ ص ۸۴۸.
صالح (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۶ : ج ۲ ص ۱۲۷۹.
صالح بن احمد بن حنبل : ج ۱ ص ۲۱۲.
صالح بن بدرالدین (ملک -) لولوی (فرمان فرمای) (موجل) : ج ۲ ص ۵۲۹.
صالح بن بشرقاری : ج ۱ ص ۱۶۰.
صالح خان افشار : ج ۲ ص ۱۱۲۲.
صالح خان بهات : ج ۲ ص ۱۱۴۹ - ۱۱۵۲.

صالح خان برهنگ (میرزا -) : ج ۳ ص ۲۰۲۶.
صالح خان (صدر اعظم اشرف) : ج ۲ ص ۱۰۲۱.
صالح خان (میرزا -) پاور سیم : ج ۲ ص ۱۲۳۳.

صالح بن داود (حاکم بصره) : ج ۱ ص ۱۵۳.
صالح بن زریک (وزیر المعاهد علوی) : ج ۱ ص ۲۹۱ - ۲۹۲.
صالح بن نیرکوه (ملک -) صاحب جمعی :
ج ۲ ص ۵۸۰.

صالح طبیب (میرزا -) : ج ۲ ص ۹۷۲.
صالح عرب (آقا میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۵ : ج ۲ ص ۲۰۹۵.
صالح بن علی بن عبدالله بن عباس : ج ۱ ص ۱۳۲.

صالح بن عیسی : ج ۱ ص ۱۲۸.
صالح بن کیمان : ج ۱ ص ۷۵.
صالح بن مرداس گلایی (ملک حلب) : ج ۱ ص ۲۹۲ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۳۳۲.

صالح بن مسرح (خارجی) : ج ۱ ص ۹۲.
صالح (آقا سید -) مغنی باشی : ج ۱ ص ۵۵۶ : ج ۲ ص ۱۲۹۲.
صالح بن نصر کتابی : ج ۱ ص ۱۹۲.
صالح بن وحیف : ج ۱ ص ۲۰۵.
صالح بن هارون الرشید (والی بصره) : ج ۱ ص ۱۷۸.

صباحی - - - طبعان صباحی.
صحاری بن نجیب بن یزید : ج ۱ ص ۱۱۹.
صدر الاسلام : ج ۱ ص ۶۸۱.
صدر اعظم، میرزا آقاخان : ج ۳ ص ۱۵۲۰ - ۱۷۲۵.

صدرالدین حمویه (شیخ -) : ج ۱ ص ۳۲۶.
صدرالدین خان اسناجلو : ج ۲ ص ۷۹۲.
صدرالدین خان (حاکم استرآباد) : ج ۲ ص ۷۹۸.

صدرالدین خان صفوی : ج ۲ ص ۸۴۹ - ۸۵۲.
صدرالدین دزفولی (سید -) : ج ۳ ص ۱۶۶.
صدرالدین، عبدالرحیم بن اسماعیل (شیخ الشیوخ) : ج ۱ ص ۲۰۷.
صدرالدین محمد خلاطی (صاحب تلخیص الجامع) : ج ۱ ص ۲۵۸.
صدرالدین محمد شیرازی : ج ۲ ص ۷۳۶.
صدرالدین محمد طبیب زبیری اصفهانی : ج ۲ ص ۷۲۸.

صدرالدین محمد بن عبداللطیف بن محمد الشجندی (رئیس شافعیه اصفهان) :
ج ۱ ص ۴۱۵.

صدرالدین محمد بن عمر بن حمویه (شیخ الشیوخ شام و مصر) : ج ۱ ص ۴۲۴.
صدر دیوان خانه :

میرزا محمد علی مستوفی (پسر میرزا محمد حسین غنبد الملک) : ج ۱ ص ۵۲۹ : ج ۲ ص ۱۹۰۹.

صدرالذکرین - - - ابوطالب (آقاسید -)
صدرالشریعه بخاری : ج ۲ ص ۶۳۵.
صدرالطما : ج ۱ ص ۵۲۵ : ج ۳ ص ۲۰۹۵.
صدقه بن یوالفوری، منصور : ج ۱ ص ۲۷۸.
صدقه بن حسین الحداد (صاحب ذیل تاریخ) :
ج ۱ ص ۴۰۲.

صدقه بن دبیس : ج ۱ ص ۳۷۲.
صدقه، سیف الدوله (پسر بهاء الدوله ابو کامل منصور) : ج ۱ ص ۳۴۱.
صدقه بن فارسی المازنی (امیر بطیمه) :
ج ۱ ص ۲۰۲ - ۲۰۴.

صدقه بن مزید (صاحب حله) : ج ۱ ص ۲۵۶ - ۲۵۷.
صدیق (شیخ -) پسر شیخ عبداللہ کرد :
ج ۱ ص ۲۷۷.

صدیق الدوله، میرزا رضا : ج ۱ ص ۵۲۹ : ج ۲ ص ۲۰۲۰ - ۲۰۲۵ - ۲۱۵۵.
صدیق الدوله، میرزا محمد باقر : ج ۳ ص ۲۰۲.
صدیق الملک، میرزا محمد (رئیس کل دفتار وزارت خارجه) : ج ۱ ص ۶۷۳ - ۵۴۱ : ج ۲ ص ۱۱۹۹ - ۱۲۵۲ : ج ۳ ص ۱۹۸۵ - ۲۰۳۲ - ۲۱۰۲.

صدیقہ کبری - - - فاطمه بنت رسول اللہ ص :
ج ۱ ص ۸۲.

صحب بن جئانه بن قیس اللبثی : ج ۱ ص ۵۳.
صعصعہ بن حرب الموفی : ج ۱ ص ۹۵.
صعصعہ بن صوحان : ج ۱ ص ۵۸.
صطوک (برادر -) : ج ۱ ص ۲۳۶.
صفدرخان (ایلچی پادشاه هندوستان) : ج ۲ ص ۹۲۷.

صفرة علی آقا قاجار قوانلو : ج ۲ ص ۱۱۵۷.
صفرة علی بوک (نایب الحکومه دجریش) : ج ۱ ص ۵۵۳.
صفرة علی خان : ج ۲ ص ۱۲۷۵.

صفر علی خان بخاری: ج ۲ ص ۱۳۳۲.
 صفر علی خان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۸۳۲.
 صفر علی خان (سرتیپ بهارلو): ج ۱ ص ۵۱.
 ج ۲ ص ۱۲۳۲، ج ۳ ص ۲۰۷۶.
 صفر علی خان (سرکرده جماعت قراچیلوی):
 ج ۳ ص ۲۰۹۱، ۲۱۱۲.
 صفر علی خان یاور (موزیکانچی): ج ۱ ص ۵۱۲.
 ج ۲ ص ۱۲۲۶، ج ۳ ص ۲۰۸۱.
 صفوان بن امیه بن خلف الجهمی: ج ۱ ص ۷۳.
 صفوان بن البیضاء: ج ۱ ص ۶۷.
 صفوان بن المعطل السلسی: ج ۱ ص ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱.
 صفوت پاشا: ج ۲ ص ۱۹۳۲.
 صفی (شاهزاده -): ج ۲ ص ۸۸۰.
 صفی (شاه -): شاه صفی
 صفی خان: ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 صفی خان بخاری: ج ۲ ص ۱۱۱۲، ۱۱۲۲.
 صفی خان (ولد ذوالفقار خان): ج ۲ ص ۹۶۷.
 صفی خان ممالکو (سرکرده): ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۲۰۹۰.
 صفی میرزا (-) دروغی: ج ۲ ص ۱۱۲۱.
 صفی الدین سرایه طی: ج ۲ ص ۶۳۶.
 صفی قلیخان: ج ۲ ص ۹۱۸، ۹۱۷، ۱۰۵۶.
 ۱۰۵۷.
 صفی قلی خان ترکمن: ج ۲ ص ۱۰۲۶.
 صفی قلی خان (حاکم بغداد): ج ۲ ص ۹۲۵.
 صفی قلیخان بن رستم خان: ج ۲ ص ۹۶۹.
 صفی قلیخان سردار: ج ۲ ص ۹۲۶.
 صفی قلیخان (سردار شامطهاسب): ج ۲ ص ۱۰۲۷.
 صفی میرزا (شاهزاده دروغی): ج ۲ ص ۱۰۱۶، ۱۰۲۲.
 صفی میرزا (پسر شاه سلطان حسین): ج ۲ ص ۱۰۷۲، ۱۰۷۳.
 صفی میرزا (= شاه سلیمان دوم): ج ۲ ص ۹۷۹.
 صفی میرزا = شاه صفی (پسر شاه عباس دوم):
 ج ۲ ص ۹۲۲، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۶، ۹۷۸.
 ج ۲ ص ۱۳۶۹.
 صفی یار بیگ افشار: ج ۲ ص ۱۱۲۱.
 صفی یار خان کردیجه: ج ۲ ص ۱۲۸۲.
 صفیه بنت ابی عبید بن مسعود ثقفی (خواهر مختار): ج ۱ ص ۲۵.
 صفیه (دختر حمی بن اخطب): ج ۱ ص ۲۶.

۷۶

صفیه (بنت عبدالملک) (صه) حضرت رسول
 ص: ج ۱ ص ۲۹.
 صلاح لریلی (فانلو و شاعر و امیر): ج ۱ ص ۲۳۲.
 صلاح الدین زکریا ربی (شیخ -): ج ۲ ص ۵۹۰.
 صلاح الدین محمد (مورخ): ج ۲ ص ۶۲۲.
 صلاح الدین یوسف بن ابوبکر بن شاذی (سلطان صلاح الدین ابوبکر): ج ۱ ص ۲۹۵، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵.
 صلاتی (والی ری): ج ۱ ص ۲۰۹.
 صدآقا (از سواره مهاجر): ج ۳ ص ۲۰۸۷.
 صمصام خان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۶۹۹.
 صمصام الدوله: ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 صمصام الدوله ———— آغا خان.
 صمصام الدوله ———— ابوالکلیجار میزبان بن عبدالدوله دیلمی: ج ۱ ص ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲.
 صمصام الملک علیقلی خان (سرتیپ اول): ج ۱ ص ۵۱۲، ج ۲ ص ۱۲۳۹، ج ۳ ص ۲۱۲۲، ۲۱۱۹، ۲۰۸۲، ۲۱۲۲.
 صمد، مالک بن سعد بن صفی بن نزاره صحابی (صمد): ج ۱ ص ۵۱.
 صمدل (خواجده -): ج ۱ ص ۲۶۶.
 صندان آقا: ج ۲ ص ۸۶۵.
 صمد الله بیگ: ج ۲ ص ۹۲۵، ۹۲۸.
 صنع الدوله (محمد حسن خان اعتماد السلطنه، وزیر انطباعات و مترجم مخصوص): ج ۱ ص ۴۶۹، ۵۵۵، ج ۲ ص ۱۱۸۲، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۲۰۸، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳، ۱۲۵۷، ج ۲ ص ۱۲۱۷، ۱۲۱۵، ۲۰۲۱، ۲۰۲۵، ۲۰۳۱، ۲۰۴۶، ۲۰۵۲، ۲۰۶۷، ۲۱۰۲، ۲۱۲۷.
 صوفی اسلام (از صوفیه بخارا): ج ۲ ص ۱۲۸۶.
 صوفی (خواهر ایوان، پسر): ج ۲ ص ۹۹۰، ۹۹۱.
 صوفی سلطان خان: ج ۲ ص ۶۲۹.
 صوفیان خان: ج ۲ ص ۷۲۳.
 صوفیان خلیفه روملو: ج ۲ ص ۷۸۸، ۷۸۹.
 صهبا (شاعر قس): ج ۲ ص ۱۱۸۰.

صهیب بن سنان: ج ۱ ص ۶۹، ۶۷.

صیه توبنی: ج ۲ ص ۱۷۵۷، ۱۸۰۳.

صید محمد خان (امام سقط): ج ۳ ص ۱۷۹۲.

صید محمد خان جلاور گلانی: ج ۳ ص ۱۵۵۹.

۱۵۹۸، ۱۶۰۰، ۱۶۰۲.

صید محمد خان (از جماعت عنایت آبادی):

ج ۱ ص ۵۱۹، ج ۲ ص ۲۰۸۹.

صید محمد خان ظهیر الدوله (حاکم هرات):

ج ۳ ص ۱۷۱۸، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۳۰.

۱۷۳۱، ۱۷۳۶، ۱۷۳۸، ۱۷۵۶، ۱۷۵۸.

۱۷۵۹، ۱۸۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۸۱، ۱۷۹۲.

صید مراد خان زند (سردار علیمردان خان):

ج ۲ ص ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۵.

صیلان چهارم (فرمانفرمای ایلالت سوری):

ج ۱ ص ۵۶۲.

ضی

ضحاک (فسر): ج ۱ ص ۱۰۸.

ضحاک بن جندل (رئیس وادی نیم): ج ۱ ص ۲۷۲.

ضحاک بن صفیان (پدر فاطمه کلایه زوجة بهاسیر ص): ج ۱ ص ۲۸.

ضحاک بن صفیان بن عبدالله: ج ۱ ص ۱۲۶.

ضحاک بن قیس (از امیران معاویه در حنین و والی کوفه): ج ۱ ص ۶۵، ۶۶، ۶۹.

۷۹، ۸۵.

ضحاک بن قیس شیبانی (خارجی): ج ۱ ص ۱۲۸، ۱۲۷.

ضرار بن الخطاب: ج ۱ ص ۲۵.

ضرقام (وزیر المأمون علی): ج ۱ ص ۳۹۳.

۳۹۴.

ضیاء الدوله، انوشیروان میرزا: ج ۲ ص ۱۲۲، ۱۵.

۱۲۲۷، ج ۳ ص ۱۹۰۸، ۲۱۱۳.

ضیاء الدین ساوجی (قاضی -): ج ۲ ص ۷۶۸.

ضیاء الدین (میرزا -) صاحب منصب: ج ۲ ص ۱۲۵۲.

ضیاء الدین علی بن سلیم بن ربیع لاذری

الشافعی: ج ۲ ص ۶۲۶.

ضیاء الدین محمد گاتانی (عارف شاعر):

ج ۲ ص ۹۱۱.

ضیاء الدین (سید -) مرعشی: ج ۲ ص ۷۵.

ضياء الدين نمرالله بن محمد بن اثير جزيني
(صاحب كتاب مثل السائر) : ج ۱ ص ۲۱۲ -
۳۱۵
ضياء السلطنة (دختر فتحعليشاه) : ج ۳ ص
۱۶۳۳
ضياء السلطنة (دختر ناصرالدين شاه) : ج ۱
ص ۵۰۱
ضياء الملک (مستوفي) : ج ۱ ص ۵۲۸ : ج ۲
ص ۱۲۵۳ : ج ۲ ص ۲۰۹۹
ضياء الملک ميرزا زكي (سرکوب دوم) : ج ۲
ص ۱۹۱۲ : ج ۱ ص ۱۹۲۵
ضياء الملک (حاجي علي خان حاجب الدوله) :
ج ۱ ص ۵۲۸ : ج ۲ ص ۱۸۲۴ : ج ۱ ص ۱۸۲۵ :
ج ۲ ص ۱۸۲۳ : ج ۱ ص ۱۸۲۴ : ج ۲ ص ۱۸۲۹ :
ج ۱ ص ۱۹۷۷ : ج ۲ ص ۱۹۷۱
ضياء خواتون (دختر ملک عادل) : ج ۱ ص
۴۲۸ : ج ۲ ص ۴۲۹ : ج ۱ ص ۴۲۵ : ج ۲ ص ۴۲۹

ط

طاران (برادر اخيريد شاکستن) : ج ۱ ص ۱۳۴
طاووکوانک : ج ۲ ص ۱۷۱۹
طارق (والي مدينه) : ج ۱ ص ۹۱
طارق بن زياد (غلام موسی بن نمير) : ج ۱
ص ۱۰۹۹ : ج ۲ ص ۱۰۰۲ : ج ۱ ص ۳۲۴
طاشکين (امير حاج عراق) : ج ۱ ص ۴۰۲
طاووس خان مسیحی : ج ۱ ص ۵۵۸ : ج ۲ ص ۵۵۸
ج ۲ ص ۱۲۵۲ : ج ۲ ص ۱۷۶۱
طالب آملی (شاعر) : ج ۲ ص ۶۹۹ : ج ۱ ص ۹۲۱
طالب اسفهانى : ج ۲ ص ۹۱۸
طالب جاجرمي (ملا -) : ج ۲ ص ۷۰۲
طالب خان (حاکم بندر عباس) : ج ۲ ص ۹۶۸
طالب خان (وزير شاه عباس) : ج ۲ ص ۹۱۵
طامس صاحب : ج ۲ ص ۱۷۴۹
طاوس بن کيمان : ج ۱ ص ۱۱۱
ظاهر بن احمد بن بابشاد (نحوي مصری) :
ج ۱ ص ۳۳۷
ظاهر بن حسين ، ظاهر ذواليمينين : ج ۱ ص
۱۷۱ تا ۱۷۲ : ج ۱ ص ۱۷۸ : ج ۱ ص ۱۷۹ : ج ۱ ص ۱۹۰
ظاهر خان (ميرزا -) رئيس اداره ننگرافيه
بروجرد : ج ۱ ص ۵۵۰
ظاهر خان (ميرزا -) سرهنگ : ج ۳ ص ۲۱۳۲
ظاهر خان (والي خوارزم) : ج ۲ ص ۱۱۲۶
ظاهر خان (نواده ولي محمد خان جنگيزی) :

ج ۲ ص ۱۱۲۵

ظاهر خان (باور دوم) : ج ۱ ص ۵۱۱
ظاهر خوشنويس (ميرزا -) : ج ۳ ص ۲۱۳۹
ظاهر (ميرزا -) سرشتمدار کاشاني : ج ۳ ص
۱۸۵۸
ظاهر (ميرزا -) سرشتمدار دفتر لشکر : ج ۱
ص ۵۰۵ : ج ۲ ص ۲۰۷۰
ظاهر (ميرزا -) سرهنگ (از اعضاء وزارت
معادن) : ج ۲ ص ۲۱۲۶
ظاهر بن سعد بزدغاني (وزير تاج الطووک
قوي) : ج ۱ ص ۳۷۰
ظاهر بن عبدالله بن ظاهر ذواليمينين : ج ۱
ص ۱۹۰ : ج ۲ ص ۱۹۲ : ج ۱ ص ۲۰۰
ظاهر قزوینی (ميرزا -) منظم به وحيد :
ج ۱ ص ۹۹۲ : ج ۱ ص ۱۰۱۲
ظاهر (ميرزا -) کاتب (از اجزای مجلس
تأليف نامه دانشوران) : ج ۱ ص ۵۵۵
ج ۲ ص ۱۲۹۳
ظاهر کاشي مستوفي (ميرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۸ :
ج ۲ ص ۲۰۹۹
ظاهر (ميرزا -) مامور بستان : ج ۲ ص ۱۲۲۲ :
ج ۱ ص ۱۲۲۶
ظاهر (پسر معوضه) : ج ۲ ص ۷۶۴
ظاهر (حاجي ميرزا -) نايب و منشی استر-
آباد : ج ۱ ص ۵۲۶
الطابع الله عباسی ، ابوبکر عبدالکریم بن فضل
الطابع الله (خليفه عباسی) : ج ۱ ص
۲۷۲ : ج ۲ ص ۲۸۴ : ج ۱ ص ۲۸۵
طباطبا ، ابراهيم بن اسماعيل : ج ۱ ص ۳۰۶
طبالباشي : ج ۲ ص ۱۲۳۱
طبرانی ————— ابوالقاسم سليمان بن ايوب
طبرانی
طبرسي (شيخ -) : ج ۳ ص ۱۶۹۵
طبري ، ابی جعفر محمد بن جرير : (صاحب
تاريخ و تفسير) : ج ۱ ص ۳۳۲ : ج ۲ ص ۳۳۲
طبيب (شاعر اسفهانى) : ج ۲ ص ۱۱۵۳
طربغاي (حاکم طرابلس) : ج ۳ ص ۶۳۳
طرباج : ج ۱ ص ۶۲
طربطاي منصوري : ج ۲ ص ۶۰۰
طره بازخان (فرستاده شاهرمان افغان) : ج ۳
ص ۱۲۵۷
طريف بن خاليس (از اميران سپاه مطهره در
صفين) : ج ۱ ص ۶۵

طريف البکري : ج ۱ ص ۲۴۵ تا ۲۴۸
۲۵۲
طريف (مولی بني ضيه) : ج ۱ ص ۱۱۲
۱۷
طريف البريوني (مامور نظم خراسان از جانب
علي (ع)) : ج ۱ ص ۶۲
طنافيمور خان منول : ج ۲ ص ۶۲۹ : ج ۱ ص ۶۲۸
۶۲۹ : ج ۱ ص ۶۲۸ : ج ۱ ص ۶۵۲ : ج ۱ ص ۶۷۲
طنان خان ، ابونصر احمد بن علي خان (سلطان
ترکستان) : ج ۱ ص ۲۸۷ : ج ۱ ص ۲۹۸ : ج ۱
ص ۳۱۷
طنان شاه بن ابيالمؤيد : ج ۱ ص ۴۰۰
طننگين (شوهر مادر دقاق پسر نندشلا) :
ج ۱ ص ۳۲۹ : ج ۱ ص ۳۵۲
طننگين بن ايوب (سيف الاسلام ، برادر صلاح
الدين) : ج ۱ ص ۴۰۱ : ج ۱ ص ۴۰۵ : ج ۱ ص ۴۱۶
طننگين اناک : پسر دقاق بن نندش (حکمران
دشوق) : ج ۱ ص ۲۵۲ : ج ۱ ص ۲۵۶ : ج ۱ ص ۲۶۲ : ج ۱
ص ۲۶۷ : ج ۱ ص ۲۶۹ : ج ۱ ص ۲۸۲
طنجاي (پادشاه ماوراء النهر) : ج ۱ ص ۳۳۲
طنج بن جف : ج ۱ ص ۲۲۰ تا ۲۲۲
طنزاشي ، مؤيد
طنول (حاجب مودود و عبدالرشيد غزنوي) :
ج ۱ ص ۳۲۱
طنول بن ارسلان بن طنول بن محمد بن ملکشاه
سلجوقي : ج ۱ ص ۴۰۲ : ج ۱ ص ۴۰۸ : ج ۱ ص ۴۰۹
۴۱۱ : ج ۱ ص ۴۱۲
طنول بيگم بن قايرد بيگ (ملک -) (پادشاه
قرمان) : ج ۱ ص ۳۹۸ : ج ۲ ص ۷۲۴
طنول بيگ بن ميکائيل بن سلجوقي : ج ۱ ص
۲۲۲ تا ۲۲۳ : ج ۱ ص ۲۲۵ : ج ۱ ص ۲۳۰ : ج ۱
ص ۲۴۲
۳۵۱
طنول خان (صاحب دشت قنجا) : ج ۲ ص
۶۲۴
طنول (پسر سلطان محمد بن ملکشاه) : ج ۱
ص ۳۷۲ : ج ۱ ص ۳۷۳
طنول ، شهاب الدين (خادم ، اناک) : ج ۱
ص ۲۳۱ : ج ۱ ص ۲۴۲ : ج ۱ ص ۲۵۱
طنول بن قليچ ارسلان شاه : ج ۱ ص ۴۱۷
۴۲۸ : ج ۱ ص ۴۲۹
طنول بن حارث بن عبدالملک : ج ۱ ص ۵۷
۵۹
طنول بن رزيک ، ملک صالح (وزير الفارس

خلیفہ (علوی ممبر) : ج ۱ ص ۲۸۷.
طلحہ (طلحہ) بن حویلد اسدی : ج ۱ ص ۳۲.
۵۰.
طحہ بن طاهر ذوالیمینین (والی خراسان) :
ج ۱ ص ۱۷۹، ۱۸۲.
طحہ الطحلات (مأمور درجستان) : ج ۱ ص
۸۲.
طلحہ بن عبید اللہ (از اصحاب) : ج ۱ ص
۶۱، ۶۰، ۹۰.
طلحہ بن عبید اللہ بن عوف (حاکم مدینہ)
سوی ابن زبیر) : ج ۱ ص ۸۹.
طلحہ بن عثمان : ج ۱ ص ۶۲.
طلحہ بن عمر الحضرمی : ج ۱ ص ۱۲۵.
طلحہ بن یحیی بن طلحہ بن عبید اللہ تمیمی
کوفی : ج ۱ ص ۱۲۲.
طہر : ج ۱ ص ۲۶۶.
طہہ (ستر -) معلم زبان انگلیسی : ج ۱
ص ۵۲۵.
طہون صاحب : ج ۲ ص ۱۹۲۳.
طہطا صاحب صالحی : ج ۲ ص ۶۳۱.
طنطاش (برادر کروغان) : ج ۱ ص ۲۲۹.
طوائف (طوائف) بن قلاق (از خولج) :
ج ۱ ص ۸۰.
طوطی ترمیزی (ملا -) : ج ۲ ص ۷۱۱.
طوفان (میرزا -) (شاعر مازندرانی) : ج ۲
ص ۱۱۷۸.
طولوزان (دکتر -) حکیم باغی مخصوص :
ج ۱ ص ۲۶۵، ۵۳۰، ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۱۹۹.
۱۲۵۶ : ج ۳ ص ۱۹۰، ۱۹۲۵، ۱۹۲۰.
۱۲۷۸ : ۲۰۰۶، ۲۰۳۰، ۲۱۱۰، ۲۱۳۱.
طوفون بیگ قاجار : ج ۲ ص ۸۱۸، ۸۱۹، ج ۳
ص ۱۳۶۸.
طہاسب (شاه -) : ج ۲ ص ۷۷۰، ۷۸۶،
۷۸۸، ۷۹۲، ۷۹۷، ۷۹۸.
طہاسب بیگ (یساول دوم، از اجلاہست
خانہ) : ج ۲ ص ۱۲۷۱، ۱۲۷۶ - ج ۳
ص ۲۱۲۰.
طہاسب شاه ——— شاه طہاسب.
طہاسبانی خان (ولدا میر گلستان قاجار) :
ج ۲ ص ۹۲۰، ۹۲۷.
طہاسبانی خان آذربایجانی : ج ۱ ص ۵۳۹.
ج ۲ ص ۱۲۶۸.
طہاسبانی خان اہل بیگر : ج ۳ ص ۱۷۲۳.

ظهیرالدوله، یونسفرامرز (پسر علاءالدوله ابن کاکویه) : ج ۱ ص ۳۱۵.
 ظهیرالدوله (ایشیکا قلی بیانی) محمد نامر خان (وزیر عدلیه) : ج ۳ ص ۱۸۲۲، ۱۸۲۹، ۱۸۵۹ تا ۱۸۸۵، ۱۸۹۷، ۱۹۱۰، ۱۹۵۷، ۲۱۱۶.
 ظهیرالدوله، بهمنون بن وشمگیر : ج ۱ ص ۲۷۷.
 ظهیرالدوله، محمد قاسم خان قوانلو : ج ۳ ص ۱۵۰۵.
 ظهیرالدین ابراهیم بن سکان (سقان، حاکم خلایق) : ج ۱ ص ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۱.
 ظهیرالدین شاهرین : ج ۱ ص ۴۱۳.
 ظهیرالدین بن طشکین بن ایوب (سیف الاسلام، پادشاه یمن) : ج ۱ ص ۴۱۶.
 ظهیرالدین گرابی (از سرخداران) : ج ۲ ص ۶۵۶.
 ظهیرالدین محمد بایر : ج ۲ ص ۹۷۹.
 ظهیر قاریایی، طاهرین محمد (شاعر) : ج ۱ ص ۲۲۱.
 ظهیرالملک (مرتیب دوم) : ج ۱ ص ۵۱۶.
 ج ۲ ص ۱۲۴۱، ج ۳ ص ۲۰۸۵.

ع

عابد بن زبیر بن بهیره : ج ۱ ص ۶۵.
 عاتکه، بنت زید : ج ۱ ص ۲۶.
 عاتکه (دختر طرطه، زوجه معاویه بن ابی سفیان) : ج ۱ ص ۵۸.
 عادل آقا (والی سلطنتیه) : ج ۲ ص ۶۵۲، ۶۵۳.
 عادل بن سیار (وزیر الطاهر علی) : ج ۱ ص ۳۸۳، ۳۸۶.
 عادلشاه : ج ۳ ص ۱۶۳۰.
 عادلشاه رکنی (والی بجاورد) : ج ۲ ص ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۸۹ تا ۹۹۱.
 عادلشاه (برادر شریب شاه) : ج ۲ ص ۹۲۲.
 عادلشاه (برادر زاده خاندانشاه) : ج ۳ ص ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴، ۱۳۵۶.
 عادل گرابخان : ج ۲ ص ۱۱۱۳.
 عارف بیگ (مترجم ترکی) : ج ۳ ص ۲۱۳۸.
 عارفیاشا (حاجب بار) : ج ۲ ص ۱۶۷۹.
 عارفی پاشا : ج ۲ ص ۲۰۵۱، ۲۰۵۱.
 عاشور خان چکنی : ج ۲ ص ۹۲۳.

عاص بن وائل : ج ۱ ص ۲۲.
 عاصم بن ابی النجود (صاحب الفرائد) : ج ۱ ص ۱۲۸.
 عاصم پاشا : ج ۱ ص ۴۸۹، ج ۳ ص ۲۰۱۵.
 عاصم بن عبدالله بن یزید هلالی (والی خراسان) : ج ۱ ص ۱۱۶، ۱۱۷.
 عاصم بن عمر بن خطاب : ج ۱ ص ۸۹.
 عاصم بن عمرو : ج ۱ ص ۴۴، ۵۲.
 عاصم بن عمرو : ج ۱ ص ۱۲۱.
 عاصم بن محمد بن حسن البغدادی (شاعر) : ج ۱ ص ۳۳۳.
 العاصد لدین، ابو محمد عبدالله بن امیر یوسف (خلیفه علوی مصر) : ج ۱ ص ۳۹۱ تا ۳۹۶، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹.
 عاقب (رئیس نعلبازی نجران) : ج ۱ ص ۳۰.
 عاقل بن بکیر : ج ۱ ص ۵۹.
 عالیشان میرزا (مرتیب دوم) : ج ۱ ص ۵۰۷، ج ۲ ص ۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۶۶، ۲۰۷۱.
 عالمگیر (از بنی اعیان احمد شاه هندی) : ج ۲ ص ۱۱۵۶.
 عالی (شاعر شیرازی) : ج ۲ ص ۷۵۸، ج ۳ ص ۱۵۳۹.
 عالی بیگ شاملو : ج ۲ ص ۹۲۸.
 عالی پاشا (وزیر امور خارجه، صدر اعظم عثمانی) : ج ۲ ص ۱۷۹۰، ۱۸۳۷، ۱۸۵۸، ۱۸۹۰، ۱۹۱۲، ۱۹۳۱، ۱۹۶۸.
 عالییه سلطان خانم (دختر فتحعلیشاه) : ج ۳ ص ۱۶۲۶.
 عامر بن اسمعیل المصطفی : ج ۱ ص ۱۲۸.
 عامر بن سعد بن ابی وقاص : ج ۱ ص ۱۰۹.
 عامر بن ضاربه : ج ۱ ص ۱۳۰.
 عامر بن ظاهر : ج ۲ ص ۷۶۲.
 عامر بن عبدالله بن زبیر : ج ۱ ص ۱۲۱.
 عامر بن عبدالله رواحی بنی (از دعاه خطای فاطمی) : ج ۱ ص ۳۲۸.
 عامر بن غیلان الطغی : ج ۱ ص ۴۸.
 عامر بن محمود (حاکم کوفه) : ج ۱ ص ۸۶.
 عامر بن نافع : ج ۱ ص ۱۸۱.
 عامر بن وایله، ابوظفیل (از امیران

سباه علی (ع) در صفین) : ج ۱ ص ۱۰۷، ۱۶۲.
 عایشه (دختر ابوبکر) : ج ۱ ص ۲۵۰، ۲۱۰، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۸۰، ج ۳ ص ۱۳۶۱.
 عایشه (دختر سعد بن ابی وقاص) : ج ۱ ص ۱۱۷.
 عایشه (دختر طرطه و زوجه مصعب بن زبیر) : ج ۱ ص ۸۹.
 عباد (پدر طاعب بن عباد، وزیر رگسن الدوله) : ج ۱ ص ۲۸۸.
 عبدالله خان شقانی (بایر دوم) : ج ۲ ص ۲۰۷۷.
 عباده بن طامت الانصاری : ج ۱ ص ۳۲، ۵۹.
 عباده المصنعت : ج ۱ ص ۱۹۲.
 عباس (حضرت -) (ع) : ج ۲ ص ۱۶۲۱، ۱۹۱۶.
 عباس (شاه -) (اول شاه عباس اول، عباس (شاه -) (ثانی) : شاه عباس (ثانی) (دوم).
 عباس (میرزا -) : ج ۳ ص ۱۲۶۸، ۱۲۷۲.
 عباس آقا (پسر بهاء الدین آقا) : ج ۳ ص ۲۰۷۵.
 عباس آقا (پسر غفار خان) : از سواره مهاجر : ج ۳ ص ۲۰۸۷.
 عباس آقا، قنصل طبعانیه : ج ۱ ص ۵۳۲.
 عباس بن ابوالفتح صنهاجی (وزیر الطاهر علی) : ج ۱ ص ۳۸۶، ۳۸۷.
 عباس بن احمد بن طولون : ج ۱ ص ۲۱۱.
 عباس بن احنف (شاعر) : ج ۱ ص ۱۶۸.
 عباس بستانی (شیخ -) معدنی : ج ۱ ص ۵۵۱.
 عباس بیگ (کارپرداز کرکوک) : ج ۲ ص ۲۱۰۶.
 عباس پاشا (والی مصر) : ج ۳ ص ۱۷۰۴، ۱۷۶۵، ۱۷۸۰.
 عباس (حاجی -) (ناظر قزوینی) : ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 عباس ثانی (شاه -) (دوم) : شاه عباس عباس بن جعفر بن محمد بن اشم (حاکم خراسان) : ج ۱ ص ۱۵۸ تا ۱۶۰.
 عباس خان (میرزا -) : ج ۱ ص ۴۶۷، ج

ع ۲ ص ۱۷۹۳.

عباس (میرزا -) خان و شهید: ج ۱ ص ۵۳۸.

عباس خان دولو: ج ۲ ص ۱۴۱۲-۱۴۱۳.
عباس (میرزا -) خان (رئیس مدرسه دولتی تبریز): ج ۳ ص ۲۰۰۷.

عباس خان سرتیپ: ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۷۷۳.

عباس خان (میرزا -) سرتیپ (رئیس تلگرافخانه آذربایجان): ج ۲ ص ۱۹۸۳.

عباسخان (میرزا -) سرتیپ مهندس: ج ۱ ص ۵۳۳: ج ۲ ص ۱۱۹۶: ج ۳ ص ۱۹۵۸.

عباسخان (سرکرده بختیاری): ج ۳ ص ۱۵۷۵.

عباس خان (از امراء قاجار): ج ۲ ص ۲۰۶۲.

عباس خان قاجار (نایب نسطاج): ج ۱ ص ۵۴۰: ج ۲ ص ۱۲۶۸: ج ۳ ص ۱۶۳۰، ۱۶۳۶، ۲۱۱۸.

عباس خان (میرزا -) قوام الدوله: ج ۲ ص ۱۷۸۳، ۱۸۲۲.

عباس (میرزا -) خان (کارپرداز حاجی نورخان): ج ۲ ص ۲۱۰۷.

عباس (میرزا -) خان (مأمور سفارت انگلیس در مشهد مقدس): ج ۳ ص ۲۱۰۹.

عباس خان (میرزا -) معاون الملک: ج ۳ ص ۱۸۹۸.

عباسخان، ولد محمد الملک (بیکر بیگی): ج ۱ ص ۵۲۶.

عباس خان (میرزا -) منشی اول وزارت امور خارجه: ج ۲ ص ۱۷۹۲.

عباس خان (میرزا -) نایب وزارت خارجه: ج ۲ ص ۱۸۱۱.

عباس دزفولی (حاجی میر -): ج ۲ ص ۲۱۲۸.

عباس (میرزا -) سرشته دار: ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹.

عباس بن سلمه بن اکوع: ج ۱ ص ۱۱۹.
عباس بن سهل بن سعد الساعدی: ج ۱ ص ۱۰۳.

عباس شیرازی (حاجی -): ج ۲ ص ۱۶۹۵.

عباس صفوی (شاه -) محمد شاه عباس اول صفوی.

عباس (ابن عبدالملک): ج ۱ ص ۵۸، ۱۷۵.

عباس بن الفرج الریاضی (نقوی): ج ۱ ص ۲۰۶.

عباس بن فضل بن بطوب هزاره (امیر مقلید): ج ۱ ص ۱۹۲، ۲۰۰.

عباس (میرزا -) فهرست نویسن: ج ۱ ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۱۱۲.

عباس (میرزا -) کاتب: ج ۲ ص ۱۲۹۲: ج ۳ ص ۲۱۲۸.

عباس بن مأمون بن هارون الرشید (والی جزیره و سرحدات): ج ۱ ص ۱۸۲، ۱۸۲، ۱۸۷.

عباس بن محمد (برادر منصور عباسی): حاکم جزیره: ج ۱ ص ۱۲۵، ۱۳۷.

عباس بن موسی هادی: ج ۱ ص ۱۷۶.
عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

عباس (میرزا -) نقاش: ج ۱ ص ۵۵۵.

ع ۲ ص ۱۲۵۲.

عباسلی خان سرتیپ: ج ۳ ص ۲۰۸۵.

عباسلی خان (میرزا -) سرتیپ (رئیس خلوت): ج ۲ ص ۲۰۹۷.

عباسلی خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۶: ج ۲ ص ۱۲۴۱.

عباسلی خان سرهنگ (رئیس تلگرافخانه کرمان): ج ۳ ص ۲۱۳۲.

عباس علی خان (میرزا -) سرهنگ و پیشخدمت باشی: ج ۱ ص ۵۲۷.

عباسلیخان (پسر کلبعلی): ج ۱ ص ۲۷۱.

عباسلی (حاجی میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۲۲.

عباسلی (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۶۸.

عباسلی (حاجی میرزا -) (از اجزای مجلس دارالشورای دولتی): ج ۲ ص ۲۰۳۵، ۲۰۶۶.

عباسلی آقا (ولد بیجا الدین آقا) باهر: ج ۱ ص ۵۱۰: ج ۲ ص ۱۲۴۱.

عباسلی بیگ: ج ۲ ص ۱۰۵۶، ۱۰۵۵.

عباسلی بیگ (نایب ایشیک آغاسی باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶.

عباسلی بیگ (باور): ج ۱ ص ۵۱۰.

عباسلی خان: ج ۱ ص ۵۱۹: ج ۲ ص ۱۱۶۵: ج ۳ ص ۱۵۹۲.

عباس قلیخان: ج ۱ ص ۵۲۵.

عباس قلی خان (ولد ابراهیم خان): ج ۲ ص ۱۵۶۷.

عباسلی خان بن ابراهیم خان بادکوبه‌ای: ج ۲ ص ۱۶۹۹.

عباسلی خان (جماعت اثرفی): ج ۳ ص ۲۰۹۳.

عباس قلیخان (ولد امیر گوته خان): ج ۲ ص ۹۶۸.

عباسلیخان امین الوزره (رئیس انستای تلکرها آذربایجان): ج ۱ ص ۵۳۵.

عباس قلیخان اوسمی: ج ۲ ص ۹۵۶.

عباسلی خان بادکوبه‌ای: ج ۳ ص ۱۷۱۵.

عباسلی خان بخاری: ج ۲ ص ۱۱۵۲.

عباسلی خان (پسر بیکرخان بزرگلو): ج ۲ ص ۱۷۲۲.

عباسلی خان بیکر بیگی مره جزئی: ج ۲ ص ۱۷۲۲.

عباسقلی خان (بیکر بیگی مشهد): ج ۳ ص ۱۷۳۳.
 عباسقلی خان، پسر بیکر بیگی (ازامیان طهران): ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 عباسقلی خان پیمان: ج ۳ ص ۱۷۷۳.
 عباسقلیخان پشکوئی (مرتیب سوم): ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 عباسقلیخان جوانشیر: ج ۲ ص ۱۶۳۳، ۱۶۳۷، ۱۶۵۶، ۱۶۶۵، ۱۶۹۲، ۱۷۰۱، ۱۸۱۰، ۱۸۴۱.
 عباسقلی خان (حاکم): ج ۳ ص ۲۱۲۷.
 عباسقلی خان (حاکم شاهرود): ج ۳ ص ۱۷۸۲.
 عباسقلی خان (حاکم کرمان): ج ۳ ص ۱۵۹۲.
 عباسقلیخان (رئیس محله مردلاجان): ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۵۲، ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 عباسقلی خان (از جماعت سبزواری): ج ۳ ص ۲۰۸۸.
 عباسقلی خان (مرتیب): ج ۳ ص ۱۷۲۶.
 عباسقلی خان (مرتیب): ج ۳ ص ۲۰۹۷.
 عباسقلی خان مرتیب (پسر مصمم مالک): ج ۲ ص ۲۱۱۹.
 عباسقلی خان مرتیب (مترجم): ج ۱ ص ۵۱۰، ج ۲ ص ۱۱۹۴، ۱۲۵۳، ج ۳ ص ۲۰۳۱، ۲۰۷۲.
 عباسقلی خان مرتیب (نایب کل اداره پلیس): ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۵۱، ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 عباسقلی خان (مرتیب نوی): ج ۳ ص ۱۷۳۲.
 عباسقلی خان (سردار لاریجانی): ج ۳ ص ۱۷۰۶، ۱۷۱۳، ۱۹۲۷.
 عباسقلی خان (سرکرده دسته سواره افشار حاین قلعه): ج ۱ ص ۵۱۲، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۸۶.
 عباسقلی خان (سرکرده جماعت افشارخسبه): ج ۳ ص ۱۶۲۶.
 عباسقلی خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۵، ج ۲ ص ۱۲۳۵، ۱۲۴۰، ج ۳ ص ۲۰۸۲.
 عباسقلیخان (حاجی - سرهنگ): ج ۱ ص ۵۳۳.
 عباسقلیخان، سرهنگ (رئیس): ج ۱ ص ۵۲۸.
 عباسقلیخان سرهنگ (پسر مصمم مالک):

ج ۱ ص ۵۳۹، ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 عباسقلی خان سرهنگ (پسر میرزا علی اکبر خان): ج ۲ ص ۲۰۸۰.
 عباسقلی خان (سرهنگ مهندس از اعضای وزارت معادن): ج ۳ ص ۲۱۳۶.
 عباسقلیخان (ولد سلیمان خان): ج ۱ ص ۵۲۵.
 عباسقلیخان (پسر چهارخان دلیلی): ج ۱ ص ۵۲۰.
 عباسقلی خان (ولد میرزا علی اکبر خان): ج ۱ ص ۵۰۹.
 عباسقلی خان (حاجی - طاجار) حکمران کاشان: ج ۳ ص ۲۱۰۱، ۲۱۲۶.
 عباسقلی خان کرمانی: ج ۲ ص ۱۵۹۲.
 عباسقلی خان گرجی (پوزباشی): ج ۲ ص ۱۲۶۷، ج ۳ ص ۲۱۱۷.
 عباسقلی خان گروسی: ج ۲ ص ۱۷۱۵.
 عباسقلی خان (مأمور خسته): ج ۱ ص ۵۵۲.
 عباسقلی خان (مترجم): ج ۳ ص ۲۰۷۶.
 عباسقلی خان بن محمد حسن خان قاجار: ج ۲ ص ۱۱۶۶، ج ۳ ص ۱۴۶۲.
 عباسقلی خان شریف: ج ۱ ص ۵۲۷.
 عباسقلی خان مقتدرالدوله: ج ۳ ص ۱۸۳۲.
 عباسقلی خان (میرزا - منشی اول وزارت خارجه): ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 عباسقلیخان (میرزا) منشی مخصوص و مدیر انتظامات دفتریه: ج ۱ ص ۵۳۱.
 عباسقلی خان مهندس: ج ۲ ص ۱۲۷۷.
 عباسقلی خان میردجه: ج ۸ ص ۱۷۰۶، ۱۷۳۱، ۱۷۸۲.
 عباسقلی خان (نایب آجودان باشی): ج ۲ ص ۱۲۳۰، ج ۳ ص ۲۰۷۵.
 عباسقلی خان (نایب پیشک آتشی باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶.
 عباسقلی خان هراتی (مرتیب سوم): ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 عباسقلی خان هشترویدی: ج ۳ ص ۱۷۵۵.
 عباسقلیخان یوزباشی: ج ۱ ص ۵۲۹، ۴۲۱.
 عباسقلی (حاجی -) قونول حله: ج ۱ ص ۵۳۲، ج ۳ ص ۲۱۰۶.
 عباسقلی (میرزا -) مترجم: ج ۱ ص ۵۵۲.
 عباسقلی (میرزا -) منشی مخصوص (پسر لسان الملک): ج ۳ ص ۱۹۱۷.

عباسقلی (میرزا -) ناظر: ج ۱ ص ۵۴۷.
 ج ۲ ص ۱۲۸۰.
 عباسقلی (میرزا -) نایب فرانشخانه: ج ۲ ص ۲۱۱۷.
 عباسقلی سلطان (مأمور تحویلنداری توپخانه‌های سرحدات): ج ۲ ص ۱۳۳۴، ج ۳ ص ۲۰۷۹.
 عباسقلی میرزا (حاجی -) ج ۲ ص ۱۲۴۰، ج ۳ ص ۲۰۶۲.
 عباسقلی میرزا (پیشخدمت خاصه): ج ۱ ص ۵۵۸، ج ۲ ص ۲۱۲۹.
 عباسقلی میرزا (پیشخدمت رئیس عمل...): ج ۳ ص ۲۱۲۰.
 عباسقلی میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۳ ص ۱۶۲۲.
 عباس میرزا (پسر اعتضادالدوله): ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۵۰، ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 عباس میرزا بطلانی (باورد سوم): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۳، ج ۳ ص ۲۰۷۷.
 عباس میرزا (پسر رضاقلی میرزا): ج ۲ ص ۱۱۲۱.
 عباس میرزا (پسر شاه طهماسب دوم): ج ۲ ص ۱۱۱۶.
 عباس میرزا (شاه عباس دوم): ج ۲ ص ۱۰۳۳، ۱۰۳۴.
 عباس میرزا (پسر محمدشاه قاجار): ج ۳ ص ۱۶۴۶.
 عباس میرزا، ملکه آرا (برادر ناصرالدین شاه): ج ۱ ص ۴۸۲، ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۱۹، ۱۸۶۶، ۱۹۲۶، ۱۰۲۰، ۲۰۶۳، ۲۱۲۵.
 عباس میرزا (برادر نادر میرزا ابن شاه رخ بن رضاقلی): ج ۲ ص ۱۶۶۱.
 عباس میرزا (نایب الایاله حکومت قم): ج ۲ ص ۱۲۰۰، ج ۳ ص ۲۱۳۵.
 عباس میرزا نایب السلطنه ولیمجد: ج ۱ ص ۲۹۹، ج ۲ ص ۱۰۳۵، ۱۲۱۷، ج ۳ ص ۱۲۴۱، ۱۲۵۸، ۱۲۰۳، ۱۲۰۸، ۱۲۳۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۹، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۸، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۵، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۵، ۱۲۷۷، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۸، ۱۲۹۱.

۱۲۹۳ تا ۱۲۹۵ • ۱۲۹۷ • ۱۲۹۸ •
 ۱۵۰۰ • ۱۵۰۲ • ۱۵۰۶ تا ۱۵۱۲ • ۱۵۱۷ •
 ۱۵۳۶ • ۱۵۴۸ • ۱۵۴۹ • ۱۵۵۱ •
 ۱۵۵۲ • ۱۵۵۳ • ۱۵۵۶ • ۱۵۶۰ •
 ۱۵۶۲ • ۱۵۶۹ تا ۱۵۷۲ • ۱۵۷۵ •
 ۱۵۷۷ تا ۱۵۸۱ • ۱۵۸۲ • ۱۵۸۳ •
 ۱۶۰۰ • ۱۶۰۳ • ۱۶۰۵ تا ۱۶۱۰ •
 ۱۶۱۶ • ۱۶۲۲ • ۱۶۲۳ • ۱۶۳۴ •
 ۲۰۶۱ •
 عباس میرزا باور (میان کله) : ج ۲ ص ۱۳۳۵ •
 ج ۳ ص ۲۰۸۰ •
 عباسه (خواهر هارون الرشید) : ج ۱ ص ۱۶۲ •
 عبدالاحد آقا وکیل (شهید طو حبل اغ) :
 ج ۱ ص ۵۳۶ • ج ۲ ص ۲۱۰۷ •
 عبدالله (آقا سید -) : ج ۱ ص ۵۲۵ •
 عبدالله (حاجی -) : ج ۲ ص ۱۷۹۵ •
 عبدالله (سیرا -) : ج ۳ ص ۱۷۲۷ •
 عبدالله (میر -) : ج ۳ ص ۱۰۵۶ •
 عبدالله (شهیدی -) : ج ۲ ص ۱۲۶۸ •
 عبدالله (آقا سید -) از علماء طهران : ج ۳
 ص ۲۰۹۵ •
 عبدالله آقا (ایشیکاوا) : ج ۲ ص ۱۰۹۲ •
 عبدالله آقا قاجار (حاجی -) : ج ۳ ص ۱۲۷ •
 عبداللهم ابراهیم بن اغلب (والی افریقه) :
 ج ۱ ص ۱۷۲ • ۱۷۶ • ۱۷۶ • ۲۲۴ • ۲۲۸ •
 عبدالله بن میرزا ابراهیم سلطان (میرزا -) :
 ج ۲ ص ۶۸۸ • ۶۸۹ • ۶۹۷ •
 عبدالله (میرزا -) ابن میرزا ابراهیم بن میرزا
 شاهرخ : ج ۲ ص ۲۰۱ •
 عبدالله بن ابی اوفی الاسلامی (آخرین
 صحابی) : ج ۱ ص ۹۲ • ۹۸ •
 عبدالله بن ابی بن سلول : ج ۱ ص ۲۵۰ • ۲۰۰ •
 عبدالله بن ابی العنسی ازدی : ج ۱ ص ۱۲۰ •
 عبدالله بن ابی مریم : ج ۱ ص ۱۱۲ •
 عبدالله بن احمد بن حنبل : ج ۱ ص ۲۲۲ •
 عبدالله بن احمد بن محمد بن مظفر (فقیه
 طاهری) : ج ۱ ص ۲۵۰ •
 عبدالله بن احمد الناشی (شاعر) : ج ۱ ص
 ۲۲۶ •
 عبدالله ادیب (صاحب تاریخ معجم) : ج ۲
 ص ۶۵۷ •
 عبدالله ازبک : ج ۲ ص ۸۷۹ •

عبدالله بن اسحق بن ابراهیم : ج ۱ ص ۱۵۶ •
 عبدالله بن اسحاق مولی الحضرمی ، ابو حبر
 (امام نحو ولغت) : ج ۱ ص ۱۲۷ •
 عبدالله افغان : ج ۲ ص ۱۰۱۷ •
 عبدالله بن امیه بن عبدالله بن خالد (حاکم
 سجنان) : ج ۱ ص ۹۱ •
 عبدالله انصاری (شیخ الاسلام -) : ج ۱ ص
 ۲۲۲ •
 عبدالله بن انیس الجهنی : ج ۱ ص ۷۸۰ • ۲۲۹ •
 عبدالله (برادر بابک خرمی) : ج ۱ ص ۱۸۶ •
 عبدالله البجلی : ج ۱ ص ۲۱ •
 عبدالله بن بدیل بن یزید الخراسانی (سر
 کرد) : ساه علی (ع) در صفین : ج ۱
 ص ۵۲ • ۶۵ •
 عبدالله بن بنام (حاجب ابوالعباس طاج) :
 ج ۱ ص ۱۳۱ •
 عبدالله بن بصرامانی : ج ۱ ص ۹۹ •
 عبدالله بطلان : ج ۱ ص ۱۱۵ •
 عبدالله بن بلکن منجانی : ج ۱ ص ۲۴۱ •
 عبدالله بیک گرسی (باور دوم) : ج ۱ ص
 ۵۱۱ • ج ۲ ص ۱۲۳۴ •
 عبدالله (میرزا -) پادشاه ایران النور : ج ۲
 ص ۷۰۳ •
 عبدالله پاشا : ج ۲ ص ۱۵ • ۱۱۱ • ۱۱۱۵ •
 عبدالله پاشای بابان : ج ۳ ص ۱۶۲۶ • ۱۶۲۷ •
 ۱۵۶۱ •
 عبدالله پاشا گرجی (والی بغداد) : ج ۳ ص
 ۱۲۹۸ • ۱۵۰۵ • ۱۵۰۹ •
 عبدالله پاشا کبیراغلای : ج ۲ ص ۱۱۱۲ •
 عبدالله ثبات (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۹ •
 عبدالله بن ططبه بن صیرالضری : ج ۱ ص
 ۹۹ •
 عبدالله بن جارود ، مدویه اناری : ج ۱ ص
 ۱۶۱ •
 عبدالله بن جیش : ج ۱ ص ۲۲ • ۲۳ •
 عبدالله بن جعفر خیابار : ج ۱ ص ۹۲ •
 عبدالله بن حارث (والی بصره) : ج ۱ ص ۸۶ •
 عبدالله بن الحارث جزالزمیدی : ج ۱ ص ۹۷ •
 عبدالله بن حارث بن نوفل : ج ۱ ص ۹۶ •
 عبدالله حارثی (حاکم یمن) : ج ۱ ص ۷۰ •
 عبدالله بن حازم سلمی : ج ۱ ص ۵۸ • ۷۲ •
 ۸۷ •
 عبدالله بن حبیب : ج ۱ ص ۱۲۶ •

عبدالله بن حجاب مومنی (والی مصر) : ج ۱
 ص ۱۱۶ •
 عبدالله بن خذافه : ج ۱ ص ۲۶ •
 عبدالله حریری (شیخ -) : ج ۲ ص ۵۹۸ •
 عبدالله بن حسن بن حسن مجتبی (ع) : ج ۱
 ص ۱۲۰ •
 عبداللهم الحسن الهمدانی (حاکم مراغه) :
 ج ۱ ص ۲۱۷ •
 عبدالله (ابن عم حسین) القمطر : ج ۱ ص
 ۲۲۲ • ۲۲۵ •
 عبدالله بن الحسن الکرخی (فقیه حنفی
 معتزلی) : ج ۱ ص ۲۶۱ •
 عبدالله حضرمی (مأمور تسخیر بصره) : ج ۱
 ص ۶۸ •
 عبدالله بن حصفان نظمی : ج ۱ ص ۲۲۶ •
 ۲۲۷ • ۲۲۹ •
 عبدالله بن حمید بن قسطنط : ج ۱ ص ۱۷۱ •
 عبداللهم غارم (حاکم طبرستان ورویان) :
 ج ۱ ص ۸۶ • ۹۰ • ۱۶۲ •
 عبدالله بن خالد بن ولید : ج ۱ ص ۷۹۰ • ۷۲ •
 عبدالله بن خراسانی : ج ۱ ص ۱۲۳ •
 عبدالله بن خرداد به (والی طبرستان) :
 ج ۱ ص ۱۷۵ •
 عبدالله خلیل اللندی : ج ۲ ص ۱۱۱۸ •
 عبدالله (حاجی میرزا -) خونی : ج ۳ ص ۱۶۲۸ •
 عبداللهم بن ربیع حارثی (والی مدینه) : ج ۱
 ص ۱۹۲ •
 عبدالله (آقا -) رختدارباشی : ج ۳ ص
 ۱۸۰۲ •
 عبدالله بن رباحه : ج ۱ ص ۲۸ •
 عبدالله روفایادی : ج ۱ ص ۲۷۹ •
 عبدالله (میرزا -) روزنامه نویس : ج ۳ ص
 ۱۷۵۶ •
 عبدالله بن زبیر : ج ۱ ص ۸۰ • ۸۱ • ۸۳ •
 ۸۵ تا ۹۰ • ۹۲ • ۹۷ • ج ۳ ص ۲۰۲۷ •
 عبدالله بن زید بن عبد ربه : ج ۱ ص ۵۸ •
 عبدالله (میرزا -) مرشد شمار : ج ۱ ص ۵۳ •
 عبدالله (میرزا سید -) مرشد شمار اداوار
 هرابخانه : ج ۲ ص ۲۱۱۲ •
 عبدالله (میرزا -) مرشد شمار کومان : ج ۱
 ص ۵۰۷ • ج ۲ ص ۱۲۲۶ • ج ۳ ص ۲۰۷۰ •
 عبدالله (میرزا -) سرهنگ : ج ۳ ص ۱۹۱۵ •
 عبدالله بن سعد بن ابی سرح : ج ۱ ص ۵۲ •

۵۲، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۷
 عبداللہ بن عبداللہ الحارثی (حاکم طبرستان) :
 ج ۱ ص ۱۶۶، ۱۷۰
 عبداللہ بن سعید حضرمی : ج ۱ ص ۸۱
 عبداللہ بن سلام : ج ۱ ص ۲۲، ۷۲
 عبداللہ بن سلیمان ربیع (حاکم یمن) : ج ۱
 ص ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴
 عبداللہ بن سوار البصری : ج ۱ ص ۷۲
 عبداللہ بن سہیل بن عمرو : ج ۱ ص ۵۳
 عبداللہ بن السید بن انس اردی (والسی
 موص) : ج ۱ ص ۱۸۷
 عبداللہ (امام -) شافعی (صاحب تاریخ
 یاضی) : ج ۲ ص ۶۵۱
 عبداللہ شیر (سید -) : ج ۳ ص ۱۵۵۲
 عبداللہ بن شمرہ : ج ۱ ص ۱۲۰
 عبداللہ بن شداد بن الہادی الثقفی : ج ۱ ص
 ۹۶
 عبداللہ شوشتری (ملا -) : ج ۲ ص ۸۸۲
 ۹۰۸
 عبداللہ (میرزا -) شہاب (خامنه‌ری) :
 ج ۲ ص ۱۳۶۲
 عبداللہ بن صالح (حاکم جزیرہ) : ج ۱ ص
 ۱۵۳
 عبداللہ بن صالح بن عبداللہ : ج ۱ ص ۱۶۶
 عبداللہ بن صفوان (حاکم مدینہ) : ج ۱
 ص ۱۵۱
 عبداللہ بن طلوس بن کسان الہمدانی (از
 عباد و فقہای اہل یمن) : ج ۱ ص ۱۳۳
 عبداللہ بن طاهر ذوالیمینین (حاکم بصرہ) :
 ج ۱ ص ۱۷۸، ۱۸۰ تا ۱۸۲، ۱۸۵
 ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۳۹۱
 عبداللہ (میرزا -) طبیب (حاکم بکر) :
 ج ۱ ص ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۷
 عبداللہ بن طفیل (امیر سپاہ علی (ع) در
 صفین) : ج ۱ ص ۶۲
 عبداللہ بن الطاس (امیر سواران معاویہ در
 صفین) : ج ۱ ص ۶۲، ۶۵
 عبداللہ بن عامر : ج ۱ ص ۷۲، ۷۳، ۷۹
 عبداللہ بن عامر (قاری شام) : ج ۱ ص ۱۱۸
 عبداللہ بن عامر بن ربیعہ : ج ۱ ص ۹۷
 عبداللہ بن عامر بن کرز (والی بصرہ) :
 ج ۱ ص ۵۲، ۵۸، ۶۱، ۸۰
 عبداللہ بن عباس بن عبدالملک : ج ۱ ص

۵۶، ۶۰ تا ۶۲، ۶۵، ۶۷ تا ۸۸، ۷۰
 ۱۲۶
 عبداللہ بن عباس بن فضل بن یعقوب فزارہ
 (والی صفین) : ج ۱ ص ۲۰۰
 عبداللہ بن عبداللہ بن عباس : ج ۱ ص ۱۶۶
 عبداللہ بن عبداللہ بن عثمان (سردار
 اسلام) : ج ۱ ص ۵۰، ۵۲
 عبداللہ بن عبدالرحمن اموی بلخسی : ج ۱
 ص ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۹
 عبداللہ بن عبدالرحمن دارانی (صاحب
 مستند) : ج ۱ ص ۲۰۵
 عبداللہ بن عبدالعزیز (حاکم ری) : ج ۱
 ص ۲۳۳
 عبداللہ بن عبدالعزیز بن عمر بن خطاب
 (عابد) : ج ۱ ص ۱۶۵
 عبداللہ بن عبدالطک بن مروان (والی
 مصر) : ج ۱ ص ۹۵ تا ۹۷، ۱۰۰
 عبداللہ بن عبدالواحد بن ابی حفص : ج ۱ ص
 ۲۵۸
 عبداللہ بن عثمان : ج ۱ ص ۶۶
 عبداللہ بن عتبہ بن مسعود : ج ۱ ص ۹۱
 عبداللہ بن عثمان بن عفان (دختر زاده
 حضرت رسول ص) : ج ۱ ص ۲۲
 عبداللہ (شیخ -) عرب : ج ۲ ص ۱۱۷۸
 عبداللہ بن علی بن عبداللہ بن عباس (هم
 سراج و منصور) : ج ۱ ص ۱۳۱ تا ۱۳۴، ۱۳۷
 ۱۲۸، ۱۲۲
 عبداللہ بن عمر (محدث) : ج ۱ ص ۱۵۷
 عبداللہ بن عمر بن خطاب : ج ۱ ص ۸۰، ۹۰
 عبداللہ بن عمر بن عبدالعزیز (والی عراق
 و خراسان) : ج ۱ ص ۱۲۵، ۱۲۷
 عبداللہ بن عمر بن عاص السهمی : ج ۱ ص ۷۳
 ۷۵، ۸۷
 عبداللہ بن عمرو بن غیلان (حاکم بصرہ) :
 ج ۱ ص ۷۸
 عبداللہ بن عمرو بن عثمان السعدی (عبداللہ
 بن قدامہ) : ج ۱ ص ۷۹
 عبداللہ بن عمر اللبکی (حاکم سجستان) :
 ج ۱ ص ۵۲، ۵۵
 عبداللہ بن عون (شیخ بصرہ) : ج ۱ ص ۱۴۵
 عبداللہ بن غنم الاشعری : ج ۱ ص ۹۳
 عبداللہ فرغانی : ج ۲ ص ۶۳۳
 عبداللہ فقیہ (ملا -) : ج ۳ ص ۱۲۱۵

عبداللہ قطب شاہ : ج ۲ ص ۹۷۰، ۹۸۱، ۹۸۳
 عبداللہ بن قیس - ابوہریرہ ...
 عبداللہ بن کتب بن عمرو انصاری : ج ۱ ص
 ۵۳، ۵۶
 عبداللہ بن الکوا (از خوارج) : ج ۱ ص ۶۷
 عبداللہ (میرزا -) لہ : ج ۲ ص ۲۶۰
 عبداللہ (میرزا -) مازندرانی : ج ۲ ص ۸۲۶
 عبداللہ بن مالک (حاکم طبرستان) : ج ۱ ص
 ۱۶۸، ۱۷۰
 عبداللہ مامقانی (حاج شیخ -) : ج ۱ ص ۱۲
 عبداللہ مامون : ج ۱ ص ۱۶۲
 عبداللہ مبارک (فقہ سوزی) : ج ۱ ص ۱۶۲
 عبداللہ (آقا -) مجتہد کرمانشاهی : ج ۲
 ص ۱۹۳۳
 عبداللہ بن محض : ج ۱ ص ۱۴۱
 عبداللہ بن محمد بن ابی عبداللہ بن ابی -
 الدنیا : ج ۱ ص ۳۲۰
 عبداللہ بن محمد الخراز (الجزار نحوی) :
 ج ۱ ص ۲۵۰
 عبداللہ بن محمد بن عبدالرحمن اموی ...
 داخل : ج ۱ ص ۲۱۷، ۲۳۱
 عبداللہ بن محمد بن عبدالعزیز البغوی : ج ۱
 ص ۲۳۹
 عبداللہ بن محمد بن علی بن عبداللہ بن
 عباس سراج : ج ۱ ص ۱۰۹
 عبداللہ بن محمد نیشابوری (فقیہ شافعی) :
 ج ۱ ص ۲۵۰
 عبداللہ (آقا -) ولد آقا محمد حسن
 صندوقدار : ج ۲ ص ۱۸۰۴
 عبداللہ مخزومی : ج ۱ ص ۲۲
 عبداللہ بن مروان : ج ۱ ص ۱۰۲، ۱۳۲
 عبداللہ المستعصم باللہ، عبداللہ بن
 المستعصم باللہ ابو جعفر المنصور : ج ۱
 ص ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۲
 ج ۲ ص ۵۸۲
 عبداللہ (میرزا -) مستوفی : ج ۱ ص ۵۲۸
 ج ۳ ص ۲۰۹۸
 عبداللہ بن مسدد بن حکم بن مالک بن
 بدر الفزاری : ج ۱ ص ۶۹
 عبداللہ بن مسعود : ج ۱ ص ۵۸
 عبداللہ بن مسلم بن قتیبہ (صاحب ادب
 الکاتب) : ج ۱ ص ۲۱۷
 عبداللہ بن مطیع (عامل ابن زبیر در کوفہ) :

ج ۱ ص ۸۷

عبدالله بن مظعون: ج ۱ ص ۵۶

عبدالله بن مطاویه بن عبدالله بن جعفر

طیار (از زیدیه): ج ۱ ص ۱۲۹۵۱۲۷

عبدالله بن معتز، الرازی بالله: ج ۱ ص ۲۲۸

عبدالله بن مسم: ج ۱ ص ۴۵

عبدالله بن المظم (فقیه امامیه): ج ۱ ص

۲۰۲

عبدالله بن مصر: ج ۱ ص ۵۵

عبدالله (شیخ -) منتفع: ج ۲ ص ۱۱۷۹

عبدالله مندرا: ج ۱ ص ۸۰۴

عبدالله (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۲۷

ج ۲ ص ۲۱۴۲

عبدالله (میرزا -) منشی اول (مضارت

پاریس): ج ۲ ص ۱۸۷۵

عبدالله (میرزا -) منشی اول (فونسولگری

روس در رشت): ج ۲ ص ۲۱۰۵

عبدالله (حاجی میرزا -) منشی: ج ۱ ص

۵۲۸: ج ۲ ص ۲۱۰۰

عبدالله بن موسی بن نصیر (والی افریقاییه):

ج ۱ ص ۹۹، ۱۰۴

عبدالله بن مهدی (حاکمین): ج ۱ ص

۲۹۰

عبدالله (میرزا سید -) ناظم میزان: ج ۲

ص ۱۹۵۲

عبدالله بن نافع بن الحارث: ج ۱ ص ۵۲

عبدالله بن نافع بن الحصین: ج ۱ ص ۵۲

عبدالله بن نافع بن عبدالقیم: ج ۱ ص ۵۲

عبدالله (حاجی -) نایب ایشیک آقاسی

باشی: ج ۲ ص ۲۱۱۶

عبدالله بن نسیم: ج ۱ ص ۴۵

عبدالله (نقوشگر): ج ۲ ص ۶۴۹

عبدالله بن نصیر همدانی کوفی، امیر هاشم

کوفی (پدر محمد بن عبدالله نصیر

شیخ بخاری): ج ۱ ص ۱۲۴

عبدالله (میرزا -) نویسنده (از اجزای

کارخانجات توپخانه): ج ۲ ص ۱۲۳۴

ج ۲ ص ۲۰۷۹

عبدالله بن ونداد امید (از ملوک رستمدر):

ج ۲ ص ۷۲۲

عبدالله وهب الراسی (از خوارج): ج ۱ ص ۶۶

عبدالله بن یاسین النکولس (فقیه): ج ۱ ص

۲۲۴

عبدالله بن حبیب، طالب الحق: ج ۱ ص ۱۲۸

۱۲۹

عبدالله بن یحیی الکفای (حاکم طرابلس):

ج ۱ ص ۲۲۳

عبدالله یزدی: ج ۲ ص ۸۵۶

عبدالله بن یعقوب بن منصور، الطادل (پادشاه

مغرب): ج ۱ ص ۲۳۶، ۲۳۹

عبدالله بن یوسف الجویلی (والد امام

الحرمین): ج ۱ ص ۳۱۸

عبدالله خان: ج ۲ ص ۸۲۷

عبدالله خان: ج ۲ ص ۱۲۶۸: ج ۳ ص ۱۲۲۹

۱۴۲۷

عبدالله خان (حاجی میرزا -): ج ۳ ص ۱۸۲۲

عبدالله خان (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۰: ج ۲

ص ۱۲۲۷: ج ۲ ص ۱۷۸۲

عبدالله خان (میر -): ج ۲ ص ۱۰۹۱

عبدالله خان (پروازاده آزاد خان): ج ۲

ص ۱۱۵۲

عبدالله خان ابدالی: ج ۲ ص ۱۰۰۴، ۱۰۰۵

عبدالله (میرزا -) خان (از ارباب قلم و

لشکر نویسان): ج ۲ ص ۱۲۲۴: ج ۳ ص

۲۰۶۸

عبدالله (میرزا -) خان (از ارباب مناصب):

ج ۲ ص ۱۲۵۶: ج ۳ ص ۲۱۱۰

عبدالله خان ارجمندی فیروزکوهی (سرکرده

هزاره فیروزکوهی): ج ۳ ص ۱۴۶۹

۱۵۰۲، ۱۵۲۵، ۱۵۲۵، ۱۵۷۸

عبدالله خان اوزبک: ج ۲ ص ۸۷۰، ۸۷۸

۸۸۰، ۸۸۲، ۸۸۷، ۸۸۹، ۸۹۲

عبدالله خان استاجلو: ج ۲ ص ۸۰۹، ۸۲۳

۸۷۲

عبدالله خان اسکندر خان (پادشاه بخارا):

ج ۲ ص ۸۳۱، ۸۵۱

عبدالله خان (پسر اعتماد السلطنه): ج ۲

ص ۱۲۲۷

عبدالله خان افشار (مابین قلمه): ج ۳ ص ۱۶۸۸

عبدالله خان امین الدوله اصفهانی (صدر -

اعظم) پسر حاجی محمد حسین خان:

ج ۳ ص ۱۲۸۰، ۱۵۱۷، ۱۵۲۶، ۱۵۵۹

۱۵۹۳، ۱۶۰۵، ۱۶۰۵، ۱۶۲۷، ۱۶۸۷

عبدالله خان اوغانلوی خسته: ج ۳ ص ۱۴۰

۱۴۱۲، ۱۴۲۸

عبدالله خان (بیکریگی لارستان): ج ۲

ص ۱۲۹۶

عبدالله خان (پادشاه بخارا): ج ۳ ص ۸۵۸

عبدالله (میرزا -) خان (پیشخدمت خاصه):

ج ۲ ص ۲۰۴۱

عبدالله خان تفتگذار باشی): ج ۱ ص ۵۲۷

ج ۲ ص ۱۲۵۲: ج ۳ ص ۲۰۹۲

عبدالله خان جوانشیر: ج ۳ ص ۱۷۳۵

عبدالله خان (حاکم گیلان و طالش): ج ۱

ص ۲۸۲: ج ۳ ص ۱۳۰۰: ج ۳ ص ۲۰۱۹

عبدالله (سید -) خان (حویزه): ج ۳ ص

۱۰۰۹

عبدالله خان (ولد حیات سلطان ابدالی):

ج ۲ ص ۱۰۰۲

عبدالله خان دماوندی: ج ۳ ص ۱۲۲۹، ۱۲۸۷

۱۵۷۱، ۱۵۸۰

عبدالله خان زند (عم نطفی خان زند):

ج ۳ ص ۱۲۱۷، ۱۲۱۸

عبدالله خان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۲۳۱: ج ۳ ص

۱۶۵۲، ۲۰۸۵

عبدالله خان (سرکرده دسته مقبولگر):

ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص ۲۰۹۲

عبدالله خان (سرکنشکچی باشی): ج ۲

ص ۲۰۴۰

عبدالله خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۱، ۵۱۶

ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۲ ص ۲۰۸۰

عبدالله خان سیمانی: ج ۲ ص ۱۷۵۶

عبدالله خان شیروانی (سرهنگ): ج ۱ ص

۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۲۲

عبدالله خان صادم الدوله: ج ۲ ص ۱۷۱۳

۱۷۱۵، ۱۷۳۱، ۱۷۶۸، ۱۷۸۵

عبدالله خان (برادر منیع الدوله): ج ۲

ص ۲۰۲۱

عبدالله خان (پسر علا الدوله قوچلو آقاسی

باشی، کنشکچی باشی) پسر امیر نظام

علا الدوله): ج ۱ ص ۳۷۱، ۵۲۹: ج ۲ ص

۱۱۹۳، ۱۲۶۷: ج ۳ ص ۱۹۳۲، ۲۰۲۰

۲۱۱۶

عبدالله خان (میرزا -) علا الملک: ج ۲

ص ۱۹۶۳، ۱۹۶۲

عبدالله خان بن فراخان استاجلو: ج ۲ ص ۸۵۱

عبدالله (حاجی میرزا -) خان (کارکنار

بندر عباس): ج ۱ ص ۵۲۶

عبدالله (حاجی میرزا -) خان (کارکنار

شیراز): ج ۳ ص ۲۱-۵.
 عبدالله خان گرجی یوزباشی: ج ۳ ص ۱۵۲۶.
 عبدالله خان گرسی (باور دوم): ج ۳ ص ۲۰۷۷.
 عبدالله خان لاری: ج ۳ ص ۱۶۲۴.
 عبدالله خان (میرزا -) لشکر نویس: ج ۱ ص ۵۰۵.
 عبدالله خان (ولد محمد حسن خان سردار): ج ۳ ص ۱۷۳۴، ۱۷۳۶.
 عبدالله خان (ولد محمد رحیم خان نسجه باشی): ج ۳ ص ۱۷۸۵.
 عبدالله خان مدائنلو (سرکرده): ج ۱ ص ۵۲.
 عبدالله خان (میرزا -) خان (مدیر اداره دول غیرهسجور): ج ۳ ص ۲۱۰۳.
 عبدالله خان (مستشار سفارت ایران): ج ۱ ص ۲۷۳.
 عبدالله خان (میرزا -) خان (مستشار وزارت): ج ۱ ص ۵۲۲.
 عبدالله خان (میرزا -) خان (مستشار وزارت): ج ۳ ص ۲۰۳۳.
 عبدالله خان (میرزا -) مستوفی: ج ۱ ص ۵۲۸.
 عبدالله خان مستوفی (حاجی میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۸.
 عبدالله خان (میرزا -) مستوفی (علاء الملک): ج ۳ ص ۱۸۵۲.
 عبدالله خان (میرزا -) مستوفی نوری: ج ۳ ص ۱۹۹۴.
 عبدالله خان مبارباشی: ج ۳ ص ۱۷۱۵.
 عبدالله خان میرمنجه: ج ۳ ص ۱۷۴۷، ۱۷۴۶.
 عبدالله خان (میرزا -) نالینس (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹.
 عبدالله خان (حاجی میرزا -) خان (نلد میرزا نسی): ج ۳ ص ۱۸۱۲.
 عبدالله خان (ولد نصیر خان لاری): ج ۳ ص ۱۲۰۲.
 عبدالله خان (میرزا -) خان نوری مستوفی: ج ۳ ص ۱۲۵۲.
 عبدالله خان والی (حکمران گیلان وطولش) امیرالامرا: ج ۱ ص ۵۵۸، ۵۵۶، ۵۵۴.
 عبدالله خان (ج ۳ ص ۲۰۲۵، ۲۰۲۷، ۲۰۲۵).

عبدالله خان یوزباشی: ج ۱ ص ۵۳۹، ۲۷۱.
 عبدالله میرزا: ج ۱ ص ۵۰۲، ۵۰۷، ج ۳ ص ۱۷۲۱.
 عبدالله میرزا (نواب -): ج ۳ ص ۱۵۰۳.
 عبدالله میرزا (حشمه الدوله): ج ۳ ص ۱۲۲۷.
 عبدالله میرزا (متخلص به دارا) حاکم خسته: ج ۳ ص ۱۶۹۴، ۱۵۵۲، ۱۵۰۰.
 عبدالله میرزا (ژنرال آجودان رئیس امور نظامی عربستان): ج ۳ ص ۱۸۵۷.
 عبدالله میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۳ ص ۱۶۱۷.
 عبدالله میرزا (نواب) فرزند فتحعلی شاه: ج ۳ ص ۱۶۳۸.
 عبدالله میرزا (عم ناصرالدین شاه): ج ۳ ص ۱۶۱۲.
 عبدالله باقی (حاجی -): ج ۳ ص ۲۱۲۷.
 عبدالله باقی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۷۰۶.
 عبدالله باقی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۷۷۴، ۱۷۶۸.
 عبدالله باقی (۵۱ -) ارباب طهران: ج ۱ ص ۵۲۶.
 عبدالله باقی خان (حاجی -): ج ۳ ص ۱۰۸۵.
 عبدالله باقی خان زنگنه: ج ۳ ص ۱۱۱۷، ۱۰۸۶.
 عبدالله باقی خان (بابه اول): ج ۱ ص ۵۱۸.
 عبدالله باقی خان (۱۲۳۳): ج ۳ ص ۲۰۷۷.
 عبدالله باقی خان افشار: ج ۳ ص ۱۹۳۴.
 عبدالله باقی بن عبدالمجید بن عبدالله (التحقیق التفریق الکاتب المروسی): ج ۳ ص ۶۲۱.
 عبدالله باقی (میرزا -) منجم باشی گیلانی: ج ۳ ص ۱۶۲۷.
 عبدالله باقی میرزا: ج ۳ ص ۷۴۴.
 عبدالله باقی میرزا (ولد مؤید الدوله): ج ۳ ص ۱۷۵۶.
 عبدالله (شیخ آمد): ج ۱ ص ۷۸۴.
 عبدالله (حاکم خوارزم): ج ۱ ص ۳۱۶.
 عبدالله (قاضی، متکلم معتزلی): ج ۱ ص ۳۰۴.
 عبدالله خان (برادر محمد عظیم صوبدار کتیر): ج ۳ ص ۱۵۴۱.
 عبدالله بن عبد الرحمن ازدی (حاکم

خوارسان): ج ۱ ص ۱۳۸، ۱۳۹.
 عبدالحق (میرزا -) کاشان: ج ۳ ص ۱۲۷۹.
 عبدالحسین (میرزا -): ج ۳ ص ۱۲۲۵.
 عبدالحسین (میرزا -) از ارباب قلم و لشکر نویسان: ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 عبدالحسین (حاجی -) تاجر شیرازی: ج ۳ ص ۲۱۲۵.
 عبدالحسین (میرزا -) نبات: ج ۳ ص ۲۱۰۱.
 عبدالحسین خان: ج ۱ ص ۵۱۴، ج ۲ ص ۱۲۲۷.
 عبدالحسین خان: ج ۳ ص ۱۷۲۷، ۱۷۸۷.
 عبدالحسین خان: ج ۳ ص ۱۸۱۱، ۱۷۹۲.
 عبدالحسین خان: ج ۳ ص ۱۶۶۰.
 عبدالحسین خان (میرزا -): ج ۳ ص ۲۰۸۴.
 عبدالحسین (میرزا -) خان (هشیرزاده میرزا ابوالحسن خان): ج ۳ ص ۱۵۳۹.
 عبدالحسین خان اشرفی: ج ۳ ص ۱۷۲۴.
 عبدالحسین خان (تومان دوم فوج چهارم مراغه): ج ۳ ص ۱۲۳۸.
 عبدالحسین خان جوانشیر: ج ۳ ص ۱۶۵۵، ۱۶۶۰.
 عبدالحسین خان (پسر خان بابا خان سردار): ج ۳ ص ۱۱۸۲.
 عبدالحسین خان سرتیپ: ج ۱ ص ۵۱.
 عبدالحسین خان (حاجی -) سرتیپ: ج ۱ ص ۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۷.
 عبدالحسین خان سرتیپ اول: ج ۳ ص ۲۰۸۱.
 عبدالحسین خان سرتیپ اول: ج ۳ ص ۱۲۴۲.
 عبدالحسین (حاجی -) خان (سرتیپ قوچخانه): ج ۳ ص ۲۰۷۶.
 عبدالحسین خان سرتیپ (تومان اول فوج مظفر مراغه): ج ۳ ص ۱۲۳۷.
 عبدالحسین خان (پسر سردار حارم الدوله): ج ۱ ص ۵۰۷.
 عبدالحسین خان سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۳۱.
 عبدالحسین خان سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۸۰.
 عبدالحسین خان سرهنگ (از اجزای زنجیر گناه): ج ۳ ص ۱۲۴۶.
 عبدالحسین خان سرهنگ (رئیس): ج ۱ ص ۵۵۰.
 عبدالحسین خان (میرزا -) سرهنگ (صاحب منصب فوج): ج ۳ ص ۲۱۴۴.

عبدالحسين خان سرهنگ (برادر محمد حسن خان اعتماد السلطنه) : ج ۳ ص ۱۹۲۷ .
عبدالحسين خان سرهنگ (منتشر ادارہ پليس) : ج ۱ ص ۵۱۲ ، ۵۲۶ : ج ۲ ص ۱۱۹۲ : ج ۳ ص ۲۰۰۵ .
عبدالحسين خان قاجار : ج ۱ ص ۱۲۷۰ .
عبدالحسين (ميرزا -) سرشتدار : ج ۱ ص ۵۰۵ .
عبدالحسين (ميرزا -) سرشتدار دفتر لشکر : ج ۱ ص ۵۰۵ : ج ۲ ص ۱۲۲۴ .
ج ۳ ص ۲۰۶۹ .
عبدالحسين (ميرزا -) سرکتک : ج ۱ ص ۵۵۲ : ج ۲ ص ۲۱۱۲ .
عبدالحسين (ميرزا -) لشکرويس : ج ۱ ص ۵۰۵ .
عبدالحسين (شيخ -) مجتهد : ج ۳ ص ۱۸۱۰ .
۱۸۳۲ ، ۱۹۱۰ .
عبدالحسين (ميرزا -) مستوفي : ج ۲ ص ۱۷۰۱ ، ۲۱۰۲ .
عبدالحسين (ميرزا -) مستوفي (پسر ميرزا عبد الرحيم خلخالی) : ج ۲ ص ۲۰۹۹ .
عبدالحسين (ميرزا -) سورتويس (از اجزاء مجلس تالیف نامه) : ج ۱ ص ۵۵۵ : ج ۲ ص ۱۲۹۳ : ج ۳ ص ۲۱۲۹ .
عبدالحسين (ميرزا -) منشی : ج ۱ ص ۵۰۶ : ج ۲ ص ۲۰۶۹ .
عبدالحسين (ميرزا -) منشی باشی : ج ۱ ص ۵۲۹ : ج ۲ ص ۱۲۵۵ .
عبدالحسين ميرزا (پسر مراد دله) : ج ۲ ص ۲۰۶۴ .
عبدالحسين ميرزا (مظفر) : ج ۱ ص ۵۱۰ : ج ۲ ص ۱۲۳۱ : ج ۳ ص ۲۰۷۵ .
عبدالحسين (ميرزا -) نایب ايشيکافلی باشی : ج ۲ ص ۲۱۱۶ .
عبدالحسين ميرزا نصرت الدوله : ج ۳ ص ۲۰۶۲ .
عبدالحسين نواهی : ج ۲ ص ۷۵۲ ، ۷۸۲ .
عبدالحق پشتکی (ملا -) : ج ۲ ص ۱۶۲۲ .
عبدالحق مریخی : ج ۲ ص ۵۸۹ .
عبدالحق بن نوريين محمد (از آل نوريين) : ج ۲ ص ۷۳۰ .
عبدالحمید (ميرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۶۸ .
عبدالحمید (ميرزا -) از ارباب علم و لشکر نوريان : ج ۲ ص ۱۲۲۴ : ج ۳ ص ۲۰۶۸ .

عبدالحمید بهادر : ج ۲ ص ۱۷۳۰ .
عبدالحمید (حاجی -) تاجر : ج ۳ ص ۲۱۲۶ .
عبدالحمید بن جعفر بن عبدالله انصاری : ج ۱ ص ۱۲۶ .
عبدالحمید خان اول (سلطان -) سلطان عثمانی : ج ۱ ص ۲۸۲ ، ۵۲۶ : ج ۲ ص ۱۲۱۱ ، ۱۹۶۹ .
عبدالحمید خسرو شاهی : ج ۱ ص ۲۵۸ .
عبدالحمید بن عبدالمعز ، ابو حازم (قاضی) : ج ۱ ص ۲۲۶ .
عبدالحمید (ميرزا -) لشکرويس : ج ۱ ص ۵۰۵ .
عبدالحمید (ميرزا -) نایب فرانکلسه : ج ۲ ص ۲۱۱۷ .
عبدالحمید (والی کوفه) : ج ۱ ص ۱۰۶ .
عبدالحمید ميرزا (مامور خدمات نظامی آذربایجان) : ج ۲ ص ۱۹۲۳ .
عبدالدین (رئیس و هابیه در مصر) : ج ۲ ص ۱۵۲۳ .
عبدالدین مسعود : ج ۳ ص ۱۵۲۷ .
عبداربه الانصاری ، عبدالله بن جازید : ج ۱ ص ۱۶۱ .
عبدربه بن عبدالله لمی : ج ۱ ص ۱۰۱ .
عبدربه کبر (از خواجگ ازارقه) : ج ۱ ص ۹۳ .
عبد الرحمن (شيخ -) : ج ۲ ص ۱۷۵۷ .
عبد الرحمن (از اهالی هوقند) : ج ۱ ص ۱۹۶۱ .
عبد الرحمن بن امیر بکر صديق : ج ۱ ص ۲۸۰ .
عبد الرحمن بن امیر حاتم الرازی (مؤلف الجرح والتعديل) : ج ۱ ص ۲۵۲ .
عبد الرحمن بن امیر محمد السعدي ، امیر جعفر : ج ۱ ص ۱۱۵ .
عبد الرحمن بن احمد بن یونس (مؤلف تاریخ مصر) : ج ۱ ص ۲۱۰ .
عبد الرحمن پاشا (حاکم شهر) : ج ۲ ص ۱۲۷۹ ، ۱۲۸۲ ، ۱۲۸۳ ، ۱۲۹۰ ، ۱۵۰۰ ، ۱۵۰۵ ، ۲۰۵۱ .
عبد الرحمن پاشا بلایان : ج ۲ ص ۱۵۰۱ .
عبد الرحمن جاسی : ج ۲ ص ۷۳۲ .
عبد الرحمن بن جریطانی (مامور علی (ع) در دفع خوارج سجنان) : ج ۱ ص ۶۲ .
عبد الرحمن بن حارث بن هشام : ج ۱ ص ۴۹ .
عبد الرحمن بن حاطب بن ابی بلتعنه : ج ۱ ص ۸۹ .

عبد الرحمن بن حبيب بن ابی عبیده : ج ۱ ص ۱۲۶ ، ۱۲۸ .
عبد الرحمن بن حسان بن ثابت انصاری : ج ۱ ص ۱۰۹ .
عبد الرحمن بن حکم بن هشام اموی (ادیب و شاعر) : ج ۱ ص ۱۶۱ ، ۱۶۹ ، ۱۷۹ .
۱۸۰ ، ۱۸۶ ، ۱۸۹ ، ۱۹۱ ، ۱۹۵ .
عبد الرحمن بن خالد : ج ۱ ص ۵۸ .
عبد الرحمن بن خالد بن ولید : ج ۱ ص ۷۲ .
عبد الرحمن خان : ج ۲ ص ۱۲۰۲ ، ۱۲۰۵ .
عبد الرحمن خان (امیر افغان) : ج ۱ ص ۲۸۵ .
۲۸۷ ، ۲۸۸ : ج ۳ ص ۲۰۱۱ ، ۲۰۱۲ .
عبد الرحمن خشمی : ج ۲ ص ۵۹۸ .
عبد الرحمن بن زبیده (سرکردہ عساکر اسلام) : ج ۱ ص ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۶ ، ۵۸ .
عبد الرحمن بن زبید بن الحارث الیاسی ، ابو الاشعث الکوفی : ج ۱ ص ۱۲۲ .
عبد الرحمن بن زیاد (والی خراسان) : ج ۱ ص ۸۰ ، ۱۱۶ .
عبد الرحمن (القاب) سرکردہ دستہ شاهکوی : ج ۱ ص ۵۲۲ : ج ۲ ص ۲۰۹۳ .
عبد الرحمن بن سعد : ج ۱ ص ۲۹۸ .
عبد الرحمن (مولوی -) سلطان مارک : ج ۲ ص ۱۲۷۶ ، ۱۸۲۱ .
عبد الرحمن بن سمره (فاتح رنج) : ج ۱ ص ۷۲ ، ۷۲ ، ۷۶ .
عبد الرحمن سیم ، الناصر ، پسر محمد (پادشاه اسپانیول) : ج ۱ ص ۲۳۱ ، ۲۳۳ ، ۲۳۷ .
۲۳۰ ، ۲۳۷ ، ۲۳۹ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ .
۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۶ .
عبد الرحمن بن عباس بن زبیده : ج ۱ ص ۹۵ .
عبد الرحمن بن عبدالله حارثی : ج ۱ ص ۲۰۰ .
عبد الرحمن بن عبدالله بن عتبہ بن مسعود السعودی : ج ۱ ص ۱۵۱ .
عبد الرحمن بن عبدالله بن عثمان الثقفی (ابن ام حکم) : والی کوفه : ج ۱ ص ۷۹ ، ۸۰ .
عبد الرحمن بن عبدالله النافعی (حاکم اسپانیول) : ج ۱ ص ۱۱۵ .
عبد الرحمن بن عبدالله القاری : ج ۱ ص ۶۲ ، ۹۳ .
عبد الرحمن بن عبدالله بن مسعود : ج ۱ ص ۹۲ .

عبدالرحمن بن عبدالملك بن صالح: ج ۱ ص ۱۶۰، ۱۶۲.
عبدالرحمن بن عباس: ج ۱ ص ۵۵.
عبدالرحمن بن عثمان بن عبداللہ (پسر برادر طلحہ بن عبداللہ): ج ۱ ص ۹۰.
عبدالرحمن بن عدیس البلیوی: ج ۱ ص ۶۲.
عبدالرحمن بن عطاء (صاحب الشارعه): ج ۱ ص ۱۲۵.
عبدالرحمن بن علی بن الجوزی، ابوالفسوج (واعظ و مصنف): ج ۱ ص ۲۲۰.
عبدالرحمن بن هوف: ج ۱ ص ۵۸، ۵۲، ۲۶.
عبدالرحمن بن قوری (مفتی): ج ۱ ص ۱۵۲.
عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن ابی بکر: ج ۱ ص ۱۲۶.
عبدالرحمن بن قیث بن اشیم: ج ۱ ص ۷۰.
عبدالرحمن قلی: ج ۱ ص ۷۵.
عبدالرحمن بن محمد بن الاسحاق اصفهانی (حافظ، صاحب تاریخ اصفهان): ج ۱ ص ۲۳۷.
عبدالرحمن بن محمد بن اشعث: ج ۱ ص ۱۱۲.
۹۵ تا ۱۰۲، ۹۷.
عبدالرحمن بن مسلم — ابومسلم خراسانی
عبدالرحمن بن مطهر بن هشام بن عبدالملك ابن مروان اموی (حکمرای اسپانیا): ج ۱ ص ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۴۱ تا ۱۴۱، ۱۴۲ تا ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۸.
عبدالرحمن بن مل — ابوعثمان النهدی.
عبدالرحمن بن ملجم مرادی (از خوارج و قاتل امیرالمومنین (ع)): ج ۱ ص ۷۱.
عبدالرحمن نیناوری: ج ۱ ص ۱۷۰.
عبدالرحمن بن ولید (برچمدار سپاه معاویه در صفین): ج ۱ ص ۶۵.
عبدالرحمن بن یزید بن جابر: ج ۱ ص ۱۴۶.
عبدالرحیم (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۲۵، ج ۳ ص ۲۱۲۸.
عبدالرحیم: ج ۲ ص ۱۷۶۶، ۱۷۸۲.
عبدالرحیم افسر (میرزا -): خوشنویس: ج ۱ ص ۵۳۱، ۵۵۶، ج ۲ ص ۱۲۹۲، ج ۳ ص ۲۱۳۹.
عبدالرحیم بیانی (قاضی): ج ۱ ص ۲۱۹.
عبدالرحیم (میرزا -): تعمیلدار: ج ۲ ص

۲۰۹۵.
عبدالرحیم خان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۸۱۲.
۱۸۵۱.
عبدالرحیم خان ساعدالملك (میرزا -): ج ۱ ص ۵۳۵.
عبدالرحیم خان (سرهنگ فوج اول افشار): ج ۱ ص ۵۱۰، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۷۶.
عبدالرحیم خان شیوازی (برادر حاجی ابراهیم خان کلانتر): ج ۱ ص ۱۳۱۴، ۱۲۲۰.
عبدالرحیم خان (میرزا -): قونصل بادکوبه: ج ۱ ص ۵۳۵.
عبدالرحیم خان (میرزا -): کلانتر اداره پلیس: ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۵۲.
عبدالرحیم (میرزا -): خان (مستشار محاکمات کلانتر اداره قضیه): ج ۳ ص ۲۰۹۶.
عبدالرحیم خان (میرزا -): منشی: ج ۱ ص ۵۰۶.
عبدالرحیم خان، مهندس: ج ۱ ص ۵۳۲.
عبدالرحیم (میرزا -): خطاخی: ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص ۲۰۹۹.
عبدالرحیم (میرزا -): خوشنویس (وقایع نگار): ج ۲ ص ۲۱۰۲.
عبدالرحیم (حاجی میرزا -): شیرازی مراف (ناشر): ج ۲ ص ۲۱۲۵.
عبدالرحیم (پسر عید خان): ج ۲ ص ۷۹۵.
عبدالرحیم (میرزا -): پسر میرزا محمد تبریزی: ج ۲ ص ۱۷۲۲.
عبدالرحیم بن محمد بن محمود غزنوی: ج ۱ ص ۲۱۵.
عبدالرحیم (حاجی میرزا -): مدونی: ج ۱ ص ۵۵۷.
عبدالرحیم (آقا سید -): معین التجار: ج ۲ ص ۲۱۲۵.
عبدالرحیم (میرزا -): منشی: ج ۳ ص ۲۰۶۹.
عبدالرحیم (میرزا -): منشی باشی: ج ۳ ص ۱۸۲۳.
عبدالرحیم (میرزا -): منشی سم دفتر تجارت: ج ۳ ص ۲۱۰۲.
عبدالرحیم (میرزا -): میزان آقاسی: ج ۲ ص ۱۸۱۲.
عبدالرحیم (آقا -): نهاوندی (از علماء طهران): ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۲۰۹۵.

عبدالرحیم میرزا: ج ۳ ص ۲۰۶۴.
عبدالرزاق (میرزا -): ج ۲ ص ۷۴۴.
عبدالرزاق افندی: ج ۲ ص ۱۶۵۲.
عبدالرزاق (میرزا -): پسر میرزا الخ بیگ: ج ۲ ص ۷۱۷، ۷۲۲.
عبدالرزاق (امیر -): باشتینی: ج ۲ ص ۶۵۶.
عبدالرزاق بیگ (نایب ایشیکا قاسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶.
عبدالرزاق بیگ (ولد نجفقلی خان بیگریگی تبریز): ج ۳ ص ۱۵۹۳.
عبدالرزاق بیگ دنبلی (متخلص به مضنون و صاحب تاریخ مآثر سلطانه): ج ۲ ص ۶۲۱، ۱۰۳۵، ج ۲ ص ۱۲۴۱، ۱۲۷۱، ۱۵۹۳.
عبدالرزاق خان: ج ۳ ص ۱۳۹۷.
عبدالرزاق خان (حاکم کاشان): ج ۳ ص ۱۴۱۶.
عبدالرزاق خان (سرتیپ فوج خرقانی): ج ۲ ص ۱۹۰۰.
عبدالرزاق سرداری: ج ۲ ص ۶۲۹.
عبدالرزاق بن عبدالحمید تعلبی: ج ۱ ص ۱۶۱.
عبدالرزاق بن همام المعنایی (محدث و از مشایخ احمد بن حنبل): ج ۱ ص ۱۸۱.
عبدالرسول خان (نواده صدر اصفهانی): ج ۲ ص ۱۸۱۲.
عبدالرسول خان (شیخ -): دریا بگی: ج ۳ ص ۱۶۱۲.
عبدالرسول خان، سرتیپ اول (نایب الحکومه گیلان): ج ۳ ص ۱۹۵۴.
عبدالرسول خان سرتیپ (حاکم ملایر و توپسراگان): ج ۲ ص ۱۹۲۹.
عبدالرسول (میرزا -): نایب کارگذار گیلان: ج ۱ ص ۵۳۶، ج ۳ ص ۲۱۰۵.
عبدالرشید خان: ج ۲ ص ۱۵۲۰.
عبدالرشید خان: ج ۳ ص ۷۸۶.
عبدالرشید خان افغان: ج ۳ ص ۱۵۳۴، ۱۵۳۷.
عبدالرشید خان (صاحب کاشغر): ج ۲ ص ۸۲۸.
عبدالرشید بن محمود غزنوی، شمس دین الله: ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۲۱.
عبدالرضا (شیخ -): ج ۲ ص ۱۶۵۹، ۱۶۶۰.
عبدالرشید (سید -): بوشهر: ج ۲ ص ۱۲۷۹.
عبدالرضا خان (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۶.

عبدالرضا (میرزا -) کرمان : ج ۲ ص ۱۲۷۹ .
عبدالرضا خان (خلف نقی خان بیگلربیگی
یزد) : ج ۳ ص ۱۵۹۲ .
عبدالرضا خان یزدی : ج ۳ ص ۱۵۹۲ ، ۱۵۹۳ .
۱۵۹۹ ، ۱۶۰۲ ، ۱۶۰۳ ، ۱۶۰۷ .
۱۶۱۲ ، ۱۶۱۵ .
عبدالسلام (خارجی) : ج ۱ ص ۱۵۱ ، ۱۵۲ .
عبدالسلام بن احمد بن محمد بن جعفر .
ابوالفتح صوفی فارسی : ج ۱ ص ۳۳۸ .
عبدالسلام بن رفیان ، دیگالجن (شاعر) :
ج ۱ ص ۱۹۳ .
عبدالسلام اللخی : ج ۱ ص ۱۲۵ .
عبدالسلام مالکی : ج ۲ ص ۵۹۸ .
عبد شمس : ج ۱ ص ۱۲۷ .
عبدالممد بیگ (بنی عم ابراهیم خلیل
خان) : ج ۳ ص ۱۲۲ ، ۱۲۵ .
عبدالمدخان افغان : ج ۳ ص ۱۵۲۵ .
عبدالمدخان (بارکزائی افغان) : ج ۳ ص
۱۵۴۴ .
عبدالمدخان (سرهنگسواران نظام) : ج ۲
ص ۱۳۳۳ .
عبدالمدد بن علی بن عبدالله بن عباس
(عم منصور ، والی مکه) : ج ۱ ص ۱۶۲ .
۱۲۷ ، ۱۵۰ تا ۱۵۳ ، ۱۶۰ ، ۱۶۶ .
عبدالمدد میرزا عزالدوله (برادر ناصرالدین
شاه) : ج ۱ ص ۵۰۱ ، ج ۲ ص ۱۲۱۹ .
ج ۳ ص ۱۷۷۲ ، ۱۷۹۵ ، ۱۸۲۲ ، ۱۸۷۵ .
۱۹۳۳ ، ۱۹۳۴ ، ۱۹۷۱ ، ۲۰۶۳ .
عبدالمدد همدانی (ملا -) صاحب بحر
المعارف : ج ۳ ص ۱۲۶۵ .
عبدالعال فارسی (امام) : ج ۱ ص ۳۲۳ .
عبدالعزیز (میر سید -) : ج ۲ ص ۹۱۷ .
عبدالعزیز ابوطارس (از آل مرین مغرب) :
ج ۲ ص ۳۳۰ .
عبدالعزیز بن ابی دلف المعلی : ج ۱ ص ۲۰۳ .
۲۰۴ .
عبدالعزیز (از مشایخ نجد ، بهیو طریقه
وهابی) : ج ۳ ص ۱۲۶۵ ، ۱۲۶۶ .
عبدالعزیز بن احمد الطوائی ، شمس الانعمه :
ج ۱ ص ۳۲۲ .
عبدالعزیز بن حجاج بن عبدالملک : ج ۱ ص ۱۲۵ .
۱۲۶ .
عبدالعزیز خان : ج ۲ ص ۹۱۶ ، ۹۳۲ ، ۹۵۰ .

عبدالعزیز خان افغان : ج ۲ ص ۱۰۲۱ .
عبدالعزیز خان اوزبک : ج ۳ ص ۹۳۱ .
عبدالعزیز خان (ایلچی اشرف) : ج ۲
ص ۱۰۶۱ .
عبدالعزیز خان (پادشاه ترکستان) : ج ۳ ص
۹۹۲ .
عبدالعزیز خان (سلطان -) پادشاه عثمانی :
ج ۱ ص ۹ .
عبدالعزیز خان (پادشاه مایرا - النهر) : ج ۲
ص ۹۶۰ ، ۹۹۱ .
عبدالعزیز خان چنگیزی : ج ۲ ص ۹۹۳ .
عبدالعزیز خان (ولد ندر محمد خان) : ج ۲
ص ۹۳۲ .
عبدالعزیز بن رفیع (ابو عبدالله مکی) : ج ۱
ص ۱۲۹ .
عبدالعزیز سلطان بن عبدالخان : ج ۲ ص ۷۷۳ .
۷۹۳ ، ۷۹۵ ، ۷۹۷ ، ۸۱۰ ، ۸۱۱ .
عبدالعزیز بن عبداللحم ابی سلیمان جاشون :
ج ۱ ص ۱۵۳ .
عبدالعزیز (میرزا -) ابن میرزا عبداللطیف :
ج ۲ ص ۶۹۹ ، ۷۰۰ .
عبدالعزیز کاشانی (ملا -) : ج ۳ ص ۱۶۵۲ .
عبدالعزیز بن محمود بن الاخير (محدث) :
ج ۱ ص ۲۳۰ .
عبدالعزیز بن مروان (حاکم مصر) : ج ۱ ص
۹۷ ، ۱۰۰ .
عبدالعزیز بن موسی بن نصیر (والی اندلس) :
ج ۱ ص ۱۰۴ .
عبدالعزیز بن ولید : ج ۱ ص ۱۰۱ ، ۱۰۲ .
عبدالعظیم (ع) (حضرت -) : ج ۱ ص ۴۹۹ .
ج ۲ ص ۱۲۶۰ ، ۱۲۸۰ ، ۱۲۹۳ ، ۱۶۲۱ .
عبدالعظیم بیگ : ج ۲ ص ۲۰۷۸ .
عبدالعظیم خان قزوینی (میرزا -) : ج ۳ ص
۱۵۹۹ .
عبدالطی (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۶ ، ج ۲ ص
۱۲۲۵ .
عبدالطی (میرزا -) حکیم باغی (از اجزاء
مجلس مرکزی حافظ المحمدریز) : ج ۲
ص ۱۲۷۹ .
عبدالطی خان ادیب الملک : ج ۳ ص ۱۸۲۳ .
۱۸۵۰ .
عبدالطی خان افشار (نایب آجودان باشی) :
ج ۱ ص ۵۰۹ ، ج ۲ ص ۱۲۳۰ ، ج ۳ ص

۲۰۷۲ .
عبدالطی خان (فرزند امین نظام) سرهنگ :
ج ۱ ص ۵۰۸ ، ج ۲ ص ۱۲۲۸ ، ج ۳ ص
۲۰۷۲ .
عبدالطی خان (سرهنگ تپخانه) : ج ۳ ص
۱۷۸۴ .
عبدالطی خان (از سرهنگان خارج فوج) :
ج ۲ ص ۱۲۲۹ .
عبدالطی خان سلطان (مامور کرمان) : ج ۲
ص ۱۲۳۴ ، ج ۳ ص ۲۰۷۹ .
عبدالطی خان مراغی : ج ۳ ص ۱۶۹۹ .
عبدالطی (میرزا -) سرشتمدار آذربایجان :
ج ۱ ص ۵۰۶ ، ج ۲ ص ۲۰۷۰ .
عبدالطی (میرزا -) مستوفی : ج ۱ ص ۵۲۸ .
ج ۳ ص ۲۰۹۹ .
عبدالطی (میرزا -) نایب الامانه (از
موتریان دویم) : ج ۱ ص ۵۰۲ ، ۵۰۷ .
ج ۲ ص ۱۲۲۷ .
عبدالظار : ج ۱ ص ۱۲۸ .
عبدالظار (حاجی -) : ج ۳ ص ۲۱۲۷ .
عبدالظار خان قزوینی (یاور خارج از فوج) :
ج ۱ ص ۵۱۰ ، ج ۲ ص ۱۲۳۱ ، ج ۳ ص
۲۰۷۵ .
عبدالظار (میرزا -) مظم زبانی دارالفنون :
ج ۳ ص ۱۹۱۲ .
عبدالظار (حاجی میرزا -) دجما الطیک :
ج ۱ ص ۲۶۵ ، ج ۲ ص ۱۱۹۳ ، ج ۳ ص
۲۰۰۶ ، ۲۰۲۰ .
عبدالغفور لاری : ج ۲ ص ۷۲۸ .
عبدالغنی (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۷۵ .
عبدالغنی (میرزا -) از اجزای پستخانه :
ج ۳ ص ۲۱۲۴ .
عبدالغنی (میرزا -) ثبات دفتر : ج ۳ ص
۲۱۰۱ .
عبدالغنی (میرزا -) رئیس بروجرد : ج ۱
ص ۵۲۲ .
عبدالغنی بن سعید (حافظ مصری ، صاحب
مؤلف و مختلف) : ج ۱ ص ۳۰۲ .
عبدالغنی (میرزا -) منشی سرشتمدار دفتر
احکام وزارت عدلیه : ج ۱ ص ۵۲۹ .
عبدالغنی (میرزا -) منشی و کتابچهنویس :
ج ۲ ص ۱۲۵۵ .
عبدالقادر بن ابان بن عبدالله (از مولای

مطهره بن ابی سفیان (ج ۱ ص ۱۶۲)
 عبدالقادر بن ابومصالح گیلانی، ابومحمد
 (شیخ -) ج ۱ ص ۳۹۵
 عبدالقادر خان شجاع الملک (سرتیپ اول):
 ج ۱ ص ۲۷۷، ۵۱۸
 عبدالقادر خان شکی: ج ۳ ص ۱۷۲۹
 عبدالقادر بن محمد بن عبدالقادر (حافظ
 حدیث): ج ۱ ص ۲۶۷
 عبدالقادر ابرهاری (ازحفاظ): ج ۱ ص ۲۳۰
 عبدالقادر بن عبدالرحمن جرجانی: ج ۱ ص
 ۳۳۷
 عبدالکریم (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۹، ج ۲
 ص ۱۲۲۲، ۱۲۲۵
 عبدالکریم (حاجی میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۶
 عبدالکریم ابومحمد بن محمد المظفر السطانی
 المروزی (فقیه شافعی): ج ۱ ص ۳۹۵
 عبدالکریم افندی (قاضی عسکر عثمانی):
 ج ۲ ص ۱۱۱۲
 عبدالکریم بیگ (میرزا -): ج ۱ ص ۵۳۷
 ج ۲ ص ۱۲۳۰
 عبدالکریم بیگ (پیشخدمت پسیان): ج ۲
 ص ۱۷۸۲
 عبدالکریم پاشا: ج ۳ ص ۱۹۶۹، ۱۹۷۲
 عبدالکریم خان: ج ۲ ص ۸۲۸
 عبدالکریم (آقا -) خان (از ارباب
 مناصب): ج ۲ ص ۱۲۵۶، ج ۳ ص ۲۱۱۰
 عبدالکریم خان (ایلچی علیشاه): ج ۲ ص
 ۱۱۲۶
 عبدالکریم خان (میرزا -) سرتیپ: ج ۳ ص
 ۲۰۸۶
 عبدالکریم (میرزا -) خان سرهنگ: ج ۲ ص
 ۱۲۲۲
 عبدالکریم خان عرب بسطانی: ج ۳ ص ۱۵۲۹
 عبدالکریم خان کرمانشاهی: ج ۲ ص ۱۱۲۲
 عبدالکریمخان (نایب آجودان باشی): ج ۱
 ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰
 عبدالکریم (میرزا -) سرشتمدار دلفر لشکر:
 ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۲ ص ۲۰۶۸
 عبدالکریم (حاجی میرزا -) صدرالحفاظ:
 ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۳ ص ۲۱۱۲
 عبدالکریم (میرزا -) طبیب: ج ۱ ص ۵۲۸
 ج ۲ ص ۲۱۳۱
 عبدالکریم (میرزا -) عرضبنگار: ج ۲ ص

۱۲۵۶: ج ۳ ص ۲۱۰۲
 عبدالکریم (میرزا -) نامور گیلان: ج ۲ ص
 ۱۲۵۵
 عبدالکریم بن مفیث: ج ۱ ص ۱۷۵
 عبدالکریم (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶
 ج ۲ ص ۲۰۶۹
 عبدالکریم (میرزا -) منشی اول: ج ۱ ص ۵۳۷
 ج ۲ ص ۱۲۶۵
 عبدالکریم (میرزا -) منشی وزارت معادن:
 ج ۲ ص ۲۱۳۶
 عبدالکریم (میرزا -) نایب ایشیک قاسمی باشی:
 ج ۲ ص ۲۱۱۶
 عبدالکریم (میرزا -) ولد نایب: ج ۱ ص ۵۲۹
 عبداللطیف (میرزا -) پسر میرزا الخ بیگ:
 ج ۲ ص ۶۹۸ تا ۷۰۱، ۷۰۷
 عبداللطیف پاشا (حاکم تلمیس): ج ۲ ص
 ۹۰۰
 عبداللطیف (حاجی -) تاجر دهنده شمس:
 ج ۳ ص ۲۱۲۵
 عبداللطیف خان: ج ۲ ص ۷۸۶
 عبداللطیف خان بن کوجم: ج ۲ ص ۷۹۵
 عبداللطیف سلطان: ج ۲ ص ۷۹۴، ۸۱۰
 عبداللطیف مقدسی (شیخ -): ج ۲ ص ۷۰۳
 عبدالمجید (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۹۲
 عبدالمجید خان: ج ۲ ص ۱۸۲۰
 عبدالمجید خان (سرکرده): ج ۳ ص ۱۵۹۹
 عبدالمجید خان (سلطان عثمانی): ج ۲ ص
 ۱۹۳۱
 عبدالمجید خان (سلطان -) ابن سلطان
 محمود خان: ج ۲ ص ۱۵۵۲
 عبدالمجید خان (میرزا -) نایب سرایداران
 سلطنت آباد: ج ۱ ص ۵۵۶، ج ۳ ص ۲۱۲۹
 عبدالمجید میرزا (نایب قطعه اصطبل): ج ۲
 ص ۲۱۲۲
 عبدالمحمد (حاجی -) بطلانی: ج ۳ ص ۱۶۲۲
 ج ۱ ص ۱۶۲۹
 عبدالمحمد میرزا (امیرزاده -) امیر آخور:
 ج ۱ ص ۵۵۷
 عبدالمطلب، ربیع بن الحارث بن عبدالمطلب
 الهاشمی: ج ۱ ص ۸۲
 عبدالمطلب (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۳۲
 عبدالملک بن ایوب بن ظهیران نمیری (حاکم
 بصره): ج ۱ ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۵۰

عبدالملک تنطاجی: ج ۲ ص ۶۵۳
 عبدالملک بن صالح بن علی: ج ۱ ص ۱۷۲
 عبدالملک بن صالح هاشمی (حاکم موصل،
 مصر): ج ۱ ص ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۲
 ۱۶۶، ۱۶۲
 عبدالملک بن عبدالعزیز، جریج: ج ۱ ص ۱۲۲
 عبدالملک بن عبدالعزیز، ابونعرتار (زاهد):
 ج ۱ ص ۱۸۸
 عبدالملک عمادی: ج ۲ ص ۶۲۸
 عبدالملک بن عمر (ابن عم عبدالرحمن اموی،
 معروف به: شهاب آل مروان، حاکم
 اسپانیول): ج ۱ ص ۱۲۸
 عبدالملک بن قطن (حاکم اسپانیول): ج ۱
 ص ۱۱۶
 عبدالملک بن محمد الرقاشی: ج ۱ ص ۲۱۲
 عبدالملک بن محمد بن عطیه السندی (سردار
 مروان حصار): ج ۱ ص ۱۲۹
 عبدالملک بن مروان (خلیفه اموی): ج ۱
 ص ۸۶، ۸۸ تا ۹۸، ۱۰۰، ۱۳۲
 عبدالملک بن منصور بن ابی عامر: ج ۱ ص ۲۲۶
 عبدالملک بن نوح سامانی: ج ۱ ص ۲۶۲، ۲۶۵
 ۲۹۰
 عبدالملک بن هشام بن عبدالرحمن اموی:
 ج ۱ ص ۱۶۰
 عبدالمومن خان (ولد عبداللهمان اوزبک):
 ج ۲ ص ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۷
 ۸۹۰، ۸۹۲
 عبدالمومن بن علی الکومی: ج ۱ ص ۲۶۵
 ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵
 ۲۸۶ تا ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۸
 عبدالمومن گوینده: ج ۲ ص ۶۶۵
 عبدالمنشی منشی بهبهانی: ج ۲ ص ۱۰۹۶
 ۱۱۰۱، ۱۱۱۱
 عبدالمنشی بن مهدی (حاکم یمن): ج ۱ ص
 ۳۹۰
 عبدالواحد بن ابی خفص: ج ۱ ص ۲۵۸
 عبدالواحد بن ادریس بن بطوب، رشید
 (پادشاه مراکش): ج ۱ ص ۳۲۹
 عبدالواحد بن محمد المظفر (شاعر): ج ۱
 ص ۳۱۸
 عبدالواحد بن نصر، بینا (شاعر): ج ۱ ص
 ۲۹۲
 عبدالواحد النضری (حاکم مکه): ج ۱ ص ۱۱۱

عبدالواحد بن یزدانلواری: ج ۱ ص ۱۱۷، ۱۱۸
عبدالواحد بن یوسف بن عبدالواحد من،
المستطبی: ج ۱ ص ۲۳۶
عبدالواحد یهودی = هوانی: ج ۱ ص ۱۲۲
عبدوس شهری: ج ۱ ص ۱۸۲
عبدالوهاب بن ابراهیم امام (برادرزاده)
منصور عباسی: ج ۱ ص ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۸
عبدالوهاب افندی: ج ۳ ص ۱۵۰۰
عبدالوهاب بن یخت: ج ۱ ص ۱۱۵
عبدالوهاب (میرزا -) از اجزای پستخانه:
ج ۲ ص ۲۱۲۲
عبدالوهاب (میرزا -) تبریزی: ج ۲ ص ۷۶۲
عبدالوهاب خان (میرزا -): ج ۳ ص ۱۸۱۲
عبدالوهاب (میرزا -) خان برتیب (صاحب
منصب فوج): ج ۱ ص ۵۱۶، ج ۲ ص
۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۱۲۲
عبدالوهاب (میرزا -) خان (کارپرداز نجف):
ج ۳ ص ۲۱۰۶
عبدالوهاب (میرزا -) خان مستوفی (پسر
نظام الملک): ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص
۱۹۵۹
عبدالوهاب (میرزا -) خان مفتاح السلطان
(لشکر نویس باشی): ج ۲ ص ۲۰۶۸
عبدالوهاب (میرزا -) خان (نایب دوم
ورئیس دفتر محاسبه): ج ۳ ص ۲۱۰۲
عبدالوهاب (میرزا -) خان (نایب وزارت
علوم، پسر میرزا محمد علی خان
وزیر): ج ۱ ص ۵۳۱، ۵۳۲، ج ۲ ص
۱۹۱۷، ۱۹۲۱
عبدالوهاب (میرزا -) خان نصیرالدوله
(نایب الوزاره حکمران گیلان): ج ۲
ص ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۸۲۲، ۱۷۸۳، ۱۹۲۵
عبدالوهاب خرقانی (میرزا -): ج ۱ ص ۵۳۲
عبدالوهاب (میرزا -) طبیب: ج ۱ ص ۵۳۲
عبدالوهاب بن عبدالرحمن بن رستم (رئیس
بربر): ج ۱ ص ۱۲۳
عبدالوهاب (میرزا -) گیلانی: ج ۳ ص ۱۷۳۸
عبدالوهاب (میرزا -) مستوفی اصفهانی:
ج ۲ ص ۱۲۲۲

عبدالوهاب (میرزا -) مستوفی گیلان
(برتیب): ج ۳ ص ۱۸۶۶، ۱۹۱۷
عبدالوهاب نشاط، معتمدالدوله اصفهانی:
ج ۳ ص ۱۲۹۸، ۱۵۱۲، ۱۵۱۹، ۱۵۳۵، ۱۵۳۸،
۱۵۴۲، ۱۵۵۲، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۹۶، ۱۶۲۱
عبدالوهاب (میرزا -) معلم: ج ۱ ص ۵۱۰
ج ۲ ص ۱۲۳۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵
عبدالوهاب (میرزا -) منشی (ولد صدیق
الملک): ج ۱ ص ۵۵۸
عبدالوهاب (میرزا -) منشی باشی (ازاریاب
کلم): ج ۳ ص ۲۱۲۲
عبدالوهاب (حاجی -) (از مشایخ عرفا):
ج ۳ ص ۱۲۵۵، ۱۲۶۵
عبد یزید بن هاشم بن مطلب: ج ۱ ص ۷۲
عبدیه بن کعب بن عوف ————— اسود
علمی (مدعی نبوت)
عبد خان: ج ۲ ص ۷۵۲ تا ۷۵۷، ۷۶۷،
۷۷۰، ۷۷۲ تا ۷۷۶، ۷۸۲، ۷۸۵، ۷۸۹
تا ۷۹۱، ۷۹۳، ۷۹۴
عبد رومی (غلام حارث بن کده نظمی و
جد زیاد): ج ۱ ص ۱۵۰
عبد زاکانی: ج ۲ ص ۶۲۷
عبد (پسر عمر خطاب): ج ۱ ص ۲۷
عبد بن نیت بن ابی لیلی (قاضی کوفه):
ج ۱ ص ۱۲۶
عبدالله (شیخ -): ج ۱ ص ۲۸۲
عبدالله بن ابی بکره (حاکم سجستان):
ج ۱ ص ۹۲، ۹۳
عبدالله بن ابی طاهر البشنوی الکوردی:
ج ۱ ص ۲۲۲
عبدالله بن احمد علوی (مؤسس حکومت
علوی در مغرب): ج ۱ ص ۲۲۹
عبدالله بن بریده بن حمید الحلی (قاضی
مرو): ج ۱ ص ۱۱۵
عبدالله، بهادرخان: ج ۲ ص ۷۵۲
عبدالله بن الحجاب (الحجاب): ج ۱ ص
۱۱۷
عبدالله بن حجاب (والی افریقیه): ج ۱
ص ۱۱۵
عبدالله بن الحرجلی: ج ۱ ص ۸۸
عبدالله بن حسن بن حسین عمیری (۵ قاضی
بصره): ج ۱ ص ۱۲۸، ۱۵۰

عبدالله بن الحسن بن عبدالله (حاکم
حرمین): ج ۱ ص ۱۷۸
عبدالله خان لاری: ج ۲ ص ۱۲۲۲
عبدالله بن زیاد بن سید (عامل خراسان،
والی بصره و کوفه): ج ۱ ص ۷۸، ۸۰
تا ۸۳، ۸۶ تا ۸۸
عبدالله بن سلیمان (وزیر المعتمد): ج ۱
ص ۲۲۳
عبدالله بن عباس (والی یمن از سوی علی
(ع)): ج ۱ ص ۶۲، ۶۱، ۷۰، ۹۸
عبدالله بن عبداللبن طاهر: ج ۱ ص ۲۰۳،
۲۳۱
عبدالله بن عمر بن خطاب: ج ۱ ص ۲۱
۲۵، ۶۵
عبدالله کرد (شیخ -): ج ۱ ص ۲۷۶ تا
۳۷۸
عبدالله بن محمد، ابو محمد (اولین طایفه
علوی مغرب، مشهور به مهدی): ج ۱
ص ۲۲۹ تا ۲۳۶، ۲۳۱ تا ۲۳۱
عبدالله بن محمد بن نافع (از ملحا):
ج ۱ ص ۲۸۷
عبدالله بن مروان: ج ۱ ص ۱۲۷
عبدالله بن مهدی (برادر هارون الرشید و
حاکم ارمینیه): ج ۱ ص ۱۵۸
عبدالله بن یحیی بن خاقان (وزیر المعتمد
علی الله): ج ۱ ص ۲۰۶، ۲۰۹
عبدالله بن زبیر (حاکم مدینه): ج ۱ ص ۸۷
عبدالله الطحانی (از اصحاب علی (ع)): ج
۱ ص ۹۰
عبدیه بن هلال (از خوارج ازرقه): ج ۱
ص ۹۳
عتاب بن امید (والی مکه): ج ۱ ص ۲۰۸
عتاب بن عتاب (عامل حمص): ج ۱ ص ۱۹۶
عتاب بن ورقه الراعی التمیمی (حاکم
اصفهان): ج ۱ ص ۸۶، ۸۸
عتبه بن ابی سفیان: ج ۱ ص ۷۵
عتبه بن ابی ولاح: ج ۱ ص ۲۲
عتبه بن ربهه: ج ۱ ص ۲۲
عتبه بن سهیل: ج ۱ ص ۲۸
عتبه بن شروان: ج ۱ ص ۲۱، ۲۷
عتبه بن فرقد: ج ۱ ص ۵۱، ۵۲
عتنان بن ابی الطحان القنقی: ج ۱ ص ۲۷، ۲۶
۵۱، ۵۲، ۵۴، ۷۶

عثمان بن ارطغرل (اول سلطان عثمانی) :
 ج ۲ ص ۶۰۱
 عثمان بن امیر محمد (از آل مرین مغرب) :
 ج ۲ ص ۷۲۰
 عثمان بیگ بن ارطغرل بن سلیمان شاه :
 ج ۲ ص ۵۹۹
 عثمان بیگ : ج ۳ ص ۱۵۵۴
 عثمان پاشا (سردار عثمانی) : ج ۲ ص ۸۲۰
 ۸۲۲ ، ۸۶۹ ، ۸۷۳ ، ۸۷۴ ، ۱۰۲۶ ،
 ۱۱۷۹ ، ۱۱۷۹ : ج ۳ ص ۱۹۷۴ ، ۲۰۱۵
 ۲۰۲۸
 عثمان پاشا غازی محمد گرای (وزیر فرهنگ
 عثمانی) : ج ۱ ص ۴۸۷ ، ۴۹۰ : ج ۲ ص
 ۸۶۹
 عثمان جنی مولیٰ نعوی (مصنف المص) :
 ج ۱ ص ۲۹۱ ، ۲۹۲
 عثمان بن حنیف (حاکم بصره از سوی علی
 (ع)) : ج ۱ ص ۶۱
 عثمان بن حیان (حاکم مدینه) : ج ۱ ص ۱۰۱
 عثمان بن خطاب ، ابوالدنیاسنج : ج ۱ ص ۲۵۲
 عثمان بن الدباد ، سابق الدین : ج ۱ ص ۲۱۲
 عثمان ساوجی : ج ۲ ص ۶۰۵
 عثمان بن شیبہ بن ابی طلحہ المبدی (جد
 بنی شیبہ) : ج ۱ ص ۷۹
 عثمان بن طلحہ المبدی : ج ۱ ص ۷۳۰ ، ۷۳۲
 عثمان بن عطا : ج ۱ ص ۱۲۶
 عثمان بن عفان (خلیفہ سوم) : ج ۱ ص ۲۲
 ۲۲ ، ۳۰ ، ۳۶ ، ۵۳ ، ۶۲ ، ۶۸ ، ۱۲۵ ،
 ۲۵۲
 عثمان بن کرمانی : ج ۱ ص ۱۲۹
 عثمان بن محمد بن ابی سفیان (والی مدینه) :
 ج ۱ ص ۸۴
 عثمان بن مظعون : ج ۱ ص ۵۶ ، ۲۳
 عثمان بن نهبک : ج ۱ ص ۱۲۹
 عثمان بن ولید بن یزید بن عبدالملک : ج ۱
 ص ۹۰ ، ۱۲۲
 عقیف بن عنینہ : ج ۱ ص ۱۸۱ ، ۱۸۵
 عدلی : ج ۲ ص ۸۳۲
 عدنان : ج ۲ ص ۱۳۷۱
 عدنان ، ابوالحسن بن علی (لقب علی بن) :
 ج ۱ ص ۳۱۷ ، ۳۲۵
 عدی بن اڑطاه : ج ۱ ص ۱۰۶
 عدی بن ثابت الانصاری : ج ۱ ص ۱۱۲
 عدی بن ثابت کوفی : ج ۱ ص ۱۱۶

عدی بن حاتم طائی : ج ۱ ص ۲۹ ، ۳۲ ، ۶۲ ،
 ۸۷
 عدی بن مسافر زاهد (شیخ -) : ج ۱ ص ۳۹۲
 عذرا : بن علی بن بصر (از آل افضل) :
 ج ۲ ص ۷۲۳
 عذری بیگدلی : ج ۲ ص ۱۱۷۲
 عراقی پاشا : ج ۳ ص ۲۰۲۹ ، ۲۰۵۱
 عرب محمد (سلطان خوارزم) : ج ۲ ص ۹۱۶
 عرفی شاعر : ج ۲ ص ۸۸۹
 عروه بن ادب (برادر ابی بلال مرداسی ، از
 خوارزم) : ج ۱ ص ۸۰
 عروه بن روم : ج ۱ ص ۱۳۶
 عروه بن زبیر (محدث) : ج ۱ ص ۱۰۲
 عروه بن عدی : ج ۱ ص ۵۸
 عروه بن قیس : ج ۱ ص ۸۱
 عروه بن مسعود ثقفی : ج ۱ ص ۲۹
 عرب (مغنیه مامونیه) : ج ۱ ص ۲۱۲
 عزالدوله (حکمران همدان) : ج ۲ ص ۱۳۰۱
 ج ۲ ص ۱۹۹۲ ، ۲۰۳۷ ، ۲۱۲۶
 عزالدوله بختیار ————— بختیار
 عزالدوله ابراهیم بن شمس الدین محمد : ج ۱
 ص ۲۱۲ ، ۲۱۷ ، ۲۱۹
 عزالدین بن اثیر : ج ۱ ص ۲۱۲
 عزالدین (امیر -) از دهر النوری : ج ۲ ص ۶۲۹
 عزالدین اسامه : ج ۱ ص ۲۱۲ ، ۲۲۸
 عزالدین افندی : ج ۲ ص ۱۹۳۱
 عزالدین ابیک اشرفی (ملوک اشرف) : ج ۱
 ص ۲۲۰ ، ۲۵۲
 عزالدین ابیک الافرم : ج ۲ ص ۵۹۳
 عزالدین ابیک معطی : ج ۱ ص ۲۲۸ ، ۲۵۲
 عزالدین بلیان (ملوک شاهرمن) : ج ۱ ص
 ۲۱۷ ، ۲۲۵
 عزالدین بیگ حموی : ج ۲ ص ۶۰۲ ، ۶۰۵
 عزالدین حسین : ج ۲ ص ۸۹۱
 عزالدین شافعی : ج ۲ ص ۶۲۱
 عزالدین (صاحب مهدون) : ج ۲ ص ۵۸۸
 عزالدین مهد العزیز بن عبدالسلام الدمشقی
 (شیخ -) :
 ج ۲ ص ۵۸۲
 عزالدین علی بن اثیر : ج ۱ ص ۳۶۶
 عزالدین علی بن محمد ... الشیبانی ، ابن
 اثیر جزیری : ج ۱ ص ۳۶۶ ، ۳۷۲ ، ۳۷۲
 ۴۲۲
 عزالدین عمر بن معلی (پیشکار ملک خاشر) :
 ج ۱ ص ۲۳۲

ج ۱ ص ۲۴۵
 عزالدین بن غیاث الدین کیخسرو بن کیکاو :
 ج ۱ ص ۲۱۲ ، ۲۶۱
 عزالدین فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب :
 ج ۱ ص ۲۰۴ تا ۲۰۶
 عزالدین گاشی : ج ۲ ص ۶۲۸
 عزالدین کیخسرو : ج ۱ ص ۲۱۹
 عزالدین کیکاو بن کیخسرو بن کیکاو : ج ۱
 ص ۲۶۱ ، ۲۶۹ ، ۵۸۴ ، ۵۸۵
 ۵۸۸ ، ۵۹۲
 عزالدین لوی قاجار : ج ۲ ص ۱۱۶۹
 عزالدین محمد بن تقی الدین سلیمان بن
 حمزه الحنبلی : ج ۲ ص ۶۲۵
 عزالدین محمود : ج ۲ ص ۸۹۱
 عزالدین مسعود بن مودود بن رنگی بن آقسنقر
 (صاحب مومل) : ج ۱ ص ۲۶۸ ، ۲۰۲
 تا ۲۰۷ ، ۴۱۳
 عزالدین بن موسی الصلاحی (امیر -) : ج ۱
 ص ۲۵۴
 عزالدین (سید -) هزار جویی : ج ۲ ص ۶۷۱
 عزت الله خان مافی یوزباشی : ج ۱ ص ۴۷۱
 ج ۲ ص ۱۲۶۸ : ج ۲ ص ۲۱۱۷
 عزت الله خان (مامور آذربایجان) : ج ۱ ص
 ۵۳۹
 عزالدوله (خواهر ناصر الدین شاهر هسبر
 امیر کبیر) : ج ۱ ص ۵۰۱ : ج ۲ ص ۱۲۱
 ج ۲ ص ۱۸۹۸ ، ۲۰۶۳
 عزت نساختم (دختر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص
 ۱۶۲۶
 عزیز ، اسماعیل بن سیف الاسلام ظهیر الدین
 طفتکن (ملک -) : ج ۱ ص ۴۱۶
 عزیز خان (میر -) : ج ۲ ص ۱۷۲۳
 عزیز خان آجودان باشی : ج ۲ ص ۱۷۰۰
 ۱۷۱۵ ، ۱۷۲۵ ، ۱۷۲۸ ، ۱۷۳۷
 ۱۷۳۸
 عزیز خان (میر -) دریا بگی : ج ۳ ص ۱۷۲۷
 عزیز خان سردار کل : ج ۳ ص ۱۷۲۹ ، ۱۸۱۱
 ۱۸۲۲ ، ۱۸۲۲ ، ۱۸۲۵ ، ۱۸۳۵
 ۱۸۶۶ ، ۱۸۸۶ ، ۱۹۰۳ ، ۱۹۰۶
 ۱۹۱۳ ، ۱۹۲۲
 عزیز خان سرهنگ مکی : ج ۳ ص ۱۶۲۱
 العزیز بن صلاح الدین ایوبی (نایب مصر) :
 ج ۱ ص ۲۰۸ ، ۴۱۲ ، ۴۱۶ ، ۴۱۸
 عزیز (میرزا -) گوگشتاش (خان اعظم) : ج ۲

ص ۸۷۳

فریز (میرزا -) کوک: ج ۲ ص ۸۵۹
الفریز (پسر المیزالدین الله علوی): ج ۱ ص
۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱،
۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۲
عزیز نسفی: ج ۲ ص ۵۸۲
عزیز الله خان صادم الطک (مرتیب دوم):
ج ۱ ص ۵۲۱
عزیز الله خان مرتیب: ج ۱ ص ۲۷۸، ج ۲
ص ۲۰۱۷
عزیز الله خان (علیه منقوشخانه): ج ۳
ص ۲۱۲۲
عزیز الله میرزا (مرتیب سیم): ج ۳ ص ۲۰۷۲
عزیز الله میرزا (نایب آجودان باشی): ج ۱
ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۹
عزیز الله (خواهر ناصرالدین شاه): ج ۱
ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۲۰۶۲
عزیز محمد خان (پسر عباس خان مرتیب):
ج ۳ ص ۲۰۹۲
عزیز محمد خان (سرکرده جماعت قراچور -
لوی خوار): ج ۱ ص ۵۲۲
عزیز محمد خان هراتی (بازر): ج ۱ ص ۵۱۰
ج ۲ ص ۱۲۳۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵
عزیز الطک: ج ۱ ص ۲۹۶
عسکرخان افشار ارومی (مخبر ایران): ج ۳
ص ۱۲۲۱، ۱۲۷۷، ۱۲۸۶، ۱۲۹۳
۱۵۰۰، ۱۵۰۲، ۱۵۲۵، ۱۵۳۶، ۱۵۵۲
عسکرخان ارومی (مرتیب): ج ۱ ص ۵۱۲
ج ۲ ص ۱۲۳۹، ج ۳ ص ۱۲۲۵، ۱۲۹۷
۲۰۸۲
عسکرخان مرتیب سیم (بهمن‌دار سفرای دول
خارج): ج ۲ ص ۱۸۷۲
عسکرخان سرهنگ (سرپرست ارمنیه ارومی
و سلماس): ج ۲ ص ۱۸۵۷
عسکرخان شقای (سرپرست توپخانه): ج ۱
ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۲۰۷۶
عسکرخان (والی قزم): ج ۲ ص ۱۸۵۹
عسکری میرزا: ج ۲ ص ۸۸۰
عماد سرفندی: ج ۲ ص ۷۹۱
عماد الدین اسفراینی (ملا -): ج ۲ ص ۷۷۱
۸۵۵
عممت (حاجی -) الهندی (مین باشی):
ج ۳ ص ۱۸۸۷

عممت بخاری: ج ۲ ص ۶۸۲

عممت‌الضبی: ج ۱ ص ۲۱، ۲۵، ۳۹
عممت‌الدوله (مختار ناصرالدین شاه): ج ۱
ص ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۱۸، ج ۳ ص ۲۰۶۲
عضدالدوله: ج ۱ ص ۲۷۲، ج ۲ ص ۱۱۸۷،
۱۱۸۸
عضدالدوله: ج ۲ ص ۱۸۲۵، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳
۲۰۲۴، ۲۰۴۰
عضدالدوله (حکمران قزوین): ج ۳ ص ۱۹۹۲
۲۰۰۸، ۲۱۲۵
عضدالدوله (ازطوکرستمدار): ج ۲ ص ۷۲۴
عضدالدوله دیلمی (فنا خسرو پسر
رکن‌الدوله): ج ۱ ص ۲۶۰
۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۸۱، ۲۹۶
۳۰۲، ج ۳ ص ۱۷۸۲
عضدالدوله، سلطان احمد میرزا (پسر
فتحعلیشاه): ج ۱ ص ۱۲۱۹، ج ۲
ص ۱۸۹۲
عضدالدین (وزیر علمیه عباسی): ج ۱
ص ۲۰۱، ۲۰۲
عضدالدین ابیجی (قاسمی -): ج ۲ ص ۶۲۹
عضدالطک: ج ۱ ص ۲۸۲، ۵۲۰، ج ۳ ص
۱۸۲۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۸، ۱۹۲۸
۱۹۵۵، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹
عضدالطک (خوانسار و خازن مهر و حاکم
مازندران وزیر حضور): ج ۱ ص ۵۰۲
۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۴، ۱۲۲۰، ج ۳
ص ۱۸۷۶، ۱۹۲۴، ۱۹۴۰، ۱۹۵۲
۲۰۱۷، ۲۰۱۹، ۲۰۶۲، ۲۰۶۷
۲۱۱۵
عضدالطک، علیرضاخان: ج ۳ ص ۱۸۸۷
عضدالطک، میرزا محمدخان: ج ۳ ص ۱۸۷۲
۱۹۰۹، ۲۰۶۴
عطا: ج ۱ ص ۱۰۹
عطاءالله خان: ج ۱ ص ۵۰۷، ۵۱۸، ج ۲ ص
۱۲۲۲، ۱۲۴۲
عطاءالله (میر -) خان تیموری: ج ۳ ص
۱۸۴۲
عطاءالله (حاجی -) خان (مرتیب اول):
ج ۳ ص ۲۰۷۱
عطاءالله خان شاهسون: ج ۳ ص ۱۲۸۲
عطا محمد خان افغان: ج ۳ ص ۱۵۳۶
عطاء بن ریاح (قلعه حجاز): ج ۱ ص ۱۱۵
عطاء بن سائب، ابوزید الشافعی: ج ۱ ص ۱۲۶

عطاء بن عبدالله (از سوانی): ج ۱ ص ۱۳۶
عطاء بن عبدالله الشافعی الطبر: ج ۱ ص ۹۶
عطار (شیخ -) شاعر و از مشایخ مولویه:
ج ۱ ص ۲۱۰
عطف بن سفیان ازدی: ج ۱ ص ۱۶۱
عطفه بن صالح بن مرادسی: ج ۱ ص ۲۹۹
۲۹۸
عظیم بیگ: ج ۲ ص ۱۲۳۰
عفت‌الدوله (خواهر ناصرالدین شاه): ج ۱
ص ۵۰۱، ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۳ ص ۲۰۶۲
عفیف‌الدین صجیل بلخانی: ج ۲ ص ۶۰۲
عفیفین حجاج السلولی (حاکم اندلس):
ج ۱ ص ۱۱۷، ۱۲۲
عقبه بن سلم (حاکم بصره): ج ۱ ص ۱۲۵
عقبه بن عامر الجهنی: ج ۱ ص ۸۰، ۷۵
عقبه بن نافع الفهری (واله افریقا): ج ۱
ص ۵۱، ۷۶، ۸۲، ۸۵
عقطان خروزی: ج ۱ ص ۱۰۹
عقبه بن ابی عقبه: ج ۱ ص ۲۵، ۳۶
عقیل (شیخ -): ج ۳ ص ۱۶۵۹
عقیل بن ابی طالب: ج ۱ ص ۷۰، ۷۱
عقیل بن خالد (صاحب الزهری): ج ۱ ص ۱۲۰
عقیل (میرزا -) دبیر و مستوفی اصفهان:
ج ۲ ص ۱۱۶۵
عکاسبانی: ج ۳ ص ۱۲۲۰
عکاشه خارجی: ج ۱ ص ۱۱۷
عکاشه بن محمد: ج ۱ ص ۲۶
عکرمه بن ابی جهل: ج ۱ ص ۲۸، ۳۷
علاء بن الخضر (الحضرمی): ج ۱ ص ۲۶
۲۷، ۵۱
علاء بن مغبت الهمیمی (والی مغرب): ج ۱
ص ۱۲۱
علاء‌الدوله: ج ۲ ص ۶۹۲، ج ۳ ص ۱۸۸۶
۱۹۲۳، ۱۹۲۵، ۱۹۲۸، ۱۹۲۳
۱۹۴۰، ۱۹۵۸، ۱۹۷۱، ۲۰۰۸
۲۰۱۹
علاء‌الدوله، ابوجعفر بن کاکویه: ج ۱ ص ۳۰۲
۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۵
علاء‌الدوله، ابوسعید محمود بن ابراهیم
غزنوی (حکمران غزنین): ج ۱ ص ۳۶۲
علاء‌الدوله، میرزا احمد خان: ج ۳ ص ۲۱۱۸
علاء‌الدوله، امیرعلیه کونکاشی: ج ۲ ص ۶۹۲
علاء‌الدوله، امیرنظام (وزیر دربار اعظم):
ج ۱ ص ۲۷۷، ۲۸۲، ۵۲۹، ج ۲ ص ۱۲۲۲

علاءالدوله (ايشيك آقاسى باشى و كتيكچى باشى)
 علاءالدوله رحمانى : ج ۲ ص ۷۹۶
 علاءالدوله (رئيس قورخانه) : ج ۳ ص ۱۹۰۵
 علاءالدوله : قاسم بيك بن امير ارسلان : ج ۲ ص ۷۶۲، ۷۶۱، ۷۶۸، ۷۳۷
 علاءالدوله : محمد حسن خان : ج ۳ ص ۱۹۶۴
 علاءالدوله : محمد رحيم خان (نسفجى باشى) : ج ۳ ص ۱۸۲، ۱۸۲۳، ۱۹۵۳
 علاءالدوله (ملازاده ابروى) : ج ۲ ص ۶۹۲
 علاءالدوله بن احمد شاه دكنى : ج ۲ ص ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۷۲
 علاءالدوله (پسر پدر الدين صاحب سنجار) : ج ۲ ص ۵۷۹
 علاءالدوله بن پدر الدين لولوى : ج ۲ ص ۵۷۹
 علاءالدوله بندهنار صالحى (ابدكون) : ج ۲ ص ۵۸۲، ۵۸۹
 علاءالدوله شاه : ج ۲ ص ۶۲۲
 علاءالدوله بهلولان : ج ۲ ص ۶۹۳
 علاءالدوله تكش (پسر بزرگ ارسلان خوارزمشاه) : ج ۱ ص ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۳۰
 علاءالدوله الحسن : پسر رستم بن على بن شهریار (پادشاه مازندران) : ج ۱ ص ۳۹۲
 علاءالدوله حسين بن حسين غورى (سلطان معظم) : ج ۱ ص ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۹۱
 علاءالدوله حسين گانگوى بهمنى (اولين ملوك بهمنيه) : ج ۲ ص ۶۲۵
 علاءالدوله روسى : ج ۲ ص ۶۹۱
 علاءالدوله (سلطان دهلوى) : ج ۲ ص ۶۰۵، ۶۹۷
 علاءالدوله حسنانى (شيخ -) : ج ۲ ص ۶۲۹
 علاءالدوله شاه (سلطان ولى الله) : ج ۲ ص ۷۷۵
 علاءالدوله (شيخ -) ابن صاحب جزيره ملك المجاهدين : ج ۲ ص ۶۲۶
 علاءالدوله طبيب : ج ۲ ص ۷۶۵
 علاءالدوله الطنيطا (ملك الامرا) : ج ۲ ص ۶۳۰
 علاءالدوله عطا ملك بن محمد جوهرى : ج ۲ ص ۵۹۷
 علاءالدوله مظفر دمشقى : ج ۲ ص ۶۲۱
 علاءالدوله على بن حسام الدوله اردشير (از آل باوند) : ج ۲ ص ۶۳۷

علاءالدوله على بن الاثير : ج ۳ ص ۶۲۲
 علاءالدوله على (شارح وقايه) : ج ۳ ص ۶۶۲
 علاءالدوله عمادشاه : ج ۲ ص ۷۵۲
 علاءالدوله قراستقر سافى عادللى (ملوك) : ج ۱ ص ۲۴۹، ۲۵۳
 علاءالدوله قزوئى (قاضى القضاة دمشق) : ج ۲ ص ۶۲۲
 علاءالدوله كيقباد : ج ۱ ص ۲۱۲، ۲۲۳، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۵
 علاءالدوله محمد : ج ۲ ص ۷۷۲
 علاءالدوله محمد بن مياءالدوله سلم : ج ۱ ص ۲۲۴
 علاءالدوله محمد (پسر جلال الدين حسن بزرگ اسماعيليه) : ج ۱ ص ۲۳۵
 علاءالدوله محمد بن شهاب الدين مسعود (از ملوك خلج) : ج ۲ ص ۶۶۴
 علاءالدوله محمد بن علاءالدوله تكش خوارزمشاه : ج ۱ ص ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۲
 علاءالملك : ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص ۱۲۵۲
 علاءالملك (ميرزا -) : ج ۲ ص ۸۹۵
 علاءالملك گرگين شاه (پسر سيف الدين نصرت) : ج ۲ ص ۶۴۹
 علاءالملك (مستولى بنائى) : ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص ۲۰۹۸، ۲۱۱۵
 علاءالملك بن حكيم الفراسى : ج ۱ ص ۴۲
 علاءالملك بن قيس دغى (صاحب ابن مسعود) : ج ۱ ص ۸۳
 علاءالملك بن قيس (صحابى) : ج ۱ ص ۸۵
 علاءالملك بن مجرى : ج ۱ ص ۴۲
 علم خان : ج ۲ ص ۱۱۵۲
 علم خان افغان : ج ۲ ص ۱۱۵۱
 علم خان (امير -) حاكم ترك : ج ۳ ص ۱۷۵۹
 علم خان (امير -) حاكم قبايات : ج ۳ ص ۱۴۴۸
 علم خان : حشمت الملوك (مير -) : ج ۱ ص ۲۶۲، ۵۰۷
 علم خان سوم (امير -) : ج ۲ ص ۱۲۴۸
 علم خان (مير -) : ج ۲ ص ۱۲۵۳
 علم خان (ميرزا -) : ج ۳ ص ۲۰۰۷
 علم الدين بن ابى محمد القاسم بن محمد بن يوسف البرزالى : ج ۲ ص ۶۳۱
 علم الدين سنجر البانفردى : ج ۲ ص ۵۹۶
 علم الدين سنجر حلى (ملك المجاهدين) : ج ۲ ص ۵۹۵، ۵۸۱
 علم الدين سنجر شجاعى : ج ۲ ص ۶۰۲، ۲۳۲۲

علم الدين شفق اغلى : ج ۳ ص ۵۸۱
 علم الدين عبدالكريم هراغى (عالم) : ج ۱ ص ۲۲۶
 علم الدين على بن محمد بن محمد بن عبدالصمد السكاوى (عالم نحو و قرائت) : ج ۱ ص ۲۵۱
 علم الدين فيهر بن ابوالقاسم : تصانيف (فقيه حنفى) : ج ۱ ص ۲۵۶
 علم شاه بيگم : ج ۲ ص ۷۳۷
 علمى قزوئى : ج ۲ ص ۹۰۷
 على (آقا -) : ج ۲ ص ۸۴۱
 على (آقا -) : ج ۲ ص ۱۲۷۹
 على (حاجى سيد -) : ج ۲ ص ۱۲۷۵
 على (حاجى ملا -) : ج ۱ ص ۵۲۵
 على (ميرزا -) : ج ۱ ص ۲۶۶، ج ۲ ص ۱۲۲۵
 على (ميرزا سيد -) : ج ۲ ص ۱۲۲۵
 على آشتيانى (ميرزا -) لشكر نويس : ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۱۲۲۵
 على بن ايان : ج ۱ ص ۲۱۲
 على بن ابراهيم بن نجيب الدوله (حاكم يمن) : ج ۱ ص ۳۲۹
 نعلى ابوعشام بن عيسى (صاحب تكريت) : ج ۱ ص ۳۲۲
 على (ميرزا -) پسر ميرزا ابوالقاسم قاسم مقام : ج ۲ ص ۱۸۰۲
 على بن ابى بكر هروى (شيخ -) : ج ۱ ص ۲۲۹
 اعلى بن ابى الفهم داود (جد قاضى على تنوخى) : ج ۲ ص ۲۶۲
 على بن احمد بن منصور بسامى (شاعر) : ج ۱ ص ۲۳۲
 على بن اخشيد (حاكم مصر) : ج ۱ ص ۲۶۵، ۲۷۰
 على بن ادریس بن يقوب : المتنفذ (پادشاه مراکش) : ج ۱ ص ۲۳۹
 على بن ازناپ : ج ۱ ص ۱۱۵
 على (پسر ميرزا اسمعيل خان) : ج ۱ ص ۵۳۲
 على بن صره (آقا -) : ج ۱ ص ۵۳۰
 على (ميرزا -) از اجزای پشخانده : ج ۳ ص ۲۱۲۳، ۲۱۲۰
 على (آقا -) پيشخدمت خاصه (حاكم ساوه) : ج ۲ ص ۱۸۶۰
 على (حاجى -) تاجر يزدى : ج ۲ ص ۱۲۵۱
 ج ۲ ص ۲۱۲۵

علی (میرزا -) تفرشی (لشکر نویس) : ج ۲ ص ۱۸۷۵ .
 علی تفرشی (میرزا سید -) : ج ۲ ص ۲۱۲۱ .
 علی نکین : ج ۱ ص ۲۱۲ .
 علی بن قذا : ج ۳ ص ۱۸۷۹ .
 علی فراتشاهی (حاجی سید -) : ج ۱ ص ۵۵۲ .
 علی بن القاسم ، ابوالحسن الدمشقی ، الحافظ ابن عساکر : ج ۱ ص ۲۳۲ .
 علی بن قاضی محمد بن علی الطبری : ج ۱ ص ۳۲۸ .
 علی قائم مقام (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۸ : ج ۲ ص ۱۲۲۲ .
 علی (میرزا -) بحر قوام الدوله : ج ۱ ص ۵۲۸ .
 علی (آقا سید -) قونصل انگیزی : ج ۱ ص ۵۳۲ .
 علی (حاجی -) قونصل بالکبه : ج ۱ ص ۵۳۲ .
 علی (حاجی میرزا -) قونصل (کارپرداز جد) : ج ۳ ص ۲۱۰۶ .
 علی بن قیدار ، صوفی نیشابوری : ج ۱ ص ۲۷۱ .
 علی (آقا سید -) کتابدار (از اجزای مجلس تالیف نامه دانشوران) : ج ۲ ص ۱۲۹۳ .
 علی بن کرمانی : ج ۱ ص ۱۲۱۰ : ج ۱ ص ۲۸۱ .
 علی کلبی (پادشاه مقلبه) : ج ۱ ص ۲۸۱ .
 علی کلبی (حاجی ملا -) : ج ۲ ص ۱۱۸۵ .
 علی گرابلی (میرزا -) : ج ۳ ص ۱۲۴۷ .
 علی (میرزا -) لشکر نویس : ج ۱ ص ۵۰۵ .
 علی (میرزا سید -) لشکر نویس کرمانشاهان : ج ۱ ص ۵۰۷ : ج ۲ ص ۱۲۲۶ : ج ۳ ص ۲۰۲۰ .
 علی (میرزا -) لشکر نویس (پسر میرزا هدایت الله وزیر دفتر) : ج ۱ ص ۵۰۵ : ج ۲ ص ۲۰۵۲ .
 علی (حاجی شیخ -) مجتهد مرند : ج ۲ ص ۲۰۲۵ .
 علی بن محمد بن ابی طاروت : ج ۱ ص ۲۲۹ .
 علی بن محمد بن احمد : ج ۱ ص ۲۰۵ .
 علی بن محمد بن بنار (زاهد) : ج ۱ ص ۲۳۹ .
 علی بن محمد حبیب المازنی ، ابوالحسن قاضی القضاة (مؤلف : نکست المصنوع)

احکام السلطانیة ، قانون الوزراء) : ج ۲ ص ۳۲۶ .
 علی بن محمد بن عبد اللطیف الماینی (صاحب مفاتیح و سیر) : ج ۱ ص ۱۸۷ .
 علی بن محمد بن علی ، ابن خروف نسوی اندلسی اشبیلی (تارخ جمعی زجاجی و الکتاب صبیحه) : ج ۱ ص ۲۲۹ .
 علی بن محمد نسوی (حجة الافاضل) : ج ۱ ص ۲۹۲ .
 علی بن محمود بن ابراهیم الزرقانی : ج ۱ ص ۳۲۷ .
 علی بن مذهب (آخرین الافاضل) : ج ۲ ص ۷۲۲ .
 علی بن مزید الاسدی : ج ۱ ص ۳۰۲ .
 علی (میرزا سید -) مستوفی : ج ۱ ص ۵۲۹ .
 علی (میرزا -) مستوفی حاضر و کتب : ج ۱ ص ۵۲۸ : ج ۲ ص ۱۲۵۴ .
 علی (میرزا -) مستوفی دیوانخانه : ج ۱ ص ۵۲۹ : ج ۲ ص ۱۲۵۵ .
 علی (میرزا -) مستوفی (اهل دفترخانه) : ج ۲ ص ۱۲۹۷ : ج ۳ ص ۲۱۲۱ .
 علی مستوفی (میرزا -) : ج ۳ ص ۲۱۰۲ .
 علی (میرزا -) مستوفی (مخصوص دربخانه) : ج ۳ ص ۲۰۹۷ .
 علی مستوفی (میرزا -) پسر قوام الدوله : ج ۳ ص ۲۰۹۹ .
 علی مستوفی (میرزا -) پسر وکیل لشکر : ج ۳ ص ۲۰۹۹ .
 علی بن مسلم بن فریش : ج ۱ ص ۳۲۶ .
 علی (حاجی میرزا -) شکوای الملک ، وکیل الرماها (حاکم همدان) : ج ۳ ص ۱۸۵۰ .
 علی (میرزا -) : ج ۱ ص ۱۹۰۶ : ج ۲ ص ۱۹۰۹ : ج ۳ ص ۱۹۲۹ .
 علی مشهدی (میرزا -) خوشنویس : ج ۲ ص ۷۶۶ .
 علی (حاجی استاد -) معاصر کل : ج ۱ ص ۵۵۴ .
 علی (میرزا -) معین (از اجزای پستخانه) : ج ۱ ص ۵۴۱ : ج ۲ ص ۱۲۷۱ : ج ۳ ص ۲۱۲۰ .
 علی (میرزا -) دادار معین الملک (از ارباب قلم و لشکر نویسان) : ج ۲ ص ۱۲۲۳ : ج ۳ ص ۲۰۶۸ .
 علی (آقا -) مقدم (تاجر قزوینی) : ج ۲ ص ۲۱۲۶ .

علی المکلفی بالله بن معتصم (خلیفه عباسی) : ج ۱ ص ۲۲۲ تا ۲۲۷ .
 علی (میرزا سید -) منشی : ج ۱ ص ۵۲۵ .
 علی (میرزا -) منشی : ج ۲ ص ۲۱۰۰ .
 علی (میرزا -) منشی (از اجزای پستخانه) : ج ۲ ص ۲۱۲۰ .
 علی (میرزا -) منشی دوم : ج ۱ ص ۵۴۱ : ج ۲ ص ۱۲۷۱ .
 علی (میرزا -) منشی وزارت معائن الملک : ج ۱ ص ۵۲۸ .
 علی المصوب : ج ۱ ص ۳۲۲ .
 علی بن موسی الزرقانی (امام -) : ج ۱ ص ۲۲۹ : ج ۲ ص ۱۹۰۷ : ج ۳ ص ۱۵۲۰ : ج ۳ ص ۱۶۲۱ : ج ۳ ص ۲۰۱۷ .
 علی (میرزا -) پسر میرزا موسی وزیر لشکر : ج ۲ ص ۱۲۲۲ : ج ۳ ص ۲۰۶۸ .
 علی بن مهدی حسینی (سلطان معین) : ج ۱ ص ۳۹۰ .
 علی (میرزا -) ولد میرزا بابا حکیمباشی : ج ۳ ص ۱۸۲۹ .
 علی (میرزا -) نایب آهودانباشی : ج ۱ ص ۵۰۹ : ج ۲ ص ۱۲۲۹ : ج ۳ ص ۲۰۷۳ .
 علی (میرزا سید -) نایب حکیم باشی : ج ۱ ص ۵۰۷ : ج ۲ ص ۱۲۲۲ : ج ۳ ص ۲۰۷۰ .
 علی (میرزا -) نایب مستوفی (اقلی موزه) : ج ۳ ص ۲۱۱۱ .
 علی (میرزا سید -) نایب ولسی : ج ۲ ص ۱۲۵۰ .
 علی (میرزا -) نایب و منشی : ج ۱ ص ۵۳۲ .
 علی بن نصر بن هارون (الدروی الطوسی ، حجت : ج ۱ ص ۲۲۲ .
 علی (میرزا -) نظام الملک : ج ۲ ص ۱۹۷۲ : ج ۳ ص ۱۹۹۲ .
 علی (ملا -) نوری (حکیم) : ج ۲ ص ۱۵۹۹ .
 علی (میرزا -) نوری مستوفی : ج ۲ ص ۲۰۹۹ .
 علی (سید -) واعظ : ج ۲ ص ۷۲۶ .
 علی (میرزا -) پسر وزیر دفتر (از ارباب قلم و لشکر نویسان) : ج ۲ ص ۱۲۲۳ : ج ۳ ص ۲۰۶۸ .
 علی (میرزا -) ولد وکیل لشکر : ج ۱ ص ۵۲۹ .

علی (میرزا -) هزار جریبی ملاباشی: ج ۲ ص ۱۶۲۷.
 علی بن هشام (والی جبل و قم و اصفهان و آذربایجان): ج ۱ ص ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳.
 علی بن هلال بن یواب خوشنویس: ج ۱ ص ۳۰۴.
 علی همت خان کلیائی: ج ۲ ص ۱۱۸۰، ج ۳ ص ۱۲۳۸.
 علی (امیر سید -) همدانی (صاحب اسرار النقطه): ج ۲ ص ۶۵۵.
 علی بن یحیی ارمی: ج ۱ ص ۱۹۷.
 علی بن یحیی بن تمیم (امیر -) حکمران افریقه: ج ۱ ص ۳۶۶.
 علی یزدی (حاجی -) تاجر: ج ۱ ص ۵۲۶.
 علی بن یحیی بن موسی الهروی (واعظ): ج ۱ ص ۳۷۳.
 علی یوزباشی (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۹.
 علی بن یوسف بن تاشفین، امیرالمسلمین: ج ۱ ص ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۵.
 علی آقا (ازاکاده): ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۹۰.
 علی آقا (آقا -) تاجر شیرازی: ج ۳ ص ۲۱۲۲.
 علی آقا بیگ (نماینده فراهخانه): ج ۳ ص ۲۱۱۷.
 علی آقا چاوشباشی: ج ۲ ص ۸۵۴.
 علی آقا قاپوچیباشی: ج ۲ ص ۸۲۲.
 علی آقا قاجار (نائب ایشیک آقاسیباشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶.
 علی احمد (حاجی -) تاجر طهرانی: ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 علی اشرف (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 علی اشرف (میرزا -) خان (سرهنگ مهندس): ج ۱ ص ۵۳۳، ج ۲ ص ۱۲۵۲.
 ج ۲ ص ۲۱۰۴.
 علی اشرف خان ماکونی: ج ۳ ص ۱۶۷۵، ۱۶۷۶.
 علی اشرف (میرزا -) خان (منشی فونسلگری روس در تبریز): ج ۱ ص ۵۳۷، ج ۲ ص ۱۲۶۵، ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 علی اشرف (میرزا -) لشکرنویس آذربایجان: ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۲۰۶۹.

علی اصغر (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 علی اصغر (میرزا -) از ارباب قلم و لشکر نویسان: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 علی اصغر بیگ فروزی: ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۶۹، ۱۲۷۵.
 علی اصغر خان (میرزا -) امینالسلک (امین المظان دوم، صاحب جمع): ج ۱ ص ۵۵۱، ۵۵۲، ج ۲ ص ۲۱۰۹.
 علی اصغر خان بستانی: ج ۲ ص ۱۶۰۷.
 علی اصغر خان بندپشی (سرکرده): ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 علی اصغر خان سرهنگ (رئیس تلگرافخانه شیراز): ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص ۲۱۳۲.
 علی اصغر خان گنگرلو: ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 علی اصغر خان یوزباشی: ج ۳ ص ۲۱۱۷.
 علی اصغر (میرزا -) سرشناس وزارت وظائف: ج ۲ ص ۲۱۱۹.
 علی اصغر (میرزا سید -) سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 علی اصغر (حاجی میر -) شیخ الاسلام تبریز: ج ۲ ص ۱۸۲۳.
 علی اصغر (میرزا -) عزب دختر: ج ۱ ص ۵۰۶.
 علی اصغر (میرزا سید -) (عسکر خان شقایق): ج ۲ ص ۱۲۲۸.
 علی اصغر (حاجی -) حایندراتی خواجه باشی: ج ۲ ص ۱۵۸۰.
 علی اصغر (میرزا -) مترجم: ج ۳ ص ۲۱۱۲.
 علی اصغر (برادرزاده محمدخان سوادکوهی): ج ۲ ص ۱۱۷۳.
 علی اصغر (میرزا -) مشرف سواره قرا سواران: ج ۳ ص ۲۱۱۲.
 علی اصغر (ملا -) هزار جریبی ملاباشی: ج ۳ ص ۱۲۲۷.
 علی افندی (حاجی -) فونسل مهندس: ج ۱ ص ۵۳۴.
 علی اکبر (آقا -) : ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 علی اکبر (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 علی اکبر (میرزا -) آجودانباشی: ج ۳ ص ۱۷۷۴، ۱۸۲۳، ۱۸۲۲.
 علی اکبر آقا (از سواره مهاجر): ج ۲ ص ۲۰۸۷.
 علی اکبر (حاجی -) امین معادن: ج ۳ ص

۱۸۵۱.
 علی اکبر بیگ (از دسته بلوچ): ج ۲ ص ۱۲۷۵، ج ۳ ص ۲۰۹۳.
 علی اکبر بیضا (دکتر -): ج ۳ ص ۱۵۱۰، ج ۱ ص ۱۵۱۲، ج ۱ ص ۱۵۸۱.
 علی اکبر (حاجی -) تاجر دهنشتی: ج ۲ ص ۱۲۵۱، ج ۳ ص ۲۱۲۵.
 علی اکبر (حاجی -) تاجر شیرازی: ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 علی اکبر (حاجی -) تاجر گازرونی: ج ۲ ص ۲۱۲۷.
 علی اکبر (استاد -) تفنگساز: ج ۳ ص ۱۷۲۹.
 علی اکبر خان: ج ۱ ص ۵۰۸.
 علی اکبر خان آجودانباشی: ج ۳ ص ۱۷۹۷.
 علی اکبر خان (میرزا -) آجودانباشی: ج ۲ ص ۱۹۸۳.
 علی اکبر خان (ازاعیان طهران): ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 علی اکبر خان (از ازمیر): ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 علی اکبر خان (تفنگدار خاصه): ج ۱ ص ۵۳۰.
 ج ۳ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 علی اکبر خان (میرزا -) حکیمباشی سابق مریضخانه: ج ۱ ص ۵۲۶.
 علی اکبر خان (میر -) دریابگی: ج ۳ ص ۱۲۶۸.
 علی اکبر خان، سرتهپ اول: ج ۱ ص ۵۱۴.
 علی اکبر خان (سرتهپ خواجهموند): ج ۳ ص ۲۱۱۴.
 علی اکبر خان (سرکرده بحکتی): ج ۱ ص ۵۲۳.
 علی اکبر خان (سرکرده جماعت طالبی): ج ۱ ص ۵۲۳، ج ۲ ص ۲۰۹۳.
 علی اکبر خان (سرکرده جماعت قاضینی): ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۳ ص ۲۰۸۹.
 علی اکبر خان سرهنگ (اداره سوارهای دیوانی): ج ۱ ص ۵۵۴.
 علی اکبر خان (سرهنگ جماعت خواجهموند): ج ۱ ص ۵۲۱، ج ۳ ص ۲۰۹۰.
 علی اکبر خان (سرهنگ خارج از فوج): ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 علی اکبر خان (سرهنگ فوج دوم طلیقم): ج ۲ ص ۲۰۸۲.
 علی اکبر خان سرهنگ (فوج منجور قراقرزلو:

ج ۱ ص ۵۱۲: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۲ ص ۲۰۸۲
 علی اکبر خان (سرهنگ خوجا دوم نیاوندی):
 ج ۱ ص ۵۱۵: ج ۲ ص ۱۲۲۰
 علی اکبر خان (میرزا -) طبیب: ج ۳ ص ۲۱۳۱
 علی اکبر خان (میرزا -) پسر فخرالاطباء:
 ج ۲ ص ۱۲۹۵: ج ۲ ص ۲۱۲۰
 علی اکبر خان (نواده فخرالاطباء، نایب آجودانیاش): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۲۰۷۲
 علی اکبر خان (میرزا -) کارپرداز ارزده الروم: ج ۱ ص ۵۳۲
 علی اکبر خان (میرزا -) کارگذار بوشهر: ج ۱ ص ۵۳۶
 علی اکبر خان کنگرلو (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸
 ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۲ ص ۲۰۷۲
 علی اکبر خان، پسر محمدخان (از ارباب مناصب خلوت): ج ۳ ص ۲۱۱۰
 علی اکبر خان، پسر حاجی محمدعلی خان سرهنگ (نایب آجودانیاش): ج ۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۲۰۷۲
 علی اکبر (میرزا -) خان (نایب الحکومه عراق): ج ۳ ص ۲۱۲۸، ۲۱۲۲
 علی اکبر (میرزا -) خان (نایب الحکومه طایر و تبریزگان): ج ۲ ص ۱۹۰۵
 علی اکبر (میرزا -) خان (نایب دویم و مدیر اداره انگلیس): ج ۳ ص ۲۱۰۲
 علی اکبر خان (حاجی -) نایب وزارت خارجه: ج ۱ ص ۵۳۱
 علی اکبر خان (میرزا -) نقاشی: ج ۱ ص ۵۴۵، ۵۴۶: ج ۳ ص ۲۱۲۹، ۲۰۰۶
 علی اکبر خان (میرزا -) واقع نگار: ج ۲ ص ۲۱۰۵
 علی اکبر خان یاور: ج ۲ ص ۲۰۷۵
 علی اکبر (میرزا -) سرشناس اسطبل: ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹
 علی اکبر (میرزا -) سرشناس گل و سوات نویسنده: ج ۲ ص ۲۰۷۷
 علی اکبر سرهنگ (برادر علیقلی خان سرهنگ): ج ۲ ص ۲۰۷۲
 علی اکبر (میرزا -) سرهنگ قورخانه: ج ۲ ص ۱۲۲۹

علی اکبر (میرزا -) شریفدارباشی: ج ۳ ص ۲۱۱۵
 علی اکبر (حاجی -) شمرانی (وزارت تجارت): ج ۲ ص ۲۱۲۲
 علی اکبر (میرزا -) طبیب حضور عباسی: ج ۱ ص ۱۱
 علی اکبر (میرزا -) طبیب دارالفنون: ج ۱ ص ۵۲۵
 علی اکبر (میرزا -) عزب باشی: ج ۳ ص ۲۱۰۰، ۱۹۵۲
 علی اکبر (میرزا -) عزب دفتر: ج ۱ ص ۵۰۶، ۵۳۱: ج ۲ ص ۲۰۶۹، ۲۱۰۲
 علی اکبر (میرزا -) قوامالطک (اعتماد الدوله کلانتر): ج ۲ ص ۱۵۹۹، ۱۶۱۸، ۱۸۱۰
 علی اکبر (میرزا -) کاشانی (نقاشی): ج ۲ ص ۱۹۲۸
 علی اکبر (آقا میرزا -) مستوفی: ج ۱ ص ۵۲۸، ۵۵۱: ج ۳ ص ۲۰۹۹، ۲۱۱۱
 علی اکبر (میرزا -) مشرف دارالمنظار: ج ۱ ص ۵۳۹، ۵۴۰: ج ۲ ص ۱۲۶۸
 علی اکبر (میرزا -) منشی اول: ج ۱ ص ۵۳۷: ج ۲ ص ۱۲۶۵
 علی اکبر (میرزا -) نقاشی: ج ۲ ص ۱۱۹۹
 علی اکبر (آقا -) هرمینی (نایب فرائض خانه): ج ۲ ص ۲۱۱۲
 علی اکبر (سلطان طالقچه): ج ۱ ص ۱۹۶
 علی بالی بیگ زنگنه: ج ۲ ص ۹۳۶
 علی بخش میرزا (پیشخدمت خاصه): ج ۱ ص ۵۵۸: ج ۳ ص ۲۱۲۵، ۲۱۲۰
 علی برید شاه: ج ۲ ص ۸۰۸
 علی بهادر: ج ۲ ص ۱۷۳۰
 علی بهجت بیگ افندی باشی شهیندر: ج ۱ ص ۵۳۶: ج ۲ ص ۲۱۰۷
 علی بیگ: ج ۲ ص ۱۱۶۸
 علی بیگ افشار (نایب آجودانیاش): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۳ ص ۲۰۷۲
 علی بیگ (شیخ -) غمضای (یاد دوم): ج ۲ ص ۱۲۳۲
 علی بیگ (کارپرداز و قونسول عماره): ج ۳ ص ۲۱۰۶
 علی بیگ (حاجی -) کدخدای تبریز: ج ۲ ص ۱۵۳۷

علی بیگ (مترجم طراویان): ج ۱ ص ۵۳۲
 علی بیگ (ولد محمد خان ذوالقدر): ج ۲ ص ۲۶۰، ۸۵۶
 علی بیگ ملک فرمان: ج ۳ ص ۶۵۷
 علی بیگ (والی تونس): ج ۳ ص ۲۰۵۲
 علی پاشا: ج ۲ ص ۶۷۲، ۸۳۲: ج ۳ ص ۱۵۵۲، ۱۵۵۸، ۱۷۵۱
 علی پاشا (حاکم آلبانی): ج ۲ ص ۱۲۶۰
 علی پاشا (حاکم دیاربکر): ج ۳ ص ۱۱۳۶
 علی پاشا (حاکم موصل): ج ۳ ص ۲۳۹
 علی پاشا (حاکم پاتنا): ج ۲ ص ۱۵۲۹، ۱۵۵۸
 علی پاشا حکیمزاده (صدر اعظم عثمانی): ج ۲ ص ۷۵۵، ۱۰۲۹
 علی پاشا ذوالقدر: ج ۲ ص ۸۳۲
 علی پاشا (سردار عثمانی): ج ۳ ص ۷۲۰
 علی پاشا کسک اوغلی: ج ۳ ص ۹۲۷، ۹۲۸
 علی پاشا (والی بغداد): ج ۲ ص ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۶۶۰
 علی پاشا خان (خزاندار آجودان): ج ۲ ص ۲۱۰۲
 علی پاشا خان (پسر میرزا طبعی خان قرا - باغی): ج ۱ ص ۵۳۲
 علی خان (سید -): ج ۲ ص ۱۰۹۵
 علی خان (شاهزاده): ج ۲ ص ۱۵۰۹
 علی خان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۱۷۷
 علی خان آقا قاجار (سرشناس غلامان اسیر آبادی): ج ۱ ص ۵۲۰: ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۲ ص ۲۰۸۹
 علی خان افشار (میرزا -) سرشیب سیم: ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص ۲۰۷۲
 علی خان افشار غمضای: ج ۳ ص ۱۲۸۸، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۹، ۱۴۰۰
 علی خان (حاجی -) پسر اکبرخان مرتضی: ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۲۸
 علی خان (آقا -) امیر صره: ج ۳ ص ۱۲۵۶
 علی خان (میرزا -) امین الدوله: ج ۲ ص ۱۸۱۲، ۱۸۳۲، ۱۸۳۹
 علی خان امین الملک - امین الملک علی خان
 علی خان (میرزا -) از اجزای پستخانه: ج ۲ ص ۲۱۲۰

علی خان پیشخدمت حضور (پسر محمد قاسم خان والی) : ج ۲ ص ۲۰۱۰ .
 علی خان ، پیشخدمت خاصه (نوبلدار وجوه نظام) : ج ۲ ص ۱۹۰۵ .
 علی خان (حاجی -) حاجب الدوله (فواش باشی ، ضیه الطک اعتماد السلطنه) : ج ۳ ص ۱۶۹۲ ، ۱۶۹۴ ، ۱۷۱۶ ، ۱۷۳۷ ، ۱۷۴۲ ، ۱۷۴۵ ، ۱۷۴۹ ، ۱۷۷۰ ، ۱۷۸۲ ، ۱۷۸۵ ، ۱۸۱۵ .
 طلیخان (از حاجی مهدی قلیخانی) : ج ۱ ص ۵۰۲ .
 علی خان (میرزا -) پسر میرزا حسین خان سیهالار : ج ۳ ص ۲۰۷۱ .
 طلیخان (حکمران ساوموزند) : ج ۱ ص ۵۵۹ .
 علی خان خوشی (حاجی میرزا -) : ج ۲ ص ۱۷۱۸ .
 علی خان نامقانی (میرزاخو) : ج ۳ ص ۱۶۲۶ .
 علی خان دولو (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۱۷۱ ، ۱۱۷۲ ، ۱۱۷۸ .
 علی خان (میرزا -) رئیس (ارض اقدس) : ج ۲ ص ۱۲۷۴ .
 طلیخان (میرزا -) رئیس سوادکوه : ج ۱ ص ۵۲۰ .
 طلیخان (میرزا -) رئیس کرمانشاهان : ج ۱ ص ۵۴۲ .
 علی خان (رئیس مدرسه همایونی) : ج ۲ ص ۱۲۹۷ ، ج ۳ ص ۲۱۴۱ .
 علی خان زنگنه (شیخ -) : ج ۲ ص ۹۵۷ .
 علی خان سالیانی : ج ۳ ص ۱۲۸۲ .
 علی خان (از طائفه نالو) : ج ۳ ص ۲۰۶۵ .
 علی خان (شیخ -) مرتب : ج ۱ ص ۵۱۲ .
 علی خان (میرزا -) مرتب المثار : ج ۳ ص ۱۲۳۸ .
 علی خان (میرزا -) مرتب اول (ولد صدر اعظم) : ج ۲ ص ۱۲۲۵ .
 علی خان ، مرتب سیم (پسر نظام الدوله حسین خان) : ج ۳ ص ۱۸۸۸ ، ۱۸۷۲ .
 علی خان (میرزا -) مرتب فوج درسم ملایری : ج ۱ ص ۵۱۴ .
 علی خان (میرزا -) مرتب (فوج هفتم خلخالی) : ج ۲ ص ۱۲۳۸ .
 علی خان ، مرتب قراکولو : ج ۳ ص ۱۷۹۶ .
 ۱۸۰۲

علی خان ، مرتب (کارپرداز اول نظامی) : ج ۳ ص ۱۹۰۸ .
 علی (میرزا -) سرشمار : ج ۱ ص ۵۵۲ .
 علی خان (سرکرده سواره اوجانلو) : ج ۱ ص ۵۵۲ .
 علی خان (سرکرده سواره شاطرانلو) : ج ۱ ص ۵۱۷ ، ج ۲ ص ۱۲۲۲ ، ج ۳ ص ۲۰۸۶ .
 علی خان (حاجی میرزا -) سرهنگ : ج ۳ ص ۲۰۸۱ ، ۲۰۸۲ .
 علی خان (میرزا -) سرهنگ : ج ۲ ص ۱۹۲۴ .
 علی خان (حاجی -) سرهنگ (پسر اکبر خان مرتب) : ج ۳ ص ۲۰۷۲ .
 علی (میرزا -) خان (سرهنگ توپخانه و پسر میرزا حسن خان) : ج ۳ ص ۱۸۷۵ .
 علی خان سرهنگ ، پسر طلیخان خان : ج ۳ ص ۱۹۱۲ .
 طلیخان سرهنگ (فوج بهادران اخلاص افشار) : ج ۱ ص ۵۱۵ ، ج ۲ ص ۱۲۲۹ .
 علی خان سرهنگ (فوج اول بهادران خوشی) : ج ۱ ص ۵۱۳ ، ج ۲ ص ۱۲۲۷ .
 علی خان سرهنگ (فوج چهارم تبریز) : ج ۲ ص ۱۷۵۲ .
 علی خان (حاجی میرزا -) سرهنگ (فوج دوم خاصه) : ج ۱ ص ۵۱۲ ، ج ۲ ص ۱۲۲۶ .
 علی خان سرهنگ (فوج هفتم خلخالی) : ج ۱ ص ۵۱۲ .
 علی خان سرهنگ (فوج قهرمانیه) : ج ۱ ص ۵۱۳ ، ج ۲ ص ۱۲۲۸ .
 علی خان سرهنگ (مسلم توپخانه) : ج ۲ ص ۲۰۰۷ .
 طلیخان سرهنگ (حاجی مهدی قلیخانی) : ج ۲ ص ۱۲۲۱ ، ج ۳ ص ۲۰۶۵ .
 علی خان سرهنگ (پسر نظام الدوله) : ج ۲ ص ۲۰۷۲ .
 علی خان سوادکوهی : ج ۳ ص ۱۷۴۷ .
 علی خان سیمانی : ج ۳ ص ۱۷۴۱ ، ۱۷۴۶ ، ۱۷۹۷ .
 علی خان شاطر باشی نوری : ج ۳ ص ۱۵۰۲ .
 طلیخان شقای : ج ۲ ص ۱۲۲۹ .
 طلیخان ظل السلطان : ج ۳ ص ۱۵۳۲ ، ۱۵۳۶ .
 علی خان (عادلشاه) پسر قسطنطین : ج ۳ ص ۱۶۲۸ .

علی خان ، پسر عبدالله خان (از سواره مهاجر) : ج ۳ ص ۲۰۸۷ .
 علی خان (پسر عبدالرحمان خان یزدی) : ج ۲ ص ۱۶۰۶ .
 علی خان حرب خزیمه (میر -) : ج ۳ ص ۱۲۲۸ .
 علی خان (برادر فرح الله خان) : ج ۳ ص ۱۲۳۷ .
 علی خان (از امراء قاجار) : ج ۳ ص ۲۰۶۲ .
 طلیخان قاجار (ایشک آقاسی باشی) : ج ۱ ص ۵۲۰ .
 علی خان قاجار : ج ۳ ص ۱۲۹۱ .
 طلیخان قاجار (مسلم) : ج ۱ ص ۵۱۰ ، ج ۲ ص ۱۲۲۱ ، ج ۳ ص ۲۰۷۵ .
 علی خان قاجار (میرزا -) مسلم طب : ج ۲ ص ۲۱۳۰ .
 علی خان قزاقچیان : ج ۲ ص ۱۲۶۹ .
 علی خان قراکولو نمرت الطک : ج ۳ ص ۱۶۲۶ ، ۱۶۹۹ ، ۱۸۲۲ .
 طلیخان قلیچی : ج ۳ ص ۱۱۵۲ ، ج ۲ ص ۱۲۷۲ .
 علی خان قوآنلو : ج ۳ ص ۱۲۹۱ .
 علی خان (میرزا -) قورقچی باشی : ج ۳ ص ۲۱۳۷ .
 علی خان (میرزا -) قونچی باشی : ج ۱ ص ۵۵۲ .
 علی خان قویار : ج ۳ ص ۱۷۲۸ .
 علی خان (میرزا -) کارپرداز سلیمانیه : ج ۳ ص ۲۱۰۶ .
 علی خان (میرزا -) کارگزار کردستان : ج ۱ ص ۵۳۶ .
 علی خان (میرزا -) کاشی : ج ۳ ص ۱۲۵۹ .
 علی خان کمرای (مرتب سیم) : ج ۱ ص ۵۰۸ ، ج ۲ ص ۱۲۲۸ ، ج ۳ ص ۲۰۷۲ .
 علی خان ماکوئی : ج ۳ ص ۱۶۹۱ .
 علی (میرزا -) خان مترجم : ج ۱ ص ۵۵۵ ، ۵۳۲ .
 ج ۲ ص ۲۱۲۸ .
 علی خان (میرزا -) مترجم اول : ج ۳ ص ۲۱۰۲ .
 علی خان (میرزا -) ولد میرزا محمد خان (بهنگریگی شیراز) : ج ۳ ص ۱۷۲۸ .
 علی خان مرندی (مادر) : ج ۱ ص ۵۱۰ ، ج ۲ ص ۱۲۳۱ ، ج ۳ ص ۲۰۷۵ .
 علی خان (میرزا -) مشیرالوزاره : ج ۱ ص

۵۰۷: ج ۲ ص ۱۲۲۷: ج ۳ ص ۲۰۷۱.
 ۲۰۸۲: ۲۰۸۳.
 علی خان (میرزا -) ولد میرزا مصطفی خان
 افشار ج ۳ ص ۱۸۱۲.
 علی خان (مطم توپخانه): ج ۱ ص ۲۶۶.
 علی خان (میرزا -) مطم طب: ج ۱ ص
 ۲۶۶، ۵۲۵.
 علیخان (مقرب الحضرة): ج ۳ ص ۱۳۳۳.
 علی خان (پسر طنگا الشمره) مهندس: ج ۱
 ص ۵۲۵: ج ۲ ص ۱۲۷۷.
 علی خان (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۲۹:
 ج ۳ ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹.
 علی خان (میرزا -) منشی اول وزارت خارجه:
 ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 علی خان (میرزا -) منشی حضور: ج ۱ ص
 ۵۲۲: ج ۳ ص ۱۹۳۷.
 علیخان منشی (ولد حاجی موسی خان قاجار):
 ج ۱ ص ۵۵۸.
 علی خان (میرزا -) نایب: ج ۳ ص ۲۰۷۹.
 علی خان (نایب آجودانباشی): ج ۱ ص ۵۰۹:
 ج ۲ ص ۱۲۴۰: ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 علی خان (نایب امیرک آقا باشی): ج ۲
 ص ۲۱۱۶.
 علی خان (میرزا -) نایب (از اجزای حاضر
 رکاب): ج ۲ ص ۱۲۳۲.
 علی خان (نایب الحکومه ساوه): ج ۲ ص
 ۱۳۰۰: ج ۳ ص ۲۱۲۵.
 علی خان (نایب حکومت کاشان): ج ۳ ص
 ۱۹۹۲.
 علی خان (نایب سفارت کبری): ج ۳
 ص ۱۸۳۲.
 علی خان (برادر علی نایب السلطنه): ج ۲
 ص ۱۳۹۷.
 علی خان، نایب میرشکار (پسر حاجی مصطفی
 قلی خان میرشکار): ج ۳ ص ۲۱۳۷.
 علی خان (میرزا -) نائبی (منشی): ج ۲
 ص ۲۱۰۰.
 علی خان نصرت الملک: ج ۳ ص ۱۹۱۲.
 علی خان (پسر نظام الدوله): ج ۱ ص ۵۰۸:
 ج ۲ ص ۱۲۲۸.
 علی خان (پسر والی) حاکم مراغه: ج ۲
 ص ۱۹۹۲.
 علی الدین علی ترکمان: ج ۳ ص ۶۳۶.

علیرضا بیگ (قراولباشی چاهت باخوری):
 ج ۱ ص ۵۱۸.
 علیرضا پاشا (والی بغداد): ج ۳ ص ۱۶۳۳:
 ۱۶۵۵.
 علیرضا خان: ج ۳ ص ۱۶۵۸.
 علیرضا خان بختیاری: ج ۳ ص ۱۶۶۰.
 علیرضا خان (میرزا -) از اجزای پستخانه:
 ج ۳ ص ۲۱۲۳.
 علیرضا خان، ذوالآجودان (سرتیپ سیم):
 ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 علیرضا خان سرتیپ توپخانه: ج ۳ ص ۲۰۷۶.
 علیرضا خان (سرهنگ فوج سیم گروسی):
 ج ۱ ص ۲۷۸، ۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۳۱.
 علیرضا خان (پسر صمصام الدوله) سرهنگ:
 ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۳ ص ۱۲۲۸.
 علیرضا خان عبدالملک (پست خدمت خاصه
 حضور هاپتون): ج ۳ ص ۱۹۰۳، ۱۹۰۴.
 ۱۹۱۲.
 علیرضا خان قاجار: ج ۳ ص ۱۸۹۶.
 علیرضا خان قراولباشی (از چاهت باخوری):
 ج ۲ ص ۱۲۳۲: ج ۳ ص ۲۰۸۸.
 علیرضا خان گروسی: ج ۳ ص ۱۸۳۲.
 علیرضا (میرزا -) رئیس (کرمان): ج ۱ ص
 ۵۲۲: ج ۲ ص ۱۲۳۳.
 علیرضا (میرزا -) از اعضای کالسکهخانه:
 ج ۳ ص ۲۱۳۷.
 علیرضا (میرزا -) لشکر نویس: ج ۱ ص ۵۰۶:
 ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹.
 علیرضا (میرزا -) ستوفی: ج ۱ ص ۵۲۸:
 ج ۲ ص ۱۱۹۶: ج ۳ ص ۲۰۹۹.
 علیرضا (میرزا -) ستوفی: ج ۳ ص ۲۰۳۱.
 علیرضا (میرزا -) ستوفی: ج ۳ ص ۲۰۳۸.
 علیرضا (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۲۹: ج ۲
 ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹.
 علیرضا میرزا (پسر فتح علی شاه): ج ۲ ص
 ۱۶۶۹، ۱۶۲۳.
 علیرضا میرزا (نایب آجودانباشی): ج ۱
 ص ۵۰۹: ج ۳ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 علیرضا (میرزا -) نایب: ج ۱ ص ۵۵۲.
 علی سلطان: ج ۲ ص ۷۹۱، ۷۹۳، ۸۲۹.
 علی سلطان بن آغوش خان (از نزاد جوجی):
 ج ۲ ص ۸۵۱.
 علی سلطان اویز بیگ (والی خوارزم): ج ۲

ص ۸۰۸، ۸۲۲، ۸۲۶.
 علی سلطان ثانی اولی: ج ۲ ص ۸۲۶.
 علی سلطان نکلو: ج ۲ ص ۸۱۰، ۸۱۹.
 علی سلطان (حاکم زاغور): ج ۲ ص ۹۷۷.
 ۱۰۰۲، ۱۰۰۸.
 علی سلطان نوالقندر (والی شیراز): ج ۲
 ص ۷۲۱.
 علی سلطان (از شاهان ترکستان): ج ۲ ص
 ۶۵۸.
 علی سلطان میرزا (شاهزاده تیموری): ج ۲
 ص ۷۲۱.
 علی سلطان (والی خوارزم): ج ۲ ص ۸۳۳.
 ۸۳۸: ج ۲ ص ۱۳۶۸.
 علی سلطان (والی شیراز): ج ۲ ص ۸۳۳.
 علیشاه (عادلشاه): ج ۳ ص ۱۱۲۲، ۱۱۲۴.
 ۱۱۲۸: ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 علیشاه (برادر خوارزمشاه): ج ۱ ص ۲۲۶.
 علیشاه (صاحب کشور): ج ۳ ص ۸۵۷.
 علی عادلشاه (پادشاه هند): ج ۳ ص ۸۵۰.
 ۸۶۹، ۹۸۲.
 علی عسکر آقا بیگلرک (بایر): ج ۲ ص ۱۲۳۲:
 ج ۳ ص ۲۰۷۷.
 علی عسکر خان یوزباشی: ج ۱ ص ۲۷۱.
 علیقلی بیگ: ج ۲ ص ۸۸۰.
 علیقلی بیگ (برادر رستم خان): ج ۲ ص
 ۹۳۷.
 علیقلی بیگ قاجار: ج ۲ ص ۸۵۲.
 علیقلی خان: ج ۲ ص ۸۷۵، ۸۷۷، ۸۷۹.
 ۹۱۱.
 علیقلی خان: ج ۳ ص ۱۲۳۰، ۱۲۳۸.
 علیقلی خان (نواب -): ج ۲ ص ۱۵۶۸.
 علیقلی خان (برادرزاده ناصر شاه)
 = عادلشاه: ج ۲ ص ۱۱۲۲، ۱۱۳۰.
 ۱۱۳۲، ۱۱۳۳: ج ۲ ص ۱۲۵۶.
 علیقلی خان (برادر آقا محمدخان قاجار):
 ج ۳ ص ۱۲۲۵، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰.
 علیقلی خان (پسر ابراهیم خان پهلوان الدوله):
 ج ۲ ص ۱۱۲۳.
 علیقلی خان (ولد حاجی بهاء الملک)
 سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 علیقلی خان (بیگلربیگی تبریز): ج ۲ ص
 ۱۸۰۱.

علی قلی خان یازگی (حاجی-) : ج ۳ ص ۱۹۹۲ .
 ۲۱۰۱ .
 علی قلی خان (پسر جعفرخان بیات) حاکم
 نیشابور : ج ۳ ص ۱۲۵۰ .
 علی قلی خان جوانشیر : ج ۱ ص ۵۰۸ - ج ۲ ص
 ۱۲۲۹ . ج ۳ ص ۲۰۷۳ .
 علی قلی خان (حاکم مراغه) : ج ۲ ص ۱۱۱۲ .
 علی قلی خان (حاکم مرو) : ج ۲ ص ۹۵۰ .
 علی قلی خان (رئیس کل تلگرافخانه) سرتیپ :
 ج ۲ ص ۱۸۸۲ ، ۱۸۳۳ .
 علی قلی خان سپهسالار : ج ۲ ص ۹۵۷ .
 علی قلی خان (سرکرده دسته اردبیل و
 مشکین) : ج ۲ ص ۱۲۲۲ ، ج ۳ ص ۲۰۸۹ .
 علی قلی خان (از سرکردگان غلام نصرت) : ج ۱
 ص ۵۱۸ ، ج ۳ ص ۲۰۸۷ .
 علی قلی خان سلطان بن حسن خان : ج ۲ ص
 ۸۷۶ .
 علی قلی خان شاطو : ج ۲ ص ۸۶۵ ، ۸۷۱ ،
 ۹۰۰ .
 طلی قلی خان نظامی ، سرهنگ : ج ۱ ص ۵۰۸ ؛
 ج ۲ ص ۱۷۱۳ ، ۲۰۷۳ .
 علی قلی خان عمود : ج ۲ ص ۱۲۴۱ .
 علی قلی خان قوالمو : ج ۲ ص ۱۱۶۵ .
 علی قلی خان کازرونی (حاجی -) : ج ۳ ص
 ۱۲۹۷ .
 علی قلی خان کمرای ، سرهنگ : ج ۱ ص ۵۰۸ ؛
 ج ۲ ص ۱۲۲۹ ، ج ۳ ص ۲۰۷۳ .
 علی قلی خان گروسی ، سرهنگ : ج ۱ ص ۵۰۸ .
 علی قلی خان ماکویی : ج ۳ ص ۱۸۲۲ .
 علی قلی خان (برادر محمد حسن خان قاجار) :
 ج ۲ ص ۱۱۵۵ ، ج ۳ ص ۱۳۶۰ ، ۱۳۸۰ ،
 ۱۳۸۲ ، ۱۳۸۵ ، ۱۳۸۸ ، ۱۳۹۳ ،
 ۱۴۰۰ ، ۱۴۰۳ ، ۱۴۰۴ ، ۱۴۰۶ ،
 ۱۴۱۰ ، ۱۴۲۴ .
 علی قلی خان (ولد محمد ظاهر خان) : ج ۳
 ص ۱۷۲۲ .
 علی قلی خان مخبرالدوله : ج ۱ ص ۳۷۹ ، ج ۲
 ص ۱۱۸۲ ، ج ۳ ص ۱۸۲۲ ، ۱۸۵۰ ،
 ۱۹۰۸ ، ۱۹۴۰ ، ۱۹۵۲ ، ۱۹۶۳ ،
 ۱۹۶۴ ، ۱۹۸۳ ، ۲۰۱۷ ، ۲۰۲۱ ،
 ۲۰۳۲ ، ۲۰۴۴ ، ۲۰۶۵ ، ۲۰۶۷ ،
 ۲۱۲۹ ، ۲۱۳۱ ، ۲۱۳۶ .
 علی قلی خان میرنجه : ج ۳ ص ۱۷۲۵ ، ۱۷۷۳ .

۱۸۰۲ .
 علی قلی خان (نایب اول جودانباشی) : ج ۲
 ص ۱۸۵۰ ، ۱۸۸۸ ، ۱۸۹۹ ، ۱۹۰۵ .
 علی قلی خان یورباشی : ج ۱ ص ۵۲۱ - ج ۲
 ص ۲۰۹۰ .
 علی قلی خطیفه (مهرداد) : ج ۲ ص ۸۲۸ .
 علی قلی سلطان ترکمان : ج ۲ ص ۸۶۲ .
 علی قلی (میرزا -) منشی : ج ۳ ص ۲۰۹۷ .
 علی قلی میرزا خان ، اعضاء السلطنة : ج ۲
 ص ۱۶۲۴ ، ۱۶۹۹ ، ۱۷۷۰ ، ۱۷۸۵ .
 علی قلی میرزا حارم الدوله : ج ۳ ص ۱۸۰۲ ،
 ۱۸۵۰ .
 علی قلی میرزا (پسر عمادالدوله) : ج ۲ ص
 ۱۷۵۲ .
 علی قلی میرزا (پسر فتحعلشاه) : ج ۲ ص
 ۱۶۲۷ .
 علی کریم بیک (وکیل بسطام) : ج ۲ ص ۱۲۳۵ ؛
 ج ۳ ص ۲۰۸۰ .
 علی کوچک (نایب قطب الدین مودودی -
 زنگی) : ج ۱ ص ۳۸۷ .
 علی محمد : ج ۲ ص ۱۱۸۰ .
 علی محمد باب (سید -) : ج ۳ ص ۱۶۷۱ .
 ۱۶۹۵ ، ۱۶۹۶ ، ۱۷۳۶ .
 علی محمد بیگ (یاور لولی زنبورکخانه) :
 ج ۲ ص ۲۰۸۰ .
 علی محمد (آقا -) تاجر تبریز : ج ۳ ص
 ۲۱۲۵ .
 علی محمد خان زند : ج ۲ ص ۱۱۶۹ ، ۱۱۷۴ .
 ۱۱۸۱ .
 علی محمد خان (سرکرده دسته کنول) :
 ج ۱ ص ۵۲۳ ، ج ۲ ص ۲۰۹۲ .
 علی محمد خان سرهنگ : ج ۳ ص ۲۰۸۴ .
 علی محمد خان ، سرهنگ ایروانی : ج ۳ ص
 ۲۰۸۷ .
 علی محمد خان ، سرهنگ (فرج ششم خرقانی) :
 ج ۱ ص ۵۱۵ ، ج ۲ ص ۱۲۴۰ .
 علی محمد خان ، سرهنگ (گودرزی و بسطامی) :
 ج ۱ ص ۵۲ ، ج ۲ ص ۱۲۴۵ ، ج ۳ ص ۲۰۹۰ .
 علی محمد خان (میرزا -) سرهنگ (منشی
 و ناظم دارالطباعه دولتی) : ج ۲ ص
 ۱۱۹۴ .
 علی محمد خان (میرزا -) سرهنگ (نایب
 اول وزارت انطباعات) : ج ۲ ص ۱۱۳۸ .

۲۰۳۱ .
 علی محمد خان شامبوندخلو : ج ۲ ص ۱۲۲۱ ؛
 ج ۳ ص ۲۰۶۵ .
 علی محمد خان قاجار دولو : ج ۳ ص ۱۶۲۶ .
 علی محمد خان کردجه : ج ۳ ص ۱۶۴۲ .
 علی محمد خان (ولد محمد خان و هشیره
 زاده کریمخان زند) : ج ۲ ص ۱۱۶۴ .
 علی محمد خان (میرزا -) مستوفی (پسر
 میرزا علی قائم مقام) : ج ۲ ص ۲۰۹۹ .
 علی محمد خان (میرزا -) منشی باشی :
 ج ۳ ص ۲۱۲۱ .
 علی محمد (حاجی -) خان (نایب ایشیک
 آقاسی باشی) : ج ۳ ص ۲۱۱۶ .
 علی محمد خان (میرزا -) نظام الدوله :
 ج ۲ ص ۱۶۲۷ .
 علی محمد شیرازی (سید -) : ج ۳ ص ۱۶۷۰ .
 علی محمد کاشانی (آقا -) : ج ۳ ص ۲۱۲۵ .
 علی محمد (میرزا -) شرف تختخانه : ج ۱
 ص ۵۵۳ .
 علی محمد (میرزا -) شرف تختخانه : ج ۲
 ص ۲۱۱۲ .
 علی محمد (میرزا -) ملا باشی : ج ۳ ص ۲۱۴۱ .
 علی محمد (میرزا -) ناظم دارالطباعه
 مبارکه : ج ۱ ص ۵۵۵ ، ۵۵۶ .
 علی محمد (میرزا -) نایب الحکومه شهریار :
 ج ۱ ص ۵۲۵ .
 علی محمد (میرزا -) نایب ماویجلاغ و
 شهریار : ج ۲ ص ۱۲۵۰ ، ج ۳ ص ۲۰۹۵ .
 علی مدد خان (نایب سرایدار باشی) : ج ۳
 ص ۲۱۱۸ .
 علیمراد : ج ۲ ص ۱۲۵۰ .
 علیمراد بختیاری : ج ۳ ص ۱۱۲۰ .
 علیمراد خان (پسر اسدالله خان) : ج ۳ ص
 ۱۸۱۳ .
 علیمراد خان تگلو : ج ۲ ص ۱۲۶۹ .
 علیمراد خان زند : ج ۲ ص ۱۱۶۹ ، ۱۱۷۸ ؛
 ج ۳ ص ۱۲۶۵ ، ۱۲۹۲ ، ۱۳۹۳ ، ۱۴۲۶ .
 علیمراد خان ، سرتیپ (جماعت تیموری) :
 ج ۱ ص ۵۱۸ ، ج ۲ ص ۱۲۴۳ .
 علیمراد خان سرتیپ (فرج اول کردی) :
 ج ۲ ص ۱۲۴۱ ، ج ۳ ص ۲۰۸۵ .
 علیمراد خان (سرکرده) : ج ۱ ص ۵۳۹ .
 علیمراد خان (سرکرده غلامان تگلو) : ج ۳

ص ۲۱۱۹

علیهردان خان هندی: ج ۲ ص ۹۵۰
علی مرتضی = علی بن ابی طالب (ع): ج ۲
ص ۷۸۰

علیهردان خان: ج ۲ ص ۱۰۶۶ - ۱۰۶۵
۱۰۷۱ - ۱۱۳۹ - ۱۱۵۱

علیهردان خان بختیاری: ج ۲ ص ۱۱۲۸
۱۱۵۰ - ۱۱۵۲

علیهردان خان (بیکریگی لرستان): ج ۲
ص ۱۱۳۲

علیهردان خان (حاکم اندخود): ج ۲ ص
۱۱۳۷

علیهردان خان سرتیپ (از جماعت نیموری):
ج ۳ ص ۲۰۸۷

علیهردان خان سرتیپ نیموری (از جماعت
مردوزانی): ج ۳ ص ۲۰۸۸

علیهردان خان (از سران لشکر شاهنشاهی
دوم): ج ۲ ص ۱۰۲۸

علیهردان خان (ولد گنجعلیخان): ج ۲ ص
۹۲۷

علیهردان خان (والی قندهار): ج ۲ ص
۹۳۸

علیهردان (حاجی -): ج ۳ ص ۲۱۲۸
علیهردان (میرزا -): ج ۳ ص ۱۲۲۴

علیهردان (امام دهم (ع)): ج ۱ ص ۱۸۲
۲۰۲

علیهردان (حاجی میرزا -) بهائیه: ج ۲ ص
۱۷۳۶

علیهردان (میرزا -) از اهواز پستخانه: ج ۲
ص ۲۱۲۳

علیهردان (حاجی -) تاجر کاشانی: ج ۲
ص ۲۱۲۵

علیهردان (حاجی -) تهریلدار گیلان: ج ۱
ص ۵۵۱

علیهردان (میرزا -) حکیم الممالک: ج ۱ ص
۳۸۰

علیهردان بختیاری: ج ۳ ص ۱۶۵۸ - ۱۶۵۷
علیهردان (سرتیپ خارج از فوج ایلات):

ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۳ ص ۱۲۲۸
علیهردان (میرزا -) سرتیپ مستقیم

فخرسکی: ج ۱ ص ۵۲۳: ج ۲ ص ۲۰۹۲
علیهردان (سرتیپ سیم): ج ۳ ص ۲۰۷۳

علیهردان (سرتیپ) فوج بهادران

دماوندی: ج ۱ ص ۵۱۵: ج ۳ ص ۱۲۲۰

علیهردان سرتیپ (فوج مستقیم): ج ۱
ص ۵۱۵: ج ۳ ص ۱۲۲۹

علیهردان (سرتیپ خارج از فوج): ج ۲
ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۳

علیهردان (سرتیپ فوج قهرمانیهستانی)
سرتیپ خان لراشانی: ج ۳ ص ۱۹۱۵

علیهردان (میر -) سرتیپ میرزاخان
فخرسکی: ج ۲ ص ۱۷۱۵

علیهردان سوادکوهی: ج ۳ ص ۱۳۹۶
علیهردان (سرتیپ سوادکوهی): ج ۳ ص

۱۳۸۹ - ۱۳۹۳
علیهردان (میر -): ج ۳ ص ۱۶۱۶

علیهردان (میرزا -) (داروغه
کلان): ج ۳ ص ۱۲۹۱ - ۱۲۹۸ - ۱۵۰۸

علیهردان (سرتیپ سوادکوهی): ج ۲ ص ۱۶۱۲ - ۱۵۷۸

علیهردان (سرتیپ سوادکوهی): ج ۲ ص ۱۲۲۹
ج ۲ ص ۲۰۷۳

علیهردان (سرتیپ سوادکوهی): ج ۲ ص ۱۶۳۷
علیهردان (میرزا -) وکیل طبس: ج ۲ ص

۱۶۰۷ - ۱۷۳۵
علیهردان (میرزا -) ولایت نیکاباد: ج ۱ ص

۵۳۶
علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۱۸۴۱

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

علیهردان (میرزا -) سرتیپ سوادکوهی: ج ۲ ص ۲۰۶۸

و ضبط: ج ۲ ص ۲۱۰۳

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص
۱۶۳۲

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۲۲۱

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۵۷۵ - ۱۵۶۲ - ۱۵۵۷

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۵۹۷ - ۱۶۱۷ - ۱۶۲۲

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۲۱۰۷

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۳۵۲

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۶۵۳

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۸۸۲

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۹۲۳

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۸۱

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۶۲۸

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۷۸۵ - ۱۷۲۸ - ۱۸۰۳

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۸۵۶ - ۱۸۱۵ - ۱۸۱۳

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۸۵۸ - ۱۸۵۹ - ۱۸۶۰

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۱۹۵۸ - ۱۹۵۳ - ۱۹۶۷

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۲۰۶۲

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۲۶۰ - ۲۶۰ - ۲۶۰

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۳۳۰

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۶۶۱

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۶۶۱

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۶۶۱

علیهردان (میرزا -) منشی فراهانی: ج ۳ ص ۶۶۱

ص ۶۲۷

عمادالدین قزوینی (نایب هلاکو خان در طب) : ج ۲ ص ۵۸۰

عمادالدین (پسر طب الدین مودودی زنگی)

عمادالدین گرشاسب : ج ۳ ص ۸۹۱

عماد شاه : ج ۲ ص ۷۵۲

عمادالملک (حاجی محمد باقر خان) : ج ۲

ص ۱۸۹۲

عمار بن هشام (والی کوفه) : ج ۱ ص ۶۱

عمار بن یاسر صحابی (سرکرده سواران سپاه

علی (ع) در صفین) : ج ۱ ص ۶۵۰۵۱

عمار بن یزید (ریاست هواخواهان بنی عباس

در خراسان) : ج ۱ ص ۱۱۸

عماره بن حمزه (حاکم دجله ، اهواز و

فارس) : ج ۱ ص ۱۵۰

عماره بن شهاب — عمار بن هشام

عماره بن علی نهضی (شاعر و فقیه) : ج ۱

ص ۲۰۱

عمر (حاجی) — : ج ۲ ص ۱۸۳۷

عمر بن ابوالبراهیم بن یوسف ، ابوحفص

(پادشاه مراکش) : ج ۱ ص ۲۲۹

عمر بن ادريس (والی صنهاجه و عماره) :

ج ۱ ص ۱۸۲

عمر پاشا (والی بغداد) : ج ۲ ص ۱۱۶۶

۱۱۶۷ ، ۱۱۷۸ ، ۱۱۷۹

عمر پاشا : ج ۲ ص ۱۷۵۲ ، ۱۷۶۲ ، ۱۷۶۴

۱۷۷۸ ، ۱۷۷۹ ، ۱۸۰۷ ، ۱۸۲۰

۱۸۲۹ ، ۱۸۳۷ ، ۱۸۴۷

عمر پاشا (سردار عثمانی) : ج ۳ ص ۱۸۹۰

۱۹۳۱

عمر بن جبلة (از امیران سپاه علی (ع) در

صفین) : ج ۱ ص ۶۲

عمر بن حسین خرقی (حنبل) : ج ۱ ص ۲۵۸

عمر بن حفص بن ابی صفراء التکلی : ج ۱

ص ۱۲۵

عمر بن حفص بن قیس بن ابی صفراء (والی

سند و افغانیه) : معروف به : هزار

برد : ج ۱ ص ۱۲۳ ، ۱۲۶

عمر خان ابن امیر حیدر دیره (امیر بخارا) :

ج ۲ ص ۱۵۷۶

عمر بن خطاب (خطبه دوم) : ج ۱ ص ۲۲

۲۵ ، ۲۳ ، ۲۶ تا ۵۲ ، ۲۵۸

عمر خوارزمی (خطیب و مفتی بلخ) : ج ۱

ص ۲۹۴

عمر خیام : ج ۱ ص ۳۳۵

عمر بن رثاب الشمسی : ج ۱ ص ۲۵

عمر بن سعد بن ابی وقاص : ج ۱ ص ۸۷ ، ۸۲

عمر بن شیبہ نعیری (اخباری) : ج ۱ ص

۲۰۹

عمر شیخ بن امیر تیمور (امیر زاده —) :

ج ۲ ص ۶۵۷ ، ۶۹۴

عمر بن عبدالله بن اقطع : ج ۱ ص ۲۰۱

عمر بن عبدالعزیز بن ابی دلف : ج ۱ ص ۲۱۹

عمر بن عبدالعزیز بن عبدالله (عامل موسی

هادی در مدینه) : ج ۱ ص ۱۵۶ ، ۱۵۷

عمر بن عبدالعزیز بن مروان (امیر مدینه) :

ج ۱ ص ۹۹ ، ۱۰۱ ، ۱۰۳ تا ۱۰۷ ، ۱۱۱

۱۲۹ ، ۱۶۲ ، ۲۰۶ ، ۲۲۵

عمر بن عبید طغافسی کوفی : ج ۱ ص ۱۶۷

عمر بن عبدالله بن معمر الدیمی : ج ۱ ص ۹۶

عمر بن علی بن ابی طالب : ج ۱ ص ۸۸ ، ۸۹

عمر بن علی بن رسول (نایب یمن) : ملک

منصور : ج ۱ ص ۲۴۲ ، ۲۵۶

عمر غازی سلطان : ج ۱ ص ۷۹۱ ، ۷۹۲

عمر بن قدرخان یوسف بن بخاراخان (پادشاه

تورکستان) : ج ۱ ص ۲۰۹ ، ۲۱۹

عمر القیس (سلطان مغرب) : ج ۲ ص ۵۸۶

عمر گنوفانی (بزرگ زنداغه) : ج ۱ ص ۱۵۵

عمر بن محمد بن عبدالله ، شمر بنی : ج ۱

ص ۲۵۲

عمر بن مقرن : ج ۱ ص ۵۱

عمر بن مهران (والی مصر) : ج ۱ ص ۱۶۱

عمر ، ولد میرزا میرانشاه (امیرزاده —) :

ج ۲ ص ۶۶۸

عمر بن هبیره فزاری : ج ۱ ص ۱۰۴ ، ۱۰۸ تا

۱۱۰

عمر بشکری : ج ۱ ص ۱۱۹

عمران بن الحصین الخزاعی : ج ۱ ص ۷۷

عمران بن شاهین (حاکم بطحیه) : ج ۱ ص

۲۶۹ ، ۲۷۹ ، ۲۸۱

عمران بن الفضل (المروسی) = عمران بن الفضل

المروسی (از خوارج) : ج ۱ ص ۶۱

عمران بن محمد بن سیه بن السعد بن ذریع :

ج ۱ ص ۲۲۹

عمران بن موسی التکلی : ج ۱ ص ۱۸۲

عمرو بن ابی سرح الفهری : ج ۱ ص ۵۶

عمرو بن ابی عمرو بن صبحا الفهری ، ابوشداد :

ج ۱ ص ۶۴

عمرو بن امیه بن الضمری : ج ۱ ص ۲۶ ، ۲۷

عمرو بن بکر التمیمی السمدی (هندست ابن

طیلم) : ج ۱ ص ۷۱

عمرو بن جریر (قاتل زبیر بن عوام) : ج ۱

ص ۶۱

عمرو بن حجاج زبیدی : ج ۱ ص ۸۱

عمرو بن حرث المخزومی : ج ۱ ص ۹۷

عمرو بن حزم انصاری : ج ۱ ص ۷۸

عمرو بن الحقی (قاتل عثمان (ع) : ج ۱ ص ۶۰

۶۲ ، ۷۷

عمرو بن حنظله (از امیران سپاه علی (ع)

در صفین) : ج ۱ ص ۶۴

عمرو بن زهیر ضبی (حاکم کوفه) : ج ۱ ص

۱۲۷

عمرو بن سعید اشدق (والی مدینه) : ج ۱ ص

۸۰ ، ۸۲ ، ۸۹

عمرو بن شداد (حاکم فارس) : ج ۱ ص ۱۲۷

عمرو بن صباح : ج ۱ ص ۱۲۷

عمرو بن عامر : ج ۱ ص ۲۷ ، ۲۸ ، ۳۲ ، ۳۷

۴۲ ، ۴۸ تا ۵۲ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۵ ، ۶۶

۶۸ ، ۷۱ ، ۷۳ تا ۷۷ ، ۲۲۷ : ج ۲ ص ۱۰۳۷

عمرو بن عبدالله بن اللفطخ : ج ۱ ص ۱۹۹

عمرو بن عبیدود : ج ۱ ص ۲۵

عمرو بن عبیدمقرن (زاهد) : ج ۱ ص ۱۴۰

عمرو بن عثمان بن قنبر — سمیه

عمرو بن عطار (امیر سپاه علی (ع) در

صفین) : ج ۱ ص ۶۴

عمرو بن علاء (حاکم طبرستان و روان) : ج ۱

ص ۱۵۳ ، ۱۵۵

عمرو بن العلاء بن عمار (از قره) : = ابو

عمرو : ج ۱ ص ۱۲۶

عمرو بن عمرو : ج ۱ ص ۲۰۷

عمرو بن لبت صفاری : ج ۱ ص ۲۱۱ تا ۲۱۳

۲۱۵ ، ۲۱۶ ، ۲۱۹ ، ۲۲۱ تا ۲۲۳

عمرو بن محمد بن بشر : ج ۱ ص ۲۲۲

عمرو بن مراره تابی : ج ۱ ص ۱۱۶

عمرو بن مزید (از امیران سپاه علی (ع) در

صفین) : ج ۱ ص ۶۴

عمرو بن مسلم باهلی : ج ۱ ص ۱۰۷

عمرو بن معدی کرب : ج ۱ ص ۹۹ ، ۱۰۱

عمرو بن میمون اودی (از مصرین) : ج ۱ ص

۹۱

عمرو بن یزید الجعفی: ج ۱ ص ۸۰.
 عمرو بن یوسف (حاکم ثغور شهر تپله و
 اسپانیول): ج ۱ ص ۱۶۷، ۱۶۹.
 عمره بنت عبدالرحمن بن سعید زلاره
 الانصاری: ج ۱ ص ۱۰۹.
 عمو و غلی — ابراهیم خان.
 عسجان: ج ۲ ص ۱۲۷۵.
 عبدالدوله (حکمران مراغه): ج ۱ ص ۲۱۲۰.
 عبدالدوله بن فخرالدوله بن جهم (وزیر
 المتقددی خلیفه عباسی): ج ۱ ص
 ۳۳۹، ۳۳۳.
 عبدالدوله کیومرث میرزا (حکمران خلخال):
 ج ۱ ص ۵۵۷، ج ۲ ص ۱۲۱۹، ج ۲ ص
 ۲۰۶۲.
 عبدالملک، محمد حسین خان: ج ۱ ص ۱۹۸۳.
 عبدالملک کنذری (وزیر طغرل بیگ): ج ۱
 ص ۳۳۸، ۳۳۰.
 عبدالملک، ناصر قلی خان: ج ۱ ص ۱۹۰۴.
 عمیر بن حباب سلمی: ج ۱ ص ۸۰.
 عمیر بن رقاب السهمی: ج ۱ ص ۲۵.
 عمر بن عثمان بن سعد (حاکم خراسان):
 ج ۱ ص ۵۵.
 عمیره بن یثربی (قاضی بصره): ج ۱ ص ۸۰.
 عنایت (میرزا): ج ۱ ص ۱۲۲۴.
 عنایت (میرزا): سرشتندار دفتر لشکر:
 ج ۱ ص ۵۵، ج ۲ ص ۲۰۶۸.
 عنایت‌الله رضا (دکتر): ج ۱ ص ۱۵۸۱.
 عنیس (عنیه) بن شحیم الکلبی (عامل و
 حاکم افسس): ج ۱ ص ۱۱۱.
 عنصری، ابوالقاسم — ابوالقاسم حسن
 ابن احمد عنصری.
 عوض بیگ هموان بیگی: ج ۲ ص ۹۶۹.
 عوف اعرابی: ج ۱ ص ۱۲۲.
 عوف بن مالک انصاری (صحابی): ج ۱ ص
 ۹۰.
 هونالدین (وزیر ابن هبیره): ج ۱ ص ۳۹۲.
 هویم بن ساعد الانصاری: ج ۱ ص ۵۲.
 هباز (پسر چندی): ج ۱ ص ۲۲.
 عیاض بن غنم: ج ۱ ص ۲۵، ج ۲ ص ۲۹۰.
 ۷۲.
 عیسی (فقیه): ج ۱ ص ۲۱۰.
 عیسی بن احمد طوی: ج ۲ ص ۹۱۹.

عیسی اوسط: ج ۲ ص ۱۰۰۱.

عیسی (پسر باطریق بیگ): ج ۲ ص ۷۹۰.
 عیسی بیگ (برادر رستم خان): ج ۱ ص ۹۳۷.
 عیسی بیگ طوی: ج ۲ ص ۹۱۸.
 عیسی ترخان (میرزا): ج ۲ ص ۸۲۵.
 عیسی بن جریز (امیر خوارج صفویه): ج ۱
 ص ۱۲۲.
 عیسی بن جعفر بن منصور: ج ۱ ص ۱۷۰.
 عیسی (از موالی جعفر و حاکم ری): ج ۱
 ص ۱۵۲.
 عیسی خان: ج ۲ ص ۱۱۶۵، ۹۲۰.
 عیسی خان (حاجی): ج ۱ ص ۵۳۰.
 عیسی خان (میرزا): ج ۲ ص ۱۲۹۵، ج ۲
 ص ۲۱۰۴.
 عیسی خان آجودان: ج ۲ ص ۲۱۰۴.
 عیسی خان (برادرزاده آقا محمد خان
 قاجار): ج ۳ ص ۱۳۸۰، ۱۳۹۲.
 عیسی خان اعتماد الدوله (والی): ج ۱ ص
 ۱۸۱۱، ۱۸۲۲.
 عیسی خان امیر آخور: ج ۳ ص ۱۵۱۹.
 ۱۵۲۲.
 عیسی خان بیگز بیگی قاجار: ج ۱ ص ۱۷۸۷.
 عیسی (حاجی) خان (تفنگدار
 خاصه): ج ۲ ص ۱۳۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 عیسی خان دامغانی (امیر آخور): ج ۳ ص
 ۱۵۵۱.
 عیسی خان (رئیس): ج ۱ ص ۵۳۷.
 عیسی خان، سرتیپ: ج ۳ ص ۱۷۹۲.
 عیسی (میرزا) خان مرهنگ (مترجم
 زبان فرانسه): ج ۱ ص ۵۵۵، ج ۳ ص
 ۲۱۳۸.
 عیسی (میرزا) خان مرهنگ (رئیس
 تلگرافخانه کاشان): ج ۳ ص ۲۱۳۲.
 عیسی (میرزا) خان (صاحب منصب):
 ج ۱ ص ۵۳۲.
 عیسی (میرزا) خان، پسر عبدالرسول
 (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹.
 ج ۲ ص ۲۰۷۴.
 عیسی خان قاجار: ج ۳ ص ۱۶۳۹.
 عیسی خان قورچی باشی: ج ۳ ص ۹۲۱.
 ۹۲۸.
 عیسی خان کرد: ج ۲ ص ۱۱۵۲، ج ۳ ص
 ۱۳۷۲.

عیسی خان (ولد لوند بیگ گرجی): ج ۲

ص ۸۲۸، ۸۲۶.
 عیسی خان (ولد محمد باقرخان): ج ۲
 ص ۱۶۳۲.
 عیسی خان (میرزا) پسر فخرالدوله:
 ج ۲ ص ۲۱۲۰.
 عیسی خان میرآخور (در خراسان و فارس
 و سیستان): ج ۲ ص ۲۰۷۸.
 عیسی خان (میرزا) ولد گرگین: ج ۲
 ص ۹۰۹.
 عیسی (میرزا) خان (نایب آجودان
 باشی): ج ۳ ص ۱۲۳۰.
 عیسی خان (نایب لنتیک آتاسی باشی):
 ج ۲ ص ۲۱۱۶.
 عیسی خان (والی گیلان): ج ۳ ص ۱۷۶۸.
 ۱۷۷۲، ۱۸۰۲.
 عیسی بن خمیس بن من (صاحب تکریت):
 ج ۱ ص ۲۲۲.
 عیسی ساجی (قاضی - شاعر): ج ۲ ص
 ۷۳۱.
 عیسی بن شیخ بن طویل شیبانی (والی
 شام): ج ۱ ص ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۲.
 عیسی بن عبدالله بن حسن: ج ۱ ص ۱۶۶.
 عیسی بن عبدالعزیز جزولی دهوی (صاحب
 مقدمه جزویه بنام قانون): ج ۱ ص
 ۲۲۹.
 عیسی (پسر حاجی علی اصفهانی): ج ۲
 ص ۲۱۲۵.
 عیسی بن عبداللهمن عباس (عم منصور):
 ج ۱ ص ۱۲۸، ۱۵۲.
 عیسی بن میرالنفی الذهوی: ج ۱ ص ۱۲۳.
 عیسی (میرزا) فراهانی (= میرزا بزرگ
 قاسم مقام وزیر عباس میرزا): ج ۲ ص
 ۱۲۲۹، ۱۴۶۸، ۱۵۵۲.
 عیسی بن قاسم بن ابوهاشم: ج ۱ ص ۳۹۲.
 عیسی (میرزا) قونول آندنه: ج ۱ ص
 ۵۳۲.
 عیسی کرخی (عامل حسن): ج ۱ ص ۲۱۱.
 عیسی بن لقمان بن محمد بن طایب بن
 الجحی (حاکم بحر): ج ۱ ص
 ۱۵۰، ۱۵۲.
 عیسی بن محمد بن ابی خالد (حاکم
 آذربایجان و ارمنیه از سوی مأمون):

ج ۱ ص ۱۷۵ - ۱۷۸ - ۱۷۹.

عیسی صبح (ع) (حکومت) : ج ۱ ص

۲۵ - ۲۷ - ۵۷ - ۱۶۵ - ۲۱۸ - ۲۲۷.

۲۵۷ : ج ۲ ص ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۱۸۸۰.

عیسی (حیرا -) پسر میرزا موسی (وزیر

دارالخلافه) : ج ۱ ص ۵۲۸ : ج ۲ ص

۱۲۵۲ : ج ۳ ص ۱۸۸۶ - ۱۸۸۸ - ۱۸۹۸.

۱۹۲۸ - ۲۰۹۹.

عیسی بن موسی بن محمد (برادر زاده

سلاج و منصور) والی کوفه : ج ۱ ص

۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۶ - ۱۴۰ تا ۱۴۲.

۱۵۵.

عیسی بن موسی همدانی (حاکم اربل) :

ج ۱ ص ۳۱۸.

عیسی بن مهنا بن نافع (از آل الفضل) :

ج ۱ ص ۷۷۲ - ۷۷۳.

عیسی الفشوری : ج ۱ ص ۳۳۰.

عیسی بن یزید جلودی : ج ۱ ص ۱۷۸.

عیسی بن اسحق : ج ۳ ص ۱۳۳۷.

عین الملک (عین الطوک) پسر اعتماد

الدوله (خراسان) و حکمران مازندران :

ج ۱ ص ۵۵۵ : ج ۲ ص ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱.

ص ۱۸۲۳ - ۱۸۵۱ - ۱۸۵۵ - ۱۸۷۵ - ۱۹۰۵.

۲۰۹۹.

عمیده بن حسن الفزاری : ج ۱ ص ۲۸۰ - ۲۸۱.

عمیده بن موسی بن کعب (حاکم هند) :

ج ۱ ص ۱۲۵.

غ

غاریان (ژنرال -) سفیر و ایلچی فرانسه :

ج ۲ ص ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ - ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱.

۱۲۹۲ - ۱۲۹۳.

غازان (سلطان -) : ج ۲ ص ۱۳۲۲ - ۱۳۲۳.

۱۳۵۸ - ۱۳۶۲.

غازان خان (پسر ارغون خان) : ج ۲ ص

۵۹۸ - ۶۰۳ تا ۶۰۵ - ۱۳۶۵.

غازین حسن : ج ۱ ص ۲۹۵.

غازی (میرزا -) : ج ۲ ص ۸۸۹.

غازی بیگ بیضی : ج ۲ ص ۹۱۲.

غازی بیگ (پسر فرخ‌سار) : ج ۲ ص ۷۴۱.

غازی بن جبرئیل : ج ۱ ص ۴۲۱.

غازی بیگ : ج ۲ ص ۸۲۷.

غازی خان تگلو : ج ۲ ص ۷۸۳ - ۷۹۶.

۹۱۷.

غازی خان ذوالقدر : ج ۲ ص ۷۹۶.

غازی بن زنگی : ج ۱ ص ۳۸۱.

غازی بن سنجوشاه : ج ۱ ص ۴۲۶.

غازی شاه جیک : ج ۲ ص ۸۲۸.

غازی محمد گرای : ج ۲ ص ۸۶۹.

غازی ملک، قیات‌الدین محمد تظف‌شاه

(حاکم پنجاب) : ج ۲ ص ۶۲۰.

غازیه خواتون (دختر امیر سیف‌الدین

فلان) : ج ۲ ص ۵۹۳.

غازیه خواتون دختر ملک عزیز محمد

حکمران حلب، پسر قیات‌الدین

کیخسرو) : ج ۱ ص ۴۴۲.

غازیه خواتون (مادر ملک منصور و دختر

ملک کامل محمد) : ج ۱ ص ۲۵۱ - ۲۵۲.

غازی : ج ۱ ص ۶۰.

غالب بن طهمون (باغیگر اسپهانول) :

ج ۱ ص ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۲۰.

غالب بن عبدالله اللیثی : ج ۱ ص ۲۷.

غالب بن فطاله لیلی (عامل خراسان) :

ج ۱ ص ۷۵.

غراف سندی : ج ۳ ص ۱۶۲۸ - ۱۶۲۸.

۱۶۴۲ - ۱۶۴۳.

غراف گیلو : ج ۳ ص ۱۷۹۵.

غراف گیلو (سرदार روس) : ج ۳ ص ۱۴۸۵.

۱۴۸۷ - ۱۴۹۰ - ۱۴۹۲.

غریب‌الکشمه، ابوالحسن محمد بن عباسی

(مأجد تاریخ) : ج ۱ ص ۳۴۲.

غریب شاه : ج ۳ ص ۹۲۲.

غریب بن معن : ج ۱ ص ۳۰۳.

غریب‌فرج (سیو -) مترجم اول : ج ۱ ص

۵۳۷.

غزالی — ابوالفتح احمد.

غزالی طوسی (امام محمد، ابوحامد) :

ج ۲ ص ۷۲۳.

غزان سلطان خان (پادشاه توران) : ج ۲

ص ۶۴۷ - ۶۴۹.

غزنین خان بن هوشنگ خان (ملقب به :

محمد شاه) : ج ۲ ص ۷۸۲.

غسان بن عباد (والی خراسان و سند) :

ج ۱ ص ۱۷۶ - ۱۸۲.

غفار (حاجی -) تاجر تبریزی : ج ۲ ص

۲۱۲۵.

غفارخان (میرزا -) آجودان تپخانه :

ج ۲ ص ۱۷۱۸ - ۱۷۲۲.

غفارخان (سرکرده دسته قراقران) :

ج ۲ ص ۱۲۲۲ - ۱۲۲۳ - ۲۰۸۶.

غفارخان (میرزا -) مدعی‌الملک : ج ۳

ص ۱۸۳۳.

غفور خان طهرانی (حاکم طهران) : ج ۲

ص ۱۳۸۲ - ۱۳۸۸ - ۱۳۹۱.

غلام (میرزا -) مباشر (از اجزایست

خانه) : ج ۳ ص ۲۱۲۱.

غلام‌حصین (حاجی -) : ج ۲ ص ۲۱۲۷.

غلام‌حصین (ولیدامین‌الدوله) : ج ۱ ص ۵۳۰.

غلام‌حصین بیگ (نایب‌مدرس دارالفنون) :

ج ۳ ص ۲۱۳۰.

غلام‌حصین بیگ، پسر (موزیکانچی) : ج ۱

ص ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۱۲۳۶ : ج ۲ ص

۴۰۸۱.

غلام‌حصین (نحو‌بندار نقدی) : ج ۱ ص

۵۳۰.

غلام‌حصین‌خان : ج ۱ ص ۵۰۲ - ۵۰۹.

غلام‌حصین‌خان : ج ۱ ص ۵۲۵ - ۵۲۵.

غلام‌حصین‌خان (از اعیان طهران) : ج ۲

ص ۲۰۹۶.

غلام‌حصین خان (از امرا) : ج ۲ ص ۱۷۵۱.

غلام‌حصین‌خان امین خلوت —

امین خلوت، غلام‌حصین.

غلام‌حصین خان (پسر امین‌الدوله) : ج ۲

ص ۱۲۵۶.

غلام‌حصین خان ابیروانی (نایب ایشیک

آقاسی باشی) : ج ۳ ص ۲۱۱۶.

غلام‌حصین خان بهارلو (پسر دوم) :

ج ۲ ص ۲۰۷۷.

غلام‌حصین خان (اولاد بیگلربیگی) : ج ۱

ص ۵۲۶.

غلام‌حصین خان (پیشخدمت خاصه) :

ج ۳ ص ۱۹۳۳.

غلام‌حصین خان (غازی و کعب‌خانه) : ج ۱

ص ۵۳۰ : ج ۲ ص ۱۷۵۶ : ج ۳ ص

۴۱۱۰.

غلام‌حصین خان زنددار باشی : ج ۳ ص

۱۹۴۰ - ۱۹۷۸.

غلام‌حصین خان سبهدار (وزیرعلیه) :

ج ۳ ص ۱۵۸۰ - ۱۵۹۹ - ۱۹۰۹.

۱۹۲۲

غلامحسین (حاجی -) خان (سرنهب
اول توپخانه): ج ۱ ص ۵۱۰: ج ۲
ص ۱۲۲۲: ج ۳ ص ۲۰۷۶
غلامحسین خان سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۳۵:
ج ۳ ص ۲۰۸۰
غلامحسین خان (پسر علیقلی خان، نایب
اول آجودان باشی): ج ۳ ص ۱۲۳۰
ج ۳ ص ۱۹۰۵، ۱۸۵۹، ۲۰۷۳
غلامحسین خان (از بنی اعصام قاجار):
ج ۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۲۰۶۵
غلامحسین خان (قول لیاغ): ج ۱ ص
۵۰۲: ج ۳ ص ۱۲۲۱: ج ۳ ص ۲۰۶۵
غلامحسین خان قزوینی (یاور اول): ج ۱
ص ۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج ۳ ص
۲۰۷۷
غلامحسین خان کاشی: ج ۱ ص ۵۲۰: ج ۲
ص ۱۲۷۰
غلامحسین خان پسر محمدعلی خان سقزی
(نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹:
ج ۳ ص ۱۲۳۰: ج ۳ ص ۲۰۷۳
غلامحسین خان، پسر مصطفی قلی خان
میرشکار (نایب میرشکار): ج ۳ ص
۲۱۳۷
غلامحسین خان (از سواره مهاجر): ج
۳ ص ۲۰۸۷
غلامحسین خان نایب: ج ۱ ص ۵۵۲
غلامحسین خان (نایب امیرک آقا سی
باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶
غلامحسین خان (نایب چارچی باشی):
ج ۳ ص ۲۱۳۷
غلامحسین خان (نایب فرخانده): ج ۳
ص ۲۱۱۷
غلامحسین خان (نویسنده و آتشه): ج ۲
ص ۲۱۰۲، ۲۱۰۴
غلامحسین خان (فرزند یوسف خان
گرجی): ج ۳ ص ۱۵۶۷
غلامحسین (آقا -) رئیس کارخانجات
توپخانه: ج ۳ ص ۲۱۳۳: ج ۳ ص ۲۰۷۹
غلامحسین سپهسالار عراق: ج ۳ ص ۱۶۰۲
۱۶۰۸، ۱۶۳۰، ۱۶۳۰، ۱۷۰۱
۱۷۸۲، ۱۸۰۲
غلامحسین (میرزا -) سرشنه دار اداره

آبدارخانه: ج ۳ ص ۲۱۱۲

غلامحسین (میرزا -) سرشنه دار اداره
بنیادخانه: ج ۳ ص ۲۱۱۵
غلامحسین (میرزا -) صاحب منصب:
ج ۱ ص ۵۲۲
غلامحسین (میرزا -) لشکردهی سازندران:
ج ۱ ص ۵۰۶: ج ۲ ص ۱۲۲۶: ج ۳
ص ۲۰۲۰
غلامحسین (میرزا -) مترجم روس: ج ۱
ص ۵۲۳
غلامحسین (ملا -) مذهب: ج ۲ ص ۱۲۹۲:
ج ۳ ص ۲۱۲۸
غلامحسین (میرزا -) مشرف: ج ۱ ص
۵۵۱
غلامحسین (آقا -) یاور دوم: ج ۳ ص
۲۰۷۷
غلامحسین میرزا (صدرالشمس، ولد ایرج
میرزا): ج ۱ ص ۵۵۷
غلامحسین میرزا (نایب آجودان باشی):
ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۳
ص ۲۰۷۳
غلامحسین خان: ج ۳ ص ۱۷۵۹
غلام رسول الله — بنیادخان امیرک
غلامرضا (حاجی -) تلجر خراسانی: ج ۳
ص ۲۱۲۸
غلامرضا خان (سرکرده جماعت شاهسون
قویون): ج ۱ ص ۵۲۱: ج ۲ ص ۲۰۹۱
غلامرضا خان سرهنگ پسر زین العابدین
خان: ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۳ ص ۱۲۲۹:
ج ۳ ص ۲۰۷۳
غلامرضا خان شهاب الملک (حاجی -)
سرنهب: ج ۱ ص ۵۱۰
غلامرضا خان باقی (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸:
ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۳
غلامرضا خان (ناظم میزان): ج ۳ ص ۲۱۱۲
غلامرضا خان هراتی (از جماعت مزدبگیر):
ج ۱ ص ۵۱۹: ج ۳ ص ۲۰۸۸
غلامرضا خان بزدی (نایب آجودان باشی):
ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۳ ص
۲۰۷۳
غلامشاه (میرزا -) پیشخدمت باشی:
ج ۳ ص ۱۶۲۷
غلامطی (میر -): ج ۳ ص ۱۲۸۷

غلامطی بیگ: ج ۳ ص ۱۲۷۵

غلامطی خان اثرلی (نایب امیرک آقا سی
باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶
غلامطی خان سرهنگی: ج ۳ ص ۱۸۸۸
غلامطی خان سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۹۱
غلامطی خان، سرهنگ (جماعت شاهسون
قویون): ج ۱ ص ۵۲۱
غلامطی خان، سرهنگ (فوج ممبران
قرشیزی): ج ۱ ص ۵۱۶
غلامطیخان قویونباشی: ج ۱ ص ۵۳۰:
ج ۲ ص ۱۲۵۷: ج ۳ ص ۲۱۱۱
غلامطی خان نایب (نقی باشی): ج ۳
ص ۱۸۲۱
غلامطی (حاجی -) خواجه سرا: ج ۱
ص ۵۲۱: ج ۳ ص ۱۲۵۲
غلامطی (میرزا -) ناظم لشکر: ج ۱ ص
۵۰۶: ج ۳ ص ۱۲۳۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹
غلاممحمدخان (سرکرده جرایز حیان):
ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۳ ص ۲۰۹۲
لیانا، عطاالله (وزیر آذربایجان): ج ۲
ص ۸۲۶
غیاث الدین ابوالفتح، محمد بن سام بن
الحسین غوری (پادشاه غزنوی):
ج ۱ ص ۳۸۵، ۲۲۲
غیاث الدین بلبن (الخ خان): ج ۲
ص ۵۸۶
غیاث الدین (پادشاه غوری): ج ۱ ص ۴۱۷
۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۴
غیاث الدین تیرشاه: ج ۱ ص ۴۴۲
غیاث الدین جمشید کاشی: ج ۳ ص ۶۹۱
۷۰۱
غیاث الدین خلجی (صاحب مالوه): ج ۲
ص ۷۲۱
غیاث الدین ذهبی (میر -): ج ۲ ص ۸۶۸
غیاث الدین بن سلطان محمود خلجی: ج ۲
ص ۷۱۹
غیاث الدین سیاوش طنجوقی: ج ۲ ص ۵۹۲
غیاث الدین (از حکام شایانکاره): ج ۲ ص
۶۴۰
غیاث الدین بن علاء الدین محمد (برادر
جلال الدین خوارزمشاه): ج ۱ ص ۴۳۶
۴۳۷، ۴۴۰
غیاث الدین گاوسی: ج ۲ ص ۶۸۳

غیاث الدین (از آل کرت) : ج ۲ ص ۶۲۶ ، ۶۵۵ .

غیاث الدین کیخسرو بن رکن الدین (پادشاه آری میر) : ج ۲ ص ۵۹۸ .

غیاث الدین کیخسرو (پسر عزالدین قلجی ارسلان ملجوقی پادشاه آسای صغیر) :

ج ۱ ص ۴۱۲ ، ۴۲۳ ، ۴۲۵ ، ۴۲۷ ، ۴۳۰ ، ۴۳۱ .

غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد (پادشاه آسای صغیر) : ج ۱ ص ۴۱۲ ، ۴۲۷ ، ۴۳۰ ، ۴۳۱ .

ج ۲ ص ۵۲۹ .

غیاث الدین محمد : ج ۲ ص ۷۷۲ .

غیاث الدین محمد بن حسین غوری : ج ۱ ص ۳۹۱ .

غیاث الدین محمد بن سام بن الحسین : ج ۱ ص ۳۸۵ ، ۳۹۱ .

غیاث الدین محمد شاه بن ظفارشاه (از ملوک خلج) : ج ۲ ص ۶۶۲ .

غیاث الدین محمود خلجی : ج ۲ ص ۷۸۲ .

غیاث الدین (پسر محمود شاه بهمنی) : ج ۲ ص ۶۶۲ .

غیاث بن سیر : ج ۱ ص ۱۲۴ .

غیاث الدین منصور (میر) : ج ۲ ص ۷۸۵ .

غیاث الدین سیرعلی (حاکم هرات) : ج ۲ ص ۶۵۳ .

گیلان بن سلمه الشافعی : ج ۱ ص ۵۳ .

ف

فانک بن محمد (آخرین ملوک بنی نجاش) :

ج ۱ ص ۳۹۰ .

فاخته (زوجه ملایه بن امی سفیان) : ج ۱ ص ۵۸ .

فارابی — ابونصر ...

فارس بن محمد بن عثمان : ج ۱ ص ۳۱۷ .

فارس الدین ، میدون قصری (آخرین امیر از حلاحیه) : ج ۱ ص ۲۲۹ .

فارنز : ج ۱ ص ۸۹۰ .

فاضل خان : ج ۳ ص ۱۳۲۰ .

فاضل خان گروسی : ج ۲ ص ۱۵۲۵ ، ۱۵۷۲ .

فاضل سنائی (حاجی -) : ج ۳ ص ۱۳۸۷ .

فاضل فولاد خان شمشال داغستان : ج ۲ ص ۱۱۱۶ .

فاضل نراقی : ج ۳ ص ۲۰۰۴ .

فاطمه (دختر یزید بن مولب) : ج ۱ ص ۱۱۶ .

فاطمه بنت اسدین هاشم (مادر علی (ع)) :

ج ۱ ص ۲۴ .

فاطمه بنت افرج : ج ۱ ص ۳۲۲ .

فاطمه (دختر امام حسین (ع)) : ج ۱ ص ۱۱۷ .

فاطمه (بنت رسول الله (ص)) : ج ۱ ص ۲۲۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ .

ج ۲ ص ۲۰۳۷ .

فاطمه (مادر شقا بن عبدالواحد) : ج ۱ ص ۱۲۵ .

فاطمه سلطان (دختر شاه سلطان حسین) :

ج ۲ ص ۱۱۱۲ .

فاطمه کلایبه (دختر ضحاک بن سفیان) :

ج ۱ ص ۲۸ .

فاطمه (بنت الولید (زوجه عمر بن الخطاب)) : ج ۱ ص ۴۹ .

الغاز بنهر الله ، ابوالقاسم عیسی بن قاسم (خلیفه علوی مصر) : ج ۱ ص ۲۸۷ .

ج ۳ ص ۳۹۱ .

فایق : ج ۱ ص ۲۸۷ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰ .

فناح (میر -) ابن حاجی میرزا یوسف تبریزی : ج ۳ ص ۱۵۷۹ .

فناح پاشا : ج ۳ ص ۱۶۸۴ .

فتح (غلام نصر بن لؤلؤ) : ج ۱ ص ۲۹۶ .

فتح بن خاقان (مشول دیوان رسائل منوکل) : ج ۱ ص ۱۹۹ .

فتح الله (میرزا -) (برادر زاده میرزا آقا خان) : ج ۳ ص ۱۷۲۵ .

فتح الله (میرزا -) (از اجزای پستخانه : ج ۲ ص ۱۲۷۵ ، ۱۲۷۶ .

فتح الله تبریزی (ملا -) : ج ۲ ص ۷۲۲ .

فتح الله (شاه -) حکمران شانکاره : ج ۲ ص ۶۴۰ .

فتح الله خان : ج ۲ ص ۱۲۲۵ .

فتح الله خان بهات : ج ۲ ص ۱۲۶۹ .

فتح الله خان (جماعت خواجه وند) : ج ۱ ص ۵۲۱ .

فتح الله (میرزا -) خان (سرشیب فوج هشم خلخالی) : ج ۱ ص ۵۱۰ .

فتح الله (میرزا -) (نواب -) پسر محمدعلی : ج ۲ ص ۱۲۲۲ .

۲۰۷۶ ، ۲۰۸۲ .

فتح الله خان (سرکرد جماعت بیزکی) :

ج ۱ ص ۵۲۰ ، ج ۳ ص ۲۰۸۹ .

فتح الله خان سرهنگ (از ارباب مطاعت) :

ج ۲ ص ۲۱۱۸ .

فتح الله خان سرهنگ (مطم کل انصواج نویخته) : ج ۳ ص ۱۹۲۶ .

فتح الله خان طالش سرهنگ : ج ۲ ص ۲۰۷۶ .

فتح الله خان شیبانی : ج ۳ ص ۱۶۷۶ .

فتح الله خان قراکوزلو (از سرهنگان خارج از فوج) : ج ۱ ص ۵۰۸ ، ج ۲ ص ۱۲۲۹ .

ج ۳ ص ۲۰۷۳ .

فتح الله خان مدانلو : ج ۱ ص ۵۲۰ ، ج ۲ ص ۲۰۹۰ .

فتح الله (میرزا -) خان (مفتی کسار گذار ارض اقدس) : ج ۲ ص ۲۱۰۵ .

فتح الله خان (ناظم اداره عدلیه) : ج ۳ ص ۲۱۰۱ .

فتح الله خان (ناظم دیوان) پسر صارم الملک : ج ۱ ص ۵۲۹ ، ج ۲ ص ۱۲۵۵ .

ج ۳ ص ۱۹۹۲ .

فتح الله (میرزا -) خان (نایب فرائضخانه) :

ج ۲ ص ۲۱۱۷ .

فتح الله خان بوز باشی : ج ۱ ص ۴۷۱ .

ج ۳ ص ۵۳۹ .

فتح الله (آغا -) خواجه : ج ۱ ص ۵۳۱ .

فتح الله (سرشیب فوج سیم مراغه) : ج ۲ ص ۱۲۳۷ .

فتح الله سلطان (جزایرچیان) : ج ۱ ص ۲۲۲ .

فتح الله عماد شاه (صاحب برار) : ج ۲ ص ۷۳۱ .

فتح الله (میرزا -) لشکر نهیسی باشی :

ج ۲ ص ۱۷۷۲ ، ۱۷۸۲ .

فتح الله (حاجی میرزا -) مباشرنهاوند :

ج ۱ ص ۵۴۲ .

فتح الله (میرزا -) مشرف (صاحب منصب فوج) : ج ۳ ص ۲۱۴۴ .

فتح الله میرزا شماع السلطنه (پسر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۱۵۰۳ ، ۱۶۲۴ .

ج ۳ ص ۱۶۳۷ .

فتح الله میرزا (نواب -) پسر محمدعلی : ج ۲ ص ۱۶۳۷ .

۰۲۲۷ ۰۲۲۸

فخرالدین خاوند بنگانی: ج ۲ ص ۶۲۸.
فخرالدین (امیر -) ساکی: ج ۳ ص ۸۲۷.
۰۸۶۲

فخرالدین پسر سید الدین احمد، صاحب
صحن: ج ۲ ص ۵۹۰.
فخرالدین (امیر -) طمان: ج ۲ ص
۰۶۲۶

فخرالدین عثمان بن زین الدین علی بن
عثمان ابن خطیب (قاضی القضاة):
ج ۲ ص ۰۶۲۰ ۰۶۲۳

فخرالدین عثمان بن کمال الدین محمد
(قاضی طب): ج ۲ ص ۰۶۲۵

فخرالدین قرا ارسلان بن داود بن سلطان
بن ارتق (صاحب حصن کپلا): ج ۱
ص ۰۳۹۵ ۰۵۶۲

فخرالدین (امام -) محمد بن عمر بن
حسین الرازی (خطیب ری): ج ۱
ص ۰۲۱۷ ۰۲۲۷

فخرالدین مسعود بن زعفرانی: ج ۱ ص
۰۲۰۱

فخرالدین (سید -) وزیر شاهرخ تیموری:
ج ۲ ص ۰۶۷۸

فخرالعرب: ج ۱ ص ۰۲۲۵
فخرالملک، ابوالمظفر علی بن نظام الملک:

ج ۱ ص ۰۲۵۸
فخرالملک، مهرداد حسن خان: ج ۲ ص
۰۲۰۲۷ ۰۲۰۷۱

فخرالملوک (دختر ناصر الدین شاه): ج ۱
ص ۰۵۰۱ ج ۲ ص ۱۲۱۸ ج ۳ ص
۰۲۰۶۲

فخری بیگ افندی (شهر کبیر عثمانی در
طهران): ج ۱ ص ۰۵۳۶ ج ۲ ص
۰۱۹۷۷ ۰۱۹۸۳ ۰۲۱۰۷

فخر (پسر ایوان معروف): ج ۱ ص ۰۸۵۹
قدم: ج ۲ ص ۰۱۶۶۰

فرات بن حیان: ج ۱ ص ۰۲۳
فرات غلوت، میرزا مهرداد: ج ۳ ص
۰۱۹۴۰

فراتشاه (از موالی مهدی، حاکم دماوند و
قوس): ج ۱ ص ۰۱۵۲ ۰۱۵۵

فرامرز بیگ (حاجی -): ج ۳ ص ۰۱۶۷۸
فرانسوا امبراطور اتریش: ج ۲ ص ۰۱۱۳۳

۰۱۱۶۷

فرانسوا اول: ج ۳ ص ۰۷۷۳ ۰۷۶۸ ۰۷۶۲
۰۸۰۶

فرانسوا اول (پادشاه ایتالیا): ج ۳ ص
۰۱۶۰۲

فرانسوا اول (پسر فردیناند اول): ج ۳
ص ۰۱۵۲۰

فرانسوا دوم (امبراطور اتریش): ج ۲
ص ۰۱۶۲۲ ۰۱۲۲۱

فرانسوا دوم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص
۰۸۳۹

فرانسوا دوم (پادشاه ناپل): ج ۳ ص
۰۱۸۱۹

فرانسوا ژوزف (امبراطور قسطنطنیه): ج ۲ ص
۰۱۷۰۲ ج ۳ ص ۰۱۸۲۲ ۰۱۹۲۵

فرانسوا شارل ژوزف (امبراطور آستریه و
مجارستان): ج ۱ ص ۰۵۶۱ ج ۳ ص
۰۲۱۳۷

فرانکلن: ج ۲ ص ۰۱۱۵۲ ۰۱۱۸۰ ۰۱۲۱۷
۰۱۵۲۶ ۰۱۶۸۲ ۰۱۸۱۸

فرانک، ابوزکریا (عالم نحو): ج ۱ ص ۰۱۷۹
فرانکوف، ابوبکر محمد حسن... - ابو

محمد حسین...
فربری: ج ۱ ص ۰۲۸۰

فرج (خادم ترک): ج ۱ ص ۰۱۵۷
فرج تبریزی (حاجی میرزا):

ج ۱ ص ۰۵۱۱ ج ۲ ص ۰۱۲۳۳ ج ۳
ص ۰۲۰۷۷

فرج (آغا -) خواجہ: ج ۱ ص ۰۵۳۱
فرج بن عثمان (قاضی صبح): ج ۱ ص

۰۲۱۸
فرج بن فطالہ: ج ۱ ص ۰۱۶۰

فرج الله (آقا سید -): ج ۲ ص ۰۲۱۲۷
فرج الله (مولی -): ج ۲ ص ۰۱۶۶۰

فرج الله (میرزا -) از اجزای پستخانہ:
ج ۲ ص ۰۱۲۷۵ ج ۳ ص ۰۲۱۲۲

فرج الله (حاجی -) کلانتر تبریز: ج ۳
ص ۰۱۶۳۷

فرج الله خان: ج ۲ ص ۰۱۲۷۵ ج ۳ ص
۰۲۰۸۷

فرج اللطمان (میرزا -): ج ۳ ص ۰۱۷۳۲
فرج الله خان افشار (نقشبندی): ج

۲ ص ۰۱۲۸۳ ۰۱۲۹۰ ۰۱۲۹۵ ۰۱۵۰۵

۰۱۵۰۹ ۰۱۵۱۹ ۰۱۵۲۹ ۰۱۵۳۰

فرج الله خان (نحویلدار، بساوی): ج ۲
ص ۰۱۲۲۲

فرج الله خان (سالار نقشبانی): ج ۳ ص
۰۱۳۳۷

فرج اللطمان (سرکردہ جماعت سنجابی):
ج ۱ ص ۰۵۲۲ ج ۲ ص ۰۲۰۹۲

فرج الله خان سرهنگ: ج ۱ ص ۰۵۰۸ ج
۲ ص ۰۱۲۲۹ ج ۳ ص ۰۱۲۱۵

فرج الله خان سرهنگ (پسر ابراهیم آقا
ماکوئی): ج ۲ ص ۰۲۰۷۳

فرج اللطمان (میرزا -) سرهنگ حکمران
نطنز: ج ۲ ص ۰۱۳۰۲

فرج الله خان شاهیون: ج ۲ ص ۰۱۲۸۱
۰۱۲۸۲

فرج الله خان شویزی (باور اول): ج ۲
ص ۰۲۰۷۷

فرج الله خان طالش (باور اول): ج ۳ ص
۰۲۰۷۷

فرج الله خان کرمانشاهانی (باور اول): ج
۱ ص ۰۵۱۸ ج ۲ ص ۰۱۲۳۳ ج ۳

ص ۰۲۰۷۷
فرج الله (میرزا -) خان (شکر نویسی

مازندران): ج ۳ ص ۰۱۲۲۶ ج ۳ ص
۰۲۰۷۰

فرج الله خان (نایب ایشیکاوا سیمای):
ج ۳ ص ۰۲۱۱۶

فرج الله خان (باور و نحویلدار): ج ۳ ص
۰۲۰۶۶

فرج بیگ (حاجی -) خرقانی (بساوی
دوم): ج ۱ ص ۰۵۱۱ ج ۳ ص ۰۱۲۳۳

ج ۳ ص ۰۲۰۷۷
فرج خان (نظنگدار خاصه): ج ۱ ص ۰۵۳۰

ج ۲ ص ۰۲۱۱۱
فرج خان سرهنگ (فرج مراد): ج ۱ ص

۰۵۱۲ ج ۲ ص ۰۱۲۳۷ ج ۳ ص
۰۲۰۸۱

فرخان: ج ۱ ص ۰۴۲
فرخان رازی: ج ۱ ص ۰۸۶

فرخ آقا (نحویلدار انبار غله): ج ۱ ص
۰۵۵۳ ج ۲ ص ۰۲۱۱۲

فرخ خان: ج ۳ ص ۰۱۹۴۰
فرخ خان امین الدوله - امین الدوله

فرخ خان	فردریک سیم (پادشاه اسپانیول): ج ۱ ص ۲۲۶	۱۵۹۲
فرخ خان امین الملک: ج ۲ ص ۱۷۸۶	فردیناند (امپراطور اتریش): ج ۱ ص ۸۴۹	
۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳	فردیناند (عموی امپراطور روس): ج ۱ ص ۱۹۵۹	
فرخ خان پیشخدمت: ج ۳ ص ۱۹۷۸	فردیناند (پادشاه سیسیل): ج ۲ ص ۱۵۰۶	
فرخ خان (مصدق‌دار وجود خاصه): ج ۳ ص ۱۷۸۲	فردیناند (برادر شارلن): ج ۲ ص ۲۷۲۲	
فرخ خان گلشی غفاری: ج ۳ ص ۱۶۳۶	فردیناند اول (امپراطور اتریش): ج ۲ ص ۱۷۰۳، ۱۶۴	
۱۶۴۲، ۱۶۵۱	فردیناند اول (پادشاه سیسیل): ج ۲ ص ۱۵۷۰	
فرخزاد بن خسرو پرویز: ج ۱ ص ۳۲	فردیناند چهارم (پادشاه ناپل): ج ۳ ص ۱۲۸۰	
فرخزاد بن مسعود غزنوی (پادشاه غزنین): ج ۱ ص ۳۲۶، ۳۲۱	فردیناند دلس پس (فرانسوی): ج ۳ ص ۱۹۱۲	
فرخ زاد سیک (ایشیک آقاسی): ج ۲ ص ۸۲۲	فردیناند دوم (پادشاه آلمان): ج ۲ ص ۹۲۹	
فرخ سلطان خانم (دختر فتحعلیشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۷	فردیناند دوم (پادشاه ایتالیا): ج ۲ ص ۱۶۰۲	
فرخ سیر (پادشاه هندوستان): ج ۲ ص ۱۰۱۰، ۱۰۱۲	فردیناند دوم (پادشاه ناپل): ج ۲ ص ۱۸۱۹	
فرخ سیر میرزا: ج ۳ ص ۱۶۶۸، ۱۶۶۶	فردیناند سیم (پادشاه آلمان): ج ۲ ص ۹۶۲، ۹۳۹	
فرخ میرزا (نیر الدوله (پسر فتحعلیشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۲	فردیناند سوم (امپراطور مجارستان): ج ۲ ص ۹۵۲	
فرخ پسر (پادشاه شوان): ج ۲ ص ۷۴۱	فردیناند ششم (پادشاه اسپانیول): ج ۲ ص ۱۱۶۱	
فردریک (پادشاه ورنمبرگ): ج ۳ ص ۱۵۳۸	فردیناند لوی ماری (شارل - ولیمهد برتوغال: ج ۲ ص ۵۶۲	
فردریک اعظم (پادشاه پروس): ج ۳ ص ۱۷۳۹	فردیناند هفتم (پادشاه اسپانیول): ج ۳ ص ۱۵۶۵، ۱۵۲۸، ۱۵۲۵، ۱۲۹۱	
فردریک اگوست (پادشاه لهستان): ج ۲ ص ۱۱۱۵	۱۶۱۹	
فردریک اگوست چهارم: ج ۳ ص ۱۷۷۵	فرزدق (شاعر): ج ۱ ص ۱۱۳	
فردریک الکساندر (شارل اول): ج ۱ ص ۵۶۱	فرسی خان (ایل بیگی ایل شاهسون): ج ۳ ص ۱۸۲۵	
فردریک اول (پادشاه آلمان): ج ۱ ص ۲۸۵، ۳۹۲، ۲۱۰	فرمانفرما: ج ۲ ص ۱۷۶۱، ۲۰۶۲	
فردریک اول (پادشاه سوئد): ج ۲ ص ۱۱۵۰	فرمانفرما - محمد الدوله	
فردریک پنجم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۱۱۳۳، ۱۱۶۸	فرمانفرما (حسینطی میرزا): ج ۳ ص ۱۶۱۳، ۱۶۳۱	
فردریک چهارم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۱۰۲۸، ۱۰۰۰	فرمانفرما (فریدون میرزا): ج ۳ ص ۱۷۵۶	
فردریک دوم (امپراطور آلمان): ج ۱ ص ۳۴۱	۱۷۵۷، ۱۷۶۸، ۱۷۷۳، ۱۷۸۱	
فردریک دوم (پادشاه پروس): ج ۲ ص ۱۱۲۵	فرمانفرما (میریز میرزا): ج ۳ ص ۲۰۶۲	
فردریک دوم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۸۸۸		
	فردریک ششم (پادشاه پروس): ج ۲ ص ۱۹۸۷، ۱۹۲۰، ۱۹۱۹	
	فردریک ششم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۱۳۹۲	
	فردریک ششم (پادشاه دانمارک): ج ۳ ص ۱۶۵۲	
	فردریک کبیر: ج ۲ ص ۱۰۲۸، ۱۱۶۰	
	۱۲۰۲	
	فردریک گلیوم: ج ۲ ص ۱۰۱۲	
	فردریک گلیوم (پادشاه پروس): ج ۲ ص ۱۱۲۵	
	فردریک گلیوم (برادر زاده فردریک کبیر): ج ۳ ص ۱۴۰۳	
	فردریک گلیوم اول (امپراطور آلمان): ج ۱ ص ۵۶۱، ۹۶۹، ۱۰۱۲	
	ج ۳ ص ۲۱۲۷	
	فردریک گلیوم دوم (والی پروس): ج ۲ ص ۹۶۲، ۹۹۳	
	ج ۳ ص ۱۲۲۶	
	فردریک گلیوم سیم (پادشاه پروس): ج ۲ ص ۱۶۵۶، ۱۲۲۶	
	فردریک گلیوم لوی پلد اگوست (ولیمهد اولایان): ج ۱ ص ۵۶۱، ج ۳ ص ۲۱۲۷	
	فردریک گلیوم نیکل شارل (ولیمهد آلمان): ج ۱ ص ۵۶۱، ج ۲ ص ۲۱۲۷	
	فردریک گلیوم: ج ۳ ص ۱۷۰۸	
	فردریک هفتم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۱۸۵۲، ۱۲۰۳	
	فردریک هانری (پادشاه هلند): ج ۲ ص ۹۵۲	
	فردریگم (پادشاه پروس): ج ۳ ص ۱۸۲۵	
	فردوسی - ابوالقاسم...	
	فردیناند (پرس -) : ج ۳ ص ۱۷۷۶	
	فردیناند (پادشاه آلمان): ج ۲ ص ۸۲۲	
	فردیناند (پادشاه اسپانیول): ج ۲ ص ۷۲۸، ۷۲۶، ۷۳۳	

فرمانفرما، نصرت الدوله: ج ۲ ص ۱۲۲۲؛
 ج ۲ ص ۱۹۹۳.
 غوثان کرتس: ج ۲ ص ۷۶۸.
 غوث الدوله (دختر ناصرالدین شاه): ج ۲
 ص ۲۰۶۲.
 غوثی، میرزا محمد حسین ادیب: ج ۲
 ص ۱۱۹۶؛ ج ۳ ص ۲۰۳۱.
 غره بن میرزا محمداسی (عامل روم -
 اعراب): ج ۱ ص ۳۰.
 غره بن نوفل الاشجی (از رؤسای خوارج):
 ج ۱ ص ۶۷.
 فرهاد (میرزا -) شاکرد دواسار: ج ۱
 ص ۵۲۷؛ ج ۲ ص ۲۱۳۱.
 فرهاد بیگ (ولد حسام سلطان فرامانلو):
 ج ۲ ص ۸۸۰.
 فرهاد پاشا (فرمانروای قرمان): ج ۲ ص
 ۸۳۳.
 فرهادخان فرامانلو: ج ۲ ص ۸۸۵-۸۸۱.
 ۸۹۳-۸۹۰.
 فرهاد قلی: ج ۲ ص ۸۲۵.
 فرهاد میرزا، حاجی مستبدالدوله نایب -
 الایاله (پسر نایب السلطنه عباسی
 میرزا): ج ۱ ص ۵۰۱؛ ج ۲ ص
 ۱۵۲۰-۱۶۱۷-۱۶۳۱-۱۶۳۵-۱۶۳۸.
 ۱۶۳۹-۱۶۵۲-۱۶۵۹-۱۶۶۹-۱۸۱۳.
 ۱۸۲۳-۱۸۲۹-۱۸۳۰-۱۸۳۳-۱۸۵۷.
 ۱۸۹۸-۱۸۹۹-۱۹۰۵-۱۹۰۸-۱۹۱۲.
 ۱۹۱۶-۱۹۲۶-۱۹۳۳-۱۹۶۳-۱۹۰۷.
 ۲۰۲۲-۲۰۶۳-۲۰۶۷.
 فریدالدین شکرگنج (شیخ -): ج ۲ ص
 ۵۸۳.
 فریدون بیگ (حاکم بندرعباس): ج ۲ ص
 ۹۶۸.
 فریدون بیگ، نایب اول (در قایم و
 سپستان، مأمور بحویلداري بوختانه
 های سرحدات): ج ۲ ص ۱۲۳۵.
 فریدون (میرزا -) خان خان حلال غور
 بندهی مازندران (معروف به میرزا
 خانلو): ج ۳ ص ۱۳۸۵-۱۵۹۸.
 فریدون خان (بیگلر بیگی استرآباد): ج ۲
 ص ۹۱۵.
 فریدون خان (حاکم بندرعباس): ج ۲ ص
 ۹۷۱.

فریدون میرزا (امیرزاده -) پسر سالار
 (از ارباب مناصب): ج ۳ ص ۲۱۱۹.
 فریدون میرزا (حاجی -): ج ۱ ص
 ۵۰۲؛ ج ۲ ص ۱۲۲۰؛ ج ۳ ص
 ۲۰۶۳.
 فریدون میرزا (عهد شاه طهماسب): ج ۲
 ص ۱۰۸۶.
 فریدون میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۲ ص
 ۱۶۰۶-۱۶۱۷.
 فریدون میرزا فرمانفرما: ج ۱ ص ۵۳۹؛ ج ۲
 ص ۱۲۶۹؛ ج ۳ ص ۱۶۲۹-۱۶۳۲-۱۶۳۳-۱۶۳۷-۱۶۳۹-۱۶۶۷-۱۷۷۲.
 ۱۷۸۳.
 فروسینیه (وزیر خارجه فرانسه): ج ۳ ص
 ۲۰۵۱.
 فصیح الدین (صاحب دارا): ج ۲ ص ۷۵۶.
 فصیح الدین خوانی: ج ۲ ص ۷۶۵.
 فضاله بن جیوس: ج ۱ ص ۲۳۶.
 فضاله بن عبدالله الانصاری: ج ۱ ص
 ۷۶-۷۸.
 فغان آقا (سرتیپ): ج ۳ ص ۱۶۴۲.
 ۱۷۲۷-۱۸۳۲.
 فضل (میرزا -) اصغر دیوان: ج ۲ ص
 ۱۶۲۵.
 فضل، پسر بدر جمالی (وزیر المستنصر
 قلی): ج ۱ ص ۲۳۷.
 فضل بن جعفر بن نوات: ج ۱ ص ۲۲۹.
 فضل بن حسن (فقلویه): ج ۱ ص ۶۲۰.
 فضل (خارجی): ج ۱ ص ۱۶۱.
 فضل بن ربیع: ج ۱ ص ۱۵۹-۱۷۹-۱۷۰.
 فضل بن روح بن خاتم (حاکم افریقا):
 ج ۱ ص ۱۶۱.
 فضل بن سلمان طوسی، ابوالعباس (حاکم
 خراسان): ج ۱ ص ۱۵۴.
 فضل بن سهل، ذوالریاستین: ج ۱ ص
 ۱۶۸-۱۶۹-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۶.
 ۱۷۷.
 فضل بن سیف بن فضل بن عیسی (از آل
 افضل): ج ۲ ص ۷۲۳.
 فضل بن شیبث العقیلی: ج ۱ ص ۱۷۳.
 فضل بن صالح (والی جزیره): ج ۱ ص
 ۱۵۰-۱۵۲.
 فضل بن عباس بن ربیع: ج ۱ ص ۸۴.

فضل بن قارن برادرمازیار، (عامل حمص).
 ج ۱ ص ۲۰۲.
 فضل بن کایس بن جاورخه: ج ۱ ص ۱۷۹.
 فضل بن مروان (وزیر مدینه): ج ۱ ص
 ۱۸۵-۱۹۳.
 فضل بن منصور بن طریف الفارقی (امیر،
 شاعر): ج ۱ ص ۳۱۷.
 فضل بن موسی بن بقاء: ج ۱ ص ۲۲۶.
 فضل بن واثق: ج ۱ ص ۲۵۹.
 فضل بن یحیی بن خالد بن برمک: ج ۱
 ص ۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۷۰.
 فضل الله: ج ۱ ص ۵۲۹.
 فضل الله (میرزا -): ج ۱ ص ۵۱۹.
 فضل الله استرآبادی: ج ۲ ص ۶۸۲.
 فضل الله (میرزا -) از اجزای پشخانده
 ج ۲ ص ۲۱۲۲.
 فضل الله (میرزا -) رئیس سلطان آباد:
 ج ۱ ص ۵۲۲.
 فضل الله (میرزا -) سرشته دار: ج ۱
 ص ۵۵۱-۵۵۲.
 فضل الله طبیب (صاحب جامع رشیدی):
 ج ۳ ص ۱۲۲۴.
 فضل الله (میرزا -) نایب ایشیک آقاسی
 باشی: ج ۲ ص ۱۸۰۴.
 فضل الله خان (اولاد بیگلر بیگی): ج ۱
 ص ۵۲۶.
 فضل الله خان (میرزا -) حاکم فیروز
 کوه: ج ۱ ص ۵۶۰؛ ج ۲ ص ۱۳۰۱.
 ج ۳ ص ۲۱۲۵.
 فضل الله خان (میرزا -) سرتیپ (رئیس
 تلگرافخانه مشهد): ج ۱ ص ۵۵۱.
 ج ۲ ص ۲۱۲۵.
 فضل الله (میرزا -) خان (سرکرده)
 غلامان سزوری: ج ۲ ص ۲۰۸۸.
 فضل الله خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۲؛ ج ۲
 ص ۱۸۸۲-۲۰۸۵.
 فضل الله (میرزا -) خان (از سواره
 مبدالطکی): ج ۱ ص ۵۲۱؛ ج ۲
 ص ۲۰۹۰.
 فضل الله خان شاطر باشی (پسر صارم
 الطک): ج ۱ ص ۵۵۲؛ ج ۲ ص
 ۱۹۹۳-۲۰۰۵.
 فضل الله (میرزا -) خان (کان سردار)

بیستی: ج ۱ ص ۵۳۵: ج ۲ ص ۱۹۷۲
 فضل الله مستوفي (میرزا -): ج ۲ ص ۲۱۱۱، ۲۰۹۹
 فضل الله (میرزا -) خان (منشی‌باشی):
 ج ۱ ص ۵۵۷: ج ۲ ص ۱۲۹۵: ج ۲ ص ۲۱۴۰، ۲۰۴۰
 فضل الله خان (باب آجودان‌باشی):
 ج ۳ ص ۲۰۷۳
 فضل الله (میرزا -) شیرازی (متخلص به طاووس، صاحب کتاب تاریخ صاحب‌فرانی): ج ۲ ص ۱۱۷۸: ج ۳ ص ۱۵۳۹، ۱۵۲۹، ۱۳۶۴
 فضل الله علی آبادی - فضل الله نصیر الطک
 فضل الله شریف (صاحب منصب فوج):
 ج ۲ ص ۱۳۰۰: ج ۳ ص ۲۱۴۴
 فضل الله میرزا (پسر میرزا الدوله): ج ۲ ص ۲۰۶۴
 فضل الله نصیر الطک علی آبادی: ج ۳ ص ۱۵۳۵، ۱۵۲۹، ۱۵۵۲، ۱۶۳۰، ۱۶۳۸، ۱۶۵۳، ۱۶۹۱، ۱۸۱۰
 فضل الله نورانی: ج ۲ ص ۵۸۲
 فضل الله (میرزا -) توری، وزیر نظام (برادر صدر اعظم): ج ۳ ص ۱۷۲۶، ۱۷۳۲، ۱۷۳۸، ۱۷۲۴، ۱۷۷۵، ۱۷۶۱، ۱۷۷۰، ۱۷۸۱، ۱۷۹۵، ۱۸۰۲، ۱۸۰۴، ۱۸۲۶، ۱۸۳۳
 فطه بن نعیم التمشلی: ج ۱ ص ۱۳۳
 فقیل بن عیاض (زاهد): ج ۱ ص ۱۶۷
 فضلعلی (فضلعلی) آقا (جد خوانین کبار):
 ج ۳ ص ۱۳۶۲
 فضلعلی بیگ شامیانی: ج ۲ ص ۱۳۲۸
 فضلعلی خان: ج ۳ ص ۱۶۴۹، ۱۶۹۴، ۱۷۲۹
 فضلعلی خان سرتیپ: ج ۳ ص ۲۰۸۳
 فضلعلی علی خان (حاجی -) سرهنگ:
 ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۳
 فضلعلی خان قاجار: ج ۳ ص ۱۵۵۲
 فضلعلی خان قزاقی: ج ۳ ص ۱۶۲۹، ۱۶۳۳، ۱۶۳۶، ۱۶۴۲، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۳، ۱۶۵۶

فضلعلی خان قزاقی (ولد حاجی مهدی علی خان جان نثار دولت): ج ۳ ص ۱۵۷۵
 فضلعلی خان میرنده: ج ۳ ص ۱۳۳۵
 فخر بن خلیفه الکوفی: ج ۱ ص ۱۲۶
 فغان علی خان: ج ۲ ص ۱۱۷۲، ۱۱۲۲
 فکس (از مطارف انگلیس): ج ۲ ص ۱۱۷۰
 فوری (وزیر مالیه فرانسه): ج ۳ ص ۱۳۹۰
 فلک الدین سلطان (برادر ملک عادل):
 ج ۱ ص ۴۲۱
 فلیپ آگوست (پادشاه فرانسه): ج ۱ ص ۲۲۳، ۲۱۱
 فلیپ اول (پادشاه فرانسه): ج ۱ ص ۳۲۲، ۳۲۷
 فلیپ پنجم (پادشاه اسپانیا): ج ۲ ص ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰
 فلیپ پنجم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۶۲۱
 فلیپ چهارم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۵۹۹
 فلیپ چهارم (پادشاه اسپانیا): ج ۲ ص ۹۷۱
 فلیپ دانجر (نوه لوی چهاردهم): ج ۲ ص ۱۰۰۱
 فلیپ دوک نارینگان: ج ۲ ص ۱۰۱۳
 فلیپ دوم: ج ۱ ص ۲۰۴
 فلیپ دوم (پادشاه اسپانیا): ج ۲ ص ۸۳۲، ۸۲۹، ۸۶۵، ۸۹۲، ۸۹۵
 فلیپ سیم (پادشاه اسپانیا): ج ۲ ص ۹۱۷، ۸۹۵
 فلیپ سیم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۵۹۹، ۵۹۹
 فلیپ (پسر شارلکن): ج ۲ ص ۸۲۵
 فلیپ ششم (شاه فرانسه): ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۲۸
 فلیپسوف (مسیو -) مترجم دوم: ج ۱ ص ۵۳۷
 فلیپ ل بو: ج ۲ ص ۷۲۱
 فطن: ج ۲ ص ۱۰۰۰، ۱۰۱۳
 قوااقتدی: ج ۲ ص ۱۷۵۱
 قوااقتا (صدر اعظم عثمانی): ج ۲ ص ۱۸۲۵، ۱۸۲۷، ۱۸۲۰، ۱۸۲۶

۱۸۵۵، ۱۸۵۸، ۱۸۸۱، ۱۸۹۰، ۱۹۱۲
 فودک (از نسل ترک بن یافث): ج ۳ ص ۱۳۲۸
 فوشه (وزیر ناهلینون): ج ۲ ص ۱۵۳۲
 فوکار واندولیس (مهندس ژاپنی): ج ۲ ص ۲۰۰۹
 فولاد پاشا (والی ادرنه): ج ۲ ص ۱۰۳۲
 فولاد خان (پسر شاه بیگ خان): ج ۲ ص ۶۷۱
 فولاد خان (والد عادل گرای خان): ج ۲ ص ۱۱۱۳
 فولاد خلیفه شاطو: ج ۲ ص ۸۶۲، ۸۷۰
 فولاد سلطان: ج ۲ ص ۸۳۰، ۸۵۶
 فولاد محمد خان: ج ۲ ص ۶۲۹
 فولتن: ج ۳ ص ۱۲۶۶
 فونتن: ج ۲ ص ۹۸۱
 فیاض بن مهنا (از آل افضل): ج ۲ ص ۷۲۳
 فیروز (حاجی آقا) خواجه: ج ۱ ص ۵۳۱
 فیروز (بی) - (ظهار وزارتخارجه): ج ۱ ص ۵۳۳
 فیروز آبادی - ابوالساق شیرازی...
 فیروزخان آجودان‌اول: ج ۳ ص ۲۱۰۲
 فیروز دلمی (عادل ستاره در منطقه‌ای):
 ج ۱ ص ۷۸
 فیروز الدین (حاجی -) میرزا افغان (والی هرات): ج ۲ ص ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۱۸
 ۱۵۱۹، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۰
 ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷
 فیروز الدین خان افغان (حاجی -):
 ج ۲ ص ۱۶۰۷
 فیروز شاه بهمنی (شاه هکن): ج ۲ ص ۶۶۲، ۶۸۲
 فیروز شاه دهلوی (حاکم دهلوی): ج ۲ ص ۶۲۸، ۶۲۸
 فیروز کوهی - ابراهیم خان...
 فیروز میرزا (پسر تیمور شاه و برادر محمود میرزا افغان): ج ۳ ص ۱۲۴۴، ۱۲۵۲، ۱۲۶۵
 فیروز میرزا فرمانفرما نوره الدوله: ج ۱ ص ۵۰۱: ج ۲ ص ۱۶۱۷، ۱۶۲۰، ۱۶۳۳

۱۶۳۷، ۱۷۰۶

فیروزان (سرفار عجم): ج ۱ ص ۴۹، ۴۰، ۳۹، ۳۲

فیروزه بیگم (مادر سلطان حسین میرزا تیموری): ج ۲ ص ۷۱۹

فیض بن الخضر: ج ۱ ص ۲۳۰

فیضعلی شاه افغانی (پدر توره‌علی شاه): ج ۲ ص ۱۲۰۰

فیضی الهندی: ج ۲ ص ۱۲۸۵

فیودور دوم (پادشاه روس): ج ۲ ص ۹۸۷، ۹۹۰

فیویان: ج ۱ ص ۴۲

ق

قلائی: ج ۳ ص ۱۸۸۶

قاپوسی بن وشگیر بن زیار، شمس المعالی (حاکم طبرستان): ج ۱ ص ۲۷۷

۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۸، ۳۱۱

قادر بن قیس (از امیران سپاه معاویه در صفین): ج ۱ ص ۶۵

قاجار پرتاک: ج ۳ ص ۱۳۳۸

قاجارخان (پسر ارغون خان): ج ۲ ص ۱۳۳۹، ۱۳۴۳

قاجار نویان (پسر سرتاق نویان): ج ۳ ص ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۶۵، ۱۳۶۷

قادر (شیخ -): ج ۱ ص ۲۷۸، ۲۷۷

القادر بالله عباسی، ابوالعباس احمد: ج ۱ ص ۲۸۵، ۲۹۲، ۳۰۸

قادرخان عرب بستانی: ج ۳ ص ۱۳۸۶، ۱۳۸۷

قادر شاه: ج ۲ ص ۷۹۱

قاراز ارش نیش: ج ۲ ص ۱۸۰۷

قارالین مهنا (از آل افضل): ج ۳ ص ۷۲۳

قارن (میرزبان عجم): ج ۱ ص ۵۸

قارن بن قریانس (سرفار عجم): ج ۱ ص ۳۳

قازقین (فرزند بلدوز): ج ۳ ص ۱۳۳۵

قاسم ۵۴: ج ۲ ص ۱۱۷۲

قاسم (پسر ابوبکر محمد بن علی...): القفال الشاشی (صاحب تقریب): ج ۱ ص ۲۷۶

قاسم بن ابی طلحه (خلیفه) علوی حسینی

(امیر مکه): ج ۱ ص ۲۳۷، ۲۹۲

قاسم بن اندیس (والی طنجه): ج ۱ ص ۱۸۳

قاسم برید شاه: ج ۲ ص ۸۹۵

قاسم بیگ پرتاک: ج ۲ ص ۷۳۶

قاسم بیگین جهانگیر بیگ: ج ۳ ص ۷۳۲

قاسم بیگ شیروانی: ج ۲ ص ۸۲۲

قاسم (میرزا -) جنابدی (کونابادی): ج ۲ ص ۷۶۹، ۸۶۰

قاسم حالی: ج ۲ ص ۹۱۷

قاسم بن حنبله (از امیران سپاه علی (ع) در صفین): ج ۱ ص ۶۴

قاسم خان: ج ۳ ص ۱۵۷۲، ۱۸۱۵

قاسم خان (امیر -): ج ۳ ص ۱۷۵۷

قاسم خان الان براغوشی: ج ۲ ص ۱۶۳۲

قاسم خان بختیاری: ج ۲ ص ۱۰۸۸

قاسم خان (حکمران دشت قباقل): ج ۲ ص ۷۷۱

قاسم خان خلج (میرزا -): ج ۲ ص ۱۶۱۲

قاسم خان دولوی قاجار: ج ۳ ص ۱۳۹۸

قاسمخان، سردار دارالشکوه: ج ۲ ص ۹۶

قاسم خان (سرگودره غلام تنگچیان): ج ۲ ص ۱۴۹۸

قاسم خان سرهنگ: ج ۳ ص ۱۵۷۷

قاسم خان صاحب جمع: ج ۳ ص ۱۷۵۶

قاسم خان (غلام بیخودمت): ج ۳ ص ۱۷۳۶

قاسم خان قاجار (طرحی باشی): ج ۲ ص ۱۷۱۲، ۱۷۰۶

قاسم خان قزانلو: ج ۳ ص ۱۳۸۲

قاسم خان (کارپرداز نظیس): ج ۲ ص ۱۷۷۲

قاسم خان مراغای (سرتیپ سیم): ج ۱ ص ۵۰۸

قاسم خان ملایری (نایب آجودان باشی): ج ۲ ص ۱۲۲۸، ۲۰۷۲

قاسم خان (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹

قاسم خان والی (حکمران فارس): ج ۳ ص ۱۹۳۲

قاسم (امیر -) خان (ولیمید): ج ۳ ص ۱۸۰۴

قاسم خان هزار جریبی (سرهنگ قسوج

تیموری): ج ۳ ص ۱۵۵۹، ۱۵۶۹، ۱۶۳۷

قاسم (برادر سلطان مراد خان): ج ۲ ص ۹۳۸

قاسم سلطان (صاحب دشت قباقل): ج ۲ ص ۷۵۱

قاسم سلطان (نیمروه ندرمصدق خان): ج ۲ ص ۹۵۰

قاسم بن سیم: ج ۱ ص ۲۴۰

قاسم (طاحی -) خربندار باشی ناظم البکا: ج ۱ ص ۵۲۰

قاسم بن عبدالله (وزیر خلیفه المکتفی): ج ۱ ص ۲۲۵

قاسم بن عمر بن علی الحموی، ابن فارسی (صاحب دیوان): ج ۱ ص ۲۴۴

قاسم بن غالب لنوی: ج ۲ ص ۳۱۷

قاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق (نختر -): ج ۱ ص ۱۲۲

قاسم بن محمد ثقفی (طایف اراضی هند): ج ۱ ص ۱۰۲

قاسم (ازنشیان): ج ۱ ص ۵۲۸

قاسم (میشینان): ج ۳ ص ۲۱۰۰

قاسم میرزا (ملک -) پسر فتعلی شاه: ج ۳ ص ۱۵۱۸، ۱۴۸۷

قاسم بن هارون الرشید، موتمن (حاکم جزیره و قسریں): ج ۱ ص ۱۶۶

قاسم بن هاشم علوی الحسینی (امیر مکه): ج ۱ ص ۴۶۷

قاسم بن یوسف بن عبدالرحمن فهری: ج ۱ ص ۱۵۶

قاضی جهان قزوینی: ج ۲ ص ۷۷۰، ۷۹۱

قاضی خان صدر: ج ۲ ص ۵۹۰، ۹۱۱

قاضی بن الخلال (صاحب دیوان انطا): ج ۱ ص ۴۹۹

قاضی سلطان: ج ۲ ص ۹۱۱

قاضی القضاة باغشانی: ج ۱ ص ۴۰۹

قاضی محمد (پدر علی طلیعی): ج ۱ ص ۳۲۸

قاضی محمد (حاکم کاشان): ج ۳ ص ۷۲۲

۸۳۱

قازوف (مترجم): ج ۲ ص ۱۹۷۹.
 قارود بن جفر بیگ بن میگائیل بن
 سلجوق: ج ۲ ص ۱۹۰۴.
 القاهر بالله: ج ۱ ص ۲۹۸.
 قائم، ابوالقاسم بن مهدی علوی قاطبی
 (حکمران مغرب): ج ۱ ص ۲۲۸ تا
 ۲۵۰، ۲۵۷.
 القائم بامر الله، ابو جعفر عبدالله بن
 القادر: ج ۱ ص ۲۰۸، ۲۲۲، ۲۲۳.
 ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۲ تا ۲۳۵.
 ج ۲ ص ۷۶۲.
 قائم مقام قزاقی ابوالقاسم (میرزا -):
 ج ۲ ص ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۶۱۶.
 قائم مقام - بزرگ قائم مقام (میرزا -)
 قائم مقام (آقا میرزا علی): ج ۲ ص
 ۱۲۵۳.
 ج ۲ ص ۲۰۲۵، ۲۰۹۸.
 قائم مقام میرزا محمد صادق: ج ۲ ص
 ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۳۳.
 قائم مقامی: ج ۲ ص ۱۵۱۴.
 قافی خان (پسر سیم) عیسی بن اسحق:
 ج ۲ ص ۱۳۴۱، ۱۳۴۳.
 قای (فرزند گون خان مغول): ج ۲ ص
 ۱۳۳۴.
 قباد (بردار عجم): ج ۱ ص ۲۲.
 قباد (پسر میرزا اسکندر قزاقی): ج ۲
 ص ۷۱۹.
 قباد بن اسکندر بن قرايوسف: ج ۲ ص
 ۶۹۱.
 قباد خان شقاقی: ج ۲ ص ۱۷۳۲.
 قباد خان قشقلی: ج ۲ ص ۱۷۶۹.
 قبادخان مکرزی: ج ۲ ص ۹۰۵.
 قباد بن نوشیروان: ج ۲ ص ۸۵۸.
 قبیق بن الب ارسلان شاه ترکمانی: ج ۱
 ص ۳۷۷.
 قبرس لی پاشا: ج ۲ ص ۱۸۲۰.
 قبالای قان (برادر سنگولان): ج ۲ ص
 ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۹۰، ۵۹۷، ۶۰۱.
 ج ۲ ص ۱۳۳۵، ۱۳۳۲، ۱۳۳۶.
 ۱۷۶۱.
 قبیحه، ام ولد (مادر المعتز): ج ۱ ص
 ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۰.
 قبیحه بن خویب الکزامی (مهردار عبد-

الملك): ج ۱ ص ۹۷.

قبیحه بن شداد (از امیران سپاه علی
 (ع) در صفین): ج ۱ ص ۶۲.
 قتاده بن ادريس العلوی الحسنی (امیر
 مکه): ج ۱ ص ۲۲۳، ۲۲۵.
 قتاده بن دعامة بصری اعمی: ج ۱ ص
 ۱۱۷.
 قتاده بن نضال الانصاری: ج ۱ ص ۵۲.
 قطلج اینانج: ج ۱ ص ۴۱۴.
 قطنش بن ارسلان سلجوقی: ج ۱ ص ۳۳۰.
 قضیه بن مسلم باطنی (والی خراسان): ج
 ۱ ص ۹۷ تا ۱۰۴، ۱۰۷.
 قنبره: ج ۱ ص ۶۰.
 قثم بن عباس بن عبدالله (حاکم بصره):
 ج ۱ ص ۱۲۵، ۱۵۰.
 قثم بن عباس بن عبدالملک (حاکم مکه
 و طائف از سوی علی (ع)): ج ۱
 ص ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱.
 قثم بن عبدالله خارثی: ج ۱ ص ۷۰.
 قطیبه بن شیب: ج ۱ ص ۱۲۹، ۱۳۰.
 قتاده بن مظین الجبلی: ج ۱ ص ۶۹.
 ۶۲.
 قندان (از جلایر): ج ۱ ص ۱۳۳۲.
 قنوت الله آقا: ج ۲ ص ۱۷۶۰.
 قنرخان، یوسف بن بخرخان هارون بن
 سلیمان (پادشاه ترکستان): ج ۱ ص
 ۳۰۲، ۳۰۹.
 قنارسلطان بن داود بن سلمان بن ارتق
 قنوالدین: ج ۱ ص ۲۵۷، ۲۹۲.
 ۳۹۵.
 قرا اوغلان آن بیگی: ج ۲ ص ۱۶۸۶.
 قراپوری قواچی: ج ۲ ص ۷۳۹.
 قراجا (اتابک سلجوق): ج ۱ ص ۳۷۲.
 قراخان: ج ۲ ص ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱.
 قراخان، ابونصر احمد بن طفاخان (پادشاه
 ترکستان): ج ۱ ص ۳۰۲.
 قراخان (حاکم بندر عباس): ج ۲ ص ۹۴۴.
 قراسلطان ازبک: ج ۲ ص ۷۷۷.
 قراشفر منصور، شمس الدین (نایب
 سلطنت حلب): ج ۲ ص ۵۹۷، ۶۰۲.
 قراطیسی، مادر الواثق بالله خلیفه عباسی
 (ام ولد رومی): ج ۱ ص ۱۸۸.
 قراشمان بایندر (حکمران دیار بکر): ج ۲

ص ۶۷۰.

قراشباد: ج ۲ ص ۸۰۴.
 قراشخان: ج ۲ ص ۹۲۰، ۹۲۹.
 قراشوش (سلوک تقي الدین عمر بن شاهنشاه
 ابن ایوب): ج ۱ ص ۲۰۰.
 قرا محمد: ج ۲ ص ۶۵۹.
 قراستغنی (مدر اعظم عثمانی): ج ۲ ص
 ۹۹۰.
 قراطلاکو (از فرزندان طلائع): ج ۲ ص
 ۶۲۹.
 قرايوسف ترکمان: ج ۲ ص ۶۵۵، ۶۶۰.
 ۶۶۵، ۶۶۸، ۶۷۳ تا ۶۷۵، ۶۸۰.
 ۶۸۱.
 قرايوسف (امیر -) بن قرا محمد بن
 بیروم خواجہ (اولین امیر قزاقیستلو):
 ج ۲ ص ۶۵۹، ۷۱۸.
 قربان (پسر یکی از قاطین حسنقلی خان
 جهاننور): ج ۲ ص ۱۵۲۶.
 قربانقلی (میرزا -) سرافنده دار: ج ۱ ص
 ۵۰۶، ج ۲ ص ۲۰۷۰.
 قربانقلی میرزا (پسر سز الدوله): ج ۲
 ص ۱۲۲۵، ج ۲ ص ۲۰۶۲.
 قربانقلی (حاجی -) نایب اول (از
 حاضرین رکاب): ج ۲ ص ۲۰۷۷.
 قربان قلیچ خان ترکستان: ج ۲ ص
 ۱۵۰۸، ۱۵۲۹.
 قرجای بیگ: ج ۲ ص ۸۹۸، ۹۱۳، ۹۱۴.
 قرجای خان: ج ۲ ص ۹۱۸، ۹۲۰، ۹۲۷.
 ۹۵۲.
 قرطه (نام شیر): ج ۱ ص ۴۳.
 قرطه بن کتب (بردار اسلام در فتحی):
 ج ۱ ص ۵۱.
 قرقویه (عامل حلب از جانب سیزدالدوله):
 ج ۱ ص ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۸۱.
 قرقوه: ج ۲ ص ۲۶۲، ۸۰۹، ۸۱۸، ۸۱۹.
 قرط: ج ۱ ص ۲۱۸.
 قروانی بن محمد بن سبب علیکی (امیر
 موصل): ج ۱ ص ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۵.
 ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۱.
 قروت بن نودل اشجعی: ج ۱ ص ۶۷.
 قزوه بن شریک (والی بصره): ج ۱ ص ۱۰۰.
 ۱۰۳، ۱۰۴.
 قزوه العین: ج ۲ ص ۱۶۸۷.

قريب ازدي (از خوارج): ج ۱ ص ۷۶.
 قريش بن بديوان بن بلكه: ج ۱ ص ۳۰۹.
 ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۷.
 قزاق: ج ۲ ص ۸۲۲، ۸۲۶.
 قزاق خان (ببكر بكي سابق شيروان):
 ج ۲ ص ۹۲۷، ۹۲۲.
 قزاق خان (سلطان الويس جغتاي): ج ۲
 ص ۶۳۵، ۶۳۲.
 قزوين: ج ۲ ص ۶۳۵.
 قول ارسلان عثمان بن دكر: ج ۱ ص ۳۹۰.
 ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳.
 قول ارسلان ميرزا (نائب آجودان باشي):
 ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۲
 ص ۲۰۷۳.
 قسام: ج ۱ ص ۲۷۸.
 قسطنتر خان (انزال -) سرنيپ شهبندر
 باشي: ج ۱ ص ۵۳۷.
 قسطنطين، پسر لئون سيم (امبراطور -
 قسطنطينه): ج ۱ ص ۲۳۱.
 قسطنطين (وليعهد روس): ج ۲ ص ۱۵۷۰.
 قسطنطين (وليعهد يونان): ج ۱ ص ۵۶۳.
 ج ۲ ص ۲۱۵۰.
 قسطنطين پنجم: ج ۱ ص ۱۵۲.
 قسطنطين بن هرقل (امبراطور روم): ج ۱
 ص ۶۰۰، ۶۰۷، ۷۳، ۸۲، ۱۲۳، ۱۳۳.
 ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۲.
 نسيم الدوله - آقسنقر
 قشيري - ابوالقاسم ... القشيري
 قشقه (هندست ابن طهم): ج ۱ ص ۷۱.
 قطب الدين (حاكم فارس): ج ۱ ص ۶۳۰.
 قطب الدين اولاغ شاه: ج ۱ ص ۴۴۲.
 قطب الدين امامي (قاضي): ج ۲ ص
 ۷۲۱.
 قطب الدين ابيك (والي دهلې): ج ۱ ص
 ۳۸۵، ۳۳۰، ج ۲ ص ۶۶۲.
 قطب الدين ايلغازي بن نجم الدين (از
 ارتقيه): ج ۱ ص ۴۰۷، ج ۲ ص
 ۶۷۰.
 قطب الدين بخدايي: ج ۲ ص ۸۳۷.
 قطب الدين توني: ج ۲ ص ۶۲۲.
 قطب الدين علامه زاي: ج ۲ ص ۶۲۵.
 قطب الدين سلطان (از ارتقيه): ج ۲ ص
 ۶۷۰.

قطب الدين شاه علي سيستاني: ج ۲ ص
 ۷۰۲.
 قطب الدين شاه محمود بن امير محمد بن
 مظفر: ج ۲ ص ۶۲۹، ۶۲۹.
 قطب الدين فسلاني: ج ۲ ص ۶۰۰.
 قطب الدين قهباز (سرگرد قشون بغداد):
 ج ۱ ص ۴۰۱.
 قطب الدين گجراتي: ج ۲ ص ۷۰۹.
 قطب الدين لكاه (صاحب طنان): ج ۲
 ص ۷۲۰.
 قطب الدين محمد بن تگش: ج ۱ ص ۲۱۶.
 ۲۱۹، ۲۲۰.
 قطب الدين محمد بن عماد الدين زنكي:
 ج ۱ ص ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۶.
 ۲۲۳.
 قطب الدين محمد مفتي: ج ۲ ص ۷۳۱.
 قطب الدين محمود شيرازي: ج ۱ ص ۵۹۷.
 قطب الدين مودود بن عماد الدين زنكي:
 ج ۱ ص ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۰.
 ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۸.
 قطب الدين نائي: ج ۲ ص ۶۶۵.
 قطب الدين نيكروز: ج ۲ ص ۶۲۱.
 قطب الدين يحيى وزيرجاني: ج ۲ ص ۶۳۱.
 قطب الدين يخال بن حمان: ج ۱ ص ۳۹۵.
 قطب شاه (قطب الملوك، محمدعلي تركمان
 بهارلو): ج ۲ ص ۷۵۸، ۸۸۲.
 قطرب، محمد بن مستيز نحوي (شاگرد
 سيويه): ج ۱ ص ۱۷۹.
 قطرالندى (مختار عماريوي زوجة المصنف):
 ج ۱ ص ۲۲۰، ۲۲۳، ۳۳۰، ۳۳۷.
 قنوي (از خوارج): ج ۱ ص ۹۳.
 قنر سيف الدين (قدوز) ملكسنقر (سلطان
 مصر): ج ۲ ص ۵۸۰، ۵۸۱.
 قنن بن قتيبه: ج ۱ ص ۱۱۳.
 قنقاع بن ازهر (از اميران سياه معاويه بن
 صفين): ج ۱ ص ۶۵.
 قنقاع بن ذوالحاجب (سردار عجم): ج ۱
 ص ۴۰.
 قنقاع بن عمر تميمي: ج ۱ ص ۳۵، ۴۰.
 ۴۲ تا ۴۶، ۵۰، ۶۱.
 قنيج ارسلان (پسر ركن الدين): ج ۱ ص
 ۲۱۲.
 قنيج ارسلان بن سلطان سليمان ج ۱ ص

۲۲۵، ۲۵۱، ۲۵۸، ۲۱۲، ۲۲۳.
 قنيج ارسلان بن محمود ملحوفى (حكمران
 آسپاي صغير): ج ۱ ص ۳۸۸، ۳۹۰.
 ۲۹۲، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۱.
 قنيج ارسلان بن ملك منصور: ج ۱ ص ۲۲۲.
 قنيج خان تيموري (امير -): ج ۲ ص
 ۱۴۶۷، ۱۴۹۲، ۱۵۲۹، ۱۵۳۵.
 قنيج خان (حاكم استرآباد): ج ۱ ص ۹۸۶.
 قنيج خان سرتيپ: ج ۲ ص ۱۷۲۹.
 قنيج خان (سرهنگ جعفرآبادي): ج ۱ ص
 ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۴۵، ج ۳ ص ۲۰۹۰.
 قنلي خان آتايي: ج ۲ ص ۱۲۳۵، ج ۳
 ص ۲۰۸۹.
 قنلي خان اعتماد السلطنه - اعتماد
 السلطنه
 قنلي خان (حاجي -) از طائفه دولسو:
 ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۲
 ص ۲۰۶۵.
 قنليخان، سرتيپ (مهماندار سفرا و مستشار):
 ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۳ ص ۲۱۰۴.
 قنلي خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۲، ج ۲
 ص ۱۲۳۷، ج ۳ ص ۲۰۸۲.
 قنلي حراف (آقا -): ج ۱ ص ۵۵۲، ج
 ۳ ص ۲۱۱۲.
 قنير الدين خان: ج ۲ ص ۶۵۰.
 قنير (غلام سلطان حيدر): ج ۲ ص ۷۲۲.
 قنير بيگ بهارلو (باور دوم): ج ۱ ص
 ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۳.
 قنير علي خان سيمالطوك: ج ۱ ص ۱۷۳۹.
 ۱۸۲۳.
 قنير علي خان ماضي: ج ۲ ص ۱۸۳۸.
 ۱۶۳۲، ۱۶۳۶.
 قنير علي سلطان اسحاقلو: ج ۲ ص ۸۲۸.
 قنند علي بيگ: ج ۲ ص ۱۲۷۵.
 قوام الدين خواني (امير -): ج ۲ ص
 ۶۷۸.
 قوام طبيب (ميرزا -): ج ۱ ص ۵۲۷.
 قوام الدوله، ابوالقواسم بن بهاء الدوله
 (حاكم كرمان): ج ۲ ص ۳۰۵.
 ۳۰۷.
 قوام الدوله، ميرزا محمد: ج ۲ ص
 ۱۸۶۰، ۱۸۶۶، ۱۸۸۸، ۱۹۲۲، ۱۹۳۸.
 قوام الدوله (وزير خراسان): ج ۳ ص ۱۸۱۳.

۱۸۲۳ ۱۸۲۶ ۱۸۳۲ ۱۸۳۲
قوام الدوله (وزير رسايل خاصه): ج ۳ ص ۲۰۳۷ ۲۰۶۷ ۲۰۹۹
قوام الدين (سيد -): ج ۲ ص ۶۶۰
قوام الدين (ميرزا -): ج ۳ ص ۱۶۲۹
قوام الدين (ميرزا -) بهبهانی: ج ۳ ص ۱۷۰۶
قوام الدين (امير -) حسين امطهانی: ج ۲ ص ۷۷۰ ۷۷۶ ۷۸۲
قوام الدين حسینی (میر -): ج ۲ ص ۸۷۲ ۸۷۵
قوام الدين (میرزا -) برادر سلطان الطمعه: ج ۲ ص ۹۷۰
قوام الدين طبیب (میرزا -): ج ۲ ص ۲۱۳۱
قوام الدين فارسی (حاجی -): ج ۲ ص ۶۲۹
قوام الدين (میرزا -) محمد قزوینی: ج ۲ ص ۱۱۱۷
قوام الدين (سيد -) مرغشی: ج ۲ ص ۶۵۲ ۶۶۲
قوام الطیق شیرازی (حاجی -): ج ۲ ص ۱۲۹۷
۱۲۹۷ ۱۲۹۹ ۱۸۲۹ ۱۸۵۲ ۱۸۶۲
۱۸۷۲ ۱۹۹۶ ۲۱۲۱
نورجید بیگ افشار ارومی: ج ۲ ص ۱۱۲۲
نورجید خان کرد: ج ۲ ص ۱۵۳۰
نورجید خان کوانلو (حاکم راندگان): ج ۳ ص ۱۵۳۵
نورجی خلیفه (میرداد): ج ۲ ص ۸۵۵
نورث صاحب: ج ۳ ص ۱۶۲۷
نورمیر (امیر -): ج ۲ ص ۶۳۲
نورنجی (علامه -): ج ۲ ص ۷۲۲
نوشید خان آتاپای: ج ۲ ص ۱۲۳۵ ۲
ص ۲۰۸۹
نورمن ناصری: ج ۲ ص ۶۲۲
نوللوراکسی - اسمعیل (حاجی -): ...
نویل محمد: ج ۲ ص ۸۱۹
نهار علی میرزا (پسر شاهرخ میرزا): ج ۲ ص ۱۲۳۲
نهرمان (میرزا -): ج ۳ ص ۱۸۲۹
نهرمان (میرزا -) امین لشکر: ج ۱ ص ۶۶۲

نهرمان بیگ (بابر): ج ۱ ص ۵۱۰ ۲
ص ۱۲۳۱: ج ۳ ص ۲۰۷۵
نهرمان بیگ (ایلچی شاه صفی به سلطان مراد عثمانی): ج ۲ ص ۹۳۲
نهرمان (ننگینار خاصه): ج ۱ ص ۵۲۰
ج ۲ ص ۱۲۵۷: ج ۲ ص ۲۱۱۱
نهرمان خان (نایب آجوندانی): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۲ ص ۲۰۷۲
نهرمان میرزا امین لشکر (وزیر کرک): ج ۳ ص ۱۹۹۱
نهرمان میرزا (رئیس پیشقدمتای اداره پلیس): ج ۲ ص ۱۲۵۲
نهرمان میرزا (صاحب منصب مخصوص اداره پلیس): ج ۳ ص ۲۰۹۷
نهرمان میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۲ ص ۱۶۰۷ ۱۶۱۳ ۱۶۱۵ ۱۶۱۷ ۱۶۲۰
۱۶۳۲ ۱۶۵۲
نهره چی باشی (حاجی محمد خان): ج ۲ ص ۱۹۲۰
نهرات ترکمان: ج ۳ ص ۱۵۷۷ ۱۶۲۲
نهره (میرزا -): ج ۲ ص ۶۷۹
نهره خان (نهره اوکلی تا آن): ج ۲ ص ۵۸۰ ۵۹۰ ۵۹۳
نهره خان (از شاهان ترکستان): ج ۲ ص ۶۵۸
نهرخان بن قراچا (صاحب حصن): ج ۱ ص ۳۶۲ ۳۷۵
نهری الجهنی (از امیران سپاه علی (ع) در صفین): ج ۱ ص ۶۲
نهری بن سعد (ساده) بن عباده لادناری، ابوعبدالله (از امیران سپاه علی (ع) در صفین): ج ۱ ص ۶۱ ۶۲ ۶۴
۶۸ ۷۱ ۷۲ ۸۰ ۱۲۲
نهری بن هبیره السی (حاکم نیشابور): ج ۱ ص ۵۵
نهری بن هبیره مرادی: ج ۱ ص ۵۰
نهری بن هبثم السی: ج ۱ ص ۷۲ ۵۸
نهری خانم (دختر فتحعلشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۷
نهری دوم = هرقل: ج ۱ ص ۲۵ تا ۲۷
۲۶۲ ۲۹
نهرشاه بن علیج ارسلان، میرالدین (حکمران

آسیای صغریه): ج ۱ ص ۲۲۰ ۲۲۱
نهر میرزا (پسر شاهرخ): ج ۳ ص ۱۶۵۲
۱۲۶۲ ۱۲۶۵
نهری روسی: ج ۱ ص ۲۷



کابل شاه اعلان جنگی: ج ۲ ص ۶۶۲
۶۶۹
کاپتین کارن (فونسول انگلیس در حیدرآباد): ج ۳ ص ۱۸۷۱
کاپتین ماکگور: ج ۲ ص ۱۷۷۵
کاپتین وب: ج ۳ ص ۱۹۶۱
کاتب السلطان (میرزا محمد حسن): ج ۱ ص ۵۲۷: ج ۲ ص ۱۲۵۲
۲۰۹۷
کاترین (امپراتور روس): ج ۳ ص ۱۰۰۹
۱۰۱۰ ۱۰۱۳ ۱۰۲۰ ۱۰۲۲
۱۱۶۵ ۱۲۹۵ ۱۳۰۵ ۱۳۲۱
۱۳۳۲ ۱۳۴۰
کاترین نمیدی: ج ۲ ص ۸۲۹ ۸۳۲
۸۵۰ ۸۸۸
کادونال (از مقامین ناپلئون): ج ۲ ص ۱۲۷۲
کاراکوف (نویسنده روسی): ج ۳ ص ۱۸۷۹
کارامسین (مؤلف تاریخ روس): ج ۳ ص ۱۵۲۲
کارپسار: ج ۲ ص ۲۰۷۵
کارپینی (باب): ج ۱ ص ۲۵۲
کاردانو (سیسو -) کارپوداز در برودو: ج ۱ ص ۵۳۵
کاردینال آن توتلی: ج ۳ ص ۱۹۶۶
کاردینال آن توتلی: ج ۳ ص ۱۷۲۰
کاردینال پچی (باب) مطلب به: لشون سیزدهم: ج ۲ ص ۱۹۸۸
کاردینال سیمونی: ج ۳ ص ۱۹۶۶
کافی نقد (سیسو -) ریاست جمهوری اتالونی: ج ۱ ص ۴۹۱ ۵۶۲
کارکی سلطان احمد (والی گیلان): ج ۲ ص ۲۳۷ ۲۳۲ ۵۵۲ ۵۵۳
کارکی سلطان حسن: ج ۲ ص ۷۲۶ ۷۲۷ ۵۵۳
کارکی سلطان حسین بن کارکی: ج ۲ ص ۷۹۱
کارکی سلطان محمد: ج ۳ ص ۸۵۲

کارکیا شیه: ج ۳ ص ۸۵۲.
 کارکیا میرزا علی: ج ۲ ص ۷۳۷، ۷۳۰.
 ۷۲۵، ۷۲۷، ۸۵۲.
 کارکیا میرزا محمد (از ملوک گیلان):
 ج ۲ ص ۶۸۲، ۶۸۱، ۸۵۳، ۷۲۵.
 کارکیا ناصر (صاحب گیلان): ج ۲ ص ۶۹۹، ۸۵۲.
 کاروان: ج ۱ ص ۱۲۵، ۱۲۷.
 کارمک صاحب: ج ۲ ص ۱۷۵۶.
 کارولین آگوستا (امپراطریس اتریش): ج ۲ ص ۱۹۵۰.
 کازمیر اول (سلطان بهتان): ج ۱ ص ۳۱۶.
 کازولانی (حکیم): ج ۳ ص ۱۷۲۴، ۱۷۲۷.
 کاستن: ج ۲ ص ۱۷۲۹.
 کاظم (آخوند ملا): ج ۲ ص ۱۷۸۶.
 کاظم (میرزا): ج ۱ ص ۴۶۶.
 کاظم (میرزا): ج ۱ ص ۵۳۶.
 کاظم (میرزا سید): ج ۳ ص ۲۰۹۸.
 کاظم امین الشیخ (شهدی): ج ۱ ص ۵۳۲.
 کاظم (میرزا): ج ۱ ص ۵۴۱.
 کاظم (میرزا سید): ج ۲ ص ۲.
 کاظم (میرزا): ج ۱ ص ۱۲۷۱.
 کاظم خان: ج ۲ ص ۱۸۱۲.
 کاظم خان (حاجی میرزا): ج ۱ ص ۵۰۶.
 ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 کاظم خان: سرتیپ: ج ۱ ص ۵۱۵.
 کاظم خان سرتیپ (فرانسیسی): ج ۲ ص ۱۹۰۳.
 کاظم خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۳ ص ۲۰۹۲.
 کاظم خان سورتی هزار جریسی: ج ۳ ص ۱۱۷۷.
 ج ۳ ص ۱۲۹۹.
 کاظم خان شقاقی (سرهنگ خارج از قوچ):
 ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۳.
 کاظم خان فرانسیسی: ج ۳ ص ۱۹۰۸.
 کاظم خان قاطری باشی: ج ۱ ص ۵۵۳.
 کاظم خان قزاقی: ج ۳ ص ۱۷۲۷.
 کاظم خان قزاقی: ج ۲ ص ۱۱۶۳.
 کاظم خان (حاجی میرزا): لشکری: ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۳ ص ۲۰۶۹.
 کاظم خان (میرزا): لاله باشی: ج ۱ ص

۵۲۸، ج ۳ ص ۱۸۹۹، ۱۹۰۴، ۲۰۲۲.
 کاظم خان مستوفی (میرزا): ج ۳ ص ۱۷۲۹، ۲۰۹۹.
 کاظم (میرزا): خان (ولد میرزا آقاسا خان): ج ۲ ص ۱۷۰۰.
 کاظم خان (میرزا): نظام الملک (وزیر لشکر): ج ۱ ص ۵۰۳، ۵۰۴، ج ۲ ص ۱۱۸۵، ج ۳ ص ۱۹۲۲، ۱۹۲۹، ۲۰۲۲.
 ۱۹۵۳، ۱۹۶۵، ۲۰۲۲.
 کاظم رشتی (حاجی سید): ج ۱ ص ۱۶۷۰.
 کاظم (میرزا): پسر میرزا زین العابدین مستوفی (منشی اول اداره عثمانی): ج ۳ ص ۲۱۰۳.
 کاظم (حاجی میرزا): سرشمار دفتر لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۲ ص ۱۲۲۴، ج ۳ ص ۲۰۶۹.
 کاظم (میرزا سید): سرشمار: ج ۲ ص ۱۸۹۹.
 کاظم (حاجی): قزوینی: ج ۳ ص ۲۱۲۶.
 کاظم قسی (حکیم): ج ۲ ص ۱۹۶۰، ۱۹۶۱.
 کاظم (میرزا): مستوفی: ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 کاظم مستوفی (میرزا سید): مستوفی اسبق خاصه: ج ۱ ص ۵۵۲، ۵۵۳، ج ۲ ص ۱۲۵۲، ج ۳ ص ۱۸۹۳، ۲۰۹۸، ۲۱۴۴.
 کاظم (میرزا سید): مستوفی پیشکار مالیاتی (حاکم کرمان و بلوچستان): ج ۲ ص ۱۳۰۱، ج ۳ ص ۲۱۲۵.
 کاظم (میرزا): معلم حکمت طبیعی دار الفنون: ج ۳ ص ۱۱۹۹، ج ۳ ص ۲۰۰۶، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰.
 کاظم معین التجار گیلانی (آقا سید): ج ۳ ص ۲۱۲۵.
 کاظم (میرزا): ملکلاطفا گیلانی: ج ۱ ص ۵۳۰، ج ۲ ص ۱۲۵۶، ج ۳ ص ۱۹۳۲، ۲۰۳۱، ۲۱۲۵.
 کاظم (کرمانی): نایب فرستاده: ج ۲ ص ۱۲۶۸، ج ۳ ص ۲۱۱۲.
 کافور اخمدی (قلام اخمد): ج ۱ ص ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰.
 کافوری (شاعر شیرازی): ج ۳ ص ۹۹۳.
 کالاکو (پادشاه جزایر هندوچ): ج ۲ ص

۱۲۰۴، ج ۳ ص ۲۰۲۷.
 کال رنتر: ج ۳ ص ۱۸۱۸.
 کالون: ج ۲ ص ۷۹۰، ۸۵۰.
 کالیمجار مرزبان: معمار الدوله (پسر عفت الدوله دیلمی): ج ۱ ص ۲۸۰، ۲۸۱.
 کالی نیک (مخترع فشنگ کرزوا): ج ۱ ص ۷۷.
 کامباز (کنسول فرانسه): ج ۲ ص ۱۷۵۶.
 کامیل صاحب: ج ۲ ص ۱۹۳۳.
 کامران میرزا آقافان، پسر محمود شاه (والی هرات): ج ۳ ص ۱۵۱۸، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۱، ۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴، ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۱، ۲۰۴۲، ۲۰۴۳، ۲۰۴۴، ۲۰۴۵، ۲۰۴۶، ۲۰۴۷، ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۵۲، ۲۰۵۳، ۲۰۵۴، ۲۰۵۵، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۵۸، ۲۰۵۹، ۲۰۶۰، ۲۰۶۱، ۲۰۶۲، ۲۰۶۳، ۲۰۶۴، ۲۰۶۵، ۲۰۶۶، ۲۰۶۷، ۲۰۶۸، ۲۰۶۹، ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۷۷، ۲۰۷۸، ۲۰۷۹، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۰۸۴، ۲۰۸۵، ۲۰۸۶، ۲۰۸۷، ۲۰۸۸، ۲۰۸۹، ۲۰۹۰، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴، ۲۰۹۵، ۲۰۹۶، ۲۰۹۷، ۲۰۹۸، ۲۰۹۹، ۲۱۰۰، ۲۱۰۱، ۲۱۰۲، ۲۱۰۳، ۲۱۰۴، ۲۱۰۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۷، ۲۱۰۸، ۲۱۰۹، ۲۱۱۰، ۲۱۱۱، ۲۱۱۲، ۲۱۱۳، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۶، ۲۱۱۷، ۲۱۱۸، ۲۱۱۹، ۲۱۲۰، ۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۲۳، ۲۱۲۴، ۲۱۲۵، ۲۱۲۶، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۲۱۲۹، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۱۳۲، ۲۱۳۳، ۲۱۳۴، ۲۱۳۵، ۲۱۳۶، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹، ۲۱۴۰، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۴۳، ۲۱۴۴، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸، ۲۱۴۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۲، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴، ۲۱۵۵، ۲۱۵۶، ۲۱۵۷، ۲۱۵۸، ۲۱۵۹، ۲۱۶۰، ۲۱۶۱، ۲۱۶۲، ۲۱۶۳، ۲۱۶۴، ۲۱۶۵، ۲۱۶۶، ۲۱۶۷، ۲۱۶۸، ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۷۱، ۲۱۷۲، ۲۱۷۳، ۲۱۷۴، ۲۱۷۵، ۲۱۷۶، ۲۱۷۷، ۲۱۷۸، ۲۱۷۹، ۲۱۸۰، ۲۱۸۱، ۲۱۸۲، ۲۱۸۳، ۲۱۸۴، ۲۱۸۵، ۲۱۸۶، ۲۱۸۷، ۲۱۸۸، ۲۱۸۹، ۲۱۹۰، ۲۱۹۱، ۲۱۹۲، ۲۱۹۳، ۲۱۹۴، ۲۱۹۵، ۲۱۹۶، ۲۱۹۷، ۲۱۹۸، ۲۱۹۹، ۲۲۰۰، ۲۲۰۱، ۲۲۰۲، ۲۲۰۳، ۲۲۰۴، ۲۲۰۵، ۲۲۰۶، ۲۲۰۷، ۲۲۰۸، ۲۲۰۹، ۲۲۱۰، ۲۲۱۱، ۲۲۱۲، ۲۲۱۳، ۲۲۱۴، ۲۲۱۵، ۲۲۱۶، ۲۲۱۷، ۲۲۱۸، ۲۲۱۹، ۲۲۲۰، ۲۲۲۱، ۲۲۲۲، ۲۲۲۳، ۲۲۲۴، ۲۲۲۵، ۲۲۲۶، ۲۲۲۷، ۲۲۲۸، ۲۲۲۹، ۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۲، ۲۲۳۳، ۲۲۳۴، ۲۲۳۵، ۲۲۳۶، ۲۲۳۷، ۲۲۳۸، ۲۲۳۹، ۲۲۴۰، ۲۲۴۱، ۲۲۴۲، ۲۲۴۳، ۲۲۴۴، ۲۲۴۵، ۲۲۴۶، ۲۲۴۷، ۲۲۴۸، ۲۲۴۹، ۲۲۵۰، ۲۲۵۱، ۲۲۵۲، ۲۲۵۳، ۲۲۵۴، ۲۲۵۵، ۲۲۵۶، ۲۲۵۷، ۲۲۵۸، ۲۲۵۹، ۲۲۶۰، ۲۲۶۱، ۲۲۶۲، ۲۲۶۳، ۲۲۶۴، ۲۲۶۵، ۲۲۶۶، ۲۲۶۷، ۲۲۶۸، ۲۲۶۹، ۲۲۷۰، ۲۲۷۱، ۲۲۷۲، ۲۲۷۳، ۲۲۷۴، ۲۲۷۵، ۲۲۷۶، ۲۲۷۷، ۲۲۷۸، ۲۲۷۹، ۲۲۸۰، ۲۲۸۱، ۲۲۸۲، ۲۲۸۳، ۲۲۸۴، ۲۲۸۵، ۲۲۸۶، ۲۲۸۷، ۲۲۸۸، ۲۲۸۹، ۲۲۹۰، ۲۲۹۱، ۲۲۹۲، ۲۲۹۳، ۲۲۹۴، ۲۲۹۵، ۲۲۹۶، ۲۲۹۷، ۲۲۹۸، ۲۲۹۹، ۲۳۰۰، ۲۳۰۱، ۲۳۰۲، ۲۳۰۳، ۲۳۰۴، ۲۳۰۵، ۲۳۰۶، ۲۳۰۷، ۲۳۰۸، ۲۳۰۹، ۲۳۱۰، ۲۳۱۱، ۲۳۱۲، ۲۳۱۳، ۲۳۱۴، ۲۳۱۵، ۲۳۱۶، ۲۳۱۷، ۲۳۱۸، ۲۳۱۹، ۲۳۲۰، ۲۳۲۱، ۲۳۲۲، ۲۳۲۳، ۲۳۲۴، ۲۳۲۵، ۲۳۲۶، ۲۳۲۷، ۲۳۲۸، ۲۳۲۹، ۲۳۳۰، ۲۳۳۱، ۲۳۳۲، ۲۳۳۳، ۲۳۳۴، ۲۳۳۵، ۲۳۳۶، ۲۳۳۷، ۲۳۳۸، ۲۳۳۹، ۲۳۴۰، ۲۳۴۱، ۲۳۴۲، ۲۳۴۳، ۲۳۴۴، ۲۳۴۵، ۲۳۴۶، ۲۳۴۷، ۲۳۴۸، ۲۳۴۹، ۲۳۵۰، ۲۳۵۱، ۲۳۵۲، ۲۳۵۳، ۲۳۵۴، ۲۳۵۵، ۲۳۵۶، ۲۳۵۷، ۲۳۵۸، ۲۳۵۹، ۲۳۶۰، ۲۳۶۱، ۲۳۶۲، ۲۳۶۳، ۲۳۶۴، ۲۳۶۵، ۲۳۶۶، ۲۳۶۷، ۲۳۶۸، ۲۳۶۹، ۲۳۷۰، ۲۳۷۱، ۲۳۷۲، ۲۳۷۳، ۲۳۷۴، ۲۳۷۵، ۲۳۷۶، ۲۳۷۷، ۲۳۷۸، ۲۳۷۹، ۲۳۸۰، ۲۳۸۱، ۲۳۸۲، ۲۳۸۳، ۲۳۸۴، ۲۳۸۵، ۲۳۸۶، ۲۳۸۷، ۲۳۸۸، ۲۳۸۹، ۲۳۹۰، ۲۳۹۱، ۲۳۹۲، ۲۳۹۳، ۲۳۹۴، ۲۳۹۵، ۲۳۹۶، ۲۳۹۷، ۲۳۹۸، ۲۳۹۹، ۲۴۰۰، ۲۴۰۱، ۲۴۰۲، ۲۴۰۳، ۲۴۰۴، ۲۴۰۵، ۲۴۰۶، ۲۴۰۷، ۲۴۰۸، ۲۴۰۹، ۲۴۱۰، ۲۴۱۱، ۲۴۱۲، ۲۴۱۳، ۲۴۱۴، ۲۴۱۵، ۲۴۱۶، ۲۴۱۷، ۲۴۱۸، ۲۴۱۹، ۲۴۲۰، ۲۴۲۱، ۲۴۲۲، ۲۴۲۳، ۲۴۲۴، ۲۴۲۵، ۲۴۲۶، ۲۴۲۷، ۲۴۲۸، ۲۴۲۹، ۲۴۳۰، ۲۴۳۱، ۲۴۳۲، ۲۴۳۳، ۲۴۳۴، ۲۴۳۵، ۲۴۳۶، ۲۴۳۷، ۲۴۳۸، ۲۴۳۹، ۲۴۴۰، ۲۴۴۱، ۲۴۴۲، ۲۴۴۳، ۲۴۴۴، ۲۴۴۵، ۲۴۴۶، ۲۴۴۷، ۲۴۴۸، ۲۴۴۹، ۲۴۵۰، ۲۴۵۱، ۲۴۵۲، ۲۴۵۳، ۲۴۵۴، ۲۴۵۵، ۲۴۵۶، ۲۴۵۷، ۲۴۵۸، ۲۴۵۹، ۲۴۶۰، ۲۴۶۱، ۲۴۶۲، ۲۴۶۳، ۲۴۶۴، ۲۴۶۵، ۲۴۶۶، ۲۴۶۷، ۲۴۶۸، ۲۴۶۹، ۲۴۷۰، ۲۴۷۱، ۲۴۷۲، ۲۴۷۳، ۲۴۷۴، ۲۴۷۵، ۲۴۷۶، ۲۴۷۷، ۲۴۷۸، ۲۴۷۹، ۲۴۸۰، ۲۴۸۱، ۲۴۸۲، ۲۴۸۳، ۲۴۸۴، ۲۴۸۵، ۲۴۸۶، ۲۴۸۷، ۲۴۸۸، ۲۴۸۹، ۲۴۹۰، ۲۴۹۱، ۲۴۹۲، ۲۴۹۳، ۲۴۹۴، ۲۴۹۵، ۲۴۹۶، ۲۴۹۷، ۲۴۹۸، ۲۴۹۹، ۲۵۰۰، ۲۵۰۱، ۲۵۰۲، ۲۵۰۳، ۲۵۰۴، ۲۵۰۵، ۲۵۰۶، ۲۵۰۷، ۲۵۰۸، ۲۵۰۹، ۲۵۱۰، ۲۵۱۱، ۲۵۱۲، ۲۵۱۳، ۲۵۱۴، ۲۵۱۵، ۲۵۱۶، ۲۵۱۷، ۲۵۱۸، ۲۵۱۹، ۲۵۲۰،

کانتینگ (مدیر اعظم انگلیس): ج ۳ ص ۱۲۸۹.
 کانتوت اعظم (پادشاه دانمارک و انگلیس و نورواژ): ج ۱ ص ۲۰۵ - ۲۱۰.
 کانتوت ششم (سلطان دانمارک): ج ۱ ص ۲۰۶ - ۲۲۲.
 کاوس نوروژ شاه: ج ۲ ص ۶۲۶.
 کاوس بن مارغره: ج ۱ ص ۱۷۹.
 کاوس میرزا: ج ۲ ص ۸۶۵.
 کاوور (سیو -): ج ۲ ص ۱۸۰۸ - ۱۸۲۸.
 کاوه (طایفه افریقه): ج ۱ ص ۹۱.
 کابو (برنس -): ج ۳ ص ۱۸۲۶.
 کبیتان زلی: ج ۲ ص ۱۷۵۶.
 کبیتان مکیر: ج ۳ ص ۲۱۰۹.
 کپولس (مدیر اعظم عثمانی): ج ۲ ص ۹۹۵.
 کپرنیک: ج ۲ ص ۷۹۸ - ۷۹۹.
 کپک خان (کپک): ج ۲ ص ۶۲۹.
 کتینا (نایب هلاکو خان در نام): ج ۲ ص ۵۸۱.
 کت فروادین (پادشاه مجاهدین میسوی): ج ۱ ص ۲۵۲ تا ۲۵۵.
 کتلروسکی: ج ۲ ص ۱۵۰۵ - ۱۵۰۶ - ۱۵۰۸.
 کتله کور: ج ۲ ص ۱۱۱۲.
 کتیر: ج ۲ ص ۱۲۰۲.
 کتاره ————— بهلول بن بشر شیبانی.
 کتیر (شاعر محمد بن ابی بکر): ج ۱ ص ۱۱۱.
 کتیر قره: ج ۱ ص ۱۱۰.
 کتیر، سکین (فرانسوی، رئیس مجاهدین میسوی در جنگ صلیبی): ج ۱ ص ۲۵۱.
 کفانوفسکی (سیو -) مترجم: ج ۱ ص ۵۳۷.
 کدیر (توچی): ج ۲ ص ۱۲۳۱ - ج ۲ ص ۲۰۷۵.
 کدو خان (شیر شاه زمان): ج ۳ ص ۱۲۳۲.
 کراک: ج ۲ ص ۸۶۷.
 کراندوکنیکلا، الکساندروچ (ولیمندروس): ج ۱ ص ۵۶۲.
 کرپل (سیو -) ژنرال فونسول: ج ۱ ص ۵۳۷.
 کرپوفا (سرگرد شاه برکهارف): ج ۱ ص ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۹ - ۲۵۲ - ۲۵۵.
 کرتوتوانی: ج ۲ ص ۸۱۵ - ۸۲۹.
 کرتین: ج ۲ ص ۱۷۶۲.

کرچاسب بیگ: ج ۲ ص ۹۶۷.
 کرچاک (برنس -): ج ۲ ص ۱۲۹۸.
 کورمال (ملاح پرتغالی): ج ۲ ص ۷۲۲.
 کوزین جابوالتوری: ج ۱ ص ۲۶.
 کرشاک (برنس -): ج ۲ ص ۱۲۶۲.
 کرشش (سیو -): ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 کرمانی: ج ۱ ص ۱۲۸.
 کربابوف (میرزا -): ج ۲ ص ۱۵۷۶.
 کرمطی (میر -): ج ۳ ص ۱۲۸۷.
 کرمول: ج ۲ ص ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۶.
 کرمیده (= فرط): ج ۱ ص ۲۱۸.
 کرمیوس: ج ۲ ص ۱۷۵۰.
 کرمیوس: ج ۲ ص ۸۹۲.
 کرنیل: ج ۲ ص ۹۹۱.
 کروس (کاپیتان برادینظام): ج ۱ ص ۵۳۷.
 کروش (سردار ناپلئون): ج ۲ ص ۱۵۳۷.
 کریستوف کسب: ج ۲ ص ۷۲۹ - ۷۳۲ - ۷۳۶.
 ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۶ - ۷۲۸.
 کریستیان (پادشاه سوئد): ج ۲ ص ۹۵۵.
 کریستیان پنجم (پادشاه دانمارک): ج ۳ ص ۱۸۸۸.
 کریستیان چهارم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۸۸۸ - ۹۱۲ - ۹۵۲.
 کریستیان دوم (شاه دانمارک): ج ۲ ص ۷۲۲.
 کریستیان ششم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۱۰۲۸ - ۱۱۳۲.
 کریستیان فردریک گلیوم شارل (ولیمهد دانمارک): ج ۱ ص ۵۶۲ - ج ۳ ص ۲۱۲۹.
 کریستیان نهم (پادشاه دانمارک): ج ۱ ص ۵۶۲ - ج ۳ ص ۱۸۵۲ - ۲۱۲۹.
 کریستیان هشتم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۱۶۵۲ - ۱۷۰۲.
 کریستیان هفتم (پادشاه دانمارک): ج ۲ ص ۱۱۶۸ - ج ۳ ص ۱۲۹۲.
 کرم (میرزا -): ج ۱ ص ۵۳۶.
 کرم (میرزا -) سنان: ج ۲ ص ۱۲۷۹.
 کرم بیگ: ج ۱ ص ۵۳۲.
 کرم بیگ (کاپیتان کاشین): ج ۳ ص ۲۱۰۶.
 کرم بیگ نظام (بایر دوم): ج ۱ ص ۵۱۱ - ج ۲ ص ۱۲۲۲.

کرم (میرزا -) شوپلدار عمده خلوت هاپونی: ج ۱ ص ۵۲۰ - ج ۲ ص ۱۲۵۷.
 ج ۲ ص ۲۱۱۱.
 کرم خان (ایل بیگی سواره فوجین): ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 کرم خان بختیاری: ج ۲ ص ۱۶۵۷.
 کرم خان خدابنده لونی (سرهنگ): ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 کرم خان زعفرانلو: ج ۳ ص ۱۶۱۰.
 کرم خان زند وکیل: ج ۱ ص ۵۲۹ - ج ۲ ص ۱۱۲۸ - ۱۱۵۵ - ۱۱۵۷ - ۱۱۵۸ - ۱۱۶۰ - ۱۱۶۸ - ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲ - ۱۱۷۳ - ۱۱۷۶ - ۱۱۸۱ - ج ۲ ص ۱۲۱۸ - ۱۲۲۲ - ۱۲۲۶ - ۱۲۳۸ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۲ - ۱۲۵۳ - ۱۲۵۶ - ۱۲۵۷ - ۱۲۵۹ - ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲ - ۱۲۶۳ - ۱۲۶۴ - ۱۲۶۵ - ۱۲۶۶ - ۱۲۶۷ - ۱۲۶۸ - ۱۲۶۹ - ۱۲۷۰ - ۱۲۷۱ - ۱۲۷۲ - ۱۲۷۳ - ۱۲۷۴ - ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ - ۱۲۷۷ - ۱۲۷۸ - ۱۲۷۹ - ۱۲۸۰ - ۱۲۸۱ - ۱۲۸۲ - ۱۲۸۳ - ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ - ۱۲۸۸ - ۱۲۸۹ - ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ - ۱۲۹۲ - ۱۲۹۳ - ۱۲۹۴ - ۱۲۹۵ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۷ - ۱۲۹۸ - ۱۲۹۹ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ - ۱۳۲۲ - ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ - ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ - ۱۴۰۵ - ۱۴۰۶ - ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۱ - ۱۴۱۲ - ۱۴۱۳ - ۱۴۱۴ - ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ - ۱۴۱۷ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹ - ۱۴۲۰ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲ - ۱۴۲۳ - ۱۴۲۴ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۶ - ۱۴۲۷ - ۱۴۲۸ - ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲ - ۱۴۳۳ - ۱۴۳۴ - ۱۴۳۵ - ۱۴۳۶ - ۱۴۳۷ - ۱۴۳۸ - ۱۴۳۹ - ۱۴۴۰ - ۱۴۴۱ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۳ - ۱۴۴۴ - ۱۴۴۵ - ۱۴۴۶ - ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸ - ۱۴۴۹ - ۱۴۵۰ - ۱۴۵۱ - ۱۴۵۲ - ۱۴۵۳ - ۱۴۵۴ - ۱۴۵۵ - ۱۴۵۶ - ۱۴۵۷ - ۱۴۵۸ - ۱۴۵۹ - ۱۴۶۰ - ۱۴۶۱ - ۱۴۶۲ - ۱۴۶۳ - ۱۴۶۴ - ۱۴۶۵ - ۱۴۶۶ - ۱۴۶۷ - ۱۴۶۸ - ۱۴۶۹ - ۱۴۷۰ - ۱۴۷۱ - ۱۴۷۲ - ۱۴۷۳ - ۱۴۷۴ - ۱۴۷۵ - ۱۴۷۶ - ۱۴۷۷ - ۱۴۷۸ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۰ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۲ - ۱۴۸۳ - ۱۴۸۴ - ۱۴۸۵ - ۱۴۸۶ - ۱۴۸۷ - ۱۴۸۸ - ۱۴۸۹ - ۱۴۹۰ - ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ - ۱۴۹۳ - ۱۴۹۴ - ۱۴۹۵ - ۱۴۹۶ - ۱۴۹۷ - ۱۴۹۸ - ۱۴۹۹ - ۱۵۰۰ - ۱۵۰۱ - ۱۵۰۲ - ۱۵۰۳ - ۱۵۰۴ - ۱۵۰۵ - ۱۵۰۶ - ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ - ۱۵۰۹ - ۱۵۱۰ - ۱۵۱۱ - ۱۵۱۲ - ۱۵۱۳ - ۱۵۱۴ - ۱۵۱۵ - ۱۵۱۶ - ۱۵۱۷ - ۱۵۱۸ - ۱۵۱۹ - ۱۵۲۰ - ۱۵۲۱ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۳ - ۱۵۲۴ - ۱۵۲۵ - ۱۵۲۶ - ۱۵۲۷ - ۱۵۲۸ - ۱۵۲۹ - ۱۵۳۰ - ۱۵۳۱ - ۱۵۳۲ - ۱۵۳۳ - ۱۵۳۴ - ۱۵۳۵ - ۱۵۳۶ - ۱۵۳۷ - ۱۵۳۸ - ۱۵۳۹ - ۱۵۴۰ - ۱۵۴۱ - ۱۵۴۲ - ۱۵۴۳ - ۱۵۴۴ - ۱۵۴۵ - ۱۵۴۶ - ۱۵۴۷ - ۱۵۴۸ - ۱۵۴۹ - ۱۵۵۰ - ۱۵۵۱ - ۱۵۵۲ - ۱۵۵۳ - ۱۵۵۴ - ۱۵۵۵ - ۱۵۵۶ - ۱۵۵۷ - ۱۵۵۸ - ۱۵۵۹ - ۱۵۶۰ - ۱۵۶۱ - ۱۵۶۲ - ۱۵۶۳ - ۱۵۶۴ - ۱۵۶۵ - ۱۵۶۶ - ۱۵۶۷ - ۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۰ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۳ - ۱۵۷۴ - ۱۵۷۵ - ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷ - ۱۵۷۸ - ۱۵۷۹ - ۱۵۸۰ - ۱۵۸۱ - ۱۵۸۲ - ۱۵۸۳ - ۱۵۸۴ - ۱۵۸۵ - ۱۵۸۶ - ۱۵۸۷ - ۱۵۸۸ - ۱۵۸۹ - ۱۵۹۰ - ۱۵۹۱ - ۱۵۹۲ - ۱۵۹۳ - ۱۵۹۴ - ۱۵۹۵ - ۱۵۹۶ - ۱۵۹۷ - ۱۵۹۸ - ۱۵۹۹ - ۱۶۰۰ - ۱۶۰۱ - ۱۶۰۲ - ۱۶۰۳ - ۱۶۰۴ - ۱۶۰۵ - ۱۶۰۶ - ۱۶۰۷ - ۱۶۰۸ - ۱۶۰۹ - ۱۶۱۰ - ۱۶۱۱ - ۱۶۱۲ - ۱۶۱۳ - ۱۶۱۴ - ۱۶۱۵ - ۱۶۱۶ - ۱۶۱۷ - ۱۶۱۸ - ۱۶۱۹ - ۱۶۲۰ - ۱۶۲۱ - ۱۶۲۲ - ۱۶۲۳ - ۱۶۲۴ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸ - ۱۶۲۹ - ۱۶۳۰ - ۱۶۳۱ - ۱۶۳۲ - ۱۶۳۳ - ۱۶۳۴ - ۱۶۳۵ - ۱۶۳۶ - ۱۶۳۷ - ۱۶۳۸ - ۱۶۳۹ - ۱۶۴۰ - ۱۶۴۱ - ۱۶۴۲ - ۱۶۴۳ - ۱۶۴۴ - ۱۶۴۵ - ۱۶۴۶ - ۱۶۴۷ - ۱۶۴۸ - ۱۶۴۹ - ۱۶۵۰ - ۱۶۵۱ - ۱۶۵۲ - ۱۶۵۳ - ۱۶۵۴ - ۱۶۵۵ - ۱۶۵۶ - ۱۶۵۷ - ۱۶۵۸ - ۱۶۵۹ - ۱۶۶۰ - ۱۶۶۱ - ۱۶۶۲ - ۱۶۶۳ - ۱۶۶۴ - ۱۶۶۵ - ۱۶۶۶ - ۱۶۶۷ - ۱۶۶۸ - ۱۶۶۹ - ۱۶۷۰ - ۱۶۷۱ - ۱۶۷۲ - ۱۶۷۳ - ۱۶۷۴ - ۱۶۷۵ - ۱۶۷۶ - ۱۶۷۷ - ۱۶۷۸ - ۱۶۷۹ - ۱۶۸۰ - ۱۶۸۱ - ۱۶۸۲ - ۱۶۸۳ - ۱۶۸۴ - ۱۶۸۵ - ۱۶۸۶ - ۱۶۸۷ - ۱۶۸۸ - ۱۶۸۹ - ۱۶۹۰ - ۱۶۹۱ - ۱۶۹۲ - ۱۶۹۳ - ۱۶۹۴ - ۱۶۹۵ - ۱۶۹۶ - ۱۶۹۷ - ۱۶۹۸ - ۱۶۹۹ - ۱۷۰۰ - ۱۷۰۱ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۴ - ۱۷۰۵ - ۱۷۰۶ - ۱۷۰۷ - ۱۷۰۸ - ۱۷۰۹ - ۱۷۱۰ - ۱۷۱۱ - ۱۷۱۲ - ۱۷۱۳ - ۱۷۱۴ - ۱۷۱۵ - ۱۷۱۶ - ۱۷۱۷ - ۱۷۱۸ - ۱۷۱۹ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۱ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳ - ۱۷۲۴ - ۱۷۲۵ - ۱۷۲۶ - ۱۷۲۷ - ۱۷۲۸ - ۱۷۲۹ - ۱۷۳۰ - ۱۷۳۱ - ۱۷۳۲ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۴ - ۱۷۳۵ - ۱۷۳۶ - ۱۷۳۷ - ۱۷۳۸ - ۱۷۳۹ - ۱۷۴۰ - ۱۷۴۱ - ۱۷۴۲ - ۱۷۴۳ - ۱۷۴۴ - ۱۷۴۵ - ۱۷۴۶ - ۱۷۴۷ - ۱۷۴۸ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۰ - ۱۷۵۱ - ۱۷۵۲ - ۱۷۵۳ - ۱۷۵۴ - ۱۷۵۵ - ۱۷۵۶ - ۱۷۵۷ - ۱۷۵۸ - ۱۷۵۹ - ۱۷۶۰ - ۱۷۶۱ - ۱۷۶۲ - ۱۷۶۳ - ۱۷۶۴ - ۱۷۶۵ - ۱۷۶۶ - ۱۷۶۷ - ۱۷۶۸ - ۱۷۶۹ - ۱۷۷۰ - ۱۷۷۱ - ۱۷۷۲ - ۱۷۷۳ - ۱۷۷۴ - ۱۷۷۵ - ۱۷۷۶ - ۱۷۷۷ - ۱۷۷۸ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۱ - ۱۷۸۲ - ۱۷۸۳ - ۱۷۸۴ - ۱۷۸۵ - ۱۷۸۶ - ۱۷۸۷ - ۱۷۸۸ - ۱۷۸۹ - ۱۷۹۰ - ۱۷۹۱ - ۱۷۹۲ - ۱۷۹۳ - ۱۷۹۴ - ۱۷۹۵ - ۱۷۹۶ - ۱۷۹۷ - ۱۷۹۸ - ۱۷۹۹ - ۱۸۰۰ - ۱۸۰۱ - ۱۸۰۲ - ۱۸۰۳ - ۱۸۰۴ - ۱۸۰۵ - ۱۸۰۶ - ۱۸۰۷ - ۱۸۰۸ - ۱۸۰۹ - ۱۸۱۰ - ۱۸۱۱ - ۱۸۱۲ - ۱۸۱۳ - ۱۸۱۴ - ۱۸۱۵ - ۱۸۱۶ - ۱۸۱۷ - ۱۸۱۸ - ۱۸۱۹ - ۱۸۲۰ - ۱۸۲۱ - ۱۸۲۲ - ۱۸۲۳ - ۱۸۲۴ - ۱۸۲۵ - ۱۸۲۶ - ۱۸۲۷ - ۱۸۲۸ - ۱۸۲۹ - ۱۸۳۰ - ۱۸۳۱ - ۱۸۳۲ - ۱۸۳۳ - ۱۸۳۴ - ۱۸۳۵ - ۱۸۳۶ - ۱۸۳۷ - ۱۸۳۸ - ۱۸۳۹ - ۱۸۴۰ - ۱۸۴۱ - ۱۸۴۲ - ۱۸۴۳ - ۱۸۴۴ - ۱۸۴۵ - ۱۸۴۶ - ۱۸۴۷ - ۱۸۴۸ - ۱۸۴۹ - ۱۸۵۰ - ۱۸۵۱ - ۱۸۵۲ - ۱۸۵۳ - ۱۸۵۴ - ۱۸۵۵ - ۱۸۵۶ - ۱۸۵۷ - ۱۸۵۸ - ۱۸۵۹ - ۱۸۶۰ - ۱۸۶۱ - ۱۸۶۲ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۴ - ۱۸۶۵ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۷ - ۱۸۶۸ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۰ - ۱۸۷۱ - ۱۸۷۲ - ۱۸۷۳ - ۱۸۷۴ - ۱۸۷۵ - ۱۸۷۶ - ۱۸۷۷ - ۱۸۷۸ - ۱۸۷۹ - ۱۸۸۰ - ۱۸۸۱ - ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ - ۱۸۸۴ - ۱۸۸۵ - ۱۸۸۶ - ۱۸۸۷ - ۱۸۸۸ - ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ - ۱۸۹۱ - ۱۸۹۲ - ۱۸۹۳ - ۱۸۹۴ - ۱۸۹۵ - ۱۸۹۶ - ۱۸۹۷ - ۱۸۹۸ - ۱۸۹۹ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲ - ۱۹۰۳ - ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸ - ۱۹۰۹ - ۱۹۱۰ - ۱۹۱۱ - ۱۹۱۲ - ۱۹۱۳ - ۱۹۱۴ - ۱۹۱۵ - ۱۹۱۶ - ۱۹۱۷ - ۱۹۱۸ - ۱۹۱۹ - ۱۹۲۰ - ۱۹۲۱ - ۱۹۲۲ - ۱۹۲۳ - ۱۹۲۴ - ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶ - ۱۹۲۷ - ۱۹۲۸ - ۱۹۲۹ - ۱۹۳۰ - ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ - ۱۹۳۳ - ۱۹۳۴ - ۱۹۳۵ - ۱۹۳۶ - ۱۹۳۷ - ۱۹۳۸ - ۱۹۳۹ - ۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ - ۱۹۴۲ - ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴ - ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ - ۱۹۴۷ - ۱۹۴۸ - ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ - ۱۹۵۱ - ۱۹۵۲ - ۱۹۵۳ - ۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ - ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷ - ۱۹۵۸ - ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰ - ۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ - ۱۹۶۳ - ۱۹۶۴ - ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ - ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ - ۱۹۷۳ - ۱۹۷۴ - ۱۹۷۵ - ۱۹۷۶ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ - ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ - ۱۹۸۴ - ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۹ - ۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۴ - ۱۹۹۵ - ۱۹۹۶ - ۱۹۹۷ - ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴ - ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶ - ۲۰۱۷ - ۲۰۱۸ - ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰ - ۲۰۲۱ - ۲۰۲۲ - ۲۰۲۳ - ۲۰۲۴ - ۲۰۲۵ - ۲۰۲۶ - ۲۰۲۷ - ۲۰۲۸ - ۲۰۲۹ - ۲۰۳۰ - ۲۰۳۱ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۳ - ۲۰۳۴ - ۲۰۳۵ - ۲۰۳۶ - ۲۰۳۷ - ۲۰۳۸ - ۲۰۳۹ - ۲۰۴۰ - ۲۰۴۱ - ۲۰۴۲ - ۲۰۴۳ - ۲۰۴۴ - ۲۰۴۵ - ۲۰۴۶ - ۲۰۴۷ - ۲۰۴۸ - ۲۰۴۹ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۱ - ۲۰۵۲ - ۲۰۵۳ - ۲۰۵۴ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۶ - ۲۰۵۷ - ۲۰۵۸ - ۲۰۵۹ - ۲۰۶۰ - ۲۰۶۱ - ۲۰۶۲ - ۲۰۶۳ - ۲۰۶۴ - ۲۰۶۵ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۷ - ۲۰۶۸ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۱ - ۲۰۷۲ - ۲۰۷۳ - ۲۰۷۴ - ۲۰۷۵ - ۲۰۷۶ - ۲۰۷۷ - ۲۰۷۸ - ۲۰۷۹ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۱ - ۲۰۸۲ - ۲۰۸۳ - ۲۰۸۴ - ۲۰۸۵ - ۲۰۸۶ - ۲۰۸۷ - ۲۰۸۸ - ۲۰۸۹ - ۲۰۹۰ - ۲۰۹۱ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۳ - ۲۰۹۴ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۶ - ۲۰۹۷ - ۲۰۹۸ - ۲۰۹۹ - ۲۱۰۰ - ۲۱۰۱ - ۲۱۰۲ - ۲۱۰۳ - ۲۱۰۴ - ۲۱۰۵ - ۲۱۰۶ - ۲۱۰۷ - ۲۱۰۸ - ۲۱۰۹ - ۲۱۱۰ - ۲۱۱۱ - ۲۱۱۲ - ۲۱۱۳ - ۲۱۱۴ - ۲۱۱۵ - ۲۱۱۶ - ۲۱۱۷ - ۲۱۱۸ - ۲۱۱۹ - ۲۱۲۰ - ۲۱۲۱ - ۲۱۲۲ - ۲۱۲۳ - ۲۱۲۴ - ۲۱۲۵ - ۲۱۲۶ - ۲۱۲۷ - ۲۱۲۸ - ۲۱۲۹ - ۲۱۳۰ - ۲۱۳۱ - ۲۱۳۲ - ۲۱۳۳ - ۲۱۳۴ - ۲۱۳۵ - ۲۱۳۶ - ۲۱۳۷ - ۲۱۳۸ - ۲۱۳۹ - ۲۱۴۰ - ۲۱۴۱ - ۲۱۴۲ - ۲۱۴۳ - ۲۱۴۴ - ۲۱۴۵ - ۲۱۴۶ - ۲۱۴۷ - ۲۱۴۸ - ۲۱۴۹ - ۲۱۵۰ - ۲۱۵۱ - ۲۱۵۲ - ۲۱۵۳ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵ - ۲۱۵۶ - ۲۱۵۷ - ۲۱۵۸ - ۲۱۵۹ - ۲۱۶۰ - ۲۱۶۱ - ۲۱۶۲ - ۲۱۶۳ - ۲۱۶۴ - ۲۱۶۵ - ۲۱۶۶ - ۲۱۶۷ - ۲۱۶۸ - ۲۱۶۹ - ۲۱۷۰ - ۲۱۷۱ - ۲۱۷۲ - ۲۱۷۳ - ۲۱۷۴ - ۲۱۷۵ - ۲۱۷۶ - ۲۱۷۷ - ۲۱۷۸ - ۲۱۷۹ - ۲۱۸۰ - ۲۱۸۱ - ۲۱۸۲ - ۲۱۸۳ - ۲۱۸۴ - ۲۱۸۵ - ۲۱۸۶ - ۲۱۸۷ - ۲۱۸۸ - ۲۱۸۹ - ۲۱۹۰ - ۲۱۹۱ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۳ - ۲۱۹۴ - ۲۱۹۵ - ۲۱۹۶ - ۲۱۹۷ - ۲۱۹۸ - ۲۱۹۹ - ۲۲۰۰ - ۲۲۰۱ - ۲۲۰۲ - ۲۲۰۳ - ۲۲۰۴ - ۲۲۰۵ - ۲۲۰۶ - ۲۲۰۷ - ۲۲۰۸ - ۲۲۰۹ - ۲۲۱۰ - ۲۲۱۱ - ۲۲۱۲ - ۲۲۱۳ - ۲۲۱۴ - ۲۲۱۵ - ۲۲۱۶ - ۲۲۱۷ - ۲۲۱۸ - ۲۲۱۹ - ۲۲۲۰ - ۲۲۲۱ - ۲۲۲۲ - ۲۲۲۳ - ۲۲۲۴ - ۲۲۲۵ - ۲۲۲۶ - ۲۲۲۷ - ۲۲۲۸ - ۲۲۲۹ - ۲۲۳۰ - ۲۲۳۱ - ۲۲۳۲ - ۲۲۳۳ - ۲۲۳۴ - ۲۲۳۵ - ۲۲۳۶ - ۲۲۳۷ - ۲۲۳۸ -

گریه مریه (دختر احمد بن محمد) :
 ج ۱ ص ۲۲۲
 گریه (دکتر -) : ج ۲ ص ۱۳۳۲
 گواک، لیخان اول مغیران : ج ۱ ص ۵۳۷
 گشائی، علی بن حمزه، ابوالحسن ازدی
 (مفری نوری) : ج ۱ ص ۱۶۲-۱۶۷
 گسری : ج ۱ ص ۲۵-۲۲۸
 گسکن، فراسلطان (ولد جانی بیگ سلطان) :
 ج ۱ ص ۷۷۲-۷۸۸-۷۹۱-۸۳۰
 گسله بن کرم البربری : ج ۱ ص ۸۲
 گشکچی باشی — اسماعیل خان گشکچی
 باشی
 گشکچی باشی، محمد میرزا : ج ۱ ص ۱۸۷۵
 گشکچی باشی، محمد مهدی خان : ج ۳ ص
 ۱۸۸۶-۱۹۰۵
 کب الاحبار : ج ۱ ص ۲۹-۵۹
 کب بن اشرف یهودی : ج ۱ ص ۲۳
 کب بن زهیر : ج ۱ ص ۲۹
 کب بن عجره : ج ۱ ص ۲۷
 کب بن عمیر الفزاری : ج ۱ ص ۲۷
 کب بن مانع — کب الاحبار کبسی،
 عبدالله بن احمد، (الطخی معتزلی
 صاحب مقاله) : ج ۱ ص ۲۵۲
 کبری تربتی : ج ۲ ص ۹۰۲
 کب حسین خان : ج ۲ ص ۱۷۷۲
 کب حسین خان آجوفان باشی : ج ۲ ص
 ۱۷۱۳
 کب حسین خان (امین نظام) : ج ۲ ص
 ۱۷۲۹-۱۸۵۱-۱۹۳۳
 کبر (رئیس مساکر فرانسه در مصر) :
 ج ۳ ص ۱۲۵۵-۱۲۵۹
 کب وفاقان (پسر امین نظام) سوهنگ :
 ج ۱ ص ۵۰۸-۵۰۹ ج ۲ ص ۱۲۲۸ ج ۳
 ص ۲۰۷۲
 کبیطی بیگ (حاکم لار) : ج ۳ ص ۹۳۰
 کبیطی بیگ قاجار : ج ۲ ص ۹۳۷
 کبیطی بیگ هزاره : ج ۲ ص ۱۱۰۸-۱۱۰۹
 کبیطی خان افشار : ج ۳ ص ۹۳۱-۱۱۲۰
 کبیطی خان (بختیاری) : ج ۳ ص ۱۶۵۸-
 ۱۶۶۰
 کبیطی خان (حاکم لار) : ج ۳ ص ۹۳۶
 کبیطی خان دافانی : ج ۳ ص ۱۳۸۶-۱۳۸۷
 کبیطی خان سیاطوی قاجار : ج ۳ ص ۱۳۹۱

کبیطی خان سوهنگ (پسر نظام الدوله) :
 ج ۲ ص ۲۰۷۲
 کبیطی خان شاطو : ج ۳ ص ۹۸۶
 کبیطی خان قاجار (نواتجار) : ج ۲ ص
 ۹۳۰-۱۰۲۳ ج ۳ ص ۱۳۶۹
 کبیطی خان قاجار (حاکم گجه) : ج ۲ ص
 ۱۳۷۰
 کبیطی خان قیای (یوزباشی) : ج ۱ ص
 ۵۲۹ ج ۲ ص ۱۲۶۸-۱۲۶۹ ج ۳ ص ۲۱۱۷
 کبیطی خان (از ایوانی قزلباش) : ج ۲ ص
 ۹۹۲
 کبیطی خان میرشکار : ج ۱ ص ۵۵۷ ج ۲
 ص ۱۲۹۵
 کبیطی خان نمجوانی : ج ۳ ص ۱۲۲۱
 ۱۲۶۹-۱۲۷۱-۱۲۷۹
 کبیطی خان (نواده نظام الدوله) : ج ۲
 ص ۸۰۸-۱۲۳۸
 کبیطی (میرزا -) منشی : ج ۱ ص ۵۰۶
 ج ۲ ص ۱۲۲۵-۱۲۲۶ ج ۳ ص ۲۰۶۹
 کبیطی : ج ۱ ص ۲۷
 کبیطی : ج ۳ ص ۱۶۰۵
 کبیطی : ج ۲ ص ۱۸۱۹
 کثوم بن عباس القشیری : ج ۱ ص ۱۱۷
 ۱۲۲
 کثوم بن الهدم الاوسی : ج ۱ ص ۲۱
 کجا (از قلامان پهلوانی) : ج ۱ ص ۲۱۵
 ۲۲۲
 کلمان چهاردهم (پاپ) : ج ۲ ص ۱۱۲۰
 ۱۱۷۵
 کلمان سیزدهم (پاپ) : ج ۲ ص ۱۱۲۰
 ۱۱۲۶-۱۱۷۰
 کلمان ششم (پاپ) : ج ۲ ص ۶۶۲
 کلمان هشتم (پاپ) : ج ۲ ص ۸۹۰
 کلمان هفتم (پاپ) : ج ۲ ص ۶۵۵-۶۵۷
 کذل برون : ج ۲ ص ۱۹۶۰
 کذل بیزاک : ج ۲ ص ۱۹۳۹-۱۹۴۱
 ۱۹۲۶
 کذل ترستز : ج ۳ ص ۲۰۰۰
 کذل چارکوسکی : ج ۲ ص ۲۰۲۲
 کذل دریمان تویج (رئیس صاحب طبعان
 نظام) : ج ۱ ص ۵۳۷
 کذل راسالموز : ج ۱ ص ۵۳۸ ج ۲ ص
 ۲۱۰۹

کذل شمل اطیشی : ج ۱ ص ۵۳۷ ج ۲ ص
 ۲۱۰۷
 کذل شعلاکو : ج ۲ ص ۱۷۹۵
 کذل شیونوسکی : ج ۳ ص ۱۹۹۱
 کذل لوت : ج ۳ ص ۲۱۱۸
 کولفندیار (از سرداران) : ج ۲ ص ۶۵۶
 کلوردوم : ج ۱ ص ۲۷
 کلو صاحب (حکیم باشی) : ج ۳ ص ۱۷۲۸
 کلوک (حکیم -) : ج ۳ ص ۱۷۸۲
 کلبستا : ج ۲ ص ۱۷۵۲
 کمال افندی (قاضی مسکرمطانی) : ج ۲
 ص ۱۰۱۸-۱۶۲۲
 کمال پاشا : ج ۲ ص ۱۹۱۵
 کمال خان افغان : ج ۲ ص ۱۱۷۱-۱۱۷۳
 کمال خجندی : ج ۳ ص ۶۵۹
 کمال الدین الوندی (امام -) : ج ۱ ص
 ۲۵۷
 کمال الدین تبت ۱۵۲ : ج ۲ ص ۸۱۷
 کمال الدین حصن (ولد رکن الدین مسعود
 کاشی) : ج ۲ ص ۸۰۲
 کمال الدین حصن کاشی : ج ۲ ص ۷۲۶
 کمال الدین عبدالرزاق سرفندی : ج ۲ ص
 ۷۲۸
 کمال الدین عبدالرزاق کاشی : ج ۳ ص ۶۲۹
 کمال الدین عمر بن شهاب الدین محمد بن
 المصی الطخی : ج ۲ ص ۶۲۲
 کمال الدین عمر بن عبدالعزیز (ابن مدیم) :
 ج ۲ ص ۵۵۲
 کمال الدین محمد (از علمای بحر) : ج ۲
 ص ۷۲۵
 کمال الدین محمد دبیری (صاحب حیات
 الحيوان) : ج ۲ ص ۶۶۸
 کمال الدین محمد بن شیخ تاج الدین
 القسطلانی : ج ۲ ص ۶۲۵
 کمال الدین مسعود شیروانی : ج ۳ ص ۷۳۷
 کمال الدین موسی بن یونس (شیخ علامه) :
 ج ۱ ص ۲۲۹
 کمل (نماینده انگلیس) : ج ۳ ص ۱۶۰۷
 کمل صاحب : ج ۳ ص ۱۶۲۸
 کمل بن زیاد : ج ۱ ص ۵۸-۷۰
 کتانه بن بشر النجیبی : ج ۱ ص ۶۰
 کتانه (شوهر صفیه دختر حبیبی بن اخطب) :
 ج ۱ ص ۲۶

کنت امدنل: ج ۲ ص ۱۷۶۲ - ۱۷۶۳
 کنت اولوف: ج ۳ ص ۱۷۸۹ - ۱۷۹۰
 کنت اندراسی: ج ۲ ص ۱۹۲۹ - ۱۹۳۰
 ۱۹۳۷ - ۱۹۳۸ - ۱۹۳۹
 کنت بونول: ج ۲ ص ۱۷۹۰
 کنت بونگست: ج ۲ ص ۱۹۸۷
 کنت تاف: ج ۲ ص ۱۹۹۷
 کنت تلسوتا: ج ۲ ص ۲۰۵۰
 کنت ه (نوه لوی فیلیپ شاه فرانسه):
 ج ۲ ص ۱۸۷۱
 کنت دآریز: ج ۲ ص ۱۸۱۹
 کنت مارگیل فراکس: ج ۲ ص ۱۹۱۱
 کنت دارنیم: ج ۲ ص ۱۹۵۶
 کنت دبول: ج ۲ ص ۱۸۱۸
 کنت دیوکونس قلده: ج ۲ ص ۱۹۶۶
 کنت دپاریس: ج ۲ ص ۱۸۰۸ - ۱۹۶۷
 کنت دینوزا: ج ۲ ص ۱۹۶۲
 کنت دوسواس: ج ۲ ص ۱۹۲۵
 کنت دفلاند: ج ۳ ص ۱۹۲۳
 کنت دملک: ج ۲ ص ۱۹۳۷
 کنت دیوسکی: ج ۲ ص ۱۹۳۶ - ۱۹۳۸
 کنت دوپاریس: ج ۲ ص ۱۹۶۹
 کنت دوست فوت (سرتیپ دویم، رئیس
 نشیبه): ج ۱ ص ۲۷۶ - ۵۲۶ ج ۲ ص
 ۱۱۸۵ - ۱۱۹۲ - ۱۲۵۱ - ۲۰۰۹ ج ۲ ص
 ۲۰۲۲ - ۲۰۳۱ - ۲۰۹۶
 کنت دهن: ج ۲ ص ۱۸۱۹
 کنت رافائیل: ج ۱ ص ۵۲۸
 کنت رسل: ج ۲ ص ۱۹۸۸
 کنت زاکوسکی: ج ۱ ص ۲۷۶ - ۲۰۰۹ ج ۳ ص
 کنت شامبرد: ج ۲ ص ۱۷۷۶
 کنت کالینکی: ج ۲ ص ۱۲۰۶ - ۲۰۲۶ ج ۳ ص
 کنت گایور: ج ۳ ص ۱۷۸۸ - ۱۷۹۰ - ۱۸۱۹
 کنت کراالندن: ج ۳ ص ۱۷۶۲
 کنت کلارندن: ج ۲ ص ۹۶۶
 کن تمار: ج ۳ ص ۱۷۲۰
 کنت مزلی: ج ۳ ص ۱۷۹۰
 کنت نسل رد: ج ۳ ص ۱۷۸۹ - ۱۸۲۶
 کنت والفسکی: ج ۲ ص ۱۷۹۰
 کنت ولغان: ج ۲ ص ۲۰۵۱
 کنتی دمن تیز: ج ۲ ص ۱۹۹۷
 کنتا استیل فرنگی (شاه آرمین): ج ۲ ص
 ۶۳۳

کنراد: ج ۲ ص ۸۲۰
 کنراد سوم (پادشاه آلمان): ج ۱ ص ۲۸۵
 کنگ (پرس) - وزیر اعظم: ج ۱ ص ۵۶۲
 ۱۸۲۶ ص ۱
 کوانگسو (امپراطور چین): ج ۳ ص ۲۱۵۰
 کویوف (سرदार روس): ج ۳ ص ۱۵۰۲
 ۱۵۰۷
 کولی: ج ۱ ص ۲۰
 کوجم خان بن ابوالغیرخان: ج ۲ ص ۷۵۷
 ۷۸۲
 کوجم سلطان: ج ۲ ص ۷۷۵
 کوچکونچی خان: ج ۲ ص ۷۵۲ - ۷۷۵
 کورینسکی حکیمباشی (سیو -): ج ۱
 ص ۵۳۷
 کوریمرغلی: ج ۲ ص ۸۹۱
 کورنگین: ج ۱ ص ۲۵۴
 کورپاک (پرس) - وزیر اعظم روس:
 ج ۱ ص ۵۶۲
 کورناهرخ: ج ۲ ص ۷۵۰
 کورصول توک: ج ۱ ص ۱۰۵ - ۱۲۱
 کوزا (پرس) - ج ۲ ص ۱۸۲۰ - ۱۸۳۷
 کوشاوادلف (پادشاه سوئد): ج ۲ ص ۹۰۷
 کوستین (سرदार فرانسه): ج ۳ ص ۱۲۲۲
 کوسوت: ج ۲ ص ۱۲۰۷
 کوسه حاجی بایندر: ج ۲ ص ۲۳۹
 کوک (ملاح انگلیسو کاشف قطب): ج ۲
 ص ۱۱۶۹ - ۱۱۷۲ - ۱۱۸۱
 کوکارنکو (کابین -): ج ۱ ص ۵۳۷
 کوکجه سلطان: ج ۲ ص ۷۹۵
 کوکخان (پسر چهارم افروز): ج ۳ ص ۱۲۲۵
 کولمان: ج ۲ ص ۱۹۵۶
 کولن: ج ۲ ص ۹۲۰
 کولی (زنرال -) سرदार انگلیس: ج ۱
 ص ۲۹۰
 کولیجار المصدی (امیر -): ج ۲ ص ۶۲۵
 کونت برانکو کوک: ج ۳ ص ۱۷۲۰
 کونت گایور: ج ۳ ص ۱۷۲۰ - ۱۷۵۱ - ۱۷۷۹
 کونت لاکو: ج ۲ ص ۱۷۰۲
 کونت لاسوک: ج ۲ ص ۱۷۰۲
 کونچلک خان: ج ۲ ص ۶۲۹
 کویانک: ج ۲ ص ۱۲۲۲
 کهشمر الحسن، ابوالحسن التمیمی البصری:
 ج ۱ ص ۱۳۳

کهندل خان الحان: ج ۳ ص ۱۵۳۷ - ۱۶۴۸
 ۱۶۴۲ - ۱۶۵۰ - ۱۶۵۲ - ۱۶۶۵
 ۱۶۶۹ - ۱۷۲۲ - ۱۷۵۵ - ۱۷۷۲
 کیا جلال الدین حسن (صاحب الموت، از
 اولاد حسن صباح): ج ۱ ص ۲۲۸
 کیارستم: ج ۲ ص ۸۷۲
 کیا امدهاجی (المباحی) رئیس اسماعیلیه
 (صاحب الموت): ج ۱ ص ۳۹۲
 کیان (پسر عیسان لونگ خان چین):
 ج ۲ ص ۱۲۳۲
 کیامیل پاشا: ج ۳ ص ۱۸۳۷
 کیا الیراس الطبری، ابوالحسن علی بن
 محمد (پرس نظامیه بغداد):
 ج ۱ ص ۳۶۰
 کپور: ج ۲ ص ۱۸۵۲
 کیخسرو بیگ چوکس: ج ۲ ص ۹۵۲
 کیخسروخان: ج ۲ ص ۱۰۰۲
 کیخسرو (از ملوک رستمدر): ج ۲ ص
 ۷۲۲
 کیخسرو (ولد قرقه): ج ۲ ص ۸۱۹
 کیخسرو (ملا -) کلانتر طائفه زردشتی
 یزد و کرمان: ج ۱ ص ۵۲۶
 کیخسرو بن کیشاد، غیاث الدین سلجوقی
 پادشاه آسیای صغیر: ج ۱ ص ۲۱۲
 ۲۲۵ - ۲۲۷ - ۲۵۰ - ۲۶۱ ج ۲ ص
 ۵۷۹
 کیخسرو (برادرزاده گرگین خان): ج ۲
 ۱۰۰۲ - ۱۰۰۲
 کیخسرو (پسر گرگین بن لوند): ج ۳ ص
 ۸۶۰
 کیخسرو میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۳ ص
 ۱۶۲۳
 کیخسرو (والی گرجستان): ج ۲ ص ۸۱۹
 کیرولی (وزیر اعظم ایتالیا): ج ۱ ص ۵۶۲
 کیستیمی (سیو -) قانون نویس: ج ۱ ص
 ۵۵۲
 کیسان ————— سعید بن ابی سعید -
 کیبلغ (والی ری): ج ۱ ص ۲۰۹
 کیشاد، علاء الدین سلجوقی (حکمران
 آسیای صغیر): ج ۱ ص ۲۱۲ - ۲۲۸
 ۲۲۹ - ۲۳۳ - ۲۳۶ - ۲۳۸ - ۲۴۲
 ۲۴۴ - ۲۴۵
 کیشاد (پسر سلطان غیاث الدین بلبن،

گواردیا (رئیس جمهوری گواتمالا) : ج ۱
 ص ۵۶۵ : ج ۲ ص ۲۱۵۲
 گوانگ سو (امپراطور چین) : ج ۱ ص ۵۶۲
 گورخان : ج ۱ ص ۳۷۵ - ۳۷۸
 گورخان : ج ۲ ص ۱۲۲۵
 گورک (همراه ناپلئون در جزیره سنت هلن) : ج ۲ ص ۱۵۲۲
 گوستاو چهارم (پادشاه سوئد) : ج ۳ ص ۱۲۲۳ - ۱۲۹۷
 گوستاو سوم (پادشاه سوئد) : ج ۲ ص ۱۱۷۲
 ج ۲ ص ۱۳۹۸ - ۱۴۱۱ - ۱۴۱۹
 ۱۴۲۳
 گوسمان بلانک (رئیس جمهور ونزوئلا) : ج ۲ ص ۱۲۰۹
 گوکجه سلطان قاجار : ج ۲ ص ۸۰۳ - ۸۰۵
 ۸۲۲ : ج ۲ ص ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸
 گون خان (پسر اغوزخان) : ج ۲ ص ۱۳۲۷
 ۱۳۳۸ - ۱۳۴۰
 گونزالس (رئیس جمهوری سن دومنگ) : ج ۱ ص ۵۶۶
 گوهر شاد آغا (حاکم شاهرخ) : ج ۲ ص ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۷
 گوهر شاد (مادر نیرالدین میرزا) : ج ۲ ص ۱۱۲۹
 گوهر شاه بیگم (دختر فتحعلشاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۶
 گوهر ملک خانم (دختر فتحعلشاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۵
 گیانلویس : ج ۲ ص ۶۰۲ - ۶۰۳
 ۱۳۶۵
 گیلوان شیب : ج ۲ ص ۱۴۱۹
 گیلوم (پادشاه انگلیس) : ج ۲ ص ۹۹۵
 ۱۰۰۲
 گیلوم (شاه پروس) : ج ۲ ص ۱۹۳۰
 گیلوم (پادشاه پورتوریک) : ج ۲ ص ۱۵۲۸
 گیلوم (پسر پادشاه هلند) : ج ۲ ص ۱۶۰۵
 گیلوم آلکساندر شارل فرودریک (ولیمید بریبا = هلند) : ج ۲ ص ۲۱۴۹
 گیلوم پنجم (پادشاه هلند) : ج ۲ ص ۱۱۵۰
 گیلوم چهارم (پادشاه انگلیس) : ج ۲ ص ۱۶۰۲ - ۱۶۲۳
 گیلوم چهارم (پادشاه هلند) : ج ۲ ص ۱۱۵۰

گیلوم فرانز : ج ۲ ص ۹۸۲ - ۹۹۸
 گیلوم دوم (پسر گیلوم اول ، پادشاه انگلیس) : ج ۱ ص ۲۴۲ - ۲۵۵
 گیلوم دوم (پادشاه هلند) : ج ۲ ص ۹۵۲
 ۹۵۵ : ج ۲ ص ۱۶۵۶ - ۱۷۱۰
 گیلوم سیم ، آلکساندریک فرودریک لوی (شاه بریبا = هلند) : ج ۲ ص ۵۶۲
 ج ۲ ص ۱۶۵۵ - ۱۷۱۰ - ۲۱۴۹
 گیلوم هاروی : ج ۲ ص ۹۲۲
 گیم اول (پادشاه پروس) : ج ۲ ص ۱۸۳۵
 گیم اول (پادشاه پرتغال) : ج ۲ ص ۱۸۶۱
 گیوگ خان ، پسر اوگتای خان (سلطان) : ج ۱ ص ۲۵۱
 گیوگ ، فرزند دهب بالوی (مجترترکان) : ج ۲ ص ۱۳۲۵
 لاپروز (سیاح فرانسوی) : ج ۲ ص ۱۲۰۸
 لاپلاس (منجم) : ج ۲ ص ۱۲۲۰
 لاپلک (باهر) : ج ۲ ص ۱۹۰
 لاحق بن حمید ، ابوجمار السوسی : ج ۱ ص ۹۸
 لادیسلاو اول (پادشاه مجار) : ج ۱ ص ۳۲۹
 لارنس صاحب : ج ۲ ص ۱۹۲۲
 لاسکاس : ج ۲ ص ۱۵۲۳
 لافونتن : ج ۲ ص ۹۹۲
 لالاند (منجم) : ج ۲ ص ۱۱۶۷
 لامارتین (شاعر فرانسوی) : ج ۲ ص ۱۹۱۲
 لانگراک (جراح ایتالیایی) : ج ۲ ص ۶۶۲
 لائو (مخترع) : ج ۲ ص ۱۰۱۶
 لاورلنت دوم (شاعر پروتوال) : ج ۲ ص ۱۸۶۹
 لبارون کودل ولانو (مسووم) : ج ۱ ص ۵۲۷
 لبرون (کنسول فرانسه) : ج ۲ ص ۱۲۵۵
 لین (مخترع چراغ گاز) : ج ۲ ص ۱۲۰۲
 لینس : ج ۲ ص ۱۷۶۲
 لیبید بن ریمه (شاعر) : ج ۱ ص ۷۳
 لیر (پسر لویی پاسکال اول) : ج ۱ ص ۱۷۷
 لئودویم (سلطان آلمان) : ج ۱ ص ۳۷۲
 لت کامپاجا خامی (پادشاه جزیره ماندوچ) : ج ۱ ص ۵۶۶ - ج ۲ ص ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱
 ۲۱۵۲

لوران دوشس : ج ۲ ص ۱۸۲۰
 لوداسینس (فرمانروای هندوستان) : ج ۲ ص ۲۰۲۹ - ۲۱۲۸
 لوداسناتی : ج ۲ ص ۱۸۷۸
 لوداسناتی کاندک : ج ۲ ص ۱۸۰۶
 لودالین : ج ۲ ص ۱۸۲۶ - ۱۸۵۲
 لود بیکنسفیلد : ج ۲ ص ۱۲۰۲ - ج ۳ ص ۲۰۲۲
 لود بالمرستین : ج ۲ ص ۱۶۰۲ - ۱۷۲۰
 ۱۷۳۲ - ۱۷۳۸ - ۱۸۰۶ - ۱۸۱۸
 ۱۸۳۵ - ۱۸۶۹
 لودترارا (رئیس جمهور مکزیک) : ج ۲ ص ۱۹۲۸
 لود تولدا : ج ۲ ص ۱۹۵۲
 لودویرسی : ج ۲ ص ۱۷۵۰ - ۱۸۰۶ - ۱۸۷۸
 ۱۹۰۶ - ۱۹۵۶ - ۱۹۸۷ - ۲۰۱۲
 لود دوهرن : ج ۲ ص ۲۰۵۲
 لود راکلان : ج ۲ ص ۱۷۲۹
 لود ریکلیف : ج ۱ ص ۲۸۸ - ج ۲ ص ۲۰۱۳
 لودروسل : ج ۲ ص ۱۸۶۹
 لودرویم کنتان : ج ۲ ص ۱۶۵۲
 لود کلارلند : ج ۲ ص ۹۸۰ - ج ۳ ص ۱۷۹۰
 ۱۸۶۹ - ۱۹۲۱ - ۱۹۲۷
 لود کردن : ج ۲ ص ۱۲۸۶
 لود کلیدی : ج ۲ ص ۱۸۰۶
 لود کولی : ج ۲ ص ۱۷۹۰ - ۱۷۹۸ - ۱۸۲۷
 لود کوندیش : ج ۲ ص ۲۰۲۹
 لودگرانویل : ج ۲ ص ۱۹۲۱ - ۱۹۳۰ - ۱۹۵۰
 لود گرنی : ج ۲ ص ۱۶۱۲
 لود گلیو : ج ۲ ص ۱۱۶۷
 لود لکزان : ج ۲ ص ۱۷۷۷
 لود ناپیه مانگولا : ج ۲ ص ۱۹۹۸
 لود نوت (صدراعظم انگلیس) : ج ۲ ص ۱۳۹۲
 لودن امبرلاند (وزیر دربار انگلیس) : ج ۲ ص ۱۹۲۲
 لود نرماندی : ج ۲ ص ۱۸۲۸
 لود والسیلی : ج ۲ ص ۲۰۱۱
 لود هلمپون : ج ۲ ص ۱۶۳۱
 لویس ملیک (ژنرال -) : ج ۲ ص ۲۸۶ - ۲۸۸
 لسان الملک : ج ۲ ص ۱۲۲۷ - ۱۹۸۵
 لسان الملک (میرزا محمدتقی سپهر) :

ص ۱۱۸۴: ج ۲ ص ۲۰۲۲.
 لسان الملک (میرزا هدایت‌الله مستوفی):
 ج ۲ ص ۱۲۵۲: ج ۳ ص ۱۹۱۷، ۲۰۲۲.
 ۲۰۹۹.
 لطف‌الله (امیر -) از سرداران: ج ۲
 ص ۶۵۶.
 لطف‌الله خان: ج ۱ ص ۵۱۷.
 لطف‌الله (حاجی) خان، سرتیپ‌سیم:
 ج ۱ ص ۵۲۱: ج ۲ ص ۱۷۶۶: ج ۳
 ص ۲۰۹۱.
 لطف‌الله خان (سرکرده قواسران): ج ۲
 ص ۱۲۴۲: ج ۳ ص ۲۰۸۷.
 لطف‌الله سلطان: ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۳
 ص ۲۰۸۰.
 لطف‌الله میرزا (میرزا -): ج ۲ ص ۸۸۱.
 لطف‌الله میرزا (سرحد توپخانه): ج ۳
 ص ۱۹۱۱.
 لطف‌الله میرزا، شجاع‌الدوله: ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 لطف‌الله میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۳
 ص ۱۶۱۷، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳.
 لطف‌الله شهابی (ملا -): ج ۲ ص ۶۷۲.
 لطف‌الله (حاجی -): ج ۳ ص ۲۱۲۸.
 لطف‌الله بیگ (حاجی -) صاحب‌آتشکده
 = آذر می‌کلی: ج ۳ ص ۱۳۳۸-۱۳۳۹.
 ۱۳۸۶.
 لطف‌الله بیگ داودی سوادکوهی (سرکرده
 لشکر): ج ۲ ص ۱۳۸۲-۱۳۹۳.
 لطف‌الله بیگ (نایب تبریز): ج ۳ ص ۱۰۳۳.
 لطف‌الله خان: ج ۱ ص ۵۱۹: ج ۲ ص ۱۰۶۲،
 ۱-۸۲: ج ۳ ص ۱۷۲۷، ۱۷۵۸.
 لطف‌الله خان اعتمادالدوله: ج ۳ ص ۱۰۸۰.
 لطف‌الله خان بنابری: ج ۳ ص ۱۶۸۸.
 لطف‌الله خان بیگلربیگی (سپهسالار فارس):
 ج ۲ ص ۱۰۰۶، ۱۰۰۷.
 لطف‌الله خان (حاکم اتک): ج ۳ ص ۱۴۳۲.
 لطف‌الله خان (عم خسرو خان) والی
 کردستان: ج ۳ ص ۱۶۰۱، ۱۶۰۸.
 لطف‌الله خان (از جماعت خوانی): ج ۳
 ص ۲۰۸۹.
 لطف‌الله خان درجی: ج ۳ ص ۱۴۶۷.
 لطف‌الله خان زند (پسر جعفرخان): ج ۳
 ص ۱۳۶۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۵ تا ۱۴۰۷.
 ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۳ تا ۱۴۱۹.

۱۲۲۳ تا ۱۲۲۶.
 لطف‌الله خان سرتیپ (فوج افشار): ج ۲
 ص ۱۲۳۷: ج ۳ ص ۱۷۵۵، ۲۰۸۲.
 لطف‌الله خان (سرتیپ فنطانی): ج ۳ ص
 ۱۷۶۹.
 لطف‌الله خان (سرکرده) جاعت کلبادی:
 ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۳ ص ۲۰۹۲.
 لطف‌الله خان (سرحد): ج ۱ ص ۵۱۳:
 ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص ۲۰۸۲.
 لطف‌الله خان گروسی: ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 لطف‌الله خان (میرزا -) لشکرنویس باشی
 فارس: ج ۱ ص ۵۰۶: ج ۲ ص ۱۲۲۶:
 ج ۳ ص ۲۰۷۰.
 لطف‌الله خان لنگری: ج ۳ ص ۱۰۵۸، ۱۰۵۹.
 لطف‌الله خان (پسر مومنه‌الدوله) کتیکچی
 باشی: ج ۱ ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۱۲۹۵:
 ج ۳ ص ۲۰۶۲، ۲۱۴۰.
 لطف‌الله خان (نایب آجودان باشی):
 ج ۳ ص ۱۷۷۲.
 لطف‌الله خان (نایب‌الحکومه گروسی):
 ج ۳ ص ۲۱۲۶.
 لطف‌الله خان (باجر): ج ۳ ص ۲۰۷۵.
 لطف‌الله خان بوزباشی: ج ۳ ص ۲۱۱۹.
 لطف‌الله (میرزا -) سرشنه‌دار: ج ۳ ص ۵۰۵.
 لطف‌الله (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۴۱.
 لطف‌الله (میرزا -) مهاجر: ج ۲ ص ۱۲۲۵:
 ج ۳ ص ۲۰۶۹.
 لطف‌الله (میرزا -) سرشنه‌دار خزانه: ج ۱
 ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 لطف‌الله (پسر طغان‌میرزا): ج ۳ ص ۶۷۲.
 لطف‌الله (میرزا -) پسر ملک‌الاطباء: ج ۱ ص
 ۵۳۰: ج ۲ ص ۱۲۵۶.
 لطف‌الله (سردار فرانسه): ج ۳ ص ۱۴۶۶.
 ۱۴۶۷.
 لطف‌الله شاول زالوسکی (مسو -) وزیر مختار
 آستریه: ج ۱ ص ۵۳۷.
 لطف‌الله بیگ: ج ۲ ص ۹۰۷.
 لطف‌الله (مسو -) موزیکانچی باشی: ج ۱
 ص ۴۶۶، ۵۱۰، ۵۲۵.
 لطف‌الله (معمار بنای قصر ویرانی): ج ۲ ص
 ۹۶۷.
 لطف‌الله صاحب: ج ۳ ص ۱۶۲۸، ۱۶۳۰،
 ۱۷۱۹.

لطف‌الله (مسو -) توپچی باشی انگلیسی:
 ج ۲ ص ۱۵۰۲.
 لطف‌الله: ج ۲ ص ۱۷۳۹.
 لطف‌الله (رئیس جمهور آمریکا): ج ۳ ص
 ۱۸۵۶، ۱۸۶۲، ۱۸۷۱.
 لطف‌الله صاحب گرجی، ج ۲ ص ۹۰۱، ۹۰۸،
 ۹۲۹.
 لطف‌الله گرجی: ج ۲ ص ۸۲۹، ۸۳۵.
 لطف‌الله (رئیس جمهور پاراگویی): ج ۳ ص
 ۱۸۸۲.
 لطف‌الله (کابل -): ج ۱ ص ۵۲۸.
 لطف‌الله: ج ۲ ص ۷۶۲، ۷۶۶، ۷۶۸، ۷۶۹،
 ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۸۲، ۸۰۲، ۸۱۱.
 ج ۳ ص ۱۹۰۱.
 لطف‌الله ننگ: ج ۳ ص ۱۷۰۳.
 لطف‌الله: ج ۳ ص ۱۶۸۸.
 لطف‌الله (از نواب آشتیده): ج ۱ ص ۲۶۸.
 لطف‌الله (حسام‌الدین حاجی): ج ۱ ص ۲۰۶.
 لطف‌الله (خادم): ج ۱ ص ۲۶۱ تا ۲۶۲.
 لطف‌الله (غلام‌احمد بن طرکون): ج ۱ ص
 ۲۱۲، ۲۱۴.
 لطف‌الله (غلام‌سعدالدوله): ج ۱ ص ۷۸۶،
 ۲۹۶.
 لطف‌الله بیگ: ج ۲ ص ۷۷۰، ۸۰۲، ۸۱۸.
 لطف‌الله خان: ج ۲ ص ۲۶۷.
 لطف‌الله گرگین (حکمران گرجستان): ج ۲
 ص ۸۶۰.
 لطف‌الله گنج: ج ۲ ص ۱۷۸۸، ۱۹۲۷.
 لطف‌الله (حاکم انگلیسی): ج ۳ ص ۱۵۵۳.
 لطف‌الله: ج ۲ ص ۱۵۲۹.
 لطف‌الله: ج ۲ ص ۹۹۵.
 لطف‌الله اول (پادشاه باویر): ج ۳ ص ۱۵۷۰.
 لطف‌الله اول (پادشاه پرتغال): ج ۳ ص ۱۸۳۶.
 لطف‌الله پانزدهم: ج ۲ ص ۱۰۱۳، ۱۰۱۹،
 ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۷۵.
 لطف‌الله چهاردهم: ج ۲ ص ۹۲۴، ۹۲۹، ۹۵۹،
 ۹۶۷، ۹۸۷ تا ۹۸۹، ۹۹۱، ۱۰۰۲.
 ۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۰۱۳.
 لطف‌الله دوازدهم: ج ۲ ص ۷۳۶، ۷۶۲.
 لطف‌الله دهم (پادشاه باویر آلمان): ج ۱
 ص ۵۶۱: ج ۳ ص ۱۷۰۳، ۱۸۶۱.
 ۲۱۴۷.
 لطف‌الله سیزدهم: ج ۲ ص ۹۰۶، ۹۲۸، ۹۲۹.

لوی شانزدهم (پادشاه فرانسه) : ج ۲ ص
۱۱۵۲ ، ۱۱۷۵ : ج ۳ ص ۱۲۰۲ ،
۱۲۲۲ ، ۱۲۲۶ ، ۱۲۲۷ ، ۱۲۳۱ ،
۱۲۳۵ ، ۱۵۲۷ ،
لوی فیلیپ (پادشاه فرانسه) : ج ۳ ص
۱۶۱۲ ، ۱۷۰۲ ، ۱۷۰۲ ، ۱۷۲۱ ،
۱۷۵۲ ، ۱۸۰۸ ، ۱۸۷۱ ، ۱۹۳۱ ،
لوی فیلیپ (دوک رالگان) : ج ۳ ص ۱۶۰۲ ،
لوی فیلیپ ماری ، فردیناند پدر (پادشاه
پرتغال) : ج ۱ ص ۵۵۲ ، ج ۳ ص ۲۱۲۸ ،
لوی هفدهم : ج ۲ ص ۱۲۳۷ ، ۱۲۳۵ ،
لوی هیجدهم (پادشاه فرانسه) : ج ۳ ص
۱۲۳۵ ، ۱۵۲۲ ، ۱۵۲۷ ، ۱۵۳۸ ،
۱۵۴۲ ، ۱۵۶۸ ،
لوی یازدهم (شاه فرانسه) : ج ۲ ص ۷۱۱ ،
۷۲۸ ،
لوئی (پادشاه فرانسه) : ج ۱ ص ۳۸۲ ،
لوئی پاسکال اول (پسر شارلن شاه) :
ج ۱ ص ۱۶۹ ، ۱۷۲ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷۰ ،
لوئی ناپلئون (برادرزاده ناپلئون اول) :
ج ۳ ص ۱۶۳۷ ، ۱۶۵۶ ، ۱۶۸۸ ،
۱۷۰۲ ، ۱۷۱۰ ، ۱۷۲۱ ، ۱۷۲۰ ،
۱۷۷۲ ،
لوئیس (فرانسیس) : ج ۳ ص ۲۰۲۹ ،
لوئی نهم (پادشاه فرانسه) : ج ۱ ص ۴۳۸ ،
لوئی هشتم (پادشاه فرانسه) : ج ۱ ص
۴۳۶ ، ۴۳۸ ،
لوئیس نسطان دیلمی : ج ۱ ص ۲۳۶ ،
لوئیلد (امپراطور اطروش) : ج ۳ ص ۱۰۰۲ ،
لوئیلد (پادشاه بلژیک) : ج ۳ ص ۱۶۶۱ ،
۱۹۳۳ ،
لوئیلد (والی ساکن) : ج ۳ ص ۱۶۰۸ ،
لوئیلد (پادشاه یونان) : ج ۳ ص ۱۶۰۴ ،
لوئیلد دوم (شاه بلژیک) : ج ۳ ص ۲۱۲۸ ،
لوئیلد هین زلین : ج ۳ ص ۲۰۱۶ ،
لیت بن نصر : ج ۱ ص ۱۲۹ ،
لیفون (پسر هینوم) : ج ۲ ص ۵۸۷ ، ۵۸۹ ،
لئون : ج ۱ ص ۱۰۵ ، ۱۰۶ ،
لئون (والی ارمن) : ج ۱ ص ۴۱۷ ،
لئون ارمنی : ج ۱ ص ۲۵۱ ،
لئون چهارم (پاپ) : ج ۱ ص ۱۵۳ ، ۱۹۱ ،
۱۹۵ ،
لئون دوازدهم (پاپ) : ج ۳ ص ۱۶۰۱ ،

۱۱۲۹
 مارشال راندسکی: ج ۲ ص ۱۸۰۵
 مارشال ژواو: ج ۳ ص ۱۷۵۲
 مارشال سالدنا: ج ۲ ص ۱۲۴۰
 مارشال سیاستیانی: ج ۲ ص ۱۲۴۰
 مارشال سرانه: ج ۲ ص ۱۹۰۶
 مارشال مدت ارند: ج ۲ ص ۱۷۷۷
 مارشال سولت: ج ۲ ص ۱۷۴۰
 مارشال کشاد: ج ۲ ص ۱۹۵۵
 مارشال ماکهاون: ج ۲ ص ۱۷۶۵-۱۷۷۹
 ۱۸۰۰-۱۸۰۸-۱۸۱۷-۱۸۶۳-۱۹۱۹
 ۱۹۲۰-۱۹۳۱-۱۹۳۵-۱۹۵۲-۱۹۵۷
 ۱۹۷۰-۱۹۸۱-۲۰۰۲
 مارشال متروانه (سرانه): ج ۲ ص ۱۹۵۵
 مارشال ملوک: ج ۳ ص ۱۹۵۶
 مارشال مولو: ج ۳ ص ۱۷۱۰
 مارشال وایان: ج ۳ ص ۱۸۱۸-۱۸۲۰
 ۱۹۳۸
 مارشال ویلار (سردار بزرگ فرانسه): ج ۲
 ص ۱۱۱۵
 مارکپولو: ج ۲ ص ۵۹۰
 مارکی (صدر اعظم انگلیس): ج ۳ ص ۱۳۹۲
 مارکی دیبوناک (ایلچی روس): ج ۲ ص ۱۰۲۰
 مارکی دموستیه (شیرفرانس و سراسلامبول):
 ج ۲ ص ۱۸۸۰-۱۸۸۱
 مارگریت (خواهر پادشاه اسپانیول): ج ۲
 ص ۸۵۸
 مارگریت (مختر دوک دن): ج ۲ ص ۱۹۰۱
 مارمن (سردار پهلوان): ج ۳ ص ۱۵۲۸
 ماری: ج ۲ ص ۱۷۶۲
 ماری ملین: ج ۲ ص ۸۴۷
 ماری آنتوانت (ملکه فرانسه): ج ۲ ص
 ۸۴۶-۸۵۱-۱۱۷۱: ج ۳ ص ۱۲۲۷
 ماری استوار: ج ۲ ص ۸۰۸-۸۴۲-۸۴۶
 ۸۵۱-۸۵۳-۸۵۵-۸۷۹-۸۸۱
 ۸۹۸
 ماری املی (ملکه فرانسه): ج ۲ ص ۱۸۸۲
 ماری تیز (امپراتریس آلمان): ج ۲ ص
 ۹۶۶-۹۶۷-۱۱۲۰-۱۱۲۵-۱۱۲۷
 ۱۱۳۳-۱۱۶۷: ج ۳ ص ۱۳۸۶
 ماری (مختر دن پسر و ملکه پرنسوال):

مبارکشاہ بن اہدکوه (شاہ خوازم): ج ۲ ص ۶۷۲.
 مبارکشاہ (پسر غفر خان، حاکم دہلی): ج ۲ ص ۶۸۹، ۶۸۲، ۶۲۰.
 مبارکشاہ بن قراہلاکو: ج ۲ ص ۶۲۹.
 میرد، ابوالعباس محمد (نحوی): ج ۱ ص ۲۲۲، ۲۶۱، ۲۶۴.
 مبرقع: ج ۱ ص ۱۸۸.
 مت: ج ۲ ص ۱۲۳۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵.
 مناشی (شاہ زاین): ج ۲ ص ۱۸۷۶.
 مترجم دیوان: ج ۳ ص ۱۷۵۶.
 مترنخ (وزیر اعظم اطروش): ج ۲ ص ۱۵۲۸، ۱۷۰۲، ۱۸۱۸، ۱۸۲۰.
 منس (بردار پروسی): ج ۳ ص ۱۹۱۹.
 المنطی لله — ابراہیم بن الحنفدر
 متلاند (کاتبین انگلیسی): ج ۳ ص ۱۵۳۲.
 متنبی: ج ۱ ص ۲۸۹.
 متوکل، جعفر بن متعمم (دھین خلیفہ عباسی): ج ۱ ص ۱۹۱ تا ۲۰۰، ۲۵۶.
 المتوکل علی اللہ: ج ۲ ص ۷۶۲.
 متوکل بن ہود: ج ۱ ص ۴۳۹.
 متوہ: ج ۱ ص ۳۳۶.
 متی بن یونس (حکیم، استاد طرابلس): ج ۱ ص ۲۵۲، ۲۶۰.
 منشی بن حارفہ: ج ۱ ص ۳۶ تا ۴۰.
 منشی عہدی: ج ۱ ص ۸۷.
 مجاشع بن مسعود: ج ۱ ص ۴۱، ۵۲.
 مجاشع بن مسعود سلمی: ج ۱ ص ۵۲، ۵۷.
 مجاہد بن سعد تمیمی (والی سند): ج ۱ ص ۹۱.
 مجاہد بن سعید: ج ۱ ص ۱۲۵.
 مجاہد: ج ۱ ص ۱۰۹.
 مجاہدالدین برنیش: ج ۱ ص ۲۱۶.
 مجاہدالدین بھروز (نحیفہ بغداد): ج ۱ ص ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۹، ۳۸۰.
 مجاہدالدین قیماز: ج ۱ ص ۴۰۴، ۴۰۶.
 ۴۰۷، ۴۱۷.
 مجدالدولہ: ج ۲ ص ۱۹۲۲، ۱۹۸۲، ۲۱۱۳.
 مجدالدولہ، ابوطالب بن رستم بن فخر — الدولہ: ج ۱ ص ۲۸۹.
 مجدالدولہ، اکبرخان — اکبرخان

شافعی: ج ۱ ص ۱۶۲.
 مالک بن اوس بصری: ج ۱ ص ۱۰۱.
 مالک بن حارث انتر نطی امیر سہبہ علی (ع) در صفین: ج ۱ ص ۵۸، ۶۱، ۶۳ تا ۶۶، ۶۸.
 مالکین دشم: ج ۱ ص ۲۹، ۴۰.
 مالک بن دینار (زاهد بصری): ج ۱ ص ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۳۰.
 مالک بن سالم العقیلی: ج ۱ ص ۳۶۸، ۴۸۰.
 مالک بن شیبہ: ج ۱ ص ۱۱۵.
 مالک بن طوق القفلی: ج ۱ ص ۲۰۸.
 مالک بن عبادہ الخافعی: ج ۱ ص ۸۰.
 مالک بن عبدالمہدی الخفصی: ج ۱ ص ۸۰، ۸۲، ۱۲۲.
 مالک بن عتبہ: ج ۱ ص ۱۲۵.
 مالک بن عوف القسری (ولیس قوم ہوازن): ج ۱ ص ۲۸.
 مالک بن کعب (حاکم عین التمر): ج ۱ ص ۶۹.
 مالک بن مرد الرطبی: ج ۱ ص ۳۰.
 مالکین ملول البطی: ج ۱ ص ۱۲۹.
 مالک بن نویرہ: ج ۱ ص ۲۳.
 مالک بن ہبیرہ: ج ۱ ص ۷۵.
 مالک بن ہشام خزاعی (حاکم موصل): ج ۱ ص ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۹۰.
 مالہ (ژنرل —): ج ۳ ص ۱۵۰۷.
 مالیس بن ربیعہ: ج ۱ ص ۶۵.
 مالسون (خلیفہ عباسی): ج ۱ ص ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۸ تا ۱۸۲، ۲۰۷، ۲۰۸.
 ماندا نا: ج ۲ ص ۸۵۵.
 مانس (دوقس): ج ۲ ص ۵۹۸.
 مانوول (امپراطور قسطنطنیہ): ج ۱ ص ۳۹۰.
 ماوردی — علی...
 ماہ بیگم خانم (دختر فتحعلشاہ): ج ۲ ص ۱۶۲۶.
 ماہ تابان، قمر السلطنہ (دختر فتحعلی شاہ): ج ۲ ص ۱۶۲۷.
 ماہ نوش لب خانم (دختر فتحعلشاہ): ج ۲ ص ۱۶۲۷.
 مبارز خان: ج ۲ ص ۸۲۱.
 مبارکشاہ: ج ۲ ص ۵۸۵، ۵۸۲.

ج ۳ ص ۱۵۷۷.
 ماری دیمیدیسی: ج ۲ ص ۸۵۸، ۸۹۷، ۹۲۸.
 ماری کریستین: ج ۲ ص ۱۹۹۷.
 ماری (ملکہ انگلیس): ج ۲ ص ۸۲۵، ۸۳۸.
 ماری (ملکہ پرتوگال): ج ۲ ص ۱۲۲۲، ۱۵۳۸.
 ماری لوئیز (زوجہ ناپلیون): ج ۳ ص ۱۳۹۹.
 ماریہ قبیلہ زوجہ ہمایوں: ج ۱ ص ۲۷، ۲۸، ۲۵.
 مازارت: ج ۲ ص ۹۵۵، ۹۵۳، ۹۲۹، ۹۲۸، ۹۶۷، ۹۵۶.
 مازن بن منصور: ج ۱ ص ۹۹.
 مازنی: ج ۳ ص ۱۸۳۶.
 مازیار بن قارن (حاکم طبرستان): ج ۱ ص ۱۸۱، ۲۸۷، ۲۰۲.
 مازیسی: ج ۳ ص ۱۶۱۹، ۱۶۰۳، ۱۶۰۹، ۱۶۶۲، ۱۷۹۹، ۱۸۰۱، ۱۹۳۷.
 ماژلان: ج ۲ ص ۷۶۸.
 ماژوریارون ستوفاک: ج ۱ ص ۵۳۷.
 ماژور کاوانیاری: ج ۳ ص ۱۹۹۹.
 ماژور مارنیز: ج ۳ ص ۱۹۹۹.
 ماس فیلس: ج ۳ ص ۱۸۶۳.
 ماسنا (بردار فرانسی): ج ۳ ص ۱۴۵۵.
 ماگان بن گاکو دیلمی: ج ۱ ص ۲۴۰، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۲.
 ماگہ نا لا (بردار فرانسی): ج ۳ ص ۱۵۲۵.
 مالزوب: ج ۲ ص ۹۳۴.
 مالکی مہلین (برادر امیراطور اطروش): ج ۲ ص ۱۸۷۱.
 مالکی مہلین (امیراطور مکزیک): ج ۲ ص ۷۶۷، ۸۲۹، ۸۵۰، ج ۳ ص ۱۷۹۸.
 ۱۷۹۹، ۱۸۲۸، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۹.
 مالکی مہلین دوم (پادشاہ باہرآکمان): ج ۲ ص ۱۷۰۳، ۱۸۶۱.
 مالکی مہلین ژوزف (سلطان باہر): ج ۲ ص ۱۵۷۰.
 مالکین: ج ۳ ص ۱۸۱۸.
 مالکونین (کاتبین —): ج ۱ ص ۵۳۷.
 مالک بن انس انتاری: ج ۱ ص ۱۰۰.
 مالک بن انس بن مالک اصبحی (استاد

مجدالدوله (امير آخوند اسفند): ج ۳ ص ۱۹۱۲
 مجدالدوله (امير اعلان خان): ج ۲ ص ۱۸۶۰، ۱۸۲۵
 مجدالدوله (حاکم گیلان): ج ۳ ص ۱۹۱۰
 مجدالدوله بن فخرالدوله: ج ۱ ص ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵
 مجدالدین، ابوبکر بن دایه: ج ۱ ص ۲۹۸
 مجدالدین بن السعادت المبارک، ابن
 اثیر: ج ۱ ص ۲۲۷
 مجدالدین محمد بن یعقوب فیروز آبادی
 فارسی (حاجب قاموس): ج ۲ ص ۶۳۳، ۶۳۷
 المجد الطروز الذهوی الخوارزمی: ج ۱ ص ۲۲۷
 مجدالطک بلاسانی: ج ۱ ص ۲۲۲
 مجدالطک (میرزا تقی خان منشی طبرستان):
 ج ۲ ص ۲۱۱۰، ۲۱۱۹
 مجدالطک (حاجی میرزا محمد خان):
 ج ۲ ص ۱۸۹۷، ۱۹۲۳، ۱۹۹۷، ۲۰۰۹
 مجدالطک (وزیر وکیل): ج ۲ ص ۱۹۳۷
 مجد هکر شیرازی: ج ۲ ص ۶۰۵
 مجراء بن کور: ج ۱ ص ۲۸
 مجنون خان: ج ۲ ص ۱۲۸۱
 مجنون خان یازکی (حاکم طهران): ج ۳ ص ۱۲۹۵، ۱۲۹۶
 مجنون سلطان شاطو: ج ۳ ص ۸۲۰
 مجید خان کرستانی (نایب آجودان -
 باشی): ج ۲ ص ۲۰۷۳
 مجید میرزا (سلطان -) ولد عبدالدوله
 (ننگینار باشی): ج ۱ ص ۵۵۷
 مجیر خان بلوچ: ج ۲ ص ۱۰۸۷
 مجیر الدین: ج ۱ ص ۳۹۸
 مجیر الدین افق بن محمد بن نسوری
 (حاجب دمشق): ج ۱ ص ۳۷۷
 ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳
 مجیر الدین تاشکین (امیر -) والی
 خوزستان: ج ۱ ص ۳۲۲
 مجیر الدین قراقرغان (از ارتش): ج ۲ ص ۶۷۰

محبلی خان افشار (باور اول): ج ۲ ص ۲۰۷۷
 محبلی خان خلج (سلطان ایران در عثمانی):
 ج ۱ ص ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲
 ص ۱۵۳۷
 محبلی خان ماکولی: ج ۲ ص ۱۶۲۵
 ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۷۰، ۱۶۷۳
 محبلی (میرزا -) خان (ناظم الطک):
 ج ۲ ص ۲۱۰۳
 محبلی خان یوزباشی: ج ۲ ص ۲۱۱۹
 محبلی سلطان استاجلو: ج ۲ ص ۹۳۳
 محبلی (میرزا -) ناظم دفترخانه وزارت
 خارجه: ج ۱ ص ۵۳۱، ج ۲ ص ۱۱۰۹
 محترم القندی (از مشایخ عثمانی): ج ۲ ص ۸۶۱
 محراب خان: ج ۲ ص ۹۱۸
 محراب خان بکتلو افشار: ج ۲ ص ۱۲۹۸
 محراب خان (حاکم استرآباد): ج ۲ ص ۹۵۵، ۹۵۶
 محراب خان قاجار: ج ۲ ص ۹۶۱، ۹۶۲
 محراب (سرتیپ آقا -) خواجه: ج ۱ ص ۵۳۱
 محسن (حاجی میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۲۵
 ج ۲ ص ۱۷۸۲
 محسن (پسر ابوالحسن بن قزاق): ج ۱ ص ۲۳۸، ۲۳۹
 محسن بیگ کرکی (باور): ج ۱ ص ۵۱۰
 ج ۲ ص ۱۲۳۱، ج ۳ ص ۲۰۷۵
 محسن (شیخ -) تاجر کرمانی: ج ۲ ص ۲۱۲۸
 محسن (میرزا -) خان: ج ۲ ص ۱۶۵۹
 محسن خان (حاجی -) سرتیپ اول: ج ۲ ص ۱۸۸۸، ۱۹۰۹
 محسن خان (حاجی -) سرهنگ: ج ۲ ص ۱۸۱۲، ۱۸۵۸
 محسن خان شامیانی: ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محسن خان (پسر شیخعلی خان): ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹
 محسن (میرزا -) خان (مکتوبی باشی مشهد):
 ج ۲ ص ۹۲۸
 محسن خان (میرزا -) معین الطک: ج ۱

ص ۵۳۳
 محسن (حاجی -) خان (وزیر مختار):
 ج ۲ ص ۱۹۲۷
 محسن رفوی (سید -): ج ۲ ص ۷۷۱
 محسن (میرزا -) سرورنده دار: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۲ ص ۱۲۲۲
 محسن (میرزا -) سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۱
 ج ۲ ص ۱۲۲۵، ج ۳ ص ۲۰۸۰
 محسن (میرزا -) طبیب دارالفنون: ج ۱ ص ۵۲۵
 محسن بن طو الفنونی (قاضی حنفی):
 ج ۱ ص ۹۸۰
 محسن (ملا -) فیض کاشانی: ج ۲ ص ۹۶۶، ۹۵۸
 محسن (میرزا -) لشکر نویسنده: ج ۲ ص ۲۰۶۸
 محسن (حاجی میرزا -) لشکر نویسنده: ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۲۰۶۹
 محسن (حاجی میرزا -) لشکر نویسنده
 آفریباچان: ج ۱ ص ۵۰۶
 محسن (میرزا سید -) مستوفی: ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۳ ص ۲۰۹۹
 محسن (میرزا -) مستوفی (پیشکار حاکم
 السلطنه): ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۳ ص ۲۱۰۰
 محسن (میرزا -) مشرف: ج ۱ ص ۵۲۰
 ج ۳ ص ۲۱۲۲
 محسن (میرزا -) منشی سیم: ج ۳ ص ۲۱۰۳
 محسن میرزا میرآخوند: ج ۳ ص ۱۷۹۵، ۱۹۳۲
 محسبه بن مسعود: ج ۱ ص ۲۷
 محمد (آقا میرزا -) (از همراگان شاه
 در سفر دوم بفرنگستان): ج ۲ ص ۱۹۷۸
 محمد (حاجی آقا -): ج ۱ ص ۵۲۵
 محمد (حاجی آقا -) از علماء طهران:
 ج ۲ ص ۲۰۹۵
 محمد (حاجی سید -): ج ۲ ص ۲۱۲۷
 محمد (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۲۵
 محمد (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۶۸، ج ۳ ص ۱۸۰۹
 محمد (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۷۹

محمد (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۲۳ : ج ۳
 ص ۱۸۰۱
 محمد (میرزا سید -) : ج ۲ ص ۱۱۷۸
 ۱۲۲۳
 محمد (شیخ -) : ج ۳ ص ۱۸۴۱
 محمد (میرزا شیخ -) : ج ۲ ص ۱۲۷۹
 محمد (میرزا -) : آجودان : ج ۱ ص ۵۳۵
 ج ۳ ص ۲۱۰۴
 محمد آقا تبریزی (نایب ایشیک آقاسی
 باشی) : ج ۳ ص ۲۱۱۶
 محمد آقا بیک (نایب فراتخانه) : ج ۳ ص
 ۲۱۱۸
 محمد آقا (حاجی -) : تاجر تبریزی :
 ج ۱ ص ۵۲۶ : ج ۲ ص ۱۲۵۱ : ج ۳
 ص ۲۱۲۵
 محمد آقا (حاجی -) : تاجر همدانی : ج ۲
 ص ۲۱۲۶
 محمد آقا جدید الاسلام (معلم) : ج ۱
 ص ۵۱۰ : ج ۲ ص ۱۲۳۱ : ج ۳ ص
 ۲۰۷۵
 محمد آقا خرقانی (بازر دوم) : ج ۱ ص
 ۵۱۱
 محمد آقا دیوان افندی : ج ۳ ص ۱۲۵۰
 محمد آقا (رئیس طائفه ماضی لباس) : ج ۱
 ص ۴۷۸ : ج ۳ ص ۲۰۱۱
 محمد آقا سرشپ (شاز دافر ایران) : ج ۲
 ص ۱۹۳۹
 محمد آقا سرشپ سیم (نایب اول) : ج ۳
 ص ۱۹۰۶ : ج ۳ ص ۱۹۰۹
 محمد آقا سرهنگ (پسر حاجی بیژن خان) :
 ج ۳ ص ۲۰۷۳
 محمد آقا سلام آقاسی : ج ۲ ص ۱۱۶۶
 محمد آقا قاپوچی باشی : ج ۱ ص ۵۲۹ :
 ج ۲ ص ۱۲۶۸ : ج ۳ ص ۲۱۱۸
 محمد آقا قاجار : ج ۳ ص ۱۲۱۹
 محمد آقا ، قونول ماسوم : ج ۱ ص ۵۳۲
 محمد آقا ، ملک التجار : ج ۳ ص ۲۱۲۶
 محمد آقا (مهماندار بایزید) : ج ۲ ص
 ۸۳۶ ، ۸۳۵
 محمد آقا (نایب آجودان باشی) : ج ۱ ص
 ۵۰۹ : ج ۲ ص ۱۲۳۰ : ج ۳ ص
 ۲۰۷۲
 محمد آقا (بازر دوم) : ج ۳ ص ۱۲۳۳ :

ج ۳ ص ۲۰۷۷
 محمد بن ابراهیم : ج ۱ ص ۱۹۰
 محمد بن ابراهیم الانام : ج ۱ ص ۱۶۶
 محمد بن ابراهیم صلوک : ج ۱ ص ۲۳۲
 محمد بن ابراهیم بن عبدالله : ج ۱ ص ۱۷۷
 محمد بن ابراهیم بن مصیب : ج ۱ ص ۱۳۹
 محمد بن ابومحمد الله (الوائق بالله) : ج ۱
 ص ۲۵۹
 محمد (میرزا -) : پسر میرزا ابوالقاسم قلم
 مقام : ج ۲ ص ۱۶۲۰
 محمد بن ابومحمد (از آل مرین مغرب) :
 ج ۲ ص ۷۳۰
 محمد بن ابی بکر (حاکم عمر) : ج ۱ ص
 ۵۷ ، ۵۶ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۱۱۱
 محمد بن ابی بکر (از طحییین) : ج ۱ ص
 ۲۶۰
 محمد بن ابی الساج : ج ۱ ص ۲۱۶ ، ۲۱۷
 ۲۱۹ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳
 محمد بن ابی العباس بنجاح : ج ۱ ص ۱۲۴
 ۱۲۲
 محمد بن ابی عبدالله (وزیر) : ج ۱ ص
 ۱۵۱
 محمد بن ابی الفوارات : ج ۱ ص ۳۲۹
 محمد بن ابی هاشم الحسینی (امیر بکه) :
 ج ۱ ص ۳۳۷
 محمد (میرزا -) : احمد آبادی اصفهانی :
 ج ۲ ص ۱۵۶۲
 محمد بن احمد ، ابو عبدالله (قاضی ثقلی) :
 ج ۱ ص ۲۲۲
 محمد بن احمد بن احمد ابیوردی (ادیب
 وشاعر) : ج ۱ ص ۳۶۱
 محمد بن احمد بن اغلب (حاکم فیروان) :
 ج ۱ ص ۲۰۰
 محمد بن احمد بن تمام : ج ۲ ص ۶۳۱
 محمد بن احمد بن الحسن شاشی (فقیه
 شافعی ، صاحب مستطهری) : ج ۱ ص
 ۳۶۱
 محمد بن احمد بن شهنود (مقری) : ج ۱
 ص ۲۵۳
 محمد بن احمد بن عباس علمی نقاش
 (مکتب) : ج ۱ ص ۲۸۲
 محمد بن احمد بن عبدالله مروزی (فقیه
 شافعی) : ج ۱ ص ۲۸۰

محمد بن احمد بن حمسی : ج ۱ ص ۲۲۲
 محمد بن احمد بن کسان (نحوی) : ج ۱
 ص ۲۳۱
 محمد بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن
 اغلب (حاکم افریقیه) : ج ۱ ص ۲۰۶
 ۲۰۹
 محمد (حاجی میرزا -) : اخباری نیشابوری :
 ج ۲ ص ۱۲۷۸ ، ۱۵۲۸
 محمد بن ادريس (شاه طاس) : ج ۱ ص
 ۱۸۲
 محمد بن ادريس شافعی - شافعی ...
 محمد (میرزا سید -) : از ارباب قلم : ج ۲
 ص ۲۰۶۸
 محمد بن اسامه بن زید بن حارثه : ج ۱
 ص ۱۰۳
 محمد بن اسحق بن ابراهیم ، ابوالحسنی
 (شاعر) : ج ۱ ص ۱۶۰
 محمد بن اسحاق بن جعفر الصفاقنی : ج ۱
 ص ۲۱۴
 محمد بن اسحاق (صاحب طاقی) : ج ۱
 ص ۱۲۲
 محمد بن اسحاق ... بن سنده اصفهانی :
 ج ۱ ص ۲۹۳
 محمد بن اسکندر (زاهد) : ج ۱ ص ۱۲۹
 محمد بن اسماعیل بن جعفر الطاقی (ع) :
 ج ۱ ص ۲۲۹
 محمد بن اسمعیل بن سعد بن ابیوقاص :
 ج ۱ ص ۱۳۶
 محمد بن اسماعیل فرغانی صوفی : ج ۱ ص
 ۲۵۶
 محمد بن اسماعیل کوفی : ج ۱ ص ۱۲۲
 محمد بن اثمت : ج ۱ ص ۱۳۷ ، ۱۳۲
 محمد بن اغلب ، ابوالعباس (والسبی
 افریقیه) : ج ۱ ص ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۷
 ۲۰۶
 محمد (میرزا سید -) : امام جمعه : ج ۲
 ص ۱۷۰۱
 محمد اموی (پادشاه اسپانیول) : ج ۱ ص
 ۲۰۹ ، ۲۱۰ ، ۲۱۲
 محمد بن ناصر حسن بیک (فرمانروای آذرب-
 بایجان) : ج ۲ ص ۷۳۳
 محمد (امیر -) : بن امیر بوسد : ج ۲ ص
 ۲۵۶

محمد (سید) (انوری، صفایه انندی):
 ج ۲ ص ۱۶۸۰
 محمد اورنگ زیب: ج ۲ ص ۹۵۹، ۹۶۲
 محمد ای تیمور (آقا -) از سرداران:
 ج ۲ ص ۶۵۶
 محمد بابر میرزا (ولد میرزا عمر شیخ)
 گورگانی: ج ۲ ص ۷۱۸
 محمد بن بختیار (شاعر معروف به: ابله):
 ج ۱ ص ۲۰۶
 محمد بختیار خلج: ج ۲ ص ۶۶۴
 محمد بن یقار بصری (از مشایخ بخاری
 و مسلم): ج ۱ ص ۲۰۳
 محمد بن بیث: ج ۱ ص ۱۹۲
 محمد بن بکار (محدث): ج ۱ ص ۱۹۵
 محمد بن بکتمر: ج ۱ ص ۴۱۶
 محمد بن بلال: ج ۱ ص ۳۲۷
 محمد (میرزا -) از اجزای پستخانه: ج ۲
 ص ۲۱۲۲
 محمد بن بطلوان: ج ۱ ص ۴۰۰
 محمد (حاجی -) تاجر تبریزی: ج ۲
 ص ۱۷۵۸
 محمد (آقا -) تاجر ده دشتی: ج ۲ ص
 ۲۱۲۷
 محمد تبریزی (میرزا -): ج ۲ ص ۸۸۰
 ۸۸۱
 محمد (حاجی آقا -) نویسنده: ج ۱ ص
 ۵۵۲: ج ۳ ص ۲۱۱۲-۲۱۱۳
 محمد بن نکس، قطب الدین خوارزمشاه:
 ج ۱ ص ۲۱۶، ۲۱۹ تا ۲۲۵، ۲۲۱
 ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۱
 محمدتقی (شاعر): ج ۱ ص ۳۰۵
 محمد بن جابر اعمی: ج ۱ ص ۶۵۱
 محمد بن جابر حرانی (صاحب زیج حاجی):
 ج ۱ ص ۲۴۲
 محمد (سید -) جامیوف (شاعر):
 ج ۲ ص ۸۵۱
 محمد بن جبار (لزال افضل): ج ۲ ص ۷۲۲
 محمد (سید -) جبل عاملی: ج ۲ ص ۸۳۲
 محمد بن جریر بن عبد اللہ حبلی: ج ۱ ص ۱۰۶
 محمد بن جعفر (صاحب اغلال القلوب):
 ج ۱ ص ۲۵۲
 محمد بن جعفر بن ابی طالب: ج ۱ ص ۲۸۹
 محمد جوگی (میرزا -) پسر میرزا شاهرخ:

ج ۲ ص ۶۸۲ تا ۶۸۶، ۶۹۰، ۶۹۵
 ۷۱۰ تا ۷۱۲
 محمد جهانگیر (پادشاه هند): ج ۲ ص ۹۱۵
 محمد بن حاتم بن هرونه والی آذربایجان:
 ج ۱ ص ۱۹۲
 محمد بن حذیفه: ج ۱ ص ۶۲
 محمد (شیخ -) بن شیخ حسن: ج ۲ ص ۹۱۵
 محمد بن الحسن الشیبانی (فقیه، صاحب
 جامع صغیر و جامع کبیر): ج ۱ ص ۱۶۸
 محمد (شیخ -) بن شیخ حسن: ج ۲ ص ۹۱۵
 محمد بن الحسن بن الطفر، حائمی (امام
 ادب و صاحب رساله حائمه): ج ۱
 ص ۲۸۹
 محمد بن حسنی (مورخان نلس): ج ۱ ص
 ۲۷۲
 محمد بن حسن شیری: ج ۱ ص ۳۸۲
 محمد بن حفص (والی طبرستان): ج ۱ ص
 ۱۲۹
 محمد حکیم: ج ۲ ص ۸۲۴
 محمد (میرزا -) حکیم باشی: ج ۳ ص ۱۶۳۹
 محمد (میرزا سید -) حکیم باشی توپخانه:
 ج ۱ ص ۵۰۷: ج ۲ ص ۱۲۲۶: ج ۳ ص ۲۰۷۰
 محمد بن حمود طوسی: ج ۱ ص ۱۸۱ تا ۱۸۲
 محمد بن حذیفه: ج ۱ ص ۸۸۰ تا ۸۸۱
 محمد بن خالد بن برمک: ج ۱ ص ۱۶۷
 محمد بن خالد بن عبد الله القسری: ج ۱ ص
 ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۰
 محمد غیوثانی (حاجی -): ج ۲ ص ۷۸۵
 محمد الخصب (سید -): ج ۳ ص ۱۸۳۸
 محمد خدا بنده (سلطان -): ج ۳ ص ۱۳۴۷
 محمد بن فرزانة: ج ۱ ص ۲۴۱
 محمد بن خواجه بن سفیان (والی مقلبه):
 ج ۱ ص ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۶
 محمد بن خلف بن حیان، ابو بکر نمسی
 (قاضی): ج ۱ ص ۲۳۵
 محمد خوارزم شاه (حکمران خوارزم): ج ۱
 ص ۳۵۰
 محمد داراشکوه: ج ۲ ص ۹۶۶، ۹۵۴، ۹۶۰
 ۹۷۸
 محمد بن داندیند (صاحب طغیه): ج ۱
 ص ۳۷۳، ۳۷۸
 محمد بن داود بن الجراح: ج ۱ ص ۲۲۲
 محمد بن دارید دینوری، الرقی (صوفی):

ج ۱ ص ۲۷۲
 محمد درویش (میر -): ج ۲ ص ۶۸۸
 محمد درویش (نماینده عثمانی): ج ۳ ص
 ۱۰۲۳
 محمد (میرزا -) دفتر دار: ج ۱ ص ۵۲۵
 ج ۲ ص ۲۱۰۷
 محمد (میرزا -) دکتر حکیم باشی (رئیس
 مریشخانه مبارکه): ج ۱ ص ۵۳۶: ج ۲
 ص ۱۱۹۹: ج ۳ ص ۲۱۲۹-۲۱۳۱
 محمد بن رابع (وزیر الرأسی): ج ۱ ص
 ۲۲۹، ۲۵۱ تا ۲۵۵
 محمد بن ربیع، ابوبکر ابراهیم: ج ۱ ص ۹۲
 محمد بن رحبان، ابوحاتم بستی: ج ۱ ص
 ۲۶۸
 محمد رسول الله (ص): ج ۱ ص ۲۱۸
 محمد (آقا -) ریزالرون (ابن القاسم):
 ج ۲ ص ۷۶۵، ۷۶۷، ۸۰۶ تا ۸۹۴
 محمد (میرزا -) رئیس دفتر وزارت خارجه:
 ج ۲ ص ۱۹۰۴
 محمد (میرزا -) رئیس سنگج: ج ۱ ص ۵۲۶
 محمد (میرزا سید -) رئیس مجلس: ج ۲
 ص ۲۰۹۷
 محمد بن زکریا الرازی (طبيب): ج ۱ ص
 ۲۳۸
 محمد زمزی (سید -): ج ۲ ص ۶۹۵
 محمد (ملا -) زنجان (از علمای دار
 الخلافه): ج ۳ ص ۱۵۲۶
 محمد بن زید علوی: ج ۱ ص ۲۲۱، ۲۱۴
 ۲۲۳
 محمد (حاجی میرزا -) سرشندار: ج ۱
 ص ۵۰۵
 محمد (میرزا -) سرشندار: ج ۱ ص ۵۰۵
 ۵۰۶: ج ۲ ص ۱۲۷۱: ج ۳ ص ۲۰۷۰
 محمد (میرزا -) سرشندار آذربایجان:
 ج ۱ ص ۵۰۶
 محمد (میرزا -) سرشندار اصفهان: ج ۱
 ص ۵۰۶: ج ۲ ص ۱۲۲۶: ج ۳ ص ۲۰۷۰
 محمد (حاجی میرزا -) سرشندار دفتر
 لشکر: ج ۲ ص ۱۲۴۴: ج ۳ ص ۲۰۶۹
 محمد (میرزا -) سرشندار وزارت وظایف:
 ج ۲ ص ۲۱۱۹
 محمد (ملا -) ساری: ج ۲ ص ۱۱۲۸: ج ۲
 ص ۱۲۶۴

محمد (میرزا -) ساوجبلاغی: ج ۱ ص ۵۲۸.
 محمد (ملا -) سراب: ج ۲ ص ۱۶۰۸.
 محمد (ولد سرخای لنگره): ج ۲ ص ۱۱۴۱.
 محمد بن سعد بن منیع (کاتب وادی و صاحب طبقات): ج ۱ ص ۱۹۰.
 محمد بن محمد (حاکم مصر): ج ۱ ص ۱۲۵.
 محمد بن سفیان (قاری): ج ۱ ص ۳۰۵.
 محمد بن سلامه قضاوی (قاضی): ج ۱ ص ۳۲۸.
 محمد بن سلیمان (سرदार المکلفی): ج ۱ ص ۱۵۱، ۱۲۵، ۲۲۶.
 محمد بن سلیمان (نقیه): ج ۱ ص ۱۲۰.
 محمد بن سلیمان (کاتب): ج ۱ ص ۱۲۸.
 محمد بن سلیمان بن علی (والی مصره): ج ۱ ص ۱۵۲، ۱۲۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۹.
 محمد سوادکوهی: ج ۲ ص ۱۱۵۹.
 محمد بن سیرین (مصر): ج ۱ ص ۱۱۳.
 محمد شاه بهمنی: ج ۱ ص ۶۲۲.
 محمد شاه خان سی: ج ۲ ص ۱۷۸۷.
 محمد شاه فاروقی: ج ۲ ص ۸۶۲.
 محمد شاه (آقا -): ج ۳ ص ۱۲۲۶ تا ۱۲۲۹، ۱۲۴۱.
 محمد شاه قاجار (پسر عباس میرزا): ج ۱ ص ۲۹۹، ج ۲ ص ۱۲۰۹، ۱۲۱۷، ج ۳ ص ۱۶۲۲، ۱۶۲۸، ۱۶۳۰، ۱۶۳۳، ۱۶۲۸، ۱۶۶۱، ۱۶۶۵، ۱۶۶۹، ۱۶۷۲، ۱۶۸۰، ۱۶۸۹، ۱۷۱۹، ۱۷۳۲، ۲۰۶۱.
 محمد شاه هندی (امیراطور هند): ج ۲ ص ۱۱۲۵، ۱۰۱۲.
 محمد ابوعثمان، پسر شافعی (قاضی جزیره): ج ۱ ص ۱۹۶.
 محمد (حاجی آقا -) شال فروش: ج ۱ ص ۵۲۶.
 محمد شیانکاری، مظفرالدین: ج ۲ ص ۵۸۰.
 محمد بن شرف الدوله مسلم بن قریش: ج ۱ ص ۳۲۹، ۳۲۱.
 محمد (پسر شریف عبدالله): ج ۲ ص ۸۶۰.
 محمد شریف میرزا قزانلو: ج ۱ ص ۵۰۲.
 محمد بن شهریار بن جمشید بن دیوبند (از طوک رستمدار): ج ۲ ص ۷۲۲.
 محمد شیرازی: ج ۱ ص ۲۸۳.

محمد (اسیر -) شیرازی: ج ۳ ص ۷۵۶.
 محمد شیران خلج (از طوک خلج): ج ۲ ص ۶۶۲.
 محمد بن شیرکوه (پسر عم صلاح الدین): ج ۱ ص ۲۰۴.
 محمد بن شیرین مزی شیرازی: ج ۲ ص ۶۷۰.
 محمد (میرزا سید -) پسر میرزا صادق لشکرنویس: ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 محمد بن صالح (حاکم مدینه): ج ۱ ص ۱۸۹.
 محمد بن طلیق (ملک -): ج ۱ ص ۲۲۰.
 محمد (ملا -) صوفی مازندرانی: ج ۲ ص ۹۲۰، ۹۶۶.
 محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر (والی خراسان): ج ۱ ص ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۷.
 محمد بن طاهر مقدسی (از حفاظ): ج ۱ ص ۳۶۱.
 محمد بن طغی لاغشیدی (حکمران مصر): ج ۱ ص ۲۷۰.
 محمد (میرزا شیخ -) طبیب دارالفنون: ج ۱ ص ۵۲۵.
 محمد (آقا -) مدخلی به: عاشق (شاعر اصفهانی): ج ۲ ص ۱۱۶۸.
 محمد بن عباس بن احمد القزاز: ج ۱ ص ۲۸۷.
 محمد بن عباس، ابن نهوی (نقیه): ج ۱ ص ۲۶۲.
 محمد (میرزا -) ولد حاجی میرزا عباسقلی (مستوفی): ج ۱ ص ۵۲۸.
 محمد بن عبداللحمی اغلب (امیر صقلیه): ج ۱ ص ۱۸۹، ۱۹۴.
 محمد بن عبدالله بن تورت طوی حسینی (مهدی): ج ۱ ص ۳۶۵.
 محمد بن عبدالله ثقفی: ج ۱ ص ۷۷.
 محمد بن عبدالله (نفس زکيه): ج ۱ ص ۱۲۰، ۱۲۱.
 محمد بن عبدالله الشنغلی النصری: ج ۱ ص ۱۲۶.
 محمد بن عبدالله بن طاهر (والی عراق): ج ۱ ص ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲.
 محمد بن عبدالله عبدالاعلی، ابن کتانه (عالم عربیت و شعر): ج ۱ ص ۱۷۹.
 محمد بن عبدالله بن عبدالحکم بصری

(نقیه مالکی): ج ۱ ص ۲۱۲.
 محمد بن عبدالله... عبدالرحمن: ج ۱ ص ۲۲۱.
 محمد بن عبدالله بن عمر البصری الاموی البصری: ج ۱ ص ۱۸۹.
 محمد بن عبدالله قس: ج ۱ ص ۱۹۶.
 محمد بن عبدالله، ابن النطنطی (کاتب): ج ۱ ص ۲۰۹.
 محمد بن عبدالله کتیری (والی مدینه): ج ۱ ص ۱۵۰، ۱۵۱.
 محمد بن عبدالله المجید القرطبی: ج ۲ ص ۶۲۹.
 محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه، ابن حاکم نیشابوری (حافظ و محدث): ج ۱ ص ۲۹۹.
 محمد بن عبدالله بن مسلم بن عبدالله بن شهاب: ج ۱ ص ۱۲۵.
 محمد بن عبدالله نمیر (شیخ بخاری): ج ۱ ص ۱۲۲.
 محمد (آقا شیخ -): ج ۱ ص ۵۲۵.
 محمد بن عبدالحکیم (مفتی مصر): ج ۱ ص ۲۱۲.
 محمد بن عبدالحمید، ابی الرازی (حاکم یمن): ج ۱ ص ۱۸۲.
 محمد بن عبدالرحمن بن ابی املی (قاضی): ج ۱ ص ۱۳۳.
 محمد بن عبدالرحمن بن حکم بن هشام الاموی: ج ۱ ص ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶.
 محمد بن عبدالرحمن، ابن قریه باندادی (قاضی): ج ۱ ص ۲۷۸.
 محمد بن عبدالرحمن مسعودی (شاعر مقامات): ج ۱ ص ۴۰۹.
 محمد بن عبدالعزیز (از آل مرین): ج ۱ ص ۲۳۰.
 محمد بن عبداللطیف المجددج (رکنی شافعیان در اصفهان): ج ۱ ص ۲۸۹.
 محمد بن عبدالمطک بن ابراهیم القرطبی البغدادی (صاحب تاریخ): ج ۱ ص ۳۶۹.
 محمد بن عبدالمطک زهرالاندلسی الاشبیلی (ادیب و طبیب): ج ۱ ص ۴۱۸.
 محمد بن عبدالمطک الزیات (وزیر متخمس):

ج ۱ ص ۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۲.
 محمد بن عبدويه الانباري (حاكم حمص) :
 ج ۱ ص ۱۹۶.
 محمد بن عبيدالله بن خاقان (صاحب
 قلعة الطيان) : ج ۱ ص ۳۷۸.
 محمد بن عبيدالله الجعفي (والي مدینه) :
 ج ۱ ص ۱۵۰، ۱۵۱.
 محمد (ملا -) عصار : ج ۱ ص ۶۲۸.
 محمد بن علاء همداني (از شايع پهلوي
 و سلم) : ج ۱ ص ۲۰۰.
 محمد ، پدر علي (قاضي) : ج ۱ ص ۳۲۸.
 محمد بن علي بن ابي طالب ، ابن حنفيه :
 ج ۱ ص ۲۶.
 محمد بن علي بن جعفر الکاتبی (صوفي) :
 ج ۱ ص ۲۴۸.
 محمد بن علي بن حسن ، ابن ابي الصقر
 (فقيه شافعي) : ج ۱ ص ۳۵۷.
 محمد بن علي للشلماني (تناسخي) :
 ج ۱ ص ۲۴۸.
 محمد بن علي (پدر ساج و منصور) :
 ج ۱ ص ۱۱۰، ۱۰۸، ۱۰۶، ۸۴، ۱۱۰،
 ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶.
 محمد بن علي بن مقاتل (عامل قنسرین) :
 ج ۱ ص ۲۵۶.
 محمد بن علي ، مريد الدين ، ابن قصاب
 (وزير الناصر) : ج ۱ ص ۴۱۲، ۴۱۵.
 محمد بن عمر بن احمد الاصطهاني المديني :
 ج ۱ ص ۴۰۸.
 محمد بن عمر بن الحسين الطبرستاني (امام
 فخر رازی) : ج ۱ ص ۲۲۷.
 محمد بن عمر بن حمويه ، صدر الدين
 (شيخ -) : ج ۱ ص ۴۳۲.
 محمد بن عمرو ، (فقيه شافعي ، خطيب
 ري) : ج ۱ ص ۴۲۷.
 محمد بن عمر بن رشد ، ابو عبدالله (طبيب ،
 فيلسوف) : ج ۱ ص ۴۱۹.
 محمد بن عمران : ج ۱ ص ۴۲۹.
 محمد بن عمرو النعمي : ج ۱ ص ۸۱.
 محمد بن عمرو بن عامر : ج ۱ ص ۶۲.
 محمد بن عمرو بن واقف الواقدي : ج ۱ ص ۱۷۹.
 محمد بن عيسى ، ابو موسي (فقيه حنبلي) :
 ج ۱ ص ۲۵۸.
 محمد بن عيسى بن عبدويه (بزرگزناده) :

ج ۱ ص ۱۵۵.
 محمد غازی : ج ۲ ص ۶۸۶.
 محمد بن ايلان مروي (از مشايخ) :
 ج ۱ ص ۱۹۵.
 محمد (ابو -) فارسي : ج ۱ ص ۳۹۶.
 محمد (ميرزا -) فخرالاطبا : ج ۱ ص
 ۵۵۷، ج ۲ ص ۱۲۹۵.
 محمد (آقا سيد -) فراش خلوت : ج ۲
 ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۳۱۱۱.
 محمد بن فرج (متنبی) : ج ۱ ص ۱۹۲، ۱۹۳.
 محمد بن فضل (حاكم موصل) : ج ۱ ص
 ۱۵۳، ۲۱۴.
 محمد بن قاسم بن ادريس : ج ۱ ص ۲۲۶.
 محمد بن قاسم بن عمرو : ج ۱ ص ۱۸۵.
 محمد بن قاسم کرخي : ج ۱ ص ۲۶۲.
 محمد بن القاسم بن محمد (عامل حجاج
 در سند) : ج ۱ ص ۹۹.
 محمد بن قراولسلان (صاحب حسن کيف) :
 ج ۱ ص ۲۰۶، ۲۰۷.
 محمد بن قراغان : ج ۲ ص ۵۹۳.
 محمد قطب شاه : ج ۲ ص ۹۵۹.
 محمد (ميرزا -) قوام الدوله : ج ۲ ص ۱۷۳۳،
 ۱۷۸۲، ۱۷۹۳، ۱۸۱۱.
 محمد (ميرزا -) كاتب توكي : ج ۱ ص ۵۳۳.
 محمد کاشي (قاضي -) : ج ۲ ص ۷۵۱.
 محمد کيرلي (سردار مجارستان) : ج ۲
 ص ۹۶۲.
 محمد بن کرام سجستاني : ج ۱ ص ۲۰۵.
 محمد کره : ج ۲ ص ۲۲۵.
 محمد کونه (سيد -) : ج ۲ ص ۷۲۹،
 ۷۶۰.
 محمد گروسي (آقا ميرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۰،
 ج ۲ ص ۱۲۵۶، ج ۳ ص ۲۱۱۰.
 محمد (سيد -) گيسودراز (از عرفا) : ج ۲
 ص ۶۸۲.
 محمد (شيخ -) لاهيجي نوري خشي : ج ۲
 ص ۷۲۲.
 محمد الدجاني : ج ۱ ص ۴۵۹، ۴۶۰.
 محمد (ميرزا -) لشکرنويس : ج ۳ ص ۲۰۷،
 محمد (ميرزا -) لشکرنويس آذربايجان :
 ج ۱ ص ۵۰۶.
 محمد (ميرزا سيد -) لشکر نويسماشي
 خراسان : ج ۱ ص ۵۰۶.

محمد (ميرزا -) لشکرنويس همدان : ج ۱
 ص ۵۰۷، ج ۲ ص ۱۲۲۶، ج ۳ ص ۲۰۷.
 محمد (سلطان -) لشکري بهمني : ج ۲
 ص ۷۲۷.
 محمد (ميرزا -) لوانسي (زيردولت شاه) :
 ج ۲ ص ۱۵۲۲.
 محمد بن لوث (عامل فارس) : ج ۱ ص
 ۲۱۲.
 محمد (ميرزا -) مباشر : ج ۳ ص ۱۲۷۲.
 محمد (ميرزا -) مباشر کنگاور : ج ۲ ص
 ۲۱۲۳.
 محمد بن ميشر (معتزلي) : ج ۱ ص ۱۹۲.
 محمد بن المثنى بهري : ج ۱ ص ۲۰۴.
 محمد (آقا سيد -) مجتهد : ج ۳ ص ۱۵۶۹،
 ۱۵۷۳.
 محمد (حاجي ملا -) مجتهد نراقي :
 ج ۲ ص ۲۰۰۴.
 محمد (ميرزا -) مهدي : ج ۱ ص ۵۳۰.
 محمد بن محمد بن ميراخان : ج ۱ ص ۲۸۸.
 محمد بن محمد بن ظفر (صاحب سلوان
 المطاع) : ج ۱ ص ۳۹۸.
 محمد بن محمد بن ايلان المزار (راهي
 احاديث غيلانيات) : ج ۱ ص ۳۱۹.
 محمد بن محمد بن محمد الميردي (فقيه
 حنفي) : ج ۱ ص ۴۳۳.
 محمد بن محمود غزنوي : ج ۱ ص ۲۰۷،
 ۳۰۸، ۴۱۵.
 محمد بن محمود طاجوتي : ج ۱ ص ۳۸۲،
 ۳۸۷ تا ۳۹۰.
 محمد مختار (ص) : ج ۱ ص ۱۷.
 محمد مراديشي : ج ۲ ص ۹۶۷.
 محمد مرگان : ج ۱ ص ۵۱۹.
 محمد بن مروان بن حکم (والي جزيره) :
 ج ۱ ص ۹۰، ۹۲ تا ۹۵، ۱۰۰، ۹۷، ۱۰۰،
 ۱۰۷.
 محمد بن مستظهر (خطيب) : ج ۱ ص ۳۷۵.
 محمد (ميرزا -) مستوفي : ج ۳ ص ۲۰۹۹،
 ۲۱۲۳.
 محمد (ميرزا سيد -) مستوفي : ج ۱ ص
 ۵۲۸، ج ۲ ص ۲۰۹۸.
 محمد (ميرزا -) مستوفي : ج ۲ ص ۱۷۸۲،
 ۲۰۹۹.
 محمد (ميرزا -) مستوفي حکيم باغي :

محمد بن یزید بن سید المروزی (کاتب مامون): ج ۱ ص ۱۹۰.
 محمد بن یزید بن عبد الله (عامل مامون): ج ۱ ص ۱۳۴.
 محمد بن یزید قرشی (والی افریقیه): ج ۱ ص ۱۰۴، ۱۰۸.
 محمد بن یزید بن حاجه قزوینی (صاحب سنن، تفسیر و تاریخ): ج ۱ ص ۲۱۶.
 محمد بن یحیی کلینی (صاحب کافی): ج ۱ ص ۲۵۲.
 محمد بن یحیی (حکمران مغرب و اندلس): ج ۱ ص ۴۱۸، ۴۲۰.
 محمد بن یوسف الفیسی (از مشایخ بخاری): ج ۱ ص ۱۸۲.
 محمد بن یوسف بن محمد (شاعر باقلیدس را حل کرد): ج ۱ ص ۴۱۰.
 محمد بن یوسف بن مطهر القبری (راوی صحیح بخاری): ج ۱ ص ۲۴۲.
 محمدی: ج ۲ ص ۸۹۲.
 محمدی بیک ساروقی: ج ۲ ص ۸۸۰.
 محمد ابراهیم آقا قاجار: ج ۳ ص ۱۲۲۲.
 محمد ابراهیم (میرزا) پسر میرزا احمد استرآبادی: ج ۳ ص ۱۸۵۰.
 محمد ابراهیم (ب) (ارباب): ج ۱ ص ۵۲۶.
 محمد ابراهیم (حاجی) (ارباب طهرانی): ج ۲ ص ۲۱۹۵.
 محمد ابراهیم (استاد مخصوص طبع): ج ۱ ص ۵۵۶، ج ۲ ص ۲۱۳۸.
 محمد ابراهیم امین السلطان — امین السلطان، محمد ابراهیم.
 محمد ابراهیم (میرزا) (بدایع نگار): ج ۱ ص ۵۲۱، ج ۲ ص ۱۲۰۰، ج ۳ ص ۱۸۲۲.
 محمد ابراهیم بیک (پنجاب‌نشی): ج ۱ ص ۵۲۹.
 محمد ابراهیم بیک (نایب محله سنگج): ج ۱ ص ۵۵۶.
 محمد ابراهیم (حاجی) (تاجر نول فروش): ج ۲ ص ۲۱۲۷.
 محمد ابراهیم خان: ج ۱ ص ۴۶۷، ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 محمد ابراهیم خان (برادرزاده آصف — الدوله): ج ۱ ص ۵۲۶.
 محمد ابراهیم خان (از امرا قاجار): ج ۳

محمد (میرزا سید) — منشی طوالت عثمانی در شیراز: ج ۱ ص ۵۳۷، ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 محمد بن المنکدر بن عبد الله، ابو بکر التیمی: ج ۱ ص ۱۲۲.
 محمد (شیخ) — مودن: ج ۳ ص ۲۱۳۹.
 محمد بن موسی بن ناگر: ج ۱ ص ۲۰۷.
 محمد بن مهلب: ج ۱ ص ۱۰۷.
 محمد (میرزا) — ولد میرزا بابا حکیم باشی: ج ۲ ص ۱۸۲۹.
 محمد (ب) — نایب: ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 محمد (ب) — نایب سوادباری: ج ۲ ص ۲۱۱۸.
 محمد (میرزا) — نایب شریعت‌خانه: ج ۳ ص ۲۱۱۵، ۲۱۱۷.
 محمد (میرزا سید) — نایب کل محله سنگج: ج ۲ ص ۱۲۵۲.
 محمد بن نصر: ج ۱ ص ۱۴۹.
 محمد بن نصر مروزی: ج ۱ ص ۲۲۷.
 محمد نوربخش (سید) — (ب) ج ۲ ص ۷۳۲.
 محمد نوربخش قهستانی (سید) — (ب) ج ۲ ص ۷۱۲.
 محمد (میرزا) — نویسنده وزارت و کتابخانه: ج ۳ ص ۲۱۲۰.
 محمد بن واسع الازدی البهری (زاهد): ج ۱ ص ۱۲۲، ۱۲۷.
 محمد واعظ: ج ۲ ص ۷۸۵.
 محمد (سید) — والی تونس: ج ۳ ص ۱۸۲۰.
 محمد وهبی: ج ۲ ص ۱۱۷۹.
 محمد (میرزا) — ولد میرزا هادی: ج ۱ ص ۵۲۸.
 محمد بن هانی (شاعر اندلسی): ج ۱ ص ۲۷۳.
 محمد بن هشام بن اسماعیل مغربی (حاکم مدینه): ج ۱ ص ۱۲۱.
 محمد بن هشام بن عبد الجبار الاموی: ج ۱ ص ۲۹۵.
 محمد (میرزا) — یاور (رئیس طغرلخانه ملایر): ج ۳ ص ۲۱۳۲.
 محمد بن یحیی بن حیان: ج ۱ ص ۱۲۱.
 محمد بن یحیی بن عبد الله بن خاقان (وزیر مقتدر): ج ۱ ص ۲۳۱، ۲۳۰.
 محمد بن یحیی بن ملحه (صاحب تاریخ اصفهان): ج ۱ ص ۲۳۲.

ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 محمد (میرزا) — مستوفی سواد کوهی: ج ۲ ص ۱۲۹۵، ج ۳ ص ۲۱۲۰.
 محمد (میرزا) — مستوفی (پسر حاجی میرزا عباسقلی): ج ۳ ص ۲۰۹۹.
 محمد (میرزا) — مستوفی (ولد قوام الدوله تلی): ج ۳ ص ۱۶۹۸.
 محمد (میرزا) — مستوفی نظام: ج ۱ ص ۵۲۹، ج ۲ ص ۱۲۵۵.
 محمد (حاجی میرزا) — مستوفی (پسر میرزا نصراله): ج ۱ ص ۵۲۸.
 محمد (میرزا) — مستوفی (پسر وزیر لشکر): ج ۳ ص ۲۰۹۹.
 محمد بن مستنیر، لطیف (نحوی): ج ۱ ص ۱۷۹.
 محمد بن مسلم بن شهاب الزهری (امام اهل مدینه): ج ۱ ص ۱۲۳.
 محمد بن مسلمه: ج ۱ ص ۲۶، ۷۳.
 محمد (سید) — ششمنی: ج ۲ ص ۶۷۸، ۶۹۱، ۶۹۲، ۷۰۵.
 محمد بن مطویه بن زفر: ج ۱ ص ۱۶۳.
 محمد المصمم، ابی اسحاق بن هارون الرشید (خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۱۸۲، ۱۸۳ تا ۱۸۸.
 محمد بن المعتض، القاهرة بالله (خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۲۲۲، ۲۲۵ تا ۲۲۸، ۲۵۱.
 محمد (حاجی) — من النجار: ج ۳ ص ۲۱۲۶.
 محمد بن مقاتل بن حکیم المکی (والی افریقیه): ج ۱ ص ۱۶۲.
 محمد (میرزا) — ولد طکالا طبا (نایب آجودانباشی): ج ۱ ص ۵۱۱.
 محمد (حاجی ب) — طکالتجار: ج ۲ ص ۲۱۲۷.
 محمد بن طکاته: ج ۱ ص ۳۵۲ تا ۳۶۰، ۳۶۲ تا ۳۶۲.
 محمد (میرزا) — منشی: ج ۱ ص ۵۲۹.
 محمد (میرزا) — منشی و دختردار خانه نظیم: ج ۱ ص ۵۳۵.
 محمد (میرزا) — منشی باشی: ج ۱ ص ۵۲۷.
 ج ۲ ص ۱۲۵۲، ج ۳ ص ۲۰۹۷.
 محمد (میرزا سید) — منشی شیراز: ج ۱ ص ۵۲۷.

محمد ابراهیم خان (امیر دیوان معتد الملک) :
 ج ۳ ص ۱۸۲۹ - ۱۸۲۲
 محمد ابراهیم خان (پسر امین الدوله) :
 ج ۲ ص ۱۲۵۶ : ج ۲ ص ۲۱۱۰
 محمد ابراهیم خان (سرایدار باشی) : ج ۲
 ص ۱۲۶۸ : ج ۳ ص ۲۱۱۸
 محمد ابراهیم خان مرتیب : ج ۳ ص ۱۷۸۲
 محمد ابراهیم خان (مرتیب افواج اصفهان) :
 ج ۲ ص ۱۷۶۹
 محمد ابراهیم خان مرتیب (حکمران دهاوند) :
 ج ۱ ص ۵۵۹
 محمد ابراهیم خان سرهنگ (تحویلدار
 دارالفنون) : ج ۱ ص ۶۶۶ : ج ۲
 ص ۲۰۰۷
 محمد ابراهیم خان (سهام الملک) : ج ۳
 ص ۱۷۹۷
 محمد ابراهیم خان (ولد ظهیرالدوله) :
 ج ۳ ص ۱۸۲۲
 محمد ابراهیم خان (پسر عباسقلی خان
 جوانشیر) : ج ۳ ص ۱۸۴۱
 محمد ابراهیم خان (از بنی اعمام قاجار) :
 ج ۲ ص ۱۲۲۰ : ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد ابراهیم خان قاجار : ج ۳ ص ۱۶۹۳
 ص ۲۰۳۷
 محمد ابراهیم خان کاشانی (نایب فراه
 طایفه) : ج ۲ ص ۲۱۱۷
 محمد ابراهیم خان (مامور سخنان) : ج ۱ ص
 ۵۵۲
 محمد ابراهیم خان (مکتوب مالیاتی) : ج ۱
 ص ۲۸۴
 محمد ابراهیم خان مظفرالدوله : ج ۳ ص
 ۱۸۲۳
 محمد ابراهیم خان معمار باشی : ج ۳ ص ۱۹۰۸
 محمد ابراهیم خان (ناظم تلگراف) :
 ج ۳ ص ۱۸۸۲
 محمد ابراهیم خان (نایب) : ج ۱ ص ۵۲۹
 محمد ابراهیم خان وزیر نظام (و وزیر
 دارالخلافه) : ج ۱ ص ۵۲۵ : ج ۲ ص
 ۱۱۹۵ : ج ۳ ص ۲۰۳۱ - ۲۰۹۵
 محمد ابراهیم سرایدار باشی : ج ۱ ص ۵۲۰
 محمد ابراهیم (ب) - (مطار باشی) : ج ۲
 ص ۱۸۵۰

محمد اسعد پاشا : ج ۳ ص ۱۶۲۹
 محمد اسمعیل (حاجی -) : ج ۳ ص ۲۱۲۸
 محمد اسمعیل (ب) - تاجر جهری : ج ۲
 ص ۲۱۲۶
 محمد اسمعیل بیگ (قونسل خانلین) : ج ۱
 ص ۵۳۲ : ج ۳ ص ۲۱۰۶
 محمد اسمعیل بیگ (نایب، حاکم تجریش) :
 ج ۳ ص ۲۱۱۳
 محمد اسمعیل خان : ج ۱ ص ۵۰۲ : ج ۳ ص
 ۱۲۶۸ : ج ۳ ص ۱۸۱۳
 محمد اسمعیل خان چالارچی باشی : ج ۲
 ص ۱۷۷۲ - ۱۸۰۲
 محمد اسمعیل خان (پسر حاجی خلیل
 خان) : ج ۲ ص ۱۲۷۱
 محمد اسمعیل خان صدوقدار : ج ۱ ص ۵۵۷
 ج ۲ ص ۱۲۹۵ : ج ۳ ص ۲۱۲۰
 محمد اسمعیل خان (از بنی اعمام قاجار) :
 ج ۲ ص ۱۲۲۰ : ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد اسمعیل خان (کشیکچی باشی) : ج ۱
 ص ۵۲۷
 محمد اسمعیل خان مامور آذربایجان :
 ج ۱ ص ۵۲۹
 محمد اسمعیل خان میرآخور : ج ۲ ص ۱۲۹۷
 ج ۳ ص ۲۱۲۱
 محمد اسمعیل خان وکیل الملک : ج ۳ ص
 ۱۸۲۶ - ۱۸۵۰ - ۱۸۶۵ - ۱۸۷۳
 ۱۸۸۷ - ۱۸۹۶ - ۱۸۹۸ - ۱۹۰۷
 محمد اسمعیل خان یوزباشی : ج ۳ ص ۲۱۱۷
 محمد اسمعیل رضوانی : ج ۱ ص ۱۵
 محمد اسمعیل مصنف (استاد -) : ج ۲
 ص ۱۲۹۲ : ج ۳ ص ۲۱۲۹
 محمد افضل خان : ج ۳ ص ۱۷۵۹
 محمد اکبرخان : ج ۳ ص ۱۶۶۹
 محمد اکبر بن عالمگیر (اوزنگزیب) : ج ۲
 ص ۹۷۹ - ۹۸۳ - ۹۸۴
 محمد اکرم خان : ج ۳ ص ۱۷۹۲
 محمد امیر خان (سرکرده) : ج ۳ ص ۲۰۸۸
 محمد امین (ب) (ولد فضلعلی بیگ قاجار) :
 ج ۲ ص ۱۱۶۱ - ۱۱۶۲ - ۱۱۶۵ : ج ۳
 ص ۱۲۸۰
 محمد (آ) - (امین ارباب - ارباب طهرانی) :
 ج ۱ ص ۵۲۶ : ج ۳ ص ۲۱۲۵
 محمد امین پاشا : ج ۳ ص ۱۵۵۲

محمد امین خان : ج ۳ ص ۱۶۱
 محمد امین خان بلوکی (شاهزاده) : ج ۲
 ص ۱۵۷۳
 محمد امین خان (حاجی -) از جماعت
 جمعی : ج ۳ ص ۲۰۸۸
 محمد امین خان (نوه ظهیرالدوله) : ج ۲
 ص ۱۲۷۰
 محمد امین خان قاجار (نظمی باشی) :
 ج ۱ ص ۵۱۹ - ۵۲۰ : ج ۳ ص ۱۵۷۵
 ۱۶۲۵ - ۱۶۵۱
 محمد امین خان گروسی : ج ۲ ص ۱۱۶۵
 محمد امین خان (نایب اینک آتاسی
 باشی) : ج ۳ ص ۲۱۱۶
 محمد امین خان (والی خوی) : ج ۳ ص
 ۱۶۸۲ - ۱۷۱۱ - ۱۷۶۹
 محمد امین روف پاشا (سورسگر) : ج ۲
 ص ۱۵۵۱ - ۱۵۵۶ - ۱۵۶۰
 محمد امین قطب شاه : ج ۳ ص ۱۹۰۸ - ۹۲۰
 محمد امین (ملا -) مستظبی : ج ۳ ص
 ۹۱۹
 محمد امین میرزا (حاکم گلپایگان) : ج ۱
 ص ۵۰۱ : ج ۳ ص ۱۹۰۳ - ۱۹۱۷
 ۱۹۳۹
 محمد امین میرزا (پسر فتحعلی شاه) :
 ج ۲ ص ۱۲۱۹ : ج ۳ ص ۱۵۳۲
 ۱۶۲۲ - ۲۰۶۳
 محمد امین بن هارون الرشید : ج ۱ ص ۱۵۹
 محمد اول (حکمران اندلس) : ج ۱ ص ۱۹۵
 تا ۱۹۹ - ۲۰۲
 محمد باقر (حاجی سید -) از علمای
 اصفهان : ج ۳ ص ۱۹۲۷
 محمد باقر (ع) (امام -) : ج ۱ ص ۱۱۵
 محمد باقر بهبهانی (ب) - (از اجله
 علمای امامیه) : ج ۳ ص ۱۲۱۶
 محمد باقر بیگ (باغبان باشی) : ج ۱ ص
 ۵۵۶ : ج ۲ ص ۱۲۹۲ : ج ۳ ص ۲۱۳۹
 محمد باقر (ب) - (تاجر یزدی) : ج ۳ ص
 ۲۱۲۸
 محمد باقر (ب) (تحویلدار) : ج ۱ ص ۵۲۰
 ج ۳ ص ۲۱۱۵
 محمد باقر (آقا سید -) جبارانی (ناظم
 مجلس وزارت و قاضی) : ج ۳ ص ۲۱۲۰
 محمد باقرخان : ج ۳ ص ۱۶۵۰

محمد باقرخان (از اعیان طهران): ج ۲ ص ۲۰۹۶.
 محمد باقرخان (از امرا): ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 محمد باقرخان بیگلربیگی: ج ۱ ص ۵۲۶.
 محمد باقرخان (فرزند پورعلیخان): ج ۲ ص ۱۳۲۹.
 محمد باقر خان دولو بیگلربیگی: ج ۳ ص ۱۶۲۷.
 محمد باقر خان سرتیپ (فوج نقاشی): ج ۱ ص ۵۱۲؛ ج ۲ ص ۱۲۳۷؛ ج ۲ ص ۲۰۸۲.
 محمد باقرخان سرتیپ دوم (پسر محمد خان امیر تومان): ج ۳ ص ۱۷۳۶؛ ۱۸۱۲، ۱۸۵۰، ۱۸۷۶.
 محمد باقرخان (سرکرده دسته گبهی): ج ۱ ص ۵۱۸؛ ج ۲ ص ۱۲۴۲؛ ج ۲ ص ۲۰۸۷.
 محمد باقرخان سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۳۹؛ ج ۲ ص ۱۸۱۳، ۱۸۲۲، ۱۸۵۱، ۲۰۸۲.
 محمد باقرخان سرهنگ (مترجم): ج ۲ ص ۲۱۳۰.
 محمد باقرخان (برادرزاده فتحعلشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۶.
 محمد باقرخان قاجار: ج ۳ ص ۱۶۳۳.
 محمد باقرخان (خال محمد شاه): ج ۲ ص ۱۶۲۹.
 محمد باقر خان نوی: ج ۳ ص ۱۷۰۶.
 محمد باقر (میر - داماد): ج ۲ ص ۹۲۲، ۹۲۳.
 محمد باقر (حاجی سید - رشتی): ج ۳ ص ۱۶۶۸.
 محمد باقر (میرزا - پسر صدیق الدوله): ج ۱ ص ۲۸۲.
 محمد باقرقراجه داعی (باور): ج ۱ ص ۵۱۰.
 ج ۲ ص ۱۲۳۱.
 محمد باقر (میرزا - مشهد نژاد): ج ۲ ص ۱۹۱۱.
 محمد باقر (میرزا - مجلس): ج ۲ ص ۱۰۰۰.
 محمد باقر (میرزا - مسئولی حکمران شاهرو): ج ۲ ص ۱۳۰۲.
 محمد باقر میرزا (شاهزاده): ج ۱ ص ۵۰۲.
 ج ۲ ص ۱۲۲۰؛ ج ۲ ص ۲۰۶۲.
 محمد بیگ: ج ۲ ص ۸۲۱.

محمد بیگ (برادرزاده ابراهیم خلیل خان): ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 محمد بیگ بیگلربیگی شاطو: ج ۲ ص ۹۰۳.
 محمد بیگ راعوری: ج ۲ ص ۹۳۷.
 محمد بیگ قاجار افشار: ج ۳ ص ۱۳۹۸.
 محمد بیگ قاجار ایروانی: ج ۲ ص ۱۱۲۲.
 محمد بیگ (حاجی - فهومچی باشی): ج ۲ ص ۱۸۵۷.
 محمد بیگ بن ملک محمد بیگ: ج ۲ ص ۹۷۰.
 محمد بیگ ناظر: ج ۲ ص ۹۵۷.
 محمد بیگ (نایب اصلیل خاصه): ج ۱ ص ۵۵۲؛ ج ۳ ص ۲۱۲۷.
 محمد بیگ (وزیر): ج ۲ ص ۹۶۶.
 محمد بیگ (وکیل): ج ۲ ص ۱۲۳۵.
 محمد بیگ (پساول صحبت شاه عباس دوم): ج ۲ ص ۹۶۶.
 محمد پاشا: ج ۲ ص ۹۱۲، ۹۱۳؛ ج ۲ ص ۱۰۰۰.
 محمد پاشا (حافظ -): ج ۲ ص ۹۱۹.
 محمد پاشا (بیگلربیگی موصل): ج ۲ ص ۹۳۷.
 محمد پاشا (حاکم گنجه): ج ۲ ص ۹۰۰.
 محمد پاشا خان (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۱۲؛ ج ۲ ص ۱۲۳۸؛ ج ۲ ص ۲۰۸۲.
 محمد پاشا (برادر سلطان پاشا باهان): ج ۲ ص ۱۱۷۸.
 محمد پاشا قزاقو: ج ۲ ص ۹۰۰.
 محمد پاشا (صدراعظم عثمانی): ج ۲ ص ۹۳۱، ۹۴۰؛ ج ۳ ص ۱۸۲۹، ۱۲۶۸.
 محمد تقی (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 محمد تقی (میرزا - آنتنپانی قوام الدوله): ج ۲ ص ۱۵۵۲، ۱۶۳۷.
 محمد تقی (امام نهم ع): ج ۱ ص ۱۷۱، ۱۸۵.
 محمد تقی بیگ ابری (نایب فرائخان): ج ۲ ص ۱۲۶۸؛ ج ۲ ص ۲۱۱۷.
 محمد تقی (حاجی ملا - برلانی): ج ۲ ص ۱۶۸۷.
 محمد تقی بیگ (پوشخدمت): ج ۳ ص ۱۷۸۲.
 محمد تقی بیگ شیرازی (نایب فرائخان): ج ۲ ص ۱۲۶۸؛ ج ۲ ص ۲۱۱۷.
 محمد تقی بیگ قوچر آقاسی (سرکلیک): ج ۲ ص ۱۲۲۲.

ج ۲ ص ۱۲۴۲، ۱۲۴۳.
 محمد تقی (حاجی - تاجر کاشانی): ج ۲ ص ۲۱۲۵.
 محمد تقی (حاجی - تاجر میلانی): ج ۲ ص ۲۱۲۸.
 محمد تقی (میرزا - حکمران نطنز): ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 محمد تقی خان: ج ۲ ص ۱۲۲۸؛ ج ۲ ص ۱۵۹۸.
 محمد تقی خان (حاجی -): ج ۲ ص ۱۲۹۶.
 محمد تقی خان (اداره غلات): ج ۲ ص ۲۱۱۳.
 محمد تقی خان (از امرا قاجار): ج ۲ ص ۲۰۶۲.
 محمد تقی خان افشار (پیشخدمت خاصه حاجب الدوله، فرائشاهی): ج ۲ ص ۱۹۳۳، ۱۹۰۶.
 محمد تقی خان (بختیاری): ج ۳ ص ۱۶۲۷، ۱۶۵۷ تا ۱۶۶۰.
 محمد تقی خان بهارلو (باور اول): ج ۱ ص ۵۱۱.
 محمد تقی خان جوانشیر: ج ۲ ص ۱۷۰۶، ۱۷۱۲، ۱۷۱۴.
 محمد تقی خان (حاجب الدوله): ج ۱ ص ۲۸۲؛ ج ۲ ص ۲۱۰۲.
 محمد تقی خان (حاکم توشیز): ج ۳ ص ۱۶۱۲.
 محمد تقی (حاجی - خان دولو سرتیپ): ج ۱ ص ۵۰۲؛ ج ۲ ص ۱۲۲۱؛ ج ۲ ص ۲۰۶۵.
 محمد تقی خان رئیس (از طائفه سباطو): ج ۱ ص ۵۰۳، ۵۲۹؛ ج ۲ ص ۱۲۲۱.
 محمد تقی خان سرتیپ (کارگذار فارس): ج ۱ ص ۵۲۶.
 محمد تقی خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۸؛ ج ۲ ص ۲۰۷۲، ۲۰۷۶.
 محمد تقی خان سرهنگ (سباطو): ج ۲ ص ۲۰۶۵.
 محمد تقی خان سرهنگ (فوج بهادران بهار لو): ج ۲ ص ۱۲۳۲.
 محمد تقی خان (ولدسهراب خان): ج ۱ ص ۵۲۵.
 محمد تقی خان شامیانی: ج ۳ ص ۱۴۱۴.

محمد تقی خان عرب پیش مست: ج ۳ ص ۱۶۱۵
 محمد تقی خان (عزالدینلو): ج ۱ ص ۵۰۲
 ج ۲ ص ۱۲۲۱: ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد تقی خان قاجار: ج ۳ ص ۱۷۲۸
 محمد تقی (حاجی -) خان (پسر قلعه بیکو تیریزی): ج ۳ ص ۲۱۲۰
 محمد تقی خان (قواقلو): ج ۱ ص ۵۰۲
 ج ۲ ص ۱۲۲۰
 محمد تقی خان معاریضی: ج ۳ ص ۱۷۱۹
 ۱۷۳۲
 محمد تقی خان (ناظم میزان): ج ۳ ص ۲۱۱۲
 محمد تقی خان (نایب اول): ج ۳ ص ۲۱۰۲
 محمد تقی (حاجی -) خان (نایب پیشک آتاسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶
 محمد تقی (میرزا -) خان (وزیر عساکر، امیرکبیر): ج ۳ ص ۱۶۸۰
 محمد تقی خان هزار جریبی: ج ۳ ص ۱۵۷۲
 محمد تقی سپهر بلسان الملک (صاحب ناسخ التواریخ): ج ۲ ص ۱۳۶۲
 محمد تقی (میرزا -) سرشتمدار: ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص ۱۲۷۶: ج ۳ ص ۲۱۲۱
 محمد تقی میرزا (سرشتمدار دارالفنون): ج ۳ ص ۲۱۲۹
 محمد تقی (میرزا -) سرشتمدار دختر لشکر: ج ۲ ص ۱۲۲۲
 محمد تقی (حاجی -) شیرازی: ج ۳ ص ۲۱۲۷
 محمد تقی (میرزا -) شیرازی: ج ۳ ص ۲۱۱۷
 محمد تقی (حاجی -) عرب: ج ۳ ص ۲۱۲۷
 محمد تقی (میرزا -) علی آبادی صاحب دیوان: ج ۳ ص ۱۴۹۸: ۱۵۸۰: ۱۴۹۸
 ۱۵۹۸: ۱۶۱۵: ۱۶۲۱: ۱۶۵۵
 محمد تقی کرمانی، مفتی علی شاه (عارف و صاحب دیوان متفایده، بهر الامرار، خلاص الموم، کبریت احمر و جامع البحار): ج ۳ ص ۱۲۵۹
 محمد تقی (میرزا -) لشکر نویسنده آذربایجان: ج ۱ ص ۵۰۶: ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹
 محمد تقی (میرزا -) لشکر نویسنده آذربایجان: ج ۱ ص ۵۰۶

محمد تقی (میرزا -) لشکر نویسنده عراق: ج ۱ ص ۵۰۶
 محمد تقی (ملا -) مجتهد گلشانی: ج ۱ ص ۵۲۵: ج ۲ ص ۲۰۹۵
 محمد تقی (شیخ -) مجلسی: ج ۲ ص ۹۵۵
 محمد تقی (میرزا -) مستوفی (لسان الملک): ج ۲ ص ۱۷۸۷
 محمد تقی (حاجی ملا -) امین التاجار: ج ۲ ص ۲۱۲۷
 محمد تقی میرزا: ج ۱ ص ۴۶۵
 محمد تقی میرزا (حکمران پروچرد): ج ۲ ص ۱۵۲۲: ۱۵۸۰
 محمد تقی میرزا (حسام السلطنه): ج ۲ ص ۱۶۰۸: ۱۶۰۱: ۱۵۰۹: ۱۶۱۵: ۱۶۲۲: ۱۶۹۱: ۱۷۹۶
 محمد تقی میرزا رکن الدوله: ج ۱ ص ۵۰۱
 محمد تقی میرزا (سرتمپ سیم و آجودان دارالفنون): ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص ۱۲۷۶: ج ۳ ص ۲۰۰۶: ۲۱۲۹
 محمد تقی میرزا (ابن فتحعلی شاه): ج ۲ ص ۱۲۱۹
 محمد تقی (میرزا -) نایب فرخان: ج ۳ ص ۲۱۱۲
 محمد تقی (میرزا -) نویسنده: ج ۳ ص ۱۶۱۵
 محمد تقی (میرزا -) نویسنده (نایب پیشک آتاسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶
 محمد تقی (میرزا -) وکیل لشکر: ج ۱ ص ۵۰۲: ۵۲۹: ج ۲ ص ۱۱۸۷: ۱۲۲۳: ۱۲۶۷: ج ۳ ص ۲۰۲۲: ۲۰۶۸: ۲۱۱۶
 محمد جان آت (پیشک آتاسی): ج ۲ ص ۷۵۵
 محمد جعفر (آ -): ج ۲ ص ۱۲۶۸
 محمد جعفر خان (از اعیان طهران): ج ۳ ص ۲۰۹۶
 محمد جعفر (حاجی -) امین التاجار ملایر: ج ۲ ص ۲۱۲۹
 محمد جعفر (حاجی -) تاجر خولانی: ج ۳ ص ۲۱۲۶
 محمد جعفر (حاجی -) تاجر گلشانی: ج ۲ ص ۲۱۲۸
 محمد جعفر (حاجی -) تاجر هندی:

ج ۳ ص ۲۱۲۸
 محمد جعفر (آ -) تیریزی (نایب لراشخانه): ج ۳ ص ۲۱۱۷
 محمد جعفر خان: ج ۱ ص ۵۱۹
 محمد جعفر خان (از امرا): ج ۳ ص ۱۲۵۸
 محمد جعفر خان عرب (حاکم بسطام): ج ۳ ص ۱۲۰۸
 محمد جعفر خان (عزالدین لو): ج ۱ ص ۵۰۲: ج ۲ ص ۱۲۲۱: ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد جعفر خان (ولد عیسی خان بیکر بیک): ج ۱ ص ۵۲۶
 محمد جعفر خان قاجار (سرتمپ): ج ۳ ص ۲۰۸۵
 محمد جعفر خان (کرگزار اسفهان): ج ۱ ص ۵۲۶: ج ۳ ص ۲۱۰۵
 محمد جعفر خان کاشانی: ج ۳ ص ۱۶۲۹
 محمد جعفر خان (معلم طب): ج ۱ ص ۵۲۷: ج ۳ ص ۲۱۸۰
 محمد جعفر خان (نایب الحکومه خوار): ج ۱ ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۱۱۲
 محمد جعفر (میرزا -) رئیس آباده: ج ۱ ص ۵۲۲
 محمد جعفر (حاجی -) فراگوزلو عمدانی (از مشاهیر عراق): ج ۳ ص ۱۵۲۵: ۱۵۲۶: ۱۵۶۵
 محمد جعفر میرزا (رئیس): ج ۱ ص ۵۲۸
 محمد جعفر میرزا سرفنگ (رئیس تلگرافخانه یزد): ج ۳ ص ۲۱۲۲
 محمد جعفر میرزا (پسر عزالدوله): ج ۳ ص ۲۰۶۲
 محمد جعفری بیک: ج ۱ ص ۵۲۲
 محمد جواد (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۶
 محمد جواد (آ -) پسر ملا محمد تقی امین التاجار: ج ۳ ص ۲۱۲۷
 محمد حسن (حاجی -): ج ۱ ص ۵۲۸
 محمد حسن (میرزا -) آشتیانی مستوفی الممالک: ج ۳ ص ۱۶۷۶
 محمد حسن (شیخ -) استرآبادی (از طهای طهران): ج ۳ ص ۲۰۹۵
 محمد حسن اعتماد الملک: ج ۳ ص ۱۸۲۲
 محمد حسن (حاجی -) امین التاجار: ج ۳ ص ۲۱۲۸
 محمد حسن (حاجی -) امین دارالفره:

ج ۱ ص ۵۲۶، ۵۵۲، ج ۳ ص ۲۱۲۵،
 محمد حسن بیگ (پسر محمدخان مصلحت
 گلزار): ج ۲ ص ۱۲۲۶،
 محمد حسن (حاجی -) تاجر پوشه‌ری:
 ج ۲ ص ۲۱۲۷،
 محمد حسن (آقا -) تحویلدار: ج ۱ ص
 ۵۵۱،
 محمد حسن (آقا -) چورکچی باشی: ج ۳
 ص ۲۱۱۵،
 محمد حسن (میرزا -) حکیم باشی: ج ۲
 ص ۱۵۵۲،
 محمد حسن خان: ج ۲ ص ۱۲۲۸،
 محمد حسن خان: ج ۲ ص ۱۲۷۰،
 محمد حسن خان: ج ۳ ص ۱۲۲۶،
 محمد حسن خان: ج ۲ ص ۱۸۶۵،
 محمد حسن خان (ارض اقدس): ج ۲ ص
 ۱۲۷۹،
 محمد حسن خان (از ارباب مناصب): ج ۲
 ص ۱۲۵۶، ج ۲ ص ۲۱۱۰،
 محمد حسن خان (حاجی -) از امراء:
 ج ۲ ص ۱۲۵۱،
 محمد حسن خان (پسر آصف الدوله) سالار
 بار: ج ۳ ص ۱۵۶۶،
 محمد حسن خان (ابن ابراهیم خطیل خان):
 ج ۲ ص ۱۲۷۵،
 محمد حسن خان (پسر احمد خان نوائی):
 ج ۲ ص ۱۲۵۱، ج ۲ ص ۲۰۹۶،
 محمد حسن خان (پیشخدمت خاصه):
 ج ۱ ص ۵۵۹، ج ۲ ص ۱۷۷۲، ۱۹۲۹،
 ۲۰۲۲،
 محمد حسن خان (پیشخدمت و حاکم
 کاشان): ج ۲ ص ۱۲۰۱، ج ۳ ص ۲۰۲۲،
 ۲۰۲۸،
 محمد حسن خان (تحویلدار کرمانشاهان):
 ج ۱ ص ۵۵۱،
 محمد حسن خان حاجب الدوله فراتشاهی:
 ج ۱ ص ۵۲۹، ج ۲ ص ۱۲۶۸، ج ۳
 ص ۲۱۱۷،
 محمد حسن خان (حاکم تنگی): ج ۳ ص ۱۲۳۰،
 محمد حسن خان (حاکم کاشان): ج ۲ ص
 ۱۳۰۱،
 محمد حسن خان خرقانی: ج ۳ ص ۱۶۶۰،
 محمد حسن خان دولی: ج ۲ ص ۱۲۶۹،

محمد حسن خان دولو (سالار بار): ج ۲
 ص ۱۶۰۶،
 محمد حسن خان دویرن (سرهنگ): ج ۲
 ص ۱۲۲۹، ج ۲ ص ۲۰۷۲،
 محمد حسن خان (حاجی -) زند: ج ۱
 ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹،
 محمد حسن خان سالار: ج ۳ ص ۱۶۹۸،
 محمد حسن خان مرتب: ج ۱ ص ۵۱۶،
 ج ۲ ص ۱۲۳۹،
 محمد حسن خان (مرتب دم): ج ۲
 ص ۱۸۷۲،
 محمد حسن خان سردار: ج ۲ ص ۱۷۲۲،
 ۱۷۲۵، ۱۷۲۲، ۱۷۳۶، ۱۷۴۲،
 ۱۷۵۵، ۱۷۵۷ تا ۱۷۵۹، ۱۷۶۸،
 ۱۷۷۱، ۱۷۷۵، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲،
 محمد حسن خان سردار ابروانی: ج ۳ ص ۱۶۵۷،
 ۱۷۰۲،
 محمد حسن خان (پسر سردار علی‌خان
 سیستانی): ج ۳ ص ۱۷۵۹،
 محمد حسن خان (سرگرد جماعت هزاره):
 ج ۱ ص ۵۱۹،
 محمد حسن خان سرهنگ: ج ۳ ص ۵۱۵، ج ۲
 ص ۲۰۹۲،
 محمد حسن خان سرهنگ (نوه جانبابا خان
 سردار گل): ج ۱ ص ۵۱۲، ج ۲ ص
 ۱۲۲۶، ج ۳ ص ۲۰۸۱،
 محمد حسن خان (سرهنگ جماعت عرب):
 ج ۱ ص ۵۲۲،
 محمد حسن خان سرهنگ (رئیس مجلس
 تحقیق وزارت تجارت): ج ۳ ص
 ۲۱۳۶،
 محمد حسن خان غامبانی: ج ۱ ص ۵۰۲،
 ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۲ ص ۲۰۶۵،
 محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد
 السلطنه): ج ۱ ص ۱۱۰۹، ۵۳۱،
 محمد حسن خان (ولد عمیدالملک): ج ۱
 ص ۵۲۵،
 محمد حسن خان (غلام پیشخدمت):
 ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۲ ص ۲۱۰۲،
 محمد حسن خان بن فتحعلی خان قاجار:
 ج ۲ ص ۱۳۳۶، ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۲،
 ۱۳۵۶، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۲،
 ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵، ۱۳۸۸، ۱۴۰۲،

۱۴۰۵، ۱۴۲۵،
 محمد حسن خان فراتشاهی (حاجب الدوله،
 ولد علاء الدوله): ج ۱ ص ۲۸۲،
 محمد حسن خان قاجار: ج ۱ ص ۲۹۹، ج ۲
 ص ۱۰۱۲، ۱۱۲۸، ۱۱۳۰، ۱۱۳۳،
 ۱۱۳۹ تا ۱۱۵۲، ۱۱۵۰، ۱۱۶۱،
 ۱۱۶۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۲، ۱۲۱۷،
 ج ۲ ص ۱۴۲۵، ۱۵۹۲،
 محمد حسن خان قاجار دولو: ج ۲ ص ۱۱۶۱،
 ۱۱۶۶،
 محمد حسن خان قاجار (نسب‌چی باشی):
 ج ۲ ص ۱۶۰۰،
 محمد حسن خان قراقرزلو: ج ۲ ص ۱۲۳۲،
 ۱۲۳۲،
 محمد حسن خان قزوینی: ج ۲ ص ۱۲۶۸،
 محمد حسن خان (کارپرداز کرمان): ج ۳
 ص ۲۱۰۶،
 محمد حسن خان محقق: ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲
 ص ۲۱۵۶، ج ۲ ص ۱۹۷۵، ۱۹۷۰،
 ۱۹۷۸، ۲۱۱۰،
 محمد حسن خان (ولد محمد خان امیرنومان):
 ج ۱ ص ۵۰۸،
 محمد حسن خان (ولد محمدالملک بیگلر
 بیگی): ج ۱ ص ۵۲۶،
 محمد حسن خان (نایب آجودان): ج ۱ ص
 ۵۰۹،
 محمد حسن خان فردینی: ج ۳ ص ۱۶۷۷،
 محمد حسن خان نسب‌چی باشی (پسر علاء
 الدوله): ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۳ ص ۱۹۳۲،
 محمد حسن خان نوری (نایب): ج ۱ ص
 ۵۴۰، ج ۲ ص ۱۷۱۲،
 محمد حسن خان یوزباشی: ج ۱ ص ۲۷۱،
 ۵۳۹، ج ۲ ص ۲۱۱۷،
 محمد حسن (آقا -) صندوقدار: ج ۳ ص
 ۱۸۷۳، ۱۷۵۶،
 محمد حسن (میرزا -) موز باشی: ج ۳
 ص ۱۹۵۲،
 محمد حسن (حاجی -) کتخدای لغار
 خانه: ج ۲ ص ۲۱۱۵،
 محمد حسن المرافه: ج ۱ ص ۶۹۲،
 محمد حسن (میرزا -) صندوق: ج ۲ ص
 ۱۲۹۷، ج ۲ ص ۲۱۲۱،
 محمد حسن (آقا -) مهردار: ج ۳ ص ۱۷۳۵،

۱۸۰۲، ۱۷۹۷
 محمد حسن میرزا (امیرزاده) : ج ۲ ص
 ۱۲۹۶
 محمد حسن میرزا (ولد اسدالله میرزا) :
 ج ۱ ص ۵۰۱ : ج ۲ ص ۲۰۶۲
 محمد حسن میرزا پیشخدمت (ولد وزیر
 شوم) : ج ۱ ص ۴۶۵، ۵۰۱
 محمد حسن میرزا (رئیس مدرسه دولتی
 تبریز) : ج ۲ ص ۱۲۸۰
 محمد حسن میرزا، مرتب سیم (پسر
 امیرزاده السلطنه) : ج ۱ ص ۲۶۵، ۲۸۲ :
 ج ۳ ص ۱۲۲۰ : ج ۳ ص ۲۰۶۴، ۲۰۰۶
 محمد حسن میرزا (پسر سیاح میرزا) :
 ج ۲ ص ۲۱۰۱
 محمد حسن میرزا (شاهزاده) : ج ۲ ص
 ۱۲۲۰
 محمد حسن میرزا (ولد شیردل میرزا) :
 ج ۱ ص ۵۲۵
 محمد حسن میرزا (ولد کیخسرو میرزا) :
 ج ۱ ص ۵۲۵
 محمد حسن میرزا (نامور آذربایجان) :
 ج ۱ ص ۵۳۹
 محمد حسن میرزا (مدیرگروک خراسان) :
 ج ۲ ص ۲۱۱۲
 محمد حسن میرزا (نظم پیاده نظام) :
 ج ۱ ص ۵۳۲ : ج ۲ ص ۱۲۸۰
 محمد حسن میرزا (مهندس) : ج ۱ ص ۵۱۰ :
 ج ۲ ص ۲۰۶۶
 محمد حسن (حاجی -) : ج ۲ ص
 ۱۶۰۸
 محمد حسن (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۶۶ :
 ج ۲ ص ۱۲۷۲
 محمد حسن (آقا میر -) : ج ۳ ص ۲۰۲۴
 محمد حسن (میرزا -) عراق : ج ۲ ص ۱۲۷۹
 محمد حسن (میرزا -) ادیب (فروغی) :
 ج ۱ ص ۹۰۸، ۵۵۵
 محمد حسن (آقا میر -) امام جمعه : ج
 ۱ ص ۱۱۸۹
 محمد حسن بیگلر : ج ۲ ص ۱۱۷۶
 محمد حسن بیگ جرافچی باشی (نایب
 فرائضخانه) : ج ۳ ص ۱۲۶۸ : ج ۳ ص
 ۲۱۱۷، ۲۱۱۸
 محمد حسن بیگ سلطان باشی : ج ۱ ص ۵۵۸

محمد حسن (میرزا -) پیشکار غنچه :
 ج ۳ ص ۱۹۱۶، ۲۱۲۶
 محمد حسن (حاجی -) تاجر تبریزی :
 ج ۱ ص ۵۲۶ : ج ۲ ص ۱۲۵۱ : ج
 ۲ ص ۲۱۲۵، ۲۱۲۶
 محمد حسن (حاجی -) تاجر کازرونی :
 ج ۲ ص ۲۱۲۷
 محمد حسن (حاجی -) تاجر کاشانی :
 ج ۲ ص ۱۲۵۱ : ج ۳ ص ۲۱۲۵
 محمد حسن (آقا -) تاجر مازندرانی :
 ج ۲ ص ۲۱۲۶
 محمد حسن (حاجی -) تاجر مشهدی
 (لاشی) : ج ۳ ص ۲۱۲۸
 محمد حسن تبریزی (خطاط) : ج ۲ ص
 ۸۶۰
 محمد حسن (میرزا -) پسر میرزا تقی
 وکیل الرعایا : ج ۲ ص ۱۹۶۲
 محمد حسن (حاجی -) جرمهاریانی :
 ج ۲ ص ۱۷۷۱
 محمد حسن (آقا -) جرمهوی باشی :
 ج ۱ ص ۵۲۰
 محمد حسن خان : ج ۱ ص ۴۶۵، ۵۲۰
 محمد حسن خان (حاجی -) از اعیان
 طهران : ج ۲ ص ۲۰۹۶
 محمد حسن خان آجودان اول : ج ۲ ص ۲۱۰۲
 محمد حسن (حاجی -) خان (پسر
 احمد خان نوائی) : ج ۳ ص ۱۲۵۱
 محمد حسن (امیر -) خان ارجندی : ج
 ۲ ص ۱۲۷۹، ۱۲۸۷
 محمد حسن خان (پسر اسدالله خان
 متجددالطگ) : ج ۲ ص ۱۸۲۵
 محمد حسن خان اصفهانی : ج ۳ ص ۱۸۲۱
 محمد حسن خان (حاجی -) امیرالدوله :
 ج ۳ ص ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۶، ۱۵۰۲
 ۱۵۰۲، ۱۵۱۷
 محمد حسن خان ایشیک آقاسی : ج ۳ ص
 ۱۶۲۲
 محمد حسن خان (پسر باقرخان خراسانی
 اصفهانی) : ج ۳ ص ۱۲۰۷
 محمد حسن خان بختیاری (قوللر آقاسی
 باشی) : ج ۱ ص ۵۵۷ : ج ۲ ص ۱۲۹۵ :
 ج ۲ ص ۲۱۴۰
 محمد حسن خان بهبهانی : ج ۳ ص ۱۱۸۰

محمد حسین (حاجی -) خان (بیگلر
 بیگی اصفهان، امیرالدوله) : ج ۲
 ص ۱۲۲۲، ۱۲۲۷، ۱۲۶۱، ۱۲۸۰
 محمد حسین خان (پیشخدمت محروهاویون
 پسر محمد تقی خان حاجب الدوله) :
 ج ۱ ص ۵۲۷ : ج ۲ ص ۱۲۵۲، ۱۲۰۱ :
 ج ۲ ص ۱۹۲۴، ۲۰۷۷
 محمد حسین خان (پیشخدمت وفرائضانی
 نایب السلطنه) : ج ۱ ص ۵۲۰ : ج ۲
 ص ۱۲۵۶ : ج ۲ ص ۲۱۱۰
 محمد حسین خان (پسر چشمتخان) :
 ج ۲ ص ۲۰۷۶
 محمد حسین خان (برادر حاجی ابراهیم
 خان گلاندز) : ج ۲ ص ۱۲۲۲
 محمد حسین خان (حاکم خلخال) : ج
 ۲ ص ۱۲۱۰، ۱۲۱۲
 محمد حسین خان (حاکم نظاز) : ج ۲
 ص ۱۲۰۲
 محمد حسین خان طنج : ج ۳ ص ۱۷۰۱
 محمد حسین خان (دفتر دار) : ج ۲ ص
 ۲۱۰۲
 محمد حسین خان دولوی قاجار : ج ۲ ص
 ۱۱۶۵ : ج ۲ ص ۱۲۷۵
 محمد حسین خان دومین (سوهنگ) :
 ج ۱ ص ۵۰۸
 محمد حسین خان (رئیس مصلحه یوغاری
 باشی) : ج ۲ ص ۱۲۵۲
 محمد حسین خان (رئیس عطیجات دار -
 الخلاله) : ج ۲ ص ۱۹۸۲
 محمد حسین خان (حاجی -) زند (سوهنگ) :
 ج ۲ ص ۲۰۷۲
 محمد حسین خان رنگه (نایب ایشیک
 آقاسی باشی) : ج ۳ ص ۱۵۲۸، ۱۶۱۵
 ۲۱۱۶
 محمد حسین خان مرتب (رئیس طائفه
 دولو) : ج ۱ ص ۵۰۲ : ج ۲ ص ۱۲۲۱ :
 ج ۲ ص ۲۰۶۵
 محمد حسین خان مرتب (رئیس طائفه
 قزل اباغ) : ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۲
 ص ۲۰۶۵
 محمد حسین خان (مرتب دوم و ناظم
 دارالخفون) : ج ۱ ص ۵۲۲ : ج ۲ ص
 ۲۱۲۶ : ج ۲ ص ۲۰۹۷، ۲۱۲۹

محمد حسین خان (سرکردہ جماعت
توشیزی) : ج ۲ ص ۲۰۸۹
محمد حسین خان سرہنگ : ج ۱ ص ۵۱۵
ج ۳ ص ۲۰۸۲
محمد حسین خان سرہنگ : ج ۱ ص ۵۱۲
ج ۳ ص ۲۱۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۹۱
محمد حسین خان (سرہنگ جماعت شاہسون) :
ج ۱ ص ۵۲۱
محمد حسین خان سرہنگ (پیر حاجی محمد
باقر خان عبدالملک) : ج ۳ ص ۱۸۹۲
محمد حسین خان سرہنگ (پیر محمد خان
امیر تومان) : ج ۳ ص ۲۰۷۲
محمد حسین خان شامیاتی : ج ۱ ص ۵۰۲
ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۲ ص ۲۰۶۵
محمد حسین خان ، پیر شریف خان (نائب
حکومت شاہرود) : ج ۲ ص ۱۹۰۰
محمد حسین خان شکی : ج ۲ ص ۱۵۷۱
۱۵۷۲
محمد حسین خان (صاحب منصب) : ج ۱
ص ۵۲۲
محمد حسین خان (صدر اعظم اصفہانی) :
ج ۲ ص ۱۶۲۶
محمد حسین خان صدرالدوله (ایشوکی قاسی
باشی) : ج ۱ ص ۵۵۷ : ج ۲ ص ۱۲۹۵
ج ۲ ص ۱۵۵۹ : ۱۵۵۷ : ۲۱۴۰
محمد حسین (حاجی -) خان عزالدین
لو : ج ۲ ص ۱۲۹۰
محمد حسین (حاجی -) خان (ولد
عبدالملک) : ج ۱ ص ۲۷۰ : ج ۳ ص
۲۰۰۸
محمد حسین خان (فرزند فتحعلی خان قاجار) :
ج ۲ ص ۱۲۷۲
محمد حسین خان (پیر میرزا فتحعلی خان
ستوفی) : ج ۲ ص ۱۷۸۲
محمد حسین خان فراشانی : ج ۲ ص ۱۲۲۷
ج ۲ ص ۲۰۷۱
محمد حسین (میرزا -) خان قراہانی -
دبیر الملک : ج ۳ ص ۱۷۹۳ : ۱۸۳۳
محمد حسین (میر -) خان فیروزکوهی :
ج ۲ ص ۱۴۰۲
محمد حسین خان قاجار (قاتل شامطہاسب
ثانی) : ج ۲ ص ۱۲۶۲ : ۱۲۷۳
محمد حسین خان قاجار دولو : ج ۳ ص ۱۱۵۲

۱۱۶۵ ، ۱۱۶۶
محمد حسین خان قاجار قواطو (مرگنیکچی
باشی) : ج ۳ ص ۱۳۸۰ : ۱۴۰۱
۱۲۰۴ : ۱۴۱۸ تا ۱۴۲۰ : ۱۴۲۸
۱۲۳۸ : ۱۲۷۲
محمد حسین خان فراگولو (حاکم ہمدان) :
ج ۳ ص ۱۳۹۷ : ۱۵۶۷ : ۱۶۵۸
محمد حسین خان قراوساندلو : ج ۳ ص ۱۳۲۲
۱۲۷۲
محمد حسین خان (قزل باغ) : ج ۱ ص ۵۰۲
محمد حسین خان (برادر کریم دادخان) :
ج ۲ ص ۱۷۳۰
محمد حسین خان (ولد محمد خان امیر
تومان) : ج ۱ ص ۵۰۹ : ج ۲ ص ۱۲۲۸
محمد حسین خان (دبیر گبرک فارس) :
ج ۳ ص ۲۱۱۲
محمد حسین (حاجی -) خان (برزی
قاجار عزالدین لو ، فخرالدوله ،
امیرکبیر) : ج ۲ ص ۱۵۶۲
محمد حسین (میرزا -) خزانه : ج ۳ ص ۲۱۰۰
محمد حسین (میرزا -) خطاط یزد : ج ۱
ص ۵۲۲
محمد حسین (میرزا -) غسای (پیشکار
خسہ) : ج ۱ ص ۵۲۹ : ج ۲ ص ۱۲۵۵
محمد حسین (میرزا -) داروغہ ستوفی
(پیر ولایع نگار) : ج ۳ ص ۲۰۹۹
محمد حسین (میرزا -) رئیس ہستخانہ
نیشابور : ج ۲ ص ۱۲۷۲ : ج ۳ ص ۲۱۲۲
محمد حسین (میرزا -) رئیس الکتاب :
ج ۲ ص ۱۲۷۶ : ج ۳ ص ۲۱۲۹
محمد حسین (میرزا -) سرور شمدارو ستوفی :
ج ۱ ص ۵۲۱ : ج ۳ ص ۲۱۰۴
محمد حسین (میرزا -) صدر دیوانخانہ :
ج ۳ ص ۱۷۱۸ : ۱۷۵۵
محمد حسین (میرزا -) عزب باشی : ج ۳
ص ۱۶۲۲ : ۱۷۰۰
محمد حسین (میرزا -) عبدالملک :
ج ۳ ص ۱۷۵۶ : ۱۷۵۹ : ۱۷۷۱
۱۷۸۲
محمد حسین (میرزا -) کاتب السلطان :
ج ۱ ص ۵۲۶
محمد حسین (ملا -) کتیری : ج ۲ ص
۹۲۱
محمد حسین (میرزا -) لشکر نویس : ج ۲

ص ۱۹۶۲
محمد حسین (میرزا -) لہہ باشی : ج ۲
ص ۱۲۹۷ : ج ۳ ص ۲۱۲۱
محمد حسین (میرزا -) مارندران (لشکر
نویس) : ج ۳ ص ۲۰۶۸
محمد حسین (حاجی ملا -) مجتہد
کاشانی : ج ۳ ص ۲۰۲۹
محمد حسین خان (ناظم دارالفنون) : ج
ص ۲۰۰۶
محمد حسین خان (نائب آجودان باشی) :
ج ۲ ص ۱۲۳۰ : ج ۳ ص ۲۰۷۲
محمد حسین (میرزا -) خان (نائب
الحکومۃ اصفہان) : ج ۳ ص ۱۹۱۲
محمد حسین خان (نردیشی) : ج ۳ ص ۱۶۷۸
محمد حسین خان (نظام الدولہ اصفہانی) :
ج ۳ ص ۱۵۲۰ : ۱۵۲۳
محمد حسین خان خوری : ج ۲ ص ۱۷۰۶
محمد حسین (میرزا -) بحر : ج ۳ ص ۲۱۱۹
محمد حسین (میرزا -) ولد میرزا محمد
ستوفی : ج ۱ ص ۵۲۸
محمد حسین (میرزا -) پسر میرزا محمد
باقر لشکر نویس : ج ۳ ص ۱۸۹۹
محمد حسین (میرزا -) مستشار : ج ۱
ص ۵۲۶ : ج ۳ ص ۱۲۵۲ : ج ۳ ص ۲۰۹۵
محمد حسین (میرزا -) ستوفی : ج ۳
ص ۱۹۱۷ : ۲۰۲۲ : ۲۰۹۸
محمد حسین (حاجی میرزا -) ستوفی
آشنائی : ج ۳ ص ۱۹۹۲
محمد حسین (میرزا -) ستوفی خزاندہ :
ج ۱ ص ۵۲۸
محمد حسین (میرزا -) ستوفی (پسر
میرزا جمال ولایع نگار) : ج ۱ ص ۵۲۸
ج ۳ ص ۱۹۷۱
محمد حسین (میرزا -) ستوفی (پسر
وزیر لشکر) : ج ۲ ص ۲۰۲۱
محمد حسین (میرزا -) ستوفی (نائب
الحکومۃ یزد) : ج ۲ ص ۱۹۱۲
محمد حسین (میرزا -) ستوفی (پیشکار
حاکم خسہ) : ج ۲ ص ۱۳۰۱
محمد حسین (میرزا -) مرفی (صاحب
منصب بروج) : ج ۳ ص ۲۱۲۲
محمد حسین (حاجی -) ملک التاجار :
ج ۳ ص ۱۷۱۶ : ۲۱۲۵ : ۲۱۲۶
محمد حسین (میرزا -) منشی : ج ۳ ص ۱۲۵۵

محمد حسین (میرزا -) منشی قزوینی :
 ج ۱ ص ۵۲۹ : ج ۲ ص ۲۱۰۱ .
 محمد حسین (۵۲ -) منشی طابرت عثمانی
 در میدان : ج ۱ ص ۵۲۷ : ج ۲ ص ۲۱۰۸ .
 محمد حسین (میرزا -) منشی نوری : ج ۱
 ص ۵۲۹ .
 محمد حسین (میرزا -) منشی و دفتردار :
 ج ۲ ص ۱۲۷۱ .
 محمد حسین میرزا : ج ۲ ص ۱۵۵۲ ، ۱۵۵۱ .
 ۲۰۶۲ .
 محمد حسین (حاجی -) میرزا (پسر
 جهانگیر میرزا) : ج ۳ ص ۲۰۶۲ .
 محمد حسین میرزا حشمت الدوله :
 محمد حسین میرزا حشمت الدوله (پسر
 دولت شاه) : ج ۲ ص ۱۵۵۰ ، ۱۵۵۷ ،
 ۱۶۰۰ ، ۱۶۰۱ ، ۱۶۰۸ ، ۱۶۱۵ .
 ۱۶۸۲ .
 محمد حسین میرزا (روزنامه نویس) : ج ۲
 ص ۲۱۷۶ : ج ۳ ص ۲۱۲۹ ، ۲۱۳۱ .
 محمد حسین میرزا (رئیس تلگرافخانه) :
 ج ۱ ص ۵۵۰ : ج ۳ ص ۲۱۳۵ .
 محمد حسین میرزا (پسر سلطان حسین
 میرزا) : ج ۲ ص ۲۲۵ .
 محمد حسین (حاجی -) میرزا (شاهزاده) :
 ج ۲ ص ۱۲۲۰ .
 محمد حسین میرزا (مدیر گمرک قزوین) :
 ج ۳ ص ۲۱۱۲ .
 محمد حسین میرزا (مهندس) : ج ۳ ص ۱۲۷۷ .
 محمد حسین میرزا (پسر میرزا خور) : ج ۲
 ص ۱۲۲۰ : ج ۳ ص ۱۹۲۸ ، ۲۰۶۳ .
 محمد حسین میرزا (والی کرمانشاهان) :
 ج ۲ ص ۱۵۵۲ .
 محمد حسین میرزا (والی گجرات) : ج ۲
 ص ۸۵۹ .
 محمد حسین (میرزا -) ناظم الملک :
 ج ۲ ص ۱۹۲۳ ، ۱۹۲۶ .
 محمد حسین (میرزا -) نایب پیشکافاسی
 باشی : ج ۳ ص ۲۱۱۶ .
 محمد حسین (میرزا -) نایب الحکومه
 شاهسون بغدادی : ج ۲ ص ۱۳۰۰ :
 ج ۳ ص ۲۱۲۵ .
 محمد حسین (میرزا -) نایب و منشی :

ج ۱ ص ۵۲۲ .
 محمد حسین (میرزا -) نوالی : ج ۲ ص ۲۱۰۱ .
 محمد حسین (حاجی میرزا -) وزیر
 تجارت : ج ۲ ص ۲۱۲۶ .
 محمد حسین (میرزا -) وکیل (حاکم
 قضا) : ج ۲ ص ۱۶۱۲ .
 محمد خان : ج ۲ ص ۱۲۷۱ .
 محمد خان : ج ۲ ص ۱۰۰۶ : ج ۳ ص ۲۰۸۶ .
 محمد خان : ج ۲ ص ۶۲۹ .
 محمد خان (از خانواده جنتای خان) :
 ج ۲ ص ۶۲۹ .
 محمد خان : ج ۱ ص ۵۱۷ : ج ۳ ص ۱۵۹۷ .
 محمد خان : ج ۲ ص ۷۹۱ : ج ۳ ص ۱۵۹۸ .
 محمد خان : ج ۳ ص ۱۲۵۸ .
 محمد خان : ج ۲ ص ۱۲۲۵ .
 محمد خان : ج ۲ ص ۱۲۳۰ .
 محمد خان (پسر -) : ج ۲ ص ۸۹۲ .
 محمد خان (حاجی -) : ج ۲ ص ۱۵۷۰ .
 محمد خان (حاجی شاه -) : ج ۱ ص ۵۲۲ .
 محمد خان (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۵ : ج ۲
 ص ۱۶۵۸ ، ۱۶۸۲ ، ۱۷۲۷ .
 محمد خان (میرزا -) از اعیان طهران :
 ج ۳ ص ۲۰۹۶ .
 محمد خان (میرزا -) از امره : ج ۲ ص ۱۲۵۱ .
 محمد خان آجودان : ج ۱ ص ۵۲۳ .
 محمد خان (میرزا -) پسر آصف الدوله :
 ج ۳ ص ۱۶۸۲ .
 محمد خان (ولد احمد خان عبدالملک) :
 ج ۱ ص ۵۲۵ .
 محمد خان (پسر احمد خان نوالی) : ج ۲
 ص ۱۲۵۱ : ج ۲ ص ۲۰۹۶ .
 محمد خان (ولد اسحق خان) : ج ۳ ص ۱۵۱۸ .
 محمد خان بن اسکندر خان : ج ۳ ص ۱۱۶۵ .
 محمد خان افشار اوسه : ج ۳ ص ۱۱۳۱ .
 محمد خان افغان (ولد اعظم خان) : ج ۲
 ص ۱۲۷۵ .
 محمد خان افغان (سرکرده) : ج ۱ ص ۵۲۰ :
 ج ۲ ص ۲۰۹۰ .
 محمد خان امیرتوپان : ج ۲ ص ۱۲۳۱ : ج ۲
 ص ۱۶۶۱ ، ۱۶۵۷ ، ۱۶۲۲ .
 ۱۷۹۶ ، ۱۸۲۲ ، ۱۸۶۰ ، ۱۸۷۶ .

۲۰۷۲ .
 محمد خان امیر نظام : ج ۲ ص ۱۶۲۲ .
 محمد خان امین خلوت (تلنگدار خاصه) :
 ج ۱ ص ۵۲۰ : ج ۲ ص ۱۲۵۷ .
 محمد خان بن اوس خان : ج ۲ ص ۷۹۱ .
 محمد خان ایروانی : ج ۲ ص ۱۶۲۷ ، ۱۶۲۷ .
 ۱۶۳۷ .
 محمد خان بنایری : ج ۲ ص ۱۶۸۵ .
 محمد خان بلوچ : ج ۲ ص ۱۰۳۳ ، ۱۰۹۶ .
 ۱۱۱۲ .
 محمد خان بیگلربیگی : ج ۲ ص ۹۲۹ ، ۹۲۲ .
 محمد خان بیگلر زند : ج ۳ ص ۱۲۷۵ .
 محمد خان (میرزا -) بیگلربیگی : ج ۲
 ص ۱۶۱۸ .
 محمد خان (میرزا -) بیگلربیگی (برادر
 سالار) : ج ۲ ص ۱۶۸۹ .
 محمد خان (میرزا -) بیگلربیگی شیراز (ولد
 حاجی قوام الملک) : ج ۲ ص ۱۲۳۸ .
 ۱۲۲۸ .
 محمد خان بیگلربیگی (ابن فتحعلی خان
 رشقی) : ج ۲ ص ۱۶۷۵ .
 محمد خان بیگلربیگی (پسر فتحعلی خان
 شیرازی) : ج ۲ ص ۱۶۹۶ .
 محمد خان (میرزا -) بیگلربیگی قاجار :
 ج ۲ ص ۱۲۶۲ ، ۱۲۷۱ .
 محمد خان بیگلربیگی مازندران : ج ۳ ص ۱۱۵۵ .
 محمد خان (از اجزای پشخانه) : ج ۲ ص ۲۱۲۰ .
 محمد خان (میرزا -) پیشخدمت خاصه
 تلنگدار باشی (پسر امین خلوت) :
 ج ۳ ص ۱۹۲۲ .
 محمد خان (میرزا -) پیشخدمت : ج ۲
 ص ۱۲۵۲ : ج ۲ ص ۲۰۹۷ .
 محمد خان ترکمان : ج ۲ ص ۸۷۵ ، ۸۷۸ .
 ج ۲ ص ۱۲۲۸ .
 محمد خان (حاجی -) تحویلدار : ج ۱
 ص ۵۲۳ .
 محمد خان (میرزا -) تلنگدار خاصه : ج ۲
 ص ۲۱۱۱ .
 محمد خان (از جماعت سبزواری) : ج ۲
 ص ۲۰۸۸ .
 محمد خان (جهان بیگلر) : ج ۳ ص ۲۰۹۰ .
 محمد خان (حاجی -) حاجب الدوله :

ج ۳ ص ۱۸۱۰ - ۱۸۱۲ - ۱۸۵۱
 محمدخان حاجبیر استرآبادی بوزباشی :
 ج ۳ ص ۱۲۹۱
 محمدخان (حاکم استرآباد) : ج ۳ ص ۹۸۲
 محمدخان (حاکم یزد) : ج ۳ ص ۱۸۷۵
 محمدخان (میرزا -) پسر حسینقلی خان :
 ج ۳ ص ۱۶۲۵
 محمدخان (حکمران) : ج ۱ ص ۵۵۹
 محمدخان (خالوی آقا محمدخان) : ج ۲ ص ۱۱۶۱ - ۱۱۶۲
 محمدخان (ولد ظیفه انصاری) : ج ۲ ص ۸۶۹
 محمدخان داندو (حاکم مازندران) : ج ۳ ص ۱۳۶۰ - ۱۳۷۶
 محمدخان (حاجی میرزا -) دبیر مهم خارجه : ج ۳ ص ۱۷۸۳ - ۱۷۹۴
 ۱۸۱۲ - ۱۸۴۹
 محمدخان (میرزا -) دولوی قاجار (حاکم قزوین و بیگلربیگ طهران) : ج ۳ ص ۱۳۸۲ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۸
 ۱۵۰۰ - ۱۵۲۸ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۵
 محمدخان راوری (میرزا -) : ج ۳ ص ۱۴۱۸
 محمدخان (ولد رفیع خان) : ۱۲۸۲
 محمدخان رئیس اصطبل توپخانه (پسر محمد ثقی خان حاجب الدوله) : ج ۲ ص ۱۹۳۴
 محمدخان (رئیس کرلو) سرهنگ : ج ۱ ص ۵۰۳ - ۵۰۴
 ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۳ ص ۲۰۶۶
 محمدخان رند (عم لطفعلی خان) : ج ۳ ص ۱۱۵۲ - ۱۱۵۳ - ۱۲۱۷ - ۱۲۲۳
 ۱۲۲۲ - ۱۲۲۳
 محمدخان زنگنه (امیر نظام) : ج ۲ ص ۱۵۱۶ - ۱۶۰۶ - ۱۶۲۹ - ۱۶۳۲
 ۱۶۳۹ - ۱۶۹۲
 محمدخان زباده اوغلی : ج ۲ ص ۹۰۹ - ۹۰۹
 ج ۳ ص ۱۳۶۸
 محمدخان (حاجی -) ژنرال فونسول :
 ج ۳ ص ۲۱۰۵
 محمدخان (میرزا -) سپهسالار اعظم :
 ج ۳ ص ۱۸۶۰ - ۱۹۲۲
 محمدخان سرتیپ : ج ۱ ص ۵۱۵ - ۵۱۵
 ج ۳ ص ۲۰۸۲
 محمدخان سرتیپ (میرزا -) : ج ۳ ص

۲۰۹۳
 محمدخان سرتیپ (صاحب منصب فوج) :
 ج ۲ ص ۲۱۲۲
 محمدخان (سرکرده جماعت اردلان) :
 ج ۱ ص ۵۲۰
 محمدخان (سرکرده جماعت قرانی) :
 ج ۱ ص ۵۱۸ - ۵۱۸ : ج ۳ ص ۲۰۸۸
 محمدخان (سرکرده سواره نظامی) : ج ۲ ص ۱۲۲۲
 محمدخان (میرزا -) سرکنوچی باشی :
 ج ۳ ص ۱۷۲۶ - ۱۷۵۴
 محمدخان سرهنگ : ج ۳ ص ۲۰۸۲
 محمدخان (آقا -) سرهنگ : ج ۱ ص ۵۰۸
 ۷ ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمدخان (حاجی -) سرهنگ : ج ۲ ص ۲۰۷۶
 محمدخان (شیخ -) سرهنگ : ج ۳ ص ۲۰۹۲
 محمدخان سرهنگ ایروانی : ج ۳ ص ۱۵۰۲
 محمدخان (شیخ -) سرهنگ (پیاده بلوچ عرب) : ج ۱ ص ۵۲۲
 محمدخان (حاجی -) سرهنگ (فوج بهادران افشار) : ج ۱ ص ۵۱۰
 محمد (حاجی -) خان (سرهنگ فوج بهادران بهاولپور) : ج ۲ ص ۱۲۴۲ - ۱۲۴۲
 محمدخان (سرهنگ فوج پنجم خونی) :
 ج ۲ ص ۱۲۴۲
 محمدخان (میرزا -) سرهنگ (پسر سپهسالار اعظم شیرالدوله) : ج ۲ ص ۲۰۷۲
 محمد (میرزا -) خان (سرهنگ کرمانشاهانی) :
 ج ۱ ص ۵۱۱ - ۵۱۱ : ج ۳ ص ۱۲۲۲ - ۱۲۲۲
 ج ۳ ص ۲۰۷۶
 محمدخان (میرزا -) سرهنگ (جماعت گنبدی) : ج ۱ ص ۵۲۳
 محمدخان (میرزا -) سرهنگ (پسر ملک الاطباء) : ج ۳ ص ۱۲۳۲ - ۲۰۷۶
 محمدخان سرهنگ یزدی : ج ۳ ص ۱۲۹۵
 ج ۳ ص ۲۱۴۰
 محمدخان بن سلیمان (حاکم سرفند) :
 ج ۱ ص ۲۲۸
 محمدخان سوادکوهی : ج ۳ ص ۱۱۶۰ - ۱۱۶۲
 ۱۱۷۳
 محمدخان (شاه مغولستان) : ج ۳ ص ۶۷۱

۶۷۲
 محمدخان شرفالدین اوغلی : ج ۳ ص ۷۸۹
 ۸۰۰ - ۸۰۸ - ۸۱۰ - ۸۲۲ - ۹۱۷
 محمدخان شیرازی : ج ۳ ص ۱۰۲۵
 محمدخان (صاحب دشت قهقار) : ج ۲ ص ۶۸۲
 محمدخان (میر -) طبیب : ج ۳ ص ۱۲۰۲
 محمدخان (میر -) عرب زنگولی : ۱۴۰۱
 محمدخان عزالدین لوی قاجار : ج ۳ ص ۱۳۶۲
 ۱۲۱۲ تا ۱۴۱۳
 محمدخان (برادرزاده غفورخان طهرانی)
 حاکم طهران : ج ۳ ص ۱۳۹۱ - ۱۳۹۶
 محمدخان علیچای افغان (ولد اعظم خان) : ج ۳ ص ۱۴۷۳
 محمدخان (میرزا -) برادرزاده فتحعلشاه :
 ج ۳ ص ۱۶۳۷
 محمدخان قاجار (آقا -) : ج ۳ ص ۱۱۵۹
 ۱۱۶۱ - ۱۱۶۵ - ۱۱۶۶ - ۱۱۶۹
 ۱۱۷۲ - ۱۱۷۶ - ۱۱۷۷ - ۱۱۸۱
 ۱۲۲۹
 محمدخان قاجار (حاجی -) : ج ۳ ص ۱۵۷۱
 ۱۵۷۹
 محمدخان قاجار (بیگلربیگی ایروان) :
 ج ۳ ص ۱۲۲۱
 محمدخان قاجار دولو (حاکم کزاز) : ج ۲ ص ۱۱۵۲ - ۱۱۶۰
 ج ۳ ص ۱۳۹۱
 ۱۳۹۲ - ۱۴۲۶ - ۱۴۸۰ - ۱۶۱۸
 محمدخان قاجار (صبیح -) (زوجة فتحعلی شاه قاجار) : ج ۳ ص ۱۴۰۷
 محمدخان قاجار قواخانو (بیگلربیگی مازندران) :
 ج ۳ ص ۱۱۵۵ - ۱۱۵۷ - ۱۱۵۸ - ۱۱۶۰
 ۱۱۶۵ - ۱۲۲۲ - ۱۲۶۹ - ۱۲۷۱
 محمدخان قاجار (فور پساوالباشی) : ج ۱ ص ۵۴۰ - ۵۴۰ : ج ۳ ص ۲۱۱۶
 ۲۱۲۸
 محمدخان (میرزا -) قاجار (کشیکچی باشی) : ج ۳ ص ۱۷۹۲
 محمدخان قاجار (نایب آجودان باشی) :
 ج ۲ ص ۱۲۳۰ - ۱۲۳۰ : ج ۳ ص ۱۵۲۹
 ۱۵۳۰ - ۲۰۷۲
 محمدخان (پسر قاسم خان) : ج ۲ ص ۱۸۲۳
 محمدخان (حاجی -) (قواکوزلوی همدانی) :
 ج ۳ ص ۱۴۷۷

محمدخان قرانی (پسر اسحقخان): ج ۳
 ص ۱۵۲۰، ۱۵۲۵، ۱۵۲۹، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۹۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۲، ۱۵۹۸، ۱۶۱۱، ۱۶۱۵.
 محمدخان (قونسول ازمیر): ج ۱ ص ۵۳۲.
 محمدخان (میرزا -) قباقری قاجار: ج ۳ ص ۲۱۶۲، ۲۱۰۶.
 محمد (میرزا -) خان (کارپرداز حاجی توخان): ج ۳ ص ۱۷۲۸.
 محمدخان (میرزا -) کشیکچی باشی (سپهسالار): ج ۳ ص ۱۶۲۸، ۱۷۲۸، ۱۸۱۰، ۱۷۷۲.
 محمدخان (گرچی (تفنگدار خاصه): ج ۱ ص ۵۳۰، ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 محمدخان (میرزا -) لاریجانی (سرکرده): ج ۳ ص ۱۲۰۲، ۱۲۱۲، ۱۲۱۸، ۱۲۶۹.
 محمدخان (پسر لطفعلیخان): ج ۳ ص ۲۰۸۷.
 محمدخان (مامور عراق): ج ۱ ص ۵۵۲.
 محمدخان (مامور ملایر): ج ۱ ص ۵۵۲.
 محمدخان (مامور نقد و جنسی اداره غلات): ج ۳ ص ۲۱۱۲.
 محمدخان (حاجی میرزا -) مجدالطیغ: ج ۱ ص ۲۷۶، ج ۲ ص ۱۹۲۲.
 محمدخان (ولد محمدحسنخان سردار): ج ۳ ص ۱۷۹۲.
 محمد (آقا -) خان (پسر محمد حسنخان قاجار): ج ۳ ص ۱۳۶۲، ۱۳۵۶، ۱۳۶۲.
 محمدخان (پسر محمدعلیخان): ج ۳ ص ۱۶۵۷.
 محمدخان مصلحتگذار اسلامبول: ج ۳ ص ۱۷۲۵، ۱۷۲۲.
 محمدخان (میرزا -) مقصودلو: ج ۲ ص ۱۵۷۸.
 محمدخان (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶، ۵۰۵.
 محمدخان (میرزا -) منشی آذربایجان: ج ۱ ص ۵۰۵، ۵۰۶، ج ۲ ص ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ج ۳ ص ۲۰۶۹، ۲۰۷۰.
 محمدخان میرنجه: ج ۳ ص ۱۷۸۳، ۱۷۶۷.
 محمدخان (میرزا -) ناظم دفتر: ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 محمد (میرزا -) خان (نایب آجوان): ج ۳ ص ۲۱۲۲.

محمدخان (نایب اول): ج ۲ ص ۱۷۷۱.
 محمدخان (نایب ایشیک آقا سیاهی): ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 محمد (حاجی میرزا -) خان (نایب اول وزارت دول خارجه): ج ۳ ص ۱۷۲۹.
 محمدخان (نایب الحکومه مازندران): ج ۲ ص ۱۷۲۲.
 محمدخان (نایب خراسان): ج ۳ ص ۱۲۸۶، ۱۲۹۰.
 محمد (میرزا -) خان (نایب کارپرداز میرزا): ج ۲ ص ۲۱۶.
 محمدخان (ولد نصیرخان لاری): ج ۳ ص ۱۲۰۲.
 محمدخان نظامالطیغ: ج ۱ ص ۵۲۵، ج ۲ ص ۱۲۵۰، ج ۳ ص ۲۰۶۶.
 محمدخان (میرزا -) نقاشباشی: ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 محمدخان نوایی، ولد عبدالطیغ (نایب ایشیک آقا سیاهی): ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۷۰، ج ۳ ص ۲۱۶۰.
 محمدخان توری (میرزا -): ج ۳ ص ۲۰۴۱.
 محمدخان نوشی: ج ۳ ص ۱۷۱۲.
 محمدخان والی: ج ۱ ص ۵۰۷، ۵۵۹، ج ۲ ص ۱۶۲۷، ج ۳ ص ۱۶۵۸، ۱۶۶۲، ۲۰۷۱.
 محمد (حاجی -) خان (پسر وکیل الطیغ): ج ۳ ص ۱۸۹۹.
 محمد (میرزا -) خان (پسر میرزا حاشم خان امین خطوت): ج ۳ ص ۱۸۵۷.
 محمدخان هزاره: ج ۳ ص ۱۲۶۲.
 محمدخان یاور: ج ۱ ص ۵۱۰، ج ۲ ص ۲۰۷۵.
 محمدخان (یاور ایرشو): ج ۳ ص ۲۰۸۷.
 محمدخان (یاور خارج فوج): ج ۲ ص ۱۲۲۱.
 محمدخان یزدی (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 محمد علیآبادی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۷۸۳.
 محمدی خان (بهگربگی شیراز): ج ۲ ص ۹۶۸.
 محمد نذیرالدین: ج ۱ ص ۳۲۵.
 محمدرحیم بیگ (علامه باشی): ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 محمد رحیم خان: ج ۳ ص ۱۷۲۶، ۱۷۲۸، ۱۸۲۹.
 محمد رحیمخان نوره (ابن ایلدیز خان

خوارزمی): ج ۳ ص ۱۲۱۵.
 محمدرحیم (حاکم بروجرد): ج ۳ ص ۱۹۹۲، ۱۹۹۵.
 محمد رحیم خان خوارزمی: ج ۳ ص ۱۵۲۹.
 محمد رحیمخان (آ -) ناشی (نایب ایشیک آقا سیاهی): ج ۲ ص ۲۱۱۶.
 محمدرحیم خان (رئیس): ج ۱ ص ۵۰۲.
 محمدرحیمخان (رئیس بنیاعمام): ج ۲ ص ۱۲۲۰.
 محمد رحیم خان سیاهلو: ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵.
 محمد رحیمخان شامیانی (سرتیپ و رئیس طاقه): ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۱۹۲۲، ۱۹۲۶، ۲۰۶۵.
 محمد رحیم (حاجی -) خان قاجار: ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 محمد رحیم خان (برادر محمد نسی خان حاجب الدوله): ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 محمد رحیم خان (پسر محمد علی میرزا دولتشاه): ج ۲ ص ۱۵۵۱.
 محمد رحیمخان (میرزاخویر آذربایجان): ج ۲ ص ۲۰۷۸.
 محمدرحیمخان (نایب الحکومه بجنورد): ج ۳ ص ۱۷۶۰.
 محمدرحیمخان (نقچی باشی، علاءالدوله امیرانظام): ج ۲ ص ۱۷۱۲، ۱۷۸۵، ۱۸۴۰، ۲۱۱۸.
 محمد رحیم میرزا (نایب الدوله): ج ۱ ص ۱۸۰۲، ۱۷۳۱، ۱۶۱۷، ۱۸۰۱.
 محمد رشیدپاشا: ج ۳ ص ۱۹۵۱، ۱۹۲۶، ۱۹۶۸.
 محمد رشید (قلمی خطب): ج ۳ ص ۱۰۲۵.
 محمد رشیدی پاشا (مدراءظم عثمانی): ج ۲ ص ۱۸۸۱.
 محمد رضا (میرزا -) (در محبت میرزا مهدیخان): ج ۱ ص ۵۳۱.
 محمد رضا (حاجی -) (ارباب): ج ۳ ص ۲۱۲۶.
 محمد رضا بیگ مرندی (یاور اول): ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 محمد رضا (حاجی -) تاجر شیرازی: ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 محمدرضا (حاجی میرزا -) تهرانی و نکهدی:

۱ ششم

ج ۱ ص ۵۲۰

محمد رضا خان: ج ۱ ص ۵۱۹

محمد رضا خان بیکریگی: ج ۲ ص ۱۲۹۷

ج ۲ ص ۲۱۲۷ - ۲۱۲۱

محمد رضا خان (از جماعت سبزواری):

ج ۲ ص ۲۰۸۸

محمد رضا خان سرتیپ: ج ۲ ص ۱۷۸۲

محمد رضا خان (سرگودیه جنایت باختری):

ج ۱ ص ۵۱۸ - ج ۲ ص ۱۲۲۲

ج ۳ ص ۲۰۸۸

محمد رضا خان سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۷۶

محمد رضا خان سرهنگ (تحویلدار): ج ۳

ص ۲۱۳۱

محمد رضا خان (سرهنگ فوج دوم):

ج ۲ ص ۱۵۷۲

محمد رضا خان (عزالدين لو): ج ۲ ص

۱۲۲۱ - ج ۲ ص ۲۰۶۵

محمد رضا خان فراهانی: ج ۲ ص ۱۶۰۷

۱۶۱۲ - ۱۶۱۵ - ۱۷۰۰

محمد رضا خان قاجار: ج ۲ ص ۱۷۱۲ - ۱۷۰۶

محمد رضا خان قلیچلو: ج ۱ ص ۵۰۳ - ج ۲ ص ۱۲۲۱

محمد رضا خان قزوینی (نایب شقانه):

ج ۲ ص ۱۲۶۹ - ج ۳ ص ۲۱۱۸

محمد رضا خان (قباظلو): ج ۳ ص ۲۰۶۵

محمد رضا خان کرمانی: ج ۲ ص ۱۲۲۰

محمد رضا (حاجی - خان) (میرزا):

ج ۲ ص ۲۱۰۲

محمد رضا خان نوری: ج ۲ ص ۱۲۹۳

محمد رضا (حاجی میرزا - شریعتدار): ج ۲

ص ۲۱۱۵

محمد رضا (آقا سید - پسر آقا سید صادق):

ج ۲ ص ۲۰۹۵

محمد رضا (میرزا - قزوینی): ج ۲ ص

۱۲۸۶

محمد رضا (میرزا - کاشانی (مترجم):

ج ۱ ص ۵۵۵

محمد رضا (میرزا - متولی باشی): ج ۲

ص ۱۷۹۵

محمد رضا (میرزا - مستوفی (دیوان

اعلی): ج ۲ ص ۱۸۶۷ - ۲۰۹۹

محمد رضا (حاجی میرزا - مستوفی

خراسان): ج ۲ ص ۱۸۲۲

محمد رضا میرزا (افسر): ج ۲ ص ۱۵۱۹

۱۵۲۲ - ۱۵۶۵ - ۱۶۲۲

محمد رضا میرزا (رئیس): ج ۱ ص ۵۲۹

محمد رضا میرزا سرهنگ: ج ۳ ص ۲۱۳۱

محمد رضا میرزا (فرزند فتحعلی شاه):

ج ۲ ص ۱۲۳۸

محمد رضا (حاجی - نراقی): ج ۳ ص ۲۱۲۸

محمد رضی (میرزا - تبریزی (صاحب

زینالتواریخ): ج ۲ ص ۱۲۹۱

محمد رضی خان (ازامه قاجار): ج ۲ ص

۲۰۶۲

محمد رضی خان (از طایفه قوئللو): ج ۱

ص ۵۰۲ - ج ۲ ص ۱۲۲۰

محمد رفیق بیگ (شهیندر): ج ۲ ص ۲۱۰۷

محمد زکی (میرزا -): ج ۲ ص ۱۵۹۸

محمد زکی خان نوری: ج ۲ ص ۱۵۹۹ - ۱۵۹۷

۱۶۲۵ - ۱۶۰۲

محمد زمان بیگ (قراوسالو): ج ۳ ص ۱۳۷۳

محمد زمان خان: ج ۲ ص ۱۰۰۲ - ج ۳ ص

۱۵۲۹

محمد زمان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۷۸۷

محمد زمان خان (خنگدار خاصه): ج ۱

ص ۵۲۰ - ج ۲ ص ۱۲۵۷ - ج ۳ ص ۲۱۱۱

محمد زمان خان دولتی قاجار: ج ۲ ص

۱۵۶۸ - ۱۶۰۲

محمد زمان (حاجی - خان) (شاه بوداظلو):

ج ۱ ص ۵۰۳ - ج ۲ ص ۱۲۲۱ - ج ۳ ص

۲۰۶۵

محمد زمان خان (عزالدين لو قاجار):

ج ۲ ص ۱۲۱۲ - ۱۲۱۲ - ۱۵۱۸

محمد زمان خان قاجار: ج ۲ ص ۱۲۶۸ - ج ۳

ص ۱۶۰۷

محمد زمان خان (برادر محمد عظیم خان):

ج ۲ ص ۱۵۲۱

محمد زمان خان (نایب شقانه): ج ۱

ص ۵۲۰ - ج ۲ ص ۲۱۱۸

محمد زمان خان (پسر نظام الدوله امدهانی):

ج ۲ ص ۱۵۲۵

محمد زمان (آقا -) کلانتر فارس: ج ۲

ص ۱۲۲۷

محمد زمان سلطان بایندری: ج ۲ ص ۸۹۶

محمد زمان میرزا: ج ۲ ص ۷۲۵ - ۷۶۲ - ۷۶۴

۷۷۲ - ۷۸۲

محمد زمان میرزا (ابن بدیع الزمان میرزا):

ج ۲ ص ۷۶۰

محمد سمید (میرزا -) انطاری: ج ۳ ص ۱۶۹۲

محمد سمید (حاجی -) عرب: ج ۳ ص ۲۱۲۸

محمد سمید (میرزا -) مؤتمن الملک: ج ۳

ص ۱۷۲۹

محمد سمید (حاجی -) وکیل (شهیندر

هندان): ج ۱ ص ۵۳۷ - ج ۳ ص ۲۱۰۸

محمد سلطان (امیرزاده): ج ۲ ص ۶۶۷

محمد سلطان (شمس الدین لو): ج ۲ ص ۹۰۱

محمد سلطان (شاهزاده -) کیهک: ج ۲

ص ۷۲۸

محمد سلیم افندی (ولیمهد عثمانی): ج ۱

ص ۵۶۳

محمد شاه: ج ۲ ص ۱۶۲۷ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۸

۱۶۲۲ - ۱۶۵۲ - ۱۶۲۶ - ۱۶۸۲

۱۷۶۹

محمد شاه بایری هندی: ج ۲ ص ۱۱۲۲

۱۱۲۲

محمد شاه سور: ج ۲ ص ۸۲۵

محمد شاه غوری: ج ۲ ص ۶۹۰

محمد شاه بن فیروز شاه: ج ۲ ص ۷۸۲

محمد شاه (برادر نظام شاه بهمنی): ج ۲

ص ۲۱۲

محمد شریف خان (حاجی -): ج ۳ ص

۱۷۵۹ - ۱۸۳۹ - ۱۸۵۲

محمد شریف خان (بروزی قاجار): ج ۲

ص ۱۲۹۰

محمد شریف میرزا (سرتیپ): ج ۳ ص ۲۰۶۴

محمد شریف میرزا (قوئللو): ج ۲ ص ۱۲۲۰

محمد شفیع خان سامانی: ج ۳ ص ۱۶۵۸

محمد شفیع (میرزا -) شیرازی (میرزا

کوچک رحال): ج ۲ ص ۱۶۸۲

محمد شفیع میرزا صدر اعظم (هند پشی

مازندرانی امدهانی): ج ۳ ص ۱۲۲۸

۱۲۵۲ - ۱۲۵۹ - ۱۲۶۱ - ۱۲۷۱

۱۲۷۲ - ۱۲۸۵ - ۱۲۸۶

۱۵۲۹ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۲

محمد شیخ: ج ۲ ص ۱۷۶۷

محمد صادق (حاجی -): ج ۳ ص ۲۱۲۷

محمد صادق (حاجی -) ارباب: ج ۳ ص

۲۱۲۶

محمد صادق بیگ (والی تونس): ج ۱ ص

۵۶۲ - ج ۲ ص ۱۲۰۷ - ج ۳ ص ۲۰۵۲

محمد صادق بیگ (یاور دوم) : ج ۲ ص ۱۲۲۲
 ۱۲۲۲
 محمد صادق (حاجی -) تاجر کاشانی :
 ج ۲ ص ۲۱۲۵
 محمد صادق خان : ج ۲ ص ۱۱۲۹-۱۱۲۸
 محمد صادق خان آجودان باشی قراباغی :
 ج ۱ ص ۵۰۹-۵۵۷ : ج ۲ ص ۱۲۲۸
 ۱۲۲۵-۱۲۲۰ : ج ۳ ص ۲۰۷۲-۲۱۲۰
 محمد صادق خان (از اعضای حکومتی) :
 ج ۲ ص ۲۱۲۲
 محمد صادق خان امین نظام (سرنیت) :
 ج ۲ ص ۱۲۲۲ : ج ۲ ص ۲۰۲۴
 محمد صادق خان (نماینده مازندران) :
 ج ۱ ص ۵۵۱
 محمد صادق (میر -) خان (نریابگی) :
 ج ۲ ص ۱۶۲۲-۱۹۵۲
 محمد صادق خان دنیلی : ج ۳ ص ۱۲۵۸
 محمد صادق خان (دولو) : ج ۱ ص ۵۰۲
 ج ۳ ص ۱۲۲۱ : ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد صادق خان سرنیت (برادر شهاب الملک) : ج ۲ ص ۱۹۱۱
 محمد صادق خان سرنگ : ج ۱ ص ۵۱۸
 ج ۲ ص ۱۲۲۲ : ج ۲ ص ۲۰۸۷
 محمد صادق خان سرنگ : ج ۳ ص ۱۸۱۵
 محمد صادق خان سرنگ (رئیس طائفه قباغلو) : ج ۲ ص ۲۰۶۵
 محمد صادق خان (فزانی خلوت) : ج ۱ ص ۵۲۰ : ج ۳ ص ۱۲۵۷ : ج ۲ ص ۲۱۱۱
 محمد صادق خان قاجار : ج ۲ ص ۱۵۰۰
 محمد صادق خان قباغلو : ج ۱ ص ۵۰۲ : ج ۲ ص ۱۲۲۱
 محمد صادق خان قراباغی (نایب آجودان باشی) : ج ۲ ص ۲۰۷۲
 محمد صادق خان (قزاقان انبار و یاور اول) : ج ۲ ص ۱۲۲۲ : ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمد صادق خان (قزل باغ) : ج ۱ ص ۵۰۲
 ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد صادق خان قواغلو : ج ۱ ص ۵۰۲ : ج ۲ ص ۱۶۲۶
 محمد صادق (حاجی -) خان (کار - بردار شام و عصر) : ج ۱ ص ۵۲۲ : ج ۲ ص ۲۱۰۵

محمد صادق خان (برادر کریمخان) : ج ۲ ص ۱۱۶۷
 محمد صادق (آ -) (مولف شاهسید صادق) : ج ۲ ص ۷۲۸
 محمد صادق (میرزا -) قائم مقام (امین الدوله) : ج ۳ ص ۱۷۲۱-۱۷۸۶
 ۱۷۹۵-۱۸۰۹-۱۸۱۲
 محمد صادق (حاجی -) شیرالتجار :
 ج ۲ ص ۲۱۲۶
 محمد صادق (ملا -) معلم فارسی : ج ۲ ص ۲۱۲۰
 محمد صادق (حاجی -) معینالتجار :
 ج ۱ ص ۵۲۶
 محمد صادق (آ میرزا -) منشی باشی :
 ج ۲ ص ۲۱۲۵
 محمد صادق میرزا (شاهزاده قاجار) :
 ج ۲ ص ۱۲۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۶۴
 محمد صادق میرزا (قواغلو) : ج ۳ ص ۱۲۲۰
 محمد صادق میرزا (پسر میرالدوله) : ج ۲ ص ۲۰۶۲
 محمد صادق (حاجی -) ناظمالتجار : ج ۲ ص ۲۱۲۷
 محمد صادق (میرزا -) وقایع نگار موزی (صاحب تاریخ جهان آرا) : ج ۱ ص ۱۵۲۱-۱۵۲۶-۱۴۹۹-۱۴۷۹
 ۱۵۲۲-۱۵۵۷-۱۶۹۲
 محمد صالح خان : ج ۲ ص ۱۶۲۲
 محمد صالح خان (سرنیت دوم سواره) :
 ج ۲ ص ۱۸۷۲
 محمد صالح خان (سرنیت کردیجه) : ج ۲ ص ۱۸۷۱-۱۹۲۲
 محمد صالح خان کرد محله استرآبادی :
 ج ۲ ص ۱۶۲۵
 محمد صدیق خان (پسر یار محمد خان) :
 ج ۲ ص ۱۷۲۲
 محمد صفی میرزا ، سرنیت (رئیس ظکراف خانه) : ج ۱ ص ۵۲۹ : ج ۳ ص ۲۱۲۲
 محمد صفی میرزا (پسر شاه عباس) : ج ۲ ص ۹۰۹
 محمد ظاهر خان زند : ج ۳ ص ۱۲۸۰
 محمد ظاهر خان (سبازلو) : ج ۱ ص ۵۰۲ : ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد ظاهر خان سرنگ : ج ۱ ص ۵۱۲

ج ۲ ص ۱۲۲۸ : ج ۲ ص ۲۱۲۲
 محمد ظاهر خان وکیل قزوینی : ج ۳ ص ۱۶۳۹
 محمد ظاهر میرزا (حاجی -) نایب الاایاله :
 ج ۱ ص ۵۰۲ : ج ۳ ص ۱۲۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۶۴
 محمد ظاهر میرزا (نایب وزارت خارجه) :
 ج ۱ ص ۵۲۱ : ج ۲ ص ۱۲۵۸ : ج ۲ ص ۲۱۲۵
 محمد ظاهر میرزا (یاور دوم) : ج ۲ ص ۱۲۲۲ : ج ۲ ص ۲۰۷۷
 محمد ظاهر خان (سردار جنگ) : ج ۲ ص ۱۲۶۱
 محمد ظاهر خان بختیاری : ج ۳ ص ۱۳۹۲
 ۱۳۹۴
 محمد عبدالله : ج ۲ ص ۱۷۰۲
 محمد علی محمد خان (سردار نصیر) : ج ۲ ص ۱۵۲۱
 محمد علی محمد خان هزاره (از جماعت هزارایی) :
 ج ۲ ص ۲۰۸۸
 محمد علی (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۲۵
 محمد علی (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۸۷
 محمد علی (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۸۰۲
 محمد علی (آ -) : ج ۲ ص ۱۹۲۰
 محمد علی (میرزا -) آجودان سلطان :
 ج ۲ ص ۱۲۲۵ : ج ۲ ص ۲۰۸۰
 محمد علی (میرزا -) آشتیانی ستولی :
 ج ۲ ص ۱۵۵۶
 محمد علی آ آ دولو : ج ۲ ص ۱۱۷۲-۱۱۵۹
 محمد علی (آ -) امپانی : ج ۳ ص ۱۲۵۵
 محمد علی (میرزا -) الیکتر : ج ۳ ص ۱۲۷۱
 محمد علی (آ -) امین حضرت (آبار باشی ، پسر امین السلطان) : ج ۱ ص ۵۵۱ : ج ۲ ص ۲۰۱۹
 محمد علی (آ -) امین الوفا : ج ۲ ص ۲۱۲۸
 محمد (میرزا -) انیکتر : ج ۱ ص ۵۲۱
 محمد علی (حاجی -) بارفروشی : ج ۳ ص ۱۶۹۵
 محمد علی بیگ : ج ۲ ص ۱۲۲۰
 محمد علی بیگ ناصر : ج ۲ ص ۹۵۰ : ج ۲ ص ۱۷۰۷
 محمد علی بیگ (یاور) : ج ۱ ص ۵۱۲ : ج ۲ ص ۱۲۲۶

محمد علی پاشا مصری: ج ۲ ص ۱۱۷۰
 ج ۳ ص ۱۲۸۲، ۱۵۰۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۶، ۱۵۵۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۹، ۱۶۳۱، ۱۶۴۷، ۱۶۵۵، ۱۶۶۲، ۱۶۷۴، ۱۷۸۰، ۱۷۱۱، ۱۷۰۲
 محمد علی (میرزا -) از اجزای پستخانه:
 ج ۲ ص ۲۱۲۲
 محمد علی (حاجی -) تاجر اصفهانی:
 ج ۲ ص ۲۱۱۰
 محمد علی (آقا میرزا -) تاجر شیرازی:
 ج ۱ ص ۵۲۶، ج ۲ ص ۱۲۵۱، ج ۳ ص ۲۱۲۵
 محمد علی (آقا -) تویلدار کل خزانه:
 ج ۳ ص ۲۱۱۱
 محمد علی (حاجی -) حمصی: ج ۳ ص ۱۶۶۰
 محمد علی خان: ج ۲ ص ۱۶۸۵، ۱۶۲۶، ۱۷۱۳، ۱۷۰۱
 محمد علی خان (میرزا -): ج ۱ ص ۲۴۸
 ج ۲ ص ۱۲۷۱، ج ۳ ص ۱۶۸۶
 محمد علی خان بن آصف الدوله: ج ۳ ص ۱۶۴۵
 محمد علی خان اردبیلی (سرتهپ-سیم):
 ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمد علی (میرزا -) خان اصفهانی —
 نسبی الشمره سروش
 محمد علیخان (برادر اعتضادالدوله):
 ج ۲ ص ۱۸۸۶
 محمد علیخان افشار: ج ۲ ص ۹۶۹
 محمد علی خان (پسر امیرالامرا): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۲۰۷۴
 محمد علیخان (امیرکبیر): ج ۳ ص ۱۳۲۹
 محمد علیخان (میرزا -) امین دیوان:
 ج ۲ ص ۱۸۲۵
 محمد علی خان — امین السلطنه
 محمد علیخان (ایلخانی فارس): ج ۳ ص ۱۶۱۲، ۱۶۱۸، ۱۸۵۲
 محمد علی خان بختیاری: ج ۲ ص ۱۷۵۷، ۱۷۶۸
 محمد علیخان بلوچ: ج ۳ ص ۱۷۱۵
 محمد علیخان، بیگلربیگی و حاکم امیر آباد: ج ۳ ص ۱۹۰۵، ۱۹۰۰، ۱۸۵۹
 محمد علیخان نکو: ج ۲ ص ۱۱۲۹
 محمد علیخان جوانشیر: ج ۳ ص ۱۷۷۲

محمد علیخان جوهری: ج ۳ ص ۱۴۱۴
 محمد علی خان (برادر جهانگیر خان سیستانی): ج ۲ ص ۱۴۲۵
 محمد علی خان (حاکم بروجرد): ج ۲ ص ۱۹۹۵
 محمد علی خان (حاکم شیروان): ج ۲ ص ۹۵۷
 محمد علی خان (ولد حسینقلی خان):
 ج ۲ ص ۱۸۰۲
 محمد علی خان ولد خانلرخان (نایب حاکم نهاوند): ج ۳ ص ۲۰۳۷
 محمد علیخان خوار: ج ۳ ص ۱۳۹۲، ۱۳۹۳
 محمد علی خان خوقندی: ج ۳ ص ۱۶۱۱
 محمد علیخان داغلو قاجار: ج ۲ ص ۱۴۲۰
 محمد علیخان دنبلی: ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۷۰
 محمد علیخان دولو: ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد علیخان (میرزا -) روزنامه نویس:
 ج ۱ ص ۵۲۷
 محمد علی خان (میرزا -) رئیس بهار گروس: ج ۱ ص ۵۴۴
 محمد علی (میرزا -) خان (رئیس روزنامه جات): ج ۲ ص ۱۲۵۲، ج ۳ ص ۲۰۹۷
 محمد علی (حاجی -) خان زند (سرهنگ):
 ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمد علیخان (زینال آجودان سرتهپ): ج ۲ ص ۱۹۲۵
 محمد علی خان (زینال آجودان مخصوص): ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمد علی خان (برادر سالار): ج ۳ ص ۱۷۰۵
 محمد علی خان سرتهپ: ج ۲ ص ۱۲۴۱
 ج ۳ ص ۱۷۷۴
 محمد علیخان (سرکرده جماعت بختیاری): ج ۱ ص ۵۲۲
 محمد علیخان (سرکرده دستاوردی): ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۳ ص ۲۰۹۳
 محمد علیخان (سرکرده دسته بالین شاهکوشی): ج ۱ ص ۵۲۲

محمد علیخان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۶، ج ۲ ص ۲۰۷۶، ۲۰۷۹
 محمد علی خان (حاجی -) سرهنگ:
 ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمد علی خان (میرزا -) سرهنگ:
 ج ۲ ص ۲۰۸۶
 محمد علی خان (ولد حاجی معادالدوله): ج ۱ ص ۵۰۸
 محمد علی خان سیستانی: ج ۳ ص ۱۴۲۵
 محمد علی خان تلمیانی: ج ۲ ص ۱۱۵۹
 ج ۲ ص ۱۲۸۳
 محمد علیخان شجاعالملک: ج ۳ ص ۱۷۶۶، ۱۷۸۱، ۱۷۸۷، ۱۷۹۶
 محمد علی خان (شقایق): ج ۳ ص ۱۴۵۲
 محمد علی خان ابن حاجی تکراللمغان نوری:
 ج ۲ ص ۱۶۹۶
 محمد علی خان (برادر شهریار خان): ج ۲ ص ۲۱۱۶
 محمد علی میرزا -) خان شیرازی: ج ۳ ص ۱۶۸۷، ۱۶۹۲
 محمد علیخان (پسر عبدالرزاق خان سرتهپ) نایب آجودان پاشی: ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمد علی خان عرب بسطامی: ج ۳ ص ۱۴۴۴
 محمد علی خان (برادر عینالملک): ج ۲ ص ۱۸۵۲، ۱۸۵۷
 محمد علیخان غفور: ج ۲ ص ۱۶۵۷
 محمد علی خان قاجار: ج ۲ ص ۱۴۴۴، ۱۴۴۷
 محمد علیخان قوادلو قاجار (سردار فارس): ج ۲ ص ۱۴۴۳، ۱۴۴۸
 محمد علیخان قزلقرآقاسی: ج ۲ ص ۱۰۳۰
 محمد علی (میرزا -) خان (کارپرداز بهمنی): ج ۲ ص ۱۸۸۸
 محمد علی (میرزا -) خان (کارگذار خارجه فارس): ج ۲ ص ۱۸۵۹
 محمد علی (میرزا -) خان کاشی: ج ۲ ص ۲۱۴۰
 محمد علی خان (میرزا -) کرندی (نایب آجودان پاشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمد علیخان کلهر: ج ۳ ص ۱۵۵۷

محمد علی خان گروسی (نایب ایشیک آقاسی
باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶.
محمد علی خان (مامور عراق): ج ۱ ص
۵۵۲.
محمد علی (میرزا -) خان مستشار: ج ۱
ص ۵۲۱: ج ۲ ص ۲۱۲۰.
محمد علی خان (میرزا -) مستوفی (معاون
الملك): ج ۱ ص ۵۲۸: ج ۲ ص ۲۰۳۶.
۲۰۹۸، ۲۰۴۷.
محمد علی خان مستوفی (پسر میرزا مصطفی
وکیل لشکر): ج ۱ ص ۵۲۸: ج ۲
ص ۲۰۹۹، ۲۰۰۷.
محمد علی خان نظم: ج ۱ ص ۵۱۰: ج ۲ ص
۱۲۳۱: ج ۲ ص ۲۰۲۵.
محمد علیخان (میرزا -) معین السواره
(مرتب): ج ۱ ص ۵۲۱: ج ۲ ص
۱۹۲۴، ۱۹۹۶، ۲۱۰۷.
محمد علیخان (منشی مخصوص وزارت خارجه):
ج ۱ ص ۵۲۱.
محمد علی (میرزا -) خان (منشی باشی
وزارت علوم): ج ۱ ص ۲۶۶: ج ۲
ص ۲۰۰۷.
محمد علی خان (سلطان -) پسر مهدی
خان سرهنگ: ج ۲ ص ۱۹۹۴.
محمد علی (میرزا -) خان ناظم الملک:
ج ۲ ص ۱۷۳۲.
محمد علی خان نایب (سرکرده دسته
گودزی): ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص
۲۰۹۰.
محمد علیخان (نایب آجودان باشی):
ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۳ ص ۲۰۷۴.
محمد علی خان (میرزا -) نایب آجودان
باشی: ج ۲ ص ۱۸۲۲.
محمد علیخان نظیمه (مرتب سوم): ج ۱
ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص ۲۰۷۲.
محمد علی خان نوافی (نایب ایشیک آقاسی
باشی): ج ۱ ص ۵۴۰: ج ۳ ص ۲۱۱۶.
محمد علی (میرزا -) خان (وزارت دفتر
استیفا): ج ۳ ص ۱۲۵۲.
محمد علی خان (میرزا -) وزیر دول خارجه:
ج ۳ ص ۱۷۱۷، ۱۷۲۶، ۱۷۳۸.
محمد علی (میرزا -) خان (وکیل فارس،
پسر قوام الملک): ج ۳ ص ۱۸۶۲.

محمد علیخان (پسر هاشم خان): ج ۱ ص
۵۰۹: ج ۳ ص ۲۰۷۴.
محمد علی رهنجانی (علی میرزا): ج ۲
ص ۱۱۳۰.
محمد علی (میرزا -) رئیس اداره تلگرافیه
خرم آباد: ج ۱ ص ۵۵۰.
محمد علی (میرزا -) رئیس پستخامروشت:
ج ۲ ص ۱۲۷۲.
محمد علی (میرزا -) رئیس پستخامروشت:
ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص ۱۲۷۲.
محمد علی رهنجانی (ملا -): ج ۳ ص ۱۶۹۶.
محمد علی (میرزا -) سرشنه دار: ج ۲ ص
۱۷۳۵، ۱۷۸۲.
محمد علی (میرزا -) سرشنه دار توپخانه:
ج ۲ ص ۱۸۵۸.
محمد علی (میرزا سید -) سرشنه دار دفتر
لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۲۲۴.
ج ۲ ص ۲۰۶۸، ۲۰۶۹.
محمد علی (میرزا -) سرشنه دار سواره افشار:
ج ۲ ص ۲۱۱۴.
محمد علی (میرزا -) سرهنگ (رئیس):
ج ۱ ص ۵۵۰.
محمد علی (میرزا -) سرهنگ (ناظم پست
خانه): ج ۳ ص ۱۹۷۲.
محمد علی سلطان شاهی: ج ۳ ص ۱۴۲۲.
محمد علی (میرزا -) شیرازی (شهردار الملک):
ج ۲ ص ۱۵۹۹.
محمد علی (میرزا -) عزب باشی: ج ۱ ص
۵۰۶، ۵۲۱: ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۳ ص
۲۰۶۹.
محمد علی (میرزا -) علوی (سرشنه دار
توپخانه): ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۲۲۲.
۱۲۳۲: ج ۳ ص ۲۰۶۹، ۲۰۷۹.
محمد علی (میرزا -) عرب منگ: ج ۱ ص ۵۲۹.
محمد علی (میرزا -) ولد میرزا علی ملا
باشی (منشی): ج ۱ ص ۵۵۸.
محمد علی (میرزا -) قلمدان دار وزارت
خارجه: ج ۱ ص ۵۳۲.
محمد علی (آقا میر -) کاتب روزنامه:
ایران: ج ۱ ص ۵۵۵: ج ۲ ص ۱۲۹۳.
ج ۳ ص ۲۱۳۸.
محمد علی (میرزا -) کارگذار مهام خارجه:
ج ۲ ص ۱۸۲۲.

محمد علی (حاجی -) کدخدای شهر
بابک: ج ۳ ص ۱۶۵۰.
محمد علی (میرزا -) لشکر نویسی: ج ۱
ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۹۹۴.
محمد علی (میرزا -) لشکر نویسی
اصفهان: ج ۱ ص ۵۰۶: ج ۲ ص
۱۲۲۶: ج ۳ ص ۲۰۷۰.
محمد علی (میرزا -) لشکر نویسی توپخانه:
ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۲۲۴: ج ۳
ص ۲۰۶۸.
محمد علی (میرزا -) لشکر نویسی کرمان:
ج ۱ ص ۵۰۷: ج ۲ ص ۱۲۲۶: ج ۳
ص ۲۰۷۰.
محمد علی (میرزا -) مابخر: ج ۱ ص
۵۲۲.
محمد علی (میرزا -) مرجم: ج ۱ ص
۵۱۰، ۵۲۳: ج ۲ ص ۲۰۷۶.
محمد علی (میرزا -) مستوفی سیانی:
ج ۲ ص ۱۵۲۲.
محمد علی (حاجی میرزا -) مشرف تکب
خانه: ج ۲ ص ۲۱۱۲.
محمد علی (میرزا -) مشرف دولتی بیه:
ج ۲ ص ۲۱۲۹.
محمد علی (حاجی میرزا -) مشرف
(صاحب منصب فوج): ج ۳ ص ۲۱۴۴.
محمد علی (میرزا -) سیر الملک: ج ۲
ص ۱۶۱۲.
محمد علی (میرزا -) نظم: ج ۱ ص
۵۱۰: ج ۲ ص ۱۲۳۱: ج ۳ ص
۲۰۷۵.
محمد علی (میرزا -) منشی: ج ۲ ص
۱۲۲۱، ۱۲۹۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹.
۲۱۰۱.
محمد علی (حاجی میرزا -) منشی اول
وزارت خارجه: ج ۲ ص ۲۱۰۲.
محمد علی (میرزا -) منشی تبریزی: ج ۳
ص ۲۱۰۹.
محمد علی (میرزا -) منشی دیوانخانه و
۱۰۰۰: ج ۱ ص ۵۲۹: ج ۲ ص ۱۲۵۵.
ج ۲ ص ۲۱۱۹.
محمد علی (میرزا -) منشی صاحب دیوان:
ج ۱ ص ۵۰۶.
محمد علی (میرزا -) منشی (پسر میرزا

علی محمد علا باشی: ج ۲ ص ۲۱۴۰
 محمد علی (میرزا -) منشی (مجلسین تحقیق): ج ۲ ص ۲۱۰۲
 محمد علی میرزا (از بطن گرجیه): ج ۲ ص ۱۴۰۷
 محمد علی میرزا (پسر بهمن میرزا): ج ۲ ص ۲۰۶۳
 محمد علی میرزا (پسر خسرو میرزا): ج ۱ ص ۵۰۱، ۵۰۲، ج ۲ ص ۲۰۶۴
 محمد علی میرزا (دولتشاه): ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۳ ص ۱۲۴۹، ۱۲۵۸، ۱۲۶۲، ۱۲۸۲، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۵۰۱، ۱۵۰۵، ۱۵۳۴، ۱۵۴۲، ۱۵۵۰، ۱۶۲۲، ۱۶۲۵
 محمد علی میرزا (سرشیپ دوم): ج ۲ ص ۲۰۷۱
 محمد علی میرزا = محمد علی شاه: ج ۳ ص ۱۴۴۱، ۱۴۴۶
 محمد علی میرزا (پسر مؤیدالدوله): ج ۲ ص ۲۰۶۲
 محمد علی میرزا (باور اول): ج ۲ ص ۱۲۲۷، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴، ج ۳ ص ۲۰۷۷، ۲۰۷۹
 محمد علی (میرزا -) ناظم: ج ۱ ص ۵۲۱
 محمد علی (بی -) نایب فراتخانه: ج ۳ ص ۲۱۱۷
 محمد علی (حاجی میرزا -) نایب کل محله عودلاجان: ج ۲ ص ۱۲۵۲
 محمد علی (میرزا -) برادر نجف خان: ج ۲ ص ۱۷۱۴
 محمد علی (میرزا -) نماینده حاکم سند: ج ۳ ص ۱۶۰۲
 محمد علی (میرزا -) توری (سر رشتدار دفتر لشکر): ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۲ ص ۱۲۲۴
 محمد عمرخان: ج ۳ ص ۱۶۴۴ تا ۱۶۴۶
 محمد قاسم: ج ۳ ص ۱۴۶۱
 محمد قاسم نیک (ما' مور ساوه): ج ۱ ص ۵۵۲
 محمد قاسم خان: ج ۲ ص ۱۷۷۲
 محمد قاسم خان دامغانی: ج ۳ ص ۱۵۹۲

۱۵۹۳
 محمد قاسم خان (سرگرد و دستمکین): ج ۱ ص ۵۲۴، ج ۲ ص ۲۰۹۳
 محمد قاسم (امیر -) خان ابن سلیمان خان قاجار توانلو: ج ۳ ص ۱۵۱۹، ۱۵۲۶، ۱۵۵۲، ۱۶۲۵، ۱۶۹۱
 ۱۸۰۲
 محمد قاسم خان (نامیانی): ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد قاسم خان صاحب جمع (پسر امیر السلطان): ج ۳ ص ۲۱۱۳، ۲۰۴۱
 محمد قاسم خان (عزالدين لو): ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد قاسم خان (پسر فتحعلی خان ملک الشعراء): ج ۳ ص ۱۹۳۹
 محمد قاسم خان والی: ج ۳ ص ۱۸۲۲، ۱۸۵۷، ۱۹۲۲، ۲۰۱۰
 محمد قاسم میرزا ابن سلطان حسین میرزا: ج ۲ ص ۷۶۹
 محمد قاسم (میرزا -) نوه میرزا شاهرخ: ج ۲ ص ۶۹۶
 محمد قطب شاه: ج ۲ ص ۹۲۱
 محمد قلی آقا قاجار: ج ۲ ص ۱۳۶۲
 محمد قلی بیگ اوزبک: ج ۲ ص ۹۵۲
 محمد قلی بیگ (میرزا ایران در دربار عثمانی): ج ۲ ص ۹۲۴
 محمد قلی ترکمان بهارلو: ج ۲ ص ۷۵۷
 محمد قلیخان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۰۶۱
 محمد قلیخان آصف الدوله (حاجی -): ج ۲ ص ۱۹۱۴، ۱۹۳۸
 محمد قلی خان (پسر آصف الدوله): ج ۲ ص ۱۶۷۷، ۱۶۷۲
 محمد قلی خان ارومیه: ج ۳ ص ۱۲۲۱
 محمد قلی خان افشار ارومی: ج ۳ ص ۱۲۲۴، ۱۲۲۵
 محمد قلی خان ایل بیگی: ج ۳ ص ۱۷۲۲
 محمد قلی خان (ایلچی ایران): ج ۲ ص ۹۴۱، ۹۴۲
 محمد قلی خان ایلخانی فارس: ج ۳ ص

۱۷۹۶
 محمد قلی خان بیات یوزباشی: ج ۲ ص ۲۱۶۸، ج ۳ ص ۲۱۱۷
 محمد قلی خان بیگلر بیگی ارومی: ج ۳ ص ۱۶۱۴، ۱۶۱۴
 محمد قلی خان بیگلر بیگی ایروان: ج ۲ ص ۱۱۱۴
 محمد قلی خان (پیشخدمت حضور نایب الظاره): ج ۱ ص ۲۷۹، ۵۴۰، ج ۲ ص ۲۰۱۷، ۲۱۱۵
 محمد قلی خان (حاجی مهدیقلی خانی) مشرف: ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمد قلیخان حمام الدوله: ج ۱ ص ۲۷۷، ج ۳ ص ۲۰۱۰
 محمد قلی خان (ولد حسین خان سردار): ج ۲ ص ۱۷۳۶
 محمد قلیخان (رئیس خزینهدارلو) سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۳ ص ۱۲۲۱، ۲۰۶۵
 محمد قلیخان زیاد اوللی قاجار: ج ۲ ص ۹۲۹، ج ۳ ص ۱۳۶۸
 محمد قلیخان (سرگرد و دستمکین) ساقی: ج ۱ ص ۵۵۲، ۵۵۳، ج ۲ ص ۲۰۹۳
 محمد قلی خان سرهنگ جوانشیر: ج ۳ ص ۱۷۷۲
 محمد قلی خان سطلو: ج ۲ ص ۱۱۱۴
 محمد قلی خان سفیدلاریجانی: ج ۳ ص ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷
 محمد قلی خان سیاه لاریجانی: ج ۳ ص ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷
 محمد قلی خان شاپورانی: ج ۳ ص ۱۸۵۷، ۱۸۸۶
 محمد قلی خان شاپلو (قورچی باشی): ج ۲ ص ۱۰۰۸، ۱۰۱۴
 محمد قلی خان (صدراعظم): ج ۲ ص ۱۰۱۱
 محمد قلی خان قاجار (جد قاجاریه): ج ۲ ص ۱۲۱۷
 محمد قلی خان قاجار (حاجی -): ج ۳ ص ۱۸۷۳
 محمد قلی خان قاجار (پسر محمد شاه): ج ۲ ص ۱۵۷۱
 محمد قلی خان قاجار توانلو: ج ۳ ص ۱۳۸۲

۱۲۱۰

محمد قلی خان فولادآبادی: ج ۳ ص ۱۰۱۵
 محمد قلی (میرزا -) خان (کارگزار
 لویان): ج ۲ ص ۲۱۰۵
 محمد قلی خان (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۲۲
 محمد قلی خان نوری: ج ۲ ص ۱۷۸۲
 محمد قلی خان (وزیر اعظم شاه سلطان
 حسین): ج ۲ ص ۱۰۰۹
 محمد قلی (حاجی -) خان (وزیر
 عدلیه): ج ۳ ص ۱۸۸۵
 محمد قلی خان یوزباشی: ج ۱ ص ۲۷۱
 ۵۲۹: ج ۳ ص ۱۷۸۵
 محمد قلی خانین: ج ۳ ص ۱۲۸۵
 محمد قلی سلطان: ج ۳ ص ۸۶۱-۸۸۷
 محمد قلی قطب شاه: ج ۳ ص ۸۶۹-۹۰۸
 محمد قلی (میرزا -) لشکرده: ج ۱ ص
 ۵۰۵: ج ۳ ص ۲۰۶۸
 محمد قلی میرزا (از بطن میرزا محمدخان
 قاجار): ج ۳ ص ۱۲۰۷-۱۲۰۸
 محمد قلی میرزا ملککآرا (حکمران مازندران):
 ج ۲ ص ۱۲۱۵-۱۲۲۶
 ۱۵۱۸، ۱۵۱۷، ۱۵۰۸، ۱۵۵۲
 ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴
 ۱۶۰۷، ۱۶۱۵، ۱۶۲۲، ۱۶۲۵
 ۱۶۳۰، ۱۶۳۷، ۱۶۴۲
 محمد کاظم امضیانی (والد): ج ۳ ص ۱۵۲۲
 محمد کاظم خان سرتیپ سیم (پسر شهاب
 الدوله): ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص
 ۲۰۷۲
 محمد کاظم خان سرتیپ سیم (پسر مرتضی
 خان قاجار): ج ۳ ص ۱۹۱۱-۱۹۲۲
 محمد کاظم خان سوادکوهی: ج ۳ ص ۱۶۰۲
 محمد کاظم خان (ولد عیسی خان بگلر
 بکی): ج ۱ ص ۵۲۶
 محمد کاظم خان کاشانی: ج ۳ ص ۱۶۹۳
 محمد کاظم خان (پسر محمد حسین خان
 کاشانی): ج ۳ ص ۱۶۷۶
 محمد کاظم (حاجی -) قزوینی: ج ۲
 ص ۲۱۲۷
 محمد کاظم (میرزا -) معلم حکمت
 طبیعی: ج ۱ ص ۵۲۵-۵۲۶
 محمد کاظم (حاجی -) ملکه التاجار:

ج ۱ ص ۵۲۶: ج ۳ ص ۱۹۱۲-۲۱۲۵

محمد کاظم میرزا (پسر مزارالدوله): ج ۲
 ص ۲۰۶۲
 محمد کریم بیگ (حاجی میرزا): ج ۱ ص ۵۲۰
 ج ۲ ص ۲۱۱۶
 محمد کریم خان (تلنگدار خاصه): ج ۱
 ص ۵۲۰: ج ۳ ص ۱۲۵۷-۲۱۱۱
 محمد کریم خان (سرکرد باشاراد آبادی):
 ج ۱ ص ۵۲۱: ج ۲ ص ۲۰۹۱
 محمد کریم خان قاجار: ج ۳ ص ۱۷۰۶
 محمد کریم خان کرمانی: ج ۳ ص ۱۹۲۸
 محمد کریم خان زکریا (زند): ج ۳ ص ۱۲۲۶
 محمد کریم میرزا (شاهزاده): ج ۳ ص ۱۱۲۰
 محمد کریم میرزا (پسر عباس میرزا):
 ج ۲ ص ۱۶۱۷-۱۷۴۱
 محمد کریم میرزا (پسر موبدالدوله):
 ج ۲ ص ۲۰۶۲
 محمد مراد خان گروس (نایب آجودان):
 ج ۱ ص ۵۰۹
 محمد مظفر خلخالی: ج ۲ ص ۶۴۴
 محمد مصوم میرزا (پسر سلطان حسین
 میرزا بایقرا): ج ۳ ص ۷۳۱-۷۳۲
 محمد مقیم (استاد -): ج ۳ ص ۹۸۲
 محمد مقیم بیگ: ج ۳ ص ۲۲۹
 محمد مقیم بن لبردوالنون: ج ۳ ص ۷۲۲
 ۷۲۶، ۷۵۰
 محمد مؤمن بیگ (ولد شروان بیگ):
 ج ۲ ص ۹۷۱
 محمد مؤمن (میرزا -) خان (خانان):
 ج ۲ ص ۱۰۰۰
 محمد مؤمن (میرزا -) خان شاطو: ج ۲
 ص ۱۰۱۲
 محمد مهدی ارباب (بی -): ج ۳ ص ۲۱۲۷
 محمد مهدی (بی -) امام جمعه دار
 الخلافه: ج ۳ ص ۱۶۸۷
 محمد مهدی بیگ (نایب فرانشانه): ج ۲
 ص ۱۲۶۸: ج ۳ ص ۲۱۱۷
 محمد مهدی (حاجی -) تاجر کاشانی:
 ج ۳ ص ۲۱۲۵
 محمد مهدی (حاجی -) حجاب: ج ۲
 ص ۲۱۲۷
 محمد مهدی خان بختیاری: ج ۳ ص ۱۶۶۰
 محمد مهدیخان (از اولاد بیگلربیگی):

ج ۱ ص ۵۲۶

محمد مهدی خان (پسر سیدالار): ج ۲
 ص ۱۸۱۵
 محمد مهدی خان (سرکرد طالبه صرابطو):
 ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص ۲۰۹۲
 محمد مهدی خان کشیکچی باشی: ج ۳ ص
 ۱۸۷۵-۱۸۵۷-۱۸۵۰-۱۸۷۲
 محمد مهدی خان مازندرانی (متخلص به
 شعله): ج ۲ ص ۱۵۲۶-۱۶۰۸
 محمد مهدی (بی -) طباطبائی
 پروچردی (بحرالعلوم): ج ۳ ص ۱۲۲۵
 محمد مهدی کرمانی (حاجی -) ج ۱
 ص ۵۲۶
 محمد مهدی (میرزا -) مجتهد مشهدی:
 ج ۳ ص ۱۲۶۷-۱۲۶۸
 محمد مهدی (میرزا -) ابن محمد زکی
 خان: ج ۲ ص ۱۶۱۲
 محمد مهدی (میرزا -) مشهدی (از
 اجداد علما): ج ۲ ص ۱۲۶۲
 محمد مهدی میرزا (رئیس طگرافغانه):
 ج ۱ ص ۵۲۷-۵۲۸: ج ۳ ص ۲۱۲۲
 محمد مهدی میرزا (شاهزاده): ج ۲ ص
 ۱۲۲۰
 محمد مهدی میرزا (پسر فتحعلشاه):
 ج ۳ ص ۱۶۲۱-۱۶۲۳-۱۶۲۷
 محمد مهدی میرزا (حاجی -) پسر
 موبدالدوله: ج ۲ ص ۲۰۶۲
 محمد میرزا: ج ۲ ص ۷۲۶-۱۲۲۸
 محمد میرزا (حاجی -): ج ۳ ص ۲۰۶۲
 محمد میرزا (آفریقانو): ج ۳ ص ۷۲۷
 محمد میرزا (پسر امیرالدوله) کشیکچی
 باشی: ج ۱ ص ۵۲۵-۵۵۱: ج ۲
 ص ۱۹۲۲-۲۰۹۶
 محمد میرزا (حاجی -) حاکم خراسان:
 ج ۲ ص ۲۰۲۷
 محمد میرزا رکن الدوله - رکن الدوله
 محمد میرزا (رئیس تلگرافخانه فارس):
 ج ۳ ص ۲۱۴۲
 محمد میرزا (سرتیپ سیم): ج ۱ ص ۵۰۸
 ج ۲ ص ۲۰۷۲
 محمد میرزا (سلطان -) سیدالدوله:
 ج ۲ ص ۱۵۶۶
 محمد میرزا ابن شاه طهماسب: ج ۳ ص ۸۰۰

محمد میرزا (محمدشاه) پسر عباس میرزا :
 ج ۳ ص ۱۲۸۷ ، ۱۵۲۲ ، ۱۵۶۳ ، ۱۵۶۵ ، ۱۵۷۲ ، ۱۵۷۱ ، ۱۵۶۷ ، ۱۵۷۲ ، ۱۵۷۳ ، ۱۶۰۵ ، ۱۶۰۲ ، ۱۵۷۶ ، ۱۶۱۲ ، ۱۶۱۷ ، ۱۶۱۵ ، ۱۶۱۴ ، ۱۶۱۸ ، ۱۶۲۰ ، ۱۷۹۶ .
 محمد میرزا (پسر عباس میرزا ملکشاه) :
 ج ۱ ص ۲۸۲ ، ج ۳ ص ۱۸۹۲ ، ۱۹۷۶ ، ۲۰۳۰ .
 محمد میرزا (سلطان -) ولد عمادالدوله :
 ج ۱ ص ۵۰۲ .
 محمد میرزا (سلطان -) پسر فتحعلی شاه :
 ج ۱ ص ۵۰۲ ، ج ۲ ص ۱۵۰۶ .
 محمد میرزا (مدعی سلطنت) : ج ۲ ص ۸۲۶ .
 محمد میرزا (مظم هندسه) : ج ۱ ص ۵۲۷ .
 ج ۲ ص ۱۲۸۰ .
 محمد میرزا (حاجی -) مهندس : ج ۱ ص ۵۱۰ ، ج ۲ ص ۲۰۲۶ .
 محمد ناصر خان اینچک آقاسی (ظهیرالدوله دولو) : ج ۳ ص ۱۷۰۰ ، ۱۷۲۹ ، ۱۷۲۲ ، ۱۸۳۱ ، ۱۸۹۲ .
 محمد ناصر خان (از طائفه حاجی مهدیقلی خانی) : ج ۱ ص ۵۰۲ ، ج ۲ ص ۱۲۲۱ .
 ج ۲ ص ۲۰۶۵ .
 محمد ناصر خان سردار : ج ۳ ص ۱۷۰۵ .
 محمد ناصر خان (سرگود - چماقت درجه‌ری) : ج ۲ ص ۲۰۸۷ .
 محمد ناصر خان قاجار : ج ۳ ص ۱۶۵۱ .
 محمد ناصر بن یعقوب (یادشامغرب) : ج ۱ ص ۴۲۹ .
 محمد نبی خان : ج ۳ ص ۱۲۷۱ .
 محمد نشان : ج ۲ ص ۱۰۹۸ ، ۱۰۹۹ .
 محمد نظر خان قاجار (سرتهپ سوم) : ج ۱ ص ۵۰۸ .
 محمد ولی آقا : ج ۳ ص ۱۴۱۲ .
 محمد ولی (میرزا -) حکیم باشی : ج ۳ ص ۱۷۲۶ .
 محمد ولی خان : ج ۲ ص ۱۲۳۳ ، ۱۲۶۲ .
 محمد ولی خان (از اعیان طهران) : ج ۳ ص ۲۰۹۶ .
 محمد ولی (حاجی -) خان (از امرا) : ج ۲ ص ۱۲۵۱ .

محمد ولی خان (پسر ابراهیم خان بیگلر بیگی هزاره) : ج ۲ ص ۱۷۳۰ .
 محمد ولی خان امین قاسم : ج ۳ ص ۱۲۸۳ .
 محمد ولی خان (برادرزاده اللهیار خان آصف‌الدوله) : ج ۳ ص ۱۶۵۶ ، ۱۶۵۷ .
 محمد ولی خان (بیگلربیگی استرآباد) : ج ۳ ص ۱۷۱۶ ، ۱۷۱۷ ، ۱۷۳۸ ، ۱۷۶۸ ، ۱۸۶۲ .
 محمد ولی خان (حاکم نهاوند) : ج ۲ ص ۱۷۱۵ .
 محمد ولی خان (سردار خراسان) : ج ۲ ص ۱۸۱۵ ، ۱۸۲۳ ، ۱۸۳۲ (مکره) .
 محمد ولیخان (حاجی -) سیل‌سیریز باشی : ج ۱ ص ۵۲۹ ، ج ۲ ص ۱۲۶۹ .
 ج ۳ ص ۲۱۱۹ .
 محمد ولی خان (عزالدین لو) : ج ۱ ص ۵۰۲ ، ج ۲ ص ۱۲۲۱ ، ج ۳ ص ۲۰۶۵ .
 محمد ولی خان قاجار دولو : ج ۲ ص ۱۱۵۲ .
 محمد ولی خان قاجار (سردار خراسان) : ج ۲ ص ۱۱۵۷ ، ۱۲۱۷ ، ۱۲۲۵ ، ۱۲۳۲ ، ۱۲۳۳ ، ۱۲۴۲ ، ۱۲۴۳ ، ۱۲۷۳ ، ۱۲۸۶ ، ۱۲۸۷ ، ۱۲۸۸ .
 محمد ولی خان قاجار (پسر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۱۲۰۷ ، ۱۲۲۵ .
 محمد ولی خان قاجار بوخاری باشی : ج ۲ ص ۱۱۵۲ ، ۱۱۵۹ .
 محمد ولی خان قوئللو : ج ۲ ص ۱۱۶۲ .
 ج ۲ ص ۱۲۲۹ .
 محمد ولی (میرزا -) طبیب : ج ۳ ص ۱۷۳۱ .
 محمد ولی (میرزا -) مستوفی : ج ۱ ص ۵۲۸ ، ج ۳ ص ۲۰۹۸ .
 محمد ولی میرزا (حاجی -) : ج ۲ ص ۱۲۹۳ ، ۱۸۵۰ ، ۱۹۲۸ .
 محمد ولی میرزا (شاهزاده) : ج ۳ ص ۱۵۳۰ ، ۱۶۱۵ .
 محمد ولی میرزا (پسر فتحعلی شاه) : ج ۲ ص ۱۲۰۷ ، ۱۶۲۲ .
 محمد ولی میرزا (شاهزاده) والی خراسان : ج ۳ ص ۱۲۶۴ ، ۱۲۶۷ ، ۱۲۶۸ ، ۱۲۶۹ ، ۱۲۷۸ ، ۱۲۸۰ ، ۱۲۸۵ ، ۱۲۸۶ ، ۱۲۹۰ ، ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۵ ، ۱۵۰۱ ، ۱۵۰۵ ، ۱۵۰۸ ، ۱۵۱۷ ، ۱۵۱۹ .

۱۵۲۹ .
 محمد ولی میرزا (شاهزاده -) حاکمیزد : ج ۳ ص ۱۲۲۹ ، ۱۲۵۷ ، ۱۵۵۶ ، ۱۵۹۲ ، ۱۵۹۳ .
 محمد هادیخان (اولاد بیگلربیگی) : ج ۱ ص ۵۲۶ .
 محمد هادی خان (والد رضاقلی خان امیر الشعراء هدایت) : ج ۳ ص ۱۲۲۵ .
 محمد هادی میرزا (پسر فتحعلی شاه) : ج ۱ ص ۵۰۱ ، ج ۲ ص ۱۲۱۹ ، ج ۳ ص ۲۰۶۲ ، ۱۶۲۲ .
 محمد هاشم (آقا -) تاجر اصفهانی : ج ۳ ص ۲۱۲۹ .
 محمد هاشم خان چارچی باشی : ج ۱ ص ۵۵۲ ، ج ۲ ص ۲۱۲۷ .
 محمد هاشم هاشمی (میر -) : ج ۲ ص ۹۹۶ .
 محمد یوسف (امیر -) : ج ۲ ص ۸۲۷ .
 محمد یوسف (شاهزاده -) : ج ۳ ص ۱۷۸۱ ، ۱۷۹۳ .
 محمد یوسف خان : ج ۲ ص ۱۷۵۵ ، ۱۷۲۹ .
 محمد یوسف بن محمد (از آل افضل) : ج ۲ ص ۷۲۳ .
 محمد یوسف خان هراتی (بابو) : ج ۱ ص ۵۱۰ ، ج ۲ ص ۱۲۲۱ ، ج ۳ ص ۲۰۷۵ .
 محمد یوسف میرزا : ج ۳ ص ۲۰۶۲ .
 محمود (شیخ -) : ج ۲ ص ۱۰۹۶ .
 محمود (میرزا -) : ج ۲ ص ۱۲۲۵ .
 محمود آقا سرهنگ : ج ۳ ص ۱۸۹۹ .
 محمود آقاقلو قاجار : ج ۲ ص ۱۱۲۴ .
 محمود آقا کپیا : ج ۲ ص ۱۵۵۰ .
 محمود آقا (نایب آجودانباشی) : ج ۱ ص ۵۰۹ ، ج ۲ ص ۱۲۳۰ ، ج ۳ ص ۲۰۷۳ .
 محمود ابوعلی بن مسلم (رئیس الرواسا) : ج ۱ ص ۳۲۵ .
 محمود بن ارسلان خوارزمشاه : ج ۱ ص ۴۰۰ .
 محمود افغان : ج ۳ ص ۱۰۰۶ ، ۱۰۰۸ تا ۱۰۱۲ ، ۱۰۲۶ ، ۱۰۴۰ ، ۱۰۵۷ تا ۱۰۵۹ ، ۱۰۶۱ تا ۱۰۶۳ ، ۱۰۶۷ ، ۱۰۷۱ ، ۱۰۷۷ ، ۱۰۷۸ ، ۱۰۸۰ تا ۱۰۸۹ ، ۱۰۹۲ ، ۱۰۹۵ ، ۱۰۹۶ ، ۱۰۹۸ ، ۱۱۰۰ ، ۱۱۰۲ ، ۱۱۰۸ ، ۱۱۱۰ .

۱۱۱۱: ج ۲ ص ۱۳۴۱ - ۱۵۷۲
 محمود افغان (میرزا): ج ۲ ص ۱۰۵۶
 محمود بنگالی: ج ۲ ص ۷۹۴
 محمود (میرزا) - ولد بهمن میرزا (سرتیب سوم): ج ۱ ص ۵۰۷
 محمود بیگ: ج ۲ ص ۸۱۸
 محمود بیگ (انار و غلات): ج ۳ ص ۲۱۱۳
 محمود بیگ قزوینی: ج ۲ ص ۹۱۴
 محمود بیگ (مدیر گمرک گروس): ج ۲ ص ۳۱۱۲
 محمود بیگ (وکیل لرستان): ج ۲ ص ۱۲۲۵
 ج ۲ ص ۲۰۸۰
 محمود (میرزا) - از اجزای پستخانه: ج ۲ ص ۲۱۲۱ تا ۲۱۲۳
 محمود (مشهدی) - تاجر تبریزی: ج ۲ ص ۲۱۲۵ - ۲۱۲۶
 محمود (حاجی) - تاجر کابلی: ج ۲ ص ۲۱۲۸
 محمود پاشا: ج ۲ ص ۱۶۲۶ - ۱۹۳۸
 ۱۹۶۱ - ۱۹۶۸
 محمود پاشا (ولد عبدالرحمن پاشا بایان حاکم شهر زور): ج ۲ ص ۱۱۷۸
 ج ۲ ص ۱۵۲۹ - ۱۵۵۰
 محمود (حاکم حلب): ج ۱ ص ۳۳۳
 محمود بن حدودیه: ج ۱ ص ۳۵۷
 محمود خان: ج ۲ ص ۱۲۶۹ - ج ۲ ص ۱۳۹۵ - ۱۳۹۳
 محمود خان: ج ۲ ص ۱۵۳۰ - ۱۷۲۶
 محمود خان (سلطان -): ج ۲ ص ۶۶۶
 محمود خان (از امیان طهران): ج ۲ ص ۲۰۹۵
 محمود خان (میرزا) - ج ۱ ص ۵۰۶
 محمود خان (از امرا قاجار): ج ۲ ص ۱۲۵۱ - ج ۲ ص ۲۰۶۲
 محمود خان (میرزا) - (مقیم تلمیس): ج ۲ ص ۱۹۷۸
 محمود خان (احساب الملک): ج ۲ ص ۱۸۲۲
 محمود خان (پسر میرزا اسمعیل خان عزیز آقاسی): ج ۲ ص ۱۷۹۵
 محمود خان افشار: ج ۲ ص ۸۰۷
 محمود خان افغان: ج ۲ ص ۱۲۸۲ - ۱۵۲۶
 محمود خان (پسر امیر نظام علاءالدوله):

ج ۱ ص ۵۳۹ - ج ۲ ص ۱۲۶۷
 محمود خان (حاجی) - حاکم خراسان: ج ۲ ص ۲۰۳۷
 محمود خان (حاجی) - حاکم ساوجبلاغ: ج ۲ ص ۱۹۹۲
 محمود خان (حاکم سرفند): ج ۱ ص ۳۷۵
 محمود خان دندی: ج ۲ ص ۱۲۵۳ - ۱۲۵۸
 محمود خان دهم (سلطان عثمانی): ج ۲ ص ۱۲۹۲
 محمود خان رشتی: ج ۲ ص ۱۶۲۷
 محمود خان (رئیس بوداغلو): ج ۱ ص ۵۰۳
 محمود خان (پسر سپهدار): ج ۲ ص ۲۱۱۸
 محمود خان، سرتیب سیم (پسر میرزا فضل الله وزیر نظام): ج ۲ ص ۱۸۷۶
 محمود خان، سرتیب قزوینی: ج ۲ ص ۱۹۲۸
 محمود خان (سرکرده سواره چلبیانلو): ج ۱ ص ۵۱۷ - ج ۲ ص ۱۲۲۲ - ۲۳
 ج ۲ ص ۲۰۸۶
 محمود خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۲۷ - ج ۲ ص ۲۰۷۶
 محمود خان سرهنگرشتی: ج ۳ ص ۲۱۳۱
 محمود خان سرهنگ (رئیس طائفه شاه بوداغلو): ج ۲ ص ۱۲۲۱ - ج ۳ ص ۲۰۶۵
 محمود خان (سرهنگ فوج حشمت): ج ۱ ص ۵۰۸ - ج ۲ ص ۱۲۲۸ - ج ۲ ص ۲۰۷۲
 محمود خان (سرهنگ فوج غوثی): ج ۱ ص ۵۱۱
 محمود خان سرهنگ (پسر محمد ابراهیم خان قاجار): ج ۲ ص ۲۰۳۹
 محمود خان شاهپاشی: ج ۲ ص ۲۰۶۵
 محمود خان صوفی اوقلی: ج ۲ ص ۸۸۲
 محمود خان عثمانی (سلطان -): ج ۲ ص ۱۵۱۰
 محمود خان قراقرز (ناصر الملک): ج ۲ ص ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳ - ۱۷۵۸ - ۱۷۷۲

۱۷۸۵ - ۱۸۲۲ - ۱۸۶۶ - ۲۰۳۲
 محمود خان قولفر آقاسی باشی: ج ۲ ص ۲۱۱۶
 محمود (میرزا) - خان (کارپرداز اول بغداد): ج ۱ ص ۵۲۲ - ج ۲ ص ۲۱۰۶
 محمود (میرزا) - خان (کارپرداز خاندن نظیم): ج ۱ ص ۵۳۵
 محمود خان گلانتر: ج ۲ ص ۱۷۱۸ - ۱۷۲۸ - ۱۷۳۸
 محمود خان گرگری (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸
 ج ۲ ص ۱۲۲۹ - ج ۲ ص ۱۷۱۴ - ۲۰۷۲
 محمود خان گلانی (سرتیب سیم): ج ۱ ص ۵۰۸ - ج ۲ ص ۱۲۲۸ - ج ۳ ص ۲۰۷۲
 محمود (میرزا) - خان (شکر نویسنده آذربایجان): ج ۱ ص ۵۰۶ - ج ۲ ص ۱۲۲۵ - ج ۲ ص ۲۰۶۹
 محمود (میرزا) - خان (امور سابق بهر المجمع): ج ۱ ص ۵۲۲
 محمود خان مستشار (میرزا -): ج ۲ ص ۲۱۰۶
 محمود خان مستوفی (میرزا -): ج ۲ ص ۲۰۹۹
 محمود خان (میرزا) - مفتاح الطلک: ج ۲ ص ۲۱۰۴
 محمود خان (میرزا) - محمود لو استرود آبادی: ج ۲ ص ۱۵۷۷
 محمود خان ملک التمر: ج ۱ ص ۵۳۵
 ج ۲ ص ۱۲۵۰ - ج ۲ ص ۱۶۷۸ - ۲۰۹۵
 محمود خان (میرزا) - منشی: ج ۱ ص ۵۰۶
 محمود خان (میرزا) - منشی اسرار: ج ۱ ص ۵۳۱ - ج ۲ ص ۱۹۶۲
 محمود خان (میرزا) - مهندس: ج ۲ ص ۱۱۹۹
 محمود خان ناصر الملک (حاکم کرمانشاه و کردستان): ج ۲ ص ۱۲۰۱ - ج ۲ ص ۲۰۶۶ - ۱۸۱۱ - ۱۹۳۲ - ۲۰۴۵
 محمود خان نوری (نایب اینتیک آقاسی باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶
 محمود خان (میرزا) - وکیل (کارپرداز

حاجی ترخان): ج ۲ ص ۱۹۲۶.
 محمود خان میرزایی: ج ۱ ص ۲۷۱، ۵۲۹.
 محمود (میرزا -) دفتردار: ج ۱ ص ۵۵۲.
 محمود بن الریج - - محمود بن الریج
 محمود زندجانی: ج ۲ ص ۵۹۳.
 محمود بن سبکتگین غزنوی (بمن الدوله):
 ج ۱ ص ۲۸۷، ۲۸۹ تا ۲۹۹، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۷.
 ۳۰۹، ۳۱۳ تا ۳۱۶، ۳۲۵.
 محمود (میرزا) سرشنه دار اداره خزانة
 ج ۲ ص ۲۱۱۱.
 محمود (میرزا -) سرکرده سواره افشار:
 ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۲۵، ج ۲
 ص ۲۰۹۰.
 محمود سلطان (برادر شهبک خان): ج ۲
 ص ۷۲۶.
 محمود (بلک -) سیستانی: ج ۲ ص
 ۱۲۷۲.
 محمود (شاهزاده -) حاکم هرات: ج ۲
 ص ۱۲۳۲، ۱۲۳۸.
 محمود شاه: ج ۲ ص ۷۷۲، ج ۲ ص ۱۵۲۱،
 ۱۵۲۲.
 محمود شاه (حکمران کابل): ج ۲ ص ۱۵۳۷.
 محمود شاه بن محمد شاه بن فیروز شاه:
 ج ۲ ص ۶۶۱.
 محمود شاه بن محمد شاه بن لشکری بهمنی
 (شاه دکن): ج ۲ ص ۶۶۲، ۶۶۵،
 ۶۶۸.
 محمود شیانکاری: ج ۱ ص ۲۶۲.
 محمود بن شیل الدوله، ابوالکامل (حاکم
 حلب): ج ۱ ص ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۳۶.
 محمود بن شهبازخان دبله: ج ۲ ص
 ۱۶۶۸.
 محمود (میرزا -) پسر صاحب دیوان (سنوفی):
 ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص ۱۰۹۸.
 محمود بن علی بن ابی طالب بن عبدالله
 اصفهانی (قاضی و واعظ): ج ۱ ص
 ۲۱۰.
 محمود غلیجانی: ج ۲ ص ۱۰۰۵.
 محمود بن غیاث الدین غوری: ج ۱ ص
 ۲۲۲، ۲۲۳ تا ۲۲۶.
 محمود بن قراچا (صاحب حساء): ج ۱ ص
 ۲۶۷.

محمود بن قطب الدین محمد... رنگی
 (صاحب سنجار): ج ۱ ص ۲۳۲،
 ۲۳۵.
 محمود (میرزا -) مباشر: ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 محمود بن محمد الحمیری (ظفار): ج ۱
 ص ۲۲۲.
 محمود بن محمد بن قراقرطان (حاکم
 آمد): ج ۱ ص ۲۲۰.
 محمود بن محمد بن طکشا، سلجوقی: ج ۱
 ص ۲۶۲ تا ۲۶۷، ۲۶۹ تا ۲۷۱.
 محمود (میرزا -) مستوفی (وزیر دارالخلافه):
 ج ۲ ص ۱۹۸۲.
 محمود (میرزا -) مشرف وجوهات خزانة
 ج ۲ ص ۲۰۷۷، ۲۱۱۱.
 محمود مرالدین بن شهر شاه بن سیف
 الدین: ج ۱ ص ۲۲۶.
 محمود بن طکشا: ج ۱ ص ۳۲۲، ۳۲۵،
 ۳۲۷.
 محمود (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶،
 ۵۲۹، ج ۲ ص ۲۰۶۹.
 محمود (میرزا -) منشی استر آباد: ج ۱
 ص ۵۲۷.
 محمود (میرزا -) منشی (دیوان مظالم):
 ج ۲ ص ۱۲۵۵.
 محمود (آقا میرزا -) منشی (وزارت
 تجارت): ج ۲ ص ۲۱۹۵.
 محمود میرزا (شاهزاده): ج ۲ ص ۱۵۰۹،
 ۱۵۱۹، ۱۵۶۹.
 محمود میرزا افغان: ج ۲ ص ۱۲۲۸، ۱۲۵۳،
 ۱۲۶۵.
 محمود میرزا (پسر بهمن میرزا) سرتیپ
 صم: ج ۲ ص ۱۲۲۸.
 محمود میرزا (پسر تیمور شاه افغان): ج ۲
 ص ۱۲۳۲، ۱۲۵۷.
 محمود میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۲ ص
 ۱۲۵۵، ۱۶۷۲.
 محمود (پسر ناصر الدین علیخانی): ج ۲
 ص ۷۵۶، ۷۸۲.
 محمود بن نهر علی بن مراد: ج ۱ ص
 ۲۳۲.
 محمود (حاجی -) نظام الطما: ج ۲
 ص ۱۶۲۹، ۱۷۸۱.
 محمود نوری (میرزا -) نایب مضطحات:

ج ۱ ص ۵۲۰، ج ۲ ص ۱۲۶۹، ج ۲
 ص ۲۱۱۸.
 محمود (میرزا -) وزیر دارالخلافه: ج ۱
 ص ۵۲۸، ج ۲ ص ۱۲۵۲، ج ۲ ص
 ۲۰۷۲.
 محمود (میرزا -) وزیر (سنوفی): ج ۲
 ص ۲۰۹۹.
 محیی، حمزه بن محمد (قاضی -): ج ۱
 ص ۲۵۸.
 محیی الدین اعرابی: ج ۱ ص ۲۴۹.
 محیی الدین بن عبدالله (قاضی -): ج
 ۲ ص ۶۲۵.
 محیی الدین بن عبدالقاهر (ادیب مصر):
 ج ۲ ص ۶۰۲.
 محیی الدین عبدالقاهر قرطبی: ج ۲ ص
 ۶۲۹.
 محیی الدین مرعی (صاحب قصص الحکم):
 ج ۲ ص ۶۳۲، ۶۵۶.
 محیی الدین لودی: ج ۲ ص ۵۹۲.
 مخاریق (منشی): ج ۱ ص ۱۹۰.
 مخاریق بن حارث: ج ۱ ص ۶۵.
 میرالدوله (وزیر علوم): ج ۱ ص ۵۰۳.
 ۵۰۲، ۵۲۲، ۵۲۷، ج ۲ ص ۱۱۹۹،
 ۱۲۲۲، ۱۲۸۰، ج ۲ ص ۲۱۳۰.
 مختار بن ابی سعید، نقاشی: ج ۱ ص ۲۱۱.
 ۲۵، ۶۲، ۸۱، ۸۶ تا ۸۸، ج ۲ ص
 ۲۰۲۷.
 مختاریان: ج ۲ ص ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳،
 ۱۹۷۴.
 مخدومعلی خان ترکمن: ج ۲ ص ۱۶۵۷.
 مخرمه بن نوفل: ج ۱ ص ۷۸.
 مخلد بن یزید بن مهلب: ج ۱ ص ۱۰۶.
 مدحت پاشا (والی بغداد): ج ۲ ص ۱۲۰۲.
 ۱۲۰۲، ج ۲ ص ۱۹۱۵، ۱۹۲۸،
 ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۲۰۲۸.
 مدد خان: ج ۲ ص ۱۷۱۵.
 مددوف (ژنرال روس): ج ۲ ص ۱۵۷۱ تا
 ۱۵۷۲.
 مدلاج بن عمرو سلمی: ج ۱ ص ۷۶.
 مدحج بن علی بن بهیر (از آل الفضل):
 ج ۲ ص ۷۲۲.
 مذکور (شیخ -) خان (حاکم آله نادر): ج
 ۱ ص ۲۶۷، ۲۶۸، ج ۲ ص ۲۰۰۷.

مراد الهندي: ج ۲ ص ۱۹۳۱.
 مراد بن اکبر شاه: ج ۲ ص ۸۹۲.
 مراد (ملقب به: ایشان): ج ۲ ص ۱۸۹۲.
 مراد بخش (پسر شاه جهان): ج ۲ ص ۹۶۰.
 مراد بیگ بایندر: ج ۲ ص ۷۴۲، ۷۴۳.
 مراد بیگ - سردار: ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 مراد پاشا (وزیر سلطان عثمانی): ج ۲ ص ۹۰۳.
 مراد (شاهزاده - ابن جلال الدین اکبر شاه: ج ۲ ص ۸۹۵).
 مراد (سلطان -) خان (پادشاهروم): ج ۲ ص ۱۳۲۰.
 مراد خان جطر باشی: ج ۲ ص ۱۱۶۱.
 مراد خان زند (سردار علیمراد خان): ج ۲ ص ۱۳۹۱.
 مراد خان ولا غارده: ج ۲ ص ۱۵۰۵.
 مراد خان (میر -) حاکم سند: ج ۲ ص ۱۶۰۲.
 مراد سلطان لوالقشر: ج ۲ ص ۷۷۱.
 مراد (سلطان -) میرزا حسام السلطنه (ابن عباس میرزا): ج ۲ ص ۱۵۴۰.
 مرادیه: ج ۲ ص ۱۷۷۳.
 مرتضی (میرزا -): ج ۱ ص ۵۴۶، ج ۲ ص ۱۲۷۹.
 مرتضی (میرزا سید -): ج ۲ ص ۱۲۲۵، ۱۲۹۳.
 مرتضی پاشا (وزیر و داماد سلطان مراد خان): ج ۲ ص ۹۳۲ تا ۹۳۶.
 مرتضی (حاجی سید -) تاجر: ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 مرتضی (شیخ -) تحصیل دار: ج ۲ ص ۲۱۱۱.
 مرتضی خان (آیل بیگی فارس): ج ۲ ص ۱۶۱۸.
 مرتضی خان قاجار: ج ۲ ص ۹۲۹، ۹۵۳.
 ج ۲ ص ۱۷۲۵.
 مرتضی خان (پسر مشیر الموله): ج ۲ ص ۱۲۹۵.
 مرتضی (شیخ -) دیوانه نویسنده: ج ۱ ص ۵۵۲.
 مرتضی (میرزا -) صدر الطما - برادر امام جمعه: ج ۲ ص ۱۱۲۹، ج ۲

ص ۱۸۵۹.
 مرتضی علم الهدی (شریف فی المجهدين - ابوالقاسم): ج ۱ ص ۲۹۳، ۲۹۷.
 مرتضی علی (ع): ج ۲ ص ۷۸۱.
 مرتضی (میرزا سید -) لشکر نویسنده: ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۲ ص ۲۰۶۹.
 مرتضی (میرزا سید -) مترجم: ج ۲ ص ۲۱۲۸، ۲۱۲۹.
 مرتضی نظام شاه: ج ۲ ص ۸۵۰، ۸۸۱.
 ۸۹۷.
 مرتضی قلی آقا (سرحد فوج شقایق): ج ۱ ص ۵۱۳، ج ۲ ص ۱۲۳۷، ج ۲ ص ۲۰۸۲.
 مرتضی قلی بیگ: ج ۲ ص ۹۲۷.
 مرتضی قلی پاشا (بیگلر بیگ دیار بکر): ج ۲ ص ۹۳۰، ج ۲ ص ۱۳۶۹.
 مرتضی قلیخان: ج ۱ ص ۵۱۹، ج ۲ ص ۱۴۲۲.
 مرتضی قلی خان (پسر امیرخان): ج ۲ ص ۲۰۰۵.
 مرتضی قلی خان (آلچی شاه طهماسب دوم پسر یار عثمانی): ج ۲ ص ۱۰۱۷.
 مرتضی قلی خان (پسر بهاء الطک) سرحد: ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۹، ج ۲ ص ۲۰۷۳.
 مرتضی قلی خان پیرزاد: ج ۲ ص ۸۷۲.
 مرتضی قلی خان (از اجزای پستخانه): ج ۲ ص ۲۱۲۳.
 مرتضی قلی خان (حاکم شاهرود): ج ۲ ص ۱۳۳۰.
 مرتضی قلی خان (دولو): ج ۲ ص ۱۲۵۵، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳.
 مرتضی قلی خان (سرحددار انزلی): ج ۲ ص ۱۷۹۵.
 مرتضی قلیخان (سرحدگ تحصیلدار): ج ۱ ص ۵۲۷.
 مرتضی قلی خان مرهنگ (پسر میرالدوله علیقلی خان): ج ۲ ص ۱۸۸۷، ۲۱۳۶.
 مرتضی قلی خان (برادر ساداتقلی خان بختیاری): ج ۲ ص ۱۵۳۹.
 مرتضی قلی خان سمنانی (سرحدگ): ج ۱ ص ۵۰۸، ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 مرتضی قلی خان (ولد شاهرخ خان افشار): ج ۲ ص ۱۲۲۰.
 ۱۱۶۵، ۱۱۷۰، ۱۱۷۳، ۱۱۷۵، ۱۱۷۸.
 مرتضی قلی خان قاجار (ابن محراب خان سپهسالار نوری باشی): ج ۲ ص ۶۶۸، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ج ۲ ص ۱۳۶۹، ۱۳۷۰.
 مرتضی قلی خان (عمری فتحعلیه): ج ۲ ص ۱۲۵۵، ۱۲۲۶.
 مرتضی قلی خان فولاد آقا باشی (کتیبه باشی): ج ۲ ص ۱۹۰۳.
 مرتضی قلیخان کرمانی (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹، ج ۲ ص ۱۲۳۰، ج ۲ ص ۲۰۷۳.
 مرتضی قلیخان (نایب وزارت عثمانی): ج ۲ ص ۱۰۰۴.
 مرتضی قلی خان (پسر محمد خان قاجار): ج ۲ ص ۱۲۶۰.
 مرتضی قلی خان (پسر محمد اسمعیل خان نوری) وکیل الطک: ج ۲ ص ۱۷۸۶، ۱۸۲۲، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۲۶، ۱۹۹۵.
 مرتضی قلیخان (پسر محمد حسن عسکری قاجار): ج ۲ ص ۱۱۵۵، ج ۳ ص ۱۲۵۵، ۱۲۶۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۷، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۰۲ تا ۱۲۰۵، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳.
 مرتضی قلیخان (ولد مرشد قلیخان): ج ۲ ص ۹۶۹.
 مرتضی قلی خان (نایب ایشیک آقا باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶.
 مرتضی قلی خان (باید): ج ۱ ص ۵۱۰، ج ۲ ص ۱۲۳۱، ج ۲ ص ۲۰۷۵.
 مرتضی قلی میرزا (زوال آجودان حصار): ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۸، ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 مرتضی قلی میرزا (پسر عمادالدوله): ج ۱ ص ۵۰۲، ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۲ ص ۲۰۶۲.
 مرحب بهودی: ج ۱ ص ۲۶.
 مردانشاه: ج ۱ ص ۲۹.
 مردانج بن زیار دیلمی: ج ۱ ص ۹۰، ۹۲۱.

مراد الهندي: ج ۲ ص ۱۹۳۱.
 مراد بن اکبر شاه: ج ۲ ص ۸۹۲.
 مراد (ملقب به: ایشان): ج ۲ ص ۱۸۹۲.
 مراد بخش (پسر شاه جهان): ج ۲ ص ۹۶۰.
 مراد بیگ بایندر: ج ۲ ص ۷۴۲، ۷۴۳.
 مراد بیگ - سردار: ج ۲ ص ۱۲۵۱.
 مراد پاشا (وزیر سلطان عثمانی): ج ۲ ص ۹۰۳.
 مراد (شاهزاده - ابن جلال الدین اکبر شاه: ج ۲ ص ۸۹۵).
 مراد (سلطان -) خان (پادشاهروم): ج ۲ ص ۱۳۲۰.
 مراد خان جطر باشی: ج ۲ ص ۱۱۶۱.
 مراد خان زند (سردار علیمراد خان): ج ۲ ص ۱۳۹۱.
 مراد خان ولا غارده: ج ۲ ص ۱۵۰۵.
 مراد خان (میر -) حاکم سند: ج ۲ ص ۱۶۰۲.
 مراد سلطان لوالقشر: ج ۲ ص ۷۷۱.
 مراد (سلطان -) میرزا حسام السلطنه (ابن عباس میرزا): ج ۲ ص ۱۵۴۰.
 مرادیه: ج ۲ ص ۱۷۷۳.
 مرتضی (میرزا -): ج ۱ ص ۵۴۶، ج ۲ ص ۱۲۷۹.
 مرتضی (میرزا سید -): ج ۲ ص ۱۲۲۵، ۱۲۹۳.
 مرتضی پاشا (وزیر و داماد سلطان مراد خان): ج ۲ ص ۹۳۲ تا ۹۳۶.
 مرتضی (حاجی سید -) تاجر: ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 مرتضی (شیخ -) تحصیل دار: ج ۲ ص ۲۱۱۱.
 مرتضی خان (آیل بیگی فارس): ج ۲ ص ۱۶۱۸.
 مرتضی خان قاجار: ج ۲ ص ۹۲۹، ۹۵۳.
 ج ۲ ص ۱۷۲۵.
 مرتضی خان (پسر مشیر الموله): ج ۲ ص ۱۲۹۵.
 مرتضی (شیخ -) دیوانه نویسنده: ج ۱ ص ۵۵۲.
 مرتضی (میرزا -) صدر الطما - برادر امام جمعه: ج ۲ ص ۱۱۲۹، ج ۲

۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۵۱
 ۲۵۲، ۲۷۰ ج ۲ ص ۲۲۴
 مودریه اصفهانی: ج ۱ ص ۳۰۲
 میزبان: ج ۱ ص ۲۲
 میزبان بن بختیار (حاکم بصره): ج ۱
 ص ۲۶۵، ۲۷۵
 میس (دکتر -): ج ۳ ص ۱۸۰۸
 موده (دختر شاه اسپانیا): ج ۱ ص ۲۸۹
 ج ۲ ص ۲۰۱۲
 مرشد قلیخان: ج ۲ ص ۸۷۰ تا ۸۷۸
 مرصع خاتم (دختر فتحعلی شاه): ج ۳ ص
 ۱۶۲۵
 مرغی خان (شیخ -): ج ۲ ص ۲۱۲۲
 مرکیت: ج ۳ ص ۱۲۴۲
 مرگوزیل پوسنو (رئیس جمهوری هندورا):
 ج ۱ ص ۵۶۵، ج ۳ ص ۲۱۵۲
 مروان بن ابی حفصه (شاعر): ج ۱ ص
 ۱۶۴
 مروان جلیفی: ج ۱ ص ۲۱۵
 مروان بن حکم (والی مدینه و...): ج ۱
 ص ۵۹، ۶۱، ۷۳ تا ۷۵، ۷۸، ۷۹
 ۸۵، ۸۶
 مروان بن عبدالملک: ج ۱ ص ۹۵
 مروان بن محمد بن مروان اموی (والی
 آذربایجان): ج ۱ ص ۱۱۵، ۱۱۶
 ۱۱۷ تا ۱۱۹، ۱۲۱
 مروان بن محمد بن میزبان (چهاردهمین و
 آخرین خلیفه اموی = مروان حمار =
 مروان جمعی): ج ۱ ص ۹۲، ۹۵
 تا ۱۲۳، ۱۲۶
 مروان بن معاویه بن حارث بن اسماء
 الخزاری، ابو عبدالله: ج ۱ ص ۱۵۹
 مروان بن مهلب: ج ۱ ص ۱۰۷، ۱۰۸
 مروان بن ولید: ج ۱ ص ۱۰۲
 مرو (سردار قشون فرانسه): ج ۳ ص ۱۲۵۹
 ۱۲۷۴
 موه بن حارث العبیدی: ج ۱ ص ۷۰
 موه بن کعب البهری الطلمی: ج ۱ ص ۸۰
 مرید: ج ۳ ص ۱۶۶۰
 مزاحم (پسر محمد بن رابع): ج ۱ ص
 ۲۵۲
 مزارت (موسیقی دان آلمان): ج ۳ ص
 ۱۴۱۹

مز (سردار فرانسه): ج ۳ ص ۱۲۲۰
 مزنی (صاحب مختصر): ج ۱ ص ۲۶۱
 مطاوع (خارجی): ج ۱ ص ۲۰۵
 مستر الیون: ج ۳ ص ۱۹۳۳
 مستر راطد طامس: ج ۳ ص ۱۹۹۵
 مستر ریاح (حکیم انگلیسی): ج ۲ ص
 ۱۶۵۵
 مستر طبر: ج ۳ ص ۲۰۰۷، ۲۱۳۰
 مستر لنج (ژنرال فونسل): ج ۱ ص ۵۴۴
 مستر موره: ج ۳ ص ۱۷۸۲، ۱۷۹۶
 مستر هاوکسن: ج ۲ ص ۲۱۳۰
 المستر شد بالله، ابو منصور فضل بن احمد
 (بیست و نهمین خلیفه عباسی): ج ۱
 ص ۲۲۶، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۷۵ تا ۲۷۷
 مستشار الدوله (حاجی شریف خان مستشار
 لشکر): ج ۱ ص ۵۰۷، ج ۳ ص ۱۹۰۹
 مستشار الدوله (میرزا یوسف خان مستشار
 النوازه): ج ۲ ص ۱۲۲۷، ۱۲۵۵
 ج ۳ ص ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۷، ۲۰۷۱
 ۲۰۷۲
 مستشار الملک، حاجی میرزا محمد رضا
 (پیشکار خراسان و ستوفی اول): ج
 ۱ ص ۵۲۹، ۵۵۸، ج ۶ ص ۱۲۵۲
 ۱۲۰۱، ج ۲ ص ۱۲۹۶، ۱۸۲۲
 ۱۹۰۷، ۱۹۱۲، ۱۹۵۲، ۱۹۶۴
 ۲۱۰۰، ۲۱۲۵
 مستشار الوزاره (میرزا عبدالله خان): ج
 ۲ ص ۱۲۲۷، ج ۳ ص ۲۰۱۸
 المستطی بامر الله حسن ابو محمد (خلیفه
 عباسی): ج ۱ ص ۳۹۸، ۳۹۹
 ۴۰۲
 المستطیر بالله، ابوالقاسم احمد بن
 القندی بامر الله: ج ۱ ص ۲۲۶
 ۲۲۷، ۲۵۲، ۲۶۴
 المستنصر بالله — عبدالله: ج ۲ ص
 ۴۵۲، ۴۵۷، ۴۶۱، ۵۸۲
 المستطی بامر الله علوی، ابوالقاسم احمد
 (خلیفه مصر): ج ۱ ص ۲۵۰، ۲۵۱
 ۲۵۵
 المستنصر احمد بن محمد المستنصر (ابو-
 العباس، دولزدهمین خلیفه عباسی):
 ج ۱ ص ۲۰۰ تا ۲۰۲

المستنصر بالله: ج ۲ ص ۷۶۴
 المستنصر بالله، ابوالربیع سلیمان = ابو-
 الربیع...: ج ۲ ص ۶۳۲، ۷۶۴
 المستنصر بالله، ابوالقاسم عبدالله بن
 المستنصر بالله: ج ۱ ص ۲۵۸، ۲۵۹
 ۲۶۰
 المستنجد بالله، ابوالمظفر یوسف المقتدی
 لامر الله عباسی: ج ۱ ص ۳۹۱، ۳۹۲
 ۳۹۸، ج ۲ ص ۷۶۲
 المستنصر بالله، ابومعین محمد علوی (خلیفه
 فاطمی مصر): ج ۱ ص ۲۲۵، ۲۳۲
 تا ۳۳۲، ۳۴۶ تا ۳۴۸
 المستنصر بالله، ابوجعفر المنصور: ج ۱ ص
 ۲۲۸، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۵۰
 المستنصر بالله، ابوالقاسم: ج ۲ ص ۵۸۲
 ۵۸۳
 المستنصر بالله علوی: ج ۱ ص ۲۹۷، ۳۱۲
 ۳۲۵، ۳۲۲، ۳۳۵، ۳۳۷، ۵۶۱
 المستنصر سوم — ابومعین بن محمد...
 المستنصر بن هود: ج ۱ ص ۲۷۲
 مستورد بن علفه الذیمی (از خوارج): ج ۱
 ص ۷۲، ۷۴
 مستوفی (میرزا هدایت الله لسان الملک):
 ج ۲ ص ۱۱۸۲
 مستوفی المالک: ج ۱ ص ۲۷۲، ۵۰۲
 ۵۲۷، ج ۲ ص ۱۲۵۲، ج ۳ ص
 ۱۷۳۲، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۶۷
 ۱۸۵۹، ۱۸۸۶، ۱۸۹۲، ۱۸۹۷
 ۱۸۹۸، ۱۹۱۰، ۱۹۱۵، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴
 ۱۹۲۸، ۱۹۵۲، ۱۹۵۴، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷
 ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۹
 مسرور (ملازم رشید): ج ۱ ص ۱۷۰
 مسروق بن اجدع: ج ۱ ص ۸۲
 مسروق بن فلان النکی: ج ۱ ص ۴۲
 سطح بن ائاذ الطلمی: ج ۱ ص ۵۹
 مسند (مسر) کدام الکوفی الهلانی: ج ۱
 ص ۱۲۷
 مسعود (میرزا -) آذربایجانی (وزیر امور
 خارجه): ج ۲ ص ۱۶۳۳
 مسعود بن آقشیر برحق: ج ۱ ص ۲۶۹
 مسعود بن ابراهیم بن مسعود غزنوی: ج ۱
 ص ۳۲۲
 مسعود بن ابی زینب العبیدی (رئیس خوارج):

ج ۱ ص ۱۱۰
 مسعود ، القیس بن ملک کامل (شامی) :
 ج ۱ ص ۲۲۰ ، ۲۲۶ ، ۲۲۰
 مسعود انصاری (میرزا) : ج ۲ ص ۱۵۸۱
 مسعود بیدگلی : ج ۲ ص ۲۲۲
 مسعود (میرزا -) خان (سرکرده) جماعت
 هراتی : ج ۱ ص ۵۱۹
 مسعود (میرزا -) خان (سرنگ) : ج ۲
 ص ۲۰۸۲
 مسعود (میرزا -) خان ، پسر سیدالطک
 (نایب آجودان باشی) : ج ۱ ص
 ۵۰۹ : ج ۲ ص ۱۲۲۹
 مسعود خان (میرزا -) فیروز کوهی (نایب
 آجودانباشی) : ج ۱ ص ۵۰۹ : ج ۲
 ص ۱۲۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۷۲
 مسعود (میرزا -) خان نغانی : ج ۲ ص
 ۱۲۷۸
 مسعود (میرزا -) خان (نویسنده و آهنگار) :
 ج ۲ ص ۲۱۰۴
 مسعود بن ربیع (ربیع) بن عمرو القاری :
 ج ۱ ص ۵۶
 مسعود زعفرانی ، فخرالدین (از لـ...
 نوری) : ج ۱ ص ۲۰۱
 مسعود بن سلطان محمد بن طکناه : ج ۱
 ص ۲۶۵ تا ۲۶۷ ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ، ۲۷۲
 تا ۲۷۵ ، ۲۷۹ ، ۲۸۰ ، ۲۸۲ ، ۲۸۲
 مسعود شاه انجو : ج ۲ ص ۱۶۲۹ ، ۱۶۳۱
 ۶۴۹
 مسعود بن عزالدین : ج ۲ ص ۵۸۸ ، ۵۹۲
 ۵۹۸
 مسعود ، قدرخان ، جبرئیل (پادشاه سمرقند) :
 ج ۱ ص ۳۲۸
 مسعود بن قلیق ارسلان سلجوقی (صاحب
 قونیه و آسیای صغیر) : ج ۱ ص ۳۷۸
 ۲۸۸
 مسعود بن محمد بن مسعود نیشابوری
 قطب الدین (فقیه شافعی) : ج ۱ ص
 ۲۰۶
 مسعود بن محمود قرظوی (شاه) : ج ۱
 ص ۳۰۷ تا ۳۰۹ ، ۳۱۲ تا ۳۱۶ ،
 ۳۲۱
 مسعود بن مکرم : ج ۱ ص ۳۲۹
 مسعود میرزا (حاجی -) پسر جهانگیر

میرزا : ج ۱ ص ۵۰۲ : ج ۲ ص ۱۲۲۰
 ج ۲ ص ۱۲۲۵ ، ۲۰۶۲
 مسعود (میرزا -) وزیر دول خارجه : ج ۲
 ص ۱۶۲۵ ، ۱۶۲۶
 مسعود (میرزا -) وزیر مازندران : ج ۲ ص
 ۹۶۸
 مسعودی ، قطب الدین (صاحب مروج) : ج
 ۱ ص ۲۵۹
 مسکین امکندرانی : ج ۲ ص ۶۰۳
 مسلم (میرزا -) (پدر حاجی میرزا آقاسی) :
 ج ۲ ص ۱۶۲۲
 مسلم بن حجاج نیشابوری ، ابوالحسن
 (صاحب مستد) : ج ۱ ص ۱۸۵
 ۱۹۵ ، ۲۰۰ ، ۲۰۲ ، ۲۰۹ ، ۲۱۷
 مسلم بن خالد زنجی (فقیه مکی) : ج ۱
 ص ۱۶۲
 مسلم (میرزا -) خوشی : ج ۲ ص ۱۶۳۴
 مسلم بن سید کلایی (حاکم خراسان) : ج
 ۱ ص ۱۱۰
 مسلم بن عبدالله باطنی : ج ۱ ص ۱۱۲
 مسلم بن عبدالرحمن الباطنی : ج ۱ ص
 ۱۱۲
 مسلم بن عقبه : ج ۱ ص ۱۸۴ ، ۸۵
 مسلم بن عقیل : ج ۱ ص ۸۱ ، ۸۲
 مسلم بن عمرو باطنی : ج ۱ ص ۸۱
 مسلم بن قتیبه باطنی : ج ۱ ص ۱۴۳
 مسلم بن قریش : ج ۱ ص ۲۳۱
 مسلم بن خالد : ج ۱ ص ۶۵
 مسلم بن عبدالله : ج ۱ ص ۱۱۲ ، ۱۱۲
 مسلم بن عبدالطک بن مروان : ج ۱ ص
 ۹۸ تا ۱۰۳ ، ۱۰۵ تا ۱۰۸ ، ۱۱۱ تا
 ۱۱۲ ، ۱۲۰
 مسلم بن عقبه : ج ۱ ص ۶۵
 مسلم (طعمه) ابن کجیل : ج ۱ ص ۱۲۰
 مسلم بن مخلد انصاری (والی مصر) : ج ۱
 ص ۸۲ ، ۷۶
 مسلم بن هشام : ج ۱ ص ۱۲۱
 مسور بن صخره : ج ۱ ص ۸۶
 مسیب خان (ولد محمد خان شرف الدین
 اوغلی) : ج ۲ ص ۸۷۵ ، ۸۷۸
 ۸۸۲
 مسیب بن زهیر (والی کوفه) : ج ۱ ص
 ۱۴۲

مسیب بن زهیر انصاری (حاکم خراسان) :
 ج ۱ ص ۱۵۲
 مسیب بن نجیده الغزالی : ج ۱ ص ۶۹
 ۸۱
 مسیح (حضرت -) : ج ۱ ص ۱۹۰ ، ۱۹۲
 ۲۱۸ ، ۲۵۶ ، ۲۵۶ ، ۴۵۷
 مسیح (آقا -) امیرزاده : ج ۲ ص ۲۱۱۰
 مسیح (میرزا -) : ج ۱ ص ۵۲۲ : ج ۲ ص
 ۱۸۹۲
 مسیح استرآبادی مجتهد (حاجی میرزا -) :
 ج ۲ ص ۱۵۹۵ ، ۱۵۹۷
 مسیح (آقا -) امیرزاده (از ارباب مناصب) :
 ج ۲ ص ۱۲۵۶
 مسیح طهرانی (میرزا -) مستوفی : ج ۱ ص
 ۵۲۸ : ج ۲ ص ۱۴۱۶ ، ۱۶۸۷
 ۱۸۸۶ ، ۲۰۹۹
 مسیح (میرزا -) وزیر مازندران : ج ۲ ص
 ۱۸۶۶
 مسی زبسن (پادشاه لہستان) : ج ۲ ص
 ۹۳۰
 مسیلمه کتاب : ج ۱ ص ۲۱ ، ۲۳
 مسیو ادینه : ج ۲ ص ۲۱۰۷
 مسیور فیروزپولو : ج ۲ ص ۲۱۰۸
 مسیو ارکیرپولو (نایب اول روس) : ج ۱
 ص ۵۲۷ : ج ۲ ص ۱۲۶۵
 مسیو اشچلکونف : ج ۲ ص ۲۱۰۸
 مسیو اشنی (مطم) : ج ۱ ص ۵۱۰ : ج ۲
 ص ۱۲۲۱ : ج ۲ ص ۲۰۷۵
 مسیواسلاک (سلطان سولرہ نظام) : ج ۲
 ص ۱۲۲۱
 مسیو اغنائیف : ج ۲ ص ۲۱۰۸
 مسیو اکتانوف آتشد : ج ۱ ص ۵۲۷ : ج ۲
 ص ۱۲۶۵
 مسیو الیسون : ج ۲ ص ۱۹۲۷
 مسیو امانوئل : ج ۱ ص ۵۲۱ : ج ۲ ص
 ۱۲۷۲
 مسیو امیل برنه (ژنرال قوسول) : ج ۱
 ص ۵۲۸ : ج ۲ ص ۲۱۰۹
 مسیو انبله : ج ۲ ص ۱۹۲۷
 مسیو انجیله (طبال باشی) : ج ۱ ص ۵۱۰
 ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۲ ص ۲۰۷۵
 مسیوانچکوف (انچکوف) : ج ۲ ص ۱۷۵۸
 ۱۷۷۰ ، ۱۷۷۱ ، ۱۸۰۹

مسو اوثره: ج ۳ ص ۱۲۹۲.
 مسو اودی برشانلیقه: ج ۱ ص ۵۲۸.
 ج ۳ ص ۲۱۰۱.
 مسو باردو: ج ۲ ص ۱۹۸۵.
 مسو بار طلی (سخت هیلر) وزیر امور خارجه: ج ۱ ص ۵۶۳، ۲۸۸؛ ج ۲ ص ۲۰۱۵.
 مسو بارون: ج ۳ ص ۱۸۲۵.
 مسو بارونستی (قانون دان): ج ۱ ص ۵۳۲؛ ج ۲ ص ۲۱۰۵.
 مسو باره: ج ۳ ص ۱۷۲۲.
 مسو باطنیا میکانیکی: ج ۲ ص ۲۱۳۲.
 مسو بالوا: ج ۲ ص ۱۱۹۹.
 مسو برتران شانلیقه (دفتر دار سفارت): ج ۱ ص ۵۲۸.
 مسو بیت: ج ۲ ص ۱۸۸۹.
 مسو بکر: ج ۲ ص ۱۹۰۸.
 مسو بل (تاریخ دافتر فرانسه): ج ۲ ص ۱۹۲۶.
 مسو بنه دتی: ج ۲ ص ۱۹۱۸.
 مسو بهلر (سرتهب اول، مطبع فرنگی): ج ۱ ص ۵۱۰؛ ج ۲ ص ۱۲۲۱، ۲۳۰۷۵.
 مسو بزمارگ: ج ۲ ص ۱۸۵۳، ۱۸۲۵.
 مسو پاحیطونولیاکته: ج ۱ ص ۵۲۷؛ ج ۲ ص ۱۲۶۵؛ ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 مسو نچن: ج ۲ ص ۱۹۲۱.
 مسو پروسکی خان (سرتهب دوم) مطبع زبان فرانسه: ج ۱ ص ۵۵۵؛ ج ۲ ص ۲۰۰۷، ۲۱۳۸، ۲۱۴۰.
 مسو طرف (زیرال قونسول): ج ۱ ص ۵۳۲؛ ج ۲ ص ۱۲۶۵؛ ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 مسو تافی دین (نایب استرآباد): ج ۱ ص ۵۳۷؛ ج ۲ ص ۲۱۰۸.
 مسو تریکو: ج ۳ ص ۲۰۰۲.
 مسو تیر: ج ۲ ص ۱۶۵۶.
 مسو تیلور: ج ۳ ص ۱۷۲۲.
 مسو جان داودخان مسیحی: ج ۳ ص ۱۷۲۷.
 ۱۸۲۲.
 مسو جردانی: ج ۳ ص ۱۸۲۹.
 مسو چارنوطا: ج ۲ ص ۱۷۵۶.
 مسو چربنن: ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 مسو بالوا: ج ۳ ص ۲۱۰۹، ۲۰۳۲.

مسو بدست: ج ۲ ص ۱۹۸۶.
 مسو بدسکی (وزیر مختار نومه): ج ۳ ص ۱۹۲۰.
 مسو بدرتیس (وزیر اعظم ایتالیا): ج ۲ ص ۲۱۲۸.
 مسو بدورو شک (ملطان توپخانه): ج ۲ ص ۱۲۳۱.
 مسو دژی (نایب و مترجم): ج ۱ ص ۵۲۵.
 مسو دگرس: ج ۳ ص ۲۰۵۰.
 مسو دلاصوف: ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 مسو دیرنی: ج ۳ ص ۱۸۳۷، ۱۸۲۷.
 مسو دیشون: ج ۲ ص ۱۸۰۲.
 مسو دیلیه فرانسوی (مهندس و معلم علم معدن): ج ۱ ص ۵۵۱.
 مسو دیوبن بر: ج ۲ ص ۱۸۹۸.
 مسو دونل (نایب اول): ج ۲ ص ۱۲۳۸؛ ج ۳ ص ۲۰۷۵.
 مسو دوکتر: ج ۳ ص ۲۰۵۱.
 مسو دوکرس (وزیر خارجه روسیه): ج ۱ ص ۵۶۲؛ ج ۲ ص ۲۱۲۹.
 مسو دولدار (کاروباز شهر ریال): ج ۱ ص ۵۲۵.
 مسو دول (درفارمول): ج ۱ ص ۵۲۵.
 مسو دیکن: ج ۳ ص ۱۹۲۰.
 مسو رادویز: ج ۳ ص ۱۷۲۰.
 مسو روبرنیر: ج ۳ ص ۱۸۸۹.
 مسو روسی: ج ۳ ص ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۷۰۲.
 مسو روفین (رئیس جمهوری پرو): ج ۱ ص ۵۶۵.
 مسو رفر: ج ۳ ص ۱۶۷۲.
 مسو رشارخان (سرتهب و مترجم): ج ۱ ص ۴۶۶، ۵۵۵؛ ج ۲ ص ۱۹۲۸، ۲۰۰۷، ۲۱۰۷، ۲۱۳۸، ۲۱۴۰.
 مسو زیتون (از اجزای پستانده): ج ۲ ص ۲۱۲۲.
 مسو زیناویف (وزیر مختار): ج ۱ ص ۵۳۷؛ ج ۲ ص ۱۱۸۵، ۱۲۶۵؛ ج ۳ ص ۱۹۶۵، ۲۰۲۲.
 مسو زویر (سفیر فرانسه در ایران): ج ۲ ص ۱۲۸۱.
 مسو زولتایز: ج ۳ ص ۱۹۲۹، ۱۹۳۰.
 مسو ستانیو (طبيب فرنگی): ج ۳ ص

۱۷۲۲.
 مسو سطر (مترجم باشی): ج ۳ ص ۱۹۸۵.
 مسو سون: ج ۱ ص ۵۲۷.
 مسو سوطار: ج ۲ ص ۲۱۰۹.
 مسو شارل سرتیپ: ج ۱ ص ۵۲۷؛ ج ۲ ص ۲۱۲۲.
 مسو شفر: ج ۲ ص ۲۱۰۸.
 مسو شولزفسکی (نایب): ج ۳ ص ۱۲۶۵.
 مسو شیندلر (سرتهب): ج ۱ ص ۵۲۷.
 مسو طامین: ج ۳ ص ۱۹۲۸.
 مسو طرن: ج ۳ ص ۱۹۴۰.
 مسو طیر: ج ۱ ص ۴۹۰؛ ج ۲ ص ۱۸۷۰.
 ۱۸۹۰، ۱۹۰۲، ۱۹۱۸، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۵۱، ۱۹۷۵، ۲۰۰۳، ۲۰۲۹.
 مسو فریفریج (مترجم اول): ج ۲ ص ۱۲۶۵؛ ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 مسو فایوس: ج ۳ ص ۱۹۹۶.
 مسو فرلی (وزیر اعظم فرانسه): ج ۳ ص ۲۱۵۰.
 مسو ظفر: ج ۲ ص ۲۱۴۰.
 مسو ظهیرسوف (مترجم دوم): ج ۲ ص ۱۲۶۵.
 مسو فوریته: ج ۳ ص ۱۹۹۰.
 مسو فیلمور: ج ۳ ص ۱۷۲۲.
 مسو فیلی پف: ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 مسو فنیو: ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 مسو کاپلر (رئیس جمهور سوئیس): ج ۳ ص ۲۱۲۹.
 مسو کاکانوفسکی: ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 مسو کاسنیگرخان (مهندس): ج ۳ ص ۱۸۶۰، ۱۸۶۵، ۱۹۰۲، ۱۹۱۷.
 مسو کابچی (قانون نویس): ج ۳ ص ۲۱۱۲.
 مسو کربل (نایب اول سفارت روس): ج ۲ ص ۱۹۱۵.
 مسو کردی: ج ۳ ص ۱۹۷۴.
 مسو کرس (وزیر مختار روس): ج ۳ ص ۱۸۵۹.
 مسو کرش: ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 مسو کرولو: ج ۳ ص ۲۱۰۷.
 مسو کلب: ج ۳ ص ۲۱۰۹.
 مسو کانیوس: ج ۳ ص ۲۰۵۲.
 مسو کوریونسکی (حکیم باشی): ج ۲ ص

۱۲۶۵

سیو کوسک: ج ۲ ص ۲۱۰۸

سیو کیر: ج ۲ ص ۱۶۱۷

سیو کپولی: ج ۲ ص ۱۹۸۸

سیو گریطر (سلطان پاده نظام): ج ۲

ص ۱۲۲۱

سیو گریسا کلدین (رئیس جمهور پسر):

ج ۲ ص ۱۳۰۹: ج ۲ ص ۲۱۵۲

سیو گریفی قد: ج ۲ ص ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶

ج ۲ ص ۲۰۳۰

سیو گامپا (صدر اعظم فرانسه): ج ۲ ص

۱۲۰۵، ۱۲۰۷: ج ۲ ص ۲۰۰۲

۲۰۲۹

سیو گروپ: ج ۲ ص ۱۹۲۲

سیو گروی: ج ۲ ص ۱۹۶۹

سیو گوینو: ج ۲ ص ۱۸۲۲

سیو لایوسکی: ج ۲ ص ۱۷۹۶

سیو لاکین (ناظم): ج ۲ ص ۲۱۲۲

سیولر (مترجم سفارت فرانسه): ج ۱ ص

۵۲۸: ج ۲ ص ۲۱۰۹

سیو لوسن: ج ۲ ص ۱۷۷۶

سیولکونت (وزیر مختار فرانسه): ج ۲ ص

۱۸۷۲

سیولمر (موزیکچی باشی، معلم موزیک):

ج ۲ ص ۱۱۹۹، ۱۲۲۱: ج ۲ ص

۲۰۰۲، ۲۰۷۵، ۲۱۳۰

سیو لونیسکی: ج ۲ ص ۲۱۰۸

سیو لونیکوف: ج ۲ ص ۲۱۰۸

سیو طینه: ج ۲ ص ۱۹۲۸

سیو منده: ج ۲ ص ۲۱۰۷

سیو موزله: ج ۲ ص ۲۱۰۷

سیو نظر: ج ۱ ص ۵۲۲

سیو نمر: ج ۲ ص ۱۷۲۸

سیو نیکلا: ج ۲ ص ۱۹۷۲

سیو نیکلا (از اجزای پستخانه): ج ۲ ص

۲۱۲۰

سیو نیکلا مورکن: ج ۲ ص ۱۲۷۱

سیو نیکلا (نایب اول): ج ۲ ص ۱۲۷۱

سیو ولری: ج ۲ ص ۲۱۰۸

سیو ولنسکی: ج ۲ ص ۱۸۳۰

سیروت: ج ۲ ص ۲۱۳۰

سیو ولایوف (کنول امور قسولگری): ج ۱

ص ۵۲۲

سیو ویله: ج ۲ ص ۷۰۰۷

سیو هرمان: ج ۲ ص ۲۱۰۷

سیو هیدنه (دندان ساز): ج ۲ ص ۱۲۵۲

ج ۲ ص ۲۱۱۰

مشان علی شاه (از عرفا): ج ۲ ص

۱۲۱۹

شرف الدوله، ابوعلی بن بهاء الدوله:

ج ۱ ص ۲۰۲ تا ۲۰۶

شکیر (دکتر محمد جواد -): ج ۲ ص

۵۸۲

شهدی سردار: ج ۲ ص ۱۲۷۵

شیر التجار (حاجی سید رضی): ج ۲ ص

۲۱۲۶

شیر خسان ناظر (عین الملک): ج ۲

ص ۱۷۵۶

شیر الدوله: ج ۲ ص ۱۲۵۰: ج ۲ ص

۱۸۲۲

شیر الدوله، سیهالار اعظم (میرزا احسن

خان): ج ۲ ص ۱۱۹۲، ۱۱۹۲: ج

۲ ص ۱۹۳۵

شیر الدوله، متعدد الملک (وزیر عدلیه):

ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج ۲ ص ۲۰۲۷

۲۰۲۸، ۲۰۲۲، ۲۰۲۵، ۲۰۶۶

۲۱۰۱

شیر الدوله، رحیمی خان: ج ۲ ص ۱۲۵۵

شیر لشکر: ج ۲ ص ۲۱۲۲

شیر لشکر (میرزا حبیب الله): ج ۲ ص

۱۸۹۷

شیر لشکر، میرزا قهرمان (مستوفی نظام

آذربایجان): ج ۲ ص ۱۸۷۲

شیر الملک: ج ۱ ص ۵۲۹: ج ۲ ص

۱۲۵۲

المصطفی (امام): ج ۱ ص ۱۲۶

مصطفی (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۷۹

مصطفی (آقا سید -) از علماء طهران:

ج ۲ ص ۲۰۹۵

مصطفی آقا عثمانی: ج ۲ ص ۱۲۱۶

مصطفی بیگ: ج ۲ ص ۱۱۸۷

مصطفی بیگ (معلم): ج ۱ ص ۵۱۰: ج ۲

ص ۱۲۲۱: ج ۲ ص ۲۰۷۵

مصطفی بیگ برسانی: ج ۲ ص ۸۲۲

مصطفی پاشا: ج ۲ ص ۷۶۱، ۸۵۰، ۸۵۱

۸۵۲، ۹۲۰، ۹۲۱، ۱۱۹۸

مصطفی پاشا (حکیم گاندی عثمانی): ج ۲

ص ۱۸۸۰

مصطفی پاشا (عمیق خدیو پسر): ج ۲ ص

۱۹۱۲

مصطفی پاشا (سفیر عثمانی): ج ۲ ص

۱۱۲۱، ۱۱۲۲

مصطفی پاشا (صدر اعظم عثمانی): ج ۲

ص ۱۱۶۲

مصطفی (آقا سید -) حمام المسادات

(نایب الوزاره): ج ۱ ص ۵۴۱: ج ۲

ص ۱۲۷۰

مصطفی (آقا سید -) پسر حاجی سید

حسن: ج ۱ ص ۵۲۵

مصطفی خان (سلطان -): ج ۲ ص ۱۲۸۹

مصطفی خان: ج ۲ ص ۱۲۳۰، ۱۲۲۲

مصطفی خان (میرزا -) افشار: ج ۲ ص

۱۸۳۲

مصطفی (سلطان -) خان (امیرالمسور

عثمانی): ج ۲ ص ۹۱۲

مصطفی خان امیرالامرا: ج ۱ ص ۵۰۷

ج ۲ ص ۱۲۲۷: ج ۲ ص ۲۰۷۱

مصطفی خان (امیر نوبان): ج ۲ ص ۱۸۷۲

۱۸۷۵

مصطفی (میرزا -) خان بهاء الملک: ج ۲

ص ۱۸۵۲

مصطفی خان (بیگلر بیگی قلمرویشکر):

ج ۲ ص ۱۱۱۲

مصطفی (میرزا -) خان ترشیزی: ج ۲ ص

۱۶۰۷، ۱۶۲۸

مصطفی خان ثانی: ج ۲ ص ۹۹۸

مصطفی خان چلرخلو: ج ۲ ص ۱۱۲۶ تا

۱۱۲۸

مصطفی خان دولو قاجار: ج ۲ ص ۱۲۸۲

۱۳۸۸، ۱۴۰۴، ۱۴۰۷، ۱۴۱۲ تا

۱۴۱۵، ۱۴۲۰، ۱۴۳۵

مصطفی (میرزا -) خان (رئیس دختر ثبت و

ضبط): ج ۲ ص ۲۱۰۳

مصطفی خان مدن رستاقی استرآبادی: ج

۲ ص ۱۵۳۰

مصطفی خان، سرهنگ (حاجی مصمم حوج):

ج ۱ ص ۵۱۵: ج ۲ ص ۱۲۴۰: ج ۲

من ۲۰۸۲، ۲۱۲۲
 مصطفی خان چهارم (سلطان عثمانی): ج
 ۱۲۸۷، ۱۲۹۲
 مصطفی خان سنانی: ج ۲ من ۱۶۱۱
 مصطفی خان شیروانی: ج ۲ من ۱۲۳۰
 ۱۲۷۷، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۵۲۶
 ۱۵۷۰ تا ۱۵۷۲
 مصطفی خان طالش: ج ۲ من ۱۲۷۸، ۱۲۸۸
 ۱۲۹۵، ۱۵۰۲، ۱۵۰۸
 مصطفی خان قاجار (نایب آجودان باشی):
 ج ۱ من ۵۰۹، ج ۲ من ۱۲۲۹، ج ۳
 من ۱۲۱۳، ۱۲۱۵، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹
 ۲۰۷۲
 مصطفی خان قراجه‌داغی: ج ۲ من ۱۲۱۲
 مصطفی خان قراقرز (سرتیپ همدانی): ج ۲
 من ۱۶۸۹
 مصطفی (میرزا -) خان (منشی مخصوص
 وزارت وظایف): ج ۲ من ۲۱۱۹
 مصطفی خان میرنده: ج ۲ من ۱۷۲۷
 مصطفی (میرزا -) خان (نایب اول وزارت
 خارجه): ج ۲ من ۱۲۵۸
 مصطفی خان (نایب الحکومه سوادکوه):
 ج ۲ من ۱۳۰۲
 مصطفی خان (میرزا -) نایب الوزراء: ج
 ۲ من ۱۱۹۹، ج ۳ من ۲۰۳۳
 مصطفی خان یوزباشی: ج ۲ من ۱۷۵۸
 مصطفی (میرزا -) طبیب دارالفنون: ج ۱
 من ۵۲۵، ۵۲۶
 مصطفی قشماق (ملا -): ج ۲ من ۱۴۴۳
 مصطفی کیرلی (سردار عثمانی): ج ۲ من
 ۹۹۲
 مصطفی (میرزا -) لشکر نویس فارس: ج ۱
 من ۵۰۶، ج ۲ من ۱۲۲۶، ج ۳ من
 ۲۰۷۰
 مصطفی (میرزا -) لشکر نویس (وکیل
 لشکر): ج ۱ من ۲۷۱، ۲۶۸، ج ۲ من
 ۱۱۹۶، ۱۱۸۷، ج ۳ من ۱۸۲۲
 ۱۸۶۰، ۲۰۲۳
 مصطفی (میرزا -) مدیر فخرخانه: ج ۲
 من ۲۲۱۵
 مصطفی (میرزا -) مستوفی (امین‌الملک):
 ج ۲ من ۱۷۲۳
 مصطفی (میرزا سید -) مستوفی (نایب

الوزراء وظایف): ج ۲ من ۲۱۱۹
 ۲۱۲۰
 مصطفی قلی (میرزا -): ج ۳ من ۱۸۰۴
 مصطفی قلی خان: ج ۲ من ۱۱۷۳، ۱۱۷۵
 ج ۳ من ۱۲۹۴، ۱۲۰۷، ۱۸۱۰
 مصطفی قلی خان اعتماد السلطنه: ج ۱ من
 ۵۰۷
 مصطفی قلی خان (پسر امیر خان مرتیپ):
 ج ۲ من ۲۰۰۵
 مصطفی قلی خان (برادر ایلخانی‌خاوس):
 ج ۲ من ۱۶۱۳
 مصطفی قلیخان (تفنگدار خاصه): ج ۱ من
 ۵۲۰، ج ۲ من ۱۲۵۷، ج ۳ من
 ۲۱۱۱
 مصطفی قلی خان (جهان بیگلر): ج ۱ من
 ۵۰۷، ج ۲ من ۱۲۲۷، ج ۳ من
 ۲۰۷۱
 مصطفی قلی خان (حاکم ملایر): ج ۱ من
 ۵۵۹
 مصطفی قلی خان (حکمران اولاد بنی-
 عباس): ج ۳ من ۱۵۵۲
 مصطفی قلی خان (سرتیپ جماعت صرب
 اردستان): ج ۱ من ۵۲۱
 مصطفی قلی خان (حاجی -) مرتیپ
 (صاحب منصب فوج): ج ۳ من ۲۱۲۲
 مصطفی قلی خان سرهنگ: ج ۱ من ۵۱۱
 ۵۱۵، ج ۳ من ۲۰۷۶
 مصطفی (حاجی -) قلی خان سرهنگ:
 ج ۲ من ۱۲۲۰، ج ۳ من ۲۰۸۴
 مصطفی قلی خان، پسر معصم الدوله
 (نایب آجودان باشی): ج ۱ من ۵۰۹
 ج ۲ من ۱۲۳۰، ج ۳ من ۲۰۷۴
 مصطفی قلی خان طالش: ج ۳ من ۱۲۰۲
 ۱۴۰۲ تا ۱۴۱۲
 مصطفی قلی خان عرب پیش مست (حاکم
 ترشیز): ج ۳ من ۱۲۹۲، ۱۵۹۲
 ۱۵۹۸، ۱۸۷۵
 مصطفی قلیخان قاجار (نایب آجودان باشی):
 ج ۱ من ۵۰۹، ۵۲۰، ج ۲ من ۱۲۳۰
 ۱۲۷۰، ج ۳ من ۱۷۲۵، ۲۰۷۲
 مصطفی قلی خان قراقرز (سرتیپ): ج ۲
 من ۱۶۹۶، ۱۷۰۶، ۱۷۱۲
 مصطفی قلیخان (پسر محمد حسن خسان

قاجار): ج ۲ من ۱۱۵۵، ج ۳ من ۲
 ۱۳۶۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۵
 ۱۳۹۷، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲
 ۱۴۰۲، ۱۴۱۲
 مصطفی قلیخان (خواهر زاده محمد
 حسدخان قاجار): ج ۲ من ۱۱۶۷
 مصطفی قلی خان (میرزا -) مستوفی
 نوری: ج ۲ من ۱۹۳۳
 مصطفی قلی خان، پسر منوچهر خسان
 (نایب آجودان باشی): ج ۱ من ۵۰۹
 ج ۲ من ۱۲۲۹، ج ۳ من ۲۰۷۲
 مصطفی قلی خان میرنده: ج ۱ من ۵۵۹
 ج ۲ من ۱۱۶۲، ۱۱۷۲
 مصطفی قلی خان (حاجی -) میرشکار:
 ج ۱ من ۵۵۲، ج ۲ من ۱۱۱۹، ج ۳
 من ۲۰۳۳، ۲۰۴۱، ۲۱۲۷
 مصطفی قلی خان (نایب آجودان باشی): ج
 ۲ من ۱۲۲۲
 مصطفی قلی خان (نایب امینک آقا-
 باشی): ج ۳ من ۲۱۱۶
 مصطفی قلی خان (نایب الحکومه
 کرمانشاهان): ج ۲ من ۲۱۴۱
 مصطفی (میرزا -) قلی (سرشنه داراداره
 بناخانه): ج ۳ من ۲۱۱۵
 مصطفی (میرزا -) قلی (سرشنه داروزارت
 معادن): ج ۱ من ۵۵۱
 مصطفی قلی میرزا: ج ۲ من ۱۷۰۷، ۱۷۱۲
 ۱۷۱۸، ۱۷۲۷، ۱۷۳۶، ۱۷۲۶
 ۱۷۴۸، ۱۷۵۷، ۱۷۶۶
 مصطفی قلی میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۲
 من ۱۶۱۷
 مصطفی میرزا: ج ۲ من ۱۶۲۹
 مصطفی میرزا (سلطان -) پسر فتحعلیشاه
 ج ۳ من ۱۵۰۶
 مصعب بن ثابت (جد زبیر بن عکرم): ج ۱
 من ۱۴۸
 مصعب بن زبیر بن العوام: ج ۱ من ۸۶
 ۸۸، ۸۹، ۹۲
 مصعب بن عمیر: ج ۱ من ۲۳، ۲۴
 مصعب عثمان بن قار (از آل الفضل): ج
 ۲ من ۷۲۳
 مصعب بن الفضل بن مهنا (از آل الفضل):

ج ۲ ص ۷۲۲
 مطبع الدین کتابی: ج ۲ ص ۸۵۸
 مصنفان (حاکم داوره): ج ۱ ص ۱۳۰
 ۱۳۹
 منصور خان (منصور): ج ۲ ص ۷۲۵
 منسوب خان: ج ۲ ص ۱۶۲۱
 منور (از موالی منصور عباسی و والی مصر):
 ج ۱ ص ۱۴۸
 منور بن عبدالله بن شخیر: ج ۱ ص ۹۸
 منور بن منوره بن شعبه: ج ۱ ص ۹۲
 منسوب: ج ۱ ص ۱۲۶
 منسوب بیک: ج ۳ ص ۱۷۱۴
 منسوب خان دامغانی: ج ۳ ص ۱۲۹۷
 ۱۵۱۷ ۱۵۲۹ ۱۵۲۶ ۱۵۲۸
 ۱۵۵۲
 منسوب خان کرمانی: ج ۲ ص ۱۱۶۲
 منسوب (مور -) خان (پسر هاشم خان):
 ج ۲ ص ۱۲۴۵
 منسوب بن عبدالله بن مالک: ج ۱ ص
 ۱۷۶
 منسوب (میرزا -) نقاشانی: ج ۱ ص ۵۴۱
 ج ۲ ص ۱۲۷۱ ۱۲۷۰
 مطبع بن ایاس (شاعر): ج ۱ ص ۱۵۷
 المطبع للمعبای، ابوالفضل بن المطهر:
 ج ۱ ص ۲۷۴ ۲۷۲ ۲۵۸
 مطهر بن حماد (صاحب بطیحه): ج ۱ ص
 ۲۸۸
 مطهر بن علی الحاجب (حاکم بطیحه):
 ج ۱ ص ۲۸۱ ۲۸۲
 مطهر گبرانی: ج ۲ ص ۸۸۹ ۸۷۲
 مطهر لوی: ج ۲ ص ۸۸۹
 مطهر (میرزا -) ابن میرزا بابا: ج ۲ ص
 ۶۸۶
 مطهر هروی (شاعر): ج ۲ ص ۶۴۵
 مطهر بن یاقوت: ج ۱ ص ۲۳۹
 مطهر حسین کاشی: ج ۲ ص ۹۲۲
 مطهر حسین میرزا: ج ۲ ص ۷۲۷ ۷۲۵
 مطهر خان (حاکم بنگاله): ج ۲ ص ۸۶۹
 مطهر خان گروسی (بابر اول): ج ۱ ص
 ۵۱۱
 ج ۲ ص ۱۲۳۲
 ۲۰۷۷
 مطهر خان (والی پنده): ج ۲ ص ۸۶۷
 مطهر خان بن وجهه الطلک: ج ۲ ص ۸۸۹

مظفرالدوله: ج ۱ ص ۵۱۵: ج ۲ ص ۱۲۳۹
 ج ۳ ص ۱۸۹۲ ۲۰۸۲
 مظفرالدوله (سلطان علی خان): ج ۳ ص
 ۱۲۵۶
 مظفر الدین اربک بن پهلوان: ج ۱ ص
 ۴۱۲
 مظفر الدین کوکبوری (حاکم اربل): ج ۱
 ص ۲۱۰ ۲۱۲ ۲۲۸ ۲۲۲
 مظفرالدین محمد شادکاری (حاکم فارس):
 ج ۲ ص ۵۸۰ ۶۲۰
 مظفرالدین میرزا (مظفرالدین شاه): ج ۱
 ص ۲۶۵ ۵۰۰: ج ۲ ص ۱۲۱۷
 ج ۳ ص ۱۸۲۲ ۱۸۲۲ ۱۸۸۶
 ۱۹۳۲ ۲۰۶۱
 مظفر سلطان (حاکم رشت): ج ۲ ص ۷۵۵
 ۷۷۲ ۷۸۹ ۷۹۰
 مظفرشاه: ج ۲ ص ۸۶۶
 مظفرشاه حبشی: ج ۲ ص ۷۳۶
 مظفر شمس الدین یوسف (صاحب بین):
 ج ۲ ص ۵۹۶
 مظفر محمد بن حسن بن احمد مروزی: ج ۱
 ص ۳۱۵
 مظفرالملک (حاجی میرزا محسن خان):
 ج ۲ ص ۲۱۲۱
 مظفر بن الرافع الانصاری: ج ۱ ص ۴۹
 مظفری کشمیری: ج ۲ ص ۹۰۴
 معاذ بن جبل: ج ۱ ص ۲۲ ۲۸
 معاذ بن جوسن الطائی (از خوارج): ج ۱
 ص ۷۳ ۷۷ ۷۹
 معاذ بن مسلم (حاکم خراسان): ج ۱ ص
 ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲
 معاون الدوله (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۹
 معاون الملک (وزیر رسائل): ج ۱ ص ۵۰۲
 ۵۰۴ ۵۲۷ ۵۲۸: ج ۲ ص ۱۲۲۲
 ۱۲۵۳: ج ۳ ص ۱۹۹۱
 معاویه بن ابی سفیان: ج ۱ ص ۲۸ ۴۱
 ۴۲ ۴۹ ۵۲ تا ۸۰ ۸۵ ۱۳۳
 ۱۵۰ ۱۶۲ ۲۱۳ ۲۲۱
 معاوی بن اسحاق بن زید بن حارثه انصاری:
 ج ۱ ص ۱۲۰ ۱۲۲
 معاویه بن حذیف السکونی (والی مصر): ج ۱
 ص ۶۸ ۷۵ ۷۶ ۸۵
 معاویه بن زفر بن عاصم: ج ۱ ص ۱۶۲

معاویه بن عبدالملک: ج ۱ ص ۱۱۶
 معاوی بن قوه بن ایاس المزنی: ج ۱ ص ۱۱۶
 معاوی بن هشام بن عبدالملک: ج ۱ ص ۱۱۲
 تا ۱۱۵ ۱۱۷ ۱۱۸
 معاوی بن یزید بن معاویه: ج ۱ ص ۸۵
 معبد بن خلیل (والی سند): ج ۱ ص
 ۱۲۸ ۱۵۰
 معبد بن عبدالله بن علیم جهنی (اول
 شخص از قدریه): ج ۱ ص ۹۲
 المعتمد بالله (پسر متوکل عباسی): ج ۱
 ص ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۲ تا ۲۱۰
 المعتمد بالله: ج ۲ ص ۲۶۴ ۱۱۱۸
 المعتمد بالله، ابوالعباس احمد بن الموفق
 (خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۲۱۲ تا
 ۲۱۷ ۲۱۹ تا ۲۲۳ ۲۲۶
 المعتمد بن عباد (حکمران اشبیلیه):
 ج ۱ ص ۴۳۲
 المعتمد: ج ۱ ص ۲۰۹ ۲۱۱ تا ۲۱۲
 ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۸
 المعتمد بن عباد (صاحب اشبیلیه):
 ج ۱ ص ۴۳۹
 معتمدالاطباء (میرزا علی داکتر): ج ۲ ص
 ۱۲۵۶
 معتمدالتجار (حاجی آقا حاسم): ج ۳
 ص ۲۱۲۶
 معتمدالحرم = آغاچوهر: ج ۲ ص ۱۲۲۷
 ۱۲۵۷
 معتمدالدوله (حاجی -) فرهاد میرزا
 ابن عباس میرزا (عم ناصرالدین شاه،
 صاحب: جام جم وهدایه السبیل):
 ج ۲ ص ۱۱۷۰ ۱۱۷۷ ۱۲۱۹
 ۱۲۲۲: ج ۲ ص ۱۲۵۸ ۱۲۶۱
 ۱۲۳۹ ۱۲۴۱ ۱۲۴۲ ۱۲۶۱
 ۱۶۲۱ ۱۶۲۷ ۱۶۲۸ ۱۶۲۹
 ۱۶۸۹
 معتمدالدوله، عباسقلی خان جوانشیر: ج ۲
 ص ۱۸۲۲ ۱۸۵۲
 معتمدالدوله، میرزا عبدالوهاب منشی
 الصالح: ج ۳ ص ۱۵۲۲ ۱۵۳۹
 معتمدالدوله فرمانفرما (حاکم فارس):
 ج ۱ ص ۲۶۷: ج ۲ ص ۱۱۸۸
 معتمدالدوله، قرواش: ج ۱ ص ۳۰۳
 معتمدالدوله، منوچهر خان: ج ۲ ص ۱۶۳۰

۱۶۵۸ - ۱۶۳۱

المعتد علی الله بن جعفر الممتوکل: ج ۱
ص ۲۱۹

محمّد الملک: ج ۳ ص ۱۹۲۵ - ۱۹۲۷ - ۱۹۲۰
۱۹۵۲ - ۱۹۵۸ - ۱۹۷۱ - ۱۹۷۷
۲۰۲۲

محمّد الملک (حاکم عراق و ...) : ج ۳
ص ۱۹۲۳ - ۱۹۲۲

محمّد الملک (سرکشکی باشی) : ج ۳ ص
۱۹۲۹

محمّد الملک (وزیر مخصوص) ولد عماد
الدوله: ج ۱ ص ۲۶۴ - ۵۶۰ - ۵۳۰

ج ۲ ص ۱۱۸۹ - ۱۱۹۲: ج ۳ ص ۲۰۰۵
محمّد الملک، یحیی خان (آلودان مخصوص) :

ج ۳ ص ۱۹۰۰

معد بن اسماعیل: ج ۱ ص ۲۹۸

معد بن عدنان: ج ۱ ص ۱۹۶

معروف کرخی (صوفی) : ج ۱ ص ۱۷۵
المتزین بادیس (حکمران افریقہ) : ج ۱
ص ۳۱۷ - ۳۲۰ - ۳۲۸

میرالدوله، ابوالحسن احمد بن بویه: ج ۱
ص ۲۴۶ - ۲۵۰ - ۲۵۸ تا ۲۶۲

۲۶۲ تا ۲۶۹ - ۲۸۷ - ۲۹۷ - ۳۰۶
میرالدوله، سهرام میرزا: ج ۳ ص ۱۶۹۴

میرالدوله (حاکم مازندران) : ج ۲ ص ۱۳۰۲
ج ۳ ص ۱۹۲۶ - ۲۱۲۶

میرالدوله (وزیر عدلیه) : ج ۱ ص ۳۷۰
۵۶۰ - ۵۲۹

میرالدین (امیر) - اصفهانی: ج ۴ ص ۷۹۱
میرالدین کورت: ج ۲ ص ۶۲۷

میرالدین یزدی (میر) : ج ۲ ص ۹۲۰
المیرالدین اللعللی (حاکم مصر) : ج ۱

ص ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۷ - ۲۷۱ تا ۲۷۶
۲۸۶

محموم (میر -) شاهزاد بک جان (ولد
دانیال) : ج ۳ ص ۱۳۷۳

محموم (سید -) علی شاه دکنی (از
عراق) : ج ۳ ص ۱۲۴۵

محموم (میر -) فونسل روسیوک: ج ۱
۵۳۲

محموم (میرزا -) محیط (ولد میرزا
بزرگ قائم مقام) : ج ۳ ص ۱۵۲۶

محموم (حاجی میرزا -) نایب و منشی

اول تبریز: ج ۱ ص ۵۳۵

محموم بیک صفوی: ج ۲ ص ۸۰۳ - ۸۱۰
۸۱۹ - ۸۲۲ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۲۹

۸۵۲

محموم خان: ج ۳ ص ۱۷۹۲

محموم خان (میرزا -) سرتیپ: ج ۱ ص
۵۳۲

محموم (میر -) خان (گریباز حاجی
نرخان) : ج ۲ ص ۱۸۸۸

محموم (حاجی میرزا -) خان (کنار
گزار آذربایجان) : ج ۲ ص ۲۱۰۲

۲۱۰۵

محموم خان (میرزا -) نایب: ج ۱ ص ۵۳۵
محموم (میرزا -) خان (رئیس قنصل

بادکوبه) : ج ۳ ص ۲۱۰۷

محمومه (حضرت -) : ج ۳ ص ۱۵۲۲
۱۶۲۱ - ۲۰۴۸

المعظم، محمد بن سبأ: ج ۱ ص ۳۲۹

معقل بن الاعشی: ج ۱ ص ۳۲

معقل بن قیس ریاضی: ج ۱ ص ۶۲ - ۶۴
۶۹ - ۷۲ تا ۷۴

مصر بن راشد: ج ۱ ص ۱۲۲

معن بن حارثه: ج ۱ ص ۴۰

معن بن زائده شیبانی: ج ۱ ص ۱۲۹
۱۳۰ - ۱۳۹ - ۱۴۲ - ۱۵۸ - ۱۶۲

۱۶۶

معن بن زید سلمی: ج ۱ ص ۷۸

معوفه بن تاج الدین: ج ۲ ص ۷۶۴

معیر الممالک: ج ۲ ص ۱۱۹۲: ج ۳ ص ۱۷۲۹
معیر الممالک (امیر دوست محمد خان) :

ج ۳ ص ۲۱۲۷

معیر الممالک — حسینطی بیک ...

معیر الممالک — حسینطی خان

معیر الممالک نظام الدوله (وزیر مالیه) :
ج ۳ ص ۱۹۲۶

معین (از خواجه) : ج ۱ ص ۷۷

معین الدوله (از ممالک حاکم حص) :
ج ۱ ص ۳۷۵ - ۳۷۷ - ۳۸۲ - ۳۸۳

معین الدوله (نایب الایامه خراسان و
سیستان) : ج ۲ ص ۱۲۰۱: ج ۲ ص

۱۸۴۱ - ۱۸۷۲ - ۱۹۲۹ - ۲۱۲۵

معین الدین انز: ج ۱ ص ۳۸۳

معین الدین پروانه: ج ۱ ص ۴۱۲: ج ۲ ص

۵۸۷ - ۵۹۳ - ۵۹۸

معین الدین بن شوخ: ج ۱ ص ۲۵۱

معین الدین غیاث الدین: ج ۲ ص ۵۸۷

معین الدین کاشی: ج ۲ ص ۷۰۱

معین الدین میرزا: ج ۳ ص ۱۷۲۵ - ۱۷۲۸

۱۷۲۶ - ۱۷۵۲ - ۱۷۹۲

معین الملک (امیر تومان) : ج ۳ ص ۲۱۰۵

معین الملک (حاجی میرزا محسن خان)

سفیر ایران در اسلامبول: ج ۱ ص

۲۸۴: ج ۲ ص ۱۱۸۲ - ۱۲۲۷: ج ۲

ص ۱۸۲۲ - ۱۹۲۹ - ۲۰۲۰ - ۲۰۲۱

۲۰۶۸ - ۲۰۷۱

معروف بن یحیی الحجوری: ج ۱ ص ۱۲۶
۱۵۷

مفرد میرزا (نایب ناظر) : ج ۱ ص ۵۵۷
ج ۳ ص ۲۱۲۲

مفیت فتح الله عمر بن ملک صالح ایوب
(صالح کرک) : ج ۱ ص ۲۲۷ - ۲۵۰

۲۵۲ - ۲۵۵: ج ۲ ص ۵۷۹

مفیره بن سعید: ج ۱ ص ۱۱۹

مفیره بن شمس ثقلی (والی کوفه) : ج ۱
ص ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۶۰ - ۷۲ - ۷۳

۷۶ - ۷۹

مفیره بن مهلب: ج ۱ ص ۹۵

مفیره بن ولید بن معاویه بن هشام اموی:
ج ۱ ص ۱۵۵

مفضل بن مهلب (والی خراسان) : ج ۱
ص ۹۷ - ۱۰۷ - ۱۰۸

مظح: ج ۱ ص ۲۰۵ - ۲۰۷

المقوض، جعفر بن المعتد: ج ۱ ص ۲۱۷
۲۱۹

مقاتل بن سلیمان البلخی (مفسر) : ج ۱
ص ۱۳۲

مقتدای اردبیلی: ج ۳ ص ۱۳۵۵

المقتدر: ج ۱ ص ۲۲۸ - ۲۳۰ تا ۲۳۳
۲۳۶ تا ۲۴۵ - ۲۵۱: ج ۲ ص ۲۶۴

المقتدی بامر الله، ابوالقاسم عبدالله
عباسی: ج ۱ ص ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۸

۲۳۹ - ۲۴۲ - ۲۴۶

المقتفی لامر الله عباسی، محمد بن مستظفر:

ج ۱ ص ۳۷۵ - ۳۷۸ - ۳۸۰ - ۳۸۳

۳۸۶ تا ۳۸۸ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۴۰۹

مقداد بن اسود (مقداد بن عمرو صحابی) :

ج ۱ ص ۵۸

مقداد بن معد یکتوب گندی: ج ۱ ص ۹۸
مقصود بهکابین خلف بهک: ج ۲ ص ۹۶۸
مقصود خان ایلچی ایران: ج ۲ ص ۹۳۸
۹۳۶

مقدم بن مسیب (امیر موصل): ج ۱ ص
۲۸۸، ۲۹۰

مطیع، حاتم (حکیم): ج ۱ ص ۱۲۹ تا
۱۵۱

مطوقس (حاکم اسکندریه): ج ۲ ص ۲۲
۲۶، ۲۷، ۵۰

مقیم خان ساری: ج ۲ ص ۱۱۵۳، ج ۳ ص
۱۳۷۷

مقیم مازندرانی (میرزا -) لشکر نجف
استرآباد: ج ۱ ص ۵۰۶، ج ۳ ص ۱۵۵۳

مکتبی (شاعر): ج ۲ ص ۷۵۲
السنکفی بالله عباسی، ابو محمد علی بن

المعتضد بالله: ج ۱ ص ۲۲۳ تا ۲۲۷
ج ۲ ص ۷۶۴

مکتر بن عیسی (حاکم مکه): ج ۱ ص ۲۰۲
مکحول، ابو عبد الله التامی (فقیه): ج ۱

ص ۱۱۲

مکرم: ج ۱ ص ۲۵۴

مکیل صاحب: ج ۳ ص ۱۶۲۳، ۱۶۵۵
مکیر (کتبان -) نائب اول: ج ۱ ص ۵۳۸

مکی بن ابراهیم البغدادی (از مشایخ بخاری):
ج ۱ ص ۱۸۲

مکی بن ابوطالب (شیخ اندلس): ج ۱
ص ۳۱۸

مکین الدوله: ج ۱ ص ۲۹۷

ملا اکرم (مستوفی هرات): ج ۳ ص ۱۷۵۶
ملا باقی (حاجی -): ج ۱ ص ۵۲۷

ج ۲ ص ۲۰۹۷

ملا باقی (دربار شاه سلطان حسین):
ج ۳ ص ۱۳۵۸، ۱۳۷۱

ملا بنالی (شاعر): ج ۲ ص ۷۵۸
ملاس (سردار اطیش): ج ۳ ص ۱۳۵۹

ملا شاه بدخشانی: ج ۲ ص ۹۶۷
ملا صدرا: ج ۲ ص ۹۵۲

ملا محمد (سلطان مارک): ج ۳ ص ۸۶۷
ملا معین (علامه تونس): ج ۳ ص ۷۲۳

ملید بن خرملة شیبانی: ج ۱ ص ۱۳۷
ملسوف (نائب اول و ایلچی روس): ج ۲

ص ۱۵۹۶

ملک (امیر -): ج ۱ ص ۳۲۶

ملک (سردار پروس): ج ۲ ص ۱۹۱۹
ملک آرا (محمد قلی میرزا، پسر فتحعلی

شاه) حکمران قزوین: ج ۱ ص ۵۵۹
ج ۳ ص ۱۳۰، ج ۳ ص ۱۵۹۲، ۱۶۲۶

۱۸۲۲، ۱۸۹۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۵
۱۹۳۳

ملکآغا (دختر عسراغلان): ج ۲ ص ۶۹۴
ملک ابراهیم بن شیر گوه (صاحب حصص): ج ۱ ص ۴۵۱

ملک احمد پاشا: ج ۲ ص ۹۵۶
ملک اسکندر: ج ۲ ص ۸۹۲

ملک اسکندر (از بزرگان سیستان): ج ۲
ص ۹۰۱

ملک اسکندر بن کیومرث (از ملوک
رستم دار): ج ۲ ص ۷۲۴

ملک اشرف (صاحب حصص): ج ۲ ص ۵۸۱
ملک اشرف، اسمعیل (از آل رسول بن): ج ۲ ص ۷۰۲

ملک اشرف، تاج الدین: ج ۲ ص ۸۹۴
ملک اشرف چوپانی (برادر شیخ حسن): ج ۳ ص ۶۲۳، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۸

ملک اشرف دوم (از آل رسول بن): ج ۲
ص ۷۰۲

ملک اشرف سوم (از آل رسول بن): ج ۲
ص ۷۰۲

ملک اشرف ملاح الدین خلیل: ج ۲ ص ۶۰۲
۶۰۳

ملک اشرف عمر بن یوسف، پسر ملک مظفر
(از آل رسول بن): ج ۲ ص ۶۰۴

۷۰۲
ملک اشرف قانصو (پادشاه مصر و شام): ج ۲ ص ۶۹۲، ۷۲۲

ملک اشرف قایتبای (سلطان مصر و شام):
ج ۲ ص ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۲

ملک اشرف کوچک (برادر ملک منصور): ج ۲
ص ۶۳۲

ملک اشرف مظفر الدین موسی بن ملک عادل
ابوبکر بن ایوب (حکمران دمشق): ج ۱ ص ۲۲۱ تا ۲۲۷، ۲۲۸

۲۲۲ تا ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۵۳
۲۵۴

ملک اشرف، موسی بن ابراهیم بن شیر گوه:

ج ۱ ص ۵۸۱، ۵۸۲

ملک الاشکری: ج ۱ ص ۲۳۷، ۲۴۰

ملک الاطباء (حکیم باغی): ج ۱ ص ۵۲۶
ج ۲ ص ۲۱۱۰، ۲۱۳۰

ملک افضل (از آل رسول بن): ج ۲ ص
۷۰۲

ملک افضل بن جلال الدین ایوبی، نور الدین
علی (صاحب حصص): ج ۱ ص ۲۰۸

۹۱۲ تا ۹۱۶، ۹۱۸ تا ۹۲۲، ۹۲۷
۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰

ملک افضل، ناصر الدین محمد بن ملک
مؤید (پسر ابوالفدا): ج ۲ ص ۶۲۶

۶۳۲
ملک اسعد، محمد الدین بهرام شاه بن فرخ شاه:

ج ۱ ص ۴۱۳، ۴۲۱

ملک اوحد بن ملک عادل، ایوب: ج ۱
ص ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۷

ملک بطراط (پاشا اجوی): ج ۲ ص ۷۹۹
ملک بهادر (سرکرده تفتکجهان کوهک): ج ۲ ص ۲۰۹۲

ملک بهرام (از ارفقه): ج ۲ ص ۶۷۰
ملک بهمن: ج ۲ ص ۸۸۱، ۸۹۴

ملک بیستون رستم داری: ج ۲ ص ۷۱۰
ملک التجار (حاجی محمد کاکم): ج ۲

ص ۱۲۵۱

ملک التجار (آقا هدایت): ج ۳ ص ۲۱۲۶
ملک جاهد (از آل رسول بن): ج ۲ ص

۷۰۲
ملک جلال الدین محمود خان (حاکم

سیستان): ج ۲ ص ۹۰۱، ۹۰۳
ملک جواد، یونس بن مودود بن ملک عادل:

ج ۱ ص ۲۲۶ تا ۲۲۹
ملک جهانگیر بن ملک سلطان محمد: ۲۵

ص ۸۹۴
ملک جهانگیر بن ملک کاوس: ج ۲ ص ۷۹۶

۸۹۴
ملک حافظ، نور الدین ارسلان شاه بن ملک

عادل بن ایوب: ج ۱ ص ۲۲۹
ملک خضر (پسر ملک ظاهر بصری): ج ۲

ص ۵۲۶
ملک راجای فاروقی: ج ۲ ص ۶۲۸

ملک رحیم (از بزرگان سیستان): ج ۲

۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳ تا ۲۲۶
 ۲۲۹ تا ۲۳۱، ۲۳۲ تا ۲۳۶، ۲۳۹
 ۲۴۲: ج ۲ ص ۵۸۱
 ملک کامل، شعبان: ج ۲ ص ۶۲۵، ۶۲۶
 ملک کامل محمد بن ملک مظفر ابن ایوب
 (صاحب میافارقین): ج ۲ ص ۵۸۱
 ملک الکتاب: ج ۲ ص ۱۷۲۲
 ملک کیکاویس (برادر ملک اسکندر بسین
 کوهرت، از ملوک رستمدر): ج ۲
 ص ۷۲۲
 ملک کوهرت رستمدری: ج ۲ ص ۶۹۲،
 ۸۹۲
 ملکل (پادشاه آبی): ج ۱ ص ۲۲۶
 ملک المجاهد، علی بن داود سوسف
 الاسلام: ج ۲ ص ۶۲۰، ۶۲۱
 ملک مجاهد، شمس الدین علی بن ظاهر:
 ج ۲ ص ۲۶۵
 ملک محمود خان دیلمی: ج ۲ ص ۷۶۰
 ملک محمود سیمتانی: ج ۲ ص ۱۰۰۸،
 ۱۰۵۲، ۱۰۵۹
 ملک مسعود (از آل رسول یمن): ج ۲ ص
 ۷۰۵، ۷۰۲
 ملک مسعود (از ارتقیه): ج ۲ ص ۶۷۰
 ملک مسعود بن ملک صالح اورتلی (صاحب
 آمد): ج ۱ ص ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۲
 ملک مسعود بن ملک کامل (پادشاه یمن):
 ج ۱ ص ۲۲۶، ۲۴۰
 ملک مظفر دوم (از آل رسول): ج ۲ ص
 ۷۰۲
 ملک مظفر (از ارتقیه): ج ۲ ص ۶۷۰
 ملک مظفر، تقی الدین عمر بن شاهنشاه
 بن ایوب: ج ۱ ص ۲۱۰
 ملک مظفر، تقی الدین محمود بن ملک
 منصور (صاحب حمه): ج ۱ ص ۲۳۲
 ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳
 ۲۴۴: ج ۲ ص ۵۷۹، ۵۹۹
 ملک مظفر، حسام الدین هذیانی: ج ۱
 ص ۲۳۶
 ملک مظفر، شمس الدین یوسف بن ملک
 منصور (از آل رسول یمن): ج ۲ ص
 ۶۰۲، ۷۰۲
 ملک مظفر، شهاب الدین قلزی ابن ملک
 عادل: ج ۱ ص ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۶

۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۹: ج ۲ ص ۶۲۱
 ملک مظفر (برادر ملک ناصر الفرج ارسلان
 صاحب حمه): ج ۱ ص ۲۲۲ تا
 ۲۲۴، ۲۴۵، ۲۴۶
 ملک مظفر، یوسف بن غیر (حاکم یمن):
 ج ۱ ص ۷۵۶
 ملک مزر، ابوبکر ترکمانی: ج ۱ ص ۴۵۸
 ملک مزالدین حسین کرک: ج ۲ ص ۶۲۶
 ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۷، ۶۵۵
 ملک معظم نوران شاه بن سلطان صلاح -
 الدین (حاکم حلب): ج ۱ ص ۴۵۲،
 ۵۸۰
 ملک معظم نوران شاه (پسر ملک صالح نجم
 الدین ایوب بن ملک کامل پادشاه
 مصر): ج ۱ ص ۲۵۲، ۲۵۵: ج ۲
 ص ۵۷۹، ۵۸۰
 ملک معظم، عیسی بن ملک عادل: ج ۱
 ص ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۲ تا ۲۳۸، ۲۳۶
 ملک منبث ابوبی (صاحب کرک): ج ۲ ص
 ۵۷۹، ۵۸۲
 ملک منبث، فتح الدین: ج ۱ ص ۴۵۲
 ملک مفضل، ابوالبرکات بن الولید الحمیری
 (مالک تغل): ج ۱ ص ۲۲۹
 ملک مکرم - احمد بن علی صلیحی
 ملک منصور: ج ۲ ص ۷۶۵
 ملک منصور، ابراهیم بن ملک مجاهد شیر
 کوه: ج ۱ ص ۲۲۸ تا ۲۵۰، ۲۵۲
 ملک منصور، ابوبکر بن ملک ناصر محمد
 (سلطان مصر): ج ۲ ص ۶۳۱، ۶۳۲
 ملک منصور، اند الدین شیر کوه: ج ۱ ص
 ۳۹۶
 ملک منصور، ایوب: ج ۲ ص ۶۲۰
 ملک منصور (پسر برادر صلاح الدین ایوبی):
 ج ۱ ص ۲۱۴
 ملک منصور بیک برناک: ج ۲ ص ۷۲۸
 ملک منصور (پسر تقی الدین): ج ۱ ص ۴۱۱
 ملک منصور، خلیل: ج ۱ ص ۷۵۵
 ملک منصور دوم (از آل رسول یمن): ج ۲
 ص ۷۰۲
 ملک منصور دوم (از ارتقیه): ج ۲ ص
 ۶۷۰
 ملک منصور (سلطان مصر): ج ۲ ص ۶۵۱
 ملک منصور (صاحب حمه): ج ۱ ص ۲۵۶

۲۴۲: ج ۲ ص ۵۷۹ تا ۵۸۵، ۵۸۶
 ۵۹۱، ۵۹۶
 ملک منصور، عمر بن طلی (حکمران یمن):
 ج ۱ ص ۲۵۶
 ملک منصور، غلاون جالوی: ج ۲ ص ۵۹۵
 ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱
 ملک منصور، محمد (سلطان مصر): ج ۲
 ص ۶۲۳
 ملک منصور، محمد بن ملک مظفر (صاحب
 حمه): ج ۱ ص ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴
 ۲۲۴، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۸
 ج ۲ ص ۵۷۹ تا ۵۸۱
 ملک منصور، محمد بن ملک عزیز (صاحب
 حمه): ج ۱ ص ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۲۳
 ملک منصور بن ملک مفضل: ج ۱ ص ۳۲۹
 ملک منصور میرزا (پسر مظفر الدین شاه):
 ج ۲ ص ۱۲۱۸: ج ۲ ص ۱۸۹۲
 ۲۰۶۲
 ملک منصور میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۲
 ص ۱۶۲۲
 ملک منصور، ناصر الدین احمد بن ملک
 مظفر محمود ابوبی: ج ۲ ص ۵۹۹
 ملک منصور، ناصر الدین محمد بن ملک
 مظفر تقی الدین: ج ۱ ص ۲۱۰
 ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۲
 ملک منصور، نورالدین ابوالفتح عمر (معروف
 به رسول): ج ۲ ص ۷۰۲
 ملک منصور، نورالدین: ج ۱ ص ۴۶۱
 ملک منصور، نورالدین علی بن المعز
 ابوبکر (سلطان مصر): ج ۲ ص ۵۸۰
 ۵۸۱
 ملک مودود (از ارتقیه): ج ۲ ص ۶۷۰
 ملک مؤید: ج ۲ ص ۷۶۲
 ملک مؤید (از آل رسول یمن): ج ۲ ص
 ۷۰۲
 ملک المؤید - ابراهیم بن مسعود غزنوی
 ملک مؤید، ابوالفدا: ج ۲ ص ۶۰۲
 ملک المؤید، اسمعیل بن ملک الفضل: ج
 ۲ ص ۶۲۶
 ملک مؤید، حسین رسولی (صاحب یمن):
 ج ۲ ص ۷۰۲
 ملک مؤید، داود (پسر ملک مظفر شمس
 الدین): ج ۲ ص ۶۰۲

ملک مزید، عامر بن طاهر موسوی (حاکم
 یمن): ج ۲ ص ۷۰۵
 ملک المیزید، نجم الدین مسعود بن سلطان
 صلاح الدین: ج ۱ ص ۲۲۶
 ملک مویزد، وزیر الدین داود (مصلوب
 یمن): ج ۲ ص ۶۲۰
 ملک ناصر (از آل رسول): ج ۲ ص ۶۷۸
 ۷۰۴
 ملک ناصر (حکمران یار دین): ج ۲ ص
 ۶۲۸
 ملک ناصر حسن (سلطان مصر): ج ۲ ص
 ۶۲۳
 ملک ناصر، داود بن ملک الحظم عیسی
 (صاحب کرک): ج ۱ ص ۲۳۸، ۲۴۰
 ۲۲۷ تا ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱
 ۲۶۲
 ملک ناصر، صلاح الدین قلیج ارسلان
 (صاحب حماه): ج ۱ ص ۲۳۲
 تا ۲۳۶، ۲۴۰
 ملک ناصر، فرخ (پسر ملک طاهر بوقوق):
 ج ۲ ص ۶۶۹، ۶۶۵
 ملک ناصر محمد (سلطان مصر): ج ۲ ص
 ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۸
 ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳
 ملک ناصر، محمد بن ملک منصور قلاوون:
 ج ۲ ص ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۲۲
 ملک ناصر، یوسف بن ملک عزیز محمد
 (حکمران حلب و شام): ج ۱ ص ۲۳۵
 ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۵ تا
 ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ج ۲ ص
 ۵۷۹ تا ۵۸۸
 ملک نظام الدین سیستانی: ج ۲ ص ۷۲۷
 ملک نیاز خان: ج ۲ ص ۱۷۷۲
 ملک هلال (از بزرگان سیستان): ج ۲ ص
 ۹۰۱
 ملک یوسف (از آل رسول یمن): ج ۲ ص
 ۷۰۴
 ملکم (میرزا -) خان، وزیر مختار (ناظم
 الدوله ناظم الملک): ج ۱ ص ۵۳۲
 ج ۲ ص ۱۹۳۳، ۱۹۳۵، ۱۹۷۹
 ۲۰۳۹
 ملکن اوغلی ذوالقدر: ج ۲ ص ۸۳۸، ج ۲
 ص ۱۲۶۸

ملکه یارم: ج ۳ ص ۱۸۱۹
 ملکه خوانین (خواهر کیخسرو بن کیخسار):
 ج ۱ ص ۲۲۲، ۲۲۷
 ملکه رانوالد دوم (شاه ماداگاسکار): ج ۲
 ص ۲۱۵۱
 ملو اقبال خان: ج ۲ ص ۶۶۲، ۶۶۳
 ۶۶۹
 ملو خان مالوی: ج ۲ ص ۷۹۱
 ملوک: ج ۲ ص ۱۷۷۵
 ملیح ارمی: ج ۱ ص ۲۴۰
 ملور: ج ۲ ص ۹۶۶
 ملیکه (دختر داود لیلی و زوجة حضرت
 رسول (ص)): ج ۱ ص ۷۸
 مشرانا: ج ۲ ص ۱۰۳۳
 مش خان زعفرانی (حاکم چناران): ج ۲
 ص ۱۲۳۲، ۱۲۵۰
 مش خان کرد: ج ۲ ص ۱۶۱۰
 مهد الدوله: ج ۱ ص ۲۸۵
 مهر بر (مطم موسیقی فرانسوی): ج ۲
 ص ۱۸۶۳
 منال دشی: ج ۲ ص ۹۶۲
 منتکرو: ج ۲ ص ۱۰۱۸، ۱۱۵۵
 منتشا سلطان الشاطی: ج ۲ ص ۷۸۶
 ۷۹۳، ۸۰۲
 منتصر، ابوجعفر محمد بن جعفر المبتول
 (پادشاهین خلیفه عباسی): ج ۱ ص
 ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲
 ۲۰۶
 منتصر بن ابوالقاسم (حاکم سلیمانیه): ج ۱
 ص ۱۸۰
 منتظن (هیراه ناپلین در جزیره سست
 ظن): ج ۲ ص ۱۵۳۳
 منتکرو: ج ۱ ص ۲۸۸، ۲۸۷
 منجاب بن راشد (عالم فارس): ج ۱ ص
 ۵۵
 منجلی گرای (حاکم قزم): ج ۲ ص ۷۲۵
 منجور (والی حصن): ج ۱ ص ۲۰۸
 منچرنگ (پرنس -): ج ۲ ص ۱۷۶۲
 ۱۷۷۷، ۱۹۲۱
 منک: ج ۲ ص ۱۸۱۷
 منفر بن ساری: ج ۱ ص ۲۶
 منفر بن محمد بن عبدالرحمان اسوی:
 ج ۱ ص ۲۰۹، ۲۱۵ تا ۲۱۷

من سیدو کتول: ج ۲ ص ۲۰۲۱
 منسی (زنوال -): ج ۲ ص ۱۲۷۳
 منشی حضور: ج ۳ ص ۱۹۲۰
 منشی المالک: ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۲ ص
 ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۲۰۹۹
 منشی المالک - خانم (میرزا -) هلال
 خور
 منشی المالک - رضا علی نوبلی
 منشی المالک (میرزا نصرالله): ج ۲ ص
 ۱۲۵۳
 المنصور (پادشاه اسپانیول): ج ۱ ص ۲۸۲
 منصور آقا (وکیل شهیندر ارومیه): ج ۱
 ص ۵۳۶، ج ۲ ص ۲۱۰۷
 منصور، ابوعلی الحاکم بامر الله (خلیفه)
 طاطی مصر: ج ۱ ص ۲۷۲، ۲۸۸
 المنصور بالله: ج ۲ ص ۷۶۲
 منصور بالله علوی: ج ۱ ص ۲۶۱، ۲۶۲
 ۲۶۲، ۲۷۲
 منصور بن بدر: ج ۱ ص ۳۵۸
 منصور بیک: ج ۲ ص ۷۵۱
 منصور بن جمونه عامری: ج ۱ ص ۱۳۸
 منصور بن جمهور (والی عراق): ج ۱ ص
 ۱۲۵، ۱۳۲
 منصور خان (میرزا -): ج ۳ ص ۲۱۰۱
 منصور (میرزا -) خان (حاکم کوهگیلویه):
 ج ۲ ص ۱۶۲۹
 منصورخان (صاحب آتسو): ج ۲ ص ۸۰۲
 منصور خان (میرزا -) طباطبائی: ج ۲
 ص ۱۷۰۶
 منصورخان عزب: ج ۲ ص ۹۳۲
 منصور خان فراهانی: ج ۲ ص ۱۶۲۹
 ۱۶۵۹
 منصور، خلیفه عباسی (عبدالله، ابو -
 جعفر): ج ۱ ص ۸۲، ۱۰۲، ۱۳۰
 ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵ تا ۱۴۹، ۱۵۳
 ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۶
 منصور الدین میرزا (پسر ناصر الدینشاه):
 ج ۲ ص ۲۰۴۱
 منصور میرزا (ملک -) پسر قلیشاه:
 ج ۲ ص ۱۵۰۳
 منصور بن طیم: ج ۲ ص ۵۹۲
 منصور بن مدقه: ج ۱ ص ۳۶۵
 منصور طوسی: ج ۲ ص ۷۰۲

منصور مبداء العزیز (سلطان مصر): ج ۲ ص ۶۶۹
منصور بن ناصر السیسی، ابو عتاب کوفی: ج ۱ ص ۱۲۰
منصور بن مهدی: ج ۱ ص ۱۷۲-۱۷۵
۱۹۲
منصور بن ناصر (ملک دیار بکر): ج ۱ ص ۱۸۱-۱۸۸-۲۳۰
منصور بن ناصر: ج ۱ ص ۱۸۰
منصور بن روح بن ناصر سامانی (شاه طبرستان و خراسان): ج ۱ ص ۲۶۶-۲۷۳-۲۷۷-۲۸۸ تا ۲۹۰
منصور بن یزید حمیری (حاکم یمن، خراسان): ج ۱ ص ۱۵۲-۱۵۳
۱۵۲-۱۵۲
منصور بن یوسف بن بلکن (امیر افریقه): ج ۱ ص ۲۸۲-۲۸۸
منظور (امیر -) ابن عمار و الحسینی (امیر مدینه): ج ۱ ص ۳۵۵
منعم خان: ج ۲ ص ۸۶۱
منگبار دیوان (از جلایر زیارتی و جیان): ج ۲ ص ۱۲۲۲
منگی: ج ۱ ص ۲۲۹-۲۳۰
منگو تیمور بن علاکوفان: ج ۲ ص ۵۹۴
۵۹۶-۵۹۷
منگو تا آن بن تولی خان بن چنگیز خان: ج ۲ ص ۱۲۳۱ تا ۱۲۳۲-۱۲۳۲
۱۲۶۲-۱۲۶۵
منگل فیه (مختصر بالین): ج ۳ ص ۱۳۹۵
منگی (فرزند آری خان مغول): ج ۲ ص ۱۳۳۷
منگو تیمور (پسر برکه خان صاحب دشت قباچ): ج ۲ ص ۵۸۶
منگو تیمور بن طغان (پادشاه تاتار شمالی): ج ۲ ص ۵۸۸-۵۹۲
منگو طغان: ج ۱ ص ۲۵۶-۲۵۷-۲۶۱
ج ۲ ص ۵۸۲-۵۸۲
منوچهر: ج ۲ ص ۷۶۲
منوچهر خان: ج ۲ ص ۱۵۸۰
منوچهر خان (بگور بگی مشهد): ج ۲ ص ۹۳۲
منوچهر خان (ابن فرجیانی): ج ۳ ص ۹۶۹
منوچهر خان (حاکم اسخرآباد): ج ۳ ص

۹۵۹
منوچهر (حاجی -) خان (حاکم شیراز): ج ۲ ص ۹۶۶
منوچهر خان گرجی: ج ۲ ص ۱۵۶۲-۱۵۶۲
۱۵۷۲
منوچهر خان محمد الدوله: ج ۳ ص ۱۶۲۹
۱۶۲۳-۱۶۲۳-۱۶۲۳-۱۶۲۳
۱۶۲۹-۱۶۲۹-۱۶۶۱-۱۶۶۸
۱۶۷۱-۱۶۷۶
منوچهر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار: ج ۱ ص ۲۰۷
منوچهر میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۳ ص ۱۶۱۷-۱۶۲۶
منوچهر میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۳ ص ۱۲۸۷-۱۶۲۳-۱۶۲۳
منوچول (امانول) پسر امیراطور قسطنطنیه: ج ۲ ص ۶۶۰
منوچول (سردار هرقل): ج ۱ ص ۲۱
منیر خانم: ج ۱ ص ۲۸۵
منیر السلطنه (پسر ناصر الدین شاه): ج ۳ ص ۲۰۳۷
منیر القندی: ج ۲ ص ۱۱۲۷-۱۱۲۵
۱۱۶۲-۱۱۶۲
منیه بن خسیب: ج ۱ ص ۲۸۲
موتمن الملک، میرزا سعید خان (وزیر دول خارج): ج ۱ ص ۵۰۲-۵۲۱
ج ۲ ص ۱۲۲۲-۱۲۵۲
۱۵۵۹-۱۵۵۹-۱۵۸۱۰-۱۹۱۰-۱۹۱۳
۲۰۰۹-۲۱۰۲
مودود (صاحب موصل): ج ۱ ص ۳۶۰
۳۶۱
مودود خان فیروزکوهی: ج ۲ ص ۱۶۲۲
مودود بن سنجر شاه: ج ۱ ص ۳۲۶
مودود بن السلطنتکین (سرکرده): ج ۱ ص ۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱
مودود بن سمود غزنوی: ج ۱ ص ۳۱۲
۳۱۶-۳۲۰-۳۲۱
مورات (پادشاه نابل): ج ۳ ص ۱۵۳۲
مورات (سردار فرانسه): ج ۲ ص ۱۲۶۰
۱۲۷۲-۱۲۸۲-۱۲۹۱-۱۲۹۲
۱۵۰۷-۱۵۲۲
مور او گرجی: ج ۲ ص ۹۲۰-۹۲۵
مورایند: ج ۲ ص ۱۷۲۹

موریل: ج ۳ ص ۱۷۲۹
موریه (مصر -): ج ۳ ص ۱۵۲۳
موسی (میرزا -): ج ۳ ص ۱۷۲۷
موسی (شاه -) از علما طهران: ج ۱ ص ۵۲۵-۵۲۵
۱۵۵۷-۲۰۹۵
موسی بن ابراهیم بن شیرکوه (ملک اشرف طایفه هلاکوفان در حصص): ج ۳ ص ۵۸۰
موسی بن اسحاق (طایفه): ج ۱ ص ۲۳۰
موسی (حاجی -) اصطفاانی (تاجر): ج ۳ ص ۲۱۲۵
موسی بن امین بن رشید (ناطق الحق): ج ۱ ص ۱۷۱
موسی (ایلچی فرانسه): ج ۲ ص ۱۰۲۹
موسی (پسر ایلدرم بایزید خان): ج ۲ ص ۶۶۷-۶۷۵
موسی بن بک کبیر: ج ۱ ص ۱۲۰۰-۱۲۰۲
۲۰۵ تا ۲۰۷
موسی بیگ افشار: ج ۲ ص ۱۱۲۲
موسی بیگ (قونول انطاکیه): ج ۱ ص ۵۳۲
ج ۲ ص ۲۱۰۶
موسی پاشا: ج ۲ ص ۷۹۹
موسی (میرزا -) تفرشی: ج ۲ ص ۱۶۹۲
موسی بن جعفر الکظم (امام هکتم): ج ۱ ص ۱۹۰-۲۹۱-۲۹۰
موسی بن خطی: ج ۱ ص ۱۸۱
موسی (حکمران صفایان): ج ۱ ص ۳۳۰
موسی خان (حاجی میرزا -): ج ۲ ص ۱۷۶۸
موسی خان: ج ۲ ص ۱۱۶۵
موسی خان (قاتل خواجه غیاث الدین وزیر): ج ۲ ص ۶۲۸
موسی خان جهان بیگلر (سرکرده): ج ۱ ص ۵۲۰
ج ۲ ص ۱۲۲۵
۲۰۹۰
موسی خان (برادر حسین خان): ج ۲ ص ۱۰۰۸
موسی (میرزا -) خان (سرکرده): ج ۱ ص ۵۳۹
موسی (میرزا -) خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۵۰
ج ۲ ص ۱۹۵۲
موسی خان سرهنگ (نوه مستشار الدوله): ج ۱ ص ۵۰۸
ج ۲ ص ۱۲۲۸

ص ۲۰۷۲.

موسی خان (سرهنگ لوح سوادکوهی): ج ۲ ص ۱۹۸۲.

موسی خان (برادر زاده فتحعلشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۶.

موسی خان (برادر زاده آقا محمد خان قاجار): ج ۲ ص ۱۳۸۰-۱۳۹۴.

موسی (حاجی میرزا -) خان (برادر قاسم نظام): ج ۲ ص ۱۵۵۶-۱۶۱۲. ۱۶۲۶-۱۶۷۸.

موسی خان قبه (پوزباشی): ج ۳ ص ۲۱۱۷.

موسی خان قوئلو: ج ۳ ص ۱۶۲۶.

موسی (میرزا -) خان (کارپرداز وان): ج ۲ ص ۲۱۰۶.

موسی (میرزا -) خان گیلانی: ج ۲ ص ۱۲۵۵.

موسی (میرزا -) خان ملایری: ج ۲ ص ۱۲۶۹.

موسی (میرزا -) خان منشی: ج ۲ ص ۲۱۰۲.

موسی (میرزا -) خان ناظم الاطباء: ج ۲ ص ۲۱۴۱.

موسی خان (نایب ایشیک آتاسی باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶.

موسی خان (نایب تخت خانه): ج ۱ ص ۵۵۲. ج ۲ ص ۲۱۱۲.

موسی خان (نایب الحکومه جوبن): ج ۲ ص ۲۰۳۷.

موسی (میرزا -) سرهنگ (رئیس تلگرافخانه خرم آباد): ج ۲ ص ۲۱۲۵.

موسی بن سلجوق: ج ۱ ص ۲۱۲.

موسی (شیخ -) شفیع: ج ۲ ص ۱۵۵۷.

موسی بن عبدالله بن خازم: ج ۱ ص ۹۶.

موسی بن عتبه (عقبه ازموالی الزهیر): ج ۱ ص ۱۲۵.

موسی بن علی (پسر ملک صالح): ج ۲ ص ۶۰۱.

موسی بن عیسی (حاکم مصر): ج ۱ ص ۱۶۰.

موسی بن عیسی بن موسی: ج ۱ ص ۱۶۵.

۱۸۱.

موسی بن کعب (وکی جزیره و موصل): ج ۱ ص ۱۳۲-۱۳۹-۱۳۷-۱۳۹.

موسی (میرزا -) مشرف (ازاریاب مناصب): ج ۳ ص ۲۱۱۹.

موسی (میرزا -) مشرف (سواره افشار): ج ۲ ص ۲۱۱۲.

موسی (میرزا -) منجم باشی گیلانی: ج ۲ ص ۱۳۲۳-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۶.

موسی (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۲۵.

موسی (میرزا -) منشی مظفر الدین میرزا ولیمهد: ج ۱ ص ۵۵۶. ج ۲ ص ۱۲۹۲.

موسی بن موسی (عامل شهر نطيله): ج ۱ ص ۱۸۹.

موسی (میرزا -) ناظم الاطباء (اصفهان): ج ۱ ص ۵۲۶. ج ۲ ص ۱۲۷۹.

موسی (میرزا -) نایب: ج ۲ ص ۱۹۱۷.

موسی (میرزا -) نایب رشتی: ج ۲ ص ۱۵۹۷-۱۶۱۲-۱۶۱۲-۱۶۱۶.

موسی (میرزا -) نایب گیلانی: ج ۲ ص ۱۶۰۷.

موسی (شیخ -) نجفی (از علماء): ج ۲ ص ۱۵۵۰-۱۵۵۶.

موسی بن نصر: ج ۱ ص ۹۲-۹۹ تا ۱۰۲.

موسی بن ابراهیم الحسینی (عدی بن ارماء): ج ۱ ص ۱۰۶.

موسی (میرزا -) وزیر دارالخلافه: ج ۲ ص ۱۷۸۶-۱۸۷۲.

موسی (میرزا -) وزیر شجاع السلطنه: ج ۲ ص ۱۵۳۷.

موسی (میرزا -) وزیر لشکر: ج ۱ ص ۲۶۵.

ج ۲ ص ۱۱۸۵-۱۲۲۴. ج ۲ ص ۱۶۵۲-۱۶۵۸-۱۹۹۵-۲۰۰۶.

۲۰۶۸-۲۰۹۸.

موسی بن هادی: ج ۱ ص ۱۵۲ تا ۱۵۷.

موسی بن یوسف (صاحب یمن): ج ۱ ص ۲۵۸-۲۵۹.

موصوف (خادم، قاضی): ج ۱ ص ۲۹۶.

الموفق: ج ۱ ص ۲۵۸.

الموفق، ابوالحسن طحطحه بن متوکل: ج ۱ ص ۲۰۲-۲۰۷-۲۰۹-۲۱۱ تا ۲۱۷.

۲۱۹.

موفق الدین، ابوالقاسمیش موسی (ابن الصایغ): ج ۱ ص ۲۵۲.

موفق الدین کوشی: ج ۲ ص ۵۹۷.

موفق کهنک: ج ۲ ص ۱۳۲۲.

مولانا نورا: ج ۲ ص ۹۱۱.

موسی (شاعر اصفهانی): ج ۲ ص ۱۱۲۷.

مولا میردی خان: ج ۲ ص ۱۲۸۸.

مولود سلطان خادم (دفتر فتحعلشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۶.

مولوی ملا باشی: ج ۲ ص ۱۲۹۲. ج ۳ ص ۲۱۴۱.

مولوی (صاحب مثنوی): ج ۱ ص ۲۲۲.

مومارز (میسر -) رئیس جمهور: ج ۱ ص ۵۶۲.

مومین (میرزا -): ج ۱ ص ۵۲۶.

مومین (ملا -) حسین یزدی: ج ۲ ص ۹۱۲.

مونس خادم (المظفر): ج ۱ ص ۲۲۸.

۲۲۲ تا ۲۲۵-۲۲۷-۲۲۹-۲۴۰.

۲۴۲ تا ۲۴۷-۲۴۸.

مؤید اموی: ج ۱ ص ۲۹۵.

المؤید امیه: ج ۱ ص ۳۹۱-۳۹۲.

المؤید (پسر متوکل): ج ۱ ص ۱۹۸.

۱۹۹-۲۰۳.

مؤید بن سلم بن قریش (امیر بنی عقیل): ج ۱ ص ۲۵۵.

مؤید الدوله بویه بن رکن الدوله: ج ۱ ص ۲۷۲-۲۷۶-۲۸۱-۲۸۸.

مؤید الدوله (حکمران ولایات حصه): ج ۲ ص ۱۳۰۱. ج ۳ ص ۲۱۲۶-۲۱۳۰.

مؤید الدوله - ابوالفتح میرزا

مؤید الدوله: ج ۲ ص ۱۲۲۰. ج ۳ ص ۱۷۱۳-۱۷۱۷-۱۷۲۱-۱۷۲۶-۱۷۲۸-۱۷۵۵.

۱۷۵۷-۱۷۵۸-۱۷۶۸-۱۷۷۲-۱۷۸۳-۱۷۸۶-۱۷۹۲-۱۸۲۲-۱۸۲۹-۱۸۴۰-۱۹۰۲-۱۹۰۵-۱۹۲۲-۱۹۲۳-۱۹۵۲-۱۹۷۶-۲۰۲۲-۲۰۲۶.

مؤید الدوله (پسر حمام السلطنه): ج ۲ ص ۱۲۰۱.

مؤید الدوله (حکمران کرمان): ج ۳ ص ۱۷۱۸.

۱۲۰۱.

مؤید الدوله (طیلسب میرزا): ج ۲ ص ۲۱۷ تا ۲۲۱.

۱۶۹۴، ۱۷۰۶. مؤیدالدوله (کارگذار خراسان): ج ۲ ص ۱۸۶۷.
 مؤیدالدین ابن علی (وزیر المستصم عباسی): ج ۱ ص ۲۶۲.
 مؤیدالدین حسین طبرانی (صاحب قصیده لامیه المهم): ج ۱ ص ۲۶۶.
 مؤیدالدین قلانی: ج ۲ ص ۵۹۱.
 مؤیدالدین، محمد بن علی (وزیر خلیفه الناصر) = ابن خطاب: ج ۱ ص ۴۱۲.
 ۴۱۵.
 مؤیدالملك: ج ۲ ص ۱۲۹۷؛ ج ۳ ص ۲۱۴.
 مؤیدالملك — ابوالحسن....
 مؤیدالملك (میرزا احمدخان): ج ۲ ص ۱۲۵۵.
 مؤیدالملك، عبدالله بن نظام الملك: ج ۱ ص ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۵۲، ۲۵۴.
 مؤیدالملك میرزا: ج ۱ ص ۵۲۹.
 السیاده، محمد: ج ۱ ص ۲۲۰.
 مهارس: ج ۱ ص ۲۲۵، ۲۲۶.
 مهیوبان (بزرگ خانان): ج ۱ ص ۳۵۱.
 السیدیه بالله، محمد بن واثق (چهاردهمین خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۲۰۵، ۲۰۶.
 مهتر دولتمدار: ج ۲ ص ۸۰۲.
 مهتر طمان دینلی (رکابدارباشی): ج ۲ ص ۸۹۶.
 مهتر شاه قلی: ج ۲ ص ۸۶۹.
 مهد علیا (والده خاقان): ج ۳ ص ۱۲۴۷.
 ۱۲۳۸، ۱۲۳۷، ۱۲۲۷.
 مهدعلیا: ج ۲ ص ۱۶۹۰، ۱۶۹۲، ۱۸۹۲.
 ۱۹۲۷.
 مهدوی، اصغر — اصغر مهدوی،
 المهدی: ج ۱ ص ۲۵۸.
 مهدی (ع): ج ۱ ص ۲۱۸.
 مهدی (آقا) — (ع): ج ۲ ص ۱۱۷۵، ۱۲۶۸.
 مهدی (میرزا) — (ع): ج ۱ ص ۵۲۲؛ ج ۲ ص ۱۸۱۲، ۱۲۷۱.
 مهدی (شاعر اندلس): ج ۱ ص ۳۳۹.
 مهدی ارباب (حاجی میرزا) — (ع): ج ۲ ص ۲۱۲۶.
 مهدی (میرزا) — از ارباب قدم و لشکر نوبختان: ج ۲ ص ۲۰۶۸.
 مهدی اصفهانی (میرزا) — مامور ایران

به سند: ج ۳ ص ۱۲۹۲.
 مهدی امیرالمومنین — حسین فریوطی: ج ۱ ص ۲۲۲.
 مهدی بالارخانلی (آقا) — سرگوده: ج ۲ ص ۱۲۶۹.
 مهدی بهادرخان: ج ۲ ص ۷۵۲.
 مهدی بیگ خراسانی: ج ۲ ص ۱۱۱۷.
 مهدی بیگ (شاعر شقایق): ج ۳ ص ۱۲۵۵.
 مهدی بیگ قاجار دولو: ج ۲ ص ۱۳۵۹.
 مهدی (آقا سید) — ناصر اصفهانی: ج ۲ ص ۲۱۲۸.
 مهدی (حاجی) — ناصر اصفهانی: ج ۲ ص ۲۱۲۸.
 مهدی (میرزا) — تهریلخار (از اجزای پستخانه): ج ۲ ص ۲۱۲۱.
 مهدی خان: ج ۱ ص ۵۲۵؛ ج ۳ ص ۱۵۲۴.
 مهدی خان: ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 مهدی خان (میرزا) — (ع): ج ۲ ص ۱۲۰۰.
 ج ۳ ص ۲۰۲۲.
 مهدی خان افشار (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸؛ ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 مهدی خان افشار (نایب آجودان): ج ۱ ص ۵۰۹؛ ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 مهدی خان تنگبینی: ج ۲ ص ۱۶۰۲.
 مهدی خان (حاجی) — رئیس: ج ۱ ص ۵۲۹.
 مهدی (میرزا) — خان (رئیس): ج ۱ ص ۵۲۸.
 مهدی خان سرتیپ: ج ۲ ص ۱۲۴۱.
 مهدی خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۴؛ ج ۲ ص ۱۲۲۸، ۱۹۹۲، ۲۰۸۲.
 مهدی خان (سرهنگ سابق فوج ترشیزی): ج ۱ ص ۵۰۸.
 مهدی (میرزا) — خان سرهنگ (کارگذار آذربایجان): ج ۳ ص ۲۱۰۴.
 مهدی (میرزا) — خان سرهنگ (نایب): ج ۱ ص ۵۰۱، ۵۲۵.
 مهدی خان سواد کوهی: ج ۲ ص ۱۳۹۲.
 ۱۳۹۶.
 مهدی خان صاحب جمع: ج ۲ ص ۱۷۳۸.
 مهدی خان (میرزا) — صدر الصالح (وزیر

شاه عباس): ج ۲ ص ۹۶۶.
 مهدی خان قاجار (سرتیپ سیم): ج ۱ ص ۵۰۸؛ ج ۲ ص ۱۰۲۲، ۱۲۱۷.
 ۱۲۲۸؛ ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 مهدی خان قاجار دولو: ج ۳ ص ۱۳۷۲.
 مهدی خان قاجار فرانسوی: ج ۱ ص ۵۵۷.
 مهدی خان (میرزا) — کارگذار مازندران: ج ۱ ص ۵۳۶؛ ج ۲ ص ۲۱۰۵.
 مهدی (میرزا) — خان (مترجم و معمار مخصوص): ج ۱ ص ۵۳۲.
 مهدی (حاجی میرزا) — خان (مترجم ترکی): ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 مهدی خان (پسر محمد خان سوادکوهی): ج ۲ ص ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۶.
 مهدی خان ابن محمد قلی آقا قاجار: ج ۲ ص ۱۲۶۲.
 مهدی خان (پسر ملک السعرا): ج ۲ ص ۱۲۲۸.
 مهدی خان (میرزا) — منشی: ج ۲ ص ۱۱۵۱.
 مهدی (میرزا) — خان (منشی اول سفارت روس در طهران): ج ۳ ص ۲۱۰۸.
 مهدی خان (نایب اول جماعت رزمین کمر): ج ۱ ص ۵۲۱؛ ج ۳ ص ۲۰۹۰.
 مهدی (میرزا) — خان (نایب اول وزارت خارجه): ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 مهدی (میرزا) — خان (نایب اینتلیک آقا قلی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶.
 مهدی خان (نایب فرانخانه): ج ۳ ص ۲۱۱۷.
 مهدی خان (میرزا) — وزارت خارجه: ج ۱ ص ۵۴۱.
 مهدی (میرزا) — خان بایر: ج ۲ ص ۱۲۳۲؛ ج ۳ ص ۲۰۷۹.
 مهدی خان (بایر اول): ج ۲ ص ۱۲۴۱؛ ج ۳ ص ۲۰۸۵.
 مهدی (میرزا) — خان (بایر دوم): ج ۲ ص ۲۰۷۷.
 مهدی (میرزا) — خان (بایر سیم): ج ۲ ص ۱۲۳۲.
 مهدی (آقا) — ساعت ساز: ج ۱ ص ۵۵۱؛ ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 مهدی (میرزا) — سر رشته دار: ج ۳ ص

۲۱۳۹ - ۲۱۳۲

مهدی سلطان: ج ۲ ص ۷۵۵

مهدی شهرتانی (میرزا -) فاضل: ج ۲ ص ۱۲۶۲

مهدی (آقا -) صاحب منصب: ج ۱ ص ۵۳۳

مهدی (آقا شیخ -) عبدالرب آبسادی (مترجم): ج ۲ ص ۲۱۳۹

مهدی علوی فاطمی (عبدالله): ج ۱ ص ۲۳۲ تا ۲۳۶، ۲۳۹ تا ۲۴۸، ۲۴۱

مهدیعلی خان (بهادر جنگ): ج ۲ ص ۱۲۵۶

مهدی بن علی بن مهدی عمیری (مالک یمن): ج ۱ ص ۳۹۰

مهدی (میرزا -) کجوری (لشکر نویس): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) گیلانی (مستوفی و متنی مخصوص رسایل دولتی): ج ۱ ص ۵۲۸

مهدی (میرزا -) لشکر نویس: ج ۲ ص ۱۸۲۲

مهدی (میرزا -) مباشر (از اجرای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۱

مهدی (آقا شیخ -) مترجم: ج ۱ ص ۵۵۵

مهدی (میرزا -) محرر دارالطباعة: ج ۱ ص ۵۵۶

مهدی (میرزا سید -) محرر: ج ۲ ص ۲۱۰۱

مهدی (میرزا سید -) مستشار: ج ۳ ص ۱۲۵۲

مهدی (میرزا -) مستوفی رشتی: ج ۲ ص ۲۰۹۹

مهدی (میرزا -) مشرف: ج ۱ ص ۵۵۶

مهدی (میرزا -) مشرف: ج ۱ ص ۵۵۶

مهدی (میرزا -) مشرف: ج ۱ ص ۵۵۶

مهدی (میرزا -) مشرف: ج ۱ ص ۵۵۶

مهدی (میرزا -) مشرف: ج ۱ ص ۵۵۶

مهدی (میرزا -) مشرف: ج ۱ ص ۵۵۶

مهدی (حاجی -) ملک التجار: ج ۳ ص ۲۱۲۷

مهدی (میرزا -) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶

مهدی (میرزا -) منشی اول دفتر تجارت: ج ۳ ص ۲۱۰۳

مهدی (میرزا -) منشی باشی (نایب‌الوزاره و نظار): ج ۲ ص ۱۲۷۰

مهدی (میرزا سید -) منشی دیوانخانه عدلیه: ج ۲ ص ۱۲۵۵

مهدی (میرزا -) منشی وزارت تجارت: ج ۳ ص ۲۱۲۵

مهدی (میرزا -) منشی (پسر وکیل سل لشکر): ج ۱ ص ۵۲۲

مهدی بن منصور (سیدین خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲

مهدی (میرزا -) مهندس: ج ۱ ص ۵۵۴

مهدی (میرزا سید -) نایب شهریار: ج ۳ ص ۲۰۹۵

مهدی (آقا -) نایب فرشتخانه: ج ۳ ص ۲۱۱۷

مهدی (میرزا سید -) نایب ناظر: ج ۱ ص ۵۲۷

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

مهدی (میرزا -) نوی: (از ارباب قلم و لشکر نویسان): ج ۱ ص ۵۰۵

۱۷۱۵ م.
 مهدی‌قلی خان (نایب امیرکبیر) (میلادی):
 ج ۲ ص ۲۱۱۶.
 مهدی قلی خان نوابی: ج ۱ ص ۵۲۰.
 مهدی‌قلی سلطان افشار: ج ۳ ص ۷۹۵.
 مهدی قلی میرزا: ج ۳ ص ۱۶۷۸-۱۶۹۶.
 ۱۷۱۶-۱۷۱۸.
 مهدی قلی میرزا (پسر جلال الدوله):
 ج ۲ ص ۱۷۱۸-۲۰۶۲.
 مهدی قلی میرزا سهام الملک: ج ۱ ص ۵۰۲.
 مهدی‌قلی میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۳ ص ۱۶۱۷.
 مهدی قلی میرزا (پسر حاجی محمد ولی میرزا): ج ۳ ص ۱۹۳۸.
 مهدب الدوله (حاکم بطیحه): ج ۱ ص ۲۸۲-۲۸۵-۲۹۲-۳۰۲.
 مهراج (حکمران بیجانگر): ج ۲ ص ۷۳۲.
 مهران بن مهران چوبن: ج ۱ ص ۳۵.
 مهران بن بهرام الرازی (سردار عجم):
 ج ۱ ص ۴۰-۴۳-۴۴.
 مهران همدانی: ج ۱ ص ۳۹.
 مهرباد: ج ۱ ص ۳۳۸.
 مهرجهان خانم (دختر فتحعلیشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۷.
 مهردل خان افغان: ج ۲ ص ۱۶۵۰-۱۶۵۲.
 ۱۶۶۵-۱۷۵۶.
 مهرعلی خان: ج ۲ ص ۱۴۰۲.
 مهر علی خان (باشلو): ج ۳ ص ۱۴۴۲.
 مهرعلی خان قوئلو: ج ۳ ص ۱۵۰۹.
 مهریه رازی (حاکم طبرستان): ج ۱ ص ۱۶۵-۱۶۶.
 مطلب بن ابی طبره (والی خراسان): ج ۱ ص ۷۳-۸۶-۸۸-۹۱-۹۳-۹۵.
 ۱۲۳۶-۱۲۴۹.
 مطلبی، ابوسعید (وزیر -): ج ۱ ص ۲۶۴-۲۷۸.
 مطلبول بن صفوان (حاکم جرجان): ج ۱ ص ۱۵۲-۱۵۳.
 مطلبول بن محمد بن عنان: ج ۱ ص ۳۱۸-۳۲۰.
 مینا: ج ۱ ص ۳۵۵.
 مینا خان عرب خراسانی: ج ۲ ص ۹۴۲.

مینا بن شیخ ابراهیم القوی: ج ۲ ص ۶۲۹.
 مینا بن عیسی (حسام الدین) (لزال‌الملک):
 ج ۲ ص ۵۲۸-۷۲۲.
 مینا بن نافع (اولین فرد آل الملک):
 ج ۲ ص ۷۲۲.
 مینار (شاعر): ج ۱ ص ۳۱۱.
 میخائیل (میشل): ج ۱ ص ۱۵۲-۱۸۸.
 ۲۰۲.
 میدان - ابوالفضل.
 میراب: ج ۳ ص ۱۲۱۱-۱۲۱۹.
 میراحمد بن امام موسی الکظم: ج ۲ ص ۱۱۷۶.
 میرامن: ج ۲ ص ۱۸۲۵-۱۸۲۹.
 میرانشاه: ج ۲ ص ۶۶۵.
 میربهاء الدین (حاجی -) تاجر: ج ۳ ص ۱۸۱۳-۲۱۲۶.
 میرحسام چندی: ج ۲ ص ۹۶۰.
 میر حسین (فرمانفرمای مازندران): ج ۲ ص ۷۲۲.
 میرحسین (ملا -) معانی: ج ۳ ص ۷۳۶.
 میر حسین (قاضی -) یزدی: ج ۳ ص ۷۲۵.
 میرخواند: ج ۲ ص ۷۳۶.
 میر حسین (قاضی -) میردی: ج ۲ ص ۷۲۶.
 میرزا آقا: ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 میرزا آقا: ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 میرزا آقا (پسر ابوالقاسم): ج ۲ ص ۲۱۱۲.
 میرزا آقا بالا (از جزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۱.
 میرزا آقا بزرگ (مدیر عکاشخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰.
 میرزا آقا تبریزی: ج ۱ ص ۵۲۰-۵۲۱.
 ۱۲۶۸.
 میرزا آقا جان: ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 میرزا آقا جان (سرورنده دار قورخانه): ج ۱ ص ۵۰۵-۵۰۶.
 ۲۰۶۹.
 میرزا آقا جان (مشرف): ج ۲ ص ۱۳۰۰-۱۳۰۱.
 ۲۱۲۲.
 میرزا آقا خان اعتماد الدوله: ج ۳ ص ۱۷۲۲.
 میرزا آقا خان (کارگذار کرمانشاهان): ج ۳ ص ۲۱۰۵.
 میرزا آقا خان نوری (صدر اعظم): ج ۳ ص ۱۶۳۲-۱۷۳۲.

میرزا آقا خان (نویسنده و آتشه): ج ۲ ص ۲۱۰۲.
 میرزا آقا خان (حاجی -) وکیل: ج ۲ ص ۱۱۲۷-۱۱۲۸.
 میرزا آقا (رئیس پستخانه رفسنجان): ج ۳ ص ۲۱۲۳.
 میرزا آقا (رئیس پستخانه کازرون): ج ۳ ص ۲۱۲۲.
 میرزا آقا (سرورنده دار): ج ۱ ص ۵۰۵.
 ج ۲ ص ۲۰۸۰.
 میرزا آقا (سرورنده دار دختر لشکر و ماهور خسته): ج ۲ ص ۱۲۲۲-۱۲۲۳.
 ۲۰۶۸.
 میرزا آقا (سرورنده دار فرانشانه): ج ۳ ص ۲۱۱۷.
 میرزا آقا (سرورنده دار قورخانه): ج ۱ ص ۵۰۵-۵۰۶.
 میرزا آقا (سرورنده دار کرمانشاه): ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 میرزا آقا کاشانی (سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸-۵۰۹.
 ج ۲ ص ۱۲۲۸-۲۰۷۲.
 میرزا آقا مستوفی: ج ۲ ص ۲۰۹۹.
 میرزا آقا (معین میرزاخانی): ج ۱ ص ۵۲۱-۵۲۲.
 میرزا آقا (منشی طوالت ایران در اسلامبول):
 ج ۳ ص ۲۱۰۵.
 میرزا آقا منشی گرمودی: ج ۱ ص ۵۵۸.
 ج ۲ ص ۱۲۲۵-۱۲۲۶.
 میرزا آقا (نایب و منشی اول): ج ۱ ص ۵۲۳.
 میرزا آقا (بایر نظام جدید): ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 میرزا ابوالقاسم: ج ۲ ص ۱۲۷۳.
 میرزا اوانس بزرگ (از اجزای پستخانه):
 ج ۳ ص ۲۱۲۰.
 میرزا اوانس (دختر دار): ج ۲ ص ۱۲۲۱.
 میرزا اوانس کوچک (رئیس پستخانه): ج ۱ ص ۵۲۱-۵۲۲.
 ۲۱۲۶-۲۱۲۷.
 ۲۱۲۲-۲۱۲۳.
 میرزا بابا (تاجر شیرازی): ج ۲ ص ۲۱۲۹.
 میرزا بابا رشتی (نایب گلان): ج ۲ ص ۱۲۱۲-۱۲۱۳.
 میرزا بابا (رئیس مجلس حکومت): ج ۲

میرزا ۱۲۵۲: ج ۲ ص ۲۰۹۲.
 میرزا بابا طبیب تبریزی: ج ۲ ص ۱۶۱۵.
 میرزا باقی ترخان (صاحب سند): ج ۲ ص ۸۷۳.
 میرزا بزرگ خان: ج ۳ ص ۱۸۲۵.
 میرزا بزرگ خان (پسر میرزا علی قاسم مقام): ج ۲ ص ۱۲۲۸.
 میرزا بزرگ خان (کارپرداز بغداد): ج ۲ ص ۱۸۷۲.
 میرزا بزرگ خان (نایب آجودانباشی): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۲ ص ۲۰۷۳.
 میرزا بزرگ (سرشته دار دفتر لشکر): ج ۲ ص ۲۰۶۸.
 میرزا بزرگ (فرات فریح حضرت عبد المظلم): ج ۲ ص ۲۱۱۳.
 میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی (وزیر): ج ۲ ص ۱۲۷۵، ۱۲۹۲، ۱۲۹۵، ۱۵۲۶.
 میرزا بزرگ فروتنی: ج ۲ ص ۱۷۴۳.
 میرزا بیکمن حسن حسینی جنابدی (صاحب کتاب: روضه الصفویه): ج ۲ ص ۷۲۸، ۸۵۷، ۸۶۶.
 میرزا بیک فندرسکی: ج ۲ ص ۸۸۲.
 میرزا تقی الدین محمد (وزیر مازندران): ج ۲ ص ۹۶۸.
 میرزا جان خان خانان: ج ۲ ص ۸۹۳.
 میرزا جان شیرازی: ج ۲ ص ۸۷۸.
 میرزا جان مرعشی (حکمران مازندران): ج ۲ ص ۸۶۸.
 میرزا جانی ترخان: ج ۲ ص ۹۰۸، ۸۷۳.
 میرزا جانی (لشکر نویسنده): ج ۲ ص ۱۷۸۲.
 میرزا جانی آقا (از اجزای پستخانه): ج ۲ ص ۲۱۲۱.
 میرزا حسن (قم): ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 میرزا خان بن بهرام: ج ۲ ص ۸۷۳.
 میرزا خانی ترخان: ج ۲ ص ۸۹۶.
 میرزا خانی (صاحب سند): ج ۲ ص ۸۸۹.
 میرزا وافی: ج ۲ ص ۱۰۷۲.
 میرزا سلطان ابوسعید بهادر (ولد میرزا سلطان محمد بن میرزا میرانشاه بن امیر تیمور گورکانی): ج ۲ ص ۶۲۰ تا ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۸، ۶۷۳، ۷۰۳ تا ۷۰۶، ۷۱۷.

میرزا سلطان احمد (پسر سلطان ابوسعید گورکانی): ج ۲ ص ۷۱۸، ۷۱۷.
 میرزا سلطان ولد (پسر سلطان ابوسعید گورکانی): ج ۲ ص ۷۱۸، ۷۱۷.
 میرزا سلطان ظیل (پسر ابوسعید گورکانی): ج ۲ ص ۷۱۸، ۷۱۷.
 میرزا سلطان علی (شاهزاده تیموری): ج ۲ ص ۷۳۲.
 میرزا سلطان عمر (پسر سلطان ابوسعید گورکانی): ج ۲ ص ۷۱۸، ۷۱۷.
 میرزا سلطان محمد خان بهبهانی: ج ۲ ص ۱۸۴۰.
 میرزا سلطان محمد (پسر سلطان ابوسعید گورکانی): ج ۲ ص ۷۱۸، ۷۱۷.
 میرزا سلطان محمد بن میرزا بایسنقر: ج ۲ ص ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۱، ۷۰۲.
 میرزا سلطان محمود بن سلطان ابوسعید: ج ۲ ص ۷۲۱، ۷۱۹.
 میرزا سلطان مراد (پسر سلطان ابوسعید گورکانی): ج ۲ ص ۷۱۸، ۷۱۷.
 میرزا سنجر بن میرزا پسر محمد کابلی: ج ۲ ص ۶۸۶.
 میرزا سنجر بن میرزا سیدی احمد حسن: ج ۲ ص ۷۰۷، ۷۰۹.
 میرزا سنجر بن امیر تیمور گورکانی: ج ۲ ص ۶۵۱.
 میرزا شاه محمود بن ابوالقاسم بابری: ج ۲ ص ۷۰۶، ۷۰۷.
 میرزا شاه ولی: ج ۲ ص ۸۸۰.
 میرزا اشرف: ج ۲ ص ۷۷۶.
 میرزا صفا (حاجی -): ج ۲ ص ۱۹۵۲.
 میرزا عمر شیخ (پادشاه فرغانه): ج ۲ ص ۷۳۳.
 میرزا عمر شیخ (پسر سلطان ابوسعید گورکانی): ج ۲ ص ۷۱۸، ۷۱۷.
 میرزا عمر شیخ بن میرزا پیرمحمد شیرازی: ج ۲ ص ۶۸۶.
 میرزا عمر گورکانی (حکمران آذربایجان): ج ۲ ص ۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۰.
 میرزا کللی اردوبادی: ج ۲ ص ۸۲۶.

میرزا کامران: ج ۲ ص ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۲۱.
 میرزا کوچک خان: ج ۲ ص ۱۷۵۵.
 میرزا کوچک دماوندی: ج ۲ ص ۱۷۲۸.
 میرزا کوچک طبیب: ج ۲ ص ۹۷۲.
 میرزا مجد حکیم ابن هابون پادشاه: ج ۲ ص ۸۷۲.
 میرزا محمدی (پسر میرزا جهاننا ترکان): ج ۲ ص ۷۱۵.
 میرزا مشربی (شاعر): ج ۲ ص ۸۹۹.
 میرزا مقیم (لشکر نویسنده): ج ۲ ص ۲۰۶۸.
 میرزا ملکم: ج ۲ ص ۱۷۸۲، ۱۷۸۶، ۱۸۱۱.
 میرزا موذن (کردستان): ج ۲ ص ۱۲۲۹.
 میرزا نبی (سرشته دار دفتر لشکر): ج ۲ ص ۲۰۶۸.
 میرزا نظام (مهندس الممالک): ج ۱ ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۱۱۲، ۲۱۱۵.
 میرزا نیکل (از اجزای پستخانه): ج ۲ ص ۲۱۲۱.
 میرزا یادگار محمد ... میرزا شاهرخ: ج ۲ ص ۷۱۹، ۷۲۰.
 میر سبحان (حاجی -) پسر حاجی میرزا علی وکیل الوهابی: ج ۲ ص ۱۲۹۵.
 میر سلطان علی مطوی: ج ۲ ص ۱۲۴۴.
 میر سید شریف جرجانی: ج ۲ ص ۶۷۷.
 میر شاه میر (حاکم دماوند): ج ۲ ص ۸۸۲.
 میر شاهی سبزواری: ج ۲ ص ۷۰۳.
 میر عبدالله (برادر میر ولس): ج ۲ ص ۱۰۵۵.
 میر عبدالصمد خان: ج ۲ ص ۱۷۴۸.
 میر علم خان (پسر امیر قاپان): ج ۲ ص ۱۷۸۲.
 میر علی (استاد -) تبریزی (والمع خط نستعلیق): ج ۲ ص ۶۹۸.
 میر علی اکبر خان سرهنگ (دریابگی -) دریابگی.
 میرک (پسر لقمان): ج ۲ ص ۶۷۲.
 میرکمال خان: ج ۳ ص ۱۷۵۹.
 میر مخدوم (شاعر مدنی): ج ۲ ص ۷۰۸.
 میرم سیاه (شاعر): ج ۲ ص ۷۳۲.
 میرویس: ج ۲ ص ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱.
 ۱۰۰۲ تا ۱۰۰۶، ۱۰۰۸، ۱۰۲۵ تا ۱۰۲۷، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲.

۱۰۵۲ تا ۱۰۵۵

میشتر مارخام انگلیسی: ج ۳ ص ۱۲۵۹
میسره (عاصی عباسی): ج ۱ ص ۱۰۸
۱۱۰

میسره بن مسروق السبی: ج ۱ ص ۲۲
میسون (دختر بحدل کلبیه و مادر یزید):
ج ۱ ص ۸۵

میشل موم: ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۲۳
میشل رومانو (پادشاه روس): ج ۲ ص ۹۵۱
میشل (از خانواده رومانوف): ج ۲ ص
۹۰۹

میشل کرچاکف: ج ۳ ص ۱۸۲۰، ۱۸۲۶
۱۸۳۷

میشل (پسر میشل): ج ۳ ص ۱۸۲۰
میگاد (پادشاه روحانی ژاپن): ج ۱ ص
۵۶۲، ۵۶۳، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸
۱۹۰۰، ۱۹۳۶، ۱۹۳۹، ۱۹۶۵

۱۹۹۸، ۲۱۵۰
میگابیل خان (میرزا -) نائب: ج ۱ ص
۵۳۳

میگابیل بن سلجوق: ج ۱ ص ۳۱۳
میگلانو: ج ۲ ص ۸۵۰
میلان اول (شاه سرب): ج ۳ ص ۲۱۴۹
میشلی (والی سربستان): ج ۳ ص ۱۶۰۵
۱۸۳۰

میمون بن حمدان (فقه‌پزیره): ج ۱ ص ۱۱۶
میمون بن مهران (عمرو بن میمون): ج ۱
ص ۱۲۱

میمون بن نجیب الواسطی: ج ۱ ص ۳۳۵
میمونه بنت حارت (زوجه رسول اله (ص):
ج ۱ ص ۲۷، ۱۷۲، ۸۲

من میرالمسکی: ج ۳ ص ۱۸۵۲
میناس (از اکابر روم): ج ۱ ص ۲۲
پایان حرف میم

نابلیون بناپارت (نابلیون اول امپراطور
فرانسه): ج ۲ ص ۱۱۷۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳
۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۳۵، ۱۲۴۰
۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۵۱، ۱۲۵۵
۱۲۵۶، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۳
۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۷۲، ۱۲۷۹
۱۲۸۰، ۱۲۸۲، ۱۲۸۶، ۱۲۸۸
۱۲۹۳ تا ۱۲۹۶، ۱۲۹۹، ۱۵۰۰

۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷

۱۵۰۹، ۱۵۱۲، ۱۵۱۵، ۱۵۱۷
۱۵۲۸، ۱۵۳۱ تا ۱۵۳۲، ۱۶۰۸
۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۵۶، ۱۷۲۰

۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۸۷۰، ۱۹۱۳
۱۹۲۵

نابلیون (پسر -) دوک ریشس ناز: ج ۳
ص ۱۵۳۳

نابلیون موم (پسر نابلیون بناپارت):
ج ۲ ص ۱۵۴۲

نابلیون سیم: ج ۳ ص ۱۷۵۲، ۱۷۶۵
۱۷۷۹، ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۱، ۱۷۹۵
۱۸۰۰، ۱۸۰۸، ۱۸۱۲، ۱۸۱۶
تا ۱۸۱۶، ۱۸۲۰، ۱۸۲۲، ۱۸۳۰
۱۸۳۱، ۱۸۳۷، ۱۸۶۹، ۱۸۷۸
۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۹۱۳، ۱۹۱۹
۱۹۲۰، ۱۹۳۰، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱
۲۰۰۲

نابیه (سردار بحری انگلیسی): ج ۳ ص
۱۶۵۶

نادر بیگ (تذنگار خاصه): ج ۱ ص ۵۳۰
ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱

نادرخان زند: ج ۲ ص ۱۱۶۰، ۱۱۶۲
۱۱۶۳

نادرشاه افشار: ج ۲ ص ۹۹۳، ۱۰۳۱
۱۰۳۲ تا ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵
۱۱۱۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۸

۱۱۲۱ تا ۱۱۲۲، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷
۱۱۲۹ تا ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲
ج ۲ ص ۱۲۲۲، ۱۲۲۶، ۱۲۳۳

۱۲۳۵، ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۸، ۱۲۵۲
۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۹، ۱۲۶۳
۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵

۱۳۷۶، ۱۳۷۷
نادرشاه خان: ج ۳ ص ۱۷۸۷

نادرقلی بیگ (سرکرده جماعت هست
آبادی): ج ۱ ص ۵۱۸، ج ۲ ص ۱۲۳۳

ج ۳ ص ۲۰۸۸
نادرقلی خان ملکی: ج ۳ ص ۱۷۸۱

نادر میرزا (پسر شاهزاده): ج ۳ ص
۱۲۳۳، ۱۲۵۰، ۱۲۵۲، ۱۲۶۱

۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۷
۱۲۶۸، ۱۲۶۹
۱۲۷۰

نادر میرزا (جزو قزاقان انبار) سایر
موم: ج ۱ ص ۵۱۱، ج ۲ ص ۱۲۳۳

ج ۳ ص ۲۰۷۷
نادر میرزا (پسر کامران میرزای افشار):
ج ۲ ص ۱۶۴۱

نادر علی خان (غلام باشی) از اجسزای
پشتخانه: ج ۲ ص ۵۲۱، ج ۳ ص ۱۲۷۱
ج ۳ ص ۲۱۲۰

نادرانز (از رجال دولت اسپانول):
ج ۲ ص ۱۸۲۷

ناروایز: ج ۲ ص ۱۷۳۹، ۱۷۶۲، ۱۷۹۷
ناصرالدین ارجانی، احمدین محمد (قاضی
نوشتر و شاعر): ج ۱ ص ۳۸۳

ناصر بخاری (شاعر): ج ۳ ص ۶۲۸
ناصر بیگ، قونسول کوت الاماره: ج ۱ ص ۵۳۲

الناصر (حاکم یمن): ج ۱ ص ۲۲۱
الناصر (خلیفه): ج ۱ ص ۲۱۲ تا ۲۱۶

الناصر، الحسن بن علی: ج ۱ ص ۲۰۲
ناصرالحق: ج ۲ ص ۷۲۲

ناصر خان صوبدار: ج ۲ ص ۱۱۲۲
ناصر خسروعلوی قبادیانی (حکیم و شاعر):
ج ۱ ص ۳۲۲

الناصر نایب: ج ۱ ص ۴۳۹
ناصر (پسر سلار مرزبان آذربایجان):
ج ۱ ص ۲۶۵

الناصر عباسی: ج ۱ ص ۴۰۹
ناصرالدوله (حکمران کرمان و بلوچستان):
ج ۲ ص ۱۳۰۱، ج ۳ ص ۲۰۲۰

ناصرالدوله (سرتب اول): ج ۱ ص ۵۱۲
ج ۲ ص ۱۱۸۲، ۱۲۳۸، ج ۳ ص ۲۰۲۱

۲۰۷۱، ۲۱۲۴
ناصرالدوله حسن بن عبدالله بن حمدان
(سردار مصر): ج ۱ ص ۲۳۲، ۲۳۹

۲۵۱، ۲۵۲ تا ۲۵۶، ۲۵۸ تا
۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۸

۲۹۷، ۳۳۲، ۳۳۵
ناصرالدین ارتق ارسلان بن ایلغازی (حاکم
مارهین): ج ۱ ص ۲۰۷، ۲۲۸

ناصرالدین اسکندرانی: ج ۳ ص ۵۹۹
ناصرالدین بفرخان (حاحب بنگاله):
ج ۲ ص ۶۲۱

ناصرالدین بیگ ذوالقدر: ج ۲ ص ۶۹۵
ناصرالدین (امیر -) انوره (حاکم مرو):

ج ۲ ص ۱۲۷۲ - ۱۲۸۹ - ۱۲۹۰ - ۱۵۰۵
ناصرالدین خان (والی خولند) : ج ۲ ص ۱۹۵۱
ناصرالدین خاوندشاه بن امیر ارغونشاه :
ج ۲ ص ۶۸۹
ناصرالدین ذوالقدر : ج ۲ ص ۶۹۲
ناصرالدین شاه قاجار : ج ۱ ص ۱۹۰۱۱۰۱۰
۵۰۰ : ج ۲ ص ۵۷۷ - ۱۲۱۷ : ج ۲
ص ۱۲۱۷ - ۱۲۶۲ - ۱۳۶۶ - ۱۶۰۵
۱۶۲۳ - ۱۶۲۹ - ۱۶۷۲ - ۱۶۹۰
۱۶۹۱ - ۲۰۶۱
ناصرالدین عطار (شپ) - : ج ۲ ص ۶۳۶
ناصرالدین بن غیاثالدین خلجی (صاحب
ملکوت) : ج ۲ ص ۷۸۲ - ۷۸۶ - ۷۹۱
الناصر کورس : ج ۱ ص ۲۱۲
الناصر لدین الله (خلیفه عباسی) : ج ۱
ص ۲۰۲ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۲ - ۲۱۶
۲۲۲ - ۲۲۵ - ۲۲۷
ناصرالدین محمد بن شروکوه : ج ۱ ص ۲۰۸
ناصرالدین محمود خلوی : ج ۲ ص ۵۸۶
ناصرالدین محمود بن ملک قاهر : ج ۱
ص ۲۳۳ - ۲۳۵ - ۲۴۰
ناصر علی خان (نایب آجودان باشی) :
ج ۲ ص ۲۰۷۲
ناصر محمد (از ملوک قزاقان) : ج ۲ ص
۶۸۲
ناصر محمد صابوالموحدی : ج ۱ ص ۲۲۹
ناصرالملک (مشیر حضورهایون) : ج ۱ ص
۵۰۲ - ۵۰۴ - ۵۰۷ - ۵۱۴ : ج ۲ ص
۱۲۲۲ - ۱۲۲۷ - ۱۲۳۸ : ج ۳ ص
۱۸۱۲ - ۱۸۲۲ - ۱۸۵۰ - ۱۹۲۳
۱۹۲۹ - ۱۹۵۸ - ۱۹۶۲ - ۱۹۷۸
۲۰۲۱ - ۲۰۷۱ - ۲۰۸۳ - ۲۱۲۱
ناصر میرزا : ج ۲ ص ۷۲۹
ناصر یوسف بن ملک عزیز : ج ۱ ص ۲۲۹
ناظر صاحب (طکرافچی) : ج ۲ ص ۲۱۲۲
ناظرالدوله (حکمران کرمان) : ج ۳ ص ۲۱۲۵
ناظم الاطباء (میرزا موسی خان) : ج ۲ ص
۱۲۹۷
ناظم افندی (شازدادفر عثمانی) : ج ۳ ص
۱۹۱۵
ناظم التجار (حاجی سید نفی آقا) : ج ۲

ص ۲۱۲۶
ناظم خلوت (آقا رضا) : ج ۱ ص ۵۲۰ - ۵۲۷ : ج ۲
ص ۱۹۷۸
ناظم الدوله (میرزا ملکم خان) : ج ۲ ص
۲۱۰۶
نافع (فقیه مدینه) : ج ۱ ص ۱۱۷
نافع (از موالی عبدالله بن عمر) : ج ۱
ص ۱۵۷
نافع بن ازرق (از خوارج) : ج ۱ ص ۸۶
۹۲
نافع بن عبدالرحمن (از قراء مسجد) :
ج ۱ ص ۱۵۷
نافع یحیی : ج ۲ ص ۷۳۵
نام آور (از ملوک رستمخوار) : ج ۲ ص ۷۲۲
نایب : ج ۳ ص ۲۱۰۶
نایب خوارزم : ج ۱ ص ۳۵۰
نایب رحیم : ج ۳ ص ۲۰۹۷
نایب السلطنه : ج ۱ ص ۵۱۲ : ج ۳ ص ۱۲۶۸
۱۲۷۲ - ۱۲۷۶ تا ۱۲۷۹ - ۱۲۸۷
۱۲۹۱ - ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۵ - ۲۰۰۷
۲۰۰۹ - ۲۰۲۶ - ۲۰۲۷ - ۲۰۶۲
۲۰۶۲ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۷ - ۲۰۸۱
۲۰۸۶ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۷ - ۲۱۱۰
۲۱۲۹ - ۲۱۳۱
نایب السلطنه، عباس میرزا : ج ۳ ص ۱۲۵۴
۱۲۶۷
نایب السلطنه کامران میرزا : ج ۳ ص ۱۲۲۲
۱۲۵۱ - ۱۲۵۲ - ۱۲۵۶ - ۱۳۰۰
ج ۳ ص ۱۸۲۲
نایب شریف : ج ۱ ص ۵۲۴
نایب قاسم : ج ۳ ص ۲۰۹۷
نایب قلی (نایب کل خیابانهای دولتی) :
ج ۱ ص ۵۵۶ : ج ۲ ص ۱۲۵۲ : ج ۳
ص ۲۰۹۷
نایب الوزاره، قاسم مقام : ج ۳ ص ۱۵۲۳
نایب الوزاره، نصرالله خان : ج ۳ ص ۲۰۲۲
ناظم نصرانید (دختر فراموشه) :
ج ۱ ص ۵۵
نجات خانم : ج ۱ ص ۲۷۹
نجات بن حنظل : ج ۱ ص ۱۲۹
نبلنگ (غارب امیراتوز آلمان) : ج ۲ ص
۱۹۸۷
نبوی چهاردهم (باب) : ج ۲ ص ۱۱۶۰

نسی خانم - محمد (ص) : ج ۱ ص ۱۹
نسی خان امیردینان (میرزا -) : ج ۲ ص
۱۷۱۲
نسی خان امیردیوان قزوینی (میرزا -) :
ج ۲ ص ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸ - ۱۶۲۹
۱۶۷۲
نسی (میرزا -) سرشتتور دفتر لشکر :
ج ۱ ص ۵۰۵ : ج ۲ ص ۱۲۲۴
نیلوف (ایلمی روسی) : ج ۲ ص ۱۰۲۰
نجات الله (میرزا -) خان (نایب آجودان
باشی) : ج ۱ ص ۵۱۱ : ج ۳ ص ۱۲۳۳
ج ۳ ص ۲۰۷۷
نجاشی (پادشاه حبشه) : ج ۱ ص ۳۰۰۲۶
نجدیه حوری : ج ۱ ص ۸۷ - ۸۸
نجدیه بن عامر حنفی : ج ۱ ص ۹۵
نجد (آقا -) نایب : ج ۲ ص ۱۲۶۸
نجد خان زند (سردار جعفرخان زند) :
ج ۲ ص ۱۲۹۵ - ۱۲۹۶
نجدخان قزوینی، سرهنگ : ج ۱ ص ۵۰۸
نجد سلطان قراچور لو : ج ۲ ص ۱۱۱۴
نجدلی خان : ج ۲ ص ۱۱۵۹
نجدلی خان (حاجی -) وزیرالتمسول :
ج ۱ ص ۵۳۳
نجدلی (حاجی -) خان (نایب کارپرداز) :
ج ۲ ص ۲۱۰۵
نجدلی آقا (حاجی -) صاحب منصب :
ج ۱ ص ۵۳۲
نجدلی خان (از اعیان طهران) : ج ۳
ص ۲۰۹۶
نجدلی خان (از امراء) : ج ۳ ص ۱۲۵۱
نجدلی خان (اولاد بیگربگی) : ج ۱ ص
۵۲۶
نجدلی خان سرتیپ . : ج ۱ ص ۵۱۷ : ج ۲
ص ۱۲۲۲ : ج ۲ ص ۲۰۸۶
نجدلی خان شادلو (حاکم بزدجرد) :
ج ۲ ص ۱۵۲۵ - ۱۵۹۸
نجدلی خان شاهسون : ج ۲ ص ۱۲۳۸
نجدلی خان قاجار (رئیس طایفه حاجی
موبدلی غانی) سرتیپ : ج ۱ ص ۵۰۲
ج ۲ ص ۱۲۲۱ - ۲۰۶۵ - ۲۰۲۹
نجدلی خان (ولد قزاق خان، بیگربگی
شیروان) : ج ۲ ص ۹۶۸
نجدلی خان قزوینی (سرهنگ) : ج ۲ ص

نهر (ابو -) احمد بن اسماعيل ساماني:
 ج ۱ ص ۲۳۱ - ۲۳۲.
 نهر بن احمد بن نصر بنوري (خبراری):
 ج ۱ ص ۲۳۲.
 نهر بن احمد بن نصر بنوري (خبراری):
 نهر بن احمد بن نصر بنوري (خبراری)
 نهر بن احمد بن مروان (مالک دیاربکر):
 ج ۱ ص ۲۳۷ - ۲۳۸.
 نهر بن امير حيدر (امير بخارا): ج ۳ ص
 ۱۵۷۶.
 نهر بن حرب (حاکم فارس): ج ۱ ص
 ۱۲۹.
 نهر (شيخ-) خان (پسر شيخ عبدالرسول
 خان درياييگي): ج ۳ ص ۱۷۰۵.
 نصر بن خزيمه عيسى: ج ۱ ص ۱۲۰ - ۱۲۲.
 نصر بن خلف (حکمران سجستان): ج ۱
 ص ۳۹۲.
 نصر بن سيار الککائي (حاکم بلخ و
 خراسان): ج ۱ ص ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۲۰.
 نا ۱۲۲ - ۱۲۴ تا ۱۲۶ - ۱۲۸ تا ۱۳۰
 ۱۵۴.
 نصر بن شيب: ج ۱ ص ۱۷۸ - ۱۸۰.
 نصر بن عاصم ليني بنوي: ج ۱ ص ۱۰۰.
 نصر بن علي: ج ۱ ص ۲۵۵.
 نصر بن علي بن منذر الککائي (صاحب
 حلب): ج ۱ ص ۲۳۱ - ۲۳۲.
 نصر قنسي (از شيوخ سافيه): ج ۱ ص ۳۵۱.
 نصر بن محمد بن انشت (عامل فلسطين):
 ج ۱ ص ۱۲۲ - ۱۵۱.
 نصر بن محمود بن شيرالدوله (حاکم
 حلب): ج ۱ ص ۳۳۶.
 نصر بن محمود بن نصر (حاکم حلب):
 ج ۱ ص ۲۹۸.
 نصر بن معاويه: ج ۱ ص ۱۰۱.
 نصر (عم ناصرالدوله بن حمدان): ج ۱
 ص ۲۴۳.
 نصرالله (ميرزا -) اردبيلي (صدر
 المالک): ج ۳ ص ۱۶۳۲ - ۱۶۳۳.
 ۱۶۹۲ - ۱۶۹۳ - ۱۷۸۱.
 نصرالله بيگ (قوسبول مسيب): ج ۱ ص
 ۵۳۲: ج ۳ ص ۲۱۰۶.
 نصرالله بيگ (نايب فغانستان): ج ۳ ص
 ۲۱۱۸.

ج ۲ ص ۵۸۲.
 نجم الدين طبري: ج ۲ ص ۶۲۲.
 نجم الدين عبدالغفار قزويني: ج ۳ ص ۵۸۶.
 نجم الدين عمر کاتبی: ج ۲ ص ۵۹۳.
 نجم الدين قنصري (شيخ -): ج ۲ ص
 ۶۳۲.
 نجم الدين قنقازي: ج ۲ ص ۶۳۲.
 نجم الدين مسعود: ج ۲ ص ۷۵۱.
 نجم الدين منشي (ميرزا -): ج ۱ ص ۵۳۶.
 نجم الملک (حاجي -) ميرزا عبدالغفار
 منجم باشي: ج ۱ ص ۵۳۵: ج ۲ ص
 ۱۱۹۹: ج ۲ ص ۱۹۲۹ - ۱۲۱۹.
 نجم الدين (ايلچي عثمانی): ج ۳ ص
 ۱۵۵۹ - ۱۵۵۹: ج ۱۵۶۲.
 نجم پاشا: ج ۳ ص ۱۶۷۲.
 نجم الدين (شيخ -) علي و غش خورازي:
 ج ۲ ص ۵۹۵.
 نصر خان: ج ۱ ص ۲۲.
 نصر بيگ افشار (ندرقلي بيگ = نادرشاه
 افشار): ج ۲ ص ۱۰۲۳ - ۱۰۲۵ تا
 ۱۰۲۷: ج ۲ ص ۱۳۷۲.
 ندرخان (سلطان بلخ): ج ۲ ص ۹۰۵.
 ندرقلي بيگ: ج ۲ ص ۱۰۲۸.
 ندر محمدخان اوزک: ج ۲ ص ۹۱۶ - ۹۲۲.
 ۹۵۰ - ۹۲۲.
 نرسی: ج ۱ ص ۳۸.
 نورنگزله: ج ۱ ص ۲۸۶: ج ۳ ص ۲۰۱۵.
 نورمان خان (وزير مختار ملقيم وينه):
 ج ۱ ص ۲۸۲ - ۵۰۲: ج ۲ ص ۵۲۵.
 ۱۲۲۷: ج ۳ ص ۱۷۲۷ - ۱۷۲۹.
 ۱۷۹۷ - ۱۸۱۳ - ۲۰۲۱ - ۲۱۰۷.
 نزار (پسر المستنصر بالله طوي): ج ۱
 ص ۲۱۱.
 نزاری قهستاني: ج ۱ ص ۶۲۰.
 نسائي — ابو عبد الرحمن....
 نسيفوخان: ج ۲ ص ۶۲۹.
 نشاطي خان هزار جويي: ج ۳ ص ۱۶۸۲.
 نشاء تبريزي (شاعر): ج ۲ ص ۱۱۲۸.
 نصر: ج ۱ ص ۱۷۳.
 نصر بن احمد (حافظ): ج ۱ ص ۲۲۶.
 نصر بن احمد ساماني (پادشاه ساماني):
 ج ۱ ص ۲۰۸ - ۲۱۹ - ۲۳۲ - ۲۳۹.
 ۲۵۵ - ۲۲۹.

۲۰۷۲ - ۱۲۲۸.
 نجفلي خان (کارکنان گيلان): ج ۳ ص
 ۲۱۰۵.
 نجفلي خان کرمانشاهي: ج ۲ ص ۱۶۱۰.
 ۱۶۱۵ - ۱۶۱۸ - ۱۶۲۳ - ۱۶۴۰.
 نجفلي خان گروسي: ج ۳ ص ۱۳۷۶.
 نجفلي خان (پسر محمد باقر خان بيگلر
 بيگي): ج ۱ ص ۵۳۱: ج ۳ ص ۱۲۵۸.
 نجفلي خان (پسر محمد طاهر خان):
 ج ۲ ص ۱۲۳۷.
 نجفلي خان (معلم توپخانه): ج ۱ ص ۵۲۷.
 ج ۲ ص ۱۲۸۰.
 نجفلي خان (از سواران مهاجر): ج ۲
 ص ۲۰۸۷.
 نجفلي خان (پسر مهدي خان قرايپايي):
 ج ۳ ص ۱۲۳۲.
 نجفلي خان (نايب آجودان باشي): ج ۱
 ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۳ ص
 ۲۰۷۲.
 نجفلي خان نوري: ج ۳ ص ۱۲۰۲.
 نجم قاضي: ج ۳ ص ۷۵۵ تا ۷۵۷.
 نجم (شيخ -) زرگر: ج ۲ ص ۷۵۰.
 نجم الدين (امام -) ابوجامع قاضي مکة):
 ج ۲ ص ۶۲۵.
 نجم الدين ابوالقاسم عمر الطويلي (ابن
 عديم): ج ۲ ص ۶۲۷.
 نجم الدين احمد (ابن صفري) قاضي القضاة
 ج ۲ ص ۶۲۱.
 نجم الدين اوکائي: ج ۳ ص ۶۵۱.
 نجم الدين ايلقازي (از ارفقيه): ج ۲ ص
 ۶۷۰.
 نجم الدين ايوب بن شادي (قلعه بيگ
 نکست): ج ۱ ص ۳۷۲ - ۳۸۱ - ۳۲۵.
 نجم الدين باذري: ج ۱ ص ۲۵۲.
 نجم الدين البلي: ج ۱ ص ۳۸۲.
 نجم الدين خضر (ملک مسعود): ج ۲ ص
 ۵۹۵.
 نجم الدين دمشق: ج ۱ ص ۵۹۲.
 نجم الدين رومي مالحي: ج ۳ ص ۵۸۱.
 نجم الدين شافعي: ج ۲ ص ۶۲۶.
 نجم الدين (صاحب حسن کيف): ج ۲ ص
 ۶۲۲.
 نجم الدين بن صدر الدين (قاضي شام):

نصرت‌الله (میرزا سید -) از اجزای پستخانه :
 ج ۲ ص ۲۱۲۲ ، ۲۱۲۳ .
 نصرت‌الله (میرزا -) پسر میرزا اسمعیل
 لشکر نویس : ج ۲ ص ۲۰۶۸ .
 نصرت‌الله (میرزا -) تنکابنی (دکتر) : ج ۱
 ص ۵۳۰ : ج ۲ ص ۱۲۵۶ : ج ۳ ص
 ۲۱۱۰ .
 نصرت‌الله (میرزا -) جبه دارباشی : ج ۲
 ص ۱۷۷۱ .
 نصرت‌الله (میرزا -) حکیم حضور : ج ۱ ص
 ۵۲۶ .
 نصرت‌الله (میرزا -) رئیس پستخانه سلطان
 آباد : ج ۲ ص ۱۲۷۲ .
 نصرت‌الله (میرزا سید -) رئیس پستخانه
 شاه‌رود : ج ۱ ص ۲۲ : ج ۲ ص ۱۲۷۲ .
 نصرت‌الله (میرزا -) رئیس خانقین : ج ۱
 ص ۵۲۳ .
 نصرت‌الله (میرزا -) سرشنه‌دار : ج ۱ ص ۵۲۱ .
 نصرت‌الله (میرزا -) سرشنه‌دار اصطبل : ج ۲
 ص ۱۲۲۵ .
 نصرت‌الله (میرزا -) سرشنه‌دار توپخانه :
 ج ۱ ص ۵۰۵ : ج ۲ ص ۲۰۹۶ .
 نصرت‌الله (میرزا -) سرشنه‌دار قورخانه
 (پسر میرزا شکرالله لشکر نهی) :
 ج ۲ ص ۱۲۲۵ : ج ۳ ص ۲۰۶۹ .
 نصرت‌الله (میرزا -) سرشنه‌دار کل : ج ۲
 ص ۱۲۷۱ .
 نصرت‌الله (میرزا -) سرشنه‌دار وزارت
 وظایف : ج ۲ ص ۲۱۱۹ ، ۲۱۲۰ .
 نصرت‌الله (حاجی -) طباطبائی : ج ۱
 ص ۵۲۰ : ج ۲ ص ۲۱۱۵ .
 نصرت‌الله (میرزا -) طبیب : ج ۳ ص ۲۱۲۱ .
 نصرت‌الله علی‌آبادی مازندرانی (میرزا -) :
 ج ۳ ص ۱۴۴۶ ، ۱۴۵۴ .
 نصرت‌الله (میرزا -) قراغانی مستوفی :
 ج ۱ ص ۵۲۸ .
 نصرت‌الله فلسفی : ج ۲ ص ۸۸۴ .
 نصرت‌الله (میرزا -) لشکر نویس : ج ۳ ص
 ۱۸۲۲ ، ۱۸۲۷ ، ۲۰۶۸ .
 نصرت‌الله (میرزا -) مدیر گمرک اصفهان :
 ج ۳ ص ۲۱۱۲ .
 نصرت‌الله (حاجی میرزا -) مستوفی : ج ۱
 ص ۵۲۸ .

نصرت‌الله (میرزا -) مستوفی (برادر میرزا
 الملک) : ج ۳ ص ۱۸۵۸ ، ۲۰۹۹ .
 نصرت‌الله (میرزا -) مستوفی (نایب مستوفی
 الملک) : ج ۳ ص ۲۰۹۸ .
 نصرت‌الله (میرزا -) مشرف : ج ۱ ص ۵۵۲ .
 نصرت‌الله خان : ج ۱ ص ۵۵۲ : ج ۲ ص ۱۰۶۲ .
 ۱۰۸۳ تا ۱۰۸۵ : ج ۳ ص ۱۶۲۶ .
 ۱۶۲۹ ، ۱۷۵۸ .
 نصرت‌الله خان (پسر میرزا اسمعیل خسان
 بندپی) : ج ۳ ص ۱۷۲۸ .
 نصرت‌الله خان (ولد امیرکبیر قاسم خان) :
 ج ۳ ص ۱۷۰۷ .
 نصرت‌الله خان (پسر امین حضور) رئیس
 مجلس وزارت بقایا : ج ۲ ص ۲۱۰۰ .
 نصرت‌الله خان (پسر امین الدوله) : ج ۳ ص
 ۱۹۱۷ .
 نصرت‌الله خان بیگلربیگی لاری : ج ۳ ص ۱۷۳۲ .
 نصرت‌الله خان (پیشکار حاکم قم) : ج ۲
 ص ۱۳۰۰ : ج ۳ ص ۲۱۴۵ .
 نصرت‌الله خان حامی : ج ۳ ص ۲۰۸۸ .
 نصرت‌الله خان (پسر خاتم خان شهاب الملک) :
 ج ۳ ص ۱۷۲۳ .
 نصرت‌الله خان (حکمران فارس) : ج ۳ ص
 ۱۶۳۸ .
 نصرت‌الله خان دیواندی ، سرهنگ : ج ۱ ص
 ۵۰۸ : ج ۳ ص ۱۲۲۸ : ج ۳ ص ۲۰۷۲ .
 نصرت‌الله خان زینور کجی‌باشی : ج ۳ ص
 ۱۸۷۵ .
 نصرت‌الله خان سرتیپ : ج ۱ ص ۵۱۲ : ج ۲
 ص ۱۸۱۲ .
 نصرت‌الله خان سرتیپ (حاکم گرگان) :
 ج ۲ ص ۱۹۴۹ .
 نصرت‌الله خان (سرتیپ زینور کفانه) : ج ۱
 ص ۵۲۲ : ج ۲ ص ۱۳۳۶ : ج ۳ ص
 ۱۸۹۸ ، ۲۰۲۲ ، ۲۰۹۲ .
 نصرت‌الله خان ، سرتیپ قاجار (تلگرافچی) :
 ج ۲ ص ۲۱۲۱ .
 نصرت‌الله خان ، سرتیپ (جماعت گردبچه) :
 ج ۱ ص ۵۲۲ : ج ۳ ص ۲۰۹۲ .
 نصرت‌الله خان (سرکودبه دسته‌ماکویی) :
 ج ۱ ص ۵۱۸ : ج ۲ ص ۱۲۲۳ : ج ۳
 ص ۲۰۸۷ .
 نصرت‌الله خان سرهنگ : ج ۲ ص ۱۲۴۱ : ج ۳

ص ۱۸۸۶ ، ۲۰۸۵ .
 نصرت‌الله خان ، سرهنگ (حاکم گرگان) :
 ج ۳ ص ۱۹۱۱ .
 نصرت‌الله خان سرهنگ (رئیس تلگرافخانه
 همدان) : ج ۱ ص ۵۲۷ ، ۵۴۹ : ج ۲
 ص ۲۱۲۲ .
 نصرت‌الله خان سرهنگ (باخلو اصفهان) :
 ج ۲ ص ۱۷۷۲ .
 نصرت‌الله خان سرهنگ (فرج سوادکوه) :
 ج ۳ ص ۲۱۱۲ .
 نصرت‌الله (میرزا -) خان (صاحب
 منصب وزارت خارجه) : ج ۳ ص ۲۰۳۶ .
 نصرت‌الله خان فومنی (باور) : ج ۱ ص ۵۱۰ :
 ج ۳ ص ۱۲۳۱ : ج ۳ ص ۲۰۷۵ .
 نصرت‌الله خان (از قزل‌باغ) : ج ۱ ص ۵۰۲ :
 ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۳ ص ۲۰۶۵ .
 نصرت‌الله خان کشیکچی‌باشی : ج ۳ ص ۱۶۲۸ .
 نصرت‌الله (میرزا -) خان مستوفی : ج ۲
 ص ۱۲۹۷ : ج ۳ ص ۲۱۴۱ .
 نصرت‌الله (میرزا -) خان منشی مخصوص :
 ج ۱ ص ۵۲۲ : ج ۲ ص ۱۲۰۰ : ج ۳
 ص ۲۰۲۲ .
 نصرت‌الله (میرزا -) خان مهندس
 سرتیپ‌سیم : ج ۱ ص ۵۰۸ : ج ۲ ص
 ۱۲۲۸ : ج ۳ ص ۲۰۷۲ .
 نصرت‌الله خان (خالوی ناصرالدین شاه) :
 ج ۳ ص ۱۷۸۱ .
 نصرت‌الله (میرزا -) خان (نایب اول
 وزارت خارجه) : ج ۳ ص ۲۱۰۲ .
 نصرت‌الله خان (میرزا -) نایب دوم : ج ۲
 ص ۲۱۰۳ .
 نصرت‌الله (میرزا -) خان (نایب‌الوزاره) :
 ج ۲ ص ۱۱۸۸ .
 نصرت‌الله خان نصرت‌الملک (سرتیپ اول) :
 ج ۳ ص ۱۷۱۲ .
 نصرت‌الله خان نویری (تفنگدار خاصه) :
 ج ۱ ص ۵۳۰ : ج ۲ ص ۱۲۵۷ : ج ۳
 ص ۱۵۰۹ ، ۱۵۲۲ ، ۲۱۱۱ .
 نصرت‌الله (میرزا -) منشی خاصه وزارت
 خارجه : ج ۳ ص ۱۹۳۶ .
 نصرت‌الله میرزا : ج ۲ ص ۱۱۲۲ ، ۱۱۲۳ .
 ۱۱۲۵ تا ۱۱۲۰ ، ۱۱۲۱ ، ۱۱۲۳ .
 نصرت‌الله میرزا (حاجی -) امیر آخویر :

ع ۱ ص ۵۲۷: ع ۲ ص ۱۲۵۲: ع ۳ ص ۲۰۹۷: نصرالله میرزا (پسر رکنالدوله طینکی میرزا): ج ۲ ص ۱۶۲۲: نصرالله میرزا (پسر حاجی سیدالدوله میرزا): ج ۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۱۸۲۲: ۲۰۶۲: نصرالله میرزا (فرزند محمد علی میرزا دولتشاه): ج ۳ ص ۱۵۵۰: نصرالله میرزا (پسر ناصرالدینشاه): ج ۲ ص ۱۲۱۸: نصرالله میرزا (نایب‌الوزار و تجارت): ج ۱ ص ۵۲۶: ج ۲ ص ۱۲۵۱: ج ۳ ص ۲۱۲۵: نصرالدوله، ابونصر احمد بن مروان الکندی (حاکم دیاربکر): ج ۱ ص ۲۱۷، ۲۱۰: ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۷: نصرالدوله، شهریار بن یزدگرد (از آل بایند): ج ۲ ص ۶۳۷: نصرالطک، نصرالله خان: ج ۱ ص ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۲۲: ج ۲ ص ۱۱۹۱، ۱۲۲۷، ۱۲۴۰: ج ۳ ص ۲۰۲۵، ۲۰۷۱، ۲۰۸۲، ۲۰۹۲: نصرت (میرزا -) طبیب: ج ۱ ص ۵۳۷: ج ۳ ص ۲۱۳۱: نصرت‌الله خان سرتیب (حاکم گرگانرود): ج ۱ ص ۲۸۲: ج ۲ ص ۲۰۹۳، ۲۰۱۹: نصرت‌الدوله: ج ۳ ص ۱۷۰۵، ۱۷۲۲، ۱۷۲۵، ۱۷۳۲، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۵، ۱۷۳۸، ۱۷۵۲، ۱۸۰۲، ۱۸۱۳، ۱۸۲۲، ۱۸۲۷، ۱۸۹۹، ۱۹۰۷، ۱۹۲۰، ۱۹۲۷، ۱۹۵۲: نصرت‌الدوله (حکمران فارس): ج ۳ ص ۱۷۱۲: نصرت‌الدوله فرمانفرما (والی فارس): ج ۱ ص ۵۵۸: ج ۲ ص ۱۲۱۹: ج ۳ ص ۱۹۶۲: نصرت‌الدوله، فیروز میرزا: ج ۲ ص ۱۶۹۶: نصرالدوله (وزیر جنگ): ج ۳ ص ۱۹۲۲: نصرت‌الدین (حاکم فارس): ج ۲ ص ۶۴۰: نصرت‌الدین میرزا (پسر ناصرالدینشاه): ج ۲ ص ۲۰۳۷، ۲۰۶۲: نصرت شاه (صاحب بنگاله): ج ۳ ص ۷۶۹:

۷۹۱: نصرت‌الطک: ج ۲ ص ۱۲۲۷: نوح پاشا (کاشی‌خان صدر حسینی): ج ۲ ص ۹۰۵: نصر (میرزا -): ج ۲ ص ۱۸۰۴: نصیریگ (نایب دوم شهرباری): ج ۲ ص ۲۱۱۳: نصیر خان نیموری (میر -): ج ۲ ص ۱۵۶۷: نصیر خان جمشیدی: ج ۲ ص ۱۷۳۰: نصیرخان جودکی: ج ۲ ص ۱۷۲۷: نصیر خان شاهسون: ج ۲ ص ۱۴۱۶: نصیرخان قزوینی (نایب آجودانیانی): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۳: نصیر خان لاری: ج ۲ ص ۱۱۵۳، ۱۱۵۷، ۱۱۶۷: نصیرخان هزاره: ج ۲ ص ۱۵۱۹: نصیر (میرزا -) طبیب اصفهان: ج ۲ ص ۱۱۸۰: نصیر (میرزا -) طبیب دارالظنون: ج ۱ ص ۵۲۵: نصیر (میرزا -) مدیر دواخانه دولتی: ج ۲ ص ۲۱۲۵: نصیر (میرزا -) مترجم: ج ۳ ص ۲۱۳۷: نصیرا همدانی: ج ۲ ص ۹۱۵: نصیرالدوله (از طوک رستمدار): ج ۲ ص ۷۲۲: نصیرالدوله (وزیر فلاح و تجارت): ج ۱ ص ۲۰۳، ۵۰۲، ۵۲۶: ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج ۳ ص ۱۹۲۷، ۱۹۶۲، ۲۰۲۵، ۲۱۲۲: نصیرالدین (چراغ دلی): ج ۲ ص ۶۲۰: نصیرالدین طوسی (خواجه شمس‌الحکماء): ج ۱ ص ۲۶۲: نصیرالطه والدین: ج ۱ ص ۲۰۹۹، ۲۰۴۱، ۲۰۳۹: نصیرالطک: ج ۲ ص ۲۰۹۹، ۲۰۴۱، ۲۰۳۹: نصیرین شمل خورشید مصری نحوی: ج ۱ ص ۱۷۸: نظام (پادشاه دکن): ج ۲ ص ۸۰۶: نظام‌الدوله: ج ۲ ص ۲۰۷۲، ۲۰۷۳: نظام‌الدین استرآبادی: ج ۲ ص ۶۷۲: نظام‌الدین (حاکم فارس): ج ۲ ص ۶۴۰: نظام‌الدین علی‌شیر (حاکم هرات): ج ۲

ص ۷۲۵: نظام‌الدین محمود (حاکم فارس): ج ۲ ص ۶۴۰: نظام‌شاه: ج ۲ ص ۷۵۸، ۷۸۵، ۹۰۳: نظام شاه بهمنی: ج ۲ ص ۷۱۱، ۷۱۷: نظام‌الطک حسن بحری (پادشاه دکن): ج ۲ ص ۷۲۹، ۸۲۳، ۸۶۵: نظام‌الطک طوسی (وزیر ظفرل بهسک و البارسلان و ملک‌شاه طنجونی): ج ۱ ص ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۵۸: ج ۲ ص ۶۴۰: نظام‌الطک، کاظم خان (وزیر لشکر): ج ۲ ص ۱۲۲۳: ج ۳ ص ۱۷۲۷، ۱۷۲۳، ۱۷۴۵، ۱۷۵۴، ۱۷۷۲، ۱۷۸۷، ۱۸۰۴، ۱۸۰۹، ۱۹۲۲، ۱۹۵۵، ۲۰۳۸، ۲۰۶۷، ۲۰۷۵: نظر آقا (وزیر مختار ایران دربار روس): ج ۱ ص ۵۲۵: ج ۲ ص ۱۸۱۲، ۱۹۰۹، ۱۹۲۹، ۲۱۰۷: نظر بیگ استاجلو: ج ۲ ص ۸۲۹: نظرعلی (میرزا -) حکیم‌بانی قزوینی: ج ۳ ص ۱۶۲۷، ۱۶۷۵: نظر علی خان: ج ۲ ص ۱۲۷۳: نظرعلی خان (از اجزای پستخانه): ج ۲ ص ۲۱۲۲: نظرعلیخان (رئیس‌مندان): ج ۱ ص ۵۲۳: نظر علی‌خان زند: ج ۲ ص ۱۱۳۶، ۱۱۶۳ تا ۱۱۶۷، ۱۱۷۹: نظر علی خان مرندی: ج ۳ ص ۱۵۷۱: نظرعلی خان (نایب اشک آقاسی): ج ۲ ص ۱۶۰۲: نظیر رنگه (شاعر): ج ۲ ص ۱۵۰۳: نظری نیشابوری: ج ۲ ص ۹۰۷: نظیف‌اندی، مصطفی (سفیر عثمانی): ج ۲ ص ۱۱۲۷، ۱۱۳۲، ۱۱۳۵، ۱۱۳۹، ۱۱۳۷: نعمان بن بشیر انصاری (والی کوفه): ج ۱ ص ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۶، ۱۲۵: نعمان بن ثابت (ابوحنیفه): ج ۲ ص ۹۱۷: نعمان بن صهبان الراسی: ج ۱ ص ۶۹: نعمان بن حنظل المعزنی: ج ۱ ص ۵۰: نعمان (از موالی مهدی، حاکم بحرین): ج ۲

ج ۱ ص ۱۵۴
نصرت‌الله (سید -) از اولیاء: ج ۲ ص ۶۸۳
نصرت‌الله بیگ (از سواره مهاجر): ج ۲ ص ۲۰۰
ص ۲۰۸۷
نصرت‌الله حلی (امیر -): ج ۲ ص ۷۷۶
۷۸۷
نصرت‌الله خان (از جماعت خواجی‌موند):
ج ۱ ص ۵۲۱: ج ۲ ص ۲۰۹۰
نصرت‌الله خان (سرکرده): ج ۱ ص ۵۵۳
نصرت‌الله خان (از دسته شفتی): ج ۱ ص ۵۲۳: ج ۲ ص ۲۰۹۳
نصرت‌الله خان (سرحد فوج چهارم
مرتدی): ج ۱ ص ۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۳۲
نعم (میرزا -): ج ۲ ص ۱۷۵۵
نعمان (= نعم بن مسعود و نعم بن
مقرون)
نعم بن مسعود اشجی: ج ۱ ص ۲۷۰۲۵
نعم بن مقرون: ج ۱ ص ۵۱، ۵۰، ۲۷
نعم بن میره (نحوی کوفی): ج ۱ ص ۱۶۰
نعم بن همیره (امیر سپاه علی (ع) در
صفین): ج ۱ ص ۶۲
نظویه —: ابراهیم بن محمد بن عرفه
نقیسه (دختر عبدالله بن عباس): ج ۱ ص ۱۷۱
نقال خان: ج ۲ ص ۸۲۷، ۸۵۸
نقدعلی خان کوتوال: ج ۲ ص ۱۵۷۲
نقدعلی خان سرحد (حاجی -): ج ۱ ص ۵۱۲: ج ۲ ص ۱۱۷۵، ۱۲۳۶
ج ۲ ص ۱۲۸۰، ۱۵۷۳، ۲۰۸۱
نقش جهان خان (شاه منولستان): ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۲۹
نقوسه: ج ۳ ص ۱۸۳۱، ۱۸۳۸
نصیب خان غزوی: ج ۲ ص ۹۱۱
نکر (وزیر مالیه فرانسه): ج ۳ ص ۱۳۹۰
۱۴۱۱، ۱۴۱۷
نگینار خان (سر هلاکو خان): ج ۳ ص ۱۲۶۵
نکوس زان (امپراطور حبشستان): ج ۱ ص ۵۶۲
نلسن (امیرالبحر انگلیس): ج ۳ ص ۱۲۸۰
نوائی (دکتر -): ج ۲ ص ۸۵۵: ج ۲ ص ۱۲۶۸
ج ۱۲۶۸، ج ۱۲۶۵، ج ۱۲۶۶

نوح بیگ (ولد سرخای خان لنگری):
ج ۲ ص ۱۲۷۷
نوح بن منصور سامانی: ج ۱ ص ۲۷۷، ۲۸۶
تا ۲۸۸، ۳۱۱
نوح نبی: ج ۱ ص ۱۲۹، ۲۱۸: ج ۲ ص ۱۳۲۹، ۱۳۳۱
نوح بن نصر سامانی: ج ۱ ص ۲۵۶، ۲۶۲
نولر: ج ۱ ص ۲۱
نورالله خان شاهرانلو: ج ۳ ص ۱۲۲۲
نوراللمعان (از قول ابلاغ): ج ۱ ص ۵۰۲: ج ۲ ص ۱۲۲۱: ج ۳ ص ۲۰۶۵
نورالله (میرزا -) سرشمار دفتر لشکر:
ج ۲ ص ۱۲۲۲
نورالدوله شاهنشاه بن ایوب: ج ۱ ص ۲۸۲
نورالدهر میرزا (حاکم مازندران): ج ۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۱۵۵۱، ۱۹۹۲
۲۰۶۲
نورالدین طوسی: ج ۲ ص ۶۳۶
نورالدین محمد: ج ۲ ص ۸۲۷
نورالدین محمد (از ارتقه): ج ۲ ص ۶۷۰
نورالدین محمد جهانگیر: ج ۲ ص ۸۹۹
۹۲۱
نورالدین محمد بن مانع (قاضی القضاة):
ج ۲ ص ۶۳۶
نورالدین محمد (ولد کمال‌الدین حسین):
ج ۲ ص ۸۳۷
نورالدین محمد مرتدی (شیخ -): ج ۲ ص ۶۹۶
نورالدین محمود (سر عمادالدین زنکی،
حکمران حلب): ج ۱ ص ۲۸۰ تا ۳۸۲، ۳۸۷ تا ۳۹۱، ۳۹۲
نورالدین محمود بن قراقرغان: ج ۱ ص ۲۹۵، ۳۹۶، ۴۰۷
نورالدین (میر -) ابن میر سید شریف:
ج ۲ ص ۶۸۹
نورالدین یمنی: ج ۲ ص ۶۲۱
نورعلی (ولد ابوالخیر خان): ج ۲ ص ۱۱۲۶
نورعلی بیگ: ج ۲ ص ۸۸۲
نورعلی خان (از جماعت دره جزی):
ج ۲ ص ۲۰۸۷
نورعلی خلیفه ریپو: ج ۲ ص ۷۵۷، ۷۵۹
۷۶۱
نورعلی شاه افغانی (از عرفا): ج ۲

ص ۱۲۲۵
نورعلی (والی خوارزم): ج ۲ ص ۱۱۲۶
نور کاوانوش: ج ۱ ص ۲۷۲
نورمان (مسیو -) مترجم: ج ۱ ص ۵۳۳
نورمحمدخان: ج ۲ ص ۸۸۲، ۸۸۷: ج ۳ ص ۱۶۱۱، ۱۶۱۲
نور محمد خان (از اجزای مجلس احرار):
ج ۲ ص ۲۱۰۲
نور محمدخان امینی: ج ۱ ص ۵۳۰: ج ۲ ص ۱۲۵۶
نور محمد خان اوزبک: ج ۲ ص ۹۰۸
نور محمد خان سرتیب: ج ۳ ص ۱۷۲۲
نور محمدخان (حاجی -) سردار: ج ۲ ص ۱۶۹۲
نور محمدخان (صاحب منصب): ج ۱ ص ۵۳۲
نورمحمدخان قاجار: ج ۳ ص ۱۵۴۷، ۱۷۲۴
نورالنساء خانم (زن شاه عباس دوم):
ج ۲ ص ۹۲۲
نوروز (امیر -): ج ۲ ص ۵۹۸
نوروز خان سرتیب: ج ۱ ص ۵۱۷: ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج ۳ ص ۲۰۸۶
نوروز خان عزالدین لو قاجار (ایشیک
آقاسی باشی امیربار): ج ۳ ص ۱۲۲۸
۱۲۷۳، ۱۲۷۵، ۱۲۸۲، ۱۵۰۱
نوروز علی خان (سرکرده قشون عثمانی):
ج ۳ ص ۱۵۷۱
نوروز گورکان: ج ۲ ص ۶۳۸
نوروز: ج ۲ ص ۹۴۸
نوشری (عامل مهر): ج ۱ ص ۲۲۸
نوشیروان: ج ۲ ص ۱۵۵۰
نوعی غیرشانی: ج ۲ ص ۹۰۵
نوفل بن حارث: ج ۱ ص ۲۲
نوفل بن فرات (والی مهر): ج ۱ ص ۱۲۵
نصرت‌صاحب: ج ۲ ص ۱۷۹۸
نی (مارشال -): ج ۲ ص ۱۵۳۱، ۱۵۳۲
نیاز علی بی‌ولایت: ج ۲ ص ۱۲۲۹
نیازمحمدخان (والی بلخ): ج ۲ ص ۱۱۲۵
نیبه (لرد -) سردار انگلیسی: ج ۳ ص ۱۹۰۱
نیرالدوله، فرخ‌سیر میرزا (حاکم اسفراین):
ج ۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۱۹۲۲، ۱۹۵۱
۲۰۳۷

ج ۲ ص ۱۵۰۶-۱۵۲۷-۱۵۳۱-۱۵۳۲
 ۱۵۷۶-۱۵۹۲-۱۶۰۰-۱۶۱۲-۱۶۱۴
 ۱۷۵۰
 ولی (میرزا -) : ج ۲ ص ۲۱۱۲
 ولی (میرزا -) مترجم : ج ۲ ص ۲۱۲۸
 ولی (میرزا سید -) مرتب حروف : ج ۱ ص ۵۵۵
 ولی بیگ موندی (سید -) یاز اول : ج ۱ ص ۵۱۱-ج ۲ ص ۱۲۳۲-ج ۲ ص ۲۰۷۷
 ولی خان (ولد بیگربیک) : ج ۱ ص ۵۲۶
 ولی خان نگو : ج ۲ ص ۸۷۴-۸۷۵
 ولی خان تنکابنی : ج ۲ ص ۱۵۷۸-۱۶۲۱
 ۱۶۲۵
 ولی (حاجی -) خان (حاکم سوادکوه) : ج ۲ ص ۲۱۱۲
 ولی خان (سرتیپ سیم) : ج ۱ ص ۵۱۷
 ج ۲ ص ۱۲۲۱-ج ۳ ص ۲۰۸۵
 ولی خان (سرتیپ نوج سیلاخوری) : ج ۲ ص ۱۷۸۴
 ولی خان قاجار : ج ۲ ص ۱۲۶۹-ج ۳ ص ۱۲۴۷-۱۲۴۸
 ولی خان کرد شادلو : ج ۲ ص ۱۱۵۹
 ولیخان (نایب اصطبل خاصه) : ج ۱ ص ۵۵۴-ج ۲ ص ۲۱۳۷
 ولی خان (نایب الحکومه سواد کوه) : ج ۲ ص ۲۱۴۶
 ولی خلیفه شادلو : ج ۲ ص ۸۳۰-۸۳۹
 ۸۷۰
 ولی دشت بیاضی : ج ۲ ص ۸۵۷
 ولید بن بکر بن مغله اندلسی (نقیبه مالکی) : ج ۱ ص ۲۹۲
 ولید بن بکر (حاکم موصل) : ج ۱ ص ۱۲۱
 ولید بن طریف خارجی تطبی : ج ۱ ص ۱۶۱-۱۶۲
 ولید بن عبدالملک بن مروان : ج ۱ ص ۹۲-۹۷ تا ۱۰۴
 ولید بن عتبه (از مروان فرزند) : ج ۱ ص ۲۲
 ولید بن عتبه بن ابی سفيان (والی مدینه) : ج ۱ ص ۷۹ تا ۸۱-۸۲-۸۴-۸۶
 ولید بن عتبه (حاکم کوفه) : ج ۱ ص ۴۶-۵۲-۵۳

ولید بن قنقاع عسبی : ج ۱ ص ۱۱۲
 ولید بن مغیره : ج ۱ ص ۲۲
 ولید بن هشام : ج ۱ ص ۱۲۲-۱۲۹
 ولید بن هشام بن علی : ج ۱ ص ۱۰۲
 ولید بن مزید بن عبدالملک : ج ۱ ص ۱۰۸-۱۲۴ تا ۱۲۶
 ولیس (کاتب جریده اتابقی) : ج ۲ ص ۱۱۶۹
 ولی سلطان : ج ۲ ص ۸۶۶
 ولیقلی (میرزا -) سررستم دار دفتر لشکر : ج ۱ ص ۵۰۵-ج ۲ ص ۱۲۲۴-ج ۲ ص ۲۰۳۹-۲۰۶۹
 ولی محمد خان اوزبک : ج ۲ ص ۹۰۵-۹۶۱
 ولی محمد خان (پادشاه باور/النهر) : ج ۲ ص ۹۰۰-۹۰۵
 ولی محمد خان بن رستم خان : ج ۲ ص ۹۶۱
 ولی محمد خان سرتیپ : ج ۳ ص ۱۶۵۳
 ولی محمد خان سرکرده جماعت شاهسون دوبرن : ج ۱ ص ۵۲۱-ج ۲ ص ۲۰۹۱
 ولی محمد خان سرور بیگدلی : ج ۲ ص ۱۰۱۲
 ولی (میرزا -) منشی بانی : ج ۱ ص ۵۵۲-ج ۲ ص ۲۱۱۲
 ولی (میرزا -) ناظم : ج ۱ ص ۵۵۲
 ولیم هکره : ج ۱ ص ۵۳۸-ج ۳ ص ۲۱۰۸
 ونداد امید بن شهریار (از ملوک رستم دار) : ج ۲ ص ۷۲۴
 ونداد هرمز (حکمران طبرستان) : ج ۱ ص ۱۵۵
 ون نران تلن : ج ۳ ص ۲۰۰۰
 ونسر آلمانی : ج ۳ ص ۱۲۷۴
 ونسلوه : ج ۲ ص ۱۵۲۶
 وواتور : ج ۲ ص ۹۵۳
 وواتوچ روسی : ج ۳ ص ۱۲۹۰-۱۳۹۱
 دورمر (سردار اطریشی) : ج ۳ ص ۱۲۲۰
 وهاب (دربابهای عرب) : ج ۱ ص ۱۹۲
 وهب بن کسان : ج ۱ ص ۱۲۹
 وهب بن مسعود ثقفی : ج ۱ ص ۲۰
 وهسودان (وهسودان) حاکم تبریز : ج ۱ ص ۲۶۴-۲۶۵-۲۷۲
 وهب بن وردمکی (از زهاد) : ج ۱ ص ۱۴۶
 وی بت (مهندس) : ج ۲ ص ۸۹۹

وینژا (پادشاه اسپانیول) : ج ۱ ص ۱۰۱
 وین مرادخان زند : ج ۳ ص ۱۳۶۱-۱۳۹۲
 تا ۱۳۹۲-۱۳۹۵
 ویکتور امانول : ج ۳ ص ۱۷۹۹
 ویکتور آمد (شاه ایتالیا) : ج ۲ ص ۲۰۱۲-۱۱۷۵-ج ۳ ص ۱۳۲۰
 ویکتور آمد (پادشاه ساردن) : ج ۲ ص ۱۰۲۸
 ویکتور امانول (پرنس جنابل) : ج ۱ ص ۵۶۲-ج ۲ ص ۲۱۴۸
 ویکتور (ویکتور) امانول (پادشاه ساردین) : ج ۲ ص ۱۷۰۹-۱۷۲۰-۱۷۶۲-۱۸۰۵-۱۸۱۶ تا ۱۸۱۹-۱۸۲۷ تا ۱۸۲۹-۱۸۳۶-۱۸۳۷-۱۸۴۵-۱۸۴۶
 ویکتور امانول اول : ج ۳ ص ۱۲۶۶
 ویکتور امانول ثانی (دوم) شاه ایتالیا : ج ۳ ص ۱۹۲۵-۱۹۸۸
 ویکتوریا الکساندر (ملکه -) ملکه انگلستان : ج ۱ ص ۵۶۲-ج ۲ ص ۲۱۴۸
 ویکتوریای اول (پادشاه انگلیس) : ج ۲ ص ۱۶۲۳
 ویل هل مینا (دختر شاه هلند) : ج ۲ ص ۲۰۱۶
 ویل هل مینا (دختر پادشاه یونان) : ج ۱ ص ۲۸۸
 ولیم بیت : ج ۲ ص ۱۱۵۸-۱۱۶۲
 هانف امدهانی — احمد هانف ...
 هانفی (خواهر راده جامی) : ج ۲ ص ۷۶۷
 هادی (میرزا) : ج ۲ ص ۱۲۷۱
 هادی (میرزا -) از اجزای پستخانه : ج ۲ ص ۲۱۲۰
 هادی (میرزا -) تحویلدار امضات : ج ۱ ص ۵۲۱-ج ۲ ص ۲۱۲۰
 هادی خان : ج ۲ ص ۱۷۱۵
 هادی خان (از امراء) : ج ۲ ص ۱۲۵۱
 هادی خان، پسر بیگربیک (از اعیان طهران) : ج ۳ ص ۲۰۹۶
 هادی خان جهان بیگو (حاجی -) سرتیپ سوم : ج ۱ ص ۵۰۸-ج ۲ ص ۱۲۲۸-ج ۲ ص ۲۰۷۲
 هادی میرزا - خان (دفتر دار) : ج ۱

هاشم (میرزا سید -) نایب ایشیکاوا
 بانی: ۳ ص ۲۱۱۶.
 هانری (س) سفیر انگلیس: ج ۳ ص ۱۵۱۹.
 ۱۵۲۲.
 هانری (پسر گلنوم طایف، پادشاه انگلیس):
 ج ۱ ص ۲۵۵.
 هانری (ولیمید آلمان): ج ۱ ص ۲۲۵.
 هانری اول (پادشاه فرانسه): ج ۱ ص ۲۰۸.
 ۲۲۱، ۲۲۷.
 هانری اول (پادشاه قسطنطنیه): ج ۱ ص ۲۲۵.
 هانری بولی (رئیس پارلمنت فرانسه):
 ج ۲ ص ۱۲۰۶: ج ۲ ص ۲۰۲۹.
 هانری (پادشاه پرتغال): ج ۲ ص ۸۶۸.
 ۸۶۹.
 هانری پنجم (شاه انگلیس): ج ۲ ص ۶۷۵.
 هانری چهارم (شاه انگلیس): ج ۲ ص ۶۶۵.
 ۶۷۵.
 هانری چهارم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۸۲۲، ۸۸۸ تا ۸۹۰، ۸۹۲، ۸۹۳.
 ۸۹۵ تا ۸۹۸، ۹۰۶: ج ۲ ص ۱۵۲۸.
 هانری چهارم (پادشاه ناپل): ج ۲ ص ۸۵۶، ۸۵۹، ۸۶۵، ۸۷۲، ۸۷۵.
 ۸۸۸.
 هانری دیکز: ج ۲ ص ۸۸۸.
 هانری، دوک دوپرو (ولیمید فرانسه):
 ج ۲ ص ۱۵۲۹.
 هانری دوم (امپراتور آلمان): ج ۱ ص ۲۰۵.
 هانری دوم (پادشاه انگلستان): ج ۱ ص ۲۹۹.
 هانری دوم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۸۰۶، ۸۲۲.
 هانری سوم پادشاه آلمان: ج ۱ ص ۳۲۲.
 هانری-سیم (پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۵۸۵.
 ۵۹۰، ۵۹۷.
 هانری-سیم (پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۸۶۰، ۸۸۸.
 هانری ششم (شاه انگلیس): ج ۲ ص ۶۸۲.
 هانری ششم (شاه فرانسه): ج ۲ ص ۸۸۸.
 ۷۲۱.
 هانری هشتم (شاه انگلیس): ج ۲ ص ۷۲۹.
 ۷۵۱، ۷۶۸، ۸۰۶.

۱۲۰، ۱۷۲، ۱۸۲.
 هارین بن سطلی عطلی (... سید...):
 ج ۱ ص ۱۲۱.
 هارون بن طایف (حاکم خوارزم): ج ۱ ص ۲۱۶.
 هارون بن محمد المورینی: ج ۲ ص ۵۹۷.
 هارون بن مستند: ج ۱ ص ۲۲۲.
 هارون، پسر موسی بن نصر: ج ۱ ص ۹۹.
 هارونی: ج ۲ ص ۵۸۱.
 هاشم (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۷۲.
 هاشم بن اساجج: ج ۱ ص ۱۲۵.
 هاشم خان (میرزا -): ج ۲ ص ۱۷۲۸.
 ۱۷۲۵، ۱۷۲۷.
 هاشم خان (میرزا -) امین خلوت: ج ۲ ص ۱۸۲۹، ۱۸۳۲.
 هاشم خان بهارلو (بازر اول): ج ۲ ص ۲۰۷۷.
 هاشم خان (میرزا -) از اجزای مستغانه:
 ج ۲ ص ۲۱۲۲.
 هاشم خان (حاجی -) ولد حاجی رحمتی
 بختیاری: ج ۲ ص ۱۵۶۶.
 هاشم خان زند: ج ۲ ص ۱۲۶۸.
 هاشم خان (محبوب -): ج ۲ ص ۱۲۵۲.
 هاشم خان قزاقی: ج ۲ ص ۱۷۱۹.
 هاشم (میرزا -) خان (کارگذار خارجه)
 روسی و سرپرستهای: ج ۱ ص ۵۷۵.
 ج ۲ ص ۲۱۵۲.
 هاشم (میرزا -) خان (امور آذربایجان):
 ج ۱ ص ۵۳۹.
 هاشم خان (میرزا -) مستوفی (اسرار
 نگار مجلس تبریز): ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 ج ۲ ص ۲۰۶۷.
 هاشم خان یوزباشی: ج ۲ ص ۶۷۱.
 هاشم (میرزا -) رئیس گان: ج ۱ ص ۵۴۲.
 هاشم (میرزا -) سرشتمدار: ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 ج ۲ ص ۲۰۷۹.
 هاشم بن سید بن خالد (حاکم موصل):
 ج ۱ ص ۱۵۷.
 هاشم بن عبد مناف: ج ۱ ص ۱۱۵.
 هاشم بن عتب بن ابرقاس (برجسدار
 علی (ع) در مبین): ج ۱ ص ۲۰.
 ۲۲، ۲۶، ۲۸.
 هاشم (میرزا -) منشی: ج ۲ ص ۲۱۰۲.

ص ۵۵۱.
 هادی خان زندی (نایب آجودان بانی):
 ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۲ ص ۲۰۷۲.
 هادی (میرزا -) خان (سرشتمدار):
 ج ۱ ص ۵۵۲.
 هادی (میرزا -) خان (سرشتمدار اداره
 خزانه): ج ۲ ص ۲۱۱۱.
 هادی خان (ولد عباسی خان سرینجه):
 ج ۲ ص ۱۷۵۲.
 هادی خان قاجار (نایب مستغانه): ج ۲ ص ۲۱۶۸: ج ۲ ص ۲۱۱۸.
 هادی (میرزا -) خان (کارگذار کربانشاهان):
 ج ۱ ص ۵۲۶.
 هادی خان (نایب -): ج ۱ ص ۵۲۰: ج ۲ ص ۱۲۲۵.
 هادی (میرزا -) خان (نایب): ج ۱ ص ۵۲۲.
 هادی خان نایب (در پروچرد): ج ۲ ص ۲۰۸۰: ج ۲ ص ۱۲۳۵.
 هادی خواجه (سید -): ج ۲ ص ۷۲۸.
 هادی (میرزا -) سرشتمدار: ج ۱ ص ۵۵۵، ۵۵۵.
 هادی (میرزا -) سرشتمدار دفتر لشکر:
 ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج ۲ ص ۲۰۶۸.
 هادی (میرزا -) سرشتمدار زنبورکخانه:
 ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۲ ص ۲۰۶۹.
 هادی (میرزا -) قونول بیت المقدس:
 ج ۱ ص ۵۳۲.
 هادی (میرزا -) کارپرداز بیت المقدس:
 ج ۲ ص ۲۱۰۶.
 هادی (میرزا -) گرگانی (سرشتمدار):
 ج ۲ ص ۱۲۵۰.
 هادی (میرزا -) مستوفی: ج ۱ ص ۵۲۷: ج ۲ ص ۱۲۵۲: ج ۲ ص ۲۰۹۷.
 هارطون (میرزا -) مترجم: ج ۱ ص ۵۳۲، ۵۵۵.
 هارون بن سیدالایادی: ج ۱ ص ۱۷۱.
 هارون بن خواجه بن احمد بن طوسون
 (حاکم مصر): ج ۱ ص ۲۲۱، ۲۲۲.
 ۲۲۵.
 هارون الرشید (خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۵۲ تا ۱۵۶، ۱۵۶.

هانری هفتم: ج ۲ ص ۷۳۵، ۷۵۱.
 هانریت (خواهر پادشاه انگلیس): ج ۲ ص ۹۶۷.
 هانریت (خواهر پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۹۲۰.
 هانوی دوم (امپراطور آلمان): ج ۱ ص ۲۹۱.
 هانی: ج ۱ ص ۸۱.
 هانی بن دبار بن عمرو الانصاری: ج ۱ ص ۷۳.
 هاشمیان (طبيب ساکسی): ج ۳ ص ۱۲۳۰.
 هبالله بن حسین بن يوسف، بدیع مسیح
 اسطرابی (فلکی و شاعر): ج ۱ ص ۳۷۷، ۳۷۰.
 هبالله بن علی المنعمی (عالم): ج ۱ ص ۲۲۱.
 هبالله بن ناصر الدوله: ج ۱ ص ۲۷۳، ۲۷۲.
 هبی تال (وزیر فرانسه): ج ۳ ص ۸۶۰.
 هنین نویان: ج ۳ ص ۱۲۲۲.
 هجری (شاعر رازی): ج ۲ ص ۸۶۵.
 هدایت (میرزا -) پسر میرزا اسکندر
 نوری: ج ۳ ص ۱۵۵۷.
 هدایت (۵۲ -) تهریلدار و جوهرگر: ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 هدایت (میرزا -) خان (سرگرد غلام نصرت): ج ۱ ص ۵۱۸، ج ۳ ص ۲۰۸۷.
 هدایت خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۵.
 هدایت خان خاطرباشی: ج ۲ ص ۱۲۵۳.
 ج ۲ ص ۲۰۹۷.
 هدایت (میرزا -) خان (نایب آهودان باشی): ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 هدایت (میرزا -) روزنامه نویسی: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 هدایت (میرزا -) طهرانی، سررشته دار: ج ۲ ص ۱۲۲۲، ج ۳ ص ۲۰۶۸.
 هدایت (میرزا -) فوایش خلوت: ج ۱ ص ۵۳۰، ج ۲ ص ۱۲۵۷، ج ۳ ص ۲۱۱۱.
 هدایت (میرزا -) نایب الدوله: ج ۱ ص ۵۵۲.
 هدایت (میرزا -) پسر نصیرالملک: ج ۳ ص ۱۸۵۰.
 هدایت الله (میرزا -) اصفهانی: ج ۲

ص ۸۹۶.
 هدایت الله (میرزا -) — امام جمعه مشهد.
 هدایت الله (میرزا -) تفرشی (وزیر لشکر): ج ۳ ص ۱۴۸۰.
 هدایت الله خان: ج ۳ ص ۱۷۶۷.
 هدایت الله خان (از اجزای مجلس جرعه): ج ۳ ص ۲۱۰۲.
 هدایت الله خان (از اعیان طهران): ج ۲ ص ۱۲۵۱، ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 هدایت الله خان (اولاد بکریگی): ج ۱ ص ۵۲۶.
 هدایت الله خان (پسر حاجی جلال لونی): ج ۳ ص ۱۲۸۷، ۱۲۸۲.
 هدایت الله خان سرهنگ: ج ۲ ص ۱۲۲۰، ج ۳ ص ۲۰۸۲.
 هدایت الله خان گیلانی: ج ۲ ص ۱۱۶۴، ج ۳ ص ۱۲۸۷، ۱۲۸۲، ۱۲۸۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰.
 هدایت الله (میرزا -) لسان الملک: ج ۱ ص ۵۲۸، ج ۳ ص ۱۹۱۷.
 هدایت الله (میرزا -) مستوفی (وزیر دفتر): ج ۳ ص ۱۷۱۳.
 هدایت الله (میرزا -) ناظم الدوله: ج ۳ ص ۲۱۱۳.
 هدایت الله (میرزا -) پسر نصیرالملک: ج ۳ ص ۱۸۱۲، (۶).
 هدایت الله (میرزا -) وزیر دفتر استیفاء: ج ۱ ص ۵۰۴، ۵۲۸، ج ۲ ص ۱۲۲۳، ج ۳ ص ۲۰۶۷، ۲۰۰۲، ۱۹۲۸.
 هدایت بن عمران: ج ۱ ص ۲۵.
 هراکلیوس (پادشاه گرجستان): ج ۳ ص ۱۲۴۰، ۱۲۵۲.
 هریذ: ج ۱ ص ۲۷.
 هرناس (ریدی ناپلئون): ج ۳ ص ۱۲۲۰، ۱۲۶۶.
 هرثمه بن اعین (حاکم اریقیه): ج ۱ ص ۱۶۱ تا ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲ تا ۱۷۳.
 هرثمه بن عرقجه (حاکم موصل و شهر زور): ج ۱ ص ۵۲.
 هرثل (منجم هانوی و کاشف ستاره اورانوس): ج ۲ ص ۱۳۹۰.
 هرورد ژونی (سر -) سفیر انگلیس:

ج ۳ ص ۱۴۸۹ تا ۱۴۹۲، ۱۴۹۳.
 هرقل: ج ۲ ص ۸۹۷.
 هرقل (امپراطور روم شرقی): ج ۱ ص ۲۱ تا ۲۳، ۲۶ تا ۲۹، ۲۲، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۱۰۲.
 هرمل وکیل (صوبه -): ج ۱ ص ۵۲۵.
 هرم بن حیان عیدی (عامل فارس): ج ۱ ص ۵۵.
 هرم بن حیان الشکری (عامل فارس): ج ۱ ص ۵۵.
 هرمز (سردار عجم): ج ۱ ص ۲۲.
 هرمز (استاد -) پسر عبدالجوش ابوعلی: ج ۱ ص ۲۹۵، ۲۹۶.
 هرمز میرزا (پسر فتحعلی شاه): ج ۳ ص ۱۶۲۳.
 هرمزان: ج ۱ ص ۲۰، ۲۷، ۲۸.
 هروندان بن تیدای دیوبند (از ملوک رستم دار): ج ۲ ص ۷۲۲.
 هزار اسب (از ملوک رستم دار): ج ۲ ص ۷۲۲.
 هزار دیناری، آلسفر بدرالدین: ج ۱ ص ۲۱۳، ۲۱۶.
 هشام بن اسمعیل مغزوسی (والی مشهد): ج ۱ ص ۹۶، ۹۸.
 هشام بن سعید (حاکم جرجان): ج ۱ ص ۱۵۳.
 هشام سوم: ج ۱ ص ۲۰۸.
 هشام بن عبدالرحمن اموی، ابوالولید (شاه اسپانیول): ج ۱ ص ۱۵۸ تا ۱۶۲، ۲۵۲.
 هشام بن عبدالملک بن مروان (خلیفه اموی): ج ۱ ص ۹۸، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰ تا ۱۱۷، ۱۱۹ تا ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۳ تا ۱۲۴.
 هشام بن عذراففهری: ج ۱ ص ۱۴۰.
 هشام بن عمر الفطی (الفطی) والی سند: ج ۱ ص ۱۲۳.
 هشام بن عمرو (والی سند): ج ۱ ص ۱۲۸.
 هشام بن غار بن ربیع الجرجی: ج ۱ ص ۱۲۶.
 هشام بن عبدالدوله، پسر الحکم دوم (پادشاه اسپانیول): ج ۱ ص ۲۷۷، ۲۹۵.
 هش (سردار فرانسه): ج ۲ ص ۱۲۳۱،

۱۲۲۵ - ۱۲۲۶

هشتم بن مغویه المکی (حاکم بصره) :

ع ۱ ص ۱۲۷

حاکموفان : ع ۱ ص ۱۹ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۶۱

ع ۲ ص ۲۶۲ تا ۵۲۹ تا ۵۸۵ ، ۵۹۱

۶۲۸ ، ۶۲۷ ، ۶۲۸ ، ۶۲۰ ، ۶۲۱

۶۷۲ : ع ۲ ص ۱۲۳۳ تا ۱۲۳۶

۱۲۳۸ ، ۱۲۳۷ ، ۱۲۳۶ ، ۱۲۳۵

۱۲۶۵

حاکموفان (ابن شجاع السلطه) : ع ۲

ص ۱۵۹۲ ، ۱۶۰۳ ، ۱۶۱۳ ، ۱۶۲۰

حلال بن ابی هیره : ع ۱ ص ۶۵

حلال بن علفه (از خوارج) : ع ۱ ص ۶۹

حلال بن علفه : ع ۱ ص ۲۰

حلال بن مدلاج (رئیس خوارج) : ع ۱ ص

۱۱۰

علام : ع ۲ ص ۱۸۱۹

هانی بن عمیر : ع ۱ ص ۶۵

هام بن قبط (امیر سپاه) : ع ۱ ص ۶۵

هانیون (پادشاه بهمنی) : ع ۲ ص ۷۱۱

۷۸۲ ، ۷۸۸ ، ۷۹۰ تا ۷۹۲ تا ۷۹۴

۷۹۵ ، ۷۹۹ ، ۸۰۱ ، ۸۰۵ ، ۸۰۶

۸۱۹ ، ۸۲۱ ، ۸۲۲ ، ۸۲۳ ، ۸۲۴

هانیون (میرزا -) نایب الحکومه کاشان :

ع ۲ ص ۱۳۰۱

هانیون سلطان (خانم خاتمان) دختر

فتحعلی شاه : ع ۲ ص ۱۶۲۵

هانیون میرزا (حشمت) : ع ۲ ص ۱۲۶۲

۱۵۲۲ ، ۱۵۶۹ ، ۱۶۲۳

هشمت : ع ۲ ص ۱۱۷۰

هند (زوجة ابوسلیان) : ع ۱ ص ۲۱

هندو خان (پسر ملک شاه) : ع ۱ ص ۲۱۶

۲۱۹ ، ۲۲۰

هنری جورجیل (دفتردار) : ع ۱ ص ۵۳۸

ع ۲ ص ۲۱۰۸

هنریوس سوم (پاپ) : ع ۱ ص ۲۳۱

هنوده حنفی : ع ۱ ص ۲۱

هورب : ع ۱ ص ۳۰۹

هورسن (نریمانورد) : ع ۲ ص ۹۰۵

هوشنگ خان دلاورخان : ع ۲ ص ۷۸۴

هوشنگ شاه مالوی (صاحب مالوه) : ع ۲

ص ۶۸۶ ، ۶۹۰

هوشنگ میرزا ایلخانی : ع ۱ ص ۵۰۲ ، ع ۲

ص ۱۸۱۵ ، ۱۸۶۶ ، ۱۹۲۹

هوی (شاه فرانسه) : ع ۱ ص ۲۶۲

هوی کایه (شاه فرانسه) : ع ۱ ص ۲۶۲

۲۸۸

هوسراول (شاه ایتالیا) : ع ۱ ص ۵۶۲

ع ۳ ص ۱۹۸۸ ، ۲۱۲۸

هوهن زلین : ع ۲ ص ۱۹۱۷

هیروان چسنگ (عالم چینی) : ع ۱ ص

۲۸

هیت الله خان (ولد مسیح خان) : ع ۲

ص ۱۱۶۰

هیم بن سعید (والی جزیره) : ع ۱

ص ۱۵۰

هیم بن مغویه المکی (حاکم مکه و

طائف) : ع ۱ ص ۱۲۵ ، ۱۲۹

هینوم (صاحب سس) : ع ۲ ص ۵۸۷

۵۸۹

هیدنه (سیو -) : ع ۱ ص ۵۳۰

هیکن (مخترع ساعت زنگی) : ع ۲ ص ۹۵۲

هیموی هندو : ع ۲ ص ۸۲۰



یادگار علی سلطان طالش : ع ۲ ص ۹۰۲

یادگار (میرزا -) محمد (سردار لشکر)

ع ۲ ص ۷۱۷

یازد (فرزند آ) : ع ۲ ص ۱۲۳۱

یازدلاو : ع ۱ ص ۳۲۷

یازعلی بیگ : ع ۲ ص ۸۸۲

یازکوج ترکی : ع ۱ ص ۲۰۷

یازمحمدخان : ع ۱ ص ۵۲۰ ، ع ۲ ص ۱۶۱۶

۱۶۲۱ ، ۱۶۵۲ ، ۱۶۹۸

یازمحمد خان افغان : ع ۲ ص ۱۶۱۰

۱۶۸۸

یازمحمد خان امین الدوله (وزیر گامران

میرزا افغان) : ع ۳ ص ۱۶۱۱ ، ۱۶۶۲

یازمحمدخان ایلخانی شادلو : ع ۱ ص ۵۱۹

ع ۲ ص ۱۹۶۲ ، ۲۰۸۸

یازمحمدخان (از خورده ایلی) : ع ۲

ص ۲۰۸۹

یازمحمدخان (سوبدار کشمیر) : ع ۲ ص

۱۵۲۱

یازمحمدخان شهیرالدوله : ع ۳ ص ۱۷۱۴

۱۷۱۸

یازمحمدخان (نایب آجودان باغی) : ع ۱

ص ۵۰۹ ، ع ۲ ص ۱۲۲۰ ، ع ۳ ص ۲۰۷۲

یازوق ارسلان ترکمانی : ع ۱ ص ۳۹۶

یازوقی = حسن بن عبدالله (وزیر المستنصر

علوی فاطمی) : ع ۱ ص ۳۲۵

یاسین (خارجی) : ع ۱ ص ۱۵۵

یافت (پسر نوح) : ع ۳ ص ۱۲۳۷

یافت افغان : ع ۳ ص ۱۲۲۲

یاقوت خان حبشی : ع ۲ ص ۹۹۴

یاقوت شادلی : ع ۳ ص ۶۲۷

یاقوت بن عبدالله مستصمی (خطاط) :

ع ۲ ص ۶۰۵

یاقوتی (عم برکیارق) : ع ۱ ص ۳۵۱

یحیی (میرزا -) : ع ۲ ص ۱۲۷۲

یحیی بن ابی کثیر الیمانی : ع ۱ ص ۱۲۹

یحیی بن ادریس (آخرین سلطان آل

امریس) : ع ۱ ص ۱۸۲ ، ۲۲۶

یحیی بن اسحاق ، المنتخب : ع ۱ ص ۲۵۹

یحیی بن اکثم تميمی (قاضی القضاة) : ع

۱ ص ۱۹۶ ، ۱۹۷

یحیی بیگ طهرانی (نایب نسیفخانه) : ع

۲ ص ۱۲۶۹ ، ع ۲ ص ۲۱۱۸

یحیی پاشا : ع ۲ ص ۹۸۱

یحیی (میرزا -) از احرار پستخانه : ع ۲

ص ۲۱۱۲

یحیی بن تميم (حاکم افریقه) : ع ۱ ص

۲۵۹ ، ۳۶۲

یحیی (سید -) پسر سید جعفر اصطهبالا

نالی (کتبی) : ع ۲ ص ۱۶۷۱

۱۶۹۵ ، ۱۶۹۶ ، ۱۷۰۵

یحیی بن جعفر بن تمام : ع ۱ ص ۱۳۱

یحیی الحوشی (حاکم اصطهان) : ع ۱ ص

۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۶۲ ، ۱۶۵

یحیی بن خاقان خراسانی : ع ۱ ص ۱۹۲

یحیی بن خالد بن بومک (وزیر هارون) :

ع ۱ ص ۱۲۹ ، ۱۵۲ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳

۱۶۷ ، ۱۶۸ ، ۲۵۰

یحیی خان ایلخانی : ع ۲ ص ۱۷۵۹

یحیی خان تبریزی : ع ۲ ص ۱۶۹۲

یحیی خان (پسر حسینی خان) : ع ۳ ص

۱۸۱۲

یحیی (حاجی میرزا -) خان (حکمران

دماوند) : ع ۱ ص ۵۶۰ ، ع ۲ ص

۱۳۰۱ ، ع ۳ ص ۲۰۲۵

یحیی خان (زئوال آجودان مخصوص): ج ۱ ص ۱۸۱۱، ۱۸۲۵، ۱۸۳۳، ۱۸۳۵، ۱۸۹۲، ۱۸۹۶، ۱۸۹۳
 یحیی خان (ملا -) گیلانی: ج ۲ ص ۸۳۸
 یحیی خان مشیر الدوله: ج ۳ ص ۱۷۸۵، ۱۷۹۲، ۱۸۱۰
 یحیی خان (نایب جارجی باشی): ج ۲ ص ۲۱۳۷
 یحیی (میرزا -) خان (نایب الحکومه مازندران): ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۳ ص ۱۸۷۳، ۱۹۰۵، ۱۹۰۸، ۱۹۲۹
 یحیی بن رازی (واعظ): ج ۱ ص ۲۰۷
 یحیی، رکن الدین نورشاه (پسر علا - الدین محمد خوارزمشاه): ج ۱ ص ۲۲۲
 یحیی (میرزا سید -) رئیس چال میدان: ج ۱ ص ۵۲۶
 یحیی بن زکریا: ج ۱ ص ۲۱۸
 یحیی بن زکریای محاسب: ج ۱ ص ۱۲۸
 یحیی بن زید بن علی بن حسین (ع): ج ۱ ص ۱۲۲، ۱۲۲
 یحیی سرشاری: ج ۲ ص ۶۷۲
 یحیی بن سعید: ج ۱ ص ۱۲۹
 یحیی بن بلامه الحصفی (شاعر شعی): ج ۱ ص ۲۸۹
 یحیی شیخ (بزرگ قزاق): ج ۱ ص ۲۲۲
 یحیی بن عبدالله: ج ۱ ص ۱۶۰، ۱۶۲
 یحیی بن عبدالمطی الزواری (صاحب الفیه): ج ۱ ص ۲۲۳
 یحیی بن عزیز بن حماد: ج ۱ ص ۲۸۵
 یحیی بن علی بن یحیی، ندیم (منجم): ج ۱ ص ۲۳۱
 یحیی بن عمر بن یحیی: ج ۱ ص ۲۰۱
 یحیی بن محمد البهرانی (سرکرده سپاه زنج): ج ۱ ص ۲۰۷
 یحیی بن محمد بن علی (برادر سقاچ و والی مومل): ج ۱ ص ۱۲۳، ۱۲۶
 یحیی بن محمد بن مظفر، ابن هبیره: ج ۱ ص ۳۹۲
 یحیی بن محمد بن ناصر (پادشاه مغرب):

ج ۱ ص ۲۲۹
 یحیی مظفری (شاه -): ج ۲ ص ۶۶۰
 یحیی بن صادق (والی جزیره): ج ۱ ص ۱۷۸
 یحیی بن مهدی اسفهان (مورخ): ج ۱ ص ۳۶۲
 یحیی میرزا (حاکم گیلان): ج ۳ ص ۱۶۵۱
 یحیی میرزا (صاحب منصب): ج ۲ ص ۱۲۵۲، ج ۳ ص ۲۰۹۲
 یحیی (میرزا -) ناظر: ج ۱ ص ۵۵۲، ج ۲ ص ۲۱۱۲
 یحیی میرزا (پسر فتحعلشاه): ج ۲ ص ۱۵۲۰، ۱۵۶۲، ۱۶۲۲، ۱۶۲۷
 یحیی میرزا (نایب الایاله): ج ۳ ص ۲۰۲۱
 یحیی بن یحیی (حکمران افریقیه): ج ۱ ص ۳۶۲
 یحیی بن یحیی عدوی (از فضاوی تابعین): ج ۱ ص ۱۲۹
 یحیی (دکتر -): ج ۳ ص ۱۷۷۱
 یحیی (مرد): ج ۲ ص ۸۶۹
 یحییوف (زئوال -) سردار گرجستان: ج ۳ ص ۱۵۶۶
 یزدان بخش میرزا (پسر سالار): ج ۲ ص ۱۷۰۵
 یزدان قلیخان (سرکرده جهات خواجه وند): ج ۱ ص ۵۲، ج ۳ ص ۲۰۹۰
 یزدان وردیخان (ایلخانی): ج ۳ ص ۱۷۶۰
 یزدان وردی خان زعفرانلو: ج ۳ ص ۱۶۸۶
 یزدجرد سوم: ج ۱ ص ۲۲، ۲۲، ۲۰
 یزدجرد شهریار جاسانی: ج ۲ ص ۶۲۰
 یزد بن آبان: ج ۱ ص ۱۲۹
 یزد بن ابی سفیان: ج ۱ ص ۲۷، ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۴۸
 یزد بن ابی کبشه: ج ۱ ص ۱۰۲
 یزد بن ابی مسلم (کاتب حجاج): ج ۱ ص ۱۰۷، ۱۰۸
 یزد بن ارقم: ج ۱ ص ۸۷
 یزد بن اسد: ج ۱ ص ۶۵
 یزد بن اسد بطنی قسری: ج ۱ ص ۶۳
 یزد بن اسد السطی: ج ۱ ص ۱۲۷
 ۱۵۲

یزید بن امیه: ج ۱ ص ۶۵
 یزید بن حاتم (حاکم مصر): ج ۱ ص ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۸ تا ۱۳۸
 یزید بن حارث: ج ۱ ص ۸۱
 یزید بن حبیبه شعی (حاکم ری): ج ۱ ص ۶۶
 یزید بن حر عبسی: ج ۱ ص ۵۲
 یزید بن الحصین (بزرگ خوارج): ج ۱ ص ۶۶، ۶۷
 یزید بن خالد قسری: ج ۱ ص ۱۲۶
 یزید بن روم: ج ۱ ص ۸۱
 یزید بن زیاد: ج ۱ ص ۸۲
 یزید بن سلیمان بن عبدالملک: ج ۱ ص ۱۲۵
 یزید بن شجره رطوی: ج ۱ ص ۶۹، ۷۰
 ۷۹
 یزید بن عبدالملک بن مروان (خلیفه اموی): ج ۱ ص ۱۰۷ تا ۱۱۰
 یزید بن عمر بن هبیره (والی عراق): ج ۱ ص ۱۳۰، ۱۳۱
 یزید بن شیبه: ج ۱ ص ۱۲۵
 یزید بن مراد (والی آذربایجان): ج ۱ ص ۱۲۵، ۱۲۵
 یزید بن مزید بن زائده الشیبانی (حاکم ارمینیه): ج ۱ ص ۱۲۵، ۱۵۸
 ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶
 یزید بن معاویه: ج ۱ ص ۷۵، ۷۷ تا ۸۵
 ۱۳۲، ۲۲۱
 یزید بن مفرخ الحسیری (شاعر): ج ۱ ص ۸۹
 یزید بن منصور (خال مهدی عباسی و حاکم بصره): ج ۱ ص ۱۲۵، ۱۵۲
 ۱۷۶
 یزید بن منصور حمیری: ج ۱ ص ۱۵۲
 یزید بن سلق بن ابی صفه (حاکم کرمان): ج ۱ ص ۹۲، ۹۶، ۹۷
 ۱۰۰، ۱۰۲ تا ۱۰۸، ۱۱۶
 یزید بن ولید بن عبدالملک (نابلی): ج ۱ ص ۱۰۱، ۱۲۵، ۱۲۶
 یزید بن هبیره (والی عراق): ج ۱ ص ۱۲۸ تا ۱۳۰
 یزار بن ابی یزید (قاری مشهور): ج ۱ ص ۱۲۲

بشمونخان (نایب آجودان باشی): ج ۱
 ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۲۰۴۲
 بطور (حصار): ج ۱ ص ۲۷
 بطوب ارضی: ج ۳ ص ۱۵۹۶
 بطوب بن اسحق بن زید البصری (از قرا
 مشوه): ج ۱ ص ۱۷۸
 بطوب بن اسحق نبی: ج ۱ ص ۳۶۵
 ۲۰۲: ج ۳ ص ۱۳۲۷
 بطوب اقدسی (نظیر دار): ج ۱ ص ۵۳۶
 بطوب بیگ: ج ۱ ص ۸۵۵، ۷۶۰، ۱۲۹۳
 بطوب بیگ بن امیر حسن بیگ آق قویونلو:
 ج ۲ ص ۲۲۸، ۲۲۵
 بطوب بیگ (امیر گاشغر): ج ۳ ص ۱۹۶۵
 بطوب بیگ بن آقون حسن آق قویونلو: ج
 ۲ ص ۷۳۱
 بطوب بیگ گرجی: ج ۲ ص ۹۵۲
 بطوب بیگ (نایب خیابان شیران): ج ۱
 ص ۵۵۶
 بطوب خان: ج ۲ ص ۸۸۰، ۸۸۲
 بطوب (سردار -) خان (پسر امیر شیر
 علی خان): ج ۳ ص ۱۹۸۵
 بطوب خان (بیگتر بیگی فارس): ج ۲ ص
 ۸۸۰
 بطوب (سردار -) خان (والی هرات):
 ج ۳ ص ۱۸۹۲
 بطوب خان (پسر یوسف خان، والسی
 کشمیر): ج ۲ ص ۸۶۹
 بطوب بن داود بن طهان (وزیر مهدی
 عباسی): ج ۱ ص ۱۵۲
 بطوب بن شهاب نسوی پشوا: ج ۱ ص
 ۲۱۷
 بطوب شاه: ج ۲ ص ۶۴۱، ۸۷۸
 بطوب شاه رخ (= سید علی زاده): ج ۲
 ص ۷۷۱
 بطوب بن عبدالله بن اشج: ج ۱ ص ۱۲۱
 ۱۲۲
 بطوب بن عبدالله طبری: ج ۱ ص ۱۲۰
 بطوب بن عبدالحق مرینی: ج ۲ ص ۵۹۱
 ۵۹۲، ۷۳۰
 بطوب بن لیث طراز: ج ۱ ص ۲۰۰، ۱۹۲
 ۲۰۲، ۲۰۶ تا ۲۰۹، ۲۱۱
 بطوب (میرزا -) صاحب وزارت تجارت:

ج ۲ ص ۲۱۲۵
 بطوب (میرزا -) شرف کالکه خانه: ج
 ۱ ص ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۱۳۷
 بطوب میرزا (رئیس مجلس تحقیق تجارت
 قزوین): ج ۳ ص ۲۱۲۶
 بطوب بن یوسف بن عبدالمؤمن (حکمران
 خوار): ج ۱ ص ۴۱۵، ۲۱۸
 بطوب بن منه تمیمی (والی یمن): ج ۱
 ص ۶۱، ۶۵
 یکن شاه علی: ج ۱ ص ۸۵۱
 یکنک (سردار خراکه بیوت): ج ۲ ص
 ۱۳۹۷، ۱۳۹۹
 یکن محمد پاشا: ج ۲ ص ۱۱۳۲، ۱۱۳۷
 یلیقا (نایب السلطنه شام): ج ۱ ص ۶۳۵
 بلدوزخان: ج ۳ ص ۱۳۲۹، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶
 ۱۳۳۹
 یمن الدوله (سمود میرزا ظل السلطان،
 حاکم اصفهان): ج ۲ ص ۱۸۶۶
 ۱۸۷۳، ۱۸۹۷، ۱۸۹۹، ۱۹۱۱
 یزل: ج ۳ ص ۱۸۱۷
 یوحنا بن روی (صاحب ابله): ج ۱ ص
 ۲۹
 یورینت (سردار فرانسه): ج ۳ ص ۱۶۰۲
 یوزخان (مختار مع اعوزخان): ج ۳ ص
 ۱۳۳۶
 یوس (کلیش بیت المظفر): ج ۱ ص
 ۲۸
 یوسف (ع): ج ۳ ص ۱۳۳۳
 یوسف (میرزا -): ج ۲ ص ۱۲۳۳
 یوسف بن ابی خوارزمی: ج ۱ ص ۳۳۳
 یوسف (ابوبطوب): ج ۲ ص ۵۹۲
 یوسف بن ابی الحاج: ج ۱ ص ۲۳۷، ۲۲۸
 ۲۳۹، ۲۴۰
 یوسف (میرزا -) از ارباب قلم: ج ۳ ص
 ۲۰۶۸
 یوسف (استاد کارخانه چراغ گیار): ج ۳
 ص ۲۱۱۲
 یوسف بن برم: ج ۱ ص ۱۵۱
 یوسف بلخی: ج ۲ ص ۸۳۷
 یوسف بن یلکین الحاجی (امیرافریقه):
 ج ۱ ص ۲۳۲، ۲۸۲
 یوسف بیگ (پسر اسحاق، ترجمان سفارت):
 ج ۱ ص ۵۳۳: ج ۲ ص ۲۱۰۵

یوسف بیگ (جزایر چان): ج ۱ ص ۵۳۳: ج
 ۲ ص ۲۰۹۲
 یوسف بیگ (برادر زاده حسن بیگ آل -
 قویونلو): ج ۲ ص ۷۱۵
 یوسف بیگ باور عرب: ج ۳ ص ۱۶۷۹
 یوسف پاشا (صدر اعظم عثمانی): ج ۳
 ص ۱۴۸۵
 یوسف پاشا (طهاسبلی خان حاکم
 ایروان): ج ۲ ص ۹۳۳
 یوسف تاجر (حاجی -): ج ۲ ص ۲۱۲۶
 یوسف بن تاشفین التونی، امیرالسلطنین:
 ج ۱ ص ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸ تا ۲۳۲
 ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۵
 یوسف (میرزا -) نوکان: ج ۲ ص ۷۱۵
 یوسف بن حسن البیاضی القریطی (حاکم
 هجر): ج ۱ ص ۲۷۷
 یوسف بن حسن بن محمد التفکری الزنجانی:
 ج ۱ ص ۳۳۸
 یوسف بن حسین بن علی الرازی: ج ۱ ص
 ۲۳۲
 یوسف (برادر حبیبی میرزا) حاکم
 مرند: ج ۲ ص ۷۱۵
 یوسف خان: ج ۲ ص ۱۲۷۳: ج ۳ ص
 ۱۲۹۷
 یوسف خان (شیخ -): ج ۳ ص ۱۷۵۷
 یوسف خان (میرزا -): ج ۳ ص ۱۷۵۷
 یوسف خان (اداره غلات): ج ۳ ص ۲۱۱۳
 یوسف خان افتار: ج ۳ ص ۱۷۱۲
 یوسف خان (امیرالامرای شیران): ج ۲
 ص ۹۲۰
 یوسف خان (امیر توپخانه عباس میرزا):
 ج ۲ ص ۱۶۰۹
 یوسف خان بختیاری: ج ۳ ص ۱۲۲۲
 یوسف خان (از اجزای پستخانه): ج ۳
 ص ۲۱۲۲
 یوسف خان (تصویردار کل): ج ۱ ص
 ۵۵۲
 یوسف خان سرتیپ: ج ۲ ص ۱۲۴۳: ج ۳
 ص ۱۷۹۲
 یوسف خان سرتیپ (حاجی -): ج ۳ ص
 ۱۷۵۵، ۱۷۵۰
 یوسف خان (میرزا -) سرتیپ اول: ج ۳
 ص ۱۲۲۶

یوسف خان (مرتبط جماعت شاهسون افشار):
 ج ۱ ص ۵۲۱:
 یوسف (میرزا -) خان (مرتبط شازد-
 دافر): ج ۳ ص ۱۸۸۸.
 یوسف خان هزاره: ج ۱ ص ۵۱۸: ج ۲
 ص ۲۰۸۸، ۲۰۸۷.
 یوسف خان (میر -) سرکرده دشت:
 سالیانی: ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص
 ۲۰۲۲.
 یوسف خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۲: ج ۲
 ص ۱۲۲۷.
 یوسف خان ثقلی (نایب آجودانیانی):
 ج ۳ ص ۲۰۷۲.
 یوسف خان قاجار (نایب نطخانه): ج ۲
 ص ۱۲۶۸: ج ۳ ص ۲۱۱۸.
 یوسف خان (قونسل بقوبه): ج ۱ ص
 ۵۲۲: ج ۲ ص ۲۱۰۶.
 یوسف (میرزا -) خان (کارپرداز حاجی
 ترخان): ج ۲ ص ۱۸۶۶.
 یوسف خان گرجی (سپهبد عراق): ج ۲
 ص ۱۵۱۹، ۱۵۰۹، ۱۵۰۵، ۱۴۸۷.
 ۱۵۵۲، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۶۰۶،
 ۱۶۰۷.
 یوسف خان گرجی (سرهنگ): ج ۳ ص
 ۱۵۲۲، ۱۵۲۷.
 یوسف خان (مستشار): ج ۱ ص ۵۰۷،
 ۵۲۵: ج ۲ ص ۱۲۲۷: ج ۳ ص
 ۱۹۲۶، ۱۹۳۶، ۲۰۳۸.
 یوسف خان (حاجی -) منشی: ج ۳ ص
 ۲۱۰۰.
 یوسف خان (نایب آجودان باشی): ج ۱
 ص ۵۰۹، ۵۲۰: ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج
 ۳ ص ۲۰۷۲، ۲۰۷۳.
 یوسف (حاجی میرزا -) خان (نایب مشیر
 لشکر): ج ۳ ص ۲۱۲۲.
 یوسف خان (والی کشمیر): ج ۲ ص ۸۶۹.
 یوسف خان هوتکی: ج ۲ ص ۱۱۵۶، ۱۱۵۲.
 یوسف خان یار: ج ۱ ص ۵۱۰: ج ۲ ص
 ۱۲۴۱: ج ۳ ص ۲۰۷۵.
 یوسف خواجه کاشغری: ج ۲ ص ۱۵۰۸،
 ۱۵۰۹، ۱۵۱۷، ۱۵۱۹.
 یوسف خوارزمی: ج ۱ ص ۲۲۲.
 یوسف رئیس (حاکم مشهد سر): ج ۲ ص

۸۸۲.
 یوسف (زین الدین -) صاحب اربل: ج
 ۱ ص ۴۱۰.
 یوسف (میرزا سید -) سرشته دار دفتر
 لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۲۲۲.
 ج ۳ ص ۲۰۶۶، ۲۰۶۹، ۲۱۱۲.
 یوسف (میرزا -) سرشته دار خراسان: ج
 ۱ ص ۵۰۶، ۵۵۱: ج ۲ ص ۱۲۲۶.
 ج ۳ ص ۲۰۷۰.
 یوسف (میرزا سید -) سرهنگ: ج ۲ ص
 ۱۲۵۲: ج ۳ ص ۲۰۹۶.
 یوسف (آقا -) سقاییانی: ج ۱ ص ۵۵۱،
 ۵۵۲: ج ۲ ص ۲۱۱۱، ۲۱۱۲.
 یوسف سلطان: ج ۲ ص ۷۹۲، ۷۹۳.
 یوسف شاه (آخرین انابگان بزد): ج ۲
 ص ۵۹۲.
 یوسف شاه کشمیری: ج ۲ ص ۸۷۸.
 یوسف (شیخ -) صاحب سلطان: ج ۲ ص
 ۶۹۷.
 یوسف بن صباغ (مدرس نظامیه بغداد):
 ج ۱ ص ۳۳۱.
 یوسف عادل شاه (حاکم بیجاپور): ج ۲
 ص ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۵۲.
 یوسف بن عبدالرحمن الفهری (والی
 اندلس): ج ۱ ص ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۰.
 یوسف بن عبدالوہاب (بر المستنجد
 بالله): ج ۱ ص ۳۹۱، ۳۹۲.
 یوسف بن علی خان قرانی: ج ۳ ص
 ۱۴۸۵، ۱۴۸۶.
 یوسف بن عمر الثقلی (والی یمن): ج ۱
 ص ۱۲۰ تا ۱۲۲، ۱۲۵.
 یوسف بن مر بن شرمه: ج ۱ ص ۱۲۲.
 یوسف کارام: ج ۲ ص ۱۸۷۹.
 یوسف (میرزا -) لاهیجی: ج ۲ ص
 ۱۵۹۹.
 یوسف (میرزا -) مازندرانی: ج ۲ ص
 ۱۲۷۶.
 یوسف بن مالک (بزرگ حرمین): ج ۱
 ص ۱۱۱.
 یوسف (میرزا -) مباشر چاپخانه مطبعی دار-
 الخلافه طهران: ج ۲ ص ۲۱۲۸.
 یوسف (شیخ -) متولی روضه شیخ بها-
 الدین زکریای ملتانی: ج ۲ ص ۶۹۵.
 یوسف (میرزا سید -) معمر دفتر اسناد:

ج ۲ ص ۲۱۲۰.
 یوسف بن محمد الثقلی: ج ۱ ص ۱۲۲.
 یوسف بن محمد بن یوسف مروزی (حاکم
 ارسنیه): ج ۱ ص ۱۹۲.
 یوسف (میرزا سید -) مستشار: ج ۲ ص
 ۵۲۶.
 یوسف المستنصر بن محمد (پادشاه مغرب):
 ج ۱ ص ۲۲۹، ۲۲۶.
 یوسف (میرزا -) متولی الممالک: ج ۲
 ص ۱۶۲۶، ۱۸۱۰.
 یوسف بن مسعود: ج ۱ ص ۴۲۲.
 یوسف (میرزا -) منشی: ج ۳ ص ۲۱۰۱.
 یوسف بن میرزا شاهرخ: ج ۲ ص ۶۹۰.
 یوسف (حاجی -) ناظر بیوتات شاه
 طهماسب دوم: ج ۲ ص ۱۰۲۱.
 یوسف (آقا -) نایب سرایدار باشی: ج
 ۱ ص ۵۵۱: ج ۲ ص ۱۲۶۸: ج ۳
 ص ۲۱۱۸.
 یوسف (میرزا -) نوری (لشکر نویس): ج ۱
 ص ۵۰۵: ج ۳ ص ۲۰۲۲.
 یوسف بن وجیه (حاکم عمان): ج ۱ ص
 ۲۶۱.
 یوسف (آقا میرزا -) وزیر داخله و مالیه:
 ج ۲ ص ۱۲۵۲.
 یوسف بن یعقوب (قاضی): ج ۱ ص ۲۳۰.
 یوسف (ابو -) یعقوب بن یوسف حسن
 عبدالوہاب (حکمران مغرب
 واندلس): ج ۱ ص ۶۱۸.
 یوسف بن نون: ج ۱ ص ۲۷.
 یوشید اسحر: ج ۱ ص ۲۷۲، ۲۷۳: ج ۲
 ص ۲۰۰۹.
 یوکویاما کونیچیرو (مترجم ژاپنی): ج ۱ ص
 ۴۷۳: ج ۲ ص ۲۰۰۹.
 یونان الکساندر آیپ سی لاتی: ج ۳ ص
 ۱۵۵۲.
 یونس بن حبیب نحوی: ج ۱ ص ۱۶۵.
 یونس خان: ج ۲ ص ۶۴۹، ۷۳۰، ۸۳۲.
 یونس بن عبدالاعلی: ج ۱ ص ۲۱۰.
 یونس بن یزید الایلی: ج ۱ ص ۱۲۵.
 یونس بن یوسف (شیخ -): ج ۱ ص ۴۴۶.
 یه: ج ۳ ص ۱۸۰۲.
 یطادور (امپراطور یس قسطنطنیه): ج ۱ ص
 ۲۲۲.
 پایان